**كليات مفاتيح نوين ؛ ص15**

كليات مفاتيح نوين، ص: 15

پيشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم‏

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِي جَعَلَ الدُّعَاءَ ذَرِيعَةً إِلَى‏ رَحْمَتِهِ، وَ سَبَباً لِإِجَابَتِهِ، وَ قَالَ:

«أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» وَ جَعَلَ زَيَارَةَ أَوْلِيَائِهِ وَسِيلَةً إِلَى‏ رِضْوَانِهِ، وَ سَبِيلًا إِلَى‏ مَرْضَاتِهِ، وَ نَيْلِ الشَّفَاعَةِ عِنْدَهُ.

ثُمَّ جَعَلَ جَمِيعَ ذلِكَ سَبَباً لِتَرْبِيَةِ النُّفُوسِ، وَ تَهْذِيبِ الْقُلُوبِ، وَ تَطْهِيرِ الْأَرْوَاحِ عَنْ دَنَسِ الذُّنُوبِ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى‏ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ النُّجَباءِ، أَلَّذِينَ عَلَّمُونا طُرُقَ الزِّيَارَةِ وَ الدُّعَاءِ، لَاسِيَّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ الْمُنْتَظَرَ أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً.

\*\*\*

قبل از ورود در مباحث اين كتاب ذكر چند نكته ضرورى به نظر مى‏رسد:

1- كتب دعا و زيارت و كتاب مفاتيح‏الجنان‏

در طول تاريخ شيعه جمعى از بزرگان به گردآورى دعاها و زياراتى كه از جانب پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و ائمّه هدى عليهم السلام صادر شده، پرداخته‏اند تا همه عاشقان راز و نياز با خدا و شيفتگان زيارت اولياءاللَّه را از اين چشمه جوشان معنويّت، سيراب سازند كه از ميان آنها مى‏توان به اين افراد اشاره كرد:

1- مرحوم كلينى (مولّف كتاب شريف كافى و «كتاب الدعاء»، متوفّاى سال 329 هجرى قمرى).

2- ابن قولويه (مؤلّف كتاب «كامل‏الزيارات»، متوفّاى سال 368).

3- شيخ صدوق (مؤلّف كتاب «الدعاء والمزار»، متوفّاى سال 381).

4- شيخ الطائفه شيخ طوسى (مؤلّف كتاب «مصباح‏المتهجّد»، متوفّاى سال 460).

5- سيّدبن طاووس (نويسنده كتابهاى «مُهج‏الدّعوات، فلاح‏السائل، زهرةالربيع، جمال‏الاسبوع، اقبال و ...» متوفّاى سال 664).

6- ابن فهد حلّى (نويسنده كتاب «عدّةالداعى» و «المزار» متوفّاى سال 841).

كليات مفاتيح نوين، ص: 16

7- كفعمى (نويسنده كتاب «المصباح» و «البلدالامين» متوفّاى سال 905).

8- شيخ بهايى (نويسنده كتاب «مفتاح‏الفلاح» متوفّاى سال 1031).

9- علّامه مجلسى (نويسنده كتاب‏هاى «زاد المعاد، ربيع الاسابيع، تحفة الزائر، مفاتيح الغيب و مقباس المصابيح»، متوفّاى سال 1110).

هر يك از اين بزرگان در عصر خود رسالت خويش را در زمينه دعا به نحو احسن انجام دادند تا اين كه نوبت به مرحوم ثقةالمحدثين حاج شيخ عبّاس قمى- رضوان اللَّه تعالى عليه- (متوفاى 1359 ق) رسيد؛ ايشان با ذوق سرشار و سليقه بسيار خوب و احاطه وسيعى كه بر آثار اهل‏بيت عليهم السلام و كتب دعا و زيارات سابقين داشت، به تأليف كتاب جامع «مفاتيح‏الجنان» پرداخت و روى خلوص نيّتى كه اين محدّث عاليقدر از آن برخوردار بود، در مدّت كوتاهى، كتابش جهانگير شد و به همه مساجد و خانه‏ها، راه يافت وهمگان از رشحات قلم اين عالم با اخلاص سيراب شدند.

قابل توجه اينكه، قبل از كتاب «مفاتيح‏الجنان» كتاب دعايى به نام «مفتاح‏الجنان» چاپ و در بسيارى از خانه‏ها منتشر شده بود، كه كتاب دعاى بسيارى از مردم را تشكيل مى‏داد و متأسّفانه اين كتاب آلوده به روايات مجعول و نادرستى بود كه مرحوم حاج شيخ عباس قمى و استادش حاجى نورى را سخت عصبانى كرده بود (كه در مفاتيح الجنان، ذيل زيارت مطلقه وارث، اين ناراحتى به طور مشروح منعكس است) و همين امر سبب شد كه مرحوم حاج شيخ، به نوشتن اثر پر ارزش «مفاتيح الجنان» (به جاى «مفتاح الجنان») اقدام نمايد، كه در مقدمه مفاتيح الجنان به اين مطلب اشاره شده است.

ولى از آن‏جا كه اين كتاب مانند بسيارى از كتاب‏ها براى شرايط زمانى و مكانى خاصّى نوشته شده بود و مخاطبان ويژه‏اى داشت، لازم بود در عصر و زمان ما مورد تجديد نظر وسيع قرار گيرد؛ كاستى‏ها برطرف گردد، و از پاره‏اى از مطالب اضافى كه مايه ايراد بدخواهان است صرف‏نظر شود؛ مدارك و منابع دعاها و زيارات و ... افزوده گردد؛ رمز و راز، فلسفه، آثار و بركات دعاها و زيارات يادآورى شود؛ سپس نظم نوينى به آن داده شود و در مجموع كتاب دعا و زيارتى كه از هرنظر جامع ومتناسب عصر و زمان ما- مخصوصاً براى نسل جوان خداجو- باشد، فراهم گردد.

\*\*\*

سال‏ها بود كه اين فكر را در سر مى‏پروراندم و از خدا توفيق آن را مى‏خواستم؛ پس از مطالعه كافى در اين زمينه لازم ديدم كه از دو نفر از فضلاى گرانقدر، باذوق، مخلص و پركار حوزه علميّه، يعنى: استادان ارجمند، حجج اسلام آقايان سعيد داودى و احمد قدسى براى كمك و همكارى دعوت كنم؛ بحمداللَّه آنها استقبال كردند و با پشتكار تمام به آن پرداختند و زحمات فراوان در تنقيح و تحقيق مباحث كشيدند، و اينجانب در تمام مراحل بر كار آنان نظارت داشتم و آنچه لازم بود بر آن افزودم. بعد از

كليات مفاتيح نوين، ص: 17

اتمام كتاب، يك بار ديگر از آغاز تا پايان با حضور اين آقايان مورد بررسى مجدّد قرار گرفت و در نتيجه، مجموعه حاضر كه تصوّر مى‏كنم اهداف فوق را كاملًا تأمين مى‏كند، فراهم شد. خداوندازهمه قبول‏فرمايد.

2- آثار روح‏پرور دعا

يكى از مزاياى مهمّ مكتب اهل‏بيت عليهم السلام دعاهاى بسيار عالى، روح‏پرور، پرمحتوا و آموزنده‏اى است كه از آن امامان بزرگوار به يادگار مانده، بعضى از آنها شبيه اعجاز است؛ دعاهايى همچون دعاى كميل، صباح، ندبه، ابوحمزه و دعاى عرفه. راستى چنين است؛ مانند اين دعاها را در هيچ جا و نزد هيچ گروهى نمى‏توان يافت.

اين دعاها كه منبع الهام‏بخش معارف غنىّ اسلام است، راه و رسم خودسازى و «سير و سلوك الى اللَّه» را به ما مى‏آموزد و چون روى سخن در آنها با خدا است، چنان اوج مى‏گيرد كه از قلّه افكار آدميان فراتر مى‏رود.

شكّى نيست كه دعا نقش بسيار مؤثّرى در تربيت نفوس انسانى و سوق آنها به مراتب كمال دارد كه شايد بسيارى از دعاكنندگان از آن غافل باشند.

با اين كه خداوند به انسان بسيار نزديك است، ولى آدمى با غفلت و بى‏توجّهى، از او فاصله گرفته و دور مى‏شود؛ در اين ميان، دعا و ذكر است كه حجاب ميان دعاكننده و خداوند متعال را برطرف مى‏سازد و انسان، قرب و نزديكى را كاملًا احساس مى‏كند.

«دعا» همچون باران بهارى است كه سرزمين دلها را سيراب و شكوفه‏هاى ايمان و اخلاص و عشق و عبوديّت را بر شاخسار روح آدمى ظاهر مى‏سازد!

«دعا» نسيم روح‏بخش قدسى‏است كه همچون دَم مسيح، «عظم‏رميم» را «باذن‏اللَّه» حيات‏مى‏بخشد!

«دعا» درياى موّاجى است كه گوهرهاى فضايل اخلاق را در درون خود پرورش مى‏دهد!

هر نَفَسى كه با دعا همراه است مُمدّ حيات است و مُفرّح ذات، و هر دلى كه با نور دعا قرين است، با تقواى الهى همنشين است.

دعاكننده، وصول به مقاصد شخصى خود را از خدا مى‏طلبد و خداوند تربيت و پرورش روحانى او را از طريق دعا مى‏خواهد، و بقيّه بهانه است!

و از اين‏جا مى‏توان گفت: دعا اكسير اعظم، كيمياى سعادت، آب حيات و روح عبادت است؛ همان‏گونه كه در حديث وارد شده‏

«الدُّعاءُ مُخُّ الْعِبادَةِ».[[1]](#footnote-1)

و جالب اين كه طبق گواهى قرآن، ارزش انسانها در پيشگاه پروردگار به خاطر دعاهاى آنهاست!

«قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ».[[2]](#footnote-2)

كليات مفاتيح نوين، ص: 18

كوتاه سخن اين‏كه:

دعا عامل مهمّى براى تربيت و پرورش روح انسان است.

دعا از نوميدى و يأس جلوگيرى كرده و نور اميد بر دل مى‏پاشد.

دعا در مشكلات به انسان نيرو مى‏بخشد و در برابر حوادث سخت درس مقاومت مى‏دهد.

دعا نشاط و شادابى روح و دل را تضمين مى‏كند و انسان را از افسردگى رهايى مى‏بخشد.

دعا در برابر مصائب زندگى به انسان پايدارى و تحمّل مى‏دهد.

3- مزاياى «مفاتيح نوين» و روش ما در اين كتاب‏

1- نخستين مزيّت آن اين است كه به قلم روز نگاشته شده و براى همگان، به ويژه نسل جوان، به سهولت قابل درك است.

2- براى هر بخش از دعاها و زيارات، مقدّمات فشرده و پرمعنايى نوشته شده كه به تحصيل آثار معنوى و حالات عرفانى دعا كمك مى‏كند.

3- منابع و مدارك دعاها و زيارات با دقّت تمام در پاورقى آمده است و در همه جا بر منابع قابل قبول تكيه شده است.

4- با توجّه به اين كه وقت مردم در عصر ما فشرده و محدود است در مواردى كه اعمالى مشابه يكديگر بوده، از ميان آنها بهترين‏ها گزينش شده است.

5- نظم و ترتيب منطقى روشن، به مطالب كتاب داده شده تا پيداكردن دعاها و زيارات آسانتر و راحت‏تر باشد.

6- مطالب ضعيف يا امورى كه بهانه به دست ناآگاهان مى‏دهد، كنار گذاشته شده است.

7- سعى شده است از ترجمه خوب و روان براى همه دعاها استفاده شود. (در اين چاپ از كتاب، قسمت عمده ترجمه‏ها توسط دو تن از فضلاى حوزه حجج اسلام آقاى محمدرضا حامدى و آقاى مسعود مكارم، كه زير نظر اينجانب تهيه شده بهره گرفتيم).

8- در آن‏جا كه نسخه‏ها متعدّد بوده، در دعاها و زيارات معروف، تنها به نسخه متداول اكتفا شده است تا مايه سردرگمى نشود، (مگر آن كه اختلاف نسخه، مهم و قابل توجّه باشد) و در ديگر موارد، دقيقاً مطابق منبع و مصدر نقل شده، آمده است.

9- در برخى موارد، براى پرهيز از حجيم شدن كتاب، رواياتى كه در فضيلت دعا و زيارت و غير آن نقل شده، تلخيص و نقل به معنا گرديده و با ترجمه‏اى روان و احياناً كمى آزاد، بيان شده است، بى‏آن كه لطمه‏اى به محتواى آن وارد گردد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 19

10- از آن‏جا كه يكى از نشانه‏هاى اعتبار سند روايات، محتواى روايت است، در گزينش دعاها و زيارات علاوه بر دقّت در اسناد، به محتواى آن نيز توجّه شده است.

4- راه تحصيل حضور قلب در دعا و نماز

بى شك روح دعا و نماز، به حضور قلب است و بدون آن، آثار مهمّ تربيتى و خودسازى و نورانيّت و صفاى روح، كمتر بدست مى‏آيد و اين جاى ترديد نيست؛ آنچه مهمّ است و بايد به آن توجّه جدّى شود پيداكردن راههاى تحصيل اين امر مهم است؛ چون بسيارند كسانى كه اشتياق فراوان براى كسب حضور قلب و خضوع در نماز و دعا دارند؛ امّا هر چه مى‏كوشند توفيق آن را نمى‏يابند.

براى تحصيل خشوع و حضور قلب در دعا و نماز و ساير عبادات، به امور ذيل توصيه مى‏شود:

1- به دست آوردن شناخت و معرفتى كه دنيا را در نظر انسان كوچك و خدا را در نظر انسان بزرگ كند، تا هيچ كار دنيوى نتواند به هنگام راز و نياز با معبود، نظر او را به خود جلب و از خدا منصرف سازد.

2- توجّه به كارهاى پراكنده و مختلف، معمولًا مانع تمركز حواس است و هر قدر انسان، توفيق پيدا كند كه مشغله‏هاى تشويش‏آور و پراكنده را كم كند، به حضور قلب در عبادات خود، كمك كرده است.

3- انتخاب محل و مكان نماز و دعا و ساير عبادات نيز در اين امر، اثر بسيار دارد؛ به همين دليل، نماز خواندن در برابر اشيا و چيزهايى كه ذهن انسان را به خود مشغول مى‏دارد مكروه است و همچنين در برابر درهاى باز و محلّ عبور و مرور مردم و در مقابل آينه و عكس و مانند آن. به همين دليل، مساجد و معابد مسلمين هر قدر ساده‏تر و خالى از زرق و برق و تشريفات باشد، بهتر است؛ چرا كه به حضور قلب كمك مى‏كند.

4- پرهيز از گناه عامل مؤثّر ديگرى است؛ زيرا گناه آينه قلب را مكدّر ساخته، مانع آن مى‏شود كه جمال محبوب حقيقى در آن منعكس گردد، و با حجابى كه به وجود مى‏آيد انسانِ دعاكننده، يا نمازگزار، خويشتن را در محضر او نمى‏بيند، به همين دليل، قبل از هر نماز و دعا بايد از گناهان توبه كرد و خود را به خدا سپرد. توجّه به اذكارى كه در مقدّمه نماز آمده است بسيار مؤثّر است.

5- آشنايى با معناى نماز و دعا و فلسفه افعال و اذكار آن، عامل بسيار مهمّ ديگرى براى حضور قلب است؛ چرا كه وقتى انسان معانى و فلسفه‏هاى عبادات را بداند و به آن توجّه كند، راه حضور قلب براى او هموار مى‏شود.

6- انجام مستحبّات نماز و آداب مخصوص عبادت و دعا، چه در مقدّمات و چه در اصل نماز نيز، كمك مؤثّرى به اين امر مى‏كند.

7- از همه اينها گذشته، اين كار، مانند هر كار ديگر، نياز به مراقبت، تمرين، استمرار و پى‏گيرى زياد

كليات مفاتيح نوين، ص: 20

دارد؛ بسيار مى‏شود انسان در آغاز كار تنها در يك، يا چند لحظه كوتاه، قدرت تمركز فكر و حضور قلب پيدا مى‏كند، امّا با ادامه اين كار و پى‏گيرى و تداوم، چنان قدرتى در نفس او پيدا مى‏شود كه مى‏تواند به هنگام نماز و دعا، دريچه‏هاى فكر خود را بر غير معبود، مطلقاً ببندد و خود را در حضور او ببيند و با او به راز و نياز بپردازد.

بنابراين، به همه- مخصوصاً جوانان- توصيه مى‏كنيم كه از پرت شدن حواس و عدم حضور قلب در عبادات خود، رنجيده و مأيوس نشوند، راه را ادامه دهند، ان‏شاءاللَّه پيروز خواهند شد.

8- در عباداتى كه جنبه تكرارى دارد، مانند نماز، تغيير شكل ظاهرى آن نيز در حضور قلب بسيار مؤثّر است. مثلًا سوره‏هايى را كه در نماز بعد از حمد مى‏خواند، تغيير دهد؛ در بعضى از ركوع و سجودها ذكر «

سبحان اللَّه‏

» و در بعضى ذكر كبير «

سبحان ربّى العظيم و بحمده‏

» و «

سبحان ربّى الأعلى و بحمده‏

» بخواند، دعاهاى قنوت را عوض كند، يا مثلًا دعاى كميل را گاه به صورت عادى، گاه ترتيل، گاه با صوت بخواند؛ يا در دل، به هنگام خواندن نماز و دعا خود را در مناطق و حرمهاى مكّه و مدينه و غير آن ببيند.

تجربه نشان داده اين تغيير صورت، كمك زيادى به تمركز فكر و حضور قلب مى‏كند.

9- پرهيز از غذاهاى شبهه‏ناك نيز در اين امر بسيار مؤثّر است.

10- از همه اينها گذشته، بايد با تمام وجود، نعمت بزرگ حضور قلب را در دعا و نماز و زيارت از خدا خواست؛ او كريم و رحيم است و جوينده را نااميد بر نمى‏گرداند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چنين شنيدم كه لطف ايزد |  | به روى جوينده در نبندد! |
| درى كه بگشايد از حقيقت‏ |  | بر اهل عرفان، دگر نبندد! |
|  |  |  |

5- آداب دعا كردن و شرايط استجابت دعا

براى دعا كردن و باريافتن به محضر دوست، و بهره‏مندى بيشتر از فيض و رحمت الهى، آدابى ذكر شده است، كه يقيناً براى استجابت دعا، مؤثّر خواهد بود. در اين‏جا به اهمّ آنها (با استفاده از روايات) اشاره مى‏شود.

الف) معرفت الهى‏

دعاكننده بايد خدا را به درستى بشناسد و به مالكيّت، قدرت، عظمت، توانايى، علم و آگاهى و كرم و لطف خداوند ايمان داشته باشد.

ب) حسن ظنّ به خدا

در روايات آمده است كه هنگام دعا، به خداوند و اجابت دعا توسّط او، اطمينان داشته باشيد و باور

كليات مفاتيح نوين، ص: 21

شما اين باشد كه خداوند، دعايتان را به اجابت مى‏رساند.[[3]](#footnote-3) (و اگر طبق مصالحى به اجابت نرسد بهتر از آن را به شما خواهد داد).

ج) دعا همراه با احساس نياز

دعا بايد، همراه با احساس نياز شديد و درماندگى باشد به گونه‏اى كه انسان باور كند، جز خداوند پناهگاهى ندارد.[[4]](#footnote-4) د) دعا همراه با توجه تامّ‏

به هنگام دعا، بايد همه توجّه و حواسّ دعاكننده به جانب حق باشد و قلبش را از هرچه غير خداست تهى سازد.[[5]](#footnote-5) ه) دعا همراه با خضوع و دل‏شكستگى‏

دعاكننده بايد با نهايت خضوع، رقّت قلب و فروتنى به درگاه خدا روى آورد[[6]](#footnote-6)؛ در اين هنگام دستانش را به سمت آسمان (به علامت تسليم و تعظيم) بلند مى‏كند[[7]](#footnote-7) و با چشمان اشكبار و قلبى ترسان، حاجت مى‏طلبد.[[8]](#footnote-8) و) دعا همراه با استغفار و صلوات‏

در ابتداى دعا، حمد الهى، ثناى پروردگار، استغفار و توبه و صلوات بر محمّد و آلش براى استجابت دعا بسيار مؤثّر است.[[9]](#footnote-9) ز) اصرار و پافشارى در دعا

اصرار و پافشارى در دعا، مورد سفارش معصومين عليهم السلام است؛[[10]](#footnote-10) دعاكننده نبايد نااميد شود، و از دعا كردن دست بردارد.

علاوه بر نكات فوق، به يقين، دعا در برخى از زمان‏ها، مثل شب و روز جمعه، دعا در نيمه‏هاى شب و سحرگاهان، مخصوصاً ماه مبارك رمضان، شب‏هاى قدر و مانند آن و همچنين در برخى از مكان‏ها، مانند مسجدالحرام، مسجد پيغمبراكرم صلى الله عليه و آله، مشاهد مشرّفه و مانند آن، تأثير بسزايى دارد.[[11]](#footnote-11) اين بخش را با سخنى از عارف كامل، عالم ربّانى و مرد ميدان علم و عمل، مرحوم «سيّدبن طاووس» به پايان مى‏بريم؛ ايشان مى‏گويد: «هرگاه از خداوند حاجتى مى‏طلبى، حال تو در برابر او- لااقلّ- مانند عرض نياز، به نزد فرمانروايان دنيا باشد. همان‏گونه كه براى جلب نظر آنان، از هيچ كوششى دريغ نمى‏ورزى و به هر طريق ممكن، خشنودى آنان را تحصيل مى‏كنى، بايد در برابر خداوند و

كليات مفاتيح نوين، ص: 22

به هنگام خواستن حاجتى از او نيز، در تحصيل رضايتش كوشش فراوان نمايى! مبادا كه توجّه‏ات به خداوند، از اقبال و توجّه‏ات به قدرتمندان دنيا كمتر باشد! اگر چنين باشى و منزلت خدا، در نزد تو، از منزلت آنها كمتر باشد- در حالى كه همه آنها مملوك و بندگان خدايند- به يقين خداوند بزرگ را كوچك شمرده‏اى و عظمت و جلالش را به حساب نياورده‏اى!.

ديگر آن‏كه: نماز و روزه‏اى كه براى طلب حاجت به جا مى‏آورى، هرگز از روى امتحان و آزمايش خداوند نباشد! زيرا انسان كسى را مى‏آزمايد كه نسبت به او بدگمان باشد و خداوند از كسانى كه در حقّ او گمان بد دارند، مذمّت كرده و فرموده: «

«أَلظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ»؛

آنان كه به خداوند، گمان بد مى‏برند، حوادث ناگوار به آنان مى‏رسد».[[12]](#footnote-12) بلكه بايد به خداوند كمال اعتماد و اطمينان را داشته باشى و به وعده‏هاى او اميدوارتر از وعده يك انسانِ توانگرِ سخاوتمند باشى!

سزاوار است به هنگام نماز و يا روزه حاجت، نخست حاجت‏هاى دينى را به ترتيب اهميّت در نظر بگيرى و البتّه مهمترين خواسته‏ها، حاجت آن مولايى است كه تو در پناه هدايت و حمايت او به سر مى‏برى! يعنى نخست بايد براى حاجت‏هاى امام زمان (عجّل اللَّه تعالى فرجه الشريف) دعا كنى وآنگاه حاجت‏هاى دينى خود را بخواهى و در نهايت، حاجت و نياز دنيوى خود را كه در دل دارى با خداى خويش مطرح نمايى ...».[[13]](#footnote-13)

6- عوامل عدم استجابت دعا

بعضى از مردم از تأخير اجابت دعا يا عدم اجابت آن گله دارند، و توجّه ندارند كه اجابت دعا مانند همه كارها شرايطى دارد:

لازم است بدانيم، دعا كردن به درگاه خدا، از دو سو، مقرون به رحمت الهى است: از يك سو، توفيق الهى براى دعا كردن، و از سوى ديگر استجابت دعا از جانب خداوند.

همين‏كه انسان به دعا و راز و نياز با خداوند مى‏پردازد، يقيناً به سبب توفيق الهى است (چه دعايش به اجابت برسد، يا نرسد)؛ زيرا هر كسى توفيق شرفيابى به بارگاه الهى و گفتگو با حضرت حقّ را ندارد و اين خود براى هر دعاكننده‏اى بسيار با ارزش است؛ امّا با اين حال، در روايات عواملى براى عدم استجابت دعا ذكر شده است كه از مهمترين آنهاست:

الف) دست كشيدن از تلاش و اكتفا به دعا

اين نكته را بايد بدانيم، كه دعاكردن به‏معناى دست از تلاش كشيدن نيست، زيرا در اين صورت دعاى دعاكننده به اجابت نمى‏رسد؛ چرا كه هيچ دعايى براى جبران تنبلى و تن‏پرورى وارد نشده است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 23

درباره برخى از افراد كه دعايشان به اجابت نمى‏رسد، امام صادق عليه السلام فرمود: «

... وَ رَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَ قالَ: يا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيُقالُ لَهُ: أَ لَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبيلَ إِلى‏ طَلَبِ الرِّزْقِ ...

؛ و آن كس كه در خانه‏اش بنشيند و بگويد: پروردگارا! روزى مرا برسان! به او گفته مى‏شود: آيا براى طلب روزى و كسب درآمد، راه و مسيرى (كه همان تلاش و كوشش است) قرار نداده‏ام؟!».[[14]](#footnote-14) ب) گناهان از موانع مهم است‏

بسيارى از گناهان، سبب عدم استجابت دعا مى‏شود. در روايتى امام على عليه السلام در پاسخ به مردى كه گفت دعاى ما به اجابت نمى‏رسد، فرمود: «چگونه دعايتان به اجابت برسد، در حالى كه راه‏هاى آن را مسدود ساخته‏ايد! اعمالتان را اصلاح كنيد، درونتان را خالص گردانيد، امر به معروف و نهى از منكر كنيد، آنگاه خداوند دعايتان را به اجابت مى‏رساند».[[15]](#footnote-15) (و به اين ترتيب دعا وسيله‏اى براى تربيت و خودسازى مى‏شود).

در روايات ديگرى، عقوق والدين،[[16]](#footnote-16) ناپاكى‏هاى درونى، نفاق، تأخير نماز از وقتش، ترك نيكى و صدقه، بدزبانى و ... از عوامل عدم استجابت دعا ذكر شده است.[[17]](#footnote-17) ج) دعا بر ضدّ مؤمنان و دوستان‏

اگر كسى برضدّ مؤمنى و دوستى دعا كند (نفرين نمايد) و بدون جهت و ظالمانه، از خداوند بدِ او را بخواهد، دعايش به اجابت نمى‏رسد.[[18]](#footnote-18) د) دعا فقط در دشواريها

اگر كسى در حالت خوشى و آسودگى به درگاه خدا نرود و دعا نكند و فقط در مشكلات و شدّت و گرفتارى به سوى خدا برود، ممكن است دعايش به اجابت نرسد. در روايات آمده است: اگر بخواهى در مشكلات و دشواريها خداوند دعايت را به اجابت برساند، در آسودگى و خوشى، خدا را فراموش مكن و فراوان دعا كن!.[[19]](#footnote-19) ه) غذاهاى حرام و ناپاك‏

در روايت آمده است: «آن كسى كه مى‏خواهد، دعايش به اجابت برسد، بايد از راه حلال كسب درآمد كند»[[20]](#footnote-20) و در روايت ديگر رسول خدا صلى الله عليه و آله به كسى كه گفت دوست دارم، دعايم مستجاب شود، فرمود:

«وجودت را از لقمه حرام پاك كن».[[21]](#footnote-21)

كليات مفاتيح نوين، ص: 24

7- فلسفه پاداش‏هاى فراوان دعاها، زيارات و نمازها

گاه در روايات براى دعاها و زيارات و نمازها و اذكار پاداش‏هاى عظيمى ذكر شده است كه ممكن است اين دو سؤال را براى خوانندگان مطرح كند:

1- آيا هر فرد مسلمانى كه چنين اعمال ساده‏اى را انجام دهد از چنان پاداش‏هاى عظيم بهره‏مند مى‏شود و اصولًا چه رابطه‏اى ميان اين اعمال و آن همه ثواب و پاداش است؟

2- گرچه رحمت الهى بى‏پايان است و هر قدر پاداش به افراد بدهد، كاستى در آن ايجاد نمى‏شود (

وَلا تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ إِلّا جُوداً وَ كَرَماً

).[[22]](#footnote-22) ولى گاه اين پاداش‏ها از حدّ نياز در زندگى آخرت نيز افزون است و گاه مى‏شود كه رسيدن به يك پاداش معنوى و فوق العاده براى آرامش و لذّات مؤمن كافى است.

در پاسخ سؤال اول بايد به اين نكته توجّه كرد كه اوّلًا: دريافت اين پاداش‏هاى عظيم مطابق صريح آيات قرآن و روايات، متوقّف بر ايمان و اخلاص و تقواست، چنانكه در قرآن كريم مى‏خوانيم:

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».[[23]](#footnote-23)

در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است: «

مَنْ قالَ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً، دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَ اخْلاصُهُ انْ يُحْجِزَهُ لا الهَ الَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ‏

؛ كسى كه «لا اله الا اللَّه» را با اخلاص بگويد، داخل بهشت مى‏شود و اخلاصش اين است كه «لا الهَ الَّا اللَّهُ» او را از تمام آنچه خداوند متعال حرام كرده، باز دارد».[[24]](#footnote-24) قابل توجّه اينكه مرحوم علّامه مجلسى در بحارالانوار چندين حديث به اين مضمون نقل كرده‏است.[[25]](#footnote-25) و نيز در پاره‏اى از رواياتى كه در مورد پاداش عظيم زيارت‏ها آمده، جمله «

عارِفاً بِحَقِّهِ‏

» ديده مى‏شود كه مفهومش آن است: آن امام را واجب الاطاعة بداند و دستوراتش را بكار گيرد؛ در يكى از اين روايات امام كاظم عليه السلام مى‏فرمايد: «

اذا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلايَتَهُ‏

...».[[26]](#footnote-26) ثانياً: حفظ اين دستاوردها و پاداش‏ها نيز مهمّ است؛ زيرا ممكن است كسى با اعمال صالحى پاداش‏هاى عظيمى براى خود فراهم سازد، ولى بعداً با اعمال زشت و گناهان عظيم آنها را از نامه اعمال خود بشويد؛ در حديث معروفى از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم كه: هر كس لا اله الا اللَّه بگويد، خداوند درختى در بهشت براى او غرس مى‏كند (حضرت همين سخن را درباره اذكار ديگرى نيز فرمود).

مردى از قريش در آنجا حاضر بود، عرض كرد: اى رسول خدا! بنابراين درختان ما در بهشت بسيار زياد است! حضرت فرمود: «

نَعَمْ! وَ لكِنْ ايَّاكُمْ انْ تُرْسِلُوا عَلَيْها نِيراناً فَتُحْرِقُوها

؛ آرى! ولى برحذر باشيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 25

كه آتشى نفرستيد كه آن درختان را بسوزاند». سپس پيامبر به آيه 33 سوره محمد:

«وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ‏

...» استدلال فرمود.[[27]](#footnote-27) در مورد سؤال دوم به اين نكته بايد توجه داشت كه پاداش‏هاى عظيم قيامت متناسب با آن عالم عظيم است؛ تمام دنيايى كه ما در آن زندگى مى‏كنيم در برابر جهان آخرت به منزله خانه كوچكى در مقابل تمام منظومه شمسى است و يا از آن كوچكتر؛ بنابراين، نبايد از عظمت آن پاداش‏ها تعجب كرد.

به علاوه، پاداش‏هاى الهى متناسب لطف و كرم اوست نه متناسب اعمال ما و اضافه بر اينها گاه اعداد و ارقامى كه در اين روايات وارد شده، كنايه از يك سلسله پاداش‏هاى مهم معنوى است كه در لباس پاداش‏هاى مادى به تناسب جهانى كه در آن زندگى مى‏كنيم، بيان شده است.

8- تبديل خواسته‏ها

از برخى روايات استفاده مى‏شود كه گاهى اوقات، خداوند دعاى مؤمنان را اجابت نمى‏كند و در عوض، گناهانى را از آنها مى‏آمرزد و يا آن را ذخيره براى آخرت مى‏سازد.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: «هر مسلمانى كه دعا كند، دعايش به اجابت مى‏رسد: يا به زودى در دنيا خداوند حاجتش را برآورده مى‏سازد و يا براى آخرتش ذخيره مى‏كند و يا گناهانش را مى‏آمرزد».[[28]](#footnote-28) در روايتى ديگرى آمده است: «گاه در قيامت، خداوند پاداش دعاهايى را كه در دنيا به اجابت نرسيده، به مؤمن مى‏دهد؛ در آن زمان مؤمن آرزو مى‏كند، اى كاش در دنيا هيچ دعايى به اجابت نمى‏رسيد و همه آنها امروز به پاداش الهى تبديل مى‏شد».[[29]](#footnote-29) اين را نيز بايد كاملًا توجّه داشت كه گاه انسان بر اثر بى‏اطّلاعى، حاجتى را با تمام وجودش از خدا مى‏خواهد كه به ضرر اوست و اگر به آن رسد دنيا و آخرت او تباه مى‏شود، خداوند به لطفش آن چيز را دريغ مى‏دارد و به جاى آن، نعمت ديگرى به او مى‏بخشد؛ زيرا معلومات ما محدود و ناقص است و علم بى‏پايان، نزد خداست.

9- توصيه ما به شما عزيزان‏

در اين جا توجه شما خوانندگان عزيز را به توصيه‏هاى زير جلب مى‏كنيم:

1- آنچه در اين كتاب آمده است به كتب معتبرى چون «مصباح‏المتهجّد» شيخ طوسى (ره) و «كامل الزيارات» ابن قولويه و كتابهاى مرحوم سيّد بن طاووس و مرحوم كفعمى برمى‏گردد. كتب بزرگانى كه اهتمام فراوانى داشتند تا بدون مدرك چيزى را نقل نكنند و اگر دعا يا زيارتى از انشاى نفس ربّانى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 26

ملكوتى خودشان است به آن تصريح نمايند. آنان به هنگام نوشتن ادعيه، كتب فراوانى را در اختيار داشته‏اند كه با اقتباس از آن، چنين آثارى از خويش به يادگار گذاشته‏اند:

مرحوم سيّد بن طاووس، به هنگام نوشتن كتاب «اقبال» هزار و پانصد جلد كتاب در اختيار داشت‏[[30]](#footnote-30) و به تصريح خودش در كتاب «كشف‏المحجّه»: «بيش از شصت جلد از آن، كتاب دعا بود».[[31]](#footnote-31) محقّق متتبّع، دانشمند بزرگوار، مرحوم آقا بزرگ طهرانى نيز در كتاب وزين «الذريعه» درباره سيّد بن طاووس مى‏نويسد: «هنگامى كه او كتاب «مُهج‏الدّعوات» را مى‏نوشت بيش از هفتاد كتاب از كتب ادعيه قدماى اماميّه (كسانى كه تمامى آنها مقدّم بر شيخ طوسى بوده‏اند) را در اختيار داشت. بلكه با مراجعه به كلمات و تعبيراتى كه سيّد بن طاووس در لابه‏لاى كتابهايش در ارتباط با اسناد و مدارك محتويات آن دارد، انسان مطمئن مى‏شود كه جميع آنچه را كه اين بزرگوار از ادعيه و زيارات نقل كرده، مورد اعتمادش بوده است؛ خصوصاً وقتى ملاحظه مى‏شود كه اين بزرگ‏مرد، هرگاه مى‏خواست دعايى را از جانب ذهن لطيف و روح پاكش انشا كند، تصريح مى‏كند كه: «چون براى اين مورد دعايى را از روايات نيافتم دعايى را مناسب با اين مقام، انشا نمودم» با اين بيان معلوم مى‏شود كه در ساير موارد كه چنين نكته‏اى را متذكّر نشده است، به مدرك روايى خاصّ، اعتماد كرده است».[[32]](#footnote-32) با اين بيان و با توجّه به اين كه آنچه را «سيّد بن طاووس» در قسمت دعا تأليف كرده‏[[33]](#footnote-33) در واقع تتمّه و تكميلى براى كتاب «مصباح‏المتهجّد» جدّ مادرى ايشان مرحوم شيخ‏طوسى رحمه الله مى‏باشد،[[34]](#footnote-34) روشن‏مى‏شود كه اگر كسى مجموع اين يازده جلد (مربوط به اين دو بزرگوار) را تهيّه نمايد، گويا تقريباً مجموعه كاملى از ادعيه و اعمال و زيارات را در اختيار گرفته است (و ما از تمام اين آثار در كتاب حاضر استفاده كرده‏ايم).

درباره كتاب «مصباح كفعمى» مى‏گويد: «او، در مقدّمه كتاب «جنّة الامان الواقيه» (معروف به مصباح كفعمى) تصريح كرده است كه اين كتاب را از كتابهاى معتبر و مورد اعتماد جمع‏آورى نموده است».[[35]](#footnote-35) مرحوم علّامه مجلسى نيز در مقدّمه «زادالمعاد» مى‏گويد: در اين كتاب منتخبى از اعمال سال و فضايل ايّام و ليالى و اعمال آنها را- كه به سندهاى صحيح و معتبر وارد شده است- آورده‏ام.

اصولًا اصحاب ائمّه عليهم السلام، براى ضبط و انتقال صحيح احاديث، دعاها و عباراتى كه از آن بزرگواران نقل مى‏شد، اهتمام فراوانى داشتند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 27

«عبداللَّه بن زيد» كه از اصحاب امام كاظم عليه السلام است، مى‏گويد: «جمعى از ياران ويژه اهل بيت آن حضرت، به محضرش شرفياب مى‏شدند و هنگامى كه امام عليه السلام كلمه‏اى مى‏فرمود و درباره حادثه‏اى فتوا مى‏داد، آنان با دقّت مى‏نوشتند (و همه جملات، آداب و نكته‏ها را كاملًا يادداشت مى‏كردند)».[[36]](#footnote-36) خواننده عزيز! با توجه به آنچه گذشت جايى براى ترديد در اعتبار منابعى كه محتواى اين كتاب از آنها گرفته شده، باقى نمى‏ماند، پس مى‏توان با دلى روشن و ضميرى پاك به ادعيه و زيارات و اعمال وارده در اين كتاب، عمل كرد.

خصوصاً وقتى به دو امر ديگر نيز در اين رابطه توجّه شود:

نخست اين كه: همان گونه كه اشاره شد محتواى برجسته و اوج معانى بسيارى از اين دعاها و زيارات، بهترين گواه صدور آنها از جانب معصوم عليه السلام است، چرا كه چنين الفاظ و مفاهيمى جز از روح بلند معصومين عليهم السلام نمى‏تواند صادر شود.

ديگر اين كه: در تمام دعاها و اعمال مستحب، مى‏توان از «قصد رجا» يعنى به اميد مطلوبيّت نزد پروردگار، استفاده كرد؛ زيرا در روايات از رسول اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده كه «هرگاه كسى از سوى من ثوابى بر عملى به او برسد و به اميد رسيدن به آن ثواب و يا به احترام من آن را بجا آورد، به اجر و پاداش مذكور براى آن عمل، خواهد رسيد و تلاش او بى‏نتيجه نخواهد ماند».[[37]](#footnote-37)

\*\*\*

2- توصيه ديگر ما به خوانندگان عزيز- مخصوصاً به قشر جوان با ايمان و پاكدل- اين است كه بيش از آنچه به «كمّيت» و مقدار دعا اهميّت مى‏دهند به «كيفيّت» و حال و هواى معنوى آن اهميّت دهند و بدانند كه چه بسا خواندن يك دعاى كميل يا ندبه و يا ابوحمزه و يا خواندن دعاى عرفه امام‏حسين عليه السلام با حضور قلب، چنان انقلاب و دگرگونى در انسان ايجاد مى‏كند كه فصل نوينى در زندگى او آغاز مى‏شود؛ روحش را به اوج آسمانها برده، با فرشتگان دمساز مى‏كند و از اين‏جا روشن مى‏شود كه ثوابهاى عظيمى كه براى بعضى از دعاها ذكر شده، فلسفه‏اش چيست و براى كيست؟

عزيزان! همه ما سعى كنيم با مرور در مطالبى كه در بحث حضور قلب و آداب دعا آمد و با انديشه در محتواى دعاها، چنان حال و هوايى به هنگام خواندن دعا و نماز و زيارت پيدا كنيم كه لذّت‏بخش‏ترين لحظات زندگى ما باشد و ما را روز به روز به خدا نزديك‏تر كند.

سعى ما بر اين باشد كه با تدبّر در محتوا و توجّه به اين كه در چه محضرى قرار گرفته‏ايم و با التفات‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 28

به قصورها و تقصيرها، و كوچكى نفسِ خويش از يك طرف و عظمت و بزرگى كسى كه در حضورش واقع شده‏ايم از طرف ديگر، روح ما با عالم بالا تماس برقرار كند و با محبوب حقيقى راز و نياز نمايد.

اگر دعايى از ادعيه را مى‏خوانيم كه مخاطب در آن، خداست، به لطفها و محبّت‏هايى كه در طول عمرمان در حقّ ما روا داشت و گناهانى را كه پوشاند و لغزشهايى را كه دفن كرد و نعمتهايى را كه ارزانى داشت، يكى پس از ديگرى اشاره كنيم و بر زبان جارى سازيم تا محبّتى كه او به خوب شدن و هدايت ما دارد را لمس كنيم و قُرب و انسش را احساس نماييم.

و اگر زيارتى از زيارات ائمّه طاهرين (صلوات اللَّه عليهم اجمعين) است، باز هم قرب و لطف و رحمت و كرامت آنها را در نظر بياوريم و اين كه آنها شفيعان درگاه و مقرّبان خدايند؛ كلام ما را مى‏شنوند و سلام ما را جواب مى‏گويند و بر جايگاه و مقامى كه هم اكنون در آن قرار داريم شاهد و ناظرند (

وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفاءَكَ أَحْياءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقامِي، وَيَسْمَعُونَ كَلامِي، وَ يَرُدُّونَ سَلامِي)[[38]](#footnote-38)

تا آن كه لذّت و شيرينى نجوا و مناجات با آنان را احساس كنيم (

وَ فَتَحْتَ بابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُناجاتِهِمْ‏

).[[39]](#footnote-39) اگر آن‏گونه دعا بخوانيم و اين‏گونه زيارت كنيم، مى‏توانيم مطمئن باشيم با هر دعا و زيارت، گويا به محضر خداوند و معصومين عليهم السلام شرفياب شده‏ايم و روح و جانمان را صفا و صيقل تازه‏اى داده‏ايم و زنگارها و تيرگى‏هاى گناه را از خود زدوده‏ايم و اين‏جاست كه دعا و زيارت، جايگاه واقعى خود را پيدا مى‏كند و هدف اصلى آن تحقّق مى‏يابد.

در پايان لازم مى‏دانم از تمام كسانى كه براى تهيه اين مجموعه ما را يارى دادند و در تطبيق دقيق مدارك، و تصحيح، و چاپ و نشر آن تلاش و كوشش كردند، از جمله فضلاى محترم حجج اسلام آقايان محمد رضا حامدى، مسعود مكارم و سيد عبدالمهدى توكّل (دامت تأييداتهم) تشكر و سپاسگزارى كنم و براى توفيق هر چه بيشتر همه عزيزان دعا نمايم. همچنين از همگان التماس دعا دارم كه اين‏جانب وتمام كسانى را كه براى فراهم آوردن اين مجموعه زحمت كشيده‏اند، فراموش نكنند.

ذكر اين نكته لازم است كه براى تهيّه اين مجموعه، چند سال زحمت كشيده شده؛ با اين حال، اگر صاحب‏نظران تذكّرات تكميلى داشته باشند، از آن استقبال مى‏شود.

قم- ناصر مكارم شيرازى‏

فروردين 1384- صفر 1426

كليات مفاتيح نوين، ص: 31

بخش اول: سوره هايى از قرآن‏

مقدّمه‏

با توجّه به اين‏كه بسيارى از سوره‏ها و آيات قرآنى در نمازهاى مختلفى چون نوافل يوميّه، نافله شب، نمازهاى ائمّه اطهار عليهم السلام، نمازهاى زيارت، نمازهاى ايّام هفته و نمازهاى حاجت و نيز در مكان‏ها و زمان‏هاى مختلفى چون شبهاى احيا، ايّام‏البيض، شبهاى ماه رجب، شعبان و رمضان و در تعقيبات نمازهاى يوميّه و نيز براى تحصيل بعضى از آثار و بركات چون آمرزش گناهان و نجات از مشكلات خوانده مى‏شود، شايسته است بخشى از اين سوره‏ها و آيات كه بيشتر مورد استفاده قرار مى‏گيرد (و اين خود، دليل بر اهميّت و ويژگى و امتياز آنهاست) در ابتداى اين كتاب دعا- پس از اشاره به بعضى از فضيلت‏هاى آنها- آورده شود:

1- سوره يس‏

سوره «يس» به گواهى احاديث متعدّدى كه در اين زمينه وارد شده، يكى از مهمترين سوره‏هاى قرآنى است، به گونه‏اى كه در احاديث «قلب قرآن» ناميده شده است‏[[40]](#footnote-40) و اين به جهت محتواى مهمّ توحيدى آن است كه محور همه مسائل اعتقادى است. در حديثى از امام صادق عليه السلام نيز آمده است:

«هر كس آن را در روز بخواند، در طول روز محفوظ و پرروزى خواهد بود و هر كس آن را شبانگاه پيش از آن‏كه بخوابد تلاوت كند، خداوند هزار فرشته بر او مأمور مى‏كند كه او را از هر شيطان رجيم و هر آفتى حفظ كنند ...» و به دنبال آن فضايل مهمّ ديگرى نيز بيان مى‏فرمايد.[[41]](#footnote-41) يادآورى لازم:

ناگفته پيداست پاداش‏هاى عظيمى كه درباره اين سوره و ساير سوره‏هاى قرآن در روايات آمده است،

كليات مفاتيح نوين، ص: 32

به معناى خواندن سطحى و بدون تدبّر و خالى از عمل نيست؛ شواهد فراوانى داريم كه اين بركات و پاداش‏ها مربوط به كسانى است كه برنامه زندگى خود را با محتواى اين سوره‏ها هماهنگ مى‏سازند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

يس 1 وَالْقُرْءَانِ الْحَكِيمِ 2 إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ 3 عَلَى‏ صِرطٍ مُّسْتَقِيمٍ‏

يس. (1) سوگند به قرآن حكيم (و استوار). (2) كه تو قطعاً از فرستادگان (خداوند) هستى، (3) بر راهى راست (قراردارى)؛ 4

تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ 5 لِتُنذِرَ قَوْماً مَّا أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمْ فَهُمْ غفِلُونَ‏

(4) (اين قرآنى است كه) از سوى خداوند توانا و مهربان نازل شده است؛ (5) تا قومى را انذار كنى كه پدرانشان (هرگز) انذار نشدند، از اين رو آنان غافلند.

6 لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى‏ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَايُؤْمِنُونَ 7 إِنَّا جَعَلْنَا فِى أَعْنقِهِمْ‏

(6) فرمان (الهى) درباره بيشتر آنها (به كيفر اعمالشان) تحقق يافته، به همين جهت ايمان نمى‏آورند. (7) ما در گردنهاى آنان غلهايى‏

أَغْللًا فَهِىَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ 8 وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً

[/ طوقهايى‏] قرار داديم كه تا چانه‏ها ادامه دارد و سرهاى آنان را به بالا نگاه داشته است. (8) و در پيش روى آنان سدّى قرار داديم،

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْنهُمْ فَهُمْ لَايُبْصِرُونَ 9 وَسَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ‏

و در پشت سرشان سدّى؛ و چشمانشان را پوشانده‏ايم، لذا نمى‏بينند. (9) براى آنان يكسان است: چه انذارشان كنى‏

أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَايُؤْمِنُونَ 10 إنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِىَ الرَّحْمنَ‏

يا نكنى، ايمان نمى‏آورند. (10) تو فقط كسى را مى‏توانى انذار كنى كه ازاين يادآورى (الهى) پيروى كند و از خداوند رحمان‏

بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ 11 إِنَّا نَحْنُ نُحْىِ الْمَوْتَى‏ وَنَكْتُبُ مَا

در نهان بترسد؛ سپس او را به آمرزش و پاداشى پرارزش بشارت ده. (11) به يقين مامردگان را زنده مى‏كنيم و آنچه را از

قَدَّمُوا وَءَاثرَهُمْ وَكُلَّ شَىْ‏ءٍ أَحْصَيْنهُ فِى إِمَامٍ مُّبِينٍ 12 وَاضْرِبْ لَهُم‏

پيش فرستاده‏اند و آنچه را از خود باقى گذاشته‏اند؛ و همه چيز را در كتاب روشنگرى احصا كرده‏ايم. (12) و براى آنها، اصحاب شهر (انطاكيه)

مَّثَلًا أَصْحبَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُونَ 13 إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ‏

را مثال بزن هنگامى كه فرستادگان خدا به سوى آنان آمدند؛ (13) در آن زمان كه دو نفر (از رسولان خود) را به سوى آنها فرستاديم، امّا آنان فرستادگان (ما) را

فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُواْ إِنَّآ إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ 14 قَالُوا مَآ أَنتُمْ‏

تكذيب كردند؛ پس براى تقويت آن دو، شخص سوّمى را فرستاديم؛ و آنها گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوى شما هستيم.» (14) امّا آنان (در جواب) گفتند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 33

إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمنُ مِن شَىْ‏ءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ 15 قَالُوا

«شما جز بشرى همانند ما نيستيد، و خداوند رحمان چيزى نازل نكرده، شما فقط دروغ مى‏گوييد.» (15) (فرستادگان ما) گفتند:

رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّآ إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ 16 وَمَا عَلَيْنَآ إِلَّا الْبَلغُ الْمُبِينُ 17 قَالُواْ إِنَّآ

«پروردگار ما مى‏داند كه ما قطعاً فرستادگان (او) به سوى شما هستيم، (16) و بر عهده ما چيزى جز ابلاغ آشكار نيست.» (17) آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته‏ايم‏

تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُواْ لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ 18 قَالُواْ

(وشما را شوم مى‏دانيم)، واگر (از اين سخنان) دست برنداريد شما را سنگسار خواهيم كرد و عذاب دردناكى از ما به شما خواهد رسيد! (18) (فرستادگان) گفتند:

طئِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ 19 وَجَآءَ مِنْ أَقْصَا

«اگر درست بينديشيد فال بد شما با خود شماست، بلكه شما گروهى اسرافكاريد.» (19) و مردى (با ايمان) از دورترين نقطه شهر

الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى‏ قَالَ يقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ 20 اتَّبِعُوا مَن لَّا

با شتاب آمد، گفت: «اى قوم من! از فرستادگان (خدا) پيروى كنيد. (20) از كسانى پيروى كنيد

يَسْئَلُكُمْ أَجْراً وَهُم مُّهْتَدُونَ 21 وَمَا لِىَ لَآأَعْبُدُ الَّذِى فَطَرَنِى وَإِلَيْهِ‏

كه از شما اجر و پاداشى نمى‏خواهند و خود هدايت يافته‏اند. (21) چرا كسى را پرستش نكنم كه مرا آفريده، و همگى به سوى او بازگشت‏

تُرْجَعُونَ 22 ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ ءَالِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمنُ بِضُرٍّ لَّاتُغْنِ‏عَنِّى‏

داده مى‏شويد؟! (22) آيا غير از او معبودانى را انتخاب كنم‏كه اگر خداوند رحمان بخواهد زيانى به من برساند، شفاعت آنها كمترين فايده‏اى براى من ندارد

شَفعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنقِذُونِ 23 إِنِّى‏إِذاً لَّفِى ضَللٍ مُّبِينٍ 24 إِنِّى ءَامَنتُ‏

و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد؟! (23) اگر چنين كنم، در گمراهى آشكارى خواهم بود. (24) (به همين دليل) من به پروردگارتان ايمان آوردم؛

بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ 25 قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يلَيْتَ قَوْمِى يَعْلَمُونَ 26 بِمَا

پس به سخنان من گوش فرا دهيد.» (25) (سرانجام او را شهيد كردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو.» گفت: «اى كاش قوم من مى‏دانستند ... (26) كه‏

غَفَرَ لِى رَبِّى وَجَعَلَنِى مِنَ الْمُكْرَمِينَ 27 وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَى‏ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ‏

پروردگارم مرا آمرزيده و از گرامى‏داشتگان قرار داده است!» (27) و ما بعد از او بر قومش‏

مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلينَ 28 إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وحِدَةً فَإِذَا

هيچ لشكرى از آسمان نفرستاديم، و هرگز سنّت ما براين نبود؛ (28) (بلكه) فقط يك صيحه آسمانى بود و ناگهان همگى‏

هُمْ خمِدُونَ 29 يحَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ‏

خاموش شدند. (29) افسوس بر اين بندگان كه هيچ پيامبرى به سراغ آنان نيامد مگر اين‏كه او را

يَسْتَهْزِءُونَ 30 أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ‏

استهزا مى‏كردند! (30) آيا نديدند چه قدر از اقوام پيش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاك كرديم كه آنها هرگز به سوى ايشان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 34

لَايَرْجِعُونَ 31 وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ 32 وَءَايَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ‏

باز نمى‏گردند (و زنده نمى‏شوند)؟! (31) و همه آنان (روز قيامت) نزد ما احضار مى‏شوند. (32) و زمين مرده براى‏

الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبّاً فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ 33 وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنتٍ‏

آنها نشانه‏اى (از عظمت خدا) است كه ما آن را زنده كرديم و دانه (هاى غذايى) از آن خارج ساختيم كه از آن مى‏خورند؛ (33) و در آن باغهايى از

مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنبٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ 34 لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا

نخلها و انگورها قرار داديم و چشمه‏هايى در آن جارى ساختيم، (34) تا از ميوه آن بخورند در حالى كه با

عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ 35 سُبْحنَ الَّذِى خَلَقَ الْأَزْوجَ كُلَّهَا مِمَّا

دست خود آن را به عمل نياورده‏اند. آيا شكر (خدا را) به جا نمى‏آورند؟! (35) منزّه است كسى كه تمام زوجها را آفريد، از

تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَايَعْلَمُونَ 36 وَءَايَةٌ لَّهُمُ الَّيْلُ نَسْلَخُ‏

آنچه زمين مى‏روياند، و از خودشان، و از آنچه نمى‏دانند. (36) شب (نيز) براى آنها نشانه‏اى است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن‏

مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ 37 وَالشَّمْسُ تَجْرِى لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذلِكَ تَقْدِيرُ

برمى‏گيريم، در اين هنگام آنان در تاريكى فرو مى‏روند. (37) و خورشيد (نيز براى آنها آيتى است) كه پيوسته به سوى قرارگاهش در حركت است؛ اين تقدير خداوند

الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ 38 وَالْقَمَرَ قَدَّرْنهُ مَنَازِلَ حَتَّى‏ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ 39

توانا و داناست. (38) و براى ماه منزلگاههايى قرار داديم، (و هنگامى كه اين منازل را طى كرد) سرانجام بصورت شاخه كهنه (قوسى شكل و زرد رنگ) خرما درمى‏آيد. (39)

لَاالشَّمْسُ يَنبَغِى لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا الَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِى فَلَكٍ‏

نه خورشيد را سزاست كه به ماه رسد، و نه شب بر روز پيشى مى‏گيرد؛ و هر يك در مسير خود

يَسْبَحُونَ 40 وَءَايَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ 41 وَخَلَقْنَا

شناورند. (40) نشانه‏اى (ديگر از عظمت پروردگار) براى آنان اين است كه ما فرزندانشان را در كشتيهايى پر (از وسايل و بارها) حمل كرديم. (41) و براى‏

لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ 42 وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ‏

آنها مركبهاى (ديگرى) همانند آن آفريديم. (42) و اگر بخواهيم آنها را غرق مى‏كنيم بطورى كه نه فريادرسى داشته باشند

يُنقَذُونَ 43 إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتعاً إِلَى‏ حِينٍ 44 وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ‏

و نه نجات داده شوند. (43) مگر اين‏كه رحمت ما (شامل حالشان شود)، و تا زمان معيّنى (از اين زندگى) بهره گيرند. (44) و هر گاه به آنها گفته شود: «از آنچه‏

أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ 45 وَمَاتَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايتِ‏

پيش رو و پشت سر شماست (از عذاب دنيا و آخرت) بپرهيزيد تا مشمول رحمت الهى شويد.» (اعتنا نمى‏كنند). (45) و هيچ آيه‏اى‏از آيات پروردگارشان براى آنها نمى‏آيد

رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ 46 وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ‏

مگر اين‏كه از آن روى‏گردان مى‏شوند. (46) و هنگامى كه به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزى كرده انفاق كنيد.»، كافران‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 35

الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى‏

به مؤمنان مى‏گويند: «آيا ما كسى را اطعام كنيم كه اگر خدا مى‏خواست او را اطعام مى‏كرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد و) شما فقط در

ضَللٍ مُّبِينٍ 47 وَيَقُولُونَ مَتَى‏ هذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صدِقِينَ 48 مَا يَنظُرُونَ‏

گمراهى آشكاريد.» (47) آنها مى‏گويند: «اگر راست مى‏گوييد، اين وعده (قيامت) كى خواهد بود؟!» (48) (امّا) جز اين‏

إِلَّا صَيْحَةً وحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ 49 فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً

انتظار نمى‏كشند كه يك صيحه عظيم (آسمانى) آنها را فرا گيرد، در حالى كه مشغول جدال (در امور دنيا) هستند. (49) و (چنان غافلگير مى‏شوند كه حتّى) نمى‏توانند وصيّتى كنند

وَلَآ إِلَى‏ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ 50 وَنُفِخَ فِى الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى‏

و نه به سوى خانواده خود باز گردند. (50) (بار ديگر) در «صور» دميده مى‏شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوى (دادگاه)

رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ 51 قَالُوا يوَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمنُ‏

پروردگارشان مى‏روند. (51) مى‏گويند: «اى واى بر ما! چه كسى ما را از خوابگاهمان برانگيخت؟! (آرى) اين همان (روز جزا) است كه خداوند رحمان و عده داده،

وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ 52 إن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا

و فرستادگان (او) راست گفتند.» (52) صيحه واحدى بيش نيست، (فريادى عظيم بر مى‏خيزد) ناگهان همگى نزد ما

مُحْضَرُونَ 53 فَالْيَوْمَ لَاتُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ‏

احضار مى‏شوند. (53) (و به آنها گفته مى‏شود:) امروز به هيچ كس كمترين ستمى نخواهد شد، و جز آنچه انجام مى‏داديد، كيفر داده نمى‏شويد.

54 إِنَّ أَصْحبَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فكِهُونَ 55 هُمْ وَأَزْوجُهُمْ فِى‏

(54) بهشتيان، امروز (به نعمتهاى خدا) مشغول و مسرورند. (55) آنها و همسرانشان در

ظِللٍ عَلَى الْأَرَآئِكِ مُتَّكِئُونَ 56 لَهُمْ فِيهَا فكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ 57

سايه‏هايى (از قصرها و درختان بهشتى) بر تختها تكيه زده‏اند. (56) براى آنها در بهشت ميوه بسيار لذّت‏بخشى است، و هرچه بخواهند در اختيارشان خواهد بود. (57)

سَلمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ 58 وَامْتزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ 59 أَلَمْ‏

سلام (و درود الهى بر آنها)، سخنى است از سوى پروردگارى مهربان. (58) (و به گروهى ديگر گفته مى‏شود:) جدا شويد امروز اى گنهكاران! (59) اى فرزندان آدم!

أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يبَنِى ءَادَمَ أَن لَّاتَعْبُدُوا الشَّيْطنَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ 60

آيا با شما عهد نكردم كه شيطان را نپرستيد، كه او براى شما دشمن آشكارى است؟! (60)

وَأَنِ اعْبُدُونِى هذَا صِرطٌ مُّسْتَقِيمٌ 61 وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلّاً كَثِيراً أَفَلَمْ‏

و اين‏كه مرا بپرستيد كه راه مستقيم اين است؟! (61) او گروه زيادى از شما را گمراه كرد؛

تَكُونُوا تَعْقِلُونَ 62 هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ 63 اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا

آيا انديشه نكرديد؟! (62) اين همان دوزخى است كه به شما وعده داده مى‏شد. (63) امروز بخاطر

كليات مفاتيح نوين، ص: 36

كُنتُمْ تَكْفُرُونَ 64 الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى‏ أَفْوهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ

كفرى كه داشتيد به آتش آن بسوزيد! (64) امروز بر دهانشان مُهر مى‏نهيم، و دستهايشان با ما سخن مى‏گويند و پاهايشان به كارهايى‏

أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ 65 وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلَى‏ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا

كه انجام مى‏دادند گواهى مى‏دهند. (65) و اگر بخواهيم (در همين جهان) چشمانشان رامحو مى‏كنيم؛ سپس براى عبور از راه،

الصِّرطَ فَأَ نَّى‏ يُبْصِرُونَ 66 وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنهُمْ عَلَى‏ مَكَانَتِهِمْ فَمَا

مى‏خواهند بر يكديگر پيشى بگيرند، امّا چگونه مى‏توانند ببينند؟! (66) و اگر بخواهيم آنها رادر جاى خود مسخ مى‏كنيم (و به مجسّمه‏هايى بى‏روح مبدّل مى‏سازيم)

اسْتَطعُوا مُضِيّاً وَلَا يَرْجِعُونَ 67 وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ أَفَلَا

تا نتوانند راه خود را ادامه دهند و نه به عقب بازگردند. (67) هر كس را عمر طولانى دهيم، در آفرينش واژگونه‏اش مى‏كنيم (و به ناتوانى كودكى باز مى‏گردانيم)؛

يَعْقِلُونَ 68 وَمَا عَلَّمْنهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِى لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ‏

آيا نمى‏انديشند؟! (68) ما شعر به او [/ پيامبر] نياموختيم، و شايسته او نيست؛ (شاعر باشد) اين (كتاب آسمانى) فقط مايه يادآورى و قرآن مبين است.

69

لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّاً وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكفِرِينَ 70 أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا

(69) تا هركس را كه زنده است (و حيات انسانى دارد) انذار كند (و بر كافران اتمام حجّت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلّم گردد. (70) آيا نديدند كه از آنچه با قدرت‏

لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعماً فَهُمْ لَهَا ملِكُونَ 71 وَ ذَلَّلْنهَا لَهُمْ فَمِنْهَا

خود به عمل آورده‏ايم چهارپايانى براى آنان آفريديم كه آنان مالك آن هستند؟! (71) و آنها را رام ايشان ساختيم، هم مركب آنان‏

رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ 72 وَ لَهُمْ فِيهَا مَنفِعُ وَ مَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ 73

از آن است و هم از آن تغذيه مى‏كنند؛ (72) و براى آنان بهره‏هاى ديگرى در آن (حيوانات) است و نوشيدنيهايى گوارا؛ آيا با اين حال شكرگزارى نمى‏كنند؟! (73) وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ 74 لَايَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ‏

آنان غير از خدا معبودانى (براى خويش) برگزيدند به اين اميد كه يارى شوند. (74) (ولى) آنها قادر به يارى ايشان نيستند، و اين‏

وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ 75 فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

(عبادت كنندگان در قيامت) لشكرى براى آنها خواهند بود كه (در آتش دوزخ) احضار مى‏شوند. (75) پس سخنانشان تو را غمگين نسازد؛ ما آنچه را پنهان مى‏دارند وآنچه را آشكار مى‏كنند

يُعْلِنُونَ 76 أَوَ لَمْ يَرَ الْإِنسنُ أَنَّا خَلَقْنهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ 77

مى‏دانيم. (76) آيا انسان نمى‏داند كه ما او را از نطفه‏اى بى‏ارزش آفريديم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد كه) به مخاصمه آشكار (با ما) برخاست. (77)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًاوَنَسِىَ خَلْقَهُ قَالَ مَن يُحْىِ الْعِظمَ وَهِىَ رَمِيمٌ 78 قُلْ‏

و براى ما مثالى زد و آفرينش خود را فراموش كرد و گفت: «چه كسى اين استخوانها را زنده مى‏كند در حالى كه پوسيده است؟!» (78) بگو:

يُحْيِيهَا الَّذِى أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ 79 الَّذِى جَعَلَ لَكُم‏

«همان كسى آن را زنده مى‏كند كه نخستين بار آن را آفريد؛ و او نسبت به هر مخلوقى داناست. (79) همان كسى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 37

مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ 80 أَوَلَيْسَ الَّذِى خَلَقَ‏

كه براى شما از درخت سبز، آتش آفريد و شما بوسيله آن، آتش مى‏افروزيد.» (80) آيا كسى كه‏

السَّمواتِ وَالْأَرْضَ بِقدِرٍ عَلَى‏ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم بَلَى‏ وَهُوَ الْخَلقُ الْعَلِيمُ‏

آسمانها و زمين را آفريده، قادر نيست همانند آنان را بيافريند؟! آرى (مى‏تواند)، و او آفريدگار آگاه است.

81 إِنَّمَآ أَمْرُهُ إِذَآ أَرَادَ شَيْئاً أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ 82 فَسُبْحنَ الَّذِى بِيَدِهِ‏

(81) فرمان او چنين است كه هرگاه چيزى را اراده كند، تنها به آن مى‏گويد: «موجود باش!»، آن نيز بى‏درنگ موجود مى‏شود. (82) پس منزّه‏است خداوندى‏

مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ 83

كه مالكيّت همه چيز در دست اوست؛ و به سوى او بازگردانده مى‏شويد. (83)

2- سوره الرّحمن‏

از آن‏جا كه اين سوره، حسّ شكرگزارى را در انسانها به عالى‏ترين وجهى بر مى‏انگيزد، و بيان نعمتهاى مادّى و معنوى دنيا و آخرت، شوق طاعت و بندگى را در دل او افزايش مى‏دهد، فضيلت‏هاى فراوانى براى تلاوت آن در روايات آمده است؛ البتّه تلاوتى‏كه در اعماق روح انسان نفوذ كند و مبدأ حركت گردد.

از جمله در حديثى از رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم: «هر كس سوره الرّحمن را بخواند خداوند به ناتوانى او (در اداى شكر نعمت‏ها) رحم مى‏كند، و حقّ شكر نعمت‏هايى را كه به او ارزانى داشته، ادا مى‏كند».[[42]](#footnote-42) در حديث ديگرى از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم: «هر كس سوره الرّحمن را بخواند و هنگامى كه به آيه «

فَبِأَىِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ‏

» مى‏رسد بگويد: «

لا بِشَىْ‏ءٍ مِنْ آلائِكَ رَبِّ اكَذِّبُ‏

؛ خداوندا! هيچ يك از نعمت‏هاى تو را انكار نمى‏كنم» اگر اين تلاوت در شب باشد و در همان شب بميرد، ثواب شهيدان را خواهد داشت، و همچنين اگر در روز باشد».[[43]](#footnote-43) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الرَّحْمنُ 1 عَلَّمَ الْقُرْءَانَ 2 خَلَقَ الإنسنَ 3 عَلَّمَهُ الْبَيَانَ 4 الشَّمْسُ‏

خداوند رحمان، (1) قرآن را تعليم فرمود، (2) انسان را آفريد، (3) و به او سخن گفتن آموخت. (4) خورشيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 38

وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ 5 وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ 6 وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ‏

و ماه با حساب دقيقى در گردشند، (5) و گياهان و درختان براى خدا سجده مى‏كنند. (6) و آسمان را برافراشت، و ميزان‏

الْمِيزَانَ 7 أَلَّا تَطْغَوْا فِى الْمِيزَانِ 8 وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا

و قانون نهاد، (7) تا در ميزان طغيان نكنيد (و از مسير عدالت منحرف نشويد)، (8) و وزن را براساس عدل برپا داريد و در سنجش‏

تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ 9 وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ 10 فِيهَا فكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ‏

كاستى نكنيد. (9) و زمين را براى مردم آفريد، (10) كه در آن ميوه‏ها و نخلهاى‏

الْأَكْمَامِ 11 وَالْحَبُّ ذُوالْعَصْفِ وَ الرَّيْحَانُ 12 فَبِأَىِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ‏

پرشكوفه است، (11) و دانه‏هايى كه همراه با ساقه و برگى است كه بصورت كاه (و خوراك حيوانات) در مى‏آيد، و گياهان خوشبو. (12) پس (اى گروه جن و انس) كدامين نعمتهاى 13

خَلَقَ الإنسنَ مِن صَلْصلٍ كَالْفَخَّارِ 14 وَ خَلَقَ الْجَآنَّ مِن مَّارِجٍ مِّن‏

پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (13) انسان را از گلِ خشكيده‏اى همچون سفال آفريد، (14) و جنّ را از شعله‏هاى‏

نَّارٍ 15 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 16 رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ 17

آتش خلق كرد. (15) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (16) او پروردگارِ دومشرق و دو مغرب است. (17)

فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 18 مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ 19 بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ‏

پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (18) دو درياى مختلف (شور و شيرين، گرم و سرد) را در كنار هم قرار داد، در حالى كه با هم تماس دارند؛ (19) در ميان آن دو

لَّا يَبْغِيَانِ 20 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 21 يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ

مانعى است كه يكى بر ديگرى غلبه نمى‏كند (و به هم نمى‏آميزند). (20) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (21) از آن دو، لؤلؤ و مرجان‏

وَالْمَرْجَانُ 22 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 23 وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَئَاتُ فِى‏

خارج مى‏شود. (22) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (23) و براى او (و از ناحيه او) است كشتيهاى كوه پيكر ساخته شده كه در دريا

الْبَحْرِ كَالْأَعْلمِ 24 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 25 كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ 26

به حركت در مى‏آيند! (24) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (25) همه كسانى كه روى آن [/ زمين‏] هستند فانى مى‏شوند، (26)

وَيَبْقَى‏ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَللِ وَالإكْرَامِ 27 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 28

و تنها ذات صاحب جلال و گرامى پروردگارت باقى مى‏ماند. (27) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (28)

يَسْئَلُهُ مَن فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ 29 فَبِأَىِّ ءَالآءِ

تمام كسانى كه در آسمانها و زمين هستند از او تقاضا مى‏كنند، و او هر روز در شأن و كارى است. (29) پس كدامين نعمتهاى‏

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 30 سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ 31 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ‏

پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (30) اى دو گروه انس و جن! بزودى به (حساب) شما مى‏پردازيم! (31) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! 32

كليات مفاتيح نوين، ص: 39

يمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالإنسِ إِنِ‏اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمواتِ‏

(32) اى گروه جنّ و انس! اگر مى‏توانيد از مرزهاى آسمانها و زمين بگذريد، پس بگذريد،

وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَاتَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطنٍ 33 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ‏

ولى هرگز نمى‏توانيد، مگر با نيرويى (فوق العاده). (33) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! 34

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ 35 فَبِأَىِّ ءَالآءِ

(34) (در قيامت) شعله‏هايى از آتش، و دودهايى متراكم بر شما فرستاده مى‏شود؛ و نمى‏توانيد از كسى يارى بطلبيد. (35) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان‏

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 36 فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ 37 فَبِأَىِ‏

را انكار مى‏كنيد؟! (36) در آن هنگام كه آسمان شكافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناكى رخ مى‏دهد كه تاب تحمّل آن را نخواهيد داشت). (37) پس‏

ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 38 فَيَوْمَئِذٍ لَّايُسْئَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ 39

كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (38) در آن روز هيچ كس از انس و جن از گناهش سؤال نمى‏شود (و همه چيز روشن است). (39)

فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 40 يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمهُمْ فَيُؤخَذُ

پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (40) مجرمان از چهره‏هايشان شناخته مى‏شوند؛ و موهاى پيش سر،

بِالنَّوصِى وَالْأَقْدَامِ 41 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 42 هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِى‏

و پاهايشان را مى‏گيرند (و به دوزخ مى‏افكنند). (41) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (42) اين همان دوزخى است‏

يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ 43 يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ 44 فَبِأَىِّ ءَالآءِ

كه مجرمان آن را انكار مى‏كردند. (43) اكنون در ميان آن و آب سوزان در رفت و آمدند. (44) پس كدامين نعمتهاى‏

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 45 وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ 46 فَبأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا

پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (45) و براى كسى كه از مقام پروردگارش خائف است، دو باغ بهشتى است. (46) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان‏

تُكَذِّبَانِ 47 ذَوَاتَآ أَفْنَانٍ 48 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 49 فِيهِمَا عَيْنَانِ‏

را انكار مى‏كنيد؟! (47) (آن دو باغ بهشتى) داراى انواع نعمتها (و درختان پرطراوت) است. (48) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (49) در آنها دو چشمه‏

تَجْرِيَانِ 50 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 51 فِيهِمَا مِن كُلِّ فكِهَةٍ زَوْجَانِ‏

هميشه جارى است. (50) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (51) در آن دو، از هر ميوه‏اى دو نوع وجود دارد (هر يك از ديگرى بهتر).

52

فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 53 مُتَّكِئِينَ عَلَى‏ فُرُشِ‏م بَطَآئِنُهَا مِنْ‏

(52) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (53) اين در حالى است كه آنها برفرشهايى تكيه كرده‏اند با آسترهايى از ديبا و ابريشم،

إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ 54 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 55 فِيهِنَ‏

و ميوه‏هاى رسيده آن دو باغ بهشتى نزديك (و در دسترس) است. (54) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان راانكار مى‏كنيد؟! (55) در آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 40

قصِرَ تُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ 56 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا

باغهاى بهشتى زنانى هستند كه جز به همسران خود عشق نمى‏ورزند؛ و هيچ انس و جنّى پيش از ايشان با آنان تماس نداشته است. (56) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان‏

تُكَذِّبَانِ 57 كَأَ نَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ 58 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ‏

را انكار مى‏كنيد؟! (57) آنها همچون ياقوت و مرجانند. (58) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! 59

هَلْ جَزَاءُ الإحْسنِ إِلَّا الإحْسنُ 60 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 61 وَمِن‏

(59) آيا جزاى نيكى جز نيكى است؟! (60) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (61) و پايين‏تر

دُونِهِمَا جَنَّتَانِ 62 فَبأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 63 مُدْهَامَّتَانِ 64 فَبأَىِ‏

از آنها، دو باغ بهشتى (ديگر) است. (62) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (63) هر دو خرّم و سرسبزند. (64) پس كدامين‏

ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 65 فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ 66 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا

نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (65) در آنها دو چشمه جوشنده است. (66) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان‏

تُكَذِّبَانِ 67 فِيهِمَا فكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ 68 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 69

را انكار مى‏كنيد؟! (67) در آنها ميوه‏هاى فراوان و درخت خرما و انار است. (68) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (69)

فِيهِنَّ خَيْرَ تٌ حِسَانٌ 70 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 71 حُورٌ مَّقْصُورَ تٌ‏

و در آن باغهاى بهشتى زنانى نيكوخلق وزيبايند. (70) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (71) حوريانى كه در

فِى الْخِيَامِ 72 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ 73 لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا

خيمه‏هاى بهشتى مستورند. (72) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (73) هيچ انس و جنّى پيش از ايشان با آنها تماس‏

جَآنٌّ 74 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَاتُكَذِّبَانِ 75 مُتَّكِئِينَ عَلَى‏ رَفْرَفٍ خُضْرٍ

نداشته است (74) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (75) اين در حالى است كه بهشتيان بر تختهايى سبز رنگ‏

وَعَبْقَرِىٍّ حِسَانٍ 76 فَبِأَىِّ ءَالآءِ رَبِّكُمَاتُكَذِّبَانِ 77 تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِى‏

ممتاز و زيبا تكيه زده‏اند. (76) پس كدامين نعمتهاى پروردگارتان را انكار مى‏كنيد؟! (77) پربركت و زوال‏ناپذير است نام پروردگار

الْجَللِ وَ الْإكْرَامِ 78

صاحب جلال و بزرگوار تو. (78)

3- سوره واقعه‏

درباره تلاوت اين سوره روايات زيادى در منابع اسلامى ذكر شده است، از جمله در حديثى از

كليات مفاتيح نوين، ص: 41

رسول‏خدا صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم: «كسى‏كه سوره واقعه را بخواند نوشته مى‏شود كه اين فرد از غافلان نيست».[[44]](#footnote-44) چرا كه آيات سوره آن قدر تكان دهنده و بيداركننده است كه جايى براى غفلت انسان باقى نمى‏گذارد.

در حديث ديگرى از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمود: «

مَنْ قَرأَ سورةَ الواقعة كلّ ليلة لَم تُصِبهُ فاقة أبداً؛

هر كس سوره واقعه را هر شب بخواند هرگز فقير نخواهد شد».[[45]](#footnote-45) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ 1 لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ 2 خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ 3 إِذَا

هنگامى كه واقعه عظيم (قيامت) واقع شود، (1) هيچ كس نمى‏تواند آن را انكار كند. (2) (اين واقعه) گروهى را پايين مى‏آورد و گروهى را بالا مى‏برد. (3) در

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجّاً 4 وَ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسّاً 5 فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنبَثّاً 6

آن هنگام كه زمين به شدّت به لرزه درمى‏آيد، (4) و كوهها درهم كوبيده مى‏شود، (5) و بصورت غبار پراكنده درمى‏آيد، (6)

وَكُنتُمْ أَزْوجاً ثَلثَةً 7 فَأَصْحبُ الْمَيْمَنَةِ مَآ أَصْحبُ الْمَيْمَنَةِ 8 وَأَصْحبُ‏

و شما (در آن زمان) سه گروه خواهيد بود. (7) (نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانى! (8) و (گروه ديگر)

الْمَشْئَمَةِ مَآ أَصْحبُ الْمَشْئَمَةِ 9 وَالسبِقُونَ السبِقُونَ 10 أُوْلئِكَ الْمُقَرَّبُونَ‏

شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانى! (9) و (سوّمين گروه) پيشگامان پيشگامند، (10) آنها مقربانند. 11

فِى جَنتِ النَّعِيمِ 12 ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ 13 وَ قَلِيلٌ مِّنَ الْأَخِرِينَ 14

(11) در باغهاى پرنعمت بهشت (جاى دارند). (12) گروه زيادى (از آنها) از امّتهاى نخستين‏اند، (13) و اندكى از امّتهاى آخرين. (14) عَلَى‏ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ 15 مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقبِلِينَ 16 يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ‏

(مقرّبان) بر تختهايى كه كه در صفوف مختلف در كنار هم چيده شده قرار دارند، (15) در حالى كه بر آنها تكيه زده و رو به روى يكديگرند. (16) نوجوانانى جاودان‏

مُّخَلَّدُونَ 17 بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ 18 لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا

(در شكوه و طراوت) پيوسته برگرد آنان مى‏گردند، (17) با قدحها و كوزه‏ها و جامهايى لبريز از شراب طهور. (18) شرابى كه نه آن درد سر مى‏گيرند

وَلَايُنزِفُونَ 19 وَفكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ 20 وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ 21 وَحُورٌ

ونه مست مى‏شوند. (19) و ميوه‏هايى از هر نوع كه انتخاب كنند، (20) و گوشت پرنده از هرگونه كه مايل باشند. (21) و همسرانى از

كليات مفاتيح نوين، ص: 42

عِينٌ 22 كَأَمْثلِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ 23 جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ 24 لَايَسْمَعُونَ‏

حورالعين دارند، (22) همچون مرواريد (در صدف) پنهان. (23) اينها پاداشى است مطابق اعمالى كه انجام مى‏دادند. (24) در آنجا نه لغو و بيهوده‏اى‏

فِيهَا لَغْواً وَلَا تَأْثِيماً 25 إلَّاقِيلًا سَلماً سَلماً 26 وَأَصْحبُ الْيَمِينِ مَا

مى‏شنوند نه سخنان گناه آلود؛ (25) تنها سخنى كه مى‏شنوند «سلام» است «سلام». (26) و اصحاب يمين و خجستگان، چه اصحاب‏

أَصْحبُ الْيَمِينِ 27 فِى سِدْرٍ مَّخْضُودٍ 28 وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ 29 وَظِلِّ مَّمْدُودٍ

يمين و خجستگانى! (27) آنها در سايه درختان «سدرِ» بى‏خار قرار دارند، (28) و در سايه درخت (خوش رنگ و پر برگ) «طلح»، (29) و سايه‏اى گسترده، 30

وَمَآءٍ مَّسْكُوبٍ 31 وَفكِهَةٍ كَثِيرَةٍ 32 لَّامَقْطُوعَةٍ وَلَامَمْنُوعَةٍ 33

(30) و در كنار آبشارها، (31) و ميوه‏هاى فراوان، (32) كه هرگز پايان نمى‏گيرد و ممنوع نمى‏شود، (33) وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ 34 إِنَّآ أَنشَأْنهُنَّ إِنشَآءً 35 فَجَعَلْنهُنَّ أَبْكَاراً 36 عُرُباً

و همسرانى والا مقام. (34) ما آنها را آفرينش نوينى بخشيديم، (35) و همه را دوشيزه قرارداديم، (36) زنانى كه تنها به همسرشان‏

أَتْرَاباً 37 لّاَصْحبِ الْيَمِينِ 38 ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ 39 وَثُلَّةٌ مِّنَ الْأَخِرِينَ 40

عشق مى‏ورزند (وخوش زبان و فصيح) و همسن و سالند. (37) اينها همه براى اصحاب يمين است، (38) كه گروهى از امّتهاى نخستينند، (39) و گروهى از امّتهاى آخرين. (40)

وَأَصْحبُ الشِّمَالِ مَاأَصْحبُ الشِّمَالِ 41 فِى سَمُومٍ وَحَمِيمٍ 42 وَظِلٍ‏

واصحاب شمال، چه اصحاب شمالى (كه نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده شده) (41) آنها در ميان بادهاى كُشنده و آب سوزان قرار دارند، (42) و در سايه‏

مِّن يَحْمُومٍ 43 لَّابَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ 44 إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذلِكَ مُتْرَفِينَ 45 وَكَانُوا دودهاى متراكم و آتش زا! (43) سايه‏اى كه نه خنك است و نه آرام‏بخش. (44) آنها پيش از اين (در عالَم دنيا) مست و مغرور نعمت بودند، (45) و همواره‏ يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ 46 وَ كَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُراباً

بر گناهان بزرگ اصرار مى‏ورزيدند، (46) و مى‏گفتند: «هنگامى كه ما مُرديم و خاك و استخوان شديم،

وَعِظماً أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ 47 أَوَ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ 48 قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ‏

آيا برانگيخته خواهيم شد؟! (47) و آيا پدران نخستين ما (برانگيخته مى‏شوند)؟!» (48) بگو: «اوّلين‏

وَالْأَخِرِينَ 49 لَمَجْمُوعُونَ إِلَى‏ مِيقتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ 50 ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا

و آخرين، (49) همگى در موعد روزى معين گردآورى مى‏شوند، (50) سپس شما اى‏

الضَّآلُّونَ الْمُكَذِّبُونَ 51 لَأَكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ 52 فَمَالِئُونَ مِنْهَا

گمراهان تكذيب كننده! (51) به يقين از درخت (نفرت‏انگيز) زقّوم مى‏خوريد، (52) و شكمها را از آن‏

الْبُطُونَ 53 فَشرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ 54 فَشرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ 55 هذَا

پر مى‏كنيد، (53) و روى آن از آب سوزان مى‏نوشيد، (54) و همچون شتران تشنه، از آن مى‏آشاميد. (55) اين است‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 43

نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ 56 نَحْنُ خَلَقْنكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ 57 أَفَرَءَيْتُم مَّا تُمْنُونَ‏

وسيله پذيرايى از آنها در روز جزا!» (56) ما شما را آفريديم؛ پس چرا (آفرينش مجدّد را) تصديق نمى‏كنيد؟! (57) آيا از نطفه‏اى كه (در رحم) مى‏ريزيد آگاهيد؟! 58

ءَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخلِقُونَ 59 نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ‏

(58) آيا شما آن را (در دوران جنينى) آفرينش (پى در پى) مى‏دهيد يا ما آفريدگاريم؟! (59) ما در ميان شما مرگ را مقدّر ساختيم؛ و هرگز كسى بر ما

بِمَسْبُوقِينَ 60 عَلَى‏ أَن نُّبَدِّلَ أَمْثلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِى مَا لَاتَعْلَمُونَ 61 وَلَقَدْ

پيشى نمى‏گيرد. (60) تا شما را به صورت ديگرى تبديل كرده و در جهانى كه نمى‏دانيد آفرينشى (تازه) بخشيم! (61) شما عالَم‏

عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى‏ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ 62 أَفَرَءَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ 63 ءَأَنتُمْ‏

نخستين را دانستيد؛ پس چرا متذكّر نمى‏شويد (كه جهانى بعد از آن است)؟! (62) آيا درباره آنچه كشت مى‏كنيد انديشيده‏ايد؟! (63) آيا شما

تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ 64 لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنهُ حُطماً فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ‏

آن را مى‏رويانيد يا ما مى‏رويانيم؟! (64) اگر مى‏خواستيم آن را مبدّل به كاه در هم كوبيده مى‏كرديم تا در تعجب فرو رويد! 65

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ 66 بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ 67 أَفَرَءَيْتُمُ الْمَآءَ الَّذِى تَشْرَبُونَ‏

(65) (بگونه‏اى كه مى‏گفتيد:) براستى ما زيان كرده‏ايم، (66) بلكه ما بكلى محروم شده‏ايم! (67) آيا به آبى كه مى‏نوشيد انديشيده‏ايد؟! (68) 68 ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ 69 لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنهُ أُجَاجاً

آيا شما آن را از ابر نازل كرده‏ايد يا ما نازل مى‏كنيم؟! (69) اگر مى‏خواستيم، اين آب گوارا را تلخ و شور قرار مى‏داديم؛

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ 70 أَفَرَءَيْتُمُ النَّارَ الَّتِى تُورُونَ 71 ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ

پس چرا شُكر نمى‏كنيد؟! (70) آيا درباره آتشى كه مى‏افروزيد فكر كرده‏ايد؟! (71) آيا شما درخت آن را آفريده‏ايد

أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ 72 نَحْنُ جَعَلْنهَا تَذْكِرَةً وَمَتعاً لِّلْمُقْوِينَ 73 فَسَبِّحْ‏

يا ما آفريده‏ايم؟! (72) ما آن را وسيله يادآورى (براى همگان) و وسيله زندگى براى مسافران قرار داده‏ايم. (73) حال كه چنين است به نام‏

بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ 74 فَلَآ أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ 75 وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ‏

پروردگار بزرگت تسبيح گوى (و او را پاك و منزّه بشمار). (74) سوگند به جايگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)! (75) و اين سوگندى است بسيار بزرگ،

عَظِيمٌ 76 إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ 77 فِي كِتبٍ مَّكْنُونٍ 78 لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ‏

اگر بدانيد! (76) كه آن، قرآن پر ارزشى است، (77) كه در كتاب محفوظى جاى دارد، (78) و جز پاكان نمى‏توانند به آن دست زنند (و دست يابند). 79

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعلَمِينَ 80 أَفَبِهذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ 81

(79) آن از سوى پروردگار جهانيان نازل شده؛ (80) آيا اين سخن را [/ اين قرآن را با اوصافى كه گفته شد] سست و كوچك مى‏شمريد، (81)

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص43**

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ 82 فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ 83 وَ أَنتُمْ‏

و به جاى شكر روزيهايى كه به شما داده شده (آن را) تكذيب مى‏كنيد؟! (82) پس چرا هنگامى كه جان به گلوگاه مى‏رسد (توانايى بازگرداندن آن را نداريد)؟! (83) و شما

كليات مفاتيح نوين، ص: 44

حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ 84 وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلكِن لَّاتُبْصِرُونَ 85 فَلَوْلَآ در اين حال نظاره مى‏كنيد (و كارى از دستتان ساخته نيست)؛ (84) و ما از شما به او نزديكتريم ولى نمى‏بينيد. (85) اگر (با انتقال به سراى ديگر، إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ 86 تَرْجِعُونَهَآ إِن كُنتُمْ صدِقِينَ 87 فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ‏

هرگز در برابر اعمالتان) جزا داده نمى‏شويد، (86) پس آن (روح) را بازگردانيد اگر راست مى‏گوييد! (87) (ولى) هرگاه‏

الْمُقَرَّبِينَ 88 فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ 89 وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنْ أَصْحبِ‏

او از مقرّبان باشد، (88) در رَوْح و ريحان و بهشت پرنعمت است. (89) امّا اگر از اصحاب يمين باشد، (90) (به او گفته مى‏شود:) سلام بر تو از سوى اصحاب‏

الْيَمِينِ 90 فَسَلمٌ لَّكَ مِنْ أَصْحبِ الْيَمِينِ 91 وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ‏

يمين (كه از ياران تواند). (91) امّا اگر او از تكذيب كنندگان‏

الضَّالِّينَ 92 فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ 93 وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ 94 إِنَّ هذَا لَهُوَ حَقُ‏

گمراه باشد، (92) با آب سوزان دوزخ پذيرايى مى‏شود (93) و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است؛ (94) به يقين حق‏

الْيَقِينِ 95 فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ 96

و يقين اين است. (95) پس به نام پروردگار بزرگت تسبيح كن (و او را منزّه بشمار). (96)

4- سوره جمعه‏

در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم: «هركس سوره‏جمعه رابخواند، خداوندبه تعداد كسانى كه دربلاد مسلمين در نماز جمعه شركت مى‏كنند و كسانى كه شركت نمى‏كنند، به او ده حسنه مى‏بخشد».[[46]](#footnote-46) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى السَّمواتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است همواره تسبيح خدا مى‏گويند، خداوندى كه مالك و حاكم است و از هر عيب و نقصى مبرّا، و توانا

الْحَكِيمِ 1 هُوَ الَّذِى بَعَثَ فِى الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايتِهِ‏

و حكيم است. (1) او كسى است كه‏در ميان جمعيّت درس نخوانده پيامبرى از خودشان برانگيخت كه آياتش را بر آنها بخواند

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتبَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِى ضَللٍ مُّبِينٍ‏

و آنها را تزكيه كند و به آنان كتاب (قرآن) و حكمت بياموزد، هرچند پيش از آن در گمراهى آشكارى بودند. 2

كليات مفاتيح نوين، ص: 45

وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ 3 ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ‏

(2) و (همچنين) پيامبر است بر گروه ديگرى كه هنوز به آنها ملحق نشده‏اند؛ و او توانا و حكيم است. (3) اين فضل خداست‏

يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ 4 مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَ‏

كه به هركس بخواهد (و شايسته بداند) مى‏بخشد؛ و خداوند داراى فضل عظيم است. (4) داستان كسانى كه مكلّف‏به تورات شدند ولى‏

لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

حق آن را ادا نكردند، مانند داستان درازگوشى است كه كتابهايى حمل مى‏كند، (امّا چيزى از آن نمى‏فهمد). چه بد است مثل گروهى كه‏

بَايتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَايَهْدِى الْقَوْمَ الظلِمِينَ 5 قُلْ يأَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن‏

آيات خدا را انكار كردند، و خداوند قوم ستمگر را هدايت نمى‏كند. (5) بگو: «اى يهوديان! اگر گمان مى‏كنيد كه (فقط) شما

زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صدِقِينَ‏

دوستان خداييد نه ساير مردم، پس اگر راست مى‏گوييد آرزوى مرگ كنيد (تا به لقاى محبوبتان برسيد)!» 6

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَداً بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظلِمِينَ 7 قُلْ‏

(6) ولى آنان بخاطر اعمالى كه از پيش فرستاده‏اند، هرگز آرزوى مرگ نمى‏كنند؛ و خداوند ستمگران را بخوبى مى‏شناسد. (7) بگو:

إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِى تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى‏ علِمِ الْغَيْبِ‏

«مرگى كه از آن فرار مى‏كنيد سرانجام با شما ملاقات خواهد كرد؛ سپس به سوى كسى كه داناى پنهان‏

وَالشَّهدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ 8 يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِىَ‏

و آشكار است باز گردانده مى‏شويد؛ آنگاه شما را از آنچه انجام مى‏داديد خبر مى‏دهد.» (8) اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! هنگامى كه براى نماز

لِلصَّلَوةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى‏ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ‏

روز جمعه اذان گفته شود، به سوى ذكر خدا (و نماز) بشتابيد و خريد و فروش را رها كنيدكه اين براى شما بهتر است‏

إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ 9 فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوةُ فَانتَشِرُوا فِى الْأَرْضِ وَابْتَغُوا

اگر مى‏دانستيد! (9) و هنگامى كه نماز پايان گرفت (مى‏توانيد) در زمين پراكنده شويد (و به سراغ كسب و كار رفته)

مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيراً لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ 10 وَإِذَا رَأَوْا تِجرَةً أَوْ

و از فضل خدا بطلبيد، و خدا را بسيار ياد كنيد تا رستگار شويد. (10) هنگامى كه آنها تجارت يا

لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِماً قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ‏

سرگرمى و لهوى را ببينند پراكنده مى‏شوند و به سوى آن مى روند و تو را ايستاده به حال خود رها مى‏كنند؛ بگو: «آنچه نزد خداست بهتر از لهو

التِّجرَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ 11

و تجارت است، و خداوند بهترين روزى دهندگان است.» (11)

كليات مفاتيح نوين، ص: 46

5- سوره منافقون‏

در حديثى از پيغمبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله آمده است: «كسى كه سوره منافقون را بخواند از هرگونه نفاق پاك مى‏شود».[[47]](#footnote-47) و در حديثى از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم:

«بر هر مؤمنى از شيعيان ما لازم است كه در شب جمعه، سوره «جمعه» و «سبّح اسم ربِّكَ الأعلى» را بخواند، و در نماز ظهر جمعه، سوره «جمعه» و «منافقون» را بخواند؛ سپس افزود: «هنگامى كه چنين كند گويى عملى همانند عمل رسول خدا صلى الله عليه و آله را انجام داده و جزا و پاداشش بر خدا، بهشت است».[[48]](#footnote-48) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

إِذَا جَاءَكَ الْمُنفِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ‏

هنگامى‏كه منافقان نزد تو آيند مى‏گويند: «ما شهادت مى‏دهيم كه به يقين تو پيامبر خدا هستى!» خداوند مى‏داند كه تو پيامبر او هستى،

وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنفِقِينَ لَكذِبُونَ 1 اتَّخَذُوا أَيْمنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن‏

ولى خداوند شهادت مى‏دهد كه منافقان دروغگو هستند (زيرا گفته خود ايمان ندارند). (1) آنها سوگندهايشان را پوششى قرار دادند تا (مردم را) از

سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ 2 ذلِكَ بِأَ نَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ‏

راه خدا باز دارند، و چه بد است آنچه انجام مى‏دادند. (2) اين بخاطر آن است كه (نخست) ايمان آوردند سپس كافر شدند؛ از اين رو

عَلَى‏ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَايَفْقَهُونَ 3 و إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِن‏

بر دلهاى آنان مُهر نهاده شده، و (حقيقت را) درك نمى‏كنند. (3) هنگامى كه آنها را مى‏بينى، ظاهر (آراسته) آنان تو را درشگفتى فرو مى‏برد؛ و اگر سخن بگويند،

يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَ نَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ‏

به سخنانشان گوش فرا مى‏دهى؛ امّا گويى چوبهاى خشكى هستند كه به ديوار تكيه داده شده است! هر فريادى (از هر جا) بلند شود بر ضد خود مى‏پندارند؛

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى‏ يُؤْفَكُونَ 4 وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا

آنها دشمنان واقعى (تو) هستند، از آنان بر حذر باش! خدا آنها را بكشد، چگونه (از حق) منحرف مى‏شوند؟! (4) هنگامى كه به آنان گفته شود: «بياييد تا پيامبر خدا

يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ‏

براى شما طلب آمرزش كند.»، سرهاى خود را (از روى استهزاء و غرور) تكان مى‏دهند؛ و آنها را مى‏بينى كه از سخنان تو اعراض كرده وتكبّر مى‏ورزند. 5

كليات مفاتيح نوين، ص: 47

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ‏

(5) براى آنها آمرزش بخواهى يا نخواهى بر ايشان تفاوت نمى‏كند، هرگز خداوند آنان را نمى‏بخشد؛ زيرا خداوند گروه‏

لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفسِقِينَ 6 هُمُ‏الَّذِينَ يَقُولُونَ لَاتُنفِقُوا عَلَى‏ مَنْ عِندَ

فاسقان (لجوج و منافق) را هدايت نمى‏كند. (6) آنها كسانى هستند كه مى‏گويند: «به افرادى كه نزد

رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى‏ يَنفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّموَ تِ وَالْأَرْضِ وَلكِنَ‏

پيامبر خدا هستند انفاق نكنيد تا پراكنده شوند.» (غافل از اين‏كه) خزاين آسمانها و زمين از آنِ خداست،

الْمُنفِقِينَ لَايَفْقَهُونَ 7 يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ

ولى منافقان نمى‏فهمند. (7) آنها مى‏گويند: «اگر به مدينه باز گرديم، عزيزان، ذليلان را بيرون مى‏كنند!»

مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلكِنَّ الْمُنفِقِينَ لَايَعْلَمُونَ‏

در حالى كه عزّت مخصوص خدا و پيامبر او و مؤمنان است؛ ولى منافقان نمى‏دانند. 8

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتُلْهِكُمْ أَمْولُكُمْ وَلَا أَوْلدُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن‏

(8) اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! اموال و فرزندانتان شما را از ياد خدا غافل نكند!

يَفْعَلْ ذلِكَ فَأُوْلئِكَ هُمُ الْخسِرُونَ 9 وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَ زَقْنكُم مِّن قَبْلِ‏

وكسانى كه چنين كنند، زيانكارانند. (9) و از آنچه به شما روزى داده‏ايم انفاق كنيد،

أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِى إِلَى‏ أَجَلٍ قَرِيبٍ‏

پيش از آن‏كه مرگ يكى از شما فرا رسد و بگويد: «پروردگارا! چرا مرگِ مرا مدّت كمى به تأخير نينداختى‏

فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصلِحِينَ 10 وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا

تا (در راه تو) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» (10) خداوند هرگز مرگ كسى را هنگامى كه اجل او فرا رسد به تأخير نمى‏اندازد،

وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ 11

و خداوند به آنچه انجام مى‏دهيد آگاه است. (11)

6- سوره نبأ

(عمّ يتسائلون)

در حديثى از پيغمبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله آمده است: «كسى كه سوره «عمّ يتسائلون» را بخواند، خداوند از شراب طهور گواراى بهشتى در قيامت سيرابش مى‏كند».[[49]](#footnote-49)

كليات مفاتيح نوين، ص: 48

و در حديثى از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم: «كسى كه هر روز، سوره عمّ يتسائلون را ادامه دهد توفيق زيارت خانه خدا را پيدا مى‏كند».[[50]](#footnote-50) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ 1 عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ 2 الَّذِى هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ 3 كَلَّا

آنها از چه چيز از يكديگر سؤال مى‏كنند؟! (1) از خبر بزرگ و پر اهميّت (رستاخيز)! (2) كه پيوسته در آن اختلاف دارند. (3) چنين نيست (كه آنها فكر مى‏كنند)،

سَيَعْلَمُونَ 4 ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ 5 أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهداً 6 وَالْجِبَالَ‏

بزودى خواهند دانست. (4) باز هم چنين نيست (كه آنها مى‏پندارند)، بزودى مى‏دانند (كه قيامت حق است)! (5) آيا زمين را محل آرامش (شما) قرار نداديم؟! (6) و كوهها را

أَوْتَاداً 7 وَخَلَقْنكُمْ أَزْوَاجاً 8 وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتاً 9 وَجَعَلْنَا الَّيْلَ‏

ميخهايى (براى زمين)؟! (7) و شما را بصورت زوجها آفريديم! (8) و خواب شما رامايه آرامشتان قرار داديم، (9) و شب را

لِبَاساً 10 وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً 11 وَ بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعاً شِدَاداً 12

پوششى (براى شما)، (10) و روز را وسيله‏اى براى زندگى و معاش. (11) و بر فراز شما هفت (آسمان) محكم‏بنا كرديم. (12)

وَجَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَّاجاً 13 وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَ تِ مَآءً ثَجَّاجاً 14 لِّنُخْرِجَ‏

و چراغى روشن و حرارت بخش آفريديم! (13) و از ابرهاى باران‏زا آبى فراوان نازل كرديم. (14) تا بوسيله آن‏

بِهِ حَبَّاً وَنَبَاتاً 15 وَجَنتٍ أَلْفَافاً 16 إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقتَاً 17 يَوْمَ‏

دانه و گياه بسيار برويانيم، (15) و باغهايى پر درخت. (16) (آرى) روز جدايى (حق از باطل)، ميعاد همگان است! (17) روزى كه‏

يُنْفَخُ فِى الْصُّورِ فَتَأَتُونَ أَفْوَاجاً 18 وَفُتِحَتِ الْسَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَاباً 19

در «صور» دميده مى‏شود و شما فوج فوج (به محشر) مى‏آييد. (18) و آسمان گشوده مى‏شود و بصورت درهاى متعددى در مى‏آيد. (19) و

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَاباً 20 إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً 21 لِّلطغِينَ‏

كوهها به حركت درمى‏آيد (و متلاشى مى‏شود) و بصورت سرابى خواهد شد. (20) به يقين (در آن روز) جهنم كمينگاهى است بزرگ، (21) و محل بازگشتى‏

مَأَباً 22 لبِثِينَ فِيهَآ أَحْقَاباً 23 لَّايَذُوقُونَ فِيهَا بَرْداً وَلَاشَرَاباً 24 إِلَّا

براى طغيانگران. (22) مدتهاى طولانى در آن مى‏مانند. (23) در آن جا نه چيز خنكى مى‏چشند و نه نوشيدنى گوارايى، (24) جز آبى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 49

حَمِيماً وَغَسَّاقاً 25 جَزَآءً وِفَاقاً 26 إِنَّهُمْ كَانُوا لَايَرْجُونَ حِسَاباً 27

سوزان و مايعى از چرك و خون. (25) اين مجازاتى است موافق و مناسب (اعمالشان). (26) چرا كه آنها هيچ اميدى به حساب نداشتند، (27)

وَكَذَّبُواْ بِأَيتِنَا كِذَّاباً 28 وَكُلَّ شَىْ‏ءٍ أَحْصَيْنهُ كِتباً 29 فَذُوقُواْ فَلَن‏

و آيات ما را به طور كامل تكذيب كردند. (28) و ما همه چيز را در كتابى شمارش و ثبت كرده‏ايم. (29) پس (به آنان گفته مى‏شود:) بچشيد كه چيزى جز

نَّزِيدَكُمْ إلَّاعَذَاباً 30 إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً 31 حَدَآئِقَ وَأَعْنباً 32 وَكَوَاعِبَ‏

عذاب بر شما نمى‏افزاييم! (30) به يقين براى پرهيزگاران نجات و رستگارى بزرگى است: (31) باغهايى سرسبز، و انواع انگورها، (32) و حوريانى بسيار جوان‏

أَتْرَاباً 33 وَكَأْسَاً دِهَاقاً 34 لَّايَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوَاً ولَا كِذَّاباً 35 جَزَآءً مِّن‏

و همسن و سال، (33) و جامهايى لبريز و پياپى (از شراب طهور). (34) در آن جا نه سخن لغو و بيهوده‏اى مى‏شنوند و نه دروغى. (35) اين پاداشى است از

رَبِّكَ عَطَآءً حِسَاباً 36 رَّبِّ السَّموَ تِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمنِ لَا

سوى پروردگارت و عطيه‏اى است مطابق (اعمالشان). (36) همان پروردگار آسمانها و زمين و آنچه در ميان آن دو است، همان پروردگار رحمان؛ و (در آن روز)

يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَاباً 37 يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلئِكَةُ صَفًّا لَّايَتَكَلَّمُونَ إِلَّا

هيچ كس حق ندارد بى اجازه او سخنى بگويد (يا شفاعتى كند). (37) روزى كه «روح» و «ملائكه» به صف مى‏ايستند و هيچ يك، جز

مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَقَالَ صَوَاباً 38 ذَ لِكَ الْيَومُ الْحَقُّ فَمَن شَآءَ اتَّخَذَ

به اذن خداوند رحمان، سخن نمى‏گويند، و (آنگاه كه مى‏گويند) درست مى‏گويند. (38) آن روز حق است؛ هر كس بخواهد (اكنون) راه‏

إِلَى‏ رَبِّهِ مَآباً 39 إِنَّآ أَنْذَرْنكُمْ عَذَاباً قَرِيباً يَوْمَ يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ‏

بازگشتى به سوى پروردگارش برمى‏گزيند. (39) و ما شما را از عذاب نزديكى بيم داديم؛ در روزى كه انسان آنچه را از قبل با دستهاى خود

يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يلَيْتَنِى كُنْتُ تُرَاباً 40

فرستاده مى‏بيند، و كافر مى‏گويد: «اى كاش خاك بودم (و گرفتار عذاب نمى‏شدم)!» (40)

7- سوره أعلى‏

در فضيلت تلاوت اين سوره همين بس كه در روايتى آمده كه يكى از ياران على عليه السلام مى‏گويد: «بيست شب پشت سر آن حضرت نماز خواندم، جز سوره أعلى را در نماز نمى‏خواند و مى‏فرمود اگر مى‏دانستيد چه بركاتى در آن است، هر يك از شما در هر روز بيست بار آن را تلاوت مى‏كرديد، و هر كس آن را بخواند گويى كتب و صحف موسى و ابراهيم را تلاوت كرده است».[[51]](#footnote-51)

كليات مفاتيح نوين، ص: 50

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلَى 1 الَّذِى خَلَقَ فَسَوَّى‏ 2 وَالَّذِى قَدَّرَ فَهَدَى‏ 3

منزّه شمار نام پروردگار بلند مرتبه‏ات را! (1) همان خداوندى كه آفريد و موزون ساخت، (2) و همان كس كه اندازه‏گيرى كرد و هدايت نمود، (3)

وَالَّذِى أَخْرَجَ الْمَرْعَى‏ 4 فَجَعَلَهُ غُثَآءً أَحْوَى‏ 5 سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى‏ 6

و آن كس كه چراگاه را به وجود آورد، (4) سپس آن را تيره و خشكيده ساخت. (5) ما بزودى (قرآن را) بر تو مى‏خوانيم و هرگز فراموش نخواهى كرد، (6)

إِلَّا مَا شَآءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الجَهْرَ وَمَا يَخْفَى‏ 7 وَ نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى‏ 8 فَذَكِّرْ

مگر آنچه را خدا بخواهد، كه او آشكار و نهان را مى‏داند. (7) و ما انجام كار خير را براى تو آسان مى‏سازيم. (8) پس تذكر ده‏

إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى‏ 9 سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَى‏ 10 وَ يَتَجَنَّبُهَا الأَشْقَى‏ 11 الَّذِى‏

به يقين تذكّر مفيد خواهد بود. (9) بزودى آن‏كه از خدا مى‏ترسد متذكّر مى‏شود. (10) امّا بدبخت‏ترين افراد از آن دورى مى‏گزيند، (11) همان كسى‏

يَصْلَى النَّارَ الكُبْرَى‏ 12 ثُمَّ لَايَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى‏ 13 قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّى‏

كه در آتش عظيم (دوزخ) وارد مى‏شود، (12) سپس در آن آتش نه مى‏ميرد و نه زنده مى‏شود. (13) به‏يقين كسى كه خود را پاكيزه ساخت، رستگار شد. 14

وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى‏ 15 بَلْ تُؤْثِرُونَ الحَيَوةَ الدُّنْيَاا 16 وَالأَخِرَةُ خَيْرٌ

(14) و (آن كس كه) نام پروردگارش را ياد كرد و نماز خواند. (15) ولى شما زندگى دنيا را مقدّم مى‏داريد، (16) در حالى كه آخرت بهتر

وَأَبْقَى 17 إِنَّ هذا لَفِى الصُّحُفِ الْأُولى‏ 18 صُحُفِ إِبْرهِيمَ وَمُوسَى‏ 19

و پايدارتر است. (17) اين (دستورها) در كتب آسمانى پيشين (نيز) آمده است، (18) در كتب ابراهيم و موسى. (19)

8- سوره شمس‏

در فضيلت تلاوت اين سوره، همين بس كه در حديثى از پيغمبر صلى الله عليه و آله آمده است: «هر كس آن را بخواند گويى به عدد چيزهايى كه خورشيد و ماه بر آنها مى‏تابد در راه خدا صدقه داده است!».[[52]](#footnote-52) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

وَالشَّمْسِ وَضُحهَا 1 وَالْقَمَرِ إِذَا تَلهَا 2 وَالنَّهَارِ إِذَا جَلهَا 3 وَاللَّيْلِ‏

به خورشيد و گسترش نور آن در صبحگاهان سوگند، (1) و به ماه هنگامى كه از پى آن در آيد، (2) و به روز هنگامى كه خورشيد را آشكار سازد، (3) و به شب آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 51

إِذَا يَغْشهَا 4 وَالْسَّمَآءِ وَمَا بَنهَا 5 وَالْأَرْضِ وَمَا طَحهَاا 6 وَنَفْسٍ وَمَا

هنگام كه آن را بپوشاند، (4) و سوگند به آسمان و كسى كه آن را بنا كرده، (5) و به زمين و كسى كه آن را گسترانيده، (6) و سوگند به روح آدمى و آن كس‏

سَوَّاهَاا 7 فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا 8 قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكهَا 9 وَ قَدْ

كه آن را (آفريده و) موزون ساخته، (7) سپس فجور و تقوايش [/ شر و خيرش‏] را به او الهام كرده است، (8) كه هر كس نفس خود را پاك و تزكيه كرده، رستگار شده؛ (9) و

خَابَ مَن دَسهَا 10 كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَآ 11 إِذِ انْبَعَثَ أَشْقهَا 12

آن كه نفس خويش را با معصيت و گناه آلوده ساخته، نوميد و محروم گشته است! (10) قوم «ثمود» بر اثر طغيانشان، (پيامبر خود را) تكذيب كردند، (11) آنگاه كه شقى‏ترين آنها

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيهَا 13 فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ‏

به پا خاست؛ (12) و پيامبر خدا به آنان گفت: «ناقه (و معجزه خداوند) را با آبشخورش واگذاريد.» (13) ولى آنها او را تكذيب و ناقه را پى كردند (و به هلاكت رساندند)؛ از

عَلَيهِم رَبُّهُم بِذَنْبِهِم فَسَوَّاهَا 14 وَ لَايَخَافُ عُقْبهَا 15

اين رو پروردگارشان آنها را بخاطر گناهشان درهم كوبيد و با خاك يكسان كرد. (14) و او هرگز از فرجام مجازات ستمگران، باك ندارد. (15)

9- سوره شرح‏

(الم نشرح)

در فضيلت تلاوت اين سوره در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم كه فرمود: «هر كس اين سوره را بخواند، پاداش كسى را دارد كه محمّد صلى الله عليه و آله را غمگين ديده و اندوه را از قلب او زدوده است».[[53]](#footnote-53) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ 1 وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ 2 الَّذِى أَنقَضَ ظَهْرَكَ 3

آيا ما سينه تو را گشاده نساختيم، (1) و بار سنگينت را از (دوش) تو برنداشتيم؟! (2) همان بارى كه سخت بر پشت تو سنگينى مى‏كرد. (3)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ 4 فَإِنَّ مَعَ العُسْرِ يُسْراً 5 إِنَّ مَعَ العُسْرِ يُسْراً 6 فَإِذَا

و آوازه تو را بلند ساختيم. (4) (آرى) به يقين با سختى آسانى است. (5) مسلّماً با سختى آسانى است، (6) پس هنگامى‏

فَرَغْتَ فَانصَبْ 7 وَ إلَى‏ رَبِّكَ فَارْغَب 8

كه از مهمّى فارغ مى‏شوى به مهمّ ديگرى پرداز، (7) و به سوى پروردگارت توجّه كن. (8)

10- سوره قدر

در فضيلت تلاوت اين سوره همين بس كه از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل است كه فرمود: «هر كس آن را تلاوت كند، مانند كسى است كه ماه رمضان را روزه گرفته، و شب قدر را احيا داشته است».[[54]](#footnote-54)

كليات مفاتيح نوين، ص: 52

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

إِنَّآ أَنزَلنهُ فِى لَيْلَةِ الْقَدْرِ 1 وَمَآ أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ 2 لَيْلَةُ الْقَدْرِ

به يقين ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل كرديم. (1) و تو چه مى‏دانى شب قدر چيست؟! (2) شب قدر

خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ 3 تَنَزَّلُ الْمَلئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ

بهتر از هزار ماه است. (3) فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان براى (تقدير) هر امرى نازل مى‏شوند.

4 سَلمٌ هِىَ حَتَّى‏ مَطْلَعِ الْفَجْرِ 5

(4) شبى است سرشار از سلامت (و بركت و رحمت) تا طلوع سپيده. (5)

11- سوره زلزله‏

در فضيلت اين سوره تعبيرات مهمّى در روايات اسلامى آمده، از جمله در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم: «هر كس آن را تلاوت كند گويى سوره بقره را قرائت كرده، و پاداش او به اندازه كسى است كه يك چهارم قرآن را تلاوت كرده باشد».[[55]](#footnote-55) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

إِذَا زُلْزِلَتِ الأَرْضُ زِلْزَالَهَا 1 وَأَخْرَجَتِ الأَرْضُ أَثْقَالَهَا 2 وَقَالَ‏

هنگامى كه زمين شديداً به لرزه درآيد، (1) و زمين بارهاى سنگينش را خارج سازد. (2) و انسان مى‏گويد:

الأِنْسنُ مَا لَهَا 3 يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا 4 بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى‏ لَهَا 5

«زمين را چه مى‏شود (كه اين گونه مى‏لرزد)»؟! (3) در آن روز زمين تمام خبرهايش را بازگو مى‏كند؛ (4) چرا كه پروردگارت به آن وحى كرده است. (5)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتاً لِّيُرَوْاأَعْملَهُمْ 6 فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

در آن روز مردم بصورت گروههاى پراكنده (از قبرها) خارج مى‏شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. (6) پس هر كس هموزن ذرّه‏اى كار

خَيْرَاً يَرَهُ 7 وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرَّاً يَرَهُ 8

خير انجام دهد آن را مى‏بيند. (7) و هر كس هموزن ذرّه‏اى كار بد كرده آن را (نيز) مى‏بيند. (8)

كليات مفاتيح نوين، ص: 53

12- سوره عاديات‏

در فضيلت تلاوت اين سوره از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم: «هر كس سوره «والعاديات» را بخواند و بر آن مداومت كند، خداوند روز قيامت او را با اميرمؤمنان عليه السلام مبعوث مى‏كند و در جمع او و دوستان او خواهد بود».[[56]](#footnote-56) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

وَالْعدِيتِ ضَبْحاً 1 فَالْمُورِيتِ قَدْحاً 2 فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحاً 3 فَأَثَرْنَ‏

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالى كه نفس زنان به پيش مى‏تاختند، (1) و سوگند به افروزندگان جرقه آتش در برخورد سمهايشان (با سنگهاى بيابان)، (2) و سوگند به‏

بِهِ نَقْعَاً 4 فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً 5 إِنَّ الْإِنسنَ لِرَبِّهَ لَكَنُودٌ 6 وَإِنَّهُ عَلَى‏

هجوم آوران در سپيده دم، (3) كه گرد و غباربه هر سو پراكندند، (4) و (ناگهان) در ميان جمع (دشمن) ظاهر شدند، (5) كه انسان در برابر نعمتهاى پروردگارش بسيار ناسپاس‏

ذلِكَ لَشَهِيدٌ 7 وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيْدٌ 8 أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِى‏الْقُبُورِ

و بخيل است؛ (6) و او خود (نيز) بر اين گواه است؛ (7) و به يقين او علاقه شديد به مال دارد. (8) آيا نمى‏داند در آن زمان كه تمام كسانى كه در قبرها هستند برانگيخته 9

وَحُصِّلَ مَا فِى الصُّدُورِ 10 إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ 11

مى‏شوند، (9) و آنچه در درون سينه‏هاست آشكار مى‏گردد، (10) در آن روز پروردگارشان از آنها كاملًا آگاه است؟! (11)

13- سوره تكاثر

در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله آمده است كه فرمود:

«كسى كه اين سوره را بخواند، خداوند در برابر نعمت‏هايى كه در دنيا به او داده او را مورد حساب قرار نمى‏دهد».[[57]](#footnote-57) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

أَلْهكُمُ التَّكَاثُرُ 1 حَتَّى‏ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ 2 كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ 3 ثُمَ‏

افزون‏طلبى (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته است. (1) تا آن جا كه به ديدار قبرها رفتيد (و به فزونى قبور مردگانتان افتخار كرديد). (2) چنين نيست بزودى خواهيد

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ 4 كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ 5 لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ 6

دانست! (3) باز چنان نيست؛ بزودى خواهيد دانست! (4) هرگز چنان نيست (كه شما خيال مى‏كنيد)؛ اگر شما علم‏اليقين (به آخرت) داشتيد (5) به يقين شما جهنم را خواهيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 54

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ 7 ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ 8

ديد. (6) سپس (با ورود در آن) آن را به عين اليقين مشاهده خواهيد كرد. (7) سپس در آن روز (همه شما) از نعمتها (ى الهى) بازپرسى خواهيد شد. (8)

14- سوره كوثر

در فضيلت تلاوت اين سوره در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله آمده است: «هر كس آن را تلاوت كند خداوند او را از نهرهاى بهشتى سيراب خواهد كرد ...».[[58]](#footnote-58) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

إِنَّآ أَعْطَيْنكَ الكَوْثَرَ 1 فَصَلِّ لِرَبِّكَ وانْحَرْ 2 إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الأَبْتَرُ 3

به يقين ما به تو كوثر (و خير و بركت فراوان) عطا كرديم. (1) پس براى پروردگارت نماز بخوان و قربانى كن. (2) (و بدان) دشمن تو به يقين ابتر و بريده نسل است. (3)

15- سوره كافرون‏

درباره فضيلت اين سوره روايات فراوانى نقل شده كه حاكى از اهمّيّت محتواى آن است، از جمله:

در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمود: «كسى كه سوره «قُل يا أيّها الكافرون» را بخواند، گويى ربع قرآن را خوانده و شياطين طغيانگر از او دور مى‏شوند و از شرك پاك مى‏گردد و از وحشت (روز قيامت) در امان خواهد بود».[[59]](#footnote-59) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

قُلْ‏يأَيُّهَاالْكفِرُونَ 1 لَآ أَعْبُدُمَاتَعْبُدُونَ 2 وَلَآ أَنْتُمْ عبِدُونَ‏مَآأَعْبُدُ 3 وَلَآ

بگو: اى كافران! (1) آنچه را شما مى‏پرستيد من نمى‏پرستم. (2) و نه شما آنچه را من مى‏پرستم مى‏پرستيد، (3) و نه من آنچه‏

أَنَا عَابِدٌ مَّاعَبَدتُّمْ 4 ولَآ أَنْتُمْ عبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ 5 لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِىَ دِينِ 6

را شما پرستش كرده‏ايد مى‏پرستم، (4) و نه شما آنچه را كه من مى‏پرستم پرستش مى‏كنيد؛ (5) (حال كه چنين است) آيين شما براى خودتان، و آيين من براى خودم! (6)

كليات مفاتيح نوين، ص: 55

16- سوره نصر

در فضيلت تلاوت اين سوره در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله آمده است: «كسى كه آن را تلاوت كند همانند اين است كه در خدمت پيغمبر صلى الله عليه و آله در فتح مكّه بوده است».[[60]](#footnote-60) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ 1 وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِى دِينِ اللَّهِ‏

هنگامى كه يارى خدا و پيروزى (بر مشركان مكه) فرا رسد، (1) و ببينى مردم گروه گروه وارد دين خدا

أَفْوَاجَاً 2 فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ واسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا 3

مى‏شوند، (2) پروردگارت را تسبيح و حمد گوى و از او آمرزش بخواه كه او بسيار توبه‏پذير است. (3)

17- سوره اخلاص (قل هو اللَّه)

در فضيلت تلاوت اين سوره، روايات زيادى در منابع معروف اسلامى آمده است كه حاكى از عظمت فوق‏العاده آن مى‏باشد، از جمله: در حديثى از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم كه فرمود: «آيا كسى از شما توانايى دارد يك سوم قرآن را در يك شب بخواند؟!». يكى از حاضران عرض كرد: اى رسول خدا! آيا اين كار ممكن است؟ فرمود: «قل هو اللَّه احد را بخوانيد».[[61]](#footnote-61) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ 1 اللَّهُ الصَّمَدُ 2 لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ 3 وَلَمْ يَكُن لَّهُ‏

بگو: «او خداوند، يكتا و يگانه است؛ (1) خداوندى بى‏نياز است كه همه نيازمندان قصد او مى‏كنند؛ (2) (هرگز) نزاد، و زاده نشد؛ (3) و براى او هيچ‏گاه شبيه‏

كُفُواً أَحَدٌ 4

و مانندى نبوده است.» (4)

كليات مفاتيح نوين، ص: 56

18- سوره فلق‏

در فضيلت اين سوره از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود: «آياتى بر من نازل شده كه همانند آنها نازل نشده است و آن دو سوره «فلق» و «ناس» است».[[62]](#footnote-62) و در حديث ديگرى از امام باقر عليه السلام مى‏خوانيم: «كسى كه در سه ركعت نماز «شفع» و «وتر» سوره «فلق» و «ناس» و «قل هو اللَّه أحد» را بخواند به او گفته مى‏شود: بشارت باد بر تو، خداوند نماز تو را قبول كرد».[[63]](#footnote-63) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ 1 مِن شَرِّ مَا خَلَقَ 2 وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ 3

بگو: «پناه مى‏برم به پروردگار سپيده صبح، (1) از شرّ آنچه آفريده است؛ (2) و از شرّ هر موجود شرور هنگامى كه شبانه وارد مى‏شود؛ (3)

وَ مِن شَرِّ النَّفثتِ فِى الْعُقَدِ 4 وَ مِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ 5

و از شرّ آنها كه (با افسون و سحر) در گره‏ها مى‏دمند؛ (4) و از شرّ حسود هنگامى كه حسد مى‏ورزد.» (5)

19- سوره ناس‏

در فضيلت تلاوت اين سوره (غير از روايتى كه در بيان فضيلت سوره فلق گذشت) روايات متعدّدى وارد شده است.[[64]](#footnote-64) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ 1 مَلِكِ النَّاسِ 2 إِلهِ النَّاسِ 3 مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ‏

بگو: «پناه مى‏برم به پروردگار مردم، (1) مالك و حاكم مردم، (2) معبود مردم، (3) از شرّ وسوسه‏گر

الْخَنَّاسِ 4 الَّذِى يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ النَّاسِ 5 مِن الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ 6

پنهانكار. (4) كه در درون سينه مردمان وسوسه مى‏كند، (5) خواه از جنّ باشد يا از انسان» (6)

كليات مفاتيح نوين، ص: 57

20- «آيةالكرسى» يكى از مهمترين آيات قرآن‏

در اهمّيّت و فضيلت اين آيه همين بس كه از پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله نقل شده است كه از يكى از ياران خود سؤال كرد «كدام آيه برترين آيه كتاب اللَّه است؟» عرض كرد:

اللَّهُ لا إلهَ إلَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ ...

پيامبر صلى الله عليه و آله دست بر سينه او زد و فرمود: «دانش بر تو گوارا باد ...».[[65]](#footnote-65) در حديث ديگرى از حضرت على عليه السلام از پيامبر صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم كه فرمود: «برگزيده قرآن، سوره بقره و برگزيده بقره، آيةالكرسى است، در آن، پنجاه كلمه و در هر كلمه بركتى است».[[66]](#footnote-66) در حديث ديگرى آمده است كه هر كس به بستر مى‏رود، تسبيح حضرت زهرا عليها السلام بگويد، سپس آيةالكرسى را بخواند تا صبح از همه چيز در امان خواهد بود.[[67]](#footnote-67) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللَّهُ لَآإِلهَ إلَّاهُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَاتَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي‏

هيچ معبودى جز خداوندِ يگانه زنده و پاينده نيست، (خداوندى كه قائم به ذات خويش است، و موجودات ديگر، قائم به او). هيچ گاه خواب سبك و سنگينى او را فرا نمى‏گيرد؛

السَّموتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ‏

(و لحظه‏اى از تدبير جهان هستى، غافل نمى‏ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است، از آن اوست. كيست كه در نزد او، جز به فرمانش شفاعت كند؟! آينده و گذشته بندگان را

أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَ لَايُحِيطُونَ بِشَىْ‏ءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ‏

مى‏داند؛ و كسى از علم او آگاه نمى‏گردد؛ جز به مقدارى كه‏او بخواهد. (اوست كه به همه چيز آگاه است؛ و علم و دانش محدود ديگران، پرتوى از علمِ بى‏پايان و نامحدود اوست).

كُرْسِيُّهُ السَّموتِ وَالْأَرْضَ وَلَايُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ 255 لَآ

تخت (حكومت) او، آسمانها و زمين را دربرگرفته؛ و نگاهدارى آن دو [/ آسمان و زمين‏]، او را خسته نمى‏كند. و اوست بلند مرتبه و با عظمت. (255) اكراهى‏

إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَىِّ فَمَن يَكْفُرْ بِالطغُوتِ وَ يُؤْمِن‏

در قبول دين، نيست. (زيرا) راه درست از راه انحرافى، روشن شده است. بنابراين، كسى كه به طاغوت [/ بت و شيطان، و هر موجود طغيانگر] كافر شود و به خدا ايمان آورد،

بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى‏ لَاانفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ 256 اللَّهُ‏

به محكم‏ترين دستگيره چنگ زده است، كه گسستن براى آن نيست. و خداوند، شنوا و داناست. (256) خداوند،

كليات مفاتيح نوين، ص: 58

وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُواْ

ولىّ و سرپرست كسانى است كه ايمان آورده‏اند؛ آنها را از ظلمتها خارج ساخته، به سوى نور مى‏برد. ولى كسانى كه كافر

أَوْلِيَآؤُهُمُ الطغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمتِ أُوْلئِكَ أَصْحبُ‏

شدند، اولياى آنها طاغوتها هستند؛ كه آنها را از نور خارج ساخته، به سوى ظلمتها مى‏برند؛ آنها اهل‏

النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ 257

دوزخند و جاودانه در آن خواهند بود. (257)

نكته:

همان‏گونه كه در آغاز اين سوره‏ها گفتيم شواهد و قرائن فراوانى در دست است كه نشان مى‏دهد اين آثار، بركات و پاداش‏ها از آن كسى است كه در محتواى اين آيات بينديشد و آن را در زندگى خود پياده كند.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 60

بخش دوم: مناجات ها و دعاهاى معروف‏

اهميّت و آثار دعا و مناجات‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 61

مقدّمه: اهميّت و آثار دعا و مناجات‏

همان‏گونه كه در آغاز كتاب گذشت، دعا و مناجات يكى از بهترين وسيله‏هاى ارتباط معنوى با خداوند و كسب صفاى باطن و تهذيب نفس است.

اگر دعا كننده بداند چه كسى را مى‏خواند و در برابر چه بزرگى به راز و نياز مشغول است و چه مفاهيم بلندى در دعاهاى معروف آمده است، چنان سرمست از باده مناجات مى‏شود كه هيچ لذّتى را در عالم با آن برابر نمى‏يابد.

دعا و مناجات، روح را صفا، جان را پاكى و دل را نورانيّت مى‏بخشد.

تضرّع و زارى در پيشگاه حضرت حق و راز و نياز در محضر معبود متعال و غلتيدن مرواريد اشكى بر چهره بنده و زدودن غبار غفلت و گناه به وسيله سرشك پشيمانى، همه و همه نمودهاى بندگى و امتياز انسان از ساير موجودات و وسيله‏اى براى كسب بالاترين افتخارِ عالم خلقت است.

وقتى كه دل شكسته مى‏شود و اشكى بر گونه‏ها روان مى‏گردد و زبان به تسبيح و تقديس الهى باز مى‏شود و در پى آن كلماتى در استغفار و عذرخواهى ادا مى‏گردد، پيوند و ارتباط با حضرت احديّت تحقّق مى‏يابد و آن زمان بهترين لحظه عرض حاجات و بيان خواسته‏هاست.

\*\*\*

با هر زبانى و با هر كلمه‏اى كه بتوان بندگى را رساند و استغفار و توبه كرد و نيازها را برشمرد با ارزش است؛ ولى بدون ترديد، دعاها و مناجاتى كه از طريق والاترين مخلوقات عالم امكان و برترين بندگان شايسته الهى رسيده است، جامع، بدون نقص و انسان‏ساز است، و هر دعايى خود مجموعه‏اى از درسهاست.

كليات مفاتيح نوين، ص: 62

مناجات‏ها و دعاهايى كه از جانب معصومين عليهم السلام رسيده است، چون از بينش عميق خداشناسانه‏اى برخوردار است و از انسانهاى كامل و راسخان در علم و دانش صادر شده است، از هر نظر قابل اعتماد است و در آن هيچ يك از عوارض جارى در ميان اوراد نشأت گرفته از افكار بشرى وجود ندارد.

آنان چون خدا را به خوبى شناخته‏اند و اوصاف او را به خوبى مى‏دانند، آنچه بر زبانشان در دعا و مناجات جارى شده است، پيراسته از خرافات و تعبيرات ناموزون است.

\*\*\*

دعاهايى كه از طريق خاندان عصمت عليهم السلام رسيده است به قدرى از نظر محتوا و مضمون، عالى و بلند است كه خود دليل بر صحّت سند آنهاست و انسان به وضوح درمى‏يابد كه چنين كلمات و ذكرهايى، جز از وجود مقدّس آنان نمى‏تواند صادر شود و ديگران را ياراى اداى اين مضامين بلند نيست.

ما در اين بخش، دعاها و مناجاتى را ذكر مى‏كنيم كه علاوه بر بلندى محتوا و مضمون، از شهرت و يا اسناد قابل قبولى برخوردار باشد.

بار ديگر تأكيد مى‏كنيم آنگاه مى‏توانيم از دعا و مناجات بهره عميق و وافر بگيريم كه در معانى آنها دقّت كنيم و آن را در وجود خود پياده نماييم و به صورت درس‏هاى انسان سازى پيام آنها را بشنويم.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 63

مناجات پانزده‏گانه امام سجّاد عليه السلام‏

مرحوم «علّامه مجلسى» در «بحارالانوار» مى‏گويد: من اين مناجات را در كتب برخى از اصحاب يافتم كه از امام زين‏العابدين عليه السلام نقل كرده‏اند.[[68]](#footnote-68)

1- مناجات التائبين‏

(توبه كنندگان)

مناجات و راز و نياز بنده‏اى است كه قصد توبه و بازگشت به خداوند را دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ الْبَسَتْنِى الْخَطايا ثَوْبَ مَذَلَّتى‏، وَجَلَّلَنِى التَّباعُدُ مِنْكَ لِباسَ‏

اى معبود من، گناهان لباس خوارى بر تنم كرده و دورى از تو لباس بيچارگى‏

مَسْكَنَتى‏، وَاماتَ قَلْبى‏ عَظِيمُ جِنايَتى‏، فَاحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يا امَلى‏وَبُغْيَتى‏،

بر من پوشانده و گناهان بزرگم، دلم را ميرانده، پس با پذيرش توبه‏ام آن را زنده كن اى آرزو و مطلوب من‏

وَيا سُؤْلى‏ وَمُنْيَتى‏، فَوَعِزَّتِكَ ما اجِدُ لِذُنوُبى‏ سِواكَ غافِراً، وَلا ارى‏

و اى خواسته و آرزوى قلبى من، پس به عزتت سوگند، جز تو آمرزنده‏اى براى گناهانم نمى‏يابم، و براى دل شكستگيم‏

لِكَسْرى‏ غَيْرَكَ جابِراً، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنابَةِ الَيْكَ، وَعَنَوْتُ بِالْاسْتِكانَةِ

مرهمى جز تو ندارم، و به وسيله بازگشت به سوى تو و با تسليم در برابرت فروتنى نموده‏ام،

لَدَيْكَ، فَانْ طَرَدْتَنى‏ مِنْ بابِكَ فَبِمَنْ الُوذُ، وَانْ رَدَدْتَنى‏ عَنْ جَنابِكَ فَبِمَنْ‏

پس اگر مرا از درگاهت برانى به كه پناه برم و اگر از حضورت بازگردانى به كه پناهنده شوم‏

اعُوذُ، فَوا اسَفاهُ مِنْ خَجْلَتى‏ وَافْتِضاحى‏، وَوالَهْفاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلى‏

پس افسوس از شرمندگى و رسواييم، و دريغ از بدى كردار و دست آوردم،

وَاجْتِراحى‏، اسْئَلُكَ يا غافِرَ الذَّنْبِ الْكَبيرِ، وَيا جابِرَ الْعَظْمِ الْكَسيرِ، انْ‏

اى آمرزنده گناه بزرگ و اى پيوند دهنده استخوان شكسته، از تو مى‏خواهم كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 64

تَهَبَ لى‏ مُوبِقاتِ الْجَرآئِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَىَّ فاضِحاتِ السَّرآئِرِ، وَلا تُخْلِنى‏

جنايات آزاردهنده‏ام را ببخشى، و اسرار رسوا كننده‏ام را بپوشانى، و در روز قيامت‏

فى‏ مَشْهَدِ الْقِيامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ، وَ لاتُعْرِنى‏ مِنْ جَميلِ صَفْحِكَ‏

مرا از لذّت گذشت وآمرزشت محروم نگردانى، و از چشم پوشى و پرده پوشى زيباييت بى‏نصيب‏

وَسَتْرِكَ، الهى‏ ظَلِّلْ عَلى‏ ذُنُوبى‏ غَمامَ رَحْمَتِكَ، وَارْسِلْ عَلى‏ عُيُوبى‏

نكنى، اى معبود من، سايه ابر رحمتت را بر گناهانم بينداز و ابر مهربانيت را

سَحابَ رَاْفَتِكَ، الهى‏ هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْابِقُ الَّا الى‏ مَوْلاهُ، امْ هَلْ يُجيرُهُ‏

براى شستن عيبهايم بفرست، اى معبود من، آيا بنده فرارى جز به سوى مولايش باز مى‏گردد؟ و آيا جز مولايش‏

مِنْ سَخَطِهِ احَدٌ سِواهُ، الهى‏ انْ كانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَانّى‏ وَعِزَّتِكَ‏

كسى او را از خشم مولا پناه مى‏دهد؟ اى معبود من، اگر پشيمانى از گناه توبه است، پس به عزتت سوگند من به يقين‏

مِنَ النَّادِمينَ، وَانْ كانَ الْإِسْتِغْفارُمِنَ الْخَطيئَةِ حِطَّةً فَانّى‏ لَكَ مِنَ‏

از پشيمانانم، و اگر طلب آمرزش از گناه، تخفيف گناه است، پس به يقين من از آمرزش خواهان‏

الْمُسْتَغْفِرينَ، لَكَ الْعُتْبى‏ حَتّى‏ تَرْضى‏، الهى‏ بِقُدْرَتِكَ عَلَىَّ تُبْ عَلَىَّ،

درگاه توام، از آن توست بازخواست تا خشنود شوى، اى معبود من، به حق قدرتت بر من توبه‏ام را بپذير

وَبِحِلْمِكَ عَنّىِ اعْفُ عَنّى‏، وَبِعِلْمِكَ بى‏ ارْفَقْ بى‏، الهى‏ انْتَ الَّذى‏ فَتَحْتَ‏

و به حق شكيباييت از من درگذر، و به حق آگاهيت به من مهربانى كن، اى معبود من، تويى كه درى به سوى‏

لِعِبادِكَ باباً الى‏ عَفْوِكَ، سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، فَقُلْتَ: تُوبُوا الَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً.

گذشت به روى بندگانت گشوده و آن را توبه ناميده و فرمودى: به سوى خدا توبه كنيد، توبه‏اى خالص‏

فَما عُذْرُ مَنْ اغْفَلَ دُخُولَ الْبابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، الهى‏ انْ كانَ قَبُحَ الذَّنْبُ مِنْ‏

پس چيست عذر كسى كه بعد از گشودن در از داخل شدن غفلت كند؟! اى معبود من، اگر گناه از جانب بنده‏ات‏

عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ، الهى‏ ما ا نَا بِاوَّلِ مَنْ عَصاكَ فَتُبْتَ‏

زشت است پس به يقين گذشت از جانب تو نيكو مى‏باشد، اى معبود من، من اولين كسى نيستم كه نافرمانيت كرده و تو او را

عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ، يا مُجيبَ الْمُضْطَرِّ، يا كاشِفَ‏

آمرزيده‏اى، و يا به نيكيهايت روى آورده و بر او بخشيده‏اى، اى اجابت كننده درماندگان، اى برطرف كننده‏

الضُّرِّ، يا عَظيمَ الْبِرِّ، يا عَليماً بِما فِى السِّرِّ، ياجَميلَ السِّتْرِ، اسْتَشْفَعْتُ‏

ضرر و زيان، اى بزرگ احسان، اى داناى نهان، اى زيبا پرده پوش، با بخشش و كرمت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 65

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ الَيْكَ، وَ تَوَسَّلْتُ بِجَنابِكَ‏ [بِحَنانِكَ‏] وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ،

از درگاهت شفاعت مى‏طلبم، و به تو [به دوستيت‏] و مهربانى كه نزد توست متوسّل مى‏شوم‏

فَاسْتَجِبْ دُعآئى‏، وَ لا تُخَيِّبْ فيكَ رَجآئى‏، وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتى‏، وَكَفِّرْ

دعايم را بپذير و اميدم را به درگاهت نااميد مكن، و توبه‏ام را پذيرا باش‏

خَطيئَتى‏ بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[69]](#footnote-69)

و به لطف و رحمتت از خطاهايم درگذر، اى مهربانترين مهربانان.

2- مناجات الشاكين‏

(شكايت‏كنندگان)

مناجات كسانى است كه به درگاه خداوند شكايت مى‏برند؛ شكايت از نفس امّاره و تمايلات نفس سركش و شكايت از سختى دل و قساوت قلب و وسوسه‏هاى شيطان و از او براى غلبه بر اينها كمك مى‏طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ الَيْكَ اشْكُو نَفْساً بِالسُّوءِ امَّارَةً، وَالىَ الْخَطيئَةِ مُبادِرَةً،

اى معبود من، به تو شكايت مى‏كنم از نفسى كه مرا به بدى فرمان مى‏دهد، و به سوى گناه مى‏كشاند،

وَبِمَعاصيكَ مُولَعَةً، وَ بِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بى‏ مَسالِكَ الْمَهالِكِ،

و به نافرمانيهايت حريص است، و موجبات خشم و غضبت را فراهم ساخته است، مرا به راه‏هاى نابودى مى‏كشاند،

وَتَجْعَلُنى‏ عِنْدَكَ اهْوَنَ هالِكٍ، كَثيرَةَ الْعِلَلِ، طَويلَةَ الْأَمَلِ، انْ مَسَّهَا الشَّرُّ

و مرا در نزد تو پست‏ترين هلاك‏شوندگانى كه عيب‏هايش بسيار و آرزويش طولانى است قرار مى‏دهد، اگر آزارى به او رسد

تَجْزَعُ، وَانْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَةً الَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوَّةً بِالْغَفْلَةِ

بى‏تابى كند و اگر نيكى به آن رسد دريغ ورزد، به لهو و لعب گرايش داشته و غرق در بى‏خبرى‏

وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بى‏ الىَ الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنى‏ بِالتَّوْبَةِ، الهى‏ اشْكُو الَيْكَ عَدُوّاً

و اشتباه است، مرا به سرعت به سوى گناه مى‏كشاند و توبه‏ام را به تأخير مى‏اندازد، اى معبود من، از دشمنى كه مرا

يُضِلُّنى‏، وَشَيْطاناً يُغْوينى‏، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْواسِ صَدْرى‏، وَاحاطَتْ‏

گمراه كرده و شيطانى كه مرا فريب مى‏دهد به تو شكايت مى‏كنم، سينه‏ام را پر از وسوسه نموده و آرزوهاى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 66

هَواجِسُهُ بِقَلْبى‏، يُعاضِدُ لِىَ الْهَوى‏، وَيُزَيِّنُ لى‏ حُبَّ الدُّنْيا، وَيَحُولُ بَيْنى‏

نفسانى دلم را احاطه كرده و هواى نفس (به بيچارگى من) كمك مى‏كند، و دوستى دنيا را در نظرم زينت مى‏دهد و ميان من‏

وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفى‏، الهى‏ الَيْكَ اشْكُو قَلْباً قاسِياً مَعَ الْوَسْواسِ مُتَقَلِّباً،

و بندگى و نزديكى به تو فاصله مى‏اندازد، اى معبود من به تو شكايت مى‏كنم از دل بى‏رحمى كه با وسوسه دگرگون گرديده‏

وَبِالرَّيْنِ وَالطَّبْعِ مُتَلَبِّساً، وَعَيْناً عَنِ الْبُكآءِ مِنْ خَوْفِكَ جامِدَةً، وِالى‏ ما

و با زنگار و خوى زشت پوشيده شده و چشمى كه براى گريه از ترست خشك شده و به آنچه كه‏

يَسُرُّها طامِحَةً، الهى‏ لا حَوْلَ لى‏ وَلا قُوَّةَ الَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلا نَجاةَ لى‏ مِنْ‏

او را خشنود مى‏كند طمع دارد، اى معبود من پناهگاه و نيرويى جز قدرت تو نيست، و جز محافظت تو راه نجاتى از

مَكارِهِ الدُّنْياإِلَّا بِعِصْمَتِكَ، فَاسْئَلُكَ بِبَلاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَنَفاذِ مَشِيَّتِكَ، انْ‏

گرفتاريهاى دنيا ندارم، پس به حق حكمت رسا و خواست نافذت از تو مى‏خواهم كه مرا

لا تَجْعَلَنى‏ لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضاً، وَلاتُصَيِّرَنى‏ لِلْفِتَنِ غَرَضاً، وَكُنْ لى‏

روى آورنده به غير بخششت قرار ندهى و هدف فتنه‏ها نگردانى و در برابر

عَلَى الْأَعْدآءِ ناصِراً، وَعَلَى الْمَخازى‏ وَالْعُيُوبِ ساتِراً، وَمِنَ الْبَلاءِ

دشمنان ياورم باشى، و رسوايى‏ها و عيب‏هايم را بپوشانى، و از بلاها

واقِياً، وَعَنِ الْمَعاصى‏ عاصِماً، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[70]](#footnote-70)

محافظتم كنى، و از گناهان بازم دارى، به مهربانى و رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

3- مناجات الخائفين‏

(خائفان)

مناجات كسانى است كه از خدا ترسانند و با زبان خوف و ترس، سخن مى‏گويند و از حضرتش كمك مى‏جويند، ولى در حقيقت ترس آنها از گناهان خويش و برخورد عادلانه خدا با آنهاست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ اتَراكَ بَعْدَ الْإيمانِ بِكَ تُعَذِّبُنى‏، امْ بَعْدَ حُبّى‏ ايَّاكَ تُبَعِّدُنى‏، امْ مَعَ‏

اى معبود من، آيا مى‏پسندى كه بعد از ايمانم به تو مرا عذاب كنى يا بعد از محبتم به تو مرا دور كنى، يا با وجود

كليات مفاتيح نوين، ص: 67

رَجآئى‏ لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنى‏، امْ مَعَ اسْتِجارَتى‏ بِعَفْوِكَ‏

اميدم به رحمت و گذشتت مرا محروم سازى، يا با وجود پناهندگيم به گذشتت مرا

تُسْلِمُنى‏، حاشا لِوَجْهِكَ الْكَريمِ انْ تُخَيِّبَنى‏، لَيْتَ شِعْرى‏ الِلشَّقآءِ

رها كنى، از كرمت دور است كه مرا محروم كنى، اى كاش مى‏دانستم كه آيا مادرم مرا براى‏

وَلَدَتْنى‏ امّى‏، امْ لِلْعَنآءِ رَبَّتْنى‏، فَلَيْتَها لَمْ تَلِدْنى‏ وَ لَمْ تُرَبِّنى‏، وَلَيْتَنى‏

بدبختى زاييده يا براى رنج و سختى تربيت نموده؟ پس اى كاش مرا نزاييده و پرورش نداده بود، و اى كاش‏

عَلِمْتُ امِنْ اهْلِ السَّعادَةِ جَعَلْتَنى‏، وَبِقُرْبِكَ وَجِوارِكَ خَصَصْتَنى‏، فَتَقِرَّ

مى‏دانستم كه آيا مرا از سعادتمندان قرار داده و به نزديكى و جوارت مخصوص گردانده‏اى تا چشمم‏

بِذلِكَ عَيْنى‏، وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسى‏، الهى‏ هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ ساجِدةً

روشن شده و دلم آرام گيرد؟ اى معبود من آيا چهره‏هايى را كه در برابر عظمتت به خاك افتاده‏اند

لِعَظَمَتِكَ، اوْ تُخْرِسُ الْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنآءِ عَلى‏ مَجْدِكَ وَجَلالَتِكَ، اوْ تَطْبَعُ‏

سياه مى‏كنى؟ يا زبانهايى كه به ستايش بزرگى و شكوهت گويايند لال مى‏كنى؟ يا بر دلهايى كه محبتت‏

عَلى‏ قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلى‏ مَحَبَّتِكَ، اوْ تُصِمُّ اسْماعاً تَلَذَّذَتْ بِسَماعِ ذِكْرِكَ‏

آنها را فرا گرفته مُهر مى‏زنى؟ يا گوشهايى را كه از شنيدن ذكر مورد پسند تو لذّت مى‏برند،

فى‏ ارادَتِكَ، اوْ تَغُلُّ اكُفّاً رَفَعَتْهَا الْأمالُ الَيْكَ رَجآءَ رَاْفَتِكَ، اوْ تُعاقِبُ‏

كر مى‏كنى؟ يا دستهايى را كه آرزوها به اميد مهربانيت آنها را به درگاهت بلند كرده، به زنجير مى‏كشى؟ يا بدنهايى‏

ابْداناً عَمِلَتْ بِطاعَتِكَ حَتّى‏ نَحِلَتْ فى‏ مُجاهَدَتِكَ، اوْ تُعَذِّبُ ارْجُلًا

را كه به بندگيت عمل نموده تا جايى كه براى كوشش در راهت ضعيف شده كيفر مى‏دهى؟ يا پاهايى را كه‏

سَعَتْ فى‏ عِبادَتِكَ، الهى‏ لاتُغْلِقْ عَلى‏ مُوَحِّديكَ ابْوابَ رَحْمَتِكَ، وَلا

در مسير بندگيت تلاش كرده عذاب مى‏كنى؟ اى معبود من درهاى رحمتت را بر يكتاپرستانت مبند،

تَحْجُبْ مُشْتاقيكَ عَنِ النَّظَرِ الى‏ جَميلِ رُؤْيَتِكَ، الهى‏ نَفْسٌ اعْزَزْتَها

و مشتاقانت را از ديدن جمال زيبايت محروم مگردان، اى معبود من، نفسى را كه با يگانگيت‏

بِتَوْحيدِكَ، كَيْفَ تُذِلُّها بِمَهانَةِ هِجْرانِكَ، وَضَميرٌ انْعَقَدَ عَلى‏ مَوَدَّتِكَ، كَيْفَ‏

گرامى داشتى، چگونه آن را با خوارى دوريت پست مى‏كنى؟ و دلى را كه با دوستيت پيوند خورده چگونه‏

تُحْرِقُهُ بِحَرارَةِ نيرانِكَ، الهى‏ اجِرْنى‏ مِنْ اليمِ غَضَبِكَ وَعَظيمِ سَخَطِكَ،

با حرارت آتشت مى‏سوزانى؟ اى معبود من، مرا از خشم دردناك و بزرگى كيفرت پناه ده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 68

ياحَنَّانُ يا مَنَّانُ، يا رَحيمُ يا رَحْمنُ، يا جَبَّارُ يا قَهَّارُ، يا غَفَّارُ يا سَتَّارُ،

اى غمخوار، اى سخاوتمند، اى مهربان، اى بخشنده، اى توانا، اى پيروز، اى آمرزنده، اى عيب‏پوش‏

نَجِّنى‏ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِ النَّارِ، وَفَضيحَةِ الْعارِ، اذَا امْتازَ الْأَخْيارُ مِنَ‏

به رحمتت مرا از عذاب دوزخ و رسوايى ننگ نجات ده، در آن هنگام كه نيكان از بدان‏

الْأَشْرارِ، وَحالَتِ الْأَحْوالُ، وَهالَتِ الْأَهْوالُ‏[[71]](#footnote-71)، وَقَرُبَ الْمُحْسِنُونَ، وَبَعُدَ

جدا شوند و حالها دگرگون شود و وحشت‏ها به هراس اندازند و نيكوكاران نزديك و بدكاران‏

الْمُسيئُونَ، وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَهُمْ لا يُظْلَمُونَ.[[72]](#footnote-72)

دور شوند، و به هر كس آنچه بدست آورده داده شود در حالى كه بر ايشان ستم نشود.

4- مناجات الراجين‏

(اميدواران)

مناجات كسانى است كه با زبان رجا و اميد با خدا سخن مى‏گويند؛ اميدوار به لطف الهى و پرده‏پوشى‏هاى او و احسان و فضل پروردگارند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

يا مَنْ اذا سَئَلَهُ عَبْدٌ اعْطاهُ، وَاذا امَّلَ ما عِنْدَهُ بَلَّغَهُ مُناهُ، وَاذا اقْبَلَ عَلَيْهِ‏

اى كسى كه هر بنده از تو درخواست كند عطايش كنى، و هرگاه آنچه نزد توست آرزو كند به آرزويش برسانى، و هرگاه به تو رو كند

قَرَّبَهُ وَادْناهُ، وَاذا جاهَرَهُ بِالْعِصْيانِ سَتَرَ عَلى‏ ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ، وَاذا تَوَكَّلَ‏

مقرّب و نزديك درگاهت گردانى، و هر گاه كه آشكارا نافرمانيت كند بر گناهش پرده كشيده و آن را بپوشانى، و هر گاه بر تو توكّل كند

عَلَيْهِ احْسَبَهُ وَكَفاهُ، الهى‏ مَنِ الَّذى‏ نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِساً قِراكَ فَما قَرَيْتَهُ،

او را به حساب آورى و كفايت كنى، اى معبود من، كيست كه با درخواست ميهمان نوازى به درگاهت آيد و تو او را نپذيرى؟

وَمَنِ‏الَّذى‏ اناخَ بِبابِكَ مُرْتَجِياً نَداكَ فَمااوْلَيْتَهُ، ايَحْسُنُ انْ‏ارْجِعَ عَنْ بابِكَ‏

و كيست كه به اميد بخششت به درگاهت فرود آيد و احسانش نكنى؟ آيا نيكوست كه با نااميدى از درگاهت منصرف‏

بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفاً، وَلَسْتُ اعْرِفُ سِواكَ مَوْلىً بِالْأِحْسانِ مَوْصُوفاً، كَيْفَ‏

شده و بازگردد؟ در حالى كه من مولايى جز تو صاحب احسان نمى‏شناسم، چگونه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 69

ارْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ، وَكَيْفَ اؤَمِّلُ سِواكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ،

اميد به غير تو بندم در حالى كه همه نيكى‏ها به دست توست؟ و چگونه به غير تو دل بندم در حالى كه آفرينش و امور از آن توست‏

أَاقْطَعُ رَجآئى‏ مِنْكَ وَقَدْ اوْلَيْتَنى‏ما لَمْ اسْئَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ، امْ تُفْقِرُنى‏ الى‏

آيا اميدم را از تو قطع كنم در حالى كه آنچه را نخواسته بودم از فضل و احسانت به من عطا نمودى، يا مرا به همانند

مِثْلى‏ وَانَا اعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ، يا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقاصِدُونَ، وَلَمْ يَشْقَ‏

خودم محتاج مى‏كنى در حالى كه من به رشته محبتت چنگ زده‏ام، اى كسى كه قصد كنندگانت به واسطه رحمتت خوشبخت شدند، و آمرزش خواهانت‏

بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، كَيْفَ انْسيكَ وَلَمْ تَزَلْ ذاكِرى‏، وَكَيْفَ الْهُو عَنْكَ‏

به واسطه كيفرت بدبخت نشدند، چگونه فراموشت كنم در حالى كه تو پيوسته به ياد منى؟ و چگونه از تو غافل شوم‏

وَانْتَ مُراقِبى‏، الهى‏ بِذَيْلِ كَرَمِكَ اعْلَقْتُ يَدى‏، وَلِنَيْلِ عَطاياكَ بَسَطْتُ‏

در حالى كه تو مراقب منى؟ اى معبود من، دستم را به دامان كرمت آويخته‏ام و براى رسيدن به بخششت، آرزويم را

امَلى‏، فَاخْلِصْنى‏ بِخالِصَةِ تَوْحيدِكَ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ صَفْوَةِ عَبيدِكَ، يا مَنْ‏

گسترده‏ام، پس با يكتاپرستى خالصت مرا خالص كن، و مرا از بندگان برگزيده ات قرار ده، اى كه‏

كُلُّ هارِبٍ الَيْهِ يَلْتَجِئُ، وَكُلُّ طالِبٍ ايَّاهُ يَرْتَجى‏، يا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيا اكْرَمَ‏

هر فرارى به تو پناهنده شود، و هر درخواست كننده‏اى به تو اميد بندد، اى بهترين مايه اميد، و اى گرامى‏ترين‏

مَدْعُوٍّ، وَ يا مَنْ لا يَرُدُّ سآئِلَهُ، وَلا يُخَيِّبُ امِلَهُ، يا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ لِداعيهِ،

خوانده شده، و اى كسى كه درخواست كننده‏ات را بر نگردانى، و اميدوارت را نااميد نكنى، اى كسى كه درگاهت به روى خواننده‏ات باز

وَ حِجابُهُ مَرْفُوعٌ لِراجيهِ، اسْئَلُكَ بِكَرَمِكَ انْ تَمُنَّ عَلَىَّ مِنْ عَطآئِكَ بِما

و پرده ميان تو و اميدوارت كنار زده شده، به حق لطف و كرمت از تو مى‏خواهم كه بر من منت گذارى از بخششت به اندازه‏اى كه‏

تَقِرُّ بِهِ عَيْنى‏، وَمِنْ رَجآئِكَ بِما تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسى‏، وَمِنَ الْيَقينِ بِما تُهَوِّنُ بِهِ‏

مايه چشم روشنى من گردد و از اميدت به اندازه‏اى كه دلم به آن اطمينان يابد و از يقين به اندازه‏اى كه سختى‏هاى دنيا

عَلَىَّ مُصيباتِ الدُّنْيا، وَتَجْلُو بِهِ عَنْ بَصيرَتى‏ غَشَواتِ الْعَمى‏، بِرَحْمَتِكَ‏

در نظرم آسان گردد و به وسيله آن پرده‏هاى كوردلى از ديده‏ام كنار رود، به رحمتت‏

يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[73]](#footnote-73)

اى مهربان‏ترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 70

5- مناجات الراغبين‏

(مشتاقان)

گفتگوى كسانى است كه مشتاق الطاف الهى و بهره‏گيرى از انوار قدس ربّانى‏اند؛ به عطوفت و برّ و احسان او و نعمت‏هاى فراوانش دلخوش‏اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ انْ كانَ قَلَّ زادى‏ فِى الْمَسيرِ الَيْكَ، فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنّى‏ بِالتَّوَكُّلِ‏

اى معبود من، اگر توشه‏ام در راه رسيدن به تو كم است، ولى به يقين به توكّل بر تو حسن ظن‏

عَلَيْكَ، وَانْ كانَ جُرْمى‏ قَدْاخافَنى‏ مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَانَّ رَجآئى‏ قَدْ اشْعَرَنى‏

دارم و اگر گناهم مرا از مجازاتت بترساند، پس به يقين اميدم مرا به ايمنى‏

بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَانْ كانَ ذَنْبى‏ قَدْ عَرَضَنى‏ لِعِقابِكَ، فَقَدْ اذَنَنى‏ حُسْنُ‏

از انتقامت متوجّه مى‏سازد، و اگر گناهم مرا در معرض عذابت قرار دهد، پس حسن اعتمادم به پاداشت‏

ثِقَتى‏ بِثَوابِكَ، وَانْ انامَتْنِى الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدادِ لِلِقآئِكَ، فَقَدْ نَبَّهَتْنِى‏

مرا آگاه مى‏كند، و اگر بى‏توجهى مرا از آمادگى ديدارت به خواب غفلت برد، ولى شناخت و آگاهى‏

الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ وَ الائِكَ، وَانْ اوْحَشَ ما بَيْنى‏ وَبَيْنَكَ فَرْطُ الْعِصْيانِ‏

از كرم و بخششهايت مرا بيدار مى‏كند، و اگر زياده‏روى در نافرمانى و گردنكشى ميان من و تو فاصله اندازد

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص70**

وَ الطُّغْيانِ، فَقَدْ انَسَنى‏ بُشْرَى الْغُفْرانِ وَ الرِّضْوانِ، اسْئَلُكَ بِسُبُحاتِ وَجْهِكَ،

ولى مژده آمرزش و خشنوديت مرا (به تو) مأنوس كند، به حق شكوه و عظمت‏

وَبِانْوارِ قُدْسِكَ، وَابْتَهِلُ‏الَيْكَ بِعَواطِفِ رَحْمَتِكَ وَلَطآئِفِ بِرِّكَ، انْ تُحَقِّقَ‏

و انوار قدسيت از تو مى‏خواهم و به حق عواطف رحمت و لطائف احسانت به درگاهت استغاثه مى‏كنم كه گمانم را تحقق‏

ظَنّى‏ بِما اؤَمِّلُهُ مِنْ جَزيلِ اكْرامِكَ، وَجَميلِ انْعامِكَ فِى الْقُرْبى‏ مِنْكَ،

بخشى در آنچه آرزو دارم از فراوانى بخششت و نعمت‏هاى زيباى در جوارت‏

وَالزُّلْفى‏ لَدَيْكَ، وَالتَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ الَيْكَ، وَها ا نَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفَحاتِ رَوْحِكَ‏

و جايگاه و منزلت در نزدت، و بهره‏مندى از توجّه به درگاهت (را آرزو دارم)، و اكنون من خود را در معرض نسيم جانبخش‏

وَعَطْفِكَ، وَمُنْتَجِعٌ غَيْثَ جُودِكَ وَلُطْفِكَ، فآرٌّ مِنْ سَخَطِكَ الى‏ رِضاكَ،

و مهربانانه‏ات قرار داده و در طلب باران بخشش و لطفت هستم، از خشمت به خشنوديت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 71

هارِبٌ مِنْكَ الَيْكَ، راجٍ احْسَنَ ما لَدَيْكَ، مُعَوِّلٌ عَلى‏ مَواهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ الى‏

و از (عذاب) تو، به (بخشش) تو گريزانم، به بهترين آنچه نزد توست اميد دارم، و بر بخشش‏هاى تو تكيه كرده‏ام، و نيازمند

رِعايَتِكَ، الهى‏ ما بَدَاْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمْهُ، وَما وَهَبْتَ لى‏ مِنْ كَرَمِكَ‏

سرپرستى توام، اى معبود من فضل و احسانى كه (در حق من) آغاز نمودى به پايانش رسان، و بخششى كه به من ارزانى داشتى‏

فَلا تَسْلُبْهُ، وَما سَتَرْتَهُ عَلَىَّ بِحِلْمِكَ فَلا تَهْتِكْهُ، وَما عَلِمْتَهُ مِنْ قَبيحِ‏

از من مگير، و آنچه كه با شكيباييت از من پوشاندى آشكار مكن، و آنچه از كردار زشتم‏

فِعْلى‏ فَاغْفِرْهُ، الهى‏ اسْتَشْفَعْتُ بِكَ الَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ، اتَيْتُكَ‏

مى‏دانى بيامرز، اى معبود من، تو را به درگاهت شفيع قرار داده‏ام و از (عذاب) تو، به (بخشش) تو پناه مى‏برم، به درگاهت آمده‏ام‏

طامِعاً فى‏ احْسانِكَ، راغِباً فِى امْتِنانِكَ، مُسْتَسْقِياً وابِلَ طَوْلِكَ،

در حالى كه احسانت را آرزومندم، سخاوتت را مشتاقم، باران رحمتت را طالبم،

مُسْتَمْطِراً غَمامَ فَضْلِكَ، طالِباً مَرْضاتَكَ، قاصِداً جَنابَكَ، وارِداً شَريعَةَ

از ابر فضل و كرمت، رحمت مى‏طلبم، خشنوديت را خواهانم، آستانت را قصد كرده‏ام، در درياى كرمت‏

رِفْدِكَ، مُلْتَمِساً سَنِىَّ الْخَيْراتِ مِنْ عِنْدِكَ، وافِداً الى‏ حَضْرَةِ جَمالِكَ،

وارد شده‏ام، بهترين نيكى‏هاى نزد تو را خواهانم، به حضور جمالت رسيده‏ام،

مُريداً وَجْهَكَ، طارِقاً بابَكَ، مُسْتَكيناً لِعَظَمَتِكَ وَجَلالِكَ، فَافْعَلْ بى‏ ما

تو را اراده كرده‏ام، درگاه (رحمتت) را كوبنده‏ام، به عظمت و شكوهت پناهنده‏ام، پس آنچه از آمرزش‏

انْتَ اهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلا تَفْعَلْ بى‏ ما ا نَا اهْلُهُ مِنْ الْعَذابِ‏

و رحمت كه تو شايسته آنى در حق من انجام ده، و آنچه از عذاب و انتقام كه من سزاوار آنم در حق من‏

وَالنِّقْمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[74]](#footnote-74)

انجام مده، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

6- مناجات الشاكرين‏

(شكرگزاران)

مناجات و راز و نياز كسانى است كه با زبان شكر و سپاس، آهنگ او نمايند و به ناتوانى خويش براى شكرگزارى در برابر نعمت‏هاى بى‏پايان خداوند اعتراف كرده و از قصور و تقصير خود به درگاهش عذر مى‏خواهند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 72

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏اذْهَلَنى‏ عَنْ‏اقامَةِ شُكْرِكَ تَتابُعُ طَوْلِكَ، وَاعْجَزَنى‏ عَنْ‏احْصآءِثَنآئِكَ‏

اى معبود من، بخشش پى در پى تو، مرا از انجام شكرت بازداشته، و فراوانى لطف و كرمت، مرا از شمارش ثنايت‏

فَيْضُ فَضْلِكَ، وَشَغَلَنى‏ عَنْ ذِكْرِ مَحامِدِكَ تَرادُفُ عَوآئِدِكَ، وَاعْيانى‏ عَنْ‏

عاجز ساخته، و روزى پيوسته‏ات، مرا از ياد نيكى‏هايت بازداشته، و نعمت‏هاى متواليت، مرا از

نَشْرِ عَوارِفِكَ تَوالى‏ اياديكَ، وَ هذا مَقامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النَّعْمآءِ،

گسترش نيكيهايت ناتوان كرده است و اين جايگاه كسى است كه به فراوانى نعمتهايت معترف‏

وَقابَلَها بِالتَّقْصيرِ، وَشَهِدَ عَلى‏ نَفْسِهِ بِالْإِهْمالِ وَالتَّضْييعِ، وَ انْتَ الرَّؤُفُ‏

و در برابر آنها كوتاهى كرده است، و به سستى و كوتاهى خويش گواهى مى‏دهد، و تويى با محبّت،

الرَّحيمُ الْبَّرُ الْكَريمُ، الَّذى‏ لا يُخَيِّبُ قاصِديهِ، وَلا يَطْرُدُ عَنْ فِنآئِهِ امِليهِ،

مهربان، نيكوكار و بخشنده‏اى كه قصد كنندگانت را محروم نگردانى و آرزومندانت را از درگاهت نرانى،

بِساحَتِكَ تَحُطُّ رِحالُ الرَّاجينَ، وَ بِعَرْصَتِكَ تَقِفُ امالُ الْمُسْتَرْفِدينَ، فَلا

بار اميد اميدواران به آستان تو فرود آيد، و آرزوهاى عطاجويان به درگاه تو توقف كند، پس‏

تُقابِلْ امالَنا بِالتَّخْييبِ وَالْإِياسِ، وَ لا تُلْبِسْنا سِرْبالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلاسِ،

آرزوهاى ما را با نااميدى و يأس روبه‏رو مگردان، و لباس نااميدى و يأس را بر ما مپوشان‏

الهى‏ تَصاغَرَ عِنْدَ تَعاظُمِ آلائِكَ شُكْرى‏، وَ تَضآئَلَ فى‏ جَنْبِ اكْرامِكَ‏

اى معبود من، در برابر بزرگى نعمتهايت سپاسگزارى من كم است، و در كنار گراميداشت تو

ايَّاىَ ثَنآئى‏ وَنَشْرى‏، جَلَّلَتْنى‏ نِعَمُكَ مِنْ انْوارِ الْايمانِ حُلَلًا، وَضَرَبَتْ‏

نسبت به من، گسترش ثنايت از سوى من ناچيز است، نعمتهايت لباس‏هاى زيبايى از پرتوهاى ايمان بر من پوشانده، و لطايف‏

عَلَىَّ لَطآئِفُ بِرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَلًا، وَقَلَّدَتْنى‏ مِنَنُكَ قَلائِدَ لا تُحَلُّ،

احسانت پوششى از بزرگوارى بر سرم زده، و نعمتهايت گردن آويزى به گردنم آويخته كه باز نگردد،

وَطَوَّقَتْنى‏ اطْواقاً لاتُفَلُّ، فَآلائُكَ جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسانى‏ عَنْ احْصآئِها،

و گردنبندهايى كه باز نشود، پس نعمتهاى باطنيت چنان زياد است كه زبانم از شمارش آن ناتوان شده،

وَنَعْمآئُكَ كَثيرَةٌ قَصُرَ فَهْمى‏ عَنْ ادْراكِها فَضْلًا عَنِ اسْتِقْصآئِها، فَكَيْفَ لى‏

و نعمتهاى ظاهريت چنان فراوان است كه فهمم از درك آن كوتاه شده تا چه رسد به اين كه همه آنها را بشمارم، چگونه شكرت را

كليات مفاتيح نوين، ص: 73

بِتَحْصيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرى‏ ايَّاكَ يَفْتَقِرُ الى‏ شُكْرٍ، فَكُلَّما قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ،

به جاى آورم در حالى كه شكر تو خود نيازمند شكر ديگرى است، پس هر زمان كه بگويم: حمد و سپاس از آنِ توست‏

وَجَبَ عَلَىَّ لِذلِكَ انْ اقُولَ لَكَ الْحَمْدُ، الهى‏ فَكَما غَذَّيْتَنا بِلُطْفِكَ،

بر من واجب است كه براى آن دوباره بگويم: حمد و سپاس از آنِ توست، اى معبود من، پس همان‏گونه كه ما را غذا دادى‏

وَرَبَّيْتَنا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنا سَوابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَكارِهَ النِّقَمِ، وَآتِنا

و با آموزشت تربيت نمودى، پس نعمت‏هاى فراوانت را بر ما تمام كن، و بلاهاى ناگوار را از ما دور گردان، و از

مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ ارْفَعَها وَاجَلَّها، عاجِلًا وَآجِلًا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏

بهره‏هاى هر دو جهان، بالاترين و گرامى‏ترين آن، هم اكنون و در آينده ما را بهره‏مند ساز، حمد و سپاس از آنِ توست بر

حُسْنِ بَلائِكَ، وَسُبُوغِ نَعْمآئِكَ، حَمْداً يُوافِقُ رِضاكَ، وَيَمْتَرِى الْعَظيمَ‏

آزمايش نيك و نعمت‏هاى فراوانت، ستايشى كه موافق خوشنودى توست، و از نيكويى و احسان عظيم تو

مِنْ بِرِّكَ وَ نَداكَ، يا عَظيمُ يا كَريمُ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[75]](#footnote-75)

سرچشمه مى‏گيرد اى باعظمت و اى بخشنده، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

7- مناجات المطيعين للَّه‏

(مطيعان خدا)

مناجات كسانى است كه در پى اطاعت فرمان او تلاش فراوان دارند و از او مى‏خواهند پرده‏هاى شك و ترديد را از ديدگانشان كنار زند تا با يقينى استوار، تلاششان را در راه او و همّتشان را در اطاعتِ او قرار دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللَّهُمَّ الْهِمْنا طاعَتَكَ، وَجَنِّبْنا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنا بُلُوغَ ما نَتَمَنّى‏ مِنِ‏

خدايا ما را به اطاعتت وادار، و از نافرمانيت دور كن، و براى ما راه رسيدن به آنچه كه از

ابْتِغآءِ رِضْوانِكَ، وَاحْلِلْنا بُحْبُوحَةَ جِنانِكَ، وَاقْشَعْ عَنْ بَصآئِرِنا سَحابَ‏

تحصيل خشنوديت آرزو داريم فراهم ساز، و ما را در ميان بهشتت جاى ده، و از ديدگان ما، ابرهاى شك و ترديد را

الْإِرْتِيابِ، وَاكْشِفْ عَنْ قُلُوبِنا اغْشِيَةَ الْمِرْيَةِ وَالْحِجابِ، وَازْهِقِ الْباطِلَ‏

متفرّق ساز، و از دل‏هاى ما پرده‏هاى ترديد و كوردلى را كنار زن، و باطل را در نهاد

كليات مفاتيح نوين، ص: 74

عَنْ ضَمآئِرِنا، وَاثْبِتِ الْحَقَّ فى‏ سَرآئِرِنا، فَانَّ الشُّكوُكَ وَالظُّنُونَ لَواقِحُ‏

و درون ما نابود كن، و حق را در باطن و ضمير ما ثابت گردان، چرا كه ترديدها و گمانها منشأ

الْفِتَنِ، وَمُكَدِّرَةٌ لِصَفْوِ الْمَنايِحِ وَالْمِنَنِ، اللَّهُمَّ احْمِلْنا فى‏ سُفُنِ نَجاتِكَ،

فتنه‏ها و تيره كننده بخشش‏ها و نيكى‏هاى پاكند، خدايا ما را به كشتى نجاتت درآور

وَمَتِّعْنا بِلَذيذِ مُناجاتِكَ، وَ اوْرِدْنا حِياضَ حُبِّكَ، وَاذِقْنا حَلاوَةَ وُدِّكَ‏

و از لذّت مناجاتت بهره‏مند ساز، و در درياى محبّتت وارد كن، و شيرينى محبّت و نزديكيت را به‏

وَقُرْبِكَ، وَاجْعَلْ جِهادَنا فيكَ، و هَمَّنا فى‏ طاعَتِكَ، وَاخْلِصْ نِيَّاتِنا فى‏

ما بچشان، و كوشش و تلاشمان را در راه خودت و همتمان را در بندگيت قرار ده، و نيّت‏هاى ما را در تعامل با خودت‏

مُعامَلَتِكَ، فَانَّا بِكَ وَلَكَ، وَ لاوَسيلَةَ لَنا الَيْكَ الَّا انْتَ، الهى‏ اجْعَلْنى‏ مِنَ‏

خالص گردان، چرا كه ما با تو و از آنِ توييم، و براى رسيدن به درگاهت وسيله‏اى جز تو نداريم، اى معبود من، مرا از

الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيارِ، وَالْحِقْنى‏ بِالصَّالِحينَ الْأَبْرارِ، السَّابِقينَ الىَ‏

برگزيدگان از نيكان قرار ده، و به شايستگان از نيكوكاران ملحق كن، همانانى كه به برترين خصلت‏ها

الْمَكْرُماتِ، الْمُسارِعينَ الىَ الْخَيْراتِ، الْعامِلينَ لِلْباقِياتِ الصَّالِحاتِ،

سبقت گيرنده، و به نيكى‏ها شتابنده و به كارهاى نيك ماندگار عمل كننده‏

السَّاعينَ الى‏ رَفيعِ الدَّرَجاتِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَبِالْإِجابَةِ

و به سوى بالاترين درجات، تلاش كننده‏اند، كه به يقين تو بر هر كار توانا و به اجابت (خواست بندگان)

جَديرٌ، بِرَحْمَتِكَ ياارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[76]](#footnote-76)

شايسته‏اى، به مهربانيت اى مهربان‏ترين مهربانان.

8- مناجات المريدين‏

(خداجويان)

راز و نياز كسانى است كه فقط آهنگ او دارند و دلبسته او مى‏باشند؛ جز از آبشخور زلال لطف او سيراب نشوند و جز از مناجات با او لذّت نبرند؛ همه شوقشان به جانب حق، و همه دلدادگيشان به حضرت احديّت است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 75

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

سُبْحانَكَ ما اضْيَقَ الطُّرُقَ عَلى‏ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَليلَهُ، وَما اوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ

تسبيح مى‏گويم تو را اى خدا، چقدر راه‏ها باريك است، براى كسى كه تو راهنمايش نباشى، و چقدر راه حق آشكار است بر

مَنْ هَدَيْتَهُ سَبيلَهُ، الهى‏ فَاسْلُكْ بِنا سُبُلَ الْوُصُولِ الَيْكَ، وَسَيِّرْنا فى‏ اقْرَبِ‏

كسى كه تو راهش را به او نشان دهى، اى معبود من، پس ما را در طريق رسيدن به درگاهت راهنمايى كن، و به نزديكترين‏

الطُّرُقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ، قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسيرَ الشَّديدَ،

راه‏ها براى ورود به درگاهت رهسپار كن، دور را بر ما نزديك و دشوارى و سختى را آسان گردان،

وَالْحِقْنا بِعِبادِكَ الَّذينَ هُمْ بِالْبِدارِ الَيْكَ يُسارِعوُنَ، وَبابَكَ عَلَى الدَّوامِ‏

و ما را ملحق كن به بندگانى كه در پيشى گرفتن به سويت شتابانند و درگاهت را پيوسته‏

يَطْرُقُونَ، وَايَّاكَ فِى اللَّيْلِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذينَ‏

مى‏كوبند و تو را در دل شب عبادت مى‏كنند و از هيبتت هراسانند، بندگانى كه‏

صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشارِبَ، وَ بَلَّغْتَهُمُ الرَّغآئِبَ، وَانْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطالِبَ،

گرايشهايشان را خالص گرداندى، و به آرزوهايشان رساندى و خواسته‏هايشان را برآورده ساختى‏

وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأرِبَ، وَ مَلَأْتَ لَهُمْ ضَمآئِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ،

و از فضل و كرمت حاجتهايشان را برآوردى، و دلهايشان را از محبّتت پر ساختى‏

وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صافى‏ شِرْبِكَ، فَبِكَ الى‏ لَذيذِ مُناجاتِكَ وَصَلُوا، وَمِنْكَ‏

و از شراب زلال وصالت سيرابشان كردى، پس به واسطه تو به لذّت مناجاتت رسيدند و از جانب تو

اقْصى‏ مَقاصِدِهِمْ حَصَّلُوا، فَيا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ،

دورترين اهدافشان را بدست آوردند، پس اى كسى كه به روى كنندگانت رو كنى،

وَبِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عآئِدٌ مُفْضِلٌ، وَبِالْغافِلينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحيمٌ رَؤُفٌ،

و پيوسته به آنان توجّه كرده و بخشنده‏اى و بر غفلت كنندگان از يادت مهربان و پرمحبّتى‏

وَبِجَذْبِهِمْ الى‏ بابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ، اسْئَلُكَ انْ تَجْعَلَنى‏ مِنْ اوْفَرِهِمْ مِنْكَ‏

و براى جذب آنان به درگاهت، با محبّت و مهربانى، از تو مى‏خواهم كه مرا از بهره‏مندترين آنان‏

حَظّاً، وَاعْلاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا، وَاجْزَلِهِمْ مِنْ وُدِّكَ قِسْماً، وَافْضَلِهِمْ فى‏

و بالاترين‏شان از نظر جايگاه در نزدت، و بيشترين آنان از سهم دوستى و محبتت، و برترين آنان از

كليات مفاتيح نوين، ص: 76

مَعْرِفَتِكَ نَصِيباً، فَقَدِ انْقَطَعَتْ الَيْكَ هِمَّتى‏، وَانْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتى‏، فَانْتَ‏

بهره شناختت قرار دهى، چرا كه همّتم به تو منتهى شده و اشتياقم به سوى تو متمايل گشته، پس تنها

لا غَيْرُكَ مُرادى‏، وَلَكَ لا لِسِواكَ سَهَرى‏ وَسُهادى‏، وَلِقآؤُكَ قُرَّةُ عَيْنى‏،

تويى مقصود من، و تنها به خاطر توست شب زنده‏دارى و بى‏خوابيم، ديدار تو مايه چشم روشنيم‏

وَوَصْلُكَ مُنى‏ نَفْسى‏، وَالَيْكَ شَوْقى‏، وَ فى‏ مَحَبَّتِكَ وَلَهى‏، وَ الى‏ هَواكَ‏

و وصال تو آرزوى قلبيم و به جانبت اشتياقم و در محبتت شيفتگيم و در هوايت‏

صَبابَتى‏، وَ رِضاكَ بُغْيَتى‏، وَ رُؤْيَتُكَ حاجَتى‏، وَ جِوارُكَ طَلَبى‏، وَقُرْبُكَ‏

عشق سوزانم، و خشنوديت آرزويم و ديدارت نيازم و جوار قربت خواسته‏ام و نزديكيت‏

غايَةُ سُؤْلى‏، وَ فى‏ مُناجاتِكَ رَوْحى‏ وَراحَتى‏، وَ عِنْدَكَ دَوآءُ عِلَّتى‏،

نهايت مقصودم، و در مناجاتت آسايش و راحتيم و در نزدت داروى بيماريم‏

وَشِفآءُ غُلَّتى‏، وَبَرْدُ لَوْعَتى‏، وَكَشْفُ كُرْبَتى‏، فَكُنْ انيسى‏ فى‏ وَحْشَتى‏،

و شفاى سوز دلم، و آرامش آتش عشقم، و برطرف شدن گرفتارى من است، پس باش همدم و مونسم در تنهاييم‏

وَ مُقيلَ عَثْرَتى‏، وَغافِرَ زَلَّتى‏، وَقابِلَ تَوْبَتى‏، وَمُجيبَ دَعْوَتى‏، وَ وَلِىَ‏

و درگذرنده خطايم، و آمرزنده لغزشم، و پذيرنده توبه‏ام، و اجابت كننده درخواستم، و عهده‏دار

عِصْمَتى‏، وَ مُغْنِىَ فاقَتى‏، وَ لا تَقْطَعْنى‏ عَنْكَ، وَلا تُبْعِدْنى‏ مِنْكَ، يا نَعيمى‏

پاكيم، و بى‏نياز كننده نيازم، مرا از خودت جدا نكن و دور نساز، اى خوشبختى‏

وَجَنَّتى‏، وَ يا دُنْياىَ وَ آخِرَتى‏ [يا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ‏].[[77]](#footnote-77) و بهشت من، و اى دنيا و آخرتم، [اى مهربان‏ترين مهربانان‏].

9- مناجات المحبّين‏

(دوستداران خدا)

مناجات كسانى است كه خدا را دوست دارند و به او عشق مى‏ورزند؛ كسانى كه محبّت خداوند را مى‏طلبند و از او مى‏خواهند به بنده‏اش نظر افكند و مهربانانه به وى بنگرد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 77

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ مَنْ ذَا الَّذى‏ ذاقَ حَلاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذى‏

اى معبود من، كيست كه شيرينى محبتت را چشيد و غير از تو را برگزيد، و كيست كه‏

آنَسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغى‏ عَنْكَ حِوَلًا، الهى‏ فَاجْعَلْنا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ‏

به جوار قربت انس گرفت و روى‏گردانى از تو را طلبيد، اى معبود من، ما را از كسانى قرار ده كه براى نزديكى و دوستيت‏

وَوِلايَتِكَ، وَاخْلَصْتَهُ لِوُدِّكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوَّقْتَهُ الى‏ لِقآئِكَ، وَرَضَّيْتَهُ‏

برگزيده‏اش كردى و براى مودّت و محبتت خالصش گرداندى، و براى ديدارت مشتاقش نمودى، و به تقديرت‏

بِقَضآئِكَ، وَمَنَحْتَهُ بِالنَّظَرِ الى‏ وَجْهِكَ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضاكَ، وَاعَذْتَهُ مِنْ‏

راضيش ساختى، و توجّه به جمالت را عطايش كردى، و خشنوديت را هديه‏اش نمودى، و از هجران‏

هَجْرِكَ وَقِلاكَ، وَبَوَّاْتَهُ مَقْعَدَ الصّدْقِ فى‏ جِوارِكَ، وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ،

و دوريت پناهش دادى، و در جايگاه صدق در جوارت جايش دادى، و به شناختت مخصوصش گرداندى،

وَاهَّلْتَهُ لِعِبادَتِكَ، وَهَيَّمْتَ قَلْبَهُ لِإِرادَتِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشاهَدَتِكَ، وَاخْلَيْتَ‏

و براى بندگيت لايقش ساختى، و دلش را شيفته خواسته‏ات نمودى و براى ديدارت برگزيده‏اش كردى، و رويش را

وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُؤادَهُ لِحُبِّكَ، وَرَغَّبْتَهُ فيما عِنْدَكَ، وَالْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ،

متوجّه خود ساختى و دلش را براى محبتت خالى كردى، و براى آنچه نزد توست مشتاقش نمودى، و به يادت مشغولش ساختى‏

وَاوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَشَغَلْتَهُ بِطاعَتِكَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صالِحى‏ بَرِيَّتِكَ،

و شكرت را نصيبش كردى، و به بندگيت مشغولش نمودى، و او را از شايسته‏ترين آفريدگانت قرار دادى‏

وَاخْتَرْتَهُ لِمُناجاتِكَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَىْ‏ءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنا

و براى مناجاتت برگزيدى، و هر چه كه او را از تو جدا مى‏كند از او بريدى، خدايا ما را

مِمَّنْ دَأْبُهُمُ الْإِرْتِياحُ الَيْكَ وَالْحَنينُ، وَ دَهْرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَنينُ، جِباهُهُمْ‏

از كسانى قرار ده كه عادتشان، شادى و زارى به درگاه توست، و روزگارشان آه و ناله است، آنان كه پيشانيشان‏

ساجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ، وَعُيُونُهُمْ ساهِرَةٌ فى‏ خِدْمَتِكَ، وَدُمُوعُهُمْ سآئِلَةٌ مِنْ‏

در برابر عظمتت بر خاك قرار گرفته، و چشمهايشان در خدمت تو بيدار است، و اشكهايشان از ترس تو

خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَافْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهابَتِكَ، يا

جارى است، و دلهايشان شيفته و دلداده توست، و قلبهايشان از هيبت تو فرو ريخته، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 78

مَنْ انْوارُ قُدْسِهِ لِأَبْصارِ مُحِبّيهِ رآئِقَةٌ، وَسُبُحاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عارِفيهِ‏

كسى كه نورهاى قدسيت براى ديده‏هاى دوستدارانت درخشان است، و انوار جمالت براى دلهاى عارفانت‏

شآئِفَةٌ، يا مُنى‏ قُلُوبِ الْمُشْتاقينَ، وَيا غايَةَ امالِ الْمُحِبّينَ، اسْئَلُكَ حُبَّكَ‏

آشكار است اى اميد دل مشتاقان، اى نهايت آرزوى دوستداران، از تو مى‏خواهم دوستيت را،

وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنى‏ الى‏ قُرْبِكَ، وَانْ تَجْعَلَكَ‏

و دوستى آن كه تو را دوست دارد، و دوستى هر عملى كه مرا به نزديكيت مى‏رساند، و (از تو مى‏خواهم كه) خود را

احَبَّ الَىَّ مِمَّا سِواكَ، وَانْ تَجْعَلَ حُبّى‏ ايَّاكَ قآئِداً الى‏ رِضْوانِكَ، وَشَوْقى‏

نزد من محبوب‏تر از هر چيز قرار دهى، و محبتم به خودت را وسيله‏اى براى رسيدن به بهشتت، و اشتياقم‏

الَيْكَ ذائِداً عَنْ عِصْيانِكَ، وَامْنُنْ بِالنَّظَرِ الَيْكَ عَلَىَّ، وَانْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ

به خودت را مانع از نافرمانيت قرار دهى، با توجهم به خودت بر من منت گذار، و با ديده محبت‏

وَالْعَطْفِ الَىَّ، وَ لاتَصْرِفْ عَنّى‏ وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ اهْلِ الْإِسْعادِ

و عطوفت به من نظر كن، و رويت را از من بر مگردان، و مرا در زمره سعادتمندان‏

وَالْحِظْوَةِ عِنْدَكَ، يا مُجيبُ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[78]](#footnote-78)

و بهره‏مندان درگاهت قرار ده، اى اجابت كننده، اى مهربانترين مهربانان.

10- مناجات المتوسّلين‏

(متوسّلان)

راز و نياز آنهاست كه به عطوفت و رأفت الهى توسّل مى‏جويند و به شفاعت پيامبرش دل خوش مى‏دارند و اين دو را وسيله نيل به غفران الهى و رسيدن به رضوان حق قرار مى‏دهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ لَيْسَ لى‏ وَسيلَةٌ الَيْكَ الَّا عَواطِفُ رَاْفَتِكَ، وَلا لى‏ ذَريعَةٌ الَيْكَ الَّا

اى معبود من، جز عواطف رأفتت وسيله‏اى براى رسيدن به درگاهت ندارم و جز رحمت‏هاى شناخته شده‏ات‏

عَوارِفُ‏[[79]](#footnote-79) رَحْمَتِكَ، وَشَفاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِىِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْغُمَّةِ،

و شفاعت پيامبرت، پيامبر رحمت و نجات دهنده امت از غم و اندوه، راهى براى رسيدن به درگاهت ندارم،

كليات مفاتيح نوين، ص: 79

فَاجْعَلْهُما لى‏ سَبَباً الى‏ نَيْلِ غُفْرانِكَ، وَصَيِّرْهُما لى‏ وُصْلَةً الىَ الْفَوْزِ

پس آن دو را وسيله رسيدنم به آمرزشت و سبب رسيدنم به خوشنوديت قرار ده،

بِرِضْوانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجآئى‏ بِحَرَمِ كَرَمِكَ، وَحَطَّ طَمَعى‏ بِفِنآءِ جُودِكَ،

چرا كه اميدم در حريم بخششت جاى گرفته و طمعم به آستانه سخاوتت فرود آمده،

فَحَقِّقْ فيكَ امَلى‏، وَاخْتِمْ بِالْخَيْرِ عَمَلى‏، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذينَ‏

پس آرزويم را در مورد خودت محقق ساز، و كارم را به خير ختم كن، و قرار ده مرا از برگزيدگانت كه‏

احْلَلْتَهُمْ بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ، وَ بوَّأْتَهُمْ دارَ كَرامَتِكَ، وَاقْرَرْتَ اعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ

آنها را در ميان بهشتت جاى داده و در خانه كرامتت ساكن كرده‏اى و ديدگانشان را به تماشاى جمالت‏

الَيْكَ يَوْمَ لِقآئِكَ، وَاوْرَثْتَهُمْ مَنازِلَ الصِّدْقِ فى‏ جِوارِكَ، يا مَنْ لا يَفِدُ

در روز ديدارت (در قيامت) روشن نموده‏اى، و منزلگاه‏هاى صداقت را در جوار خودت به آنان بخشيده‏اى، اى كه ميهمانان،

الْوافِدُونَ عَلى‏ اكْرَمَ مِنْهُ، وَلا يَجِدُ الْقاصِدُونَ ارْحَمَ مِنْهُ، ياخَيْرَ مَنْ خَلا

بر كريم‏تر از تو وارد نشوند، و قصدكنندگان، مهربان‏تر از تو را نيابند، اى بهترين كسى كه تنهاماندگان‏

بِهِ وَحيدٌ، وَيا اعْطَفَ مَنْ اوى‏ الَيْهِ طَريدٌ، الى‏ سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدى‏،

با تو خلوت كنند، اى مهربانترين كسى كه فراريان به تو پناهنده شوند، به سوى وسعت گذشتت، دست دراز كرده‏

وَبِذَيْلِ كَرَمِكَ اعْلَقْتُ كَفّى‏، فَلا تُولِنِى الْحِرْمانَ، وَلا تُبْلِنى‏ بِالْخَيْبَةِ

و به دامان كرمت متوسّل شده‏ام پس محروميت را بر من مسلط مكن، و مرا به نااميدى‏

وَالْخُسْرانِ، يا سَميعَ الدٌّعآءِ [يا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ‏].[[80]](#footnote-80) و زيانكارى گرفتار مكن، اى شنونده دعا [اى مهربانترين مهربانان‏].

11- مناجات المفتقرين‏

(نيازمندان)

راز و نياز آنان كه سرتاپاى وجود خود را نيازمند او مى‏دانند و از غناى او طلب مى‏كنند و دوام و پيوستگى نعمتش را مى‏خواهند؛ رفع همه رنجها، شكستگى‏ها و اندوه‏ها را از خداوند مى‏طلبند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 80

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ كَسْرى‏ لا يَجْبُرُهُ الَّا لُطْفُكَ وَحَنانُكَ، وَفَقْرى‏ لا يُغْنيهِ الَّا عَطْفُكَ‏

اى معبود من، كمبودم را جز لطف و مهربانيت جبران نكند، و نيازم را جز محبت و احسانت‏

وَاحْسانُكَ، وَرَوْعَتى‏ لايُسَكِّنُها الَّا امانُكَ، وَذِلَّتى‏ لا يُعِزُّها الَّا سُلْطانُكَ،

بى‏نياز نكند، و هراسم را جز امان تو آرامش ندهد، و خواريم را جز قدرت و سلطه‏ات عزيز نگرداند

وَامْنِيَّتى‏ لا يُبَلِّغُنيها الَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتى‏ لايَسُدُّها الَّا طَوْلُكَ، وَحاجَتى‏ لا

و چيزى جز فضلت مرا به آرزويم نرساند و نيازم را جز بخششت جبران نكند، و احتياجم را

يَقْضيها غَيْرُكَ، وَكَرْبى‏ لا يُفَرِّجُهُ سِوى‏ رَحْمَتِكَ، وَضُرّى‏ لا يَكْشِفُهُ غَيْرُ

جز تو برآورده نكند، و گرفتاريم را جز رحمتت نگشايد، زيانم را جز مهربانيت‏

رَاْفَتِكَ، وَغُلَّتى‏ لا يُبَرِّدُها الَّا وَصْلُكَ، وَلَوْعَتى‏ لا يُطْفيها الَّا لِقآؤُكَ،

برطرف نكند، و سوز عطشم را جز وصالت آرام نكند، و آتش دلم را جز ديدارت خاموش نكند

وَشَوْقى‏ الَيْكَ لا يَبُلُّهُ الَّا النَّظَرُ الى‏ وَجْهِكَ، وَقَرارى‏ لا يَقِرُّ دُونَ دُنُوّى‏

واشتياقم به ديدارت را جز توجّه به جلوه‏ات سيراب نكند، و آرامشم جز در نزديكيت قرار نگيرد

مِنْكَ، وَلَهْفَتى‏ لا يَرُدُّها الَّا رَوْحُكَ، وَسُقْمى‏ لايَشْفيهِ الَّا طِبُّكَ، وَغَمّى‏ لا

اندوه و غمم را جز نسيم جانبخشت برطرف نكند، و بيماريم جز با درمانت شفا نيابد، و غم را

يُزيلُهُ الَّا قُرْبُكَ، وَجُرْحى‏ لا يُبْرِئُهُ الَّا صَفْحُكَ، وَرَيْنُ قَلْبى‏ لا يَجْلُوهُ الَّا

جز جوار قربت زائل نكند، و زخمم را جز گذشتت التيام نبخشد، و زنگار دلم را جز عفوت‏

عَفْوُكَ، وَوَسْواسُ صَدْرى‏ لايُزيحُهُ الَّا امْرُكَ، فَيا مُنْتَهى‏ امَلِ الْامِلينَ،

جلا ندهد، و وسوسه درونم را جز فرمانت برطرف نكند، اى نهايت آرزوى آرزومندان‏

وَيا غايَةَ سُؤْلِ السَّآئِلينَ، وَ يا اقْصى‏ طَلِبَةِ الطَّالِبينَ، وَيا اعْلى‏ رَغْبَةِ

و اى منتهاى خواسته خواستاران، و اى آخرين مطلوب جويندگان، و اى برترين ميل‏

الرَّاغِبينَ، وَ يا وَلِىَّ الصَّالِحينَ، وَ يا امانَ الْخآئِفينَ، وَيا مُجيبَ دَعْوَةِ

مشتاقان، و اى سرپرست صالحان، و اى ايمنى‏بخش ترسيدگان، و اى اجابت كننده درخواست‏

الْمُضْطَرّينَ، وَيا ذُخْرَالْمُعْدِمينَ، وَيا كَنْزَالْبآئِسينَ، وَيا غِياثَ‏الْمُسْتَغيثينَ،

درماندگان، و اى ذخيره نيازمندان، و اى گنج بينوايان، و اى فريادرس فريادرس‏خواهان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 81

وَ يا قاضِىَ حَوآئِجِ الْفُقَرآءِ وَالْمَساكينِ، وَ يا اكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، وَ يا ارْحَمَ‏

و اى برآورنده نيازهاى فقيران و تهيدستان، و اى گرامى‏ترين گراميان، و اى مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، لَكَ تَخَضُّعى‏ وَسُؤالى‏، وَ الَيْكَ تَضَرُّعى‏ وَابْتِهالى‏، اسْئَلُكَ انْ‏

مهربانان، فروتنى و درخواستم، و گريه و زارى و ناله‏ام به درگاه توست، از تو مى‏خواهم كه‏

تُنيلَنى‏ مِنْ رَوْحِ رِضْوانِكَ، وَتُديمَ عَلَىَّ نِعَمَ امْتِنانِكَ، وَهاا نَا بِبابِ‏

از نسيم جانبخش خوشنوديت به من برسانى، و نعمت‏هاى بزرگت را بر من ادامه دهى، و اينك من به درگاه‏

كَرَمِكَ واقِفٌ، وَلِنَفَحاتِ بِرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّديدِ مُعْتَصِمٌ،

كرمت ايستاده ونسيم نيكيت را طالبم، و به ريسمان محكمت چنگ زده‏ام‏

وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقى‏ مُتَمَسِّكٌ، الهى‏ ارْحَمْ عَبْدَكَ الذَّليلَ، ذَااللِّسانِ الْكَليلِ،

و دستگيره محكمت را گرفته‏ام، اى معبود من بر بنده فروتنت كه زبانش گنگ‏

وَالْعَمَلِ الْقَليلِ، وَامْنُنْ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزيلِ، وَاكْنُفْهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّليلِ،

و عملش كم است رحم كن، با بخشش فراوانت بر او منت گذار، و او را در زير سايه گسترده‏ات پناه ده.

يا كَريمُ يا جَميلُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[81]](#footnote-81)

اى بخشنده، اى زيبا، اى مهربان‏ترين مهربانان.

12- مناجات العارفين‏

(عارفان)

مناجات كسانى است كه عارفانه با خدا سخن مى‏گويند، آنان كه پس از قبول ناتوانى از درك كنه ذات او و راهيابى به شناخت كامل صفاتش در پى معرفتى بهتر از گذشته و دريدن حجابها از ديدگان دل و جانند و تشنه‏كام در جستجوى چشمه‏هاى محبّت الهى و نوشيدن از جام عشق وى مى‏باشند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ قَصُرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنآئِكَ كَما يَليقُ بِجَلالِكَ، وَعَجَزَتِ‏

اى معبود من، زبانها از بيان ثنايت آن چنان كه شايسته بزرگى توست كوتاه است، و عقلها

كليات مفاتيح نوين، ص: 82

الْعُقُولُ عَنْ ادْراكِ كُنْهِ جَمالِكَ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصارُدُونَ النَّظَرِ الى‏

از درك كنه ذاتت عاجز است، و ديده‏ها در تماشاى شكوه و عظمتت‏

سُبُحاتِ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَريقاً الى‏ مَعْرِفَتِكَ، الَّا بِالْعَجْزِ عَنْ‏

وامانده است، راهى براى مخلوقات در شناختت جز اقرار به ناتوانى از شناختت قرار

مَعْرِفَتِكَ، الهى‏ فَاجْعَلْنا مِنَ الَّذينَ تَرَسَّخَتْ اشْجارُ الشَّوْقِ الَيْكَ فى‏

نداده‏اى، اى معبود من، ما را از كسانى قرار ده كه نهال اميدت در باغ دلهايشان‏

حَدآئِقِ صُدُورِهِمْ، وَاخَذَتْ لَوْعَةُ مَحَبَّتِكَ بِمَجامِعِ قُلُوبِهِمْ، فَهُمْ الى‏

ريشه دوانده و سوز محبّتت سراسر دلشان را فرا گرفته است، پس آنان در

اوْكارِ الْأَفْكارِ يَاْوُونَ، وَ فى‏ رِياضِ الْقُرْبِ وَالْمُكاشَفَةِ يَرْتَعُونَ، وَمِنْ‏

آشيانه افكار جاى گرفته و در باغ‏هاى قرب و مكاشفه مى‏خرامند، و با

حِياضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاْسِ الْمُلاطَفَةِ يَكْرَعُونَ، وَشَرايِعَ الْمُصافاتِ يَرِدُونَ،

جام مهربانيت از درياى محبتت مى‏نوشند و به سرچشمه‏هاى زلال و صاف وارد مى‏شوند

قَدْ كُشِفَ الْغِطآءُ عَنْ ابْصارِهِمْ، وَانْجَلَتْ ظُلْمَةُ الرَّيْبِ عَنْ عَقآئِدِهِمْ‏

در حالى كه پرده‏ها از ديده‏هايشان كنار رفته و تاريكى شك و ترديد از اعتقادات‏

وَضَمآئِرِهِمْ، وَانْتَفَتْ مُخالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرآئِرِهِمْ، وَانْشَرَحَتْ‏

و باطنشان برطرف شده و اضطراب و ترديد از دلها و باطنهايشان منتفى شده و با

بِتَحْقيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ لِسَبْقِ السَّعادَةِ فِى الزَّهادَةِ هِمَمُهُمْ،

حصول معرفت، سينه‏هايشان گشاده شده و همتهايشان براى ربودن گوى سبقت در پارسايى عالى شده‏

وَعَذُبَ فى‏ مَعينِ الْمُعامَلَةِ شِرْبُهُمْ، وَطابَ فى‏ مَجْلِسِ الْأُنْسِ سِرُّهُمْ،

و در چشمه رفتار (نيك)، نوشيدنيهاشان گوارا شده و باطنشان در محفل انس پاكيزه گشته‏

وَامِنَ فى‏ مَوْطِنِ الْمَخافَةِ سِرْبُهُمْ، وَاطْمَانَّتْ بِالرُّجُوعِ الى‏ رَبِّ الْأَرْبابِ‏

و در محل‏هاى ترسناك، راهشان ايمن گشته و با بازگشت به سوى پروردگار يكتا، نفسشان‏

انْفُسُهُمْ، وَ تَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَ الْفَلاحِ ارْواحُهُمْ، وَ قَرَّتْ بِالنَّظَرِ الى‏ مَحْبُوبِهِمْ‏

آرام گشته و روح و روانشان به پيروزى و رستگارى يقين پيدا كرده و ديده‏هايشان به ديدار محبوبشان‏

اعْيُنُهُمْ، وَاسْتَقَرَّ بِادْراكِ السُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فى‏ بَيْعِ‏

روشن گشته، و با رسيدن به خواسته‏ها و آرزوها، آرامششان برقرار گشته، و تجارتشان در فروختن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 83

الدُّنْيا بِالْاخِرَةِ تِجارَتُهُمْ، الهى‏ ماالَذَّ خَواطِرَ الْإِلْهامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ،

دنيا به آخرت، سودمند شده است، اى معبود من، چه لذّت‏بخش است خاطره‏هاى الهام ياد تو بر دلها

وَما احْلَى الْمَسيرَ الَيْكَ بِالْأَوْهامِ فى‏ مَسالِكِ الْغُيُوبِ، وَما اطْيَبَ طَعْمَ‏

و چه شيرين است حركت به سوى تو در راه‏هاى نامرئى، با باورها، وچه خوش است طعم‏

حُبِّكَ، وَما اعْذَبَ شِرْبَ قُرْبِكَ، فَاعِذْنا مِنْ طَرْدِكَ وَ ابْعادِكَ، وَاجْعَلْنا مِنْ‏

محبّتت، وچه گواراست مقام قربت، پس ما را از راندن و دور كردنت پناه ده، و از مخصوص‏ترين‏

اخَصِّ عارِفيكَ، وَاصْلَحِ عِبادِكَ، وَاصْدَقِ طآئِعيكَ، وَاخْلَصِ عُبَّادِكَ، يا

عارفان، و شايسته‏ترين بندگان، و راستگوترين مطيعان و خالص‏ترين عبادت كنندگانت قرار ده، اى‏

عَظيمُ يا جَليلُ، يا كَريمُ يا مُنيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنِّكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[82]](#footnote-82)

با عظمت، اى باشكوه، اى بخشنده، اى عطا كننده، به رحمت و منّتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

13- مناجات الذاكرين‏

(ذاكران)

راز و نياز كسانى است كه ياد خدا را مى‏طلبند و از او مى‏خواهند، كه ذكر و يادش را در همه جا و همه حال بر قلب و جانشان فرود آرد و آن را انيس و مونسشان گرداند؛ آنان كه مى‏دانند جز با ياد او دلها آرام نمى‏گيرد و جز با رؤيت معنوى جمال حق، جانها آرامش نمى‏يابد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ لَوْلَا الْواجِبُ مِنْ قَبُولِ امْرِكَ، لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرى‏ ايَّاكَ، عَلى‏ انَ‏

اى معبود من، اگر نبود پذيرفتن فرمان واجبت، به يقين تو را پاك‏تر از آن مى‏دانستم كه يادت كنم، علاوه بر اينكه‏

ذِكْرى‏ لَكَ بِقَدْرى‏ لا بِقَدْرِكَ، وَما عَسى‏ انْ يَبْلُغَ مِقْدارى‏ حَتّى‏ اجْعَلَ‏

ياد كردن تو به اندازه (توان) من است نه به اندازه (شايستگى) تو، و اميد ندارم كه ارزشم به اندازه‏اى بالا رود كه مورد

مَحَلّاً لِتَقْديسِكَ، وَمِنْ اعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنا جَرَيانُ ذِكْرِكَ عَلى‏ الْسِنَتِنا،

تكريم تو واقع شوم، و از بزرگترين نعمت‏هاى تو بر ما جارى شدن نام تو بر زبان ماست،

كليات مفاتيح نوين، ص: 84

وَاذْنُكَ لَنا بِدُعآئِكَ وَتَنْزيهِكَ وَتَسْبيحِكَ، الهى‏ فَالْهِمْنا ذِكْرَكَ فِى‏

و اجازه‏ات براى دعا و منزّه داشتن و به پاكى ياد كردن توست، اى معبود من، در خلوت و آشكار،

الْخَلاءِ وَالْمَلاءِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهارِ، وَالْإِعْلانِ وَالْإِسْرارِ، وَفِى السَّرَّآءِ

و شب و روز، و پيدا و نهان و خوشى و ناخوشى ما را به‏

وَالضَّرَّآءِ، وَآنِسْنا بِالذِّكْرِ الْخَفِىِّ، وَاسْتَعْمِلْنا بِالْعَمَل الزَّكِىِّ، وَالسَّعْىِ‏

يادت وادار، و به ياد پنهانيت مأنوسمان كن، و به كار پاكيزه و تلاش‏

الْمَرْضِىِّ، وَجازِنا بِالْميزانِ الْوَفِىِّ، الهى‏ بِكَ هامَتِ‏الْقُلُوبُ الْوالِهَةُ،

پسنديده وادار و با پيمانه پر پاداشمان ده، اى معبود من، دلهاى شيفته، عاشقت شده‏

وَعَلى‏ مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبايِنَةُ، فَلا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّا بِذِكْراكَ،

و عقلهاى پراكنده براى شناختت گرد آمده، پس دلها جز به يادت آرام نگيرد

وَلا تَسْكُنُ النُّفُوسُ الَّا عِنْدَ رُؤْياكَ، انْتَ الْمُسَبَّحُ فى‏ كُلِّ مَكانٍ،

و دلها جز به هنگام ديدارت آرامش نيابد، تويى كه در هر مكان به پاكى ياد گردى‏

وَالْمَعْبُودُ فى‏ كُلِّ زَمانٍ، وَالْمَوْجُودُ فى‏ كُلِّ اوانٍ، وَالْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسانٍ،

و در هر زمان عبادت شوى و در هر لحظه موجودى، و به هر زبان خوانده شوى‏

وَالْمُعَظَّمُ فى‏ كُلِّ جَنانٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍبِغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ راحَةٍ

و در هر دلى به بزرگى ياد شوى، از هر خوشى جز يادت و از هر آسايشى‏

بِغَيْرِ انْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طاعَتِكَ،

جز انست، و از هر شادى جز نزديكيت و از هر اشتغالى جز بندگيت از تو آمرزش مى‏طلبم‏

الهى‏ انْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: يا ايُّهَا الَّذينَ امَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثيراً،

اى معبود من، تو فرمودى و فرمايشت حق است: اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد خدا را بسيار ياد كنيد،

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَاصيلًا. وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: فَاذْكُرُونى‏ اذْكُرْكُمْ. فَامَرْتَنا

و صبح و شام او را تسبيح گوييد: و فرمودى و فرمايشت حق است: پس به ياد من باشيد تا به ياد شما باشم، پس ما را به يادت‏

بِذِكْرِكَ، وَ وَعَدْتَنا عَلَيْهِ انْ تَذْكُرَنا تَشْريفاً لَنا وَ تَفْخيماً وَ اعْظاماً، وَ ها

فرمان داده و به ما وعده فرمودى كه در قبال آن براى گراميداشت و ارج نهادن و بزرگداشت ما را ياد خواهى نمود و اينك‏

نَحْنُ ذاكِرُوكَ كَما امَرْتَنا، فَانْجِزْ لَنا ما وَعَدْتَنا، يا ذاكِرَ الذَّاكِرينَ، وَيا

ما يادكنندگان توييم، آن‏گونه كه تو فرمان داده‏اى، پس به آنچه به ما وعده فرمودى وفا كن، اى يادكننده يادكنندگان، و اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 85

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[83]](#footnote-83)

مهربان‏ترين مهربانان.

14- مناجات المعتصمين‏

(پناهندگان)

مناجات كسانى است كه در برابر انبوه آفات سعادت، به قدرت و توانايى او پناه مى‏برند و به ريسمان الهى چنگ مى‏زنند و حمايت و پشتيبانى خدا را مى‏طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللَّهُمَّ يا مَلاذَ اللّائِذينَ، وَيا مَعاذَ الْعآئِذينَ، وَيا مُنْجِىَ الْهالِكينَ، وَيا

اى خدا، اى حامى پناهندگان، و اى پناه پناه‏جويان، و اى نجات‏بخش هلاك شدگان، و اى‏

عاصِمَ الْبآئِسينَ، وَ يا راحِمَ الْمَساكينِ، وَيا مُجيبَ الْمُضْطَرّينَ، وَيا كَنْزَ

نگهدار بيچارگان، و اى رحم كننده بينوايان، و اى اجابت كننده گرفتاران، و اى گنج‏

الْمُفْتَقِرينَ، وَ يا جابِرَ الْمُنْكَسِرينَ، وَيا مَأوَى الْمُنْقَطِعينَ، وَيا ناصِرَ

نيازمندان، و اى التيام بخش دل‏شكستگان، و اى پناهگاه آوارگان، و اى ياور

الْمُسْتَضْعَفينَ، وَيا مُجيرَ الْخآئِفينَ، وَيا مُغيثَ الْمَكْرُوبينَ، وَ يا حِصْنَ‏

مستضعفان، و اى پناه دهنده ترسيدگان، اى فريادرس غمزدگان، اى پناه‏

اللّاجينَ، انْ لَمْ اعُذْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ اعُوذُ، وَانْ لَمْ ا لُذْ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ الُوذُ،

پناهندگان، اگر به عزتت پناه نبرم پس به كه پناهنده شوم، و اگر به قدرتت متوسّل نشوم پس به كه متوسّل شوم،

وَقَدْ الْجَاتْنِى الذُّنُوبُ الىَ التَّشَبُّثِ بِاذْيالِ عَفْوِكَ، وَاحْوَجَتْنِى الْخَطايا

در حالى كه گناهانم مرا به چنگ زدن به دامان گذشتت وادار كرده و خطاهايم مرا به كوبيدن‏

الىَ اسْتِفْتاحِ ابْوابِ صَفْحِكَ، وَدَعَتْنِى الْإِسآئَةُ الَى الْإِناخَةِ بِفِنآءِ عِزِّكَ،

درهاى چشم پوشيت محتاج ساخته، و بديهايم مرا به اقامت در آستان عزّتت فرا خوانده‏

وَحَمَلَتْنِى الْمَخافَةُ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى الْتَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ، وَما حَقُّ مَنِ‏

و ترس از عذابت مرا به متوسّل شدن به ريسمان گذشتت وادار كرده است، و سزاى كسى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 86

اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ انْ يُخْذَلَ، وَلا يَليقُ بِمَنِ اسْتَجارَ بِعِزِّكَ انْ يُسْلَمَ اوْ يُهْمَلَ،

به ريسمانت چنگ زده، خوارى نيست، و آن كه به عزّتت پناهنده شود شايسته نيست كه رها شده يا ناديده گرفته شود،

الهى‏ فَلا تُخْلِنا مِنْ حِمايَتِكَ، وَلا تُعْرِنا مِنْ رِعايَتِكَ، وَذُدْنا عَنْ مَوارِدِ

اى معبود من، ما را از حمايتت محروم مكن، و از توجهت بى‏بهره مساز، و ما را از پرتگاه‏هاى‏

الْهَلَكَةِ، فَانَّا بِعَيْنِكَ وَفى‏ كَنَفِكَ وَلَكَ، اسْئَلُكَ بِاهْلِ خآصَّتِكَ مِنْ مَلائِكَتِكَ‏

هلاكت دور نما، چرا كه ما در برابر ديدگانت و در پناه تو و از آن توييم، از تو مى‏خواهم به حقّ فرشتگان خاصّت‏

وَالصَّالِحينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، انْ تَجْعَلَ عَلَيْنا واقِيَةً تُنْجينا مِنَ الْهَلَكاتِ،

و صالحان از آفريدگانت، كه براى ما سپرى قرار دهى تا از مصيبت‏ها نجاتمان دهد،

وَتُجَنِّبُنا مِنَ الْافاتِ، وَتُكِنُّنا مِنْ دَواهِى الْمُصيباتِ، وَانْ تُنْزِلَ عَلَيْنا مِنْ‏

و از آفات دورمان سازد، و از مصيبت‏هاى فجيع ما را حفظ كند و اينكه از آرامشت بر ما

سَكينَتِكَ، وَ انْ تُغَشِّىَ وُجُوهَنا بِانْوارِ مَحَبَّتِكَ، وَ انْ تُؤْوِيَنا الى‏ شَديدِ رُكْنِكَ،

فرو فرستى، و با انوار محبّتت چهره ما را بپوشانى، و در ركن محكمت جاى داده‏

وَانْ تَحْوِيَنا فى‏ اكْنافِ عِصْمَتِكَ، بِرَأفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرّاحِمينَ.[[84]](#footnote-84)

و در كنف حمايتت قرار دهى، به مهربانى و رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

15- مناجات الزاهدين‏

(زاهدان)

مناجات كسانى است كه از خطر دنياپرستى و زخارف آن آگاهند؛ آنان كه مى‏دانند گردابهاى خطرناكِ دنياپرستى چگونه جويندگانش را در كام خود فرو مى‏برد و به نيستى و تباهى مى‏كشاند. از اين‏رو، زهد در دنيا و بى‏اعتنايى به زرق و برق آن را از خدا مى‏طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ اسْكَنْتَنا داراً حَفَرَتْ لَنا حُفَرَ مَكْرِها، وَعَلَّقَتْنا بِايْدِى الْمَنايا فى‏

اى معبود من، ما را در خانه‏اى جاى داده‏اى كه گودال‏هاى نيرنگش را براى ما حفر كرده، و با دست آرزوها، ما را در

حَبآئِلِ غَدْرِها، فَالَيْكَ نَلْتَجِئُ مِنْ مَكآئِدِ خُدَعِها، وَ بِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْإِغْتِرارِ

ريسمانهاى نيرنگ آويخته، پس از نقشه‏هاى فريبكارانه‏اش به تو پناه مى‏بريم، و از مغرور شدن به زينت‏هاى رنگارنگش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 87

بِزَخارِفِ زينَتِها، فَانَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَّابَهَا، الْمُتْلِفَةُ حُلّالَهَا، الْمَحْشُوَّةُ

به تو متوسّل مى‏شويم زيرا كه جويندگانش را نابود كند، و واردان به خويش را هلاك نمايد، از بلاها

بِالْافاتِ، الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَباتِ، الهى‏ فَزَهِّدْنا فيها، وَسَلِّمْنا مِنْها

پر شده، و از مصيبت‏ها آكنده شده، اى معبود من، ما را در آن زاهد گردان، و به وسيله توفيق‏

بِتَوْفيقِكَ وَعِصْمَتِكَ، وَانْزَعْ عَنَّا جَلابيبَ مُخالَفَتِكَ، وَتَوَلَّ امُورَنا بِحُسْنِ‏

و بازدارندگيت ما را در آن محفوظ بدار، و جامه نافرمانيت را از ما بر كن، و با تدبير نيكت، امور ما را

كِفايَتِكَ، وَاوْفِرْ مَزيدَنا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَاجْمِلْ صِلاتِنا مِنْ فَيْضِ‏

سرپرستى كن، و سهم ما را از وسعت رحمتت فراوان گردان، و هداياى ما را از بخشش‏هاى فراوانت‏

مَواهِبِكَ، وَاغْرِسْ فى‏ افْئِدَتِنا اشْجارَ مَحَبَّتِكَ، وَاتْمِمْ لَنا انْوارَ مَعْرِفَتِكَ،

نيكو گردان، و درخت محبّتت را در دلهاى ما بنشان، و انوار شناختت را بر ما كامل كن‏

وَاذِقْنا حَلاوَةَ عَفْوِكَ وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ، وَ اقْرِرْ اعْيُنَنا يَوْمَ لِقآئِكَ بِرُؤْيَتِكَ،

و شيرينى گذشت و لذّت آمرزشت را به ما بچشان و چشم‏هاى ما را در روز ديدارت به ملاقاتت روشن كن، و

وَاخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قُلُوبِنا، كَما فَعَلْتَ بِالصَّالِحينَ مِنْ صَفْوَتِكَ،

محبّت دنيا را از دلهاى ما بيرون كن، همان‏گونه كه با صالحان از برگزيدگانت‏

وَالْأَبْرارِ مِنْ خآصَّتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ‏الرَّاحِمينَ، وَيا اكْرَمَ الْأَكْرَمينَ.[[85]](#footnote-85)

و نيكان از خواصت رفتار نموده‏اى، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان و اى گرامى‏ترين گراميان.

مناجاتى منظوم از امام اميرالمؤمنين على بن ابى‏طالب عليه السلام:

اين مناجات از «صحيفه علويّه» نقل شده است.[[86]](#footnote-86)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لَكَ الْحَمْدُ يا ذَاالْجُودِ وَ الْمَجْدِ وَالْعُلى‏ |  | تَبارَكْتَ تُعْطى‏ مَنْ تَشاءُ وَتَمْنَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| حمد و سپاس از آنِ توست اى صاحب بخشش و بزرگوارى و برترى‏ |  | بلند مرتبه‏اى و به هر كه خواهى عطا كنى و بازدارى‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ وَ خَلّاقى‏ وَحِرْزى‏ وَمَوْئِلى‏ |  | الَيْكَ لَدَى الْإِعْسارِ وَالْيُسْرِ افْزَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود و آفريدگار و پناهگاه و پناه من‏ |  | هنگام تنگدستى و توانگرى به درگاه تو متوسّل مى‏شوم‏ |
|  |  |  |

كليات مفاتيح نوين، ص: 88

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطيئَتى‏ |  | فَعَفْوُكَ عَنْ ذَ نْبى‏ اجَلُّ وَاوْسَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر گناهانم بزرگ و فراوان است‏ |  | پس عفو تو از گناهم بزرگ‏تر و وسيع‏تر است‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ اعْطَيْتُ نَفْسِىَ سُؤْلَها |  | فَها ا نَا فى‏ رَوْضِ النَّدامَةِ ارْتَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر از هواى نفسم پيروى كنم‏ |  | پس اينك من در وادى پشيمانى سرگردانم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ تَرى‏ حالى‏ وَفَقْرى‏ وَ فاقَتى‏ |  | وَانْتَ مُناجاتِى الخَفِيَّةَ تَسْمَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، حال و نياز و نداريم را مى‏بينى‏ |  | و راز و نياز پنهانيم را مى‏شنوى‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ فَلا تَقْطَعْ رَجآئى‏ وَلا تُزِغْ‏ |  | فُؤادى‏ فَلى‏ فى‏ سَيْبِ جُودِكَ مَطْمَعٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اميدم را قطع و دلم را منحرف مكن‏ |  | چرا كه من چشم طمع به باران رحمتت دارم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ خَيَّبْتَنى‏ اوْ طَرَدْتَنى‏ |  | فَمَنْ ذَااَّلذى‏ ارْجُو وَ مَنْ ذا اشَفِّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر مرا نااميد كرده يا برانى‏ |  | پس به كه اميد بسته و كه را شفيع گيرم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ اجِرْنى‏ مِنْ عَذابِكَ انَّنى‏ |  | اسيرٌ ذَليلٌ خائِفٌ لَكَ اخْضَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، مرا از عذاب خود پناه ده، چرا كه به يقين من‏ |  | گرفتار و خوار و ترسان و فروتنِ درگاه توام‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ فَآنِسْنى‏ بِتَلْقِينِ حُجَّتى‏ |  | اذا كانَ لى‏ فِى الْقَبْرِ مَثْوَىً وَمَضْجَعٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، پس با تلقين دليلم، همدمم باش‏ |  | آن گاه كه در قبر جا و مأوى گيرم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ عَذَّبْتَنى‏ الْفَ حِجَّةٍ |  | فَحَبْلُ رَجآئى‏ مِنْكَ لا يَتَقَطَّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر مرا هزار سال عذاب كنى‏ |  | باز هم رشته اميدم از تو قطع نشود |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ اذِقْنى‏ طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لا |  | بَنُونَ وَلا مالٌ هُنالِكَ يَنْفَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، طعم عفوت را به من بچشان در روزى كه‏ |  | فرزندان و مال در آن سودى نبخشد |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ لَمْ تَرْعَنى‏ كُنْتُ ضائِعاً |  | وَانْ كُنْتَ تَرْعانى‏ فَلَسْتُ اضَيَّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر به من توجّه نكنى، نابود شوم‏ |  | پس اگر به من توجّه كنى نابود نشوم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ اذا لَمْ تَعْفُ عَنْ غَيْرِ مُحْسِنٍ‏ |  | فَمَنْ لِمُسى‏ءٍ بِالْهَوى‏ يَتَمَتَّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر فقط از نيكوكاران درگذرى‏ |  | پس كيست آمرزنده گناهكارى كه از هواى نفس پيروى كرده است‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ فَرَّطْتُ فى‏ طَلَبِ التُّقى‏ |  | فَها ا نَا اثْرَ الْعَفْوِ اقْفُو وَ اتْبَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر در بدست آوردن پرهيزكارى كوتاهى نمودم‏ |  | پس اينك من به دنبال عفو و گذشت رفته و جستجو مى‏كنم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ اخْطَاْتُ جَهْلًا فَطالَما |  | رَجَوْتُكَ حَتّى‏ قيلَ ما هُوَ يَجْزَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر از روى نادانى خطا كرده‏ام ولى از ديرباز |  | به تو اميد بسته‏ام به گونه‏اى كه درباره من گفته شد كه بى‏خيال است‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ ذُنُوبى‏ بَذَّتِ الطَّوْدَ وَاْعتَلَتْ‏ |  | وَصَفْحُكَ عَنْ ذَنْبى‏ اجَلُّ وَارْفَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، گناهانم از كوه افزونتر شده و بالاتر رفته‏ |  | ولى چشم پوشى تو از گناه من بزرگتر و بالاتر است‏ |
|  |  |  |

كليات مفاتيح نوين، ص: 89

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ يُنَحّى‏ ذِكْرُ طَوْلِكَ لَوْعَتى‏ |  | وَذِكْرُ الْخَطايَا الْعَيْنَ مِنّى‏ يُدَمِّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، ياد نعمت بخشيت، سوز دلم را فرو نهد |  | و ياد اشتباهاتم، چشمم را اشكبار كند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ اقِلْنى‏ عَثْرَتى‏ وَامْحُ حَوْبَتى‏ |  | فَانّى‏ مُقِرٌّ خائِفٌ مُتَضَرِّعٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، لغزشم را ناديده گير و گناهم را محو كن‏ |  | چرا كه من معترف (به گناهم) و ترسان و نالانم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ انِلْنى‏ مِنْك رَوْحاً وَراحَةً |  | فَلَسْتُ سِوى‏ ابْوابِ فَضْلِكَ اقْرَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، مرا از جانب خود به شادمانى و آسايش رسان‏ |  | كه من جز درِ لطف تو را نمى‏كوبم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ لَئِنْ اقْصَيْتَنى‏ اوْ اهَنْتَنى‏ |  | فَما حيلَتى‏ يا رَبِّ امْ كَيْفَ اصْنَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر مرا دور كرده و بى‏اعتنايى كنى‏ |  | پس چيست چاره‏ام اى پروردگار من يا چه كنم؟ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ حَليفُ الْحُبِّ فى‏ اللَّيْلِ ساهِرٌ |  | يُناجى‏ وَيَدْعُو وَالْمُغَفَّلُ يَهْجَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، هم پيمان محبتت، در شب بيدار است‏ |  | در حالى كه راز و نياز كرده و دعا مى‏كند ولى غافل در خواب است‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ وَهذَا الْخَلْقُ ما بَيْنَ نائِمٍ‏ |  | وَمُنْتَبهٍ فى‏ لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اين مخلوقات بعضى در خوابند |  | و بعضى بيدار و در شب ناله مى‏كنند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وكُلُّهُمُ يَرجُو نَوالَكَ راجِياً |  | لِرَحْمَتِكَ الْعُظْمى‏ وَفِى الْخُلْدِ يَطْمَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و همه آنان به بخششت اميد داشته و اميدوار |  | رحمت گسترده تواند و به بهشت جاويدان طمع دارند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ يُمَنّينى‏ رَجآئى‏ سَلامَةً |  | وَقُبْحُ خَطيئاتِى‏ عَلَىَّ يُشَنِّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اميدم مرا به سلامتى اميدوار مى‏كند |  | ولى زشتى اشتباهاتم مرا رسوا مى‏كند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ فَانْ تَعْفُو فَعَفْوُكَ مُنْقِذى‏ |  | وَالَّا فَبِالذَّنْبِ الْمُدَمِّرِ اصْرَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، اگر درگذرى، پس عفو تو مايه نجات من است‏ |  | و گرنه گناهان هلاك كننده مرا از پاى درآورد |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ بِحَقِّ الْهاشِمىِّ مُحَمَّدٍ |  | وَحُرْمَةِ اطْهارٍ هُمُ لَكَ خُضَّعٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، به حق پيامبر، محمّد هاشمى‏ |  | و به حق حرمت پاكانى كه در برابرت فروتنند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ بِحَقِّ الْمُصْطَفى‏ وَابْنِ عَمِّهِ‏ |  | وَحُرْمَةِ ابْرارٍ هُمُ لَكَ خُشَّعٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، به حق برگزيده‏ات (محمّد) و پسر عمويش على‏ |  | و به حرمت نيكانى كه در برابرت متواضعند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهى‏ فَانْشِرْنى‏ عَلى‏ دينِ احْمَدَ |  | مُنيباً تَقِيّاً قانِتاً لَكَ اخْضَعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود من، مرا بر دين احمد برانگيز |  | توبه كنان و پرهيزكار و فرمانبردار، در حالى كه در برابرت فروتنم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وَلا تَحْرِمَنّى‏ يا الهى‏ وَسَيِّدى‏ |  | شَفاعَتَهُ الْكُبْرى‏ فَذاكَ الْمُشَفَّعُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى معبود و آقا و سرورم، مرا محروم مكن‏ |  | از شفاعت بزرگ او، كه او شفاعتش پذيرفته شده است‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ما دَعاكَ مُوَحِّدٌ |  | وَناجاكَ اخْيارٌ بِبابِكَ رُكَّعٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و بر آنان درود فرست، مادامى كه يكتاپرستان تو را بخوانند |  | و خوبان با تو راز و نياز كنند در حالى كه به درگاهت راكعند |
|  |  |  |

سه جمله بسيار عالى از امير مؤمنان عليه السلام در مناجات:

الهى‏ كَفى‏ بى‏ عِزّاً انْ اكُونَ لَكَ عَبْداً\*\* وَ كَفى‏ بى‏ فَخْراً انْ تَكُونَ لى‏ رَبّاً

اى معبود من، براى عزّت و شرافتم همين بس كه بنده تو باشم،\*\*\* و براى افتخارم همين بس كه تو پروردگارم باشى‏

انْتَ كَما احِبُّ، فَاجْعَلْنى‏ كَما تُحِبُّ.[[87]](#footnote-87)

تو آنچنانى كه من دوست دارم، پس مرا چنان كن كه خود مى‏پسندى.

دعاهاى قرآنى:

در قرآن مجيد، علاوه بر آياتى كه اهمّيّت دعا را به طور كلّى بيان مى‏كند، نمونه‏هايى از دعا نيز آمده است كه بسيار پرمعنا و پرمحتواست و سزاوار است در قنوت نمازها و در سجده آخر و تعقيبات و به طور كلّى در مواقع دعا از آنها استفاده شود كه اميد اجابت در آن فراوان است.

بخشى از اين دعاها بر زبان انبياى بزرگ جارى شده و بخش ديگرى را خداوند به بندگان مى‏آموزد.

قسمت مهمّى از اين دعاها (به ترتيب سوره‏هاى قرآن) چنين است:

1- رَبَّنَا آتِنا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ.[[88]](#footnote-88)

پروردگارا، به ما در دنيا نيكى عطا كن و در آخرت نيز نيكى مرحمت فرما و ما را از عذاب دوزخ نگهدار.

2- رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَثَبِّتْ أَقْدامَنا وَانْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ.[[89]](#footnote-89)

پروردگارا، شكيبايى و استقامت را بر ما فرو ريز و قدم‏هاى ما را ثابت بدار و ما را بر جمعيّت كافران پيروز گردان.

3- رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسينا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَيْنا إِصْراً

پروردگارا اگر ما فراموش يا خطا كرديم ما را مؤاخذه مكن، پروردگارا، تكليف سنگينى بر ما قرار مده.

كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَاطَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ‏

آنچنان كه (به خاطر گناه و طغيان) بر كسانى كه پيش از ما بودند قرار دادى، پروردگارا، آنچه طاقت تحمّل آن را نداريم بر ما مقرر مدار. و ما را عفو كن‏

عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَآ أَنتَ مَوْلينا فَانصُرْنَا عَلَى‏الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.[[90]](#footnote-90)

و بيامرز و مورد رحمت خود قرار ده، تو مولا و سرپرست مايى، پس ما را بر جمعيّت كافران پيروز گردان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 91

4- رَبَّنَا لَاتُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ‏

پروردگارا، دلهايمان را، بعد از آن كه ما را هدايت كردى (از راه حق) منحرف مگردان؛ و از سوى خود، رحمتى بر ما ببخش‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص91**

أَنتَ الْوَهَّابُ.[[91]](#footnote-91)

زيرا تويى بخشنده.

5- رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.[[92]](#footnote-92)

پروردگارا، ما ايمان آورديم پس گناهان ما را بر ما ببخش و ما را از عذاب دوزخ نگهدار.

6- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا

پروردگارا، گناهان و تندروى‏هاى ما در كارها را بر ما ببخش، قدم‏هاى ما را استوار بدار و ما را بر

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.[[93]](#footnote-93)

جمعيّت كافران پيروز گردان.

7- رَبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِياً يُنَادِى لِلْإِيمنِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَنَّا رَبَّنَا

پروردگارا، ما صداى منادى (تو) را شنيديم كه به ايمان دعوت مى‏كرد كه: به پروردگار خود ايمان بياوريد و ما ايمان آورديم‏

فَاغْفِرْلَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ.[[94]](#footnote-94)

پروردگارا، گناهان ما راببخش و بديهاى ما را بپوشان و ما را با نيكان (و در مسير آنها) بميران.

8- رَبَّنَا وَ ءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى‏ رُسُلِكَ وَ لَاتُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيمَةِ إِنَّكَ لَا

پروردگارا، آنچه را به وسيله پيامبرانت به ما وعده فرمودى به ما عطا كن وما را در روز رستاخيز رسوا مگردان زيرا تو

تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.[[95]](#footnote-95)

هيچگاه از وعده خود تخلّف‏نمى‏كنى.

9- رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْلَنَاوَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخسِرِينَ.[[96]](#footnote-96)

پروردگارا، ما به خويشتن ستم كرديم و اگر ما را نبخشى و بر ما رحم نكنى به يقين از زيانكاران خواهيم بود.

10- رَبِّ اجْعَلْنِى مُقِيمَ الصَّلاةِ وَ مِن ذُرِّيَّتِى رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ.[[97]](#footnote-97)

پروردگارا، مرا بر پا دارنده نماز قرار ده و از فرزندانم (نيز چنين فرما) پروردگارا، دعاى مرا بپذير.

كليات مفاتيح نوين، ص: 92

11- رَبَّنَا اغْفِرْ لِى وَلِولِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.[[98]](#footnote-98)

پروردگارا، من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روزى كه حساب بر پا مى‏شود، بيامرز.

12- رَبِّ أَدْخِلْنِى مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِى مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ‏

پروردگارا، مرا (در هر كار) با صداقت وارد كن و با صداقت خارج ساز و از سوى خود

لِّى مِن لَّدُنْكَ سُلْطناً نَّصِيراً.[[99]](#footnote-99)

حجّتى يارى كننده برايم قرار ده.

13- رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَداً.[[100]](#footnote-100)

پروردگارا، از سوى خودت رحمتى به ما عطا كن و از كار (فرو بسته) ما راه نجاتى برايمان فراهم ساز.

14- رَبِّ اشْرَحْ لِى صَدْرِى وَيَسِّرْلِى أَمْرِى وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى‏

پروردگارا، سينه‏ام را گشاده كن و كارم را برايم آسان گردان و گره از زبانم بگشاى‏

يَفْقَهُوا قَوْلِى.[[101]](#footnote-101)

تا سخنم را بفهمند.

15- رَبِّ إِنِّي مَسَّنِىَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمينَ.[[102]](#footnote-102)

پروردگارا، ناراحتى (و مشكلات شديد) به من روى آورده و تو مهربان‏ترين مهربانانى.

16- لا الهَ الَّا انْتَ سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمينَ.[[103]](#footnote-103)

جز تو معبودى نيست، تو را تسبيح مى‏گويم، من از ستمكاران بودم.

17- رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّيطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ.[[104]](#footnote-104)

پروردگارا، از وسوسه‏هاى شياطين به تو پناه مى‏برم و پروردگارا، از اين كه آنان نزد من حاضر شوند به تو پناه مى‏برم.

18- رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمينَ.[[105]](#footnote-105)

پروردگارا، مرا بيامرز و رحمت كن و تو بهترين رحم كنندگانى.

19- رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَاماً.[[106]](#footnote-106)

پروردگارا، عذاب جهنم را از ما برطرف گردان كه عذابش سخت و پر دوام است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 93

20- رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوجِنَا وَذُرِّيتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

پروردگارا، همسران و فرزندانمان را مايه روشنى چشم ما قرار ده و ما را پيشوايى‏

لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً.[[107]](#footnote-107)

براى پرهيزگاران گردان.

21- رَبِّ أَوْزِعْنِى أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِى أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلى‏ ولِدَىَ‏

پروردگارا، شكر نعمتهايت را كه بر من و پدر و مادرم ارزانى داشته‏اى به من الهام كن (و توفيق ده)

وَأَنْ أَعْمَلَ صلِحاً تَرْضهُ وَأَدْخِلْنِى بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ الصلِحِينَ.[[108]](#footnote-108)

تا عمل صالحى كه موجب رضاى توست انجام دهم و مرا به رحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد كن.

22- رَبِّ إِنِّى لِمَآ أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.[[109]](#footnote-109)

پروردگارا، به هر خير و نيكى كه تو بر من فرو فرستى نيازمندم.

23- رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْ‏ءٍ رَّحْمَةً وَعِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَ اتَّبَعُوا

پروردگارا، رحمت و علم تو همه چيز را فرا گرفته است، پس كسانى را كه توبه كرده و راه تو را پيروى مى‏كنند

سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ.[[110]](#footnote-110)

بيامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگاهدار.

24- رَبِّ انِّى مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ.[[111]](#footnote-111)

پروردگارا، من مغلوب (اين قوم طغيانگر) شده‏ام پس (مرا) يارى كن.

25- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلإِخْونِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإيمنِ وَلَا تَجْعَلْ فِى‏

پروردگارا، ما و برادرانمان را كه در ايمان بر ما پيشى گرفتند بيامرز و در دلهايمان‏

قُلُوبِنَا غِلّاً لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ.[[112]](#footnote-112)

حسد و كينه‏اى نسبت به مؤمنان قرار مده پروردگارا، تو رئوف و مهربانى.

26- رَبِّ اغْفِرْ لِى وَلِولِدَىَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِناً وَلِلْمُؤْمِنِينَ‏

پروردگارا، مرا و پدر و مادرم و همه كسانى را كه با ايمان وارد خانه من شدند و جميع مردان‏

وَالْمُؤْمِنَاتِ.[[113]](#footnote-113)

و زنان با ايمان را بيامرز.

كليات مفاتيح نوين، ص: 94

دعاى صباح:

اين دعا از اميرمؤمنان على عليه السلام نقل شده است و بسيار پرمحتوا و لذّت‏بخش و زيباست. مرحوم «علّامه مجلسى» اين دعا را در كتاب «بحارالانوار»- هم در كتاب الدعا و هم در كتاب الصلاة- آورده است و فرموده: اين دعا از دعاهاى مشهور است، ولى من آن را جز در كتاب «مصباح سيّد بن باقى» رضوان اللَّه عليه، در ديگر كتاب‏هاى معتبر نيافتم و مشهور آن است كه اين دعا را بعد از نماز صبح بخوانند.[[114]](#footnote-114) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللهُمَّ يا مَنْ دَلَعَ لِسانَ الصَّباحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ‏

اى كه زبان صبح را با دميدن سپيده بيرون آوردى، و پاره‏هاى شب تاريك را به صورت سياهى‏هاى‏

بِغَياهِبِ تَلَجْلُجِهِ، وَاتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الدَّوَّارِ فى‏ مَقاديرِ تَبَرُّجِهِ، وَشَعْشَعَ‏

پراكنده روانه كردى، و آفرينش چرخ گردون را در اندازه‏هاى زيبايش محكم ساختى، و روشنايى‏

ضِيآءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَاجُّجِهِ، يا مَنْ دَلَّ عَلى‏ ذاتِهِ بِذاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ‏

خورشيد را با نور گرمش پرتوافكن ساختى، اى كه ذاتت گواه ذات توست و از مشابهت‏

مُجانَسَةِ مَخْلُوقاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مُلائَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ، يا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَراتِ‏

با آفريدگانت مبرّايى، و از مناسبت و سنخيت با مخلوقات برترى، اى كه از گمانهايى كه بر دل جارى شود

الظُّنُونِ، وَبَعُدَ عَنْ لَحَظاتِ الْعُيُونِ، وَ عَلِمَ بِما كانَ قَبْلَ انْ يَكُونَ، يا مَنْ‏

نزديكترى و از منظر ديدگان دورى، و به آنچه هست پيش از آن كه باشد آگاهى، اى كه‏

ارْقَدَنى‏ فى‏ مِهادِ امْنِهِ وَامانِهِ، وَايْقَظَنى‏ الى‏ ما مَنَحَنى‏ بِهِ مِنْ مِنَنِهِ‏

مرا در بستر امنيت و آسايشت خوابانيدى، و مرا براى (استفاده از) نعمت‏ها و احسانت‏

وَاحْسانِهِ، وَكَفَّ اكُفَّ السُّوءِ عَنّى‏ بِيَدِهِ وَسُلْطانِهِ، صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّليلِ‏

بيدار كردى، و دست بدخواهان را با قدرت و فرمانرواييت از من بازداشتى، خدايا درود فرست بر

الَيْكَ فِى اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ، وَالْماسِكِ مِنْ اسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ،

راهنمايت در شب تاريك (جهل)، و گيرنده ريسمان آبرومند پايدار

كليات مفاتيح نوين، ص: 95

وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فى‏ ذِرْوَةِ الْكاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلى‏

و آن پاك نسبى كه بر شانه پاكترين و بلندمرتبه‏ترين مرد عالم قرار گرفت، و آن ثابت قدم بر

زَحاليفِها فِى الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلى‏ الِهِ الْأَخْيارِ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَبْرارِ، وَافْتَحِ‏

لغزشگاه‏هاى زمان نخست (جاهليّت) و بر خاندان نيك برگزيده نيكوكار، خدايا درهاى‏

اللهُمَّ لَنا مَصاريعَ الصَّباحِ بِمَفاتيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلاحِ، وَالْبِسْنِى اللهُمَ‏

صبح را با كليدهاى رحمت و رستگاريت بر ما بگشاى، و خدايا از بهترين جامه‏هاى‏

مِنْ افْضَلِ خِلَعِ الْهِدايَةِ وَالصَّلاحِ، وَاغْرِسِ اللهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فى‏ شِرْبِ‏

هدايت و رستگارى بر من بپوشان، و خدايا به حقّ بزرگى و عظمتت در آبگاه‏

جَنانى‏ يَنابيعَ الخُشُوعِ، وَاجْرِ اللهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ اماقى‏ زَفَراتِ الدُّمُوعِ،

دلم چشمه‏هاى فروتنى را قرار ده، و خدايا براى ترس از شكوهت قطرات اشك را از چشمم جارى ساز

وَادِّبِ اللهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنّى‏ بِازِمَّةِ الْقُنُوعِ، الهى‏ انْ لَمْ تَبْتَدِئْنِى‏

و خدايا كوتاه فكريم را با مهارهاى قناعت تربيت كن، اى معبود من، اگر به واسطه حسن توفيق،

الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفيقِ، فَمَنِ السَّالِكُ بى‏ الَيْكَ فى‏ واضِحِ الطَّريقِ،

رحمت از ناحيه تو بر من آغاز نشده بود، پس چه كسى مرا در راه روشن و آشكار به سوى تو مى‏كشاند؟

وَانْ اسْلَمَتْنى‏ اناتُكَ لِقآئِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنى‏، فَمَنِ‏الْمُقيلُ عَثَراتى‏ مِنْ كَبَواتِ‏

و اگر شكيباييت مرا به دست ميل سركش بسپارد، پس چه كسى لغزش‏هاى مرا در كنار پرتگاه‏هاى هواى نفس‏

الْهَوى‏، وَانْ خَذَلَنى‏ نَصْرُكَ عِنْدَ مُحارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطانِ، فَقَدْ وَكَلَنى‏

مى‏بخشد؟ و اگر در هنگام نبرد با نفس و شيطان، مرا از ياريت نااميد كنى، به يقين‏

خِذْلانُكَ الى‏ حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمانِ، الهى‏ اتَرانى‏ مآ اتَيْتُكَ الَّا مِنْ‏

نااميد كردنت مرا به دست رنج و ناكامى سپارد، اى معبود من، تو مى‏دانى آمدنم به درگاهت‏

حَيْثُ الْامالِ، امْ عَلِقْتُ بِاطْرافِ حِبالِكَ الَّا حينَ باعَدَتْنى‏ ذُنُوبى‏ عَنْ‏

فقط به خاطر آرزوهايم است يا چنگ زدنم به ريسمانت فقط در زمانى است كه گناهان مرا از ارتباط

دارِ الْوِصالِ، فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِى‏امْتَطَتْ نَفْسى‏ مِنْ هَواها، فَواهاً لَها لِما

با تو دور سازد، پس چه بد مركبى است مركب هواى نفس، پس واى بر اين نفس‏

سَوَّلَتْ لَها ظُنُونُها وَمُناها، وَتَبّاً لَها لِجُرْاتِها عَلى‏ سَيِّدِها وَمَوْليها، الهى‏

كه گمانها و آرزوها آن را وسوسه كرده و مرده باد اين نفس به خاطر گستاخيش بر آقا و مولايش، اى معبود من،

كليات مفاتيح نوين، ص: 96

قَرَعْتُ بابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجآئى‏، وَهَرَبْتُ الَيْكَ لاجِئاً مِنْ فَرْطِ اهْوآئى‏،

با دست اميد، درگاه رحمتت را كوبيده‏ام، و از زياده‏روى خواسته‏هاى نفسم به سوى تو گريخته و پناهنده‏ام‏

وَعَلَّقْتُ بِاطْرافِ حِبالِكَ انامِلَ وَلائى‏، فَاْصْفَحِ اللهُمَّ عَمَّا كُنْتُ اجْرَمْتُهُ‏

و دست دوستيم را به ريسمانهاى محبتت آويختم، اى خدا، از لغزش و خطايى كه‏

مِنْ زَلَلى‏ وَخَطآئى‏، وَاقِلْنى‏ مِنْ صَرْعَةِ رِدآئى‏، فَانَّكَ سَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ‏

مرتكب شده‏ام درگذر، و كم عقليم را ناديده گير، چرا كه تو آقا و سرپرست‏

وَمُعْتَمَدى‏ وَرَجائى‏، وَانْتَ غايَةُ مَطْلُوبى‏، وَمُناىَ فى‏ مُنْقَلَبى‏ وَ مَثْواىَ،

و تكيه‏گاه و اميد منى، و تويى نهايت خواسته‏ام و آرزويم در بازگشت و جايگاهم،

الهى‏ كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكيناً الْتَجَأَ الَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هارِباً، امْ كَيْفَ تُخَيِّبُ‏

اى معبود من، چگونه دور مى‏كنى بيچاره‏اى را كه براى فرار از گناه به تو پناه آورده است، يا چگونه نااميد مى‏كنى‏

مُسْتَرْشِداً قَصَدَ الى‏ جَنابِكَ ساعِياً، امْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْئانَ وَرَدَ الى‏ حِياضِكَ‏

جوينده راهى را كه با سعى و كوشش تو را قصد كرده است، يا چگونه باز مى‏گردانى تشنه‏اى را كه براى نوشيدن (آب حيات) به چشمه (وصالت)

شارِباً، كَلّا وَحِياضُكَ مُتْرَعَةٌ فى‏ ضَنْكِ الْمُحُولِ، وَبابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ‏

وارد شده است، نه هرگز چنين نيست، در حالى كه چشمه وصالت در خشكسالى شديد هم پر آب است، و درگاهت براى درخواست‏

وَالْوُغُولِ، وَانْتَ غايَةُ الْمَسْئُولِ، وَنِهايَةُ الْمَاْمُولِ، الهى‏ هذِهِ ازِمَّةُ نَفْسى‏

و رفت و آمد باز است، و تويى درخواست شده نهايى و كمال مطلوب، اى معبود من، اين افسار نفس (سركش) من است‏

عَقَلْتُها بِعِقالِ مَشِيَّتِكَ، وَ هذِهِ اعْبآءُ ذُنُوبى‏ دَرَاْتُها بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ،

كه آن را به ريسمان مشيّتت بسته‏ام، و اين بارهاى گناهان من است كه با عفو و رحمتت آنها را از خود دور كرده‏ام‏

وَهذِهِ اهْوآئِىَ الْمُضِلَّةُ وَكَلْتُها الى‏ جَنابِ لُطْفِكَ وَ رَاْفَتِكَ، فَاجْعَلِ اللهُمَ‏

و اين خواسته‏هاى گمراه كننده نفس من است كه آنها را به درگاه لطف و مهربانيت واگذار نموده‏ام، خدايا صبح‏

صَباحى‏ هذا نازلًا عَلَىَّ بِضِيآءِ الْهُدى‏، وَبِالسَّلامَةِ فِى الدّينِ وَالدُّنْيا،

امروزم را چنين مقدّر كن كه نور هدايت همراه با سلامتى دين و دنيا بر من فرود آيد؛

وَمَسآئى‏ جُنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعِدى‏، وَ وِقايَهً مِنْ مُرْدِياتِ الْهَوى‏، انَّكَ قادِرٌ

وشبم را سپرى در مقابل مكر دشمنان و پناهگاهى در مقابل هواهاى نفس قرار ده، زيرا تو

عَلى‏ ما تَشآءُ، تُؤْتِى الْمُلْكَ مَنْ تَشآءُ، وَتَنْزِ عُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشآءُ، وَتُعِزُّ

بر هر چه خواهى توانايى، به هر كس بخواهى حكومت مى‏بخشى و از هر كس بخواهى حكومت را مى‏گيرى، و هر كس را

كليات مفاتيح نوين، ص: 97

مَنْ تَشآءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشآءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، انَّكَ عَلى‏ كُلّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، تُولِجُ‏

بخواهى عزّت مى‏بخشى و هر كه را بخواهى خوار مى‏كنى تمام خوبيها بدست توست، تو بر هر چيز قادرى، شب را

اللَّيْلَ فى‏ النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ،

در روز داخل مى‏كنى و روز را در شب، و زنده را از مرده بيرون مى‏آورى‏

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَيْرِ حِسابٍ، لا الهَ الَّا

و مرده را از زنده و به هر كس بخواهى بدون حساب روزى مى‏بخشى، معبودى جز

انْتَ، سُبْحانَكَ اللهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، مَنْ ذا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلا يَخافُكَ، وَمَن ذا

تو نيست، خدايا تو را تسبيح مى‏گويم و به ستايشت مشغولم، كيست كه مقام و منزلتت را شناخته و از تو نترسد، و كيست كه‏

يَعْلَمُ ما انْتَ فَلا يَهابُكَ، الَّفْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ، وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ،

تو را شناسد و از تو نهراسد، و گروه‏هاى مختلف را با قدرتت جمع نمودى، و به لطف و مهربانيت سپيده دم را شكافتى‏

وَانَرْتَ بِكَرَمِكَ دَياجِىَ الْغَسَقِ، وَانْهَرْتَ الْمِياهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّياخيدِ

و به لطف و كرمت تاريكيهاى شب را روشن ساختى، و از دل سنگ‏هاى سخت، آبهاى گوارا و شور را

عَذْباً وَاجاجاً، وَانْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِراتِ ماءً ثَجَّاجاً، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ‏

جارى ساختى، و از ابرهاى باران‏زا آبى فراوان نازل كردى، و خورشيد

وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِراجاً وَهَّاجاً، مِنْ غَيْرِ انْ تُمارِسَ فيمَا ابْتَدَاْتَ بِهِ لُغُوباً

و ماه را براى آفريدگان چراغى روشن و حرارت‏بخش آفريدى، بى‏آن كه در آنچه (از خلقت) آغاز نمودى دچار خستگى‏

وَلا عِلاجاً، فَيا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقآءِ، وَقَهَرَ عِبادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَناءِ،

و درماندگى شوى، اى كه در عزّت و جاودانگى يگانه‏اى، و بر بندگانت با مرگ و نيستى مسلّطى،

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاتْقِيآءِ، وَاسْمَعْ نِدآئى‏، وَاسْتَجِبْ دُعآئى‏، وَحَقِّقْ‏

بر محمّد و خاندان پرهيزكارش درود فرست، صدايم را بشنو و دعايم را اجابت كن، و آرزو

بِفَضْلِكَ امَلى‏ وَرَجآئى‏، يا خَيْرَ مَنْ‏دُعِىَ لِكَشْفِ الضُّرِّ، وَ الْمَاْمُولِ لِكُلِ‏

و اميدم را به فضل و كرمت محقق ساز، اى بهترين خوانده شده براى رفع ضرر و زيان، و بهترين آرزو شده براى هر

عُسْرٍ وَيُسْرٍ، بِكَ انْزَلْتُ حاجَتى‏، فَلا تَرُدَّنى‏ مِنْ سَنِىِّ مَواهِبِكَ خآئِباً، يا

سختى و آسانى، به درگاه تو حاجتم را آورده‏ام، پس مرا از عالى‏ترين بخششهايت نااميد بر مگردان، اى‏

كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ خَيْرِ

بزرگوار، اى بزرگوار، اى بزرگوار به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان، و خدا بر بهترين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 98

خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعينَ\* آنگاه به سجده برود و بگويد: الهى‏ قَلْبى‏ مَحْجُوبٌ،

مخلوقاتش محمّد و تمامى خاندان پاكش درود فرستد،\*\*\*\* اى معبود من، دلم (با غبار غفلت) پوشيده شده‏

وَنَفْسى‏ مَعْيُوبٌ، وَعَقْلى‏ مَغْلُوبٌ، وَهَوآئى‏ (هَواىَ) غالِبٌ، وَطاعَتى‏

و روحم معيوب گشته، و عقلم شكست‏خورده و هواى نفسم بر من چيره و بندگيم‏

قَليلٌ، وَمَعْصِيَتى‏ كَثيرٌ[[115]](#footnote-115)، وَلِسانى‏ مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ، فَكَيْفَ حيلَتى‏ يا سَتَّارَ

كم، و گناهم فراوان و زبانم به گناهان معترف است، پس چاره‏ام چيست؟ اى پوشاننده‏

الْعُيُوبِ، وَيا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، وَيا كاشِفَ الْكُرُوبِ، اغْفِرْ ذُنُوبى‏ كُلَّها بِحُرْمَةِ

عيبها و اى داناى نهانها و اى برطرف كننده اندوه‏ها، به حقّ محمّد و خاندان پاكش‏

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، يا غَفَّارُ ياغَفَّارُ يا غَفَّارُ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

همه گناهانم را بيامرز، اى آمرزنده، اى آمرزنده، اى آمرزنده، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

دعاى كميل‏[[116]](#footnote-116):

اين دعا از دعاهاى معروف و مشهور و پربركت است و داراى محتوا ومضامين عالى و انسان‏ساز مى‏باشد، و راه بندگى و عبوديّت، توبه و انابه و كسب نورانيّت دل را به انسان مى‏آموزد. اگر انسان با توجّه به معانى بلندش، آن را بخواند و در تك تك جملاتش تأمّل كند، بى‏ترديد در روح و جانش اثر مى‏كند و انقلابى در او ايجاد مى‏نمايد. مطابق روايتى كه «سيّد بن طاووس» نقل مى‏كند، حضرت امير مؤمنان عليه السلام به كميل بن زياد فرمود: اين دعاى حضرت خضر است، اگر آن را ياد گرفتى، در هر شب جمعه و يا ماهى يك بار و يا لااقل در هر سال يك مرتبه و حتّى در تمام عمرت يك بار آن را بخوان كه براى كفايت از شرّ دشمنان و كسب روزى و آمرزش گناهان مفيد خواهد بود.[[117]](#footnote-117) مرحوم «كفعمى» در «مصباح» از كميل بن زياد نقل مى‏كند كه ديدم حضرت امير مؤمنان عليه السلام اين دعا را در شب نيمه شعبان در سجده خواند.[[118]](#footnote-118)

كليات مفاتيح نوين، ص: 99

اين دعاى شريف، علاوه بر كتاب‏هاى فوق، در كتاب «مصباح المتهجّد»،[[119]](#footnote-119) نيز آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتى‏ وَسِعَتْ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتى‏

خدايا از تو مى‏خواهم به آن رحمتت كه همه موجودات را فرا گرفته و به آن قدرتت كه‏

قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَخَضَعَ لَها كُلُّ شَىْ‏ءٍ، وَذَلَّ لَها كُلُّ شَىْ‏ءٍ،

به وسيله آن بر همه چيز تسلّط يافتى و (آن قدرتى كه) همه در برابر آن تسليم و مطيع گرديدند،

وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتى‏ غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَ بِعِزَّتِكَ الَّتى‏ لا يَقُومُ لَها شَىْ‏ءٌ،

و به بزرگيت كه به وسيله آن همه چيز را مغلوب خود ساختى و به شكوه و قدرتت كه كسى توانايى ايستادن در برابر آن را ندارد،

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتى‏ مَلَأَتْ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَ بِسُلْطانِكَ الَّذى‏ عَلا كُلَّ شَىْ‏ءٍ،

و به عظمتت كه همه چيز را فرا گرفته، و به فرمانرواييت كه همه چيز را زير پر گرفته‏

وَبِوَجْهِكَ الْباقى‏ بَعْدَ فَنآءِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَبِأَسْمائِكَ الَّتى‏ مَلَأَتْ‏[[120]](#footnote-120) ارْكانَ كُلِ‏

و به ذاتت كه بعد از نابودى همه موجودات ماندنى است و به نامهايت كه اساس هر چيزى را پر

شَىْ‏ءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذى‏ احاطَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى‏ اضآءَ لَهُ كُلُ‏

كرده است، و به دانشت كه بر همه چيز احاطه دارد، و به نور ذاتت كه همه عالم در پرتوش روشن‏

شىْ‏ءٍ، يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا اوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيا اخِرَ الْأخِرينَ، اللهُمَّ اغْفِرْ

شده، اى نور، اى پاك از هر عيب، اى آغاز همه آغازها و اى نهايت همه پايانها، بارخدايا، گناهانى‏

لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَهْتِكُ الْعِصَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُنْزِلُ النِّقَمَ،

را كه پرده‏هاى عصمت (و موانع گناه) را مى‏درد بر من ببخش، خدايا گناهانى را كه رنج و عذاب را فرود مى‏آورد بر من ببخش،

اللهُمَّ اغْفِرْلِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُغَيِّرُ النِّعَمَ، اللهُمَّ اغْفِرْ لىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏

خدايا گناهانى را كه موجب تغيير نعمتها مى‏شود بر من ببخش، خدايا گناهانى را كه از (برآورده شدن) دعا جلوگيرى‏

تَحْبِسُ الدُّعآءَ، اللهُمَّ اغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُنْزِلُ الْبَلاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْلى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 100

مى‏كند بر من ببخش، خدايا گناهانى را كه بلا (و مصيبت) را فرود مى‏آورد، بر من ببخش، خدايا هر گناهى كرده‏ام‏

كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطيئَةٍ اخْطَاْتُها، اللهُمَّ انّى‏ اتَقَرَّبُ الَيْكَ بِذِكْرِكَ،

و هر خطايى از من سر زده بر من ببخش خدايا من با يادت، به تو نزديك مى‏شوم،

وَاسْتَشْفِعُ بِكَ الى‏ نَفْسِكَ، وَاسْئَلُكَ بِجُودِكَ انْ تُدْنِيَنى‏ مِنْ قُرْبِكَ، وَانْ‏

و تو را به درگاهت شفيع مى‏آورم، و از تو مى‏خواهم كه به كرم و بخششت، مرا به جوار قربت نزديك كنى و

تُوزِعَنى‏ شُكْرَكَ، وَانْ تُلْهِمَنى‏ ذِكْرَكَ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ سُؤالَ خاضِعٍ‏

سپاسگزاريت را نصيبم گردانى، و يادت را به من الهام كنى (و در دلم افكنى)، خدايا همانند شخص فروتنِ فرمانبردارِ

مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ، انْ تُسامِحَنى‏ وَتَرْحَمَنى‏، وَتَجْعَلَنى‏ بِقَسْمِكَ راضِياً قانِعاً،

ترسان، از تو درخواست مى‏كنم كه (كار را) بر من آسان‏گيرى و به من رحم كنى، و به آنچه كه قسمتم كرده‏اى راضى و خرسندم سازى‏

وَفى‏ جَميعِ الْأَحْوالِ مُتَواضِعاً، اللهُمَّ وَاسْئَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ،

و در همه حال فروتنم گردانى، خدايا، و از تو درخواست مى‏كنم همانند درخواست كسى كه در شدّت فقر و درماندگى است‏

وَانْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدآئِدِ حاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ، اللهُمَّ عَظُمَ‏

و در هنگام سختيها نيازش را نزد تو آورده و به آنچه كه نزد توست بسيار اميدوار است، خدايا فرمانرواييت‏

سُلْطانُكَ، وَعَلا مَكانُكَ، وَ خَفِىَ مَكْرُكَ، وَظَهَرَ امْرُكَ، وَغَلَبَ قَهْرُكَ،

بزرگ و مقامت بلند است و تدبيرت پنهان و فرمانت آشكار است و برتريت چيره‏

وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لا اجِدُ لِذُنُوبى‏

و قدرتت (در همه امور) نافذ است، و فرار از قلمرو فرمانرواييت محال است، خدايا جز تو كسى را براى‏

غافِراً، وَلا لِقَبائِحى‏ ساتِراً، وَ لا لِشَىْ‏ءٍ مِنْ عَمَلِىَ الْقَبيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا

(آمرزش) گناهانم و پرده پوشى براى زشتيهايم و تبديل كننده اعمال زشتم به نيكى‏ها نمى‏يابم،

غَيْرَكَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسى‏، وَتَجَرَّأْتُ‏

معبودى جز تو نيست، پاك و منزّهى تو و ستايشت مى‏كنم، به خود ستم كرده و به خاطر نادانيم (در انجام گناه)

بِجَهْلى‏، وَسَكَنْتُ الى‏ قَديمِ ذِكْرِكَ لى‏، وَمَنِّكَ عَلَىَّ، اللهُمَّ مَوْلاىَ كَمْ مِنْ‏

گستاخى كردم و به اين كه هميشه مرا ياد كرده و به من لطف و بخشش نمودى آسوده خاطر بودم. اى خدا، اى مولاى من بسيارى از

قَبيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اقَلْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ، وَ كَمْ‏

كارهاى زشتم را پوشاندى، و بسيارى از گرفتاريهاى سخت و كمرشكن را از من بازگرداندى، و از بسيارى از لغزشها حفظم كردى‏

مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ‏ثَنآءٍ جَميلٍ لَسْتُ اهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ، اللهُمَّ عَظُمَ‏

و بسيارى از حوادث ناگوار را از من دور كردى و تعريف و تمجيد بسيارى كه شايسته آن نبودم (بر زبانها) منتشر ساختى، خدايا گرفتاريم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 101

بَلائى‏، وَافْرَطَ بى‏ سُوءُ حالى‏، وَقَصُرَتْ بى‏ اعْمالى‏، وَقَعَدَتْ بى‏ اغْلالى‏،

بزرگ است و بدى حالم از حد گذشته و اعمالم، دستم را كوتاه كرده و زنجيرهاى (علايق) مرا زمين گير كرده‏

وَحَبَسَنى‏ عَنْ نَفْعى‏ بُعْدُ امَلى‏، وَخَدَعَتْنِى الدُّنْيا بِغُرُورِها، وَنَفْسى‏

و آروزهاى دور و دراز مرا از مصالحم باز داشته و دنيا با ظواهر فريبنده‏اش و نَفْسم‏

بِجِنايَتِها وَ مِطالى‏، يا سَيِّدى‏ فَاسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ انْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعآئى‏

با تبهكارى و سستى‏اش مرا گمراه كرده است، اى خداى من، به عزّت و جلالت از تو مى‏خواهم كه بدى رفتار و كردارم‏

سُوءُ عَمَلى‏ وَفِعالى‏، وَلا تَفْضَحْنى‏ بِخَفِىِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّى‏، وَلا

مانع از اجابت درخواستم نشود و به (افشاىِ) آنچه كه از اسرار پنهانى من آگاه هستى رسوايم نكنى، و در

تُعاجِلْنى‏ بِالْعُقُوبَةِ عَلى‏ ما عَمِلْتُهُ فى‏ خَلَواتى‏، مِنْ سُوءِ فِعْلى‏ وَاسآئَتى‏،

مجازات رفتار و كردار زشتى كه در تنهايى مرتكب آن شده‏ام‏

وَدَوامِ تَفْريطى‏ وَجَهالَتى‏، وَكَثْرَةِ شَهَواتى‏ وَغَفْلَتى‏، وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ‏

و استمرارِ كوتاهى و نادانيم و زيادى شهوت رانى و بى‏خبرى‏ام، شتاب نكنى و خدايا به عزّت و جلالت‏

لى‏ فى‏ كُلِّ الْأَحْوالِ رَءُوفاً، وَعَلَىَّ فى‏ جَميعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً، الهى‏ وَرَبّى‏

در تمامى حالات نسبت به من مهربان و در همه كارها نسبت به من پر محبّت باش، اى معبود و پروردگار من،

مَنْ لى‏ غَيْرُكَ، اسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرّى‏ وَالنَّظَرَ فى‏ امْرى‏، الهى‏ وَمَوْلاىَ‏

جز تو چه كسى را دارم كه رفع گرفتارى و توجّه در كارم را از او بخواهم، اى خدا و مولاى من،

اجْرَيْتَ عَلَىَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فيهِ هَوى‏ نَفْسى‏، وَلَمْ احْتَرِسْ فيهِ مِنْ تَزْيينِ‏

تو بر من حكمى كردى و من در آن پيروى هواى نفس كردم، و از فريبكارى دشمنم (شيطان)

عَدُوّى‏، فَغَرَّنى‏ بِما اهْوى‏، وَاسْعَدَهُ عَلى‏ ذلِكَ الْقَضآءُ، فَتَجاوَزْتُ بِما

پرهيز نكردم، پس مرا به آنچه دلخواهش بود فريب داد و تقدير هم او را بر اين كار يارى كرد و به خاطر آنچه كه‏

جَرى‏ عَلَىَّ مِنْ ذلِكَ بَعْضَ‏[[121]](#footnote-121) حُدُودِكَ، وَخالَفْتُ بَعْضَ اوامِرِكَ، فَلَكَ‏

بر سرم آمد نسبت به بعضى از احكامت بى‏اعتنايى كرده و بعضى از فرمان‏هايت را مخالفت كردم، پس در تمام‏

الْحَمْدُ عَلَىَّ فى‏ جَميعِ ذلِكَ‏[[122]](#footnote-122)، وَلا حُجَّةَ لى‏ فيما جَرى‏ عَلَىَّ فيهِ قَضآؤُكَ،

اين امور (كه بر سرم آمده) حمد تو بر من واجب است و در آنچه كه به تقدير تو بر من واقع شده و قضا و آزمايش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 102

وَالْزَمَنى‏ حُكْمُكَ وَبَلآؤُكَ، وَقَدْ اتَيْتُكَ يا الهى‏ بَعْدَ تَقْصيرى‏ وَاسْرافى‏

تو مرا بدان ملزم ساخته، حجّت و برهانى ندارم، و اى معبود من در حالى كه (در انجام وظيفه) كوتاهى و بر خود زياده روى‏

عَلى‏ نَفْسى‏، مُعْتَذِراً نادِماً، مُنْكَسِراً مُسْتَقيلًا، مُسْتَغْفِراً مُنيباً، مُقِرّاً مُذْعِناً

(و ستم) كرده‏ام، با عذر خواهى، پشيمانى، دل‏شكستگى، پوزش خواهى، آمرزش‏طلبى و بازگشت كننده، اقرار كننده، فرمانبردار

مُعْتَرِفاً، لااجِدُ مَفَرّاً مِمَّا كانَ مِنّى‏، وَلا مَفْزَعاً اتَوَجَّهُ الَيْهِ فى‏ امْرى‏ غَيْرَ

و اعتراف كننده به درگاهت آمده‏ام، نه از آنچه كه از من سرزده راه گريزى دارم و نه پناهگاهى كه براى (اصلاحِ) كارم به آنجا روى آورم،

قَبُولِكَ عُذْرى‏، وَادْخالِكَ ايَّاىَ فى‏ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرى‏،

جز اين كه عذرم را بپذيرى و مرا در رحمت بى‏انتهايت داخل كنى، خدايا عذرم را بپذير

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرّى‏، وَفُكَّنى‏ مِنْ شَدِّ وَثاقى‏، يا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنى‏،

و بر شدّت گرفتارى‏ام رحم كن و از قيد و بند (گناهان) رهاييم ده، اى پروردگار من، بر بدن ضعيف و ناتوان‏

وَرِقَّةَ جِلْدى‏، وَدِقَّةَ عَظْمى‏، يا مَنْ بَدَءَ خَلْقى‏ وَذِكْرى‏، وَتَرْبِيَتى‏ وَبِرّى‏

و نازكى پوست و استخوان ضعيفم رحم كن، اى (خدايى) كه مرا آفريدى، در نظر گرفته و پروراندى، نيكى كرده‏

وَتَغْذِيَتى‏، هَبْنى‏ لِابْتِدآءِ كَرَمِكَ، وَسالِفِ بِرِّكَ بى‏، يا الهى‏ وَسَيِّدى‏

و غذايم دادى، اكنون به خاطر بخشش نخست، و نيكى پيشينت بر من، مرا ببخش. اى معبود من و اى سرور

وَرَبّى‏، اتُراكَ مُعَذِّبى‏ بِنارِكَ بَعْدَ تَوْحيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انْطَوى‏ عَلَيْهِ قَلْبى‏ مِنْ‏

و پروردگار من، آيا باور كنم كه مرا به آتشِ (غضبت) عذاب مى‏كنى، بعد از يكتا پرستيم و بعد از آن كه نور معرفتت قلب مرا

مَعْرِفَتِكَ، وَلَهِجَ بِهِ لِسانى‏ مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَميرى‏ مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ

فرا گرفته و زبانم به ذكر تو گويا شده و دلم به محبّتت پيوند خورده (آيا باور كنم كه مرا عذاب مى‏كنى) و بعد از

صِدْقِ اعْتِرافى‏ وَدُعآئى‏ خاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهاتَ انْتَ اكْرَمُ مِنْ انْ‏

اعتراف صادقانه و دعاى خاضعانه‏ام به مقام پروردگاريت، هرگز (باور نمى‏كنم)، تو بزرگوارتر از آنى كه‏

تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، اوْ تُبْعِدَ مَنْ ادْنَيْتَهُ، اوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ، اوْ تُسَلِّمَ الَى الْبَلآءِ

تباه كنى كسى را كه پرورانده‏اى، يا دور كنى كسى را كه (به خود) نزديك كرده‏اى، يا آواره كنى كسى را كه پناه داده‏اى، يا گرفتار سازى‏

مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرى‏ يا سَيِّدى‏ وَالهى‏ وَمَوْلاىَ، اتُسَلِّطُ

كسى را كه سرپرستى و مهربانى كرده‏اى، كاش مى‏دانستم اى سرور من و اى معبود و سرپرست من، آيا آتشِ (غضبت) را

النَّارَ عَلى‏ وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ ساجِدَةً، وَ عَلى‏ الْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحيدِكَ‏

مسلّط مى‏كنى بر چهره‏هايى كه در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر زبانهايى كه صادقانه به يگانگيت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 103

صادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ مادِحَةً، وَعَلى‏ قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً، وَعَلى‏

گويا شده و ثناگوى شكر توست، و بر دلهايى كه از روى يقين به خداييت اقرار دارد و بر

ضَمآئِرَ حَوَتْ‏مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّى‏ صارَتْ خاشِعَةً، وَعَلى‏ جَوارِحَ سَعَتْ‏

دلهايى كه علم و معرفت تو آنها را فرا گرفته به گونه‏اى كه (در برابرت) فروتن گرديده، و بر اعضا و جوارحى كه‏

الى‏ اوْطانِ تَعَبُّدِكَ طآئِعَةً، وَاشارَتْ بِاسْتِغْفارِكَ مُذْعِنَةً، ما هكَذَا الظَّنُ‏

از سر تسليم به سوى محلّ عبادتت شتابان است، و با آمرزش خواهى از تو فرمانبرداريش را اظهار مى‏كند، چنين گمانى به تو

بِكَ، وَلا اخْبِرْنا بِفَضْلِكَ عَنْكَ، يا كَريمُ يا رَبِّ، وَانْتَ تَعْلَمُ ضَعْفى‏ عَنْ‏

نيست و چنين خبرى از لطف و بزرگواريت به ما نرسيده است، اى پروردگار بخشنده من، تو ناتوانى مرا در برابر

قَليلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا وَ عُقُوباتِها، وَما يَجْرى‏ فيها مِنَ الْمَكارِهِ عَلى‏ اهْلِها،

اندك رنج و عذاب دنيا و كيفرهاى ناچيز آن و ناملايماتى كه بر اهل آن مى‏رسد مى‏دانى،

عَلى‏ انَّ ذلِكَ بَلاءٌ وَمَكْرُوهٌ، قَليلٌ مَكْثُهُ، يَسيرٌ بَقآئُهُ، قَصيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ‏

با آن كه رنج و عذاب و ناملايمات دنيا ماندگاريش اندك، دوامش كم و زمانش كوتاه است، پس چگونه‏

احْتمالى‏ لِبَلاءِ الْاخِرَةِ، وَجَليلِ وُقُوعِ الْمَكارِهِ فيها، وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ‏

رنج و عذاب آخرت و سنگينى و بزرگى ناملايمات آن را تحمّل كنم، در حالى كه رنج و عذاب آخرت‏

مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقامُهُ، وَلا يُخَفَّفُ عَنْ اهْلِهِ، لِأَنَّهُ لا يَكُونُ الَّا عَنْ غَضَبِكَ‏

زمانش طولانى و جايگاهى هميشگى است و بر اهل عذاب تخفيفى نيست، زيرا كه آن عذاب از خشم‏

وَاْنتِقامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهذا ما لاتَقُومُ لَهُ السَّمواتُ وَالْارْضُ، يا سَيِّدِى‏

و انتقام و نارضايتى تو سرچشمه گرفته كه آسمان و زمين طاقت آن را ندارد، اى سرور من،

فَكَيْفَ لى‏ وَانَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ،

چگونه آن را تحمّل كنم در حالى كه بنده‏اى ناتوان، مطيع، كوچك و بينواى درمانده‏ام،

يا الهى‏ وَرَبّى‏ وَسَيِّدِى‏ وَمَوْلاىَ، لِأَىِّ الْأُمُورِ الَيْكَ اشْكُو، وَلِما مِنْها

اى معبود و پروردگار من و اى سرور و مولاى من، از كدام گرفتاريم به تو شكايت كنم و براى كداميك از آنها

اضِجُّ وَابْكى‏، لِأَليمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ، امْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَئِنْ‏

شيون و گريه كنم، آيا براى عذاب دردناك و سخت يا براى گرفتارى طولانى؟ پس اگر

صَيَّرْتَنى‏ لِلْعُقُوباتِ مَعَ‏اعْدآئِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنى‏ وَبَيْنَ اهْلِ بَلائِكَ،

براى كيفرِ (گناهانم) مرا در زمره دشمنانت شمرده و با گرفتاران (در عذابت) در يك جا قرار دهى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 104

وَفَرَّقْتَ بَيْنى‏ وَبَيْنَ احِبَّآئِكَ وَاوْليآئِكَ، فَهَبْنى‏ يا الهى‏ وَسَيِّدِى‏ وَمَوْلاىَ‏

و ميان من و دوستان و مقرّبانت جدايى اندازى، پس اى مبعود و سرورم و اى مولا

وَرَبّى‏، صَبَرْتُ عَلى‏ عَذابِكَ، فَكَيْفَ اصْبِرُ عَلى‏ فِراقِكَ، وَ هَبْنى‏ صَبَرْتُ‏

و پروردگارم، گيرم كه بر عذاب تو صبر كنم، امّا چگونه فراق تو را تحمّل كنم؟ و گيرم كه‏

عَلى‏ حَرِّ نارِكَ، فَكَيْفَ اصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ الى‏ كَرامَتِكَ، امْ كَيْفَ اسْكُنُ فِى‏

بر حرارت آتشِ (غضبت) صبر كنم، امّا چگونه از لطف و كرمت چشم پوشى كنم؟ يا چگونه در آتش مسكن گزينم‏

النَّارِ وَ رَجآئى‏ عَفْوُكَ، فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ اقْسِمُ صادِقاً، لَئِنْ‏

در حالى كه به عفو تو اميدوارم، پس اى سرور و مولاى من، به شكوه و قدرت صادقانه‏ات سوگند مى‏خورم كه اگر

تَرَكْتَنى‏ ناطِقاً، لَأَضِجَّنَّ الَيْكَ بَيْنَ اهْلِها ضَجيجَ الْامِلينَ، وَ لَأَصْرُخَنَ‏

مرا در حالى كه زبانم گوياست (در دوزخ) رها كنى، هر آينه در بين دوزخيان همانند آرزومندان، به درگاهت شيون كرده و همانند

الَيْكَ صُراخَ الْمَسْتَصْرِخينَ، وَلَابْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكآءَ الْفاقِدينَ، وَ لَأُنادِيَنَّكَ‏

دادخواهان، تو را به فريادرسى خواهم و مانند عزيز گم كرده‏گان، بر (فراقِ) تو گريسته و تو را به صداى بلند مى‏خوانم،

ايْنَ كُنْتَ يا وَلِىَّ الْمُؤْمِنينَ، يا غايَةَ امالِ الْعارِفينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ،

كه كجايى اى ياور مؤمنان، اى منتهاى آرزوىِ خداشناسان، اى فريادرس درمانده‏گان،

يا حَبيبَ قُلُوبِ الصَّادِقينَ، وَيا الهَ الْعالَمينَ، افَتُراكَ سُبْحانَكَ يا الهى‏

اى محبوب دل راستگويان و اى معبود جهانيان، اى معبود من- كه منزّهى و به ستايش تو مشغولم-

وَ بِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ، وَذاقَ‏

چگونه باور كنم كه مى‏شنوى صداى بنده مسلمانى را كه به سبب نافرمانيش در دوزخ زندانى شده و سختى‏

طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ اطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَريرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ‏

عذاب دوزخ را به خاطر گناهش مى‏چشد و در ميان طبقات دوزخ به سبب جرم و جنايتش گرفتار شده در حالى كه همانند

الَيْكَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَ يُناديكَ بِلِسانِ اهْلِ تَوْحيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ‏

آرزومندِ رحمتت به درگاهت شيون كرده و با صداى بلند، به زبان يگانه پرستان تو را مى‏خواند و به بنده پروريت‏

الَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يا مَوْلاىَ فَكَيْفَ يَبْقى‏ فِى الْعَذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ‏

متوسّل مى‏شود، اى مولاى من، چگونه در عذاب بماند با اين كه به سابقه حلم تو

مِنْ حِلْمِكَ، امْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، امْ كَيْفَ‏

اميدوار است، يا چگونه آتشِ (غضبت) او را بيازارد در حالى كه به لطف و رحمتت اميد دارد، يا چگونه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 105

يُحْرِقُهُ لَهيبُها وَانْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرى‏ مَكانَهُ، امْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ‏

زبانه‏هاى آتشِ (غضبت) او را بسوزاند در حالى كه تو ناله‏اش را مى‏شنوى و جايگاهش را (در آتش) مى‏بينى، يا چگونه زبانه‏هاى آتشِ (غضبت)

زَفيرُها وَانْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، امْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اطْباقِها وَانْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ،

او را بسوزاند، در حالى كه تو ناتوانى او را مى‏دانى، يا چگونه در ميان طبقات دوزخ به خود بپيچد با اين كه تو صداقت و راستگوييش را مى‏دانى‏

امْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها، وَهُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ، امْ كَيْفَ‏[[123]](#footnote-123) يَرْجُو فَضْلَكَ فى‏

يا چگونه مأموران او را بيازارند در حالى كه به نداى «يا رب» تو را مى‏خواند، يا چگونه در آزادى خويش از آتش،

عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فيها، هَيْهاتَ ما ذلِكَ الظَّنُ بِكَ، وَلَاالْمَعْرُوفُ مِنْ‏

به لطف تو اميدوار باشد ولى تو او را در آتش رها كنى؟! هرگز (باور نمى‏كنم)، چنين گمانى به تو نيست و چنين چيزى از لطف تو

فَضْلِكَ، وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ مِنْ بِرِّكَ وَاحْسانِكَ، فَبِالْيَقينِ‏

پسنديده نيست، و با نيكى و دستگيرى تو نسبت به يكتاپرستان شباهت و تناسبى ندارد، من به يقين‏

اقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذيبِ جاحِديكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اخْلادِ

مى‏دانم كه اگر فرمان تو بر مجازاتِ منكرانت و باقى ماندن دشمنانت (در عذاب) نبود،

مُعانِديكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّها بَرْداً وَسَلاماً، وَما كانَ لِأَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَلا

هر آينه آتش دوزخ را سرد و امن قرار مى‏دادى و هيچ كس در آن منزل و مأوا

مُقاماً، لكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اسْمآؤُكَ، اقْسَمْتَ انْ تَمْلَأَها مِنَ الْكافِرينَ، مِنَ‏

نداشت، ولى اى خدايى كه نامهايت مقدّس است، قسم ياد كرده‏اى كه دوزخ را از كافران جنّ و انس‏

الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اجْمَعينَ، وَانْ تُخَلِّدَ فيهَا الْمُعانِدينَ، وَانْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ‏

پر كنى و براى هميشه دشمنانت را در آن جاى دهى، و تويى كه ستايشت بزرگ است‏

قُلْتَ مُبْتَدِئاً، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعامِ مُتَكَرِّماً، افَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً

(در كتاب خود) ابتدءاً فرموده‏اى و با انعام و كرامت گفته‏اى: «آيا كسى كه با ايمان باشد، همچون كسى است كه فاسق است؟!

لا يَسْتَوُونَ، الهى‏ وَسَيِّدى‏ فَاسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتى‏ قَدَّرْتَها، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتى‏

نه هرگز اين دو برابر نيستند»، اى مبعود و سرور من، به حقّ آن قدرتى كه مقدّر كرده‏اى و به آن حكمى كه‏

حَتَمْتَها وَحَكَمْتَها، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اجْرَيْتَها، انْ تَهَبَ لى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ

لازم كرده و صادر فرموده‏اى و بر هر كس كه آن را بر او جارى كردى، چيره شدى، از تو مى‏خواهم كه در اين شب‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 106

وَفى‏ هذِهِ‏السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ‏اجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ‏اذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ اسْرَرْتُهُ،

و در اين ساعت بر من ببخشى هر خلافى كه مرتكب شده‏ام و هر گناهى كه از من سرزده و هر كار زشتى كه پنهان كرده‏ام‏

وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ اوْ اعْلَنْتُهُ، اخْفَيْتُهُ اوْ اظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ امَرْتَ‏

و هر كار جاهلانه‏اى كه در نهان يا آشكارا و مخفيانه يا نمايان انجام داده‏ام و هر كار بدى را كه‏

بِاثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبينَ، الَّذينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما يَكُونُ مِنّى‏، وَجَعَلْتَهُمْ‏

مأموران ثبت اعمال را به ثبت آن فرمان دادى، همان مأمورانى كه بر ثبت و ضبط اعمال من گماشتى و آنها را

شُهُوداً عَلَىَّ مَعَ جَوارِحى‏، وَكُنْتَ انْتَ الرَّقيبَ عَلَىَّ مِنْ وَرآئِهِمْ، وَالشَّاهِدَ

به همراه اعضاى بدنم، گواهِ بر من قرار دادى و تو نيز مافوق آنها مراقبم بودى و گواه بودى‏

لِما خَفِىَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ اخْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَانْ تُوَفِّرَ حَظّى‏

بر آنچه از آنها پوشيده مانده، و به واسطه رحمت و لطفت آن را مخفى كرده و پوشاندى، و (از تو مى‏خواهم) بهره‏ام را افزون كنى‏

مِنْ كُلّ خَيْرٍ انْزَلْتَهُ، اوْ احْسانٍ فَضَّلْتَهُ، اوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ، اوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، اوْ

از هر خوبى كه فرو فرستاده‏اى، يا هر احسانى كه مرحمت فرموده‏اى، يا هر نيكى كه گسترش داده‏اى، و يا هر روزيى كه گسترانده‏اى، يا

ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، اوْ خَطَأٍ تَسْتُرُهُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، يا الهى‏ وَسَيِّدى‏

هر گناهى كه بخشيده‏اى، يا هر خطايى كه پوشانده‏اى، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من! اى معبود و سرور من،

وَمَوْلاىَ وَمالِكَ رِقّى‏، يا مَنْ بِيَدِهِ ناصِيَتى‏، يا عَليماً بِضُرّى‏[[124]](#footnote-124) وَمَسْكَنَتى‏،

و اى مولا و صاحب اختيار من، اى كسى كه اختيارم به دست اوست، اى آگاه بر بدحالى و بينوايى‏ام،

يا خَبيراً بِفَقْرى‏ وَفاقَتى‏، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، اسْئَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ،

اى داناى بر تهيدستى و نيازمندى‏ام، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من! به حق خودت و ذات مقدّس‏

وَاعْظَمِ صِفاتِكَ وَاسْمآئِكَ، انْ تَجْعَلَ اوْقاتى‏ مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ بِذِكْرِكَ‏

و صفات و نامهاى بزرگت، از تو مى‏خواهم كه اوقات شب و روزم را به يادت آباد

مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَاعْمالى‏ عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتّى‏ تَكُونَ‏

ساخته و در خدمتت ثابت قدم گردانى و اعمالم را در درگاهت بپذيرى، تا همه‏

اعْمالى‏ وَاوْرادى‏ كُلُّها وِرْداً واحِداً، وَحالى‏ فى‏ خِدْمَتِكَ سَرْمَداً، يا

كردار و گفتارم يكسان (و براى تو) باشد و هميشه در حال خدمت به تو باشم، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 107

سَيِّدى‏ يا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلى‏، يا مَنْ الَيْهِ شَكَوْتُ احْوالى‏، يا رَبِّ يا رَبِ‏

سرور من، اى كسى كه تكيه گاه منى، اى كسى كه شكايت احوالِ (پريشان) خويش را به درگاه او برم، اى پروردگار من، اى پروردگار من،

يا رَبِّ، قَوِّ عَلى‏ خِدْمَتِكَ جَوارِحى‏، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزيمَةِ جَوانِحى‏،

اى پروردگار من! اعضايم را در انجام خدمتت نيرو بخش و دلم را براى آمدن به سويت قوى دار،

وَهَبْ لِىَ الْجِدَّ فى‏ خَشْيَتِكَ، وَالدَّوامَ فِى الْإِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتّى‏ اسْرَحَ‏

و جديّت در خشيت و مداومت در خدمتت را عطا فرما، تا اين كه در ميدان‏

الَيْكَ فى‏ مَيادينِ السَّابِقينَ، وَ اسْرِعَ الَيْكَ فِى الْبارِزينَ، وَاشْتاقَ الى‏

مسابقه (در اطاعت) به سوى تو روانه شوم و در ميان پيش تازان، به سوى تو سرعت گيرم و در صف علاقه‏مندان،

قُرْبِكَ فِى الْمُشْتاقينَ، وَادْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصينَ، وَاخافَكَ مَخافَةَ

به سوى مقام قربت اشتياق پيدا كنم، و مانند پاكدلان به تو نزديك گردم و مانند اهل يقين‏

الْمُوقِنينَ، وَاجْتَمِعَ فى‏ جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنينَ، اللهُمَّ وَمَنْ ارادَنى‏ بِسُوءٍ

از تو بترسم و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد هم آييم، خدايا، هر كس بدِ مرا خواهد

فَارِدْهُ، وَ مَنْ كادَنى‏ فَكِدْهُ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ احْسَنِ عَبيدِكَ نَصيباً عِنْدَكَ،

به خودش باز گردان، و هر كس با من حليه كند، به خويش دچارش كن و بهره‏مندى بهترين بندگانت‏

وَاقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَاخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَانَّهُ لا يُنالُ ذلِكَ الَّا بِفَضْلِكَ،

و مقرّب‏ترين آنان و مخصوص‏ترين خاصّانت را به من عطا فرما كه به راستى جز با لطف تو كسى به اين مقام نرسد،

وَ جُدْ لى‏ بِجُودِكَ، وَاعْطِفْ عَلَىَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنى‏ بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ‏

و به بخشندگيت ببخش بر من، و به بزرگواريت به من توجّه فرما و به رحمتت مرا حفظ كن، و زبانم را

لِسانى‏ بِذِكْرِكَ لَهِجاً، وَقَلْبى‏ بِحُبِّكَ مُتَيَّماً، وَمُنَّ عَلَىَّ بِحُسْنِ اجابَتِكَ،

به يادت گويا و دلم را به دوستيت بى‏تاب قرار ده، و با پذيرش خواسته‏ام بر من منّت‏گذار،

وَاقِلْنى‏ عَثْرَتى‏، وَاغْفِرْ زَلَّتى‏، فَانَّكَ قَضَيْتَ عَلى‏ عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ، وَامَرْتَهُمْ‏

و از لغزشم بگذر و گناهم را بيامرز، زيرا كه تو بندگانت را به پرستش خويش فرمان داده و به دعا كردن‏

بِدُعآئِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجابَةَ، فَالَيْكَ يارَبِّ نَصَبْتُ وَجْهى‏، وَالَيْكَ يا

امر فرمودى و اجابت دعايشان را ضمانت كردى، پس اى پروردگار من اينك رو به تو و به سويت‏

رَبِّ مَدَدْتُ يَدى‏، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لى‏ دُعآئى‏، وَبَلِّغْنى‏ مُناىَ، وَلاتَقْطَعْ‏

دست نياز دراز كرده‏ام، پس به شكوه و عزّتت قسم، دعايم را اجابت فرما و به آرزويم برسان واميدم را

كليات مفاتيح نوين، ص: 108

مِنْ فَضْلِكَ رَجآئى‏، وَاكْفِنى‏ شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ اعْدآئى‏، يا سَريعَ‏

به لطف و كرمت نااميد مگردان، و از شرّ دشمنانم، از جنّ و انس حفظ فرما، اى (خدايى) كه زود

الرِّضا، اغْفِرْ لِمَنْ لا يَمْلِكُ الَّا الدُّعآءَ، فَانَّكَ فَعَّالٌ لِما تَشآءُ، يا مَنِ اسْمُهُ‏

راضى مى‏شوى، كسى را كه جز دعا به درگاهت چيز ديگرى ندارد ببخش، كه به راستى هر آنچه را بخواهى انجام مى‏دهى. اى كه نامت‏

دَوآءٌ، وَذِكْرُهُ شِفآءٌ، وَطاعَتُهُ غِنىً، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجآءُ،

دارو و يادت درمان و بندگيت توانگرى است، بر كسى كه سرمايه‏اش اميد

وَسِلاحُهُ الْبُكآءُ، يا سابِغَ النِّعَمِ، يا دافِعَ النِّقَمِ، يا نُورَ الْمُسْتَوْحِشينَ فِى‏

و اسلحه‏اش گريه است، رحم كن، اى فراوان دهنده نعمتها، اى‏برطرف كننده گرفتاريها، اى روشنى دلهاى وحشت زده در

الظُّلَمِ، يا عالِماً لا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ‏

تاريكيها، اى‏داناى بى‏تعليم، بر محمّد و آلش درود فرست و آنچه را كه تو لايق آنى درباره من‏

اهْلُهُ، وَصَلَّى‏اللَّهُ عَلى‏ رَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّةِ الْمَيامينِ مِنْ الِهِ، وَ سَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.

انجام ده و درود و رحمت خدا بر پيامبر و امامان با بركت از خاندانش، و سلام و تحيّت فراوان بر آنان باد.

دعاى عشرات‏[[125]](#footnote-125):

اين دعا از دعاهاى بسيار معتبر است كه مستحب است- اگر كسى بتواند- هر صبح و شام آن را بخواند؛ ولى بهترين زمان خواندنش، عصر جمعه مى‏باشد. مرحوم «كفعمى» در «مصباح» آن را از امام حسين عليه السلام نقل كرده است.[[126]](#footnote-126) و دعا طبق نقل «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد»[[127]](#footnote-127) چنين است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ، وَلا الهَ الَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اكبَرُ، وَلا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إلَّا

پاك و منزّه است خداوند و ستايش مخصوص اوست، و معبودى جز خداى يكتا نيست و او بزرگتر (از هر چيز) است و پناهگاه و نيرويى جز

بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظِيمِ، سُبْحانَ اللَّهِ آناءَ اللَّيْلِ وَاطْرافَ النَّهارِ، سُبْحانَ اللَّهِ‏

از سوى خداوند بلند مرتبه و با عظمت نيست، تسبيح مى‏گويم خدا را در تمام لحظه‏هاى شب و طول روز،

كليات مفاتيح نوين، ص: 109

بِالْغُدُوِّ وَالْاصالِ، سُبْحانَ اللَّهِ بِالْعَشِىِّ وَالْإِبْكارِ، سُبْحانَ اللَّهِ حينَ تُمْسُونَ‏

و در سپيده دم و شامگاهان و ابتداى شب و روز، تسبيح مى‏گويم خدا را هنگامى كه در شب‏

وَ حينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، وَعَشِيّاً وَ حينَ‏

و صبح داخل مى‏شويد، و ستايش در آسمان‏ها و زمين، شبانگاه و هنگام ظهر مخصوص خداوندى است كه‏

تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ، وَيُحْيىِ‏

زنده را از مرده و مرده را از زنده بيرون مى‏آورد، و زمين را

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها، وَكَذلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

پس از مردنش زنده مى‏كند و شما نيز اين چنين (در قيامت) برانگيخته مى‏شويد، پروردگار تو، آن خداى صاحب شكوه‏

يَصِفُونَ، وَسَلامٌ عَلَى المُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، سُبْحانَ ذِى‏

از آنچه توصيف مى‏كنند منزّه است. و درود و سلام بر فرستادگان او، و ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است. تسبيح مى‏گويم خداوندى را كه صاحب‏

الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحانَ ذِى الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ ذِى الْكِبْرِيآءِ

فرمانروايى و سلطه آسمانى است، تسبيح مى‏گويم خداوند صاحب عزّت و بزرگى را، تسبيح مى‏گويم خداوند صاحب جلال‏

وَالْعَظَمَةِ، الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبينِ الْمُهَيْمِنِ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَىِ‏

و عظمت را، آن فرمانرواى حقيقى روشنگر و نگهبان و پاكيزه از هر عيب، تسبيح مى‏گويم خداوند را، آن فرمانرواى زنده‏اى‏

الَّذِى‏ لايَمُوتُ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَىِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ الْقآئِمِ الدَّآئِمِ،

كه (هرگز) نمى‏ميرد، تسبيح مى‏گويم خداوندِ فرمانرواى زنده پاكيزه از هر عيب، تسبيح مى‏گويم (خداى) پايدار پاينده،

سُبْحانَ الدَّآئِمِ الْقآئِمِ، سُبحَانَ رَبِّىَ‏الْعَظيِمِ، سُبْحانَ رَبِّىَ الْأَعْلى‏، سُبْحانَ‏

پاك و منزّه است پاينده پايدار، تسبيح مى‏گويم پروردگار با عظمتم را، تسبيح مى‏گويم پروردگار بلند مرتبه‏ام را، تسبيح مى‏گويم‏

الْحَىِّ القَيُّومِ، سُبْحانَ الْعَلِىِّ الْأَعْلى‏، سُبْحانَهُ وَتَعالى‏، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ،

(خداى) زنده جاودان را، تسبيح مى‏گويم (خداى) برتر بلند مرتبه را، او پاك و منزّه و برتر است، بسيار منزّه و پاكيزه از هر عيب است‏

رَبُّنا وَ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ،[[128]](#footnote-128) سُبْحانَ الدَّآئِمِ غَيْرِ الْغافِلِ، سُبْحانَ الْعالِمِ‏

پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و «روح» تسبيح مى‏گويم (خداى) پاينده آگاه را، تسبيح مى‏گويم (خداى) داناى‏

بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، سُبْحانَ خالِقِ ما يُرى‏ ومَا لايُرى‏، سُبْحانَ الَّذى‏ يُدْرِكُ‏

بدون نياز به آموختن را، تسبيح مى‏گويم آفريننده آنچه ديدنى و آنچه ناديدنى است، تسبيح مى‏گويم (خدايى) كه بينندگان را

كليات مفاتيح نوين، ص: 110

الْأَبْصارَ، وَلا تُدْرِكُهُ الْأَبْصارُ، وَهُوَ اللَّطيفُ الْخَبِيرُ، اللهُمَّ إنّى‏ اصْبَحْتُ‏

مى‏بيند ولى آنها او را نمى‏بينند، و او مهربان و آگاه است، خدايا من از (لطف و محبّت) تو صبح‏

وَ امْسَيْتُ مِنْكَ فى‏ نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ وَبَرَكَةٍ وَعافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و شام در نعمت و خير و بركت و عافيتم، پس بر محمّد و آل (پاكش) درود فرست‏

وَاتْمِمْ عَلَىَّ نِعْمَتَكَ وَخَيْرَكَ، وَبَرَكاتِكَ وَعافِيَتَكَ بِنَجاةٍ مِنَ النَّارِ،

و با نجات از آتش (غضبت) نعمت و خير و بركت و عافيت را (از جانب خويش) بر من تمام كن.

وَارْزُقْنِى‏ شُكْرَكَ وَعافِيَتَكَ وَفَضْلَكَ وَكَرامَتَكَ ابَداً ما ابْقَيْتَنِى‏، اللهُمَ‏

و مادامى كه مرا زنده نگه داشته‏اى توفيق سپاسگذارى (از نعمت‏هايت) و عافيت و لطف و بخشش هميشگى‏ات را روزيم گردان، خدايا

بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْتُ، وَبِنِعْمَتِكَ اصْبَحْتُ وَامْسَيْتُ،

به نور تو هدايت شده و به لطف تو بى‏نياز شدم و به نعمت تو صبح و شب (را سپرى) كردم،

اللهُمَّ انّى‏ اشْهِدُكَ وَكَفى‏ بِكَ شَهِيداً، وَاشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وانْبِيآئَكَ‏

خدايا تو را گواه مى‏گيرم و گواهى تو كافى است و (همچنين) فرشتگان، و پيامبران‏

وَرُسُلَكَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَارْضِكَ، وَجَميعَ خَلْقِكَ،

و فرستادگان و حاملان عرش و ساكنان آسمان‏ها و زمين و همه مخلوقاتت را گواه مى‏گيرم‏

بِانَّكَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، وانَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ‏

بر اين كه به يقين تو خدايى هستى كه معبودى جز تو نيست، يگانه‏اى كه شريكى براى تو نيست و اين كه محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَانَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَدِيرٌ، تُحْيى‏ وَتُميتُ،

بر او و خاندان (پاكش) باد- بنده و فرستاده توست و اين كه تو بر هر كارى توانايى، زنده كرده و مى‏ميرانى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص110**

وَتُميتُ وَتُحْيى‏، وَاشْهَدُ انَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ انَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ النُّشُورَ حَقٌّ،

و مى‏ميرانى و زنده مى‏كنى و گواهى مى‏دهم به يقين بهشت و دوزخ و قيامت حق است‏

وَالسَّاعَةَ اتِيَةٌ لا رَيْبَ فيهَا، وَانَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِى القُبُورِ، وَاشْهَدُ انَّ عَلِىَ‏

و زمان آن بى شك فرا خواهد رسيد و خداوند كسانى را كه در گورها خفته‏اند بر مى‏انگيزد، و گواهى مى‏دهم به يقين‏

بْنَ ابيطالِبٍ اميرُ الْمُؤْمِنينَ حَقّاً حَقّاً، وَانَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ هُمُ الْأَئمَّةُ

على بن ابى‏طالب حقيقتاً و به حق، اميرمؤمنان است و امامان از فرزندانش همان امامان‏

الهُداةُ الْمَهْدِيُّونَ، غَيْرُ الضَّآلّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ، وَانَّهُمْ اوْلِيآئُكَ الْمُصْطَفَوْنَ،

هدايت كننده هدايت شده‏اى هستند كه نه گمراهند و نه گمراه كننده و (گواهى مى‏دهم) به يقين آنها دوستان برگزيده تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 111

وَحِزْبُكَ الْغالِبُونَ، وَ صِفْوَتُكَ وَخِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَنُجَبآئُكَ الَّذِينَ‏

و حزب پيروز و فاتح تو، و برگزيده و بهترين مخلوقات تواند بزرگ‏زادگانى كه آنها را

انْتَجَبْتَهُمْ لِدينِكَ، وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، واصْطَفْيَتَهُمْ عَلى‏ عِبادِكَ،

براى دين خود انتخاب كرده و از ميان مخلوقاتت مخصوصشان ساخته و بر بندگانت برگزيدى‏

وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعالَمينَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ والسَّلامُ وَرَحْمةُ اللَّهِ‏

و آنها را بر جهانيان حجّت و دليل قرار دادى درود و سلام و رحمت خدا بر آنها باد،

وَبَرَكاتُهُ، اللهُمَّ اكْتُبْ لى‏ هذِهِ الشَّهادَةَ عِنْدَكَ، حَتّى‏ تُلَقِّنيها يَوْمَ الْقِيمَةِ

خدايا اين شهادت و گواهى را براى من در نزد خود ثبت فرما تا اين كه در روز قيامت در حالى كه از من‏

وَانْتَ عَنّى‏ راضٍ، انَّكَ عَلى‏ ما تَشآءُ قَديرٌ، اللهُمَّ لَكَ الْحَمدُ حَمْداً

خشنود هستى آن را بر زبانم جارى سازى زيرا كه تو بر هر چه خواهى توانايى خدايا ستايش مخصوص توست ستايشى كه‏

يَصْعَدُ اوَّلُهُ، وَلا يَنْفَدُ آخِرُهُ، اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً تَضَعُ لَكَ السَّمآءُ

آغازش (به آسمان) بالا رود و پايانى نداشته باشد، خدايا ستايش مخصوص توست ستايشى كه آسمان براى تو بالهايش را بر زمين نهد

كَنَفَيْها، وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْها، اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً سَرْمَداً

(و تواضع كند) و زمين و آنچه بر آن است تو را تسبيح گويد، خدايا ستايش مخصوص توست ستايشى پيوسته‏

ابَداً، لَا انْقِطاعَ لَهُ وَلا نَفادَ، وَلَكَ يَنْبَغى‏ وَالَيْكَ يَنْتَهى‏، فِىَّ وَعَلَىَ‏

و ابدى كه انقطاعى براى آن نباشد و نه فنايى، (ستايش) شايسته توست و به تو منتهى مى‏شود. (كه اثر آن) در وجود من و بر من‏

وَ لَدَىَّ وَ مَعى‏، وَقَبْلى‏ وَبَعْدى‏ وَامامِى‏ وَفَوْقى‏ وَتَحْتى‏، وَ اذا مِتُّ وَبَقيتُ‏

و نزد من و همراه من و پيش از من و پس از من و مقابلم و بالاى سرم و زير پايم و هنگامى كه از دنيا رفتم و تك و تنها

فَرْداً وَحيداً ثُمَّ فَنيتُ، وَلَكَ الْحَمْدُ اذا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يا مَوْلاىَ، اللَّهُمَ‏

باقى ماندم و سپس فانى شدم (و در تمام حالات ظاهر شود) و ستايش مخصوص توست زمانى كه دوباره زنده شوم و برانگيخته گردم، اى مولاى من، خدايا

وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَميعِ مَحامِدِكَ كُلِّها، عَلى‏ جَميعِ نَعْمآئِكَ كُلِّها،

ستايش و شكر مخصوص توست به جميع انواع آن بر تمامى نعمتهايت،

حَتّى‏ يَنْتَهِىَ الْحَمْدُ الى‏ ما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضى‏، اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ كُلِ‏

تا جايى كه‏اى پروردگار من حمد من به خشنودى و رضايت تو منتهى گردد، خدايا ستايش مخصوص توست بر هر

اكْلَةٍ وَ شَرْبَةٍ، وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ، وَ فى‏ كُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَةٍ، اللهُمَ‏

خوردن و آشاميدنى و هر حركت، بستن و گشايشى، و در محلّ روييدن هر مويى، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 112

لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً مَعَ خُلُودِكَ، ولَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا مُنْتَهى‏ لَهُ دُونَ‏

ستايش مخصوص توست ستايشى كه جاودان است به جاودانگيت. و ستايش مخصوص توست ستايشى كه نهايتى جز علم تو

عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا امَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا

براى آن نباشد. و ستايش مخصوص توست ستايشى كه پايانى جز اراده و خواست تو براى آن نباشد. و ستايش مخصوص توست ستايشى كه پاداشى‏

اجْرَ لِقآئِلِهِ الَّا رِضاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ

جز رضاى تو براى گوينده آن نباشد و ستايش مخصوص توست به خاطر حلمِ بعد از آگاهيت، و ستايش مخصوص توست‏

عَلى‏ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ باعِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وارِثَ‏

به خاطر گذشت بعد از تواناييت، و ستايش مخصوص توست كه انگيزه هر ستايشى و ستايش مخصوص توست كه وارث‏

الْحَمْدِ، ولَكَ الْحَمْدُ بَديعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ الحَمْدُ

ستايشى و ستايش مخصوص توست كه ايجادكننده آنى و ستايش مخصوص توست كه نهايت ستايشى و ستايش مخصوص توست‏

مُبتَدِعَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِىَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِىَّ الْحَمْدِ،

كه به وجود آورنده آنى، و ستايش مخصوص توست كه خريدار ستايشى، و ستايش مخصوص توست كه صاحب ستايشى‏

وَلَكَ الْحَمْدُ قَديمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صادِقَ الْوَعْدِ، وَفِىَّ الْعَهْدِ، عَزيزَ

و ستايش مخصوص توست كه از ازل مورد ستايشى و ستايش مخصوص توست كه وعده‏ات راست، پيمانت پايدار، سپاهت‏

الجُنْدِ، قآئِمَ الْمَجْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفيعَ الدَّرَجاتِ، مُجيبَ الدَّعَواتِ، مُنزِلَ‏

بزرگ و بزرگواريت جاودان است، و ستايش مخصوص توست كه بلندمرتبه، برآورنده حاجات، فرو فرستنده‏

الْاياتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمواتٍ، عَظيمَ الْبَرَكاتِ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُماتِ،

آيات از بالاى هفت آسمانى، صاحب رحمت گسترده، خارج كننده نور از تاريكى‏ها

وَمُخْرِجَ مَنْ فِى الظُّلُماتِ الىَ النُّورِ، مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ حَسَناتٍ، وَجاعِلَ‏

و خارج كننده هر كسى از تاريكى به روشنايى، تبديل كننده بدى‏ها به خوبى‏ها و قرار دهنده‏

الْحَسَناتِ دَرَجاتٍ، اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غافِرَ الذَّنْبِ، وَقابِلَ التَّوْبِ، شَديدَ

درجات براى حسناتى، خدايا ستايش مخصوص توست كه آمرزنده گناه و پذيرنده توبه و سخت‏

الْعِقابِ ذَاالطَّوْلِ، لا الهَ الَّا انْتَ، الَيْكَ الْمَصيرُ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِى اللَّيْلِ‏

كيفر دهنده توانايى، معبودى جز تو نيست و بازگشت (همه) به سوى توست، خدايا ستايش مخصوص توست در شب‏

اذايَغْشى‏، وَلَكَ‏الْحَمْدُ فِى‏النَّهارِاذاتَجَلّى‏، وَلَكَ‏الْحَمْدُ فِى‏الْاخِرَةِوَالْأُولى‏،

هنگامى كه (جهان را) بپوشاند. و ستايش مخصوص توست در روز هنگامى كه (جهان را) روشن سازد. و ستايش مخصوص توست در آخرت و دنيا،

كليات مفاتيح نوين، ص: 113

وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِى السَّمآءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرى‏

و ستايش مخصوص توست به تعداد ستارگان و فرشتگان آسمان و ستايش مخصوص توست به تعداد ذرات خاك‏ها

وَالْحَصى‏ وَالنَّوى‏، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما فى‏ جَوْفِ الأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

و ريگ‏ها و دانه‏ها، و ستايش مخصوص توست به تعداد آنچه در دل زمين است، و ستايش مخصوص توست‏

عَدَدَ اوْزانِ مِياهِ الْبِحارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ اوْراقِ الْأَشْجارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

به اندازه آب درياها، و ستايش مخصوص توست به تعداد برگ درختان، و ستايش مخصوص توست‏

عَدَدَ ما عَلى‏ وَجْهِ الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما احْصى‏ كِتابُكَ، وَ لَكَ‏

به تعداد آنچه كه روى زمين است و ستايش مخصوص توست به تعداد آنچه كه در كتاب تو شمارش شده و ستايش‏

الْحَمْدُ عَدَدَ ما احاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَالْهَوامِ‏

مخصوص توست به مقدار آنچه كه علم تو به آن احاطه دارد و ستايش مخصوص توست به عدد انس و جنّ و حشرات‏

وَالطَّيْرِ، وَالْبَهآئِمِ وَالسِّباعِ، حَمْداً كَثيراً طَيِّباً مُبارَكاً فِيهِ، كَما تُحِبُّ رَبَّنا

و پرندگان و چهارپايان و درندگان، ستايشى فراوان، پاكيزه و با بركت آن گونه كه تو اى پروردگار ما، دوست دارى‏

وَتَرْضى‏، وَ كَما يَنْبَغى‏ لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلالِكَ. آنگاه ده مرتبه مى‏گويى: لا الهَ‏

و خشنود مى‏شوى و آن‏گونه كه سزاوار ذات بزرگوار و عزت جلال توست\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* معبودى جز

الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ.

خدا نيست، يگانه‏اى كه شريكى براى او نيست، فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست و او مهربان و آگاه است.

و ده مرتبه: لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لاشَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى‏

\*\*\*\*\*\*\* معبودى جز خدا نيست، يگانه‏اى كه شريكى براى او نيست، فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست، زنده مى‏كند

وَيُميتُ، و يُميتُ وَيُحْيى‏، وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى‏ كُلِ‏

و مى‏ميراند و مى‏ميراند و و زنده مى‏كند، و او زنده‏اى است كه (هرگز) نمى‏ميرد، نيكى و خوبى بدست اوست و او بر هر

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ. و ده مرتبه: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ وَاتُوبُ‏

چيز تواناست،\*\*\*\*\*\* آمرزش مى‏طلبم از خدايى كه معبودى جز او زنده و جاودان، نيست و به سوى او

الَيْهِ. و ده مرتبه: يااللَّهُ يااللَّهُ. و ده مرتبه: يا رَحْمنُ يا رَحْمنُ. و ده مرتبه: يا رَحيمُ‏

باز مى‏گردم،\*\*\*\*\*\*\* اى خدا، اى خدا.\*\*\*\*\*\*\* اى بخشنده، اى بخشنده،\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى مهربان،

يا رَحيمُ. و ده مرتبه: يا بَديعَ‏السَّمواتِ وَالْأَرْضِ. وده مرتبه: يا ذَاالْجَلالِ‏

اى مهربان\*\*\*\*\*\*\*\* اى به وجود آورنده آسمان و زمين،\*\*\*\*\*\*\*\* اى صاحب جلال‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 114

وَالْإِكْرامِ. و ده مرتبه: ياحَنَّانُ يا مَنَّانُ. و ده مرتبه: يا حىُّ يا قَيُّومُ. و ده‏مرتبه: يا حَىُ‏

و بزرگوارى\*\*\*\*\*\* اى بسيار مهربان و اى بسيار سخاوتمند،\*\*\*\*\*\*\*\* اى زنده، اى جاودان،\*\*\*\*\*\*\*\* اى زنده‏اى كه‏

لا الهَ الَّا انْتَ. و ده مرتبه: يا اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ. و ده مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ‏

معبودى جز تو نيست،\*\*\*\*\*\* اى خدايى كه معبودى جز تو نيست،\*\*\*\*\*\* به نام خداوند بخشنده‏

الرَّحِيمِ. و ده مرتبه: اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. و ده مرتبه: اللهُمَّ افْعَلْ‏

مهربان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا آنچه را كه‏

بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ. و ده مرتبه: آمينَ آمينَ. و ده مرتبه سوره‏ قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ. سپس ده‏ تو شايسته آنى در مورد من انجام بده\*\*\*\*\*\*\*\* (دعايم را) اجابت فرما ...\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* بگو خداوند يكتا و يگانه است،\*\*\*\*\*\*

مرتبه مى‏گويى: اللَّهُمَّ اصْنَعْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَصْنَعْ بى‏ ما ا نَا اهْلُهُ، فَانَّكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا آنچه را كه تو شايسته آنى در مورد من انجام بده نه آنچه كه من شايسته آنم، به يقين تو

اهْلُ التَّقْوى‏ وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَانَا اهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطايا، فَارْحَمْنى‏ يا

شايسته پرهيزگارى و آمرزشى و من اهل گناه و اشتباهم، به من رحم كن اى‏

مَوْلاىَ وَانْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ. و نيز ده مرتبه مى‏گويى: لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ،

مولاى من، كه تويى مهربان‏ترين مهربانان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند نيست،

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذى‏ لا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً،

به (خداى) زنده‏اى كه (هرگز) نمى‏ميرد توكل كردم و ستايش مخصوص خدايى است كه نه فرزندى براى خود انتخاب كرده‏

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فى‏ الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.

و نه شريكى در حكومت دارد و ضعف و ذلتى ندارد كه حامى و سرپرستى براى او باشد و (به خدا مى‏گويم) او را بسيار بزرگ بشمار.

دعاى سمات‏[[129]](#footnote-129):

از دعاهاى مشهور است كه اكثر علماى بزرگ به آن عنايت داشته‏اند. مستحب است اين دعا را در ساعت‏هاى آخرِ روز جمعه بخوانند. اين دعا از جناب محمّد بن عثمان عَمْرى رحمه الله كه يكى از نوّاب چهارگانه امام زمان عليه السلام است به سندش از حضرت امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام نقل شده است.

همان‏گونه كه در روايت آمده، اين دعا براى رفع شرّ و ستم دشمنان و اجابت سريع دعاها و پاداش فراوان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 115

الهى، مؤثّر است.[[130]](#footnote-130) اين دعا طبق نقل «مصباح المتهجّد»[[131]](#footnote-131) چنين است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ‏[[132]](#footnote-132)، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذى‏

خدايا به حق نام بزرگ و بسيار با عظمت و محبوب و عالى و گراميت از تو مى‏خواهم به حق نامى‏

اذا دُعيتَ بِهِ عَلى‏ مَغالِقِ ابْوابِ السَّمآءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَ اذا

كه اگر خوانده شوى به آن نام براى گشايش درهاى بسته آسمان، به رحمت و بخشش باز مى‏شود و اگر

دُعيتَ بِهِ عَلى‏ مَضآئِقِ ابْوابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَاذا دُعيتَ بِهِ‏

خوانده شوى به آن نام براى گشايش تنگناها و سختى‏هاى زمين، گشوده مى‏شود، و اگر خوانده شوى به آن نام‏

عَلَى العُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ، وَ اذا دُعيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْواتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ،

براى آسان شدن دشوارى‏ها، آسان شود و اگر خوانده شوى به آن نام براى زنده شدن مردگان، زنده شوند،

وَاذا دُعيتَ بِهِ عَلى‏ كَشْفِ الْبَاْسآءِ وَالضَّرَّآءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلالِ وَجْهِكَ‏

و اگر خوانده شوى به آن نام براى برطرف شدن سختى‏ها و ناگوارى‏ها، برطرف شود (و از تو مى‏خواهم) به حق ذات ارجمند

الْكَريمِ، اكْرَمِ الْوُجُوهِ وَاعَزِّ الْوُجُوهِ، الَّذى‏ عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ‏

و گراميت، گرامى‏ترين و محبوب‏ترين ذواتى كه در برابرت فروتنى كرده‏اند و گردنكشان در مقابلت‏

لَهُ الرِّقابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْواتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِكَ،

تسليم و مطيع گرديده‏اند، و هر صدايى در حضورت خاموش گشته و هر دلى از ترس تو بيمناك گرديده،

وَبِقُوَّتِكَ الَّتى‏ بِها تُمْسِكُ السَّمآءَ انْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ الَّا بِاذْنِكَ، وَتُمْسِكُ‏

و (از تو مى‏خواهم) به حق آن قدرتت كه بوسيله آن آسمان را از فرو ريختن بر زمين جز به اذنت نگه مى‏دارد، و آسمان‏

السَّمواتِ وَالْأَرْضَ انْ تَزُولا، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتى‏ دانَ لَهَا الْعالَمُونَ،

و زمين را از جابجا شدن حفظ مى‏كند و (از تو مى‏خواهم) به حق اراده و خواستت كه جهانيان در مقابل آن مطيعند،

كليات مفاتيح نوين، ص: 116

وَبِكَلِمَتِكَ الَّتى‏ خَلَقْتَ بِهَا السَّمواتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتى‏ صَنَعْتَ‏

و (از تو مى‏خواهم) به حقّ آن كلمه‏اى كه به واسطه آن آسمان و زمين راآفريدى و به حق آن دانايى و حكمتت كه به واسطه آن‏

بِهَا الْعَجآئِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَها لَيْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَناً،

شگفتى‏ها را آفريدى و با آن تاريكى را آفريدى و آن را شب‏و مايه آرامش قرار دادى،

وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهاراً، وَجَعَلْتَ النَّهارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ‏

و با آن روشنايى را آفريدى و آن را روز و زمان پراكندگى (براى كار و تلاش) و مايه بينايى قرار دادى‏

بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيآءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ

و با آن خورشيد را آفريدى و آن را درخشان ساختى و با آن ماه را آفريدى و آن را روشنايى (درشب)

نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَواكِبَ وَجَعَلْتَها نُجُوماً وَبُرُوجاً، وَمَصابيحَ وَزينَةً

قرار دادى، و با آن ستارگان را آفريدى و آنها را بصورت اختران تابناك و صور فلكى وچراغ‏هاى هدايت (در شب) و زينت‏

وَرُجُوماً، وَجَعَلْتَ لَها مَشارِقَ وَمَغارِبَ، وَجَعَلْتَ لَها مَطالِعَ وَمَجارِىَ،

و آرايش (آسمان) و سنگ‏هاى متحرك قرار دادى و براى آنها محل طلوع و غروب و محلّ جريان و حركت‏

وَجَعَلْتَ لَها فَلَكاً وَمَسابِحَ، وَقَدَّرْتَها فِى السَّمآءِ مَنازِلَ فَاحْسَنْتَ‏

و مدارها و جايگاهى كه بر آن شناورند قرار دادى و براى آنها منزلگاه‏هايى در آسمان معيّن كرده و به خوبى‏

تَقْديرَها، وَصَوَّرْتَها فَاحْسَنْتَ تَصْويرَها، وَاحْصَيْتَها بِاسْمآئِكَ احْصآءً،

اندازه‏گيرى نمودى و به بهترين وجه شكل دادى و به نام‏هاى مباركت آنها را شمارش كردى‏

وَدَبَّرْتَها بِحِكْمَتِكَ تَدْبيراً فَاحْسَنْتَ تَدْبيرَها، وَسَخَّرْتَها بِسُلْطانِ اللَّيْلِ‏

و با دانايى و حكمتت به خوبى تدبير كردى و به وسيله قدرت و سلطه شب‏

وَسُلْطانِ النَّهارِ، وَالسَّاعاتِ وَعَدَدِ السِّنينَ وَالْحِسابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَها

و روز و ساعت‏ها و شمارش سال‏ها و برقرارى نظم، آنها را مطيع ساختى و ديدنشان را

لِجَميعِ النَّاسِ مَرْئً واحِداً، وَاسْئَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذى‏ كَلَّمْتَ بِهِ‏

براى همه مردم يكسان قرار دادى، خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ بزرگواريت كه به واسطه آن با

عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ، مُوسَى بْنَ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلامُ فِى الْمُقَدَّسينَ، فَوْقَ‏

بنده و فرستاده‏ات موسى بن عمران- كه بر او درود و سلام باد- در ميان فرشتگان پاك سخن گفتى، (در مكانى) فراتر از

احْساسِ الْكَرُّوبينَ، فَوْقَ غَمآئِمِ النُّورِ، فَوْقَ تابُوتِ الشَّهادَةِ فى‏ عَمُودِ

درك فرشتگان مقرّب، بر فراز ابرهاى نورانى، بالاى صندوق شهادت (كه فرشتگان، تورات را با آن حمل مى‏كنند) و در ميان ستونى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 117

النَّارِ، وَفى‏ طُورِ سَيْنآءَ، وَفى‏ جَبَلِ حُوريثَ فِى الْوادِ الْمُقَدَّسِ فِى الْبُقْعَةِ

از آتش در طور سينا و در كوه حوريث، در سرزمينى پاكيزه، و در مكانى‏

الْمُبارَكَةِ، مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفى‏ ارْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ‏

مبارك، از طرف راست كوه طور از درختى (با موسى سخن‏گفتى) و در سرزمين مصر، با نُه معجزه آشكار

اياتٍ بَيِّناتٍ، وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنى‏ اسْرآئيلَ الْبَحْرَ، وَفِى الْمُنْبَجِساتِ الَّتى‏

(او را تأييد كردى)، و (به مجد و بزرگواريت) در روزى كه دريا را براى بنى اسرائيل شكافتى و در چشمه‏هاى جوشان‏

صَنَعْتَ بِهَا الْعَجآئِبَ فى‏ بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مآءَ الْبَحْرِ فى‏ قَلْبِ الْغَمْرِ

از سنگ كه به واسطه آن شگفتى‏ها را در درياى سوف آفريدى و آب را در دل آن دريا همانند سنگ‏

كَالْحِجارَةِ، وَجاوَزْتَ بِبَنى‏ اسْرآئيلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنى‏

محكم ساختى، و بنى اسرائيل را از آن گذراندى و به واسطه صبر آنها كلمه نيكويت‏ [/ حسن قضا] عَلَيْهِمْ بِما صَبَرُوا، وَ اوْرَثْتَهُمْ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَمَغارِبَهَا الَّتى‏ بارَكْتَ‏

را برايشان به پايان رساندى، و آنها را بر سراسر آن سرزمين كه بر جهانيان مبارك گردانده بودى‏

فيها لِلْعالَمينَ، وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَ مَراكِبَهُ فِى الْيَمِّ، و بِاسْمِكَ‏

مالك كردى و فرعون و لشكريانش و آنچه بر آن سوار بودند را در دريا غرق نمودى، و (از تو مى‏خواهم)

الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ الأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، وَبِمَجْدِكَ الَّذى‏ تَجَلَّيْتَ بِهِ‏

به حق نام بزرگِ با عظمتِ بسيار با عظمت و محبوب و عالى و گراميت و به بزرگواريت كه به واسطه آن‏

لِمُوسى‏ كَليمِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ فى‏ طُورِ سَيْنآءَ، وَ لِإِبْراهيمَ عَلَيْهِ السَّلامُ‏

بر موسى كليم- كه بر او درود و سلام باد- در طور سينا جلوه گر شدى و قبل از آن بر ابراهيم خليل- كه بر او درود

خَليلِكَ مِنْ قَبْلُ فى‏ مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَلِإِسْحقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلامُ فى‏

و سلام باد- در مسجد خيف، و بر برگزيده‏ات اسحاق- كه بر او درود و سلام باد- در

بِئْرِ شِيَعٍ، وَلِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلامُ فى‏ بَيْتِ ايلٍ، وَاوْفَيْتَ لِإِبْراهيمَ‏

چاه شيع، و بر پيامبرت يعقوب- كه بر او درود و سلام باد- در خانه ايل (جلوه گر شدى) و به عهد و پيمانت با ابراهيم‏

عَلَيْهِ السَّلامُ بِميثاقِكَ، وَ لِإِسْحقَ عَلَيْهِ السَّلامُ بِحَلْفِكَ، وَلِيَعْقُوبَ عَلَيْهِ‏

- كه بر او درود و سلام باد- وفا كردى، و به سوگندت در مورد اسحاق- كه بر او درود و سلام باد- و به گواهيت براى يعقوب‏

السَّلامُ بِشَهادَتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنينَ بِوَعْدِكَ، وَلِلدَّاعينَ بِاسْمآئِكَ فَاجَبْتَ،

- كه بر او درود و سلام باد- و به وعده‏ات براى مؤمنين و درخواست كنندگان به نامهايت كه (وفا كرده و) اجابت نمودى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 118

وَبِمَجْدِكَ الَّذى‏ ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلامُ عَلى‏ قُبَّةِ الرُّمَّانِ،

و (از تو مى‏خواهم) به حقّ بزرگواريت كه در قُبّة الرمان‏ [/ عبادتگاه موسى‏] بر موسى بن عمران- كه بر او درود و سلام باد- آشكار شد

وَباياتِكَ الَّتى‏ وَقَعَتْ عَلى‏ ارْضِ مِصْرَ بِمَجْدِالْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ، باياتٍ عَزيزَةٍ،

و به معجزه‏هايت كه در سرزمين مصر با بزرگوارى با شكوه و غالب و نشانه‏هاى باشكوه‏

وَ بِسُلْطانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّآمَّةِ، وَبِكَلِماتِكَ الَّتى‏

و سلطه قوى و قدرت عظيم واقع شد و (از تو مى‏خواهم) به حق مقام كلمه كامل و كلماتت كه‏

تَفَضَّلْتَ بِها عَلى‏ اهْلِ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ، وَاهْلِ الدُّنْيا وَ الْاخِرَةِ،

به واسطه آن بر اهل آسمان و زمين و دنيا و آخرت احسان نمودى‏

وَبِرَحْمَتِكَ الَّتى‏ مَنَنْتَ بِها عَلى‏ جَميعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطاعَتِكَ الَّتى‏ اقَمْتَ‏

و به حقّ بخششت كه به واسطه آن بر تمامى مخلوقاتت منّت نهادى و به حقّ قدرتت كه به واسطه آن‏

بِها عَلَى الْعالَمينَ، وَبِنُورِكَ الَّذى‏ قَدْ خَرَّمِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْنآءَ، وَ بِعِلْمِكَ‏

جهان را بر پا داشتى، و به حقّ نورت كه از وحشت آن طور سينا فرو افتاد و به حق دانش‏

وَجَلالِكَ وَكِبْرِيآئِكَ، وَ عِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتى‏ لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ،

و عظمت و اقتدار و شكوه و بزرگيت كه زمين توان تحمّل آن را نداشت‏

وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمواتُ، وَانْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحارُ

و آسمان‏ها در برابرش فرود آمدند و عميق‏ترين قسمت‏هاى زمين باز ايستاد، و درياها و رودها

وَالْأَنْهارُ، وَ خَضَعَتْ لَهَا الْجِبالُ، وَسَكَنَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَناكِبِها،

راكد شدند، و كوه‏ها سر فرود آوردند، و زمين با پستى و بلنديهايش آرام گرفت،

وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلائِقُ كُلُّها، وَ خَفَقَتْ لَهَا الرِّياحُ فى‏ جَرَيانِها،

و همه خلايق مطيع گرديدند، و بادها در جريان خود مضطرب شدند،

وَخَمَدَتْ لَهَا النّيرانُ فى‏ اوْطانِها، وَبِسُلْطانِكَ الَّذى‏ عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلَبَةُ

و آتش‏ها در آتشكده‏ها خاموش گشتند، و به حقّ سلطنت و فرمانرواييت كه به واسطه آن تا ابد

دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحُمِدْتَ بِهِ فِى‏السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةِ

پيروز و غالب شناخته شده‏اى و به واسطه آن در آسمان‏ها و زمين‏ها ستايش شده‏اى، و به حقّ كلمه‏

الصِّدْقِ الَّتى‏ سَبَقَتْ لِأَبينا ادَمَ عَلَيْهِ السَّلامُ وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَاسْئَلُكَ‏

صدق و راستت كه به رحمتت بر پدر ما آدم- كه بر او درود و سلام باد- و نسلش پيشى گرفت، و از تو مى‏خواهم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 119

بِكَلِمَتِكَ الَّتى‏ غَلَبَتْ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى‏ تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ،

به حق آن كلمه‏ات كه بر هر چيز چيره گشت و به حقّ نور ذاتت كه به واسطه آن بر كوه جلوه كردى‏

فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَخَرَّ مُوسى‏ صَعِقاً، وَ بِمَجْدِكَ الَّذى‏ ظَهَرَ عَلى‏ طُورِ سَيْنآءَ،

و آن را متلاشى ساختى و موسى بيهوش افتاد، و به حق بزرگواريت كه بر طور سينا آشكار شد،

فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ، وَ بِطَلْعَتِكَ فى‏ ساعيرَ،

و به واسطه آن با بنده و فرستاده‏ات موسى بن عمران سخن گفتى، و به آشكار شدنت در ساعير [/ محلّ عبادت عيسى‏]

وَظُهُورِكَ فى‏ جَبَلِ فارانَ بِرَبَواتِ الْمُقَدَّسينَ، وَجُنُودِ الْمَلائِكَةِ الصَّآفّينَ،

و در كوه فاران [/ محل عبادت رسول خدا] در جايگاه رفيع فرشتگان مقدس و لشكريان صف كشيده آنها

وَخُشُوعِ الْمَلائِكَةِ الْمُسَبِّحينَ، وَبِبَرَكاتِكَ الَّتى‏ بارَكْتَ فيها عَلى‏ ابْراهيمَ‏

و در ميان فروتنى فرشتگان تسبيح كننده، و به حق بخشش و احسانت كه بركت دادى در آن بر ابراهيم‏

خَليلِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ فى‏ امَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمْ، وَبارَكْتَ‏

خليل- كه بر او درود و سلام باد- در ميان امّت محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و بركت دادى‏

لِإِسْحقَ صَفِيِّكَ فى‏ امَّةِ عيسى‏ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَبارَكْتَ لِيَعْقُوبَ‏

براى برگزيده‏ات اسحاق در ميان امّت عيسى- كه بر هر دوى آنها درود و سلام باد-، و بركت دادى براى بنده برگزيده‏ات يعقوب‏

اسْرآئيلِكَ فى‏امَّةِ مُوسى‏ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَ بارَكْتَ لِحَبيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى‏

در ميان امّت موسى- كه بر هر دوى آنها درود و سلام باد- و بركت دادى براى محبوبت محمّد- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فى‏ عِتْرَتِهِ‏وَذُرِّيَّتِهِ وَامَّتِهِ، اللهُمَّ وَ كَما غِبْنا عَنْ ذلِكَ وَلَمْ‏

و سلام خدا بر او و خاندان پاكش باد- در خاندان و نسل و امّتش، خدايا با اين كه ما در آن زمان نبوديم‏

نَشْهَدْهُ وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَعَدْلًا، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و اين امور را مشاهده نكرديم، ولى از روى راستى و درستى به آن ايمان آورديم (و از تو مى‏خواهيم) كه درود فرستى بر محمّد و خاندان پاكش،

وَ انْ تُبارِكَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و بركت دهى بر محمّد و خاندان پاكش و رحمت فرستى بر محمّد و خاندان پاكش‏

كَافْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى‏ ابْراهيمَ وَآلِ ابْراهيمَ، انَّكَ‏

همانند بهترين درودها و بركات و رحمت‏هايت كه بر ابراهيم و خاندانش فرستادى كه تو

حَميدٌ مَجيدٌ، فَعَّالٌ لِما تُريدُ، وَانْتَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ شَهيدٌ\* سپس‏ سزاوار ستايش و بزرگوارى و هر چه اراده كنى انجام دهى و تو بر هر كارى توانا و گواهى،\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 120

حاجات خود را ذكر مى‏كنى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذَا الدُّعآءِ، وَبِحَقِّ هذِهِ الْأَسْمآءِ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا به حق اين دعا و به حق اين نام‏هايى‏

الَّتى‏ لا يَعْلَمُ تَفْسيرَها وَلا يَعْلَمُ باطِنَها غَيْرُكَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

كه كسى جز تو تفسير و باطن آن را نمى‏داند بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بى‏ ما انَا اهْلُهُ، وَاغْفِرْ لى‏ مِنْ‏

و آنچه را كه تو شايسته آنى در حق من انجام ده نه آنچه را كه من سزاوار آنم، و گناهان گذشته‏

ذُنُوبى‏ ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَأَخَّرَ، وَوَسِّعْ عَلَىَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِنى‏

و آنچه از من سر خواهد زد را بر من ببخش، و روزى حلالت را بر من افزون كن و مرا

مَؤُنَةَ انْسانِ سَوْءٍ وَجارِ سَوْءٍ، وَقَرينِ سَوْءٍ وَسُلْطانِ سَوْءٍ، انَّكَ عَلى‏ ما

از شرّ انسان بد و همسايه و همنشين و فرمانرواى شرور حفظ كن، كه تو بر آنچه‏

تَشآء قَديرٌ، وَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عَليمٌ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

خواهى توانايى و بر هر چيز دانايى، اى پروردگار جهانيان (دعايم را) اجابت كن.

دعاى مشلول:

اين دعا به نام «دعاءالشّاب المأخوذ بذنبه؛ دعاى جوانى كه بواسطه گناهش گرفتار گرديده» نيز ناميده شده است.[[133]](#footnote-133) اين دعا را حضرت اميرمؤمنان على عليه السلام به جوانى كه به سبب ستم در حقّ پدرش فلج شده بود، آموخت. آن جوان اين دعا را خواند، آنگاه رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله را در خواب ديد كه دست بر اندام او كشيد و به او فرمود: بر اسم اعظم خدا، مراقبت كن كه كار تو به نيكى و خير خواهد بود.[[134]](#footnote-134) جوان از خواب بيدار شد و خود را تندرست يافت. آن دعا مطابق نقل «بلدالامين» چنين است:[[135]](#footnote-135) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكرامِ،

خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت «بسم اللَّه الرحمن الرحيم»، اى صاحب شكوه و بزرگوارى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 121

يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا حَىُ‏لا الهَ الَّا انْتَ، ياهُوَ يا مَنْ لا يَعْلَمُ ما هُوَ، وَ لا

اى زنده، اى پاينده، اى زنده‏اى كه معبودى جز تو نيست، اى خدا، اى كسى كه جز تو نداند كه چيستى؟ و

كَيْفَ هُوَ، وَ لا ايْنَ هُوَ، وَلا حَيْثُ هُوَ الَّا هُوَ، يا ذَاالْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يا

چگونه‏اى؟ و در كدام سو و كجايى؟ اى صاحب فرمانروايى و سلطنت، اى‏

ذَاالْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ، يامَلِكُ يا قُدُّوسُ، يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ، يا مُهَيْمِنُ يا

صاحب شكوه و بزرگى، اى فرمانروا، اى پاكيزه، اى مايه سلامتى، اى امان‏دهنده، اى مقتدر، اى‏

عَزيزُ، يا جَبَّارُ يا مُتَكَبِّرُ، يا خالِقُ يا بارِئُ، يا مُصَوِّرُ يا مُفيدُ، يا مُدَبِّرُ يا

قدرتمند، اى قادر، اى بزرگ منش، اى آفريننده، اى پديدآورنده، اى شكل دهنده، اى سوددهنده، اى تدبيركننده، اى‏

شَديدُ، يا مُبْدِئُ يا مُعيدُ، يا مُبيدُ يا وَدُودُ، يا مَحْمُودُ يا مَعْبُودُ، يا بَعيدُ يا

سختگير (بر ظالمان)، اى آغاز كننده، اى بازگرداننده، اى نابودكننده، اى با محبت، اى ستوده، اى ستايش شده، اى دور، اى‏

قَريبُ، يا مُجيبُ يا رَقيبُ، يا حَسيبُ يا بَديعُ، يا رَفيعُ يا مَنيعُ، يا سَميعُ‏

نزديك، اى پاسخگو، اى مراقب، اى حسابگر، اى پديدآورنده، اى بلندمرتبه، اى دست نيافتنى، اى شنوا،

يا عَليمُ، يا حَليمُ يا كَريمُ، يا حَكيمُ يا قَديمُ، يا عَلِىُّ يا عَظيمُ، يا حَنَّانُ يا

اى دانا، اى شكيبا، اى بخشنده، اى خردمند، اى ديرينه، اى بلندمرتبه، اى با عظمت، اى با محبّت، اى‏

مَنَّانُ، يا دَيَّانُ يا مُسْتَعانُ، يا جَليلُ يا جَميلُ، يا وَكيلُ يا كَفيلُ، يا مُقيلُ‏

گشاده‏دست، اى داور روز جزا، اى ياور، اى بزرگوار، اى زيبا، اى وكيل، اى عهده‏دار، اى درگذرنده،

يا مُنيلُ، يا نَبيلُ يا دَليلُ، يا هادى‏ يا بادى‏، يا اوَّلُ يا اخِرُ، يا ظاهِرُ يا

اى احسان كننده، اى شريف، اى راهنما، اى هدايت كننده، اى آشكار كننده، اى آغاز، اى پايان، اى آشكار، اى‏

باطِنُ، يا قآئِمُ يا دآئِمُ، يا عالِمُ يا حاكِمُ، يا قاضى‏ يا عادِلُ، يا فاصِلُ يا

پنهان، اى استوار، اى جاويدان، اى دانا، اى حكمران، اى حكم كننده، اى دادگر، اى جداكننده، اى‏

واصِلُ، يا طاهِرُ يا مُطَهِّرُ، يا قادِرُ يا مُقْتَدِرُ، يا كَبيرُ يا مُتَكَبِّرُ، يا واحِدُ يا

پيونددهنده، اى پاك، اى پاك كننده، اى توانا، اى مقتدر، اى بزرگ، اى بزرگمنش، اى يكتا، اى‏

احَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ‏

يگانه، اى بى‏نياز، اى كه هرگز نزاده و زاده نشده‏اى و براى تو هيچگاه شبيه و مانندى نبوده است، و همدمى‏

صاحِبَةٌ وَلا كانَ مَعَهُ وَزيرٌ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشيراً، وَلَا احْتاجَ الى‏ ظَهيرٍ،

برايت نيست و مددكارى ندارى، و مشاورى براى خود برنگزيده‏اى، و نيازى به پشتيبان ندارى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 122

وَلاكانَ مَعَهُ الهٌ، لا الهَ الَّا انْتَ، فَتَعالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً

و معبودى به همراهت نيست، معبودى جز تو نيست، و از آنچه ستمكاران مى‏گويند بسيار

كَبيراً، يا عَلِىُّ يا شامِخُ يا باذِخُ، يا فَتَّاحُ يا نَفَّاحُ، يا مُرْتاحُ يا مُفَرِّجُ، يا

برترى، اى برتر، اى سربلند، اى والا مقام، اى كارگشا، اى نعمت ده، اى فرح بخش، اى گشاينده (اندوه)،

ناصِرُ يا مُنْتَصِرُ، يا مُدْرِكُ يا مُهْلِكُ، يا مُنْتَقِمُ يا باعِثُ، يا وارِثُ يا طالِبُ،

اى ياور، اى پيروزمند، اى دريابنده، اى هلاك كننده، اى انتقام گيرنده، اى برانگيزنده (مردگان)، اى وارث، اى طلب كننده،

يا غالِبُ يا مَنْ لا يَفُوتُهُ هارِبٌ، يا تَوَّابُ يا اوَّابُ، يا وَهَّابُ يا مُسَبِّبَ‏

اى غلبه كننده، اى كه فراريان را از تو گريزى نيست، اى توبه‏پذير اى دادرس، اى بخشنده، اى سبب ساز

الْأَسْبابِ، يا مُفَتِّحَ الْأَبْوابِ، يا مَنْ حَيْثُ ما دُعِىَ اجابَ، يا طَهُورُ يا

سبب‏ها، اى گشاينده درها، اى كه هر زمان خوانده شوى، پاسخ‏گويى، اى پاك كننده، اى‏

شَكُورُ، يا عَفُوُّ يا غَفُورُ، يا نُورَ النُّورِ، يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يا لَطيفُ يا خَبيرُ،

شكرپذير، اى عفوكننده، اى آمرزنده، اى روشنايى نور، اى تدبيركننده كارها، اى مهربان، اى آگاه،

يا مُجيرُ يا مُنيرُ، يا بَصيرُ يا ظَهيرُ، يا كَبيرُ يا وِتْرُ، يا فَرْدُ يا ابَدُ، يا سَنَدُ يا

اى پناه ده، اى تابناك، اى بينا، اى پشتيبان، اى بزرگ، اى يگانه، اى يكتا، اى جاويد، اى تكيه‏گاه،

صَمَدُ، يا كافى‏ يا شافى‏، يا وافى‏ يا مُعافى‏، يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ، يا مُنْعِمُ‏

اى بى‏نياز، اى كفايت كننده اى شفا دهنده، اى وفاكننده، اى درگذرنده، اى نيكوكار، اى زيبايى بخش، اى نعمت دهنده،

يا مُفْضِلُ، يا مُتَكَرِّمُ يا مُتَفَرِّدُ، يا مَنْ عَلا فَقَهَرَ، وَ يا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، يا مَنْ‏

اى فضيلت دهنده، اى بخشنده، اى تنها، اى كه برترى و مغلوب سازى، و اى كه مالكى و توانايى، و اى كه‏

بَطَنَ فَخَبَرَ، وَ يا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ، وَ يا مَنْ عُصِىَ فَغَفَرَ وَ سَتَرَ، وَ يا مَنْ لا

پنهانى و آگاهى، و اى كه در برابر عبادت سپاسگزارى كنى، و اى كه نافرمانى شوى و بيامرزى و بپوشانى، و اى كه‏

تَحْويهِ الْفِكَرُ، وَ لا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، وَلا يَخْفى‏ عَلَيْهِ اثَرٌ، يا رازِقَ الْبَشَرِ، يا

فكرها تو را در بر نگيرد، و چشمى تو را نبيند، و نشانه‏اى بر تو پوشيده نماند، اى روزى دهنده انسان، اى‏

مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ، يا عالِىَ الْمَكانِ، يا شَديدَ الْأَرْكانِ، يا مُبَدِّلَ الزَّمانِ، يا

مقدّر كننده هر تقدير، اى بلند جايگاه، اى صاحب اركان استوار، اى تغيير دهنده زمان، اى‏

قابِلَ الْقُرْبانِ، يا ذَاالْمَنِّ وَالْإِحْسانِ، يا ذَا الْعِزِّ وَالسُّلْطانِ، يا رَحيمُ يا

پذيرنده قربانى، اى صاحب نعمت و نيكى، اى صاحب عزت و فرمانروايى، اى مهربان،

كليات مفاتيح نوين، ص: 123

رَحمنُ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فى‏ شَاْنٍ، يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ، يا

اى بخشنده، اى كسى كه هر روز در كارى هستى، اى كسى كه كارى تو را از كار ديگر باز ندارد،

عَظيمَ الشَّاْنِ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكانٍ، يا سامِعَ الْأَصْواتِ، يا مُجيبَ‏

اى صاحب مقام بزرگ، اى كسى كه در هر مكان حاضرى، اى شنونده صداها، اى اجابت‏كننده‏

الدَّعَواتِ، يا مُنْجِحَ الطَّلِباتِ، يا قاضِىَ الْحاجاتِ، يا مُنْزِلَ الْبَرَكاتِ، يا

دعاها، اى برآورنده خواسته‏ها، اى رواكننده حاجتها، اى نازل كننده بركتها، اى‏

راحِمَ الْعَبَراتِ، يامُقيلَ الْعَثَراتِ، يا كاشِفَ الْكُرُباتِ، يا وَلِىَّ الْحَسَناتِ،

رحم كننده بر اشكها، اى درگذرنده از لغزش‏ها، اى برطرف كننده گرفتارى‏ها، اى صاحب نيكيها،

يا رافِعَ الدَّرَجاتِ، يا مُؤْتِىَ السُّؤُلاتِ، يا مُحْيِىَ الْأَمْواتِ، يا جامِعَ‏

اى بالابرنده رتبه‏ها، اى عطاكننده خواسته‏ها، اى زنده كننده مردگان، اى گردآورنده‏

الشَّتاتِ، يا مُطَّلِعَ عَلَى النِّيَّاتِ، يا رادَّ ما قَدْ فاتَ، يا مَنْ لاتَشْتَبِهُ عَلَيْهِ‏

پراكندگى‏ها، اى آگاه بر قصدها، اى بازگرداننده از دست رفته‏ها، اى كسى كه صداها بر تو

الْأَصْواتُ، يا مَنْ لاتُضْجِرُهُ الْمَسْئَلاتُ، وَلا تَغْشاهُ الظُّلُماتُ، يا نُورَ

مشتبه نشود، اى كسى كه درخواست‏ها تو را نيازارد، و تاريكى‏ها تو را نپوشاند، اى روشنى‏

الْأَرْضِ والسَّمواتِ، يا سابِغَ النِّعَمِ، يا دافِعَ النِّقَمِ، يا بارِئَ النَّسَمِ، يا

زمين و آسمانها، اى سرازير كننده نعمتها، اى برطرف كننده رنج‏ها، اى پديدآورنده آدميان، اى‏

جامِعَ الْأُمَمِ، يا شافِىَ السَّقَمِ، ياخالِقَ النُّورِ وَالظُّلَمِ، يا ذَاالْجُودِ وَالْكَرَمِ،

جمع كننده امتها، اى شفابخش بيماريها، اى آفريننده روشنايى و تاريكى‏ها، اى صاحب بخشش و كرم،

يا مَنْ لا يَطَأُ عَرْشَهُ قَدَمٌ، يا اجْوَدَ الْأَجْوَدينَ، يا اكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، يا اسْمَعَ‏

اى كسى كه احدى پايش به عرش او نرسد، اى بخشنده‏ترين بخشندگان، اى گرامى‏ترين گراميان، اى شنواترين‏

السَّامِعينَ، يا ابْصَرَ النَّاظِرينَ، يا جارَ الْمُسْتَجيرينَ، يا امانَ الْخائِفينَ،

شنوايان، اى بيناترين بينايان، اى پناه پناه‏جويان، اى امان خائفان،

ياظَهْرَ اللّاجينَ، يا وَلِىَّ الْمُؤْمِنينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا غايَةَ

اى پشتيبان پناهندگان، اى سرپرست مؤمنان، اى فريادرس فريادرس خواهان، اى هدف نهايى‏

الطَّالِبينَ، يا صاحِبَ كُلِّ غَريبٍ، يا مُونِسَ كُلِّ وَحيدٍ، يا مَلْجَا كُلِّ طَريدٍ،

طلب كنندگان، اى همراه غريبان، اى همدم هر تنها، اى پناه هر رانده شده،

كليات مفاتيح نوين، ص: 124

يا مَاْوى‏ كُلِّ شَريدٍ، يا حافِظَ كُلِّ ضآلَّةٍ، ياراحِمَ الشَّيْخِ الْكَبيرِ، يا رازِقَ‏

اى پناهگاه گريختگان، اى نگهدار هر گمشده، اى ترحّم كننده پير كهنسال، اى روزى ده‏

الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا جابِرَ الْعَظْمِ الْكَسيرِ، يا فاكَّ كُلِّ اسيرٍ، يا مُغْنِىَ الْبآئِسِ‏

كودك خردسال، اى پيونددهنده استخوان شكسته، اى رهايى بخش اسيران، اى بى‏نياز كننده فقير

الْفَقيرِ، يا عِصْمَةَ الْخائِفِ الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ لَهُ التَّدْبيرُ وَالتَّقْديرُ، يا مَنِ‏

بينوا، اى نگهدار ترسان پناه‏جو، اى كه تدبير و سرنوشت بندگان بدست توست، اى كه‏

الْعَسيرُ عَلَيْهِ يَسيرٌ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ الى‏ تَفْسيرٍ، يا مَنْ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ

سختى‏ها بر تو آسان است، اى كه به شرح و بيان نياز ندارى، اى كه بر هر چيز

قَديرٌ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ خَبيرٌ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ بَصيرٌ، يا مُرْسِلَ‏

توانايى، اى كه از هر چيز آگاهى، اى كه بر هر چيز بينايى، اى فرستنده‏

الرِّياحِ، يا فالِقَ الْإِصْباحِ، يا باعِثَ الْأَرْواحِ، يا ذَاالْجُودِ وَالسَّماحِ، يا مَنْ‏

بادها، اى شكافنده صبح، اى برانگيزنده روح‏ها، اى صاحب بخشش و گذشت، اى كه‏

بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتاحٍ، يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يا سابِقَ كُلِّ فَوْتٍ، يا مُحْيِىَ كُلِ‏

كليد (تمام مشكلات) به دست توست، اى شنونده هر صدا، اى پيشى گيرنده بر اسباب فوت، اى زنده كننده‏

نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يا عُدَّتى‏ فى‏ شِدَّتى‏، يا حافِظى‏ فى‏ غُرْبَتى‏، يا مُونِسى‏

جان‏ها پس از مرگ، اى ذخيره‏ام در سختى‏ها، اى نگهدارم در غربت، اى همدمم‏

فى‏ وَحْدَتى‏، يا وَلِيّى‏ فى‏ نِعْمَتى‏، يا كَهْفى‏ حينَ تُعْيينِى الْمَذاهِبُ،

در تنهايى‏ها، اى سرپرستم در نعمت‏ها، اى پناهم در وقتى كه تعدّد راه‏ها مرا خسته مى‏كند،

وَتُسَلِّمُنِى الْأَقارِبُ، وَيَخْذُلُنى‏ كُلُّ صاحِبٍ، يا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، يا

و نزديكانم رهايم كنند، و دوستان ياريم نكنند، اى تكيه‏گاه كسى كه تكيه‏گاهى ندارد، اى‏

سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، يا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، يا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، يا كَهْفَ‏

پشتيبان كسى كه پشتيبانى ندارد، اى ذخيره كسى كه ذخيره‏اى ندارد، اى پناه كسى كه پناهى ندارد، اى پناه‏گاه‏

مَنْ لا كَهْفَ لَهُ، يا كَنْزَ مَنْ لا كَنْزَ لَهُ، يا رُكْنَ مَنْ لا رُكْنَ لَهُ، يا غِياثَ مَنْ لا

كسى كه پناهگاهى ندارد، اى گنجينه كسى كه گنجى ندارد، اى تكيه‏گاه كسى كه تكيه‏گاهى ندارد، اى فريادرس كسى كه‏

غِياثَ لَهُ، يا جارَ مَنْ لا جارَ لَهُ، يا جارِىَ اللَّصيقَ، يا رُكْنِىَ الْوَثيقَ، يا

فريادرسى ندارد اى پناه كسى كه پناهى ندارد، اى پناهى كه از من جدا نيستى، اى تكيه گاه مطمئنّم، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 125

الهى‏ بِالتَّحْقيقِ، يا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتيقِ، يا شَفيقُ يا رَفيقُ، فُكَّنى‏ مِنْ حَلَقِ‏

معبود حقيقيم، اى پروردگار كعبه، اى مهربان و اى همراه، از تنگناها

الْمَضيقِ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَ ضيقٍ، وَاكْفِنى‏ شَرَّ ما لا اطيقُ،

خلاصم كن، و هر اندوه و غم و سختى را از من برطرف كن، و شر آنچه را كه تحمل آن را ندارم از من برطرف كن،

وَاعِنّى‏ عَلى‏ ما اطيقُ، يا رآدَّ يُوسُفَ عَلى‏ يَعْقُوبَ، يا كاشِفَ ضُرِّ ايُّوبَ،

و بر آنچه طاقت دارم كمكم كن، اى بازگرداننده يوسف به يعقوب، اى برطرف كننده گرفتارى ايّوب،

يا غافِرَ ذَنْبِ داوُدَ، يا رافِعَ عيسَى بْنِ مَرْيَمَ، وَ مُنَجِّيهِ مِنْ ايْدِى الْيَهُودِ، يا

اى آمرزنده گناه داود، اى بالابرنده عيسى بن مريم و نجات بخشش از دست يهود، اى‏

مُجيبَ نِدآءِ يُونُسَ فِى الظُّلُماتِ، يا مُصْطَفِىَ مُوسى‏ بِالْكَلِماتِ، يا مَنْ‏

پاسخ دهنده صداى يونس در تاريكى‏ها، اى برگزيننده موسى براى سخن گفتن اى كه‏

غَفَرَ لِأدَمَ خَطيئَتَهُ، وَ رَفَعَ ادْريسَ مَكاناً عَلِيّاً بِرَحْمَتِهِ، يا مَنْ نَجّى‏

خطاى آدم را بخشيدى، و ادريس را با رحمتت به مكان برترى بالا بردى، اى كه نوح را از

نُوحاً مِنَ الْغَرَقِ، يا مَنْ اهْلَكَ عاداً الْأُولى‏، وَ ثَمُودَ فَما ابْقى‏، وَ قَوْمَ نُوحٍ‏

غرق شدن نجات دادى، اى كه قوم عاد نخستين را هلاك نمودى، و از قوم ثمود چيزى باقى نگذاشتى و قوم نوح‏

مِنْ قَبْلُ، انَّهُمْ كانُوا هُمْ اظْلَمَ وَاطْغى‏، وَ الْمُؤْتَفِكَةَ اهْوى‏، يا مَنْ دَمَّرَ عَلى‏

را پيش از آنها هلاك نمودى، زيرا آنان ستمكارتر و متجاوزتر بودند، وشهرهاى زير و رو شده قوم لوط را فرو كوبيدى‏

قَوْمِ لُوطٍ، وَ دَمْدَمَ عَلى‏ قَوْمِ شُعَيْبٍ، يا مَنِ اتَّخَذَ ابْراهيمَ خَليلًا، يا مَنِ‏

و آنها را نابود كردى، و قوم شعيب را هلاك گرداندى اى كه ابراهيم را به دوستى خود برگزيدى، اى كه‏

اتَّخَذَ مُوسى‏ كَليماً، وَاتَّخَذَ مُحَمَّداً صَلَّى‏ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ اجْمَعينَ‏

موسى را هم صحبت خود ساختى، و محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش و تمامى آنان باد- را

حَبيباً، يا مُؤْتِىَ لُقْمانَ الْحِكْمَةَ، وَالْواهِبُ لِسُلَيْمانَ مُلْكاً لا يَنْبَغى‏ لِأَحَدٍ

حبيب خود قرار دادى، اى كه به لقمان حكمت عطا كردى و به سليمان فرمانروايى دادى كه كسى بعد از او

مِنْ بَعْدِهِ، يا مَنْ نَصَرَ ذَا الْقَرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبابِرَةِ، يا مَنْ اعْطَى‏

شايسته آن نبود، اى كسى كه ذوالقرنين را در مقابل پادشاهان ظالم يارى كردى، اى كه‏

الْخِضْرَ الْحَيوةَ، وَرَدَّ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ غُرُوبِها، يا مَنْ رَبَطَ

به خضر زندگانى جاويدان بخشيدى، و خورشيد را بعد از غروبش براى يوشع بن نون بازگرداندى، اى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 126

عَلى‏ قَلْبِ امِّ مُوسى‏، وَ احْصَنَ فَرْجَ مَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرانَ، يا مَنْ حَصَّنَ‏

بر دل مادر موسى آرامش بخشيدى، و دامن مريم دختر عمران را از آلودگى حفظ نمودى، اى كه‏

يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ، وَسَكَّنَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ، يا مَنْ بَشَّرَ

يحيى بن زكريا را از گناه حفظ كردى و خشم موسى را فرو نشاندى، اى كه ولادت يحيى را به‏

زَكَرِيَّا بِيَحْيى‏، يا مَنْ فَدا اسْماعيلَ مِنَ الذَّبْحِ بِذِبْحٍ عَظيمٍ، يا مَنْ قَبِلَ‏

زكريا مژده دادى، اى كه ذبح عظيمى را فداى ذبح اسماعيل نمودى، اى كه‏

قُرْبانَ هابيلَ، وَجَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلى‏ قابيلَ، يا هازِمَ الْأَحْزابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى‏

قربانى هابيل را پذيرفتى و قابيل را از رحمت خود دور ساختى، اى كه گروه‏هاى مخالف محمّد- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلى‏ جَميعِ الْمُرْسَلينَ،

خدا بر او و خاندانش باد- را شكست دادى، بر محمّد و خاندان پاكش و بر تمامى فرستادگان‏

وَمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَاهْلِ طاعَتِكَ اجْمَعينَ، وَاسْئَلُكَ بِكُلِّ مَسْئَلَةٍ

و فرشتگان مقرب و تمامى بندگانت درود فرست، و از تو مى‏خواهم تمامى خواسته‏هاى‏

سَئَلَكَ بِها احَدٌ مِمَّنْ رَضيتَ عَنْهُ، فَحَتَمْتَ لَهُ عَلَى الْإِجابَةِ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا

اشخاصى را كه تو از آنان خشنود هستى، و به طور حتم خواسته‏هاى آنها را پاسخ مى‏دهى، اى خدا، اى خدا، اى‏

اللَّهُ، يا رَحْمنُ يا رَحْمنُ يارَحْمنُ، يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَحيمُ،

خدا، اى بخشنده، اى بخشنده، اى بخشنده، اى مهربان، اى مهربان، اى مهربان،

ياذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، بِهِ بِهِ‏

اى صاحب شكوه و بزرگوارى، اى صاحب شكوه و بزرگوارى، اى صاحب شكوه و بزرگوارى، به آن، به آن،

بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ اسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، اوْ انْزَلْتَهُ فى‏ شَىْ‏ءٍ مِنْ‏

به آن، به آن، به آن، به آن، به آن (جلالت تو را سوگند مى‏دهم و)، از تو مى‏خواهم به حق تمامى نام‏هايى كه خودت را به آن ناميده‏اى يا در بعضى از

كُتُبِكَ، اوِ اسْتَاْثَرْتَ بِهِ فِى‏ عِلْمِ‏الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَبِمَعاقِدِ الْعِزِّمِنْ عَرْشِكَ،

كتاب‏هايت فرو فرستاده‏اى، يا در علم غيبت براى خويش برگزيده‏اى و محلّ عزت از عرشت‏

وَبِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ، وَبِما لَوْ انَّ ما فِى الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اقْلامٌ،

و به حقّ نهايت رحمتت از كتابت، و به حق اين كه اگر همه درختان روى زمين قلم شود

وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ ابْحُرٍ، ما نَفِدَتْ كَلِماتُ اللَّهِ، انَّ اللَّهَ عَزيزٌ

و درياها براى آن مركّب گردد و هفت درياچه به آن افزوده شود (اينها همه تمام مى‏شود ولى) كلمات خدا پايان نمى‏گيرد، به يقين خداوند عزيز

كليات مفاتيح نوين، ص: 127

حَكيمٌ، وَ اسْئَلُكَ بِاسْمآئِكَ الْحُسْنَى الَّتى‏ نَعَتَّها فى‏ كِتابِكَ، فَقُلْتَ: وَللَّهِ‏

و حكيم است، و از تو مى‏خواهم به حق نام‏هاى نيكويى كه در كتابت توصيف نموده‏اى، پس فرموده‏اى: و براى خدا

الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏ فَادْعُوهُ بِها. وَقُلْتَ: ادْعُونى‏ اسْتَجِبْ لَكُمْ. وَقُلْتَ: وَاذا

نام‏هاى نيك است خدا را به آن (نام‏ها) بخوانيد، و فرمودى مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم، و فرمودى: و هنگامى كه‏

سَئَلَكَ عِبادى‏ عَنّى‏، فَانّى‏ قَريبٌ اجيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اذا دَعانِ. وَقُلْتَ: يا

بندگان من از تو درباره من سؤال كنند (بگو:) من نزديكم، دعاى دعاكننده را هنگامى كه مى‏خواند پاسخ مى‏گويم. و فرمودى: اى‏

عِبادِىَ الَّذينَ اسْرَفُوا عَلى‏ انْفُسِهِمْ، لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، انَ‏اللَّهَ يَغْفِرُ

بندگان من كه بر خود اسراف و ستم كرده‏ايد از رحمت خداوند نوميد نشويد كه خدا همه‏

الذُّنُوبَ جَميعاً، انَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ. وَانَا اسْئَلُكَ يا الهى‏، وَادْعُوكَ يا

گناهان را مى‏آمرزد زيرا او بسيار آمرزنده و مهربان است، و من از تو مى‏خواهم اى معبود من، و تو را مى‏خوانم‏

رَبِّ، وَارْجُوكَ يا سَيِّدى‏، وَاطْمَعُ فى‏ اجابَتى‏ يا مَوْلاىَ كَما وَعَدْتَنى‏،

اى پروردگار من و به تو اميدوارم اى آقا و سرورم‏و آن گونه كه وعده فرموده‏اى آرزوى اجابت خواسته‏ام را دارم‏

وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَما امَرْتَنى‏، فَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ يا كَريمُ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِ‏

اى مولا و سرورم تو را آن‏گونه كه فرمان داده‏اى خواندم پس آنچه كه تو شايسته آنى در مورد من انجام ده اى بزرگوار و حمد و سپاس از آن‏

الْعالَمينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعينَ.

خداوندى است كه پروردگار جهانيان است و درود خدا بر محمّد و تمامى خاندانش باد.

دعاى يستشير[[136]](#footnote-136):

«سيّد بن طاووس» در «مهج‏الدّعوات» از امام اميرالمؤمنين عليه السلام نقل كرده است كه آن حضرت فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه و آله اين دعا را به من آموخت و فرمانم داد كه در دشوارى و آسودگى اين دعا را بخوانم و به جانشين خود نيز بياموزم و تا زمانى كه زنده‏ام آن را ترك نكنم و آن را هر صبح و شام بخوانم، زيرا اين دعا گنجى از گنج‏هاى عرش الهى است. در پى اصرار فراوان ابىّ بن كعب انصارى براى بيان پاداش اين دعا، رسول خدا صلى الله عليه و آله برخى از پاداش‏هاى مادّى و معنوى آن را ذكر كرد، از جمله آن‏كه: هر كس اين دعا را بخواند خداوند گناهانش را مى‏آمرزد، سكينه و آرامش بر او فرو مى‏فرستد و رحمت الهى، وى را فرا مى‏گيرد. همچنين آثار و خواصّ جالبى را درباره اين دعا، پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله براى جناب سلمان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 128

فارسى بيان كرده است.[[137]](#footnote-137) اين دعا برابر نقل «كفعمى» در «بلد الامين»[[138]](#footnote-138) چنين است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الحَىُّ القَيُّومُ، الدَّائِمُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ،

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه معبودى جز او نيست، زنده، جاودان، پاينده، فرمانرواى بر حق و آشكار است،

الْمُدَبِّرُ بِلا وَزيرٍ، وَ لا خَلْقٍ مِنْ عِبادِهِ يَسْتَشيرُ، الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ،

تدبير كننده‏اى كه مددكارى ندارد و با آفريده‏اى از بندگانش مشورت نمى‏كند، همان آغازى كه توصيف نشود،

الْباقى‏ بَعْدَ فَنآءِ الْخَلْقِ، الْعَظيمُ الرُّبُوبِيَّةِ، نُورُ السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ،

و بعد از نابودى مخلوقات پايدار ماند، آن كه پروردگاريش با عظمت است، و روشنايى آسمان‏ها و زمين‏ها

وَفاطِرُهُما وَمُبْتَدِعُهُما، خَلَقَهُما بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهُ، وَفَتَقَهُما فَتْقاً، فَقامَتِ‏

و آفريننده و بوجود آورنده آنهاست، آنها را بدون ستون آفريد و به نحو خاصّى گشود، پس‏

السَّمواتُ طآئِعاتٍ بِامْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُ بِاوْتادِها فَوْقَ الْمآءِ، ثُمَ‏

آسمان‏ها به فرمان او مطيعانه در جاى خود قرار گرفتند و زمين با كوه‏هايش بر روى آب استقرار يافت، پس‏

عَلا رَبُّنا فِى السَّمواتِ الْعُلى‏، الرَّحْمنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى‏، لَهُ ما فِى‏

پروردگار ما همان بخشنده‏اى است كه بر آسمان‏ها و عرش مسلّط است، آنچه در

السَّمواتِ وَما فِى الْأَرْضِ وَما بَيْنَهُما وَما تَحْتَ الثَّرى‏، فَانَا اشْهَدُ بِانَّكَ‏

آسمان‏ها و زمين و بين آنها و زير خاك است از آنِ اوست، و گواهى مى‏دهم‏

انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، لا رافِعَ لِما وَضَعْتَ، وَلا واضِعَ لِما رَفَعْتَ، وَلا مُعِزَّ

تو خدايى كه معبودى جز تو نيست، كسى را كه پستش كنى بالايش نتوان برد و كسى را كه بالايش برى پستش نتوان كرد و كسى را كه‏

لِمَنْ اذْلَلْتَ، وَلا مُذِلَّ لِمَنْ اعْزَزْتَ، وَلا مانِعَ لِما اعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِىَ لِما

خوارش كنى عزّتش نتوان بخشيد و كسى را كه عزّتش بخشى خوارش نتوان كرد آنچه را كه عطا كنى منعش نتوان كرد و آنچه را كه منع كنى‏

مَنَعْتَ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، كُنْتَ اذْ لَمْ تَكُنْ سَمآءٌ مَبْنِيَّةٌ، وَلا ارْضٌ‏

عطايش نتوان نمود، و تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، تو بودى در زمانى كه نبود آسمانِ برافراشته، و زمينِ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 129

مَدْحِيَّةٌ، وَلا شَمْسٌ مُضيئَةٌ، وَلا لَيْلٌ مُظْلِمٌ، وَلا نَهارٌ مُضيئٌ، وَلا بَحْرٌ

گسترده، و خورشيدِ تابناك، و شبِ تاريك، و روزِ روشن، و درياىِ‏

لُجِّىٌّ، وَلا جَبَلٌ راسٍ، وَلا نَجْمٌ سارٍ، وَلا قَمَرٌ مُنيرٌ، وَلا ريحٌ تَهُبُّ، وَلا

موّاج، و كوهِ استوار، و ستارگانِ در حركت، و ماهِ تابان، و بادهاى وزان‏

سَحابٌ يَسْكُبُ، وَلا بَرْقٌ يَلْمَعُ، وَلا رَعْدٌ يُسَبِّحُ، وَلا رُوحٌ يَتَنَفَّسُ، وَلا

و ابرهاى بارنده، و برقِ درخشنده، و رعد به تسبيح غرّنده، و موجود زنده، و

طآئِرٌ يَطيرُ، وَلا نارٌ تَتَوَقَّدُ، وَ لامآءٌ يَطَّرِدُ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَكَوَّنْتَ‏

مرغ پرنده، و آتشِ فروزنده، و آبِ روان، تو قبل از هر چيز بودى، و همه چيز را

كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَقَدَرْتَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَافْقَرْتَ‏

تو پديد آوردى، و تو بر هر چيز توانايى، و همه چيز را تو بوجود آوردى، و محتاج‏

وَاغْنَيْتَ، وَ امَتَّ وَاحْيَيْتَ، وَاضْحَكْتَ وَابْكَيْتَ، وَ عَلَى الْعَرشِ‏

و توانگر گرداندى، مرده و زنده كنى، خندان و گريان كنى و بر عرش‏

اسْتَوَيْتَ، تَبارَكْتَ يااللَّهُ وَ تَعالَيْتَ، انْتَ اللَّهُ الَّذى‏ لا الهَ الَّا انْتَ الْخَلَّاقُ‏

مسلّطى، پس بلند مرتبه و برترى اى خدا، تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست كه آفريننده‏

الْعَليمُ، امْرُكَ غالِبٌ، وَعِلْمُكَ نافِذٌ، وَكَيْدُكَ غَريبٌ، وَ وَعْدُكَ صادِقٌ،

و دانايى، فرمانت نافذ، و دانشت مؤثّر، و تدبيرت بى‏نظير، و وعده‏ات راست،

وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَحُكْمُكَ عَدْلٌ، وَكَلامُكَ هُدىً، وَوَحْيُكَ نُورٌ، وَرَحْمَتُكَ‏

و گفتارت درست، و داوريت از روى عدالت، و كلامت مايه هدايت، و پيام آسمانيت مايه روشنى، و بخشش‏

واسِعَةٌ، وَعَفْوُكَ عَظيمٌ، وَفَضْلُكَ كَبيرٌ، وَعَطاؤُكَ جَزيلٌ، وَحَبْلُكَ مَتينٌ،

و احسانت گسترده، و عفوت بزرگ و لطف و كرمت بسيار، و بخششت بى‏شمار و پيمانت استوار،

وَامْكانُكَ عَتيدٌ، وَجارُكَ عَزيزٌ، وَ بَاْسُكَ شَديدٌ، وَمَكْرُكَ مَكيدٌ، انْتَ يا

و قدرت و توانت مهيّا و آماده، و پناهنده‏ات گرامى، و كيفرت سخت و تدبيرت نافذ است، تويى اى‏

رَبِّ مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوى‏، وَشاهِدُ كُلِّ نَجْوى‏، و حاضِرُ كُلِّ مَلَإٍ، وَمُنْتَهى‏

پروردگار من مرجع هر شكايت، و گواه هر صحبت محرمانه، و حاضر در هر جمع، و نهايت‏

كُلِّ حاجَةٍ، وَ فَرَجُ كُلِّ حَزينٍ، وَ غِنى‏ كُلِّ فقيرٍ مِسْكينٍ، وَ حِصْنُ كُلِ‏

هر خواسته، تسكين دهنده غم و اندوه، توانگرىِ هر فقير درمانده، پناهگاه هر

كليات مفاتيح نوين، ص: 130

هارِبٍ، وَ امانُ كُلِّ خآئِفٍ، حِرْزُ الضُّعَفآءِ، كَنْزُ الْفُقَرآءِ، مُفَرِّجُ الْغَمَّآءِ،

پناهنده، پناه هر ترسان، حافظ ضعيفان، گنج فقيران، تسكين دهنده غمزدگان،

مُعينُ الصَّالِحينَ، ذلِكَ اللَّهُ رَبُّنا، لا الهَ الَّا هُوَ، تَكْفى‏ مِنْ عِبادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ‏

ياور پارسايان، چنين خدايى پروردگار ماست كه معبودى جز او نيست، هر بنده‏اى كه خود را به تو بسپارد

عَلَيْكَ، وَانْتَ جارُ مَنْ لاذَ بِكَ وَتَضَرَّعَ الَيْكَ، عِصْمَةُ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ مِنْ‏

ياريش كنى، و پناه دهنده هر كسى هستى كه به تو پناهنده، و دست به دامن تو شود، نگهدار هر بنده‏اى كه به تو متوسّل‏

عِبادِك، ناصِرُ مَنِ انْتَصَرَ بِكَ، تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنِ اسْتَغْفَرَكَ، جَبَّارُ الْجَبابِرَةِ،

شود، ياور هر كس كه از تو يارى جويد، گناهان كسى را كه از تو آمرزش طلبد مى‏آمرزى، (و تويى) مسلّط بر گردنكشان،

عَظيمُ الْعُظَمآءِ، كَبيرُ الْكُبَرآءِ، سَيِّدُ السَّاداتِ، مَوْلَى الْمَوالى‏، صَريخُ‏

برترِ برتران، بزرگِ بزرگان، سرورِ سروران، مولاىِ مولايان فريادرس‏

الْمُسْتَصْرِخينَ، مُنَفِّسٌ عَنِ الْمَكْرُوبينَ، مُجيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، اسْمَعُ‏

دادخواهان، غم زداى غمزدگان، اجابت كننده خواسته گرفتاران، شنواترين‏

السَّامِعينَ، ابْصَرُ النَّاظِرينَ، احْكَمُ الْحاكِمينَ، اسْرَعُ الْحاسِبينَ، ارْحَمُ‏

شنوندگان، بيناترين بينايان، دادرس‏ترين حاكمان، سريع‏ترين حسابرسان، مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، خَيْرُ الْغافِرينَ، قاضى‏ حَوآئِج الْمُؤْمِنينَ، مُغيثُ الصَّالِحينَ، انْتَ‏

مهربانان، بهترين آمرزندگان، برآورنده نيازهاى مؤمنان، فريادرس صالحان، تويى‏

اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، رَبُّ الْعالَمينَ، انْتَ الْخالِقُ وَا نَا الْمَخْلُوقُ، وَ انْتَ الْمالِكُ‏

خدايى كه معبودى جز تو نيست كه پروردگار جهانيانى، تويى آفريننده و منم مخلوق، و تويى صاحب اختيار

وَ ا نَا الْمَمْلُوكُ، وَانْتَ الرَّبُّ وَ ا نَا الْعَبْدُ، وَ انْتَ الرَّازِقُ وَ ا نَا الْمَرْزُوقُ،

و منم مملوك، و تويى پروردگار و منم بنده، و تويى روزى ده و منم روزى خوار،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص130**

وَانْتَ الْمُعْطى‏ وَا نَا السَّآئِلُ، وَانْتَ الْجَوادُ وَ ا نَا الْبَخيلُ، وَانْتَ الْقَوِىُّ وَا نَا

و تويى بخشنده و منم گدا، و تويى سخاوتمند و منم بخيل، و تويى توانا و منم‏

الضَّعيفُ، وَانْتَ الْعَزيزُ وَا نَا الذَّليلُ، وَانْتَ الْغَنِىُّ وَا نَا الْفَقيرُ، وَانْتَ السَّيِّدُ

ناتوان، و تويى گرامى و منم تسليم تو و تويى بى‏نياز و منم نيازمند و تويى سرور

وَا نَا الْعَبْدُ، وَانْتَ الْغافِرُ وَا نَا الْمُسيئُ، وَانْتَ الْعالِمُ وَا نَا الْجاهِلُ، وَانْتَ‏

و منم عبد، و تويى آمرزنده و منم گناهكار، و تويى دانا و منم نادان، و تويى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 131

الْحَليمُ وَا نَا الْعَجُولُ، وَانْتَ الرَّاحِمُ وَانَا الْمَرْحُومُ، وَانْتَ الْمُعافى‏ وَا نَا

شكيبا و منم عجول، و تويى رحم كننده و منم مورد رحمت، و تويى شفا بخش و منم‏

الْمُبْتَلى‏، وَانْتَ الْمُجيبُ وَانَا الْمُضْطَرُّ، وَانَا اشْهَدُ بِانَّكَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ‏

دردمند، و تويى اجابت كننده و منم گرفتار، و گواهى مى‏دهم كه تويى خدايى كه معبودى‏

الَّا انْتَ، الْواحِدُ الْفَرْدُ، وَالَيْكَ الْمَصيرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ‏

جز تو نيست، (خداوند) يگانه و تنهايى كه بازگشت همه به سوى توست، و درود خدا بر محمّد و خاندان‏

الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، وَاغْفِرْ لى‏ ذُنُوبى‏، وَاسْتُرْ عَلَىَّ عُيُوبى‏، وَافْتَحْ لى‏ مِنْ‏

پاك و پاكيزه‏اش باد، (خدايا) گناهانم را ببخش و عيوبم را بپوشان، و از نزد خود

لَدُنْكَ رَحْمَةً، وَرِزْقاً واسِعاً، ياارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

درِ بخشش و روزى فراوان را به رويم بگشا، اى مهربان‏ترين مهربانان، و ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است،

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنْعِمَ الْوَكيلُ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

خداوند (به عنوان پشتيبان) ما را بس و بهترين سرپرست است و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست.

دعاى مجير[[139]](#footnote-139):

اين دعا را مرحوم «كفعمى» در «بلدالامين» و «مصباح» آورده است‏[[140]](#footnote-140) و بسيار ارزشمند و گران‏قيمت است و جبرئيل آن را بر رسول خدا صلى الله عليه و آله- در حالى كه آن حضرت در مقام ابراهيم مشغول نماز بود- نازل كرد و در پاداش آن آمده است: هر كس اين دعا را در روزهاى سيزدهم، چهاردهم و پانزدهم (ايّام البيض) ماه رمضان بخواند، گناهان فراوانى از او آمرزيده شود؛ همچنين اين دعا براى شفاى مريض، اداى قرض، به دست آوردن غنا و توانگرى، رفع اندوه و غم، مؤثّر است.[[141]](#footnote-141) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

سُبْحانَكَ يا اللَّهُ، تَعالَيْتَ يا رَحْمنُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ‏

پاك و منزّهى اى خدا، بلند مرتبه‏اى اى بخشنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 132

يا رَحيمُ، تَعالَيْتَ يا كَريمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مَلِكُ،

اى مهربان، بلندمرتبه‏اى اى بزرگوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى فرمانروا،

تَعالَيْتَ يا مالِكُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا قُدُّوسُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى صاحب اختيار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى پاكيزه، بلند مرتبه‏اى اى‏

سَلامُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُؤْمِنُ، تَعالَيْتَ يا مُهَيْمِنُ،

مايه سلامتى، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى ايمنى بخش، بلند مرتبه‏اى اى مقتدر،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا عَزيزُ، تَعالَيْتَ يا جَبَّارُ، اجِرْنا مِنَ‏

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى گرامى، بلند مرتبه‏اى اى توانا، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُتَكَبِّرُ، تَعالَيْتَ يا مُتَجَبِّرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى اى بزرگ‏منش، بلندمرتبه‏اى اى قدرتمند، ما را از آتش دوزخ پناه ده،

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا خالِقُ، تَعالَيْتَ يا بارِئُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى آفريننده، بلند مرتبه‏اى اى پديدآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا مُصَوِّرُ، تَعالَيْتَ يا مُقَدِّرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ‏

پاك و منزّهى اى شكل دهنده، بلند مرتبه‏اى اى تقديركننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى‏

يا هادى‏، تَعالَيْتَ يا باقى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يامُجيرُ، سُبْحانَكَ يا وَهَّابُ،

اى هدايتگر، بلندمرتبه‏اى اى پاينده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى بخشنده،

تَعالَيْتَ يا تَوَّابُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا فَتَّاحُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى توبه‏پذير، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى گشاينده (گره‏ها)، بلند مرتبه‏اى اى‏

مُرْتاحُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا سَيِّدِى‏، تَعالَيْتَ يا مَوْلاىَ،

فرح‏بخش، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى آقا و سرورم، بلند مرتبه‏اى اى مولا و سرورم،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا قَريبُ، تَعالَيْتَ يا رَقيبُ، اجِرْنا مِنَ‏

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى نزديك، بلند مرتبه‏اى اى مراقب، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُبْدِئُ، تَعالَيْتَ يا مُعيدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى آغاز كننده، بلند مرتبه‏اى اى بازگرداننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا حَميدُ، تَعالَيْتَ يا مَجيدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى ستوده، بلندمرتبه‏اى اى بزرگوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

كليات مفاتيح نوين، ص: 133

سُبْحانَكَ يا قَديمُ، تَعالَيْتَ يا عَظيمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يامُجيرُ، سُبْحانَكَ يا

پاك و منزّهى اى ديرينه، بلند مرتبه‏اى با عظمت، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى‏

غَفُورُ، تَعالَيْتَ يا شَكُورُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا شاهِدُ،

آمرزنده، بلند مرتبه‏اى شكرپذير، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى گواه،

تَعالَيْتَ يا شَهيدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا حَنَّانُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى شاهد، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى با محبّت، بلندمرتبه‏اى اى‏

مَنَّانُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا باعِثُ، تَعالَيْتَ يا وارِثُ،

گشاده‏دست، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى برانگيزنده، بلندمرتبه‏اى اى وارث،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُحْيى‏، تَعالَيْتَ يامُميتُ، اجِرْنا مِنَ‏

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى زنده كننده، بلندمرتبه‏اى اى ميراننده، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا شَفيقُ، تَعالَيْتَ يا رَفيقُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى دلسوز، بلند مرتبه‏اى اى رفيق، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا انيسُ، تَعالَيْتَ يا مُونِسُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى همدم، بلند مرتبه‏اى اى انس گيرنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا جَليلُ، تَعالَيْتَ يا جَميلُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ‏

پاك و منزّهى اى بزرگوار، بلند مرتبه‏اى اى زيبا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى‏

يا خَبيرُ، تَعالَيْتَ يا بَصيرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا حَفِىُّ،

اى آگاه، بلندمرتبه‏اى اى بينا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى پذيرنده،

تَعالَيْتَ يا مَلِىُّ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مَعْبُودُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى توانگر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى معبود، بلند مرتبه‏اى اى‏

مَوْجُودُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا غَفَّارُ، تَعالَيْتَ يا قَهَّارُ،

موجود، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى آمرزنده، بلند مرتبه‏اى اى قادر مطلق،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مَذْكُورُ، تَعالَيْتَ يا مَشْكُورُ، اجِرْنا

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى يادشده، بلند مرتبه‏اى اى سپاس شده، ما را

مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا جَوادُ، تَعالَيْتَ يا مَعاذُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى بخشنده، بلند مرتبه‏اى اى پناهگاه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 134

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا جَمالُ، تَعالَيْتَ يا جَلالُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى زيبا، بلند مرتبه‏اى اى باشكوه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا سابِقُ، تَعالَيْتَ يا رازِقُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا

پاك و منزّهى اى پيشين، بلند مرتبه‏اى اى روزى ده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى‏

صادِقُ، تَعالَيْتَ يا فالِقُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا سَميعُ،

راست‏گفتار، بلندمرتبه‏اى اى شكافنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى شنوا،

تَعالَيْتَ يا سَريعُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا رَفيعُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى سريع (در اجابت)، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى، والا بلندمرتبه‏اى اى‏

بديعُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا فَعَّالُ، تَعالَيْتَ يا مُتَعالُ، اجِرْنا

پديدآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى تأثيرگذار، بلند مرتبه‏اى اى والامقام، ما را

مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا قاضى‏، تَعالَيْتَ يا راضى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ

از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى حكم كننده، بلند مرتبه‏اى اى خوشنود، ما را از آتش دوزخ پناه ده،

يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا قاهِرُ، تَعالَيْتَ يا ظاهِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى غالب، بلند مرتبه‏اى اى آشكار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا عالِمُ، تَعالَيْتَ يا حاكِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا

پاك و منزّهى اى دانا، بلند مرتبه‏اى اى حكم كننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى‏

دآئِمُ، تَعالَيْتَ يا قآئِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا عاصِمُ،

جاودان، بلندمرتبه‏اى اى استوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى بازدارنده،

تَعالَيْتَ يا قاسِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا غَنِىُّ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى قسمت كننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى بى‏نياز بلندمرتبه‏اى اى‏

مُغْنى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا وَفِىُّ، تَعالَيْتَ يا قَوِىُّ، اجِرْنا

بى‏نياز كننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى وفادار، بلند مرتبه‏اى اى توانا، ما را

مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا كافى‏، تَعالَيْتَ يا شافى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى كفايت كننده، بلند مرتبه‏اى شفا دهنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُقَدِّمُ، تَعالَيْتَ يا مُؤَخِّرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يامُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى پيشى گيرنده، بلند مرتبه‏اى اى تأخيراندازنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

كليات مفاتيح نوين، ص: 135

سُبْحانَكَ يا اوَّلُ، تَعالَيْتَ يا آخِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا

پاك و منزّهى اى آغاز، بلند مرتبه‏اى اى پايان ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى‏

ظاهِرُ، تَعالَيْتَ يا باطِنُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا رَجآءُ،

آشكار، بلندمرتبه‏اى اى پنهان، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى اميد،

تَعالَيْتَ يا مُرْتَجى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا ذَا الْمَنِّ، تَعالَيْتَ‏

بلندمرتبه‏اى اى مورد اميد، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى صاحب منّت، بلند مرتبه‏اى‏

يا ذَا الطَّوْلِ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ ياحَىُّ، تَعالَيْتَ يا قَيُّومُ،

اى صاحب احسان، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى زنده، بلند مرتبه‏اى اى پاينده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا واحِدُ، تَعالَيْتَ يا احَدُ، اجِرْنا مِنَ‏

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى يكتا، بلند مرتبه‏اى اى يگانه، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا سَيِّدُ، تَعالَيْتَ يا صَمَدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى آقا و سرور، بلند مرتبه‏اى اى بى‏نياز، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا قَديرُ، تَعالَيْتَ يا كَبيرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى توانا، بلند مرتبه‏اى اى بزرگ، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا والى‏، تَعالَيْتَ يا عالى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا

پاك و منزّهى اى سرپرست، بلند مرتبه‏اى اى والامقام، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى‏

عَلِىُّ، تَعالَيْتَ يا اعْلى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا وَلِىُّ، تَعالَيْتَ‏

اى بلندمرتبه، بلند مرتبه‏اى اى برتر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى صاحب اختيار، بلند مرتبه‏اى‏

يا مَوْلى‏، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا ذارِئُ، تَعالَيْتَ يا بارِئُ،

اى سرور، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى پديدآورنده، بلند مرتبه‏اى اى آفريننده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا خافِضُ، تَعالَيْتَ يا رافِعُ، اجِرْنا مِنَ‏

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى پايين آورنده، بلند مرتبه‏اى اى بالابرنده، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُقْسِطُ، تَعالَيْتَ يا جامِعُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى عدالت پيشه، بلند مرتبه‏اى اى گردآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُعِزُّ، تَعالَيْتَ يا مُذِلُّ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى عزّت‏بخش، بلند مرتبه‏اى اى خواركننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

كليات مفاتيح نوين، ص: 136

سُبْحانَكَ يا حافِظُ، تَعالَيْتَ يا حَفيظُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ‏

پاك و منزّهى اى حفاظت‏كننده، بلند مرتبه‏اى اى نگهدارنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى‏

يا قادِرُ، تَعالَيْتَ يا مُقْتَدِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا عَليمُ،

اى توانا، بلند مرتبه‏اى اى با اقتدار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى دانا،

تَعالَيْتَ يا حَليمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا حَكَمُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى شكيبا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى داور، بلند مرتبه‏اى‏

حَكيمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُعْطى‏، تَعالَيْتَ يا مانِعُ،

اى دانا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى عطاكننده، بلند مرتبه‏اى اى بازدارنده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا ضآرُّ، تَعالَيْتَ يا نافِعُ، اجِرْنا مِنَ‏

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى زيان رسان، بلند مرتبه‏اى اى سودرسان، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُجيبُ، تَعالَيْتَ يا حَسيبُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ

آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى اجابت كننده، بلند مرتبه‏اى اى حسابگر، ما را از آتش دوزخ‏

يامُجيرُ، سُبْحانَكَ يا عادِلُ، تَعالَيْتَ يا فاضِلُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى عادل، بلند مرتبه‏اى اى با فضيلت، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا لَطيفُ، تَعالَيْتَ يا شَريفُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ‏

پاك و منزّهى اى مهربان، بلندمرتبه‏اى اى بزرگوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى‏

يا رَبُّ، تَعالَيْتَ يا حَقُّ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا ماجِدُ،

اى پروردگار، بلند مرتبه‏اى اى حق، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى بزرگوار،

تَعالَيْتَ يا واحِدُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا عَفُوُّ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى يگانه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى عفوكننده، بلند مرتبه‏اى اى‏

مُنْتَقِمُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا واسِعُ، تَعالَيْتَ يا مُوَسِّعُ،

انتقام‏گيرنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه‏دهنده، پاك و منزّهى اى گسترده، بلند مرتبه‏اى اى وسعت‏ده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا رَءُوفُ، تَعالَيْتَ يا عَطُوفُ، اجِرْنا

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى مهربان، بلند مرتبه‏اى باعطوفت، ما را

مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا فَرْدُ، تَعالَيْتَ يا وِتْرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى تنها، بلند مرتبه‏اى اى يگانه، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 137

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُقيتُ، تَعالَيْتَ يا مُحيطُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى نيروبخش، بلند مرتبه‏اى اى دربرگيرنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا وَكيلُ، تَعالَيْتَ يا عَدْلُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا

پاك و منزّهى اى وكيل، بلند مرتبه‏اى اى عادل، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى‏

مُبينُ، تَعالَيْتَ يا مَتينُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا بَرُّ، تَعالَيْتَ‏

آشكاركننده، بلند مرتبه‏اى اى استوار، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى نيكوكار، بلند مرتبه‏اى‏

يا وَدُودُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا رَشيدُ، تَعالَيْتَ يا مُرْشِدُ،

اى با محبت، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى راهنما، بلند مرتبه‏اى اى ارشادكننده،

اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا نُورُ، تَعالَيْتَ يا مُنَوِّرُ، اجِرْنا مِنَ‏

ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى نور، بلند مرتبه‏اى اى روشنى‏بخش، ما را از

النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا نَصيرُ، تَعالَيْتَ يا ناصِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا

آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى ياور، بلند مرتبه‏اى اى يارى كننده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى‏

مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا صَبُورُ، تَعالَيْتَ يا صابِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ،

پناه دهنده، پاك و منزّهى اى شكيبا، بلندمرتبه‏اى اى صابر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده،

سُبْحانَكَ يا مُحْصى‏، تَعالَيْتَ يا مُنْشِئُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ‏

پاك و منزّهى اى احصا كننده، بلند مرتبه‏اى اى پديدآورنده، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى‏

يا سُبْحانُ، تَعالَيْتَ يا دَيَّانُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا مُغيثُ،

اى تسبيح شده بلند مرتبه‏اى اى داور روز جزا، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى دادرس،

تَعالَيْتَ يا غِياثُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا فاطِرُ، تَعالَيْتَ يا

بلند مرتبه‏اى اى فريادرس، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى آفريننده، بلند مرتبه‏اى اى‏

حاضِرُ، اجِرْنا مِنَ النَّارِ يا مُجيرُ، سُبْحانَكَ يا ذَا الْعِزِّ والْجَمالِ، تَبارَكْتَ يا

حاضر، ما را از آتش دوزخ پناه ده، اى پناه دهنده، پاك و منزّهى اى صاحب عزّت و زيبايى، بلند مرتبه‏اى‏

ذَاالْجَبَرُوتِ وَالْجَلالِ، سُبْحانَكَ لا الهِ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ‏

اى صاحب قدرت و شكوه، پاك و منزّهى تو كه معبودى جز تو نيست پاك و منزّهى تو، و من از

الظَّالِمينَ، فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذلِكَ نُنْجىِ الْمُؤْمِنينَ،

ستمكاران بودم. (اى كه فرمودى) ما دعاى او (يونس) را به اجابت رسانديم و از آن اندوه نجاتش بخشيديم و اين‏گونه مؤمنان را نجات مى‏دهيم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 138

وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعينَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَحَسْبُنَا

(ما را ببخش و اندوه و غم را از ما دور كن) و خدا بر محمّد و تمامى خاندانش درود فرستد و حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه پروردگار جهانيان است‏

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ‏الْعَلىِّ العَظيمِ.

و خداوند ما را كافى و بهترين وكيل است و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست.

دعاى جوشن كبير[[142]](#footnote-142):

اين دعا را امام زين‏العابدين عليه السلام از پدر بزرگوارش از جدّش از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده است. درباره شأن ورود اين دعا آمده است: در يكى از جنگ‏ها، رسول خدا صلى الله عليه و آله زره و جوشن سنگينى بر تن داشت كه سبب آزار آن حضرت مى‏شد، پيامبر صلى الله عليه و آله به درگاه خدا دعا كرد تا آن‏كه جبرئيل نازل شد و گفت: خداوند به تو سلام مى‏رساند و مى‏فرمايد: اين زره سنگين را از تن خارج ساز و در عوض، اين دعا را بخوان كه براى تو و امّت تو، امان و حرزى خواهد بود. آنگاه فضيلت‏هاى فراوانى را در عظمت اين دعا نقل كرده است، از جمله اينكه:

هر كس آن را بخواند و از منزل خارج شود و يا آن را همراه خويش داشته باشد (و در روح خود پياده كند) اهل بهشت است و خداوند توفيق انجام اعمال صالح را به وى عنايت مى‏كند. اين دعا براى درمان بيمارى‏هاى سخت و كسب پاداش‏هاى فراوان معنوى مفيد است. امام حسين عليه السلام فرمود: پدرم مرا به حفظ و بزرگداشت اين دعا سفارش كرد و به من فرمود: اين دعا را بر كفنش بنويسم و آن را به خانواده‏ام تعليم دهم و آنان را نسبت به خواندن اين دعا ترغيب نمايم.[[143]](#footnote-143) چند نكته:

1- نوشتن اين دعا بر روى كفن- همان‏گونه كه از روايت برمى‏آيد- مستحب است؛ مرحوم «علّامه بحرالعلوم» نيز در شعر خود بدان اشاره كرده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و سُنَّ ان يُكْتب بالأكفان‏ |  | شهادة الاسلام و الايمان‏ |
| و هكذا كتابة القرآن‏ |  | و الجوشن المنعوت بالأمان‏ |
|  |  |  |

يعنى: «نوشتن اين امور بر روى كفن سنّت است: شهادت به اسلام و ايمان (ولايت) و همچنين نوشتن آيات قرآن و دعاى جوشن كه امانى است از عذاب».

كليات مفاتيح نوين، ص: 139

2- مرحوم «علّامه مجلسى» در كتاب «زاد المعاد» اين دعا را از اعمال شبهاى قدر دانسته است‏[[144]](#footnote-144) و از روايات استفاده مى‏شود، سه بار يا حدّاقل يك‏بار در ماه مبارك رمضان آن را بخوانند.[[145]](#footnote-145) 3- گرچه معروف است كه اين دعا، صد فصل دارد و هر فصل آن، شامل ده اسم از اسماى الهى است كه مجموعاً يك هزار اسم از اسماى پرمعناى خداوند است؛ ولى با دقت روشن مى‏شود كه يك هزار و يك اسم مى‏باشد، زيرا بند 55 مشتمل بر 11 اسم الهى است.

به هر حال، در پايان هر فصل به خداوند متعال از عذاب دوزخ پناه مى‏بريم و مى‏گوييم: «

سُبْحانَكَ يا لا الهَ الَّا انْتَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، خَلِّصْنا مِنَ النَّارِ يا رَبِ‏

». بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

(1) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ، يا رَحيمُ يا كَريمُ، يا

(1) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى خدا، اى بخشنده، اى مهربان، اى بزرگوار، اى‏

مُقيمُ يا عَظيمُ، يا قَديمُ يا عَليمُ، يا حَليمُ يا حَكيمُ، سُبْحانَكَ يا لا الهَ الَّا

پايدار، اى بزرگ، اى ديرينه، اى دانا، اى شكيبا، اى خردمند، تسبيح مى‏گويم تو را اى كسى كه جز تو معبودى‏

انْتَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، خَلِّصْنا مِنَ النَّارِ يا رَبِ‏ (2) يا سَيِّدَ السَّاداتِ، يا

نيست، ياريمان كن، ياريمان كن، ما را از آتش دوزخ برهان، اى پرودگار من (2) اى آقا و سرور بزرگان، اى‏

مُجيبَ الدَّعَواتِ، يا رافِعَ الدَّرَجاتِ، يا وَلِىَّ الْحَسَناتِ، يا غافِرَ

اجابت كننده دعاها، اى بالا برنده رتبه‏ها، اى صاحب نيكى‏ها، اى آمرزنده‏

الْخَطيئآتِ، يا مُعْطِىَ الْمَسْئَلاتِ، يا قابِلَ التَّوْباتِ، يا سامِعَ الْأَصْواتِ، يا

خطاها، اى عطاكننده خواسته‏ها، اى پذيرنده توبه‏ها، اى شنونده صداها، اى‏

عالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يا دافِعَ الْبَلِيَّاتِ‏ (3) يا خَيْرَ الْغافِرينَ، يا خَيْرَ الْفاتِحينَ، يا

داناى نهانها، اى برطرف كننده بلاها (3) اى بهترين آمرزندگان، اى بهترين كارگشايان، اى‏

خَيْرَ النَّاصِرينَ، يا خَيْرَ الْحاكِمينَ، يا خَيْرَ الرَّازِقينَ، يا خَيْرَ الْوارِثينَ، يا

بهترين ياوران، اى بهترين داوران، اى بهترين روزى‏دهندگان، اى بهترين وارثان، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 140

خَيْرَ الْحامِدينَ، يا خَيْرَ الذَّاكِرينَ، يا خَيْرَ الْمُنْزِلينَ، يا خَيْرَ الْمُحْسِنينَ (4)

بهترين سپاسگزاران، اى بهترين يادكنندگان، اى بهترين نازل كنندگان، اى بهترين احسان كنندگان، (4)

يا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمالُ، يا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمالُ، يا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ‏

اى كه عزت و زيبايى از آنِ توست، اى كه توانايى و كمال از آنِ توست، اى كه فرمانروايى‏

وَالْجَلالُ، يا مَنْ هُوَ الْكَبيرُ الْمُتَعالُ، يا مُنْشِى‏ءَ السَّحابِ الثِّقالِ، يا مَنْ هُوَ

و شكوه از آنِ توست، اى كه بزرگى و بلندمرتبگى از آنِ توست، اى پديدآورنده ابرهاى سنگين، اى كه‏

شَديدُ الْمِحالِ، يا مَنْ هُوَ سَريعُ الْحِسابِ، يا مَنْ هُوَ شَديدُ الْعِقابِ، يا مَنْ‏

انتقام‏گيرى سخت از آنِ توست، اى كه حسابرسى سريع از آنِ توست، اى كه سخت كيفرى، اى كه‏

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ، يا مَنْ عِنْدَهُ امُّ الْكِتابِ‏ (5) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ‏

پاداش نيكو نزد توست، اى كه اصل كتاب نزد توست (5) خدايا از تو مى‏خواهم به حق نامت‏

يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ، يا دَيَّانُ يا بُرْهانُ، يا سُلْطانُ يا رِضْوانُ، يا غُفْرانُ يا

اى با محبت اى گشاده دست، اى داور روز جزا، اى راهنما، اى فرمانروا، اى مايه خشنودى، اى آمرزنده، اى‏

سُبْحانُ، يا مُسْتَعانُ يا ذَاالْمَنِّ وَالْبَيانِ‏ (6) يا مَنْ تَواضَعَ كُلُّ شَىْ‏ءٍ لِعَظَمَتِهِ،

تسبيح شده، اى ياور، اى صاحب منّت و بيان (6) اى كه همه چيز در برابر عظمتت سر فرود آورده،

يا مَنِ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَىْ‏ءٍ لِقُدْرَتِهِ، يا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَىْ‏ءٍ لِعِزَّتِهِ، يا مَنْ خَضَعَ‏

اى كه همه چيز در برابر قدرتت تسليم گشته، اى كه همه چيز در برابر عزّتت خوار گرديده، اى كه همه چيز

كُلُّ شَىْ‏ءٍ لِهَيْبَتِهِ، يا مَنِ انْقادَ كُلُّ شَىْ‏ءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ، يا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبالُ‏

از هيبتت فروتن گشته، اى كه همه چيز از ترست فرمانبردار گرديده، اى كه كوه‏ها

مِنْ مَخافَتِهِ، يا مَنْ قامَتِ السَّمواتُ بِامْرِهِ، يا مَنِ اسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُونَ‏

از خوفت شكاف برداشته، اى كه آسمانها به فرمانت برافراشته شده، اى كه زمين‏ها به اجازه‏ات‏

بِاذْنِهِ، يا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، يا مَنْ لا يَعْتَدى‏ عَلى‏ اهْلِ مَمْلَكَتِهِ‏ (7) استقرار يافته، اى كه غرّش رعد، حمد و تسبيح تو گويد، اى كه به زير دستانت ستم نكنى (7)

يا غافِرَ الْخَطايا، يا كاشِفَ الْبَلايا، يا مُنْتَهَى الرَّجايا، يا مُجْزِلَ الْعَطايا، يا

اى آمرزنده خطاها، اى برطرف كننده بلاها، اى نهايت اميدها، اى فراوان بخشنده عطاها، اى‏

واهِبَ الْهَدايا، يا رازِقَ الْبَرايا، يا قاضِىَ الْمَنايا، يا سامِعَ الشَّكايا، يا

دهنده هدايا، اى روزى دهنده مخلوقات، اى برآورنده آرزوها، اى شنونده شكايت‏ها، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 141

باعِثَ الْبَرايا، يا مُطْلِقَ الْأُسارى‏ (8) ياذَا الْحَمْدِوَالثَّنآءِ، يا ذَاالْفَخْرِ

برانگيزنده مخلوقات، اى آزادكننده اسيران (8) اى صاحب حمد و سپاس، اى صاحب فخر

وَاْلبَهآءِ، يا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنآءِ، يا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفآءِ، يا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضآءِ، يا

و درخشش، اى صاحب بزرگوارى و عظمت، اى صاحب پيمان و وفادارى، اى صاحب عفو و خشنودى، اى‏

ذَا الْمَنِّ وَالْعَطآءِ، يا ذَا الْفَصْلِ وَالْقَضآءِ، يا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقآءِ، يا ذَا الْجُودِ

صاحب نعمت و عطا، اى جدا كننده (حق از باطل) و داور، اى صاحب عزّت و پايدارى، اى صاحب بخشش‏

وَالسَّخآءِ، يا ذَا الْألاءِ وَالنَّعْمآءِ (9) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مانِعُ يا

و سخاوت، اى صاحب احسانها و نعمت‏ها (9) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت اى بازدارنده،

دافِعُ، يا رافِعُ يا صانِعُ، يا نافِعُ يا سامِعُ، يا جامِعُ يا شافِعُ، يا واسِعُ‏

اى دفع كننده، اى بالا برنده، اى سازنده، اى سود رساننده، اى شنونده، اى گردآورنده، اى شفاعت كننده، اى گسترده،

يا مُوسِعُ‏ (10) يا صانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يا خالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، يا رازِقَ كُلِ‏

اى توانگر (10) اى سازنده هر ساخته شده، اى آفريننده هر آفريده، اى روزى ده هر

مَرْزُوقٍ، يا مالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ، يا كاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يا فارِجَ كُلِ‏

روزى خوار، اى مالك هر دارايى، اى غمزداى غمزدگان، اى شادكننده‏

مَهْمُومٍ، يا راحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ، يا ناصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ، يا ساتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ،

اندوهگينان، اى رحم كننده هر مرحوم، اى ياور هر بى‏ياور، اى پوشاننده هر معيوب،

يا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ (11) يا عُدَّتى‏ عِنْدَ شِدَّتى‏، يا رَجآئى‏ عِنْدَ مُصيبَتى‏، يا

اى پناه هر رانده شده (11) اى ذخيره‏ام در سختى‏ها، اى اميدم در مصيبت‏ها، اى‏

مُونِسى‏ عِنْدَ وَحْشَتى‏، يا صاحِبى‏ عِنْدَ غُرْبَتى‏، يا وَلِيّى‏ عِنْدَ نِعْمَتى‏، يا

همدمم در وحشت‏ها، اى همصحبتم در غربت‏ها، اى سرپرستم در نعمتها، اى‏

غِياثى‏ عِنْدَ كُرْبَتى‏، يا دَليلى‏ عِنْدَ حَيْرَتى‏، يا غَنآئى‏ عِنْدَ افْتِقارى‏، يا

فريادرسم در گرفتاريها، اى راهنمايم در سرگردانى‏ها، اى بى‏نيازيم در نيازمنديها، اى‏

مَلْجَأى‏ عِنْدَ اضْطِرارى‏، يا مُعينى‏ عِنْدَ مَفْزَعى‏ (12) يا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، يا

پناهم در ناچاريها، اى كمكم در پريشانى‏ها (12) اى داناى نهانها، اى‏

غَفَّارَ الذُّنُوبِ، يا سَتَّارَ الْعُيُوبِ، يا كاشِفَ الْكُرُوبِ، يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، يا

آمرزنده گناهان، اى پرده پوش عيبها، اى برطرف كننده غمها، اى گرداننده دلها، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 142

طَبيبَ الْقُلُوبِ، يا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ، يا انيسَ الْقُلُوبِ، يا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ، يا

شفابخش دلها، اى روشنى بخش دلها، اى همدم دلها، اى گشاينده اندوه‏ها، اى‏

مُنَفِّسَ الْغُمُومِ، (13) اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاْسمِكَ يا جَليلُ يا جَميلُ، يا وَكيلُ‏

پاك كننده غمها (13) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت اى بزرگوار، اى زيبا، اى نماينده،

يا كَفيلُ، يا دَليلُ يا قَبيلُ، يا مُديلُ يا مُنيلُ، يا مُقيلُ يا مُحيلُ‏ (14) يا دَليلَ‏

اى عهده‏دار، اى راهنما، اى پذيرنده، اى دولت‏بخش، اى احسان كننده، اى درگذرنده، اى چاره ساز (14) اى راهنماى‏

الْمُتَحَيِّرينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، يا جارَ

سرگردانان، اى فريادرس فريادرس خواهان، اى دادرس دادخواهان، اى پناه‏

الْمُسْتَجيرينَ، يا امانَ الْخآئِفينَ، يا عَوْنَ الْمُؤْمِنينَ، يا راحِمَ الْمَساكينَ،

پناه‏جويان، اى امان خائفان، اى ياور مؤمنان، اى رحم كننده بيچارگان،

يا مَلْجَأَ الْعاصينَ، يا غافِرَ الْمُذْنِبينَ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ‏ (15) يا ذَا

اى پناه خطاكاران، اى آمرزنده گناهكاران، اى اجابت كننده دعاى بيچارگان (15) اى صاحب‏

الْجُودِ وَالْإِحْسانِ، يا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنانِ، يا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمانِ، يا

سخاوت و نيكى، اى صاحب كرم و نعمت، اى مايه امنيّت و آرامش، اى‏

ذَاالْقُدْسِ وَالسُّبْحانِ، يا ذَاالْحِكْمَةِ وَالْبَيانِ، يا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ، ياذَا

صاحب قداست و پاكى، اى صاحب حكمت و بيان، اى مايه رحمت و خشنودى، اى صاحب‏

الْحُجَّةِ وَالْبُرْهانِ، يا ذَا الْعَظَمَةِ وَالسُّلْطانِ، يا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعانِ، يا ذَا

دليل و برهان (قاطع)، اى صاحب بزرگى و فرمانروايى، اى صاحب رحمت و پشتيبان، اى صاحب‏

العَفْوِ وَالْغُفْرانِ‏ (16) يا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ الهُ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا

عفو و آمرزش (16) اى كه تويى پروردگار هر چيز، اى كه تويى معبود هر چيز، اى‏

مَنْ هُوَ صانِعُ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ خالِقُ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِ‏

كه تويى سازنده هر چيز، اى كه تويى آفريننده هر چيز، اى كه تويى قبل از هر

شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ عالِمٌ‏

چيز، اى كه تويى بعد از هر چيز، اى كه تويى برتر از هر چيز، اى كه تويى داناى‏

بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ قادِرٌ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ هُوَ يَبْقى‏ وَيَفْنى‏ كُلُ‏

به هر چيز، اى كه تويى تواناى بر هر چيز، اى كه تويى باقى، و هر چيز ديگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 143

شَىْ‏ءٍ (17) اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ، يا مُكَوِّنُ يا مُلَقِّنُ،

فانى (17) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت اى امان دهنده، اى مقتدر، اى پديدآورنده، اى آمرزنده،

يا مُبَيِّنُ يا مُهَوِّنُ، يا مُمَكِّنُ يا مُزَيِّنُ، يامُعْلِنُ يا مُقَسِّمُ‏ (18) يا مَنْ هُوَ فى‏

اى روشنگر، اى آسان كننده، اى نيروبخش، اى زينت بخش، اى آشكار كننده، اى تقسيم كننده (18) اى كه در

مُلْكِهِ مُقيمٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ سُلْطانِهِ قَديمٌ، يا مَنْ هُو فى‏ جَلالِهِ عَظيمٌ، يا

فرمانروايى پايدارى، اى كه در سلطنت ديرينه‏اى، اى كه در شكوه بس بزرگى، اى‏

مَنْ هُوَ عَلى‏ عِبادِهِ رَحيمٌ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عَليمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ‏

كه بر بندگان مهربانى، اى كه بر همه چيز دانايى، اى كه بر

عَصاهُ حَليمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجاهُ كَريمٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ صُنْعِهِ حَكيمٌ، يا

گنهكاران شكيبايى، اى كه بر اميدواران بخشنده‏اى، اى كه در آفرينش عالم دانايى، اى‏

مَنْ هُوَ فى‏ حِكْمَتِهِ لَطيفٌ، يامَنْ هُوَ فى‏ لُطْفِهِ قَديمٌ‏ (19) يا مَنْ لايُرْجى‏ الَّا

كه دانائيت دقيق، اى كه در مهربانى ديرينه‏اى (19) اى كه جز به فضل و كرمت‏

فَضْلُهُ، يا مَنْ لا يُسْئَلُ الَّا عَفْوُهُ، يا مَنْ لايُنْظَرُ الَّا بِرُّهُ، يا مَنْ لا يُخافُ الَّا

اميدى نيست، اى كه جز عفوت درخواستى نيست، اى كه جز نيكيت انتظارى نيست، اى كه جز از عدلت‏

عَدْلُهُ، يا مَنْ لا يَدُومُ الَّا مُلْكُهُ، يا مَنْ لا سُلْطانَ الَّا سُلْطانُهُ، يا مَنْ‏

ترسى نيست، اى كه جز فرمانرواييت جاودان نماند، اى كه جز فرمانرواييت فرمانروايى نيست، اى كه‏

وَسِعَتْ كُلَّ شَىْ‏ءٍ رَحْمَتُهُ، يا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ، يا مَنْ احاطَ بِكُلِ‏

رحمتت همه چيز را فرا گرفته، اى كه رحمتت بر غضبت پيشى گرفته، اى كه علمت بر همه چيز

شَىْ‏ءٍ عِلْمُهُ، يا مَنْ لَيْسَ احَدٌ مِثْلَهُ‏ (20) يا فارِجَ الْهَمِّ، يا كاشِفَ الْغَمِّ، يا

احاطه دارد، اى كه هيچ كس مانندت نيست (20) اى گشاينده اندوه، اى برطرف كننده غم، اى‏

غافِرَ الذَّنْبِ، يا قابِلَ‏التَّوْبِ، يا خالِقَ الْخَلْقِ، يا صادِقَ الْوَعْدِ، يا مُوفِىَ‏

آمرزنده گناه، اى توبه‏پذير، اى آفريننده خلق، اى خوش قول، اى وفا كننده‏

الْعَهْدِ، يا عالِمَ السِّرِّ، يا فالِقَ الْحَبِّ، يارازِقَ الْأَنامِ‏ (21) اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

پيمان، اى داناى راز، اى شكافنده دانه، اى روزى دهنده مردم (21) خدايا از تو مى‏خواهم‏

بِاسْمِكَ يا عَلِىُّ يا وَفِىُّ، يا غَنِىُّ يا مَلِىُّ، يا حَفِىُّ يا رَضِىُّ، يا زَكِىُّ يا

به حقّ نامت، اى بلندمرتبه، اى وفادار، اى بى‏نياز، اى توانگر، اى پذيرنده، اى خشنود، اى پاكيزه، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 144

بَدِىُّ، يا قَوِىُّ يا وَلِىُ‏ (22) يا مَنْ اظْهَرَ الْجَميلَ، يا مَنْ سَتَرَ الْقَبيحَ، يا مَنْ‏لَمْ‏

آفريننده، اى توانا، اى سرپرست (22) اى كه زيبايى‏ها را آشكار ساختى، اى كه زشتى‏ها را پوشاندى، اى كه بر

يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ، يا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ، يا عَظيمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ‏

بدى مؤاخذه نكردى، اى كه پرده درى ننمودى، اى صاحب عفو بزرگ، اى صاحب‏

التَّجاوُزِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِ‏

گذشت نيكو، اى گسترده آمرزش، اى گشاينده دست به رحمت، اى آگاه از هر

نَجْوى‏، يا مُنْتَهى‏ كُلِّ شَكْوى‏ (23) يا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ، يا ذَا الرَّحْمَةِ

راز، اى نهايت هر شكايت (23) اى صاحب نعمت بى حساب، اى صاحب رحمت‏

الْواسِعَةِ، يا ذَاالْمِنَّةِ السَّابِقَةِ، يا ذَا الْحِكْمَةِ الْبالِغَةِ، يا ذَا الْقُدْرَةِ الْكامِلَةِ، يا

بى‏پايان، اى صاحب نعمت پيشين، اى صاحب حكمت بى‏انتها، اى صاحب قدرت بى‏كران، اى‏

ذَا الْحُجَّةِ الْقاطِعَةِ، يا ذَا الْكَرامَةِ الظَّاهِرَةِ، يا ذَا الْعِزَّةِ الدَّآئِمَةِ، يا ذَا الْقُوَّةِ

صاحب دليل روشن، اى صاحب بزرگوارى آشكار، اى صاحب عزّت جاودان، اى صاحب نيروى‏

الْمَتينَةِ، يا ذَاالْعَظَمَةِ الْمَنيعَةِ (24) يا بَديعَ السَّمواتِ، يا جاعِلَ الظُّلُماتِ، يا

استوار، اى صاحب بزرگى دست نيافتنى (24) اى پديدآورنده آسمانها، اى آفريننده تاريكى‏ها، اى‏

راحِمَ الْعَبَراتِ، يا مُقيلَ الْعَثَراتِ، يا ساتِرَ الْعَوْراتِ، يا مُحْيِىَ الْأَمْواتِ،

رحم كننده بر اشكها، اى درگذرنده از لغزشها، اى پوشاننده زشتى‏ها، اى زنده كننده مردگان،

يا مُنْزِلَ الْاياتِ، يا مُضَعِّفَ الْحَسَناتِ، يا ماحِىَ السَّيِّئاتِ، يا شَديدَ

اى نازل كننده آيات، اى فزون كننده نيكيها، اى محو كننده بديها، اى سخت‏

النَّقِماتِ‏ (25) اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُصَوِّرُ يا مُقَدِّرُ، يا مُدَبِّرُ يا

انتقام گير (25) خدايا از تو مى‏خواهم به حق نامت، اى شكل دهنده، اى تقدير كننده، اى تدبير كننده، اى‏

مُطَهِّرُ، يا مُنَوِّرُ يا مُيَسِّرُ، يا مُبَشِّرُ يا مُنْذِرُ، يا مُقَدِّمُ يا مُؤَخِّرُ (26) يا رَبَ‏

پاك كننده، اى روشن كننده، اى آسان كننده، اى بشارت دهنده، اى ترساننده، اى پيشى گيرنده، اى تأخيراندازنده (26) اى پروردگار

الْبَيْتِ الْحَرامِ، يا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرامِ، يا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، يا رَبَّ الرُّكْنِ وَ

كعبه، اى پروردگار ماه حرام، اى پروردگار بلد حرام، اى پروردگار ركن و

الْمَقامِ، يا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ، يا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ، يا رَبَّ الْحِلِ‏

مقامِ (ابراهيم)، اى پروردگار مشعر الحرام، اى پروردگار مسجد الحرام، اى پروردگار حلال‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 145

وَالْحَرامِ، يا رَبَّ النُّورِ وَالظَّلامِ، يا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ، يارَبَّ الْقُدْرَةِ فِى‏

و حرام، اى پروردگار نور و ظلمت، اى پروردگار درود و سلام، اى پروردگار تواناى در

الْأَنامِ‏ (27) يا احْكَمَ الْحاكِمينَ، يا اعْدَلَ الْعادِلينَ، يا اصْدَقَ الصَّادِقينَ، يا

ميان مخلوقات (27) اى حكمرانترين حاكمان، اى عادلترين عادلان، اى راستگوترين راستگويان، اى‏

اطْهَرَ الطَّاهِرينَ، يا احْسَنَ الْخالِقينَ، يا اسْرَعَ الْحاسِبينَ، يا اسْمَعَ‏

پاكترين پاكان، اى بهترين آفرينندگان، اى سريعترين حسابگران، اى شنواترين‏

السَّامِعينَ، يا ابْصَرَ النَّاظِرينَ، يا اشْفَعَ الشَّافِعينَ، يا اكْرَمَ الْأَكْرَمينَ‏ (28) يا

شنوايان، اى بيناترين بينايان، اى بهترين شافعان، اى گرامى‏ترين گراميان (28) اى‏

عِمادَ مَنْ لاعِمادَ لَهُ، يا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، ياذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، يا حِرْزَ

تكيه‏گاه كسى كه تكيه گاهى ندارد، اى پشتيبان كسى كه پشتيبانى ندارد، اى ذخيره كسى كه ذخيره‏اى ندارد، اى پناه‏

مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، يا غِياثَ مَنْ لا غِياثَ لَهُ، يا فَخْرَ مَنْ لا فَخْرَ لَهُ، يا عِزَّ مَنْ‏

كسى كه پناهى ندارد، اى فريادرس كسى كه فريادرسى ندارد، اى افتخار كسى كه افتخارى ندارد، اى عزّت كسى كه‏

لا عِزَّ لَهُ، يا مُعينَ مَنْ لا مُعينَ لَهُ، يا انيسَ مَنْ لا انيسَ لَهُ، يا امانَ مَنْ لا

عزّتى ندارد، اى ياور كسى كه ياورى ندارد، اى همدم كسى كه همدمى ندارد، اى امان كسى كه‏

امانَ لَهُ‏ (29) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا عاصِمُ يا قائِمُ، يا دآئِمُ يا راحِمُ،

امانى ندارد (29) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى بازدارنده، اى استوار، اى جاويدان، اى رحم كننده،

يا سالِمُ يا حاكِمُ، يا عالِمُ يا قاسِمُ، يا قابِضُ يا باسِطُ (30) يا عاصِمَ مَنِ‏

اى بى‏نقص، اى حكمران، اى دانا، اى قسمت كننده، اى قبض كننده اى گشاينده (30) اى بازدارنده كسى كه‏

اسْتَعْصَمَهُ، يا راحِمَ مَنِ اسْتَرْحَمَهُ، يا غافِرَ مَنِ اسْتَغْفَرَهُ، يا ناصِرَ مَنِ‏

از تو مصونيّت (از گناه) طلبد، اى رحم كننده كسى كه از تو رحمت طلبد، اى آمرزنده كسى كه از تو آمرزش طلبد، اى ياور كسى كه‏

اسْتَنْصَرَهُ، يا حافِظَ مَنِ اسْتَحْفَظَهُ، يا مُكْرِمَ مَنِ اسْتَكْرَمَهُ، يا مُرْشِدَ مَنِ‏

از تو يارى طلبد، اى نگهدار كسى كه از تو محافظت طلبد، اى گرامى‏دار كسى كه از تو كرامت طلبد، اى راهنماى كسى كه‏

اسْتَرْشَدَهُ، يا صَريخَ مَنِ اسْتَصْرَخَهُ، يا مُعينَ مَنِ اسْتَعانَهُ، يا مُغيثَ مَنِ‏

از تو هدايت طلبد، اى فريادرس كسى كه از تو فريادرسى طلبد، اى ياور كسى كه از تو كمك طلبد، اى دادرس كسى كه از تو

اسْتَغاثَهُ‏ (31) يا عَزيزاً لا يُضامُ، يا لَطيفاً لا يُرامُ، يا قَيُّوماً لا يَنامُ، يا دائِماً

دادرسى طلبد (31) اى عزيزى كه ذلّت نپذيرى، اى مهربانى كه نفوذناپذيرى، اى پاينده‏اى كه خواب ندارى، اى جاودانى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 146

لا يَفُوتُ، يا حَيّاً لايَمُوتُ، يا مَلِكاً لا يَزُولُ، يا باقِياً لا يَفْنى‏، يا عالِماً لا

از بين نروى، اى زنده‏اى كه مرگ ندارى، اى پادشهى كه ملكت از بين نرود، اى پايدارى كه فانى نشوى، اى دانايى كه‏

يَجْهَلُ، يا صَمَداً لا يُطْعَمُ، يا قَوِيّاً لايَضْعُفُ‏ (32) اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ‏

نادان نگردى، اى بى‏نيازى كه روزى نخواهى، اى توانايى كه ضعيف نگردى (32) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت،

يا احَدُ يا واحِدُ، يا شاهِدُ يا ماجِدُ، يا حامِدُ يا راشِدُ، يا باعِثُ يا وارِثُ،

اى يكتا، اى يگانه، اى گواه، اى بزرگوار، اى ستاينده، اى راهنما، اى برانگيزنده (مردگان) اى وارث،

يا ضآرُّ يا نافِعُ‏ (33) يا اعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظيمٍ، يا اكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَريمٍ، يا ارْحَمَ‏

اى زيان رسان، اى سود رسان (33) اى بزرگتر از هر بزرگ، اى گرامى‏تر از هر گرامى، اى مهربان‏تر

مِنْ كُلِّ رَحيمٍ، يا اعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَليمٍ، يا احْكَمَ مِنْ كُلِّ حَكيمٍ، يا اقْدَمَ مِنْ‏

از هر مهربان، اى داناتر از هر دانا، اى دانشمندتر از هر دانشمند، اى ديرينه‏تر از

كُلِّ قَديمٍ، يا اكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبيرٍ، يا الْطَفَ مِنْ كُلِّ لَطيفٍ، يا اجَلَّ مِن كُلِ‏

هر ديرينه، اى بزرگتر از هر بزرگ، اى مهربان‏تر از هر مهربان، اى والاتر از هر

جَليلٍ، يا اعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزيزٍ (34) يا كَريمَ الصَّفْحِ، يا عَظيمَ الْمَنِّ، يا كَثيرَ

والا، اى محبوب‏تر از هر محبوب (34) اى بخشنده با گذشت، اى نعمت بخش بزرگ، اى پُر

الْخَيْرِ، يا قَديمَ الْفَضْلِ، يا دآئِمَ اللُّطْفِ، يا لَطيفَ الصُّنْعِ، يا مُنَفِّسَ الْكَرْبِ،

خير، اى ديرينه بخشش، اى پيوسته مهربان، اى با سليقه در خلقت، اى زداينده اندوه،

يا كاشِفَ الضُّرِّ، يا مالِكَ الْمُلْكِ، يا قاضِىَ الْحَقِ‏ (35) يا مَنْ هُوَ فى‏ عَهْدِهِ‏

اى برطرف كننده زيان، اى مالك هستى، اى حاكم به حق (35) اى كه در پيمان‏

وَفِىٌّ، يا مَنْ هُوَ فى‏ وَفآئِهِ قَوِىٌّ، يا مَنْ هُوَ فى‏ قُوَّتِهِ عَلِىٌّ، يا مَنْ هُوَ فى‏

وفادارى، اى كه در وفادارى توانايى، اى كه در توانايى برترى، اى كه در

عُلُوِّهِ قَريبٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ قُرْبِهِ لَطيفٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ لُطْفِهِ شَريفٌ، يا

(عين) برترى نزديكى، اى كه در (عين) نزديكى پنهانى، اى كه در (عين) مهربانى بزرگوارى، اى‏

مَنْ هُوَ فى‏ شَرَفِهِ عَزيزٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ عِزِّهِ عَظيمٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ عَظَمَتِهِ‏

كه در (عين) بزرگوارى عزيزى، اى كه در عزّت با عظمتى، اى كه در (عين) عظمت‏

مَجيدٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ مَجْدِهِ حَميدٌ (36) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا كافى‏

بزرگوارى، اى كه در بزرگوارى ستوده‏اى (36) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت اى كفايت كننده،

كليات مفاتيح نوين، ص: 147

يا شافى‏، يا وافى‏ يا مُعافى‏، يا هادى‏ يا داعى‏، يا قاضى‏ يا راضى‏، يا

اى شفا دهنده، اى وفا كننده، اى درگذرنده، اى هدايت كننده، اى دعوت كننده، اى حكم كننده، اى خشنود، اى‏

عالى‏ يا باقى‏ (37) يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ خاضِعٌ لَهُ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ خاشِعٌ لَهُ، يا

بلندمرتبه، اى ماندگار (37) اى كه هر چيز در برابرت فروتن است، اى كه هر چيز در برابرت سر فرود آورده، اى‏

مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ كآئِنٌ لَهُ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ مَوْجُودٌ بِهِ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ مُنيبٌ‏

كه هستى هر چيز با توست، اى كه وجود هر چيز به واسطه توست، اى كه بازگشت هر چيز به سوى‏

الَيْهِ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ خآئِفٌ مِنْهُ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ قآئِمٌ بِهِ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ

توست، اى كه هر چيز از تو ترسان است، اى كه قيام هر چيز به توست، اى كه بازگشت هر چيز

صآئِرٌ الَيْهِ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ، يا مَنْ كُلُّ شَىْ‏ءٍ هالِكٌ الَّا

به سوى توست، اى كه هر چيز به ستايش، تو را تسبيح گويد، اى كه هر چيز جز ذات پاكت‏

وَجْهَهُ‏ (38) يا مَنْ لا مَفَرَّ الَّا الَيْهِ، يا مَنْ لا مَفْزَعَ الَّا الَيْهِ، يا مَنْ لا مَقْصَدَ الَّا

نابودشدنى است (38) اى كه جز به سوى تو راه فرارى نيست، اى كه جز به سوى تو پناهى نيست، اى كه جز به سوى تو مقصدى‏

الَيْهِ، يا مَنْ لا مَنْجا مِنْهُ الَّا الَيْهِ، يا مَنْ لا يُرْغَبُ الَّا الَيْهِ، يا مَنْ لا حَوْلَ‏

نيست، اى كه راه نجاتى از (عذابِ) تو جز به سوى تو نيست، اى كه جز به سوى تو ميل و اشتياقى نيست، اى كه جز به واسطه تو پناهگاه‏

وَلا قُوَّةَ الَّا بِهِ، يا مَنْ لا يُسْتَعانُ الَّا بِهِ، يا مَنْ لا يُتَوَكَّلُ الَّا عَلَيْهِ، يا مَنْ لا

و نيرويى نيست، اى كه جز از تو كمك گرفته نشود، اى كه جز بر تو توكّل نشود، اى كه جز تو

يُرْجى‏ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُعْبَدُ الَّا هُوَ (39) يا خَيْرَ الْمَرْهُوبينَ، يا خَيْرَ

مايه اميدى نباشد، اى كه جز تو پرستش نشود (39) اى بهترين كسى كه از تو مى‏ترسند، اى بهترين‏

الْمَرْغُوبينَ، يا خَيْرَ الْمَطْلُوبينَ، يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ، يا خَيْرَ الْمَقْصُودينَ،

رغبت شدگان، اى بهترين طلب شدگان، اى بهترين سؤال شدگان، اى بهترين قصد شدگان،

يا خَيْرَ الْمَذْكُورينَ، يا خَيْرَ الْمَشْكُورينَ، يا خَيْرَ الْمَحْبُوبينَ، يا خَيْرَ

اى بهترين يادشدگان، اى بهترين سپاس شدگان، اى بهترين دوست داشته شدگان، اى بهترين‏

الْمَدْعُوّينَ، يا خَيْرَ الْمُسْتَأْنِسينَ‏ (40) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا غافِرُ يا

خوانده شدگان، اى بهترين انس گرفته شدگان (40) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى آمرزنده، اى‏

ساتِرُ، يا قادِرُ يا قاهِرُ، يا فاطِرُ يا كاسِرُ، يا جابِرُ يا ذاكِرُ، يا ناظِرُ يا ناصِرُ

پوشاننده، اى توانا، اى غلبه كننده، اى آفريننده، اى شكننده، اى جبران كننده اى ياد كننده، اى بيننده، اى يارى كننده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 148

(41) يا مَنْ خَلَقَ فَسَوّى‏، يا مَنْ قَدَّرَ فَهَدى‏، يا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوى‏، يا مَنْ‏

(41) اى كه آفريده و بياراستى، اى كه مقدّر فرموده و هدايت نمودى، اى كه گرفتارى را برطرف نمايى، اى كه‏

يَسْمَعُ النَّجْوى‏، يا مَنْ يُنْقِذُ الْغَرْقى‏، يا مَنْ يُنْجِى الْهَلْكى‏، يا مَنْ يَشْفِى‏

سخن پنهانى را بشنوى، اى كه غرق شدگان را نجات دهى، اى كه هلاك شدگان را برهانى، اى كه بيماران را

الْمَرْضى‏، يا مَنْ اضْحَكَ وَابْكى‏، يا مَنْ اماتَ وَاحْيى‏، يا مَنْ خَلَقَ‏

شفا دهى، اى كه بخندانى و بگريانى، اى كه بميرانى و زنده كنى، اى كه‏

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْانْثى‏ (42) يا مَنْ فىِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبيلُهُ، يا مَنْ فِى‏

نر و ماده را جفت آفريدى (42) اى كه در خشكى و دريا راه رسيدن به توست، اى كه در

الْافاقِ اياتُهُ، يا مَنْ فِى الْاياتِ بُرْهانُهُ، يا مَنْ فِى الْمَماتِ قُدْرَتُهُ، يا مَنْ‏

تمام هستى نشانه‏هاى توست، اى در نشانه‏ها دليل وجود توست، اى كه در مرگ نشانه قدرت توست، اى كه‏

فِى الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ، يا مَنْ فِى الْقِيمَةِ مُلْكُهُ، يا مَنْ فِى الْحِسابِ هَيْبَتُهُ، يا

در گورها نشانه پند توست، اى كه در قيامت فرمانروايى توست، اى كه در حساب‏رسى نشانه عظمت توست، اى‏

مَنْ فِى الْميزانِ قَضآئُهُ، يا مَنْ فِى الْجَنَّةِ ثَوابُهُ، يا مَنْ فِى النَّارِ عِقابُهُ‏ (43) يا

كه در سنجش اعمال حكم توست، اى كه در بهشت پاداش نيك توست، اى كه در دوزخ كيفر توست (43) اى‏

مَنْ الَيْهِ يَهْرَبُ الْخآئِفُونَ، يا مَنْ الَيْهِ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ، يا مَنْ الَيْهِ يَقْصِدُ

كه ترسيدگان به درگاه تو گريزند، اى كه گناهكاران به درگاه تو زارى كنند، اى كه توبه‏كنندگان تو را

الْمُنيبُونَ، يا مَنْ الَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ، يا مَنْ الَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ، يا

قصد كنند، اى كه پرهيزكاران به تو مشتاقند، اى كه سرگردانان به تو پناه آورند، اى‏

مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُريدُونَ، يا مَنْ بِه‏ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ، يا مَنْ فى‏ عَفْوِهِ‏

كه علاقمندان به تو انس گيرند، اى كه دوستداران به تو افتخار كنند، اى كه خطاكاران به عفو

يَطْمَعُ الْخآطِئُونَ، يا مَنْ الَيْهِ يَسْكُنُ الْمُوقِنُونَ، يا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ‏

تو طمع دارند، اى كه اهل يقين نزد تو آرام گيرند، اى كه متوكّلان بر تو

الْمُتَوَكِّلُونَ‏ (44) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا حَبيبُ يا طَبيبُ، يا قَريبُ يا

توكّل كنند (44) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى دوست، اى طبيب، اى نزديك، اى‏

رَقيبُ، يا حَسيبُ يا مُهيبُ، يا مُثيبُ يا مُجيبُ، يا خَبيرُ يا بَصيرُ (45) يا

مراقب، اى حسابگر، اى با عظمت، اى پاداش دهنده، اى اجابت كننده، اى آگاه، اى بينا (45) اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 149

اقَرَبَ مِنْ كُلِّ قَريبٍ، يا احَبَّ مِنْ كُلِّ حَبيبٍ، يا ابْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصيرٍ، يا

نزديكتر از هر نزديك، اى محبوبتر از هر محبوب، اى بيناتر از هر بينا، اى‏

اخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبيرٍ، يا اشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَريفٍ، يا ارْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفيعٍ، يا

آگاهتر از هر آگاه، اى شريف‏تر از هر شريف، اى والاتر از هر والا، اى‏

اقْوى‏ مِنْ كُلِّ قَوِىٍّ، يا اغْنى‏ مِنْ كُلِّ غَنِىٍّ، يا اجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوادٍ، يا ارْافَ‏

قوى‏تر از هر قوى، اى بى‏نيازتر از هر بى‏نياز، اى بخشنده‏تر از هر بخشنده، اى مهربانتر

مِنْ كُلِّ رَؤُوفٍ، (46) يا غالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يا صانِعاً غَيْرَ مَصْنُوعٍ، يا خالِقاً

از هر مهربان (46) اى پيروزمند شكست‏ناپذير، اى پديد آورنده‏اى كه ساخته كسى نيستى، اى آفريننده‏

غَيْرَ مَخْلُوقٍ، يا مالِكاً غَيْرَ مَمْلُوكٍ، يا قاهِراً غَيْرَ مَقْهُورٍ، يا رافِعاً غَيْرَ

آفريده نشده، اى مالكى كه مملوك كسى نيستى، اى قدرتمند شكست‏ناپذير، اى برترى‏بخش بى‏نيازِ

مَرْفُوعٍ، يا حافِظاًغَيْرَ مَحْفُوظٍ، يا ناصِراً غَيْرَ مَنْصُورٍ، يا شاهِداً غَيْرَ

برترى بخش، اى حفاظت كننده بى‏محافظ، اى يارى كننده بى‏ياور، اى گواه هميشه‏

غآئِبٍ، يا قَريباً غَيْرَ بَعيدٍ (47) يا نُورَالنُّورِ، يا مُنَوِّرَ النُّورِ، يا خالِقَ النُّورِ،

حاضر، اى نزديك بى‏فاصله (47) اى روشنايى نور، اى روشنايى بخش نور، اى آفريننده نور،

يا مُدَبِّرَ النُّورِ، يا مُقَدِّرَ النُّورِ، يا نُورَ كُلِّ نُورٍ، يا نُوراً قَبْلَ كُلِّ نُورٍ، يا نُوراً

اى تدبيركننده نور، اى نظام‏بخش نور، اى روشنايى هر نور، اى نور پيش از هر نور، اى نور

بَعْدَ كُلِّ نُورٍ، يا نُوراً فَوْقَ كُلِّ نُورٍ، يا نُوراً لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ (48) يامَنْ‏

بعد از هر نور، اى نور بالاتر از هر نور، اى نورى كه مانندت نورى نيست (48) اى كه‏

عَطآئُهُ شَريفٌ، يامَنْ فِعْلُهُ لَطيفٌ، يا مَنْ لُطْفُهُ مُقيمٌ، يا مَنْ احْسانُهُ قَديمٌ،

بخششت شرافتمندانه است، اى كه كارت مهربانانه است، اى كه لطفت جاودانه است، اى كه احسانت ديرينه است،

يا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ، يا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، يا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ، يا مَنْ عَذابُهُ‏

اى كه گفتارت حقّ است، اى كه وعده‏ات صادق است، اى كه عفوت لطف است، اى كه عذابت‏

عَدْلٌ، يا مَنْ ذِكْرُهُ حُلْوٌ، يا مَنْ فَضْلُهُ عَميمٌ‏ (49) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ‏

عادلانه است، اى كه يادت شيرين است، اى كه لطفت همگانى است (49) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت،

يا مُسَهِّلُ يا مُفَصِّلُ، يا مُبَدِّلُ يا مُذَلِّلُ، يا مُنَزِّلُ يا مُنَوِّلُ، يا مُفْضِلُ يا

اى آسان كننده اى جدا كننده، اى تبديل كننده، اى خوار كننده، اى فرود آورنده، اى عطا كننده، اى فضيلت دهنده، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 150

مُجْزِلُ، يا مُمْهِلُ يا مُجْمِلُ‏ (50) يا مَنْ يَرى‏ وَلا يُرى‏، يا مَنْ يَخْلُقُ وَ لا

بخشنده نعمت بزرگ، اى مهلت دهنده، اى زيبايى بخش (50) اى كه مى‏بينى و ديده نمى‏شوى، اى كه مى‏آفرينى و آفريده‏

يُخْلَقُ، يا مَنْ يَهْدى‏ وَلا يُهْدى‏، يا مَنْ يُحْيى‏ وَلا يُحْيى‏، يا مَنْ يَسْئَلُ وَلا

نمى‏شوى، اى كه راهنمايى مى‏كنى و راهنمايى نمى‏شوى، اى كه حيات مى‏بخشى و حيات بخشيده نمى‏شوى، اى كه بازخواست مى‏كنى و

يُسْئَلُ، يا مَنْ يُطْعِمُ وَ لا يُطْعَمُ، يا مَنْ يُجيرُ وَلا يُجارُ عَلَيْهِ، يا مَنْ يَقْضى‏

بازخواست نمى‏شوى، اى كه روزى مى‏دهى و روزى داده نمى‏شوى، اى كه پناه مى‏دهى و پناه داده نمى‏شوى، اى كه قضاوت مى‏كنى‏

وَلا يُقْضى‏ عَلَيْهِ، يا مَنْ يَحْكُمُ وَلا يُحْكَمُ عَلَيْهِ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

و مورد قضاوت واقع نمى‏شوى، اى كه حكم مى‏كنى و حكم رانده نمى‏شوى، اى كه نزاده و زاييده نشدى،

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ (51) يا نِعْمَ الْحَسيبُ، يا نِعْمَ الطَّبيبُ، يا نِعْمَ الرَّقيبُ،

و براى تو هيچ‏گاه شبيه و مانندى نباشد (51) اى نيكو حسابرس، اى نيكو طبيب، اى نيكو مراقب،

يا نِعْمَ الْقَريبُ، يا نِعْمَ الْمُجيبُ، يا نِعْمَ الْحَبيبُ، يا نِعْمَ الْكَفيلُ، يا نِعْمَ‏

اى نيكو قريب، اى نيكو اجابت كننده، اى نيكو محبوب، اى نيكو پشتيبان، اى نيكو

الْوَكيلُ، يا نِعْمَ الْمَوْلى‏، يا نِعْمَ النَّصيرُ (52) يا سُرُورَ الْعارِفينَ، يا مُنَى‏

وكيل، اى نيكو سرور، اى نيكو ياور (52) اى شادى‏بخش عارفان، اى آرزوى‏

الْمُحِبّينَ، يا انيسَ الْمُريدينَ، يا حَبيبَ التَّوَّابينَ، يا رازِقَ الْمُقِلّينَ، يا

دوستداران، اى همدم مريدان، اى دوست توبه‏كنندگان، اى روزى ده فقيران، اى‏

رَجآءَ الْمُذْنِبينَ، يا قُرَّةَ عَيْنِ الْعابِدينَ، يا مُنَفِّسَ عَنِ الْمَكْرُوبينَ، يا

اميد گناهكاران، اى نور چشم عابدان، اى رهايى بخش گرفتاران، اى‏

مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومينَ، يا الهَ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ‏ (53) اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

گشايش بخش غمزدگان اى خداى پيشينيان و پسينيان (53) خدايا از تو مى‏خواهم‏

بِاسْمِكَ يا رَبَّنا يا الهَنا، يا سَيِّدَنا يا مَوْلينا، يا ناصِرَنا يا حافِظَنا، يا دَليلَنا

به حقّ نامت اى پروردگار ما، اى معبود ما، اى آقاى ما، اى سرور ما، اى ياور ما، اى نگهدار ما، اى راهنماى ما،

يا مُعينَنا، يا حَبيبَنا يا طَبيبَنا (54) يا رَبَّ النَّبيّينَ وَالْأَبْرارِ، يا رَبَ‏

اى يارى ده ما، اى دوست ما، اى طبيب ما (54) اى پروردگار پيامبران و نيكان، اى پروردگار

الصِّدّيقينَ وَالْأَخْيارِ، يا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، يا رَبَّ الصِّغارِ وَالْكِبارِ، يا

راستگويان و برگزيدگان، اى پروردگار بهشت و دوزخ، اى پروردگار خردسالان و بزرگان، اى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص151**

كليات مفاتيح نوين، ص: 151

رَبَّ الْحُبُوبِ وَالثِّمارِ، يا رَبَّ الْأَنْهارِ وَالْأَشْجارِ، يا رَبَّ الصَّحارى‏

پروردگار دانه‏ها و ميوه‏ها، اى پروردگار رودها و درختان، اى پروردگار صحراها

وَالْقِفارِ، يا رَبَّ الْبَرارى‏ وَالْبِحارِ، يا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ، يا رَبَّ الْأَعْلانِ‏

و كويرها، اى پروردگار خشكى‏ها و درياها، اى پروردگار شب و روز، اى پروردگار آشكارها

وَالْأَسْرارِ (55) يا مَنْ نَفَذَ فى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ امْرُهُ، يا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عِلْمُهُ،

و نهانها (55) اى كه فرمانت در همه چيز نفوذ كرده، اى كه دانشت همه چيز را در برگرفته،

يا مَنْ بَلَغَتْ الى‏كُلِّ شَىْ‏ءٍ قُدْرَتُهُ، يا مَنْ لا تُحْصِى الْعِبادُ نِعَمَهُ، يا مَنْ لا

اى كه قدرتت همه چيز را فرا گرفته، اى كه بندگان توان شمارش نعمتهايت را ندارند، اى كه‏

تَبْلُغُ الْخَلائِقُ شُكْرَهُ، يا مَنْ لاتُدْرِكُ الْأَفْهامُ جَلالَهُ، يا مَنْ لا تَنالُ‏

مخلوقات از عهده شكرت بر نيايند، اى كه عقلها شكوهت را درك نكنند، اى كه پندارها

الْأَوْهامُ كُنْهَهُ، يا مَنِ الْعَظَمَةُ وَالْكِبْرِيآءُ رِدآئُهُ، يا مَنْ لاتَرُدُّ الْعِبادُ قَضآئَهُ،

به عمق حقيقتت نرسند، اى كه عظمت و بزرگى رداى توست، اى كه بندگان حُكمت را سرپيچى نكنند،

يا مَنْ لا مُلْكَ الَّا مُلْكُهُ، يا مَنْ لا عَطآءَ الَّا عَطآئُهُ‏ (56) يا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ‏

اى كه فرمانروايى جز فرمانرواييت نيست، اى كه بخششى جز بخششت نيست (56) اى كه برترين مثالها

الْأَعْلى‏، يا مَنْ لَهُ الصِّفاتُ الْعُلْيا، يا مَنْ لَهُ الْاخِرَةُ وَالْاولى‏، يا مَنْ لَهُ‏

براى توست، اى كه برترين صفات براى توست، اى كه پايان و آغاز (آفرينش) براى توست، اى كه‏

الْجَنَّةُ الْمَاْوى‏، يا مَنْ لَهُ الْاياتُ الْكُبْرى‏، يا مَنْ لَهُ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، يا

بهشت جاويدان از آنِ توست، اى كه نشانه‏هاى بزرگ براى توست، اى كه نامهاى زيبا براى توست، اى‏

مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضآءُ، يا مَنْ لَهُ الْهَوآءُ وَ الْفَضآءُ، يا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ‏

كه داورى و قضا براى توست، اى كه هوا و فضا براى توست، اى كه عرش و فرش‏

وَالثَّرى‏، يا مَنْ لَهُ السَّمواتُ الْعُلى‏ (57) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا عَفُوُّ

براى توست، اى كه آسمانهاى بلند براى توست (57) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى عفو كننده،

ياغَفُورُ، يا صَبُورُ يا شَكُورُ، يا رَءُوفُ ياعَطُوفُ، يا مَسْئُولُ يا وَدُودُ، يا

اى آمرزنده، اى شكيبا، اى شكرپذير، اى مهربان، اى با عطوفت، اى درخواست شده، اى با محبّت، اى‏

سُبُّوحُ يا قُدُّوسُ‏ (58) يا مَنْ فِى السَّمآءِ عَظَمَتُهُ، يا مَنْ فِى الْأَرْضِ آياتُهُ،

منزّه، اى پاكيزه (58) اى كه در آسمانها بزرگيت پيداست، اى كه در زمين نشانه‏هاى (قدرت) تو هويداست،

كليات مفاتيح نوين، ص: 152

يا مَنْ فى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ دَلائِلُهُ، يا مَنْ فِى الْبِحارِ عَجائِبُهُ، يا مَنْ فِى الْجِبالِ‏

اى كه در هر چيز علامتهاى (وجود) تو پيداست، اى كه در درياها شگفتى‏هاى (خلقت) توست، اى كه در كوه‏ها

خَزآئِنُهُ، يا مَنْ يَبْدَءُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعيدُهُ، يا مَنْ الَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ، يا مَنْ‏

گنج‏هاى توست، اى كه خلقت را آغاز كرده سپس باز مى‏گردانى، اى كه بازگشت تمام كارها به سوى توست، اى كه‏

اظْهَرَ فى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ لُطْفَهُ، يا مَنْ احْسَنَ كُلَّ شَىْ‏ءٍ خَلْقَهُ، يا مَنْ تَصَرَّفَ‏

نشانه‏هاى لطفت در هر چيز نمايان است، اى كه همه چيز را نيكو آفريدى، اى كه قدرتت‏

فِى الْخَلائِقِ قُدْرَتُهُ‏ (59) يا حَبيبَ مَنْ لا حَبيبَ لَهُ، يا طَبيبَ مَنْ لاطَبيبَ‏

مخلوقات را در برگرفت (59) اى دوست كسى كه دوستى ندارد، اى طبيب كسى كه طبيبى ندارد

لَهُ، يا مُجيبَ مَنْ لا مُجيبَ لَهُ، يا شَفيقَ مَنْ لا شَفيقَ لَهُ، يا رَفيقَ مَنْ لا

اى پاسخگوى كسى كه پاسخگويى ندارد، اى دلسوز كسى كه دلسوزى ندارد، اى رفيق كسى كه‏

رَفيقَ لَهُ، يا مُغيثَ مَن لا مُغيثَ لَهُ، يا دَليلَ مَنْ لا دَليلَ لَهُ، يا انيسَ مَنْ لا

رفيقى ندارد، اى فريادرس كسى كه فريادرسى ندارد، اى راهنماى كسى كه راهنمايى ندارد، اى همدم كسى كه‏

انيسَ لَهُ، يا راحِمَ مَنْ لاراحِمَ لَهُ، يا صاحِبَ مَنْ لا صاحِبَ لَهُ‏ (60) يا

همدمى ندارد، اى رحم كننده بر كسى كه رحم كننده‏اى ندارد، اى يار كسى كه يارى ندارد (60) اى‏

كافِىَ مَنِ اسْتَكْفاهُ، يا هادِىَ مَنِ اسْتَهْداهُ، يا كالِئَ مَنِ اسْتَكْلاهُ، يا راعِىَ‏

كفايت كننده كسى كه از تو كفايت طلبد، اى هدايت كننده كسى كه از تو هدايت طلبد، اى محافظ كسى كه از تو حفاظت طلبد، اى نگهبان‏

مَنِ اسْتَرْعاهُ، يا شافِىَ مَنِ اسْتَشْفاهُ، يا قاضِىَ مَنِ اسْتَقْضاهُ، يا مُغْنِىَ مَنِ‏

كسى كه از تو نگهدارى طلبد، اى شفا بخش كسى كه از تو شفا طلبد، اى داور كسى كه از تو داورى طلبد، اى بى‏نياز كننده كسى كه‏

اسْتَغْناهُ، يا مُوفِىَ مَنِ اسْتَوْفاهُ، يا مُقَوِّىَ مَنِ اسْتَقْواهُ، يا وَلِىَّ مَنِ اسْتَوْلاهُ‏

از تو بى‏نيازى طلبد، اى وفادار كسى كه از تو وفادارى طلبد، اى نيروبخش كسى كه از تو نيرو طلبد، اى سرپرست كسى كه از تو سرپرستى طلبد

(61) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا خالِقُ يا رازِقُ، يا ناطِقُ يا صادِقُ، يا

(61) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى آفريننده، اى روزى دهنده، اى گوينده، اى راستگو، اى‏

فالِقُ يا فارِقُ، يا فاتِقُ ياراتِقُ، يا سابِقُ يا سامِقُ‏ (62) يا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ‏

شكافنده، اى جدا كننده، اى گشاينده، اى اصلاح كننده، اى پيشى گيرنده، اى بلندمرتبه (62) اى كه شب و روز را

وَالنَّهارَ، يا مَنْ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَالْأَنْوارَ، يا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ، يا

جابجا مى‏كنى، اى كه تاريكى‏ها و روشنايى‏ها را آفريدى، اى كه سايه و گرما را آفريدى، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 153

مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، يا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، يا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ‏

كه خورشيد و ماه را به خدمت گرفتى، اى كه خير و شر را مقدّر نمودى، اى كه مرگ‏

وَالْحَيوةَ، يا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً، يا مَنْ‏

و زندگى را آفريدى، اى كه آفرينش و فرمان دادن براى توست، اى كه همسر و فرزندى براى خود نگرفتى، اى كه‏

لَيْسَ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، يا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِ‏ (63) يا مَنْ يَعْلَمُ‏

شريكى در فرمانروايى ندارى، اى كه ضعف و ذلّتى ندارى كه ياور و سرپرستى بخواهى (63) اى كه خواسته‏

مُرادَ الْمُريدينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ضَميرَ الصَّامِتينَ، يا مَنْ يَسْمَعُ انينَ الْواهِنينَ،

مريدان را مى‏دانى، اى كه راز دل خاموشان را مى‏دانى، اى كه ناله ناتوانان را مى‏شنوى،

يا مَنْ يَرى‏ بُكآءَ الْخآئِفينَ، يا مَنْ يَمْلِكُ حَوائِجَ السَّآئِلينَ، يا مَنْ يَقْبَلُ‏

اى كه گريه ترسيدگان را مى‏بينى، اى كه حاجت‏هاى درخواست كنندگان در اختيار توست، اى كه عذر

عُذْرَ التَّآئِبينَ، يا مَنْ لا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدينَ، يا مَنْ لا يُضيعُ اجْرَ

توبه‏كنندگان را مى‏پذيرى، اى كه كار مفسدان را اصلاح نكنى، اى كه اجر نيكوكاران را

الْمُحْسِنينَ، يا مَنْ لا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعارِفينَ، يا اجْوَدَ الْأَجْودينَ‏ (64) از بين نبرى، اى كه از دلهاى عارفان دور نباشى، اى بخشنده‏ترين بخشندگان (64)

يا دآئِمَ الْبَقآءِ، يا سامِعَ الدُّعآءِ، يا واسِعَ الْعَطآءِ، يا غافِرَ الْخَطآءِ، يا بَديعَ‏

اى هميشه ماندگار، اى شنونده دعا، اى گسترده بخشش، اى آمرزنده خطا، اى پديدآورنده‏

السَّمآءِ، يا حَسَنَ الْبَلاءِ، يا جَميلَ الثَّنآءِ، يا قَديمَ السَّنآءِ، يا كَثيرَ الْوَفآءِ،

آسمان، اى صاحب آزمايشهاى نيكو، اى زيبا ستايش، اى ديرينه شكوه، اى بسيار با وفا،

يا شَريفَ الْجَزآءِ (65) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا سَتَّارُ يا غَفَّارُ، يا قَهَّارُ

اى بزرگوار در پاداش (65) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت اى پرده پوش اى آمرزنده، اى قادر مطلق،

يا جَبَّارُ، يا صَبَّارُ يا بآرُّ، يا مُخْتارُ يا فَتَّاحُ، يا نَفَّاحُ يا مُرْتاحُ‏ (66) يا مَنْ‏

اى تونا، اى شكيبا، اى نيكوكار، اى صاحب اختيار، اى كارگشا، اى نعمت ده، اى فرح بخش (66) اى كه‏

خَلَقَنى‏ وَسَوَّانى‏، يا مَنْ رَزَقَنى‏ وَ رَبَّانى‏، يا مَنْ اطْعَمَنى‏ وَسَقانى‏، يا مَنْ‏

مرا آفريده و بياراستى، اى كه مرا روزى داده و پروريدى، اى كه مرا خوراك داده و نوشاندى، اى كه‏

قَرَّبَنى‏ وَادْنانى‏، يا مَنْ عَصَمَنى‏ وَكَفانى‏، يا مَنْ حَفَظَنى‏ وَكَلانى‏، يا مَنْ‏

مرا نزد خود برده و مقرّب ساختى، اى كه مرا از گناه بازداشته و كفايت نمودى، اى كه مرا محافظت كرده و مواظبت نمودى، اى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 154

اعَزَّنى‏ وَاغْنانى‏، يا مَنْ وَفَّقَنى‏ وَهَدانى‏، يا مَنْ انَسَنى‏ وَآوانى‏، يا مَنْ‏

مرا عزّت بخشيده و توانگر ساختى، اى كه مرا توفيق داده و هدايت نمودى، اى كه با من انس گرفته و پناه دادى، اى كه‏

اماتَنى‏ وَاحْيانى‏ (67) يا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ، يا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ‏

مرا ميرانده و زنده كنى (67) اى كه حق را با كلماتت استوار كنى، اى كه توبه بندگانت را

عِبادِهِ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يا مَنْ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ الَّا بِاذْنِهِ، يا

بپذيرى، اى كه ميان شخص و دلش فاصله شوى، اى كه شفاعت جز با اجازه‏ات سودى ندارد، اى‏

مَنْ هُوَ اعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبيلِهِ، يا مَنْ لا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ، يا مَنْ لا رآدَّ

كه به حال ره گم‏كردگان داناترى، اى كه در داوريت تجديد نظرى نيست، اى كه حكمت را

لِقَضآئِهِ، يا مَنِ انْقادَ كُلُّ شَىْ‏ءٍ لِأَمْرِهِ، يا مَنِ السَّمواتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمينِهِ، يا

بازگشتى نيست اى كه همه چيز مطيع فرمان توست، اى كه آسمانها به دست تو در هم پيچيده شود، اى‏

مَنْ يُرْسِلُ الرِّياحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ‏ (68) يا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهاداً،

كه بادها را براى بشارت رحمتت از پيش فرستى (68) اى كه زمين را مهد آسايش قرار دادى،

يا مَنْ جَعَلَ الْجِبالَ اوْتاداً، يا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِراجاً، يا مَنْ جَعَلَ‏

اى كه كوهها را ميخ‏هاى (زمين) قرار دادى، اى كه خورشيد را چراغ قراردادى، اى كه ماه را

الْقَمَرَ نُوراً، يا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِباساً، يا مَنْ جَعَلَ النَّهارَ مَعاشاً، يا مَنْ‏

روشنايى (شب) قرار دادى، اى كه شب را پوشش قرار دادى، اى كه روز را براى كسب و كار قرار دادى، اى كه‏

جَعَلَ النَّوْمَ سُباتاً، يا مَنْ جَعَلَ السَّمآءَ بِنآءً، يا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيآءَ ازْواجاً،

خواب را براى آرامش قرار دادى، اى كه آسمان را برافراشته قرار دادى، اى كه همه چيز را جفت قرار دادى،

يا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصاداً (69) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا سَميعُ يا

اى كه دوزخ را كمينگاه قرار دادى (69) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى شنوا، اى‏

شَفيعُ، يا رَفيعُ يا مَنيعُ، يا سَريعُ يا بَديعُ، يا كَبيرُ يا قَديرُ، يا خَبيرُ يا مُجيرُ

شفاعت كننده، اى بلندمرتبه، اى ارجمند، اى سريع (در اجابت)، اى پديدآورنده، اى بزرگ، اى توانا، اى آگاه، اى پناه ده‏

(70) يا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَىٍّ، يا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَىٍّ، يا حَىُّ الَّذى‏ لَيْسَ كَمِثْلِهِ‏

(70) اى زنده پيش از هر زنده، اى زنده پس از هر زنده، اى زنده‏اى كه هيچ زنده‏اى مانندت‏

حَىٌّ، يا حَىُّ الَّذى‏ لا يُشارِكُهُ حَىٌّ، يا حَىُّ الَّذى‏ لا يَحْتاجُ الى‏ حَىٍّ، يا

نيست اى زنده‏اى كه هيچ زنده‏اى شريكت نيست، اى زنده‏اى كه به هيچ زنده‏اى محتاج نيستى، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 155

حَىُّ الَّذى‏ يُميتُ كُلَّ حَىٍّ، يا حَىُّ الَّذى‏ يَرْزُقُ كُلَّ حَىٍّ، يا حَيّاً لَمْ يَرِثِ‏

زنده‏اى كه هر زنده‏اى را بميرانى، اى زنده‏اى كه هر زنده‏اى را روزى دهى، اى زنده‏اى كه زندگى را

الْحَيوةَ مِنْ حَىٍّ، يا حَىُّ الَّذى‏ يُحْيِى الْمَوْتى‏، يا حَىُّ يا قَيُّومُ لا تَاْخُذُهُ‏

از هيچ زنده‏اى ارث نبرده‏اى، اى زنده‏اى كه مردگان را زنده كنى، اى زنده، اى پاينده، اى كه چرت و خواب‏

سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ‏ (71) يا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لا يُنْسى‏، يا مَنْ لَهُ نُورٌ لا يُطْفى‏، يا مَنْ لَهُ‏

تو را فرا نگيرد (71) اى كه يادت فراموش نشود، اى كه نورت خاموش نشود، اى كه‏

نِعَمٌ لا تُعَدُّ، يا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لا يَزُولُ، يا مَنْ لَهُ ثَنآءٌ لا يُحْصى‏، يا مَنْ لَهُ‏

نعمتهايت شمارش نشود، اى كه فرمانرواييت زوال نپذيرد، اى كه ستايشت قابل شمارش نباشد، اى كه‏

جَلالٌ لا يُكَيَّفُ، يا مَنْ لَهُ كَمالٌ لا يُدْرَكُ، يا مَنْ لَهُ قَضآءٌ لا يُرَدُّ، يا مَنْ لَهُ‏

بزرگيت تغيير نپذيرد، اى كه كمالت درك نشود، اى كه حُكمت رد نشود، اى كه‏

صِفاتٌ لا تُبَدَّلُ، يا مَنْ لَهُ نُعُوتٌ لا تُغَيَّرُ (72) يا رَبَّ الْعالَمينَ، يا مالِكَ يَوْمِ‏

صفاتت تغيير نكند، اى كه ويژگيهايت تغيير نيابد (72) اى پروردگار جهان، اى فرمانرواى روز

الدّينِ، يا غايَةَ الطَّالِبينَ، يا ظَهْرَ اللَّاجينَ، يا مُدْرِكَ الْهارِبينَ، يا مَنْ‏

جزا، اى هدف نهايى طلب‏كنندگان، اى پشتيبان پناهندگان، اى دريابنده فراريان، اى كه‏

يُحِبُّ الصَّابِرينَ، يا مَنْ يُحِبُّ التَّوَّابينَ، يا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرينَ، يا مَنْ‏

صابران را دوست دارى، اى كه توبه‏كنندگان را دوست دارى، اى كه پاكيزگان را دوست دارى، اى كه‏

يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ، يا مَنْ هُوَ اعْلَمُ بِالْمُهْتَدينَ‏ (73) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

نيكوكاران را دوست دارى، اى كه به هدايت شدگان داناترى (73) خدايا از تو مى‏خواهم‏

بِاسْمِكَ يا شَفيقُ يا رَفيقُ، يا حَفيظُ يا مُحيطُ، يا مُقيتُ يا مُغيثُ، يا مُعِزُّ

به حقّ نامت، اى مهربان، اى رفيق، اى نگهدار، اى در برگيرنده، اى نيروبخش، اى فريادرس، اى عزّت‏بخش،

يا مُذِلُّ، يا مُبْدِئُ يا مُعيدُ (74) يا مَنْ هُوَ احَدٌ بِلا ضِدٍّ، يا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلا نِدٍّ،

اى خوار كننده، اى آغاز كننده، اى بازگرداننده (74) اى كه تويى يكتاى بى‏مخالف، اى كه تويى تنهاى بى‏همتا،

يا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلا عَيْبٍ، يا مَنْ هُوَ وِتْرٌ بِلا كَيْفٍ، يا مَنْ هُوَ قاضٍ بِلا

اى كه تويى بى‏نياز بى عيب، اى كه تويى يگانه غير قابل توصيف، اى كه تويى حاكم‏

حَيْفٍ، يا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلا وَزيرٍ، يا مَنْ هُوَ عَزيزٌ بِلا ذُلٍّ، يا مَنْ هُوَ غَنِىٌ‏

بى‏زيان، اى كه تويى پروردگار بى‏مشاور، اى كه تويى گرامى بى‏ذلّت، اى كه تويى توانگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 156

بِلافَقْرٍ، يا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلا عَزْلٍ، يا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلا شَبيهٍ‏ (75) يا مَنْ‏

بى‏نياز، اى كه تويى فرمانرواى غير قابل عزل، اى كه تويى وصف شده بى‏مانند (75) اى كه‏

ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرينَ، يا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرينَ، يا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ

يادت براى يادكنندگان شرافت است، اى كه شكرت براى سپاسگزاران رستگارى است، اى كه حمدت براى‏

لِلْحامِدينَ، يا مَنْ طاعَتُهُ نَجاةٌ لِلْمُطيعينَ، يا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبينَ، يا

حمدكنندگان عزّت است، اى كه اطاعتت براى اطاعت كنندگان نجات است، اى كه درگاهت براى طلب‏كنندگان گشوده است، اى‏

مَنْ سَبيلُهُ واضِحٌ لِلْمُنيبينَ، يا مَنْ اياتُهُ بُرْهانٌ لِلنَّاظِرينَ، يا مَنْ كِتابُهُ‏

كه راهت براى توبه‏كنندگان آشكار است، اى كه نشانه‏هايت براى بينندگان دليل است، اى كه كتابت‏

تَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقينَ، يا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّآئِعينَ وَالْعاصينَ، يا مَنْ رَحْمَتُهُ‏

براى پرهيزكاران يادآورى است، اى كه روزيت براى اطاعت كنندگان و گنهكاران عمومى است، اى كه رحمتت‏

قَريبٌ مِنَ‏الْمُحْسِنينَ‏ (76) يا مَنْ تَبارَكَ اسْمُهُ، يا مَنْ تَعالى‏ جَدُّهُ، يا مَنْ لا

به نيكوكاران نزديك است (76) اى كه نامت مبارك است، اى كه شأنت بلند است، اى كه معبودى‏

الهَ غَيْرُهُ، يا مَنْ جَلَّ ثَنآئُهُ، يا مَنْ تَقَدَّسَتْ اسْمآئُهُ، يا مَنْ يَدُومُ بَقآئُهُ، يا

جز تو نيست، اى كه ثنايت بزرگ است، اى كه نامهايت مقدّس است، اى كه بقايت جاودان است، اى‏

مَنِ الْعَظَمَةُ بَهآئُهُ، يا مَنِ‏الْكِبْرِيآءُ رِدآئُهُ، يا مَنْ لا تُحْصى‏ الائُهُ، يا مَنْ لا

كه بزرگى شكوه توست، اى كه بزرگ منشى رداى توست، اى كه نعمتهايت شمارش نشود، اى كه بخشندگيت‏

تُعَدُّ نَعْمآئُهُ (77) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُعينُ يا امينُ، يا مُبينُ يا

شمارش نشود (77) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى يارى كننده، اى امانتدار، اى آشكار كننده، اى‏

مَتينُ، يا مَكينُ يا رَشيدُ، يا حَميدُ يا مَجيدُ، يا شَديدُ ياشَهيدُ (78) يا

استوار، اى مقتدر، اى راهنما، اى ستوده، اى بزرگوار، اى نيرومند، اى گواه (78) اى‏

ذَاالْعَرْشِ الْمَجيدِ، يا ذَا الْقَوْلِ السَّديدِ، يا ذَا الْفِعْلِ الرَّشيدِ، يا ذَا الْبَطْشِ‏

صاحب عرش بزرگ، اى صاحب گفتار محكم، اى صاحب كردار صحيح، اى صاحب انتقام‏

الشَّديدِ، ياذَا الْوَعْدِ وَالْوَعيدِ، يا مَنْ هُوَ الْوَلِىُّ الْحَميدُ، يا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِما

سخت، اى صاحب وعده و وعيد، اى كه تويى سرپرست ستوده، اى كه تويى انجام دهنده هر چه‏

يُريدُ، يا مَنْ هُوَ قَريبٌ غَيْرُ بَعيدٍ، يا مَنْ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ شَهيدٌ، يا مَنْ‏

خواهى، اى كه تويى نزديك نزديك، اى كه تويى بر هر چيز گواه، اى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 157

هُوَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبيدِ (79) يا مَنْ لا شَريكَ لَهُ وَلا وَزيرَ، يا مَنْ لا شَبيهَ لَهُ‏

بر بندگان ستم نكنى (79) اى كه شريك و مشاورى ندارى، اى كه مثل‏

وَلا نَظيرَ، يا خالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنيرِ، يا مُغْنِىَ الْبآئِسِ الْفَقيرِ، يا

و مانندى ندارى، اى آفريننده خورشيد و ماه تابان، اى بى‏نياز كننده بينواى فقير، اى‏

رازِقَ الْطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا راحِمَ الشَّيْخِ الْكَبيرِ، يا جابِرَ الْعَظْمِ الْكَسيرِ، يا

روزى ده كودك خردسال، اى ترحّم كننده پير كهنسال، اى پيوند دهنده استخوان شكسته، اى‏

عِصْمَةَ الْخآئِفِ الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ هُوَ بِعِبادِهِ خَبيرٌ بَصيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلى‏

نگهدار ترسان پناهجو، اى كه به بندگان آگاه و بينايى، اى كه بر

كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ (80) يا ذَا الْجُودِ وَالنِّعَمِ، يا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، يا خالِقَ‏

هر چيز توانايى (80) اى صاحب بخشش و نعمتها، اى صاحب لطف و بخشش، اى آفريننده‏

اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، يا بارِئَ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ، يا ذَا الْبَأْسِ وَالنِّقَمِ، يا مُلْهِمَ الْعَرَبِ‏

لوح و قلم، اى پديدآورنده ذرّات و آدميان، اى صاحب سختى و انتقام، اى الهام كننده عرب‏

وَالْعَجَمِ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يا عالِمَ السِّرِّ وَالْهِمَمِ، يارَبَّ الْبَيْتِ‏

و عجم، اى برطرف كننده رنج و درد، اى داناى رازها و نيّت‏ها، اى پروردگار كعبه‏

وَالْحَرَمِ، يا مَنْ خَلَقَ الْأَشيآءَ مِنَ الْعَدَمِ‏ (81) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا

و حرم، اى آفريننده اشيا از عدم (81) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى‏

فاعِلُ يا جاعِلُ، يا قابِلُ يا كامِلُ، يا فاصِلُ يا واصِلُ، يا عادِلُ يا غالِبُ،

انجام دهنده، اى قرار دهنده، اى پذيرنده، اى كامل، اى جدا كننده، اى پيوند دهنده، اى دادگر، اى غلبه كننده،

يا طالِبُ يا واهِبُ‏ (82) يا مَنْ انْعَمَ بِطَوْلِهِ، يا مَنْ اكْرَمَ بِجُودِهِ، يا مَنْ جادَ

اى طلب كننده، اى بخشنده (82) اى كه با توانايى نعمت دهى، اى كه با بخششت احسان كنى، اى كه با لطفت‏

بِلُطْفِهِ، يا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، يا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ، يا مَنْ حَكَمَ بِتَدْبيرِهِ، يا

بخشش كنى، اى كه با قدرتت عزيز گردانى، اى كه با حكمتت تقدير نمايى، اى كه با تدبيرت حكم كنى، اى‏

مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ، يا مَنْ تَجاوَزَ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ دَنى‏ فى‏ عُلُوِّهِ، يا مَنْ عَلا فى‏

كه با دانشت تدبير نمايى، اى كه با حلمت درگذرى، اى كه در عين بلندمرتبگى نزديكى، اى كه در عين نزديكى‏

دُنُوِّهِ‏ (83) يا مَنْ يَخْلُقُ ما يَشآءُ، يا مَنْ يَفْعَلُ ما يَشآءُ، يا مَنْ يَهْدى‏ مَنْ‏

بلندمرتبه‏اى (83) اى كه هر چه بخواهى بيافرينى، اى كه هر چه بخواهى انجام دهى، اى كه هر كس را بخواهى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 158

يَشآءُ، يا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ‏

هدايت كنى، اى كه هر كس را بخواهى گمراه كنى، اى كه هر كس را بخواهى عذاب كنى، اى كه هر كس را بخواهى‏

يَشآءُ، يا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشآءُ، يا مَنْ يُصَوِّرُ فِى‏

بيامرزى، اى كه هر كس را بخواهى عزيز كنى، اى كه هر كس را بخواهى ذليل كنى، اى كه هر چه را بخواهى‏

الْأَرْحامِ ما يَشآءُ، يا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشآءُ (84) يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ

در رحمها صورت بخشى، اى كه هر كس را بخواهى به رحمتت اختصاص دهى (84) اى كه همسر و فرزندى‏

صاحِبَةً وَلا وَلَداً، يا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَىْ‏ءٍ قَدْراً، يا مَنْ لا يُشْرِكُ فى‏

براى خود بر نگزيدى، اى كه براى هر چيز اندازه‏اى قرار دادى، اى كه كسى را در فرمانت‏

حُكْمِهِ احَداً، يا مَنْ جَعَلَ الْمَلائِكَةَ رُسُلًا، يا مَنْ جَعَلَ فِى السَّمآءِ بُرُوجاً،

شريك نگرفتى، اى كه فرشتگان را پيام‏آور قرار دادى، اى كه در آسمانها برجهايى قرار دادى،

يا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَراراً، يا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمآءِ بَشَراً، يا مَنْ جَعَلَ لِكُلِ‏

اى كه زمين را جايگاه آسايش قرار دادى، اى كه انسان را از آب آفريدى، اى كه براى هر چيز

شَىْ‏ءٍ امَداً، يا مَنْ احاطَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عِلْماً، يا مَنْ احْصى‏ كُلَّ شَىْ‏ءٍ عَدَداً

مدّت قرار دادى، اى كه علمت بر همه چيز احاطه دارد، اى كه تعداد همه چيز را شمرده‏اى‏

(85) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا اوَّلُ يا اخِرُ، يا ظاهِرُ يا باطِنُ، يا بَرُّ يا

(85) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى آغاز، اى پايان، اى آشكار، اى پنهان، اى نيكوكار، اى‏

حَقُّ، يا فَرْدُ يا وِتْرُ، يا صَمَدُ يا سَرْمَدُ (86) يا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ، يا افْضَلَ‏

حق، اى يگانه، اى تنها، اى بى‏نياز، اى جاويد (86) اى بهترين نيكى شناخته شده، اى برترين‏

مَعْبُودٍ عُبِدَ، يا اجَلَّ مَشْكُورٍ شُكِرَ، يا اعَزَّ مَذْكُورٍ ذُكِرَ، يا اعْلى‏ مَحْمُودٍ

معبود پرستش شده، اى بزرگترين سپاس شونده سپاه شده، اى عزيزترين يادشونده ياد شده، اى برترين ستايش شونده‏

حُمِدَ، يا اقْدَمَ مَوْجُودٍ طُلِبَ، يا ارْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ، يا اكْبَرَ مَقْصُودٍ

ستايش شده، اى قديمى‏ترين موجود طلب شده، اى برترين توصيف شونده توصيف شده، اى بزرگترين قصد شونده‏

قُصِدَ، يا اكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ، يا اشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ‏ (87) يا حَبيبَ‏

قصد شده، اى گرامى‏ترين درخواست شونده درخواست شده، اى شريف‏ترين محبوب شناخته شده (87) اى دوست‏

الْباكينَ، يا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلينَ، يا هادِىَ الْمُضِلّينَ، يا وَلِىَّ الْمُؤْمِنينَ، يا

گريه‏كنندگان، اى سرور توكّل كنندگان، اى هدايت كننده گمراهان، اى سرپرست مؤمنان، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 159

انيسَ الذَّاكِرينَ، يا مَفْزَعَ الْمَلْهُوفينَ، يا مُنْجِىَ الصَّادِقينَ، يا اقْدَرَ

همدم ذاكران، اى پناهگاه دلسوختگان، اى نجات‏دهنده راستگويان، اى تواناترين‏

الْقادِرينَ، يا اعْلَمَ الْعالِمينَ، يا الهَ الْخَلْقِ اجْمَعينَ‏ (88) يا مَنْ عَلا فَقَهَرَ، يا

توانايان، اى داناترين دانايان، اى معبود همه آفريدگان (88) اى كه برترى و مغلوب سازى، اى‏

مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، يا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ، يا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ، يا مَنْ عُصِىَ فَغَفَرَ، يا

كه مالكى و توانايى، اى كه پنهانى و آگاهى، اى كه در برابر عبادت سپاسگزارى مى‏كنى، اى كه نافرمانى شوى و بيامرزى، اى‏

مَنْ لا تَحْويهِ الْفِكَرُ، يا مَنْ لا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، يا مَنْ لا يَخْفى‏ عَلَيْهِ اثَرٌ، يا

كه فكرها تو را در بر نگيرد، اى كه چشمى تو را نبيند، اى كه نشانه‏اى بر تو پوشيده نماند، اى‏

رازِقَ الْبَشَرِ، يا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ (89) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا حافِظُ يا

روزه ده انسان، اى مقدّر كننده هر تقدير (89) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت، اى نگهدارنده، اى‏

بارِئُ، يا ذارِئُ يا باذِخُ، يا فارِجُ يا فاتِحُ، يا كاشِفُ يا ضامِنُ، يا امِرُ يا

آفريننده، اى پديدآورنده، اى والامقام، اى گشايش دهنده اى پيروز، اى آشكار كننده، اى عهده‏دار، اى دستور دهنده، اى‏

ناهى‏ (90) يامَنْ لا يَعْلَمُ الْغَيْبَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَصْرِفُ السُّوءَ الَّا هُوَ، يا

نهى كننده (90) اى كه كسى جز تو نهان را نداند، اى كه كسى جز تو بدى را بر نگرداند، اى‏

مَنْ لايَخْلُقُ الْخَلْقَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لايَغْفِرُ الذَّنْبَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُتِمُ‏

كه كسى جز تو مخلوقات را نيافريند، اى كه كسى جز تو گناه را نيامرزد، اى كه كسى جز تو

النِّعْمَةَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ الَّا هُوَ،

نعمت را تمام نكند، اى كه كسى جز تو دلها را دگرگون نكند، اى كه كسى جز تو كار را تدبير نكند،

يا مَنْ لايُنَزِّلُ الْغَيْثَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَبْسُطُ الرِّزْقَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لايُحْيِى‏

اى كه كسى جز تو باران را فرو نفرستد، اى كه كسى جز تو روزى را نگستراند، اى كه كسى جز تو

الْمَوْتى‏ الَّا هُوَ (91) يا مُعينَ الضُّعَفآءِ، يا صاحِبَ الْغُرَبآءِ، يا ناصِرَ الْأَوْلِيآءِ،

مردگان را زنده نكند (91) اى ياور ناتوانان، اى همراه غريبان، اى يارى دهنده دوستان،

يا قاهِرَ الْأَعْدآءِ، يا رافِعَ السَّمآءِ، يا انيسَ الْأَصْفِيآءِ، يا حَبيبَ الْأَتْقِيآءِ،

اى غلبه كننده بر دشمنان، اى برافرازنده آسمان، اى همدم برگزيدگان، اى دوست پرهيزكاران،

يا كَنْزَ الْفُقَرآءِ، يا الهَ الْأَغْنِيآءِ، يا اكْرَمَ الْكُرَمآءِ (92) يا كافِياً مِنْ كُلِّ شَىْ‏ءٍ،

اى گنج نيازمندان، اى معبود توانگران، اى گرامى‏ترين گراميان (92) اى كفايت كننده از هر چيز،

كليات مفاتيح نوين، ص: 160

يا قآئِماً عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ لا يُشْبِهُهُ شَىْ‏ءٌ، يا مَنْ لا يَزيدُ فى‏ مُلْكِهِ‏

اى عهده‏دار هر چيز، اى كه چيزى همانندت نيست، اى كه چيزى به فرمانرواييت‏

شَىْ‏ءٌ، يا مَنْ لا يَخْفى‏ عَلَيْهِ شَىْ‏ءٌ، يا مَنْ لا يَنْقُصُ مِنْ خَزآئِنِهِ شَىْ‏ءٌ، يا

نيافزايد، اى كه چيزى بر تو پوشيده نماند، اى كه چيزى از خزائنت نكاهد، اى‏

مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ‏ءٌ، يا مَنْ لا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَىْ‏ءٌ، يا مَنْ هُوَ خَبيرٌ

كه چيزى مانندت نيست، اى كه چيزى از دايره دانشت بيرون نيست، اى كه بر همه چيز

بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَىْ‏ءٍ (93) اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ‏

آگاهى، اى كه رحمتت همه چيز را فرا گرفته است (93) خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ نامت،

يا مُكْرِمُ يا مُطْعِمُ، يا مُنْعِمُ يا مُعْطى‏، يا مُغْنى‏ يا مُقْنى‏، يا مُفْنى‏ يا مُحْيى‏،

اى گرامى دارنده، اى اطعام كننده، اى نعمت دهنده، اى عطا كننده، اى بى‏نياز كننده، اى سرمايه بخش، اى نابود كننده، اى زنده كننده،

يا مُرْضى‏ يامُنْجى‏ (94) يا اوَّلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَآخِرَهُ، يا الهَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَمَليكَهُ،

اى خشنود كننده، اى نجات دهنده (94) اى آغاز و پايان هر چيز، اى معبود و مالك هر چيز،

يا رَبَّ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَصانِعَهُ، يا بارِئَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَخالِقَهُ، يا قابِضَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ

اى پروردگار و سازنده هر چيز، اى پديدآورنده و آفريننده هر چيز، اى تنگ گيرنده و گشاينده‏

وَباسِطَهُ، يا مُبْدِئَ كُلِ‏شَىْ‏ءٍ وَمُعيدَهُ، يا مُنْشِئَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَمُقَدِّرَهُ، يا

هر چيز، اى آغاز كننده و بازگرداننده هر چيز، اى ايجاد كننده و تقدير كننده هر چيز، اى‏

مُكَوِّنَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَمُحَوِّلَهُ، يا مُحْيِىَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ وَمُميتَهُ، يا خالِقَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ

هستى بخش و دگرگون كننده هر چيز، اى زنده كننده و نابود كننده هر چيز، اى آفريننده و وارث‏

وَوارِثَهُ‏ (95) يا خَيْرَ ذاكِرٍ وَمَذْكُورٍ، يا خَيْرَ شاكِرٍ وَمَشْكُورٍ، يا خَيْرَ حامِدٍ

هر چيز (95) اى بهترين يادكننده و ياد شده، اى بهترين شكر كننده و شكر شده، اى بهترين ستايش كننده‏

وَمَحْمُودٍ، يا خَيْرَ شاهِدٍ وَمَشْهُودٍ، يا خَيْرَ داعٍ وَمَدْعُوٍّ، يا خَيْرَ مُجيبٍ‏

و ستايش شده، اى بهترين گواهى دهنده و گواهى شده، اى بهترين دعوت كننده و دعوت شده، اى بهترين اجابت كننده‏

وَمُجابٍ، يا خَيْرَ مُونِسٍ وَانيسٍ، يا خَيْرَ صاحِبٍ وَ جَليسٍ، يا خَيْرَ

واجابت شده، اى بهترين انس گيرنده و مأنوس شده، اى بهترين همراهى كننده و همراهى شده، اى بهترين‏

مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ، يا خَيْرَ حَبيبٍ وَمَحْبُوبٍ‏ (96) يا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعاهُ‏

قصد شده و طلب شده، اى بهترين دوست و محبوب (96) اى كه هر كس تو را بخواند

كليات مفاتيح نوين، ص: 161

مُجيبٌ، يا مَنْ هُوَ لِمَنْ اطاعَهُ حَبيبٌ، يا مَنْ هُوَ الى‏ مَنْ احَبَّهُ قَريبٌ، يا

اجابتش كنى، اى كه هر كس تو را اطاعت كند دوستش دارى، اى كه به هر كس كه تو را دوست دارد نزديكى، اى‏

مَنْ هُوَ بِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقيبٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجاهُ كَريمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ‏

كه بر هركس كه حفاظتت طلبد نگهبانى، اى كه به هر كس كه به تو اميد بندد بخشنده‏اى، اى كه بر هر كس كه‏

عَصاهُ حَليمٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ عَظَمَتِهِ رَحيمٌ، يا مَنْ هُوَ فى‏ حِكْمَتِهِ عَظيمٌ، يا

نافرمانيت كند بردبارى، اى كه در عين بزرگيت مهربانى، اى كه در عين داناييت بزرگى، اى‏

مَنْ هُوَ فى‏ احْسانِهِ قَديمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ ارادَهُ عَليمٌ‏ (97) اللهُمَّ انّى‏

كه در نيكيت ديرينه‏اى، اى كه به هر كس كه تو را اراده كند دانايى (97) خدايا از تو

اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُسَبِّبُ يا مُرَغِّبُ، يا مُقَلِّبُ يا مُعَقِّبُ، يا مُرَتِّبُ يا

مى‏خواهم به حقّ نامت، اى چاره ساز، اى ترغيب كننده، اى دگرگون كننده، اى تعقيب كننده، اى نظم دهنده، اى‏

مُخَوِّفُ، يا مُحَذِّرُ يا مُذَكِّرُ، يا مُسَخِّرُ يا مُغَيِّرُ (98) يا مَنْ عِلْمُهُ سابِقٌ، يا

ترساننده، اى بيم دهنده، اى يادآورنده، اى تسخير كننده، اى تغيير دهنده (98) اى كه دانشت پيشين است، اى‏

مَنْ وَعْدُهُ صادِقٌ، يا مَنْ لُطْفُهُ ظاهِرٌ، يا مَنْ امْرُهُ غالِبٌ، يا مَنْ كِتابُهُ‏

كه وعده‏ات راست است، اى كه لطفت آشكار است، اى كه فرمانت غالب است، اى كه كتابت‏

مُحْكَمٌ، يا مَنْ قَضآئُهُ كائِنٌ، يا مَنْ قُرْآنُهُ مَجيدٌ، يا مَنْ مُلْكُهُ قَديمٌ، يا مَنْ‏

دقيق است، اى كه داوريت حتمى است، اى كه قرآنت با عظمت است، اى كه فرمانرواييت ديرينه است، اى كه‏

فَضْلُهُ عَميمٌ، يا مَنْ عَرْشُهُ عَظيمٌ‏ (99) يا مَنْ لايَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يا

فضلت عمومى است، اى كه عرشت بزرگ است (99) اى كه شنيدنى از شنيدن ديگر تو را باز ندارد، اى‏

مَنْ لا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ، يا مَنْ لا يُلْهيهِ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ، يا مَنْ‏لا يُغَلِّطُهُ‏

كه انجام كارى تو را از كار ديگر منع نكند، اى كه سخنى از سخن ديگر تو را سرگرم نكند، اى كه درخواست كسى تو را

سُؤالٌ عَنْ سُؤالٍ، يا مَنْ لا يَحْجُبُهُ شَىْ‏ءٌ عَنْ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ لا يُبْرِمُهُ الْحاحُ‏

از درخواست ديگرى به اشتباه نيندازد، اى كه چيزى از چيز ديگر تو را حجاب نشود، اى كه پافشارى اصرار كنندگان تو را

الْمُلِحّينَ، يا مَنْ هُوَ غايَةُ مُرادِ الْمُريدينَ، يا مَنْ هُوَ مُنْتَهى‏ هِمَمِ‏

به ستوه نياورد، اى كه تويى نهايت آرزوى جويندگان، اى كه تويى نهايت همت‏

الْعارِفينَ، يا مَنْ هُوَ مُنْتَهى‏ طَلَبِ الطَّالِبينَ، يا مَنْ لا يَخْفى‏ عَلَيْهِ ذَرَّةٌ

عارفان، اى كه تويى نهايت خواسته طلب‏كنندگان، اى كه ذرّه‏اى در عالم بر تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 162

فِى الْعالَمينَ‏ (100) يا حَليماً لا يَعْجَلُ، يا جَواداً لا يَبْخَلُ، يا صادِقاً لا

پوشيده نماند (100) اى بردبارى كه عجله نكنى، اى بخشنده‏اى كه بخل نورزى، اى راستگويى‏

يُخْلِفُ، يا وَهَّاباً لا يَمَلُّ، يا قاهِراً لا يُغْلَبُ، يا عَظيماً لا يُوصَفُ، يا عَدْلًا

كه خُلف وعده نكنى، اى بخشنده‏اى كه خسته نشوى، اى پيروزى كه شكست نخورى، اى بزرگى كه توصيف نشوى، اى عادلى كه‏

لايَحيفُ، يا غَنِيّاً لا يَفْتَقِرُ، يا كَبيراً لا يَصْغُرُ، يا حافِظاً لا يَغْفُلُ، سُبْحانَكَ‏

ستم نكنى، اى بى‏نيازى كه محتاج نگردى، اى بزرگى كه كوچك نشوى، اى نگهدارى كه غفلت نكنى، تسبيح مى‏كنم تو را

يا لا الهَ الَّا انْتَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، خَلِّصْنا مِنَ النَّارِ يا رَبّ.

اى كسى كه جز تو معبودى نيست، ياريمان كن، ياريمان كن، ما را از آتش دوزخ برهان، اى پروردگار من.

دعاى جوشن صغير[[146]](#footnote-146):

اين دعا در كتب مختلف نقل شده است‏[[147]](#footnote-147) و داراى عظمت و منزلت والايى است و در برابر بلاها و رفع و دفع ظالم نافع است. در «مهج الدعوات» آمده است: هنگامى كه موسى بن مهدى عبّاسى قصد كشتن امام كاظم عليه السلام را نمود، و اين خبر به خانواده و شيعيان آن حضرت رسيد، همگى اندوهگين شدند؛ امام عليه السلام فرمود: ناراحت نباشيد؛ چرا كه اوّلين نامه‏اى كه از عراق برسد، مربوط به خبر مرگ موسى بن مهدى است.

ياران پرسيدند: از كجا مى‏فرماييد؟ امام عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله را در خواب ديدم و شكايت موسى بن مهدى را نزد او نمودم، پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله مرا مطمئن ساخت و فرمود: خداوند لحظاتى پيش دشمن تو راهلاك كرد؛ بنابراين، شكر الهى را بجا آور. امام كاظم عليه السلام آنگاه رو به قبله نمود و دست‏ها را رو به آسمان بلند كرد و اين دعا را خواند. اين دعا مطابق نقل «بلدالامين» چنين است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏، كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضى‏ عَلَىَّ سَيفَ عَداوَتِهِ، وَشَحَذَ لى‏ ظُبَةَ مِدْيَتِهِ،

اى معبود من، چه بسيار دشمنى كه شمشير دشمنيش را به رويم كشيد و لبه كاردش را برايم تيز كرد

كليات مفاتيح نوين، ص: 163

وَارْهَفَ لى‏ شَباحَدِّهِ، وَدافَ لى‏ قَواتِلَ سُمُومِهِ، وَسَدَّدَالَىَ‏صَوائِبَ سِهامِهِ،

و نوك برنده‏اش را به سوى من گرفت و زهرهاى كشنده‏اش را برايم درهم آميخت و مرا با تيرهاى دقيقش نشانه گرفت‏

وَلَمْ تَنَمْ عَنّى‏ عَيْنُ حِراسَتِهِ، وَاضْمَرَ انْ يَسُومَنِى الْمَكْرُوهَ، وَيُجَرِّعَنى‏

و چشم نگهبانش را از من فرو نبست، و در فكر آزار رساندن به من بود، تا تلخى‏

ذُعافَ مَرارَتِهِ، نَظَرْتَ الى‏ ضَعْفى‏ عَنِ احْتِمالِ الْفَوادِحِ، وَعَجْزى‏ عَنِ‏

زهر كشنده‏اش را به من بچشاند، ولى تو توجّه نمودى به ناتوانيم از تحمّل بلاها، و درماندگيم از

الْإِنْتِصارِ مِمَّنْ قَصَدَنى‏ بِمُحارَبَتِهِ، وَ وَحْدَتى‏ فى‏ كَثيرٍ مِمَّنْ ناوانى‏،

پيروزى بر كسى كه به جنگم برخواسته، و تنهاييم در برابر افراد بسيارى كه با من دشمنى ورزيده‏اند

وَارْصادِهِمْ لى‏ فيما لَمْ اعْمِلْ فيهِ فِكْرى‏ فى‏ الْإِرْصادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ، فَايَّدْتَنى‏

و به كوتاهى تدبيرم در مقابله به مثل، با آنان كه بر من كمين كرده‏اند، پس مرا

بِقُوَّتِكَ، وَشَدَدْتَ ازْرى‏ بِنُصْرَتِكَ، وفَلَلْتَ لى‏ شَباحَدِّهِ، وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ

با نيرويت تأييد نمودى، و نيرويم را به ياريت تقويت كرده، و تيزى شمشيرش را بر من كند ساختى، و پس از

جَمْعِ عَديدِهِ وَحَشْدِهِ، واعْلَيْتَ كَعْبى‏ عَلَيْهِ، وَوَجَّهْتَ ما سَدَّدَ الَىَّ مِنْ‏

فراهم ساختن سپاه و تجهيزات، خوارش نمودى، و مقام مرا بر او برترى دادى، و نقشه‏هاى شومى كه برايم كشيده بود،

مَكائِدِهِ الَيْهِ، وَ رَدَدْتَهُ عَلَيْهِ، وَ لَمْ تَشْفِ غَليلَهُ، وَلَمْ تَبْرُدْ حَزازاتُ غَيْظِهِ،

متوجّه خودش ساختى، و به او برگرداندى، و عطش انتقامش را فرو ننشاندى، و حرارت خشمش سرد نشد

وَقَدْ عَضَّ عَلَىَّ انامِلَهُ، وَادْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ اخْفَقَتْ سَراياهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا

در حالى كه از كينه من انگشت به دندان مى‏گزيد، پشت كرد و گريخت و سپاهش درهم شكست، پس اى پروردگار من حمد و سپاس‏

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لايُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لايَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏مُحَمَّدٍ،

از آنِ توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت، و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَاجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ‏الشَّاكِرينَ، وَلِالائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وَكَمْ مِنْ‏

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من، چه بسيار

باغٍ بَغانى‏ بِمَكايِدِهِ، وَنَصَبَ لى‏ اشْراكَ مَصايِدِهِ، وَ وَكَّلَ بى‏ تَفَقُّدَ رِعايَتِهِ،

ستمگرى كه با حيله‏هاى خود بر من ستم كرد و براى شكار من دامها گسترانيد و در جستجوى من مأمور گمارد

وَضَبَأَ الَىَّ ضَبْ‏ءِ السَّبُعِ لِطَريدَتِهِ، انْتِظاراً لِانْتِهازِ فُرْصَتِهِ، وَهُوَ يُظْهِرُ

و مانند درنده‏اى كه براى شكار گريخته‏اش كمين كند به انتظار فرصتى مناسب به كمينم نشست، در حالى كه متملّقانه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 164

بَشاشَةَ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ لى‏ وَجْهاً غَيْرَ طَلِقٍ، فَلَمَّا رَايْتَ دَغَلَ سَريرَتِهِ،

(براى فريبم) خود را خوشرو نشان مى‏داد، و به دروغ خود را گشاده‏رو نشان مى‏داد، پس زمانى كه خيانت باطنش را ديدى‏

وَقُبْحَ مَا انْطَوى‏ عَلَيْهِ لِشَريكِهِ فى‏ مِلَّتِهِ، واصْبَحَ مُجْلِباً لى‏ فى‏ بَغْيِهِ،

و زشتى نيّتش را نسبت به هم‏كيشش دانستى، در حالى كه مرا به سوى ظلم خويش مى‏كشد،

ارْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَاْسِهِ، واتَيْتَ بُنْيانَهُ مِنْ اساسِهِ، فَصَرَعْتَهُ فى‏ زُبْيَتِهِ، وَارْدَيْتَهُ‏

او را با فرق سر به زمين كوفتى، و ريشه‏اش را از بيخ و بن كندى، پس او را در دامش گرفتار ساختى، و در چاهى كه‏

فى‏ مَهْوى‏ حُفْرَتِهِ، وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقاً لِتُرابِ رِجْلِهِ، وَشَغَلْتَهُ فى‏ بَدَنِهِ‏

حفر كرده بود افكندى، و صورتش را با خاك پايش برابر كردى، و او را سرگرم رسيدگى به بدن‏

وَرِزْقِهِ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ، وَذَكَّيْتَهُ بِمَشاقِصِهِ، وَ كَبَبْتَهُ‏

و روزيش نمودى، و با سنگ خودش او را زدى، و با زه كمانش خفه‏اش نمودى و با سرنيزه‏اش سرش را بريدى، و بينيش را

لِمَنْخَرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فى‏ نَحْرِهِ، وَ وَثَّقْتَهُ بِنَدامَتِهِ، وَفَثَأتَهُ بِحَسْرَتِهِ،

به خاك ماليدى و مكرش را به خودش بازگرداندى، و در بند پشيمانى اسيرش كردى و با حسرتش او را رام نمودى‏

فَاسْتَخْذَأَ وَاسْتَخْذَلَ وَتَضآئَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ، وانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطالَتِهِ، ذَليلًا

پس خوار و حقير و ضعيف گرديد بعد از غرور و نخوتش، و پس از سركشى ريشه‏كن گرديد، در حالى كه‏

مَاْسُوراً فى‏ رِبْقِ حِبائِلِهِ، الَّتى‏ كانَ يُؤَمِّلُ انْ يَرانى‏ فيها يَوْمَ سَطْوَتِهِ، وَقَدْ

در چنگ بندهاى دامش خوار و اسير گرديد، دامى كه آرزو داشت در روز قدرتش مرا در آن ببيند، و اى‏

كِدْتُ يا رَبِّ لَوْلا رَحْمَتُكَ انْ يَحُلَّ بى‏ ما حَلَّ بِساحَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا

پروردگار من اگر رحمتت نبود نزديك بود بلايى كه بر سر او آمد بر سر من آيد، پس اى پروردگار من‏

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، ولِالائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏،

فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من‏

وَكَمْ مِنْ حاسِدٍ شَرِقَ بِحَسَدِهِ، وَ عَدُوٍّ شَجِىَ بِغَيْظِهِ، وَسَلَقَنى‏ بِحَدِّ لِسانِهِ،

و چه بسيار حسودى كه حسادت گلويش را گرفت و دشمنى كه غيظ گلويش را گرفت، و با زخم زبانش مرا آزرد،

وَ وَخَزَنى‏ بِمُوقِ عَيْنِهِ، وَ جَعَلَ عِرْضى‏ غَرَضاً لِمراميهِ، وَ قَلَّدَنى‏ خِلالًا

و با گوشه چشمش رنجاند، و آبرويم را هدف تيرهاى تهمتش قرار داد، عيوبى را به گردنم انداخت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 165

لَمْ تَزَلْ فِيهِ، فَنادَيْتُكَ يا رَبِّ مُسْتَجيراً بِكَ، واثِقاً بِسُرْعَةِ اجابَتِكَ، مُتَوَكِّلًا

كه پيوسته گرفتار آنم، پس اى پروردگار من، پناه‏جويان، تو را خواندم، در حالى كه به سرعتِ اجابتت مطمئن بوده و بر

عَلى‏ ما لَمْ ازَلْ اتَعَرَّفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفاعِكَ، عالِماً انَّهُ لا يُضْطَهَدُ مَنْ آوى‏

دفاع نيكى كه پيوسته از تو مى‏شناختم توكّل نمودم، و مى‏دانستم كسى كه در سايه‏

الى‏ ظِلِّ كَنَفِكَ وَكِفائَتِكَ، واعْتَضَدَ بِوِلايَتِكَ، وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوادِثُ مَنْ لَجَأَ

حمايت و كفايت تو پناه گيرد و تحت سرپرستى تو نيرومند گردد خوار و ذليل نشود، و هر كس به دژ محكم يارى تو

الى‏ مَعْقِلِ الْإِنْتِصارِ بِكَ، فَحَصَّنْتَنى‏ مِنْ باْسِهِ بِقُدْرَتِكَ، فَلَكَ الْحْمدُ يا

پناهنده شود هرگز حوادث روزگار او را سركوب نكند، پس مرا به قدرت خود از شر محافظت نمودى، پس اى پروردگار من‏

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

حمد و سپاس از آن توست به خاطر نيروى شكست ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود

مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَ لِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏،

فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار داده، اى معبود من‏

وَكَمْ مِنْ سَحائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَها، وَسَمآءِ نِعْمَةٍ امْطَرْتَها، وَ جَداوِلِ كَرامَةٍ

و چه بسيار ابرهاى ناخوشايند كه پراكنده نمودى و آسمانى از نعمت بر من فرو باريدى و جويبارهاى كرامتى كه‏

اجْرَيْتَها، واعْيُنِ احْداثٍ طَمَسْتَها، وَناشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا، وَجُنَّةِ عافِيَةٍ

جارى ساختى و چشمه‏هاى حوادثى كه خشكاندى، و رحمت تازه‏اى كه گستراندى، و زره عافيتى كه‏

الْبَسْتَها، وَغَوامِرِ كُرُباتٍ كَشَفْتَها، وَامُورٍ جارِيَةٍ قَدَّرْتَها، لَمْ تُعْجِزْكَ‏

بر بدنم پوشاندى، و گردابهاى گرفتارى كه برطرف ساختى، و كارهاى روزمره كه مقدّر ساختى، (پس) ناتوانت نكرد

اذْ طَلَبْتَها، وَلَمْ تَمْتَنِعْ عَلَيْكَ اذْ ارَدْتَهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

هنگامى كه آنها را طلب نمودى، و هرگاه آنها را اراده نمودى قدرت سرپيچى نداشتند پس اى پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست‏

لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجَعْلنى‏

به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت، و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از

لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وكَمْ مِنْ ظَنٍ‏

سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من، و چه بسيار خوش‏بينى‏ها

حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَمِنْ كَسْرِ امْلاقٍ جَبَرْتَ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فادِحَةٍ حَوَّلْتَ،

كه محقق ساختى، و شكستهاى فقر كه جبران كردى، و بينوايى كمرشكن كه تغيير دادى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 166

وَمِنْ صَرْعَةٍ مُهْلِكَةٍ نَعَشْتَ، وَمِنْ مَشَقَّةٍ ارَحْتَ، لاتُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ‏

و زمين خوردن هلاك كننده‏اى كه بلندم نمودى، و سختى‏هايى كه آسان نمودى، از آنچه انجام دهى، بازخواست نگردى ولى ديگران‏

يُسْئَلُونَ، وَلا يَنْقُصُكَ يا سَيِّدى‏ ما انْفَقْتَ، وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَاعْطَيْتَ، وَلَمْ‏

بازخواست شوند، اى آقا و سرورم هر چه انفاق كنى از تو كاسته نشود، و هر چه از تو خواسته شد عطا نمودى، و آنگاه كه از تو

تُسْئَلْ فابْتَدَاْتَ، وَاسْتُميحَ بابُ فَضْلِكَ فَما اكْدَيْتَ، ابَيْتَ الَّا انْعاماً

درخواست نشد خود ابتدا به احسان نمودى، و هرچه از درگاه فضل و احسان تو طلب شد دريغ نكردى، اى پروردگار من، خوددارى كردى‏

وَامْتِناناً، و الَّا تَطَوُّلًا يا رَبِّ وَاحْساناً، وابَيْتُ الَّا انْتِهاكاً لِحُرُماتِكَ،

جز از نعمت‏بخشى و امتنان و جز از عطا كردن و احسان ولى من خوددارى كردم جز از پرده‏درى حرمتهايت‏

وَاجْتِرآءً عَلى‏ مَعاصِيكَ، وَ تَعَدِّياً لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعيدِكَ، وَطاعَةً

و بى‏باكى بر نافرمانيهايت و تجاوز از حدودت و غفلت از تهديدت و پيروى از

لِعَدُوّى‏ وَعَدُوِّكَ، لَمْ يَمْنَعْكَ يا الهى‏ وناصِرى‏ اخْلالى‏ بِالشُّكْرِ عَنْ اتْمامِ‏

دشمنم و دشمنت، اى معبود و ياورم ناسپاسيم تو را از اتمام احسانت باز نداشت‏

احْسانِكَ، وَلَا حَجَزَنى‏ ذلِكَ عَنِ ارْتِكابِ مَساخِطِكَ، اللهُمَّ وَ هذا مَقامُ‏

و مرا از ارتكاب اعمالى كه موجب خشم توست بازنداشت، خدايا و اينك در جايگاه‏

عَبْدٍ ذَليلٍ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوْحيدِ، وَاقَرَّ عَلى‏ نَفْسِهِ بِالتَّقْصيرِ فى‏ ادآءِ

بنده فروتنى قرار گرفته‏ام كه به يگانگيت معترف است و به كوتاهى در اداى حقّت‏

حَقِّكَ، وَشَهِدَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ، وَجَميلِ عادَتِكَ عِنْدَهُ، وَاحْسانِكَ‏

اقرار دارد و به فراوانى نعمتت بر او و زيبايى رفتارت با او و احسانت نسبت به او

الَيْهِ، فَهَبْ لى‏ يا الهى‏ وَسَيِّدِى‏ مِنْ فَضْلِكَ ما اريدُهُ سَبَباً الى‏ رَحْمَتِكَ،

گواهى مى‏دهد، پس اى معبود من و اى آقا و سرورم از فضل و احسانت به من ببخش به اندازه‏اى كه بتوانم خود را به رحمتت رسانم‏

واتَّخِذُهُ سُلَّماً اعْرُجُ فيهِ الى‏ مَرْضاتِكَ، وَ امَنُ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ، بِعِزَّتِكَ‏

و آن را نردبانى براى رسيدن به رضايتت قرار دهم، و از خشمت ايمن گردم، به عزّت‏

وَطَوْلِكَ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مَحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ،

و كرمت و به حقّ پيامبرت محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و به حقّ امامان- كه درود بر ايشان باد-

فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لايُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏

پس اى پروردگار من حمد و سپاس از آن توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت، و شكيبايى بى‏شتابت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 167

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان‏

الذَّاكِرينَ، الهى‏، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ فى‏ كَرْبِ الْمَوْتِ،

احسانت قرار ده، اى معبود من، و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش در سختى جان دادن‏

وَحَشْرَجَةِ الصَّدْرِ، وَالنَّظَرِ الى‏ ما تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَ تَفْزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ،

و رسيدن جان به سينه و مشاهده آنچه پوستها از آن به لرزه در آيد و دلها به تپش افتد، بگذرد

وانَا فى‏ عافِيَةٍ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ،

در حالى كه من از تمامى اينها در سلامت به سر مى‏برم، پس اى پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت‏

وَذى‏ اناةٍ لايَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لِنَعمآئِكَ مِنَ‏

و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از سپاسگزاران‏

الشَّاكِرينَ، وَ لِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ‏

نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش‏

سَقِيماً مُوجِعاً مُدْنَفاً، فى‏ انينٍ وَعَويلٍ، يَتَقَلَّبُ فى‏ غَمِّهِ لا يَجِدُ مَحيصاً،

به بيمارى دردناك و ناله و فرياد سپرى گردد، در حالى كه از اندوه به خود مى‏پيچد، نه راه چاره‏اى دارد

وَلا يُسيغُ طَعاماً وَ لا شَراباً، وَا نَا فى‏ صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ، وَسَلامَةٍ فِى‏

و نه غذا و آبى بر او گواراست، و من در تندرستى و سلامت روح، زندگى‏

النَّفْسِ مِنَ الْعَيْشِ، كُلُّ ذلِكَ مِنْكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لايُغْلَبُ،

مى‏كنم كه همه اينها از جانب توست، پس اى پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت‏

وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ‏

و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از سپاسگزاران‏

الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ‏

نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من، و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش را

خآئِفاً مَرْعُوباً، مُسَهَّداً مُشْفِقاً، وَحيداً وَجِلًا، هارِباً طَريداً، مُنْحَجِزاً فى‏

در ترس و بيم و تشويش و اضطراب سپرى كند، تنها و ترسان از خانه گريخته و آواره شده، در حالى كه در

مَضيقٍ، اوْ مَخْبَاةٍ مِنَ الْمَخابِئِ، قَدْ ضاقَتْ عَلَيْهِ الْأرْضُ بِرُحْبِها، لايَجِدُ

تنگنا قرار گرفته يا در مخفيگاهى خود را مخفى كرده، و زمين با تمامى وسعتش بر او تنگ شده است، نه راه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 168

حيلَةً وَلا مَنْجى‏، وَلا مَأْوى‏، وَانَا فى‏ امْنٍ وَ طُمَاْنينَةٍ، وَ عافِيَةٍ مِنْ ذلِكَ‏

چاره‏اى دارد و نه اميد نجاتى و نه سرپناهى، و من در امنيت و آسايش و دور از همه اين گرفتاريها

كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لايَعْجَلُ، صَلِ‏

بسر مى‏برم. پس اى پروردگار من، حمد و سپاس از آن توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت‏

مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وَسَيِّدى‏، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ مَغْلُولًا مُكَبَّلًا

قرار ده، اى معبود من و اى آقا و سرورم و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش را در غل و زنجير

فِى الْحَديدِ بِايْدِى الْعُداةِ لا يَرْحَمُونَهُ، فَقيداً مِنْ اهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعاً عَنْ‏

آهنين در اسارت دشمنان بى‏رحم، دور از زن و فرزند و جداى از

اخْوانِهِ وَبَلَدهِ، يَتَوَقَّعُ كُلَّ ساعَةٍ بِاىِّ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ وَبِاىِّ مُثْلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، وَانَا

برادران و شهرش سپرى كند، در حالى كه هر ساعت انتظار مى‏كشد كه چگونه كشته خواهد شد و چگونه اعضاى بدنش قطعه قطعه مى‏گردد و من‏

فى‏ عافِيَةٍ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ

در سلامتى از همه اين گرفتاريها به سر مى‏برم، پس اى پروردگار من، حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و شكيبايى‏

لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ‏

بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها

الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏ وَسَيِّدى‏، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍامْسى‏

و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من، و اى آقا و سرورم، و چه بسيار بنده‏اى كه شب‏

وَاصْبَحَ يُقاسِى الْحَرْبَ، وَ مُباشَرَةَ الْقِتالِ بِنَفْسِهِ، قَدْ غَشِيَتْهُ الْأعْدآءُ مِنْ‏

و روز، سختى جنگ و حضورش در پيكار را تحمّل كرد، در حالى كه دشمنان از هر سو

كُلِّ جانِبٍ بِالسُّيُوفِ وَالرِّماحِ وَآلَةِ الْحَرْبِ، يَتَقَعْقَعُ فِى الْحَديدِ قَدْ بَلَغَ‏

با شمشير و نيزه و آلات جنگى او را در ميان گرفته‏اند، به گونه‏اى كه در ميان صداى شمشيرها تلاشش‏

مَجْهُودَهُ، لايَعْرِفُ حيلَةً وَلا يَجِدُ مَهْرَباً، قَدْ ادْنِفَ بِالْجِراحاتِ، اوْ

به آخر رسيده و راه چاره و فرارى ندارد، از كثرت جراحات از پا افتاده يا

مُتَشَحِّطاً بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنابِكِ وَالْأَرْجُلِ، يَتَمَنّى‏ شَرْبَةً مِنْ مآءٍ، اوْ نَظْرَةً

زير سم اسبان و پاها به خونش غلطيده و آرزوى جرعه‏اى از آب، يا نگاهى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 169

الى‏ اهْلِهِ وَ وَلَدِهِ، وَلا يَقْدِرُ عَلَيْها، قَدْ شَرَبَتِ الْأرْضُ مِنْ دَمِهِ، وَ اكَلَتِ‏

به زن و فرزندش را دارد ولى توانايى آن را ندارد و زمين از خونش سيراب شده و درندگان‏

السِّباعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ، وَانَا فى‏ عافِيَةٍ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِ‏

و پرندگان از گوشتش خورده‏اند و من در سلامتى از شر اين گرفتاريها به سر مى‏برم، پس اى پروردگار من‏

مِنْ مُقْتَدِرٍ لايُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَاْجَعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وَكَمْ‏

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من، و چه بسيار

مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ فى‏ ظُلُماتِ الْبِحارِ، وَعَواصِفِ الرِّياحِ وَ الْأَهْوالِ‏

بنده‏اى كه شب و روزش در تاريكى درياها، تندبادها و هراسها و در ميان امواجى كه‏

وَالْأمْواجِ، يَتَوقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلاكَ، لا يَقْدِرُ عَلى‏ حيلَةٍ، اوْ مُبْتَلىً بِصاعِقَةٍ

هر لحظه از آن انتظار غرق و نابودى مى‏رود بگذرد و راه چاره‏اى هم نداشته باشد يا بنده‏اى كه گرفتار صاعقه‏

اوْ هَدْمٍ اوْ حَرْقٍ، اوْ شَرْقٍ اوْ خَسْفٍ، اوْ مَسْخٍ اوْ قَذْفٍ، وَانَا فى‏ عافِيَةٍ

يا ويرانى يا آتش سوزى يا آفتاب زدگى يا فرو رفتن در دل زمين يا مسخ شدن يا پرتاب شدن گردد و من در سلامتى‏

مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ،

از همه اين گرفتارى‏ها به سر مى‏برم، پس اى پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت،

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و مرا از سپاسگزاران نعمتها

وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ واصْبَحَ مُسافِراً

و يادكنندگان احسانت قرار ده، اى معبود من، و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش را در سفر

شاخِصاً عَنْ اهْلِهِ وَوَطِنِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَحَيِّراً فِى الْمَفاوِزِ، تائِهاً مَعَ الْوُحُوشِ‏

و دور از زن و وطن و فرزند، حيران در بيابانها، در ميان حيوانات وحشى‏

وَ الْبَهآئِمِ وَالْهَوآمِّ، وَحِيداً فَريداً لا يَعْرِفُ حيلَةً وَلا يَهْتَدى‏ سَبيلًا، اوْ

و چهارپايان و حشرات سپرى كرده است، در حالى كه تك و تنهاست نه چاره‏اى مى‏بيند و نه راهى مى‏يابد يا

مُتَاذِّياً بِبَرْدٍ اوْ حَرٍّ اوْ جُوعٍ اوْ عَطَشٍ اوْ عُرْىٍ، اوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدآئِدِ مِمَّا

آزرده از سرما يا گرما يا گرسنگى يا تشنگى يا برهنگى يا ساير سختى‏ها كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 170

ا نَا مِنْهُ خِلْوٌ، فى‏ عافِيَةٍ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا

من از آنها بدورم و در سلامتى از همه اين گرفتاريها بسر مى‏برم، پس اى پروردگار من حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر نيروى‏

يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنى‏

شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا

لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، ولِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، الهى‏، وَسَيِّدى‏، و كَمْ‏

از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده اى معبود من و اى آقا و سرورم و چه بسيار

مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ فَقيراً عآئِلًا، عارِياً مُمْلِقاً، مُخْفِقاً مَهْجُوراً، خائِفاً

بنده‏اى كه شب و روزش در حالى بگذرد كه تهيدست عيالوار، برهنه بينوا، ناكام وامانده، در ترس‏

جائِعاً ظَمْئاناً، يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ، اوْ عَبْدٍ وَجيهٍ عِنْدَكَ هُوَ

گرسنگى و تشنگى است، چشم به راه كسى است كه به او چيزى ببخشد يا چه بسيار بنده آبرومندى كه از من‏

اوْجَهُ مِنّى‏ عِنْدَكَ، وَاشدُّ عِبادَةً لَكَ، مَغْلُولًا مَقْهُوراً، قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ‏

نزد تو آبرومندتر است و بيش از من تو را عبادت مى‏كند در حالى كه در غل و زنجير و اسارت، بار گران‏

تَعَبِ الْعَنآءِ، وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَكُلْفَةِ الرِّقِّ، وَثِقْلِ الضَّريبَةِ، اوْ مُبْتَلىً بِبَلآءٍ

رنج و مشقت و سختى بندگى و دشوارى بردگى و سنگينى پرداخت ماليات را به دوش مى‏كشد يا به بلاى‏

شَديدٍ لا قِبَلَ لَهُ بِهِ الّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ، وانَا الْمَخْدُومُ الْمُنَعَّمُ الْمُعافَى‏

شديدى مبتلا شده كه تاب تحمّل آن را جز با فضل تو ندارد ولى ديگران در خدمت من و من در ناز و نعمت و تندرستى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص170**

الْمَكَرَّمُ، فى‏ عافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فيهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ ذلِكَ كُلِّهِ، مِنْ مُقْتَدرٍ لا

و گرامى در سلامتى از گرفتارى‏هايى كه او در آن است به سر مى‏برم، پس اى پروردگار من حمد و سپاس از آن توست به خاطر نيروى‏

يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجَعْلنى‏

شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از

لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَ لِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، [الهى‏ وَ مَوْلاىَ‏

سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده‏ [اى معبود من و آقا

وَسَيِّدى‏، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏، واصْبَحَ شَريداً طَريداً حَيرانَ، مُتَحَيِّراً

و سرورم و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش را در آوارگى و فرار و حيرانى و سرگردانى‏

جآئِعاً خائِفاً، خاسِراً فِى الصَّحارى‏ وَالْبَرارى‏، قَدْ احْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ،

و گرسنگى و ترسان و زيانكار در صحراها و بيابانها به سر برده در حالى كه سرما و گرما او را بى‏تاب كرده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 171

وَهُوَ فى‏ ضَرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيوةِ، وَذُلٍّ مِنَ المَقامِ، يَنْظُرُ الى‏

و در وضع فلاكت بار و زندگى سخت و توأم با خوارى بسر مى‏برد، با حسرت‏

نَفْسِهِ حَسْرَةً، لا يَقْدِرُ لَها عَلى‏ ضَرٍّ وَلا نَفْعٍ، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ‏

به خود مى‏نگرد و بر سود و زيان خود قدرتى ندارد، در حالى كه من به لطف و كرمت‏

بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ مِنْ مُقْتَدرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏

از همه آنها بدورم، پس معبودى جز تو نيست، تسبيح مى‏كنم تو را به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و

اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنى‏ لأَنْعُمِكَ مِنَ‏

شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از سپاسگزاران نعمتها

الشّاكِرينَ، و لِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَ ارْحَمْنى‏ بِرَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ‏

و يادكنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من رحم كن اى مهربانترين‏

الرَّاحِمينِ‏][[148]](#footnote-148) الهى‏ وَسَيِّدى‏، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ عَليلًا مَريضاً،

مهربانان‏]، اى معبود من و اى آقا و سرورم، و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش را در ناتوانى، بيمارى،

سَقيماً مُدْنِفاً، عَلى‏ فُرُشِ العِلَّةِ وَفى‏ لِباسِها، يَتَقَلَّبُ يَميناً وشِمالًا، لا

ناخوشى و بى‏حالى، در بستر و لباس بيمارى بسر آورد و (از درد) از اين پهلو به آن پهلو بغلطد،

يَعْرِفُ شَيْئاً مِنْ لَذَّةِ الطَّعامِ، وَلا مِنْ لَذَّةِ الشَّرابِ، يَنْظُرُ الى‏ نَفْسِهِ حَسْرَةً،

و چيزى از لذّت غذا و نوشيدنى نفهمد، و با حسرت به خود بنگرد

لا يَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلا

و بر سود و زيان خود قدرتى ندارد، در حالى كه من به لطف و كرمت از همه آنها بدورم، پس‏

الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ مِنْ مُقْتَدرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏

معبودى جز تو نيست، تسبيح مى‏كنم تو را به خاطر نيروى شكست ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْجعَلْنى‏ لَكَ مِنَ الْعابِدينَ، وَلِنعَمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ،

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از عبادت كنندگان و از سپاسگزاران نعمتها

وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى‏ بِرحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، مَوْلاىَ‏

و يادكنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من رحم كن اى مهربان‏ترين مهربانان، اى مولاى من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 172

وَسَيِّدى‏، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَاصْبَحَ، وَقَدْ دَنا يَوْمُهُ مِنْ حَتْفِهِ، واحْدَقَ‏

و اى آقا و سرورم چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش را سپرى كند در حالى كه عمرش بسر آمده و فرشته مرگ‏

بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فى‏ اعْوانِهِ، يُعالِجُ سَكَراتِ الْمَوْتِ وَحِياضَهُ، تَدُورُ عَيْناهُ‏

با ياورانش دور بسترش را گرفته و علاجى براى سختى‏هاى جان كندن و گرداب مرگ مى‏طلبد، چشمانش‏

يَميناً وَ شِمالًا، يَنْظُرُ الى‏ احِبَّآئِهِ وَ اوِدَّآئِهِ واخِلّائِهِ، قَدْ مُنِعَ مِنَ الكَلامِ،

به چپ و راست مى‏گردد، و به دوستان و ياران و رفقاى خود مى‏نگرد، زبانش از گفتن بند آمده،

وَحُجِبَ عَنِ الْخِطابِ، يَنْظُرُ الى‏ نَفْسِهِ حَسْرَةً، فَلا يَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا

و از گفتار باز ايستاده است، با حسرت به خود مى‏نگرد كه هيچ قدرتى بر سود و زيان ندارد،

نَفْعاً، وَا نَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرمِكَ، فَلا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ‏

در حالى كه من به لطف و كرمت از همه آنها به دورم، پس معبودى جز تو نيست، تسبيح مى‏كنم تو را

مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ، وَ ذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

به خاطر نيروى شكست ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

واجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى‏

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من‏

بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، مَوْلاىَ وَسَيِّدى‏، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏

رحم كن اى مهربان‏ترين مهربانان، اى مولاى من و اى آقا و سرورم، و چه بسيار بنده‏اى كه شب‏

وَاصْبَحَ فى‏ مَضائِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ، وَكُرَبِها وَذُلِّها وَحَديدِها،

و روزش در تنگناهاى زندانها و بندها با انواع گرفتاريها و خوارى و در بند زنجير آهنين بگذرد

يَتَداوَلُهُ اعْوانُها وَزَبانِيَتُها، فَلا يَدْرى‏ اىُّ حالٍ يُفْعَلُ بِهِ، وَ اىُّ مُثْلَةٍ يُمَثَّلُ‏

در حالى كه به دست زندانبانان و نگهبانانش دست به دست بگردد و نمى‏داند كه با او چه خواهد شد و كدام عضو از اعضايش را

بِهِ، فَهُوَ فى‏ ضَرٍّ مِنَ الْعَيْشِ، وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيوةِ، يَنْظُرُ الى‏ نَفْسِهِ حَسْرَةً،

قطع خواهند كرد، پس او در وضع فلاكت‏بار و زندگى سخت و توأم با خوارى بسر مى‏برد، با حسرت به خود مى‏نگرد

لايَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلا

و بر سود و زيان خود قدرتى ندارد، در حالى كه من به لطف و كرمت از همه آنها بدورم، پس‏

الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لايُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏

معبودى جز تو نيست، تسبيح مى‏كنم تو را به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 173

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لَكَ مِنَ الْعابِدينَ، ولِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ،

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از عبادت‏كنندگان و سپاسگزاران نعمتها

وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى‏ بِرَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، سَيِّدِى‏

و يادكنندگان احسانت قرار ده، و به رحمتت بر من رحم كن، اى مهربان‏ترين مهربانان، اى آقا و سرورم‏

وَ مَوْلاىَ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏ وَ اصْبَحَ قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ القَضآءُ، وَاحْدَقَ‏

و اى مولاى من، و چه بسيار بنده‏اى كه شب و روزش در حالى بگذرد كه پى در پى گرفتار سرنوشت ناگوار گشته و بلا

بِهِ الْبَلاءُ، وَفارَقَ اوِدَّآئَهُ وَ احِبَّآئَهُ وَ اخِلّائَهُ، وَامْسى‏ اسيراً حَقيراً ذَليلًا

و گرفتارى او را احاطه كرده و از دوستان و ياران و رفقاى خود دور شده و شب را در حال اسارت و حقارت و ذلّت‏

فى‏ ايْدِى الْكُفَّارِ وَالْأعْدآءِ، يَتَداوَلُونَهُ يَميناً وَشِمالًا، قَدْ حُصِرَ فِى‏

در دست كفّار و دشمنان بسر آورد، او را دست به دست به راست و چپ بكشانند و در سياه چال‏

الْمَطاميرِ، وَثُقِّلَ بِالْحَديدِ، لا يَرى‏ شَيْئاً مِنْ ضِيآءِ الدُّنْيا وَلا مِنْ رَوْحِها،

زندانى شده و به زنجير آهنين بسته شده، نه چيزى از روشنايى دنيا را مى‏بيند و نه نسيمش بر او مى‏وزد،

يَنْظُرُ الَى‏ نَفْسِهِ حَسْرَةً، لا يَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ‏

با حسرت به خود مى‏نگرد و بر سود و زيان خود قدرتى ندارد، در حالى كه من‏

كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلا الهَ إلَّاانْتَ، سُبْحانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ،

به لطف و كرمت از همه آنها بدورم، پس معبودى جز تو نيست، تسبيح مى‏كنم تو را به خاطر نيروى شكست ناپذيرت‏

وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لَكَ مِنَ‏

و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و مرا از

الْعابِدينَ، وَلِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى‏

عبادت‏كنندگان و سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده، و به رحمتت‏

بِرَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، مَولاىَ وَ سَيِّدى‏، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏

بر من رحم كن، اى مهربان‏ترين مهربانان، اى مولاى من و اى آقا و سرورم، و چه بسيار بنده‏اى كه شب‏

وَاصْبَحَ قَدِ اشتاقَ الَى الدُّنْيا للِرَّغْبَةِ فيها، الى‏ انْ خاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمالِهِ‏

و روزش بگذرد و از روى ميلى كه به دنيا دارد مشتاقانه بسويش رود تا آنجا كه از حرصى كه‏

حِرْصاً مِنْهُ عَلَيْها، قَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَكُسِرَتْ بِهِ، وَ هُوَ فى‏ آفاقِ الْبِحارِ

بر آن دارد، خود و مالش را به خطر انداخته، سوار بر كشتى شده و كشتى او شكسته و او در كرانها و تاريكى‏هاى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 174

وَظُلَمِها، يَنْظُرُ الى‏ نَفْسِهِ حَسْرَةً، لا يَقْدِرُ لَها على‏ ضَرٍّ وَلا نَفْعٍ، وَ انَا خِلْوٌ

درياست و از روى حسرت به خود مى‏نگرد و بر سود و زيان خودش قدرتى ندارد در حالى كه من‏

مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا

به لطف و كرمت از همه آنها بدورم پس معبودى جز تو نيست تسبيح مى‏كنم تو را به خاطر نيروى‏

يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لايَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لَكَ مِنَ‏

شكست ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از

الْعابِدينَ، وَلِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى‏

عبادت‏كنندگان و سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده‏

بِرَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، مَولاىَ وَ سَيِّدى‏، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسى‏

و به رحمتت بر من رحم كن اى مهربان‏ترين مهربانان. اى مولاى من و اى آقا و سرورم و چه بسيار بنده‏اى كه شب‏

وَاصْبَحَ قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضآءُ، وَاحْدَقَ بِهِ الْبَلاءُ، والْكُفّارُ والْأَعْداءُ،

و روزش در حالى بگذرد كه پى در پى گرفتار سرنوشت ناگوار گشته و بلا و گرفتارى و كفّار و دشمنان‏

وَاخَذَتْهُ الرِّماحُ وَالسُّيُوفُ وَالسِّهامُ، وَجُدِّلَ صَريعاً، وَقَدْ شَرِبَتِ‏

او را احاطه كرده و نيزه‏ها و شمشيرها و تيرها او را فرا گرفته، و به رو درافتاده‏

الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ، وَاكَلَتِ السِّباعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ، وَانَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ‏

و زمين از خونش سيراب شده و درندگان و پرندگان گوشتش را خورده‏اند، در حالى كه من‏

كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لا بِاسْتِحْقاقٍ مِنّى‏، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ مِنْ‏

به لطف و كرمت از همه آنها بدورم، بى آنكه سزاوار آن باشم، معبودى جز تو نيست، تسبيح مى‏كنم تو را

مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ، وَذى‏ اناةٍ لا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

به خاطر نيروى شكست‏ناپذيرت و شكيبايى بى‏شتابت، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست،

وَاجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى‏

و مرا از سپاسگزاران نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من‏

بِرَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَعِزَّتِكَ يا كَريمُ لَاطْلُبَنَّ مِمَّا لَدَيْكَ،

رحم كن، اى مهربان‏ترين مهربانان، به عزّتت سوگند اى بزرگوار، من از آنچه نزد توست مى‏خواهم‏

وَلَأُلِحَّنَّ عَلَيْكَ، وَلَأَلْجَأَنَّ الَيْكَ، وَلَأَمُدَّنَّ يَدى‏ نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِها الَيْكَ، يا

و بر آن پافشارى دارم و به تو پناهنده‏ام و دست گنهكارم را به سويت دراز مى‏كنم، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 175

رَبِّ فَبِمَنْ اعُوذُ، وَبِمَنْ الُوذُ، لا احَدَ لى‏ الَّا انْتَ، افَتَرُدُّنى‏ وَانْتَ مُعَوَّلى‏،

پروردگار من، به كه پناه برم و به كه رو كنم، در حالى كه جز تو كسى را ندارم، آيا با وجود اينكه پشتيبان منى‏

وَعَلَيْكَ مُتَّكَلى‏، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمآءِ فَاْستَقَلَّتْ،

و من برتو توكّل مى‏كنم مرا از درگاهت برانى؟ به حقّ آن نامت كه بر آسمانها نهادى و پا برجا ماند

وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبالِ فَرَسَتْ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَاظْلَمَ،

و بر زمين نهادى و آرام گرفت و بر كوه‏ها نهادى و استوار گرديد و بر شب نهادى و تاريك شد

وَعَلَى النَّهارِ فَاسْتَنارَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمِّدٍ، وَانْ تَقْضِىَ لى‏

و بر روز نهادى روشن گرديد، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و تمامى‏

جَميعَ حَوآئِجى‏ كُلِّها، وَتَغْفِرَ لى‏ ذُنُوبى‏ كُلَّها، صَغيرَها وَ كَبيرَها، وَتُوَسِّعَ‏

حاجتهايم را بر آورى، و از تمامى گناهان كوچك و بزرگم در گذرى، و روزيم را

عَلَىَّ مِنَ الرِّزْقِ ما تُبَلِّغُنى‏ بِهِ شَرَفَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ،

چنان وسعت بخشى كه با آن به عزّت دنيا و آخرت برسم، اى مهربان‏ترين مهربانان،

مَوْلاىَ بِكَ اسْتَعَنْتُ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ واعِنّى‏، وَ بِكَ‏

اى مولاى من از تو كمك مى‏گيرم، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و ياريم كن، و به تو

اسْتَجَرْتُ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنى‏، واغْنِنى‏ بِطاعَتِكَ‏

پناه مى‏برم، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و پناهم ده، و به واسطه بندگيت‏

عَنْ طاعَةِ عِبادِكَ، وَ بِمَسْئَلَتِكَ عَنْ مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ، وَانْقُلْنى‏ مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ

از اطاعت بندگانت بى‏نيازم كن و به وسيله درخواست از خود، از درخواست مخلوقاتت بى‏نيازم فرما، و مرا از ذلّت فقر

الى‏ عِزِّ الْغِنى‏، وَمِنْ ذُلِّ الْمَعاصى‏ الى‏ عِزِّ الطَّاعَةِ، فَقَدْ فَضَّلْتَنى‏ عَلى‏ كَثيرٍ

به عزّت بى‏نيازى و از خوارى گناهان به عزّت بندگيت منتقل كن، كه تو مرا به واسطه‏

مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَماً، لا بِاسْتِحْقاقٍ مِنّى‏، الهى‏، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏

جود و كرمت بر بسيارى از مخلوقاتت برترى دادى نه به خاطر شايستگى من، اى معبود من، پس براى همه اينها سپاس‏

ذلِكَ كُلِّهِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ لِنَعْمآئِكَ مِنَ‏

مخصوص توست، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از سپاسگزاران‏

الشَّاكِرينَ، وَلِألائِكَ مِنَ الذَّاكِرينَ، وَارْحَمْنى‏ بِرَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ‏

نعمتها و يادكنندگان احسانت قرار ده و به رحمتت بر من رحم كن، اى مهربان‏ترين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 176

الرَّاحِمينَ\* آنگاه به سجده برو و بگو: سَجَدَ وَجْهِىَ الذَّليلُ، لِوَجْهِكَ الْعَزيزِ

مهربانان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* رخسار خوارم در پيشگاه وجه عزيز و بزرگوارت‏

الْجَليلِ، سَجَدَ وَجْهِىَ الْبالِى اْلفانى‏، لِوَجْهِكَ الدَّآئِمِ الْباقى‏، سَجَدَ وَجْهِىَ‏

به خاك افتاده، چهره كهنه فانيم در پيشگاه روى دائمى و هميشگيت به خاك افتاده، رخسار نيازمندم‏

الْفَقيرُ، لِوَجْهِكَ الْغَنِىِّ الْكَبيرِ، سَجَدَ وَجْهى‏، وَسَمْعى‏ وَ بَصَرى‏، وَلَحْمى‏

در پيشگاه روى بى‏نياز و بزرگت به خاك افتاده، چهره و گوش و چشم و گوشت‏

وَدَمى‏، وَجِلْدى‏ وَعَظْمى‏، وَ ما اقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنّى‏، للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و خون و پوست و استخوان و آنچه از اعضايم بر زمين است در پيشگاه پروردگار جهانيان به خاك افتاده است،

اللَّهُمَّ عُدْ عَلى‏ جَهْلى‏ بِحِلْمِكَ، وَعَلى‏ فَقْرى‏ بِغِناكَ، وَعَلى‏ ذُلّى‏ بِعِزِّكَ‏

خدايا بر نادانيم به شكيباييت و بر نيازمنديم به بى‏نيازيت و بر فرومايگيم به قدرت‏

وَسُلْطانِكَ، وَ عَلى‏ ضَعْفى‏ بِقُوَّتِكَ، وَعَلى‏ خَوْفى‏ بِامْنِكَ، وَعَلى‏ ذُنُوبى‏

و سلطنتت و بر ناتوانيم به تواناييت و بر ترسم به امنيتت و بر گناهان‏

وَخطاياىَ بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ، يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، اللهُمَّ انّى‏ ادْرَءُ بِكَ فى‏

و خطاهايم به عفو و رحمتت باز گرد، اى بخشنده، اى مهربان، خدايا در مقابل سرسختى (دشمنم)

نَحْرِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ (به جاى فُلان بن فُلان، نام دشمن را بگويد)، واعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ،

فلانى پسر فلانى از تو حمايت مى‏طلبم\*\*\*\*\*\* و از شرّش به تو پناه مى‏برم،

فَاكْفِنيهِ بِما كَفَيْتَ بِهِ انْبِيآئَكَ وَاوْلِيآئَكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصالِحى‏ عِبادِكَ مِنْ‏

پس مرا از شرّش كفايت كن آن‏گونه كه پيامبران و اوليايت را از مخلوقاتت و بندگان شايسته‏ات را از

فَراعِنَةِ خَلْقِكَ، وَ طُغاةِ عُداتِكَ، وَشَرِّ جَميعِ خَلْقِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ‏

شرّ فرعونيان مخلوقاتت و سركشان از دشمنانت و شرّ همه مخلوقاتت كفايت نمودى، به رحمتت اى مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.

مهربانان، كه تو بر هر چيز توانايى و خداوند ما را كافى و نيكو وكيلى است.

دعاى توسّل به چهارده معصوم عليهم السلام:

مقصود از «توسّل» در اين جا، وسيله قرار دادن انسانهاى شايسته و صالح، در پيشگاه خدا و طلب چيزى از خدا به خاطر آنان است كه مورد سفارش قرآن و روايات اسلامى قرار گرفته است (بخشنده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 177

نعمتها خداست و آن بزرگواران در پيشگاه او شفاعت مى‏كنند). قرآن كريم مى‏فرمايد: «

«يا أيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إلَيْهِ الْوَسيلَةَ»؛

اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، پرهيزكارى پيشه كنيد و وسيله‏اى براى تقرّب به خدا انتخاب نماييد».[[149]](#footnote-149) البتّه وسيله تقرّب به خدا، امور گوناگونى است- همان گونه كه در روايات تصريح شده است- كه از جمله آنها، شفاعت پيامبران و امامان و بندگان صالح نزد خداوند مى‏باشد. قرآن كريم به طور روشن به رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏گويد: «اگر گنه‏كاران به محضرت آيند و از خدا طلب آمرزش نمايند و تو نيز براى آنها طلب عفو كنى، مشمول رحمت و عفو خدا خواهند شد».[[150]](#footnote-150) در روايات فراوانى از طريق شيعه و سنّى، مسأله توسّل به پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و اهل‏بيت عليهم السلام مطرح شده و مورد سفارش قرار گرفته است و آنها كه منكر توسّل هستند به خاطر كمى اطّلاعات و يا بى‏اطّلاعى آنها از آيات قرآن و روايات اسلامى است.[[151]](#footnote-151) مرحوم «علّامه مجلسى» فرموده است كه در برخى از كتابهاى معتبر آمده است كه جناب «شيخ صدوق» اين دعاى توسّل را از ائمّه عليهم السلام روايت كرده و گفته است: «اين دعا را براى هر حاجتى كه خواندم به زودى به اجابت رسيد».[[152]](#footnote-152) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ وَاتَوَجَّهُ الَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِىِّ الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ‏

خدايا از تو مى‏خواهم و به تو رو مى‏كنم به واسطه پيامبرت، پيامبر رحمت، حضرت محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، يا ابَا الْقاسِمِ يا رَسُولَ اللَّهِ، يا امامَ الرَّحْمَةِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا،

بر او و خاندان پاكش باد، اى ابوالقاسم، اى فرستاده خدا، اى پيشواى رحمت، اى آقا و مولاى ما،

انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ‏

ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى‏

حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ، يا ابَا الْحَسَنِ يا

خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى ابالحسن اى‏

اميرَالْمُؤْمِنينَ، يا عَلِىَّ بْنَ ابيطالِبٍ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا

اميرمؤمنان، اى على بن ابى‏طالب، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا

كليات مفاتيح نوين، ص: 178

وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ‏

و مولاى ما، ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده‏ايم و تو را پيش روى خواسته‏هايمان‏

حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا فاطِمَةُ الزَّهْرآءُ يا بِنْتَ‏

(واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى فاطمه زهرا، اى دختر

مُحَمَّدٍ، يا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يا سَيِّدَتَنا وَمَوْلاتَنا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا

محمّد صلى الله عليه و آله، اى روشنى چشم رسول خدا، اى بانو و سرور ما، ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم‏

وَتَوَسَّلْنا بِكِ الَى اللَّهِ، وَقَدَّمْناكِ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيهَةً عِنْدَاللَّهِ،

و به وسيله تو به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا،

اشْفَعى‏ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابا مُحَمَّدٍ يا حَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، ايُّهَا الْمُجْتَبى‏ يَا بْنَ‏

براى ما نزد او شفاعت كن، اى ابا محمّد، اى حسن بن على، اى برگزيده، اى فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا

رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما، ما به تو رو نموده‏

وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً

و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده‏ايم و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند

عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا اباعَبْدِاللَّهِ ياحُسَيْنَ بْنَ عَلِىٍّ، ايُّهَا الشَّهيدُ يَا

نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى اباعبداللَّه، اى حسين بن على، اى شهيد، اى‏

بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا

فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما، ما به تو رو نموده‏

وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً

و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند

عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابَاالْحَسَنِ يا عَلِىَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يا زَيْنَ‏

نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى ابوالحسن، اى على بن حسين، اى زينت‏

الْعابِدينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا

عبادت‏كنندگان، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما، ما

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا،

به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم،

كليات مفاتيح نوين، ص: 179

يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابا جَعْفَرٍ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، ايُّهَا

اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى اباجعفر، اى محمّد بن على، اى‏

الْباقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا

شكافنده علوم، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما،

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا،

ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم،

يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابا عَبْدِ اللَّهِ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ايُّهَا

اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى اباعبداللَّه، اى جعفر بن محمّد، اى‏

الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا

راستگو، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما،

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا،

ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم،

يا وَجيهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابَا الْحَسَنِ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى ابالحسن، اى موسى بن جعفر،

ايُّهَا الْكاظِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا،

اى فروبرنده خشم، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما،

انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ‏

ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان‏

حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابَاالْحَسَنِ يا عَلِىَّ بْنَ‏

(واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى ابالحسن، اى على بن‏

مُوسى‏، ايُّهَا الرِّضا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا

موسى، اى خشنود به رضاى حق، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا

وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ‏

و مولاى ما، ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان‏

حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ، يا ابا جَعْفَرٍ يا مُحَمَّدَ بْنَ‏

(واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى اباجعفر، اى محمّد بن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 180

عَلِىٍّ، ايُّهَا التَّقِىُّ الْجَوادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا

على، اى پرهيزكارِ بخشنده، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى‏

سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْناكَ‏

آقا و مولاى ما، ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى‏

بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابَا الْحَسَنِ يا

خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا، براى ما نزد او شفاعت كن، اى ابالحسن، اى‏

عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، ايُّهَا الْهادِى النَّقِىُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏

على بن محمّد، اى هدايت كننده پاك، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت خدا بر

خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ،

مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما، ما به تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده،

وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَاللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، يا ابا

و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا براى ما نزد او شفاعت كن، اى ابا

مُحَمَّدٍ يا حَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، ايُّهَا الزَّكِىُّ الْعَسْكَرِىُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ

محمّد، اى حسن بن على، اى پاك و پاكيزه، امام عسكرى، اى فرزند رسول خدا، اى حجّت‏

اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ‏

خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما، ما به‏تو رو نموده و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو،

الَى اللَّهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ

به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند نزد خدا براى ما نزد او شفاعت كن،

اللَّهِ، يا وَصِىَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الْحُجَّةَ، ايُّهَا الْقآئِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِىُّ، يَا بْنَ‏

اى جانشين حسن، جانشين (امام) و حجّت (بر مردم) اى قيام كننده انتظار كشيده شده هدايت يافته، اى فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلينا، انَّا تَوَجَّهْنا

رسول خدا، اى حجّت خدا بر مخلوقاتش، اى آقا و مولاى ما، ما به تو رو نموده‏

وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ الَى اللَّهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً

و تو را شفيع قرار داده‏ايم و به وسيله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پيش روى خواسته‏هايمان (واسطه) قرار داده‏ايم، اى آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ\* سپس حاجت خود را بخواهد كه ان‏شاءاللَّه تعالى برآورده مى‏شود.

نزد خدا براى ما نزد او شفاعت كن.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 181

در روايت ديگرى‏[[153]](#footnote-153) آمده است كه بعد از اين بگويد:

يا سادَتى‏ وَ مَوالِىَّ، انّى‏ تَوَجَّهْتُ بِكُمْ ائِمَّتى‏ وَ عُدَّتى‏ لِيَوْمِ فَقْرى‏

اى سروران و پيشوايان من، به وسيله شما پيشوايانم و ذخيره‏ام براى روز فقر

وَحاجَتى‏ الَى اللَّهِ، وَ تَوَسَّلْتُ بِكُمْ الَى اللَّهِ، وَ اسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ الَى اللَّهِ،

و نيازم به خدا رو نموده‏ام و به واسطه شما به خدا متوسّل شده و شما را نزد او شفيع قرار داده‏ام‏

فَاشْفَعُوا لى‏ عِنْدَاللَّهِ، وَاسْتَنْقِذُونى‏ مِنْ ذُنُوبى‏ عِنْدَاللَّهِ، فَانَّكُمْ وَسيلَتى‏ الَى‏

پس شفيع من نزد خدا باشيد، و مرا از (شرّ) گناهانم در نزد خدا نجات دهيد، به يقين شما وسيله (ارتباط) من با

اللَّهِ، وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ ارْجُو نَجاةً مِنَ اللَّهِ، فَكُونُوا عِنْدَاللَّهِ رَجآئى‏، يا

خدا هستيد، و با محبّت و دوستى شما از خدا اميد نجات دارم، پس شما اى سرورانم و اى اولياى خداوند

سادَتى‏ يا اوْلِيآءَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، وَلَعَنَ اللَّهُ اعْدآءَ اللَّهِ‏

مايه اميدم در نزد خدا باشيد، درود خدا بر همه آنان باد و خداوند دشمنانش را كه در حقّ آنها

ظالِميهِمْ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْاخِرينَ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

ظلم نموده‏اند از پيشينيان و پسينيان لعنت كند، دعايم را اجابت كن اى پروردگار جهانيان.

دعاى مكارم‏الاخلاق:

اين دعا همان‏گونه كه از نامش پيداست، درخواستى است از خداوند، براى رفع صفات ناپسند و مذموم و كسب فضايل اخلاقى و حركت در راه و روشى كه مورد رضايت خداوند است. امام سجّاد عليه السلام با زبان دعا، بسيارى از رذايل اخلاقى و گناهان را برمى‏شمرد تا از آنها اجتناب شود و فهرستى از فضايل اخلاقى را نيز بازگو مى‏كند و آراستگى بدان صفات را از خداوند مى‏طلبد تا مؤمنان براى كسب اين صفات، به او اقتدا كنند. اين دعا در «صحيفه سجّاديّه» كه از كتب گرانبهاست (دعاى بيستم) آمده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِايمانى‏ اكْمَلَ الْإيمانِ، وَاجْعَلْ‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و ايمانم را به كاملترين مرتبه آن برسان، و يقينم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 182

يَقينى‏ افْضَلَ الْيَقينِ، وَانْتَهِ بِنِيَّتى‏ الى‏ احْسَنِ النِّيَّاتِ، وَبِعَمَلى‏ الى‏ احْسَنِ‏

را برترين يقين قرار ده، و نيّتم را به نيكوترين آن و عملم را به نيكوترين اعمال‏

الْأَعْمالِ، اللهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتى‏، وَ صَحِّحْ بِما عِنْدَكَ يَقينى‏، وَاسْتَصْلِحْ‏

منتهى گردان، خدايا به لطف و كرمت، نيّتم را (براى كارهاى خير) فراوان كن، و ايمانم را به واسطه آنچه نزد توست تصديق كن، و با قدرتت‏

بِقُدْرَتِكَ ما فَسَدَ مِنّى‏، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنى‏ ما يَشْغَلُنِى‏

آنچه از من تباه شده اصلاح گردان، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و امورى كه پرداختن به آن مرا

الْإِهْتِمامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنى‏ بِما تَسْئَلُنى‏ غَداً عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ ايَّامى‏ فيما

مشغول مى‏دارد كفايت نما، و مرا به كارى گمار كه فرداى قيامت از آن بازخواست مى‏كنى، و روزگارم را تنها براى آن هدفى كه‏

خَلَقْتَنى‏ لَهُ، وَاغْنِنى‏ وَاوْسِعْ عَلَىَّ فى‏ رِزْقِكَ، وَلا تَفْتِنّى‏ بِالنَّظَرِ، وَاعِزَّنى‏

مرا براى آن آفريدى فارغ ساز، و مرا بى‏نياز كن و روزيم را وسعت ده، و مرا با نگاه (بيهوده) گرفتار فتنه مساز، و مرا عزّت بخش‏

وَلا تَبْتَلِيَنّى‏ بِالْكِبْرِ، وَعَبِّدْنى‏ لَكَ، وَلاتُفْسِدْ عِبادَتى بِالْعُجْبِ، وَاجْرِ

و مبتلا به كبر و غرور نساز، و بنده خود گردان، و عبادتم را با خودبينى فاسد مگردان، و با دستان من‏

لِلنَّاسِ عَلى‏ يَدَىَّ الْخَيْرَ، وَلا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لى‏ مَعالِىَ الْأَخْلاقِ،

خير و نيكى را بر مردم جارى گردان، و آن را با منّت نهادنم نابود مكن، و مراتب عالى اخلاق را به من ببخش،

وَاعْصِمْنى‏ مِنَ الْفَخْرِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلا تَرْفَعْنى‏ فِى‏

و مرا از فخرفروشى نگهدار، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و اگر مرتبه مرا نزد

النَّاسِ دَرَجَةً الَّا حَطَطْتَنى‏ عِنْدَ نَفْسى‏ مِثْلَها، وَلا تُحْدِثْ لى‏ عِزّاً ظاهِراً

مردم بالا مى‏برى به همان اندازه مرا نزد خودم پايين آور، و هر قدر عزّت آشكار

الَّا احَدَثْتَ لى‏ ذِلَّةً باطِنَةً عِنْدَ نَفْسى‏ بِقَدَرِها، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

به من عنايت مى‏كنى به همان مقدار فروتنى در درونم ايجاد كن، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش‏

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتِّعْنى‏ بِهُدىً صالِحٍ لا اسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَريقَةِ حَقٍّ لا ازيغُ‏

درود فرست و مرا بهره‏مند نما به هدايت شايسته‏اى كه آن را به چيز ديگرى تبديل نسازم، و راه حقّى كه از آن‏

عَنْها، وَنِيَّةِ رُشْدٍ لا اشُكُّ فيها، وَعَمِّرْنى‏ ما كانَ عُمْرى‏ بِذْلَةً فى‏ طاعَتِكَ،

منحرف نشوم و نيّت صحيحى كه در آن شك نكنم، و تا زمانى كه زندگيم در مسير طاعت توست به من عمر ده،

فَاذا كانَ عُمْرى‏ مَرْتَعاً لِلشَّيْطانِ، فَاقْبِضْنى‏ الَيْكَ قَبْلَ انْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ‏

پس زمانى كه زندگيم چراگاه شيطان گردد جانم را بگير، پيش از آن كه خشمت به من رسد

كليات مفاتيح نوين، ص: 183

الَىَّ، اوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَىَّ، اللَّهُمَّ لا تَدَعْ خَصْلَةً تُعابُ مِنّى‏ الَّا

يا غضبت بر من حتمى گردد، خدايا هيچ خصلتى از من كه مايه نكوهش است باقى مگذار جز آن كه‏

اصْلَحْتَها، وَلا عآئِبَةً اؤَنَّبُ بِها الَّا حَسَّنْتَها، وَلا اكْرُومَةً فِىَّ ناقِصَةً الَّا

اصلاحش كنى و هيچ عيبى را كه به آن سرزنش مى‏شوم جز آن كه نيكويش گردانى و هيچ خصلت نيكوى ناتمام را، جز آن كه‏

اتْمَمْتَها، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْدِلْنى‏ مِنْ بِغْضَةِ اهْلِ‏

كامل گردانى، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و دشمنى كينه‏توزان را با من‏

الشَّنانِ الْمَحَبَّةَ، وَمِنْ حَسَدِ اهْلِ الْبَغْىِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظِنَّةِ اهْلِ الصَّلاحِ‏

به مهر و محبّت، و حسادت ستمكاران را به دوستى و مودّت، و بدگمانى صالحان را

الثِّقَةَ، وَ مِنْ عَداوَةِ الْأَدْنَيْنَ الْوَلايَةَ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِى الْأَرْحامِ الْمَبَرَّةَ،

به اعتماد و وثاقت، و دشمنى نزديكان را به سرپرستى و ولايت، و نافرمانى و مخالفت خويشاوندان را به نيكى و محبّت،

وَمِنْ خِذْلانِ الْأَقْرَبينَ النُّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدارينَ تَصْحيحَ الْمِقَةِ، وَمِنْ‏

و خوار كردن نزديكان را به يارى و نصرت، و محبّت ظاهرى مدارا كنندگان را به دوستى همراه با حقيقت،

رَدِّ الْمُلابِسينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرارَةِ خَوْفِ الظَّالِمينَ حَلاوَةَ الْأَمَنَةِ،

و دور ساختن معاشران را به نيكى معاشرت، و تلخى ترس از ستمكاران را به شيرينى امنيت، تبديل فرما.

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لى‏ يَداً عَلى‏ مَنْ ظَلَمَنى‏، وَلِساناً

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و برايم قرار ده دست قدرتمندى در برابر آن كه بر من ستم كند و زبان گويايى‏

عَلى‏ مَنْ خاصَمَنى‏، وَظَفَراً بِمَنْ عانَدَنى‏، وَهَبْ لى‏ مَكْراً عَلى‏ مَنْ‏كايَدَنى‏،

در برابر آنكه با من ستيز كند، و پيروزى بر كسى كه با من دشمنى ورزد، و ببخش به من راهكارى در برابر آن كه با من حيله كند

وَقُدْرَةً عَلى‏ مَنِ اضْطَهَدَنى‏، وَتَكْذيباً لِمَنْ قَصَبَنى‏، وَسَلامَةً مِمَّنْ‏

و توانى در برابر آن كه مرا در تنگنا قرار دهد، و تكذيب آن كس كه از من عيب‏جويى كند، و در امان بودن از گزند كسى كه‏

تَوَعَّدَنى‏، وَ وَفِّقْنى‏ لِطاعَةِ مَنْ سَدَّدَنى‏، وَمُتابَعَةِ مَنْ ارْشَدَنى‏، اللهُمَ‏

مرا تهديد كند، و مرا به پيروى از كسى كه راهنماييم مى‏كند و متابعت از كسى كه ارشادم مى‏كند توفيق ده، خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدِّدْنى‏ لِأَنْ اعارِضَ مَنْ غَشَّنى‏ بِالنُّصْحِ،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و كمكم كن تا با كسى كه به من خيانت كرده به خير خواهى پاسخ دهم‏

وَاجْزِىَ مَنْ هَجَرَنى‏ بِالْبِرِّ، وَاثيبَ مَنْ حَرَمَنى‏ بِالْبَذْلِ، وَاكافِىَ مَنْ‏

و كسى كه مرا رها كرده به نيكى پاداش دهم، و كسى كه مرا محروم ساخته با بخشش عوض دهم و كسى كه از من بريده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 184

قَطَعَنى‏ بِالصِّلَةِ، وَاخالِفَ مَنِ اغْتابَنى‏ الى‏ حُسْنِ الذِّكْرِ، وَانْ اشْكُرَ

با محبّت سزايش دهم، و با كسى كه از من بدگويى نموده با ياد نيك مقابله كنم، و از نيكى و احسان‏

الْحَسَنَةَ، وَاغْضِىَ عَنِ السَّيِّئَةِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّنى‏

سپاسگزارى نموده و از بدى چشم‏پوشى كنم، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا به‏

بِحِلْيَةِ الصَّالِحينَ، وَالْبِسْنى‏ زينَةَ الْمُتَّقينَ فى‏ بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ،

زيور صالحان بياراى و زيور پرهيزكاران را به من بپوشان، در گسترش عدالت، و فرو بردن خشم‏

وَاطْفآءِ النَّآئِرَةِ، وَضَمِّ اهْلِ الْفُرْقَةِ، وَاصْلاحِ ذاتِ الْبَيْنِ، وَافْشآءِ الْعارِفَةِ،

و خاموش ساختن آتش فتنه، و گردآوردن آنان كه از هم جدا شده‏اند و اصلاح ميان مردم و آشكار نمودن نيكيها

وَسَتْرِ الْعآئِبَةِ، وَلينِ الْعَريكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَناحِ، وَحُسْنِ السّيرَةِ،

و پوشاندن عيوب، و نرم خويى، و تواضع و فروتنى، و رفتار نيكو

وَسُكُونِ الرّيحِ، وَطيبِ الْمُخالَقَةِ، وَالسَّبْقِ الىَ الْفَضيلَةِ، وَايثارِ التَّفَضُّلِ،

و سنگينى و وقار، و خوش خلقى، و سبقت گرفتن در فضايل، و از خود گذشتگى در احسان‏

وَتَرْكِ التَّعْييرِ، وَالْإِفْضالِ عَلى‏ غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَانْ عَزَّ،

و ترك سرزنش ديگران و بخشش بر آن كه سزاوار آن نيست، سخن گفتن به حق هر چند گران و دشوار باشد

وَاسْتِقْلالِ الْخَيْرِ وَانْ كَثُرَ مِنْ قَوْلى‏ وَفِعْلى‏، وَ اسْتِكْثارِ الشَّرِّ وَ انْ قَلَ‏

و كم شمردن كارهاى نيك خود هر چند گفتار و رفتار خيرم زياد باشد و زياد شمردن كارهاى بد خود هر چند

مِنْ قَوْلى‏ وَفِعْلى‏، وَ اكْمِلْ ذلِكَ لى‏ بِدَوامِ الطَّاعَةِ، وَلُزُومِ الْجَماعَةِ،

در گفتار و كردارم اندك باشد، (خدايا) اين صفات را با اطاعت پيوسته و همراهى با جماعت (مؤمنان)

وَرَفْضِ اهْلِ الْبِدَعِ، وَمُسْتَعْمِلِ الرَّاْىِ الْمُخْتَرَعِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و طرد بدعت گذاران، و آنان كه از رأى و نظر ساختگى پيروى مى‏كنند، در من به كمال رسان، خدايا بر محمّد

وَآلِهِ، وَاجْعَلْ اوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَىَّ اذا كَبِرْتُ، وَاقْوى‏ قُوَّتِكَ فِىَّ اذا نَصِبْتُ،

و خاندان پاكش درود فرست، و به هنگام پيرى، گسترده‏ترين روزى و به هنگام درماندگى، قوى‏ترين نيرويت را به من ارزانى دار

وَلا تَبْتَلِيَنّى‏ بِالْكَسَلِ عَنْ عِبادَتِكَ، وَلَا الْعَمى‏ عَنْ سَبيلِكَ، وَلا بِالتَّعَرُّضِ‏

و مرا به هنگام عبادت به كسالت و گمراهى از راهت و گام نهادن در مسير

لِخِلافِ مَحَبَّتِكَ، وَلا مُجامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَلامُفارَقَةِ مَنِ اجْتَمَعَ‏

خلاف محبّتت و پيوند و همراهى با آنان كه از تو جدا شده‏اند، و جدايى از آنان كه با تو پيوند خورده‏اند،

كليات مفاتيح نوين، ص: 185

الَيْكَ، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ اصُولُ بِكَ عِنْدَ الْضَّرُورَةِ، وَاسْئَلُكَ عِنْدَ الْحاجَةِ،

دچار مكن. خدايا مرا چنان قرار ده كه به هنگام سختى به تو رو كنم، و به هنگام نياز از تو بخواهم‏

وَ اتَضَرَّعُ الَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ، وَلا تَفْتِنّى‏ بِالْإِسْتِعانَةِ بِغَيْرِكَ اذَا

و به هنگام بيچارگى به درگاهت تضرّع كنم، و مرا به هنگام گرفتارى و درماندگى به يارى جستن‏

اضْطُرِرْتُ، وَلا بِالْخُضُوعِ لِسُؤالِ غَيْرِكَ اذَا افْتَقَرْتُ، وَلا بِالتَّضَرُّعِ الى‏

از غير خودت و به هنگام نياز به فروتنى براى درخواست از غير خودت و به هنگام ترس به خواهش‏

مَنْ دُونَكَ اذا رَهِبْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذلِكَ خِذْلانَكَ، وَمَنْعَكَ وَاعْراضَكَ،

و التماس از غير خودت، امتحان مكن، كه (اگر چنان كنم) مستحقّ خوارى و منع لطف و دورى از تو گردم‏

يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ ما يُلْقِى الشَّيْطانُ فى‏ رُوعى‏ مِنَ التَّمَنّى‏

اى مهربان‏ترين مهربانان، خدايا در مقابل آنچه كه شيطان در خاطرم از آرزوى باطل‏

وَالتَّظَنّى‏ وَالْحَسَدِ، ذِكْراً لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّراً فى‏ قُدْرَتِكَ، وَتَدْبيراً عَلى‏

و بدگمانى و حسادت مى‏افكند، در قلبم يادآورى عظمت و انديشيدن در قدرت و تدبير در برابر

عَدُوِّكَ، وَما اجْرى‏ عَلى‏ لِسانى‏ مِنْ لَفْظَةِ فُحْشٍ اوْ هَجْرٍ، اوْ شَتْمِ عِرْضٍ،

دشمنت را قرار ده، و در مقابل آنچه از كلمه ركيك يا ناسزا يا پرده‏درى‏

اوْ شَهادَةِ باطِلٍ، اوِ اغْتِيابِ مُؤْمِنٍ غآئِبٍ، اوْ سَبِّ حاضِرٍ، وَما اشْبَهَ ذلِكَ‏

يا شهادت به ناحق يا غيبت مؤمن غايب، يا دشنام شخص حاضر و مانند آن كه‏

نُطْقاً بِالْحَمْدِ لَكَ، وَاغْراقاً فِى الثَّنآءِ عَلَيْكَ، وَذَهاباً فى‏ تَمْجيدِكَ،

بر زبانم جارى مى‏سازد به حمد و ستايش و مدح و ثناى فراوان و حركت براى بزرگداشت‏

وَشُكْراً لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرافاً بِإِحْسانِكَ، وَاحْصآءً لِمِنَنِكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و سپاس نعمت و اقرار به لطف و احسان و شمارش نعمتهايت را قرار ده، خدايا بر محمّد و خاندان‏

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلا اظْلَمَنَّ وَانْتَ مُطيقٌ لِلدَّفْعِ عَنّى‏، وَلا اظْلِمَنَّ وَانْتَ‏

پاكش درود فرست، و (چنان كن كه) مورد ستم واقع نشوم زيرا كه توان دفع آن را دارى و (چنان كن كه) به كسى ستم نكنم زيرا تو

الْقادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنّى‏، وَلا اضِلَّنَّ وَ قَدْ امْكَنَتْكَ هِدايَتى‏، وَلا افْتَقِرَنَ‏

بر بازداشتنم توانايى، و (چنان كن كه) گمراه نشوم، زيرا امكان هدايتم براى تو فراهم است، و (چنان كن كه) نيازمند نشوم‏

وَمِنْ عِنْدِكَ وُسْعى‏، وَلا اطْغَيَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وُجْدى‏، اللهُمَّ الى‏ مَغْفِرَتِكَ‏

زيرا كه توانگريم از جانب توست، و (چنان كن كه) طغيان و سركشى ننمايم زيرا كه توانايى و تمكّنم نزد توست، خدايا به آمرزشت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 186

وَفَدْتُ، وَالى‏ عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَالى‏ تَجاوُزِكَ اشْتَقْتُ، وَبِفَضْلِكَ وَثِقْتُ،

وارد شده و عفو تو را طلب نمودم، و مشتاق گذشت توام و به فضل تو اطمينان دارم‏

وَلَيْسَ عِنْدى‏ ما يُوجِبُ لى‏ مَغْفِرَتَكَ، وَلا فى‏ عَمَلى‏ ما اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ،

و چيزى كه موجب آمرزشم نزد تو شود ندارم و در كردارم چيزى كه به واسطه آن شايسته عفو تو باشم نيست‏

وَمالى‏ بَعْدَ انْ حَكَمْتُ عَلى‏ نَفْسى‏ الَّا فَضْلُكَ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

و بعد از قضاوتم بر نفسم جز فضل تو چيزى ندارم، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و

وَتَفَضَّلْ عَلَىَّ، اللهُمَّ وَانْطِقْنى‏ بِالْهُدى‏، وَالْهِمْنِى التَّقْوى‏، وَ وَفِّقْنى‏ لِلَّتى‏

بر من لطف كن، خدايا و مرا به هدايت، گويا گردان و پرهيزكارى به من الهام كن و مرا به آنچه پاكيزه‏تر است‏

هِىَ ازْكى‏، وَاسْتَعْمِلْنى‏ بِما هُوَ ارْضى‏، اللهُمَّ اسْلُكْ بِىَ الطَّريقَةَ الْمُثْلى‏،

موفّق گردان و به آنچه پسنديده‏تر است مشغول دار، خدايا مرا به بهترين راه وارد كن‏

وَاجْعَلْنى‏ عَلى‏ مِلَّتِكَ امُوتُ وَاحْيى‏، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

و مرگ و زندگيم را بر دين خود قرار ده، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و

وَمَتِّعْنى‏ بِالْإِقْتِصادِ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ اهْلِ السَّدادِ، وَ مِنْ ادِلَّةِ الرَّشادِ، وَ مِنْ‏

مرا به ميانه‏روى در زندگى بهره‏مند ساز، و مرا از ثابت قدمان و از راهنمايان هدايت و از

صالِحِى الْعِبادِ، وَارْزُقْنى‏ فَوْزَ الْمَعادِ، وَسَلامَةَ المِرْصادِ، اللهُمَّ خُذْ

بندگان شايسته‏ات قرار ده، و رستگارى روز قيامت و سلامتى عبور از كمينگاه (آخرت) را روزيم گردان، خدايا آنچه‏

لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسى‏ ما يُخَلِّصُها، وَابْقِ لِنَفْسى‏ مِنْ نَفْسى‏ ما يُصْلِحُها، فَانَ‏

گرفتنش مرا خالص مى‏كند از من بگير، و آنچه مرا اصلاح مى‏كند باقى گذار پس به يقين‏

نَفْسى‏ هالِكَةٌ اوْ تَعْصِمَها، اللَّهُمَّ انْتَ عُدَّتى‏ انْ حَزِنْتُ، وَانْتَ مُنْتَجَعى‏ انْ‏

نفسم نابودشدنى است مگر اينكه تو آن را نگه دارى، خدايا اگر غمگين شوم تو تكيه گاه منى، و اگر محروم شوم تو

حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغاثَتى‏ انْ كَرَثْتُ، وَعِنْدَكَ مِمَّا فاتَ خَلَفٌ، وَلِما فَسَدَ

پناهگاه منى، و اگر گرفتار سختى شوم تو فريادرس منى، و نزد توست جايگزين آنچه از دست برود و اصلاح آنچه‏

صَلاحٌ، وَفيما انْكَرْتَ تَغْييرٌ، فَامْنُنْ عَلَىَّ قَبْلَ الْبَلاءِ بِالْعافِيَةِ، وَقَبْلَ‏

تباه شود، و دگرگونى آنچه عيب دانستى، پس منّت گذار بر من به تندرستى قبل از گرفتارى، و توانگرى‏

الطَّلَبِ بِالْجِدَةِ، وَقَبْلَ الضَّلالِ بِالرَّشادِ، وَاكْفِنى‏ مَؤُنَةَ مَعَرَّةِ الْعِبادِ، وَهَبْ‏

قبل از درخواست كردن، و هدايت قبل از گمراهى، و مرا از رنج و آزار بندگان كفايت كن، و امنيّتِ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 187

لى‏ امْنَ يَوْمِ الْمَعادِ، وَامْنِحْنى‏ حُسْنَ الْإِرْشادِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

روز قيامت را به من ببخش، راهنمايى نيكو را به من ارزانى دار، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش‏

وَآلِهِ، وَادْرَأْ عَنّى‏ بِلُطْفِكَ، وَاغْذُنى‏ بِنِعْمَتِكَ، وَاصْلِحْنى‏ بِكَرَمِكَ، وَداوِنى‏

درود فرست، و با لطف و كرمت از من دفاع كن، و با نعمتت غذايم ده، و با بزرگواريت اصلاحم كن و با تربيتت‏

بِصُنْعِكَ، وَاظِلَّنى‏ فى‏ ذَراكَ، وَجَلِّلْنى‏ رِضاكَ، وَوَفِّقْنى‏ اذَا اشْتَكَلَتْ عَلَىَ‏

درمانم كن، و در سايه حمايتت قرارم ده و با خشنوديت گراميم دار، و آنگاه كه كارها بر من مشكل شود

الْأُمُورُ لِأَهْداها، وَاذا تَشابَهَتِ الْأَعْمالُ لِأَزْكاها، وَاذا تَناقَضَتِ الْمِلَلُ‏

با بهترين راهنمايى‏ها و آن گاه كه كارها مشتبه شود با پاكيزه‏ترين آنها و آنگاه كه ملّتها اختلاف كنند

لِأَرْضاها، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوِّجْنى‏ بِالْكِفايَةِ، وَ سُمْنى‏

به پسنديده‏ترين آنها موفّقم دار، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و مرا به بى‏نيازى مزيّن كن، و با سرپرستى نيك،

حُسْنَ الْوِلايَةِ، وَهَبْ لى‏ صِدْقَ الْهِدايَةِ، وَلا تَفْتِنّى‏ بِالسَّعَةِ، وَامْنِحْنى‏

زيبايم كن، و هدايت صادقانه را به من ببخش، و با وسعت روزى، امتحانم مكن، و خوش خلقى را

حُسْنَ الدَّعَةِ، وَلا تَجْعَلْ عَيْشى‏ كَدّاً كَدّاً، وَلا تَرُدَّ دُعآئى‏ عَلَىَّ رَدّاً، فَانّى‏

به من ببخش، و زندگانيم را همراه با مشقّت قرار مده، و به هيچ وجه دعايم را به خودم باز مگردان، به يقين كه من‏

لا اجْعَلُ لَكَ ضِدّاً، وَلا ادْعُو مَعَكَ نِدّاً، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

ضدّى برايت قرار ندادم، و رقيبى به همراهت نخواندم، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست،

وَامْنَعْنى‏ مِنَ السَّرَفِ، وَحَصِّنْ رِزْقى‏ مِنَ التَّلَفِ، وَوَفِّرْ مَلَكَتى‏ بِالْبَرَكَةِ

و مرا از اسراف باز دار، و روزيم را از تلف شدن حفظ كن، و داراييم را با قرار دادن بركت در آن فراوان گردان،

فيهِ، وَاصِبْ بى‏ سَبيلَ الْهِدايَةِ لِلْبِرِّ فيما انْفِقُ مِنْهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و مرا در طريق هدايت به نيكى‏ها در آنچه كه از آن انفاق مى‏كنم برسان، خدايا بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنى‏ مَؤُنَةَ الْإِكْتِسابِ، وَارْزُقْنى‏ مِنْ غَيْرِ احْتِسابٍ، فَلا

و خاندان پاكش درود فرست، و مرا از رنج بدست آوردن روزى كفايت كن، و بى‏حساب روزيم ده، تا اين كه‏

اشْتَغِلَ عَنْ عِبادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلا احْتَمِلَ اصْرَ تَبِعاتِ الْمَكْسَبِ، اللهُمَ‏

به جاى بندگيت به طلب روزى مشغول نشوم، و پى‏آمدهاى كسب روزى را به دوش نكشم، خدايا

فَأَطْلِبْنى‏ بِقُدْرَتِكَ ما اطْلُبُ، وَاجِرْنى‏ بِعِزَّتِكَ مِمَّا ارْهَبُ، اللهُمَّ صَلِ‏

به قدرتت آنچه مى‏طلبم به‏من برسان، و به عزّتت از آنچه مى‏ترسم پناهم ده، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 188

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهى‏ بِالْيَسارِ، وَلا تَبْتَذِلْ جاهى‏ بِالْإِقْتارِ،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و باوسعت روزى آبرويم را حفظ كن، و با تنگدستى شخصيتم را بى‏ارزش مساز،

فَاسْتَرْزِقَ اهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْطِىَ شِرارَ خَلْقِكَ، فَافْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ‏

تا از روزى خوارانت روزى بخواهم و از بدترين مخلوقاتت گدايى كنم پس به ستايش آنكه عطايم كرده‏

اعْطانى‏، وَابْتَلى‏ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنى‏، وَانْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِىُّ الْإِعْطآءِ وَالْمَنْعِ،

و بدگويى آنكه از من دريغ داشته مبتلا شوم در حالى كه تو صاحب بخشش و دريغى نه آنها،

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنى‏ صِحَّةً فى‏ عِبادَةٍ، وَ فَراغاً فى‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و سلامتى در (انجام) عبادت و آسايش در عين‏

زَهادَةٍ، وَعِلْماً فِى اسْتِعْمالٍ، وَ وَرَعاً فى‏ اجْمالٍ، اللهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ‏

چشم‏پوشى از دنيا و دانش توأم با عمل، و پرهيزكارى در عين ميانه‏روى را روزيم گردان، خدايا عمرم را با عفوت‏

اجَلى‏، وَحَقِّقْ فى‏ رَجآءِ رَحْمَتِكَ امَلى‏، وَسَهِّلْ الى‏ بُلوُغِ رِضاكَ سُبُلى‏،

به پايان رسان، و در سايه اميد به رحمتت آرزويم را محقق ساز، و راه‏هاى رسيدن به خشنوديت را برايم هموار گردان،

وَحَسِّنْ فى‏ جَميعِ احْوالى‏ عَمَلى‏، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنى‏

و در همه حال كردارم را نيكو گردان، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و به هنگام‏

لِذِكْرِكَ فى‏ اوْقاتِ الْغَفْلَةِ، وَ اسْتَعْمِلْنى‏ بِطاعَتِكَ فى‏ ايَّامِ الْمُهْلَةِ، وَانْهَجْ‏

غفلت و بى‏خبرى مرا به يادت متوجّه كن، و در اوقات فراغت مرا به بندگيت بگمار، و راهى آسان‏

لى‏ الى‏ مَحَبَّتِكَ سَبيلًا سَهْلَةً، اكْمِلْ لى‏ بِها خَيْرَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، اللهُمَ‏

براى رسيدن به دوستيت به رويم بگشا، كه به واسطه آن خير دنيا و آخرت را بر من كامل گردانى، خدايا بر

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَافْضَلِ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ،

محمّد و خاندان پاكش درود فرست همانند بهترين درودى كه بر هر يك از مخلوقاتت پيش از آن حضرت فرستاده‏اى‏

وَانْتَ مُصَلٍّ عَلى‏ احَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَفِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً،

و تويى درود فرستنده بر هر كس بعد از او، و در دنيا و آخرت نيكى به ما ارزانى دار

وَ قِنى‏ بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النَّارِ.

و به رحمتت مرا از عذاب دوزخ بازدار.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 189

دعاى ندبه‏[[154]](#footnote-154):

توجّه به حضرت ولىّ عصر- عجّل اللَّه تعالى فرجه الشّريف- و دعا براى وجود شريفش، ابراز عشق و علاقه به محضرش و دعا براى تعجيل ظهورش همه و همه نشانه يك شيعه واقعى است؛ ولى بى‏ترديد، آن كس كه براى ظهور مصلح جهانى دعا مى‏كند، براى اصلاح خويش و جامعه خود مى‏كوشد و آن كس كه در انتظار منجى بشريّت و امام بر حق به سر مى‏برد، خود نيز همچون سربازى فداكار و گوش به فرمان، براى جانبازى در راه اسلام و نجات ستمديدگان، تلاش مى‏كند. دعاى ندبه نجواى عاشقانه‏اى است براى دلدادگان و رمزى است براى هر شيعه منتظر، تا با زمزمه آن و توجّه به محتوايش، هم براى وجود نازنين امام زمان دعا كند، هم عشق و ارادت خويش را به آن حضرت نشان دهد و هم راز و رمز سربازى را به درستى بياموزد و هم با يك دوره فشرده از تاريخ پيامبران و دلايل ولايت امير مؤمنان عليه السلام آشنا شود.

مستحب است دعاى ندبه در اعياد چهارگانه: جمعه، عيد فطر، عيد قربان و عيد غدير خوانده شود.[[155]](#footnote-155) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّمَ‏

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است، و درود خدا بر آقا و سرور ما پيامبر خدا محمّد و خاندان پاكش و سلام مخصوص خدا

تَسْليماً، اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ ما جَرى‏ بِهِ قَضآئُكَ فى‏ اوْلِيآئِكَ، الَّذينَ‏

بر آنان باد، خدايا حمد و سپاس از آنِ توست بر آنچه در ميان اوليائت مقدّر ساختى، همانانى كه‏

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دينِكَ، اذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزيلَ ما عِنْدَكَ مِنَ النَّعيمِ‏

براى خود و دينت خالصشان نمودى، آنگاه كه نعمتهاى بزرگ جاودان نزد خودت را

الْمُقيمِ، الَّذى‏ لا زَوالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ، بَعْدَ انْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فى‏

برايشان برگزيدى، نعمتهايى كه زوال و نابودى ندارد، پس از آنكه بى‏توجّهى به مقامات‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 190

دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ، وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها، فَشَرَطُوا لَكَ ذلِكَ،

و زرق و برق دنياى فانى را بر آنان شرط نمودى، پس آنان نيز آن را پذيرفتند

وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفآءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِىَّ،

و تو وفادارى آنان را به پيمانشان دانستى و آنان را پذيرفته و مقرّب درگاه خويش ساختى، و بلندنامى‏

وَالثَّنآءَ الْجَلِىَّ، وَاهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلآئِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ‏

و ثناى آشكار را عطايشان نمودى، و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادى و با وحيت گراميشان داشتى، و با علم خويش‏

بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّريعَةَ الَيْكَ، وَالْوَسيلَةَ الى‏ رِضْوانِكَ، فَبَعْضٌ اسْكَنْتَهُ‏

حمايتشان نمودى، و آنان را دستاويزى به درگاهت و وسيله‏اى براى خشنوديت قرار دادى، و بعضى از آنان (آدم (ع)) را

جَنَّتَكَ الى‏ انْ اخْرَجْتَهُ مِنْها، وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فى‏ فُلْكِكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ‏

در بهشت جاى دادى تا زمانى كه از آن جا خارج نمودى و بعضى ديگر (نوح (ع)) را بر كشتى سوار كرده و او و مؤمنان‏

مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَليلًا، وَسَئَلَكَ لِسانَ‏

همراهش را با رحمت خود از هلاكت نجات دادى، و بعضى ديگر را (ابراهيم (ع)) براى خود دوست برگزيدى، و او از تو نيك نامى‏

صِدْقٍ فِى الْاخِرينَ فَاجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذلِكَ عَلِيّاً، وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ‏

در ميان آيندگان را درخواست كرد پس اجابت نموده و نامش را بلندمرتبه ساختى، و با بعضى ديگر (موسى (ع)) از درون‏

شَجَرَةٍ تَكْليماً، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اخيهِ رِدْءاً وَوَزيراً، وَبَعْضٌ اوْلَدْتَهُ مِنْ‏

درخت سخن گفتى، و برادرش (هارون) را پشتيبان و وزيرش قرار دادى، و بعضى ديگر (عيسى (ع)) را بدون پدر

غَيْرِ ابٍ، وَآتَيْتَهُ الْبَيِّناتِ، وَايَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَريعَةً،

بدنيا آوردى و به او دلايل روشن دادى و با جبرئيل تأييدش نمودى، و براى هر يك (از انبيا) شريعت و آيين‏

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ اوْصِيآءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ‏

و راه و روشى خاص قرار داده و جانشينانى برگزيدى تا يكى پس از ديگرى در

مُدَّةٍ الى‏ مُدَّةٍ، اقامَةً لِدينِكَ، وَحُجَّةً عَلى‏ عِبادِكَ، وَلِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ‏

زمان معيّن، نگهبان و برپادارنده دين و حجّت بر بندگانت باشند، تا حق از جايگاهش زايل نشود

مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْباطِلُ عَلى‏ اهْلِهِ، وَلا يَقُولَ احَدٌ لَوْلا ارْسَلْتَ الَيْنا رَسُولًا

و باطل بر پيروان حقيقت غلبه نكند، و كسى نگويد چرا (براى هدايت) رسول بيم دهنده‏اى را به سوى ما

مُنْذِراً، وَاقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِياً، فَنَتَّبِعَ آياتِكَ مِنْ قَبْلِ انْ نَذِلَّ وَنَخْزى‏،

نفرستادى و نشانه هدايت را برپا نداشتى، تا پيش از آنكه خوار و رسوا شويم از آياتت پيروى كنيم؟!

كليات مفاتيح نوين، ص: 191

الى‏ انِ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ الى‏ حَبيبِكَ وَ نَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص191**

(ارسال پيامبران ادامه يافت) تا آنكه كارت را به دست دوست و بنده واقعيت محمّد- كه درود خدا بر او و خاك پاكش باد- به پايان رساندى‏

فَكانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ، وَافْضَلَ مَنِ‏

پس او آن‏گونه بود كه او را برگزيدى، سرور مخلوقات، و برگزيده برگزيدگان، و برترين‏

اجْتَبَيْتَهُ، وَاكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلى‏ انْبِيآئِكَ، وَبَعَثْتَهُ الَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ‏

انتخاب شدگان و گرامى‏ترين اعتماد شدگانت، كه او را بر پيامبرانت مقدّم داشته و به سوى همه بندگانت از جنّ و انس‏

عِبادِكَ، وَاوْطَاْتَهُ مَشارِقَكَ، وَمَغارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُراقَ، وَعَرَجْتَ بِهِ‏

مبعوث نمودى، و شرق و غرب عالم را تحت سلطه‏اش قرار دادى، و مركب آسمانى را مسخّرش ساختى، و او را

[بِرُوحِهِ‏] الى‏ سَمآئِكَ، وَاوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما كانَ وَما يَكُونُ الَى انْقِضآءِ خَلْقِكَ،

به سوى آسمانت بالا بردى، و علم گذشتگان و آيندگان تا پايان آفرينشت را به او سپردى،

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئيلَ وَميكآئيلَ، وَ الْمُسَوِّمينَ مِنْ‏

سپس او را با ايجاد ترس (در دل دشمنانش) يارى كردى، و جبرئيل و ميكائيل و فرشتگان نشان‏دار را

مَلآئِكَتِكَ، وَ وَعَدْتَهُ انْ تُظْهِرَ دينَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

گرداگردش قرار دادى، و به او وعده دادى كه دينش را بر همه اديان پيروز گردانى هر چند كه مشركان آن را ناپسند دارند

وَذلِكَ بَعْدَ انْ بَوَّئْتَهُ مُبَوَّءَ صِدْقٍ مِنْ اهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ اوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ‏

و اين پيروزى پس از آن بود كه او را درجايگاه صدق و راستى در ميان خاندانش جاى دادى، و براى او و خاندانش اوّلين خانه‏اى كه براى مردم‏

لِلنَّاسِ، لَلَّذى‏ بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدىً لِلْعالَمينَ، فيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ، مَقامُ‏

ساخته شده قرار دادى، خانه‏اى در مكّه، مايه بركت و هدايت براى جهانيان، كه نشانه‏هاى روشن هدايت و مقام‏

ابْراهيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً، وَقُلْتَ انَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ‏

ابراهيم در آن است و هر كس داخل آن شود ايمن است؛ و فرمودى: خداوند مى‏خواهد پليدى و گناه را از شما

اهْلَ الْبَيْتِ، وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً، ثُمَّ جَعَلْتَ اجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ‏

اهل‏بيت دور كند و كاملًا شما را پاك سازد، سپس در كتابت پاداش محمّد- كه درود تو بر او و خاندان پاكش باد-

مَوَدَّتَهُمْ فى‏ كِتابِكَ، فَقُلْتَ قُلْ لا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْراً الَّا الْمَوَدَّةَ فِى‏

را دوستى خاندانش قرار دادى، و فرمودى: بگو، من هيچ پاداشى از شما بر رسالتم درخواست نمى‏كنم، جز دوستى‏

الْقُرْبى‏، وَقُلْتَ ما سَئَلْتُكُمْ مِنْ اجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ، وَقُلْتَ ما اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ‏

نزديكانم‏ [/ اهل‏بيتم‏]، و فرمودى: پاداشى كه از شما مى‏طلبم به نفع شماست، و فرمودى: من در برابر آن (رسالت) هيچ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 192

اجْرٍ الَّا مَنْ شآءَ انْ يَتَّخِذَ الى‏ رَبِّهِ سَبيلًا، فَكانُوا هُمُ السَّبيلَ الَيْكَ،

پاداشى از شما نمى‏طلبم مگر كسى كه بخواهد راهى به سوى پروردگارش برگزيند، و اينان همان راه رسيدن به تو

وَالْمَسْلَكَ الى‏ رِضْوانِكَ، فَلَمَّاانْقَضَتْ ايَّامُهُ، اقامَ وَلِيَّهُ عَلِىَّ بْنَ ابيطالِبٍ‏

و طريق رسيدن به خشنودى تو مى‏باشند، پس آن گاه كه روزگار رسالتش سپرى شد، ياورش على بن ابى‏طالب-

صَلَواتُكَ عَلَيْهِما وَ آلِهِما هادِياً، اذْ كانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ، فَقالَ‏

كه درود تو بر هر دوى آنان و خاندانشان باد- را براى هدايت برگزيد، چرا كه او بيم دهنده بود و براى هر گروهى هدايتگرى لازم است، پيامبر (در روز غدير)

وَالْمَلَأُ امامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِىٌّ مَوْلاهُ، اللهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ‏

در حالى كه گروه مردم پيش رويش بودند فرمود: هر كس من مولا و سرپرست اويم، على مولا و سرپرست اوست، خدايا با دوستدارانش دوست و با دشمنانش‏

عاداهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَ قالَ مَنْ كُنْتُ انَا نَبِيُّهُ فَعَلِىٌ‏

دشمن باش، و ياورانش را يارى و رهاكنندگانش را رها كن، و فرمود: هر كس من پيامبر اويم پس على‏

اميرُهُ، وَقالَ انَا وَعَلِىٌّ مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، وَسائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّى‏،

فرمانرواى اوست، و فرمود: من و على از يك درخت و ريشه‏ايم و بقيه مردم از درختان و ريشه‏هاى مختلفند

وَاحَلَّهُ مَحَلَّ هارُونَ مِنْ مُوسى‏، فَقال لَهُ انْتَ مِنّى‏ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ‏

و او را درجايگاهى همانند جايگاه هارون نسبت به موسى قرار داده، به او فرمود: موقعيّت تو نسبت به من مانند موقعيّت هارون نسبت‏

مُوسى‏، الَّا انَّهُ لا نَبِىَّ بَعْدى‏، وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمينَ، وَاحَلَّ لَهُ‏

به موسى است جز اينكه پس از من پيامبرى نيست سپس دخترش سرور بانوان جهان را به همسرى او درآورد، و از مسجدش آنچه براى‏

مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوابَ الَّا بابَهُ، ثُمَّ اوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ،

خودش حلال بود، بر او حلال كرد و جز درِ خانه او تمامى درهايى كه به مسجد باز بود را بست، سپس دانش و حكمتش را به او سپرد

فَقالَ انَا مَدينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِىٌّ بابُها، فَمَنْ ارادَ الْمَدينَةَ وَالْحِكْمَةَ، فَلْيَاْتِها مِنْ‏

و فرمود: من شهر علمم و على درِ آن است، پس هر كس شهر و حكمت آن را بخواهد، بايد از

بابِها، ثُمَّ قالَ انْتَ اخى‏ وَوَصِيّى‏ وَوارِثى‏، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمى‏، وَدَمُكَ‏

درِ آن داخل شود، سپس فرمود: تو برادر و جانشين و وارث منى، گوشت تو از گوشت من، و خون‏

مِنْ دَمى‏، وَسِلْمُكَ سِلْمى‏، وَحَرْبُكَ حَرْبى‏، وَالْإِيمانُ مُخالِطٌ لَحْمَكَ‏

تو از خون من است، سازش تو سازش من و جنگ تو (با هر كس) جنگ من (با او) است، و ايمان با گوشت‏

وَدَمَكَ، كَما خالَطَ لَحْمى‏ وَدَمى‏، وَانْتَ غَداً عَلَى الْحَوْضِ خَليفَتى‏،

و خونت آميخته است آن‏گونه كه با گوشت و خون من آميخته شده، و تو فردا (ى قيامت) جانشين من بر كنار حوض كوثرى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 193

وَانْتَ تَقْضى‏ دَيْنى‏، وَ تُنْجِزُ عِداتى‏، وَشيعَتُكَ عَلى‏ مَنابِرَ مِنْ نُورٍ، مُبْيَضَّةً

و تو قرض مرا ادا مى‏كنى و عهد و پيمانم را به انجام مى‏رسانى، و شيعيان تو بر جايگاهى از نور، با چهره‏هايى درخشان‏

وُجُوهُهُمْ حَوْلى‏ فِى الْجَنَّةِ، وَهُمْ جيرانى‏، وَلَوْلا انْتَ يا عَلِىُّ لَمْ يُعْرَفِ‏

در بهشت در اطراف من و همسايگان منند، و اى على، اگر تو نبودى مؤمنان بعد از من‏

الْمُؤْمِنُونَ بَعْدى‏، وَكانَ بَعْدَهُ هُدىً مِنَ الضَّلالِ، وَنُوراً مِنَ الْعَمى‏، وَ حَبْلَ‏

شناخته نمى‏شدند، و على پس از رسول خدا وسيله هدايت از گمراهى و نور و روشنى از كورى جهالت و ريسمان‏

اللَّهِ الْمَتينَ، وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ، لا يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ فى‏ رَحِمٍ، وَلا بِسابِقَةٍ فى‏

محكم الهى و راه مستقيم پروردگار بود، و كسى نه در قرابت و خويشاوندى و نه از نظر سابقه در دين بر او

دينٍ، وَلا يُلْحَقُ فى‏ مَنْقَبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ‏

پيشى نگرفت، و در هيچ يك از فضايلش كسى به پاى او نرسيد، پا در جاى پاى رسول خدا نهاد- كه درود خدا

عَلَيْهِما وَآلِهِما، وَيُقاتِلُ عَلَى التَّاْويلِ، وَ لا تَاْخُذُهُ فِى اللَّهِ لَوْمَةُ لآئِمٍ، قَدْ

بر آن دو و خاندان پاكشان باد- و از روى واقعيّت قرآن پيكار مى‏نمود و در راه خدا سرزنش هيچ ملامتگرى در او اثر نداشت،

وَتَرَ فيهِ صَناديدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ ابْطالَهُمْ وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ، فَاوْدَعَ قُلُوبَهُمْ‏

دلاوران عرب را در راه خدا در تنگنا گذاشت و پهلوانانشان را كشته و با گردنكشان آنها جنگيد، و اين سبب شد كه‏

احْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَاضَبَّتْ عَلى‏ عَداوَتِهِ،

كينه‏هاى جنگ‏هاى بدر و خيبر و حنين و جنگ‏هاى ديگر را به دل گرفتند و به دشمنيش دل بستند

وَاكَبَّتْ عَلى‏ مُنابَذَتِهِ، حَتّى‏ قَتَلَ النَّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ، وَلَمَّا

و بر مخالفت با او بسيج شدند، تا اينكه با پيمان‏شكنان و ستمگران و خارج شدگان از دين به نبرد برخواست، و هنگامى كه‏

قَضى‏ نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ اشْقَى الْاخِرينَ يَتْبَعُ اشْقَى الْأَوَّلينَ، لَمْ يُمْتَثَلْ امْرُ

زمان شهادتش رسيد، و بدبخت‏ترين از پسينيان كه از بدبخت‏ترين پيشينيان پيروى مى‏كرد او را كشت، فرمان رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِى الْهادينَ بَعْدَ الْهادينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- در مورد هدايت كنندگان دين يكى پس از ديگرى اطاعت نشد، (بلكه) مردم بر دشمنى‏

عَلى‏ مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلى‏ قَطيعَةِ رَحِمِهِ، وَاقْصآءِ وُلْدِهِ، الَّا الْقَليلَ مِمَّنْ‏

با او پافشارى كردند و براى گسستن او از خاندانش و تبعيد فرزندانش اجتماع نمودند، جز عدّه كمى كه‏

وَفى‏ لِرِعايَةِ الْحَقِّ فيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِىَ مَنْ سُبِىَ، وَاقْصِىَ مَنْ‏

به رعايت حق در مورد آنان وفا نمودند، در نتيجه گروهى به شهادت رسيدند و گروهى اسير و جمعى نيز تبعيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 194

اقْصِىَ، وَجَرَى الْقَضآءُ لَهُمْ بِما يُرْجى‏ لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، اذْ كانَتِ الْأَرْضُ‏

شدند، و سرنوشت براى آنان به گونه‏اى رقم خورد كه اميد پاداش نيك بر آن مى‏رفت، زيرا زمين‏

للَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشآءُ مِنْ عِبادِهِ، وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ، وَسُبْحانَ رَبِّنا انْ كانَ‏

از آنِ خداست و آن را به هر يك از بندگانش كه بخواهد مى‏دهد، و سرانجام نيك از آنِ پرهيزكاران است و تسبيح مى‏كنيم پروردگارمان را كه‏

وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، فَعَلَى‏

وعده‏اش حتمى است و هرگز از آن تخلّف نمى‏كند و او قدرتمند و داناست، پس‏

الْأَطائِبِ مِنْ اهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِما وَ آلِهِما، فَلْيَبْكِ‏

گريه‏كنندگان بايد بر پاكان از خاندان محمّد و على- كه درود خدا بر هر دوى ايشان و خاندانشان باد-

الْباكُونَ، وَايَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرَفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ‏

گريه كنند و شيون‏كنندگان بر آنان شيون كنند و براى چنين افرادى بايد اشكها جارى گردد و فريادزنندگان‏

الصَّارِخُونَ، وَ يَضِجَّ الضَّآجُّونَ، وَيَعِجَّ الْعآجُّوَن، ايْنَ الْحَسَنُ ايْنَ‏

فرياد زنند و زارى كنندگان شيون كنند و ناله كنندگان فرياد كنند، كه حسن كجاست؟،

الْحُسَيْنُ، ايْنَ ابْنآءُ الْحُسَيْنِ، صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ، وَ صادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ،

حسين كجاست؟ فرزندان حسين كجايند؟ شايسته‏اى پس از شايسته و راستگويى پس از راستگوى ديگر،

ايْنَ السَّبيلُ بَعْدَ السَّبيلِ، ايْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ، ايْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ،

كجاست راه راستِ پس از اين راه راست؟ كجاست برگزيدگان بعد از برگزيدگان؟ كجايند خورشيدهاى تابان؟

ايْنَ الْأَقْمارُ الْمُنيرَةُ، ايْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، ايْنَ اعْلامُ الدّينِ وَ قَواعِدُ

كجايند ماه‏هاى نورافشان؟ كجايند ستارگان درخشان، كجايند بزرگان دين و پايه‏هاى‏

الْعِلْمِ، ايْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتى‏ لا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهادِيَةِ، ايْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ‏

دانش؟ كجاست ذخيره خدايى كه از عترت هدايتگر بيرون نيست؟ كجاست آن كسى كه براى‏

دابِرِ الظَّلَمَةِ، ايْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقامَةِ الْأَمْتِ وَاْلعِوَجِ، ايْنَ الْمُرْتَجى‏ لِإِزالَةِ

قطع ريشه ستمگران آماده شده؟ كجاست آن كسى كه براى اصلاح نادرستى‏ها و كجى‏ها به انتظارش نشسته‏اند؟ كجاست آن كسى كه‏

الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ، ايْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْديدِ الْفَرآئِضِ وَ السُّنَنِ، ايْنَ الْمُتَخَيَّرُ

براى از بين بردن جور و ستم به او اميد بسته شده؟ كجاست آن كسى كه براى تجديد واجبات و سنّتها ذخيره شده؟ كجاست آنكه‏

لِإِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّريعَةِ، ايْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيآءِ الْكِتابِ وَحُدُودِهِ، ايْنَ‏

براى بازگرداندن دين و آيين برگزيده شده؟ كجاست آن كسى كه براى زنده كردن قرآن و اجراى حدود آن آرزو شده؟ كجاست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 195

مُحْيى‏ مَعالِمِ الدّينِ وَ اهْلِهِ، ايْنَ قاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدينَ، ايْنَ هادِمُ ابْنِيَةِ

زنده كننده آثار دين و اهل آن؟ كجاست درهم شكننده قدرت متجاوزان؟ كجاست ويران كننده بناهاى‏

الشِّرْكِ وَالنِّفاقِ، ايْنَ مُبيدُ اهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْعِصْيانِ وَ الطُّغْيانِ، ايْنَ‏

شرك و نفاق؟ كجاست نابودكننده فاسقان و نافرمانان و طغيانگران؟ كجاست‏

حاصِدُ فُرُوعِ الْغَىِّ وَالشِّقاقِ، ايْنَ طامِسُ آثارِ الزَّيْغِ وَ الْأَهْوآءِ، ايْنَ‏

قطع كننده شاخه‏هاى گمراهى و اختلاف؟ كجاست محو كننده نشانه‏هاى انحراف و هواپرستى؟ كجاست‏

قاطِعُ حَبآئِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرآءِ، ايْنَ مُبيدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ، ايْنَ مُسْتَاْصِلُ‏

قطع كننده رشته‏هاى دروغ و تهمت؟ كجاست نابود كننده گردنكشان و سركشان؟ كجاست ريشه‏كن كننده‏

اهْلِ الْعِنادِ وَالتَّضْليلِ وَالْإِلْحادِ، ايْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيآءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدآءِ، ايْنَ‏

معاندان و گمراه كنندگان و بى‏دينان؟ كجاست عزّت‏بخش دوستان و خوار كننده دشمنان؟ كجاست‏

جامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوى‏، ايْنَ بابُ اللَّهِ الَّذى‏ مِنْهُ يُؤْتى‏، ايْنَ وَجْهُ اللَّهِ‏

گردآورنده سخنان بر محور تقوا؟ كجاست آن درگاه خدا كه از آن وارد شوند؟ كجاست آن جلوه خدايى كه‏

الَّذى‏ الَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيآءُ، ايْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمآءِ،

اوليا به آن توجّه مى‏كنند؟ كجاست آن وسيله پيوند ميان زمين و آسمان؟

ايْنَ صاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ ناشِرُ رايَةِ الْهُدى‏، ايْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ‏

كجاست صاحب روز پيروزى و برافرازنده پرچم هدايت؟ كجاست گردآورنده همه شايستگى‏ها

وَالرِّضا، ايْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيآءِ وَابْنآءِ الْأَنْبِيآءِ، ايْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ‏

و خوبى‏ها؟ كجاست خون خواه پيامبران و فرزندان پيامبران؟ كجاست خون خواه‏

الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلآءَ، ايْنَ الْمَنْصُورُ عَلى‏ مَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْهِ وَافْتَرى‏، ايْنَ‏

شهيد كربلا؟ كجاست يارى شده در برابر دشمنان و تهمت زنندگانش؟ كجاست‏

الْمُضْطَرُّ الَّذى‏ يُجابُ اذا دَعى‏، ايْنَ صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُوالْبِرِّ وَالتَّقْوى‏، ايْنَ‏

درمانده‏اى كه چون دعا كند مستجاب مى‏شود؟ كجاست سرسلسله مخلوقات، آن صاحب نيكى و تقوا؟ كجاست‏

ابْنُ النَّبِىِّ الْمُصْطَفى‏، وَ ابْنُ عَلِىٍّ الْمُرْتَضى‏، وَابْنُ خَديجَةَ الْغَرَّآءِ، وَابْنُ‏

فرزند پيامبر برگزيده، و فرزند على مرتضى و فرزند خديجه بزرگوار و فرزند

فاطِمَةَ الْكُبْرى‏، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ وَنَفْسى‏ لَكَ الْوِقآءُ وَالْحِمى‏، يَا بْنَ السَّادَةِ

فاطمه كبرى، پدر و مادر و جانم سپر بلا و نگهبان تو باد، اى فرزند بزرگِ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 196

الْمُقَرَّبينَ، يَا بْنَ النُّجَبآءِ الْأَكْرَمينَ، يَا بْنَ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ، يَا بْنَ الْخِيَرَةِ

مقرّبان الهى، اى فرزند بزرگ‏زادگان گرامى، اى فرزند هدايت گران هدايت يافته، اى فرزند نيكان‏

الْمُهَذَّبينَ، يَا بْنَ الْغَطارِفَةِ الْأَنْجَبينَ، يَا بْنَ الْأَطآئِبِ الْمُطَهَّرينَ، يَا بْنَ‏

وارسته، اى فرزند بزرگان شايسته و گرامى، اى فرزند پاكان پاكيزه، اى فرزند

الْخَضارِمَةِ الْمُنْتَجَبينَ، يَا بْنَ الْقَماقِمَةِ الْأَكْرَمينَ، يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمُنيرَةِ، يَا

سخاوتمندان برگزيده، اى فرزند بزرگان گرامى، اى فرزند ماه‏هاى تابان، اى‏

بْنَ السُّرُجِ الْمُضيئَةِ، يَا بْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ، يَا بْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بْنَ‏

فرزند چراغ‏هاى نورافشان، اى فرزند شهاب‏هاى نافذ، اى فرزند ستارگان درخشان، اى فرزند

السُّبُلِ الْواضِحَةِ، يَا بْنَ الْأَعْلامِ الّلآئِحَةِ، يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ، يَا بْنَ‏

راه‏هاى آشكار حق، اى فرزند نشانه‏هاى روشن هدايت، اى فرزند دانش‏هاى كامل، اى فرزند

السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بْنَ الْمَعالِمِ الْمَأثُورَةِ، يَا بْنَ الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ،

سنّت‏هاى معروف، اى فرزند نشانه‏هاى رسيده از جانب حق، اى فرزند معجزه‏هاى موجود،

يَا بْنَ‏الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بْنَ الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ، يَا بْنَ النَّبَأِ الْعَظيمِ،

اى فرزند راهنمايى‏هاى آشكار، اى فرزند راه راست، اى فرزند خبر بزرگ،

يَا بْنَ مَنْ هُوَ فى‏ امِّ الْكِتابِ لَدَى اللَّهِ عَلِىٌّ حَكيمٌ، يَابْنَ الْاياتِ وَالْبَيِّناتِ،

اى فرزند كسى كه در امّ‏الكتاب نزد خداوندِ برتر و داناست، اى فرزند نشانه‏ها و دلايل آشكار،

يَا بْنَ الدَّلائِلِ الظَّاهِراتِ، يَا بْنَ الْبَراهينِ الْواضِحاتِ الْباهِراتِ، يَا بْنَ‏

اى فرزند دلايل روشن، اى فرزند برهان‏هاى آشكار درخشان، اى فرزند

الْحُجَجِ الْبالِغاتِ، يَا بْنَ النِّعَمِ السَّابِغاتِ، يَا بْنَ طه‏ وَ الْمُحْكَماتِ، يَا بْنَ‏

حجّت‏هاى فراگير، اى فرزند نعمت‏هاى فراوان، اى فرزند طه و محكمات قرآن، اى فرزند

يس وَالذَّارِياتِ، يَا بْنَ الطُّورِ وَالْعادِياتِ، يَا بْنَ مَنْ دَنى‏ فَتَدَلّى‏، فَكانَ‏

ياسين و ذاريات، اى فرزند طور و عاديات، اى فرزند آن كه نزديك و نزديكتر شد تا آنكه فاصله او

قابَ قَوْسَيْنِ اوْ ادْنى‏ دُنُوّاً وَاقْتِراباً مِنَ الْعَلِىِّ الْأَعْلى‏، لَيْتَ شِعْرى‏ ايْنَ‏

(با پيامبر) به اندازه فاصله دو كمان يا كمتر شد، در نزديكى و قربت به خداى والاى بلندمرتبه (اى امام زمان) كاش مى‏دانستم‏

اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوى‏، بَلْ اىُّ ارْضٍ تُقِلُّكَ اوْ ثَرى‏، ابِرَضْوى‏ اوْغَيْرِها، امْ‏

در كجا منزل گزيده‏اى، و كدامين سرزمين و مكان تو را در خود جاى داده؟ آيا در كوه «رَضوايى» يا غير آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 197

ذى‏ طُوى‏، عَزيزٌ عَلَىَّ انْ ارَى الْخَلْقَ وَلا تُرى‏، وَلا اسْمَعُ لَكَ حَسيساً

يا در سرزمين «ذى طوى»؟ بر من دشوار است كه مردم را ببينم ولى تو ديده نشوى، و صدا و نجوايى‏

وَلا نَجْوى‏، عَزيزٌ عَلَىَّ انْ تُحيطَ بِكَ دُونِىَ الْبَلْوى‏، وَ لايَنالُكَ مِنّى‏

از تو نشنوم، بر من دشوار است كه تنها تو گرفتار رنج و بلا باشى نه من، و ناله و شكايت من‏

ضَجيجٌ وَ لا شَكْوى‏، بِنَفْسى‏ انْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسى‏ انْتَ مِنْ‏

به تو نرسد، جانم فداى تو غايبى كه هرگز از ميان ما بيرون نيستى، جانم فداى تو دور از نظرى كه‏

نازِحٍ ما نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسى‏ انْتَ امْنِيَّةُ شائِقٍ يَتَمَنّى‏، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ

از ما دور نيستى، جانم فداى تو منتهاى آرزوى مشتاقان كه هر مرد و زن مؤمنى آرزوى تو را دارند،

ذَكَرا فَحَنَّا، بِنَفْسى‏ انْتَ مِنْ عَقيدِ عِزٍّ لايُسامى‏، بِنَفْسى‏ انْتَ مِنْ اثيلِ‏

و تو را ياد كرده و ناله كنند، جانم فداى تو عزّتمندى كه همانندى ندارى، جانم فداى تو ريشه و اصل‏

مَجْدٍ لايُجارى‏[[156]](#footnote-156)، بِنَفْسى‏ انْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ لا تُضاهى‏، بِنَفْسى‏ انْتَ مِنْ‏

بزرگوارى كه همطرازى ندارى، جانم فداى تو نعمت پايدار و ديرينه‏اى كه شبيه و مانندى ندارى، جانم فداى تو

نَصيفِ شَرَفٍ لا يُساوى‏، الى‏ مَتى‏ احارُ فيكَ يا مَوْلاىَ، وَ الى‏ مَتى‏، وَاىَ‏

شرافتمندى كه نظيرى ندارى، تا به كى حيران تو باشم اى مولاى من؟ و تا به كى و با كدامين‏

خِطابٍ اصِفُ فيكَ، وَاىَّ نَجْوى‏، عَزيزٌ عَلَىَّ انْ اجابَ دُونَكَ وَاناغى‏،

گفتار و كدامين نجوا تو را توصيف كنم؟ بر من دشوار است كه پاسخم را از غير تو بشنوم و با او گفتگو كنم،

عَزيزٌ عَلَىَّ انْ ابْكِيَكَ وَ يَخْذُلَكَ الْوَرى‏، عَزيزٌ عَلَىَّ انْ يَجْرِىَ عَلَيْكَ‏

بر من دشوار است كه (در فراقت) بگريم و ديگران به تو بى‏اعتنا باشند، بر من دشوار است كه سختى‏ها

دُونَهُمْ ما جَرى‏، هَلْ مِنْ مُعينٍ فَاطيلَ مَعَهُ الْعَويلَ وَالْبُكآءَ، هَلْ مِنْ‏

بر تو بگذرد نه بر آنها، آيا يارى كننده‏اى هست كه همراه او گريه و ناله را طولانى كنم؟ آيا

جَزُوعٍ فَاساعِدَ جَزَعَهُ اذا خَلا، هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَساعَدَتْها عَيْنى‏ عَلَى‏

بى‏تابى هست كه او را بر بى‏تابيش در زمان تنهايى يارى كنم؟ آيا چشم گريان در اثر خار فراقى هست كه چشم من او را بر گريستن‏

الْقَذى‏، هَلْ الَيْكَ يَا بْنَ احْمَدَ سَبيلٌ فَتُلْقى‏، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنا مِنْكَ بِعِدَةٍ[[157]](#footnote-157)

يارى كند؟ اى پسر احمد آيا راهى هست كه تو را ملاقات كنم؟ آيا روز فراق ما به وعده ديدار تو منتهى مى‏شود

كليات مفاتيح نوين، ص: 198

فَنَحْظى‏، مَتى‏ نَرِدُ مَناهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرْوى‏، مَتى‏ نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مآئِكَ‏

تا از آن بهره‏مند شويم؟ كى به چشمه‏هاى سيراب كننده (معرفتت) وارد مى‏شويم تا سيراب شويم؟ كى از آب گواراى (وصالت) سيراب شويم‏

فَقَدْ طالَ الصَّدى‏، مَتى‏ نُغاديكَ وَنُراوِحُكَ فَنُقِرَّ[[158]](#footnote-158) عَيْناً، مَتى‏ تَرانا

چرا كه تشنگى طولانى شده؟، كى مى‏شود كه شب و روز را با تو به سر بريم تا ديدگان ما (به نور جمالت) روشن شود؟ كى همديگر را

وَنَريكَ، وَقَدْ نَشَرْتَ لِوآءَ النَّصْرِ تُرى‏، اتَرانا نَحُفُّ بِكَ وَانْتَ تَامُّ الْمَلَأَ،

ببينيم در حالى كه پرچم نصر و پيروزى را عيان برافراشته‏اى؟ آيا روزى را مى‏بينى كه ما گرد تو جمع شده‏ايم و تو پيشواى مايى؟

وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَاذَقْتَ اعْدآئَكَ هَواناً وَعِقاباً، وَابَرْتَ الْعُتاةَ

در حالى كه زمين را پر از عدل و داد كرده‏اى و به دشمنانت خوارى و عقوبت را چشانده و سركشان‏

وَجَحَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دابِرَ الْمُتَكَبِّرينَ، وَاجْتَثَثْتَ اصُولَ الظَّالِمينَ،

و منكران حق را نابود كرده‏اى و نسل متكبّران را قطع نموده و ريشه ستمكاران را بر كنده‏اى‏

وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ انْتَ كَشَّافُ الكُرَبِ وَالْبَلْوى‏،

و ما (در آن روز) مى‏گوييم حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانيان است، خدايا تو برطرف كننده اندوه‏ها و گرفتارى‏هايى‏

وَالَيْكَ اسْتَعْدى‏ فَعِنْدَكَ الْعَدْوى‏، وَانْتَ رَبُّ الْاخِرَةِ وَالدُّنْيا[[159]](#footnote-159)، فَاغِثْ يا

و تنها از تو يارى مى‏خواهم چرا كه يارى و كمك فقط نزد توست و تو پروردگار آخرت و دنيايى، پس به فرياد بنده گرفتارت برس،

غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلى‏، وَارِهِ سَيِّدَهُ يا شَديدَ الْقُوى‏، وَازِلْ‏

اى فريادرسِ فريادرس‏خواهان، و اى دارنده قدرت عظيم، آقا و سرورش را به او نشان ده، و به اين وسيله‏

عَنْهُ بِهِ الْأَسى‏ وَالْجَوى‏، وَبَرِّدْ غَليلَهُ يا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى‏، وَ مَنْ‏

اندوه و سوز دلش را برطرف كن، و عطشش را فرو نشان، اى كه بر عرش مسلّطى، و اى كه‏

الَيْهِ الرُّجْعى‏ وَالْمُنْتَهى‏، اللهُمَّ وَنَحْنُ عَبيدُكَ التَّآئِقُونَ الى‏ وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ

بازگشت و نهايت كار به سوى توست، خدايا ما بندگان تو مشتاق وليّت هستيم، آن كه مردم را

بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً، وَ اقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً، وَ جَعَلْتَهُ‏

به ياد تو و پيامبرت مى‏اندازد، تو او را نگهدار و پناهگاه ما آفريدى و او را مايه قوّت و پناه ما ساختى، و براى‏

لِلْمُؤْمِنينَ مِنَّا اماماً، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَ زِدْنا بِذلِكَ يارَبِّ اكْراماً،

مؤمنين از ما امام و پيشوا قرار دادى، پس اى پروردگار ما درود و سلام ما را به او برسان و بدين وسيله بر كرامت ما بيفزا

كليات مفاتيح نوين، ص: 199

وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً، وَاتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْديمِكَ ايَّاهُ امامَنا،

و جايگاه او را جايگاه و اقامتگاه ما قرار ده، و با قرار دادن او پيشاپيش ما، نعمتت را بر ما تمام گردان‏

حَتّى‏ تُورِدَنا جِنانَكَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَدآءِ مِنْ خُلَصآئِكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

تا ما را به بهشت و همنشينى شهيدان از بندگان خالصت وارد سازد، خدايا بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الأَكْبَرِ،

و خاندان پاكش درود فرست، و درود فرست بر محمّد، جدّ وى و فرستاده تو آقاى بزرگ‏

وَعَلى‏ ابيهِ السَّيِّدِ الأَصْغَرِ، وَجَدَّتِهِ الصِّدّيقَةِ الْكُبْرى‏ فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ،

و بر پدرش آقاى كوچكتر (از پيامبر) و جدّه‏اش صديقه كبرى، فاطمه دختر محمّد،

وَعَلى‏ مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبآئِهِ الْبَرَرَةِ، وَعَلَيْهِ افْضَلَ وَاكْمَلَ وَاتَمَّ وَادْوَمَ‏

و بر آنانى كه از ميان پدران نيكوكارش (براى امامت) برگزيدى، و بر خود آن حضرت، برترين، كاملترين، تمام‏ترين، پيوسته‏ترين،

وَاكْثَرَ وَاوْفَرَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اصْفِيآئِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

بيشترين و فراوان‏ترين درودى كه بر هر يك از برگزيدگان و نيكان از بندگانت فرستاده‏اى،

وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً لا غايَةَ لِعَدَدِها، وَلانِهايَةَ لِمَدَدِها، وَلا نَفادَ لِأَمَدِها،

و بر او درود فرست درودى كه عددش را پايانى و مدّتش را نهايتى و دوره‏اش را انتهايى نباشد،

اللهُمَّ وَاقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَادْحِضْ بِهِ الْباطِلَ، وَ ادِلْ بِهِ اوْلِيآئَكَ، وَاذْلِلْ‏

خدايا به وسيله او حق را بپا دار و باطل را بى‏اعتبار ساز، و دوستانت را مكنت ده و دشمنانت را

بِهِ‏اعْدآئَكَ، وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدّى‏ الى‏ مُرافَقَةِ سَلَفِهِ،

خوار گردان، خدايا ميان ما و او را پيوندى ده كه به دوستى گذشتگانش منجر شود

وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَاْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فى‏ ظِلِّهِمْ، وَاعِنَّا عَلى‏ تَاْدِيَةِ

و ما را از كسانى قرار ده كه به دامان آنها چنگ زده و در سايه (ولايت) آنها مأوى گزينند، و ما را بر اداى‏

حُقُوقِهِ الَيْهِ، وَالْإِجْتِهادِ فى‏ طاعَتِهِ، وَاجْتِنابِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنا

حقوق و كوشش در فرمانبردارى و دورى از نافرمانيش يارى ده، و با خشنوديش‏

بِرِضاهُ، وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعآئَهُ وَخَيْرَهُ، مانَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ‏

بر ما منّت گذار و مهربانى و رحمت و دعا و خيرش را تا جايى كه به وسيله آن به وسعت‏

رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً،

رحمت و رستگارى در نزدت دست يابيم به ما عطا كن و به بركت وجود او نمازهاى ما را بپذير و گناهان ما را بيامرز

كليات مفاتيح نوين، ص: 200

وَدُعآئَنا بِهِ مُسْتَجاباً، وَاجْعَلْ ارْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً،

و دعاهاى ما را مستجاب گردان و روزى ما را گسترده فرما و غم و اندوه ما را برطرف ساز

وَحَوآئِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً، وَاقْبِلْ الَيْنا بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا الَيْكَ،

و حاجت‏هاى ما را برآور و با لطف كريمانه‏ات به ما توجّه كن، و نزديكى ما به درگاهت را بپذير

وَانْظُرْ الَيْنا نَظْرَةً رَحيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنَّا

و مهربانانه به ما نظر كن، تا بوسيله آن مقام خود را نزد تو، به كمال رسانيم، سپس به جود و بخششت‏

بِجُودِكَ، وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَاْسِهِ وَبِيَدِهِ، رَيّاً

نظرت را از ما برمگردان و ما را از حوض (كوثر) جدش- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- از جام او به دستش، آبى خوش‏طعم،

رَوِيّاً هَنيئاً سآئِغاً، لا ظَمَأَ بَعْدَهُ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

فراوان و گواراى خوشگوار، سيراب گردان، آن گونه كه پس از آن هرگز تشنگى نباشد، اى مهربان‏ترين مهربانان.

دعاى حضرت مهدى (عجّل اللَّه تعالى فرجه الشريف):

اين دعا از دعاهاى مشهور و معروف و داراى محتواى عالى است و مرحوم «كفعمى» آن را در «مصباح»[[160]](#footnote-160) نقل كرده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ، وَعِرْفانَ‏

خدايا توفيق بندگى و دورى از گناه و نيّت صادق و شناخت حرمت‏ها را

الْحُرْمَةِ، وَاكْرِمْنا بِالْهُدى‏ وَالْإِسْتِقامَةِ، وَسَدِّدْ الْسِنَتَنا بِالصَّوابِ‏

روزى ما گردان و ما را به هدايت و پايدارى گرامى دار، و زبان‏هاى ما را به راستگويى‏

وَالْحِكْمَةِ، وَامْلَأْ قُلُوبَنا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَ طَهِّرْ بُطُونَنا مِنَ الْحَرامِ‏

و دانش استوار گردان، و دلهاى ما را از نور دانش و معرفت پر كن، و درون ما را از غذاى حرام‏

وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفُفْ ايْدِيَنا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ، وَاغْضُضْ ابْصارَنا عَنِ‏

و شبهه‏ناك، پاك گردان، و دستهايمان را از ستم و دزدى بازدار، و چشمهايمان را از

كليات مفاتيح نوين، ص: 201

الْفُجُورِ وَالْخِيانَةِ، وَاسْدُدْ اسْماعَنا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغيبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلى‏

گناه و خيانت بپوشان و گوشهايمان را از شنيدن سخنان بيهوده و غيبت ببند، و تفضّل كن بر

عُلَمآئِنا بِالزُّهْدِ وَالنَّصيحَةِ، وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى‏

علماى ما، پرهيزگارى و خيرخواهى را و بر دانش‏پژوهان، كوشش و اشتياق (تحصيل) را، و بر

الْمُسْتَمِعينَ بِالْإِتِّباعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَ عَلى‏ مَرْضَى الْمُسْلِمينَ بِالشِّفآءِ

شنوندگان، پيروى و پند پذيرى را و بر بيماران از مسلمانان، بهبودى‏

وَالرَّاحَةِ، وَعَلى‏ مَوْتاهُمْ بِالرَّاْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلى‏ مَشايِخِنا بِالْوَقارِ

و آسايش را، و بر مردگان آنها، مهربانى و رحمت را، و بر سالخوردگان ما، سنگينى‏

وَالسَّكينَةِ، وَعَلَى الشَّبابِ بِالْإِنابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسآءِ بِالْحَيآءِ وَالْعِفَّةِ،

و متانت را و بر جوانان، بازگشت به سوى خدا و توبه را، و بر زنان، حيا و پاكدامنى را،

وَعَلَى الْأَغْنِيآءِ بِالتَّواضُعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرآءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَناعَةِ، وَعَلَى‏

و بر ثروتمندان، فروتنى و گشاده‏دستى را، و بر نيازمندان، شكيبايى و قناعت را، و بر

الْغُزاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَةِ، وَعَلَى‏الْأُسَرآءِ بِالْخَلاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأُمَرآءِ

جنگجويان، يارى و پيروزى را و بر اسيران، رهايى و آسايش را و بر فرمانروايان،

بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصافِ وَ حُسْنِ السّيرَةِ، وَبارِكْ‏

عدالت و مهربانى را، و بر زير دستان، انصاف و خوشرفتارى را (تفضّل فرما) و توشه‏

لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِى الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ، وَاقْضِ ما اوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِ‏

و خرج راه حجاج و زيارت‏كنندگان را بركت ده، و حج و عمره‏ايى كه بر آنان واجب فرموده‏اى‏

وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

بپذير، به لطف و رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

دعايى ديگر از حضرت مهدى عليه السلام:

اين دعا را مرحوم «سيّد بن طاووس» در «مهج‏الدّعوات»[[161]](#footnote-161) آورده است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 202

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الهى‏ بِحَقِّ مَنْ ناجاكَ، وَ بِحَقِّ مَنْ دَعاكَ فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلى‏

خدايا به حقّ هر كه با تو نجوا كند و به حقّ هر كه در خشكى و دريا تو را خواند، تفضّل فرما بر

فُقَرآءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بالْغَنآءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلى‏ مَرْضَى الْمُؤْمِنينَ‏

نيازمندان از مردان و زنان با ايمان، به بى‏نيازى و ثروت و بر بيماران از مردان‏

والْمُؤْمِناتِ بِالشِّفآءِ وَالصِّحَةِ، وَعَلى‏ احْيآءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ‏

و زنان با ايمان، به بهبودى و سلامتى و بر زندگان از مردان و زنان باايمان،

بِاللُّطْفِ وَالْكَرامَةِ، وَعَلى‏ امْواتِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالْمَغْفِرَةِ

به لطف و بزرگوارى و بر مردگان از مردان و زنان با ايمان، به آمرزش‏

وَالرَّحْمَةِ، وَ عَلى‏ غُرَبآءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالرَّدّ الى‏ اوْطانِهِمْ‏

و رحمت و بر غريبان از مردان و زنان با ايمان، به بازگشت با

سالِمينَ غانِمينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعينَ.

سلامتى و موفقيّت به وطنهايشان، به حقّ محمّد و همه خاندان پاكش.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 205

بخش سوم: زيارات‏

مقدّمه: زيارت معصومان، راهى به سوى خدا:

زيارت پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله و امامان معصوم عليهم السلام كه همان برقرار كردن ارتباط روحى و به وجود آوردن پيوند قلبى با آن بزرگواران است (چه از طريق حضور نزد مرقد آنان باشد، يا ارتباط از راه دور، و فرستادن سلام و درود و تحيّت و اظهار ارادت و اخلاص به آستانشان، همراه با بيان فضايل، كرامات، عبادات، اطاعات و خدمات آنان) آثار فوق‏العاده سازنده‏اى در تربيت نفوس زيارت‏كنندگان، و ارتقاى روح آنان و پرورش والاترين ارزش‏هاى معنوى و اخلاقى دارد؛ و چنانچه زيارت‏كننده، بداند چه مى‏كند و چه مى‏گويد و چه مى‏خواهد؛ به خوبى مى‏تواند راه قرب الى‏اللَّه را با سرعت بپيمايد، و از كنار قبر آنان، با روحى باصفا، پاك از گناه و آماده براى اطاعت پروردگار و انجام وظايف انسانى بازگردد، زيرا:

اوّلًا: چگونه ممكن است توجّه به مقامات والاى اين پيشوايان بزرگ و ذكر صفات و سجاياى آنان بازتابى در زيارت كننده آن بزرگواران نداشته باشد و او را به سوى خود فرا نخواند و تدريجاً به رنگ خود درنياورد؟!

چگونه ممكن است منِ زائر، سر تا پا آلوده به گناه و صفات رذيله باشم، در عين حال دم از عشق و ارادت پاكان و نيكان جهان بزنم؟! آيا زيبنده است كه بدون توبه و تجديد نظر در حالات و اعمال و رفتار خويش، پاى در حرم پاك آن بزرگواران بگذارم؟!

ثانياً: چگونه ممكن است عرض حاجات معنوى يا مادّى نزد آنان كنم و آنها را به شفاعت در پيشگاه خدا بطلبم در حالى كه كارى كه در خور توجّه آنان و موجب رضايت آنان است انجام نداده‏ام؟! آيا توجّه به اين امور، براى توبه از گناه و خودسازى و پاكى كافى نيست؟!

ثالثاً: كسى كه كمترين آشنايى با مسايل روانى و روحيه الگوپذيرى انسان داشته باشد، تصديق‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 206

خواهد كرد كه اگر زائرى با توجّه و حضور قلب و با عنايت به «محتواى بلند كلمات و جملات زيارات» در حرم آن بزرگواران حضور يابد، در هر جمله‏اى از اين زيارات يك درس مهمّ تربيتى و انسان‏ساز نهفته است؛ فى‏المثل در زيارت جامعه كبيره، كه جامع‏ترين زيارات است درس‏هاى عجيبى نهفته است؛ از جمله:

1- در اثناى زيارت از محبّت و توحيد و شرك‏ستيزى آن عزيزان و مطيع محض خدا بودنشان دم مى‏زند و عرضه مى‏دارد:

«السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ الَى اللَّهِ، وَالْأَدِلّاءِ عَلى‏ مَرْضاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقِرّينَ‏

سلام بر دعوت كنندگان به سوى خدا و هدايت كنندگان بر اسباب خشنودى خدا، و ثابت قدمان‏

فى‏ أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامّينَ فى‏ مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصينَ فى‏ تَوْحيدِ اللَّهِ،

در فرمان خدا، و خالصان در محبّت خدا، پاكدلان در يگانگى خدا

وَالْمُظْهِرينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ، الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ‏

و ظاهركنندگان امر و نهى خدا، و بندگان گرامش كه بر گفتار

بِالْقَوْلِ، وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ».[[162]](#footnote-162)

او پيشى نمى‏گيرند و به فرمانش عمل مى‏كنند.

امكان ندارد آن كس كه اين سخن را از روى معرفت مى‏گويد، به شرك و نفاق روى آورد و در راستاى توحيد و اخلاص قدم برندارد!

2- ممكن نيست كه زيارت كننده در خطاب به آن بزرگواران از تقوا، راستگويى، محوريّت در يگانه‏پرستى، عصمت از لغزشها و فتنه‏ها، طهارت از پليديها و آلودگيهاى آنان سخن بگويد و اعلان بدارد كه من گواهى مى‏دهم شما امامان با تقوا، صادق، قيام كننده به امر پروردگار و عمل كننده به اراده او هستيد، شما اركان توحيد خداوند و راهنمايان به صراط مستقيم او هستيد. خداوند شماها را از لغزشها دور داشته و از فتنه‏هاى دين امنيّت بخشيده و از هر گونه آلودگى گناه پاك ساخته است؛ در عين حال عزمش را بر پرهيزكارى و راستگويى و دورى از آلودگى‏ها و استقامت در صراط مستقيم توحيد، جزم ننمايد.

3- امكان ندارد زائرى روى به آنان كرده، از صبر و استقامت و جهاد و تلاش و از خودگذشتگى آنان در راه خدا و از اقامه نماز و اداى زكات و امر به معروف و نهى از منكر آنان حرف بزند و بگويد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 207

«فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ، وَاكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَادَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ‏

پس شكوهش را ارج نهاده، و جايگاهش را بزرگ داشتيد، و بخشندگيش را ستوديد، و پيوسته او را ياد كرديد،

ميثاقَهُ، وَاحْكَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِى السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ‏

و پيمانش را محكم ساختيد، و عهد بندگيش را استوار نموديد، در آشكار و پنهان‏

الى‏ سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ انْفُسَكُمْ فى‏ مَرْضاتِهِ،

خيرخواهيش كرده با حكمت و اندرز نيكو (مردم را) به راهش دعوت نموديد، و جانتان را در راه خشنوديش فدا كرديد

وَصَبَرْتُمْ عَلى‏ مااصابَكُمْ‏فى‏جَنْبِهِ، وَاقَمْتُمُ الصَّلاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكاةَ، وَامَرْتُمْ‏

و بر مصيبتهايى كه در راه خدا به شما رسيد صبر نموديد و نماز را به پا داشته و زكات را پرداختيد، و امر به‏

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ‏الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِى‏اللَّهِ‏حَقَّ جِهادِهِ، حَتّى‏اعْلَنْتُمْ‏

معروف و نهى از منكر كرده و در راه خدا به شايتگى جهاد نموديد، تا جايى كه دعوتش را آشكار كرديد،

دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرآئِضَهُ، وَاقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرايِعَ احْكامِهِ».[[163]](#footnote-163)

و واجباتش را بيان نموديد و حدودش را به پا داشته و قوانين احكامش را ترويج نموديد.

ولى خودش اهل صبر و تلاش و جهاد نباشد و به نماز و زكات اهمّيّت لازم را ندهد و نسبت به حدود و قوانين الهى، تسامح به خرج دهد.

4- چگونه ممكن است كه خطاب به آنان اعلان كند كه من منتظر ظهور و حاكميّت شما هستم، به فرمان شما گردن مى‏نهم، در پيشاپيشِ تمام خواسته‏ها و حوائجم، خواست شما را در نظر مى‏گيرم (

مُنْتَظِرٌ لِامْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عامِلٌ بِامْرِكُمْ ... وَمُقَدِّمُكُمْ امامَ طَلِبَتى‏ وَحَوآئِجى‏ وَارادَتى‏ فى‏ كُلِّ احْوالى‏ وَامُورى‏)[[164]](#footnote-164)

ولى در عمل، به همه اين قولها و پيمانها پشت پا بزند؟!

5- و يا چگونه ممكن است خطاب به آنان از آثار صلوات بر آنان و بركات ولايت آنان در تزكيه روح و جان و تطهير نفوس و پوشاندن گناهان، سخن بگويد (

وَجَعَلَ صَلَوتِنا عَلَيْكُمْ، وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ، طيباً لِخُلْقِنا، وَطَهارَةً لِأَنْفُسِنا، وَتَزْكِيَةً لَنا، وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنا)[[165]](#footnote-165)

و يا دست به دعا بردارد و بگويد:

خداوند مرا پيوسته بر دوستى و محبّت و آيين و اطاعت شما پايدار بدارد و از خوبانِ دوستداران شما و پيروى‏كنندگان نسبت به آنچه شما به سوى آن دعوت كرده‏ايد و از آنان كه آثار شما را روايت مى‏كنند و راه شما را مى‏پويند قرار دهد

(فَثَبَّتَنِىَ اللَّهُ ابَداً ما حَييتُ عَلى‏ مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدينِكُمْ، وَوَفَّقَنى‏ لِطاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنى‏ شَفاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنى‏ مِنْ خِيارِ مَواليكُمُ التَّابِعينَ لِما دَعَوْتُمْ الَيْهِ، وَ جَعَلَنى‏ مِمَّنْ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 208

يَقْتَصُّ آثارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ‏

)،[[166]](#footnote-166) و يا از ايمان و تبعيّت خويش نسبت به آنچه خدا و رسولش آورده‏اند حرف بزند و از خدا ثبات قدم را طلب كند

(رَبَّنا آمَنَّا بِما انْزَلْتَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ)[[167]](#footnote-167)

و يا وساطت و شفاعت آن بزرگواران را بخواهد و عاجزانه و خاضعانه، آنان را به پروردگارشان قسم دهد كه از خدا آمرزش گناهانش را طلب كنند

(يا وَلِىَّ اللَّهِ، انَّ بَيْنى‏ وَبيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً، لا يَاْتى‏ عَلَيْها الّا رِضاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلى‏ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكُمْ امْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبى‏، وَكُنْتُمْ شُفَعآئى‏)[[168]](#footnote-168)

ولى در عين حال، هيچ تصميم و اراده‏اى براى دور شدن از آلودگى‏ها و گناهان، نداشته باشد و براى خوب شدن و پيمودن راه آنان و نشر آثارشان قدمى برندارد و براى ثابت ماندن در راه آنان و در مسير حق، تلاشى را به خرج ندهد؟!

6- چگونه امكان دارد كه به آنان خطاب كند و بگويد: من مطيع شما هستم، اطاعت شما را اطاعت خدا و عصيان شما را عصيان خدا و دوستى و دشمنى با شما را دوستى و دشمنى با خدا مى‏دانم‏

(فَانّى‏ لَكُمْ مُطيعٌ، مَنْ اطاعَكُمْ فَقَدْ اطاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ احَبَّكُمْ فَقَدْ احَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ ابْغَضَكُمْ فَقَدْ ابْغَضَ اللَّهَ)[[169]](#footnote-169)

ولى در مقام عمل هيچ قدمى كه صداقت او را در اين اظهارات اثبات كند برندارد؟! ... و همچنين ساير جملات پرمحتواى اين زيارت و ساير زيارات.

به گفته شاعر:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| من از مفصّل اين قصه مجملى گفتم‏ |  | تو خود حديث مفصّل بخوان از اين مجمل‏ |
|  |  |  |

زيارت شرك نيست، عين توحيد است:

راستى چه غافلند آنانى كه به گمان واهىِ «پرهيز از شرك» مردم را از زيارت اين بزرگان، با آن همه بركات معنوى و مادّى- كه به قسمتى از آن در بالا اشاره شد- باز مى‏دارند! و خود را مسلمان مى‏دانند در حالى كه از حقيقت اسلام دورند؛ چرا كه زيارت آن بزرگواران به شكلى كه در بالا گفته شد و به عنوان «اولياءاللَّه» و درخواست از آنان به عنوان «شفيعان درگاه الهى» و «عباد صالحين پروردگار» عين توحيد و يكتاپرستى است، و سبب پرورش روح تقوا و ايمان است. گويا نمى‏دانند كه در زيارت آنها، گاه صدها بار نام خداى يگانه برده مى‏شود و مثل زيارت جامعه، با يكصد بار تكبير و توحيد پروردگار آغاز مى‏گردد و با «نماز زيارت» كه نيايش خالصانه‏اى به درگاه خداست پايان مى‏يابد، و گويا بى‏خبرند كه زياراتى چون زيارت «امين‏اللَّه» (كه از معتبرترين زيارتهاست) آميخته با بلندترين و پر محتواترين مناجاتها و راز و نياز

كليات مفاتيح نوين، ص: 209

الهى است؛ آن جا كه پس از سلام و درود به امام زيارت شونده، آن هم به عنوان «امين‏اللَّه در روى زمين» خالصانه با خدايت نجوا مى‏كنى و عرضه مى‏دارى:

«اللهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسى‏ مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، راضِيَةً بِقَضآئِكَ، مُولِعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعآئِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اوْلِيآئِكَ»

و سپس زمزمه مى‏كنى:

«اللهُمَّ انَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتينَ الَيْكَ والِهَةٌ، وَسُبُلَ الرَّاغِبينَ الَيْكَ شارِعَةٌ، وَاعْلامَ الْقاصِدينَ الَيْكَ واضِحَةٌ»[[170]](#footnote-170)

و در پايان آمرزش دوستان و كوتاه شدن شرّ دشمنان و پيروزى كلمه حقّ و نابودى كلمه باطل را طلب مى‏كنى‏

(انْتَ الهى‏ وَسَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ، اغْفِرْ لِأَوْلِيآئِنا، وَكُفَّ عَنَّا اعْدآئَنا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ اذانا، وَاظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيا، وَادْحِضْ كَلِمَةَ الْباطِلِ، وَاجْعَلْهَا السُّفْلى‏، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ).[[171]](#footnote-171)

راستى ناديده گرفتن چنين زيارتها و شرك پنداشتن چنين عرض ارادتها دليلى ندارد، جز سياه بودن دل و غوطه‏ور بودن در گمراهى و عدم آگاهى از كرامات و معجزات آن بزرگواران و آثار و بركات فراوان مادّى و معنوى كه از جانب آن ارواح مقدّسه نصيب زوّارشان مى‏شود و در نهايت- چنانكه گذشت- بى‏خبرى از محتواى بلند زيارتنامه‏هايى كه آميخته با توبه و انابه، و دعا و نيايش و عبوديّت و خضوع در مقابل پروردگار يگانه و بازگشت به سوى اوست؛ اين حقيقتى است كه كمترين آشنايى با آداب زيارت، آن را آشكار مى‏سازد، و آثار فوق‏العاده تربيتى آن را روشن مى‏كند.

زيارت در روايات اسلامى:

بر همين اساس است كه در روايات اهل بيت عليهم السلام با مضامين و تعابير مختلف به زيارت و تعمير قبور آن بزرگواران اهمّيّت زيادى داده شده است كه بخشى از آن عام و مربوط به همه ائمّه است و بعضى از آن خاص است و ما در اين جا به ذكر هفت تعبير عام بسنده مى‏كنيم:[[172]](#footnote-172) 1- از روايات متعدّدى به دست مى‏آيد كه اگر انسان بخواهد كاملًا به عهد و پيمانش نسبت به هر كدام از ائمّه وفا كند، بايد به زيارت قبورشان رود و بداند كه هر كس با ميل و رغبت به زيارتشان رود و مكتب آنان را تصديق نمايد مشمول شفاعتشان در روز قيامت قرار مى‏گيرد

(إِنَّ لِكُلِّ إمامٍ عَهْداً في‏ عُنُقِ أَوْلِيائِهِ وَ شيعَتِهِ، وَ إنَّ مِنْ تَمامِ الوَفَاءِ بِالْعَهْدِ، وَ حُسْنِ الأداءِ، زِيارةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زارَهُمْ رَغْبَةً في‏ زِيارَتِهِمْ، وَ تَصْديقاً بِما رَغِبُوا فيهِ، كانَ أَئِمَّتُهم شُفَعائَهم يَوْمَ القِيامَةِ).[[173]](#footnote-173)

2- زيد شحّام از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه زائر ما اهل‏بيت، مثل كسى است كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله را زيارت كرده باشد و زائر رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله زائر خدا در عرش اوست‏

(قُلْتُ لِأَبي عَبْدِاللَّهِ عليه السلام: ما لِمَنْ زارَ

كليات مفاتيح نوين، ص: 210

رَسُولَ‏اللَّهِ صلى الله عليه و آله؟ قالَ: كَمَنْ زارَ اللَّه عَزَّ وَ جَلَّ فوق عَرْشِهِ) (قالَ قُلْتُ: فَما لِمَنْ زارَ احَداً مِنْكُمْ؟ قالَ:

كَمَنْ زارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله).[[174]](#footnote-174)

3- در روايت جابر كه در آن، رسول گرامى صلى الله عليه و آله از شهادت اهل بيتش خبر مى‏دهد، وقتى فرزندش حسين عليه السلام از زائرين قبور آنها مى‏پرسد، رسول مكرّم صلى الله عليه و آله در جواب مى‏فرمايد: «آنان طوايفى از امّت من هستند كه شما را زيارت مى‏كنند و از آن، بركت مى‏جويند، و شايسته است بر من كه در روز قيامت به سراغشان بروم تا از مشكلات آن روز و از گناهانشان رهايشان سازم و خداوند آنان را در بهشت جاى دهد»

(يا بُنَيَّ، اولئِكَ طَوائِفُ مِنْ أُمَّتى‏، يَزُورُونَكُمْ، فَيَلْتَمِسُونَ بِذلِكَ الْبَرَكَةَ، وَحَقيقٌ عَلَيَّ أَنْ آتيهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ، حَتَّى أُخَلِّصَهُمْ مِنْ أَهْوالِ السَّاعَةِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ، وَيُسْكِنَهُمُ اللّهُ الْجَنَّةَ).[[175]](#footnote-175)

4- عيسى بن راشد از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه هر كس قبر هر كدام از ائمّه عليهم السلام را زيارت كند و نزد آن، دو ركعت نماز بخواند ثواب حجّ و عمره برايش نوشته مى‏شود.[[176]](#footnote-176) 5- در روايت ديگرى امام صادق عليه السلام از اجدادش از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل مى‏كند كه خطاب به اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود: «خداوند قبر تو و قبور فرزندان تو را بقعه‏ها و عرصه هايى از بقاع و عرصات بهشت قرار داده است، و قلبهاى برگزيدگان از خلق و نخبگان از بندگانش را شيفته شما قرار داده، به گونه‏اى كه با تحمّل انواع آزارها و مشكلات، قبور شما را تعمير مى‏كنند و فراوان به زيارت آن قبور مى‏روند؛ همه اينها به نيّت تقرّب به خدا و به جهت علاقه شديدى است كه به رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله دارند. اينان مخصوص شفاعت من و وارد بر حوض كوثر من، و فرداى قيامت، زوّار من در بهشت خواهند بود. يا علىّ! كسى كه قبورتان را مرمّت كند و از آن سركشى نمايد، گويا سليمان بن داود را در بناى بيت‏المقدّس يارى كرده است و كسى كه قبورتان را زيارت كند ثواب حجّ به او داده مى‏شود و به گونه‏اى از گناهانش خارج مى‏شود كه گويا تازه از مادر متولّد شده! پس بر تو و دوستان و محبّان تو بشارت باد به نعمت‏هايى كه هيچ چشمى آن را نديده و هيچ گوشى آن را نشنيده، و بر قلب هيچ بشرى خطور نكرده است ...».[[177]](#footnote-177) 6- در روايتى ديگر، وقتى عبدالرّحمن بن مسلم از امام كاظم عليه السلام درباره با فضيلت‏ترين زيارت (و اين‏كه آيا زيارت اميرمؤمنان افضل است يا ...) سؤال مى‏كند حضرتش مى‏فرمايد: «زيارت و دوستى اوّلين ما، زيارت و دوستى آخرين ماست، و زيارت و ولايت آخرين ما زيارت و ولايت اوّلين ماست (و

كليات مفاتيح نوين، ص: 211

فرقى بين ما وجود ندارد) و هر كس حاجتى از يكى از اوليا و دوستان ما را برآورده كند، گويا حاجت همه ما را برآورده ساخته است ...».[[178]](#footnote-178) 7- همين راوى در روايت ديگرى از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه: «هر كس بعد از رحلت ما به زيارت ما آيد گويا در زمان حياتمان ما را زيارت كرده است و هر كس با دشمنان ما بجنگد گويا در ركاب ما جنگ كرده است، و هر كس علاقه‏مندان ما را دوست داشته باشد در حقيقت به ما محبّت ورزيده، و هر كس مؤمنى را خوشحال كند در حقيقت ما را خوشحال كرده، و هر كس فقيرى از (پيروان) ما را كمك كند جبران كمك او بر جدّ ما محمد صلى الله عليه و آله است».[[179]](#footnote-179) تذكّر: شايان ذكر است كه رفتن به استقبال زائرين اهل بيت عليهم السلام و ديدار از آنان و سلام و تهنيت بر ايشان، از اهمّيّت زيادى برخوردار است و مطابق روايت معلّى بن خنيس، همانند ثواب زوّار، براى انسان استقبال كننده و يا ديداركننده نيز نوشته مى‏شود.[[180]](#footnote-180) پيش از ورود در بحث زيارات معصومين عليهم السلام ذكر سه نكته لازم به نظر مى‏رسد:

1- مقدّمات و آداب سفر

2- آداب زيارت‏

3- اذن دخول‏

مقدّمات و آداب سفر:

با توجّه به اين‏كه غالباً رفتن به زيارت، با مسافرتى همراه است (و به تعبير ديگر: زيارت از مصاديق سفر مى‏باشد) شايسته است زائران از انجام آداب سفر و مقدّمات آن غافل نباشند؛ اجمالى از اين آداب و مقدّمات (كه تفصيل آن در بحارالانوار، جلد 97؛ كتاب‏المزار، صفحه 101 به بعد و در وسائل‏الشيعه، جلد 8؛ ابواب آداب سفر از كتاب‏الحجّ، صفحه 248 به بعد وارد شده) عبارت است از:

1- در بعضى از روايات‏[[181]](#footnote-181) آمده است كه انتخاب بعضى از روزهاى هفته براى مسافرت بهتر است ولى چنانچه انسان سفر خود را با صدقه‏[[182]](#footnote-182) و دعا[[183]](#footnote-183) شروع كند ان‏شاء الله گرفتار مشكلى نخواهد شد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 212

2- با اميدوارى حركت كند و از فال بد زدن بپرهيزد چرا كه از روايات به دست مى‏آيد آن‏گونه كه تو تفأل برخود كنى همان برايت پيش مى‏آيد؛ اگر آسان بگيرى آسان و اگر سخت بگيرى سخت مى‏شود و اگر آن را چيزى به حساب نياورى مشكلى پيش نمى‏آيد.[[184]](#footnote-184) 3- قبل از سفر صدقه بدهد كه در روايتى از امام باقر عليه السلام آمده: «هر زمان امام سجّاد عليه السلام پاى در ركاب مى‏گذاشت با صدقه دادن در حدّ توان خود، سلامتى را از خداوند عزّوجل طلب مى‏كرد و هنگام بازگشت از سفر نيز به شكرانه سلامتى سفر به اندازه توان خويش صدقه مى‏داد و حمد و شكر خدا بجاى مى‏آورد».[[185]](#footnote-185) و نيز آمده است: صدقه بده و هر روز كه خواستى از منزل خارج شو[[186]](#footnote-186) و اگر چيز ناگوارى به دلت راه پيدا كرد، به اوّلين مسكينى كه برخورد مى‏كنى صدقه بده سپس حركت كن كه خداوند، خطر را از شما دور مى‏كند.[[187]](#footnote-187) 4- قبل از سفر دو ركعت نماز بخواند و همه چيز خود را به خدا بسپارد و بگويد:

اللَّهُمَّ إِنّي‏ أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسي‏، وَ أَهْلي‏، وَ مالي‏، وَ ذُرِّيَّتي‏، وَ دُنْياي‏

خداوندا من خودم و خانواده‏ام و اموالم و فرزندانم و دنيا

وَآخِرَتي‏، وَ أَمانَتي‏، وَ خاتِمَةَ عَمَلي‏.

و آخرتم و سرپرستم و پايان كارم را به تو مى‏سپارم.

به سندهاى معتبر نقل شده است كه: آن نماز و اين دعا بهترين جانشين او بر اهل بيتش است و كسى كه اين دعا را بخواند به آنچه درخواست نموده، مى‏رسد.[[188]](#footnote-188) 5- پس از خروج از خانه، بر در منزل و رو به آن سمتى كه به سوى آن، سفرش را آغاز مى‏كند، مى‏ايستد و هر كدام از حمد و آيةالكرسى و فلق و ناس و اخلاص را از پيش رو و جانب راست و چپ مى‏خواند و سپس مى‏گويد:

اللَّهُمَّ احْفَظْني‏، وَ احْفَظْ ما مَعِىَ، وَ سَلِّمْني‏، وَ سَلِّمْ ما مَعِىَ، وَ بَلِّغْني‏،

خداوندا مرا و آنچه با من است حفظ كن و مرا و آنچه با من است سالم بدار و مرا

وَبَلِّغْ ما مَعِىَ بِبَلاغِكَ الْحَسَنِ الْجَميلِ.

و هر چه با من است به بهترين صورت به مقصد برسان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 213

كسى كه چنين كند خداوند او و آنچه همراه اوست را حفظ مى‏كند و به مقصد مى‏رساند.[[189]](#footnote-189) 6- مقدارى از تربت امام حسين عليه السلام بردارد و بگويد:

اللهُمَّ إِنَّ هذِهِ طينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ،

خداوندا اين خاك پاك قبر امام حسين عليه السلام است همان ولىّ و فرزند ولىّ تو؛

اتَّخَذْتُها حِرْزاً لِما اخافُ، وَ لِما لا اخافُ.

من آن را پناهى براى آنچه از آن مى‏ترسم و آنچه از آن نمى‏ترسم قرار داده‏ام.

اگر چنين كند به بركت اين كار در پناه خدا خواهد بود.[[190]](#footnote-190) 7- پس از حركت، در مسير راه مى‏گويد:

اللَّهُمَّ خَلِّ سَبيلَنا، وَ أَحْسِنْ تَسْييرَنا، وَ أَحْسِنْ عافِيَتَنا.[[191]](#footnote-191)

خداوندا راه ما را بگشاى و مسير و توانايى ما را نيكوگردان.

8- وبگويد: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَالَى اللَّهِ، وَفى‏ سَبِيلِ اللَّهِ، اللهُمَّ الَيْكَ‏

\*\*\*\*\* به نام خدا و به يارى خدا و از جانب خدا و به سوى خدا و در راه خدا، خدايا خودم‏

اسْلَمْتُ نَفْسى‏، وَ الَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهى‏، وَ الَيْكَ فَوَّضْتُ امْرى‏، فَاحْفَظْنى‏

را به تو تسليم نموده و به درگاهت رو كرده‏ام، و كارم را به تو واگذارده‏ام، پس مرا با حفظ

بِحِفْظِ الْإِيْمانِ، مِنْ بَيْنِ يَدَىَّ وَ مِنْ خَلْفى‏، وَعَنْ يَمينى‏ وَعَنْ شِمالى‏،

ايمانم محافظت فرما، از مقابل و پشت سر و از طرف راست و چپ و بالاى سر

وَمِنْ فَوْقى‏ وَمِنْ تَحْتى‏، وَادْفَعْ عَنّى‏ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، فَانَّهُ لا حَوْلَ وَلا

و زير پايم، و با توان و نيرويت (خطرات را) از من دور كن، زيرا به يقين پناهگاه‏

قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.[[192]](#footnote-192)

و نيرويى جز از سوى خداوند بلند مرتبه و با عظمت نيست.

9- وقتى سوار بر مركب شود بگويد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 214

بِسْمِ‏اللَّهِ لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ إِلَّابِاللَّهِ، «الْحَمْدُللَّهِ الَّذي‏ هَدانالِهذاوَماكُنَّا لِنَهْتَدِيَ‏

به نام خدايى كه پناهگاه و نيرويى جز براى او نيست، ستايش مخصوص خداوندى است كه ما را به اين (همه نعمتها) رهنمون شد

لَوْلا أَنْ هَدانَا اللَّهُ»[[193]](#footnote-193)، «سُبْحانَ الّذي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهْ مُقْرِنينَ».[[194]](#footnote-194)

و اگر ما را هدايت نكرده بود ما (به اينها) راه نمى‏يافتيم، پاك و منزّه است كسى كه اين را مسخّر ما ساخت وگرنه ما توانايى تسخير آن را نداشتيم.

كه اگر چنين كند خودش و مركبش محفوظ مى‏ماند، تا پياده شود.[[195]](#footnote-195) 10- در مواقع احساس خطر، آيه 80 سوره اسراء را تلاوت كند:

«رَبِّ أَدْخِلْني‏ مُدْخَلَ صِدْقٍ، وَ أَخْرِجْنى‏ مُخْرَجَ صِدْقٍ، وَاجْعَلْ لي‏ مِنْ‏

پروردگارا مرا (در هر كار) با صداقت وارد كن و با صداقت خارج ساز

لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً».

و از سوى خود حجّتى يارى كننده برايم قرار ده.

همچنين خواندن آيةالكرسى در چنين مواردى بسيار خوب است.[[196]](#footnote-196) 11- اگر به منزلى رسيد كه قصد استراحت در آن را دارد قبل از خواب، تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام را بگويد، سپس آيةالكرسى تلاوت كند كه تا صبح از هر خطرى محفوظ بماند.[[197]](#footnote-197) 12- اگر تنها مسافرت مى‏كند بگويد:

«ما شاءَ اللَّهُ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلَّابِاللَّهِ، اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتي‏، وَ أَعِنّي‏ عَلى‏

آنچه خدا بخواهد (همان مى‏شود)، پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند نيست، خدايا همدم دلتنگيم باش و مرا در

وَحْدَتي‏، وَأَدِّ غَيْبَتي‏».[[198]](#footnote-198)

تنهاييم يارى كن، و در زمان غيبتم تو به جاى من باش.

و بهتر است انسان تا امكان دارد تنها سفر نكند.[[199]](#footnote-199) 13- به دوستان و همراهان كمك كند و در رفع نيازهاى آنان مضايقه ننمايد و حقيقتاً نسبت به آنان متواضع و دوست و مهربان باشد. از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است: «

مَا اصْطَحَبَ إِثْنانِ إِلَّا كانَ أَعْظَمُهُما

كليات مفاتيح نوين، ص: 215

أَجْراً وَ أَحَبَّهُما إِلَى اللَّهِ أَرْفَقَهُما لِصاحِبِهِ؛

هرگاه دو نفر با يكديگر همراه شوند آن كس كه بيشتر محبّت و كمك كند نزد خدا محبوب‏تر و پاداشش بيشتر است».[[200]](#footnote-200) در روايت ديگرى از امام سجّاد عليه السلام وارد شده كه حضرتش سفر نمى‏كرد مگر با كسانى كه او را نشناسند تا بتواند در مسير راه، به همراهانش كمك نمايد.[[201]](#footnote-201) در روايتى ديگر از رسول گرامى صلى الله عليه و آله نقل شده كه وقتى با اصحابش در سفر بود و مى‏خواستند گوسفندى بكشند، يكى گفت: كشتن گوسفند با من! ديگرى گفت: كندن پوست آن با من! و سوّمى گفت:

پختن آن با من! و حضرتش فرمود: تهيّه هيزمش با من! گفتند: يا رسول‏اللَّه شما زحمت نكشيد ما خود، انجامش مى‏دهيم. فرمود: مى‏دانم، ولى دوست ندارم نسبت به شما امتيازى پيدا كنم؛ زيرا حق تعالى دوست ندارد كه ببيند بنده‏اش براى خود امتيازى نسبت به ديگران قائل است.[[202]](#footnote-202) 14- به ما دستور داده شده: «با كسانى كه از جهت خرج كردن و تمكّن مالى در رديف شما نيستند، مسافرت نكنيد، مبادا آنها احساس حقارت كنند!».[[203]](#footnote-203) 15- دقيقاً مراقب انجام نمازهاى واجب باشد كه بسيار مهم است؛ زيرا از كمال غفلت زائر است با آن كه براى تقرّب به سوى خدا و رسيدن به ثواب زيارت و حج و عمره و مشاهد مشرّفه، به سفر مى‏رود، در مسير راه، نسبت به نماز و شرايط و حدود، و بجا آوردن آن در اوّل وقت، بى‏مبالاتى و بى‏توجّهى داشته باشد؛ در حالى كه از امام صادق عليه السلام روايت شده كه فرمود: «نماز فريضه از بيست حجّ (مستحبّ) بهتر است».[[204]](#footnote-204) 16- بعد از نمازهاى قصر- اگر وقت دارد- سى مرتبه تسبيحات اربعه را فراموش نكند كه روى آن تأكيد شده است.[[205]](#footnote-205) 17- ناگفته پيداست: آنچه درباره دعا و صدقات براى حفظ جان و مال و خانواده، از خطرات در بالا گفته شد به اين معنا نيست كه انسان احتياط را از دست دهد و مراقبت‏هاى لازم را براى حفظ خويش و اموالش انجام ندهد؛ بلكه مقصود اين است: هر چه براى حفظ خود و اموال خويش در توان دارد انجام دهد و بقيّه را به خدا بسپارد چرا كه در روايت آمده است دعاى افراد سهل انگار مستجاب نمى‏شود.

بنابراين، بايد در جادّه‏هاى خطرناك قدم نگذارد؛ خصوصاً در رانندگى امورى را كه براى ايمنى توصيه شده است فراموش نكند، از سرعت غير مجاز بپرهيزد، با احتياط حركت كند و وسايل لازم را كه در سفرهاى زمستانى يا تابستانى مورد نياز است با خود بردارد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 216

اين سخن را با حديث پرمعنايى پايان مى‏دهيم: امام صادق عليه السلام به يكى از يارانش فرمود: «

اعْقِلْ راحِلَتَكَ وَ تَوَكَّلْ‏

؛ با توكّل زانوى اشتر ببند».[[206]](#footnote-206)

آداب زيارت:

پس از بيان آداب اسلامى سفر كه به منزله مقدّمه‏اى براى زيارت است به سراغ آداب زيارت مى‏رويم كه بسيار است و در اين جا به ذكر مهمترين آنها قناعت مى‏شود:

1- هر كس دوست دارد كه امام معصوم عليه السلام او را بطلبد و به او اجازه شرفيابى دهد، قبل از حركت از همه آنهايى كه از جانب او احتمالًا اذيّت و آزارى و لو در حدّ يك كدورت قلبى به آنها رسيده، حليّت بطلبد؛ خصوصاً كسانى كه از محبّان و موالى آن بزرگواران به حساب مى‏آيند. اين مطلب شواهد فراوانى دارد، از جمله داستان معروف ابراهيم جمّال (ساربان) و على بن يقطين صحابى خاص امام كاظم عليه السلام و وزير هارون الرشيد (البتّه با اجازه آن حضرت و براى نجات مظلومان) مى‏باشد كه بر اثر عدم موافقت با ملاقات ابراهيم جمّال امام عليه السلام او را به ملاقات خود راه نداد و فرمود: چون قلب اين مرد از تو شكسته است خدا زيارت تو را نيز قبول نكرد. على بن يقطين ناچار به سراغ ابراهيم جمّال آمد و با تواضع بى نظير با او ملاقات كرد و از او حليّت طلبيد؛ پس از آن بود كه امام او را به حضور پذيرفت و بشارت قبولى اعمالش را به او داد.[[207]](#footnote-207) 2- هرگونه حقّ الناس و از جمله خمس و زكات اموال را- مخصوصاً به هنگام سفر حجّ- بپردازد؛ چرا كه تا اموال انسان پاك نشود، نه اعمال او با استفاده از آن اموال صحيح است و نه شايسته تقرّب به درگاه خداوند مى‏باشد.

3- غسل زيارت كند و اين دعا را هنگام غسل (يا بعد از آن) بخواند:

أللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لي‏ نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً، وَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَ آفَةٍ وَعاهَةٍ،

به نام خداوند و به يارى خدا، پروردگارا آن را نور و پاكيزگى و نگهبان و شفاى از هر درد و آفت و عيب قرار بده!

اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبي‏، وَاشْرَحْ بِهِ صَدْري‏، و سَهِّلْ بِهِ أَمْرِي‏.[[208]](#footnote-208)

خداوندا با اين غسل قلبم را پاك و خاطرم را شادمان و كارم را آسان گردان.

4- با طهارت باشد يعنى اگر غسل واجبى به گردن اوست بجا آورد، چرا كه امام صادق عليه السلام به ابوبصير كه در حال جنابت بر حضرتش وارد شد فرمود: «

أَما تَعْلَمُ أَنَّهُ لا يَنْبَغي‏ لِلْجُنُبِ أَنْ يَدْخُلَ بُيُوتَ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 217

الْأَنْبِياءِ؛

آيا نمى‏دانى كه براى شخص جنب شايسته نيست كه در خانه‏هاى انبيا (و اوليا) داخل شود» راوى مى‏گويد وقتى حضرت اين را فرمودند ابوبصير برگشت و ما بر آن حضرت داخل شديم.[[209]](#footnote-209) با توجّه به اين‏كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و امام معصوم عليه السلام حىّ و ميّت آنها در اين امور تفاوتى ندارد، نتيجه اين مى‏شود كه فرقى بين حرم‏هاى مقدّسه با خانه‏هاى آنان نباشد.

5- كفشها را درآورد، چون در وادى مقدّسى قدم نهاده است‏

«فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُوى‏».[[210]](#footnote-210)

6- همان‏گونه كه عالم بزرگوار «شهيد اوّل» در كتاب دروس‏[[211]](#footnote-211) گفته است بر درِ حرم شريف بايستد و اذن دخول بطلبد و يا اذن دخولى كه وارد شده است، را بخواند (كه در صفحه 218 خواهد آمد) و با تفكّر در عظمت و جلالت قدر صاحب مرقد شريف و توجّه به اين نكته كه او كلامش را مى‏شنود و سلامش را جواب مى‏دهد و از جايگاه و موقعيّت او باخبر است (چنان‏كه اذن دخولى كه خواهد آمد، صراحت بر اين مطالب دارد) و با تدبّر در لطف و محبّتى كه آنان به شيعيان و زائرانشان دارند و با تأمّل در گناهان خويش و بى‏وفايى كه با خلافكارى‏هاى خود در حقّ آنان كرده و خاطر شريفشان را آزرده ساخته، سعى در تحصيل رقّت قلب و خضوع و انكسار دل و جارى شدن اشك، بنمايد.

7- هنگامى كه نگاهش به قبر مطهّر افتاد، تكبير بگويد و خدا را به عظمت ياد كند، چنان كه در روايتى آمده است: هر كس پيش روى امام تكبير و پس از زيارت‏

«لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ»

بگويد خشنودى بزرگ خدا نصيبش مى‏شود.[[212]](#footnote-212) 8- شكّى نيست كه صرف حضور در محضر امام و ايستادن و يا نشستن مؤدّبانه در مقابل ضريح، زيارت به حساب مى‏آيد چنان‏كه صرف گفتن‏

«السَّلامُ عَلَيْكُمْ»

نيز چنين است.[[213]](#footnote-213) 9- از زيارتهاى غير معتبر و بى دليل پرهيز كند و اگر حوصله و يا فرصت خواندن زيارات معروف را ندارد، مى‏تواند سلام كوتاهى دهد و سپس دو ركعت نماز بخواند و آن را به صاحب قبر هديه كند و حاجت خود را بخواهد، چرا كه در روايت است: عبدالرحيم قصير مى‏گويد: وارد بر امام صادق عليه السلام شدم و گفتم:

فدايت شوم از پيش خود دعايى اختراع كردم، فرمود: واگذار اختراع خود را!، هرگاه تو را حاجتى باشد پناه به حضرت رسول صلى الله عليه و آله بياور و دو ركعت نماز بخوان و آن را به حضرتش هديه كن ....[[214]](#footnote-214)

كليات مفاتيح نوين، ص: 218

10- پس از زيارت، نماز زيارت بخواند كه حداقلّ آن دو ركعت است و اگر در ركعت اوّل حمد و سوره يس و در ركعت دوم حمد و الرّحمن را بخواند بهتر است،[[215]](#footnote-215) و چه بهتر كه در بالاى سر بجا آورد[[216]](#footnote-216) و بعد از نماز زيارت، براى امور دين و دنيايش دعا كند و سعى كند دعا را به ديگران تعميم دهد كه در اين صورت به اجابت نزديكتر است.

اين مطلب (پشت سر يا بالاى سر خواندن) در روايت ابوحمزه ثمالى مربوط به زيارت امام حسين عليه السلام آمده است؛ ولى مرحوم شهيد در دروس براى زيارت همه ائمّه چنين مى‏گويد: «اگر زائر رسول اكرم صلى الله عليه و آله باشد اين دو ركعت را در روضه آن حضرت بخواند و اگر براى يكى از ائمّه عليهم السلام زيارت مى‏خواند بالاى سر بجا آورد و خواندن آن در مسجدِ مكان زيارت نيز، جايز است».[[217]](#footnote-217) 11- مستحبّ است در صورتى كه مزاحمتى براى ساير زوّار فراهم نشود پس از خواندن زيارت و نماز زيارت و به طور كلّى پس از حضور و تشرّف، اطراف ضريح را ببوسد.[[218]](#footnote-218) 12- علاوه بر آنچه گفته شد سزاوار است زوّار محترم لباس‏هاى تميز و مناسب به هنگام زيارت بپوشند و خود را خوشبو كنند و زبان را به ذكر خدا و حمد و تمجيد او و صلوات بر محمّد و آلش مشغول دارند.

13- سعى كنند كه در تمام حالات، حضور قلب را حفظ كنند، از گناهان استغفار نمايند و عزمشان را بر اصلاح كردار و گفتار خود جزم كنند، و در خود نسبت به آينده، تحوّلى به وجود آورند.

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص218**

- شايسته است زائران محترم احترام خدّام اين آستانهاى مقدّس را حفظ كنند همان‏گونه كه بر خادمان لازم است مشكلات زائران را تحمّل كنند و با ادب با آنها رفتار نمايند.

15- به نيازمندان آن شهر و مساكين آن بلد، كمك كنند كه ثواب مضاعف دارد.

16- به هنگام ازدحام به مقدار لازم از زيارت، قناعت نمايند و جاى خود را به ديگران بسپارند و بايد دانست آنچه در زيارت مهم است كيفيّت است نه مقدار و كميّت و گاه يك سلام كوتاه جاى يك زيارت طولانى را مى‏گيرد و در بعضى از روايات دستور به تعجيل در بازگشت داده شده است.

17- بانوان، جداى از مردان و نامحرمان زيارت كنند و با حجاب كامل تشرّف يابند و بدانند زيارت مستحب است و مراعات حجاب و جهات عفّت واجب است؛ مبادا واجب را فداى مستحب كرد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 219

در پايان اين فصل، تذكّر اين نكته ضرورى است كه برادران زائر، مواظب حجاب و عفاف همسران و دختران خود در اين مكان‏هاى مقدّس (و بلكه در هر زمان و مكان ديگر) باشند تا خداى ناكرده با يك بى‏توجّهى، روح آن معصومان عليهم السلام را آزرده نكنند و زيارتشان را به جفا تبديل ننمايند.

\*\*\*

از اين امور بايد پرهيز كرد:

1- در وقت خواندن زيارت صداى خود را بلند نكند چنانكه از آيه‏

«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبيّ ...»[[219]](#footnote-219)

به دست مى‏آيد. زيرا گرچه اين آيه مربوط به حيات رسول گرامى است ليكن چنانكه گذشت، فرقى بين حيات و ممات آن حضرت نيست همان‏گونه كه مطابق روايتى كه آن نيز گذشت، فرقى بين او و اهل بيتش در اين جهت وجود ندارد و زيارت هر كدام از ائمّه زيارت خود آن حضرت است.

2- پس از ورود در حرم اگر وقت نماز واجب فرا رسيد، از تأخير نماز بپرهيزد و اوّل به نماز مشغول شود، به خصوص اگر نماز جماعت برپا شده باشد؛ همچنين اگر در وسط زيارت، وقت نماز وارد شود. خدّام محترمِ حرم‏هاى مقدّسه وظيفه دارند كه مردم را به اين دستور شرعى دعوت كنند.

3- سخنان بيهوده و دنيايى را در حرم مطهّر ترك كند كه اين كار در شأن زوّار حرم‏هاى مطهّر نيست و به جاى آن قرآن تلاوت كند و ثواب آن را به صاحب آن بقعه مباركه هديه كند و بداند كه عمل او تعظيمى براى آن بزرگوار است و بركاتش به خود تلاوت كننده باز مى‏گردد و نيز مى‏تواند به ذكر خدا مشغول باشد چرا كه اين حرم‏هاى مطهّر همچنان كه خداوند سبحان در آيه‏

«في‏ بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ انْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فيها بِالْغُدُوِّ وَالآصالِ»[[220]](#footnote-220)

اشاره فرموده است: خانه‏هايى است كه پيوسته از رفعت و علوّ مرتبه برخوردار بوده، نام خدا در آنها برده مى‏شود و صبح و شام جايگاه تسبيح اوست.

4- از هر گونه ايجاد مزاحمت و ناراحتى براى ديگران بپرهيزد و به هنگام ازدحام اصرار بر بوسيدن ضريح كه سبب ناراحتى ديگران مى‏شود، نداشته باشد و بداند بوسيدن ضريح- آن‏گونه كه بعضى از عوام مى‏پندارند- شرط قبولى زيارت نيست و سعى كند از آلوده كردن اين حرم‏هاى مقدّس بپرهيزد و حداكثر نظافت را- كه از مهمترين دستورات اسلام است- رعايت كند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 220

اذن دخول:

پيش از ورود در حرم‏هاى معصومين عليهم السلام از آنها اجازه ورود مى‏طلبيم، و به هنگام ترك اين حرم‏ها وداع مى‏گوييم كه مفهومش اين است آن بزرگواران را زندگان جاويد مى‏دانيم كه به فرمان خدا از حال و راز همه زائران خود آگاهند.

و از آنجا كه يك فرد آلوده، شرم مى‏كند كه پاى خود را بر بساط پاك اولياء اللَّه بگذارد، همانجا توبه مى‏كند و لباس آلوده گناهان را از تن بيرون مى‏نمايد و با لباس تقوا و پرهيزكارى وارد مى‏شود. آهسته و با ادب در حالى كه ذكر خدا بر لب دارد گام بر مى‏دارد تا به آن مرقد مقدس برسد.

محتواى اذن دخول‏هايى كه براى ورود در اين حرم‏هاى مقدس وارد شده، بسيار آموزنده است و در بيدارى قلب و حضور دل و توجه به موقعيت آن حرم شريف و معرفت صاحب آن و زدودن غبار غفلت از روح و جان بسيار مؤثر است.

به تصريح برخى از جملات اين اذن دخول‏ها، زائر به هنگام ورود مى‏گويد: «

وَ اعْلَمُ انَّ رَسُولَكَ وَخُلَفآئَكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، احْيآءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقامى‏، وَ يَسْمَعُونَ كَلامى‏، وَيَرُدُّونَ سَلامى‏

؛ خدايا من عقيده دارم كه پيامبر تو و جانشينانت زنده‏اند و در نزد تو روزى داده مى‏شوند». اگر زائرى در بدو ورود به محضر معصومان عليهم السلام با اين اعتقاد وارد شود و اين حقيقت را با جان و دل بپذيرد كه آنان او را مى‏بينند و سخن او را مى‏شنوند و به سلام و ارادتش پاسخ مى‏دهند، زيارت او حال و هواى ديگرى خواهد داشت.

سزاوار است زائران محترم، به مضامين اين اذن دخول‏ها كمال توجه را داشته باشند.

چنانكه گذشت يكى از آدابى كه بزرگان علما براى زيارت ذكر كرده‏اند، اذن دخول است و آن به دو صورت است:

اوّل: همان است كه محدّث بزرگوار مرحوم حاج شيخ عباس قمى از «كفعمى»[[221]](#footnote-221) براى همه مشاهد مشرّفه ذكر كرده و «علّامه مجلسى»[[222]](#footnote-222) در باب زيارت رسول اكرم صلى الله عليه و آله در مدينه به عنوان اذن دخول براى زيارت آن حضرت آورده است. ولى همان گونه كه از عبارات آن، خصوصاً از جمله‏

«وَ أَسْتَأْذِنُ خَليفَتَكَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طاعَتُهُ»

پيداست اختصاصى به زيارت رسول مكرّم صلى الله عليه و آله ندارد، بلكه مربوط به همه مشاهد مشرّفه است. عبارت اذن دخول اين است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 221

اللهُمَّ انّى‏ وَقَفْتُ عَلى‏ بابٍ مِنْ ابْوابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ الِهِ،

خدايا به يقين بر درى از درهاى خانه‏هاى پيامبرت- كه درود تو بر او و خاندان پاكش باد- ايستاده‏ام‏

وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ انْ يَدْخُلُوا الَّا بِاذْنِهِ، فَقُلْتَ يا ايُّهَا الَّذينَ امَنُوا

در حالى كه مردم را از داخل شدن بى‏اجازه منع نموده و فرمودى: اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد

لاتَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِىِّ الَّا انْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ انّى‏ اعْتَقِدُ حُرْمَةَ صاحِبِ‏

در خانه‏هاى پيامبر داخل نشويد مگر به شما اجازه داده شود، خدايا من به (رعايت) احترام صاحب‏

هذَا الْمَشْهَدِ الشَّريفِ فى‏ غَيْبَتِهِ، كَما اعْتَقِدُها فى‏ حَضْرَتِهِ، وَاعْلَمُ انَ‏

اين زيارتگاه شريف در زمان غيبتش همانند زمان حضورش معتقدم، و مى‏دانم كه‏

رَسُولَكَ وَخُلَفآئَكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، احْيآءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقامى‏

فرستاده و جانشينانت- كه بر آنان درود باد- زنده‏اند و در نزدت روزى مى‏خورند، جايگاه مرا ديده‏

وَ يَسْمَعُونَ كَلامى‏، وَيَرُدُّونَ سَلامى‏، وَا نَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعى‏ كَلامَهُمْ،

و سخنم را شنيده و سلام مرا جواب مى‏دهند، و به يقين تو مرا از شنيدن سخن آنان بازداشته‏اى‏

وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمى‏ بِلَذيذِ مُناجاتِهِمْ، وَانّى‏ اسْتَاذِنُكَ يا رَبِّ اوَّلًا،

و باب فهم مرا براى شيرينى مناجات آنان به رويم گشودى، و اى پروردگار من، ابتدا از تو اجازه مى‏گيرم‏

وَاسْتَاْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏وَآلِهِ ثانِياً، وَاسْتَاْذِنُ خَليفَتَكَ الْإِمامَ‏

و بعد از فرستاده‏ات- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- اجازه مى‏گيرم و پس از جانشينت، آن امامى‏

الْمَفْروُضَ‏[[223]](#footnote-223) عَلَىَّ طاعَتُهُ، فُلانَ بْنَ فُلانٍ\* بجاى فلان بن فلان، آن امامى را كه‏ كه اطاعتش را بر من واجب نمودى، فلان پسر فلان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏خواهد زيارت كند نام ببرد و همچنين نام پدرش را ببرد مثلًا اگر در زيارت امام حسين عليه السلام است بگويد:

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِىٍّ عليه السلام‏

و اگر در زيارت امام رضا عليه السلام است بگويد:

عَلِىَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا عليه السلام‏

و سپس بگويد:

وَالْمَلائِكَةَ الْمُوَكِّلينَ بِهذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَكَةِ ثالِثاً، ءَادْخُلُ يا رَسُولَ‏

و فرشتگانى كه عهده‏دار امور اين زيارتگاه مبارك مى‏باشند اجازه مى‏گيرم، آيا داخل شوم اى رسول‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 222

اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا مَلآئِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبينَ الْمُقيمينَ فى‏

خدا؟ آيا داخل شوم اى حجّت خدا، آيا داخل شوم اى فرشتگان مقرّب خدا كه در

هذَا الْمَشْهَدِ، فَاْذَنْ لى‏ يا مَوْلاىَ فى‏ الدُّخُولِ افْضَلَ ما اذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ‏

اين زيارتگاه اقامت داريد؟ پس اى مولاى من، براى داخل شدن به من اجازه فرما، بهترين اجازه‏اى كه به هر يك از

اوْلِيآئِكَ، فَانْ لَمْ اكُنْ اهْلًا لِذلِكَ فَانْتَ اهْلٌ لَهُ\* سپس بگويد: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

دوستانت داده‏اى، پس اگر من شايسته آن اجازه نيستم ولى تو شايسته آنى (كه به من اجازه فرمايى)،\*\*\*\*\*\*\*\* به نام خدا و به يارى خدا

وَفى‏ سَبيلِ اللَّهِ، وَعَلى‏ مِلَّةِ رَسوُلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْلى‏

و در راه خدا و بر دين فرستاده خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدايا مرا بيامرز

وَارْحَمْنى‏، وَتُبْ عَلَىَّ انَّكَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ.

و به من ترحّم كن، و توبه‏ام را بپذير، كه به يقين تو بسيار توبه‏پذير و مهربانى.

دوم: اذن دخولى است كه «علّامه مجلسى» آن را از يكى از نسخه‏هاى قديمى بعضى از تأليفات علماى شيعه براى دخول در سرداب مقدّس و بُقاع منوّره سايرائمّه عليهم السلام نقل فرموده و آن، چنين است:

اللهُمَّ انَّ هذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَها، وَعَقْوَةٌ شَرَّفْتَها، وَمَعالِمُ زَكَّيْتَها، حَيْثُ‏

خدايا اين مكان بارگاهى است كه پاك گردانده‏اى، و محلّى است كه شرافت بخشيده‏اى، و جايگاهى است كه پاكيزه نموده‏اى، جايى كه‏

اظْهَرْتَ فيها ادِلَّةَ التَّوْحيدِ، وَاشْباحَ الْعَرْشِ الْمَجيدِ، الَّذينَ اصْطَفَيْتَهُمْ‏

در آن دلايل توحيد و ارواح (مطهر ساكن در) عرش با عظمتت را ظاهر كرده‏اى، آنان كه براى محافظت‏

مُلُوكاً لِحِفْظِ النِّظامِ، وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسآءَ لِجَميعِ الْأَنامِ، وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيامِ‏

نظام آفرينش به عنوان فرمانروا برگزيده‏اى و براى سرورى تمام مردم اختيار كرده‏اى و براى بپا داشتن‏

الْقِسْطِ فِى ابْتِداءِ الْوُجُودِ الى‏ يَوْمِ الْقِيمَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنابَةِ

عدالت از آغاز خلقت تا روز قيامت برانگيخته‏اى، سپس براى جانشينى پيامبرانت بر آنان‏

انْبِيآئِكَ، لِحِفْظِ شَرايِعِكَ وَاحْكامِكَ، فَاكْمَلْتَ بِاسْتِخْلافِهِمْ رِسالَةَ

منّت نهاده‏اى تا شرع مقدّس و احكامت را حفظ كنند، پس به واسطه جانشينى آنان رسالت پيامبران بيم‏دهنده‏ات را

الْمُنْذِرينَ، كَما اوْجَبْتَ رِياسَتَهُمْ فى‏ فِطَرِ الْمُكَلَّفينَ، فَسُبْحانَكَ مِنْ الهٍ‏

كامل نموده‏اى، همان‏گونه كه (پذيرش) رياست آنان را در نهاد مكلّفين واجب گردانده‏اى، پس تو را به عنوان معبود تسبيح مى‏گويم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 223

ما ارْا فَكَ، وَلا الهَ الَّا انْتَ مِنْ مَلِكٍ ما اعْدَلَكَ، حَيْثُ طابَقَ صُنْعُكَ ما

چون بسيار مهربانى، و معبودى جز تو به عنوان فرمانروا نيست چون بسيار عادلى، زيرا افعال تو با آنچه عقلها را

فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ، وَ وافَقَ حُكْمُكَ ما قَرَّرْتَهُ فِى الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ،

بر آن آفريدى مطابق است، و فرمانت با آنچه در معقول و منقول مقرّر فرمودى موافق است،

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ تَقْديرِكَ الْحَسَنِ الْجَميلِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلى‏ قَضآئِكَ‏

پس حمد و سپاس از آنِ توست بر مقدّرات زيبا و نيكويت و ستايش از آنِ توست بر تقديرت‏

الْمُعَلَّلِ بِاكْمَلِ التَّعْليلِ، فَسُبْحانَ مَنْ لا يُسْئَلُ عَنْ فِعْلِهِ، وَلا يُنازَعُ فى‏

كه كاملترين علّتها را داراست، پس تسبيح مى‏گويم كسى را كه از كارش سؤال نشود و در فرمانش منازعه‏

امْرِهِ، وَسُبْحانَ مَنْ كَتَبَ عَلى‏ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدآءِ خَلْقِهِ، وَالْحَمْدُللَّهِ‏

نگردد و تسبيح مى‏گويم كسى را كه رحمت و بخشش را قبل از آغاز خلقت بر خودش واجب فرمود و حمد و سپاس‏

الَّذى‏ مَنَّ عَلَيْنا بِحُكَّامٍ يَقُومُونَ مَقامَهُ لَوْ كانَ حاضِراً فِى الْمَكانِ، وَلا

از آنِ خدايى است كه بر ما منّت گذاشت به فرمانروايانى كه جانشينان اويند، اگر بنا بود او در مكانى حاضر شود،

اله الَّا اللَّهُ الَّذى‏ شَرَّفَنا بِاوْصِيآءَ يَحْفَظُونَ الشَّرايِعَ فى‏ كُلِّ الْأَزْمانِ،

معبودى نيست جز خدايى كه ما را شرافت بخشيد به نمايندگانى كه شرع مقدّس را در هر زمان حفظ مى‏كنند،

وَاللَّهُ اكْبَرُ الَّذى‏ اظْهَرَهُمْ لَنا بِمُعْجِزاتٍ يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلانِ، لاحَوْلَ وَلا

و خداوند با عظمت آنان را با معجزاتى كه جنّ و انس از آن عاجزند براى ما آشكار گردانيد، پناهگاه‏

قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، الَّذى‏ اجْرانا عَلى‏ عَوآئِدِهِ الْجَميلَةِ فِى الْأُمَمِ‏

و نيرويى جز از سوى خداوند بلند مرتبه و با عظمت نيست، كه نعمتهاى زيباى در ميان امّتهاى گذشته را بر ما

السَّالِفينَ، اللهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنآءُ الْعَلِىُّ، كَما وَجَبَ لِوَجْهِكَ الْبَقآءُ

مقرّر فرمود، خدايا حمد و ستايش و بلندى مرتبگى از آنِ توست، آن گونه كه بقا و جاودانگى‏

السَّرْمَدِىُّ، وَ كَما جَعَلْتَ نَبِيَّنا خَيْرَ النَّبِيّينَ، وَمُلُوكَنا افْضَلَ الْمَخْلُوقينَ،

بر تو واجب شد، و آن گونه كه پيامبر ما را بهترين پيامبران و فرمانروايان ما را بهترين آفريدگان قرار دادى‏

وَاخْتَرْتَهُمْ عَلى‏ عِلْمٍ عَلَى الْعالَمينَ، وَفِّقْنا للِسَّعْىِ الى‏ ابْوابِهِمُ الْعامِرَةِ

و از روى آگاهى آنان را بر جهانيان انتخاب نمودى، ما را براى رسيدن به درگاه آباد آنان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 224

الى‏ يَوْمِ الدّينِ، وَاجْعَلْ ارْواحَنا تَحِنُّ الى‏ مَوْطِئِ اقْدامِهِمْ، وَنُفُوسَنا

تا روز قيامت موفّق بدار، و روحمان را شيفته راه آنها، و جانمان را مشتاق توجّه‏

تَهْوِى النَّظَرَ الى‏ مَجالِسِهِمْ وَعَرَصاتِهِمْ، حَتَّى كَا نَّنا نُخاطِبُهُمْ فى‏

به مجالس و جايگاه آنها قرار ده، كه گويا ما در حضورشان با آنان‏

حُضُورِ اشْخاصِهِمْ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سادَةٍ غائِبينَ، وَمِنْ سُلالَةٍ

سخن مى‏گوييم، پس درود خدا بر آنان باد كه سروران غايب و از نژاد

طاهِرينَ، وَمِنْ ائِمَّةٍ مَعْصُومينَ، اللهُمَّ فَاْذَنْ لَنا بِدُخُولِ هذِهِ الْعَرَصاتِ،

پاكان و امامان معصومند، خدايا براى داخل شدن به اين جايگاهها (ى مقدّس) كه‏

الَّتِى اسْتَعْبَدْتَ بِزِيارَتِها اهْلَ الْأَرَضينَ وَالسَّمواتِ، وَارْسِلْ دُمُوعَنا

اهل آسمان و زمين را به زيارت آنها وادار نمودى، به ما اجازه فرما، و اشكهاى ما را

بِخُشُوعِ الْمَهابَةِ، وَذَلِّلْ جَوارِحَنا بِذُلِّ الْعُبُودِيِّةِ وَ فَرْضِ الطَّاعَةِ، حَتَّى‏

با فروتنى فراوان جارى كن، و اعضاى ما را به تسليم در بندگى و وجوب اطاعت مطيع گردان، تا به‏

نُقِرَّ بِما يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصافِ، وَنَعْتَرِفَ بِانَّهُمْ شُفَعآءُ الْخَلايِقِ اذا

صفاتى كه براى آنان واجب گردانده‏اى اقرار كرده و به شفاعت آنان از آفريدگان اعتراف كنيم‏

نُصِبَتِ الْمَوازينُ فى‏ يَوْمِ الْأَعْرافِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ وَسَلامٌ عَلى‏ عِبادِهِ الَّذينَ‏

در روزى كه ميزان (سنجش اعمال) در روز قيامت برپا شود، و حمد و سپاس از آنِ خداوند است و درود بر بندگانى‏

اصْطَفى‏، مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ.

كه آنها را برگزيد، همان محمّد و خاندان پاكش.

سپس با خضوع و خشوع داخل شو و بدان كه حال توجّه و خضوع، علامت صدور اذن از ناحيه مقدّس آن بزرگواران است.[[224]](#footnote-224) اكنون كه طريقه اذن دخول را دانستى، به سراغ زيارات يك يك از معصومين عليهم السلام مى‏رويم و از زيارت رسول خدا صلى الله عليه و آله و ساير مشاهد مشرّفه مدينه شروع مى‏كنيم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 225

فصل اوّل: زيارت رسول خدا صلى الله عليه و آله و فاطمه زهرا عليها السلام و ائمّه بقيع عليهم السلام و ساير مشاهد و مساجد در مدينه منوّره‏

زيارت رسول خدا صلى الله عليه و آله از نزديك:

بر هر مسلمانى- خصوصاً بر حجّاج خانه خدا- مستحب مؤكّد است، زيارت قبر رسول مكرّم صلى الله عليه و آله در مدينه منوّره، و روايات زيادى درباره فضيلت زيارت آن حضرت وارده شده كه از آن جمله است:

1- امام صادق عليه السلام مى‏فرمايد: «امام حسين عليه السلام از رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله سؤال كرد: پاداش زائر شما چيست؟

فرمود: فرزندم! كسى كه در حيات يا ممات من، مرا زيارت كند، يا پدرت را و يا برادرت را و يا خودت را زيارت كند، بر من لازم است كه در روز قيامت زيارتش كنم تا او را از گناهانش رهايى بخشم»؛

(كانَ حَقّاً عَلَىَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، حَتّى‏ أُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ).[[225]](#footnote-225)

2- در روايات متعدّدى آمده است كه اگر كسى با خلوص نيّت به زيارت قبر رسول خدا صلى الله عليه و آله برود، آن حضرت شفيع او در قيامت مى‏شود و ان شاءاللَّه وارد بهشت مى‏گردد.[[226]](#footnote-226) 3- زيارت قبر رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله معادل حجّ مقبولى است كه به همراه آن حضرت بجا آورده شود.[[227]](#footnote-227) 4- فرمود: «كسى كه در حيات يا پس از مرگم مرا زيارت كند، روز قيامت در جوار من خواهد بود»؛

(كانَ فِي‏ جَوارِي‏ يَوْمَ الْقِيامَةِ).[[228]](#footnote-228)

5- رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: «

ما بَيْنَ بَيْتي‏ وَ مِنْبَري‏، رَوْضَةٌ مِنْ رِياضِ الْجَنَّةِ ...؛

ميان خانه و منبر من، باغى از باغ‏هاى بهشت است ...».[[229]](#footnote-229) 6- مرحوم صدوق از اميرمؤمنان على عليه السلام روايت كرده كه فرمود: «حجّ خود را با زيارت حضرت رسول صلى الله عليه و آله كامل كنيد؛ چرا كه ترك زيارتش بى وفايى و خلاف ادب است».[[230]](#footnote-230)

كليات مفاتيح نوين، ص: 226

كيفيّت زيارت و آداب آن:

1- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه قبل از ورود در مدينه غسل كند.[[231]](#footnote-231) 2- «شيخ طوسى» براى داخل شدن در مسجدالنّبى و زيارت رسول مكرّم صلى الله عليه و آله، نيز غسل ديگرى را ذكر كرده است.[[232]](#footnote-232) 3- اذن دخول بخواند كه آن را نيز «كفعمى» و ديگران ذكر كرده‏اند و در صفحه 220 در بحث اذن دخول گذشت.

4- سپس مطابق آنچه «ابن‏قولويه» در «كامل الزيارات» از امام صادق عليه السلام نقل كرده، نزد قبر پيامبر صلى الله عليه و آله برود و بر آن حضرت سلام كند، آنگاه (چنانچه ميسّر شود) كنار ستونى كه جانب راست قبر و نزد سر مبارك حضرتش قرار دارد، رو به قبله بايستد و بگويد:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ‏

گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خدا نيست، يگانه‏اى كه شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده‏

وَرَسُولُهُ، وَاشْهَدُ انَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَانَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ قَدْ

و فرستاده اوست، و گواهى مى‏دهم كه به يقين تويى فرستاده خدا و محمّد فرزند عبداللَّه، و گواهى مى‏دهم كه تو

بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ،

رسالتهاى پروردگارت را به انجام رساندى و براى امّتت خيرخواهى نمودى و در راه خدا جهاد كردى‏

وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَادَّيْتَ‏

و خدا را در سايه حكمت و موعظه‏هاى نيكو تا زمان مرگت عبادت نمودى، و حقوقى كه‏

الَّذى‏ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَانَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنينَ، وَغَلُظْتَ عَلَى‏

بر عهده داشتى ادا نمودى، و به يقين تو بر مؤمنان، مهربان و بر كافران،

الْكافِرينَ، فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ افْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِى‏

سخت‏گير بودى، پس خداوند تو را به برترين شرافت جايگاه مقربان رساند، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه‏

اسْتَنْقَذَنا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلالَةِ، اللهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ‏

به واسطه تو ما را از شرك و گمراهى رهايى بخشيد، خدايا قرار ده درودهايت و درود

مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَ عِبادِكَ الصَّالِحينَ، وَ انْبِيآئِكَ الْمُرْسَلينَ، وَاهْلِ‏

فرشتگان مقرّب و بندگان شايسته، و پيامبران فرستاده شده‏ات، و ساكنان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 227

السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ،

آسمانها و زمين و هر كه از پسينيان و پيشينيان كه پروردگار جهان را تسبيح مى‏گويد (درودهاى همه را)

عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَامينِكَ وَنَجِيِّكَ، وَحَبيبِكَ وَصَفِيِّكَ،

بر محمّد بنده و فرستاده و پيامبر و امين (بر وحى) و محرم راز و دوستدار و برگزيده‏

وَصَفْوَتِكَ وَخآصَّتِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَاعْطِهِ الدَّرَجَةَ

و انتخاب شده و بنده خاص و اختيارشده از ميان مخلوقاتت (قرار ده)، خدايا مقام (عالى)

وَالْوَسيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْأخِرُونَ،

و واسطه (شفاعت) در بهشت را به او عطا كن، و او را به مقام شايسته‏اى كه پيشينيان و پسينيان به آن غبطه خورند، برسان‏

اللهُمَّ انَّكَ قُلْتَ وَلَوْ انَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ جآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ،

خدايا به يقين تو فرمودى: و اگر اين مخالفان هنگامى كه به خود ستم مى‏كردند (و فرمانهاى خدا را زير پا مى‏گذارند) به نزد تو مى‏آمدند و از خدا طلب آمرزش مى‏كردند

وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحيماً، وَانّى‏ اتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا

و پيامبر هم براى آنها استغفار مى‏كرد خدا را توبه‏پذير و مهربان مى‏يافتند، و من به درگاه پيامبرت آمده‏ام در حالى كه آمرزش طلبيده‏

تآئِباً مِنْ ذُنُوبى‏، وَانّى‏ اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِىِّ الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ‏

و از گناهانم توبه مى‏كنم، و من به پيامبرت پيامبر رحمت، محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يا مُحَمَّدُ إِنِّى‏ اتَوَجَّهُ الَى اللَّهِ رَبّى‏ وَ رَبِّكَ، لِيَغْفِرَ لى‏ ذُنُوبى‏.

بر او و خاندان پاكش باد- رو مى‏كنم، اى محمّد به يقين من به خدايى كه پروردگار من و توست رو مى‏كنم كه گناهانم را بيامرزد.

سپس فرمود: اگر حاجتى دارى، رو به قبله بايست و دو دستت را بالا ببر و حاجتت را طلب كن كه اميد است برآورده شود ان شاءاللَّه.[[233]](#footnote-233) 5- در روايت ديگرى از امام صادق عليه السلام در همان كتاب آمده است: پس از فراغت از دعا، نزد منبر بايست و حمد خداى به جاى آور و ثناى او بگو و حاجتت را طلب كن؛ چرا كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله فرمود: «مابين قبر من و منبر من، باغى از باغ‏هاى بهشت است ... سپس آنچه خواستى نماز مى‏خوانى».[[234]](#footnote-234) 6- اسحاق بن عمّار مى‏گويد: خدمت امام صادق عليه السلام عرض كردم: سلام مختصر و كوتاهى نزد قبر پيامبر صلى الله عليه و آله به من بياموز، فرمود: بگو:

كليات مفاتيح نوين، ص: 228

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذى‏ انْتَجَبَكَ وَ اصْطَفاكَ وَ اخْتارَكَ، وَ هَداكَ وَ هَدى‏ بِكَ، انْ‏

از خدايى كه تو را انتخاب كرده و برگزيد و اختيار كرده و هدايت نمود، به واسطه تو ديگران را هدايت كرد، مى‏خواهم كه‏

يُصلِّيَّ عَلَيْكَ صَلاةً كَثيرةً طَيِّبَةً».[[235]](#footnote-235)

بر تو درود فرستد، درودى فراوان و پاكيزه.

7- بزنطى‏از امام رضا عليه السلام سؤال مى‏كند كه سلام بر رسول خدا صلى الله عليه و آله چگونه است؟ فرمود: مى‏گويى:

«السَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّه، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيَكَ يا امينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُ مَّتِكَ، وَ جاهَدْتَ في سَبيلِ رَبِّكَ، وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتاكَ الْيَقينُ، فَجَزاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ ما جَزى‏ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى إِبْراهيمَ وَ آلِ إبْراهيمَ، إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ».[[236]](#footnote-236)

8- در مسجد پيامبر صلى الله عليه و آله نماز زياد بجا آورده شود كه به فرموده رسول خدا صلى الله عليه و آله: يك ركعت نماز در آن معادل هزار ركعت در مساجد ديگر است و نماز در مسجدالحرام برابر هزار نماز در مسجد من (مسجد النبى) است (يعنى ثواب يك ميليون نماز دارد).[[237]](#footnote-237)

زيارت رسول خدا صلى الله عليه و آله از دور

فضيلت زيارت آن حضرت از دور:

1- يكى از ياران امام صادق عليه السلام مى‏گويد: امام عليه السلام به من امر فرمود كه هر چه مى‏توانم در مسجد رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله نماز بگزارم؛ چرا كه اين توفيق هميشه نصيب انسان نمى‏شود. سپس فرمود: آيا كنار قبر رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله هم مى‏روى؟ عرض كردم: آرى، فرمود: آگاه باش كه او سلام تو را از نزديك مى‏شنود و اگر دور هم باشى از دور هم سلامت به او مى‏رسد.[[238]](#footnote-238) 2- امام على عليه السلام از رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله نقل مى‏كند كه فرمود: «هر كس در هر مكانى از زمين، به من سلام كند سلامش به من مى‏رسد».[[239]](#footnote-239)

كليات مفاتيح نوين، ص: 229

3- در روايت معتبرى از امام سجّاد عليه السلام نقل شده كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله فرمود: كسى كه بعد از وفات من به زيارت قبرم بيايد، مثل كسى است كه در زمان حياتم به سوى من هجرت كرده است؛ پس اگر توان آن را نداريد، از دور بر من سلام بفرستيد كه به من مى‏رسد.[[240]](#footnote-240)

كيفيّت زيارت آن حضرت از دور:

1- يكى از ياران امام رضا عليه السلام مى‏گويد: خدمت آن حضرت عرض كردم: بعد از نماز فريضه چگونه بر رسول گرامى صلى الله عليه و آله سلام فرستم (و حضرتش را زيارت كنم)؟ فرمود: خطاب به آن حضرت مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى رسول خدا و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى‏

مُحَمَّدَ بْنَ عَبدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللَّهِ،

محمّد بن عبداللَّه، سلام بر تو اى اختيارشده خدا، سلام بر تو اى محبوب خدا،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ‏

سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى امين (بر وحى) خدا، گواهى مى‏دهم كه تو فرستاده‏

اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبدِاللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ،

خدايى، و گواهى مى‏دهم كه تو محمّد پسر عبدالله هستى، و گواهى مى‏دهم كه تو براى امتت خيرخواهى نمودى‏

وَجاهَدْتَ في‏ سَبيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتاكَ الْيَقينُ، فَجَزاكَ اللَّهُ يا

و در راه پروردگارت جهاد كردى، و او را تا زمان مرگ عبادت نمودى، پس خداوند تو را جزاى خير دهد اى‏

رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ ما جَزى‏ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

رسول خدا، بهترين جزايى كه هيچ پيامبرى را از جانب امّتش چنان پاداشى نداده است، خدايا بر محمد و خاندان پاكش‏

مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ ابراهيمَ وَ آلِ إبْراهيمَ، إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ».[[241]](#footnote-241)

درود فرست، بهترين درودى كه بر ابراهيم و خاندان ابراهيم فرستاده‏اى، كه تو ستوده و سزاوار ستايشى.

2- و نيز «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» از امام صادق عليه السلام نقل كرده كه فرمود: «كسى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 230

بخواهد از شهر خويش قبر رسول گرامى صلى الله عليه و آله و قبور ساير ائمّه عليهم السلام را زيارت كند روز جمعه غسل نمايد و دو جامه پاكيزه بپوشد و در فضاى باز بايستد؛ سپس چهار ركعت نماز بخواند با هر سوره‏اى كه ميسّر شود، پس از تشهّد و سلام، رو به قبله بايستد و بگويد:

«السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا النَّبِىُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

سلام بر تو اى پيامبر و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى‏

النَّبِىُّ الْمُرْسَلُ، وَالْوَصِىُّ الْمُرْتَضى، وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرى‏، وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْراءُ،

پيامبر فرستاده شده و (بر على) جانشين پسنديده‏ات و (بر همسرت) بانو خديجه كبرى‏، و (بر دخترت) بانو فاطمه زهرا

وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ، وَالْأَوْلادُ الْأَعْلامُ، وَالْأُمَناءُ الْمُنْتَجِبُونَ، جِئْتُ‏

و بر دو نوه برگزيده‏ات و بر فرزندان ممتاز و امينان برگزيده‏ات، به بركت‏

انْقِطاعاً الَيْكُمْ وَ الى آبائِكُمْ، وَ وَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلى‏ بَرَكَةِالْحَقِّ، فَقَلْبى‏

حق تعالى از همه بريده و به درگاه شما و پدران و فرزندان شايسته‏تان آمده‏ام، پس دلم‏

لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَ نُصْرَتى‏ لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ لِدِينِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا

تسليم شماست. و براى ياريتان آماده‏ام، تا خداوند حكم دينش را اجرا كند، پس آن كه با شماست با شماست نه‏

مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي لَمِنَ الْقائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ، لا انْكِرُ لِلّهِ قُدْرَةً،

با دشمنان شما، به يقين من از معتقدان به لطف و كرم شما و معترف به بازگشت شمايم، منكر توانايى خدا نبوده‏

وَ لا أَزْعَمُ إلّا ما شاءَ اللَّهُ، سُبْحانَ اللَّهِ ذِى الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ، يُسَبِّحُ للَّهِ‏

و جز آنچه خدا مى‏خواهد نمى‏خواهم، تسبيح مى‏گويم خدايى را كه صاحب ملك و ملكوت است، تمامى مخلوقات،

بِاسْمائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ، وَالسَّلامُ عَلى أَرْواحِكُمْ وَ أَجْسادِكُمْ، وَالسَّلامُ‏

خدا را با نامهايش تسبيح مى‏گويند، و درود بر جانها و جسمهاى شما، و درود

عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ».[[242]](#footnote-242)

و رحمت و بركات خدا بر شما باد.

3- در فصل «اعمال ايّام هفته» (صفحه 985) دو زيارت براى آن حضرت خواهد آمد. هر كس بخواهد مى‏تواند به آن‏جا رجوع كند و به فيض خواندن آن نائل گردد.

4- شايسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت صلى الله عليه و آله به آن صلواتى كه امير مؤمنان على عليه السلام در يكى از خطبه‏هاى خود در روز جمعه بر آن حضرت فرستاده و در «روضه كافى» نقل شده است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 231

«انَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ، يا ايُّها الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ‏

خدا و فرشتگانش بر پيامبر درود مى‏فرستند اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد بر او درود فرستيد

وَسَلِّمُوا تَسْليماً، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلى‏

و (در برابر اوامر او) كاملًا تسليم باشيد، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و به محمّد

مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَتَحَنَّنْ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و خاندان پاكش بركت ده، و به محمّد و خاندان پاكش محبّت كن، بر محمّد و خاندان پاكش‏

وَالِ مُحَمَّدٍ، كَافْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ‏

درود فرست، همانند بهترين درود و بركت و رحمت و محبّت و سلامى كه‏

عَلى‏ ابْراهيمَ والِ ابْراهيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً الْوَسيلَةَ،

بر ابراهيم و خاندانش فرستاده‏اى كه تو ستوده و مورد ستايشى، خدايا به محمّد وسيله شفاعت‏

وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ الْكَريمَةَ، اللهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ

و شرافت و برترى و جايگاه بزرگواران را عطا كن، خدايا محمّد و خاندان پاكش را

اعْظَمَ الْخَلايِقِ كُلِّهِمْ شَرَفاً يَوْمَ الْقِيمَةِ، وَاقْرَبَهُمْ مِنْكَ مَقْعَداً، وَاوْجَهَهُمْ‏

با شرافت‏ترين مخلوقات و نزديكترين از جهت جايگاه و سربلندترين‏

عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ جاهاً، وَ افْضَلَهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَنَصيباً، اللهُمَّ اعْطِ

و با فضيلت‏ترين آنان از نظر موقعيّت و بهره در نزد خودت در روز قيامت قرار ده، خدايا به‏

مُحَمَّداً اشْرَفَ الْمَقامِ، وَ حِبآءَ السَّلامِ، وَ شَفاعَةَ الْإِسْلامِ، اللهُمَّ وَالْحِقْنا

محمّد با شرافت‏ترين جايگاه و آرامش كامل و شفاعت مسلمانان را عطا كن، خدايا ما را به دور از

بِهِ غَيْرَ خَزايا، وَلا ناكِبينَ وَلا نادِمينَ وَلا مُبَدِّلينَ، الهَ الْحَقِّ آمينَ.[[243]](#footnote-243)

شرمندگى، و انحراف و پشيمانى و تبديل عقيده به او ملحق كن، اى پروردگار برحق دعايم را اجابت كن.

5- عاشقان آن حضرت و اهل بيت طاهرينش از زيارت جامعى كه «شيخ طوسى» در «مصباح» از امام حسن عسكرى عليه السلام نقل مى‏كند و در اواخر بخش زيارات، تحت عنوان «صلوات بر چهارده معصوم (صفحه 561)» خواهد آمد، غافل نباشند كه آثار ارزنده‏اى دارد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 232

زيارت حضرت فاطمه زهرا عليها السلام‏

فضيلت زيارت آن حضرت و جايگاه قبر شريفش:

1- مرحوم «علّامه مجلسى» از امام صادق عليه السلام از اجداد طاهرينش روايت كرده كه: «هر كس قبر حضرت طاهره فاطمه عليها السلام را زيارت كند و بگويد:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدةَ نِساءِ ...

(اوّلين زيارت از زياراتى كه خواهد آمد) و استغفار كند، خداوند او را مى‏بخشد و او را وارد بهشت مى‏كند!».[[244]](#footnote-244) 2- ابوالحسن ابراهيم بن محمّد هَمْدانى مى‏گويد: براى امام هادى عليه السلام نامه‏اى نوشتم كه مرا از قبر فاطمه عليها السلام باخبر سازد، حضرت در جواب نوشتند كه: او با جدّم صلوات اللَّه عليه و آله مى‏باشد.[[245]](#footnote-245) 3- مرحوم «صدوق» مى‏گويد: صحيح در نزد من اين است كه آن حضرت در خانه‏اش دفن شده كه پس از توسعه توسط بنى‏اميّه، الآن جزء مسجد قرار گرفته است‏[[246]](#footnote-246) و مرحوم «علّامه مجلسى» نيز مى‏گويد:

اظهر اين است كه آن حضرت (صلوات اللَّه عليها) در خانه‏اش دفن شده است.[[247]](#footnote-247) ظاهراً اين نظر بر اساس روايتى است كه در آن، يكى از ياران حضرت رضا عليه السلام نقل مى‏كند كه از امام عليه السلام از قبر حضرت فاطمه عليها السلام سؤال كردم، فرمود: در خانه‏اش دفن شد كه پس از توسعه مسجد توسّط بنى‏اميّه، الآن جزء مسجد قرار گرفته است.[[248]](#footnote-248) بنابراين هر كس نزديك قبر پيامبر صلى الله عليه و آله و روضه مقدّسه بايستد و بانوى اسلام را زيارت كند، ان شاءاللَّه فضيلت زيارت آن حضرت عليها السلام را كسب كرده است. البتّه در بقيع نيز به قصد رجا مى‏توان آن حضرت را زيارت كرد.

4- علّامه مجلسى از «مصباح الانوار» از على عليه السلام از فاطمه عليها السلام نقل مى‏كند كه فرمود: رسول خدا به من فرمود:

«يا فاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ أَلْحَقَهُ بى‏ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ؛

هر كس بر تو سلام فرستد خداوند او را ببخشد و او را به من ملحق مى‏كند، هر كجاى بهشت كه باشم!»![[249]](#footnote-249) 5- يزيد بن عبدالملك از پدرش از جدّش نقل مى‏كند كه روزى خدمت حضرت فاطمه عليها السلام رسيدم؛ آن حضرت در سلام، بر من سبقت گرفت و از حالم پرسيد و سپس فرمود: «پدرم به من خبر داد كه هر كس بر او و بر من سه روز سلام كند خداوند بهشت را بر او واجب مى‏كند»، عرض كردم: در زمان حيات او و حيات شما؟ فرمود: «آرى و بعد از وفات ما».[[250]](#footnote-250) يادآورى: ظاهر اين است كه اين روايت و نيز روايت قبل، شامل دور و نزديك، هر دو مى‏شود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 233

كيفيّت زيارت بانوى اسلام فاطمه زهرا عليها السلام:

زيارت اوّل: زيارت كوتاهى است كه در روايت اوّل از روايات فضيلت زيارت آن حضرت به آن اشاره شد:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا سِيِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ الْحُجَجِ‏

سلام بر تو اى سرور بانوان جهان، سلام بر تو اى مادر حجّت‏ها (ى خدا)

عَلَى النَّاسِ أجْمَعينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَظْلومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّها.

بر تمامى مردم، سلام بر تو اى مظلومه‏اى كه از حقّت منع شدى.

سپس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ أَمَتِكَ وَ ابنَةِ نَبيِّكَ، وَ زَوْجَةِ وَصِىِّ نَبِيِّكَ، صَلاةً

\*\*\*\* خدايا بر كنيزت و دختر پيامبرت و همسر جانشين پيامبرت درود فرست، درودى كه‏

تُزْلِفُها فَوقَ زُلفى عِبادِكَ الْمُكَرَّمينَ، مِنْ أهْلِ‏السَّمواتِ وَأَهْلِ‏الْأَرَضينَ.[[251]](#footnote-251)

او را به بالاتر از جايگاه بندگان گرامى از اهل آسمانها و زمين برساند.

\*\*\*

زيارت دوم: محمّد بن عيسى از امام باقر عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: هرگاه كنار قبر جدّه‏ات فاطمه عليها السلام قرار گرفتى بگو:

يا مُمْتَحَنَةُ، امْتَحَنَكِ اللَّهُ الَّذى‏ خَلَقَكِ قَبْلَ انْ يَخْلُقَكِ، فَوَجَدَكِ لِما

اى آزموده، خدايى كه تو را آفريد قبل از آفرينشت تو را آزمود و تو را بر آنچه‏

امْتَحَنَكِ صابِرَةً، وَزَعَمْنا انَّا لَكِ اوْلِيآءُ و مُصَدِّقُونَ، وَصابرُونَ لِكُلِّ ما

آزمود شكيبا يافت و ما خود را دوستدار و تصديق كننده تو مى‏دانيم و بر آنچه‏

اتانا بِهِ ابُوكِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاتانا بِهِ وصِيُّهُ، فَانَّا نَسْئَلُكِ انْ كُنَّا

پدرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و جانشينش براى ما آورده شكيباييم، پس از تو مى‏خواهيم كه اگر ما

صَدَّقْناكِ، إلَّا الْحَقْتِنا بِتَصْديقِنا لَهُما، لِنُبشِّرَ انْفُسَنا بانَّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ.[[252]](#footnote-252)

تصديق‏كنندگان توايم، ما را به واسطه تصديقمان به آن دو ملحق كنى تا به خود بشارت دهيم كه به بركت ولايتت پاك شده‏ايم.

\*\*\*

زيارت سوم: مرحوم «شيخ طوسى» در كتاب «تهذيب»، زيارت ديگرى را از بزرگان شيعه نقل مى‏كند كه از اين قرار است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 234

السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى دختر رسول خدا، سلام بر تو اى دختر پيامبر خدا، سلام‏

عَلَيْكِ يا بِنْتَ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ‏

بر تو اى دختر (محمّد) محبوب خدا، سلام بر تو اى دختر خليل خدا، سلام بر تو

يا بِنْتَ صَفِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ امينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ‏

اى دختر (محمّد) برگزيده خدا، سلام بر تواى دختر امين خدا، سلام بر تو اى دختر

خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ افْضَلِ انْبِيآءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِكَتِهِ،

بهترين مخلوقات خدا، سلام بر تو اى دختر برترين پيامبران و فرستادگان و فرشتگان خدا،

السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا سِيِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمينَ‏

سلام بر تو اى‏دختر بهترين آفريدگان خدا، سلام بر تو اى سرور بانوان جهانيان‏

مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْأ خِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا زَوْجَةَ وَلِىِّ اللَّهِ، وَ خَيْرِ الْخَلْقِ‏

از پيشينيان و پسينيان، سلام بر تو اى همسر ولىّ خدا، و بهترين مخلوقات‏

بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا امَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ‏

بعد از رسول خدا، سلام بر تو اى مادر حسن و حسين سرور جوانان اهل‏

الْجَنَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الصِّدّيقَةُ الشَّهيدَةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الرَّضِيَّةُ

بهشت، سلام بر تو اى راستگوى شهيده، سلام بر تواى كه از خدا خشنود و او از تو

الْمَرْضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا

خشنود است، سلام بر تو اى با فضيلت پاكيزه، سلام بر تو اى‏

الْحَوْرآءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا

حورى صفت در شكل انسان، سلام بر تو اى پرهيزكار پاكيزه، سلام بر تو اى‏

الْمُحَدَّثَةُ الْعَليمَةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْصُوبَةُ، السَّلامُ‏

داناى اخبار (از سوى فرشتگان) و آگاه، سلام بر تو اى ستمديده‏اى كه حقّت غصب شده، سلام‏

عَلَيْكِ ايَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ بِنْتَ رَسُولِ‏

بر تو اى ظلم كشيده مورد غضب (دشمنان) واقع شده، سلام بر تو اى فاطمه دختر رسول‏

اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكِ وَعَلى‏ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ، اشْهَدُ

خدا و رحمت و بركات خدا بر تو باد، درود خدا بر تو و بر روح و بدن تو باد، گواهى مى‏دهم كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 235

انَّكِ مَضَيْتِ عَلى‏ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكِ، وَ انَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى‏

تو با دليل روشن از جانب پروردگارت عمرت را به پايان رساندى و به يقين هر كه تو را خشنود ساخت رسول خدا- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا رَسُولَ‏اللَّهِ صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ‏

خدا بر او و خاندان پاكش‏باد- را خشنود ساخته، و هر كه بر تو ستم كرد به يقين بر رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- ستم كرده، و هر كه‏

آذاكِ فَقَدْ آذى‏ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ‏

تو را اذيّت نمود به يقين رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- را اذيّت نموده، و هر كه به تو پيوست به يقين به‏

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ‏

رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- پيوسته و هر كه از تو بريد به يقين از رسول خدا- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكِ بَضْعَةٌ مِنْهُ، وَ رُوحُهُ الَّتى‏ بَيْنَ جَنْبَيْهِ، كَما قالَ صَلَّى اللَّهُ‏

بر او و خاندان پاكش باد- بريده است، زيرا تو پاره تن او و روحش كه درون جسم او بود هستى، همان‏گونه كه پيامبر- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، اشْهِدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلائِكَتَهُ ا نّى‏ راضٍ عَمَّنْ رَضيتِ عَنْهُ،

بر او و خاندان پاكش باد- فرمود، خدا و فرستادگان و فرشتگانش را گواه مى‏گيرم كه به يقين من خشنودم از هر كه تو از او خشنودى‏

ساخِطٌ عَلى‏ مَنْ سَخِطْتِ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّئْتِ مِنْهُ، مُوالٍ لِمَنْ‏

و خشمگينم از هر كه تو از او خشمگينى، بيزارم از هر كه تو از او بيزارى، دوست دارم هر كه را

والَيْتِ، مُعادٍ لِمَنْ عادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ ابْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ احْبَبْتِ،

تو دوست دارى، دشمنم با هر كه تو با او دشمنى، كينه دارم از آن كه تو از او دلگيرى، و علاقه‏مندم به هر كه تو به او علاقه دارى‏

وَكَفى‏ بِاللَّهِ شَهيداً وَحَسيباً، وَجازِياً وَمُثيباً.

و خدا براى گواه و حسابگر و كيفردهنده وپاداش دهنده كافى است.

سپس بر رسول اكرم و ائمّه اطهار صلوات مى‏فرستى.[[253]](#footnote-253)

\*\*\*

زيارت چهارم: زيارتى است كه در بخش اعمال ماه‏ها براى روز سوم جمادى الثانى (صفحه 619)، روز وفات آن حضرت خواهد آمد.

زيارت پنجم: زيارت ديگرى را «سيّد بن طاووس» در اقبال براى روز بيستم جمادى الثانى، روز تولّد آن حضرت ذكر كرده است كه مثل زيارت بالاست تا «

ساخِطٌ عَلى مَنْ سَخِطْتِ عَلَيْهِ‏

» و از اين‏جا به بعد به اين نحو است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 236

وَ وَلِىٌّ لِمَنْ والاكِ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكِ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكِ، ا نَا يا

و با هر كسى كه با تو دوستى كند دوستم و با هر كسى كه با تو دشمنى كند دشمنم و با هر كس كه با تو از در جنگ درآيد در جنگم،

مَوْلاتى‏ بِكِ وَبِابيكِ وَبَعْلِكِ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكِ مُوقِنٌ، وَبِوِلايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ،

اى سرورم من به تو و پدرت و همسرت و امامان از فرزندانت يقين دارم و به ولايت آنها ايمان دارم‏

وَبِطاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ، اشْهَدُ انَّ الدّينَ دينُهُمْ، وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ، وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا

و به اطاعت از آنان ملتزمم، گواهى مى‏دهم كه دينِ (حقّ) دين آنان و فرمان (لازم‏الاجرا) فرمان آنان است و از جانب خداوند عزيز

عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَدَعَوْا الى‏ سَبيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، لا

و گرامى احكام را رسانده و با حكمت و موعظه نيكو به راه او دعوت نموده‏اند،

تَاْخُذُهُمْ فِى اللَّهِ لَوْمَةُ لآئِمٍ، وَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكِ وَعَلى‏ ابيكِ وَبَعْلِكِ،

و در اين راه سرزنش ملامت‏كنندگان در آنان اثر نكرد، و درود خدا بر تو و پدرت و همسرت‏

وَابْنَيْكِ وَذُرِّيَّتِكِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ،

و دو فرزندت و نسلت، همان امامان پاك، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَصَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ، الصِّديقَةِ الْمَعْصُومَةِ، التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ، الرَّضِيَّةِ

و بر حضرت بتول (آن بانوى) پاكيزه، راستگو، معصوم، پرهيزكار، پاك، خشنود از خداوند،

الزَّكِيَّةِ الرَّشيدَةِ، الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ، الْمَغْصُوبَةِ حَقُّهَا، الْمَمْنُوعَةِ ارْثُهَا،

بى‏گناه، هدايت يافته، ستمديده و اندوهگين كه حقّش غصب و ارثش گرفته شد

الْمَكْسُورَةِ ضِلْعُهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا، الْمَقْتُولِ وَلَدُها، فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ،

و پهلويش شكسته و همسرش مورد ستم واقع شد و فرزندش كشته شد، همان فاطمه دختر رسولت‏

وَبِضْعَةِ لَحْمِهِ، وَصَميمِ قَلْبِهِ، وَفِلْذَةِ كَبِدِهِ، وَالنُّخْبَةِ مِنْكَ لَهُ، وَالتُّحْفَةِ

و پاره تنش، و ميوه دل و جگرگوشه‏اش، و برگزيده از جانب تو براى پيامبرت و گوهرى كه‏

خَصَصْتَ بِهاوَصِيَّهُ، وَحَبيبَةِالْمُصْطَفى، وَقَرينَةِالْمُرْتَضى‏، وَسَيَّدَةِالنِّساءِ،

به وصىّ او اختصاص دادى، و محبوب مصطفى و همنشين مرتضى و سرور بانوان‏

وَمُبَشِّرَةِ الْأَوْلِيآءِ، حَليفَةِ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتُفَّاحَةِ الفِرْدَوْسِ، وَالْخُلْدِ

و بشارت دهنده اوليا، مظهر پارسايى و زهد، و ميوه بهشت، جاودانى كه‏

الَّتى‏ شَرَّفْتَ مَوْلِدَها بِنِسآءِ الْجَنَّةِ، وَ سَلَلْتَ مِنْها انْوارَ الْأَئِمَّةِ، وَارْخَيْتَ‏

ولادتش را با زنان بهشتى گرامى داشتى، و نور امامان را از او جارى ساختى، و در نزد او

كليات مفاتيح نوين، ص: 237

دُونَها حِجابَ النُّبُوَّةِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَيْها صَلاةً تَزيدُ فى‏ مَحَلِّها عِنْدَكَ،

پرده نبوّت را كنار زدى، خدايا بر او درودى فرست كه بر مقام و شرافت او نزد تو

وَشَرَفِها لَدَيْكَ، وَمَنْزِلَتِها مِنْ رِضاكَ، وَ بَلِّغْها مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ‏

و بر خشنوديت از او بيافزايد، و درود و سلام ما را به او برسان و در برابر دوستيش‏

لَدُنْكَ فى‏ حُبِّها فَضْلًا وَاحْساناً، وَرَحْمَةً وَغُفْراناً، انَّكَ ذُوالْعَفْوِ الْكَريمِ.

از جانب خود لطف و احسان و رحمت و آمرزشت را به ما عنايت كن، چرا كه تو آمرزنده و بزرگوارى.

آنگاه نماز زيارت مى‏خوانى و اگر توانستى نماز خود آن حضرت (كه دو ركعت است در هر ركعتى يك حمد و شصت مرتبه قل هو اللَّه) را مى‏خوانى و اگر نتوانستى دو ركعت با حمد و قل هو اللَّه و حمد و قل يا ايها الكافرون بجا آور و پس از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنّى‏ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنا مُحَمَّدٍ وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ،

خدايا من به واسطه پيامبرمان محمّد و خاندان پاكش- كه درود تو بر آنان باد- به سوى تو رو مى‏آورم‏

وَأَسْئَلُكَ بَحَقِّكَ الْعَظيمِ عَلَيْهِمْ، الَّذي‏ لا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِواكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِحَقِ‏

و از تو مى‏خواهم به حق بزرگى كه بر آنان دارى و كسى جز تو حقيقت آن را نمى‏داند، و از تو مى‏خواهم به حقّ‏

مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظيمٌ، وَبِأَسْمائِكَ الْحُسْنى، الَّتي‏ أَمَرْتَني‏ أَنْ أَدْعُوكَ بِها،

كسى كه حقّ او نزدت بزرگ است و به حقّ نامهاى نيكويت كه فرمان دادى تو را به آن بخوانم‏

وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذي‏ أَمَرْتَ بِهِ ابْراهيمَ انْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيرَ

و از تو مى‏خواهم به حقّ اسم اعظمى كه ابراهيم را به آن فرمان دادى كه پرنده را با آن صدا زند

فَأَجابَتْهُ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ الَّذي‏ قُلْتَ لِلنَّارِ بِهِ كُونى‏ بَرْداً وَ سَلاماً عَلى‏

و پرنده پاسخش گفت، و به حقّ اسم با عظمتى كه با آن به آتش فرمودى: بر ابراهيم سرد و سالم باش،

إِبْراهيمَ فَكانَتْ بَرْداً، وَ بِأَحَبِّ الْأَسْماءِ إِلَيْكَ، وَأَشْرَفِها وَ أَعْظَمِها لَدَيْكَ،

پس آتش سرد شد، و به حقّ محبوبترين و شريفترين و بزرگترين نامها در نزدت‏

وَأَسْرَعِها إِجابَةً، وَأَنْجَحِها طَلِبَةً، وَبِما أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ،

و سريع‏ترين آنها در پاسخ‏گويى و پسنديده‏ترين آنها در برآوردن حاجت، و به حق آنچه تو اهل و سزاوار و شايسته آنى (از تو مى‏خواهم)

وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَ أَتَضَرَّعُ الَيْكَ وَ أَلَحُّ عَلَيْكَ، وَأَسْئَلُكَ‏

و به تو متوسّل شده و از تو مى‏خواهم و به درگاهت تضرّع نموده و اصرار مى‏ورزم، و از تو مى‏خواهم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 238

بِكُتُبِكَ الَّتى‏ أَنْزَلْتَها عَلى أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ، مِنَ التَّوْريةِ

به حق كتابهايت، تورات و انجيل و زبور و قرآن با عظمت كه بر پيامبران و فرستادگانت‏

وَالْانْجيلِ، وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرآنِ الْعَظيمِ، فَإِنَّ فيهَا اسْمُكَ الْأَعْظَمُ، وَبِما فيها

- كه درود تو بر آنان باد- نازل نمودى، زيرا كه اسم اعظمت در آنها است و به حقّ آنچه‏

مِنْ أَسْمائِكَ الْعُظْمى، انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنْ‏

از نامهاى با عظمتت در آنهاست (از تو مى‏خواهم) كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى‏

آلِ مُحَمَّدٍ وَشيعَتِهِمْ وَ مُحِبّيهِمْ وَ عَنّي‏، وَ تَفْتَحَ أَبْوابَ السَّماءِ لِدُعائي‏،

و خاندان محمّد و شيعيان و دوستداران آنان و مرا (از آتش) رهايى بخشى و درهاى آسمان را بر دعايم بگشايى‏

وَتَرْفَعَهُ في‏ عِلّيّينَ، وَ تَأْذَنَ في‏هذَا الْيَوْمِ، وَ فى‏ هذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجى‏،

و آن را در بالاترين درجات بالا برى و در اين روز و در اين ساعت به گشايش (كارم)

وَإِعْطاءِ أَمَلى‏ وَ سُؤْلي‏ فِى الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، يا مَنْ‏لا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ

و برآمدن آرزو و خواسته‏ام در دنيا و آخرت اجازه دهى، اى كسى كه جز تو كسى چگونگى‏

وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ، يا مَنْ سَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ، وَ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْماءِ،

و قدرتت را نمى‏داند، اى كسى كه (اشعه مرگبار) آسمان را به وسيله هوا مسدود كردى و زمين را روى آب قرار دادى‏

وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْماءِ، يا مَنْ سَمّى‏ نَفْسَهُ بِالْاسْمِ الَّذي‏ تُقْضى‏

و براى خود زيباترين نامها را برگزيده‏اى، اى كسى كه خود را به اسمى ناميده‏اى كه با آن‏

بِهِ حاجَةُ مَنْ يَدْعُوهُ، أَسْئَلُكَ بِحَقِّ ذلِكَ الْاسْمِ، فَلا شَفيعَ أَقْوى لي‏ مِنْهُ،

خواسته خوانندگانت را اجابت مى‏كنى، از تو مى‏خواهم به حق آن اسمى كه شفيعى قويتر از آن برايم نيست‏

انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقْضِيَ لي‏ حَوائِجى‏، وَتَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ

كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و خواسته‏هايم را برآورى، و صدايم را بشنوى به حقّ محمّد

وَعَلىٍّ وَ فاطِمَةَ، وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ‏

و على و فاطمه و حسن و حسين و على بن حسين و محمد بن‏

عَلىٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِىِّ بْنِ مُوسى‏ وَمُحَمَّدِ

على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد

بْنِ عَلِىٍّ، وَعَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ، وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِكَ،

بن على و على بن محمد و حسن بن على و حجّتى كه (در ظهورش) منتظر اجازه توست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 239

صَلَواتُكَ وَسَلامُكَ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكاتُكَ عَلَيْهِمْ صَوْتي‏، لِيَشْفَعُوا لي‏

- كه درود و سلام و رحمت و بركات تو بر آنان باد- تا مرا در درگاهت شفاعت كنند

إِلَيْكَ، وَ تُشَفِّعَهُمْ فِيَّ، وَلا تَرُدَّني‏ خائِباً، بِحَقِّ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ.

و شفاعت آنان را در مورد من بپذيرى و مرا مأيوس باز مگردانى به حقّ اين كه معبودى جز تو نيست.

سپس حوائجت را طلب مى‏كنى كه برآورده خواهد شد ان شاءاللَّه تعالى.[[254]](#footnote-254)

زيارت ائمّه بقيع: امام حسن مجتبى، امام سجّاد، امام باقر و امام صادق عليهم السلام‏

فضيلت زيارت آن بزرگواران:

1- «شيخ صدوق» از امام صادق عليه السلام روايت كرده كه فرمود: «هرگاه كسى از شما حجّ كند بايد كه حجّش را با زيارت ما ختم كند چرا كه با آن، حجّ كامل مى‏شود»![[255]](#footnote-255) 2- «علّامه مجلسى» مى‏فرمايد: در حديث معتبر از عبداللَّه بن عباس منقول است كه رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله فرمود: «هر كس امام حسن عليه السلام را در بقيع زيارت كند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزى كه قدمها از آن بلغزد».[[256]](#footnote-256) 3- در كتاب «مقنعه» مرحوم «مفيد» از امام صادق عليه السلام روايت شده كه فرمود: هر كس مرا زيارت كند گناهانش آمرزيده مى‏شود و با تنگدستى از دنيا نمى‏رود.[[257]](#footnote-257) 4- «ابن‏قولويه» در «كامل‏الزيارات»، ضمن حديث طولانى از هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام آورده است: مردى به خدمت آن حضرت شرفياب شد و عرض كرد كه آيا به زيارت پدرت هم مى‏توان رفت؟

فرمود: آرى، عرض كرد: براى زائر او چه پاداشى است؟ فرمود: اگر به امامت او اعتقاد داشته باشد و از وى متابعت كند بهشت از براى اوست! عرض كرد: كسى كه از زيارتش روى گرداند، چه كيفرى خواهد داشت؟

فرمود: حسرت در روز قيامت كه «يوم‏الحسرة» است! ...[[258]](#footnote-258)

5- امام صادق عليه السلام از پدرانش از امام مجتبى عليه السلام نقل مى‏كند كه خدمت جدّش رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله عرض كرد: «پدر! پاداش كسى كه تو را زيارت كند چيست؟ فرمود: كسى كه مرا يا پدرت را يا تو را يا

كليات مفاتيح نوين، ص: 240

برادرت را زيارت كند، حقّ است بر من كه او را در روز قيامت زيارت كنم تا او را از گناهانش پاك سازم».[[259]](#footnote-259) 6- در «كامل الزيارات» از امام باقر عليه السلام از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمود: كسى كه مرا، يا يكى از ذريّه مرا زيارت كند، او را در روز قيامت زيارت خواهم كرد و از مشكلات و سختيهاى آن روز، نجاتش خواهم داد.[[260]](#footnote-260) 7- نيز در «كامل الزيارات» از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه به على عليه السلام فرمود: «هر كس من يا تو يا دو فرزندت (حسن و حسين) را در زمان حيات، يا پس از مرگ زيارت كند، ضمانت مى‏كنم كه در روز قيامت او را از اهوال و شدايد آن روز رهايى بخشم، تااو را با خودم و در جوار خودم قرار دهم».[[261]](#footnote-261)

كيفيّت زيارت ائمّه بقيع عليهم السلام از نزديك:

هنگامى كه خواستى به زيارتشان بروى شايسته است آنچه را در آداب زيارات در ابتداى بخش زيارات نقل شد، بجا آورى؛ مثل غسل، يا وضو و پوشيدن جامه‏هاى پاك و استعمال بوى خوش، سپس يكى از اين زيارات را مى‏خوانى:

زيارت اوّل: زيارتى است كه مرحوم «ابن قولويه» در «كامل الزيارات»، آن را از يكى از امامان معصوم عليهم السلام نقل مى‏كند؛ بدين ترتيب:[[262]](#footnote-262)

وقتى به زيارت قبور ائمّه بقيع عليهم السلام مشرّف شدى (در صورتى كه مانع نشوند) نزديك آن قبور مقدّس برو و پشت به قبله، قبور مطهّر آن بزرگواران را مقابل خود قرار ده و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ ائِمَّةَ الْهُدى‏، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اهْلَ البِرِّ وَالتَّقْوى‏، السَّلامُ‏

سلام بر شما امامان هدايتگر، سلام بر شما اهل نيكى و پرهيزكارى، سلام‏

عَلَيْكُمْ ايُّهَا الْحُجَجُ على‏ اهْلِ الدُّنْيا، السَّلامُ عَلَيْكُمْ ايُّهَا الْقُوَّامُ‏[[263]](#footnote-263) فِى‏

بر شما اى حجّتها (ى خدا) بر اهل دنيا، سلام بر شما اى قيام كنندگان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 241

الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ آلَ‏[[264]](#footnote-264) رَسُولِ‏

به عدالت در ميان مخلوقات، سلام بر شما اى شايستگان براى انتخاب، سلام بر شما خاندان رسول‏

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اهْلَ النَّجْوى‏، اشْهَدُ انَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ‏

خدا، سلام بر شما اى وارثان افتخار نجواى على (ع)، گواهى مى‏دهم كه شما پيام خدا را رسانده و خيرخواهى كرده و در راه‏

فى‏ ذاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ، وَاسيئَ الَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَاشْهَدُ انَّكُمُ الْأَئِمَّةُ

خدا صبر نموديد، و تكذيب شديد و به شما بدى شد ولى شما آنها را بخشيديد، و گواهى مى‏دهم كه شما امامان‏

الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَانَّ طاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَانَّ قَوْلَكُمُ الصِّدْقُ،

راهنما و هدايت يافته‏ايد و به يقين اطاعت از شما واجب و سخن شما راست است‏

وَانَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا، وَ امَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَانَّكُمْ دَعائِمُ الدّينِ‏

و به يقين شما (به راه حق) دعوت نموديد ولى اجابت نشد و فرمان داديد و اطاعت نشد و به يقين شما ستونهاى دين‏

وَارْكانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ اصْلابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ،

و اركان زمين هستيد، همواره مورد توجّه خدا بوديد، شما را از صلبهاى پاك خارج ساخت‏

وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ ارْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجاهِلِيَّةُ الْجَهْلاءُ، وَلَمْ‏

و به رحمهاى پاك منتقل نمود، نادانى جاهلان شما را آلوده نساخت، و فتنه‏هاى‏

تَشْرَكْ فيكُمْ فِتَنُ الْأَهْوآءِ، طِبْتُمْ وَطابَ مَنْبَتُكُمْ، مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا دَيَّانُ‏

هواى نفس در وجود شما شريك نشد، پاك بوديد و اصل و نسب شما پاك بود، به واسطه شما خداىِ جزا دهنده بر ما منّت گذارد،

الدّينِ، فَجَعَلَكُمْ فى‏ بُيُوتٍ اذِنَ اللَّهُ انْ تُرْفَعَ، وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ‏

پس شما را در خانه‏هايى قرار داد كه خداوند اجازه فرموده ديوارهاى آن را بالا برند، خانه‏هايى كه نام خدا در آن برده مى‏شود،

صَلاتَنا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنا، وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنا، اذِ اخْتارَكُمُ اللَّهُ لَنا، وَ طَيَّبَ‏

و درودمان را بر شما رحمتى براى ما و كفّاره گناهان ما قرار داد، زيرا خداوند شما را براى (هدايت) ما برگزيد و با

خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَيْنا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفينَ‏

ولايت شما كه بر ما منّت گذاشت، خلقت ما را پاكيزه گردانيد، و ما در پيشگاه او به علم شما ناميده شديم، و

بِتَصْديقِنا ايَّاكُمْ، وَهذا مَقامُ مَنْ اسْرَفَ وَاخْطَا وَاسْتَكانَ وَاقَرَّ بِما جَنى‏،

به تصديق كردن (مقام و مرتبه) شما معترفيم، و اين است جايگاه كسى كه زياده‏روى كرده و خطا نموده و درمانده شده و به جنايت خود اقرار دارد

كليات مفاتيح نوين، ص: 242

وَ رَجى‏ بِمَقامِهِ الْخَلاصَ، وَ انْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكى‏ مِنَ‏

و اميد رهايى از اين جايگاه را دارد، و به واسطه شما، نجات‏بخش هلاك شوندگان، او را رهايى بخشد،

الرَّدى‏، فَكُونُوا لى‏ شُفَعآءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ الَيْكُمْ اذْ رَغِبَ عَنْكُمْ اهْلُ الدُّنْيا،

پس شفيعان من باشيد، به يقين من به شما رو نموده‏ام در زمانى كه اهل دنيا از شما رو گردانده‏اند

وَاتَّخَذُوا آياتِ اللَّهِ هُزُواً، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْها، يا مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا يَسْهُو،

و آيات الهى را به سخره گرفته و به آن پشت كرده‏اند، اى كسى كه پايدار هستى و اشتباه و خطا نمى‏كنى‏

وَدآئِمٌ لايَلْهُو، وَمُحيطٌ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنى‏، وَعَرَّفْتَنى‏ بِما[[265]](#footnote-265)

و پاينده‏اى كه كار بيهوده انجام ندهى و بر همه چيز احاطه دارى، بر من منّت نهادى به واسطه آنچه مرا به آن موفّق داشتى و به من معرفى كردى‏

اقَمْتَنى‏ عَلَيْهِ اذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُكَ، وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ،

آنچه را كه مرا به آن واداشتى آن هنگام كه بندگانت از آن امتناع كرده و آن را نشناخته و حقّش را سبك شمردند

وَمالُوا الى‏ سِواهُ، فَكانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَىَّ مَعَ اقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما

و به سوى غير آن منحرف شدند، پس بر من و مردمى كه همانند من مخصوصشان ساختى منّت دارى،

خَصَصْتَنى‏ بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ اذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فى‏ مَقامى‏ هذا مَذْكُوراً مَكْتُوباً،

حمد و سپاس از آن توست در آن هنگام كه من در اين جايگاه يادشده و ثبت شده در نزدت بودم‏

فَلا تَحْرِمْنى‏ ما رَجَوْتُ، وَلا تُخَيِّبْنى‏ فيما دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ‏

پس از آنچه اميد دارم محرومم مكن و در آنچه خواستم نااميدم مگردان، به احترام محمّد و خاندان‏

الطَّاهِرينَ، وَصَلَّى‏اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.[[266]](#footnote-266)

پاكش، و درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش باد.

سپس هر چه را كه دوست دارى، براى خودت بخواه.[[267]](#footnote-267)

\*\*\*

زيارت دوم: زيارت جامعه است كه به زودى ذكر آن خواهد آمد ان شاءاللَّه (صفحه 537)، و به نظر «علّامه مجلسى» و ديگران از بهترين زيارات است.

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص242**

زيارت سوم: زيارتى است كه ذكر آن براى اين چهار امام بزرگوار عليهم السلام در ايّام هفته خواهد آمد.

(صفحه 992 و 993)

كليات مفاتيح نوين، ص: 243

از خواندن صلوات بر اين بزرگواران عليهم السلام كه در اواخر بخش زيارات خواهد آمد نيز، نبايد غافل شد.

(صفحه 561)

كيفيّت زيارت ائمّه بقيع و ساير امامان عليهم السلام از راه دور:

در فضيلت زيارت اين بزرگواران از دور نيز روايات بسيارى نقل شده است كه از آن جمله است:

1- ابن ابى عمير از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند:

«إِذا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمْ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلِ أَعْلى مَنْزِلٍ لَهُ، فَيُصَلِّىَ رَكْعَتَيْنِ، وَ لْيَؤُمَّ بِالسَّلامِ إِلى‏ قُبُورِنا، فَإِنَّ ذلكَ يَصِلُ إِلَيْنا؛

كسى كه توان زيارت از نزديك را ندارد در جاى بلندى قرار گيرد و دو ركعت نماز بخواند سپس روى به سوى قبور ما كند و سلام دهد كه به ما خواهد رسيد».[[268]](#footnote-268) 2- سليمان بن عيسى از پدرش نقل مى‏كند: خدمت امام صادق عليه السلام عرض كردم: وقتى كه توان زيارت تو را از نزديك ندارم چگونه شما را زيارت كنم؟ فرمود: «اى عيسى! اگر توان آمدن نزد ما را ندارى روز جمعه غسل كن، يا وضو بگير و زير آسمان قرار گير و دو ركعت نماز بخوان و به سوى من توجّه كن، پس هر كس در زمان حياتم مرا زيارت كند گويا در زمان مماتم مرا زيارت كرده است و هر كس در زمان مماتم مرا زيارت كند، گويا در زمان حيات مرا زيارت كرده است»![[269]](#footnote-269) يادآورى:

الف) همان‏گونه كه مرحوم «علّامه مجلسى»[[270]](#footnote-270) در ذيل اين روايت فرموده، از اين روايت به دست مى‏آيد كه زيارت امام حىّ از دور، به همين صورتى كه در روايت آمده، جايز است و اين دليلى است بر امكان زيارت حضرت حجّت عليه السلام در هر مكانى.

ب) گرچه از اين دو روايت استفاده مى‏شود كه سلام و زيارت آن بزرگواران از راه دور با هر عبارتى ممكن است، امّا اگر كسى بخواهد با زيارتى كه از طرف معصومين عليهم السلام رسيده، آنان را زيارت كند رجوع كند به فصل زيارت رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله از راه دور كه در آن جا از «سيّد بن طاووس» زيارتى براى آن حضرت و ساير ائمّه عليهم السلام از دور نقل كرديم. (صفحه 229)

زيارت ابراهيم فرزند رسول خدا صلى الله عليه و آله:

در كتب معروف زيارت چنين آمده است كه نزد قبر ابراهيم (در قبرستان بقيع) مى‏ايستى و مى‏گويى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 244

السَّلامُ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ حَبيبِ اللَّهِ،

سلام بر فرستاده خدا، سلام بر پيامبر خدا، سلام بر محبوب خدا

السَّلامُ عَلى‏ صَفِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ نَجِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ

سلام بر برگزيده خدا، سلام بر رازدار خدا، سلام بر محمّد بن عبداللَّه‏

اللَّهِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيآءِ وَخاتَمِ الْمُرْسَلينَ، وَ خِيَرَةِاللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فى‏ ارْضِهِ‏

آقا و سرور پيامبران و خاتم فرستادگان، و برگزيده خدا از ميان مخلوقاتش در زمين‏

وَسَمآئِهِ، السَّلامُ عَلى‏ جَميعِ انْبِياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلَى السُّعَدآءِ

و آسمان، سلام بر همه پيامبران خدا و فرستادگانش، سلام بر سعادتمندان‏

وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى‏ عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ، السَّلامُ‏

و شهيدان و شايستگان، سلام بر ما و بر بندگان شايسته خدا، سلام‏

عَلَيْكَ ايَّتُهَا الرُّوحُ الزَّاكِيَةُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايَّتُهَا النَّفْسُ الشَّريفَةُ، السَّلامُ‏

بر تو اى روح پاك، سلام بر تو اى نفس باشرافت،

عَلَيْكَ ايَّتُهَا السُّلالَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايَّتُهَا النَّسَمَةُ الزَّاكِيَةُ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى نسل پاكيزه، سلام بر تو اى شخص پاك، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ خَيْرِ الْوَرى، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ النَّبِىِّ الْمُجْتَبى، السَّلامُ‏

بر تو اى فرزند بهترين مخلوقات، سلام بر تو اى فرزند پيامبر برگزيده، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ الْمَبْعُوثِ الى‏ كافَّةِ الْوَرى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْبَشيرِ

بر تو اى فرزند كسى كه براى (هدايتِ) تمام مردم برانگيخته شد، سلام بر تو اى فرزند اميدبخش‏

النَّذيرِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ السِّراجِ الْمُنيرِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْمُؤَيَّدِ

و بيم‏دهنده، سلام بر تو اى فرزند چراغ فروزانِ (هدايت)، سلام بر تو اى فرزند كسى كه‏

بِالْقُرآنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْمُرْسَلِ الَى الْإِنْسِ وَالْجآنِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

به قرآن تأييد شده، سلام بر تو اى فرزند كسى كه به سوى انس و جن فرستاده شده، سلام بر تو

يَابْنَ صاحِبِ الرَّايَةِ وَ الْعَلامَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الشَّفيعِ يَوْمَ الْقِيمَةِ،

اى فرزند صاحب پرچم و نشانه (هدايت)، سلام بر تو اى فرزند شفيع روز قيامت.

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ مَنْ حَباهُ اللَّهُ بِالْكَرامَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

سلام بر تو اى فرزند كسى كه خداوند، بزرگوارى را به او عنايت فرمود، سلام و رحمت و بركات خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 245

وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ قَدِ اخْتارَ اللَّهُ لَكَ دارَ انْعامِهِ، قَبْلَ انْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ‏

بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه به يقين خداوند سراى پرنعمت خود را براى تو برگزيد پيش از آن كه احكامش را

احْكامَهُ، اوْ يُكَلِّفَكَ حَلالَهُ وَحَرامَهُ، فَنَقَلَكَ الَيْهِ طَيِّباً زاكِياً مَرْضِيِّاً،

بر تو واجب كند يا حلال و حرامش را بر تو تكليف نمايد، پس تو را پاكيزه و پاك و خشنود

طاهِراً مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّساً مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبَوَّئَكَ جَنَّةَ الْمَاْوى‏،

و پاك از هر ناپاكى و پيراسته از هر آلودگى به آن سرا منتقل ساخت، و بهشت را جايگاه تو قرار داد،

وَرَفَعَكَ الَى الدَّرَجاتِ الْعُلى‏، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلاةً يَقِرُّ بِها عَيْنُ‏

و به درجات عالى تو را بالا برد، و درود خدا بر تو باد درودى كه مايه چشم روشنى‏

رَسُولِهِ، وَ يُبَلِّغُهُ اكْبَرَ مَاْمُولِهِ، اللهُمَّ اجْعَلْ افْضَلَ صَلَواتِكَ وَازْكاها،

رسول خدا گردد و او را به بزرگترين آرزويش برساند، خدايا قرار ده برترين و پاكيزه‏ترين درودهايت‏

وَانْمى بَرَكاتِكَ وَاوْفاها، عَلى‏ رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

و بيشترين و فراوانترين بركاتت را بر رسول و پيامبرت و برگزيده‏ات از ميان مخلوقات‏

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَعَلى‏ ما نَسَلَ مِنْ اوْلادِهِ الطَّيِّبينَ، وَعَلى‏ ما خَلَّفَ‏

محمّد خاتم پيامبران و بر اولاد پاكيزه از نسلش و بر جانشينان‏

مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرينَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

از خاندان پاكش (قرار ده) به رحمتت اى مهربانترين مهربانان، خدايا به حقّ برگزيده‏ات‏

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ، وَابْراهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ، انْ تَجْعَلَ سَعْيى‏ بِهِمْ‏

محمّد و ابراهيم فرزند پيامبرت از تو مى‏خواهم كه به واسطه آنان تلاشم را

مَشْكُوراً، وَذَنْبى‏ بِهِمْ مَغْفُوراً، وَحَياتى‏ بِهِمْ سَعيدَةً، وَعاقِبَتى‏ بِهِمْ‏

مورد سپاس، و گناهم را آمرزيده، و زندگانيم را سعادتمند، و عاقبتم را

حَميدَةً، وَ حَوآئِجى‏ بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَافْعالِى بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَامُورى‏ بِهِمْ‏

ستوده و نيازهايم را برآورده شده، و كردارم را پسنديده، و كارهايم را

مَسْعُودَةً، وَشُئُونى‏ بِهِمْ مَحْمُودَةً، اللهُمَّ وَاحسِنْ لِىَ التَّوْفيقَ، وَنَفِّسْ‏

با سعادت، و رفتارم را ستوده قرار دهى، خدايا توفيقم را نيكو گردان و اندوه‏

عَنِّى‏ كُلَّ هَمٍّ وَضيقٍ، اللهُمَّ جَنِّبْنى‏ عِقابَكَ، وَامْنَحْنى‏ ثَوابَكَ، وَاسْكِنِّى‏

و دلتنگى را از من بزداى، خدايا مرا از كيفرت دور ساز و پاداشت را به من عطا كن و در بهشتت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 246

جَنَّاتِكَ، وَارْزُقْنى‏ رِضْوانَكَ وَامانَكَ، وَاشْرِكْ لى‏ فى‏ صالِحِ دُعائى‏ والِدَىَ‏

ساكن گردان، و خشنودى و ايمنيت را روزيم كن، و در دعاى خيرم پدر و مادر

وَوُلْدى‏، وَجَميعَ الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤمِناتِ، الْأَحْيآءَ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ، انَّكَ‏

و فرزندانم و تمامى زنان و مردان باايمان، زنده و مرده آنان را شريك گردان، زيرا تو

وَلِىُّ الْباقِياتِ الصَّالِحاتِ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

به يقين صاحب اعمال نيك هستى، دعايم را بپذير اى پروردگار جهانيان.

سپس حاجات خود را از خدا مى‏خواهى و دوركعت نماز زيارت مى‏خوانى.[[271]](#footnote-271) (با توجّه به اين‏كه در شرايط فعلى مانع انجام نماز در كنار اين قبور مقدّسه مى‏شوند، اين نمازها را مى‏توان در مسجد پيغمبر صلى الله عليه و آله كه نزديك بقيع است بجا آورد).

زيارت حضرت فاطمه بنت اسد مادر گرامى اميرمؤمنان على عليه السلام:

«علّامه مجلسى» از «شيخ مفيد» و «سيّد بن طاووس» و «شهيد اوّل» رضوان اللَّه تعالى عليهم زيارتى را براى فاطمه بنت اسد مادر گرامى امير مؤمنان على عليه السلام كه در بقيع مدفون است، نقل كرده است، به اين صورت:

السَّلامُ عَلى‏ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

سلام بر پيامبر خدا، سلام بر فرستاده خدا، سلام بر محمّد آقا و سرور

الْمُرْسَلينَ، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلينَ، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

فرستادگان، سلام بر محمّد آقا و سرور پيشينيان، سلام بر محمّد آقا و سرور

الْأخِرينَ، السَّلامُ عَلى‏ مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

پسينيان، سلام بر كسى كه خدا او را به عنوان رحمت براى جهانيان مبعوث كرد، سلام و

النَّبِىُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ فاطِمَةَ بِنْتِ اسَدٍ الْهاشِمِيَّةِ،

رحمت و بركات خدا بر تو اى پيامبر، سلام بر فاطمه دختر اسد، آن بانوى هاشمى‏

السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الصِّدّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،

سلام بر تو اى بانوى راستگوى پسنديده، سلام بر تو اى بانوى پرهيزكار پاكيزه،

السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الْكَريمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا كافِلَةَ مُحَمَّدٍ خاتَمِ‏

سلام بر تو اى بانوى باكرامت خشنود از پروردگار، سلام بر تو اى عهده‏دار پرورش محمّد خاتم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 247

النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ‏

پيامبران، سلام بر تو اى مادر آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو اى بانويى كه‏

ظَهَرَتْ شَفَقَتُها عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ خاتَمِ النَّبيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ‏

به رسول خدا خاتم پيامبران مهر ورزيدى، سلام بر تو اى بانويى كه‏

تَرْبِيَتُها لِوَلِىِّ اللَّهِ الْأَمينِ، السَّلامُ عَلَيْكِ وَ عَلى‏ رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ الطَّاهِرِ،

عهده‏دار پرورش ولىّ امين خدا بودى، سلام بر تو و بر روح و بدن پاكت‏

السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلى‏ وَلَدِكِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكِ احْسَنْتِ‏

سلام و رحمت و بركات خدا بر تو و فرزندت، گواهى مى‏دهم كه تو نيكو

الْكِفالَةَ، وَادَّيْتِ الْأَمانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فى‏ مَرْضاتِ اللَّهِ، وَبالَغْتِ فى‏ حِفْظِ

پروراندى و امانت را ادا نمودى، و در جلب خشنودى خداوند كوشيدى، و در محافظت از رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ، عارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً

سعى فراوان كردى، در حالى كه حقّش را شناخته و به صداقتش ايمان داشتى و به پيامبريش اعتراف كرده و به نعمت حضورش‏

بِنِعْمَتِهِ، كافِلَةً بِتَرْبِيَتِهِ، مُشْفِقَةً عَلى‏ نَفْسِهِ، واقِفَةً عَلى‏ خِدْمَتِهِ، مُخْتارَةً

آگاه بودى، و پرورشش را بر عهده گرفته و بر او مهربان بودى، خود را وقف خدمت به او نموده و رضايتش را

رِضاهُ، وَاشْهَدُ انَّكِ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمانِ، وَالتَّمَسُّكِ بِاشْرَفِ الْأَدْيانِ،

جلب كردى، گواهى مى‏دهم كه تو با ايمان و پايبند به برترين دين درگذشتى‏

راضِيَةً مَرْضِيَّةً، طاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِىَ اللَّهُ عَنْكِ وَارْضاكِ،

در حالى كه خشنود و پسنديده، پاك و پاكيزه، پرهيزكار و پاك بودى، پس خداوند از تو خشنود شد و تو را خشنود گردانيد

وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَ مَاْويكِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و بهشت را منزل و جايگاه تو قرار داد، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَانْفَعْنى‏ بِزِيارَتِها، وَثَبِّتْنى‏ عَلى‏ مَحَبَّتِها، وَلا تَحْرِمْنى‏ شَفاعَتَها،

و زيارتش را برايم سودمند و مرا بر محبّتش ثابت‏قدم گردان و از شفاعتش‏

وَشَفاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِها، وَارْزُقْنى‏ مُرافَقَتَها، وَاحْشُرْنى‏ مَعَها وَمَعَ‏

و شفاعت امامان از نسلش محروم مگردان، و همراهيش را روزيم كن و مرا با او

اوْلادِهَا الطَّاهِرينَ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتى‏ ايّاها،

و فرزندان پاكش محشور كن، خدايا اين زيارت را آخرين زيارتم از اين بانو قرار مده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 248

وَارْزُقْنِى الْعَوْدَ الَيْها ابَداً ما ابْقَيْتَنى‏، وَاذا تَوَفَّيْتَنى‏ فَاحْشُرْنى‏ فى‏ زُمْرَتِها،

و تا مادامى كه زنده‏ام بازگشت براى زيارتش را روزيم كن، و هنگامى كه از دنيا رفتم در جمع او محشورم نما

وَادْخِلْنى‏ فى‏ شَفاعَتِها، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّها عِنْدَكَ،

و مرا در ميان شفاعت شدگانش داخل كن، به رحمتت اى مهربانترين مهربانان، خدايا به حق او در نزدت‏

وَمَنْزِلَتِها لَدَيْكَ، اغْفِرْ لى‏ وَلِوالِدَىَّ، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ،

و جايگاهش در پيشگاهت، من و پدر و مادرم و همه مردان و زنان باايمان را بيامرز

وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النَّارِ.

و به ما در دنيا نيكى عطا كن و در آخرت نيز نيكى مرحمت فرما و به رحمتت ما را از عذاب آتش نگاه دار.

سپس دو ركعت نماز زيارت مى‏خوانى و آنچه كه دوست دارى دعا مى‏كنى.[[272]](#footnote-272)

زيارت مشاهد و مساجد مدينه:

1- يكى از ياران امام صادق عليه السلام مى‏گويد: خدمت آن حضرت عرض كردم: هرگاه بخواهم سرى به مساجد (و مشاهد) اطراف مدينه بزنم از كجا شروع كنم؟

فرمود: «از مسجد قبا شروع كن و در آن نماز بخوان و زياد هم نماز بخوان چرا كه اوّلين مسجدى است كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله در آن نماز خواند. سپس به «مشربه امّ‏ابراهيم» برو و در آن‏جا نماز بگزار؛ چرا كه آن، مسكن و مصلّاى رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله بود. سپس وارد مسجد «فضيخ»[[273]](#footnote-273) (كه مسجد «ردّ شمس» نيز نام دارد و نزديك مسجد قباست) مى‏شوى و دو ركعت نماز مى‏خوانى چرا كه آن مسجدى است كه پيامبر صلى الله عليه و آله در آن نماز خواند.

سپس به جانب «احد» مى‏روى و از مسجدى كه قبل از احد است آغاز مى‏كنى و در آن نماز مى‏خوانى، آنگاه نزد قبر «حمزة بن عبدالمطلب» مى‏روى و بر او سلام مى‏كنى، سپس سرى به قبور شهدا مى‏زنى و خطاب به آنان مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ الدِّيارِ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَ إِنَّا بِكُمْ لاحِقُونَ.[[274]](#footnote-274)

پس از آن وارد مسجدى مى‏شوى كه در جنب كوه، در جانب راست و در مدخل احد قرار دارد، و در آن نماز مى‏گزارى ... آنگاه وارد مسجد احزاب (كه مسجد فتح نيز نام دارد) مى‏شوى و در آن نماز مى‏خوانى چرا كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله، روز احزاب در آن مسجد دعا كرد و عرض كرد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 249

«يا صَريخَ الْمَكْرُ و بينَ، وَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، وَ يا مُغيثَ الْمَهْمُومينَ،

اى دادرس گرفتاران، و اى اجابت‏كننده دعاى درماندگان، و اى فريادرس غمزدگان،

اكْشِفْ هَمّى‏ وَ كَرْبي‏ وَ غَمّى‏، فَقَدْ تَرى‏ حالى‏ وَ حالَ اصْحابى‏».[[275]](#footnote-275)

غم و گرفتارى و اندوهم را برطرف كن، زيرا تو شاهد حال من و همراهانم هستى.

2- مطابق آنچه در «مصباح الزائر»[[276]](#footnote-276) «سيّد بن طاووس» آمده زائر مى‏تواند دعايى كه رسول خدا صلى الله عليه و آله در مسجد احزاب خواندند را براى تطبيق بر خودش تغيير دهد و بعد از خواندن دو ركعت نماز چنين بگويد:

يا صَريخَ الْمَكْرُوبينَ، وَيا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، وَيا مُغيثَ‏

اى دادرس گرفتاران، و اى اجابت‏كننده دعاى درماندگان، و اى فريادرس‏

الْمَهْمُومينَ، اكْشِفْ عَنّى‏ ضُرّى‏ وَهَمّى‏، وَكَرْبى‏ وَغَمّى‏، كَما كَشَفْتَ عَنْ‏

غمزدگان، ضرر و گرفتارى و اندوه و غمم را برطرف كن، همان‏گونه كه اندوه را از

نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَمَّهُ، وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَاكْفِنى‏ ما اهَمَّنى‏

پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- برطرف نمودى، و هراس از دشمنش را از او دور ساختى، آنچه از امور

مِنْ امْرِ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

دنيا و آخرت مرا به زحمت انداخته كفايت كن، اى مهربانترين مهربانان.

3- سپس «سيّد بن طاووس» مى‏نويسد: و نماز مى‏گزارى به مقدارى كه برايت ممكن است در خانه حضرت امام زين‏العابدين عليه السلام و خانه امام جعفر صادق عليه السلام و در مسجد سلمان فارسى و مسجد اميرمؤمنان كه محاذى قبر حمزه است و مسجد مباهله، و دعا مى‏كنى به آنچه مى‏خواهى.[[277]](#footnote-277) غالب اين مساجد امروز موجود است و به نام مساجد سبعه (هفتگانه) ناميده مى‏شود و معمولًا زوّار مدينه را يك روز به زيارت همه آنها مى‏برند، ولى از بعضى از اين آثار در حال حاضر اثرى نيست.

زيارت حضرت حمزه عليه السلام‏

فضيلت زيارت حضرت حمزه عليه السلام:

1- «فخرالمحقّقين» در رساله «النيّة» روايتى را از رسول اكرم صلى الله عليه و آله نقل مى‏كند كه فرمود: هر كه مرا زيارت كند، ولى به زيارت عمويم حمزه نرود در حقّ من جفا كرده است![[278]](#footnote-278)

كليات مفاتيح نوين، ص: 250

2- و نيز «محدّث قمى» در «بيت‏الاحزان» روايت كرده كه حضرت فاطمه عليها السلام بعد از وفات پدر بزرگوار خود هر هفته، روزهاى دوشنبه و پنج‏شنبه به زيارت حمزه و شهداى احد مى‏رفت و نماز مى‏خواند و در آن جا دعا مى‏كرد و تا زمان وفاتش آن را ترك نفرمود و بعضى از راويان گفته‏اند كه آن سيّده جليله سر قبر حمزه مى‏رفت و گريه مى‏كرد و من در يكى از روزها به زيارت حمزه مشرّف شدم ديدم كه آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گريه است، من صبر كردم تا گريه‏اش فرو نشست، نزديك رفتم و سلام كردم و گفتم:

يا سيّدَةَ النِّسْوانِ به خدا سوگند كه با گريه‏ات رگهاى دلم را قطع كردى. فرمود: براى من گريستن سزاوار است چرا كه داغدار بهترين پدر هستم. سپس گفت:

واشَوْقاهُ الى‏ رَسُولِ‏اللَّه صلى الله عليه و آله‏

آنگاه اين بيت را زمزمه كرد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اذا ماتَ يَوْماً مَيِّتٌ قَلَّ ذِكرُهُ‏ |  | وَذِكْرُ ابى‏ مُذْ ماتَ وَاللَّهِ اكْثَرُ[[279]](#footnote-279) |
|  |  |  |

هنگامى كه شخصى بميرد كم از او ياد مى‏شود ولى به خدا سوگند ياد پدرم بعد از رحلتش بيشتر شده است‏

3- «شيخ مفيد» مى‏نويسد: رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله در زمان حياتش امر فرمود كه به زيارت قبر حمزه بروند و حضرتش خود نيز به زيارت حمزه و ساير شهدا مى‏رفت و حضرت فاطمه عليها السلام نيز پس از وفات پدر بزرگوارش هر صبح و هر شام (براى تسلّى خاطر) به زيارت قبر حمزه مى‏رفت و مسلمانان هم پى در پى به زيارت قبرش مى‏رفتند.[[280]](#footnote-280)

كيفيّت زيارت حضرت حمزه عليه السلام:

«علّامه مجلسى» از «شيخ مفيد» و «سيّد بن طاووس» و «شهيد اوّل» رضوان اللَّه تعالى عليهم نقل كرده كه براى زيارت قبر حمزه (در احد) مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى عموى رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- سلام بر تو اى‏

خَيْرَ الشُّهَدآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اسَدَ اللَّهِ وَاسَدَ رَسُولِهِ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ

برترين شهيدان، سلام بر تو اى شير خدا و رسولش، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

جاهَدْتَ فِى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ‏

در راه خداوند عزيز و گرامى جهاد نموده، و جانت را فدا كردى، و براى رسول خدا خيرخواهى نمودى‏

فيما عِنْدَاللَّهِ سُبْحانَهُ راغِباً، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏، اتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً الى‏ رَسُولِ‏

و به آنچه در نزد خداى سبحان است مشتاق بودى، پدر و مادرم فداى تو باد، براى تقرّب به رسول‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 251

اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِذلِكَ راغِباً الَيْكَ فِى الشَّفاعَةِ، ابْتَغى‏ بِزِيارَتِكَ‏

خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- نزد شما آمده و با اين كار مشتاق شفاعت شمايم، و با زيارت شما

خَلاصَ نَفْسى‏، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نارٍ اسْتَحَقَّها مِثْلى‏ بِما جَنَيْتُ عَلى‏

رهاييم را (از عذاب) مى‏طلبم، در حالى كه به تو پناهنده‏ام از آتشى كه به واسطه جنايتى كه بر خود كرده‏ام امثال من مستحقّ‏

نَفْسى‏، هارِباً مِنْ ذُنُوبِىَ الَّتِى احْتَطَبْتُها عَلى‏ ظَهْرى‏، فَزِعاً الَيْكَ رَجآءَ

آن هستند و از گناهانى كه پشتم را سنگين كرده گريزانم، و به اميد

رَحْمَةِ رَبّى‏، اتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعيدَةٍ، طالِباً فَكاكَ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، وَقَدْ

رحمت پروردگارم به تو متوسّل شده‏ام، از راه دورى نزدتان آمده‏ام در حالى كه رهاييم را از آتش دوزخ خواهانم،

اوْقَرَتْ ظَهْرى‏ ذُنُوبى‏، وَاتَيْتُ ما اسْخَطَ رَبّى‏، وَلَمْ اجِدْ احَدًا افْزَعُ الَيْهِ‏

و سنگينى گناهانم پشتم را خم كرده، و آنچه پروردگارم را به خشم آورده مرتكب شده‏ام و كسى را بهتر از شما

خَيْراً لى‏ مِنْكُمْ اهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لى‏ شَفيعاً يَوْمَ فَقْرى‏ وَحاجَتى‏،

خاندان رحمت نمى‏يابم كه به او پناهنده شوم، پس در روز ندارى و نياز شفيعم باش،

فَقَدْ سِرْتُ الَيْكَ مَحْزُوناً، وَاتَيْتُكَ مَكْرُوباً، وَسَكَبْتُ عَبْرَتى‏ عِنْدَكَ باكِياً،

اندوهگين و گرفتار به سويت آمده‏ام، و گريه كنان اشك چشمم را در پيشگاهت جارى ساختم‏

وَصِرْتُ الَيْكَ مُفْرَداً، وَانْتَ مِمَّنْ امَرَنِىَ اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَ حَثَّنى‏ عَلى‏ بِرِّهِ،

و تنها نزدت آمده‏ام، و تو از كسانى هستى كه خداوند دستور پيوستن به آنها را به من داده و مرا بر نيكى به آنها تشويق كرده‏

وَدَلَّنى‏ عَلى‏ فَضْلِهِ، وَهَدانى‏ لِحُبِّهِ، وَ رَغَّبَنى‏ فِى الْوِفادَةِ الَيْهِ، وَالْهَمَنى‏

و فضيلت آنها را به من شناسانده و به محبّت آنان هدايتم كرده و به حضور در نزد آنها مشتاقم ساخته،

طَلَبَ الْحَوائِجِ عِنْدَهُ، انْتُمْ اهْلُ بَيْتٍ لا يَشْقى‏ مَنْ تَوَلّاكُمْ، وَلا يَخيبُ مَنْ‏

و طلب حاجتها را در پيشگاه آنها به من الهام نموده است، شماييد خاندانى كه هر كس شما را دوست بدارد بدبخت نمى‏شود و هر كس نزد شما آيد

اتاكُمْ، وَلا يَخْسَرُ مَنْ يَهْويكُمْ، وَلا يَسْعَدُ مَنْ عاداكُمْ\* آنگاه رو به قبله مى‏كنى‏ نااميد نگردد، و هر كس به شما دل بندد زيانكار نشود، و هر كس با شما دشمنى كند سعادتمند نگردد\*\*\*\*\*\*\*\*

و دو ركعت نماز زيارت بجا مى‏آورى و پس از آن (در صورت امكان) خود را به قبر مى‏چسبانى و مى‏گويى:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍوَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ انّى‏ تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومى‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، خدايا با اقامتم نزد قبر عموى پيامبرت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 252

لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِتُجيرَنى‏ مِنْ نِقْمَتِكَ فى‏ يَوْمٍ تَكْثُرُ

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به رحمتت رو كرده‏ام، تا مرا از عذابت پناه دهى در روزى كه (از شدّت عذاب)

فيهِ الْأَصْواتُ، وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِما قَدَّمَتْ، وَتُجادِلُ عَنْ نَفْسِها، فَانْ‏

ناله‏ها فراوان است و هر كس به آنچه از پيش فرستاده مشغول است و از خود دفاع مى‏كند پس اگر

تَرْحَمْنِى الْيَوْمَ فَلا خَوْفٌ عَلَىَّ وَلا حُزْنٌ، وَانْ تُعاقِبْ فَمَوْلىً لَهُ الْقُدْرَةُ

در آن روز بر من رحم كنى ترس و اندوهى ندارم، و اگر مجازاتم كنى مولايى هستى كه‏

عَلى‏ عَبْدِهِ، وَلا تُخَيِّبْنى‏ بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلا تَصْرِفْنى‏ بِغَيْرِ حاجَتى‏، فَقَدْ

بر بنده‏ات قدرت دارى، از اين پس مأيوسم مكن و مرا بدون برآوردن حاجتم برمگردان، زيرا

لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ الَيْكَ ابْتِغآءَ مَرْضاتِكَ، وَ رَجآءَ

به قبر عموى پيامبرت چسبيده‏ام و به واسطه او براى به دست آوردن خشنودى و اميد رحمتت به درگاهت‏

رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنّى‏، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلى‏ جَهْلى‏، وَبِرَاْفَتِكَ عَلى‏ جِنايَةِ

تقرّب مى‏جويم، پس از من بپذير، و با شكيباييت بر نادانيم، و با مهربانيت بر جنايتى كه بر خود كرده‏ام‏

نَفْسى‏، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمى‏، وَما اخافُ انْ تَظْلِمَنى‏، وَلكِنْ اخافُ سُوءَ

توجّه فرما، زيرا گناهم بزرگ است، و (هرگز) از اين كه تو به من ستم كنى نمى‏ترسم بلكه ترس من از سختى‏

الْحِسابِ، فَانْظُرِ الْيَوْمَ تَقَلُّبى‏ عَلى‏ قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

حساب است، پس امروز به روى آوردنم بر قبر عموى پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- عنايت كن‏

فَبِهِما فُكَّنى‏ مِنَ النَّارِ، وَلا تُخَيِّبْ سَعْيى‏، وَلا يَهوُنَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهالى‏، وَلا

پس به واسطه آن دو بزرگوار مرا از آتش رهايى بخش، و تلاشم را بى‏نتيجه مگردان، و گريه و زاريم به درگاهت بى‏اهميّت نباشد

تَحْجُبَنَّ عَنْكَ صَوْتى‏، وَلا تَقْلِبْنى‏ بِغَيْرِ حَوائِجى‏، يا غِياثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ‏

و صدايم را از رسيدن به درگاهت منع نكن و بدون برآوردن نيازم بازم مگردان، اى فريادرس هر گرفتار

وَ مَحْزُونٍ، وَيا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرانِ الْغَريقِ الْمُشْرِفِ عَلَى‏

و اندوهگين، و اى رهايى‏بخش غمگينِ سرگردان و غرق شده در آستانه هلاكت،

الْهَلَكَةِ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ الَىَّ نَظْرَةً لا اشْقى‏ بَعْدَها

پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و به من به گونه‏اى توجّه فرما كه هرگز بعد از آن بدبخت نشوم،

ابَداً، وَارْحَمْ تَضَرُّعى‏ وَعَبْرَتى‏ وَانْفِرادى‏، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضاكَ،

و بر گريه و اشك و تنهاييم رحم كن، زيرا اميد خشنوديت را دارم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 253

وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذى‏ لا يُعْطيهِ احَدٌ سِواكَ، فَلا تَرُدَّ امَلى‏، اللهُمَّ انْ‏

و خيرى را مى‏طلبم كه جز تو كسى قادر بر عطاى آن نيست. پس اميدم را نااميد مگردان، خدايا اگر

تُعاقِبْ فَمَوْلىً لَهُ الْقُدْرَةُ عَلى‏ عَبْدِهِ، وَجَزآئِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلا اخيبَنَ‏

مجازاتم كنى پس مولايى هستى كه بر بنده‏ات توانايى، و مجازاتش به خاطر بدى كردارش بوده است، پس امروز

الْيَوْمَ، وَلا تَصْرِفْنى‏ بِغَيْرِ حاجَتى‏، وَلا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصى‏ وَوِفادَتى‏، فَقَدْ

مرا مأيوس نكن و بدون برآوردن حاجاتم بازم مگردان، و سفر كردن و وارد شدنم را بى‏ثمر مگردان، چون‏

انْفَدْتُ نَفَقَتى‏، وَاتْعَبْتُ بَدَنى‏، وَقَطَعْتُ الْمَفازاتِ، وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمالَ‏

(در اين راه) داراييم را صرف نموده و بدنم را خسته كرده و بيابانها را پيموده‏ام، و خانواده و دارايى‏

وَ ما خَوَّلْتَنى‏، وَآثَرْتُ ما عِنْدَكَ عَلى‏ نَفْسى‏، وَلُذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى‏

و آنچه به من عطا نموده‏اى را بر جا گذاشته‏ام و آنچه در پيشگاه توست را بر خود برگزيده‏ام و به قبر عموى پيامبرت‏

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ‏ابْتِغآءَ مَرْضاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلى‏ جَهْلى‏،

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- پناهنده‏ام و به واسطه او براى به دست آوردن خشنوديت تقرّب مى‏جويم پس با شكيباييت بر نادانيم‏

وَبِرَاْفَتِكَ عَلى‏ ذَنْبى‏، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمى‏، بِرَحْمَتِكَ يا كَريمُ يا كَريمُ.[[281]](#footnote-281)

و با مهربانيت بر گناهم توجّه فرما، زيرا گناهم بزرگ است، به رحمتت اى بخشنده اى بخشنده.

زيارت ساير شهداى احُد:

«علّامه مجلسى» در «بحارالانوار»، زيارت ساير شهداى احد را اين چنين آورده است:

السَّلامُ عَلى‏ رَسوُلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ‏

سلام بر فرستاده خدا، سلام بر پيامبر خدا، سلام بر محمّد بن‏

عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ ايُّهَا الشُّهَدآءُ

عبداللَّه، سلام بر خاندان پاكش، سلام بر شما اى شهيدان‏

الْمُؤْمِنُونَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ الْإيمانِ وَالتَّوْحيدِ، السَّلامُ‏

با ايمان، سلام بر شما اى اهل خانه ايمان و يگانه‏پرستى، سلام‏

عَلَيْكُمْ يا انْصارَ دينِ اللَّهِ وَانْصارَ رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَ الِهِ السَّلامُ، سَلامٌ‏

بر شما اى ياوران دين خدا و فرستاده‏اش- كه بر او و خاندانش درود باد- سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 254

عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، اشْهَدُ انَّ اللَّهَ اخْتارَكُمْ لِدينِهِ،

بر شما به واسطه بردباريتان، پس چه جايگاه نيكوييست (جايگاه صابران)، گواهى مى‏دهم كه خداوند شما را براى (يارى) دين‏

وَاصْطَفاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَاشْهَدُ انَّكُمْ قَدْ جاهَدْتُمْ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

و رسولش برگزيد، و گواهى مى‏دهم كه شما در راه خدا به شايستگى جهاد نموديد،

وَذَبَبْتُمْ عَنْ دينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ، وَجُدْتُمْ بِانْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَاشْهَدُ انَّكُم‏

و از دين خدا و پيامبرش دفاع كرده و جان خود را نثار او نموديد، و گواهى مى‏دهم كه شما

قُتِلْتُمْ عَلى‏ مِنْهاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزاكُمُ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ‏

در راه رسول خدا كشته شديد، پس خداوند بهترين پاداش را از جانب پيامبرش و دين اسلام و مسلمانان‏

افْضَلَ الْجَزآءِ، وَعَرَّفَنا وُجُوهَكُمْ فى‏ مَحَلِّ رِضْوانِهِ، وَمَوْضِعِ اكْرامِهِ،

به شما عطا كند، و منزلت شما را در بهشت و جايگاه اكرامش‏

مَعَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ، وَحَسُنَ اولئِكَ رَفيقاً،

به همراه پيامبران و راستگويان و شهيدان و شايستگان كه نيكو رفيقانى هستند- به ما بشناساند

اشْهَدُ انَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَانَّ مَنْ حارَبَكُمْ فَقَدْ حارَبَ اللَّهَ، وَانَّكُمْ لَمِنَ‏

گواهى مى‏دهم كه شما حزب خداييد و هر كس با شما بجنگد با خدا جنگيده و شما به يقين از

الْمُقَرَّبينَ الْفائِزينَ، الَّذينَ هُمْ احْيآءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلى‏ مَنْ قَتَلَكُمْ‏

مقرّبان و رستگارانيد، آنانى كه زنده‏اند و در نزد پروردگارشان روزى مى‏خورند، پس‏

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلائِكَةِ وَالنَّاسِ اجْمَعينَ، اتَيْتُكُمْ يا اهْلَ التَّوْحيدِ زائِراً،

لعنت خدا و فرشتگان و تمامى مردم بر قاتلان شما باد، اى يگانه‏پرستان، براى زيارت نزد شما آمده‏ام‏

وَبِحَقِّكُمْ عارِفاً، وِبِزِيارَتِكُمْ الَى اللَّهِ مُتَقَرِّباً، وَبِما سَبَقَ مِنْ شَريفِ‏

و به حقّ شما آشنايم و با زيارت شما به خداوند تقرّب مى‏جويم، و به آنچه در گذشته از كارهاى خوب‏

الْأَعْمالِ وَمَرْضِىِّ الْأَفْعالِ عالِماً، فَعَلَيْكُمْ سَلامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ،

و پسنديده انجام داده‏ايد آگاهم، پس سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد

وَعَلى‏ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اللهُمَّ انْفَعْنى‏ بِزِيارَتِهِمْ،

و لعنت و غضب و خشم خدا بر قاتلان شما باد، خدايا زيارت آنان را برايم سودمند گردان‏

وَثَبِّتْنى‏ عَلى‏ قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنى‏ عَلى‏ ماتَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ بَيْنى‏

و مرا بر قصد آنان ثابت قدم بدار، و مرا به آن راهى كه آنان را ميراندى بميران، و من را با آنان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 255

وَبَيْنَهُم فى‏ مُسْتَقَرِّ دارِ رَحْمَتِكَ، اشْهَدُ انَّكُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ بِكُمْ لاحِقُونَ.

در بهشت و خانه رحمتت گردهم جمع كن، گواهى مى‏دهم كه شما بر ما پيشى گرفتيد و ما به شما ملحق مى‏شويم.

آنگاه هر مقدار كه ممكن است سوره «

انَّا انزلناه‏

» مى‏خوانى و برمى‏گردى.[[282]](#footnote-282)

زيارت وداع هنگام خروج از مدينه:

1- يكى از ياران خاصّ امام صادق عليه السلام به نام معاوية بن عمّار از آن حضرت نقل مى‏كند كه فرمود:

هرگاه خواستى از مدينه بيرون آيى غسل كن و نزد قبر پيامبر صلى الله عليه و آله برو و آنچه را هنگام ورودت بجا آوردى انجام بده و سپس بگو:

اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتى‏ قَبْرَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

خدايا اين زيارت را آخرين زيارتم از قبر پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- قرار مده،

فَانْ تَوَفَّيْتَنى‏ قَبْلَ ذلِكَ، فَانّى‏ اشْهَدُ فى‏ مَماتى‏ عَلى‏ ما اشْهَدُ عَلَيْهِ فى‏

پس اگر مرا پيش از آن ميراندى، در وقت مردنم گواهى مى‏دهم به آنچه در زندگيم به آن‏

حَياتى‏، انْ لا الهَ الَّا انْتَ، وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ.

گواهى داده‏ام، كه معبودى جز تو نيست و محمّد بنده و فرستاده توست.

2- يكى از ياران امام صادق عليه السلام از آن حضرت در ارتباط با وداع قبررسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله سؤال كرد، فرمود بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْليمى‏ عَلَيْكَ.[[283]](#footnote-283)

درود خدا بر تو باد، سلام بر تو، خداوند اين سلامم را آخرين سلامم بر تو قرار ندهد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 256

فصل دوم: فضيلت زمين نجف و زيارت اميرمؤمنان على عليه السلام‏

فضيلت زمين نجف:

1- طبق بعضى روايات، نجف، سرزمين نيكان و پاكان است به طورى كه هفتاد هزار نفر از اين سرزمين بدون حساب وارد بهشت مى‏شوند. بر همين اساس، على عليه السلام آن را از دهقان‏هاى آن منطقه خريدارى كرد چون دوست مى‏داشت كه آن هفتاد هزار نفر از مِلك او وارد بهشت شوند!.[[284]](#footnote-284) 2- «ديلمى» در «ارشاد القلوب» مى‏نويسد: در اخبار صحيحه از اهل بيت عليهم السلام آمده است كه از خواص خاك نجف اين است كه در آن، عذاب قبر و محاسبه نكير و منكر، ساقط مى‏شود[[285]](#footnote-285) و نيز مى‏نويسد:

از اميرمؤمنان عليه السلام نقل شده كه به كوفه (كه شامل نجف نيز مى‏شد) نگاه كرد و فرمود: چقدر ظاهر ومنظر تو زيباو درون و قعر تو، طيّب و پاكيزه است، خدايا قبر مرا در اين مكان قرار ده!.[[286]](#footnote-286) 3- همچنين روايت كرده كه هرگاه اميرمؤمنان عليه السلام مى‏خواست با خود خلوتى داشته باشد از كوفه به سمت نجف حركت مى‏كرد؛ روزى كه مُشرف بر نجف بود ناگهان مردى را سوار بر ناقه‏اى و همراه با جنازه‏اى ديد، سؤال كرد از كجا مى‏آيى؟ جواب داد از «يمن». فرمود: اين جنازه كيست؟ جواب داد: جنازه پدرم است؛ آورده‏ام تا در اين مكان دفنش كنم. فرمود: چرا در يمن دفنش نكردى؟ جواب داد: چون اين گونه وصيّت كرد، و گفت: در اين مكان مردى دفن مى‏شود كه به تعداد افراد دو قبيله بزرگ «ربيعه» و «مضر» مورد شفاعت او واقع مى‏شوند. فرمود: آيا آن مرد را مى‏شناسى؟ جواب داد: نه. حضرت سه بار فرمود: به خدا قسم منم آن مرد، پس دفن كن!.[[287]](#footnote-287)

4- و نيز به نقل از امام صادق عليه السلام مى‏نويسد: هيچ مؤمنى در شرق يا غرب عالم نمى‏ميرد مگر اين‏كه روحش در وادى‏السّلام (واقع در سرزمين نجف) محشور مى‏شود.[[288]](#footnote-288)

5- در كتاب «كافى» از شخصى به نام «حبّة العرني» نقل مى‏كند كه مى‏گويد: با اميرمؤمنان عليه السلام به بيرون كوفه رفتم؛ ديدم كه آن حضرت در وادى‏السّلام توقّف كرد به گونه‏اى كه گويا اقوامى را مخاطب قرار داده است. من هم با او ايستادم تا اين‏كه خسته شدم، سپس نشستم تا اين‏كه از نشستن خسته شدم، بعد ايستادم تا اين‏كه بازهم از ايستادن ملول گشتم و نشستم تا اين‏كه خسته شدم، آنگاه برخاستم و عرض‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 257

كردم: اى اميرمؤمنان، من از اين توقّف و سرپا ايستادن طولانى شما نگران هستم، ساعتى را استراحت كنيد؛ سپس ردايم را پهن كردم تا حضرتش روى آن بنشيند، فرمود: يا حبّه! آنچه ديدى چيزى جز گفتگوى من با مؤمن و انس گرفتن با او نيست. عرض كردم: اى اميرمؤمنان واقعاً اين گونه است؟ فرمود:

آرى؛ اگر پرده‏ها كنار مى‏رفت مى‏ديدى آنها را كه حلقه حلقه دور هم نشسته‏اند و با هم سخن مى‏گويند.

عرض كردم: مقصود، اجسام آنهاست يا ارواح آنها؟ فرمود: مرادم ارواح آنهاست، هيچ مؤمنى در قطعه‏اى از زمين نمى‏ميرد مگر اين‏كه به روح او گفته مى‏شود: به وادى‏السّلام ملحق شو! به يقين كه آن، بقعه‏اى از بهشت است.[[289]](#footnote-289)

فضيلت زيارت اميرمؤمنان على عليه السلام:

1- «شيخ طوسى» در كتاب «امالى» از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: خداوند مخلوقى بيش از فرشتگان نيافريده كه هر روز هفتاد هزار از آنها نازل مى‏شوند و پس از طواف بيت معمور و سپس كعبه، به سراغ قبر پيامبر صلى الله عليه و آله مى‏روند و بر او سلام مى‏كنند و سپس به سراغ قبر امير مؤمنان عليه السلام مى‏روند و به او نيز سلام مى‏كنند؛ سپس به زيارت قبر حسين عليه السلام مى‏روند و به او نيز سلام مى‏كنند؛ آنگاه به آسمان مى‏روند و هر روز گروه ديگرى مثل آنها تا روز قيامت، نازل مى‏شوند، و نيز فرمود: كسى كه اميرمؤمنان عليه السلام را «عارفاً بحقّه» (/ با شناخت به حقّ او) و بدون تكبّر زيارت كند، خداوند اجر شهيدان را برايش مى‏نويسد و گناهانش بخشوده مى‏شود و با امن و امان در قيامت مبعوث مى‏شود و حساب و محاسبه بر او آسان مى‏گردد و فرشتگان به استقبالش مى‏روند و وقتى از زيارت برگشت، فرشتگان تا منزلش او را مشايعت مى‏كنند؛ اگر مريض شود به عيادتش مى‏روند و اگر بميرد او را تشييع مى‏كنند و برايش استغفار مى‏نمايند».[[290]](#footnote-290) (فراموش نشود اين پاداش‏ها براى كسى است كه عارف به حقّ آن حضرت باشد و در مسير مكتب آنها حركت كند).

2- «كامل الزيارات» از ابى‏وهب بصرى نقل مى‏كند كه مى‏گويد: وارد مدينه شدم و خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم و عرض كردم: فدايت شوم محضر شما رسيدم در حالى كه قبر اميرمؤمنان عليه السلام را زيارت نكردم، فرمود: كار خوبى نكردى. اگر از شيعيان ما نبودى به تو نگاه نمى‏كردم به جهت اين‏كه زيارت نكردى كسى را كه ... فرشتگان و انبيا و مؤمنان به زيارتش مى‏روند.[[291]](#footnote-291) 3- در روايت ديگرى، آن حضرت خطاب به مفضّل بن عمر فرمودند: براى زائر اميرمؤمنان، هنگامى كه دعا مى‏كند و چيزى را از خدا مى‏خواهد، درهاى آسمان گشوده مى‏شود، پس غافل از خير مباش.[[292]](#footnote-292)

كليات مفاتيح نوين، ص: 258

4- در روايت ديگرى وقتى امام حسن مجتبى عليه السلام از رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله سؤال مى‏كند كه پاداش زائر تو چيست؟ در جوابش مى‏فرمايد: پسرم! كسى كه در زمان حيات و يا مماتم، مرا يا پدرت را زيارت كند بر من واجب است كه در قيامت زيارتش كنم ....[[293]](#footnote-293) 5- خلف بن حمّاد از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: در بيرون كوفه (نجف) قبرى وجود دارد كه هيچ دردمندى به آن پناه نمى‏برد مگر اين‏كه شفا پيدا مى‏كند.[[294]](#footnote-294) 6- حسّان بن مهران از امام صادق عليه السلام روايت مى‏كند كه فرمود: اى حسّان! آيا به زيارت قبور شهدايى كه در منطقه شما هستند مى‏رويد؟ عرض كردم: كدام شهدا؟ فرمود: على عليه السلام و حسين عليه السلام. عرض كردم:

آرى، بسيار به زيارتشان مى‏رويم. فرمود: آنها شهدايى هستند كه در نزد خدايشان روزى داده مى‏شوند پس آنها را زيارت كنيد و به آنها پناهنده شويد و حوائجتان را نزدشان بيان كنيد (خداوند اجابت مى‏كند).[[295]](#footnote-295) 7- مرحوم «علّامه مجلسى» از «ارشاد القلوب»، از عبداللَّه بن حازم نقل مى‏كند: «روزى با هارون‏الرّشيد از كوفه (به قصد شكار) به جانب «غريّين» (نجف) بيرون رفتيم، در آن جا آهوانى را ديديم، بازهاى شكارى و سگان تربيت شده را به سوى آنها فرستاديم، ساعتى آنها را تعقيب كردند تا اين‏كه آهوان به تپّه‏اى پناه بردند و در آن جا بيارميدند. بازها و سگان از تعقيب آنها دست كشيدند و برگشتند! هارون از اين صحنه، متعجّب شد، سپس آهوان از آن بلندى فرود آمدند و بازها و سگان، آنها را تعقيب كردند، ولى براى بار دوم نيز آهوان به آن تپّه بازگشتند و بازها و سگان هم دوباره از آنها صرف نظر كردند، براى بار سوم هم اين صحنه تكرار شد، هارون‏الرشيد فرمان داد كه به كوفه روند و كسى كه سنّش از همه بيشتر است را نزدش بياورند، پيرمردى از بنى‏اسد را نزدش آوردند، هارون به او گفت: قصّه اين تپّه چيست؟ جواب داد: پدرم از اجدادش نقل كرده كه مى‏گفتند: زير اين تپّه قبر على بن ابى‏طالب عليه السلام است، خداوند آن را حرم امن براى هر چيزى قرار داده است!».[[296]](#footnote-296)

كيفيّت زيارت آن حضرت:

زيارتهاى فراوانى براى حرم آن حضرت، اعمّ از مطلقه (زيارت‏هايى كه اختصاص به زمان خاصى ندارد، بلكه در هر زمانى مى‏شود آن را خواند) و زيارات مخصوصه (يعنى زيارت‏هايى كه اختصاص به زمانى خاص دارد)، نقل شده كه ما در اين‏جا به آنچه در كتاب‏هاى معتبرى چون «كامل الزيارات» و «كافى» و غير آن نقل شده است اكتفا مى‏كنيم، و قبل از ذكر آن، توجّه زوّار عزيز را به نكته‏اى مهم جلب‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 259

مى‏نماييم كه اختصاص به حرم شريف اميرمؤمنان على عليه السلام ندارد بلكه در تمام مشاهد مشرّفه جارى است و از لابه‏لاى رواياتى كه در فصل قبل (زيارت مرقد رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله در مدينه) گذشت نيز استفاده مى‏شود و در مقدّمه بخش زيارات نيز روى آن تأكيد شده است و آن اين‏كه: آنچه در باب زيارات مهم است نفس حضور در حرم و توجّه قلبى به آن بارگاه ملكوتى و برقرار كردن ارتباط روحى با صاحب آن بارگاه است، و همه آنچه كه در فصل قبل براى فضيلت زيارت قبر اميرمؤمنان عليه السلام بيان داشتيم (همچنين ساير امامان) با اين حضور و ورود در حرم و توجّه قلبى به آن بزرگواران حاصل مى‏شود، هر چند زيارتى از زيارت‏ها را نخواند.

بر همين اساس، زائر گرامى اگر حال و حوصله و يا وقت زيارت خواندن را ندارد مى‏تواند به صرف اين حضور و يا به گفتن «

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ‏

» اكتفا كند و اگر توانست ضريح مقدّس را ببوسد و اگر نتوانست برگردد، و يا در جوار آن كهف حصين لحظه‏اى و يا ساعتى توقّف كند و در جلالت و عظمت و صفات و مكارم آن بزرگوار و نقصان و آلودگى خودش تفكّر نمايد، و از گناهان خويش توبه كند و كوله‏بار سعادت آينده‏اش را محكم ببندد و در رابطه با اين‏كه چه كند تا آنچه را در اين زيارت به دست آورده، از دست ندهد و ذخيره قبر و قيامتش گردد، و نيز در رابطه با اين‏كه چه كند كه اين ارتباط و اتّصالى كه برقرار شد برايش باقى بماند، برنامه‏ريزى نمايد.

همچنين مى‏تواند بايستد و دو ركعت و يا چندين ركعت نماز بخواند و ثوابش را به آن امام معصوم هديه كند.

در «كامل الزيارات» از امام صادق عليه السلام نقل شده: در كنار كوفه قبرى است كه هيچ دردمندى نزدش حاضر نمى‏شود و چهار ركعت (هر دو ركعت به يك سلام) نماز نمى‏خواند مگر اين‏كه خداوند او را به خاطر برآورده شدن حاجتش مسرور برمى‏گرداند

(الَّا رَجَعَهُ اللَّهُ مَسْرُوراً بِقَضاءِ حاجَتِهِ).[[297]](#footnote-297)

ابان بن تغلب از ياران امام صادق عليه السلام از آن حضرت نقل مى‏كند كه با امام عليه السلام بودم و ديدم كه حضرتش پس از عبور از بيرون كوفه از مركب پياده شد و دو ركعت نماز خواند؛ سپس كمى جلوتر رفت و دو ركعت ديگر بجاى آورد؛ سپس سوار شد و اندكى حركت كرد و دوباره از مركب پياده شد و دو ركعت نماز خواند آنگاه فرمود: اين جا جايگاه قبر اميرمؤمنان عليه السلام است. عرض كردم: فدايت شوم آن دو مكانى كه در آن نماز خواندى چه بود؟ فرمود: جاى سر مبارك حسين عليه السلام (در مسير راه كوفه و شام) و جاى منبر حضرت قائم عليه السلام است.[[298]](#footnote-298)

كليات مفاتيح نوين، ص: 260

به هر حال اگر كسى، حالى به او دست داد و نخواست به اين مقدار اكتفا كند بلكه آماده شد كه زيارتى از زيارت‏هاى وارد شده را بخواند، مى‏تواند يكى از اين زيارات مطلقه را كه اختصاص به زمان خاصّى ندارد قرائت كند:

زيارات مطلقه‏

1- زيارت امين‏اللَّه‏

اين زيارت را «علّامه مجلسى» از جهت سند، از صحيح‏ترين زيارات مى‏داند[[299]](#footnote-299) و مرحوم حاج شيخ عباس قمى (در مفاتيح الجنان) آن را در نهايت اعتبار معرّفى مى‏كند.

جابر جعفى از امام باقر عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: پدرم على بن الحسين عليه السلام بعد از شهادت پدرش (از فرط غصّه و اندوه و) براى كراهتى كه از حشر و نشر با مردم داشت چند سالى دور از مردم زندگى مى‏كرد، و گاه به سوى عراق به قصد زيارت پدر و جدّش حركت مى‏كرد و كسى از آن خبر نداشت، روزى به قصد زيارت اميرمؤمنان صلوات اللَّه عليه حركت كرد و من نيز، همراه او بودم و هيچ جنبنده و صاحب روحى غير از دو ناقه، با ما نبود؛ وقتى به نجف- از بلاد كوفه- رسيديم، ديديم كه در مكان خاصّى توقّف كرد و گريست؛ به حدّى كه محاسن شريفش با اشك چشمش تر شد و گفت: السلام عليك يا اميرالمؤمنين ... تا آخر اين زيارت كه خواهد آمد.[[300]](#footnote-300) در هر حال، سندى كه در «مزار كبير» براى اين زيارت آمده، چنين است: جابر جعفى از امام محمّد باقر عليه السلام نقل مى‏كند كه امام زين‏العابدين عليه السلام به زيارت قبر امير مؤمنان عليه السلام آمد و كنار قبر آن حضرت ايستاد و گريست و گفت:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا امينَ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلى‏ عِبادِهِ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى امين خدا بر روى زمينش و حجّت او بر بندگانش، سلام‏

عَلَيْكَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، اشْهَدُ انَّكَ جاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَعَمِلْتَ‏

بر تو اى اميرمؤمنان، گواهى مى‏دهم كه تو در راه خدا به شايستگى جهاد نموده و به كتابش‏

بِكِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتّى‏ دَعاكَ اللَّهُ الى‏

عمل كرده و از سنّت پيامبرش- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- پيروى نمودى تا اينكه خداوند تو را

جِوارِهِ، فَقَبَضَكَ الَيْهِ بِاخْتِيارِهِ، وَالْزَمَ اعْدائَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مالَكَ مِنَ‏

به جوار قربش فرا خواند و تو را به اختيار خود قبض روح كرد و دشمنانت را به پذيرش‏حجّت و دليل تو وادار ساخت با آن همه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 261

الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى‏ جَميعِ خَلْقِهِ، اللهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسى‏ مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ،

حجّت‏هاى رساى ديگر كه بر تمامى مخلوقاتش دارى، خدايا قرار ده نفسم را مطمئن به تقديرت،

راضِيَةً بِقَضآئِكَ، مُولِعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعآئِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اوْلِيآئِكَ، مَحْبُوبَةً

خشنود به مقدّراتت، شيفته ياد و دعايت، دوستدار برگزيده اوليائت، محبوب‏

فى‏ ارْضِكَ وَسَمآئِكَ، صابِرَةً عَلى‏ نُزُولِ بَلائِكَ، شاكِرَةً لِفَواضِلِ‏

در زمين و آسمانت، شكيبا بر نزول بلايت، شكرگزار نعمت‏هاى ظاهرى‏

نَعْمآئِكَ، ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلآئِكَ، مُشْتاقَةً الى‏ فَرْحَةِ لِقآئِكَ، مُتَزَوِّدَةً

فراوانت، يادكننده نعمت‏هاى باطنى بى‏شمارت، مشتاق ديدار مسرّت‏بخشت، توشه بردارنده‏

التَّقْوى‏ لِيَوْمِ جَزآئِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اوْلِيآئِكَ، مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ اعْدائِكَ،

تقوا براى روز جزايت، پيرو سنّت‏هاى اوليائت، دورى كننده از اخلاق دشمنانت،

مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنآئِكَ‏\* سپس گونه مبارك خود را برقبر گذاشت وگفت:

سرگرم از دنيا به ستايش و ثنايت (قرار ده)\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اللهُمَّ انَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتينَ الَيْكَ والِهَةٌ، وَسُبُلَ الرَّاغِبينَ الَيْكَ شارِعَةٌ،

خدايا به يقين دلهاى فروتنان به درگاهت، شيفته است، و راه‏هاى علاقمندان به سوى تو نمايان است،

وَاعْلامَ الْقاصِدينَ الَيْكَ واضِحَةٌ، وَافْئِدَةَ الْعارِفينَ مِنْكَ فازِعَةٌ،

و نشانه‏هاى قاصدانت آشكار است، و دل‏هاى عارفانت بى‏قرار است‏

وَاصْواتَ الدَّاعينَ الَيْكَ صاعِدَةٌ، وَابْوابَ الْإِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ، وَدَعْوَةَ

و صداهاى دعاكنندگان به سوى تو بلند است، و درهاى پذيرش بندگانت گشوده است، و دعاى‏

مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ انابَ الَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكى‏ مِنْ‏ آن كس كه با تو راز و نياز كند مستجاب است، و توبه آن كس كه به سوى تو بازگردد پذيرفته است، و اشك آن كس كه از

خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعانَةَ لِمَنِ‏

ترس تو بگريد مورد ترحّم است، و فريادرسيت براى آن كس كه از تو يارى طلبد مهيّاست، و كمكت براى آن كس كه‏

اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ، وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ، وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ،

از تو كمك خواهد فراهم است و وعده‏هايت بر بندگانت حتمى است، و لغزش‏هاى آن كس كه از تو پوزش طلبد ناديده گرفته شده است‏

وَاعْمالَ الْعامِلينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَارْزاقَكَ الَى الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ‏

و اعمال عمل كنندگان در نزدت محفوظ است و روزيهايت بر آفريدگان از نزدت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 262

نازِلَةٌ، وَعَوآئِدَ الْمَزيدِ الَيْهِمْ واصِلَةٌ، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرينَ مَغْفُورَةٌ،

نازل است و بهره‏هاى فراوان به ايشان مى‏رسد، و گناهان آمرزش‏خواهان آمرزيده است،

وَحَوآئِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ، وَجَوآئِزَ السَّآئِلينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ،

و نيازهاى مخلوقات در پيشگاهت برآورده شده است، و پاداش‏هاى درخواست كنندگان در پيشگاهت فراوان‏

وَعَوآئِدَ الْمَزيدِ مُتَواتِرَةٌ، وَمَوآئِدَ الْمُسْتَطْعِمينَ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ الظِّمآءِ

و بهره‏هاى بسيار (در نزدت) پى در پى است، و سفره‏هاى نعمت طعام خواهانت مهيّا و چشمه‏هاى آب (در نزدت) براى تشنگان‏

مُتْرَعَةٌ، اللهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعآئى‏، وَاقْبَلْ ثَنآئى‏، وَاجْمَعْ بَيْنى‏ وَبَيْنَ‏

پر آب است، خدايا دعايم را اجابت كن، و ستايشم را بپذير، و مرا با اوليائم گرد هم‏

اوْلِيآئى‏، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ وَفاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، انَّكَ وَلِىُ‏

جمع كن، به حق محمّد و على و فاطمه و حسن و حسين، زيرا كه تويى ولى نعمت‏

نَعْمآئى‏، وَمُنْتَهى‏ مُناىَ، وَغايَةُ رَجائى‏ فى‏ مُنْقَلَبى‏ وَمَثْواىَ\* در كامل‏الزيارات‏ و سرپرستم و نهايت آرزو و اميدم در محلّ بازگشت و قرارگاهم\*\*\*\*\*

بعد از اين زيارت، اين فقرات نيز آمده است: انْتَ الهى‏ وَسَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ، اغْفِرْ لِأَوْلِيآئِنا،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* (خدايا) تويى معبود و سرور و مولاى من، دوستان ما رابيامرز،

وَكُفَّ عَنَّا اعْدآئَنا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ اذانا، وَاظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيا،

و دشمنانمان را از ما بازدار، و آنها را از آزارمان منحرف‏كن، و كلمه حق را آشكار گردان و آن را برتر قرار ده،

وَادْحِضْ كَلِمَةَ الْباطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلى‏، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[301]](#footnote-301)

و كلمه باطل را از بين ببر و آن را در جايگاه پست قرار ده، زيرا كه تو بر هر چيز توانايى.

آنگاه امام باقر عليه السلام فرمود: هر كه از شيعيان ما اين زيارت و دعا را نزد قبر اميرالمؤمنين عليه السلام يا نزد قبر يكى از ائمّه عليهم السلام بخواند، خداوند متعال، اين زيارت و دعاى او را در طومارى از نور بالا مى‏برد و مهر حضرت محمّد صلى الله عليه و آله بر آن زده شود و اين گونه محفوظ بماند تا تسليم قائم آل محمّد عليهم السلام شود.[[302]](#footnote-302) مطابق آنچه در كتاب مزار كبير و بحارالانوار آمده است: اين زيارت شريفه هم از زيارات مُطلقه محسوب مى‏شود و هم از زيارات مخصوصه روز غدير و هم از زيارات جامعه كه در جميع روضات مقدّسه ائمّه عليهم السلام خوانده مى‏شود.[[303]](#footnote-303)

كليات مفاتيح نوين، ص: 263

2- زيارت كافى‏

مرحوم «كلينى» در «كافى» و «ابن‏قولويه» در «كامل الزيارات» از امام على النقى عليه السلام روايت كرده‏اند كه آن حضرت نزد قبر امير مؤمنان عليه السلام چنين مى‏گفت:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، انْتَ اوَّلُ مَظْلُومٍ، وَاوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ،

سلام بر تو اى ولىّ خدا، تو اوّلين مظلوم و اوّلين كسى هستى كه حقّش غصب شد،

صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَاشْهَدُ انَّكَ لَقيتَ اللَّهَ وَانْتَ شَهيدٌ،

تا زمان مرگت بردبارى نموده و از خدا پاداش خير خواستى، گواهى مى‏دهم كه تو با شهادت خدا را ملاقات نمودى،

عَذَّبَ اللَّهُ قاتِلَكَ بِانْواعِ الْعَذابِ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذابَ، جِئْتُكَ عارِفاً

خداوند قاتل تو را با انواع عذاب كيفر دهد، و بر عذابش بيافزايد، به پيشگاهت آمده‏ام در حالى كه‏

بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَاْنِكَ، مُعادِياً لِأَعْدآئِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، الْقى‏ عَلى‏ ذلِكَ‏

آشنا به حقّ تو، و آگاه به مقام تو و دشمنِ دشمنان و ظلم‏كنندگان به تو هستم، اگر خدا بخواهد با اين حال‏

رَبّى‏ انْ شآءَ اللَّهُ، يا وَلِىَّ اللَّهِ، انَّ لى‏ ذُنُوباً كَثيرَةً، فَاشْفَعْ لى‏ الى‏ رَبِّكَ، فَانَ‏

پروردگارم را ملاقات مى‏كنم، اى ولىّ خدا، گناهانم بسيار است، پس به درگاه پروردگارت مرا شفاعت كن، زيرا

لَكَ عِنْدَاللَّهِ مَقاماً مَحْمُوداً مَعْلُوماً، وَ انَّ لَكَ عِنْدَاللَّهِ جاهاً وَ شَفاعَةً، وَ قَدْ

مقام تو در نزد خداوند پسنديده و معلوم است و اين كه تو نزد خداوند آبرو دارى و شفاعت مى‏كنى، و

قالَ اللَّهُ تَعالى‏ وَلا يَشْفَعُونَ الَّا لِمَنِ ارْتَضى‏.[[304]](#footnote-304)

خداوند بلندمرتبه فرمود: آنها جز براى كسى كه خدا راضى (به شفاعت براى او) است شفاعت نمى‏كنند.

3- زيارت صفوان جمّال‏

سيف بن عميره مى‏گويد: با صفوان جمّال و جماعتى از ياران، به سوى نجف بيرون رفتيم و اميرمؤمنان عليه السلام را زيارت كرديم؛ وقتى از زيارت فارغ شديم صفوان را ديديم كه روى به سوى قبر امام حسين عليه السلام كرد و گفت: اكنون از همين مكان از بالاى سر اميرمؤمنان عليه السلام، حسين بن على عليه السلام را زيارت مى‏كنيم. سپس توضيح داد كه با مولايم امام جعفر صادق عليه السلام وارد نجف شديم. آن حضرت پس از زيارت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 264

اميرمؤمنان عليه السلام، همين زيارت و نماز و دعايى را خواند كه من الآن مى‏خواهم بجا آورم، آنگاه به من فرمود: اى صفوان! اين زيارت را حفظ كن و اين دعا را بخوان و هميشه اميرمؤمنان عليه السلام و حسين بن على عليه السلام را اين گونه زيارت كن كه من از جانب خدا ضامنم كه هر كس اين زيارت و اين دعا را از دور يا نزديك بخواند زيارتش مقبول، سعيش مشكور، سلامش واصل و حاجتش- هر چه باشد- حاصل مى‏گردد و خداوند جواب او را مى‏دهد ... زيارت چنين است: مقابل قبر آن حضرت مى‏ايستى و مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى فرستاده خدا، سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى‏

امينَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مَنِ اصْطَفاهُ اللَّهُ، وَاخْتَصَّهُ وَاخْتارَهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ،

امين خدا، سلام بر كسى كه خدا او را برگزيده و مخصوصش گردانيد و از ميان مخلوقاتش او را اختيار كرد،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليلَ اللَّهِ ما دَجَى اللَّيْلُ وَغَسَقَ، وَاضاءَ النَّهارُ وَاشْرَقَ،

سلام بر تو اى خليل خدا مادامى كه شب فرا رسد و تاريكتر شود و روز روشن شود و روشنتر گردد،

السَّلامُ عَلَيْكَ ما صَمَتَ صامِتٌ، وَنَطَقَ ناطِقٌ، وَ ذَرَّ شارِقٌ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ‏

سلام بر تو مادامى كه سكوت كنندگان خاموش و گويندگان سخن مى‏رانند و خورشيد مى‏تابد، و رحمت و بركات خدا

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ مَوْلانا اميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِىِّ بْنِ ابيطالِبٍ، صاحِبِ‏

بر تو باد، سلام بر مولاى ما امير مؤمنان على بن ابيطالب، (آن بزرگ مرد) داراى‏

السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ وَالنَّجْدَةِ، وَمُبيدِ الْكَتائِبِ، الشَّديدِ الْبَاْسِ، الْعَظيمِ‏

پيشينه نيكو و فضايل و مردانگيها و نابودكننده لشكرها (ى كفر) و سرسخت در نبرد، پهلوانِ‏

الْمِراسِ، الْمَكينِ‏الْأَساسِ، ساقِى الْمُؤْمِنينَ بِالْكَاْسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ‏

بزرگ ثابت قدم، سيراب كننده مؤمنان با جامى از حوض رسولِ‏

الْمَكينِ الْأَمينِ، السَّلامُ عَلى‏ صاحِبِ النُّهى‏، وَالْفَضْلِ وَالطَّوائِلِ،

صاحب منزلت و امين، سلام بر صاحب خرد و فضيلت و بخششها

وَالْمَكْرُماتِ وَالنَّوائِلِ، السَّلامُ عَلى‏ فارِسِ الْمُؤْمِنينَ، وَلَيْثِ الْمُوَحِّدينَ،

و جوانمردى‏ها و عطاها، سلام بر تك سوار دلير مؤمنان و شيرمرد يگانه پرستان‏

وَقاتِلِ الْمُشْرِكينَ، وَوَصِىِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ،

و قاتل مشركان و جانشين فرستاده پروردگار جهانيان، و رحمت و بركات خدا بر تو باد،

السَّلامُ عَلى‏ مَنْ ايَّدَهُ اللَّهُ بِجَبْرَئيلَ، وَاعانَهُ بِميكائيلَ، وَازْلَفَهُ فِى‏

سلام بر كسى كه خداوند او را با جبرئيل تأييد نموده و با ميكائيل يارى فرمود و او را در دو جهان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 265

الدَّارَيْنِ، وَ حَباهُ بِكُلِّ ما تَقِرُّ بِهِ الْعَيْنُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلى‏ آلِهِ‏

مقرّب ساخت، و آنچه مايه چشم روشنى است به او عنايت فرمود، و درود خدا بر او و خاندان‏

الطَّاهِرينَ، وَعَلى‏ اوْلادِهِ الْمُنْتَجَبينَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدينَ، الَّذينَ‏

پاكش، و بر فرزندان برگزيده‏اش و بر امامان هدايتگر (از نسل او)، آنان كه‏

امَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَفَرَضُوا عَلَيْنا الصَّلَواتِ، وَ امَرُوا

امر به معروف نموده و نهى از منكر كردند و نماز را بر ما واجب نموده و به پرداخت‏

بِايتآءِ الزَّكاةِ، وَعَرَّفُونا صِيامَ شَهْرِ رَمَضانَ، وَقِرائَةَ الْقُرْآنِ، السَّلامُ‏

زكات فرمان دادند و روزه ماه رمضان و تلاوت قرآن را به ما شناساندند، سلام‏

عَلَيْكَ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، وَيَعْسُوبَ الدّينِ، وَقآئِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ،

بر تو اى اميرمؤمنان و پيشواى دين، و پيشواى روسفيدان،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اللَّهِ النَّاظِرَةَ، وَيَدَهُ‏

سلام بر تو اى درگاه (رسيدن به) خدا، سلام بر تو اى ديده بيناى خدا و دستهاى‏

الْباسِطَةَ، وَ اذُنَهُ الْواعِيَةَ، وَحِكْمَتَهُ الْبالِغَةَ، وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ، السَّلامُ عَلى‏

گشوده‏اش و گوش شنوايش و دانش و حكمت رسايش، و نعمت فراوانش، سلام بر

قَسيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، السَّلامُ عَلى‏ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرارِ، وَنِقْمَتِهِ عَلَى‏

تقسيم كننده بهشت و دوزخ، سلام بر نعمت خدا بر نيكوكاران، و عذاب خدا بر

الْفُجَّارِ، السَّلامُ عَلى‏ سَيِّدِ الْمُتَّقينَ الْأَخْيارِ، السَّلامُ عَلى‏ اخى‏ رَسُولِ‏

بدكاران، سلام بر آقا و سرور پرهيزكاران برگزيده، سلام بر برادر رسول‏

اللَّهِ، وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ، وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طينَتِهِ، السَّلامُ عَلَى الْأَصْلِ‏

خدا، و پسر عمو و همسر دخترش، و آفريده شده از سرشت و طينتش، سلام بر ريشه‏

الْقَديمِ، وَالْفَرْعِ الْكَريمِ، السَّلامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِىِّ، السَّلامُ عَلى‏ ابِى‏

قديم (ايمان) و شاخه با ارزش آن، سلام بر ميوه آماده (اين شجره الهى) سلام بر

الْحَسَنِ عَلِىٍّ، السَّلامُ عَلى‏ شَجَرَةِ طُوبى‏، وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهى‏، السَّلامُ عَلى‏

ابوالحسن على، سلام بر درخت طوبى و سدرة المنتهى (درختان بهشتى)، سلام بر

آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، وَنُوحٍ نَبِىِّ اللَّهِ، وَابْراهيمَ خَليلِ اللَّهِ، وَمُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ،

آدم برگزيده خدا، و نوح پيامبر خدا، و ابراهيم خليل خدا، و موسى هم صحبت خدا،

كليات مفاتيح نوين، ص: 266

وَعيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، وَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ، وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيّينَ،

و عيسى روح خدا، و محمّد محبوب خدا، و بر پيامبرانى كه در بين آنها مبعوث شدند

وَالصِّدّيقينَ، وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ، وَ حَسُنَ اولئِكَ رَفيقاً، السَّلامُ عَلى‏

و بر راستگويان، و شهيدان و صالحان، كه نيكو رفيقانى هستند، سلام بر

نُورِ الْأَنْوارِ، وَسَليلِ الْأَطْهارِ، وَ عَناصِرِ الْأَخْيارِ، السَّلامُ عَلى‏ والِدِ

نور همه نورها، و نژاد پاكان، و افراد برگزيده، سلام بر پدر

الْأَئِمَّةِ الْأَطْهارِ، السَّلامُ عَلى‏ حَبْلِ اللَّهِ الْمَتينِ، وَجَنْبِهِ الْمَكينِ، وَ رَحْمَةُ

امامان پاك، سلام بر ريسمان محكم خدا، و مدافع پابرجايش، و رحمت‏

اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ امينِ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ وَخَليفَتِهِ، وَ الْحاكِمِ بِامْرِهِ،

و بركات خدا بر او باد، سلام بر امين و جانشين خدا در زمين، و حكم كننده به فرمانش‏

وَالْقَيِّمِ بِدينِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحِكْمَتِهِ، وَ الْعامِلِ بِكِتابِهِ، اخِ الرَّسُولِ، وَزَوْجِ‏

و بپادارنده دين و گويا به حكمتش و عمل كننده به كتابش، برادر رسول خدا و همسر

الْبَتُولِ، وَسَيْفِ اللَّهِ الْمَسْلُولِ، السَّلامُ عَلى‏ صاحِبِ الدَّلالاتِ، وَالْاياتِ‏

بتول و شمشير بركشيده خدا، سلام بر صاحب دليلها و نشانه‏هاى‏

الْباهِراتِ، وَالْمُعْجِزاتِ الْقاهِراتِ، وَالْمُنْجى‏ مِنَ الْهَلَكاتِ، الَّذى‏ ذَكَرَهُ‏

آشكار، و معجزه‏هاى كوبنده و نجات‏بخش از نابوديها، كسى كه خدا او را

اللَّهُ فى‏ مُحْكَمِ الْاياتِ، فَقالَ تَعالى‏ وَ انَّهُ فى‏ امِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِىٌ‏

در آيات محكم قرآن ذكر نموده و فرموده است: و آن در امّ الكتاب‏ [/ لوح محفوظ] نزد ما بلندپايه‏

حَكيمٌ، السَّلامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضى‏، وَ وَجْهِهِ الْمُضيىِ، وَجَنْبِهِ الْعَلِىِّ،

و استوار است، سلام بر نام پسنديده خدا و چهره نورانى و مدافع برترش‏

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ حُجَجِ اللَّهِ وَاوْصِيآئِهِ، وَخآصَّةِ اللَّهِ‏

و رحمت و بركات خدا بر او باد، سلام بر حجّتها و اوصياى خدا و خاصّان‏

وَاصْفِيآئِهِ، وَخالِصَتِهِ وَامَنآئِهِ، وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، قَصَدْتُكَ يامَوْلاىَ يا

و برگزيدگانش و بندگان خالص و امانتدارش، و رحمت و بركات خدا بر او باد، تو را قصد نمودم اى مولاى من اى‏

امينَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ، زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيآئِكَ، مُعادِياً

امين و حجّت خدا، در حالى كه زائر تو و آشنا به حقّ توأم، دوستدار دوستانت و دشمن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 267

لِأَعْدآئِكَ، مُتَقَرِّباً الَى اللَّهِ بِزِيارَتِكَ، فَاشْفَعْ لى‏ عِنْدَاللَّهِ رَبّى‏ وَرَبِّكَ، فى‏

دشمنانت هستم، و با زيارت تو به خدا تقرّب مى‏جويم، پس در نزد خدايى كه پروردگار من و توست شفاعتم كن، در

خَلاصِ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، وَقَضآءِ حَوآئِجى‏ حَوآئِجِ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ

آزاديم از آتش دوزخ و برآورده شدن حاجتهاى دنيوى و اخرويم.

\* سپس خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو: سَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام خدا و فرشتگان مقرّبش‏

وَالْمُسَلِّمينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، وَالنَّاطِقينَ بِفَضْلِكَ،

و درود فرستندگان از دل و جان بر تو اى امير مؤمنان و گويندگان فضلت،

وَالشَّاهِدينَ عَلى‏ انَّكَ صادِقٌ امينٌ صِدِّيْقٌ، عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص267**

و گواهان بر راستگويى و امانتدارى و صداقتت (سلام تمامى آنان) و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

وَاشْهَدُ انَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ، اشْهَدُ لَكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ‏

و گواهى مى‏دهم كه تو پاك و پاكيزه و پاك شده، از (نسلى) پاك و پاكيزه و پاك شده‏اى، گواهى مى‏دهم كه تو اى ولىّ خدا

وَوَلِىَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ، وَاشْهَدُ انَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَبابُهُ، وَانَّكَ حَبيبُ‏

و ولىّ رسولش ابلاغ رسالت كرده و اداى امانت نمودى، و گواهى مى‏دهم كه تو مدافع خدا و درگاه رسيدن به او هستى، و تو محبوب‏

اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذى‏ يُؤْتى‏ مِنْهُ، وَانَّكَ سَبيلُ اللَّهِ، وَانَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَاخُورَسُولِهِ،

خدا و وجه اللهى كه از آن طريق به سويش روند، و تويى راه رسيدن به خدا و تويى بنده خدا و برادر رسولش‏

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً الَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيارَتِكَ، راغِباً الَيْكَ‏

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به درگاهت آمده‏ام در حالى كه با زيارتت به خداوند عزيز و گرامى تقرّب مى‏جويم، و اميد

فِى الشِّفاعَةِ، ابْتَغى‏ بِشَفاعَتِكَ خَلاصَ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، وَ مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ‏

به شفاعتت دارم، و با شفاعتت رهاييم از آتش دوزخ را مى‏طلبم و از آتش دوزخ به تو

النَّارِ، هارِباً مِنْ ذُنُوبِىَ الَّتِى احْتَطَبْتُها عَلى‏ ظَهْرى‏، فَزِعاً الَيْكَ رَجآءَ

پناهنده‏ام، و از گناهانى كه پشتم را سنگين كرده گريزانم، به اميد رسيدن به رحمت پروردگارم‏

رَحْمَةِ رَبّى‏، اتَيْتُكَ اسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلاىَ، وَاتَقَرَّبُ بِكَ الَى اللَّهِ لِيَقْضِىَ‏

به تو متوسّل شده‏ام، به درگاهت آمده‏ام تا شفاعتت را بطلبم اى مولاى من، و به واسطه تو به خدا تقرّب مى‏جويم‏

بِكَ حَوآئِجى‏، فَاشْفَعْ لى‏ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ‏الَى اللَّهِ، فَانّى‏ عَبْدُاللَّهِ وَمَوْلاكَ‏

تا حاجتهايم را برآورد، پس اى امير مؤمنان به درگاه خدا شفيعم باش، زيرا من بنده خدا و غلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 268

وَزائِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَاللَّهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَالْجاهُ الْعَظيمُ، وَ الشَّأْنُ الْكَبيرُ،

و زائر توام، و تو در نزد خدا مقامى ستوده و جايگاهى باعظمت و شأنى بزرگ‏

وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى‏

و شفاعتى پذيرفته شده دارى، خدايا درود فرست بر محمّد و خاندان پاكش و درود فرست بر

اميرِ الْمُؤْمِنينَ عَبْدِكَ الْمُرْتَضى‏، وَامينِكَ الْأَوْفى‏، وَ عُرْوَتِكَ الْوُثْقى‏،

اميرمؤمنان بنده پسنديده‏ات و امين وفادارت و ريسمان محكمت‏

وَيَدِكَ الْعُلْيا، وَجَنْبِكَ الْأَعْلى‏، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنى‏، وَ حُجَّتِكَ عَلَى‏

و دست بلندت و حامى برترت و سخن نيكويت و حجّتت بر

الْوَرى‏، وَصِدّيقِكَ الْأَكْبَرِ، وَسَيِّدِالْأَوْصِيآءِ، وَ رُكْنِ الْأَوْلِيآءِ، وَ عِمادِ

خلق و بزرگترين راستگويت و سرور اوصيا و تكيه‏گاه دوستان و

الْأَصْفِيآءِ، اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَيَعْسُوبِ الدّينِ، وَ قُدْوَةِ الصَّالِحينَ، وَامامِ‏ برگزيدگان، امير مؤمنان و رئيس مذهب و پيشواى شايستگان و امام‏

الْمُخْلِصينَ، وَ الْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ، الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ‏

مخلصان، و معصوم از خطا و پاك از لغزش و پاكيزه از

الْعَيْبِ، الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ، اخى‏ نَبِيِّكَ، وَ وَصِىِّ رَسُولِكَ، الْبآئِتِ‏عَلى‏

هر عيب، و مبرّا از شك و ترديد و برادر پيامبر و جانشين فرستاده‏ات، آن كه بر

فِراشِهِ، وَالْمُواسى‏ لَهُ بِنَفْسِهِ، وَكاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذى‏ جَعَلْتَهُ‏

بستر پيامبرت خوابيد و با جان خويش او را يارى كرد، و اندوه را از چهره‏اش برطرف كرد، كسى كه او را

سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَآيَةً لِرِسالَتِهِ، وَشاهِداً عَلى‏ امَّتِهِ، وَدِلالَةً لِحُجَّتِهِ، وَحامِلًا

شمشيرى براى يارى پيامبريش قرار دادى و نشانه‏اى براى رسالتش و گواهى بر امّتش و راهنمايى براى حجّتش و حمل كننده‏

لِرايَتِهِ، وَ وِقايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهادِياً لِامَّتِهِ، وَيَداً لِبَاْسِهِ، وَتاجاً لِرَاْسِهِ، وَباباً

پرچمش و حافظ جانش، و هدايت كننده امّتش، و دستى براى مبارزه‏اش و تاجى بر سرش و درى‏

لِسِرِّهِ، وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّى‏ هَزَمَ جُيُوشَ الشِّرْكِ بِاذْنِكَ، وَابادَ عَساكِرَ

براىِ سِرّش و كليدى بر پيروزيش (قرار دادى)، تا اين كه سپاهيان شرك را به اجازه تو نابود ساخت، و لشكريان‏

الْكُفْرِ بِامْرِكَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ فى‏ مَرْضاةِ رَسُولِكَ، وَجَعَلَها وَقْفاً عَلى‏

كفر را به فرمان تو از بين برد، و جانش را در راه خشنودى پيامبرت بذل نموده و بر اطاعت از او

كليات مفاتيح نوين، ص: 269

طاعَتِهِ، فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلاةً دآئِمَةً باقِيَةً\* سپس بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا

وقف كرد، خدايا بر او درودى هميشگى و پايدار بفرست\*\*\* سلام بر تو اى‏

وَلِىَّ اللَّهِ، وَالشِّهابَ الثَّاقِبَ، وَالنُّورَ الْعاقِبَ، يا سَليلَ الْأَطآئِبِ، يا سِرَّ

ولىّ خدا، و شهاب شكافنده تاريكى، و نور پى در پى دلها، اى فرزند پاكيزگان، اى راز

اللَّهِ، انَّ بَيْنى‏ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعالى‏ ذُنُوباً قَدْ اثْقَلَتْ ظَهْرى‏، وَلا يَاْتى‏ عَلَيْها الَّا

خدا، به يقين ميان من و خداوند بلندمرتبه گناهانيست كه پشتم را سنگين ساخته و جز رضايت تو آنها را

رِضاهُ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلى‏ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكَ امْرَ خَلْقِهِ، كُنْ لى‏ الَى‏

محو نكند، پس به حق آن كه تو را امين اسرارش قرار داد و امور مخلوقاتش را به دستت سپرد، به درگاه‏

اللَّهِ شَفيعاً، وَ مِنَ النَّارِ مُجيراً، وَ عَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً، فَانّى‏ عَبْدُاللَّهِ وَ وَلِيُّكَ وَ

خدا شفيعم باش و از آتش پناهم ده و در برابر گرفتاريهاى روزگار پشتيبانم باش، من بنده خدا و دوستدار تو و

زآئِرُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ.

زائر توام درود خدا بر تو باد.

سپس شش ركعت نماز زيارت بخوان (هر دو ركعت به يك سلام) و هر چه مى‏خواهى طلب كن. آنگاه با توجّه به قبر اميرمؤمنان عليه السلام بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَ الْمُؤمِنينَ، عَلَيْكَ مِنّى‏ سَلامُ اللَّهِ ابَداً ما بَقِيتُ‏

سلام بر تو اى امير مؤمنان، سلام خدا از جانب من بر تو باد هميشه مادامى كه هستم‏

وَبَقِىَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ\* و با اشاره به قبر امام حسين عليه السلام بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا

و شب و روز باقى است\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى‏

عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ‏[[305]](#footnote-305)\* سپس با توجّه به هر دو بزرگوار (اميرمؤمنان و اباعبداللَّه، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امام حسين عليهما السلام) مى‏گويى:[[306]](#footnote-306) يا امِيرَالْمُؤْمِنِينَ، يا اباعَبْدِاللَّهِ، اتَيْتُكُما زائِراً

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى اميرمؤمنان، اى ابا عبداللَّه، براى زيارت نزدتان آمده‏ام‏

وَمُتَوَسِّلًا الَى اللَّهِ تَعالى‏ رَبّى‏ وَرَبِّكُما، وَمُتَوَجِّهاً الَيْهِ بِكُما، وَمُسْتَشْفِعاً

و به خداوند بلندمرتبه‏اى كه پروردگار من و شماست توسل جسته و به واسطه شما به او رو نموده و شما را

كليات مفاتيح نوين، ص: 270

بِكُما الَى اللَّهِ فى‏ حاجَتى‏ هذِهِ فَاشْفَعا لى‏، فَانَّ لَكُما عِنْدَاللَّهِ الْمَقامَ‏

در اين خواسته‏ام به درگاهش شفيع مى‏گيرم، پس شفيعم باشيد، زيرا كه شما در نزد خدا داراى مقام‏

الْمَحْمُودَ، وَالْجاهَ الْوَجيهَ، وَ الْمَنْزِلَ الرَّفيعَ وَالْوَسيلَةَ، انّى‏ انْقَلِبُ مِنْكُما

پسنديده و رتبه ممتاز و جايگاهى بلند و (صاحب) وسيله (شفاعت) هستيد، اكنون كه از نزد شما باز مى‏گردم‏

مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاجَةِ وَقَضآئِها وَنَجاحِها مِنَ اللَّهِ، بِشَفاعَتِكُما لى‏ الَى اللَّهِ‏

منتظر قطعى شدن حاجت و برآمدن و به نتيجه رسيدن آن از جانب خدا، به واسطه شفاعت شما از من در نزد خدا

فى‏ ذلِكَ، فَلا اخيبُ وَلا يَكُونُ مُنْقَلَبى‏ مُنْقَلَباً خآئِباً خاسِراً، بَلْ يَكُونُ‏

در اين خواسته‏ام هستم، پس مأيوس نيستم و بازگشتم مانند بازگشت نااميد و زيانكار نيست بلكه پيروزمند

مُنْقَلَبى‏ مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً، مُسْتَجاباً بِقَضآءِ جَميعِ الْحَوائِجِ،

و رستگار و كامياب باز مى‏گردم، در حالى كه پاسخ برآورده شدن تمام خواسته هايم را گرفته‏ام،

وَتَشَفَّعا لى‏ الَى اللَّهِ، انْقَلِبُ عَلى‏ ما شآءَ اللَّهُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ،

و به درگاه خدا شفيعم باشيد، به خواست خدا باز مى‏گردم، و توان و نيرويى جز براى خداوند نيست‏

مُفَوِّضاً امْرى‏ الَى اللَّهِ، مُلْجِأً ظَهْرى‏ الَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَاقُولُ‏

در حالى كه كار را به خدا واگذار مى‏كنم و به او تكيه كرده و بر او توكّل مى‏كنم و مى‏گويم‏

حَسْبِىَ اللَّهُ وَكَفى‏، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعى‏، لَيْسَ لى‏ وَرآءَ اللَّهِ وَوَرآ ئَكُمْ يا

خدا مرا بس است و كفايت مى‏كند، (صداى) هر كسى كه او را بخواند مى‏شنود، و جز خدا و شما اى‏

سادَتى‏ مُنْتَهى‏، ما شآءَ رَبّى‏ كانَ، وَ ما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ

سرورانم پناهى ندارم، آنچه پروردگارم بخواهد مى‏شود و آنچه نخواهد نمى‏شود و توان و نيرويى جز براى‏

الَّا بِاللَّهِ، اسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ، وَلا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّى‏ الَيْكُما، انْصَرَفْتُ‏

خداوند نيست، شما را به خدا مى‏سپارم، و خداوند اين زيارت را آخرين زيارت من از شما قرار ندهد، باز مى‏گردم‏

يا سَيِّدى‏ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ وَمَوْلاىَ، وَانْتَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ يا سَيِّدى‏،

اى آقا و سرورم اى اميرمؤمنان و مولاى من، و تو اى ابا عبداللَّه اى آقا و سرورم‏

وَسَلامى‏ عَلَيْكُما مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، واصِلٌ ذلِكَ الَيْكُما،

و سلامم پيوسته بر شما باد مادامى كه شب و روز باقى است، و سلامم به شما برسد،

غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامى‏ انْ شآءَ اللَّهُ، وَاسْئَلُهُ بِحَقِّكُما انْ يَشآءَ ذلِكَ‏

بى‏آنكه بر شما پوشيده باشد، اگر خدا بخواهد، و به حقّ شما از خدا مى‏خواهم كه اين را بخواهد

كليات مفاتيح نوين، ص: 271

وَيَفْعَلَ، فَانَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، انْقَلَبْتُ يا سَيِّدَىَّ عَنْكُما تآئِباً حامِداً للَّهِ،

و انجام دهد، زيرا او ستوده و بزرگوار است، اى آقا و سرورم از نزد شما باز مى‏گردم توبه كننده و سپاسگزار خدا،

شاكِراً راجِياً لِلْإِجابَةِ، غَيْرَ آيِسٍ وَلا قانِطٍ، ائِباً عآئِداً راجِعاً الى‏

شكر كننده و اميدوار به اجابت او، بدون يأس و نااميدى، و اميدوار به بازگشت دوباره به‏

زِيارَتِكُما، غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما، وَلا مِنْ زِيارَتِكُما، بَلْ راجِعٌ عآئِدٌ انْ شآءَ

زيارت شما، بدون روى گردانى از شما و زيارت شما، بلكه اگر خدا بخواهد (به سوى شما) باز خواهم گشت‏

اللَّهُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، يا سادَتى‏ رَغِبْتُ الَيْكُما

و توان و نيرويى جز براى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست، اى سرورانم به شما و زيارتتان‏

وَالى‏ زِيارَتِكُما، بَعْدَ انْ زَهِدَ فيكُما وَ فى‏ زِيارَتِكُما اهْلُ الدُّنْيا، فَلا

مشتاقم در حالى كه دنياپرستان از شما و زيارتتان روى گردانند، پس‏

خَيَّبَنِىَ اللَّهُ ما رَجَوْتُ، وَما امَّلْتُ فى‏ زِيارَتِكُما، انَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ.

خداوند مرا از آنچه در زيارت شما به آن اميدوارم و آرزو دارم نااميد نكند، زيرا او نزديك و اجابت كننده است.

آنگاه رو به قبله مى‏ايستى و دعايى كه به دعاى علقمه معروف شده است‏[[307]](#footnote-307) را مى‏خوانى:

يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يا كاشِفَ كُرَبِ‏

اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى اجابت كننده درخواست نيازمندان، اى برطرف كننده غم‏

الْمَكْرُوبينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، وَ يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَيا مَنْ‏

گرفتاران، اى فريادرس فريادرس خواهان، و اى يارى‏گر يارى‏خواهان، و اى كه‏

هُوَ اقْرَبُ الَىَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيا مَنْ‏

از رگ گردن به من نزديكترى، اى كه ميان انسان و دلش فاصله مى‏شوى، و اى كه‏

هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلى‏، وَ بِالْأُفُقِ الْمُبينِ، وَيا مَنْ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ عَلَى‏

در جايگاه بلند و در افق آشكار هستى، و اى كه بخشنده و مهربانى و بر

الْعَرْشِ اسْتَوى‏، وَيا مَنْ يَعْلَمُ خآئِنَةَ الْأَعْيُنِ، وَما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَيا

عرش مسلّطى، و اى كه خيانت ديده‏ها و آنچه را سينه‏ها پنهان داشته مى‏دانى، و اى‏

مَنْ لا تَخْفى‏ عَلَيْهِ خافِيَةٌ، يا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْواتُ، وَيا مَنْ‏

كه چيزى بر تو پوشيده نيست، اى كه صداها بر تو مشتبه نشود، و اى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 272

لاتُغَلِّطُهُ الْحاجاتُ، وَيا مَنْ لا يُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلِحّينَ، يا مُدْرِكَ كُلِ‏

(فراوانى) نيازها او را به اشتباه نياندازد، و اى كه اصرار پافشارى كنندگان او را نيازارد، اى به دست آورنده‏

فَوْتٍ، وَيا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، وَيا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يا مَنْ هُوَ كُلَ‏

هر چه از دست رفته، و اى جمع كننده پراكندگان، اى آفريننده جانها پس از مرگ، اى كه هر

يَوْمٍ فى‏ شَاْنٍ، يا قاضِىَ الْحاجاتِ، يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ، يا مُعْطِىَ‏

روز در كارى هستى، اى برآورنده حاجتها، اى برطرف كننده گرفتاريها، اى عطا كننده‏

السُّؤُلاتِ، يا وَلِىَّ الرَّغَباتِ، يا كافِىَ الْمُهِمَّاتِ، يا مَنْ يَكْفى‏ مِنْ كُلِ‏

درخواستها، اى صاحب اختيار آرزوها، اى كفايت كننده امور مهم، اى كه از هر چيز

شَىْ‏ءٍ، وَلا يَكْفى‏ مِنْهُ شَىْ‏ءٌ فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، اسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

كفايت مى‏كنى، ولى چيزى در آسمان‏ها و زمين از تو كفايت نكند، از تو مى‏خواهم به حقّ محمّد

خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلِىٍّ اميرِالْمُؤْمِنينَ، وَ بِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِ‏

خاتم پيامبران و على امير مؤمنان و به حقّ فاطمه دختر پيامبرت و به حقّ‏

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَانّى‏ بِهِمْ اتَوَجَّهُ الَيْكَ فى‏ مَقامى‏ هذا، وَبِهِمْ اتَوَسَّلُ،

امام حسن و امام حسين، زيرا من در اين جايگاه به واسطه آنها به تو توجّه نموده و متوسّل مى‏شوم‏

وَبِهِمْ اتَشَفَّعُ الَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ اسْئَلُكَ وَاقْسِمُ وَاعْزِمُ عَلَيْكَ، وَ بِالشَّاْنِ الَّذى‏

و به واسطه آنها از تو شفاعت مى‏طلبم و به حقّ آنها از تو مى‏خواهم و تو را سوگند مى‏دهم و با تأكيد تقاضا مى‏كنم و به حقّ جايگاهى كه‏

لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذى‏ لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذى‏ فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ،

آنان نزد تو دارند، و به حقّ ارزشى كه آنان نزد تو دارند و به حقّ آنچه كه آنان را بر جهانيان برترى دادى،

وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعالَمينَ، وَبِهِ ابَنْتَهُمْ‏

و به حقّ نامى كه نزد آنان قرار دادى، و از ميان جهانيان آنان را به آن اختصاص دادى، و به وسيله آن، آنها

وَابَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعالَمينَ، حَتّى‏ فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعالَمينَ‏

و فضيلتشان را بر ديگران آشكار نمودى، تا جايى كه فضيلتشان بر تمام جهانيان پيشى گرفت،

جَميعاً، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَكْشِفَ عَنّى‏

از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى، و غم و اندوه‏

غَمّى‏ وَهَمّى‏ وَكَرْبى‏، وَتَكْفِيَنِى الْمُهِمَّ مِنْ امُورى‏، وَتَقْضِىَ عَنّى‏ دَيْنى‏،

و گرفتاريم را برطرف كنى، و كارهاى مهمّم را كفايت كنى، و قرضم را ادا كنى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 273

وَتُجيرَنى‏ مِنَ الْفَقْرِ، وَتُجيرَنى‏ مِنَ الْفاقَةِ، وَتُغْنِيَنى‏ عَنِ الْمَسْئَلَةِ الَى‏

و مرا در فقر و نيازمندى حمايت كنى، و مرا از اظهار حاجت در نزد آفريدگان‏

الْمَخْلُوقينَ، وَتَكْفِيَنى‏ هَمَّ مَنْ اخافُ هَمَّهُ، وَ جَوْرَ مَنْ اخافُ جَوْرَهُ،

بى‏نياز گردانى و كفايت كنى مرا از اندوه كسى كه از اندوهش مى‏ترسم، و از ستم كسى كه از ستمش مى‏ترسم‏

وَعُسْرَ مَنْ اخافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونَةَ مَنْ اخافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ اخافُ‏

و از گرفتارى كسى كه از گرفتار شدن به دست او مى‏ترسم، و از خشونت كسى كه از خشونت او بيم دارم و از شرّ كسى كه از

شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ اخافُ مَكْرَهُ، وَبَغْىَ مَنْ اخافُ بَغْيَهُ، وَسُلْطانَ مَنْ اخافُ‏

شرّش مى‏ترسم، و از حيله كسى كه از حيله‏اش خائفم، و از بيداد كسى كه از بيدادش ترس دارم بيمناكم، و از سلطه كسى كه از

سُلْطانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ اخافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدُرَةَ مَنْ اخافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَىَّ،

سلطه‏اش مى‏ترسم، و از نيرنگ كسى كه از نيرنگش خوف دارم، و از قدرت يافتن كسى كه از قدرتش بر خود مى‏ترسم،

وَ تَرُدَّ عَنّى‏ كَيْدَ الْكَيَدَةِ، وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ، اللهُمَّ مَنْ ارادَنى‏ فَارِدْهُ،

و از تو مى‏خواهم كه نيرنگ نيرنگبازان و فريب فريبكاران را از من دور كنى، خدايا هر كه مرا (به بدى) قصد كند تو نيز با او چنان كن،

وَمَنْ كادَنى‏ فَكِدْهُ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاْسَهُ وَامانِيَّهُ، وَامْنَعْهُ‏

و هر كه با من نيرنگ كند تو نيز گرفتارش كن، و نيرنگ و فريب و قدرت و سلطه‏اش را از من باز دار، و او را

عَنّى‏ كَيْفَ شِئْتَ وَانّى‏ شِئْتَ، اللهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّى‏ بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ، وَبِبَلاءٍ

هر گونه و هر زمان كه خواهى از من باز دار، خدايا او را گرفتار كن به فقرى كه جبرانش نكنى و به بلايى كه‏

لاتَسْتُرُهُ، وَبِفاقَةٍ لا تَسُدَّها، وَبِسُقْمٍ لا تُعافيهِ، وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ

از آن حفظش نكنى، و به نيازى كه جبرانش نكنى، و به دردى كه عافيتش نبخشى و به ذلّتى كه عزّتش نبخشى و به بيچارگى كه‏

لا تَجْبُرُها، اللهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ، وَادْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ

جبرانش نكنى، خدايا ذلّت را در مقابل ديدگانش قرار ده و فقر را

فى‏ مَنْزِلِهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فى‏ بَدَنِهِ، حَتّى‏ تَشْغَلَهُ عَنّى‏ بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا

در خانه‏اش و بيمارى و مرض را در بدنش داخل كن، تا او را از من به كارى مشغول و گرفتار سازى كه‏

فَراغَ لَهُ، وَانْسِهِ ذِكْرى‏ كَما انْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنّى‏ بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ،

فراغتى نداشته باشد و يادم را از خاطرش ببر همان گونه كه ياد خودت را از خاطرش برده‏اى، و گوش و چشم‏

وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ، وَجَميعِ جَوارِحِهِ، وَادْخِلْ عَلَيْهِ‏

و زبان و دست و پاى و دل و تمامى اعضايش را از من باز دار، و تمامى اعضاى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 274

فى‏ جَميعِ ذلِكَ السُّقْمَ، وَلا تَشْفِهِ حَتّى‏ تَجْعَلَ ذلِكَ لَهُ شُغْلًا شاغِلًا بِهِ‏

بدنش را به بيمارى مبتلا كن، و او را شفا نده تا به واسطه آن از من و ياد من‏

عَنّى‏ وَعَنْ ذِكْرى‏، وَاكْفِنى‏ يا كافِىَ مالا يَكْفى‏ سِواكَ، فَانَّكَ الْكافى‏ لا

به آن مشغول شود، اى كفايت كننده، آنچه را كه كسى جز تو كفايت نمى‏كند، مشكلات مرا كفايت كن، زيرا تو كفايت كننده‏اى هستى كه‏

كافِىَ سِواكَ، وَمُفَرِّجٌ لا مُفَرِّجَ سِواكَ، وَمُغيثٌ لا مُغيثَ سِواكَ، وَجارٌ لا

كفايت‏كننده‏اى جزتو نيست وگشايشگرى كه گره‏گشايى جز تو نيست و فريادرسى كه فريادرسى جز تو نيست و پناه‏دهى‏

جارَ سِواكَ، خابَ مَنْ كانَ جارُهُ سِواكَ، وَمُغيثُهُ سِواكَ، وَمَفْزَعُهُ الى‏

كه پناه‏دهنده‏اى جز تو نيست، زيان ديد آن كه پناه و فريادرسش جز تو بود،

سِواكَ، وَمَهْرَبُهُ الى‏ سِواكَ، وَ مَلْجَأُهُ الى‏ غَيْرِكَ، وَ مَنْجاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ‏

و پناهگاه و راه نجاتش جز تو بود، و به غير تو پناهنده شد و از غير تو

غَيْرِكَ، فَانْتَ ثِقَتى‏ وَرَجآئى‏ وَ مَفْزَعى‏، وَمَهْرَبى‏ وَمَلْجَأى‏ وَمَنْجاىَ،

راه نجات جست، تويى تكيه‏گاه و اميد و پناه و راه نجات و پناهگاه و راه رهاييم،

فَبِكَ اسْتَفْتِحُ وَبِكَ اسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اتَوَجَّهُ الَيْكَ، وَاتَوَسَّلُ‏

پس نام با تو آغاز كرده و از تو موفقيت مى‏طلبم و به واسطه محمّد و خاندان پاكش به تو رو كرده و توسّل جسته‏

وَاتَشَفَّعُ، فَاسْئَلُكَ يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، وَالَيْكَ‏

و شفاعت مى‏طلبم پس از تو مى‏خواهم اى خدا، اى خدا، اى خدا، حمد و سپاس از آنِ توست، و شكايتم‏

الْمُشْتَكى‏، وَانْتَ الْمُسْتَعانُ، فَاسْئَلُكَ يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

به درگاه توست و تويى ياورم، پس از تو مى‏خواهم اى خدا، اى خدا، اى خدا، به حق محمّد و خاندان‏

مُحَمَّدٍ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَكْشِفَ عَنّى‏ غَمّى‏

پاكش كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و غم و اندوه و گرفتاريم را

وَهَمّى‏ وَكَرْبى‏ فى‏ مَقامى‏ هذا، كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَ كَرْبَهُ،

در اين جايگاه برطرف كنى همان‏گونه كه از پيامبرت اندوه و غم و گرفتارى را برطرف نمودى‏

وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنّى‏ كَما كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنّى‏ كَما

وهراس از دشمن را از او برطرف كردى، پس برطرف كن از من آن‏گونه كه از او برطرف نمودى، و گشايش ده به من همان‏گونه كه‏

فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنى‏ كَما كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ هَوْلَ ما اخافُ هَوْلَهُ،

به او گشايشى عطا نمودى، و كفايتم كن همان گونه كه او را كفايت نمودى، و ترس آنچه را كه از هراسش مى‏ترسم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 275

وَمَؤُنَةَ ما اخافُ مَؤُنَتَهُ، وَهَمَّ ما اخافُ هَمَّهُ، بِلا مَؤُنَةٍ عَلى‏ نَفْسى‏ مِنْ‏

و زحمت آنچه را كه از سختيش بيم دارم و اندوه آنچه را از اندوهش خائفم از من دور كن بى آن كه از اين جهت به زحمت‏

ذلِكَ، وَاصْرِفْنى‏ بِقَضآءِ حَوائِجى‏، وَكِفايَةِ ما اهَمَّنى‏ هَمُّهُ مِنْ امْرِ آخِرَتى‏

بيافتم و مرا باز گردان با برآورده شدن حاجتم و كفايت آنچه از امور آخرت و دنيايم مرا

وَ دُنْياىَ. آنگاه اگر قصد وداع با اين دو بزرگوار را داشته باشد مى‏گويد: يا اميرَالْمُؤمِنينَ، وَ يا

به زحمت انداخته است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى امير مؤمنان و اى‏

اباعَبْدِاللَّهِ، عَلَيْكُما مِنِّى‏ سَلامُ اللَّهِ ابَداً ما بَقِىَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَلا

ابا عبداللَّه، سلام هميشگى خدا از جانب من بر شما باد مادامى كه شب و روز باقى است‏

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما وَلا فَرَّقَ بَيْنى‏ وَبَيْنَكُما.[[308]](#footnote-308)

و خدا اين زيارتم از شما را آخرين زيارتم قرار ندهد و بين من و شما جدايى نيندازد.

4- زيارت ديگرى از صفوان‏

مرحوم «سيّد بن طاووس» در «فرحة الغري» از «صفوان جمّال» نقل مى‏كند كه وقتى با امام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 276

صادق عليه السلام وارد كوفه شديم- زمانى كه آن حضرت به نزد منصور دوانقى مى‏رفت- فرمود: اى صفوان! شتر را بخوابان كه اين جا نزديك قبر جدّم اميرمؤمنان عليه السلام است، شتر را خواباندم، حضرت فرود آمدند و غسل كردند و لباس خود را عوض كردند و پاها را برهنه نمودند و فرمودند تو نيز چنين كن؛ سپس به جانب تلّ نجف روانه شدند و فرمودند: گامها را كوتاه بردار و سر را به زير افكن كه حق تعالى براى هر گامى صد هزار حسنه مى‏نويسد ... سپس حركت كرد و من هم به همراه او حركت كردم در حالى كه با سكينه و وقار بوديم و تسبيح و تقديس خدا مى‏گفتيم تا به تل‏ها (تپّه‏ها) رسيديم؛ آنگاه ايستاد و نگاهى به چپ و راست انداخت و با چوبى كه در دست داشت خطّى كشيد و فرمود: خاكها را كنار بزن! من چنين كردم، ناگهان اثر قبرى را يافتم، پس اشك چشم آن بزرگوار بر گونه‏هاى مباركش جارى شد و گفت:

انَّا للَّهِ وَانَّا الَيْهِ راجِعُونَ‏ و گفت: السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْوَصِىُّ الْبَرُّ التَّقِىُّ،

ما از آنِ خداييم و به سوى او باز مى‏گرديم\*\*\* سلام بر تو اى جانشين نيكوكارِ پرهيزكار،

السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا النَّبَأُ الْعَظيمُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الصِّدّيقُ الرَّشيدُ،

سلام بر تو اى خبر بزرگ، سلام بر تو اى راستگوىِ هدايت يافته‏

السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْبَرُّ الزَّكىُّ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِىَّ رَسُولِ رَبِ‏

سلام بر تو اى نيكوكارِ پاكيزه، سلام بر تو اى جانشينِ فرستاده پروردگار

الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ، اشْهَدُ انَّكَ‏

جهانيان، سلام بر تو اى برگزيده خدا بر تمامى مخلوقات، گواهى مى‏دهم كه تو

حَبيبُ اللَّهِ، وَ خاصَّتُهُ وَخالِصَتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ،

محبوب خدا و بنده خاص و خالصش هستى، سلام بر تو اى ولىّ خدا، و مخزن سر

وَ عَيْبَةَ عِلْمِهِ، وَخازِنَ وَحْيِهِ. سپس خود را به قبر چسبانيد و گفت: بِابى‏ انْتَ وَامِّى‏

و گنجينه دانش و خزانه‏دار وحيش.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پدر و مادرم فداى تو

يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، بِابى‏ انْتَ وَ امّى‏ يا حُجَّةَ الْخِصامِ، بِابى‏ انْتَ وَامِّى يا

اى امير مؤمنان، پدر و مادرم فداى تو اى حجّت (خدا) بر دشمنان، پدر و مادرم فداى تو اى‏

بابَ الْمَقامِ، بِابى‏ انْتَ وَامِّى يا نُورَ اللَّهِ التَّآمَّ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ‏

درگاه با عظمت، پدر و مادرم فداى تو اى نور كامل خدا، گواهى مى‏دهم كه تو ابلاغ نمودى آنچه از جانب خدا

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ما حُمِّلْتَ، وَ رَعَيْتَ مَا اسْتُحْفِظْتَ،

و رسولش- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بر عهده داشتى، و رعايت نمودى آنچه مأمور حفظش بودى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 277

وَحَفِظْتَ مَا اسْتُوْدِعْتَ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ، وَ اقَمْتَ‏

و حفظ نمودى آنچه نزدت وديعه گذاشته شد و حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام دانستى‏

احْكامَ اللَّهِ، وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ‏اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ،

و احكام خدا را بپا داشته و از حدود الهى تجاوز ننمودى و خدا را از روى اخلاص عبادت نمودى تا زمان مرگت فرا رسيد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ.

درود خدا بر تو و بر امامان بعد از تو باد.

سپس برخاست و در بالاى سر آن حضرت چند ركعت نماز خواند و فرمود: اى صفوان! هر كس اميرمؤمنان عليه السلام را به اين زيارت، زيارت كند و اين نماز را بخواند در حالى به اهل خود برمى‏گردد كه گناهانش بخشوده شده و سعيش مشكور است و ثواب هر فرشته‏اى از فرشتگان كه او را زيارت كرده برايش نوشته مى‏شود. با تعجّب پرسيدم: ثواب هر زائرى از فرشتگان؟! فرمود: هر شب هفتاد گروه از فرشتگان اورا زيارت مى‏كنند، عرض كردم تعداد هر گروه چقدر است؟ فرمود: صد هزار؛ سپس به صورت قهقرا خارج شد در حالى كه مى‏گفت:

يا جَدَّاهُ يا سَيِّداهُ، يا طَيِّباهُ يا طاهِراهُ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ،

اى جدّ و آقاى من، اى پاك و پاكيزه، خدا اين زيارت را آخرين زيارت از تو قرار ندهد

وَرَزَقَنِى الْعَوْدَ الَيْكَ، وَالْمَقامَ فى‏ حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ مَعَكَ وَمَعَ الْأَبْرارِ مِنْ‏

و بازگشت به سويت و اقامت در حرمت و بودن با تو و نيكان از

وُلْدِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَ عَلَى الْمَلآئِكَةِ الْمُحْدِقينَ بِكَ.

فرزندانت را روزيم كند، درود خدا بر تو و بر فرشتگان گرداگرد حرمت باد.

عرض كردم: اى آقاى من! آيا اجازه مى‏دهى كه اصحاب ما از اهل كوفه را از اين قبر آگاه سازم؟ فرمود:

آرى و مبلغى به من دادند و من قبر را تعمير و اصلاح كردم.[[309]](#footnote-309)

5- زيارتى از كتاب مزار قديم‏

مرحوم «حاجى نورى» رحمه الله از كتاب «مزار قديم» از امام باقر عليه السلام روايت كرده كه فرمود: با پدرم به زيارت قبر جدّم اميرمؤمنان على بن ابى‏طالب عليه السلام در نجف رفتيم، پس پدرم نزد قبر مطهّر ايستاد و گريست و گفت:

كليات مفاتيح نوين، ص: 278

السَّلامُ عَلى‏ ابِى الْأَئِمَّةِ، وَخَليلِ النُّبُوَّةِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ، السَّلامُ‏

سلام بر پدر امامان و دوستدار نبوّت و برگزيده شده براى برادرى (پيامبر)، سلام‏

عَلى‏ يَعْسُوبِ الْإيمانِ، وَميزانِ الْأَعْمالِ، وَسَيْفِ ذِى‏الْجَلالِ، السَّلامُ‏

بر رئيس ايمان، و ميزان سنجش اعمال و شمشير خداى باشكوه، سلام‏

عَلى‏ صالِحِ الْمُؤْمِنينَ، وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِيّينَ، الْحاكِمِ فى‏ يَوْمِ الدّينِ،

بر شايسته‏ترين مؤمنان و وارث علم پيامبران، و حكم‏كننده در روز قيامت.

السَّلامُ عَلى‏ شَجَرَةِ التَّقْوى‏، السَّلامُ عَلى‏ حُجَّةِ اللَّهِ الْبالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ‏

سلام بر شجره تقوا، سلام بر حجت رساى خدا و نعمت‏

السَّابِغَةِ، وَنِقْمَتِهِ الدَّامِغَةِ، السَّلامُ عَلَى الصِّراطِ الْواضِحِ، وَالنَّجْمِ الّلائِحِ،

فراوان و عذاب كوبنده‏اش، سلام بر راه آشكار و ستاره درخشان‏

وَالْإِمامِ النَّاصِحِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ\* آنگاه گفت: انْتَ وَسيلَتى‏ الَى اللَّهِ‏

و امام خيرخواه، و رحمت و بركات خدا بر تو باد\*\*\*\*\*\*\* تو واسطه و راه من به سوى خدايى،

وَذَريعَتى‏، وَلى‏ حَقُّ مُوالاتى‏ وَ تَاْميلى‏، فَكُنْ لى‏ شَفيعى‏ الَى‏اللَّهِ عَزَّوَجَلَ‏

و من نسبت به تو حق پيروى و آرزومندى دارم، پس به درگاه خدا براى برآورده‏

فِى الْوُقُوفِ عَلى‏ قَضآءِ حاجَتى‏، وَهِىَ فَكاكُ رَقَبَتى‏ مِنَ‏النَّارِ، وَاصْرِفْنى‏

شدن حاجتم كه همان رهاييم از آتش دوزخ است، شفيعم باش، و مرا از اين جايگاهم‏

فى‏ مَوْقِفى‏ هذا بِالنُّجْحِ، وَ بِما سَئَلْتُهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اللَّهُمَ‏

با موفقيّت و برآورده شدن آنچه از تو خواسته‏ام به رحمت و قدرتت بازگردان، خدايا

ارْزُقْنى‏ عَقْلًا كامِلًا، وَلُبّاً راجِحاً، وَقَلْباً زَكِيّاً، وَعَمَلًا كَثيراً، وَادَباً بارِعاً،

عقلى كامل و انديشه‏اى برتر و دلى پاك و عملى فراوان و ادبى كارآمد را روزيم كن‏

وَاجْعَلْ ذلِكَ كُلَّهُ لى‏، وَلا تَجْعَلْهُ عَلَىَّ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[310]](#footnote-310)

و تمام اينها را به نفع من قرار ده نه به زيان من، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

6- زيارت وداع‏

در كتاب «كامل الزيارات» از اباالحسن (موسى بن جعفر) عليه السلام نقل كرده كه هرگاه قصد وداع كردى، كنار قبر آن حضرت بگو:

كليات مفاتيح نوين، ص: 279

السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَاسْتَرْعيكَ، وَاقْرَءُ

سلام بر تو و رحمت و بركات خدا بر تو باد، تو را به خدا مى‏سپارم و توجّهت را مى‏طلبم‏

عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ، وَبِما جآئَتْ بِهِ، وَدَعَتْ الَيْهِ وَدَلَّتْ‏

و بر تو سلام مى‏كنم، ايمان آورده‏ايم به خدا و فرستادگانش و به آنچه آورده‏اند و به آن دعوت نموده و بر آن‏

عَلَيْهِ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتى‏

راهنمايى كرده‏اند، پس ما را در زمره گواهان (بر آن) ثبت فرما، خدايا زيارتم را آخرين زيارت از او قرار مده‏

ايَّاهُ، فَانْ تَوَفَّيْتَنى‏ قَبْلَ ذلِكَ، فَانّى‏ اشْهَدُ فى‏ مَماتى‏ عَلى‏ ما كُنْتُ شَهِدْتُ‏

پس اگر مرا پيش از زيارتِ دوباره، ميراندى گواهى مى‏دهم در مردنم به آنچه‏

عَلَيْهِ فى‏ حَياتى‏، اشْهَدُ انَّكُمُ الْأَئِمَّةُ، اميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلِيّاً، وَالْحَسَنَ‏

در زنده بودنم گواهى دادم، گواهى مى‏دهم كه شما اماميد، اميرمؤمنان على، و حسن‏

وَالْحُسَيْنَ، وَ عَلِىَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،

و حسين، و على بن حسين و محمّد بن على، و جعفر بن محمّد

وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِىَّ بْنَ مُوسى‏، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، وَعَلِىَّ بْنَ‏

و موسى بن جعفر، و على بن موسى و محمّد بن على، و على بن‏

مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ‏

محمّد و حسن بن على و حجّت بن الحسن (همه امامان من هستند) كه درود خدا بر تمامى‏

اجْمَعينَ، وَ اشْهَدُ انَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحارَبَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَ مَنْ رَدَّ عِلْمَهُمْ وَرَدَّ

آنان باد، و گواهى مى‏دهم هر كس آنان را كشت و با آنان جنگيد مشرك است و هر كس مقام علمى آنان را نپذيرفت‏

عَلَيْهِمْ فى‏ اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ، وَاشْهَدُ انَّ مَنْ حارَبَهُمْ لَنا اعْدآءٌ،

و با آنها به مخالفت برخاست در پايين‏ترين درجه دوزخ است، و گواهى مى‏دهم هر كس با آنان جنگيد دشمن ماست‏

وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَءآءُ، وَانَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطانِ، وَ عَلى‏ مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ‏

و ما از آنها بيزاريم، و آنها گروه شيطانند و لعنت خدا و فرشتگان و تمامى مردم بر

وَالْمَلآئِكَةِ وَالنَّاسِ اجْمَعينَ، وَمَنْ شَرِكَ فيهِمْ، وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمْ، اللهُمَ‏

قاتلان آنان باد و بر كسانى كه در قتل آنان شراكت نموده و از آن خوشحال شدند، خدايا

انّى‏ اسْئَلُكَ بَعْدَ الصَّلاةِ وَ التَّسْليمِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَعَلىٍ‏

بعد از درود و سلام از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و على‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 280

وَ فاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِىٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ وَمُوسى‏، وَعَلِىٍ‏

و فاطمه و حسن و حسين و على و محمّد و جعفر و موسى و على‏

وَمُحَمَّدٍ، وَ عَلِىٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْحُجَّةِ، وَ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ،

و محمّد و على و حسن و حجّت بن الحسن درود فرستى و اين زيارت را آخرين زيارتم از او قرار مده‏

فَانْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنى‏ مَعَ هؤُلآءِ الْمُسَمَّيْنَ الْائِمَّةِ، اللهُمَّ وَ ذَلِّلْ قُلُوبَنا

پس اگر آخرين زيارتم قرار دادى مرا با امامان ياد شده محشورم فرما و دلهاى ما را به‏

لَهُمْ بِالطَّاعَةِ، وَالْمُناصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ، وَحُسْنِ الْمُوازَرَةِ وَالتَّسْليمِ.[[311]](#footnote-311)

اطاعت و خيرخواهى و دوستى و فرمانبردارى و تسليم در برابر آنان مطيع گردان.

\*\*\*

زيارات مخصوصه‏

علاوه بر زياراتى كه گذشت و مخصوص زمان معيّنى نبود، چند زيارت مخصوصه نيز براى آن حضرت نقل شده است:

1- زيارت روز عيد غدير

«سيّد بن طاووس» در «اقبال» از بزنطى، از امام رضا عليه السلام روايت كرده كه فرمود: «هر جا باشى (اگر بتوانى) در روز غدير نزد قبر اميرمؤمنان عليه السلام حاضر شو، چرا كه خداوند تبارك و تعالى در اين روز گناهان بسيارى از مرد و زن مؤمن را مى‏آمرزد ... به خدا قسم اگر مردم فضيلت اين روز را حقيقتاً مى‏شناختند در هر روز، فرشتگان، ده مرتبه با آنان مصافحه مى‏كردند».[[312]](#footnote-312) به هر حال، براى اين روز چند زيارت نقل شده است:

زيارت اوّل: زيارت «امين‏اللَّه» كه بعضى از بزرگان آن را به عنوان زيارت مخصوص به اين روز نقل كرده‏اند و در بحث زيارات مطلقه گذشت، (صفحه 260).

زيارت دوم: زيارت بسيار جالب و جامعى كه امام حسن عسكرى عليه السلام آن را از پدرش بزرگوارش نقل مى‏كند[[313]](#footnote-313) و كيفيّت آن چنين است: وقتى اراده زيارت حضرتش را كردى نخست بر در آن قبّه شريفه بايست و اذن دخول بخواه (خوب است اذن دخولى را كه ما در ابتداى بخش زيارات، صفحه 220، ذكر

كليات مفاتيح نوين، ص: 281

كرديم: «

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلى‏ بابٍ مِنْ ...

» خوانده شود) سپس پاى راست را مقدّم بدار و داخل شو و به نزديك ضريح مقدّس برو و پشت به قبله و رو به ضريح بايست و بگو:

السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ رَسُولِ‏اللَّهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلينَ، وَصَفْوَةِ

سلام بر محمّد رسول خدا و خاتم پيامبران، و آقا و سيّد فرستادگان و برگزيده‏

رَبِّ الْعالَمينَ، امينِ‏اللَّهِ عَلى‏ وَحْيِهِ، وَعَزآئِمِ امْرِهِ، وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ،

پروردگار جهانيان، امين خدا بر وحى و فرمان حتميش و ختم كننده آنچه گذشت‏

وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلى‏ ذلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ‏

و گشاينده آنچه خواهد آمد، و ناظر بر تمام اين امور، و رحمت و بركات خدا

وَصَلَواتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ انْبِيآءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَ مَلآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ،

و درود و تحياتش بر تو باد، سلام بر پيامبران و فرستادگان خدا و فرشتگان مقرّب‏

وَعِبادِهِ الصَّالِحينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيّينَ،

و بندگان صالحش، سلام بر تو اى اميرمؤمنان و آقا و سرور جانشينان‏

وَ وارِثَ عِلْمِ النَّبِيّينَ، وَوَلِىَّ رَبِّ الْعالَمينَ، وَمَوْلاىَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنينَ،

و وارث علم پيامبران و دوستدار پروردگار جهانيان و مولاى من و تمامى مؤمنان‏

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ،

و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى مولاى من اى اميرمؤمنان‏

يا امينَ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ، وَسَفيرَهُ فى‏ خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبالِغَةَ عَلى‏ عِبادِهِ،

اى امين خدا در روى زمين و سفيرش در ميان مخلوقات و حجّت و دليل رسايش بر بندگان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا دينَ اللَّهِ الْقَويمَ، وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

سلام بر تو اى دين پايدار خدا و راه راست او، سلام بر تو

ايُّهَا النَّبَأُ الْعَظيمُ، الَّذى‏ هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَ عَنْهُ يُسْئَلُونَ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

اى خبر بزرگ، كه امّت در آن اختلاف كردند و از آن بازخواست شوند، سلام بر تو

يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ‏

اى امير مؤمنان به خدا ايمان آوردى در حالى كه آنها مشرك بودند و حق را تصديق نمودى در حالى كه‏

مُكَذِّبُونَ، وَجاهَدْتَ وَ هُمْ مُحْجِمُونَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدّينَ‏

آنان تكذيب نمودند و جهاد نمودى در حالى كه آنان شانه خالى كردند، و خدا را عبادت نمودى در حالى كه دينت را براى او خالص كردى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 282

صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، الا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمينَ، السَّلامُ‏

و صبر كرده و به پاداش او راضى شدى، تا زمان مرگت فرا رسيد، لعنت خدا بر ستمكاران باد، سلام‏

عَلَيْكَ يا سَيِّدَالْمُسْلِمينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنينَ، وَامامَ الْمُتَّقينَ، وَقآئِدَ

بر تو اى آقا و سرور مسلمانان و پيشواى مؤمنان و امام پرهيزكاران و پيشواى‏

الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ اخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيُّهُ،

سفيدرويان، و رحمت و بركات خدا بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه تويى برادر و جانشين رسول خدا

وَوارِثُ عِلْمِهِ وَامينُهُ عَلى‏ شَرْعِهِ، وَخَليفَتُهُ فى‏ امَّتِهِ، وَاوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ،

و وارث علم و امين او بر شريعتش و جانشينش در ميان امّتش و اوّلين كسى كه به خدا ايمان آورد

وَصَدَّقَ بِما انْزِلَ عَلى‏ نَبِيِّهِ، وَاشْهَدُ انَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنِ‏اللَّهِ ما انْزَلَهُ فيكَ،

و آنچه بر پيامبرش نازل شد تصديق نمود، و گواهى مى‏دهم كه او آنچه خدا در مورد تو نازل كرد (به امّت) ابلاغ نمود

فَصَدَعَ بِامْرِهِ، وَاوْجَبَ عَلى‏ امَّتِهِ فَرْضَ طاعَتِكَ وَوِلايَتِكَ، وَعَقَدَ

و كارش را به انجام رسانيد، و اطاعت و ولايت تو را بر امّتش واجب فرمود و براى تو

عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ اوْلى‏ بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ انْفُسِهِمْ، كَما جَعَلَهُ اللَّهُ‏

از آنان بيعت گرفت و تو را نسبت به مؤمنان شايسته‏تر از خودشان قرار داد، همان گونه كه خدا او را

كَذلِكَ، ثُمَّ اشْهَدَ اللَّهَ تَعالى‏ عَلَيْهِمْ، فَقالَ الَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ، فَقالُوا اللهُمَ‏

چنين قرار داد، سپس خداوند بلندمرتبه را بر آنان شاهد گرفت و فرمود: آيا (فرمان خدا را) نرساندم؟ پس گفتند:

بَلى‏، فَقالَ اللهُمَّ اشْهَدْ وَ كَفى‏ بِكَ شَهيداً وَحاكِماً بَيْنَ الْعِبادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ‏

بخدا رساندى، پس فرمود: خدايا تو شاهد باش و شهادت و حكم تو بين بندگان كافى است، پس خدا لعنت كند

جاحِدَ وِلايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرارِ، وَناكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْميثاقِ، وَاشْهَدُ انَّكَ‏

منكر ولايتت را بعد از اقرار به آن و پيمان شكنانت را بعد از بستن پيمان، و گواهى مى‏دهم كه تو

وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعالى‏، وَانَّ اللَّهَ تَعالى‏ مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ، وَمَنْ اوْفى‏ بِما

به عهد خداوند بلندمرتبه وفا نمودى و خداوند بلندمرتبه به عهدش در مورد تو وفا نمود، و هر كس به آنچه با خدا

عاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتيهِ اجْراً عَظيماً، وَاشْهَدُ انَّكَ اميرُالْمُؤْمِنينَ الْحَقُّ،

عهد بسته وفا كند، به زودى پاداش بزرگى به او خواهد داد و گواهى مى‏دهم كه تويى به حق امير مؤمنان‏

الَّذى‏ نَطَقَ بِوِلايَتِكَ التَّنْزيلُ، وَاخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذلِكَ الرَّسُولُ،

كه قرآن در مورد ولايتت سخن گفته و رسول خدا از امّت بر آن عهد و پيمان گرفته است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 283

وَاشْهَدُ انَّكَ وَعَمَّكَ وَاخاكَ الَّذينَ تاجَرْتُمُ اللَّهَ بِنُفُوسِكُمْ، فَانْزَلَ اللَّهُ‏

و گواهى مى‏دهم كه تو و عمو و برادرت كسانى هستيد كه با جانتان با خدا تجارت نموديد و خدا در شأن شما چنين نازل فرمود:

فيكُمْ: انَّ اللَّهَ اشْتَرى‏ مِنَ الْمُؤْمِنينَ انْفُسَهُمْ وَامْوالَهُمْ بِانَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ،

خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خريدارى كرده كه (در برابرش) بهشت براى آنان باشد،

يُقاتِلُونَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ، فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ، وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً فِى التَّوْريةِ

(به اين گونه كه:) در راه خدا پيكار مى‏كنند، مى‏كشند و كشته مى‏شوند، اين وعده حقّى است بر او كه در تورات‏

وَالْإِنْجيلِ وَالْقُرْآنِ، وَمَنْ اوْفى‏ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ، فَاسْتَبْشِروُا بِبِيْعِكُمُ الَّذى‏

و انجيل و قرآن ذكر فرموده؛ چه كسى از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اكنون بشارت باد بر شما

بايَعْتُمْ بِهِ، وَذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ، التَّآئِبُونَ الْعابِدوُنَ، الْحامِدوُنَ‏

به داد و ستدى كه با خدا كرده‏ايد و اين است آن پيروزى بزرگ، توبه‏كنندگان، عبادت‏كاران، سپاسگويان‏

السَّآئِحُونَ، الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ، الْامِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّاهُونَ عَنِ‏

سياحت‏كنندگان، ركوع‏كنندگان، سجده‏آوران، آمران به معروف و نهى‏كنندگان از

الْمُنْكَرِ، وَالْحافِظُونَ لِحُدُودِاللَّهِ، وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ. اشْهَدُ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ،

منكر و حافظان حدود (و مرزهاى) الهى، (مؤمنان حقيقى‏اند) و بشارت ده به (اينچنين) مؤمنان. گواهى مى‏دهم اى اميرمؤمنان‏

انَّ الشَّآكَّ فيكَ ما آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمينِ، وَانَّ الْعادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عانِدٌ عَنِ‏

كه ترديدكنندگان در تو به رسول امين ايمان نياورده‏اند، و آنها كه غير تو را با تو برابر دانستند

الدّينِ الْقَويمِ، الَّذِى ارْتَضاهُ لَنا رَبُّ الْعالَمينَ، وَاكْمَلَهُ بِوِلايَتِكَ يَوْمَ‏

دشمن دين حقّند، كه پروردگار جهانيان براى ما پسنديد و آن را در روز غدير با ولايت تو كامل نمود،

الْغَديرِ، وَاشْهَدُ انَّكَ الْمَعْنِىُّ بِقَوْلِ الْعَزيزِ الرَّحيمِ: وَانَّ هذا صِراطى‏

و گواهى مى‏دهم كه تويى مقصود گفتار خداوند عزيز و مهربان: و اين راه‏

مُسْتَقيماً فَاتَّبِعُوهُ، وَلا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبيلِهِ. ضَلَّ وَاللَّهِ‏

مستقيم من است از آن پيروى كنيد و از راههاى پراكنده (و انحرافى) پيروى نكنيد كه شما را از طريق حق دور مى‏سازد. به خدا سوگند گمراه شد

وَاضَلَّ مَنِ اتَّبَعَ سِواكَ، وَعَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عاداكَ، اللهُمَّ سَمِعْنا لِأَمْرِكَ‏

و گمراه كرد كسى كه از غير تو پيروى نمود و هر كس با تو دشمنى نمود از راه حق منحرف شد، خدايا فرامينت را شنيده‏

وَاطَعْنا، وَاتَّبَعْنا صِراطَكَ الْمُسْتَقيمَ، فَاهْدِنا رَبَّنا وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ

و اطاعت نموديم، و از راه راستت پيروى كرديم، پروردگارا ما را هدايت كن و دلهاى ما را گمراه مكن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 284

هَدَيْتَنا الى‏ طاعَتِكَ، وَاجْعَلْنا مِنَ الشَّاكِرينَ لِأَنْعُمِكَ، وَاشْهَدُ انَّكَ لَمْ‏

بعد از آن كه به بندگيت هدايت نمودى و از شكرگزاران نعمتهايت قرار دادى، و گواهى مى‏دهم كه تو

تَزَلْ لِلْهَوى‏ مُخالِفاً، وَللِتُّقى‏ مُحالِفاً، وَعَلى‏ كَظْمِ الْغَيْظِ قادِراً، وَعَنِ‏

پيوسته با هواى نفس مخالفت كرده و با تقوا و پرهيزكارى همپيمانى، و بر فرو بردن خشم توانايى، و بر

النَّاسِ عافِياً غافِراً، وَاذا عُصِىَ اللَّهُ ساخِطاً، وَاذا اطيعَ اللَّهُ راضياً، وَبِما

مردم عفو كننده و بخشنده‏اى و زمانى كه نافرمانى خدا شود خشمگين شده و چون اطاعت خدا شود، خشنودى، و به آنچه‏

عَهِدَ الَيْكَ عامِلًا، راعِياً لِمَا اسْتُحْفِظْتَ، حافِظاً لِمَا اسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغاً ما

از تو پيمان گرفت عمل كرده و آنچه محافظتش را خواسته بود رعايت نمودى، آنچه نزدت وديعه گذاشته بود حفظ كرده و آنچه بر

حُمِّلْتَ، مُنْتَظِراً ما وُعِدْتَ، وَاشْهَدُ انَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضارِعاً، وَلا امْسَكْتَ‏

عهده داشتى رساندى و منتظر وعده‏اش، شدى، و گواهى مى‏دهم كه تو به خاطر ناتوانى تقيّه نكردى و به خاطر عجز از مطالبه‏

عَنْ حَقِّكَ جازِعاً، وَلا احْجَمْتَ عَنْ مُجاهَدَةِ غاصِبيكَ ناكِلًا، وَلا

حقّت باز نايستادى، و به خاطر سستى از مبارزه با غاصبان حقّت عقب‏نشينى نكردى،

اظْهَرْتَ الرِّضى‏ بِخِلافِ ما يُرْضِى اللَّهَ مُداهِناً، وَلا وَهَنْتَ لِما اصابَكَ فى‏

و به خاطر رياكارى خشنوديت را بر خلاف خشنودى خدا ظاهر ننمودى، و بخاطر آنچه در راه خدا به تو رسيد،

سَبيلِ اللَّهِ، وَلا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكَنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُراقِباً، مَعاذَ اللَّهِ انْ‏

سست نشدى، و به خاطر حفظ جانت از مطالبه حقّت ناتوان و درمانده نشدى، پناه بر خدا كه‏

تَكُونَ كَذلِكَ، بَلْ اذْ ظُلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ، وَفَوَّضْتَ الَيْهِ امْرَكَ،

چنين باشى، بلكه آن گاه كه مورد ستم واقع شدى پروردگارت را مدّ نظر قرار دادى و كارت را به او واگذار نمودى‏

وَذَكَّرْتَهُمْ فَمَا ادَّكَرُوا، وَ وَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا، وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَما تَخَوَّفُوا،

و به آنها تذكّر دادى ولى نپذيرفتند و نصيحتشان كردى ولى عبرت نگرفتند و آنان را از خدا ترساندى ولى آنها نترسيدند

وَاشْهَدُ انَّكَ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، جاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّى‏ دَعاكَ‏

و گواهى مى‏دهم كه تو اى اميرمؤمنان، به شايستگى در راه خدا جهاد نمودى، تا اين كه خداوند تو را به جوار

اللَّهُ الى‏ جِوارِهِ، وَقَبَضَكَ الَيْهِ بِاخْتِيارِهِ، وَالْزَمَ اعْدائَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ‏

رحمتش فرا خواند، و تو را به اختيار خود قبض روح كرد، و با كشته شدن تو به دست آنان، خدا با دشمنانت‏

ايَّاكَ، لِتَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى‏ جَميعِ‏

اتمام حجّت نمود تا حجّت تو بر آنها تمام باشد با آن همه حجّتهاى رساى ديگر كه بر تمامى مخلوقاتش دارى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 285

خَلْقِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً، وَجاهَدْتَ‏

سلام بر تو اى اميرمؤمنان، از روى اخلاص خدا را عبادت نموده و صبورانه‏

فِى اللَّهِ صابِراً، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِباً، وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ

در راه خدا جهاد نمودى، و به حساب خدا با جانت فداكارى كردى و به كتابش عمل نموده و از سنّت‏

نَبِيِّهِ، وَاقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ‏

پيامبرش پيروى كردى، و نماز را بپا داشته و زكات داده و در حدّ توان امر به معروف و نهى از

الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِياً ماعِنْدَاللَّهِ، راغِباً فيما وَعَدَاللَّهُ، لا تَحْفِلُ‏

منكر كردى، در حالى كه آنچه نزد خداست طلب نموده و به آنچه خدا فرموده مشتاق بودى، به مصيبتها

بِالنَّوائِبِ، وَلا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدآئِدِ، وَلا تُحْجِمُ عَنْ مُحارِبٍ، افِكَ مَنْ‏

اهميّت نداده و در مقابل سختيها سست نشدى، و از مبارزه عقب‏نشينى نكردى، تهمت زده هر كس‏

نَسَبَ غَيْرَ ذلِكَ الَيْكَ، وَافْتَرى‏ باطِلًا عَلَيْكَ، وَاوْلى‏ لِمَنْ عَنَدَ عَنْكَ، لَقَدْ

غير از اين را به تو نسبت دهد، تهمت زده و بر تو افترا بسته است، و (اين نسبتها) شايسته است براى كسى كه از تو روى گرداند

جاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ الْجِهادِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذى‏ صَبْرَ احْتِسابٍ،

چرا كه تو به شايستگى در راه خدا جهاد نمودى و به حساب خدا در برابر آزار و اذيّت صبر نمودى‏

وَانْتَ اوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَصَلّى‏ لَهُ وَجاهَدَ، وَابْدى‏ صَفْحَتَهُ فى‏ دارِ

و تو اوّلين كسى بودى كه به خدا ايمان آورده و براى او نماز خوانده و جهاد نموده است و چهره‏اش را در زمينِ شرك آشكار نمود،

الشِّرْكِ، وَالْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلالَةً، وَالشَّيْطانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً، وَانْتَ الْقائِلُ‏

در حالى كه زمين از گمراهى پر شده بود و شيطان آشكارا عبادات مى‏شد، و تويى كسى گفتى:

لاتَزيدُنى‏ كَثْرَةُ النَّاسِ حَوْلى‏ عِزَّةً، وَلا تَفَرُّقُهُمْ عَنّى‏ وَحْشَةً، وَلَوْ

فراوانى جمعيّت در اطراف من به عزّتم نمى‏افزايد و پراكنده‏شدنشان نيز به وحشتم نمى‏اندازد، و اگر

اسْلَمَنِى النَّاسُ جَميعاً لَمْ اكُنْ مُتَضَرِّعاً، اعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ، وَآثَرْتَ‏

تمام مردم مرا رها كنند، التماس نمى‏كنم، به خدا پناه آوردى و عزّت يافتى، و آخرت‏

الْأخِرَةَ عَلَى الْأُولى‏ فَزَهِدْتَ، وَايَّدَكَ اللَّهُ وَهَداكَ، وَاخْلَصَكَ وَاجْتَبيكَ،

را بر دنيا ترجيح دادى و زاهد شدى، و خدا تو را تأييد نموده و هدايت كرد و خالص گردانده و برگزيد

فَما تَناقَضَتْ افْعالُكَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ اقْوالُكَ، وَلا تَقَلَّبَتْ احْوالُكَ، وَلَا

پس در كردارت تناقض و در گفتارت اختلاف نبود، و حالت دگرگون نشد، و هرگز

كليات مفاتيح نوين، ص: 286

ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِباً، وَلا شَرِهْتَ الَى الْحُطامِ، وَلا دَنَّسَكَ‏

به خداوند نسبت دروغ ندادى و به متاع ناچيز دنيا حريص نبودى، و گناهان تو را آلوده نساخت،

الْآثامُ، وَلَمْ تَزَلْ عَلى‏ بَيِّنةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَيَقينٍ مِنْ امْرِكَ، تَهْدى‏ الَى الْحَقِ‏

پيوسته دليل آشكارى از ناحيه پروردگارت و يقينى در كارت همراه تو بود، به سوى حق و

وَالى‏ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، اشْهَدُ شَهادَةَ حَقٍّ، وَاقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، انَ‏

راه راست هدايت مى‏كردى، از روى حق گواهى مى‏دهم و صادقانه به خدا سوگند مى‏خورم كه‏

مُحَمَّداً وَآلَهُ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ساداتُ الْخَلْقِ، وَانَّكَ مَوْلاىَ وَمَوْلَى‏

محمّد و خاندانش- كه درود خدا بر آنان باد- سرور مخلوقاتند و تويى سرپرست من و تمام‏

الْمُؤْمِنينَ، وَانَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ، وَاخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوارِثُهُ،

مؤمنان، و تويى بنده خدا و دوستدارش و برادر رسول خدا و جانشين و وارثش‏

وَانَّهُ الْقآئِلُ لَكَ، وَالَّذى‏ بَعَثَنى‏ بِالْحَقِّ ما آمَنَ بى‏ مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَلا اقَرَّ بِاللَّهِ‏

و او به تو فرمود: قسم به آن كه مرا به حق مبعوث كرد، كسى كه به تو كافر شود به من ايمان نياورده‏

مَنْ جَحَدَكَ، وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ، وَلَمْ يَهْتَدِ الَى اللَّهِ وَلا الَىَّ مَنْ لا

و كسى كه تو را انكار كند به خدا اقرار نكرده است، و كسى كه (مردم را) از تو باز داشت گمراه است، و به سوى خدا و من هدايت نشده هر كس كه به‏

يَهْتَدى‏ بِكَ، وَ هُوَ قَوْلُ رَبّى‏ عَزَّوَجَلَّ، وَانّى‏ لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَعَمِلَ‏

سوى تو هدايت نشده است و اين همان قول پروردگار عزيز و گرامى است كه فرمود: و به يقين مى‏آمرزم هر كس را كه توبه كرده و ايمان آورد و عمل‏

صالِحاً ثُمَّ اهْتَدى‏ الى‏ وِلايَتِكَ، مَوْلاىَ فَضْلُكَ لا يَخْفى‏، وَ نُورُكَ لا

شايسته انجام داده و ولايت تو را بپذيرد، مولاى من فضيلتت مخفى نبوده و نورت‏

يُطْفَأُ، وَانَّ مَنْ جَحَدَكَ الظَّلُومُ الْأَشْقى‏، مَوْلاىَ انْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبادِ،

خاموش نگردد و هر كس تو را انكار كند ستمكار و بدبخت است، مولاى من تويى حجّت بر بندگان‏

وَالْهادى‏ الَى الرَّشادِ، وَالْعُدَّةُ لِلْمَعادِ، مَوْلاىَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِى الْأُولى‏

و راهنما به راه راست و ذخيره براى روز قيامت، مولاى من به يقين خداوند در دنيا جايگاهت را

مَنْزِلَتَكَ، وَاعْلى‏ فِى الْأخِرَةِ دَرَجَتَكَ، وَبَصَّرَكَ ما عَمِىَ عَلى‏ مَنْ خالَفَكَ،

بالا بُرد و در آخرت رتبه‏ات را برتر قرار داد و آگاه كرد تو را بر آنچه پوشيده ماند بر مخالفينت‏

وَحالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَواهِبِ اللَّهِ لَكَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّى الْحُرْمَةِ مِنْكَ،

و بر آنان كه بين تو و نعمتهاى خدا بر تو مانع شدند، پس لعنت خدا بر آنان كه حرمتت را شكسته‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 287

وَذائِدِى الْحَقِّ عَنْكَ، وَاشْهَدُ انَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذينَ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ‏

و حقّت را گرفتند، و گواهى مى‏دهم كه به يقين آنان زيانكارانند، آنان كه آتش چهره‏شان را سوزاند

النَّارُ وَهُمْ فيها كالِحُونَ، وَاشْهَدُ انَّكَ ما اقْدَمْتَ وَلا احْجَمْتَ، وَلا نَطَقْتَ‏

در حالى كه در آتش روى درهم كشيده‏اند و گواهى مى‏دهم كه تو به يقين اقدام نكرده و عقب نشينى ننمودى و سخن نگفته‏

وَلا امْسَكْتَ، الَّا بِامْرٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، قُلْتَ وَالَّذى‏ نَفْسى‏ بِيَدِهِ، لَقَدْ نَظَرَ

و ساكت نشدى، مگر به فرمان خدا و رسولش، فرمودى: قسم به آن كه جانم به دست اوست،

الَىَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدْماً، فَقالَ يا عَلِىُ‏

رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به من نگاه كرد در حالى كه پيش رويش (براى حفظ او) شمشير مى‏زدم، و فرمود: اى على‏

انْتَ مِنّى‏ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسى‏، الَّا انَّهُ لانَبِىَّ بَعدْى‏، وَاعْلِمُكَ انَ‏

تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسى هستى، جز اين كه پيامبرى بعد از من نخواهد بود و تو را آگاه مى‏كنم كه‏

مَوْتَكَ وَحَيوتَكَ مَعى‏ وَعَلى‏ سُنَّتى‏، فَوَ اللَّهِ ما كَذِبْتُ وَلا كُذِبْتُ، وَلا

مرگ و زندگيت همراه من و بر سنّت من خواهد بود، پس به خدا سوگند نه دروغ گفتم و نه به من دروغ گفته شد و نه‏

ضَلَلْتُ وَلا ضُلَّ بى‏، وَلا نَسيتُ ما عَهِدَ الَىَّ رَبّى‏، وَانّى‏ لَعَلى‏ بَيِّنَةٍ مِنْ‏

گمراه شدم و نه كسى به وسيله من گمراه شد و هرگز عهد و پيمان پروردگارم را فراموش نكردم و به يقين من همراه دليل آشكار از

رَبّى‏، بَيَّنَها لِنَبِيِّهِ وَبَيَّنَهَا النَّبِىُّ لى‏، وَانّى‏ لَعَلَى الطَّريقِ الْواضِحِ، الْفِظُهُ‏

جانب پروردگارم بودم كه آن را براى پيامبرش روشن ساخته و او نيز براى من روشن نمود و به يقين من بر راه آشكار حركت نمودم كه آن را با صراحت بيان مى‏كنم،

لَفْظاً، صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ساواكَ بِمَنْ ناواكَ، وَاللَّهُ‏

به خدا سوگند كه راست گفته و به حق فرمودى، پس لعنت خدا بر كسانى كه تو را با دشمنانت برابر كردند و خداوندى‏

جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: هَلْ يَسْتَوِى الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذينَ لايَعْلَمُونَ. فَلَعَنَ‏

كه نامش بزرگ است مى‏فرمايد: آيا كسانى كه مى‏دانند با كسانى كه نمى‏دانند يكسانند؟ پس لعنت‏

اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وِلايَتَكَ، وَانْتَ وَلِىُّ اللَّهِ وَاخُو

خدا بر كسى كه تو را با كسانى كه ولايت تو بر آنها واجب است هم رديف قرار داد، و تويى دوستدار خدا و برادر

رَسُولِهِ، وَالذَّآبُّ عَنْ دينِهِ، وَالَّذى‏ نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضيلِهِ، قالَ اللَّهُ تَعالى‏:

رسولش و دفاع كننده از دينش، و كسى كه قرآن به برتريش سخن گفته است، خداوند بلندمرتبه فرمود:

وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدينَ عَلَى الْقاعِدينَ اجْراً عَظيماً، دَرَجاتٍ مِنْهُ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص287**

و مجاهدان را بر قاعدان‏ [/ ترك كنندگان جهاد] با پاداش عظيمى برترى بخشيد درجات (مهمّى) از ناحيه خداوند

كليات مفاتيح نوين، ص: 288

وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً، وَكانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحيماً. وَقالَ اللَّهُ تَعالى‏: اجَعَلْتُمْ سِقايَةَ

و آمرزش و رحمت (نصيب آنان مى‏گردد) و (اگر لغزشهايى داشته‏اند) خداوند آمرزنده و مهربان است و خداوند بلندمرتبه فرمود: آيا سيراب كردن‏

الْحآجِّ وَعِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوِم الْأخِرِ وَجاهَدَ

حجّاج و آباد كردن مسجدالحرام را همانند (عملِ) كسى قرار داديد كه به خدا و روز قيامت ايمان آورده و در راه او

فى‏ سَبيلِ اللَّهِ، لا يَسْتَوُونَ عِنْدَاللَّهِ، وَاللَّهُ لا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمينَ، الَّذينَ‏

جهاد كرده است؟! (اين دو) نزد خدا مساوى نيستند و خداوند گروه ظالمان را هدايت نمى‏كند، آنها كه‏

آمَنُوا وَهاجَرُوا وَ جاهَدُوا فى‏ سَبيلِ اللَّهِ بِامْوالِهِمْ وَانْفُسِهِمْ اعْظَمُ دَرَجَةً

ايمان آوردند و هجرت كردند و با اموال و جانهايشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد

عِنْدَاللَّهِ، وَاولئِكَ هُمُ الْفآئِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوانٍ،

خدا برتر است و آنها پيروز و رستگارند، پروردگارشان به رحمتى از ناحيه خود و رضايت (خويش)

وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فيها نَعيمٌ مُقيمٌ، خالِدينَ فيها ابَداً، انَّ اللَّهَ عِنْدَهُ اجْرٌ عَظيمٌ.

و باغهايى از بهشت بشارت مى‏دهد كه در آن نعمتهاى جاودانه دارند، همواره و تا ابد در اين باغها (و در ميان اين نعمتها) خواهند بود زيرا پاداش عظيم نزد خداوند است،

اشْهَدُ انَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ، الْمُخْلِصُ لِطاعَةِ اللَّهِ، لَمْ تَبْغِ بِالْهُدى‏

گواهى مى‏دهم كه مدح خدا مخصوص توست و تو نيز خود را براى اطاعت خدا خالص كرده‏اى، براى هدايت،

بَدَلًا، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّكَ احَداً، وَانَّ اللَّهَ تَعالَى اسْتَجابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى‏

جانشينى برنگزيده و در عبادت پروردگارت كسى را شريك قرار ندادى، و به يقين خداوند بلندمرتبه درخواست پيامبرش- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فيكَ دَعْوَتَهُ، ثُمَّ امَرَهُ بِاظْهارِ ما اوْلاكَ لِأُمَّتِهِ اعْلاءً

خدا بر او و خاندان پاكش باد- را در مورد تو پاسخ گفت، سپس او را به آشكار كردن آنچه را كه براى امّت بر عهده تو گذاشته فرمان داد تا مقامت را بالا برده‏

لِشَاْنِكَ، وَاعْلاناً لِبُرْهانِكَ، وَدَحْضاً لِلْأَباطيلِ، وَقَطْعاً لِلْمَعاذيرِ، فَلَمَّا

و دليلت را آشكار ساخته و باطلها را از بين برده و بهانه را قطع نمايد، پس زمانى كه از

اشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفاسِقينَ، وَاتَّقى‏ فيكَ الْمُنافِقينَ، اوْحى‏ الَيْهِ رَبُ‏

فتنه فاسقان بيمناك شد، و در مورد تو از منافقان ترسيد پروردگار جهانيان به او وحى نمود:

الْعالَمينَ: يا ايُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما انْزِلَ الَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَانْ لَمْ تَفْعَلْ فَما

اى پيامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، كاملًا (به مردم) برسان و اگر نكنى‏

بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ. فَوَضَعَ عَلى‏ نَفْسِهِ اوْزارَ

رسالت او را انجام نداده‏اى، خداوند تو را از (خطراتِ احتمالىِ) مردم نگاه مى‏دارد، پس سختيهاى مسير را به جان خريد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 289

الْمَسيرِ، وَنَهَضَ فى‏ رَمْضاءِ الْهَجيرِ، فَخَطَبَ وَاسْمَعَ وَنادى‏ فَابْلَغَ، ثُمَ‏

و در گرماى نيمروز بپا خواست، و خطبه خواند و آگاه كرد و ندا داد و پيامش را رسانيد، سپس از

سَئَلَهُمْ اجْمَعَ فَقالَ هَلْ بَلَّغْتُ، فَقالُوا اللَّهُمَّ بَلى‏، فَقالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قالَ‏

همه آنان پرسيد و فرمود آيا (پيامم را) رساندم، همه گفتند: به خدا سوگند آرى، پس فرمود: خدايا تو شاهد باش، سپس فرمود:

الَسْتُ اوْلى‏ بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ انْفُسِهِمْ، فَقالُوا بَلى‏، فَاخَذَ بِيَدِكَ وَقالَ مَنْ‏

آيا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نيستم؟! گفتند: آرى، پس دست تو را بالا گرفت و فرمود: هر كس‏

كُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِىٌّ مَوْلاهُ، اللهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

كه من مولا و سرپرست اويم على مولا و سرپرست اوست، خدايا هر كه او را دوست بدارد دوستش بدار و هر كه او را دشمن دارد، دشمنش باش‏

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، فَما آمَنَ بِما انْزَلَ اللَّهُ فيكَ عَلى‏ نَبِيِّهِ‏

و هر كه او را يارى كند ياريش كن، و هر كه او را يارى نكند ياريش نكن، پس به آنچه خدا بر پيامبرش در مورد تو نازل نمود

الَّا قَليلٌ، وَلا زادَ اكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسيرٍ، وَلَقَدْ انْزَلَ اللَّهُ تَعالى‏ فيكَ مِنْ قَبْلُ‏

جز اندكى ايمان نياوردند، و جز زيانكارى بر اكثرشان چيزى افزوده نشد، و خداوند بلندمرتبه پيش از اين در مورد تو نازل فرمود

وَهُمْ كارِهُونَ: يا ايُّهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ، فَسَوْفَ يَاْتِى‏

در حالى كه آنان خوش نداشتند: اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد هر كس از شما از آيين خود برگردد (به خدا زيانى نمى‏رساند) خداوند

اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، اذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ اعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ،

جمعيّتى را مى‏آورد كه آنها را دوست دارد و آنان نيز او را دوست دارند در برابر مؤمنان متواضع و در برابر كافران سرسخت و نيرومندند

يُجاهِدُونَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ وَلَا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ، ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ‏

آنها در راه خدا جهاد مى‏كنند و از سرزنش هيچ ملامتگرى هراسى ندارند، اين فضل خداست كه به هر كس‏

يَشآءُ، وَاللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ، انَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَالَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ‏

بخواهد (و شايسته ببيند) مى‏دهد و (فضلِ) خدا وسيع و خداوند داناست، سرپرست و ولىّ شما تنها خداست و پيامبر او و آنها كه ايمان آورده‏اند

يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَهُمْ راكِعُونَ، وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ‏

همانها كه نماز را برپا مى‏دارند و در حال ركوع زكات مى‏دهند و كسانى كه ولايت خدا و پيامبر او

وَالَّذينَ آمَنُوا، فَانَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ، رَبَّنا آمَنَّا بِما انْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا

و افراد با ايمان را بپذيرند (پيروزند زيرا) حزب و جمعيّت خدا پيروز است، پروردگار را به آنچه نازل كردى ايمان آورديم و از

الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ‏

فرستاده (تو) پيروى نموديم ما را در زمره گواهان بنويس، پروردگارا دلهايمان را بعد از آن كه ما را هدايت كردى (از راه حق) منحرف مگردان و از

كليات مفاتيح نوين، ص: 290

لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الوَهَّابُ. اللهُمَّ انَّا نَعْلَمُ انَّ هذا هُوَ الْحَقُ‏

سوى خود رحمتى بر ما ببخش زيرا تو بخشنده‏اى، خدايا ما مى‏دانيم كه اين سخن حقّى از

مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنْ مَنْ عارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ، وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ، وَسَيَعْلَمُ الَّذينَ‏

جانب توست، پس هر كه با او مخالفت كرده و تكبّر ورزيد و تكذيب كرده و كفر ورزيد، لعنت كن، و آنها كه‏

ظَلَمُوا اىَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، وَسَيِّدَ

ستم كردند به زودى مى‏دانند كه بازگشتشان به كجاست، سلام بر تو اى امير مؤمنان و آقا و

الْوَصِيّينَ، وَاوَّلَ الْعابِدينَ، وَازْهَدَ الزَّاهِدينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ،

سرور جانشينان، و اوّلين عبادت‏كنندگان، زاهدترين زاهدان و رحمت و بركات و

وَصَلَواتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، انْتَ مُطْعِمُ الطَّعامِ عَلى‏ حُبِّهِ مِسْكيناً وَيَتيماً وَاسيراً

درود و سلام خدا بر تو باد، و غذاى خود را با اين كه به آن علاقه (و نياز) داشتى براى رضاى خدا به مسكين و يتيم و اسير دادى،

لِوَجْهِ اللَّهِ، لا تُريدُ مِنْهُمْ جَزآءً وَلا شُكُوراً، وَفيكَ انْزَلَ اللَّهُ تَعالى‏:

در حالى كه از آنان پاداش و سپاسى نخواستى، و خداوند بلندمرتبه در مورد تو نازل فرمود:

وَيُؤْثِرُونَ عَلى‏ انْفُسِهِمْ وَلَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ، وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ‏

و آنها را بر خود مقدّم مى‏دارد هر چند خودشان بسيار نيازمند باشند كسانى كه از بخل و حرص نفس خويش باز داشته شده‏اند

فَاولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَانْتَ الْكاظِمُ لِلْغَيْظِ، وَالْعافى‏ عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ‏

رستگارانند، و تويى فروبرنده خشم و درگذرنده از مردم، و خداوند

يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ، وَانْتَ الصَّابِرُ فِى الْبَاْسآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحينَ الْبَاْسِ،

نيكوكاران را دوست دارد، و تويى شكيبا در سختى و مشكلات و هنگام نبرد

وَانْتَ الْقاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَالْعادِلُ فِى الرَّعِيَّةِ، وَالْعالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَميعِ‏

و تويى تقسيم كننده به مساوات و رفتار كننده به عدالت در ميان مردم، و داناى به حدودِ (احكام) خدا از ميان‏

الْبَرِيَّهِ، وَاللَّهُ تَعالى‏ اخْبَرَعَمَّا اوْلاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: افَمَنْ كانَ مُؤْمِناً

مخلوقات، و خداوند متعال از فضيلتى كه به تو عطا نموده با گفتارش چنين خبر داد: آيا كسى كه با ايمان باشد

كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ، امَّا الَّذينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ‏

همچون كسى است كه فاسق است؟! نه هرگز اين دو برابر نيستند، امّا كسانى كه ايمان آوردند و كارهاى شايسته انجام دادند

جَنَّاتُ الْمَاْوى‏، نُزُلًا بِما كانُوا يَعْمَلُونَ. وَانْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزيلِ،

باغهاى بهشت جاويدان از آنِ آنها خواهد بود، اين وسيله پذيرايى (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام مى‏دادند،

كليات مفاتيح نوين، ص: 291

وَحُكْمِ التَّاْويلِ، وَنَصِّ الرَّسُولِ، وَلَكَ الْمَواقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَالْمَقاماتُ‏

و علم قرآن و حكم تفسير و بيان و سفارش صريح پيامبر مخصوص توست، و از آنِ توست نبردهاى آشكار (در راه اسلام) و مقامات‏

الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزابِ، اذْ زاغَتِ‏

مشهور، و روزهايى كه بر سر زبانهاست، همان روز بدر و احزاب، آن گاه كه چشمها

الْأَبْصارُ، وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ، وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونا، هُنالِكَ‏

از شدّت وحشت خيره شده و جانها به لب رسيده بود و گمانهاى گوناگون بدى به خدا مى‏برديد،

ابْتُلِىَ الْمُؤْمِنُونَ، وَزُلْزِلُوا زِلْزالًا شَديداً، وَاذْ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالَّذينَ فى‏

آنجا كه مؤمنان آزمايش شدند و تكان سختى خوردند و آنگاه كه منافقان و

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ الَّا غُرُوراً، وَاذْ قالَتْ طآئِفَةٌ مِنْهُمْ‏

بيماردلان مى‏گفتند: خدا و پيامبرش جز وعده‏هاى دروغين به ما نداده‏اند، و آنگاه كه گروهى از آنها گفتند

يا اهْلَ يَثْرِبَ لا مُقامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا، وَيَسْتَأْذِنُ فَريقٌ مِنْهُمُ النَّبِىَّ،

اى اهل يثرب (اى مردم مدينه) اينجا جاى توقّف شما نيست، به خانه‏هاى خود باز گرديد و گروهى از آنان از پيامبر اجازه بازگشت مى‏خواستند.

يَقُولُونَ انَّ بُيُوتَنا عَوْرَةٌ وَما هِىَ بِعَوْرَةٍ، انْ يُريدُونَ الَّا فِراراً، وَقالَ اللَّهُ‏

و مى‏گفتند: خانه‏هاى ما بى‏حفاظ است در حالى كه بى‏حفاظ نبود آنها فقط مى‏خواستند (از جنگ) فرار كنند، و خداوند بلندمرتبه‏

تَعالى‏: وَلَمَّا رَاى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ، قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ،

فرمود: مؤمنان وقتى لشكر احزاب را ديدند گفتند، اين همان است كه خدا و رسولش به ما وعده داده‏

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَما زادَهُمْ الَّا ايماناً وَتَسْليماً. فَقَتَلْتَ عَمْرَهُمْ،

و خدا و رسولش راست گفته‏اند و اين موضوع جز بر ايمان و تسليم آنها نيافزود، پس عَمْربن‏عبدود از ايشان را كشتى‏

وَهَزَمْتَ جَمْعَهُمْ، وَرَدَّ اللَّهُ الَّذينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنالُوا خَيْراً، وَكَفَى اللَّهُ‏

و جمعشان را پراكنده ساختى، و خدا كافران را با دلى پر از خشم بازگرداند بى‏آنكه نتيجه‏اى از كار خود گرفته باشند و خداوند

الْمُؤْمِنينَ الْقِتالَ، وَكانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزيزاً، وَيَوْمَ احُدٍ اذْ يُصْعِدُونَ وَلا

(در اين ميدان) مؤمنان را از جنگ بى‏نياز ساخت (و پيروزى را نصيبشان كرد) و خدا قوى و شكست‏ناپذير است، و در روز احد هنگامى كه از كوه بالا مى‏رفتند و

يَلْوُونَ عَلى‏ احَدٍ، وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فى‏ اخْريهُمْ، وَانْتَ تَذُودُ بُهَمَ‏

(از وحشت) به هيچ كس (از عقب‏ماندگان) نگاه نمى‏كردند در حالى كه پيامبر از پشت سر آنها را صدا مى‏زد، و تو جنگجويان‏

الْمُشْرِكينَ عَنِ النَّبِىِّ ذاتَ الْيَمينِ وَذاتَ الشِّمالِ، حَتّى‏ رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعالى‏

مشركان را از سمت راست و چپ پيامبر دور مى‏كردى تا اين كه خداوند بلندمرتبه آنها را از

كليات مفاتيح نوين، ص: 292

عَنْكُما خائِفينَ، وَنَصَرَ بِكَ الْخاذِلينَ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلى‏ مانَطَقَ بِهِ‏

شما دفع كرد در حالى كه مى‏ترسيدند، و به وسيله تو شكست خوردگان را يارى كرد، و در روز جنگ حُنين (نيز شما را يارى نمود) بنابر آنچه قرآن به آن سخن‏

التَّنْزيلُ: اذْ اعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ، فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً، وَضاقَتْ عَلَيْكُمُ‏

رانده است: در آن هنگام كه فزونى جمعيتتان شما را مغرور ساخت ولى (اين فزونى جمعيّت) مشكلى را از شما حل نكرد و زمين با همه‏

الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرينَ، ثُمَّ انْزَلَ اللَّهُ سَكينَتَهُ عَلى‏ رَسُولِهِ‏

وسعتش بر شما تنگ شد، سپس پشت (به دشمن) كرده فرار نموديد، سپس خداوند آرامش خود را بر پيامبرش و

وَعَلَى الْمُؤْمِنينَ. وَالْمُؤْمِنُونَ انْتَ وَمَنْ يَليكَ، وَعَمُّكَ الْعَبَّاسُ يُنادِى‏

مؤمنان نازل كرد. و تو و همراهانت همان مؤمنان بوديد و عمويت عباس فراركنندگان را صدا مى‏زد

الْمُنْهَزِمينَ، يا اصْحابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يا اهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى‏

(و مى‏گفت:) اى أصحاب سوره بقره و اى اهل بيعت (با پيامبر در زير) درخت معهود، تا

اسْتَجابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَؤُنَةَ، وَتَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ، فَعادُوا

سرانجام گروهى كه تو عهده‏دار مسئوليت آنان شدى، و تو (اى على) به جاى آنها عهده‏دار كمك بودى به او پاسخ گفتند، پس فراركنندگان‏

ايِسينَ مِنَ الْمَثُوبَةِ، راجينَ وَعْدَ اللَّهِ تَعالى‏ بِالتَّوْبَةِ، وَذلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَ‏

با نااميدى از پاداش بازگشتند، در حالى كه به وعده خداوند در پذيرش توبه اميدوار بودند كه همان قول خداوند- كه يادش بزرگ‏

ذِكْرُهُ: ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ عَلى‏ مَنْ يَشآءُ. وَانْتَ حائِزٌ دَرَجَةَ

است- مى‏باشد: سپس خداوند- بعد از آن- توبه هر كس را بخواهد (و شايسته ببيند) مى‏پذيرد. و تو به رتبه‏

الصَّبْرِ، فائِزٌ بِعَظيمِ الْأَجْرِ، وَيَوْمَ خَيْبَرَ اذْ اظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنافِقينَ، وَقَطَعَ‏

صبر نائل شدى و پاداش بزرگ را به دست آوردى، و روز خيبر (را بياد آر) آن گاه كه خداوند ضعف منافقان را آشكار ساخت‏

دابِرَ الْكافِرينَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَلَقَدْ كانُوا عاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ‏

و ريشه كافران را قطع كرد- ستايش از آن خداوندى است كه پروردگار جهانيان است،- با اين كه آنان قبل از اين با خدا عهد كرده بودند

لايُوَلُّونَ الْأَدْبارَ، وَكانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا، مَوْلاىَ انْتَ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ،

كه پشت به دشمن نكنند و عهد الهى مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسئولند)، مولاى من تويى حجّت رساى (خداوند)

وَالْمَحَجَّةُ الْواضِحَةُ، وَالنِّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَالْبُرْهانُ الْمُنيرُ، فَهَنيئاً لَكَ بِما

و راه آشكار و نعمت فراوان و دليل روشن، پس گوارا باد بر تو فضيلتى كه‏

اتيكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبّاً لِشانِئِكَ ذِى الْجَهْلِ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِىِّ صَلَّى اللَّهُ‏

خداوند به تو عطا نمود و هلاك باد دشمن نادان تو، به همراه پيامبر- كه درود خدا بر او و

كليات مفاتيح نوين، ص: 293

عَلَيْهِ وَآلِهِ، جَميعَ حُرُوبِهِ وَمَغازيهِ، تَحْمِلُ الرَّايَةَ امامَهُ، وَتَضْرِبُ‏

خاندان پاكش باد- در تمامى جنگها و غزوات حاضر شده و پرچمِ (اسلام) را پيشاپيش او حمل نمودى و با

بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ، وَبَصيرَتِكَ فِى الْأُمُورِ، امَّرَكَ فِى‏

شمشير پيش رويش جنگيدى، سپس به خاطر تدبير مشهورت و آگاهيت در كارها، تو را در

الْمَواطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ اميرٌ، وَكَمْ مِنْ امْرٍ صَدَّكَ عَنْ امْضآءِ عَزْمِكَ فيهِ‏

جايگاههاى مختلف فرمانده قرار داد در حالى كه كسى امير تو نبود، و چه بسيار كارهايى كه پرهيزكاريت تو را از اجراى تصميمت در آن بازداشت،

التُّقى‏، وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ فى‏ مِثْلِهِ الْهَوى‏، فَظَنَّ الْجاهِلُونَ انَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا

در حالى كه ديگران در مثل آن گرفتار هواى نفس شدند، پس نادانان پنداشتند كه تو از آنچه پيامبر به آن رسيده است ناتوانى،

الَيْهِ انْتَهى‏، ضَلَّ وَاللَّهِ الظَّآنُّ لِذلِكَ وَمَا اهْتَدى‏، وَلَقَدْ اوْضَحْتَ ما اشْكَلَ‏

به خدا گمراه شد كسى كه چنين پنداشته و هدايت نشده است، و به يقين آنچه را كه از

مِنْ ذلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَامْتَرى‏ بِقَوْلِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، قَدْ يَرَى الْحُوَّلُ‏

اين امور براى توهّم كنندگان و ترديدكنندگان مشكل شده بود با گفتارت روشن ساختى- كه درود خدا بر تو باد- (و فرمودى:) گاهى مدبّرِ

الْقُلَّبُ وَجْهَ الْحيلَةِ، وَ دُونَها حاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدَعُها رَاْىَ الْعَيْنِ،

چاره‏جو راه حيله و نيرنگ را مى‏داند ولى تقواى الهى مانعش مى‏شود، پس آشكارا آن را رها مى‏كند

وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَها مَنْ لاحَريجَةَ لَهُ فِى الدّينِ، صَدَقْتَ وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ،

ولى كسى كه دين مانعش نيست فرصت را غنيمت مى‏شمارد، راست گفتى و ياوه‏گويان زيانكار شدند.

وَاذْ ما كَرَكَ النَّاكِثانِ فَقالا نُريدُ الْعُمْرَةَ، فَقُلْتَ لَهُما لَعَمْرُكُما ما تُريدانِ‏

و آنگاه كه پيمان‏شكنان (طلحه و زبير) نيرنگ كرده و گفتند: قصد انجام عمره داريم، تو به آن دو فرمودى: قسم به جانتان كه قصد عمره نداريد،

الْعُمْرَةَ، لكِنْ تُريدانِ الْغَدْرَةَ، فَاخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِما، وَجَدَّدْتَ الْميثاقَ‏

بلكه قصد خيانت داريد، سپس از آن دو بيعت گرفتى و تجديد پيمان نمودى‏

فَجَدَّا فِى النِّفاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتَهُما عَلى‏ فِعْلِهِما، اغْفَلا وَعادا وَمَا انْتَفَعا،

ولى آنان در نفاق كوشيدند و آنگاه كه آنان را بر (عاقبت) كارشان آگاه ساختى، خود را به غفلت زده و (از پيش تو) بازگشتند در حالى كه (از سخنانت) بهره‏اى نبردند

وَكانَ عاقِبَةُ امْرِهِما خُسْراً، ثُمَّ تَلاهُما اهْلُ الشَّامِ فَسِرْتَ الَيْهِمْ بَعْدَ

و عاقبت كار آنها خسران و زيانكارى بود، سپس شاميان به دنبال آن دو به راه افتادند و پس از اتمام حجّت به سوى آنها حركت نمودى،

الْإِعْذارِ، وَ هُمْ لا يَدينُونَ دينَ الْحَقِّ، وَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعاعٌ‏

در حالى كه آنان به دين حق ايمان نياورده و در قرآن تدبّر ننمودند، (آنها) مردمى عوام و بى‏اراده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 294

ضآلُّونَ، وَبِالَّذى‏ انْزِلَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ فيكَ كافِرُونَ، وَلِأَهْلِ الْخِلافِ عَلَيْكَ‏

و گمراه بودند و به آنچه در مورد تو بر محمّد (ص) نازل شده كافر بودند و مخالفانت را يارى مى‏كردند،

ناصِرُونَ، وَقَدْ امَرَ اللَّهُ تَعالى‏ بِاتِّباعِكَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنينَ الى‏ نَصْرِكَ،

در حالى كه خداى بلندمرتبه به پيروى تو فرمان داده و مؤمنان را به ياريت فرا خواند و خداوند عزيز و گرامى‏

وَقالَ عَزَّوَجَلَّ: يا ايُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقينَ.

فرمود: اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد از (مخالفتِ فرمان) خدا بپرهيزيد و با صادقان و راستگويان باشيد،

مَوْلاىَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَ اوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ‏

مولاى من حق به وسيله تو نمايان شد با آن كه مردم آن را رها كرده بودند، و سنّتهاى اسلامى را بعد از فراموشى و نابودى آشكار ساختى،

وَالطَّمْسِ، فَلَكَ سابِقَةُ الْجِهادِ عَلى‏ تَصْديقِ التَّنْزيلِ، وَلَكَ فَضيلَةُ الْجِهادِ

و سبقت به جهاد در طريق تصديق به قرآن از آن توست، و فضيلت جهاد به خاطر تحقّق‏

عَلى‏ تَحْقيقِ التَّأْويلِ، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ، جاحِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو باطِلًا،

تأويل قرآن نيز از آن توست و دشمن تو دشمن خدا و منكر رسول خداست، كه به باطل دعوت مى‏كند

وَيَحْكُمُ جائِراً، وَيَتَامَّرُ غاصِباً، وَيَدْعُو حِزْبَهُ الَى النَّارِ، وَ عَمَّارٌ يُجاهِدُ

و به ظلم حكومت كرده، و به غصب فرمان مى‏دهد، در حالى كه گروهش را به سوى آتش فرا مى‏خواند، و عمّار ياسر (در راه خدا) جهاد كرده‏

وَيُنادى‏ بَيْنَ الصَّفَّيْنِ، الرَّواحَ الرَّواحَ الَى الْجَنَّةِ، وَلَمَّا اسْتَسْقى‏ فَسُقِىَ‏

و در ميان دو صف فرياد مى‏زد: حركت كنيد، حركت كنيد به سوى بهشت، و زمانى كه آب خواست، و با

اللَّبَنُ، كَبَّرَ وَقالَ قالَ لى‏ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، آخِرُ شَرابِكَ‏

شير سيراب شد، نداى اللَّه اكبر سر داد و گفت: رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به من فرمود: آخرين نوشيدنى تو

مِنَ الدُّنْيا ضَياحٌ مِنْ لَبَنٍ، وَتَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْباغِيَةُ، فَاعْتَرَضَهُ ابُو الْعادِيَةِ

از دنيا جرعه‏اى از شير است و گروهى ستمكار تو را مى‏كشند، پس ابوعاديه‏

الْفَزارِى‏ فَقَتَلَهُ، فَعَلى‏ ابِى الْعادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ مَلآئِكَتِهِ وَرُسُلِهِ‏

فزارى راه را بر او بست و او را به شهادت رساند، پس لعنت خدا و فرشتگان و تمامى‏

اجْمَعينَ، وَعَلى‏ مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ، وَسَلَلْتَ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يا

فرستادگان بر ابوعاديه باد و بر كسانى كه به روى تو شمشير كشيده و تو اى‏

اميرَالْمُؤْمِنينَ، مِنَ الْمُشْرِكينَ وَالْمُنافِقينَ الى‏ يَوْمِ الدّينِ، وَعَلى‏ مَنْ‏

امير مؤمنان بر آنها شمشير كشيدى (و لعنت خدا بر) تمامى مشركين و منافقين تا روز قيامت و بر تمامى كسانى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 295

رَضِىَ بِما سائَكَ وَلَمْ يَكْرَهْهُ، وَاغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ، اوْ اعانَ عَلَيْكَ‏

بر ناراحتى تو خشنود گرديده و ناراحت نشدند و چشم برهم گذاشته و انكار نكردند، يا با دست و زبان بر

بِيَدٍ اوْ لِسانٍ، اوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، اوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهادِ مَعَكَ، اوْ غَمَطَ

عليه تو كمك كردند، يا از ياريت عقب نشستند يا از جهاد همراه تو دست كشيدند، يا فضلت را

فَضْلَكَ، وَجَحَدَ حَقَّكَ، اوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ اوْلى‏ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ،

ناديده گرفته، و حقّت را منكر شدند، يا تو را با كسى برابر دانستند كه خدا تو را نسبت به او برتر قرار داده است‏

وَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، وَ سَلامُهُ وَ تَحِيّاتُهُ، وَعَلَى‏

و درود و رحمت و بركات خدا بر تو باد، و سلام و تحيت او نيز بر تو و بر

الْأَئِمَّةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرينَ، انَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ‏

امامان پاك از خاندان تو باد، كه به يقين او ستوده و بزرگوار است، و عجيب‏تر و سخت‏تر و

الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَصْبُ الصِّديقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرآءِ سَيِّدَةِ

بى‏رحمانه‏تر بعد از انكار حق تو، غصب فدك از صدّيقه طاهره حضرت زهرا سرور

النِّسآءِ فَدَكاً، وَرَدُّ شَهادَتِكَ وَشَهادَةِ السَّيِّدَيْنِ سُلالَتِكَ، وَعِتْرَةِ

بانوان بود، و نپذيرفتن شهادت تو و دو آقاى از نسل تو و خاندان‏

الْمُصْطَفى‏ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَقَدْ اعْلَى اللَّهُ تَعالى‏ عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ،

برگزيده پيامبر- كه درود خدا بر شما باد- (بر فدك) بود، در حالى كه خداوند متعال شما را بر امّت برترى داده‏

وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَابانَ فَضْلَكُمْ، وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعالَمينَ، فَاذْهَبَ‏

و مقامتان را بالا برده بود و فضل شما را آشكار ساخته و شما را بر جهانيان برترى داده بود، خداوند

عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهيراً، قالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: انَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ‏

پليدى (گناه) را از شما دور ساخته و شما را كاملًا پاك نموده بود، خداوند عزيز و گرامى مى‏فرمايد: به يقين انسان، حريص و كم طاقت‏

هَلُوعاً، اذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَاذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً، الَّا الْمُصَلّينَ.

آفريده شده است، هنگامى كه بدى به او رسد بى‏تابى مى‏كند و هنگامى كه خوبى به او رسد، مانع ديگران مى‏شود و (بخل مى‏ورزد) مگر نمازگزاران‏

فَاسْتَثْنَى اللَّهُ تَعالى‏ نَبِيَّهُ الْمُصْطَفى‏، وَانْتَ يا سَيِّدَ الْأَوْصِيآءِ مِنْ جَميعِ‏

پس خداوند متعال پيامبر برگزيده‏اش و تو را اى آقا و سرور جانشينان از ميان تمامى مخلوقات استثنا كرد،

الْخَلْقِ، فَما اعْمَهَ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ اقْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِى الْقُرْبى‏

پس چقدر گمراه است آن كه در حق تو ستم نمود، سپس فريبكارانه سهم ذوى القربى را به تو قرض دادند

كليات مفاتيح نوين، ص: 296

مَكْراً، وَاحادُوهُ عَنْ اهْلِهِ جَوْراً، فَلَمَّا الَ الْأَمْرُ الَيْكَ اجْرَيْتَهُمْ عَلى‏ ما

و حال آن كه با ظلم و ستم، آن را از اهلش دور ساخته بودند، پس زمانى را كه حكومت به دست تو افتاد با اينكه از

اجْرَيا، رَغْبَةً عَنْهُما بِما عِنْدَاللَّهِ لَكَ، فَاشْبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِما مِحَنَ الْأَنْبِيآءِ

عمل آن دو نفر راضى نبودى به‏خاطر خداوند مردم را بر همان روشى كه آن دو اجرا كردند باقى گذاردى، پس گرفتارى تو به آن دو با گرفتارى پيامبران‏

عَلَيْهِمُ السَّلامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصارِ، وَاشْبَهْتَ فِى الْبَياتِ عَلَى‏

- كه درود خدا بر آنان باد- در هنگام تنهايى و بى ياورى همانند شد، و خوابيدنت در بستر پيامبر

الْفِراشِ الذَّبيحَ عَلَيْهِ السَّلامُ، اذْ اجَبْتَ كَما اجابَ، وَاطَعْتَ كَما اطاعَ‏

شبيه اسماعيل ذبيح- كه درود خدا بر او باد- شد، آنگاه كه همانند او پذيرفتى و همانند

اسْمعيلُ صابِراً مُحْتَسِباً، اذْ قالَ لَهُ: يا بُنَىَّ انّى‏ ارى‏ فِى الْمَنامِ انّى‏

اسماعيل صابر و خيرانديش اطاعت نمودى، آن‏گاه كه (پدرش) به او گفت: پسرم من در خواب ديدم كه‏

اذْبَحُكَ، فَانْظُرْ ماذا تَرى‏، قالَ يا ابَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنى‏ انْشآءَ اللَّهُ‏

تو را ذبح مى‏كنم، پس بنگر رأى تو چيست؟ گفت: پدرم هر چه دستور دارى اجرا كن، به خواست خدا

مِنَ الصَّابِرينَ. وَكَذلِكَ انْتَ لَمَّا اباتَكَ النَّبِىُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَامَرَكَ‏

مرا از صابران خواهى يافت. و تو نيز چنين بودى آنگاه كه پيامبر- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- شبانگاه تو را

انْ تَضْجَعَ فى‏ مَرْقَدِهِ واقياً لَهُ بِنَفْسِكَ، اسْرَعْتَ الى‏ اجابَتِهِ مُطيعاً،

در منزلش جاى داده و به خوابيدن در بسترش فرمان داد تا با جان خويش او را حفظ كنى، به سرعت فرمان او را اطاعت نموده‏

وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوَطِّناً، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعالى‏ طاعَتَكَ، وَابانَ عَنْ جَميلِ‏

و جانت را براى كشته شدن مهيّا ساختى، پس خداوند بلندمرتبه فرمانبرداريت را پاداش داده و از كار نيكت با گفتارش‏

فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرى‏ نَفْسَهُ ابْتِغآءَ مَرْضاتِ اللَّهِ.

- كه يادش بزرگ است- چنين پرده برداشت: بعضى از مردم (با ايمان و فداكار) جان خود را به خاطر خشنودى خدا مى‏فروشند.

ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفّينَ، وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ حيلَةً وَمَكْراً، فَاعْرَضَ‏

گرفتارى بعدى تو جنگ صفّين بود، آنگاه كه از روى مكر و فريب قرآنها (بر نيزه‏ها) بالا برده شد، پس (در ميان سپاه)

الشَّكُّ وَعُزِفَ الْحَقُّ، وَاتُّبِعَ الظَّنُّ، اشْبَهَتْ مِحْنَةَ هرُونَ اذْ امَّرَهُ مُوسى‏

ترديد پيدا شد و از حق روى‏گردان شده و از گمانِ (خود) پيروى نمودند، كه (اين گرفتارى تو) همانند گرفتارى هارون بود آنگاه‏كه موسى او را

عَلى‏ قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَهرُونُ يُنادى‏ بِهِمْ وَيَقُولُ يا قَوْمِ انَّما فُتِنْتُمْ بِهِ،

بر قوم خويش امير قرارداد، پس از گرد او پراكنده شدند درحالى كه هارون آنها را صدا كرده ومى‏گفت، اى قوم من شما فقط به وسيله آن (گوساله سامرى) مورد آزمايش قرار گرفته‏ايد

كليات مفاتيح نوين، ص: 297

وَانَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمنُ فَاتَّبِعُونى‏، وَاطيعُوا امْرى‏، قالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ‏

و پروردگار شما خداوند رحمان است پس از من پيروى كنيد و فرمانم را اطاعت نماييد ولى آنها گفتند ما همچنان گرد آن مى‏مانيم‏

عاكِفينَ حَتّى‏ يَرْجِعَ الَيْنا مُوسى‏، وَكَذلِكَ انْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ،

(و آن را پرستش مى‏كنيم) تا موسى به سوى ما باز گردد، و تو نيز آنگاه كه قرآنها (بر نيزه‏ها) بالا برده شد

قُلْتَ ياقَوْمِ انَّما فُتِنْتُمْ بِها وَخُدِعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَخالَفُوا عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعَوْا

فرمودى: اى قوم من شما فقط به وسيله آن (قرآنها) مورد آزمايش قرار گرفته و فريب خورديد، پس نافرمانى كرده و با تو مخالفت نمودند و درخواست‏

نَصْبَ الْحَكَمَيْنِ فَابَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّأْتَ الَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ‏

تعيين دو حكم كردند و تو درخواستشان را نپذيرفتى و از كار آنها به خدا پناه برده و كار را به خودشان واگذار نمودى،

الَيْهِمْ، فَلَمَّا اسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ عَنِ‏

پس آنگاه كه حق آشكار شده و باطل شناخته شد و به لغزش و عدول از حق اعتراف نمودند،

الْقَصْدِ، اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَ الْزَمُوكَ عَلى‏ سَفَهِ التَّحْكيمِ الَّذى‏ ابَيْتَهُ‏

بعد از آن اختلاف كردند، و تو را بر پذيرش حكميّت سفيهانه‏اى كه از پذيرفتن آن خوددارى كردى‏

وَاحَبُّوهُ، وَحَظَرْتَهُ وَاباحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِى اقْتَرَفُوهُ، وَانْتَ عَلى‏ نَهْجِ بَصيرَةٍ

و آنها مى‏پسنديد مجبور ساختند و تو از آن منع نمودى، در حالى كه آنها گناهى را كه مرتكب شده بودند مجاز مى‏دانستند و تو بر طريق آگاهى‏

وَهُدىً، وَهُمْ عَلى‏ سُنَنِ ضَلالَةٍ وَعَمىً، فَما زالُوا عَلَى النِّفاقِ مُصِرّينَ،

و هدايت و آنها بر طريق گمراهى و كوردلى بودند، پس پيوسته بر نفاق پافشارى كرده و

وَفِى الْغَىِّ مُتَرَدِّدينَ، حَتىَّ اذاقَهُمُ اللَّهُ وَبالَ امْرِهِمْ، فَاماتَ بِسَيْفِكَ مَنْ‏

در گمراهى سرگردان بودند، تا اين كه خدا نتيجه كارشان را به آنها چشانيد، پس با شمشير تو دشمنانت را از ميان برداشت‏

عانَدَكَ فَشَقِىَ وَهَوى‏، وَاحْيى‏ بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهُدِىَ، صَلَواتُ اللَّهِ‏

در نتيجه بدبخت شده و سقوط كردند، و با حجّت و برهان تو سعادتمندان را زنده گردانيد و در نتيجه هدايت شدند، درودهاى خدا

عَلَيْكَ غادِيَةً وَرآئِحَةً، وَعاكِفَةً وَذاهِبَةً، فَما يُحيطُ الْمادِحُ وَصْفَكَ، وَلا

بر تو باد صبحگان و شامگاهان و هنگام آمد و شد شب و روز پس توصيف‏كنندگان به وصفت احاطه نيابند، و

يُحْبِطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ، انْتَ احْسَنُ الْخَلْقِ عِبادَةً، وَاخْلَصُهُمْ زَهادَةً،

بدخواهان فضلت را نپوشانند، تويى بهترين مخلوقات در عبادت و خالص‏ترين آنان در پارسايى‏

وَاذَبُّهُمْ عَنِ الدّينِ، اقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِكَ، وَفَلَلْتَ عَساكِرَ الْمارِقينَ‏

و دفاع‏كننده‏ترين آنان از دين، حدود خدا را با فداكاريت بپا داشتى و لشكريان مارقين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 298

بِسَيْفِكَ، تُخْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنانِكَ، وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبَهِ بِبَيانِكَ،

را با شمشيرت شكست دادى، و آتش جنگها را به دست خويش فرو نشاندى، و پرده‏هاى شك و ترديد را با بيانت كنار زدى‏

وَتَكْشِفُ لَبْسَ الْباطِلِ عَنْ صَريحِ الْحَقِّ، لا تَاْخُذُكَ فِى اللَّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ،

و پوشش باطل را از چهره حق كنار زدى، سرزنشِ سرزنش كنندگان تو را از راه خدا باز نداشت‏

وَفى‏ مَدْحِ اللَّهِ تَعالى‏ لَكَ غِنىً عَنْ مَدْحِ الْمادِحينَ، وَتَقْريظِ الْواصِفينَ،

و مدح خداوند بلندمرتبه تو را از مدح ثناگويان و تمجيد توصيف كنندگان بى‏نياز مى‏كند

قالَ اللَّهُ تَعالى‏: مِنَ الْمُؤْمِنينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ‏

خداوند بلندمرتبه مى‏فرمايد: در ميان مؤمنان مردانى هستند كه بر سر عهدى كه با خدا بستند صادقانه ايستاده‏اند، بعضى پيمان خود را به آخر بردند

مَنْ قَضى‏ نَحْبَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَمابَدَّلُوا تَبْديلًا. وَلَمَّا رَأَيْتَ‏

(و در راه او شربت شهادت نوشيدند) و بعضى ديگر در انتظارند و هيچ گونه تغييرى در پيمان خود ندادند، و آنگاه كه‏

انْ قَتَلْتَ النَّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ، وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ‏

كشته شدن ناكثان (پيمان‏شكنان) و قاسطان (متجاوزان) و مارقان (بيرون روندگان از دين) را به دست خود ملاحظه نموده و وعده رسول خدا- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعْدَهُ، فَاوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ اما انَ انْ تُخْضَبَ هذِهِ مِنْ هذِهِ،

بر او و خاندان پاكش باد- را صادق يافتى، به پيمانت وفا نموده و فرمودى: آيا وقت آن نرسيده كه اين (محاسنم) از اين (خون سرم) رنگين شود؟

امْ مَتى‏ يُبْعَثُ اشْقاها، واثِقاً بِانَّكَ عَلى‏ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَبَصيرَةٍ مِنْ‏

چه وقت شقى‏ترين آنان مأمور (كشتن من) مى‏شود؟ در حالى كه اطمينان داشت تو دليل آشكار از جانب پروردگارت دارى و بر كارت آگاهى،

امْرِكَ، قادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذى‏ بايَعْتَهُ بِهِ، وَ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

به خاطر خدا پيش قدم شده‏اى، و به معامله‏اى كه با خدا كرده‏اى شادمانى و اين رستگارى‏

الْعَظيمُ، اللهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ انْبِيآئِكَ، وَاوْصِيآءِ انْبِيآئِكَ بِجَميعِ لَعَناتِكَ،

بزرگى است، خدايا قاتلان پيامبرانت و قاتلان جانشينان آنان را به تمامى نفرينهايت لعنت كن‏

وَاصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ، وَالْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِيَّكَ حَقَّهُ، وَانْكَرَ عَهْدَهُ، وَجَحَدَهُ‏

و با گرمى آتش دوزخت بسوزان، و لعنت كن كسانى را كه حقّ وليّت را غصب نموده و پيمانش را انكار كردند و بعد از

بَعْدَ الْيَقينِ وَالْإِقْرارِ بِالْوِلايَةِ لَهُ يَوْمَ اكْمَلْتَ لَهُ الدّينَ، اللهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ

يقين و اقرار به ولايتش در روزى كه دين را براى او كامل گرداندى، آن را انكار نمودند، خدايا قاتلان امير مؤمنان‏

اميرِالْمُؤْمِنينَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ، وَاشْياعَهُمْ وَانْصارَهُم، اللهُمَّ الْعَنْ ظالِمى‏

و كسانى كه به او ظلم نمودند و پيروان و ياران آنها را لعنت كن، خدايا ظالمان در حقّ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 299

الْحُسَيْنِ وَقاتِليهِ، وَالْمُتابِعينَ عَدُوَّهُ وَ ناصِريهِ، وَالرَّاضينَ بِقَتْلِهِ وَخاذِليهِ‏

امام حسين و قاتلانش و پيروان و ياوران دشمنش و كسانى كه به كشتنش رضايت دادند و دست از ياريش كشيدند را بسيار

لَعْناً وَبيلًا، اللهُمَّ الْعَنْ اوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمانِعيهِمْ حُقُوقَهُمْ،

لعنت كن، خدايا نخستين ظالمان در حق خاندان محمّد (ص) و منع‏كنندگان از حقّشان را لعنت كن‏

اللهُمَّ خُصَّ اوَّلَ ظالِمٍ وَغاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلَّ مُسْتَنٍّ بِماسَنَ‏

خدايا لعنت را بر نخستين ظالم و غاصب حقّ خاندان محمّد (ص) و هر كسى را كه از اين سنّت باطل‏

الى‏ يَوْمِ الْقِيمَةِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَعَلى‏ عَلِىٍّ سَيِّدِ

تا روز قيامت پيروى مى‏كند قرار ده، خدايا بر محمّد خاتم پيامبرانت و بر على آقا و سرور

الْوَصِيّينَ، وَآلِهِ الطَّاهِرينَ، وَاجْعَلْنا بِهِمْ مُتَمَسِّكينَ، وَ بِوِلايَتِهِمْ مِنَ‏

جانشينان و خاندان پاكش درود فرست و ما را از ارادتمندان آنان قرار ده و با ولايت آنان ما را

الْفآئِزينَ الْآمِنينَ، الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ.

از رستگاران و ايمنانى كه هراس و اندوهى ندارند قرار ده.

يادآورى: كسانى كه توفيق زيارت آن حضرت را در روز غدير از نزديك ندارند، شايسته است هر جا كه هستند از راه دور، خواندن اين زيارت را غنيمت بشمرند.

\*\*\*

زيارت سوم: زيارت كوتاهى است كه «سيّد بن طاووس» در «اقبال» از امام صادق عليه السلام براى روز غدير نقل كرده است و آنها كه فرصت زيارت طولانىِ قبل را ندارند مى‏توانند به خواندن اين زيارت اكتفا كنند.

مى‏فرمايد: اگر در روز غدير در مشهد مولاى ما امير مؤمنان صلوات اللَّه عليه و آله حضور داشتى بعد از نماز، با نزديك شدن به قبرش و اگر در شهرهاى ديگر مى‏باشى، بعد از نماز با اشاره به قبرش بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ وَلِيِّكَ وَاخى‏ نَبِيِّكَ، وَوَزيرِهِ وَحَبيبِهِ وَخَليلِهِ، وَمَوْضِعِ‏

خدايا درود فرست بر ولىّ و برادر پيامبرت، و وزير و محبوب و دوستش، و جايگاه‏

سِرِّهِ وَخِيَرَتِهِ مِنْ اسْرَتِهِ، وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَخالِصَتِهِ وَامينِهِ وَوَلِيِّهِ،

اسرار و بهترين برگزيده از خاندانش، و جانشين و برگزيده‏اش، و خيرخواه و امين و دوستدارش‏

وَاشْرَفِ عِتْرَتِهِ الَّذينَ آمَنُوا بِهِ، وَابى‏ ذُرِّيَّتِهِ، وَبابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ‏

و گرامى‏ترين خاندانش كه به او ايمان آوردند، و پدر فرزندانش، و درگاه حكمتش، و گوينده به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 300

بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعى‏ الى‏ شَريعَتِهِ، وَالْماضى‏ عَلى‏ سُنَّتِهِ، وَ خَليفَتِهِ عَلى‏

دليل و برهانش، و دعوت كننده به دينش، و قاطع در اجراى سنّتش، و جانشين در ميان‏

امَّتِهِ، سَيِّدِ الْمُسْلِمينَ وَاميرِالْمُؤْمِنينَ، وَقآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، افْضَلَ ما

امّتش، آقا و سرور مسلمانان و اميرمؤمنان، و پيشواى سفيدرويان، (درود فرست) برترين‏

صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْفِيآئِكَ وَاوْصِيآءِ انْبِيآئِكَ، اللهُمَّ انّى‏

درودى كه بر هر يك از مخلوقات و برگزيدگان و جانشينان پيامبرانت فرستاده‏اى، خدايا به يقين‏

اشْهَدُ انَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما حُمِّلَ، وَرَعى‏ مَا

گواهى مى‏دهم كه او آنچه از جانب پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به عهده داشت به انجام رسانيد، و آنچه كه‏

اسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ، وَحَلَّلَ حَلالَكَ، وَ حَرَّمَ حَرامَكَ، وَاقامَ‏

حفظش را عهده‏دار شده بود، رعايت نمود، و آنچه نزدش وديعه بود حفظ كرد، و حلال تو را حلال و حرام تو را حرام شمرد، و

احْكامَكَ، وَدَعا الى‏ سَبيلِكَ، وَ والى‏ اوْلِيآئَكَ، وَعادى‏ اعْدآئَكَ، وَ جاهَدَ

احكام تو را بپا داشت و به راهت دعوت نمود، و دوستانت را دوست و دشمنانت را دشمن داشت، و با

النَّاكِثينَ عَنْ سَبيلِكَ، وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ عَنْ امْرِكَ، صابِراً مُحْتَسِباً،

پيمان‏شكنان راهت و با بيرون روندگان از دين و خارج شوندگان از فرمانت جهاد نمود، در حالى كه شكيبا و راضى بود،

مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لا تَاْخُذُهُ فِى اللَّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، حَتّى‏ بَلَغَ فى‏ ذلِكَ الرِّضا،

رو آورنده به جهاد نه روى گردان از آن سرزنش ملامت گران او را از راه خدا بازنداشت، تا اين كه در اين راه به مقام رضاى (خداوند) رسيد

وَسَلَّمَ الَيْكَ الْقَضآءَ، وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً، وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِداً، حَتّى‏ اتيهُ‏

و سرنوشت خويش را تسليم تو كرد و تو را خالصانه عبادت نمود و با نهايت كوشش خيرخواهى براى (دين) تو كرد،

الْيَقينُ، فَقَبَضْتَهُ الَيْكَ شَهيداً سَعيداً، وَلِيّاً تَقِيّاً، رَضِيّاً زَكِيّاً، هادِياً مَهْدِيّاً،

تا اين كه زمان وفاتش فرا رسيد، پس قبض روحش نمودى در حالى كه شهيد و نيك بخت، دوستدار (تو) و پرهيزگار، خشنود و پاك، هدايتگر و هدايت يافته بود

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ انْبِيآئِكَ‏

خدايا بر محمّد و بر او درود فرست، بهترين درودى كه بر هر يك از پيامبران و برگزيدگانت فرستاده‏اى، اى پروردگار جهانيان بر هر يك از پيامبران و

وَاصْفِيآئِكَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ.[[314]](#footnote-314)

برگزيدگانت فرستاده‏اى، اى پروردگار جهانيان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 301

2- زيارت روز ميلاد رسول اكرم صلى الله عليه و آله‏

مرحوم «علّامه مجلسى» از «شيخ مفيد» و «شهيد اوّل» و «سيّد بن طاووس» نقل مى‏كند كه روايت شده: امام صادق عليه السلام در روز ميلاد رسول اكرم صلى الله عليه و آله اميرمؤمنان عليه السلام را به اين زيارت، زيارت كرد وآن را به محمّد بن مسلم ثقفى تعليم داد و فرمود: وقتى به محلّ دفن امير مؤمنان عليه السلام رسيدى براى زيارت، غسل كن و پاكيزه‏ترين لباس خود را بپوش و با بوى خوش، خودت را معطّر ساز و با سكينه و وقار حركت كن، وقتى به در حرم مطهّر رسيدى رو به قبله بايست و سى بار تكبير بگو و بخوان:

السَّلامُ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ خِيَرَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَى الْبَشيرِ

سلام بر رسول خدا، سلام بر برگزيده خدا، سلام بر بشارت دهنده‏

النَّذيرِ، السِّراجِ الْمُنيرِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَى الطُّهْرِ الطَّاهِرِ،

بيم دهنده، آن چراغ نورانى، و رحمت و بركات خدا بر او باد، سلام بر پاك پاك كننده‏

السَّلامُ عَلَى الْعَلَمِ الزَّاهِرِ، السَّلامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، السَّلامُ عَلى‏

سلام بر نشانه درخشان، سلام بر يارى‏شده مورد تأييد، سلام بر

ابِى الْقاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ انْبِيآءِ اللَّهِ‏

ابوالقاسم محمّد، و رحمت و بركات خدا بر او باد، سلام بر پيامبران فرستاده خدا

الْمُرْسَلينَ، وَعِبادِاللَّهِ الصَّالِحينَ، السَّلامُ عَلى‏ مَلائِكَةِ اللَّهِ الْحآفّينَ بِهذَا

و بندگان شايسته‏اش، سلام بر فرشتگان خدا كه اين حرم و گرداگرد

الْحَرَمِ وَبِهذَا الضَّريحِ، الّلائِذينَ بِهِ\* آنگاه به نزديك قبر برو و بگو: السَّلامُ‏

ضريح را در بر گرفته و به آن پناهنده‏اند\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام‏

عَلَيْكَ يا وَصِىَّ الْأَوْصِيآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عِمادَ الْأَتْقِيآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر تو اى جانشين جانشينان، سلام بر تو اى تكيه‏گاه پرهيزكاران، سلام بر تو

يا وَلِىَّ الْأَوْلِيآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الشُّهَدآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا آيَةَ اللَّهِ‏

اى ولىّ اولياى خدا، سلام بر تو اى آقا و سرور شهيدان، سلام بر تو اى نشانه‏

الْعُظْمى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خامِسَ اهْلِ الْعَبآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا قآئِدَ الْغُرِّ

بزرگ خدا، سلام بر تو اى خامس آل عبا، سلام بر تو اى پيشواى سفيدرويان‏

الْمُحَجَّلينَ الْأَتْقِيآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْأَوْلِيآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

پرهيزكار، سلام بر تو اى عصمت اوليا، سلام بر تو اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 302

زَيْنَ الْمُوَحِّدينَ النُّجَبآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَ الْأَخِلَّاءِ، السَّلامُ‏

زينت يكتاپرستان برگزيده، سلام بر تو اى خالصترين دوستان (خدا)، سلام‏

عَلَيْكَ يا والِدَ الْأَئِمَّةِ الْأُمَنآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ‏

بر تو اى پدر امامان امين، سلام بر تو اى صاحب حوض (كوثر) و

اللِّوآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا قَسيمَ الْجَنَّةِ وَلَظى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ شُرِّفَتْ‏

پرچمدار اسلام، سلام بر تو اى تقسيم‏كننده بهشت و دوزخ، سلام بر تو اى كه به‏

بِهِ مَكَّةُ وَمِنى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنَفَ الْفُقَرآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

مكّه و منى شرافت بخشيدى، سلام بر تو اى درياى علوم و حامى نيازمندان، سلام بر تو

يا مَنْ وُلِدَ فِى الْكَعْبَةِ، وَزُوِّجَ فِى السَّمآءِ بِسَيِّدَةِ النِّسآءِ، وَكانَ شُهُودُهَا

اى كه در كعبه بدنيا آمده و در آسمان به همسرى سرور زنان درآمدى، كه شاهدان آن‏

الْمَلائِكَةُ الْأَصْفِيآءُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مِصْباحَ الضِّيآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

فرشتگان برگزيده بودند، سلام بر تو اى چراغ روشنى‏بخش، سلام بر تو اى‏

مَنْ خَصَّهُ النَّبِىُّ بِجَزيلِ الْحِبآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ باتَ عَلى‏ فِراشِ‏

كه پيامبر تو را به عطاى بزرگ اختصاص داد، سلام بر تو اى كه شب را بر بستر

خاتَمِ الْأَنْبِيآءِ، وَوَقاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْداءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ رُدَّتْ لَهُ‏

خاتم پيامبران گذراندى، و با جانت او را از شرّ دشمنان حفظ نمودى، سلام بر تو اى كه‏

الشَّمْسُ فَسامى‏ شَمْعُونَ الصَّفا، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ انْجَى اللَّهُ سَفينَةَ

خورشيد به خاطر تو بازگردانده شد و بر شمعون صفا برترى يافتى، سلام بر تو اى كه خدا كشتى‏

نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ اخيهِ، حَيْثُ الْتَطَمَ الْمآءُ حَوْلَها وَطَمى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

نوح را با نام تو و برادرت (پيامبر اسلام) نجات بخشيد آن هنگام كه آب اطراف آن را متلاطم ساخته بود، سلام بر تو

يا مَنْ تابَ اللَّهُ بِهِ وَبِاخيهِ عَلى‏ آدَمَ اذْ غَوى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا فُلْكَ النَّجاةِ

اى كه خدا توبه آدم را به خاطر تو و برادرت پذيرفت آنگاه كه (از ماندن در بهشت) محروم شد، سلام بر تو اى كشتى نجاتى‏

الَّذى‏ مَنْ رَكِبَهُ نَجى‏، وَمَنْ تَاخَّرَ عَنْهُ هَوى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خاطَبَ‏

كه هر كس به آن سوار شود نجات يابد، و هر كس از آن جا ماند هلاك شود، سلام بر تو اى كه‏

الثُّعْبانَ وَذِئْبَ الْفَلا، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

مار و گرگ بيابان را مخاطب قرار دادى، سلام بر تو اى امير مؤمنان و رحمت و بركات خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 303

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ مَنْ كَفَرَ وَانابَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

بر تو باد، سلام بر تو اى حجّت خدا بر كافران و بازگشتگان (از كفر)، سلام بر تو اى‏

امامَ ذَوِى الْأَلْبابِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلَ الْخِطابِ،

پيشواى خردمندان، سلام بر تو اى معدن دانش و داور عادل‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ميزانَ يَوْمِ‏

سلام بر تو اى كه علم كتاب الهى نزد توست، سلام بر تو اى ميزان روز

الْحِسابِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا فاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقَ بِالصَّوابِ، السَّلامُ‏

حساب، سلام بر تو اى (صاحبِ) حكم تعيين كننده و گوياى به حق و صواب، سلام‏

عَلَيْكَ ايُّهَا الْمُتَصَدِّقُ بِالْخاتَمِ فِى الْمِحْرابِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كَفَى‏

بر تو اى صدقه دهنده انگشتر در محراب، سلام بر تو اى كه‏

اللَّهُ الْمُؤْمِنينَ الْقِتالَ بِهِ يَوْمَ الْأَحْزابِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ اخْلَصَ للَّهِ‏

خداوند در روز احزاب مؤمنان را به دست تو از جنگ بى‏نياز ساخت، سلام بر تو اى كه يگانگى را خالصانه براى خدا

الْوَحْدانِيَّةَ وَانابَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا قاتِلَ خَيْبَرَ وَقالِعَ الْبابِ، السَّلامُ‏

قرار دادى و به سوى او بازگشتى، سلام بر تو اى قاتل (يهود) خيبر و بركننده در آن، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَنْ دَعاهُ خَيْرُ الْأَنامِ لِلْمَبيتِ عَلى‏ فِراشِهِ، فَاسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ

بر تو اى كه بهترين مخلوقات تو را براى آرميدن در بسترش فرا خواند و تو خود را تسليم مرگ ساخته و درخواستش‏

وَاجابَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ لَهُ طُوبى‏ وَحُسْنُ مَأبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

را اجابت نمودى، سلام بر تو اى كه سعادتمندى و سرانجام نيك از آن توست، و رحمت و بركات خدا

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ عِصْمَةِ الدّينِ وَيا سَيِّدَ السَّاداتِ، السَّلامُ‏

بر تو باد، سلام بر تو اى پاسدار دين، و اى سرور بزرگان، سلام‏

عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نَزَلَتْ فى‏ فَضْلِهِ‏

بر تو اى صاحب معجزات، سلام بر تو اى كه سوره عاديات در

سُورَةُ الْعادِياتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِى السَّمآءِ عَلَى‏

فضيلت تو نازل شده، سلام بر تو اى كه نامت بر سراپرده‏هاى آسمان نوشته شده،

السُّرادِقاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ الْعَجآئِبِ وَالْا ياتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى آشكاركننده عجايب و نشانه‏ها، سلام بر تو اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 304

اميرَ الْغَزَواتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَ بِما هُوَ اتٍ، السَّلامُ‏

فرمانده جنگها (در حضور پيامبر)، سلام بر تو اى خبردهنده از گذشته و آينده، سلام‏

عَلَيْكَ يا مُخاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَواتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتِمَ الْحَصى‏ وَمُبَيِّنَ‏

بر تو اى خطاب كننده به گرگ بيابان (و نهى او از درندگى)، سلام بر تو اى مُهر زننده بر سنگريزه و بيان كننده‏

الْمُشْكِلاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِى الْوَغا مَلائِكَةُ

مشكلات، سلام بر تو اى كه از حمله‏هايت در جنگها فرشتگان‏

السَّمواتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ ناجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَىْ نَجْويهُ‏

آسمانها متعجّب شدند، سلام بر تو اى كه با پيامبر درگوشى صحبت كردى و هر بار پيش از آن‏

الصَّدَقاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ الْأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّاداتِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

صدقه دادى، سلام بر تو اى پدر امامان نيكوكار بزرگوار، و رحمت و بركات خدا

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِىَ الْمَبْعُوثِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ‏

بر تو باد، سلام بر تو اى پيرو پيامبر برانگيخته شده، سلام بر تو اى وارث علم‏

خَيْرِ مَوْرُوثٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امامَ الْمُتَّقينَ،

بهترين ارث گذارنده و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى پيشواى پرهيزكاران‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا غِياثَ الْمَكْرُوبينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنينَ،

سلام بر تو اى فريادرس گرفتاران، سلام بر تو اى پناه مؤمنان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ الْبَراهينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا طه‏ وَيس‏، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى آشكاركننده دليلها، سلام بر تو اى طه و يس، سلام‏

عَلَيْكَ يا حَبْلَ اللَّهِ الْمَتينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تَصَدَّقَ فى‏ صَلاتِهِ‏

تو اى ريسمان محكم خدا، سلام بر تو اى كه انگشترت را در نماز به‏

بِخاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا قالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَليبِ،

مسكين صدقه دادى، سلام بر تو اى كه سنگ بزرگ را از دهانه چاه بركنده و

وَمُظْهِرَ الْمآءِ الْمَعينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اللَّهِ النَّاظِرَةِ، وَيَدَهُ الْباسِطَةَ،

آب گوارا را جارى ساختى، سلام بر تو اى ديده بيناى خداوند و دستهاى (به رحمت) گشوده‏اش‏

وَلِسانَهُ الْمُعَبِّرَعَنْهُ فى‏ بَرِيَّتِهِ اجْمَعينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ‏

و زبان گوياى او در ميان تمامى مخلوقات، سلام بر وارث علم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 305

النَّبِيّينَ، وَ مُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، وَصاحِبَ لِوآءِ الْحَمْدِ،

پيامبران، و امانتدار علم پيشينيان و پسينيان، و صاحب پرچم حمد و ستايش‏

وَساقِىَ اوْلِيآئِهِ مِنْ حَوْضِ خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا يَعْسُوبَ‏

و ساقى دوستانش از حوض خاتم پيامبران، سلام بر تو اى رئيس‏

الدّينِ، وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، وَوالِدَ الْأَئِمَّةِ الْمَرْضِيّينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

مذهب، و پيشواى سفيدرويان، و پدر امامان پسنديده، و رحمت و

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِىِّ، وَوَجْهِهِ الْمُضيئِ، وَجَنْبِهِ الْقَوِىِّ،

بركات خدا بر تو باد، سلام بر نام پسنديده خداوند، و سلام بر پرتوى از نور او، و جلوه‏اى از قدرت او

وَصِراطِهِ السَّوِىِّ، السَّلامُ عَلَى الْإِمامِ التَّقِىِّ، الْمُخْلِصِ الصَّفِىِّ، السَّلامُ‏

و راه راست او، سلام بر امام پرهيزكار و مخلص و برگزيده، سلام‏

عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّىِّ، السَّلامُ عَلَى الْإِمامِ ابِى الْحَسَنِ عَلِىٍّ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

بر اختر تابناك، سلام بر امام ابوالحسن، حضرت على (ع) و رحمت و بركات‏

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ ائِمَّةِ الْهُدى‏، وَمَصابيحِ الدُّجى‏، وَاعْلامِ التُّقى‏،

خدا بر تو باد، سلام بر امامان هدايتگر، و چراغهاى در تاريكى، و نشانه‏هاى پرهيزكارى و

وَمَنارِ الْهُدى‏، وَذَوِى النُّهى‏، وَكَهْفِ الْوَرى‏، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقى‏، وَالْحُجَّةِ

چراغ هدايت، و صاحبان خرد، و پناهگاه مردم، و دستاويز محكم و حجّت (خدا)

عَلى‏ اهْلِ الدُّنْيا، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ نُورِ الْأَنْوارِ، وَحُجَّةِ

بر اهل دنيا، و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر نور الانوار، و حجّت خداوند

الْجَبَّارِ، وَوالِدِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهارِ، وَقَسيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، الْمُخْبِرِ عَنِ الْأثارِ،

توانا، و پدر امامان پاكيزه، و تقسيم كننده بهشت و دوزخ، خبر دهنده از نشانه‏ها

الْمُدَمِّرِ عَلَى الْكُفَّارِ، مُسْتَنْقِذِ الشّيعَةِ الْمُخْلِصينَ مِنْ عَظيمِ الْأَوْزارِ،

نابودكننده كفّار، رهايى بخش شيعيان با اخلاص از سنگينى بار گناهان‏

السَّلامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ، ابْنَةِ الْمُخْتارِ، الْمَوْلُودِ فِى‏

سلام بر اختصاص يافته به (همسرى) بانوى پاكيزه پرهيزكار، دختر پيامبر برگزيده، تولّد يافته در

الْبَيْتِ ذِى‏الْأَسْتارِ، الْمُزَوَّجِ فِى السَّمآءِ بِالْبَرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ

خانه (كعبه) داراى پرده، تزويج شده در آسمان با بانوى پاكيزه پسنديده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 306

الْمَرْضِيَّةِ، والِدَةِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهارِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَى النَّبَأِ

خشنود، مادر امامان پاكيزه، و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر خبر

الْعَظيمِ، الَّذى‏ هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ، وَعَنْهُ يُسْئَلُونَ، السَّلامُ‏

بزرگ، كه آنان در آن اختلاف كردند و بر آن عرضه شده و از آن سؤال شوند، سلام‏

عَلى‏ نُورِاللَّهِ الْأَنْوَرِ، وَضِيآئِهِ الْأَزْهَرِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر نور درخشان خداوند و روشنايى آشكارش، و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو

يا وَلِىَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَخالِصَةَ اللَّهِ وَخآصَّتَهُ، اشْهَدُ انَّكَ يا وَلِىَ‏اللَّهِ‏

اى ولىّ خدا و حجّتش و بنده خالص و مخصوص خدا، اى ولى و

وَحُجَّتَهُ، لَقَدْ جاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ‏اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَاتَّبَعْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ‏

حجّت خدا گواهى مى‏دهم كه تو در راه خدا به شايستگى جهاد نموده و از سيره رسول‏

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ،

خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- پيروى كردى و حلال خدا را حلال و حرامش را حرام شمردى‏

وَشَرَعْتَ احْكامَهُ، وَاقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ‏

و احكام دينش را به رسميّت شناختى و نماز را بپا داشته و زكات دادى، و امر به معروف‏

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ صابِراً ناصِحاً مُجْتَهِداً،

و نهى از منكر كردى و در راه خدا با بردبارى و خيرخواهى و كوشش جهاد نمودى‏

مُحْتَسِباً عِنْدَ اللَّهِ عَظيمَ الْأَجْرِ، حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَفَعَكَ‏

در حالى كه به پاداش بزرگ نزد خداوند راضى بودى، تا زمان مرگت فرا رسيد، پس خدا لعنت كند كسانى را كه تو را از

عَنْ حَقِّكَ، وَازالَكَ عَنْ مَقامِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذلِكَ فَرَضِىَ بِهِ، اشْهِدُ

حقّت دور ساخته و از مقامت كنار زدند، و لعنت خدا بر كسانى كه از آن آگاه شده و به آن راضى شدند،

اللَّهَ وَمَلائِكَتَهُ وَانْبِيآئَهُ وَرُسُلَهُ، انّى‏ وَلِىٌّ لِمَنْ والاكَ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداكَ،

خدا و فرشتگان و پيامبران و فرستادگانش را گواه مى‏گيرم كه من به يقين با دوستدارانت دوست و با دشمنانت دشمنم‏

السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ\* سپس خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو:

سلام و رحمت و بركات خدا بر تو باد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اشْهَدُ انَّكَ تَسْمَعُ كَلامى‏، وَتَشْهَدُ مَقامى‏، وَاشْهَدُ لَكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ بِالْبَلاغِ‏

گواهى مى‏دهم كه تو به يقين سخنم را شنيده و جايگاهم را مى‏بينى و اى ولى خدا گواهى مى‏دهم در مورد تو به ابلاغ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 307

وَالْأَدآءِ، يا مَوْلاىَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، يا امينَ اللَّهِ، يا وَلِىَّ اللَّهِ، انَّ بَيْنى‏ وَبَيْنَ اللَّهِ‏

و انجام (وظيفه‏ات)، اى مولاى من، اى حجّت خدا، اى امين خدا، اى ولىّ خدا، به يقين ميان من و خداى عزيز و

عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً قَدْ اثْقَلَتْ ظَهْرى‏، وَمَنَعَتْنى‏ مِنَ الرُّقادِ، وَذِكْرُها يُقَلْقِلُ‏

گرامى گناهانى است كه پشتم را سنگين كرده و خواب را از من گرفته، و ياد آنها درونم را

احْشآئى‏، وَقَدْ هَرَبْتُ الَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالَيْكَ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلى‏

مضطرب ساخته، و (از آنها) به سوى خداوند عزيز و گرامى و به سوى تو گريزانم، پس به حقّ آن كه تو را امين بر

سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكَ امْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ، وَ مُوالاتَكَ‏

اسرارش قرار داده، و رسيدگى به امور مخلوقاتش را به تو سپرده و اطاعت از تو را به اطاعت از خويش و پيروى از تو را به‏

بِمُوالاتِهِ، كُنْ لى‏ الَى اللَّهِ شَفيعاً، وَمِنَ النَّارِ مُجيراً، وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً

پيروى از خود قرين ساخته، در درگاه خدا شفيعم باش و از آتش دوزخ پناهم ده، و در (سختيهاى) روزگار پشتيبانم باش.

\* بار ديگر خود را به‏قبر بچسبان وقبر را ببوس وبگو: يا وَلِىَ‏اللَّهِ، يا حُجَّةَاللَّهِ، يا بابَ حِطَّةِ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى ولى خدا، اى حجّت خدا، اى درگاه خدا براى ريزش گناهان،

اللَّهِ، وَلِيُّكَ وَزائِرُكَ، وَاللّائِذُ بِقَبْرِكَ، وَالنَّازِلُ بِفِنآئِكَ، وَالْمُنيخُ رَحْلَهُ فى‏

دوستدار و زائرت و پناهنده به قبرت و فرود آينده به درگاهت، و رحل اقامت گزيننده‏

جِوارِكَ، يَسْئَلُكَ انْ تَشْفَعَ لَهُ الَى اللَّهِ فى‏ قَضآءِ حاجَتِهِ، وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص307**

در جوارت، از تو مى‏خواهد كه شفاعتش كنى در برآورده شدن حاجتش در درگاه خدا و رسيدن به خواسته‏هايش در

الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، فَانَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْجاهَ الْعَظيمَ، وَالشَّفاعَةَ الْمَقْبُولَةَ،

دنيا و آخرت، چرا كه به يقين مقام باعظمت و شفاعت پذيرفته شده در نزد خدا از آن توست.

فَاجْعَلْنى‏ يا مَوْلاىَ مِنْ هَمِّكَ، وَادْخِلْنى‏ فى‏ حِزْبِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ‏

پس اى مولاى من مرا مورد توجّهت قرار ده و در گروهت داخل كن، و سلام بر تو

وَعَلى‏ ضَجيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ‏

و بر دو آرميده در كنارت آدم و نوح، و سلام بر تو و بر دو فرزندت حسن‏

وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و حسين، و بر امامان پاكيزه از نسلت و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

سپس شش ركعت نماز زيارت بخوان، دو ركعت براى هديه به اميرمؤمنان عليه السلام و دو ركعت براى هديه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 308

به حضرت آدم عليه السلام و دو ركعت براى هديه به حضرت نوح عليه السلام، و خداوند را بسيار بخوان كه دعاى تو مستجاب خواهد شد ان‏شاءاللَّه تعالى.[[315]](#footnote-315) يادآورى:

1- نظر خود مرحوم «علّامه مجلسى» اين است كه اين زيارت، ظاهراً از زيارات مطلقه است‏[[316]](#footnote-316)؛ بنابراين، در هر زمان ديگر نيز مى‏شود آن را بجا آورد.

2- مرحوم حاج شيخ عبّاس قمى رحمه الله از كتاب «مزار كبير» نقل مى‏كند كه وقت بجا آوردن اين زيارت هنگام طلوع آفتاب است و از «علّامه مجلسى» نقل مى‏كند كه فرمود: اين زيارت به سندهاى معتبر در كتب معتبره ذكر شده، و از بهترين زيارات است.

3- ممكن است براى بعضى اين سؤال مطرح شود كه با آن‏كه روز 17 ربيع الاوّل روز تولّد رسول خدا صلى الله عليه و آله است، چگونه زيارت اميرمؤمنان عليه السلام در اين روز وارد شده و از زيارت خود آن حضرت در اين روز (غير از چند جمله‏اى كه در ابتداى اين زيارت طولانى آورده شده) خبرى نيست؟ (نظير همين سؤال نسبت به زيارت مخصوصه شب و روز مبعث نيز مطرح مى‏شود).

اين سؤال چند پاسخ دارد:

الف) رسول گرامى صلى الله عليه و آله خود، فرمودند:

«أَنَا مَدينَةُ الْعِلْمِ وَ عَليٌّ بابُها»

كه ممكن است از آن برداشت شود: براى رسيدن به محضر پيامبر صلى الله عليه و آله بايد از دروازه توجّه به على عليه السلام عبور كرد.

ب) ارتباط اين دو بزرگوار و اتّحاد اين دو نور، به قدرى زياد است كه حقيقتاً يك نَفْس و يك روح هستند در دو كالبد؛ بر همين اساس، در آيه مباهله از نفس پيامبر در كلمه «أنفسنا» على عليه السلام اراده شده است و لازمه چنين اتّحادى اين است كه زيارت يكى زيارت ديگرى نيز باشد.

ج) «كامل الزيارات» از مفضّل بن عمر از امام صادق عليه السلام روايتى را نقل كرده كه ظاهرش اين است:

زيارت نجف، به منزله زيارت رسول گرامى صلى الله عليه و آله مى‏باشد.[[317]](#footnote-317) همان گونه كه «علّامه مجلسى» از كتاب «مزار كبير» از اسحاق بن عمّار نقل كرده كه از امام صادق عليه السلام شنيدم كه فرمود: عربى باديه نشين به خدمت رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله مشرّف شد، و عرض كرد: يا رسول‏اللَّه! خانه‏ام دور از خانه توست و من مشتاق تو و زيارت تو مى‏شوم و اين مسير طولانى را مى‏پيمايم و به مدينه مى‏آيم ولى تو را نمى‏يابم، بلكه با علىّ بن ابى‏طالب ملاقات مى‏كنم و او هم با گفتگو و مواعظش با من انس مى‏گيرد و برمى‏گردم، امّا در حالى كه متأسّف و محزون از نديدن تو هستم. فرمود:

كليات مفاتيح نوين، ص: 309

هر كس على عليه السلام را زيارت كند به راستى كه مرا زيارت كرده است و هر كس او را دوست داشته باشد مرا دوست داشته است و هر كس با او دشمنى كند با من دشمنى كرده است. اين مطلب را از جانب من به قومت برسان و (بگو كه:) هر كس به زيارت على آيد به زيارت من آمده است و من و جبرئيل و مؤمنان صالح در روز قيامت به او پاداش خواهيم داد.[[318]](#footnote-318) د) از اينها گذشته، شيعيان غالباً در عراق بودند و كمتر دسترسى به قبر پيامبر صلى الله عليه و آله داشتند. از اين رو دستور داده شد كه در چنين روزى جانشين به حقّ او را زيارت كنند.

3- زيارت شب و روز مبعث‏

(27 رجب)

«علّامه مجلسى» از «شيخ مفيد» و «سيّد بن طاووس» و «شهيد اوّل» (رحمهم اللَّه) نقل مى‏كند كه هرگاه اراده زيارت امير مؤمنان عليه السلام در شب و يا روز مبعث كردى پس بر در قبّه شريفه مقابل ضريح آن حضرت بايست و بگو:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ‏

گواهى مى‏دهم معبودى جز خدا نيست، يگانه‏اى كه شريكى ندارد، و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده‏

وَرَسُولُهُ، وَانَّ عَلِىَّ بْنَ‏ابى‏ طالِبٍ اميرَ الْمُؤْمِنينَ عَبْدُاللَّهِ، وَاخُو رَسُولِهِ،

و فرستاده اوست و علىّ بن ابى‏طالب اميرمؤمنان، بنده خدا و برادر رسولش است‏

وَانَّ الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللَّهِ‏عَلى‏ خَلْقِهِ\* آنگاه داخل شو و نزديك‏ و امامان پاك از فرزندان او حجّت خدا بر مخلوقاتش هستند،\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قبر آن حضرت بايست به اين نحو كه پشت به قبله و رو به روى قبر آن حضرت و آنگاه صد مرتبه «تكبير» بگو و پس از آن بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ خَليفَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ‏

سلام بر تو اى وارث آدم خليفه خدا (در زمين)، سلام بر تو اى وارث نوح‏

صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ابْراهيمَ خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

برگزيده خداوند سلام بر تو اى وارث ابراهيم خليل خدا، سلام بر تو اى‏

وارِثَ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

وارث موسى، كليم خدا سلام بر تو اى وارث عيسى، روح اللَّه، سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 310

عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ،

بر تو اى وارث محمّد، سرور فرستادگان خدا، سلام بر تو اى اميرمؤمنان،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا امامَ المُتَّقينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى پيشواى پرهيزگاران، سلام بر تو اى آقاى اوصيا، سلام‏

عَلَيْكَ يا وَصِىَّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ‏

بر تو اى جانشين فرستاده پروردگار جهانيان، سلام بر تو اى وارث علم‏

الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا النَّبَأُ الْعَظيمُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

پيشينيان و پسينيان، سلام بر تو اى خبر بزرگ، سلام بر تو اى‏

الصِّراطُ الْمُسْتَقيمُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَريمُ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

راه راست، سلام بر تو اى پاك بزرگوار، سلام بر تو

ايُّهَا الْوَصِىُّ التَّقِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا اى جانشين پرهيزگار سلام بر تو اى پسنديده پاكيزه، سلام بر تو اى‏

الْبَدْرُ الْمُضى‏ءُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الصِّديقُ الْأَكْبَرُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

ماه فروزان، سلام بر تو اى بزرگترين تصديق كننده (رسول خدا) سلام بر تو اى‏

الْفارُوقُ الْأَعْظَمُ، [السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا السِّراجُ الْمُنيرُ][[319]](#footnote-319)، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

برترين جدا كننده (حق از باطل)، سلام بر تو اى مشعل فروزان، سلام بر تو اى‏

امامَ الْهُدى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ التُّقى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ‏

پيشواى هدايت، سلام بر تو اى نشانه پرهيزگارى، سلام بر تو اى بزرگترين‏

الْكُبْرى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خاصَّةَ اللَّهِ وَخالِصَتَهُ، وَامينَ اللَّهِ‏وَ صَفْوَتَهُ،

حجّت خدا، سلام بر تو اى بنده خاصّ و بى‏آلايش و امانتدار و برگزيده خدا،

وَبابَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَمَعْدِنَ حُكْمِ اللَّهِ وَسِرِّهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ وَخازِنَهُ،

و درگاه (رحمت) و حجّت خدا، و خزانه حكم و اسرار خدا، و گنجينه و خزانه‏دار علم خدا،

وَسَفيرَ اللَّهِ فى‏ خَلْقِهِ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ‏

و واسطه خدا در بين مخلوقاتش گواهى مى‏دهم كه نماز را بپا داشته و زكات را پرداختى و امر

كليات مفاتيح نوين، ص: 311

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَ‏

به معروف و نهى از منكر كردى و از رسول خدا پيروى نمودى، و قرآن را به شايستگى‏

تِلاوَتِهِ، وَبَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِماتُ اللَّهِ،

تلاوت كردى، و از جانب خدا تبليغ نموده و به عهد و پيمانش وفا كردى و كلمات خدا به وسيله تو كامل شد،

وَجاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَنَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏

و به شايستگى در راه او جهاد نموده و براى خدا و رسولش- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَآلِهِ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صابِراً مُحْتَسِباً، مُجاهِداً عَنْ دينِ اللَّهِ، مُوَقِّياً

خيرخواهى كردى، و با جانت فداكارى نمودى در حالى كه صبر كرده و پاداشت را از خدا خواستى و از دين خدا دفاع كردى و نگهبان‏

لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وِ آلِهِ، طالِباً ما عِنْدَ اللَّهِ، راغِباً فيما وَعَدَ اللَّهُ،

رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بودى و طالب رضايت خدا و مشتاق وعده‏اش بودى‏

وَمَضَيْتَ لِلَّذى‏ كُنْتَ عَلَيْهِ شَهيداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً، فَجَزاكَ اللَّهُ عَنْ‏

و بر اين عقيده‏ات كه داشتى، شهيد و گواه و گواهى شده از دنيا رفتى، پس خدا از جانب‏

رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ مِنْ صِدّيقٍ افْضَلَ الْجَزآءِ، اشْهَدُ انَّكَ كُنْتَ‏

پيامبرش و اسلام و اهل اسلام بهترين پاداش را به خاطر درستكاريت به تو عطا كند، گواهى مى‏دهم كه تو

اوَّلَ الْقَوْمِ اسْلاماً، وَاخْلَصَهُمْ ايماناً، وَاشَدَّهُمْ يَقيناً، وَاخْوَفَهُمْ للَّهِ،

اوّلين نفر در پذيرش اسلام و خالص‏ترين آنها در ايمان و استوارترين آنها از در يقين و خداترس‏ترين آنها بودى‏

وَاعْظَمَهُمْ عَنآءً، وَاحْوَطَهُمْ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

و بيش از همه در رنج و مشقّت، نسبت به رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَافْضَلَهُمْ مَناقِبَ، وَاكْثَرَهُمْ سَوابِقَ، وَارْفَعَهُمْ دَرَجَةً، وَاشْرَفَهُمْ مَنِزْلَةً،

مراقب‏ترين، و با سابقه‏ترين آنها (در اسلام) بودى، و تو داراى بالاترين رتبه و رفيع‏ترين جايگاه‏

وَاكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ، فَقَويتَ حينَ وَهَنُوا، وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ‏اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ‏

و گرامى‏ترين آنها نسبت به پيامبر بودى، هنگام سستىِ آنها، استوار و ملازم راه رسول خدا- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ كُنْتَ خَليفَتَهُ حَقّاً، لَمْ تُنازَعْ بِرَغْمِ الْمُنافِقينَ،

بر او و خاندان پاكش باد- شدى و گواهى مى‏دهم كه تو جانشين به حق او بودى، با وجود (مخالفت) منافقان‏

وَغَيْظِ الْكافِرينَ، وَضِغْنِ الْفاسِقينَ، وَقُمْتَ بِالْأَمْرِ حينَ فَشِلُوا، وَنَطَقْتَ‏

و خشم كافران و كينه فاسقان مورد نزاع واقع نشدى، و هنگامى كه ديگران ترسان شدند، تو به امرِ (ترويج دين) قيام كردى، و آنگاه كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 312

حينَ تَتَعْتَعُوا، وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللَّهِ اذْ وَقَفُوا، فَمَنِ اتَّبَعَكَ فَقَدِ اهْتَدى‏، كُنْتَ‏

ديگران از سخن گفتن عاجز شدند (به حقايق دين) گويا شدى و هنگامى كه ديگران توقّف كردند در پرتو نور الهى حركت كردى، پس هر كس كه تو را پيروى كرد هدايت شد،

اوَّلَهُمْ كَلاماً، وَاشَدَّهُمْ خِصاماً، وَاصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً، وَاسَدَّهُمْ رَاْياً،

تو اوّلين آنها در سخن گفتن، و سخت‏ترين آنها در مقابل دشمن، و راستگوترين آنها در گفتار و استوارترين آنها در انديشه،

وَاشْجَعَهُمْ قَلْباً، وَاكْثَرَهُمْ يَقيناً، وَاحْسَنَهُمْ عَمَلًا، وَ اعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ،

و صاحب شجاع‏ترين قلب، و بيشترين يقين، و بهترين عمل، و داناترين آنها به كارها بودى،

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنينَ اباً رَحيماً، اذْ صارُوا عَلَيْكَ عِيالًا، فَحَمَلْتَ اثْقالَ ما عَنْهُ‏

هنگامى كه مؤمنان تحت سرپرستى تو قرار گرفتند، پدرى مهربان براى آنها شدى، و كارهايى كه ديگران تحمّل سنگينى آن را نداشتند،

ضَعُفُوا، وَحَفِظْتَ ما اضاعُوا، وَرَعَيْتَ ما اهْمَلُوا، وَشَمَّرْتَ اذْ جَبَنُوا،

تو بر دوش كشيدى و آنچه را كه ديگران هدر دادند، حفظ كردى، و آنچه را كه در انجامش سستى كردند، رعايت نمودى، و زمانى كه ديگران ترسيدند، دامن همت بكمر زدى،

وَعَلَوْتَ اذْ هَلِعُوا، وَصَبَرْتَ اذْ جَزِعُوا، كُنْتَ عَلَى الْكافِرينَ عَذاباً صَبّاً،

و زمانى كه ديگران بى‏تابى و جزع كردند، برتر بودى و صبر كردى، تو بر كافران عذابى ريزان‏

وَغِلْظَةً وَغَيْظاً، وَلِلْمُؤْمِنينَ غَيْثاً وَخِصْباً وَعِلْماً، لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ، وَلَمْ‏

و شديد خشمناك، و براى مؤمنان باران رحمت و پرنعمت و بحر علم و دانش بودى حجّت و برهانت هرگز مغلوب نشد و دلت‏

يَزِغْ قَلْبُكَ، وَلَمْ تَضْعُفْ بَصيرَتُكَ، وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ‏

(از مسير حق) منحرف و بيناييت كم نگشت و هرگز نترسيدى، بلكه همانند كوهى بودى كه‏

لاتُحَرِّكُهُ الْعَواصِفُ، وَلا تُزيلُهُ الْقَواصِفُ، كُنْتَ كَما قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى‏

تندبادها او را حركت ندهد و طوفانهاى شكننده او را از بين نبرد، تو همان گونه كه رسول خدا- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوِيّاً فى‏ بَدَنِكَ، مُتَواضِعاً فى‏ نَفْسِكَ، عَظيماً عِنْدَاللَّهِ، كَبيراً

خدا بر او و خاندان پاكش باد- فرمود نيرومند از جهت جسم، فروتن در روح، با عظمت در نزد خدا، بزرگ‏

فِى الْأَرْضِ، جَليلًا فِى السَّمآءِ، لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فيكَ مَهْمَزٌ، وَلا لِقآئِلٍ‏

در زمين و شايسته در آسمان بودى، در تو براى كسى جاى بدگويى و عيب جويى نبود،

فيكَ مَغْمَزٌ، وَلا لِخَلْقٍ فيكَ مَطْمَعٌ، وَلا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوادَةٌ، يُوجَدُ الضَّعيفُ‏

و در تو براى مردم جاى طمعى و در نزد تو جاى توقّعى نبود، ناتوان خوار در پيشگاه تو

الذَّليلُ عِنْدَكَ قَوِيّاً عَزيزاً، حَتّى‏ تَاْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِىُّ الْعَزيزُ عِنْدَكَ‏

قوى و نيرومند بود تا اين كه حقّش را بستانى قوى و نيرومند در نزد تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 313

ضَعيفاً ذَليلًا حَتّى‏ تَاْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ، الْقَريبُ وَالْبَعيدُ عِنْدَكَ فى‏ ذلِكَ‏

ناتوانِ‏ [خوار] بود تا حق را از او بگيرى، نزديكان و بيگانگان در اين مورد در نزد تو

سَوآءٌ، شَاْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَامْرُكَ حِلْمٌ‏

مساوى بودند، مرامت حقّ و راستى و درستى، و گفتارت قانون و لازم الاجرا، و فرمانت بردبارى‏

وَعَزْمٌ، وَرَاْيُكَ عِلْمٌ وَجَزْمٌ، اعْتَدَلَ بِكَ الدّينُ، وَسَهُلَ بِكَ الْعَسيرُ، وَاطْفِئَتْ‏

و جدّيت، و انديشه تو دانش و هوشيارى بود، (پرچمِ) دين اسلام به دست تو افراشته شد، و مشكلات به دست تو آسان گرديد، و آتشِ (نفاق)

بِكَ النّيرانُ، وَقَوِىَ بِكَ الْإيمانُ، وَثَبَتَ بِكَ الْإِسْلامُ، وَهَدَّتْ مُصيبَتُكَ‏

به دست تو خاموش گرديد، و ايمان به دست تو قوّت گرفت و اسلام به دست تو پابرجا شد، و مصيبت شهادت تو مردم را

الْأَنامَ، فَانَّا للَّهِ وَانَّا الَيْهِ راجِعُونَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خالَفَكَ،

درهم شكست، (آرى) همه از آن خداييم و به سوى او باز مى‏گرديم خداوند قاتلان و مخالفان و كسانى كه‏

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنِ افْتَرى‏ عَلَيْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَغَصَبَكَ حَقَّكَ، وَلَعَنَ‏

به تو دروغ بستند و به تو ستم كرده و حقّت را غصب نمودند لعنت كند و همچنين‏

اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذلِكَ فَرَضِىَ بِهِ، انَّا الَى اللَّهِ مِنْهُمْ بُرَآءُ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً خالَفَتْكَ،

خدا لعنت كند كسانى كه اين امور را شنيده و به آن راضى شدند، ما در پيشگاه خداوند از آنان بيزارى مى‏جوييم، خداوند كسانى را كه با تو مخالفت كردند

وَجَحَدَتْ وِلايَتَكَ، وَتَظاهَرَتْ عَلَيْكَ وَقَتَلَتْكَ، وَحادَتْ عَنْكَ‏

و ولايتت را انكار نموده بر ضدّ تو همدست شده و تو را به شهادت رساندند و از تو روى گردانده و تو را يارى نكردند،

وَخَذَلَتْكَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ جَعَلَ النَّارَ مَثْويهُمْ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ،

لعنت كند، حمد و ستايش مخصوص خداوندى است كه آتشِ دوزخ را جايگاه آنان قرار داد و چه بد آبشخورى است (دوزخ)، كه بر آن وارد مى‏شوند،

اشْهَدُ لَكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ وَ وَلِىَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَدآءِ،

گواهى مى‏دهم كه تو اى دوستدار خدا و رسولش- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- تبليغِ (دين) كرده و انجام وظيفه و خيرخواهى نمودى،

وَاشْهَدُ انَّكَ جَنْبُ‏اللَّهِ وَبابُهُ، وَانَّكَ حَبيبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذى‏ مِنْهُ يُؤْتى‏،

و گواهى مى‏دهم كه تو محبوب خدا و درگاه رحمت او هستى و براستى تو «جنب اللَّه» و «وجه اللهى» كه بايد از آن به سوى خدا توجّه شود

وَانَّكَ سَبيلُ اللَّهِ، وَانَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَاخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اتَيْتُكَ‏

و تويى راه (به سوى) خدا و تويى بنده خدا و برادرِ رسولش- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- براى زيارت‏

زائِراً لِعَظيمِ جَلالَتِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَاللَّهِ و عِنْدَ رَسُولِهِ، مُتَقَرِّباً الَى اللَّهِ‏

به درگاهت آمده‏ام، زيرا كه مقام و منزلتت در نزد خدا و رسولش بسى بزرگ است در حالى كه با زيارت تو به خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 314

بِزِيارَتِكَ، راغِباً الَيْكَ فِى الشَّفاعَةِ، ابْتَغى‏ بِشَفاعَتِكَ خَلاصَ نَفْسى‏،

نزديكى جويم و به شفاعت تو مشتاقم و به واسطه شفاعتت رهايى خود را (از آتش) مى‏طلبم‏

مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النَّارِ، هارِباً مِنْ ذُنُوبِىَ الَّتِى احْتَطَبْتُها عَلى‏ ظَهْرى‏، فَزِعاً

و از آتش دوزخ به تو پناهنده‏ام، از گناهانى كه بر پشتم سنگينى مى‏كند گريزانم، به اميد

الَيْكَ رَجآءَ رَحْمَةِ رَبّى‏، اتَيْتُكَ اسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلاىَ الَى اللَّهِ، وَاتَقَرَّبُ‏

رحمت پروردگارم به تو متوسّل مى‏شوم، اى مولاى من، براى طلب شفاعت در درگاه خدا نزد تو آمده‏ام، و به واسطه تو

بِكَ الَيْهِ لِيَقْضِىَ بِكَ حَوآئِجى‏، فَاشْفَعْ لى‏ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ الىَ اللَّهِ، فَانّى‏

به خدا تقرّب مى‏جويم تا حوائجم برآورده شود، اى اميرمؤمنان مرا به درگاه خدا شفاعت كن، كه من‏

عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلاكَ وَزآئِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقامُ الْمَعْلُومُ، وَالْجاهُ الْعَظيمُ،

بنده خدا و دوست و زائر تو هستم، و تو نزد خدا داراى جايگاهى معلوم، و مقام‏

وَالشَّاْنُ الْكَبيرُ، وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

و رتبه‏اى بلند و شفاعت پذيرفته شده هستى، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى‏ عَبْدِكَ وَامينِكَ الْأَوْفى‏، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقى‏، وَيَدِكَ‏

و درود فرست بر بنده و با وفاترين امانت دارت، و ريسمان محكمت، و دست‏

الْعُلْيا، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنى‏، وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرى‏، وَصِدِّيقِكَ الْأَكْبَرِ سَيِّدِ

بلندت، و نيكوترين كلمه‏ات، و حجّت و برهانت بر بندگان، بزرگترين تصديق كننده‏ات، سرور

الْأَوْصِيآءِ، وَرُكْنِ الْأَوْلِيآءِ، وَعِمادِ الْأَصْفِيآءِ، اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَيَعْسُوبِ‏

اوصيا، و تكيه گاه دوستداران و برگزيدگان خدا، اميرمؤمنان و پيشواى‏

الْمُتَّقينَ، وَقُدْوَةِ الصِّدّيقينَ، وَامامِ الصَّالِحينَ، الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ،

پرهيزگاران، و مقتداى راستگويان، و پيشواى شايستگان، مصون از خطا و لغزش،

وَالْمَفْطُومِ مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَيْبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ، اخى‏

دور از عيب، پاك از نقص، پاكيزه از شك و ترديد، برادر

نَبِيِّكَ وَوَصِىِّ رَسُولِكَ، وَالْبآئِتِ عَلى‏ فِراشِهِ، وَالْمُواسى‏ لَهُ بِنَفْسِهِ،

پيامبر و جانشين فرستاده‏ات و كسى كه در بستر پيامبر خفت، و با جانش او را يارى كرد

وَكاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذى‏ جَعَلْتَهُ سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَمُعْجِزاً لِرِسالَتِهِ،

و برطرف كننده غم از چهره او، كه او [/ على‏] را شمشيرى براى (يارى) پيامبريش و معجزه‏اى براى رسالتش قرار دادى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 315

وَدِلالَةً واضِحَةً لِحُجَّتِهِ، وَحامِلًا لِرايَتِهِ، وَ وِقايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهادِياً لِأُمَّتِهِ،

و راهنمايى روشن و آشكار براى حجّت و برهانش، و پرچمدارش، و سپرى براى حفظ جانش، و هدايت كننده امّتش،

وَيَداً لِبَاْسِهِ، وَتاجاً لِرَاْسِهِ، وَباباً لِنَصْرِهِ، وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّى‏ هَزَمَ‏

و دستى (توانا) براى جنگهايش و تاج سرش، و درگاهى براى ياريش، و كليدى براى پيروزيش (قرار دادى)، تا اين كه‏

جُنُودَ الشِّرْكِ بِايْدِكَ، وَابادَ عَساكِرَ الْكُفْرِ بِامْرِكَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ فى‏ مَرْضاةِ

لشكريان شرك را به يارى تو شكست داد، و به فرمانت لشكريان كفر را نابود كرد، و جانش را در راه رضايت تو

رَسُولِكَ، وَجَعَلَها وَقْفاً عَلى‏ طاعَتِهِ، وَمَجِنّاً دوُنَ نَكْبَتِهِ، حَتّى‏ فاضَتْ‏

و رسولت بر كف گرفته، و آن را وقف بر اطاعتش و سپرى در برابر گرفتارى‏هايش قرار داد، تا اين كه‏

نَفْسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فى‏ كَفِّهِ، وَاسْتَلَبَ بَرْدَها، وَمَسَحَهُ عَلى‏ وَجْهِهِ،

پيامبر- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- در آغوش او جان سپرد، و سردى بدنش را احساس كرد، و آن را بر صورتش كشيد،

وَاعانَتْهُ مَلائِكَتُكَ على‏ غُسْلِهِ وَتَجْهيزِهِ، وَصَلّى‏ عَلَيْهِ، وَوارى‏

و فرشتگان او را بر غسل و آماده ساختن براى دفن يارى كردند، و بر او نماز خوانده، و به خاك‏

شَخْصَهُ، وَقَضى‏ دَيْنَهُ، وَانْجَزَ وَعْدَهُ، وَلَزِمَ عَهْدَهُ، وَاحْتَذى‏ مِثالَهُ، وَحَفِظَ

سپرد و ديونش را پرداخت كرد، و به وعده‏اش عمل كرده و در پيمانش ثابت قدم بود و همانند او عمل كرد و سفارش‏هايش را

وَصِيَّتَهُ، وَحينَ وَجَدَ انْصاراً نَهَضَ مُسْتَقِلّاً بِاعْبآءِ الْخِلافَةِ، مُضْطَلِعاً

به خاطر سپرد و زمانى كه يارانى يافت مستقلًاّ به مسئوليت‏هاى خلافت اقدام و سنگينى‏

بِاثْقالِ الْإِمامَةِ، فَنَصَبَ رايَةَ الْهُدى‏ فى‏ عِبادِكَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فى‏

وظايف امامت را تحمّل نمود، سپس پرچم هدايت را در ميان بندگانت برافراشت، و امنيّت را در سرزمين‏

بِلادِكَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فى‏ بَرِيَّتِكَ، وَحَكَمَ بِكِتابِكَ فى‏ خَليقَتِكَ، وَاقامَ‏

اسلام و عدالت را در ميان بندگانت گسترش داد و در ميان مخلوقات بر اساس كتابت حكم كرده و حدود را

الْحُدُودَ، وَقَمَعَ الْجُحُودَ، وَقَوَّمَ الزَّيْغَ، وَسَكَّنَ الْغَمْرَةَ، وَابادَ الْفَتْرَةَ، وَسَدَّ

اجرا كرد، و منكران را سركوب، و كجى‏ها را راست، و آشوب را سركوب نموده و سستى‏ها را از بين برده و شكاف (اختلاف) را

الْفُرْجَةَ، وَقَتَلَ النَّاكِثَةَ وَالْقاسِطَةَ وَالْمارِقَةَ، وَلَمْ يَزَلْ عَلى‏ مِنْهاجِ رَسُولِ‏

پر كرد، و پيمان شكنان و بيدادگران و بيرون روندگان از دين را كشت، و پيوسته بر راه رسول‏

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ وَتيرَتِهِ وَلُطْفِ شاكِلَتِهِ، وَجَمالِ سيرَتِهِ،

خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و روش، و شيوه ملايم، و رفتار زيباى او بود،

كليات مفاتيح نوين، ص: 316

مُقْتَدِياً بِسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقاً بِهِمَّتِهِ، مُباشِراً لِطَريقَتِهِ، وَامْثِلَتُهُ نَصْبُ عَيْنَيْهِ،

به سنّت پيامبر اقتدا كرده به همّت او وابسته و به راه و روش او ملازم بود، مقاصد پيامبر را مورد توجّه قرار داده‏

يَحْمِلُ عِبادَكَ عَلَيْها، وَيَدْعُوهُمْ الَيْها الى‏ انْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَاْسِهِ،

و بندگانت را بر آن وادار و به آن دعوت نمود، تا اين كه محاسن شريفش از خون سرش رنگين شد،

اللهُمَّ فَكَما لَمْ يُؤْثِرْ فى‏ طاعَتِكَ شَكّاً عَلى‏ يَقينٍ، وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ

خدايا همچنان كه هيچ‏گاه يقين او در اطاعت تو به شك مبدّل نگرديد و لحظه‏اى از تو غافل نشد،

عَيْنٍ، صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً، يَلْحَقُ بِها دَرَجَةَ النُّبُوَّةِ فى‏ جَنَّتِكَ،

پس بر او درودى پاكيزه و فزاينده فرست، تا بواسطه آن در بهشت به درجه انبيا برسد،

وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ فى‏ مُوالاتِهِ فَضْلًا وَاحْساناً

و از جانب ما درود و سلامى به او برسان، و از نزد خودت در راه دوستى او به ما لطف و احسان‏

وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً، انَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْجَسيمِ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ و

بخششِ (گناهان) و بهشت را عطا فرما، كه تو صاحب احسان وسيعى، به بخشش و احسانت اى مهربان‏ترين مهربانان.

\* سپس ضريح را ببوس؛ آنگاه دو ركعت نماز زيارت بجاى آور و بعد از آن‏هر چه مى‏خواهى از خدا بخواه و پس از تسبيح حضرت زهرا عليها السلام بگو: اللَّهُمَّ انَّكَ بَشَّرْتَنى‏ عَلى‏ لِسانِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا تو با زبان پيامبر و فرستاده‏ات محمّد

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتَ: وَبَشِّرِ الَّذينَ آمَنُوا انَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بشارت داده و فرمودى: و به كسانى كه ايمان آورده‏اند بشارت ده كه براى آنها سابقه نيك‏

رَبِّهِمْ. اللَّهُمَّ وَانّى‏ مُؤْمِنٌ بِجَميعِ انْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ، فَلا

(و پاداش) نزد پروردگارشان است و من به تمام پيامبران و فرستادگانت- كه درود تو بر آنها باد- ايمان دارم، پس‏

تَقِفْنى‏ بَعْدَمَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً تَفْضَحُنى‏ فيهِ‏عَلى‏ رُؤُوسِ الْخَلايِقِ‏[[320]](#footnote-320)، بَلْ‏قِفْنى‏

بعد از معرفت من نسبت به آنها، مرا در جايگاهى قرار نداده كه در برابر مردم رسوايم كنى، بلكه مرا همراهشان‏

مَعَهُمْ، وَتَوَفَّنى‏ عَلَى التَّصْديقِ بِهِمْ، اللَّهُمَّ وَانْتَ خَصَصْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ،

قرار ده و مرا بر تصديق و ايمان به آنها بميران، خدايا تو آنها را به كرامت خود مخصوص داشته‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 317

وَامَرْتَنى‏ بِاتِّباعِهِمْ، اللَّهُمَّ وَانّى‏ عَبْدُكَ وَزآئِرُكَ، مُتَقَرِّباً الَيْكَ بِزِيارَةِ اخى‏

و مرا به پيروى از آنها امر فرمودى، خدايا من بنده و زيارت كننده توأم، در حالى كه با زيارت برادر رسولت به درگاهت‏

رَسُولِكَ، وَ عَلى‏ كُلِّ مَاْتِىٍّ وَمَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ اتاهُ وَ زارَهُ، وَانْتَ خَيْرُ مَاْتِىٍ‏

نزديكى مى‏جويم، و هر كه به درگاه و زيارت كسى آيد بر او حقّى دارد، و تو بهترين كسى هستى كه به سويت آيند

وَاكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْئَلُكَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا جَوادُ يا ماجِدُ، يا

و گرامى‏ترين زيارت شده‏اى، پس اى خدا، اى بخشنده، اى مهربان، اى سخاوتمند، اى بزرگوار، اى‏

احَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، وَلَمْ يَتَّخِذْ

يكتا، اى بى‏نياز، اى كسى كه (هرگز) نزاده و زاده نشده و براى او هيچ‏گاه شبيه و مانندى نبوده و براى خود

صاحِبَةً وَلا وَلَداً، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ‏

همسر و فرزندى نگرفته است، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و پاداش مرا از زيارت‏

ايَّاىَ مِنْ زِيارَتى‏ اخا رَسُولِكَ فَكاكَ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، وَانْ تَجْعَلَنى‏ مِمَّنْ‏

برادرِ رسولت، رهاييم از آتش دوزخ قرار دهى و مرا از كسانى قرار دهى كه‏

يُسارِعُ فِى الْخَيْراتِ، وَيَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً، وَتَجْعَلَنى‏ مِنَ‏الْخاشِعينَ،

به سوى كارهاى خير شتافته و تو را از روى اميد و بيم مى‏خوانند و مرا از فروتنان قرار دهى،

اللَّهُمَّ انَّكَ مَنَنْتَ عَلَىَّ بِزِيارَةِ مَوْلاىَ عَلِىِّ بْنِ‏ابيطالِبٍ، وَ وِلايَتِهِ‏

خدايا به واسطه زيارت مولايم علىّ بن ابى‏طالب عليه السلام و ولايت و معرفت او، بر من‏

وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنى‏ مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ، وَمُنَّ عَلَىَّ بِنَصْرِكَ لِدينِكَ،

منّت نهادى، پس مرا از كسانى كه او را يارى كرده و از او يارى مى‏طلبند، قرار ده و به واسطه يارى دينت بر من منّت گذار،

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنى‏ مِنْ شيعَتِهِ، وَتَوَفَّنى‏ عَلى‏ دينِهِ، اللَّهُمَّ اوْجِبْ لى‏ مِنَ‏

و خدايا مرا از شيعيانش قرار ده و بر دينش بميران، خدايا از رحمت‏

الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ، وَالْمَغْفِرَةِ وَالْإِحْسانِ، وَالرِّزْقِ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّيِّبِ‏

و خشنودى و آمرزش و نيكى و روزى گسترده حلال پاكيزه‏

ما انْتَ اهْلُهُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.[[321]](#footnote-321)

كه تو شايسته آنى به من عطا فرما، اى مهربان‏ترين مهربانان وستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 318

4- زيارت روز شهادت آن حضرت‏

(21 رمضان)

مرحوم حاج شيخ عبّاس قمى مى‏نويسد: در روايت معتبر وارد شده است كه روز شهادت امير مؤمنان عليه السلام، حضرت خضر عليه السلام گريه‏كنان و استرجاع گويان، با سرعت آمد و بر درِ خانه آن حضرت ايستاد و گفت:

رَحِمَكَ اللَّهُ يا ابَا الْحَسَنِ، كُنْتَ اوَّلَ الْقَوْمِ اسْلاماً، وَاخْلَصَهُمْ ايماناً،

اى ابوالحسن خداوند تو را رحمت كند، تو اولين نفر در اسلام، و خالص‏ترين آنها در ايمان به خدا،

وَاشَدَّهُمْ يَقيناً، وَ اخْوَفَهُمْ للَّهِ.

و محكم‏ترين آنها در يقين، و خداترس‏ترين آنها بودى.

و بسيارى از فضايل آن حضرت را برشمرد كه قريب به عباراتى است كه در زيارت قبل گذشت. لذا مناسب است كه زيارت قبلى (زيارت روز و شب مبعث) در روز شهادت اميرمؤمنان عليه السلام نيز خوانده شود (از باب تأسّى به جناب خضر عليه السلام).[[322]](#footnote-322) يادآورى: در بخش اعمال ماه‏ها در ضمن اعمال شب مبعث، كلامى از سفرنامه ابن بطوطه درباره اهمّيّت مرقد مبارك اميرمؤمنان عليه السلام خواهد آمد كه شايسته است مورد توجّه واقع شود، (صفحه 656).

كليات مفاتيح نوين، ص: 319

فصل سوم: فضيلت زمين و مسجد كوفه و اماكن زيارتى آن‏

فضيلت سرزمين كوفه:

با اين كه گروهى از مردم كوفه، افرادى بى‏وفا، سنگدل و ترسو بودند و شيعيان از شهر كوفه خاطرات بسيار دردناكى دارند، ولى نبايد فراموش كرد كه بسيارى از اصحاب و ياران امامان عليهم السلام و شخصيّت‏هاى بزرگ و فداكار، از كوفه برخاسته‏اند و به همين دليل در فضيلت و عظمت سرزمين كوفه، روايات فراوانى وارد شده كه از آن جمله است:

1- كوفه يكى از چهار شهرى است كه حق تعالى آن را اختيار فرموده است.[[323]](#footnote-323) 2- «طور سينين» كه خداوند در سوره بلد به آن قسم خورده، به اين منطقه تفسير شده است.[[324]](#footnote-324) 3- حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم امير مؤمنان على عليه السلام به حساب آمده است.[[325]](#footnote-325) 4- يك درهم تصدّق در آن، معادل با تصدّق صد درهم در جاى ديگر به حساب مى‏آيد.[[326]](#footnote-326) 5- دو ركعت نماز در آن، معادل با صد ركعت نماز در جاى ديگر است.[[327]](#footnote-327) 6- باغى از باغهاى بهشت است كه در آن قبر نوح و قبر ابراهيم ... و قبر سيّد الاوصيا اميرمؤمنان، قرار دارد[[328]](#footnote-328) (از اين حديث معلوم مى‏شود كه كوفه در اين‏گونه روايات سرزمين نجف را نيز شامل مى‏شود).

فضيلت مسجد كوفه:

در فضيلت مسجد كوفه و نماز و عبادت در آن نيز روايات زيادى وارد شده است كه به بعضى از آنها اشاره مى‏شود:

1- ابوحمزه ثمالى نقل مى‏كند كه امام سجّاد عليه السلام روزى از مدينه، صرفاً به قصد مسجد كوفه حركت كرد و دو ركعت نماز در آن به جاى آورد و دوباره سوار بر مركب شد و برگشت![[329]](#footnote-329) 2- مطابق روايتى از اميرمؤمنان عليه السلام: «هزار پيامبر و هزار وصى پيامبر در اين مسجد نماز خوانده‏اند».[[330]](#footnote-330)

كليات مفاتيح نوين، ص: 320

3- در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است: «اگر من در نزديكى مسجد كوفه بودم اميد آن داشتم كه حتّى يك نماز در آن هم از من فوت نشود»، سپس خطاب به راوى مى‏فرمايد: «آيا از فضل آن آگاهى؟» عرض كرد: نه؛ فرمود: «هيچ عبد صالحى و هيچ پيامبرى نبود مگر اين‏كه در مسجد كوفه نماز خواند، حتّى زمانى كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله به معراج رفت جبرئيل به آن حضرت گفت: آيا مى‏دانى در اين لحظه در كجا هستى يا محمّد؟

فرمود: نه؛ عرض كرد: تو در مقابل مسجد كوفه هستى. رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بنابراين، از پروردگارت اجازه بگير كه فرود آيم و در آن نماز بخوانم. جبرئيل اجازه گرفت، خداوند نيز اجازه داد و پيامبر صلى الله عليه و آله هبوط كرد و دو ركعت نماز خواند». آنگاه امام صادق عليه السلام فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او باغى از باغهاى بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذكر نيز، عبادت است».[[331]](#footnote-331) 4- امام صادق عليه السلام مى‏فرمايد: «امير مؤمنان على عليه السلام به كسى كه براى درك فضيلت مسجدالأقصى بار خود را بسته بود و براى خداحافظى خدمت آن حضرت در مسجد كوفه رسيد، فرمود: زاد و راحله‏ات را بفروش و بيا در اين مسجد نماز بگذار كه نماز واجب در آن، معادل يك حجّ مقبول و نماز نافله در آن، معادل يك عمره مقبوله است ... هيچ غمزده و دردمندى حاجتى از حوائجش را در اين مسجد طلب نمى‏كند مگر اين‏كه خداوند به او پاسخ مى‏دهد و مشكلش را برطرف مى‏سازد».[[332]](#footnote-332) 5- مطابق روايتى از اميرمؤمنان عليه السلام به دست مى‏آيد كه مسجد كوفه، خانه حضرت آدم و حضرت نوح و حضرت ادريس و مصلّاى ابراهيم خليل و خضر عليهم السلام بوده است و يكى از چهار مسجدى است كه خداوند آن را برگزيده و در روز قيامت براى كسانى كه در آن نماز خواندند شفاعت مى‏كند؛ شفاعتى كه رد نمى‏شود و مصلّاى حضرت مهدى عليه السلام است و مؤمنى روى زمين نيست مگر اين‏كه قلبش به آن اشتياق دارد.[[333]](#footnote-333) 6- مسجد كوفه يكى از چهار مكانى است كه مسافر در آن مخيّر است، بين قصر و اتمام. امام صادق عليه السلام فرمود: «از جمله از علم مخزون خداوند، نماز اتمام در چهار مكان است: حرم خداوند، حرم رسول گرامى صلى الله عليه و آله و حرم اميرمؤمنان عليه السلام و حرم حسين بن على عليه السلام».[[334]](#footnote-334)

اعمال مسجد كوفه‏

اعمال مسجد كوفه به نحوى كه در كتاب «مصباح الزائر»[[335]](#footnote-335) «سيّد بن طاووس» و غير آن با مختصر

كليات مفاتيح نوين، ص: 321

تفاوتى وارد شده بدين شرح است:

1- آداب دخول در مسجد

چون داخل شهر كوفه شدى بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفى‏ سَبيلِ اللَّهِ، وَعَلى‏ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

به نام خدا و به يارى خدا و در راه خدا، و بر دين رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

اللهُمَّ انْزِلْنى‏ مُنْزَلًا مُبارَكاً، وَانْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلينَ\* سپس روانه شو به سوى‏ خدايا مرا در جايگاه مباركى فرود آر كه تو بهترين فرود آورندگانى.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مسجد كوفه و در حال رفتن بگو: اللَّهُ اكْبَرُ، وَلا الهَ الَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُللَّهِ، وَسُبْحانَ اللَّهِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خداوند بزرگتر است از هر چيز و معبودى جز او نيست، و ستايش مخصوص اوست و او را تسبيح مى‏كنم\* تا به در مسجد برسى،[[336]](#footnote-336) در آنجا بايست و بگو: السَّلامُ عَلى‏ سَيِّدِنا رَسُولِ‏اللَّهِ، مُحَمَّدِ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام و درود بر آقا و سرور ما، فرستاده خدا، محمّد

بْنِ عَبْدِاللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرينَ، السَّلامُ عَلى‏ مَوْلانا اميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِىِّ بْنِ‏

فرزند عبداللَّه و خاندان پاكش باد، سلام و درود و رحمت و بركات خدا بر اميرمؤمنان على فرزند

ابيطالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، وَعَلى‏ مَجالِسِهِ، وَمَشاهِدِهِ وَمَقامِ‏

ابى‏طالب باد، و بر محلّ نشستن و حضور

حِكْمَتِهِ، وَآثارِ آبائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ، وَابْرهيمَ وَاسْمعيلَ، وَتِبْيانِ بَيِّناتِهِ،

و داوريش، و بر آثار پدرانش آدم و نوح و ابراهيم و اسماعيل، و بر بيان روشنش باد،

السَّلامُ عَلَى الْإِمامِ الْحَكيمِ الْعَدْلِ الصِّدّيقِ الْأَكْبَرِ، الْفارُوقِ بِالْقِسْطِ

سلام و درود بر پيشواىِ حكيمِ عادل و اوّلين تصديق‏كننده (رسول خدا)، جداكننده بين حقّ و باطل با عدالت،

الَّذى‏ فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، وَالْكُفْرِ وَالْإيمانِ، وَالشِّرْكِ‏

كسى كه خدا به واسطه او بين حق و باطل و كفر و ايمان و شرك‏

وَالتَّوْحيدِ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَيَحْيى‏ مَنْ حَىَّ عَنْ بَيِّنَةٍ، اشْهَدُ

و توحيد جدايى انداخت، تا از روى دليل هلاك كند هر كه هلاك مى‏شود و از روى دليل زنده كند هر كه زنده مى‏شود، گواهى مى‏دهم‏

انَّكَ اميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَخاصَّةُ نَفْسِ الْمُنْتَجَبينَ، وَزَيْنُ الصِّدّيقينَ، وَصابِرُ

كه تو اميرمؤمنان، و برگزيده نجيب زادگان، و زينت راستگويان، و شكيباترين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 322

الْمُمْتَحَنينَ، وَانَّكَ حَكَمُ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ، وَقاضى‏ امْرِهِ، وَبابُ حِكْمَتِهِ،

امتحان شدگانى، و تويى حاكم از جانب خدا در زمينش و بجا آورنده فرمانش، و درگاه حكمت و دانشش‏

وَعاقِدُ عَهْدِهِ، وَالنَّاطِقُ بِوَعْدِهِ، وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبادِهِ،

و پيوند دهنده پيمانش، و گوينده به وعده‏اش، و ريسمان اتّصال بين او و بندگانش‏

وَكَهْفُ النَّجاةِ، وَمِنْهاجُ التُّقى، وَالدَّرَجَةُ الْعُلْيا، وَمُهَيْمِنُ الْقاضِى‏

و پناهگاه نجات، و راه روشن پرهيزكارى، و مقام والا، و گواه خداى داور،

الْأَعْلى‏، يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ بِكَ اتَقَرَّبُ الَى اللَّهِ زُلْفى‏، انْتَ وَليِّى‏ وَسَيِّدى‏

اى اميرمؤمنان به واسطه تو به درگاه خداوند تقرّب كامل مى‏جويم، كه تويى سرپرست و آقا و سرور

وَوَسيلَتى‏ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ\* آنگاه داخل مسجد شو و بگو: اللَّهُ اكْبَرُ اللَّهُ اكْبَرُ اللَّهُ‏

و وسيله نجاتم در دنيا و آخرت.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدا بزرگتر است از هر چيز، خدا بزرگتر است از هر چيز، خدا

اكْبَرُ، هذا مَقامُ الْعائِذِ بِاللَّهِ، وَبِمُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

بزرگتر است از هر چيز، اين است جايگاه پناهنده به خدا و به محمّد حبيب او- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَبِوِلايَةِ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَالْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيّينَ الصَّادِقينَ النَّاطِقينَ‏

و به ولايت اميرمؤمنان و پيشوايان هدايت و راستگويان و سخنوران‏

الرَّاشِدينَ، الَّذينَ اذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيراً، رَضيتُ بِهِمْ‏

و رشد يافتگانى كه خداوند پليدى را از آنها دور ساخته و به خوبى پاكيزه گردانيده است، به پيشوايى‏

ائِمَّةً وَهُداةً وَمَوالِىَّ، سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لا اشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَلا اتَّخِذُ مَعَ اللَّهِ‏

و هدايت و سرپرستى آنها خشنودم، تسليم فرمان خدايم و كسى را شريك او قرار ندهم، و سرپرستى همراه خدا

وَلِيّاً، كَذِبَ الْعادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلالًا بَعيداً، حَسْبِىَ اللَّهُ وَاوْلِيآءُ اللَّهِ،

براى خود نگيرم، روى گردانندگان از خدا دروغ گفته و به گمراهى سختى دچار شدند، خداوند و اولياى او مرا كافى است،

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ‏

گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خدا نيست، يگانه‏اى كه شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده‏

وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَانَّ عَلِيّاً وَالْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ‏

و فرستاده اوست- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و به راستى على و پيشوايان هدايت از نسل او

عَلَيْهِمُ السَّلامُ اوْلِيآئى‏، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ.

- كه درود خدا بر آنها باد- سرپرستان من و حجّت و برهان خدا بر مخلوقاتند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 323

آنگاه به جانب ستون چهارم مى‏روى كه برابر ستون پنجم يعنى ستون حضرت ابراهيم عليه السلام قرار گرفته، پس چهار ركعت نماز بخوان، دو ركعت آن را با حمد و

«قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ»

و دو ركعت ديگر را با حمد و

«انَّا انْزَلْناهُ فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ»

. پس از اتمام نماز و بعد از گفتن تسبيح حضرت زهرا عليها السلام هفت مرتبه بگو:

السَّلامُ عَلى‏ عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ الرَّاشِدينَ، الَّذينَ اذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ‏

سلام و درود بر بندگان شايسته و رشد يافته خدا، كه خداوند پليدى را از آنها دور ساخته‏

وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيراً، وَجَعَلَهُمْ انْبِيآءَ مُرْسَلينَ، وَحُجَّةً عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ،

و به خوبى پاكيزه گردانيده و آنها را پيامبران مرسل و حجت و برهان بر تمامى مخلوقات قرار داد،

وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، ذلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ

و سلام و درود بر فرستادگانش، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است و اين تقدير و حكم خداى بى‏همتاى‏

الْعَليمِ، سَلامٌ عَلى‏ نُوحٍ فِى‏الْعالَمينَ\* سپس بگو: نَحْنُ عَلى‏ وَصِيَّتِكَ يا وَلِىَ‏

داناست، سلام و درود بر نوح در ميان جهانيان\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى سرپرست مؤمنان، ما به‏

الْمُؤْمِنينَ، الَّتى‏ اوْصَيْتَ بِها ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلينَ وَالصِّدّيقينَ، وَنَحْنُ‏

وصيّتى كه بر فرزندانت از فرستادگان و راستگويان نمودى، پايبنديم، و ما

مِنْ شيعَتِكَ وَشيعَةِ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَيْكَ وَعَلى‏

از شيعيان تو و پيامبرمان محمّد هستيم- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش و بر تو

جَميعِ الْمُرْسَلينَ، وَالْأَنْبِيآءِ وَالصِّدِيقينَ، وَنَحْنُ عَلى‏ مِلَّةِ ابْرهيمَ، وَدينِ‏

و همه فرستادگان و پيامبران و راستگويان باد-، و ما به دين ابراهيم‏

مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ الْأُمِّىِّ، وَالْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيّينَ، وَوِلايَةِ مَوْلانا عَلِىٍّ اميرِ

و محمّد، پيامبر امّى‏ [/ درس نخوانده‏] و پيشوايان هدايت و ولايت مولايمان على‏

الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَى الْبَشيرِ النَّذيرِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ‏

اميرمؤمنان پايبنديم، سلام و درود بر بشارت دهنده بيم دهنده، درود و رحمت‏

وَرِضْوانُهُ وَبَرَكاتُهُ، وَعَلى‏ وَصِيِّهِ وَخَليفَتِهِ الشَّاهِدِ للَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلى‏

و خشنودى و بركات خدا بر او باد، و بر وصى و جانشين او، همان گواه خدا بر مخلوقات‏

خَلْقِهِ، عَلِىٍّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ الصِّديقِ الْأَكْبَرِ، وَالْفارُوقِ الْمُبينِ، الَّذى‏

پس از او (يعنى) على اميرمؤمنان، اوّلين تصديق كننده (پيامبر اسلام) و جدا كننده روشن حق از باطل كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 324

اخَذْتَ بَيْعَتَهُ عَلَى الْعالَمينَ، رَضيتُ بِهِمْ اوْلِيآءَ وَمَوالِىَّ، وَحُكَّاماً فى‏

مسؤوليّت بيعتش را بر جهانيان قرار دادى، من به سرپرستى و سروريشان خشنودم و آنها حاكمان در

نَفْسى‏ وَوُلْدى‏ وَاهْلى‏، وَمالى‏ وَقِسْمى‏، وَحِلّى‏ وَاحْرامى‏، وَاسْلامى‏

جان و فرزندان و خاندان و اموال و روزيم، و در حال احرام و غير احرام، و اسلام‏

وَدينى‏، وَدُنْياىَ وَآخِرَتى‏، وَمَحْياىَ وَمَماتى‏، انْتُمُ الْأَئِمَّةُ فِى الْكِتابِ،

و دينم، و دنيا و آخرتم، و زندگى و مردنم هستند شما پيشوايان در كتاب خدا

وَفَصْلُ الْمَقامِ وَفَصْلُ الْخِطابِ، وَاعْيُنُ الْحَىِّ الَّذى‏ لا يَنامُ، وَانْتُمْ‏

و داراى بالاترين مقام و داوران عادليد و شماييد ديدگان زنده‏اى كه هرگز نخوابد و شماييد

حُكَمآءُ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ، وَبِكُمْ حَكَمَ‏اللَّهُ، وَبِكُمْ عُرِفَ حَقُّ اللَّهِ، لا الهَ الَّا

فرزانگان الهى در روى زمين و به واسطه شما خداوند حكمرانى مى‏كند و حقّ خدا شناخته مى‏شود، معبودى جز

اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، انْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ ايْدينا وَمِنْ خَلْفِنا، انْتُمْ سُنَّةُ

خدا نيست محمّد فرستاده اوست، شما نور خدا در مقابل و پشت سر ماييد، شما حكم‏

اللَّهِ الَّتى‏ بِها سَبَقَ الْقَضآءُ، يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، انَا لَكُمْ مُسَلِّمٌ تَسْليماً لا

خداييد كه به واسطه آن سرنوشت رقم زده مى‏شود اى اميرمؤمنان من به طور كامل تسليم شمايم و چيزى را

اشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً، وَلا اتَّخِذُ مِنْ دوُنِهِ وَلِيّاً، الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ هَدانى‏ بِكُمْ،

براى خدا شريك قرار نداده و سرپرستى جز او بر نمى‏گزينم حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه مرا به وسيله شما هدايت كرد

وَما كُنْتُ لِأَهْتَدِىَ لَوْلا انْ هَدانِىَ اللَّهُ، اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، الْحَمْدُ

و اگر خدا مرا هدايت نمى‏كرد هرگز هدايت نمى‏شدم، خدا بزرگتر است از هر چيز، خدا بزرگتر است از هر چيز خدا بزرگتر است از هر چيز، ستايش مخصوص‏

للَّهِ عَلى‏ ما هَدانا.[[337]](#footnote-337)

خداوند است به خاطر هدايت كردن ما.

2- اعمال دكَّة القضا و بيت الطَّشت‏

دكّة القضا سكّويى بوده در مسجد كوفه كه اميرالمؤمنين عليه السلام بر روى آن مى‏نشستند و قضاوت و حكم مى‏نمودند و در آن جايگاه، ستون كوتاهى بوده كه بر روى آن آيه كريمه‏

«انَّ اللَّهَ يَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسانِ»[[338]](#footnote-338)

نوشته شده بود[[339]](#footnote-339) و بيت الطّشت كه متّصل به دكّة القضا است همان محلّى است كه معجزه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 325

اميرالمؤمنين عليه السلام براى نجات دخترى از اتّهام ظاهر شد.[[340]](#footnote-340) در هر حال پس از اعمال ستون چهارم به سوى دكَّةُ القضا برو و در آن جا دو ركعت نماز بخوان با حمد و هر سوره كه خواهى و بعد از نماز و گفتن تسبيح حضرت زهرا عليها السلام بگو:

يا مالِكى‏ وَمُمَلِّكى‏، وَمُتَغَمِّدى‏ بِالنِّعَمِ الْجِسامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاقٍ،

اى مالك من و اى كسى كه مرا مالك قرار داده‏اى، اى كسى كه بدون شايستگى من مرا غرق در نعمت‏هاى بزرگ ساخته‏اى،

وَجْهى‏ خاضِعٌ لِما تَعْلُوهُ الْأَقْدامُ لِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، لا تَجْعَلْ هذِهِ‏

چهره‏ام در مقابل ذات با عظمت و گراميت فروتن است تا قدم‏ها بر آن قرار گيرد، اين سختى و گرفتارى‏

الشِّدَّةَ وَلا هذِهِ الْمِحْنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتيصالِ الشَّاْفَةِ، وَامْنَحْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ‏

را سبب نابوديم، قرار مده و از فضل و كرمت چيزى را كه بدون درخواست‏

ما لَمْ تَمْنَحْ بِهِ احَداً مِنْ غَيْرِ مَسْئَلَةٍ، انْتَ الْقَديمُ الْأَوَّلُ الَّذى‏ لَمْ تَزَلْ وَلا

به كسى نبخشيده‏اى بر من ببخش، تويى آن ازلى و اوّلى كه هميشه بوده‏

تَزالُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لى‏ وَارْحَمْنى‏ وَزَكِّ عَمَلى‏،

و خواهى بود، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا بيامرز و به من رحم كن و اعمالم را پاك گردان،

وَبارِكْ لى‏ فى‏ اجَلى‏، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ عُتَقآئِكَ وَطُلَقآئِكَ مِنَ النَّارِ،

و به عمرم بركت ده و مرا از آزادشدگان و رها شدگان از آتش دوزخ قرار ده‏

بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ‏\* آنگاه اعمال بَيْتُ الطَّشْتْ را بجا آور؛ يعنى دو ركعت نماز به بخشش و احسانت اى مهربان‏ترين مهربانان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخوان و بعد از سلام و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بگو: اللهُمَّ انّى‏ ذَخَرْتُ تَوْحيدى‏ ايَّاكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا من يگانه پرستى و معرفتم نسبت به تو

وَمَعْرِفَتى‏ بِكَ، وَاخْلاصى‏ لَكَ وَاقْرارى‏ بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَذَخَرْتُ وِلايَةَ مَنْ‏

و اخلاص و اقرارم به پروردگاريت را اندوخته و ذخيره كردم ولايت كسانى را كه به واسطه شناخت آنها

انْعَمْتَ عَلَىَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، لِيَوْمِ‏

از بين مخلوقاتت، به من نعمت دادى، (يعنى) محمّد و خاندانش- كه درود خدا بر آنها باد- براى روز

كليات مفاتيح نوين، ص: 326

فَزَعى‏ الَيْكَ عاجِلًا وَآجِلًا، وَقَدْ فَزِعْتُ الَيْكَ وَالَيْهِمْ يا مَوْلاىَ فى‏ هذَا

نيازم به تو در دنيا و آخرت، اى مولاى من، دراين روز و در اين جايگاه به تو

الْيَوْمِ، وَفى‏ مَوْقِفى‏ هذا، وَسَئَلْتُكَ سَعادَتى‏ مِنْ نِعْمَتِكَ، وَازاحَةَ ما

و آنان متوسّل مى‏شوم و از تو نعمت‏هاى پاكيزه ات و برطرف شدن ترس‏

اخْشاهُ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَالْبَرَكَةَ فيما رَزَقْتَنيهِ، وَتَحْصينَ صَدْرى‏ مِنْ كُلِ‏

از انتقامت و بركت در روزيم، و حفظ سينه‏ام از هر

هَمٍّ وَ جائِحَةٍ وَمَعْصِيَةٍ، فى‏ دينى‏ وَدُنْياىَ وَآخِرَتى‏ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ‏ غم و گرفتارى و گناه در دين و دنيا و آخرتم را مى‏خواهم، اى مهربان‏ترين مهربانان.

\* سپس به وسط مسجد مى‏روى و دو ركعت نماز مى‏خوانى در ركعت اوّل حمد با قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ و در ركعت دوم حمد و قُلْ يا ايُّهَا الْكافِرُونَ آنگاه پس از سلام‏وتسبيح زهرا عليها السلام بگو: اللهُمَّ انْتَ السَّلامُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا تويى سلامتى‏

وَمِنْكَ السَّلامُ، وَالَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ، وَدارُكَ دارُ السَّلامِ، حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ‏

و از جانب توست سلامتى و به سوى تو باز مى‏گردد سلامتى و درگاه توست جايگاه امنيّت و سلامتى اى پروردگار ما؛

بِالسَّلامِ، اللهُمَّ انّى‏ صَلَّيْتُ هذِهِ الصَّلاةَ ابْتِغآءَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ‏

با سلامتى از جانب خودت، ما را زنده بدار، خدايا اين نماز را براى بدست آوردن بخشش و احسان و خشنودى‏

وَمَغْفِرَتِكَ، وَتَعْظيماً لِمَسْجِدِكَ، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و آمرزشت و براى بزرگداشت مسجدت به جاى آوردم، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَارْفَعْها فى‏ عِلِّيّينَ، وَتَقَبَّلْها مِنّى‏ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[341]](#footnote-341)

و نمازم را به عالى‏ترين درجات بالا برده و از من بپذير اى مهربان‏ترين مهربانان.

يادآورى: محدّث بزرگوار مرحوم حاج شيخ عبّاس قمى رحمه الله مى‏گويد: اين مقام را دَكَّةُ الْمِعْراج گفته‏اند و ظاهراً به ملاحظه آن‏كه در شب معراج حضرت رسول صلى الله عليه و آله از حق تعالى رخصت طلبيد و در اين جا فرود آمده و دو ركعت نماز گذاشت كه در اوّل اين فصل گذشت.[[342]](#footnote-342)

كليات مفاتيح نوين، ص: 327

3- اعمال ستُون هفتم‏

(مقام ابراهيم خليل عليه السلام)

مقدّمه:

در فضيلت اين ستون احاديث بسيارى وارد شده، از آن جمله:

1- «شيخ كلينى» به سند معتبر روايت كرده كه اميرمؤمنان عليه السلام رو به اين ستون نماز مى‏خواند و نزديك آن مى‏ايستاد.[[343]](#footnote-343) 2- در روايت معتبر ديگرى وارد شده كه هر شب شصت هزار فرشته از آسمان نازل مى‏شوند و نزد ستون هفتم نماز مى‏گزارند.[[344]](#footnote-344) 3- در حديث معتبر سوّمى از امام صادق عليه السلام منقول است كه ستون هفتم مقام حضرت ابراهيم عليه السلام است.[[345]](#footnote-345) 4- «شيخ كلينى» در «كافى» به سند صحيح از ابواسماعيل سرّاج روايت كرده كه معاوية بن وَهَب دست مرا گرفت و گفت: ابوحمزه ثمالى دست مرا گرفت و گفت: اصبغ بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: كه اين ستون، مقام اميرمؤمنان عليه السلام است كه نزد آن نماز مى‏خواند و امام حسن عليه السلام در نزد ستون پنجم نماز بجا مى‏آورد و هرزمان اميرمؤمنان عليه السلام حضور نداشت امام حسن عليه السلام در جاى آن حضرت، نماز مى‏خواند.[[346]](#footnote-346) در هر حال مقابل اين ستون رو به قبله مى‏ايستى و مى‏گويى:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلى‏ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلا الهَ الَّا

به نام خدا و به يارى خدا و بر دين رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و معبودى جز

اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ ابينا آدَمَ وَامِّنا حَوَّآءَ، السَّلامُ عَلى‏

خدا نيست، محمّد فرستاده اوست، سلام و درود بر پدرمان آدم و مادرمان حوّا، سلام و درود بر

هابيلَ الْمَقْتُولِ ظُلْماً وَ عُدْواناً عَلى‏ مَواهِبِ اللَّهِ وَرِضْوانِهِ، السَّلامُ عَلى‏

هابيل كه از روى ظلم و دشمنى به خاطر نعمت‏هايى كه خدا به او داده و از او خشنود بود، كشته شد، سلام و درود بر

شَيْثٍ صَفْوَةِ اللَّهِ الْمُخْتارِ الْأَمينِ، وَعَلَى الصَّفْوَةِ الصَّادِقينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ‏

شيث برگزيده خدا و انتخاب شده امانتدار و بر برگزيدگان راست گفتار از نسل‏

الطَّيِّبينَ، اوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ، السَّلامُ عَلى‏ ابْرهيمَ وَ اسْمعيلَ، وَاسْحقَ‏

پاكش از ابتدا تا انتها، سلام و درود بر ابراهيم و اسماعيل، و اسحاق‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 328

وَيَعْقُوبَ، وَ عَلى‏ ذُرِّيَّتِهِمُ الْمُخْتارينَ، السَّلامُ عَلى‏ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ،

و يعقوب و بر نسل برگزيده ايشان، سلام و درود بر موسى كليم خدا

السَّلامُ عَلى‏ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمِ‏

سلام و درود بر عيسى روح خدا، سلام و درود بر محمّد بن عبداللَّه خاتم‏

النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىٍّ اميرِالْمُؤْمِنينَ، وَذُرِّيَّتِهِ الطَّيّبينَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ‏

پيامبران، سلام و درود بر امير مؤمنان و نسل پاكش و رحمت و بركات خدا

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ فِى الْأَوَّلينَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ فِى الْأخِرينَ،

بر او باد، سلام و درود بر شما در ميان آنها كه پيش از اين بوده و پس از اين خواهند بود،

السَّلامُ عَلى‏ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهادينَ، شُهَدآءِ اللَّهِ‏

سلام و درود بر فاطمه زهرا، سلام و درود بر پيشوايان هدايت‏گر و گواهان خدا

عَلى‏ خَلْقِهِ، السَّلامُ عَلَى الرَّقيبِ الشَّاهِدِ عَلَى الْامَمِ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

بر مخلوقاتش، سلام و درود بر مراقب و گواه بر امت‏ها از جانب پروردگار جهانيان.

بعد از آن نزد آن ستون، چهار ركعت نماز مى‏خوانى در ركعت اوّل حمد و

انَّا انْزَلْناهُ‏

و در ركعت دوم حمد و

قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ

و در ركعت سوم و چهارم نيز به همين گونه عمل مى‏كنى و چون نماز به پايان رسيد پس از تسبيح حضرت زهرا عليها السلام بگو:

اللهُمَّ انْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَانّى‏ قَدْ اطَعْتُكَ فِى الْإيمانِ مِنّى‏ بِكَ مَنّاً

خدايا اگر نافرمانيت كردم ولى در ايمان به تو اطاعتت نمودم كه اين منّتى از

مِنْكَ عَلَىَّ، لا مَنّاً مِنّى‏ عَلَيْكَ، وَاطَعْتُكَ فى‏ احَبِّ الْأَشْيآءِ لَكَ لَمْ اتَّخِذْ

ناحيه تو بر من است نه منّتى از من بر تو، و در مورد محبوب‏ترين اشيا نزد تو اطاعتت كردم و براى تو

لَكَ وَلَداً، وَلَمْ ادْعُ لَكَ شَريكاً، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فى‏ اشْيآءَ كَثيرَةٍ عَلى‏ غَيْرِ

فرزندى نگرفته و شريكى نخواندم و البتّه در بسيارى از امور نافرمانيت كردم ولى از روى‏

وَجْهِ الْمُكابَرَةِ لَكَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ،

گردن كشى و خارج شدن از بندگى و انكار پروردگاريت نبود،

وَلكِنِ اتَّبَعْتُ هَواىَ، وَازَلَّنِى الشَّيْطانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَىَّ وَالْبَيانِ، فَانْ‏

ليكن پيروى هواى نفس كردم و با وجود دليل و برهان آشكار، شيطان مرا به گناه انداخت، پس اگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 329

تُعَذِّبْنى‏ فَبِذُنُوبى‏ غَيْرُ ظالِمٍ لى‏، وَانْ تَعْفُ عَنّى‏ وَتَرْحَمْنى‏ فَبِجُودِكَ‏

مرا عذاب كنى به واسطه گناهان من است و تو ستمى نكرده‏اى، و اگر از من درگذرى و رحم كنى پس بواسطه بخشش‏

وَكَرَمِكَ يا كَريمُ، اللهُمَّ انَّ ذُنُوبى‏ لَمْ يَبْقَ لَها الَّا رَجآءُ عَفْوِكَ، وَقَدْ

و كرم توست اى (خداى) بزرگوار، خدايا براى گناهانم چاره‏اى جز اميد به عفوت باقى نمانده، در حالى كه‏

قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ، فَا نَا اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ ما لا اسْتَوْجِبُهُ، وَاطْلُبُ مِنْكَ ما

من اسباب محروميّت خود را از پيش فرستاده‏ام، پس خدايا چيزى را كه شايسته‏اش نيستم از تو مى‏خواهم و چيزى را كه‏

لا اسْتَحِقُّهُ، اللهُمَّ انْ تُعَذِّبْنى‏ فَبِذُنُوبى‏، وَلَمْ تَظْلِمْنى‏ شَيْئاً، وَانْ تَغْفِرْ لى‏،

سزاوارش نيستم از تو مى‏طلبم، خدايا اگر مرا عذاب كنى پس به واسطه گناهان من است و به من ظلمى نكرده‏اى و اگر مرا ببخشى‏

فَخَيْرُ راحِمٍ انْتَ يا سَيِّدى‏، اللَّهُمَّ انْتَ انْتَ، وَ ا نَا ا نَا، انْتَ الْعَوَّادُ

پس تو بهترين رحم كننده‏اى اى آقا و سرور من، خدايا تو آنى و من همان، تويى پيوسته‏

بِالْمَغْفِرَةِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ بِالذُّنُوبِ، وَانْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ

آمرزنده و منم همواره گناهكار، تويى احسان كننده به حلم و منم پيوسته‏

بِالْجَهْلِ، اللهُمَّ فَانّى‏ اسْئَلُكَ يا كَنْزَ الضُّعَفاءِ، يا عَظيمَ الرَّجآءِ، يا مُنْقِذَ

در جهل و نادانى، خدايا من از تو مى‏خواهم اى گنج ضعيفان، اى اميد بزرگ، اى نجات دهنده‏

الْغَرْقى‏، يا مُنْجِىَ الْهَلْكى‏، يا مُميتَ الْأَحْيآءِ، يا مُحْيِىَ الْمَوْتى‏، انْتَ اللَّهُ‏

غريقان، اى رهاننده محكومان به فنا، اى ميراننده زندگان، اى زنده كننده مردگان، تويى خدايى كه‏

لا الهَ الَّا انْتَ، انْتَ الَّذى‏ سَجَدَ لَكَ شُعاعُ الشَّمْسِ وَدَوِىُّ الْمآءِ،

معبودى جز تو نيست، تويى (خدايى) كه تعظيم كرد در برابرت نور خورشيد و خروش آب،

وَحَفيفُ الشَّجَرِ، وَنُورُ الْقَمَرِ، وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهارِ، وَخَفَقانُ‏

صداى برگ‏هاى درخت در هنگام وزيدن باد و روشنايى ماه و تاريكى شب، و روشنايى روز، و صداى بال زدن‏

الطَّيْرِ، فَاسْئَلُكَ اللَّهُمَّ يا عَظيمُ بِحَقِّكَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقينَ، وَبِحَقِ‏

پرنده، پس از تو مى‏خواهم اى خداى بزرگوار به حقّت بر محمّد و خاندان راست گفتارش، به حقّ‏

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقينَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلى‏ عَلِىٍّ، وَبِحَقِّ عَلِىٍّ عَلَيْكَ،

محمّد و خاندان راست گفتارش بر تو و به حق تو بر على و به حقّ على بر تو

وَبِحَقِّكَ عَلى‏ فاطِمَةَ، وَبِحَقِّ فاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ،

و به حقّ تو بر فاطمه و به حقّ فاطمه بر تو، و به حق تو بر حسن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 330

وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى‏الْحُسَيْنِ، وَبِحَقِ‏الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَانَ‏

و به حق حسن بر تو و به حق تو بر حسين و به حق حسين بر تو، كه همانا

حُقُوقَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ افْضَلِ انْعامِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَكَ عِنْدَهُمْ،

حقّ آنان بر تو از بهترين نعمت‏هاى تو به آنهاست و به شأن و منزلت تو نزد آنان‏

وَبِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ عَلَيْهِمْ يا رَبِّ صَلاةً دائِمَةً مُنْتَهى‏

و جايگاه آنها نزد تو، اى پروردگار من بر آنها درودى هميشگى فرست كه نهايت آن‏

رِضاكَ، وَاغْفِرْ لى‏ بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتى‏ بَيْنى‏ وَبَيْنَكَ، وَأرْضِ عَنِّى‏ خَلْقَكَ،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص330**

خشنودى تو باشد، و به واسطه آنها گناهانى كه بين من و تو واقع شده (و فقط تو از آن آگاهى) بيامرز و مخلوقاتت را (از من) خشنود گردان‏

وَاتْمِمْ عَلَىَّ نِعْمَتَكَ، كَمااتْمَمْتَها عَلى‏ آبائى‏ مِنْ قَبْلُ، وَلاتَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ‏

و نعمت‏هايت را بر من تمام گردان، همان گونه كه پيش از اين آن نعمتها را بر پدرانم تمام كردى، و منّت كسى از

الْمَخْلُوقينَ عَلَىَّ فيهَا امْتِناناً، وَامْنُنْ عَلَىَّ كَما مَنَنْتَ عَلى‏ آبائى‏ مِنْ‏

مخلوقاتت را در اين مورد بر من قرار مده، و بر من منّت گذار همان گونه كه بر پدرانم پيش از اين‏

قَبْلُ، يا كهيعص، اللهُمَّ كَما صَلَّيْتَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَاسْتَجِبْ لى‏

منّت گذاشتى، اى «كهيعص»، اى خدا همان گونه كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستادى، دعايم را در آنچه از تو

دُعآئى‏ فيما سَئَلْتُ، يا كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ\* سپس به سجده برو ودر سجده‏ خواستم اجابت كن، اى بزرگوار اى بزرگوار اى بزرگوار\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بگو: يا مَنْ يَقْدِرُ عَلى‏ حَوآئِجِ السَّآئِلينَ، وَيَعْلَمُ ما فى‏ ضَميرِ الصَّامِتينَ، يا

اى كسى كه بر اجابت خواسته‏هاى سؤال كنندگان توانايى و آنچه در دلِ لب فرو بستگان است مى‏دانى،

مَنْ لايَحْتاجُ الَى التَّفْسيرِ، يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِى‏

اى كسى كه به تفسير و توضيح نياز ندارى، اى كسى كه خيانت چشم‏ها و آنچه در سينه‏ها مخفى است‏

الصُّدُورُ، يا مَنْ انْزَلَ الْعَذابَ عَلى‏ قَوْمِ يُونُسَ وَهُوَ يُريدُ انْ يُعَذِّبَهُمْ،

را مى‏دانى، اى كسى كه عذاب را بر قوم يونس نازل كرد، وقتى كه مى‏خواست آنها عذاب شوند

فَدَعَوْهُ وَتَضَرَّعُوا الَيْهِ فَكَشَفَ عَنْهُمُ الْعَذابَ، وَمَتَّعَهُمْ الى‏ حينٍ، قَدْ تَرى‏

سپس دعا كرده و به درگاهش گريه و زارى كردند پس عذاب را از آنها برطرف كرد و تا مدّتى آنها را (از حيات) بهره‏مند ساخت، تو جايگاهم‏

مَكانى‏، وَتَسْمَعُ دُعآئى‏، وَتَعْلَمُ سِرّى‏ وَعَلانِيَتى‏ وَحالى‏، صَلِّ عَلى‏

را مى‏بينى و دعايم را مى‏شنوى، و نهان و آشكار و حال مرا مى‏دانى، بر محمّد و

كليات مفاتيح نوين، ص: 331

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنى‏ ما اهَمَّنى‏ مِنْ امْرِ دينى‏ وَدُنْياىَ وَآخِرَتى‏

خاندان پاكش درود فرست و آنچه كه از امور دين و دنيا و آخرت مرا غمگين ساخته، كفايت كن\* آنگاه هفتاد مرتبه بگو: يا سَيِّدى‏ سپس سر از سجده بردار و بگو: يا رَبِّ اسْئَلُكَ بَرَكةَ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى آقا و سرور من\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى پروردگار من از تو بركت‏

هذَاالْمَوْضِعِ وَبَرَكَةَاهْلِهِ، وَاسْئَلُكَ‏انْ‏تَرْزُقَنى‏ مِنْ رِزْقِكَ رِزْقاًحَلالًاطَيِّباً،

اين مكان واهلش را خواهانم و از تو روزى حلال و پاكيزه‏ات را مى‏خواهم‏

تَسُوقُهُ الَىَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَ ا نَا خآئِضٌ فى‏ عافِيَةٍ يا ارْحَمَ‏الرَّاحِمينَ.[[347]](#footnote-347)

كه به پناه و قدرتت به سويم فرستى در حالى كه من در صحّت و سلامتى غوطه‏ورم اى مهربانترين مهربانان.

يادآورى: در حديثى از ابوحمزه ثمالى نقل شده: روزى در مسجد كوفه نشسته بودم كه شخص خوشرو، خوشبو و پاك جامه‏اى وارد مسجد شد و نزد ستون هفتم ايستاد و براى نماز تكبير گفت، تكبيرى كه از شنيدن آن، مو بر بدن من راست شد، آنگاه چهار ركعت نماز (هر دو ركعت به يك سلام) بجاى آورد و اين دعا را خواند:

الهى‏ انْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَقَدْ اطَعْتُكَ فى‏ احَبِّ الْأَشْيآءِ الَيْكَ، لَمْ‏

خدايا اگر نافرمانيت كردم امّا در محبوب‏ترين اشيا نزد تو اطاعتت نمودم و براى‏

اتَّخِذْ لَكَ وَلَداً، وَلَمْ ادْعُ لَكَ شَريكاً، وَقَدْ عَصيتُكَ فى‏ اشْيآءَ كَثيرَةٍ عَلى‏

تو فرزندى نگرفته و شريكى نخواندم، و البتّه در بسيارى از امور تو را نافرمانى كردم‏

غَيْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ لَكَ، وَلَا الْاسْتِكْبارِ عَنْ عِبادَتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ

ولى از روى گردن كشى و روى گرداندن از عبادت و انكار

لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ الْعُبُودِيَّةِ لَكَ، وَلكِنِ اتَّبَعْتُ هَواىَ، وَ ازَلَّنِى‏

پروردگارى و خارج شدن از بندگى‏ات نبود، ليكن پيروى هواى نفس كردم، و با وجود دليل و برهان آشكار،

الشَّيْطانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبَيانِ، فَانْ تُعَذِّبْنى‏ فَبِذُنُوبى‏ غَيْرُ ظالِمٍ انْتَ لى‏،

شيطان مرا به گناه انداخت، پس اگر مرا عذاب كنى به واسطه گناهان من است و تو ستمى نكرده‏اى‏

وَانْ تَعْفُ عَنّى‏ وَتَرْحَمْنى‏ فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يا كَريمُ.

و اگر از من درگذرى و رحم كنى پس بواسطه بخشش و كرم توست اى (خداى) بزرگوار.

كليات مفاتيح نوين، ص: 332

سپس به سجده رفت و مكرّر

«يا كَريمُ»

گفت. آنگاه چنين گفت:

يا مَنْ يَقْدِرُ عَلى‏ حَوائِجِ السَّائِلينَ ...

تا آخر دعايى كه در صفحه قبل آمد (و به‏

آخرتى‏

ختم مى‏شود). آنگاه هفتاد مرتبه‏

يا سيّدى‏

گفت. هنگامى كه سر از سجده برداشت خوب نگاه كردم ديدم حضرت امام زين العابدين عليه السلام است، دست راستش را بوسيدم و عرض كردم براى چه اين‏جا آمديد؟ فرمود: براى همين اعمال كه ديديد.[[348]](#footnote-348)

4- اعمال ستون پنجم‏

(مقام جبرئيل عليه السلام)

مقدّمه:

از جمله قسمت‏هاى پرفضيلت مسجد كوفه، ستون پنجم است كه شايسته است نزد آن نماز خواند و حاجات خود را از حق‏تعالى طلب نمود زيرا كه در روايات معتبر وارد شده است كه محلّ نماز حضرت ابراهيم خليل الرّحمان عليه السلام بوده است‏[[349]](#footnote-349) و اين روايت، منافات با روايات ديگر كه مقام حضرت ابراهيم عليه السلام را ستون هفتم مى‏داند ندارد؛ زيرا ممكن است آن حضرت در همه اين جايگاهها نماز بجا آورده باشد، و در حديثى از حضرت امام صادق عليه السلام آمده است كه ستون پنجم مقام جبرئيل عليه السلام است‏[[350]](#footnote-350) چنان كه در روايتى از ابواسماعيل آمده است كه مقام امام حسن عليه السلام است.[[351]](#footnote-351) به هر حال، نزد اين ستون نيز دو ركعت نماز مى‏خوانى با حمد و هر سوره‏اى كه خواهى و پس از سلام و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام مى‏گويى:

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِجَميعِ اسْمآئِكَ كُلِّها، ما عَلِمْنا مِنْها وَما لا نَعْلَمُ،

خدايا به حقّ تمامى نام‏هاى مباركت- چه آنها كه مى‏دانيم و چه آنها كه نمى‏دانيم- از تو مى‏خواهم‏

وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ الْكَبيرِ الْأَكْبَرِ، الَّذى‏ مَنْ دَعاكَ بِهِ‏

و به حقّ با عظمت‏ترين و بزرگترين نامت كه به واسطه آن نام آن كس كه تو را خواند

اجَبْتَهُ، وَمَنْ سَئَلَكَ بِهِ اعْطَيْتَهُ، وَمَنِ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ، وَمَنِ اسْتَغْفَرَكَ‏

پاسخش دادى و آن كس كه از تو چيزى خواست عطايش كردى و آن كس كه از تو يارى طلبيد ياريش نمودى، و آن كس كه از تو آمرزش طلبيد

بِهِ غَفَرْتَ لَهُ، وَمَنِ اسْتَعانَكَ بِهِ اعَنْتَهُ، وَمَنِ اسْتَرْزَقَكَ بِهِ رَزَقْتَهُ، وَمَنِ‏

او را آمرزيدى و آن كس كه از تو كمك خواست كمكش نمودى و آن كس كه از تو طلب روزى كرد روزيش دادى، و آن كس كه‏

اسْتَغاثَكَ بِهِ اغَثْتَهُ، وَمَنِ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ، وَ مَنِ اسْتَجارَكَ بِهِ‏

تو را به فريادرسى خواند به فريادش رسيدى و آن كس كه از تو رحمت طلبيد به او ترحّم كردى، و آن كس كه از تو پناه طلبيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 333

اجَرْتَهُ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهِ كَفَيْتَهُ، وَمَنِ اسْتَعْصَمَكَ بِهِ عَصَمْتَهُ، وَمَنِ‏

پناهش دادى، و آن كس كه به تو توكّل كرد كفايتش كردى، و آن كس كه از تو دورى از گناه طلبيد حفظش نمودى و آن كس كه‏

اسْتَنْقَذَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ انْقَذْتَهُ، وَمَنِ اسْتَعْطَفَكَ بِهِ تَعَطَّفْتَ لَهُ، وَمَنْ امَّلَكَ بِهِ‏

از تو نجات از آتش طلبيد، نجاتش دادى، و آن كس كه از تو مهربانى خواست مورد لطفش قرار دادى و آن كس كه از تو آرزويى طلبيد

اعْطَيْتَهُ، الَّذِى اتَّخَذْتَ بِهِ آدَمَ صَفِيّاً، وَنُوحاً نَجِيّاً، وَابْرهيمَ خَليلًا،

عطايش كردى، نامى كه به واسطه آن آدم را بنده برگزيده خود، و نوح را نجات يافته و ابراهيم را خليل‏

وَمُوسى‏ كَليماً، وَعيسى‏ رُوحاً، وَمُحَمَّداً حَبيباً، وَعَلِيّاً وَصِيّاً، صَلَّى اللَّهُ‏

و موسى را كليم و عيسى را روح و محمّد را حبيب و على را وصىّ خود قرار دادى، درود خدا

عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، انْ تَقْضِىَ لى‏ حَوآئِجى‏، وَ تَعْفُوَ عَمَّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبى‏،

بر همه آنان باد، (به حقّ آن نام) حاجت‏هايم را برآور، و از گناهان سابقم درگذر،

وَتَتَفَضَّلَ عَلَىَّ بِما انْتَ اهْلُهُ، وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ لِلدُّنْيا

و به آنچه كه تو شايسته آنى بر من و همه مردان و زنان با ايمان در دنيا

وَالْأخِرَةِ، يا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمَهْمُومينَ، وَيا غِياثَ الْمَلْهُوفينَ، لا الهَ الَّا

و آخرت احسان نما، اى دفع كننده اندوه اندوهگينان، و اى فريادرس ستمديدگان معبودى جز

انْتَ، سُبْحانَكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.[[352]](#footnote-352)

تو نيست، تو را تسبيح مى‏كنم اى پروردگار جهانيان.

5- اعمال ستون سوم‏

(مقام امام زين العابدين عليه السلام)

آنگاه به سوى جايگاه امام زين‏العابدين عليه السلام مى‏روى كه در نزد ستون سوم قرار گرفته است. در اين مكان نيز دو ركعت نماز با حمد و هر سوره كه خواستى مى‏خوانى و پس از سلام و تسبيح حضرت زهرا عليها السلام مى‏گويى:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، اللهُمَّ انَّ ذُنُوبى‏ قَدْ كَثُرَتْ، وَلَمْ يَبْقَ لَها الَّا

به نام خداى بخشنده مهربان، خدايا گناهانم بسيار است و براى گناهانم جز اميد بخشش تو

رَجآءُ عَفْوِكَ، وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ الَيْكَ، فَا نَا اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ ما لا

چاره‏اى نمانده، و سبب محروميّت خود را به درگاهت پيش فرستادم، خدايا چيزى را كه شايسته‏اش نيستم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 334

اسْتَوْجِبُهُ، وَاطْلُبُ مِنْكَ ما لا اسْتَحِقُّهُ، اللهُمَّ انْ تُعَذِّبْنى‏ فَبِذُنُوبى‏، وَلَمْ‏

از تو مى‏خواهم، و چيزى را كه سزاوارش نيستم از تو مى‏طلبم، خدايا اگر عذابم كنى به واسطه گناهان من است و تو

تَظْلِمْنى‏ شَيْئاً، وَانْ تَغْفِرْ لى‏، فَخَيْرُ راحِمٍ انْتَ يا سَيِّدى‏، اللهُمَّ انْتَ انْتَ،

ظلمى نكرده‏اى، و اگر از من درگذرى پس اى آقاى من تو بهترين رحم كننده‏اى، خدايا تو آنى‏

وَ ا نَا ا نَا، انْتَ الْعَوَّادُ بِالْمِغْفِرَةِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ بِالذُّنُوبِ، وَانْتَ الْمُتَفَضِّلُ‏

و من همان، تويى پيوسته آمرزنده و منم همواره گناهكار، و تويى احسان كننده‏

بِالْحِلْمِ، وَ ا نَا الْعَوَّادُ بِالْجَهْلِ، اللهُمَّ فَانّى‏ اسْئَلُكَ يا كَنْزَ الضُّعَفآءِ، يا

به حلم و منم پيوسته در جهل و نادانى، خدايا از تو مى‏خواهم اى گنج ضعيفان، اى‏

عَظيمَ الرَّجآءِ، يا مُنْقِذَ الْغَرْقى‏، يا مُنْجِىَ الْهَلْكى‏، يا مُميتَ الْأَحْيآءِ، يا

اميد بزرگ، اى نجات دهنده غريقان، اى رهاننده محكومان به فنا، اى ميراننده زندگان، اى‏

مُحْيِىَ الْمَوْتى‏، انْتَ اللَّهُ الَّذى‏ لا الهَ الَّا انْتَ، انْتَ الَّذى‏ سَجَدَ لَكَ شُعاعُ‏

زنده كننده مردگان، تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، تويى (خدايى) كه تعظيم كرد در برابرت نور

الشَّمْسِ، وَنُورُ الْقَمَرِ، وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ، وَضَوْءُ النَّهارِ، وَ خَفَقانُ الطَّيْرِ،

خورشيد و روشنايى ماه، و تاريكى شب و روشنايى روز، و صداى بال زدن پرندگان،

فَاسْئَلُكَ اللَّهُمَّ يا عَظيمُ، بِحَقِّكَ يا كَريمُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقينَ،

پس از تو مى‏خواهم اى خداى با عظمت و اى بخشنده، به حقّ تو بر محمّد و خاندان راست گفتارش،

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقينَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلى‏ عَلِىٍّ، وَبِحَقِّ عَلِىٍ‏

و به حقّ محمّد و خاندان راست گفتارش بر تو و به حقّ تو بر على و به حقّ على‏

عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلى‏ فاطِمَةَ، وَبِحَقِّ فاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى‏

بر تو و به حقّ تو بر فاطمه و به حقّ فاطمه بر تو و به حقّ تو بر

الْحَسَنِ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ‏

حسن و به حق حسن بر تو و به حقّ تو بر حسين و به حقّ حسين‏

عَلَيْكَ، فَانَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ افْضَلِ انْعامِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَكَ‏

بر تو كه همانا حقوق آنها بر تو از بهترين نعمت‏هاى تو به آنان است و به شأن و منزلت تو

عِنْدَهُمْ، وَبِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ يا رَبِّ عَلَيْهِمْ صَلاةً دآئِمَةً

نزد آنان و جايگاهشان نزد تو، اى پروردگار من، بر آنان درودى هميشگى فرست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 335

مُنْتَهى‏ رِضاكَ، وَاغْفِرْ لى‏ بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتى‏ بَيْنى‏ وَبَيْنَكَ، وَاتْمِمْ نِعْمَتَكَ‏

كه نهايت آن خشنودى تو باشد و به واسطه آنها گناهانى كه بين من و تو واقع شده (و فقط تو از آن آگاهى) بيامرز و نعمت هايت را

عَلَىَّ كَما اتْمَمْتَها عَلى‏ آبائى‏ مِنْ قَبْلُ، يا كهيعص، اللهُمَّ كَما صَلَّيْتَ‏

بر من تمام گردان همان گونه كه پيش از اين بر پدرانم تمام كردى، اى «كهيعص»، اى خدا همان گونه كه‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَاسْتَجِبْ لى‏ دُعآئى‏ فيما سَئَلْتُكَ.

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستادى دعايم را در آنچه كه از تو خواستم اجابت كن.

سپس به سجده برو و طرف راست صورت را بر سجده‏گاه بگذار و بگو:

ياسَيِّدى‏ يا سَيِّدى‏ يا سَيِّدى‏، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لى‏.

اى آقا و سرور من، اى آقا و سرور من، اى آقا و سرور من، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا بيامرز.

و بسيار اين كلمه را با خشوع بگو. آنگاه طرف چپ صورت را بر سجده‏گاه بگذار و همان دعا را بخوان.

بعد از آن هر حاجتى دارى از خدا بخواه.[[353]](#footnote-353)

6- اعمال باب الفَرَج‏

(معروف به مقام نوح عليه السلام)

پس از پايان اعمال ستون سوم به سراغ دكّه باب اميرالمؤمنين عليه السلام كه امروزه به مقام نوح عليه السلام در آن‏جا معروف است برو و چهار ركعت نماز (هر دو ركعت يك سلام) با حمد و هر سوره‏اى كه مى‏خواهى، بخوان و پس از تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بگو:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حاجَتى‏ يا اللَّهُ، يا مَنْ لا

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و حاجتم را بر آور اى خدا، اى كسى كه‏

يَخيبُ سآئِلُهُ، وَلا يَنْفَدُ نائِلُهُ، يا قاضِىَ الْحاجاتِ، يا مُجيبَ الدَّعَواتِ،

درخواست كننده‏اش نااميد نشود، و بخشش او تمام نگردد، اى برآورنده حاجت‏ها، اى اجابت كننده دعاها،

يا رَبَّ الْأَرَضينَ وَالسَّمواتِ، يا كاشِفَ الْكُرُباتِ، يا واسِعَ الْعَطِيّاتِ، يا

اى پروردگار زمين و آسمان‏ها، اى برطرف كننده گرفتارى‏ها، اى بخشش گستر، اى‏

دافِعَ النَّقِماتِ، يا مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ حَسَناتٍ، عُدْ عَلَىَّ بِطَوْلِكَ وَفَضْلِكَ‏

دفع كننده مصيبت‏ها، اى تبديل كننده بدى‏ها به خوبى‏ها، به توانايى و بخشش و احسانت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 336

وَاحْسانِكَ، وَاسْتَجِبْ دُعآئى‏ فيما سَئَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ، بِحَقِّ نَبِيِّكَ‏

به من رو كن، و دعايم را در آنچه از تو خواسته و طلب نمودم اجابت فرما، به حقّ پيامبر

وَوَصِيِّكَ وَاوْلِيآئِكَ الصَّالِحينَ.

و وصى و اولياى صالحت.\*\*\*\*\*\*\*\*\*

و نيز دو ركعت نماز ديگر بخوان و پس از سلام و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بگو: اللهُمَّ انّى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* بار خدايا به خاطر

حَلَلْتُ بِساحَتِكَ لِعِلْمى‏ بِوَحْدانِيَّتِكَ وَصَمَدانِيَّتِكَ، وَ انَّهُ لا قادِرَ عَلى‏

علمم به يگانگى و بى نيازيت به درگاهت آمده‏ام، و جز تو كسى قادر نيست‏

قَضاءِ حاجَتى‏ غَيْرُكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ يا رَبِّ انَّهُ كُلَّما شاهَدْتُ نِعْمَتَكَ عَلَىَّ،

حاجتم را برآورد و اى پروردگار من به خوبى دريافته‏ام كه هر چه نعمت‏هايت را بر خود مشاهده مى‏كنم،

اشْتَدَّتْ فاقَتى‏ الَيْكَ، وَقَدْ طَرَقَنى‏ يا رَبِّ مِنْ مُهِمِّ امْرى‏ ما قَدْ عَرَفْتَهُ،

احتياجم به تو بيشتر مى‏شود و اى پروردگار من پيش آمد مهمى بر سرم آمده كه تو از آن آگاهى،

لِأَنَّكَ عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ، وَاسْئَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذى‏ وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمواتِ‏

چرا كه تو داناى بدون تعليمى، و از تو مى‏خواهم به حقّ نامت كه نهادى آن را بر آسمان‏ها

فَانْشَقَّتْ، وَعَلَى الْأَرَضينَ فَانْبَسَطَتْ، وَعَلَى النُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ، وَعَلَى‏

پس شكافته شد و بر زمين‏ها پس گسترده شد، و بر ستارگان پس پراكنده شد و بر

الْجِبالِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَاسْئَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذى‏ جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِىٍّ،

كوه‏ها پس استقرار يافت و از تو مى‏خواهم به حقّ نامت كه نزد محمّد و على‏

وَعِنْدَ الْحَسَنِ وَعِنْدَ الْحُسَيْنِ، وَعِنْدَ الْأَئِمَّةَ كُلِّهِمْ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ‏

و حسن و حسين و تمامى امامان- كه درود خدا بر آنها باد- (به امانت)

اجْمَعينَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَقْضِىَ لى‏ يا رَبِ‏

نهادى بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و اى پروردگار من حاجتم را

حاجَتى‏، وَتُيَسِّرَ عَسيرَها، وَتَكْفِيَنى‏ مُهِمَّها، وَتَفْتَحَ لى‏ قُفْلَها، فَانْ فَعَلْتَ‏

برآور، و دشواريش را آسان گردان و مهمّ آن را كفايت كن، و قفل آن را بگشا، پس اگر چنين كردى‏

ذلِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَانْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ، غَيْرُ جائِرٍ فى‏ حُكْمِكَ، وَلا

ستايش مخصوص توست و اگر چنين نكنى (باز هم) ستايش از آنِ توست، كه در فرمانت ستم نكرده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 337

حآئِفٍ فى‏ عَدْلِكَ\* پس طرف راست صورت را بر سجده‏گاه بگذار و بگو: اللَّهُمَّ انَّ يُونُسَ‏

و از عدالت دور نگشته‏اى\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بنده و پيامبرت‏

بْنَ مَتّى‏ عَلَيْهِ السَّلامُ عَبْدَكَ وَنَبِيَّكَ، دَعاكَ فى‏ بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ‏

يونس بن مَتّى (ع) در شكم ماهى تو را خواند و تو پاسخش دادى‏

لَهُ، وَ ا نَا ادْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لى‏ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و من تو را مى‏خوانم، پس به حقّ محمّد و خاندان پاكش (دعايم را) مستجاب كن.

آنگاه آنچه را دوست دارى، از خدا بخواه. سپس طرف چپ را بگذار و بگو:

اللهُمَّ انَّكَ امَرْتَ بِالدُّعآءِ، وَتَكَفَّلْتَ بِالْإِجابَةِ، وَ انَا ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏،

خدايا به دعا امر فرموده و اجابتش را بر عهده گرفتى و من تو را مى‏خوانم، همان گونه كه امر فرمودى،

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏ يا كَريمُ\* آنگاه‏ پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و همان‏گونه كه وعده فرمودى دعايم را اجابت كن، اى بزرگوار\*\*\*\*

پيشانى را بر محل سجده بگذار و بگو: يامُعِزَّ كُلِّ ذَليلٍ، وَيا مُذِلَّ كُلِّ عَزيزٍ، تَعْلَمُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى عزّت‏بخش هر خوار، اى خواركننده هر عزيز، گرفتاريم را

كُرْبَتى‏، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّجْ عَنّى‏ يا كَريمُ\* آنگاه اگر خواستى چهار مى‏دانى، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و (گرفتاريم) را برطرف كن، اى بزرگوار.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ركعت نماز ديگر براى برآورده شدن حاجت بجا آور و پس ازسلام و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بگو:

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ يا مَنْ لا تَراهُ الْعُيُونُ، وَلاتُحيطُ بِهِ الظُّنُونُ، وَلايَصِفُهُ‏

خدايا از تو مى‏خواهم اى كسى كه ديده‏ها تو را نبيند و اوهام به كنه ذاتت نرسند و توصيف كنندگان‏

الْواصِفُونَ، وَلا تُغَيِّرُهُ الْحَوادِثُ، وَلا تُفْنيهِ الدُّهُورُ، تَعْلَمُ مَثاقيلَ الْجِبالِ،

نتوانند توصيفت كنند و پيش آمدها تغييرت ندهد و روزگار نابودت نكند، سنگينى كوه‏ها،

وَمَكائيلَ الْبِحارِ، وَوَرَقَ الْأَشْجارِ، وَرَمْلَ الْقِفارِ، وَما اضآئَتْ بِهِ‏

پيمانه درياها، عدد برگ‏هاى درختان و شن‏هاى صحراها، و آنچه كه‏

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَاظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ، وَوَضَحَ عَلَيْهِ النَّهارُ، وَ لا تُوارى‏

خورشيد و ماه بر آن تابيده، و تاريكى شب آن را فرا گرفته، و روز آن را آشكار مى‏كند (همه را) مى‏دانى، [و] مِنْكَ سَمآءٌ سَمآءً، وَلا ارْضٌ ارْضاً، وَلا جَبَلٌ ما فى‏ اصْلِهِ، وَلا بَحْرٌ ما

آسمانى، آسمان ديگر و زمينى، زمين ديگر را از تو پنهان نكند و نه كوهى آنچه را كه در دل خود دارد و نه دريايى آنچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 338

فى‏ قَعْرِهِ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ خَيْرَ

را كه در اعماقش دارد (از تو پنهان نكند). از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى، و بهترين كارِ مرا

امْرى‏ آخِرَهُ، وَخَيْرَ اعْمالى‏ خَواتيمَها، وَخَيْرَ ايَّامى‏ يَوْمَ الْقاكَ، انَّكَ عَلى‏

در انتهاى آن و بهترين اعمالم را در خاتمه آن و بهترين روزهايم را روز ديدارت قرار دهى، كه تو بر

كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ مَنْ ارادَنى‏ بِسُوءٍ فَارِدْهُ، وَمَنْ كادَنى‏ فَكِدْهُ، وَمَنْ‏

هر كار توانايى، خدايا هركس بد مرا خواهد به خودش بازگردان و هركس با من حيله كند به تدبير خويش دچارش كن و هركس‏

بَغانى‏ بِهَلَكَةٍ فَاهْلِكْهُ، وَاكْفِنى‏ ما اهَمَّنى‏ مِمَّنْ دَخَلَ هَمُّهُ عَلَىَّ، اللَّهُمَ‏

به دشمنى و عداوت نابودى مرا خواهد، نابودش كن و اندوهى كه به واسطه اندوه ديگران بر من وارد شده برطرف كن، خدايا

ادْخِلْنى‏ فى‏ دِرْعِكَ الْحَصينَةِ، وَاسْتُرْنى‏ بِسِتْرِكَ الْواقى‏، يا مَنْ يَكْفى‏ مِنْ‏

مرا در زره محكمت‏ [/ پناهت‏] داخل كن، و با پوشش نگهدارنده‏ات بپوشان، اى كفايت كننده از

كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَلا يَكْفى‏ مِنْهُ شَىْ‏ءٌ، اكْفِنى‏ ما اهَمَّنى‏ مِنْ امْرِ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ،

هر چيز كه چيزى از او كفايت نكند، اندوه امور دنيا و آخرتم را برطرف كن،

وَصَدِّقْ قَوْلى‏ وَفِعْلى‏، ياشَفيقُ يا رَفيقُ، فَرِّجْ عَنِّى الْمَضيقَ، وَلا

گفتار و كردارم را بپذير، اى مهربان و اى ياور، تنگناهاى (زندگيم) را بگشا و

تُحَمِّلْنى‏ ما لا اطيقُ، اللهُمَّ احْرُسْنى‏ بِعَيْنِكَ الَّتى‏ لاتَنامُ، وَارْحَمْنى‏

آنچه كه تحمّلش را ندارم بر من تحميل مكن، خدايا با ديده‏ات كه خواب ندارد مرا حفظ كن،

بِقُدْرَتِكَ عَلَىَّ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا عَلِىُّ يا عَظيمُ، انْتَ عالِمٌ بِحاجَتى‏،

و به قدرتت بر من رحم كن، اى مهربانترين مهربانان، اى برتر و اى با عظمت، تو حاجتم را

وَعَلى‏ قَضآئِها قَديرٌ، وَهِىَ لَدَيْكَ يَسيرٌ، وَ ا نَا الَيْكَ فَقيرٌ، فَمُنَّ عَلَىَّ بِها يا

و بر برآوردنش توانايى و بر تو آسان است، و من به تو نيازمندم، پس به سبب برآوردن حاجتم بر من منّت گذار اى‏

كَريمُ، انَّكَ عَلى‏كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ\* آنگاه به سجده مى‏روى و مى‏گويى: الهى‏ قَدْ

بزرگوار، كه تو بر هر چيز توانايى.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا

عَلِمْتَ حَوائِجى‏، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَاقْضِها، وَقَدْ احْصَيْتَ ذُنُوبى‏،

حاجت هايم را مى‏دانى، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و آنها را برآور. به عدد گناهانم آگاهى،

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرها يا كَريمُ\* بعد از آن‏طرف راست صورت را بگذار و پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و گناهانم را بيامرز اى بزرگوار\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 339

بگو: انْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، افْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا

اگر من بنده‏اى بدم، تو نيكو پروردگارى، آنچه تو شايسته آنى در حقّ من انجام ده، نه‏

تَفْعَلْ بى‏ ما انَا اهْلُهُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ\* آنگاه طرف چپ صورت رابگذار و بگو:

آنچه كه من شايسته آنم، اى مهربانترين مهربانان‏

اللهُمَّ انْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ ياكَريمُ‏

خدايا اگر گناه بنده‏ات بزرگ است، عفو و بخشش از ناحيه تو نيكوست، اى بزرگوار،

\* سپس پيشانى را مى‏گذارى و مى‏گويى: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ، وَ اسْتَكانَ وَ اعْتَرَفَ.[[354]](#footnote-354)

بر كسى كه بدى كرده و دست به گناه زده و درمانده شده و به آن اعتراف دارد رحم كن.

7- اعمال محراب اميرالمؤمنين عليه السلام و مناجات آن حضرت‏

آنگاه نزد محراب اميرمؤمنان عليه السلام، همان مكانى كه آن حضرت را ضربت زدند مى‏روى و دو ركعت نماز مى‏خوانى و پس از تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام مى‏گويى:

يا مَنْ اظْهَرَ الْجَميلَ، وَسَتَرَ الْقَبيحَ، يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ‏

اى كسى كه زيبايى را آشكار نموده و زشتى را پوشانيد، اى كسى كه بر گناه مؤاخذه نكرده و پرده آبرو را

السِّتْرَ وَالسَّريرَةَ، ياعَظيمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا

ندريده و راز باطن را آشكار نكرد، اى صاحب عفو بزرگ، اى نيكو گذشت، اى گسترده آمرزش، اى‏

باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوى‏، يا مُنْتَهى‏ كُلِّ شَكْوى‏، يا

گشاينده دست به رحمت، اى آگاه از هر گفتگوى پنهانى، اى مرجع نهايى هر شكايت، اى‏

كَريمَ الْصَّفْحِ، يا عَظيمَ الرَّجآءِ، يا سَيِّدى‏ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

چشم پوش بزرگوار، اى اميد بزرگ، اى آقا و سرور من، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ يا كَريمُ‏[[355]](#footnote-355)\* و مناسب است در آن مكان مناجات معروف آن‏حضرت را و آنچه تو شايسته آنى در مورد من انجام ده، اى بزرگوار.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بخوانى: اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ لا يَنْفَعُ مالٌ وَلا بَنُونَ، الَّا مَنْ اتَى‏اللَّهَ‏

\*\*\*\*\* خدايا از تو امان مى‏خواهم براى روزى كه مال و فرزندان سودى ندهد مگر كسى كه با دلى پاك‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 340

بِقَلْبٍ سَليمٍ، وَاسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلى‏ يَدَيْهِ، يَقُولُ يا لَيْتَنِى‏

در پيشگاه خدا حاضر شود، و از تو امان مى‏خواهم در آن روزى كه ظالم هر دو دستش را گزيده و مى‏گويد: اى كاش‏

اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبيلًا، وَاسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ‏

همراه پيامبر راهِ (اطاعت) در پيش گرفته بودم، و از تو امان مى‏خواهم در روزى كه گناهكاران از چهره‏شان‏

بِسيماهُمْ، فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصى‏ وَالْأَقْدامِ، وَاسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ لا يَجْزى‏

شناخته مى‏شوند و (مأموران عذاب) موهاى پيش سر و پاهايشان را گرفته (و به دوزخ مى‏افكنند)، و از تو امان مى‏خواهم (در روزى كه)

والِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلا مَوْلُودٌ هُوَ جازٍ عَنْ والِدِهِ شَيْئاً، انَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ،

پدرى به جاى فرزند و فرزندى به جاى پدر كيفر نشود، و به يقين وعده خدا حقّ است،

وَاسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ لا يَنْفَعُ الظَّالِمينَ مَعْذِرَتُهُمْ، وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ

و از تو امان مى‏خواهم در روزى كه عذر خواهى ستمكاران سودى ندهد، و لعنت خدا و جايگاه بد (در دوزخ)

الدَّارِ، وَاسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ لا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئاً، وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ للَّهِ،

براى آنان است، و از تو امان مى‏خواهم در روزى كه كسى قدرت بر ديگرى ندارد و كارها در آن روز به دست خداوند است،

وَاسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اخيهِ، وَامِّهِ وَابيهِ، وَصاحِبَتِهِ وَبَنيهِ،

و از تو امان مى‏خواهم در روزى كه انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندانش فرار مى‏كند

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنيهِ، وَاسْئَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ

و در آن روز هركس به كار خويش مشغول است، و از تو امان مى‏خواهم در روزى كه گناهكار دوست دارد

يَفْتَدى‏ مِنْ عَذابِ يَوْمَئِذٍ بِبَنيهِ، وَصاحِبَتِهِ وَاخيهِ، وَفَصيلَتِهِ الَّتى‏ تُؤْويهِ،

كه فرزندان و همسر و برادر و قبيله‏اش كه (در دنيا) حامى او بودند و همه مردم روى زمين را در برابر عذاب آن روز

وَ مَنْ فِى الْأَرْضِ جَميعاً ثُمَّ يُنْجيهِ، كَلَّا انَّها لَظى‏، نَزَّاعَةً لِلشَّوى‏، مَوْلاىَ‏

فدا كند تا مايه نجاتش گردند، امّا هرگز (نجات نخواهد يافت، آرى) شعله‏هاى سوزان آتش است كه دست و پا و پوست و سر را مى‏كند و مى‏بَرد، مولاى من،

يامَوْلاىَ، انْتَ الْمَوْلى‏ وَ انَا الْعَبْدُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ الَّا الْمَوْلى‏، مَوْلاىَ‏

اى مولاى من، تويى مولا و منم بنده، و آيا كسى جز مولا بر بنده‏اش رحم مى‏كند؟ مولاى من،

يا مَوْلاىَ، انْتَ الْمالِكُ وَ ا نَا الْمَمْلُوكُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ الَّا الْمالِكُ،

اى مولاى من، تويى مالك و منم، مملوك، و آيا كسى جز مالك بر مملوك رحم مى‏كند؟

مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْعَزيزُ وَ ا نَا الذَّليلُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّليلَ الَّا

مولاى من، اى مولاى من، تويى گرامى و منم افتاده، و آيا كسى جز گرامى بر ذليلِ خوار

كليات مفاتيح نوين، ص: 341

الْعَزيزُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْخالِقُ وَ ا نَا الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ‏

رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى آفريننده و منم آفريده شده، و آيا كسى جز آفريننده‏

الْمَخْلُوقَ الَّا الْخالِقُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْعَظيمُ وَ ا نَا الْحَقيرُ، وَهَلْ‏

بر مخلوقش رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى بزرگ و منم بى مقدار، و آيا كسى‏

يَرْحَمُ الْحَقيرَ الَّا الْعَظيمُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْقَوِىُّ وَ ا نَا الضَّعيفُ،

جز (خداى) بزرگ بر (بنده) بى مقدار رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى توانا و منم ناتوان،

وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعيفَ الَّا الْقَوِىُّ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْغَنِىُّ وَ ا نَا

و آيا كسى جز توانا بر ناتوان رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى بى نياز و منم‏

الْفَقيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقيرَ الَّا الْغَنِىُّ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْمُعْطى‏ وَانَا

نيازمند، و آيا كسى جز بى‏نياز بر نيازمند رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى عطا كننده و منم‏

السَّآئِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ السَّآئِلَ الَّا الْمُعْطى‏، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْحَىُ‏

محتاج، و آيا كسى جز عطا كننده بر محتاج رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى زنده‏

وَا نَا الْمَيِّتُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ الَّا الْحَىُّ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْباقى‏

و منم مرده، و آيا كسى جز زنده ابدى بر مرده بى جان رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى باقى‏

وَا نَا الْفانى‏، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفانِىَ الَّا الْباقى‏، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الدَّآئِمُ‏

و منم فانى، و آيا كسى جز باقى بر فانى رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى جاودان‏

وَانَا الزَّآئِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّآئِلَ الَّا الدَّائِمُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الرَّازِقُ‏

و منم زوال‏پذير، و آيا كسى جز جاودان بر زوال‏پذير رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى روزى‏ده‏

وَ ا نَا الْمَرْزُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ الَّا الرَّازِقُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ‏

و منم روزى‏خوار، و آيا كسى جز روزى ده بر روزى خوار رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى‏

الْجَوادُ وَ ا نَا الْبَخيلُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخيلَ الَّا الْجَوادُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ،

سخاوتمند و منم بخيل، و آيا كسى جز سخاوتمند بر بخيل رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من،

انْتَ الْمُعافى‏ وَ ا نَا الْمُبْتَلى‏، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلى‏ الَّا الْمُعافى‏، مَوْلاىَ يا

تويى شفا دهنده و منم بيمار و آيا كسى جز شفا دهنده بر بيمار رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى‏

مَوْلاىَ، انْتَ الْكَبيرُ وَ ا نَا الصَّغيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغيرَ الَّا الْكَبيرُ، مَوْلاىَ‏

مولاى من، تويى بزرگ و منم كوچك و آيا كسى جز بزرگ بر كوچك رحم مى‏كند؟ مولاى من،

كليات مفاتيح نوين، ص: 342

يا مَوْلاىَ، انْتَ الْهادى‏ وَ ا نَا الضَّآلُّ، وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّآلَّ الَّا الْهادى‏،

اى مولاى من، تويى هدايت كننده و منم گمراه، و آيا كسى جز هدايت كننده بر گمراه رحم مى‏كند؟

مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الرَّحْمنُ وَ انَا الْمَرْحُومُ، وَهَلْ‏يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ الَّا

مولاى من، اى مولاى من، تويى بخشنده و منم نيازمندِ بخشش، و آيا كسى جز بخشنده بر نيازمندِ بخشش‏

الرَّحْمنُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ السُّلْطانُ وَ ا نَا الْمُمْتَحَنُ، وَهَلْ يَرْحَمُ‏

رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى فرمانروا و منم گرفتار امتحان، و آيا كسى جز

الْمُمْتَحَنَ الَّا السُّلْطانُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الدَّليلُ وَ ا نَا الْمُتَحَيِّرُ،

فرمانروا برگفتار رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من تويى راهنما و منم سرگردان،

وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ الَّا الدَّليلُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ الْغَفُورُ وَ ا نَا

و آيا كسى جز راهنما بر سرگردان رحم مى‏كند؟ اى مولاى من، اى مولاى من، تويى آمرزنده و منم‏

الْمُذْنِبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ الَّا الْغَفُورُ، مَوْلاىَ يامَوْلاىَ، انْتَ الْغالِبُ‏

گناهكار، و آيا كسى جز آمرزنده بر گناهكار رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى پيروز

وَا نَا الْمَغْلُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ الَّا الْغالِبُ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ، انْتَ‏

و منم شكست خورده و آيا كسى جز پيروز بر شكست خورده رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من، تويى‏

الرَّبُّ وَ ا نَا الْمَرْبُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ الَّا الرَّبُّ، مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ،

پروردگار و منم پرورش يافته، و آيا كسى جز پروردگار بر پرورش يافته رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى مولاى من،

انْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ ا نَا الْخاشِعُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْخاشِعَ الَّا الْمُتَكَبِّرُ، مَوْلاىَ يا

تويى بزرگ منش و منم افتاده، و آيا كسى جز بزرگ منش بر افتاده رحم مى‏كند؟ مولاى من، اى‏

مَوْلاىَ، ارْحَمْنى‏ بِرَحْمَتِكَ، وَارْضَ عَنّى‏ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، يا

مولاى من، به رحمتت بر من رحم كن، و به بخشش و كرم و لطفت از من خشنود باش، اى‏

ذَاالْجُودِ وَالْإِحْسانِ، وَالطَّوْلِ وَالْإِمْتِنانِ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ‏الرَّاحِمينَ.[[356]](#footnote-356)

صاحب بخشش و نيكى و قدرت و امتنان، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

8- اعمال مقام حضرت امام صادق عليه السلام‏

پس به سوى مقام حضرت امام صادق عليه السلام كه در نزديكى قبر حضرت مسلم بن عقيل رحمه الله واقع شده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 343

است برو و آن جا دو ركعت نماز بخوان و پس از سلام و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بگو:

يا صانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، وَيا جابِرَ كُلِّ كَسيرٍ، وَيا حاضِرَ كُلِّ مَلَإٍ، وَيا

اى آفريننده هر آفريده شده، و اى پيوند دهنده هر شكستگى، و اى حاضر در هر انجمن، و اى‏

شاهِدَ كُلِّ نَجْوى‏، وَيا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيا شاهِداً غَيْرَ غائِبٍ، وَيا غالِباً

گواه هر سخن پنهانى، و اى داناى هر سرّ نهان، و اى گواه هميشه حاضر، و اى پيروز

غَيْرَ مَغْلُوبٍ، وَيا قَريباً غَيْرَ بَعيدٍ، وَيا مُونِسَ كُلِّ وَحيدٍ، وَيا حَىُّ حينَ‏

شكست‏ناپذير، و اى نزديك هميشه نزديك، و اى همدم هر تنها، و اى زنده در زمانى كه‏

لا حَىَّ غَيْرُهُ، يا مُحيِىَ الْمَوْتى‏، وَمُمِيتَ الْأَحْياءِ، الْقآئِمَ عَلى‏ كُلِّ نَفْسٍ‏

هيچ زنده‏اى جز او نيست، اى زنده كننده مردگان، و ميراننده زندگان، كه بر هر كس به آنچه كه‏

بِما كَسَبَتْ، لا الهَ الَّا انْتَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

انجام داده مراقبى، معبودى جز تو نيست، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.

آنگاه هر حاجتى دارى از خدا بخواه.[[357]](#footnote-357)

9- نماز حاجت در مسجد كوفه‏

از حضرت امام صادق عليه السلام روايت شده كه هر كس دو ركعت نماز در مسجد كوفه بجا آورد و در هر ركعت حمد و سوره‏هاى ناس، فلق، اخْلاصْ، كافِرُون، نَصر،

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلى‏

و قَدر را بخواند و پس از سلام، هر حاجتى كه دارداز خداطلب كند، خداوند حاجتش را برآورده و دعايش را مستجاب مى‏كند.[[358]](#footnote-358) يادآورى:

اين نكته حائز اهمّيّت است كه زوّار محترم هر گاه وقت كافى براى انجام تمام اين اعمال نداشته باشند، مى‏توانند بخشى از آن را انجام دهند و مهم اين است كه حال دعا و مناجات و توجّه به معبود را در اين مكان مقدّس تحصيل كنند.

زيارت حضرت مسلم بن عقيل رحمه الله‏

هنگامى كه از اعمال مسجد كوفه فارغ شدى به سوى قبر مسلم بن عقيل (رضوان‏اللَّه تعالى عليه)-

كليات مفاتيح نوين، ص: 344

سفير مخصوص امام حسين عليه السلام و نخستين شهيد از خيل شهيدان كربلا- كه در كنار مسجد است مى‏روى و نزد آن قبر شريف مى‏گويى:

الْحَمْدُ للَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبينِ، الْمُتَصاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبابِرَةُ الطَّاغينَ،

حمد و سپاس مخصوص خداوند فرمانرواى به حق و آشكار است، كه گردنكشان طغيانگر در برابر عظمتش حقيرند،

الْمُعْتَرِفِ بِرُبُوبِيَّتِهِ جَميعُ اهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ، الْمُقِرِّ بِتَوْحيدِهِ‏

و اهل آسمان‏ها و زمين به پروردگاريش معترفند و تمامى مخلوقات‏

سآئِرُ الْخَلْقِ اجْمَعينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ سَيِّدِ الْأَنامِ، وَاهْلِ بَيْتِهِ الْكِرامِ،

به يگانگى‏اش اقرار مى‏كنند، و درود و سلام خدا بر آقا و سرور مخلوقات و خاندان گراميش،

صَلاةً تُقِرُّ بِها اعْيُنَهُمْ، وَتُرْغَمُ بِها انْفَ شانِئِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ‏

درودى كه به آن، ديدگانشان روشن گردد و بينى دشمنانشان از تمامى جنّ و انس به خاك‏

اجْمَعينَ، سَلامُ اللَّهِ الْعَلىِّ الْعَظيمِ، وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ، وَانْبِيآئِهِ‏

ماليده شود، سلام و درود خداوندِ بلند مرتبه باعظمت و سلام فرشتگان مقرّب و پيامبران‏

الْمُرْسَلينَ، وَ ائِمَّتِهِ الْمُنْتَجَبينَ، وَعِبادِهِ الصَّالِحينَ، وَجَميعِ الشُّهَدآءِ

مرسل و پيشوايان برگزيده و بندگان صالح و تمام شهيدان،

وَالصِّدّيقينَ، وَالزَّاكِياتُ الطَّيِّباتُ فيما تَغْتَدى‏ وَتَرُوحُ، عَلَيْكَ يا مُسْلِمَ‏

و راستگويان، و درودهاى پاك و پاكيزه در صبح و شام، بر تو اى مسلم‏

بْنَ عَقيلِ بْنِ ابيطالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ،

بن عقيل فرزند ابى طالب عليه السلام و رحمتت و بركات خدا بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه نماز را به پا داشته‏

وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ فِى‏

و زكات دادى و امر به معروف و نهى از منكر كرده و در راه خدا به شايستگى‏

اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَقُتِلْتَ عَلى‏ مِنْهاجِ الْمُجاهِدينَ فى‏ سَبيلِهِ، حَتّى‏ لَقيتَ‏

جهاد نمودى، و به راه مجاهدان در راه خدا شهيد گشتى تا اين كه‏

اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ هُوَ عَنْكَ راضٍ، وَاشْهَدُ انَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَبَذَلْتَ‏

خداوند- عزّوجلّ- را در حالى كه از تو خشنود بود، ملاقات نمودى، و گواهى مى‏دهم كه تو به پيمانت با خدا وفا كرده و جانت را

نَفْسَكَ فى‏ نُصْرَةِ حُجَّةِ اللَّهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ، حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، اشْهَدُ لَكَ‏

در يارى حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، فدا كردى تا مرگت فرا رسيد، و گواهى مى‏دهم براى تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 345

بِالتَّسْليمِ وَالْوَفآءِ وَالنَّصيحَةِ، لِخَلَفِ النَّبِىِّ الْمُرْسَلِ، وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ،

به خاطر فرمانبردارى و وفاى به عهد و خير خواهيت براى جانشين پيامبر مرسل، و نوه برگزيده،

وَالدَّليلِ الْعالِمِ، وَالْوَصِىِّ الْمُبَلِّغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ، فَجَزاكَ اللَّهُ عَنْ‏

و راهنماى دانا و جانشين تبليغ كننده، و ستمديده ستم كشيده، پس خداوند از جانب‏

رَسُولِهِ وَعَنْ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَعَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، افْضَلَ الْجَزآءِ بِما

پيامبر و اميرمؤمنان و امام حسن و امام حسين، بهترين پاداش را در مقابل‏

صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَاعَنْتَ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ‏

استقامت و خيرخواهى و يارى كردنت به تو عطا كند، پس خانه آخرت چه نيكوست، خدا قاتلان تو و كسانى كه دستور

اللَّهُ مَنْ امَرَ بِقَتْلِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنِ افْتَرى‏ عَلَيْكَ، وَلَعَنَ‏

قتل تو را داده و به تو ظلم كردند، لعنت كند، و خدا كسانى را كه به تو دروغ بسته و حقّت را

اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بايَعَكَ وَ غَشَّكَ،

منكر شده و حرمتت را رعايت نكردند لعنت كند، و خدا كسانى را كه با تو بيعت كرده و خيانت كردند

وَخَذَلَكَ وَاسْلَمَكَ، وَمَنْ الَبَّ عَلَيْكَ وَ لَمْ يُعِنْكَ، الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ جَعَلَ‏

و تو را رها كرده و تسليم دشمن نمودند و كسانى كه مردم را بر ضدّ تو بسيج كرده و تو را يارى نكردند، لعنت كند، ستايش مخصوص خداوندى است كه‏

النَّارَ مَثْويهُمْ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ، اشْهَدُ انَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَانَّ اللَّهَ‏

آتش را جايگاه ابدى آنها قرار داد و آتش چه بد جايگاهى است، گواهى مى‏دهم كه مظلومانه كشته شدى و خداوند

مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكُمْ، مُسَلِّماً لَكُمْ، تابِعاً

به وعده‏اى كه به شما داده وفا مى‏كند، براى زيارت به درگاهت آمده‏ام در حالى كه به حق شما آگاه و تسليم امر و پيرو

لِسُنَّتِكُمْ، وَنُصْرَتى‏ لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّى‏ يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ،

سنّت شمايم و براى ياريتان آماده‏ام تا اين كه خداوند كه بهترين حاكمان است حكم كند،

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لامَعَ عَدُوِّكُمْ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَ عَلى‏ ارْواحِكُمْ‏

پس هميشه با شمايم نه با دشمنانتان، درود و سلام خدا بر شما و بر ارواح‏

وَاجْسادِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

و بدن‏هايتان، در حضور و غيبت شما و درود و رحمت و بركات خدا

وَبَرَكاتُهُ، قَتَلَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدى‏ وَ الْأَلْسُنِ.[[359]](#footnote-359)

بر شما باد خدا مردمى را كه با دست و زبان به جنگ با شما برخاستند لعنت كند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 346

يادآورى: «مزار كبير» بخشى از كلمات فوق را به منزله اذن دخول قرارداده است.[[360]](#footnote-360) آنگاه اشاره به ضريح كرده، مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطيعُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَلِاميرِ

سلام بر تو اى بنده شايسته و فرمانبردار خدا و رسولش و اميرمؤمنان‏

الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، الْحَمْدُ للَّهِ، وَسَلامٌ عَلى‏

و امام حسن و امام حسين- كه درود خدا بر آنان باد- حمد و سپاس مخصوص خداوند است و سلام و درود بر

عِبادِهِ الَّذينَ اصْطَفى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ‏

بندگان برگزيده خدا محمّد و خاندان پاكش و سلام و درود و رحمت و بركات و آمرزش خدا

وَمَغْفِرَتُهُ، وَعَلى‏ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، اشْهَدُ انَّكَ مَضَيْتَ عَلى‏ ما مَضى‏ عَلَيْهِ‏

بر خاندان پيامبر و بر روح و جسم تو باد، گواهى مى‏دهم كه تو در مسير جنگجويان‏

الْبَدْرِيُّونَ والْمُجاهِدُونَ فى‏ سَبيلِ‏اللَّهِ، الْمُبالِغُونَ فى‏ جِهادِ اعْدآئِهِ‏

بدر و مجاهدان در راه خدا حركت كردى، مجاهدانى كه در جهاد با دشمنان خدا

وَ نُصْرَةِ اوْلِيآئِهِ، فَجَزاكَ اللَّهُ افْضَلَ الْجَزآءِ، وَاكْثَرَ الْجَزآءِ، وَاوْفَرَ جَزآءِ

و يارى اوليايش كوشيدند، پس خداوند به تو عطا كند بهترين و بيشترين و فراوان‏ترين پاداشى را كه‏

احَدٍ مِمَّنْ وَفى‏ بِبَيْعَتِهِ، وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَاطاعَ وُلاةَ امْرِهِ، اشْهَدُ

عطا كرده به هر يك از وفاكنندگان به پيمانش و پاسخ‏دهندگان به دعوتش و اطاعت‏كنندگان از واليان حكومتش، گواهى مى‏دهم كه‏

انَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِى النَّصيحَةِ، وَاعْطَيْتَ غايَةَ الْمَجْهُودِ، حَتّى‏ بَعَثَكَ اللَّهُ فِى‏

تو در خيرخواهى كوشيدى و نهايت سعيت را نمودى، تا اين كه خداوند تو را در زمره‏

الشُّهَدآءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ ارْواحِ السُّعَدآءِ، وَاعْطاكَ مِنْ جِنانِهِ افْسَحَها

شهدا برانگيخت، و روحت را با ارواح سعادتمندان قرار داد، و از بهشتش وسيع‏ترين‏

مَنْزِلًا، وَافْضَلَها غُرَفاً، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِى الْعِلِّيّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيّينَ‏

منزل و بهترين جايگاه را به تو عطا كرد، و يادت را در عليّين بالا برد، و تو را با پيامبران‏

وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ، وَحَسُنَ اوُلئِكَ رَفيقاً، اشْهَدُ انَّكَ لَمْ‏

و راستگويان و شهدا و صالحان محشور كرد، و آنان چه همنشينان خوبى هستند گواهى مى‏دهم كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 347

تَهِنْ‏وَلَمْ‏تَنْكُلْ، وَانَّكَ قَدْمَضَيْتَ عَلى‏بَصيرَةٍ مِنْ‏امْرِكَ، مُقْتَدِياًبِالصَّالِحينَ،

سستى و كندى نورزيدى و با بينايى كامل در كار خويش قدم برداشتى، به صالحان اقتدا كرده‏

وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكَ، وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَاوْلِيآئِهِ فى‏

و پيروى پيامبران نمودى، پس خداوند ما و تو و پيامبر و اوليايش را در

مَنازِلِ الْمُخْبِتينَ، فَانَّهُ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ\* سپس دو ركعت نماز در بالاى سر بخوان‏ جايگاه متواضعان گرد هم آورد، پس همانا او مهربانترين مهربانان است\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وآن‏را به آن جناب هديه نما وبگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَدَعْ لى‏ ...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و گناهى را براى من (نيامرزيده) مگذار.

و اين همان دعايى است كه در حرم حضرت عبّاس عليه السلام خوانده مى‏شود و بعداً خواهد آمد، (صفحه 389).

و اگر خواستى وداع كنى با جناب مسلم عليه السلام همان وداعى را كه در زيارت جناب عباس عليه السلام ذكر مى‏شود، بخوان‏[[361]](#footnote-361)، (صفحه 390).

زيارت هانى بن عُرْوة رحمه الله‏

آنگاه كنار قبر هانى رحمه الله كه آن نيز در كنار مسجد است مى‏روى و پس از سلام بر رسول مكرّم صلى الله عليه و آله مى‏گويى:

سَلامُ اللَّهِ الْعَظيمِ وَصَلَواتُهُ عَلَيْكَ يا هانِىَ بْنَ عُرْوَةَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

سلام و درود خداوندِ با عظمت بر تو اى هانى بن عروه، سلام و درود بر تو اى‏

الْعَبْدُ الصَّالِحُ، النَّاصِحُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَلِأَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ‏

بنده شايسته و خيرخواه خدا و رسولش و اميرمؤمنان و امام حسن‏

وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، اشْهَدُ انَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ،

و امام حسين- كه سلام و درود خدا بر آنان باد- گواهى مى‏دهم كه تو مظلومانه كشته شدى، پس خداوند كسانى را كه تو را كشته‏

وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، وَحَشى‏ قُبُورَهُمْ ناراً، اشْهَدُ انَّكَ لَقيتَ اللَّهَ وَ هُوَ راضٍ‏

و خونت را مباح دانستند لعنت كند و گور آنان را از آتشِ (عذاب) پُر كند، گواهى مى‏دهم كه تو خدا را ملاقات كردى در حالى كه‏

عَنْكَ بِما فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ، وَاشْهَدُ انَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشُّهَدآءِ، وَجُعِلَ‏

به سبب آنچه انجام داده و خيرخواهى كردى از تو خشنود بود، و گواهى مى‏دهم كه تو به درجه رفيع شهيدان رسيدى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 348

رُوحُكَ مَعَ ارْواحِ السُّعَدآءِ، بِما نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِداً، وَبَذَلْتَ‏

و روحت همراه ارواح سعادتمندان قرار گرفت، به خاطر كوششت در خيرخواهى براى خدا و رسولش، و جانت را

نَفْسَكَ فى‏ ذاتِ اللَّهِ وَمَرْضاتِهِ، فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَرَضِىَ عَنْكَ، وَحَشَرَكَ مَعَ‏

در راه خدا و خشنوديش فدا نمودى پس خداوند تو را رحمت كند و از تو خشنود گردد و تو را با

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرينَ، وَجَمَعَنا وَايَّاكَ مَعَهُمْ فى‏دارِ النَّعيمِ، وَسَلامٌ عَلَيْكَ‏

محمّد و خاندان پاكش محشور كند، و ما و شما را با آنان در بهشت گرد هم آورد، و سلام‏

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

سپس دو ركعت نماز مى‏گذارى و آن را به روح آن بزرگوار هديه مى‏كنى و حاجات خود را از خداوند طلب مى‏كنى.[[362]](#footnote-362)

كليات مفاتيح نوين، ص: 349

فصل چهارم: فضيلت و اعمال مسجد «سهله» و «زيد» و «صعصعه»

فضيلت مسجد سهله:

بعد از مسجد بزرگ كوفه، نوبت به مسجد سهله مى‏رسد كه در بعضى از روايات مسجد «سهيل» و در بعضى روايات ديگر مسجد «شرى‏» و در روايت سوّمى مسجد «بنى‏ظفر» نيز ناميده شده،[[363]](#footnote-363) و ميعادگاه عاشقان و دلباختگان حضرت بقيّةاللَّه الاعظم، امام زمان (صلوات اللَّه عليه) مى‏باشد و در روايات، فضايل زيادى براى آن نقل شده كه از آن جمله است:

1- خانه ادريس پيامبر عليه السلام و حضرت ابراهيم عليه السلام و خانه انبيا و اوصيا و صالحان بود.[[364]](#footnote-364) 2- در بعضى از روايات آمده: «فيه المعراج»[[365]](#footnote-365) كه ممكن است اشاره به اين باشد كه معراج معنوى مؤمنان، در اين مسجد حاصل مى‏شود يا اين‏كه اشاره به اين است كه رسول اكرم صلى الله عليه و آله پس از فرود آمدن در شب معراج به مسجد كوفه، (كه در بعضى از روايات وارد شده كه حضرت، فرود آمدند و در مسجد كوفه دو ركعت نماز خواندند)[[366]](#footnote-366) وارد مسجد سهله شدند و از آن جا به آسمان عروج كردند.

3- كسى كه در اين مسجد، خدا را به آنچه كه دوست دارد بخواند حوائجش برآورده مى‏شود ... و از مشكلات دنيا و حيله‏هاى دشمنانش در امان قرار مى‏گيرد.[[367]](#footnote-367) 4- خداوند پيامبرى را مبعوث نكرد مگر اين‏كه در اين مسجد نماز خواند.[[368]](#footnote-368) 5- «شيخ طوسى» در كتاب «تهذيب» از امام صادق عليه السلام نقل كرده است كه هيچ غم‏زده و دردمندى وارد مسجد سهله نمى‏شود و بين نماز مغرب و عشا، دو ركعت نماز نمى‏خواند مگر اين‏كه خداوند مشكلش را حل مى‏كند.[[369]](#footnote-369)

كليات مفاتيح نوين، ص: 350

6- امام صادق عليه السلام خطاب به ابوبصير فرمود: «اين مسجد از بقعه‏هايى است كه خداوند دعا و درخواست در آن را دوست دارد و هيچ روز و شبى نيست مگر اين‏كه فرشتگان، اين مسجد را زيارت و خدا را در آن عبادت مى‏كنند ...».[[370]](#footnote-370) 7- طبق روايتى از امام صادق عليه السلام اقامت در اين مسجد (براى عبادت) همانند اقامت در خيمه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله است و هيچ مرد و زن مؤمنى نيست مگر اين‏كه دلش مشتاق اين مسجد است.[[371]](#footnote-371)

اعمال مسجد سهله:

1- چنان‏كه گذشت دو ركعت نماز بين نماز مغرب و عشا بجا آورد و حاجتش را بخواهد كه برآورده خواهد شد ان‏شاءاللَّه.

2- اعمالى را بجا آورد كه جمعى از بزرگان علما در كتب مختلف‏[[372]](#footnote-372) نقل كرده‏اند و بعضى از بزرگان براى انجام آن، شب چهارشنبه، بين نماز مغرب و عشا را از اوقات ديگر مناسبتر مى‏دانند[[373]](#footnote-373) (از بعضى روايات استفاده مى‏شود كه قسمتى از اين اعمال به وسيله حضرت خضر عليه السلام تعليم داده شد، كه خواهد آمد) و آن اعمال به قرار ذيل است:

هنگامى كه خواستى وارد مسجد شوى نزد در آن بايست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَالَى اللَّهِ، وَما شآءَ اللَّهُ، وَخَيْرُ الْأَسْمآءِ للَّهِ، تَوَكَّلْتُ‏

به نام خدا و به يارى خدا و از جانب خدا و به سوى خدا و آنچه خدا بخواهد و بهترين نامها براى خداوند است، بر خدا

عَلَى اللَّهِ، وَلاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِنْ‏

توكّل كردم و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست خدايا مرا از

عُمَّارِ مَساجِدِكَ وَبُيُوتِكَ، اللهُمَّ انّى‏ اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

آبادكنندگان مساجد و خانه‏هايت قرار ده، خدايا من به واسطه محمّد و خاندان پاكش به تو رو كرده‏

وَاقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَىْ حَوآئِجى‏، فَاجْعَلْنِى اللهُمَّ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجيهاً فِى‏

و آنان را (براى شفاعت) پيشاپيش حوائجم مقدّم مى‏دارم، پس خدايا به حقّ آنان مرا در

الدُّنْيا وَالأخَرةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ، اللهُمَّ اجْعَلْ صَلاتى‏ بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبى‏

دنيا و آخرت در نزد خود آبرومند و از مقرّبان (درگاهت) قرار ده، خدايا به حقّ آنان نمازم را پذيرفته و گناهم را

كليات مفاتيح نوين، ص: 351

بِهِمْ مَغْفُوراً، وَرِزْقى‏ بِهِمْ مَبْسُوطاً، وَدُعآئى‏ بِهِمْ مُسْتَجاباً، وَحَوآئِجى‏ بِهِمْ‏

آمرزيده و روزيم را گسترده و دعايم را اجابت شده و حاجتهايم را

مَقْضِيَّةً، وَانْظُرْ الَىَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ نَظْرَةً رَحيمَةً، اسْتَوْجِبُ بِهَا الْكَرامَةَ

برآورده شده قرار ده، و به بزرگواريت از روى رحمت به من توجّه فرما، كه به واسطه آن مستحقّ كرامت در

عِنْدَكَ، ثُمَّ لا تَصْرِفْهُ عَنّى‏ ابَداً، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا مُقَلِّبَ‏

نزد تو گردم، پس هيچگاه آن را از من نگير، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان، اى دگرگون كننده‏

الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ، ثَبِّتْ قَلْبى‏ عَلى‏ دينِكَ، وَ دينِ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ، وَلا تُزِغْ‏

دلها و ديده‏ها، دلم را بر دينت و دين پيامبر و وليّت ثابت بدار، و بعد از آن كه‏

قَلْبى‏ بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنى‏، وَهَبْ لى‏ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ،

مرا هدايت كردى منحرف مگردان و رحمتى تازه از نزد خويش بر من ببخش، كه تو بسيار بخشنده‏اى،

اللهُمَّ الَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَمَرْضاتَكَ طَلَبْتُ، وَثَوابَكَ ابْتَغَيْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ،

خدايا به تو رو كرده و خشنوديت را مى‏جويم و پاداشت را مى‏طلبم و به تو ايمان آورده‏

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللهُمَّ فَاقْبِلْ بِوَجْهِكَ الَىِّ، وَاقْبِلْ بِوَجْهى‏ الَيْكَ.

و بر تو توكّل مى‏كنم، خدايا به من توجّه فرما و توجّه مرا به سوى خودت جلب نما.

سپس آيةالكرسى و سوره ناس و فلق را بخوان و هفت مرتبه سبحان‏اللَّه و هفت مرتبه الحمدللَّه و هفت مرتبه لا اله الّا اللَّه و هفت مرتبه اللَّه اكبر بگو، آنگاه بخوان:

اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى ما هَدَيْتَنى‏، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ ما فَضَّلْتَنى‏، وَلَكَ‏

خدايا حمد و سپاس مخصوص توست به خاطر هدايت كردن و برترى دادن‏

الْحَمْدُ عَلى‏ ما شَرَّفْتَنى‏، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ كُلِّ بَلاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنى‏،

و شرافتم (بر ساير مخلوقات)، و حمد و سپاس مخصوص توست بر هر آزمايش نيكويى كه مرا به آن آزمودى،

اللهُمَّ تَقَبَّلْ صَلاتى‏ وَدُعآئى‏، وَطَهِّرْ قَلْبى‏، وَاشْرَحْ لى‏ صَدْرى‏، وَتُبْ‏

خدايا نماز و دعايم را بپذير و دلم را پاك گردان و سعه صدر به من عطا فرما، و توبه‏ام را

عَلَىَّ انَّكَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ.[[374]](#footnote-374)

بپذير كه تو بسيار توبه‏پذير و مهربانى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 352

بعد از آن داخل مسجد شو و دو ركعت نماز بجا آور و دستها را به سوى آسمان بالا ببر و عرضه بدار:

انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعيدُهُمْ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ،

تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، به وجود آورنده مخلوقات و بازگرداننده آنهايى، و تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص352**

خالِقُ الْخَلْقِ وَرازِقُهُمْ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، الْقابِضُ الْباسِطُ، وَانْتَ‏

آفريننده مخلوقات و روزى دهنده آنهايى، و تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، گيرنده و گستراننده‏اى، و تويى‏

اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، مُدَبِّرُ الأُمُورِ، وَباعِثُ مَنْ فِى الْقُبُورِ، انْتَ وارِثُ‏

خدايى كه معبودى جز تو نيست، تدبيركننده كارها و برانگيزنده اهل قبورى، تويى وارث‏

الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْها، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَىِّ الْقَيُّومِ،

زمين و ساكنان آن، از تو مى‏خواهم به حق نام پوشيده و محفوظ و زنده و پاينده‏ات‏

وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، عالِمُ السِّرّ وَاخْفى‏، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ اذا

و تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، داناى اسرار و مخفى‏تر از اسرارى، از تو مى‏خواهم به حقّ نامت كه اگر

دُعيتَ بِهِ اجَبْتَ، وَاذا سُئِلْتَ بِهِ اعْطَيْتَ، وَاسْئَلُكَ بِحَقِّكَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

به آن خوانده شوى، اجابت كنى و اگر به آن درخواست شوى، عطا كنى، و از تو مى‏خواهم به حقّت بر محمّد

وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَ بِحَقِّهِمُ الَّذى‏ اوْجَبْتَهُ عَلى‏ نَفْسِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و خاندان پاكش، و به حق آنان كه بر خود واجب نمودى، كه بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَقْضِىَ لى‏ حاجَتى‏، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يا سامِعَ الدُّعآءِ،

و خاندان پاكش درود فرستى و حاجتم را در همين ساعت برآورى، اى شنواى دعا،

يا سَيِّداهُ يا مَوْلاهُ يا غِياثاهُ، اسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ،

اى آقا و سرورم، اى مولاى من، اى فريادرسم از تو مى‏خواهم به حقّ هر نامى كه خود را به آن ناميدى‏

اوِاسْتَاْثَرْتَ بِهِ فى‏ عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

يا در علم غيبت در نزد خود برگزيدى، كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى‏

وَانْ تُعَجِّلَ فَرَجَنَا السَّاعَةَ، يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالأَبْصارِ، يا سَميعَ الدُّعآءِ.

و در گشايش كارهايمان شتاب كنى، اى دگرگون كننده دلها و ديده‏ها، اى شنواى دعا.

سپس به سجده برو و با اظهار خشوع هر آنچه مى‏خواهى از خدا طلب كن،[[375]](#footnote-375) آنگاه به محلّى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 353

كه معروف به خانه حضرت ابراهيم عليه السلام است مى‏روى و دو ركعت نماز مى‏خوانى و پس از تسبيح حضرت زهرا عليها السلام مى‏گويى:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّريفَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيها، قَدْ عَلِمْتَ‏

خدايا به حق اين بارگاه گرامى و به حقّ آن كسى كه تو را در آن عبادت كرد، حاجتهايم را

حَوائِجى‏، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِها، وَقَدْ احْصَيْتَ ذُنُوبى‏،

مى‏دانى، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و حاجتم را برآور، و به يقين به عدد گناهانم آگاهى،

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْها لى‏، اللَّهُمَّ احْيِنى‏ ما كانَتِ الْحَياةُ

پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و گناهانم را بيامرز، خدايا تا زمانى كه زندگى براى من بهتر است‏

خَيْراً لى‏، وَامِتْنى‏ اذا كانَتِ الْوَفاةُ خَيْراً لى‏ عَلى‏ مُوالاةِ اوْلِيآئِكَ،

مرا زنده بدار و زمانيكه مردن براى من بهتر است مرا بر دوستى اوليا

وَمُعاداةِ اعْدآئِكَ، وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

و دشمنى دشمنانت بميران و آنچه تو شايسته آنى در مورد من انجام ده، اى مهربان‏ترين مهربانان.

بعد از آن به گوشه ديگرمسجد كه در سمت مغرب و قبله واقع شده مى‏روى و دو ركعت نماز مى‏خوانى و دستها را بلند مى‏كنى و اين دعا را مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ انّى‏ صَلَّيْتُ هذِهِ‏الصَّلاةَ ابْتِغآءَ مَرْضاتِكَ، وَ طَلَبَ نآئِلِكَ، وَرَجآءَ

خدايا اين نماز را براى بدست آوردن خشنودى و طلب احسان و اميد

رِفْدِكَ وَجَوآئِزِكَ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْها مِنّى‏ بِاحْسَنِ قَبُولٍ،

هديه و پاداشت بجا آوردم، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و آن را به بهترين وجه از من بپذير

وَبَلِّغْنى‏ بِرَحْمَتِكَ الْمَأْمُولَ، وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

و مرا به رحمتت به آرزويم برسان و آنچه تو شايسته آنى در مورد من انجام ده، اى مهربان‏ترين مهربانان.

آنگاه به سجده مى‏روى و دو طرف صورت را بر سجده گاه مى‏گذارى، بعد از آن به گوشه ديگر مسجد كه در طرف مشرق است مى‏روى و پس از دو ركعت نماز، دستها را مى‏گشايى و مى‏گويى:

اللَّهُمَّ انْ كانَتِ الذُّنُوبُ وَالْخَطايا قَدْ اخْلَقَتْ وَجْهى‏ عِنْدَكَ، فَلَمْ تَرْفَعْ لى‏

خدايا اگر گناهان و اشتباهاتم چهره‏ام را در پيشگاهت دگرگون كرده و نمى‏گذارد صدايم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 354

الَيْكَ صَوْتاً، وَلَمْ تَسْتَجِبْ لى‏ دَعْوَةً، فَانّى‏ اسْئَلُكَ بِكَ يا اللَّهُ، فَانَّهُ لَيْسَ‏

به درگاهت برسد و دعايى از من مستجاب كنى، پس از تو مى‏خواهم به حقّ خودت اى خدا كه احدى‏

مِثْلَكَ احَدٌ، وَاتَوَسِّلُ الَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

مانندت نيست و به حقّ محمّد و خاندان پاكش به تو متوسّل مى‏شوم، و از تو مى‏خواهم كه بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُقْبِلَ الَىَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَ تُقْبِلَ بِوَجْهى‏ الَيْكَ، وَلا

و خاندان پاكش درود فرستى و به روى كريمت به من توجّه كنى و مرا به خودت متوجّه سازى، و زمانى كه‏

تُخَيِّبْنى‏ حَيْنَ ادْعُوكَ، وَلا تَحْرِمْنى‏ حَيْنَ ارْجُوكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

تو را مى‏خوانم نااميدم مكنى و هنگامى كه به تو اميدوارم محرومم مگردانى، اى مهربان‏ترين مهربانان.

سپس دو طرف صورت خويش را بر روى خاك بگذار (و ذكر خدا بگو و دعا كن).[[376]](#footnote-376) سپس وارد خانه‏اى كه در وسط مسجد است مى‏شوى (كه به مقام امام زين العابدين عليه السلام معروف است) و پس از خواندن دو ركعت نماز، مى‏گويى: يا مَنْ هُوَ اقْرَبُ الَىَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، يا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى كسى كه از رگ گردن به من نزديكترى اى‏

فَعَّالًا لِمايُريدُ، يامَنْ يَحُولُ بَيْنَ‏الْمَرْءِوَقَلْبِهِ، صَلِّ عَلى‏مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

كسى كه هرچه اراده كنى انجام مى‏دهى، اى كسى كه بين انسان و دلش فاصله مى‏شوى، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست،

وَحُلْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذينا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، يا كافى‏ مِنْ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَلا

و به نيرو و تواناييت بين ما و آنچه كه ما را مى‏آزارد مانع شو، اى يارى كننده هر چيز، كه‏

يَكْفى‏ مِنْهُ شَىْ‏ءٌ، اكْفِنَا الْمُهِمَّ مِنْ امْرِ الدُّنْيا وَالأخِرَةِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

چيزى او را يارى نكند، امور مهمّ دنيا و آخرت ما را كفايت كن، اى مهربان‏ترين مهربانان.

آنگاه دو طرف صورت خود را روى سجده‏گاه بگذار.[[377]](#footnote-377) در ادامه بعضى از روايات آمده است: سپس او (حضرت خضر عليه السلام) از مسجد سهله خارج شد، از او درباره اين مكان سؤال كرديم جواب داد: اين مكان مقام صالحين وانبيا و مرسلين است.[[378]](#footnote-378)

مقام حضرت مهدى‏

(ارواحنا فداه):

طرف قبله مسجد بقعه‏اى است معروف به مقام حضرت مهدى عليه السلام كه زيارت آن حضرت در آن محل‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 355

شريف مناسب است و از بعضى از كتب نقل شده كه شايسته است زيارت آن حضرت در اين محل با خواندن «

سَلَامُ اللَّهِ الكامِلُ التَّامُّ ...»[[379]](#footnote-379)

كه در بخش زيارت امام زمان تحت عنوان «استغاثه به امام زمان» خواهد آمد، (صفحه 518).

اعمال مسجد «زيد»:

در بعضى از روايات از على بن ابراهيم از پدرش اين چنين آمده است: او (حضرت خضر عليه السلام) پس از خروج از مسجد سهله وارد مسجد كوچكى (نزديك مسجد سهله) شد و با سكينه و وقار دو ركعت نماز در آن بجاى آورد و سپس دو دستش را گشود و عرضه داشت:

الهى‏ قَدْ مَدَّ الَيْكَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ يَدَيْهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ، الهى‏ قَدْ جَلَسَ‏

خدايا خطاكار گناهكار به واسطه حسن ظنّش به تو، دستانش را به درگاهت بلند كرده، خدايا بنده‏

الْمُسيى‏ءُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُقِرّاً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ، وَراجِياً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ‏

بدكار در مقابلت نشسته، درحالى كه به بدى كردارش اقرار داشته و از تو اميد بخشش خطاهايش‏

زَلَلِهِ، الهى‏ قَدْ رَفَعَ الَيْكَ الظَّالِمُ كَفَّيْهِ، راجِياً لِما لَدَيْكَ، فَلا تُخَيِّبْهُ‏

را دارد، خدايا بنده‏اى كه به خود ظلم كرده دستهايش را به درگاهت بلند كرده در حالى كه به آنچه نزد توست اميدوار است، پس‏

بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ، الهى‏ قَدْ جَثَا الْعآئِدُ الَى الْمَعاصى‏ بَيْنَ يَدَيْكَ،

به رحمتت او را از فضل و احسانت نااميد مكن، خدايا بازگشت‏كننده به گناهان در مقابلت زانو زده‏

خآئِفاً مِنْ يَوْمٍ تَجْثُو فيهِ الْخَلائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ، الهى‏ جآءَكَ الْعَبْدُ الْخاطِئُ‏

درحالى كه از روز زانو زدن مخلوقات در برابرت ترسان است، خدايا بنده خطاكار،

فَزِعاً مُشْفِقاً، وَرَفَعَ الَيْكَ طَرْفَهُ حَذِراً راجِياً، وَفاضَتْ عَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً

هراسان و نگران به سويت آمده و درحال پرهيز و اميد، نگاهش را به سوى تو دوخته است، و توبه كنان و پشيمان اشكش‏

نادِماً، وَ عِزَّتِكَ وَ جَلالِكَ ما ارَدْتُ بِمَعْصِيَتى‏ مُخالَفَتَكَ، وَما عَصَيْتُكَ اذْ

جارى است، به عزّت و جلالت سوگند با گناهم قصد مخالفت تو را نداشته‏ام، و نافرمانيم‏

عَصَيْتُكَ وَ ا نَا بِكَ جاهِلٌ، وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَ لا لِنَظَرِكَ مُسْتَخِفٌّ،

نه به خاطر جهلم به ذات تو و نه به جهت اعتراض به كيفر تو و نه سبك شمردن رأى و نظر تو است،

كليات مفاتيح نوين، ص: 356

وَلكِنْ سَوَّلَتْ لى‏ نَفْسى‏، وَاعانَتْنى‏ عَلى‏ ذلِكَ شِقْوَتى‏، وَغَرَّنى‏ سِتْرُكَ‏

بلكه هواى نفسم اين كار را در نظرم جلوه داد و بدبختيم نيز بر آن كمك كرد، و پرده پوشيت بر من‏

الْمُرْخى عَلَىَّ، فَمِنَ الأنَ مِنْ عَذابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنى‏، وَ بَحَبْلِ مَنْ اعْتَصِمُ‏

مرا (به انجام گناه) مغرور ساخت، پس اكنون چه كسى مرا از عذابت نجات مى‏دهد، و اگر ريسمان (نجاتت را) از من قطع كنى‏

انْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّى‏، فَيا سَوْاتاهُ غَداً مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ، اذا قيلَ‏

به ريسمان چه كسى چنگ زنم، پس واى از رسوايى ايستادن در پيشگاهت در فرداى قيامت، آن گاه كه‏

لِلْمُخِفّينَ جُوزُوا، وَ لِلْمُثْقِلينَ حُطُّوا، افَمَعَ الْمُخِفّينَ اجُوزُ، امْ مَعَ‏

به سبكباران گفته مى‏شود بگذريد و به سنگين‏باران گفته مى‏شود فرود آييد، آيا با سبكباران بگذرم يا با

الْمُثْقِلينَ احُطُّ، وَيْلى‏ كُلَّما كَبُرَ سِنّى‏ كَثُرَتْ ذُنُوبى‏، وَيْلى‏ كُلَّما طالَ‏

سنگين‏باران فرود آيم؟، واى بر من هر چه سنّم زياد مى‏شود گناهانم بيشتر مى‏گردد، واى بر من هر چه‏

عُمْرى‏ كَثُرَتْ مَعاصِىَّ، فَكَمْ اتُوبُ وَكَمْ اعُودُ، اما آنَ لى‏ انْ اسَتَحْيِىَ مِنْ‏

عمرم طولانى مى‏شود نافرمانيم بيشتر مى‏گردد، پس چقدر توبه كنم و بازگردم؟! آيا وقت آن نرسيده كه از پروردگارم‏

رَبّى‏، اللَّهُمَ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اغْفِرْ لى‏ وَارْحَمْنى‏، يا ارْحَمَ‏

شرم كنم؟ خدايا، پس به حق محمّد و خاندان پاكش مرا ببخش و بر من رحم كن، اى مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، وَخَيْرَ الْغافِرينَ‏\* سپس گريه كرد و طرف راست صورتش را بر سجده‏گاه گذاشت‏ مهربانان و بهترين آمرزندگان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وگفت: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ‏\* آنگاه طرف چپ صورت را و\*\*\*\* بر بنده‏اى كه بدى و جنايت كرده و درمانده شده و (به گناهش) معترف است رحم كن\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

گفت: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يا كَريمُ.

\*\*\*\* گناه بنده‏ات بزرگ است ولى عفو و گذشت از ناحيه تو نيكوست اى بزرگوار.

سپس خارج شد و درباره اين مكان از او پرسيديم، جواب داد: اين مكان مسجد «زيد بن صوحان» از اصحاب على بن ابى‏طالب عليه السلام است و آنچه بجا آوردم دعا و تهجّد او بود. سپس از ما غايب شد.[[380]](#footnote-380) يادآورى: مرحوم «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» مى‏گويد: آنگاه به سجده برو و صد مرتبه بگو:

«العفو العفو».[[381]](#footnote-381)

كليات مفاتيح نوين، ص: 357

اعمال مسجد «صعصعه»:

مرحوم «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر»[[382]](#footnote-382) براى اين مسجد بعد از دو ركعت نماز، دعاى‏

«اللَّهُمَّ يا

ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَةِ وَالْآلاءِ الْوازِعَةِ ...»

كه در اعمال روزهاى ماه رجب مى‏آيد را ذكر كرده است. گرچه مرحوم «علّامه مجلسى»[[383]](#footnote-383) از «مزار شهيد» و «مزار كبير» و همچنين از خود «سيّد بن طاووس» در كتاب «اقبال» نقل مى‏كند كه بعضى از مؤمنين در ماه مبارك رجب، امام زمان (صلوات‏اللَّه عليه) را در اين مسجد مشاهده كردند كه بعد از دو ركعت نماز، اين دعا را خواند (شايد آن حضرت به مناسبت ماه رجب اين دعا را خواندند، نه از باب اين‏كه مخصوص اين مسجد باشد) ولى در هر حال، شكّى نيست كه خواندن چنين مناجات بلند و پرمعنايى دراين مسجد، در زمان‏هاى ديگر نيز مناسب است.

شخصيّت زيد و صعصعه:

دو مسجد زيد و صعصعه منسوب به دو برادر از ياران على عليه السلام است: زيد بن صوحان و صعصعة بن صوحان. زيد از بزرگان اصحاب اميرمؤمنان عليه السلام و از شخصيّت‏هاى برجسته و پرهيزگاران روزگار به شمار مى‏رفت و در جنگ جمل، در ركاب آن حضرت به شهادت رسيد[[384]](#footnote-384) و دعايى كه در اعمال مسجد زيد ذكر شد، دعايى است كه او در نماز شب مى‏خواند.[[385]](#footnote-385) برادرش صعصعه نيز از اصحاب اميرمؤمنان عليه السلام و از عارفان به حقّ آن حضرت و از بزرگان اهل ايمان است، فصاحت و بلاغت او در حدّى بود كه اميرمؤمنان عليه السلام او را «خطيب شحشح» يعنى ماهر، لقب داد،[[386]](#footnote-386) و او را به مهارت و فصاحت در خطابه و نيز به «كمى هزينه زندگى و كثرت كمك به مردم» ستوده است.[[387]](#footnote-387) او كسى است كه در شبى كه جنازه آن حضرت دفن مى‏شد به همراه فرزندان آن بزرگوار از تشييع‏كنندگان بود و پس از فراغت از دفن آن حضرت، نزد قبر مقدّس ايستاد و مشتى خاك برداشت و بر سر خود ريخت و گفت: پدر و مادرم فداى تو باد اى اميرمؤمنان! گوارا باد تو را كرامت‏هاى خدا، اى اباالحسن! به يقين مولد تو پاكيزه و صبر تو قوى و جهاد تو عظيم بود، و به آنچه آرزويش داشتى رسيدى، تجارت سودمندى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 358

كردى و به نزد پروردگار خود شتافتى! ... و از اين قبيل اوصاف، بسيار گفت و گريه سختى كرد و ديگران را به گريه آورد[[388]](#footnote-388) و در حقيقت سر قبر آن حضرت مجلس سوگوارى به پا شد كه روضه‏خوانش صعصعه و مستمعينش حسن و حسين عليهما السلام و محمّد بن حنفيه و ابوالفضل العباس عليه السلام و ساير فرزندان و بستگان آن حضرت بودند. رحمت و رضوان خدا بر او باد.

فصل پنجم: زيارت امام حسين عليه السلام‏

زيارت امام حسين عليه السلام از نزديك‏

فضيلت زيارت آن حضرت از نزديك:

از آن جا كه روايات مربوط به فضايل زيارت امام حسين (صلوات اللَّه عليه) بسيار زياد است، مناسب ديديم كه تنها فهرستى را از اعظم فضايلى كه در روايات آمده است بيان كنيم و در اين رابطه بهترين شيوه را در اين ديديم كه به يكى از مهمترين مصادر و منابع مورد اعتماد علماى شيعه يعنى كتاب «كامل‏الزيارات»[[389]](#footnote-389) (تأليف محدّث و فقيه جليل القدر، صاحب صدق و امانت، استاد مرحوم شيخ مفيد رحمه الله و جمعى از بزرگان ديگر يعنى جعفر بن محمّد بن قولويه) اشاره كنيم؛ كتابى كه يكى از منابع اصلى ما دربخش‏هاى ديگر اين كتاب يعنى بخش‏هاى مربوط به زيارت رسول مكرّم و ساير ائمّه عليهم السلام نيز بوده، و خواهد بود.

83 باب از 108 باب اين كتاب، مربوط به فضايل امام حسين (صلوات اللَّه عليه) و بعضى از ياران آن حضرت است كه بيش از 560 روايت دارد و ما تنها با مرورى بر روايات بسيار فراوان مربوط به زيارت آن بزرگوار بسنده مى‏كنيم:

1- هيچ ملك مقرّب و پيامبر مرسلى نيست مگر اين‏كه از خدا طلب مى‏كند كه اذن زيارت امام حسين عليه السلام را برايش صادر كند، پس پيوسته، فوجى از ارواح انبيا و فرشتگان (از آسمانها) پايين مى‏آيند و فوجى بالا مى‏روند.[[390]](#footnote-390) 2- هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان فرود مى‏آيند و پس از طواف خانه خدا و زيارت قبر پيامبر صلى الله عليه و آله واميرمؤمنان عليه السلام، به زيارت قبر امام حسين عليه السلام مى‏روند وقبل از طلوع خورشيد به آسمان عروج مى‏كنند.[[391]](#footnote-391) 3- يكى از ياران امام صادق عليه السلام از آن حضرت نقل مى‏كند كه فرمود: «رسول گرامى و على عليهما السلام و فاطمه عليها السلام و همه ائمّه عليهم السلام براى زوّار امام حسين عليه السلام دعا مى‏كنند»[[392]](#footnote-392) و نيز نقل مى‏كند كه روزى بر آن حضرت وارد شدم ديدم با خداى خودش مناجات مى‏كند ودر حال سجده اين دعا را مى‏خواند ... (دعايى بسيار عالى و با مضامين بلند در حقّ زوّار امام حسين عليه السلام كه در «كامل الزيارات» آمده است) پس از

كليات مفاتيح نوين، ص: 359

آن‏كه از سجده سر برداشت فرمود: «كسانى كه در آسمانها در حقّ زوّار امام حسين عليه السلام دعا مى‏كنند بيش از كسانى هستند كه در زمين براى آنها دعا مى‏كنند»[[393]](#footnote-393) و نيز نقل مى‏كند كه آن حضرت فرمود: «آيا دوست ندارى از كسانى باشى كه از دنيا بيرون مى‏روند در حالى كه گناهى بر آنها نيست؟ آيا دوست ندارى از آنانى باشى كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله با آنان مصافحه مى‏كند؟»[[394]](#footnote-394) (پس زيارت آن حضرت را فراموش مكن).

4- خداوند هزاران فرشته را مأمور قبر امام حسين عليه السلام قرار داده، و هيچ زائرى به زيارت آن حضرت نمى‏رود مگر اين‏كه از او استقبال مى‏كنند، و هيچ زائرى با آن حضرت وداع نمى‏كند مگر اين‏كه او را بدرقه مى‏نمايند، و هيچ زائرى مريض نمى‏شود مگر اين‏كه از او عيادت مى‏كنند و هيچ زائرى نمى‏ميرد مگر اين‏كه بر جنازه‏اش نماز مى‏خوانند و بعد از مرگش براى او استغفار مى‏كنند،[[395]](#footnote-395) و مطابق روايت ديگرى اگر در اثناى سفر از دنيا برود ملائكه غسلش مى‏دهند و درهاى بهشت به رويش باز مى‏شود!.[[396]](#footnote-396) 5- هفتاد هزار فرشته را خداوند مأمور قبر امام حسين عليه السلام قرار داده كه در آن جا عبادت خدا بجا مى‏آورند و يك نماز آنان برابر با هزار نماز از انسان‏هاست، ثواب نمازشان براى زوّار قبر امام حسين عليه السلام نوشته مى‏شود![[397]](#footnote-397) 6- هر كس نزد قبر آن حضرت دو ركعت نماز بخواند و چيزى را از خدا طلب كند حاجتش برآورده مى‏شود، و اگر براى زيارت او در آب فرات غسل كند تمام گناهانش- همانند روزى كه از مادر متولّد شده- ريخته مى‏شود، و اگر كسى را در اين راه كمك كند و هزينه سفرش را بدهد در برابر هر درهمى، خداوند چند برابر به او عطا مى‏كند و بلاهايى كه مقدّر شده بود به او اصابت كند را از او دور مى‏سازد و از اموالش حفاظت مى‏شود.[[398]](#footnote-398) 7- يكى از ياران امام صادق عليه السلام از آن حضرت نقل مى‏كند: «كسى كه به زيارت قبر ابى‏عبداللَّه عليه السلام برود صله رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله و صله ما را به جا آورده است؛ غيبت كردن در پشت سر او حرام و گوشتش بر آتش جهنّم نيز حرام مى‏شود و خداوند پشتيبان او در رفع نيازها و حفظ آنچه (از مال و فرزند و عيال) بر جاى گذاشته، مى‏باشد؛ هر حاجتى را از خدا بخواهد دير يا زود برآورده مى‏سازد».[[399]](#footnote-399) و مطابق روايت ديگرى در ازاى هر درهمى، ده هزار درهم برايش ثواب نوشته مى‏شود و درحالى به سوى اهلش باز مى‏گردد كه گناهان او از نامه اعمالش پاك شده است.[[400]](#footnote-400) و مطابق روايت ديگرى بهتر از آن، رضايت خدا و دعاى محمّد صلى الله عليه و آله و دعاى اميرمؤمنان و ائمّه عليهم السلام است كه شامل حالش مى‏شود.[[401]](#footnote-401)

كليات مفاتيح نوين، ص: 360

8- كسى كه توان زيارت امام حسين عليه السلام را داشته باشد و در عين حال (بدون عذر) ترك كند مخالفت با رسول اللَّه صلى الله عليه و آله و مخالفت با ما كرده‏[[402]](#footnote-402) و به حسرت در «يوم الحسرة» گرفتار مى‏شود![[403]](#footnote-403) 9- بشير بن دهان از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: «زائر قبر حسين عليه السلام با اوّلين گامى كه برمى‏دارد و از اهل بيتش جدا مى‏شود، مغفرت گناهانش آغاز مى‏گردد، سپس پيوسته با قدم‏هايى كه بر مى‏دارد پاكتر مى‏شود تا به قبر آن حضرت برسد، وقتى نزد قبر مطهّر آمد خداوند سبحان مى‏فرمايد: بنده من از من طلب كن تا عطايت كنم، دعا كن تا به اجابت رسانم و بر خداست كه آنچه را در اين راه بذل كرده، به او برگرداند».[[404]](#footnote-404) و در روايت ديگرى آمده است: براى خداوند فرشتگانى موكّل بر قبر امام حسين عليه السلام مى‏باشند كه وقتى كسى تصميم به زيارت قبر امام حسين عليه السلام را گرفت خداوند گناهانش را به آن ملائكه مى‏سپرد و وقتى قدمى برداشت آن گناهان را محو مى‏كنند و وقتى باز قدمى برداشت حسنات او را زياد مى‏كنند و به همين صورت حسنات او زياد مى‏شود تا اين‏كه بهشت بر او واجب مى‏گردد. سپس او را در بر مى‏گيرند و تقديسش مى‏كنند، و فرشتگان آسمان ندا مى‏دهند كه زوّار حبيب رسول خدا صلى الله عليه و آله را تقديس كنيد، و وقتى غسل زيارت كردند حضرت محمّد صلى الله عليه و آله ندايشان مى‏دهد كه اى مسافران الهى! رفاقت با من در بهشت، بر شما بشارت باد! سپس اميرمؤمنان عليه السلام ندايشان مى‏دهد كه من ضامن قضاى حوائج و دفع بلاها از شما در دنيا و آخرتم. سپس رسول گرامى صلى الله عليه و آله با آنها از راست و چپ ملاقات مى‏كند تا اين‏كه با همراهى آن حضرت به سوى خانواده خود باز گردند.[[405]](#footnote-405) يادآورى لازم:

روشن است كه اين ثواب‏هاى عظيم و پاداش‏هاى فوق العاده از آن كسانى است كه عارف به حقّ امام حسين عليه السلام باشند و بدانند آن حضرت براى چه هدفى قيام كرد و در چه راهى شربت شهادت نوشيد و در ضمن زيارت، با آن حضرت پيوند تازه‏اى برقرار كنند و در مسير اهداف آن بزرگوار قرار گيرند و محتواى سازنده زيارت‏نامه‏ها را در وجود خود پياده كنند و با روحيّه‏اى تازه از كنار قبر آن بزرگوار بازگردند و لذا در روايتى كه ابن عبّاس از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله درباره زيارت امام حسين عليه السلام و پاداش عظيم آن نقل مى‏كند جمله «عارفاً بحقّه» در آغاز روايت به چشم مى‏خورد.[[406]](#footnote-406)

كليات مفاتيح نوين، ص: 361

آداب زيارت امام حسين عليه السلام از نزديك:

آدابى كه شايسته است زائر در مسير زيارت، رعايت كند به قرار زير است (البتّه بعضى از اين آداب در شرايط فعلى ميسّر نيست، به آنچه ممكن است اكتفا كند):

1- بهتر است قبل از آن‏كه از خانه خارج شود سه روز روزه بدارد و در روز سوم غسل كند و خانواده خود را جمع نمايد و بگويد:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسى‏ وَاهْلى‏ وَمالى‏ وَ وُلْدى‏ وَكُلَّ مَنْ كانَ‏

خدايا امروز خودم و خانواده و اموال و فرزندانم و هر كه در راه‏

مِنّى‏ بِسَبيلٍ، الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغآئِبَ، اللهُمَّ احْفَظْنا بِحِفْظِ الْإيمانِ،

با من است، حاضر و غايب آنان را به تو مى‏سپارم، خدايا ما را با حفظ ايمان محافظت فرما،

وَاحْفَظْ عَلَيْنا، اللهُمَّ اجْعَلْنا فى‏ حِرْزِكَ، وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما

و از ما دفاع كن، خدايا ما را در پناهت قرار ده و نعمت هايت را از ما مگير و آنچه كه‏

بِنا مِنْ نِعْمَةٍ وَعافِيَةٍ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ، انَّا الَيْكَ راغِبُونَ.[[407]](#footnote-407)

از نعمت و سلامتى به ما ارزانى داشته‏اى دگرگون مكن و از فضل و احسانت بر ما بيفزا كه ما به تو مشتاقيم.

2- آنگاه با خضوع و خشوع از منزل خارج شود و «

لَا الهَ إِلَّا اللَّه‏

» و «

اللَّهُ اكْبَر

» و «

الْحَمْدُ للَّهِ‏

» بسيار بگويد، و صلوات بر محمّد و آل محمّد (صلوات اللَّه عليهم) بفرستد و با آرامش و وقار به راه بيفتد[[408]](#footnote-408) و بداند هر زحمتى در اين راه متحمّل شود، اجر و پاداش عظيم دارد.

3- امام صادق عليه السلام فرمود: «در حالى به زيارت امام حسين عليه السلام برو كه محزون و ژوليده و غبارآلود و گرسنه و تشنه باشى چرا كه آن حضرت با چنين حالاتى به شهادت رسيد، آنگاه حاجات خود را طلب كن و برگرد و كنار قبرش را وطن خود قرار مده»![[409]](#footnote-409) 4- توشه خويش را در اين سفر، از غذاهاى لذيذ و شيرين قرار ندهد و از غذاهاى ساده استفاده كند چرا كه از امام صادق عليه السلام روايت شده كه فرمود: «شنيده‏ام جماعتى به زيارت امام حسين عليه السلام مى‏روند در حالى كه با خود سفره‏هايى از بزغاله‏هاى بريان و حلواها حمل مى‏كنند، با آن‏كه اگر به زيارت قبر پدران يا

كليات مفاتيح نوين، ص: 362

دوستان خود مى‏رفتند چنين عمل نمى‏كردند».[[410]](#footnote-410) 5- اگر ممكن است گاهى با پاى پياده و با كمال تواضع و فروتنى براى زيارت حركت كند، چرا كه امام صادق عليه السلام فرمود: «در ازاى هر گامى كه برمى‏دارد هزار حسنه براى او نوشته مى‏شود».[[411]](#footnote-411) 6- وقتى به شطّ فرات رسيد غسل كند و با پاى پياده و برهنه حركت كند.[[412]](#footnote-412)

آب فرات و فضيلت آن:

شطّ فرات از كربلا و از نزديكى نجف يعنى شهر «كوفه» كه هم اكنون متّصل به «نجف» شده است مى‏گذرد. روايات زيادى در فضيلت آب فرات در كتب روايى ما از جمله «كامل الزيارات ابن‏قولويه»، وارد شده و ويژگى‏ها و بركاتى را براى آن برشمرده است؛ از جمله:

الف) يكى از ياران امام باقر عليه السلام نقل مى‏كند كه مردى از اهل كوفه بر آن حضرت وارد شد، حضرت فرمود: «آيا هر روز در آب فرات غسل مى‏كنى؟ گفت خير، فرمود: هر هفته؟ گفت خير، فرمود: هر ماه؟ گفت خير، فرمود: هر سال؟ عرض كرد خير، فرمود: به يقين كه تو از خير و بركت محرومى».[[413]](#footnote-413) ب) در روايتى امام صادق عليه السلام آيه‏

«وَ آوَيْناهُما إِلى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ»[[414]](#footnote-414)

(كه درباره مريم و فرزندش حضرت عيسى عليه السلام وارد شده و ترجمه‏اش اين است: «و ما عيسى و مادرش را در سرزمين مرتفعى كه داراى امنيّت و آب جارى بود، جاى داديم») را به نجف (كه در نزديكى كوفه است) و آب فرات تفسير فرمودند.[[415]](#footnote-415) ج) در روايت ديگرى آن حضرت مى‏فرمايد: «اگر من در نزديكى فرات بودم صبح و شام كنارش مى‏رفتم و از آن بهره مى‏گرفتم».[[416]](#footnote-416) د) در روايت معتبر ديگرى نهر فرات از نهرهاى چهارگانه بهشتى معرّفى شده است.[[417]](#footnote-417) يادآورى:

لزومى ندارد كه مردم براى تبرّك به آب فرات در نهر غسل كنند بلكه استفاده از آب لوله‏كشى كه از آب فرات برگرفته شده باشد نيز، همين بركات را خواهد داشت، ان‏شاء اللّه.

7- به نيازمندان و واماندگان در راه كمك كند و تا حدّ ممكن در رفع مشكل آنها اهتمام ورزد و آنها را

كليات مفاتيح نوين، ص: 363

به منزل برساند؛ چرا كه «شيخ كلينى» به سند معتبر از امام صادق عليه السلام روايت كرده كه خطاب به جمعى كه در نزد او بودند فرمود: چرا شما ما را خوار و سبك مى‏انگاريد؟! فردى از آن جمع عرض كرد: پناه مى‏بريم به خداوند از اين‏كه بخواهيم شما و يا چيزى را كه مربوط به شماست سبك بشماريم. فرمود: آرى! تو خودت يكى از آنها هستى! عرض كرد: به خدا پناه مى‏برم! فرمود: آيا نزديك «جحفه» كه بوديم صداى استعانت فلان كس را نشنيدى كه از تو درخواست كرده بود مرا به قدر يك ميل (حدود 5/ 1 كيلومتر) سوار كن كه به خدا سوگند خسته شده‏ام و تو سرت را بالا گرفتى و با بى‏اعتنايى از او گذشتى؟! آنگاه فرمود: هر كس مؤمنى را خوار نمايد ما را خوار نموده و احترام ما را ضايع كرده است.[[418]](#footnote-418) لازم به تذكّر است كه اين نكته اختصاص به زوّار امام حسين عليه السلام ندارد، بلكه نظير قصّه‏اى كه از على‏بن يقطين در آداب مطلق زيارات گذشت (و آن نيز مربوط به تكريم برادر دينى و پرهيز از بى‏حرمتى و بى‏اعتنايى نسبت به مؤمن بود) در هر سفر زيارتى بايد مورد توجّه قرار گيرد.

8- مصاحبت و معاشرت نيكو داشته باشد و با دوستان و رفقا سخن كم بگويد، بسيار ياد خدا كند و جامه‏هاى پاكيزه بپوشد، قبل از ورود به حرم، غسل كند و با خشوع و رقّت قلب بوده باشد و نماز بسيار بخواند و بر محمّد و آل محمّد عليهم السلام بسيار صلوات بفرستد و از چيزهاى ناشايست، خويشتن را نگه دارد، و از حرام و چيزهاى شبهه‏ناك، كاملًا بپرهيزد، و به برادران مؤمن پريشان‏حال، احسان كند و اگر كسى را ديد كه هزينه سفرش تمام شده از او دستگيرى كند و موجودى خود را ميان خود و او، تقسيم كند و از جدال و نزاع و همه امورى كه خدا از آن نهى كرده، دورى گزيند. همه اين آداب را محمّد بن مسلم از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند.[[419]](#footnote-419) 9- از ابوسعيد مدائنى نقل شده كه مى‏گويد: محضر امام صادق عليه السلام رسيدم و پرسيدم: آيا به زيارت قبر حسين بن على عليه السلام بروم؟ فرمود: آرى، برو به زيارت قبر امام حسين عليه السلام، نيك‏ترين نيكان، پاكيزه‏ترين پاكيزگان و نيكوكارترين نيكوكاران، و چون آن حضرت را زيارت كردى نزد آن حضرت دو ركعت نماز بجاى آور و در آن دو ركعت، سوره يس و الرحمن بخوان كه اگر چنين كنى ثواب عظيمى براى تو خواهد بود.[[420]](#footnote-420) 10- نماز فريضه و نافله را نزد قبر آن حضرت بجا آورد كه مقبول است؛ چرا كه نماز واجبى كه نزد آن حضرت خوانده مى‏شود برابر با حج، و نماز نافله برابر با عمره است.[[421]](#footnote-421) يادآورى: الف) ظاهر اخبار اين است كه نماز زيارت و يا غير آن را، هم مى‏تواند در پشت سر قبر آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 364

حضرت بخواند و هم در بالاى سر،[[422]](#footnote-422) (البتّه اگر مى‏خواهد در بالاى سر بخواند مقدارى عقب‏تر بايستد تا محاذى قبر مقدّس نباشد).

ب) دو ركعت نمازى كه به عنوان نماز زيارت دربالاى سر خوانده مى‏شود بهتر است كه در ركعت اوّل آن، حمد و سوره يس بخواند و در ركعت دوم، حمد و سوره الرحمن.[[423]](#footnote-423) ج) ابن قولويه از امام باقر عليه السلام روايت كرده كه به شخصى فرمود: چه مانعى دارد كه هرگاه حاجتى پيدا كردى نزد قبر امام حسين عليه السلام بروى و چهار ركعت نماز گزارى و حاجت خويش را از خدا طلب كنى؛ چرا كه نماز فريضه نزد آن حضرت معادل با حج، و نماز نافله معادل با عمره است‏[[424]](#footnote-424) و از روايت امام باقر عليه السلام نيز به دست مى‏آيد كه هر كس دو ركعت يا چهار ركعت نماز، كنار قبرش بخواند و حاجتش را طلب كند، حاجتش برآورده خواهد شد[[425]](#footnote-425) و وقتى ابن ابى يعفور خدمت امام صادق عليه السلام عرض مى‏كند: اشتياق زيارت تو باعث شد كه من مشقّت‏هايى را متحمّل گردم تا به محضرت شرفياب شوم، حضرت در جوابش فرمودند: از پروردگارت گلايه نكن! چرا نزد كسى كه حقّش بر گردن تو از حقّ من بيشتر است نرفتى؟ ابن ابى‏يعفور مى‏گويد: اين دو جمله حضرت خيلى بر من گران آمد و جمله دوم (چرا نزد كسى كه حقّش بيشتر از حقّ من است نرفتى) از جمله اوّل (از پروردگارت گلايه نكن) گرانتر بود، لذا پرسيدم: آن چه كسى است كه حقّش بر من از حقّ تو بيشتر است؟ فرمود: حسين بن على عليهما السلام؛ چرا نزد امام حسين عليه السلام نرفتى و آن جا دعا نكردى و عرض حاجت ننمودى؟!».[[426]](#footnote-426) در روايات‏[[427]](#footnote-427) آمده است كه خداوند در برابر شهادت، سه چيز به امام حسين عليه السلام ارزانى داشت: «

جَعَلَ‏

الإِمامَةَ فِي ذُرِيَّتِهِ، وَ الشِّفاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَ إِجابَةَ الدُّعاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ‏

؛ امامت را در فرزندان او قرار داد و شفا را در تربتش و اجابت دعا را در كنار قبرش (در بعضى از روايات نيز آمده: «

تَحْتَ قُبَّتِهِ‏

؛ زير قبّه‏اش»).[[428]](#footnote-428) حاج شيخ عباس قمى (ره) نوشته است از روايات به دست مى‏آيد كه اجابت دعا در زير قبّه آن حضرت از امورى است كه حق تعالى در عوض شهادتش به او عنايت فرموده است لذا زائر بايد آن را غنيمت بشمرد و در تضرّع و انابه و دعا و عرض حاجات كوتاهى نكند و بهترين دعاها با عالى‏ترين مضامين را در اين مكان مقدّس بخواند، و ما در اين جا به چهار دعا اشاره مى‏كنيم:

يك- دعايى كه در پايان زيارت امين‏اللَّه (صفحه 262) وارد شده و از مضامين بسيار بلند و جامعى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 365

برخوردار است، كه مى‏تواند همراه با خود اين زيارت (كه مطابق آنچه ضمن زيارات مطلقه اميرمؤمنان گذشت از معتبرترين زيارتهاست) امام حسين عليه السلام را نيز زيارت كند زيرا همچنان كه گفته شد اين زيارتى است كه در همه مشاهد مشرّفه مى‏توان خواند.

دو- دعاهايى كه در اواخر اين بخش بعد از زيارات جامعه آمده است، (صفحه 552- 561).

سه- دعاى عالية المضامين كه از جامع‏ترين دعاهاست و «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» بعد از زيارت جامعه ائمّةالمؤمنين (سومين زيارت جامعه) آن را نقل كرده است و در تتمّه اين بخش نيز خواهد آمد، (صفحه 555).

چهار- دعايى كه در ضمن يكى از زيارات امام حسين عليه السلام نقل شده، به اين صورت كه دست‏هاى خود را به سوى آسمان بالا برده، مى‏گويى:

اللَّهُمَّ قَدْ تَرى‏ مَكانى‏، وَتَسْمَعُ كَلامى‏، وَتَرى‏ مَقامى‏ وَتَضَرُّعى‏، وَمَلاذى‏

خدايا جايگاهم را مى‏بينى و سخنم را مى‏شنوى و موقعيّت و گريه و زارى و پناهندگيم را

بِقَبْرِ وَلِيِّكَ وحُجَّتِكَ، وَابْنِ نَبِيِّكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ يا سَيِّدى‏ حَوائِجى‏، وَلا

به قبر ولىّ و حجّتت و فرزند پيامبرت مى‏بينى، اى آقا و سرورم حاجت‏هايم را مى‏دانى، و

يَخْفى‏ عَلَيْكَ حالى‏، وَقَدْ تَوَجَّهْتُ الَيْكَ بِابْنِ رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ وَامينِكَ،

حالم بر تو پوشيده نيست و به واسطه فرزند پيامبر و حجّت و امنيت، به تو رو كرده‏ام‏

وَقَدْ اتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً بِهِ الَيْكَ وَالى‏ رَسُولِكَ، فَاجْعَلْنى‏ بِهِ عِنْدَكَ وَجيهاً

و به واسطه او به تو و پيامبرت نزديكى مى‏جويم پس به حقّ او مرا

فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ، وَاعْطِنى‏ بِزِيارَتى‏ امَلى‏، وَهَبْ‏

در دنيا و آخرت در نزد خودت آبرومند و از مقرّبان قرار ده، و به سبب زيارتم آرزويم را برآور و خواسته‏ام را

لى‏ مُناىَ، وَتَفَضَّلْ عَلَىَّ بِشَهْوَتى‏ وَرَغْبَتى‏، وَاقْضِ لى‏ حَوآئِجى‏

عطا كن، خواسته و شوق و اشتياقم را به من تفضّل كن و حاجت‏هايم را برآور

وَلاتَرُدَّنى‏ خآئِباً، وَ لا تَقْطَعْ رَجآئى‏، وَ لا تُخَيِّبْ دُعآئى‏، وَعَرِّفْنِى‏

و مرا نااميد باز مگردان و اميدم را قطع مكن، و دعايم را بى‏نتيجه قرار مده، اجابت‏

الْإِجابَةَ فى‏ جَميعِ ما دَعَوْتُكَ مِنْ امْرِالدّينِ وَالدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، وَاجْعَلْنى‏

تمام آنچه كه از امور دين و دنيا و آخرت از تو خواستم به من بنمايان، و مرا

كليات مفاتيح نوين، ص: 366

مِنْ عِبادِكَ الَّذينَ صَرَفْتَ عَنْهُمُ الْبَلايا، وَالْأَمْراضَ وَالْفِتَنَ وَالْأَعْراضَ،

از بندگانى كه بلاها و بيمارى‏ها و فتنه‏ها و حوادث را از آنها بازگردانده‏اى، قرار ده،

مِنَ الَّذينَ تُحْييهِمْ فى‏ عافِيَةٍ، وَ تُميتُهُمْ فى‏ عافِيَةٍ، وَتُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ

از آنانى كه در عافيت و سلامتى زنده داشته و ميرانده‏اى و در عافيت وارد بهشت‏

فى‏ عافِيَةٍ، وَ تُجيرُهُمْ مِنَ النَّارِ فى‏ عافِيَةٍ، وَ وَفِّقْ لى‏ بِمَنٍّ مِنْكَ صَلاحَ‏

نموده و در عافيت از آتش جهنّم پناه داده‏اى، و به منّتى از ناحيه خودت خير

ما اؤَمِّلُ فى‏ نَفْسى‏ وَاهْلى‏ وَوُلْدى‏ وَاخْوانى‏ وَمالى‏، وَجَميعِ ما انْعَمْتَ‏

آنچه آرزو دارم در مورد خودم، خانواده، فرزندان، برادران و داراييم و تمام آن‏چه كه به واسطه آن به من نعمت داده‏اى‏

بِهِ عَلَىَّ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[429]](#footnote-429)

برايم مهيّا كن، اى مهربانترين مهربانان.

11- در داخل حرم بر آن حضرت صلوات بفرستد و بهتر است اين صلوات را كه مرحوم «علّامه مجلسى» از «سيّد بن طاووس» نقل كرده، بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى‏ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ،

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و بر حسين مظلومِ شهيد درود فرست،

قَتيلِ الْعَبَراتِ، وَاسيرِ الْكُرُباتِ، صَلاةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً، يَصْعَدُ اوَّلُها،

آن كشته‏اى كه اشك فراوان بر او ريخته مى‏شود و در بند ناگوارى‏ها است درود فرست، درودى فراوان، پاكيزه و با بركت كه صعود كننده‏

وَلا يَنْفَدُ آخِرُها، افْضَلَ ما صَلَّيْتَ على‏ احَدٍ مِنْ اوْلادِ الْأَنْبِيآءِ

و بى انتها باشد بهترين درودى كه بر هر يك از فرزندان پيامبران و فرستادگانت‏

وَالْمُرْسَلينَ، يا رَبَّ الْعالِمينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمامِ الشَّهيدِ الْمَقْتُولِ‏

فرستاده‏اى، اى پروردگار جهانيان، خدايا درود فرست بر پيشواى شهيد و كشته شده (در راه خدا)

الْمَظْلُومِ الْمَخْذُولِ، وَالسَّيِّدِ الْقآئِدِ، الْعابِدِ الزَّاهِدِ، الْوَصِىِّ الْخَليفَةِ،

و مظلوم و بى ياور، و آقا و رهبر، و عابد پرهيزگار و وصىِّ جانشين،

الْإِمامِ الصِّدّيقِ، الطُّهْرِ الطَّاهِرِ، الطَّيِّبِ الْمُبارَكِ، وَ الرَّضِىِّ الْمَرْضِىِّ،

آن امام راست گفتار، پاك و پاكدامن و پاكيزه و با بركت، و خشنود و پسنديده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 367

وَالتَّقِىِّ الْهادِى الْمَهْدِىِّ، الزَّاهِدِ الذَّائِدِ الْمُجاهِدِ الْعالِمِ، امامِ الْهُدى‏،

و پرهيزكار و راهنماى راه يافته، آن پرهيزگار پشتيبان و مجاهد دانا، و پيشواى هدايت،

وَسِبْطِ الرَّسُولِ، وَقُرَّةِ عَيْنِ الْبَتُولِ، صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ صَلِ‏

و نوه پيامبر و نور چشم حضرت زهرا- كه سلام و درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدايا

عَلى‏ سَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ، كَما عَمِلَ بِطاعَتِكَ، وَ نَهى‏ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبالَغَ‏

بر آقا و مولاى من درود فرست، آن گونه كه اطاعتت كرده و از نافرمانيت نهى نمود، در راه خشنوديت‏

فى‏ رِضْوانِكَ، وَاقْبَلَ عَلى‏ ايمانِكَ غَيْرَ قابِلٍ فيكَ عُذْراً، سِرّاً وَ عَلانِيَةً

كوشش كرده، و بدون عذرى به تو ايمان آورد، در نهان و آشكار

يَدْعُو الْعِبادَ الَيْكَ، وَ يَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ، وَقامَ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَهْدِمُ الْجَوْرَ

بندگان را به سوى تو فراخوانده و راهنمايى نمود و در حضورت قيام كرده تا (كاخ) ظلم و جور را با

بِالصَّوابِ، وَ يُحْيِى السُّنَّةَ بِالْكِتابِ، فَعاشَ فى‏ رِضْوانِكَ مَكْدُوداً،

درستى ويران سازد و راه و روش پيغمبر را با كتاب خدا زنده گردانيد، پس در راه خشنودى تو با سختى و مشقّت زندگى كرد

وَمَضى‏ عَلى‏ طاعَتِكَ وَ فى‏ اوْلِيآئِكَ مَكْدُوحاً، وَ قَضى‏ الَيْكَ مَفْقُوداً، لَمْ‏

و بر بندگى تو و در راه اوليايت رنج كشيد، از دنيا رفت، در حالى كه‏

يَعْصِكَ فى‏ لَيْلٍ وَلا نَهارٍ، بَلْ جاهَدَ فيكَ الْمُنافِقينَ وَالْكُفَّارَ، اللهُمَ‏

هيچ گاه نافرمانى تو را نكرد، بلكه در راه تو با منافقان و كفّار پيكار كرد، خدايا

فَاجْزِهِ خَيْرَ جَزآءِ الصَّادِقينَ الأَبْرارِ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ، وَلِقاتِليهِ‏

پس بهترين پاداش راستگويان و نيكوكاران را به او عطا فرما، و بر عذاب و عقاب دشمنان و قاتلانش‏

الْعِقابَ، فَقَدْ قاتَلَ كَريماً، وَقُتِلَ مَظْلُوماً، وَمَضى‏ مَرْحُوماً، يَقُولُ ا نَا ابْنُ‏

بيفزا، كه بزرگوارانه جنگيد و مظلومانه كشته شد و در سايه رحمت خدا درگذشت، در حالى كه مى‏فرمود: من فرزند

رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ، وَابْنُ مَنْ زَكّى‏ وَعَبَدَ، فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمَدِ، قَتَلُوهُ‏

فرستاده خدا، محمّد هستم و فرزند كسى كه زكات داد و خدا را عبادت نمود، پس او را دانسته و به عمد كشتند، او را

عَلَى الْإيمانِ، وَ اطاعُوا فى‏ قَتْلِهِ الشَّيْطانَ، وَلَمْ يُراقِبُوا فيهِ الرَّحْمنَ،

بر ايمان كشتند و در كشتن او از شيطان پيروى كردند. و در قتل او از خداوند رحمان نترسيدند،

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ سَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ، صَلاةً تَرْفَعُ بِها ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ بِها امْرَهُ،

خدايا بر آقا و مولاى من درود فرست، درودى كه به واسطه آن يادش را بالا برده و برنامه‏اش را آشكار نموده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 368

وَتُعَجِّلُ بِها نَصْرَهُ، وَاخْصُصْهُ بِافْضَلِ قِسَمِ الْفَضآئِلِ يَوْمَ الْقِيمَةِ، وَزِدْهُ‏

و در ياريش تعجيل كنى، و بهترين فضيلت‏ها را در روز قيامت مخصوص او گردان و بر شرافتش در

شَرَفاً فى‏ اعْلى‏ عِلِّيّينَ، وَبَلِّغْهُ اعْلى‏ شَرَفِ الْمُكَرَّمينَ، وَارْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ‏

بلندترين درجات بهشت بيفزا و او را به بلندترين مرتبه اهل كرامت برسان، و او را از رحمت عظيمت‏

رَحْمَتِكَ فى‏ شَرَفِ الْمُقَرَّبينَ فىِ الرَّفيعِ الأَعْلى‏، وَ بَلِّغْهُ الْوَسيلَةَ،

در جايگاه رفيع مقرّبان تا بلندترين جايگاه بالا ببر، و او را به مقام وسيله‏ [/ شفاعت‏] و

وَالْمَنْزِلَةَ الْجَليلَةَ، وَ الْفَضْلَ وَالْفَضيلَةَ، وَالْكَرامَةَ الْجَزيلَةَ، اللهُمَّ وَاجْزِهِ‏

جايگاه با عظمت و فضل و فضيلت و بزرگوارى نيكو برسان، خدايا بهترين پاداشى را كه به‏

عَنَّا افْضَلَ ما جازَيْتَ اماماً عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَصَلِّ عَلى‏ سَيِّدى‏ ومَوْلاىَ،

يك پيشوا از جانب پيروانش مى‏دهى از جانب ما به او عطا فرما و بر آقا و مولايم درود فرست‏

كُلَّما ذُكِرَ وَكُلَّما لَمْ يُذْكَرْ، يا سَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ، ادْخِلْنى‏ فى‏ حِزْبِكَ‏

هر زمانى كه ياد شود و ياد نشود، اى آقا و مولاى من، مرا در حزب و گروهت‏

وَزُمْرَتِكَ، وَاسْتَوْهِبْنى‏ مِنْ رَبِّكَ وَرَبّى‏، فَانَّ لَكَ عِنْدَاللَّهِ جاهاً وَقَدْراً

داخل كن و بخشش مرا از پروردگارمان بخواه، كه براى تو در نزد او مقام و ارزش‏

وَمَنْزِلَةً رَفيعَةً، انْ سَئَلْتَ اعْطيتَ، وَانْ شَفَعْتَ شُفِّعْتَ، اللَّهَ اللَّهَ فى‏ عَبْدِكَ‏

و جايگاهى بلند است، هر چه خواهى به تو مى‏دهد و اگر شفاعت كنى پذيرفته مى‏شود، خدا را، خدا را در مورد بنده‏

وَ مَوْلاكَ، لا تُخَلِّنى‏ عِنْدَ الشَّدآئِدِ وَالأَهْوالِ لِسُوءِ عَمَلى‏، وَقَبيحِ فِعْلى‏،

و دوستدارت ياد كن و مرا در سختى‏ها و گرفتارى‏ها به خاطر عمل بد و كار زشت‏

وَعَظيمِ جُرْمى‏، فَانَّكَ امَلى‏ وَرَجآئى‏ وَثِقَتى‏ وَمُعْتَمَدى‏، وَوَسيلَتى‏ الىَ‏

و گناه بزرگم، رها مكن، پس همانا تو آرزو و اميد و پناهگاه و تكيه گاه و وسيله (تقرّب) من به‏

اللَّهِ رَبّى‏ وَرَبِّكَ، لَمْ يَتَوَسَّلِ الْمُتَوَسِّلُونَ الَى اللَّهِ بِوَسيلَةٍ هِىَ اعْظَمُ حَقّاً،

خدا هستى كه پروردگار من و توست، متوسّلان به خدا به كسى كه حقّش بزرگتر

وَلا اوْجَبُ حُرْمَةً، وَلا اجَلُّ قَدْراً عِنْدَهُ مِنْكُمْ اهْلَ الْبَيْتِ، لاخَلَّفَنِىَ اللَّهُ‏

و احترامش واجب‏تر و ارزشش در نزد او بيشتر از شما اهل بيت باشد توسّل نجسته‏اند، خداوند به خاطر گناهانم مرا

عَنْكُمْ بِذُنُوبى‏، وَجَمَعَنى‏ وَايَّاكُمْ فى‏ جَنَّةِ عَدْنٍ الَّتى‏ اعَدَّها لَكُمْ‏

از شما جدا نكند، و مرا با شما در بهشتى كه براى شما

كليات مفاتيح نوين، ص: 369

وَلِأَوْلِيآئِكُمْ، انَّهُ خَيْرُ الْغافِرينَ، وَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ ابْلِغْ سَيِّدى‏

و دوستدارانتان مهيّا كرده گرد هم آورد كه او بهترين آمرزندگان و مهربان‏ترين مهربانان است، خدايا سلام و تحيّت‏

وَمَوْلاىَ تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً، وَارْدُدْ عَلَيْنا مِنْهُ السَّلامَ، انَّكَ جَوادٌ كَريمٌ،

فراوان مرا به آقا و مولايم برسان، و سلام او را نيز به ما بازگردان كه تو بخشنده و بزرگوارى‏

وَصَلِّ عَلَيْهِ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ وَكُلَّما لَمْ يُذْكَرْ، يا رَبَّ الْعالَمينَ.[[430]](#footnote-430)

و هر زمانى كه ذكر سلامى شود يا نشود بر او درود فرست اى پروردگار جهانيان.

يادآورى: در پايان اين بخش (بخش زيارات، صفحه 561) صلواتى بر معصومين عليهم السلام نقل خواهد شد كه مشتمل بر صلواتى بر امام حسين عليه السلام نيز هست، علاقمندان مى‏توانند آن را نيز قرائت كنند.

12- «ابن فهد» در «عدّة الداعى» از امام صادق عليه السلام روايت كرده كه فرمود: هر كس به درگاه خداى عزّوجل حاجتى دارد، بالاى سر امام حسين عليه السلام بايستد و بگويد:

يا ابا عَبْدِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ تَشْهَدُ مَقامى‏، وَتَسْمَعُ كَلامى‏، وَ انَّكَ حَىٌّ عِنْدَ

اى اباعبداللَّه گواهى مى‏دهم كه تو جايگاهم را مى‏بينى و سخنم را مى‏شنوى و همانا تو در نزد

رَبِّكَ تُرْزَقُ، فَاسْئَلْ رَبَّكَ وَرَبّى‏ فى‏ قَضآءِ حَوآئِجى‏.

پروردگارت زنده‏اى و روزى داده مى‏شوى، پس برآمدن حاجاتم را از پروردگارمان بخواه.

به يقين حاجت او برآورده مى‏شود، ان شاءاللَّه تعالى.[[431]](#footnote-431) 13- اگر مشكل و يا كار مهمّى دارد مى‏تواند زير آن قبّه شريف استخاره و طلب خير كند؛ به اين نحو كه در قسمت بالاى سر امام حسين عليه السلام بايستد، صد مرتبه طلب خير كند و «

الْحَمْدُ لِلَّه‏

» و «

لا الهَ الَّا اللَّه‏

» و «

سُبْحانَ اللَّه‏

» بگويد و خدا را به بزرگى ياد كند و حمد و ثناى او- آن گونه كه سزاوار اوست- بجا آورد كه اگر چنين كند مطابق روايت «قرب‏الاسناد حميرى» كه به سند صحيح نقل شده، آنچه خير اوست به او داده مى‏شود[[432]](#footnote-432) و طلب خير- مطابق روايات ديگر- به اين نحو است كه صد مرتبه بگويد: «

اسْتَخيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ‏

خِيَرَةً فى‏ عافِيَةٍ

».[[433]](#footnote-433) 14- در روايتى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه به يكى از يارانش فرمود: «به من خبر رسيده كه گروهى در نيمه ماه شعبان از اطراف كوفه و غير آن، نزد قبر امام حسين عليه السلام مى‏آيند و نوحه‏گرى مى‏كنند؛ عدّه‏اى مصيبت مى‏خوانند و عدّه‏اى ديگر اشك مى‏ريزند و گروهى مرثيه مى‏خوانند؟» عرض كرد: آرى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 370

فدايت شوم من خودم شاهد بعضى از آنچه مى‏فرماييد بودم. فرمود: «سپاس خداوندى را كه در ميان مردم كسانى را قرار داد كه نزد ما مى‏آيند و ما را مدح مى‏كنند و براى ما مرثيه مى‏خوانند، و دشمن ما را از كسانى قرار داد كه بر آنها طعنه مى‏زنند و آنها را تهديد كرده، كارهايشان را زشت مى‏شمرند».[[434]](#footnote-434) در صدر همين روايت آمده: امام حسين عليه السلام كسى است كه آن كس كه به زيارتش مى‏رود برايش مى‏گريد و كسى كه توفيق زيارتش را نيابد بر او محزون مى‏شود، و كسى كه بر قبر پسرش در پايين پاى او، نظر مى‏افكند قلبش به ترحّم مى‏آيد، خصوصاً وقتى ملاحظه مى‏كند كه در بيابان، غريبانه و بدون دوست و خويشان و نزديكان افتاده، حقّش را غصب كردند و جمعى از مرتدّين و برگشتگان از دين، دست به دست هم دادند و او را شهيد كردند؛ حتّى او را دفن نكرده در بيابان رهايشان ساختند و از آب فراتى كه حتّى حيوانات از آن مى‏نوشند، منعش كردند و از اين طريق، حقّ رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله و وصيّتى را كه آن حضرت در حقّ او و اهل بيتش كرده بود، ضايع نمودند ....[[435]](#footnote-435) 15- «علّامه‏مجلسى» به نقل از «سيّدبن‏طاووس» مى‏گويد: مستحب است كسى كه از زيارت آن حضرت فارغ شد و مى‏خواهد از حرم مطهر بيرون رود، ضريح را ببوسد (اگر ممكن است) و بگويد:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى مولاى من، سلام بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى‏

صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتيلَ الظَّمآءِ،

برگزيده خدا، سلام بر تو اى (بنده) پاكدل و خالص خدا، سلام بر تو اى كشته عطشان،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا غَريبَ الْغُرَبآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا

سلام بر تو اى غريب‏تر از هر غريب، سلام بر تو سلام وداع‏كننده‏اى كه خسته‏

قالٍ، فَانْ امْضِ فَلا عَنْ مَلالَةٍ، وَانْ اقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللَّهُ‏

و دلتنگ نمى‏شود، پس اگر بروم از روى ناراحتى نيست و اگر بمانم به خاطر بدگمانى به وعده خداوند

الصَّابِرينَ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّى‏ لِزِيارَتِكَ، وَرَزَقَنِىَ اللَّهُ الْعَوْدَ الى‏

به بردباران نيست، خداوند اين زيارت را آخرين زيارت من قرار ندهد و بازگشت دوباره به‏

مَشْهَدِكَ، وَالْمَقامَ بِفِنآئِكَ، وَالْقِيامَ فى‏ حَرَمِكَ، وَايَّاهُ اسْئَلُ انْ يُسْعِدَنى‏

زيارتگاهت و اقامت در درگاه و حرمت را روزى من گرداند، و از او مى‏خواهم كه مرا به واسطه شما

كليات مفاتيح نوين، ص: 371

بِكُمْ، وَيَجْعَلَنى‏ مَعَكُمْ فى‏ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ.[[436]](#footnote-436)

سعادتمند گرداند، و مرا در دنيا و آخرت با شما قرار دهد.

و اين در واقع، زيارت وداع آن حضرت به حساب مى‏آيد.

كيفيّت زيارت امام حسين عليه السلام از نزديك:

زياراتى كه براى امام حسين عليه السلام نقل شده، بر دو قسم است: نخست زياراتى است كه مقيّد به زمان خاصّى نيست و «زيارات مطلقه» نام گرفته است. ديگر زياراتى است كه مخصوص زمان معيّنى مى‏باشد و «زيارات مخصوصه» نام دارد:

زيارات مطلقه امام حسين عليه السلام از نزديك:

زيارات مطلقه آن حضرت زياد است و ما به ذكر هفت زيارت اكتفا مى‏كنيم:

زيارت اوّل: (معتبرترين زيارت‏[[437]](#footnote-437)) طبق نقل «كلينى» و «ابن قولويه» گروهى از ياران امام صادق عليه السلام نزد آن حضرت بودند، يكى از بزرگان آنها عرض كرد:

فدايت شوم، من بسيارى از اوقات امام حسين عليه السلام را ياد مى‏كنم، در آن لحظه چه بگويم؟ فرمود: سه مرتبه بگو:

«السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّه»[[438]](#footnote-438)

چرا كه سلام، از دور يا نزديك به آن حضرت مى‏رسد. سپس فرمود: هنگامى كه اباعبداللَّه عليه السلام به شهادت رسيد آسمانها و زمين‏هاى هفتگانه و آنچه در آنها و مابين آنهاست، بر او گريه كردند ... عرض كردم: من تصميم مى‏گيرم كه به زيارت آن حضرت بروم چه بگويم و چگونه عمل كنم؟ فرمود: وقتى به زيارت حضرتش رفتى، با آب فرات غسل كن و سپس جامه‏هاى پاكت را بپوش ... و هنگام رفتن بسيار

«اللَّهُ اكْبَرُ»

و

«لا الهَ الَّا اللَّهُ»

و

«سُبْحانَ‏اللَّهِ»

و

«الحَمدُللَّهِ»

بگو و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرست، تا به دَرِ حرم حسينى برسى، وقتى به آن جا رسيدى بگو:

كليات مفاتيح نوين، ص: 372

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ اللَّهِ‏

سلام بر تو اى حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، سلام بر شما اى فرشتگان خدا

وَزُوَّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِىِّ اللَّهِ\* سپس ده گام بردار و توقّف كن و سى مرتبه «اللَّه اكبر» بگو، آنگاه به‏ و زيارت كنندگان فرزند پيامبر خدا\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جانب قبر مقدّس حركت كن و مقابل آن- در حالى كه پشت به قبله كرده‏اى- بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتيلَ اللَّهِ وَابْنَ‏

سلام بر تو اى حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، سلام بر تو اى كشته در راه خدا و فرزند

قَتيلِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وِتْرَ اللَّهِ‏

كشته در راه خدا، سلام بر تو اى فرزند كسى كه خونخواهتان خداست، سلام بر تو اى يگانه خداوند

الْمَوْتُورَ فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، اشْهَدُ انَّ دَمَكَ سَكَنَ فِى الْخُلْدِ،

كه كسى در آسمان و زمين (جز خدا) نمى‏تواند انتقامت را بگيرد، گواهى مى‏دهم كه خون تو در بهشت جاى گرفت،

وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ اظِلَّةُ الْعَرْشِ، وَبَكى‏ لَهُ جَميعُ الْخَلايِقِ، وَبَكَتْ لَهُ‏

و به واسطه آن سايه‏افكنان عرش به لرزه در آمد، و تمام مخلوقات گريستند،

السَّمواتُ السَّبْعُ، وَالْأَرَضُونَ السَّبْعُ، وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ يَتَقَلَّبُ‏

و آسمانها و زمينهاى هفت گانه و آنچه كه در آنها و ما بين آنهاست و تمامى آفريده‏هاى پروردگار ما

فى‏ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنا، وَما يُرى‏ وَما لا يُرى‏، اشْهَدُ ا نَّكَ حُجَّةُ

در بهشت و جهنّم و آنچه ديده مى‏شود و ديده نمى‏شود، بر او گريستند، گواهى مى‏دهم كه تو حجّت‏

اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ قَتيلُ اللَّهِ وابْنُ قَتيلِهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ ثارُ اللَّهِ‏

خدا و فرزند حجّت خدايى و گواهى مى‏دهم كه تو كشته در راه خدا و فرزند كشته در راه خدايى و گواهى مى‏دهم كه تو فرزند كسى هستى كه‏

وَابْنُ ثارِهِ‏[[439]](#footnote-439)، وَاشْهَدُ انَّكَ وِتْرُ اللَّهِ الْمَوْتُورُ فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، وَاشْهَدُ

خونخواهتان خداست، و گواهى مى‏دهم كه تو آن يگانه خدا در آسمان‏ها و زمين هستى كه (جز او) نمى‏تواند انتقامش را بگيرد و گواهى مى‏دهم‏

انَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَيْتَ وَاوْفَيْتَ وَجاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ‏اللَّهِ،

كه تو رسالتت را ابلاغ نموده و خير خواهى كردى و به عهدت وفا نموده و وفادارى كردى و در راه خدا جهاد نمودى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 373

وَمَضَيْتَ لِلَّذى‏ كُنْتَ عَلَيْهِ شَهيداً وَمُسْتَشْهِداً، وَشاهِداً وَمَشْهُوداً، ا نَا

و به دنبال هدفى كه داشتى با شهادتى كه خواهان آن بودى و گواه و گواهى شده از دنيا رفتى؛ من‏

عَبْدُاللَّهِ وَمَوْلاكَ وَفى‏ طاعَتِكَ، وَالْوافِدُ الَيْكَ، الْتَمِسُ كَمالَ الْمَنْزِلَةِ

بنده خدا و دوست‏دار تو و در اطاعت تو و حاجتمند درگاهت هستم، بالاترين مقام‏

عِنْدَاللَّهِ، وَثَباتَ الْقَدَمِ فِى الْهِجْرَةِ الَيْكَ، وَالسَّبيلَ الَّذى‏ لا يَخْتَلِجُ دُونَكَ‏

نزد خدا و پايدارى در هجرت به درگاه تو را خواهانم، و راهى را كه بى دغدغه براى‏

مِنَ الدُّخُولِ فى‏ كِفالَتِكَ الَّتى‏ امِرْتَ بِها، مَنْ ارادَ اللَّهَ بَدَءَ بِكُمْ، بِكُمْ يُبَيِّنُ‏

ورود تحت سرپرستيت كه به آن مأمور گشته‏اى خواهانم، كسى كه خدا را اراده كند بايد از شما شروع كند خداوند دروغ را به وسيله‏

اللَّهُ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُباعِدُ اللَّهُ الزَّمانَ الْكَلِبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ‏

شما آشكار مى‏كند و دوران سخت و دشوار را پايان مى‏دهد، و (درهاى خير و رحمت را) مى‏گشايد و مى‏بندد

اللَّهُ، وَبِكُمْ يَمْحُو ما يَشآءُ وَ بِكُمْ يُثْبِتُ، وَبِكُمْ يَفُكُّ الذُّلَّ مِنْ رِقابِنا، وَبِكُمْ‏

و به واسطه شما هر چه را خواهد محو مى‏كند و هر چه را خواهد برقرار مى‏دارد، و ذلّت و خوارى را از ما برمى‏دارد و انتقام‏

يُدْرِكُ اللَّهُ تِرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِها، وَبِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ اشْجارَها،

خون به ناحق ريخته شده هر مؤمنى را كه مطالبه شود مى‏ستاند، و به واسطه شما زمين، درختان‏

وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ اثْمارَها، وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمآءُ قَطْرَها وَرِزْقَها،

و ميوه‏هايش را مى‏روياند و آسمان باران و روزيش را نازل مى‏كند،

وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ‏[[440]](#footnote-440)

و گرفتارى را بر طرف مى‏كند و باران را فرو مى‏فرستد و به خاطر شما زمينى كه بدنهاى شما را در بردارد

الَّتى‏ تَحْمِلُ ابْدانَكُمْ، وَتَسْتَقِرُّ جِبالُها عَنْ مَراسيها، ارادَةُ الرَّبِّ فى‏

خدا را تسبيح مى‏گويد، و كوهها در جايگاهش ثابت مى‏گردد، خواست خداوند در

مَقاديرِ امُورِهِ تَهْبِطُ الَيْكُمْ، وَتَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا فُصِّلَ مِنْ‏

تقدير امورش به شما محوّل شده و از خانه‏هاى شما صادر مى‏شود و آنچه از احكام بندگان تفصيل شده از جانب‏

احْكامِ الْعِبادِ، لُعِنَتْ امَّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَامَّةٌ خالَفَتْكُمْ، وَامَّةٌ جَحَدَتْ‏

شما صادر مى‏شود نفرين بر امّتى كه شما را به شهادت رسانده و با شما مخالفت كردند و ولايتتان را انكار

كليات مفاتيح نوين، ص: 374

وِلايَتَكُمْ، وَامَّةٌ ظاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَامَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ، الْحَمْدُ للَّهِ‏

نمودند و امّتى كه به شما پشت كردند و امّتى كه حاضر بودند ولى تن به شهادت ندادند، حمد و سپاس خداوندى را

الَّذى‏ جَعَلَ النَّارَ مَاْويهُمْ‏[[441]](#footnote-441)، وَبِئْسَ وِرْدُ الْوارِدينَ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ،

كه آتش را جايگاه ابديشان قرار داد و چه بد جايگاهى است براى وارد شوندگان و واردشدگان،

وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ. آنگاه سه مرتبه بگو: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ،

و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام و درود خدا بر تو اى اباعبداللَّه،

أَنَا الَى اللَّهِ مِمَّنْ خالَفَكَ بَرى‏ءٌ»

من به سوى خداوند از هر كه با تو مخالف مى‏كرد بى‏زارى مى‏جويم‏

سپس بر مى‏خيزى و نزد قبر فرزند آن حضرت، علىّ بن الحسين عليهما السلام (على اكبر) كه در پايين پاى آن حضرت مدفون است مى‏روى و مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ‏[[442]](#footnote-442)، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَديجَةَ وَ فاطِمَةَ

بر تو اى فرزند امام حسن و امام حسين، سلام بر تو اى فرزند حضرت خديجه و فاطمه،\*\*\*\* سپس سه مرتبه مى‏گويى: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ\* و نيز سه مرتبه‏\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام و درود خدا بر تو و لعنت او بر قاتلين تو\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏گويى: أَنَا الَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرى‏ءٌ\* سپس برمى‏خيزى و با دست خود به سوى ساير شهدا اشاره‏ من به سوى خداوند از آنان بيزارى مى‏جويم\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏كنى و مى‏گويى: السَّلامُ عَلَيْكُمْ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر شما سلام بر شما، سلام بر شما، به خدا رستگار شديد، به خدا رستگار شديد،

فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فَلَيْتَ انّى‏ مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظيماً.

به خدا رستگار شديد، پس اى كاش با شما بودم و به رستگارى بزرگ مى‏رسيدم‏

بعد از آن دور مى‏زنى و پشت قبر ابى‏عبداللَّه عليه السلام رو به قبله مى‏ايستى و شش ركعت نماز بجا مى‏آورى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 375

وقتى چنين كردى زيارتت به اتمام مى‏رسد. آنگاه اگر خواستى توقّف مى‏كنى و اگر خواستى برمى‏گردى.[[443]](#footnote-443) (البتّه بجا آوردن تمام اين آداب براى همه زوّار در حال حاضر مشكل است، كافى است در كنارى بايستند و با توجّه متن زيارت را بخوانند).

\*\*\*

زيارت دوم‏: مؤلّف «كامل الزيارات» از سليمان بن حفص مروزى، از امام هادى عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: نزد قبر امام حسين عليه السلام مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ،

سلام بر تو اى ابا عبداللّه، سلام بر تو اى حجّت خدا در زمين،

وَشاهِدَهُ عَلى‏ خَلْقِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ‏

و گواه او در ميان مخلوقات، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند

عَلىٍّ الْمُرْتَضى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ‏

علىّ مرتضى، سلام بر تو اى فرزند فاطمه زهرا، گواهى مى‏دهم كه تو نماز را

الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

به پا داشته و زكات دادى و امر به معروف و نهى از منكر نموده،

وَجاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ حَتّى‏ اتاكَ الْيَقينُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيّتاً

و در راه خدا جهاد نمودى تا به شهادت رسيدى، پس سلام و درود خدا بر تو در حال حيات و مرگ\* سپس گونه راستت را بر ضريح مى‏گذارى و مى‏گويى: اشْهَدُ انَّكَ عَلى‏ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* گواهى مى‏دهم كه تو (در تمام امور) از پروردگارت بيّنه و گواه روشنى داشتى‏

جِئْتُكَ مُقِرّاً بِالذُّنُوبِ، لِتَشْفَعَ لى‏ عِنْدَ رَبِّكَ يَا بْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ‏\* آنگاه‏ با اقرار به گناهانم به درگاهت آمده‏ام تا در نزد پروردگارت مرا شفاعت كنى اى فرزند رسول خدا،

تك تك ائمّه عليهم السلام را با نام‏هاى شريفشان بر زبان جارى مى‏كنى (يا علىّ بن ابى طالب و ...) و مى‏گويى:

«اشْهَدُ انَّكُمْ‏حُجَجُ اللَّهِ‏» سپس مى‏گويى: اكْتُبْ لى‏ عِنْدَكَ ميثاقاً وَعَهْداً، انّى‏

گواهى دهم كه شما حجّتهاى خدا هستيد\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پيمان و عهد مرا در نزد خود ثبت كن كه من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 376

اتَيْتُكَ مُجَدِّداً الْميثاقَ، فَاشْهَدْ لى‏ عِنْدَ رَبِّكَ، انَّكَ انْتَ الشَّاهِدُ.[[444]](#footnote-444)

براى تجديد پيمان آمده‏ام پس گواهم باش در نزد پروردگارت كه تو (بهترين) گواهى.

\*\*\*

زيارت سوم‏: امام صادق عليه السلام به جابر جعفى فرمود: مسافت بين شما و قبر امام حسين عليه السلام چقدر است؟ مى‏گويد: عرض كردم: كمى بيش از يك روز، فرمود: آن حضرت را زيارت مى‏كنى؟ گفتم: آرى، فرمود: دوست ندارى كه تو را به ثواب زيارتش خشنود سازم و بشارت دهم؟ عرض كردم: آرى فدايت شوم، فرمود: هر كس از شما كه براى زيارتش مهيّا مى‏شود اهل آسمان يكديگر را مژده مى‏دهند، هنگامى كه از منزلش، سواره يا پياده، بيرون مى‏رود خداوند متعال چهار هزار فرشته را موكّل بر او قرار مى‏دهد كه بر او تا رسيدن به قبر امام حسين عليه السلام، درود بفرستند. سپس فرمود: هرگاه به حرم آن حضرت رسيدى بر دَرِ حرم مقدّس بايست و اين كلمات را بگو كه در ازاى هر كلمه‏اى، بهره‏اى از رحمت الهى مى‏برى، گفتم: آن كلمات كدام است؟[[445]](#footnote-445) فرمود: مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ‏

سلام بر تو اى وارث آدم، (بنده) برگزيده خدا، سلام بر تو اى وارث نوح،

نَبِىِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ابْراهيمَ خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

پيامبر خدا، سلام بر تو اى وارث ابراهيم، خليل خدا، سلام بر تو اى‏

وارِثَ مُوسى‏ كَليمِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

وارث موسى، كليم اللَّه، سلام بر تو اى وارث عيسى، روح خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اميرِ

بر تو اى وارث محمّد، آقا و سرور فرستادگان خدا، سلام بر تو اى وارث اميرمؤمنان‏

الْمُؤْمِنينَ وَخَيْرِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِىِ‏

و بهترين اوصياء، سلام بر تو اى وارث امام حسن (آن امام) خشنود

الطَّاهِرِ الرَّاضِى الْمَرْضِىِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الصِّدّيقُ الْأَكْبَرُ، السَّلامُ‏

و پاكيزه و راضى و مورد پسند، سلام بر تو اى بزرگترين راست گفتار، سلام‏

عَلَيْكَ ايُّهَا الْوَصِىُّ الْبَرُّ التَّقِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىَ الْأَرْواحِ الَّتى‏ حَلَّتْ‏

بر تو اى جانشين نيكوكار پرهيزگار، سلام بر تو و بر ارواحى كه در حَرَمت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 377

بِفِنآئِكَ، وَاناخَتْ بِرَحْلِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافّينَ بِكَ،

مدفون و مقيمند، سلام بر تو و بر فرشتگانى كه برگرد حَرَمت حلقه زده‏اند،

اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ‏

گواهى مى‏دهم كه تو نماز را به پاداشته و زكات دادى و امر به معروف و نهى‏

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ الْمُلْحِدينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ‏

از منكر كرده و با بى‏دينان جهاد نموده و تا وقت شهادت، خدا را پرستش‏

الْيَقينُ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

نمودى، سلام و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

آنگاه به سوى قبر مطهّر مى‏روى، وقتى به قبر رسيدى و نزد آن ايستادى دست خود را بر ضريح بگذار و بگو: «

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ‏

» سپس به نماز روى آور و بدان كه در مقابل هر ركعتى كه نزد آن حضرت بجا مى‏آورى، ثوابهاى بسيار عظيمى دارى.[[446]](#footnote-446)

\*\*\*

زيارت چهارم‏: معاوية بن عمّار مى‏گويد: محضر امام صادق عليه السلام عرض كردم كه وقتى به زيارت امام حسين عليه السلام شرفياب شدم چه بگويم؟ فرمود: بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يا

سلام بر تو اى اباعبداللَّه، درود خدا بر تو اى اباعبداللَّه، خداوند تو را رحمت كند اى‏

ابا عَبْدِاللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فى‏ دَمِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ‏

اباعبداللَّه خداوند قاتلين تو و كسانى كه در (ريختن) خون تو شريك شدند و كسانى كه‏

بَلَغَهُ ذلِكَ فَرَضِىَ بِهِ، انَا الَى اللَّهِ مَنْ ذلِكَ بَرى‏ءٌ.[[447]](#footnote-447)

خبر شهادت تو به آنان رسيد و خشنود شدند را لعنت كند، من به درگاه خدا از آنان بيزارى مى‏جويم.

\*\*\*

زيارت پنجم‏: به سند معتبر از ابراهيم بن ابى البلاد نقل شده كه مى‏گويد: امام موسى بن جعفر عليه السلام به من فرمود: هرگاه به زيارت امام حسين عليه السلام مى‏روى چه مى‏گويى؟ عرض كردم: مى‏گويم:

كليات مفاتيح نوين، ص: 378

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ

سلام بر تو اى اباعبداللَّه، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، گواهى مى‏دهم كه تو

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص378**

اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را به پاداشته و زكات دادى، و امر به معروف و نهى از منكر كرده‏

وَدَعَوْتَ الى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَاشْهَدُ انَّ الَّذينَ‏

و با دانايى و اندرز نيكو به راه پروردگارت دعوت نمودى و گواهى مى‏دهم كسانى كه‏

سَفَكُوا دَمَكَ، وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلى‏ لِسانِ داوُدَ

خونت را ريخته و حرمتت را شكستند بر زبان داود و عيسى بن مريم نفرين شده‏

وَعيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذلِكَ بِما عَصَوْا وَكانُوا يَعْتَدُونَ.

و در عذابند، به خاطر اين كه نافرمانى كرده و تجاوز كار بودند.

فرمود: آرى! چنين است.[[448]](#footnote-448)

\*\*\*

زيارت ششم‏: عمّار ساباطى از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: وقتى نزد قبر آن حضرت رسيدى بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، سلام‏

عَلَيْكَ يَا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

بر تو اى اباعبداللَّه، سلام و رحمت و بركات خدا بر تو اى آقا و سرور جوانان اهل بهشت،

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يامَنْ رِضاهُ مِنْ رِضَى الرَّحْمنِ، وَسَخَطُهُ مِنْ‏

و سلام بر تو اى كه خشنوديش از خشنودى خداوند و آزردگيش از

سَخَطِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امينَ اللَّهِ، وَحُجَّةَ اللَّهِ، وَبابَ اللَّهِ،

آزردگى خداوند است، سلام بر تو اى امين و حجّت و درگاه (رحمت) خدا

وَالدَّليلَ عَلَى اللَّهِ، وَالدَّاعِىَ الَى اللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ حَلَّلْتَ حَلالَ اللَّهِ،

و راهنما و دعوت كننده به سوى خدا، گواهى مى‏دهم كه تو حلال خدا را حلال و

كليات مفاتيح نوين، ص: 379

وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ، وَاقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

حرام خدا را حرام شمرده و نماز به پاداشته و زكات دادى و امر به معروف‏

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ الى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

و نهى از منكر نموده و با دانايى و اندرز نيكو به راه پروردگارت دعوت‏

الْحَسَنَةِ، وَاشْهَدُ انَّكَ وَمَنْ قُتِلَ مَعَكَ شُهَدآءٌ احْيآءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ،

نمودى و گواهى مى‏دهم كه تو و تمام كسانى كه با تو كشته شدند شهيد و زنده‏اند و در نزد پروردگارتان روزى داده مى‏شويد

وَاشْهَدُ انَّ قاتِلَكَ فِى النَّارِ، ادينُ اللَّهَ بِالْبَرآئَةِ مِمَّنْ قَتَلَكَ، وَمِمَّنْ قاتَلَكَ،

و گواهى مى‏دهم كه قاتل تو در آتش است، پيروى مى‏كنم از دين خدا به واسطه بى‏زارى از قاتلين تو و كسانى كه به جنگ با تو برخواسته‏

وَشايَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَلَمْ يُعِنْكَ، يا

و از يكديگر پشتيبانى كردند و از كسانى كه بر عليه تو سپاه آماده كردند و از كسانى كه صدايت را شنيدند ولى ياريت نكردند، اى‏

لَيْتَنى‏ كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظيماً.[[449]](#footnote-449)

كاش با تو بودم و به رستگارى بزرگ نايل مى‏شدم.

\*\*\*

زيارت هفتم: (زيارت وارث)

مرحوم «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» از صفوان جمّال نقل مى‏كند كه مى‏گويد: براى زيارت مولايمان امام حسين عليه السلام از امام صادق عليه السلام رخصت طلبيدم و از او استدعا كردم كه دستورالعملى را در زيارت آن حضرت برايم ذكر كند، فرمود: اى صفوان! قبل از حركت سه روز روزه بگير و در روز سوم غسل كن، سپس خانواده خود را جمع نما و بگو: «

اللَّهُمَّ إِنّى اسْتَوْدِعُكَ ...

» (تا آخر. اين دعا با مختصر تفاوت در بخش آداب زيارت امام حسين عليه السلام، صفحه 361 گذشت) سپس با آب فرات غسل كن، پدرم از پدرانش، از رسول گرامى صلى الله عليه و آله به من خبر داد كه فرمود: اين فرزندم امام حسين عليه السلام بعد از من در كنار فرات كشته خواهد شد، پس هر كس پس از غسل با آب فرات، او را زيارت كند گناهانش به گونه‏اى مى‏ريزد و پاك مى‏شود كه گويا تازه از مادر متولّد شده است. آنگاه بعد از ذكر دستوراتى، از جمله گفتن تكبير و لا اله الّا اللَّه و صلوات بر محمّد وآل محمّد و به خصوص صلوات بر امام حسين عليه السلام و لعنت بر قاتلان آن حضرت، فرمود: چون به دَرِ حرم رسيدى بايست و بگو: اللَّهُ اكْبَرُ كَبِيراً، وَالْحَمْدُللَّهِ كَثِيراً، وَسُبْحَانَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدا بزرگتر از انديشه و توصيف است، و حمد و ستايش فراوان مخصوص اوست و خداوند پاك و منزّه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 380

اللَّهِ بُكْرَةً وَ اصِيلًا، وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِي هَدانَا لِهذا، وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ‏

است صبح و شام، حمد و ستايش مخصوص خداوندى است كه ما را به اين درگاه رحمت هدايت كرد كه اگر هدايت و راهنمايى او نبود

هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَائَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ\* سپس بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يَا

ما هدايت نمى‏يافتيم، به يقين فرستادگان پروردگار ما، به حق آمدند.\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى‏

رَسُولُ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يَا نَبِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ،

رسول خدا، سلام بر تو اى پيامبر خدا، سلام بر تو اى آخرين پيامبر،

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى آقا و سرور فرستادگان، سلام بر تو اى حبيب خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَالْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

بر تو اى اميرمؤمنان، سلام بر تو اى آقا و سرور جانشينان پيامبر، سلام بر تو اى‏

قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلامُ عَلى‏ فاطِمَةَ[[450]](#footnote-450) سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، السَّلامُ‏

پيشواى انسانهاى بى‏مانند، سلام بر تو اى فرزند فاطمه، سرور بانوان جهان، سلام‏

عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِىَّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ،

بر تو و بر امامان از فرزندانت، سلام بر تو اى جانشين اميرمؤمنان،

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، أَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ اللَّهِ‏

سلام بر تو اى راست گفتار شهيد، سلام بر شما اى فرشتگان خدا

الْمُقِيمِينَ فِي هذَا الْمَقامِ الشَّرِيفِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ رَبِّيَ‏

كه در اين بارگاه شريف مقيم هستيد، سلام بر شما اى فرشتگان پروردگار من‏

الْمُحْدِقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ‏السَّلامُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ مِنِّي أَبَداً ما بَقِيتُ‏

كه قبر حسين- كه بر او درود باد- را در برگرفته‏ايد، سلام و درود هميشگى من بر شما باد مادامى كه هستم‏

وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ\* آنگاه مى‏گويى: السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ‏

و شب و روز باقى است،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى اباعبداللَّه، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِالْمُؤْمِنِينَ‏][[451]](#footnote-451)، عَبْدُكَ وَابْنُ‏

بر تو اى فرزند رسول خدا، [سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان‏]، بنده‏ات و فرزند

كليات مفاتيح نوين، ص: 381

عَبْدِكَ وَابْنُ امَتِكَ، الْمُقِرُّ بِالرِّقِّ، وَالتَّارِكُ لِلْخِلافِ عَلَيْكُمْ، وَالْمُوالي‏

بنده و فرزند كنيزت هستم، اقرار به بندگى دارم، و بدون مخالفت با شما و در حالى كه دوستدار

لِوَلِيِّكُمْ، وَالْمُعادي لِعَدُوِّكُمْ، قَصَدَ حَرَمَكَ، وَاسْتَجارَ بِمَشْهَدِكَ، وَ تَقَرَّبَ‏

دوستان و دشمن دشمنان شمايم (زيارت) حرم شريفت را قصد كرده و به محلّ شهادتت پناه آورده و به اين قصد تقرّب‏

إِلَيْك بِقَصْدِك، ءَأَدْخُلُ يا رَسُولُ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا نَبِىِّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا

به درگاهت را مى‏طلبم، آيا داخل شوم اى رسول خدا، آيا داخل شوم اى پيامبر خدا، آيا داخل شوم‏

أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، ءَادْخُلُ يا سَيِّدَالْوَصِيِّينَ، ءَادْخُلُ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ

اى اميرمؤمنان، آيا داخل شوم اى آقا و سرور جانشينان، آيا داخل شوم اى فاطمه سرور بانوان‏

الْعالَمِينَ، ءَادْخُلُ يامَوْلاىَ يااباعَبْدِاللَّهِ، ءَادْخُلُ يامَوْلاىَ‏يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ،

جهان، آيا داخل شوم اى مولاى من اى اباعبداللَّه، آيا داخل شوم اى مولاى من اى فرزند رسول خدا.

پس اگر دلت خاشع شد و اشكت سرازير گرديد، بدان كه آن نشانه اجازه شرفيابى است، آنگاه داخل شو و بگو: الْحَمْدُللَّهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الَّذِي هَدانِي لِوِلايَتِكَ،

حمد و ستايش مخصوص خداوند يگانه يكتا و تنهاى بى نياز است كه مرا به دوستى تو هدايت نمود

وَخَصَّنِي بِزِيارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ\* سپس بالاى سر مى‏ايستى و مى‏گويى:

و مرا براى زيارتت برگزيده و برايم آسان گردانيد\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِىِ‏

سلام بر تو اى وارث آدم برگزيده خدا، سلام بر تو اى وارث نوح پيامبر

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ابْراهيمَ خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ‏

خدا، سلام بر تو اى وارث ابراهيم خليل خدا، سلام بر تو اى وارث‏

مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

موسى هم‏صحبت خدا، سلام بر تو اى وارث عيسى روح خدا، سلام بر تو

يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ‏

اى وارث محمّد حبيب خدا، سلام بر تو اى وارث اميرمؤمنان ولىّ خدا،

عَلَيْهِ‏السَّلامُ وَلِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى‏، السَّلامُ‏

- كه درود خدا بر او باد- سلام بر تو اى فرزند محمّد مصطفى، سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 382

عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِىٍّ الْمُرْتَضى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ، السَّلامُ‏

بر تو اى فرزند على مرتضى، سلام بر تو اى فرزند فاطمه زهرا، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ خَديجَةَ الْكُبْرى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَاللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ

بر تو اى فرزند خديجه كبرى‏، سلام بر تو اى فرزند كسى كه خونخواهتان خداست، و يگانه‏اى كه‏

الْمَوْتُورُ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ‏

انتقام خونش گرفته نشده است، گواهى مى‏دهم كه تو نماز را به پا داشته و زكات دادى و امر

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنْ الْمُنْكَرِ، وَاطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ،

به معروف و نهى از منكر كرده و از خدا و رسولش پيروى نمودى تا به شهادت رسيدى،

فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ‏

خداوند قاتلين تو و كسانى كه به تو ستم كردند و كسانى كه اين (واقعه) را شنيده و به آن‏

فَرَضِيَتْ بِهِ، يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ كُنْتَ نُوراً فِى الْأَصْلابِ‏

راضى شدند لعنت كند، اى مولاى من، اى اباعبداللَّه، گواهى مى‏دهم كه تو نورى در صلبهاى‏

الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِانْجاسِها، وَلَمْ‏

بلند مرتبه و رحمهاى پاكيزه بودى، كه دوران جاهليّت با ناپاكيهايش تو را آلوده نساخت و

تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيابِها، وَاشْهَدُ انَّكَ مِنْ دَعآئِمِ الدّينِ وَارْكانِ‏

لباسهاى آلوده‏اش تو را نپوشانيد، و گواهى مى‏دهم كه تو از پايه‏هاى دين و تكيه‏گاه‏

الْمُؤْمِنينَ، وَاشْهَدُ انَّكَ الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِىُّ، الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ، الْهادِى‏الْمَهْدِىُّ،

مؤمنان هستى و گواهى مى‏دهم كه تو پيشواى نيكوكار پرهيزكار و پسنديده پاكيزه و راهنماى هدايت يافته‏اى،

وَاشْهَدُ انَّ الْأَئِّمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى‏، وَاعْلامُ الْهُدى‏، وَالْعُروَةُ

و گواهى مى‏دهم كه امامان از فرزندان تو اساس پرهيزكارى و نشانه‏هاى هدايت و ريسمان‏

الْوُثْقى‏، وَالْحُجَّةُ عَلى‏ اهْلِ الدُّنْيا، وَاشْهِدُ اللَّهَ وَمَلائِكَتَهُ، وَانْبِيآئَهُ‏

محكم (هدايت) و حجّت (خدا) بر جهانيان هستند، و خدا و فرشتگان و پيامبران و فرستادگانش را

وَرُسُلَهُ، انّى‏ بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِايابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرايِعِ دينى‏، وَخَواتيمِ‏

گواه مى‏گيرم كه به شما ايمان دارم و به واسطه قوانين دينم و عواقب عملم به بازگشت شما

عَمَلى‏، وَقَلْبى‏ لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَامْرى‏ لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ،

مطمئنم، و دلم تسليم دل شما و عملم پيرو عمل شماست، سلام و درودهاى خدا بر شما

كليات مفاتيح نوين، ص: 383

وَعَلى‏ ارْواحِكُمْ، وَعَلى‏ اجْسادِكُمْ، وَ عَلى‏ اجْسامِكُمْ، وَ عَلى‏ شاهِدِكُمْ،

و بر ارواح و بدنها و پيكرهاى شما و بر حاضر

وَ عَلى‏ غائِبِكُمْ، وَ عَلى‏ ظاهِرِكُمْ، وَ عَلى‏ باطِنِكُمْ\* آنگاه (در صورت امكان) قبر را و غايبتان و ظاهر و باطنتان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ببوس و بگو: بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ يا اباعَبْدِاللَّهِ،

\*\*\*\*\*\*\* پدر و مادرم فدايت اى فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدايت اى اباعبداللَّه،

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا، وَعَلى‏ جَميعِ اهْلِ‏

به يقين گرفتارى بزرگى پيش آمد و مصيبت تو بر ما و اهل‏

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً اسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ، يا

آسمانها و زمين گران آمد، پس خدا لعنت كند مردمى را كه اسبها را زين كرده و لجام زدند و براى جنگ با تو آماده شدند، اى‏

مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَاتَيْتُ الى‏ مَشْهَدِكَ، اسْئَلُ اللَّهَ‏

مولاى من اى اباعبداللَّه، حرم شريفت را قصد كرده و به محلّ شهادتت آمدم، از خدا مى‏خواهم‏

بِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذى‏ لَكَ لَدَيْهِ، انْ يُصَلِىَّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

به حقّ منزلت و جايگاهى كه نزد او دارى، بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ يَجْعَلَنى‏ مَعَكُمْ فِى الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ\* سپس برخيز و دو ركعت نماز و خاندان پاكش درود فرستد و مرا در دنيا و آخرت با شما قرار دهد.\*\*\*\*\*\*\*

با حمد و هر سوره‏اى كه خواستى بخوان و وقتى از نماز فارغ شدى، بگو: اللهُمَّ انّى‏ صَلَّيْتُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا نماز خوانده‏

وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلاةَ وَالرُّكُوعَ‏

و براى تو ركوع و سجود بجاى آوردم، تويى كه يگانه‏اى و شريكى ندارى، چرا كه نماز و ركوع‏

وَالسُّجُودَ لا يَكُونُ الَّا لَكَ، لِأَنَّكَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، اللهُمَ‏

و سجود فقط براى توست، چون تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْهُمْ عَنّى‏ افْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و بهترين سلام و درود مرا به آنان برسان‏

وَارْدُدْ عَلَىَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، اللهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّى‏ الى‏ مَوْلاىَ‏

و سلامشان را به من بازگردان، خدايا اين دو ركعت هديه‏اى از جانب من به مولا و سرورم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 384

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، وَتَقَبَّلْ‏

حسين‏بن‏على- كه سلام و درود بر ايشان باد- است، خدايا بر محمّد و بر او درود فرست و از من بپذير،

مِنّى‏، وَأْجُرْنى‏ عَلى‏ ذلِكَ بِافْضَلِ امَلى‏، وَرَجآئى‏ فيكَ، وَفى‏ وَلِيِّكَ يا

و در مقابل آن پاداشى بهتر از آنچه آرزو داشته و از تو و وليّت اميد دارم را به من عطا فرما، اى‏

وَلِىَّ الْمُؤْمِنينَ‏\* آنگاه برخيز و به پايين پاى آن حضرت برو و بالاى سر علىّ‏بن‏الحسين عليهما السلام (على‏ سرپرست مؤمنان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اكبر) بايست و خطاب به آن حضرت بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر تو اى فرزند پيامبر خدا، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، سلام بر تو

يَابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الشَّهيدُ وَابْنُ الشَّهيدِ، السَّلامُ‏

اى فرزند حسين شهيد، سلام بر تو اى شهيد و فرزند شهيد،

عَلَيْكَ ايُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً

سلام بر تو اى مظلوم و فرزند مظلوم، خداوند مردمى كه تو را به شهادت رسانده و به تو

ظَلَمَتْكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ\* آنگاه ضريح را ببوس و بگو:

ظلم كردند و مردمى كه آن را شنيده و به آن راضى شدند را لعنت كند،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصيبَةُ، وَ جَلَّتِ الرَّزِيَّةُ

سلام بر تو اى ولّى خدا و فرزند ولىّ خدا، به يقين گرفتارى بزرگى پيش آمد و مصيبت‏

بِكَ عَلَيْنا، وَعَلى‏ جَميعِ الْمُسْلِمينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَابْرَءُ الَى اللَّهِ‏

تو بر ما و همه مسلمانان گران آمد خدا مردمى كه تو را به شهادت رساندند لعنت كند و از آنها به درگاه خدا

وَالَيْكَ مِنْهُمْ\* سپس متوجّه ساير شهدا شو و بگو: السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اوْلِيآءَ اللَّهِ‏

و تو بيزارى مى‏جويم،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر شما اى اوليا

وَاحِبَّائَهُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اصْفِيآءَ اللَّهِ وَاوِدَّآئَهُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا انْصارَ

و دوستداران خدا، سلام بر شما اى برگزيدگان با محبّت و عاشق خدا، سلام بر شما اى ياوران‏

دينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا انْصارَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا انْصارَ

دين خدا، سلام بر شما اى ياوران رسول خدا، سلام بر شما اى ياوران‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 385

اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا انْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ،

اميرمؤمنان، سلام بر شما اى ياوران فاطمه سرور بانوان جهانيان،

السَّلامُ عَلَيْكُمْ ياانْصارَ ابى‏مُحَمَّدٍالْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ الْوَلِىِّ النَّاصِحِ، السَّلامُ‏

سلام بر شما اى ياوران ابى محمّد حسن‏بن‏على آن ولىّ خير خواه، سلام‏

عَلَيْكُمْ يا انْصارَ ابى‏ عَبْدِاللَّهِ، بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏، طِبْتُمْ وَطابَتِ الْأَرْضُ الَّتى‏

بر شما اى ياوران اباعبداللَّه، پدر و مادرم فداى شما باد، پاكيزه گشتيد و پاكيزه گرديد زمينى كه‏

فيها دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً، فَيا لَيْتَنى‏ كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ.

در آن مدفون شديد و به رستگارى بزرگ نايل گشتيد، پس اى كاش با شما بودم تا رستگار مى‏شدم.

آنگاه به بالاى سر امام حسين عليه السلام برگرد و براى خود و اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود، بسيار دعا كن؛ چرا كه دعاى دعاكننده و سؤال سؤال‏كننده در آن روضه مطهّره، رد نخواهد شد.[[452]](#footnote-452) يادآورى لازم:

توجّه به اين نكته لازم است كه بعضى از ناآگاهان جمله‏هايى از پيش خود به زيارت وارث افزوده‏اند و اين كار در موارد ديگرى نيز تكرار شده، در حالى كه اين‏گونه بدعتها و اضافات از پيش خود، كارى خطرناك و نزد ائمّه عليهم السلام مردود است و تدريجاً سبب مسخ كلمات آن بزرگواران مى‏شود. بر همين اساس، مرحوم حاج شيخ عبّاس قمى رحمه الله پس از نقل زيارت وارث شكوائيّه مبسوطى را دراين رابطه ابراز مى‏دارد، و در ضمن آن گلايه‏اى را كه استادش مرحوم «حاجى نورى» در كتاب «لؤلؤ و مرجان» در همين ارتباط دارد ذكر نموده، آنگاه به نمونه‏هاى متعدّدى از اين «اضافات جاهلانه» اشاره مى‏كند و در پايان تحفّظ شديدى كه اصحاب و علماى اماميّه در نقل روايت و صحيح بودن و نبودن آن و اصرارى كه بر عرضه كردن بعضى از كتابها به بعضى از ائمّه عليهم السلام داشتند را گوشزد مى‏نمايد و به همين مناسبت، داستان عرضه كردن «ابوهاشم جعفرى» كتاب «يونس بن عبدالرّحمن» را به «امام حسن عسكرى عليه السلام» و نيز قصّه عرضه كردن «بورق شنجانى هراتى» كتاب «يوم وليله» فضل بن شاذان به آن حضرت را مطرح مى‏سازد و پس از اشاره به دقّتى كه خود، در نقل دعاها و زيارات از نسخه‏هاى اصلى و عرضه آن بر نسخه‏هاى متعدّد داشته، در پايان از «شيخ كلينى» از «عبدالرّحيم قصير» نقل مى‏كند كه خدمت امام صادق عليه السلام رسيد و عرض كرد: فدايت شوم، من از پيش خود دعايى اختراع كرده‏ام، حضرت فرمود: «رها كن و نسبت به اختراع خود مرا به حالم واگذار»[[453]](#footnote-453) (كنايه از اين‏كه لازم نيست آن را برايم نقل كنى، كه مردود است).

كليات مفاتيح نوين، ص: 386

عبداللَّه بن سنان نيز از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: «به زودى شبهات، بر شما هجوم مى‏آورد در حالى كه راهنما و پيشوايى براى شما نيست؛ در چنين زمانى كسى نجات مى‏يابد كه دعاى غريق را بخواند» عرض كردم: دعاى غريق چيست؟ فرمود مى‏گويى:

«يا اللَّهُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبى‏ عَلى‏ دينِكَ‏

» من با اضافه كردن كلمه «

والأبصار»

به اين دعا گفتم: «

يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ ثَبِّتْ قَلْبى‏ عَلى‏ دينِكَ‏

» فرمود: شكّى نيست كه خداوند «

مقلّب القلُوب و الْأبصار

» است، ولى آن گونه كه من گفتم بگو و همان كافى است. (و چيزى اضافه نكن).[[454]](#footnote-454)

زيارت حضرت اباالفضل، عبّاس بن على عليهما السلام:

«ابن قولويه» در كتاب «كامل الزيارات» به سند معتبر از ابوحمزه ثمالى از امام صادق عليه السلام نقل كرده كه فرمود: وقتى اراده زيارت قبر حضرت عباس عليه السلام را نمودى، بر دَرِ حرم آن حضرت مى‏ايستى و مى‏گويى:

سَلامُ اللَّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ وَانْبِيآئِهِ الْمُرْسَلينَ، وَعِبادِهِ‏

سلام و درود خدا و فرشتگان مقرّب و پيامبران مرسل و بندگان‏

الصَّالِحينَ، وَجَميعِ الشُّهَدآءِ وَالصِّدّيقينَ، وَالزَّاكِياتُ الطَّيِّباتُ، فيما

شايسته او و همه شهيدان و راستگويان و پاكان و پاكيزگان در

تَغْتَدى‏ وَتَرُوحُ، عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِالْمُؤْمِنينَ، اشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْليمِ‏

صبح و شام بر تو باد اى فرزند اميرمؤمنان، گواهى مى‏دهم كه تو تسليم بودى‏

وَالتَّصْديقِ، وَالْوَفآءِ وَالنَّصيحَةِ، لِخَلَفِ النَّبِىِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ‏

و تصديق نمودى و وفادارى كرده و خير خواهى نمودى براى جانشين پيامبر مرسل- كه درود خدا بر او و اهل‏بيت پاكش باد-

الْمُرْسَلِ، وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ، وَالدَّليلِ الْعالِمِ، وَالْوَصِّىِ الْمُبَلِّغِ، وَالْمَظْلُومِ‏

و نوه برگزيده‏اش و راهنماى دانا و جانشين تبليغ كننده و ستمديده‏اى‏

الْمُهْتَضَمِ، فَجَزاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَعَنِ الْحَسَنِ‏

كه حقّش پايمال شده، پس خداوند از جانب پيامبرش و اميرمؤمنان و امام حسن‏

وَالْحُسَيْنِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، افْضَلَ الْجَزآءِ بِما صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ‏

و امام حسين- كه درود خدا بر آنان باد- بهترين پاداش را به خاطر صبر و در نظر گرفتن خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 387

وَاعَنْتَ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ،

و يارى كردنت به تو عطا كند چه نيكوست سرانجام سراى جاويدان، خداوند قاتلين تو و كسانى كه حقّت را منكر شده‏

وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مآءِ الْفُراتِ، اشْهَدُ

و حرمتت را شكستند و كسانى را كه بين تو و آب فرات فاصله شدند لعنت كند، گواهى مى‏دهم‏

انَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَانَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ يَابْنَ اميرِ

كه تو مظلومانه كشته شدى و به يقين خداوند آنچه را كه به شما وعده فرموده عمل خواهد كرد اى فرزند

الْمُؤْمِنينَ، وَافِداً الَيْكُمْ، وَقَلْبى‏ مُسَلِّمٌ لَكُمْ، وَ انَا لَكُمْ تابِعٌ، وَنُصْرَتى‏ لَكُمْ‏

اميرمؤمنان (به درگاهت) آمده و بر شما وارد شدم و دلم تسليم و تابع شما و خود نيز پيرو شمايم و براى ياريتان‏

مُعَدَّةٌ، حَتّى‏ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لامَعَ عَدُوِّكُمْ،

آماده‏ام تا زمانى كه خدا حكم كند كه او بهترين حكم كنندگان است، پس با شمايم با شما، نه با دشمنانتان،

انّى‏ بِكُمْ وَبِإِيابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَبِمَنْ خالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكافِرينَ،

به يقين من به شما و بازگشتتان ايمان دارم و مخالفين و قاتلين شما را انكار مى‏كنم،

قَتَلَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدى‏ وَ الْأَلْسُنِ\* سپس داخل حرم مقدّس مى‏شوى و خدا بكشد مردمى را كه با دست و زبان شما را كشتند.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏گويى: السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطيعُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ،

\*\*\*\*\* سلام بر تو اى بنده شايسته و مطيع خدا و رسولش‏

وَلِأَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَالْحَسَنِ والْحُسَيْنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ، السَّلامُ‏

و اميرمؤمنان و امام حسن و امام حسين- كه درود و سلام خدا بر آنان باد- سلام‏

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ‏ [وَمَغْفِرَتُهُ‏][[455]](#footnote-455) وَرِضْوانُهُ، وَعَلى‏ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ،

و درود و رحمت و بركات و بخشش و خشنودى خدا بر تو و بر روح پاك و بدن مطهّرت باد،

اشْهَدُ و اشْهِدُ اللَّهَ انَّكَ مَضَيْتَ عَلى‏ ما مَضى‏ عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ،

گواهى مى‏دهم و خدا را گواه مى‏گيرم كه تو همان راه مبارزان بدر

وَالْمُجاهِدُونَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ، الْمُناصِحُونَ لَهُ فى‏ جِهادِ اعْدآئِهِ،

و مجاهدان در راه خدا و خير خواهان او در جنگ با دشمنانش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 388

الْمُبالِغُونَ فى‏ نُصْرَةِ اوْلِيآئِهِ، الذّآبُّونَ عَنْ احِبَّآئِهِ، فَجَزاكَ اللَّهُ افْضَلَ‏

و تلاش‏كنندگان در يارى دوستانش و حاميان محبّينش را پيمودى، پس خداوند برترين‏

الْجَزآءِ، وَاكْثَرَ الْجَزآءِ، وَاوْفَرَ الْجَزآءِ، وَاوْفى‏ جَزآءِ احَدٍ مِمَّنْ وَفى‏

و بيشترين و فراوان‏ترين و كامل‏ترين پاداش هر يك از كسانى را كه به بيعتش‏

بِبَيْعَتِهِ، وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَاطاعَ وُلاةَ امْرِهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِى‏

وفا كرده و دعوتش را اجابت نموده واز واليان امرش اطاعت كردند به تو عنايت كند و گواهى مى‏دهم كه تو در خير خواهى‏

النَّصيحَةِ، وَاعْطَيْتَ غايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِى الشُّهَدآءِ، وَجَعَلَ‏

كوشش كرده و نهايت سعى خود را نمودى، پس خداوند تو را با شهيدان محشور گرداند، و روح‏

رُوحَكَ مَعَ ارْواحِ الشُّهَدآءِ[[456]](#footnote-456)، وَاعْطاكَ مِنْ جِنانِهِ افْسَحَها مَنْزِلًا، وَافْضَلَها

تو را با سعادتمندان قرار دهد، و وسيع‏ترين جايگاه از بهشت و بهترين خانه را به تو عطا كند،

غُرَفاً، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فى‏ عِلِّيّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ،

و نامت را در علييّن بالا برده و تو را با انبيا و راستگويان‏

وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ، وَحَسُنَ اولئِكَ رَفيقاً، اشْهَدُ انَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ‏

و شهيدان و شايستگان محشور كند، كه آنها نيكو رفيقانى هستند، گواهى مى‏دهم كه تو سستى‏

تَنْكُلْ، وَانَّكَ مَضَيْتَ عَلى‏ بَصيرَةٍ مِنْ امْرِكَ، مُقْتَدِياً بِالصَّالِحينَ، وَمُتَّبِعاً

و تنبلى نكردى، و با بصيرت و آگاهى از عاقبت كارت، عمرت را سپرى كردى در حالى كه به صالحان اقتدا كرده و از پيامبران‏

لِلنَّبِيّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكَ، وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَاوْلِيآئِهِ فى‏

پيروى نمودى، پس خداوند، ما و شما و پيامبر واوليايش را در

مَنازِلِ الْمُخْبِتينَ، فَانَّهُ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ.[[457]](#footnote-457)

جايگاه فروتنان گرد هم آورد، كه او مهربان‏ترين مهربانان است.

چند تذكّر:

1- از عبارت «شيخ طوسى» در «تهذيب» به دست مى‏آيد كه خوب است اين زيارت را در پشت سر قبر، رو به قبله بخواند.[[458]](#footnote-458)

كليات مفاتيح نوين، ص: 389

2- «شيخ مفيد» وعدّه‏اى ديگرمى‏گويند: پس‏از زيارت فوق به بالاسرآن حضرت مى‏روى‏و دو ركعت نماز مى‏خوانى وپس ازآن، باز هم هر چه خواهى نماز بجاى مى‏آورى وخدا را بسيار مى‏خوانى‏وسپس مى‏گويى:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَدَعْ لى‏ فى‏ هذَا الْمَكانِ الْمُكَرَّمِ،

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و در اين مكان گرامى‏

وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ، ذَنْباً الَّا غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً الَّا فَرَّجْتَهُ، وَلا كَرْباً الَّا

و شهادتگاه با عظمت مرا به حال خود وا مگذار، مگر اين كه گناهانم را بيامرزى و اندوهم را برطرف كرده و گرفتاريم را

كَشَفْتَهُ، وَلا مَرَضاً الَّا شَفَيْتَهُ، وَلا عَيْباً الَّا سَتَرْتَهُ، وَلارِزْقاً الَّا بَسَطْتَهُ،

حل نمايى و بيماريم را شفا دهى و عيبم را بپوشانى و روزيم را زياد كنى‏

وَلا خَوْفاً الَّا آمَنْتَهُ، وَلا شَمْلًا الَّا جَمَعْتَهُ، وَلاغآئِباً الَّا حَفِظْتَهُ وَادَّيْتَهُ،

و ترسم را ايمنى بخشى، و پراكندگى‏ام را گردآورى، و مسافرم را حفظ كرده و ديدارش را نزديك گردانى‏

وَلاحاجَةً مِنْ حَوآئِجِ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، لَكَ فيها رِضِىً وَلِىَ فيها صَلاحٌ‏

و حاجتهاى دنيا و آخرتم را كه رضايت تو و خير صلاح من‏

الَّا قَضَيْتَها، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ\* آنگاه پايين پاى آن حضرت رو به ضريح مى‏ايستى و در آن است برآورى، اى مهربان‏ترين مهربانان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏گويى: السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ ابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ‏

\*\*\*\* سلام بر تو اى ابوالفضل عبّاس فرزند اميرمؤمنان، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اوَّلِ الْقَوْمِ اسْلاماً،

بر تو اى فرزند آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو اى فرزند اوّلين مسلمان‏

وَاقْدَمِهِمْ ايماناً، وَاقْوَمِهِمْ بِدينِ‏اللَّهِ، وَاحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلامِ، اشْهَدُ لَقَدْ

و پيش قدم در ايمان و استوارترين مردم در دين خدا و محتاطترين آنها در احكام اسلام، گواهى مى‏دهم كه‏

نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُواسى‏، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً

تو براى خدا و رسولش و برادرت خيرخواهى كردى، پس برادر بسيار غمخوارى بودى، خداوند مردمى كه‏

قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ،

تو را به قتل رسانده و بر تو ظلم كرده و حُرمتت را حلال شمردند

كليات مفاتيح نوين، ص: 390

وَانْتَهَكَتْ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْلامِ، فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجاهِدُ الْمُحامِى النَّاصِرُ،

و حُرمت اسلام را شكستند، لعنت كند، پس چه نيكو صبر كننده و جهاد كننده و حمايت كننده و ياورى كننده‏اى بودى،

وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ اخيهِ، الْمُجيبُ الى‏ طاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاغِبُ فيما زَهِدَ فيهِ‏

و چه نيكو برادرى كه مدافع برادرش بود و اجابت كننده اطاعت پروردگارش. تو به پاداش فراوان‏

غَيْرُهُ مِنَ الثَّوابِ الْجَزيلِ، وَالثَّنآءِ الْجَميلِ، فَالْحَقَكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبآئِكَ‏

و ستايش زيبايى كه ديگران از آن كناره‏گيرى مى‏كردند مشتاق بودى، خداوند تو را به جايگاه پدرانت‏

فى‏ دار النَّعيمِ، اللهُمَّ انّى‏ تَعَرَّضْتُ لِزِيارَةِ اوْلِيآئِكَ رَغْبَةً فى‏ ثَوابِكَ،

در بهشت برساند. خدايا به زيارت دوستانت آمده‏ام به خاطر اشتياق به پاداش‏

وَرَجآءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزيلِ احْسانِكَ، فَاسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ‏

و اميد به آمرزش و احسان فراوانت، پس از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان‏

الطَّاهِرينَ، وَانْ تَجْعَلَ رِزْقى‏ بِهِمْ دآرّاً، وَعَيْشى‏ بِهِمْ قآرّاً، وَزِيارَتى‏ بِهِمْ‏

پاكش دررود فرستى و روزيم را به خاطر آنان فراوان گردانده و خوشيم را پايدار و زيارتم را

مَقْبُولَةً، وَحَياتى‏ بِهِمْ طَيِّبَةً، وَادْرِجْنى‏ ادْراجَ الْمُكْرَمينَ، وَاجْعَلْنى‏ مِمَّنْ‏

مقبول و زندگيم را پاكيزه گردانى، و مرا در ميان گرامى داشتگان و از كسانى كه‏

يَنْقَلِبُ مِنْ زِيارَةِ مَشاهِدِ احِبَّآئِكَ مُنْجِحاً، قَدِ اسْتَوْجَبَ غُفْرانَ الذُّنُوبِ،

از زيارت قبور دوستانت رستگار باز مى‏گردند، قرار دهى، آن چنان كه موجب بخشش گناهان‏

وَسَتْرَ الْعُيُوبِ، وَكَشْفَ الْكُرُوبِ، انَّكَ اهْلُ التَّقْوى‏ وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ.[[459]](#footnote-459)

و پوشش عيبها و برطرف شدن گرفتاريها گردد كه تو شايسته پرهيزگارى و آمرزشى.

3- براى وداع با آن بزرگوار «ابن‏قولويه» از ابوحمزه ثمالى نقل مى‏كند كه امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگام وداع با عبّاس عليه السلام بگو:

اسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَاسْتَرْعيكَ، وَاقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ‏

به خدا مى‏سپارمت و خواستار حفظ توام، بر تو سلام مى‏فرستم، به خدا و رسول‏

وَبِكِتابِهِ، وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، اللهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ، اللهُمَّ لا

و كتابش و آنچه كه از نزد او آورده ايمان دارم، خدايا مرا در زمره گواهان قرار ده، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 391

تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ ابْنِ اخى‏ نَبِيّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

اين زيارت را آخرين زيارت من از قبر فرزند برادر پيغمبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- قرار مده‏

وَارْزُقْنى‏ زِيارَتَهُ ابَداً ما ابْقَيْتَنى‏، وَاحْشُرْنى‏ مَعَهُ وَ مَعَ آبآئِهِ فِى الْجِنانِ،

و زيارت او را مادامى كه زنده‏ام نصيبم گردان و مرا با او و اجداد پاكش در بهشت محشور كن،

وَعَرِّفْ بَيْنى‏ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَاوْلِيآئِكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و مرا با او و رسول و اوليايت آشنا بگردان. خدايا بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّنى‏ عَلَى الْإيمانِ بِكَ، وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوِلايَةِ

و خاندان پاكش درود فرست و مرا بر ايمان به خودت و اعتقاد به رسولت و ولايت‏

لِعَلىِّ بْنِ ابيطالِبٍ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَالْبَرآئَةِ مِنْ‏

على‏بن‏ابيطالب و امامان از فرزندانش- كه بر آنان درود و سلام باد- و به بيزارى از

عَدُوِّهِمْ، فَانّى‏ قَدْ رَضيتُ بِذلِكَ يا رَبِّ.

دشمنانشان بميران كه من به اين كار راضيم اى پروردگار من.

سپس براى خود و والدين خود و مؤمنين و مسلمين هر دعايى را كه خواستى بكن.[[460]](#footnote-460) 4- در عظمت و مقام حضرت عبّاس عليه السلام همين بس كه امام سجّاد (سلام‏اللَّه عليه) فرمود: «خدا رحمت كند عباس را كه برادرش را بر خود مقدّم داشت و جان خويش را فداى حضرتش نمود، به گونه‏اى كه در يارى او دو دستش را قطع كردند، و خداى سبحان در عوض آن، دو بال به او عنايت فرمود كه مانند جعفر بن ابى‏طالب (جعفر طيّار) در بهشت پرواز مى‏كند و از براى عبّاس در نزد خدا روز قيامت منزلت و مقامى است كه جميع شهدا به آن غبطه مى‏خورند (و آرزوى مقام او را مى‏نمايند)».[[461]](#footnote-461) 5- در تاريخ، عمر آن حضرت در وقت شهادت، 34 سال نقل شده است‏[[462]](#footnote-462) و نيز آمده است كه مادرش امّ‏البنين در بيرون مدينه در قبرستان بقيع، چنان در ماتم عبّاس و برادرانش نُدبه و گريه مى‏كرد كه هر عابر و شاهدى گريان مى‏شد، حتّى بزرگترين دشمن خاندان نبوّت «مروان بن الحكم» وقتى از كنار امّ‏البنين گذشت در اثر گريه او گريست.[[463]](#footnote-463) اين اشعار در مرثيه عباس و برادرانش از امّ‏البنين نقل شده:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يا مَنْ رَاى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلى‏ جَماهيرِ النَّقَدِ |  | وَوَراهُ مِنْ ابْنآءِ حَيْدَرَ كُلُّ لَيْثٍ ذى‏ لَبَدٍ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى كه ديدى عباس را كه بر گروه فرومايگان حمله مى‏برد |  | در حالى كه فرزندان حيدر مانند شير يالدار به دنبال اويند |
|  |  |  |

كليات مفاتيح نوين، ص: 392

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| انْبِئْتُ انَّ ابْنى‏ اصيبَ بِرَاْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ |  | وَيْلى‏ عَلى‏ شِبْلى‏ امالَ بِرَاْسِهِ ضَرْبُ‏الْعَمَدِ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شنيدم كه وقتى پسرم دست نداشت به سرش ضربه زدند |  | واى بر من كه سر فرزند شجاعم از ضرب عمود خم شد |
|  |  |  |

لَوْ كانَ سَيْفُكَ فى‏ يَدَيْكَ لَما دَنى‏ مِنْهُ احَدٌ[[464]](#footnote-464)

اگر شمشير در دستت بود كسى جرأت نزديك شدن نداشت‏

و نيز اين ابيات منسوب به آن بانوى مخدّره است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لا تَدْعُوَنّى‏ وَيْكِ امَّ الْبَنينَ‏ |  | تُذَكِّرينى‏ بِلُيُوثِ الْعَرينِ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ديگر مرا مادر پسران نخوانيد |  | كه مرا به ياد شيران بيشه مى‏اندازد |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| كانَتْ بَنُونَ لِىَ ادْعى‏ بِهِمْ‏ |  | وَالْيَوْمَ اصْبَحْتُ وَلا مِنْ بَنينَ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| پسرانى داشتم كه مرا به آنها مى‏خواندند |  | ولى امروز ديگر پسرى ندارم‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ارْبَعَةٌ مِثْلُ نُسُورِالرُّبى‏ |  | قَدْ واصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ‏الْوَتينِ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چهار تن مانند باز كوهستان كه‏ |  | با بريده شدن رگ حيات به مرگ پيوستند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تَنازَعَ الْخِرْصانُ اشْلائَهُمْ‏ |  | فَكُلُّهُمْ امْسى‏ صَريعاً طَعينِ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بر پيكرشان نيزه‏ها به هم افتادند |  | و همگى با تن مجروح به خاك افتادند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يا لَيْتَ شِعْرى‏ اكَما اخْبَرُوا |  | بِانَّ عَبَّاساً قَطيعُ الْيَمينِ‏[[465]](#footnote-465) |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى كاش مى‏دانستم كه آيا حقيقت دارد |  | كه دست راست عبّاس جدا شد؟ |
|  |  |  |

6- «سيّد بن طاووس» در كتاب «اقبال» زيارتى را از ناحيه مقدّسه حضرت حجّت (سلام‏اللَّه عليه) براى على‏اكبر عليه السلام و ساير شهداى كربلا با ذكر نام و بعضى از خصوصيّات تك تك آنها ذكر كرده كه علاقمندان براى اطّلاع، مى‏توانند به اقبال، يا بحارالانوار رجوع كنند.[[466]](#footnote-466)

زيارات مخصوصه امام حسين عليه السلام از نزديك‏

زياراتى كه مخصوص زمان خاصّى است، نيز براى امام حسين عليه السلام نقل شده كه عبارتند از:

زيارت در شبها و روزهاى مخصوص‏

1- زيارت عاشورا

براى روز عاشورا زيارات متعدّدى نقل شده كه در بخش‏هاى آينده اين كتاب (بخش اعمال ماه‏ها) به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 393

مناسبت بيانِ اعمالِ روز دهم ماه محرّم (روز عاشورا) بعضى از اين زيارات ذكر خواهد شد. در اين بخش (بخش زيارات) نيز به تناسب فصل زيارات مخصوصه امام حسين عليه السلام به بعضى زيارات ديگر اشاره مى‏شود، ليكن قبل از بيان اين زيارت، شايسته است به اهمّيّت و آثار فراوانى كه زيارت قبر امام حسين عليه السلام از نزديك، يا دور در اين روز غم‏انگيز و حزن‏آفرين دارد، اشاره گردد:

1- جابر جعفى مى‏گويد: روز عاشورا بر امام صادق عليه السلام وارد شدم، به من فرمود: «كسى كه شب عاشورا نزد قبر امام حسين عليه السلام بيتوته كند، روز قيامت در حالى كه به خونش آغشته است و گويا با امام حسين عليه السلام در يك ميدان شهيد شده، محشور مى‏شود».[[467]](#footnote-467) 2- كسى كه روز عاشورا امام حسين عليه السلام را زيارت كند بهشت بر او واجب مى‏شود.[[468]](#footnote-468) 3- كسى كه روز عاشورا نزد قبر امام حسين عليه السلام به ياد آن حضرت، زوّارش را سيراب كند مثل كسى است كه به لشكر امام حسين آب داده و در آن ميدان حاضر بوده است.[[469]](#footnote-469) يادآورى: جناب علقمه، از تكليف كسانى كه توفيق زيارت امام حسين عليه السلام در روز عاشورا براى آنان فراهم نيست سؤال مى‏كند كه به ضميمه جواب امام عليه السلام در قسمت «زيارت امام حسين عليه السلام از راه دور» خواهد آمد؛ إن شاءاللَّه. (صفحه 432)

سند زيارت معروف عاشورا:

جناب علقمه از امام باقر عليه السلام زيارتى را نقل مى‏كند كه هر جا از زيارت عاشورا و آثار و بركات آن چيزى گفته شده و يا مى‏شود، مقصود همين زيارت است. اين زيارت كه مى‏توان از دور و نزديك آن را خواند از آثار و بركات فوق‏العاده‏اى برخوردار است كه ما براى نشان دادن اهمّيّت آن نكاتى را مورد اشاره قرار مى‏دهيم:

الف) سند اين روايت اختصاص به علقمه ندارد بلكه به سه طريق ديگر نيز نقل شده است:

1- محمّد بن اسماعيل از صالح بن عقبه از مالك جهنى از امام باقر عليه السلام.[[470]](#footnote-470) 2- محمّد بن اسماعيل از صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر عليه السلام.[[471]](#footnote-471) 3- روايت معروف صفوان از امام صادق عليه السلام.[[472]](#footnote-472)

كليات مفاتيح نوين، ص: 394

البتّه لازم به ذكر است، در اسنادى كه به امام باقر عليه السلام منتهى مى‏شود زيارت عاشورا بدون دعا نقل شده است؛ امّا در سند صفوان كه به امام صادق عليه السلام منتهى مى‏شود، دعايى نيز براى بعد از زيارت ذكر شده كه- همان‏گونه كه گذشت- به اشتباه به نام «دعاى علقمه» مشهور شده است در حالى كه صحيح اين بود كه به «دعاى صفوان» نامگذارى مى‏شد.

ب) در فضيلت اين زيارت همين بس كه بر خلاف ساير زيارات كه از معصومين عليهم السلام نقل شده، اين زيارت به شكل حديث قدسى روايت شده است، يعنى ائمّه هدى عليهم السلام آن را از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل كرده‏اند كه جبرئيل امين آن را از سوى خداوند براى او آورده است.

اضافه بر اين‏كه طبق روايتى از امام صادق عليه السلام، آن حضرت و اجداد معصومش عليهم السلام ضمانت كرده‏اند هر كس اين زيارت را و دعاى بعد از آن را بخواند، زيارتش مقبول درگاه خداوند و دعايش مستجاب و اهل بهشت خواهد بود و حتّى شفاعتش در حقّ ديگران پذيرفته خواهد شد.[[473]](#footnote-473) ج) اين‏كه مشاهده مى‏شود بعضى از متديّنين و عاشقان امام حسين عليه السلام، هر روز اين زيارت را مى‏خوانند و بر مداومت بر آن اصرار مى‏ورزند بى جهت نيست؛ چون «ابن‏قولويه» در پايان روايت علقمه، از خود علقمه نقل مى‏كند كه امام باقر عليه السلام فرمود: «اگر توان دارى كه هر روز امام حسين عليه السلام را با اين زيارت، زيارت كنى، چنين كن كه تمام آنچه از ثواب گفته شد برايت نوشته مى‏شود ان شاء اللَّه تعالى».[[474]](#footnote-474) البتّه با توجّه به اين‏كه در روايت علقمه، دعاى بعد از زيارت، وجود ندارد لذا از سنگينى مداومت بر اين زيارت، كاسته مى‏شود.

د) از بعضى از قضايا نيز به دست مى‏آيد كه ادامه دادن بر اين زيارات، آثار و بركات ويژه‏اى را به دنبال دارد، حتّى سبب مى‏شود كه دوستان و همسايگان چنين كسى، مشمول بركات و نتايج آن گردند و الطاف الهى شامل حال آنها شود.

ه) قابل توجّه اين‏كه در پايان اين روايت آمده است: «اى صفوان! هرگاه حاجتى به تو روى آورد با اين زيارت در هر مكانى كه هستى زيارت كن و اين دعا را بخوان و حاجتت را بخواه كه از جانب خدا برآورده خواهد شدوخداوند از وعده جود و بخششى كه به رسولش داد تخلّف نمى‏كند و الحمدللَّه».[[475]](#footnote-475) خلاصه هر قدر در فضيلت اين زيارت گفته شود كم است، ولى نبايد فراموش كرد كه شرطِ گرفتن نتيجه آن است كه محتواى زيارت را درك كند و در مسير آن حركت نمايد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 395

متن زيارت عاشورا:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلامُ عَلَيْكَ‏

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، [سلام بر تو

يا خِيَرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ‏][[476]](#footnote-476)، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَابْنَ سَيِّدِ

اى فرزند و فرزند برگزيده‏اش‏] سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان و فرزند آقاى‏

الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ‏

اوصيا، سلام بر تو اى فرزند فاطمه بانوى زنان جهانيان، سلام‏

عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى‏

بر تو اى كه خدا خونخواهيش كند و فرزند چنين كسى و اى كشته‏اى كه انتقام كشته‏گانت را نگرفتى، سلام بر تو و بر

الْأَرْواحِ الَّتى‏ حَلَّتْ بِفِنآئِكَ، عَلَيْكُمْ مِنّى‏ جَميعاً سَلامُ اللَّهِ ابَداً ما بَقيتُ‏

روان‏هايى كه فرود آمدند به آستانت، بر شما همگى از جانب من سلام خدا باد هميشه تا من برجايم‏

وَبَقِىَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، يا اباعَبْدِاللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ‏

و برجاست شب و روز، اى ابا عبداللّه، به راستى بزرگ شد سوگوارى تو و گران و عظيم گشت‏

الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلى‏ جَميعِ اهْلِ‏الْإِسْلامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ‏

مصيبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام و گران و عظيم گشت‏

مُصيبَتُكَ فِى السَّمواتِ، عَلى‏ جَميعِ اهْلِ السَّمواتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً

مصيبت تو در آسمان‏ها بر همه اهل آسمان‏ها، پس خدا لعنت كند مردمى را كه‏

اسَّسَتْ اساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً دَفَعَتْكُمْ‏

ريختند شالوده ستم و بيدادگرى را بر شما خاندان و خدا لعنت كند مردمى را كه كنار زدند شما را

عَنْ مَقامِكُمْ، وَازالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتى‏ رَتَّبَكُمُ‏اللَّهُ فيها، وَلَعَنَ‏اللَّهُ امَّةً

از مقام مخصوصتان و دور كردند شما را از آن مرتبه‏هايى كه خداوند آن رتبه‏ها را به شما داده بود و خدا لعنت كند مردمى كه‏

قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ، بَرِئْتُ الَى اللَّهِ‏

شما را كشتند و خدا لعنت كند آنان كه تهيه اسباب كردند براى آنها تا توانستند با شما بجنگند، بيزارى جويم به سوى خدا

وَالَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَمِنْ اشْياعِهِمْ وَاتْباعِهِمْ وَاوْلِيآئِهِم، يا اباعَبْدِاللَّهِ انّى‏ سِلْمٌ‏

و به سوى شما از ايشان و از پيروان و دنبال روندگانشان و دوستانشان، اى اباعبداللّه من تسليمم و در صلحم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 396

لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ الى‏ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيادٍ

با كسى كه با شما در صلح است و در جنگم با هر كس كه با شما در جنگ است تا روز قيامت و خدا لعنت كند خاندان زياد

وَآلَ مَرْوانَ، وَلَعَنَ‏اللَّهُ بَنى‏امَيَّةَ قاطِبَةً، وَلَعَنَ‏اللَّهُ ابْنَ مَرْجانَةَ، وَلَعَنَ‏اللَّهُ‏

و خاندان مروان را و خدا لعنت كند بنى‏اميه را همگى و خدا لعنت كند فرزند مرجانه (ابن زياد) را و خدا لعنت كند

عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْراً، وَلَعَنَ‏اللَّهُ امَّةً اسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ‏

عمر فرزند سعد را و خدا لعنت كند شمر را و خدا لعنت كند مردمى را كه اسب‏ها را زين كردند و دهنه زدند و به راه افتادند

لِقِتالِكَ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏، لَقَدْ عَظُمَ مُصابى‏ بِكَ، فَاسْئَلُ‏اللَّهَ الَّذى‏ اكْرَمَ‏

براى پيكار با تو پدر و مادرم بفدايت كه براستى بزرگ شد مصيبت تو بر من پس مى‏خواهم از آن خدايى كه گرامى داشت‏

مَقامَكَ وَاكْرَمَنى‏ بِكَ، انْ يَرْزُقَنى‏ طَلَبَ ثارِكَ مَعَ امامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اهْلِ‏

مقام تو را و گرامى داشت مرا به خاطر تو كه روزيم گرداند خونخواهى تو را در ركاب آن امام يارى‏شده از خاندان‏

بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ عِنْدَكَ وَجيهاً بِالْحُسَيْنِ‏

محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدايا قرار ده مرا نزد خودت آبرومند بوسيله حسين‏

عَلَيْهِ السَّلامُ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، يا ابا عَبْدِاللَّهِ، انّى‏ اتَقَرَّبُ الى‏ اللَّهِ وَالى‏

- كه بر او سلام باد- در دنيا و آخرت، اى ابا عبداللّه من تقرّب جويم به درگاه خدا و پيشگاه‏

رَسُولِهِ، وَالى‏ اميرِالْمُؤْمِنينَ وَ الى‏ فاطِمَةَ، وَالَى الْحَسَنِ وَالَيْكَ‏

رسولش و اميرمؤمنان و فاطمه و حسن و شما

بِمُوالاتِكَ، وَبِالْبَرآئَةِ [مِمَّنْ قاتَلَكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَ بِالْبَرائَةِ مِمَّنْ‏

بوسيله دوستى تو و بوسيله بيزارى‏ [از كسى كه با تو مقاتله كرد و جنگ با تو را برپا كرد و به بيزارى جستن از كسى كه‏

اسَّسَ اساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَابْرَءُ الَى اللَّهِ وَ الى‏ رَسُولِهِ‏][[477]](#footnote-477) مِمَّنْ‏

شالوده ستم و ظلم بر شما را ريخت و بيزارى جويم به سوى خدا و به سوى رسولش‏] از كسى‏كه‏

اسَسَّ اساسَ ذلِكَ، وَبَنى‏ عَلَيْهِ بُنْيانَهُ، وَجَرى‏ فى‏ ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ،

پى‏ريزى كرد شالوده اين كار را و پايه‏گذارى كرد بر آن بنيانش را و دنبال كرد ظلم و ستمش را بر شما

وَعلى‏ اشْياعِكُمْ، بَرِئْتُ الَى اللَّهِ وَالَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَاتَقَرَّبُ الَى اللَّهِ، ثُمَّ الَيْكُمْ‏

و بر پيروان شما، بيزارى جويم به درگاه خدا و به پيشگاه شما از ايشان و تقرّب جويم به سوى خدا سپس به شما بوسيله‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 397

بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ، وَبِالْبَرآئَةِ مِنْ اعْدآئِكُمْ وَالنَّاصِبينَ لَكُمُ‏

دوستيتان و دوستى دوستان شما و به‏بيزارى از دشمنانتان و برپا كنندگان (و آتش افروزان) جنگ‏

الْحَرْبَ، وَبِالْبَرآئَةِ مِنْ اشْياعِهِمْ وَاتْباعِهِمْ، انّى‏ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ،

با شما و به بيزارى از ياران و پيروانشان، من در صلح و سازشم با كسى كه با شمادر صلح است،

وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، وَوَلِىٌّ لِمَنْ والاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ، فَاسْئَلُ‏

و در جنگم با كسى كه با شما در جنگ است و دوستم با كسى كه شما را دوست دارد و دشمنم با كسى كه شما را دشمن دارد ودرخواست كنم‏

اللَّهَ الَّذى‏ اكْرَمَنى‏ بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ اوْلِيآئِكُمْ، وَرَزَقَنِى الْبَرآئَةَ مِنْ‏

از خدايى كه مرا گرامى داشت بوسيله معرفت شما و معرفت دوستانتان و روزيم كند بيزارى جستن از

اعْدآئِكُمْ، انْ يَجْعَلَنى‏ مَعَكُمْ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، وَانْ يُثَبِّتَ لى‏ عِنْدَكُمْ‏

دشمنانتان را، به اين كه قرار دهد مرا با شما در دنيا و آخرت و پابرجا دارد براى من در پيش شما

قَدَمَ صِدْقٍ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، وَاسْئَلُهُ انْ يُبَلِّغَنِى الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ‏

گام راست و درستى (و ثبات قدمى) در دنيا و آخرت و از او خواهم كه برساند مرا به مقام پسنديده‏

عِنْدَاللَّهِ، وَ انْ يَرْزُقَنى‏ طَلَبَ ثارى‏ مَعَ‏امامٍ هُدىً ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِ‏

شما در پيش خدا و روزيم كند خونخواهى شما را با امام راهنماى آشكار گوياى به حق كه‏

مِنْكُمْ‏[[478]](#footnote-478)، وَاسْئَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَكُمْ عِنْدَهُ، انْ يُعْطِيَنى‏

از شما (خاندان) است و از خدا خواهم به حقّ شما و بدان منزلتى كه شما نزد او داريد كه عطا كند به من‏

بِمُصابى‏ بِكُمْ افْضَلَ ما يُعْطى‏ مُصاباً بِمُصيبَتِهِ، مُصيبَةً ما اعْظَمَها وَاعْظَمَ‏

بوسيله مصيبتى كه از ناحيه شما به من رسيده بهترين پاداشى را كه مى‏دهد به يك مصيبت‏زده از مصيبتى كه ديده، براستى چه مصيبت بزرگى و چه داغ‏

رَزِيَّتَها فِى الْإِسْلامِ، وَفى‏ جَميعِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏

گرانى بود در اسلام و در تمام آسمانها و زمين، خدايا چنانم كن‏

فى‏ مَقامى‏ هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اللهُمَّ اجْعَلْ‏

در اين‏جا كه ايستاده‏ام از كسانى باشم كه برسد بدو از ناحيه تو درود و رحمت و آمرزشى، خدايا قرار ده‏

مَحْياىَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَماتى‏ مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

زندگيم را زندگى محمّد و آل‏محمّد و مرگم را مرگ محمّد و آل محمّد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 398

اللَّهُمَّ انَّ هذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو امَيَّةَ، وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكبادِ، اللَّعينُ ابْنُ‏

خدايا اين روز روزى است كه مبارك و ميمون دانستند آن را بنى‏اميّه و پسر آن زن جگرخوار (معاويه)، آن ملعون پسر

اللَّعينِ، عَلى‏ لِسانِكَ وَلِسانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فى‏ كُلِّ مَوْطِنٍ‏

ملعون (كه لعن شده) بر زبان تو و زبان پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- در هر جا

وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللهُمَّ الْعَنْ ابا سُفْيانَ‏

و هر مكانى كه توقّف كرد در آن مكان پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدايا لعنت كن ابوسفيان‏

وَمُعوِيَةَ وَ يَزيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ ابَدَ الْأبِدينَ، وَهذا يَوْمٌ‏

و معاويه و يزيد فرزند معاويه را كه لعنت بر ايشان باد از جانب تو براى هميشه و اين روز روزى است كه‏

فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيادٍ وَآلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَواتُ‏اللَّهِ عَلَيْهِ، اللهُمَ‏

شادمان شدند به اين روز دودمان زياد و دودمان مروان به خاطر كشتنشان حضرت حسين را، خدايا

فَضاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذابَ، اللهُمَّ انّى‏ اتَقَرَّبُ الَيْكَ فى‏ هذَا

پس چندين برابر كن بر آنها لعنت خود و عذاب دردناك را، خدايا من تقرّب جويم به سوى تو در اين‏

الْيَوْمِ، وَفى‏ مَوْقِفى‏ هذا وَايَّامِ حَياتى‏، بِالْبَرآئَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ،

روز و در اين جايى كه هستم و در تمام دوران زندگيم به بيزارى جستن از اينها و لعنت فرستادن بر ايشان‏

وَبِالْمُوالاتِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ‏\* سپس صد مرتبه مى‏گويى:

و بوسيله دوست داشتن پيامبرت و خاندان پيامبرت كه بر او و بر ايشان سلام باد\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اللَّهُمَّ الْعَنْ اوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلى‏

خدايا لعنت كن نخستين ستمگرى را كه به زور گرفت حق محمّد و آل محمّد را و آخرين كسى كه او را در اين زور و ستم‏پيروى‏

ذلِكَ، اللهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتى‏ جاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ‏

كرد، خدايا لعنت كن بر گروهى كه پيكار كردند با حسين و همراهى كردند و پيمان بستند

وَتابَعَتْ عَلى‏ قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً\* آنگاه صد مرتبه مى‏گويى: السَّلامُ‏

و از هم پيروى كردند براى كشتن آن حضرت، خدايا لعنت كن همه آنها را\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام‏

عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتى‏ حَلَّتْ بِفِنآئِكَ، عَلَيْكَ مِنّى‏ سَلامُ‏

بر تو اى ابا عبداللّه و بر روانهايى كه فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام‏

اللَّهِ ابَداً ما بَقيتُ وَبَقِىَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَلا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّى‏

خدا باد هميشه تا من‏زنده‏ام و برپاست شب و روز و قرار ندهد اين زيارت را خداوند آخرين بار زيارت من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 399

لِزِيارَتِكُمْ‏[[479]](#footnote-479)، السَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَعَلى‏ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلى‏ اوْلادِ

از شما سلام بر حسين و بر على فرزند حسين و بر فرزندان‏

الْحُسَيْنِ، وَعَلى‏ اصْحابِ الْحُسَيْنِ\* سپس مى‏گويى: اللهُمَّ خُصَّ انْتَ اوَّلَ‏

حسين و بر اصحاب و ياران حسين\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مخصوص گردان نخستين‏

ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّى‏، وَابْدَأْ بِهِ اوَّلًا ثُمَّ الثَّانِىَ وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ‏

ستمگر را به لعنت من و آغازكن بدان لعن اوّلى را و سپس دومى و سومى و چهارمى را، خدايا لعنت كن‏

يَزيدَ خامِساً، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ

يزيد را در مرتبه پنجم و لعنت كن عبيداللّه پسر زياد و پسر مرجانه را و عمر فرزند سعد

وَ شِمْراً، وَآلَ ابى‏ سُفْيانَ وَ آلَ زِيادٍ وَ آلَ مَرْوانَ الى‏ يَوْمِ الْقِيمَةِ[[480]](#footnote-480)\* آنگاه به‏ و شمر و دودمان ابوسفيان و دودمان زياد و دودمان مروان را تا روز قيامت\*\*\*\*\*

سجده مى‏روى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرينَ لَكَ عَلى‏ مُصابِهِمْ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مخصوص توست ستايش سپاسگزاران تو بر مصيبت‏زدگى آنها،

كليات مفاتيح نوين، ص: 400

الْحَمْدُ للَّهِ عَلى‏ عَظيمِ رَزِيَّتى‏، اللَّهُمَّ ارْزُقْنى‏ شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ،

ستايش خداى را بر بزرگى مصيبتم خدايا روزيم گردان شفاعت حسين عليه السلام را در روز ورود (به صحراى قيامت)

وَثَبِّتْ لى‏ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ اصْحابِ الْحُسَيْنِ، الَّذينَ‏

و ثابت بدار گام راستيم را در نزد خودت با حسين عليه السلام و ياران حسين، آنان كه‏

بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ‏السَّلامُ.[[481]](#footnote-481)

بى‏دريغ دادند جان خود را در راه‏حسين- كه بر او درود باد-.

يادآورى:

1- از روايت علقمه از امام باقر عليه السلام استفاده مى‏شود كه اين زيارت براى دور و نزديك هر دو وارد شده است و خوب است در ابتدا سلامى به حضرت دهند و دو ركعت نماز بخوانند و سپس شروع به خواندن زيارت كنند.[[482]](#footnote-482) 2- كسانى كه موفّق به گفتن صد مرتبه لعن و سلام نباشند، مى‏توانند به يك مرتبه (به قصد رجا) قناعت كنند و در روايتى از امام هادى عليه السلام در مورد چنين اشخاصى آمده است كه هر كس لعن و سلام زيارت عاشورا را يك بار بخواند و پس از لعن نود و نه بار بگويد: «

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً

» و پس از سلام نيز نود و نه بار بگويد: «

السَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى‏ عَلِىِ‏بْنِ‏الْحُسَيْنِ وَ عَلَى‏ اوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى‏ اصْحابِ الْحُسَيْنِ‏

» كفايت مى‏كند.[[483]](#footnote-483) 3- در فصل زيارات اميرمؤمنان عليه السلام (پاورقى زيارت صفوان، زيارت سوم از زيارت مطلقه) گذشت كه آنچه به عنوان دعاى علقمه بعد از زيارت عاشورا معروف شده، جايگاه اصلى‏اش آنجاست لذا از اين‏جا حذف شده و به آن‏جا منتقل گرديده است، (رجوع شود به: پاورقى صفحه 275). گرچه بر اساس روايت صفوان از امام صادق عليه السلام هر جا كه زيارت عاشورا خوانده شود، مى‏توان اين دعا را نيز پس از آن خواند.[[484]](#footnote-484)

2- زيارت اربعين‏

(بيستم صفر)

مطابق روايت «شيخ طوسى» در «تهذيب» و «مصباح المتهجّد»، از امام حسن عسكرى عليه السلام زيارت‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص400**

كليات مفاتيح نوين، ص: 401

اربعين يكى از علامات مؤمن به حساب آمده است. مى‏فرمايد: «علامات مؤمن پنج چيز است: 51 ركعت نماز گزاردن (17 ركعت نماز واجب و 34 ركعت نافله) در هر شب و روز، و زيارت اربعين و انگشتر در دست راست كردن و بر خاك سجده نمودن و بلند گفتن «بسم‏اللَّه الرحمن الرحيم (در نمازها)».[[485]](#footnote-485) اشاره به اين‏كه از ويژگى‏هاى شيعيان اهل بيت عليهم السلام اين پنج چيز است و انتخاب زيارت اربعين احتمالًا به خاطر آن است كه زيارت شهداى كربلا از روز اربعين آغاز شد و در اين روز، در زمان ما آن چنان انبوهى از جمعيّت عاشقان و دلدادگان امام حسين عليه السلام در كربلا جمع مى‏شوند كه در هيچ موقع از سال- حتّى عاشورا- چنان جمعيّت عظيمى ديده نمى‏شود.

زيارت اربعين به دو صورت نقل شده است:

زيارت اوّل‏: «شيخ طوسى» از «صفوان جمّال» روايت مى‏كند كه گفت: مولايم امام صادق عليه السلام در ارتباط با زيارت اربعين به من فرمود: هنگامى كه روز، بالا آمد خطاب به امام حسين عليه السلام مى‏گويى:

السَّلامُ عَلى‏ وَلِىِّ اللَّهِ وَحَبيبِهِ، السَّلامُ عَلى‏ خَليلِ اللَّهِ وَنَجيبِهِ، السَّلامُ‏

سلام بر ولىّ خدا و دوستدارش، سلام بر خليل خدا و محرم اسرارش، سلام‏

عَلى‏ صَفِىِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ، السَّلامُ عَلىَ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ،

بر برگزيده خدا و فرزند برگزيده‏اش، سلام بر حسين مظلوم شهيد (در راه خدا)

السَّلامُ على‏ اسيرِ الْكُرُباتِ، وَقَتيلِ الْعَبَراتِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اشْهَدُ انَّهُ وَلِيُّكَ،

سلام بر اسير در بند ناگوارى‏ها و كشته‏اى كه اشك فراوان بر او ريخته مى‏شود، خدايا گواهى مى‏دهم كه او به يقين ولىّ تو

وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ، الْفآئِزُ بِكَرامَتِكَ، اكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ،

و فرزند ولى تو و برگزيده تو و فرزند برگزيده توست، كه به بزرگداشت تو رستگار گشته، او را با مقام شهادت گرامى داشتى‏

وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ، وَاجْتَبَيْتَهُ بِطيبِ الْوِلادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السَّادَةِ،

و به نيكبختى مخصوصش ساخته، و به پاكى ولادت برگزيدى، و او را آقايى از ميان بزرگان‏

وَقآئِداً مِنَ الْقادَةِ، وَذآئِداً مِنَ الذادَةِ، وَاعْطَيْتَهُ مَواريثَ الْأَنْبِيآءِ، وَجَعَلْتَهُ‏

و پيشوايى از ميان پيشوايان، و مدافعى از مدافعان حق، قرار دادى و ميراث پيامبران را به او عطا نمودى، و او را

حُجَّةً عَلى‏ خَلْقِكَ مِنَ الأَوْصِيآءِ، فَاعْذَرَ فىِ الدُّعآءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ، وَبَذَلَ‏

حجّت بر مخلوقاتت از ميان جانشينان قرار دادى، پس در دعوت مردم جاى عذرى باقى نگذاشت و در خيرخواهى دريغ نكرد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 402

مُهْجَتَهُ فيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ، وَقَدْ تَوازَرَ

و خون قلبش را در راه تو بخشيد تا بندگانت را از نادانى و سرگردانى گمراهى رهايى بخشد، در حالى كه‏

عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا، وَباعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الأَدْنى‏، وَشَرى‏ آخِرَتَهُ‏

فريب خوردگان دنيا و آنان كه سهم خود را با پست‏ترين چيز معامله كردند و آخرت خود را

بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ، وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّى‏ فى‏ هَواهُ، وَاسْخَطَكَ‏[[486]](#footnote-486) وَاسْخَطَ

به ارزان‏ترين قيمت فروختند بر عليه او همپيمان شدند و به سبب هواى نفس سقوط كردند، و تو و پيامبرت را به خشم‏

نَبِيَّكَ، وَاطاعَ مِنْ عِبادِكَ اهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزارِ

آوردند و از ميان بندگانت، از اهل اختلاف و دورويى و از حمل كنندگان بار گناه كه‏

الْمُسْتَوْجِبينَ النَّارَ، فَجاهَدَهُمْ فيكَ صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّى‏ سُفِكَ فى‏

سزاوار دوزخند پيروى نمودند، پس در راه تو با شكيبايى و حسابگرانه با آنان جهاد نمود تا اين‏كه در راه‏

طاعَتِكَ دَمُهُ، وَاسْتُبيحَ حَريمُهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبيلًا، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً

بندگيت خونش ريخته شد و حرمتش شكسته شد، خدايا آنان را بسيار لعنت كن و به عذاب دردناكت‏

اليماً، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيآءِ،

گرفتار ساز، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند سرور جانشينان،

اشْهَدُ انَّكَ امينُ‏اللَّهِ وَابْنُ امينِهِ، عِشْتَ سَعيداً، وَمَضَيْتَ حَميداً، وَمِتَ‏

گواهى مى‏دهم كه تو به يقين امين خدا و فرزند امين او هستى، كه با سعادت زندگى كرده و به نيكى از دنيا رفتى‏

فَقيداً مَظْلُوماً شَهيداً، وَاشْهَدُ انَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ،

و مظلومانه با شهادت درگذشتى، و گواهى مى‏دهم كه خداوند به آنچه به تو وعده داده وفا نمود، و آنكه را دست از ياريت كشيد هلاك كرد،

وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَاشْهَدُ انَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فى‏ سَبيلِهِ‏

و آنكه تو را به شهادت رساند عذاب نمود، و گواهى مى‏دهم كه تو به عهد خدا وفا نموده و در راهش جهاد نمودى‏

حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً

تا مرگت فرا رسيد، پس خداوند قاتلان تو و كسانى كه به تو ستم كردند و كسانى كه اين (واقعه) را

سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اشْهِدُكَ انّى‏ وَلِىٌّ لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ

شنيده و به آن راضى شدند لعنت كند، خدايا گواهى مى‏دهم كه من دوستارانش را دوست دارم و با دشمنانش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 403

لِمَنْ عاداهُ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ كُنْتَ نُوراً

دشمنم، پدر و مادرم فداى تو اى فرزند رسول خدا، گواهى مى‏دهم كه تو نورى‏

فىِ‏الْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ[[487]](#footnote-487)، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ

در صلب‏هاى بلندمرتبه و رحم‏هاى پاكيزه بودى، كه دوران جاهليت‏

بِانْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِيابِها، وَاشْهَدُ انَّكَ مِنْ دَعآئِمِ‏

با ناپاكى‏هايش تو را آلوده نساخت و با لباس‏هاى آلوده‏اش تو را نپوشانيد و گواهى مى‏دهم كه تو از پايه‏هاى‏

الدّينِ، وَارْكانِ الْمُسْلِمينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنينَ، وَاشْهَدُ انَّكَ الْإِمامُ الْبَرُّ

دين و تكيه‏گاه مسلمانان و پناهگاه مؤمنان هستى و گواهى مى‏دهم كه تو پيشواى نيكوكار

التَّقِىُّ الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ، الْهادِى الْمَهْدِىُّ، وَاشْهَدُ انَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ

پرهيزگار و پسنديده پاكيزه و راهنماى هدايت يافته‏اى و گواهى مى‏دهم كه امامان از فرزندان تو اساس‏

التَّقْوى‏، وَ اعْلامُ الْهُدى‏، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقى‏، وَ الْحُجَّةُ على‏ اهْلِ الدُّنْيا،

پرهيزكارى و نشانه‏هاى هدايت و ريسمان محكم (هدايت) و حجت (خدا) بر جهانيان هستند

وَاشْهَدُ انّى‏ بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِايابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرايِعِ دينى‏ وَخَواتيمِ عَمَلى‏،

و گواهى مى‏دهم كه به شما ايمان دارم و به واسطه قوانين دينم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم‏

وَقَلْبى‏ لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَامْرى‏ لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتى‏ لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّى‏

و دلم تسليم دل شما و عملم پيرو عمل شماست، و آماده يارى شمايم تا اين‏كه‏

يَاْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لامَعَ عَدُوِّكُمْ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعلى‏

خداوند به شما اجازه دهد، پس آن‏كه با شماست با شماست نه با دشمنان شما، درود خدا بر شما و بر

ارْواحِكُمْ وَاجْسادِكُمْ، وَشاهِدِكُمْ وَغآئِبِكُمْ، وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، آمينَ‏

ارواح و بدن‏هاى شما و بر حاضر و غائبتان و بر ظاهر و باطنتان، دعايم را بپذير

رَبَّ الْعالَمينَ‏. آنگاه دو ركعت نماز مى‏خوانى و دعا مى‏كنى به آنچه خواهى، سپس برمى‏گردى.[[488]](#footnote-488) اى پروردگار جهانيان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 404

زيارت دوم‏: مرحوم «علّامه مجلسى» از «سيّد بن طاووس» نقل مى‏كند كه يكى از دوستان جابر بن عبدالله به نام عطا (عطيّه) مى‏گويد: روز بيستم ماه صفر با جابر بن عبداللَّه انصارى بودم، وقتى به «كربلا» رسيديم در آب فرات غسل كرد و پيراهن پاك و تميزى كه با خود داشت پوشيد و به من گفت: آيا از بوى خوش چيزى به همراه دارى؟ گفتم: آرى! قدرى از آن بر سر و بدن پاشيد و پا برهنه روانه شد، تا به مزار حضرت رسيد، نزد سر مبارك امام حسين عليه السلام ايستاد و سه مرتبه اللَّه اكبر گفت و افتاد و بى‏هوش شد.

وقتى به هوش آمد شنيدم كه گفت «

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا آلَ اللَّه ...»[[489]](#footnote-489)

كه عيناً همان زيارت نيمه رجب است كه خواهد آمد (صفحه 409).

\*\*\*

3- زيارت مشتركه شب و روز اوّل رجب، شب و روز نيمه رجب و شب و روز نيمه شعبان‏

«علّامه مجلسى» به نقل از «شيخ مفيد» و «سيّد بن طاووس» زيارت ذيل را براى شب و روز اوّل رجب و شب نيمه شعبان ذكر كرده است‏[[490]](#footnote-490) و كفعمى در «بلدالامين» شب و روز نيمه رجب را نيز به آن ضميمه كرده است:[[491]](#footnote-491) هرگاه خواستى امام حسين عليه السلام را در اين اوقات ششگانه زيارت كنى، غسل كن و پاكيزه‏ترين جامه‏هاى خود را بپوش و بر دَرِ حرم مطهّر آن حضرت رو به قبله بايست، و بر رسول خدا صلى الله عليه و آله و اميرمؤمنان و فاطمه و حسن و حسين و ساير ائمّه عليهم السلام سلام بده (كه كيفيّت آن در اذن دخول زيارت روز عرفه خواهد آمد؛ صفحه 423) آنگاه داخل شو و نزد ضريح مقدّس بايست و صد مرتبه تكبير بگو، سپس بخوان:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند خاتم پيامبران، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ‏

بر تو اى فرزند آقا و سرور رسولان، سلام بر تو اى فرزند آقا و سرور جانشينان، سلام‏

عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِىٍّ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر تو اى اباعبداللَّه، سلام بر تو اى حسين فرزند على، سلام بر تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 405

يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

اى فرزند فاطمه سرور بانوان جهانيان سلام بر تو اى ولىّ خدا و فرزند وليّش،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِىَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَاللَّهِ وَابْنَ‏

سلام بر تو اى برگزيده خدا و فرزند برگزيده‏اش، سلام بر تو اى حجّت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللَّهِ وابْنَ حَبيبِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفيرَ

حجّتش، سلام بر تو اى حبيب خدا و فرزند حبيبش، سلام بر تو اى پيام آور

اللَّهِ وَابْنَ سَفيرِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خازِنَ الْكِتابِ الْمَسْطُورِ، السَّلامُ‏

خدا و فرزند پيام آورش، سلام بر تو اى نگهبان كتاب نوشته شده، سلام‏

عَلَيْكَ يا وارِثَ التَّوْريةِ وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امينَ‏

بر تو اى وارث تورات موسى و انجيل عيسى و زبور داود، سلام بر تو اى امانتدار

الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَريكَ الْقُرْآنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدِّينِ،

خدا، سلام بر تو اى شريك قرآن، سلام بر تو اى ستون دين،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ حِطَّةٍ

سلام بر تو اى درگاه علم و دانش پروردگار جهانيان، سلام بر تو اى درگاه ريزش گناه‏

الَّذى‏ مَنْ دَخَلَهُ كانَ مِنَ الْأمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

كه هر كس از آن داخل شود ايمن خواهد بود، سلام بر تو اى گنجينه دانش خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَاللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ

بر تو اى محلّ اسرار خدا، سلام بر تو كه خونخواه تو و پدرت خداست و يگانه‏اى كه انتقام‏

الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْواحِ الَّتى‏ حَلَّتْ بِفِنآئِكَ، وَاناخَتْ‏

خونش گرفته نشده، سلام بر تو و بر ارواحى كه در حَرَمت مدفون‏

بِرَحْلِكَ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ وَنَفْسى‏ يا اباعَبْدِاللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصيبَةُ،

و مقيمند، پدر و مادر و خودم به فداى تو اى اباعبداللَّه، براستى مصيبت بزرگى پيش آمد

وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلى‏ جَميعِ اهْلِ الْإِسْلامِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً

و گرفتارى تو بر ما و بر همه اهل اسلام گران آمده، پس خداوند كسانى را كه‏

اسَّسَتْ اساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً دَفَعَتْكُمْ‏

ظلم و ستم بر شما اهل بيت را پايه گذارى كرده و شما را

كليات مفاتيح نوين، ص: 406

عَنْ مَقامِكُمْ، وَازالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتى‏ رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فيها، بِابى‏ انْتَ‏

از جايگاهى كه خدا برايتان قرار داده بود كنار زدند، لعنت كند، پدر

وَامّى‏ وَنَفْسى‏ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، اشْهَدُ لَقَدِ اقْشَعَرَّتْ لِدِمآئِكُمْ اظِلَّةُ الْعَرْشِ‏

و مادر و خودم به فداى تو اى اباعبداللَّه، گواهى مى‏دهم كه از خون شما تمامى عرش‏

مَعَ اظِلَّةِ الْخَلآئِقِ، وَبَكَتْكُمُ السَّمآءُ وَالْأَرْضُ، وَسُكَّانُ الْجِنانِ وَالْبَرِّ

و مخلوقات به لرزه در آمد، و آسمان و زمين و ساكنان بهشت و خشكى‏

وَالْبَحْرِ، صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ ما فى‏ عِلْمِ اللَّهِ، لَبَّيْكَ داعِىَ اللَّهِ، انْ كانَ لَمْ‏

و دريا بر شما گريستند، درود خدا بر تو به تعداد آنچه در علمش آمده، دعوت كننده خدا را اجابت مى‏كنم، اگر

يُجِبْكَ بَدَنى‏ عِنْدَ اسْتِغاثَتِكَ، وَلِسانى‏ عِنْدَ اسْتِنْصارِكَ، فَقَدْ اجابَكَ قَلْبى‏

در وقت كمك خواهى بدنم و در وقت يارى‏طلبى زبانم پاسخت نداد، به يقين قلب‏

وَسَمْعى‏ وَبَصَرى‏، سُبْحانَ رَبِّنا انْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا، اشْهَدُ انَّكَ‏

و گوش و چشمم پاسخت مى‏گويد، تسبيح مى‏گويم پروردگارمان را كه وعده‏اش به طور قطع انجام شدنى است، گواهى مى‏دهم كه تو

طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ، طَهُرْتَ وَطَهُرَتْ بِكَ الْبِلادُ،

پاك و پاكيزه و پاك شده از نژاد پاكان و پاك كننده پاك شده‏ها هستى و شهرها به وجود تو پاك شد

وَطَهُرَتْ ارْضٌ انْتَ بِها، وَطَهُرَ حَرَمُكَ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ امَرْتَ بِالْقِسْطِ

و پاك شد زمينى كه تو در آنى و پاك شد حَرَمت، گواهى مى‏دهم كه تو به عدل‏

وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ الَيْهِما، وَانَّكَ صادِقٌ صِدّيقٌ، [صَدَقْتَ‏][[492]](#footnote-492) فيما دَعَوْتَ‏

و داد فرمان داده و دعوت نمودى و به يقين تو راستگو و درستكارى، و در آنچه كه به آن دعوت نمودى راست‏

الَيْهِ، وَانَّكَ ثارُاللَّهِ فِى الْأَرْضِ، وَاشْهَدُ انَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَعَنْ جَدِّكَ‏

گفتى و همانا خونخواه تو در زمين خداست، و گواهى مى‏دهم كه تو (آنچه را كه) از جانب خدا و جدّت‏

رَسُولِ اللَّهِ، وَعَنْ ابيكَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَعَنْ اخيكَ الْحَسَنِ، وَنَصَحْتَ‏

رسول خدا و پدرت اميرمؤمنان و برادرت حسن به عهده داشتى رساندى، و خير خواهى كرده‏

وَجاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَجَزاكَ اللَّهُ‏

و در راه خدا جهاد نمودى و از روى اخلاص او را پرستيدى تا به شهادت رسيدى، پس بهترين پاداش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 407

خَيْرَ جَزآءِ السَّابِقينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْليماً، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

پيشينيان را خدا به تو عطا كند و درود و سلام بى پايان خدا بر تو باد، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ الرَّشيدِ، قَتيلِ‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و بر حسين مظلوم، و شهيد راستين درود فرست آن كشته‏اى كه‏

الْعَبَراتِ، وَاسيرِ الْكُرُباتِ، صَلاةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً، يَصْعَدُ اوَّلُها وَلا

اشك فراوان بر او ريخته مى‏شود و در بند ناگوارى‏ها است، درودى فزاينده، پاكيزه و با بركت كه ابتداى آن بالا رود و

يَنْفَدُ آخِرُها، افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اوْلادِ انْبِيآئِكَ الْمُرْسَلينَ، يا

پايان نپذيرد، بهترين درودى كه بر هر يك از فرزندان پيامبران مرسلت فرستاده‏اى، اى‏

الهَ الْعالَمينَ.[[493]](#footnote-493)

معبود جهانيان.

يادآورى: «علّامه مجلسى» به نقل از «شيخ مفيد» مى‏نويسد: سپس رو به سوى قبر مطهّر على بن الحسين (على اكبر) عليه السلام بياور و نزد قبر آن بزرگوار بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الصِّدّيقُ الطَّيِّبُ، الزَّكِىُّ الْحَبيبُ الْمُقَرَّبُ، وَابْنُ رَيْحانَةِ

سلام بر تو اى راست گفتار پاك، پاكيزه و دوست نزديك خدا، فرزند (زهرا) گل خوشبوى‏

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهيدٍ مُحْتَسِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، ما

رسول خدا سلام بر تو شهيد آزموده خدا، و رحمت و بركات خدا بر تو باد،

اكْرَمَ مَقامَكَ، وَاشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ، اشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ،

مقامت چقدر گرامى و محلّ بازگشتت‏با شرافت است، گواهى مى‏دهم كه خدا از كوششت قدر دانى كرده‏

وَاجْزَلَ ثَوابَكَ، وَالْحَقَكَ بِالذِّرْوَةِ الْعالِيَةِ، حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرفِ،

و پاداشت را افزودن نمود و تو را به درجات عالى رسانيد، در جايگاههاى بلندى كه همه شرافتها

وَفِى الْغُرَفِ، كَما مَنَّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَكَ مِنْ اهْلِ الْبَيْتِ الَّذينَ‏

در آن جمع است، آنچنان كه پيش از اين نيز بر تو منّت گذاشت، و تو را از خاندانى كه‏

اذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيراً، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ

زشتى و پليدى را از آنها دور كرده و آنها را پاكيزه گردانيد، قرار داد، درود و سلام و رحمت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 408

اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ وَرِضْوانُهُ، فَاشْفَعْ ايُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ الى‏ رَبِّكَ فى‏ حَطِّ

و بركات و رضوان خدا بر تو باد، پس اى آقا و سرور پاكيزه در برداشتن سنگينى‏

الْأَثْقالِ عَنْ ظَهْرى‏، وَتَخْفيفِها عَنّى‏، وَارْحَمْ ذُلّى‏ وَخُضُوعى‏ لَكَ،

گناهان از دوشم و سبك كردن آنها، به درگاه خدا مرا شفاعت كن، و بر افتادگى و فروتنيم در مقابل تو

وَلِلسَّيِّدِ ابيكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُما.

و پدر بزرگوارت- كه درود خدا بر هر دوى شما باد- رحم كن‏

سپس بگو:

زادَ اللَّهُ فى‏ شَرَفِكُمْ فِى الْأخِرَةِ، كَما شَرَّفَكُمْ فِى الدُّنْيا، وَاسْعَدَكُمْ كَما

خداوند بر شرافت و بزرگوارى شما در آخرت بيفزايد، همان‏گونه كه در دنيا شما را بزرگوار قرار داد، و سعادتمندتان كند همان‏گونه كه‏

اسْعَدَ بِكُمْ، وَاشْهَدُ ا نَّكُمْ اعْلامُ الدّينِ، وَنُجُومُ الْعالَمينَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ‏

ديگران را بوسيله شما سعادتمند كرد و گواهى مى‏دهم كه شما نشانه‏هاى دين و ستارگان جهانيد، و سلام و درود

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و رحمت و بركات خدا بر شما باد

آنگاه رو به سوى ساير شهدا كن و بگو: السَّلامُ عَلَيْكُمْ ياانْصارَ اللَّهِ، وَانْصارَ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام و درود بر شما اى ياوران خدا

رَسُولِهِ، وَانْصارَ عَلِىّ بْنِ ابيطالِبٍ، وَانْصارَ فاطِمَةَ، وَانْصارَ الْحَسَنِ‏

و رسولش و ياوران على فرزند ابى طالب و فاطمه و امام حسن‏

وَالْحُسَيْنِ، وَانْصارَ الْإِسْلامِ، اشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتُمْ للَّهِ، وَجاهَدْتُمْ فى‏

و امام حسين و ياوران اسلام، گواهى مى‏دهم كه شما براى خدا خير خواهى كرده و در راه او جهاد

سَبيلِهِ، فَجَزاكُمُ اللَّهُ مِنَ الْإِسْلامِ‏[[494]](#footnote-494) وَاهْلِهِ افْضَلَ الْجَزآءِ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ فَوْزاً

نموديد، پس خداوند از جانب اسلام و مسلمانان بهترين پاداش را به شما عطا كند، به خدا سوگند به رستگارى بزرگ‏

عَظيماً، يا لَيْتَنى‏ كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظيماً، اشْهَدُ انَّكُمْ احْيآءٌ عِنْدَ

رسيديد، اى كاش با شما بودم و به رستگارى بزرگ مى‏رسيدم، گواهى مى‏دهم كه شما زنده‏ايد و در نزد

رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، اشْهَدُ انَّكُمُ الشُّهَدآءُ وَالسُّعَدآءُ، وَانَّكُمُ الْفآئِزُونَ فى‏

پروردگارتان روزى مى‏خوريد، گواهى مى‏دهم كه شما شهيد و خوشبختيد و به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 409

دَرَجاتِ الْعُلى‏، والسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

درجات عالى رسيده‏ايد، و سلام و درود و رحمت و بركات خداوند بر شما باد.

بعد از آن برگرد و بالاى سر مبارك امام حسين عليه السلام نماز زيارت بجاى آور و براى خود و پدر و مادر و برادران دينى دعا كن.[[495]](#footnote-495) يادآورى: زيارت امام حسين عليه السلام در روز اوّل رجب و نيز نيمه رجب و نيمه شعبان از فضيلت ويژه‏اى برخوردار است چرا كه از امام صادق عليه السلام روايت شده كه: «هر كس حسين عليه السلام را در روز اوّل ماه رجب زيارت كند البتّه خداى سبحان او را مى‏آمرزد».[[496]](#footnote-496) و نيز از ابن ابى‏نصر نقل شده است كه وقتى از امام رضا عليه السلام سؤال كرد: براى زيارت امام حسين عليه السلام كدام وقت بهتر است؟ آن حضرت در جواب فرمودند: نيمه رجب و نيمه شعبان.[[497]](#footnote-497)

4- زيارت مخصوص نيمه رجب‏

براى نيمه رجب كه به سبب غفلت عامّه مردم از فضيلت آن در زمان گذشته «غُفَيله» نام گرفته بود، مرحوم «شيخ مفيد» زيارت ديگرى را نقل كرده است، به اين صورت كه پس از ورود به حرم مطهّر و گفتن سه مرتبه اللَّهُ اكْبَر نزد قبر مطهّر بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا آلَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ‏

سلام بر شما اى خاندان خدا، سلام بر شما اى برگزيدگان خدا، سلام بر شما

يا سادَةَ السَّاداتِ، السَّلامُ عَلى‏ لُيُوثِ الْغاباتِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا سُفُنَ‏

اى آقا و سرور آقايان، سلام بر شما اى شيران بيشه (شجاعت)، سلام بر شما اى كشتيهاى‏

النَّجاةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ‏

نجات (امّت)، سلام بر تو اى اباعبداللّه حسين، سلام بر تو اى وارث علم‏

الْأَنْبِياءِ، وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، [السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ،

پيمبران و رحمت خدا و بركات خدا بر تو باد، [سلام بر تو اى وارث آدم برگزيده خدا،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ابْراهيمَ‏

سلام بر تو اى وارث نوح پيامبر خدا، سلام بر تو اى وارث ابراهيم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 410

خَليلِ اللَّهِ‏]، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اسْماعيلَ ذَبيحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

[خليل خدا،] سلام بر تو اى وارث اسماعيل قربانى در راه خدا، سلام بر تو اى‏

وارِثَ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

وارث موسى كليم خدا، سلام بر تو اى وارث عيسى روح خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى‏،

بر تو اى وارث محمّد حبيب خدا، سلام بر تو اى فرزند محمّد مصطفى،

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِىٍّ الْمُرْتَضى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ،

سلام بر تو اى فرزند على مرتضى، سلام بر تو اى فرزند فاطمه زهرا،

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَديجَةَ الْكُبْرى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهيدُ بْنُ الشَّهيدِ،

سلام بر تو اى فرزند خديجه كبرى، سلام بر تو اى شهيد و فرزند شهيد،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتيلُ بْنُ الْقَتيلِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

سلام بر تو اى كشته (در راه خدا) و فرزند كشته (در راه خدا)، سلام بر تو اى ولىّ خدا و فرزند وليّش،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ‏

سلام بر تو اى حجّت خدا و فرزند حجّتش بر مخلوقات، گواهى مى‏دهم كه تو نماز را

الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنْ الْمُنْكَرِ، وَرُزِئْتَ‏

به پاداشته و زكات دادى و امر به معروف و نهى از منكر كرده و داغدار شهادت‏

بِوالِدَيْكَ، وَجاهَدْتَ عَدُوَّكَ، وَاشْهَدُ انَّكَ تَسْمَعُ الْكَلامَ وَ تَرُدُّ الْجَوابَ،

پدر و مادرت گشتى، و با دشمنانت جهاد نمودى، و گواهى مى‏دهم كه تو سخن را شنيده و جواب مى‏دهى‏

وَانَّكَ حَبيبُ اللَّهِ وَخَليلُهُ وَنَجيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ، يا مَوْلاىَ زُرْتُكَ‏

و به يقين تو حبيب خدا، و يار و بنده برجسته و برگزيده او و فرزند بنده برگزيده‏اش هستى، اى مولاى من تو را با شوق و رغبت‏

مُشْتاقاً فَكُنْ لى‏ شَفيعاً الىَ اللَّهِ يا سَيِّدى‏، وَاسْتَشْفِعُ الَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ

زيارت كردم، پس در درگاه خدا شفيعم باش اى آقاى من، و شفاعت مى‏طلبم در درگاه خدا از جدّت آقا و سرور

النَّبِيّينَ، وَبِابيكَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، وَبِامِّكَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، الا

پيامبران و پدرت آقا و سرور جانشينان و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانيان،

لَعَنَ اللَّهُ قاتِليكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظالِميكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سالِبيكَ وَمُبْغِضيكَ مِنَ‏

خداوند قاتلين و ستم كنندگان بر تو و غارتگران حريمت و كينه ورزان به تو را از

كليات مفاتيح نوين، ص: 411

الْأَوَّلينَ وَ الْأخِرينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ سَيِّدِنا مُحَمِّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ.

پيشينيان و پسينيان لعنت كند، و درود خدا بر آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاك و پاكيزه‏اش باد.

آنگاه ضريح منوّر را ببوس و رو به جانب على بن الحسين عليهما السلام (على اكبر) آور و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو

يا مَوْلاىَ وَابْنَ مَوْلاىَ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِليكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظالِميكَ، انّى‏ اتَقَرَّبُ‏

اى مولاى من و فرزند مولايم، خداوند قاتلان و ستم‏كنندگان بر تو را لعنت كند، من بواسطه‏

الَى اللَّهِ بِزِيارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ، وَابَرَءُ الَى اللَّهِ مِنْ اعْدآئِكُمْ، وَالسَّلامُ‏

زيارت و محبّت شما بدرگاه خدا تقرّب جسته و از دشمنانتان بيزارى مى‏جويم، و سلام و درود خدا

عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ\* سپس رو به جانب قبور ساير شهدا (رضوان اللَّه‏ بر تو اى مولاى من و رحمت و بركات خدا بر تو باد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

عليهم) بكن و بگو: السَّلامُ عَلَى الْأَرْواحِ الْمُنيخَةِ بِقَبْرِ ابى‏ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام و درود بر ارواحى كه در كنار قبر اباعبداللَّه حسين رحل اقامت افكندند

عَلَيْهِ السَّلامُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا طاهِرينَ مِنَ الدَّنَسِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا

- كه درود و سلام خدا بر او باد- سلام بر شما اى پاكيزگان از پليدى، سلام بر شما اى‏

مَهْدِيُّونَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا ابْرارَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ

راه يافتگان، سلام بر شما اى بنده‏هاى نيكوكار خدا، سلام بر شما و بر فرشتگانى‏

الْحآفّينَ بِقُبُورِكُمْ اجْمَعينَ، جَمَعَنَا اللَّهُ وَايَّاكُمْ فى‏ مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتِ‏

كه قبورتان را در برگرفته‏اند، خداوند ما و شما را در قرارگاه رحمتش در زير

عَرْشِهِ، انَّهُ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

عرشش گرد هم آورد كه او مهربانترين مهربانان است و سلام و درود و رحمت و بركات خدا بر شما باد.

آنگاه به سوى حرم عباس بن على عليهما السلام روى آور، وقتى به حرمش رسيدى بر دَرِ حرم آن جناب بايست و بگو:

سَلامُ اللَّه وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ‏

... تا آخر زيارت آن حضرت كه پيش از اين (صفحه 386) گذشت.[[498]](#footnote-498)

كليات مفاتيح نوين، ص: 412

5- زيارت مخصوص نيمه شعبان‏

زيارت امام حسين عليه السلام در نيمه شعبان نيز از اهمّيّت فوق‏العاده‏اى برخوردار است و روايات زيادى در فضيلت آن وارد شده، از جمله اين‏كه به چند سند معتبر از امام زين‏العابدين عليه السلام و امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده كه: هر كس مصافحه 124 هزار پيامبر را مى‏خواهد در نيمه شعبان، زيارت ابى‏عبداللَّه الحسين عليه السلام را بجاى آورد، چرا كه فرشتگان و ارواح پيامبران در چنين زمانى به زيارت آن حضرت مى‏آيند، (پس خوشا به حال كسى كه با ايشان مصافحه كند و آنان نيز با او مصافحه نمايند)؛ كه پنج پيامبر اولوالعزم: نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمّد صلى الله عليه و آله نيز از جمله آنانند.[[499]](#footnote-499) براى نيمه شعبان نيز زيارت ديگرى نقل شده كه «شيخ كفعمى» در «بلدالامين» آن را از امام صادق عليه السلام اين چنين آورده است:

بعد از اذن دخول در حالى كه غسل كرده‏اى، نزد قبر آن حضرت مى‏ايستى و مى‏گويى:

ا لْحَمْدُ للَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكىُّ، اودِعُكَ‏

حمد و ستايش مخصوص خداوند بلند مرتبه و بزرگ است، سلام بر تو اى بنده شايسته و پاكيزه، گواهى خود را

شَهادَةً مِنّى‏ لَكَ تُقَرِّبُنى‏ الَيْكَ فى‏ يَوْمِ شَفاعَتِكَ، اشْهَدُ انَّكَ قُتِلْتَ وَ لَمْ‏

براى تو به وديعه مى‏سپارم تا در روز شفاعتت مرا به تو نزديك كند، گواهى مى‏دهم كه تو كشته شدى ولى‏

تَمُتْ، بَلْ بِرَجآءِ حَياتِكَ حَيِيَتْ قُلُوبُ شيعَتِكَ، وَ بِضِيآءِ نُورِكَ اهْتَدَى‏

زنده‏اى و به اميد زنده بودنت دلهاى شيعيانت زنده است، و طالبان وصالت در پرتو نورت‏

الطَّالِبُونَ الَيْكَ، وَاشْهَدُ انَّكَ نُورُ اللَّهِ الَّذى‏ لَمْ يُطْفَأْ وَلا يُطْفَأُ ابَداً، وَ انَّكَ‏

هدايت يافتند، گواهى مى‏دهم كه تو نور خدايى كه خاموش نشده و هرگز خاموش نمى‏گردد، و تو

وَجْهُ اللَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَهْلِكْ وَلا يُهْلَكُ ابَداً، وَاشْهَدُ انَّ هذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ،

جلوه خدايى كه از بين نرفته و از بين نمى‏رود، و گواهى مى‏دهم كه اين تربت، تربت تو

وَهذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَهذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِكَ، لا ذَليلَ وَاللَّهِ مُعَزُّكَ،

و اين حرم، حرم تو واين قتلگاه، قتلگاه بدن توست، به خدا سوگند گرامى داشته‏ات هرگز خوار نگردد

وَلا مَغْلُوبَ وَاللَّهِ ناصِرُكَ، هذِهِ شَهادَةٌ لى‏ عِنْدَكَ الى‏ يَوْمِ قَبْضِ روُحى‏

و يارى كننده‏ات هرگز مغلوب نشود، اين گواهى من است در نزد تو تا روز گرفته شدن جانم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 413

بِحَضْرَتِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.[[500]](#footnote-500)

در حضورت، و سلام و درود و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

6- زيارت در شب‏هاى قدر

در فضيلت زيارت امام حسين عليه السلام در ماه مبارك رمضان به نحو عام و در شب اوّل و نيمه ماه و آخر آن و شب‏هاى قدر به خصوص، روايات بسيارى نقل شده، از جمله:

1- از امام محمّد تقى عليه السلام نقل شده است كه: «هر كس در شب بيست و سوم ماه رمضان- كه اميد شب قدر بودن آن مى‏رود- به زيارت امام حسين عليه السلام برود ارواح 24 هزار پيامبر كه از خداوند رخصت زيارت امام حسين عليه السلام را در آن شب مى‏طلبند، با او مصافحه مى‏كنند».[[501]](#footnote-501) 2- در روايت معتبر ديگرى از امام صادق عليه السلام آمده است كه: «وقتى شب قدر مى‏شود منادى از آسمان، از وسط عرش ندا مى‏دهد كه حق تعالى هر كسى را كه به زيارت قبر حسين عليه السلام آمده است آمرزيد».[[502]](#footnote-502) 3- در روايت سومى از آن حضرت آمده: «هر كس شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو ركعت، يا آنچه براى او ميسّر شود نماز بگزارد و از خداوند ورود در بهشت و پناه از آتش جهنّم را طلب كند، دعايش مستجاب مى‏شود».[[503]](#footnote-503) 4- حتّى «ابن قولويه» در «كامل الزيارات» از امام صادق عليه السلام روايت كرده كه: «هر كس قبر امام حسين عليه السلام را در ماه مبارك رمضان زيارت كند و در راه زيارت از دنيا برود، به او گفته مى‏شود: با امن و امان داخل بهشت شو».[[504]](#footnote-504) به هر حال زيارتى كه براى شب قدر (و عيد فطر و عيد قربان) از «سيّد بن طاووس» و چند تن از بزرگان نقل شده و بعضى از آنها آن را از امام صادق عليه السلام روايت كرده‏اند، به قرار ذيل است:

وقتى اراده زيارت ابى‏عبداللَّه الحسين عليه السلام كردى پس از غسل و پوشيدن تميزترين لباس‏هاى خود، به حرم مقدّس آن حضرت مى‏روى و در حالى كه روى به جانب آن حضرت كرده‏اى، قبله را مابين دو كتف خود قرار ده و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 414

عَلَيْكَ يَابْنَ الصِّدّيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ‏

بر تو اى فرزند صديقه طاهره، فاطمه سرور بانوان جهانيان، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ‏

بر تو اى مولا و سرورم اى اباعبداللَّه، و رحمت و بركات خدا بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

قَدْاقَمْتَ‏الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را بپا داشته و زكات را ادا نموده و امر به معروف و نهى از منكر كردى‏

وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ‏

و كتاب خدا را به شايستگى تلاوت نموده و در راه خدا به شايستگى جهاد كردى، و

عَلَى الْأَذى‏ فى‏ جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، اشْهَدُ انَّ الَّذينَ‏

در كنار آن بر آزار و اذيّتها صبر نمودى و به حساب خدا گذاردى تا زمان وفاتت فرا رسيد، گواهى مى‏دهم كه به يقين آنان كه‏

خالَفُوكَ وَحارَبُوكَ، وَالَّذينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلى‏

با تو مخالفت كرده و جنگيدند و آنان كه تو را تنها گذاشتند و آنان كه تو را به شهادت رساندند، بر

لِسانِ النَّبِىِّ الْأُمِّىِ، وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَرى‏، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمينَ لَكُمْ مِنَ‏

زبان پيامبر أمّى لعنت شده‏اند، و تهمت‏زنندگان زيانكارند، و خداوند تمامى ستم‏كنندگان بر شما از

الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ، اتَيْتُكَ يا مَوْلاىَ‏

پيشينيان و پسينيان را لعنت كرده و بر عذاب دردناك آنان بيافزايد، براى زيارت به درگاهت آمده‏ام اى مولاى من‏

يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيآئِكَ، مُعادِياً لِأَعْدآئِكَ،

اى فرزند رسول خدا، در حالى كه آشناى به حق تو و دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت هستم‏

مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذى‏ انْتَ عَلَيْهِ، عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ، فَاشْفَعْ لى‏

و به هدايتى كه تو برآنى بصيرت يافته‏ام، و به گمراهى مخالفانت آگاهم، پس نزد پروردگارت‏

عِنْدَ رَبِّكَ\* سپس به جانب بالاى سر برو و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ فى‏

شفيعم باش.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى حجّت خدا در

ارْضِهِ وَسَمآئِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ رُوحِكَ الطَّيِّبِ، وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ،

زمين و آسمان، درود خدا بر روح پاك و بدن پاكيزه‏ات‏

وَعَلَيْكَ السَّلامُ يا مَوْلاىَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ\* پس از آن ضريح را ببوس، آنگاه‏ و سلام بر تو باد اى مولاى من و رحمت و بركات خدا بر تو باد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 415

دو ركعت نماز زيارت بجاى آور و بعد از آن هر مقدار كه ميسّر شود نماز بخوان و سپس به پايين پاى آن حضرت برو و خطاب به على‏بن‏الحسين عليهما السلام (على اكبر) بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ وَابْنَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى مولاى من و فرزند

مَوْلاىَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ،

مولايم، و رحمت و بركات خدا بر تو باد، لعنت خدا بر كسى كه بر تو ستم نمود، و لعنت خدا بر كسى كه تو را به شهادت رساند،

وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ\* و آنچه مى‏خواهى از خدا بخواه، سپس در طرف پايين پا و خدا بر عذاب دردناك آنان بيافزايد\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رو به قبله بايست و ساير شهدا را زيارت كن و بگو: السَّلامُ عَلَيْكُمْ ايُّهَا الصِّدّيقُونَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر شما اى راستگويان‏

السَّلامُ عَلَيْكُمْ ايُّهَا الشُّهَدآءُ الصَّابِرُونَ، اشْهَدُ انَّكُمْ جاهَدْتُمْ فى‏ سَبيلِ‏

سلام بر شما اى شهيدان شكيبا، گواهى مى‏دهم كه شما به يقين در راه خدا جهاد

اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذى‏ فى‏ جَنْبِ اللَّهِ، وَنَصَحْتُمْ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، حَتّى‏

كرده و در راه خدا بر آزار و اذيّتها صبر نموديد و براى خدا و پيامبرش خيرخواهى كرديد تا اين كه زمان‏

اتيكُمُ الْيَقينُ، اشْهَدُ انَّكُمْ احْيآءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، فَجَزاكُمُ اللَّهُ عَنِ‏

مرگتان فرا رسيد، گواهى مى‏دهم كه به يقين شما زنده‏ايد و نزد پروردگارتان روزى داده مى‏شويد، پس خداوند

الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ، افْضَلَ جَزآءِ الْمُحْسِنينَ، وَجَمَعَ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فى‏ مَحَلِ‏

از جانب اسلام و مسلمانان به شما بهترين پاداش نيكوكاران را عطا كند، و ما و شما را در بهشت گرد هم‏

النَّعيمِ\* آنگاه به زيارت عباس بن على عليهما السلام برو، وقتى به آن جا رسيدى، نزد آن جناب بايست و بگو:

آورد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ‏

سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، سلام بر تو اى بنده شايسته و

الْمُطيعُ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ جاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتّى‏

فرمانبردار خدا و رسولش، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين جهاد كرده و خيرخواهى نموده و (در راه خدا) صبر كردى تا

اتيكَ الْيَقينُ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، وَالْحَقَهُمْ‏

زمان وفاتت فرا رسيد، و خداوند تمامى ستم‏كنندگان بر شما از پيشينيان و پسينيان را لعنت كرده و

كليات مفاتيح نوين، ص: 416

بِدَرَكِ الْجَحيمِ.[[505]](#footnote-505)

به قعر دوزخ بفرستد.

يادآورى: در مواقع ازدحام جمعيّت، دور زدن ضريح يا چسبيدن به ضريح و مانند آن- كه در بعضى از روايات آمده- لازم نيست.

7- زيارت در عيد فطر و قربان‏

به سند معتبر از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه: «هر كس قبر امام حسين عليه السلام را در يكى از سه شب زيارت كند گناهان او آمرزيده مى‏شود»، راوى عرض مى‏كند: فدايت شوم آن سه شب كدام است؟ فرمود:

«شب عيد فطر، شب عيد قربان و شب نيمه شعبان».[[506]](#footnote-506) همچنين از آن حضرت روايت شده كه: «هر كس آن حضرت را در يكى از سه شب نيمه شعبان، عيد فطر و عرفه زيارت كند هزار حاجت از حوايج دنيا و آخرت براى او برآورده مى‏شود».[[507]](#footnote-507) از امام باقر عليه السلام نقل شده كه: «هر كس شب عرفه در زمين كربلا باشد و آن‏جا براى زيارت روز عيد قربان بماند و سپس برگردد، خداى سبحان او را از آفات آن سال محافظت مى‏كند».[[508]](#footnote-508) به هر حال، براى اين دو شب نيز غير از زيارت قبلى، زيارت ديگرى ذكر شده است و از كلمات علما به دست مى‏آيد كه زيارت قبلى مربوط به روزهاى عيد فطر و عيد قربان است و زيارت ذيل مربوط به شب‏هاى اين دو عيد است.

وقتى اراده زيارت آن حضرت را در اين دو شب كردى بر دَرِ حرم مطهّر او بايست و به جانب قبر نظر بيفكن و براى اذن دخول بگو:

يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ امَتِكَ، الذَّليلُ بَيْنَ‏

اى مولاى من اى ابا عبداللَّه، اى فرزند رسول خدا، بنده و فرزند كنيزت، فروتن در پيش‏

يَدَيْكَ، وَالْمُصَغَّرُ فى‏ عُلُوِّ قَدْرِكَ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جآءَكَ مُسْتَجيراً

رويت و كوچك در برابر علوّ منزلتت و اعتراف كننده به حقّت، نزدت آمده، در حالى كه به تو پناهنده‏

بِكَ، قاصِداً الى‏ حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً الى‏ مَقامِكَ، مُتَوَسِّلًا الَى اللَّهِ تَعالى‏ بِكَ،

است، و حرمت را قصد كرده و به جايگاهت رو نموده، و به واسطه تو به خداوند بلندمرتبه متوسّل شده است‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 417

ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ، ءَادْخُلُ يا وَلِىَ‏اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقينَ‏

آيا داخل شوم اى مولاى من، آيا داخل شوم اى ولىّ خدا، آيا داخل شوم اى فرشتگان خدا كه اين حرم را در بر

بِهذَا الْحَرَمِ، الْمُقيمينَ فى‏ هذا الْمَشْهَدِ\* سپس پاى راست را جلو بگذار و داخل شو گرفته، و در اين شهادتگاه اقامت گزيده‏ايد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفى‏ سَبيلِ اللَّهِ، وَعَلى‏ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ انْزِلْنى‏

به نام خدا و به يارى خدا و در راه خدا، و بر دين رسول خدا، خدايا مرا به جايگاه پربركتى‏

مُنْزَلًا مُبارَكاً، وَانْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلينَ\* آنگاه بگو: اللَّهُ اكْبَرُ كَبيراً، وَالْحَمْدُ

فرود آر، و تو بهترين فرودآورندگانى\*\*\*\*\*\* خداوند بسيار بزگتر است و حمد و سپاس‏

للَّهِ كَثيراً، وَسُبْحانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَاصيلًا، وَالْحَمْدُللَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْماجِدِ

فراوان از آن خداوند است، و در صبحگاهان و شامگاهان او را تسبيح مى‏گويم، و حمد و سپاس از آن خداوند يگانه بى‏نياز و بزرگوار

الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الحَنَّانِ، الَّذى‏ مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لى‏

يكتاست، (خداوندِ) با محبّت و سخاوتمند و نعمت‏بخش و غمخوار، آن كه به واسطه نعمت‏بخشى و احسانش‏

زِيارَةَ مَوْلاىَ بِاحْسانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنى‏ عَنْ زِيارَتِهِ مَمْنُوعاً، وَلا عَنْ ذِمَّتِهِ‏

زيارت مولايم را برايم آسان كرد، و مرا از زيارتش منع نكرد و از امانش‏

مَدْفُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ\* آنگاه حركت كن و پس از رسيدن به ميان حرم، مقابل قبر مطهّر دور نساخت بلكه احسان كرد و عطا نمود\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

با حال خضوع و تضرّع بايست و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى وارث آدم برگزيده خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ امينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ابْراهيمَ خَليلِ‏اللَّهِ،

بر تو اى وارث نوح امين خدا، سلام بر تو اى وارث ابراهيم خليل خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى‏

سلام بر تو اى وارث موسى هم صحبت خدا، سلام بر تو اى وارث عيسى‏

رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَبيبِ اللَّهِ،

روح خدا، سلام بر تو اى وارث محمد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- حبيب خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِىٍّ حُجَّةِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْوَصِىُّ الْبَرُّ

سلام بر تو اى وارث على حجّت خدا، سلام بر تو اى جانشين نيكوكار

كليات مفاتيح نوين، ص: 418

التَّقِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ

پرهيزكار، سلام بر تو اى فرزند كسى كه خونخواهتان خداست و يگانه‏اى كه انتقام خونش گرفته نشده است، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را بپا داشته و زكات دادى، و امر به معروف و نهى از منكر كرده‏

وَجاهَدْتَ فى‏ اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتَّى اسْتُبيحَ حَرَمُكَ، وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً

و در راه خدا به شايستگى جهاد نمودى، تا اين كه حُرمتت شكسته شد و مظلومانه به شهادت رسيدى\* سپس نزد سر مقدّس، با دلى خاشع بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

سلام بر تو اى اباعبداللَّه، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو

يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ،

اى فرزند آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو اى فرزند فاطمه سرور بانوان جهانيان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَطَلَ الْمُسْلِمينَ، يا مَوْلاىَ اشْهَدُ انَّكَ كُنْتَ نُوراً فِى‏

سلام بر تو اى قهرمان مسلمانان، اى مولاى من گواهى مى‏دهم كه تو نورى در

الْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ

صلبهاى بلندمرتبه و رحمهاى پاكيزه بودى، كه دوران جاهليّت‏

بِانْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيابِها، وَاشْهَدُ انَّكَ مِنْ دَعآئِمِ‏

با ناپاكيهايش تو را آلوده نساخت، و لباسهاى آلوده‏اش تو را نپوشانيد، و گواهى مى‏دهم كه تو از پايه‏هاى‏

الدّينِ، وَارْكانِ الْمُسْلِمينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنينَ، وَاشْهَدُ انَّكَ الْإِمامُ الْبَرُّ

دين و تكيه‏گاه مسلمانان و پناهگاه مؤمنان هستى، و گواهى مى‏دهم كه تو پيشواى نيكوكار

التَّقِىُّ الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ الْهادِى الْمَهْدِىُّ، وَاشْهَدُ انَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ

پرهيزكار و پسنديده پاكيزه و راهنماى هدايت يافته‏اى، و گواهى مى‏دهم كه امامان از فرزندان تو اساس‏

التَّقْوى‏، وَاعْلامُ الْهُدى‏، وَالْعُروَةُ الْوُثْقى‏، وَالْحُجَّةُ عَلى‏ اهْلِ الدُّنْيا

پرهيزكارى و نشانه‏هاى هدايت و ريسمان محكم (هدايت) و حجّت (خدا) بر جهانيان هستند\* آنگاه بگو: انَّا للَّهِ وَانَّا الَيْهِ راجِعُونَ، يا مَوْلاىَ ا نَا مُوالٍ لِوَلِيِّكُمْ، وَمُعادٍ

ما از آنِ خداييم و به سوى او بازمى‏گرديم، اى مولا و سرورم، من دوست دوستانت و دشمن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 419

لِعَدُوِّكُمْ، وَ ا نَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِايابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرايِعِ دينى‏ وَخَواتيمِ‏

دشمنان توام، و به شما ايمان دارم و به واسطه قوانين دينم و عواقب عملم به بازگشت شما

عَمَلى‏، وَقَلْبى‏ لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَامْرى‏ لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، يا مَوْلاىَ اتَيْتُكَ‏

مطمئنّم و دلم تسليم دل شما و عملم پيرو عمل شماست، اى مولاى من با ترس (از گناه) به درگاهت آمده‏ام‏

خائِفاً فَآمِنّى‏، وَاتَيْتُكَ مُسْتَجيراً فَاجِرْنى‏، وَاتَيْتُكَ فَقيراً فَاغْنِنى‏،

پس امانم ده، و پناه‏جويان به درگاهت آمده‏ام پس پناهم ده، و فقير و نيازمند به درگاهت آمده‏ام پس بى‏نيازم گردان‏

سَيِّدى‏ وَمَوْلاىَ، انْتَ مَوْلاىَ، حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ، آمَنْتُ‏

آى آقا و سرورم و اى مولاى من، تويى مولاى من و حجّت خدا بر تمامى مخلوقات، ايمان دارم‏

بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَبِظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، وَاوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَاشْهَدُ انَّكَ‏

به نهان و آشكارتان، و ظاهر و باطنتان و اوّلين و آخرينتان، و گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

التَّالى‏ لِكِتابِ اللَّهِ، وَامينُ اللَّهِ، الدَّاعى‏ الَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

كتاب خدا را تلاوت نموده و امين خدايى، و با حكمت و اندرز نيكو به سوى خداوند دعوت نمودى‏

الْحَسَنَةِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ‏

خداوند گروهى را كه به تو ستم نمودند لعنت كند و خداوند گروهى كه آن را شنيده و به آن راضى شدند لعنت كند\* سپس دو ركعت نماز بالاى سر آن حضرت بخوان و پس از سلام بگو: اللَّهُمَّ انّى‏ لَكَ صَلَّيْتُ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا براى تو نماز خوانده‏

وَلَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ سَجَدْتُ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، فَانَّهُ لاتَجُوزُ الصَّلاةُ

و براى تو ركوع و سجود بجا آوردم، تويى كه يگانه‏اى و شريكى ندارى، چرا كه نماز

وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ الَّا لَكَ، لِأَنَّكَ انْتَ اللَّهُ الَّذى‏ لا الهَ إلَّاانْتَ، اللَّهُمَّ صَلِ‏

و ركوع و سجود فقط براى توست، چون تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، خدايا

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْهُمْ عَنّى‏ افْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ

به محمد و خاندان پاكش درود فرست، و بهترين سلام و درود مرا به آنان برسان، و

عَلَىَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، اللهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّى‏ الى‏ سَيِّدِىَ‏

سلامشان را به من بازگردان، خدايا اين دو ركعت نماز هديه‏اى است از جانب من به آقا و سرورم‏

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ،

حسين بن على- كه سلام و درود بر ايشان باد- خدايا بر محمّد و بر او درود فرست،

كليات مفاتيح نوين، ص: 420

وَتَقَبَّلْهُما مِنّى‏، وَأْجُرْنِى‏ عَليْهِما افْضَلَ امَلى‏، وَرَجآئى‏ فيكَ، وَ فى‏ وَلِيِّكَ‏

و اين دو ركعت را از من بپذير، و در مقابل آن پاداشى بهتر از آنچه آرزو داشته و از تو و وليّت اميد دارم را به من عطا فرما

يا وَلِىَّ الْمُؤْمِنينَ\* سپس قبر آن حضرت را ببوس و بگو: السَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ‏

اى سرپرست مؤمنان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر حسين فرزند

عَلِىٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ، قَتيلِ الْعَبَراتِ، وَاسيرِ الْكُرُباتِ، اللهُمَّ انّى‏ اشْهَدُ

على آن مظلوم شهيد، آن كشته‏اى كه اشك فراوان بر او ريخته مى‏شود، و در بند ناگوارى‏ها است، خدايا گواهى مى‏دهم كه به يقين‏

انَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ الثَّآئِرُ بِحَقِّكَ، اكْرَمْتَهُ بِكَرامَتِكَ، وَخَتَمْتَ‏

او ولىّ تو و فرزند ولىّ تو و برگزيده بپا خواسته بر (احقاق) حق توست، او را به كرامتت گرامى داشته و

لَهُ بِالشَّهادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السَّادَةِ، وَقآئِداً مِنَ الْقادَةِ، وَ اكْرَمْتَهُ‏

با شهادت زندگيش را به پايان رساندى، و او را آقايى از ميان آقايان و پيشوايى از ميان پيشوايان قرار دادى، و او را به‏

بِطيبِ الْوِلادَةِ، وَاعْطَيْتَهُ مَواريثَ الْأَنْبِيآءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى‏ خَلْقِكَ‏

پاكى ولادت گرامى داشتى و ميراث پيامبران را به او عطا نموده و از ميان جانشينان او را حجّت بر مخلوقاتت‏

مِنَ الْأَوْصِيآءِ، فَاعْذَرَ فِى الدُّعآءِ، وَ مَنَحَ النَّصيحَةَ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ،

قرار دادى، پس در دعوت جاى بهانه باقى نگذاشت و در خيرخواهى دريغ نكرد و جانش را در راه تو فدا نمود

حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ، وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ‏

تا بندگانت را از جهالت و سرگردانى در گمراهى رهايى بخشد، در حالى كه همديگر را يارى كردند آنان كه‏

غَرَّتْهُ الدُّنْيا، وَباعَ حَظَّهُ مِنَ الْأخِرَةِ بِالْأَدْنى‏، وَتَرَدّى‏ فى‏ هَواهُ،

دنيا آنها را فريفته بود و بهره خود را از آخرت به (متاع ناچيز) دنيا فروخته و در (دام) هواى نفس افتاده بودند

وَاسْخَطَكَ وَاسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَاطاعَ مِنْ عِبادِكَ اولِى الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ،

و تو و پيامبرت را به خشم آوردند و اطاعت نمودند از تفرقه‏افكنان و منافقان‏

وَحَمَلَةَ الْأَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبينَ النَّارَ، فَجاهَدَهُمْ فيكَ صابِراً مُحْتَسِباً،

و حاملان (بارهاى) گناه كه سزاوار دوزخند، پس او در راه تو شكيبا و حسابگر با آنها جهاد نمود

مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لاتَاْخُذُهُ فِى اللَّهِ لَوْمَةُ لآئِمٍ، حَتّى‏ سُفِكَ فى‏ طاعَتِكَ‏

روى كننده به جهاد نه گريزان از آن، در حالى كه ملامت سرزنش‏كنندگان او را از راه خدا باز نداشت، تا اين كه در راه فرمانبردارى تو

دَمُهُ، وَاسْتُبيحَ حَريمُهُ، اللهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْناً وَبيلًا، وَ عَذِّبْهُمْ عَذاباً اليماً

خونش ريخته شده و حرمتش پايمال شد، خدايا آنها را به سختى لعنت كن و به عذاب دردناك گرفتار نما

كليات مفاتيح نوين، ص: 421

\* آنگاه حركت كن به سوى قبر على بن الحسين عليهما السلام (على اكبر) كه در پايين پاى امام حسين عليه السلام واقع است و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ‏[[509]](#footnote-509)، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

\*\*\*\* سلام بر تو اى ولىّ خدا، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ

بر تو اى فرزند خاتم پيامبران، سلام بر تو اى فرزند فاطمه سرور بانوان‏

الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْمَظْلُومُ‏

جهانيان، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، سلام بر تو اى ستمديده‏

الشَّهيدُ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ عِشْتَ سَعيداً، وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً شَهيداً\* بعد از آن‏ شهيد، پدر و مادرم فداى تو باد، سعادتمند زندگى كرده و مظلومانه به شهادت رسيدى.\*\*\*\*\*

رو به سوى قبور ساير شهدا (رضوان اللَّه عليهم) مى‏كنى و مى‏گويى: السَّلامُ عَلَيْكُمْ ايُّهَا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر شما اى‏

الذَّآبُّونَ عَنْ تَوْحيدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ،

دفاع‏كنندگان از يگانگى خدا، سلام بر شما به خاطر شكيباييتان، پس چه جايگاه نيكويى است (جايگاه صابران)

بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏ فُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً\* آنگاه به سوى حرم عبّاس بن على عليهما السلام حركت كن و پدر و مادرم فداى شما كه به رستگارى بزرگى رسيديد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نزد ضريحِ شريف او بايست و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، وَالصِّدّيقُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى بنده شايسته (خدا) و بسيار راستگو

الْمُواسى‏، اشْهَدُ انَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ، وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَدَعَوْتَ الى‏

و يارى‏كننده (برادر)، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين به خدا ايمان آورده و فرزند رسول خدا را يارى نمودى، و به سوى‏

سَبيلِ اللَّهِ، وَ واسَيْتَ بِنَفْسِكَ، فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ افْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ‏

راه خدا دعوت كرده و با جان خويش (برادرت را) يارى نمودى، پس بهترين درود و سلام از جانب خداوند بر تو باد.

\* سپس بگو: بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ يا ناصِرَ دينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ

\*\*\*\*\*\*\* پدر و مادرم فداى تو اى ياور دين خدا، سلام بر تو اى ياور

كليات مفاتيح نوين، ص: 422

الْحُسَيْنِ الصِّدّيقِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، عَلَيْكَ مِنّىِ‏

حسين بسيار راستگو، سلام بر تو اى ياور حسين شهيد، سلام من بر تو باد

السَّلامُ ما بَقيتُ وَبَقِىَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ.

مادامى كه زنده‏ام و شب و روز باقيست.

آنگاه دو ركعت نماز بالاى سر آن حضرت بخوان و پس از آن، دعايى كه بالاى سر امام حسين عليه السلام خواندى يعنى‏

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ ...

(كه در صفحه 383 گذشت) را اين جا نيز بخوان، آنگاه به سوى حرم امام حسين عليه السلام برگرد و نزد آن حضرت هر مقدار كه خواستى بمان (به گونه‏اى كه مزاحمت براى ديگران نشود). هنگامى كه خواستى وداع كنى بالاى سر آن حضرت بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَ لا سَئِمٍ، فَانْ انْصَرِفْ فَلا

سلام بر تو اى مولاى من، سلام وداع كننده‏اى كه نه دلتنگ است و نه خسته، پس اگر باز مى‏گردم‏

عَنْ مَلالَةٍ، وَانْ اقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرينَ، يا مَوْلاىَ،

از روى دلتنگى نيست و اگر مى‏مانم از روى بدگمانى به وعده خدا به صابران نيست، اى مولاى من،

لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّى‏ لِزِيارَتِكَ، وَ رَزَقَنِىَ الْعَوْدَ الَيْكَ، وَالْمَقامَ فى‏

خداوند اين زيارتم را آخرين زيارت از تو قرار ندهد، و بازگشت به آستانت و اقامت در

حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ فى‏ مَشْهَدِكَ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ\* در پايان نيز (در صورت امكان) حرمت، و بودن در محل شهادتت را روزيم گرداند، دعايم را بپذير اى پروردگار جهانيان\*\*\*\*\*\*\*\*

قبر آن حضرت را ببوس و به صورت قهقرى‏ خارج شو و هنگام خارج شدن بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو

يا بابَ الْمَقامِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَريكَ الْقُرْآنِ‏[[510]](#footnote-510)، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ

اى درگاه اقامت (مؤمنان)، سلام بر تو اى شريك قرآن، سلام بر تو اى حجّت و دليل‏

الْخِصامِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفينَةَ النَّجاةِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ رَبِّىَ‏

بر دشمنان، سلام بر تو اى كشتى نجات، سلام بر شما اى فرشتگانِ پروردگار من‏

الْمُقيمينَ فى‏ هذَا الْحَرَمِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ابَداً ما بَقيتُ وَبَقِىَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ

كه در اين حرم اقامت داريد، پيوسته سلام بر تو باد مادامى كه زنده‏ام و شب و روز باقيست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 423

\* و بگو: انَّا للَّهِ وَ انَّا الَيْهِ راجِعُونَ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

\*\*\*\*\*\*\* ما از آنِ خداييم و به سوى او باز مى‏گرديم و توان و نيرويى جز براى خداوند بلندمرتبه و باعظمت نيست.

قابل توجّه اين‏كه براى اين زيارت، ثواب عظيمى نقل شده است.[[511]](#footnote-511)

8- زيارت روز عرفه‏

در فضيلت زيارت امام حسين عليه السلام در روز عرفه روايات فراوانى وارد شده كه به تعبير مرحوم محدّث قمى رحمه الله قابل احصا نيست، لذا تنها به ذكر سه روايت معتبر، اكتفا مى‏شود:

1- در روايات متعدّد معتبر، وارد شده كه خداى سبحان در روز عرفه قبل از آن‏كه به حاجيان متوقّف در عرفات نظرى افكند، نظر رحمتش را به سوى زائران قبر حسين عليه السلام معطوف مى‏سازد.[[512]](#footnote-512) 2- در حديث معتبر ديگرى از رفاعه نقل شده كه مى‏گويد: امام صادق عليه السلام به من فرمود: امسال حج مشرّف شده‏اى؟ گفتم: فدايت شوم پولى نداشتم تا به حج روم، ليكن عرفه را نزد قبر امام حسين عليه السلام بودم، فرمود: اى رفاعه! هيچ كوتاهى نكردى از آنچه اهل منى‏ در آن بودند، اگر نه اين بود كه مى‏ترسم مردم ترك حج كنند حديثى را برايت مى‏گفتم كه با شنيدن آن هرگز زيارت قبر امام حسين عليه السلام را رها نمى‏كردى! آنگاه لحظه‏اى ساكت شد و سپس فرمود: پدرم مرا خبر داد كه هر كس به سوى قبر امام حسين عليه السلام حركت كند در حالى كه عارف به حقّ آن حضرت و بدون تكبّر باشد، هزار فرشته از جانب راست و هزار فرشته از جانب چپ، با او همراه مى‏شوند و براى او ثواب هزار حج و هزار عمره‏اى كه به همراه پيامبر يا وصىّ پيامبر صلى الله عليه و آله بجا آورده شود نوشته مى‏شود.[[513]](#footnote-513) 3- داوود رقّى مى‏گويد: من از امام صادق و امام كاظم و امام رضا (صلوات اللَّه عليهم) شنيدم كه مى‏فرمودند: هر كسى به زيارت امام حسين عليه السلام در روز عرفه برود خداوند قلب او را (با ايمان و يقين و مغفرت و رحمت) آرامش مى‏بخشد.[[514]](#footnote-514) به هر حال، كيفيّت زيارت آن حضرت در روز عرفه چنين است كه هرگاه اراده زيارت كنى در صورت امكان، با آب فرات و گرنه با هر آبى كه ممكن باشد غسل كن و پاكيزه‏ترين لباس‏هاى خودت را بپوش و با آرامش و وقار و طمأنينه، حركت نما، وقتى به دَرِ حرم حسينى رسيدى بگو:

اللَّهُ اكْبَرُ و نيز بگو: اللَّهُ اكْبَرُ كَبيراً، وَالْحَمْدُ للَّهِ كَثيراً، وَسُبْحانَ‏اللَّهِ بُكْرَةً

خدا بزرگتر از هر چيز است\*\*\* خدا بسيار بزرگتر است و حمد و سپاس فراوان از آنِ اوست و هر بامداد و شامگاه او را

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص423**

كليات مفاتيح نوين، ص: 424

وَاصيلًا، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ هَدانا لِهذا، وَما كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلا انْ هَدانَا اللَّهُ،

تسبيح مى‏گويم، و ستايش مخصوص خداوندى است كه ما را به اين (همه نعمتها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدايت نكرده بود ما (به‏

لَقَدْ جآئَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ، السَّلامُ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ اميرِ

اينها) راه نمى‏يافتيم مسلّماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند، سلام بر رسول خدا، سلام بر امير

الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلى‏ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ‏

مؤمنان، سلام بر فاطمه زهرا سرور بانوان جهانيان، سلام‏

عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلى‏

بر حسن و حسين، سلام بر على بن حسين، سلام بر

مُحَمَّدِ بْنِ عَلىٍّ، السَّلامُ عَلى‏ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلى‏ مُوسَى بْنِ‏

محمّد بن على، سلام بر جعفر بن محمّد، سلام بر موسى بن‏

جَعْفَرٍ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُوسى‏، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ،

جعفر، سلام بر على بن موسى، سلام بر محمّد بن على،

السَّلامُ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ، السَّلامُ عَلَى‏

سلام بر على بن محمّد، سلام بر حسن بن على، سلام بر

الْخَلَفِ الصَّالِحِ الْمُنْتَظَرِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

جانشين شايسته‏اى كه انتظار (حضورش) كشيده مى‏شود، سلام بر تو اى ابا عبداللَّه، سلام بر تو اى فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ امَتِكَ، الْمُوالى‏ لِوَلِيِّكَ، الْمُعادى‏

رسول خدا، بنده و فرزند بنده و فرزند كنيزت، دوستدار دوستانت و دشمن‏

لِعَدُوِّكَ، اسْتَجارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ الَى اللَّهِ بِقَصْدِكَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏

دشمنانت، به شهادتگاهت پناهنده شده و با عزيمت به سويت به خدا تقرّب مى‏جويد، حمد و سپاس از آن خداوندى است كه‏

هَدانى‏ لِوِلايَتِكَ، وَخَصَّنى‏ بِزِيارَتِكَ، وَسَهَّلَ لى‏ قَصْدَكَ‏\* سپس داخل حرم‏ مرا به دوستى تو هدايت نمود، و مرا براى زيارتت برگزيده و آن را برايم آسان كرد\*\*\*\*\*\*\*

مى‏شوى و بالاى سر حضرت مى‏ايستى و مى‏گويى: السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى وارث آدم برگزيده‏

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ابْراهيمَ‏

خدا، سلام بر تو اى وارث نوح پيامبر خدا، سلام بر تو اى وارث ابراهيم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 425

خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

خليل خدا، سلام بر تو اى وارث موسى هم صحبت خدا، سلام بر تو اى‏

وارِثَ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

وارث عيسى روح خدا، سلام بر تو اى وارث محمّد حبيب خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يا وارِثَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ،

بر تو اى وارث اميرمؤمنان، سلام بر تو اى وارث فاطمه زهرا

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِىّ‏

سلام بر تو اى فرزند محمّد مصطفى، سلام بر تو اى فرزند على‏

الْمُرْتَضى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

مرتضى، سلام بر تو اى فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو اى فرزند

خَديجَةَ الْكُبْرى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَاللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ،

خديجه كبرى‏، سلام بر تو اى فرزند كسى كه خونخواهتان خداست و يگانه‏اى كه انتقام خونش گرفته نشده است‏

اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ‏

گواهى مى‏دهم كه تو نماز را بپا داشته و زكات دادى و امر به معروف و نهى‏

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاطَعْتَ اللَّهَ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ‏

از منكر كرده و خدا را اطاعت نمودى تا به شهادت رسيدى، خداوند قاتلين تو و كسانى كه‏

اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، يا مَوْلاىَ يا ابا

به تو ستم كردند و كسانى كه اين (واقعه) را شنيده و به آن راضى شدند، لعنت كند، اى مولاى من اى‏

عَبْدِاللَّهِ، اشْهِدُ اللَّهَ وَمَلآئِكَتَهُ وَانْبِيآئَهُ وَرُسُلَهُ، انّى‏ بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِايابِكُمْ‏

اباعبداللَّه، خدا و فرشتگان و پيامبران و فرستادگانش را گواه مى‏گيرم، كه به شما ايمان دارم و به واسطه قوانين‏

مُوقِنٌ، بِشَرايِعِ دينى‏، وَخَواتيمِ عَمَلى‏، وَمُنْقَلَبى‏ الى‏ رَبّى‏، فَصَلَواتُ اللَّهَ‏

دينم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنّم، و بازگشتم به سوى پروردگارم است، پس درودهاى خدا

عَلَيْكُمْ، وَعَلى‏ ارْواحِكُمْ، وَعَلى‏ اجْسادِكُمْ، وَعَلى‏ شاهِدِكُمْ، وَغآئِبِكُمْ،

بر شما و بر ارواح و بدنها و حاضر و غايبتان‏

وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَابْنَ سَيِّدِ

و ظاهر و باطنتان، سلام بر تو اى خاتم پيامبران، و فرزند آقا و سرور

كليات مفاتيح نوين، ص: 426

الْوَصِيّينَ، وَابْنَ امامِ الْمُتَّقينَ، وَابْنَ قآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ الى‏ جَنَّاتِ‏

جانشينان، و فرزند پيشواى پرهيزكاران و فرزند پيشواى هدايتگر سفيدرويان به سوى باغهاى بهشتى‏

النَّعيمِ، وَ كَيْفَ لا تَكُونُ كَذلِكَ، وَ انْتَ بابُ الْهُدى‏، وَ امامُ التُّقى‏، وَالْعُرْوَةُ

پرنعمت، و چرا اين گونه نباشى، در حالى كه تو درگاه هدايت و پيشواى پرهيزكارى و ريسمان‏

الْوُثْقى‏، وَالْحُجَّةُ عَلى‏ اهْلِ الدُّنْيا، وَ خامِسُ اهْلِ الْكِسآءِ[[515]](#footnote-515)، غَذَتْكَ‏

محكم و حجّت و دليل بر اهل دنيا و خامس آل عبايى،

يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْىِ الْإيمانِ، وَ رُبّيتَ فى‏ حِجْرِ الْإِسْلامِ،

از دست (پيامبرِ) رحمت غذا خوردى، و از سينه (مملوّ از) ايمان شير داده شدى و در دامان اسلام تربيت يافتى،

فَالنَّفْسُ غَيْرُ راضِيَةٍ بِفِراقِكَ، وَلاشآكَّةٍ فى‏ حَياتِكَ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ‏

لذا دل راضى به جدايى از تو نيست و ترديدى در زنده بودنت ندارد، درود خدا بر تو

وَ عَلى‏ آبائِكَ وَابْنآئِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَريعَ الْعَبْرَةِ السَّاكِبَةِ، وَقَرينَ‏

و پدران و فرزندان تو باد، سلام بر تو اى به خاك افتاده‏اى كه اشكها براى تو جاريست، و همدم‏

الْمُصيبَةِ الرَّاتِبَةِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ، [وَانْتَهَكَتْ فيكَ‏

مصيبتهاى پياپى، خداوند لعنت كند گروهى را كه حرمتت را رعايت نكردند [و در مورد تو

حُرْمَةَ الْإِسْلامِ‏][[516]](#footnote-516) فَقُتِلْتَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُوراً، وَاصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ‏

به حريم اسلام تجاوز كردند] پس كشته شدى، درود خدا بر تو كه مظلوم گشتى و از سوى رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْتُوراً، وَاصْبَحَ كِتابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُوراً، السَّلامُ‏

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- كسى انتقام خونت را نگرفت، و با نبود تو كتاب خدا متروك واقع شد، سلام‏

عَلَيْكَ وَعَلى‏ جَدِّكَ وَابيكَ، وَامِّكَ وَاخيكَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنيكَ،

بر تو و بر جدّ و پدرت و مادر و برادرت و بر امامان از فرزندانت‏

وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحآفّينَ بِقَبْرِكَ،

و بر آنان كه با تو به شهادت رسيدند و بر فرشتگانى كه قبرت را در بر گرفته‏

وَالشَّاهِدينَ لِزُوَّارِكَ، الْمُؤَمِّنينَ بِالْقَبُولِ عَلى‏ دُعآءِ شيعَتِكَ، وَالسَّلامُ‏

و گواه بر زوّار تو هستند و براى پذيرش دعاى شيعيانت آمين مى‏گويند، و سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 427

عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِابى‏ انْتَ‏

و رحمت وبركات خدا بر تو باد، پدر و مادرم فداى تو باد اى فرزند رسول خدا، پدر

وَامّى‏ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا،

و مادرم فداى تو باد اى ابا عبداللَّه، به يقين داغ تو سوزناك و مصيبت تو بر ما

وَعَلى‏ جَميعِ اهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً اسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ‏

و بر تمامى اهل آسمانها و زمين بزرگ است، پس خدا لعنت كند مردمى را كه اسبها را زين كرده و افسار زده‏

وَتَهَيَّاتْ لِقِتالِكَ، يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَاتَيْتُ‏

و براى جنگ با تو آماده شدند، اى مولاى من اى اباعبداللَّه، حرمت را قصد نموده و به محل شهادتت‏

مَشْهَدَكَ، اسْئَلُ اللَّهَ بِالشَّأْنِ الَّذى‏ لَكَ عِنْدَهُ، وَ بِالْمَحَلِّ الَّذى‏ لَكَ لَدَيْهِ، انْ‏

آمده‏ام، و به حقّ مقام و جايگاهى كه نزد خدا دارى از او مى‏خواهم كه‏

يُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ يَجْعَلَنى‏ مَعَكُمْ فِى الدُّنْيا وَ الْأخِرَةِ،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستد و مرا در دنيا و آخرت‏

بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ\* آنگاه ضريح را ببوس و در بالاى سر دو ركعت نماز بجاى آور با حمد و هر به حقّ لطف و بخشش و كرمش با شما قرار دهد\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سوره‏اى كه خواستى، پس از فراغت از نماز بگو: اللَّهُمَّ انّى‏ صَلَّيْتُ وَ رَكَعْتُ وَسَجَدْتُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا براى تو نماز خوانده و ركوع و سجود بجا آوردم‏

لَكَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لا تَكُونُ الَّا

تويى كه يگانه‏اى و شريكى ندارى، چرا كه نماز و ركوع و سجود فقط شايسته‏

لَكَ، لِأَنَّكَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

توست، چون تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست،

وَابْلِغْهُمْ عَنّى‏ افْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ، وَارْدُدْ عَلَىَّ مِنْهُمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلامَ،

و بهترين درود و سلام مرا به آنان برسان، و سلامشان را به من بازگردان‏

اللهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّى‏ الى‏ مَوْلاىَ وَسَيِّدى‏ وَامامى‏،

خدايا اين دو ركعت هديه‏اى است از جانب من به مولا و آقا و پيشوايم‏

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

حسين بن على- كه درود و سلام بر ايشان باد-، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 428

وَتَقَبَّلْ ذلِكَ مِنّى‏، وَأْجُرْنى‏ عَلى‏ ذلِكَ افْضَلَ امَلى‏، وَرَجآئى‏ فيكَ وَفى‏

و آن را از من بپذير، و در مقابل آن پاداشى بهتر از آنچه آرزو داشته و از تو و وليّت اميد دارم را به من عطا فرما

وَلِيِّكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ\* سپس برخيز و به سوى پايين پاى مبارك به قصد زيارت على‏ اى مهربان‏ترين مهربانان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بن‏الحسين عليهما السلام (على اكبر) برو و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو

يَا بْنَ نَبِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

اى فرزند پيامبر خدا، سلام بر تو اى فرزند امير مؤمنان، سلام بر تو اى فرزند

الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الشَّهيدُ بْنُ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

حسين شهيد، سلام بر تو اى شهيد و فرزند شهيد، سلام بر تو اى ستمديده‏

ايُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ‏[[517]](#footnote-517)، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً ظَلَمَتْكَ،

و فرزند ستمديده، خداوند لعنت كند گروهى را كه تو را به شهادت رساندند و خداوند لعنت كند گروهى را كه به تو ستم نمودند و

وَلَعَنَ‏اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، [السَّلامُ عَلَيْكَ يامَوْلاىَ‏][[518]](#footnote-518)، السَّلامُ‏

خداوند لعنت كند گروهى كه آن را شنيده و به آن رضايت دادند، [سلام بر تو اى مولاى من‏]، سلام‏

عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ‏

بر تو اى ولىّ خدا و فرزند ولىّ او، به يقين مصيبت تو بزرگ و داغ تو

عَلَيْنا وَعَلى‏ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَ ابْرَءُ الَى اللَّهِ وَ الَيْكَ‏

بر ما و بر تمامى مؤمنان سوزناك است، پس لعنت خدا بر گروهى كه تو را به شهادت رساندند، و به درگاه خدا و نزد تو

مِنْهُمْ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ\* آنگاه به جانب ساير شهدا توجّه كن و به قصد زيارت آنها بگو:

از آنان در دنيا و آخرت بيزارى مى‏جويم.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اوْلِيآءَ اللَّهِ وَاحِبَّآئَهُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اصْفِيآءَ اللَّهِ‏

سلام بر شما اى اوليا و دوستداران خدا، سلام بر شما اى برگزيدگان‏

وَاوِدَّآئَهُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا انْصارَ دينِ اللَّهِ وَانْصارَ نَبِيّهِ، وَانْصارَ اميرِ

با محبّت و عاشق خدا، سلام بر شما اى ياوران دين خدا و ياوران پيامبرش و ياوران امير

كليات مفاتيح نوين، ص: 429

الْمُؤْمِنينَ، وَانْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا انْصارَ

مؤمنان و ياوران فاطمه سرور بانوان جهانيان، سلام بر شما اى ياوران‏

ابى‏ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِىِّ النَّاصِحِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا انْصارَ ابى‏ عَبْدِ اللَّهِ‏

أبى محمد حسن آن ولىّ خيرخواه، سلام بر شما اى ياوران أباعبداللَّه‏

الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ الْمَظْلُومِ، صَلَواتُ‏اللَّهِ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏،

حسين شهيد ستمديده، درود خدا بر تمامى شما باد، پدر و مادرم فداى شما

طِبْتُمْ وَ طابَتِ الْأَرْضُ الَّتى‏ فيها دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ وَاللَّهِ فَوْزاً عَظيماً، فَيا

پاكيزه گشتيد و پاكيزه گرديد زمينى كه در آن مدفون شديد و بخدا سوگند به رستگارى بزرگ نايل گشتيد، پس اى‏

لَيْتَنى‏ كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ فِى الْجِنانِ مَعَ الشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ،

كاش با شما بودم تا با شما به همراه شهيدان و شايستگان در بهشت رستگار مى‏شدم‏

وَحَسُنَ اولئِكَ رَفيقاً، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ\* سپس به‏ و آنان نيكو رفيقانى هستند، و سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد\*\*\*\*

طرف بالاى سر برگرد و براى خود و خانواده خود وبرادران دينى، بسيار دعا كن.[[519]](#footnote-519) «سيّد بن طاووس» و «شهيد اوّل» گفته‏اند: آنگاه به سوى حرم مقدّس جناب عباس عليه السلام حركت كن و نزد قبر آن حضرت بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

سلام بر تو اى ابوالفضل عباس فرزند امير مؤمنان، سلام بر تو اى فرزند

سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اوَّلِ الْقَوْمِ اسْلاماً، وَاقْدَمِهِمْ ايماناً،

آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو اى فرزند اوّلين كسى كه اسلام آورد و سابقترين در ايمان‏

وَاقْوَمِهِمْ بِدينِ اللَّهِ، وَاحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلامِ، اشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ للَّهِ‏

و پايدارترين در دين خدا و محافظترين بر اسلام بود، گواهى مى‏دهم كه به يقين براى خدا و فرستاده‏اش و برادرت‏

وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُواسى‏، فَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ‏اللَّهُ‏

خيرخواهى نموده و برادر ياريگر بسيار خوبى بودى، پس لعنت خدا بر گروهى كه تو را به شهادت رساندند و خداوند لعنت كند

امَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ‏اللَّهُ امَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ، وَانْتَهَكَتْ فى‏ قَتْلِكَ‏

گروهى را كه بر تو ستم نمودند، و خداوند لعنت كند گروهى را كه حرمتت را رعايت نكردند و در شهادت تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 430

حُرْمَةَ الْإِسْلامِ، فَنِعْمَ الْأَخُ الصَّابِرُالْمُجاهِدُ، وَالْمُحامِى النَّاصِرُ، وَالْأَخُ‏

به حريم اسلام تجاوز كردند، ولى تو برادر شكيباى مجاهد و حمايت كننده و ياور بسيار خوبى بودى، و برادرى‏

الدَّافِعُ عَنْ اخيهِ، الْمُجيبُ الى‏ طاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاغِبُ فيما زَهِدَ فيهِ غَيْرُهُ‏

كه از برادرش دفاع كرد، و بندگى پروردگارش را اجابت نمود، و به پاداش فراوان و نام نيكى كه ديگران‏

مِنَ الثَّوابِ الْجَزيلِ، وَالثَّنآءِ الْجَميلِ، وَالْحَقَكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ ابآئِكَ فى‏

به آن بى‏اعتنا بودند، مشتاق بود، و خداوند تو را به جايگاه پدرانت در

دارِالنَّعيمِ، انَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ\* سپس بگو: اللهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ، وَلِزِيارَةِ

بهشت نعمتها ملحق نمود، زيرا كه او به يقين ستوده و بزرگوار است\*\*\*\*\*\* خدايا من به تو روى آورده و زيارت‏

اوْلِيآئِكَ قَصَدْتُ، رَغْبَةً فى‏ ثَوابِكَ، وَرَجآءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزيلِ احْسانِكَ،

اوليائت را قصد نموده‏ام، به خاطر اشتياق در پاداش و اميد به آمرزش و احسان فراوانت،

فَاسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ رِزْقى‏ بِهِمْ دآرّاً،

پس از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و به واسطه آنان روزيم را فراوان‏

وَعَيْشى‏ بِهِمْ قآرّاً، وَزِيارَتى‏ بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبى‏ بِهِمْ مَغْفُوراً، وَاقْلِبْنى‏

و زندگيم را خوش و خرّم و زيارتم را پذيرفته و گناهم را آمرزيده قرار دهى، و به واسطه آنان مرا

بِهِمْ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، مُسْتَجاباً دُعآئى‏ بِافْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ احَدٌ مِنْ زُوَّارِهِ،

رستگار و موفّق با دعايى مستجاب (به وطنم) بازگردانى، بهتر از بازگشت هر يك از زيارت‏كنندگان‏

وَالْقاصِدينَ الَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ\* آنگاه ضريح مطهّرش را ببوس و و قصد كنندگانش، به رحمتت اى مهربانترين مهربانان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نزد آن حضرت، نماز زيارت- هر قدر خواستى- انجام ده، و چون خواستى وداع كنى آنچه را كه سابقاً در وداع آن حضرت ذكر كرديم بگو،[[520]](#footnote-520) (صفحه 390).

\*\*\*

زيارت امام حسين عليه السلام در شب جمعه و ايّام مخصوصه ديگر:

شكّى نيست كه زيارت امام حسين عليه السلام در غير ايّام مخصوصى كه گذشت، در هر وقت و زمان ديگر، خصوصاً اوقات شريفه و بالاخصّ ايّامى كه با آن حضرت نسبتى داشته باشد (مثل روز مباهله و روز نزول‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 431

سوره «هل أتى» و روز تولّد آن حضرت) فضيلت دارد و در اين ايّام فرشتگان از آسمان نازل مى‏شوند،[[521]](#footnote-521) و در ميان آنها، شب‏هاى جمعه از اهمّيّت ويژه‏اى برخوردار است و روايات متعدّدى در ارتباط با آن وارد شده است، از جمله:

1- در حديثى از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم خداى متعال در هر شب جمعه نظر عنايت خاصّى به امام حسين عليه السلام مى‏افكند و جميع پيامبران و اوصياى آنان را به زيارتش مى‏فرستد.[[522]](#footnote-522) 2- «ابن قولويه» از يكى از ياران امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: «هر كس در هر جمعه، قبر امام حسين عليه السلام را زيارت كند به يقين آمرزيده مى‏شود، و با حسرت از دنيا بيرون نمى‏رود، و با حضرتش در بهشت همسايه مى‏شود»، سپس به او فرمود: «چه كسى است كه از همسايگى با امام حسين عليه السلام در بهشت شادمان نشود؟» عرض كرد: كسى كه رستگار نشده باشد.[[523]](#footnote-523) 3- از بعضى روايات استفاده مى‏شود كه حضرت ولى عصر عليه السلام خبر سليمان اعمش را كه مى‏گويد:

«همسايه‏اش به او گفت: در خواب ديدم كه برگه‏هايى از آسمان فرو مى‏ريزد كه در آنها امان از آتش دوزخ براى هر كس كه در شب جمعه امام حسين عليه السلام را زيارت كند نوشته بود»[[524]](#footnote-524) تأييد فرموده است.

يادآورى:

1- براى اين اوقات شريفه زيارت خاصّى وارد نشده، تنها براى روز تولّد آن حضرت (سوم شعبان) دعايى از ناحيه مقدّسه صادر شده كه خواندن آن بسيار شايسته است و در اعمال ماه‏ها (ماه شعبان، صفحه 678) خواهد آمد.

2- براى زيارت وداع امام حسين عليه السلام اكتفا مى‏كنيم به آنچه كه در آخرين آداب زيارت امام حسين عليه السلام خواهد آمد. (صفحه 435).

زيارت امام حسين عليه السلام از راه دور

پاداش زيارت امام حسين عليه السلام از راه دور:

همان گونه كه از زيارات گذشته به دست آمد زيارت امام حسين عليه السلام از راه دور نيز فضيلت بسيار دارد (چنان كه زيارت هر معصوم ديگرى نيز اين گونه است) و روايات بسيارى در اين رابطه وارد شده كه ما در اين جا به ذكر چند روايت اكتفا مى‏كنيم:

1- آنچه به عنوان روايت علقمه گذشت شاهد خوبى است، زيرا در صدر اين روايت وقتى امام باقر عليه السلام پاداش زيارت عاشورا در حرم آن حضرت را با آن عظمت بيان مى‏كند. علقمه مى‏پرسد: فدايت شوم براى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 432

كسى كه در شهرهاى دور از كربلا باشد و در چنين روزى (روز عاشورا) رفتن به سوى قبر آن حضرت برايش ممكن نباشد و بخواهد در اين روز از دور زيارتش كند چه ثوابى دارد؟ حضرت در جواب، پس از بيان آدابى كه خواهد آمد، فرمود: من ضمانت الهى مى‏كنم كسى كه امام حسين عليه السلام را در اين روز (با رعايت آدابى كه خواهد آمد) زيارت كند تمام آن ثواب‏ها برايش نوشته شود.[[525]](#footnote-525) 2- ابن ابى‏عمير از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه: «هرگاه، راه بعضى از شما دور و از خانه‏اش تا قبور ما مسافت بسيار باشد، در فضاى باز قرار گيرد و دو ركعت نماز بخواند و با اشاره به سوى قبور ما سلام كند كه تحقيقاً به ما مى‏رسد».[[526]](#footnote-526) 3- از روايت سُدير (يكى از ياران امام صادق عليه السلام) به خوبى استفاده مى‏شود كه زيارت آن حضرت از دور نيز فضيلت بسيار دارد، به اين صورت كه در فضاى باز قرار گيرد و به راست و چپ نظر بيفكند، سپس سر خود را به سوى آسمان بلند كند و به جانب قبر امام حسين عليه السلام توجّه نمايد و بگويد:

«السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُاللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ»

كه در مقابل آن براى او ثواب بسيار نوشته مى‏شود».[[527]](#footnote-527) 4- در مقدمه زيارت اوّل از زيارات مطلقه امام حسين عليه السلام گذشت كه وقتى راوى از امام صادق عليه السلام مى‏پرسد: فدايت شوم بسيار مى‏شود كه يادى از امام حسين عليه السلام مى‏كنم در آن هنگام چه بگويم؟ فرمود:

سه مرتبه بگو

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ»

كه سلام به آن حضرت از دور و نزديك به او مى‏رسد.[[528]](#footnote-528)

آداب زيارت امام حسين عليه السلام از راه دور:

از روايات فوق و نيز از آنچه در فصل زيارت امام حسين عليه السلام در روز عاشورا گذشت به دست مى‏آيد، كه براى زيارت آن حضرت و عرض ادب به آستان مقدّسش از راه دور، آدابى وارد شده كه در ذيل به آن اشاره مى‏شود:

آداب روز عاشورا:

1- در روايتى كه از علقمه گذشت آمده است: عرض كردم: فدايت شوم كسى كه در شهرى دور از كربلا زندگى مى‏كند و امكان حضور در نزد قبر آن حضرت در چنين روزى (روز عاشورا) برايش وجود ندارد، چه ثوابى خواهد بود؟ فرمود: اگر چنين است به فضاى باز برود و به سوى آن حضرت اشاره كند و بر قاتلين حضرتش نفرين فرستد و سپس دو ركعت نماز بجا آورد و زمانى را كه براى اين عمل انتخاب مى‏كند

كليات مفاتيح نوين، ص: 433

اوايل روز، پيش از ظهر باشد، آنگاه براى امام حسين عليه السلام سوگوارى كند و بر او بگريد و اهل خانه را نيز به عزادارى دعوت كند، و مجلس مصيبت و عزا برپا كند و وقتى (شيعيان آن حضرت) به هم مى‏رسند تسليت بگويند، اگر چنين كنند من ضمانت الهى مى‏كنم كه تمام آن ثواب‏ها (ثواب هايى كه در صدر اين روايت براى زيارت امام حسين عليه السلام در روز عاشورا از نزديك بيان شده) براى او نوشته شود.

علقمه مى‏گويد: عرض كردم چگونه وقتى به هم مى‏رسند به يكديگر تسليت گويند؟ فرمود: مى‏گويند:

«عَظَّمَ اللَّهُ اجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلام، وَجَعَلَنا وَايَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبينَ بِثارِهِ، مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمامِ الْمَهْدِىِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ»

يعنى خداوند اجر ما را در مصيبت امام حسين عليه السلام فراوان دهد و ما وشما را توفيق جبران خون حضرتش به همراه وليّش امام مهدى عليه السلام كه از آل‏محمّد عليهم السلام است، عطا فرمايد.

2- در ادامه اين حديث آمده است: اگر بتوانى در اين روز كسب و كار را تعطيل كنى بهتر است؛ زيرا كه روز نحسى است كه كسب مؤمن در آن روز به نتيجه نمى‏رسد و اگر به نتيجه برسد، خير و بركت در آن نخواهد بود، و نيز در چنين روزى، كسى از شما چيزى را براى خانه‏اش ذخيره نكند كه اگر چنين كند براى اهلش مبارك نخواهد بود.[[529]](#footnote-529) و در بعضى از روايات استحباب غسل كردن براى زيارت روز عاشورا نيز آمده است‏[[530]](#footnote-530)، و در ساير ايّام نيز همين اعمال را به قصد رجا به هنگام زيارت مى‏توان بجا آورد.

كيفيّت زيارت امام حسين عليه السلام از راه دور:

از مجموع روايات، زيارت آن حضرت از راه دور به يكى از عبارات زير استفاده مى‏شود:

1- سه بار بگويد:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ».

2- بگويد:

«السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ».[[531]](#footnote-531)

3- در روايت حنّان بن سُدير چنين آمده است:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ وَ ابْنَ مَوْلاىَ، وَ سَيِّدى‏ وَابْنَ سَيِّدى‏، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى مولاى من و فرزند مولاى من و آقا و سرورم و فرزند آقا و سرورم، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ الشَّهيدُ بْنُ الشَّهيدِ، والقَتيلُ بْنُ الْقَتيلِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر تو اى مولاى من اى شهيد فرزند شهيد، و كشته شده فرزند كشته شده، سلام بر تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 434

وَرَحْمَةُ اللَّه وَبَرَكاتُهُ، أَنَا زائِرُكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبى‏ وَ لِسانى‏

و رحمت و بركات خدا بر تو باد، اى فرزند رسول خدا من با قلب و زبان و تمام وجود زائر

وَجَوارِحى‏، وَ إِنْ لَمْ ازُرْكَ بِنَفْسى‏ مُشاهَدَةً لِقُبَّتِكَ، فَعَلَيْكَ السَّلامُ يا

توام، گرچه تو را از نزديك زيارت ننموده و بارگاهت را مشاهده نكردم، پس بر تو سلام باد اى‏

وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، وَ وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، وَ وارِثَ إِبْراهيمَ خَليلِ اللَّهِ،

وارث آدم برگزيده خدا و وارث نوح پيامبر خدا، و وارث ابراهيم خليل خدا

وَ وارِثَ موسى‏ كَليمِ اللَّهِ، وَوارِثَ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، وَ وارِثَ مُحَمَّدٍ

و وارث موسى هم صحبت خدا، و وارث عيسى روح خدا، و وارث محمّد

حَبيبِ اللَّهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ، وَ وارِثَ عَلِيٍّ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَصِىِّ رَسُولِ اللَّهِ‏

محبوب خدا و پيامبر و فرستاده‏اش، و وارث على امير مؤمنان و وصىّ و جانشين رسول خدا

وَ خَليفَتِهِ، وَ وارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصِىِّ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ، لَعَنَ اللَّهُ‏

و وارث حسن بن على جانشين امير مؤمنان، خداوند

قاتِليكَ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِمُ الْعَذابُ في‏ هذِهِ السَّاعَةِ وَفي‏ كُلِّ ساعَةٍ، أَنَا يا

قاتلان تو را لعنت كند، و در اين ساعت و هر ساعت عذاب آنان را تجديد نمايد، اى‏

سَيِّدى مُتَقَرِّبٌ إلَى‏اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ، وَ إِلى جَدِّكِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ إلى أَبيكَ‏

آقا و سرورم من به درگاه خداوند گرامى و عزيز و جدّت رسول خدا و پدرت‏

أَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَإلى أَخيكَ الْحَسَنِ، وَإلَيْكَ يا مَوْلاىَ، فَعَلَيْكَ السَّلامُ‏

اميرمؤمنان و برادرت حسن و خودت اى مولا و سرورم تقرّب مى‏جويم، پس سلام بر تو

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ بِزِيارَتى‏ لَكَ بِقَلْبى‏ وَ لِساني‏ وَ جَميعِ جَوارِحي‏،

و رحمت و بركات خدا بر تو باد به واسطه زيارتم با قلب و زبان و تمام وجودم از تو

فَكُنْ يا سَيِّدي‏ شَفيعى‏ لِقَبُولِ ذلِكَ مِنِّي، وَ أَنَا بِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكَ‏

پس اى آقا و سرورم براى پذيرش آن از من شفيعم باش، و من با بيزارى از دشمنانت‏

وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعينَ، فَعَلَيْكَ صَلَواتُ اللَّهِ‏

و لعنت بر آنان به خدا و همه شما تقرّب مى‏جويم، پس درود

وَ رِضْوانُهُ وَ رَحْمَتُهُ.

و خشنودى و رحمت خدا بر تو باد

كليات مفاتيح نوين، ص: 435

سپس به قبر على بن الحسين عليهما السلام (على اكبر) توجّه مى‏كنى و بر او سلام مى‏گويى، و در پايان آنچه دوست دارى از امور دنيا و آخرتت را، از خدا طلب مى‏كنى، آنگاه چهار ركعت نماز مى‏خوانى. سپس رو به قبله، به سوى قبر امام حسين عليه السلام و ساير شهدا متوجّه مى‏شوى و به قصد وداع مى‏گويى:

أَنَا مُوَدِّعُكَ يا مَوْلاىَ وَابْنَ مَوْلاىَ، وَ يا سَيِّدى‏ وَابْنَ سَيِّدى‏، و مُوَدِّعُكَ‏

با تو وداع مى‏كنم اى مولاى من و فرزند مولاى من، و اى آقا و سرورم و فرزند آقا و سرورم و با تو وداع مى‏كنم‏

يا سَيِّدى‏ وَابْنَ سَيِّدى‏ يا عَلِىَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَ مُوَدِّعُكُمْ يا ساداتي‏ يا

اى آقا و سرورم و فرزند آقا و سرورم اى على بن حسين، و با شما وداع مى‏كنم اى سرورانم اى‏

مَعاشِرَ الشُّهَداءِ، فَعَلَيْكُمْ سَلامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ رِضْوانُهُ وَ بَرَكاتُهُ.[[532]](#footnote-532)

گروه شهيدان، پس سلام خدا و رحمت و خوشنودى و بركات او بر شما باد.

فضيلت تربت امام حسين عليه السلام و آداب استفاده از آن:

در فضيلت تربت آن حضرت روايات فراوانى وارد شده، مانند:

1- از روايات متواتر به دست مى‏آيد كه تربت پاك آن حضرت شفاى دردها و بيمارى‏هاست‏[[533]](#footnote-533) و امان از بلاها و هر خوف و ترس‏[[534]](#footnote-534) و طبق بعضى از روايات، تربت را مى‏توان از ميان محلّ قبر مبارك تا يك ميل‏[[535]](#footnote-535) و يا حتّى تا چهار ميل‏[[536]](#footnote-536) برگرفت.

مرحوم محدّث قمى رحمه الله در «فوائد الرضويّه» در احوال سيّد محدّث و مُتبحّر، آقا سيّد نعمت اللَّه جزايرى قدس سره مى‏نويسد كه آن سيّد جليل در تحصيل علم، زحمت بسيار كشيده و رنج بسيار برده است و چون در اوايل تحصيل حتّى قادر بر تهيّه چراغ نبود، از روشنى مهتاب استفاده مى‏كرد، لذا از كثرت مطالعه در مهتاب، چشمانش ضعيف شده بود، ولى به بركت تربت مقدّسه سيّدالشهدا و خاك مرقدهاى شريفه ائمّه عراق عليهم السلام چشمانش روشنى يافت،[[537]](#footnote-537) و جاى تعجّب نيست كه خداوند چنين اثرى را در آن خاك مقدّس براى شيعيان و محبّان قرار داده باشد.

بهترين راه براى استفاده از تربت پربركت آن حضرت، اين است كه مقدار كمى از تربت تميز را در

كليات مفاتيح نوين، ص: 436

مقدار كمى آب تميز حل كنند و از آن كمى بنوشند؛ يا هر يك از افراد خانواده مقدارى از آن آب را به عنوان تبرّك استفاده كنند، و طريق ديگر اين‏كه به اندازه يك عدس از تربت تميز را روى زبان بگذارند و يك جرعه آب روى آن بنوشند.

2- «ابن قولويه» از شخصى نقل مى‏كند كه گفت: امام على بن موسى الرضا عليهما السلام از خراسان برايم بسته‏اى را فرستاد، وقتى آن را گشودم، در ميانش خاكى را يافتم. از كسى كه آن را آورده بود پرسيدم: اين چيست؟ گفت: خاك قبر امام حسين عليه السلام است، آن حضرت (امام رضا عليه السلام) هديه‏اى براى كسى نمى‏فرستد مگر آن‏كه كمى از اين خاك را در ميانش مى‏گذارد و مى‏فرمايد: به اذن و مشيّت خدا امان از بلاهاست.[[538]](#footnote-538) 3- يكى از ياران امام صادق عليه السلام به محضر مبارك امام عرض كرد: چگونه است كه فردى از خاك قبر امام حسين عليه السلام برمى‏دارد و از آن سود مى‏برد، ولى فرد ديگرى از آن برمى‏دارد و بهره‏اى نمى‏برد؟ جواب فرمود: «نه واللَّه، هر كس كه از آن خاك بردارد و اعتقاد داشته باشد كه به او نفع مى‏بخشد، البتّه بهره‏مند مى‏شود».[[539]](#footnote-539)

كيفيّت استفاده از تربت حسينى:

در ارتباط با آداب نگهدارى تربت حسينى و كيفيّت بهره‏گيرى از آن نيز رواياتى وارد شده است:

1- از ابوحمزه ثمالى نقل شده: خدمت امام صادق عليه السلام عرض كردم: اصحاب را مى‏بينم كه از خاك قبر امام حسين عليه السلام برمى‏دارند و از آن (باذن اللَّه) شفا طلب مى‏كنند، آيا واقعاً در آن شفا وجود دارد؟ فرمود: «از خاكى كه از فاصله ميان قبر تا چهار ميل برمى‏دارند، مى‏توان براى درمان دردها بهره جست، و هر كس يقين به شفاى آن داشته باشد هرگاه از آن شفا بجويد بِاذن اللَّه كفايتش مى‏كند».[[540]](#footnote-540) 2- در روايت ديگرى آمده است كه هرگاه كسى از شما خواست از تربت بهره گيرد، نخست آن را ببوسد، سپس بر دو ديده‏اش بگذارد و بر ساير بدن بمالد و بگويد:

اللهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِها، وَثَوى‏ فيها، وَبِحِقِّ ابيهِ وَامِّهِ‏

خدايا به حقّ اين تربت (پاك) و به حقّ آن كه در آن اقامت گزيده و به خاك سپرده شده و به حقّ پدر و مادر

وَاخيهِ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَ بِحَقِّ الْمَلائِكَةِ الْحآفّينَ بِهِ، الَّا جَعَلْتَها شِفآءً مِنْ‏

و برادرش و امامان از فرزندانش و به حقّ فرشتگانى كه او را در بر گرفته‏اند، اين تربت را درمان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 437

كُلِّ دآءٍ، وَ بُرْءاً مِنْ كُلِّ مَرَضٍ، وَ نَجاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَ حِرْزاً مِمَّا اخافُ وَ احْذَرُ.

هر بيمارى و بهبودى از هر مرض و نجات از هر آفت و مايه ايمنى از هر چه مى‏ترسم و هراس دارم قرار دهى.

سپس از آن استفاده كند.[[541]](#footnote-541) 3- و نيز در روايتى آمده: هر گاه خواستى از تربت امام حسين عليه السلام استفاده كنى بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِفآءً مِنْ كُلِ‏

به نام خدا و به كمك خدا، خدايا اين تربت را روزى وسيع و علم سود بخش و درمان هر بيمارى قرار

دآءٍ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[542]](#footnote-542)

ده، چرا كه تو بر هر چيز توانايى.

4- مستحب است قدرى تربت حسينى به همراه ميّت، داخل قبر گذاشته شود،[[543]](#footnote-543) و در روايت ديگرى وارد شده كه با حنوطش مخلوط گردد.[[544]](#footnote-544) 5- مستحب است سجده كردن بر تربت امام حسين عليه السلام كه حجاب‏هاى هفتگانه را باز مى‏كند و سبب قبولى نماز و بالا رفتن آن به آسمانها مى‏شود.[[545]](#footnote-545) 6- مستحب است از آن، تسبيح بسازند و با چنين تسبيحى ذكر گويند[[546]](#footnote-546) كه فضيلت عظيم دارد و مادامى كه در دست صاحبش مى‏باشد، تسبيح خدا مى‏گويد هر چند صاحبش تسبيح نگويد.[[547]](#footnote-547) يادآورى:

1- همان گونه كه از مجموع روايات فوق به دست آمد، بايد حريم تربت حسينى را پاس داشت و به گونه‏اى آن را نگهدارى كرد كه بى‏حرمتى پيش نيايد، زير دست و پا نماند، در راه نريزند و آلوده نكنند.

2- مشهور ميان علما اين است كه خوردن گل و خاك، مطلقاً جايز نيست مگر تربت مقدّسه امام حسين عليه السلام كه آن هم صرفاً به قصد شفا جايز است، و احتياط آن است كه بيش از يك عدس نباشد.

3- در اين‏كه مقصود از تربت حسينى، خاكِ چه مقدار فاصله از زمين كربلا مى‏باشد، تعبيرات روايات‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 438

گوناگون است؛ البتّه هر چه نزديكتر به قبر مقدّس باشد، بهتر است.[[548]](#footnote-548)

فضيلت زمين كربلا و حائر حسينى:

روايات فراوانى در ارتباط با شرافت و فضيلت زمين كربلا و حائر حسينى وارد شده كه به بعضى از آنها اشاره مى‏شود:

1- اميرمؤمنان عليه السلام از زمين كربلا به همراه جمعى از اصحابش گذشتند، وقتى به آن جا رسيدند اشك از چشمان حضرت جارى شد و فرمود: اين جاست جايگاه اقامت سوارانشان و اينجاست محلّ انداختن بارهايشان و اين جاست كه خونشان ريخته مى‏شود، خوشا به حال تو اى تربتى كه خون ياران حق روى تو ريخته مى‏شود

(هذا مُناخُ رُكّابِهِمْ، وَ هذا مَلْقى رِحالِهِمْ، وَ هُنا تُهْرَقُ دِماءُهُمْ، طُوبى‏ لَكَ مِنْ تُرْبَةٍ عَلَيْكَ تُهْرَقُ دِماءُ الْأَحِبَّةِ).[[549]](#footnote-549)

2- در حديثى از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم: جايگاه قبر حسين بن على عليهما السلام از روزى كه آن حضرت در آن دفن شد، باغ پرارزشى از باغ‏هاى بهشت است.[[550]](#footnote-550) 3- ابوهاشم جعفرى مى‏گويد: امام هادى عليه السلام در ايّام بيماريش مى‏فرمود: كسى را به سوى «حائر» (حائر حسينى براى طلب شفاى من) بفرستيد. عرض كردم: فدايت شوم اجازه مى‏فرماييد كه من بروم؟

فرمود: برو امّا با رعايت تقيّه ... عزم بر حركت گرفتم ولى قبل از حركت، جريان را براى علىّ بن بلال ذكر كردم، او با تعجّب گفت: حضرت هادى عليه السلام خودش حائر است او را با «حائر» چه كار؟! خدمت حضرت رسيدم سؤال علىّ بن بلال را براى او نقل كردم، فرمود: آيا رسول‏اللَّه خانه خدا را طواف نمى‏كرد و حجرالاسود را نمى‏بوسيد با آن‏كه حرمت رسول گرامى صلى الله عليه و آله وحرمت مؤمن از حرمت خانه خدا بيشتر است؟

بدان كه اين مكان‏ها مكان‏هايى هستند كه خداوند دوست دارد ياد او در آنها زنده شود، من هم دوست دارم براى شفاى من در مكان‏هايى دعا شود كه خدا دوست دارد و حائر حسينى يكى از آن مكانهاست.[[551]](#footnote-551)

محلّ حائر حسينى:

بحثى كه در اين جا مطرح است اين است كه چه مقدار از اطراف قبر مطهّر امام حسين عليه السلام «حائر» محسوب مى‏شود و آن مكانى كه آن همه روايات در فضيلت آن و استجابت دعا در آن، در فصل فضيلت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 439

زيارت ذكر شد، كدام است و چه مقدار مساحت دارد؟

مرحوم «علّامه مجلسى» اقوال متعدّدى را از علما در اين رابطه نقل كرده است و آنچه در نظر شريف خود ايشان تقويت دارد اين است كه مراد از «حائر»[[552]](#footnote-552) آن مقدار از مساحتى است كه ديوارهاى صحن، آن را احاطه كرده است در نتيجه خود صحن از جميع اطراف و ساختمان‏هايى كه به قبّه شريفه متّصل است و همچنين مسجدى كه در پشت آن قبّه قرار دارد جزء حائر محسوب مى‏شود. و آنچه مشهور ميان اهالى كربلاست و از گذشتگان، به آنها به ارث رسيده و همچنين ظاهر كلمات اكثر اصحاب، همين است.[[553]](#footnote-553) مرحوم «صاحب جواهر» نيز در تفسير حائر همين معنا را انتخاب كرده است‏[[554]](#footnote-554) هر چند احتياط آن است كه صحن مطهر را جزء حائر ندانند و به حرم مطهّر و رواق‏ها و مسجد بالاسر قناعت كنند، به خصوص اين‏كه در گذشته حرم تا اين حد توسعه نداشت.

از خداوند بزرگ توفيق بهره‏ورى همه عاشقان مكتب آن حضرت را از فيوضات عظيم اين اماكن مقدّسه مسألت داريم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 440

فصل ششم: زيارت كاظمين عليهما السلام‏

فضيلت زيارت كاظمين (حضرت موسى بن جعفر و امام جواد عليهما السلام):

در فضيلت زيارت اين دو امام معصوم عليهما السلام روايات زيادى وارد شده كه به بعضى از آنها اشاره مى‏شود:

1- زيارت امام موسى بن جعفر عليه السلام مثل زيارت رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله است‏[[555]](#footnote-555) و هر كس او را زيارت كند مثل آن است كه رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله و اميرمؤمنان عليه السلام را زيارت كرده است‏[[556]](#footnote-556) و نيز مثل آن است كه امام حسين عليه السلام را زيارت كند.[[557]](#footnote-557) 2- «هر كس حضرت موسى‏بن‏جعفر عليه السلام را زيارت كند، اهل بهشت است».[[558]](#footnote-558) 3- «ابن شهرآشوب» از «خطيب بغدادى» (صاحب تاريخ بغداد) از على بن خلال نقل مى‏كند كه گفت: هيچ مشكلى براى من پيش نيامد مگر اين‏كه با پناه بردن به قبر مطهّر موسى بن جعفر عليهما السلام و توسّل به آن حضرت، خداوند آن را برايم گشود و بر من آسان كرد.[[559]](#footnote-559) 4- و نيز از «خطيب بغدادى» نقل مى‏كند: در بغداد زنى را مشاهده كردند كه شتابان در حال دويدن بود، وقتى از او سؤال كردند به كجا مى‏روى؟ جواب داد: به سوى قبر موسى‏بن‏جعفر عليهما السلام تا دعا كنم پسرم از حبس آزاد شود، مردى حنبلى مذهب كه در آن جا حاضر بود او را به تمسخر گرفت و گفت: پسرت در زندان مُرد! آن زن گفت: خداوندا به حق آن كسى كه او را در زندان به شهادت رساندند، قدرت خود را به ما نشان ده! چيزى نگذشت كه پسرش را رها كردند و پسر آن مرد حنبلى كه استهزا كرده بود، دستگير شد![[560]](#footnote-560)

كيفيّت زيارت كاظمين عليهما السلام:

زياراتى كه در حرم شريف كاظمين مى‏توان خواند بر دو قسم است: نخست زياراتى كه مختصّ به هر يك از آن دو بزرگوار است و ديگر زياراتى كه مشترك بين آن دو امام عليهما السلام مى‏باشد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 441

زيارت مختصّ به امام موسى بن جعفر عليهما السلام:

زيارت اوّل‏: از «سيّدبن طاووس» نقل شده است كه وقتى خواستى آن حضرت را زيارت نمايى سزاوار است كه غسل كنى، سپس با آرامش و وقار به سمت حرم روانه شو، وقتى به دَرِ حرم رسيدى بايست و بگو:

اللَّهُ اكْبَرُ اللَّهُ اكْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ اكْبَرُ، الْحَمْدُ للَّهِ عَلى‏ هِدايَتِهِ لِدينِهِ،

خدا بزرگتر از هر چيز است، خدا بزرگتر از هر چيز است، معبودى جز خدا نيست، و خدا بزرگتر از هر چيز است، حمد و سپاس از آن خداوند

وَالتَّوْفيقِ لِما دَعا الَيْهِ مِنْ سَبيلِهِ، اللهُمَّ انَّكَ اكْرَمُ مَقْصُودٍ وَاكْرَمُ مَاْتِىٍّ،

است به خاطر هدايت بر دينش، و توفيق بر دعوت به راهش، خدايا تو به يقين گرامى‏ترين مقصود و شايسته‏ترين ميزبانى،

وَقَدْ اتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً الَيْكَ بِابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى‏ آبآئِهِ‏

و من به درگاهت آمده‏ام در حالى كه به واسطه فرزند دختر پيامبرت به تو تقرّب مى‏جويم، درود خدا بر او و بر پدران‏

الطَّاهِرينَ، وَابْنآئِهِ الطَّيِّبينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تُخَيِّبْ‏

پاك و فرزندان پاكيزه‏اش باد، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و تلاشم را بيهوده‏

سَعْيى‏، وَلا تَقْطَعْ رَجآئى‏، وَاجْعَلْنى‏ عِنْدَكَ وَجيهاً فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ

مگردان و اميدم را نااميد مكن، و مرا در دنيا و آخرت مقبول و از مقرّبان‏

وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ. و به هنگام ورود بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفى‏ سَبيلِ اللَّهِ، وَعَلى‏ مِلَّةِ

قرار ده\*\*\*\*\*\*\*\*\* به نام خدا و به كمك خدا و در راه خدا و بر دين‏

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لى‏ وَلِوالِدَىَّ وَلِجَميعِ‏

رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدايا مرا و پدر و مادرم و تمامى‏

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ‏\* سپس همين كه به دَرِ قبّه شريفه رسيدى بايست و طلب اذن نما و بگو:

مردان و زنان با ايمان را بيامرز\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ءَادْخُلُ يا رَسُولَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا نَبِىَّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللَّهِ،

آيا داخل شوم اى رسول خدا، آيا داخل شوم اى پيامبر خدا، آيا داخل شوم اى محمّد بن عبداللَّه‏

ءَادْخُلُ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، ءَادْخُلُ يا ابامُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، ءَادْخُلُ يا

آيا داخل شوم اى امير مؤمنان، آيا داخل شوم اى ابا محمّد، حسن مجتبى، آيا داخل شوم اى‏

اباعَبْدِاللَّهِ الْحُسَيْنَ، ءَادْخُلُ يا ابامُحَمَّدٍ عَلِىَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، ءَادْخُلُ يا ابا

ابا عبداللَّه الحسين، آيا داخل شوم اى ابا محمّد على بن حسين، آيا داخل شوم اى ابا

كليات مفاتيح نوين، ص: 442

جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا اباعَبْدِاللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَادْخُلُ يا

جعفر، محمّد بن على، آيا داخل شوم اى ابا عبداللَّه جعفر بن محمّد، آيا داخل شوم اى‏

مَوْلاىَ يا ابَاالْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ يا اباجَعْفَرٍ

مولاى من اى ابا الحسن موسى بن جعفر، آيا داخل شوم اى مولاى من اى ابا جعفر

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ\* آنگاه داخل شو و چهار مرتبه‏ اللَّهُ اكْبَرُ بگو و سپس مقابل قبر و در حالى كه‏ محمّد بن على،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدا بزرگتر از هر چيز است\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قبله را پشت كتف خود قرار داده‏اى بايست و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا ولِىَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى ولىّ خدا و فرزند وليّش‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِىَّ اللَّهِ وَابْنَ‏

سلام بر تو اى حجّت خدا و فرزند حجّتش، سلام بر تو اى برگزيده خدا و فرزند

صَفِيِّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امينَ اللَّهِ وَابْنَ امينِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللَّهِ فى‏

برگزيده‏اش، سلام بر تو اى امين خدا و فرزند امينش، سلام بر تو اى نور خدا در

ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امامَ الْهُدى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ‏

تاريكيهاى زمين، سلام بر تو اى پيشواى هدايت، سلام بر تو اى نشانه‏

الدّينِ وَالتُّقى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خازِنَ عِلْمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

دين و پرهيزكارى، سلام بر تو اى مخزن علم پيامبران، سلام بر تو اى‏

خازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نآئِبَ الْأَوْصِيآءِ السَّابِقينَ،

مخزن علم فرستادگانِ (خدا)، سلام بر تو اى جانشين اوصياى پيشين‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْوَحْىِ الْمُبينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْعِلْمِ‏

سلام بر تو اى معدن وحى آشكار، سلام بر تو اى صاحب علم‏

الْيَقينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْبَةَ عِلْمِ الْمُرْسَلينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

اليقين سلام بر تو اى معدن علم فرستادگان (خدا)، سلام بر تو اى‏

الْإِمامُ الصَّالِحُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْإِمامُ الزَّاهِدُ، [السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

پيشواى شايسته، سلام بر تو اى پيشواى زاهد، [سلام بر تو اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 443

الْإِمامُ الْعابِدُ][[561]](#footnote-561)، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْإِمامُ السَّيِّدُ الرَّشيدُ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

امام عابد]، سلام بر تو اى پيشوا و آقا و سرور آگاه، سلام بر تو

ايُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهيدُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ وَابْنَ وَصِيِّهِ، السَّلامُ‏

اى كشته شده شهيد، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا و فرزند جانشينش، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ

بر تو اى مولاى من، اى موسى بن جعفر و رحمت و بركات خدا بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ ما حَمَّلَكَ، وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعَكَ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ‏اللَّهِ،

آنچه از جانب خدا به عهده داشتى ابلاغ نمودى، و آنچه نزدت وديعه بود حفظ كردى و حلال خدا را حلال‏

وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللَّهِ، وَاقَمْتَ احْكامَ‏اللَّهِ، وَتَلَوْتَ كِتابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى‏

و حرام خدا را حرام شمردى، و احكام خدا را بپا داشته و كتاب خدا را تلاوت نمودى، و در راه خدا بر

الْأَذى‏ فى‏ جَنْبِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ،

آزار و اذيّتها صبر نمودى، و در راه خدا به شايستگى جهاد كردى، تا زمان وفاتت فرا رسيد

وَاشْهَدُ انَّكَ مَضَيْتَ عَلى‏ ما مَضى‏ عَلَيْهِ آبآؤُكَ الطَّاهِرُونَ، وَاجْدادُكَ‏

و گواهى مى‏دهم كه تو به يقين به همان راهى رفتى كه پدران پاك و اجداد

الطَّيِّبُونَ، وَالْأَوْصِيآءُ الْهادُونَ الْأَئِمَّةُ الْمَهْدِيُّونَ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلى‏

پاكيزه‏ات و جانشينان هدايتگر و امامان هدايت يافته رفتند، گمراهى را بر هدايت‏

هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ الى‏ باطِلٍ، وَاشْهَدُ انَّكَ نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ‏

برنگزيده و از راه حق به سوى باطل منحرف نشدى و گواهى مى‏دهم كه تو به يقين براى خدا و رسولش‏

وَلِأَميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَا نَّكَ ادَّيْتَ الْأَمانَةَ، وَاجْتَنَبْتَ الْخِيانَةَ، وَاقَمْتَ‏

و امير مؤمنان خيرخواهى كرده، و امانت را ادا نمودى و از خيانت دور بودى و

الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ‏

نماز را بپا داشته و زكات را پرداخت نمودى و امر به معروف و نهى از منكر كردى و

اللَّهَ مُخْلِصاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَجَزاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلامِ‏

خدا را خالصانه و كوشا و به اميد پاداش عبادت نمودى تا زمان وفاتت فرا رسيد، پس خداوند از جانب اسلام و

كليات مفاتيح نوين، ص: 444

وَاهْلِهِ افْضَلَ الْجَزآءِ، وَاشْرَفَ الْجَزآءِ، اتَيْتُكَ يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ، زآئِراً

مسلمانان بهترين و باارزشترين پاداش را به تو عطا كند، اى فرزند رسول خدا به درگاهت آمده‏ام، در حالى كه زائر

عارِفاً بِحَقِّكَ، مُقِرّاً بِفَضْلِكَ، مُحْتَمِلًا لِعِلْمِكَ، مُحْتَجِباً بِذِمَّتِكَ، عآئِذاً

آشنا به حقّ تو و اقراركننده به فضل توام، علمت را فرا گرفته و در امان پيمان توام‏

بِقَبْرِكَ، لائِذاً بِضَريحِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِكَ الَى اللَّهِ، مُوالِياً لِأَوْلِيآئِكَ، مُعادِياً

به قبر و ضريحت پناهنده‏ام و تو را به درگاه خدا شفيع قرار مى‏دهم، دوستدار دوستانت و دشمن‏

لِأَعْدآئِكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ وَبِالْهُدَى الَّذى‏ انْتَ عَلَيْهِ، عالِماً بِضَلالَةِ

دشمنان توام، و به جايگاه تو و هدايتى كه تو برآنى آگاهم، و گمراهى‏

مَنْ خالَفَكَ، وَبِالْعَمَى الَّذى‏ هُمْ عَلَيْهِ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ وَنَفْسى‏ وَاهْلى‏

مخالفانت و كوردلى آنان را مى‏دانم، پدر و مادر و جانم و خانواده‏

وَمالى‏ وَوُلْدى‏ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً بِزِيارَتِكَ الَى اللَّهِ تَعالى‏،

و اموال و فرزندانم فداى تو باد اى فرزند رسول خدا، به درگاهت آمده‏ام در حالى كه با زيارت تو به خداوند بلندمرتبه تقرّب مى‏جويم‏

وَمُسْتَشْفِعاً بِكَ الَيْهِ، فَاشْفَعْ لى‏ عِنْدَ رِبِّكَ، لِيَغْفِرَ لى‏ ذُنُوبى‏، وَيَعْفُوَ عَنْ‏

و تو را به درگاه او شفيع قرار مى‏دهم، پس نزد پروردگارت شفيعم باش، تا گناهانم را بيامرزد و خطايم را

جُرْمى‏، وَيَتَجاوَزَ عَنْ سَيِّئاتى‏، وَيَمْحُوَ عَنّى‏ خَطيئاتى‏، وَيُدْخِلَنِى‏

ببخشد و از گناهانم درگذرد و خطاهايم را محو كند، و مرا در بهشت داخل‏

الْجَنَّةَ، وَيَتَفَضَّلَ عَلَىَّ بِما هُوَ اهْلُهُ، وَيَغْفِرَ لى‏ وَلِأبائى‏، وَلِإِخْوانى‏

كند، و آنچه كه او شايسته آن است به من عطا نمايد و من و پدران (و مادران) و برادران‏

وَاخَواتى‏، وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ فى‏ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها،

و خواهرانم و تمامى مردان و زنان با ايمان را در شرق و غرب زمين بيامرزد

بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمَنِّهِ\* سپس ضريح را ببوس و دو طرف صورت خود را بر آن بگذار و هر آنچه‏ به حق لطف و كرم و نعمت بخشيش\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

خواهى دعا كن و به جانب سر مبارك آن حضرت برگرد و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى مولاى من اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 445

مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ الْإِمامُ الْهادى‏، وَالْوَلِىُ‏

موسى بن جعفر و رحمت و بركات خدا بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين پيشواى هدايتگر و سرپرست‏

الْمُرْشِدُ، وَانَّكَ مَعْدِنُ التَّنْزيلِ، وَصاحِبُ التَّاْويلِ، وَحامِلُ التَّوْريةِ

و راهنمايى و تويى معدن قرآن و صاحب علم تأويل (قرآن)، و دارنده علم تورات‏

وَالْإِنْجيلِ، وَالْعالِمُ الْعادِلُ، وَالصَّادِقُ الْعامِلُ، يا مَوْلاىَ ا نَا ابْرَءُ الَى‏

و انجيل، و داناى دادگر و راستگوى عمل‏كننده، اى مولاى من از دشمنان تو به درگاه‏

اللَّهِ مِنْ اعْدآئِكَ، وَاتَقَرَّبُ الَى اللَّهِ بِمُوالاتِكَ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلى‏

خدا بيزارى مى‏جويم و با دوستى تو به درگاه خدا تقرّب مى‏جويم، پس درود خدا بر تو و بر

آبآئِكَ، وَاجْدادِكَ وَابْنآئِكَ، وَشيعَتِكَ وَمُحِبّيكَ، وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پدران و اجداد و فرزندان تو و بر شيعيان و دوستدارانت و رحمت و بركات خدا بر تو باد

آنگاه دو ركعت نماز زيارت بجاى آور و در آن، حمد و سوره يس و الرحمن، يا هر چه از قرآن برايت آسان است بخوان و آنچه مى‏خواهى از خدا بخواه.[[562]](#footnote-562) زيارت دوم: علّامه مجلسى مى‏نويسد: «شيخ مفيد» و «شيخ شهيد» و «محمّد بن المشهدى» نوشته‏اند: هرگاه خواستى در نزديكى بغداد، امام موسى‏بن جعفر عليهما السلام را زيارت كنى غسل كن و روانه حرم شريفش شو و بر دَرِ حرم بايست و اذن دخول بطلب و سپس داخل حرم شو در حالى‏كه مى‏گويى:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفى‏ سَبيلِ اللَّهِ، وَعَلى‏ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

به نام خدا و به كمك خدا و در راه خدا و بر دين رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَالسَّلامُ عَلى‏ اوْلِيآءِ اللَّهِ. آنگاه نزد قبر آن جناب بايست و بگو:

و درود بر اولياى خدا\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللَّهِ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ،

سلام بر تو اى نور خدا در تاريكيهاى زمين، سلام بر تو اى ولىّ خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ اقَمْتَ‏

سلام بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى درگاه (تقرّب به) خدا، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين نماز را بپا داشته‏

الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ‏

و زكات دادى و امر به معروف و نهى از منكر كردى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 446

الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى‏

كتابِ (خدا) را به شايستگى تلاوت نموده و در راه خدا جهاد كردى، و به اميد پاداش در راه خدا بر

الْأَذى‏ فى‏ جَنْبِهِ مُحْتَسِباً، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، اشْهَدُ ا نَّكَ‏

اذيّتها صبر نمودى، و او را خالصانه عبادت كردى تا زمان وفاتت فرا رسيد، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

اوْلى‏ بِاللَّهِ وِبِرَسُولِهِ، وَانَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ حَقّاً، ابْرَءُ الَى اللَّهِ مِنْ اعْدآئِكَ،

به خدا و رسولش نزديكترى و فرزند بر حقّ رسول خدايى، از دشمنانت به درگاه خدا بيزارى جسته‏

وَاتَقَرَّبُ الَى اللَّهِ بِمُوالاتِكَ، اتَيْتُكَ يا مَوْلاىَ عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً

و با پيروى از تو، به درگاه خدا تقرّب مى‏جويم، اى مولاى من به درگاهت آمده‏ام در حالى كه آشناى به حقّ تو و دوستدار

لِأَوْلِيآئِكَ، مُعادِياً لِأَعْدآئِكَ، فَاشْفَعْ لى‏ عِنْدَ رَبِّكَ.

دوستانت و دشمن دشمنان توام، پس نزد پروردگارت شفيعم باش.

سپس ضريح را ببوس و گونه‏هاى خود را بر آن بگذار، آنگاه به جانب بالاى سر برو و بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ صادِقٌ، ادَّيْتَ ناصِحاً، وَقُلْتَ‏

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين راستگويى، و با خيرخواهى اداى امانت نموده و با امانتدارى سخن‏

اميناً، وَمَضَيْتَ شَهيداً، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلَى الْهُدى‏، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ الى‏

گفتى و با شهادت زندگيت را بپايان رساندى، گمراهى را بر هدايت برنگزيده و از راه حق به سوى باطل منحرف‏

باطِلٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ آبآئِكَ وَابْنآئِكَ الطَّاهِرينَ.

نشدى، درود خدا بر تو و بر پدران و فرزندان پاكت باد.

سپس ضريح منوّر را ببوس و دو ركعت نماز زيارت بگزار و بعد ازآن هر مقدار نماز كه مى‏خواهى بجاى آور و پس از آن به سجده برو و بگو: اللهُمَّ الَيْكَ اعْتَمَدْتُ، وَالَيْكَ قَصَدْتُ، وَلِفَضْلِكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا به تو پناه آورده و درگاهت را قصد نمودم و به فضلت‏

رَجَوْتُ، وَقَبْرَ امامِىَ الَّذى‏ اوْجَبْتَ عَلَىَّ طاعَتَهُ زُرْتُ، وَبِهِ الَيْكَ‏

اميدوارم و قبر امامم كه اطاعتش را بر من واجب نمودى زيارت كردم و به واسطه او به تو

تَوَسَّلْتُ، فَبِحَقِّهِمُ الَّذى‏ اوْجَبْتَ عَلى‏ نَفْسِكَ، اغْفِرْ لى‏ وَلِوالِدَىَ‏

متوسّل مى‏شوم، پس به خاطر حقّى كه از آنان بر خودت واجب نموده‏اى، من و پدر و مادرم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 447

وَلِلْمُؤْمِنينَ يا كَريمُ. آنگاه طرف راست صورت خود را بر محل سجده بگذار و بگو: اللهُمَّ قَدْ

و تمامى مؤمنان را بيامرز اى بخشنده\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا به يقين‏

عَلِمْتَ حَوآئِجى‏، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِها. سپس جانب چپ را حاجتهايم را مى‏دانى، پس بر محمد و خاندان پاكش درود فرست و آنها را برآور.

بگذار و بگو: اللهُمَّ قَدْ احْصَيْتَ ذُنُوبى‏، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلى‏

خدايا تعداد گناهانم را مى‏دانى، پس به حقّ محمّد و خاندان پاكش، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْها وَتَصَدَّقْ عَلَىَّ بِما انْتَ اهْلُهُ.

محمد و خاندان پاكش درود فرست و گناهانم را بيامرز و به آنچه تو شايسته آنى بر من احسان كن.

آنگاه به سجده برگرد و صد مرتبه بگو: شُكْراً شُكْراً ... سپس سر از سجده بردار و به آنچه مى‏خواهى و از براى هر كس‏كه دوست دارى دعا كن.[[563]](#footnote-563) تذكّر: «سيّد بن طاووس» صلواتى را براى موسى‏بن جعفر عليه السلام نقل كرده كه بخشى از فضايل و مصائب آن حضرت را در بر دارد و زائر محترم مى‏تواند خود را به فيض آن نايل سازد و آن صلوات چنين است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلى‏ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِىِ‏

خدايا درود فرست بر محمّد و خاندان پاكش، و درود فرست بر موسى بن جعفر جانشين‏

الْأَبْرارِ، وَامامِ الْأَخْيارِ، وَعَيْبَةِ الْأَنْوارِ، وَ وارِثِ السَّكينَةِ وَالْوَقارِ،

نيكان و پيشواى نيكوكاران، معدن نورها و وارث آرامش و متانت‏

وَالْحِكَمِ وَالْأثارِ، الَّذى‏ كانَ يُحْيِى اللَّيْلَ بِالسَّهَرِ الَى السَّحَرِ بِمُواصَلَةِ

و حكمتها و آثار (گذشتگان)، آن كه شبها را تا سحر به شب زنده‏دارى بيدار بود و پيوسته‏

الْإِسْتِغْفارِ، حَليفِ السَّجْدَةِ الطَّويلَةِ، وَالدُّمُوعِ الْغَزيرَةِ، وَالْمُناجاتِ‏

استغفار مى‏كرد، هم‏پيمان بود با سجده‏هاى طولانى و اشكهاى روان و مناجات‏

الْكَثيرَةِ، وَالضَّراعاتِ الْمُتَّصِلَةِ، وَمَقَرِّ النُّهى‏ وَالْعَدْلِ، وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ،

فراوان و ناله‏هاى پيوسته و جايگاه خرد و عدالت و نيكى و احسان‏

وَالنَّدى‏ وَالْبَذْلِ، وَمَأْلَفِ الْبَلْوى‏ وَالصَّبْرِ، وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ، وَالْمَقْبُورِ

و سخاوت و بخشش و همدم با گرفتارى و صبر، همان كسى كه با ستم پايمال شد و با جور مدفون گرديد

كليات مفاتيح نوين، ص: 448

بِالْجَوْرِ، وَالْمُعَذَّبِ فى‏ قَعْرِ السُّجُونِ، وَظُلَمِ الْمَطاميرِ، ذِى السَّاقِ‏

و در سياه چال‏ها و زندان‏هاى تاريك شكنجه مى‏شد، صاحب ساق‏

الْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ الْقُيُودِ، وَالْجِنازَةِ الْمُنادى‏ عَلَيْها بِذُلِّ الْإِسْتِخْفافِ،

آسيب ديده با حلقه‏هاى زنجير، و جنازه‏اى كه با خوارى و سبك‏شمارى بر آن ندا داده شد

وَالْوارِدِ عَلى‏ جَدِّهِ الْمُصْطَفى‏، وَابيهِ الْمُرْتَضى‏، وَامِّهِ سَيِّدَةِ النِّسآءِ،

و آن كس كه بر جدّش محمّد مصطفى و پدرش علىّ مرتضى و مادرش سرور بانوان داخل شد

بِارْثٍ مَغْصُوبٍ، وَ وَلآءٍ مَسْلُوبٍ، وَامْرٍ مَغْلُوبٍ، وَدَمٍ مَطْلُوبٍ، وَسَمٍ‏

با ارثى غصب شده و خلافت سلب شده و فرمان بر زمين مانده خون طلب شده و سمّى كه به او

مَشْرُوبٍ، اللهُمَّ وَكَما صَبَرَ عَلى‏ غَليظِ الْمِحَنِ، وَتَجَرَّعَ غُصَصَ‏

نوشاندند، خدايا همان گونه كه او بر گرفتاريهاى سخت صبر نمود و غصّه‏هاى گرفتاريها را

الْكُرَبِ، وَاسْتَسْلَمَ لِرِضاكَ، وَاخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ، وَمَحَضَ الْخُشُوعَ،

فرو خورد و بخاطر خوشنودى تو تسليم شد و خالصانه از تو اطاعت نمود و صادقانه فروتنى كرد

وَاسْتَشْعَرَ الْخُضُوعَ، وَعادَى الْبِدْعَةَ وَاهْلَها، وَلَمْ يَلْحَقْهُ فى‏ شَىْ‏ءٍ مِنْ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص448**

و لبريز از خضوع بود، و با بدعت و بدعتگزاران دشمن بود و در اجراى فرمان‏هاى تو

اوامِرِكَ وَنَواهيكَ لَوْمَةُ لآئِمٍ، صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً نامِيَةً مُنيفَةً زاكِيَةً، تُوجِبُ‏

سرزنش ملامتگران در او اثر نكرد، درودى فزاينده و فراوان و پاك بر او فرست، كه‏

لَهُ بِها شَفاعَةَ امَمٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَقُرُونٍ مِنْ بَراياكَ، وَبَلِّغْهُ عَنَّا تَحِيَّةً

موجب شفاعت امّتهاى پيشين و گذشتگان گردد و درود

وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ فى‏ مُوالاتِهِ فَضْلًا وَاحْساناً، وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً،

و سلام ما را به او برسان، و بخاطر پيروى از او، لطف و احسان و آمرزش و خوشنوديت را به ما عطا كن‏

انَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَميمِ، وَالتَّجاوُزِ الْعَظيمِ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[564]](#footnote-564)

زيرا تو داراى فضل همگانى و گذشت بزرگ هستى، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

زيارات مخصوصه امام جواد عليه السلام:

زيارت اوّل‏: مطابق نقل علّامه مجلسى، همان بزرگواران (شيخ مفيد، شيخ شهيد و محمّد بن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 449

المشهدى) در ادامه زيارت قبل نوشته‏اند: آنگاه متوجّه قبر محمّد بن على الجواد عليهما السلام مى‏شوى كه در پشت سر جدّ بزرگوار خود مدفون است و چون نزد قبر آن حضرت ايستادى بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ

سلام بر تو اى ولىّ خدا، سلام بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى نور

اللَّهِ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

خدا در تاريكى‏هاى زمين، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو

وَعَلى‏ آبآئِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ ابْنآئِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ اوْلِيآئِكَ،

و بر پدرانت، سلام بر تو و بر فرزندانت، سلام بر تو و بر دوستدارانت‏

اشْهَدُ ا نَّكَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ‏

گواهى مى‏دهم كه تو به يقين نماز را بپا داشته و زكات داده و امر به معروف و نهى از

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

منكر نمودى و كتاب خدا را به شايستگى تلاوت كردى و در راه خدا به شايستگى جهاد نمودى‏

وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَذى‏ فى‏ جَنْبِهِ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، اتَيْتُكَ زآئِراً عارِفاً بِحَقِّكَ،

و در راه خدا بر آزارها صبر نمودى تا زمان وفاتت فرا رسيد، براى زيارت به درگاهت آمده‏ام در حالى كه آشناى به حق تو

مُوالِياً لِأَوْلِيآئِكَ، مُعادِياً لِأَعْدآئِكَ، فَاشْفَعْ لى‏ عِنْدَ رَبِّكَ\* سپس ضريح را ببوس‏ و دوستدار دوستانت و دشمن دشمنان توام، پس نزد پروردگارت شفيعم باش\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

و آنگاه دو طرف صورت خود را بر آن‏بگذار، سپس دو ركعت نماز زيارت بخوان و بعد از آن، هر نمازى كه مى‏خواهى بجاى آور و آنگاه به سجده برو و بگو: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ، وَاسْتَكانَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* بر بنده‏اى كه بدى و جنايت كرده و درمانده شده‏

وَاعْتَرَفَ. سپس جانب راست صورت را بر محل سجده بگذار و بگو: انْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ،

و (به گناهش) معترف است، رحم كن.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اگر من بنده بدى بوده‏ام‏

فَانْتَ‏نِعْمَ‏الرَّبُّ. آنگاه جانب چپ صورت را بگذار و بگو: عَظُمَ‏الذَّنْبُ‏مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ‏

ولى تو پروردگار خوبى هستى\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* گناه بنده‏ات بزرگ است ولى عفو

الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يا كَريمُ. سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

شُكْراً شُكْراً ...

و برگرد.[[565]](#footnote-565) و گذشت از ناحيه تو نيكوست اى بزرگوار\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 450

زيارت دوم‏: «سيّد بن طاووس» مى‏نويسد: وقتى امام موسى بن جعفر عليهما السلام را زيارت كردى نزد مرقد امام جواد عليه السلام مى‏ايستى و آن را مى‏بوسى و مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباجَعْفَرٍ، مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ الْبَرَّ التَّقِىَّ الْإِمامَ الْوَفِىَّ،

سلام بر تو اى اباجعفر، محمّد بن على امام نيكوكار پرهيزكار و پيشواى باوفا

السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى پسنديده پاكيزه، سلام بر تو اى ولىّ خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يا نَجِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفيرَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سِرَّ اللَّهِ،

بر تو اى رازدار پروردگار، سلام بر تو اى سفير خدا، سلام بر تو اى گنجينه اسرار الهى‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ضِيآءَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَنآءَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى پرتوى انوار خداوند، سلام بر تو اى درخشندگى (نور) الهى، سلام بر تو اى‏

كَلِمَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَحْمَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ،

سخن خدا، سلام بر تو اى رحمت الهى، سلام بر تو اى نور درخشان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْبَدْرُ الطَّالِعُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الطَّيِّبُ مِنَ الطَّيِّبينَ،

سلام بر تو اى ماه تابان، سلام بر تو اى پاك سرشت از نژاد پاكان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الطَّاهِرُ مِنَ الْمُطَهَّرينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْأيَةُ

سلام بر تو اى پاكيزه‏خوى از نژاد پاكيزگان، سلام بر تو اى نشانه‏

الْعُظْمى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْحُجَّةُ الْكُبْرى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْمُطَهَّرُ

با عظمتِ (خدا)، سلام بر تو اى حجّت بزرگِ (خداوند)، سلام بر تو اى پاك شده از

مِنَ الزَّلَّاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضِلاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

لغزش‏ها، سلام بر تو اى پاكيزه از خطاها، سلام بر تو

ايُّهَا الْعَلِىُّ عَنْ نَقْصِ الْأَوْصافِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الرَّضِىُّ عِنْدَ

اى برتر از نقص در اوصاف، سلام بر تو اى پسنديده در نزد

الْأَشْرافِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدّينِ، اشْهَدُ انَّكَ وَلِىُّ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ فى‏

بزرگان، سلام بر تو اى ستون دين، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين ولىّ خدا و حجّت او در

ارْضِهِ، وَانَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَخِيَرَةُ اللَّهِ، وَمُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمِ الْأَنْبِيآءِ،

زمين هستى، و تويى به يقين بنده مقرّب و برگزيده خدا و امانتدار علم الهى و پيامبران،

كليات مفاتيح نوين، ص: 451

وَرُكْنُ الْإيمانِ، وَتَرْجُمانُ الْقُرْآنِ، وَاشْهَدُ انَّ مَنِ اتَّبَعَكَ عَلَى الْحَقِ‏

و اساس ايمان و مفسّر قرآن، و گواهى مى‏دهم كه به يقين هر كه از تو پيروى نمود بر (راه) حق‏

وَالْهُدى‏، وَانَّ مَنْ انْكَرَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْعَداوَةَ عَلَى الضَّلالَةِ وَالرَّدى‏، ابْرَءُ

و هدايت است و هر كس تو را انكار نموده و با تو دشمنى كرد بر (راه) گمراهى و هلاكت است، من‏

الَى اللَّهِ وَالَيْكَ مِنْهُمْ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ ما بَقيتُ وَبَقِىَ‏

به درگاه خدا و نزد تو از آنان در دنيا و آخرت بيزارى مى‏جويم، و سلام بر تو مادامى كه زنده‏ام‏

اللَّيْلُ وَالنَّهارُ\* سپس اين صلوات را بخوان: اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ،

و شب و روز باقيست\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا درود فرست بر محمّد و خاندان پاكش‏

وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ الزَّكِىِّ التَّقِىِّ، وَالْبَرِّ الْوَفِىِّ، وَالْمُهَذَّبِ النَّقِىِّ،

و درود فرست بر محمّد بن على امام پاكيزه پرهيزكار و نيكوكار باوفا، و آراسته پاك‏

هادِى الْأُمَّةِ، وَوارِثِ الْأَئِمَّةِ، وَخازِنِ الرَّحْمَةِ، وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ، وَقآئِدِ

و هدايت كننده امّت، و وارث امامان، و معدن رحمت و چشمه حكمت و دانش، و پيشواى‏

الْبَرَكَةِ، وَعَديلِ الْقُرْآنِ فِى الطَّاعَةِ، وَواحِدِ الْأَوْصِيآءِ فِى الْاخْلاصِ‏

بابركت و همرديف با قرآن در (وجوبِ) اطاعت، و يكى از جانشينان در مقام اخلاص‏

وَالْعِبادَةِ، وَحُجَّتِكَ الْعُلْيا، وَمَثَلِكَ الْأَعْلى‏، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنى‏، الدَّاعى‏

و عبادت، و حجّت و دليل برتر و نمونه والا و سخن نيكويت، كه به سوى تو دعوت‏

الَيْكَ، وَالدَّآلِّ عَلَيْكَ، الَّذى‏ نَصَبْتَهُ عَلَماً لِعِبادِكَ، وَمُتَرْجِماً لِكِتابِكَ،

و راهنمايى نمود، آن كه قرار دادى او را نشانه (هدايت) بر بندگانت، مفسّر كتابت،

وَصادِعاً بِامْرِكَ، وَناصِراً لِدينِكَ، وَحُجَّةً عَلى‏ خَلْقِكَ، وَنُوراً تَخْرُقُ بِهِ‏

مطيع فرمانت، و ياور دينت و حجّت بر مخلوقاتت و نورى كه تاريكيها را

الظُّلَمَ، وَقُدْوَةً تُدْرَكُ بِهَا الْهِدايَةُ، وَشَفيعاً تُنالُ بِهِ الْجَنَّةُ، اللهُمَّ وَكَما اخَذَ

بشكافد و پيشوايى كه با او به هدايت مى‏رسند، و شفيعى كه با او بهشت حاصل شود، خدايا همان گونه كه او

فى‏ خُشُوعِهِ لَكَ حَظَّهُ، وَاسْتَوْفى‏ مِنْ خَشْيَتِكَ نَصيبَهُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ‏

در سايه خشوع در برابر تو، بهره آن را دريافت كرد و به خاطر ترس از تو، به نصيبش رسيد، پس بر او درود فرست‏

اضْعافَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ وَلِىٍّ ارْتَضَيْتَ طاعَتَهُ، وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ، وَبَلِّغْهُ مِنَّا

چندين برابر درود بر هر يك از دوستانت كه بندگيش را پذيرفته و خدمتش را قبول كرده‏اى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 452

تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَآتِنا فى‏ مُوالاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ فَضْلًا وَاحْساناً، وَمَغْفِرَةً

درود و سلام ما را به او برسان و به خاطر پيروى از او، از جانب خودت لطف و احسان و آمرزش‏

وَرِضْواناً، انَّكَ ذُو الْمَنِّ الْقَديمِ، وَالصَّفْحِ الْجَميلِ. آنگاه نماز زيارت بجاى آور.[[566]](#footnote-566) و خوشنوديت را به ما عطا كن زيرا تو صاحب نعمت ديرينه و صرف نظر كردن شايسته (از خطاها) هستى.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

\*\*\*

زيارت سوم‏: «ابن قولويه» در «كامل الزيارات» زيارت سوّمى كه مخصوص امام جواد عليه السلام است از امام هادى عليه السلام نقل مى‏كند و مى‏گويد: پس از غسل زيارت بگو:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ، الْإِمامِ الْبَرِّ التَّقِىِّ النَّقِىِّ الرِّضِىِ‏

خدايا بر محمّد بن على درود فرست، آن امام نيكوكار پرهيزكار پاكيزه و پسنديده‏

الْمَرْضِىِّ، وَحُجَّتِكَ عَلى‏ مَنْ فَوْقَ الْارَضينَ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرى‏، صَلاةً

خشنود، و حجّت تو بر تمام كسانى كه روى زمين و زير خاكند، درودى‏

كَثيرَةً تامَّةً نامِيَةً زاكِيَةً، مُبارَكَةً مُتَواصِلَةً مُتَواتِرَةً مُتَرادِفَةً، كَافْضَلِ ما

فراوان و كامل و فزاينده و پاكيزه، و بابركت و پيوسته و پى در پى و پشت سر هم، همانند بهترين درودى‏

صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اوْلِيآئِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

كه بر هر يك از اوليايت فرستاده‏اى، سلام بر تو اى ولىّ خدا، سلام بر تو اى‏

نُورَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امامَ الْمُؤْمِنينَ،

نور خدا، سلام بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى پيشواى مؤمنان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفَةَ النَبِيّينَ وَسُلالَةَ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى جانشين پيامبران و از نسل جانشينان، سلام بر تو اى‏

نُورَاللَّهِ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اتَيْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُعادِياً

نور خدا در تاريكيهاى زمين، براى زيارت به درگاهت آمده‏ام در حالى كه آشناى به حق تو و دشمن‏

لِأَعْدآئِكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيآئِكَ، فَاشْفَعْ لى‏ عِنْدَ رَبِّكَ يا مَوْلاىَ.

دشمنانت و دوستدار دوستان توام، پس نزد پروردگارت شفيعم باش، اى مولاى من.

آنگاه حاجت خود را طلب كن كه ان شاءاللَّه تعالى برآورده خواهد شد.[[567]](#footnote-567)

كليات مفاتيح نوين، ص: 453

زيارات مشترك امام كاظم و امام جواد عليهما السلام:

زيارت اوّل: «ابن‏قولويه»، «شيخ كلينى» و «شيخ طوسى» از امام هادى عليه السلام نقل مى‏كنند كه ابتدا مقابل مرقد امام موسى‏كاظم عليه السلام مى‏ايستى ومى‏گويى: السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى ولىّ خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللَّهِ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ‏

بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى نور خدا در تاريكيهاى زمين، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَنْ بَدا للَّهِ فى‏ شَاْنِهِ، اتَيْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُعادِياً

بر تو اى كسى كه خدا جايگاهت را آشكار نمود، براى زيارت به درگاهت آمده‏ام در حالى كه آشناى به حقّ تو و دشمن‏

لِأَعْدائِكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيآئِكَ، فَاشْفَعْ لى‏ عِنْدَ رَبِّكَ يا مَوْلاىَ.

دشمنانت و دوستدار دوستان توام، پس نزد پروردگارت شفيعم باش، اى مولاى من.

سپس دعا مى‏كنى و حاجتت را طلب مى‏نمايى. آنگاه رو به قبر امام جواد عليه السلام مى‏ايستى و همين زيارت را خطاب به آن حضرت تكرار مى‏كنى. اين زيارت در نهايت اعتبار است.[[568]](#footnote-568)

\*\*\*

زيارت دوم‏: «شيخ مفيد» و «شيخ شهيد» و «محمّد بن المشهدى» مى‏نويسند: براى زيارت آن دو بزرگوار نزد ضريح مطهّر بايست و خطاب به هر دو امام عليهما السلام بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّىِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَىِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر شما دو ولىّ خدا، سلام بر شما دو حجّت پروردگار، سلام‏

عَلَيْكُما يا نُورَىِ اللَّهِ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اشْهَدُ انَّكُما قَدْ بَلَّغْتُما عَنِ اللَّهِ‏

بر شما دو نور الهى در تاريكيهاى زمين، گواهى مى‏دهم كه به يقين آنچه خدا بر عهده‏تان قرار داده بود

ما حَمَّلَكُما، وَحَفِظْتُما مَا اسْتَوْدِعْتُما، وَحَلَّلْتُما حَلالَ‏اللَّهِ، وَحَرَّمْتُما

رسانديد، و آنچه نزدتان امانت بود حفظ نموديد و حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام‏

حَرامَ‏اللَّهِ، وَاقَمْتُما حُدُودَ اللَّهِ، وَتَلَوْتُما كِتابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتُما عَلَى الْأَذى‏

شمرده، و حدودِ (احكام) خدا را بپا داشتيد و كتاب خدا را تلاوت كرده و در راه خدا به اميد پاداش بر اذيّتها

فى‏ جَنْبِ اللَّهِ مُحْتَسِبَيْنِ حَتّى‏ اتيكُمَا الْيَقينُ، ابْرَءُ الَى اللَّهِ مِنْ اعْدآئِكُما،

صبر نموديد، تا زمان وفاتتان فرا رسيد، از دشمنان شما به درگاه خدا بيزارى جسته‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 454

وَاتَقَرَّبُ الَى اللَّهِ بِوِلايَتِكُما، اتَيْتُكُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّكُما، مُوالِياً

و با دوستى شما به درگاه خدا تقرّب مى‏جويم، براى زيارت به درگاهتان آمده‏ام در حالى كه آشناى به حقّتان و دوستدار

لِأَوْلِيآئِكُما، مُعادِياً لِأَعْدآئِكُما، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذى‏ انْتُما عَلَيْهِ،

دوستانتان و دشمن دشمنانتان هستم، و به هدايتى كه شما برآنيد

عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُما، فَاشْفَعا لى‏ عِنْدَ رَبِّكُما، فَانَّ لَكُما عِنْدَ اللَّهِ‏

و گمراهى مخالفانتان آگاهم، پس نزد پروردگارتان شفيعم باشيد، زيرا جايگاه باعظمت‏

جاهاً عَظيماً، وَمَقاماً مَحْمُوداً\* سپس ضريح شريف را ببوس و روى راست صورت را بر و مقام پسنديده از آنِ شماست\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

آن بگذار و آنگاه به جانب سر مقدّس برو و بگو: السَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَىِ‏اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر شما اى دو حجّت خدا در زمين‏

وَسَمآئِهِ، عَبْدُكُما وَ وَلِيُّكُما زآئِرُكُما، مُتَقَرِّباً الَى اللَّهِ بِزِيارَتِكُما، اللهُمَ‏

و آسمانش، بنده و دوستدار و زائرتان با زيارت شما به درگاه خدا تقرّب مى‏جويد، خدايا

اجْعَلْ لى‏ لِسانَ صِدْقٍ فى‏ اوْلِيآئِكَ الْمُصْطَفَيْنَ، وَحَبِّبْ الَىَّ مَشاهِدَهُمْ،

در مورد اولياى برگزيده‏ات زبان صدق برايم قرار ده، و (زيارتِ) محلّ شهادت آنان را برايم محبوب گردان‏

وَاجْعَلْنى‏ مَعَهُمْ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

و مرا در دنيا و آخرت با ايشان قرار ده اى مهربانترين مهربانان.

سپس براى هر امام دو ركعت نماز زيارت بخوان و هر آنچه مى‏خواهى از خدا بخواه.[[569]](#footnote-569) يادآورى: مرحوم محدّث قمى پس از نقل اين زيارت مى‏گويد: مختصر بودن اين گونه زيارت‏ها به جهت تقيّه شديدى است كه در آن زمانها حاكم بوده و ائمّه عليهم السلام مى‏خواستند كه شيعيان را به اين وسيله، از آسيب طاغيان زمان محفوظ بدارند، اكنون كه زمان تقيّه نيست اگر زائرى طالب زيارتى طولانى باشد، مى‏تواند زيارت جامعه كبيره كه بهترين زيارت است و ذكرش خواهد آمد (صفحه 537) را بخواند (چنان كه مى‏تواند زيارت امين اللَّه را بخواند كه در صفحه 260 گذشت).

زيارت وداع امام كاظم عليه السلام:

«شيخ طوسى» در «تهذيب» مى‏نويسد: هرگاه خواستى با امام موسى بن جعفر عليهما السلام وداع كنى نزد قبر

كليات مفاتيح نوين، ص: 455

شريفش بايست آن گونه كه در ابتداى زيارت ايستادى و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا ابَا الْحَسَنِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اسْتَوْدِعُكَ‏

سلام بر تو اى مولاى من اى ابا الحسن و رحمت و بركات خدا بر تو باد، تو را به خدا مى‏سپارم‏

اللَّهَ وَاقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ‏

و بر تو درود مى‏فرستم، به خدا و رسولش و به آنچه آورده و راهنمايى كرده‏اى ايمان‏

عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ‏الشَّاهِدينَ.[[570]](#footnote-570)

دارم، خدايا مرا در زمره گواهان قرار ده.

زيارت وداع امام جواد عليه السلام:

در وداع امام جواد عليه السلام مقابل قبر آن حضرت مى‏ايستى آن‏گونه كه در ابتداى زيارت ايستادى ومى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ،

سلام بر تو اى مولاى من اى فرزند رسول خدا، و رحمت و بركات خدا بر تو باد

اسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَاقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَبِما جِئْتَ بِهِ‏

تو را به خدا مى‏سپارم و بر تو درود مى‏فرستم، به خدا و رسولش و به آنچه آورده‏

وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ.

و راهنمايى كرده‏اى ايمان دارم، خدايا مرا در زمره گواهان قرار ده.

آنگاه از خدا مى‏خواهى كه اين زيارت، آخرين زيارت تو نباشد و مجدّداً توفيق زيارت را پيدا كنى، سپس آنچه مى‏خواهى دعا كن و ضريح آن حضرت را ببوس و دو طرف صورت خود را بر روى آن بگذار.[[571]](#footnote-571)

فضيلت مسجد براثا:

مسجد «براثا» از مساجد معروف و متبرّكى است كه بين بغداد و كاظمين در مسير زوّار قرار گرفته و با همه شرافت و فضايلى كه دارد غالباً نسبت به آن توجّه نمى‏شود و از فيض آن محرومند. «حموى» از مورّخين سال 626 در معجم‏البلدان مى‏نويسد:

«براثا» پيش از بناى شهر بغداد، قريه‏اى بود كه گمان مردم آن بر اين بود كه على عليه السلام از اين قريه-

كليات مفاتيح نوين، ص: 456

زمانى كه براى جنگ با خوارج نهروان مى‏رفت- عبور كرد و در مسجد مزبور نماز خواند و در حمّام آن قريه استحمام نمود. از جمله از كسانى كه به اين «براثا» منسوبند «ابوشعيب براثى» عابد است كه اوّل كسى است كه در براثا در كوخى كه از نى ساخته بود؛ ساكن شد و در آن عبادت خدا مى‏كرد.[[572]](#footnote-572) و به همين دليل، شيعيان به اين مسجد اهمّيّت فراوان مى‏دادند.

آنچه براى ما قابل اعتماد است رواياتى است كه مرحوم «علّامه مجلسى»[[573]](#footnote-573) در ارتباط با فضيلت اين مسجد و سابقه تاريخى آن نقل مى‏كند كه از مجموع آن، نكات فراوانى به دست مى‏آيد از جمله:

1- اين مكان، خانه حضرت مريم عليها السلام و زمين حضرت عيسى عليه السلام بود.

2- حضرت اميرمؤمنان عليه السلام چشمه‏اى به اعجاز در آن‏جا ظاهر ساخت.

3- اميرمؤمنان عليه السلام پس از بازگشت از نهروان چند روز در آن مكان اقامت فرمودند.

4- در اين مكان، انبياى قبل از عيسى عليه السلام از جمله ابراهيم خليل عليه السلام نيز نماز بجاى آوردند.

5- صومعه‏اى در اين مكان قرارداشت كه راهب آن با مشاهده اميرمؤمنان عليه السلام و ديدن معجزات مزبور اسلام آورد.

6- از روايت ديگرى به دست مى‏آيد كه در اين مكان قبر پيامبرى واقع شده است و مرحوم محدّث قمى مى‏گويد: شايد آن پيامبر، حضرت يوشع باشد.

مرحوم «علّامه مجلسى» پس از نقل اين روايات مى‏نويسد: اين مسجد الآن موجود است و به وسط راه بغداد- كاظمين، نزديك است و مستحب است نماز خواندن و طلب كردن حوائج از خداوند در آن.[[574]](#footnote-574)

زيارت نوّاب اربعه:

از جمله برنامه‏هاى زوّار، در ايّام توقّف در كاظمين، رفتن به بغداد براى زيارت چهار نايب خاص امام عصر صلوات اللَّه عليه (1- عثمان بن سعيد، 2- محمّد بن عثمان، 3- شيخ ابوالقاسم حسين بن روح، 4- شيخ جليل علىّ بن محمّد سمرى رحمهم الله) مى‏باشد كه اگر قبر هر كدام از آنها در مناطق دوردست ديگرى بود باز هم سزاوار بود كه انسان مسيرى طولانى را طى كند و رنج و مشقّت سفر را متحمّل شود و به فيض زيارت آنها برسد، زيرا آنها كسانى هستند كه 70 سال منصب سفارت و وساطت ميان امام عصر عليه السلام و امّت را بر عهده داشتند و به دست آنها كرامات بسيار ظاهر شد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 457

كيفيّت زيارت آن بزرگواران:

«شيخ طوسى» در «تهذيب» و «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» از حسين بن روح رحمه الله (يكى از نواب چهارگانه) نقل مى‏كنند كه هرگاه خواستى نوّاب حضرت را زيارت كنى پس از سلام به رسول خدا صلى الله عليه و آله و اميرمؤمنان و خديجه كبرى و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسين و هر يك از ائمّه تا صاحب الزمان (صلوات اللَّه عليهم اجمعين)، مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ‏

(و به جاى فلان بن فلان اسم صاحب قبر و پدرش را مى‏برى) سپس مى‏گويى: اشْهَدُ انَّكَ بابُ الْمَوْلى‏، ادَّيْتَ عَنْهُ وَادَّيْتَ الَيْهِ، ما خالَفْتَهُ وَلا

\*\*\*\*\*\* گواهى مى‏دهم كه تو به يقين درگاه ورود به مولا بودى، امانت او را (به مردم) و امانت (مردم را) به او رساندى، با او مخالفت نكردى و برخلاف‏

خالَفْتَ عَلَيْهِ، فَقُمْتَ خالِصاً وَانْصَرَفْتَ سابِقاً، جِئْتُكَ عارِفاً بِالْحَقِ‏

او كارى انجام ندادى، با اخلاص قيام نمودى و با سبقت (در اطاعت) بازگشتى، با آشنايى به حقّى‏

الَّذى‏ انْتَ عَلَيْهِ، و انَّكَ ما خُنْتَ فِى التَّاْدِيَةِ وَالسِّفارَةِ، وَ السَّلامُ عَلَيْكَ‏

كه تو برآنى به درگاهت آمده‏ام، و تو به يقين در اداى امانت و نمايندگى خيانت ننمودى، و سلام بر تو باد

مِنْ بابٍ ما اوْسَعَهَ، وَمِنْ سَفيرٍ ما آمَنَكَ، وَمِنْ ثِقَةٍ ما امْكَنَكَ، اشْهَدُ انَّ اللَّهَ‏

كه چه درگاه وسيع (براى رسيدن به امام)، و چه سفير امين، و چه فرد مورد اطمينان ثابت‏قدمى بودى، گواهى مى‏دهم كه خداوند به يقين‏

اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ، حَتّى‏ عايَنْتَ الشَّخْصَ، فَادَّيْتَ عَنْهُ وَادَّيْتَ الَيْهِ. سپس‏ تو را به نورش اختصاص داد، تا امام را به چشم خود ديدى، پس امانت او را (به مردم) و امانت (مردم را) به او رساندى.\*\*\*

مجدّداً بر رسول خدا تا صاحب‏الزمان عليهم السلام سلام مى‏فرستى و پس از آن مى‏گويى: جِئْتُكَ مُخْلِصاً

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* به درگاهت آمده‏ام با اخلاص‏

بِتَوْحيدِاللَّهِ، وَمُوالاةِ اوْلِيآئِهِ، وَالْبَرآئَةِ مِنْ اعْدآئِهِمْ، وَمِنَ الَّذينَ خالَفُوكَ‏

به يگانگى خدا و پيروى از اوليائش و بيزارى از دشمنانش و از كسانى كه با تو مخالفت كردند

يا حُجَّةَ الْمَوْلى‏، وَبِكَ الَيْهِمْ تَوَجُّهى‏، وَبِهِمْ الىَ اللَّهِ تَوَسُّلى‏.

اى حجّت مولا، و به واسطه تو به آنان رو نموده و به وسيله آنان به خدا متوسّل مى‏شوم.

آنگاه دعا كن و آنچه را مى‏خواهى از خدا بطلب كه ان شاءاللَّه اجابت مى‏شود.[[575]](#footnote-575)

كليات مفاتيح نوين، ص: 458

زيارت مرحوم كلينى:

سزاوار است زوّار محترم در بغداد به زيارت شيخ بزرگوار و عالى‏مقام جناب ثقةالاسلام محمّد بن يعقوب كلينى نيز بروند، كسى كه در زمان خودش رئيس شيعه و موثّق‏ترين و استوارترين آنان در نقل حديث بوده، و كتاب شريف «كافى» را كه يكى از منابع مهمّ حديث شيعه است، در مدّت بيست سال، تأليف كرده، و حقّى بزرگ بر گردن شيعه به خصوص اهل علم دارد. او كسى است كه به جهت عظمت شأنش، ابن‏أثير (مورّخ معروف) او را مجدّد و مؤسّس مذهب اماميّه در آغاز قرن چهارم مى‏شمرد بعد از آن‏كه حضرت ثامن‏الائمّه عليه السلام را مجدّد اين مذهب در آغاز قرن سوم به حساب مى‏آورد.[[576]](#footnote-576) (البتّه اين سخن به آن معنا نيست كه احاديث كتاب شريف كافى احتياج به بررسى اسناد و نقد ندارد).

زيارت جناب سلمان:

از برنامه‏هاى خوب زوّار در كاظمين رفتن به شهر مدائن براى زيارت عبد صالح الهى جناب سلمان محمّدى (رضوان اللَّه عليه) مى‏باشد، كسى كه:

1- مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد: به سندهاى مختلف از امام صادق عليه السلام نقل شده كه ايمان ده درجه دارد؛ مقداد در درجه هشتم و ابوذر در درجه نهم، و سلمان در درجه دهم قرار گرفته است![[577]](#footnote-577) 2- او به شرافت «

سَلْمانُ مِنَّا اهْلَ الْبَيْتِ‏

؛ سلمان از ما اهل بيت است» مفتخر شده و رسول خدا صلى الله عليه و آله در فضيلت او فرموده است: «

سَلْمانُ بَحْرٌ لا يُنْزَفُ، وَكَنْزٌ لا يَنْفَدُ، سَلْمانُ مِنَّا اهْلَ الْبَيْتِ، سَلْسَلٌ يَمْنَحُ الْحِكْمَةَ، وَيُؤْتِى الْبُرْهانَ؛

يعنى سلمان دريايى است كه نمى‏خشكد و گنجى است كه تمام نمى‏شود، سلمان از ما اهل بيت است، آب گوارايى است كه حكمت مى‏بخشد و برهان مى‏دهد».[[578]](#footnote-578) 3- اميرمؤمنان عليه السلام او را همانند لقمان حكيم‏[[579]](#footnote-579) معرّفى كرده است.

كيفيّت زيارت آن جناب:

«سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» چهار زيارت براى آن بزرگوار نقل كرده كه ما در اين جا به ذكر يكى از آن چهار زيارت اكتفا مى‏كنيم:

نزد قبر او، رو به قبله مى‏ايستى و مى‏گويى:

السَّلامُ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 459

سلام بر فرستاده خدا محمّد بن عبداللَّه خاتم پيامبران، سلام بر

اميرِ الْمُؤْمِنينَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومينَ‏

امير مؤمنان و آقا و سرور جانشينان، سلام بر امامان معصوم‏

الرَّاشِدينَ، السَّلامُ عَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ‏

هدايت يافته، سلام بر فرشتگان مقرّبِ (خدا)، سلام بر تو اى صحابى‏

رَسُولِ اللَّهِ الْأَمينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

فرستاده امين خداوند، سلام بر تو اى دوستدار امير مؤمنان، سلام بر تو اى‏

مُودَعَ اسْرارِ السَّادَةِ الْمَيامينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الْبَرَرَةِ

امانتدار اسرار سروران با بركت، سلام بر تو اى ذخيره خدا از ميان نيكوكاران‏

الْماضينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ‏

گذشته، سلام بر تو اى أبا عبداللَّه و رحمت و بركات خدا بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين از خدا

اطَعْتَ اللَّهَ كَما امَرَكَ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ كَما نَدَبَكَ، وَتَوَلَّيْتَ خَليفَتَهُ كَما

آن‏گونه كه فرمان داد اطاعت كردى، و آن گونه كه پيامبر از تو خواسته بود، پيرويش نمودى و همان گونه كه بر تو لازم كرده بود با جانشينش‏

الْزَمَكَ، وَدَعَوْتَ الَى الْإِهْتِمامِ بِذُرِّيَّتِهِ كَما وَقَفَكَ، وَعَلِمْتَ الْحَقَّ يَقيناً

دوستى كردى، و آن گونه كه تو را آگاه ساخته بود به مراقبت از نسلش دعوت نمودى، و از روى يقين حق را شناختى‏

وَاعْتَمَدْتَهُ كَما امَرَكَ، اشْهَدُ ا نَّكَ بابُ وَصِىِّ الْمُصْطَفى‏، وَطَريقُ حُجَّةِ

و آن گونه كه فرمان داده بود بر آن اعتماد نمودى، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين درگاه رسيدن به جانشين مصطفى و راه رسيدن به حجّت‏

اللَّهِ الْمُرْتَضى‏، وَامينُ اللَّهِ فيمَا اسْتُودِعْتَ مِنْ عُلُومِ الْأَصْفِيآءِ، اشْهَدُ انَّكَ‏

خدا همان علىّ مرتضى هستى و در علوم (پيامبران) برگزيده كه نزدت امانت بود امين خدايى، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

مِنْ اهْلِ بَيْتِ النَّبِىِّ، النُّجَبآءِ الْمُخْتارينَ لِنُصْرَةِ الْوَصِىِّ، اشْهَدُ انَّكَ‏

از خاندان پيامبر هستى، همان بزرگ‏زادگان برگزيده براى يارى جانشين (پيامبر)، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

صاحِبُ الْعاشِرَةِ، وَالْبَراهينِ وَالدَّلائِلِ الْقاهِرَةِ، وَاقَمْتَ الصَّلاةَ، وَ آتَيْتَ‏

داراى درجات دهگانه ايمان، و برهانها و استدلالهاى كوبنده هستى، و نماز را بپا داشته و زكات‏

الزَّكاةَ، وَ امَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَادَّيْتَ الْأَمانَةَ،

دادى و امر به معروف و نهى از منكر كرده و اداى امانت نمودى‏

وَنَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذى‏ فى‏ جَنْبِهِ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ،

و براى خدا و رسولش خيرخواهى كردى و در راه خدا بر اذيّتها صبر نمودى تا زمان وفاتت فرا رسيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 460

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَحَدَكَ حَقَّكَ، وَ حَطَّ مِنْ قَدْرِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ آذاكَ فى‏

خداوند لعنت كند كسى كه حقّ تو را انكار نموده و از جايگاهت پايين آورد، خداوند لعنت كند كسى را كه در راه (دوستى)

مَواليكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ اعْنَتَكَ فى‏ اهْلِ نَبِيِّكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لامَكَ فى‏

امامانت تو را اذيّت نمود، خداوند لعنت كند كسى را كه به‏خاطر (حمايت) خاندان پيامبرت به تو ستم نمود، و خداوند لعنت كند كسى را كه‏

ساداتِكَ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلينَ‏

به سبب سرورانت تو را سرزنش كرد، خداوند لعنت كند دشمنان خاندان محمّد از جنّ و انس از پيشينيان‏

وَالْآخِرينَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِ

و پسينيان را، و عذاب دردناك آنان را چند برابر كند، درود خدا بر تو باد اى ابا عبد

اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَيْكَ‏

اللَّه، درود خدا بر تو باد اى ياور رسول خدا، درود خدا بر او و خاندان پاكش و بر تو باد

يا مَوْلى‏ اميرِالْمُؤْمِنينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَ جَسَدِكَ‏

اى دوستدار امير مؤمنان، و درود خدا بر روح پاك و بدن‏

الطَّاهِرِ، وَالْحَقَنا بِمَنِّهِ وَرَأْفَتِهِ اذا تَوَفَّانا بِكَ، وَبِمَحَلِّ السَّادَةِ الْمَيامينِ،

پاكيزه‏ات، خداوند به لطف و مهربانيش بعد از مرگ ما را به تو و به جايگاه امامان بابركت ملحق كند

وَجَمَعَنا مَعَهُمْ بِجِوارِهِمْ فى‏ جَنَّاتِ النَّعيِمِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ،

و ما و آنان را در كنارشان در بهشتهاى پرنعمت گردهم آورد، درود خدا بر تو اى ابا عبد اللَّه‏

وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ اخْوانِكَ الشّيعَةِ الْبَرَرَةِ مِنَ السَّلَفِ الْمَيامينَ، وَادْخَلَ‏

و درود خدا بر برادران شيعه نيكوكارت از پيشينيان بابركت، و

الرَّوْحَ وَالرِّضْوانَ عَلَى الْخَلَفِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَالْحَقَنا وَايَّاهُمْ بِمَنْ تَوَلَّاهُ‏

آرامش و خوشنوديش را بر بازماندگان از مؤمنان داخل كند و ما و آنان را به عترت پاكى كه‏

مِنَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرينَ، وَعَلَيْكَ‏وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

از آن پيروى مى‏كنند ملحق كند، و سلام و رحمت و بركات خدا بر تو و آنان باد.

سپس هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» مى‏خوانى، آنگاه آنچه از نمازهاى مستحبى خواستى كنار قبرش بجاى مى‏آورى‏[[580]](#footnote-580) و سپس وداع ذيل را كه «سيّد بن طاووس» آورده، مى‏خوانى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 461

السَّلامُ عَلَيْكَ يااباعَبْدِاللَّهِ، انْتَ بابُ‏اللَّهِ الْمُؤْتى‏ مِنْهُ، وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ، اشْهَدُ

سلام بر تو اى ابا عبد اللَّه، تويى باب ورود به (قرب) خدا كه از آن داخل شوند و از مخالفت با آن مؤاخذه شوند، گواهى مى‏دهم‏

انَّكَ قُلْتَ حَقّاً، وَنَطَقْتَ صِدْقاً، وَدَعَوْتَ الى‏ مَوْلاىَ وَمَوْلاكَ عَلانِيَةً

كه تو به يقين به حق و صادقانه سخن گفتى، و به سوى مولاى من و خودت آشكارا و در پنهان دعوت‏

وَسِرّاً، اتَيْتُكَ زآئِراً وَ حاجاتى‏ لَكَ مُسْتَوْدِعاً، وَ ها انَاذا مُوَدِّعُكَ، اسْتَوْدِعُكَ‏

نمودى، به قصد زيارت به درگاهت آمده‏ام و حاجتهايم (براى اجابت) نزدت امانت است، و اكنون از تو وداع مى‏كنم، و

دينى‏ وَامانَتى‏ وَخَواتيمَ عَمَلى‏، وَجَوامِعَ امَلى‏ الى‏ مُنْتَهى‏ اجَلى‏، وَالسَّلامُ‏

دين و امانت و عاقبت كار و تمامى آرزوهايم را تا آن زمان مرگم به تو مى‏سپارم و سلام‏

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيارِ.

و رحمت و بركات خدا بر تو باد، و درود خدا بر محمّد و خاندان نيكوكارش باد.

سپس بسيار دعا مى‏كنى و باز مى‏گردى.[[581]](#footnote-581)

طاق كسرى‏:

پس از زيارت جناب سلمان رحمه الله شايسته است زائر محترم دو ركعت نماز يا بيشتر در طاق كسرى‏ بخواند كه اميرمؤمنان عليه السلام در آن‏جا نماز گزارد و عمّار ساباطى نقل مى‏كند كه آن حضرت وقتى به «مداين» آمد در ايوان كسرى‏ فرود آمد و «دُلَف بن بحير» به همراه حضرتش بود، حضرت در اين مكان نماز به جاى آورد و آنگاه برخاست و خطاب به «دلف» (به عنوان درس عبرت) فرمود: از براى «كسرى‏» (آن پادشاه معروف) در اين مكان چنين و چنان بود و ... دلف هم در مقابل مى‏گفت: آرى به خدا قسم، چنين است كه مى‏فرمايى، اى سيّد و مولاى من! چنان شما بر اين ديار مطّلع هستيد كه گويا خود شما آن را بنا نهاده‏ايد![[582]](#footnote-582)

در روايت ديگرى آمده: وقتى آن حضرت بر مداين، مرور كرد و آثار كسرى‏ و خرابى آن را مشاهده فرمود يكى از همراهان از روى عبرت اين شعر را قرائت كرد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| جَرَتِ الرِّياحُ عَلى‏ مَحَلِ‏[[583]](#footnote-583) دِيارِهِمْ‏ |  | فَكَانَّهُمْ‏كانُوا عَلى‏ ميعادٍ |
|  |  |  |

بادها بر ويرانه‏هاى خانه‏هايشان وزيدگويى همگى در وعده‏گاهى بودند (و رفتند)

كليات مفاتيح نوين، ص: 462

حضرت فرمود: چرا اين آيات را تلاوت نمى‏كنى:

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ\* وَزُرُوعٍ وَمَقامٍ كَريمٍ\* وَنَعْمَةٍ كانُوا فيها

چه بسيار باغ‏ها و چشمه‏ها كه از خود به جاى گذاشتند\* و كشتزارها و قصرهاى پرارزش\* و نعمت‏هاى فراوان ديگر كه در آن‏

فاكِهينَ\* كَذلِكَ وَاوْرَثْناها قَوْماً آخَرينَ\* فَما بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمآءُ

غرق شادمانى بودند\* اين چنين بود (ماجراى آنان!) و ما اين (نعمت‏ها) را ميراث براى اقوام ديگرى قرار داديم\* نه آسمان‏

وَالْأَرْضُ وَما كانُوا مُنْظَرينَ.[[584]](#footnote-584)

و زمين بر آنان گريست و نه به آنها مهلتى داده شد.

سپس اين گروه وارث ديگران بودند امّا چيزى نگذشت كه ديگران وارث آنها شدند. شكر نعمت الهى بجاى نياوردند لذا دنياى آنها به خاطر گناه از دست رفت، از كفران نعمت بپرهيزيد تا بلا بر شما نازل نشود.[[585]](#footnote-585) حاصل آن آيه و اين بيان حضرت همان است كه حكيم خاقانى در شعر معروفش گفته است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هان اى دل عبرت بين از ديده نظر كن هان‏ |  | ايوان مداين را آيينه عبرت دان‏ |
| پرويز كه بنهادى بر خوان تره زرّين‏ |  | زرّين تره كو برخوان، رو كَمْ تَرَكُوا برخوان‏ |
|  |  |  |

زيارت حذيفة بن اليمان:

پس از نماز در طاق كسرى‏، شايسته است كه زائر محترم به زيارت حذيفة بن اليمان برود كه از بزرگان اصحاب پيامبر صلى الله عليه و آله و ياران ويژه اميرمؤمنان عليه السلام است و ويژگى او در ميان صحابه، شناختن منافقان و دانستن نام‏هاى آنان بود به گونه‏اى كه اگر او در تشييع جنازه كسى براى نماز حاضر نمى‏شد، حتّى خليفه ثانى نيز بر او نماز نمى‏خواند!

او از جانب خليفه ثانى سال‏ها والى شهر مداين بود، خليفه او را عزل كرد و سلمان را والى آن جا قرار داد، پس از وفات سلمان، دوباره والى مداين شد تا زمان حكومت اميرمؤمنان عليه السلام. پس از حكومت آن حضرت، نامه‏اى از جانب حضرتش براى حذيفه و اهل مداين فرستاده شد و از اين طريق هم به حكومت رسيدن اميرمؤمنان عليه السلام و هم ابقاى حذيفه براى ولايت مداين، به او و مردم مداين ابلاغ شد، ولى پس از آن‏كه آن حضرت از مدينه به جانب بصره براى دفع شرّ اصحاب جمل حركت كرد و قبل از آن‏كه وارد كوفه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 463

شود، حذيفه از دنيا رفت و توفيق درك مجدّد محضر آن حضرت را نيافت.[[586]](#footnote-586)

نماز در مسجد جامع مداين:

در جنب مدفن جناب سلمان، مسجد جامع مداين واقع شده كه منسوب به حضرت امام حسن عسكرى عليه السلام است كه يا به امر آن حضرت بنا شده، يا در آن جا نماز خوانده است. سزاوار است زائر گرامى از فيض دو ركعت نماز در اين مسجد نيز، خود را محروم نسازد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 464

فصل هفتم: زيارت امام رضا عليه السلام‏

مقدّمه:

فضيلت زيارت امام رضا عليه السلام بيش از آن است كه احصا شود و ما در اين جا تنها به ذكر چند روايت تبرّك مى‏جوييم؛ ولى قبل از بيان اين روايات، اشاره‏اى به بعضى از كرامات آن حضرت در طول سفر به خراسان مناسب به نظر مى‏رسد:

«ابن طاووس» روايت كرده: زمانى كه مأمون، امام رضا عليه السلام را از مدينه به خراسان طلبيد آن حضرت از مدينه به سوى بصره حركت كرد و بدون آن‏كه وارد كوفه شود، از طريق كوفه به بغداد و از آن جا وارد قم شد؛ اهل قم به استقبال آن حضرت شتافتند و چون هر كسى ميل داشت كه آن بزرگوار بر او وارد شود، در زمينه ضيافت و پذيرايى از آن جناب با هم به نزاع پرداختند. حضرت عليه السلام فرمودند: شتر من مأمور است، يعنى هر كجا كه او فرود آمد من همان‏جا وارد مى‏شوم. آن شتر آمد و آمد، تا دَرِ خانه‏اى كه صاحبش در شب آن روز خواب ديده بود كه امام رضا عليه السلام فردا ميهمان او خواهد بود، ايستاد و حضرت آن جا وارد شدند. چندى نگذشت كه آن محلّ به مقام رفيعى تبديل شد و در زمان ما از مدارس دينيه موفّق حوزه مقدّسه قم به حساب مى‏آيد (و به نام مدرسه رضويّه ناميده شده است).[[587]](#footnote-587) «شيخ صدوق» نيز به سند خود از «اسحاق بن راهويه» نقل كرده كه گفت: وقتى امام رضا عليه السلام وارد نيشابور شد و خواست از آن جا حركت كند، راويان احاديث خدمت آن حضرت جمع شدند و عرض كردند:

اى پسر رسول خدا از نزد ما مى‏روى بدون آن‏كه براى ما حديثى بيان فرمايى كه از آن بهره‏مند شويم؟ آن بزرگوار سر مباركش را از داخل محملى كه در آن نشسته بود بيرون آورد و فرمود: «شنيدم از پدرم موسى بن جعفر عليهما السلام كه فرمود: شنيدم از پدرم جعفربن محمّد عليهما السلام، كه فرمود: شنيدم از پدرم محمّدبن على عليهما السلام كه فرمود: شنيدم از پدرم على بن الحسين عليهما السلام كه فرمود: شنيدم از پدرم حسين بن على عليهما السلام كه فرمود: شنيدم از پدرم امير مؤمنان على بن ابى‏طالب عليهما السلام كه فرمود: شنيدم از رسول خدا صلى الله عليه و آله كه فرمود: شنيدم از جبرئيل كه گفت: شنيدم از خداوند عزّوجلّ كه فرمود:

«لاالهَ الَّا اللَّهُ حِصْنى‏، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنى‏ امِنَ مِنْ عَذابى‏؛

لا اله الا اللَّه قلعه محكم من است، هر كس در اين قلعه وارد شود از عذاب من در امان خواهد بود». امام عليه السلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 465

پس از بيان اين حديث حركت فرمود، وقتى شتر آن حضرت به راه افتاد، مجدّداً سر مبارك خود را از محمل بيرون آورد و فرمود: «

بِشُرُوطِها وَ انَا مِنْ شُرُوطِها

؛ با شرايطش و من از آن شرايط هستم»![[588]](#footnote-588) اباصلت نيز روايت كرده كه وقتى امام رضا عليه السلام به «ده سُرخ» در اطراف مشهد رسيدند محضر مباركش عرض شد: يابن رسول‏اللَّه! صلى الله عليه و آله ظهر شده است نماز بجاى نمى‏آوريد؟ حضرت فرود آمد و آب طلبيد.

عرض كردند: آب همراه نداريم، پس با دست مبارك خود زمين را كاويدند، آن قدر آب از زمين جوشيد كه آن حضرت و همه همراهان وضو ساختند و اثرش تا به امروز باقى است. وقتى وارد سناباد شدند پشت مبارك را به كوهى كه ديگ‏هاى سنگى از آن مى‏تراشيدند تكيه داد و عرض كرد: «خداوندا! به اين كوه و آنچه در داخل ظرف‏هاى تراشيده شده از اين كوه گذاشته مى‏شود، نفع و بركت عطا فرما»! سپس دستور دادند كه براى خود آن حضرت نيز ديگ‏هايى از همان كوه بتراشند و طعامش را تنها داخل همان ديگ‏ها طبخ كنند، از آن روز به بعد، مردم نيز ديگ‏ها و ظرف‏ها از آن كوه تراشيدند و بركت گرفتند.[[589]](#footnote-589)

فضيلت زيارت حضرت رضا عليه السلام:

پس از اين مقدّمه به سراغ مختصرى از رواياتى مى‏رويم كه در فضيلت زيارت آن حضرت وارد شده است:

1- از رسول گرامى صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمود: «بزودى پاره‏اى از تن من در زمين خراسان مدفون گردد و هيچ مؤمنى او را زيارت نكند مگر آن‏كه خداوند متعال بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش جهنّم حرام كند».[[590]](#footnote-590) 2- در حديث ديگرى از آن حضرت صلى الله عليه و آله آمده است: «پاره‏اى از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد، هر غم‏زده‏اى كه او را زيارت كند خداى متعال غمش را زايل گرداند و هر گناهكارى كه به زيارتش رود خداوند گناهانش را بيامرزد».[[591]](#footnote-591) 3- از خود حضرت رضا عليه السلام روايت شده: «بقعه‏اى در خراسان است كه زمانى بر آن مى‏گذرد كه محلّ رفت و آمد فرشتگان مى‏شود؛ پيوسته فوجى از فرشتگان از آسمان فرود مى‏آيند و فوجى بالا مى‏روند تا صور اسرافيل بدمد». پرسيدند: اى پسر رسول خدا! آن، كدام بقعه است؟ فرمود: «بقعه‏اى است در زمين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 466

طوس و آن به خدا قسم، باغى از باغ‏هاى بهشت است، هر كس مرا در آن بقعه زيارت كند گويا رسول خدا را زيارت كرده است».[[592]](#footnote-592) 4- به دو سند معتبر نقل شده كه آن حضرت فرمود: هر كس مرا با توجّه به دورى قبرم زيارت كند روز قيامت در سه جايگاه نزد او بيايم، تا او را از صحنه‏هاى هولناك آن روز خلاصى بخشم، اوّل زمانى كه نامه اعمال به دست انسانها داده مى‏شود، دوم نزد پُل صراط و سوم نزد ميزان و ترازوى اعمال.[[593]](#footnote-593) 5- از حضرت جواد عليه السلام نيز روايت شده كه فرمود: «من از جانب خداوند متعال ضمانت بهشت مى‏كنم براى كسى كه قبر پدرم را در طوس زيارت كند در حالى كه به حقّ آن حضرت معرفت داشته باشد».[[594]](#footnote-594) كوتاه سخن اين‏كه، رواياتى در فضيلت زيارت آن حضرت وارد شده كه درباره زيارت هيچ يك از معصومين عليهم السلام وارد نشده است و اين به دلايل مختلفى است كه يكى از آنها اين است كه فقط شيعيان خالص اثنا عشرى به زيارت مرقدش مى‏شتابند و از بركات تربتش بهره مى‏گيرند و به پيروى از مكتبش افتخار مى‏كنند، البتّه همان‏گونه كه در حديث اخير آمده عارف به حقّ آن حضرت بودن، شرط قبولى زيارت است.

كيفيّت زيارت حضرت رضا عليه السلام:

در منابع دينى ما زيارات متعدّدى براى آن حضرت نقل شده است:

زيارت اوّل‏: زيارت مشهور آن جناب است كه در كتب معتبرى مانند «كامل الزيارات» و «عيون اخبارالرضا» و «مصباح الزائر» نقل شده و از عبارت «كامل‏الزيارات» به دست مى‏آيد كه اين زيارت از يكى از ائمّه عليهم السلام روايت شده است.[[595]](#footnote-595) در كتاب‏هاى فوق، اين زيارت با اندكى اختلاف نسبت به يكديگر نقل شده است، و ما اين زيارت را بر اساس نسخه متداول نقل مى‏كنيم:

پيش از آن‏كه از منزل خارج شوى غسل مى‏كنى و در هنگام غسل چنين مى‏گويى:

اللهُمَّ طَهِّرْنى‏ وَطَهِّرْ لى‏ قَلْبى‏، وَاشْرَحْ لى‏ صَدْرى‏، وَاجْرِ عَلى‏ لِسانى‏

خدايا مرا پاك كن و دلم را براى من پاكيزه گردان، و به من شرح صدر عنايت كن،

كليات مفاتيح نوين، ص: 467

مِدْحَتَكَ، وَالثَّنآءَ عَلَيْكَ، فَانَّهُ لا قُوَّةَ الَّا بِكَ، اللهُمَّ اجْعَلْهُ لى‏ طَهُوراً

و مدح و ثنايت را بر زبانم جارى ساز، زيرا كه هيچ قدرتى جز به كمك تو نيست، خدايا اين غسل را براى من مايه پاكيزگى‏

وَشِفآءً\* و به هنگام بيرون رفتن مى‏گويى: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الَى اللَّهِ، وَ الَى ابْنِ‏

و شفا قرار ده\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* به نام خدا و براى خدا و به سوى خدا، و به سوى فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، حَسْبِىَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ الَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ الَيْكَ‏

رسول خدا (حركت مى‏كنم)، خدا مرا كافى است و به او توكّل كرده‏ام، خدايا به درگاه تو توجّه نموده، و تو را

قَصَدْتُ، وَ ما عِنْدَكَ ارَدْتُ‏\* هنگامى كه از خانه بيرون مى‏روى بر در خانه خود بايست و بگو:

قصد كرده و هر آنچه نزد توست خواهانم.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اللهُمَّ الَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهى‏، وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ اهْلى‏ وَ مالى‏ وَ ما خَوَّلْتَنى‏،

خدايا به درگاه تو رو نموده و بخاطر تو خانواده و دارايى و آنچه را عطا نمودى برجا گذاشته‏

وَ بِكَ وَثِقْتُ، فَلا تُخَيِّبْنى‏، يا مَنْ لا يُخَيِّبُ مَنْ ارادَهُ، وَلا يُضَيِّعُ مَنْ‏

و بر تو اعتماد نمودم، پس مرا مأيوس مكن اى كسى كه قصد كننده‏ات را مأيوس نسازى، و هر كسى را تو

حَفِظَهُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ احْفَظْنى‏ بِحِفْظِكَ، فَانَّهُ لا يَضيعُ‏

حفظ كنى تباه نشود، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و مرا به محافظت خويش حفظ فرما، زيرا هر كس را كه تو

مَنْ حَفِظْتَ\* سپس هنگامى كه به سلامت به مقصد رسيدى و خواستى به زيارت بروى، مجدّداً حفظ نمايى تباه نشود\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غسل مى‏كنى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ طَهِّرْنى‏ وَطَهِّرْ لى‏ قَلْبى‏، وَاشْرَحْ لى‏ صَدْرى‏،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مرا پاك كن و دلم را براى من پاكيزه گردان، و شرح صدر به من عطا كن‏

وَاجْرِ عَلى‏ لِسانى‏ مِدْحَتَكَ وَ مَحَبَّتَكَ وَ الثَّنآءَ عَلَيْكَ، فَانَّهُ لا قُوَّةَ الَّا بِكَ،

و مدح و محبّت و ثنايت را بر زبانم جارى كن، زيرا كه هيچ قدرتى جز به كمك تو نيست‏

وَقَدْ عَلِمْتُ انَّ قِوامَ دينىِ‏التَّسْليمُ لِأَمْرِكَ، وَالْإِتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهادَةُ

و به يقين دانستم كه پايدارى دينم، تسليم شدن در برابر فرمان تو و پيروى كردن از سنّت پيامبرت و به گواهى طلبيدن‏

عَلى‏ جَميعِ خَلْقِكَ، اللهُمَّ اجْعَلْهُ لى‏ شِفآءً وَ نُوراً، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ

تمامى مخلوقات توست، خدايا غسل را براى من مايه درمان و نورانيّت قرار ده چرا كه تو بر هر چيز

قَديرٌ\* آنگاه پاكيزه‏ترين لباس‏هاى خود را مى‏پوشى و به آرامى و وقار و با گام‏هاى كوتاه در حال‏ توانايى.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 468

گفتن‏ اللَّهُ اكْبَرُ و لا الهَ الَّا اللَّهُ و سُبْحانَ اللَّهِ و الْحَمْدُللَّهِ‏ به سوى حرم حركت مى‏كنى،\*\*\* خدا بزرگتر از هر چيز است و معبودى جز او نيست و تسبيح مى‏گويم خدا را و حمد و سپاس از آن اوست\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

و هنگام ورود به آن روضه مقدس مى‏گويى: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلى‏ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* به نام خدا و براى خدا و بر دين رسول خدا- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَ‏

خدا بر او و خاندان پاكش باد- گواهى مى‏دهم كه معبودى نيست جز خداى يگانه‏اى كه شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم كه‏

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَانَّ عَلِيّاً وَلِىُّ اللَّهِ\* سپس در مقابل قبر آن حضرت پشت به‏ محمد بنده و فرستاده اوست و على ولىّ خداست.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قبله مى‏ايستى و چنين مى‏گويى: اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَاشْهَدُ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* گواهى مى‏دهم كه معبودى نيست جز خداى يگانه‏اى كه شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم‏

انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَانَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلينَ وَالْاخِرينَ، وَانَّهُ سَيِّدُ

كه محمد بنده و فرستاده اوست، و او به يقين سرور و آقاى پيشينيان و پسينيان، و تمامى‏

الْأَنْبِيآءِ وَالْمُرْسَلينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ،

پيامبران و فرستادگان است، خدايا بر محمد بنده و فرستاده و پيامبرت‏

وَسَيِّدِ خَلْقِكَ اجْمَعينَ، صَلاةً لا يَقْوى‏ عَلى‏ احْصآئِها غَيْرُكَ، اللهُمَ‏

و آقا و سرور تمام مخلوقاتت درود فرست، درودى كه جز تو كسى قادر بر احصاء آن نباشد، خدايا

صَلِّ عَلى‏ اميرِ الْمُؤمِنينَ عَلِىِّ بْنِ ابيطالِبٍ، عَبْدِكَ وَ اخى‏ رَسُولِكَ، الَّذِى‏

بر اميرمؤمنان على بن ابى‏طالب بنده‏ات و برادر رسولت درود فرست آن كسى كه‏

انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَ جَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّليلَ عَلى‏ مَنْ‏

به علم خويش برگزيدى و براى هر يك از مخلوقاتت كه خواستى هدايت‏گر، و بر هر يك از كسانى كه‏

بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِكَ، وَدَيَّانَ الدّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلَ قَضآئِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،

بر رسالت‏هايت برانگيختى دليل قرار دادى و قضاوت كننده به عدل و جداكننده حق از باطل در ميان مخلوقاتت‏

وَالْمُهَيْمِنَ عَلى‏ ذلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اللهُمَ‏

و مسلّط بر تمامى اينها قرار دادى، درود و رحمت و بركات خدا بر او باد، خدايا

صَلِّ عَلى‏ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَامِّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ‏

بر فاطمه دختر پيامبرت و همسر وليّت و مادر دو نوه پيامبر امام حسن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 469

وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ، الطُّهْرَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، التَّقِيَّةِ

و امام حسين، سرور جوانان اهل بهشت درود فرست، همان بانوى پاك، پاكيزه، پاك شده، پرهيزگار

النَّقِيَّةِ، الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِسآءِ اهْلِ الْجَنَّةِ اجْمَعينَ، صَلاةً لا يَقْوى‏

منزّه، خشنود (از پروردگار)، پاك از هر گناه، سرور تمامى بانوان اهل بهشت، درودى كه جز تو كسى‏

عَلى‏ احْصآئِها غَيْرُكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَىْ نَبِيِّكَ،

قادر بر احصاء آن نيست، خدايا بر امام حسن و امام حسين دو نوه پيامبرت‏

وَسَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ، الْقآئِمَيْنِ فى‏ خَلْقِكَ، وَالدَّليلَيْنِ عَلى‏ مَنْ‏

و سرور جوانان اهل بهشت درود فرست، آن قيام كنندگان در ميان مخلوقاتت و دو نشانه بر هر يك از كسانى كه‏

بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ، وَدَيَّانَىِ الدّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلَىْ قَضآئِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،

به نبوت برگزيدى و دو قضاوت كننده به عدل و جداكنندگان حق از باطل در ميان مخلوقاتت‏

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَبْدِكَ الْقآئِمِ فى‏ خَلْقِكَ، وَالدَّليلِ‏

خدايا بر على بن حسين درود فرست آن بنده قيام كننده در ميان مخلوقاتت و دليل‏

عَلى‏ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ، وَدَيَّانِ الدّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضآئِكَ بَيْنَ‏

بر هر يك از كسانى كه به نبوّت برانگيختى، و قضاوت كننده به عدل و جداكننده حق از باطل در ميان‏

خَلْقِكَ، سَيِّدِ الْعابِدينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ، عَبْدِكَ‏

مخلوقاتت، آقا و سرور عبادت‏كنندگان، خدايا بر محمّد بن على بنده‏

وَخَليفَتِكَ فى‏ ارْضِكَ، باقِرِ عِلْمِ النَّبِيّينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

و جانشينت در زمين و شكافنده علم پيامبران درود فرست، خدايا بر جعفر بن محمد

الصَّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِىِّ دينِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ اجْمَعينَ، الصَّادِقِ‏

صادق بنده و عهده‏دار دينت و حجّت تو بر تمامى مخلوقات، آن راستگوى‏

الْبآرِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَبْدِكَ الصَّالِحِ، وَلِسانِكَ فى‏

نيكوكار درود فرست، خدايا بر موسى بن جعفر بنده صالح و زبان گوياى تو در

خَلْقِكَ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَالْحُجَّةِ عَلى‏ بَرِيَّتِكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلىِ‏

ميان مخلوقاتت و گوينده به حُكمت و حجّت تو بر آفريدگان درود فرست، خدايا بر على‏

بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضى‏، عَبْدِكَ وَ وَلِىِّ دينِكَ، الْقآئِمِ بِعَدْلِكَ، وَالدَّاعى‏

بن موسى الرضا آن پسنديده و بنده و عهده‏دار دينت و قيام كننده بر عدلت و دعوت كننده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 470

الى‏ دينِكَ وَدينِ آبائِهِ الصَّادِقينَ، صَلاةً لا يَقْوى‏ عَلى‏ احْصائِها غَيْرُكَ،

به دينت و دين پدران راست گفتارش درود فرست، درودى كه جز تو كسى قادر بر احصاء آن نيست‏

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلىٍّ، عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقآئِمِ بِامْرِكَ، وَالدَّاعى‏

خدايا بر محمد بن على بنده و وليّت و قيام كننده به فرمانت و دعوت كننده‏

الى‏ سَبيلِكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَ وَلِىِّ دينِكَ،

به راهت درود فرست، خدايا بر على بن محمد بنده و ولىّ دينت درود فرست‏

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ، الْعامِلِ بِامْرِكَ، الْقآئِمِ فى‏ خَلْقِكَ،

خدايا بر حسن بن على عمل كننده به فرمانت و قيام كننده در ميان مخلوقاتت‏

وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدّى‏ عَنْ نَبِيِّكَ، وَشاهِدِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ‏

و حجّت تو كه از جانب پيامبرت اداى تكليف نمود، و گواهت بر مخلوقات همان كس كه به‏

بِكَرامَتِكَ، الدَّاعى‏ الى‏ طاعَتِكَ، وَطاعَةِ رَسُولِكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ‏

گراميداشت خود مخصوصش ساختى و دعوت كننده به اطاعت از تو و رسولت، درود فرست- درود تو بر

اجْمَعينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقآئِمِ فى‏ خَلْقِكَ، صَلاةً

تمامى آنان باد- خدايا بر حجّت و وليّت، آن قيام كننده در ميان مخلوقاتت درود فرست، درودى‏

تآمَّةً نامِيَةً باقِيَةً، تُعَجِّلُ بِها فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ بِها، وَتَجْعَلُنا مَعَهُ فِى‏الدُّنْيا

كامل، فزاينده و ماندگار، كه به واسطه آن فرجش را نزديك و او را يارى كنى، و ما را در دنيا

وَالْأخِرَةِ، اللهُمَّ انّى‏ اتَقَرَّبُ الَيْكَ بِحُبِّهِمْ، وَاوالى‏ وَلِيَّهُمْ، وَاعادى‏

و آخرت همراه او قرار دهى، خدايا من به واسطه دوستى آنان به درگاهت تقرب مى‏جويم، و دوستدار آنان را دوست دارم و با دشمن‏

عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنى‏ بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيا

آنان دشمنم، پس به واسطه آنان خير دنيا و آخرت را روزيم كن، و شر دنيا

والْأخِرَةِ، وَاهْوالَ يَوْمِ الْقِيامَةِ\* آنگاه نزد سر مبارك آن حضرت مى‏نشينى و مى‏گويى:

و آخرت و وحشت‏هاى روز قيامت را از من باز دار\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ

سلام بر تو او ولىّ خدا، سلام بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى نور

اللَّهِ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدّينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

خدا در تاريكى‏هاى زمين، سلام بر تو اى ركن دين، سلام بر تو اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 471

وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِىِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

وارث آدم برگزيده خدا، سلام بر تو اى وارث نوح پيامبر خدا، سلام بر تو اى‏

يا وارِثَ ابْراهيمَ خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اسْماعيلَ ذَبيحِ اللَّهِ،

وارث ابراهيم خليل خدا، سلام بر تو اى وارث اسماعيل ذبح شده در راه خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى‏

سلام بر تو اى وارث موسى هم صحبت خدا، سلام بر تو اى وارث عيسى‏

رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

روح خدا، سلام بر تو اى وارث محمد فرستاده خدا، سلام بر تو اى‏

وارِثَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِىٍّ وَلِىِّ اللَّهِ، وَوَصِىِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ،

وارث اميرمؤمنان على ولىّ خدا و جانشين فرستاده پروردگار جهانيان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ‏

سلام بر تو اى وارث فاطمه زهرا، سلام بر تو اى وارث امام حسن‏

وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ الجَنَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلىِّ بْنِ‏

و امام حسين، سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو اى وارث على بن‏

الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعابِدينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ باقِرِ عِلْمِ‏

حسين زينت عبادت كنندگان، سلام بر تو اى وارث محمد بن على شكافنده دانش‏

الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ‏

پيشينيان و پسينيان، سلام بر تو اى وارث جعفر بن محمّد راستگوى‏

الْبآرِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

نيكوكار، سلام بر تو اى وارث موسى بن جعفر، سلام بر تو اى‏

الصِّدّيقُ الشَّهيدُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْوَصِىُّ الْبآرُّ التَّقِىُّ، اشْهَدُ انَّكَ قَدْ

راستگوى شهيد، سلام بر تو اى جانشين نيكوكار پرهيزگار، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين‏

اقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را بپا داشته و زكات را پرداخت نمودى و امر به معروف و نهى از منكر كرده‏

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابَا الْحَسَنِ‏

و تا هنگام مرگ خدا را از روى اخلاص عبادت نمودى، سلام بر تو اى ابوالحسن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 472

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ\* سپس مى‏گويى: اللهُمَّ الَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ ارْضى‏،

و رحمت و بركات خدا بر تو باد،\*\*\*\*\* خدايا از سرزمينم به سوى تو عزيمت نمودم‏

وَقَطَعْتُ الْبِلادَ رَجاءَ رَحْمَتِكَ فَلا تُخَيِّبْنى‏، وَلا تَرُدَّنى‏ بِغَيْرِ قَضآءِ

و به اميد رحمتت شهرها را پشت سر گذاشتم پس مرا مأيوس نكن و بدون برآوردن‏

حاجَتى‏، وَارْحَمْ تَقَلُّبى‏ عَلى‏ قَبْرِ ابْنِ اخى‏ رَسُولِكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ‏

حاجتم باز مگردان و بر رفت و آمدم كنار قبر فرزند برادر رسولت- كه بر او

وَآلِهِ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ يا مَوْلاىَ، اتَيْتُكَ زآئِراً وافِداً عآئِذاً

و خاندان پاكش درود باد- رحم كن، پدر و مادرم فداى تو باد اى مولاى من، براى زيارت نزد تو آمده‏ام و بر تو وارد شده‏

مِمَّا جَنَيْتُ عَلى‏ نَفْسى‏، وَاحْتَطَبْتُ عَلى‏ ظَهْرى‏، فَكُنْ لى‏ شافِعاً الَى اللَّهِ‏

و از جناياتى كه به خود كرده و گناهانى كه به دوش كشيده‏ام به تو پناهنده‏ام، پس بر درگاه خدا شفيعم باش‏

يَوْمَ فَقْرى‏ وَفاقَتى‏، فَلَكَ عِنْدَاللَّهِ مَقامٌ مَحْمُودٌ، وَانْتَ عِنْدَهُ وَجيهٌ\* آنگاه‏ در روز نياز و درماندگيم، زيرا كه مقام و جايگاه ستوده در نزد خدا از آن توست و در نزد او آبرو دارى\*\*\*\*\*\*

دست راست را بلند مى‏كنى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ انّى‏ اتَقَرَّبُ الَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِوِلايَتِهِمْ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا من به واسطه دوستى و ولايت آنان به تو تقرّب مى‏جويم‏

اتَوَلّى‏ آخِرَهُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ اوَّلَهُمْ، وَابْرَءُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ، اللَّهُمَ‏

و همان گونه كه اوّلين آنها را دوست دارم آخرين آنها را هم دوست دارم، و از هر همدمى غير از آنان بيزارى مى‏جويم، خدايا

الْعَنِ الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَمُوا نَبيكَ، وَ جَحَدُوا بِآياتِكَ، وَ سَخِرُوا

لعنت كن كسانى را كه نعمتت را تغيير دادند و به پيامبرت تهمت زدند و آياتت را انكار نمودند

بِامامِكَ، وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلى‏ اكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ، اللهُمَّ انّى‏ اتَقَرَّبُ الَيْكَ‏

و امام تو را مسخره نمودند، و مردم را بر دوش آنها سوار كردند (و مسلط ساختند)، خدايا من با

بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَ الْبَرآئَةِ مِنْهُمْ فِى الدُّنْيا وَ الْأخِرَةِ يا رَحْمنُ‏\* سپس به پايين‏ لعن بر آنها و بيزارى از آنها در دنيا و آخرت به تو تقرّب مى‏جويم اى بخشنده\*\*\*\*\*\*\*

پاى آن حضرت برمى‏گردى و مى‏گويى: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يا ابَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* درود خدا بر تو اى ابوالحسن، درود خدا بر

رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ، صَبَرْتَ وَ انْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ‏

روح و بدن تو، صبر و بردبارى نمودى در حالى كه راستگو و تصديق شده‏اى، خداوند بكشد كسانى را كه با

كليات مفاتيح نوين، ص: 473

بِالْأَيْدى‏ وَ الْأَلْسُنِ.

دستها و زبانها تو را به شهادت رساندند.

آنگاه بر قاتلان اميرمؤمنان و حسن و حسين و جميع اهل بيت رسول خدا عليهم السلام لعن مى‏كنى، سپس به بالاى سر حضرت برمى‏گردى و دو ركعت نماز مى‏خوانى، در ركعت اوّل پس از حمد، سوره «يس» و در ركعت دوم سوره «الرحمن» را تلاوت مى‏كنى و در دعا و تضرّع، تلاش و همّت به خرج مى‏دهى و براى پدر و مادر و برادران دينى، زياد دعا مى‏كنى. (البتّه انجام اين امور در مواقعى است كه ازدحام جمعيّت نباشد و گرنه مى‏توان در گوشه‏اى ايستاد و تمام زيارت را خواند).[[596]](#footnote-596) يادآورى:

الف) براى فرستادن لعن بر قاتلان ائمّه عليهم السلام اگر عبارت ذيل را كه به گفته محدّث قمى (ره) از بعضى دعاها گرفته شده است‏[[597]](#footnote-597)، بخواند شايد مناسب‏تر باشد:

اللهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَقَتَلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ،

خدايا لعنت كن قاتلان امير مؤمنان و قاتلان امام حسن و امام حسين- كه بر ايشان درود باد-

وَقَتَلَةَ اهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ اعْدآءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتَلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ‏

و قاتلان خاندان پيامبرت را، خدايا دشمنان و قاتلان خاندان محمّد را لعنت كن،

عَذاباً فَوْقَ الْعَذابِ، وَهَواناً فَوْقَ هَوانٍ، وَذُلًاّ فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْياً فَوْقَ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص473**

و عذابى بر عذابشان، و خوارى بر خواريشان و ذلّتى بر ذلّتشان و رسوايى بر رسواييشان‏

خِزْىٍ، اللهُمَّ دُعَّهُمْ الَى النَّارِ دَعّاً، وَارْكِسْهُمْ فى‏ اليمِ عَذابِكَ رَكْساً،

بيافزا خدايا آنها را به سختى در آتش بيانداز، و به شدّت در عذاب دردناكت داخل كن‏

وَاحْشُرْهُمْ وَاتْباعَهُمْ الى‏ جَهَنَّمَ زُمَراً.

و آنها و پيروانشان را گروه گروه در جهنّم جمع كن،

\*\*\*

ب) «علّامه مجلسى» رحمه الله از «شيخ مفيد» رحمه الله نقل كرده كه مستحب است زائر محترم بعد از زيارت حضرت رضا عليه السلام، اين دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ يا اللَّهُ الدَّآئِمُ فى‏ مُلْكِهِ، الْقآئِمُ فى‏ عِزِّهِ، الْمُطاعُ فى‏

خدايا از تو مى‏خواهم، اى خدايى كه فرمانرواييش هميشگى، عزّتش پايدار، حاكميّتش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 474

سُلْطانِهِ، الْمُتَفَرِّدُ فى‏ كِبْرِيائِهِ، الْمُتَوَحِّدُ فى‏ دَيْمُومِيَّةِ بَقآئِهِ، الْعادِلُ فى‏

مقتدر، بزرگيش يگانه، جاودانگيش يكتا، در ميان آفريدگانش عادل،

بَرِيَّتِهِ، الْعالِمُ فى‏ قَضِيَّتِهِ، الْكَريمُ فى‏ تَأْخيرِ عُقُوبَتِهِ، الهى‏ حاجاتى‏

در حكم كردنش عالم و در تأخير انداختن كيفر بزرگوار است، معبودا نيازهايم‏

مَصْرُوفَةٌ الَيْكَ، وَآمالى‏ مَوْقُوفَةٌ لَدَيْكَ، وَكُلَّما وَفَّقْتَنى‏ مِنْ خَيْرٍ فَانْتَ‏

متوجّه تو و آرزوهايم حاضر در پيشگاه توست، و هر زمان كه بر كار خيرى موفّقم داشتى پس تو

دَليلى‏ عَلَيْهِ، وَطَريقى‏ الَيْهِ، يا قَديراً لا تَؤُدُهُ الْمَطالِبُ، يا مَلِيّاً يَلْجَأُ الَيْهِ‏

راهنمايم به آن و راهم به سوى آن بودى، اى توانايى كه درخواستها درمانده‏ات نكند، اى توانگرى كه‏

كُلُّ راغِبٍ، مازِلْتُ مَصْحُوباً مِنْكَ بِالنِّعَمِ جارِياً عَلى‏ عاداتِ الْإِحْسانِ‏

هر مشتاقى به تو پناه آورد، پيوسته برخوردار از نعمتهاى تو، و همراه احسان‏

وَالْكَرَمِ، اسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِالنَّافِذَةِ فى‏ جَميعِ الْأَشْيآءِ، وَقَضآئِكَ الْمُبْرَمِ‏

و كرم تو، بوده‏ام از تو مى‏خواهم به حق قدرت نافذت در تمامى اشياء، و حكم حتميت‏

الَّذى‏ تَحْجُبُهُ بِايْسَرِ الدُّعآءِ، وَبِالنَّظْرَةِ الَّتى‏ نَظَرْتَ بِها الَى الْجِبالِ‏

كه آن را با كمترين دعا بازدارى، و به حق آن توجّهى كه به كوهها نمودى‏

فَتَشامَخَتْ، وَ الَى الْأَرَضينَ فَتَسَطَّحَتْ، وَ الَى السَّمواتِ فَارْتَفَعَتْ،

و برافراشته شدند و به زمينها نمودى و گسترده شدند و به آسمانها نمودى و مرتفع گشتند

وَالَى الْبِحارِ فَتَفَجَّرَتْ، يا مَنْ جَلَّ عَنْ ادَواتِ لَحَظاتِ الْبَشَرِ، وَلَطُفَ عَنْ‏

و به آبها نمودى و جارى شدند، اى كسى كه از ابزار ديد بشر برترى، و از

دَقآئِقِ خَطَراتِ الْفِكَرِ، لا تُحْمَدُ يا سَيِّدى‏ الَّا بِتَوْفيقٍ مِنْكَ يَقْتَضى‏

ريزه‏كاريهايى كه به فكر خطور مى‏كند لطيف‏ترى، اى آقا و سرورم، ستوده نشوى مگر به واسطه توفيقى كه از جانب توست‏

حَمْداً، وَلا تُشْكَرُ عَلى‏ اصْغَرِ مِنَّةٍ الَّا اسْتَوْجَبْتَ بِها شُكْراً، فَمَتى‏

كه خود ستايشى مى‏طلبد، و سپاسگزارى نشوى بر كوچكترين نعمت جز اين كه بر آن نعمت نيز مستوجب سپاسى،

تُحْصى‏ نَعْمآؤُكَ يا الهى‏، وَتُجازى‏ آلاؤُكَ يا مَوْلاىَ، وَتُكافَئُ صَنايِعُكَ‏

پس كى نعمتهايت احصا شود؟! اى معبود من، و چگونه نعمتهايت قدردانى شود اى مولاى من، و كى نعمتهايت جبران شود؟

يا سَيِّدى‏، وَمِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ الْحامِدُونَ، وَمِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ،

اى آقا و سرورم، و در سايه نعمتهاى توست كه ستايش‏كنندگان ستايش مى‏كنند و در سايه سپاسگزارى توست كه شاكران سپاسگزارى مى‏كنند

كليات مفاتيح نوين، ص: 475

وَانْتَ الْمُعْتَمَدُ لِلذُّنُوبِ فى‏ عَفْوِكَ، وَالنَّاشِرُ عَلَى الْخاطِئينَ جَناحَ‏

و تويى مورد اعتماد در عفو و بخشش گناهان و گسترنده پرده‏پوشى بر خطاكاران‏

سِتْرِكَ، وَانْتَ الْكاشِفُ لِلضُّرِّ بِيَدِكَ، فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ اخْفاها حِلْمُكَ حَتّى‏

و تويى برطرف كننده مشكلات با قدرتت، پس چه بسيار گناهانى كه شكيباييت آنها را پوشاند تا از

دَخِلَتْ، وَحَسَنَةٍ ضاعَفَها فَضْلُكَ حَتّى‏ عَظُمَتْ عَلَيْها مُجازاتُكَ، جَلَلْتَ‏

بين رفت، و نيكيهايى كه فضل و كرمت آنها را دو چندان كرد تا اين كه پاداشهايت بر آنها بزرگ شد،

انْ يُخافَ مِنْكَ الَّا الْعَدْلُ، وَانْ يُرْجى‏ مِنْكَ الَّا الْإِحْسانُ وَالْفَضْلُ، فَامْنُنْ‏

برتر از آن هستى كه جز از عدالت تو بترسند، و جز به احسان و لطف تو اميدوار باشند،

عَلَىَّ بِما اوْجَبَهُ فَضْلُكَ، وَلا تَخْذُلْنى‏ بِما يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ، سَيِّدى‏ لَوْ

پس به آنچه فضل و كرمت ايجاب مى‏كند بر من منّت گذار، و به آنچه عدالتت حكم مى‏كند خوارم مكن، اى آقا و سرورم اگر

عَلِمَتِ الْأَرْضُ بِذُنُوبى‏ لَساخَتْ بى‏، اوِ الْجِبالُ لَهَدَّتْنى‏، اوِ السَّماواتُ‏

زمين از گناهانم آگاه بود مرا به كام خود فرو مى‏برد، يا كوهها مرا در هم مى‏كوبيد يا آسمانها

لَاخْتَطَفَتْنى‏، اوِ الْبِحارُ لَأَغْرَقَتْنى‏، سَيِّدى‏ سَيِّدى‏ سَيِّدى‏، مَوْلاىَ‏

مرا مى‏ربود يا درياها مرا غرق مى‏ساخت، سرورم، سرورم، سرورم، مولاى من‏

مَوْلاىَ مَوْلاىَ، قَدْ تَكَرَّرَ وُقُوفى‏ لِضِيافَتِكَ، فَلا تَحْرِمْنى‏ ما وَعَدْتَ‏

مولاى من، مولاى من، بارها به ميهمانيت آمدم، پس از آنچه به درخواست كنندگانت وعده فرمودى‏

الْمُتَعَرِّضينَ لِمَسْئَلَتِكَ، يا مَعْرُوفَ الْعارِفيِنَ، يا مَعْبُودَ الْعابِدينَ، يا

محرومم مكن، اى شناخته شده (نزد) عارفان، اى عبادت شده عابدان، اى‏

مَشْكُورَ الشَّاكِرينَ، يا جَليسَ الذَّاكِرينَ، يا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ، يا

سپاسگزارى شده شاكران، اى همنشين ذاكران، اى ستايش شده هر ستايش كننده، اى‏

مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَّدَهُ، يا مَحْبُوبَ مَنْ احَبَّهُ، يا غَوْثَ‏

حاضر (نزد) هر طلب‏كننده، اى توصيف شده هر يگانه‏پرست، اى محبوب دوستداران، اى فريادرس‏

مَنْ ارادَهُ، يا مَقْصُودَ مَنْ انابَ الَيْهِ، يا مَنْ لا يَعْلَمُ الْغَيْبَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا

اراده‏كنندگان، اى مقصود بازگشت‏كنندگان به سويت، اى كه جز تو كسى از غيب آگاه نيست، اى كه جز تو كسى بدى را باز ندارد، اى كه جز

يَصْرِفُ السُّوءَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَغْفِرُ الذَّنْبَ‏

تو كسى كارها را تدبير نكند، اى كه جز تو كسى گناه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 476

الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَخْلُقُ الْخَلْقَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ الَّا هُوَ، صَلِ‏

را نيامرزد، اى كه جز تو كسى مخلوقات را نيافريند، اى كه جز تو كسى باران را فرو نفرستد،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لى‏ يا خَيْرَ الْغافِرينَ، رَبِّ انّى‏ اسْتَغْفِرُكَ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا بيامرز اى بهترين آمرزندگان، پروردگارا، با شرمسارى از تو

اسْتِغْفارَ حَيآءٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ رَجآءٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ انابَةٍ،

آمرزش مى‏طلبم، و با اميدوارى از تو آمرزش مى‏طلبم، و با بازگشت به سويت از تو آمرزش مى‏طلبم‏

وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ رَغْبَةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ رَهْبَةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ

و با اشتياق از تو آمرزش مى‏طلبم، و با ترس و هراس از تو آمرزش مى‏طلبم، و با اطاعت و فرمانبردارى‏

طاعَةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ ايمانٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ اقْرارٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ‏

از تو آمرزش مى‏طلبم، و با ايمان (به يگانگيت) از تو آمرزش مى‏طلبم، و با اعتراف (به گناه) از تو آمرزش مى‏طلبم،

اسْتِغْفارَ اخْلاصٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ تَقْوى‏، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ

و با اخلاص از تو آمرزش مى‏طلبم، و با پرهيزگارى از تو آمرزش مى‏طلبم، و با

تَوَكُّلٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ ذِلَّةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ عامِلٍ لَكَ، هارِبٍ‏

توكّل (بر ذاتت) از تو آمرزش مى‏طلبم، و با خشوع (به درگاهت) از تو آمرزش مى‏طلبم، و با عمل (به فرامينت) و گريزان‏

مِنْكَ الَيْكَ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبْ عَلَىَّ وَ عَلى‏ والِدَىَّ بِما

از تو، به سوى خودت از تو آمرزش مى‏طلبم پس بر محمد و خاندان پاكش درود فرست، رحمت خود را شامل حال من و پدر و مادرم گردان‏

تُبْتَ وَتَتُوبُ عَلى‏ جَميعِ خَلْقِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا مَنْ يُسَمّى‏

همان‏گونه كه شامل حال تمام مخلوقاتت كرده‏اى، اى مهربانترين مهربانان، اى كسى كه‏

بِالْغَفُورِ الرَّحيمِ، يا مَنْ يُسَمّى‏ بِالْغَفُورِ الرَّحيمِ، يا مَنْ يُسَمّى‏ بِالْغَفُورِ

بخشنده و مهربان ناميده شدى، اى كسى كه بخشنده مهربان ناميده شدى، اى كسى كه بخشنده‏

الرَّحيمِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبَلْ تَوْبَتى‏، وَ زَكِّ عَمَلى‏، وَاشْكُرْ

و مهربان ناميده شدى، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و توبه‏ام را بپذير و عملم را پاك گردان، و تلاشم را

سَعْيى‏، وَارْحَمْ ضَراعَتى‏، وَلاتَحْجُبْ صَوْتى‏، وَلا تُخَيِّبْ مَسْئَلَتى‏، يا

پاداش ده، و بر افتادگيم رحم كن، و صدايم را در پرده (فراموشى) قرار نده، و مرا نااميد مگردان، اى‏

غَوْثَ الْمُسْتَغيثينَ، وَابْلِغْ ائِمَّتى‏ سَلامى‏ وَدُعآئى‏، وَشَفِّعْهُمْ فى‏ جَميعِ‏

فريادرس فريادرس‏خواهان، سلام و دعايم را به امامانم برسان، و در همه آنچه از تو خواستم آنان را

كليات مفاتيح نوين، ص: 477

ما سَئَلْتُكَ، وَاوْصِلْ هَدِيَّتى‏ الَيْهِمْ كَما يَنْبَغى‏ لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذلِكَ ما

شفيعم گردان، و هديه‏ام را آن گونه كه شايسته مقامشان است به آنها برسان، و آن گونه‏

يَنْبَغى‏ لَكَ بِاضْعافٍ لا يُحْصيها غَيْرُكَ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِ‏

كه شايسته توست بر آن بيافزا به اندازه‏اى كه جز تو كسى توان احصاء آن را ندارد، و توان و نيرويى جز براى خداوند بلندمرتبه و با

الْعَظيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ اطْيَبِ الْمُرْسَلينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرينَ.[[598]](#footnote-598)

عظمت نيست، و خدا بر محمد پاك‏ترين فرستادگان و خاندان پاكش درود فرستد.

\*\*\*

زيارت دوم‏: زيارت كوتاهى است كه آن نيز در «كامل الزيارات» از بعضى از ائمّه عليهم السلام نقل شده است، به اين شرح:

هنگامى كه به نزد قبر امام رضا عليه السلام رفتى بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى، الْإِمامِ التَّقِىِّ النَّقِىِّ،

خدايا درود فرست بر على بن موسى الرضا آن امام پسنديده با تقواى پاك‏

وَحُجَّتِكَ عَلى‏ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرى‏، الصِّدّيقِ الشَّهيدِ،

و حجّت تو بر هر كه روى زمين و هر كه در زير زمين است آن راستگوى شهيد

صَلاةً كَثيرَةً ناميَةً زاكِيَةً مُتَواصِلَةً مُتَواتِرَةً مُتَرادِفَةً، كَافْضَلِ ما صَلَّيْتَ‏

درودى بسيار نمو يافته و پاكيزه و پيوسته و پى در پى و دنبال هم مانند بهترين درودى كه مى‏فرستى‏

عَلى‏ احَدٍ مِنْ اوْلِيآئِكَ.[[599]](#footnote-599)

بر يكى از دوستانت.

\*\*\*

زيارت سوم‏: «شيخ مفيد» در «مقنعه» زيارت ديگرى را به شرح زير نقل كرده است:

پس از غسل زيارت و پوشيدن پاكيزه‏ترين لباس‏هاى خود، نزد قبر آن حضرت مى‏ايستى و مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ‏

سلام بر تو اى ولىّ خدا و فرزند وليّش، سلام بر تو اى حجّت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امامَ الْهُدى‏ وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقى‏، وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

حجّتش، سلام بر تو اى امام هدايتگر و ريسمان محكم الهى، و رحمت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 478

وَ بَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انَّكَ مَضَيْتَ عَلى‏ ما مَضى‏ عَلَيْهِ آبآؤُكَ الطَّاهِرُونَ، صَلَواتُ‏

و بركات خدا بر تو باد، گواهى مى‏دهم كه تو، به همان راهى رفتى كه پدران پاكت- كه درود

اللَّهِ عَلَيْهِمْ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلى‏ هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ الى‏ باطِلٍ، وَانَّكَ‏

خدا بر آنان باد- به آن راه رفته‏اند، گمراهى را بر هدايت ترجيح ندادى، از راه حق به سوى باطل تمايل نيافتى، و به يقين‏

نَصَحْتَ للَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَادَّيْتَ الْأَمانَةَ، فَجَزاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلامِ وَاهْلِهِ‏

براى خدا و رسولش خيرخواهى نموده و امانت را ادا كردى، پس خداوند بهترين پاداش را از اسلام و مسلمانان‏

خَيْرَ الْجَزآءِ، اتَيْتُكَ بِابى‏ انْتَ وَ امّى‏ زآئراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً

به تو عنايت كند، پدر و مادرم فداى تو باد، به زيارت تو آمده‏ام در حالى كه از حق تو آگاه، و دوستدار

لِأَوْلِيآئِكَ، مُعادِياً لِأَعْدآئِكَ، فَاشْفَعْ لى‏ عِنْدَ رَبِّكَ\* آنگاه به جانب بالاى سر دوستانت و دشمن دشمنان توام، پس در نزد پروردگارت شفاعتم كن.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

برگرد و بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ،

\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى مولا و سرورم، اى فرزند رسول خدا، و رحمت و بركات خدا بر تو باد

اشْهَدُ انَّكَ الْإِمامُ الْهادى‏، وَالْوَلِىُّ الْمُرْشِدُ، ابْرَءُ الَى اللَّهِ مِنْ اعْدآئِكَ،

گواهى مى‏دهم كه تو به يقين امام هدايتگر و سرپرست، ارشادكننده‏اى، از دشمنانت به درگاه خدا بيزارى مى‏جويم‏

وَاتَقَرَّبُ الَى اللَّهِ بِوِلايَتِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و با ولايت تو، به درگاه خدا تقرّب مى‏جويم، درود و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

سپس دو ركعت نماز زيارت بجاى آور و اگر مى‏خواهى نمازهاى ديگرى هم بخوان و به طرف پايين پا برگرد و حاجات خود را از خداوند طلب كن![[600]](#footnote-600)

زيارت وداع:

«علّامه مجلسى» رحمه الله از «بلد الامين» نقل مى‏كند كه براى وداع با آن حضرت همان سخنى را بگو كه امام صادق عليه السلام براى وداع با رسول گرامى صلى الله عليه و آله بيان داشته است يعنى:

لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْليمى‏ عَلَيْكَ‏\* واگر خواستى بگو: السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ‏

خداوند اين سلام را آخرين سلامم بر شما قرار ندهد\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر تو اى ولىّ خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 479

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتى‏ ابْنَ نَبِيِّكَ،

و رحمت و بركات خدا بر تو باد، خدايا زيارتم را آخرين زيارتم از فرزند پيامبرت‏

وَحُجَّتِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ، وَاجْمَعْنى‏ وَايَّاهُ فى‏ جَنَّتِكَ، وَاحْشُرْنى‏ مَعَهُ وَفى‏

و حجّت تو بر مخلوقات قرار مده، و مرا با او در بهشت گرد هم آور و مرا با او و در

حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدآءِ وَالصَّالِحينَ، وَحَسُنَ اولئِكَ رَفيقاً، وَاسْتَوْدِعُكَ‏

گروه او همراه با شهيدان و صالحان كه رفيقان خوبى هستند قرار ده، تو را به‏

اللَّهَ وَاسْتَرْعيكَ، وَاقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِما جِئْتَ بِهِ‏

خدا مى‏سپارم و رعايت حالم را از تو مى‏خواهم و بر تو درود مى‏فرستم، به خدا و رسولش و به آنچه آورده‏

وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ.[[601]](#footnote-601)

و به آن راهنمايى نموده‏اى ايمان داريم، پس نام ما را در زمره گواهان ثبت فرما.

يادآورى: در پايان اين فصل لازم است سه نكته يادآورى شود:

1- مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد: زيارت حضرت رضا عليه السلام در روزهاى مقدّس اسلامى، افضل است، خصوصاً روزهايى كه اختصاص به آن حضرت دارد مثل روز ولادت (11 ذى‏القعده) و روز شهادت آن حضرت (مطابق مشهور آخر ماه صفر) سپس از كتاب «اقبال» مرحوم «سيّد بن طاووس» استحباب زيارت آن حضرت را در روز 23 ذى‏القعده (طبق روايتى روز شهادت آن حضرت) نيز نقل مى‏كند و در پايان مى‏نويسد: استحباب زيارت آن حضرت در ماه رجب گذشت.[[602]](#footnote-602) مرحوم محدّث قمى روز 25 ذى‏القعده را نيز به اين موارد ضميمه كرده است.

2- مردم نبايد اصرار در بوسيدن ضريح مقدس داشته باشند و براى ديگران ايجاد زحمت كنند زيرا بوسيدن ضريح شرط زيارت نيست و با گفتن يك سلام نيز زيارت حاصل مى‏شود.

3- ناگفته پيداست كه گذشته از زيارات سه گانه مخصوصه بالا، مى‏توان از زيارات جامعه مانند زيارت امين اللَّه كه گذشت و زيارت جامعه كبيره كه از زيارات بسيار مهم است و بعداً خواهد آمد، استفاده كرد.

زيارت‏هاى ديگرى نيز وجود دارد كه در بخش زيارات جامعه مى‏آيد.

در پايان اين فصل، شايسته است اشعار جالبى را كه مرحوم محدّث قمى از جامى در مدح حضرت رضا عليه السلام نقل كرده بياوريم:

كليات مفاتيح نوين، ص: 480

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سلامٌ عَلى‏ آلِ طه‏ وَيس‏ |  | سَلامٌ عَلى‏ آلِ خَيْرِ النَّبِيّينَ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سلام بر خاندان طه و ياسين‏ |  | سلام بر خاندان بهترين پيمبران‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سَلامٌ عَلى‏ رَوْضَةٍ حَلَّ فيها |  | امامٌ يُباهى‏ بِهِ الْمُلْكُ وَالدّينُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سلام بر روضه اى كه مسكن گرفت در آن‏ |  | امامى كه افتخار كند بدان مُلك و دين‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| امام بحق شاه مطلق كه آمد |  | حريم درش قبله‏گاه سلاطين‏ |
| شه كاخ عرفان، گل شاخ احسان‏ |  | دُرِ دُرج امكان، مه بُرج تمكين‏ |
| علىّ بن موسى الرّضا كز خدايش‏ |  | رضا شد لقب چون رضا بودش آيين‏ |
| ز فضل و شرف بينى او را جهانى‏ |  | اگر نبودت تيره چشم جهان‏بين‏ |
| پى عطر روبند حُوران جنّت‏ |  | غبار درش را بگيسوى مشكين‏ |
| اگر خواهى آرى بكف دامن او |  | برو دامن از هر چه جز اوست بر چين. |
|  |  |  |

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 481

فصل هشتم: زيارت عسكريّين (امام هادى و امام حسن عسكرى عليهما السلام)

فضيلت زيارت عسكريّين عليهما السلام:

شكّى نيست كه فضيلت زيارت آن دو بزرگوار از زيارت ساير ائمّه عليهم السلام كمتر نيست، بلكه آن گونه كه از امام صادق عليه السلام گذشت: «كسى كه يكى از ائمّه عليهم السلام را زيارت كند مثل آن است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله را زيارت كرده است».[[603]](#footnote-603) و اين روايت نيز از آن حضرت گذشت كه «هر كس امام واجب الاطاعه‏اى را زيارت كند و نزد او چهار ركعت نماز گزارد، براى او ثواب يك حج و يك عمره نوشته مى‏شود»[[604]](#footnote-604) و مرحوم «علّامه مجلسى» در باب «ثواب تعمير قبور النّبى و الائمّة و زيارتها»[[605]](#footnote-605) حدود 15 روايت نقل مى‏كند كه شامل قبور همه ائمّه مى‏شود و در اوايل بخش زيارات به قسمتى از آنها اشاره گرديد.

در اين رابطه سه روايت زير نيز قابل توجّه است:

1- مرحوم «شيخ طوسى» از ابوهاشم جعفرى از امام حسن عسكرى عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: قبر من در «سرّ من رأى‏» امان (از بلاها و عذاب الهى) براى هر دو گروه است.[[606]](#footnote-606) (منظور دو گروه شيعه و اهل سنّت كه در آن‏جا ساكن هستند) و طبعاً معناى اين روايت آن خواهد بود كه بركت قبر آن حضرت، بركت عامّى است كه همه را احاطه كرده است، چنان كه قبر موسى بن جعفر عليه السلام امان براى همه اهالى بغداد است.[[607]](#footnote-607) 2- «شيخ طوسى» در «امالى» از بعضى نقل مى‏كند كه مى‏گويد: خدمت امام هادى عليه السلام عرض كردم:

اى آقاى من! دعايى به من بياموز كه از طريق آن به خداى عزّوجلّ نزديك شوم، فرمود: دعايى كه الآن برايت نقل مى‏كنم دعايى است كه بسيارى از اوقات با آن خدا را مى‏خوانم و از خداوند عزّوجلّ خواسته‏ام، كسى كه در حرم من اين دعا را بخواند مأيوس برنگردد، دعا اين است:

يا عُدَّتى‏ عِنْدَ الْعُدَدِ، وَ يا رَجائي وَ الْمُعْتَمَدَ، وَ يا كَهْفى‏ وَ السَّنَدَ، وَ يا

اى ذخيره‏ام در ميان ذخيره‏ها، و اى اميد و تكيه‏گاهم، و اى پناهگاه و پشتيبانم، و اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 482

واحِدُ يا أَحَدُ، وَ يا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ‏

يگانه اى يكتا، و اى كه گفتى: «بگو خداوند يكتا و يگانه است»، خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ مخلوقاتِ (برگزيده) از ميان‏

خَلْقِكَ، وَ لَمْ تَجْعَلْ في خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَداً، صَلِّ عَلى‏ جَماعَتِهِمْ وَافْعَلْ‏

آفريدگانت، كه در ميان آنان كسانى را مانند ايشان قرار نداده‏اى، بر تمامى آنان درود فرست و درباره من چنين‏

بى‏ كَذا وَ كَذا[[608]](#footnote-608)

(به جاى «وافعل بى كذا و كذا» حاجتش را بخواهد). مطابق گواهى بعضى از مؤمنان‏ و چنان كن\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مخلص، تأثير خواندن اين دعا در آن حرم مقدّس به تجربه رسيده است.

3- در «عدّةالداعى» روايت شده كه شخصى مشكل مهمّى در زمان امام هادى عليه السلام داشت، از آن حضرت تقاضا كرد كه نزد خليفه وقت براى او شفاعت كند. چيزى نگذشت كه مشكل او به طور كامل حل شد؛ خدمت حضرت رسيد و عرض كرد: آيا شما نزد او شفاعتى براى من كرديد؟ امام عليه السلام فرمود: خداوند ما را اين گونه تربيت كرده كه در مسائل مهم تنها به او پناه ببريم و از غير او چيزى نخواهيم، ترسيدم كه (اگر شفاعت تو را نزد خليفه كنم و) راه و رسم خود را تغيير دهم، خداوند هم لطف خود را تغيير دهد و من از خداوند عزّوجلّ خواسته‏ام كه احدى بعد از من اين دعا را نزد قبرم نخواند مگر اين‏كه دعايش مستجاب شود. سپس دعاى فوق را عيناً نقل فرمود.[[609]](#footnote-609)

كيفيّت زيارت آن دو امام همام عليهما السلام‏

زيارت مشترك آن دو بزرگوار:

«ابن قولويه» از بعضى از ائمّه عليهم السلام روايت كرده كه فرمود: هرگاه قصد زيارت امام هادى عليه السلام و امام عسكرى عليه السلام را نمودى بعد از غسل زيارت اگر به قبر آن دو بزرگوار رسيدى كنار قبر، و اگر رسيدن به كنار قبر برايت ممكن نشد، پشت شبكه‏اى كه در ديوار مقابل قبر نصب شده‏[[610]](#footnote-610) بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّىِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَىِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر شما دو ولىّ خدا، سلام بر شما دو حجّت خداوند، سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 483

عَلَيْكُما يا نُورَىِ اللَّهِ فِى ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكُما يا مَنْ بَدا للَّهِ‏

بر شما دو نور پروردگار در تاريكيهاى زمين، سلام بر شما كه خداوند اراده‏اش را در مورد شما آشكار

فى‏ شَأْنِكُما، اتَيْتُكُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّكُما، مُعادِياً لِأَعْدآئِكُما، مُوالِياً

كرد، براى زيارت به درگاهتان آمده‏ام در حالى كه آشناى به حقّتان و دشمن دشمنانتان و دوستدار

لِأَوْلِيآئِكُما، مُؤْمِناً بِما آمَنْتُما بِهِ، كافِراً بِما كَفَرْتُما بِهِ، مُحَقِّقاً لِما

دوستانتان هستم، و به آنچه شما به آن ايمان آورده‏ايد، ايمان آورده و آنچه را كافر شده‏ايد، كافرم، و آنچه را بر حق دانسته‏ايد،

حَقَّقْتُما، مُبْطِلًا لِمَا ابْطَلْتُما، اسْئَلُ اللَّهَ رَبّى‏ وَرَبَّكُما، انْ يَجْعَلَ حَظّى‏

حقّ شمرده و آنچه را باطل مى‏دانيد، باطل مى‏شمارم، از خداوندى كه پروردگار من و شماست مى‏خواهم كه بهره‏ام را

مِنْ زِيارَتِكُمَا الصَّلاةَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ يَرْزُقَنى‏ مُرافَقَتَكُما فِى‏

از زيارت شما را درود بر محمّد خاندان پاكش قرار دهد، و همنشينى با شما و پدران شايسته‏تان را در

الْجِنانِ مَعَ آبائِكُمَا الصَّالِحينَ، وَاسْئَلُهُ انْ يُعْتِقَ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ،

بهشت روزيم گرداند، و ازاو مى‏خواهم كه مرا از آتش دوزخ رهايى بخشد

وَيَرْزُقَنى‏ شَفاعَتَكُما وَ مُصاحَبَتَكُما، وَيُعَرِّفَ بَيْنى‏ وَبَيْنَكُما، وَلا

و شفاعت و همراهى شما را روزيم گرداند، و مرا با شما آشنا كند، و

يَسْلُبَنى‏ حُبَّكُما وَحُبَّ آبائِكُمَا الصَّالِحينَ، وَانْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ‏

محبّت شما و پدران شايسته‏تان را از من نگيرد، و اين زيارتم را آخرين زيارت از شما

زِيارَتِكُما، وَيَحْشُرَنى‏ مَعَكُما فِى الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اللهُمَّ ارْزُقْنى‏ حُبَّهُما،

قرار ندهد، و به رحمتش مرا با شما در بهشت محشور كند، خدايا محبّت آنان را روزيم كن‏

وَتَوَفَّنى‏ عَلى‏ مِلَّتِهِما، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظالِمى‏ آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ،

و مرا بر دين آنان بميران، خدايا كسانى را كه در حقّ خاندان محمّد ستم نمودند، لعنت كن و از آنان انتقام بگير

اللهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلينَ مِنْهُمْ وَالْأخِرينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ، وَابْلُغْ‏

خدايا اوّلين و آخرين آنان را لعنت كن و عذابشان بيافزاى، و

بِهِمْ وَبِاشْياعِهِمْ وَمُحِبّيهِمْ وَمُتَّبِعيهِمْ اسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ، انَّكَ عَلى‏

آنان و پيروان و دوستداران و متابعين آنان را به پايين‏ترين درجه دوزخ داخل كن، چرا كه تو به يقين بر

كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنا مَعَ‏

هر كارى توانايى، خدايا فرج ولىّ و فرزند وليّت را نزديك گردان و گشايش (امور) ما را با

كليات مفاتيح نوين، ص: 484

فَرَجِهِمْ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

فرج آنان قرار ده، اى مهربانترين مهربانان.

آنگاه براى خود و پدر و مادر دعا كن و هر دعايى خواستى بخوان. سپس دو ركعت نماز زيارت در حرم مطهّر آن دو امام بجا آور و بعد از آن آنچه دوست دارى از خداوند طلب كن‏[[611]](#footnote-611) (بعضى نقل كرده‏اند كه رواق پشت سر آن بزرگواران و حدود يك متر از حرم مطهر جزء مسجدى بوده كه ضميمه حرم مطهّر شده است).

يادآورى:

زيارات مشترك ديگرى نيز براى آن دو بزرگوار نقل شده، امّا با توجّه به اين‏كه زيارت جامعه كبيره (كه ذكرش در اواخر بخش زيارات خواهد آمد) مصدر و مبدأش خود امام هادى عليه السلام است و اين كلمات بليغ و فصيح كه برخوردار از همه مراتب اظهار ارادت و بيان فضايل و مكارم است، از خود آن جناب صادر شده، از ذكر زيارت مشترك ديگرى صرف نظر مى‏كنيم و به زائر محترم توصيه مى‏كنيم كه زيارت پربركت جامعه را خطاب به هر دو بزرگوار قرائت كند.

زيارت مخصوص امام هادى عليه السلام:

مرحوم «علّامه مجلسى» در «بحارالانوار» و «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» براى هر يك از آن دو امام همام عليهما السلام زيارت مخصوصى را به همراه صلوات مخصوص ذكر كرده‏اند كه اگر چه طولانى است امّا به جهت فوايد و بركاتى كه در آن مندرج است شايسته است نقل شود. مى‏نويسند: هرگاه به «سرّ من رأى» رسيدى غسل كن و پاكيزه‏ترين جامه‏هاى خود را بپوش و با وقار و طمأنينه حركت نما، وقتى به دَرِ حرم رسيدى با اين عبارات اجازه ورود بخواه:

ءَادْخُلُ يا نَبِىَّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ، ءَادْخُلُ يا فاطِمَةُ الزَّهْرآءُ،

آيا داخل شوم اى پيامبر خدا، آيا داخل شوم اى امير مؤمنان، آيا داخل شوم اى فاطمه زهرا

سَيِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمينَ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا

سرور بانوان جهانيان، آيا داخل شوم اى مولاى من حسن بن على، آيا داخل شوم اى‏

مَوْلاىَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ عَلِىَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، ءَادْخُلُ‏

مولاى من حسين بن على، آيا داخل شوم اى مولاى من على بن حسين، آيا داخل شوم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 485

يا مَوْلاىَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَادْخُلُ يا

اى مولاى من محمّد بن على، آيا داخل شوم اى مولاى من جعفر بن محمد، آيا داخل شوم اى‏

مَوْلاىَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ عَلِىَّ بْنَ مُوسَى، ءَادْخُلُ يا

مولاى من موسى بن جعفر، آيا داخل شوم اى مولاى من على بن موسى، آيا داخل شوم اى‏

مَوْلاىَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ يا ابَا الْحَسَنِ عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ،

مولاى من محمّد بن على، آيا داخل شوم اى مولاى من اى ابا الحسن على بن محمّد

ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ يا ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، ءَادْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللَّهِ‏

آيا داخل شوم اى مولاى من اى ابا محمّد حسن بن على، آيا داخل شوم اى فرشتگان خدا

الْمُوَكَّلينَ بِهذَا الْحَرَمِ الشَّريفِ.

كه در اين حرم شريف مأموريد.

سپس با مقدّم داشتن پاى راست، داخل شو و نزد ضريح امام هادى عليه السلام رو به قبر و پشت به قبله بايست و پس از گفتن صد مرتبه «اللَّه اكبر» بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابَا الْحَسَنِ عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّكِىَّ الرَّاشِدَ، النُّورَ الثَّاقِبَ،

سلام بر تو اى ابا الحسن على بن محمّد آن پاكيزه رشد يافته، و نور تابان‏

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سِرَّ اللَّهِ،

و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى رازدار خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا امينَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبْلَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا آلَ‏

سلام بر تو اى امين خدا، سلام بر تو اى وسيله (ارتباط با) خدا، سلام بر تو اى پيرو

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

خداوند، سلام بر تو اى انتخاب‏شده خدا، سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو

يا حَقَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ الْأَنْوارِ،

اى (بنده بر) حق خداوند، سلام بر تو اى حبيب خدا، سلام بر تو اى روشنايى نورها

السَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ الْأَبْرارِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَليلَ الْأَخْيارِ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى زينت نيكان، سلام بر تو اى سرسلسله خوبان، سلام‏

عَلَيْكَ يا عُنْصُرَ الْأَطْهارِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر تو اى اصل و ريشه پاكان، سلام بر تو اى حجّت خداوندِ رحمان، سلام بر تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 486

يا رُكْنَ الْإيمانِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَ‏

اى اساس ايمان، سلام بر تو اى مولاى مؤمنان، سلام بر تو اى سرپرست‏

الصَّالِحينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ الْهُدى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَليفَ التُّقى‏،

شايستگان، سلام بر تو اى نشانه هدايت، سلام بر تو اى هم‏پيمان و همدم پرهيزكارى‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَالدّينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى ستون دين، سلام بر تو اى فرزند خاتم پيامبران، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ

بر تو اى فرزند آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو اى فرزند فاطمه سرور بانوان‏

الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْأَمينُ الْوَفِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْعَلَمُ‏

جهانيان، سلام بر تو اى امانتدار باوفا، سلام بر تو اى نشانه‏

الرَّضِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الزَّاهِدُ التَّقِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْحُجَّةُ عَلَى‏

رضايت، سلام بر تو اى پارساى پرهيزكار، سلام بر تو اى حجّت بر

الْخَلْقِ اجْمَعينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا التَّالى‏ لِلْقُرْآنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

تمامى مخلوقات، سلام بر تو اى تلاوت كننده قرآن، سلام بر تو اى‏

الْمُبَيِّنُ لِلْحَلالِ مِنَ الْحَرامِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْوَلِىُّ النَّاصِحُ، السَّلامُ‏

جدا كننده حلال از حرام، سلام بر تو اى سرپرست خيرخواه، سلام‏

عَلَيْكَ ايُّهَا الطَّريقُ الْواضِحُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّها النَّجْمُ اللّائِحُ، اشْهَدُ يا

بر تو اى راه روشن، سلام بر تو اى ستاره درخشان، گواهى مى‏دهم اى‏

مَوْلاىَ يا ابَا الْحَسَنِ انَّكَ حُجَّةُاللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، وَخَليفَتُهُ فى‏ بَرِيَّتِهِ،

مولاى من اى ابا الحسن كه تو به يقين حجّت خدا بر مخلوقاتش و جانشين در ميان آفريدگانش‏

وَامينُهُ فى‏ بِلادِهِ، وَشاهِدُهُ عَلى‏ عِبادِهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوى‏، وَبابُ‏

و امينش در شهرها و گواهش بر بندگان هستى، و گواهى مى‏دهم كه تويى به يقين اساس پرهيزكارى و درگاه‏

الْهُدى‏، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى‏، وَالْحُجَّةُ عَلى‏ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ‏

هدايت، و ريسمان محكم (خدا) و حجّت بر كسانى كه روى زمين و زير خاكند

الثَّرى‏، وَاشْهَدُ انَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبَرَّءُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَالْمُخْتَصُ‏

و گواهى مى‏دهم كه تويى به يقين پاك از گناهان، و پاكيزه از هر عيب، و گرامى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 487

بِكَرامَةِ اللَّهِ، وَالْمَحْبُوُّ بِحُجَّةِ اللَّهِ، وَالْمَوْهُوبُ لَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ، وَالرُّكْنُ الَّذى‏

نزد خدا، و مفتخر به حجّت خداوند بودن، و كسى كه كلام خداوند به او بخشيده شده و تكيه‏گاهى كه‏

يَلْجَأُ الَيْهِ الْعِبادُ، وَتُحْيى‏ بِهِ الْبِلادُ، اشْهَدُ يامَوْلاىَ انّى‏ بِكَ وَبابآئِكَ‏

بندگان به آن پناه برند، و شهرها به آن آباد شود، اى مولاى من گواهى مى‏دهم كه به تو و پدران و

وَابْنآئِكَ مُوقِنٌ مُقِرٌّ، وَ لَكُمْ تابِعٌ فى‏ ذاتِ نَفْسى‏، وَ شَرايِعِ دينى‏، وَ خاتِمَةِ

فرزندانت يقين و اقرار دارم، و در درون جانم پيرو شمايم، و قوانين دينم و عاقبت‏

عَمَلى‏، وَ مُنْقَلَبى‏ وَ مَثْواىَ، وَ انّى‏ وَلِىٌّ لِمَنْ والاكُمْ، عَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ،

عملم، و در بازگشت و جايگاهم، و به يقين با دوستان شما دوست و با دشمنانتان دشمنم‏

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَ اوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، بِابى‏ انْتَ وَ امّى‏، وَ السَّلامُ‏

به پنهان و آشكار و اوّلين و آخرينتان ايمان دارم، پدرم و مادرم فداى شما، و درود

عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ\* آنگاه ضريح را ببوس و طرف راست صورت را بر آن بگذار و و رحمت و بركات خدا بر تو باد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سپس طرف چپ را بگذار و بگو: اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد و درود فرست بر

حُجَّتِكَ الْوَفِىِّ، وَ وَلِيِّكَ الزَّكِىِّ، وَامينِكَ الْمُرْتَضى‏، وَ صَفِيِّكَ الْهادى‏،

حجّت باوفا و دوستدار پاكيزه و امين مورد رضايتت، و برگزيده هدايتگر،

وَصِراطِكَ الْمُسْتَقيمِ، وَالْجآدَّةِ الْعُظْمى‏، وَالطَّريقَةِ الْوُسْطى‏، وَ نُورِ قُلُوبِ‏

و راه راست و جادّه با عظمتت، و راه مستقيم و صحيح و روشنى دلهاى‏

الْمُؤْمِنينَ، وَ وَلِىِّ الْمُتَّقينَ، وَصاحِبِ الْمُخْلَصينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

مؤمنان و سرپرست پرهيزكاران و همدم مخلصان، خدايا درود فرست بر

سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ‏

آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاكش، و درود فرست بر على بن محمّد آن امام رشديافته و مصون‏

مِنَ الزَّلَلِ، وَالطَّاهِرِ مِنَ الْخَلَلِ، وَ الْمُنْقَطِعِ الَيْكَ بِالْأَمَلِ، الْمَبْلُوِّ بِالْفِتَنِ،

از لغزش، و پاك از هر عيب، و آن كه تمام اميدش به تو بود، آن گرفتار در ميان فتنه‏ها

وَالْمُخْتَبَرِ بِاْلمِحَنِ، وَالْمُمْتَحَنِ بِحُسْنِ الْبَلْوى‏ وَ صَبْرِ الشَّكْوى‏، مُرْشِدِ

و آزموده با غم و اندوه، و امتحان شده با آزمايش نيكو و صبر بر شكايت، آن راهنماى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 488

عِبادِكَ، وَ بَرَكَةِ بِلادِكَ، وَ مَحَلِّ رَحْمَتِكَ، وَ مُسْتَوْدَعِ حِكْمَتِكَ، وَالْقآئِدِ

بندگان و بركت شهرهايت و جايگاه رحمت و امانتدار حكمتت، و راهنماى‏

الى‏ جَنَّتِكَ، الْعالِمِ فى‏ بَرِيَّتِكَ، وَالْهادى‏ فى‏ خَليقَتِكَ، الَّذِى ارْتَضَيْتَهُ‏

به‏سوى بهشتت، داناى در ميان مخلوقات و هدايتگر در ميان آفريدگانت، آن كه از او خوشنودى‏

وَانْتَجَبْتَهُ، وَ اخْتَرْتَهُ لِمَقامِ رَسُولِكَ فى‏ امَّتِهِ، وَ ا لْزَمْتَهُ حِفْظَ شَريعَتِهِ،

و او را انتخاب نموده و براى جانشينى پيامبرت در ميان امّتش برگزيدى، و او را بر حفظ آيينش وادار نمودى‏

فَاسْتَقَلَّ بِاعْبآءِ الْوَصِيَّةِ ناهِضاً بِها، ومُضْطَلِعاً بِحَمْلِها، لَمْ يَعْثُرْ فى‏

پس به تنهايى بار سنگين جانشينى را بدوش كشيد، و (مسئوليّت) حملش را به عهده گرفت، در هيچ مشكلى‏

مُشْكِلٍ، وَلا هَفا فى‏ مُعْضِلٍ، بَلْ كَشَفَ الْغُمَّةَ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ، وَادَّى‏

نلغزيد، ودر هيچ كار سختى درمانده نشد، بلكه هر غمى را برطرف‏نمود وجلوى هر شكاف وتفرقه‏اى را گرفت، و وظيفه‏اش را

الْمُفْتَرَضَ، اللهُمَّ فَكَما اقْرَرْتَ ناظِرَ نَبِيِّكَ بِهِ فَرَقِّهِ دَرَجَتَهُ، وَاجْزِلْ‏

انجام داد، خدايا پس همان گونه كه ديدگان پيامبرت را به او روشن گرداندى، پس او را به درجه‏اش برسان،

لَدَيْكَ مَثُوبَتَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ فى‏

و پاداشش را در پيشگاهت فراوان كن، و بر او درود فرست و از جانب ما درود و سلامى به او برسان، و به واسطه دوستى او

مُوالاتِهِ فَضْلًا وَاحْساناً، وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً، انَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ.

از نزد خودت لطف و احسان و آمرزش و خوشنوديت را عطايمان كن چرا كه تو صاحب لطف و بزرگ هستى‏

سپس نماز زيارت بخوان و پس از سلام نماز بگو:

أَللهُمَّ يا ذَا الْقُدْرَةِ الْجامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، وَالْمِنَنِ الْمُتَتابِعَةِ،

اى خدا، اى صاحب قدرت فراگير و رحمت گسترده و منّت‏هاى پى در پى‏

وَالْألاءِ الْمُتَواتِرَةِ، وَالْأَيادِى الْجَليلَةِ، وَالْمَواهِبِ الْجَزيلَةِ، صَلِّ عَلى‏

و نعمتهاى پياپى، و لطف و احسان با عظمت، و بخشهاى فراوان، بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقينَ، وَاعْطِنى‏ سُؤْلى‏، وَاجْمَعْ شَمْلى‏، وَلُمَ‏

و خاندان راست‏گفتارش درود فرست، و خواسته‏ام را عطا كن، و امور پراكنده‏ام را جمع كن و پريشانيم را برطرف‏

شَعَثى‏، وَزَكِّ عَمَلى‏، وَلا تُزِغْ قَلْبى‏ بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنى‏، وَلا تُزِلَّ قَدَمى‏، وَلا

كن، و عملم را پاكيزه گردان، و دلم را بعد از آنكه هدايت نمودى (از راه حق) منحرف مگردان، و قدمم را (از راه حق) نلغزان،

كليات مفاتيح نوين، ص: 489

تَكِلْنى‏ الى‏ نَفْسى‏ طَرْفَةَ عَيْنٍ ابَداً، وَلا تُخَيِّبْ طَمَعى‏، وَلا تُبْدِ عَوْرَتى‏،

و مرا هيچگاه چشم بر هم زدنى به خودم وا مگذار، و اميدم (به رحمتت) را نااميد مگردان، و عيبم را آشكار مكن‏

وَلا تَهْتِكْ سِتْرى‏، وَلا تُوحِشْنى‏ وَلا تُؤْيِسْنى‏، وَكُنْ لى‏ رَؤُفاً رَحيماً،

و پرده آبرويم را پاره نكن و مرا به وحشت نيانداز و مأيوس نكن، و نسبت به من با محبّت و مهربان باش‏

وَاهْدِنى‏ وَزَكِّنى‏، وَطَهِّرْنى‏ وَصَفِّنى‏ وَاصْطَفِنى‏، وَخَلِّصْنى‏ وَاسْتَخْلِصْنى‏،

و مرا هدايت كن و پاكيزه و پاك گردان، و مرا خالص گردان و برگزين، و مرا رهايى بخش و نجات ده‏

وَاصْنَعْنى‏ وَاصْطَنِعْنى‏، وَقَرِّبْنى‏ الَيْكَ وَ لاتُباعِدْنى‏ مِنْكَ، وَالْطُفْ بى‏ وَلا

و مرا سامان ده و (بر انجام فرامينت) پايبند گردان، و به درگاهت نزديك كن و از خود دورم مساز، و به من مهربانى كن و در حقّم‏

تَجْفُنى‏، وَاكْرِمْنى‏ وَلا تُهِنّى‏، وَ ما اسْئَلُكَ فَلا تَحْرِمْنى‏، وَما لا اسْئَلُكَ‏

جفا نكن، و مرا گرامى دار و خوارم مكن، و از آنچه از تو مى‏خواهم محرومم نفرما، و آنچه از تو درخواست نكرده‏ام‏

فَاجْمَعْهُ لى‏، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَاسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ‏

برايم مهيّا ساز، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان، و از تو مى‏خواهم به حُرمت ذات‏

الْكَريمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُرْمَةِ اهْلِ بَيْتِ‏

بخشنده‏ات و به حرمت پيامبرت محمّد- كه درود تو بر او و خاندان پاكش باد- و به حرمت خاندان‏

رَسُولِكَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِىٍّ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِىٍّ وَمُحَمَّدٍ

پيامبرت، امير مؤمنان على، و حسن و حسين و على و محمّد

وَجَعْفَرٍ وَمُوسى‏، وَعَلِىٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِىٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْخَلَفِ الْباقى‏

و جعفر و موسى، على و محمّد، على و حسن و جانشين پاينده‏

صَلَواتُكَ وَبَرَكاتُكَ عَلَيْهِمْ، انْ تُصَلِّىَ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، وَتُعَجِّلَ فَرَجَ‏

- كه درود و بركات تو بر آنان باد- (از تو مى‏خواهم) كه بر تمامى آنان درود فرستى و با فرمانت در فرج‏

قآئِمِهِمْ بِامْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْتَصِرَ بِهِ لِدينِكَ، وَتَجْعَلَنى‏ فى‏ جُمْلَةِ

قائم آنان تعجيل كنى، و او را يارى كن و دينت را به كمك او يارى ده و مرا در زمره نجات‏يافتگان به دست او

النَّاجينَ بِهِ، وَالْمُخْلِصينَ فى‏ طاعَتِهِ، وَاسْئَلُكَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لى‏

و خالصان در اطاعتش قرار ده، و به حقّ آنان از تو مى‏خواهم كه خواسته‏ام را اجابت‏

دَعْوَتى‏، وَقَضَيْتَ حاجَتى‏، وَاعْطَيْتَنى‏ سُؤْلى‏ وَأُمْنِيَّتى‏، وَكَفَيْتَنى‏ ما

نموده و حاجتم را برآورده سازى و درخواست و آرزويم را عطا نمايى و آنچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 490

اهَمَّنى‏ مِنْ امْرِ دُنْياىَ وَآخِرَتى‏، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا نُورُ يا بُرْهانُ، يا

از امور دنيا و آخرتم مرا به زحمت انداخته كفايت كنى، اى مهربان‏ترين مهربانان، اى نور، اى دليل قاطع، اى‏

مُنيرُ يا مُبينُ، يا رَبِّ اكْفِنى‏ شَرَّ الشُّرُورِ، وَآفاتِ الدُّهُورِ، وَاسْئَلُكَ‏

روشنى بخش، اى آشكاركننده، اى پروردگار من، مرا از شر اشرار و گزند روزگار حفظ كن، و از تو مى‏خواهم‏

النَّجاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِى الصُّورِ، سپس آنچه دوست دارى از خدا بخواه و اين دعا را زياد بگو: يا

رهايى (از دوزخ) را در روزى كه در صور دميده خواهد شد\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى‏

عُدَّتى‏ عِنْدَ الْعُدَدِ، وَيا رَجآئى‏ وَالْمُعْتَمَدَ، وَيا كَهْفى‏ وَالسَّنَدَ، يا واحِدُ يا

ذخيره‏ام در ميان ذخيره‏ها، و اى اميد و تكيه‏گاهم و اى پناهگاه و پشتيبانم، اى يگانه‏اى‏

احَدُ، وَيا قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ، اسْئَلُكَ الّلهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَمْ‏

يكتا، واى كه گفتى: «بگو خداوند يكتا و يگانه است»، خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ مخلوقات (برگزيده) از ميان آفريدگانت، كه‏

تَجْعَلْ فى‏ خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ احَداً، صَلِّ عَلى‏ جَماعَتِهِمْ، وَافْعَلْ بى‏ كَذا وَكَذا.

در ميان آنان كسانى را مانند ايشان قرار نداده‏اى، بر تمام آنان درود فرست و درباره من چنين و چنان كن.

و به جاى «

وافعل بى كذا و كذا

» حاجت خويش را بخواه، چرا كه روايت شده كه آن حضرت فرمود:

من از خداوند تقاضا كرده‏ام كسى را كه در روضه من اين دعا را بخواند، نااميد برنگرداند.[[612]](#footnote-612)

زيارت مخصوص امام حسن عسكرى عليه السلام:

«علّامه مجلسى» در «بحارالانوار» و «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» پس از نقل زيارت مزبور مى‏نويسند: هرگاه اراده كردى كه امام حسن عسكرى عليه السلام را زيارت كنى پس از انجام آنچه در زيارت امام هادى عليه السلام گذشت مقابل ضريح مقدّس امام عسكرى عليه السلام مى‏ايستى و مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، الْهادِىَ الْمُهْتَدِى‏

سلام بر تو اى مولاى من اى ابا محمّد، حسن بن على، اى هدايتگر هدايت يافته‏

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ وَابْنَ اوْلِيآئِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى ولىّ خدا و فرزند اوليايش، سلام بر تو

يا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَجِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِىَّ اللَّهِ وَابْنَ اصْفِيآئِهِ،

اى حجّت خدا و فرزند حجّتهايش (بر مخلوقات)، سلام بر تو اى برگزيده خدا و فرزند برگزيدگانش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 491

السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفآئِهِ وَابا خَليفَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

سلام بر تو اى جانشين خدا (در زمين) و فرزند جانشينانش و پدر جانشينش، سلام بر تو اى فرزند

خاتَمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

خاتم پيامبران، سلام بر تو اى فرزند آقا و سرور جانشينان، سلام بر تو اى فرزند

اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

اميرمؤمنان، سلام بر تو اى فرزند سرور بانوان جهانيان، سلام بر تو

يَابْنَ الْأَئِمَّةِ الْهادينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْأَوْصِيآءِ الرَّاشِدينَ، السَّلامُ‏

اى فرزند امامان هدايتگر، سلام بر تو اى فرزند جانشينان رشد يافته، سلام‏

عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْمُتَّقينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امامَ الْفآئِزينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر تو اى عصمت پرهيزكاران، سلام بر تو اى پيشواى رستگاران، سلام بر تو

يا رُكْنَ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا فَرَجَ الْمَلْهُوفينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

اى تكيه‏گاه مؤمنان، سلام بر تو اى مايه آرامش غمزدگان، سلام بر تو اى‏

وارِثَ الْأَنْبِيآءِ الْمُنْتَجَبينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خازِنَ عِلْمِ وَصِىِّ رَسُولِ‏

وارث پيامبران برگزيده، و سلام بر تو اى گنجينه دانش جانشين رسول‏

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الدَّاعى‏ بِحُكْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا النَّاطِقُ‏

خدا، سلام بر تو اى دعوت كننده به حكم خدا، سلام بر تو اى گويا

بِكِتابِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ الْحُجَجِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا هادِىَ‏

به كتاب خدا، سلام بر تو اى حجّت حجّتها (ى خدا)، سلام بر تو اى راهنماى‏

الْأُمَمِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ النِّعَمِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْبَةَ الْعِلْمِ،

امّتها، سلام بر تو اى صاحب نعمتها، سلام بر تو اى جايگاه دانش‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفينَةَ الْحِلْمِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابَا الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ،

سلام بر تو اى كشتى شكيبايى، سلام بر تو اى پدر امامى كه انتظارش كشيده مى‏شود

الظَّاهِرَةِ لِلْعاقِلِ حُجَّتُهُ، وَالثَّابِتَةِ فِى الْيَقينِ مَعْرِفَتُهُ، الْمُحْتَجَبِ عَنْ اعْيُنِ‏

آن كه حجّتش بر خردمندان آشكار است، و شناختش به يقين ثابت است، آن كه از ديدگان ستمگران‏

الظَّالِمينَ، وَالْمُغَيَّبِ عَنْ دَوْلَةِ الْفاسِقينَ، وَالْمُعيدِ رَبُّنا بِهِ الْإِسْلامَ جَديداً

پنهان و از حكومت بدكاران ناپيداست، و پروردگار ما به وسيله او اسلام را بعد از ضعيف شدن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 492

بَعْدَ الْإِنْطِماسِ، وَالْقُرْآنَ غَضّاً بَعْدَ الْإِنْدِراسِ، اشْهَدُ يامَوْلاىَ انَّكَ اقَمْتَ‏

تجديد حيات كرده، و قرآن را بعد از فراموشى يادآورى مى‏كند، گواهى مى‏دهم اى مولاى من كه تو به يقين نماز را

الصّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

بپا داشته و زكات دادى و امر به معروف و نهى از منكر كرده‏

وَدَعَوْتَ الى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ‏

و با دانش و پند نيكو به راه پروردگارت دعوت نمودى و خدا را

مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، اسْئَلُ اللَّهَ بِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَكُمْ عِنْدَهُ، انْ يَتَقَبَّلَ‏

خالصانه عبادت كردى تا زمان وفاتت فرا رسيد، از خدا مى‏خواهم به حق جايگاهى كه نزد او داريد، زيارتم از

زِيارَتى‏ لَكُمْ، وَيَشْكُرَ سَعْيى‏ الَيْكُمْ، وَيَسْتَجيبَ دُعائى‏ بِكُمْ، وَيَجْعَلَنى‏

شما را بپذيرد و تلاشم در رسيدن به درگاهتان را پاداش داده و دعايم را به واسطه شما اجابت كند، و مرا از

مِنْ انْصارِ الْحَقِّ وَاتْباعِهِ، وَ اشْياعِهِ وَ مَواليهِ وَ مُحِبّيهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ‏

ياوران و تابعين و پيروان و دوستان و دوستداران حق قرار دهد و سلام و رحمت و

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ\* آنگاه ضريح را مى‏بوسى و طرف راست صورت و سپس طرف چپ را بر بركات خدا بر تو باد،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

روى آن مى‏گذارى و مى‏گويى: اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا درود فرست بر آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاكش، و درود فرست‏

عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ الْهادى‏ الى‏ دينِكَ، وَ الدَّاعى‏ الى‏ سَبيلِكَ، عَلَمِ‏

بر حسن بن على، آن راهنماى دينت و دعوت كننده به راهت، نشانه‏

الْهُدى‏، وَ مَنارِ التُّقى‏، وَ مَعْدِنِ الْحِجى‏، وَ ماْوَى النُّهى‏، وَ غَيْثِ الْوَرى‏،

هدايت و پرهيزكارى، و معدن عقل و جايگاه خرد و باران (رحمت) بر خلق‏

وَسَحابِ الْحِكْمَةِ، وَبَحْرِالْمَوْعِظَةِ، وَ وارِثِ الْأَئِمَّةِ، وَ الشَّهيدِ عَلىَ الْأُمَّةِ،

و ابر دانش و درياى موعظه و وارث امامان و گواه بر امّت‏

الْمَعْصُومِ الْمُهَذَّبِ، وَ الْفاضِلِ الْمُقَرَّبِ، وَ الْمُطَهَّرِ مِنَ الرِّجْسِ، الَّذى‏

و معصوم و پاكيزه و بافضيلت و مقرّب خدا، و پاك از هر پليدى، كه‏

وَرَّثْتَهُ عِلْمَ الْكِتابِ، وَ الْهَمْتَهُ فَصْلَ الْخِطابِ، وَ نَصَبْتَهُ عَلَماً لِأَهْلِ‏

او را وارث علم كتاب (و آگاهى بر قرآن) قرار دادى، و داورى عادلانه را به او الهام كردى، و او را نشانه‏اى براى (راهنمايى) مسلمانان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 493

قِبْلَتِكَ، وَ قَرَنْتَ طاعَتَهُ بِطاعَتِكَ، وَفَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ عَلى‏ جَميعِ خَليقَتِكَ،

قرار دادى، و اطاعت از او را به اطاعت خويش مقرون ساختى، و دوستيش را بر تمامى آفريدگانت واجب ساختى‏

اللهُمَّ فَكَما انابَ بِحُسْنِ الْإِخْلاصِ فى‏ تَوْحيدِكَ، وَارْدى‏ مَنْ خاضَ‏

خدايا، پس همان گونه كه با اخلاص نيكو در يكتاپرستيت به سوى تو بازگشت و كسانى را كه براى تو شبيه قرار دادند

فى‏ تَشْبيهِكَ، وَحامى‏ عَنْ اهْلِ الْإيمانِ بِكَ، فَصَلِّ يا رَبِّ عَلَيْهِ صَلاةً

را هلاك ساخت، و از كسانى كه به تو ايمان داشتند حمايت نمود، پس اى پروردگار من بر او درودى فرست كه او را

يَلْحَقُ بِها مَحَلَّ الْخاشِعينَ، وَيَعْلُو فِى الْجَنَّةِ بِدَرَجَةِ جَدِّهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ،

به جايگاه خاشعان ملحق كند، و او را در بهشت تا رتبه جدّش خاتم پيامبران بالا برد

وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ فى‏ مُوالاتِهِ فَضْلًا وَاحْساناً،

و از جانب ما درود و سلامى به او برسان و از نزد خودت به واسطه دوستى او به ما لطف و احسان‏

وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً، انَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظيمٍ، وَمَنٍّ جَسيمٍ.

و آمرزش و خوشنوديت را ببخش چرا كه تو صاحب بخشش با عظمت و نعمت بزرگى.

آنگاه نماز زيارت بجاى مى‏آورى و پس از سلام نماز مى‏گويى:

يا دآئِمُ يا دَيْمُومُ، يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا كاشِفَ الْكَرْبِ وَالْهَمِّ، وَيا فارِجَ‏

اى پاينده و اى جاودان، اى زنده‏اى پايدار، اى برطرف كننده گرفتارى و غصّه، و اى زداينده‏

الْغَمِّ، وَيا باعِثَ الرُّسُلِ، وَيا صادِقَ الْوَعْدِ، وَيا حَىُّ لا الهَ الَّا انْتَ،

اندوه، و اى مبعوث كننده رسولان، و اى كسى كه وعده‏هايت راست است، و اى زنده‏اى كه معبودى جز تو نيست‏

اتَوَسَّلُ الَيْكَ بِحَبيبِكَ مُحَمَّدٍ، وَوَصِيِّهِ عَلِىٍّ ابْنِ عَمِّهِ، وَصِهْرِهِ عَلَى ابْنَتِهِ،

به تو متوسّل مى‏شوم به واسطه دوستدارت محمّد و على جانشين و پسر عمو و همسر دخترش‏

الَّذى‏ خَتَمْتَ بِهِمَا الشَّرايِعَ، وَفَتَحْتَ بِهِمَا التَّاْويلَ وَالطَّلايِعَ، فَصَلِ‏

همان بزرگوارانى كه اديان را به واسطه آن دو ختم نمودى و تأويل و اسرار آيات را گشودى، پس‏

عَلَيْهِما صَلاةً يَشْهَدُ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ، وَيَنْجُو بِهَا الْأَوْلِيآءُ

بر آن دو درودى فرست كه پيشينيان و پسينيان به آن گواهى دهند و به وسيله آن دوستداران‏

وَالصَّالِحُونَ، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ بِفاطِمَةَ الزَّهْرآءِ والِدَةِ الْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيّينَ،

و شايستگان نجات يابند، و به تو متوسّل مى‏شوم به واسطه فاطمه زهرا مادر امامان هدايتگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 494

وَسَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، الْمُشَفَّعَةِ فى‏ شيعَةِ اوْلادِهَا الطَّيِّبينَ، فَصَلِّ عَلَيْها

و سرور بانوان جهانيان، آن كه شيعيان فرزندان پاكش را شفاعت مى‏كند، پس درود فرست بر او

صَلاةً دآئِمَةً ابَدَ الْأبِدينَ، وَدَهْرَ الدَّاهِرينَ، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ بِالْحَسَنِ‏

درودى دائمى و هميشگى و در طول روزگاران و به تو متوسّل مى‏شوم به واسطه حسن‏

الرَّضِىِّ الطَّاهِرِ الزَّكِىِّ، وَالْحُسَينِ الْمَظْلُومِ الْمَرْضِىِّ الْبَرِّ التَّقِىِّ، سَيِّدَىْ‏

آن (امام) پسنديده پاك و پاكيزه، و حسين مظلوم آن (امام) پسنديده نيكوكار و پرهيزكار، دو آقا و سرور

شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ، الْإِمامَيْنِ الْخَيِّرَيْنِ، الطَّيِّبَيْنِ التَّقِيَّيْنِ، النَّقِيَّيْنِ‏

جوانان بهشت، آن دو امام نيكوكار و پاك و پرهيزكار و پاكيزه‏

الطَّاهِرَيْنِ، الشَّهيدَيْنِ الْمَظْلُومَيْنِ الْمَقْتُولَيْنِ، فَصَلِّ عَلَيْهِما ما طَلَعَتْ‏

و پاكدامن، آن دو شهيد مظلوم و كشته شده (در راه خدا) پس مادامى كه خورشيد طلوع و غروب‏

شَمْسٌ وَما غَرَبَتْ، صَلاةً مُتَوالِيَةً مُتَتالِيَةً، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ بِعَلِىِّ بْنِ‏

مى‏كند بر آن دو درود فرست، درودى پيوسته و پى در پى، و به متوسّل مى‏شوم به واسطه على بن‏

الْحُسَيْنِ سَيِّدِالْعابِدينَ، الْمَحْجُوبِ مِنْ خَوْفِ الظَّالِمينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ‏

حسين آقا و سرور عبادت كنندگان، پرده‏نشين از خطر ستمكاران، و به واسطه محمّد فرزند

عَلِىٍّ الْباقِرِ الطَّاهِرِ، النُّورِ الزَّاهِرِ، الْإِمامَيْنِ السَّيِّدَيْنِ، مِفْتاحَىِ الْبَرَكاتِ،

على، امام باقر پاكدامن و نور تابان، همان دو امام و آقا و سرور و كليد بركت‏

وَمِصْباحَىِ الظُّلُماتِ، فَصَلِّ عَلَيْهِما ما سَرى‏ لَيْلٌ وَما اضآءَ نَهارٌ، صَلاةً

و چراغ تاريكيها، پس مادامى كه شب و روز باقيست بر آن دو درود فرست درودى‏

تَغْدُو وَتَرُوحُ، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ، وَالنَّاطِقِ‏

در طول صبح و شام، و به تو متوسّل مى‏شوم به واسطه جعفر بن محمّد راستگوى از جانب خدا، و گويا

فى‏ عِلْمِ اللَّهِ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فى‏ نَفْسِهِ، وَالْوَصِىِ‏

به علم خدا، و به وسيله موسى بن جعفر آن بنده صالح و شايسته، و جانشين‏

النَّاصِحِ، الْإِمامَيْنِ الْهادِيَيْنِ الْمَهْدِيَّيْنِ، الْوافِيَيْنِ الْكافِيَيْنِ، فَصَلِّ عَلَيْهِما

خيرخواه، دو امام هدايتگر هدايت‏يافته و وفادار و كفايت كننده، پس مادامى كه‏

ما سَبَّحَ لَكَ مَلَكٌ، وَتَحَرَّكَ لَكَ فَلَكٌ، صَلاةً تُنْمى‏ وَتَزيدُ، وَلا تَفْنى‏ وَلا

ملكى تسبيح تو مى‏گويد و چرخ گردون در چرخش است بر آن دو درود فرست، درودى كه رشد يافته و فزون گردد و فنا نپذيرد و

كليات مفاتيح نوين، ص: 495

تَبيدُ، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ بِعَلِىِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا، وَبِمُحَّمَدِ بْنِ عَلِىٍّ الْمُرْتَضَى،

نابود نگردد، و به تو متوسّل مى‏شوم بواسطه على بن موسى الرضا و محمّد بن على امام پسنديده‏

الْإِمامَيْنِ الْمُطَهَّرَيْنِ الْمُنْتَجَبَيْنِ، فَصَلِّ عَلَيْهِما ما اضآءَ صُبْحٌ وَدامَ،

آن دو امام پاك و برگزيده، پس مادامى كه روز روشن و پايدار است بر آن دو درود فرست‏

صَلاةً تُرَقّيهِما الى‏ رِضْوانِكَ فِى الْعِلِّيّينَ مِنْ جِنانِكَ، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ بِعَلىِ‏

درودى كه آن دو را در درجات عالى بهشتت به سوى خوشنوديت بالا برد، و به تو متوسّل مى‏شوم به واسطه على‏

بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ الْهادِى، الْقآئِمَيْنِ بِامْرِ عِبادِكَ،

بن محمّد آن امام رشد يافته و حسن بن على امام هادى، آن دو امام قيام كننده به (اصلاح) امور بندگان‏

الْمُخْتَبَرَيْنِ بِالْمِحَنِ الْهايِلَةِ، وَالصَّابِرَيْنِ فِى الْإِحَنِ الْمائِلَةِ، فَصَلِ‏

و آزموده شده با گرفتاريهاى خوفناك و شكيبا در برابر كينه‏هاى كهنه، پس‏

عَلَيْهِما كِفآءَ اجْرِ الصَّابِرينَ، وَازآءَ ثَوابِ الْفآئِزينَ، صَلاةً تُمَهِّدُ لَهُمَا

به اندازه پاداش صابران و ثواب رستگاران بر آن دو درود فرست، درودى كه بلندمرتبگى را براى آن دو

الرِّفْعَةَ، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ يا رَبِّ بِامامِنا، وَمُحَقِّقِ زَمانِنَا، الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ،

ميسّر كند، و به تو متوسّل مى‏شوم اى پروردگار من به واسطه پيشوايمان و محقّق كننده (وعده خدا) در زمان ما در روزى كه وعده داده شده‏

وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ، وَالنُّورِ الْأَزْهَرِ، وَالْضِّيآءِ الْأَنْوَرِ، الْمَنْصُورِ بِالرُّعْبِ،

و گواه گواهى شده و نور تابان، و روشنايى فروزان، آن يارى شده با ايجاد ترس (در دل دشمنان)

وَالْمُظَفَّرِ بِالسَّعادَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ عَدَدَ الثَّمَرِ، وَاوْراقِ الشَّجَرِ، وَاجْزآءِ

و پيروز و سعادتمند پس بر او درود فرست به تعداد ميوه‏ها و برگهاى درختان‏

الْمَدَرِ، وَعَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، وَعَدَدَ ما احاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَاحْصاهُ كِتابُكَ،

و ريگها و به تعداد هر نخ مو و پشم و به تعداد آنچه علمت به آن احاطه دارد و كتابت شمارش نموده است‏

صَلاةً يَغْبِطُهُ بِها الْأَوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ، اللهُمَّ وَاحْشُرْنا فى‏ زُمْرَتِهِ،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص495**

درودى كه پيشينيان و پسينيان به آن غبطه خورند، خدايا ما را در گروه او محشور كن‏

وَاحْفَظْنا عَلى‏ طاعَتِهِ، وَاحْرُسْنا بِدَوْلَتِهِ، وَاتْحِفْنا بِوِلايَتِهِ، وَانْصُرْنا عَلى‏

و بر اطاعتش ثابت دار و با حكومت او ما را حفظ كن و به ولايتش پاداش ده، ما را به عزّت او

اعْدآئِنا بِعِزَّتِهِ، وَاجْعَلْنا يا رَبِّ مِنَ التَّوَّابينَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَ‏

بر دشمنانمان يارى كن و اى پروردگار من ما را از توبه‏كنندگان قرار ده اى مهربانترين مهربانان، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 496

وَانَّ ابْليسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعينَ، قَد اسْتَنْظَرَكَ لِإِغْوآءِ خَلْقِكَ فَانْظَرْتَهُ،

شيطان سركش ملعون براى فريب مخلوقات از تو فرصت خواست و تو او را فرصت دادى‏

وَاسْتَمْهَلَكَ لِإِضْلالِ عَبيدِكَ فَأمْهَلْتَهُ، بِسابِقِ عِلْمِكَ فيهِ، وَقَدْ عَشَّشَ‏

و براى گمراه كردن بندگانت مهلت خواست و با وجود سابقه آگاهيت در مورد او مهلتش دادى، اينك شيطان ريشه دوانده‏

وَكَثُرَتْ جُنُودُهُ، وَازْدَحَمَتْ جُيُوشُهُ، وَانْتَشَرَتْ دُعاتُهُ فى‏ اقْطارِ

و لشكريانش زياد شده و سپاهيانش فراوان گشته و مبلّغانش در پهنه زمين گسترش‏

الْأَرْضِ، فَاضَلُّوا عِبادَكَ، وَافْسَدُوا دينَكَ، وَحَرَّفُوا الْكَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ،

يافته‏اند، پس بندگانت را گمراه كرده و دينت را فاسد نمودند، و سخنان (تو) را تحريف كردند

وَجَعَلُوا عِبادَكَ شِيَعاً مُتَفَرِّقينَ، وَاحْزاباً مُتَمَرِّدينَ، وَقَدْ وَعَدْتَ نَقْضَ‏

و بندگانت را به صورت گروههاى متفرّق و دسته‏هاى سركش قرار دادند، و تو شكستن بنيانش‏

بُنْيانِهِ، وَتَمْزيقَ شَاْنِهِ، فَاهْلِكْ اوْلادَهُ وَجُيُوشَهُ، وَطَهِّرْ بِلادَكَ مِنِ‏

و از هم پاشيدن مقامش را وعده نمودى، پس فرزندان و لشكريانش را نابود گردان و شهرهايت را از

اخْتِراعاتِهِ وَاخْتِلافاتِهِ، وَارِحْ عِبادَكَ مِنْ مَذاهِبِهِ وَقِياساتِهِ، وَاجْعَلْ‏

بدعتها و اختلافهايش پاك نما، و بندگانت را از آيين افكارش راحت كن،

دآئِرَةَ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ، وَابْسُطْ عَدْلَكَ، وَاظْهِرْ دينَكَ، وَقَوِّ اوْلِيآئَكَ،

و حوادث بد را برايشان قرار ده، و عدالت را بگستران و دينت را آشكار كن و دوستانت را تقويت‏

وَاوْهِنْ اعْدآئَكَ، وَاوْرِثْ دِيارَ ابْليسَ وَدِيارَ اوْلِيآئِهِ اوْلِيآئَكَ، وَخَلِّدْهُمْ‏

و دشمنانت را خوار كن، و دوستدارانت را وارث شهرهاى شيطان و دوستانش قرار ده، و آنها را در دوزخ‏

فِى الْجَحيمِ، وَاذِقْهُمْ مِنْ الْعَذابِ الْأَليمِ، وَاجْعَلْ لَعآئِنَكَ الْمُسْتَوْدَعَةَ فى‏

جاودانه گردان، و از عذاب دردناك به آنها بچشان، و نفرينهايى كه در رخدادهاى منحوس خلقت به وديعه گذاشته‏اى‏

مَناحِسِ الْخِلْقَةِ، وَمَشاويهِ الْفِطْرَةِ، دآئِرَةً عَلَيْهِمْ، وَمُوَكَّلَةً بِهِمْ، وَجارِيَةً

بر آنان قرار ده، در حالى كه آنها را فرا گيرد و بر آنان گماشته شود

فيهِمْ كُلَّ مَسآءٍ وَصباحٍ، وَغُدُوٍّ وَرَواحٍ، رَبَّنا آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِى‏

و شامگاهان و صبحگاهان و بامداد و عصر بر آنها فرود آيد، پروردگارا، به ما در دنيا نيكى كن و در

الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النَّارِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

آخرت نيز نيكى مرحمت فرما و به رحمتت ما را از عذاب دوزخ نگاه دار، اى مهربانترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 497

آنگاه آنچه را براى خود و برادرانت دوست دارى از خدا طلب كن.[[613]](#footnote-613)

زيارت نرجس خاتون مادر مكرّمه حضرت حجّت عليه السلام:

در ادامه زيارت امام عسكرى عليه السلام «سيّد بن طاووس» مى‏نويسد: آنگاه زيارت مى‏كنى مادر حضرت قائم (ارواحنا فداه) را كه قبرش پشت ضريح امام حسن عسكرى عليه السلام واقع شده است و مى‏گويى:

السَّلامُ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ الْأَمينِ، السَّلامُ‏

سلام بر رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان راست گفتار و امينش باد- سلام‏

عَلى‏ مَوْلانا اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرينَ، الْحُجَجِ‏

بر مولاى ما امير مؤمنان، سلام بر امامان پاكيزه، آن حجتهاى‏

الْمَيامينِ، السَّلامُ عَلى‏ والِدَةِ الْإِمامِ، وَالْمُودَعَةِ اسْرارَ الْمَلِكِ الْعَلّامِ،

مبارك، سلام بر مادر امام و امانتدار اسرار خداوند، آن فرمانرواى بسيار دانا

وَالْحامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنامِ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الصِّدّيقَةُ الْمَرضِيَّةُ، السَّلامُ‏

و باردار به گرامى‏ترين مخلوقات، سلام بر تو اى راست‏گفتار پسنديده، سلام‏

عَلَيْكِ يا شَبيهَةَ امِّ مُوسى‏، وَابْنَةَ حَوارِىِّ عيسى‏، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا

بر تو اى همانند مادر موسى و اى دختر پيروان حضرت عيسى، سلام بر تو اى‏

التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا

پرهيزكار پاكيزه، سلام بر تو اى كه تو از خدا راضى و خدا از تو راضى است، سلام بر تو اى‏

اْلمَنْعُوتَةُ فِى الْإِنْجيلِ، الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ‏اللَّهِ الْأَمينِ، وَمَنْ رَغِبَ فى‏

توصيف شده در انجيل، و خواستگارى شده از جانب (عيسى) روح اللَّه امين و آن كه علاقمند به‏

وُصْلَتِها مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ اسْرارَ رَبِّ الْعالَمينَ،

وصلت او بود محمّد آقا و سرور فرستادگان و امانتدار اسرار پروردگار جهانيان‏

السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلى‏ آبآئِكِ الْحَوارِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلى‏ بَعْلِكِ‏

سلام بر تو و بر پدران حواريت، سلام بر تو و بر همسر

وَوَلَدِكِ، السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلى‏ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ الطَّاهِرِ، اشْهَدُ انَّكِ احْسَنْتِ‏

و فرزندت، سلام بر تو و بر روح و بدن پاكيزه‏ات، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين نيكو

كليات مفاتيح نوين، ص: 498

الْكَفالَةَ، وَادَّيْتِ‏الْأَمانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فى‏ مَرْضاتِ‏اللَّهِ، وَصَبَرْتِ‏فى‏ذاتِ‏اللَّهِ،

سرپرستى نموده و حقى كه بر عهده داشتى ادا كردى و در جلب خشنودى خدا كوشيده، و در راه خدا شكيبايى نمودى‏

وَحَفِظْتِ سِرَّاللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِىَّ اللَّهِ، وَبالَغْتِ فى‏ حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ، وَرَغِبْتِ‏

و راز خدا را حفظ كرده و ولىّ خدا را در دل پروراندى و در حفظ حجّت خدا كوشيدى، و به‏

فى‏ وُصْلَةِ ابْنآءِ رَسُولِ‏اللَّهِ، عارِفَةً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةً

پيوند با فرزندان رسول خدا علاقمند شدى، در حالى كه آشناى به حقّشان، مؤمن به راستگويى آنان، اعتراف كننده‏

بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً بِامْرِهِمْ، مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ، مُؤْثِرَةً هَواهُمْ، وَاشْهَدُ

به جايگاهشان و آگاه به كار آنان، مهربان بر آنان، ترجيح دهنده ميل آنان برخودت بودى، و گواهى مى‏دهم‏

انَّكِ مَضَيْتِ عَلى‏ بَصيرَةٍ مِنْ امْرِكِ، مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحينَ، راضِيَةً مَرْضِيَّةً،

كه تو به يقين عمرت را با آگاهى بر كارت سپرى كردى در حالى كه به شايستگان اقتدا نمودى و خوشنود و پسنديده‏

تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِىَ اللَّهُ عَنْكِ وَارْضاكِ، وَجَعَلَ اْلجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَمَاْويكِ،

و پرهيزكار و پاكيزه و پاك بودى، پس خدا از تو خشنود گردد و تو را راضى كند و بهشت را منزل و جايگاهت قرار دهد

فَلَقَدْ اوْلاكِ مِنَ الْخَيْراتِ ما اوْلاكِ، وَاعْطاكِ مِنَ الشَّرَفِ ما بِهِ اغْناكِ،

و از خيرات آنچه تو شايسته آنى به تو عطا كند، و از شرافت به اندازه بى‏نيازى به تو عطا كند

فَهَنَّاكِ اللَّهُ بِما مَنَحَكِ مِنَ الْكَرامَةِ وَامْرَاكِ\* آنگاه سر را به سوى آسمان بالا مى‏برى و پس خداوند آنچه از كرامت به تو عطا نموده گوارايت كند و برايت سودمند گرداند\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏گويى: اللهُمَّ ايَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَلِرِضاكَ طَلَبْتُ، وَبِاوْلِيآئِكَ الَيْكَ تَوَسَّلْتُ،

\*\*\* خدايا به تو اعتماد نموده و خشنوديت را خواهانم، و به واسطه اوليايت به تو متوسّل مى‏شوم‏

وَعَلى‏ غُفْرانِكَ وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ امِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ،

و بر بخشش و حلمت توكّل مى‏كنم و به تو پناهنده‏ام، و به قبر مادر وليّت روى آورده‏ام‏

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْفَعْنى‏ بِزِيارَتِها، وَثَبِّتْنى‏ عَلى‏ مَحَبَّتِها،

پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و زيارتش را برايم سودمند گردان و بر دوستيش ثابت‏قدم بدار

وَلا تَحْرِمْنى‏ شَفاعَتَها وَشَفاعَةَ وَلَدِها، وَارْزُقْنى‏ مُرافَقَتَها، وَاحْشُرْنى‏

و از شفاعت او و فرزندش محرومم مساز و دوستى و محبّتش را روزيم كن و با او

مَعَها وَمَعَ وَلَدِها، كَما وَفَّقْتَنى‏ لِزِيارَةِ وَلَدِها وَ زِيارَتِها، اللهُمَّ انّى‏ اتَوَجَّهُ‏

و فرزندش محشورم گردان، همان گونه كه به زيارت او و فرزندش موفّقم داشتى، خدايا به واسطه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 499

الَيْكَ بِالْأَئِمَّةِ الطَّاهِرينَ، وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمَيامينِ مِنْ آلِ طه‏

امامان پاك نهاد به درگاهت رو نموده و به واسطه حجّتهاى مبارك از آل طه و ياسين به تو متوسّل‏

وَيس‏، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ، وَ انْ تَجْعَلَنى‏ مِنَ‏

مى‏شوم، كه بر محمد و خاندان پاكش درود فرستى، و مرا از

الْمُطْمَئِنّينَ الْفآئِزينَ الْفَرِحينَ الْمُسْتَبْشِرينَ، الَّذينَ لاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاهُمْ‏

اميدواران و رستگاران شادمان و خوشحال قرار دهى، آنانى كه نه ترسى به آنهاست و نه اندوهگين‏

يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنى‏ مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ، وَيَسَّرْتَ امْرَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ،

مى‏شوند، و مرا از كسانى قرار ده كه كوشش او را پذيرفته و كارش را آسان ساخته‏اى و اندوهش را برطرف‏

وَآمَنْتَ خَوْفَهُ، اللهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

و ترسش را ايمن گردانده‏اى، خدايا به حقّ محمّد و خاندان پاكش، بر محمّد و خاندان پاكش درود

مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لَهُمْ بِانْتِقامِكَ، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتى‏ ايَّاها،

فرست، و در گرفتن انتقامشان تعجيل فرما و اين زيارتم را آخرين زيارت از او قرار مده‏

وَاْرزُقْنى‏ الْعَوْدَ الَيْها ابَداً ماابْقَيْتَنى‏، وَ اذا تَوَفَّيْتَنى‏ فَاحْشُرْنى‏ فى‏ زُمْرَتِها،

و مادامى كه زنده‏ام بازگشت براى زيارت او را روزيم كن، و بعد از مردنم در گروه او محشورم گردان‏

وَادْخِلْنى‏ فى‏ شَفاعَةِ وَلَدِها وَ شَفَاعَتِها، وَاغْفِرْ لى‏ وَ لِوالِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنينَ‏

و مرا در شفاعت او و فرزندش داخل كن، و من و پدر و مادرم و تمامى مردان و زنان با ايمان را

وَ الْمُؤْمِناتِ، وَ آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا بِرَحْمَتِكَ‏

بيامرز و به ما در دنيا نيكى عطا كن و در آخرت نيز نيكى عطا فرما و به رحمتت ما را از عذاب دوزخ‏

عَذابَ النَّارِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا ساداتى‏ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.[[614]](#footnote-614)

نگاه دار، و درود و رحمت و بركات خدا بر شما باد اى سروران من.

زيارت حكيمه خاتون:

حكيمه خاتون دختر امام جواد عليه السلام (خواهر امام هادى و عمّه امام حسن عسكرى عليهما السلام) است كه قبر شريفش پايين پاى عسكريّين و چسبيده به ضريح آن دو بزرگوار است و مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد: نمى‏دانم با آن‏كه فضل و جلالت اين بانو، ظهور يافته و او از خواصّ و اصحاب سرّ ائمّه عليهم السلام بوده و

كليات مفاتيح نوين، ص: 500

مادر حضرت مهدى (سلام‏اللَّه عليه) يعنى نرجس خاتون، نزد اين بانو بوده و آن مخدّره، هنگام ولادت حضرت حجّت، حضور داشته و پيوسته آن بزرگوار (مهدى عليه السلام) را در زمان حيات امام حسن عسكرى عليه السلام مى‏ديده و از سُفرا و وسائط بعد از وفات امام عسكرى عليه السلام بوده، در عين حال زيارتى براى آن كريمه عالمه و فاضله نجيبه و تقيّه رضيّه، ذكر نشده است. سپس مى‏نويسد: سزاوار است زيارت كردن آن بانو به آنچه كه بر زبان جارى شود و هماهنگ با فضل و شأنش باشد.[[615]](#footnote-615) بر همين اساس، مرحوم محدّث قمى در «مفاتيح الجنان» مى‏گويد: سزاوار است زيارت آن مخدّره با الفاظى كه در زيارت اولاد ائمّه عليهم السلام نقل مى‏شود، و يا زيارت كنند او را با زيارتى كه درباره عمّه مكرّمه‏اش حضرت معصومه (دختر گرامى موسى بن جعفر عليهما السلام) خواهد آمد، و به اعتقاد ما انتخاب زيارت اخير بهتر است.

زيارت دو امامزاده سيّد محمّد و سيّد حسين عليهما السلام:

معروف است كه نزد قبر عسكريّين عليهما السلام عدّه‏اى از سادات بزرگ دفن شده‏اند كه از آن جمله است حسين پسر امام هادى عليه السلام. مرحوم محدّث قمى رحمه الله مى‏نويسد: گرچه از احوال اين سيّد بزرگوار اطّلاعى نيافته‏ام ليكن از بعضى از روايات استفاده مى‏شود كه از مولاى ما امام حسن عسكرى عليه السلام و برادرش حسين بن على الهادى، تعبير به «سبطين» مى‏شده و اين دو برادر را به اجدادشان دو سبط رسول گرامى، حسن و حسين عليهما السلام تشبيه مى‏نمودند، و نيز در روايت‏[[616]](#footnote-616) ابوالطيّب آمده است كه صداى حضرت حجّت عليه السلام به صداى عمويش حسين شباهت داشت. همچنين در «شجرة الاولياء» تأليف عالم بزرگوار، «سيّد احمد اردكانى يزدى» در مقام ذكر اولاد امام هادى عليه السلام آمده است كه حسين فرزند آن حضرت از زهّاد و عبّاد و از پيروان برادر خود امام عسكرى عليه السلام بود.

از مجموع اين نكات به دست مى‏آيد كه اين بزرگوار سيّدى جليل‏القدر و عظيم‏الشأن است.

امامزاده معروف ديگر سيد محمّد فرزند ديگر امام هادى عليه السلام است كه مزار مشهورى در نزديكى سامرّا دارد و به جلالت شأن و بروز كرامات معروف است؛ عموم مردم به زيارتش مى‏روند و نذرها و هداياى بسيار به آن جا مى‏برند و به وسيله او از خدا حاجت مى‏طلبند، و اعراب آن حدود، از آن بزرگوار حساب مى‏برند و كرامات بسيارى از او نقل شده است.

در جلالت قدر آن جناب همين بس كه فرزند بزرگ امام هادى عليه السلام بود و برادر بزرگوارش امام حسن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 501

عسكرى عليه السلام در فوت او گريبان چاك كرد، و بزرگان علما اعتقاد زيادى به آن حضرت داشته‏اند و دارند و لذا شيخ بزرگوار «حاجى نورى» (نورّاللَّه مرقده)، در تعمير بقعه و ضريح مباركش سعى و تلاش بسيار كرد.

زيارت وداع عسكريّين:

هرگاه خواستى با امام هادى و امام عسكرى عليهما السلام وداع كنى نزد قبر مطهّر آن دو بزرگوار بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّىِ اللَّهِ، اسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَاقْرَءُ عَلَيْكُمَا السَّلامَ، آمَنَّا

سلام بر شما اى دو ولىّ خدا، شما را به خدا مى‏سپارم و بر شما درود مى‏فرستم،

بِاللَّهِ وَبِالرَّسوُلِ وَبِما جِئْتُما بِهِ، وَدَلَلْتُما عَلَيْهِ، اللهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ.

به خدا و رسولش و به آنچه شما آورده و به آن راهنمايى نموده‏ايد ايمان داريم، خدايا ما را در زمره گواهان ثبت فرما.

آنگاه از خداوند توفيق بازگشت مجدّد به زيارت آن دو بزرگوار را مسألت نما و به آنچه دوست داشتى دعا كن كه ان‏شاء الله برآورده خواهد شد.[[617]](#footnote-617)

كليات مفاتيح نوين، ص: 502

فصل نهم: زيارت حضرت صاحب الامر عليه السلام‏

قبل از بيان اين زيارت يادآورى دو نكته لازم است:

1- سرداب مقدّس كجاست؟

مرحوم محدّث قمى در «مفاتيح الجنان» مى‏گويد: آنچه به عنوان سرداب مطهّر حضرت حجّت عليه السلام گفته مى‏شود همان سرداب داخل خانه امام حسن عسكرى عليه السلام است كه قبل از بناى جديد و ساختن قبّه و حرم براى قبر عسكريّين، راه ورود در آن سرداب در طرف پشت قبر مطهّر عسكريّين، يعنى نزديك قبر نرجس خاتون قرار داشت كه به مقياس وضعيّت فعلى، ممكن است در قسمت رواق فعلى واقع شده باشد.

اين راه بود كه با پايين رفتن از پله آن و سپس گذشتن از دالان به در سرداب غيبت مى‏رسيدند كه در آن آيينه‏كارى شده و پنجره آن از طرف قبله، به صحن عسكريّين باز مى‏شود.

2- زمان زيارت حضرت‏

در فصل زيارت ائمّه بقيع عليهم السلام گذشت كه از روايت سليمان بن عيسى از پدرش از امام صادق عليه السلام به دست مى‏آيد كه زيارت امام حىّ (كه در اين زمان حضرت مهدى عليه السلام مى‏باشد) در هر مكانى ممكن است چنان‏كه از همين روايت استفاده مى‏شود كه روز جمعه در ميان ساير ايّام و زمان‏ها ويژگى خاصّى دارد.[[618]](#footnote-618) پس بر عاشقان و شيعيان آن حضرت است كه اگر ممكن شد هر صبح، يادى از آن حضرت كنند و با بعضى از زيارت‏ها و دعاهايى كه ذكرش خواهد آمد، زمزمه و نجوايى با آن بزرگوار داشته باشند و هم براى سلامتى و ظهور حضرتش دعا كنند و اگر هر روز ممكن نشد لااقل هفته‏اى يك بار، روز جمعه آن حضرت را در مكان مناسبى زيارت كنند و به تعبير بعضى از دعاها بايد «دل را با ياد او آباد نگه داشت».[[619]](#footnote-619)

كليات مفاتيح نوين، ص: 503

كيفيّت زيارت آن حضرت‏

اذن دخول:

براى ورود در سرداب مقدّس اذن دخول زير كفايت مى‏كند:

همان اذن دخولى كه «سيّدبن‏طاووس» آن را نقل كرده و از جهت مضامين، قريب به نخستين اذن دخولى است كه در اوايل بخش زيارات تحت عنوان «اذن دخول» (صفحه 220) گذشت.

يا اذن دخولى كه «علّامه مجلسى» از نسخه‏اى قديمى آن را نقل كرده و با «

اللّهم إنّ هذه بقعة ...

» شروع مى‏شود و آن را نيز سابقاً در اوايل بخش زيارات (صفحه 222) به عنوان دوّمين اذن دخول ذكر كرديم.

\*\*\*

زيارت اوّل (زيارت آل ياسين):

«شيخ جليل، احمد بن على بن ابى‏طالب طبرسى» در كتاب شريف «احتجاج» روايت كرده كه از ناحيه مقدّس حضرت مهدى عليه السلام زيارت زير در پاسخ نامه «محمّد حميرى» آمده است كه زيارتى است بسيار عالى و پرمحتوا (و در سرداب مقدس و غير آن مى‏توان از آن استفاده كرد)، آن حضرت فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، لا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَ لا مِنْ اوْلِيائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بالِغَةٌ فَما تُغْنِى النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلى‏ عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ‏

. هر گاه خواستيد بوسيله ما به خدا، و به سوى ما توجّه كنيد، اين زيارت را بخوانيد.

اين زيارت مطابق نقل «بحارالانوار» چنين است:

سَلامٌ عَلى‏ آلِ يس، السَّلامُ عَلَيْكَ يا داعِىَ اللَّهِ وَرَبَّانِىَّ آياتِهِ، السَّلامُ‏

سلام بر آل يس، سلام بر تو اى دعوت كننده (به سوى) خدا و پرورش يافته آيات الهى،

عَلَيْكَ يا بابَ اللَّهِ وَدَيَّانَ دينِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفَةَ اللَّهِ وَناصِرَ حَقِّهِ،

سلام بر تو اى درگاه (رحمت) خدا ومبلّغ دينش، سلام بر تو اى جانشين خدا (در زمين) و ياور دينش،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَليلَ ارادَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِىَ كِتابِ اللَّهِ‏

سلام بر تو اى حجت خدا و راهنماى اراده‏اش سلام بر تو اى تلاوت‏كننده كتاب خدا

وَتَرْجُمانَهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ فى‏ آناءِ لَيْلِكَ وَاطْرافِ نَهارِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

و مفسّر آن سلام بر تو در طول شب و روز سلام بر تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 504

يا بَقِيَّةَ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ميثاقَ اللَّهِ الَّذى‏ اخَذَهُ وَوَكَّدَهُ،

اى ذخيره الهى در زمين او، سلام بر تو اى پيمانى كه خدا آن را گرفته و محكم ساخته است‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَعْدَ اللَّهِ الَّذى‏ ضَمِنَهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْعَلَمُ‏

سلام بر تو اى وعده خدا كه آن را ضمانت نموده، سلام بر تو اى نشانه‏

الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْواسِعَةُ، وَعْداً غَيْرَ

نصب شده، و دانش فراوان، و فريادرس و رحمت وسيع، و اى وعده‏

مَكْذُوبٍ، السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقُومُ، السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقْعُدُ، السَّلامُ‏

صادق (الهى)، سلام بر تو هنگامى كه بپا مى‏خيزى سلام بر تو هنگامى كه مى‏نشينى، سلام‏

عَلَيْكَ حينَ تَقْرَءُ وَتُبَيِّنُ، السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُصَلّى‏ وَتَقْنُتُ، السَّلامُ‏

بر تو هنگامى كه (قرآن) مى‏خوانى و تفسير مى‏كنى، سلام بر تو هنگامى كه نماز مى‏خوانى و قنوت مى‏گيرى، سلام‏

عَلَيْكَ حينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلامُ‏

بر تو هنگامى كه ركوع كرده و سجده مى‏كنى سلام بر تو هنگامى كه «لااله الا اللَّه» و تكبير مى‏گويى، سلام‏

عَلَيْكَ حينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُصْبِحُ وَتُمْسى‏،

بر تو هنگامى كه ستايش خدا كرده و آمرزش مى‏طلبى، سلام بر تو هنگامى كه صبح و شام مى‏كنى،

السَّلامُ عَلَيْكَ فِى اللَّيْلِ اذا يَغْشى‏، وَالنَّهارِ اذا تَجَلّى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

سلام بر تو در شب آن هنگام كه سياهيش فراگير شود و در روز آن هنگام كه آشكار گردد، سلام بر تو اى‏

الْإِمامُ الْمَاْمُونُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَاْمُولُ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

امام مورد اطمينان، سلام بر تو اى پيشى گرفته‏اى كه همه آرزوى تو را دارند،

بِجَوامِعِ السَّلامِ، اشْهِدُكَ يا مَوْلاىَ انّى‏ اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا

همه سلام‏ها بر تو باد مولاى من تو را گواه مى‏گيرم كه شهادت مى‏دهم بر اينكه معبودى جز خدا نيست، يگانه‏اى كه‏

شَريكَ لَهُ، وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لا حَبيبَ الَّا هُوَ وَاهْلُهُ، وَاشْهِدُكَ‏

شريكى ندارد و محمّد بنده و فرستاده اوست، محبوبى جز او و خاندانش نيست، و مولاى من تو را گواه‏

يا مَوْلاىَ انَّ عَلِيّاً اميرَ الْمُؤْمِنينَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ‏

مى‏گيرم كه على اميرمؤمنان حجّت خداست و امام حسن حجّت او و امام حسين‏

حُجَّتُهُ، وَعَلِىَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ‏

حجّت او و على بن حسين حجّت او، و محمد بن على، حجّت او و جعفر بن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 505

مُحَمَّدٍّ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِىَّ بْنَ مُوسى‏ حُجَّتُهُ،

محمّد حجّت او، و موسى بن جعفر حجّت او، و على بن موسى حجت او،

وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍ‏

و محمد بن على حجت او و على بن محمد حجت او و حسن بن على‏

حُجَّتُهُ، وَاشْهَدُ انَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، انْتُمُ الْأَوَّلُ وَ الْأخِرُ، وَ انَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لا

حجت اوست و گواهى مى‏دهم كه تو حجت خدايى، آغاز و پايان شماييد و اين‏كه رجعت شما حق است‏

رَيْبَ فيها، يَوْمَ لا يَنْفَعُ نَفْساً ايمانُها، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اوْ كَسَبَتْ‏

وهيچ شكى در آن نيست، روزى كه ايمان آوردن كسى كه قبلًا ايمان نياورده يا در ايمانش‏

فى‏ ايمانِها خَيْراً، وَانَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَانَّ ناكِراً وَنَكيراً حَقٌّ، وَاشْهَدُ انَ‏

عمل نيكى انجام نداده سودى به حالش نخواهد داشت، و اينكه به يقين مرگ و (آمدن دو فرشته) ناكر و نكير (در قبر) حق است، و

النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌ‏[[620]](#footnote-620)، وَانَّ الصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصادَ حَقٌّ، وَالْميزانَ‏

گواهى مى‏دهم كه زنده شدن دوباره و برانگيخته شدن حق است و پل صراط و كمين‏گاه قيامت حق است، و سنجش اعمال‏

حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ

و محشور شدن و رسيدگى به حساب اعمال حق است و بهشت و دوزخ حق است، و وعده و وعيدهاى بهشت و جهنم حق‏

وَالْوَعيدَ بِهِما حَقٌّ، يا مَوْلاىَ شَقِىَ مَنْ خالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ اطاعَكُمْ،

است، اى مولاى من مخالف شما بدبخت و مطيع شما خوشبخت است،

فَاشْهَدْ عَلى‏ ما اشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، وَ ا نَا وَلِىٌّ لَكَ، بَرىٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ ما

پس بر آنچه تو را بر آن شاهد گرفتم گواهى ده، و من دوست شمايم و از دشمنانتان بيزارم، حق آن است كه‏

رَضيتُمُوهُ، وَ الْباطِلُ ما اسْخَطْتُمُوهُ‏[[621]](#footnote-621)، وَ الْمَعْرُوفُ ما امَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ

شما را خشنود ساخته و باطل آن است كه شما را به خشم آورده و معروف آن است كه شما به آن فرمان داده‏ايد و منكر

ما نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسى‏ مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ‏

آن است كه شما از آن نهى كرده‏ايد، پس من ايمان دارم به خداى يگانه‏اى كه شريكى ندارد و به فرستاده او

وَبِاميرِالْمُؤْمِنينَ، وَبِكُمْ يا مَوْلاىَ، اوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَنُصْرَتى‏ مُعَدَّةٌ لَكُمْ،

و به اميرمؤمنان و به شما اى مولاى من اوّلين و آخرينتان، و براى ياريتان آماده‏ام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 506

وَمَوَدَّتى‏ خالِصَةٌ لَكُمْ، آمينَ آمينَ‏\* آنگاه اين دعا خوانده شود: اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

و دوستى من نسبت به شما خالص است، دعايم را بپذير، دعايم را بپذير،\*\*\*\*\*\*\* خدايا از تو مى‏خواهم‏

انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ نَبِىِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَانْ تَمْلَأَ قَلْبى‏ نُورَ

كه بر محمّد پيامبر رحمتت و آفريده پرنورت درود فرستى و پر كنى دلم را از نور

الْيَقينِ، وَصَدْرى‏ نُورَ الْإيمانِ، وَفِكْرى‏ نُورَ النِّيَّاتِ، وَعَزْمى‏ نُورَ الْعِلْمِ،

يقين و سينه‏ام را از نور ايمان و فكرم را از نور اراده، و عزمم را از نور علم‏

وَقُوَّتى‏ نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسانى‏ نُورَ الصِّدْقِ، وَدينى‏ نُورَ الْبَصآئِرِ مِنْ عِنْدِكَ،

و توانم را از نور عمل، و زبانم را از نور صداقت و دينم را از نور روشنايى‏هاى نزدت،

وَبَصَرى‏ نُورَ الضِّيآءِ، وَسَمْعى‏ نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتى‏ نُورَ الْمُوالاةِ

و چشمم را از نور روشناييت، و گوشم را از نور حكمت، و محبّتم را از نور دوستى‏

لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، حَتّى‏ الْقاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَميثاقِكَ،

محمّد و خاندان پاكش- كه بر ايشان درود باد- (پر كنى) تا هنگامى كه تو را ملاقات كنم در حالى كه به عهد و پيمانت‏

فَتُغَشّيَنى‏ رَحْمَتَكَ، يا وَلِىُّ يا حَميدُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فى‏

وفا نمودم پس مرا با رحمت خود بپوشان، اى سرپرست، اى ستوده، خدايا درود فرست بر محمّد (امام زمان) حجّتت در

ارْضِكَ، وَخَليفَتِكَ فى‏ بِلادِكَ، وَالدَّاعى‏ الى‏ سَبيلِكَ، وَالْقآئِمِ بِقِسْطِكَ،

زمين و جانشينت در شهرهايت و دعوت كننده به راهت و بپادارنده قسط و عدل تو،

وَالثَّآئِرِ بِامْرِكَ، وَلِىِّ الْمُؤْمِنينَ، وَبَوارِ الْكافِرينَ، وَمُجَلِّى الظُّلْمَةِ، وَمُنيرِ

و بپاخواسته براى اجراى فرمانت، همان سرپرست مؤمنان و نابودكننده كافران، و زائل كننده تاريكى و روشن كننده‏

الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّآمَّةِ فى‏ ارْضِكَ،

حق، و گوينده حكمت و راستى و حجّت كاملت در زمين،

الْمُرْتَقِبِ الْخآئِفِ، وَالْوَلِىِّ النَّاصِحِ، سَفينَةِ النَّجاةِ، وَ عَلَمِ الْهُدى‏، وَ نُورِ

آن منتظر نگران، و سرپرست خيرخواه، همان كشتى نجات و نشانه هدايت و روشنى‏

ابْصارِ الْوَرى‏، وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدى‏، وَ مُجَلِّى الْعَمى‏، الَّذى‏ يَمْلَأُ

چشمان مخلوقات، بهترين كسى كه پيراهن و ردا پوشيده و برطرف كننده جهالت و نادانى، كسى كه‏

الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطاً، كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ

زمين را از عدل و داد پر مى‏كند، همان‏گونه كه از ظلم و جور پر شده است، زيرا كه تو بر هر چيز

كليات مفاتيح نوين، ص: 507

قَديرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ وَلِيِّكَ وَابْنِ اوْلِيآئِكَ الَّذينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ،

توانايى، خدايا بر وليّت و فرزند اوليائت درود فرست، آنانى كه اطاعتشان را

وَاوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَاذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً، اللهُمَ‏

لازم و رعايت حقّشان را واجب فرمودى و ناپاكى را از آنها دور ساخته و به شايستگى پاكشان نمودى، خدايا

انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ اوْلِيآئَكَ، وَ اوْلِيآئَهُ وَشيعَتَهُ وَانْصارَهُ،

ياريش كن و دينت را به دست او يارى كن، و دوستدارانت و دوستداران و شيعيان و ياورانش‏

وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ اعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَميعِ خَلْقِكَ،

را به وسيله او يارى كن و ما را در زمره آنان قرار ده، خدايا او را از شرّ هر ظالم و طغيانگر و از شرّ تمامى مخلوقاتت،

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَاحْرُسْهُ‏

و از پيش رو و پشت سر و از سمت راست و چپ حفظ كن، و نگهدار او باش و از رسيدن آسيب‏

وَامْنَعْهُ مِنْ انْ يُوصَلَ الَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ، وَآلَ رَسُولِكَ،

به او جلوگيرى كن، و با حفظ او رسولت و خاندانش را حفظ كن، و با او عدل را

وَاظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَايِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِريهِ، وَاخْذُلْ خاذِليهِ، وَاقْصِمْ‏

ظاهر كن و با ياريش او را تأييد كن، و ياورانش را يارى كن، و مخالفانش را خوار گردان، و دشمنانش را درهم شكن،

قاصِميهِ، وَاقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ، وَ جَميعَ‏

و به دست او گردنكشان كفر را درهم شكن و بدست او كافران و منافقان و تمامى‏

الْمُلْحِدينَ حَيْثُ كانُوا مِنْ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغارِبِها، بَرِّها وَ بَحْرِها،

بى‏دينان را در هر جا كه هستند چه در شرق زمين و چه در غرب آن و چه در خشكى و چه در دريا

وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَاظْهِرْ بِهِ دينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

نابود كن، و به دست او زمين را از عدل پر كن، و به دست او دين پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش‏

وَاجْعَلْنِى اللَّهُمَّ مِنْ انْصارِهِ وَ اعْوانِهِ، وَ اتْباعِهِ وَ شيعَتِهِ، وَارِنى‏ فى‏ آلِ‏

باد- را ظاهر كن، خدايا مرا از ياران و ياوران و پيروان و شيعيانش قرار ده و آنچه را خاندان محمد- كه بر آنان درود

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ما يَاْمُلُونَ، وَفى‏ عَدُوِّهِمْ ما يَحْذَرُونَ، الهَ الْحَقِ‏

باد- آرزو داشتند در مورد دشمنانشان بيم داشتند به من نشان ده اى معبود بر حق دعايم را

كليات مفاتيح نوين، ص: 508

آمينَ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[622]](#footnote-622)

بپذير، اى صاحب شكوه و بزرگوارى، اى مهربان‏ترين مهربانان. يادآورى: همان‏گونه كه اشاره شد اين زيارت از زيارات مطلقه است و اختصاصى به سرداب مقدّس ندارد، لذا در هر زمان- مخصوصاً عصر جمعه- مى‏توان آن را خواند.

\*\*\*

زيارت دوم (زيارت مخصوص سرداب):

«علّامه مجلسى» از «شيخ مفيد» و «شهيد اوّل» و «مولّف مزار كبير» نقل مى‏كند كه هرگاه از زيارت جدّ و پدر حضرت حجّت عليه السلام فارغ شدى بر دَرِ حرم آن حضرت بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفةَ اللَّهِ وَخَلَيفةَ آبآئِهِ الْمَهْدِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى جانشين خدا و جانشين پدران هدايت يافته‏ات، سلام بر تو اى‏

وَصِىَّ الْأَوْصِيآءِ الْماضينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حافِظَ اسْرارِ رَبِّ الْعالَمينَ،

جانشين اوصياى گذشته، سلام بر تو اى حافظ اسرار پروردگار جهانيان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُنْتَجَبينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

سلام بر تو اى ذخيره خدا از ميان برگزيدگان باشرافت، سلام بر تو اى فرزند

الْأَنْوارِ الزَّاهِرَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْأَعْلامِ الْباهِرَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ‏

نورهاى تابان، سلام بر تو اى فرزند نشانه‏هاى فروزان، سلام بر تو اى فرزند

الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

خاندان پاك، سلام بر تو اى گنجينه دانشهاى نبوى، سلام بر تو اى‏

بابَ اللَّهِ الَّذى‏ لا يُؤْتى‏ الَّا مِنْهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَبيلَ اللَّهِ الَّذى‏ مَنْ سَلَكَ‏

درگاه رسيدن به خدا كه جز از آن داخل نشوند، سلام بر تو اى راه رسيدن به خدا كه اگر كسى غير آن را بپيمايد

غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناظِرَ شَجَرَةِ طُوبى‏، وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهى‏،

هلاك مى‏شود، سلام بر تو اى بيننده درخت طوبى و سدرة المنتهى‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللَّهِ الَّذى‏ لا يُطْفى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتى‏ لا

سلام بر تو اى نور خدا كه هرگز خاموش نشود، سلام بر تو اى حجّت خدا كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 509

تَخْفى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى‏ مَنْ فِى الْأَرْضِ وَالسَّمآءِ، السَّلامُ‏

مخفى نباشد، سلام بر تو اى حجّت خدا بر هر كه در زمين و آسمان است، اسلام‏

عَلَيْكَ سَلامَ مَنْ عَرَفَكَ بِما عَرَّفَكَ بِهِ اللَّهُ، وَنَعَتَكَ بِبَعْضِ نُعُوتِكَ الَّتى‏ انْتَ‏

بر تو همانند سلام كسى كه تو را مى‏شناسد آن گونه كه خداوند معرّفى نموده است (و همانند سلام كسى كه) تو را با بعضى از صفاتت كه‏

اهْلُها وَفَوْقَها، اشْهَدُ انَّكَ الْحُجَّةُ عَلى‏ مَنْ مَضى‏ وَمَنْ بَقِىَ، وَانَّ حِزْبَكَ‏

شايسته آن و برتر از آنى توصيف كرده است، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين بر تمامى گذشتگان و آيندگان حجّت هستى و به يقين گروه تو

هُمُ الْغالِبُونَ، وَاوْلِيآئَكَ هُمُ الْفآئِزُونَ، وَاعْدآئَكَ هُمُ‏الْخاسِرُونَ، وَانَّكَ‏

پيروزند، و پيروانت رستگار، و دشمنانت زيانكارند، به يقين تو

خازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ، وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ باطِلٍ،

گنجينه تمام علوم و گشاينده تمام گره‏ها، و احقاق كننده هر حق و باطل كننده هر باطلى‏

رَضيتُكَ يا مَوْلاىَ اماماً وَهادِياً وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً، لا ابْتَغى‏ بِكَ بَدَلًا، وَلَا

اى مولاى من به امامت و هدايتگرى و ولايت و راهنمايى تو راضيم و براى تو جايگزينى نگرفته‏

اتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً، اشْهَدُ انَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذى‏ لا عَيْبَ فيهِ، وَانَ‏

و جز تو سرپرستى برنخواهم گزيد، گواهى مى‏دهم كه به يقين تو حقّ ثابتى هستى كه ايرادى در آن نيست،

وَعْدَ اللَّهِ فيكَ حَقٌّ، لَاارْتابُ لِطُولِ الغَيْبَةِ وَبُعْدِ الْأَمَدِ، وَلا اتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ‏

و وعده خدا در مورد تو حقّ است، و بخاطر طولانى بودن غيبت و دورى مدّت، ترديد نخواهم كرد، و به همراه‏

جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ، وَانْتَ الشَّافِعُ الَّذى‏ لا تُنازَعُ،

بيخبران از تو و جاهلان به تو سرگردان نمى‏شوم، و منتظر و چشم به راه روزهاى حضور توام، و تويى شفاعت‏كننده بدون منازع‏

و الْوَلِىُّ الَّذى‏ لا تُدافَعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدّينِ، وَاعْزازِ الْمُؤْمِنينَ،

و سرپرست بى‏بديل، كه خداوند تو را براى يارى دين و عزّت مؤمنان‏

وَالْإِنْتِقامِ مِنَ الْجاحِدينَ الْمارِقينَ، اشْهَدُ انَّ بِوِلايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمالُ،

و انتقام از منكران (حق) و بيرون روندگان از دين ذخيره نموده است، گواهى مى‏دهم كه به يقين با ولايت تو اعمال پذيرفته‏

وَتُزَكَّى الْأَفْعالُ، وَتُضاعَفُ الْحَسَناتُ، وَتُمْحَى السَّيِّئاتُ، فَمَنْ جآءَ

و كردار پاك، و نيكيها چند برابر و گناهان پاك شود، پس كسى كه‏

بِوِلايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ بِامامَتِكَ، قُبِلَتْ اعْمالُهُ، وَصُدِّقَتْ اقْوالُهُ، وَتَضاعَفَتْ‏

به ولايتت داخل شده و به امامتت اقرار كند، اعمالش قبول و گفتارش تصديق مى‏شود و نيكيهايش چند برابر

كليات مفاتيح نوين، ص: 510

حَسَناتُهُ، وَمُحِيَتْ سَيِّئاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلايَتِكَ، وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ،

و گناهانش پاك مى‏شود، و كسى از ولايتت خارج شود و تو را نشناسد

وَاسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، كَبَّهُ اللَّهُ عَلى‏ مَنْخَرِهِ فِى النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا،

و به جاى تو ديگرى را جايگزين كند، خداوند او را به صورتش در آتش اندازد و عملش را نپذيرد

وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَزْناً، اشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهِدُ مَلائِكَتَهُ، وَاشْهِدُكَ يا

و براى اعمالش در روز قيامت ارزشى قائل نشود، خداوند و فرشتگانش و تو را اى مولاى من بر اين (سخنان)

مَوْلاىَ بِهذا ظاهِرُهُ كَباطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلانِيَتِهِ، وَانْتَ الشَّاهِدُ عَلى‏ ذلِكَ،

گواه مى‏گيرم، سخنانى كه ظاهر و باطن و پنهان و آشكارش يكى است، و تويى گواه بر اين امور

وَهُوَ عَهْدى‏ الَيْكَ، وَميثاقى‏ لَدَيْكَ، اذْ انْتَ نِظامُ الدّينِ، وَيَعْسُوبُ‏

و اين عهد من است نزدت و پيمان من است در پيشگاهت، چرا كه تويى نظام دين و پيشواى بزرگ‏

الْمُتَّقينَ، وَعِزُّ الْمُوَحِّدينَ، وَبِذلِكَ امَرَنى‏ رَبُّ الْعالَمينَ، فَلَوْ تَطاوَلَتِ‏

پرهيزكاران، و عزّت يكتاپرستان، و به آن پروردگار جهانيان فرمان داده است، پس هرگاه‏

الدُّهُورُ وَتَمادَّتِ الْأَعْمارُ لَمْ ازْدَدْ فيكَ الَّا يَقيناً، وَلَكَ الّا حُبّاً، وَعَلَيْكَ‏

روزگار ما به دازا كشد و عمرها طولانى گردد، افزوده نگردد جز بر يقين من نسبت به تو و محبّتم به تو،

الَّا مُتَّكَلًا وَمُعْتَمَداً، وَلِظُهُورِكَ الَّا مُتَوَقَّعاً وَمُنْتَظَراً، وَلِجِهادى‏ بَيْنَ يَدَيْكَ‏

و توكل و اعتمادم به تو و توقّع و انتظار ظهور تو و اشتياق جهاد در كنار تو

مُتَرَقَّباً، فَابْذُلُ نَفْسى‏ وَ مالى‏ وَ وَلَدى‏، وَ اهْلى‏ وَ جَميعَ ما خَوَّلَنى‏ رَبّى‏

پس جان و مال و فرزند و خانواده و تمامى آنچه كه پروردگارم به من عنايت فرموده در پيش رويت‏

بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالتَّصَرُّفَ بَيْنَ امْرِكَ وَ نَهْيِكَ، مَوْلاىَ فَانْ ادْرَكْتُ ايَّامَكَ‏

فدا مى‏كنم و در اختيار امر و نهى تو مى‏گذارم، اى مولاى من پس اگر روزگار درخشان‏

الزَّاهِرَةَ، وَاعْلامَكَ الْباهِرَةَ، فَها ا نَا ذا عَبْدُكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ امْرِكَ وَنَهْيِكَ،

و نشانه‏هاى آشكارت را درك نمودم، پس من همان بنده توام كه اختيارم به‏دست امر و نهى توست‏

ارْجُو بِهِ الشَّهادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالْفَوْزَ لَدَيْكَ، مَوْلاىَ فَانْ ادْرَكَنِى الْمَوْتُ‏

كه به واسطه آن اميد شهادت در پيش رويت و رستگارى در نزدت را دارم، اى مولاى من اگر پيش از

قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَانّى‏ اتَوَسَّلُ بِكَ وَبابآئِكَ الطَّاهِرينَ الَى اللَّهِ تَعالى‏، وَاسْئَلُهُ‏

ظهورت مرگم فرا رسد، به واسطه تو و پدران پاكت به درگاه خداوند بلندمرتبه متوسّل مى‏شوم و از او مى‏خواهم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 511

انْ يُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ يَجْعَلَ لى‏ كَرَّةً فى‏ ظُهُورِكَ،

كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستد و بازگشت در ظهورت و

وَرَجْعَةً فى‏ ايَّامِكَ، لِأَبْلُغَ مِنْ طاعَتِكَ مُرادى‏، وَاشْفِىَ مِنْ اعْدآئِكَ‏

رجوع در روزگارت را نصيبم گرداند، تا با اطاعتت به مقصودم برسم و دلم را از (انتقام) دشمنانت‏

فُؤادى‏، مَوْلاىَ وَقَفْتُ فى‏ زِيارَتِكَ مَوْقِفَ الْخاطِئينَ النَّادِمينَ،

خشنود سازم، اى مولاى من، در زيارتت در جايگاه خطاكاران پشيمان‏

الْخآئِفينَ مِنْ عِقابِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَقَدِ اتَّكَلْتُ عَلى‏ شَفاعَتِكَ،

كه از كيفر پروردگار جهانيان ترسانند، قرار گرفته‏ام، و بر شفاعتت توكل كرده‏

وَرَجَوْتُ بِمُوالاتِكَ وَ شَفاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبى‏، وَ سَتْرَ عُيُوبى‏، وَ مَغْفِرَةَ

و به واسطه پيروى از تو و شفاعتت به پاكى از گناهان و پوشيدگى عيبها و آمرزش لغزشهايم‏

زَلَلى‏، فَكُنْ لِوَلِيِّكَ يا مَوْلاىَ عِنْدَ تَحْقيقِ امَلِهِ، وَاسْئَلِ اللَّهَ غُفْرانَ زَلَلِهِ،

اميدوارم، پس اى مولاى من همراه دوستدارت باش در هنگام تحقّق آرزويش و از خداوند آمرزش لغزشش را بخواه‏

فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَ تَمَسَّكَ بِوِلايَتِكَ، وَ تَبَرَّءَ مِنْ اعْدآئِكَ، اللَّهُمَّ صَلِ‏

چرا كه دست به دامنت شده و به ولايتت متمسّك شده و از دشمنانت بيزارى جسته است، خدايا

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْجِزْ لِوَلِيِّكَ ما وَعَدْتَهُ، اللهُمَّ اظْهِرْ كَلِمَتَهُ، وَاعْلِ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و آنچه به وليّت وعده فرمودى وفا كن، خدايا آئينش را آشكار ساز و دعوتش را

دَعْوَتَهُ، وَانْصُرْهُ عَلى‏ عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

ظاهر گردان، و او را بر دشمنانش و دشمنانت پيروز گردان اى پروردگار جهانيان، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّآمَّةَ، وَمُغَيَّبَكَ فى‏ ارْضِكَ، الْخآئِفَ‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و حجّت بابركت و پنهان شده در زمينت را ظاهر كن همان نگران‏

الْمُتَرَقِّبَ، اللهُمَّ انْصُرْهُ نَصْراً عَزيزاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً قَرِيباً يَسيراً،

در حال انتظار، خدايا او را با عزّت يارى كن و براى او پيروزى نزديك و آسان قرار ده‏

اللَّهُمَّ وَاعِزَّ بِهِ الدّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَ اطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأُفُولِ، وَ اجْلِ بِهِ‏

خدايا به واسطه او دين را بعد از گمنامى عزّت ده و حق را بعد از غروب آشكار ساز و به واسطه او

الظُّلْمَةَ، وَاكْشِفْ بِهِ الْغُمَّةَ، اللَّهُمَّ وَآمِنْ بِهِ الْبِلادَ، وَاهْدِ بِهِ الْعِبادَ، اللهُمَ‏

تاريكيها را روشنى بخش و غصّه‏ها را برطرف كن، خدايا به واسطه او شهرها را ايمن گردان و بندگانت را هدايت كن، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 512

امْلَأْ بِهِ‏الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطاً، كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، انَّكَ سَميعٌ‏

زمين را به دست او پر از عدل و داد كن همان گونه كه از ظلم و ستم پر شده است، چرا كه تو به يقين شنوا

مُجيبٌ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، ائْذَنْ لِوَلِيِّكَ فى‏ الدُّخُولِ الى‏ حَرَمِكَ،

و پاسخگويى، سلام بر تو اى ولىّ خدا، به دوستدارت براى داخل شدن در حرمت اجازه فرما

صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلى‏ ابآئِكَ الطَّاهِرينَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.[[623]](#footnote-623)

درود خدا بر تو و بر پدران پاكت، و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

آنگاه به طرف سرداب غيبت آن حضرت حركت كن و رخصت بطلب و وارد شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

و با طمأنينه و حضور قلب پايين برو و در عرصه سرداب، دو ركعت نماز بخوان وبگو: اللَّهُ اكْبَرُ اللَّهُ اكْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اكْبَرُ، وَللَّهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ للَّهِ‏

\*\*\*\*\*\*\* خدا بزرگتر از هر چيز است، خدا بزرگتر از هر چيز است، معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر از هر چيز است، و حمد و سپاس از آن اوست‏

الَّذى‏ هَدانا لِهذا، وَعَرَّفَنا اوْلِيآئَهُ وَاعْدآئَهُ، وَوَفَّقَنا لِزِيارَةِ ائِمَّتِنا، وَلَمْ‏

حمد و سپاس از آن خداوندى است كه ما را به اين (زيارت) هدايت نمود، و دوستان و دشمنانش را به ما شناساند، و ما را به زيارت‏

يَجْعَلْنا مِنَ الْمُعانِدينَ النَّاصِبينَ، وَلا مِنَ الْغُلاةِ الْمُفَوِّضينَ، وَلا مِنَ‏

پيشوايانمان موفّق نمود، و ما را از دشمنان ناصبى و غلوكنندگان تفويضى و

الْمُرْتابينَ الْمُقَصِّرينَ، السَّلامُ عَلى‏ وَلِىِّ اللَّهِ وَابْنِ اوْلِيآئِهِ، السَّلامُ عَلى‏

ترديدكنندگان سهل‏انگار قرار نداد، سلام بر ولى خدا و فرزند اوليايش، سلام بر

الْمُدَّخَرِ لِكَرامَةِ اوْلِيآءِ اللَّهِ، وَبَوارِ اعْدآئِهِ، السَّلامُ عَلى‏ النُّورِ الَّذى‏ ارادَ

ذخيره شده براى گراميداشت اولياى خدا و درهم كوبنده دشمنانش، سلام بر نورى كه كافران قصد

اهْلُ الْكُفْرِ اطْفآئَهُ، فَابَى اللَّهُ الَّا انْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَايَّدَهُ بِالْحَياةِ

خاموش كردنش را داشتند ولى خداوند خواست كه نورش را با وجود ناخشنودى آنان كامل گرداند و او را با زندگانى (طولانى) تأييد نمايد

حَتّى‏ يُظْهِرَ عَلى‏ يَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ، اشْهَدُ انَّ اللَّهَ اصْطَفيكَ صَغيراً،

تا حق به دست او على رغم ميل آنان ظاهر شود، گواهى مى‏دهم كه خداوند تو را در خردسالى برگزيد

وَاكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبيراً، وَانَّكَ حَىٌّ لا تَمُوتُ حَتّى‏ تُبْطِلَ الْجِبْتَ‏

و در بزرگسالى دانشش را بر تو كامل نمود، و به يقين تويى زنده‏اى كه نخواهى مرد تا بتها

كليات مفاتيح نوين، ص: 513

وَالطَّاغُوتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلى‏ خُدَّامِهِ، وَاعْوانِهِ عَلى‏ غَيْبَتِهِ وَنَاْيِهِ،

و طاغوتها را نابود كنى، خدايا بر او و بر خدمتگذاران و ياورانش در زمان غيبت و دوريش درود فرست‏

وَاسْتُرْهُ سَتْراً عَزيزاً، وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلًا حَريزاً، وَاشْدُدِ اللهُمَّ وَطْاتَكَ‏

و او را به خوبى حفظ فرما، و براى او پناهگاه محكمى قرار ده، و خدايا به سختى دشمنانش را پايمال‏

عَلى‏ مُعانِديهِ، وَاحْرُسْ مَوالِيَهُ وَزآئِريهِ، اللَّهُمَّ كَما جَعَلْتَ قَلْبى‏ بِذِكْرِهِ‏

كن، و دوستان و زيارت‏كنندگانش را حفظ كن، خدايا همان گونه كه دلم را با يادش‏

مَعْمُوراً، فَاجْعَلْ سِلاحى‏ بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً، وَانْ حالَ بَيْنى‏ وَبَيْنَ لِقآئِهِ‏

حيات بخشيدى، پس سلاحم را براى ياريش آماده قرار ده، و اگر مرگ بين من و ديدارش جدايى‏

الْمَوْتُ الَّذى‏ جَعَلْتَهُ عَلى‏ عِبادِكَ حَتْماً، وَاقْدَرْتَ بِهِ عَلى‏ خَليقَتِكَ‏

اندازد همان مرگى كه بر بندگانت حتمى كرده، و به رغم ميل بندگانت آن را بر آنان مسلّط

رَغْماً، فَابْعَثْنى‏ عِنْدَ خُرُوجِهِ ظاهِراً مِنْ حُفْرَتى‏، مُؤْتَزِراً كَفَنى‏، حَتّى‏

ساخته‏اى، پس در زمان قيامش مرا از قبرم كفن‏پوشان خارج كن تا

اجاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فى‏ الصَّفِّ الَّذى‏ اثْنَيْتَ عَلى‏ اهْلِهِ فى‏ كِتابِكَ، فَقُلْتَ‏

در پيش رويش جهاد كنم در گروه آنان كه در قرآنت آنها را ستايش نموده و فرمودى:

كَانَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ، اللهُمَّ طالَ الْإِنْتِظارُ، وَشَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ،

گويى آنان بنايى آهنينند، خدايا انتظار طولانى شد و بدكاران ما را سرزنش كردند

وَصَعُبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصارُ، اللهُمَّ ارِنا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فى‏ حَياتِنا

و براى ما يافتن ياور سخت شده است، خدايا چهره مبارك وليّت را در زمان حيات و بعد از مردن به ما

وَبَعْدَ الْمَنُونِ، اللهُمَّ انّى‏ ادينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَىْ صاحِبِ هذِهِ‏

نشان ده، خدايا من براى رجعت پيش روى صاحب اين مكان، آماده و مطيع‏

الْبُقْعَةِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، قَطَعْتُ فى‏ وُصْلَتِكَ‏

توام، به فرياد رس، به فرياد رس به فرياد رس، اى صاحب عصر و زمان، براى رسيدن به تو، دوستان صميميم را

الْخُلّانَ، وَهَجَرْتُ لِزِيارَتِكَ الْأَوْطانَ، وَاخْفَيْتُ امْرى‏ عَنْ اهْلِ الْبُلْدانِ،

رها كردم، و براى زيارتت ترك ديار گفتم و عقيده‏ام را از اهل شهرها پنهان ساختم‏

لِتَكُونَ شَفيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبّى‏، وَ الى‏ ابآئِكَ وَمَوالِىَّ فى‏ حُسْنِ التَّوْفيقِ‏

تا در نزد پروردگار تو و من شفيعم باشى، و در نزد پدرانت سروران من در عاقبت بخيرى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 514

لى‏، وِاسْباغِ النّعْمَةِ عَلَىَّ، وَسَوْقِ الْإِحْسانِ الَىَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و فراوانى نعمت و روى آوردن لطفت به من (شفيعم باشى) خدايا بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ اصْحابِ الْحَقِّ، وَقادَةِ الْخَلْقِ، وَاْسْتَجِبْ مِنّى‏ ما دَعَوْتُكَ،

و خاندان پاكش همان ياران حقّ و پيشوايان خلق درود فرست، و آنچه از تو خواستم برايم اجابت كن‏

وَاعْطِنى‏ ما لَمْ انْطِقْ بِهِ فى‏ دُعآئى‏ مِنْ صَلاحِ دينى‏ وَ دُنْياىَ، انَّكَ حَميدٌ

و آنچه از صلاح دين و دنيايم در دعايم به زبان نياوردم عطايم كن، چرا كه تو ستوده‏

مَجيدٌ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ. آنگاه داخل صفّه (ايوان) شو و دو و بزرگوارى و درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش باشد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ركعت نماز بخوان و بگو: اللهُمَّ عَبْدُكَ الزَّآئِرُ فى‏ فِنآءِ وَلِيِّكَ، الْمَزُورِ الَّذى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بنده زائرت در درگاه ولىّ توست، زيارت شده‏اى كه‏

فَرَضْتَ طاعَتَهُ عَلَى الْعَبيدِ وَالْأَحْرارِ، وَانْقَذْتَ بِهِ اوْلِيآئَكَ مِنْ عَذابِ‏

اطاعتش را بر بندگان و آزادگان واجب نمودى و به واسطه او دوستدارانت را از عذاب دوزخ نجات‏

النَّارِ، اللهُمَّ اجْعَلْها زِيارَةً مَقْبُولَةً ذاتَ دُعآءٍ مُسْتَجابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ‏

دادى، خدايا اين زيارت را پذيرفته شده با دعاى اجابت شده از ناحيه تصديق كننده‏

بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتابٍ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَ لا بِزِيارَتِهِ، وَ لا

بدون ترديد وليت قرار ده، خدايا اين زيارت را آخرين ديدار و زيارت از او قرار مده‏

تَقْطَعْ اثَرى‏ مِنْ مَشْهَدِهِ وَ زِيارَةِ ابيهِ وَ جَدِّهِ، اللهُمَّ اخْلِفْ عَلَىَّ نَفَقَتى‏،

و ارتباطم را از زيارتگاه او و زيارت پدر و جدش قطع نكن، خدايا مخارج سفرم را جبران كن‏

وَانْفَعْنى‏ بِما رَزَقْتَنى‏ فى‏ دُنْياىَ وَ آخِرَتى‏ لى‏، وَلِإِخْوانى‏ وَابَوَىَّ وَجَميعِ‏

و به آنچه روزيم نموده‏اى در دنيا و آخرت به من و برادران و پدر و مادر و تمامى‏

عِتْرَتى‏، اسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ ايُّهَا الْإِمامُ الَّذى‏ يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلى‏

خانواده‏ام سود بخش، به خدا مى‏سپارمت اى امامى كه مؤمنان به واسطه تو رستگار شوند و

يَدَيْهِ الْكافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ، يا مَوْلاىَ يَابْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ، جِئْتُكَ‏

كافرانِ تكذيب كننده به دستت هلاك گردند، اى مولاى من اى ابا الحسن بن على، براى‏

زآئِراً لَكَ وَلِأَبيكَ وَجَدِّكَ، مُتَيَقِّناً الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِداً امامَتَكُمْ، اللهُمَ‏

زيارت تو و پدر و جدت به درگاهت آمده‏ام در حالى كه به رستگارى خود به واسطه شما يقين داشته و به امامتتان معتقدم، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 515

اكْتُبْ هذِهِ الشَّهادَةَ وَالزِّيارَةَ لى‏ عِنْدَكَ فى‏ عِلِّيّينَ، وَبَلِّغْنى‏ بَلاغَ‏

اين گواهى و زيارت را براى من نزدت در بالاترين درجات ثبت كن، و مرا به سرمنزل شايستگان‏

الصَّالِحينَ، وَانْفَعْنى‏ بِحُبِّهِمْ يا رَبَّ الْعالَمينَ.[[624]](#footnote-624)

برسان، و به واسطه محبّت آنها به من سود رسان اى پروردگار جهانيان‏

\*\*\*

زيارت سوم:

از جمله زياراتى كه مرحوم علّامه مجلسى از «سيّد بن طاووس» نقل كرده، بدين قرار است:

خطاب به آن حضرت مى‏گويى:

السَّلامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَديدِ، وَالْعالِمِ الَّذى‏ عِلْمُهُ لايَبيدُ، السَّلامُ عَلى‏

سلام بر حقّ جديد، و عالمى كه علمش تمام نشود، سلام بر

مُحْيِى الْمُؤْمِنينَ، وَمُبيرِ الْكافِرينَ، السَّلامُ عَلى‏ مَهْدِىِّ الْأُمَمِ، وَجامِعِ‏

حيات‏بخش مؤمنان، و درهم كوبنده كافران، سلام بر مهدى امّتها، جمع كننده‏

الْكَلِمِ، السَّلامُ عَلى‏ خَلَفِ السَّلَفِ، وَ صاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلامُ عَلى‏

تمام گروه‏ها، سلام بر جانشين گذشتگان، و صاحب شرافت، سلام بر

حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلامُ عَلى‏ مُعِزِّ الْأَوْلِيآءِ، وَمُذِلِ‏

حجّت خدا (بر بندگان)، و كلمه ستوده، سلام بر عزّت‏بخش دوستان و خواركننده‏

الْأَعْدآءِ، السَّلامُ عَلى‏ وارِثِ الْأَنْبِيآءِ، وَخاتَمِ الْأَوْصِيآءِ، السَّلامُ عَلَى‏

دشمنان، سلام بر وارث پيامبران و خاتم جانشينان، سلام بر

الْقآئِمِ الْمُنْتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ

قيام‏كننده‏اى كه انتظارش كشيده مى‏شود و دادگستر مشهور، سلام بر شمشير بركشيده، و ماه‏

الزَّاهِرِ، وَالنُّورِ الْباهِرِ، السَّلامُ عَلى‏ شَمْسِ الظَّلامِ، وَبَدْرِ التَّمامِ، السَّلامُ‏

تابان، و نور درخشان، سلام بر خورشيد تاريكيها و ماه كامل، سلام‏

عَلى‏ رَبيعِ الْأَنامِ، وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ، السَّلامُ عَلى‏ صاحِبِ الصَّمْصامِ،

بر بهار انسانها، و شادمانى روزگار، سلام بر صاحب شمشير بران،

كليات مفاتيح نوين، ص: 516

وَوَفَلَّاقِ‏الْهامِ، السَّلامُ عَلى‏ صاحِبِ الدِّينِ الْمَاْثُورِ، وَالْكِتابِ الْمَسْطُورِ،

وشكافنده سَرها، سلام بر صاحب دين باقيمانده (از پيغمبر اكرم) و كتاب نگاشته شده (از سوى خدا)

السَّلامُ عَلى‏ بَقِيَّةِ اللَّهِ فى‏ بِلادِهِ، وَ حُجَّتِهِ عَلى‏ عِبادِهِ، الْمُنْتَهى‏ الَيْهِ‏

سلام بر ذخيره خدا در شهرها و حجّت بر بندگانش، كه ميراث پيامبران به او

مَواريثُ الْأَنْبِيآءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثارُ الْأَصْفِيآءِ، الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ،

ختم شده و آثار برگزيدگان نزدش موجود است، همان امين بر اسرار

وَالْوَلِىِّ لِلْأَمْرِ، السَّلامُ عَلَى الْمَهْدِىِّ الَّذى‏ وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَمَ، انْ‏

و ولىّ امور، سلام بر مهدى كه خداوند عزيز و گرامى وعده آمرزش را به امّتها داده است كه‏

يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ، وَيَمْلَأَ بِهِ‏الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا،

همه گروه‏ها را به وسيله او متحد كند و پريشانى را التيام بخشد و زمين را به واسطه او پر از عدل و داد كند

وَيُمَكِّنَ لَهُ، وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنينَ، اشْهَدُ يا مَوْلاىَ انَّكَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ‏

و به او قدرت دهد و به واسطه او به وعده مؤمنان وفا كند، گواهى مى‏دهم اى مولاى من كه تو و امامان از

آبآئِكَ ائِمَّتى‏، وَمَوالِىَّ فِى الْحَيوةِ الدُّنْيا، وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ، اسْئَلُكَ يا

پدرانت پيشوايان و مولاهاى من هستيد، در زندگى دنيا و در روزى كه گواهان بپا خيزند، اى مولاى من از تو مى‏خواهم‏

مَوْلاىَ انْ تَسْئَلَ اللَّهَ تَبارَكَ وَتَعالى‏ فى‏ صَلاحِ شَاْنى‏، وَقَضآءِ حَوآئِجى‏،

كه از خداوند بلندمرتبه و برتر اصلاح كار و برآورده شدن حاجتها

وَغُفْرانِ ذُنُوبى‏، وَالْأَخْذِ بِيَدى‏ فى‏ دينى‏ وَدُنْياىَ وَآخِرَتى‏، لى‏

و آمرزش گناهان و دستگيرى در دين و دنيا و آخرتم را بخواهى، براى خودم‏

وَلِإِخْوانى‏ وَاخَواتِىَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ كآفَّةً، انَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ.

و براى تمامى برادران و خواهران با ايمانم، چرا كه او آمرزنده و مهربان است.

آنگاه دوازده ركعت نماز به عنوان نماز زيارت بجاى مى‏آورى بعد از هر دو ركعت، سلام مى‏دهى و تسبيح حضرت زهرا عليها السلام مى‏گويى و آن را به آن حضرت هديه مى‏كنى و هنگامى كه از نماز فارغ شدى مى‏گويى:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ حُجَّتِكَ فى‏ ارْضِكَ، وَخَليفَتِكَ فى‏ بِلادِكَ، الدَّاعى‏ الى‏

خدايا درود فرست بر حجّتت در زمينت و جانشينت در شهرهايت، همان دعوت كننده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 517

سَبيلِكَ، وَالْقآئِمِ بِقِسْطِكَ، وَالْفآئِزِ بِامْرِكَ، وَلِىِّ الْمُؤْمِنينَ، وَمُبيرِ

به راهت و قيام كننده به عدل و داد تو، و پيروز به فرمانت، آن سرپرست مؤمنان و درهم كوبنده‏

الْكافِرينَ، وَمُجَلِّى الظُّلْمَةِ، وَمُنيرِ الْحَقِّ، وَالصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

كافران، و روشنى‏بخش تاريكى و آشكار كننده حق و جدا كننده (حق از باطل) با حكمت و پند

الْحَسَنَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ، وَعَيْنِكَ فى‏ ارْضِكَ، الْمُتَرَقِّبِ‏

نيكو و راستى، و گفتار و رازت و ديده‏ات در زمين، و چشم براه‏

الْخآئِفِ، الْوَلِىِّ النَّاصِحِ، سَفينَةِ النَّجاةِ، وَعَلَمِ الْهُدى‏، وَنُورِ ابْصارِ الْوَرى‏،

نگران و سرپرست خيرخواه، كشتى نجات و نشانه هدايت و نور چشم مخلوقات‏

وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدى‏، وَالْوِتْرِ الْمَوْتُورِ، وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ، وَمُزيلِ‏

و بهترين كسى كه پيراهن و قباى امامت را بپوشد و يگانه‏اى كه انتقام گيرنده است، گشايش دهنده گرفتارى و از بين برنده‏

الْهَمِّ، وَكاشِفِ الْبَلْوى‏، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلى‏ آبائِهِ الْأَئِمَّةِ الْهادينَ،

غم و برطرف كننده سختى، درود خدا بر او و بر پدرانش همان امامان هدايتگر

وَالْقادَةِ الْمَيامينِ، ما طَلَعَتْ كَواكِبُ الْأَسْحارِ، وَ اوْرَقَتِ الْأَشْجارُ، وَ ايْنَعَتِ‏

و پيشوايان بابركت، مادامى كه ستارگان در سحرگاهان طلوع كنند و درختان برگ درآورند و ميوه‏ها

الْأَثْمارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ والنَّهارُ، وَغَرَّدَتِ الْأَطْيارُ، اللَّهُمَّ انْفَعْنا

برسند، و شب و روز در رفت و آمدند و پرندگان آواز خوانند، خدايا محبّتش به ما

بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنا فى‏ زُمْرَتِهِ، وَتَحْتَ لِوآئِهِ، الهَ الْحَقِّ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[[625]](#footnote-625)

سود رسان، و ما را در گروه او و زير پرچمش محشور كن، اى معبود بر حق دعايم را به اجابت رسان اى پروردگار جهانيان‏

مرحوم «سيّد بن طاووس» پس از زيارت فوق اين صلوات را براى آن حضرت ذكر كرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلى‏ وَلِىِّ الْحَسَنِ، وَوَصِيِّهِ‏

خدايا درود فرست بر محمّد و خاندان پاكش و درود فرست بر جانشين امام حسن و وصىّ‏

وَوارِثِهِ، الْقآئِمِ بِامْرِكَ، وَالْغائِبِ فى‏ خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِكَ، اللهُمَ‏

و وارثش، آن قيام كننده به فرمانت و پنهان در ميان مخلوقاتت و در انتظار اجازه‏ات، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 518

صَلِّ عَلَيْهِ، وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَانْجِزْ وَعْدَهُ، وَاوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنْ بَاْسِهِ‏

بر او درود فرست، و ظهورش را نزديك كن، و به وعده و عهدش وفا كن، پرده غيبت را از نيرويش‏

حِجابَ الْغَيْبَةِ، وَاظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحآئِفَ الِمحْنَةِ، وَقَدِّمْ امامَهُ الرُّعْبَ،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص518**

بردار، و با ظهورش اوراق غم و اندوه را برطرف كن، و هراسش را پيشاپيش (در دل دشمنان) قرار ده‏

وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَاقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَايِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُسَوِّمينَ،

و دلها را به او آرام كن، و جنگ (عليه باطل) را به واسطه او برپا دار، و او را با لشكرى از فرشتگان نشاندار يارى كن‏

وَسَلِّطْهُ عَلى‏ اعْدآءِ دينِكَ اجْمَعينَ، وَ الْهِمْهُ انْ لا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْناً الَّا

و بر تمامى دشمنان دينت مسلّط گردان، و به او الهام كن كه از بزرگان آنان چيزى‏

هَدَّهُ، وَلا هاماً الَّا قَدَّهُ، وَلا كَيْداً الَّا رَدَّهُ، وَلا فاسِقاً الَّا حَدَّهُ، وَلا فِرْعَوْنَ‏

باقى نگذارد، و سرهاى آنان را دو نيم كند، و حيله آنها را به خودشان بازگرداند، و فاسقانشان را حدّ شرعى زند و گردنكشانشان‏

الَّا اهْلَكَهُ، وَلا سِتْراً الَّا هَتَكَهُ، وَلا عَلَماً الَّا نَكَّسَهُ، وَلا سُلْطاناً الَّا كَبَسَهُ،

را هلاك كند، و پرده آبروى آنها را بدرد، و پرچمشان را سرنگون كند، سلطنتشان را مورد حمله قرار دهد

وَلا رُمْحاً الَّا قَصَفَهُ، وَلا مِطْرَداً الَّا خَرَقَهُ، وَلا جُنْداً الَّا فَرَّقَهُ، وَلا مِنْبَراً

و نيزه‏هايشان را بشكند، و سپرهايشان را پاره كند و لشكريانشان را پراكنده كند، و منبرِ (تبليغِ) شان را

الَّا احْرَقَهُ، وَلا سَيْفاً الَّا كَسَرَهُ، وَلا صَنَماً الَّا رَضَّهُ، وَلا دَماً الَّا اراقَهُ، وَلا

بسوزاند، و شمشيرشان را بشكند و بتهايشان را خرد كند و خونشان را بريزد، و

جَوْراً الَّا ابادَهُ، وَلا حِصْناً الَّا هَدَمَهُ، وَلا باباً الَّا رَدَمَهُ، وَلا قَصْراً الَّا

ستمشان را از بين برد، و قلعه‏شان را ويران كند، و درهايشان را ببندد، و قصرشان را

اخْرَبَهُ، وَلا مَسْكَناً الَّا فَتَّشَهُ، وَلا سَهْلًا الَّا اوْطَئَهُ، وَلا جَبَلًا الَّا صَعَدَهُ،

خراب كند و منزلشان را تفتيش كند، و زمينهاى هموارشان را زير پا گيرد و كوهها را فتح كند

وَلا كَنْزاً الَّا اخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[626]](#footnote-626)

و گنجهايشان را خارج سازد، به رحمتت اى مهربانترين مهربانان.

زيارت چهارم و استغاثه به امام زمان عليه السلام:

براى استغاثه و طلب حاجت بوسيله آن حضرت از درگاه خداوند، دو ركعت نماز بخوان و آنگاه زير آسمان، رو به قبله بايست و بگو:

كليات مفاتيح نوين، ص: 519

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

سَلامُ اللَّهِ الْكامِلُ التَّآمُّ الشَّامِلُ الْعآمُّ، وَصَلَواتُهُ الدَّآئِمَةُ، وَبَرَكاتُهُ الْقآئِمَةُ

سلام كامل و تمام و جامع و شامل از سوى خدا و درودهاى هميشگى و بركت‏هاى مستمر

التَّآمَّةُ، عَلى‏ حُجَّةِاللَّهِ وَوَلِيِّهِ فى‏ ارْضِهِ وَبِلادِهِ، وَخَليفَتِهِ عَلى‏ خَلْقِهِ‏

و تمام او بر حجّت خدا و وليّش در زمين و شهرهايش و جانشين او بر آفريدگان‏

وَعِبادِهِ، وَسُلالَةِ النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صاحِبِ الزَّمانِ، وَمُظْهِرِ

و بندگانش و خلف و بازمانده خاندان نبوّت و برگزيدگان، همان صاحب عصر و زمان و ظاهركننده‏

الْإيمانِ، وَمُلَقِّنِ احْكامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَناشِرِ الْعَدْلِ فِى‏

ايمان و تعليم‏دهنده احكام قرآن، و پاك‏كننده زمين (از ستم)، و گستراننده عدالت در

الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجِّةِ الْقآئِمِ الْمَهْدِىِّ الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِىِّ،

سراسر زمين، و حجّت پاينده، حضرت مهدى آن امام منتظر پسنديده‏

وَابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرينَ، الْوَصِىِّ بْنِ الْأَوْصِيآءِ الْمَرْضِيّينَ، الْهادِى‏

و فرزند امامان پاك، و جانشين و فرزند جانشينان پسنديده، و هدايتگر

الْمَعْصُومِ، ابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُداةِ الْمَعْصُومينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ‏

معصوم (از خطا)، فرزند امامان هدايتگر معصوم (از خطا)، سلام بر تو اى عزّت‏بخش مؤمنان‏

الْمُسْتَضْعَفينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُذِلَّ الْكافِرينَ الْمُتَكَبِّرينَ الظَّالِمينَ،

مستضعف، سلام بر تو اى خواركننده كافران متكبّر ستمگر،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ‏

سلام بر تو اى مولاى من اى صاحب عصر و زمان، سلام بر تو اى فرزند رسول‏

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ

خدا، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، سلام بر تو اى فرزند فاطمه‏

الزَّهْرآءِ، سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَئِمَّةِ الْحُجَجِ‏

زهرا، سرور بانوان جهانيان، سلام بر تو اى فرزند امامان آن حجّت‏هاى‏

الْمَعْصُومينَ، وَالْإِمامِ عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ،

معصوم (از خطا)، و (سلام بر تو) پيشواى تمامى مخلوقات، سلام بر تو اى مولاى من،

كليات مفاتيح نوين، ص: 520

سَلامَ مُخْلِصٍ لَكَ فِى الْوِلايَةِ، اشْهَدُ انَّكَ الْإِمامُ الْمَهْدِىُّ قَوْلًا وَفِعْلًا،

همانند سلام كسى كه خالص در ولايتِ توست، گواهى مى‏دهم كه به يقين تويى آن پيشواى هدايت‏يافته در گفتار و كردار

وَانْتَ الَّذى‏ تَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا، بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً،

و تويى كسى كه زمين را پر از عدل و داد مى‏كند، بعد از آن‏كه از ظلم و ستم پر شد

فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمانَكَ، وَكَثَّرَ انْصارَكَ‏

پس خداوند در فرجت تعجيل كرده و راه را براى خروجت هموار سازد و زمان (ظهورت) را نزديك گرداند و بر ياران‏

وَاعْوانَكَ، وَانْجَزَ لَكَ ما وَعَدَكَ، فَهُوَ اصْدَقُ الْقآئِلينَ: وَنُريدُ انْ نَمُنَّ عَلَى‏

و ياورانت بيفزايد، و آنچه به تو وعده نموده وفا كند، چرا كه او صادق‏ترين گويندگان است (كه فرمود:) ما اراده كرده‏ايم تا بر

الَّذينَ اسْتُضْعِفُوافِى الْأَرْضِ، وَنَجْعَلَهُمْ ائِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثينَ. يا

مستضعفان زمين نعمت بخشيم و آنان را پيشوايان و وارثان روى زمين قرار دهيم. اى‏

مَوْلاىَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ، حاجَتى‏ كَذاوَكَذا (بجاى كَذا وَ كَذا مولاى من اى صاحب عصر و زمان، اى فرزند رسول خدا حاجاتم چنين و چنان است\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حاجات خود را ذكركند) فَاشْفَعْ لى‏ فى‏ نَجاحِها، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ الَيْكَ بِحاجَتى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\* پس در برآورده شدنش شفيعم باش، با حاجتم به تو رو نموده‏ام‏

لِعِلْمى‏ انَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقاماً مَحْمُوداً، فَبِحَقِّ مَنِ‏

چرا كه مى‏دانم شفاعت تو نزد پروردگار پذيرفته شده و داراى جايگاه ستوده‏اى، پس به حق آن كه‏

اخْتَصَّكُمْ بِامْرِهِ، وَارْتَضاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّاْنِ الَّذى‏ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ‏

انجام اوامرش را به شما واگذارده، و شما را براى اسرارش پسنديد و به حق جايگاهى كه شما نزد خدا بين خود و او داريد

وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعالى‏ فى‏ نُجْحِ طَلِبَتى‏، وَاجابَةِ دَعْوَتى‏، وَكَشْفِ كُرْبَتى‏

از خداى بلندمرتبه، برآوردن درخواستم و قبولى دعايم و برطرف شدن گرفتاريم را درخواست كن.

\* آنگاه هر حاجتى كه دارى، بخواه كه ان‏شاءاللَّه تعالى برآورده مى‏شود.[[627]](#footnote-627) يادآورى:

اين زيارت و استغاثه نيز اختصاص به سرداب مقدّس ندارد بلكه هر زمان و هر مكان مى‏توان آن را بجا آورد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 521

دعاهاى مربوط به آن حضرت:

در پايان اين فصل (فصل زيارات حضرت حجّت عليه السلام) به پنج دعا اشاره مى‏كنيم كه در ارتباط با سلامتى و تعجيل ظهور آن حضرت و رفع مشكلات ياران او و اين‏كه ما نيز از سربازان و مدافعان و شيعيان واقعى آن بزرگوار و از ملازمان او بعد از ظهورش باشيم وارد شده است.

دعاى اوّل (دعاى ندبه):

اين دعا در بخش دوم اين كتاب در صفحه 189 گذشت.

دعاى دوم (دعاى بعد از نماز صبح):

از دعاهايى كه در «مصباح الزائر» بعد از دعاى ندبه ذكر شده (و از آن به زيارت تعبير گرديده است) دعايى است كه بعد از نماز صبح خوانده مى‏شود:

اللهُمَّ بَلِّغْ مَوْلاىَ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَميعِ‏

خدايا برسان به مولاى من حضرت صاحب الزمان- كه درودهاى تو بر او باد- از طرف همه‏

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ فى‏ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها،

مردان و زنان با ايمان كه در شرق‏ها وغربهاى زمينند و در خشكى و دريا هستند

وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ والِدَىَّ وَوُلْدى‏، وَعَنّى‏ مِنَ‏

و در هموارى زمين و كوهند، زنده‏شان و مرده‏شان و از طرف پدر و مادر و فرزندان و خود من‏

الصَّلَواتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدادَ كَلِماتِهِ، وَمُنْتَهى‏ رِضاهُ،

درودها و تحيّت‏هايى هموزن عرش خدا و به شماره كلمات و سخنانش و نهايت مرتبه خشنوديش‏

وَعَدَدَ ما احْصاهُ كِتابُهُ، وَاحاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ انّى‏ اجَدِّدُ لَهُ فى‏ هذَا

و به شماره آنچه برشمرده است آن را دفتر و كتابش و احاطه دارد بدان دانشش، خدايا من نو مى‏كنم براى آن جناب در اين‏

الْيَوْمِ، وَفى‏ كُلِّ يَوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ فى‏ رَقَبَتى‏، اللهُمَّ كَما شَرَّفْتَنى‏

روز و در هر روز عهد و پيمان و بيعتى را در گردنم، چنانچه مرا مفتخر ساختى‏

بِهذَا التَّشْريفِ، وَفَضَّلْتَنى‏ بِهذِهِ الْفَضيلَةِ، وَخَصَصْتَنى‏ بِهذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِ‏

بدين افتخار و برتريم دادى به اين فضيلت و مخصوصم داشتى بدين نعمت، پس درود فرست‏

عَلى‏ مَوْلاىَ وَسَيِّدى‏ صاحِبِ الزَّمانِ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ انْصارِهِ وَاشْياعِهِ‏

بر مولا و آقايم حضرت صاحب‏الزمان و قرارم ده از ياران و پيروان‏

وَالذّآبّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنى‏ مِنَ الْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ‏

و دفاع كنندگان آن حضرت و بگردانم از شهادت يافتگان در پيش رويش از روى ميل و رغبت بدون اكراه و ناراحتى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 522

فِى الصَّفِّ الَّذى‏ نَعَتَّ اهْلَهُ فى‏ كِتابِكَ، فَقُلْتَ صَفّاً كَانَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ‏

در آن صفى كه اهل آن را در كتاب خود (قرآن) توصيف كرده و فرمودى: «صفى كه گويا بنايى استوارند»

عَلى‏ طاعَتِكَ، وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، اللهُمَّ هذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ‏

در راه فرمانبردارى تو و فرمانبردارى رسول تو و آل رسولت- كه بر تمامى آنها سلام باد- خدايا اين بيعتى است از آن جناب‏

فى‏ عُنُقى‏ الى‏ يَوْمِ الْقِيمَةِ.[[628]](#footnote-628)

در گردن من تا روز قيامت.

و در حقيقت با اين دعا با آن حضرت تجديد بيعت مى‏كنى.

\*\*\*

دعاى سوم (دعاى عهد):

از امام صادق عليه السلام روايت شده كه هر كس چهل روز صبح‏ها اين دعا را بخواند از ياوران حضرت قائم عليه السلام باشد.[[629]](#footnote-629) به يقين تأثير اين‏گونه دعاها در مورد كسانى است كه شرايط سربازى امام زمان عليه السلام را بدست آورده‏اند، نخست با خودسازى و تهذيب نفس و تلاش براى اصلاح جامعه، شايستگى حضور در ميان ياران آن حضرت را كسب مى‏كنند وسپس با خواندن اين دعا حضور خود را در خدمت حضرت تضمين مى‏نمايند. اين دعا در مزار كبير، مصباح‏الزائر و بحارالانوار- با تفاوت‏هايى نسبت به يكديگر- آمده است و ما آن را مطابق نسخه متداول نقل مى‏كنيم:

اللهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِىِّ الرَّفيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ،

خدايا، اى پروردگار نور با عظمت، و پروردگار جايگاه بلند و رفيع، و پروردگار درياى خروشان‏

وَمُنْزِلَ التَّوْراةِ وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ‏

و فرو فرستنده تورات و انجيل و زبور، و پروردگار سايه و باد سوزان و فرو فرستنده قرآن‏

الْعَظيمِ، وَرَبَّ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ، وَالْأَنْبِيآءِ وَالْمُرْسَلينَ، اللهُمَّ انّى‏

با عظمت، و پروردگار فرشتگان مقرّب و پيامبران و رسولان، خدايا از تو

اسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَديمِ، يا حَىُّ يا

مى‏خواهم به حق ذات كريمانه‏ات و روشنايى جمال نورانيت و فرمانروايى ديرينه‏ات، اى زنده، اى‏

قَيُّومُ، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ اشْرَقَتْ بِهِ السَّمواتُ وَالْأَرَضُونَ، وَبِاسْمِكَ‏

پاينده، از تو مى‏خواهم به حق نامت كه آسمان‏ها و زمين‏ها به آن روشن شده و به حق نامت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 523

الَّذى‏ يَصْلَحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْأخِرُونَ، يا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَىٍّ، وَيا حَيّاً بَعْدَ

كه پيشينيان و پسينيان به آن صالح و شايسته گرديدند، اى زنده پيش از هر زنده و اى زنده پس از

كُلِّ حَىٍّ، وَيا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، يا مُحْيِىَ الْمَوْتى‏، وَمُميتَ الْأَحْيآءِ، يا

تمامى زندگان، و اى زنده در زمانى كه زنده‏اى نبود، اى زنده كننده مردگان و ميراننده زندگان، اى‏

حَىُّ لا الهَ الَّا انْتَ، اللهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا الْإِمامَ الْهادِىَ الْمَهْدِىَّ الْقآئِمَ‏

زنده‏اى كه معبودى جز تو نيست، خدايا برسان به مولايم امام هدايتگر هدايت‏يافته آن قيام‏كننده‏

بِامْرِكَ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وعَلى‏ ابآئِهِ الطَّاهِرينَ، عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ‏

به فرمانت- كه درود خدا بر او و پدران پاكش باد- از جانب تمامى مردان‏

وَالْمُؤْمِناتِ فى‏ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، سَهْلِها وَجَبَلِها، وَبَرِّها

و زنان با ايمان در شرق و غرب زمين، پستى‏ها و بلندى‏هاى آن و خشكى‏ها

وَبَحْرِها، وَعَنّى‏ وَعَنْ والِدَىَّ مِنَ الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ‏اللَّهِ، وَمِدادَ كَلِماتِهِ،

و درياهايش، و از جانب من و پدر و مادرم، درودهايى همسنگ عرش خدا و به عدد كلماتش‏

وَما احْصاهُ عِلْمُهُ، وَاحاطَ بِهِ كِتابُهُ، اللَّهُمَّ انّى‏ اجَدِّدُ لَهُ فى‏ صَبيحَةِ يَوْمى‏

و به اندازه‏اى كه دانشش احصا نموده و كتابش به آن احاطه دارد، خدايا من در صبح امروز

هذا وَما عِشْتُ مِنْ ايَّامى‏، عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ فى‏ عُنُقى‏، لا احُولُ‏

و روزهاى سپرى شده از عمرم، عهد و پيمان و بيعتش را كه بر عهده دارم، تجديد مى‏كنم و هرگز از آن روى برنتافته‏

عَنْها وَلا ازُولُ ابَداً، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِنْ انْصارِهِ وَاعْوانِهِ، وَالذَّابّينَ عَنْهُ،

و دست نكشم، خدايا قرار ده مرا از ياران و ياوران و دفاع‏كنندگانش‏

وَالْمُسارِعينَ الَيْهِ فى‏ قَضآءِ حَوآئِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلينَ لِأَوامِرِهِ، وَالْمُحامينَ‏

و از شتابندگان به برآوردن خواسته‏هايش و از اطاعت‏كنندگان فرامينش و از حمايت‏كنندگانش‏

عَنْهُ، وَالسَّابِقينَ الى‏ ارادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، اللهُمَّ انْ حالَ‏

و از سبقت‏گيرندگان به انجام خواسته‏هايش، و از شهادت‏طلبان پيش رويش، خدايا اگر

بَيْنى‏ وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذى‏ جَعَلْتَهُ عَلى‏ عِبادِكَ حَتْماً مَقْضِيّاً، فَاخْرِجْنى‏

مرگى كه بر بندگانت سرنوشت حتمى قرار داده‏اى ميان من و او جدايى اندازد، پس مرا

مِنْ قَبْرى‏ مُؤْتَزِراً كَفَنى‏، شاهِراً سَيْفى‏، مُجَرِّداً قَناتى‏، مُلَبِّياً دَعْوَةَ

از قبرم خارج كن كفن‏پوشان، با شمشير كشيده و نيزه آماده، به دعوت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 524

الدَّاعى‏ فِى الْحاضِرِ وَالْبادى‏، اللهُمَّ ارِنِى الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ، وَالْغُرَّةَ

آن امام در شهر و روستا لبيك گويم، خدايا آن جمال با كمال و سفيدروى‏

الْحَميدَةَ، وَاكْحُلْ ناظِرى‏ بِنَظْرَةٍ مِنّى‏ الَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ،

ستوده را به من نشان ده، و ديدگانم را با نگاهى به سوى او روشنى بخش و در فرجش تعجيل فرما و خروجش را آسان‏

وَاوْسِعْ مَنْهَجَهُ، وَاسْلُكْ بى‏ مَحَجَّتَهُ، وَانْفِذْ امْرَهُ، وَاشْدُدْ ازْرَهُ، وَاعْمُرِ

و راهش را هموار گردان، و مرا به راهش هدايت كن و فرمانش را نافذ گردان و او را يارى كن، و خدايا

اللهُمَّ بِهِ بِلادَكَ، وَاحْىِ بِهِ عِبادَكَ، فَانَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسادُ

به وسيله او شهرهايت را آباد و بندگانت را زنده گردان، چرا كه تو فرموده‏اى و گفتارت حق است: «فساد در صحرا و دريا

فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ ايْدِى النَّاسِ، فَاظْهِرِ الّلهُمَّ لَنا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ‏

بخاطر كارهايى كه مردم انجام داده‏اند آشكار شده است»، خدايا وليّت و فرزند دختر

نَبِيِّكَ الْمُسَمّى‏ بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتّى‏ لا يَظْفَرَ بِشَىْ‏ءٍ مِنَ الْباطِلِ الَّا مَزَّقَهُ،

پيامبرت را كه همنام رسول توست براى ما ظاهر گردان، تا اين كه بر هر باطلى پيروز شده و آن را از هم بپاشد

وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِكَ، وَناصِراً

و احقاق حق كرده و به آن جامه عمل بپوشاند، خدايا قرار ده او را پناهگاه بندگان مظلومت و ياور

لِمَنْ لا يَجِدُ لَهُ ناصِراً غَيْرَكَ، وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ احْكامِ كِتابِكَ،

آنان كه ياورى جز تو نمى‏يابند، و تجديدكننده احكام رهاشده از كتابت‏

وَمُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ اعْلامِ دينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

و محكم‏كننده نشانه‏هاى دينت و سنت‏هاى پيامبرت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَاجْعَلْهُ اللهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِن بَاْسِ الْمُعْتَدينَ، اللهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً

و خدايا او را از كسانى قرار ده كه از گزند دشمنان حفظش كرده‏اى، خدايا پيامبرت محمّد

صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلى‏ دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و كسانى كه او را در دعوتش پيروى كرده‏اند را به ديدارش خشنود كن، و به درماندگى‏

بَعْدَهُ، اللهُمَّ اكْشِفْ هذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنا

ما پس از او رحم كن، خدايا با حضورش اين غم را از اين امّت برطرف كرده، و در ظهورش براى ما تعجيل فرما

ظُهُورَهُ، انَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعيداً وَنَريهُ قَريباً، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

(زيرا تو خود فرمودى) «آنها آن روز را دور مى‏بينند و ما آن را نزديك مى‏بينيم»، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 525

سپس سه مرتبه دست بر ران راست خود مى‏زنى و در هر مرتبه مى‏گويى:

الْعَجَلَ الْعَجَلَ يا مَوْلاىَ يا صاحِبَ الزَّمانِ.[[630]](#footnote-630)

\*\*\*

دعاى چهارم:

يونس بن عبدالرحمن از امام رضا عليه السلام نقل كرده كه آن حضرت امر فرمودند كه با اين دعا حضرت صاحب‏الامر (مهدى عليه السلام) را دعا كنيد:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيّكَ وَخَليفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ، وَلِسانِكَ الْمُعَبِّرِ

خدايا دفاع كن از ولىّ و جانشين و حجّتِ بر مخلوقاتت و زبان گويايت،

عَنْكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاظِرَةِ بِاذْنِكَ، وَشاهِدِكَ عَلى‏ عِبادِكَ،

همان سخن‏گوينده به حكمتت و ديدگان بيناى به اذنت، و گواه بر بندگانت،

الْجَحْجاحِ الْمُجاهِدِ، الْعائِذِ بِكَ، الْعابِدِ عِنْدَكَ، وَاعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَميعِ ما

آن بزرگ مرد مبارز، پناهنده به تو، عبادت كننده به درگاهت، و او را پناه ده از شرّ تمامى آنچه‏

خَلَقْتَ، وَبَرَاْتَ وَانْشَاْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ‏

آفريده و بوجود آوردى و پرورش داده و صورت بخشيدى، و او را از مقابل و پشت سر

وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذى‏ لا يَضيعُ‏

و سمت راست و چپ و بالاى سر و زير پايش حفظ كن، به حفاظتى كه هر كس را كه‏

مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ وَ ابآئَهُ ائِمَّتَكَ وَدَعآئِمَ دينِكَ،

با آن حفظ كنى محفوظ بماند، و با حفظ او رسولت و پدرانش، همان امامان و استوانه‏هاى دينت را حفظ كن‏

وَاجْعَلْهُ فى‏ وَدائِعِكَ الَّتى‏ لا تَضيعُ، وَفى‏ جِوارِكَ الَّذى‏ لا يُخْفَرُ، وَفى‏

و او را قرار ده در وديعه‏هاى ضايع نشدنى‏ات و در جوار خويش كه حفاظت نخواهد، و در

مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذى‏ لَايُقْهَرُ، وَآمِنْهُ بِامانِكَ الْوَثيقِ الَّذى‏ لا يُخْذَلُ مَنْ‏

حفظ و عزّتت كه شكست‏ناپذير است، و ايمن گردان او را با پناه محكمت كه هر كس را به آن ايمن گرداندى خوار

آمَنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فى‏ كَنَفِكَ الَّذى‏ لَايُرامُ مَنْ كانَ فيهِ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ‏

نگردد، و قرار ده او را در حمايتت كه هر كس در آن باشد مورد سوء قصد واقع نشود، و او را با يارى قويّت پيروز

الْعَزيزِ، وَايِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَارْدِفْهُ بِملائِكَتِكَ، وَ والِ‏

گردان و با لشكريان پيروزت تأييد كن، و با قدرتت تقويت نما، و با فرشتگانت همراهيش كن، و دوستانش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 526

مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ا لْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ، وَ حُفَّهُ بِالْمَلائِكَةِ

را دوست و دشمنانش را دشمن بدار، و زره محكمت را به او بپوشان و با فرشتگانت به خوبى اطرافش‏

حَفّاً، اللهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَامِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَ اظْهِرْ

را احاطه كن، خدايا به وسيله او اختلاف را كم كن و تفرقه و جدايى را پيوند ده، و ظلم و ستم را بميران و عدالت را

بِهِ الْعَدْلَ، وَ زَيِّنْ بِطُولِ بَقآئِهِ الْأَرْضَ، وَايِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ،

ظاهر گردان، و با طول عمرش زمين را زينت ده و با ياريت او را تأييد كن، و با بيم و هراس (در دل دشمنانش) او را يارى نما

وَقَوِّ ناصِريهِ، وَاخْذُلْ خاذِليهِ، وَ دَمْدِمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَ دَمِّرْ مَنْ غَشَّهُ،

و ياورانش را تقويت و تضعيف كنندگانش را خوار گردان، و هر كه را با او دشمنى كند نابود كن، و هر كه را به او خيانت كند

وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمُدَهُ وَ دَعآئِمَهُ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَةِ،

ريشه‏كن ساز و به وسيله او گردنكشان و سركرده‏ها و ستون‏هاى كفر را بكش، و خُرد كن به وسيله او سران گمراهى‏

وَشارِعَةَ الْبِدَعِ، وَمُميتَةَ السُّنَّةِ، وَمُقَوِّيَةَ الْباطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارينَ، وَأَبِرْ

و بدعت‏گزاران، و نابودكنندگان سنّت (پيامبر) و تقويت كنندگان باطل را، و به‏وسيله او زورگويان را خوار گردان،

بِهِ الْكافِرينَ، وَجَميعَ الْمُلْحِدينَ فى‏ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغارِبِها، وَ بَرِّها

و كافران، و تمامى بى‏دينان در شرق و غرب زمين و خشكى‏

وَ بَحْرِها، وَ سَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّى‏ لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً، وَ لا تُبْقى‏ لَهُمْ‏

و دريا و پستى و بلندى آن را هلاك گردان، تا اينكه احدى از آنان را باقى نگذارى، و آثارشان را ريشه كن‏

آثاراً، اللهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَكَ، وَاعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنينَ،

كنى، خدايا شهرهايت را از وجود آنان پاك گردان، و بندگانت را از دست آنان نجات ده، و مؤمنان را به واسطه او عزّت بخش‏

وَاحْىِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلينَ، وَ دارِسَ حُكْمِ النَّبِيّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحى‏

و سنّت‏هاى پيامبران و احكام محو شده آنان را زنده گردان، و به وسيله او آنچه را

مِنْ دينِكَ، وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتّى‏ تُعيدَ دينَكَ بِهِ، وَعَلى‏ يَدَيْهِ جَديداً

از دينت محو و فراموش شده و از فرمانت دگرگون شده تجديد كن، تا اين‏كه به واسطه، و به دست او، دينت را جديد،

غَضّاً مَحْضاً صَحيحاً لا عِوَجَ فيهِ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتّى‏ تُنيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ‏

تازه، خالص و صحيح گردانى در حالى كه كجى و بدعت در او نباشد، و تا اين‏كه با عدالت او تاريكى‏هاى ستم را روشن‏

الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نيرانَ الْكُفْرِ، وَ توُضِحَ بِهِ مَعاقِدَ الْحَقِّ، وَ مَجْهُولَ‏

سازى و آتش كفر را خاموش كنى، و جايگاه حق و عدل ناشناخته را روشن سازى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 527

الْعَدْلِ، فَانَّهُ عَبْدُكَ الَّذىِ اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلى‏ غَيْبِكَ،

چرا كه او بنده توست كه براى خودت خالص گردانده و بر (آگاهى از) عالَم غيبت برگزيدى‏

وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ بَرَّاْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ،

و معصوم از گناهان قرار داده و از عيب‏ها دور ساختى و از پليدى پاك گردانده‏

وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللهُمَّ فَانَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ‏

و از آلودگى سالم داشتى، خدايا ما براى او در روز قيامت و روز وقوع حادثه بزرگ گواهى‏

الطَّآمَّةِ، انَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً، وَ لا اتى‏ حُوباً، وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ‏

مى‏دهيم كه او به يقين گناهى مرتكب نشده، و لغزشى نداشته و نافرمانى نكرده‏

يُضَيِّعْ لَكَ طاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَريضَةً، وَ لَمْ يُغَيِّرْ

و طاعتى را ضايع نساخته و حرمت‏شكنى نكرده، و واجبى را تغيير نداده، و قانونى را دگرگون‏

لَكَ شَريعَةً، وَانَّهُ الْهادِى الْمُهْتَدِى الطَّاهِرُ، التَّقِىُّ النَّقِىُّ، الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ،

نساخته است، و اوست به يقين هدايت‏كننده هدايت يافته پاكيزه، همان پرهيزگار پاك، و پسنديده خالص،

اللهُمَّ اعْطِهِ فى‏ نَفْسِهِ وَاهْلِهِ وَوَلَدِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ وَامَّتِهِ، وَ جَميعِ رَعِيَّتِهِ ما

خدايا به او و خاندان و فرزندان و نسل و امّتش و تمامى پيروانش آنچه را كه‏

تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ، وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمُمْلَكاتِ كُلِّها، قَريبِها

مايه چشم‏روشنى و خوشحالى اوست عطا كن، و براى او فرمانروايى تمامى كشورهاى نزديك‏

وَبَعيدِها، وَعَزيزِها وَذَليلِها، حَتّى‏ تُجْرِىَ حُكْمَهُ عَلى‏ كُلِّ حُكْمٍ، وَتَغْلِبَ‏

و دور و نيرومند و ضعيف را جمع كن، تا اينكه حكمش را بر تمامى فرمان‏ها غالب كرده و با حقّانيّتش‏

بِحَقِّهِ كُلَّ باطِلٍ، اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنا عَلى‏ يَدَيْهِ مِنْهاجَ الْهُدى‏، وَالْمَحَجَّةَ

بر باطل‏ها پيروز گردانى، خدايا ما را به دست او راهنمايى كن به راه هدايت و بزرگراه (سعادت)

الْعُظْمى‏، وَالطَّريقَةَ الْوُسْطَى الَّتى‏ يَرْجِعُ الَيْهَا الْغالى‏، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالى‏،

و راه مستقيمى كه پيش‏افتادگان به آن بازگردند و عقب‏ماندگان به آن ملحق شوند

وَقَوِّنا عَلى‏ طاعَتِهِ، وَثَبِّتْنا عَلى‏ مُشايَعَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنا بِمُتابَعَتِهِ،

و ما را بر اطاعت از او نيرو ده و بر همراهيش ثابت قدم بدار، و با پيرويش بر ما منت گذار،

وَاجْعَلْنا فى‏ حِزْبِهِ الْقَوَّامينَ بِامْرِهِ، الصَّابِرينَ مَعَهُ، الطَّالِبينَ رِضاكَ‏

و ما را در گروه او قرار ده، گروهى كه قيام‏كننده به فرمان او، صبر كننده به همراه او، جويندگان رضايت تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 528

بِمُناصَحَتِهِ، حَتّى‏ تَحْشُرَنا يَوْمَ الْقِيمَةِ فى‏ انْصارِهِ وَاعْوانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ

با خيرخواهى او هستند، تا اين كه ما را در روز قيامت در زمره ياران و ياوران و تقويت‏كنندگان‏

سُلْطانِهِ، اللهُمَّ وَ اجْعَلْ ذلِكَ لَنا خالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَ رِياءٍ

فرمانروايى او محشور كنى، و خدايا آن را براى ما خالص از هر شك و ترديد و ريا

وَسُمْعَةٍ، حَتّى‏ لانَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلا نَطْلُبَ بِهِ الَّا وَجْهَكَ، وَحَتّى‏ تُحِلَّنا

و شهرت‏طلبى قرار ده، تا اين كه به واسطه آن بر غير تو اعتماد نكنيم و جز تو را نجوييم، و تا اين كه ما را به جايگاهش‏

مَحَلَّهُ، وَ تَجْعَلَنا فِى الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَ اعِذْنا مِنَ السَّأْمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ،

برسانى، و ما را در بهشت همراه او قرار دهى و از خستگى و كسالت و سستى دور نمايى‏

وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلاتَسْتَبْدِلْ بِنا غَيْرَنا،

و ما را از ياوران دينت و شيفتگان پيروزى وليّت قرار ده، و كسى را جايگزين ما نكن‏

فَانَّ اسْتِبْدالَكَ بِنا غَيْرَنا عَلَيْكَ يَسيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْنا كَثيرٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

چرا كه جايگزين كردن ديگران بجاى ما براى تو آسان است، و اين كار بر ما بسيار سنگين است، خدايا بر

وُلاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمآلَهُمْ، وَ زِدْ فى‏ آجآلِهِمْ،

جانشينان او و پيشوايان بعد از او درود فرست، و آنان را به آرزوهايشان برسان و عمرشان را طولانى گردان‏

وَاعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ ما اسْنَدْتَ الَيْهِمْ مِنْ امْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعآئِمَهُمْ،

و ياورانش را عزّت بخش، و آنچه از امور حكومتت به آنان سپرده‏اى، كامل گردان، و پايه‏هاى آن را محكم كن،

وَاجْعَلْنا لَهُمْ اعْواناً، وَعَلى‏ دينِكَ انْصاراً، فَانَّهُمْ مَعادِنُ كَلِماتِكَ،

و ما را ياور آنان و ناصر دينت قرار ده، چرا كه آنان گنجينه سخنان‏

وَ خُزَّانُ عِلْمِكَ، وَ ارْكانُ تَوْحيدِكَ، وَ دَعآئِمُ دينِكَ، وَ وُلاةُ امْرِكَ،

و خزانه‏دار دانش تو و پايه‏هاى توحيد، و استوانه‏هاى دين تو، و متولّيان حكومت‏

وَخالِصَتُكَ مِنْ عِبادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَاوْلِيآؤُكَ وَ سَلائِلُ‏

و بندگان خالص تو و برگزيدگان از مخلوقاتت و دوستداران و فرزندان‏

اوْلِيآئِكَ، وَ صَفْوَةُ اوْلادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ.[[631]](#footnote-631)

دوستداران تو، و برگزيده از فرزندان پيامبر تو هستند، و درود و رحمت و بركات خدا بر آنان باد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 529

دعاى پنجم‏

: «سيّد بن طاووس» در «جمال الاسبوع» از «عثمان بن سعيد» نائب اوّل از نوّاب اربعه نقل كرده، و مى‏نويسد: اگر از خواندن جميع آنچه به عنوان تعقيبات نماز عصر در روز جمعه آورده‏ايم معذور هستى، اين دعا را بخوان و به آن اعتماد كن:

اللهُمَّ عَرِّفْنى‏ نَفْسَكَ، فَانَّكَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنى‏ نَفْسَكَ لَمْ اعْرِفْ رَسُولَكَ،

خدايا خودت را به من بشناسان، چرا كه اگر خودت را به من نشناسانى، رسولت را نخواهم شناخت،

اللهُمَّ عَرِّفْنى‏ رَسُولَكَ، فَانَّكَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنى‏ رَسُولَكَ لَمْ اعْرِفْ حُجَّتَكَ،

خدايا رسولت را به من بشناسان چرا كه اگر رسولت را به من نشناسانى، حجّتت را نخواهم شناخت،

اللهُمَّ عَرِّفْنى‏ حُجَّتَكَ، فَانَّكَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنى‏ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دينى‏،

خدايا حجّتت را به من بشناسان، چرا كه اگر حجّتت را به من نشناسانى، از دينم منحرف خواهم شد.

اللهُمَّ لا تُمِتْنى‏ ميتَةً جاهِلِيَّةً، وَلا تُزِغْ قَلْبى‏ بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنى‏، اللَّهُمَّ فَكَما

خدايا مرا به مرگ جاهليت نميران، و دلم را بعد از آن كه من را هدايت كردى (از راه حق) منحرف مگردان، خدايا همان‏گونه‏

هَدَيْتَنى‏ لِوِلايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طاعَتَهُ عَلَىَّ، مِنْ وُلاةِ امْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ‏

كه مرا به ولايت كسانى كه اطاعتشان را بر من واجب نمودى هدايت كردى، همان‏ها كه اوليا و خلفاى بعد از رسولت‏

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتّى‏ والَيْتُ وُلاةَ امْرِكَ اميرَ الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنَ‏

- كه درود تو بر او و خاندان پاكش باد- بودند تا جايى كه پيمان بستم با اولياى تو اميرمؤمنان و امام حسن‏

وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيّاً وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسى‏ وَعَلِيّاً وَمُحَمَّداً وَعَلِيّاً

و امام حسين، و على و محمّد و جعفر و موسى و على و محمّد و على‏

وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقآئِمَ الْمَهْدِىَّ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، اللهُمَ‏

و حسن و حجت قائم مهدى، كه درود تو بر تمامى آنان باد، خدايا

فَثَبِّتْنى‏ عَلى‏ دينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنى‏ بِطاعَتِكَ، وَلَيِّنْ قَلْبى‏ لِوَلِىِّ امْرِكَ،

مرا بر دينت ثابت قدم بدار و بر بندگيت بگمار، و دلم را بر (اطاعت از) ولىّ امرت نرم كن‏

وَعافِنى‏ مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَثَبِّتْنى‏ عَلى‏ طاعَةِ وَلِىِّ امْرِكَ، الَّذى‏

و مرا از آنچه مخلوقاتت را به آن مى‏آزمايى، معاف كن، و بر اطاعت از ولىّ امرت ثابت قدم بدار، آن كسى كه‏

سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، وَبِاذْنِكَ غابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَامْرَكَ يَنْتَظِرُ، وَانْتَ الْعالِمُ‏

او را از مخلوقاتت پوشانده‏اى و با اجازه تو از آفريدگانت غايب است و منتظر فرمان توست، و تو دانايى هستى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 530

غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذى‏ فيهِ صَلاحُ امْرِ وَلِيِّكَ، فِى الْإِذْنِ لَهُ بِاظْهارِ امْرِهِ‏

كسى تو را بر زمانى كه در آن امر (فرج) وليّت اصلاح خواهد شد آگاه نكرده است، در اجازه دادن به او براى ظهور

وَكَشْفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْنى‏ عَلى‏ ذلِكَ، حَتّى‏ لا احِبَّ تَعْجيلَ ما اخَّرْتَ، وَلا

و آشكار شدن راز غيبتش، پس مرا بر آن صبور گردان، تا تعجيل در آنچه تأخير انداخته‏اى‏

تَاْخيرَ ما عَجَّلْتَ، وَلا كَشْفَ ما سَتَرْتَ، وَلَاالْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلا

و تأخير آنچه جلو انداخته‏اى را نپسندم، و نه روشن شدن آنچه پوشانده‏اى و نه جستجوى آنچه مخفى نموده‏اى و نه‏

انازِعَكَ فى‏ تَدْبيرِكَ، وَلا اقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَما بالُ وَلِىِّ الْامْرِ لا يَظْهَرُ، وَقَدِ

مخالفت با تدبيرت و نه سؤال از چرايى و چگونگى آن و نه دليل ظهور نكردن ولىّ امرت را، در حالى كه‏

امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَافَوِّضُ امُورى‏ كُلَّها الَيْكَ، اللهُمَّ انّى‏

زمين از ستم پر شده است، و تمامى امورم را به تو واگذار مى‏كنم، خدايا

اسْئَلُكَ انْ تُرِيَنى‏ وَلِىَّ امْرِكَ ظاهِراً نافِذَالْأَمْرِ، مَعَ عِلْمى‏ بِانَّ لَكَ‏

از تو مى‏خواهم كه ولىّ امرت را در حالى كه آشكار و فرمانش نافذ باشد به من بنمايانى، با اين كه مى‏دانم‏

السُّلْطانَ، وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهانَ، وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيَّةَ، وَالْحَوْلَ وَ الْقُوَّةَ، فَافْعَلْ‏

فرمانروايى و قدرت و دليل و حجّت و اراده و توان و نيرو از آنِ توست، پس تمامى‏

ذلِكَ بى‏ وَبِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ، حَتّى‏ نَنْظُرَ الى‏ وَلِيِّكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ،

آن را در حق من و همه مؤمنان انجام ده، تا وليّت را- كه درود تو بر او باد- نظاره كنيم‏

ظاهِرَ الْمَقالَةِ، واضِحَ الدِّلالَةِ، هادِياً مِنَ الضَّلالَةِ، شافِياً مِنَ الْجَهالَةِ،

در حالى كه صاحب گفتار روشن و راهنمايى آشكار و هدايت كننده از گمراهى و نجات‏دهنده از گمراهى باشد،

ابْرِزْ يا رَبِّ مُشاهَدَتَهُ، وَ ثَبِّتْ قَواعِدَهُ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَقِرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ،

اى پروردگار من ديدارش را برايم آشكار كن، و پايه‏هاى (حكومتش) را استوار بدار، و ما را از آنانى قرار ده كه چشمانشان به ديدارش روشن شود

وَاقِمْنا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنا عَلى‏ مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنا فى‏ زُمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ اعِذْهُ مِنْ‏

و ما را به خدمتش بگمار، و بر آيين او بميران، و در گروهش محشور كن، خدايا او را پناه ده از

شَرِّ جَميعِ ما خَلَقْتَ، وَ ذَرَاْتَ وَ بَرَاْتَ، وَ انْشَاْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَ احْفَظْهُ‏

شرّ تمامى آنچه آفريده و خلق كرده و پديد آوردى و پرورش داده و صورت بخشيدى، و او را

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ يَمينِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ‏

از مقابل و پشت سر و سمت راست و چپ و بالاى سر و زير

كليات مفاتيح نوين، ص: 531

تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذى‏ لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ،

پا حفظ كن، به حفاظتى كه ضايع نگردد كسى را كه با آن حفظ مى‏كنى، و با حفظ او (آثار) رسولت‏

وَوَصِىَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، اللَّهُمَّ وَ مُدَّ فى‏ عُمْرِهِ، وَ زِدْ فى‏ اجَلِهِ،

و جانشين رسولت- كه بر او و خاندانش درود باد- را حفظ كن، خدايا عمرش را طولانى كن و بر طول زندگيش بيفزا

وَاعِنْهُ عَلى‏ ما وَلَّيْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَ زِدْ فى‏ كَرامَتِكَ لَهُ، فَانَّهُ الْهادِى‏

و او را يارى كن در آنچه به عهده‏اش گذاشته و انجامش را از او خواسته‏اى، و لطف و كرمت را نسبت به او افزون كن، چرا كه اوست هدايت‏گر

الْمَهْدِىُّ، وَالْقآئِمُ الْمُهْتَدى‏، وَالطَّاهِرُ التَّقِىُّ، الزَّكِىُّ النَّقِىُّ، الرَّضِىُ‏

هدايت يافته، و قيام كننده راهنما، و پاكيزه پرهيزكار، خالص پاك، خشنود

الْمَرْضِىُّ، الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، اللهُمَّ وَلا تَسْلُبْنَا الْيَقينَ لِطُولِ‏

پسنديده، شكيباى شكرگزار و كوشا، خدايا بخاطر طولانى شدن مدّت غيبت‏

الْأَمَدِ فى‏ غَيْبَتِهِ، وَانْقِطاعِ خَبَرِهِ عَنَّا، وَلا تُنْسِنا ذِكْرَهُ وَانْتِظارَهُ‏

و قطع شدن ارتباطش از ما يقينمان (به ظهورش) را از ما مگير، و از يادمان مبر، ذكر و يادش را و انتظار (وصالش)

وَالْإيمانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقينِ فى‏ ظُهُورِهِ، وَالدُّعآءَ لَهُ وَالصَّلاةَ عَلَيْهِ، حَتّى‏

و ايمان به او، و استحكام يقين در ظهورش و دعا و درود بر او را، تا اين كه‏

لا يُقَنِّطَنا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيامِهِ، وَيَكُونَ يَقينُنا فى‏ ذلِكَ، كَيَقينِنا فى‏ قِيامِ‏

طول غيبتش ما را از قيامش مأيوس نكند و يقين ما به قيام او همانند يقين ما به قيام‏

رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَما جآءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزيلِكَ، فَقَوِّ

رسولت- كه درود تو بر او و خاندانش باد- و وحى و قرآنت باشد، پس‏

قُلُوبَنا عَلَى الْإيمانِ بِهِ، حَتّى‏ تَسْلُكَ بِنا عَلى‏ يَدَيْهِ مِنْهاجَ الْهُدى‏،

دل‏هاى ما را در ايمان به او تقويت كن، تا ما را به دست او به راه هدايت‏

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمى‏، وَالطَّريقَةَ الْوُسْطى‏، وَقَوِّنا عَلى‏ طاعَتِهِ وَ ثَبِّتْنا عَلى‏

و اصلى‏ترين راه و راه راست حركت دهى، و ما را بر فرمانبردارى از او نيرو ده و بر پيرويش‏

مُتابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنا فى‏ حِزْبِهِ وَ اعْوانِهِ وَ انْصارِهِ وَ الرَّاضينَ بِفِعْلِهِ، وَلا

ثابت قدم بدار، و ما را در گروه او و ياران و ياورانش و رضايت‏مندان به كردارش قرار ده، و آن را

تَسْلُبْنا ذلِكَ فى‏ حَياتِنا، وَلا عِنْدَ وَفاتِنا، حَتّى‏ تَتَوَفَّانا وَ نَحْنُ عَلى‏ ذلِكَ،

در طول زندگانى و هنگام مردن از ما مگير، تا ما را در حالى بميرانى كه بر اين اعتقاديم،

كليات مفاتيح نوين، ص: 532

لا شآكّينَ وَ لا ناكِثينَ، وَ لا مُرْتابينَ وَ لا مُكَذِّبينَ، اللهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ،

نه در حال ترديد و پيمان‏شكن و نه در حال شك و انكار، خدايا در فرجش تعجيل فرما

وَايِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِريهِ، وَ اخْذُلْ خاذِليهِ، وَ دَمْدِمْ عَلى‏ مَنْ نَصَبَ‏

و او را با ياريت تأييد كن و ياورانش را يارى كن و مخالفانش را خوار گردان، و هر كه با او دشمنى كرده‏

لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَاظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَامِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبادَكَ‏

و او را تكذيب كند نابود كن و حق را به دست او آشكار و ظلم و ستم را بوسيله او نابود كن، و به واسطه او بندگان‏

الْمُؤْمِنينَ مِنَ الذُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلادَ، واقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْصِمْ بِهِ‏

با ايمانت را از ذلّت رهايى ده، و شهرها را احيا كن، و به وسيله او گردنكشان كفر را به قتل برسان، و سران گمراهى را

رُؤُسَ الضَّلالةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارينَ وَالْكافِرينَ، وَابِرْ بِهِ الْمُنافِقينَ‏

خرد كن، و زورگويان و كافران را خوار گردان، و هلاك گردان به وسيله او منافقان‏

وَالنَّاكِثينَ، وَ جَميعَ الْمُخالِفينَ وَ الْمُلْحِدينَ، فى‏ مَشارِقِ الْأَرْضِ‏

و پيمان‏شكنان و تمامى مخالفان و بى‏دينان را در شرق‏

وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّى‏ لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً،

و غرب زمين، و خشكى و دريا و پستى و بلندى آن، تا اين كه احدى از آنان را باقى نگذارى‏

وَلا تُبْقِىَ لَهُمْ آثاراً، طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبادِكَ،

و آثارشان را ريشه كن كنى، و شهرهايت را از وجود آنان پاك گردانى، و دل‏هاى بندگانت را شفا بخشى‏

وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحى‏ مِنْ دينِكَ، وَاصْلِحْ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغُيِّرَ مِنْ‏

و آنچه از دينت منسوخ شده تجديد نمايى و آنچه از فرمانت دگرگون شده و آنچه از سنّتت‏

سُنَّتِكَ، حَتّى‏ يَعُودَ دينُكَ بِهِ، وَعَلى‏ يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً صَحيحاً لا عِوَجَ‏

تغيير يافته اصلاح كنى، تا اين كه به واسطه او و به دستش دينت را تازه، جديد و صحيح گردانى در حالى كه كجى‏

فيهِ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتّى‏ تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نيرانَ الْكافِرينَ، فَانَّهُ عَبْدُكَ الَّذى‏

و بدعت در او نباشد، تا اين كه با عدالت او آتش كافران را خاموش گردانى، چرا كه او بنده توست‏

اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ دينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ،

كه براى خودت خالص گردانده و براى يارى دينت انتخاب نموده و با دانشت برگزيدى‏

وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّاْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَاطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ،

و معصوم از گناهان قرار داده و از عيب‏ها دور ساختى، و بر امور پنهان آگاهش كردى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 533

وَانْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ، وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللهُمَّ فَصَلِ‏

و به او نعمت دادى، و از پليدى پاك نموده و از آلودگى پاكيزه ساختى، خدايا درود فرست‏

عَلَيْهِ وَعَلى‏ آبائِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرينَ، وَعَلى‏ شيعَتِهِ الْمُنْتَجَبينَ، وَبَلِّغْهُمْ‏

بر او و بر پدرانش همان امامان پاك و بر شيعيان برگزيده‏اش، و آنان را

مِنْ آمالِهِمْ افْضَلَ ما يَاْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذلِكَ مِنَّا خالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍ‏

به بهترين آرزوهايشان برسان، و آن را از جانب ما خالص از هر شك‏

وَشُبْهَةٍ وَرِيآءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتّى‏ لا نُريدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَ لا نَطْلُبَ بِهِ الَّا وَجْهَكَ،

و ترديد و ريا و شهرت‏طلبى قرار ده، تا اين‏كه به واسطه آن غير تو را نخواهيم و جز تو را نجوييم‏

اللهُمَّ انَّا نَشْكُو الَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا، وَغَيْبَةَ امامِنا، وَشِدَّةَ الزَّمانِ عَلَيْنا،

خدايا به تو شكايت مى‏كنيم از فقدان پيامبرمان و غيبت اماممان و سختى روزگار

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ الْأَعْدآءِ عَلَيْنا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا، وَقِلَّةَ عَدَدِنا،

و واقع شدن فتنه‏ها بر ما، و پشتيبانى دشمنان از هم بر عليه ما، و فراوانى دشمنانمان و كمى عددمان‏

اللهُمَّ فَفَرِّجْ ذلِكَ عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَامامِ عَدْلٍ‏

خدايا اين امور را از ما برطرف كن به واسطه پيروزى سريع و حمايت همه جانبه از سوى خودت و به‏واسطه امام عادلى‏

تُظْهِرُهُ، الهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعالَمينَ، اللهُمَّ انَّا نَسْئَلُكَ انْ تَاْذَنَ لِوَلِيِّكَ فى‏

كه ظاهرش گردانى، اى معبود بر حق و پروردگار جهانيان، خدايا از تو مى‏خواهيم كه به وليّت اجازه فرمايى در

اظْهارِ عَدْلِكَ فى‏ عِبادِكَ، وَقَتْلِ اعْدآئِكَ فى‏ بِلادِكَ، حَتّى‏ لا تَدَعَ لِلْجَوْرِ

اجراى عدالت در ميان بندگانت و كشتن دشمنانت در تمامى سرزمين‏هايت، تا اى پروردگار من تمام پايه‏هاى جور و ستم را

يا رَبِّ دِعامَةً الَّا قَصَمْتَها، وَلا بَقِيَّةً الَّا افْنَيْتَها، وَ لا قُوَّةً الَّا اوْهَنْتَها، وَ لا

در هم شكنى و بقاياى آن‏ها را نابود كنى و توانشان را از بين ببرى‏

رُكْناً الَّا هَدَمْتَهُ، وَ لا حَدّاً الَّا فَلَلْتَهُ، وَلا سِلاحاً الَّا اكْلَلْتَهُ، وَ لارايَةً الَّا

و اساس آنها را فروريزى و شمشيرشان را كند كنى، و سلاحشان را از كار اندازى، و پرچمشان را

نَكَّسْتَها، وَ لا شُجاعاً الَّا قَتَلْتَهُ، وَلا جَيْشاً الَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يا رَبِ‏

سرنگون سازى و شجاعانشان را بكشى و سپاهيانشان را خوار گردانى، پروردگارا آنها را

بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقاطِعِ، وَبَاْسِكَ الَّذى‏ لا تَرُدُّهُ عَنِ‏

با سنگ‏هاى نشاندارت سنگسار كن و با شمشير برّان و با مجازاتى كه از گناهكاران باز نمى‏گردانى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 534

الْقَوْمِ الْمُجْرِمينَ، وَعَذِّبْ اعْدآئَكَ، وَ اعْدآءَ وَلِيِّكَ‏[[632]](#footnote-632) وَ اعْدآءَ رَسُولِكَ،

آنها را مجازات كن و دشمنانت و دشمنان وليّت و دشمنان رسولت‏

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَايْدى‏ عِبادِكَ الْمُؤْمِنينَ، اللهُمَّ اكْفِ‏

- كه درود تو بر او و خاندان پاكش باد- را به دستان ولىّ و بندگان با ايمانت عذاب كن، خدايا

وَلِيَّكَ وَحُجَّتَكَ فى‏ ارْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ ارادَهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ

ولىّ و حجّتِ روى زمينت را از هراس دشمنش و مكر مكّاران حفظ كن، و هر كه با او حيله كند به مكر خويش گرفتارش‏

بِهِ، وَاجْعَلْ دآئِرَةَ السَّوْءِ عَلى‏ مَنْ ارادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مادَّتَهُمْ،

كن، و هر كس نسبت به او قصد سوئى دارد به حوادث ناگوار گرفتارش كن، و شرّشان را از او دور گردان‏

وَارْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَ زَلْزِلْ اقْدامَهُمْ، وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً، وَ شَدِّدْ

و ترس از او را در دل آنها قرار ده و قدم‏هايشان را متزلزل گردان، و آشكارا و ناگهانى آنها را گرفتار كن‏

عَلَيْهِمْ عَذابَكَ، وَاخْزِهِمْ فى‏ عِبادِكَ، وَالْعَنْهُمْ فى‏ بِلادِكَ، وَاسْكِنْهُمْ اسْفَلَ‏

و عذابت را بر آنان سخت گردان و در ميان بندگانت خوار كن، و در سرزمين‏هايت مورد لعن قرار ده، و در پايين‏ترين درجه دوزخ جاى‏

نارِكَ، وَاحِطْ بِهِمْ اشَدَّ عَذابِكَ، وَاصْلِهِمْ ناراً، وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتاهُمْ ناراً،

ده، و شديدترين عذابت را بر آنان فرود آر، و آنها را در آتش قرار ده، و قبرهاى مردگان آنان را از آتش پر كن‏

وَ اصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ، فَانَّهُمْ اضَلُّوا وَاضاعُوا الصَّلاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَواتِ،

و در آتش سوزانت جايشان ده، چرا كه آنان گمراه شدند، و نماز را ضايع كردند و از شهوات پيروى نمودند

وَاضَلُّوا عِبادَكَ، [وَاخْرَبُوا بِلادَكَ‏][[633]](#footnote-633)، اللَّهُمَّ وَ احْىِ بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَ ارِنا

و بندگانت را گمراه ساختند و شهرهايت را خراب نمودند، خدايا به واسطه وليّت قرآن را زنده گردان،

نُورَهُ سَرْمَداً لا لَيْلَ فيهِ، وَاحْىِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ

و نورش را پيوسته بدون خاموشى به ما نشان ده، و دل‏هاى مرده را به واسطه آن زنده گردان و دلهاى پر از كينه (نسبت به دشمنان)

الْوَغِرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوآءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَاقِمْ بِهِ الْحُدُودَ

را شفا ده، و به واسطه او گروه‏هاى مختلف را بر محور حق جمع گردان، و حدود الهىِ تعطيل شده‏

الْمُعَطَّلَةَ، وَ الْأَحْكامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتّى‏ لا يَبْقى‏ حَقٌّ الَّا ظَهَرَ، وَلا عَدْلٌ الَّا

و احكام رها شده را به واسطه او بپا دار، تا حق ظاهر گردد و عدل‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 535

زَهَرَ، وَاجْعَلْنا يا رَبِّ مِنْ اعْوانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ سُلْطانِهِ، وَ الْمُؤْتَمِرينَ لِأَمْرِهِ،

شكوفا شود، پروردگارا قرار ده ما را از ياران، و تقويت‏كنندگان سلطنتش و فرمانبرداران اوامرش‏

وَالرَّاضينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسَلِّمينَ لِأَحْكامِهِ، وَمِمَّنْ لا حاجَةَ بِهِ الَى التَّقِيَّةِ

و آنها كه از كار او راضى و تسليم احكام او هستند، و از كسانى قرار ده كه نيازى به تقيّه از مخلوقاتت‏

مِنْ خَلْقِكَ، وَانْتَ يا رَبِّ الَّذى‏ تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتُجيبُ الْمُضْطَرَّ اذا

نداشته باشند، و تويى اى پروردگار من كه مشكلات را برطرف كنى و در زمانى كه شخصِ گرفتار، تو را مى‏خواند

دَعاكَ، وَتُنْجى‏ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظيمِ، فَاكْشِفِ الْضُّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ‏

پاسخش دهى، و از مشكلات بزرگ رهايى بخشى، پس گرفتارى وليّت را برطرف كن و او را

خَليفَةً فى‏ ارْضِكَ كَما ضَمِنْتَ لَهُ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْنى‏ مِنْ خُصَمآءِ آلِ‏

جانشين در زمينت قرار ده، همان‏گونه كه برايش ضمانت نموده‏اى، خدايا مرا از كينه‏توزان خاندان‏

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَ لا تَجْعَلْنى‏ مِنْ اعْدآءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ،

محمّد- كه بر آنان درود باد- قرار مده و از دشمنان خاندان محمّد- كه بر آنان درود باد- قرار مده‏

وَلا تَجْعَلْنى‏ مِنْ اهْلِ الْحَنَقِ وَالْغَيْظِ عَلى‏ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، فَانّى‏

و مرا از اهل خشم و غضب بر خاندان محمّد- كه بر آنان درود باد- قرار مده، همانا من‏

اعُوذُ بِكَ مِنْ ذلِكَ فَاعِذْنى‏، وَاسْتَجيرُ بِكَ فَاجِرْنى‏، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

از اين امور به تو پناه مى‏برم پس پناهم ده و به تو پناهنده‏ام، پس پناهم باش، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ بِهِمْ فائِزاً عِنْدَكَ فِى الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ‏

محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به واسطه آنان نزدت، در دنيا و آخرت رستگار گردان و از

الْمُقَرَّبينَ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[[634]](#footnote-634)

مقرّبان درگاهت قرار ده، دعايم را بپذير اى پروردگار جهانيان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 536

فصل دهم: زيارات جامعه‏

زياراتى كه با آن هر امام را به تنهايى و يا همه ائمّه را با هم مى‏توان زيارت كرد.

زيارت اوّل (زيارت منقول از امام رضا عليه السلام):

در «كامل الزيارات» از امام على بن موسى‏الرضا عليهما السلام روايت شده كه آن حضرت در جواب كسى كه از زيارت قبر امام موسى كاظم عليه السلام سؤال كرده بود فرمودند:

كافى است كه در همه جا (يعنى در زيارت هر يك از ائمّه و خطاب به شخص آن امام و يا به همه ائمّه به طور دسته‏جمعى) بگوييد:

السَّلامُ عَلى‏ اوْلِيآءِ اللَّهِ وَاصْفِيآئِه، السَّلامُ عَلى‏ امَنآءِ اللَّهِ وَاحِبَّآئِهِ،

سلام بر دوستداران خدا و برگزيدگانش، سلام بر امينان (بر وحى) خدا و دوستدارانش‏

السَّلامُ عَلى‏ انْصارِ اللَّهِ وَخُلَفآئِهِ، السَّلامُ عَلى‏ مَحآلِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر ياوران خدا و جانشينانش، سلام بر جايگاه‏هاى شناخت خدا، سلام‏

عَلى‏ مَساكِنِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مَظاهِرِ امْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلامُ عَلَى‏

بر محل‏هاى ياد خدا، سلام بر مظهرهاى امر و نهى خدا، سلام بر

الدُّعاةِ الَى اللَّهِ، السَّلامُ عَلَى الْمُسْتَقِرّينَ فى‏ مَرْضاتِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَى‏

دعوت‏كنندگان به سوى خدا، سلام بر ثابت‏قدمان در جلب خشنودى خدا، سلام بر

الْمُخْلِصينَ فى‏ طاعَةِ اللَّهِ، [السَّلامُ عَلَى الْأَدِلّاءِ عَلَى اللَّهِ‏][[635]](#footnote-635) السَّلامُ عَلَى‏

خالصان در بندگى خدا، سلام بر راهنمايان به سوى خدا، سلام بر

الَّذينَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَى اللَّهَ، وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَى اللَّهَ، وَمَنْ‏

آنان كه دوستدارانشان دوستداران خدايند و دشمنانشان دشمنان خدايند، و هر كه‏

عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ

آنان را بشناسد خدا را شناخته و هر كه آنان را انكار كند خدا را انكار نموده و هر كه به آنان متوسّل شود

اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلّى‏ مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّى‏ مِنَ اللَّهِ، اشْهِدُ اللَّهَ انّى‏ سِلْمٌ لِمَنْ‏

به خدا توسّل جسته و هر كه آنان را رها كند خدا را رها ساخته، خدا را گواه مى‏گيرم كه من با هر كسى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 537

سالَمَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فى‏

با شما از درِ صلح درآيد در صلحم و با هر كسى كه با شما از در جنگ در جنگم، به پنهان و آشكارتان ايمان دارم، تمام اين امور را

ذلِكَ كُلِّهِ الَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ ابْرَءُ الَى اللَّهِ‏

به شما واگذار نموده‏ام، خداوند دشمنان خاندان پيامبر از جنّ و انس را لعنت كند و من از آنان به درگاه خدا

مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

بيزارى مى‏جويم و درود خدا بر محمد و خاندان پاكش باد.

و اين زيارتى است كه مى‏تواند جايگزين هر زيارت ديگر بشود؛ پس از خواندن اين زيارت، بر محمّد و آل محمّد زياد صلوات مى‏فرستى و اسم يك يك ائمّه را مى‏برى و بر دشمنانشان لعنت مى‏فرستى و براى خودت و همه مؤمنين و مؤمنات هر دعايى را كه خواستى مى‏كنى.[[636]](#footnote-636)

\*\*\*

زيارت دوم (زيارت جامعه كبيره):

«شيخ صدوق» در كتاب «من لا يحضره الفقيه» از يكى از ياران حضرت هادى عليه السلام روايت كرده كه گفت: خدمت آن حضرت عليه السلام عرض كردم: يابن رسول‏اللَّه! زيارتى به من تعليم فرما كه از حيث بلاغت كامل باشد و با آن، هر كدام از شما را كه خواستم زيارت كنم، فرمود: پس از غسل زيارت، هرگاه به درگاه حرم رسيدى بايست و بگو:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ‏

گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خدا نيست، يگانه است و شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

بر او و خاندان پاكش باد- بنده و فرستاده اوست.

و چون وارد حرم شدى و نگاهت به قبر افتاد، مى‏ايستى و سى مرتبه‏

اللَّهُ اكْبَرُ

مى‏گويى. سپس اندكى با آرامش دل و آرامش تن و كوتاه گرفتن گام‏ها راه مى‏روى، آنگاه مى‏ايستى و بار ديگر سى مرتبه‏

اللَّهُ اكْبَرُ

مى‏گويى، سپس نزديك قبر مطهّر مى‏روى و چهل مرتبه‏

اللَّهُ اكْبَرُ

مى‏گويى (تا صد مرتبه كامل شود)[[637]](#footnote-637) آنگاه مى‏گويى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 538

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ،

سلام بر شما اى خاندان نبوت، و جايگاه رسالت و محلّ رفت و آمد فرشتگان‏

وَمَهْبِطَ الْوَحْىِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَاصُولَ‏

و نزول وحى و معدن رحمت و خزانه‏داران دانش و نهايت بردبارى و پايه‏هاى‏

الْكَرَمِ، وَقادَةَ الْأُمَمِ، وَاوْلِيآءَ النِّعَمِ، وَعَناصِرَ الْأَبْرارِ، وَدَعآئِمَ الْأَخْيارِ،

بخشش و رهبران امّتها و صاحبان نعمتها، و سرچشمه‏هاى نيكى و تكيه‏گاه‏هاى نيكوكاران‏

وَساسَةَ الْعِبادِ، وَارْكانَ الْبِلادِ، وَابْوابَ الْإيمانِ، وَامَنآءَ الرَّحْمنِ،

و تنظيم‏كننده امور بندگان، و ركن‏هاى شهرها، و درهاى ايمان، و امانتداران خداوند رحمان،

وَسُلالَةَ النَّبِيّينَ، وَصَفْوَةَالْمُرْسَلينَ، وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ رَحْمَةُ

و نسل پيامبران و برگزيده فرستاده‏شدگان، و خانواده برگزيده پروردگار جهانيان، و رحمت‏

اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ ائِمَّةِ الْهُدى‏، وَ مَصابيحِ الدُّجى‏، وَاعْلامِ التُّقى‏،

و بركات خدا بر آنان باد، سلام بر امامان هدايتگر، و چراغ‏هاى تاريكى، و نشانه‏هاى پرهيزكارى،

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص538**

وَ ذَوِى النُّهى‏، وَاولِى الْحِجى‏، وَ كَهْفِ الْوَرى‏، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيآءِ، وَالْمَثَلِ‏

و صاحبان خرد و عقل، و پناه آفريدگان، و وارثان پيامبران، و صفت‏

الْأَعْلى‏، وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنى‏، وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلى‏ اهْلِ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ

برتر و (صاحب) دعوت نيكو، و حجت‏هاى خدا بر اهل دنيا و آخرت‏

وَالْأُولى‏، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى‏ مَحآلِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَساكِنِ‏

و پيشينيان و رحمت و بركات خدا بر آنان باد، سلام بر جايگاه‏هاى شناخت خدا و محل‏هاى‏

بَرَكَةِاللَّهِ، وَمَعادِنِ حِكْمَةِاللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّاللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتابِ اللَّهِ، وَاوْصِيآءِ

بركت خدا، و معدن‏هاى حكمت خدا، و حافظان راز خدا، و حاملان كتاب خدا، و جانشينان‏

نَبِىِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ،

پيامبر خدا و فرزندان رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و رحمت و بركات خدا بر شما باد،

السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ الَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَّاءِ عَلى‏ مَرْضاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقِرّينَ‏

سلام به دعوت‏كنندگان به سوى خدا و راهنمايان بر (اسباب) خشنودى خدا، و ثابت‏قدمان‏

فى‏ امْرِ اللَّهِ، وَالتَّآمّينَ فى‏ مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصينَ فى‏ تَوْحيدِ اللَّهِ،

در فرمان خدا، و كاملان در محبّت خدا و خالصان در (اقرار به) يگانگى خدا،

كليات مفاتيح نوين، ص: 539

وَالْمُظْهِرينَ لِامْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ،

و آشكار كنندگان امر و نهى خدا، و بندگان گراميش كه در گفتار بر او پيشى نگيرند

وَهُمْ بِامْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعاةِ،

و به فرمانش عمل كنند، و رحمت و بركات خدا بر آنان باد، سلام بر امامان دعوت‏كننده‏

وَالْقادَةِ الْهُداةِ، وَالسَّادَةِ الْوُلاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُماةِ، وَاهْلِ الذِّكْرِ، وَاولِى‏

و رهبران هدايت‏گر، و سرور فرمانروايان، و دفاع‏كنندگان حمايتگر، و اهل ذكر

الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ، وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ،

و سرپرستان (امت)، و ذخيره الهى و برگزيدگان و حزبش، و گنجينه دانشش و حجّت و راهش،

وَنُورِهِ وَبُرْهانِهِ‏[[638]](#footnote-638)، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا

و نور و برهانش، و رحمت و بركات خدا بر آنان باد، گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست‏

شَريكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَاولُوا الْعِلْمِ مِنْ‏

كه شريكى ندارد همان‏گونه كه خدا بر خودش شهادت داده و فرشتگان و عالمان از

خَلْقِهِ، لا الهَ الَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكيمُ، وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ،

مخلوقاتش نيز شهادت داده‏اند، معبودى جز او گرامى و فرزانه نيست و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده برگزيده خدا

وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضى‏، ارْسَلَهُ بِالْهُدى‏ وَدينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ‏

و فرستاده پسنديده اوست كه او را براى هدايت و بر دين حق فرستاد تا آن را بر همه اديان غالب كند،

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَاشْهَدُ انَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ،

اگرچه مشركان نپسندند، و گواهى مى‏دهم كه شما امامان هدايتگر هدايت يافته‏ايد، امامان‏

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ،

معصوم، گراميان، مقرّبان (خدا)، پرهيزكاران، راستگويان، برگزيدگان،

الْمُطيعُونَ للَّهِ، الْقَوَّامُونَ بِامْرِهِ، الْعامِلُونَ بِارادَتِهِ، الْفآئِزُونَ بِكَرامَتِهِ،

اطاعت‏كنندگان خدا، بپادارندگان فرمانش، عمل كنندگان به‏خواسته‏اش، كه به مقام كرامت نائل شده‏اند،

اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبيكُمْ بِقُدْرَتِهِ،

خداوند با آگاهى شما را برگزيد و براى (حفظ) اسرارش پسنديده، و اختيار كرد، و با قدرتش برگزيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 540

وَ اعَزَّكُمْ بِهُداهُ، وَ خَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ، وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَ ايَّدَكُمْ بِرُوحِهِ،

و با هدايتش عزّت بخشيد و دلايل خاص خود را در اختيار شما قرار داد و براى نورش برگزيد، و با روحش تأييدتان نمود

وَرَضِيَكُمْ خُلَفآءَ فى‏ ارْضِهِ، وَحُجَجاً عَلى‏ بَرِيَّتِهِ، وَانْصاراً لِدينِهِ،

و شما را پسنديد براى جانشينش در زمين و حجّت‏ها بر مخلوقاتش و ياوران دينش‏

وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، وَ تَراجِمَةً لِوَحْيِهِ،

و حافظان اسرارش، و گنجينه‏هاى علمش و مخزن حكمتش و تفسيركنندگان وحيش‏

وَارْكاناً لِتَوْحيدِهِ، وَشُهَدآءَ عَلى‏ خَلْقِهِ، وَاعْلاماً لِعِبادِهِ، وَ مَناراً فى‏ بِلادِهِ،

و پايه‏هاى يگانگيش و گواهان بر مخلوقاتش نشانه‏هاى (هدايت) بندگانش، و برج‏هاى نور در شهرهايش‏

وَ ادِلّاءَ عَلى‏ صِراطِهِ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ،

و راهنمايان راهش (پسنديد)، خداوند شما را از لغزش‏ها محفوظ داشت و از فتنه‏ها ايمن گردانيد

وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَاذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ‏[[639]](#footnote-639)، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهيراً، فَعَظَّمْتُمْ‏

و از آلودگى پاك كرد، و از پليدى بيرون برد، و شما را به طور كامل پاك نمود پس شما شكوهش را

جَلالَهُ، وَ اكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَادَمْتُمْ ذِكْرَهُ‏[[640]](#footnote-640)، وَ وَكَّدْتُمْ ميثاقَهُ،

بزرگ شمرده و مقامش را گرامى داشتيد و بزرگواريش را ستوده و يادش را ادامه داديد و عهدش را استوار ساختيد

وَاحْكَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِى السِّرِّ وَ الْعَلانِيَةِ، وَ دَعَوْتُمْ الى‏

و پيمان بندگيش را محكم كرديد، و در پنهان و آشكار براى او خيرخواهى نموديد، و با دانش‏

سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ انْفُسَكُمْ فى‏ مَرْضاتِهِ،

و پند نيكو (مردم را) به راهش دعوت نموديد، و در راه رسيدن به رضايتش جانفشانى كرديد

وَصَبَرْتُمْ عَلى‏ ما اصابَكُمْ فى‏ جَنْبِهِ، وَاقَمْتُمُ الصَّلاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكاةَ،

و بر آنچه در راهش به شما رسيد صبر نموديد و نماز را بپا داشته و زكات داديد

وَامَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ،

و امر به معروف و نهى از منكر كرديد، و در راه خدا به شايستگى جهاد نموديد،

حَتّى‏ اعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَ بَيَّنْتُمْ فَرآئِضَهُ، وَ اقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَ نَشَرْتُمْ شَرايِعَ‏

تا در نهايت دعوتش را آشكار نموده و فرامينش را بيان كرديد و حدودش را بپا داشته، و قوانين اسلام را

كليات مفاتيح نوين، ص: 541

احْكامِهِ، وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَ صِرْتُمْ فى‏ ذلِكَ مِنْهُ الَى الرِّضا، وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ‏

منتشر ساختيد، و سنّتش را احيا نموديد، و در اين راه رضايتش را بدست آورديد و تسليم‏

الْقَضآءَ، وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضى‏، فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مارِقٌ، وَاللّازِمُ‏

حكمش شده و پيامبران گذشته را تصديق نموديد، روى‏گردان از شما خارج از دين و پيرو شما

لَكُمْ لاحِقٌ، وَ الْمُقَصِّرُ فى‏ حَقِّكُمْ زاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فيكُمْ وَ مِنْكُمْ‏

داخل در دين و كوتاهى كننده در حق شما نابود شدنى است، و حق (هميشه) با شما و در ميان شما و از جانب شما

وَالَيْكُمْ، وَانْتُمْ اهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ، وَميراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَ ايابُ الْخَلْقِ‏

و به سوى شماست، و شما اهل حق و معدن آن هستيد و ميراث نبوت نزد شما و بازگشت مخلوقات (به مشيّت خدا)

الَيْكُمْ، وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الْخِطابِ عِنْدَكُمْ، وَ آياتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ،

به سوى شما و حساب آنها (به فرمان او) بر شماست و سخن آخر با شماست ونشانه‏هاى خدا نزد شما،

وَ عَزآئِمُهُ فيكُمْ، وَ نُورُهُ وَ بُرْهانُهُ عِنْدَكُمْ، وَ امْرُهُ الَيْكُمْ، مَنْ والاكُمْ فَقَدْ

و اراده حتمى خدا در ميان شماست، و نور و دليلش در نزد شماست و حكمش را به شما سپرده است، دوستدار شما

والَى اللَّهَ، وَ مَنْ عاداكُمْ فَقَدْ عادَ اللَّهَ، وَ مَنْ احَبَّكُمْ فَقَدْ احَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ‏

دوستدار خدا و دشمن شما دشمن خداست، و هر كس كه شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر كس كه‏

ابْغَضَكُمْ فَقَدْ ابْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، انْتُمُ الصِّراطُ

با شما دشمنى كند با خدا دشمنى كرده، و هر كس كه به شما متوسل شود به خدا متوسل شده است، شماييد راه راست‏

الْأَقْوَمُ، وَشُهَدآءُ دارِ الْفَنآءِ، وَشُفَعآءُ دارِ الْبَقآءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ،

پايدار، و گواهان دنياى فانى و شفيعان آخرت، و رحمت پيوسته (خدا)

وَالْأيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمانَةُ الْمُحْفُوظَةُ، وَالْبابُ الْمُبْتَلى‏ بِهِ النَّاسُ، مَنْ‏

و نشانه پنهان (الهى) و امانت حفظ شده (خداوند) و درگاه آزمايش مردم، هر كه‏

اتيكُمْ نَجى‏، وَمَنْ لَمْ يَاْتِكُمْ هَلَكَ، الَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ‏

به سوى شما آيد نجات يابد و هر كس كه نيايد هلاك شود، (مردم را) به سوى خدا دعوت كرده، و راهنمايى مى‏كنيد، به او

تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِامْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَالى‏ سَبيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ‏

ايمان آورده و تسليم اوييد، به فرمانش عمل كرده و به راهش ارشاد نموده و به گفتارش‏

تَحْكُمُونَ، سَعِدَ مَنْ والاكُمْ، وَ هَلَكَ مَنْ عاداكُمْ، وَ خابَ مَنْ جَحَدَكُمْ،

حكم مى‏كنيد، دوستدارتان سعادتمند شد و دشمنتان به هلاكت رسيد، و منكرتان زيانكار شد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 542

وَضَلَّ مَنْ فارَقَكُمْ، وَ فازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَ امِنَ مَنْ لَجَا الَيْكُمْ، وَسَلِمَ‏

و جدا شونده از شما گمراه گرديد، و متمسّك به شما رستگار شد و پناهنده به شما ايمن گرديد،

مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِىَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاْويهُ، وَ مَنْ‏

و تصديق كننده شما سالم ماند، و متوسل شونده به شما هدايت يافت، هر كه از شما پيروى كند بهشت جايگاه اوست و هر كه‏

خالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْويهُ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كافِرٌ، وَ مَنْ حارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ‏

با شما مخالفت كند دوزخ جايگاه اوست، و هر كه شما را انكار كند، كافر و هر كه با شما به جنگ برخيزد، مشرك است و هر كس‏

رَدَّ عَلَيْكُمْ فى‏ اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ، اشْهَدُ انَّ هذا سابِقٌ لَكُمْ فيما

شما را رد كند در پايين‏ترين درجه دوزخ است، گواهى مى‏دهم كه اين اوصاف در گذشته‏

مَضى‏، وَ جارٍ لَكُمْ فيما بَقِىَ، وَ انَّ ارْواحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طينَتَكُمْ واحِدَةٌ،

براى شما بوده و در آينده نيز خواهد بود، و به يقين جانها و نور و سرشت شما يكى است‏

طابَتْ وَ طَهُرَتْ بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمُ اللَّهُ انْواراً، فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ‏

پاكى و پاكيزگى بعضى از شما از بعضى ديگر است، خداوند شما را به صورت نورهايى آفريد و شما را احاطه كننده‏

مُحْدِقينَ، حَتّى‏ مَنَّ عَلَيْنا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فى‏ بُيُوتٍ اذِنَ اللَّهُ انْ تُرْفَعَ‏

عرشش قرار داد تا اينكه با خلقت شما بر ما منّت گذاشت، و شما را در خانه‏هايى كه خداوند اذن فرموده ديوارهاى آن را بالا برند

وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَواتَنا عَلَيْكُمْ، وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ‏

و نام خدا در آنها برده شود قرار داد، و درودهاى ما را بر شما قرار داد، و آنچه از ولايت شما به ما اختصاص داد

طيباً لِخُلْقِنا، وَ طَهارَةً لِأَنْفُسِنا، وَ تَزْكِيَةً لَنا، وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنا، فَكُنَّا عِنْدَهُ‏

براى پاكى خلقت و پاكيزگى جانهاى ما و تزكيه و كفّاره گناهان ما بود، پس ما در پيشگاه او

مُسَلِّمينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفينَ بِتَصْديقِنا ايَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ اشْرَفَ‏

فضل و برترى شما را پذيرفتيم و به واسطه تصديقتان شناخته شديم، پس خدا شما را به شريف‏ترين‏

مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ، وَ اعْلى‏ مَنازِلِ الْمُقَرَّبينَ، وَارْفَعَ دَرَجاتِ الْمُرْسَلينَ،

جايگاه گراميان، و برترين منزل مقرّبان و بالاترين رتبه فرستاده‏شدگان رسانيد

حَيْثُ لا يَلْحَقُهُ لاحِقٌ، وَ لا يَفُوقُهُ فآئِقٌ، وَ لا يَسْبِقُهُ سابِقٌ، وَ لا يَطْمَعُ‏

جايگاهى كه دست كسى به آن نرسد و كسى بر آن برترى نجويد و كسى از آن فراتر نرود، وطمع‏كننده‏اى‏

فى‏ ادْراكِهِ طامِعٌ، حَتّى‏ لا يَبْقى‏ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِىٌّ مُرْسَلٌ، وَ لا

طمع درك آن نكند تا اين كه باقى نماند فرشته مقرّبى و نه پيامبر فرستاده شده‏اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 543

صِدّيقٌ وَ لا شَهيدٌ، وَ لا عالِمٌ وَ لا جاهِلٌ، وَ لادَنِىٌّ وَ لا فاضِلٌ، وَ لا

و نه صدّيق و نه شهيدى و نه عالم و نه جاهلى و نه فرومايه و نه صاحب فضلى، و نه‏

مُؤْمِنٌ صالِحٌ، وَ لا فاجِرٌ طالِحٌ، وَ لا جَبَّارٌ عَنيدٌ، وَ لا شَيْطانٌ مَريدٌ، وَ لا

مؤمن صالح ونه بدكار ناشايستى، و نه زورگوى لجباز و نه شيطان رانده شده‏اى و نه‏

خَلْقٌ فيما بَيْنَ ذلِكَ شَهيدٌ، الَّا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ امْرِكُمْ، وَ عِظَمَ خَطَرِكُمْ،

مخلوقاتى كه در اين ميان حاضرند، جز اين كه خدا شناساند به آنها شكوه منزلت و عظمت موقعيّت‏

وَكِبَرَ شَاْنِكُمْ، وَتَمامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ مَقاعِدِكُمْ، وَثَباتَ مَقامِكُمْ، وَشَرَفَ‏

و بزرگى مقام و كمال نور و درستى جايگاه و استوارى مقام و شرافت‏

مَحَلِّكُمْ وَ مَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَ كَرامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَ خاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَ قُرْبَ‏

جايگاه و منزلت شما را در نزدش و گرامى بودنتان را در پيشگاه او و جايگاه ويژه شما را در

مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏ وَ اهْلى‏ وَ مالى‏ وَ اسْرَتى‏، اشْهِدُ اللَّهَ‏

نزد او و نزديكى منزلت شما را نزد خويش (به آنها شناساند)، پدر و مادر و همسر و دارايى و فرزندانم فداى شما باد، خداوند

وَاشْهِدُكُمْ، انّى‏ مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ، كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَ بِما كَفَرْتُمْ بِهِ،

و شما را گواه مى‏گيرم كه ايمان دارم به شما و آنچه كه به آن ايمان داريد، دشمنتان و آنچه را شما انكار داريد انكار مى‏كنم،

مُسْتَبْصِرٌ بِشَاْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ، مُوالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيآئِكُمْ، مُبْغِضٌ‏

به شأن و مقام شما و گمراهى مخالفانتان آگاهم، دوستدار شما و دوستانتان هستم، بغض و كينه‏

لِأَعْدآئِكُمْ وَ مُعادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ‏

دشمنانتان را در دل دارم و با آنان دشمنم، با آن كس كه با شما از در صلح درآيد صلح مى‏كنم و با آن كس كه با شما از در جنگ درآيد در جنگم، حق مى‏دانم‏

لِما حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِما ابْطَلْتُمْ، مُطيعٌ لَكُمْ، عارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ،

آنچه را شما حق مى‏دانيد، و باطل مى‏دانم آنچه را شما باطل مى‏دانيد، فرمانبردار شما و آشنا به حق شمايم معترف به فضل شما

مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِايابِكُمْ،

و حامل علم شمايم، در پناه ضمانت شما و اعتراف كننده به حق شمايم، به بازگشتتان ايمان دارم‏

مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِامْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ،

و رجعتتان را تصديق مى‏كنم، در انتظار فرمان شما و چشم به راه حكومت شمايم، گفتار شما را پذيرفته‏

عامِلٌ بِامْرِكُمْ، مُسْتَجيرٌ بِكُمْ، زآئِرٌ لَكُمْ، لائِذٌ عآئِذٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ‏

و عمل كننده به فرمان شمايم پناهنده به شما و زيارت‏كننده شمايم، پناهنده به قبرهاى شمايم شما را

كليات مفاتيح نوين، ص: 544

الَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ الَيْهِ، وَ مُقَدِّمُكُمْ امامَ طَلِبَتى‏،

به درگاه خدا شفيع گرفته و به او تقرّب مى‏جويم و شما را پيشاپيش‏

وَحَوآئِجى‏ وَ ارادَتى‏ فى‏ كُلِّ احْوالى‏ وَ امُورى‏، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ‏

خواسته‏ها و نيازها و آرزويم در هر حال و در هر كار قرار مى‏دهم به پنهان‏

وَعَلانِيَتِكُمْ، وَشاهِدِكُمْ وَ غآئِبِكُمْ، وَ اوَّلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ مُفَوِّضٌ فى‏ ذلِكَ‏

و آشكار شما و حاضر و غايب شما و اوّلين و آخرينتان ايمان دارم و همه آنها را به شما واگذار مى‏كنم‏

كُلِّهِ الَيْكُمْ، وَ مُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ، وَ قَلْبى‏ لَكُمْ مُسَلِّمٌ‏[[641]](#footnote-641)، وَ رَاْيى‏ لَكُمْ تَبَعٌ،

و تسليم شمايم، و دلم تسليم شما و رأيم تابع شماست،

وَنُصْرَتى‏ لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّى‏ يُحْيِىَ اللَّهُ تَعالى‏ دينَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدَّكُمْ فى‏ ايَّامِهِ،

و براى يارى‏تان آماده‏ام تا اين‏كه خدا دينش را به واسطه شما احيا كند و در آن روزگار شما را بازگرداند

وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يُمَكِّنَكُمْ فى‏ ارْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لامَعَ غَيْرِكُمْ‏[[642]](#footnote-642)،

و به خاطر عدالتش شما را ظاهر كند و در زمينش متمكّن سازد، پس با شمايم با شما نه با غير شما،

آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ اوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ الَى اللَّهِ‏

به شما ايمان دارم، و دوست دارم آخرين شما را همان‏گونه كه اوّلين شما را دوست دارم، و بيزارى مى‏جويم به درگاه خداوند

عَزَّوَجَلَّ مِنْ اعْدآئِكُمْ، وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّياطينِ وَ حِزْبِهِمُ‏

عزيز و ارجمند، از دشمنانتان و از طاغوت و قدرت‏هاى سركش و شياطين و گروه‏هاى آنها

الظَّالِمينَ لَكُمْ، وَ الْجاحِدينَ لِحَقِّكُمْ، وَ الْمارِقينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ،

كه بر شما ستم روا داشتند و حقّتان را انكار كردند، و از ولايت و سرپرستى شما بيرون رفتند

وَالْغاصِبينَ لِإِرْثِكُمْ، وَالشَّآكّينَ فيكُمْ، وَالْمُنْحَرِفينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِ‏

و ارثتان را غصب نمودند و در مورد شما شك نموده و از راهتان منحرف شدند، (و بيزارى مى‏جويم) از هر

وَليجَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ، وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذينَ يَدْعُونَ الَى النَّارِ،

همدمى غير از شما، و از هر اطاعت‏شده‏اى جز شما و از پيشوايانى كه به آتش دوزخ دعوت مى‏كنند،

فَثَبَّتَنِىَ اللَّهُ ابَداً ما حَييتُ عَلى‏ مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدينِكُمْ، وَوَفَّقَنى‏

پس خداوند پيوسته مادامى كه زنده‏ام مرا بر دوستى و محبّت و دين شما ثابت قدم بدارد

كليات مفاتيح نوين، ص: 545

لِطاعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنى‏ شَفاعَتَكُمْ، وَ جَعَلَنى‏ مِنْ خِيارِ مَواليكُمُ، التَّابِعينَ‏

و بر اطاعت از شما موفّقم كند، و شفاعت شما را روزيم گرداند و از بهترين دوستانتان كه از دعوت شما

لِما دَعَوْتُمْ الَيْهِ، وَ جَعَلَنى‏ مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ، وَ يَسْلُكُ سَبيلَكُمْ،

پيروى مى‏كنند قرارم دهد، و مرا از كسانى قرار دهيد كه آثار شما را نقل مى‏كند و از شما پيروى مى‏كند،

وَيَهْتَدى‏ بِهُديكُمْ، وَ يُحْشَرُ فى‏ زُمْرَتِكُمْ، وَ يُكَرُّ فى‏ رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلَّكُ‏

و به هدايتتان راهنمايى مى‏شود، و با شما محشور مى‏شود و در زمان رجعتتان باز مى‏گردد،

فى‏ دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرَّفُ فى‏ عافِيَتِكُمْ، وَ يُمَكَّنُ فى‏ ايَّامِكُمْ، وَ تَقِرُّ عَيْنُهُ‏

و در دولت شما به حكومت مى‏رسد، و در عافيت شما عزيز مى‏شود، و در زمان (حكومت) شما قدرتمند مى‏گردد، و چشمانش در

غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ، بِابى‏ انْتُمْ وَ امّى‏ وَ نَفْسى‏ وَ اهْلى‏ وَمالى‏، مَنْ ارادَ اللَّهَ بَدَءَ

آينده به ديدارتان روشن مى‏شود، پدر و مادر و خود و خانواده و داراييم فداى شما باد، هر كس قصد (رسيدن به) خدا كند

بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوالِىَّ لآاحْصى‏

با شما آغاز مى‏كند، و هر كس او را به يگانگى ياد كند از شما بپذيرد، و هر كس خدا را قصد كند به شما رو كند، اى سروران من،

ثَنآئَكُمْ، وَلا ابْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَ انْتُمْ نُورُ

مدح و ثنايتان را نمى‏توانم بر شمارم و نمى‏توانم با ستايش به كنه شما و با توصيف به قدر و منزلتتان برسم، و شماييد نور

الْأَخْيارِ، وَ هُداةُ الْأَبْرارِ، وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ،

نيكان، و راهنماى خوبان و حجت‏هاى خداى قادر، خداوند (خلقت را) با شما آغاز كرد و به شما ختم مى‏كند

وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمآءَ انْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ الَّا بِاذْنِهِ،

و به واسطه شما باران مى‏فرستد و بواسطه شما آسمان را از افتادن بى‏اجازه بر زمين نگه مى‏دارد،

وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَ عِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَ هَبَطَتْ‏

و به واسطه شما اندوه را بزدايد و سختى را برطرف سازد، و نزد شماست آنچه كه رسولان خدا

بِهِ مَلائِكَتُهُ، وَ الى‏ جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمينُ.

و فرشتگانش آورده‏اند و بر جدّ شما جبرئيل روح‏الامين مبعوث گرديد.

(در صورتى كه مخاطب در اين زيارت، اميرمؤمنان عليه السلام باشد به جاى «

وَالى‏ جَدِّكُمْ‏

» «وَالى‏ أخيكَ»

مى‏گويى). آتاكُمُ اللَّهُ ما لَمْ يُؤْتِ احَداً مِنَ‏الْعالَمينَ، طَاْطَا كُلُّ شَريفٍ‏

\*\*\*\* آنچه خداوند به شما داده به هيچ يك از جهانيان نداده است هر شريفى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 546

لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَ‏

در برابر شرافت شما سر فرود آورده و هر متكبّرى براى اطاعت از شما گردن نهاده، و هر سركشى در برابر فضلتان فروتن گرديده،

كُلُّ شَىْ‏ءٍ لَكُمْ، وَاشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفازَ الْفآئِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ،

و همه چيز براى شما خوار گشته، و زمين به نورتان روشن شده و رستگاران در سايه ولايت شما رستگار شده‏اند،

بِكُمْ يُسْلَكُ الَى الرِّضْوانِ، وَعَلى‏ مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمنِ،

به وسيله شما راه بهشت پيموده مى‏شود و بر منكران ولايت شماست خشم و غضب خداوند،

بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏ وَنَفسى‏ وَاهْلى‏ وَمالى‏، ذِكْرُكُمْ فِى الذَّاكِرينَ، وَاسْمآؤُكُمْ‏

پدر و مادر و خود و خانواده و داراييم فداى شما باد، ياد شما در (دل) ذاكران است و نام‏هايتان‏

فِى الْأَسْمآءِ، وَاجْسادُكُمْ فِى الْأَجْسادِ، وَارْواحُكُمْ فِى اْلأَرْواحِ،

در ميان نام‏ها و جسم‏هايتان در ميان جسم‏ها و روح‏هايتان در ميان روح‏ها

وَانْفُسُكُمْ فِى النُّفُوسِ، وَآثارُكُمْ فِى الْأثارِ، وَقُبُورُكُمْ فِى الْقُبُورِ، فَما

و نفس‏هايتان در ميان نفس‏ها و آثارتان در ميان آثار و قبرهايتان در ميان قبرهاست، ولى (با اين حال)

احْلى‏ اسْمآئَكُمْ، وَاكْرَمَ انْفُسَكُمْ، وَاعْظَمَ شَاْنَكُمْ، وَاجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَاوْفى‏

چه شيرين است نام‏هايتان و چه گرامى است نفس‏هايتان و چه با عظمت است شأن و مقامتان و چه باشكوه است موقعيّتتان و چه با وفاست‏

عَهْدَكُمْ، وَاصْدَقَ وَعْدَكُمْ‏[[643]](#footnote-643) كَلامُكُمْ نُورٌ، وَامْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ‏

عهد و پيمانتان و چه صادق است وعده‏تان، سخنانتان نور و فرمانتان هدايت و وصيّتشان‏

التَّقْوى‏، وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ، وَعادَتُكُمُ الْإِحْسانُ، وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ،

تقوا و پرهيزكارى و كارتان خير و نيكى، و عادتتان احسان و نيكوكارى، وخلق و خويتان بخشش‏

وَشَاْنُكُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَاْيُكُمْ عِلْمٌ‏

و شأنتان حق و راستى و مدارا و گفتارتان فرمان و لازم‏الاجرا و رأيتان علم‏

وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، انْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اوَّلَهُ، وَاصْلَهُ وَفَرْعَهُ، وَمَعْدِنَهُ وَمَاْويهُ‏

و بردبارى و دور انديشيست، اگر يادى از خير و نيكى شود، آغاز، اصل فرع، معدن، جايگاه و نهايت‏

وَمُنْتَهاهُ، بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏ وَنَفْسى‏، كَيْفَ اصِفُ حُسْنَ ثَنآئِكُمْ، وَاحْصى‏

آن شماييد، پدر و مادر و خودم فداى شما، چگونه نيكى ستايش شما را توصيف كنم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 547

جَميلَ بَلائِكُمْ، وَبِكُمْ اخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَراتِ‏

و زيبايى نعمت‏هايتان را برشمارم، به وسيله شما خداوند ما را از ذلّت و خوارى خارج كرد،

الْكُرُوبِ، وَانْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَمِنَ النَّارِ، بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏

و اندوه‏هاى فراگير ما را برطرف كرد، و از لبه پرتگاه‏هاى نابودى و آتش دوزخ رهانيد، پدر و مادر

وَنَفْسى‏، بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعالِمَ دِينِنا، وَاصْلَحَ ماكانَ فَسَدَ مِنْ‏

و خودم فداى شما، به خاطر پيروى از شما خداوند آموزه‏هاى دينمان را به ما آموخت، و آنچه از امور دنياى ما فاسد شده بود اصلاح نمود

دُنْيانا، وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ،

و با دوستى شما دين خدا كامل و نعمت (او) برجسته و عظيم شد و جدايى و تفرقه به الفت تبديل شد

وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَالدَّرَجاتُ‏

و به خاطر پيروى از شما عبادت‏هاى واجب پذيرفته شده و از آن شماست محبّت واجب (از جانب مردم) و رتبه‏هاى‏

الرَّفيعَةُ، وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكانُ‏[[644]](#footnote-644) الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجاهُ‏

بلند و مقام ستوده و جايگاه شناخته شده در نزد خداى با عزّت و باشكوه، و مقام‏

الْعَظيمُ، وَالشَّاْنُ الْكَبيرُ، وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنا آمَنَّا بِما انْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا

با عظمت و منزلت بزرگ و شفاعت پذيرفته شده (همه از آن شماست) پروردگارا، ما به آنچه نازل فرمودى ايمان آورده و از

الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ‏

فرستاده‏ات پيروى نموديم، پس (نام) ما را همراه گواهان ثبت فرما، پروردگارا دل‏هايمان را بعد از آنكه ما را هدايت كردى (از راه حق) منحرف مگردان‏

لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحانَ رَبِّنا انْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا

و از سوى خود رحمتى بر ما ببخش زيرا تويى بخشنده، منزّه است پروردگار ما كه وعده‏اش به يقين‏

لَمَفْعُولًا، يا وَلِىَّ اللَّهِ‏ (و اگر همه امامان را قصد كرده باشد مى‏گويد:

«يا اوْلِياءَ اللَّهِ»

) انَّ بَيْنى‏

انجام شدنى است، اى ولىّ خدا\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* «اى اولياى خدا»، به يقين ميان من‏

وَبيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً لا يَاْتى‏ عَلَيْها الَّا رِضاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ‏

و خداوند با عزّت و باشكوه گناهانى است كه جز رضايت شما آنها را محو نكند، پس به حق كسى كه شما را امين‏

عَلى‏ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكُمْ امْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ‏

رازش قرار داد و امور مخلوقات را به شما واگذار نمود و اطاعت شما را به اطاعت خويش قرين ساخت، مصرانه تقاضا دارم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 548

ذُنُوبى‏، وَكُنْتُمْ شُفَعآئى‏، فَانّى‏ لَكُمْ مُطيعٌ، مَنْ اطاعَكُمْ فَقَدْ اطاعَ اللَّهَ،

براى گناهانم طلب بخشش كنيد و شفيعان من (در پيشگاه خدا) باشيد، زيرا من مطيع شما هستم، هر كس شما را اطاعت كند خدا را اطاعت كرده است،

وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَ مَنْ احَبَّكُمْ فَقَدْ احَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ ابْغَضَكُمْ‏

و هر كس شما را نافرمانى كند خدا را نافرمانى كرده است، و هر كس شما را دوست دارد خدا را دوست داشته است، و هر كس با شما دشمنى كند

فَقَدْ ابْغَضَ اللَّهَ، اللهُمَّ انّى‏ لَوْ وَجَدْتُ شُفَعآءَ اقْرَبَ الَيْكَ مِنْ مُحَمِّدٍ

با خدا دشمنى كرده است، خدايا اگر من شفيعانى را مى‏يافتم كه از محمّد

وَ اهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيارِ، الْأَئِمَّةِ الْأَبْرارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعآئى‏، فَبِحَقِّهِمُ الَّذى‏

و خاندان برگزيده‏اش همان پيشوايان نيكوكار به درگاهت نزديكتر بودند، آنها را شفيعان خود قرار مى‏دادم، پس به حقّى كه از آنان بر خودت‏

اوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، اسْئَلُكَ انْ تُدْخِلَنى‏ فى‏ جُمْلَةِ الْعارِفينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ،

واجب فرمودى از تو مى‏خواهم كه مرا در زمره عارفان به آنان و حقّشان‏

وَ فى‏ زُمْرَةِ الْمَرْحُومينَ بِشَفاعَتِهِمْ، انَّكَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏

و آمرزيدگان به واسطه شفاعتشان داخل كنى زيرا كه تو مهربان‏ترين مهربانانى، و خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرينَ، وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.[[645]](#footnote-645)

محمد و خاندان پاكش درود فرستد و سلام فراوان خدا بر آنان باد و خداوند براى ما كافى و بهترين سرپرست است.

يادآورى: «علّامه مجلسى» پس از نقل و شرح اين زيارت مى‏گويد: اگر در شرح اين زيارت كمى بسط كلام دادم- اگرچه براى رعايت اختصار هنوز هم حقّ آن را ادا ننمودم- به اين جهت است كه اين زيارت از جهت سند، صحيح‏ترين، و از جهت موارد شمولش نسبت به ائمّه عليهم السلام شامل‏ترين و عام‏ترين زيارات، و از جهت لفظ، روشن‏ترين و فصيح‏ترين، و از جهت معنا و محتوا بليغ‏ترين، و از جهت شأن و مقام، عالى‏ترين زيارات است.[[646]](#footnote-646) «مجلسى اوّل» (پدر بزرگوار علّامه مجلسى) نيز در شرح «من لا يحضره الفقيه» (يعنى در كتاب روضةالمتّقين) مى‏فرمايد: اين زيارت احسن و اكمل زيارات است و من تا زمانى كه در عتبات عاليات بودم زيارت نكردم ائمّه عليهم السلام را مگر به اين زيارت.[[647]](#footnote-647) از حكايتى كه مرحوم «حاجى نورى» (قدّس اللَّه نفسه) در كتاب «نجم الثاقب» نقل مى‏كند به دست مى‏آيد كه بايد بر اين زيارت مواظبت و مداومت داشت و از آن غافل نبود.[[648]](#footnote-648)

كليات مفاتيح نوين، ص: 549

زيارت سوم (زيارت جامعه ديگرى از امام صادق عليه السلام):

«علّامه مجلسى» در «بحارالانوار» مى‏نويسد: اين زيارت زيارتى است كه «سيّد بن طاووس» ضمن ادعيه عرفه، از امام صادق عليه السلام روايت كرده كه فرمود: در هرجا و هر زمان خصوصاً روز عرفه مى‏توان اين زيارت را خواند:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى رسول خدا، سلام بر تو اى پيامبر خدا، سلام بر تو اى‏

خِيَرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَامينَهُ عَلى‏ وَحْيِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا اميرَ

برگزيده خدا از ميان مخلوقات و امين بر وحيش، سلام بر تو اى مولاى من اى امير

الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، انْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، وَبابُ‏

مؤمنان، سلام بر تو اى مولاى من، تويى حجت خدا بر مخلوقاتش، و درگاه‏

عِلْمِهِ، وَوَصِىُّ نَبِيِّهِ، وَالْخَليفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فى‏ امَّتِهِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً غَصَبَتْكَ‏

علم و وصىّ پيامبرش، و جانشين بعد از او در ميان امّتش، خدا لعنت كند آن مردمى كه حقّت را غصب‏

حَقَّكَ، وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ، ا نَا بَرئٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ الَيْكَ، السَّلامُ عَلَيْكِ‏

نموده و در جايگاهت قرار گرفتند، من از آنان و پيروانشان به درگاهت بيزارى مى‏جويم، سلام بر تو

يا فاطِمَةُ الْبَتُولُ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا زَيْنَ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا

اى فاطمه پاكدامن، سلام بر تو اى زينت بانوان جهانيان، سلام بر تو اى‏

بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكِ وَعَلَيْهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا امَ‏

دختر رسول خدايى كه پروردگار جهانيان است، درود خدا بر تو و بر او باد، سلام بر تو اى مادر

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً غَصَبَتْكِ حَقَّكِ، وَمَنَعَتْكِ ما جَعَلَهُ اللَّهُ لَكِ‏

حسن و حسين، خدا لعنت كند مردمى را كه حقّت را غصب نموده و تو را از آنچه خداوند برايت حلال ساخته بود منع‏

حَلالًا، انَا بَرئٌ الَيْكِ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا ابا

كردند، من از آنان و پيروانشان به درگاهت بيزارى مى‏جويم، سلام بر تو اى مولاى من اى ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزَّكِىَّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، لَعَنَ‏اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ،

محمد، حسن پاك‏نهاد، سلام بر تو اى مولاى من، خدا لعنت كند مردمى را كه تو را به شهادت رسانده‏

وَبايَعَتْ فى‏ امْرِكَ وَشايَعَتْ، انَا بَرئٌ الَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ، السَّلامُ‏

و بر آن بيعت نموده و همكارى كردند، من از آنان و پيروانشان به درگاهت بيزارى مى‏جويم، سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 550

عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِىٍّ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ‏

بر تو اى مولاى من اى اباعبداللَّه، حسين بن على، درود خدا بر تو

وَعَلى‏ ابيكَ وَ عَلى جَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً

و بر پدرت و جدّت محمد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدا لعنت كند مردمى را

اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ، وَاسْتَباحَتْ حَريمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ‏

كه خونت را حلال شمردند، و خدا لعنت كند مردمى را كه تو را به شهادت رسانده و حريمت را رعايت نكردند، و خدا لعنت كند

اشْياعَهُمْ وَ اتْباعَهُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ، انَا

پيروان و متابعان آنها را و خدا لعنت كند كسانى را كه با فرمانبردارى از آنان زمينه جنگ با شما را فراهم كردند، من‏

بَرئٌ الَى اللَّهِ وَالَيْكَ مِنْهُمْ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا ابامُحَمَّدٍ عَلِىَّ بْنَ‏

از آنان به درگاه خدا و نزد تو بيزارى مى‏جويم، سلام بر تو اى مولاى من، اى ابامحمد، على بن‏

الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، يا ابا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، السَّلامُ‏

حسين، سلام بر تو اى مولاى من اى اباجعفر محمد بن على، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، يا اباعَبْدِاللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ،

بر تو اى مولاى من، اى ابا عبداللَّه جعفر بن محمد، سلام بر تو اى مولاى من‏

يا ابَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، يا ابَا الْحَسَنِ‏

اى ابالحسن موسى بن جعفر، سلام بر تو اى مولاى من، اى ابالحسن‏

عَلِىَّ بْنَ مُوسى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، يا اباجَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ،

على بن موسى، سلام بر تو اى مولاى من، اى اباجعفر محمد بن على،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، يا ابَا الْحَسَنِ عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى مولاى من، اى ابالحسن على بن محمد، سلام بر تو اى‏

مَوْلاىَ، يا ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، يا ابَا

مولاى من، اى ابامحمد حسن بن على، سلام بر تو اى مولاى من، اى ابا

الْقاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صاحِبَ الزَّمانِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلى‏

القاسم محمد بن حسن، صاحب الزمان، درود خدا بر تو و بر

عِتْرَتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ، يا مَوالِىَّ كُونُوا شُفَعآئى‏ فى‏ حَطِّ وِزْرى‏

خاندان پاك و پاكيزه‏ات، اى سروران من در كاستن گناهان و خطاهايم شفيعم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 551

وَخَطاياىَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِما انْزِلَ الَيْكُمْ، وَاتَوالى‏ آخِرَكُمْ بِما اتَوالى‏ بِهِ‏

باشيد، به خدا و آنچه بر شما نازل نموده ايمان دارم، و آخرينتان را دوست دارم به همان جهت كه‏

اوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغوُتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزّى‏، يا مَوالِىَّ ا نَا

اوّلينتان را دوست دارم و از بت و طاغوت و لات و عزّى بيزارى مى‏جويم، اى سروران من، من‏

سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ، وَوَلِىٌ‏

با هر كس كه با شما از در صلح درآيد در صلحم، و با هر كس كه با شما از در جنگ درآيد در جنگم و من تا روز قيامت با دشمنانتان دشمن و با دوستدارانتان‏

لِمَنْ والاكُمْ الى‏ يَوْمِ الْقِيمَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظالِميكُمْ وَغاصِبيكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ‏

دوستم، و خدا لعنت كند ستمكاران و غصب‏كنندگان حقتان را، و خدا لعنت كند

اشْياعَهُمْ وَاتْباعَهُمْ وَاهْلَ مَذْهَبِهِمْ، وَابْرَءُ الىَ اللَّهِ وَالَيْكُمْ مِنْهُمْ.[[649]](#footnote-649)

پيروان و تابعان و همكيشان آنان را و از آنان به درگاه خدا و نزد شما بيزارى مى‏جويم.

\*\*\*

زيارت چهارم (زيارت امين‏اللَّه):

همان گونه كه قبلًا نيز گفته‏ايم زيارت «امين اللَّه» در نظر بزرگانى مانند مرحوم «علّامه مجلسى» از معتبرترين زياراتى است كه در همه مشاهد مشرّفه مى‏توان خواند.

اين زيارت در فصل زيارات اميرمؤمنان عليه السلام (صفحه 260) به عنوان نخستين زيارت از زيارت مطلقه آن حضرت آمد.

\*\*\*

زيارت پنجم (زيارت رجبيّه):

در اعمال ماه رجب نيز زيارتى با شروع «

الْحَمْدُللَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنا مَشْهَدَ اوْلِيائِهِ فِي رَجَب‏

» (صفحه 631) خواهد آمد كه مطابق روايتى كه از حسين بن روح از حضرت صاحب‏الامر عليه السلام نقل شد مى‏توان آن را در هر يك از مشاهد مشرّفه خواند (البتّه در ماه رجب).

كليات مفاتيح نوين، ص: 552

فصل يازدهم: دعاهاى بعد از زيارات‏

دعاى اوّل:

«سيّد بن طاووس» مى‏فرمايد: مستحب است خواندن اين دعا پس از زيارت هر كدام از ائمّه عليهم السلام:

اللَّهُمَّ انْ كانَتْ ذُنُوبى‏ قَدْ اخْلَقَتْ وَجْهى‏ عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْ دُعآئى‏ عَنْكَ،

خدايا اگر گناهانم آبرويم را در پيشگاهت برده و مانع رسيدن دعايم به تو شده‏

وَحالَتْ بَيْنى‏ وَبَيْنَكَ، فَاسْئَلُكَ انْ تُقْبِلَ عَلَىَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَتَنْشُرَ

و ميان من و تو فاصله انداخته، از تو مى‏خواهم كه با جمال كريمانه‏ات به من رو كنى و رحمتت را بر من‏

عَلَىَّ رَحْمَتَكَ، وَتُنَزِّلَ عَلَىَّ بَرَكاتِكَ، وَانْ‏كانَتْ قَدْ مَنَعَتْ انْ تَرْفَعَ لى‏

بگسترانى و بركاتت را بر من نازل كنى، و اگر گناهم مانع رسيدن صدايم‏

الَيْكَ صَوْتاً، اوْ تَغْفِرَ لى‏ ذَنْباً، اوْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطيئَةٍ مُهْلِكَةٍ، فَها ا نَا ذا

به درگاهت شده يا مانع آمرزش آن شده، يا مانع گذشت از گناهان هلاك كننده‏ام گشته، پس اين منم‏

مُسْتَجيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَعِزِّ جَلالِكَ، مُتَوَسِّلٌ الَيْكَ، مُتَقَرِّبٌ الَيْكَ بِاحَبِ‏

كه به كرم ذاتت و عزّت جلالت پناهنده‏ام، به درگاهت متوسّل شده و تقرّب مى‏جويم به واسطه محبوب‏ترين مخلوقات در

خَلْقِكَ الَيْكَ، وَاكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ، وَاوْلاهُمْ بِكَ، وَاطْوَعِهِمْ لَكَ، وَاعْظَمِهِمْ‏

درگاهت و گرامى‏ترين و برترين آنان در نزدت و مطيع‏ترين آنان نسبت به تو و با عظمت‏ترين‏

مَنْزِلَةً وَمَكاناً عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ، وَبِعِتْرَتِهِ الطَّاهِرينَ، الْأَئِمَّةِ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ،

آنان از جهت شأن و جايگاه در نزدت، همان محمد و خاندان پاكش، امامان هدايت‏يافته هدايتگر،

الَّذينَ فَرَضْتَ عَلى‏ خَلْقِكَ طاعَتَهُمْ، وَامَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ وُلاةَ

آنانى كه اطاعتشان را بر مخلوقاتت واجب كرده و به محبّتشان فرمان دادى، و آنان را فرمانروايان‏

الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنيدٍ، وَيا

بعد از رسولت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- قرار دادى، اى خواركننده هر ستمگر گردنكش، و اى‏

مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ، بَلَغَ مَجْهُودى‏، فَهَبْ لى‏ نَفْسِىَ السَّاعَةَ، وَرَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُ‏

عزّت‏بخش مؤمنان، توانم به سر آمد، پس مرا در اين ساعت ببخش، و رحمتى از جانب خودت كه با آن بر من منّت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 553

بِها عَلَىَّ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ. آنگاه ضريح را ببوس و هر دو طرف صورتت را روى ضريح‏ گذارى عطايم كن اى مهربان‏ترين مهربانان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بگذار و بگو: اللهُمَّ انَّ هذا مَشْهَدٌ لا يَرْجُو مَنْ فاتَتْهُ فيهِ رَحْمَتُكَ انْ يَنالَها

\*\*\*\* خدايا به يقين اينجا شهادتگاهى است كه اگر كسى در آن از رحمتت دور ماند اميدى ندارد كه در جاى ديگر به آن‏

فى‏ غَيْرِهِ، وَلا احَدٌ اشْقى‏ مِنِ امْرِءٍ قَصَدَهُ مُؤَمِّلًا فَآبَ عَنْهُ خآئِباً، اللهُمَ‏

برسد، و كسى بيچاره‏تر از آن نيست كه اميدوارانه به اين جايگاه رو كند ولى نااميد از آنجا بازگردد، خدايا

انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْإِيابِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَالْمُناقَشَةِ عِنْدَ الْحِسابِ،

به تو پناه مى‏برم از شرّ و نااميدى در بازگشت و سخت‏گيرى در هنگام حساب‏

وَحاشاكَ يا رَبِّ انْ تَقْرِنَ طاعَةَ وَلِيِّكَ بِطاعَتِكَ، وَمُوالاتَهُ بِمُوالاتِكَ،

و اى پروردگار من از تو بعيد است كه فرمانبردارى از وليّت را به فرمانبرداريت و پيروى از او را به پيرويت‏

وَمَعْصِيَتَهُ بِمَعْصِيَتِكَ ثُمَّ تُؤْيِسَ زآئِرَهُ، وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعْدِ الْبِلادِ الى‏

و نافرمانيش را به نافرمانيت مقرون سازى ولى زائرش و آن كه دورى راه را براى رسيدن به قبرش‏

قَبْرِهِ، وَعِزَّتِكَ يا رَبِّ لايَنْعَقِدُ عَلى‏ ذلِكَ ضَميرى‏، اذْ كانَتِ الْقُلُوبُ الَيْكَ‏

تحمّل نموده نااميد گردانى، به عزّتت سوگند اى پروردگار من اين را باور ندارم، زيرا دلها از تو

بِالْجَميلِ تُشيرُ. سپس نماز زيارت بخوان و وقت وداع بگو:

به نيكى ياد مى‏كند.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ الرِّسالَةِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ‏

سلام بر شما اى خاندان نبوّت و گنجينه رسالت، سلام خداحافظى كننده‏اى كه نه خسته است‏

وَلا قالٍ، وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ اهْلَ‏الْبَيْتِ، انَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، سَلامَ‏

و نه دلتنگ، و رحمت و بركات خدا بر شما خاندان باد چرا كه او ستوده و بزرگوار است، سلام‏

وَلِىٍّ غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُمْ، وَلا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ، وَلا مُؤْثِرٍ

دوستدارى كه به شما اميدوار است، و از شما روى‏گردان نيست، و براى شما جايگزين قرار نداده، و كسى را بيش از شما

عَلَيْكُمْ، وَلا زاهِدٍ فى‏ قُرْبِكُمْ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قُبُورِكُمْ،

دوست ندارد، و از جوارتان دورى نمى‏كند، خداوند اين زيارتم از قبرهايتان را آخرين زيارت‏

وَ اتْيانِ مَشاهِدِكُمْ، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، وَ حَشَرَنِىَ اللَّهُ‏

و آمدن به درگاهتان قرار ندهد و سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد و خدا مرا در گروه شما محشور

كليات مفاتيح نوين، ص: 554

فى‏ زُمْرَتِكُمْ، وَاوْرَدَنى‏ حَوْضَكُمْ، وَارْضاكُمْ عَنّى‏، وَمَكَّنَنى‏ فى‏ دَوْلَتِكُمْ،

گرداند و بر حوض كوثر شما وارد گرداند و شما را از من خشنود سازد، و در حكومت شما مرا قدرت بخشد

وَاحْيانى‏ فى‏ رَجْعَتِكُمْ، وَ مَلَّكَنى‏ فى‏ ايَّامِكُمْ، وَ شَكَرَ سَعْيى‏ بِكُمْ، وَغَفَرَ

و در رجعتتان زنده گرداند، و در روزگارتان حاكمم گرداند، و به واسطه شما تلاشم را بپذيرد، و به‏

ذُنُوبى‏ بِشَفاعَتِكُمْ، وَ اقالَ عَثْرَتى‏ بِحُبِّكُمْ، وَ اعْلى‏ كَعْبى‏ بِمُوالاتِكُمْ،

شفاعتتان گناهانم را بيامرزد و به محبتتان از لغزش‏هايم درگذرد، و به پيرويتان ارجمندم گرداند

وَشَرَّفَنى‏ بِطاعَتِكُمْ، وَاعَزَّنى‏ بِهُديكُمْ، وَجَعَلَنى‏ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحاً

و با اطاعت از شما شرافتم بخشد، و با هدايتتان عزيزم گرداند، و مرا از كسانى قرار دهد كه باز مى‏گردند در حالى كه رستگارِ

مُنْجِحاً، سالِماً غانِماً، مُعافاً غَنِيّاً، فائِزاً بِرِضْوانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكِفايَتِهِ،

پيروز، سلامتِ موفق، بخشيده شده و بى‏نيازند، و به خشنودى خدا و لطف و عنايتش رسيده‏اند

بِافْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ احَدٌ مِنْ زُوَّارِكُمْ، وَمَواليكُمْ وَمُحِبّيكُمْ وَشيعَتِكُمْ،

به بهترين شكلى كه هر يك از زائران و دوستداران و محبّان و شيعيانتان باز مى‏گردند

وَ رَزَقَنِىَ اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما ابْقانى‏ رَبّى‏، بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ،

و خدا پيوسته بازگشت (به اين مكان) را مادامى كه زنده‏ام، روزيم گرداند، با نيّتى صادق‏

وَ ايمانٍ وَتَقْوى‏ وَاخْباتٍ، وَ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ‏

و ايمان و تقوا و فروتنى، و روزى وسيع و حلال و پاكيزه، خدايا اين زيارتم را

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ، وَ الصَّلاةِ عَلَيْهِمْ، وَاوْجِبْ لِىَ الْمَغْفِرَةَ

آخرين زيارت و ياد و درود برايشان قرار مده، و بر من واجب گردان آمرزش‏

وَالرَّحْمَةَ، وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَةَ، وَالفَوْزَ وَالْإِيمانَ، وَحُسْنَ الْإِجابَةِ، كَما

و رحمت و خير و بركت و رستگارى و ايمان و اجابت نيكو را، همان‏گونه كه‏

اوْجَبْتَ لِأَوْلِيآئِكَ الْعارِفينَ بِحَقِّهِمْ، الْمُوجِبينَ طاعَتَهُمْ، وَالرَّاغِبينَ فى‏

واجب ساختى براى اوليائت كه آشناى به حق امامان بودند و اطاعتشان را بر خود واجب مى‏دانستند و مشتاق زيارتشان‏

زِيارَتِهِمُ، الْمُتَقَرِّبينَ الَيْكَ وَالَيْهِمْ، بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏ وَ نَفْسى‏ وَمالى‏ وَاهْلى‏،

بودند و به درگاه تو و آنان تقرّب مى‏جستند، پدر و مادر و جان و مال و خانواده‏ام فداى شما،

اجْعَلُونى‏ مِنْ هَمِّكُمْ، وَصَيِّرُونى‏ فى‏ حِزْبِكُمْ، وَادْخِلُونى‏ فى‏ شَفاعَتِكُمْ،

مرا مورد عنايتتان و در گروه خودتان قرار دهيد و در شفاعتتان داخل كنيد

كليات مفاتيح نوين، ص: 555

وَاذْكُرُونى‏ عِنْدَ رَبِّكُمْ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْ‏

و در نزد پروردگارتان ياد كنيد، خدايا بر محمد و خاندان پاكش درود فرست،

ارْواحَهُمْ وَاجْسادَهُمْ عَنّى‏ تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ‏

درود و سلام فراوان مرا به ارواح و بدن‏هاى آنان برسان و سلام‏

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.[[650]](#footnote-650)

و رحمت و بركات خدا بر شما باد.

\*\*\*

دعاى دوم (دعاى عالية المضامين):

اين دعا را نيز «سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر» آورده است كه بعد از زيارت هر يك از ائمّه عليهم السلام مى‏توان خواند:

اللهُمَّ انّى‏ زُرْتُ هذَا الْإِمامَ مُقِرًّا بِامامَتِهِ، مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ‏

خدايا من اين امام را زيارت نمودم در حالى كه به امامتش اقرار دارم و به وجوب اطاعتش معتقدم، پس زيارت‏

مَشْهَدَهُ بِذُنُوبى‏ وَعُيُوبى‏، وَمُوبِقاتِ آثامى‏، وَكَثْرَةِ سَيِّئاتى‏ وَخَطاياىَ،

بارگاهش را قصد نمودم با گناهان و عيب‏ها و جرم‏هاى آزاردهنده‏ام و فراوانى گناهان و اشتباهاتم‏

وَما تَعْرِفُهُ مِنّى‏، مُسْتَجيراً بِعَفْوِكَ، مُسْتَعيذاً بِحِلْمِكَ، راجِياً رَحْمَتَكَ،

و آنچه تو از من مى‏دانى در حالى كه به آمرزشت اميدوار و به شكيباييت پناهنده‏ام، و به رحمتت اميدوار

لاجِئاً الى‏ رُكْنِكَ، عآئِذاً بِرَاْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ، وَابْنِ اولِيائِكَ،

و به قدرت تو پناه آورده‏ام و در سايه لطف تو قرار گرفته‏ام، و ولى و فرزند اولياء

وَصَفِيِّكَ وَابْنِ اصْفِيآئِكَ، وَامينِكَ وَابْنِ امَنائِكَ، وَخَليفَتِكَ وَابْنِ خُلَفائِكَ،

و برگزيده‏ات و فرزند برگزيدگان و امين و فرزند امينانت و خليفه و فرزند خلفائت را شفيع مى‏گيرم.

(هرگاه اين دعا در زيارت اميرمؤمنان عليه السلام خوانده شود در هر چهار مورد بجاى كلمه «ابن» بايد «ابى» گفته‏

شود). الَّذينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسيلَةَ الى‏ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ، وَالذَّريعَةَ الى‏

\*\*\* آنانى كه واسطه رسيدن به رحمت و خوشنوديت و راه رسيدن به‏

رَاْفَتِكَ وَغُفْرانِكَ، اللهُمَّ وَاوَّلُ حاجَتى‏ الَيْكَ انْ تَغْفِرَ لى‏ ما سَلَفَ مِنْ‏

لطف و آمرزشت قرارشان دادى، خدايا اولين حاجتم به درگاهت اين است كه گناهان فراوان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 556

ذُنُوبى‏ عَلى‏ كَثْرَتِها، وَانْ تَعْصِمَنى‏ فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى‏، وَتُطَهِّرَ دينى‏

گذشته مرا بيامرزى، و مرا در باقيمانده عمرم (از گناه) حفظ كنى و دينم را

مِمَّا يُدَنِّسُهُ وَيَشينُهُ وَيُزْرى‏ بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِ وَالْفَسادِ

از آنچه آن را آلوده و تباه و بى‏آبرو ساخته، پاك گردانى و آن را از شك و ترديد و تباهى‏

وَالشِّرْكِ، وَتُثَبِّتَنى‏ عَلى‏ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، وَذُرِّيَّتِهِ النُّجَبآءِ

و شرك، حفظ كنى، و مرا بر اطاعتت و اطاعت رسولت و نسل نجيب‏

السُّعَدآءِ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتُكَ وَسَلامُكَ وَبَرَكاتُكَ، وَتُحْيِيَنى‏ ما

و سعادتمندش- كه درود و رحمت و سلام و بركات تو بر آنان باد- ثابت قدم گردانى، و مادام كه زنده‏ام‏

احْيَيْتَنى‏ عَلى‏ طاعَتِهِمْ، وَتُميتَنى‏ اذا امَتَّنى‏ عَلى‏ طاعَتِهِمْ، وَانْ لا تَمْحُوَ

بر اطاعت ايشان زنده‏ام بدار، و در وقت مردن بر اطاعت ايشان بميران،

مِنْ قَلْبى‏ مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ، وَبُغْضَ اعْدائِهِمْ، وَمُرافَقَةَ اوْلِيآئِهِمْ وَبِرَّهُمْ،

و دوستى و محبّت آنان و كينه دشمنانشان و همراهى دوستدارانشان و نيكى به آنان را از دلم محو نكنى‏

وَاسْئَلُكَ يا رَبِّ انْ تَقْبَلَ ذلِكَ مِنّى‏، وَتُحَبِّبَ الىَّ عِبادَتَكَ، وَالْمُواظَبَةَ

و اى پروردگار من از تو مى‏خواهم كه اين (زيارت) را از من بپذيرى و به عبادتت و مواظبت‏

عَلَيْها، وَتُنَشِّطَنى‏ لَها، وَتُبَغِّضَ الَىَّ مَعاصيَكَ وَمَحارِمَكَ، وَتَدْفَعَنى‏ عَنْها،

بر آن علاقه‏مندم گردانى و بر انجام آن نشاطم بخشى، و گناهان و حرام‏هايت را مبغوضم گردانده و از آنها بازم دارى‏

وَتُجَنِّبَنِى التَّقْصيرَ فى‏ صَلاتى‏، وَالْإِسْتِهانَةَ بِها، وَالتَّراخِىَ عَنْها،

و مرا از كوتاهى در انجام نمازم و سبك‏شمردن آن و تأخير در انجام آن دور سازى‏

وَتُوَفِّقَنى‏ لِتَاْدِيَتِها كَما فَرَضْتَ وَامَرْتَ بِهِ عَلى‏ سُنَّةِ رَسُولِكَ، صَلَواتُكَ‏

و بر انجام آن موفّقم بدارى آن‏گونه كه واجب نموده و به انجام آن مطابق سنّت رسولت- كه درود

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ، خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشْرَحَ صَدْرى‏

و رحمت و بركات تو بر او و خاندانش باد- در حال فروتنى و افتادگى فرمان داده‏اى، و دلگرمم كنى‏

لِإيتآءِ الزَّكاةِ، وَاعْطآءِ الصَّدَقاتِ، وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ، وَالْإِحْسانِ الى‏

به پرداخت زكات و دادن صدقات و انجام كارهاى نيك و نيكى و احسان به‏

شيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَمُواساتِهِمْ، وَلا تَتَوَفَّانى‏ الَّا بَعْدَ انْ‏

شيعيان خاندان محمد- كه بر آنان درود باد- و زنده‏ام بدارى تا

كليات مفاتيح نوين، ص: 557

تَرْزُقَنى‏ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ، وَزِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ‏

حج بيت اللَّه الحرام و زيارت قبر پيامبرت و امامان- كه بر آنان درود باد- را روزيم گردانى‏

السَّلامُ، وَاسْئَلُكَ يا رَبِّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضاها، وَنِيَّةً تَحْمَدُها، وَعَمَلًا

و اى پروردگار من از تو مى‏خواهم توبه واقعى مورد پسندت را، و نيّت (خالص) مورد ستايشت را و عمل‏

صالِحاً تَقْبَلُهُ، وَانْ تَغْفِرَ لى‏ وَتَرْحَمَنى‏ اذا تَوَفَّيْتَنى‏، وَتُهَوِّنَ عَلَىَ‏

شايسته مورد پذيرشت را، و آمرزش و رحمت هنگام مرگم را و آسانى سختى‏هاى‏

سَكَراتِ الْمَوْتِ، وَتَحْشُرَنى‏ فى‏ زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ‏

جان كندنم را، و اين كه مرا در گروه محمد و خاندانش- كه درود خدا بر او و بر آنان باد- محشور

وَعَلَيْهِمْ، وَتُدْخِلَنِى الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دَمْعى‏ غَزيراً فى‏ طاعَتِكَ،

گردانى، و به رحمتت در بهشت داخلم كنى، و اشكم را در راه بندگيت فراوان كن‏

وَعَبْرَتى‏ جارِيَةً فيما يُقَرِّبُنى‏ مِنْكَ، وَقَلْبى‏ عَطُوفاً عَلى‏ اوْلِيآئِكَ،

و سرشكم را در آنچه مرا به تو نزديك مى‏كند جارى ساز، و دلم را به اوليائت مهربان كن‏

وَتَصُونَنى‏ فى‏ هذِهِ الدُّنْيا مِنَ‏الْعاهاتِ وَالْآفاتِ، وَالْأَمْراضِ الشَّديدَةِ،

و مرا در اين دنيا از آسيب‏ها و آفت‏ها و بيمارى‏هاى شديد

وَالْأَسْقامِ الْمُزْمِنَةِ، وَجَميعِ انْواعِ الْبَلاءِ وَالْحَوادِثِ، وَتَصْرِفَ قَلْبى‏ عَنِ‏

و دردهاى مزمن و تمامى بلاها و حوادث (ناگوار) ايمن گردان، و دلم را از حرام‏

الْحَرامِ، وَتُبَغِّضَ الىَّ مَعاصِيَكَ، وَتُحَبِّبَ الَىَّ الْحَلالَ، وَتَفْتَحَ لى‏ ابْوابَهُ،

بازگردان و نافرمانيت را مبغوضم ساز، و حلال را محبوبم گردان و درهاى آن را به رويم بگشاى‏

وَتُثَبِّتَ نِيَّتى‏ وَفِعْلى‏ عَلَيْهَ، وَتَمُدَّ فى‏ عُمْرى‏، وَتُغْلِقَ ابْوابَ الْمِحَنِ عَنّى‏،

و نيت و فعلم را بر آن ثابت بدار و عمرم را طولانى گردان و درهاى سختى را به رويم ببند

وَلا تَسْلُبَنى‏ ما مَنَنْتَ بِهِ عَلىَّ، وَلا تَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمَّا احْسَنْتَ بِهِ الَىَّ، وَلا

و آنچه به من عطا نموده‏اى از من نگير، و آنچه به من احسان نموده‏اى از من باز نگردان،

تَنْزِعَ مِنِّى النِّعَمَ الَّتى‏ انْعَمْتَ بِها عَلَىَّ، وَتَزيدَ فيما خَوَّلْتَنى‏، وَتُضاعِفَهُ‏

و نعمت‏هايى كه بر من ارزانى داشته‏اى از من مگير، و در آنچه به من عطا كرده‏اى بيافزاى و آن را مضاعف كن‏

اضْعافاً مُضاعَفَةً، وَ تَرْزُقَنى‏ مالًا كَثيراً واسِعاً سآئِغاً، هَنيئاً نامِياً وافِياً،

و مال فراوان و وسيع حلال، گوارا و فزاينده و كافى روزيم گردان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 558

وَعِزّاً باقِياً كافِياً، وَجاهاً عَريضاً مَنيعاً، وَنِعْمَةً سابِغَةً عآمَّةً، وَتُغْنِيَنى‏

و عزّتى پاينده و كافى، و مقامى گسترده و دست‏نايافتنى، و نعمتى فراوان و گسترده، و مرا با اين امور

بِذلِكَ عَنِ الْمَطالِبِ الْمُنَكَّدَةِ، وَ الْمَوارِدِ الصَّعْبَةِ، وَ تُخَلِّصَنى‏ مِنْها مُعافاً

از تلاش خسته‏كننده و كارهاى دشوار بى‏نياز ساز، و از آنها رهايم كن با سلامتى‏

فى‏ دينى‏ وَ نَفْسى‏ وَ وَلَدى‏، وَ ما اعْطَيْتَنى‏ وَ مَنَحْتَنى‏، وَ تَحْفَظَ عَلَىَّ مالى‏

در دين و جان و فرزندان و آنچه به من عطا نموده و بخشيده‏اى، و دارايى‏

وَ جَميعَ ما خَوَّلْتَنى‏، وَتَقْبِضَ عَنّى‏ ايْدِىَ الْجَبابِرَةِ، وَ تَرُدَّنى‏ الى‏ وَطَنى‏،

و تمامى آنچه به من ارزانى داشته‏اى را حفظ كن، و دست ستمگران را از من كوتاه گردان، و مرا به وطنم بازگردان‏

وَ تُبَلِّغَنى‏ نِهايَةَ امَلى‏ فى‏ دُنْياىَ وَ آخِرَتى‏، وَ تَجْعَلَ عاقِبَةَ امْرى‏

و به نهايت آرزوهايم در دنيا و آخرت برسان، و عاقبت كارم را

مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَليمَةً، وَ تَجْعَلَنى‏ رَحيبَ الصَّدْرِ، واسِعَ الْحالِ، حَسَنَ‏

پسنديده و نيكو و مطمئن قرار ده، و مرا با سخاوت و دست و دلباز و خوش‏رفتار

الْخُلْقِ، بَعيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ وَالنِّفاقِ، وَالْكِذْبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ،

و دور از بخل و تنگ‏نظرى و دورويى و دروغ و تهمت و سخن باطل قرار ده‏

وَتُرْسِخَ فى‏ قَلْبى‏ مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشيعَتِهِمْ، وَتَحْرُسَنى‏ يا رَبِ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص558**

و محبّت محمّد و خاندان محمّد و شيعيانشان را بر دلم راسخ كن، و اى پروردگار من، مرا به رحمت و بخششت‏

فى‏ نَفْسى‏ وَاهْلى‏ وَمالى‏ وَ وَلَدى‏، وَاهْلِ حُزانَتى‏ وَاخْوانى‏، وَاهْلِ‏

در جان و خانواده و مال و فرزندان و غمخواران و برادران و دوستان‏

مَوَدَّتى‏ وَذُرِّيَّتى‏، بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ، اللهُمَّ هذِهِ حاجاتى‏ عِنْدَكَ، وَ قَدِ

و نسلم محافظت فرما، خدايا اينها حاجت‏هايم به درگاه توست كه‏

اسْتَكْثَرْتُها لِلُؤْمى‏ وَشُحّى‏، وَ هِىَ عِنْدَكَ صَغيرَةٌ حَقيرَةٌ، وَ عَلَيْكَ سَهْلَةٌ

به‏خاطر تنگ نظرى و طمعم بر آن افزودم، در حالى كه آنها نزد تو كوچك و بى‏مقدار و (انجام آن) بر تو آسان‏

يَسيرَةٌ، فَاسْئَلُكَ بِجاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ عِنْدَكَ،

و ساده است، پس از تو مى‏خواهم به مقام محمّد و خاندان او- كه درود بر او و بر آنان باد- در نزدت‏

وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِما اوْجَبْتَ لَهُمْ، وَبِسآئِرِ انْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ، وَ اصْفِيآئِكَ‏

و به حقّشان بر تو، و به حقّ آنچه بر آنان و بر تمامى پيامبران و فرستادگان و برگزيدگان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 559

وَ اوْلِيآئِكَ الْمُخْلِصينَ مِنْ عِبادِكَ، وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَيْتَها

و دوستداران خالص از بندگانت واجب نموده‏اى و به حقّ اسم اعظم اعظمت كه تمامى حاجت‏هايم را

كُلَّها، وَاسْعَفْتَنى‏ بِها، وَ لَمْ تُخَيِّبْ امَلى‏ وَ رَجآئى‏، اللَّهُمَّ وَ شَفِّعْ صاحِبَ‏

برآورى، و خواسته‏هايم را اجابت كنى، و اميد و آرزويم را نااميد مگردانى، خدايا شفاعت صاحب‏

هذَا الْقَبْرِ فِىَّ، يا سَيِّدى‏ يا وَلِىَّ اللَّهِ يا امينَ اللَّهِ، اسْئَلُكَ انْ تَشْفَعَ لى‏ الَى‏

اين قبر را در موردم بپذير، اى آقاى من اى ولى خدا، اى امين خدا، از تو مى‏خواهم كه در تمامى‏

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فى‏ هذِهِ الْحاجاتِ كُلِّها، بِحَقِّ آبآئِكَ الطَّاهِرينَ، وَ بِحَقِ‏

حاجت‏هايم نزد خداوندِ عزيز و گرامى شفيعم باشى، به حقّ پدران پاك‏نهادت و به حق‏

اوْلادِكَ الْمُنْتَجَبينَ، فَانَّ لَكَ عِنْدَاللَّهِ تَقَدَّسَتْ اسْمآئُهُ، الْمَنْزِلَةَ الشَّريفَةَ،

فرزندان برگزيده‏ات، چرا كه براى توست نزد خداوندى كه نام‏هايش مقدّس است، مقام با شرافت‏

وَالْمَرْتَبَةَ الْجَليلَةَ، وَالْجاهَ الْعَريضَ، اللهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ اوْجَهُ‏

و رتبه‏اى عالى، و جايگاه وسيع، خدايا اگر كسى را در نزدت آبرومند از اين‏

عِنْدَكَ مِنْ هذَا الْإِمامِ، وَ مِنْ آبآئِهِ وَابْنآئِهِ الطَّاهِرينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ‏

امام و از پدران و فرزندان پاكش- كه درود و سلام بر ايشان باد- مى‏شناختم‏

وَالصَّلاةُ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعآئى‏، وَ قَدَّمْتُهُمْ امامَ حاجَتى‏ وَ طَلِباتى‏ هذِهِ،

به يقين آنان را شفيعان خود و پيشاپيش حاجت و خواسته‏هايم قرار مى‏دادم‏

فَاسْمَعْ مِنّى‏، وَاسْتَجِبْ لى‏، وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ،

(خدايا) از من بشنو و اجابت فرما و در مورد من آنچه تو شايسته آنى انجام ده اى مهربان‏ترين مهربانان.

اللهُمَّ وَ ما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتى‏، وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتى‏ مِنْ صالِحِ دينى‏

خدايا آنچه درخواستم شامل آن نشد و آنچه از صلاح دين‏

وَدُنْياىَ وَآخِرَتى‏، فَامْنُنْ بِهِ عَلىَّ، وَاحْفَظْنى‏ وَاحْرُسْنى‏، وَهَبْ لى‏ وَاغْفِرْ

و دنيا و آخرتم به فكرم خطور نكرده است، به اجابتش بر من منّت گذار، و مرا حفظ و پاسدارى نما و بر من ببخش و مرا

لى‏، وَ مَنْ ارادَنى‏ بِسُوءٍ اوْ مَكْرُوهٍ، مِنْ شَيْطانٍ مَريدٍ، اوْ سُلْطانٍ عَنيدٍ، اوْ

بيامرز، و هر كه مرا به بدى يا زشتى قصد كند چه شيطان نافرمان يا فرمانرواى ظالم يا

مُخالِفٍ فى‏ دينٍ، اوْ مُنازِعٍ فى‏ دُنْيا، اوْ حاسِدٍ عَلَىَّ نِعْمَةً، اوْ ظالِمٍ اوْ باغٍ،

مخالف در دين يا ستيزه‏جوى در (امور) دنيا، يا حسود نسبت به نعمت‏هايم، يا ستمكار، يا سركش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 560

فَاقْبِضْ عَنّى‏ يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ كَيْدَهُ، وَاشْغَلْهُ عَنّى‏ بِنَفْسِهِ، وَاكْفِنى‏

دستش را از من كوتاه كن و مكرش را از من دور كن و او را به جاى من به خودش مشغول ساز، و شرّ او

شَرَّهُ، وَشَرَّ اتْباعِهِ وَشَياطينِهِ، وَاجِرْنى‏ مِنْ كُلِّ ما يَضُرُّنى‏ وَيُجْحِفُ بى‏،

و پيروان و شياطينش را از من دور كن، و از آنچه به من زيان مى‏رساند و ضرر مى‏زند، پناهم ده‏

وَاعْطِنى‏ جَميعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا اعْلَمُ وَمِمَّا لا اعْلَمُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و تمامى نيكى‏ها را از آنچه مى‏دانم و نمى‏دانم عطايم كن، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْلى‏ وَلِوالِدَىَّ، وَلِإِخْوانى‏ وَاخَواتى‏، وَاعْمامى‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و بيامرز مرا و پدر و مادر و برادران و خواهران و عموها

وَعَمَّاتى‏، وَاخْوالى‏ وَخالاتى‏، وَاجْدادى‏ وَجَدَّاتى‏، وَاوْلادِهِمْ وَذَراريهِمْ،

عمه‏ها و دايى‏ها و خاله‏ها و پدربزرگ‏ها و مادربزرگ‏ها و فرزندان و نسل آنها

وَازْواجى‏ وَذُرِّيَّاتى‏، وَاقْرِبآئى‏ وَاصْدِقائى‏، وَجيرانى‏ وَاخْوانى‏ فيكَ مِنْ‏

و همسران و نسلم و نزديكان و دوستان و همسايه‏هايم را و برادران دينيم در

اهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ، وَلِجَميعِ اهْلِ مَوَدَّتى‏ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ،

شرق و غرب زمين و تمامى دوستانم از مردان و زنان با ايمان‏

الْاحْيآءِ مِنْهُمْ وَالْامْواتِ، وَلِجَميعِ مَنْ عَلَّمَنى‏ خَيْراً، اوْ تَعَلَّمَ مِنّى‏

زنده و مرده ايشان و تمامى آنان كه به من كار خيرى آموخته‏اند يا از من عملى ياد گرفته‏اند

عِلْماً، اللهُمَّ اشْرِكْهُمْ فى‏ صالِحِ دُعآئى‏ وِزِيارَتى‏ لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ‏

خدايا آنان را در دعاى خيرم و زيارتم از بارگاه حجّت‏

وَوَلِيِّكَ، وَاشْرِكْنى‏ فى‏ صالِحِ ادْعِيَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ،

و وليّت شريك گردان و مرا در دعاى خير آنان شريك كن، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، يا سَيِّدى‏

و از جانب آنان سلامى به وليّت برسان، و سلام و رحمت و بركات خدا بر تو باد اى سرور

يا مَوْلاىَ، يا فُلانَ بْن فُلان‏ (و به جاى كلمه فلان بن فلان نام امامى را كه زيارت مى‏كنى با و مولاى من اى فلان پسر فلان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نام پدر بزرگوارش مى‏برى و مى‏گويى) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، انْتَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* درود خدا بر تو و بر روح و بدن (مطهّر) تو باد، تويى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 561

وَسيلَتى‏ الَى اللَّهِ، وَذَريعَتى‏ الَيْهِ، وَ لى‏ حَقُّ مُوالاتى‏ وَتَاْميلى‏، فَكُنْ‏

وسيله و راه رسيدنم به خدا، و براى من است حقّ دوستى و آرزومندى، پس به درگاه‏

شَفيعى‏ الَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِى الْوُقُوفِ عَلى‏ قِصَّتى‏ هذِهِ، وَصَرْفى‏ عَنْ‏

خداوند عزيز و گرامى شفيعم باش در آگاهى از خواسته‏ام و بازگشتن از

مَوْقِفى‏ هذا بِالنُّجْحِ، وَ بِما سَئَلْتُهُ كُلِّهِ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اللهُمَّ ارْزُقْنى‏

اين مكان، با كاميابى و با تمامى آنچه از تو خواسته‏ام به واسطه رحمت و قدرت خدا، خدايا روزيم گردان‏

عَقْلًا كامِلًا، وَلُبّاً راجِحاً، وَ عِزّاً باقِياً، وَ قَلْباً زَكِيّاً، وَ عَمَلًا كَثيراً، وَادَباً

عقل كامل و فكر برتر و عزّت پاينده و قلبى پاك و عمل فراوان و ادب‏

بارِعاً، وَاجْعَلْ ذلِكَ كُلَّهُ لى‏، وَلاتَجْعَلْهُ عَلَىَّ، بِرَحْمَتِكَ ياارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[651]](#footnote-651)

نيكو، و تمامى اينها را به نفعم قرار ده نه به زيانم، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

دعاى سوم (دعاى مكارم‏الاخلاق):

چه نيكوست كه زائر عزيز، فرصت به دست آمده پس از زيارت را غنيمت بشمرد و چنانچه موفّق شود دعاى «مكارم‏الاخلاق» را كه از دعاهاى بسيار جامع و از حيث محتوا بسيار عالى است بخواند وآن‏دعايى‏است كه‏ازامام سجاد عليه السلام نقل شده و در فصل دعاهاى معروف (صفحه 181) گذشت.

يادآورى: بسيار شايسته است كه زائر محترم وقتى مى‏خواهد طلب حاجت كند (چه در حرم باشد و يا هر مكان ديگر) عظمت اسلام و مسلمين و درود بر محمّد و آل محمّد صلى الله عليه و آله و سلامتى وجود مقدّس حضرت ولى عصر- عجّل اللَّه تعالى فرجه الشّريف- را بر هر حاجتى مقدّم بدارد كه از بركات فراوانى برخوردار است.

صلوات بر چهارده معصوم عليهم السلام:

«شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» در اعمال روز جمعه نوشته است: يكى از ياران امام حسن عسكرى عليه السلام مى‏گويد: از مولاى خود امام حسن عسكرى عليه السلام در منزل آن حضرت در «سامرا» سال 255 درخواست كردم كيفيّت صلوات بر پيامبر و اوصياى آن بزرگوار عليهم السلام را بر من املا كند. آن حضرت نيز، با الفاظ مبارك خود بدون آن‏كه در كتابى نگاه كند در حالى كه من كاغذ بزرگى را به همراه داشتم، صلوات ذيل را املا فرمود و من نوشتم:

كليات مفاتيح نوين، ص: 562

صلوات بر پيغمبر صلى الله عليه و آله:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْيَكَ، وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ، وَصَلِّ عَلى‏

خدايا بر محمّد درود فرست آن‏گونه كه وحيت را حمل نمود و رسالتت را تبليغ كرد و بر محمّد درود فرست‏

مُحَمَّدٍ كَما احَلَّ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ حَرامَكَ، وَعَلَّمَ كِتابَكَ، وَصَلِّ عَلى‏

آن‏گونه كه حلالت را حلال و حرامت را حرام شمرده و كتابت را (به ديگران) آموخت و بر

مُحَمَّدٍ كَما اقامَ الصَّلاةَ، وَ اتَى الزَّكاةَ، وَدَعا الى‏ دينِكَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

محمّد درود فرست آن‏گونه كه نماز را بپا داشته و زكات را پرداخت نموده و به دينت دعوت كرد و بر محمّد درود فرست‏

كَما صَدَّقَ بِوَعْدِكَ، وَاشْفَقَ مِنْ وَعيدِكَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرْتَ‏

آن‏گونه كه وعده‏ات را تصديق نموده و از وعده عذابت بيمناك شد، و بر محمّد درود فرست آن‏گونه كه به واسطه‏

بِهِ الذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ‏الْعُيُوبَ، وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

او گناهان را آمرزيده و عيب‏ها را پوشانده و غم‏ها را برطرف نمودى، و بر محمّد درود فرست‏

كَما دَفَعْتَ بِهِ الشَّقآءَ، وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّآءَ، وَاجَبْتَ بِهِ الدُّعآءَ، وَنَجَّيْتَ‏

آن‏گونه كه به واسطه او بدبختى را دفع نموده و اندوه را برطرف ساختى و دعا را اجابت نموده،

بِهِ مِنَ الْبَلاءِ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمْتَ بِهِ الْعِبادَ، وَاحْيَيْتَ بِهِ‏

و از گرفتارى نجات دادى، و بر محمّد درود فرست آن‏گونه كه به واسطه او بر بندگان رحم نموده و شهرها را

الْبِلادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبابِرَةَ، وَاهْلَكْتَ بِهِ الْفَراعِنَةَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

زنده ساختى و گردنكشان را درهم كوبيده و فرعون‏ها را هلاك كردى و بر محمّد درود فرست‏

كَما اضْعَفْتَ بِهِ الْأَمْوالَ، وَاحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوالِ، وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنامَ،

آن‏گونه كه به واسطه او دارايى‏ها را چند برابر گرداندى و از ترس حفظ نمودى و بت‏ها را به‏وسيله او درهم شكستى‏

وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنامَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ كَما بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيانِ، وَاعْزَزْتَ‏

و به سبب او بر انسان‏ها رحم نمودى، و بر محمّد درود فرست آن‏گونه كه او را به بهترين دين مبعوث نمودى‏

بِهِ الْإِيمانَ، وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثانَ، وَعَظَّمْتَ بِهِ‏الْبَيْتَ الْحَرامَ، وَ صَلِّ عَلى‏

و ايمان را به واسطه او تقويت نمودى، و بت‏ها را به خاك افكنده و بيت الحرام را عظمت بخشيدى، و بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرينَ الْأَخْيارِ، وَسَلِّمْ تَسْليماً.

و خاندان پاك و برگزيده‏اش درود فرست و سلام فراوان بر آنان باد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 563

صلوات بر اميرالمؤمنين عليه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ اميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِىِّ بْنِ ابيطالِبٍ، اخى‏ نَبِيِّكَ، وَوَصِيِّهِ‏

خدايا بر اميرمؤمنان على بن ابى‏طالب درود فرست، همان برادر پيامبرت و جانشين‏

وَوَلِيِّهِ، وَصَفِيِّهِ وَوَزيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عَلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبابِ حِكْمَتِهِ،

و وليش و برگزيده و وزيرش، و امانتدار علم و جايگاه اسرارش، و درگاه حكمت‏

وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعى‏ الى‏ شَريعَتِهِ، وَخَليفَتِهِ فى‏ امَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ‏

و گويا به حجتش و دعوت‏كننده به دين و جانشين در ميان امتش، و برطرف كننده‏

الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، قاصِمِ الْكَفَرَةِ، وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ، الَّذى‏ جَعَلْتَهُ مِنْ‏

غم از چهره‏اش، درهم كوبنده كافران و خوار كننده بدكاران، آن كه او را نسبت به‏

نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هرُونَ مِنْ مُوسى‏، اللهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

پيامبرت همانند هارون نسبت به موسى قرار دادى، خدايا دوستدارانش را دوست و دشمنانش را دشمن بدار

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلينَ‏

و ياورانش را يارى كن و رها كنندگانش را خوار گردان، و هر كه از پيشينيان و پسينيان با او دشمنى‏

وَالْأخِرينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اوْصِيآءِ انْبِيآئِكَ،

ورزيد لعنت كن، بر او درود فرست، برترين درودى كه بر هر يك از جانشينان پيامبرانت فرستاده‏اى‏

يا رَبَّ الْعالَمينَ.

اى پروردگار جهانيان.

صلوات بر سيده زنان فاطمه عليها السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ فاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبيبَةِ حَبيبِكَ وَنَبِيِّكَ، وَامِ‏

خدايا بر فاطمه راست‏گفتارِ پاكيزه درود فرست، همان محبوبِ حبيب و (محبوب) پيامبرت، و مادر

احِبَّآئِكَ وَاصْفِيآئِكَ، الَّتِى انْتَجَبْتَها وَفَضَّلْتَها وَاخْتَرْتَها عَلى‏

دوستداران و برگزيدگانت، بانويى كه او را برگزيده و برترى داده‏

نِسآءِ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها، وَكُنِ‏

و بر بانوان جهانيان اختيار نمودى، خدايا تو خود انتقام او را بگير از كسانى كه به او ستم نموده و حقّش را رعايت نكردند و خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 564

الثَّائِرَ اللهُمَّ بِدَمِ اوْلادِها، اللَّهُمَّ وَكَما جَعَلْتَها امَّ ائِمَّةِ الْهُدى‏، وَحَليلَةَ

تو خود خونخواه فرزندانش باش، خدايا همان‏گونه كه او را مادر امامان هدايتگر و همسر

صاحِبِ اللِّوآءِ، وَالْكَريمَةَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلى‏، فَصَلِّ عَلَيْها وَعَلى‏ امِّها

صاحب پرچم (هدايت) و گرامى در نزد فرشتگان عالم بالا قرار دادى، پس بر او و مادرش درود فرست‏

صَلاةً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ ابيها مُحَمَّدٍ صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقِرُّ بِها اعْيُنَ‏

درودى كه به واسطه آن پدرش محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- را گرامى دارى و مايه چشم روشنى‏

ذُرِّيَّتِها، وَابْلِغْهُمْ عَنّى‏ فى‏ هذِهِ السَّاعَةِ افْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

نسلش را فراهم سازى و از جانب من در اين ساعت برترين درود و سلام را به آنان برسان.

صلوات بر امام حسن و امام حسين عليهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ، وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَىْ رَسُولِكَ،

خدايا درود فرست بر حسن و حسين دو بنده و وليّت و فرزندان رسولت‏

وَسِبْطَىِ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ، افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏

و دو نوه پيامبر رحمت و دو آقاى جوانان اهل بهشت، برترين درودى كه بر

احَدٍ مِنْ اوْلادِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ

هر يك از فرزندان پيامبران و فرستادگانت رسانده‏اى، خدايا بر حسن فرزند سرور

النَّبِيّينَ، وَوَصِىِّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ‏اللَّهِ، السَّلامُ‏

پيامبران و جانشين اميرمؤمنان درود فرست، سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام‏

عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، اشْهَدُ انَّكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ امينُ اللَّهِ وَابْنُ‏

بر تو اى فرزند سرور جانشينان، گواهى مى‏دهم كه تو به يقين فرزند اميرمؤمنان امين خدا و فرزند

امينِهِ، عِشْتَ مَظْلُوماً وَمَضَيْتَ شَهيداً، وَاشْهَدُ انَّكَ الْإِمامُ الزَّكِىُّ الْهادِى‏

امينش هستى، مظلومانه زندگى كرده و با شهادت از دنيا رفتى و گواهى مى‏دهم كه تو به يقين امام پاك، هدايتگر

الْمَهْدِىُّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنّى‏ فى‏ هذِهِ السَّاعَةِ

و هدايت يافته‏اى، خدايا بر او درود فرست و بهترين درود و سلام را در اين ساعت از جانب من به روح و بدنش‏

افْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ الْمَظْلُومِ‏

برسان، خدايا بر حسين بن على درود فرست، آن ستمديده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 565

الشَّهيدِ، قَتيلِ الْكَفَرَةِ، وَطَريحِ الْفَجَرَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اباعَبْدِاللَّهِ،

شهيد، كشته شده به دست كافران، و به خاك افتاده به دست بدكاران، سلام بر تو اى اباعبداللَّه‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، اشْهَدُ

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان، از روى يقين گواهى مى‏دهم‏

مُوقِناً انَّكَ امينُ اللَّهِ وَابْنُ امينِهِ، قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَمَضَيْتَ شَهيداً، وَاشْهَدُ انَ‏

كه تو امين خدا و فرزند امينش هستى، مظلومانه كشته شده و با شهادت از دنيا رفتى، و گواهى مى‏دهم كه‏

اللَّهَ تَعالى‏ الطَّالِبُ بِثارِكَ، وَمُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّاْييدِ فى‏ هَلاكِ‏

خداوند بلندمرتبه خونخواه توست، و به وعده يارى و حمايت در هلاك نمودن دشمنت‏

عَدُوِّكَ، وَاظْهارِ دَعْوَتِكَ، وَاشْهَدُ انَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فى‏

و آشكار ساختن دعوتت، وفا خواهد نمود، و گواهى مى‏دهم كه تو به يقين به پيمان خدا وفا كرده، و در

سَبيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، لَعَنَ اللَّهُ امَّةً قَتَلَتْكَ،

راه خدا جهاد نموده و خدا را خالصانه عبادت نمودى تا زمان شهادتت فرا رسيد، خداوند قاتلان تو را لعنت كند

وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً خَذَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً الَبَّتْ عَلَيْكَ، وَابْرَءُ الَى اللَّهِ تَعالى‏

و خداوند آنان كه تو را يارى نكردند لعنت كند، و خداوند گروهى را كه كمر به دشمنيت بستند را لعنت كند، و به درگاه خداوند بلندمرتبه بيزارى مى‏جويم‏

مِمَّنْ اكْذَبَكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ، وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، بِابى‏ انْتَ وَامّى‏ يا

از كسانى كه تو را تكذيب نموده و حقّت را سبك شمرده و خونت را حلال دانستند، پدر و مادرم به فداى تو اى‏

اباعَبْدِاللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ قاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ خاذِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ واعِيَتَكَ‏

اباعبداللَّه، خداوند قاتلت را لعنت كند، و خداوند ترك كننده ياريت را لعنت كند و خداوند لعنت كند كسى را كه صداى‏

فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبا نِسآئَكَ، ا نَا الَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرئٌ،

يارى خواستنت را شنيد و پاسخت نداد و ياريت نكرد، و خداوند كسانى را كه زنانت را به اسارت بردند لعنت كند، من به درگاه‏

وَمِمَّنْ والاهُمْ وَمالَأَهُمْ وَاعانَهُمْ عَلَيْهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ‏

خداوند از آنان و از دوستداران و حاميان و ياورانشان بيزارى مى‏جويم، و گواهى مى‏دهم كه تو و امامان از فرزندانت‏

كَلِمَةُ التَّقْوى‏، وَبابُ الْهُدى‏، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى‏، وَالْحُجَّةُ عَلى‏ اهْلِ الدُّنْيا،

اساس پرهيزكارى و درگاه هدايت و ريسمان محكم (هدايت) و حجّت (خدا) بر جهانيان هستيد

وَاشْهَدُ انّى‏ بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ بِذاتِ نَفْسى‏،

و گواهى مى‏دهم كه من به شما ايمان دارم و به جايگاهتان يقين دارم و پيرو شمايم با تمام وجودم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 566

وَشَرايِعِ دينى‏، وَخَواتيمِ عَمَلى‏، وَمُنْقَلَبى‏ فى‏ دُنْياىَ وَ آخِرَتى‏.

و قوانين دينم و عواقب عملم و سرنوشتم در دنيا و آخرتم.

صلوات بر امام على بن الحسين عليهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعابِدينَ، الَّذِى اسْتَخْلَصْتَهُ‏

خدايا بر على بن حسين آقا و سرور عابدان درود فرست، آن كه او را براى خودت خالص‏

لِنَفْسِكَ، وَجَعَلْتَ مِنْهُ ائِمَّةَ الْهُدىَ، الَّذينَ يَهدُونَ بِالْحَقِّ، وَبِهِ يَعْدِلُونَ،

گرداندى و امامان هدايتگر را از نسل او قرار دادى، آنان كه به سوى حق هدايت كرده و به آن باز مى‏گردند

الَّذى‏ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ، وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هادِياً

آن كه او را براى خود برگزيده و از پليدى پاك نمودى، و او را انتخاب كرده و هدايتگر هدايت‏يافته قرارش‏

مَهْدِيّاً، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ انْبِيآئِكَ،

دادى، خدايا بر او درود فرست بهترين درودى را كه بر هر يك از فرزندان پيامبرانت فرستاده‏اى‏

حَتّى‏ تَبْلُغَ بِهِ ما تَقِرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِى‏الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، انَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ.

تا به او برسانى آنچه را كه به واسطه آن چشمش در دنيا و آخرت روشن شود، زيرا كه تو گرامى و با حكمتى.

صلوات بر امام باقر عليه السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ باقِرِ الْعِلْمِ، وَ امامِ الْهُدى‏، وَ قآئِدِ اهْلِ‏

خدايا درود فرست بر محمّد بن على شكافنده دانش و پيشواى هدايتگر و رهبر

التَّقْوى‏، وَ الْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبادِكَ، اللهُمَّ وَ كَما جَعَلْتَهُ عَلَماً لِعِبادِكَ،

پرهيزكاران و برگزيده از ميان بندگانت، خدايا همان‏گونه كه او را قرار دادى نشانه‏اى براى (هدايت) بندگانت‏

وَمَناراً لِبِلادِكَ، وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِكَ، وَ مُتَرْجِماً لِوَحْيِكَ، وَ امَرْتَ‏

و روشنايى شهرهايت، و وديعه‏گاه دانشت و مفسّر وحيت (قرار دادى)، و به اطاعتش‏

بِطاعَتِهِ، وَحَذَّرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ يا رَبِّ افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏

فرمان داده و از نافرمانيش منع نمودى، پس پروردگارا بر او درود فرست بهترين درودى را كه بر

احَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ انْبِيآئِكَ، وَ اصْفِيآئِكَ وَ رُسُلِكَ وَ امَنآئِكَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ.

هر يك از فرزندان پيامبران و برگزيدگان و فرستادگان و امينانت فرستاده‏اى اى پروردگار جهانيان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 567

صلوات بر امام صادق عليه السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، خازِنِ الْعِلْمِ، الدَّاعى‏ الَيْكَ‏

خدايا بر جعفر بن محمّد راست‏گفتار درود فرست، آن گنجينه دانش، دعوت‏كننده راستين‏

بِالْحَقِّ، النُّورِ الْمُبينِ، اللهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلامِكَ وَوَحْيِكَ، وَخازِنَ‏

به سويت و نور آشكار، خدايا همان‏گونه كه او را قرار دادى گنجينه سخنان و وحيت و مخزن‏

عِلْمِكَ، وَلِسانَ تَوْحيدِكَ، وَوَلِىَّ امْرِكَ، وَمُسْتَحْفِظَ دينِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ‏

دانشت و زبان گويا به يگانگيت و سرپرست امورت و حافظ دينت (قرار دادى)، پس بر او درود فرست‏

افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اصْفِيآئِكَ وَحُجَجِكَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

بهترين درودى را كه بر هر يك از برگزيدگان و حجّت‏هايت فرستاده‏اى، زيرا كه تو ستوده و بزرگوارى.

صلوات بر امام موسى بن جعفر عليهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، الْبَرِّ الْوَفِىِّ، الطَّاهِرِ

خدايا بر امانتدار مورد اعتماد همان موسى بن جعفر درود فرست، آن نيكوكار با وفا، پاك‏

الزَّكِىِّ، النُّورِ الْمُبينِ، الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ، الصَّابِرِ عَلَى الْأَذى‏ فيكَ،

پاكيزه، نور آشكار، تلاش كننده و كسى كه اعمالش براى تو بود، و صبر كننده بر اذيّت‏ها در راه تو

اللهُمَّ وَكَما بَلَّغَ عَنْ ابآئِهِ مَا اسْتُودِعَ مِنْ امْرِكَ وَنَهْيِكَ، وَحَمَلَ عَلَى‏

خدايا همان‏گونه كه اوامر و نواهى وديعه گذاشته شده در نزد پدرانش را رسانيد و به سوى راه روشن هدايت‏

الْمَحَجَّةِ، وَكابَدَ اهْلَ الْعِزَّةِ وَالشِّدَّةِ فيما كانَ يَلْقى‏ مِنْ جُهَّالِ قَوْمِهِ، رَبِ‏

نمود و تحمّل كرد و در برابر زورمندان و سختگيران در آنچه از جاهلان قومش به او مى‏رسيد مقاومت كرد، پروردگارا

فَصَلِّ عَلَيْهِ افْضَلَ وَاكْمَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِمَّنْ اطاعَكَ، وَنَصَحَ‏

پس بر او درود فرست بهترين درودى را كه بر هر يك از اطاعت‏كنندگان و خيرخواهان‏

لِعِبادِكَ، انَّكَ غَفُورٌ رَحيمٌ.

بندگانت فرستاده‏اى، زيرا كه تو بسيار آمرزنده و مهربانى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 568

صلوات بر امام على بن موسى الرضا عليهما السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُوسىَ، الَّذِى ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَّيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ‏

خدايا بر على بن موسى درود فرست، آن كه او را پسنديده و هر يك از آفريدگانت را كه خواستى به واسطه او

مِنْ خَلْقِكَ، اللهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى‏ خَلْقِكَ، وَقآئِماً بِامْرِكَ، وَناصِراً

خشنود ساختى، خدايا همان‏گونه كه او را حجّت بر مخلوقات، و به پا دارنده فرامين و ياور

لِدينِكَ، وَشاهِداً عَلى‏ عِبادِكَ، وَ كَما نَصَحَ لَهُمْ فِى السِّرِ وَالْعَلانِيَةِ، وَدَعا

دين و گواه بر بندگانت قرار دادى و همان‏گونه كه در پنهان و آشكار خيرخواه آنان بود و با

الى‏ سَبيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ افْضَلَ ما

حكمت و اندرز نيكو به راه تو دعوت نمود، پس بر او درود فرست، بهترين‏

صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اوْلِيآئِكَ، وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، انَّكَ جَوادٌ كَريمٌ.

درودى را كه بر هر يك از دوستداران و برگزيدگان از مخلوقاتت فرستاده‏اى، زيرا كه تو بخشنده و بزرگوارى.

صلوات بر امام جواد عليه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىِّ بْنِ مُوسى‏، عَلَمِ التُّقى‏، وَنُورِ الْهُدى‏،

خدايا بر محمّد بن على بن موسى درود فرست، آن نشانه پرهيزكارى و نور هدايت‏

وَمَعْدِنِ الْوَفآءِ، وَفَرْعِ الْأَزْكِيآءِ، وَخَليفَةِ الْأَوْصِيآءِ، وَامينِكَ عَلى‏

و گنجينه وفادارى، و از نژاد پاكيزگان، جانشين اوصياء، و امين بر

وَحْيِكَ، اللهُمَّ فَكَما هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلالَةِ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ،

وحيت، خدايا همان‏گونه كه به واسطه او (مردمان را) از گمراهى و سرگردانى رهايى بخشيدى‏

وَارْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدى‏، وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّى‏، فَصَلِّ عَلَيْهِ افْضَلَ ما

و هدايت‏يافتگان را به وسيله او پروراندى و پاكيزگان را به واسطه او پاكيزه گرداندى، پس بر او

صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اوْلِيآئِكَ، انَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ.

درود فرست بهترين درودى را كه بر هر يك از اوليائت فرستاده‏اى، زيرا كه تو گرامى و دانايى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 569

صلوات بر امام هادى عليه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِىِ‏الْأَوْصِيآءِ، وَامامِ الْأَتْقِيآءِ،

خدايا بر على بن محمد درود فرست، آن جانشين اوصياء، و پيشواى پرهيزكاران‏

وَخَلَفِ ائِمَّةِ الدّينِ، وَالْحُجَّةِ عَلَى‏الْخَلائِقِ اجْمَعينَ، اللهُمَّ كَما جَعَلْتَهُ‏

و جانشين امامان دين، و حجّت بر تمامى مخلوقات، خدايا همان‏گونه كه او را نورى قرار دادى كه‏

نُوراً يَسْتَضيىُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، فَبَشَّرَ بِالْجَزيلِ مِنْ ثَوابِكَ، وَانْذَرَ بِالْأَليمِ‏

به واسطه آن مؤمنان روشنايى مى‏گيرند، پس به پاداش عظيمت بشارت داده و از عذاب دردناكت‏

مِنْ عِقابِكَ، وَحَذَّرَ بَاْسَكَ، وَذَكَّرَ بِايَّامِكَ، وَاحَلَّ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ‏

بيم داد، و از كيفرت برحذر داشته و ايام اللَّه را يادآورى نمود و حلالت را حلال و حرامت را

حَرامَكَ، وَبَيَّنَ شَرايِعَكَ وَفَرايِضَكَ، وَحَضَّ عَلى‏ عِبادَتِكَ، وَامَرَ

حرام شمرد، و قوانين و واجباتت را بيان كرد و بر عبادتت ترغيب نمود و به اطاعتت فرمان‏

بِطاعَتِكَ، وَنَهى‏ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ

داده و از نافرمانيت بازداشت، پس بر او درود فرست بهترين درودى را كه بر هر يك‏

مِنْ اوْلِيآئِكَ، وَ ذُرِّيَّةِ انْبِيآئِكَ، يا الهَ الْعالَمينَ.

از اوليائت و نسل پيامبرانت فرستاده‏اى، اى معبود جهانيان.

راوى اين صلوات مى‏گويد: حضرت امام حسن عسكرى عليه السلام وقتى از ذكر صلوات بر پدرش فارغ شد و نوبت به خود آن بزرگوار رسيد ساكت شد، عرض كردم كه كيفيّت صلوات بر بقيّه را بفرماييد، فرمود: اگر نه اين بود كه ذكر اين صلوات از تعليمات مهمّ دين است و خدا به ما امر فرموده كه آن را به اهلش بياموزيم به‏يقين دوست مى‏داشتم كه در اين‏جا سكوت كنم؛ ولى چون در مقام تعليم دين هستم، بنويس!

صلوات بر امام حسن عسكرى عليه السلام:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْبَرِّ التَّقِىِّ، الصَّادِقِ الْوَفِىِّ،

خدايا بر حسن بن على بن محمّد درود فرست، آن نيكوكار پرهيزكار، راستگوى وفادار

النُّورِ الْمُضيئِ، خازِنِ عِلْمِكَ، وَالْمُذَكِّرِ بِتَوْحيدِكَ، وَوَلِىِّ امْرِكَ، وَخَلَفِ‏

نور تابان، گنجينه علمت، و يادآورنده يگانگيت، و ولىّ امرت، و جانشين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 570

ائِمَّةِ الدّينِ الْهُداةِ الرَّاشِدينَ، وَالْحُجَّةِ عَلى‏ اهْلِ الدُّنْيا، فَصَلِّ عَلَيْهِ يا

امامان دين، آن هدايت‏گران رشديافته، و حجّت بر اهل دنيا، پس اى پروردگار من بر او درود فرست‏

رَبِّ افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنْ اصْفِيآئِكَ، وَحُجَجِكَ وَاوْلادِ

بهترين درودى را كه بر هر يك از برگزيدگان و حجّت‏هايت و فرزندان‏

رُسُلِكَ، يا الهَ الْعالَمينَ.

رسولانت فرستاده‏اى، اى معبود جهانيان.

صلوات بر ولى الامر المنتظر

(عجّل اللَّه تعالى‏ فرجه الشريف):

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ وَلِيِّكَ وَابْنِ اوْلِيآئِكَ، الَّذينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ،

خدايا بر ولى و فرزند اوليائت درود فرست، آنان كه اطاعتشان لازم‏

وَاوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَاذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً، اللهُمَ‏

و رعايت حقشان را واجب فرمودى، ناپاكى را از آنها دور ساخته و به شايستگى پاكشان نمودى، خدايا

انْتَصِرْ بِهِ لِدينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ اوْلِيآئَكَ وَاوْلِيآئَهُ، وَشيعَتَهُ وَانْصارَهُ، وَاجْعَلْنا

دينت را به وسيله او يارى كن، و اوليائت و دوستداران و شيعيان و ياوران او را يارى كن، و ما را

مِنْهُمْ، اللهُمَّ اعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَميعِ خَلْقِكَ،

در زمره آنان قرار ده، خدايا او را از شرّ هر ظالم و طغيان‏گر و از شرّ تمامى مخلوقات‏

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَاحْرُسْهُ‏

و از پيش رو و پشت سر و از سمت راست و چپ حفظ كن، و نگهدار او باش‏

وَامْنَعْهُ انْ يُوصَلَ الَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ، وَاظْهِرْ

و از حوادث ناگوار بازدار، و با حفظ او آثار رسولت و خاندانش را حفظ كن، و به دست او

بِهِ الْعَدْلَ، وَايِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِريهِ، وَاخْذُلْ خاذِليهِ، وَاقْصِمْ بِهِ‏

عدالت را ظاهر كن و با ياريش او را تأييد كن و ياورانش را يارى كن و مخالفانش را خوار گردان، و به دست او

جَبابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنافِقينَ، وَجَميعَ الْمُلْحِدينَ، حَيثُ‏

گردنكشان كفر را درهم شكن، و به دست او كافران و منافقان و تمامى بى‏دينان هر زمان‏

كانُوا وَايْنَ كانُوا، مِنْ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَامْلَأْ

و هر جا كه هستند، در شرق و غرب زمين و در خشكى و دريا نابود كن، و زمين را

كليات مفاتيح نوين، ص: 571

بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَ اظْهِرْ بِهِ دينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، وَاجْعَلْنِى اللَّهُمَ‏

به وسيله او از عدل پر كن، و دين پيامبرت- كه بر او و خاندانش درود باد- را به دست او ظاهر كن، خدايا مرا

مِنْ انْصارِهِ وَاعْوانِهِ، وَاتْباعِهِ وَشيعَتِهِ وَارِنى‏ فى‏ آلِ مُحَمَّدٍ ما يَاْمُلُونَ،

از ياران و ياوران و پيروان و شيعيانش قرار ده، و آنچه را كه خاندان محمّد آرزو داشتند

وَفى‏ عَدُوِّهُمْ ما يَحْذَرُونَ، الهَ الْحَقِّ آمينَ.[[652]](#footnote-652)

و در مورد دشمنانش بيم داشتند به من نشان ده، اى معبود بر حق دعايم را بپذير.

\*\*\*

زيارت وداع ائمّه عليهم السلام:

يكى از آداب زيارت وداع كردن زائر هنگام خروج از شهر يا حرم آن بزرگواران است، آن هم به زيارتى كه از جانب خود آنها رسيده است. ما در زيارت هر كدام از ائمّه عليهم السلام وداع خاصّى را ذكر كرده‏ايم ولى در اين جا نيز زيارتى را بيان مى‏داريم كه در وداع هر يك از ائمّه عليهم السلام مى‏توان آن را خواند و آن زيارتى است كه «سيّد بن طاووس» و «شهيد اوّل» و ديگران آن را آورده‏اند به اين صورت كه هرگاه خواستى برگردى در هر يك از مشاهد مشرّفه كه هستى بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنَ الرِّسالَةِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ‏

سلام بر شما اى خاندان نبوت، و گنجينه رسالت، سلام خداحافظى كننده‏اى كه نه ناراحت است‏

وَ لا قالٍ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ اهْلَ الْبَيْتِ، انَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ،

و نه دلتنگ، و رحمت و بركات خدا بر شما اهل بيت باد، زيرا كه او ستوده و بزرگوار است،

سَلامَ وَلِىٍّ غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُمْ، وَ لا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَ لا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ،

سلام دوستدارى كه روى‏گردان از شما نيست و از (راه) شما منحرف نشده و كسى را جايگزين شما نساخته است‏

وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ، وَلا زاهِدٍ فى‏ قُرْبِكُمْ، لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ

كسى را بر شما ترجيح نداده، و از جوارتان كناره‏گيرى نكرده است، خداوند اين زيارتم را آخرين زيارتم از قبورتان‏

قُبُورِكُمْ، وَ اتْيانِ مَشاهِدِكُمْ، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ،

و حضور در بارگاهتان قرار ندهد، و سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 572

وَحَشَرَنِىَ اللَّهُ فى‏ زُمْرَتِكُمْ، وَ اوْرَدَنى‏ حَوْضَكُمْ، وَ ارْضاكُمْ عَنّى‏،

و خداوند مرا در گروه شما محشور گردانده و بر حوض كوثرتان داخل كند، و مرا از شما خشنود گردانده‏

وَمَكَّنَنى‏ فى‏ دَوْلَتِكُمْ، وَ احْيانى‏ فى‏ رَجْعَتِكُمْ، وَ مَلَّكَنى‏ فى‏ ايَّامِكُمْ،

و در حكومتتان قدرتمند ساخته و در بازگشتتان زنده‏ام گرداند، و در روزگارتان قدرتمندم سازد

وَشَكَرَ سَعْيى‏ بِكُمْ، وَ غَفَرَ ذُنُوبى‏ بِشَفاعَتِكُمْ، وَ اقالَ عَثْرَتى‏ بِحُبِّكُمْ،

و تلاشم را به خاطر شما بپذيرد و با شفاعتتان از گناهانم درگذرد، و به خاطر محبّتتان لغزشم را ناديده گيرد

وَاعْلى‏ كَعْبى‏ بِمُوالاتِكُمْ، وَ شَرَّفَنى‏ بِطاعَتِكُمْ، وَاعَزَّنى‏ بِهُديكُمْ،

و به واسطه دوستيتان جايگاهم را بالا برد و با اطاعتتان شرافت بخشد، و با هدايتتان عزيزم گرداند

وَجَعَلَنى‏ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، سالِماً غانِماً، مُعافاً غَنِيّاً، فائِزاً

و مرا رستگار و پيروز و سالم و موفّق، تندرست و بى‏نياز و دست يافته‏

بِرِضْوانِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ كِفايَتِهِ، بِافْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ احَدٌ مِنْ زُوَّارِكُمْ،

به خشنودى خدا و لطف و كفايتش بازگرداند، به بهترين وضعى كه هر يك از زيارت‏كنندگان‏

وَمَواليكُمْ وَمُحِبّيكُمْ وَشيعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنِىَ اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما

و دوستداران و علاقمندان و شيعيانتان باز مى‏گرداند و خداوند بازگشت مكرر را مادامى كه پروردگارم زنده‏ام‏

ابْقانى‏ رَبّى‏، بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ، وَ ايمانٍ وَ تَقْوى‏ وَاخْباتٍ، وَ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ‏

بدارد روزيم گرداند با نيّتى صادق و ايمان و پرهيزكارى و خضوع و روزى وسيع و حلال‏

طَيِّبٍ، اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ، وَالصَّلاةِ

و پاكيزه، خدايا اين زيارتم را آخرين زيارت از آنان و ياد و درود

عَلَيْهِمْ، وَ اوْجِبْ لِىَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ، وَ الْخَيْرَ وَ الْبَرَكَةَ، وَ الفَوْزَ

بر ايشان قرار مده، و آمرزش و رحمت و خير و بركت و رستگارى‏

وَالْإِيمانَ، وَ حُسْنَ الْإِجابَةِ، كَما اوْجَبْتَ لِأَوْلِيآئِكَ الْعارِفينَ بِحَقِّهِمْ،

و ايمان و اجابت نيكو را بر من واجب گردان، آن‏گونه كه واجب فرموده‏اى براى دوستدارانت كه آشناى به حق آنان بوده‏

الْمُوجِبينَ طاعَتَهُمْ، وَ الرَّاغِبينَ فى‏ زِيارَتِهِمُ، الْمُتَقَرِّبينَ الَيْكَ وَ الَيْهِمْ،

و اطاعتشان را لازم دانسته و به زيارتشان مشتاقند و به تو و آنان تقرب مى‏جويند

بِابى‏ انْتُمْ وَ امّى‏ وَ نَفْسى‏ وَ مالى‏ وَ اهْلى‏، اجْعَلُونى‏ مِنْ هَمِّكُمْ،

پدر و مادر و جان و مال و خانواده‏ام فداى شما باد، مرا از غمخوارانتان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 573

وَصَيِّرُونى‏ فى‏ حِزْبِكُمْ، وَادْخِلُونى‏ فى‏ شَفاعَتِكُمْ، وَاذْكُرُونى‏ عِنْدَ

و از گروهتان قرار دهيد، و در شفاعتتان داخل گردانيد، و مرا در نزد

رَبِّكُمْ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْلِغْ ارْواحَهُمْ وَاجْسادَهُمْ‏

پروردگارتان ياد كنيد، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و به روح و جسم آنان‏

عَنّى‏ تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.[[653]](#footnote-653)

درود و سلام فراوان مرا برسان و سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 574

فصل دوازدهم: زيارت انبياى عظام و امام‏زادگان و قبور مؤمنين‏

اين فصل مشتمل بر چهار بخش است:

بخش اوّل: زيارت پيامبران‏

فضيلت زيارت و محل قبور:

چنان كه از آيه‏

«لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»[[654]](#footnote-654)

(يعنى ما به همه پيامبران ايمان داريم و بين آنان فرقى نمى‏گذاريم) به دست مى‏آيد، تكريم و تعظيم همه پيامبران الهى امرى لازم و زيارت قبور آنها مسأله‏اى پسنديده و نيكو و مورد تصريح علماست.

شمار انبيا گرچه بسيار است ولى قبور شناخته شده آنان بسيار محدود مى‏باشد، و عبارت است از: قبور حضرات آدم و نوح عليهما السلام در مرقد اميرمؤمنان عليه السلام، قبر حضرت ابراهيم عليه السلام در شهر الخليل كه در نزديكى بيت‏المقدّس است، و در جوار آن، قبر همسر مكرّمه‏اش جناب ساره و قبور سه فرزند و فرزندزاده‏اش اسحق و يعقوب و يوسف عليهم السلام قرار دارد، و قبور حضرت اسماعيل و مادرش هاجر عليهما السلام در حجر اسماعيل در كنار كعبه، و قبور بسيارى از انبياى ديگر در حجر اسماعيل و مابين ركن و مقام، يا مابين ركن يمانى و حجرالأسود (چنان كه از امام باقر عليه السلام نقل شده كه مابين ركن و مقام مملوّ از قبور پيامبران است‏[[655]](#footnote-655) و از امام صادق عليه السلام نيز نقل شده، مابين ركن يمانى و حجرالأسود هفتاد پيامبر مدفونند)[[656]](#footnote-656) و قبور جمعى از پيامبران ديگر، مانند حضرت داوود و حضرت سليمان عليهما السلام در بيت المقدّس (چنان‏كه نزد اهالى آن‏جا معروف است) و قبر زكريّا عليه السلام در حلب؛ و جناب يونس عليه السلام در كوفه نزديك شطّ فرات بقعه و قبّه‏اى مشهور دارد، و قبر حضرت هود و صالح عليهما السلام در نجف اشرف مشهور است، و مرقد حضرت ذالكفل عليه السلام در كنار شطّ فرات در نزديكى كوفه به فاصله چند فرسخ معروف مى‏باشد و قبر جرجيس پيامبر عليه السلام در موصل؛ و در بيرون اين شهر قبر شيث (هبةاللَّه) فرزند آدم عليهما السلام واقع شده است، در شوش (خوزستان) قبر دانيال پيامبر عليه السلام و در مسجد براثا در بغداد قبر جناب يوشع عليه السلام، شهرت دارد (سلام و صلوات خداوند بر همه آن بزرگواران).

كيفيّت زيارت پيامبران:

كليات مفاتيح نوين، ص: 575

«سيّد بن طاووس» در «مصباح الزائر»،[[657]](#footnote-657) و بعضى ديگر از بزرگان در كتب خود در آداب ورود به شهر كوفه، براى زيارت قبر حضرت يونس عليه السلام اوّلين زيارت جامعه از زيارات پنجگانه جامعه (كه ذكرش صفحه 536 گذشت) را ذكر كرده‏اند، وبعيد نيست براى زيارت ساير پيامبران هم بتوان از آن استفاده كرد.

\*\*\*

بخش دوم: زيارت امامزادگان‏

فضيلت زيارت امامزادگان:

شكّى نيست كه يكى از مكان‏هاى كسب فيض و نزول رحمت الهى، قبور امام‏زادگان والا مقام است، قبورى كه علماى اعلام به استحباب زيارات آن، تصريح كرده‏اند، و بحمداللَّه در بسيارى از مناطق شيعه‏نشين قبورشان شناخته شده است و مورد توجّه همگان مى‏باشد و مردم از اين طريق مى‏توانند به خدا نزديك شوند. پس بر مؤمنان و شيفتگان خاندان عصمت است كه قبور اين بزرگ‏زادگان والامقام را زيارت كنند، كسانى كه به جهت حاكميّت فشار و اختناق اموى و عبّاسى بر دو كشور حجاز و عراق (كه عرصه را بر عموم شيعه، خصوصاً سادات و ذرارى رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله تنگ كرده و انواع ناامنى و خطرهاى جانى و ساير مشكلات را براى آنان به وجود آورده بودند) بر اساس‏

«أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ‏اللَّهِ واسِعَةً فَتُهاجِرُوا فيها»[[658]](#footnote-658)

هجرت از ديار خويش را برمى‏گزيدند و از زادگاه خود و از آن محيطهاى پرخفقان به مكان‏هاى ظاهراً امن و شهرها و روستاهاى شيعه‏نشين، پناه مى‏آوردند و آنها مقدمشان را گرامى مى‏داشتند، هر چند عدّه‏اى از آنان سرانجام به توسّط مأموران خشن و مزدور آن ظالمان و جبّاران به شهادت مى‏رسيدند.[[659]](#footnote-659)

كيفيّت زيارت امام‏زادگان:

براى كيفيّت زيارت امام‏زادگان (غير از حضرت ابوالفضل و حضرت على اكبر عليهما السلام كه گذشت و حضرت معصومه عليها السلام كه در ذيل خواهد آمد) روايت خاصّى نقل نشده است، لذا مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 576

مى‏توان آنان را با آنچه كه ساير مؤمنان با آن زيارت مى‏شوند (و ذكر آن خواهد آمد) زيارت كرد و هم مى‏توان به آنچه از فضل و فضيلتشان بر زبان جارى مى‏شود آنان را مخاطب قرار داد و به ايشان و اجداد طاهرينشان (صلوات فرستاد و) توسّل جست و طلب شفاعت كرد.[[660]](#footnote-660) يادآورى: آنچه را در بيان «علّامه مجلسى» آمده مى‏توان به سه طريق انجام داد:

الف) پس از طلب مغفرت و علوّ درجه براى امام‏زاده‏اى كه به زيارتش تشرّف يافته‏ايم و قرائت فاتحه مى‏توان خدا را به شأن و مقام او قسم داد و حوايج خويش را طلب كرد.

ب) پس از طلب مغفرت و علوّ درجه، مى‏توان اوّلين امام معصومى كه پدر يا جدّ آن امام زاده است را مخاطب قرار داد و پس از عرض سلام و ارادت و يا خواندن زيارتى از زيارت‏هاى جامعه، او را به اين فرزند صاحب قبر، قسم داد و طلب شفاعت در پيشگاه خداوند نمود. ج) نخست فاتحه بخوانند و سپس دو ركعت نماز بجا آورند و ثواب آن را هديه به آن امام‏زاده كنند و بعد از آن دعا نمايند.

فضيلت زيارت حضرت معصومه عليها السلام:

سيّده جليله، حضرت فاطمه عليها السلام دختر موسى بن جعفر عليهما السلام كه به حضرت «معصومه» شهرت يافته و قبر شريفش در شهر مقدّس قم معروف و مشهور است، روشنى چشم اهل قم و پناهگاه عامّه مردم است.

در هر سال ميليونها نفر از شهرها و كشورهاى دور و نزديك، رنج سفر بر خود هموار مى‏كنند تا از فيض زيارت آن كريمه اهل بيت عليها السلام بهره‏مند گردند.

فضيلت و جلالت آن حضرت بسيار است و روايات زير گواه بر آن است:

1- «شيخ صدوق» و «ابن قولويه» (به سند معتبر) از سعد بن سعد روايت كرده‏اند كه درباره فاطمه دختر موسى بن جعفر عليهم السلام، از امام على بن موسى الرضا عليهما السلام سؤال نمود، جواب فرمودند: «هر كس او را زيارت كند بهشت براى او خواهد بود!».[[661]](#footnote-661) 2- از امام جواد عليه السلام روايت شده: «هر كس عمّه‏ام را در قم زيارت كند بهشت براى او خواهد بود».[[662]](#footnote-662) 3- حسين بن محمّد قمى در كتاب «تاريخ قم» از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: «براى خداوند حرمى است و آن مكّه است، و براى رسولش حرمى است و آن مدينه است، و براى اميرمؤمنان حرمى است و آن كوفه است، و براى ما (اهل‏بيت) حرمى است و آن قم است، و به زودى در قم بانويى از فرزندان من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 577

كه «فاطمه» نام دارد مدفون مى‏شود؛ هر كس او را زيارت كند بهشت بر او واجب مى‏شود. راوى مى‏گويد:

اين بيان در حالى بود كه هنوز مادر موسى بن جعفر عليهما السلام به آن حضرت (يعنى موسى بن جعفر كه پدر حضرت معصومه است) باردار نشده بود».[[663]](#footnote-663) البتّه عارف به حق آن بزرگوار بودن شرط است، همان‏گونه كه در بعضى از روايات‏آمده‏است.[[664]](#footnote-664)

كيفيّت زيارت حضرت معصومه عليها السلام:

«علّامه مجلسى» رحمه الله مى‏گويد: در بعضى از كتب زيارات آمده است: حضرت رضا عليه السلام به يكى از يارانش به نام «سعد اشعرى» فرمود: نزد شما (اهل قم) قبرى از ما هست، سعد مى‏گويد: عرض كردم: فدايت شوم قبر فاطمه دختر امام موسى عليه السلام را مى‏فرماييد؟ فرمود: آرى! «

مَنْ زارَها عارفاً بِحَقِّها فَلَهُ الجَنَّةُ

؛ هر كس با معرفت او را زيارت كند بهشت براى اوست» هنگامى كه نزد قبر آن بانو رسيدى بالاى سر، رو به قبله بايست و 34 مرتبه اللَّه اكبر و 33 مرتبه سبحان اللَّه و 33 مرتبه الحمد اللَّه بگو سپس اين زيارت را بخوان:

السَّلامُ عَلى‏ آدَمَ صَفْوَةِاللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ نُوحٍ نَبِىِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ ابْراهيمَ‏

سلام بر آدم برگزيده خدا، سلام بر نوح پيامبر خدا، سلام بر ابراهيم‏

خَليلِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ،

خليل خدا، سلام بر موسى هم‏صحبت خدا، سلام بر عيسى روح خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ خَلْقِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

سلام بر تو اى رسول خدا، سلام بر تو اى بهترين مخلوقات خدا، سلام بر تو

يا صَفِىَ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمَ النَّبِيّينَ، السَّلامُ‏

اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى محمّد بن عبدالله آخرين پيامبران، سلام‏

عَلَيْكَ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلِىَّ بْنَ ابيطالِبٍ، وَصِىَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

بر تو اى اميرمؤمنان على بن ابى‏طالب، جانشين رسول خدا، سلام‏

عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكُما يا سِبْطَىْ نَبِىِ‏

بر تو اى فاطمه سرور بانوان جهانيان، سلام بر شما نوه‏هاى پيامبر

كليات مفاتيح نوين، ص: 578

الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ الْجَّنَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلىَّ بْنَ الْحُسَيْنِ‏

رحمت، و سروران جوانان اهل بهشت، سلام بر تو اى على بن حسين‏

سَيِّدَ الْعابِدينَ، وَقُرَّةَ عَيْنِ‏النَّاظِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ باقِرِ

سرور عابدان، و روشنى چشم بينندگان، سلام بر تو اى محمد بن على شكافنده‏

الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِىِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبآرَّ الْأَمينَ،

علم بعد از پيامبر، سلام بر تو اى جعفر بن محمد راست گفتارِ نيكوكار و امانتدار

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِىَّ بْنَ‏

سلام بر تو اى موسى بن جعفر پاك و پاكيزه، سلام بر تو اى على بن‏

مُوسَى الرِّضا الْمُرْتَضى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ التَّقِىَّ، السَّلامُ‏

موسى خشنود و پسنديده، سلام بر تو اى محمد بن على پرهيزكار، سلام‏

عَلَيْكَ يا عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِىَّ النَّاصِحَ الْأَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ‏

بر تو اى على بن محمد پاك و خيرخواه و امانتدار، سلام بر تو اى حسن‏

بْنَ عَلِىٍّ، السَّلامُ عَلَى الْوَصىِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ نُورِكَ‏

بن على، سلام بر جانشين بعد از او، خدايا درود فرست بر نور

وَسِراجِكَ، وَوَلِىِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِىِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ، السَّلامُ‏

و چراغ (هدايت) و دوستدار وليّت و جانشين وصيّت و حجت بر مخلوقاتت، سلام‏

عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ و خَديجَةَ، السَّلامُ‏

بر تو اى دختر رسول خدا، سلام بر تو اى دختر فاطمه و خديجه، سلام‏

عَلَيْكِ يا بِنْتَ اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

بر تو اى دختر اميرمؤمنان، سلام بر تو اى دختر حسن و حسين‏

السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ وَلِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا اخْتَ وَلِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى دختر ولى خدا، سلام بر تو اى خواهر ولى خدا، سلام‏

عَلَيْكِ يا عَمَّةَ وَلِىِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ‏

بر تو اى عمه ولى خدا، سلام بر تو اى دختر موسى بن جعفر و رحمت‏

وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكِ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِى الْجَنَّةِ، وَحَشَرَنا فى‏

و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو، خدا ما را با شما در بهشت در كنار هم قرار دهد، و در گروه شما محشور

كليات مفاتيح نوين، ص: 579

زُمْرَتِكُمْ، وَاوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقانا بِكَاْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِىِّ بْنِ‏

گرداند، و بر حوض (كوثر) پيامبرتان وارد كند، و با جام جدتان از دستان على بن‏

ابيطالِبٍ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، اسْئَلُ اللَّهَ انْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ،

ابى‏طالب سيراب گرداند، درود خدا بر شما باد، از خدا مى‏خواهم كه خشنودى و گشايش كارم را به‏وسيله شما به من نشان دهد

وَانْ يَجْمَعَنا وِايَّاكُمْ فى‏ زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَانْ لا

و ما را با شما در گروه جدّتان محمد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- گرد هم آورد، و

يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ، انَّهُ وِلِىٌّ قَديرٌ، اتَقَرَّبُ الَى‏اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرآئَةِ مِنْ‏

معرفت و شناخت شما را از من نگيرد، چرا كه او سرپرستى تواناست، به خدا تقرّب مى‏جويم به واسطه محبت شما و بيزارى از

اعْدآئِكُمْ، وَالتَّسْليمِ الَى‏اللَّهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ، و عَلى‏

دشمنانتان و تسليم بودن در برابر فرمان خدا، با خشنودى به آن، بدون انكار و تكبّر، و با

يَقينِ ما اتى‏ بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ راضٍ، نَطْلُبُ بِذلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدى‏، اللَّهُمَ‏

يقين به آنچه محمد آورده و به آن خشنودم، و با آن توجهت را مى‏طلبم اى سرورم، خدايا

وَرِضاكَ وَالدَّارَ الْاخِرَةَ، يا فاطِمَةُ اشْفَعى‏ لى‏ فىِ الْجَنَّةِ، فَانَّ لَكِ عِنْدَ اللَّهِ‏

رضايت تو و نجات در سراى آخرت را نيز از تو مى‏خواهم، اى فاطمه مرا در بهشت شفاعت كن چرا كه در پيشگاه خدا داراى‏

شَاْناً مِنَ الشَّاْنِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ انْ تَخْتِمَ لى‏ بِالسَّعادَةِ، فَلا تَسْلُبْ مِنّى‏

جايگاه با عظمت هستى، خدايا از تو مى‏خواهم كه مرا عاقبت به خير گردانى، پس ايمانى كه دارم‏

ما انَا فيهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، اللهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا،

از من نگير و توان و نيرويى جز براى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست، خدايا دعايمان را اجابت كن‏

وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ وَعافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و به لطف و بزرگوارى و رحمت و توانمنديت از ما بپذير و بر محمد

وَآلِهِ اجْمَعينَ، وَسَلَّمَ تَسْليماً يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[665]](#footnote-665)

و تمامى خاندانش درود و سلام فراوان فرست اى مهربان‏ترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 580

فضيلت زيارت حضرت عبدالعظيم حسنى عليه السلام:

نسب شريف او با چند واسطه به امام حسن مجتبى عليه السلام منتهى مى‏شود. قبر شريف او در شهر رى معلوم و مشهور و پناهگاه خاص و عام است. علوّ مقام و جلالت شأن آن حضرت بر كسى پوشيده نيست، چرا كه آن جناب علاوه بر آن‏كه از سادات و دودمان والامقام حضرت خاتم‏النّبيّين است، از محدّثين كبير و علماى بزرگ و اهل زهد و عبادت و صاحب ورع و تقوا مى‏باشد. او از اصحاب امام جواد و امام هادى عليهما السلام بود و نهايت توسّل و ارادت را به آن دو بزرگوار داشت، از آنان روايات بسيارى را نقل كرده است. دو كتاب «خُطَب اميرالمؤمنين» و «كتاب يوم و ليلة» تأليف اوست. او كسى است كه دين خودش را بر امام زمانش حضرت هادى عليه السلام عرضه كرد و آن حضرت تصديقش نمود و فرمود:

«يا ابَاالْقاسِمِ! هذا وَاللَّهِ دينُ اللَّهِ الَّذِى ارْتَضاهُ لِعِبادِهِ، فَاثْبُتْ عَلَيْهِ، ثَبَّتَكَ‏اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فىِ الدُّنْيا وَالْا خِرَةِ

؛ اى ابوالقاسم، به خدا سوگند اين (عقايد و كلمات تو) همان دينى است كه خداوند براى بندگانش پسنديده است؛ بر همين عقيده پايدار باش! خداوند تو را به گفتار و اعتقاد ثابت در دنيا و آخرت استوار نگه دارد».[[666]](#footnote-666) نيز صاحب بن عبّاد در وصف علم آن بزرگوار چنين مى‏گويد: «ابوتراب رويانى» مرا روايت كرده كه گفت: از ابوحمّاد رازى شنيدم كه مى‏گفت: در «سرّ من رأى‏» بر حضرت امام هادى عليه السلام وارد شدم و تعدادى از مسائل حلال و حرام را از آن حضرت پرسيدم و جواب گرفتم، هنگام وداع به من فرمود: اى حمّاد! هرگاه چيزى از امور دينى‏ات بر تو مشكل شد در ناحيه خود در شهر رى از عبدالعظيم پسر عبدالله حسنى سؤال كن و سلام مرا به او برسان.[[667]](#footnote-667) در اهمّيّت زيارت آن حضرت همين بس كه «ابن‏قولويه»، در «كامل الزيارات» از يكى از اهالى شهر رى نقل مى‏كند كه گفت: بر امام هادى عليه السلام وارد شدم، فرمود: كجا بودى؟ عرض كردم: به زيارت حضرت حسين بن على عليه السلام (در كربلا)، رفته بودم فرمود: «آگاه باش اگر قبر عبدالعظيم كه در شهر شماست را زيارت مى‏كردى، مثل كسى بودى كه امام حسين عليه السلام را زيارت كرده باشد».[[668]](#footnote-668)

كيفيّت زيارت حضرت عبدالعظيم حسنى عليه السلام:

مرحوم محدّث قمى (ره) مى‏نويسد: علما براى حضرت عبدالعظيم عليه السلام زيارتى نقل نكرده‏اند فقط «فخرالمحقّقين آقا جمال‏الدين» در كتاب «مزار» خود نوشته: زيارت آن حضرت به اين نحو مناسب است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 581

السَّلامُ عَلى‏ آدَمَ صَفْوَةِاللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ نُوحٍ نَبِىِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏

سلام بر آدم برگزيده خدا، سلام بر نوح پيامبر خدا، سلام بر

ابْراهيَمَ خَليلِ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى‏ عيسى‏

ابراهيم خليل خدا، سلام بر موسى هم‏صحبت خدا، سلام بر عيسى‏

رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ خَلْقِ‏اللَّهِ،

روح خدا، سلام بر تو اى رسول خدا، سلام بر تو اى بهترين مخلوقات خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِىَ‏اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خاتَمَ‏

سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى محمّد بن عبداللَّه آخرين‏

النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلِىَّ بْنَ ابيطالِبٍ، وَصِىَ‏

پيامبران، سلام بر تو اى اميرمؤمنان، على بن ابى‏طالب، جانشين‏

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكُما

رسول خدا، سلام بر تو اى فاطمه سرور بانوان جهانيان، سلام بر شما

يا سِبْطَىِ الرَّحْمَةِ، وَسَيَّدَىْ شَبابِ اهْلِ‏الْجَنَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِىَّ بْنَ‏

نوه‏هاى پيامبر رحمت، و سروران جوانان اهل بهشت، سلام بر تو اى على بن‏

الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعابِدينَ، وَقُرَّةَ عَيْنِ النَّاظِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ‏

حسين سرور عابدان، و روشنى چشم بينندگان، سلام بر تو اى محمّد بن‏

عَلِىٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِىِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ‏

على شكافنده علم بعد از پيامبر، سلام بر تو اى جعفر بن محمّد راست‏گفتارِ

الْبآرَّ الْأَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرَ الْطُّهْرَ، السَّلامُ‏

نيكوكار و امانتدار، سلام بر تو اى موسى بن جعفر پاك و پاكيزه، سلام‏

عَلَيْكَ يا عَلِىَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضى‏، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ‏

بر تو اى على بن موسى، خشنود و پسنديده، سلام بر تو اى محمّد بن‏

عَلِىٍّ التَّقِىَّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النِّقِىَّ النَّاصِحَ الْأَمينَ،

على پرهيزكار، سلام بر تو اى على بن محمّد پاك و خيرخواه و امانتدار

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، السَّلامُ عَلَى الْوَصِىِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللهُمَ‏

سلام بر تو اى حسن بن على، سلام بر جانشين بعد از او، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 582

صَلِّ عَلى‏ نُورِكَ وَسِراجِكَ، وَوَلِىِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِىِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ‏

درود فرست بر نور و چراغ (هدايتت) و دوستدار وليت و جانشين وصيّت و حجت‏

عَلى‏ خَلْقِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِىُّ، وَالطَّاهِرُ الصَّفِىُّ، السَّلامُ‏

بر مخلوقاتت، سلام بر تو اى آقاى پاك، پاكيزه و خالص، سلام‏

عَلَيْكَ يَا بْنَ السَّادَةِ الْأَطْهارِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيارِ،

بر تو اى فرزند سروران پاكيزه، سلام بر تو اى فرزند بهترين برگزيدگان‏

السَّلامُ عَلى‏ رَسُولِ‏اللَّهِ، و عَلى‏ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ،

سلام بر رسول خدا، و بر نسل رسول خدا و رحمت و بركات خدا بر او باد

السَّلامُ عَلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ، الْمُطيعِ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَلِرَسُولِهِ وَلِأَميرِ

سلام بر بنده شايسته، و فرمانبردار پروردگار جهانيان، و رسول خدا و امير

الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابَاالْقاسِمِ ابْنَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ الْمُجْتَبى‏،

مؤمنان، سلام بر تو اى ابالقاسم فرزند نوه برگزيده (پيامبر) امام مجتبى‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ بِزِيارَتِهِ ثَوابُ زِيارَةِ سَيِّدِ الْشُّهَدآءِ يُرْتَجى‏، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى كه با زيارتت اميد ثواب زيارت سيدالشهدا مى‏رود، سلام‏

عَلَيْكَ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فى‏الْجَنَّةِ، وَحَشَرَنا فى‏زُمْرَتِكُمْ، وَاوْرَدَنا

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص582**

بر تو، خداوند ما را با شما در بهشت در كنار هم قرار دهد و در گروه شما محشور گرداند، و بر حوض (كوثر)

حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقانا بِكَاْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِىِّ بْنِ ابيطالِبٍ صَلَواتُ‏

پيامبرتان وارد كند و با جام جدّتان از دستان على بن ابى‏طالب سيراب گرداند، درود

اللَّهِ عَلَيكُمْ، اسْئَلُ اللَّهَ انْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَانْ يَجْمَعَنا وَايَّاكُمْ‏

خدا بر شما باد، از خدا مى‏خواهم كه خشنودى و گشايش كارم را به‏وسيله شما به من نشان دهد و ما را با شما در

فى‏ زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَانْ لايَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ، انَّهُ‏

گروه جدّتان محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- گرد هم آورد و معرفت و شناخت شما را از من نگيرد

وَلِىٌّ قَديرٌ، اتَقَرَّبُ الَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرآئَةِ مِنْ اعْدآئِكُمْ، وَالتَّسْليمِ الَى‏

چرا كه او سرپرستى تواناست، به خدا تقرّب مى‏جويم به واسطه محبّت شما و بيزارى از دشمنانتان و تسليم بودن‏

اللَّهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلى‏ يَقينِ مااتى‏ بِهِ مُحَمَّدٌ نَطْلُبُ‏

در برابر فرمان خدا با خشنودى به آن بدون انكار و تكبّر و با يقين به آنچه محمّد آورده و با آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 583

بِذلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدى‏، اللَّهُمَّ وَرِضاكَ وَالدَّارَ الْأخِرَةَ، يا سَيِّدى‏ وَابْنَ‏

توجهت را مى‏طلبم اى سرورم، خدايا رضايت تو و نجات در سراى آخرت را نيز از تو مى‏خواهم، اى سرورم و فرزند

سَيِّدى‏، اشْفَعْ لِى فِى الْجَنَّةِ، فَانَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَاْناً مِنَ الشَّاْنِ، اللهُمَّ انّى‏

سرورم، مرا در بهشت شفاعت كن، چرا كه در پيشگاه خدا داراى جايگاه با عظمت هستى خدايا از تو

اسْئَلُكَ انْ تَخْتِمَ لى‏ بِالسَّعادَةِ، فَلا تَسْلُبْ مِنّى‏ ما انَا فيهِ، وَلا حَوْلَ وَلا

مى‏خواهم كه مرا عاقبت به خير گردانى، پس ايمانى كه دارم از من نگير و توان و نيرويى‏

قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا، وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ،

جز براى خداوند بلند مرتبه و با عظمت نيست، خدايا دعايمان را اجابت كن و به لطف و بزرگوارى‏

وَبِرَحْمَتِكَ وَعافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اجْمَعينَ، وَسَلَّمَ‏

و رحمت و توانمنديت از ما بپذير، و بر محمّد و تمامى خاندانش درود و سلام فراوان‏

تَسْليماً يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

بفرست اى مهربان‏ترين مهربانان.

در ادامه مى‏نويسد: همين زيارت را براى امام‏زاده حمزه پسر امام موسى عليه السلام (كه مزار او نزديك حضرت عبدالعظيم است) نيز مى‏توان خواند (البتّه با حذف جمله «السلام عليك يا اباالقاسم» و جمله بعد از آن).

يادآورى: در صحن امام‏زاده حمزه، قبر شيخ جليل و مفسّر كبير، ابوالفتوح رازى حسين بن على خزاعى رحمه الله صاحب تفسير معروف ابوالفتوح، واقع شده و نيز در شهر رى قبر جناب شيخ صدوق رئيس‏المحدّثين، معروف به «ابن‏بابويه» قرار گرفته، كه لازم است از زيارت اين دو قبر شريف نيز غفلت نشود.

\*\*\*

بخش سوم: زيارت قبور مؤمنان‏

فضيلت زيارت قبور مؤمنان:

1- در «كامل الزيارات» از موسى بن جعفر عليهما السلام روايت شده است كه فرمود: هر كس قادر بر زيارت ما نباشد صالحان از دوستان و مواليان ما را از زيارت كند تا ثواب زيارت ما براى او نوشته شود و كسى كه قادر بر صله و نيكى به ما نباشد به صالحان از مواليان ما نيكى كند تا ثواب نيكى به ما برايش نوشته شود.[[669]](#footnote-669)

كليات مفاتيح نوين، ص: 584

2- از يكى از ياران امام رضا عليه السلام (محمّد بن احمد بن يحيى اشعرى) روايت شده كه آن حضرت فرمود:

هر كس نزد قبر برادر مؤمن خود برود و دست بر روى قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» بخواند در روز «فزع اكبر» (روز قيامت كه روز ترس بزرگ است) ايمن خواهد بود.[[670]](#footnote-670) ظاهر بعضى از روايات اين است كه همين ثواب براى صاحب قبر نيز خواهد بود.[[671]](#footnote-671) 3- از رواياتى كه در بحث «كيفيّت زيارت قبور مؤمنان» خواهد آمد، به دست مى‏آيد كه با خواندن بعضى از اذكار، گناهان بسيارى از زائر و پدر و مادرش بخشوده مى‏شود و نيز استفاده مى‏شود كه عذاب روز قيامت از انسان دور مى‏گردد.[[672]](#footnote-672) 4- از بعضى از روايات به دست مى‏آيد كه انسان با رفتن به زيارت قبر والدين خود مى‏تواند بعضى از كمبودها را كه از جهت عدم رعايت حقوق آنها در زمان حياتشان از او حاصل شده جبران كند[[673]](#footnote-673) و حتّى به حوايجش برسد به اين صورت كه اوّل براى والدين استغفار كند و سپس حاجتش را از خداوند بطلبد.[[674]](#footnote-674)

آداب، زمان و كيفيّت زيارت قبور مؤمنان:

1- زائر رو به قبله قرار مى‏گيرد و دست روى قبر مى‏گذارد چنان كه از دو روايت عبدالرحمن بن ابى‏عبداللَّه‏[[675]](#footnote-675) و محمّد بن احمد بن يحيى‏[[676]](#footnote-676) به دست مى‏آيد.

2- هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند چنان كه در روايت «اشعرى» گذشت. در بعضى از روايات اشاره به سوره حمد نيز شده است و مناسب است در صورتى كه توفيق رفيق او گردد از سوره‏هاى ديگر قرآن براى شادى روح آن ميّت مانند «يس»، «مُلك» و «واقعه» استفاده كند.

3- اين دعا را بخواند: السَّلامُ عَلى‏ اهْلِ الدِّيارِ مِنَ‏الْمُؤْمِنينَ وَالْمُسْلِمينَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* سلام بر اهل اين خانه‏هاى (خاموش) از مؤمنان و مسلمانان آن‏

انْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ ان شآءَ اللَّهُ بِكُمْ لاحِقُونَ، همان‏گونه كه از امام صادق عليه السلام نقل‏ شما بر ما پيشى گرفتيد و ما نيز هرگاه خدا بخواهد به شما ملحق مى‏شويم.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 585

شده است.[[677]](#footnote-677) 4- بگويد: اللَّهُمَّ رَبَّ هذِهِ الْأَرْواحِ الْفانِيَةِ، وَالْأَجْسادِ الْبالِيَةِ، وَالْعِظامِ‏

\*\*\* خدايا اى پروردگار اين ارواح فنا شده و جسم‏هاى از هم پاشيده‏

النَّخِرَةِ الَّتى‏ خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيا وَهِىَ بِكَ مُؤْمِنَةٌ، ادْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً

و استخوان‏هاى پوسيدهاى كه از دنيا رفته‏اند در حالى كه به تو ايمان دارند، رحمت تازه‏اى از جانب خود

مِنْكَ، وَسَلاماً مِنّى‏.

و سلامى از جانب من به آنان برسان.

از امام حسين عليه السلام نقل شده كه هر كس داخل قبرستان شود و اين دعا را بخواند خداى متعال به عدد خلقش، از زمان خلقت آدم تا قيامت براى او حسنه مى‏نويسد.[[678]](#footnote-678) 5- از اميرمؤمنان عليه السلام نقل شده كه هر كس داخل قبرستان شود و بگويد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ‏الرَّحيمِ، السَّلامُ عَلى‏ اهْلِ لا الهَ الَّا اللَّهُ، مِنْ اهْلِ لا

به نام خداوند بخشنده مهربان، سلام بر پيروان كلمه «لا اله الا اللَّه»، از جانب پيروان كلمه‏

الهَ الَّا اللَّهُ، يا اهْلَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لا الهَ الَّا اللَّهُ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ‏

«لا اله الا اللَّه»، اى پيروان كلمه «لا اله الا اللَّه»، چگونه يافتيد قول‏

لا الهَ الَّا اللَّهُ، مِنْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، يا لا الهَ الَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لا الهَ الَّا اللَّهُ،

«لا اله الا اللَّه» را، از جانب پيروان كلمه «لا اله الا اللَّه»، اى معبودى كه جز تو خدايى نيست، به حق كلمه «لا اله الا اللَّه»

اغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنا فى‏ زُمْرَةِ مَنْ قالَ لا الهَ الَّا اللَّهُ،

گويندگان «لا اله الا اللَّه» را بيامرز، و ما را در گروه گويندگان «لا اله الا اللَّه»

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِىٌّ وَلِىُّ اللَّهِ. خداوند ثواب بسياربراى او و پدر و مادرش مى‏نويسد.[[679]](#footnote-679) «محمّد رسول اللَّه»، «على ولى اللَّه» قرار ده ..\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

6- زيارت قبور مؤمنان در روز پنجشنبه فضيلت خاصّى دارد[[680]](#footnote-680) و بهترين زمان براى زيارت طبق بعضى از روايات ساعت قبل از طلوع آفتاب است.[[681]](#footnote-681) و زيارت قبور در شب كراهت دارد چنان كه در

كليات مفاتيح نوين، ص: 586

«دعوات راوندى» از رسول خدا خطاب به ابوذر آمده است.[[682]](#footnote-682) 7- محمّد بن مسلم مى‏گويد: خدمت امام صادق عليه السلام عرض كردم كه مردگان را زيارت كنيم؟ فرمود: آرى! گفتم: آيا آنها مى‏فهمند كه ما به زيارت آنها رفته‏ايم؟ فرمود: آرى! به خدا قسم كه آنها مى‏فهمند و شاد مى‏شوند و با شما انس مى‏گيرند. عرض كردم: وقتى به زيارتشان رفتيم چه بگوييم؟

فرمود: بگو:

اللهُمَّ جافِ الْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ، وَصاعِدْ الَيْكَ ارْواحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ مِنْكَ‏

خدايا خالى كن اين زمين را از (فشار بر) پهلوهايشان، و ارواح آنان را به سويت بالا بر، و آنان را از خشنوديت‏

رِضْواناً، وَاسْكِنْ الَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ، وَتُونِسُ بِهِ‏

برخوردار ساز، آن مقدار از رحمتت كه تنهاييشان را برطرف ساخته و در وحشت با آن انس گيرند را در جوارشان‏

وَحْشَتَهُمْ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[683]](#footnote-683)

قرار ده، زيرا كه تو بر هر كارى توانايى.

8- «ابن‏قولويه» از صفوان جمّال از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه فرمود: رسول‏اللَّه به اتّفاق جمعى از ياران خود، پيوسته عصر روز پنج‏شنبه وارد قبرستان بقيع مى‏شد و خطاب به اهل قبور سه مرتبه «

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ الدِّيارِ

» و سه بار هم «

رَحِمَكُمُ اللَّهُ‏

» مى‏فرمود.[[684]](#footnote-684) 9- در روايات وارد شده كه اگر براى قبور مؤمنين يك قبرستان يازده بار سوره «قل هو اللَّه احد» خوانده شود به عدد اموات آن‏جا، خداوند به زائر ثواب مى‏دهد.[[685]](#footnote-685) 10- اگر مى‏خواهد قرآن تلاوت كند مى‏تواند سوره «يس» را انتخاب كند كه هم باعث تخفيف بر اهل قبور مى‏شود و هم به عدد آنها براى تلاوت كننده، حسنه نوشته مى‏شود.[[686]](#footnote-686) يادآورى: در بخش دهم اين كتاب (بخش احكام و آداب مربوط به مردگان) در ارتباط با «خيرات براى اموات» روايات جالبى آمده است، به آن جا مراجعه شود.

\*\*\*

بخش چهارم: آداب نيابت در زيارت‏

شكّى نيست كه نيابت در زيارت يا اهداى ثواب چه براى انسان زنده و چه اموات و گذشتگان مستحب است و ثوابش به «منوب عنه» (كسى كه زائر محترم به نيابت او زيارت مى‏كند) مى‏رسد و به يقين نائب هم از آن بهره‏مند مى‏گردد، و روايات متعدّدى بر آن دلالت دارد از جمله:

كليات مفاتيح نوين، ص: 587

1- داوود صرمى در حديث معتبرى مى‏گويد: خدمت امام حسن عسكرى عليه السلام عرض كردم: من به زيارت پدر بزرگوارت رفتم و ثوابش را به شما هديه كردم، فرمود: «براى تو از جانب خدا اجر و ثواب عظيم و از جانب ما حمد و ثناست».[[687]](#footnote-687) 2- ابراهيم حضرمى مى‏گويد: در مدينه با امام موسى كاظم عليه السلام كه ميان منبر و قبر رسول‏اللَّه نشسته بودند ملاقات كردم؛ خدمتش عرض كردم: وقتى از وطن عازم سفر حج مى‏شدم بعضى مرا سفارش كرده بودند كه هفت دور طواف و دو ركعت نماز به نيابت آنها بجا آورم، ولى من يادم رفت. وقتى برگردم نمى‏دانم چه به آنها بگويم. فرمود: «هنگامى كه به مكّه مشرّف شدى اگر پس از بجا آوردن مناسك حج، هفت دور طواف مى‏كردى و دو ركعت نماز مى‏خواندى ومى‏گفتى: خدايا من اين طواف و دو ركعت را از طرف پدر، مادر، همسر، فرزندان، دوستان و همه همشهريانم بجا آورده‏ام چنان چه پس از برگشت به هر كدام آنها مى‏گفتى:

من به نيابت شما طواف بجا آوردم و دو ركعت نماز خواندم در گفتارت صادق بودى، همچنين در مدينه پس از انجام وظايف خود، اگر دو ركعت نماز بخوانى سپس بالاى سر رسول گرامى صلى الله عليه و آله بايستى و بگويى:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِىَّ اللَّهِ مِنْ ابى‏ وَامّى‏، وَزَوْجَتى‏ وَوَلَدى‏ وَحامَّتى‏،

سلام بر تو اى نبى خدا، از جانب پدر و مادر و همسر و فرزند و خويشانم‏

وَمِنْ جَميعِ اهْلِ بَلَدى‏، حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ، وَابْيَضِهِمْ وَاسْوَدِهِمْ.

و از جانب تمامى هم‏شهريهايم، آزاد و برده‏شان و سفيد و سياهشان.

و پس از بازگشت به هر كدام از اهل شهرت بگويى كه من به نيابت تو به پيامبر سلام دادم (و دو ركعت نماز خواندم) راست گفته‏اى».[[688]](#footnote-688) 3- در روايت ديگرى مى‏خوانيم كه از بعضى از ائمّه‏طاهرين عليهم السلام سؤال كردند درباره كسى كه دو ركعت نماز مى‏خواند يا يك روز روزه مى‏گيرد و يا حج يا عمره‏اى بجا مى‏آورد يا رسول گرامى و يا يكى از ائمّه عليهم السلام را زيارت مى‏كند و ثواب آن را به پدر و مادر يا برادر دينى خود هديه مى‏كند، آيا براى خود او نيز ثوابى هست؟ فرمود: ثواب آن عمل به «منوب عنه» (پدر يا مادر يا برادر دينى) مى‏رسد بدون آن‏كه چيزى از ثواب خودش كاسته شود![[689]](#footnote-689)

كيفيّت نيابت براى كسانى كه هزينه سفرشان را ديگرى پرداخته است:

«شيخ طوسى» در «تهذيب» مى‏نويسد: كسى كه به نيابت از برادر دينى، اجير شود چون از غسل‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 588

زيارت (و مطابق بعضى از نسخه‏ها چون از عمل زيارت) فارغ شود بگويد:

اللهُمَّ ما اصابَنى‏ مِنْ تَعَبٍ اوْ نَصَبٍ، اوْ شَعَثٍ اوْ لُغُوبٍ، فَأْجُرْ فُلانَ بْنَ‏

خدايا آنچه از سختى يا زحمت، يا پريشانى يا خستگى كه به من رسيده است، پس پاداش آن را به فلانى پسر

فُلانٍ فيهِ، وَأْجُرْنى‏ فى‏ قَضآئى‏ عَنْهُ.

فلانى بده، و در انجام آن از جانب او به من هم پاداش ده.

و اگر به امامى كه زيارت مى‏كند سلام دهد در آخر سلام بگويد:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ عَنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ، اتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ‏

سلام بر تو اى مولاى من از جانب فلانى پسر فلانى، از طرف او به زيارتت آمده‏ام، پس نزد پروردگارت‏

عِنْدَ رَبِّكَ. و به جاى فلان بن فلان اسم «شخص مورد نظر و پدرش» را بياورد، سپس به آنچه‏ شفيعش باش.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏خواهد دعا كند[[690]](#footnote-690) و اگر خواست زيارت‏نامه‏اى بخواند بگويد: اللهُمَّ انَّ فُلانَ بْنَ فُلانٍ‏ (به جاى‏\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا فلانى پسر فلانى\*\*\*\*\*

فلان‏بن‏فلان اسم منوب‏عنه ونام پدرش را ببرد) اوْفَدَنى‏ الى‏ مَولاهُ وَمَوْلاىَ، لِأَزُورَ عَنْهُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* مرا به سوى مولاى خودش و مولايم روانه كرده، تا از جانب او

رَجآءً لِجَزيلِ الثَّوابِ، وَفِراراً مِنْ سُوءِ الْحِسابِ، اللهُمَّ انَّهُ يَتَوَجَّهُ الَيْكَ‏

به اميد پاداش بزرگ و دورى از بدى و سختى حساب، زيارت كنم، خدايا او به واسطه اوليائش كه‏

بِاوْلِيآئِهِ الدَّآلّينَ عَلَيْكَ فى‏ غُفْرانِكَ ذُنُوبَهُ، وَحَطِّ سَيِّئاتِهِ، وَيَتَوَسَّلُ الَيْكَ‏

به سوى تو راهنمايى مى‏كنند، براى آمرزش و ريزش گناهان به تو توجه نموده است، و به واسطه آنان‏

بِهِمْ عِنْدَ مَشْهَدِ امامِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَاقْبَلْ شَفاعَةَ

در شهادتگاه امامش- كه درود خدا بر او باد- به تو متوسّل شده است، خدا از او بپذير، و شفاعت‏

اوْلِيآئِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فيهِ، اللهُمَّ جازِهِ عَلى‏ حُسْنِ نِيَّتِهِ، وَصَحيحِ‏

اوليائش- كه درود خدا بر آنان باد- را در مورد او قبول كن، خدايا به واسطه حسن نيت و عقيده‏

عَقيدَتِهِ، وَصِحَّةِ مُوالاتِهِ، احْسَنَ ما جازَيْتَ احَداً مِنْ عَبيدِكَ الْمُؤْمِنينَ،

صحيح و پيروى آگاهانه‏اش به او پاداش ده، بهترين پاداشى كه به هر يك از بندگان مؤمنت داده‏اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 589

وَادِمْ لَهُ ما خَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمِلْهُ صالِحاً فيما آتَيْتَهُ، وَلا تَجْعَلْنى‏ آخِرَ وافِدٍ

و آنچه به او ارزانى داشته‏اى از او مگير، و او را به شايستگى در آنچه عطا نموده‏اى به كار گير، و مرا آخرين نايب‏

لَهُ يُوفِدُهُ، اللهُمَّ اعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ، وَاوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ‏

او قرار مده، خدايا او را از آتش دوزخ رهايى ده و از روزى حلال و پاكيزه‏ات بر او وسعت‏

الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقآءِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ لَهُ فى‏ وُلْدِهِ وَمالِهِ‏

بخش، و او را از دوستان محمّد و خاندان محمّد قرار ده، و به فرزندان و اموال‏

وَاهْلِهِ، وَ ما مَلَكَتْ يَمينُهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلْ‏

و خاندان و داراييش بركت ده، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و بين‏

بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعاصيكَ حَتّى‏ لا يَعْصِيَكَ، وَاعِنْهُ عَلى‏ طاعَتِكَ وَطاعَةِ

او و نافرمانيت فاصله انداز تا نافرمانيت نكند، و او را بر اطاعت خويش و اوليائت يارى‏

اوْلِيآئِكَ، حَتّى‏ لا تَفْقِدَهُ حَيْثُ امَرْتَهُ، وَلا تَراهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ، اللهُمَّ صَلِ‏

كن، تا در جايى كه فرمان داده‏اى حاضر شده و در جايى كه نهى نموده‏اى ديده نشود، خدايا

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَميعِ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و او را بيامرز و مورد رحمت خويش قرار ده، و از او و تمامى‏

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِذْهُ مِنْ‏

مردان و زنان با ايمان درگذر، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و او را از

هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَمِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيمَةِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ

هراس روز جزا و از وحشت قيامت و بازگشتگاه بد و از تاريكى قبر

وَ وَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَواقِفِ الْخِزْىِ فِى الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و وحشت آن و از جايگاه‏هاى خفّت و خوارى در دنيا و آخرت پناه ده، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جآئِزَتَهُ فى‏ مَوْقِفى‏ هذا غُفْرانَكَ، وَتُحْفَتَهُ‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و پاداش او را در اين جايگاهم آمرزشت قرار ده، و هديه‏اش‏

فى‏ مَقامى‏ هذا عِنْدَ امامى‏ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ انْ تُقيلَ عَثْرَتَهُ، وَ تَقْبَلَ‏

را در اين اقامتم نزد امامم- كه درود خدا بر او باد- ناديده گرفتن لغزش‏هايش قرار ده، و عذرش را

مَعْذِرَتَهُ، وَ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطيئَتِهِ، وَ تَجْعَلَ التَّقْوى‏ زادَهُ، وَما عِنْدَكَ خَيْراً

بپذير، و از خطايش درگذر، و پرهيزكارى را توشه‏اش قرار ده، كه آنچه نزد توست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 590

لَهُ فى‏ مَعادِهِ، وَتَحْشُرَهُ فى‏ زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏

در روز معاد براى او بهتر است، و او را در گروه محمّد و خاندان محمّد محشور گردان، درود خدا بر او و خاندان پاكش‏

وَآلِهِ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَ لِوالِدَيْهِ، فَانَّكَ خَيْرُ مَرْغُوبٍ الَيْهِ، وَاكْرَمُ مَسْئُولٍ‏

باد، و او و پدر و مادرش را بيامرز، چرا كه تو بهترين مطلوب و بهترين درخواست شده هستى‏

اعْتَمَدَ الْعِبادُ عَلَيْهِ، اللهُمَّ وَلِكُلِّ مُوفِدٍ جآئِزَةٌ، وَلِكُلِّ زآئِرٍ كَرامَةٌ،

كه بندگان به او اعتماد كنند، خدايا براى هر نيابت فرستنده‏اى پاداش و براى هر زيارت كننده‏اى منزلتى است‏

فَاجْعَلْ جآئِزَتَهُ فى‏ مَوْقِفى‏ هذا غُفْرانَكَ، وَ الْجَنَّةَ لَهُ وَ لِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ‏

پس پاداش او را در اين اقامتم آمرزشت قرار ده و براى او و تمامى مردان و زنان با ايمان بهشت را مقرّر

وَالْمُؤْمِناتِ، اللَّهُمَّ وَ ا نَا عَبْدُكَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ، الْمُقِرُّ بِذُنُوبِهِ، فَاسْئَلُكَ‏

فرما، خدايا من بنده خطاكار و گنهكار توام، كه به گناهانش اقرار دارد، پس از تو مى‏خواهم‏

يا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، انْ لا تَحْرِمَنى‏ بَعْدَ ذلِكَ الْأَجْرَ وَالثَّوابَ‏

اى خدا به حقّ محمّد و خاندان محمّد، مرا بعد از اين اجر و پاداشى كه‏

مِنْ فَضْلِ عَطآئِكَ وَكَرَمِ تَفَضُّلِكَ.

از عطا و بخشش فراوانت مى‏باشد محروم مگردانى.

سپس نزد ضريح مقدّس آن امام عليه السلام برود و دست‏ها را رو به قبله به طرف آسمان بلند كند و بگويد:

يَا مَوْلاىَ يَا امامِى‏، عَبْدُكَ فُلانُ‏بْنُ‏فُلانٍ (به‏جاى فلان‏بن‏فلان، نام آن شخص و پدرش را بگويد) اى مولاى من اى پيشواى من، بنده‏ات فلانى فرزند فلانى\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اوْفَدَنى‏ زآئِراً لِمَشْهَدِكَ، يَتَقَرَّبُ الَى‏اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِذلِكَ، وَ الى‏ رَسُولِ‏اللَّهِ‏

مرا به نيابت براى زيارت شهادتگاهت فرستاده و با اين زيارت به خداوند عزيز و گرامى و به رسول خدا

وَ الَيْكَ، يَرْجُو بِذلِكَ فَكاكَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ، فَاغْفِرْ لَهُ وَلِجَمِيعِ‏

و به تو تقرّب مى‏جويد و با آن اميد آزادى از آتش و عذاب را دارد، پس او و تمامى‏

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لا الهَ‏

مردان و زنان با ايمان را بيامرز، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى خدا، معبودى‏

الَّا اللَّهُ الْحَليمُ الْكَريمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَلِىُّ الْعَظِيمُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏

جز خداوند شكيباى بزرگوار نيست، معبودى جز خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست، از تو مى‏خواهم كه بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 591

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَسْتَجيبَ لى‏ فيهِ، وَفى‏ جَميعِ اخْوانى‏ وَاخَواتى‏،

محمّد و خاندان محمّد درود فرستى و درخواستم را در مورد او و تمامى برادران و خواهرانم‏

وَوُلْدى‏ وَ اهْلى‏ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، يآ ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[691]](#footnote-691)

و فرزندان و خانواده‏ام به بخشش و كرمت بپذيرى، اى مهربان‏ترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 595

بخش چهارم: اعمال ماه هاى اسلامى (از محرم تا ذى الحجة)

مقدّمه‏

هر ماه را بايد با توجّه به خدا و ياد و ذكر او آغاز كرد، و سلامت و موفّقيّت خود را در آن ماه از خداوند متعال طلب نمود.

در همين زمينه اعمالى براى آغاز هر ماه، در كتب دعا نقل شده است كه پيوند خلق با خالق را محكم مى‏كند، ياد خدا را در خاطره‏ها زنده نگه مى‏دارد، و انسان را در پناه قدرت لايزال او قرار مى‏دهد؛ به يقين اين توجّه و دعا، سبب حلّ بسيارى از مشكلات و دفع بلاها و آفات خواهد شد.

اعمال مشترك اوّل هر ماه:

1- هنگام رؤيت هلال دعايى را كه در «صحيفه سجّاديه»[[692]](#footnote-692) آمده است بخواند كه بسيار پرمعناست:

ايُّهَا الْخَلْقُ الْمُطيعُ، الدَّائِبُ السَّريعُ، الْمُتَرَدِّدُ فى‏ مَنازِلِ التَّقْديرِ،

اى مخلوق فرمانبردار، و خستگى‏ناپذير شتابان، كه در منزلگاه‏هاى معين در حركتى‏

الْمُتَصَرِّفُ فى‏ فَلَكِ التَّدْبيرِ، امَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ، وَاوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ،

و در مدار حساب شده‏اى در چرخشى، ايمان دارم به آن كه تاريكى‏ها را به وسيله تو روشن كرد، و تيرگى‏ها را به تو آشكار ساخت‏

وجَعَلَكَ ايَةً مِنْ اياتِ مُلْكِهِ، وَعَلامَةً مِنْ عَلاماتِ سُلْطانِهِ، فَحَدَّ بِكَ‏

و تو را نشانه‏اى از نشانه‏هاى فرمانرواييش و علامتى از علائم حكومتش قرار داده، و زمان را به‏وسيله تو

الزَّمانَ، وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيادَةِ وَالنُّقْصانِ، وَالطُّلُوعِ والْأُفُولِ، وَالْإِنارَةِ

معيّن كرد، و بزرگى و كوچكى، و طلوع و غروب و آشكارى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 596

وَالْكُسُوفِ، فى‏ كُلِّ ذلِكَ انْتَ لَهُ مُطيعٌ، وَالى‏ ارادَتِهِ سَريعٌ، سُبْحانَهُ ما

و پنهانى را پيشينه تو ساخت، در تمام اين امور تو فرمانبردار او هستى و به خواسته‏اش به سرعت پاسخگويى، پاك و منزّه است او

اعْجَبَ ما دَبَّرَ في امْرِكَ، وَ الْطَفَ ما صَنَعَ فى‏ شَاْنِكَ، جَعَلَك مِفْتاحَ شَهْرٍ

و چه تدبير اعجاب‏آورى در كار تو دارد، و چه دقيق است آنچه در مورد تو انجام داده است، تو را كليد آغاز ماه‏

حادِثٍ لِأَمْرٍ حادِثٍ، فَاسْئَلُ اللَّهَ رَبِّى‏ وَ رَبَّكَ، وَ خالِقى‏ وَ خالِقَكَ،

جديد براى كارى جديد قرار داده است، پس از خداوندى كه پروردگار و آفريننده‏

وَمُقَدِّرى‏ وَ مُقَدِّرَكَ، وَ مُصَوِّرى‏ وَ مُصَوِّرَكَ، انْ يُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و تقدير كننده، و صورت‏بخش من و توست مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستد

وَانْ يَجْعَلَكَ هِلالَ بَرَكةٍ لا تَمْحَقُهَا الْأَيَّامُ، وَ طَهارَةٍ لا تُدَنِّسُهَا الْأثامُ،

و تو را قرار دهد هلال با بركتى كه روزگار، آن را نابود نكند، و هلال پاكى كه پليديها آن را آلوده نسازد،

هِلالَ امْنٍ مِنَ الأفاتِ، وَ سَلامَةٍ مِنَ السَّيِّئاتِ، هِلالَ سَعْدٍ لا نَحْسَ فيهِ،

و هلال ايمنى از آفات و سلامت از گناهان و هلال با سعادتى كه در آن نحوستى نباشد

وَ يُمْنٍ لا نَكَدَ مَعَهُ، وَ يُسْرٍ لا يُمازِجُهُ عُسْرٌ، وَ خَيْرٍ لا يَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلالَ‏

و هلال با بركتى كه بداقبالى نياورد و هلال آسايشى كه سختى با او نباشد، و هلال خيرى كه شرى با آن همراه نشود، (و تو را) هلال‏

امْنٍ وَ ايمانٍ، وَ نِعْمَةٍ وَ احْسانٍ، وَ سَلامَةٍ وَ اسْلامٍ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

امنيّت و ايمان و نعمت و لطف و سلامت و اسلام (قرار دهد)، خدايا بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنا مِنْ ارْضى‏ مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَ ازْكى‏ مَنْ نَظَرَ الَيْهِ،

و خاندان پاكش درود فرست، و مرا از خوشنودترين افرادى كه ماه بر آنان طلوع كرده، و پاك‏ترين كسى كه به آن نگاه كرده‏

وَاسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ، وَ وَفِّقْنَا فيهِ لِلتَّوْبَةِ وَ اعْصِمْنا فيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ،

و از با سعادت‏ترين كسانى كه تو را در آن ماه عبادت كرده‏اند قرار ده، و ما را در اين ماه براى توبه موفّق بدار و از لغزش بازدار

وَاحْفِظْنا فيهِ مِنْ مُباشِرَةِ مَعْصِيَتِكَ، وَ اوْزِعْنا فيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبِسْنا

و از ارتكاب گناهان حفظ كن، و در اين ماه شكر نعمت‏هايت را قسمتمان كن، و لباس‏

فيهِ جُنَنَ الْعافِيَةِ، وَ اتْمِمْ عَلَيْنا بِاسْتِكْمالِ طاعَتِكَ فيهِ الْمِنَّةَ، انَّكَ انْتَ‏

عافيت بر انداممان بپوشان، و با نهايت بندگى براى تو نعمتت را بر ما در اين ماه تمام كن، زيرا كه تو

الْمَنَّانُ الْحَميدُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ و الِهِ الطَيِّبينَ الطَّاهِرينَ.

بسيار نعمت‏بخش و ستوده‏اى، و درود خدا بر محمّد و خاندان پاك و پاكيزه‏اش باد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 597

2- خواندن هفت بار سوره «حمد».[[693]](#footnote-693) 3- خواندن نماز اوّل ماه در روز اوّل، و آن دو ركعت است، در ركعت اوّل بعد از «حمد»، سى مرتبه «قل هو اللَّه احد» مى‏خواند (به عدد روزهاى ماه) و در ركعت دوم سى مرتبه «انّا انزلناه»، و بعد از نماز صدقه‏اى در راه خدا مى‏دهد؛ (و اگر مستحقّى حاضر نيست، براى او كنار بگذارد) در بعضى از روايات اسلامى آمده است، هر كس چنين كند، سلامت خود را در آن ماه از خداوند متعال گرفته است.[[694]](#footnote-694) در بعضى از احاديث آمده است: بعد از نماز، اين دعا را (كه پرمعنا و پربركت و مشتمل بر آيات گرانبها و مناسبى از قرآن مجيد است) بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، وَ ما مِنْ دابَّةٍ فِى الْأرْضِ إلَّاعَلَى اللَّهِ رِزْقُها،

به نام خداوند بخشنده مهربان، و هيچ جنبنده‏اى در زمين نيست مگر اين‏كه روزىِ او بر خداست‏

وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها، كُلٌّ فِي كِتابٍ مُبينٍ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ‏

و او قرارگاه و محلّ نقل و انتقالشان را مى‏داند، همه اينها در كتاب مبين (لوح محفوظ) ثبت است، به نام خداوند بخشنده‏

الرَّحيمِ، وَ انْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ إلّاهُوَ، وَ انْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ

مهربان، و اگر خداوند (براى امتحان و مانند آن) زيانى به تو رساند هيچ‏كس جز او نمى‏تواند آن را برطرف كند و اگر اراده خيرى‏

فَلا رادَّ لِفَضْلِهِ، يُصيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ، وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ. بِسْمِ‏

براى تو كند هيچ‏كس مانع فضل او نخواهد شد، آن را به هر كس از بندگانش بخواهد مى‏رساند و او آمرزنده و مهربان است، به نام‏

اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً، ما شآءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إلَّا

خداوند بخشنده مهربان، خداوند به زودى بعد از سختى‏ها آسانى قرار مى‏دهد، آنچه خدا بخواهد (همان خواهد شد و) توان و نيرويى جز

بِاللَّهِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكيلُ، وَ افَوِّضُ امْري إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصيرٌ

براى خدا نيست، خدا ما را بس است و او بهترين حامى ماست، و من كار خود را به خدا وا مى‏گذارم كه خداوند نسبت به بندگانش‏

بِالْعِبادِ، لا الهَ إلَّاانْتَ، سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمينَ، رَبِّ إِنّي لِما

بيناست، جز تو معبودى نيست منزّهى تو، و من از ستمكاران بودم، پروردگارا به هر

انْزَلْتَ الَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقيرٌ، رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً، وَ انْتَ خَيْرُ الْوارِثينَ.[[695]](#footnote-695)

خير و نيكى كه تو بر من فرو فرستى نيازمندم، پروردگارا مرا تنها نگذار و تو بهترين وارثانى.

4- از امورى كه بر آن تأكيد شده است، سه روز روزه گرفتن در هر ماه است. مرحوم «علّامه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 598

مجلسى» رحمه الله در «زاد المعاد» مى‏گويد: مطابق مشهور، اين سه روز، پنجشنبه اوّل ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اوّل از دهه وسط ماه است.

سنّت است كه همه ماه شعبان را روزه بدارد و در ده ماه ديگر، سه روز آن را، روزه بگيرد. و اگر اين سنّت از او فوت شد، قضاى آن را بجا آورد و حتّى اگر در تابستان انجام آن دشوار باشد، در زمستان قضا نمايد.

در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است: «كسى كه اين سه روز را روزه مى‏گيرد، مراقب باشد، با كسى جدال و تندخويى نكند و اگر نسبت به او جسارتى شد، درگذرد. و اگر در اين ايّام روزه باشد و به منزل برادر مؤمنى رفت و از او خواسته شد كه افطار كند، اجابت دعوت مؤمن و افطار كردن، هفتاد برابر برتر است از روزه داشتن».[[696]](#footnote-696) به هر حال سه روز روزه گرفتن در هر ماه (به نحوى كه گذشت) پاداش فراوانى دارد و مورد تأكيد قرار گرفته است.

اعمال ويژه هر ماه:

در فرهنگ اسلامى و روايات پيشوايان دين، براى مناسبت‏هاى ماههاى قمرى، آداب و اعمالى نقل شده است كه در اين بخش به آنها پرداخته مى‏شود، و در آغاز به تقويم آن ماه و حوادث مهمّى كه در آن واقع شده است، اشاره مى‏گردد. تا با توجّه به اين روزهاى تاريخى، اعمال مناسب انجام دهند و با يادآورى اين ايّام و تجديد خاطره‏هاى مهمّ تاريخى، از آنها بهره گيرند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 599

فصل اوّل: ماه محرّم‏

تقويم اين ماه:

اوّل محرّم: آغاز سال هجرى قمرى است، گرچه هجرت در ماه ربيع‏الأوّل صورت گرفت؛ ولى به مناسبت آغاز سال، سزاوار است همه مؤمنان به ياد حادثه عظيم هجرت و آثار مهم آن در تاريخ اسلام و فداكارى‏هاى مولاى متّقيان على عليه السلام در ليلة المبيت باشند.

دوم محرّم: روز ورود امام حسين عليه السلام و يارانش به سرزمين كربلا (در سال 61 هجرى قمرى)[[697]](#footnote-697) است كه سرآغاز حماسه‏هاى عظيم عاشوراست.

هفتم محرّم: روز جلوگيرى كردن حرم حسينى عليه السلام از دستيابى به آب است؛ در اين روز دستورى از سوى عبيداللَّه بن زياد براى عمر بن سعد رسيد كه بين حسين عليه السلام و يارانش و آب حايل شوند، تا قطره‏اى از آب فرات ننوشند![[698]](#footnote-698) نهم محرّم‏ (تاسوعا): «شيخ كلينى» از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه آن حضرت فرمود: «روز تاسوعا، روزى است كه امام حسين عليه السلام و يارانش را در كربلا محاصره كردند و دشمنان براى جنگ با آن حضرت اجتماع نمودند، و پسر مرجانه و عمر بن سعد از زيادى لشكر خويش خوشحال شدند، و امام حسين عليه السلام و اصحابش را در آن روز ضعيف شمردند، و يقين كردند كه براى امام حسين عليه السلام ياورى نخواهد آمد و مردم عراق وى را كمك نخواهند كرد؛ آنگاه فرمود:

«بِأبي المُسْتَضْعَفُ الغَريبُ؛

پدرم فداى آن ضعيفِ غريب باد».[[699]](#footnote-699) در اين روز شمر همراه با نامه‏اى از سوى عبيداللَّه بن زياد خطاب به عمر بن سعد وارد كربلا شد كه بر حسين عليه السلام و يارانش سخت بگير! تا تسليم شوند و وادار به بيعت گردند و در صورت امتناع، همه آنها را به قتل برسان. امام حسين عليه السلام حاضر به پذيرش ذلّت بيعت با دشمن نشد؛ ولى از آنان خواست كه آن شب را به وى مهلت دهند، تا به عبادت و دعا و نماز بپردازد، و فردا در معركه نبرد با آنان روبه‏رو خواهد شد.[[700]](#footnote-700) دهم محرّم‏ (عاشورا): روز پرحماسه و فراموش‏نشدنى تاريخ اسلام و تشيّع؛ روز فداكارى، جانبازى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 600

شهادت سرور و سالار شهيدان حضرت اباعبداللَّه الحسين عليه السلام و ياران باوفايش، در سرزمين كربلا (در سال 61 هجرى قمرى) است.

دوازدهم محرّم: روز شهادت امام زين‏العابدين عليه السلام (بنابر روايتى در سال 94 يا 95 هجرى قمرى) است.[[701]](#footnote-701) بيست و پنجم محرّم: روز شهادت امام زين‏العابدين عليه السلام است بنابر روايتى ديگر.[[702]](#footnote-702)

ماه محرّم، ماه حماسه و ماتم:

ماه محرّم، ماه غم و اندوه اهل‏بيت عليهم السلام و شيعيان آنهاست و ماه شهادت و يادآورى دلاورى‏ها و شجاعت‏ها و ايثارهاى سيّدالشّهدا امام حسين عليه السلام و ياران باوفاى او در كربلاست؛ در حديثى از امام على بن موسى الرّضا عليهما السلام آمده است كه فرمود: «هنگامى كه ماه محرّم فرا مى‏رسيد، كسى پدرم را خندان نمى‏ديد و همواره محزون و غمگين بود، تا روز دهم يعنى روز عاشورا؛ آن روز روزِ مصيبت و حزن و اندوه و گريه پدرم بود و مى‏فرمود: امروز روزى است كه حسين عليه السلام شهيد شده است».[[703]](#footnote-703) سزاوار است همه ارادتمندان اهل‏بيت عليهم السلام با تشكيل مجالس سوگوارى، هرچه باشكوهتر در تعظيم اين شعائر بكوشند، و خطباى گرامى فلسفه شهادت آن بزرگواران و آثار مهمّ آن را براى بقاى اسلام و تشيّع، شرح دهند؛ مخصوصاً جوانان و نوجوانان خود را با اين مراسم آشنا كنند و در انجام اين مراسم از آنچه كه مايه وهن مذهب در نظر دوست و دشمن مى‏شود، جدّاً بپرهيزند، و توجّه داشته باشند كه عاشورا و مراسم حسينى است كه اسلام را زنده نگه داشته است، و هر سال خون تازه‏اى در عروق اسلام جارى مى‏سازد، و تا مراسم حسينى، پرشور و پرشكوه برپاست، آسيبى به اسلام نخواهد رسيد.

اعمال ماه محرّم:

1- به هنگام رؤيت هلال محرّم، مستحب است تكبير بگويى و اگر مى‏توانى دعاى مشروحى را كه سيّد در «اقبال‏الاعمال» آورده است، بخوانى.[[704]](#footnote-704) 2- در شب اوّل محرّم صد ركعت نماز بخوان، و در هر ركعت سوره «حمد» و «قل هو اللّه» را مى‏خوانى و هر دو ركعت را به يك سلام پايان مى‏دهى؛ در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است: هر كس اين نمازها را

كليات مفاتيح نوين، ص: 601

بخواند و روز اوّل ماه محرّم را روزه بگيرد، مانند كسى است كه در طول سال بر انجام خير مداومت داشته باشد و تا سال آينده از فتنه‏ها محفوظ خواهد بود. و اگر بميرد وارد بهشت خواهد شد.[[705]](#footnote-705) 3- مطابق روايت ديگرى از رسول خدا صلى الله عليه و آله در شب اوّل محرم دو ركعت نماز مى‏خوانى به اين نحو: در ركعت اوّل سوره «حمد» و سوره «انعام» و در ركعت دوم سوره «حمد» و سوره «يس».[[706]](#footnote-706) علاوه بر اين نمازها، مستحب است نماز اوّل هر ماه نيز خوانده شود كه كيفيّت آن در اعمال مشترك ماهها (صفحه 597) گذشت.

4- در روز اوّل محرّم، روزه گرفتن مستحب است، كه در روايتى امام رضا عليه السلام فرمود: «هر كس اين روز را روزه بگيرد، و حاجت خويش را از خداوند بخواهد، خداوند دعايش را به اجابت خواهد رساند، اين روز همان روزى بود كه حضرت زكريّا در اين روز، از خداوند فرزندى را طلب كرد و خداوند دعايش را به اجابت رساند و يحيى را به وى عنايت فرمود».[[707]](#footnote-707) 5- از امام على بن موسى الرضا عليهما السلام نقل شده است كه رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله روز اوّل محرّم، دو ركعت نماز مى‏خواند و پس از نماز دست‏ها را بلند مى‏كرد و اين دعا را سه مرتبه قرائت مى‏فرمود:

اللهُمَّ انْتَ الْإِلهُ الْقَديمُ، وَ هذِهِ سَنَةٌ جَديدَةٌ، فَاسْئَلُكَ فيهَا الْعِصْمَةَ

خدايا تويى معبود ازلى و اين سالى جديد است، پس در اين سال از تو مى‏خواهم مصونيت‏

مِنَ الشَّيْطانِ، وَ الْقُوَّةَ عَلى‏ هذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ، وَ الْإِشْتِغالَ بِما

از شرّ شيطان را و توانايى بر (مبارزه با) نفسى كه به بدى بر مى‏انگيزد، و انجام دادن آنچه‏

يُقَرِّبُنى‏ الَيْكَ، يا كَريمُ يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، يا

مرا به تو نزديك مى‏كند، اى بخشنده، اى صاحب شكوه و بزرگوارى، اى تكيه گاه كسى كه تكيه گاهى ندارد، اى‏

ذَخيرَةَ مَنْ لا ذَخيرَةَ لَهُ، يا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، يا غِياثَ مَنْ لا غِياثَ‏

ذخيره كسى كه ذخيره‏اى ندارد، اى پناه كسى كه پناهى ندارد، اى فريادرس كسى كه فريادرسى‏

لَهُ، يا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، يا كَنْزَ مَنْ لا كَنْزَ لَهُ، يا حَسَنَ الْبَلاءِ، يا عَظيمَ‏

ندارد، اى پشتيبان كسى كه پشتيبانى ندارد، اى گنج كسى كه گنجينه‏اى ندارد، اى صاحب آزمايش‏هاى نيكو، اى صاحب‏

الرَّجآءِ، يا عِزَّ الضُّعَفآءِ، يا مُنْقِذَ الْغَرْقى، يا مُنْجِىَ الْهَلْكى، يا مُنْعِمُ يا

اميد بزرگ، اى عزّت‏بخش ضعيفان، اى نجات دهنده غريقان، اى رهاننده محكومان به فنا، اى نعمت دهنده، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 602

مُجْمِلُ، يا مُفْضِلُ يا مُحْسِنُ، انْتَ الَّذى‏ سَجَدَ لَكَ سَوادُ اللَّيْلِ وَنُورُ

زيبايى‏بخش، اى فضيلت دهنده، اى نيكوكار، تويى آن كه تاريكى شب و روشنايى روز

النَّهارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ، وَدَوِىُّ الْمآءِ وَحَفيفُ الشَّجَرِ، يا

و نور ماه و پرتو خورشيد و صداى آب و به هم خوردن درختان در برابرت فروتن گشته، اى‏

اللَّهُ لا شَريكَ لَكَ، اللهُمَّ اجْعَلْنا خَيْراً مِمَّا يَظُنُّونَ، وَاغْفِرْلَنا ما لا

خدا شريكى براى تو نيست، خدايا ما را بهتر از آنچه كه ديگران مى‏پندارند قرار ده و آنچه از ما نمى‏دانند

يَعْلَمُونَ، وَلا تُؤاخِذْنا بِما يَقُولُونَ، حَسْبِىَ اللَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، عَلَيْهِ‏

بيامرز و به آنچه مى‏گويند ما را مؤاخذه مكن، خداوند براى من كافى است، معبودى جز او نيست، بر او

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، امَنَّا بِهِ، كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا، وَما يَذَّكَّرُ الَّا

توكّل مى‏كنم و او پروردگار عرش با عظمت است، به او ايمان داريم، تمام امور از جانب پروردگار ماست، و جز خردمندان‏

اولُوا الْأَلْبابِ، رَبَّنا لاتُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ‏

متذكر نمى‏شوند، پروردگارا دلهايمان را بعد از آن كه ما را هدايت كردى (از راه حق) منحرف مگردان و از سوى خودت‏

رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ.[[708]](#footnote-708)

رحمتى بر ما ببخش، زيرا تويى بخشنده.

6- مرحوم «شيخ طوسى» فرموده است كه مستحب است دهه اوّل محرّم را روزه بگيرد؛ ولى در روز عاشورا از غذا و آب امساك نمايد، امّا روزه نگيرد، و چون وقتِ عصر فرا رسيد، به مقدار كمى، تربت تناول نمايد (زيرا روزه گرفتن در اين روز شيوه بنى‏اميّه بود كه به شكرانه جريان كربلا، روزه مى‏گرفتند!).[[709]](#footnote-709)

اعمال شب عاشورا:

براى شب عاشورا، دعا و نمازهاى بسيارى نقل شده است كه برخى از آنها به اين شرح است:

1- احياى شب عاشورا؛ در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است كه «هر كس شب عاشورا را بيدار بماند (و به عبادت بپردازد)؛ گويا عبادت فرشتگان را انجام داده است ...».[[710]](#footnote-710) 2- پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: در شب عاشورا، چهار ركعت نماز مى‏گذارى و در هر ركعت يك مرتبه «حمد» و پنجاه مرتبه سوره «توحيد» را مى‏خوانى وقتى كه در ركعت چهارم سلام نماز را گفتى، ذكر خدا را

كليات مفاتيح نوين، ص: 603

بسيار بگو و بر رسول خدا صلى الله عليه و آله صلوات بفرست و تا مقدارى كه ممكن است بر دشمنان اهل بيت عليهم السلام لعنت كن.[[711]](#footnote-711) 3- صد ركعت نماز بجا مى‏آورى، هر دو ركعت با يك سلام، كه در هر ركعت يك مرتبه «حمد» و سه بار سوره «توحيد» را مى‏خوانى و پس از پايان اين نمازها، هفتاد بار مى‏گويى:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إلهَ إلَّااللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلَّابِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظِيمِ.

رسول‏خدا صلى الله عليه و آله فرمود: كسى كه اين نماز را بخواند- از مردان و زنان- وقتى كه بميرد، خداوند قبرش را معطّر و خوشبو مى‏كند و هر روز- تا هنگام دميدن صور- نورى وارد قبرش مى‏شود ....[[712]](#footnote-712)

اعمال روز عاشورا:

مى‏دانيم روز عاشورا كه روز شهادت امام حسين عليه السلام و ياران باوفاى اوست، روز اندوه و غم و مصيبت ائمّه اطهار عليهم السلام و شيعيان آنها مى‏باشد، و بر انجام اعمال و رعايت امورى در اين روز تأكيد شده است، مانند:

1- شايسته است شيعيان در اين روز دست از كسب و كار بكشند و نيازهاى خانه را امروز تهيّه و ذخيره نكنند و به عزادارى و نوحه‏سرايى بپردازند و همچون كسانى كه عزيزترين افراد خويش را از دست داده‏اند، غم‏زده و اندوهگين باشند.

امام على بن موسى الرّضا عليه السلام فرمود: هر كس در روز عاشورا، دست از تلاش براى دنيا بردارد، خداوند حاجت‏هاى دنيوى و اخروى او را برآورده مى‏سازد، و هر كس كه روز عاشورا، روز اندوه و غم و گريه‏اش باشد، خداوند روز قيامت را روز سرور و شادى او قرار دهد و در بهشت با ديدار ما، چشمش روشن مى‏شود، و هر كس كه روز عاشورا را براى خود روز بركت بداند و در آن روز براى منزل خويش اموالى را ذخيره سازد، آن اموال براى او بركتى نخواهد داشت.[[713]](#footnote-713) (البته كسانى كه با مسائل بسيار ضرورى مردم سر و كار دارند مانند اطباى كشيك و امثال آنها از اين امر مستثنا هستند).

در روايت ديگرى ابن عبّاس مى‏گويد: در منطقه «ذيقار» خدمت امير مؤمنان عليه السلام رسيدم، صحيفه و نوشته‏اى را بيرون آورد كه به خط مبارك او و املاى رسول خدا صلى الله عليه و آله بود. امام عليه السلام آن صحيفه را بر من خواند

كليات مفاتيح نوين، ص: 604

كه در آن نوشته بود، امام حسين عليه السلام چگونه شهيد مى‏شود و چه كسى او را مى‏كشد و چه كسانى وى را يارى مى‏كنند و چه كسانى با وى به شهادت مى‏رسند، امام عليه السلام وقتى آن را خواند گريه شديدى نمود و من هم گريان شدم.[[714]](#footnote-714) همچنين در اين روز از لعن و بيزارى جستن از قاتلان آن حضرت غافل نشوند و بر اين امر تأكيد كنند.

2- امام باقر عليه السلام فرمود: شيعيان در اين روز به يكديگر تسليت بگويند و چه بهتر كه با اين جمله‏ها باشد:

عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ جَعَلَنا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ‏

خداوند پاداش ما را در مصيبت امام حسين- كه درود خدا بر او باد- عظيم گرداند، و ما و شما را از

الطَّالِبِينَ بِثارِهِ، مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[[715]](#footnote-715)

خونخواهانش به همراه وليّش امام مهدى از خاندان محمّد- كه درود خدا بر ايشان باد- قرار دهد.

3- مرحوم «ابن قولويه» رحمه الله مطابق روايتى مى‏گويد: كسى كه در روز عاشورا كنار قبر امام حسين عليه السلام باشد و زائران را (كمك كند و) آب دهد، مانند كسى است كه لشكر آن حضرت را سيراب كرده باشد و گويا با آن حضرت در كربلا حاضر بوده است.[[716]](#footnote-716) 4- هزار مرتبه بر قاتلان آن حضرت لعنت كند و بگويد:

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام.[[717]](#footnote-717)

5- خواندن هزار مرتبه سوره «توحيد» در اين روز فضيلت فراوانى دارد.

امام صادق عليه السلام فرموده است: هر كس در روز عاشورا هزار مرتبه سوره «توحيد» را بخواند، خداوندِ رحمان به وى نظر (رحمت) افكند و هر كس را كه خداوندِ رحمان (با ديده رحمت) نظر كند، وى را مجازات نخواهد كرد.[[718]](#footnote-718) 6- در روز عاشورا شايسته است كه از خوردن و آشاميدن- بدون قصد روزه- خوددارى نمايند تا اين‏كه وقت عصر فرا رسد و از غذا و آب مختصرى (كه مصيبت‏زدگان استفاده مى‏كنند)، تناول نمايند.[[719]](#footnote-719) مرحوم «علّامه مجلسى» در كتاب «زاد المعاد» گفته است كه بهتر است روز نهم و دهم ماه محرّم را روزه نگيرند، زيرا بنى‏اميّه اين دو روز را براى بركت و شكر بر قتل امام حسين عليه السلام (به عنوان ظاهرسازى) روزه مى‏گرفتند؛ از طريق اهل‏بيت عليهم السلام احاديث فراوانى در مذمّت روزه اين دو روز، مخصوصاً روزه روز

كليات مفاتيح نوين، ص: 605

عاشورا نقل شده است.

همچنين در اين روز، از مزاح و خنده و ديگر سرگرمى‏هاى مسرّت‏بخش دنيوى خوددارى نمايند.[[720]](#footnote-720) 7- سزاوار است هنگام غروب روز عاشورا، به ياد مصائب فرزندان و اطفال و زنان حرم امام حسين عليه السلام باشند، زيرا آن هنگام از سخت‏ترين لحظات حرم آل پيامبر صلى الله عليه و آله بود. دشمنان سرمست از باده پيروزى، و اجساد شهيدان روى خاك كربلا، و زنان و كودكان نالان و گريان و پريشان بودند؛ در همان زمان دستور غارت و آتش زدن خيمه‏ها صادر شد. اطفال يتيم، زنان بى‏سرپرست و كودكان تشنه، هر كدام به سويى مى‏دويدند و در آن ميان، زينب و زين‏العابدين و امّ كلثوم عليهم السلام پناهگاه اين مصيبت‏ديدگان بودند و همه غم‏ها را به دل و جان مى‏خريدند و همه دشوارى‏ها را بر خويش هموار مى‏ساختند، تا ديگران را آرام كنند.

در آن غروب، مصائبى بر خاندان رسول اللَّه صلى الله عليه و آله رفت كه قابل تصوّر نيست و اندوهى بر آنان فرود آمد كه قابل بيان كردن نمى‏باشد؛ مصائبى كه اشك‏ها را از ديده‏ها سرازير مى‏سازد و اعماق روح و جان را آزار مى‏دهد.

8- سزاوار است عاشقان و علاقه‏مندان مكتب سالار شهيدان امام حسين عليه السلام در روز عاشورا برخيزند و بر رسول خدا و علىّ مرتضى و فاطمه زهرا و حسن مجتبى و ساير امامان از ذريّه آن حضرت عليهم السلام سلام كنند و آنان را در اين مصيبت‏هاى بزرگ، با دلى سوزان و اشكى روان تسليت گويند و اين زيارت را بخوانند:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ادَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِىِ‏

سلام بر تو اى وارث آدم برگزيده خدا، سلام بر تو اى وارث نوح پيامبر

اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ابْراهيمَ خَليلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ‏

خدا، سلام بر تو اى وارث ابراهيم خليل خدا، سلام بر تو اى وارث‏

مُوسى‏ كَليمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى‏ رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

موسى هم‏صحبت خدا، سلام بر تو اى وارث عيسى روح خدا، سلام بر تو

يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِىٍّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ،

اى وارث محمّد حبيب خدا، سلام بر تو اى وارث اميرمؤمنان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهيدِ سِبْطِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

سلام بر تو اى وارث امام حسن شهيد و نوه پيامبر خدا، سلام بر تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 606

يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْبَشيرِ النَّذيرِ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ،

اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند بشارت‏دهنده بيم‏دهنده، و فرزند آقا و سرور جانشينان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا

سلام بر تو اى فرزند فاطمه سرور بانوان جهانيان، سلام بر تو اى ابا

عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ‏

عبداللَّه، سلام بر تو اى برگزيده خدا و فرزند برگزيده خدا، سلام بر تو اى فرزند كسى‏

وَابْنَ ثارِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْإِمامُ‏

كه خونخواهتان خداست، سلام بر تو اى يگانه‏اى كه انتقام خونش گرفته نشده است، سلام بر تو اى امام‏

الْهادِى الزَّكِىُّ، وَعَلَى الْارْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنآئِكَ، وَ اقامَتْ فى‏ جِوارِكَ،

هدايتگر پاك، و بر ارواحى كه بر آستانت وارد شده، و در جوار تو اقامت گزيده‏اند

وَ وَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ مِنِّى‏ ما بَقيتُ وَ بَقِىَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ،

و به همراه زائرانت آمده‏اند، سلام بر تو از جانب من مادامى كه زنده‏ام و شب و روز باقيست‏

فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ، وَ جَلَّ الْمُصابُ فِى الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُسْلِمينَ،

پس به يقين داغ تو سوزناك و مصيبت تو بر مؤمنان و مسلمانان‏

وَفى‏ اهْلِ السَّمواتِ اجْمَعينَ، وَ فى‏ سُكانِ الْأَرَضينَ، فَانَّا للَّهِ وَانَّا الَيْهِ‏

و تمامى اهل آسمانها و ساكنان زمين بزرگ است، پس ما از خداييم و به سوى او

راجِعُونَ، وَ صَلَواتُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ وَ عَلى‏ ابآئِكَ‏

باز مى‏گرديم، و درود و بركات و سلام‏هاى خداوند بر تو و پدران‏

الطّاهِرينَ الطَّيِّبينَ الْمُنْتَجَبينَ، وَ عَلى‏ ذَراريهِمُ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ، السَّلامُ‏

پاك و پاكيزه و برگزيده‏ات و بر نسل هدايتگر و هدايت‏يافته‏ات باد، سلام‏

عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ وَ عَلَيْهِمْ، وَ عَلى‏ رُوحِكَ وَ عَلى‏ ارْواحِهِمْ، وَ عَلى‏

بر تو اى مولاى من و بر آنان و بر روح تو و بر ارواح آنان و بر

تُرْبَتِكَ وَ عَلى‏ تُرْبَتِهِمْ، اللهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَ رِضْواناً وَ رَوْحاً وَ رَيْحاناً،

تربت تو و آنان، خدايا رحمت و رضوان و لطف و عنايتت را به آنان برسان،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ، يَا بْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَ يَا بْنَ سَيِّدِ

سلام بر تو اى مولاى من اى اباعبداللَّه، اى فرزند خاتم پيامبران و اى فرزند آقا و سرور

كليات مفاتيح نوين، ص: 607

الْوَصِيّينَ، وَ يَا بْنَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهيدُ يَا بْنَ‏

جانشينان، و اى فرزند سرور بانوان جهانيان، سلام بر تو اى شهيد و اى فرزند

الشَّهيدِ، يا اخَ الشَّهيدِ، يا ابَا الشُّهَدآءِ، اللهُمَّ بَلِّغْهُ عَنّى‏ فى‏ هذِهِ السَّاعَةِ

شهيد، اى برادر شهيد، اى پدر شهيدان، خدايا در اين ساعت‏

وَ فى‏ هذَا الْيَوْمِ، وَ فى‏ هذَا الْوَقْتِ وَ فى‏ كُلِّ وَقْتٍ، تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً،

و در اين روز و در اين زمان و هر زمان ديگر درود و سلام فراوان مرا به او برسان،

سَلامُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ يَا بْنَ سَيِّدِ الْعالَمينَ، وَ عَلَى‏

سلام خدا و رحمت و بركاتش بر تو اى فرزند سرور جهانيان و بر

الْمُسْتَشْهَدينَ مَعَكَ سَلاماً مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ، السَّلامُ عَلَى‏

شهيدان همراهت باد، سلامى پيوسته مادامى كه شب و روز در كنار هم باقيست، سلام بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، السَّلامُ‏

حسين بن على شهيد (در راه خدا)، سلام بر على بن حسين شهيد (در راه خدا)، سلام‏

عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ اميرِ الْمُؤْمِنينَ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَى الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ

بر عباس فرزند اميرمؤمنان شهيد (در راه خدا)، سلام بر شهيدان از فرزندان‏

امِيرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَى الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ، السَّلامُ عَلَى‏

اميرمؤمنان، سلام بر شهيدان از فرزندان حسن، سلام بر

الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلَى الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَ عَقيلٍ،

شهيدان از فرزندان حسين، سلام بر شهيدان از فرزندان جعفر و عقيل،

السَّلامُ عَلى‏ كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

سلام بر تمامى مؤمنان شهيد همراه آنان، خدايا بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْهُمْ عَنّى‏ تَحِيَّةً كَثيرَةً وَ سَلاماً، السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ‏

و خاندان محمّد درود فرست و سلام و درود فراوان مرا به آنان برسان، سلام بر تو اى رسول‏

اللَّهِ، احْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزآءَ فى‏ وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ،

خدا، خداوند در عزاى فرزندت حسين به نيكوترين وجه تسلّايت دهد، سلام بر تو اى فاطمه،

احْسَنَ اللَّهُ لَكِ الْعَزآءَ فى‏ وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اميرَ

خداوند در عزاى فرزندت حسين به بهترين وجه تسلّايت دهد، سلام بر تو اى امير

كليات مفاتيح نوين، ص: 608

الْمُؤْمِنينَ، احْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزآءَ فِى وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابا

مؤمنان، خداوند در عزاى فرزندت حسين به نيكوترين وجه تسلّايت دهد، سلام بر تو اى ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، احْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزآءَ فى‏ اخيكَ الْحُسَيْنِ، يا مَوْلاىَ يا ابا

محمد امام حسن، خداوند در عزاى برادرت حسين به بهترين وجه تسلّايت دهد، اى مولاى من اى ابا

عَبْدِاللَّهِ، انَا ضَيْفُ اللَّهِ وَضَيْفُكَ، وَجارُ اللَّهِ وَجارُكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجارٍ

عبداللَّه، من ميهمان خدا و ميهمان توام، و همجوار خدا و همجوار توام و براى هر ميهمانى و همجوارى‏

قِرىً، وَقِراىَ فى‏ هذَا الْوَقْتِ انْ تَسْئَلَ اللَّهَ سُبْحانَهُ وَتَعالى‏، انْ يَرْزُقَنى‏

حقّ پذيرايى است و حقّ پذيراييم در اين وقت اين باشد كه از خداوند پاك و منزّه و برتر بخواهى كه‏

فَكاكَ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، انَّهُ سَميعُ الدُّعآءِ، قَريبٌ مُجيبٌ.[[721]](#footnote-721)

آزادى از آتش دوزخ را روزيم گرداند، زيرا كه او شنواى دعا و نزديك و اجابت‏كننده است.

9- خواندن زيارت امام حسين عليه السلام معروف به «زيارت عاشورا» در اين روز ثواب فراوانى دارد.

اين زيارت را مى‏توان از راه دور يا نزديك خواند و بسيار بافضيلت و يكى از كيمياهاى سعادت است و در بخش زيارات تحت عنوان «زيارت عاشورا» گذشت (صفحه 392).

كليات مفاتيح نوين، ص: 609

فصل دوم: ماه صفر

تقويم اين ماه:

اوّل ماه صفر: آغاز جنگ صفّين، مطابق نقل مورّخان در سال 37 هجرى است.[[722]](#footnote-722) جنگ صفّين از سوى اميرمؤمنان عليه السلام و لشكريانش، در برابر معاويه و سپاه غارتگر شام، آغاز شد و مدّت 110 روز طول كشيد،[[723]](#footnote-723) و در آستانه شكست لشكر شام، عمرو عاص خدعه‏اى به كار زد و قرآن‏ها را بر سر نيزه كردند و داستان تأسّف‏بار حكمين پيش آمد.[[724]](#footnote-724) همچنين در اين روز در سال 61 هجرى (بنا بر روايتى) سرِ مبارك حضرت سيّدالشّهدا عليه السلام را همراه كاروان اهل‏بيت عليهم السلام وارد شهر شام كردند.[[725]](#footnote-725) دوم ماه صفر: روز شهادت زيد بن على بن الحسين عليه السلام پس از قيام بر ضدّ بنى‏اميّه در سال 120 هجرى است؛ وى به هنگام شهادت 42 سال داشت.[[726]](#footnote-726) هفتم ماه صفر: بنا بر نقل شيخ مفيد و كفعمى، روز شهادت امام حسن مجتبى عليه السلام است.[[727]](#footnote-727) همچنين ولادت امام كاظم عليه السلام طبق روايتى در سال 128، در اين روز در منطقه «ابواء» (محلّى ميان مكّه و مدينه) واقع شده است.[[728]](#footnote-728) اين روز از جهتى روز حزن و از جهتى روز سرور است.

بيستم ماه صفر: روز اربعين امام حسين عليه السلام است؛ بنابر نقل جمعى از بزرگان مانند شيخ مفيد، شيخ طوسى و كفعمى، جابر بن عبداللَّه انصارى در اين روز براى زيارت امام حسين عليه السلام به كربلا آمد و همين روز، روزى است كه اهل‏بيت امام حسين عليه السلام طبق روايتى از شام به مدينه آمدند.[[729]](#footnote-729) ولى در ارتباط با آمدن اهل‏بيت حسينى عليه السلام در روز اربعين به كربلا ميان مورّخان گفتگوست؛ مرحوم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 610

حاج شيخ عبّاس قمى در «منتهى الآمال» از سيّد بن طاووس نقل مى‏كند كه اهل‏بيت حرم حسينى عليه السلام در مسير بازگشت به مدينه، نخست به كربلا آمدند و زمانى به آنجا رسيدند كه جابربن عبداللَّه انصارى و گروهى از بنى‏هاشم به زيارت امام حسين و يارانش آمده بودند (و با توجه به اينكه جابر در بيستم صفر به كربلا آمد، بنابراين اهل‏بيت نيز ورودشان به كربلا همان روز بود).

اما مرحوم حاج شيخ عباس قمى با توجه به نقل ديگر مورّخان و قرائن و شواهد ديگر، ورود اهل‏بيت عليهم السلام را در بيستم صفر (اربعين حسينى) به كربلا بسيار بعيد مى‏داند و از شيخ مفيد و شيخ طوسى نقل مى‏كند كه اهل‏بيت عليهم السلام روز بيستم صفر از شام به مدينه مراجعت كردند.[[730]](#footnote-730) بيست و هشتم ماه صفر: در چنين روزى، در سال يازدهم هجرى، رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله وفات يافت و همه مورّخان اتّفاق دارند كه روز وفات آن حضرت، روز دوشنبه بود و آن حضرت به هنگام وفات شصت و سه سال از عمر مباركشان مى‏گذشت.

رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله در سنّ چهل سالگى به رسالت مبعوث شد و سپس سيزده سال در مكّه مردم را به توحيد و خداپرستى دعوت كرد و در سنّ پنجاه و سه سالگى به مدينه هجرت نمود و ده سال نيز در مدينه- با تشكيل حكومت اسلامى و با تلاش پى‏گير و مستمرّ- به مبارزه با شرك و كفر و ظلم و ستم پرداخت؛ در اين مدّت، مردم زيادى از مناطق مختلف به آن حضرت ايمان آوردند و اسلام روز به روز گسترش يافت، تا آن كه در 28 صفر سال يازدهم از اين جهان رحلت فرمود.

حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام، آن حضرت را غسل داده و كفن نمود و بر آن حضرت نماز گزارد و آنگاه مردم گروه گروه بر پيكر شريفش نماز گزاردند و سپس على عليه السلام آن حضرت را در حجره‏اش در همان محلّى كه از دنيا رفته بود دفن فرمود.[[731]](#footnote-731) از «انس بن مالك» روايت شده است كه وقتى رسول خدا صلى الله عليه و آله را به خاك سپرديم، حضرت فاطمه عليها السلام به سوى من آمد و گفت: اى انس! چگونه راضى شديد كه خاك بر چهره رسول خدا بريزيد، آنگاه گريست.[[732]](#footnote-732) و مطابق نقل ديگرى، آن حضرت مقدارى از خاك قبر پدر گراميش را برداشت و بر ديدگانش نهاد و گفت:

كليات مفاتيح نوين، ص: 611

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ماذا عَلَى الْمُشْتَمِّ تُرْبَةَ احْمَدَ |  | انْ لا يَشُمَّ مَدَى الزَّمانِ غَوالِيا |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بر چه ملامت شود كسى كه تربت پاك احمد را ببويد |  | ولى هرگز در طول عمرش عطر ديگرى نبويد؟! |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| صُبَّتْ عَلىَّ مَصآئِبُ لَوْ انَّها |  | صُبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيالِيا[[733]](#footnote-733) |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مصيبتهايى بر من وارد شد كه اگر |  | بر روزهاى روشن وارد مى‏شد همچون شب‏هاى سياه و ظلمانى مى‏گشت‏ |
|  |  |  |

همچنين بنا بر نقل جمعى از علما و مورّخان، روز بيست و هشتم صفر سال 50 هجرى، روز شهادت امام حسن مجتبى عليه السلام است و اين روايت بيشتر در ميان شيعيان مشهور است تا روايت هفتم ماه صفر.[[734]](#footnote-734) روز آخر ماه صفر: بنا بر قول «شيخ طبرسى» و «ابن اثير» آخر ماه صفر سال 203 هجرى، روز شهادت امام رضا عليه السلام است كه در سنّ پنجاه و پنج سالگى، توسّط مأمون عبّاسى مسموم شده و به فيض شهادت نائل آمدند.[[735]](#footnote-735)

دهه آخر صفر، دهه غم و اندوه:

اين ماه نيز يادآورِ فداكارى‏ها و جانبازى‏هاى امام حسين عليه السلام و يارانش مى‏باشد؛ ماه ادامه اسارتِ اهل‏بيت عليهم السلام و ورود آنها (مطابق روايتى) به شام است.

شام بر اثر خطبه‏هاى امام سجّاد و زينب كبرى عليهما السلام به كلّى دگرگون گرديد و از همان جا بذرِ انقلاب بر ضدِّ بنى‏اميّه پاشيده شد؛ و در نتيجه همين خطبه‏ها، بنى‏اميّه در تمام جهان اسلام رسوا گشت و خطرى كه از سوى آنان اسلام و قرآن را تهديد مى‏كرد، به بركت خون‏هاى شهيدان و خطابه‏هاى پيام‏آورانِ عاشورا، دفع شد.

علاوه بر اين، ماه صفر چنان كه گفتيم يادآور ضايعه بزرگ و مصيبت عظمى‏، يعنى رحلت پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله و شهادت فرزندانِ گراميش امام حسن مجتبى و امام على بن موسى الرّضا عليهما السلام است؛ آميخته شدنِ خاطره اربعين حسينى با خاطره جانكاهِ اين مصايبِ بزرگ، دهه آخر ماه صفر را، دهه اندوه و غم براى پيروان مكتب اهل‏بيت عليهم السلام ساخته است.

ولى از آن‏جا كه اين ايّام ماتم و غم، سبب مرورى مجدّد، بر تاريخ زندگانى آن بزرگواران و تلاش‏ها، شهامت‏ها و فداكارى‏هاى آنان است، ماهى است پر از شور و عشق و اخلاص و فداكارى؛ به همين دليل، تاريخ نشان داده است كه بسيارى از توطئه‏هاى دشمنانِ اسلام، به بركت شورى كه در جلسات و دسته‏جاتِ سوگوارىِ آن بزرگواران در اين ماه ايجاد شده، درهم شكسته و خنثى گرديده است، كه اين خود موهبت بزرگى است، و بايد هميشه آن را ارج نهاد و از آن پاسدارى كرد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 612

اعمالِ ماهِ صفر:

1- «سيّد بن طاووس» نقل كرده است: در روز سوم ماه صفر، دو ركعت نماز بخوان كه در ركعت اوّل سوره «حمد» و سوره «انّا فتحنا» (فتح) و در ركعت دوم سوره «حمد» و سوره «توحيد» قرائت شود و پس از سلام نماز، صد بار صلوات بفرست و صد بار آل ابى‏سفيان را لعنت كن و صد مرتبه استغفار نما و آنگاه حاجت خويش را از خداوند بخواه. (ان‏شاء اللَّه به هدف اجابت مى‏رسد).[[736]](#footnote-736) 2- در روز اربعين (بيستم ماه صفر) زيارت امام حسين عليه السلام مستحبّ است و مورد تأكيد قرار گرفته. در روايتى كه «شيخ طوسى» از امام حسن عسكرى عليه السلام نقل كرده، چنين آمده است: نشانه‏هاى مؤمن پنج چيز است: به جاى آوردن پنجاه و يك ركعت نماز (17 ركعت نماز واجب و 34 ركعت نافله) و زيارت اربعين (امام حسين عليه السلام) و انگشتر را بر دستِ راست نهادن، و پيشانى را به هنگام سجده بر خاك گذاردن و بسم اللَّه الرّحمن الرّحيم را در نماز بلند گفتن.[[737]](#footnote-737) زيارت مخصوصى براى اربعين از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه در بخش زيارات (صفحه 400) گذشت.

كليات مفاتيح نوين، ص: 613

فصل سوم: ماه ربيع‏الأوّل‏

تقويم اين ماه:

شب اوّل: اين شب به نام «ليلة المبيت» مزيّن است، در اين شب يك حادثه مهمّ تاريخى واقع شد و آن اين كه در سال سيزدهم بعثت، رسول خدا صلى الله عليه و آله از مكّه به قصد هجرت به سوى مدينه، از شهر خارج شد و در «غار ثور» پنهان گرديد و امير مؤمنان على عليه السلام براى اغفال دشمنان، فداكارانه در بستر رسول خدا صلى الله عليه و آله خوابيد و مشركان قريش كه خانه رسول خدا صلى الله عليه و آله را محاصره كرده بودند، به گمان آن‏كه رسول خدا صلى الله عليه و آله در بسترش آرميده است، تا صبح منتظر ماندند و چون صبحگاهان با شمشيرهاى برهنه به منزل آن حضرت هجوم بردند تا رسول اللَّه صلى الله عليه و آله را بكشند، على عليه السلام را ديدند كه از آن بستر برخاست! بدين سان، رسول خدا صلى الله عليه و آله در فرصتى مناسب خود را از چنگال مشركان قريش نجات داد و على عليه السلام نيز با اين فداكارى، عشق و علاقه و برادرى خود را نسبت به رسول خدا صلى الله عليه و آله نشان داد؛ اين در حالى بود كه هر زمان ممكن بود كسى را كه در بستر خوابيده به قتل برسانند.

آيه شريفه‏

« «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ»؛

بعضى از مردمِ (با ايمان و فداكار) جان خود را در برابر خشنودى خدا مى‏فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است»[[738]](#footnote-738) در حقّ آن حضرت نازل شد.[[739]](#footnote-739) سال هجرت رسول‏خدا صلى الله عليه و آله مبدأ تاريخ مسلمانان است و تحوّلى عظيم در جهان اسلام روى داد.

روز هشتم: در روز هشتم ربيع‏الأوّل، سال 260، شهادت امام حسن عسكرى عليه السلام طبق روايتى واقع شده است و از همان روز، امامت حضرت صاحب‏الزّمان، حجّة بن الحسن- عجّل اللَّه تعالى فرجه الشريف- آغاز گرديد.[[740]](#footnote-740) روز دهم: روز ازدواج رسول خدا صلى الله عليه و آله با حضرت خديجه كبرى عليها السلام است در حالى كه رسول خدا صلى الله عليه و آله 25 ساله بود و حضرت خديجه عليها السلام 40 ساله. به همين مناسبت روزه اين روز به عنوان شكرگزارى مستحب شمرده شده است.[[741]](#footnote-741)

كليات مفاتيح نوين، ص: 614

روز دوازدهم: اين روز مطابق نظر مرحوم شيخ كلينى و مسعودى و همچنين مشهور ميان اهل سنّت، روز ولادت با سعادت نبىّ مكرّم اسلام صلى الله عليه و آله است.[[742]](#footnote-742) همچنين در اين روز، رسول خدا صلى الله عليه و آله بعد از 12 روز كه مسير راه ميان مكّه و مدينه را پيمود وارد مدينه گرديد.[[743]](#footnote-743) و نيز روز انقراض دولت بنى‏مروان در سال 132 است.[[744]](#footnote-744) روز چهاردهم: در سال 64 در چنين روزى، يزيد بن معاويه به هلاكت رسيد.[[745]](#footnote-745) وى پس از سه سال و نُه ماه خلافت كه همراه با جنايات عظيمى بود- كه مهمترين آن واقعه كربلا و شهادت ابى‏عبداللَّه الحسين عليه السلام و يارانش مى‏باشد- در سنّ سى و هفت سالگى در منطقه «حوران» زندگى ننگينش به پايان رسيد؛ جنازه‏اش را در دمشق دفن كردند؛ ولى اكنون اثرى از او نيست.[[746]](#footnote-746) شب هفدهم: طبق روايات مشهور شيعه، شب ولادت حضرت خاتم‏الانبيا، رسول معظّم اسلام صلى الله عليه و آله است و شب بسيار مباركى است.[[747]](#footnote-747) همچنين يكسال قبل از هجرت رسول‏خدا صلى الله عليه و آله، در چنين شبى معراج آن حضرت صورت گرفت.[[748]](#footnote-748) روز هفدهم: همان گونه كه گفتيم مشهور ميان علماى اماميّه آن است كه روز هفدهم ربيع‏الأوّل، روز ولادت با سعادت رسول خدا حضرت محمّد بن عبداللَّه صلى الله عليه و آله است و معروف آن است كه ولادتش در مكّه معظّمه، واقع شده است، و زمان ولادتش هنگام طلوع فجر، روز جمعه، سنه عام الفيل بوده است.[[749]](#footnote-749) (عام الفيل سالى است كه ابرهه با لشكرش كه بر فيل سوار بودند به قصد تخريب كعبه آمد، ولى همگى نابود شدند).

همچنين در چنين روزى در سال 83 هجرى قمرى، ولادت امام صادق عليه السلام واقع شده است و از اين جهت نيز بر اهمّيّت اين روز افزوده شده است.[[750]](#footnote-750) ماه ربيع‏الأوّل گرچه آغاز آن آميخته با خاطره غم‏انگيز و اندوهبار شهادت امام حسن عسكرى عليه السلام است، ولى از آن‏جا كه ميلاد مبارك حضرت ختمى مرتبت رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله مطابق روايت معروف، در هفدهم اين ماه و طبق روايت غيرمعروف، در دوازدهم آن واقع شده و ميلاد حضرت صادق عليه السلام نيز در هفدهم اين ماه است، ماه شادى و جشن و سرور است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 615

از آن‏جا كه هجرت پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله كه سرچشمه دگرگونىِ عميق در جهانِ اسلام و عزّت و شوكت مسلمين شد، و همچنين داستان «ليلة المبيت» در اين ماه واقع گرديده، و آغاز امامت پربركت حضرت بقيةاللَّه (ارواحنا فداه) همزمان با شهادتِ پدر بزرگوارش نيز مى‏باشد؛ در مجموع از ماههاى بسيار پربركت و پرخاطره است، كه سزاوار است، همه علاقه‏مندان مكتب اهل‏بيت عليهم السلام آن را ارج نهند و گرامى بدارند.

اعمال ماه ربيع‏الاوّل:

روز اوّل اين ماه: علما گفته‏اند مستحب است، به شكرانه هجرت موفّقيت‏آميز رسول خدا صلى الله عليه و آله اين روز را روزه بگيرند و صدقه و انفاق و احسان نمايند،[[751]](#footnote-751) و همچنين زيارت آن بزرگوار، در اين روز مناسب است.

مرحوم «سيّد بن طاووس»، دعايى را براى اين روز در كتاب اقبال نقل كرده است.[[752]](#footnote-752) روز دوازدهم: در اين روز دو ركعت نماز مستحب است كه در ركعت اوّل بعد از حمد، سه مرتبه سوره‏

«قل يا ايّها الكافرون»

و در ركعت دوم بعد از حمد، سه مرتبه سوره «توحيد» خوانده شود.[[753]](#footnote-753) روز هفدهم: همان گونه كه قبلًا گفته شد اين روز مطابق نظر مشهور علماى اماميّه، روز ولادت رسول خدا صلى الله عليه و آله و همچنين ميلاد امام صادق عليه السلام است و روز بسيار مباركى است و داراى اعمالى مى‏باشد:

1- غسل؛ به نيّت روز هفدهم ربيع‏الاوّل.[[754]](#footnote-754) 2- روزه؛ كه براى آن فضيلت بسيار نقل شده است، از جمله در رواياتى از ائمّه معصومين عليهم السلام آمده است: كسى كه اين روز را روزه بدارد، خداوند براى او ثواب روزه يكسال را مقرّر مى‏فرمايد.[[755]](#footnote-755) 3- دادن صدقه، احسان نمودن و خوشحال كردن مؤمنان و به زيارت مشاهد مشرّفه رفتن.[[756]](#footnote-756) 4- زيارت رسول خدا صلى الله عليه و آله از دور و نزديك؛ در روايتى از آن حضرت آمده است: هر كس بعد از وفات من، قبرم را زيارت كند مانند كسى است كه به هنگام حياتم به سوى من هجرت كرده باشد، اگر نمى‏توانيد مرا از نزديك زيارت كنيد، از همان راه دور به سوى من سلام بفرستيد (كه به من مى‏رسد).[[757]](#footnote-757) 5- زيارت امير مؤمنان، على عليه السلام نيز در اين روز مستحب است با همان زيارتى كه امام صادق عليه السلام در چنين روزى كنار ضريح شريف آن حضرت عليه السلام وى را زيارت كرد.[[758]](#footnote-758) (اين زيارت در بخش زيارات، صفحه 301 آمده است).

كليات مفاتيح نوين، ص: 616

6- تكريم، تعظيم و بزرگداشت اين روز بسيار بجاست، مرحوم «سيّد بن طاووس»، در اقبال، در تكريم و تعظيم اين روز به خاطر ولادت شخص اوّل عالم امكان و سرور همه ممكنات حضرت نبىّ اكرم صلى الله عليه و آله سفارش بسيار كرده است.[[759]](#footnote-759) بنابراين، سزاوار است مسلمين با برپايى جشن‏ها و تشكيل جلسات، هرچه بيشتر با شخصيّت نبىّ مكرّم اسلام صلى الله عليه و آله، سيره و تاريخ زندگى او آشنا شوند و از آن، براى ساختن جامعه‏اى اسلامى و محمّدى بهره كامل گيرند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 617

فصل چهارم: ماه ربيع‏الثّانى‏

تقويم اين ماه:

روز هشتم: طبق مشهور، روز ولادت امام حسن عسكرى عليه السلام در سال 232 است.[[760]](#footnote-760) روز دهم: روز رحلت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام در سال 201 (مطابق روايتى) است.[[761]](#footnote-761) روز شانزدهم: بنا بر نقلى، آغاز قيام مختار در كوفه، به خونخواهى شهيدان كربلا در سال 66 مى‏باشد[[762]](#footnote-762) و برخى آغاز قيام او را چهاردهم ربيع الاوّل ذكر كرده‏اند.[[763]](#footnote-763)

\*\*\*

گرچه حوادث مهمّ تاريخى اين ماه كم است، ولى همين سه حادثه از يكسو يادآور يك روز سرور و شادى است كه مايه خير و بركت مى‏باشد و از سوى ديگر، روز اندوه، به خاطر رحلت كريمه اهل بيت، در سرزمين مقدّس قم است، و از سوى سوم يادآور يك روز عبرت‏انگيز است كه با قيامى خونين، جنايتكاران حادثه كربلا، در مدّت بسيار كوتاهى تار و مار شدند، و نام ننگين آنان، براى هميشه همراه با نفرت و لعن و نفرين در صفحات تاريخ باقى ماند.

اعمال ماه ربيع‏الثّانى:

در روايات اسلامى و كتب دعا، اعمال زيادى براى اين ماه ذكر نشده، فقط مرحوم سيّد بن طاووس، براى روز اوّل اين ماه دعايى را ذكر كرده است كه مى‏توانيد در كتاب اقبال آن را بخوانيد.[[764]](#footnote-764)

كليات مفاتيح نوين، ص: 618

فصل پنجم: ماه جمادى‏الأوّل‏

تقويم اين ماه:

روز پنجم: مطابق بعضى از روايات روز ولادت با سعادت بانوى قهرمان كربلا، حضرت زينب كبرى عليها السلام است (سال پنجم يا ششم هجرى).[[765]](#footnote-765) روزهاى سيزدهم، چهاردهم و پانزدهم: بنا بر روايت معروفى مقارن با ايّام شهادت بانوى اسلام حضرت فاطمه زهرا عليها السلام، سيّدة نساء العالمين، در سال يازدهم هجرى است. زيرا مطابق بعضى از روايات معتبر[[766]](#footnote-766)، آن بانوى بزرگ، هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پدر بزرگوارش در قيد حيات بود، و با توجّه به اين‏كه رحلت رسول خدا صلى الله عليه و آله در 28 صفر واقع شده، بايد شهادت آن بانوى عزيز، در يكى‏از اين سه روز باشد (با در نظر گرفتن احتمال تمام يا ناقص بودن ماههاى وسط).

به هر حال، بايد به همين مناسبت مجالس سوگوارى آن حضرت- كه طبق فرمايش پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله برترين زنان جهان از اوّلين و آخرين است- هرچه باشكوهتر برگزار گردد و حالات و فضايل آن بانوى بزرگ اسلام، كه مى‏تواند الگوى بسيار خوبى براى زنانِ عصر حاضر باشد، در اين مجالس تشريح گردد.

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص618**

صوصاً آن دو خطبه آموزنده و فراموش نشدنى كه از آن حضرت به يادگار مانده و بسيارى از معارف و تعليمات اسلام و مسايل تاريخى بعد از رسول خدا صلى الله عليه و آله در آن جمع است، توسّط گويندگان براى همه مردم تجزيه و تحليل شود.

خواندن زيارت آن حضرت نيز، در اين ايّام مناسب است.

اعمال ماه جمادى‏الأوّل:

1- دعايى است كه در اوّل ماه جمادى الأوّل خوانده مى‏شود؛ مرحوم «سيّد بن طاووس» آن را در «اقبال» نقل كرده است.[[767]](#footnote-767) 2- مطابق برخى از روايات، نيمه اين ماه مصادف با ولادت امام زين‏العابدين عليه السلام است، لذا روزه گرفتن و احسان و خيرات، در آن روز مناسب است.[[768]](#footnote-768)

كليات مفاتيح نوين، ص: 619

فصل ششم: ماه جمادى‏الثّانى‏

تقويم اين ماه:

سوم و چهارم و پنجم: طبق بعضى از روايات مصادف با ايّام شهادت حضرت فاطمه زهرا عليها السلام است،[[769]](#footnote-769) و بزرگان و علما به آن اهمّيّت خاصى مى‏دادند.

روز بيستم: روز ولادت باسعادت حضرت زهرا عليها السلام در سال دوم بعثت‏[[770]](#footnote-770) يا پنجم بعثت‏[[771]](#footnote-771) است.

\*\*\*

از آن‏جا كه ماه جمادى الثّانى بيش از هر ماه ديگر، آميخته با نام مبارك بزرگترين بانوى جهان، سيدة نساء العالمين من الاوّلين و الآخرين حضرت فاطمه زهرا عليها السلام مى‏باشد، پيروان مكتب اهل‏بيت عليهم السلام در روزهاى آغازين ماه، بساط غم و اندوه مى‏گسترانند، و در روز بيستم، غرق امواج سرور و شادى هستند و غرض از همه اين مراسم آگاهى بيشتر از فضايل و مناقب آن بانو و اقتباس از خلق و خو، و رنگ و بوى معنوى آن حضرت است، و چه زيبا و الهام‏بخش است زندگى اين بانوى نمونه، در آن خانواده نمونه براى همه، مخصوصاً بانوان.

سزاوار است همه عاشقان اين مكتب، به عنوان عزا و سرور، مجالس باشكوه و پرمحتوايى برگزار كنند؛ مجالسى كه امواج تبليغات دشمنان اسلام و اهل‏بيت عليهم السلام را خنثى كند و روح تازه‏اى در كالبد دوستان و علاقه‏مندان بدمد.

اعمال ماه جمادى‏الثّانى:

روز اوّل: خواندن دعايى كه مرحوم سيّد در «اقبال» نقل كرده است.[[772]](#footnote-772)

كليات مفاتيح نوين، ص: 620

- چهار ركعت نماز: مرحوم «سيّد بن طاووس» نقل كرده است كه در اين ماه- هر وقت كه باشد؛ هر چند روز اوّل بهتر است- چهار ركعت نماز بخواند (هر دو ركعت به يك سلام)، در ركعت اوّل، پس از سوره «حمد» يك مرتبه «آيةالكرسى» و بيست و پنج مرتبه «انّا انزلناه»؛ در ركعت دوم «حمد» و يك مرتبه سوره «الهيكم التّكاثر» و بيست و پنج مرتبه سوره «توحيد»؛ در ركعت سوم «حمد» و يك مرتبه «قل يا ايّها الكافرون» و بيست و پنج مرتبه سوره «فلق»؛ و در ركعت چهارم «حمد» و يك مرتبه سوره «نصر» و بيست و پنج مرتبه سوره «ناس» را بخواند.

پس از پايان نماز، هفتاد مرتبه بگويد:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ

. و هفتاد مرتبه بگويد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

؛ پس از آن سه مرتبه بگويد:

اللَّهمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤمِنينَ وَ الْمُؤمِناتِ؛

آنگاه سر به سجده بگذارد و سه مرتبه بگويد:

يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا ذَاالْجَلالِ وَ الْإكْرامِ، يا اللَّهُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ؛

در پايان هر حاجتى كه دارد از خداوند عزّوجلّ طلب نمايد، (اميد است اجابت گردد)، در اين روايت آمده است: هر كس اين نماز را با اين كيفيّت انجام دهد، خداوند خودش و مال و زن و فرزندان او را و همچنين دين و دنياى او را تا سال ديگر حفظ فرمايد، و اگر در اين سال بميرد، پاداش شهيدان دارد.[[773]](#footnote-773) روز سوم‏: در اين روز به مناسبت شهادت حضرت زهرا عليها السلام زيارت آن حضرت مطلوب و مناسب است.

مرحوم سيّد در «اقبال»، اين زيارت را براى آن حضرت ذكر كرده است:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ الْحُجَجِ‏

سلام بر تو اى سرور بانوان جهانيان، سلام بر تو اى مادر حجّت‏هاى‏

عَلَى النَّاسِ اجْمَعينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ ايَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّها،

بر تمامى مردم، سلام بر تو اى مظلومه‏اى كه از حقّش منع شد،

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ امَتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَصِىِّ نَبِيِّكَ، صَلاةً تُزْلِفُها

خدايا بر كنيزت و دختر پيامبرت و همسر جانشين پيامبرت درود فرست، درودى كه‏

فَوْقَ زُلْفى عِبادِكَ الْمُكَرَّمينَ، مِنْ اهْلِ السَّمواتِ وَاهْلِ الْأَرَضينَ.

منزلتى برتر از منزلت بندگان گراميت از اهل آسمان و زمين به او بدهد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 621

سپس مرحوم سيّد اضافه مى‏كند: «روايت شده است، هر كس با اين عبارات، آن حضرت را زيارت كند و از خدا طلب آمرزش نمايد، خداوند گناهانش را مى‏بخشد و او را داخل بهشت مى‏كند».[[774]](#footnote-774) روز بيستم‏: در اين روز كه مصادف با ولادت حضرت زهرا عليها السلام است چند عمل مناسب است:

الف) روزه.

ب) خيرات و صدقات بر مؤمنين.

ج) زيارت آن حضرت (كه در بخش زيارات، صفحه 235 ذكر شد).[[775]](#footnote-775)

كليات مفاتيح نوين، ص: 622

فصل هفتم: ماه رجب‏

تقويم اين ماه:

اوّل ماه: مطابق بعضى از روايات، اين روز، روز ولادت امام محمّد باقر عليه السلام در سال 57 هجرى قمرى است.[[776]](#footnote-776) دوم ماه: مطابق برخى از روايات روز ولادت امام على‏النّقى عليه السلام در سال 212 هجرى است.[[777]](#footnote-777) سوم ماه: روز شهادت امام على النّقى عليه السلام در سال 254 است.[[778]](#footnote-778) دهم ماه: روز ولادت امام محمّد تقى عليه السلام طبق بعضى از روايات است.[[779]](#footnote-779) سيزدهم ماه: روز ولادت امير مؤمنان على بن ابى‏طالب عليه السلام است؛ بنا بر مشهور اين مولود عزيزِ جهانِ انسانيّت، 12 سال قبل از بعثتِ رسول‏خدا صلى الله عليه و آله در داخل خانه كعبه، چشم به جهان گشود.[[780]](#footnote-780) پانزدهم ماه: مطابق برخى از نقل‏ها، روز وفات حضرت زينب كبرا عليها السلام است در سال 63 هجرى.[[781]](#footnote-781) هيجدهم ماه: روز وفات جناب ابراهيم، فرزند رسول خداست.[[782]](#footnote-782) بيست و پنجم ماه: روز شهادت امام موسى بن جعفر عليه السلام در سال 183 هجرى است.[[783]](#footnote-783) بيست و ششم ماه: مطابق روايتى، روز وفات حضرت ابوطالب عليه السلام است.[[784]](#footnote-784) بيست و هفتم ماه: بعثت پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله به نبوّت است.[[785]](#footnote-785)

فضيلت ماه رجب:

ماه رجب و ماههاى شعبان و رمضان، از ماههاى بسيار پرفضيلت است، و از تعبيرات بعضى از روايات برمى‏آيد كه ماه رجب در ميان اين سه ماه، امتياز خاصّى دارد، تا آن‏جا كه ماه رجب «ماه خدا» ناميده شده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 623

و ماه شعبان «ماه پيامبر» و ماه مبارك رمضان «ماه امّت»![[786]](#footnote-786) ماه رجب يكى از ماههاى حرام است كه آغاز و ادامه جنگ در آن، با دشمنان اسلام حرام مى‏باشد (مگر جنگ دفاعى)،[[787]](#footnote-787) و جنايات نيز در اين ماهها (ماههاى حرام)، ديه سنگين‏ترى دارد.[[788]](#footnote-788) پيغمبراكرم صلى الله عليه و آله ماه رجب را «ماه اصَبّ» ناميده است، زيرا رحمت خدا در اين ماه بر امّت فرو مى‏ريزد.[[789]](#footnote-789) اين ماه آميخته است با ياد پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله (به مناسبت مبعث در بيست و هفتم ماه) و ياد امير مؤمنان عليه السلام (به مناسبت ميلاد مبارك آن حضرت در سيزدهم ماه) و خاطره شهادت موسى بن جعفر عليه السلام (در بيست و پنجم ماه) و روزهاى مهمّ تاريخى ديگر؛ و از اين نظر يكى از ماههاى بسيار پرخاطره اسلامى است.

از روايات متعدّدى كه درباره روزه‏هاى ماه رجب- حتّى يك روز از آن- وارد شده، اهمّيّت فوق‏العاده اين ماه، و عبادت و خودسازى در آن كاملًا روشن مى‏گردد، كه در اين جا به گوشه‏اى از آن اشاره مى‏شود:

1- مرحوم «شيخ صدوق» به سند معتبر از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه يكى از ياران آن حضرت در اواخر ماه رجب خدمتش رسيد، چون نظر مبارك امام عليه السلام به او افتاد، فرمود: آيا در اين ماه روزه گرفته‏اى؟

عرض كرد: نه، فرمود: آن قدر ثواب از تو فوت شده كه اندازه آن را كسى جز خدا نمى‏داند؛ اين ماهى است كه خداوند آن را بر ساير ماهها برترى بخشيده و احترام آن را عظيم شمرده، و براى روزه داشتن آن، پاداش‏هاى مهمّى قرار داده است. آن مرد عرض مى‏كند: آيا اگر در بقيّه اين ماه روزه بدارم، به بخشى از ثواب مى‏رسم؟ امام عليه السلام فرمود: آرى؛ سپس ثواب‏هاى مهمّى براى كسى كه فقط روز آخر ماه، يا دو روز آخر ماه، يا سه روز آخر ماه را روزه بدارد، بيان فرمودند؛ مانند نجات از سكرات مرگ، عذاب قبر و لغزش بر صراط و شدايد قيامت و نايل شدن به برائت و رهايى از آتش دوزخ.[[790]](#footnote-790) 2- در حديث ديگرى آمده است: «رجب» نام نهرى است در بهشت، از شير سفيدتر و از عسل شيرين‏تر؛ هر كس يك روز از اين ماه را روزه بدارد، از آن مى‏نوشد![[791]](#footnote-791) 3- در حديث ديگرى از رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم: هر كس يك روز از اين ماه را روزه بگيرد، خشنودى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 624

عظيم خدا را به دست آورده، خشم الهى از او دور مى‏شود، و درهاى جهنّم به روى او بسته خواهد شد![[792]](#footnote-792) 4- هر كس سه روز از اين ماه را كه پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد، روزه بگيرد، فضيلت بسيار دارد و همچنين در ساير ماههاى حرام.[[793]](#footnote-793) در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است: هر گاه كسى نتواند در اين ماه روزه بگيرد، هر روز صد مرتبه اين تسبيحات را بخواند، تا ثواب روزه آن را دريابد:

سُبْحانَ الْإِلهِ الْجَليلِ، سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِى التَّسْبيحُ الَّا لَهُ، سُبْحانَ‏

پاك و منزّه است معبود باشكوه، پاك و منزه است كسى كه تسبيح جز براى او شايسته نسيت، پاك و منزه است‏

الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّةَ وَهُوَ لَهُ اهْلٌ.[[794]](#footnote-794)

(خداوند) عزيز و گرامى، پاك و منزّه است آن كه عزّت رداى اوست و او شايسته آن است.

از مجموع احاديث بالا- و ديگر احاديث- به خوبى استفاده مى‏شود كه اين ماه، ماه تهذيب نفوس و خودسازى و آغاز يك دوره جديدِ سير و سلوك الى اللَّه است، كه از ماه رجب آغاز و به ماه مبارك رمضان منتهى مى‏شود؛ خوشا به حال آنان كه قدر و منزلت اين سه ماه را بدانند و از آن بهره كافى بگيرند.

اعمال ماه رجب‏

اعمال اين ماه (علاوه بر روزه گرفتن كه در بالا گفته شد) بر دو بخش تقسيم مى‏شود:

اوّل- اعمال مشترك اين ماه:

اين اعمال كه مخصوص روز معيّنى نيست، بلكه در تمام ماه انجام مى‏شود، بسيار است، از جمله:

1- در تمام ماه رجب، اين دعا را بخواند:

يا مَنْ يَمْلِكُ حَوآئِجَ السَّآئِلينَ، ويَعْلَمُ ضَميرَ الصَّامِتينَ، لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ

اى مالك درخواست‏هاى نيازمندان، و داناى راز دلِ سكوت كنندگان، براى هر درخواستى‏

مِنْكَ سَمْعٌ حاضِرٌ، وَجَوابٌ عَتيدٌ، اللهُمَّ وَمَواعيدُكَ الصَّادِقَةُ، واياديكَ‏

از تو گوشى شنوا و جوابى آماده است، اى خدايى كه وعده‏ات راست و نعمت‏هايت‏

الفاضِلَةُ، وَ رَحْمَتُكَ الواسِعَةُ، فَاسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

فراوان و رحمتت گسترده است، پس از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان محمّد درود

كليات مفاتيح نوين، ص: 625

مُحَمَّدٍ، وانْ تَقْضِىَ حَوائِجى‏ لِلدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[795]](#footnote-795)

فرستى و حاجت‏هاى دنيوى و اخرويم را برآورى، زيرا كه تو بر هر چيز توانايى.

\*\*\*

2- بخواند دعايى را كه امام صادق عليه السلام در هر روز از ماه رجب آن را مى‏خواندند:

خابَ الوافِدُونَ عَلى‏ غَيْرِكَ، وَخَسِرَ المُتَعَرِّضُونَ الَّا لَكَ، وَضاعَ‏

وارد شوندگان بر غير تو نااميد شدند و روكنندگان به غير تو زيانكار شدند، و گردآمدگان‏

المُلِمُّونَ الَّا بِكَ، وَاجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ الَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ، بابُكَ مَفْتُوحٌ‏

به غير درگاه تو نابود گرديدند، متوسّل شدگان به غير فضل تو دست خالى ماندند، درگاهت به روى مشتاقان‏

لِلرَّاغِبينَ، وَخَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبينَ، وَ فَضْلُكَ مُباحٌ لِلسَّآئِلينَ، وَ نَيْلُكَ‏

گشوده، و خيرت به درخواست‏كنندگان عطا شده، ولطفت براى نيازمندان شامل و عطايت‏

مُتاحٌ لِلْآمِلينَ، وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ، وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ‏

براى آرزومندان مهياست، و روزيت براى نافرمانانت گسترده، و شكيباييت دشمنانت‏

ناواكَ، عادَتُكَ الْإِحْسانُ الَى الْمُسيئينَ، وَ سَبيلُكَ الإِبْقآءُ عَلَى‏

را در برگرفته است، نيكى به گنهكاران عادت و مهلت به دشمنان روش‏

الْمُعْتَدينَ، اللهُمَّ فَاهْدِنى‏ هُدَى الْمُهْتَدينَ، وَ ارْزُقْنِى اجْتِهادَ

توست، خدايا همانند هدايت هدايت‏يافتگان راهنماييم كن، و جهاد جهادگران را روزيم‏

الْمُجْتَهِدينَ، وَ لا تَجْعَلْنى‏ مِنَ‏الْغافِلينَ الْمُبْعَدينَ، وَ اغْفِرْ لى‏ يَوْمَ الدّينِ.[[796]](#footnote-796)

كن، و مرا از غافلانِ دور (از رحمتت) قرار مده، و در روز قيامت مرا بيامرز.

\*\*\*

3- شيخ در «مصباح» از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه آن حضرت فرمود: در ماه رجب اين دعا را بخوان:

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرينَ لَكَ، وَعَمَلَ الْخائِفينَ مِنْكَ، وَيَقينَ‏

خدايا صبر شكرگزارانت و كردار خائفانت و يقين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 626

الْعابِدينَ لَكَ، اللهُمَّ انْتَ الْعَلِىُّ الْعَظيمُ، وَانَا عَبْدُكَ الْبآئِسُ الْفَقيرُ، انْتَ‏

عبادت كنندگانت را، از تو مى‏خواهم خدايا تويى برتر و با عظمت و منم بنده نيازمند و محتاجت، تويى‏

الْغَنِىُّ الْحَميدُ، وَانَا الْعَبْدُ الذَّليلُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاْمْنُنْ‏

بى‏نياز ستوده و منم بنده فرمانبردار، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

بِغِناكَ عَلى‏ فَقْرى‏، وَبِحِلْمِكَ عَلى‏ جَهْلى‏، وَبِقُوَّتِكَ عَلى‏ ضَعْفى‏، يا قَوِىُ‏

و با بى‏نيازيت فقرم را و با بردباريت جهلم را و با نيرومنديت ناتوانيم را برطرف كن، اى توانا

يا عَزيزُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوصيآءِ الْمَرْضيِّينَ، وَاكْفِنى‏ ما

اى با عزّت، خدايا بر محمّد و خاندان پاك او همان جانشينان پسنديده درود فرست، و آنچه از

اهَمَّنى‏ مِنْ امْرِ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[797]](#footnote-797)

كارهاى دنيا و آخرت كه مرا به زحمت انداخته كفايت كن، اى مهربان‏ترين مهربانان.

«سيّد بن طاووس» نيز اين دعا را در «اقبال»، روايت كرده است و از روايت او به دست مى‏آيد كه اين دعا از جامعترين دعاها است كه در همه اوقات مى‏توان آن را خواند.[[798]](#footnote-798)

\*\*\*

4- شيخ طوسى مى‏فرمايد: مستحبّ است، هر روز اين دعا را بخوانند:

اللهُمَّ يا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَةِ، وَالْألاءِ الْوازِعَةِ، والرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ

خدايا، اى صاحب خير و بركت فراوان و نعمت‏هاى بى‏شمار، و رحمت گسترده و توانايى‏

الْجامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسيمَةِ، وَالْمَواهِبِ الْعَظيمَةِ، وَالْأَيادِى الْجَميلَةِ،

جامع، و نعمت‏هاى بزرگ و عطاهاى با عظمت، و دستگيرى‏هاى زيبا

والْعَطايَا الْجَزيلَةِ، يا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمْثيلٍ، وَلا يُمَثَّلُ بِنَظيرٍ، وَلا يُغْلَبُ‏

و بخشش‏هاى فراوان، اى كسى كه با مثال توصيف نشوى و همانند و نظيرى ندارى، و شكست‏ناپذيرى،

بِظَهيرٍ، يا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَالْهَمَ فَانْطَقَ، وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَ عَلا فَارْتَفَعَ،

اى كه آفريده و روزى داده‏اى، و الهام نموده و گويا ساخته‏اى و نوآورى كرده و آغاز نموده‏اى و برترى داده و بالا برده‏اى‏

وَ قَدَّرَ فَاحْسَنَ، وَ صَوَّرَ فَاتْقَنَ، وَاحْتَجَّ فَابْلَغَ، وَ انْعَمَ فَاسْبَغَ، وَ اعْطى‏

و تقدير نموده و نيكو ساخته‏اى، و صورت بخشيده و استوار گردانده‏اى، دليل آورده و رسا ساخته‏اى، و نعمت داده و فراوان گردانده‏اى، و عطا نموده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 627

فَاجْزَلَ، وَ مَنَحَ فَافْضَلَ، يا مَنْ سَما فِى الْعِزِّ فَفاتَ خَواطِرَ الْأَبْصارِ، وَ دَنا

و افزون ساخته‏اى، بخشيده و فزونى داده‏اى، اى كه در عزّت چنان ارجمندى كه از ديدگان ناپديد گشته‏اى و در

فِى الُّلطْفِ فَجازَ هَواجِسَ الْأَفْكارِ، يا مَنْ تَوَحَّدَ بالْمُلكِ فَلا نِدَّ لَهُ فى‏

لطف و احسان چنان نزديكى كه به فكر و گمان خطور نمى‏كنى، اى كه در فرمانرواييت يگانه‏اى و رقيبى در قلمرو

مَلَكُوتِ سُلْطانِهِ، وَ تفَرَّدَ بِالْألاءِ وَالْكِبرِيآءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فى‏ جَبَرُوتِ‏

حكومتت ندارى، و در نعمت‏ها و بزرگى يكتايى كه در عظمتِ مقامت رقيبى ندارى،

شَاْنِهِ، يا مَنْ حارَتْ فى‏ كِبْرِيآءِ هَيْبَتِهِ دَقايِقُ لَطايِفِ الْأَوْهامِ،

اى كه در بزرگىِ شكوهت ذهن‏هاى دقيق و موشكاف حيران است‏

وَانْحَسَرَتْ دُونَ ادْراكِ عَظَمَتِهِ خَطايِفُ ابْصارِ الْأَنامِ، يا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ‏

و در برابر دركِ بزرگيت ديدگان تيزبين مردم درمانده است، اى كه چهره‏ها در برابر هيبتش‏

لِهَيْبَتِهِ، وَ خَضَعَتِ الرِّقابُ لِعَظَمتِهِ، وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خيفَتِهِ، اسئَلُكَ‏

فروتن گشته و گردنها در برابر عظمتش خاضع گرديده و دل‏ها از ترس او لرزان است، از تو مى‏خواهم‏

بِهذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتى‏ لا تَنْبَغى‏ الَّا لَكَ، وَ بِما وَايْتَ بِهِ عَلى‏ نَفْسِكَ لِداعيكَ‏

به حقّ اين ستايشى كه جز تو را شايسته نيست و به حقّ آنچه بر خوانندگان مؤمنت بر عهده‏

مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَ بِما ضَمِنْتَ الْإِجابَةَ فيهِ عَلى‏ نَفْسِكَ لِلدَّاعينَ، يا اسْمَعَ‏

گرفته‏اى و به حقّ آنچه اجابتش را بر خوانندگانت ضمانت كرده‏اى، اى شنواترين‏

السَّامِعينَ، وَابْصَرَ النَّاظِرينَ، وَ اسْرَعَ الْحاسِبينَ، يا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتينِ، صَلِ‏

شنوايان و بيناترين بينايان، و سريع‏ترين حسابگران، اى صاحب نيروى استوار،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَ عَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ، وَاقْسِمْ لى‏ فى‏ شَهْرِنا هذا

بر محمّد خاتم پيامبران و خاندانش درود فرست، و در اين ماه بهترين آنچه قسمت نموده‏اى‏

خَيْرَ ما قَسَمْتَ، وَاحْتِمْ لى‏ فى‏ قَضآئِكَ خَيْرَ ما حَتَمْتَ، وَاخْتِمْ لى‏

روزيم كن، و بهترين آنچه را كه در حكمت تعيين نموده‏اى برايم مقدّر نما، و پايان كارم را

بِالسَّعادَةِ فيمَنْ خَتَمْتَ، وَ احْيِنى‏ ما احْيَيْتَنى‏ مَوْفُوراً، وَامِتْنى‏ مَسْرُوراً

به سعادت ختم نما، مادامى كه زنده‏ام روزيم را فراوان گردان، و مرا خوشحال و آمرزيده‏

وَمَغْفُوراً، وَ توَلَّ انْتَ نَجاتى‏ مِنْ مُسائَلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنّى‏ مُنْكَراً

بميران، و رهاييم از سؤال‏هاى برزخ را بر عهده گير، و منكر و نكير را از من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 628

وَنَكيراً، وَ ارِ عَيْنى‏ مُبَشِّراً وَبَشيراً، وَاجْعَلْ لى‏ الى‏ رِضْوانِكَ وَجِنانِكَ‏

دور كن و مبشّر و بشير را به من نشان ده، و راهى به سوى خوشنودى و بهشتت‏

مَصيراً، وَعَيْشاً قَريراً، وَ مُلْكاً كَبيراً، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَثيراً.[[799]](#footnote-799)

و زندگانى خوش و خرم و جايگاهى بزرگ برايم قرار ده و بر محمّد و خاندانش فراوان درود فرست.

\*\*\*

5- مرحوم «شيخ طوسى» از شيخ كبير ابوجعفر محمّد بن عثمان بن سعيد، كه از نوّاب چهارگانه حضرت مهدى عليه السلام است اين روايت را از آن حضرت نقل كرده است، كه در هر روز از ايّام رجب، اين دعا را بخوان:

بسم اللَّه الرّحمن الرّحيم‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسئَلُكَ بِمَعانى‏ جَميعِ ما يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ امْرِكَ، الْمَاْمُونُونَ عَلى‏

خدايا از تو مى‏خواهم به محتواى تمامى آنچه پيروان فرمانت تو را به آن مى‏خوانند، آنان كه امين بر

سِرِّكَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِامْرِكَ، الْواصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ،

اسرارت، مسرور به فرمانت، ستاينده تواناييت و آگاه‏كننده بر عظمت تواند،

اسْئَلُكَ بِما نَطَقَ فيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعادِنَ لِكَلِماتِكَ، وَارْكاناً

از تو مى‏خواهم به حقّ خواستت كه در مورد آنان جارى شده و آنان را گنجينه كلماتت و پايه‏هاى‏

لِتَوْحيدِكَ وَآياتِكَ وَمَقاماتِكَ الَّتى‏ لاتَعْطيلَ لَها فى‏ كُلِّ مَكانٍ، يَعْرِفُكَ‏

يگانگى و نشانه‏ها و مقاماتت قرارشان داده‏اى، مقاماتى كه در هيچ مكانى تعطيل بردار نيست، هر كه تو را

بِها مَنْ عَرَفَكَ، لا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَها الَّا انَّهُمْ عِبادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتْقُها

مى‏شناسد به واسطه آن مى‏شناسد، فرقى ميان تو و آنها نيست جز اينكه آنان بنده و مخلوق تو هستند، و اصلاح‏

وَرَتْقُها بِيَدِكَ، بَدْؤُها مِنْكَ وَعَوْدُها الَيْكَ، اعْضادٌ واشْهادٌ ومُناةٌ واذْوادٌ،

امورشان بدست توست، آغاز آنها از جانب تو و بازگشت آنها به سوى توست، حاميان و گواهان و پشتيبانان و مدافعان‏

وَحَفَظَةٌ وَرُوَّادٌ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمآئَكَ وَارْضَكَ، حَتّى‏ ظَهَرَ انْ لا الهَ إلَّا

و نگهبانان و طلايه‏داران تواند، پس بواسطه آنها آسمانها و زمينت را پر نمودى تا اينكه كلمه «لا إله الا

كليات مفاتيح نوين، ص: 629

انْتَ، فَبِذلِكَ اسْئَلُكَ، وَبِمَواقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقاماتِكَ وَعَلاماتِكَ،

أنت» آشكار شد، پس به واسطه آن و جايگاه‏هاى رحمت ارجمندت و مقام‏ها و نشانه‏هايت از تو مى‏خواهم،

انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وانْ تَزيدَنى‏ ايماناً وَتَثْبيتاً، يا باطِناً

كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و بر ايمان و پايداريم بيافزايى، اى نهان‏

فى‏ ظُهُورِهِ، وَظاهراً فى‏ بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَالدَّيْجُورِ،

در عين آشكارى، و اى آشكار در عين پوشيدگى و مستورى، اى جداكننده روشنايى و تاريكى،

يا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهٍ، وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شِبْهٍ، حآدَّ كُلِّ مَحْدُودٍ، وَشاهِدَ كُلِ‏

اى ستوده شده ناشناخته و شناخته شده بى‏نظير، اى محدودكننده هر محدود، و اى گواه هر

مَشْهُودٍ، وَمُوجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِىَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ،

گواهى شده، و اى پديدآورنده هر موجود، و اى احصا كننده هر شمارش شده، و اى محروم‏كننده هر گمشده،

لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، اهْلَ الْكِبْرِيآءِ وَالْجُودِ، يا مَنْ لايُكَيَّفُ بِكَيْفٍ،

جز تو معبودى نيست و شايسته بزرگى و بخششى، اى كه به چگونگى توصيف نشوى‏

وَلا يُؤَيَّنُ بِايْنٍ، يا مُحْتَجِباً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يا دَيْمُومُ يا قَيُّومُ، وَعالِمَ‏

و مكانى برايت تعيين نشود، اى پوشيده از ديده‏ها، اى جاويد، اى خداوند پايدار، و داناى‏

كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلى‏ عِبادِكَ الْمُنْتَجَبينَ، وَ بَشَرِكَ الْمُحْتَجِبينَ،

هر معلوم، بر بندگان برگزيده و پرده‏نشينان‏

وَمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَ بُهَمِ الصَّآفّينَ الْحآفّينَ، وَ بارِكْ لَنا فى‏ شَهْرِنا

و فرشتگان مقرّب و خاموشان صف كشيده در گرداگردت درود فرست، و بر ما مبارك گردان اين ماه‏

هذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكَرَّمِ، وَما بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ، وَاسْبِغْ عَلَيْنا فيهِ‏

رجبِ گرامى و ماه‏هاى حرام بعد از آن را، و نعمت‏هايت را در اين ماه بر ما

النِّعَمَ، وَ اجْزِلْ لَنا فيهِ الْقِسَمَ، وَابْرِرْ لَنا فيهِ الْقَسَمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ‏

فرو ريز و روزى ما را فراوان گردان، و قسم‏هاى ما را در آن ادا كن، به حقّ نام با عظمت‏

الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذى‏ وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهارِ فَاضآءَ، وَ عَلَى اللَّيْلِ‏

و بزرگ و باشكوه و گراميت، كه با آن روز را روشن و شب‏

فَاظْلَمَ، وَاغْفِرْ لَنا ما تَعْلَمُ مِنَّا وَلا نَعْلَمُ، وَاعْصِمْنا مِنَ‏الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصَمِ،

را تاريك ساختى و آنچه از ما مى‏دانى و ما نمى‏دانيم بيامرز، و ما را به بهترين شكل از گناهان بازدار،

كليات مفاتيح نوين، ص: 630

وَاكْفِنا كَوافِىَ قَدَرِكَ، وَ امْنُنْ عَلَيْنا بِحُسْنِ نَظَرِكَ، وَ لا تَكِلْنا الى‏ غَيْرِكَ،

ما را در برابر حوادث سخت يارى ده و با حسن نظرت بر ما منّت گذار و ما را به غير خودت وا مگذار

وَلا تَمْنَعْنا مِنْ خَيْرِكَ، وَ بارِكْ لَنا فيما كَتَبْتَهُ لَنا مِنْ اعْمارِنا، وَاصْلِحْ‏

و از احسانت محروم مساز، در عمرى كه براى ما مقرّر داشته‏اى بركت ده، و اسرار

لَنا خَبيئَةَ اسْرارِنا، واعْطِنا مِنْكَ الْأَمانَ، وَ اْستَعْمِلْنا بِحُسْنِ الْإيمانِ،

پنهانى ما را اصلاح گردان، و ما را از جانب خودت امان ده، و به ما ايمان نيك عطا كن،

وَبَلِّغْنا شَهْرَ الصِّيامِ، وَما بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوامِ، يا ذَاالْجَلالِ والإِكْرامِ.[[800]](#footnote-800)

و ما را به ماه رمضان و روزها و سال‏هاى بعد از آن برسان، اى صاحب شكوه و بزرگوارى.

\*\*\*

6- شيخ طوسى در روايت ديگرى از ناحيه مقدّسه حضرت مهدى عليه السلام، توسّط شيخ ابوالقاسم حسين بن روح رحمه الله كه از نوّاب خاص است اين دُعا را براى ايّام ماه رجب نقل كرده است:

اللهُمَّ انّى‏ اسئَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فى‏ رَجَبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ الثَّانى‏، وَابْنِهِ‏

خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ دو مولود ماه رجب محمد بن على دوم (امام جواد) و فرزندش‏

عَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَاتَقَرَّبُ بِهِما الَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ، يا مَنْ الَيْهِ‏

على بن محمّد آن امام برگزيده، و به واسطه آن دو به بهترين شكل به تو تقرّب مى‏جويم، اى كسى كه‏

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ، وَفيما لَدَيْهِ رُغِبَ، اسئَلُكَ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ، قَدْ

نيكى از او درخواست شود و آنچه نزد اوست آرزو شود، از تو مى‏خواهم همانند درخواست ستم‏پيشه گناهكارى كه‏

اوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَاوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ، فَطالَ عَلَى الْخَطايا دُئُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزايا

گناهانش او را به هلاكت افكنده، و زشتى‏هايش او را اسير كرده، و پايدارى او بر گناهان طولانى شده و آميخته شدن كارهايش با مصائب‏

خُطُوبُهُ، يَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَمِنَ النَّارِ

به طول انجاميده و از تو مى‏خواهد توفيق بر توبه و بازگشت نيكو (به سويت)، و جدايى از گناه، و آزادى از آتش‏

فَكاكَ رَقَبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فى‏ رِبْقَتِهِ، فَانْتَ مَوْلاىَ اعْظَمُ امَلِهِ وَثِقَتِهِ،

دوزخ را، و بخشش از خطاهايى كه بر گردن اوست، پس تو اى مولاى من بزرگترين آرزو و تكيه‏گاه اويى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 631

اللهُمَّ واسْئَلُكَ بِمَسآئِلِكَ الشَّريفَةِ، وَ وَسآئِلِكَ الْمُنيفَةِ، انْ تَتَغَمَّدَنى‏ فى‏

خدايا از تو مى‏خواهم به حقّ درخواست‏هاى شرافتمندان و اسباب عاليه‏ات، كه مرا در

هذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ واسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِما رَزَقْتَها قانِعَةٍ،

اين ماه در رحمت وسيع و نعمت بازدارنده از گناه غوطه‏ور سازى و نفسى به من عطا كنى كه به آنچه روزيش داده‏اى‏

الى‏ نُزُولِ الْحافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ، وَما هِىَ الَيْهِ صآئِرَةٌ.[[801]](#footnote-801)

تا فرود آمدنِ در قبر و جايگاه ابدى و آنچه سرانجام اوست، قانع باشد.

\*\*\*

7- همچنين شيخ طوسى روايت كرده است از جناب ابوالقاسم حسين بن روح رحمه الله- كه نايب خاصّ حضرت صاحب‏الأمر عليه السلام است- فرمود: در ماه رجب، به هر يك از مشاهد مشرّفه كه رفتى، با اين عبارت، آن معصوم را زيارت كن. وقتى كه داخل شدى بگو:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ اشْهَدَنا مَشْهَدَ اوْلِيآئِهِ فى‏ رَجَبٍ، وَاوْجَبَ عَلَيْنا مِنْ‏

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه ما را در ماه رجب در زيارتگاه دوستانش حاضر نمود، و حقوق واجب آنها را بر ما

حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَعَلى‏ اوْصِيآئِهِ‏

لازم نمود، و درود خدا بر محمّدِ برگزيده و بر جانشينان او كه‏

الْحُجُبِ، اللهُمَّ فَكَما اشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ، فَانْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ، وَ اوْرِدْنا

حجابها (در برابر آتشند)، خدايا همان‏گونه كه ما را در زيارتگاه آنان حاضر نموده‏اى، وعده ديدار آنها را براى ما حتمى كن و ما را به محلِّ ورود آنان‏

مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ مُحَلَّئينَ عَنْ وِرْدٍ فى‏ دارِ الْمُقامَةِ وَ الْخُلْدِ، وَ السَّلامُ‏

در جايگاه اقامت و بهشت داخل كن بدون ممانعت از داخل شدن، و سلام و درود

عَلَيْكُمْ، انّى‏ قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتى‏ وَ حاجَتى‏، وَ هِىَ فَكاكُ‏

بر شما باد، به يقين من به شما رو آورده و با خواسته و حاجتم به شما اعتماد نموده‏ام و خواسته‏ام رهايى‏

رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، وَ الْمَقَرُّ مَعَكُمْ فى‏ دارِ الْقَرارِ، مَعَ شيعَتِكُمُ الْأَبْرارِ،

از آتش دوزخ و جاى گرفتن در سراى باقى به همراه شيعيان نيكوكار شماست،

وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، انَا سائِلُكُمْ وَ آمِلُكُمْ فيما

و سلام و درود بر شما باد به واسطه صبر و بردبارى شما پس (مقام صابران) چه جايگاه نيكوييست، من از شما خواهانم و در آنچه به شما

كليات مفاتيح نوين، ص: 632

الَيْكُمُ التَّفْويضُ، وَ عَلَيْكُمُ التَّعْويضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهيضُ، وَ يُشْفَى‏

واگذار شده و پاداش آن با شماست به شما اميدوارم، چرا كه با وساطت شما استخوان شكسته پيوند خورده و بيمار شفا

الْمَريضُ، وَ ما تَزْدادُ الْأَرْحامُ وَ ما تَغيضُ، انّى‏ بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ لِقَوْلِكُمْ‏

يابد و آنچه در رحمهاست كم و زياد شود، من به يقين به اسرار شما ايمان دارم و تسليم گفتار

مُسَلِّمٌ، وَ عَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فى‏ رَجْعى‏ بِحَوائِجى‏، وَ قَضائِها وَ امْضائِها

شمايم و خدا را به شما قسم مى‏دهم در بازگشتم با خواسته‏هاى برآورده و تأييد شده‏

وَ انْجاحِها وَ ابْراحِها، وَ بِشُؤُنى‏ لَدَيْكُمْ وَ صَلاحِها، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ‏

و روا و آشكار شده، و با اصلاح كارهايم نزد شما، و سلام و درود بر شما باد

سَلامَ مُوَدِّعٍ، وَ لَكُمْ حَوائِجَهُ مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللَّهَ الَيْكُمُ الْمَرْجِعَ، وَ سَعْيُهُ‏

همانند سلام شخصى كه خداحافظى مى‏كند و خواسته‏هايش را نزد شما به وديعه مى‏گذارد، و از خداوند درخواست بازگشت‏

الَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَ انْ يَرْجِعَنى‏ مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ الى‏ جَنابٍ‏

مرتب به سوى شما را دارد، و (از خدا مى‏خواهم كه) مرا به نيكوترين وجه از حضور شما بازگرداند به سوى مكانى‏

مُمْرِعٍ، وَ خَفْضٍ مُوَسَّعٍ، وَ دَعَةٍ وَ مَهَلٍ الى‏ حينِ الْأَجَلِ، وَ خَيْرِ مَصيرٍ

سرسبز و خرّم و زندگانى وسيع و در خوشى و آسايش تا زمان مرگ و بهترين بازگشت‏

وَمَحَلٍّ فى‏ النَّعيمِ الْأَزَلِ، وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَ دَوامِ الْأُكُلِ، وَ شُرْبِ‏

و جايگاهى در بهشت جاويدان، همراه با زندگى مورد قبول و خوراكى‏هاى دائمى و نوشيدن‏

الرَّحيقِ، وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍّ وَنَهَلٍ، لا سَأَمَ مِنْهُ وَ لا مَلَلَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ‏

شربت ناب و آب گوارا و لذّت بخش و دلچسب كه دلتنگى و آزردگى از آن نباشد و رحمت‏

وَبَرَكاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ‏ [عَلَيْكُمْ‏][[802]](#footnote-802)، حَتّىَ الْعَوْدِ الى‏ حَضْرَتِكُمْ، وَ الْفَوزِ فى‏

و بركات و درودهاى خدا [بر شما باد]، تا زمانى كه به حضور شما بازگردم و در رجعت شما رستگار شده‏

كَرَّتِكُمْ، وَ الْحَشْرِ فى‏ زُمْرَتِكُمْ، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ‏

و در گروه شما محشور شوم، و سلام و رحمت و بركات‏

عَلَيْكُمْ، وَ صَلَواتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ هُوَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ الْوَكيلُ.[[803]](#footnote-803)

و درودها و تحيّات خدا بر شما باد كه او ما را كافى و بهترين وكيل است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 633

8- «سيّد بن طاووس» از محمّد بن ذكوان (معروف به محمّد سجّاد، كه بر اثر سجده‏هاى طولانى به اين نام، ناميده شده بود) روايت كرده است، كه به امام صادق عليه السلام عرض كردم: اين ماه، ماه رجب است، به من دعايى بياموز كه خداوند متعال مرا با آن منفعت بخشد!

امام عليه السلام فرمود: بنويس بسم اللَّه الرّحمن الرّحيم و بگو در هر شب و روز از ماه رجب، پس از هر نماز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

يا مَنْ ارْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يا مَنْ يُعْطِى‏

اى كسى كه براى هر چيزى به تو اميدوارم، و از هر شرّى از خشمت ايمنى مى‏جويم، اى كسى كه در برابر اطاعت‏

الْكَثيرَ بِالْقَليلِ، يا مَنْ يُعْطى‏ مَنْ سَئَلَهُ، يا مَنْ يُعْطى‏ مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ وَمَنْ لَمْ‏

اندكم پاداش فراوان بخشى، اى كسى كه هر كس از تو درخواست كند عطا مى‏كنى، اى كسى كه از روى‏

يَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً، اعْطِنى‏ بِمَسْئَلَتى‏ ايَّاكَ، جَميعَ خَيْرِ الدُّنْيا

دلسوزى و رحمت به كسى كه از تو درخواستى نكرده و تو را نشناسد نيز عطا كنى، به واسطه درخواستم از تو تمامى خير دنيا

وَجَميعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ، وَ اصْرِفْ عَنّى‏ بِمَسْئَلَتى‏ ايّاكَ، جَميعَ شَرِّ الدُّنْيا

و آخرت را به من عطا كن و تمامى شرّ دنيا و آخرت را از من‏

وَ شَرِّ الْآخِرَةِ، فَانَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ما اعْطَيْتَ، وَ زِدْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ يا كَريمُ.

باز دار، به يقين آنچه تو عطا كنى بى نقص و كامل است، و از فضلت بر من بيافزا، اى بخشنده،

سپس آن حضرت، محاسن شريف خود را، با دست چپ خود گرفت و در حالى كه انگشت سبّابه دستِ راستِ خود را حركت داد، با حالت تضرّع و التجا اين دعا را خواند. سپس گفت:

ياذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، ياذَا النَّعْمآءِ وَالْجُودِ، ياذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، حَرِّمْ‏

اى صاحب شكوه و بزرگوارى، اى صاحب نعمتها و بخشش، اى صاحب لطف و كرم، آتش‏

شَيْبَتى‏ عَلَى النَّارِ.[[804]](#footnote-804)

دوزخ را بر من حرام كن.

9- رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كس در ماه رجب صد مرتبه بگويد:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لا إلهَ إِلَّا هُوَ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ‏

و در پايان صدقه‏اى بدهد، خداوند كارش را به رحمت و مغفرت پايان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 634

دهد و هر كس چهارصد مرتبه آن را بگويد فضيلت شهيدان را دارد.[[805]](#footnote-805) 10- همچنين رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: كسى كه در ماه رجب هزار مرتبه‏

«لا الهَ الَّا اللَّه»

بگويد، خداوند براى او حسنات فراوانى مى‏نويسد.[[806]](#footnote-806) 11- در روايتى آمده است: «هر كس در ماه رجب، در وقت صبح، هفتاد مرتبه و شبانگاه نيز هفتاد مرتبه بگويد:

«اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ الَيْهِ»

و پس از آن، دستها را بلند كند و بگويد:

«أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لي وَ تُبْ عَلَىَّ»

اگر در همان ماه رجب بميرد، خداوند از او راضى خواهد بود ...».[[807]](#footnote-807) 12- در طول اين ماه هزار مرتبه بگويد:

«اسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَاالْجَلالِ وَ الْإكْرامِ مِنْ جَميعِ الذُّنُوبِ وَالْآثامِ»

تا خداوند رحمان وى را بيامرزد.[[808]](#footnote-808) 13- «سيّد بن طاووس» در «اقبال» فضيلت فراوانى براى خواندن سوره «قل هو اللَّه احد» در ماه رجب نقل كرده است؛ از جمله از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت كرده است: هر كس با نيّت پاك در ماه رجب، ده هزار مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» را بخواند، وارد عرصه قيامت شود در حالى كه از گناه پاك باشد مانند روزى كه از مادر متولّد شده است، و هفتاد فرشته به استقبال او مى‏آيند و به وى بشارت بهشت را مى‏دهند.

همچنين آن حضرت براى هزار بار خواندن سوره «قل هو اللَّه احد» در اين ماه و حتّى صد بار نيز پاداش زيادى ذكر كرد.[[809]](#footnote-809) 14- در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه آن حضرت فرمود: «هر كس يك روز از ماه رجب را روزه بدارد، و چهار ركعت نماز بگزارد (هر دو ركعت با يك سلام) و در ركعت اوّل صد مرتبه «آيةالكرسى» بخواند و در ركعت دوم، دويست مرتبه «قل هو اللَّه احد»؛ پيش از مردن جاى خود را در بهشت مى‏بيند و يا ديگرى جاى او را ببيند (و براى او توصيف كند)».[[810]](#footnote-810) 15- در طول ماه رجب شصت ركعت نماز بجا آورد به اين نحو كه: در هر شب از اين ماه، دو ركعت نماز بخواند، در هر ركعت، يك مرتبه «حمد» و سه مرتبه «قل يا ايّها الكافرون» و يك مرتبه «قل هو اللَّه احد» بخواند و پس از سلام نماز، دستها را بلند كند و بگويد:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى‏

معبودى جز خدا نيست، يگانه‏اى كه شريكى ندارد و فرمانروايى و ستايش از آن اوست، زنده كرده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 635

وَيُميتُ، وَهُوَ حَىٌّ لايَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَالَيْهِ‏

و مى‏ميراند، و اوست زنده‏اى كه هرگز نميرد، خير و نيكى بدست اوست و بر هر چيز تواناست، و بازگشت (همه)

الْمَصيرُ، وَلا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

به سوى اوست، و توان و نيرويى جز براى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست، خدايا بر محمد

مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ الْأُمِّىِّ وَ آلِهِ.

آن پيامبر درس نخوانده و خاندان پاكش درود فرست.

و آنگاه دست‏ها را به صورت خود بكشد.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: «هر كس اين عمل را به جا آورد، خداوند دعايش را مستجاب گرداند ...».[[811]](#footnote-811) 16- مرحوم «علّامه مجلسى» در «زاد المعاد» روايتى را از امير مؤمنان على عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده است كه آن حضرت فرمود: هر كس در هر شب و يا در هر روز از ماههاى رجب، شعبان و رمضان سوره «حمد»، «آيةالكرسى» و سوره‏هاى «قل يا ايّها الكافرون»، «قل هو اللّه احد»، «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب النّاس» را سه مرتبه بخواند و سه مرتبه بگويد:

«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إلهَ إلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلَّابِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ»

و سه مرتبه بگويد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

و سه مرتبه بگويد:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ»

و چهارصد مرتبه بگويد:

«اسْتَغفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إلَيْهِ»

خداوند گناهانش را بيامرزد (هر چند زياد باشد) سپس در ادامه فرمود: اگر كسى در مدّت عمرش يك بار اين عمل را بجا آورد، خداوند در برابر هر حرفى پاداش فراوانى به وى عطا كند ...[[812]](#footnote-812)

ليلة الرّغائب:

17- ليلة الرّغائب: اوّلين شب جمعه ماه رجب را «ليلة الرّغائب»[[813]](#footnote-813) گويند؛ رسول خدا صلى الله عليه و آله در روايتى كه فضيلت ماه رجب را بيان مى‏كرد فرمود: «از اوّلين شب جمعه ماه رجب غافل نشويد كه فرشتگان آن را «ليلة الرّغائب» ناميدند».

آنگاه رسول خدا صلى الله عليه و آله اعمالى را براى آن شب به اين كيفيّت بيان فرمود: «روز پنج‏شنبه اوّل ماه را روزه مى‏گيرى، چون شب جمعه فرا رسيد، ميان نماز مغرب و عشا دوازده ركعت نماز مى‏گذارى (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعت از آن، يك مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «إنّا انزلناه» و دوازده مرتبه «قل هو

كليات مفاتيح نوين، ص: 636

اللَّه احد» را مى‏خوانى؛ پس از اتمام نماز هفتاد مرتبه مى‏گويى:

«أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ الْامِّىِّ وَ عَلى‏ آلِهِ»

آنگاه به سجده مى‏روى و هفتاد بار مى‏گويى:

«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ»

سپس سر از سجده برمى‏دارى و هفتاد بار مى‏گويى:

«رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أنْتَ العَلِىُّ الْأعْظَمُ»

بار ديگر نيز به سجده مى‏روى و هفتاد مرتبه مى‏گويى:

«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ»

آنگاه حاجت خود را مى‏طلبى كه ان‏شاءاللَّه برآورده خواهد شد.

رسول خدا صلى الله عليه و آله در فضيلت اين اعمال فرمود: «كسى كه چنين نمازى را بخواند، خداوند همه گناهانش را بيامرزد ... و در قيامت درباره هفتصد تن از خاندانش شفاعت مى‏كند، و چون شب اوّل قبر فرا رسد، خداوند پاداش اين نماز را به نيكوترين چهره، با رويى گشاده و درخشان و زبانى فصيح و گويا، به سوى قبر او مى‏فرستد، آن چهره نيكو به وى گويد: «اى حبيب من! بر تو بشارت باد! كه از هر شدّت و سختى نجات يافتى» از آن چهره نورانى مى‏پرسد: «تو كيستى؟ من تاكنون چهره‏اى از تو زيباتر نديده‏ام و بويى از بويت خوشتر به مشامم نرسيده؟!»

آن چهره نيكو پاسخ دهد: «اى حبيب من! من پاداش آن نمازى هستم كه تو در فلان شهر، فلان ماه و در فلان سال به جا آورده‏اى؛ من امشب به نزد تو آمدم، تا حقّت را ادا كنم و مونس تنهايى تو باشم و وحشت را از تو مرتفع سازم (و همواره در كنارت بمانم) تا زمانى كه همگى در روز رستاخيز برخيزند و در عرصه قيامت بر سرت سايه بيفكنم. (خلاصه هيچ زمانى پاداش اين كار نيك از تو قطع نخواهد شد)».[[814]](#footnote-814)

\*\*\*

عمره رجبيّه:

18- عمره رجبيّه: انجام «عمره»، در ماه رجب فضيلت فراوان دارد. طبق روايات اهل‏بيت عليهم السلام «عمره» در ماه رجب فضيلتى هم رديف حج دارد.[[815]](#footnote-815) در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است:

«افْضَلُ الْعُمْرَةِ، عُمْرَةُ رَجَبٍ؛

با فضيلت‏ترين عمره، عمره در ماه رجب است».[[816]](#footnote-816) در روايتى ديگر از امام صادق عليه السلام پرسيدند: «عمره در ماه رجب افضل است يا ماه رمضان؟» فرمود:

«عمره در ماه رجب افضل است».[[817]](#footnote-817) در روايتى آمده است كه حضرت امام زين‏العابدين عليه السلام در ماه رجب به عمره رفته بود و شبانه‏روز، در كنار كعبه نماز بجا مى‏آورد و پيوسته در سجده بود، و در حال سجده اين ذكر را مى‏گفت:

«عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 637

عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ»

و در آن مدّت، چيزى افزون بر اين ذكر نمى‏گفت![[818]](#footnote-818) همچنين زيارت امام رضا عليه السلام در ماه رجب مستحب است و در روايتى از امام جواد عليه السلام زيارت آن حضرت در ماه رجب مورد تأكيد قرار گرفته است.[[819]](#footnote-819)

دوم- اعمال مخصوص شبها و روزهاى ماه رجب:

شب اوّل ماه‏: انجام اعمالى در اين شب با ارزش، مورد سفارش است:

اوّل: از رسول‏خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه به هنگام رؤيت هلال ماه رجب، اين دعا را مى‏خواند:

اللهُمَّ اهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ وَ الْإيمانِ، وَ السَّلامَةِ وَ الْإِسْلامِ، رَبّى‏

خدايا ما را با امنيّت و ايمان و سلامتى و اسلام در اين ماه داخل كن، پروردگار من‏

وَرَبُّكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.[[820]](#footnote-820)

و تو (اى ماه رجب) خداوند عزيز و گرامى است.

و همچنين از آن حضرت نقل شده است كه وقتى هلال ماه رجب را مى‏ديد، مى‏فرمود:

اللهُمَّ بارِكْ لَنا فى‏ رَجَبٍ وَ شَعْبانَ، وَ بَلِّغْنا شَهْرَ رَمَضانَ، وَ اعِنَّا عَلَى‏

خدايا ماه رجب و شعبان را بر ما مبارك گردان و ما را به ماه رمضان برسان، و بر

الصِّيامِ وَ الْقِيامِ، وَ حِفْظِ اللِّسانِ، وَ غَضِّ الْبَصَرِ، وَ لا تَجْعَلْ حَظَّنا مِنْهُ‏

روزه و شب زنده‏دارى و حفظ زبان و چشم‏پوشى يارى ده، و بهره ما را از اين ماه‏

الْجُوعَ وَ الْعَطَشَ.[[821]](#footnote-821)

گرسنگى و تشنگى قرار مده.

دوم: غسل كردن.

مرحوم «سيّد بن طاووس» مى‏گويد در كتب «عبادات» روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله يافتم كه آن حضرت فرمود: «هر كس درك كند ماه رجب را و در اوّل، وسط و آخر آن، غسل كند؛ همانند روزى كه از مادر متولّد شده، از گناهان خارج گردد (و پاك شود)».[[822]](#footnote-822)

كليات مفاتيح نوين، ص: 638

سوم: زيارت امام حسين عليه السلام در اين شب فضيلت بسيار دارد.[[823]](#footnote-823) چهارم: بعد از نماز مغرب، بيست ركعت نماز بخواند (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعت يك بار سوره «حمد» و يك بار سوره «توحيد» بخواند؛ رسول خدا صلى الله عليه و آله در پاداش اين عمل فرمود: هر كس‏چنين كند، به خدا سوگند! خودش، خانواده‏اش، مالش و فرزندانش محفوظ بمانند و از عذاب قبر پناه داده شود ...

و در قيامت به سرعت از صراط بگذرد.[[824]](#footnote-824) پنجم: بعد از نماز عشا، دو ركعت نماز بجا آورد، در ركعت اوّل «حمد» و «الم نشرح» را يك مرتبه و سوره «قل هو اللّه احد» را سه مرتبه بخواند و در ركعت دوم، سوره‏هاى «حمد»، «الَم نشرح»، «قل هو اللَّه احد» و «معوّذتين» (سوره‏هاى ناس و فلق) را يكبار بخواند و پس از سلام سى مرتبه بگويد: «لا اله الّا اللَّه» و سى مرتبه «صلوات» بفرستد.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: كسى كه اين عمل را انجام دهد، خداوند گناهانش را مى‏آمرزد و از گناه پاك مى‏شود.[[825]](#footnote-825) ششم: سى ركعت نماز بخواند، (هر دو ركعت به يك سلام) در هر ركعت يك مرتبه «حمد» و يك مرتبه «قل يا ايّها الكافرون» و سه مرتبه «قل هو اللَّه احد» را بخواند؛ در روايتى رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر مرد و زن مؤمنى چنين كند، خداوند تمام گناهان كوچك و بزرگ وى را مى‏آمرزد و تا سال بعد، خداوند نامش را در فهرست «نمازگزاران» مى‏نويسد و از نفاق پاك مى‏شود.[[826]](#footnote-826)

\*\*\*

هفتم: احياى شب اوّل ماه‏: «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» از امام صادق عليه السلام از جدّش از امير مؤمنان على عليه السلام نقل كرده است كه آن حضرت دوست داشت كه در چهار شب از شبهاى سال، فارغ از هر چيز، به عبادت بپردازد: شب اوّل ماه رجب، شب نيمه شعبان، شب عيد فطر و شب عيد قربان.[[827]](#footnote-827) در حديثى ديگر، از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه: «تا مى‏توانى بر احياى شب‏هاى عيد فطر، عيد قربان و ... شب اوّل رجب مراقبت كن».[[828]](#footnote-828)

\*\*\*

هشتم: خواندن دعايى كه از امام جواد عليه السلام نقل شده است كه فرمود: مستحب است انسان، در شب اوّل رجب، با اين كلمات، دعا كند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 639

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِانَّكَ مَليكٌ، وَانَّكَ عَلى‏كُلِّ شَىْ‏ءٍ مُقْتَدِرٌ، وَانَّكَ ما

خدايا از تو مى‏خواهم به خاطر اينكه فرمانروايى و بر هر چيز توانايى، و آنچه بخواهى‏

تَشآءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونَ، اللهُمَّ انّى‏ اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِىِّ الرَّحْمَةِ،

انجام مى‏شود، خدايا به تو رو مى‏كنم، به واسطه پيامبرت محمّد، پيامبر رحمت‏

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللَّهِ، انّى‏ اتَوَجَّهُ بِكَ الَى اللَّهِ رَبِّكَ‏

- كه درود خدا بر او و خاندانش باد- اى محمّد، اى رسول خدا، به واسطه تو به خدايى كه پروردگار تو

وَرَبِّى‏ لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتى‏، اللهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ اهْلِ بَيْتِهِ،

و من است رو مى‏كنم، تا به واسطه تو به خواسته‏ام برسم، خدايا به حق پيامبرت محمّد و امامان از خاندانش‏

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، انْجِحْ طَلِبَتى‏.

- كه درود خدا بر او و بر آنان باد- خواسته‏ام را اجابت كن.

آنگاه حاجت خود را از خداوند بخواهد.[[829]](#footnote-829) نهم: از حضرت موسى‏بن‏جعفر عليه السلام نقل شده كه (در شب اوّل ماه رجب) بعد از فراغ از نماز شب، در حال سجده مى‏گفت:

لَكَ الْمَحْمَدَةُ انْ اطَعْتُكَ، وَلَكَ الْحُجَّةُ انْ عَصَيْتُكَ، لا صُنْعَ لى‏ وَلا لِغَيْرى‏

ستايش از آنِ توست اگر اطاعتت كنم، و دليل و حجّت از آنِ توست اگر مخالفتت كنم، و در احسان و نيكى جز به كمك تو كارى از دست من و غير من‏

فى‏ احْسانٍ الَّا بِكَ، يا كائِناً قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَيا مُكَوِّنَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، انَّكَ‏

ساخته نيست، اى كه قبل از هر چيز بوده و همه چيز را به وجود آوردى، به يقين تو

عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَديلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ مِنْ‏

بر هر چيز توانايى، خدايا از خروج از حق در هنگام مردن و از

شَرِّ الْمَرْجِعِ فِى الْقُبُورِ، وَ مِنَ النَّدامَةِ يَوْمَ الْا زِفَةِ، فَاسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ‏

بازگشت بد به گور و از پشيمانى روز قيامت، به تو پناه مى‏برم، پس از تو مى‏خواهم كه‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ عَيْشى‏ عيشَةً نَقِيَّةً، وَ مِيتَتى‏ ميتَةً

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستى، و زندگانيم را پاكيزه و مرگم را

سَوِيَّةً، وَ مُنْقَلَبى‏ مُنْقَلَباً كَريماً، غَيْرَ مُخْزٍ وَ لا فاضِحٍ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

آسان و بازگشتم را كريمانه و بدون خوارى و رسوايى قرار دهى، خدايا بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 640

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَئِمَّةِ، يَنابيعِ الْحِكْمَةِ، وَ اولِى النِّعْمَةِ، وَمَعادِنِ الْعِصْمَةِ،

محمّد و خاندانش درود فرست، همان امامانى كه سرچشمه‏هاى دانش و صاحبان نعمت و گنجينه‏هاى عصمتند،

وَاْعصِمْنى‏ بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَلا تَاْخُذْنى‏ عَلى‏ غِرَّةٍ وَ لا عَلى‏ غَفْلَةٍ، وَ لا

و مرا به واسطه ايشان از هر بدى حفظ كن، و بر غرور و بى‏خبرى مؤاخذه نكن،

تَجْعَلْ عَواقِبَ اعْمالى‏ حَسْرَةً، وَ ارْضَ عَنّى‏، فَانَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمينَ‏

و سرانجام كارم را افسوس و پشيمانى قرار مده، و از من راضى باش، چرا كه آمرزش تو از آنِ گنهكاران است‏

وَانَا مِنَ الظَّالِمينَ، اللهُمَّ اغْفِرْ لى‏ ما لا يَضُرُّكَ، و اعْطِنى‏ ما لا يَنْقُصُكَ،

و من از گنهكارانم، خدايا آنچه زيانى را به تو نرساند از من بيامرز و آنچه از تو نكاهد به من عطا كن،

فَانَّكَ الْوَسيعُ رَحْمَتُهُ، الْبَديعُ حِكْمَتُهُ، وَ اعْطِنِى السَّعَةَ وَ الدَّعَةَ، وَ الْأَمْنَ‏

چرا كه رحمت تو وسيع و دانشت به روز است، و به من وسعت و آسايش و امنيّت‏

وَ الصِّحَّةَ، وَ الْبُخُوعَ وَ الْقُنُوعَ، وَ الشُّكْرَ وَ الْمُعافاةَ، وَ التَّقْوى‏ وَ الصَّبْرَ،

و سلامتى و فروتنى و قناعت و شكر و گذشت و پرهيزكارى و صبر

وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَ عَلى‏ اوْلِيآئِكَ، وَ الْيُسْرَ وَ الشُّكْرَ، وَ اعْمُمْ بِذلِكَ يا رَبِ‏

و راستگويى نسبت به تو و اوليايت و آسايش و شكر عطا كن، اى پروردگار من شريك كن در اين امور

اهْلى‏ وَ وُلْدى‏ وَ اخْوانى‏ فيكَ، وَ مَنْ احْبَبْتُ وَ احَبَّنى‏، وَ وَلَدْتُ وَ وَلَدَنى‏،

خانواده و فرزندان و برادران دينيم و آنان كه دوستشان دارم و دوستم دارند و فرزندان و پدرانم،

مِنَ الْمُسْلِمينَ وَ الْمُؤْمِنينَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.[[830]](#footnote-830)

از مسلمانان و مؤمنان را، اى پروردگار جهانيان.

در حديث آمده است كه اين دعا، بعد از هشت ركعت نماز شب و پيش از نماز وتر است. آنگاه سه ركعت وتر (دو ركعت نماز شفع و يك ركعت نماز وتر) را بجا مى‏آورى پس از سلام، در همان حالت نشسته مى‏خوانى:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لا تَنْفَدُ خَزآئِنُهُ، وَ لا يَخافُ آمِنُهُ، رَبِّ انِ ارْتَكَبْتُ‏

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه گنجهايش پايان نپذيرد و پناه آورنده‏اش ايمن باشد، اى پروردگار من، اگر مرتكب‏

الْمَعاصِىَ فَذلِكَ ثِقَةٌ مِنّى‏ بِكَرَمِكَ، انَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِكَ، وَتَعْفُو

گناهان شدم به خاطر اطمينانم به كرم توست، چرا كه توبه بندگانت را مى‏پذيرى و گناهانشان را

كليات مفاتيح نوين، ص: 641

عَنْ سَيِّئاتِهِمْ، وَ تَغْفِرُ الزَّلَلَ، وَ انَّكَ مُجيبٌ لِداعيكَ وَ مِنْهُ قَريبٌ، وَ انَا

مى‏بخشى، و لغزش‏هايشان را مى‏آمرزى، و تو به يقين درخواست كننده‏ات را پاسخ گويى و به او نزديكى، و من‏

تائِبٌ الَيْكَ مِنَ الْخَطايا، وَ راغِبٌ الَيْكَ فى‏ تَوْفيرِ حَظّى‏ مِنَ الْعَطايا، يا

از خطاهايم به درگاهت بازگشته و فزونى بهره‏ام از عطاهايت را خواهانم، اى‏

خالِقَ الْبَرايا، يا مُنْقِذى‏ مِنْ كُلِّ شَديدَةٍ، يا مُجيرى‏ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ، وَفِّرْ

آفريدگار مخلوقات، اى نجات‏دهنده‏ام از سختى‏ها، اى پناهم از هر خطر، شادمانيم‏

عَلَىَّ السُّرُورَ، وَ اكْفِنى‏ شَرَّ عَواقِبِ الْأُمُورِ، فَانْتَ اللَّهُ عَلى‏ نَعْمآئِكَ‏

را فراوان كن، و از عاقبت‏هاى بد كارهايم مرا حفظ كن، پس تويى خدايى كه نعمتها

وَ جَزيلِ عَطآئِكَ مَشْكُورٌ، وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ.[[831]](#footnote-831)

و فراوانى بخششهايت در خور ستايش و براى هر كار خيرى ذخيره شده است.

\*\*\*

روز اوّل ماه‏: اين روز نيز اعمالى دارد:

1- روزه گرفتن؛ در روايتى از امام رضا عليه السلام پاداشهاى مهمّى براى روزه اوّل ماه رجب ذكر شده است.[[832]](#footnote-832) در روايتى ديگر، امام‏باقر عليه السلام روز اوّل ماه رجب را، روز سوار شدن حضرت نوح بر كشتى بيان كرده و فرمود: «هنگامى كه نوح در اين روز، سوار كشتى شد، به همه كسانى كه با او بودند دستور داد روزه بگيرند؛ و هر كس اين روز را روزه بگيرد، آتش دوزخ به فاصله يك سال راه، از او دور گردد».[[833]](#footnote-833) 2- غسل كردن.[[834]](#footnote-834) 3- زيارت امام حسين عليه السلام؛ «شيخ طوسى» روايتى را از امام صادق عليه السلام نقل كرده است كه آن حضرت فرمود: «هر كس امام حسين عليه السلام را در روز اوّل ماه رجب زيارت كند، به يقين خداوند او را مى‏آمرزد».[[835]](#footnote-835) 4- خواندن نماز حضرت سلمان؛ اين نماز را كه رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله به وى آموخت، به اين نحو است: ده ركعت نماز بجا مى‏آورى (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعت، يك مرتبه «حمد»، سه مرتبه «توحيد» و سه مرتبه «قل يا ايّها الكافرون» را مى‏خوانى و بعد از سلامِ نماز، دستها را بلند مى‏كنى و مى‏گويى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 642

لا إلهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى‏ وَيُميتُ،

معبودى نيست جز خداى يگانه كه شريكى ندارد، فرمانروايى و ستايش از آنِ اوست، زنده كرده و مى‏ميراند،

وَهُوَ حَىٌّ لايَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ لا مانِعَ‏

و اوست زنده‏اى كه هرگز نميرد، و نيكى‏ها به دست اوست و او بر هر چيز تواناست، خدايا آنچه تو عطا كنى كسى را توانايى‏

لِما اعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِىَ لِما مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَاالْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ.

منعش نباشد و آنچه تو منع كنى كسى را توانايى عطايش نباشد، و تلاش غنىّ (بدون عمل) از تو بى‏نيازش نكند.

آنگاه دست‏ها را بر روى صورت خود مى‏كشى.[[836]](#footnote-836) در روز نيمه ماه نيز ده ركعت نماز به همين نحو انجام مى‏دهى و پس از هر دو ركعت، آن دعا را مى‏خوانى ولى پس از جمله‏

«وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَدير»

اين جملات را اضافه مى‏كنى:

الهاً واحِداً احَداً فَرْداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً.

معبود يگانه يكتاى تنهاى بى‏نيازى كه همسر و فرزندى اختيار نكرده است.

آنگاه دستها را به صورت مى‏كشى.[[837]](#footnote-837) و در روز آخر ماه رجب نيز، ده ركعت نماز را به همان نحو، انجام مى‏دهى و پس از سلام نماز، آن دعا را مى‏خوانى، ولى پس از جمله‏

«وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَدير»

مى‏گويى:

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرينَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ‏

و درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش و توان و نيرويى جز براى خداوند

الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

بلندمرتبه با عظمت نيست.

آنگاه دست‏ها را بر صورت خود مى‏كشى و حاجتت را مى‏طلبى كه به اجابت مى‏رسد.[[838]](#footnote-838) پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله به سلمان فرمود: «هر مرد و زن مؤمنى كه اين سى ركعت نماز را بجا آورد، خداوند گناهانش را بيامرزد و پاداش كسى كه تمام آن ماه را روزه گرفته، به وى عنايت كند و از آتش دوزخ نجات دهد، و اين به منزله ورقه عبور از صراط است».

سلمان مى‏گويد: «پس از شنيدن اين حديث از رسول خدا صلى الله عليه و آله با حالت گريه به سجده افتادم و شكر الهى را بجا آوردم».[[839]](#footnote-839)

كليات مفاتيح نوين، ص: 643

5- نماز ديگرى از حضرت سلمان رحمه الله، اين نماز نيز ده ركعت است (هر دو ركعت به يك سلام) كه در روز اوّل ماه رجب خوانده مى‏شود: در هر ركعت يك مرتبه «حمد» و سه مرتبه «توحيد».

رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله درباره پاداش اين نماز به سلمان نكته‏هايى را فرمود، از جمله، بخشش گناهان، محفوظ ماندن از وحشت قبر و عذاب روز قيامت و دور ماندن از برخى ازبيمارى‏ها.[[840]](#footnote-840) شب سيزدهم ماه‏: امام صادق عليه السلام فرمود: «خداوند به اين امّت سه ماه ارزشمند عطا كرد، كه به امّت‏هاى قبل نداده بود و آن ماهها، رجب، شعبان و ماه رمضان است و سه شب نيز به اين امّت عنايت كرد كه به امّت‏هاى پيشين نداده بود و آن شب‏هاى سيزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه است و همچنين سه سوره (بافضيلت و پرمحتوا) به اين امّت عطا كرد كه به امّت‏هاى سابق نداده بود و آن سوره‏هاى «يس»، «مُلك» و «توحيد» است، از اين رو هر كس كه ميان اين سه فضيلت جمع كند، ميان بهترين عطاهاى اين امّت جمع كرده است».

از امام عليه السلام سؤال شد: «چگونه مى‏توان ميان آنها جمع كرد؟»

فرمود: «در ليالى بيض (سه شب مزبور) در اين سه ماه نماز بخواند؛ به اين نحو كه «در شب سيزدهم، دو ركعت نماز بگزارد و در هر ركعتى پس از سوره «حمد» اين سه سوره (يس، ملك و توحيد) را بخواند، و در شب چهاردهم، چهار ركعت نماز بگزارد (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعتى «حمد» و «يس» و «ملك» و «توحيد» را بخواند و در شب پانزدهم، شش ركعت نماز بگزارد (هر دو ركعت به يك سلام) و همان سوره‏ها را در هر ركعت بخواند».

امام عليه السلام در فضيلت اين نمازها فرمود: «هر كس چنين كند فضيلت اين سه ماه را به دست آورده و خداوند همه گناهانش را- جز شرك- مى‏آمرزد».[[841]](#footnote-841) روز سيزدهم ماه‏: روز سيزدهم ماه رجب مصادف با ولادت اميرالمؤمنين على عليه السلام است و اوّلين روز از ايّام البيض است. روزه گرفتن در اين روز، و دو روز بعد، ثواب فراوانى دارد.[[842]](#footnote-842) و هر كس كه بخواهد عمل «امّ داوود» را بجا آورد بايد اين روز را روزه بگيرد.

روز چهاردهم ماه‏: روزه گرفتن در اين روز پاداش فراوانى دارد. در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم: «هركس كه روز چهاردهم ماه رجب را روزه بگيرد، خداوند پاداشى به وى عنايت كند كه نه چشمى ديده و نه گوشى شنيده و نه بر قلبى خطور كرده باشد! ...».[[843]](#footnote-843) شب نيمه ماه‏: اين شب، شب ارزشمندى است كه چند عمل در آن وارد شده است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 644

اوّل: غسل.[[844]](#footnote-844) دوم: احياى آن شب به عبادت كه فضيلت بسيار دارد.[[845]](#footnote-845) سوم: زيارت امام حسين عليه السلام كه زيارت آن حضرت در شب و روز نيمه رجب مورد تأكيد قرار گرفته است.[[846]](#footnote-846) چهارم: شش ركعت نماز بگذارد (هر دو ركعت با يك سلام) و در هر ركعتى «حمد» و «يس» و «ملك» و «توحيد» را بخواند.

پنجم: بجا آوردن سى ركعت نماز، كه در هر ركعت يك مرتبه «حمد» و ده مرتبه سوره «توحيد» را بخواند، در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله پاداش فراوانى براى اين نماز ذكر شده است.[[847]](#footnote-847) ششم: دوازده ركعت نماز (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعت يك بار «حمد» و يك بار «سوره» را مى‏خوانى و پس از پايان نمازها هر يك از سوره‏هاى «حمد»، «فلق»، «ناس»، «توحيد» و «آيةالكرسى» و همچنين سوره «قدر» را چهار مرتبه مى‏خوانى و پس از آن، چهار مرتبه مى‏گويى:

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص644**

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَاالهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اكْبَر

. سپس مى‏گويى:

أللَّهُ أللَّهُ رَبِّي، لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، ما شاءَ اللَّهُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

اين نماز را «سيّد» در «اقبال» از امام صادق عليه السلام روايت كرده است.[[848]](#footnote-848) روز نيمه رجب‏: روز مباركى كه در آن چند عمل وارد شده است:

1- غسل كردن.[[849]](#footnote-849) 2- زيارت امام حسين عليه السلام؛ در روايتى از محمّد بن ابى‏نصر نقل شده است كه از امام رضا عليه السلام سؤال كردم: «در چه ماهى زيارت امام حسين عليه السلام بهتر است؟» فرمود: «در نيمه رجب و نيمه شعبان».[[850]](#footnote-850) 3- بجا آوردن نماز جناب سلمان (همان‏گونه كه در اعمال روز اوّل ماه رجب، صفحه 641 گذشت).[[851]](#footnote-851) 4- چهار ركعت نماز بگزارد (هر دو ركعت به يك سلام) و پس از سلام دستهاى خود را بگشايد و بگويد:

اللَّهُمَّ يا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ، وَ يا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ، انْتَ كَهْفى‏ حينَ تُعْيينِى‏

اى خدا، اى خواركننده ستمگران، و اى عزّت بخش مؤمنان، تويى پناهم به هنگام درماندگى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 645

الْمَذاهِبُ، وَانْتَ بارِئُ خَلْقى‏ رَحْمَةً بى‏، وَ قَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقى‏ غَنِيّاً،

و تويى آفريننده من از روى رحمت، در حالى كه نيازى به خلقتِ من نداشتى،

وَلَوْلا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ، وَ انْتَ مُؤَيِّدى‏ بِالنَّصْرِ عَلى‏ اعْدآئى‏،

و اگر نبود رحمت تو به يقين نابود مى‏شدم، و تويى ياورم در برابر دشمنان،

وَ لَوْ لا نَصْرُكَ ايَّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحينَ، يا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ‏

و اگر ياريت نبود به يقين از رسواشدگان بودم، اى فرو فرستنده رحمت از

مَعادِنِها، وَ مُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَواضِعِها، يا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ‏

معادن آن، و پديدآورنده بركت از جايگاه آن، اى كسى كه خود را به سربلندى‏

وَالرَّفْعَةِ، فَاوْلِيآؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ، وَ يا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نيرَ الْمَذَلَّةِ

و بلندمرتبگى مخصوص ساخته، پس دوستانش به عزّت او سرافراز گردند، و اى كسى كه پادشاهان در برابرش يوغ ذلّت‏

عَلى‏ اعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خآئِفُونَ، اسئَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِى‏

به گردن نهاده، و از اقتدار او بيمناكند، از تو مى‏خواهم به حق بودنت كه‏

اشْتَقَقْتَها مِنْ كِبْرِيآئِكَ، وَ اسئَلُكَ بِكِبْرِيآئِكَ الَّتِى اشْتَقَقْتَها مِنْ عِزَّتِكَ،

از عظمتت برگرفته‏اى، و از تو مى‏خواهم به حق عظمتت كه از عزّتت برگرفته‏اى،

وَاسئَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِى اسْتَوَيْتَ بِها عَلى‏ عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِها جَميعَ خَلْقِكَ‏

و از تو مى‏خواهم به حق عزّتت كه به وسيله آن بر عرشت مستولى گشته‏اى، و به واسطه آن تمامى مخلوقاتت را آفريده‏اى،

فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَيْتِهِ.

پس همه به خداونديت اقرار دارند، (از تو مى‏خواهم) كه بر محمّد و خاندانش درود فرستى.

امام صادق عليه السلام از امير مؤمنان على عليه السلام نقل كرده است كه: هر غمزده و اندوهگينى اين دعا را بخواند، خداوند متعال اندوه و غم او را برطرف مى‏سازد.[[852]](#footnote-852)

\*\*\*

5- عمل امّ داوود: از مهمترين اعمال روز نيمه رجب، عمل «امّ داوود» است كه به گفته علّامه مجلسى: «شيخ صدوق»، «شيخ طوسى» و «سيّد بن طاووس» (ره) به سندهاى معتبر آن را نقل كرده‏اند.[[853]](#footnote-853) اين عمل براى برآمدن حاجات و رفع اندوه و غم، حلّ مشكلات و دفع ظلم ستمگران بسيار مؤثّر است. (و به گفته «علّامه مجلسى»، در «زاد المعاد»، بارها تجربه شده است.)

كليات مفاتيح نوين، ص: 646

اجمال اين روايت و سبب نامگذارى آن به «امّ داوود» چنين است:

جناب فاطمه، مادر داوود بن حسن (نوه پسرى امام حسن مجتبى عليه السلام) دايه امام صادق عليه السلام بود، كه فاطمه، امام صادق عليه السلام را با شير داوود، شير داده بود، هنگامى كه «محمّد بن عبداللَّه بن حسن» در مدينه قيام كرد، «منصور دوانيقى» لشكرى را براى نبرد با آنان فرستاد كه آنها را شكست دادند و محمّد و برادرش ابراهيم را كشتند، و عبداللَّه بن حسن و جمعى از سادات را دستگير نموده و به زندان عراق منتقل كردند، در ميان آن گروه «داوود» نيز حضور داشت. مادر داوود مى‏گويد: چون مدّتى از حبس فرزندم گذشت و از او خبرى به من نرسيد، بسيار پريشان شدم و پيوسته تضرّع و دعا مى‏كردم و از صلحا و نيكان و برادران دينى براى نجات فرزندم طلب دعا مى‏نمودم، ولى نتيجه‏اى نمى‏گرفتم و گاهى خبر كشته شدن داوود به من مى‏رسيد و گاه مى‏گفتند كه وى زنده است. روز به روز اندوه و مصيبت من بيشتر مى‏شد و از ديدار او نااميدتر مى‏شدم. تا آن كه شنيدم، امام صادق عليه السلام بيمار شده است. به عيادت آن حضرت رفتم، وقتى خواستم برخيزم، امام فرمود:

از داوود چه خبر دارى؟ من وقتى كه نام «داوود» را شنيدم، گريستم و گفتم: فدايت شوم، داوود در عراق زندانى است، من كه از ديدار او نااميدم! از شما التماس دعا دارم، او را دعا كنيد، او برادر رضاعى شماست!

امام عليه السلام فرمود: چرا از دعاى «استفتاح» و دعاى «اجابت» و «نجاح»[[854]](#footnote-854) غافلى! اين دعا، دعايى است كه درهاى اجابت الهى را مى‏گشايد و فرشتگان از آن استقبال مى‏كنند و دعا كننده را به اجابت دعايش، بشارت مى‏دهند و كسى كه اين دعا را بخواند، پاداش او بهشت است.

پرسيدم: اين دعا و عمل به آن چگونه است؟

امام عليه السلام فرمود: ماه رجب نزديك شده است و اين ماه، ماهى ارزشمند است و دعاها در آن به اجابت مى‏رسد، در سيزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، روزه بگير! امام عليه السلام در ادامه نحوه اعمال را بيان كرد و فرمود: اين دعا، بسيار شريف و پرارزش است كه مشتمل بر اسم اعظم خداست و هر كس آن را بخواند، حاجت او برآورده مى‏شود.

امّ‏داوود مى‏گويد: آن حضرت، دعا را براى من نوشت، من آن را به خانه بردم و انجام دادم تا آن‏كه در شب شانزدهم، پس از افطار و عبادت به خواب رفتم؛ رسول خدا صلى الله عليه و آله را در خواب ديدم، آن حضرت، علاوه بر بشارت بهشت و آمرزش گناهان، خبر آزادى و بازگشت فرزندم را به من داد؛ چند روزى نگذشت كه پسرم آزاد شد و با عزّت و احترام نزدم بازگشت و جريان آزادى خود و امورى را كه سبب آن شد، براى من تعريف كرد.[[855]](#footnote-855)

كليات مفاتيح نوين، ص: 647

كيفيّت عمل امّ‏داوود:

چگونگى اين عمل، مطابق روايت شيخ در «مصباح المتهجّد»[[856]](#footnote-856) به اين نحو است كه: روزهاى سيزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب را روزه مى‏گيرى، در روز پانزدهم، نزديك ظهر غسل مى‏كنى و چون ظهر شد، نماز ظهر و عصر را بجا مى‏آورى، در حالى كه ركوع و سجود را نيكو انجام مى‏دهى. خوب است اين عمل در مكان خلوتى باشد كه چيزى تو را مشغول نسازد و انسانى با تو سخن نگويد؛ وقتى كه نمازت به پايان رسيد؛ رو به قبله مى‏نشينى و اين سوره‏ها را مى‏خوانى:

1- سوره حمد، صد مرتبه.

2- سوره اخلاص، (قل هو اللَّه احد)، صد مرتبه.

3- آيةالكرسى، ده مرتبه.

4- سوره‏هاى انعام، اسراء، كهف، لقمان، يس، صافّات، حم سجده (فصّلت)، حمعسق (شورى)، دخان، فتح، واقعه، مُلك، ن و القلم و سوره انشقاق تا آخر قرآن، پس از پايان سوره‏هاى قرآنى، در همان حال كه رو به قبله نشسته‏اى، اين دعا را بخوان:

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظيمُ، الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلالِ‏

راست گفت خداوند با عظمتى كه معبودى جز او زنده و پاينده نيست، صاحب شكوه‏

وَالْإِكْرامِ، الرَّحْمنُ الرَّحيمُ، الْحَليمُ الْكَريمُ، الَّذى‏ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ‏ءٌ،

و بزرگوارى، بخشنده و مهربان، شكيبا و با كرامتى كه چيزى همانندش نيست،

وَهُوَ السَّميعُ الْعَليمُ، الْبَصيرُ الْخَبيرُ، شَهِدَ اللَّهُ انَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ،

و او شنوا و دانا و بينا و آگاه است، خداوند گواه است كه معبودى جز او نيست،

وَالْمَلائِكَةُ وَاولُوا الْعِلْمِ، قآئِماً بِالْقِسْطِ لا الهَ الَّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ،

و فرشتگان و صاحبان دانش نيز گواهى مى‏دهند كه معبوى جز او نيست؛ همواره قائم به عدالت است (آرى) هيچ معبودى جز آن خداوند توانا و دانا وجود ندارد،

وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْكِرامُ، وَانَا عَلى‏ ذلِكَ مِنَ الشَّاهِدينَ، اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

و پيامبران گراميش اين (گواهى) را رسانده‏اند و من نيز از گواهانم، خدايا حمد و سپاس‏

وَلَكَ الْمَجْدُ، وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ، وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ، وَلَكَ الْعَظَمَةُ

و بزرگوارى از آنِ توست و عزّت و بزرگ منشى از آنِ توست، و چيرگى و نعمت بخشى از آنِ توست، و بزرگى‏

وَلَكَ الرَّحْمَةُ، وَلَكَ الْمَهابَةُ وَلَكَ السُّلْطانُ، وَلَكَ الْبَهآءُ وَلَكَ الْإِمْتِنانُ،

و رحمت از آنِ توست، و شكوه و سلطنت از آنِ توست، و جلال و لطف از آنِ توست،

كليات مفاتيح نوين، ص: 648

وَلَكَ التَّسْبيحُ وَلَكَ التَّقْديسُ، وَلَكَ التَّهْليلُ وَلَكَ التَّكْبيرُ، وَلَكَ ما يُرى‏

و ثنا و تقديس از آنِ توست، و «لا إله الا اللَّه» و «اللَّه اكبر» مخصوص توست، و تويى مالك‏

وَلَكَ ما لا يُرى‏، وَلَكَ ما فَوْقَ السَّمواتِ الْعُلى‏، وَ لَكَ ما تَحْتَ الثَّرى‏،

آنچه پيدا و پنهان است، و تويى مالك آنچه در آسمان بالا و در زير زمين است،

وَلَكَ الْأَرَضُونَ السُّفْلى‏، وَلَكَ الْأخِرَةُ وَالْأُولى‏، وَلَكَ ما تَرْضى‏ بِهِ مِنَ‏

و از آنِ توست طبقات زيرين زمين و آخرت و دنيا، و از آنِ توست آنچه از

الثَّنآءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكرِ وَ النَّعْمآءِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ جَبْرَئيلَ امينِكَ عَلى‏

ستايش و سپاس و شكر و نعمت بخشى كه تو را خشنود سازد، خدايا درود فرست بر جبرئيل، امين بر

وَحْيِكَ، وَالْقَوِىِّ عَلى‏ امْرِكَ، وَالْمُطاعِ فى‏ سَمواتِكَ، وَمَحالِّ كَراماتِكَ،

وحيت، و توانمند بر اطاعت فرمانت و اطاعت شده در آسمانها و جايگاه‏هاى بزرگى و منزلتت،

الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِماتِكَ، النَّاصِرِ لِانْبِيآئِكَ، الْمُدَمِّرِ لِأَعْدآئِكَ، اللهُمَّ صَلِ‏

آورنده سخنانت، ياور پيامبرانت، و نابودكننده دشمنانت، خدايا درود فرست‏

عَلى‏ ميكائيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ، وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ، وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعينِ‏

بر ميكائيل، فرشته رحمت و آفريده شده براى (اظهار) مهربانيت و آمرزش خواه و ياور

لِأَهْلِ طاعَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ اسْرافيلَ حامِلِ عَرْشِكَ، وَصاحِبِ‏

بندگان مطيعت، خدايا درود فرست بر اسرافيل حامل عرشت و صاحب‏

الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِأَمْرِكَ، الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خيفَتِكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

صور و منتظر فرمانت، و هراسان و نگران از ترست، خدايا درود فرست بر

حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرينَ، وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرامِ الْبَرَرَةِ الطَّيِّبينَ، وَعَلى‏

حاملان پاك عرشت، و بر سفيران گرامى و نيكوكار و پاكيزه، و بر

مَلائِكَتِكَ الْكِرامِ الْكاتِبينَ، وَ عَلى‏ مَلائِكَةِ الْجِنانِ، وَخَزَنَةِ النّيرانِ،

فرشتگان نگارنده گرامى، و بر فرشتگان بهشت و بر نگهبانان دوزخ،

وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوانِ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ ابينا

و فرشته مرگ و يارانش، اى صاحب شكوه و بزرگوارى، خدايا بر پدر ما

آدَمَ بَديعِ فِطْرَتِكَ، الَّذى‏ كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلائِكَتِكَ، وَابَحْتَهُ جَنَّتَكَ، اللهُمَ‏

آدم، مخلوق جالب تو درود فرست، آن كه او را به سجده فرشتگانت گرامى داشته و بهشتت را بر او مباح كردى، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 649

صَلِّ عَلى‏ امِّنا حَوَّآءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجْسِ، الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدَّنَسِ،

درود فرست بر مادر ما حوّاء، همان پاكيزه از پليدى‏ها، پاك از آلودگى‏ها،

الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ، الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحالِّ الْقُدْسِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

برترى يافته بر انسانها، و رفت وآمد كننده در جايگاه‏هاى قدسيان، خدايا درود فرست بر

هابيلَ وَ شَيْثٍ وَ ادْريسَ وَ نُوحٍ، وَ هُودٍ وَ صالِحٍ، وَابْراهيمَ وَاسْماعيلَ،

هابيل و شيث و ادريس و نوح، و هود و صالح، و ابراهيم و اسماعيل،

وَاسْحقَ وَيَعْقُوبَ، وَيُوسُفَ وَالْأَسْباطِ، وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ، وَايُّوبَ‏

و اسحاق و يعقوب و يوسف و أسباط (پيامبران از فرزندان يعقوب) و لوط و شعيب، و ايّوب‏

وَمُوسى‏، وَهارُونَ وَيُوشَعَ، وَميشا وَالْخِضْرِ، وَذِى الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ،

و موسى، و هارون و يوشع، و ميشا و خضر، و ذى‏القرنين و يونس،

وَالْياسَ وَالْيَسَعَ، وَ ذِى الْكِفْلِ وَ طالُوتَ، وَ داوُدَ وَ سُلَيْمانَ، وَ زَكَرِيَّا

و الياس و يسع، و ذوالكفل و طالوت، و داود و سليمان، و زكريا

وَشَعْيا، وَ يَحْيى‏ وَ تُورَخَ، وَ مَتّى‏ وَ ارْمِيا، وَ حَيْقُوقَ وَ دانِيالَ، وَ عُزَيْرٍ

و شعيا، و يحيى و تورخ، و متّى و إرميا، و حيقوق و دانيال، عزير

وَعيسى‏، وَ شَمْعُونَ وَ جِرْجيسَ، وَ الْحَوارِيّينَ وَ الْأَتْباعِ، وَ خالِدٍ

و عيسى، و شمعون و جرجيس، و ياران و پيروانشان، و خالد

وَحَنْظَلَةَ وَ لُقْمانَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً

و حنظلة و لقمان، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و بر محمّد

وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَ بارِكْ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ‏

و خاندانش رحمت فرست، و بر محمّد و خاندانش بركت ده، همان‏گونه كه بر ابراهيم و خاندانش درود و رحمت‏

وَبارَكْتَ عَلى‏ ابْراهيمَ وَ آلِ ابْراهيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى‏

و بركت فرستاده‏اى، زيرا كه تو ستوده و شايسته ستايشى، خدايا بر

الْأَوْصِيآءِ، وَ السُّعَدآءِ وَ الشُّهَدآءِ وَ ائِمَّةِ الْهُدى‏، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدالِ‏

جانشينان و سعادتمندان و شهيدان و امامان هدايتگر درود فرست، خدايا بر مردان برجسته‏

وَ الْأَوْتادِ، وَ السُّيَّاحِ وَ الْعُبَّادِ، وَ الْمُخْلِصينَ وَ الزُّهَّادِ، وَ اهْلِ الجِدِّ

و بزرگان وارسته و پارسايانى كه در خدمت مردمند و عابدان و مخلصان و زاهدان و كوشش‏كنندگان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 650

وَالْإِجْتِهادِ، وَ اخْصُصْ مُحَمَّداً وَ اهْلَ بَيْتِهِ بِافْضَلِ صَلَواتِكَ، وَ اجْزَلِ‏

و تلاشگران درود فرست و محمّد و خاندانش را به برترين درودها و بزرگترين‏

كَراماتِكَ، وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنّى‏ تَحِيَّةً وَ سَلاماً، وَ زِدْهُ فَضْلًا وَ شَرَفاً

كرامتت مخصوص گردان، و از جانب من درود و سلامى به روح و بدنش برسان و بر فضيلت و شرافت‏

وَ كَرَماً، حَتّى‏ تُبَلِّغَهُ اعْلى‏ دَرَجاتِ اهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ،

و بزرگواريش بيافزا، تا اين كه او را به برترين درجات شرافتمندان از پيامبران و فرستادگان‏

وَ الْأَفاضِلِ الْمُقَرَّبينَ، اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلى‏ مَنْ سَمَّيْتُ وَ مَنْ لَمْ اسَمِّ مِنْ‏

و با فضيلت‏ترين از مقرّبانت برسانى، خدايا بر فرشتگان و پيامبران و فرستادگان و عبادت‏كنندگانت كه اسمى از آنها

مَلائِكَتِكَ، وَ انْبِيآئِكَ وَ رُسُلِكَ وَ اهْلِ طاعَتِكَ، وَ اوْصِلْ صَلَواتى‏ الَيْهِمْ‏

برده و يا نبرده‏ام، درود فرست، و درودهاى مرا به آنان‏

وَالى‏ ارْواحِهِمْ، وَاجْعَلْهُمْ اخْوانى‏ فيكَ وَاعْوانى‏ عَلى‏ دُعآئِكَ، اللهُمَّ انّى‏

و ارواحشان برسان، و آنان را برادران دينى و ياورانم در دعا (به درگاهت) قرار ده، خدايا

اسْتَشْفِعُ بِكَ الَيْكَ، وَ بِكَرَمِكَ الى‏ كَرَمِكَ، وَ بِجُودِكَ الى‏ جُودِكَ،

شفيع قرار مى‏دهم تو را به درگاهت و بزرگواريت را براى رسيدن به بزرگواريت و بخششت را براى رسيدن به بخششت،

وَبِرَحْمَتِكَ الى‏ رَحْمَتِكَ، وَ بِاهْلِ طاعَتِكَ الَيْكَ، وَ اسئَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ ما

و رحمتت را براى رسيدن به رحمتت و بندگانت را براى رسيدن به درگاهت (شفيع قرار مى‏دهم)، و خدايا از تو مى‏خواهم تمامى آنچه را كه‏

سَئَلَكَ بِهِ احَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ مَسْئَلَةٍ شَريفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ، وَبِما دَعَوْكَ بِهِ مِنْ‏

هر يك از آنان از تو خواسته‏اند، درخواست‏هاى با ارزش و برآورده شده، و دعاهاى پذيرفته شده‏

دَعْوَةٍ مُجابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ، يا اللَّهُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا حَليمُ يا كَريمُ، يا

و اميدواركننده، اى خدا، اى بخشنده، اى مهربان، اى شكيبا، اى بزرگوار، اى‏

عَظيمُ يا جَليلُ، يا مُنيلُ يا جَميلُ، يا كَفيلُ يا وَكيلُ، يا مُقيلُ يا مُجيرُ، يا

با عظمت اى باشكوه، اى احسان كننده، اى زيبا، اى حمايت كننده، اى سرپرست، اى درگذرنده، اى پناه دهنده، اى‏

خَبيرُ يا مُنيرُ، يا مُبيرُ يا مَنيعُ، يا مُديلُ يا مُحيلُ، يا كَبيرُ يا قَديرُ، يا

آگاه، اى تابناك، اى هلاك كننده، اى دست نايافتنى، اى گرداننده، اى انتقال دهنده، اى خداوند بزرگ، اى توانا، اى‏

بَصيرُ يا شَكُورُ، يا بَرُّ يا طُهْرُ، يا طاهِرُ يا قاهِرُ، يا ظاهِرُ يا باطِنُ، يا

بينا، اى شكرپذير، اى نيكوكار، اى پاك، اى پاكيزه، اى پيروز، اى آشكار، اى پنهان، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 651

ساتِرُ يا مُحيطُ، يا مُقْتَدِرُ يا حَفيظُ، يا مُتَجَبِّرُ يا قَريبُ، يا وَدُودُ يا

پوشاننده، اى آگاه، اى قدرتمند، اى نگهدارنده، اى بزرگمنش، اى نزديك، اى مهربان، اى‏

حَميدُ، يا مَجيدُ يا مُبْدِئُ، يا مُعيدُ يا شَهيدُ، يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ، يا مُنْعِمُ‏

پسنديده، اى بزرگوار، اى آغاز كننده، اى بازگرداننده، اى گواه، اى نيكوكار، اى زيبايى‏بخش، اى نعمت دهنده،

يا مُفْضِلُ، يا قابِضُ يا باسِطُ، يا هادى‏ يا مُرْسِلُ، يا مُرْشِدُ يا مُسَدِّدُ، يا

اى فزونى بخش، اى دريافت كننده، اى گشايش دهنده، اى هدايتگر، اى فرستنده، اى ارشادكننده، اى محكم كننده، اى‏

مُعْطى‏ يا مانِعُ، يا دافِعُ يا رافِعُ، يا باقى‏ يا واقى‏، يا خَلّاقُ يا وَهَّابُ، يا

عطا كننده، اى منع كننده، اى دفع كننده، اى بالابرنده، اى پاينده، اى نگاه‏دارنده، اى آفريننده، اى بخشنده، اى‏

تَوَّابُ يا فَتَّاحُ، يا نَفَّاحُ يا مُرْتاحُ، يا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتاحٍ، يا نَفَّاعُ يا رَؤُفُ‏

توبه‏پذير، اى كارگشا، اى نعمت ده، اى فرح بخش، اى كه كليدها به دست توست، اى سودرسان، اى پر محبّت،

يا عَطُوفُ، يا كافى‏ يا شافى‏، يا مُعافى‏ يا مُكافى‏، يا وَفِىُّ يا مُهَيْمِنُ، يا

اى مهربان، اى كفايت‏كننده، اى شفا دهنده، اى درگذرنده، اى جزا دهنده، اى وفاكننده، اى مقتدر، اى‏

عَزيزُ يا جَبَّارُ يا مُتَكَبِّرُ، يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ، يا احَدُ يا صَمَدُ، يا نُورُ يا

گرامى، اى قادر، اى مقتدر، اى مايه سلامتى، اى امان‏دهنده، اى يگانه، اى بى‏نياز، اى روشنايى، اى‏

مُدَبِّرُ، يا فَرْدُ يا وِتْرُ، يا قُدُّوسُ يا ناصِرُ، يا مُونِسُ يا باعِثُ، يا وارِثُ يا

تدبير كننده، اى يكتا، اى يگانه، اى پاكيزه، اى ياور، اى همدم، اى برانگيزنده (مردگان)، اى وارث، اى‏

عالِمُ، يا حاكِمُ يا بادى‏، يا مُتَعالى‏ يا مُصَوِّرُ، يا مُسَلِّمُ يا مُتَحَبِّبُ، يا قآئِمُ‏

دانا، اى حكمران، اى آشكاركننده، اى برتر، اى شكل دهنده، اى سلامتى بخش، اى دوستدارنده، اى استوار،

يا دآئِمُ، يا عَليمُ يا حَكيمُ، يا جَوادُ يا بارِى‏ءُ، يا بآرُّ يا سآرُّ، يا عَدْلُ يا

اى جاويدان، اى دانا، اى خردمند، اى بخشنده، اى پديدآورنده، اى نيكوكار، اى سرورآفرين، اى عادل، اى‏

فاصِلُ، يا دَيَّانُ يا حَنَّانُ، يا مَنَّانُ يا سَميعُ، يا بَديعُ يا خَفيرُ، يا مُغَيِّرُ يا

جداكننده، اى داور، اى با محبّت، اى گشاده دست، اى شنوا، اى پديدآورنده، اى پناه دهنده، اى تغيير دهنده، اى‏

ناشِرُ، يا غافِرُ يا قَديمُ، يا مُسَهِّلُ يا مُيَسِّرُ، يا مُميتُ يا مُحْيى‏، يا نافِعُ يا

گسترنده، اى آمرزنده، اى ديرينه، اى آسان كننده، اى هموار كننده، اى ميراننده، اى زنده كننده، اى سودرسان، اى‏

رازِقُ، يا مُقْتَدِرُ يا مُسَبِّبُ، يا مُغيثُ يا مُغْنى‏ يا مُقْنى‏، يا خالِقُ يا راصِدُ،

روزى ده، اى مقتدر، اى سبب ساز، اى فريادرس، اى بى‏نياز كننده، اى راضى كننده، اى آفريننده،

كليات مفاتيح نوين، ص: 652

يا واحِدُ يا حاضِرُ، يا جابِرُ يا حافِظُ، يا شَديدُ يا غِياثُ، يا عآئِدُ يا

اى يكتا، اى حاضر، اى جبران كننده، اى حفظ كننده، اى سخت‏گير، اى فريادرس، اى بخشنده، اى‏

قابِضُ، يا مَنْ عَلافَاسْتَعْلى‏، فَكانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلى‏، يا مَنْ قَرُبَ فَدَنا،

دريافت كننده، اى كه برترى و شايسته عُلوّ و در جايگاه بالايى، اى كه نزديك و نزديك‏ترى،

وَبَعُدَ فَنَأى‏، وَ عَلِمَ السِّرَّ وَ اخْفى‏، يا مَنْ الَيْهِ التَّدْبيرُ وَ لَهُ الْمَقاديرُ، وَ يا

و (از ذهن‏ها) دور و دورترى، و اسرار و نهان را مى‏دانى، اى كه قضا و قدر به دست توست، و اى‏

مَنِ الْعَسيرُ عَلَيْهِ‏ [سَهْلٌ‏] يَسيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلى‏ ما يَشآءُ قَديرٌ، يا مُرْسِلَ‏

كه دشوارى‏ها بر تو آسان و هموار است، اى كه بر هر چه خواهى توانايى، اى فرستنده‏

الرِّياحِ، يا فالِقَ الْإِصْباحِ، يا باعِثَ الْأَرْواحِ، يا ذَا الْجُودِ وَالسَّماحِ، يا

بادها، اى شكافنده صبح، اى برانگيزنده ارواح، اى صاحب بخشش و گذشت، اى‏

رآدَّ ما قَدْ فاتَ، يا ناشِرَ الْأَمْواتِ، يا جامِعَ الشَّتاتِ، يا رازِقَ مَنْ‏

بازگرداننده از دست رفته‏ها، اى زنده كننده مردگان، اى گردآورنده پراكندگى‏ها، اى كه‏ [بى‏حساب‏] به هر كه خواهى‏

يَشآءُ [بِغَيْرِ حِسابٍ‏]، وَ يا فاعِلَ ما يَشآءُ كَيْفَ يَشآءُ، وَ يا ذَاالْجَلالِ‏

روزى دهى، اى كه هرگونه و هر چه خواهى انجام دهى، اى صاحب شكوه‏

وَالْإِكْرامِ، يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، يا حَىُّ يا مُحْيِىَ الْمَوْتى‏،

و بزرگوارى، اى زنده، اى پاينده، اى زنده در زمانى كه زنده‏اى نبود، اى زنده، اى زنده‏كننده مردگان،

يا حَىُّ لا الهَ الَّا انْتَ، بَديعُ السَّمواتِ وَالْارْضِ، يا الهى‏ وَ سَيِّدى‏ صَلِ‏

اى زنده‏اى كه معبودى جز تو نيست و پديدآورنده آسمان و زمينى، اى معبود و اى آقا و سرورم،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلى‏

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و بر محمّد و خاندان محمّد رحمت فرست و بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلى‏ ابْراهيمَ وَآلِ‏

محمّد و خاندان محمّد بركت ده، همان‏گونه كه بر ابراهيم و خاندان ابراهيم درود فرستاده و بركت داده و رحمت‏

ابْراهيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، وَارْحَمْ ذُلّى‏ وَ فاقَتى‏ وَ فَقْرى‏، وَ انْفِرادى‏

فرستاده‏اى، زيرا تو ستوده و بزرگوارى، و بر افتادگى و نياز و تهيدستى و تنهايى‏

وَوَحْدَتى‏، وَخُضُوعى‏ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ اعْتِمادى‏ عَلَيْكَ، وَ تَضَرُّعى‏ الَيْكَ،

و بى‏كسى و فروتنيم در برابرت و اعتمادى كه به تو دارم و گريه و زاريم به درگاهت رحم كن،

كليات مفاتيح نوين، ص: 653

ادْعُوكَ دُعآءَ الْخاضِعِ الذَّليلِ، الْخاشِعِ الْخآئِفِ، الْمُشْفِقِ الْبآئِسِ،

تو را مى‏خوانم همانند فروتنِ افتاده، شكسته دلِ ترسان، نگرانِ بينوا،

الْمَهينِ الْحَقيرِ، الْجائِعِ الْفَقيرِ، الْعآئِذِ الْمُسْتَجيرِ، الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ، الْمُسْتَغْفِرِ

ناچيزِ بى‏مقدار، گرسنه نيازمند، پناهنده پناه‏جو، اقرار كننده به گناه، و آمرزش خواه‏

مِنْهُ، الْمُسْتَكينِ لِرَبِّهِ، دُعآءَ مَنْ اسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ‏[[857]](#footnote-857)، وَرَفَضَتْهُ احِبَتُّهُ،

از آن، نالان به درگاه پروردگارش، (و تو را مى‏خوانم همانند) كسى كه ياران مورد اعتمادش او را رها و دوستدارانش او را ترك نموده‏اند،

وَ عَظُمَتْ فَجيعَتُهُ، دُعآءَ حَرِقٍ حَزينٍ، ضَعيفٍ مَهينٍ، بآئِسٍ مُسْتَكينٍ‏

و دردش شدت يافته، (و تو را مى‏خوانم همانند) دلسوخته اندوهگين، ناتوانِ ناچيز، بينواى نالانى كه‏

بِكَ مُسْتَجيرٍ، اللهُمَّ وَاسئَلُكَ بِانَّكَ مَليكٌ، وَ انَّكَ ما تَشآءُ مِنْ امْرٍ يَكُونُ،

به تو پناهنده است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق فرمانرواييت و اين كه هر چه خواهى انجام شود،

وَانَّكَ عَلى‏ ما تَشآءُ قَديرٌ، وَاسئَلُكَ بِحُرْمَةِ هذَا الشَّهْرِ الْحَرامِ، وَ الْبَيْتِ‏

و اين كه بر هر چه خواهى، توانايى و از تو مى‏خواهم به احترام اين ماه حرام و خانه‏

الْحَرامِ، وَ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقامِ، وَ الْمَشاعِرِ الْعِظامِ، وَ بِحَقِ‏

كعبه و شهر مكّه و ركن و مقام و جايگاه‏هاى با عظمت حجّ (عرفات، مشعر و منى) و به حق‏

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، يا مَنْ وَهَبَ لِادَمَ شَيْثاً، وَ لِإِبْراهيمَ‏

پيامبرت محمّد- كه بر او و خاندانش درود باد- اى كه شيث را به آدم و اسماعيل و اسحاق را به ابراهيم‏

اسْماعيلَ وَ اسْحاقَ، وَ يا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلى‏ يَعْقُوبَ، وَ يا مَنْ كَشَفَ‏

عطا كردى، و اى كه يوسف را به يعقوب بازگرداندى، و اى كه‏

بَعْدَ الْبَلاءِ ضُرَّ ايُّوبَ، يا رآدَّ مُوسى‏ عَلى‏ امِّهِ، وَ زآئِدَ الْخِضْرِ فى‏ عِلْمِهِ،

گرفتارى ايوب را بعد از امتحان برطرف نمودى، اى بازگرداننده موسى به مادرش، و افزاينده دانش خضر،

وَ يا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمانَ، وَ لِزَكَرِيَّا يَحْيى‏، وَ لِمَرْيَمَ عيسى‏، يا حافِظَ

و اى كه سليمان را به داود و يحيى را به زكريا و عيسى را به مريم عطا كردى، اى نگهدار

بِنْتِ شُعَيْبٍ، وَ يا كافِلَ وَلَدِ امِّ مُوسى‏، اسئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

دختر شعيب، و اى كفالت كننده موسى (در كودكى و بزرگى)، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود

كليات مفاتيح نوين، ص: 654

مُحَمَّدٍ، وَانْ تَغْفِرَ لِى‏ ذُنُوبى‏ كُلَّها، وَ تُجيرَنى‏ مِنْ عَذابِكَ، وَ تُوجِبَ لى‏

فرستى، و تمام گناهانم را بيامرزى، و از عذابت پناهم دهى، و بر من‏

رِضْوانَكَ، وَ امانَكَ وَ احْسانَكَ، وَ غُفْرانَكَ وَ جِنانَكَ، وَ اسئَلُكَ انْ تَفُكَ‏

خشنودى و امنيّت و احسان و آمرزش و بهشتت را مقرّر فرمايى، و از تو مى‏خواهم گره‏هايى كه‏

عَنّى‏ كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنى‏ وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذينى‏، وَ تَفْتَحَ لى‏ كُلَّ بابٍ، وَ تُلَيِّنَ لى‏

ميان من و آزاردهندگان من است بگشايى، و هر درى را به رويم باز كنى، و هر سختى را

كُلَّ صَعْبٍ، وَ تُسَهِّلَ لى‏ كُلَّ عَسَيرٍ، وَ تُخْرِسَ عَنّى‏ كُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ،

برايم آسان و هر دشوارى را بر من سهل گردانى، و زبان بدگويان را از من بازدارى،

وَتَكُفَّ عَنّى‏ كُلَّ باغٍ، وَتَكْبِتَ عَنّى‏ كُلَّ عَدُوٍّ لى‏ وَحاسِدٍ، وَتَمْنَعَ مِنّى‏ كُلَ‏

و هر ظالمى را از من دور كنى، و دشمنان و حسودانم را سرافكنده سازى، و هر ظالمى را از من‏

ظالِمٍ، وَتَكْفِيَنى‏ كُلَّ عآئِقٍ يَحُولُ بَيْنى‏ وَ بَيْنَ حاجَتى‏، وَ يُحاوِلُ انْ يُفَرِّقَ‏

بازدارى، و بر طرف كنى از من هر مانعى كه ميان من و خواسته‏هايم فاصله مى‏شود و مى‏كوشد ميان من و بندگيت‏

بَيْنى‏ وَبَيْنَ طاعَتِكَ، وَيُثَبِّطَنى‏ عَنْ عِبادَتِكَ، يا مَنْ الْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدينَ،

جدايى اندازد، و از پرستشت باز دارد، اى كه جنّيان سركش را مهار نموده،

وَ قَهَرَ عُتاةَ الشَّياطينِ، وَاذَلَّ رِقابَ الْمُتَجَبِّرينَ، وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطينَ‏

و بر شياطينِ نافرمان چيره گشتى و گردنكشان زورگو را خوار ساخته و نقشه‏هاى پليد مستكبران را

عَنِ الْمُسْتَضْعَفينَ، اسئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلى‏ ما تَشآءُ، وَتَسْهيلِكَ لِما

از مستضعفان دور كردى، از تو مى‏خواهم به حق قدرتت بر هر چه خواهى و به حق آسان بودن هرچه اراده كنى‏

تَشآءُ كَيْفَ تَشآءُ، انْ تَجْعَلَ قَضآءَ حاجَتى‏ فيما تَشآءُ.

به هر گونه كه باشد، برآورده شدن حاجتم را از هر طريق كه مى‏خواهى قرار دهى.

آنگاه بر زمين سجده كن و دو طرف صورت را روى خاك (روى مهر) بگذار و بگو:

اللهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ امَنْتُ، فَارْحَمْ ذُلّى‏ وَفاقَتى‏، وَاجْتِهادى‏

خدايا براى تو سجده نموده و به تو ايمان آورده‏ام، پس بر فروتنى و احتياج و كوشش‏

وَتَضَرُّعى‏، وَمَسْكَنَتى‏ وَفَقْرى الَيْكَ يا رَبِّ.

و التماس و درماندگى و نيازم به درگاهت، رحم كن، اى پروردگار من.

كليات مفاتيح نوين، ص: 655

و كوشش كن كه اشكى از چشمانت سرازير شود، هرچند اندك باشد كه اين علامت استجابت دعاست.[[858]](#footnote-858)

\*\*\*

شب بيست و هفتم ماه رجب‏ (شب مبعث): شب مبعث از شب‏هاى مهمّ سال و بسيار ارزشمند است. و اعمالى براى اين شب نقل شده است:

اوّل: غسل كردن در اين شب مستحب است.[[859]](#footnote-859)

دوم: «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» روايتى را از امام جواد عليه السلام نقل كرده است كه آن حضرت فرمود: «در ماه رجب، شبى است كه از تمام آنچه كه خورشيد بر آن مى‏تابد بهتر است و آن شب، شب «بيست و هفتم» ماه رجب است؛ كه در صبح اين شب، رسول خدا صلى الله عليه و آله به رسالت مبعوث گرديد، و از شيعيان ما هر كس در آن شب عملى را انجام دهد، پاداش آن به اندازه عمل شصت سال خواهد بود!».

از آن حضرت سؤال شد: چه عملى در آن شب بهتر است؟

فرمود: پس از نماز «عشا» وقتى كه خوابيدى، پيش از نيمه شب، يا پس از نيمه آن از خواب برمى‏خيزى و دوازده ركعت نماز مى‏خوانى، در هر ركعتى، سوره «حمد» و يك سوره از سوره‏هاى كوچك مفصّل‏[[860]](#footnote-860) را مى‏خوانى؛ آنگاه در هر دو ركعتى كه سلام نماز را دادى، مى‏نشينى و هفت مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه «معوّذتين» (سوره‏فلق و ناس) و سوره‏هاى «توحيد» و «كافرون» و سوره «قدر» و «آيةالكرسى» را هر كدام هفت مرتبه مى‏خوانى؛ پس از آن اين دعا را مى‏خوانى:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فى‏ الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ‏

ستايش مخصوص خداوندى است كه نه فرزندى براى خود انتخاب كرده و نه شريكى در حكومت دارد و ضعف‏

لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، اللهُمَّ انّى‏ اسئَلُكَ بِمَعاقِدِ عِزِّكَ عَلَى‏

و ذلتى ندارد كه حامى و سرپرستى براى او باشد و او را بسيار بزرگ بشمار و از تو مى‏خواهم به حق جايگاه عزّتت بر

ارْكانِ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ‏

پايه‏هاى عرشت و به حق نهايت رحمت از كتابت و به حق نام بزرگِ با عظمتِ‏

الْأَعْظَمِ، وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى الْأَعْلى‏، وَبِكَلِماتِكَ التَّامَّاتِ، انْ‏

بسيار با شكوهت و به حق نام برترِ والاىِ بلندمرتبه‏ات و به حق كلمات كاملت كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 656

تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَفْعَلَ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ.

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و در حقّ من آنچه را كه تو شايسته آنى انجام دهى.

آنگاه هر حاجتى كه دارى از خداوند طلب كن.[[861]](#footnote-861) سوم: دوازده ركعت نماز است كه نحوه آن در اعمال شب نيمه رجب، (صفحه 644) بيان شد.

چهارم: زيارت حضرت امير مؤمنان على عليه السلام در اين شب، از افضل اعمال است. براى آن حضرت، در اين شب سه زيارت نقل شده است كه در بخش زيارات (زيارت اميرالمؤمنين در مبعث، صفحه 309) گذشت.

كرامات قبر امير مؤمنان عليه السلام در شب مبعث، به روايت ابن بطوطه‏[[862]](#footnote-862):

«ابن بطوطه» در سفرنامه خود، درباره كراماتى كه در شب بيست و هفتم رجب، از حرم امير مؤمنان عليه السلام ديده شده چنين نقل مى‏كند:

همه مردم اين شهر (نجف) شيعه‏اند و از اين حرم، كرامت‏ها ظاهر مى‏شود كه منشأ عقيده مردم، به وجود قبر على عليه السلام در آن‏جا، همين كرامت‏هاست. از جمله آن كه، در شب بيست و هفتم ماه رجب كه آن را «ليلة المحيا» مى‏نامند، گروه بسيارى از سراسر عراق و فارس و روم بعد از نماز «عشا» در كنار روضه على عليه السلام گرد مى‏آيند و بيماران سخت، مثل افراد فلج و زمين‏گير را كنار ضريح مى‏گذارند و خود به نماز و ذكر و قرآن و زيارت، مشغول مى‏شوند و چون پاسى از شب بگذرد، مريض‏ها شفا مى‏يابند و صحيح و سالم مى‏شوند و با ذكر

لا إلهَ الَّا اللَّه، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّه وَ عَلِىٌّ وَلِىُّ اللَّه،

برمى‏خيزند، اين حكايت در ميان آنها بسيار معروف است. هرچند من خود، آن شب را درك نكردم، ولى داستان آن را از افراد مورد اعتماد شنيدم، همچنين در مدرسه حرم، سه تن از افراد زمين‏گير را ديدم كه يكى از «روم» آمده بود و ديگرى از «اصفهان» و سوّمى از «خراسان» از حالشان جويا شدم، گفتند امسال به «ليلة المحيا» نرسيده‏اند و منتظرند تا سال آينده، اين شب را درك كنند و شفا يابند، در اين شب مردم از شهرهاى مختلف در نجف جمع مى‏شوند و بازار بزرگى نيز در آن شهر برپاست كه تا ده روز ادامه دارد.[[863]](#footnote-863) البتّه هم‏اكنون نيز در مناسبت‏هاى گوناگون در حرم‏هاى ائمّه اطهار عليهم السلام از جمله حرم امير مؤمنان عليه السلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 657

و حرم امام رضا عليه السلام بيمارانى شفا مى‏يابند كه به يقين شما خوانندگان گرامى نيز از برخى از اين كرامت‏ها و معجزات آگاهى داريد؛ و اخيراً در دفتر مخصوصى در آستانه‏هاى مقدّسه، نام آنها پس از تحقيق كافى با تمام مشخّصات ثبت مى‏شود.

پنجم: مرحوم «كفعمى»، براى شب مبعث اين دعا را نقل كرده است:

اللهُمَّ انّى‏ اسئَلُكَ بِالتَّجَلِى‏ الْأَعْظَمِ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ،

خدايا از تو مى‏خواهم به حق بزرگترين جلوه اين شب از اين ماه با عظمت،

وَالْمُرْسَلِ الْمُكَرَّمِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَغْفِرَ لَنا ما انْتَ بِهِ مِنَّا

و به حقّ فرستاده شده گراميت، كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و آنچه كه تو از ما به آن آگاه‏ترى‏

اعْلَمُ، يا مَنْ يَعْلَمُ وَلا نَعْلَمُ، اللَّهُمَّ بارِكْ لَنا فى‏ لَيْلَتِنا هذِهِ، الَّتى‏ بِشَرَفِ‏

بيامرزى، اى كه (همه چيز را) مى‏دانى و ما نمى‏دانيم، خدايا بر ما مبارك گردان اين شب را كه با شرافتِ‏

الرِّسالَةِ فَضَّلْتَها، وَبِكَرامَتِكَ اجْلَلْتَها، وَبِالْمَحَلِّ الشَّريفِ احْلَلْتَها،

رسالت فضيلت داده و با گرامى داشتنت عظمت بخشيده و در جايگاه با شرافتى قرار دادى،

اللهُمَّ فَانَّا نَسْئَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّريفِ، وَالسَّيِّدِ اللَّطيفِ، وَالْعُنْصُرِالْعَفيفِ،

خدايا از تو مى‏خواهيم به حقّ مبعث گرامى، و آقا و سرور مهربان، و عصاره پاكى و عفّت،

انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَجْعَلَ اعْمالَنا فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ وَفى‏ سايِرِ

كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و قرار دهى در اين شب و شب‏هاى‏

اللَّيالى‏ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنا مَغْفُورَةً، وَ حَسَناتِنا مَشْكُورَةً، وَ سَيِّئاتِنا

ديگر اعمال ما را پذيرفته، و گناهان ما را آمرزيده و نيكى‏هاى ما را قدردانى شده، و بدى‏هاى ما را

مَسْتُورَةً، وَ قُلُوبَنا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً، وَ ارْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ

پوشيده، و دل‏هاى ما را با گفتار نيك شادمان، و روزى‏هاى ما را از جانب خود به آسانى‏

مَدْرُورَةً، اللهُمَّ انَّكَ تَرى‏ وَ لا تُرى‏، وَ انْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلى‏، وَ انَّ الَيْكَ‏

فراوان (قرار دهى)، خدايا تويى كه مى‏بينى ولى ديده نمى‏شوى، و در بلندترين جايگاهى‏

الرُّجْعى‏ وَ الْمُنْتَهى‏، وَ انَّ لَكَ الْمَماتَ وَالْمَحْيا، وَ انَّ لَكَ الْأخِرَةَ

و بازگشت و سرانجام به سوى توست، و مرگ و زندگى به دست توست و انتها و ابتدا از آنِ‏

وَالْأُولى‏، اللهُمَّ انَّا نَعُوذُ بِكَ انْ نَذِلَّ وَ نَخْزى‏، وَ انْ نَأتِىَ ما عَنْهُ تَنْهى‏،

توست، خدايا به تو پناه مى‏بريم از خوارى و رسوايى و بجا آوردن آنچه از آن نهى نموده‏اى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 658

اللَّهُمَّ انَّا نَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ نَسْتَعيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعِذْنا مِنْها

خدايا به واسطه رحمتت از تو بهشت را مى‏طلبيم و از آتش دوزخ به تو پناه مى‏بريم، پس به قدرتت ما را از آن‏

بِقُدْرَتِكَ، وَ نَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعينِ، فَارْزُقْنا بِعِزَّتِكَ، وَاجْعَلْ اوْسَعَ‏

پناه ده و از تو حورالعين مى‏طلبيم، پس به عزّتت روزيمان گردد، و وسيع‏ترين روزيمان‏

ارْزاقِنا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنا، وَ احْسَنَ اعْمالِنا عِنْدَ اقْتِرابِ اجالِنا، وَ اطِلْ فى‏

را در زمان پيريمان قرار ده، و بهترين كارهاى ما را در نزديكى اجلمان مقرّر فرما، و (عمر ما را) طولانى گردان در

طاعَتِكَ وَ ما يُقَرِّبُ الَيْكَ، وَ يُحْظى‏ عِنْدَكَ، وَ يُزْلِفُ لَدَيْكَ اعْمارَنا،

بندگيت و آنچه به تو نزديك مى‏گرداند و نزد تو بهره‏مند مى‏سازد و عمرهاى ما را در تقرّب به درگاهت طولانى گردان،

وَاحْسِنْ فى‏ جَميعِ احْوالِنا وَ امُورِنا مَعْرِفَتَنا، وَ لا تَكِلْنا الى‏ احَدٍ مِنْ‏

و معرفت ما را در تمامى احوال و كارهايمان نيكو گردان، و ما را به هيچ يك از مخلوقاتت وامگذار

خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنا، وَ تَفَضَّلْ عَلَيْنا بجَميعِ حَوائِجِنا لِلدُّنْيا وَ الْاخِرَةِ،

تا بر ما منّت گذارند، و با برآوردن حاجت‏هاى دنيوى و اخرويمان به ما لطف و عنايت كن،

وَابْدَاْ بابآئِنا وَ ابْنآئِنا، وَ جَميعِ اخْوانِنَا الْمُؤْمِنينَ فى‏ جَميعِ ما سَئَلْناكَ‏

و در تمامى آنچه براى خود خواستيم پدران و فرزندان و تمامى برادران با ايمانمان را بر ما

لِأَنْفُسِنا، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ انَّا نَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ، وَ مُلْكِكَ‏

مقّدم دار، اى مهربان‏ترين مهربانان، خدايا از تو مى‏خواهيم به حقّ نام با عظمتت و فرمانروايى‏

الْقَديمِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظيمَ،

ديرينه‏ات كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و گناهان بزرگ ما را بيامرزى،

انَّهُ لا يَغْفِرُ الْعَظيمَ الَّا الْعَظيمُ، اللهُمَّ وَ هذا رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذى‏ اكْرَمْتَنا

چرا كه گناهان بزرگ را جز (خالق) با عظمت نيامرزد، خدايا اين همان ماه رجب گرامى است كه ما را به آن گرامى داشتى،

بِهِ، اوَّلُ اشْهُرِ الْحُرُمِ، اكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا ذَا الْجُودِ

اوّلين ماه (از ماه‏هاى) حرامى كه از بين امّت‏ها ما را به آن گرامى داشتى، پس حمد و سپاس از آنِ توست اى صاحب بخشش‏

وَالْكَرَمِ، وَ أَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ،

و بزرگوارى و از تو مى‏خواهم به حق اين ماه و اسمِ بزرگِ با عظمتِ بسيار باشكوهِ عالى و گراميت‏

الَّذى‏ خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فى‏ ظِلِّكَ، فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ الى‏ غَيْرِكَ، انْ تُصَلِّىَ‏

كه آن را آفريدى و در سايه (عرشت) قرار گرفت و جز تو كسى شايسته آن نام نيست، كه بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 659

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرينَ، وَانْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلينَ فيهِ‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و ما را در اين ماه از فرمانبرداران‏

بِطاعَتِكَ، وَ الْآمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِكَ، اللهُمَّ اهْدِنا الى‏ سَوآءِ السَّبيلِ،

و آرزومندان شفاعتت قرار دهى، خدايا ما را به راه راست هدايت فرما،

وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ، فى‏ ظِلٍّ ظَليلٍ، وَ مُلْكٍ جَزيلٍ، فَانَّكَ‏

و منزلگاه ما را بهترين منزلگاه قرار ده درسايه گسترده و فرمانروايى وسيعت، چرا كه تو

حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكيلُ، اللهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحينَ مُنْجِحينَ، غَيْرَ مَغْضُوبٍ‏

ما را كافى و بهترين وكيلى، خدايا ما را قرار ده از رستگاران نجات يافته‏اى كه مورد غضب تو

عَلَيْنا وَلا ضآلّينَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ انّى‏ اسئَلُكَ‏

و از گمراهان نيستند، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان، خدايا از تو مى‏خواهم‏

بِعَزآئِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَ بِواجِبِ رَحْمَتِكَ، السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ اثْمٍ، وَالْغَنيمَةَ مِنْ‏

به حق وسايل آمزرشت و به لازمه رحمتت، سلامت از هر گناه و بهره‏مندى از

كُلِّ بِرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجاةَ مِنَ النَّارِ، اللهُمَّ دَعاكَ الدَّاعُونَ‏

هر كار نيك، و رسيدن به بهشت و رهايى از آتش دوزخ را نصيبم گردانى، خدايا دعاكنندگان تو را مى‏خوانند

وَدَعَوْتُكَ، وَ سَئَلَكَ السَّآئِلُونَ وَ سَئَلْتُكَ، وَ طَلَبَ الَيْكَ الطَّالِبُونَ وَ طَلَبْتُ‏

و من نيز تو را خواندم و درخواست‏كنندگان از تو خواهند و من نيز از تو خواستم و جويندگان تو را جويند و من نيز تو را جستجو

الَيْكَ، اللَّهُمَّ انْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجآءُ، وَ الَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَ الدُّعآءِ، اللَّهُمَ‏

كردم، خدايا تويى مورد اطمينان و اميد و تويى نهايت اشتياق و دعا، خدايا

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْيَقينَ فى‏ قَلْبى‏، وَالنُّورَ فى‏ بَصَرى‏،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و يقين را در دلم و روشنايى را در ديده‏ام‏

وَالنَّصيحَةَ فى‏ صَدْرى‏، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ عَلى‏ لِسانى‏، وَرِزْقاًواسِعاً

و خيرخواهى را در سينه‏ام و يادت را در شب و روز بر زبانم قرار ده و روزى وسيعِ‏

غَيْرَ مَمْنُونٍ، وَ لا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنى‏، وَ بارِكْ لى‏ فيما رَزَقْتَنى‏، وَاجْعَلْ‏

بى‏منّت و بدون مانع را عطايم كن، و در آنچه نصيبم گرداندى بركت ده و بى‏نيازى (از مخلوقاتت) را

غِناىَ فى‏ نَفْسى‏، وَ رَغْبَتى‏ فيما عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

در وجودم و اشتياقم را به آنچه نزد توست قرار ده، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 660

سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ، وَخَصَّنا بِوِلايَتِهِ، وَوَفَّقَنا لِطاعَتِهِ،

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه ما را به شناختش هدايت فرمود و به دوستيش مخصوصمان ساخت و به بندگيش توفيقمان داد،

شُكْراً شُكْراً.

سپاسگزارم، سپاسگزارم.

آنگاه سر از سجده بردار و بگو:

اللهُمَّ انّى‏ قَصَدْتُكَ بِحاجَتى‏، وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتى‏، وَتَوَجَّهْتُ‏

خدايا با درخواست‏هايم تو را قصد نموده و در نيازم به تو اميد بسته‏ام، و به واسطه‏

الَيْكَ بِائِمَّتى‏ وَسادَتى‏، اللَّهُمَ‏انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ، وَاوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ، وَارْزُقْنا

امامان و سرورانم به تو رو نموده‏ام، خدايا به واسطه محبّت ايشان ما را بهره‏مند ساز و در راه آنان داخل كن، و هم‏نشينى آنان را

مُرافَقَتَهُمْ، وَادْخِلْنَا الْجَنَّةَ فى‏ زُمْرَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[864]](#footnote-864)

روزيمان گردان، و در گروه آنان به بهشت داخل كن، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

روز بيست و هفتم ماه‏: بيست و هفتم رجب، روز مبعث است كه روز بسيار شريف و با ارزشى است.

رسول خدا صلى الله عليه و آله هنگامى به رسالت مبعوث شد كه مردم در جهالت و گمراهى به سر مى‏بردند؛ آثار توحيد از ميان رفته و فروغ انسانيّت خاموش گشته بود؛ عقايد مردم دستخوش خرافات و تحريفات گشته و اهداف والاى انبياى پيشين، به فراموشى سپرده شده بود و بت‏پرستى، جنايت، زنده به گور كردن دختران، ظلم و بيدادگرى، غارت و خونريزى، پايمال كردن حقوق ضعيفان و فحشا و منكرات، بر سراسر جزيرة العرب حكومت مى‏كرد.

مردم ساير كشورها نيز، هر كدام به نوعى گرفتار چندگانه پرستى بودند و محبّت و عدالت از ميانشان رخت بربسته و فضايل و ارزش‏هاى انسانى به افول گراييده بود.

خداوند متعال، در چنين عصرى، حضرت محمّد صلى الله عليه و آله را براى هدايت بشر، به رسالت برگزيد تا مردم را از بت‏پرستى و شرك، به توحيد و خدا پرستى دعوت كند و آنان را از تاريكى گناه، و ظلمت‏هاى جهل، رهانيده و به سرچشمه ايمان و دانش، و پاكى و تقوا رهنمون گردد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 661

«مبعث» تحوّلى شگرف در زندگى جامعه بشرى و رستاخيزى عظيم در روح انسانها به وجود آورد و جا دارد كه روز بعثت رسول خدا صلى الله عليه و آله را روز «توحيد» و «احياى ارزشهاى انسانى» بناميم.

گرامى داشتِ اين روز و تجليل از رسول گرامى اسلام و تشكيل مجالس و محافلِ جشن و سرور، در حقيقت تجليل از اهداف بلند آن معلّم بشريّت و اعلام وفادارى به توحيد، نبوّت و همه ارزشهاى والايى است كه از سوى نبىّ مكرّم اسلام صلى الله عليه و آله به جامعه بشرى عرضه شده است.

در روايتى از امام صادق عليه السلام روز مبعث به عنوان شريفترين اعياد ياد شده است.[[865]](#footnote-865) در هر حال بزرگان براى اين روز، اعمالى ذكر كرده‏اند:

اوّل: غسل كردن در اين روز مستحب است.[[866]](#footnote-866) دوم: روزه؛ اين روز در ميان روزهاى سال يكى از چهار روزى است كه روزه گرفتن آن فضيلت بسيار دارد و پاداش فراوانى براى آن نقل شده است.

در روايتى از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم: «هر كس در روز بيست و هفتم رجب روزه بگيرد، خداوند براى او پاداش روزه هفتاد سال را مى‏نويسد».[[867]](#footnote-867) سوم: زياد صلوات فرستادن.

در روايتى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه: «در اين روز روزه مى‏گيرى و بر محمّد و آلش زياد صلوات مى‏فرستى».[[868]](#footnote-868) چهارم: زيارت رسول خدا و امير مؤمنان عليهما السلام است.[[869]](#footnote-869) پنجم: دوازده ركعت نماز است.

از «ريّان بن صلت» نقل شده است كه هنگامى كه امام محمّد تقى عليه السلام در بغداد بود، روز نيمه رجب و روز بيست و هفتم رجب را روزه مى‏گرفت و همه ملازمان و ياران آن حضرت نيز روزه گرفتند؛ آنگاه به ما فرمودند، دوازده ركعت نماز بجا آوريم (هر دو ركعت به يك سلام) كه در هر ركعت، «حمد» و «سوره‏اى» بخوانيم و هنگامى كه نمازها به پايان رسيد، هر يك از سوره‏هاى حمد، توحيد و معوّذتين (فلق و ناس) را چهار مرتبه بخوانيم؛ آنگاه چهار مرتبه گفته شود:

لا الهَ الَّا اللَّهُ واللَّهُ اكْبَرُ، وَسُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظِيمِ؛

و چهار مرتبه:

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّى‏ لا اشْرِكُ بِهِ شَيْئاً

و چهار مرتبه:

لا اشْرِكُ بِرَبّى احَداً.[[870]](#footnote-870)

كليات مفاتيح نوين، ص: 662

ششم: دوازده ركعت نماز ديگر:

«شيخ طوسى»، از حسين بن روح رحمه الله روايت كرده است كه: در اين روز دوازده ركعت نماز بجا مى‏آورى و در هر ركعت حمد و هر سوره‏اى كه خواستى مى‏خوانى و پس از هر دو ركعت و سلام نماز، مى‏خوانى:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فى‏ الْمُلْكِ، وَ لَمْ‏

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه فرزندى برنگزيد و شريكى در فرمانروايى ندارد و ضعف و ذلّتى ندارد

يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، يا عُدَّتى‏ فى‏ مُدَّتى‏، يا صاحِبى‏ فى‏

كه حامى و سرپرستى براى او باشد (و به خدا مى‏گويم) او را بسيار بزرگ بشمار، اى ذخيره‏ام در تمام عمر، اى همدم من در

شِدَّتى‏، يا وَليّى‏ فى‏ نِعْمَتى‏، يا غِياثى‏ فى‏ رَغْبَتى‏، يا نَجاحى‏ فى‏ حاجَتى‏،

سختى، اى صاحبِ نعمت من، اى فريادرس آرزوى من، اى برآورنده خواسته‏ام،

ياحافِظى‏ فى‏ غَيْبَتى‏، ياكافِىَّ (كافِىَ) فى‏ وَحْدَتى‏، ياانْسى‏ فى‏ وَحْشَتى‏،

و اى نگهدارنده من در سفر، اى پشتيبان من در تنهاييم، اى همدم من به هنگام ترسم،

انْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتى‏ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ انْتَ الْمُقيلُ عَثْرَتى‏ فَلَكَ الْحَمْدُ،

تويى پوشاننده زشتى‏هايم، پس حمد و سپاس از آنِ توست و تويى چشم پوشى كننده از لغزشم، پس حمد و سپاس از آنِ توست،

وَانْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتى‏ فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْ

و تويى نيروبخش ناتوانيم، پس حمد و سپاس از آنِ توست، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و زشتيهايم را

عَوْرَتى‏، وَ آمِنْ رَوْعَتى‏، وَ اقِلْنى‏ عَثْرَتى‏، وَ اصْفَحْ عَنْ جُرْمى‏، وَتَجاوَزْ

بپوشان، و ترسم را ايمن گردان، و از لغزشم درگذر و از گناهم چشم‏پوشى كن و بديهايم را

عَنْ سَيِّئاتى‏ فى‏ اصْحابِ الْجَنَّةِ، وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذى‏ كانُوا يُوعَدُونَ.

ببخش و در ميان بهشتيان جايم ده، به خاطر وعده راستى كه به بهشتيان داده شده است.

وقتى كه نماز و دعا، پايان يافت، هر يك از سوره‏هاى حمد، اخلاص، معوّذتين، كافرون، انّاانزلناه و آيةالكرسى را هفت مرتبه مى‏خوانى. سپس هفت بار مى‏گويى:

لا الهَ الَّا اللَّهُ واللَّهُ اكْبَرُ، وَسُبْحانَ اللَّهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ‏

و آنگاه هفت مرتبه مى‏گويى:

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّى‏ لا اشْرِكُ بِهِ شَيْئاً

؛ پس از آن، هرچه از خدا مى‏خواهى طلب نما.[[871]](#footnote-871)

كليات مفاتيح نوين، ص: 663

هفتم: دعايى است كه وقتى امام موسى بن جعفر عليهما السلام را در روز 27 رجب سال 179 هجرى از مدينه به سوى بغداد حركت دادند، آن را خواند:

يا مَنْ امَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجاوُزِ، وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجاوُزَ، يا مَنْ عَفى‏

اى كه به بخشش و گذشت فرمان داده‏اى و خودت را به بخشش و گذشت ملزم ساخته‏اى، اى كه ببخشى‏

وَتَجاوَزَ، اعْفُ عَنّى‏ وَتَجاوَزْ يا كَريمُ، اللهُمَّ وَقَدْ اكْدَى الطَّلَبُ، وَاعْيَتِ‏

و درگذرى، (گناهان) مرا ببخش و از من درگذر اى بخشنده، خدايا جستجو به جايى نرسيده، و درها

الْحيلَةُ وَالْمَذْهَبُ، وَدَرَسَتِ الْأمالُ، وَانْقَطَعَ الرَّجآءُ الَّا مِنْكَ، وَحْدَكَ لا

و راه‏ها بسته شد، و آرزوها طولانى و اميد قطع شد جز از تو، يگانه‏اى كه‏

شَريكَ لَكَ، اللهُمَّ انّى‏ اجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ الَيْكَ مُشْرَعَةً، وَمناهِلَ‏

شريكى ندارى، خدايا يافتم راه‏هاى درخواست را به سوى تو كشيده شده و سرچشمه‏هاى‏

الرَّجآءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً، وابْوابَ الدُّعآءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفتَّحَةً، وَالْإِسْتِعانَةَ

اميد را نزد تو لبريز شده، و درهاى دعا براى درخواست‏كنندگانت گشوده شده، و درخواست يارى‏

لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً، وَاعْلَمُ انَّكَ لِداعيكَ بِمَوْضِعِ اجابَةٍ، وَلِلصَّارِخِ‏

يارى‏طلبان از تو آزاد شده، و مى‏دانم كه تو براى درخواست‏كنندگانت در جايگاه اجابتى، و براى كمك‏خواهان‏

الَيْكَ بِمَرْصَدِ اغاثَةٍ، وَانَّ فِى اللَّهْفِ الى‏ جُودِكَ، وَالضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضاً

از درگاهت در جايگاه فريادرسى هستى، و به يقين اميد به بخششت و اطمينان به وعده‏هايت جايگزين‏

مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فى‏ ايْدِى الْمُسْتَاْثِرينَ، وَانَّكَ لا

مضايقه بخيلان و بى‏نيازيست از آنچه در دست توانگران است و مى‏دانم كه به يقين تو

تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ الَّا انْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمالُ دُونَكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ انَ‏

از آفريدگانت پوشيده نيستى مگر اين‏كه اعمال (ناشايست) آنها حجاب شود و دانستم كه‏

افْضَلَ زادِ الرَّاحِلِ الَيْكَ عَزْمُ ارادَةٍ يَخْتارُكَ بِها، وَقَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ الْإِرادَةِ

بهترين زاد و توشه رهسپار به سوى تو، اراده جدّى است كه تو را با آن اختيار كند، و به يقين دلم با چنين اراده‏اى با تو

قَلْبى‏، وَاسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ امَلَهُ، اوْصارِخٌ الَيْكَ‏

نجوا مى‏كند، و از تو مى‏خواهم به حقّ هر دعايى كه تو را به آن خوانده‏اند اميدوارانى كه به آرزويشان رسانده‏اى، يا شيون‏كنندگانى كه‏

اغَثْتَ صَرْخَتَهُ، اوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ كَرْبَهُ، اوْ مُذْنِبٌ خاطِئٌ‏

به فريادشان رسيده‏اى، يا دلسوختگان گرفتارى كه گرفتاريشان را برطرف ساخته‏اى، يا گناهكاران خطاكارى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 664

غَفَرْتَ لَهُ، اوْ مُعافىً اتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ، اوْ فَقيرٌ اهْدَيْتَ غِناكَ الَيْهِ،

آنها را آمرزيده‏اى، يا تندرستانى كه نعمتت را بر آنها تمام كرده‏اى، يا نيازمندانى كه بى‏نيازيت را به آنها هديه نموده‏اى‏

وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ، الَّا صَلَّيْتَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

و براى اين دعاها بر تو حقّ و نزد تو جايگاهى است، كه بر محمّد و خاندان پاكش درود

مُحَمَّدٍ، وَقَضَيْتَ حَوائِجى‏ حَوائِجَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، وَ هذا رَجَبٌ‏

فرستى و حوائج دنيا و آخرتم را برآورى، و اين ماه رجبِ‏

الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ، الَّذى‏ اكْرَمْتَنا بِهِ، اوَّلُ اشْهُرِ الْحُرُمِ، اكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ‏

بزرگِ گراميست، كه ما را به آن گرامى داشتى، اوّلين از ماه‏هاى حرام، كه از ميان امّت‏ها ما را به آن گرامى‏

الْأُمَمِ، يا ذَاالْجُودِ وَالْكَرَمِ، فَنَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ‏

داشتى، اى صاحب بخشش و بزرگوارى، پس از تو مى‏خواهيم به حق آن و به حق اسمِ بزرگِ بسيار بزرگ‏

الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذى‏ خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فى‏ ظِلِّكَ، فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ‏

با عظمت و با شكوهِ گراميت كه آن را آفريده و در سايه عرشت قرار دادى، پس فقط شايسته‏

الى‏ غَيْرِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرينَ، وَتَجْعَلَنا مِنَ‏

توست، (از تو مى‏خواهيم) كه بر محمّد و خاندانِ پاكش درود فرستى و ما را در اين ماه از

الْعامِلينَ فيهِ بِطاعَتِكَ، وَالْآمِلينَ فيهِ بِشَفاعَتِكَ، اللهُمَّ وَاهْدِنا الى‏ سَوآءِ

عمل كنندگان به فرامينت و آرزومندان شفاعتت قرار دهى، خدايا ما را به راه راست هدايت‏

السَّبيلِ، وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ فى‏ ظِلٍّ ظَليلٍ، فَانَّكَ حَسْبُنا

فرما، و جايگاه ما را در نزدت بهترين جايگاه در سايه گسترده‏ات قرار ده، چرا كه تو ما را كافى‏

وَنِعْمَ الوَكيلُ، وَالسَّلامُ عَلى‏ عِبادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ، وَ صَلاتُهُ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ،

و بهترين سرپرستى و سلام بر بندگانِ برگزيده و درود بر تمامى آنان باد

اللهُمَّ وَ بارِكْ لَنا فى‏ يَوْمِنا هذَا الَّذى‏ فَضَّلْتَهُ، وَ بِكَرامَتِكَ جَلَّلْتَهُ،

خدايا اين روز را بر ما مبارك گردان، روزى كه آن را فضيلت داده و به بزرگواريت عظمت بخشيده‏

وَ بِالْمَنْزِلِ الْعَظيمِ الْأَعْلى‏ انْزَلْتَهُ، صَلِّ عَلى‏ مَنْ فيهِ الى‏ عِبادِكَ ارْسَلْتَهُ،

و در جايگاه با عظمت والا قرارش دادى، درود فرست بر كسى كه در اين ماه بر بندگانت فرستادى‏

وَبِالْمَحَلِّ الْكَريمِ احْلَلْتَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً دآئِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْراً،

و در جايگاه بزرگوارى قرار دادى، خدايا پيوسته بر او درود فرست تا مايه سپاسگزارى از تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 665

وَ لَنا ذُخراً، وَاجْعَلْ لَنا مِنْ امْرِنا يُسْراً، وَ اخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَةِ الى‏ مُنْتَهى‏

و ذخيره‏اى براى ما باشد، و كار ما را آسان قرار ده و عمر ما را به سعادت و نيكبختى ختم‏

آجالِنا، وَ قَدْ قَبِلْتَ الْيَسيرَ مِنْ اعْمالِنا، وَ بَلَّغْنا بِرَحْمَتِكَ افْضَلَ آمالِنا،

فرما، چرا كه تو اعمال ناچيز ما را پذيرفته‏اى و به رحمتت ما را به برترين آرزوهايمان برسان،

انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ.[[872]](#footnote-872)

زيرا تو بر هر چيز توانايى و بر محمّد و خاندان پاكش درود و سلام فرست.

\*\*\*

روز آخر ماه‏: در اين روز، نماز جناب سلمان را بجا مى‏آورى (كه چگونگى آن، در اعمال روز اوّل ماه رجب، صفحه 641 گذشت).

همچنين روزه نيز در اين روز پاداش فراوان دارد، امام رضا عليه السلام فرمود: «هر كس روز آخر ماه رجب را روزه بگيرد، خداوند گناهانش را مى‏آمرزد».[[873]](#footnote-873)

كليات مفاتيح نوين، ص: 666

فصل هشتم: ماه شعبان المعظّم‏

تقويم اين ماه:

سوم ماه: ولادت با سعادت امام حسين عليه السلام است.

به گفته «شيخ طوسى» در «مصباح»، ولادت آن حضرت- طبق روايتى از امام حسن عسكرى عليه السلام- در روز پنج‏شنبه، سوم شعبان واقع شده است.[[874]](#footnote-874) (سال سوم هجرى).

چهارم ماه: بنا بر قولى، ولادت حضرت اباالفضل العبّاس عليه السلام است. (سال 26 هجرى).[[875]](#footnote-875) پنجم ماه: بنابر قولى، ولادت امام زين‏العابدين على بن الحسين عليهما السلام است. (سال 38 هجرى).[[876]](#footnote-876) پانزدهم ماه: ميلاد مسعود منجى عالم بشريّت، حضرت حجّة بن الحسن امام زمان (عجّل‏اللَّه تعالى فرجه الشّريف) مى‏باشد كه در سال 255، در «سامرّا» واقع شد.[[877]](#footnote-877)

فضيلت ماه شعبان:

ماه شعبان يكى از عزيزترين ماه‏هاى اسلامى و يادآور خاطره‏هاى بزرگ است كه از همه مهمتر، خاطره ميلاد مبارك سالار شهيدان كربلا، امام حسين عليه السلام (در سوم ماه) و ميلاد فرخنده حضرت بقيّةاللَّه مهدى منتظر عليه السلام (در پانزدهم ماه) است كه فضاى اين ماه را به بوى ولايت عطرآگين ساخته است.

در فضيلت اين ماه، همين بس كه ماه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله ناميده شده و هنگامى كه آن حضرت هلال ماه را مشاهده مى‏كرد، دستور مى‏داد، كسى در سراسر مدينه ندا دهد كه: اى مردم! اين ماه، ماه من است، خدا رحمت كند كسى كه مرا بر ماه من يارى دهد، يعنى آن را روزه بدارد![[878]](#footnote-878) مرحوم محدّث قمى، حديثى را از تفسير امام حسن عسكرى عليه السلام در فضيلت روز اوّل ماه شعبان نقل فرموده كه در واقع مربوط به تمام ماه شعبان است، اين حديث بسيار پرمعنا و در عين حال بسيار مفصّل است كه ايشان آن را تلخيص كرده و ما هم به ملاحظه حال خوانندگان بار ديگر، آن را خلاصه مى‏كنيم؛ خلاصه حديث چنين است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 667

امير مؤمنان على عليه السلام روز اوّل ماه شعبان، گروهى را مشاهده كرد كه در مسجد نشسته‏اند و سخنان بيهوده و ناآگاهانه، درباره قضا و قدر مى‏گويند و صداى جار و جنجالشان فضا را پر كرده؛ فرمود: اين‏گونه سخنان را رها كنيد! امروز روز اوّل ماه شعبان است، و از اين نظر شعبان ناميده شده، كه مركز شعبه‏ها و شاخه‏هاى خيرات و نيكى‏هاست، شعبه‏هاى خيراتِ نماز، روزه، زكات، امر به معروف و نهى از منكر و نيكى به پدر و مادر و همسايگان و صدقه به نيازمندان و اصلاح در ميان مردم و مانند آن است.

سپس امام عليه السلام به حديثى از رسول اكرم صلى الله عليه و آله اشاره كرد كه خلاصه‏اش چنين است:

پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود: روز اوّل ماه شعبان كه مى‏شود، خداوند امر مى‏كند درهاى بهشت باز شود و دستور مى‏دهد به درخت «طوبى»[[879]](#footnote-879) كه شاخه‏هايش را به مردم دنيا نزديك كند، و منادى از سوى پروردگار صدا مى‏زند كه اين شاخه‏هاى درخت «طوبى» در دسترس شماست، به آنها بياويزيد كه شما را به سوى بهشت مى‏برد، و از شاخه‏هاى درخت «زقّوم» بپرهيزيد و به آن چنگ نزنيد كه شما را به سوى دوزخ مى‏كشاند.

سپس افزود: به خدايى كه مرا به رسالت برگزيده سوگند! كه هر كس در اين روز به سراغ يكى از كارهاى خير برود، به يكى از شاخه‏هاى درخت «طوبى» درآويخته و او را به سوى بهشت مى‏كشاند؛ و هر كس به سراغ يكى از كارهاى شرّ برود، به يكى از شاخه‏هاى درخت «زقّوم» چنگ زده و او را به سوى دوزخ مى‏كشاند.

سپس آن حضرت، نمونه‏هايى از اسباب چنگ زدن به شاخه‏هاى درخت «طوبى» را برشمرد و فرمود:

هر كس (علاوه بر نمازهاى واجب) در اين روز، نماز مستحبّى بخواند، يا روزه بگيرد، يا ميان دو همسر، يا پدر و مادر و فرزند، يا خويشاوندان، يا همسايگان، صلح و صفا ايجاد كند، به يكى از شاخه‏هاى درخت «طوبى» درآويخته است!

همچنين كسى كه بدهى خود را به مردم ادا كند، يتيمى را كفالت نمايد يا سبك مغزى را از تعرّض به آبرو و ناموس مردم بازدارد، و كسى كه قرآن بخواند؛ يا شكر نعمت‏هاى او را بجا آورد، بيمارى را عيادت كند؛ به پدر و مادر نيكى نمايد؛ مؤمنى را تشييع جنازه كند و يا هر كار خير ديگرى انجام دهد؛ به يكى از شاخه‏هاى درخت «طوبى» آويخته است.

سپس افزود: قسم به آن كس كه مرا به نبوّت مبعوث كرد، هر كس به سراغ درى از درهاى شرّ و گناه در اين ماه برود، به يكى از شاخه‏هاى درخت «زقّوم» آويخته كه او را به آتش مى‏كشاند؛ كسى كه در نماز

كليات مفاتيح نوين، ص: 668

واجب خود كوتاهى نمايد، يا نيازمندى نزد او آيد، و شرح بيچارگى خود را بدهد و او توان حلّ مشكل آن نيازمند را داشته باشد، ولى كوتاهى كند، و دست او را نگيرد؛ يا عذر بدهكار بيچاره‏اى را نپذيرد، يا ميان دو همسر، يا پدر و فرزند، يا خويشاوندان و همسايگان و ديگر مؤمنان، اختلاف و نفاق بيندازد؛ يا بدهى خود را به مردم انكار كند؛ يا از رسيدگى به كار يتيمان، خوددارى نمايد؛ يا به سراغ خوانندگى‏هاى مجالس لهو و فساد برود؛ يا ظلم‏ها و گناهان خويش را بشمرد و به آن افتخار كند!، يا از همسايه بيمارش عيادت نكند، يا پدر و مادرش را از خود، ناخشنود سازد ... همه اينها سبب درآويختن به شاخه‏هاى درخت «زقّوم» است كه انسان را به جهنّم مى‏برد.[[880]](#footnote-880) اين حديث شريف و پرمعنا، راههاى سعادت و شقاوت را با ذكر يك مثال معنوى به روشنى بيان كرده، و طُرُق خودسازى و تهذيب نفس، و خدمت به خلق و عبوديّت خالق را، در اين ماه مشخّص نموده است، و همچنين نسبت به اسباب بدبختى و محروميّت از سعادت هشدار داده است كه براى همه ماههاى سال راهگشاست؛ به ويژه در ماه شعبان كه سرآغاز حركت جديدى به سوى نيكى‏ها و پاكى‏هاست.

اعمال ماه شعبان‏

اعمال ماه شعبان نيز بر دو گونه است:

اعمال مشترك اين ماه:

1- روزه؛ درباره روزه مستحبّى در اين ماه بسيار تأكيد شده است. رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله اين ماه را روزه مى‏گرفت و آن را به ماه مبارك رمضان وصل مى‏كرد.[[881]](#footnote-881) روايات فراوانى درباره روزه ماه شعبان وارد شده است كه مختصرى از آنها را نقل مى‏كنيم:

الف) رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: «شعبان ماه من است و رمضان ماه خداست؛ هر كس يك روز از ماه مرا روزه بدارد، من در قيامت شفيع او خواهم بود و هر كس، دو روز از آن را روزه بگيرد، خداوند گناهان گذشته‏اش را مى‏آمرزد و هر كس كه سه روز روزه بدارد، به او گفته مى‏شود (از گناهان پاك شده‏اى) اعمالت را از ابتدا شروع كن».[[882]](#footnote-882) ب) از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه چون ماه شعبان داخل مى‏شد، امام زين‏العابدين عليه السلام اصحاب خود را جمع مى‏كرد و مى‏فرمود: اى ياران من! مى‏دانيد اين چه ماهى است؟ اين ماه شعبان است، رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏فرمود: شعبان ماه من است پس براى محبّت به پيامبر صلى الله عليه و آله، و براى تقرّب به‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص668**

كليات مفاتيح نوين، ص: 669

پروردگار خود، اين ماه را روزه بداريد، به حقّ آن خدايى كه جان على بن الحسين عليهما السلام در دست اوست سوگند ياد مى‏كنم كه از پدرم حسين بن على عليهما السلام شنيدم فرمود: از اميرمؤمنان عليه السلام شنيدم كه: هر كس ماه شعبان را براى محبّت به پيامبر خدا صلى الله عليه و آله و تقرّب به خداوند روزه بگيرد، خداوند او را دوست مى‏دارد و به كرامت خويش در روز قيامت نزديك مى‏كند، و بهشت را بر او واجب مى‏گرداند.[[883]](#footnote-883) ج) صفوان جمّال مى‏گويد: امام صادق عليه السلام به من فرمود: كسانى را كه در اطراف و نواحى تو هستند به روزه در ماه شعبان وادار كن! گفتم: فدايت شوم آيا در فضيلت آن چيز مهمّى وجود دارد؟ فرمود: آرى، رسول خدا صلى الله عليه و آله هنگامى كه هلال ماه شعبان را مى‏ديد، فرمان مى‏داد كه منادى در مدينه ندا دهد و بگويد:

اى اهل يثرب! من فرستاده خدا به سوى شمايم؛ آگاه باشيد كه شعبان ماه من است، پس خداوند رحمت كند كسى را كه يارى كند مرا بر اين ماه (يعنى آن را روزه بدارد) سپس امام عليه السلام در ادامه فرمود: امير مؤمنان على عليه السلام مى‏فرمود: از زمانى كه اين سخن را از منادى رسول‏اللَّه صلى الله عليه و آله شنيدم، هرگز روزه ماه شعبان از من فوت نشد و تا زمانى كه زنده‏ام نيز از من فوت نخواهد شد ان‏شاءاللَّه.[[884]](#footnote-884) (البتّه آنها كه نمى‏توانند همه ماه را روزه بگيرند، خوب است هر مقدار را كه مى‏توانند، روزه بگيرند).

2- طبق روايت امام صادق عليه السلام هر روز هفتاد مرتبه بگويد:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ وَ اسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.[[885]](#footnote-885)

3- هر روز هفتاد مرتبه بگويد:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ، الْحَىُّ الْقَيُّومُ، وَ اتُوبُ الَيْهِ.[[886]](#footnote-886)

از روايات استفاده مى‏شود كه بهترين ذكرها در اين ماه استغفار است و هر كس هر روز از اين ماه هفتاد مرتبه استغفار كند، مثل آن است كه در ماههاى ديگر هفتادهزار مرتبه استغفار كرده است.[[887]](#footnote-887) 4- صدقه دادن و كمك به نيازمندان در اين ماه فضيلت فراوان دارد. راوى مى‏گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: يابن رسول اللَّه! بهترين اعمال در اين ماه كدام است؟ فرمود: صدقه دادن و استغفار. هر كس در ماه شعبان صدقه دهد، خداوند متعال، صدقه او را پرورش مى‏دهد همچنان كه شما شتربچّه‏اى را پرورش مى‏دهيد، و در قيامت به صاحبش مى‏رسد، در حالى كه به اندازه كوه احُد بزرگ شده باشد![[888]](#footnote-888) در روايت ديگرى از امام رضا عليه السلام آمده است كه صدقه در اين ماه سبب نجات از آتش دوزخ است.[[889]](#footnote-889) 5- صلوات بر پيامبر و آلش عليهم السلام در اين ماه ثواب زيادى دارد. در حديثى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: شعبان ماه من است، در اين ماه بر من و آل من، بسيار صلوات بفرستيد.[[890]](#footnote-890)

كليات مفاتيح نوين، ص: 670

6- در تمام اين ماه، هزار بار بگويد:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ لانَعْبُدُ الَّا ايَّاهُ، مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ‏

. در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است: كسى كه چنين كند؛ در قيامت در حالى از قبرش خارج مى‏شود كه چهره‏اش مثل ماه شب بدر (شب چهاردهم) مى‏درخشد.[[891]](#footnote-891) 7- در هر پنجشنبه ماه شعبان، دو ركعت نماز بگزارد؛ در هر ركعت بعد از سوره‏

«حمد»

صد مرتبه، سوره‏

«توحيد»

را بخواند و پس از سلام، صد بار صلوات بفرستد. در روايتى كه امير مؤمنان عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده، آمده است كه هر كس اين نماز را بگزارد خداوند هر حاجتى از حاجت‏هاى دينى و دنيوى كه داشته باشد، برآورده سازد و هر كس آن روز را روزه بدارد، خداوند جسدش را بر آتش دوزخ حرام كند.

در همين روايت، رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: در هر روز پنجشنبه از ماه شعبان، آسمانها را زينت مى‏كنند، و فرشتگان عرض مى‏كنند: خداوندا! روزه‏دارانِ اين ماه را بيامرز و دعايشان را مستجاب گردان![[892]](#footnote-892) 8- در هر روز از ماه شعبان در وقت ظهر و در شب نيمه آن، اين صلوات را كه از امام سجاد عليه السلام نقل شده بخواند:

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسالَةِ،

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، همان درخت نبوّت و جايگاه رسالت‏

وَمُخْتَلَفِ الْمَلائِكَةِ، وَمَعْدِنِ‏الْعِلْمِ، وَاهْلِ بَيْتِ‏الْوَحْىِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و خاندان وحى، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْفُلْكِ الْجارِيَةِ فِى اللُّجَجِ الْغامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَها،

محمد و خاندان پاكش درود فرست همان كشتى در حال حركت در درياهاى موّاج، كه هر كس بر آن سوار شود در امان است‏

وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ، وَالْمُتَاخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ، وَاللّازِمُ‏

و هر كس آن را ترك كند غرق مى‏شود و هر كس بر آنان پيشى گيرد، از دين خارج شده و هر كس از آنان عقب بماند هلاك شود و هر كس همراه آنان‏

لَهُمْ لاحِقٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْكَهْفِ‏الْحَصينِ،

باشد به آنان ملحق شود، خدايا بر محمد و خاندان پاكش درود فرست، همان پناهگاه محكم‏

وَغِياثِ‏الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكينِ، وَمَلْجَأِ الْهارِبينَ، وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمينَ،

و فريادرس درمانده بينوا و پناه گريختگان (از ظلم) و نگهدارنده پناهجويان،

كليات مفاتيح نوين، ص: 671

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلاةً كَثيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضاً، وَلِحَقِ‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، درود فراوانى كه مايه خشنودى آنها باشد و براى حقّ‏

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ادآءً وَقَضآءً، بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يا رَبَّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَ‏

محمّد و خاندان پاكش اداى وظيفه و انجام تكليف شده باشد با كمك و نيرويى از جانب تو اى پروردگار جهانيان، خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّيِّبينَ الْأَبْرارِ الْأَخْيارِ، الَّذينَ اوْجَبْتَ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، همان پاكان و نيكوكاران برگزيده كه (رعايت) حقّشان را واجب‏

حُقُوقَهُمْ، وَفَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَوِلايَتَهُمْ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

ساخته و فرمانبردارى و ولايتشان را لازم گردانده‏اى، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود

مُحَمَّدٍ، وَاعْمُرْ قَلْبى‏ بِطاعَتِكَ، وَلا تُخْزِنى‏ بِمَعْصِيَتِكَ، وَارْزُقْنى‏ مُواساةَ

فرست و دلم را با بندگيت آباد گردان، و با نافرمانيت رسوا مگردان، و روزيم كن رسيدگى و كمك‏

مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ، بِما وَسَّعْتَ عَلَىَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَنَشَرْتَ عَلَىَ‏

به كسانى را كه روزيت را بر آنها تنگ گردانده‏اى، با آنچه از فضل و احسانت بر من وسعت داده و از روى عدلت گسترانده‏اى‏

مِنْ عَدْلِكَ، وَاحْيَيْتَنى‏ تَحْتَ ظِلِّكَ، وَهذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ، شَعْبانُ‏

و مرا در سايه (لطف و كرم) خودت زنده بدار، و اين، ماه پيامبر تو، آقا و سرور فرستادگان توست، همان ماه شعبان‏

الَّذى‏ حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ، الَّذى‏ كانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ‏

كه با رحمت و خشنوديت آن را در برگرفته‏اى و رسول خدا- كه درود و سلام خدا

عَلَيْهِ والِه‏ وَسَلَّمَ، يَدْابُ فى‏ صِيامِهِ وَقِيامِهِ، فى‏ لَياليهِ وَايَّامِهِ، بُخُوعاً لَكَ‏

بر او و خاندان پاكش باد- در روزه‏دارى و بپا خواستن (براى عبادت) در شب‏ها و روزهاى آن براى فروتنى در برابر تو

فى‏ اكْرامِهِ وَاعْظامِهِ الى‏ مَحَلِّ حِمامِهِ، اللهُمَّ فَاعِنَّا عَلَى الْإِسْتِنانِ‏

و گراميداشت و تعظيم آن تا فرارسيدن مرگش كوشش مى‏فرمود، خدايا ما را در عمل به سنّت پيامبرت‏

بِسُنَّتِهِ فيهِ، وَنَيْلِ الشَّفاعَةِ لَدَيْهِ، اللهُمَّ وَاجْعَلْهُ لى‏ شَفيعاً مُشَفَّعاً،

در اين ماه و رسيدن به شفاعتش يارى فرما، خدايا او را براى من شفيعى كه شفاعتش پذيرفته شده‏

وَطَريقاً الَيْكَ مَهْيَعاً، وَاجْعَلْنى‏ لَهُ مُتَّبِعاً، حَتّى‏ الْقاكَ يَوْمَ الْقِيمَةِ عَنّى‏

و راهى هموار به سوى درگاهت قرار ده، و مرا پيرو او گردان، تا در روز قيامت تو را ملاقات كنم در حالى كه تو از من خشنودى‏

راضِياً، وَ عَنْ ذُنُوبى‏ غاضِياً، قَدْ اوْجَبْتَ لى‏ مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوانَ،

و از گناهانم چشم پوشيده‏اى و رحمت و خشنوديت را بر من واجب فرموده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 672

وَانْزَلْتَنى‏ دارَ الْقَرارِ، وَ مَحَلَّ الْأَخْيارِ.[[893]](#footnote-893)

و در سراى باقى و جايگاه برگزيدگان داخل نموده‏اى.

9- مناجات شعبانيّه‏

به گفته عالم بزرگوار مرحوم «سيّد بن طاووس» در كتاب «اقبال» اين مناجات را اميرمؤمنان على عليه السلام و فرزندانش- عليهم آلاف التحيّة و السلام- در ماه شعبان مى‏خواندند.

از اين تعبير به خوبى روشن مى‏شود كه اين مناجات اهميّت فراوان دارد كه همه ائمّه معصومين عليهم السلام بر آن مداومت داشتند و مطالعه محتواى آن نيز گواه بر اهميّت فوق العاده آن است و در واقع يك دوره عرفان اسلامى در بالاترين سطح در آن منعكس شده و اگر انسان مفاهيم اين مناجات عظيم را در درون قلب و جان خود پياده كند، مقامات طولانى سير و سلوك الى اللَّه را پيموده است.

آنچه مهم است دقّت در بندبند اين مناجات و تعبيرات لطيف و عالى آن و سپس هماهنگ ساختن روح و فكر با اين تعبيرات است.

از خدا مى‏خواهيم كه همه ما را اهل اين مناجات قرار دهد و از متخلّقان آن سازد.

اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمَعْ دُعائى‏ اذا دَعَوْتُكَ، وَاسْمَعْ‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و هنگامى كه تو را مى‏خوانم دعايم را اجابت فرما و هنگامى كه‏

نِدائى‏ اذا نادَيْتُكَ، وَاقْبِلْ عَلىَّ اذا ناجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ الَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ‏

تو را صدا مى‏زنم صدايم را بشنو، و چون با تو سخن گويم به من توجّه نما، به سوى تو گريخته‏ام و با حالت فروتنى‏

يَدَيْكَ مُسْتَكيناً لَكَ، مُتَضرِّعاً الَيْكَ، راجِياً لِما لَدَيْكَ ثَوابى‏، وَتَعْلَمُ ما فى‏

در برابرت ايستاده‏ام و به درگاهت تضرّع كرده و اميد پاداش نزد تو را دارم، و آنچه در دل دارم‏

نَفْسى‏، وَتَخْبُرُ حاجَتى‏، وَتَعْرِفُ ضَميرى‏، وَلا يَخْفى‏ عَلَيْكَ امْرُ مُنْقَلَبى‏

را مى‏دانى و از حاجتم آگاهى و از نهادم با خبرى و چگونگى بازگشت و جايگاهم‏

وَمَثْواىَ، وَما اريدُ انْ ابْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقى‏، واتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتى‏، وَارْجُوهُ‏

و آنچه كه مى‏خواهم بر زبان آورم و از آن سخن گويم و براى سرانجام كارم به آن اميداوارم،

لِعاقِبَتى‏[[894]](#footnote-894)، وَقَدْ جَرَتْ مَقاديرُكَ عَلَىَّ يا سَيِّدى‏ فيما يَكُونُ مِنّى‏ الى‏ آخِرِ

بر تو پوشيده نيست، اى آقا و سرورم، مقدّرات تو در آنچه تا آخر

كليات مفاتيح نوين، ص: 673

عُمْرى‏، مِنْ سَريرَتى‏ وَعَلانِيَتى‏، وَبِيَدِكَ لا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيادَتى‏ وَنَقْصى‏،

عمر آشكارا و پنهان از من سر زند بر من جارى است، و كم و زيادى (روزيم) و سود و زيانم به دست توست نه‏

وَنَفْعى‏ وَضَرّى‏، الهى‏ انْ حَرَمْتَنى‏ فَمَنْ ذَا الَّذى‏ يَرْزُقُنى‏، وَانْ خَذَلْتَنى‏

به دست غير تو، خدايا اگر مرا محروم كنى چه كسى مرا روزى دهد و اگر مرا رها كنى‏

فَمَنْ ذَا الَّذى‏ يَنْصُرُنى‏، الهى‏ اعُوذُ بِكَ مِنَ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ،

چه كسى مرا يارى كند، خدايا از خشم و نزول عذابت به تو پناه مى‏برم،

الهى‏ انْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَاْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ، فَانْتَ اهْلٌ انْ تَجُودَ عَلىَّ بِفَضْلِ‏

بار خدايا اگر شايسته رحمتت نيستم ولى تو به واسطه فزون بخشى گسترده‏ات شايسته بخشش‏

سِعَتِكَ، الهى‏ كَانّى‏ بِنَفْسى‏ واقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَقَدْ اظَلَّها حُسْنُ تَوَكُّلى‏

بر من هستى، خدايا گويا من خود در مقابلت ايستاده‏ام، و توكّل نيكويم به تو بر آن سايه افكنده است،

عَلَيْكَ، فَقُلْتَ ما انْتَ اهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنى‏ بِعَفْوِكَ، الهى‏ انْ عَفَوْتَ فَمَنْ اوْلى‏

پس گفتى آنچه را كه تو شايسته آنى، و مرا به عفوت فرا گرفتى. خدايا اگر ببخشى پس چه كسى به آن شاسته‏تر

مِنْكَ بِذلِكَ، وَانْ كانَ قَدْ دَنا اجَلى‏ وَلَمْ يُدْنِنى‏ مِنْكَ عَمَلى‏، فَقَدْ جَعَلْتُ‏

از تو است، و اگر مرگم نزديك شود واعمالم مرا به تو نزديك نكند، پس اقرار

الْإِقْرارَ بِالذَّنْبِ الَيْكَ وَسيلَتى‏، الهى‏ قَدْ جُرْتُ عَلى‏ نَفْسى‏ فِى النَّظَرِ لَها،

به گناه را وسيله‏اى براى تقرّب به تو قرار مى‏دهم، خدايا با توجّهى كه به نفسم كردم بر خود ستم نمودم،

فَلَهَاالْوَيْلُ انْ لَمْ تَغْفِرْ لَها، الهى‏ لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَىَّ ايَّامَ حَياتى‏، فَلا تَقْطَعْ‏

پس واى بر نفسم اگر آن را نبخشى، خدايا احسانت پيوسته در طول زندگانى بر من جارى است، پس احسانت‏

بِرَّكَ عَنّى‏ فى‏ مَماتى‏، الهى‏ كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لى‏ بَعْدَ مَماتى‏،

را در زمان مرگ از من قطع مگردان، خدايا چگونه از حسن نظرت بعد از مرگم مأيوس شوم،

وَانْتَ لَمْ تُوَلِّنى‏ الَّا الْجَميلَ فى‏ حَياتى‏، الهى‏ تَوَلَّ مِنْ امْرى‏ ما انْتَ‏

در حالى كه تو در طول زندگيم به نيكويى سرپرستيم نمودى، خدايا كارهايم را آنچنان كه شايسته آنى سرپرستى كن،

اهْلُهُ، وَعُدْ عَلَىَّ بِفَضْلِكَ عَلى‏ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ، الهى‏ قَدْ سَتَرْتَ‏

و به فضل خود برگنهكارى كه جهلش او را به كام خود كشانده توجّه كن، خدايا گناهانى را از

عَلَىَّ ذُنُوباً فِى الدُّنْيا، وَ ا نَا احْوَجُ الى‏ سَتْرِها عَلَىَّ مِنْكَ فى‏ الْأُخْرى‏،

من در دنيا پوشاندى كه من به پوشش آنها از جانب تو در آخرت نيازمندترم،

كليات مفاتيح نوين، ص: 674

الهى‏ قَدْ احْسَنْتَ الَىَّ اذْ لَمْ تُظْهِرْها لِأَحَدٍ مِنْ عِبادِكَ الصَّالِحينَ،

خدايا با پوشاندن گناهانم از بندگان شايسته‏ات، بر من احسان نمودى،

فَلاتَفْضَحْنى‏ يَوْمَ الْقِيمَةِ عَلى‏ رُؤُسِ الْأَشْهادِ، الهى‏ جُودُكَ بَسَطَ امَلى‏،

پس در قيامت در حضور همه مرا رسوا مگردان، خدايا بخششت آرزويم را گسترانيده‏

وَعَفْوُكَ افْضَلُ مِنْ عَمَلى‏، الهى‏ فَسُرَّنى‏ بِلِقآئِكَ يَوْمَ‏تَقْضى‏ فيهِ بَيْنَ‏

و گذشتت برتر از عمل من است، خدايا به واسطه ملاقاتت درروزى كه بين بندگان حكم مى‏كنى مرا

عِبادِكَ، الهى‏ إِعْتِذارى‏ الَيْكَ اعْتِذارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ،

خشنود ساز، خدايا پوزشم از تو مانند پوزش شخصى است كه از پذيرش عذرش بى نياز نيست،

فَاقْبَلْ عُذْرى‏ يا اكْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ الَيْهِ الْمُسيئُونَ، الهى‏ لا تَرُدَّ حاجَتى‏،

پس عذرم را بپذير اى بزرگوارترين كسى كه گنهكاران عذر به درگاهش برند، خدايا درخواستم را رد مكن،

وَلا تُخَيِّبْ طَمَعى‏، وَلا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجآئى‏ وَامَلى‏، الهى‏ لَوْ ارَدْتَ‏

و طمعم را نااميد مگردان، و اميد و آرزويم را از خودت قطع مفرما، خدايا اگر خواريم را

هَوانى‏ لَمْ تَهْدِنى‏، وَلَوْ ارَدْتَ فَضيحَتى‏ لَمْ تُعافِنى‏، الهى‏ ما اظُنُّكَ تَرُدُّنى‏

خواسته بودى هدايتم نمى‏كردى و اگر رسواييم را خواسته بودى عفوم نمى‏كردى، خدايا چنين گمانى به تو ندارم كه تمام عمر

فى‏ حاجَةٍ قَدْ افْنَيْتُ عُمْرى‏ فى‏ طَلَبِها مِنْكَ، الهى‏ فَلَكَ الْحَمْدُ ابَداً ابَداً

در طلب حاجتى باشم و تو مرا مأيوس بازگردانى، خدايا حمد و ستايش از آنِ توست، ستايش هميشگى،

دآئِماً سَرْمَداً، يَزيدُ وَلا يَبيدُ، كَما تُحِبُّ وَتَرْضى‏، الهى‏ انْ اخَذْتَنى‏

دائمى، جاودان كه افزودن شود و نقصان نپذيرد، آنچنان كه تو دوست دارى و خشنود مى‏شوى، خدايا اگر به جرمم‏

بِجُرْمى‏ اخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ، وَانْ اخَذْتَنى‏ بِذُنُوبى‏ اخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَانْ‏

مرا مؤاخذه كنى به گذشتت متوسّل مى‏شوم و اگر به گناهم مرا مؤاخذه كنى به آمرزشت متوسّل مى‏شوم، و اگر

ادْخَلْتَنىِ النَّارَ اعْلَمْتُ اهْلَها انّى‏ احِبُّكَ، الهى‏ انْ كانَ صَغُرَ فى‏ جَنْبِ‏

مرا در آتش داخل كنى اهل آن را آگاه مى‏كنم كه تو را دوست دارم، خدايا اگر چه عملم در مقابل‏

طاعَتِكَ عَمَلى‏، فَقَدْ كَبُرَ فى‏ جَنْبِ رَجآئِكَ امَلى‏، الهى‏ كَيْفَ انْقَلِبُ مِنْ‏

طاعتت اندك است ولى آرزويم در مقابل اميد به كرمت بسيار است، خدايا چگونه از درگاهت‏

عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُوماً، وَ قَدْ كانَ حُسْنُ ظَنّى‏ بِجُودِكَ انْ تَقْلِبَنى‏

محروم برگردم، در حالى كه به بخششت حسن ظن دارم كه مرا مورد رحمتت قرار داده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 675

بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً، الهى‏ وَ قَدْ افْنَيْتُ عُمْرى‏ فى‏ شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ،

و اهل نجات گردانى، در حالى كه عمرم را در غفلت از تو سپرى كردم‏

وَابْلَيْتُ شَبابى‏ فى‏ سَكْرَةِ التَّباعُدِ مِنْكَ، الهى‏ فَلَمْ اسْتَيْقِظْ ايّامَ اغْتِرارى‏

و جوانيم را در مستى دورى از تو فنا كردم، پس در روزگارى كه مغرور به كرمت بوده‏

بِكَ، وَرُكُونى‏ الى‏ سَبيلِ سَخَطِكَ، الهى‏ وَا نَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، قائِمٌ بَيْنَ‏

و در راه خشم و غضب تو حركت مى‏كردم بيدار نشدم، خدايا من بنده تو و فرزند بنده توام‏

يَدَيْكَ، مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ الَيْكَ، الهى‏ انَا عَبْدٌ اتَنَصَّلُ الَيْكَ مِمَّا كُنْتُ‏

در برابرت ايستاده‏ام و به وسيله كرمت به درگاه تو توسّل مى‏جويم، خدايا من بنده‏اى هستم كه خود را از كمى‏

اواجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيائى‏ مِنْ نَظَرِكَ، وَاطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ، اذِ الْعَفْوُ

حيا (در ارتكاب گناهان) در مقابل تو، به سويت رها مى‏كنم و از تو طلب گذشت دارم، زيرا كه عفو

نَعْتٌ لِكَرَمِكَ، الهى‏ لَمْ يَكُنْ لى‏ حَوْلٌ فَانْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الَّا فى‏

زينت كرم توست، خدايا من نيرويى كه به واسطه آن از نافرمانيت چشم پوشى كنم ندارم، مگر اين كه‏

وَقْتٍ ايْقَظْتَنى‏ لِمَحَبَّتِكَ، وَكَما ارَدْتَ انْ اكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ بِادْخالى‏

تو، به عشق و محبّتت مرا بيدار كنى، من همان كه تو مى‏خواهى شده‏ام، پس از تو سپاسگزارم كه مرا

فى‏ كَرَمِكَ، وَلِتَطْهيرِ قَلْبى‏ مِنْ اوْساخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ، الهى‏ انْظُرْ الَىَّ نَظَرَ

در كرمت داخل كرده و از پليديهاى غفلت پاكيزه ساختى، خدايا مرا مانند كسى كه ندايش كردى‏

مَنْ نادَيْتَهُ فَاجابَكَ، وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاطاعَكَ، يا قَريبَاً لا يَبْعُدُ عَنِ‏

و پاسخت گفت و به يارى خويش به طاعتت واداشتى و او اطاعتت نمود، مورد توجّه قرار ده، اى نزديكى كه از

المُغْتَرِّ بِهِ، وَيا جَواداً لايَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ، الهى‏ هَبْ لى‏ قَلْباً يُدْنيهِ‏

فريفته‏اش دور نيست، و اى بخشنده‏اى كه به اميدوارِ احسانش بخل نورزد. خدايا به من دلى ببخش كه‏

مِنْكَ شَوْقُهُ، وَلِساناً يُرْفَعُ الَيْكَ صِدْقُهُ، وَنَظَراً يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ، الهى‏ إنَ‏

شوقش مرا به تو نزديك سازد و زبانى كه راستيش مرا به سوى تو بالا برد و نگاهى كه حقّش مرا به تو نزديك سازد، خدايا آن‏

مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ، وَمَنْ لاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ، وَمَنْ اقْبَلْتَ عَلَيْهِ‏

كه به وسيله تو شناخته شد، ناشناس نماند، و آن كه به تو پناهنده شد خوار نگردد و كسى كه به او رو كنى‏

غَيْرُ مَمْلُوكٍ، الهى‏ انَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنيرٌ، وَانَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ‏

برده نگردد، خدايا همانا كسى كه راه تو را پيش گيرد، راهش روشن است و كسى كه به تو متوسّل شود

كليات مفاتيح نوين، ص: 676

لَمُسْتَجيرٌ، وَقَدْ لُذْتُ بِكَ يا الهى‏، فَلا تُخَيِّبْ ظَنّى‏ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلا

پناه يابد، خدايا به تو پناهنده شده‏ام، پس گمانى كه به رحمتت دارم نااميد مگردان،

تَحْجُبْنى‏ عَنْ رَاْفَتِكَ، الهى‏ اقِمْنى‏ فى‏ اهْلِ وِلايَتِكَ مُقامَ مَنْ رَجَا

و از مهربانيت دورم مگردان، خدايا در ميان دوستدارنت مقام كسانى را كه اميد محبّت بيشتر تو را

الزِّيادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ، الهى‏ وَالْهِمْنى‏ وَلَهاً بِذِكْرِكَ الى‏ذِكْرِكَ، وَهِمَّتى‏ فى‏

دارند به من عطا فرما، خدايا شيفتگى يادت را پيوسته به من الهام كن، و همّتم را

رَوْحِ نَجاحِ اسْمآئِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ، الهى‏ بِكَ عَلَيْكَ الَّا الْحَقْتَنى‏ بِمَحَلِ‏

براى شادمانى دست يابى به اسما و محلّ قدسيت قرار ده، خدايا به حقّ خودت برخودت مرا به جايگاه‏

اهْلِ طاعَتِكَ، وَالْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضاتِكَ، فَانّى‏ لا اقْدِرُ لِنَفْسى‏

فرمانبرداران و بندگان شايسته مورد رضايتت ملحق كن، چرا كه من قادر بر دفع شر از خود

دَفْعاً، وَلا امْلِكُ لَها نَفْعاً، الهى‏ ا نَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ‏الْمُذْنِبُ، وَمَمْلُوكُكَ‏

و جلب منفعتى براى خود نيستم، خدايا من بنده ضعيف و گناهكار و بنده‏

الْمُنيبُ‏[[895]](#footnote-895)، فَلا تَجْعَلْنى‏ مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ‏

توبه كار توام، پس مرا از كسانى كه از آنان روى گردانده‏اى و خطاهايش او را از بخششت دور كرده‏

عَفْوِكَ، الهى‏ هَبْ لى‏ كَمالَ الْإِنْقِطاعِ الَيْكَ، وَانِرْ ابْصارَ قُلُوبِنا بِضِيآءِ

قرار مده، خدايا بريدن كامل از خلق به سوى خودت را به من ببخش، و ديده دلهاى ما را با نورانيّت‏

نَظَرِها الَيْكَ، حَتّى‏ تَخْرِقَ ابْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ الى‏ مَعْدِنِ‏

توجّه به خودت روشن كن، تا اين كه ديده دلهاى ما پرده‏هاى مانع نور را پاره كند و به گنج بزرگوارى برسد،

الْعَظَمَةِ، وَتَصيرَ ارْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ، الهى‏ وَاجْعَلْنى‏ مِمَّنْ نادَيْتَهُ‏

و ارواح ما به بزرگى قداستت متّصل شود، خدايا مرا از كسانى قرار ده كه او را خواندى‏

فَاجابَكَ، وَلاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِكَ، فَناجَيْتَهُ سِرّاً، وَعَمِلَ لَكَ جَهْراً،

و اجابتت نمود، و مورد توجّه قرار دادى و به خاطر شكوه و عظمتت مدهوش شد، سپس با او پنهانى سخن گفتى و او آشكارا عمل كرد،

الهى‏ لَمْ اسَلِّطْ عَلى‏ حُسْنِ ظَنّى‏ قُنُوطَ الْأَياسِ، وَلَا انْقَطَعَ رَجآئى‏ مِنْ‏

خدايا نااميدى را بر خوش بينيم مسلّط نكردم، و اميدم را از كرم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 677

جَميلِ كَرَمِكَ، الهى‏ انْ كانَتِ الْخَطايا قَدْ اسْقَطَتْنى‏ لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنّى‏

نيكويت قطع نكردم، خدايا اگر اشتباهاتم مرا از نظرت انداخته، پس به خاطر اعتماد

بِحُسْنِ تَوَكُّلى‏ عَلَيْكَ، الهى‏ انْ حَطَّتْنِى الذُّنُوبُ مِنْ مَكارِمِ لُطْفِكَ، فَقَدْ

نيكم به تو از من درگذر، خدايا اگر گناهانم مرا از بزرگى لطفت دور ساخته، پس‏

نَبَّهَنِى الْيَقينُ الى‏ كَرَمِ عَطْفِكَ، الهى‏ انْ انامَتْنِى الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدادِ

يقينم مرا به بزرگى عطوفتت آگاه كرده، خدايا اگر غفلت مرا از آمادگى ديدارت غافل ساخته،

لِلِقآئِكَ، فَقَدْ نَبَّهَتْنِى الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلائِكَ، الهى‏ انْ دَعانى‏ الَى النَّارِ

ولى آگاهى به نعمتهاى بزرگت مرا بيدار كرده، خدايا اگر مجازات بزرگت مرا به سوى‏

عَظِيمُ عِقابِكَ، فَقَدْ دَعانى‏ الَى الْجَنَّةِ جَزيلُ ثَوابِكَ، الهى‏ فَلَكَ اسْئَلُ،

آتش مى‏خواند، ولى پاداش بزرگت مرا به سوى بهشت دعوت مى‏كند، خدايا از تو مى‏خواهم،

وَالَيْكَ ابْتَهِلُ وَارْغَبُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ‏

و به سوى تو زارى كرده و به تو مشتاقم، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى‏

تَجْعَلَنى‏ مِمَّنْ يُديمُ ذِكْرَكَ، وَلا يَنْقُضُ عَهْدَكَ، وَلايَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ، وَلا

و مرا از كسانى قرار دهى كه پيوسته به ياد تو هستند و پيمانت را نمى‏شكنند و از شكر تو غافل نمى‏شوند

يَسْتَخِفُّ بِامْرِكَ، الهى‏ وَالْحِقْنى‏ بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ، فَاكُونَ لَكَ عارِفاً،

و فرامينت را سبك نمى‏شمرند، خدايا مرا به نور درخشان عزّتت پيوند ده، تا تو را بشناسم‏

وَعَنْ سِواكَ مُنْحَرِفاً، وَمِنْكَ خآئِفاً مُراقِباً، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، وَصَلَّى‏

و از غير تو دورى گزينم و از تو ترسان و مراقب فرمان تو باشم، اى خداى صاحب جلال و بزرگوارى، و درود

اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ، وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.[[896]](#footnote-896)

خدا بر فرستاده‏اش محمّد و خاندان پاكش و سلام و درود فراوان بر ايشان باد.

اين مناجات از مناجات‏هاى پرارزش ائمّه عليهم السلام است و داراى مضامين عاليه‏اى است كه در هر وقت حضور قلبى باشد، خواندن آن و فكر كردن در مفاهيم آن، مناسب است.

اعمال مخصوص شب‏ها و روزهاى ماه شعبان:

شب اوّل ماه: براى شب اوّل ماه در كتاب «اقبال» نمازهاى زيادى ذكر شده است كه از جمله آن،

كليات مفاتيح نوين، ص: 678

دوازده ركعت نماز است (هر دو ركعت به يك سلام) كه در هر ركعتى يك مرتبه «حمد» و پانزده مرتبه «توحيد» خوانده مى‏شود و از رسول خدا صلى الله عليه و آله پاداش فراوانى براى اين نماز ذكر شده است.[[897]](#footnote-897) روز اوّل ماه: روزه اين روز فضيلت فراوانى دارد و از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه هر كس روز اوّل ماه شعبان را روزه بگيرد، بهشت بر او واجب مى‏شود[[898]](#footnote-898) و «سيّد بن طاووس» در كتاب «اقبال» از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده است كه هر كس سه روزِ اوّل ماه شعبان را روزه بگيرد و شبهايش را قيام كند و دو ركعت نماز بگزارد كه در هر ركعتى يك مرتبه «حمد» و يازده مرتبه «قُل هُوَ اللَّهُ احد» را بخواند، خداوند شرّ اهل آسمان و زمين و شرّ ابليس و هر سلطه ستمگرى را از او برطرف سازد و خداوند گناهان فراوانى را از او مى‏آمرزد.[[899]](#footnote-899) روز سوم ماه: اين روز بنا بر نقل شيخ طوسى در «مصباح»، روز ولادت با سعادت حسين بن على عليهما السلام است. از «قاسم بن علاء همدانى» وكيل امام حسن عسكرى عليه السلام نامه‏اى رسيد كه در آن آمده بود: مولاى ما امام حسين عليه السلام در روز پنجشنبه، سوم شعبان متولّد شد؛ لذا آن روز را روزه بگير و اين دعا را بخوان:

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فى‏ هذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ‏

خدايا از تو مى‏خواهم به حق فرزندى كه در اين روز متولّد شده، و قبل از ولادت وعده به شهادتش‏

اسْتِهْلالِهِ وَ وِلادَتِهِ، بَكَتْهُ السَّمآءُ وَ مَنْ فيها، وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْها، وَ لَمَّا

داده شده و پيش از آن كه قدم بر اين جهان بگذارد، آسمان و زمين و هر كه در آن است بر او گريسته،

يَطَأْ لابَتَيْها، قَتيلِ الْعَبْرَةِ، وَ سَيِّدِ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَّةِ،

(و به حق) آن كشته اشك و آقا و سرور خاندانش و يارى شده در روز رجعت (و به حق)،

الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ انَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَ الشِّفآءَ فى‏ تُرْبَتِهِ، و الْفَوْزَ مَعَهُ‏

آن كسى كه پاداش كشته شدنش امتداد امامت در نسل او و شفا و درمان در تربت او و پيروزى در

فى‏ اوْبَتِهِ، والْأَوصِيآءَ مِنْ عِتْرَتِهِ، بَعْدَ قآئِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ، حَتّى‏ يُدْرِكُوا

رجعت با اوست و جانشينان بعد از قيام قائم و غيبتش تا زمان گرفتن انتقام‏

الْأَوْتارَ، وَ يَثْأَرُوا الثَّارَ، وَيُرْضُوا الْجَبَّارَ، وَيَكُونُوا خَيْرَ انْصارٍ، صَلَّى اللَّهُ‏

و خونخواهى و خشنودى خدا، از خاندان اوست و آنها بهترين ياورانند كه با گردش شب و روز درود خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 679

عَلَيْهِمْ، مَعَ اخْتِلافِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، اللهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ الَيْكَ اتَوَسَّلُ، وَاسْئَلُ‏

بر ايشان باد، خدايا به حق ايشان به تو متوسّل شده و از تو مى‏خواهم‏

سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ، مُسيئٍ الى‏ نَفْسِهِ مِمَّا فَرَّطَ فى‏ يَوْمِهِ وَامْسِهِ،

مانند خواستن شخص گناهكار و اعتراف كننده و بدى كرده برخود از كوتاهيهاى امروز و ديروز

يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ الى‏ مَحَلِّ رَمْسِهِ، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ،

كه از تو مى‏خواهد عصمت از گناه را تا محلّ دفنش. خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَاحْشُرْنا فى‏ زُمْرَتِهِ، وَ بَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْكَرامَةِ، وَ مَحَلَّ الْإِقامَةِ، اللهُمَ‏

و ما را در جمع ياران او محشور فرما و ما را همراه او در بهشت و سراى ابدى جاى ده، خدايا

وَكَما اكْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاكْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنا

همانگونه كه ما را به شناخت او گرامى داشتى پس به نزديكى به او نيز گرامى دار، و دوستى ديرينه او را نصيب ما فرما،

مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ، وَيُكْثِرُ الصَّلاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلى‏ جَميعِ اوْصِيآئِهِ‏

و ما را از كسانى قرار ده كه مطيع فرمان اويند و در هنگام ذكر نامش بر او و بر همه جانشينان‏

وَاهْلِ اصْفِيآئِهِ، الْمَمْدُودينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَىْ عَشَرَ، النُّجُومِ الزُّهَرِ،

و دوازده برگزيده يارى شده از خاندانش، آن ستارگان درخشان‏

وَالْحُجَجِ عَلى‏ جَميعِ الْبَشَرِ، اللهُمَّ وَهَبْ لَنا فى‏ هذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ،

و حجّت بر تمامى بشر، بسيار درود مى‏فرستند، خدايا در اين روز بهترين بخشش را به ما عطا فرما

وَ انْجِحْ لَنا فيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَما وَهَبْتَ‏الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ، وَعاذَ فُطْرُسُ‏

و هر خواسته‏اى را بر آور، همان گونه كه حسين را به جدّش محمّد عطا فرمودى و فطرس به‏

بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ، وَننْتَظِرُ اوْبَتَهُ، آمينَ‏

گهواره‏اش پناهنده شد، پس ما نيز بعد از او به قبرش پناهنده‏ايم، بر سر تربتش حاضر شده و منتظر بازگشت مجدّد او هستيم، قبول فرما

رَبَّ الْعالَمينَ.[[900]](#footnote-900)

اى پروردگار جهانيان‏

پس از آن، اين دعا را كه به دعاى امام حسين عليه السلام معروف است مى‏خوانى. اين دعا آخرين دعايى است كه آن حضرت در روز عاشورا (همان روزى كه دشمنانش زياد بودند) خواند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 680

اللهُمَّ انْتَ مُتَعالِى الْمَكانِ، عَظيمُ الْجَبَرُوتِ، شَديدُ الْمِحالِ، غَنِىٌ‏

خدايا تو والا مكانى، قدرت مطلقى، بسيار مدبّرى، از مخلوقات‏

عَنِ الْخَلايِقِ، عَريضُ الْكِبْرِيآءِ، قادِرٌ عَلى‏ ما تَشآءُ، قَريبُ الرَّحْمَةِ،

بى‏نيازى، اقتدارت وسيع و به آنچه خواهى توانايى، رحمتت نزديك و

صادِقُ الْوَعْدِ، سابِغُ النِّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلاءِ، قَريبٌ إذا دُعيتَ، مُحيطٌ بِما

وعده‏ات راست و نعمتت فراوان و آزمايشت نيكوست، زمانى كه خوانده شوى نزديكى، و به آنچه آفريدى محيطى،

خَلَقْتَ، قابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تابَ الَيْكَ، قادِرٌ عَلى‏ ما ارَدْتَ، وَ مُدْرِكٌ ما

توبه‏پذير توبه كنندگانى و بر آنچه اراده كنى‏توانايى، آنچه خواهى بدست‏

طَلَبْتَ، وَ شَكُورٌ اذا شُكِرْتَ، وَ ذَكُورٌ اذا ذُكِرْتَ، ادْعُوكَ مُحْتاجاً،

آرى آن گاه كه سپاس شوى سپاس پذيرى، آن گاه كه يادت كنند ياد كنى، تو را به حال‏نياز خوانم،

وَارْغَبُ الَيْكَ فَقيراً، وَ افْزَعُ الَيْكَ خآئِفاً، وَ ابْكى‏ الَيْكَ مَكْرُوباً، وَاسْتَعينُ‏

و به حال درماندگى به سويت توجّه كنم، و با ترس به درگاهت پناه برم، و با دردمندى به درگاهت گريه كنم، و با ناتوانى از تو

بِكَ ضَعيفاً، وَ اتوَكَّلُ عَلَيْكَ كافِياً ....

كمك خواهم و بر تو توكّل كنم در حالى كه تو كافى هستى.

در ذيل اين دعا قسمتى ديده مى‏شود كه جنبه خصوصى دارد، زيرا امام عليه السلام عرض مى‏كند: «خدايا بين ما، و قوم ما به حق داورى كن! آنها به ما نيرنگ زدند (ما را دعوت كردند و اعلام وفادارى نمودند ولى) دست از يارى ما برداشتند و راه مكر و فريب را پيش گرفتند، آماده كشتن ما شدند در حالى كه ما عترت پيامبر تو و فرزندان حبيبت محمّد بن عبدالله صلى الله عليه و آله هستيم همان كسى كه او را به نبوّت برگزيدى و امين وحى ساختى» سپس عرضه داشت:

فَاجْعَلْ لَنا مِنْ امْرِنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[901]](#footnote-901)

پس براى كار ما گشايش و راه گريزى قرار ده، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

ابن عيّاش گفت: از حسين بن علىّ بزوفرى شنيدم كه مى‏گفت حضرت صادق عليه السلام اين دعا را در اين روز مى‏خواند و فرمود كه اين دُعا از دعاهاى روز سوم شعبان است و آن روز ولادت حسين عليه السلام است.[[902]](#footnote-902)

كليات مفاتيح نوين، ص: 681

شب سيزدهم ماه: شب سيزدهم و چهاردهم و پانزدهم، «ليالى بيض» يعنى شبهاى روشن، ناميده مى‏شود. براى اين شب‏ها اعمالى است كه در اعمال ماه رجب (صفحه 643) بيان شد.

شب نيمه شعبان: اين شب، شب بسيار مباركى است؛ از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه از امام محمّد باقر عليه السلام از فضيلت شب نيمه شعبان سؤال شد، فرمود: آن شب، بعد از شب قدر بافضيلت‏ترين شب‏هاى سال است. در اين شب، خداوند به بندگانش فضل خود را عطا مى‏فرمايد و به كرم خويش، آنان را مى‏آمرزد؛ در اين شب، براى تقرّب به خداوند سعى و كوشش نماييد! زيرا اين شب، شبى است كه خداوند به ذات مقدّس خود قسم ياد كرده است كه نيازمندى را دست خالى برنگرداند، مادامى كه معصيت و گناهى را نخواهد و شبى است كه خداى متعال آن را براى ما اهل‏البيت عليهم السلام قرار داد، آن‏گونه كه شب قدر را براى پيامبر ما قرار داد. پس در دعا و ثناى الهى در اين شب كوشش كنيد.[[903]](#footnote-903) از جمله بركات اين شب اين است كه ولادت باسعادت منجى عالم بشريّت، مهدى موعود، امام زمان- عجّل‏اللَّه تعالى فرجه الشّريف- در سحر اين شب در سال 255، در «سرّ من رأى‏»، واقع شد، و بر شرافت اين شب افزود.

براى اين شب چند عمل است:

اوّل: غسل است كه طبق روايتى از امام صادق عليه السلام سبب تخفيف گناهان است.[[904]](#footnote-904) دوم: احياى اين شب است، به نماز و دعا و استغفار. در روايتى كه حضرت امير مؤمنان عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل مى‏كند آمده است: «هنگامى كه شب نيمه شعبان فرا مى‏رسد آن را به عبادت به سر بريد و روزش را روزه بداريد، زيرا از اوّل تا آخر اين شب، از جانب خداوند ندا مى‏آيد: آيا استغفار كننده‏اى هست كه از گناهان خويش آمرزش طلبد، تا گناهان او را بيامرزم؟ آيا كسى هست كه طلب روزى كند و من روزى او را وسعت بخشم؟».[[905]](#footnote-905) همچنين در روايتى آمده است كه جبرئيل به رسول خدا صلى الله عليه و آله گفت: هر كس اين شب را به تسبيح و تكبير و دعا و نماز و استغفار و ... احيا بدارد، خداوند گناهانش را مى‏آمرزد، و جايگاه و منزل او بهشت خواهد بود ...

اى محمّد! اين شب را احيا بدار، و به امّتت فرمان ده آن را احيا دارند.

جبرئيل پس از بيان فضايل ديگرى براى اين شب، در پايان گفت: محروم واقعى كسى است كه از خير و بركت اين شب محروم باشد![[906]](#footnote-906) از امام زين‏العابدين عليه السلام نيز احياى اين شب نقل شده است.[[907]](#footnote-907)

كليات مفاتيح نوين، ص: 682

همچنين در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه هر كس اين شب را احيا بدارد، در آن روز كه قلبها مى‏ميرد، قلبش نخواهد مرد.[[908]](#footnote-908) سوم: زيارت امام حسين عليه السلام در اين شب از افضل اعمال است، و باعث آمرزش گناهان است.[[909]](#footnote-909) در فضيلت زيارت امام حسين عليه السلام در اين شب روايات متعدّدى نقل شده است از جمله:

1- ابوبصير از امام صادق عليه السلام روايت كرده است: هر كس دوست دارد يكصد و بيست و چهار هزار پيامبر با او مصافحه كند، در نيمه شعبان، قبر حسين عليه السلام را زيارت كند؛ زيرا ارواح پيامبران در اين شب به اذن خداوند به زيارت آن حضرت مى‏روند![[910]](#footnote-910) 2- در روايت ديگرى امام صادق عليه السلام فرمود: وقتى كه نيمه شعبان مى‏شود از افق اعلى (از جانب خداوند) به زائر امام حسين عليه السلام ندا مى‏دهند كه، اكنون با گناهان آمرزيده برگرد، پاداش تو به عهده پروردگارت و پيامبر خداست![[911]](#footnote-911) حدّاقلّ زيارت آن حضرت آن است كه انسان آن شب، بر روى بام خانه و يا فضاى باز ديگرى برود و به سمت راست و چپ آسمان نگاه كند، آنگاه به بالاى سر نظر افكند و با انگشت به سمت راستِ قبله اشاره كند و بگويد:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ.[[912]](#footnote-912)

براى شب نيمه شعبان زيارت مخصوصه‏اى نيز مى‏باشد كه در بخش زيارات گذشت. (صفحه 412)

\*\*\*

چهارم: خواندن اين دعاست كه جناب «سيّد بن طاووس» و «شيخ طوسى» آن را نقل كرده‏اند و به منزله زيارت امام زمان عليه السلام است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هذِهِ وَمَوْلُودِها وَحُجَّتِكَ، وَمَوْعُودِهَا الَّتى‏ قَرَنْتَ الى‏

خدايا به حقّ اين شب و مولود آن و حجّتت و شب وعده داده شده‏اى كه بر

فَضْلِها فَضْلًا، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ، وَلا مُعَقِّبَ‏

فضلش فضيلتى همراه نمودى پس كامل شد سخنت به راستى و عدل، در حالى كه تغيير دهنده‏اى براى سخنانت و تعقيب كننده‏اى‏

لِأياتِكَ، نُورُكَ الْمُتَالِّقُ، وَضِيآؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّورُ فى‏ طَخْيآءِ

كليات مفاتيح نوين، ص: 683

براى آياتت نيست، نورت درخشان و روشناييت تابان است، و تويى نشانه نورانى در تاريكى‏

الدَّيْجُورِ، الْغائِبُ الْمَسْتُورُ، جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ، وَالْمَلائِكَةُ شُهَّدُهُ،

شب ظلمانى، آن پنهان و پوشيده كه ولادتش بزرگ و نژادش شريف است و فرشتگان گواهان او،

وَاللَّهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ اذا آنَ ميعادُهُ، وَالْمَلائِكَةُ امْدادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذى‏ لا

و خداوند ياور و تأييد كننده اوست، آن‏گاه كه وعده‏اش فرا رسد و در حالى كه فرشتگان ياور اويند، شمشير برّنده خدا كه‏

يَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذى‏ لا يَخْبُو، وَ ذُوالْحِلْمِ الَّذى‏ لا يَصْبُوا، مَدارُ الدَّهْرِ،

كند نشود و نورش كه خاموش نگردد، و بردبارى كه ناشكيب نگردد (او و پدرانش) محور گردش روزگار

وَنَواميسُ الْعَصْرِ، وَوُلاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ ما يَتَنَزَّلُ فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ،

و محرم اسرار هر عصر و زمان و واليان امر خدايند و آنچه در شب قدر نازل شده بر آنها فرود آمده‏

وَاصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَراجِمَةُ وَحْيِهِ، وَوُلاةُ امْرِهِ وَنَهْيِهِ، اللهُمَ‏

و آنان صاحبان حشر و نشرِ (رستاخيز) و مفسّران وحى و واليان اوامر و نواهى اويند، خدايا

فَصَلِّ عَلى‏ خاتِمِهْم وَقآئِمِهِمُ، الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ، وَادْرِكْ بِنا أَيَّامَهُ،

بر آخرين آنها و قائمشان كه از جهانيان پنهان است درود فرست، خدايا ما را به روزگار

وَظُهُورَهُ وَقِيامَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْ انْصارِهِ، وَاقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ، وَاكْتُبْنا فى‏

ظهور و قيامش برسان و از ياورانش قرار ده و خون خواهى ما را به خون خواهى او نزديك كن و در زمره‏

اعْوانِهِ وَخُلَصآئِهِ، وَاحْيِنا فى‏ دَوْلَتِهِ ناعِمينَ، وَبِصُحْبَتِهِ غانِمينَ، وَبِحَقِّهِ‏

ياوران خالصش مكتوب فرما، و ما را در حكومتش شادكام و به همنشينى او بهره‏مند و به انجام حقوقش‏

قآئِمينَ، وَمِنَ السُّوءِ سالِمينَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِ‏

پاينده و از بديها در امان بدار، اى مهربان‏ترين مهربانان، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار

الْعالَمينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ،

جهانيان است و درود و سلام خدا بر آقا و سرور ما محمّد، خاتم پيامبران و فرستادگان‏

وَعَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقينَ، وَعِتْرَتِهَ النَّاطِقينَ، وَالْعَنْ جَميعَ الظَّالِمينَ،

و بر خاندان راستگو و حقگويش باد، و همه ستمكاران را لعنت كن و

واحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا احْكَمَ الْحاكِمينَ.[[913]](#footnote-913)

بين ما و آنها داورى كن اى عادلترين داوران.

كليات مفاتيح نوين، ص: 684

پنجم: «شيخ طوسى» از اسماعيل بن فضل هاشمى روايت كرده كه گفت: حضرت صادق عليه السلام اين دعا را به من تعليم داد تا آن را در شب نيمه شعبان بخوانم:

اللهُمَّ انْتَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، الْعَلِىُّ الْعَظيمُ، الْخالِقُ الرَّازِقُ، الْمُحْيِى‏

خدايا تويى زنده جاويد و والاى با عظمت و آفريننده روزى ده، و زنده كننده‏

الْمُميتُ، الْبَدى‏ءُ الْبَديعُ، لَكَ الْجَلالُ وَلَكَ الْفَضْلُ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ‏

ميراننده، و آغاز كننده‏نو آفرين، براى توست بزرگى و لطف و كرم، و ستايش و

الْمَنُّ، وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْكَرَمُ، وَلَكَ الْأَمْرُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْشُّكْرُ،

خير و بركت، و براى توست بخشش و سخاوت و فرمان و بزرگى و سپاس،

وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، يا واحِدُ يا احَدُ، يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

يگانه‏اى كه شريكى براى تو نيست، اى يكتاى يگانه بى نياز اى كه نه زاده و زاده نشده‏

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاْغفِرْ لى‏

و براى او هيچ‏گاه شبيه و مانندى نبوده است بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و مرا بيامرز

وَارْحَمْنى‏، وَاكْفِنى‏ ما اهَمَّنى‏، وَاقْضِ دَيْنى‏، وَوَسِّعْ عَلَىَّ فى‏ رِزْقى‏،

و بر من رحم كن و آنچه مرا به خود مشغول كرده بر آور و قرضم را ادا كن و در روزيم وسعت ده،

فَانَّكَ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ كُلَّ امْرٍ حَكيمٍ تَفْرُقُ، وَمَنْ تَشآءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ،

چرا كه تو در اين‏شب، امور پيچيده را مى‏گشايى، و هر مخلوقت را كه خواهى روزى مى‏دهى،

فَارْزُقْنى‏ وَانْتَ خَيْرُ الرَّازِقينَ، فَانَّكَ قُلْتَ وَ انْتَ خَيْرُ الْقآئِلينَ النَّاطِقينَ:

پس روزيم ده كه تو بهترين روزى دهى، زيرا تو خود كه بهترين گوينده و گوياترينى فرمودى:

وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِكَ اسْئَلُ، وَ ايَّاكَ قَصَدْتُ، وَ ابْنَ نَبِيِّكَ‏

از لطف و كرم خدا بخواهيد. پس از لطف و كرمت‏مى‏خواهم، و تو مقصود منى، و بر فرزند پيامبرت‏

اعْتَمَدْتُ، وَ لَكَ رَجَوْتُ، فَارْحَمْنى‏ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[914]](#footnote-914)

اعتماد كرده و به (رحمت) تو اميدوارم، پس بر من ترحّم كن اى مهربان‏ترين مهربانان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 685

ششم: اين دعا را بخواند كه حضرت رسول صلى الله عليه و آله در اين شب مى‏خواندند:

اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْيَتِكَ ما يَحُولُ بَيْنَنا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ، وَمِنْ‏

خدايا از ترس خود به آن اندازه نصيبمان كن كه ميان ما و نافرمانيت فاصله شود، و از

طاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَكَ، وَمِنَ الْيَقينِ ما يَهُونُ عَلَيْنا بِهِ مُصيباتُ‏

بندگيت به آن اندازه كه ما را به خشنوديت رساند، و از يقين به آن اندازه كه گرفتاريهاى‏

الدُّنْيا، اللهُمَّ امْتِعْنا بِاسْماعِنا وَابْصارِنا وَقُوَّتِنا ما احْيَيْتَنا، وَاجْعَلْهُ‏

دنيا بر ما آسان شود، خدايا تا زمانى كه زنده‏ايم ما را از گوشها و چشمها و نيرويمان بهره‏مند ساز، و آن را

الْوارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثارَنا عَلى‏ مَنْ ظَلَمَنا، وَانْصُرنا عَلى‏ مَنْ عادانا، وَلا

وارث ما قرار ده، و خون ما را بر گردن آن كه بر ما ظلم كرده قرار ده و ما را بر دشمنانمان پيروز كن،

تَجْعَلْ مُصيبَتَنا فى‏ دينِنا، وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيا اكْبَرَ هَمِّنا، وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا،

و گرفتارى ما را در دينمان قرار مده، و دنيا را بزرگترين غصّه ما و نهايت دانش ما قرار مده،

وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[915]](#footnote-915)

و كسى را كه بر ما رحم نمى‏كند بر ما مسلّط مكن، به مهربانيت اى مهربان‏ترين مهربانان.

و اين دعاى جامع و كاملى است كه خواندن آن در اوقات ديگر نيز غنيمت است و از عوالى اللّئالى نقل شده كه حضرت رسول صلى الله عليه و آله هميشه اين دعا را مى‏خواندند.[[916]](#footnote-916) هفتم: صلوات هر روز ماه شعبان را (صفحه 670) كه در وقت ظهر خوانده مى‏شود، بخواند.[[917]](#footnote-917) هشتم: دعاى كميل (صفحه 98) را كه حضرت على عليه السلام در اين شب آن را به كميل تعليم داد، بخواند.

نهم: در اين شب صد مرتبه بگويد: سبحان اللَّه و صد مرتبه بگويد: الحمد للَّه و صد مرتبه بگويد: اللَّه اكبر و صد مرتبه بگويد: لا إلهَ إلَّااللَّهُ كه طبق روايتى از امام باقر عليه السلام هركس چنين كند، خداوند گناهان گذشته او را بيامرزد و حاجت‏هاى دنيوى و اخروى او را برآورده سازد.[[918]](#footnote-918)

\*\*\*

دهم: مرحوم «شيخ طوسى» از «ابويحيى» روايتى را نقل مى‏كند كه مى‏گويد: به مولايم امام صادق عليه السلام عرض كردم: بهترين دعا، در اين شب كدام است؟ فرمود: وقتى كه نماز عشا را بجا آوردى، دو

كليات مفاتيح نوين، ص: 686

ركعت نماز بگزار و در ركعت اوّل سوره «حمد» و سوره «قل يا ايّها الكافرون» و در ركعت دوم، سوره «حمد» و سوره «توحيد» را بخوان؛ پس از نماز، سى و سه مرتبه بگو: سبحان اللَّه سى و سه مرتبه الحمد للَّه و سى و چهار مرتبه اللَّه اكبر. آنگاه بگو:

يا مَنْ الَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبادِ فِى الْمُهِمَّاتِ، وَالَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فىِ الْمُلِمَّاتِ،

اى پناه بندگان در گرفتاريها كه بندگان در مشكلات به او پناهنده شوند،

يا عالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَ يا مَنْ لا تَخْفى‏ عَلَيْهِ خَواطِرُ الْأَوْهامِ،

اى داناى آشكار و نهان، اى كه پنهان نشود بر او افكار و رؤياها،

وَتَصَرُّفُ الْخَطَراتِ، يا رَبَّ الْخَلايِقِ وَالْبَرِيَّاتِ، يا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ‏

و تغيير و تصرّف در آنها، اى پروردگار مخلوقات و آفريدگان، اى كسى كه پادشاهى‏

الْأَرَضينَ وَالسَّمواتِ، انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، امُتُّ الَيْكَ بِلا الهَ الَّا انْتَ،

زمين و آسمان‏ها از آن اوست، تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، به وسيله كلمه «لا اله الّاأنت» به تو متوجّه شده‏ام،

فَبِلا الهَ الَّا انْتَ، اجْعَلْنى‏ فى‏ هِذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ الَيْهِ فَرَحِمْتَهُ،

پس به واسطه آن مرا در اين شب از كسانى قرار ده كه به او توجّه كرده و ترحّم نموده‏اى،

وَسَمِعْتَ دُعآئَهُ فَاجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَاقَلْتَهُ، وَتَجاوَزْتَ عَنْ‏

و دعايش را شنيده و پاسخش فرموده‏اى و بر طلب آمرزش آگاه شده و او را آمرزيده‏اى‏

سالِفِ خَطيئَتِهِ، وَعَظيمِ جَريرَتِهِ، فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبى‏، وَلَجَاْتُ‏

و گناهان گذشته و خطاهاى بزرگش را بخشيده‏اى، پس از گناهانم به تو پناه آورم‏

الَيْكَ فى‏ سَتْرِ عُيُوبى‏، اللهُمَّ فَجُدْ عَلَىَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، وَاحْطُطْ

و در پوشش عيوبم از تو كمك خواهم خدايا ببخش بر من به فضل و كرمت و

خَطاياىَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَغَمَّدْنى‏ فى‏ هذِهِ‏اللَّيْلَةِ بِسابِغِ كَرامَتِكَ،

گناهانم را به حلم و گذشت فروريز، و مرا در اين شب در فراوانى احسان و كرمت غوطه‏ور ساز

وَاجْعَلْنى‏ فيها مِنْ اوْلِيآئِكَ الَّذينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطاعَتِكَ، وَ اخْتَرْتَهُمْ‏

و مرا در اين شب از دوستانى كه براى اطاعت و بندگيت انتخاب نموده و از خاصّان و

لِعِبادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خالِصَتَكَ وَصَفْوَتَكَ، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِمَّنْ سَعَدَ

برگزيدگانت قرار داده‏اى، مقرّر فرما، خدايا مرا از كسانى قرار ده كه سعى و كوشش او به نتيجه رسيده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 687

جَدُّهُ، وَ تَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْراتِ حَظُّهُ، وَ اجْعَلْنى‏ مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ، وَ فازَ فَغَنِمَ،

و بهره‏اش از نيكيها فراوان گشته است و قرار ده از كسانى كه تندرست گشته و به نعمت رسيده و رستگار شده و بهره‏مند گرديده است،

وَ اكْفِنى‏ شَرَّ ما اسْلَفْتُ، وَ اعْصِمْنى‏ مِنَ الْإِزدِيادِ فى‏ مَعْصِيَتكَ، وَ حَبِّبْ‏

و مرا از شرّ بديهايى كه كرده‏ام حفظ كن، و مرا از زياده‏روى در نافرمانيت بازدار،

الَىَّ طاعَتَكَ، وَ ما يُقَرِّبُنى‏ مِنْكَ، وَ يُزْلِفُنى‏ عِنْدَكَ، سَيِّدى‏ الَيْكَ يَلْجَأُ

و اطاعت و بندگيت و محبوب من گردان آنچه كه مرا به تو نزديك كرده و مقرّب درگاهت سازد، آقاى من بنده فرارى به‏

الْهارِبُ، وَ مِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَ عَلى‏ كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقيلُ التَّائِبُ،

سوى تو پناه آورد، و از تو عاجزانه طلب كند و عذر خواه توبه كننده بر كرم و بخشش تو تكيه كند.

ادَّبْتَ عِبادَكَ بالتَّكَرُّمِ، وَ انْتَ اكْرَمُ الْأَكْرَمينَ، وَامَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَكَ،

بندگانت را به مهرورزى تربيت نمودى و تو گرامى‏ترين گراميان هستى و بندگانت را به بخشش و گذشت فرمان دادى‏

وَانْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ، اللّهُمَّ فَلا تَحْرِمْنى‏ ما رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَ لا

و تويى آمرزنده مهربان، خدايا مرا از اميدى كه به بخشش و كرمت دارم محروم مگردان و از

تُؤْيِسْنى‏ مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ، وَ لا تُخَيِّبْنى‏ مِنْ جَزيلِ قِسَمِكَ فى‏ هذِهِ‏

فراوانى نعمتهايت مأيوس مكن، و مرا از فراوانى بهره‏ات در اين شب‏

اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طاعَتِكَ، وَاجْعَلْنى‏ فى‏ جُنَّةٍ مِنْ شِرارِ بَرِيَّتِكَ، رَبِّ انْ لَمْ اكُنْ‏

بر بندگان فرمانبردارت بى بهره مساز و از گزند مخلوقاتت در پناهگاهى قرار ده، اى پروردگار من اگر من‏

مِنْ اهْلِ ذلِكَ، فَانْتَ اهْلُ الْكَرَمِ وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ جُدْ عَلَىَّ بِما انْتَ‏

شايسته آنها نيستم ولى تو شايسته بخشش و گذشت و آمرزشى و به آنچه كه تو شايسته آنى بر من ببخش‏

اهْلُهُ لا بِما اسْتَحِقُّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنّى‏ بِكَ، وَ تَحَقَّقَ رَجآئى‏ لَكَ، وَ عَلِقَتْ‏

نه آنچه كه من سزاوار آنم، پس به يقين گمانم به تو نيكوست و اميدم به تو تحقّق يافته، و جانم به كرمت‏

نَفْسى‏ بِكَرَمِكَ، فَانْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، وَاكْرَمُ الْأَكْرَمينَ، اللهُمَ‏

تعلّق يافته، و تويى مهربان‏ترين مهربانان و گرامى‏ترين گراميان، خدايا

وَاخْصُصْنى‏ مِنْ كَرَمِكَ بِجَزيلِ قِسَمِكَ، وَاعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَاغْفِر

از كرم خويش فراوانى بهره‏ات را نصيبم گردان، و از مجازاتت به گذشتت پناه مى‏برم، و ببخش‏

لِىَ الذَّنْبَ الَّذى‏ يَحْبِسُ عَلَىَّ الْخُلُقَ، وَيُضَيِّقُ عَلَىَّ الرِّزْقَ، حَتّى‏ اقُومَ‏

بر من گناهانى را كه رفتار (بد) را در من نگه دارد و روزى را بر من تنگ كند، تا به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 688

بِصالِحِ رِضاكَ، وَانْعَمَ بِجَزيلِ عَطآئِكَ، وَاسْعَدَ بِسابِغِ نَعْمآئِكَ، فَقَدْ لُذْتُ‏

خشنودى شايسته تو اقدام كنم، و از نعمتهاى فراوانت بهره‏مند گردم و از فراوانى نعمتهايت خرسند شدم، زيرا به درگاهت‏

بِحَرَمِكَ، وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ، وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَبِحِلْمِكَ‏

پناه آورده و به بخششت متوسّل شده‏ام و به عفو و گذشتت از مجازاتت و به حلمت‏

مِنْ غَضَبِكَ، فَجُدْ بِما سَئَلْتُكَ، وَانِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ، اسْئَلُكَ بِكَ لا

از غضبت پناهنده شدم، پس آنچه از تو خواستم بر من ببخش و به آنچه در خواست نمودم برسان، از تو به حقّ خودت مى‏خواهم‏

بِشَىْ‏ءٍ هُوَ اعْظَمُ مِنْكَ.

چرا كه چيزى از تو بزرگتر نيست.

سپس به سجده مى‏روى و بيست مرتبه مى‏گويى: يا رَبِّ و هفت مرتبه يا اللَّهُ و هفت مرتبه لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ و ده مرتبه: ما شآءَ اللَّهُ و ده مرتبه لا قُوّةَ الَّا بِاللَّهِ. آنگاه صلوات مى‏فرستى بر پيغمبر و آل او عليهم السلام و از خدا حاجت خود را مى‏طلبى.

به خدا سوگند! اگر كسى با انجام اين عمل، از خدا حاجت بطلبد، هرچند بسيار فراوان باشد خداوند آن را به كرم و فضل گسترده‏اش برآورده مى‏سازد.[[919]](#footnote-919)

\*\*\*

يازدهم: «شيخ طوسى» و «سيّد بن طاووس»، فرموده‏اند، در اين شب اين دعا را بخواند.

الهى‏ تَعَرَّضَ لَكَ فى‏ هذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَقَصَدَكَ فيهَا الْقاصِدُونَ،

معبود من، خواهندگان، در اين شب به درگاهت آمده‏اند، و قصد كنندگان، تو را قصد كرده‏اند،

وَامَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ، وَلَكَ فى‏ هذَا اللَّيْلِ نَفَحاتٌ وَجَوآئِزُ،

و جويندگان، فضل و احسانت را آرزومندند، و تو را در اين شب هدايا و پاداشها

وَعَطايا وَمَواهِبُ، تَمُنُّ بِها عَلى‏ مَنْ تَشآءُ مِنْ عِبادِكَ، وَتَمْنَعُها مَنْ لَمْ‏

و بخششها و نعمتهايى است كه به واسطه آن بر هر يك از بندگانت كه خواهى منّت گذارى، و از هر كه‏

تَسْبِقْ لَهُ الْعِنايَةُ مِنْكَ، وَها انَا ذا عُبَيْدُكَ الْفَقيرُ الَيْكَ، الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ‏

پيش از اين به او توجّه نفرموده‏اى دريغ كنى و اينك من بنده كوچك و نيازمند تو و آرزومند فضل و

وَمَعْرُوفَكَ، فَانْ كُنْتَ يا مَولاىَ تَفَضَّلْتَ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ عَلى‏ احَدٍ مِنْ‏

احسان توام، پس اى مولاى من اگر خواهى در اين شب بر هر يك از

كليات مفاتيح نوين، ص: 689

خَلْقِكَ، وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بندگانت احسان نموده، و پاداشى از مهربانيت عنايت فرمايى، پس بر محمّد و خاندان‏

الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، الْخَيِّرينَ الْفاضِلينَ، وَجُدْ عَلَىَّ بِطَوْلِكَ وَ مَعْرُوفِكَ يا

پاك و پاكيزه و نيكوكار و برترش درود فرست، و به فضل و احسانت بر من ببخش اى‏

رَبَّ الْعالَمينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبيّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ،

پروردگار جهانيان درود و سلام فراوان خدا بر محمّد، خاتم پيامبران و خاندان پاكش باد،

وَسَلَّمَ تَسْليماً، انَّ اللَّهَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَ،

همانا خداوند پسنديده و بزرگوار است، خدايا تو را آنچنان كه فرمان دادى مى‏خوانم،

فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَ، انَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ.[[920]](#footnote-920)

پس دعايم را آنچنان كه وعده فرمودى اجابت كن، كه همانا تو خلف وعده نمى‏كنى‏

و اين دعايى است كه در سحرها، پس از نماز شفع خوانده مى‏شود.[[921]](#footnote-921) دوازدهم: بعد از هر دو ركعت از نماز شب و شفع و بعد از دعاهاى نماز وتر، دعاهايى را كه مرحوم «شيخ طوسى» و «سيّد بن طاووس» نقل كرده‏اند را بخواند.[[922]](#footnote-922) سيزدهم: سجده‏ها و دعاهايى كه از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت شده است را بخواند. از جمله، در روايتى كه «ابان بن تغلب» از امام صادق عليه السلام نقل كرده است، چنين آمده:

شب نيمه شعبان داخل شد و آن شب رسول خدا صلى الله عليه و آله نزد يكى از همسران خود بود؛ وقتى كه شب به نيمه رسيد آن حضرت از بستر براى عبادت برخاست؛ همسرش در پى آن حضرت روان شد، در حالى كه خود را به چادرش پيچيده بود و در جستجوى آن حضرت بود؛ ناگاه رسول خدا صلى الله عليه و آله را در سجده يافت، كه مثل جامه‏اى به زمين چسبيده بود. به حضرت نزديك شد، شنيد كه آن حضرت در سجده خود مى‏گويد:

سَجَدَ لَكَ سَوادى‏ وَخَيالى‏، وَآمَنَ بِكَ فُؤادى‏، هذِهِ يَداىَ وَماجَنَيْتُهُ عَلى‏

تمام وجودم بر تو سجده كرد و دلم به تو ايمان آورد، اين است دستان من و آنچه بر خود

نَفْسى‏، يا عَظيمُ تُرْجى‏ لِكُلِّ عَظيمٍ، اغْفِرْ لِىَ الْعَظيمَ، فَانَّهُ لايَغْفِرُ الذَّنْبَ‏

جفا كرده‏ام، اى بزرگى كه در هر گناه بزرگى اميد به بخشش توست، ببخش بر من (گناهان) بزرگم را

الْعَظيمَ الَّا الرَّبُّ الْعَظيمُ‏\* آنگاه سر خود را بلند كرد و سپس به سجده رفت و عرض كرد:

چرا كه نمى‏آمرزد گناهان بزرگ را مگر پروردگار بزرگ.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 690

اعُوذُ بُنُورِ وَجْهِكَ الَّذى‏ اضائَتْ لَهُ السَّمواتُ وَالْأَرَضُونَ، وَانْكَشَفَتْ لَهُ‏

پناه مى‏برم به روشنايى جمالت كه آسمانها و زمين‏ها را روشن كرده و تاريكيها را بر چيده‏

الظُّلُماتُ، وَصَلَحَ عَلَيْهِ امْرُ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، مِنْ فُجأَةِ نَقِمَتِكَ، وَمِنْ‏

و به واسطه آن كارهاى پيشينيان و پسينيان از عذاب ناگهانيت و از

تَحْويلِ عافِيَتِكَ، وَمِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ، اللهُمَّ ارْزُقْنى‏ قَلْباً تَقِيّاً نَقِيّاً، وَمِنَ‏

دست رفتن سلامتى و نعمتت اصلاح گرديده است، خدايا دلى خداترس و پاكيزه روزيم كن و از

الشِّرْكِ بَريئاً، لا كافِراً ولا شَقِيّاً. آنگاه دو طرف روى خود را به خاك گذاشت و گفت:

شرك دورم گردان در حالى كه نه ناسپاس باشم و نه بدبخت.\*\*\*

عَفَّرْتُ وَجْهى‏ فِى التُّرابِ، وَحُقَّ لى‏ انْ اسْجُدَ لَكَ.

صورتم را بر خاك نهادم و لازم است كه بر تو سجده كنم.

وقتى كه رسول خدا صلى الله عليه و آله خواست به بسترِ خويش برگردد، همسرش شتابان به جاى خود برگشت؛ هنگامى كه رسول خدا صلى الله عليه و آله به نزدش آمد، صداى نفس‏هاى بلند او را شنيد و فرمود: اين نفس زدن‏ها چيست؟ آيا نمى‏دانى امشب، چه شبى است؟ امشب نيمه شعبان است كه روزى‏ها در آن تقسيم مى‏شود و اجل‏ها نوشته مى‏شود و حاجيان نامشان امشب معيّن مى‏گردد و خداوند افراد فراوانى را مى‏آمرزد و فرشتگان خود را از آسمان به سوى مكّه مى‏فرستد![[923]](#footnote-923) چهاردهم: نماز جناب جعفر طيّار را بجا آورد، همان‏گونه كه در روايتى از امام رضا عليه السلام در اعمال امشب وارد شده است.[[924]](#footnote-924) (شرح آن در نمازهاى مستحب و معروف- صفحه 1081- خواهد آمد)

پانزدهم: نمازهاى فراوانى براى شب نيمه شعبان وارد شده است كه آنها را بجا آورد از جمله گروهى از افراد مورد وثوق و اعتماد از امام باقر و امام صادق عليهما السلام روايت كرده‏اند كه فرمودند: وقتى كه شب نيمه شعبان مى‏شود، چهار ركعت نماز بجا آور (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعت، حمد يك مرتبه و قل هو اللَّه احد را صد مرتبه بخوان و پس از پايان چهار ركعت بگو:

اللهُمَّ انّى‏ الَيْكَ فَقيرٌ، وَمِنْ عَذابكَ خائِفٌ مُسْتَجيرٌ، اللهُمَّ لا تُبَدِّلْ‏

خدايا من به تو نيازمندم و از عذابت ترسان و پناه جويم، خدايا مرا از زمره خداپرستان خارج مكن‏

اسْمى‏، وَلا تُغَيِّرْ جِسْمى‏، وَلاتَجْهَدْ بَلائى‏، وَلاتُشْمِتْ بى‏ اعْدآئى‏، اعُوذُ

و (سلامت) جسمم را دگرگون مساز، و آزمايشم را سخت مگردان، و مرا دشمن شاد مكن (خدايا)

كليات مفاتيح نوين، ص: 691

بِعَفْوِكَ مِنْ عِقابِكَ، وَاعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِكَ، وَاعُوذُ بِرِضاكَ مِنْ‏

از عقوبتت به گذشتت و از عذابت به رحمتت و از خشمت به خشنوديت پناه مى‏برم‏

سَخَطِكَ، وَاعُوذُبِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنآؤُكَ، انْتَ كَما اثْنَيْتَ عَلى‏ نَفْسِكَ،

و از تو به خودت پناهنده‏ام، مدح و ستايشت بزرگ است، تو آن چنانى كه خود را ثنا كردى، و

وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقآئِلُونَ.[[925]](#footnote-925)

برتر از توصيف گويندگانى.

روز نيمه شعبان‏: روز ولادت باسعادت امام دوازدهم حضرت مهدى، حجّة بن الحسن صاحب‏الزمان (عجّل‏اللَّه تعالى فرجه الشريف) است. بسيار شايسته است كه شيعيان، در شب و روز نيمه شعبان، با تشكيل محافل و مجالس، و برپايى سخنرانى‏ها، درباره عظمت اين روز و وجود مقدّس امام زمان عليه السلام و شرايط انتظار آن حضرت، و دعا براى تعجيل در ظهورش و دفع شبهات دشمنان و ناآگاهان، آن را گرامى بدارند؛ ولى در همه اين موارد از كارهاى نامناسب وخلاف شرع بپرهيزند و عبادت را با گناه آلوده نسازند.

البتّه زيارت آن حضرت در اين روز با استفاده از زيارات معتبرى كه در بخش زيارات آمده بسيار مناسب است.

اعمال پايانى ماه شعبان:

الف) از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه هر كس سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بگيرد و به ماه مبارك رمضان متّصل سازد، خداوند متعال ثواب روزه دو ماه متوالى را براى او بنويسد.[[926]](#footnote-926) ب) اباصلت هروى مى‏گويد: جمعه آخر ماه شعبان خدمت امام رضا عليه السلام رسيدم. حضرت فرمود: اى اباصلت! اكثر ماه شعبان رفت و امروز جمعه آخر ماه است، پس تقصيرها و كوتاهى‏هاى گذشته را در بقيّه اين ماه جبران كن، و به آنچه براى تو سودمند است روى آور؛ بسيار دعا كن و استغفار نما و قرآن را بسيار تلاوت كن و از گناهان خود توبه نما، تا وقتى كه ماه رمضان داخل مى‏شود، خود را براى خدا خالص ساخته باشى و هر دَيْن و امانتى بر عهده دارى، ادا كن و كينه هر كس كه در دل دارى بيرون نما و گناهانى را كه انجام مى‏دادى ترك كن و از خدا بترس و در امور پنهان و آشكار خود بر خدا توكّل نما، كه هر كس بر خدا توكّل كند، خداوند امور او را كفايت مى‏نمايد، و در بقيه اين ماه اين دعا را بسيار بخوان:

كليات مفاتيح نوين، ص: 692

اللهُمَّ انْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنا فيما مَضى‏ مِنْ شَعْبانَ، فَاغْفِرْ لَنا فيما

بار خدايا، اگر مرا در روزهاى سپرى شده از شعبان نيامرزيده‏اى در باقيمانده آن مرا بيامرز

بَقِىَ مِنْهُ.

امام عليه السلام در ادامه فرمود: خداوند به احترام و عظمت ماه مبارك رمضان، بنده‏هاى بسيارى را در ماه شعبان از آتش جهنّم آزاد مى‏گرداند.[[927]](#footnote-927) ج) دعاى شب آخر ماه شعبان و اوّل ماه رمضان‏

حارث بن مغيره نضرى از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه آن حضرت در شب آخر ماه شعبان و شب اوّل ماه رمضان اين دعا را مى‏خواند:

اللهُمَّ انَّ هذَا الشَّهْرَ الْمُبارَكَ الَّذى‏ انْزِلَ فيهِ الْقُرآنُ، هُدىً لِلنَّاسِ‏

خدايا، اين ماه با بركت كه قرآنِ مايه هدايت انسانها و

وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏ وَالْفُرْقانِ قَدْ حَضَرَ، فَسَلِّمْنا فيهِ وَسَلِّمْهُ لَنا، وَتَسَلَّمْهُ‏

دليل قاطع هدايت و جدا كننده حق از باطل در آن نازل شده، فرا رسيده است، پس ما را در آن سالم بدار و آن را براى ما به سلامت دار

مِنَّا فى‏ يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ، يا مَنْ اخَذَ الْقَليلَ وَشَكَرَ الْكَثيرَ، اقْبَلْ مِنِّى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص692**

و به آسانى و سلامت از ما تحويل بگير اى كسى كه كم را پذيرفته و قدردان (اعمال) فراوانى، اين مقدار ناچيز را از من بپذير،

الْيَسيرَ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ انْ تَجْعَلَ لى‏ الى‏ كُلِّ خَيْرٍ سَبيلًا، وَمِنْ كُلِّ ما

خدايا از تو مى‏خواهم كه راهى براى انجام كارهاى خير به رويم بگشايى و از آنچه‏

لا تُحِبُّ مانِعاً، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا مَنْ عَفا عَنّى‏ وَعَمّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ‏

نمى‏پسندى بازدارى، اى مهربان‏ترين مهربانان، اى كه گذشتى از من و

السَّيِّئاتِ، يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْنى‏ بِارْتِكابِ الْمَعاصى‏، عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ‏

از گناهانى كه در خلوت مرتكب شده‏ام، اى كه مرا به واسطه انجام گناهان بازخواست نكردى، بگذر، بگذر بگذر

ياكَريمُ، الهى‏ وَعَظْتَنى‏فَلَمْ اتَّعِظْ، وَزَجَرْتَنى‏ عَنْ مَحارِمِكَ فلَمْ انْزَجِرْ،

اى بخشنده، خدايا پندم دادى و نپذيرفتم و از انجام حرام بازم داشتى و مرتكب شدم،

كليات مفاتيح نوين، ص: 693

فَما عُذْرى‏ فَاعْفُ عَنّى‏ يا كَريمُ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ الرَّاحَةَ

پس چه عذرى آورم، اى بخشنده، از گناهم درگذر، درگذر، درگذر، خدايا از تو مى‏خواهم آسايش در

عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ، عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبدِكَ، فَلْيَحْسُنِ‏

وقت مردن و گذشت در قيامت را، گناه بنده‏ات بزرگ ولى گذشت از

التَّجاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ، يااهْلَ التَّقْوى‏، وَ يا اهْلَ الْمَغْفِرَةِ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ،

جانب تو نيكوست، اى شايسته پرهيزكارى و گذشت، بگذر، بگذر،

اللهُمَّ انّى‏ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ امَتِكَ، ضَعيْفٌ فَقيرٌ الى‏ رَحْمَتِكَ،

خدايا من بنده و فرزند بنده و فرزند كنيزت هستم، ناتوان و نيازمند رحمت توام،

وَانْتَ مُنْزِلُ الْغِنى‏ و الْبَرَكَةِ عَلَى الْعِبادِ، قاهِرٌ مُقْتَدِرٌ، احْصَيْتَ اعْمالَهُمْ،

و تويى كه ثروت و بركت را بر بندگانت فرو فرستى و تويى قوى و توانمند، اعمالشان را محاسبه نموده‏

وَقَسَمْتَ ارْزاقَهُمْ، وَ جَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً الْسِنَتُهُمْ وَ الْوانُهُمْ، خَلْقاً مِنْ‏

و روزيشان را تقسيم كرده‏اى، و آنها را با زبانها و رنگهاى مختلف آفريده‏اى، آفرينشى بعد از

بَعْدِ خَلْقٍ، وَ لا يَعْلَمُ الْعِبادُ عِلْمَكَ، وَلا يَقْدِرُ الْعِبادُ قَدْرَكَ، وَ كُلُّنا فَقيرٌ

آفرينش بندگان دانشت را ندانند و مقام و مرتبه‏ات نشناسند، و همه مانيازمند

الى‏ رَحْمَتِكَ، فَلا تَصْرِفْ عَنّى‏ وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ صالِحى‏ خَلْقِكَ‏

رحمتت هستيم، پس از من روى مگردان و مرا از بندگان صالحت‏

فِى الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ، وَالْقَضآءِ وَالْقَدَرِ، اللَّهُمَّ ابْقِنى‏ خَيْرَ الْبَقآءِ، وَافْنِنى‏ خَيْرَ

در رفتار و آرزو و قضا و قدر قرار ده، خدايا مرا به بهترين وضع‏

الْفَنآءِ عَلى‏ مُوالاةِ اوْلِيآئِكَ، وَ مُعاداةِ اعْدآئِكَ، وَ الرَّغْبَةِ الَيْكَ، وَ الرَّهْبَةِ

بر دوستى دوستانت و دشمنى دشمنانت زنده بدار و بميران، با اشتياق به تو و ترس‏

مِنْكَ، وَالْخُشُوعِ وَ الْوَفاءِ وَ التَّسْليمِ لَكَ، وَ التَّصْديقِ بِكِتابِكَ، وَ اتِّباعِ‏

از تو و فروتنى و وفادارى و تسليم به تو و پذيرش كتابت و پيروى‏

سُنَّةِ رَسُولِكَ، اللهُمَّ ما كانَ فى‏ قَلْبى‏ مِنْ شَكٍّ اوْ رَيْبَةٍ، اوْ جُحُودٍ اوْ

از سنّت فرستاده‏ات (زنده بدار و بميران)، خدايا آنچه از شك، ترديد، انكار،

قُنُوطٍ، اوْ فَرَحٍ اوْ بَذَخٍ اوْ بَطَرٍ، اوْ خُيَلاءَ اوْ رِيآءٍ اوْ سُمْعَةٍ، اوْ شِقاقٍ اوْ

نااميدى، شادى، تكبّر، گستاخى، خودبينى، خودنمايى، شهرت‏طلبى، ناسازگارى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 694

نِفاقٍ، اوْ كُفْرٍ اوْ فُسُوقٍ، اوْ عِصْيانٍ اوْ عَظَمَةٍ، اوْ شَىْ‏ءٍ لا تُحِبُّ، فَاسْئَلُكَ‏

دورويى، كفر، فسق، نافرمانى، بزرگ منشى يا چيزى كه تو نمى‏پسندى و در دل من است‏

يا رَبِّ انْ تُبَدِّلَنى‏ مَكانَهُ ايماناً بِوَعْدِكَ، وَ وَفآءً بِعَهْدِكَ، وَ رِضاً بِقَضآئِكَ،

پس اى پروردگارم از تو مى‏خواهم كه تبديل كنى آن را به تصديق وعده‏ات و پايبندى به پيمانت و خشنودى به تقديرت‏

وَ زُهْداً فِى الدُّنْيا، وَ رَغْبَةً فيما عِنْدَكَ، وَ اثَرَةً وَ طُمَاْنينَةً وَ تَوْبَةً

و پارسايى در دنيا و اشتياق به آنچه نزد توست و فضيلت و آرامش‏

نَصُوحاً، اسْئَلُكَ ذلِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ، الهى‏ انْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصى‏،

و توبه خالص، اين را از تو مى‏خواهم اى پروردگار جهانيان، خدايا به خاطر حلمت نافرمانيت كنند

وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطاعُ، فَكَأنَّكَ لَمْ تُعْصَ، وَ ا نَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سُكَّانُ‏

و به خاطر بخشش و كرمت اطاعتت كنند، پس گويا نافرمانى نشده‏اى و من و كسانى كه نافرمانيت نكرده‏اند

ارْضِكَ، فَكُنْ عَلَيْنا بِالْفَضْلِ جَواداً، وَبِالْخَيْرِ عَوَّاداً، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ،

در زمين تو ساكنيم پس به كرمت بر ما بخشنده باش و خير و نيكى را به ما بازگردان، اى مهربان‏ترين مهربانان،

وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلاةً دآئِمَةً لا تُحْصى‏ وَلا تُعَدُّ، وَلا يَقْدِرُ

و درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش باد درودى هميشگى كه به شماره و عدد نيايد و

قَدْرَها غَيْرُكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[928]](#footnote-928)

اندازه آن را غير تو نداند اى مهربان‏ترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 695

فصل نهم: ماه مبارك رمضان‏

تقويم اين ماه:

دهم ماه: مصادف با وفات حضرت خديجه كبرى‏ عليها السلام يكى از بزرگترين زنان جهان (در سال دهم بعثت) است.[[929]](#footnote-929) پانزدهم ماه: روز ولادت سبط اكبر رسول خدا صلى الله عليه و آله، حضرت امام حسن مجتبى عليه السلام (در سال سوم هجرى) است.[[930]](#footnote-930) هفدهم ماه: سال روز پيروزى در جنگ بدر در سال دوم هجرى است.[[931]](#footnote-931) نوزدهم ماه: سالروز ضربت خوردن امير مؤمنان على عليه السلام به دست ابن ملجم اشقى الآخرين (در سال چهلم هجرى) است.[[932]](#footnote-932) بيست و يكم ماه: سالروز شهادت مولاى متّقيان، امير مؤمنان على بن ابى‏طالب عليه السلام (در سال چهلم هجرى) است كه جهان اسلام را در غم و اندوه عظيمى فرو برد.[[933]](#footnote-933)

فضيلت ماه مبارك رمضان:

در تمام سال، ماهى به عظمت ماه پربركت رمضان نيست؛ زيرا ماهى است كه خداوند آن را جهت اهداى بالاترين هديه خود به جهان بشريّت، يعنى «قرآن مجيد» برگزيده است.

از سوى ديگر، ماهى است كه شب قدر در آن واقع شده، شبى كه مقدّرات يكسال انسانها- بر حسب شايستگى‏ها و لياقت‏هايشان- تعيين مى‏گردد و عبادت آن برتر از عبادت هزار ماه است!

از سوى سوم، بهار عبادت و ماه تعليم و تربيت، ماه طهارت و پاكى، و ماه تقوا و خودسازى است؛ ماهى كه مراحل قرب‏الهى و سير و سلوك الى‏اللَّه را با گام‏هاى سريع و استوار مى‏توان پيمود.

در اهمّيّت اين ماه همين بس كه پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله در آستانه ماه مبارك رمضان طىّ خطبه‏اى چنين فرمود:

كليات مفاتيح نوين، ص: 696

«اى مردم! ماه خدا با بركت و رحمت و مغفرت به شما روى آورده؛ ماهى كه نزد خدا برترين ماه‏هاست، روزهايش برترين روزها، و شبهايش برترين شبها، و ساعاتش برترين ساعات است.

ماهى است كه در آن به ميهمانى خدا دعوت شده‏ايد، و مورد كرامت و احترام الهى قرار گرفته‏ايد؛ نفس‏هاى شما در آن حكم تسبيح را دارد، خواب شما در آن عبادت، عمل شما مقبولِ (درگاه الهى) و دعاى شما در آن مستجاب است!

با نيّت‏هاى صادق و قلب‏هاى پاك از خدا بخواهيد كه شما را موفّق به روزه اين ماه و تلاوت قرآن در آن كند؛ زيرا شقىّ و دور از سعادت كسى است كه در اين ماه (كه درياى رحمت الهى موّاج است) از رحمت و مغفرت او محروم گردد ...».

سپس دستورهاى مؤكّدى درباره صدقه به نيازمندان، احترام به بزرگترها، محبّت به كوچكترها، صله رحم، حفظ زبان و چشم و گوش از گناه، نوازش يتيمان و توبه از گناه، دعا كردن- به ويژه هنگام نمازها- فرمود؛ سپس درباره اهمّيّت افطارى دادنِ روزه‏داران سخن گفت، تا آن‏جا كه حتّى كسانى كه توانايى ندارند، مى‏توانند با دانه‏اى خرما يا جرعه‏اى از آب در اين كار خير شركت جويند!

در پايان خطبه فرمود: «اى مردم! درهاى بهشت در اين ماه گشوده است، از خداوند بخواهيد آن را به روى شما نبندد، و درهاى دوزخ بسته است، از پروردگارتان بخواهيد آن را به روى شما نگشايد! و شياطين در اين ماه در زنجيرند، از خداوند بخواهيد آنها را بر شما مسلّط نكند!» امير مؤمنان على عليه السلام عرض كرد: يا رسول اللَّه! برترين اعمال در اين ماه چيست؟ فرمود: پرهيز از گناهان!».[[934]](#footnote-934) خوشبخت و سعادتمند كسانى هستند كه ارزش والاى اين ماه را بشناسند و از بركاتِ بى‏پايان آن بهره گيرند و مشكلات معنوى و مادّى خود را به بركت روزه‏ها و عبادات در اين ماه حل كنند.

البتّه براى بهره‏گيرى بيشتر از بركات مادّى و معنوى و آثار و ثواب‏هاى ماه مبارك رمضان، نبايد تنها به روزه گرفتن اكتفا كرد، بلكه بايد از گناهان اجتناب نمود و با خودسازى و مراقبت و دورى از آلودگى‏ها، جان خويش را در معرض وزش نفحات رحمانى و عنايات ويژه سبحانى قرار داد.

بارالها! همه ما را موفّق بدار، و قرين رحمت و عنايت كن.

اعمال ماه مبارك رمضان:

اين اعمال كه آثار عميقى در پرورش روح و جان انسان دارد، به دو بخش تقسيم مى‏شود:

اوّل: اعمال مشترك ماه مبارك رمضان، كه مخصوص شب و روز معيّنى نيست، و آن بر چهار قسم است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 697

1- اعمالى كه در هر شب و روز ماه مبارك انجام مى‏شود.

2- اعمالى كه مخصوص شب‏هاى ماه مبارك است.

3- اعمالى كه مخصوص سحرگاهان پرفيض اين ماه است.

4- اعمالى كه مخصوص روزهاى ماه مبارك است.

دوم: اعمالى كه به روزها يا شب‏هاى معيّنى اختصاص دارد و پاداش و ثواب بى‏شمارى براى آنها ذكر شده است.

اعمال مشترك ماه مبارك رمضان‏

اعمال مشترك هر شب و روز:

اعمال مشترك هر شب و روز ماه رمضان، بسيار است از جمله:

1- «سيّد بن طاووس» از امام صادق و امام كاظم عليهما السلام روايت كرده است كه فرمودند: از اوّل ماه تا آخر ماه مبارك- بعد از هر فريضه- اين دعا را مى‏خوانى:

اللهُمَّ ارْزُقْنى‏ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ، فى‏ عامى‏ هذا وَفى‏ كُلِّ عامٍ، ما

خدايا در اين سال و سالهاى آينده حجّ خانه‏ات را روزيم گردان، مادامى كه‏

ابْقَيْتَنى‏ فى‏ يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ، وَلا تُخْلِنى‏ مِنْ تِلْكَ الْمواقِفِ‏

در آسايش و سلامتى و وسعت روزى از ناحيه تو قرار دارم، و مرا از جايگاههاى‏

الْكَريمَةِ، وَالْمَشاهِدِ الشَّريفَةِ، وَزِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

پسنديده و بارگاههاى با عظمت و زيارت قبر پيامبرت- كه درود تو بر او و خاندانش باد- دور مگردان‏

وَفى‏ جَميعِ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالأخِرَةِ فَكُنْ لى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ فيما

و در تمام نيازهاى دنيوى و اخروى با من باش خدايا از تو مى‏خواهم در امر

تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذى‏ لا يُرَدُّ

حتمى كه در شب قدر حكم رانده و مقرّر مى‏فرمايى و قابل بازگشت‏

وَلا يُبَدَّلُ، انْ تَكْتُبَنى‏ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

و تغيير نيست، مرا در زمره حجاج خانه‏ات ثبت نمايى، حاجيانى كه حجّشان پذيرفته و

الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ‏

سعيشان مورد تقدير و گناهانشان آمرزيده و خطاهايشان پوشيده شده است،

كليات مفاتيح نوين، ص: 698

فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ انْ تُطيلَ عُمْرى‏، وَتُوَسِّعَ عَلَىَّ رِزْقى‏، وَتُؤدِّىَ عَنّى‏

و در آنچه براى من حكم كرده و مقدّر فرمودى طول عمر و وسعت روزى و اداى امانت‏

امانَتى‏ وَدَيْنى‏، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

و قرضم را قرار ده، قبول فرمااى پروردگار جهانيان.

و همچنين بعد از هر نماز فريضه‏اى مى‏گويى:

يا عَلِىُّ يا عَظيمُ، يا غَفُورُ يا رَحيمُ، انْتَ الرَّبُّ الْعَظيمُ، الَّذى‏ لَيْسَ كَمِثْلِهِ‏

اى برتر و با عظمت، اى آمرزنده و مهربان، تويى پروردگار با عظمتى كه چيزى همانندت نيست‏

شَىْ‏ءٌ، وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ، وَهذا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ، وَشَرَّفْتَهُ‏

و تويى شنواى بينا، و اين ماهى است كه عظمت بخشيده و گرامى داشتى و بر

وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ، وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذى‏ فَرَضْتَ صِيامَهُ عَلَىَّ، وَهُوَ شَهْرُ

ماههاى ديگر شرافت و برترى دادى، و ماهى است كه روزه‏اش را بر من واجب فرمودى و اين همان ماه‏

رَمَضانَ، الَّذى‏ انْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏

رمضانى است كه قرآن را در آن فرو فرستادى كه مايه هدايت انسانها و نشانه هدايت و

وَالْفُرْقانِ، وَجَعَلْتَ فيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَها خَيْراً مِنْ الْفِ شَهْرٍ، فَيا ذَا

جدا كننده حق از باطل است و شب قدر را كه بهتر از هزار شب است در آن قرار دادى پس اى صاحب هر

الْمَنِّ وَلا يُمَنُّ عَلَيْكَ، مُنَّ عَلَىَّ بِفَكاكِ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، فيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ،

منّتى كه منتى بر تو نيست، با رهاييم از آتش در ميان آنان كه بر آنها منّت نهاده‏اى بر من منّت گذار،

وَادْخِلْنِى الْجَنَّةَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[935]](#footnote-935)

و در بهشت داخلم كن به رحمتت اى مهربانترين مهربانان.

\*\*\*

2- «شيخ كفعمى» در «مصباح» و «بلدالامين» از حضرت رسول صلى الله عليه و آله نقل كرده‏اند كه آن حضرت فرمود: هر كس اين دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخواند، خداى متعال گناهان او را بيامرزد:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلى‏ اهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقيرٍ، اللهُمَّ اشْبِعْ‏

خدايا شادمانى را بر خفتگان در گورها داخل كن، خدايا نيازمندان را بى نياز فرما، خدايا گرسنگان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 699

كُلَّ جائِعٍ، اللهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيانٍ، اللهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدينٍ، اللهُمَ‏

را سير كن خدايا برهنگان را بپوشان، خدايا قرض بدهكاران را ادا كن، خدايا

فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اللهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَريبٍ، اللهُمَّ فُكَّ كُلَّ اسيرٍ،

اندوه غمديدگان را برطرف كن خدايا غريبان را به وطن بازگردان، خدايا اسيران را آزاد كن،

اللهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فاسِدٍ مِنْ امُورِ الْمُسْلِمينَ، اللهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَريضٍ،

خدايا مفاسد امور مسلمانان را اصلاح فرما خدايا بيماران را شفا ده،

اللهُمَّ سُدَّ فَقْرَنا بِغِناكَ، اللهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حالِنا بِحُسْنِ حالِكَ، اللهُمَ‏

خدايا نياز ما را به بى‏نيازيت برطرف كن، خدايا بدحالى ما را به خشنوديت تغيير ده، خدايا

اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ، وَاغْنِنا مِنَ الْفَقْرِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[936]](#footnote-936)

بدهكارى‏هاى ما را ادا كن و ما را بى‏نياز گردان، كه تو بر هر چيز توانايى.

\*\*\*

3- مرحوم «شيخ كلينى» در «كافى» از ابوبصير روايت كرده كه امام صادق عليه السلام در ماه رمضان اين دعا را مى‏خواند:

اللهُمَّ انّى‏ بِكَ أَتَوَسَّلُ وَمِنْكَ اطْلُبُ حاجَتى‏، مَنْ طَلَبَ حاجَةً الىَ‏

خدايا به تو متوسّل شده و از تو حاجتم را مى‏خواهم و هر كس نيازش را از مردم بخواهد

النَّاسِ فَانّى‏ لا اطْلُبُ حاجَتى‏ الَّا مِنْكَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، وَاسْئَلُكَ‏

ولى من نيازم را فقط از تو مى‏خواهم، كه يگانه‏اى و شريكى براى تو نيست، و به‏

بِفَضْلِكَ وَرِضْوانِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَانْ تَجْعَلَ لى‏ فى‏

لطف و كرم و خشنوديت از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و براى من در اين‏

عامى‏ هذا الى‏ بَيْتِكَ الْحَرامِ سَبيلًا، حَجَّةً مَبْرُورَةً، مُتَقَبَّلَةً زاكِيَةً خالِصَةً

سال، راهى به سوى خانه‏ات قرار دهى، براى حجّى نيكو، پذيرفته شده، پاكيزه و خالص‏

لَكَ، تَقِرُّ بِها عَيْنى‏، وَتَرْفَعُ بِها دَرَجَتى‏، وَتَرْزُقُنى‏ انْ اغُضَّ بَصَرى‏، وَانْ‏

براى تو، تا ديده‏ام به آن روشن شده و رتبه‏ام (در نزد تو) بالا رود، چشم پوشى از گناه و

احْفَظَ فَرْجى‏، وَانْ اكُفَّ بِها عَنْ جَميعِ مَحارِمِكَ، حَتّى‏ لايَكُونَ شَىْ‏ءٌ

حفظ عفّت و پاكدامنى و دورى از همه گناهان را به من عطا فرما، تا چيزى در نزد من مهمتر نباشد

كليات مفاتيح نوين، ص: 700

آثَرَ عِنْدى‏ مِنْ طاعَتِكَ وَخَشْيَتِكَ، وَالْعَمَلِ بِما احْبَبْتَ، وَالتَّرْكِ لِما

از بندگى و ترس از (مخالفتِ) تو و انجام آنچه محبوب تو و ترك آنچه‏

كَرِهْتَ وَنَهَيْتَ عَنْهُ، وَاجْعَلْ ذلِكَ فى‏ يُسْرٍ وَيَسارٍ وَعافِيَةٍ، وَ اوْزِعْنى‏

ناپسند توست و از آن نهى كرده‏اى و همه آنچه را كه خواستم، در آسايش و توانگرى و تندرستى قرار ده، و

شُكْرَ ما انْعَمْتَ بِهِ عَلَىَّ، وَاسْئَلُكَ انْ تَجْعَلَ وَفاتى‏ قَتْلًا فى‏ سَبيلِكَ تَحْتَ‏

شكر نعمتهايى كه به من داده‏اى روزيم كن و از تو مى‏خواهم كه مردنم را شهادت در راه خودت و زير

رايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ اوْلِيآئِكَ، وَاسْئَلُكَ انْ تَقْتُلَ بى‏ اعْدآئَكَ وَاعْدآءَ رَسُولِكَ،

پرچم پيامبرت، به همراه دوستانت قرار دهى و از تو مى‏خواهم كه به وسيله من دشمنان خودت و دشمنان رسولت را نابود كنى‏

وَاسْئَلُكَ انْ تُكْرِمَنى‏ بِهَوانِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلا تُهِنّى‏ بِكَرامَةِ احَدٍ

و از تو مى‏خواهم كه به واسطه خوارى هر يك از مخلوقاتت كه خواهى مرا گرامى دارى، و مرا با گراميداشت دوستانت خوار مگردان،

مِنْ اوْلِيآئِكَ، اللهُمَّ اجْعَلْ لى‏ مَعَ الرَّسُولِ سَبيلًا، حَسْبِىَ اللَّهُ ما شآءَ اللَّهُ.[[937]](#footnote-937)

خدايا براى من در همراهى رسولت راهى قرار ده كه خدا براى من كافى است و هر آنچه خواهد مى‏شود.

«سيّد بن طاووس» در «اقبال» از ابوبصير روايت كرده است كه امام صادق عليه السلام فرمود: در شب‏هاى ماه رمضان بعد از نماز مغرب، با اين دعا، براى توفيق زيارت خانه خدا دعا كن.[[938]](#footnote-938) و «كفعمى» در «بلدالامين» گفته است كه: مستحبّ است اين دعا را در شب اوّل ماه رمضان و هر روز از اين ماه بخواند.[[939]](#footnote-939) 4- بهترين اعمال در شبها و روزهاى ماه مبارك رمضان تلاوت قرآن است؛ زيرا قرآن در ماه مبارك رمضان نازل شده است و در حديث آمده است كه: هر چيزى را بهارى است و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماههاى ديگر، هر ماهى يك بار ختم قرآن سنّت است و اقلّ آن هر شش روز است؛ ولى در ماه رمضان، هر سه روز يك ختم قرآن سنّت است و اگر بتواند روزى يك قرآن ختم كند، خوب است.[[940]](#footnote-940) شكّى نيست كسانى كه با مفاهيم و محتواى قرآن آشنايى ندارند سزاوار است در محتواى آيات دقت بيشترى كنند و در مكتب قرآن درس فرا گيرند، هر چند مقدار كمترى بخوانند همان‏گونه كه تشكيل جلسات تفسير براى فهم هدايت‏هاى قرآن در اين باره بسيار مناسب است.

«علّامه مجلسى» مى‏فرمايد: اگر ثواب هر ختم قرآنى به روح مقدّس پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و حضرت فاطمه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 701

زهرا عليها السلام و يا يكى از ائمه هدى عليهم السلام (و يا به محضر حضرت ولى عصر عليه السلام) هديه شود ثوابش بيشتر مى‏شود.[[941]](#footnote-941) و از روايتى برمى‏آيد كه پاداش چنين كسى آن است كه در روز قيامت در سايه آن بزرگواران باشد.[[942]](#footnote-942) 5- بايد دعا و ذكر صلوات و استغفار از گناهان در اين ماه بسيار نمود. و كلمه طيّبه‏

لا إلهَ الَّا اللَّه‏

را فراوان گفت.[[943]](#footnote-943) در روايتى مى‏خوانيم: وقتى ماه مبارك رمضان داخل مى‏شد امام زين‏العابدين عليه السلام جز به دعا و تسبيح و استغفار و تكبير، سخن نمى‏گفت.[[944]](#footnote-944) همچنين بايد به عبادت و نافله‏هاى شب و روز در اين ماه اهمّيّت فراوان داد،[[945]](#footnote-945) مخصوصاً كسانى كه در غير اين ماه موفّق به انجام نافله‏ها (مخصوصاً نافله شب) نيستند.

اعمال مشترك شب‏هاى ماه مبارك رمضان:

اعمالى كه در شب‏هاى ماه رمضان بجا آورده مى‏شود چند امر است:

1- افطار كردن به هنگام دخول وقت مغرب شرعى. و مستحبّ است كه بعد از نماز مغرب افطار كند، مگر آن‏كه ضعف و ناتوانى بر او غلبه كرده باشد كه توجّه و حضور قلب از او سلب شود، و يا آن‏كه جمعى منتظر او باشند.[[946]](#footnote-946) 2- افطار با غذاها و نوشيدنى‏هاى پاك و طاهر از حرام و مشتبه به حرام باشد.[[947]](#footnote-947) بهتر آن است كه به خرماى حلال افطار كند كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: هر كس با خرماى حلال افطار كند، ثواب نمازش افزون گردد.[[948]](#footnote-948) همچنين امام على عليه السلام فرمود: مستحب است با شير افطار كند.[[949]](#footnote-949) افطار كردن به آب و نبات و حلوا و به آب نيم‏گرم، به هر كدام كه باشد، نيز خوب است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله با اينها افطار مى‏كردند.[[950]](#footnote-950) 3- به هنگام افطار دعاهاى كوتاهى كه از معصومين عليهم السلام وارد شده است را بخواند مانند:

الف) اللهُمَّ لَكَ صُمْتُ، وَعَلى‏ رِزْقِكَ افْطَرْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.[[951]](#footnote-951)

\*\*\* خدايا براى تو روزه گرفته و با روزيت افطار كرده و بر تو توكل مى‏كنم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 702

ب) اميرمؤمنان عليه السلام به هنگام افطار كردن، اين دعا را مى‏خواند:

بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنا، وَعَلى‏ رِزْقِكَ افْطَرْنا، فَتَقَبَّلْ مِنَّا، انَّكَ انْتَ‏

به نام خدا، خدايا براى تو روزه گرفتيم و با روزى تو افطار كرديم پس از ما بپذير كه تو

السَّميعُ الْعَليمُ.[[952]](#footnote-952)

شنوا و دانايى.

4- خواندن سوره «انّا انزلناه» به هنگام افطار، پاداش بسيارى دارد.[[953]](#footnote-953) 5- در لقمه اوّل به هنگام افطار، بگويد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرّحَيمِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، اغْفِرْلى‏،

كه امام حسن مجتبى عليه السلام فرمود: كسى كه آن را بگويد، خداوند او را بيامرزد.[[954]](#footnote-954) 6- دعا كردن به هنگام افطار نيز بسيار خوب است. در روايتى آمده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏فرمود:

براى روزه‏دار به هنگام افطارش، يك دعاى اجابت شده، مى‏باشد.[[955]](#footnote-955) 7- به هنگام افطار، صدقه دهد و روزه‏داران را افطار دهد هرچند در صورت عدم توانايى، به تعدادى خرما يا جرعه‏اى از آب باشد، و افطار دادن از مستحبّات بسيار مؤكّد است كه سزاوار است مؤمنان آن را فراموش نكنند، و در بعضى از كشورهاى اسلامى هنگام افطار در تمام مساجد سفره‏هاى ساده طولانى گسترده مى‏شود.

از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله نقل شده است كه هر كس در ماه رمضان، مؤمن روزه‏دارى را افطار دهد، پاداش آزاد كردن بنده مؤمنى را دارد و سبب آمرزش گناهان او مى‏شود.

وقتى كه اصحاب پرسيدند، توانِ چنين كارى نداريم، فرمود: آن كس كه توان ندارد، مقدارى شير يا قدرى آب و يا تعدادى خرما هم بدهد، خداوند به او چنين پاداشى را عطا مى‏كند.[[956]](#footnote-956) در روايت ديگرى كه «مرحوم كلينى» و «شيخ صدوق» و «شيخ طوسى» از امام صادق عليه السلام نقل كرده‏اند آمده است: هر كس روزه‏دارى را افطار دهد، همانند پاداش آن روزه دار ثواب مى‏برد. (بى‏آن‏كه از ثواب او كاسته شود).[[957]](#footnote-957) 8- هر شب بعد از مغرب، دعاى حج را بخواند كه در اعمال مشترك هر شب و روز (صفحه 697) ذكر شد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 703

9- «سيّد بن طاووس» در «اقبال» روايت كرده است: هر كس در هر شب از ماه رمضان اين دعا را بخواند گناهان بسيارى از او آمرزيده مى‏شود:

اللهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، الَّذى‏ انْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ على‏

اى خدا، اى پروردگارِ ماه رمضان كه قرآن را در آن نازل نمودى و روزه را در آن‏

عِبادِكَ فيهِ الصِّيامَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنى‏ حَجَّ بَيْتِكَ‏

بر بندگانت واجب كردى بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و

الْحَرامِ، فى‏ عامى‏ هذا وَفى‏ كُلِّ عامٍ، وَاغْفِرْ لى‏ تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ، فَانَّهُ‏

در اين سال و همه سال حجّ خانه‏ات را روزيم گردان و گناهان بزرگم را بيامرز، چرا كه آنها

لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا رَحْمنُ يا عَلّامُ.[[958]](#footnote-958)

را نمى‏آمرزد جز تو اى بخشنده بسيار دانا.

\*\*\*

10- در هر شب از ماه رمضان دعاى افتتاح را بخواند.

دعاى افتتاح‏[[959]](#footnote-959):

به سند معتبر از حضرت صاحب‏الأمر- امام زمان (ارواحنا فداه)- نقل شده است كه به شيعيان نوشتند:

در هر شب از ماه مبارك رمضان اين دعا را بخوانيد كه دعاى اين ماه را فرشتگان مى‏شنوند و براى صاحبش استغفار مى‏كنند.

متن دعا مطابق نقل «زاد المعاد»[[960]](#footnote-960) چنين است:

اللهُمَّ انّى‏ افْتَتِحُ الثَّنآءَ بِحَمْدِكَ، وَانْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ، وَايْقَنْتُ‏

خدايا مدح و ثنا را با ستايشت آغاز مى‏كنم كه تو با احسان خود بندگانت را به راه راست هدايت مى‏كنى و يقين دارم‏

انَّكَ انْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ فى‏ مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَاشَدُّ الْمُعاقِبينَ‏

كه در مقام گذشت و مهربانى، مهربانترين مهربانانى، ولى در مقام عذاب وانتقام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 704

فى‏ مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ، وَاعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ فى‏ مَوْضِعِ الْكِبْريآءِ

سخت‏گيرترين عذاب كنندگانى، و در مقام اقتدار و عظمت، تواناترينى،

وَالْعَظَمَةِ، اللهُمَّ اذِنْتَ لى‏ فى‏ دُعآئِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يا سَميعُ‏

خدايا در خواندن و درخواستِ از خودت به من اجازه داده‏اى، پس اى شنوا ستايشم را بشنو

مِدْحَتى‏، وَاجِبْ يا رَحيمُ دَعْوَتى‏، وَاقِلْ يا غَفُورُ عَثْرَتى‏، فَكَمْ يآ الهى‏

و اى مهربان دعايم را اجابت كن و اى آمرزنده از لغزشم در گذر، پس اى معبود من‏

مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها، وَعَثْرَةٍ قَدْ اقَلْتَها، وَرَحْمَةٍ قَدْ

چه بسيار غمها كه گشودى و اندوهها كه بر طرف كردى و لغزشها كه در گذشتى و بخشش‏ها كه‏

نَشَرْتَها، وَحَلْقَةِ بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَها، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا

گستراندى، و گرفتاريها كه گشودى، حمد و ستايش مخصوص خداوندى است كه همدم و

وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فى‏ الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ كَبِّرْهُ‏

فرزندى ندارد و شريكى در حكومتش نيست و سرپرستى ندارد و او را بسيار بزرگ بشمار.

تَكْبيراً، الْحَمْدُ للَّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّهَا، عَلى‏ جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّها، الْحَمْدُ للَّهِ‏

حمد و سپاس مخصوص خداوند است به تمامى ستايش‏ها بر تمامى نعمتهايش، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است‏

الَّذى‏ لا مُضآدَّ لَهُ فى‏ مُلْكِهِ، وَلا مُنازِعَ لَهُ فى‏ امْرِهِ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لا

كه مخالفى در فرمانرواييش و ستيزه‏جويى در كارش نيست، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه‏

شَريكَ لَهُ فى‏ خَلْقِهِ، وَلا شَبيهَ لَهُ فى‏ عَظَمَتِهِ، الْحَمْدُ للَّهِ الْفاشى‏ فِى‏

شريكى در آفرينش و نظيرى در عظمت و بزرگيش نيست. حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه فرمان و سپاسش‏

الْخَلْقِ امْرُهُ وَ حَمْدُهُ، الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، الْباسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ، الَّذى‏ لا

در ميان مخلوقات آشكار است و به واسطه سخاوتش بزرگواريش آشكار است و دستانش به بخشش گشوده است، خداوندى كه‏

تَنْقُصُ خَزآئِنُهُ، وَلا تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطآءِ الَّا جُوداً وَ كَرَماً، انَّهُ هُوَ الْعَزيزُ

گنجينه (رحمتش) كم نشود، و فراوانى بخششش جز بر گشاده دستى و سخاوتش نيافزايد و اوست گرامى‏

الْوَهَّابُ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ قَليلًا مِنْ كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بى‏ الَيْهِ عَظيمَةٍ،

و بخشنده، خدايا از تو مى‏خواهم مقدار كمى از (كرم) بسيارت را با اين كه نياز من به آن بزرگ‏

وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ، وَ هُوَ عِنْدى‏ كَثيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ، اللهُمَّ انَ‏

و بى‏نيازى تو از آن ازلى است، در حالى كه آن مقدار نزد من بسيار ولى بر تو كم و آسان است، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 705

عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبى‏، وَتَجاوُزَكَ عَنْ خَطيئَتى‏، وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمى‏،

بخشش تو از گناهم و گذشتت از خطايم و چشم پوشيت از ظلمم‏

وَسَتْرَكَ عَلى‏ قَبيحِ عَمَلى‏، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثيرِ جُرْمى‏ عِنْدَ ما كانَ مِنْ‏

و پرده پوشيت بر زشت كاريم و حلمت از اشتباههاى فراوان‏

خَطَأى‏ وَعَمْدى‏، اطْمَعَنى‏ فى‏ انْ اسْئَلَكَ ما لا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذى‏

عمدى و سهويم، مرا به طمع انداخت كه از تو چيزى را كه شايسته آن نيستم درخواست كنم، آنچه را كه از رحمتت‏

رَزَقْتَنى‏ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَارَيْتَنى‏ مِنْ قُدْرَتِكَ، وَعَرَّفْتَنى‏ مِنْ اجابَتِكَ،

روزيم كردى و از قدرتت نشانم دادى و از پاسخ دادنت به من شناساندى.

فَصِرْتُ ادْعُوكَ آمِناً، وَاسْئَلُكَ مُسْتَأْنِساً لا خآئِفاً وَلا وَجِلًا، مُدِلًّا عَلَيْكَ‏

پس با آسودگى خاطر تو را مى‏خوانم و از تو مى‏خواهم در حال انس با تو، بدون ترس و وحشت، در حالى كه با

فيما قَصَدْتُ فيهِ الَيْكَ، فَانْ ابْطَا عَنّى‏ عَتَبْتُ بِجَهْلى‏ عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذى‏

گستاخى مقصودم را به درگاهت آورده‏ام، پس اگر در برآوردن حاجتم تأخير كنى به واسطه نادانيم بر تو اعتراض كنم و حال آن‏كه شايد

ابْطَا عَنّى‏ هُوَ خَيْرٌ لى‏ لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ ارَ مَوْلًا كَريماً اصْبَرَ

تأخير آن براى من بهتر باشد، چرا كه به سرانجام كارها دانايى، پس نديده‏ام مولا و سرور بخشنده‏اى، صبر كننده‏تر

عَلى‏ عَبْدٍ لَئيمٍ مِنْكَ عَلَىَّ يا رَبِّ، انَّكَ تَدْعُونى‏ فَاوَلّى‏ عَنْكَ، وَتَتَحَبَّبُ‏

از تو بر بنده پستى مثل من، اى پروردگار من، تو مرا مى‏خوانى ولى من از تو روى مى‏گردانم و با

الَىَّ فَاتَبَغَّضُ الَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ الَىَّ فَلا اقْبَلُ مِنْكَ، كَانَّ لِىَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ،

من دوستى مى‏كنى ولى من با تو دشمنى مى‏كنم، و در حقّ من دلسوزى مى‏كنى ولى من از تو نمى‏پذيرم، گويا كه من بر تو منّت دارم،

فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لى‏ وَالْإِحْسانِ الَىَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَىَّ بِجُودِكَ‏

ولى اين كار من، تو را از بخشش و نيكى به من و بزرگوارى به واسطه جود

وَكَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ احْسانِكَ، انَّكَ جَوادٌ

و كرمت در حقّ من باز نداشت، پس بر بنده نادانت رحم كن و با فزونى احسانت بر او ببخش كه تو سخاوتمند

كَريمٌ، الْحَمْدُللَّهِ مالِكِ‏الْمُلْكِ، مُجْرِى‏ الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ، فالِقِ‏

و بخشنده‏اى، حمد و سپاس خداوندى را كه فرمانرواى هستى و حركت دهنده كشتيها و تسخير كننده بادها و شكافنده‏

الْإِصْباحِ، دَيَّانِ الدّينِ، رَبِّ الْعَالَمينَ، الْحَمْدُ للَّهِ عَلى‏ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

صبح و داور روز جزا و پروردگار جهانيان است، حمد و سپاس خداى را بر حلم بعد از آگاهيش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 706

وَالْحَمْدُ للَّهِ عَلى‏ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ عَلى‏ طُولِ اناتِهِ فى‏ غَضَبِهِ،

و حمد و سپاس خداى را بر عفو با وجود تواناييش و حمد و سپاس خداى را بر صبر و تحمّل در حال خشمش،

وَهُوَ الْقادِرُ عَلى‏ ما يُريدُ، الْحَمْدُ للَّهِ خالِقِ الْخَلْقِ، باسِطِ الرِّزْقِ، فالقِ‏

در حالى كه بر آنچه خواهد تواناست، حمد و سپاس خداى را كه آفريننده مخلوقات، گستراننده روزى، شكافنده‏

الْإِصْباحِ، ذِى الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعامِ، الَّذى‏ بَعُدَ فَلا يُرى‏،

صبح، صاحب جلال و احترام و لطف و كرم است، كسى كه چنان دور است كه ديده نمى‏شود

وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوى‏، تَبارَكَ وَتَعالى‏، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ‏

و چنان نزديك است كه از گفتگوهاى پنهانى آگاه است و بلند مرتبه و برتر است، حمد و سپاس خداوندى را كه ستيزه جويى‏

يُعادِلُهُ، وَلا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ، وَلا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزَّآءَ،

در برابر او و مشابهى هم شكل او و پشتوانه‏اى تقويت كننده او، وجود ندارد، با عزّت و قدرتش قدرتمند را مغلوب ساخته‏

وَتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمآءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشآءُ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏

و بزرگان در برابر عظمتش سر تعظيم فرود آورده‏اند، و با قدرتش به آنچه خواسته رسيده است، حمد و سپاس خداوندى را

يُجيبُنى‏ حينَ اناديهِ، وَيَسْتُرُ عَلَىَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَانَا اعْصيهِ، وَ يُعَظِّمُ النِّعْمَةَ

كه هرگاه بخوانمش پاسخم گويد، و هر كار زشتى را بر من پوشانده با اينكه من نافرمانيش مى‏كنم و نعمتها را

عَلَىَّ فَلا اجازيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَدْ اعْطانى‏، وَعَظيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ

بر من تمام كرده با اين كه من ناسپاسيش مى‏كنم، و چه نعمتهاى سودمندى كه به من عطا فرمودى و حوادث بزرگِ ترسناكى كه از من‏

كَفانى‏، وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ ارانى‏، فَاثْنى‏ عَلَيْهِ حامِداً، وَاذْكُرُهُ مُسَبِّحاً،

بازداشتى و شادمانى مطبوعى كه نشانم دادى، پس ستايش كنان ثنايش گويم و تسبيح گويان يادش كنم،

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لا يُهْتَكُ حِجابُهُ، وَلا يُغْلَقُ بابُهُ، وَلا يُرَدُّ سآئِلُهُ، وَلا

حمد و سپاس خدايى را كه حجابش دريده نشود و باب رحمتش مسدود نگردد و درخواست كننده‏اش را باز نگرداند

يُخَيَّبُ آمِلُهُ، الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ يُؤْمِنُ‏الْخآئِفينَ، وَيُنَجِّى‏الصَّالِحينَ، وَيَرْفَعُ‏

و آرزومندش را مأيوس نكند، حمد و سپاس خدايى را كه خائفان را ايمنى بخشد و شايستگان را نجات دهد و

الْمُسْتَضْعَفينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرينَ، وَيُهْلِكُ مُلُوكاً، وَيَسْتَخْلِفُ آخَرينِ،

مستضعفان را ترقّى داده و گردنكشان را خوار كند و پادشاهان را هلاك كرده و ديگران را جانشين آنان كند،

وَالْحَمْدُ للَّهِ قاصِمِ الْجَبَّارينَ، مُبيرِ الظَّالِمينَ، مُدْرِكِ الْهارِبينَ، نَكالِ‏

حمد و سپاس خدايى را كه در هم شكننده زورگويان، هلاك كننده ستمگران، دريابنده فراريان، عذاب كننده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 707

الظَّالِمينَ، صَريخِ الْمُسْتَصْرِخينَ، مَوْضِع حاجاتِ الطَّالِبينَ، مُعْتَمَدِ

ستمگران، فريادرس يارى خواهان، محلّ نيازهاى نيازمندان و تكيه‏گاه‏

الْمُؤْمِنينَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّمآءُ وَسُكَّانُها، وَتَرْجُفُ‏

مؤمنان است، حمد و سپاس خدايى را كه از هيبت او آسمان و زمين‏

الْأَرْضُ وَعُمَّارُها، وَتَمُوجُ الْبِحارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فى‏ غَمَراتِها، الْحَمْدُللَّهِ‏

و ساكنانشان مى‏لرزند، و درياها و آنچه در آن شناور است به حركت درآيد، حمد و سپاس خدايى را كه‏

الَّذى‏ هَدانا لِهذا، وَما كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلا انْ هَدانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏

ما را به اين امور هدايت نمود، كه اگر ما را هدايت نمى‏فرمود هدايت نمى‏يافتيم، حمد و سپاس خدايى را كه‏

يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ، وَيَرْزُقُ وَلا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ وَلا يُطْعَمُ، وَيُميتُ‏

مى‏آفريند و آفريده نشده و روزى مى‏دهد و روزى داده نشده و اطعام مى‏كند و اطعام نشده و زندگان را

الْأَحيآءَ وَيُحْيِى الْمَوْتى‏، وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى‏ كُلِ‏

مى‏ميراند و مردگان را زنده مى‏كند و اوست زنده‏اى كه هرگز نميرد، خير و نيكى به دست اوست و بر هر

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَامينِكَ وَصَفِيِّكَ،

چيز تواناست، خدايا بر محمّد بنده و فرستاده و امانتدار و برگزيده‏

وَحَبيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسالاتِكَ، افْضَلَ‏

و حبيب و انتخاب شده از ميان مخلوقاتت و نگهدارنده راز و رساننده پيامهايت درود فرست، برترين،

وَاحْسَنَ وَاجْمَلَ، وَاكْمَلَ وَازْكى‏ وَانْمى‏، وَاطْيَبَ وَاطْهَرَ وَاسْنى‏، وَاكْثَرَ

نيكوترين، زيباترين، كامل‏ترين، پاكيزه‏ترين، فزاينده‏ترين، دلپذيرترين، پاكترين، درخشان‏ترين و بيشترين‏

ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلى‏ احَدٍ مِن عِبادِكَ‏

درود و بركت و رحمت و دلسوزى و سلامى كه فرستادى بر هر يك از بندگان‏

وَانْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَاهْلِ الْكَرامَةِ عَلَيْكَ مِن خَلْقِكَ، اللهُمَ‏

و پيامبران و فرستادگان و برگزيدگان و بزرگمنشان از ميان مخلوقاتت، خدايا

وَصَلِّ عَلى‏ عَلىٍّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَوَصِىِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، عَبْدِكَ‏

درود فرست بر حضرت على اميرالمؤمنين و جانشين فرستاده پروردگار جهانيان، بنده‏

وَوَليِّكَ وَاخى‏ رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ، وَآيَتِكَ الْكُبْرى‏ وَالنَّبَأِ

و محبوبت و برادر فرستاده‏ات و دليل و برهانت بر بندگان و نشانه و خبر

كليات مفاتيح نوين، ص: 708

الْعَظيمِ، وَصَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ،

بسيار بزرگ، و درود فرست بر راستگوى پاكيزه حضرت فاطمه، سرور بانوان جهان‏

وَصَلِّ عَلى‏ سِبْطَىِ الرَّحْمَةِ وَامامَىِ الْهُدى‏، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيّدَىْ‏

و درود فرست بر دو فرزندزاده پيامبر رحمت و دو پيشواى هدايت، امام حسن و امام حسين آقا و سرور

شَبابِ اهْلِ الْجَّنَةِ، وَصَلِّ عَلى‏ ائِمَّةِ الْمُسْلِمينَ، عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ،

جوانان اهل بهشت، و درود فرست بر پيشوايان مسلمانان، على بن حسين‏

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِىِّ بْنِ‏

و محمّد بن على و جعفربن محمّد و موسى بن جعفر و على بن‏

مُوسى‏، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ، وَعَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ، وَالْخَلَفِ‏

موسى و محمّد بن على و على بن محمّد و حسن بن على و جانشين‏

الْهادِى الْمَهْدِىِّ، حُجَجِكَ عَلى‏ عِبادِكَ، وَامَنآئِكَ فى‏ بِلادِكَ، صَلاةً كَثيرَةً

راهنماى راه يافته (حضرت مهدى (عج))، حجّت‏ها و دلايلت بر بندگان و امانتدارانت در زمين، درود فراوان‏

دآئِمَةً، اللهُمَّ وَصَلِّ عَلى‏ وَلِىِّ امْرِكَ الْقآئِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ،

و هميشگى، خدايا درود فرست بر عهده دار فرمانت و قيام كننده آرزو شده و عدالت گستر مورد انتظار

وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَايِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يا رَبَّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَ‏

و او را با فرشتگان مقرّبت در برگير، و با روح القدس ياريش كن، اى پروردگار جهانيان، خدايا

اجْعَلْهُ الدَّاعِىَ الى‏ كِتابِكَ، وَالْقآئِمَ بِدينِكَ، اسْتَخْلِفْهُ فِى الْأَرْضِ كَمَا

او را دعوت كننده به كتابت و قيام كننده به امر دينت قرار ده، او را در زمين جانشين خود قرار ده همان‏گونه كه‏

اسْتَخْلَفْتَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دينَهُ الَّذِى ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، ابْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ

پيشينيان او را جانشين خود قرار دادى، دينى كه براى او پسنديده‏اى پابرجا ساز، و بيم و ترس او را به آسودگى خاطر

خَوْفِهِ امْناً، يَعْبُدُكَ لا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً، اللهُمَّ اعِزَّهُ وَاعْزِزْ بِهِ، وَانْصُرْهُ‏

و ايمنى تبديل كن، چرا كه تو را عبادت كرده و شريكى براى تو نگيرد، خدايا او را عزّت ده و ديگران را به او عزّت بخش، و ياريش كن‏

وَانْتَصِرْ بِهِ، وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزيزاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ‏

و ديگران را به وسيله او يارى ده و او را كاملًا يارى كن و پيروزى آسان نصيبش فرما، و از جانب خود حكومتى‏

لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً، اللهُمَّ اظْهِرْ بِهِ دينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتّى‏ لا

پيروزمند برايش مقرّر فرما، خدايا دين و سنّت پيامبرت را به وسيله او آشكار كن، تا چيزى از

كليات مفاتيح نوين، ص: 709

يَسْتَخْفِىَ بِشَىْ‏ءٍ مِنَ‏الْحَقِّ مَخافَةَ احَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللهُمَّ انَّا نَرْغَبُ‏

حق به واسطه ترس از مخلوقاتت مخفى نماند، خدايا ما آرزومند

الَيْكَ فى‏ دَوْلَةٍ كَريمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَاهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَاهْلَهُ،

دولتى كريمانه هستيم كه به واسطه آن اسلام و اهل آن را عزّت بخشيده و نفاق و اهل آن را خوار گردانى‏

وَتَجْعَلُنا فيها مِنَ‏الدُّعاةِ الى‏ طاعَتِكَ، وَالْقادَةِ الى‏ سَبيلِكَ، وَتَرْزُقُنا بِها

و ما را در آن حكومت از دعوت كنندگان به بندگى‏ات و پيشروان راهت قرار ده و به واسطه آن بزرگى در

كَرامَةَ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ، اللَّهُمَّ ما عَرَّفْتَنا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْناهُ، وَما قَصُرْنا

دنيا و آخرت را روزيمان گردان، خدايا آنچه از حق به ما شناساندى پس ما را بدان وادار و آنچه كوتاهى كرديم،

عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ، اللهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعْثَنا، وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنا، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا،

ما را به آن برسان، خدايا به واسطه او پراكندگى ما را اصلاح كن، و اختلاف ميان ما را كم كن، و تفرقه ميان ما را پيوند ده،

وَكَثِّرْبِهِ قِلَّتَنا، وَاعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا، وَاغْنِ بِهِ عآئِلَنا، وَاقْضِ بِهِ عَنْ مُغْرَمِنا،

و كمى (افراد) ما را فزونى بخش، و ما را از خوارى به عزّت و از ندارى به بى‏نيازى برسان، و بدهى ما را ادا كن‏

وَاجْبُرْبِهِ فَقْرَنا، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنا، وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنا،

و فقرمان را جبران كن، و اختلاف ميان ما را كم كن، و مشكلات ما را به آسانى تبديل كن و ما را روسفيد گردان،

وَفُكَّ بِهِ اسْرَنا، وَانْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنا، وَانْجِزْ بِهِ مَواعيدَنا، وَاسْتَجِبْ بِهِ‏

و گرفتارى ما را بگشا، و نيازمان را مرتفع گردان، و وعده‏هاى ما را محقّق گردان، و دعاهايمان را مستجاب كن‏

دَعْوَتَنا، وَاعْطِنا بِهِ سُؤْلَنا، وَبَلِّغْنا بِهِ مِنَ‏الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ آمالَنا، وَاعْطِنا بِهِ‏

و خواسته‏هاى ما را برآور، و ما را به آرزوهاى دنيا و آخرت برسان، و بيش از آنچه مى‏خواهيم‏

فَوْقَ رَغْبَتِنا، يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ وَاوْسَعَ الْمُعْطينَ، اشْفِ بِهِ صُدُورَنا،

به ما عطا كن، اى بهترين درخواست شده و توانگرترين عطاكننده، سينه‏هاى ما را به او شفا بخش،

وَاذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا، وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاذْنِكَ، انَّكَ‏

و عقده دلهاى ما را بگشا و ما را به جانب حق از آنچه كه به اجازه‏ات در آن اختلاف شده هدايت فرما، زيرا تو

تَهْدى‏ مَنْ تَشآءُ الى‏ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، وَانْصُرْنا بِهِ عَلى‏ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنآ،

هر كه را بخواهى به راه راست هدايت مى‏كنى، و ما را به كمك او بر دشمنان خود و دشمنانمان پيروز گردان،

الهَ الْحَقِّ آمينَ، اللهُمَّ انَّا نَشْكُو الَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

اى معبود به حقّ (دعاهايم را) قبول فرما، خدايا ما از فقدان پيامبرمان- كه درود تو بر او و خاندانش باد

كليات مفاتيح نوين، ص: 710

وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا، وَقِلَّةَ عَدَدِنا، وَشِدّةَ الْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ الزَّمانِ‏

- و غيبت اماممان و فراوانى دشمنان و كمى تعداد و فتنه‏هاى سخت و خود نمايى روزگار بر ضرر ما به تو شكايت‏

عَلَيْنا، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَ اعِنَّا عَلى‏ ذلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ،

مى‏كنيم پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و ما را بر اين امور يارى فرما، به پيروزى نزديك از جانب خودت و

وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ‏

برطرف ساختن رنج و سختى و يارى با عزّت و فرمانروايى آشكار و به حق و رحمت‏

تَجَلِّلُناها، وَ عافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

و سلامتى فراگير از جانبت، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

11- در هر شب بخواند:

اللهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِى الصَّالِحينَ فَادْخِلْنا، وَفى‏ عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا، وِبَكَاْسٍ‏

خدايا ما را به احسانت در زمره نيكوكاران داخل كن و در درجات بهشت بالا بر و با جامى‏

مِنْ مَعينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبيلٍ فَاسْقِنا، وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ بِرَحْمَتِكَ‏

از چشمه گوارا سيراب كن و به احسانت از حورالعين به همسرى ما درآور،

فَزَوِّجْنا، وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ كَانَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاخْدِمْنا، وَمِنْ‏

و از نوجوانانى جاودان كه مانند گوهرهاى در صدفند به خدمت ما درآور، و از

ثِمارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنا، وَ مِنْ ثِيابِ السُّنْدُسِ وَالْحَريرِ

ميوه‏هاى بهشتى و گوشت پرندگان بهره‏مند ساز، و از لباسهاى ذربافت و ابريشمى‏

وَالْإِسْتَبْرَقِ فَالْبِسْنا، وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحرامِ وَقَتْلًا فى‏ سَبيلِكَ‏

و ديبا به ما بپوشان، و ما را به درك فضيلت شب قدر و حجّ خانه‏ات و شهادت در راهت‏

فَوَفِّقْ لَنا، وَصالِحَ الدُّعآءِ وَالْمَسْئَلةِ فَاسْتَجِبْ لَنا، وَاذا جَمَعْتَ الأَوَّلينَ‏

موفقّ بدار، و دعا و خواسته شايسته ما را اجابت فرما، و در زمانى كه پيشينيان و پسينيان‏

وَالأخِرينَ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَارْحَمْنا، وَبَرآئَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنا، وَفى‏ جَهَنَّمَ‏

را در قيامت گردآورى بر ما رحم كن، رهايى از آتش دوزخ را براى ما مقدّر فرما، و ما را در دوزخ‏

فَلا تَغُلَّنا، وَ فى‏ عَذابِكَ وَ هَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا، وَ مِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّريعِ فَلا

گرفتار مكن و به عذاب و خواريت مبتلا مگردان، و از گياه تلخ و بد بوى «زقّوم» و «ضريع» به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 711

تُطْعِمْنا، وَ مَعَ الشَّياطينِ فَلا تَجْعَلْنا، وَ فِى النَّارِ عَلى‏ وُجُوهِنا فَلا

ما مخوران و ما را همراه شيطانها قرار مده، و به صورت در آتش نيانداز،

تَكْبُبْنا، وَ مِنْ ثِيابِ النَّارِ وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا، وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يا

و از لباسهاى آتشين و پيراهن قير اندود به ما مپوشان، اى‏

لا الهَ الَّا انْتَ بِحَقِّ لا الهَ الَّا انْتَ فَنَجِّنا.[[961]](#footnote-961)

كه معبودى جز تو نيست، به حق اين كه معبودى جز تو نيست ما را از هر بدى رهايى بخش.

\*\*\*

12- از حضرت صادق عليه السلام روايت شده است كه در هر شب ماه رمضان اين دعا را مى‏خوانى:

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ انْ تَجْعَلَ فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِى‏

خدايا از تو مى‏خواهم كه قرار دهى در آنچه حكم كرده و مقرّر فرمودى از

الْأَمْرِ الْحَكيمِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذى‏ لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، انْ تَكْتُبَنى‏ مِنْ حُجَّاجِ‏

فرمان حكيمانه‏ات، از قضايى كه برگشت نداشته و تغيير نمى‏يابد كه مرا از حاجيان‏

بَيْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ،

خانه‏ات قرار دهى، حجّاجى كه حجّشان پذيرفته، سعيشان قبول شده، گناهانشان آمرزيده، و

الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئاتِهِمْ، وَانْ تَجْعَلَ فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ، انْ تُطيلَ عُمْرى‏

بديهايشان پوشيده شده است، و قراردهى در آنچه حكم كرده و مقدّر فرمودى، طول عمرى همراه‏

فى‏ خَيْرٍ وَعافِيَةٍ، وَتُوَسِّعَ فى‏ رِزْقى‏، وَتَجْعَلَنى‏ مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ،

با خوبى و سلامتى و روزى وسيع و قراردهى مرا از كسانى كه دينت را به وسيله آنان يارى كنى‏

وَلا تَسْتَبْدِلْ بى‏ غَيْرى‏.[[962]](#footnote-962)

و مرا با ديگرى عوض نكنى.

\*\*\*

13- مرحوم محدّث قمى نقل كرده است كه: در «أنيس الصالحين» آمده است كه در هر شب از شبهاى ماه رمضان اين دعا را بخوان:

كليات مفاتيح نوين، ص: 712

اعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، انْ يَنْقَضِىَ عَنّى‏ شَهْرُ رَمَضانَ، اوْ يَطْلُعَ‏

به بزرگى جمال كريمانه‏ات پناه مى‏برم كه (مبادا) ماه رمضان سپرى شود يا امشبم صبح‏

الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتى‏ هذِهِ، وَلَكَ قِبَلى‏ تَبِعَةٌ اوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنى‏ عَلَيْهِ.[[963]](#footnote-963)

گردد در حالى كه از ناحيه من عمل مستوجب بازخواست يا گناهى باشد كه مرا به آن عذاب كنى.

\*\*\*

14- مستحبّ است در هر شب از ماه رمضان دو ركعت نماز خوانده شود، در هر ركعت بعد از حمد، سه مرتبه توحيد و پس از سلام بگويد: سُبْحانَ مَنْ هُوَ حَفيظٌ لا يَغْفُلُ، سُبحانَ مَنْ هُوَ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* تسبيح مى‏كنم خداى نگاهدارنده‏اى را كه غافل نشود (از حال بندگان) تسبيح مى‏كنم، خداى‏

رَحيمٌ لا يَعْجَلُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا يَسْهُو، سُبْحانَ مَنْ هُوَ دائِمٌ لا

مهربانى را كه (در عذاب بندگان) شتاب نكند، تسبيح مى‏كنم خداى پاينده‏اى را كه اشتباه نكند، تسبيح مى‏كنم خداى ابدى را كه بيهوده وقت‏

يَلْهُو. سپس تسبيحات اربعه را هفت مرتبه بخواند و آنگاه بگويد: سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ‏

نمى‏گذارند.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* تو را تسبيح مى‏كنم، تو را تسبيح مى‏كنم،

سُبْحانَكَ، يا عَظيمُ اغْفِرْ لِىَ الذَّنْبَ الْعَظيمَ.

تو را تسبيح مى‏كنم، اى بزرگ مرتبه، گناه بزرگ مرا ببخش.

در پايان نيز ده مرتبه صلوات بفرستد بر پيغمبر و آل او عليهم السلام. كسى كه اين دو ركعت نماز را بجا آورد خداوند متعال گناهان زيادى را از او بيامرزد.[[964]](#footnote-964) 15- در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است كه هر كس در هر شب از ماه رمضان، سوره «إنّا فَتَحْنا» را در نماز مستحبّى بخواند، آن سال از بلاها محفوظ بماند.[[965]](#footnote-965) 16- بجا آوردن هزار ركعت نماز در طول شبهاى ماه رمضان.

درباره كيفيّت بجا آوردن آن، روايات مختلف است ولى آنچه كه در روايت «على بن مهران» از امام جواد عليه السلام نقل شده و گروه كثيرى از بزرگان آن را پذيرفته‏اند چنين است:

در دهه اوّل و دهه دوم ماه رمضان، در هر شبى بيست ركعت نماز خوانده شود (هر دو ركعت به يك سلام) به اين نحو كه هر شب، هشت ركعتِ آن بعد از نماز مغرب و دوازده ركعتِ آن، بعد از نماز عشا و در دهه آخر، در هر شبى سى ركعت خوانده شود؛ هشت ركعت بعد از نماز مغرب و بيست و دو ركعت، بعد از

كليات مفاتيح نوين، ص: 713

نماز عشا، كه در مجموع هفتصد ركعت مى‏شود و باقيمانده آن كه سيصد ركعت است در شب‏هاى قدر خوانده شود، يعنى در شب نوزدهم صد ركعت (به اضافه بيست ركعتى كه قبلًا مى‏خواند) و در شب بيست و يكم صد ركعت (به اضافه سى ركعت) و در شب بيست و سوم نيز صد ركعت (به علاوه سى ركعت) كه در مجموع هزار ركعت مى‏شود.[[966]](#footnote-966) مناسب است كه مؤمنان از اين نماز (تا آن‏جا كه مقدور است) غفلت نورزند.

اعمال مخصوص سحرگاهان:

در اعمال سحرهاى ماه مبارك رمضان امورى مستحب است:

1- خوردن سحرى؛ كه در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است كه خوردن سحرى را ترك نكنيد؛ هرچند يك عدد خرما باشد.[[967]](#footnote-967) در روايت ديگرى رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: فرشتگان براى كسانى كه در سحرها، طلب آمرزش مى‏كنند و سحرى مى‏خورند، استغفار مى‏كنند.[[968]](#footnote-968) 2- خواندن سوره «إنّا أنزلناه» به هنگام خوردن سحرى؛ در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است كه هر مؤمنى، در وقت افطار و خوردن سحرى، اين سوره را بخواند، در ميان اين دو وقت ثواب شهيدان را دارد.[[969]](#footnote-969) 3- خواندن دعاى سحر

اين دعا كه داراى مضامين ارزشمند و بيانگر عظمت اوصاف الهى است، انسان را در مسير كمال معنوى و سير و سلوك الى اللَّه بسيار كمك مى‏كند و توجّه به معانى آن، معارف توحيدى ناب و خالص را به ما مى‏آموزد.

درباره اين دعاى باعظمت، از امام رضا عليه السلام نقل شده كه فرمود: اين دعا را امام باقر عليه السلام در سحرهاى ماه مبارك رمضان مى‏خواند و مى‏فرمود: اسم اعظم الهى در آن است و در سرعت اجابت دعا بسيار مؤثّر است. دعا اين است:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ بَهآئِكَ بِابْهاهُ، وَكُلُّ بَهآئِكَ بَهِىٌّ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

خدايا از تو مى‏خواهم به حق درخشنده‏ترين درخشنده‏گيت با اينكه همه درخشندگيت درخشنده است، خدايا از تو مى‏خواهم به‏

بِبَهآئِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاجْمَلِهِ، وَكُلُّ جَمالِكَ‏

حق تمامى درخشندگيت خدايا از تو مى‏خواهم به حق زيباترين زيباييت با اين كه همه زيباييهايت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 714

جَميلٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ‏

زيباست، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى زيباييت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق بزرگترين‏

بِاجَلِّهِ، وَكُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ، اللهُمَ‏

بزرگيت با اين كه همه بزرگيت بزرگ است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمام بزرگيت، خدايا

انّى‏اسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاعْظَمِها، وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظَيمَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏

از تو مى‏خواهم به حق باشكوهترين شكوهت با اين كه همه شكوهت با شكوه است خدايا از

اسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ اسَئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِانْوَرِهِ، وَكُلُّ نُورِكَ‏

تو مى‏خواهم به حق تمامى شكوهت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق روشن‏ترين روشنيت با اينكه همه روشنيت‏

نَيِّرٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ‏

نورانى است خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى روشنيت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق گسترده‏ترين‏

بِاوْسَعِها، وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها، اللهُمَ‏

بخششت با اينكه تمام بخششت گسترده است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى بخششت، خدايا از

انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاتَمِّها، وَكُلُّ كَلِماتِكَ تآمَّةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

تو مى‏خواهم به حق كاملترين سخنانت با اين كه تمام سخنانت كامل است، خدايا از تو مى‏خواهم‏

بِكَلِماتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاكْمَلِهِ، وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ،

به حق تمامى سخنانت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق كاملترين كمالاتت با اين كه تمام كمالاتت كامل است،

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ اسمآئِكَ بِاكْبَرِها،

خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى كمالت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق بزرگترين نامهايت‏

وَكُلُّ اسْمآئِكَ كَبيرَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمآئِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

با اين كه تمام نامهايت بزرگ است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى نامهايت، خدايا از تو مى‏خواهم‏

مِنْ عِزَّتِكَ باعَزِّها، وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها،

به حق بالاترين مقامت با اين كه تمامى مقاماتت بلند است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى مقامت،

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِامْضاها، وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏

خدايا از تو مى‏خواهم به حق گذراترين اراده‏ات با اين كه تمام اراده‏ات گذراست، خدايا از

اسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِى‏

تو مى‏خواهم به حق تمامى اراده‏ات، خدايا از تو مى‏خواهم به حق قدرتى كه به واسطه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 715

اسْتَطَلْتَ بِها عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

آن بر هر چيز احاطه دارى، با اين كه تمام قدرتت محيط است خدايا از تو مى‏خواهم به‏

بِقُدْرَتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِانْفَذِهِ، وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ،

حق تمامى قدرتت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق نافذترين علمت، با اينكه تمام علمت نافذ است،

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِارْضاهُ،

خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى علمت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق پسنديده‏ترين گفتارت‏

وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِىٌّ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ‏

با اينكه تمام گفتارهايت پسنديده است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى گفتارهايت، خدايا از تو مى‏خواهم‏

مَسآئِلِكَ بِاحَبِّها الَيْكَ، وَكُلُّ مَسآئِلِكَ الَيْكَ حَبيبَةٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

به حق محبوبترين خواسته‏هايت با اينكه تمام خواسته‏هايت محبوب است، خدايا از تو مى‏خواهم به‏

بِمَسآئِلِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاشْرَفِهِ، وَكُلُّ شَرَفِكَ‏

حق تمامى خواسته‏هايت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق بالاترين درجه‏ات با اينكه تمام درجاتت‏

شَريفٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ‏

بلند است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى درجاتت. خدايا از تو مى‏خواهم به حق جاودانترين‏

بِادْوَمِهِ، وَكُلُّ سُلطانِكَ دآئِمٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ، اللهُمَ‏

فرمانروايت با اينكه تمام فرمانروايت جاودانى است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمام فرمانروايت، خدايا

انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِافْخَرِهِ، وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص715**

از تو مى‏خواهم به حق با شكوهترين پادشاهيت با اينكه تمام پادشاهيت با شكوه است، خدايا از تو مى‏خواهم‏

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاعْلاهُ، وَكُلُّ عُلُوِّكَ عالٍ،

به حق تمامى پادشاهيت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق بالاترين مقامت، با اينكه تمام مقاماتت بلند است،

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاقْدَمِهِ، وَكُلُ‏

خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمام مقاماتت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق ديرينه‏ترين نعمتت،

مَنِّكَ قَديمٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ آياتِكَ‏

با اينكه تمام نعمتهايت ديرينه است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى نعمتهايت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق‏

بِاكْرَمِها، وَكُلُّ آياتِكَ كَريمَةٌ، اللهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها، اللهُمَّ انّى‏

گرامى‏ترين نشانه‏هايت، با اينكه تمام نشانه‏هايت گرامى است، خدايا از تو مى‏خواهم به حق تمامى نشانه‏هايت، خدايا از

كليات مفاتيح نوين، ص: 716

اسْئَلُكَ بِما انْتَ فيهِ مِنَ الشَّاْنِ وَالْجَبَرُوتِ، وَاسْئَلُكَ بِكُلِّ شَاْنٍ وَحْدَهُ‏

تو مى‏خواهم به حق مقام و بزرگيت و از تو مى‏خواهم به حق تمامى‏

وَجَبَرُوتٍ وَحْدَها، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِما تُجيبُنى‏ [بِهِ‏] حينَ اسْئَلُكَ،

مقامات و بزرگيت، خدايا از تو مى‏خواهم به حق آنچه كه مرا [به آن‏] پاسخ مى‏دهى زمانى كه تو را مى‏خوانم،

فَاجِبْنى‏ يا اللَّهُ.

پاسخم گويى اى خدا.

آنگاه هر حاجت كه دارى از خدا طلب كن كه برآورده مى‏شود، ان‏شاءاللَّه تعالى.[[970]](#footnote-970)

4- دعاى ابوحمزه ثمالى‏[[971]](#footnote-971)

دعاى ابوحمزه ثمالى كه در سحرگاهان ماه رمضان خوانده مى‏شود، از مضامين و محتواى بسيار بلندى برخوردار است كه اگر كسى اندكى آمادگى روحى داشته باشد و با توجّه، اين دعا را بخواند، به يقين در عمق وجودش نورانيّت خاصّى وارد مى‏شود و در دل و جانش انقلابى ايجاد مى‏كند.

دعاى ابوحمزه ثمالى علاوه بر آن‏كه يك دوره درس خداشناسى را در بر دارد، راه و رسم بندگى و طريق انابه و توبه و بازگشت به پروردگار را به ما مى‏آموزد.

ابوحمزه ثمالى مى‏گويد: امام زين‏العابدين عليه السلام در طول شب‏هاى ماه رمضان بيشتر شب را به نماز مى‏ايستاد و چون هنگام سحر فرا مى‏رسيد، اين دعا را مى‏خواند:[[972]](#footnote-972) الهى‏ لا تُؤَدِّبْنى‏ بِعُقُوبَتِكَ، وَلا تَمْكُرْ بى‏ فى‏ حيلَتِكَ، مِنْ ايْنَ لِىَ الْخَيْرُ يا

اى معبود من، مرا با مجازاتت ادب مكن، و مرا به تدبير خويش دچار نكن، از كجا خيرى بيابم، اى‏

رَبِّ، وَلا يُوجَدُ الَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ ايْنَ لِىَ النَّجاةُ، وَلا تُسْتَطاعُ الَّا بِكَ،

پروردگار من، در حالى كه جز در پيشگاه تو يافت نشود، و از كجا راه نجاتى يابم، در حالى كه جز با كمك تو ميسّر نشود،

كليات مفاتيح نوين، ص: 717

لَا الَّذى‏ احْسَنَ اسْتَغْنى‏ عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَلَا الَّذى‏ اسآءَ وَاجْتَرَءَ

نه آنكه نيكى مى‏كند بى‏نياز از كمك و بخشش توست و نه آنكه بدى كرده و بر تو

عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِ‏ به اندازه يك نفس‏ جرأت نموده و تو را خشنود نساخته از قدرتت بيرون است، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بگويد. سپس بگويد: بِكَ عَرَفْتُكَ، وَانْتَ دَلَلْتَنى‏ عَلَيْكَ، وَ دَعَوْتَنى‏ الَيْكَ، وَ لَوْ لا

\*\*\*\*\*\*\*\*\* تو را به كمك خودت شناختم و تو مرا به سوى خويش راهنمايى كرده و دعوت نمودى و اگر

انْتَ لَمْ ادْرِ ما انْتَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ ادْعُوهُ فَيُجيبُنى‏، وَ انْ كُنْتُ بَطيئاً

تو نبودى نمى‏دانستم كه كيستى، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه مى‏خوانمش و پاسخم مى‏گويد اگر چه در آن هنگام كه‏

حينَ يَدْعُونى‏، وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ اسْئَلُهُ فَيُعْطينى‏، وَ انْ كُنْتُ بَخيلًا حينَ‏

مرا مى‏خواند سستى كنم، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه از او مى‏خواهم و عطايم مى‏كند، اگر چه در آن هنگام كه از من‏

يَسْتَقْرِضُنى‏، وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ اناديهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتى‏، وَاخْلُو بِهِ‏

طلب انفاق كند بخل ورزم، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه براى هر خواسته‏ام مى‏خوانمش و در هر زمان‏

حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّى‏ بِغَيْرِ شَفيعٍ فَيَقْضى‏ لى‏ حاجَتى‏، الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ لا

براى اسرارم بى‏واسطه با او خلوت مى‏كنم و او خواسته‏ام را اجابت مى‏كند، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه‏

ادْعُو غَيْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لى‏ دُعآئى‏، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لا

غير او را نخوانم و اگر غير او را مى‏خواندم خواسته‏ام را پاسخ نمى‏داد، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است‏

ارْجُو غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجآئى‏، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ وَكَلَنى‏

كه به غير او اميد ندارم و اگر به غير او اميد داشتم نااميدم مى‏كرد، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه مرا به خودش واگذارده‏

الَيْهِ فَاكْرَمَنى‏، وَلَمْ يَكِلْنى‏ الَى النَّاسِ فَيُهينُونى‏، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ تَحَبَّبَ‏

تا گراميم دارد و مرا به مردم وانگذارده تا خوارم كنند، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه به من مهر ورزد

الَىَّ وَهُوَ غَنِىٌّ عَنّى‏، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ يَحْلُمُ عَنّى‏ حَتّى‏ كَانّى‏ لا ذَنْبَ لى‏،

در حالى كه بى‏نياز از من است، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه مرا تحمّل كند گويا من گناهى ندارم،

فَرَبّى‏ احْمَدُ شَىْ‏ءٍ عِنْدى‏ وَاحَقُّ بِحَمْدى‏، اللهُمَّ انّى‏ اجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ‏

پس پروردگار من شايسته‏ترين و سزاوارترين است به حمد و سپاس من، خدايا من راههاى مقصود را به‏

الَيْكَ مُشْرَعَةً، وَمَناهِلَ الرَّجآءِ الَيْكَ مُتْرَعَةً، وَالْإِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ‏

سويت گشوده و چشمه‏هاى اميد را به سويت جارى، و كمك خواستن از احسان و نيكيت را براى كسى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 718

امَّلَكَ مُباحَةً، وَابْوابَ الدُّعآءِ الَيْكَ لِلصَّارِخينَ مَفْتُوحَةً، وَاعْلَمُ انَّكَ‏

آرزويتان دارد مشروع و درهاى دعاى به سويت را براى فرياد خواهان گشوده مى‏يابم، و مى‏دانم به يقين تو براى‏

لِلرَّاجى‏ بِمَوْضِعِ اجابَةٍ، وَلِلْمَلْهُوفينَ بِمَرْصَدِ اغاثَةٍ، وَانَّ فِى اللَّهْفِ الى‏

بر آوردن (حاجت) اميدواران و فريادرسى غمزدگان آماده‏اى و به يقين‏

جُودِكَ، وَالرِّضا بِقَضآئِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فى‏

اشتياق به جود و كرمت و رضايت به تقديرت در مقابل منع بخيلان است و رهايى از آنچه در

ايْدِى الْمُسْتَاْثِرينَ، وَانَّ الرَّاحِلَ الَيْكَ قَريبُ الْمَسافَةِ، وَانَّكَ لا تَحْتَجِبُ‏

دست دنيا طلبان است و به يقين مسير آن‏كه به سويت مى‏آيد كوتاه است، و به يقين تو

عَنْ خَلْقِكَ الَّا انْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمالُ دُونَكَ، وَقَدْ قَصَدْتُ الَيْكَ بِطَلِبَتى‏،

از مخلوقاتت دور نيستى مگر اينكه اعمال (بد) ايشان ميان تو و آنها جدايى اندازد، و من با خواسته‏ام تو را قصد كرده‏

وَتَوَجَّهْتُ الَيْكَ بِحاجَتى‏، وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتى‏، وَبِدُعآئِكَ تَوَسُّلى‏،

و به درگاهت روى آورده‏ام، و فرياد خواهيم را به درگاه تو قرار داده‏ام و با خواندنت به تو متوسّل شده‏ام‏

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاقٍ لِاسْتِماعِكَ مِنّى‏، وَلَا اسْتيجابٍ لِعَفْوِكَ عَنّى‏، بَلْ‏

بى آنكه مستحقّ شنيدن و عفو تو باشم، بلكه به خاطر

لِثِقَتى‏ بِكَرَمِكَ، وَسُكُونى‏ الى‏ صِدْقِ وَعْدِكَ، وَلَجَأى‏ الَى الْإيمانِ‏

اطمينان به بخششت و آرامشم به وعده صادقت و روى آوردنم به ايمان بر يگانگيت و باور [واطمينانم‏] بِتَوْحيدِكَ، وَيَقينى‏ [وَ ثِقَتى‏] بِمَعْرِفَتِكَ مِنّى‏ انْ لا رَبَّ لى‏ غَيْرُكَ، وَلا الهَ‏

به شناخت تو از من است كه پروردگارى جز تو ندارم و معبودى جز

الَّا انْتَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، اللَّهُمَّ انْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَوَعْدُكَ‏

تو نيست و يگانه بى شريكى، خدايا تو گوينده‏اى هستى كه گفتارت راست و وعده‏ات‏

صِدْقٌ: وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ انَّ اللَّهَ كانَ بِكُمْ رَحيماً. وَلَيْسَ مِنْ صِفاتِكَ‏

صادق است (كه فرمودى): و از فضل (و رحمت و بركت) خدا، (براى رفع تنگناها) طلب كنيد و خداوند بر شما مهربان است،

يا سَيِّدى‏ انْ تَاْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ، وَانْتَ الْمَنّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلى‏

اى آقاى من از ويژگيهاى تو نيست كه فرمان به خواستن داده و از بخشش دريغ كنى و تويى بخشنده مواهب بر

اهْلِ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَاْفَتِكَ، الهى‏ رَبَّيْتَنى‏ فى‏ نِعَمِكَ‏

مخلوقاتت و توجّه كنند بر ايشان با مهربانى دلسوزانه‏ات، معبودا مرا در كودكى در نعمتها

كليات مفاتيح نوين، ص: 719

وَاحْسانِكَ صَغيراً، وَنَوَّهْتَ بِاسْمى‏ كَبيراً، فَيا مَنْ رَبَّانى‏ فِى الدُّنْيا

و احسانت پروراندى و در بزرگسالى مرا بلند آوازه كردى، پس اى كسى كه مرا در دنيا با

بِاحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ، وَاشارَ لى‏ فِى الْأخِرَةِ الى‏ عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ،

لطف و كرم و نعمتهايت پروراندى و در آخرت براى من به بخشش و كرمت اشارت فرمودى،

مَعْرِفَتى‏ يا مَوْلاىَ دَليلى‏ عَلَيْكَ، وَحُبّى‏ لَكَ شَفيعى‏ الَيْكَ، وَانَا واثِقٌ مِنْ‏

اى آقا و سرورم شناختم (از تو) راهنمايم به سوى توست و محبّتم به تو شفيعم به درگاه توست، و من از راهنمايى يافتنم‏

دَليلى‏ بِدَلالَتِكَ، وَساكِنٌ مِنْ شَفيعى‏ الى‏ شَفاعَتِكَ، ادْعُوكَ يا سَيِّدى‏

به هدايت تو مطمئنّم و از پذيرش شفيعم به شفاعت تو آسوده خاطرم، اى آقاى من‏

بِلِسانٍ قَدْ اخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ اناجيكَ بِقَلْبٍ قَدْ اوْبَقَهُ جُرْمُهُ،

تو را با زبانى كه گناه، آن را گنگ نموده مى‏خوانم، اى پروردگار من با دلى كه گناه آن را هلاك نموده‏

ادْعُوكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِياً خآئِفاً، اذا رَايْتُ مَوْلاىَ ذُنُوبى‏

با تو راز و نياز مى‏كنم اى پروردگار من با حالت ترس و علاقه و اميد و وحشت تو را مى‏خوانم، اى آقا و سرورم زمانى كه گناهانم را مى‏بينم‏

فَزِعْتُ، وَاذا رَايْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ، فَانْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ راحِمٍ، وَانْ عَذَّبْتَ‏

وحشت مى‏كنم و زمانى كه لطف و كرم تو را مى‏بينم طمع مى‏كنم، پس اگر از من درگذرى پس مهربانترينى و اگر عذاب كنى‏

فَغَيْرُ ظالِمٍ، حُجَّتى‏ يا اللَّهُ فى‏ جُرْاتى‏ عَلى‏ مَسْئَلَتِكَ مَعَ اتْيانى‏ ما تَكْرَهُ،

ستم نكرده‏اى، اى خدا دليل بر گستاخيم براى در خواستن از تو- با اينكه مخالف ميل تو رفتار كرده‏ام-

جُودُكَ وَكَرَمُكَ، وَعُدَّتى‏ فى‏ شِدَّتى‏ مَعَ قِلَّةِ حَيائى‏، رَاْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ،

بخشش و احسان توست، و (دليل بر درخواست رفع) نيازم در سختيها با وجود بى شرمى‏ام لطف و مهربانى توست،

وَقَدْ رَجَوْتُ انْ لا تَخيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتى‏، فَحَقِّقْ رَجآئى‏، وَاسْمَعْ‏

و اميدوارم كه بين اين دو و آن دو نااميدم نگردانى، پس اميدم را محقّق ساز، و خواسته‏ام را بپذير،

دُعآئى‏، يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ، وَافْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، عَظُمَ يا سَيِّدى‏

اى بهترين خوانده شده و برترين مورد اميد، اى آقا و سرورم،

امَلى‏، وَسآءَ عَمَلى‏، فَاعْطِنى‏ مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدارِ امَلى‏، وَلا تُؤاخِذْنى‏

آرزويم بزرگ و عملم زشت است، پس به مقدار آرزويم از بخششت عطايم كن و مرا به عمل‏

بِاسْوَءِ عَمَلى‏، فَانَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجازاةِ الْمُذْنِبينَ، وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ

زشتم مؤاخذه نكن، چرا كه بخشش و كرم تو از مجازات گنهكاران، و حلمت از كيفر

كليات مفاتيح نوين، ص: 720

عَنْ مُكافاةِ الْمُقَصِّرينَ، وَ ا نَا ياسَيِّدى‏ عائِذٌ بِفَضْلِكَ، هارِبٌ مِنْكَ الَيْكَ،

كوتاهى كنندگان بزرگتر است، اى آقاى من، به فضل و احسان پناهنده‏ام و از (عذاب) تو به سوى (رأفت) تو گريزانم،

مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ احْسَنَ بِكَ ظَنّاً، وَما ا نَا يا رَبِّ وَما

محقّق نمودى چشم پوشى را كه وعده كرده بودى از كسى كه به تو گمان نيك دارد، من كه هستم و چه ارزشى دارم اى پروردگار من،

خَطَرى‏، هَبْنى‏ بِفَضْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَىَّ بِعَفْوِكَ، اىْ رَبِّ جَلِّلْنى‏ بِسَتْرِكَ،

مرا به فضل و احسانت ببخش و با عفو و گذشتت بر من منّت گذار، اى پروردگار من مرا به پرده پوشيت گرامى دار،

وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخى‏ بِكَرَمِ وَجْهِكَ، فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلى‏ ذَنْبى‏ غَيْرُكَ‏

و با چهره كريمانه‏ات از ملامت من درگذر، كه اگر غير از تو امروز بر گناهم آگاهى مى‏يافت‏

ما فَعَلْتُهُ، وَلَوْ خِفْتُ تَعْجيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ، لا لِأَنَّكَ اهْوَنُ النَّاظِرينَ،

آن را مرتكب نمى‏شدم و اگر از سرعت در مجازات مى‏ترسيدم به يقين آن را مرتكب نمى‏شدم، (و دليل ارتكاب گناهم)

وَاخَفُّ الْمُطَّلِعينَ‏ [عَلَىَ‏]، بَلْ لِأَنَّكَ يارَبِّ خَيْرُ السَّاتِرينَ، وَاحْكَمُ‏

نه به خاطر اين است كه تو [بر من‏] بى ارزش‏ترين بينندگان و كمترين آگاهانى، بلكه بدان جهت است كه تو اى پروردگار من بهترين عيب پوش و داناترين‏

الْحاكِمينَ، وَاكْرَمُ الْأَكْرَمينَ، سَتَّارُ الْعُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلّامُ‏

حكمران و گرامى‏ترين گراميان و بسيار پوشاننده عيوب و آمرزنده گناهان و داناى‏

الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ

نهانها هستى كه گناه را با بزرگواريت مى‏پوشانى و مجازات را با حلمت به تأخير مى‏اندازى، پس حمد و سپاس از آن توست‏

عَلى‏ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَعَلى‏ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَيَحْمِلُنى‏ وَيُجَرِّئُنى‏

بر حلم بعد از آگاهيت و عفو بعد از قدرتت، در حالى كه صبر و شكيبايى تو نسبت به من مرا وادار و گستاخ به‏

عَلى‏ مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنّى‏، وَيَدْعُونى‏ الى‏ قِلَّةِ الْحَيآءِ سِتْرُكَ عَلَىَّ،

نافرمانيت مى‏نمايد و عيب پوشى تو نسبت به من، مرا به بى شرمى فرا مى‏خواند

وَيُسْرِعُنى‏ الَى التَّوَثُّبِ عَلى‏ مَحارِمِكَ مَعْرِفَتى‏ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَعَظيمِ‏

و آگاهيم به وسعت رحمت و بزرگى بخششت، مرا به ارتكاب كارهاى حرام سرعت مى‏بخشد،

عَفْوِكَ، يا حَليمُ يا كَريمُ، يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا غافِرَ الذَّنْبِ، يا قابِلَ التَّوْبِ،

اى شكيبا، اى بزرگوار، اى زنده، اى پايدار، اى آمرزنده گناه، اى توبه‏پذير،

يا عَظيمَ الْمَنِّ، يا قَديمَ الْإِحسانِ، ايْنَ سَتْرُكَ الْجَميلُ، ايْنَ عَفْوُكَ‏

اى بزرگ نعمت، اى ديرينه نيكى، كجاست عيب پوشى زيبايت، كجاست عفو

كليات مفاتيح نوين، ص: 721

الْجَليلُ، ايْنَ فَرَجُكَ الْقَريبُ، ايْنَ غِياثُكَ السَّريعُ، ايْنَ رَحْمَتُكَ الْواسِعَةُ،

بزرگت، كجاست گشايش نزديكت، كجاست فريادرسى سريعت، كجاست مهربانى گسترده‏ات،

ايْنَ عَطاياكَ الْفاضِلَةُ، ايْنَ مَواهِبُكَ الْهَنيئَةُ، ايْنَ صَنائِعُكَ السَّنِيَّةُ، ايْنَ‏

كجاست بخششهاى فراوانت، كجاست هداياى دلچسبت، كجاست مهارتهاى عالى مرتبه‏ات، كجاست‏

فَضْلُكَ الْعَظيمُ، ايْنَ مَنُّكَ الْجَسيمُ، ايْنَ احْسانُكَ الْقَديمُ، ايْنَ كَرَمُكَ يا

لطف و كرم بزرگت، كجاست نعمت بزرگت، كجاست نيكى ديرينه‏ات، كجاست بخششت،

كَريمُ، بِهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ[[973]](#footnote-973) فَاسْتَنْقِذْنى‏، وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنى‏، يا

اى بزرگوار، به آنچه كه گفتم و به محمّد و خاندان پاكش مرا نجات ده و به رحمت و احسانت مرا رهايى بخش، اى‏

مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ، يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ، لَسْتُ اتَّكِلُ فِى النَّجاةِ مِنْ عِقابِكَ‏

نيكوكار اى شايسته، اى نعمت دهنده، اى فزون بخش، در رهايى از مجازات تو تكيه بر اعمالم نكرده‏ام‏

عَلى‏ اعْمالِنا، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا، لِأَنَّكَ اهْلُ التَّقْوى‏ وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبْدِئُ‏

بلكه (تكيه‏ام) بر لطف و كرمى است كه بر ما دارى، چرا كه تو سزاوار پرهيزكارى و آمرزشى، كه به‏

بِالْإِحْسانِ نِعَماً، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً، فَما نَدْرى‏ ما نَشْكُرُ اجَميلَ ما

احسان، نعمت را آغاز مى‏نمايى و به كرمت از گناه در مى‏گذرى، نمى‏دانم بر چه شكر تو گويم‏

تَنْشُرُ، امْ قَبيحَ ما تَسْتُرُ، امْ عَظيمَ ما ابْلَيْتَ وَاوْلَيْتَ، امْ كَثيرَ ما مِنْهُ نَجَّيْتَ‏

آيا بر زيبايى كه مى‏گسترانى يا بر زشتى كه مى‏پوشانى، يا بزرگى آنچه آزموده و احسان نمودى، يا فراوانى آنچه از آن نجات بخشيده‏

وَعافَيْتَ، يا حَبيبَ مَنْ تَحَبَّبَ الَيْكَ، وَيا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَبِكَ وَانْقَطَعَ‏

و سلامتى دادى، اى دوست كسى كه مدّعى دوستى توست، و اى روشنى چشم كسى كه به تو پناهنده شده‏

الَيْكَ، انْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسيئُونَ، فَتَجاوَزْ يا رَبِّ عَنْ قَبيحِ ما

و از ديگران بريده، تويى نيكوكار و ماييم گنهكار، پس اى پروردگار من به واسطه‏

عِنْدَنا بِجَميلِ ما عِنْدَكَ، وَاىُّ جَهْلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جُودُكَ، اوْ اىُّ زَمانٍ‏

زيبايى آنچه نزد توست از زشتى آنچه نزد ماست درگذر، و اى پروردگار من كدام جهالت است كه وسعت بخششت آن را فرا نگيرد يا كدام زمان‏

اطْوَلُ مِنْ اناتِكَ، وَما قَدْرُ اعْمالِنا فى‏ جَنْبِ نِعَمِكَ، وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ

از شكيباييت طولانى‏تر است، كارهاى ما در كنار نعمتهاى تو چه ارزشى دارد، و چگونه زياد بشمريم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 722

اعْمالًا نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ، بَلْ كَيْفَ يَضيقُ عَلَى‏الْمُذْنِبينَ ما وَسِعَهُمْ مِنْ‏

كارهايمان را تا آن را با كرمت برابر كنيم، بلكه چگونه مهربانى گسترده‏ات بر

رَحْمَتِكَ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، فَوَ عِزَّتِكَ يا

گنهكاران تنگ آيد، اى گسترده آمرزش، اى گشوده دست به بخشش، قسم به عزّت و جلالت اى‏

سَيِّدى‏ لَوْ نَهَرْتَنى‏ ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ، وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ، لِمَا انْتَهى‏

آقاى من كه اگر مرا از درگاهت برانى نخواهم رفت و به خاطر شناختى كه از بخشش و كرم تو

الَىَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَانْتَ الْفاعِلُ لِما تَشآءُ، تُعَذِّبُ مَنْ‏

به من رسيده دست از تملّقت بر نخواهم داشت، و تويى كه هر چه خواهى انجام مى‏دهى، هر كسى را كه خواهى‏

تَشآءُ بِما تَشآءُ كَيْفَ تَشآءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشآءُ بِما تَشآءُ كَيْفَ تَشآءُ، لا

و به آنچه خواهى و هرگونه كه خواهى عذاب مى‏كنى و هر كسى را كه خواهى و به آنچه خواهى و هرگونه كه خواهى مورد رحمت قرار مى‏دهى،

تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَلا تُنازَعُ فى‏ مُلْكِكَ، وَلا تُشارَكُ فى‏ امْرِكَ، وَلا

در مورد كار تو سؤال نشده و در فرمانرواييت كشمكشى نيست، و در كار تو شريكى نبوده و در

تُضآدُّ فى‏ حُكْمِكَ، وَلا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ احَدٌ فى‏ تَدْبيرِكَ، لَكَ الْخَلْقُ‏

فرمانت دوگانگى نيست، و در اداره كارهايت كسى بر تو خرده نگيرد، آفرينش و

وَالْأَمْرُ، تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ، يا رَبِّ هذا مَقامُ مَنْ لاذَبِكَ وَاسْتَجارَ

فرمان از آن توست، بلند مرتبه است خداوندى كه پروردگار جهانيان است، اى پروردگار من، اين است جايگاه كسى كه به تو متوسّل شده است و به‏

بِكَرَمِكَ، وَالِفَ احْسانَكَ وَنِعَمَكَ، وَانْتَ الْجَوادُ الَّذى‏ لايَضيقُ عَفْوُكَ،

بخشش و كرمت پناهنده شده و به لطف و احسان و نعمتهايت خو گرفته است، و تويى بخشنده‏اى كه گذشتت محدود نشود

وَلا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ، وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَديمِ،

و لطف و كرمت كاهش نيابد، و مهربانيت كم نگردد، و ما به چشم پوشى ديرينه‏

وَالْفَضْلِ الْعَظيمِ، وَ الرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، افَتُراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا، اوْ

و لطف و كرم بزرگ و مهربانى گسترده‏ات اطمينان داريم، اى پروردگار من آيا ممكن است بر خلاف گمان ما رفتار نمايى يا

تُخَيِّبُ آمالَنا، كَلّا يا كَريمُ فَلَيْسَ هذا ظَنُّنا بِكَ، وَ لا هذا فيكَ طَمَعُنا، يا

آرزوهاى ما را نااميد كنى، هرگز چنين نيست اى بزرگوار، چرا كه گمان ما به تو چنين نبوده و اميد ما به تو چنين نيست، اى‏

رَبِّ انَّ لَنا فيكَ امَلًا طَويلًا كَثيراً، انَّ لَنا فيكَ رَجآءً عَظيماً، عَصَيْناكَ‏

پروردگار من به يقين ما آرزوى طولانى و فراوان و اميد بزرگ به تو داريم، نافرمانى تو كرده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 723

وَنَحْنُ نَرْجُو انْ تَسْتُرَ عَلَيْنا، وَ دَعَوْناكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو انْ تَسْتَجيبَ لَنا،

و اميدواريم كه آن را بر ما بپوشانى، و تو را خوانده و اميدواريم كه اجابت فرمايى،

فَحَقِّقْ رَجآئَنا مَوْلانا، فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِاعْمالِنا، وَلكِنْ عِلْمُكَ‏

اى آقا و سرور ما اميد ما را محقّق فرما، چرا كه مى‏دانيم آنچه را كه ما در قبال كارهايمان سزاوار آنيم، ولى نسبت به‏

فينا وَ عِلْمُنا بِانَّكَ لا تَصْرِفُنا عَنْكَ، وَ انْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبينَ لِرَحْمَتِكَ،

ما آگاهى و آگاهى ما به اين است كه تو ما را از درگاهت دور نسازى اگرچه ما سزاوار لطف و مهربانيت نباشيم‏

فَانْتَ اهْلٌ انْ تَجُودَ عَلَيْنا، وَ عَلَى الْمُذْنِبينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ، فَامْنُنْ عَلَيْنا

البته تو به واسطه بخشش فراوانت شايستگى دارى كه ما و تمامى گناهكاران را مورد بخشش قرار دهى،

بِما انْتَ اهْلُهُ، وَجُدْ عَلَيْنا فَانَّا مُحْتاجُونَ الى‏ نَيْلِكَ، يا غَفَّارُ بِنُورِكَ‏

به آنچه كه تو شايسته آنى بر ما كرامت فرما و بر ما ببخش چرا كه ما نيازمند بخشش توييم، اى آمرزنده، به نور تو

اهْتَدَيْنا، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنا، وَبِنِعْمَتِكَ اصْبَحْنا وَ امْسَيْنا، ذُنُوبُنا بَيْنَ‏

هدايت يافتيم و به لطف و رحمتت بى نياز شده و با نعمتهايت صبح و شام كرديم، گناهان ما در

يَدَيْكَ، نَسْتَغْفِرُكَ الَّلهُمَّ مِنْها وَنَتُوبُ الَيْكَ، تَتَحَبَّبُ الَيْنا بِالنِّعَمِ،

مقابل توست، خدايا از گناهان خود آمرزش طلبيده و به درگاهت توبه مى‏كنيم، با نعمتهايت به ما محبّت نمودى‏

وَنُعارِضُكَ بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ الَيْنا نازِلٌ، وَشَرُّنا الَيْكَ صاعِدٌ، وَلَمْ يَزَلْ وَ لا

و ما در قبال آن نافرمانى كرديم، خير تو بر ما فرود آيد و بدى ما به درگاهت بالا رود

يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَاْتيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبيحٍ، فَلا يَمْنَعُكَ ذلِكَ مِنْ انْ تَحُوطَنا

و پيوسته فرشته‏اى بزرگوار عمل زشت ما را به درگاهت آورده، ولى اين باعث نمى‏شود كه تو ما را در نعمتهايت غرق نساخته‏

بِنِعَمِكَ، وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلآئِكَ، فَسُبْحانَكَ ما احْلَمَكَ وَ اعْظَمَكَ‏

و مورد لطفت قرار ندهى، تسبيح مى‏كنم تو را و چقدر شكيبا و باعظمت‏

وَاكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَ مُعيداً، تَقَدَّسَتْ اسْمآئُكَ، وَجَلَّ ثَناؤُكَ، وَكَرُمَ صَنائِعُكَ‏

و بزرگوارى تو، چه در آغاز و چه در ادامه، نامهايت مقدّس، مدح و ثنايت بزرگ و مهارتها و كارهايت‏

وَفِعالُكَ، انْتَ الهى‏ اوْسَعُ فَضْلًا، وَاعْظَمُ حِلْماً مِنْ انْ تُقايِسَنى‏ بِفِعْلى‏

بزرگوارانه است، تو معبود منى و لطف و كرمت وسيعتر و حلمت بزرگتر از آن است كه مرا با رفتار

وَخَطيئَتى‏، فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، سَيِّدى‏ سَيِّدى‏ سَيِّدى‏، اللهُمَّ اشْغَلْنا

و گناهانم بسنجى، پس (از من) درگذر، درگذر، درگذر، اى آقاى من، اى آقاى من، اى آقاى من، خدايا ما را

كليات مفاتيح نوين، ص: 724

بِذِكْرِكَ، وَ اعِذْنا مِنْ سَخَطِكَ، وَ اجِرْنا مِنْ عَذابِكَ، وَ ارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ،

به ياد خود مشغول فرما، و از خشم و غضبت پناه ده و مرا از عذابت رهايى بخش و از عطاهايت روزى ما گردان،

وَ انْعِمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلِكَ، وَ ارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِكَ، وَ زِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ،

و از لطف و كرمت بر ما ببخش، و حجّ خانه‏ات و زيارت قبر پيامبرت-

صَلَواتُكَ وَ رَحْمَتُكَ وَ مَغْفِرَتُكَ وَ رِضْوانُكَ عَلَيْهِ وَ عَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ، انَّكَ‏

كه درود و بخشش و احسان و آمرزش و خشنوديت بر او و بر خاندان پاكش باد- را روزى ما گردان، كه همانا تو

قَريبٌ مُجيبٌ، وَ ارْزُقْنا عَمَلًا بِطاعَتِكَ، وَ تَوَفَّنا عَلى‏ مِلَّتِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ‏

نزديك و اجابت كننده‏اى، و فرمانبردايت را روزى ما گردان و ما را بر دين خود و روش پيامبرت-

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللهُمَّ اغْفِرْ لى‏ وَ لِوالِدَىَّ وَ ارْحَمْهُما كَما رَبَّيانى‏

كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بميران، خدايا من و پدر و مادرم را بيامرز و بر آن دو ترحّم فرما كه مرا در كودكى پرورش دادند،

صَغيراً، اجْزِهما بِالْإِحسانِ احْساناً، وَ بِالسَّيِّئاتِ غُفْراناً، اللهُمَّ اغْفِرْ

در مقابل نيكيهايشان به نيكى و در مقابل بديهايشان به آمرزش پاداش ده، خدايا

لِلْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ، الْأَحيآءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمواتِ، وَ تابِعْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ‏

زندگان و مردگان مردان و زنان با ايمان را بيامرز، و ميان ما و آنها با نيكيها پيوند ده،

بِالْخَيْراتِ، اللهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنا وَ مَيِّتِنا، وَ شاهِدِنا وَ غآئِبِنا، ذَكَرِنا وَانْثانا،

خدايا زنده و مرده و حاضر و غايب، مرد و زن،

صَغيرِنا وَكَبيرِنا، حُرِّنا وَ مَمْلُوكِنا، كَذَبَ الْعادِلُونَ بِاللَّهِ، وَ ضَلُّوا ضَلالًا

كوچك و بزرگ، آزاد و عبد ما را بيامرز، روى گردانندگان از خداوند دروغ گفتند و به گمراهى دور و

بَعيداً، وَ خَسِرُوا خُسْراناً مُبيناً، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

زيان آشكارى گرفتار شدند، خدايا بر محمّد و خاندان پاك او درود فرست‏

وَاخْتِمْ لى‏ بِخَيْرٍ، وَ اكْفِنى‏ ما اهَمَّنى‏ مِنْ امْرِ دُنْياىَ وَ آخِرَتى‏، وَ لاتُسَلِّطْ

و عاقبتم را ختم به خير فرما، و آنچه از امر دنيا و آخرتم مرا اندوهگين ساخته كفايت فرما، و

عَلَىَّ مَنْ لا يَرْحَمُنى‏، وَاجْعَلْ عَلَىَّ مِنْكَ واقِيَةً باقِيَةً، وَلا تَسْلُبْنى‏ صالِحَ‏

آن كه بر من رحم نمى‏كند بر من مسلّط مكن، و براى من از جانب خود نگهدارنده‏اى ماندگار قرار ده و نعمتهاى شايسته‏اى كه به من داده‏اى‏

ما انْعَمْتَ بِهِ عَلَىَّ، وَ ارْزُقْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً واسِعاً حَلالًا طَيِّباً، اللهُمَ‏

از من نگير، و از لطف و كرمت روزى وسيع، حلال و پاكيزه به من عنايت فرما، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 725

احْرُسْنى‏ بِحَراسَتِكَ، وَ احْفَظْنى‏ بِحِفْظِكَ، وَ اكْلَأْنى‏ بِكِلائَتِكَ، وَارْزُقْنى‏

مرا به پاسدارى و حمايت و نگهداريت محافظت فرما، و

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ، فى‏ عامِنا هذا وَ فى‏ كُلِّ عامٍ، وَ زِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ‏

حجّ خانه‏ات و زيارت قبر پيامبر و امامان- كه درود خدا بر آنان باد- را در اين سال و

وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ‏[[974]](#footnote-974)، وَ لا تُخْلِنى‏ يا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشاهِدِ الشَّريفَةِ،

در هر سال روزيم فرما، اى پروردگار من، مرا از (زيارت) اين بارگاههاى گرامى‏

وَالْمَواقِفِ الْكَريمَةِ، اللهُمَّ تُبْ عَلَىَّ حَتّى‏ لا اعْصِيَكَ، وَ الْهِمْنِى الْخَيْرَ

و جايگاههاى ارزشمند محروم مگردان، خدايا توفيق توبه‏ام ده تا نافرمانيت نكنم و نيكى‏

وَالْعَمَلَ بِهِ، وَ خَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ ما ابْقَيْتَنى‏ يا رَبَّ الْعالَمينَ،

و عمل به آن و ترس از خودت را در شب و روز مادامى كه زنده‏ام در دلم بيانداز، اى پروردگار جهانيان،

اللهُمَّ انّى‏ كُلَّما قُلْتُ قَدْ تَهَيَّاْتُ وَ تَعَبَّاْتُ، وَقُمْتُ لِلصَّلاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ‏

خدايا هر زمانى كه گفتم مهيّا و آماده‏ام و براى خواندن نماز در مقابلت ايستادم‏

وَناجَيْتُكَ، الْقَيْتَ عَلَىَّ نُعاساً اذا انَا صَلَّيْتُ، وَ سَلَبْتَنى‏ مُناجاتَكَ اذا ا نَا

و با تو راز و نياز كردم، در آن زمان كه نماز مى‏خواندم خواب را بر من مسلّط كردى و در آن زمان كه راز و نياز مى‏كردم توفيق آن را از من گرفتى،

ناجَيْتُ، ما لى‏ كُلَّما قُلْتُ قَدْ صَلُحَتْ سَريرَتى‏، وَ قَرُبَ مِنْ مَجالِسِ‏

چه شده است كه هر وقت با خود گفتم كه باطنم اصلاح شده و به توبه كنندگان نزديك شده‏ام،

التَّوَّابينَ مَجْلِسى‏، عَرَضَتْ لى‏ بَلِيَّةٌ ازالَتْ قَدَمى‏، وَ حالَتْ بَيْنى‏ وَ بَيْنَ‏

گرفتارى بر من رخ داد كه پايم لغزيد و بين من و بندگيت فاصله انداخت،

خِدْمَتِكَ، سَيِّدى‏ لَعَلَّكَ عَنْ بابِكَ طَرَدْتَنى‏، وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَنى‏، اوْ

آقا و سرورم شايد مرا از درگاهت رانده و از بندگيت دور كرده‏اى يا

لَعَلَّكَ رَايْتَنى‏ مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ فَاقْصَيْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ رَايْتَنى‏ مُعْرِضاً عَنْكَ‏

شايد مرا سبك شمارنده حقّت يافته‏اى كه مرا رانده‏اى يا شايد مرا روى گردانده از خودت يافته‏اى‏

فَقَلَيْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنى‏ فى‏ مَقامِ الْكاذِبينَ فَرَفَضْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ‏

كه بر من غضب نموده‏اى، يا شايد كه مرا در جايگاه دروغگويان يافته‏اى كه مرا رها كرده‏اى، يا شايد كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 726

رَايْتَنى‏ غَيْرَ شاكِرٍ لِنَعْمآئِكَ فَحَرَمْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنى‏ مِنْ مَجالِسِ‏

مرا ناسپاس بر نعمتهايت يافته‏اى كه محرومم كرده‏اى، يا شايد كه مرا دور از مجالس‏

الْعُلَمآءِ فَخَذَلْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ رَايْتَنى‏ فِى الْغافِلينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنى‏،

علما يافته‏اى كه خوارم كرده‏اى، يا شايد كه مرا در ميان بى خبران يافته‏اى كه از بخشش و احسانت نااميدم كرده‏اى،

اوْ لَعَلَّكَ رَايْتَنى‏ آلِفَ مَجالِسِ الْبَطَّالينَ فَبَيْنى‏ وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ‏

يا شايد كه مرا همنشين بيكاران يافته‏اى كه مرا در ميان آنها رها كرده‏اى، يا شايد

لَمْ تُحِبَّ انْ تَسْمَعَ دُعآئى‏ فَباعَدْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمى‏ وَ جَريرَتى‏

كه دوست نداشتى كه دعايم را بشنوى كه مرا دور كرده‏اى، يا شايد كه به جرم و جنايتم كيفرم‏

كافَيْتَنى‏، اوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيآئى‏ مِنْكَ جازَيْتَنى‏، فَانْ عَفَوْتَ يا رَبِّ، فَطالَ‏

نموده‏اى، يا شايد كه به خاطر بى شرمى‏ام نسبت به تو مجازاتم كرده‏اى، پس اى پروردگار من اگر از من درگذرى (شايسته است)

ما عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبينَ قَبْلى‏، لِأَنَّ كَرَمَكَ اىْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكافاتِ‏

چون از ديرباز بسيارى از گناهكاران قبل از مرا آمرزيده‏اى چرا كه‏اى پروردگار من لطف و احسانت بزرگتر ازمجازات كوتاهى‏كنندگان است‏

الْمُقَصِّرينَ، وَ ا نَا عائِذٌ بِفَضْلِكَ، هارِبٌ مِنْكَ الَيْكَ، مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ‏

و من به لطف و كرمت پناهنده‏ام و از ترس تو به سوى خودت گريزانم، چشم پوشى را كه وعده فرمودى‏

الصَّفْحِ عَمَّنْ احْسَنَ بِكَ ظَنّاً، الهى‏ انْتَ اوْسَعُ فَضْلًا، وَ اعْظَمُ حِلْماً مِنْ انْ‏

از كسى كه به تو گمان نيكو دارد خواهانم اى معبود من لطف و كرمت وسيعتر و حلمت بزرگتر از آن است كه‏

تُقايِسَنى‏ بِعَمَلى‏، اوْ انْ تَسْتَزِلَّنى‏ بِخَطيئَتى‏، وَما ا نَا يا سَيِّدى‏ وَ ما

مرا با عملم مقايسه كنى، يا اينكه به واسطه اشتباهم مرا بلغزانى، و اى آقا و سرورم من‏

خَطَرى‏، هَبْنى‏ بِفَضْلِكَ سَيِّدى‏، وَ تَصَدَّقْ عَلَىَّ بِعَفْوِكَ، وَ جَلِّلْنى‏ بِسَتْرِكَ،

كه هستم و چه ارزشى دارم، به لطف و كرمت مرا ببخش، اى آقاى من، و با گذشتت بر من احسان فرما و با پرده پوشيت مرا ارجمند گردان،

وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخى‏ بِكَرَمِ وَجْهِكَ، سَيِّدى‏ ا نَا الصَّغيرُ الَّذى‏ رَبَّيْتَهُ، وَ ا نَا

و با چهره كريمانه‏ات از سرزنش من درگذر، اى آقا و سرورم من همان بنده كوچكم كه او را پرورش دادى و همان‏

الْجاهِلُ الَّذى‏ عَلَّمْتَهُ، وَ ا نَا الضَّآلُّ الَّذى‏ هَدَيْتَهُ، وَ ا نَا الْوَضيعُ الَّذى‏

نادانم كه دانايش كردى، و همان گمراهم كه هدايتش نمودى، و همان افتاده‏ام كه بلندش كردى‏

رَفَعْتَهُ، وَا نَا الْخآئِفُ الَّذى‏ آمَنْتَهُ، وَالْجائِعُ الَّذى‏ اشْبَعْتَهُ، وَالْعَطْشانُ‏

و همان ترسانم كه امانش دادى و همان گرسنه‏ام كه سيرش كردى و همان تشنه‏ام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 727

الَّذى‏ ارْوَيْتَهُ، وَالْعارِى الَّذى‏ كَسَوْتَهُ، وَالْفَقيرُ الَّذى‏ اغْنَيْتَهُ، وَالضَّعيفُ‏

كه سيرابش نمودى، و همان عريانم كه او را پوشاندى، و همان محتاجم كه بى‏نيازش نمودى و همان ناتوانم‏

الَّذى‏ قَوَّيْتَهُ، وَالذَّليلُ الَّذى‏ اعْزَزْتَهُ، وَالسَّقيمُ الَّذى‏ شَفَيْتَهُ، وَالسَّآئِلُ‏

كه نيرويش دادى و همان خوارم كه عزيزش گرداندى و همان بيمارم كه شفايش دادى و همان گدايم‏

الَّذى‏ اعْطَيْتَهُ، وَ الْمُذْنِبُ الَّذى‏ سَتَرْتَهُ، وَ الْخاطِئُ الَّذى‏ اقَلْتَهُ، وَ ا نَا

كه عطايش نمودى و همان گنهكارم كه او را پوشاندى و همان خطاكارم كه از او درگذشتى و همان ناچيزم‏

الْقَليلُ الَّذى‏ كَثَّرْتَهُ، وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذى‏ نَصَرْتَهُ، وَ ا نَا الطَّريدُ الَّذى‏

كه بزرگم نمودى، و همان ناتوانم كه ياريش فرمودى و همان رانده شده‏ام‏

آوَيْتَهُ، ا نَا يارَبِّ الَّذى‏ لَمْ اسْتَحْيِكَ فِى الْخَلاءِ، وَلَمْ اراقِبْكَ فِى الْمَلاءِ،

كه پناهش دادى، پروردگارا من همانم كه در خلوت از تو شرم نكرده و در ميان مردم ملاحظه تو ننمودم،

انَا صاحِبُ الدَّواهِى الْعُظْمى‏، ا نَا الَّذى‏ عَلى‏ سَيِّدِهِ اجْتَرى‏، ا نَا الَّذى‏

من داراى گرفتاريهاى بزرگم، من همانم كه بر آقا و سرورش گستاخى كرده است، من همانم كه‏

عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمآءِ، ا نَا الَّذى‏ اعْطَيْتُ عَلى‏ مَعاصِى الْجَليلِ الرُّشا، ا نَا

مقتدر آسمان‏ [خدا] را نافرمانى كرده است، من همانم كه بر نافرمانيهاى بزرگم رشوه دادم، من همانم كه‏

الَّذى‏ حينَ بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ الَيْها اسْعى، ا نَا الَّذى‏ امْهَلْتَنى‏ فَمَا

وقتى به نافرمانيها بشارت داده مى‏شدم به سوى آنها مى‏شتافتم من همانم كه مهلتش دادى‏

ارْعَوَيْتُ، وَسَتَرْتَ عَلىَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعاصى‏ فَتَعَدَّيْتُ،

ولى پشيمان نشدم، و مرا پوشاندى پس من شرم نكرده و نافرمانى نموده و از حد گذراندم،

وَاسْقَطْتَنى‏ مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ، فَبِحِلْمِكَ امْهَلْتَنى‏، وَبِسَتْرِكَ سَتَرْتَنى‏،

و مرا از نظرت انداختى ولى اعتنا نكردم، پس به شكيباييت مهلتم دادى و به پرده پوشيت پوشاندى،

حَتَّى كَانَّكَ اغْفَلْتَنى‏، وَمِنْ عُقُوباتِ الْمَعاصى‏ جَنَّبْتَنى‏، حَتَّى كَانَّكَ‏

تا اينكه گويا مرا ناديده گرفتى و از كيفر گناهان دورم ساختى، تا جايى كه گويى‏

اسْتَحْيَيْتَنى‏، الهى‏ لَمْ اعْصِكَ حينَ عَصَيْتُكَ وَا نَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جاحِدٌ، وَلا

تو از من شرم دارى، اى معبود من در وقت نافرمانى منكر پروردگاريت نبوده و فرمانت را سبك نشمرده‏

بِامْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلا لِوَعيدِكَ مُتَهاوِنٌ، لكِنْ‏

و خود را در معرض كيفرت قرار نداده و به وعده‏ات بى توجّه نبوده‏ام، بلكه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 728

خَطيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لى‏ نَفْسى‏، وَ غَلَبَنى‏ هَواىَ، وَ اعانَنى‏ عَلَيْها

اشتباهى بود كه سر زد و دستخوش وسوسه‏هاى نفسم شدم و هواى نفسم بر من چيره شد و بيچارگى‏ام بر انجام آن مرا يارى كرد،

شِقْوَتى‏، وَ غَرَّنى‏ سَتْرُكَ الْمُرْخى‏ عَلَىَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ خالَفْتُكَ بِجُهْدى‏،

و پرده پوشيت مرا مغرور كرد، و تا مى‏توانستم نافرمانى و مخالفت تو كردم،

فَالْانَ مِنْ عَذابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنى‏، وَ مِنْ ايْدِى الْخُصَمآءِ غَداً مَنْ‏

پس چه كسى اكنون مرا از عذاب تو و فردا از دست دشمنان نجات خواهد داد؟

يُخَلِّصُنى‏، وَ بِحَبْلِ مَنْ اتَّصِلُ انْ انْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّى‏، فَواسَوْاتا عَلى‏

و به ريسمان چه كسى چنگ زنم اگر تو پيوندت را از من قطع كنى، پس واى از رسوايى‏

ما احْصى‏ كِتابُكَ مِنْ عَمَلى‏، الَّذى‏ لَوْلا ما ارْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

آنچه در صحيفه‏ات از اعمال من ثبت كرده‏اى، كه اگر اميدم به بخشش و وسعت احسانت نبود

رَحْمَتِكَ، وَنَهْيِكَ ايَّاىَ عَنِ الْقُنُوطِ، لَقَنَطْتُ عِنْدَما اتَذَكَّرُها، يا خَيْرَ مَنْ‏

و از نااميدى منعم نكرده بودى به يقين در هنگام يادآورى آنها نااميد مى‏شدم، اى بهترين‏

دَعاهُ داعٍ، وَافْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، اللهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلامِ اتَوَسَّلُ الَيْكَ،

خوانده شده و اى برترين مايه اميد، خدايا در پناه اسلام به تو متوسّل شده‏

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ الَيْكَ، وَبِحُبِّى النَّبِىَّ الْأُمِّىَّ الْقُرَشِىَّ الْهاشِمِىَ‏

و به احترام قرآن بر تو توكّل مى‏كنم، و به دوستى پيامبر أمّى قرشى هاشمى‏

الْعَرَبِىَّ التِّهامِىَّ الْمَكِّىَّ الْمَدَنِىَّ، ارْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، فَلا تُوحِشِ‏

عربى تهامى مكّى مدنى، اميد جايگاهى نزد تو دارم، انس ايمانى مرا به‏

اسْتيناسَ ايمانى‏، وَلا تَجْعَلْ ثَوابى‏ ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواكَ، فَانَّ قَوْماً

وحشت مبدّل نكن، و پاداش مرا پاداش كسى كه غير تو را بندگى كرده قرار مده، چرا كه گروهى‏

آمَنوُا بِالْسِنَتِهِمْ، لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمآئَهُمْ، فَادْرَكُوا ما امَّلُوا، وَانَّا آمَنَّا بِكَ‏

به زبان ايمان آوردند تا به واسطه اسلام خونشان را حفظ كنند پس به آنچه آرزو داشتند رسيدند، ولى ما به‏

بِالْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنَّا، فَادْرِكْنا ما امَّلْنا، وَثَبِّتْ رَجائَكَ فى‏

زبان و دل به تو ايمان آورديم تا از ما درگذرى، پس ما را به آرزويمان برسان و اميدت را در

صُدُورِنا، وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، انَّكَ‏

دل ما پايدار نما و دلهايمان را بعد از آن كه ما را هدايت كردى منحرف مگردان و از سوى خود رحمتى بر ما ببخش زيرا تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 729

انْتَ الْوَهَّابُ، فَوَعِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَنى‏ ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ، وَلا كَفَفْتُ عَنْ‏

بخشنده‏اى، پس به عزّتت سوگند اگر مرا از درگاهت برانى نخواهم رفت، و به خاطر بخشش و وسعت‏

تَمَلُّقِكَ، لِما الْهِمَ قَلْبى‏ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ، وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ، الى‏ مَنْ‏

احسانت كه بر دلم الهام شده از التماس به درگاهت دست بر نخواهم داشت،

يَذْهَبُ الْعَبْدُ الَّا الى‏ مَوْلاهُ، وَالى‏ مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ الَّا الى‏ خالِقِهِ،

بنده جز آقا و مولايش به سوى كه رود و مخلوق جز آفريدگارش به كه پناه آورد،

الهى‏ لَوْ قَرَنْتَنى‏ بِالْأَصْفادِ، وَمَنَعْتَنى‏ سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهادِ، وَدَلَلْتَ‏

خدايا اگر مرا به غل و زنجيرها گرفتار سازى و عطايت را از ميان بندگان، از من منع كنى‏

عَلى‏ فَضايِحى‏ عُيُونَ الْعِبادِ، وَ امَرْتَ بى‏ الَى النَّارِ، وَ حُلْتَ بَيْنى‏ وَ بَيْنَ‏

و رسوائيهايم را در مقابل چشم بندگان قرار دهى و مرا امر به دوزخ فرمايى و ميان من و نيكوكاران فاصله اندازى،

الْأَبْرارِ، ما قَطَعْتُ رَجآئى‏ مِنْكَ، وَ ما صَرَفْتُ تَاْميلى‏ لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَ لا

اميدم را از تو قطع نخواهم كرد، و دست از آرزوى عفو تو بر نخواهم داشت و

خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبى‏، ا نَا لا انْسى‏ ايادِيَكَ عِنْدى‏، وَسَتْرَكَ عَلَىَّ فى‏ دارِ

محبّتت از دلم بيرون نخواهد رفت، من دستگيريها و پرده پوشيهايت را در دنيا نسبت به خود فراموش نخواهم كرد

الدُّنْيا، سَيِّدى‏ اخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قَلْبى‏، وَاجْمَعْ بَيْنى‏ وَبَيْنَ‏

اى آقا و سرورم دوستى دنيا را از دلم بيرون كن و مرا در جمع‏

الْمُصْطَفى‏، وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ خاتَمِ النَّبِيّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى‏اللَّهُ‏

پيامبر برگزيده و خاندان پاكش كه برگزيدگان از آفريدگانت هستند و آخرين پيامبرت حضرت محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَانْقُلْنى‏ الى‏ دَرَجَةِ التَّوْبَةِ الَيْكَ، وَاعِنّى‏ بِالْبُكآءِ عَلى‏ نَفْسى‏،

بر او و خاندانش باد- قرار ده و مرا به درجه بازگشت به سويت منتقل كن و مرا بر گريه به حال خودم يارى كن،

فَقَدْ افْنَيْتُ بِالتَّسْويفِ وَالْأمالِ عُمْرى‏، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْأيِسينَ مِنْ‏

پس با تأخير انداختن و آرزوهاى دور و دراز، عمرم را تباه كردم، و به جايگاه نااميدان از نيكى خودم تنزّل كردم،

خَيْرى‏، فَمَنْ يَكُونُ اسْوَءَ حالًا مِنّى‏ انْ ا نَا نُقِلْتُ عَلى‏ مِثْلِ حالى‏ الى‏

پس چه كسى بد حال‏تر از من است، اگر با اين حال به سوى گورى برده شوم‏

قَبْرى‏، لَمْ امَهِّدْهُ لِرَقْدَتى‏، وَلَمْ افْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتى‏، وَمالى‏ لا

كه آن را براى خوابيدنم آماده نكرده و با اعمال نيك براى آرميدن مفروش نساخته‏ام، چرا

كليات مفاتيح نوين، ص: 730

ابْكى‏ وَلا ادْرى‏ الى‏ ما يَكُونُ مَصيرى‏، وَارى‏ نَفْسى‏ تُخادِعُنى‏، وَ ايَّامى‏

گريه نكنم در حالى كه نمى‏دانم عاقبتم به كجا ختم مى‏شود و نفسم مرا گول مى‏زند و روزگار

تُخاتِلُنى‏، وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَاْسى‏ اجْنِحَةُ الْمَوْتِ، فَمالى‏ لا ابْكى‏، ابْكى‏

مرا مى‏فريبد، و بالهاى مرگ بالاى سرم در حركت است، پس چرا گريه نكنم؟ مى‏گريم براى‏

لِخُرُوجِ نَفْسى‏، ابْكى‏ لِظُلْمَةِ قَبْرى‏، ابْكى‏ لِضيقِ لَحَدى‏، ابْكى‏ لِسُؤالِ‏

جان دادن و تاريكى قبر و تنگى لحدم، مى‏گريم براى پرسش‏

مُنْكَرٍ وَنَكيرٍ ايَّاىَ، ابْكى‏ لِخُرُوجى‏ مِنْ قَبْرى‏ عُرْياناً ذَليلًا، حامِلًا ثِقْلى‏

نكير و منكر از خودم، مى‏گريم براى بيرون آمدنم از قبر در حالى كه برهنه و خوارم و بار سنگين گناه را

عَلى‏ ظَهْرى‏، انْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمينى‏ وَاخْرى‏ عَنْ شِمالى‏، اذِ الْخَلائِقُ فى‏

بر پشتم حمل مى‏كنم، به چپ و راست مى‏نگرم و مخلوقات را در

شَاْنٍ غَيْرِ شَاْنى‏، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَاْنٌ يُغْنيهِ، وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

وضعى غير از وضع خود مى‏يابم، در آن روز هر يك از آنها وضعى دارد كه او را كاملًا به خود مشغول مى‏سازد، چهره‏هايى در آن روز

مُسْفِرَةٌ، ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها غَبَرَةٌ، تَرْهَقُها قَتَرَةٌ

گشاده و نورانى است، خندان و مسرور است و صورتهايى در آن روز غبارآلود است و دود و تاريكى و

وَذِلَّةٌ، سَيِّدى‏ عَلَيْكَ مُعَوَّلى‏ وَمُعْتَمَدى‏، وَرَجآئى‏ وَتَوَكُّلى‏، وَبِرَحْمَتِكَ‏

خوارى آنها را پوشانده است، اى آقا و سرورم تكيه‏گاه، اعتماد، اميد و توكّلم بر توست و به لطف و احسانت‏

تَعَلُّقى‏، تُصيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشآءُ، وَتَهْدى‏ بِكَرامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ‏

دل بسته‏ام، هر كسى را بخواهى به لطف و احسانت مى‏رسانى و هر كسى را دوست دارى به بزرگواريت هدايت مى‏كنى، پس به خاطر اينكه‏

الْحَمْدُ عَلى‏ ما نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبى‏، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ بَسْطِ لِسانى‏،

دلم را از شرك پاك كرده و زبانم را گشودى ستايش از آن توست،

افَبِلِسانى‏ هذَا الْكالِّ اشْكُرُكَ، امْ بِغايَةِ جُهْدى‏ فى‏ عَمَلى‏ ارْضيكَ، وَما

آيا با اين زبان كند شكر تو گويم يا با نهايت كوشش در كردارم تو را

قَدْرُ لِسانى‏ يا رَبِّ فى‏ جَنْبِ شُكْرِكَ، وَ ما قَدْرُ عَمَلى‏ فى‏ جَنْبِ نِعَمِكَ‏

خشنود سازم؟ اى پروردگار من مقابل شكر تو زبانم چه ارزشى دارد و در مقابل نعمت و بخششت بر من عملم‏

وَاحْسانِكَ الَىَّ، الهى‏ انَّ جُودَكَ بَسَطَ امَلى‏، وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلى‏، سَيِّدى‏

چه ارزشى دارد اى معبود من براستى بخششت آرزويم را فزونى بخشيده و قدردانيت موجب پذيرش عملم گرديده است، اى آقا و سرورم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 731

الَيْكَ رَغْبَتى‏، وَالَيْكَ رَهْبَتى‏، وَالَيْكَ تَاْميلى‏، وَقَدْ ساقَنى‏ الَيْكَ امَلى‏،

اشتياق و هراس و آرزويم به سوى توست و آرزويم مرا به سوى تو كشانده است‏

وَعَلَيْكَ يا واحِدى‏ عَكَفَتْ هِمَّتى‏، وَفيما عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتى‏، وَلَكَ‏

و اى يگانه من همّتم به تو روى آورده، و به آنچه نزد توست اشتياق فراوان يافته‏ام،

خالِصُ رَجآئى‏ وَخَوْفى‏، وَبِكَ انِسَتْ مَحَبَّتى‏، وَالَيْكَ الْقَيْتُ بِيَدى‏،

و اميد خالص و هراسم براى توست و دوستى و محبّتم به تو خو گرفته و خود را به تو سپرده‏ام‏

وَبِحَبْلِ طاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتى‏، [يا] مَوْلاىَ بِذِكْرِكَ عاشَ قَلْبى‏،

و به ريسمان بندگيت هراسم را بسته‏ام اى آقا و سرورم دلم به ياد تو زنده گشته‏

وَبِمُناجاتِكَ بَرَّدْتُ ا لَمَ الْخَوْفِ عَنّى‏، فَيا مَوْلاىَ وَيا مُؤَمَّلى‏، وَيا

و با راز و نيازت ترسم را تسكين مى‏بخشم، پس اى مولا و آرزويم و اى‏

مُنْتَهى‏ سُؤْلى‏، فَرِّقْ بَيْنى‏ وَبَيْنَ ذَنْبِىَ الْمانِعِ لى‏ مِنْ لُزُومِ طاعَتِكَ، فَانَّما

نهايت خواسته‏ام، ميان من و گناهانى كه مانع ملازمت بندگى توست جدايى بيانداز، پس همانا

اسْئَلُكَ لِقَديمِ الرَّجآءِ فيكَ، وَعَظيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ، الَّذى‏ اوْجَبْتَهُ عَلى‏

به خاطر اميدى كه از پيش به تو دارم و ميل فراوانم به تو مى‏خوانمت، تويى كه مهربانى‏

نَفْسِكَ مِنَ الرَّاْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، فَالْأَمْرُ لَكَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ‏[[975]](#footnote-975)، وَالْخَلْقُ‏

و بخشش را برخود واجب كرده‏اى پس فرمان به دست توست، كه يگانه‏اى بى شريكى و همه آفريدگان‏

كُلُّهُمْ عِيالُكَ وَفى‏ قَبْضَتِكَ، وَكُلُّ شَىْ‏ءٍ خاضِعٌ لَكَ، تَبارَكْتَ يا رَبَ‏

روزى‏خوار تو و در اختيار تواند، و همه چيز در برابرت فروتن است، پاك و منزّهى اى پروردگار

الْعالَمينَ، الهى‏ ارْحَمْنى‏ اذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتى‏، وَكَلَّ عَنْ جَوابِكَ لِسانى‏،

جهانيان، اى معبود من آن هنگام كه دليلم نارسا و زبانم از پاسخت گنگ و

وَطاشَ عِنْدَ سُؤالِكَ ايَّاىَ لُبّى‏، فَيا عَظيمَ رَجآئى‏، لا تُخَيِّبْنى‏ اذَا اشْتَدَّتْ‏

عقلم از جواب پرسشت قاصر است، بر من رحم كن، پس اى اميد بزرگ من، در شدت درماندگى مرا نااميد مكن‏

فاقَتى‏، وَلا تَرُدَّنى‏ لِجَهْلى‏، وَلا تَمْنَعْنى‏ لِقِلَّةِ صَبْرى‏، اعْطِنى‏ لِفَقْرى‏،

و به خاطر نادانيم مرا (از درگاهت) مران، و به خاطر كم طاقتيم محرومم نكن، بخاطر نيازم بر من ببخش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 732

وَارْحَمْنى‏ لِضَعْفى‏، سَيِّدى‏ عَلَيْكَ مُعْتَمَدى‏ وَمُعَوَّلى‏، وَرَجآئى‏ وَتَوَكُّلى‏،

و به خاطر ناتوانيم بر من ترحّم كن، اى آقاى من، اعتماد، تكيه‏گاه، اميد و توكّلم بر توست‏

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقى‏، وَبِفِنائِكَ احُطُّ رَحْلى‏، وَبِجُودِكَ اقْصِدُ طَلِبَتى‏،

و دلبستگى‏ام به مهربانى توست، به درگاه تو روى آورده‏ام و به سبب بخششت حاجتم را عرضه داشته‏ام‏

وَبِكَرَمِكَ اىْ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعآئى‏، وَلَدَيْكَ ارْجُو فاقَتى‏[[976]](#footnote-976)، وَبِغِناكَ اجْبُرُ

و به بزرگواريت اى پروردگارم دعايم را شروع مى‏كنم، نزد تو اميد رفع درماندگى‏ام را دارم و به توانگريت نيازم‏

عَيْلَتى‏، وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيامى‏، وَالى‏ جُودِكَ وَكَرَمِكَ ارْفَعُ بَصَرى‏،

را جبران مى‏كنم و در سايه گذشتت ايستاده‏ام و چشم به بخشش و لطف تو دارم،

وَالى‏ مَعْرُوفِكَ اديمُ نَظَرى‏، فَلا تُحْرِقْنى‏ بِالنَّارِ وَانْتَ مَوْضِعُ امَلى‏، وَلا

و به احسانت چشم دوخته‏ام، پس مرا به آتش مسوزان در حالى كه تويى محل آرزوى من،

تُسْكِنِّى الْهاوِيَةَ فَانَّكَ قُرَّةُ عَيْنى‏، يا سَيِّدى‏ لا تُكَذِّبْ ظَنّى‏ بِاحْسانِكَ‏

و مرا در دوزخ جاى مده كه تويى روشنى چشم من، اى آقا و سرورم، گمانم را به لطف و احسانت‏

وَمَعْرُوفِكَ فَانَّكَ ثِقَتى‏، وَلا تَحْرِمْنى‏ ثَوابَكَ فَانَّكَ الْعارِفُ بِفَقْرى‏، الهى‏

دروغ مپندار زيرا كه تو مورد اعتماد منى، و مرا از پاداشت محروم مكن كه تو به نيازم آگاهى، اى معبود من‏

انْ كانَ قَدْ دَنا اجَلى‏ وَلَمْ يُقَرِّبْنى‏ مِنْكَ عَمَلى‏، فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرافَ‏

اگر مرگم نزديك شده و عملم مرا به تو نزديك نكرده، اعتراف به گناهم را وسيله‏

الَيْكَ بِذَنْبى‏ وَسآئِلَ عِلَلى‏، الهى‏ انْ عَفَوْتَ فَمَنْ اوْلى‏ مِنْكَ بِالْعَفْوِ[[977]](#footnote-977)، وَانْ‏

عذرم قرار مى‏دهم اى معبود من، اگردرگذرى پس كيست سزاوارتر از تو در عفو و اگر

عَذَّبْتَ فَمَنْ اعْدَلُ مِنْكَ فِى الْحُكْمِ، ارْحَمْ فى‏ هذِهِ الدُّنْيا غُرْبَتى‏، وَعِنْدَ

عذاب كنى پس كيست عادل‏تر از تو در حكمرانى، در اين دنيا بر غريبى‏ام و در هنگام‏

الْمَوْتِ كُرْبَتى‏، وَفِى الْقَبْرِ وَحْدَتى‏، وَفِى اللَّحْدِ وَحْشَتى‏، وَاذا نُشِرْتُ‏

مرگ بر اندوهم و در گور بر تنهاييم و در لحد بر ترسم، و در زمانى كه براى حساب در مقابلت‏

لِلْحِسابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفى‏، وَاغْفِرْ لى‏ ما خَفِىَ عَلَى الْآدَمِيّينَ مِنْ‏

حاضر شدم بر پستى جايگاهم رحم كن، و ببخش بر من اعمالى را كه بر انسانها پوشيده مانده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 733

عَمَلى‏، وَادِمْ لى‏ ما بِهِ سَتَرْتَنى‏، وَارْحَمْنى‏ صَريعاً عَلَى الْفِراشِ تُقَلِّبُنى‏

و پيوسته مرا بپوشان و در حالى كه در بستر افتاده‏ام و دوستان مرا جابجا مى‏كنند

ايْدى‏ احِبَّتى‏، وَتَفَضَّلْ عَلَىَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنى‏ صالِحُ‏

بر من رحم كن، و در حالى كه در محلّ غسل دراز كشيده‏ام و همسايگان نيكم مرا (براى غسل) جابجا مى‏كنند

جيرَتى‏، وَتَحَنَّنْ عَلَىَّ مَحْمُولًا قَدْ تَناوَلَ الْأَقْرِبآءُ اطْرافَ جَنازَتى‏،

بر من لطف نما، و در حالى كه دوستان اطراف جنازه‏ام را گرفته‏

وَجُدْ عَلَىَّ مَنْقُولًا قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحيداً فى‏ حُفْرَتى‏، وَارْحَمْ فى‏ ذلِكَ‏

و حمل مى‏كنند بر من رحم كن، و در حالى كه به تنهايى در ميان قبر به سوى تو منتقل مى‏شوم بر من ببخش،

الْبَيْتِ الْجَديدِ غُرْبَتى‏، حَتّى‏ لا اسْتَاْنِسَ بِغَيْرِكَ، يا سَيِّدى‏ انْ وَكَلْتَنى‏ الى‏

و در اين خانه جديد بر غريبيم رحم كن، تا با غير تو انس نگيرم، اى آقا و سرورم اگر مرا به‏

نَفْسى‏ هَلَكْتُ، سَيِّدى‏ فَبِمَنْ اسْتَغيثُ انْ لَمْ تُقِلْنى‏ عَثْرَتى‏، فَالى‏ مَنْ افْزَعُ‏

خودم واگذارى هلاك شوم، اى آقا و سرورم پس اگر تو لغزشم را ناديده نگيرى از كه كمك گيرم‏

انْ فَقَدْتُ عِنايَتَكَ فى‏ ضَجْعَتى‏، وَالى‏ مَنْ الْتَجِئُ انْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتى‏،

پس اگر عنايت و توجّهت را در گور از دست دهم به كه پناه برم، و اگر گرفتاريم را حل نكنى به كه روى آورم،

سَيِّدى‏ مَنْ لى‏ وَمَنْ يَرْحَمُنى‏ انْ لَمْ تَرْحَمْنى‏، وَفَضْلَ مَنْ اؤَمِّلُ انْ‏

اى آقا و سرورم اگر بر من رحم نكنى من كه را دارم و كه بر من رحم مى‏كند،

عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فاقَتى‏، وَالى‏ مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ اذَا انْقَضى‏ اجَلى‏،

اگر لطف تو را در روز نياز از دست دهم لطف چه كسى را آرزو كنم و اگر عمرم به پايان رسد از گناهانم به سوى كه بگريزم،

سَيِّدى‏ لا تُعَذِّبْنى‏ وَ ا نَا ارْجُوكَ، الهى‏ حَقِّقْ رَجآئى‏، وَآمِنْ خَوْفى‏، فَانَ‏

اى آقا و سرورم، در حالى كه به تو اميد دارم مرا عذاب نكن، اى معبود من اميدم را محقّق و ترسم را ايمن گردان، پس به يقين‏

كَثْرَةَ ذُنُوبى‏ لا ارْجُو فيها الَّا عَفْوَكَ، سَيِّدى‏ ا نَا اسْئَلُكَ ما لا اسْتَحِقُّ،

جز عفو تو اميدى براى گناهان فراوانم ندارم، اى آقا و سرورم از تو مى‏خواهم چيزى را كه شايسته آن نيستم،

وَانْتَ اهْلُ التَّقْوى‏ وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَاغْفِرْ لى‏ وَالْبِسْنى‏ مِنْ نَظَرِكَ‏

در حالى كه تو شايسته پرهيزگارى و آمرزشى، پس مرا بيامرز و از نزد خودت لباسى را كه‏

ثَوْباً يُغَطّى‏ عَلَىَّ التَّبِعاتِ، وَتَغْفِرُها لى‏ وَلا اطالَبُ بِها، انَّكَ ذُو مَنٍّ قَديمٍ،

بديها را بپوشاند بر من بپوشان و آنها را بر من بيامرز تا بر آنها مؤاخذه نشوم، چرا كه تو صاحب نعمت ديرينه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 734

وَصَفْحٍ عَظيمٍ، وَتَجاوُزٍ كَريمٍ، الهى‏ انْتَ الَّذى‏ تُفيضُ سَيْبَكَ عَلى‏ مَنْ لا

و چشم پوشى بزرگ و گذشت بزرگوارانه‏اى، اى معبود من تويى كه نعمتت بر كسى كه از تو درخواست نكند

يَسْئَلُكَ، وَعَلَى الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، فَكَيْفَ سَيِّدى‏ بِمَنْ سَئَلَكَ وَايْقَنَ‏

و بر منكرين پروردگاريت سرازير است، پس چه رسد اى آقاى من به كسى كه از تو درخواست كرده‏

انَّ الْخَلْقَ لَكَ، وَالْأَمْرَ الَيْكَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَ‏الْعالَمينَ، سَيِّدى‏

و يقين دارد كه آفرينش و تدبير امور به دست توست و پاك و منزّهى اى پروردگار جهانيان، اى آقا و سرورم‏

عَبْدُكَ بِبابِكَ، اقامَتْهُ الْخَصاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَقْرَعُ بابَ احْسانِكَ‏

بنده‏ات به درگاهت آمده و تنگدستى، مرا برابرت نگه داشته باب احسانت را با دعاى خود مى‏كوبم،

بِدُعآئِهِ‏[[978]](#footnote-978)، فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ عَنّى‏، وَاقْبَلْ مِنّى‏ ما اقُولُ، فَقَدْ

پس نظر بزرگوارانه‏ات را از من باز نگردان و آنچه مى‏گويم اجابت فرما

دَعَوْتُكَ بِهذَا الدُّعاءِ، وَا نَا ارْجُو انْ لا تَرُدَّنى‏، مَعْرِفَةً مِنّى‏ بِرَاْفَتِكَ‏

پس تو را با اين دعا مى‏خوانم در حالى كه اميداورم به خاطر شناختى كه از مهربانى و لطف تو دارم مرا دست‏خالى باز نگردانى‏

وَرَحْمَتِكَ، الهى‏ انْتَ الَّذى‏ لا يُحْفيكَ سآئِلٌ، وَلا يَنْقُصُكَ نآئِلٌ، انْتَ كَما

اى معبود من تويى كه سؤال كننده‏اى سؤال پيچت نكند و بخشش و احسان چيزى از تو نكاهد، تو آنچنانى‏

تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ صَبْراً جَميلًا، وَفَرَجاً قَريباً،

كه مى‏گويى و برتر از آنى كه ما مى‏گوييم، خدايا از تو شكيبايى نيكو، گشايش نزديك،

وَقَوْلًا صادِقاً، وَاجْراً عَظيماً، اسْئَلُكَ يا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، ما عَلِمْتُ‏

گفتار راست و پاداشى بزرگ مى‏خواهم، اى پروردگار من از تو تمامى نيكيها، آنچه را كه مى‏دانم‏

مِنْهُ وَما لَمْ اعْلَمْ، اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ ما سَئَلَكَ مِنْهُ عِبادُكَ الصَّالِحُونَ،

و آنچه را كه نمى‏دانم خواهانم، خدايا از تو مى‏خواهم بهترين چيزى را كه بندگان صالحت از تو خواسته‏اند،

يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَاجْوَدَ مَنْ اعْطى‏، اعْطِنى‏ سُؤْلى‏ فى‏ نَفْسى‏ وَاهْلى‏،

اى بهترين درخواست شده و بخشنده‏ترين بخشندگان، درخواستم را در مورد خود، خانواده‏

وَ والِدىَّ وَ وُلْدى‏، وَاهْلِ حُزانَتى‏ وَاخْوانى‏ فيكَ، وَارْغِدْ عَيْشى‏، وَاظْهِرْ

پدر و مادر، بستگان و برادران دينيم برآور، و زندگانيم را شادمان گردان،

كليات مفاتيح نوين، ص: 735

مُرُوَّتى‏، وَاصْلِحْ جَميعَ احْوالى‏، وَاجْعَلْنى‏ مِمَّنْ اطَلْتَ عُمْرَهُ، وَحَسَّنْتَ‏

جوانمرديم را ظاهر كن و تمامى حالاتم را نيكو گردان، و مرا از كسانى قرار ده كه عمرشان را طولانى و كردارشان را نيكو،

عَمَلَهُ، وَاتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضيتَ عَنْهُ، وَاحْيَيْتَهُ حَياةً طَيِّبَةً فى‏

و نعمتت را به آنها كامل كرده و از آنها خشنودى و زندگانى پاكيزه‏

ادْوَمِ السُّرُورِ، وَاسْبَغِ الْكَرامَةِ، وَاتَمِّ الْعَيْشِ، انَّكَ تَفْعَلُ ما تَشآءُ، وَلا

همراه با شادى پايدار و بزرگوارى گسترده و زندگانى كامل به آنها ارزانى داشته‏اى، زيرا تويى كه هر چه خواهى انجام دهى‏

يَفْعَلُ ما يَشآءُ غَيْرُكَ، اللهُمَّ خُصَّنى‏ مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ، وَلا تَجْعَلْ‏

و آنچه كه ديگران خواهند انجام ندهى، خدايا توجّه خاصّت را مخصوص من گردان، و آنچه را كه به‏

شَيْئاً مِمَّا اتَقَرَّبُ بِهِ فى‏ آناءِ اللَّيْلِ وَاطْرافِ النَّهارِ رِيآءً وَلا سُمْعَةً، وَلا

وسيله آن در طول شب و روز به تو تقرّب مى‏جويم، از روى ريا، خودپسندى‏

اشَراً وَلا بَطَراً، وَاجْعَلْنى‏ لَكَ مِنَ الْخاشِعينَ، اللهُمَّ اعْطِنى‏ السِّعَةَ فِى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص735**

خود بزرگ بينى و خودبينى قرار مده، و مرا از فروتنان در برابرت قرار ده، خدايا وسعت روزى،

الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِى الْوَطَنِ، وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِى الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ،

امنيّت در وطن و روشنى چشم در خانواده و مال و فرزند

وَالْمُقامَ فى‏ نِعَمِكَ عِنْدى‏، وَالصِّحَّةَ فِى الْجِسْمِ، وَالْقُوَّةَ فِى الْبَدَنِ،

و ماندگارى نعمتهايت و سلامتى و نيرو در بدن‏

وَالسَّلامَةَ فِى الدّينِ، وَاسْتَعْمِلْنى‏ بِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، مُحَمَّدٍ

و سلامتى دين به من ارزانى دار، و مرا مادامى كه زنده‏ام به پيروى از خود و فرستاده‏ات حضرت محمّد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ابَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنى‏، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ اوْفَرِ عِبادِكَ عِنْدَكَ‏

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- هميشه مشغول دار، و مرا از بندگانى قرار ده كه در

نَصيباً فى‏ كُلِّ خَيْرٍ انْزَلْتَهُ، وَتُنْزِلُهُ فى‏ شَهْرِ رَمَضانَ، فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَما

هر خيرى كه فرو مى‏فرستى بيشترين سهم را دارند، خيرهايى كه در ماه رمضان در شب قدر نازل مى‏كنى و آنچه كه‏

انْتَ مُنْزِلُهُ فى‏ كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها، وَعافِيَةٍ تُلْبِسُها، وَبَلِيَّةٍ

تو در هر سال از رحمتت مى‏گسترانى و سلامتى كه (بر بندگان) مى‏پوشانى و بلاهايى كه‏

تَدْفَعُها، وَحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها، وَسَيِّئاتٍ تَتَجاوَزُ عَنْها، وَارْزُقْنى‏ حَجَّ بَيْتِكَ‏

دفع مى‏كنى و نيكيهايى كه مى‏پذيرى و گناهانى كه مى‏آمرزى، و حجّ خانه‏ات را در

كليات مفاتيح نوين، ص: 736

الْحَرامِ، فى‏ عامى‏ هذا وَفى‏ كُلِّ عامٍ، وَارْزُقْنى‏ رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ‏

اين سال و در هر سال روزيم گردان و از لطف گسترده‏ات روزى فراوان نصيبم نما،

الْواسِعِ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ يا سَيِّدى‏ الْأَسْوآءَ، وَاقْضِ عَنِّى الدَّيْنَ‏

و بديها را از من دور گردان اى آقا و سرورم بديها و مظالمم را ادا كن‏

وَالظُّلاماتِ، حَتّى‏ لا اتَاذّى‏ بِشَىْ‏ءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنّى‏ بِاسْماعِ‏

تا به واسطه آنها ناراحت نشوم و گوش‏

وَابْصارِ اعْدائى‏، وَحُسَّادى‏ وَالْباغينَ عَلَىَّ، وَانْصُرْنى‏ عَلَيْهِمْ، وَاقِرَّ

و چشم دشمنان و حسودان و ظلم كنندگان بر من را بگير و مرا بر آنها يارى كن‏

عَيْنى‏، وَفَرِّحْ قَلْبى‏، وَاجْعَلْ لى‏ مِنْ هَمّى‏ وَكَرْبى‏ فَرَجاً وَمَخْرَجاً،

و چشمم را روشن و قلبم را شاد گردان و براى غم و غصّه‏ام گشايش و محلّ خروجى قرار ده،

وَاجْعَلْ مَنْ ارادَنى‏ بِسُوءٍ مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَىَّ، وَاكْفِنى‏ شَرَّ

و هر كس از ميان آفريدگانت قصد سويى نسبت به من دارد زير پاهايم قرار ده، و شرّ

الشَّيْطانِ وَشَرَّ السُّلْطانِ وَسَيِّئاتِ عَمَلى‏، وَطَهِّرْنى‏ مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّها،

شيطان و سلطان و گناهانم را از من بازگردان، و مرا از تمامى گناهان پاك گردان،

وَاجِرْنى‏ مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ، وَادْخِلْنِى الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنى‏ مِنَ‏

و مرا به گذشتت از آتش دوزخ پناه ده و به لطفت در بهشت داخل كن و به احسانت‏

الْحُورِ الْعينِ بِفَضْلِكَ، وَالْحِقْنى‏ بِاوْلِيآئِكَ الصَّالِحينَ، مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ‏

از حورالعين به همسريم درآور، و مرا به بندگان شايسته‏ات ملحق كن، همان محمّد و خاندان‏

الْأَبْرارِ، الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ الْأَخْيارِ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَعَلى‏ اجْسادِهِمْ‏

نيك، پاك پاكيزه و برگزيده‏اش كه درود تو بر آنها و بدنها و

وَارْواحِهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، الهى‏ وَسَيِّدى‏، وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ لَئِنْ‏

ارواح پاكشان باد و رحمت و بركات خدا بر آنان باد اى معبود من و اى آقا و سرورم به عزّت و شكوهت سوگند كه‏

طالَبْتَنى‏ بِذُنُوبى‏ لَأُطالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَلَئِنْ طالَبْتَنى‏ بِلُؤْمى‏ لَأُطالِبَنَّكَ‏

اگر مرا بر گناهانم باز خواست كنى از تو عفوت را مى‏طلبم و اگر مرا به فرومايگيم مؤاخذه كنى، من از تو

بِكَرَمِكَ، وَلَئِنْ ادْخَلْتَنِى النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ اهْلَ النَّارِ بِحُبّى‏ لَكَ، الهى‏

جوانمرديت را مى‏خواهم، و اگر مرا در دوزخ داخل كنى، اهل دوزخ را از محبّتم به تو آگاه مى‏كنم اى معبود من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 737

وَسَيِّدى‏ انْ كُنْتَ لا تَغْفِرُ الَّا لِأَوْلِيآئِكَ وَاهْلِ طاعَتِكَ، فَالى‏ مَنْ يَفْزَعُ‏

و اى آقا و سرورم اگر تنها دوستان و پيروانت را بيامرزى پس گنهكاران به چه‏

الْمُذْنِبُونَ، وَانْ كُنْتَ لا تُكْرِمُ الَّا اهْلَ الْوَفآءِ بِكَ، فَبِمَنْ يَسْتَغيثُ‏

كسى پناه برند و اگر جز وفاداران به خودت راگرامى ندارى، پس بدكاران از چه‏

الْمُسْيئُونَ، الهى‏ انْ ادْخَلْتَنِى النَّارَ فَفى‏ ذلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ، وَانْ‏

كسى كمك خواهند، اى معبود من اگر مرا داخل دوزخ كنى موجب خوشحالى دشمن توست و اگر

ادْخَلْتَنِى الْجَنَّةَ فَفى‏ ذلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ، وَ ا نَا وَاللَّهِ اعْلَمُ انَّ سُرُورَنَبِيِّكَ‏

مرا داخل بهشت كنى موجب خرسندى پيامبر توست، به خدا سوگند، مى‏دانم كه خرسندى پيامبرت را

احَبُّ الَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ انْ تَمْلَأَ قَلْبى‏ حُبّاً لَكَ،

بيش از خرسندى دشمنت دوست دارى، خدايا از تو مى‏خواهم كه دلم را از محبّت‏

وَخَشْيَةً مِنْكَ، وَتَصْديقاً بِكِتابِكَ‏[[979]](#footnote-979)، وَايماناً بِكَ، وَفَرَقاً مِنْكَ، وَشَوْقاً الَيْكَ،

و بيم خودت و تصديق كتابت و ايمان وترس و علاقمندى به خودت پر كنى‏

يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، حَبِّبْ الَىَّ لِقائَكَ وَاحْبِبْ لِقآئى‏، وَاجْعَلْ لى‏ فى‏

اى صاحب جلال و بزرگوارى، ديدارت را براى من خوشايند گردان و ديدارم را خوشايند بدار و براى من در

لِقآئِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرامَةَ، اللهُمَّ الْحِقْنى‏ بِصالِحِ مَنْ مَضى‏،

ديدارت آسايش و گشايش و بزرگوارى قرار ده، خدايا مرا به نيكوكاران از گذشتگان ملحق كن‏

وَاجْعَلْنى‏ مِنْ صالِحِ مَنْ بَقِىَ، وَخُذْ بى‏ سَبيلَ الصَّالِحينَ، وَاعِنّى‏ عَلى‏

و مرا از نيكوكارانى كه مانده‏اند قرار ده و مرا به راه شايستگان ببر و مرا بر (غلبه بر)

نَفْسى‏ بِما تُعينُ بِهِ الصَّالِحينَ عَلى‏ انْفُسِهِمْ، وَاخْتِمْ عَمَلى‏ بِاحْسَنِهِ،

نفسم يارى كن همان‏گونه كه نيكوكاران را (بر غلبه) بر نفسشان يارى دادى و عملم را با نيكوترينش پايان ده،

وَاجْعَلْ ثَوابى‏ مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَاعِنّى‏ عَلى‏ صالِحِ ما اعْطَيْتَنى‏،

و پاداشم را از جانب خود به لطف و رحمتت بهشت قرار ده، و مرا بر (بكارگيرى) نعمتهاى شايسته‏ات يارى ده‏

وَثَبِّتْنى‏ يا رَبِّ، وَلا تَرُدَّنى‏ فى‏ سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنى‏ مِنْهُ يا رَبَّ الْعالَمينَ،

و پايدار بدار، اى پروردگار من، و مرا به بديهايى كه از آن رهايى بخشيدى بازمگردان اى پروردگار جهانيان،

كليات مفاتيح نوين، ص: 738

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ ايماناً لا اجَلَ لَهُ دُونَ لِقائِكَ، احْيِنى‏ ما احْيَيْتَنى‏ عَلَيْهِ،

خدايا از تو ايمانى مى‏خواهم كه پايانش ديدار تو باشد، مادامى كه زنده‏ام با ايمان زنده بدار

وَتَوَفَّنى‏ اذا تَوَفَّيْتَنى‏ عَلَيْهِ، وَابْعَثْنى‏ اذا بَعَثْتَنى‏ عَلَيْهِ، وَابْرِءْ قَلْبى‏ مِنَ‏

و در زمان مردنم با ايمان بميران، و در زمان بر انگيختن با ايمان برانگيز و دلم را از

الرِّيآءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فى‏ دينِكَ، حَتّى‏ يَكُونَ عَمَلى‏ خالِصاً لَكَ،

ريا و ترديد و سمعه در دين پاك بدار تا عملم فقط براى تو باشد،

اللهُمَّ اعْطِنى‏ بَصيرَةً فى‏ دينِكَ، وَفَهْماً فى‏ حُكْمِكَ، وَفِقْهاً فى‏ عِلْمِكَ،

خدايا به من بينايى در دينت و درك فرمانت و شناخت دانشت‏

وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعاً يَحْجُزُنى‏ عَنْ مَعاصيكَ، وَبَيِّضْ وَجْهى‏

و رحمت مضاعفت و پرهيزگارى كه مرا از نافرمانيت باز دارد عطا فرما و چهره‏ام را به نور خود نورانى گردان،

بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتى‏ فيما عِنْدَكَ، وَتَوَفَّنى‏ فى‏ سَبيلِكَ، وَعَلى‏ مِلَّةِ

و اشتياقم را به آنچه نزد توست قرار ده و مرا در راه خود و بر آيين‏

رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ،

فرستاده‏ات- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بميران، خدايا به تو پناه مى‏برم از تنبلى و سستى‏

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ[[980]](#footnote-980) وَالْمَسْكَنَةِ، وَالْفَقْرِ وَالْفاقَةِ

و اندوه و ترس و تنگ‏نظرى و بى خبرى و سنگدلى و بيچارگى و ندارى و درماندگى‏

وَكُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا

و هر گرفتارى و كارهاى زشت آشكار و پنهان، و به تو پناه مى‏برم از نفسى كه‏

تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لا يَشْبَعُ، وَقَلْبٍ لا يَخْشَعُ، وَ دُعاءٍ لا يُسْمَعُ، وَعَمَلٍ لا يَنْفَعُ،

قانع نشود و شكمى كه سير نگردد و دلى كه (در برابرت) خاشع نيست و دعايى كه پذيرفته نشود و عملى كه سود نبخشد

وَاعُوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلى‏ نَفْسى‏ وَدينى‏ وَمالى‏، وَعَلى‏ جَميعِ ما رَزَقْتَنى‏،

و اى پروردگار من از شرّ شيطان رانده شده بر نفس و دين و مال و بر همه آنچه به من روزى كرده‏اى‏

مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، انَّكَ انْتَ السَّميعُ الْعَليمُ، اللهُمَّ انَّهُ لا يُجيرُنى‏ مِنْكَ‏

به تو پناه مى‏برم، چرا كه تو شنوا و دانايى؛ خدايا كسى مرا از (عقوبت) تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 739

احَدٌ، وَلا اجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً، فَلا تَجْعَلْ نَفْسى‏ فى‏ شَىْ‏ءٍ مِنْ عَذابِكَ،

پناه ندهد و جز تو پناهگاهى ندارم، پس در عذابت قرارم نده‏

وَلا تَرُدَّنى‏ بِهَلَكَةٍ، وَلا تَرُدَّنى‏ بِعَذابٍ اليمٍ، اللهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّى‏، وَاعْلِ‏

و مرا به نابودى و عقوبت دردناك باز مگردان، خدايا از من بپذير و يادم را

ذِكْرى‏، وَارْفَعْ دَرَجَتى‏، وَحُطَّ وِزْرى‏، وَلا تَذْكُرْنى‏ بِخَطيئَتى‏، وَاجْعَلْ‏

والا گردان و رتبه‏ام را بالا بر و بار گناهم را فرو ريز، و مرا با اشتباهم ياد مكن، و

ثَوابَ مَجْلِسى‏، وَثَوابَ مَنْطِقى‏، وَ ثَوابَ دُعآئى‏ رِضاكَ وَالْجَنَّةَ،

پاداش اين مجلس و گفتار و دعايم را رضايتت و بهشت قرار ده و

وَاعْطِنى‏ يا رَبِّ جَميعَ ما سَالْتُكَ، وَ زِدْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ، انّى‏ الَيْكَ راغِبٌ يا

اى پروردگار من آنچه از تو خواستم به من ارزانى دار واز لطف و كرمت بر من بيافزا چرا كه من مشتاق توام اى‏

رَبَّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ انَّكَ انْزَلْتَ فى‏ كِتابِكَ انْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا، وَ قَدْ

پروردگار جهانيان، خدايا به يقين تو در كتابت نازل كردى كه از كسانى كه به ما ظلم كرده‏اند درگذريم و

ظَلَمْنا انْفُسَنا فَاعْفُ عَنَّا، فَانَّكَ اوْلى‏ بِذلِكَ مِنَّا، وَامَرْتَنا انْ لا نَرُدَّ سائِلًا

ما به خود ستم كرده‏ايم پس از ما درگذر چرا كه تو از ما به آن سزاوارترى و امر فرمودى به ما كه درخواست كننده‏اى را از

عَنْ ابْوابِنا، وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلًا فَلا تَرُدَّنى‏ الَّا بِقَضآءِ حاجَتى‏، وَامَرْتَنا

پيش خود نرانيم من نيز به حال درخواست به درگاهت آمده‏ام پس مرا جز با حاجت بر آورده شده باز مگردان و ما را

بِالْإِحْسانِ الى‏ ما مَلَكَتْ ايْمانُنا، وَنَحْنُ ارِقَّآءُكَ فَاعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النَّارِ،

به نيكى در حقّ زيردستان امر فرمودى، ما نيز بندگان توييم، پس ما را از آتش رهايى بخش،

يا مَفْزَعى‏ عِنْدَ كُرْبَتى‏، وَيا غَوْثى‏ عِنْدَ شِدَّتى‏، الَيْكَ فَزِعْتُ، وَبِكَ‏

اى پناه من به هنگام گرفتارى و اى فريادرس من در هنگام سختى به درگاهت پناه آورده و

اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ، لا الُوذُ بِسِواكَ، وَلا اطْلُبُ الْفَرَجَ الَّا مِنْكَ‏[[981]](#footnote-981)، فَاغِثْنى‏

كمك مى‏طلبم و از غير تو كمك نمى‏طلبم و جز از تو گشايش نمى‏خواهم، پس به فريادم برس‏

وَفَرِّجْ عَنّى‏، يا مَنْ يَفُكُّ الْأَسيرَ[[982]](#footnote-982)، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ، اقْبَلْ مِنِّى الْيَسيرَ،

و مرا رهايى بخش اى كسى كه اسير را آزاد كنى و از گناهان فراوان درگذرى، اين (اطاعت) كم را از من بپذير،

كليات مفاتيح نوين، ص: 740

وَاعْفُ عَنِّى الْكَثيرَ، انَّكَ انْتَ الرَّحيمُ الْغَفُورُ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ ايماناً

و از گناهان فراوانم درگذر، چرا كه تو مهربان و آمرزنده‏اى، خدايا ايمانى از تو مى‏خواهم كه‏

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَيَقيناً صادِقاً حَتّى‏ اعْلَمَ انَّهُ لَنْ يُصيبَنى‏ الَّا ما كَتَبْتَ لى‏،

دلم همراه او باشد و يقين صادقى كه بدانم جز آنچه تو مقدّر كرده‏اى به من نخواهد رسيد

وَرَضِّنى‏ مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لى‏، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

و مرا به آنچه در زندگى برايم مقدّر كرده‏اى خشنود گردان، اى مهربان‏ترين مهربانان.

5- مختصرترين دعاى سحر (دعاى بسيار پرمحتوا)

يا مَفْزَعى‏ عِنْدَ كُرْبَتى‏، وَيا غَوْثى‏ عِنْدَ شِدَّتى‏، الَيْكَ فَزِعْتُ، وَبِكَ‏

اى پناه من به هنگام گرفتارى، و اى فريادرسم در هنگام سختى، به درگاهت پناه آورده و

اسْتَغَثْتُ، وَبِكَ لُذْتُ، لا الُوذُ بِسِواكَ، وَ لا اطْلُبُ الْفَرَجَ الَّا مِنْكَ، فَاغِثْنى‏

كمك مى‏طلبم و به تو متوسّل شده و از غير تو كمك نمى‏طلبم و جز از تو گشايش نمى‏خواهم پس به فريادم برس‏

وَ فَرِّجْ عَنّى‏، يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ، وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ، اقْبَلْ مِنِّى الْيَسيرَ،

و مرا رهايى بخش، اى كسى كه اعمال كم را پذيرفته و از گناهان فراوان درگذرى، اين (طاعت) كم را از من بپذير

وَاعْفُ عَنِّى الْكَثيرَ، انَّكَ انْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ ايماناً

و از گناهان فراوانم درگذر، چرا كه تو آمرزنده و مهربانى، خدايا ايمانى از تو مى‏خواهم‏

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَيَقيناً حَتّى‏ اعْلَمَ انَّهُ لَنْ يُصيبَنى‏ الَّا ما كَتَبْتَ لى‏،

كه دلم همراه او باشد و يقينى كه بدانم جز آنچه تو مقدّر كرده‏اى به من نخواهد رسيد

وَ رَضِّنى‏ مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لى‏، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا عُدَّتى‏ فى‏

و مرا به آنچه در زندگى برايم مقدّر نموده‏اى خشنود گردان اى مهربان‏ترين مهربانان، اى ذخيره من در

كُرْبَتى‏، وَ يا صاحِبى‏ فى‏ شِدَّتى‏، وَ يا وَلِيّى‏ فى‏ نِعْمَتى‏، وَيا غايَتى‏ فى‏

گرفتارى و اى همدم من در سختى، و اى صاحب نعمت من و اى نهايت‏

رَغْبَتى‏، انْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتى‏، وَ الْأمِنُ رَوْعَتى‏، وَ الْمُقيلُ عَثْرَتى‏، فَاغْفِرْ

آرزوى من، تويى پوشاننده زشتيهايم و آرامش دهنده پريشانيم و درگذرنده از لغزشم، پس گناهم‏

لى‏ خَطيئَتى‏، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[983]](#footnote-983)

را بيامرز، اى مهربان‏ترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 741

6- خواندن اين تسبيحات، كه در كتب معتبر آمده است:

سُبْحانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحانَ مَنْ يُحْصى‏ عَدَدَ الذُّنُوبِ،

تسبيح مى‏كنم آن كسى را كه درد دلها را مى‏داند، تسبيح مى‏كنم آن كسى را كه گناهان را مى‏شمارد،

سُبْحانَ مَنْ لا يَخْفى‏ عَلَيْهِ خافِيَةٌ فِى السَّماواتِ وَالْأَرَضينَ، سُبْحانَ‏

تسبيح مى‏كنم آن كسى را كه امر پنهانى در آسمانها و زمين بر او پوشيده نيست، تسبيح مى‏كنم‏

الرَّبِّ الْوَدُودِ، سُبْحانَ الْفَرْدِ الْوِتْرِ، سُبْحانَ الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ، سُبْحانَ‏

پروردگار بسيار مهربان را، تسبيح مى‏كنم يگانه يكتا را، تسبيح مى‏كنم بزرگترين بزرگ را، تسبيح مى‏كنم‏

مَنْ لا يَعْتَدى‏ عَلى‏ اهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يُؤاخِذُ اهْلَ الْأَرْضِ‏

كسى را كه بر مردم تحت حكومتش ظلم نمى‏كند، تسبيح مى‏كنم كسى را كه اهل زمين را با عذابهاى گوناگون‏

بِالْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ، سُبْحانَ الرَّؤوفِ الرَّحيمِ،

بازخواست نمى‏كند، تسبيح مى‏كنم غمخوار سخاوتمند را، تسبيح مى‏كنم پر محبّت مهربان را،

سُبْحانَ الْجَبَّارِ الْجَوادِ، سُبْحانَ الْكَريمِ الْحَليمِ، سُبْحانَ الْبَصيرِ

تسبيح مى‏كنم قادر بخشنده را، تسبيح مى‏كنم بزرگوار شكيبا را، تسبيح مى‏كنم بيناى‏

الْعَليمِ، سُبْحانَ الْبَصيرِ الْواسِعِ، سُبْحانَ اللَّهِ عَلى‏ اقْبالِ النَّهارِ،

دانا را، تسبيح مى‏كنم بيناى وسعت ده را، تسبيح مى‏كنم خدا را هنگام آمدن روز،

سُبْحانَ اللَّهِ عَلى‏ ادْبارِ النَّهارِ، سُبْحانَ اللَّهِ عَلى‏ ادْبارِ اللَّيْلِ وَاقْبالِ‏

تسبيح مى‏كنم خدا را هنگام رفتن روز، تسبيح مى‏كنم خدا را هنگام رفتن شب و آمدن‏

النَّهارِ[[984]](#footnote-984)، وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعَظَمَةُ وَالْكِبرِيآءُ، مَعَ كُلِّ نَفَسٍ وَكُلِّ طَرْفَةِ

روز، سپاس و بزرگى و عظمت و اقتدار مخصوص اوست، همراه با هر نفس و هر چشم‏

عَيْنٍ، وَكُلِّ لَمْحَةٍ سَبَقَ فى‏ عِلْمِهِ، سُبْحانَكَ مِلْأَ ما احْصى‏ كِتابُكَ،

بر هم زدنى، و هر اشاره‏اى كه در علمش گذشته، تسبيح مى‏كنم تو را به اندازه احصاء كتابت،

سُبْحانَكَ زِنَةَ عَرْشِكَ، سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ.[[985]](#footnote-985)

تسبيح مى‏كنم تو را هم‏وزن عرشت، تسبيح مى‏كنم تو را، تسبيح مى‏كنم تو را، تسبيح مى‏كنم تو را.

يادآورى: البتّه اگر نيّت روزه را بعد از خوردن سحرى كند بهتر است، و از اوّل شب تا به آخر نيز

كليات مفاتيح نوين، ص: 742

مى‏توان نيّت كرد؛ بلكه همين مقدار كه مى‏داند و قصد دارد فردا از براى خدا روزه بگيرد كافى است و همان طور كه قبلًا گفتيم بسيار شايسته است كه در سحرها نماز شب را ترك نكند.

اعمال مشترك روزهاى ماه مبارك رمضان:

براى روزهاى ماه رمضان چند عمل نقل شده است:

1- هر روز اين دعا را بخواند كه در كتب معتبر نقل شده است:

اللهُمَّ هذا شَهْرُ رَمَضانَ، الَّذى‏ انْزَلْتَ فيهِ الْقُرآنَ، هُدىً لِلنَّاسِ وَبَيِّناتٍ‏

خدايا اين ماه رمضان است كه قرآن را در آن براى هدايت مردم و دلايل‏

مِنَ الْهُدى‏ وَالْفُرقانِ، وَ هذا شَهْرُ الصِّيامِ، وَهذا شَهْرُ الْقِيامِ، وَهذا شَهْرُ

هدايت و جدا كننده حق از باطل نازل كردى، و اين ماه روزه و ماه شب زنده‏دارى است، و اين ماه‏

الْإِنابَةِ، وَهذا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَهذا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَهذا شَهْرُ الْعِتْقِ‏

بازگشت از گناه و ماه توبه است و اين ماه آمرزش و رحمت است، و اين ماه رهايى‏

مِنَ النَّارِ، وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَهذا شَهْرٌ فيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، الَّتى‏ هِىَ خَيْرٌ مِنْ‏

از آتش و رسيدن به بهشت است، و اين ماهى است كه شب قدر در آن است، شبى كه از

الْفِ شَهْرٍ، اللهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِنّى‏ عَلى‏ صِيامِهِ‏

هزار ماه بهتر است، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا بر روزه‏

وَقِيامِهِ، وَسَلِّمْهُ لى‏، وَسَلِّمْنى‏ فيهِ، وَاعِنّى‏ عَلَيْهِ بِافْضَلِ عَوْنِكَ،

و شب زنده‏دارى در اين ماه يارى ده، و آن را براى من و مرا در آن سالم بدار، و مرا بر (انجام وظايف) آن به بهترين ياريت يارى ده‏

وَوَفِّقْنى‏ فيهِ لِطاعَتِكَ، وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَاوْلِيآئِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ،

و مرا در آن بر بندگيت و اطاعت فرستاده و اوليايت- كه درود خدا بر آنان باد- موفّق بدار،

وَفَرِّغْنى‏ فيهِ لِعِبادَتِكَ وَدُعآئِكَ، وَتِلاوَةِ كِتابِكَ، وَ عَظِّمْ لى‏ فيهِ الْبَرَكَةَ،

و مرا در اين ماه براى بندگى و نيايش و تلاوت قرآن فراغت ده، و بركتم را زياد گردان،

وَاحْسِنْ لى‏ فيهِ الْعافِيَةَ، وَاصِحَّ فيهِ بَدَنى‏، وَاوْسِعْ لى‏ فيهِ رِزْقى‏، وَاكْفِنى‏

و سلامتيم را در اين ماه نيكو گردان و تنم را سالم بدار، و روزيم را وسعت ده، و آنچه مرا

فيهِ ما اهَمَّنى‏، وَاسْتَجِبْ فيهِ دُعآئى‏، وَبَلِّغْنى‏ فيهِ رَجآئى‏، اللهُمَّ صَلِ‏

در آن اندوهگين ساخته كفايت كن، و دعايم را بپذير و مرا به آرزويم برسان، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 743

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاذْهِبْ عَنّى‏ فيهِ النُّعاسَ وَالْكَسَلَ، وَالسَّاْمَةَ

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و در اين ماه چُرت و خستگى و دلتنگى‏

وَالْفَتْرَةَ، وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ، وَجَنِّبْنى‏ فيهِ الْعِلَلَ وَالْأَسْقامَ،

و سستى و بى‏رحمى و بى‏خبرى و سهل‏انگارى را از من برطرف كن، و مرا در آن از دردها و بيماريها

وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزانَ، وَالْأَعْراضَ وَالْأَمْراضَ، وَالْخَطايا وَالذُّنُوبَ،

و غصّه‏ها و اندوهها و حوادث و ناخوشيها و اشتباهات و گناهان دور گردان،

وَاصْرِفْ عَنّى‏ فيهِ السُّوءَ وَالْفَحشآءَ، وَالْجَهْدَ وَالْبَلاءَ، وَالتَّعَبَ وَالْعَنآءَ،

و بدى و هرزگى و رنج و گرفتارى و خستگى و زحمت را از من باز گردان،

انَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِذْنى‏ فيهِ مِنَ‏

كه تو شنونده دعايى، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا در اين ماه از

الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ، وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ، وَ وَسْوَسَتِهِ وَ تَثْبيطِهِ،

(شرّ) شيطان رانده شده پناه ده، و از عيب‏جويى و بدگوييش و دميدن و نفوذ دادنش، و وسوسه و باز داشتنش و ستم‏

وَبَطْشِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ، وَ حَبآئِلِهِ وَ خُدَعِهِ، وَ امانِيِّهِ وَ غُرُورِهِ، وَ فِتْنَتِهِ‏

و حيله و نيرنگش، و دامها و فريبهايش و آرزوها و اغفالش و آشوب‏

وَشَرَكِهِ، وَ احْزابِهِ وَ اتْباعِهِ، و اشْياعِهِ وَ اوْلِيآئِهِ، وَ شُرَكآئِهِ وَ جَميعِ‏

و دامهايش و گروهها و پيروانش و ياران و دوستدارانش و همدستان و تمامى‏

مَكائِدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنا قِيامَهُ وَ صِيامَهُ،

نيرنگهايش پناه ده، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و روزيمان كن شب زنده‏دارى و روزه‏اش را

وَبُلُوغَ الْأَمَلِ فيهِ وَ فى‏ قِيامِهِ، وَ اسْتِكْمالَ ما يُرْضيكَ عَنّى‏ صَبْراً

و رسيدن به آرزو در اين ماه و در شب زنده‏داريش و كامل كردن بردبارى‏

وَاحْتِساباً، وَ ايماناً وَ يَقيناً، ثُمَّ تَقَبَّلْ ذلِكَ مِنّى‏ بِالْأَضْعافِ الْكَثيرَةِ،

و رضايت و ايمان و يقينم كه تو را از من خشنود گرداند، سپس آن را به چند برابر

وَالْأَجْرِ الْعَظيمِ، يا رَبَّ الْعالَمينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و پاداش بزرگ از من بپذير، اى پروردگار جهانيان، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَارْزُقْنِى الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَالْإِجْتِهادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ، وَ الْإِنابَةَ وَ التَّوْبَةَ،

و روزيم گردان حج و عمره و كوشش و نيرو و شادمانى، و بازگشت از گناه و توبه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 744

وَ الْقُرْبَةَ وَ الْخَيْرَ الْمَقْبُولَ، وَ الرَّهْبَةَ وَ الرَّغْبَةَ، وَ التَّضَرُّعَ وَ الْخُشُوعَ،

و نزديكى (به تو) و نيكى پذيرفته شده و ترس و اشتياق و زارى و فروتنى،

وَ الرِّقَّةَ وَ النِّيَّةَ الصَّادِقَهَ، وَ صِدْقَ اللِّسانِ، وَ الْوَجَلَ مِنْكَ، وَ الرَّجآءَ لَكَ،

و مهربانى و نيّت درست، و گفتار راست و ترس از خودت و اميد

وَ التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ، وَ الثِّقَةَ بِكَ، وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ، مَعَ صالِحِ‏الْقَوْلِ،

و تكيه و اعتماد بر خودت و پرهيز از حرامهايت همراه با گفتار شايسته‏

وَ مَقْبُولِ السَّعْىِ، وَ مَرْفُوعِ الْعَمَلِ، وَ مُسْتَجابِ الدَّعْوَةِ، وَ لا تَحُلْ بَيْنى‏

و تلاش پذيرفته و كردار بالا رفته (به درگاهت) و دعاى پذيرفته (را روزيم گردان) و بين من‏

وَ بَيْنَ شىْ‏ءٍ مِنْ ذلِكَ بِعَرَضٍ وَ لا مَرَضٍ، وَ لا هَمٍّ وَ لا غَمٍّ وَ لا سُقْمٍ، وَ لا

و چيزى از اينها با حادثه و مرض و اندوه و غصّه و بيمارى‏

غَفْلَةٍ وَ لا نِسْيانٍ، بَلْ بِالتَّعاهُدِ وَ التَّحَفُّظِ لَكَ وَ فيكَ، وَ الرِّعايَةِ لِحَقِّكَ،

و بى‏خبرى و فراموشى جدايى مينداز، بلكه هم‏پيمانى و خويشتن‏دارى براى تو و در راه تو و مراعات حق تو

وَ الْوَفآءِ بَعَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و وفاى به پيمان و وعده‏ات (را برايم مقرر فرما) به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اقْسِمْ لى‏ فيهِ افْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعبادِكَ الصَّالِحينَ،

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و در اين ماه بهترين چيزى كه روزى بندگان شايسته‏ات نموده‏اى روزيم گردان،

وَ اعْطِنى‏ فيهِ افْضَلَ ما تُعْطى‏ اوْلِيآئَكَ الْمُقَرَّبينَ، مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ،

و در آن به من ببخش بهترين آنچه كه به دوستان نزديكت از رحمت و آمرزش‏

وَ التَّحَنُّنِ وَ الْإِجابَةِ، وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ، وَ الْعافِيَةِ وَ الْمُعافاةِ،

و دلسوزى و پذيرش و گذشت و آمرزش هميشگى و تندرستى و سلامتى‏

وَ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَ خَيْرِ الدُّنْيا وَ الْأخِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و رهايى از آتش و رسيدن به بهشت و نيكى دنيا و آخرت عطا نموده‏اى، خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ دُعآئى‏ فيهِ الَيْكَ واصِلًا، وَ رَحْمَتَكَ وَ خَيْرَكَ‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و دعايم را در آن، رسيده به درگاهت و رحمت و نيكيت را

الَىَّ فيهِ نازِلًا، وَ عَمَلى‏ فيهِ مَقْبُولًا، وَ سَعْيى‏ فيهِ مَشْكُوراً، وَ ذَنْبى‏ فيهِ‏

در آن، نازل بر من، و كردارم را در آن، پذيرفته و تلاشم را در آن، مورد سپاس و گناهم را در آن،

كليات مفاتيح نوين، ص: 745

مَغْفُوراً، حَتّى‏ يَكُونَ نَصيبى‏ فيهِ الْأَكْثَرَ، وَ حَظِّى‏ فيهِ الْأَوْفَرَ، اللهُمَّ صَلِ‏

آمرزيده قرار ده تا بهره‏ام در آن بيشتر و كاميابيم فراوانتر باشد. خدايا

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ وَفِّقْنى‏ فيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلى‏ افْضَلِ حالٍ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا در آن بر (دركِ) شب قدر در بهترين حال موفّق گردان،

تُحِبُّ انْ يَكُونَ عَلَيْها احَدٌ مِنْ اوْلِيآئِكَ، وَ ارْضاها لَكَ، ثُمَّ اجْعَلْها لى‏

حالى كه دوست دارى هر يك از دوستانت بر آن باشند و تو را خشنود مى‏كند، پس آن شب را برايم‏

خَيْراً مِنْ الْفِ شَهْرٍ، وَ ارْزُقْنى‏ فيها افْضَلَ ما رَزَقْتَ احَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ‏

بهتر از هزار ماه قرار ده، و بهترين آنچه در آن شب روزى هر يك از كسانى كه به آن رسانده‏

ايَّاها، وَاكْرَمْتَهُ بِها، وَ اجْعَلْنى‏ فيها مِنْ عُتَقآئِكَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَ طُلَقآئِكَ مِنَ‏

و او را به آن گرامى داشته‏اى روزيم گردان، و مرا در آن شب به آمرزش و خشنوديت از آزاد شده‏هاى از دوزخ و رهايى يافته از

النَّارِ، وَ سُعَداءِ خَلْقِكَ، بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوانِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَ‏

آتش و سعادتمندان از مخلوقاتت قرار ده، اى مهربان‏ترين مهربانان، خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنا فى‏ شَهْرِنا هذَا الْجِدَّ وَ الْإِجْتِهادَ،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و در اين ماه كوشش و تلاش‏

وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشاطَ، وَ ما تُحِبُّ وَتَرْضى‏، اللهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ لَيالٍ عَشْرٍ،

و نيرو و شادمانى و آنچه را كه دوست دارى و خشنود مى‏شوى روزيم گردان، خدايا، اى پروردگار سپيده دم و شبهاى ده گانه‏

وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ، وَ ربَّ شَهْرِ رَمَضانَ، وَ ما انْزَلْتَ فيهِ مِنَ الْقُرآنِ، وَ رَبَ‏

و زوج و فرد، و اى پروردگار ماه رمضان و آنچه از قرآن در آن نازل نموده‏اى، و اى پروردگار

جَبْرَئيلَ وَ ميكآئيلَ وَ اسْرافيلَ، وَ جَميعِ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ، وَ ربَ‏

جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و همه فرشتگان مقرّب، و اى پروردگار

ابْراهيمَ وَ اسْماعيلَ، وَ اسْحقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ ربَّ مُوسى‏ وَ عيسى‏،

ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب، و اى پروردگار موسى و عيسى‏

وَجميعِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، وَ ربَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ‏

و همه پيامبران و فرستادگان، و اى پروردگار محمّد، آخرين پيامبران- كه درود تو بر او

وَعَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، وَ اسْئَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ‏

و بر همه آنها باد- و به حق تو بر آنان و به حقّ آنها بر تو و به حقّ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 746

الْعَظيمِ، لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَعَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، وَ نَظَرْتَ الَىَّ نَظْرَةً

بزرگت از تو مى‏خواهم هنگامى كه بر او و خاندانش و همه آنها درود فرستادى و به من نظرى‏

رَحيمَةً، تَرْضى‏ بِها عَنّى‏ رِضىً لا تَسْخَطُ عَلَىَّ بَعْدَهُ ابَداً، وَاعْطَيْتَنى‏

مهربانانه نمودى، به واسطه آن از من خشنود شوى، خشنود شدنى كه پس از آن هيچگاه بر من غصب نكنى و

جَميعَ سُؤْلى‏ وَ رَغْبَتى‏، وَ امْنِيَّتى‏ وَ ارادَتى‏، وَ صَرَفْتَ عَنّى‏ ما اكْرَهُ‏

همه خواسته‏ها و اشتياق و آرزو و درخواستم را به من عطا كنى، و آنچه نمى‏پسندم‏

وَاحْذَرُ، وَاخافُ عَلى‏ نَفْسى‏ وَما لا اخافُ، وَعَنْ اهْلى‏ وَمالى‏ وَاخْوانى‏

و از آن دورى مى‏كنم و بر خودم بيم دارم و آنچه نمى‏ترسم، از خود و خانواده و دارايى و برادران‏

وَذُرِّيَّتى‏، اللهُمَّ الَيْكَ فَرَرْنا مِنْ ذُنُوبِنا فاوِنا تآئِبينَ، وَتُبْ عَلَيْنا

و نسلم دور گردانى، خدايا از گناهانمان به درگاهت گريخته‏ايم پس ما توبه‏كنندگان را پناه ده و توبه ما

مُسْتَغْفِرينَ، وَاغْفِرْ لَنا مُتَعوِّذينَ، وَاعِذْنا مُسْتَجيرينَ، وَاجِرْنا

آمرزش خواهان را بپذير و ما پناه‏جويان را بيامرز و پناه ده، و ما فرمانبرداران‏

مُسْتَسْلِمينَ، وَلا تَخْذُلْنا راهِبينَ، وَآمِنَّا راغِبينَ، وَشَفِّعْنا سآئِلينَ،

را نجات ده، و ما وحشت زدگان را خوار مگردان، و ما مشتاقان را ايمن گردان، و ما نيازمندان را شفاعت كن‏

وَاعْطِنا انَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، قَريبٌ مُجيبٌ، اللهُمَّ انْتَ رَبِّى‏ وَ انَا عَبْدُكَ،

و به ما عطا كن كه تو شنواى خواسته‏ها و نزديك و اجابت‏كننده‏اى، خدايا تويى پروردگار من و منم بنده‏ات،

وَ احَقُّ مَنْ سَئَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَ لَمْ يَسْئَلِ الْعِبادُ مِثْلَكَ كَرَماً وَ جُوداً، يا

و شايسته‏ترين كسى كه بنده از او درخواست كند پروردگار اوست، و بندگان از كسى مانند تو در كرم و بخشش درخواست نكرده‏اند، اى‏

مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلينَ، وَ يا مُنْتَهى‏ حاجَةِ الرَّاغِبينَ، وَ يا غِياثَ‏

محلّ شكايت نيازمندان، و اى نهايت نياز مشتاقان، و اى فريادرس‏

الْمُسْتَغيثينَ، وَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، وَ يا مَلْجَا الْهارِبينَ،

درماندگان و اى اجابت كننده درخواست درماندگان، و اى پناهگاه وحشت زدگان،

وَ يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَيا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفينَ، وَ يا كاشِفَ كَرْبِ‏

و اى دادرس فريادرس خواهان و اى پروردگار مظلومان و اى برطرف كننده گرفتارى‏

الْمَكْرُوبينَ، وَ يا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومينَ، وَ يا كاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظيمِ، يا اللَّهُ‏

گرفتاران، و اى گشاينده اندوه غمزدگان، و اى برطرف كننده گرفتارى بزرگ، اى خدا،

كليات مفاتيح نوين، ص: 747

يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

اى بخشنده اى مهربان، اى مهربان‏ترين مهربانان، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَاغْفِرْ لى‏ ذُنُوبى‏ وَ عُيُوبى‏، وَ اسآئَتى‏ وَظُلْمى‏ وَ جُرْمى‏، وَ اسْرافى‏ عَلى‏

و گناهان و عيبها و بدى و ستم و گناه و زياده‏روى بر

نَفْسى‏، وَ ارْزُقْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ، فَانَّهُ لايَمْلِكُها غَيْرُكَ، وَاعْفُ‏

خودم را بيامرز، و از فضل و رحمتت روزيم ده، كه كسى جز تو مالك آنها نيست، و از من‏

عَنّى‏، وَاغْفِرْ لى‏ كُلَّ ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبى‏، وَاعْصِمْنى‏ فيما بَقِىَ مِنْ‏

درگذر، و تمامى گناهان گذشته‏ام را بيامرز، و در باقيمانده عمرم مرا

عُمْرى‏، وَاسْتُرْ عَلَىَّ وَعَلى‏ والِدىَّ وَ وُلْدى‏، وَقَرابَتى‏ وَاهْلِ حُزانَتى‏،

حفظ كن، بر من و پدر و مادر و فرزندان و نزديكان و خانواده‏ام،

وَمَنْ كانَ مِنّى‏ بِسَبيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ فى‏ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، فَانَ‏

و هر كه از مردان و زنان با ايمان در دنيا و آخرت با من بر يك راه باشد، محافظت كن، كه‏

ذلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ، وَانْتَ واسِعُ الْمَغْفِرَةِ، فَلا تُخَيِّبْنى‏ يا سَيِّدى‏، وَلا تَرُدَّ

همه اينها به دست توست، و آمرزشت گسترده است، پس اى آقا و سرورم مرا مأيوس نكن، و دعايم را

عَلَىَّ دُعآئى‏ وَلا يَدى‏ الى‏ نَحْرى‏، حَتّى‏ تَفْعَلَ ذلِكَ بى‏، وَتَسْتَجيبَ لى‏

بر مگردان و دستم را (خالى) به سينه‏ام بر مگردان، تا اين كه آن را برايم انجام داده و تمامى آنچه را كه‏

جَميعَ ما سَئَلْتُكَ، وَتَزيدَنى‏ مِنْ فَضْلِكَ، فَانَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ،

از تو خواستم اجابت كنى و از فضلت برايم بيفزايى كه تو بر هر چيز توانايى‏

وَنَحْنُ الَيْكَ راغِبُونَ، اللهُمَّ لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا،

و ما به سوى تو مشتاقيم، خدايا نامهاى نيك و الگوهاى والا

وَالْكِبْرِيآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، انْ كُنْتَ‏

و عظمت و نعمتها از آن توست، از تو به حقّ نامت «به نام خداوند بخشنده مهربان» مى‏خواهم كه اگر

قَضَيْتَ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ فيها، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏

فرود آمدن فرشتگان و روح را در اين شب مقدّر نموده‏اى، بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فِى السُّعَدآءِ، وَ رُوحى‏ مَعَ‏

و خاندان پاكش درود فرستى و نامم را در ميان سعادتمندان و روحم را همراه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 748

الشُّهَدآءِ، وَ احْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَ اسآئَتى‏ مَغْفُورَةً، وَ انْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً

شهيدان و نيكيم را در جايگاهى والا و گناهم را آمرزيده قرار ده، و ببخش به من يقينى كه‏

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَ ايماناً لا يَشُوبُهُ شَكٌّ، وَ رِضىً بِما قَسَمْتَ لى‏، وَآتِنى‏

دلم پيوسته همراه آن باشد و ايمانى كه ترديد به آن نياميزد و رضايت به آنچه قسمتم نموده‏اى‏

فى‏ الدُّنْيا حَسَنَةً، وَفِى الأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنى‏ عَذابَ النَّارِ، وَ انْ لَمْ تَكُنْ‏

و در دنيا و آخرت به من نيكى ده، و مرا از عذاب آتش حفظ كن و اگر

قَضَيْتَ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلئِكَةِ وَالرُّوحِ فيها، فَاخِّرْنى‏ الى‏ ذلِكَ،

فرود آمدن فرشتگان و روح را در اين شب مقدّر ننموده‏اى پس مرا تا آن زمان نگاهدار

وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَ طاعَتَكَ وَ حُسْنَ عِبادَتِكَ، وَ صَلِّ عَلى‏

و در اين شب ياد و سپاس و بندگى و عبادت نيكويت را روزيم گردان و به برترين‏

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِافْضَلِ صَلَواتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا احَدُ يا

درودهايت بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، اى مهربان‏ترين مهربانان، اى يگانه، اى‏

صَمَدُ، يا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرارِ عِتْرَتِهِ، وَ اقْتُلْ‏

بى نياز، اى پروردگار محمّد در اين روز محمّد و نيكان از خاندانش را حمايت كن و همه‏

اعْدائَهُمْ بَدَداً، وَ احْصِهِمْ عَدَداً، وَ لا تَدَعْ عَلى‏ ظَهْرِ الأَرْضِ مِنْهُمْ احَداً،

دشمنان آنها را نابود كن و يك به يك بشمار، و هيچ يك از آنها را بر زمين باقى نگذار،

وَ لا تَغْفِرْ لَهُمْ ابَداً، يا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، يا خَليفَةَ النَّبِيّينَ، انْتَ ارْحَمُ‏

و هرگز آنها را نيامرز، اى نيكو همدم، اى جانشين پيامبران، تو مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، الْبَدى‏ءُ الْبَديعُ، الَّذى‏ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَىْ‏ءٌ، وَ الدَّآئِمُ غَيْرُ

مهربانانى، آغاز كننده آفريننده‏اى كه چيزى همانندت نباشد، پاينده‏اى كه‏

الْغافِلِ، وَ الْحَىُّ الَّذى‏ لا يَمُوتُ، انْتَ كُلَّ يَوْمٍ فى‏ شَاْنٍ، انْتَ خَليفَةُ

غفلت نكند و زنده‏اى كه نميرد، تو هر روز در كارى هستى، تويى جانشين‏

مُحَمَّدٍ، وَ ناصِرُ مُحَمَّدٍ، وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ، اسْئَلُكَ انْ تَنْصُرَ وَصِىَّ مُحَمَّدٍ،

و ياور و برترى دهنده محمّد از تو مى‏خواهم كه وصىّ و

وَخَليفَةَ مُحَمَّدٍ، وَ الْقآئِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ اوْصِيآءِ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ‏

جانشين محمّد و قيام كننده به عدل از جانشينان محمّد- كه درود تو بر او و بر آنان باد- را

كليات مفاتيح نوين، ص: 749

وَعَلَيْهِمْ، اعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ، يا لا الهَ الَّا انْتَ، بِحَقِّ لا الهَ إلَّاانْتَ، صَلِ‏

يارى كنى، ياريت را متوجّه ايشان كن، اى كه معبودى جز تو نيست به حقّ اين كه معبودى جز تو نيست،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ مَعَهُمْ فِى الدُّنْيا وَ الْأخِرَةِ، وَاجْعَلْ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا در دنيا و آخرت همراه ايشان قرار ده‏

عاقِبَةَ امْرى‏ الى‏ غُفْرانِكَ وَ رَحْمَتِكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَ كَذلِكَ نَسَبْتَ‏

و پايان كارم را آمرزش و رحمتت قرار ده، اى مهربان‏ترين مهربانان، و همچنين اى آقا

نَفْسَكَ يا سَيِّدى‏ بِاللُّطْفِ، بَلى‏ انَّكَ لَطيفٌ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و سرورم خودت را به محبّت نسبت داده‏اى، آرى تو براستى با محبّتى، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود

مُحَمَّدٍ، وَالْطُفْ بى‏ لِما تَشآءُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

فرست، و در آنچه مى‏خواهى به من محبّت كن، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَارْزُقْنِى الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ فى‏ عامِنا هذا، وَ تَطَوَّلْ عَلَىَّ بِجَميعِ حَوآئِجى‏

و حجّ و عمره را در اين سال روزيم گردان، و با برآوردن همه حاجتهاى دنيوى‏

لِلْأخِرَةِ وَالدُّنْيا\* سپس سه مرتبه مى‏گويى: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّى‏ وَاتُوبُ الَيْهِ، انَ‏

و اخرويم بر من منّت گذار،\*\*\*\*\*\*\* از خدايى كه پروردگار من است طلب آمرزش كرده و به سوى او توبه مى‏كنم، كه‏

رَبِّى‏ قَريبٌ مُجيبٌ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّى‏ وَاتُوبُ الَيْهِ، انَّ رَبّى‏ رَحيمٌ وَدُودٌ،

پروردگار من نزديك و اجابت كننده است، از خدايى كه پروردگار من است طلب آمرزش كرده و به سوى او توبه مى‏كنم، كه پروردگارم مهربان و با محبّت است،

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّى‏ وَاتُوبُ الَيْهِ، انَّهُ كانَ غَفَّاراً، اللهُمَّ اغْفِرْ لى‏ انَّكَ ارْحَمُ‏

از خدايى كه پرورگار من است طلب آمرزش كرده و به سوى او توبه مى‏كنم، كه او بسيار آمرزنده است، خدايا مرا بيامرز كه تو مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، رَبِّ انّى‏ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسى‏، فَاغْفِرْ لى‏، انَّهُ لا يَغْفِرُ

مهربانانى، پروردگارا من بد كرده و به خود ستم نمودم، پس مرا بيامرز كه براستى كسى‏

الذُّنُوبَ الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، الْحَليمُ‏

جز تو گناهان را نيامرزد، طلب آمرزش مى‏كنم از خدايى كه معبودى جز او زنده و پاينده نيست، او شكيبا،

الْعَظيمُ الْكَريمُ، الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظيمِ، وَاتُوبُ الَيْهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ انَّ اللَّهَ‏

بزرگ، بزرگوار، آمرزنده گناه بزرگ است و به سوى او توبه مى‏كنم، از خدا طلب آمرزش مى‏كنم كه خدا

كانَ غَفُوراً رَحيماً.

آمرزنده و مهربان است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 750

پس از آن، اين دعا را مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ إنّى‏ اسْئَلُكَ انْ تُصلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ فيما

خدايا از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و در آنچه‏

تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظيمِ الْمَحْتُومِ فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذى‏

حكم كرده و مقدّر فرمودى از فرمان بزرگ حتمى در شب قدر، از حكمى كه‏

لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، انْ تَكْتُبَنى‏ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ‏الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

تغيير و تبديلى در آن نيست كه نام مرا در ميان حجّاج خانه‏ات ثبت كنى، حجّاجى كه حجّشان پذيرفته‏

الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَانْ تَجْعَلَ‏

و تلاششان مورد سپاس و گناهانشان آمرزيده و بديهايشان بخشيده شده است، و در آنچه‏

فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ، انْ تُطيلَ عُمْرى‏، وَتُوَسِّعَ فى‏ رِزْقى‏، وَتُؤَدِّىَ عَنّى‏

حكم كرده و مقدّر مى‏كنى عمرم را طولانى و روزيم را وسيع و امانت و قرضم را

امانَتى‏ وَدَيْنى‏، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ، اللهُمَّ اجْعَلْ لى‏ مِنْ امْرى‏ فَرَجاً

ادا شده قرار دهى، دعايم را مستجاب كن اى پروردگار جهانيان، خدايا در كارم گشايش‏

وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنى‏ مِنْ حَيْثُ احْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا احْتَسِبُ،

و محل خروجى قرار ده و از جايى كه مى‏پندارم و نمى‏پندارم روزيم ده،

وَاحْرُسْنى‏ مِنْ حَيْثُ احْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لا احْتَرِسُ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و از جايى كه خود را حفظ مى‏كنم و جايى كه حفظ نمى‏كنم مرا حفظ كن، و بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ كَثيراً.[[986]](#footnote-986)

و خاندان پاكش درود و سلام فراوان فرست.

2- در هر روز از ماه رمضان اين تسبيحات را كه از امام صادق عليه السلام نقل شده است بخواند. اين تسبيحات ده بخش است و هر بخش از آن مشتمل بر ده تسبيح است:

\* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ‏

منزّه است خدا آفريننده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت ده، منزّه است خدا آفريننده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 751

الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ‏

همه موجودات جُفت، منزّه است خدا مقرّر كننده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده‏

الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏

دانه و هسته منزّه است خدا آفريننده هر چيز، منزّه است خدا آفريننده آنچه ديده شود

وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و آنچه ديده نشود، منزّه است خدا به مقدار كلمات نامنتهايش، منزّه است خدا پروردگار جهانيان،

سُبْحانَ اللَّهِ السَّميعِ الَّذى‏ لَيْسَ شَىْ‏ءٌ اسْمَعَ مِنْهُ، يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ‏

منزّه است خداى شنوايى كه چيزى شنواتر از او نيست، مى‏شنود از بالاى عرش خود

ما تَحْتَ سَبْعِ ارَضينَ، وَيَسْمَعُ ما فى‏ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَيَسْمَعُ‏

آنچه را در زير هفت زمين است و مى‏شنود آنچه را در تاريكيهاى بيابان و درياست و مى‏شنود

الْأَنينَ وَالشَّكْوى‏، وَيَسْمَعُ السِّرَّ وَاخْفى‏، وَيَسْمَعُ وَساوِسَ الصُّدُورِ، وَلا

ناله و شكايت را و مى‏شنود پنهان و پنهان‏تر از پنهان را و مى‏شنود وسوسه‏هاى سينه‏ها را

يُصِمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ\* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

و كر نكند شنواييش را صدايى\* منزّه است خدا آفريننده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت‏بخش،

سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ،

منزّه است خدا آفريننده همه موجودات جُفت، منزّه است خدا مقرر دارنده تاريكيها و روشنى،

سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ‏

منزّه است خدا شكافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفريننده هر چيز، منزّه است‏

اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏ وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ‏

خدا آفريننده آنچه ديده شود و آنچه ديده نشود، منزّه است خدا به مقدار كلمات نامنتهايش، منزّه است خدا

رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ اللَّهِ الْبَصيرِ الَّذى‏ لَيْسَ شَىْ‏ءٌ ابْصَرَ مِنْهُ، يُبْصِرُ مِنْ‏

پروردگار جهانيان، منزّه است خداى بينايى كه چيزى بيناتر از او نيست مى‏بيند از

فَوْقِ عَرْشِهِ ما تَحْتَ سَبْعِ ارَضينَ، وَيُبْصِرُ ما فى‏ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ،

بالاى عرش خود آنچه در زير هفت زمين است و مى‏بيند آنچه را در تاريكيهاى خشكى و درياست‏

لا تُدْرِكُهُ الْأبْصارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصارَ، وَهُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ، لا تُغْشى‏

ديدگان او را درك نكند ولى او درك كند ديدگان را و اوست دقيق و كاردان ديده‏اش را

كليات مفاتيح نوين، ص: 752

بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ، وَلا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بِسِتْرٍ، وَلا يُوارى‏ مِنْهُ جِدارٌ، وَلا يَغيبُ‏

تاريكى نپوشاند و بوسيله پرده چيزى از او مستور نماند و ديوار چيزى را از او پنهان نكند و ناديده نماند

عَنْهُ بَرٌّ وَلا بَحْرٌ، وَلا يَكِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ ما فى‏ اصْلِهِ، وَلا قَلْبٌ ما فيهِ، وَلا

از ديد او هيچ خشكى و نه دريايى و هيچ كوهى نتواند مخفى كند از او آنچه را در ريشه و در زير خود دارد و نه دلى آنچه را در خود دارد و نه‏

جَنْبٌ ما فى‏ قَلْبِهِ، وَلا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغيرٌ وَلا كَبيرٌ، وَلا يَسْتَخْفى‏ مِنْهُ‏

پهلويى آنچه را در دل دارد و نتواند بپوشاند خود را از او كوچكى و نه بزرگى، و پنهانى نتواند جست از او

صَغيرٌ لِصِغَرِهِ، وَلا يَخْفى‏ عَلَيْهِ شَىْ‏ءٌ فِى الْأَرْضِ وَلا فِى السَّمآءِ، هُوَ

كوچكى بخاطر خرديش و مخفى نماند بر اوچيزى در زمين و نه در آسمان اوست‏

الَّذى‏ يُصَوِّرُكُمْ فِى الْأَرْحامِ كَيْفَ يَشآءُ، لا الهَ الَّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ\*

كه صورت بندد شما را در رحمها هر طور كه خواهد معبودى جز او نيست كه نيرومند و فرزانه است\*

سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ‏

منزّه است خدا پديدآرنده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت بخش، منزّه است خدا آفريننده‏

الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ‏

همه موجودات جفت، منزّه است خدا مقرّر كننده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده‏

الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏

دانه و هسته، منزّه است خدا آفريننده هر چيز، منزّه است خدا آفريننده آنچه ديدنى‏

وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و آنچه ناديدنى است، منزّه است خدا به مقدار كلمات نامنتهايش، منزّه است خدا پروردگار جهانيان،

سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ يُنْشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ، وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ،

منزّه است خدايى كه بوجود آورد ابرهاى سنگين را و تسبيح گويد رعد به حمد او

وَالْمَلائِكَةُ مِنْ خيفَتِهِ، وَيُرْسِلُ الصَّواعِقَ فَيُصيبُ بِها مَنْ يَشآءُ، وَيُرْسِلُ‏

و فرشتگان از بيم او و بفرستد صاعقه‏ها را و دچار سازد بدان هر كه را خواهد و

الرِّياحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ، وَيُنَزِّلُ الْمآءَ مِنَ السَّمآءِ بِكَلِمَتِهِ، وَيُنْبِتُ‏

بادها را نويدى از پيشاپيش رحمت خود فرستد و آب باران را از آسمان بوسيله امر خود فرو فرستد

النَّباتَ بِقُدْرَتِهِ، وَيَسْقُطُ الْوَرَقُ بِعِلْمِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ لا يَعْزُبُ عَنْهُ‏

و گياه را به قدرت كامله خويش بروياند و برگ درختان را به‏علم خود فروريزد منزّه است خدايى كه پنهان نماند از او

كليات مفاتيح نوين، ص: 753

مِثْقالُ ذَرَّةٍ فِى الْأَرْضِ وَلا فِى السَّمآءِ، وَلا اصْغَرُ مِنْ ذلِكَ، وَلا اكْبَرُ الَّا

هموزن ذره‏اى در زمين و نه در آسمان و نه كوچكتر از آن و نه بزرگتر جز آن‏كه‏

فى‏ كِتابٍ مُبينٍ\* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

در دفترى روشن است\* منزّه است خدا پديد آرنده‏هر دم زنى، منزّه است خداى صورت بخش،

سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ،

منزّه است خدا آفريننده همه موجودات جفت، منزّه است خدا مقرر دارنده تاريكيها و روشنى،

سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ‏

منزّه است خدا شكافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفريننده هر چيز، منزّه است‏

اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏ وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ‏

خدا آفريننده هر چه ديدنى است و هر چه ناديدنى است، منزّه است خدا به مقدار كلمات نامنتهايش، منزّه است خدا

رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ يَعْلَمُ ما تَحْمِلُ كُلُّ انْثى‏، وَما تَغيْضُ‏

پروردگار جهانيان، منزّه است خدايى كه مى‏داند آنچه بار دارد هر حيوان ماده‏اى و آنچه در

الْأَرْحامُ وَما تَزْدادُ، وَكُلُّ شَىْ‏ءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ، عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ،

رحمها كم شود و آنچه بيفزايد و هر چيزى را نزد او اندازه‏اى است داناى غيب و شهود

الْكَبِيرُ الْمُتَعالُ، سَوآءٌ مِنْكُمْ مَنْ اسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ

و بزرگ و والاست براى او يكسان است هر كه از شما سخن آهسته كند يا بلند كند و هر كه به‏

مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسارِبٌ بِالنَّهارِ، لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ،

شب پنهان گردد و يا رهرو شود در روز براى خدا فرشتگانى پياپى است از جلوى روى انسان و از پشت سرش‏

يَحْفَظُونَهُ مِنْ امْرِ اللَّهِ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ يُميتُ الْأَحْيآءَ وَيُحْيِى الْمَوْتى‏،

كه او را به فرمان خدا محافظت كنند منزّه است خدايى كه بميراند زندگان را و زنده كند مردگان را

وَيَعْلَمُ ما تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَيُقِرُّ فِى الْأَرْحامِ ما يَشآءُ الى‏ اجَلٍ‏

و مى‏داند آنچه را زمين از ايشان بكاهد و مستقر كند در رحمها آنچه را خواهد تا

مُسَمّىً\* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ‏

مدتى معين\* منزّه است خدا پديد آرنده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت بخش، منزّه است خدا

خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ‏

آفريننده موجودات جفت همگى، منزّه است خدا مقرّر دارنده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 754

فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما

شكافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفريننده هر چيزى، منزّه است خدا آفريننده هر چه‏

يُرى‏ وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

ديدنى است و هر چه ناديدنى است، منزّه است خدا به مقدار كلماتش، منزّه است خداپروردگار جهانيان،

سُبْحانَ اللَّهِ مالِكِ الْمُلْكِ، تُؤْتِى الْمُلْكَ مَنْ تَشآءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ‏

منزّه است خدا مالك پادشاهى، بدهى سلطنت را به هر كه خواهى و بگيرى آن را از

تَشآءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشآءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشآءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ

هركه خواهى و عزت بخشى هر كه را خواهى و خوار كنى هر كه را خواهى هر چه خيراست بدست توست و تو بر هر چيز

قَديرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِى النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيْلِ، تُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ‏

توانايى درآورى شب را در روز و درآورى روز را در شب بيرون آورى زنده را

الْمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَيْرِ حِسابٍ\*

از مرده و برون آورى مرده را از زنده و روزى دهى هر كه را خواهى بى‏حساب\*

سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ‏

منزّه است خدا آفريننده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت‏بخش، منزّه است خدا آفريننده‏

الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ‏

موجودات جفت همگى، منزّه است خدا مقرر كننده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده‏

الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏

دانه و هسته، منزّه است خدا آفريننده هر چيز، منزّه است خدا آفريننده هر ديدنى‏

وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و ناديدنى، منزّه است خدا به مقدار كلمات نامنتهايش، منزّه است خدا پروردگار جهانيان،

سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها الَّا هُوَ، وَيَعْلَمُ ما فِى الْبَرِّ

منزّه است خدايى كه نزد اوست كليدهاى غيب و نمى‏داند آنها را جز او و مى‏داند هر چه در خشكى‏

وَالْبَحْرِ، وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ الَّا يَعْلَمُها، وَلا حَبَّةٍ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ،

و درياست و نيفتد برگى از درخت جز آن‏كه بداند آن را و نيست دانه‏اى در تاريكيهاى زمين‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص754**

وَلا رَطْبٍ وَلا يابِسٍ الَّا فى‏ كِتابٍ مُبينٍ\* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ،

و نه تر و نه خشكى جز اين‏كه در نامه‏اى روشن است\* منزّه است خدا پديد آرنده هر دم زنى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 755

سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ‏

منزّه است خداى صورت بخش، منزّه است خدا آفريننده هر موجود جفت همگى، منزّه است خدا

جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ‏

مقرّر دارنده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده دانه و هسته، منزّه است خدا

خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏ وَما لايُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ‏

آفريننده هر چيز، منزّه است خدا آفريننده هر ديدنى و هر ناديدنى، منزّه است خدا

مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ لا يُحْصى‏

به مقدار كلمات نامتناهيش، منزّه است خدا پروردگار جهانيان، منزّه است خدايى كه شماره نتوانند كرد

مِدْحَتَهُ الْقآئِلُونَ، وَلا يَجْزى‏ بالائِهِ الشَّاكِرُونَ الْعابِدُونَ، وَهُوَ كَما قالَ‏

مدحش را گويندگان و پاداش ندهند نعمتهايش را سپاسگزاران پرستش كننده و او چنان است كه گفته‏

وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقائلُونَ، وَاللَّهُ سُبْحانَهُ كَما اثْنى‏ عَلى‏ نَفْسِهِ، وَلا

و برتر از آن است كه گويندگان گويند و خداى سبحان چنان است كه خودش خويشتن را ستوده‏

يُحيطُونَ بِشَىْ‏ءٍ مِنْ عِلْمِهِ الَّا بِما شآءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ، و

رسايى ندارند به چيزى از دانشش جز بدانچه خود او خواهد قلمرو او آسمانهاو زمين را فراگرفته‏

وَلا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِىُّ الْعَظيمُ\* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ‏

و سنگينى نمى‏كند بر او نگهداشتن آن دو و او والا و بزرگ است\* منزّه است خدا پديدآرنده هر دم زنى منزّه است‏

اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ‏

خداى صورت بخش، منزّه است خدا آفريننده هر جفت همگى، منزّه است خدا مقرّر دارنده‏

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ‏

تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفريننده‏

كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏ وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ

هر چيز، منزّه است خدا آفريننده هر ديدنى و هرناديدنى، منزّه است خدا به مقدار

كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ يَعْلَمُ ما يَلِجُ فِى‏

كلماتش منزّه است خدا پروردگار جهانيان، منزّه است آن خدايى كه مى‏داند آنچه فرو رود در

الْأَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها، وَما يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما يَعْرُجُ فيها، وَلا

زمين و آنچه بيرون آيد از آن و آنچه‏فرو ريزد از آسمان و آنچه بالا رود در آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 756

يَشْغَلُهُ ما يَلِجُ فِى الْأَرْضِ وَمايَخْرُجُ مِنْها، عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما

و سرگرمش نكند آنچه فرو رود در زمين و آنچه بيرون آيد از آن از آنچه فرود آيد از آسمان و آنچه‏

يَعْرُجُ فيها، وَلا يَشْغَلُهُ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما يَعْرُجُ فيها، عَمَّا يَلِجُ فِى‏

بالا رود در آن و سرگرمش نكند آنچه فرود آيد از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه فرو رود در

الْأَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها، وَلا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَىْ‏ءٍ عَنْ عِلْمِ شَىْ‏ءٍ، وَلا

زمين و آنچه بيرون آيد از آن‏و سرگرمش نكند علم به چيزى از علم به چيز ديگر

يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَىْ‏ءٍ عَنْ خَلْقِ شَىْ‏ءٍ، وَلا حِفْظُ شَىْ‏ءٍ عَنْ حِفْظِ شَىْ‏ءٍ، وَلا

و سرگرمش نكند آفريدن چيزى از آفريدن چيز ديگر و نه نگهدارى چيزى از نگهدارى چيز ديگر و چيزى‏

يُساويهِ شَىْ‏ءٌ، وَلا يَعْدِلُهُ شَىْ‏ءٌ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ‏ءٌ، وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ\*

با او مساوى نيست و چيزى معادل او نيست و چيزى مانند او نيست و او شنوا و بينا است\*

سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ‏

منزّه است خدا پديد آرنده هر دم زنى، منزّه است خداى صورت بخش، منزّه است خدا آفريننده‏

الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ‏

هر موجود جفت، منزّه است خدا مقرّر دارنده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده‏

الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏

دانه و هسته، منزّه است خدا آفريننده هر چيز، منزّه است خدا آفريننده هر ديدنى‏

وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و هر ناديدنى، منزّه است خدا به مقدار كلمات نامتناهيش، منزّه است خدا پروردگار جهانيان،

سُبْحانَ اللَّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، جاعِلِ الْمَلائِكَةِ رُسُلًا اولى‏

منزّه است خدا خالق آسمانها و زمين آن‏كه فرشتگان را فرستادگانى مقرر فرمود كه آنها داراى‏

اجْنِحَةٍ، مَثْنى‏ وَثُلاثَ وَرُباعَ، يَزيدُ فِى الْخَلْقِ ما يَشآءُ، انَّ اللَّهَ عَلى‏ كُلِ‏

بالهايند دوتا دوتا و سه‏تا سه‏تا و چهارتا چهارتا و بيفزايد در خلقت هر چه بخواهد و براستى خدابر هر

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، ما يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلا مُمْسِكَ لَها، وَما يُمْسِكْ فَلا

چيز توانا است هر رحمتى را كه خدا گشايد كسى بستن آن نتواند و هر چه را خدا بندد پس‏

مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ\* سُبْحانَ اللَّهِ بارِئِ النَّسَمِ،

از او كسى آن را نگشايد و او است نيرومند فرزانه\* منزّه است خدا آفريننده هر دم زنى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 757

سُبْحانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللَّهِ‏

منزّه است خداى صورت بخش، منزّه است خدا آفريننده هر موجود جفت همگى، منزّه است خدا

جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللَّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى‏، سُبْحانَ اللَّهِ‏

مقرر دارنده تاريكيها و روشنى، منزّه است خدا شكافنده دانه و هسته، منزّه است خدا

خالِقِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، سُبْحانَ اللَّهِ خالِقِ ما يُرى‏ وَما لا يُرى‏، سُبْحانَ اللَّهِ‏

آفريننده هر چيز، منزّه است خدا آفريننده ديدنيها وناديدنيها، منزّه است خدا

مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ اللَّهِ الَّذى‏ يَعْلَمُ ما فِى‏

به مقدار كلمات نامنتهايش، منزّه است خدا پروردگار جهانيان، منزّه است خدايى كه مى‏داند آنچه را در

السَّماواتِ وَما فِى الْأَرْضِ، ما يَكوُنُ مِنْ نَجْوى‏ ثَلاثَةٍ الَّا هُوَ رابِعُهُمْ،

آسمانها و آنچه را در زمين است، نباشد گفتگوى سرّى و رازگويى سه نفرى جز اين‏كه او چهارمين آنهاست‏

وَلا خَمْسَةٍ الَّا هُوَ سادِسُهُمْ، وَلا ادْنى‏ مِنْ ذلِكَ وَلا اكْثَرَ الَّا هُوَ مَعَهُمْ‏

و نه پنج نفرى جز اين‏كه او ششمين آنهاست و نه كمتر از اين و نه بيشتر از اين جز اين‏كه او با آنهاست‏

ايْنَما كانُوا، ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيامَةِ، انَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عَليمٌ.[[987]](#footnote-987)

هر كجا كه باشند سپس آگاهشان كند در روز قيامت بدانچه كرده‏اند براستى خدا بهر چيز داناست.

\*\*\*

3- در هر روز از ماه مبارك رمضان، اين صلوات خوانده شود كه بسيار پرمحتوا و پرارزش است:

انَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ، يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ‏

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پيامبر اى كسانى‏كه ايمان آورده‏ايد شما هم درود فرستيد بر او

وَسَلِّمُوا تَسْليماً، لَبَّيْكَ يا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ وَسُبْحانَكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و سلام كنيد سلام كامل، پروردگارا من هم دستورت را اجابت كردم و پى‏درپى از تو سعادت مى‏خواهم و منزّهى تو خدايا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ‏

محمّد و آل محمّد و بركت ده بر محمّدو آل محمّد چنانچه درود فرستادى و بركت دادى‏

عَلى‏ ابْراهيمَ وَآلِ ابْراهيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ‏

بر ابراهيم و آل ابراهيم براستى تو ستوده و بزرگوارى خدايا مهرورز بر محمّد و آل‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 758

مُحَمَّدٍ، كَما رَحِمْتَ ابْراهيمَ وآلَ ابْراهيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ‏

محمّد چنانچه مهر ورزيدى بر ابراهيم و آل ابراهيم براستى تو ستوده و بزرگوارى خدايا تحيت و سلام فرست‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَما سَلَّمْتَ عَلى‏ نُوحٍ فِى الْعالَمينَ، [اللَّهُمَّ امْنُنْ‏

بر محمّد و آل محمّد چنانچه تحيت فرستادى بر حضرت نوح در ميان جهانيان خدايا نعمت بخش‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَما مَنَنْتَ عَلى‏مُوسى‏ وَهرُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏

بر محمّد و آل محمّد چنانچه نعمت بخشيدى بر موسى و هارون خدايا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَما شَرَّفْتَنا بِهِ‏][[988]](#footnote-988)، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

محمّد و آل‏محمّد چنانچه ما را بدو شرافت دادى خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد

كَما هَدَيْتَنا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً

چنانچه ما را بدو راهنمايى كردى خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و به مقام ستوده‏اى برانگيزانش‏

يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْأخِرُونَ، عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَلَعَتْ‏

كه اوّلين و آخرين بر او غبطه خورند، بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان كه‏

شَمْسٌ اوْ غَرَبَتْ، عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَتْ عَيْنٌ اوْ بَرَقَتْ،

برآيد خورشيد يا غروب كند بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان كه پلك چشمى بهم خورد يابرقى زند،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ، عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما

بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان كه ذكر سلامى شود، بر محمّد و آلش سلام باد هر

سَبَّحَ اللَّهَ مَلَكٌ اوْ قَدَّسَهُ، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِى الْأَوَّلينَ، وَالسَّلامُ‏

زمان كه تسبيح خدا كند فرشته‏اى يا تقديسش كند سلام بر محمّد و آلش در ميان اوّلين و سلام‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِى الْأخِرينَ، وَالسَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِى الدُّنْيا

بر محمّد و آلش در آخرين و سلام برمحمّد و آلش در دنيا

وَالأخِرَةِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ، وَرَبَّ الْحِلِ‏

و آخرت خدايا اى پروردگار شهر محترم مكه و پروردگار ركن و مقام و پروردگار حل‏

وَالْحَرامِ، ابْلِغْ مُحَمَّداً نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلامَ، اللهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهآءِ

و حرم از ما به محمّد پيامبرت سلام برسان خدايا عطا كن به محمّد از جلوه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 759

وَالنَّضْرَةِ، وَالسُّرُورِ وَالْكَرامَةِ، وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسيلَةِ، وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقامِ،

و درخشندگى و شادى و بزرگوارى و خوش حالى و وسيله و منزلت و مقام‏

وَالشَّرَفِ وَالرِّفْعَةِ، وَالشَّفاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ، افْضَلَ ما تُعْطى‏ احَداً

و شرافت و بلندى مقام و شفاعت نزد تو در روز رستاخيز بهترين چيزى را كه عطا كنى به يكى‏

مِنْ خَلْقِكَ، وَاعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ ما تُعْطِى الْخَلائِقَ مِنَ‏الْخَيْرِ، اضْعافاً

از خلق خود و عطا كن به محمّد بالاترين خيرى را كه به خلايق عطا مى‏كنى به چندين برابر

كَثيرَةً لا يُحْصيها غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اطْيَبَ‏

كه شماره‏اش نتواند كسى جز تو خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد پاكترين‏

وَاطْهَرَ، وَازْكى‏ وَانْمى‏، وَافْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ احَدٍ مِنَ الْأَوَّلينَ‏

و پاكيزه‏ترين و نيكوترين و فزاينده‏ترين و بهترين درودى كه بر يكى از اوّلين‏

وَالْأخِرينَ، وَعَلى‏ احَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏

و آخرين و بطور كلى بر يكى از خلق خود فرستى اى مهربانترين مهربانان خدايا درود فرست بر

عَلىٍّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ‏

على اميرمؤمنان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن عذابت‏

عَلى‏ مَنْ شَرِكَ فى‏ دَمِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ‏

را بر آن‏كس كه در ريختن خونش شركت كرد خدايا درود فرست بر فاطمه دختر پيامبرت محمّد بر او

وَآلِهِ السَّلامُ، وَالْعَنْ مَنْ آذى‏ نَبِيَّكَ فيها، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ‏

و آلش سلام باد و لعنت كن كسى كه پيامبرت را در مورد دخترش آزرده كرد خدايا درود فرست بر حسن‏

وَالْحُسَيْنِ امامَىِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُما، وَعادِ مَنْ عاداهُما،

و حسين دو پيشواى مسلمانان و دوست بدار هر كه دوستشان دارد و دشمن دار هر كه دشمنشان دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ شَرِكَ فى‏ دِمائِهِما، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ‏

و دو چندان كن عذابت را برهركس كه در ريختن خونشان شركت كرد خدايا درود فرست بر على بن‏

الْحُسَيْنِ امامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ‏

الحسين پيشواى مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش داردو دو چندان كن‏

الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ امامِ‏

عذابت را بر هر كه به او ستم كرد خدايا درود فرست بر محمّد بن على پيشواى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 760

الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ‏

مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن عذابت را بر هر كه‏

ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ‏

بدو ستم كرد خدايا درود فرست بر جعفر بن محمّد پيشواى مسلمانان و دوست دار هر كه‏

والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِ‏

دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن عذابت را بر هر كه به او ستم كرد خدايا درود فرست‏

عَلى‏ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ امامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

بر موسى بن جعفر پيشواى مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ شَرِكَ فى‏ دَمِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ‏

و دو چندان كن عذابت را بر هر كس كه در ريختن خونش شركت كرد خدايا درود فرست بر على بن‏

مُوسى‏ امامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ‏

موسى پيشواى مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن‏

الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ شَرِكَ فى‏ دَمِهِ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ امامِ‏

عذابت را بر هر كس كه در ريختن خونش شركت كرد خدايا درود فرست بر محمّد بن على پيشواى‏

الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ‏

مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن عذابت را بر هر كس‏

ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ،

كه بدو ستم كرد خدايا درود فرست بر على بن محمّد پيشواى مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد

وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى‏

و دشمن دار هر كه دشمنش دارد و دو چندان كن عذابت را بر هر كس كه بدو ستم كرد خدايا درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ امامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

حسن بن على پيشواى مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش دارد و دشمن دار هر كه دشمنش دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى‏ مَنْ ظَلَمَهُ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ امامِ‏

و دو چندان كن عذابت را بر هر كس كه بدو ستم كرده خدايا درود فرست بر يادگار پس از او پيشواى‏

الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، [وَعَجِّلْ فَرَجَهُ‏][[989]](#footnote-989)، اللهُمَ‏

مسلمانان و دوست دار هر كه دوستش داردو دشمن دار هر كه دشمنش دارد و در فرجش شتاب فرما خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 761

صَلِّ عَلَى الْقاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَىْ نَبِيِّكَ، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقَيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

درود فرست بر قاسم و طاهر پسران پيامبرت خدايا درود فرست بر رقيه دختر پيامبرت‏

وَ الْعَنْ مَنْ آذى‏ نَبِيَّكَ فيها، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى امِّ كُلْثُومَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَالْعَنْ‏

و لعنت كن بر آن كس كه پيامبرت را در مورد اوآزرد خدايا درود فرست بر ام كلثوم دختر پيامبرت و لعنت كن‏

مَنْ آذى‏ نَبِيَّكَ فيها، اللهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ، اللهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فى‏

كسى را كه پيامبرت را در مورد او آزردخدايا درود فرست بر فرزندان پيغمبرت خدايا بجاى پيامبرت سرپرستى‏

اهْلِ بَيْتِهِ، اللهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِى الْأَرْضِ، اللهُمَّ اجْعَلْنا مِنْ عَدَدِهِمْ‏

خاندانش را به عهده گير خدايا پابرجا كن حكومتشان را در زمين خدايا ما را در زمره عدّه‏

وَمَدَدِهِمْ، وَانْصارِهِمْ عَلىَ الْحَقِّ فِى السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ، اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ‏

و كمك‏كاران و ياران آنها بر حق قرارمان ده چه در پنهانى و چه آشكارا خدايا بِسِتان انتقام‏

وَ وِتْرِهِمْ وَ دِمآئِهِمْ، وَ كُفَّ عَنَّا وَ عَنْهُمْ وَ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَاْسَ كُلِ‏

و قصاص و خونشان را و باز دار از ما و از ايشان و از هر مرد مؤمن و زن با ايمانى شر هر

باغٍ وَ طاغٍ، وَ كُلِّ دآبَّةٍ انْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، انَّكَ اشَدُّ بَاْساً وَ اشَدُّ تَنْكيلًا.[[990]](#footnote-990)

ستمگر و سركش و هر جانورى را كه مهارش بدست تو است زيرا تو در سخت‏گيرى از همه سخت‏تر ومجازات عقوبتت از همه شديدتر است.

«سيّد بن طاووس» فرموده: آنگاه مى‏گويى: يا عُدَّتى‏ فى‏ كُرْبَتى‏، وَ يا صاحِبى‏ فى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى ذخيره‏ام در حال غمزدگى و اى همدمم در

شِدَّتى‏، وَيا وَلِيّى‏ فى‏ نِعْمَتى‏، وَ يا غايَتى‏ فى‏ رَغْبَتى‏، انْتَ السَّاتِرُ

سختى و اى سرپرستم در نعمت و اى منتهاى شوق و رغبت من تويى پوشاننده‏

عَوْرَتى‏، وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتى‏، وَ الْمُقيلُ عَثْرَتى‏، فَاغْفِرْ لى‏ خَطيئَتى‏، يا

زشتيم و امان‏بخش ترس و بيمم و ناديده‏گير لغزشم بيامرز خطاى مرا اى‏

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ\* و مى‏گويى: اللهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ،

مهربانترين مهربانان\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا تو را بخوانم در مورد اندوهى كه برطرفش نكند كسى جز تو

وَلِرَحْمَةٍ لا تُنالُ الَّا بِكَ، وَلِكَرْبٍ لا يَكْشِفُهُ الَّا انْتَ، وَ لِرَغْبَةٍ لا تُبْلَغُ الّا

و در مورد رحمتى كه نرسد جز بوسيله تو و براى گرفتگى كه برطرفش نكند جز تو و در مورد شوقى كه بدان نتوان رسيد جز

كليات مفاتيح نوين، ص: 762

بِكَ، وَلِحاجَةٍ لا يَقْضيها الَّا انْتَ، اللهُمَّ فَكَما كانَ مِنْ شَاْنِكَ ما اذِنْتَ لى‏

به توفيق تو و در مورد حاجتى كه كسى آن را برنياورد جز تو خدايا هم‏چنانكه شأن تو بود كه به من اجازه فرمودى‏

بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِكَ، وَ رَحِمْتَنى‏ بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَاْنِكَ سَيِّدِى‏

از تو درخواست كنم و بوسيله يادآوريت به من مهر ورزيدى پس اى آقاى من از شأن تو بايد چنين باشد

الْإِجابَةُ لى‏ فيما دَعَوْتُكَ، وَ عَوآئِدُ الْإِفْضالِ فيما رَجَوْتُكَ، وَالنَّجاةُ

كه در آنچه تو را خواندم اجابتم فرمايى و در آنچه اميد به تو دارم عايدات فزون بخشى باشد و نجاتم دهى‏

مِمَّا فَزِعْتُ الَيْكَ فيهِ، فَانْ لَمْ اكُنْ اهْلًا انْ ابْلُغَ رَحْمَتَكَ، فَانَّ رَحْمَتَكَ‏

از آنچه درباره‏اش به تو پناه آوردم و اگر من شايستگى ندارم كه به رحمت و مهر تو برسم مسلّماً رحمت تو

اهْلٌ انْ تَبْلُغَنى‏ وَ تَسَعَنى‏، وَ انْ لَمْ اكُنْ لِلْإِجابَةِ اهْلًا فَانْتَ اهْلُ الْفَضْلِ،

شايسته است كه به من برسد و مرا فراگيرد و اگر من شايستگى اجابت دعا را ندارم ولى تو اهل فضلى‏

وَرَحْمَتُكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، فَلْتَسَعْنى‏ رَحْمَتُكَ، يا الهى‏ يا كَريمُ، اسْئَلُكَ‏

و رحمتت همه چيز را شامل گردد پس بايد مرا هم شامل شود اى خداى من اى خداى كريم از تو خواهم به‏

بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَيْتِهِ، وَ انْ تُفَرِّجَ‏

حق ذات بزرگوارت كه درود فرستى بر محمّد و خاندانش و اين‏كه اندوه دلم را بگشايى‏

هَمّى‏، وَ تَكْشِفَ كَرْبى‏ وَ غَمّى‏، وَ تَرْحَمَنى‏ بِرَحْمَتِكَ، وَ تَرْزُقَنى‏ مِنْ‏

و گرفتارى و غصه‏ام را برطرف كنى و به رحمت خود به من رحم كنى و از فضل خود روزيم گردانى‏

فَضْلِكَ، انَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، قَريبٌ مُجيبٌ.[[991]](#footnote-991)

كه براستى تو شنواى دعايى و نزديك و پاسخ دهنده هستى.

\*\*\*

4- همچنين در كتب معتبر آمده است در هر روز از ماه مبارك رمضان بخوان:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِافْضَلِهِ، وَكُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ، اللَّهُمَّ انّى‏

خدايا از تو خواهم از فضلت از برترين آن و همه‏فضل تو برتر است خدايا از

اسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّه، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاعَمِّهِ، وَكُلُّ رِزْقِكَ‏

تو خواهم به حق فضل تو همگى خدايا از تو خواهم ازروزيت از عمومى‏ترين آنها (كه شامل همه مى‏شود) گرچه تمام روزى تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 763

عآمٌّ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ عَطآئِكَ‏

عمومى است خدايا از تو خواهم به همه اقسام روزيت خدايا از تو خواهم از عطايت‏

بِاهْنَأِهِ، وَكُلُّ عَطآئِكَ هَنى‏ءٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعَطآئِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏

از گواراترين عطاها با اين‏كه همه انواع عطاى تو گواراست خدايا از تو خواهم به همه اقسام عطاى تو خدايا از

اسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاعْجَلِهِ، وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

تو خواهم از خير و نيكيت به زودرس‏ترين آنها در صورتى‏كه تمام نيكيهايت زودرس است خدايا از تو خواهم‏

بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ احْسانِكَ بِاحْسَنِهِ، وَكُلُّ احْسانِكَ‏

به همه انواع نيكيت خدايا از تو خواهم بهترين احسانت و همه احسان تو

حَسَنٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاحْسانِكَ كُلِّهِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِما تُجيبُنى‏

نيكوست خدايا از تو خواهم تمام انواع احسانت را خدايا از تو خواهم بدانچه اجابتم كنى‏

بِهِ حينَ اسْئَلُكَ، فَاجِبْنى‏ يا اللَّهُ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ‏

هنگامى كه از تو خواهم پس اجابتم كن اى خدا و درود فرست بر محمّد و آل او بنده‏

الْمُرْتَضى‏، وَرسُولِكَ الْمُصْطَفى‏، وَامينِكَ وَنَجِيِّكَ دُونَ خَلْقِكَ، وَنَجيبِكَ‏

پسنديده‏ات و فرستاده برگزيده‏ات و امين بر وحيت و محرم رازت از ميان خلق و نيك گوهرت‏

مِنْ عِبادِكَ، وَنَبِيِّكَ بِالصِّدْقِ وَحَبيبِكَ، وَصَلِّ عَلى‏ رَسُولِكَ، وَخِيَرَتِكَ‏

از بندگان تو و پيامبرت براستى و دوستت و دورد فرست بر رسول و برگزيده‏ات‏

مِنَ الْعالَمينَ، الْبَشيرِ النَّذيرِ، السِّراجِ الْمُنيرِ، وَعلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ‏

از جهانيان نويد دهنده و ترساننده آن چراغ تابناك و بر خاندان‏

الْأَبْرارِ الطَّاهِرينَ، وَعَلى‏ مَلائِكَتِكَ الَّذينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ،

نيكو و پاكيزه‏اش و بر فرشتگانت كه خالص گرداندى آنها را براى خويش و آنها را

وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ، وَعَلى‏ انْبِيآئِكَ‏الَّذينَ يُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصِّدْقِ،

از خلق خود مستور داشتى و بر پيامبرانت كه از تو براستى خبر دهند

وَعَلى‏ رُسُلِكَ الَّذينَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ‏

و بر رسولانت كه به وحى خويش مخصوصشان داشتى و بوسيله رسالتهاى خويش بر جهانيان‏

بِرِسالاتِكَ، وَعَلى‏ عِبادِكَ الصَّالِحينَ الَّذينَ ادْخَلْتَهُمْ فى‏ رَحْمَتِكَ،

برتريشان دادى و بر بندگان شايسته‏ات كه داخلشان كردى در رحمتت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 764

الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدينَ الرَّاشِدينَ، وَاوْلِيآئِكَ الْمُطَهَّرينَ، وَعَلى‏ جَبْرَئيلَ‏

آن پيشوايان راهنمايى شده و رهبر و دوستان پاكيزه‏ات و بر جبرئيل‏

وَميكآئيلَ وَاسْرافيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ، وَ مالِكٍ خازِنِ النَّارِ، وَ رِضْوانَ‏

و ميكائيل و اسرافيل و فرشته مرگ و بر «مالك» خزينه‏دار دوزخ و بر «رضوان»

خازِنِ الْجِنانِ، وَرُوحِ الْقُدُسِ، وَالرُّوحِ الْأَمينِ، وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ‏

خزينه‏دار بهشت و روح‏القدس و روح‏الامين و حاملين مقرّب عرش تو

الْمُقَرَّبينَ، وَعَلى الْمَلَكَيْنِ الْحافِظَيْنِ عَلَىَّ بِالصَّلاةِ، الَّتى‏ تُحِبُّ انْ يُصَلِّىَ‏

و بر دو فرشته نگهبان من درودى كه دوست دارى كه درود فرستند

بِها عَلَيْهِمْ اهْلُ السَّماواتِ وَاهْلُ الْأَرَضينَ، صَلاةً طَيِّبَةً كَثيرةً، مُبارَكَةً

بدان آسمانيان و زمينيان بر ايشان درودى پاك و بسيار و مبارك‏

زاكِيَةً نامِيَةً، ظاهِرَةً باطِنَةً، شَريفَةً فاضِلَةً، تُبَيِّنُ بِها فَضْلَهُمْ عَلَى‏

و پاكيزه و فزاينده و آشكار و پنهان و شريف و برترى كه آشكار سازى بدان درود برترى ايشان را

الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، اللهُمَّ وَاعْطِ مُحَمَّداً الْوَسيلَةَ، وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ،

بر اوّلين و آخرين خدايا و عطا كن به محمّد وسيله و شرف و فضيلت را

وَاجْزِهِ خَيْرَ ما جَزَيْتَ نَبِيّاً عَنْ امَّتِهِ، اللهُمَّ وَاعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏

و پاداشش بده به بهتر چيزى كه پاداش دهى پيمبرى را از امتش خدايا و عطا كن به محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَآلِهِ، مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً، وَمَعَ كُلِّ وَسيلَةٍ وَسيلَةً، وَمَعَ كُلِّ فَضيلَةٍ فَضيلَةً،

با هر مقام و رتبه‏اى مقام و رتبه‏اى ديگر و با هر وسيله‏اى وسيله‏اى ديگر و با هر فضيلتى فضيلتى ديگر

وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً، تُعْطى‏ مُحَمَّداً وَ الَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، افْضَلَ ما اعْطَيْتَ‏

و با هر شرافتى شرافتى ديگر بدهى به محمّد و آلش در روز قيامت بهترين چيزى كه عطا كنى‏

احَداً مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، اللهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏

به احدى از اوّلين و آخرين خدايا و قرار ده محمّد صلى اللَّه عليه‏

وَآلِهِ، ادْنَى الْمُرْسَلينَ مِنْكَ مَجْلِساً، وَافْسَحَهُمْ فِى الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلًا،

و آله را نزديكترين رسولان بخود در مجلس و منزلش را در بهشت وسيع‏ترين منازل در پيش خود گردان‏

وَاقْرَبَهُمْ الَيْكَ وَسيلَةً، وَاجْعَلْهُ اوَّلَ شافِعٍ، وَ اوَّلَ مُشَفَّعٍ، وَ اوَّلَ‏

و نزديكترين افراد از نظر وسيله در نزد خود و قرارش ده نخستين شفيع و هم نخستين كسى كه شفاعتش پذيرفته است و نخستين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 765

قآئِلٍ، وَانْجَحَ سائِلٍ، وَابْعَثْهُ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذى‏ يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ‏

گوينده و حاجت‏رواترين خواهنده و برانگيزش به مقامى شايسته كه غبطه برند به او اوّلين‏

وَالْأخِرُونَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَاسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

و آخرين اى مهربانترين مهربانان و از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد و آل‏

مُحَمَّدٍ، وَانْ تَسْمَعَ صَوْتى‏، وَتُجيبَ دَعْوَتى‏، وَ تَجاوَزَ عَنْ خَطيئَتى‏،

محمّد و اين‏كه صدايم بشنوى و دعايم را اجابت كنى و از خطايم بگذرى‏

وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمى‏، وَتُنْجِحَ طَلِبَتى‏، وَتَقْضِىَ حاجَتى‏، وَتُنْجِزَ لى‏ ما

و از ستمم چشم‏پوشى كنى و حاجت روايم كنى و خواسته‏ام بدهى و بدانچه وعده‏ام‏

وَعَدْتَنى‏، وَتُقيلَ عَثْرَتى‏، [وَتَقْبَلَ مِنّى‏][[992]](#footnote-992) وَتَغْفِرَ ذُنُوبى‏، وَتَعْفُوَ عَنْ‏

كرده‏اى وفا كنى و لغزشم را ناديده گيرى و گناهم را بيامرزى و از

جُرْمى‏، وَ تَقَبَّلَ عَمَلى‏، وَ لا تُعْرِضَ عَنّى‏، وَ تَرْحَمَنى‏ وَ لا تُعَذِّبَنى‏،

جرمم بگذرى و عمل مرا بپذيرى و رو از من نگردانى و به من رحم كنى و عذابم نكنى‏

وَتُعافِيَنى‏ وَلاتَبْتَلِيَنى‏، وَتَرْزُقَنى‏ مِنَ الرِّزْقِ اطْيَبَهُ وَاوْسَعَهُ، وَلا تَحْرِمَنى‏

و تندرستم كنى و مبتلايم نسازى و روزيم ده از پاك‏ترين و فراخ‏ترين روزيها و محرومم نكنى‏

يا رَبِّ، وَاقْضِ عَنّى‏ دَيْنى‏، وَضَعْ عَنّى‏ وِزْرى‏، وَلا تُحَمِّلْنى‏ ما لا طاقَةَ

اى پروردگار و قرضم را ادا كنى و بار گناهم را از دوشم بردارى و بارى بر دوشم ننهى كه طاقتش را

لى‏ بِهِ يامَوْلاىَ، وَادْخِلْنى‏ فى‏ كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَ الَ مُحَمَّدٍ،

ندارم اى سرور من و داخل گردانى مرا در هر خيرى كه داخل كردى در آن محمّد و آل محمّد را

وَاخْرِجْنى‏ مِنْ كُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ‏

و بيرونم آورى از هر بدى (و شرى) كه برون آوردى از آن محمّد و آل محمّد را كه درودهاى تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ\*

بر او و بر ايشان باد همگى و سلام بر او و بر ايشان و رحمت خدا و بركاتش‏

آنگاه سه مرتبه بگو: اللهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏، فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏

\*\*\*\*\*\* خدايا تو را خوانم چنانكه دستورم دادى پس به اجابت رسان دعايم را چنانچه وعده‏ام فرمودى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 766

\* سپس بگو: اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ قَليلًا مِنْ كَثيرٍ، مَعَ حاجَةٍ بى‏ الَيْهِ عَظيمَةٍ،

\*\*\*\*\*\* خدايا از تو خواهم اندكى از بسيار با نياز بس بزرگى كه من بدان دارم‏

وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ، وَهُوَ عِنْدى‏ كَثيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ، فَامْنُنْ عَلَىَ‏

ولى تو از قديم بى‏نياز بدان بوده‏اى و آن حاجت پيش من بسيار ولى براى تو سهل و آسان است پس بر من بدان حاجت منّت نه‏

بِهِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[[993]](#footnote-993)

كه تو بر هر چيز توانايى اجابت كن اى پروردگار جهانيان.

\*\*\*

5- «شيخ مفيد» در كتاب «مقنعه» از راوى موثّق و جليل‏القدر علىّ بن مهزيار از حضرت امام محمّدتقى عليه السلام روايت كرده است كه مستحب است در هر وقت از شب و روز ماه رمضان، از اوّل ماه تا آخر آن، اين دعا را بخوانى:

يا ذَا الَّذى‏ كانَ قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، ثُمَّ يَبْقى‏ وَيَفْنى‏ كُلُ‏

اى كه بوده‏اى پيش از هر چيز و آفريد هر چيز را و سپس تنها او باقى ماند و هر چه هست‏

شَىْ‏ءٍ، يا ذَا الَّذى‏ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ‏ءٌ، وَيا ذَا الَّذى‏ لَيْسَ فِى السَّماواتِ‏

فانى شود اى كه نيست مانندش چيزى اى كه معبودى جز او در آسمانهاى‏

الْعُلى‏، وَلا فِى الْأَرَضينَ السُّفْلى‏، وَلا فَوْقَهُنَّ وَلا تَحْتَهُنَّ، وَلا بَيْنَهُنَّ الهٌ‏

بالا و نه در زمينهاى پايين و نه فوق آنها و نه زير آنها و نه در مابين آنها

يُعْبَدُ غَيْرُهُ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا يَقْوى‏ عَلى‏ احْصآئِهِ الَّا انْتَ، فَصَلِّ عَلى‏

نيست خاص توست ستايش آن ستايشى كه توانايى ندارد بر شماره‏اش كسى جز تو درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمِّدٍ، صَلاةً لا يَقْوى‏ عَلى‏ احْصآئِها الّا انْتَ.[[994]](#footnote-994)

محمّد و آل محمّد درودى كه توانايى نداشته باشد بر شماره‏اش كسى جز تو.

\*\*\*

6- «شيخ‏كفعمى» در «بلدالامين» و «مصباح» از كتاب «اختيار» «سيّد بن باقى» نقل كرده است كه هر كس بخواند اين دعا را در هر روز از ماه رمضان، خداوند متعال گناهان بسيارى‏را از او بيامرزد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 767

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، الَّذى‏ انْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ عَلى‏ عِبادِكَ‏

خدايا اى پروردگار ماه رمضانى كه فرود آوردى در آن قرآن را و واجب كردى بر بندگانت‏

فيهِ الصِّيامَ، وَارْزُقْنى‏ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ فى‏ هذَا الْعامِ وَفى‏ كُلِّ عامٍ،

در اين ماه روزه را و روزى من كن حج خانه محترمت (كعبه) را در اين سال و در هر سال‏

وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ، فَانَّهُ لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.[[995]](#footnote-995)

و بيامرز برايم گناهان بزرگ را كه براستى نيامرزد آنها را كسى جز تو اى صاحب جلالت و بزرگوارى.

\*\*\*

7- «شيخ مفيد» در «مقنعه» فرموده: و از مستحبات ماه رمضان صلوات فرستادن بر رسول خدا صلى الله عليه و آله است در هر روز صد مرتبه، و اگر زيادتر بفرستد فضيلت بيشترى دارد.[[996]](#footnote-996)

اعمال مخصوصِ شب‏ها يا روزهاى معيّنِ ماه مبارك رمضان:

در مورد اعمالى كه مخصوص شب‏ها يا روزهاى معيّنى از اين ماه شريف است، امورى ذكر شده است.

شب اوّل ماه: براى شب اوّل ماه چند عمل ذكر شده است:

1- به سراغ رؤيت هلال برود كه بعضى آن را واجب (كفايى) دانسته‏اند.

2- وقتى هلال را رؤيت كرد، طبق روايتى از امام صادق عليه السلام رو به قبله نمايد و دست‏ها را به آسمان بلند كند و خطاب به هلال كند و بگويد:

رَبّى‏ وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ، اللهُمَّ اهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ‏

پروردگار من و پروردگار تو خدا پروردگار جهانيان است خدايا اين ماه را بر ما نو كن با امنيّت‏

وَالْإِيمانِ، وَالسَّلامَةِ وَالْإِسْلامِ، وَالْمُسارَعَةِ الى‏ ما تُحِبُّ وَتَرْضى‏،

و ايمان و سلامتى و اسلام و پيشى گرفتن بدانچه تو دوست دارى و خشنود شوى‏

اللهُمَّ بارِكْ لَنا فى‏ شَهْرِنا هذا، وَارْزُقْنا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ، وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ‏

خدايا بركت ده به ما در اين ماه و خير و خوبى و كمك آن را روزى ما كن و بگردان از ما زيان اين ماه‏

وَشَرَّهُ، وَبَلائَهُ وَفِتْنَتَهُ.[[997]](#footnote-997)

و شر و بلا و فتنه‏اش را.

كليات مفاتيح نوين، ص: 768

روايت شده كه حضرت رسول صلى الله عليه و آله وقتى كه هلال ماه رمضان را رؤيت مى‏كرد، روى شريف را به جانب قبله مى‏فرمود و مى‏گفت:

اللهُمَّ اهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ والْإِيمانِ، وَالسَّلامَةِ وَالْإِسْلامِ، وَالْعافِيَةِ

خدايا اين ماه را بر ما نو كن‏به امنيّت و ايمان و تندرستى و اسلام و عافيت كامل‏

الْمُجَلَّلَةِ، وَدِفاعِ الْأَسْقامِ، وَ الرِّزْقِ الْواسِعِ، وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلاةِ

و دفاع از دردها و روزى وسيع و كمك بر نماز

وَالصِّيامِ وَ الْقِيامِ، وَ تِلاوَةِ الْقُرْآنِ، اللهُمَّ سَلِّمْنا لِشَهْرِ رَمَضانَ، وَ تَسَلَّمْهُ‏

و روزه و شب زنده‏دارى و تلاوت قرآن خدايا سالم كن ما را براى ماه رمضان و سالم‏

مِنَّا، وَسَلِّمْنا فيهِ حَتّى‏ يَنْقَضِىَ عَنَّا شَهْرُ رَمَضانَ، وَ قَدْ عَفَوْتَ عَنَّا،

از ما دريافتش كن وما را در آن سالم بدار تا بگذرد از ما ماه رمضان و تو از ما گذشته باشى‏

وَغَفَرْتَ لَنا وَرَحِمْتَنا.[[998]](#footnote-998)

و ما را آمرزيده و مورد مهر خويش قرار داده باشى.

و از حضرت صادق عليه السلام نقل شده است كه چون رؤيت هلال كردى بگو:

اللهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ، وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنا صِيامَهُ، وَانْزَلْتَ‏

خدايا ماه رمضان آمد و تو واجب كرده‏اى بر ما روزه اين ماه را و فرو فرستادى در آن‏

فيهِ الْقُرْآنُ، هُدىً لِلنَّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ‏الْهُدى‏ وَالْفُرْقانِ، اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلى‏

قرآن را كه راهنماى مردم است و حجتهايى از هدايت و تميز حق و باطل است خدايا كمك بده ما را بر

صِيامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَسَلِّمْنا فيهِ، وَسَلِّمْنا مِنْهُ، وَسَلِّمْهُ لَنا فى‏ يُسْرٍ

روزه آن و آن را از ما بپذير و سالم بدار ما را در اين ماه و از اين ماه و آن را نيز براى ما سالم گردان در آسانى‏

مِنْكَ وَعافِيَةٍ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، يا رَحْمنُ يا رَحيمُ.[[999]](#footnote-999)

و تندرستى كه براستى تو بر هر چيز قادرى اى بخشاينده اى مهربان.

\*\*\*

3- «سيّد بن طاووس» رحمه الله روايت كرده كه روزى حضرت امام زين‏العابدين عليه السلام عبور مى‏كرد كه نظرش به هلال ماه رمضان افتاد، ايستاد و گفت:

كليات مفاتيح نوين، ص: 769

ايُّهَا الْخَلْقُ الْمُطيعُ الدَّائِبُ السَّريعُ، الْمُتَرَدِّدُ فى‏ مَنازِلِ التَّقْديرِ،

اى مخلوق فرمانبردار پيوسته (در حركت) و شتابان و رفت و آمد كننده در منزلهاى معيّن‏

الْمُتَصَرِّفُ فى‏ فَلَكِ التَّدْبيرِ، امَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ، وَاوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ،

و گردش كننده در مدار تدبير ايمان دارم به آن خدايى كه تاريكيها را به تو روشن كرد و راههاى ناپيدا و مبهم را به تو آشكار كرده‏

وجَعَلَكَ ايَةً مِنْ اياتِ مُلْكِهِ، وَعَلامَةً مِنْ عَلاماتِ سُلْطانِهِ، فَحَدَّ بِكَ‏

و تو را نشانه‏اى از نشانه‏هاى فرمانرواييش و علامتى از علامات سلطنتش قرار داده و زمان را به تو

الزَّمانَ، وَامْتَهَنَكَ بِالْكَمالِ وَالنُّقْصانِ، وَالطُّلُوعِ والْأُفُولِ، وَالْإِنارَةِ

محدود ساخت و تو را واداشت به كمال و نقصان و طلوع و غروب و پرتوافكنى‏

وَالْكُسُوفِ، فى‏ كُلِّ ذلِكَ انْتَ لَهُ مُطيعٌ، وَالى‏ ارادَتِهِ سَريعٌ، سُبْحانَهُ ما

و گرفتن و در تمام آنها تو در تحت فرمان او فرمانبردارى و بسوى اراده‏اش شتابان منزّه است خدا كه‏

اعْجَبَ ما دَبَّرَ فى‏ امْرِكَ، وَالْطَفَ ما صَنَعَ فى‏ شَاْنِكَ، جَعَلَك مِفْتاحَ شَهْرٍ

چه شگفت‏انگيز تدبيرى در امر تو بكار برد و چه دقيق است صنعتى كه در كار تو انجام داده تو را كليد ماه‏

حادِثٍ، لِأَمْرٍ حادِثٍ، فَاسْئَلُ اللَّهَ رَبِّى‏ وَرَبَّكَ، وَخالِقى‏ وَخالِقَكَ،

نوى قرار داده براى كارى نو از خدا پروردگار خود و پروردگار تو و آفريدگار خود و آفريدگار تو

وَمُقَدِّرى‏ وَمُقَدِّرَكَ، وَمُصَوِّرى‏ وَمُصَوِّرَكَ، انْ يُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و تقدير كننده خود و تقديركننده تو و صورت‏بخش خودو صورت‏گر تو خواهم كه درود فرستد بر محمّد و آل‏

مُحَمَّدٍ، وَانْ يَجْعَلَكَ هِلالَ بَرَكةٍ لا تَمْحَقُهَا الْأَيَّامُ، وَطَهارَةٍ لا تُدَنِّسُهَا

محمّد و قرار دهد تو را ماه بركتى كه روزگار از بينَش نبرد و ماه پاكيزه‏اى كه آلوده‏اش نكند

الْأثامُ، هِلالَ امْنٍ مِنَ الأفاتِ، وَسَلامَةٍ مِنَ السَّيِّئاتِ، هِلالَ سَعْدٍ لا

گناهان ماه امنيّت از آفات و سلامتى از بديها ماه خجسته و مسعودى‏

نَحْسَ فيهِ، وَيُمْنٍ لا نَكَدَ مَعَهُ، وَيُسْرٍ لا يُمازِجُهُ عُسْرٌ، وَخَيْرٍ لا يَشُوبُهُ‏

كه نحسى در آن نباشد و ماه ميمونى كه ملالى با آن نباشد و ماه آسانى كه با دشوارى مخلوط نشود و ماه خيرى كه‏

شَرٌّ، هِلالَ امْنٍ وَايمانٍ، وَنِعْمَةٍ وَاحْسانٍ، وَسَلامَةٍ وَاسْلامٍ، اللهُمَّ صَلِ‏

به شرّى آلوده نگردد ماه امنيّت و ايمان و نعمت و احسان و سلامتى و اسلام خدايا درود فرست بر

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنا مِنْ‏ارْضى‏ مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَازْكى‏ مَنْ‏

محمّد و آل محمّد و قرار ده ما را از خشنودترين مردمى كه اين ماه بر او طلوع كرده و پاكيزه‏ترين كسانى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 770

نَظَرَ الَيْهِ، وَاسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ، وَوَفِّقْنَا اللهُمَّ فيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ،

كه بدان نگاه كرده و سعادتمندترين كسى كه پرستش تو را در آن كرده و موفق دار ما را خدايا در اين ماه به فرمانبردارى و توبه‏

وَاعْصِمْنا فيهِ مِنَ الْاثامِ وَالْحَوْبَةِ، وَاوْزِعْنا فيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ، وَالْبِسْنا فيهِ‏

و نگاهمان دار در آن از گناهان و خطا و الهام كن به ما در اين ماه شكر نعمتت را و بپوشان به ما در

جُنَنَ الْعافِيَةِ، وَاتْمِمْ عَلَيْنا بِاسْتِكْمالِ طاعَتِكَ فيهِ الْمِنَّةَ، انَّكَ انْتَ الْمَنَّانُ‏

اين ماه سپرهاى تندرستى و منّت خود را بوسيله انجام كامل اطاعتت بر ما تمام كن كه براستى تويى پر نمعت‏

الْحَميدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطَّيِّبينَ، وَاجْعَلْ لَنا فيهِ عَوْناً مِنْكَ‏

ستوده و درود خدا بر محمّد و آل پاكش و مقرر دار براى ما در اين ماه كمكى از جانب خود

عَلى‏ ما نَدَبْتَنا الَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طاعَتِكَ، وَتَقَبَّلْها، انَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِ‏

براى انجام آنچه ما را بدان خواندى و طاعت واجب خود و بپذير آن را كه تو كريم‏ترين همه‏

كَريمٍ، وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحيمٍ، امينَ امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[[1000]](#footnote-1000)

كريمانى و مهربانتر از هر مهربانى آمين آمين اى پروردگار جهانيان.

4- غسل شب اوّل ماه طبق بعضى از روايات مستحب است.[[1001]](#footnote-1001) 5- در شب اوّل ماه امام حسين عليه السلام را زيارت كند، تا گناهانش بخشوده شود.[[1002]](#footnote-1002) 6- از شب اوّل ماه، شروع به خواندن هزار ركعت نماز ماه رمضان نمايد، كه شرح آن قبلًا گذشت.

(صفحه 712)

7- دو ركعت نماز بخواند كه در هر ركعت سوره حمد و سوره انعام را بخواند و از خدا بخواهد تا امور وى را كفايت كند و از آنچه كه مى‏ترسد و از بيماريها او را حفظ نمايد.[[1003]](#footnote-1003) 8- اين دعا را بخواند كه در اعمال شب آخر ماه شعبان (صفحه 692) نيز آمده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ هذَا الشَّهْرُ الْمُبارَكُ ...

. 9- بعد از نماز مغرب دست‏ها را بلند كند و اين دعا را كه از امام جواد عليه السلام نقل شده است، بخواند:

اللَّهُمَّ يا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبيرَ، وَهُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ

خدايا اى كه تدبير امور بدست اوست و او بر هر چيز قادر است اى كه مى‏داند خيانت‏

الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَتُجِنُّ الضَّميرُ، وَهُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ، اللَّهُمَ‏

چشمها را و آنچه را سينه‏ها پنهان كنند و دلها در خويش مستور دارند و اوست دقيق آگاه خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 771

اجْعَلْنا مِمَّنْ نَوى‏ فَعَمِلَ، وَلاتَجْعَلْنا مِمَّنْ شَقِىَ فَكَسِلَ، وَلا مِمَّنْ هُوَ

قرار ده ما را از كسانى كه نيّت كنند و بدنبالش عمل كنند و قرارمان مده از كسانى كه بدبخت شده و تنبلى كرد و نه از كسانى كه‏

عَلى‏ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ، اللَّهُمَّ صَحِّحْ ابْدانَنا مِنَ الْعِلَلِ، وَاعِنَّا عَلى‏ مَا

بر غير كار و كوشش اعتماد كنند خدايا سالم گردان بدنهامان را از بيماريها و كمكمان ده بر آنچه‏

افْتَرَضْتَ عَلَيْنا مِنَ الْعَمَلِ، حَتّى‏ يَنْقَضِىَ عَنَّا شَهْرُكَ هذا، وَقَدْ ادَّيْنا

واجب كرده‏اى بر ما از عمل تا بگذرد از ما اين ماه تو در حاليكه آنچه را بر ما

مَفْرُوضَكَ فيهِ عَلَيْنا، اللهُمَّ اعِنَّا عَلى‏ صِيامِهِ، وَوَفِّقْنا لِقِيامِهِ، وَنَشِّطْنا

واجب فرموده بودى انجام داده باشيم خدايا ما را بر روزه اين ماه كمك ده و به شب زنده‏داريش موفقمان دار و براى خواندن نماز در اين ماه‏

فيهِ لِلصَّلاةِ، وَلا تَحْجُبْنا مِنَ الْقِرآئَةِ، وَسَهِّلْ لَنا فيهِ ايتآءَ الزَّكاةِ، اللهُمَّ لا

نشاطى بما بده و از قرائت قرآن محروممان مدار و آسان گردان بر ما پرداختن زكات را خدايا

تُسَلِّطْ عَلَيْنا وَصَباً وَلا تَعَباً، وَلا سَقَماً وَلا عَطَباً، اللهُمَّ ارْزُقْنا الْإِفْطارَ

چيره مگردان بر ما خستگى و سستى و نه رنج و نه بيمارى‏و نه هلاكت را خدايا روزى ما كن افطار كردن‏

مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ، اللَّهُمَّ سَهِّلْ لَنا فيهِ ما قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ، وَيَسِّرْ ما

از روزى حلال خدايا سهل كن بر ما در اين ماه آن سهمى را كه از روزيت نصيب ما كرده‏اى و آسان گردان آنچه را

قَدَّرْتَهُ مِنْ امْرِكَ، وَاجْعَلْهُ حَلالًا طَيِّباً، نَقِيّاً مِنَ الْأثامِ، خالِصاً مِنَ‏

طبق فرمانت مقرّر داشته‏اى و قرارش ده حلال و پاك و پاكيزه از گناهان و خالص از

الْأصارِ وَالْأَجْرامِ، اللهُمَّ لا تُطْعِمْنا الَّا طَيِّباً غَيْرَ خَبيثٍ وَلا حَرامٍ،

معاصى و جنايات خدايا بر ما مخوران جز خوراكى پاك كه نه پليد باشد و نه حرام‏

وَاجْعَلْ رِزْقَكَ لَنا حَلَالًا لا يَشُوبُهُ دَنَسٌ وَلا اسْقامٌ، يا مَنْ عِلْمُهُ بِالسِّرِّ

و قرار ده روزيت را براى ما حلال كه آلوده به چركى و بيماريها نباشد اى كه داناييش به نهان‏

كَعِلْمِهِ بالْأَعْلانِ، يا مُتَفَضِّلًا عَلى‏ عِبادِهِ بِالْإِحْسانِ، يا مَنْ هُوَ عَلى‏ كُلِ‏

همانند داناييش به آشكار است اى كه‏بر بندگانش به احسان تفضل فرمود اى كه او بر هر

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عَليمٌ خَبيرٌ، الْهِمْنا ذِكْرَكَ، وَجَنِّبْنا عُسْرَكَ،

چيز تواناست و به هر چيز دانا و آگاه است ذكر خود را به‏ما الهام‏كن واز دشواريت ما را بركنار دار و به‏

وَانِلْنا يُسْرَكَ، وَ اهْدِنا لِلرَّشادِ، وَ وَفِّقْنا لِلسَّدادِ، وَ اعْصِمْنا مِنَ الْبَلايا،

دستورات آسانت برسانمان و به كارهاى صواب راهنماييمان كن و به كارهاى محكم و درست موفقمان بدار و از بلاها محفوظمان دار

كليات مفاتيح نوين، ص: 772

وَصُنَّا مِنَ الْأَوْزارِ وَالْخَطايا، يا مَنْ لا يَغْفِرُ عَظيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ، وَلا

و از گناهان و خطاها نگاهمان دار اى كه نيامرزد گناهان بزرگ را جز او

يَكْشِفُ السُّوءَ الَّا هُوَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَاكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، صَلِّ عَلى‏

و برطرف نكند بديها را جز او اى مهربانترين مهربانان و كريمترين كريمان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ، وَاجْعَلْ صِيامَنا مَقْبُولًا، وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوى‏

محمّد و خاندان پاكش و روزه ما را مقبول درگاهت فرما و به نيكى و پرهيزكارى‏

مَوْصُولًا، وَ كَذلِكَ فَاجْعَلْ سَعْيَنا مَشْكُوراً، [وَ حَوْبَنا مَغْفُوراً] وَ قِيامَنا

پيوندش ده و هم‏چنين كوشش ما را مورد تقدير و گناهان ما را مورد بخشش قرار ده و شب زنده داريمان را

مَبْرُوراً، وَ قُرانَنا مَرْفُوعاً، وَدُعآئَنا مَسْمُوعاً، وَاهْدِنا لِلْحُسْنى‏، وَجَنِّبْنَا

نيك پذيرفته و قرآن ما را (كه خوانده‏ايم) بالا رفته و دعامان را مقرون به اجابت فرما و ما را به كار نيك هدايت فرما

الْعُسْرى‏، وَيَسِّرْنا لِلْيُسْرى‏، وَ اعْلِ لَنَا الدَّرَجاتِ، وَ ضاعِفْ لَنا

و از دشواريها بركنارمان دار و مهيامان بدار براى آسانها و درجات ما را بالابر و حسنات ما را دو

الْحَسَناتِ، وَاقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلاةَ، وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَواتِ، وَاغْفِرْ لَنَا

چندان كن و روزه و نماز ما را بپذير و دعاهاى ما را بشنو و خطاهاى ما را بيامرز

الْخَطيئاتِ، وَتَجاوَزْ عَنَّا السَّيِّئاتِ، وَاجْعَلْنا مِنَ الْعامِلينَ الْفائِزينَ،

و از گناهان ما درگذرو قرار ده ما را از عمل كنندگان كامياب‏

وَلا تَجْعَلْنا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلّينَ، حَتّى‏ يَنْقَضِىَ شَهْرُ

و قرارمان مده از غضب شدگان و نه ازگمراهان تا بگذرد از ما ماه‏

رَمَضانَ عَنَّا، وَ قَدْ قَبِلْتَ فيهِ صِيامَنا وَ قِيامَنا، وَ زَكَّيْتَ فيهِ اعْمالَنا،

رمضان و تو روزه و شب زنده‏داريمان را پذيرفته باشى و اعمال ما را پاك و پاكيزه كرده‏

وَغَفَرْتَ فيهِ ذُنُوبَنا، وَ اجْزَلْتَ فيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصيبَنا، فَانَّكَ الْإِلهُ‏

و گناهانمان را آمرزيده باشى و بهره ما را در اين ماه از هر خير و نيكى به حد كامل داده باشى كه براستى تويى معبود

الْمُجيبُ، وَالرَّبُّ الْقَريبُ، وَانْتَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ مُحيطٌ.[[1004]](#footnote-1004)

اجابت كننده و پروردگار نزديك و تو بر هر چيز احاطه دارى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 773

10- در شب اوّل، اين دعا را كه از امام صادق عليه السلام نقل شده است بخواند:

اللهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، مُنَزِّلَ الْقُرْآنِ، هذا شَهْرُ رَمَضانَ، الَّذى‏

خدايا اى پروردگار ماه رمضان و فرو فرستنده قرآن اين ماه رمضان است كه‏

انْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ، وَانْزَلْتَ فيهِ آياتٍ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏ وَالْفُرْقانِ، اللهُمَ‏

در آن قرآن را نازل فرموده‏اى و در آن آيه‏هايى است كه آنها حجتهاى هدايت و تميز حق و باطل است خدايا

ارْزُقْنا صِيامَهُ، وَاعِنَّا عَلى‏ قِيامِهِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنا وَسَلِّمْنا فيهِ، وَسَلِّمْهُ مِنَّا

روزه‏اش را روزى ما گردان و بر شب زنده‏داريش به ما كمك كن خدايا اين ماه را براى ما سالم‏بدار و ما را در آن به سلامت دار

فى‏ يُسْرٍ مِنْكَ وَمُعافاةٍ، وَاجْعَلْ فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ،

و آن را در آسانى و تندرستى كاملى از جانب خود از ما دريافتش كن و قرار ده در آن قضا و قدر حتمى خود

وَفيما تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكيمِ فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذى‏ لا يُرَدُّ

و در آن دستور حكيمانه كه جدا كنى در شب قدر از آن قضا و قدر حتمى و مسلّمى كه برگشت ندارد

وَلا يُبَدَّلُ، انْ تَكْتُبَنى‏ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

و تغييرپذير نيست كه نام ما را بنويسى در زمره حاجيان خانه محترمت (كعبه) آنان‏كه حجشان پذيرفته‏

الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَ اجْعَلْ‏

و سعيشان مورد تقدير و گناهانشان آمرزيده و بديهاشان جبران شده است و قرار ده‏

فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ، انْ تُطيلَ عُمْرى‏، وَتُوَسِّعَ عَلىَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ.[[1005]](#footnote-1005)

در آنچه مقدر فرمايى كه عمرم را طولانى فرموده و از روزى حلال خود بر من توسعه دهى.

11- دعاى بسيار نورانى چهل و چهارم «صحيفه سجّاديّه» نيز مربوط به اين شب است.

12- از امور مهمّه در اين ماه، تلاوت قرآن مجيد است كه با شروع ماه رمضان، سزاوار است قرآن بسيار تلاوت شود. روايت شده است كه حضرت امام صادق عليه السلام در وقت تلاوت قرآن قبل از قرائت، اين دعاى بسيار پرمعنا را مى‏خواندند:

اللهُمَّ انّى‏ اشْهَدُ انَّ هذا كِتابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلى‏ رَسُولِكَ، مُحَمَّدِ

خدايا من گواهى دهم كه اين كتابى است‏كه نازل شده از نزد تو بر فرستاده‏ات محمّد

بْنِ عَبْدِاللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَكَلامُكَ النَّاطِقُ عَلى‏ لِسانِ نَبِيِّكَ،

بن عبداللّه صلى الله عليه و آله و كلام گوياى توست كه بر زبان پيغمبرت جارى گشته‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 774

جَعَلْتَهُ هادِياً مِنْكَ الى‏ خَلْقِكَ، وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فيما بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبادِكَ،

و آن را راهنماى خود بر خلق خويش قرار دادى و رشته پيوسته‏اى در مابين خود و مابين بندگانت گردانيدى‏

اللهُمَّ انّى‏ نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتابَكَ، اللهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَرى‏ فيهِ عِبادَةً،

خدايا من باز كردم (پيش‏رويم) عهد و كتاب تو را خدايا پس قرار ده نظر مرا در آن عبادت‏

وَقِرآئَتى‏ فيهِ فِكْراً، وَفِكْرى‏ فيهِ اعْتِباراً، وَاجْعَلْنى‏ مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَيانِ‏

و قرائتم را در آن از روى انديشه و فكرم را در آن عبرت آور و بگردانم از كسانى‏كه پند گيرد به بيان‏

مَواعِظِكَ فيهِ، وَاجْتَنَبَ مَعاصيكَ، وَلا تَطْبَعْ‏عِنْدَ قِرائَتى‏ عَلى‏ سَمْعى‏،

پندهاى تو در آن و از معصيتهايت دورى كند و مُهر مَزَن هنگام خواندنم بر گوش من‏

وَلا تَجْعَلْ عَلى‏ بَصَرى‏ غِشاوَةً، وَلا تَجْعَلْ قِرائَتى‏ قِرائَةً لا تَدَبُّرَ فيها،

و مينداز بر ديده‏ام پرده و مگردان خواندنم را خواندنى كه تدبر در آن نباشد

بَلِ اجْعَلْنى‏ اتَدَبَّرُ اياتِهِ وَ احْكامَهُ، آخِذاً بِشَرايِعِ دينِكَ، وَ لا تَجْعَلْ‏

بلكه چنانم كن كه تدبر كنم در آيات و احكامش و در برگيرم دستورات دين تو را و قرار مده‏

نَظَرى‏ فيهِ غَفْلَةً، وَ لا قِرائَتى‏ هَذَراً، انَّكَ انْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ.

نظر مرا در آن نظر بى‏خبرى و نه قرائتم را بيهوده كه براستى تو رؤوف و مهربانى.

و بعد از قرائت قرآن مجيد اين دعا را مى‏خواندند:

اللَّهُمَّ انّى‏ قَدْ قَرَأْتُ ما قَضَيْتَ مِنْ كِتابِكَ، الَّذى‏ انْزَلْتَهُ عَلى‏ نَبِيِّكَ‏

خدايا من خواندم آنچه را حكم كرده بودى از كتابت همان كتابى كه نازل فرمودى بر پيامبر

الصَّادِقِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِمَّنْ يُحِلُ‏

راستگويت درود تو بر او و آلش پس‏حمد خاص توست اى پروردگار ما خدايا بگردانم از كسانى كه حلال مى‏شمرد

حَلالَهُ، وَيُحَرِّمُ حَرامَهُ، وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُتَشابِهِهِ، وَاجْعَلْهُ لى‏ انْساً فى‏

حلالش را و حرام داند حرامش را و ايمان دارد به محكم و متشابه آن و آن را همدم من در

قَبْرى‏، وَانْساً فى‏ حَشْرى‏، وَاجْعَلْنى‏ مِمَّنْ تُرْقيهِ بِكُلِّ ايَةٍ قَرَأَها دَرَجَةً

قبرم و همدمم در روز محشرم قرار ده و قرار ده مرا از كسانى‏كه بالا برى او را به هر آيه از آن كه بخواند به درجه‏اى‏

فى‏ اعْلى‏ عِلِّيّينَ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[[1006]](#footnote-1006)

در بالاترين جايگاههاى بهشت اجابت فرما اى پروردگار جهانيان.

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص775**

كليات مفاتيح نوين، ص: 775

روز اوّل ماه‏: براى روز اوّل ماه رمضان اعمالى به شرح زير نقل شده است:

1- غسل كند.[[1007]](#footnote-1007) 2- خود را با گلاب خوشبو سازد.[[1008]](#footnote-1008) 3- دو ركعت نماز بگزارد و در ركعت اوّل سوره حمد و سوره انّا فتحنا و در ركعت دوم حمد و هر سوره‏اى كه خواست، بخواند. در روايتى آمده است هر كس اين نماز را بخواند خداوند بدى‏ها را در آن سال از وى دفع كند و تا سال آينده در پناه حمايت خدا باشد.[[1009]](#footnote-1009) 4- دو ركعت نماز اوّل ماه را (كه در صفحه 597 آمده است) بجا آورد و صدقه بپردازد.[[1010]](#footnote-1010) 5- بعد از طلوع فجر اين دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ، وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنا صِيامَهُ، وَانْزَلْتَ فيهِ‏

خدايا ماه رمضان آمد و تو روزه آن را بر ما واجب كرده‏اى و نازل فرموده‏اى در آن‏

الْقُرآنَ، هُدىً لِلنَّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏ وَالْفُرْقانِ، اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلى‏

قرآن را كه راهنماى مردم و حجتهايى از هدايت و تميز (ميان حق و باطل) است خدايا كمك ده ما را بر گرفتن‏

صِيامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا، وَسَلِّمْهُ لَنا فى‏ يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ، انَّكَ‏

روزه‏اش و آن را از ما بپذير و بخوبى از ما دريافتش كن و سالمش گردان براى ما در آسودگى و عافيت خودت كه همانا تو

عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1011]](#footnote-1011)

بر هر چيز توانائى.

6- «علّامه مجلسى» در «زادالمعاد» فرموده است: «شيخ كلينى» و «شيخ طوسى» و ديگران به سند صحيح روايت كرده‏اند كه حضرت امام موسى كاظم عليه السلام فرمود: در روز اوّل ماه مبارك رمضان اين دعا را بخوان و فرمود: هر كس اين دعا را از براى رضاى خدا و بدون شائبه اغراض فاسد و ريا، بخواند، در آن سال فتنه و گمراهى به او نرسد و آفتى كه به دين، يا بدن او ضرر رساند، متوجّه او نخواهد شد و خداوند متعال او را از شرّ بلاهاى آن سال حفظ كند، و آن دعا اين است:

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ دانَ لَهُ كُلُّ شَىْ‏ءٍ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتى‏

خدايا من از تو خواهم به حق آن نامت كه گردن نهاد در برابرش هر چيز و بدان رحمتت كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 776

وَسِعَتْ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتى‏ تَواضَعَ لَها كُلُّ شَىْ‏ءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتى‏

فراگرفت هر چيز را و بدان بزرگيت كه فروتن شد در برابرش هر چيز و بدان عزتت كه‏

قَهَرْتَ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتى‏ خَضَعَ لَها كُلُّ شَىْ‏ءٍ، وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتى‏

مقهور كرد هر چيز را و بدان نيرويت كه خاضع شد در برابرش هر چيز و به جبروتت كه‏

غَلَبَتْ كُلَّ شَىْ‏ءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذى‏ احاطَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا

غالب آمد بر هر چيزو بدانشت كه هر چيز را احاطه كرده‏اى نور و اى منزّه از هر عيب اى‏

اوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ باقِىَ بَعْدَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يااللَّهُ يارَحْمنُ، صَلِّ عَلى‏

نخست پيش از هر چيز و باقى پس از هر چيز اى بخشاينده درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ‏

محمّد و آل‏محمّد و بيامرز از من گناهانى را كه نعمتها را تغيير دهد و بيامرز از من گناهانى را

الَّتى‏ تُنْزِلُ النِّقَمَ، وَاغْفِرْلِىَ‏الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَقْطَعُ الرَّجآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ‏

كه رنج و عذاب فرو ريزد و بيامرز از من گناهانى را كه اميد را قطع كند و بيامرز از من گناهانى را

الَّتى‏ تُديلُ الْأَعْدآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ‏

كه دشمنان را چيره كند و بيامرز از من گناهانى را كه دعا را باز گرداند و بيامرز از من‏

الذُّنُوبَ الَّتى‏ يُسْتَحَقُّ بِها نُزُولُ الْبَلاءِ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَحْبِسُ‏

گناهانى كه مردم را مستحق نزول بلا گرداند و بيامرز از من گناهانى را كه‏

غَيْثَ السَّمآءِ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَكْشِفُ الْغِطآءَ، وَاغْفِرْلِىَ الذُّنُوبَ‏

باران آسمان را جلوگيرى كند و بيامرز از من گناهانى را كه پرده را بالا زند و بيامرز از من گناهانى را

الَّتى‏ تُعَجِّلُ الْفَنآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُورِثُ النَّدَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ‏

كه در نابودى شتاب كند و بيامرز از من گناهانى را كه پشيمانى آرد و بيامرز از من گناهانى را كه‏

الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَالْبِسْنى‏ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ الَّتى‏ لا تُرامُ،

پرده‏ها را بدرد و زره محكمت را كه پاره شدنى نيست‏بر من بپوشان‏

وَعافِنى‏ مِنْ شَرِّ ما احاذِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ فى‏ مُسْتَقْبَلِ سَنَتى‏ هذِهِ، اللهُمَ‏

و سلامتم بدار از شر آنچه حذر مى‏كنم از آن در شب و روز در روزهاى آينده امسال من خدايا

رَبَّ السَّمواتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْأَرَضينَ السَّبْعِ، وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ،

اى پروردگار آسمانهاى هفتگانه و اى پروردگار زمينهاى هفتگانه و آنچه‏در آنها و آنچه مابين آنهاست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 777

وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثانى‏، وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ، وَرَبَ‏

و اى پروردگار عرش عظيم و پروردگار هفت آيه (يعنى سوره حمد يا هفت سوره) و قرآن بزرگ و پروردگار

اسْرافيلَ وَميكآئيلَ وَجَبْرَئيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَيِّدِ

اسرافيل و ميكائيل و جبرئيل و پروردگار محمّد صلى الله عليه و آله آقاى‏

الْمُرْسَلينَ، وَخاتَمِ النَّبِيّينَ، اسْئَلُكَ بِكَ وَبِما سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، يا عَظيمُ‏

رسولان و خاتم پيمبران از تو خواهم به حق خودت و به حق آنچه خود را بدان نام نهاده‏اى اى خداى بزرگ‏

انْتَ الَّذى‏ تَمُنُّ بِالْعَظيمِ، وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ، وَتُعْطى‏ كُلَّ جَزِيلٍ،

تويى كه به نعمت عظيم منّت نهى و هر محذور را دفع كنى و هر عطاى شايانى را تو عطا كنى‏

وَتُضاعِفُ الْحَسَناتِ بِالْقَليلِ وَبِالْكَثيرِ، وَتَفْعَلُ ما تَشآءُ يا قَديرُ، يا اللَّهُ يا

و دو چندان كنى كارهاى نيك را به كم و زيادو مى‏كنى هر كارى را بخواهى اى توانا اى خدا اى‏

رَحْمنُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَالْبِسْنى‏ فى‏ مُسْتَقْبَلِ سَنَتى‏ هذِهِ‏

بخشاينده درود فرست بر محمّد و خاندانش و بپوشان بر من در آينده اين سال‏

سِتْرَكَ، وَنَضِّرْ وَجْهى‏ بِنُورِكَ، وَاحِبَّنى‏ بِمَحبَّتِكَ، وَبَلِّغْنى‏ رِضْوانَكَ‏

پرده خويش را و چهره‏ام را به نور خويش منور گردان و به محبت خويش دوستم بدار و مرا به مقام خشنودى خود

وَشَريفَ كَرامَتِكَ، وَجَسيمَ عَطِيَّتِكَ، وَاعْطِنى‏ مِنْ خَيْرِ ما عِنْدَكَ، وَمِنْ‏

و بزرگوارى شريفت و عطاى بزرگت نائل گردان و عطا كن به من از

خَيْرِ ما انْتَ مُعْطيهِ احَداً مِنْ خَلْقِكَ، وَالْبِسْنى‏ مَعَ ذلِكَ عافِيَتَكَ، يا

بهترين چيزى كه نزد توست و از بهتر چيزى كه عطا مى‏كنى بر يكى از خلق خويش و با آنها لباس عافيتت را هم بر من بپوشان اى‏

مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوى‏، وَيا شاهِدَ كُلِّ نَجْوى‏، وَيا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيا دافِعَ‏

مرجع هر شكايت و اى‏گواه بر هر راز و اى داناى هر پنهان و اى جلوگيرنده‏

ما تَشآءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يا كَريمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، تَوَفَّنى‏ عَلى‏ مِلَّةِ

از هر بلا كه خواهى اى بزرگوار گذشت اى نيكو درگذر بميران مرا بر كيش‏

ابْراهيمَ وَفِطْرَتِهِ، وَعَلى‏ دينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ و آلِهِ وَسُنَّتِهِ، وَعَلى‏

ابراهيم و فطرت او و بر دين محمّد صلى الله عليه و آله و طريقه‏اش و بر

خَيْرِ الْوَفاةِ، فَتَوَفَّنى‏ مُوالِياً لِأَوْلِيآئِكَ، وَمُعادِياً لِأَعْدآئِكَ، اللهُمَ‏

بهترين مردنها پس بميرانم در آن حال كه دوست دار دوستانت و دشمن دشمنانت باشم خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 778

وَجَنِّبْنى‏ فى‏ هذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ اوْ قَوْلٍ اوْ فِعْلٍ يُباعِدُنى‏ مِنْكَ،

و مرا در اين سال از هر كارى يا گفتارى يا عملى كه مرا از تو دور كند

وَاجْلُبْنى‏ الَى‏ كُلِّ عَمَلٍ اوْ قَوْلٍ اوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنى‏ مِنْكَ فى‏ هذِهِ السَّنَةِ، يا

دورم بدار و بسوى كار يا گفتار يا عملى كه مرا در اين سال به تو نزديك سازد بكشانم اى‏

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَامْنَعْنى‏ مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اوْ قَوْلٍ اوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنّى‏

مهربانترين مهربانان و بازم دار از هر كارى يا گفتارى يا كردارى كه از من سر زند

اخافُ ضَرَرَ عاقِبَتِهِ، وَاخافُ مَقْتَكَ ايَّاىَ عَلَيْهِ حِذارَ انْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ‏

و از سرانجام زيان‏آورش بيمناك باشم و از خشمت بخاطر آن بر خويش بترسم، بترسم از اين‏كه توجه‏

الْكَريمَ عَنّى‏، فَاسْتَوجِبَ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظٍّ لى‏ عِنْدَكَ، يا رَؤُفُ يا رَحيمُ،

كريمانه‏ات‏را از من بگردانى و بدان جهت مستوجب نقصانى از بهره‏اى كه پيش تو دارم گردم اى با عطوفت اى مهربان‏

اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ فى‏ مُسْتَقْبَلِ سَنَتى‏ هذِهِ فى‏ حِفْظِكَ، وَ فى‏ جِوارِكَ وَفى‏

خدايا در آينده امسال مرا در حفظ و پناه‏

كَنَفِكَ، وَجَلِّلْنى‏ سِتْرَ عافِيَتِكَ، وَهَبْ لى‏ كَرامَتَكَ، عَزَّ جارُكَ، وَجَلَ‏

و كنف خودت قرارم ده و پرده عافيت خود را بر من بپوشان و از بزرگوارى خويش بر من ببخش عزيز است پناهنده به تو و والاست‏

ثَنآؤُكَ، وَلا الهَ غَيْرُكَ، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ تابِعاً لِصالِحى‏ مَنْ مَضى‏ مِنْ‏

ستايشت و معبودى جز تو نيست خدايا مرا پيرو شايستگان از اولياى گذشته‏ات قرارم ده‏

اوْلِيآئِكَ، وَالْحِقْنى‏ بِهِمْ، وَاجْعَلْنى‏ مُسَلِّماً لِمَنْ قالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ،

و بدانها ملحقم كن و چنانم كن كه براى آنان‏كه از جانب تو به حقيقت سخن گفتند تسليم باشم‏

وَاعُوذُ بِكَ اللهُمَّ انْ تُحيطَ بى‏ خَطيئَتى‏، وَظُلْمى‏ وَاسْرافى‏ عَلى‏ نَفْسى‏،

و پناه مى‏برم به تو خدايا از اين‏كه فرا گيردم خطا و ستم و زياده‏رويم بر خويشتن‏

وَاتِّباعى‏ لِهَواىَ، وَ اشْتِغالى‏ بِشَهَواتى‏، فَيَحُولُ ذلِكَ بَيْنى‏ وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ‏

و پيرويم از هواى نفس و سرگرميم به شهوات و در نتيجه آنها ميان من و رحمت‏

وَرِضْوانِكَ، فَاكُونُ مَنْسِيّاً عِنْدَكَ، مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ، اللهُمَ‏

و خشنودى تو حائل گردد و كار بدانجا كشد كه فراموش درگاهت شوم و بدانچه موجب خشم و عقوبت توست دست زنم خدايا

وَفِّقْنى‏ لِكُلِّ عَمَلٍ صالِحٍ تَرْضى‏ بِهِ عَنّى‏، وَقَرِّبْنى‏ الَيْكَ زُلْفى‏، اللَّهُمَّ كَما

موفقم بدار براى هر عمل شايسته‏اى كه به وسيله آن از من خشنود شوى و مرا به مقام قرب خويش نزديك كن خدايا چنانچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 779

كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ،

هراس دشمن را از پيامبرت محمّد صلى اللَّه عليه و آله كفايت فرمودى و اندوهش را برطرف كردى‏

وَكَشَفْتَ غَمَّهُ، وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ، وَانْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ، اللَّهُمَّ فَبِذلِكَ‏

و غمش را زدودى و به وعده‏ات درباره‏اش وفا كردى و پيمانت را با او به پايان رساندى خدايا به همان‏

فَاكْفِنى‏ هَوْلَ هذِهِ السَّنَةِ، وَآفاتِها وَاسْقامَها، وَفِتْنَتَها وَشُرُورَها

ترتيب هراس اين سال و آفات و امراض و بلاها و شرور

وَاحْزانَها، وَضيقَ الْمَعاشِ فيها، وَبَلِّغْنى‏ بِرَحْمَتِكَ كَمالَ الْعافِيَةِ، بِتَمامِ‏

و اندوهها و تنگى و فشار زندگى را از من دور فرما و به رحمت خويش برسان مرا به كمال عافيت بوسيله‏

دَوامِ النِّعْمَةِ عِنْدى‏ الى‏ مُنْتَهى‏ اجَلى‏، اسْئَلُكَ سُؤالَ مَنْ اسآءَ وَظَلَمَ،

ادامه نعمتت كه پيش من دارى تا پايان عمرم، و از تو خواهم خواستن كسى كه گناه كرده و بر خويش ستم كرده‏

وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ، وَاسْئَلُكَ انْ تَغْفِرَ لى‏ ما مَضى‏ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتى‏

و به حال بيچارگى افتاده و به گناه خويش معترف است از تو خواهم كه بيامرزى گناهان گذشته مرا آنها را كه‏

حَصَرَتْها حَفَظَتُكَ، وَاحْصَتْها كِرامُ مَلائِكَتِكَ عَلَىَّ، وَانْ تَعْصِمَنى‏ الهى‏

نگهبانانت ثبت كرده و فرشتگان بزرگوارت شماره كرده‏اند و نگاهم دارى خدايا

مِنَ الذُّنُوبِ فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى‏ الى‏ مُنْتَهى‏ اجَلى‏، يا اللَّهُ يا رَحْمنُ يا

از گناهان در آينده عمرم تا پايان عمرم اى خدا اى بخشاينده اى‏

رَحيمُ، صَلِّ عَلَى مُحمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَ اتِنى‏ كُلَّ ما

مهربان درود فرست برمحمّد و آل محمّد و خاندان محمّد و بده به من همه آنچه را از

سَئَلْتُكَ وَرَغِبْتُ الَيْكَ فيهِ، فَانَّكَ امَرْتَنى‏ بِالدُّعاءِ، وَتَكَفَّلْتَ لى‏ بِالْإِجابَةِ،

تو خواستم و درباره‏اش مشتاقانه به درگاهت آمدم زيرا تو خود دستور دعايم دادى و اجابت آن را نيز برايم به عهده گرفتى‏

يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1012]](#footnote-1012)

اى مهربانترين مهربانان.

مناسب است اين دعا در اوّل سال قمرى، و اوّل سال شمسى نيز به قصد قربت مطلقه خوانده شود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 780

شب سيزدهم ماه‏: اين شب، نخستين شب از ليالى بيض (يعنى شب‏هاى روشن) است كه انجام سه عمل در آن وارد شده است:

1- غسل.[[1013]](#footnote-1013) 2- چهار ركعت نماز (هر دو ركعت به يك سلام) كه در هر ركعت يك مرتبه حمد و بيست و پنج مرتبه سوره توحيد را بخواند.[[1014]](#footnote-1014) 3- دو ركعت نماز كه در شب سيزدهم ماه رجب و شعبان نيز خوانده مى‏شود؛ در هر ركعت، بعد از سوره حمد سوره‏هاى يس، ملك، و توحيد را بخواند.[[1015]](#footnote-1015) 4- خواندن دعاى «مجير» در شب‏هاى سيزدهم و چهاردهم و پانزدهم كه در بخش دعاهاى معروف (صفحه 131) گذشت.

شب چهاردهم‏: در اين شب، چهار ركعت نماز مى‏خواند (هر دو ركعت به يك سلام)، به صورتى كه در شب سيزدهم گذشت.[[1016]](#footnote-1016) شب پانزدهم‏: اين شب، از شب‏هاى بافضيلت و ارزشمندى است كه براى آن اعمالى وارد شده است:

1- غسل.[[1017]](#footnote-1017) 2- شش ركعت نماز (هر دو ركعت به يك سلام) كه در هر ركعت، سوره‏هاى حمد و يس و ملك و توحيد را بخواند.[[1018]](#footnote-1018) 3- صد ركعت نماز، كه در هر ركعت بعد از حمد، ده مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» را بخواند. از حضرت اميرالمؤمنين على عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت شده است كه هر كس اين عمل را بجا آورد خداوند ده فرشته را به سوى او بفرستد تا دشمنان را از او دفع كنند و سى فرشته را به هنگام مرگ نزد او بفرستد تا بهشت را به وى بشارت دهند و سى فرشته ديگر، تا او را از آتش دوزخ ايمن دارند.[[1019]](#footnote-1019) 4- زيارت امام حسين عليه السلام. از امام صادق عليه السلام سؤال كردند كه پاداش كسى كه در شب نيمه ماه رمضان كنار قبر امام حسين عليه السلام باشد چيست؟ فرمود: خوشا به حال كسى كه در شب نيمه ماه رمضان در كنار قبر امام حسين عليه السلام بعد از نماز عشا ده ركعت نماز بگزارد، در هر ركعتى بعد از سوره حمد ده مرتبه قل هو اللَّه احد را بخواند و از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد؛ خداوند نيز به پاداش اين عمل، نامش را «آزاد شده از

كليات مفاتيح نوين، ص: 781

آتش» ثبت فرمايد و قبل از آن‏كه بميرد، فرشتگان به وى بشارت بهشت مى‏دهند و فرشتگان ديگرى، او را از آتش دوزخ ايمن مى‏دارند.[[1020]](#footnote-1020)

\*\*\*

روز نيمه ماه رمضان‏: روز پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجرى، روز ولادت باسعادت امام مجتبى عليه السلام مى‏باشد،[[1021]](#footnote-1021) و بنابر بعضى از اقوال، تولّد امام محمّد تقى عليه السلام در سال 195 در اين روز واقع شده، البتّه اين قول غيرمشهور است.[[1022]](#footnote-1022) به هر حال اين روز، روز بسيار بافضيلتى است و دادن صدقه و خيرات و كمك به مستمندان در اين روز پاداش زيادى دارد.

شب هفدهم ماه‏: اين شب، شب بسيار مباركى است. در اين شب، رسول خدا صلى الله عليه و آله با لشكر كفّار قريش در سرزمين بدر برخورد كرد، و در روز هفدهم، جنگ بدر واقع شد و خداوند متعال لشكريان اسلام را بر مشركين پيروز گردانيد، با آن‏كه مسلمانان از نفرات محدود و ساز و برگ اندك جنگى برخوردار بودند.

اين پيروزى از بزرگترين فتوحات اسلام است؛ از اين رو علما گفته‏اند كه در اين روز، غسل و صدقه و شكر خدا بجا آوردن مستحبّ است و عبادت در شب هفدهم فضيلت فراوانى دارد.[[1023]](#footnote-1023)

فضيلتى از امير مؤمنان عليه السلام در شب جنگ بدر:

در روايات فراوانى آمده است كه در شب هفدهم كه فرداى آن جنگ بدر واقع شد، رسول خدا صلى الله عليه و آله به اصحابش فرمود: چه كسى حاضر است برود از چاه آب بكشد و بياورد؟ اصحاب سكوت كردند و هيچ كدام اعلام آمادگى نكردند (چون كار خطرناكى بود) على عليه السلام برخاست، و براى آوردن آب بيرون رفت، آن شب، شبى سرد و ظلمانى بود و باد سردى مى‏وزيد. حضرت به چاه آب رسيد، چاه بسيار عميق بود. حضرت دلوى نيافت كه بتواند از آن آب بكشد، لذا از چاه پايين رفت و مشكى را كه با خود داشت پر از آب كرد و بيرون آمد. به هنگام مراجعت ناگاه باد شديدى وزيد، امام عليه السلام نشست تا باد فرو نشيند آنگاه برخاست و حركت كرد كه تندباد ديگرى وزيدن گرفت، ناچار امام عليه السلام نشست، پس از آرام شدن، مجدّداً به راه افتاد كه در مرتبه سوم نيز تندبادى همانند قبل وزيد، آن حضرت نشست، تا هوا آرام شد؛ آنگاه به راه خود ادامه داد و خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله رسيد، پيامبر صلى الله عليه و آله پرسيد: اى ابوالحسن! چرا دير آمدى؟ امام جريان را توضيح داد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 782

رسول خدا صلى الله عليه و آله پرسيد: متوجّه شدى آن بادهاى شديد چه بود؟ عرض كرد: نه، فرمود: اوّلى جبرئيل بود همراه با هزار فرشته كه بر تو سلام كردند و دوّمى ميكائيل بود كه با هزار فرشته بر تو سلام كردند و سوّمى نيز اسرافيل بود با هزار فرشته بر تو سلام كردند و آنها براى كمك و يارى ما در جنگ آمدند.[[1024]](#footnote-1024) و آن كس كه گفته است براى امير مؤمنان عليه السلام در يك شب سه هزار و سه فضيلت است، اشاره به همين جريان دارد كه سه هزار فرشته، همراه با سه فرشته مقرّب الهى بر آن حضرت سلام كردند!

سيّد حميرى نيز در شعر خود در مدح آن حضرت به همين داستان اشاره كرده:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اقْسِمُ بِاللَّهِ وَ آلائِهِ‏ |  | وَالْمَرْءُ عَمَّا قالَ مَسْؤُولٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سوگند خورم به خدا و نعمتهايش‏ |  | و انسان از هر چه گويد بازخواست شود |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| انَّ عَلِىَّ بْنَ ابى‏طالِبٍ‏ |  | عَلَى التُّقى‏ وَالْبِرِّ مَجْبُولٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| براستى على بن ابى‏طالب‏ |  | فطرتش به پرهيزكارى و نيكى سرشته شده‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| كانَ اذَا الْحَربُ مَرَتْهَا الْقَنا |  | وَاحْجَمَتْ عَنْهَا البَهاليلُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چنان بود كه هنگامى كه نيزه‏ها تنور جنگ را مى‏افروخت‏ |  | و دليران از آن گريزان بودند |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يَمْشى‏ الَى الْقِرْنِ وَفى‏ كَفِّهِ‏ |  | ابْيَضُ ماضِى الْحَدِّ مَصْقُولٌ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بسوى هماورد خويش مى‏رفت و در دستش‏ |  | شمشير بَراق و بُران و صيقلى شده بود |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مَشْىَ الْعَفَرْنى‏ بَيْنَ اشْبالِهِ‏ |  | ابْرَزَهُ لِلْقَنَصِ الْغيلُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چنانچه شير در ميان بچه‏هاى خود راه مى‏رود |  | در آن حال كه بيشه براى شكار او را بيرون فرستد |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ذاكَ الَّذى‏ سَلَّمَ فى‏ لَيْلَةٍ |  | عَلَيْهِ ميكالٌ وَجِبْريلُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| على همان كسى است كه در يك شب بر او |  | سلام كرد ميكائيل و جبرئيل‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ميكالُ فى‏ الْفٍ وَجِبْريلُ فى‏ |  | الْفٍ وَيَتْلُوهُمْ سَرافيلُ‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ميكائيل با هزار فرشته و جبرئيل نيز با |  | هزار فرشته و پشت سر آنها نيز اسرافيل آمد |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لَيْلَةَ بَدْرٍ مَدَداً انْزِلُوا |  | كَانَّهُمْ طَيْرٌ ابابيلُ‏[[1025]](#footnote-1025) |
|  |  |  |

كليات مفاتيح نوين، ص: 783

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| در شب بدر كه براى كمك فرود آمدند |  | همانند مرغهاى ابابيل (كه به مكه آمدند) |
|  |  |  |

شبهاى قدر:

شب قدر، شبى است كه مقدّرات يك سال انسانها- بر اساس لياقت‏ها و شايستگى‏هاى آنان- تعيين مى‏گردد؛ در تمام سال، شبى به عظمت و فضيلت آن نمى‏رسد و عمل در آن از عمل در هزار ماه برتر است.

فرشتگان خداوند و فرشته‏اى به نام «روح» كه اعظم همه فرشتگان است در آن شب، به اذن پروردگار به زمين فرود مى‏آيند و خدمت امام زمان عليه السلام مى‏رسند و آنچه را كه براى هر كس در طول سالِ آينده مقدّر شده است بر آن حضرت عرضه مى‏دارند.[[1026]](#footnote-1026) خوشا به حال آن كس كه از فيض عظيم اين شب كه شب نزول قرآن است، بهره‏مند شود و با دعا و مناجات و گريه و توبه، به درگاه حقّ روى آورد و زمينه تقديرات ارزشمند و سرنوشت معنوى و روحانى والايى را براى خويش فراهم سازد.

معصومين عليهم السلام شب قدر را به طور دقيق، تعيين نكرده‏اند و آن را مردّد در ميان سه شب (نوزدهم، بيست و يكم و بيست و سوم) ذكر فرموده‏اند، تا مؤمنان با انجام اعمال شب‏هاى قدر، در هر سه شب و به دست آوردن حال خوشِ معنوى و كسب فيض در اين شب‏ها، به آمادگى كامل، جهت دريافت عنايات ويژه الهى دست يابند.

هرچند علما، با توجّه به روايات، شب‏هاى بيست و يكم و بيست و سوم را به شب قدر بودن، نزديكتر مى‏دانند.[[1027]](#footnote-1027) شب نوزدهم ماه‏: اين شب، اوّلين شب از شب‏هاى قدر است و از اين شب، انجام اعمال شب‏هاى قدر آغاز مى‏شود.

اعمال شب‏هاى قدر:

اعمال شب‏هاى قدر بر دو قسم است. يك قسم آن مشترك ميان هر سه شب است و قسم ديگر اعمالى است كه مخصوصِ هر يك از اين سه شب مى‏باشد.

اعمال مشترك شب‏هاى قدر:

1- غسل شب قدر است، مرحوم «علّامه مجلسى» فرموده: بهتر است غسلِ شب‏هاى قدر را مقارن غروب آفتاب انجام دهند كه نماز مغرب را با غسل بخوانند.[[1028]](#footnote-1028)

كليات مفاتيح نوين، ص: 784

2- دو ركعت نماز بخواند؛ كه در هر ركعت بعد از حمد، هفت مرتبه سوره «قُل هُوَ اللَّه» را تلاوت كند و بعد از پايان نماز، هفتاد مرتبه بگويد:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ الَيْهِ‏

در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است:

كسى كه اين عمل را بجا آورد، از جاى خويش برنخيزد مگر اين‏كه خداوند متعال او و پدر و مادرش را بيامرزد و خداوند فرشتگان را مأمور مى‏كند تا سال آينده براى وى حسنات بنويسند ...[[1029]](#footnote-1029) 3- امام باقر عليه السلام درباره عمل ديگر اين شب فرمود: قرآن را بگشايد و در برابر خود قرار دهد وبگويد:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَما فيهِ، وَفيهِ اسْمُكَ‏ [الْأَعْظَمُ‏] الْأَكْبَرُ، وَ

خدايا از تو خواهم به حق كتاب فرستاده شده‏ات و آنچه در آن است كه در آن است نام بزرگت و

اسْماؤُكَ الْحُسْنى‏، وَما يُخافُ وَيُرْجى‏، انْ تَجْعَلَنى‏ مِنْ عُتَقائِكَ مِنَ النَّارِ.

نامهاى نيكويت و آنچه بدانها ترس و اميد شود كه قرارم دهى از زمره آزاد شدگانت از دوزخ.

سپس حاجت خود را از خدا بخواهد.[[1030]](#footnote-1030)

\*\*\*

4- مراسم قرآن به سر گرفتن است، به فرموده امام صادق عليه السلام: قرآن مجيد را بر سر بگذارد و بگويد:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذَا الْقُرْآنِ، وَ بِحَقِّ مَنْ ارْسَلْتَهُ بِهِ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ‏

خدايا به حق اين قرآن و به حق آن‏كس كه او را بدين قرآن فرستادى و هر مؤمنى كه در آن مدحش كردى‏

فيهِ، وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ، فَلا احَدَ اعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ.

و به حق تو بر ايشان زيرا هيچ‏كس به حق تو از خودت آشناتر نيست.

آنگاه ده مرتبه بگويد: بِكَ يا اللَّهُ‏ و ده مرتبه‏ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله‏ و ده مرتبه‏ بعَلِىٍّ عليه السلام‏ و ده مرتبه‏ بِفاطِمَةَ عليها السلام‏ و ده مرتبه‏ بِالْحَسَنِ عليه السلام‏ و ده مرتبه‏ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام‏ و ده مرتبه‏ بِعَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِعَلِىِّ بْنِ مُوسى‏ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِعَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ عليهما السلام‏ و ده مرتبه‏ بِالْحُجَّةِ عليه السلام‏؛ در پايان هر حاجتى كه دارد از خداوند طلب كند[[1031]](#footnote-1031) و در تمام اين اذكار، نهايت حضور قلب و توجّه به درگاه خدا را حفظ كند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 785

بهتر است اگر مى‏خواهند توسّل گرفته، يا ذكر مصيبتى كنند قبل يا بعد از دعا باشد و دعا را قطع نكنند.

5- زيارت امام حسين عليه السلام؛ به فرموده علّامه مجلسى، زيارت امام حسين عليه السلام در هر يكى از اين سه شب، مستحبّ مؤكّد است،[[1032]](#footnote-1032) و در روايتى آمده است كه سبب آمرزش گناهان مى‏شود[[1033]](#footnote-1033) و اگر دسترسى به زيارت از نزديك نداشته باشد، از دور زيارت كند.

6- احيا داشتن شب‏هاى قدر است؛ يعنى اين شب را تا صبح بيدار باشد و با عبادت و دعا و تلاوت قرآن و جلسات سخنرانى دينى و پرسش و پاسخ‏هاى مذهبى و يا مطالعه كتاب‏هاى تفسير و عقايد و مواعظ سپرى كند.

در روايتى از امام باقر عليه السلام آمده است: هر كس شب قدر را احيا دارد، گناهان او آمرزيده شود، هرچند زياد باشد،[[1034]](#footnote-1034) و بهتر است روز قبل مقدارى استراحت كند و غذا و نوشيدنى كمتر بخورد تا خواب بر او غلبه نكند و كسانى كه توانايى بر احيا ندارند، بهتر است اوّل شب را استراحت كنند و سحرگاهان بيدار باشند و عبادت نمايند.

7- صد ركعت نماز بگزارد (هر دو ركعت به يك سلام) كه فضيلت بسيار دارد و افضل آن است كه اگر توانايى داشته باشد، در هر ركعت بعد از حمد، ده مرتبه سوره قل هو اللَّه را بخواند.[[1035]](#footnote-1035) 8- مرحوم «شيخ كفعمى» در «مصباح» نقل كرده است كه امام زين العابدين عليه السلام اين دعا را در شب‏هاى نوزدهم، بيست و يكم و بيست و سوم در حالت ايستاده و نشسته و در ركوع و سجود مى‏خواندند:

اللَّهُمَّ انّى‏ امْسَيْتُ لَكَ عَبْداً داخِراً، لا امْلِكُ لِنَفْسى‏ نَفْعاً وَلا ضَرّاً، وَلا

خدايا من شام كردم در حالى كه بنده خوارى هستم كه مالك سود و زيانى براى خويش نيستم‏

اصْرِفُ عَنْها سُوءاً، اشْهَدُ بِذلِكَ عَلى‏ نَفْسى‏، وَاعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتى‏

و نتوانم از خويشتن پيش‏آمد ناگوارى را بازگردانم و اين مطلبى است كه من آن‏را بر خويش گواهى دهم و به ناتوانى خود و بيچارگيم‏

وَقِلَّةِ حيلَتى‏، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْجِزْ لى‏ ما وَعَدْتَنى‏

در برابرت اعتراف دارم پس درود فرست بر محمّد و آل محمّد و وفا كن برايم بدانچه بر من‏

وَجَميعَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ، وَاتْمِمْ عَلَىَّ ما

و همه مؤمنين و مؤمنات وعده فرمودى از آمرزش در اين شب‏و تمام كن بر من آنچه را

كليات مفاتيح نوين، ص: 786

اتَيْتَنى‏، فَانّى‏ عَبْدُكَ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ، الضَّعيفُ الْفَقيرُ الْمَهينُ،

به من دادى زيرا كه من بنده بينواى مستمند ناتوان تهيدست خوار توام‏

اللهُمَّ لا تَجْعَلْنى‏ ناسِياً لِذِكْرِكَ فيما اوْلَيْتَنى‏، وَلا لِإِحْسانِكَ فيما

خدايا مرا فراموشكار از ياد خويش در آنچه به من انعام فرمودى و از احسانت در آنچه به من‏

اعْطَيْتَنى‏، وَلا ايِساً مِنْ اجابَتِكَ، وَانْ ابْطَاتْ عَنّى‏ فى‏ سَرَّآءَ اوْ ضَرَّآءَ،

عطا كردى قرار مده و قرارم مده نااميد از اجابت خويش و اگرچه ديرزمانى طول كشد چه در خوشى و چه در سختى‏

اوْ شِدَّةٍ اوْ رَخآءٍ، اوْ عافِيَةٍ اوْ بَلاءٍ، اوْ بُؤْسٍ اوْ نَعْمآءَ، انَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ.[[1036]](#footnote-1036)

در دشوارى يا در آسايش در تندرستى يا گرفتارى در تنگدستى يا در نعمت براستى تو شنواى دعايى.

9- مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏فرمايد: بهترين اعمال در اين شب‏ها طلب آمرزش گناهان و دعا براى امور دنيوى و اخروى است، هم براى خود و هم براى پدر و مادر و خويشان و برادران مؤمن؛ چه زنده باشند و چه از دنيا رفته باشند و همچنين ذكرهاى مختلف و صلوات بر محمّد و آلش، تا آن‏جا كه مقدور است، انجام دهد و در بعضى از روايات وارد شده است كه دعاى «جوشن كبير» (صفحه 138) را در اين سه شب بخوانند.[[1037]](#footnote-1037) در روايتى آمده است كه شخصى خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله رسيد و عرض كرد: اگر شب قدر را درك كردم، چه چيزى را از خداوند طلب كنم؟ فرمود: عافيت و سلامتى را بخواه.[[1038]](#footnote-1038)

اعمال مخصوص هر يك از شب‏هاى سه‏گانه قدر:

اعمال شب نوزدهم:

اعمال شب نوزدهم چند چيز است:

1- صد مرتبه بگويد:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّى وَ أَتُوبُ إلَيْهِ.[[1039]](#footnote-1039)

2- صد مرتبه بگويد:

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ.[[1040]](#footnote-1040)

3- دعايى را كه در اعمال روزهاى ماه رمضان ذكر كرديم (يا ذا الّذي كان ...- صفحه 766-) را بخواند.[[1041]](#footnote-1041) 4- اين دعا را بخواند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 787

اللَّهُمَّ اْجْعَلْ فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ، وَفيما تَفْرُقُ مِنَ‏

خدايا قرار ده در آنچه حكم كرده و مقدر فرموده‏اى از سرنوشت حتمى و در آنچه جدا كنى از

الْأَمْرِ الحَكيمِ فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَفِى الْقَضآءِ الَّذى‏ لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، انْ‏

فرمان حكيمانه‏ات در شب قدر و در آن قضا و قدرى كه برگشت و تغيير و تبديلى ندارد

تَكْتُبَنى‏ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ،

كه نام مرا در زمره حاجيان خانه محترمت (كعبه) بنويسى آنان كه حجشان مقبول و سعيشان مورد تقدير

الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فيما تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ، انْ‏

و گناهانشان آمرزيده و كردار بدشان بخشوده شده است و قرار ده در آنچه مقدر فرموده‏اى‏

تُطيلَ عُمْرى‏، وَتُوَسِّعَ عَلَىَّ فى‏ رِزْقى‏، وَتَفْعَلَ بى‏ كَذا وَكَذا.[[1042]](#footnote-1042)

كه عمر مرا طولانى كرده و روزيم را وسيع گردانى‏و درباره‏ام چنين و چنان كنى.

(به جاى كلمه كذا و كذا، حاجت خود را عرضه دارد).

شب بيست و يكم: اين شب فضيلتش از شب نوزدهم بيشتر است كه اعمال مشترك شب‏هاى قدر را با توجّه بيشترى انجام دهد. در روايات درباره غسل و احيا و تلاش در عبادت در اين شب و شب بيست و سوم تأكيد شده و آمده است كه شب قدر در ميان يكى از اين دو شب است،[[1043]](#footnote-1043) و در چند روايت وقتى كه از معصوم عليه السلام خواستند تا معيّن كنند كه شب قدر، در ميان كدام يك از اين دو شب است، معيّن نكردند، بلكه فرمودند:

ما ايْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فيما تَطْلُبُ‏

(احياى هر دو شب براى آنچه مى‏خواهى مشكل نيست).[[1044]](#footnote-1044) و جالب اين كه «مرحوم صدوق» در «امالى» مى‏گويد: «

مِنْ دينِ الإمامِيَّةِ ... مَنْ احْيى هاتَيْنِ اللَّيْلَتَيْنِ بِمُذاكَرَةِ الْعِلْمِ فَهُوَ افْضَلُ؛

از دستورات مذهب اماميه است كه ... اگر كسى اين دو شب را به گفتگوى علمى بپردازد، از هر عبادتى برتر است».[[1045]](#footnote-1045) اعمال شب بيست و يكم: اعمال اين شب بر دو قسم است؛ قسم اوّل دعاهايى كه مربوط به دهه آخر ماه رمضان است كه خواهد آمد (صفحه 796) و قسم ديگر اعمال مخصوص شب بيست و يكم، كه به اين شرح است:

1- دعايى است كه در «مصباح‏المتهجّد» و «كافى» نقل شده است كه در شب بيست و يكم خوانده مى‏شود[[1046]](#footnote-1046):

كليات مفاتيح نوين، ص: 788

يا مُولِجَ اللَّيْلِ فِى‏النَّهارِ، وَمُولِجَ النَّهارِ فِى اللَّيْلِ، وَمُخْرِجَ الْحَىِّ مِنَ‏

اى فروبرنده شب در روز و اى فروبرنده روزدر شب و اى بيرون آورنده زنده از

الْمَيِّتِ، وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَىِّ، يا رازِقَ مَنْ يَشآءُ بِغَيْرِ حِسابٍ، يا اللَّهُ‏

مرده و بيرون آورنده مرده از زنده اى روزى دهنده هركه را خواهى بى‏حساب اى خدا،

يا رَحْمنُ، يا اللَّهُ يا رَحيمُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏،

اى بخشاينده، اى خدا اى مهربان اى خدا اى خدا ... از آن توست نامهاى نيكو

وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِيآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و نمونه‏هاى والا و بزرگى و نعمتها از تو خواهم درود فرستى بر محمّد و آل‏

مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَ رُوحى‏ مَعَ‏

محمّد و نام مرا در اين‏شب در زمره سعادتمندان قرار دهى و روحم را با

الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَاسآئَتى‏ مَغْفُورَةً، وَانْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً

شهدا مقرون سازى و احسان و نيكوكاريم را در بلندترين درجه بهشت و گناهانم را آمرزيده كنى و به من يقينى عطا كنى كه‏

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَتُرْضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ لى‏،

هميشه با دلم همراه باشد و ايمانى به من بدهى‏كه شك و ترديد را از من دور سازد و بدانچه روزيم كرده‏اى خشنودم سازى‏

وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ،

و بدهى به من در دنيا نعمت نيك و در آخرت نعمت نيك و نگهدارى ما را از عذاب آتش سوزان‏

وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغْبَةَ الَيْكَ وَ الْإِنابَةَ، وَ التَّوْفيقَ لِما

و روزيم كنى در اين شب ذكر خود و سپاسگزاريت و اشتياق و بازگشت بسويت و توفيق براى انجام آنچه را

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ‏

موفق داشتى بدان محمّدو آل محمّد را كه بر او و بر ايشان سلام باد.

2- مرحوم «شيخ كفعمى» از «سيّد بن باقى» نقل كرده است كه در شب بيست و يكم مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْسِمْ لى‏ حِلْماً يَسُدُّ عَنّى‏ بابَ‏

خدايا درود فرست برمحمّد و آل محمّد و چنان بردباريى بهره‏ام كن كه ببندد بر من دَرِ

الْجَهْلِ، وَهُدىً تَمُنُّ بِهِ عَلَىَّ مِنْ كُلِّ ضَلالَةٍ، وَغِنىً تَسُدُّ بِهِ عَنّى‏ بابَ كُلِ‏

نادانى را و هدايتى به من ده كه بر من منّت نهد از رهانيدن از هر گمراهى و بى‏نيازيى به من بده كه درهاى انواع فقر را به تمامى بر من ببندد

كليات مفاتيح نوين، ص: 789

فَقْرٍ، وَقُوَّةً تَرُدُّ بِها عَنّى‏ كُلَّ ضَعْفٍ، وَعِزّاً تُكْرِمُنى‏ بِهِ عَنْ كُلِّ ذِلَّةٍ، وَرِفْعَةً

و نيرويى به من ده كه هرگونه سستى را از من بازگرداند و عزتى كه از هر خوارى مرا گرامى دارى و رفعت مقامى‏

تَرْفَعُنى‏ بِها عَنْ كُلِّ ضَعَةٍ، وَامْناً تَرُدُّ بِهِ عَنّى‏ كُلَّ خَوْفٍ، وَعافِيَةً تَسْتُرُنى‏

كه بدان وسيله مرا از هر پستى بلند كنى و امنيّتى كه بوسيله آن هر ترسى را از من دور كنى و تندرستى كه بدان وسيله‏

بِها مِنْ كُلِّ بَلاءٍ، وَعِلْماً تَفْتَحُ لى‏ بِهِ كُلَّ يَقينٍ، وَيَقيناً تُذْهِبُ بِهِ عَنّى‏ كُلَ‏

مرا از هر بلايى بپوشانى و دانشى كه به آن هر يقينى را بر من مفتوح گردانى و يقينى كه بدان وسيله هر

شَكٍّ، وَدُعآءً تَبْسُطُ لى‏ بِهِ الْإِجابَةَ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفى‏ هذِهِ السَّاعَةِ

شك و ترديدى را از من دور سازى و دعايى كه اجابتش را بر من بگسترانى در همين امشب و در همين ساعت‏

السَّاعَةِ السَّاعَةِ يا كَريمُ، وَ خَوْفاً تَنْشُرُ لى‏ بِهِ كُلَّ رَحْمَةٍ، وَعِصْمَةً تَحُولُ‏

... ... ... ... اى بزرگوار و ترسى به من بده كه‏هر رحمتى را بدان وسيله بر من بگسترانى و مرا چنان خودنگهدار كن كه همان‏

بِها بَيْنى‏ وَ بَيْنَ الذُّنُوبِ، حَتّى‏ افْلِحَ بِها بَيْنَ الْمَعْصُومينَ عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ‏

حالت ميان من و گناهان حائل شود و بدان وسيله در پيشگاه معصومين (و خود نگهداران) درگاهت رستگار باشم‏

يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1047]](#footnote-1047)

اى مهربانترين مهربانان.

3- به فرموده «شيخ مفيد»، در اين شب صلوات بسيار فرستد و بر ظالمان و غاصبان حقوق آل‏محمّد صلى الله عليه و آله و همچنين بر قاتل اميرمؤمنان عليه السلام بسيار لعن و نفرين فرستد و براى خويش و پدر و مادرش و ساير مؤمنان دعا كند.[[1048]](#footnote-1048) 4- دعا براى وجود مبارك امام زمان عليه السلام و فرج آن حضرت، يكى ديگر از اعمال اين شب است. در روايتى كه «سيّد بن طاووس» از حمّاد بن عثمان نقل كرده مى‏خوانيم: در شب بيست و يكم ماه مبارك رمضان به محضر امام صادق عليه السلام شرفياب شدم، امام عليه السلام از من پرسيد كه آيا غسل كرده‏اى؟ گفتم:

آرى، امام عليه السلام حصيرى طلبيد و مرا نيز به كنارش فراخواند. آن حضرت عليه السلام مشغول نماز شد و من نيز نزديك آن حضرت عليه السلام نماز مى‏خواندم. وقتى كه از نمازها فارغ شديم، آن حضرت دعا كرد و من آمين گفتم، و اين كار ادامه داشت تا صبح طلوع كرد. امام عليه السلام اذان و اقامه گفتند و برخى از خدمتكاران را فراخواند و نماز صبح را به امامت آن حضرت عليه السلام بجا آورديم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 790

امام صادق عليه السلام بعد از نماز، به تسبيح و تقديس پروردگار پرداخت و بر پيامبر صلى الله عليه و آله درود فرستاد و براى مؤمنان دعا كرد؛ آنگاه به سجده رفت و ساعتى در سجده بود، و در آن مدّت جز صداى نَفَس حضرت چيزى را نمى‏شنيدم، سپس دعايى خواند از جمله در دعايش عرض كرد:

وَ أسْألُكَ بِجَميعِ ما سَأَلْتُكَ وَ ما لَمْ أَسْأَلْكَ مِنْ عَظيمِ جَلالِكَ، ما لَوْ

از تو تقاضا مى‏كنم به جميع آنچه كه تو را با آن خواندم و آنچه را نخواندم، از عظيم جلال تو كه اگر

عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجِ‏

مى‏دانستم تو را با آن خواندم. از تو مى‏خواهم بر محمّد و اهل‏بيتش درود بفرستى و اجازه فرج‏

مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيائِكَ وَ أَصْفِيائِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِهِ تُبيدُ الظَّالِمينَ‏

و ظهور كسى را بدهى كه با ظهور او گشايشى در كار اولياى تو و برگزيدگان از خلقت ظاهر مى‏شود و به وسيله او ظالمان را نابود

وَتُهْلِكُهُمْ، عَجِّلْ ذلِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

و هلاك مى‏سازى. اى پروردگار عالميان، در ظهورش تعجيل فرما.

پس از آن كه امام عليه السلام سر از سجده برداشت، عرض كردم: جانم به فدايت! شما براى فرج كسى دعا كرديد كه با فرج او گشايشى در كار دوستان و اولياى الهى حاصل خواهد شد؛ مگر آن كس شما نيستيد؟

امام عليه السلام فرمود: نه! او قائم آل محمّد است!

آنگاه امام صادق عليه السلام نشانه‏هاى ظهورش را بيان كرد و در ادامه فرمود: «شب و روز، منتظر ظهور مولايت باش! زيرا خداوند هر روز در شأن و كارى است، و انجام كارى او را از كار ديگر باز نمى‏دارد».

(وَ تَوَقَّعْ امْرَ صَاحِبِكَ لَيْلَكَ وَ نَهارَكَ، فانَّ اللَّهَ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ في شَأنٍ، لا يَشْغَلُهُ شأنٌ عَنْ شَأنٍ‏

).[[1049]](#footnote-1049) نكته:

از شب بيست و يكم، دهه آخر ماه رمضان شروع مى‏شود كه بسيار پرارزش و مغتنم است. در هر شب از شب‏هاى اين دهه، غسل مستحب است و روايت شده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله در هر شب از شب‏هاى دهه آخر ماه رمضان غسل مى‏كرد.[[1050]](#footnote-1050) همچنين اعتكاف در مساجد جامع در اين دهه مستحب است و فضيلت فراوان دارد و در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله اعتكاف در دهه آخر ماه رمضان برابر دو حج و دو عمره شمرده شده است.[[1051]](#footnote-1051)

كليات مفاتيح نوين، ص: 791

رسول خدا صلى الله عليه و آله در دهه آخر ماه رمضان در مسجد معتكف مى‏شد[[1052]](#footnote-1052) بسترش را جمع مى‏كرد و آماده و مهيّا و بانشاط به شب‏زنده‏دارى و عبادت مى‏پرداخت (بسيارى از مسلمانان نيز در اين امر به آن حضرت اقتدا مى‏كردند)،[[1053]](#footnote-1053) برخلاف آنچه بعضى از ناآگاهان مى‏پندارند كه با گذشت شب‏هاى قدر برنامه ماه مبارك رمضان تمام شده است.

شب بيست و سوم‏: اين شب، از دو شب قبل برتر است و از احاديث متعدّدى استفاده مى‏شود كه شب قدر همين شب است. در روايتى از امام باقر عليه السلام نقل شده است كه مردى به نام «جهنى» در ماه رمضان خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد و به آن حضرت عرض كرد: من در بيرون مدينه به سر مى‏برم و شتر و گوسفند دارم كه نمى‏توانم همه شب در مدينه حاضر شوم. دوست دارم شبى را به من معرّفى كنى تا آن شب را به مدينه بيايم و در نماز و عبادت حاضر باشم. حضرت او را به نزد خود فراخواند و به طور درگوشى آن شب را معرّفى كرد.

«جهنى» نيز وقتى شب‏هاى بيست و سوم ماه رمضان فرا مى‏رسيد، با همه خانواده و فرزندان و غلامان به مدينه مى‏آمد و آن شب را مى‏ماند و صبحگاهان به منزل خويش برمى‏گشت.[[1054]](#footnote-1054) همچنين در روايت ديگرى نقل شده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله در شب بيست و سوم ماه رمضان به سر و روى خانواده‏اش آب مى‏پاشيد تا به خواب نروند (و از فضيلت اين شب بهره بگيرند).[[1055]](#footnote-1055) روايات متعدّد ديگرى نيز داريم كه مى‏گويد: شب قدر، شب بيست و سوم است.[[1056]](#footnote-1056) مرحوم «علّامه مجلسى» نيز در «زاد المعاد» مى‏گويد: اكثر احاديث معتبر دلالت دارد كه شب بيست و سوم، شب قدر است.[[1057]](#footnote-1057)

اعمال مخصوص شب بيست و سوم:

در شب بيست و سوم، غير از اعمال مشترك شب‏هاى قدر، اعمال ديگرى نيز وارد شده است:

1- سوره عنكبوت و سوره روم را بخواند كه امام صادق عليه السلام فرمود: «هر كس در شب بيست و سوم، سوره‏هاى عنكبوت و روم را بخواند، به خدا سوگند! اهل بهشت است».[[1058]](#footnote-1058) 2- هزار مرتبه سوره «إنّا أنزلناه» را بخواند.[[1059]](#footnote-1059)

كليات مفاتيح نوين، ص: 792

3- سوره «حم دخان» را بخواند.[[1060]](#footnote-1060) 4- اين دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ امْدُدْ لى‏ فى‏ عُمْرى‏، وَاوْسِعْ لى‏ فى‏ رِزْقى‏، وَاصِحَّ لى‏ جِسْمى‏،

خدايا دراز كن عمرم را و فراخ كن روزيم را و سالم گردان تنم را

وَبَلِّغْنى‏ امَلى‏، وَانْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيآءِ فَامْحُنى‏ مِنَ الْأَشْقِيآءِ، وَاْكتُبْنى‏

و برسانم به آرزويم و اگر در زمره بدبختان هستم تو نامم را ازسلك آنان پاك كن و در زمره‏

مِنَ السُّعَدآءِ، فَانَّكَ قُلْتَ فى‏ كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلى‏ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ، صَلَواتُكَ‏

سعادتمندانم ثبت كن زيرا تو خودت در كتابى كه بر پيامبر مرسلت (ص) نازل فرمودى چنين گفتى:

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يَمْحُو اللَّهُ ما يَشآءُ وَيُثْبِتُ، وَعِنْدَهُ امُّ الْكِتابِ.[[1061]](#footnote-1061)

«خدا هر چه خواهد محو مى‏كند و ثبت مى‏كند و نزد اوست اصل كتاب».

5- اين دعا را كه مخصوص شب بيست و سوم است بخواند:

يا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجاعِلَها خَيْراً مِنْ الْفِ شَهْرٍ، وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ،

اى پروردگار شب قدر و قرار دهنده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز

وَالْجِبالِ وَالْبِحارِ، وَالظُّلَمِ والْأَنْوارِ، وَالْأَرْضِ وَالسَّمآءِ، يا بارِئُ يا

و كوهها و درياها و تاريكى‏ها و روشنيها و زمين و آسمان اى پديدآرنده اى‏

مُصَوِّرُ، يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ، يا اللَّهُ يا رَحْمنُ، يا اللَّهُ يا قَيُّومُ، يا اللَّهُ يا بَديعُ، يا

صورت بخش اى عطابخش اى نعمت ده اى خدا اى بخشاينده اى خدا اى پاينده اى خدا اى نوآفرين اى‏

اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِيآءُ

خدا اى خدا اى خدا از آن توست نامهاى نيك و نمونه‏هاى والا و بزرگى‏

وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏

و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و قرار دهى نام مرا در

هذِهِ‏اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَرُوحى‏ مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ،

كليات مفاتيح نوين، ص: 793

اين شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهيدان و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات‏

وَاسائَتى‏ مَغْفُورَةً، وَانْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَايماناً يُذهِبُ‏

و گناهم را آمرزيده و يقينى به من ببخشى كه هميشه با دلم همراه باشد و ايمانى به من بدهى كه‏

الشَّكَّ عَنّى‏، وَتُرْضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ لى‏، وَ اتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَفِى‏

يكسره شك و ترديد را از من دور كنى و بدانچه نصيبم كرده‏اى خشنودم سازى و بده به ما در دنيا نيكى و نعمت و در

الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ[[1062]](#footnote-1062) الْحَريقِ، وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ‏

آخرت نيز نيكى و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان و روزيم كن در اين شب ذكر خود

وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ الَيْكَ، وَالْإِنابَةَ والتَّوْبَةَ، والتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً

و سپاسگزاريت و شوق و بازگشت و توبه بسوى خودت را و موفقم بدار بدانچه موفق داشتى بدان محمّد

وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[[1063]](#footnote-1063)

و آل محمّد عليهم‏السّلام.

\*\*\*

6- اين دعا را كه از امام صادق عليه السلام نقل شده است، بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فيما تَقْضى‏ وَفيما تُقَدِّرُ مِنَ‏الْأَمْرِالْمَحْتُومِ، وَفيما تَفْرُقُ‏

خدايا قرار ده در آنچه حكم كرده و مقدر فرموده‏اى از فرمان حتمى خود و در آنچه جدا كنى‏

مِنَ الْأَمْرِ الْحَكيمِ، فى‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذى‏ لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، انْ‏

از دستور حكيمانه‏ات در شب‏قدر از آن حكمى كه بازگشت ندارد و تغيير پذير نيست‏

تَكْتُبَنى‏ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ فى‏ عامى‏ هذَا، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

كه بنويسى مرا از حاجيان خانه محترم كعبه‏ات در همين امسال آنان‏كه حجشان مقبول‏

الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فيما

و سعيشان مورد تقدير و گناهانشان آمرزيده و اعمال بدشان بخشوده شده و مقرر فرما

تَقْضى‏ وَتُقَدِّرُ، انْ تُطيلَ عُمْرى‏، وَتُوَسِّعَ لى‏ فى‏ رِزْقى‏.[[1064]](#footnote-1064)

در آنچه حكم كرده و مقدر فرموده‏اى كه عمرم را طولانى كنى و در روزيم وسعت دهى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 794

7- اين دعا را كه از امام حسن عليه السلام نقل شده است بخواند:

يا باطِناً فى‏ ظُهُورِهِ، وَيا ظاهِراً فى‏ بُطُونِهِ، وَيا باطِناً لَيْسَ يَخْفى‏، وَيا

اى كه نهان است در عين آشكاريش و اى كه آشكار است در عين نهانيش و اى نهانى كه درخفا نيستى و اى‏

ظاهِراً لَيْسَ يُرى‏، يا مَوْصُوفاً لا يَبْلُغُ بِكَيْنُونَتِهِ مَوْصُوفٌ، وَلا حَدٌّ

آشكارى كه ديده نشوى اى كه توصيفت كنند ولى هيچ وصفى به كنه ذات تو نرسد و هيچ حدى‏

مَحْدُودٌ، وَيا غآئِباً غَيْرَ مَفْقُودٍ، وَيا شاهِداً غَيْرَ مَشْهُودٍ، يُطْلَبُ‏

محدودت نكند و اى كه پيدا نيستى ولى گم نشده‏اى و اى كه حاضرى ولى مشهودنشوى تو را طلب كنند

فَيُصابُ، وَلَمْ يَخْلُ مِنْهُ السَّمواتُ وَالْأَرْضُ وَما بَيْنَهُما طَرْفَةَ عَيْنٍ، لا

و به مقصود نائل گردند، از تو خالى نيست آسمانها و زمين و مابين آن دو يك چشم برهم زدن،

يُدْرَكُ بِكَيْفٍ، وَلا يُؤَيَّنُ بِايْنٍ وَلا بِحَيْثٍ، انْتَ نُورُ النُّورِ، وَرَبُّ الْأَرْبابِ،

به چگونگى در نيايى و به جايى و سويى اندر نشوى‏تويى روشنى نور و پروردگار همه پروردگاران‏

احَطْتَ بِجَميعِ‏الْأُمُورِ، سُبْحانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ‏ءٌ، وَهُوَالسَّميعُ‏

به تمام امور احاطه دارى منزّه خدايى كه نيست مانندش چيزى و اوست شنواى‏

الْبَصيرُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هكَذا، وَلا هكَذا غَيْرُهُ.[[1065]](#footnote-1065)

بينا منزّه است آن‏كه او چنين است و جز او ديگرى چنين نخواهد بود.

سپس هر حاجتى دارى از خدا بطلب.

8- همچنين از معصومين عليهم السلام روايت شده است كه در شب بيست و سوم ماه رمضان، در سجود و ايستاده و نشسته دعاى ذيل را مى‏خواندند، بلكه مناسب است در تمام ماه رمضان، و در زمانهاى ديگر پس از تمجيد و ستايش خداوند و صلوات بر محمّد و آلش (مثلًا حدّاقل با گفتن‏

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الصَّلاةُ عَلى‏ رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ‏

)، اين دعا خوانده شود:

اللهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى‏ ابآئِهِ، فى‏

خدايا باش براى ولى خود حضرت حجت فرزند امام حسن عسكرى درودهاى تو بر او و بر پدرانش باد در

هذِهِ السَّاعَةِ، وَفى‏ كُلِّ ساعَةٍ، وَلِيّاً وَحافِظاً، وَقآئِداً وَناصِراً، وَدَليلًا

اين ساعت و در هر ساعت يار و مددكار و نگهبان و رهبر و ياور و راهنما

كليات مفاتيح نوين، ص: 795

وَعَيْناً، حَتّى‏ تُسْكِنَهُ ارْضَكَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فيها طَويلًا.[[1066]](#footnote-1066)

و ديده‏بان تا او را از روى ميل و رغبت مردم در روى زمين سكونت دهى و بهره‏مندش سازى زمانى دراز.

\*\*\*

9- همچنين اين دعا را در حالى كه دستان خود را به سوى آسمان بلند مى‏كند، بخواند:

يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يا باعِثَ مَنْ فِى الْقُبُورِ، يا مُجْرِىَ الْبُحُورِ، يا مُلَيِّنَ‏

اى تدبير كننده كارها اى برانگيزنده هر كه در گورها است اى روان كننده درياها اى نرم كننده‏

الْحَدِيدِ لِداوُدَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا. به جاى‏ آهن براى حضرت داود درود فرست بر محمّد و آل محمّد و بكن نسبت به من چنين و چنان.\*\*\*

كلمات‏

كذا و كذا

حاجات خود را بخواهد و سپس اضافه كند:

اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ

، السَّاعَةَ السَّاعَةَ

. اين دعا را در حال ركوع، سجده، ايستاده و نشسته به طور مكرّر بخوان.[[1067]](#footnote-1067)

\*\*\*

10- با توجّه به اهمّيّت شب بيست و سوم، غسل، احيا و زيارت امام حسين عليه السلام در اين شب فضيلت بسيار دارد و همچنين خواندن آن صد ركعت نماز كه مشترك ميان همه شب‏هاى قدر است.

«شيخ طوسى» در «تهذيب»، از ابوبصير روايت كرده است كه امام صادق عليه السلام فرمود: در آن شبى كه اميد مى‏رود شب قدر باشد صد ركعت نماز بخوان؛ در هر ركعت (پس از حمد) ده مرتبه سوره قل هو اللَّه را بخوان. ابوبصير عرض كرد: اگر نتوانستم ايستاده بخوانم، چه كنم؟ فرمود: نشسته بجا آور! گفتم: اگر نتوانم نشسته بخوانم؟ فرمود: در همان حال كه در بستر خود دراز كشيده‏اى، بجا آور.[[1068]](#footnote-1068)

\*\*\*

11- مرحوم «علّامه مجلسى»، در «زاد المعاد» فرموده است: در اين شب هر مقدار كه ممكن باشد، قرآن بخواند، و از دعاهاى «صحيفه كامله سجّاديّه» نيز استفاده كند؛ مخصوصاً دعاى مكارم‏الاخلاق و دعاى توبه.

روزهاى شب قدر را نيز بايد حرمت داشت و به عبادت و دعا به سر برد؛ در احاديث فراوانى آمده است كه روز قدر نيز در فضيلت مثل شب قدر است.[[1069]](#footnote-1069)

كليات مفاتيح نوين، ص: 796

دعاى شب‏هاى دهه آخر ماه مبارك رمضان:

دعاهاى اين شب‏ها بر دو قسم است؛ نخست دعاهايى كه مشترك ميان همه شب‏هاى اين دهه است كه در هر شب از دهه آخر ماه رمضان خوانده مى‏شود و ديگر، دعاهايى كه مخصوص هر شب از دهه آخر است.

دعاهاى مشترك شب‏هاى آخر ماه رمضان:

1- مرحوم «شيخ كلينى» در كتاب شريف «كافى» از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه فرمود: در دهه آخر ماه رمضان، هر شب اين دعا را مى‏خوانى:

اعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، أنْ يَنْقَضِىَ عَنّى‏ شَهْرُ رَمَضانَ، اوْ يَطْلُعَ‏

پناه مى‏برم به جلال ذات بزرگوارت از اين‏كه ماه رمضان از من بگذرد يا سپيده‏

الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتى‏ هذِهِ، وَ لَكَ قِبَلى‏ ذَنْبٌ اوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنى‏ عَلَيْهِ.[[1070]](#footnote-1070)

امشب بر من طلوع كند و باز هم از من در پيش تو گناه يا چيزى كه پاداشش بد است مانده باشد كه بدان عذابم كنى.

2- از مرحوم «كفعمى» در حاشيه «بلدالامين» از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه آن حضرت در هر شب از دهه آخر ماه رمضان، بعد از نمازهاى فريضه و نافله، اين دعا را مى‏خواند:

اللَّهُمَّ ادِّ عَنَّا حَقَّ ما مَضى‏ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ، وَ اغْفِرْلَنا تَقْصيرَنا فيهِ،

خدايا اداء كن از ما حق ايام گذشته ماه رمضان را و بيامرز تقصير ما را در اين ماه‏

وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا مَقْبُولًا، وَ لا تُؤاخِذْنا بِاسْرافِنا عَلى‏ انْفُسِنا، وَ اجْعَلْنا مِنَ‏

و آن را پذيرفته از ما دريافت كن و مگير ما را به زياده‏رويهايى كه بر نفس خويش كرديم و قرارمان ده از

الْمَرْحُومينَ، وَ لا تَجْعَلْنا مِنَ الْمَحْرُومينَ.[[1071]](#footnote-1071)

رحمت شدگان و قرارمان مده از محرومان.

3- «سيّد بن طاووس» در «اقبال»، از امام صادق عليه السلام نقل كرده است كه آن حضرت در هر شب از دهه آخر ماه رمضان اين دعا را مى‏خواند:

اللَّهُمَّ انَّكَ قُلْتَ فى كِتابِكَ الْمُنْزَلِ، شَهْرُ رَمَضانَ الَّذى‏ انْزِلَ فيهِ الْقُرْانُ،

كليات مفاتيح نوين، ص: 797

خدايا تو فرمودى در قرآنت‏كه از آسمان نازل گشته «ماه رمضانى كه قرآن در آن نازل گشته‏

هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏ وَ الْفُرْقانِ، فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ‏

كه آن قرآن راهنماى مردم و حجتهايى است از هدايت و تميز» و بدين ترتيب حرمت ماه رمضان را

بِما انْزَلْتَ فيهِ مِنَ الْقُرْانِ، وَ خَصَصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ جَعَلْتَها خَيْراً مِنْ‏

با نازل فرمودن قرآن بزرگ كردى و به شب قدر مخصوصش داشتى و آن شب را بهتر

الْفِ شَهْرٍ، اللهُمَّ وَهذِهِ ايَّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ، وَ لَياليهِ قَدْ

از هزار ماه گرداندى خدايا اين روزهاى ماه رمضان بود كه بر من گذشت و اين شبهاى آن است كه آن نيز

تَصَرَّمَتْ، وَ قَدْ صِرْتُ يا الهى‏ مِنْهُ الى‏ ما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنّى‏، وَاحْصى‏

گذشت و من اى معبودم از اين ماه به حالى درآمده‏ام كه تو خود بهتر از من مى‏دانى‏

لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ اجْمَعينَ، فَاسْئَلُكَ بِما سَئَلَكَ بِهِ مَلائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ،

و شماره‏اش را از همه مردم بهتر دارى پس از تو خواهم بدانچه فرشتگان مقرّبت‏

وَانْبِيآؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبادُكَ الصَّالِحُونَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و پيامبران فرستاده‏ات و بندگان شايسته‏ات تو را بدان خواستند كه درود فرستى بر محمّد و آل‏

مُحَمَّدٍ، وَانْ تَفُكَّ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، وَ تُدْخِلَنِى الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ انْ‏

محمّد و اين‏كه مرا از آتش دوزخ آزاد كنى و به رحمت خويش به بهشتم ببرى و به‏

تَتَفَضَّلَ عَلىَّ بِعَفْوِكَ وَ كَرَمِكَ، وَتَتَقَبَّلَ تَقَرُّبى‏، وَ تَسْتَجيبَ دُعآئى‏،

عفو و بزرگوارى خويش بر من تفضل كنى و تقرّب‏جويى مرا بپذيرى و دعايم را مستجاب گردانى‏

وَتَمُنَّ عَلَىَّ بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ اعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ، الهى‏

و در آن روز ترس و وحشت با امان دادنم از هر هراسى كه براى روز قيامتم آماده كرده‏اى بر من منت نهى خدايا

وَاعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَبِجَلالِكَ الْعَظيمِ، انْ يَنْقَضِىَ ايَّامُ شَهْرِ رَمَضانَ‏

پناه مى‏برم به ذات بزرگوارت و به جلال و شوكت عظيمت كه بگذرد روزها

وَلَياليهِ، وَ لَكَ قِبَلى‏ تَبِعَةٌ اوْ ذَنْبٌ تُؤاخِذُنى‏ بِهِ، اوْ خَطيئَةٌ تُريدُ انْ تَقْتَصَّها

و شبهاى ماه رمضان و از تو در نزد من گناه يا پاداش بدى باشد كه مرا بدان مؤاخذه كنى يا خطايى باشد كه بخواهى آنرا از من تقاص كنى‏

مِنّى‏، لَمْ تَغْفِرْها لى‏، سَيِّدى‏ سَيِّدى‏ سَيِّدى‏، اسْئَلُكَ يا لا الهَ الَّا انْتَ، اذْ لا

و نيامرزيده باشى اى آقاى من آقاى من آقاى من‏از تو خواهم اى كه معبودى جز تو نيست زيرا

الهَ الَّا انْتَ، انْ كُنْتَ رَضيتَ عَنّى‏ فى‏ هذَا الشَّهْرِ، فَازْدَدْ عَنّى‏ رِضاً، وَانْ‏

معبودى جز تو نيست كه اگر در اين ماه از من خشنود گشته‏اى بر خشنودى خويش از من بيفزا و اگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 798

لَمْ تَكُنْ رَضيتَ عَنّى‏، فَمِنَ الْأنَ فَارْضَ عَنّى‏ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا اللَّهُ‏

هنوز خشنود نشده‏اى از هم‏اكنون از من‏خشنود شو اى مهربانترين مهربانان اى خدا

يا احَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ. و بسيار بگو:

اى يكتا اى بى‏نياز اى كه فرزند ندارد و فرزند كسى نيست و براى او همتايى نباشد هيچ كس\*\*\*\*\*\*\*\*

يا مُلَيِّنَ الْحَديدِ لِداوُدَ عَلَيْهِ السَّلامُ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظامِ عَنْ‏

اى نرم كننده آهن براى حضرت داوود عليه‏السلام اى برطرف‏كننده گرفتارى و ناراحتى بزرگ از

ايُّوبَ عَلَيْهِ السَّلامُ، اىْ مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلامُ، اىْ مُنَفِّسَ غَمِ‏

ايوب عليه‏السلام اى گشاينده اندوه يعقوب عليه السلام اى زداينده غم‏

يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلامُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما انْتَ اهْلُهُ انْ‏

يوسف عليه‏السلام درود فرست بر محمّد و آل محمّد بدانسان كه تو شايسته آنى كه‏

تُصَلِّىَ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ، وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بى‏ ما انَا اهْلُهُ‏[[1072]](#footnote-1072)

درود فرستى بر ايشان همگى و انجام ده درباره من آنچه را تو شايسته آنى و انجام مده درباره‏ام آنچه من سزاوارم‏

\*\*\*

دعاهاى مخصوص هر شب از دهه آخر ماه رمضان:

دعاى مخصوص شب بيست و يكم گذشت.

دعاى شب بيست و دوم:

يا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللَّيْلِ فَاذا نَحْنُ مُظْلِمُونَ، وَمُجْرِىَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّها

اى كه روز (روشن) را از شب (تار) بركنى و ناگهان ما در تاريكى‏فرو رويم و اى روان‏كننده خورشيد روى مدارش‏

بِتَقْديرِكَ، يا عَزيزُ يا عَليمُ، وَمُقَدِّرَالْقَمَرِ مَنازِلَ حَتّى‏ عادَ كَالْعُرْجُونِ‏

به تقديرى كه فرمودى اى نيرومند اى دانا و اى اندازه‏گيرماه در منزلهاى معين تا بازگردد چون شاخه‏

الْقَديمِ، يا نُورَ كُلِّ نُورٍ، وَمُنْتَهى‏ كُلِّ رَغْبَةٍ، وَوَلِىَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، يا اللَّهُ يا

خرماى لاغر خشك اى روشنى هر نور و آخرين سرحدهر شوق‏و سرپرست هر نعمت اى خدا اى‏

رَحْمنُ، يا اللَّهُ يا قُدُّوسُ، يا احَدُ يا واحِدُ يا فَرْدُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ‏

بخشاينده اى خدا اى منزّه از هر عيب‏اى يگانه اى يكتا اى فرد اى خدا ... از آن توست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 799

الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، وَ الْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَ الْكِبْرِياءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ‏

نامهاى نيك و نمونه‏هاى والا و بزرگى و نعمتها از تو خواهم كه درود

تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى‏

فرستى بر محمّد و خاندانش و قرار دهى نامم را در اين شب در زمره‏

السُّعَدآءِ، وَ رُوحى‏ مَعَ الشُّهَدآءِ، وَ احْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَاسآئَتى‏

سعادتمندان و روحم را با شهيدان و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات و گناهم را

مَغْفُورَةً، وَ انْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏،

آمرزيده و ديگر اين‏كه يقينى به من بدهى كه هميشه با دلم همراه باشد و ايمانى به من عطا كنى كه شك و ترديد را يكسره از من دور سازد

وَتُرْضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ لى‏، وَ اتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنةً، وَفِى الْاخِرَةِ حَسَنَةً،

و بدانچه نصيبم كرده‏اى خشنودم ساز و بده به ما در دنيا نعمت نيك و در آخرت نيز نعمت نيك‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص799**

وَقِنا عَذابَ النَّارِ[[1073]](#footnote-1073) الْحَريقِ، وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغَبَةَ

و نگهدار ما را از عذاب آتش‏سوزان و روزيم گردان در اين شب ذكر خود و سپاسگزاريت و اشتياق‏

الَيْكَ وَالْإِنابَةَ، وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[[1074]](#footnote-1074)

و بازگشت بسويت را و موفق دارى مرا براى انجام آنچه را موفق داشتى بدان محمّد وآل محمّد عليهم‏السلام را.

دعاى شب بيست و سوم قبلًا گذشت.

\*\*\*

دعاى شب بيست و چهارم:

يا فالِقَ الْإِصْباحِ، وَجاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْباناً، يا

اى شكافنده سپيده صبح و اى قرار دهنده شب را وسيله آرامش و خورشيد و ماه را وسيله حساب كردن اى‏

عَزيزُ يا عَليمُ، يا ذَاالْمَنِّ وَالطَّوْلِ، وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ، وَالْفَضْلِ والْإِنْعامِ،

نيرومند اى دانا اى صاحب نعمت و بخشش و نيرو و جنبش و فضل و نعمت‏بخشى‏

وَالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا اللَّهُ يا رَحْمنُ، يا اللَّهُ يا فَرْدُ يا وِتْرُ، يا اللَّهُ يا ظاهِرُ

و جلالت و بزرگوارى اى خدا اى بخشاينده اى خدا اى يگانه يكتا اى خدا اى‏آشكار

كليات مفاتيح نوين، ص: 800

يا باطِنُ، يا حَىُّ لا الهَ الَّا انْتَ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، وَ الْأَمْثالُ الْعُلْيا،

و اى نهان اى زنده‏اى كه معبودى جز تو نيست از آن توست نامهاى نيك و نمونه‏هاى والا

وَ الْكِبْرِيآءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ‏

و بزرگى و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و ديگر آن‏كه‏

تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَ رُوحى‏ مَعَ الشُّهَدآءِ،

قرار دهى نام مرا در اين شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهيدان‏

وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَ اسائَتى‏ مَغْفُورَةً، وَ انْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً تُباشِرُ بِهِ‏

و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و يقينى به من ببخشى كه همواره با دلم مقرون باشد

قَلْبى‏، وَ ايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَ رِضىً بِما قَسَمْتَ لى‏، وَ اتِنا فِى‏

و ايمانى بدهى كه شك و ترديد را از من دور سازد و خشنودى بدانچه نصيبم كرده‏اى و بده به ما در

الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ، وَ ارْزُقْنى‏

دنيا نيكى و نعمت و در آخرت نيز نيكى و نعمت و بازمان دار از عذاب آتش سوزان و روزيم كن‏

فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغْبَةَ الَيْكَ، وَ الْإنابَةَ وَ التَّوْبَهَ، وَ التَّوْفيقَ لِما

در اين شب ذكر خود و سپاسگزاريت را و ميل و رغبت و بازگشت و توبه كردن بسويت را و موفقم بدار بدانچه‏

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.[[1075]](#footnote-1075)

موفق داشتى بدان محمّد و آل محمّد را درودهاى تو و بر او و بر ايشان باد.

\*\*\*

دعاى شب بيست و پنجم:

يا جاعِلَ اللَّيْلِ لِباساً، وَالنَّهارِ مَعاشاً، وَالْأَرْضِ مِهاداً، وَالْجِبالِ اوْتاداً،

اى كه شب را پوشش قراردادى و روز را وسيله درآوردن روزى‏وزمين را گهواره (يا بستر گسترده) و كوهها را چون ميخ قرار دادى‏

يا اللَّهُ يا قاهِرُ، يا اللَّهُ يا جَبَّارُ، يا اللَّهُ يا سَميعُ، يا اللَّهُ يا قَريبُ، يا اللَّهُ يا

اى خدا اى چيره اى با جبروت اى خدا اى شنوا اى خدا اى نزديك اى خدا اى‏

مُجيبُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا،

پاسخ ده اى خدا ... از آن توست نامهاى نيك و نمونه‏هاى والا

كليات مفاتيح نوين، ص: 801

وَالْكِبْرِياءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ‏

و بزرگى و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و قرار دهى‏

اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَرُوحى‏ مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى‏ فى‏

نامم را در اين شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهيدان و احسان و نيكيم را

عِلِّيّينَ، وَاسائَتى‏ مَغْفُورَةً، وَانْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَايماناً

در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و يقينى به من بدهى كه هميشه ملازم دل من باشد و ايمانى‏

يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَرِضىً بِما قَسَمْتَ لى‏، وَ اتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَفِى‏

به من عطا كنى كه شك و ترديد را از من دور سازد و خشنودم سازى بدانچه نصيبم كرده‏اى وبدهى به‏من در دنيا نيكى و در

الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ، وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ‏

آخرت نيكى و نگاهم دارى از آتش سوزان دوزخ و روزيم كنى در اين شب ذكر خود

وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ الَيْكَ، وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ، والتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً

و سپاسگزاريت را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به درگاهت و موفقم دار بدانچه موفق داشتى بدان محمّد

وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[[1076]](#footnote-1076)

و آل محمّد عليهم‏السّلام را.

\*\*\*

دعاى شب بيست و ششم:

يا جاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ ايَتَيْنِ، يا مَنْ مَحا ايَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ ايَةَ النَّهارِ

اى قرار دهنده شب و روز را دو نشانه (بر قدرتت) اى كه نشانه شب را سياه و نشانه روز را

مُبْصِرَةً، لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْواناً، يا مُفَصِّلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ تَفْصيلًا، يا

روشنى‏بخش كردى تا فزونى جويند از فضل و خشنودى پروردگار اى جداكننده هر چيز بخوبى اى‏

ماجِدُ يا وَهَّابُ، يا اللَّهُ يا جَوادُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏،

صاحب مجد و شوكت اى پربخشش اى خدا اى بخشنده اى خدا ... از آن توست نامهاى نيك‏

وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِيآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و نمونه‏هاى والا و بزرگ و نعمتها از تو خواهم درود فرستى بر محمّد و آل‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 802

مُحَمدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَرُوحى‏ مَعَ‏

محمّد و ديگر آن‏كه نامم را در اين شب در زمره سعادتمندان قرار دهى و روحم را با

الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَاسآئَتى‏ مَغْفُورَةً، وَانْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً

شهيدان و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و ببخشى بر من‏

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَ ايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَ تُرضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ لى‏،

يقينى كه همواره ملازم قلبم باشد و ايمانى كه يكسره شك و ترديد رااز من دور سازد و خشنودم سازى بدانچه نصيبم كرده‏اى‏

وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ،

و بدهى به من در دنيا نيكى و نعمت و در آخرت نيز نيكى و نگاهمان دارى از عذاب آتش سوزان‏

وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغْبَةَ الَيْكَ، وَ الْإِنابَةَ وَ التَّوْبَةَ،

و روزيم كنى در اين شب ذكرت و سپاسگزاريت را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه بسويت‏

وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.[[1077]](#footnote-1077)

و موفقم دارى بدانچه موفق داشتى بدان محمّدو آل محمّد را كه درود تو بر او و برايشان باد.

\*\*\*

دعاى شب بيست و هفتم:

يا مآدَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ ساكِناً، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلًا، ثُمَ‏

اى امتداد دهنده سايه كه اگر مى‏خواستى آن را در يكجا ساكن مى‏كردى و قراردادى خورشيد را بر آن سايه رهبر سپس‏

قَبَضْتَهُ الَيْكَ قَبْضاً يَسيراً، يا ذَا الْجُودِ وَالطَّوْلِ، وَالْكِبْرِيآءِ وَالْألاءِ، لا

آن را به آسانى تدريجاً دربرگرفتى اى صاحب جود و عطا و كبريا و نعمتها

الهَ إلَّاانْتَ، عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، الرَّحْمنُ الرَّحيمُ، لا إلهَ إلَّاانْتَ، يا

معبودى جز تو نيست كه داناى غيب و شهود و بخشاينده و مهربانى معبودى جز تو نيست اى‏

قُدُّوسُ يا سَلامُ، يا مُؤْمِنُ يامُهَيْمِنُ، يا عَزيزُ ياجَبَّارُ يا مُتَكَبِّرُ، يا اللَّهُ يا

منزّه از هر عيب اى بى‏خلل اى ايمنى بخش اى مراقب بندگان اى نيرومند اى مقتدر اى بزرگوار اى خدا اى‏

خالِقُ، يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏،

آفريننده اى ايجاد كننده اى صورتگر اى خدا اى خدا اى خدا از آن توست نامهاى نيكو

كليات مفاتيح نوين، ص: 803

وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِياءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و نمونه‏هاى والا و كبريا و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَرُوحى‏ مَعَ‏

وآل محمّد و اين‏كه نامم را در اين شب در زمره سعادتمندان قرار دهى و روحم را با

الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَاسآئَتى‏ مَغْفُورَةً، وَانْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً

شهيدان و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و ببخشى بر من يقينى‏

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَتُرْضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ لى‏،

كه همواره ملازم قلب من باشد و ايمانى كه شك و ترديد را يكسره از من دور سازد و خشنودم سازى بدانچه نصيبم كرده‏اى‏

وَ اتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَفِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ،

و بده به من در دنيا نيكى و در آخرت نيكى و نگاهم‏دار از عذاب آتش سوزان‏

وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ الَيْكَ وَ الْإِنابَةَ وَ التَّوْبَةَ،

و روزيم گردان در اين شب ذكر خود و سپاسگزاريت را و شوق و رغبت بسويت و بازگشت و توبه به درگاهت‏

وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.[[1078]](#footnote-1078)

و موفقم بدار بدانچه موفق داشتى بدان محمّد و آل محمّد را درود تو بر او و بر ايشان باد.

\*\*\*

دعاى شب بيست و هشتم:

يا خازِنَ اللَّيْلِ فِى الْهَوآءِ، وَخازِنَ النُّورِ فِى السَّمآءِ، وَمانِعَ السَّمآءِ أَنْ‏

اى جا دهنده تاريكى شب را در هوا و جا دهنده روشنى (روز) را در آسمان و جلوگيرنده آسمان از اين‏كه‏

تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إلَّابِاذْنِهِ، وَحابِسَهُما انْ تَزُولا، يا عَليمُ يا غَفُورُ يا

بر زمين افتد مگر به اذن او و نگهدارنده آسمان و زمين از اين‏كه از جاى خود بدر روند اى دانا اى آمرزنده اى‏

دائِمُ، يا اللَّهُ يا وارِثُ، يا باعِثَ مَنْ فِى الْقُبُورِ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ‏

جاويدان اى خدا اى ارث برنده اى برانگيزنده مردگان در ميان گورها اى خدا اى خدا اى خدا از آن تو است‏

الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِيآءُ وَالْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ‏

نامهاى نيكو و نمونه‏هاى والا و كبرياء و نعمتها از توخواهم كه درود فرستى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 804

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى‏السُّعَدآءِ،

بر محمّد و آل محمّد و اين‏كه قرار دهى نامم را در اين‏شب در زمره سعادتمندان‏

وَرُوحى‏ مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَاسآئَتى‏ مَغْفُورَةً، وَانْ تَهَبَ‏

و روحم را با شهيدان و احسانم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و ببخش‏

لى‏ يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَتُرْضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ‏

بر من يقينى كه پيوسته همراه و ملازم دلم باشد و ايمانى به من ده كه يكسره شك و ترديد را از من دور سازد و خشنودم سازى بدانچه نصيبم كرده‏اى‏

لى‏، وَ اتِنا فِى‏الدُّنْيا حَسَنَةً، وَفِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ

و بده به ما در دنيا نيكى و درآخرت نيكى و نگاهمان دار از آتش سوزان دوزخ‏

الْحَريقِ، وَارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ الَيْكَ، وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

و روزيمان گردان در اين شب ياد خود و سپاسگزاريت را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به سويت‏

وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.[[1079]](#footnote-1079)

و موفقم دار بدانچه موفق داشتى بدان محمّد و آل محمّد را درود خدا بر او و بر ايشان باد.

\*\*\*

دعاى شب بيست و نهم:

يا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهارِ، وَمُكَوِّرَ النَّهارِ عَلَى اللَّيْلِ، يا عَليمُ يا

اى خدايى كه شب را به روز پيچانى و روز را بر شب بپيچانى اى دانا اى‏

حَكيمُ، يا رَبَّ الْأَرْبابِ، وَ سَيِّدَ السَّاداتِ، لا الهَ إلَّاانْتَ، يا اقْرَبَ الَىَ‏

فرزانه اى پروردگار همه پروردگاران و آقاى همه بزرگان معبودى جز تو نيست اى كه نزديكترى به من‏

مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏، وَ الْأَمْثالُ‏

از رگ گردن اى خدا اى خدا اى خدا از آن توست نامهاى نيكو و نمونه‏هاى‏

الْعُلْيا، وَ الْكِبْرِياءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

والا و بزرگى و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد

وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَ رُوحى‏ مَعَ الشُّهَدآءِ،

و قرار دهى نام مرا در اين شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهيدان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 805

وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّيِنَ، وَ اسآئَتى‏ مَغْفُورَةً، وَ انْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً تُباشِرُ بِهِ‏

و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و ببخشى بر من يقينى كه پيوسته ملازم‏

قَلْبى‏، وَ ايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَ تُرْضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ لى‏، وَ اتِنا فِى‏

دل من باشد و ايمانى كه يكسره شك و ترديد را از من دور سازد و خشنودم سازى بدانچه بهره‏ام كرده‏اى و به ماعطا فرما در

الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الأخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ، وَ ارْزُقْنى‏

دنيا نيكى و در آخرت نيكى و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان و روزيم گردان‏

فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغْبَةَ الَيْكَ، وَالْإِنابَةَ وَ التَّوْبَةَ، وَ التَّوْفيقَ لِما

در اين شب ذكر خود و سپاسگزاريت و شوق و رغبت بسويت و بازگشت و توبه به درگاهت را و موفقم دار بدانچه‏

وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.[[1080]](#footnote-1080)

موفق داشتى بدان محمّد و آل محمّد را كه درود خدا بر او و بر ايشان باد.

\*\*\*

دعاى شب سى‏ام:

الْحَمْدُللَّهِ لا شَريكَ لَهُ، الْحَمْدُ للَّهِ كَما يَنْبَغى‏ لِكَرَمِ وَجْهِهِ، وَعِزِّ جَلالِهِ،

ستايش مخصوص خدايى است كه شريك ندارد ستايش خاص خدا چنانچه شايسته بزرگوارى ذات و شوكت جلال اوست‏

وَكَما هُوَ اهْلُهُ، يا قُدُّوسُ يا نُورُ، يا نُورَ الْقُدْسِ، يا سُبُّوحُ يا مُنْتَهَى‏

و چنانچه سزاوار آن است اى منزّه اى روشنى ده اى روشنى مقدّس اى پاكيزه از هر عيب اى آخرين حد

التَّسْبيحِ، يا رَحْمنُ يا فاعِلَ الرَّحْمَةِ، يا اللَّهُ يا عَليمُ يا كَبيرُ، يا اللَّهُ يا

پاكيزگى اى بخشاينده اى مهر پيشه اى خدا اى دانا اى بزرگوار اى خدا اى‏

لَطيفُ يا جَليلُ، يا اللَّهُ يا سَميعُ يا بَصيرُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمآءُ

با لطف اى برجسته اى خدا اى شنوا اى بينا اى خدا اى خدا اى خدا از آن تو است نامهاى‏

الْحُسْنى‏، وَ الْأَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِيآءُ وَ الْألاءُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏

نيكو و نمونه‏هاى والا و بزرگى و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستى بر

مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَانْ تَجْعَلَ اسْمى‏ فى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدآءِ، وَرُوحى‏

محمّد و خاندانش و قرار دهى نامم را در اين شب در زمره سعادتمندان و روحم را

كليات مفاتيح نوين، ص: 806

مَعَ الشُّهَدآءِ، وَاحْسانى‏ فى‏ عِلِّيّينَ، وَ اسآئَتى‏ مَغْفُورَةً، وَ انْ تَهَبَ لى‏ يَقيناً

با شهيدان و احسان و نيكيم را در بلندترين درجات‏و گناهم را آمرزيده و ببخشى به من يقينى‏

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى‏، وَ ايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّى‏، وَ تُرْضِيَنى‏ بِما قَسَمْتَ لى‏،

كه پيوسته ملازم دل من باشد و ايمانى كه يكسره شك و ترديد را از من دور سازد و خشنودم سازى بدانچه نصيبم كرده‏اى‏

وَ آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ الْحَريقِ،

و بدهى به من در دنيا نيكى و در آخرت نيكى و نگاهم دارى از عذاب آتش سوزان‏

وَ ارْزُقْنى‏ فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغْبَةَ الَيْكَ، وَ الْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

و روزيم كنى در اين شب ذكر خودو سپاسگزاريت و شوق و رغبت بسويت و بازگشت و توبه بدرگاهت‏

وَ التَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مَحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.[[1081]](#footnote-1081)

و موفقم بدارى بدانچه موفق داشتى بدان محمّد و آل محمّد را درود خدا بر او و بر ايشان باد.

\*\*\*

شب بيست و هفتم ماه رمضان: اين شب، شب مباركى است و بزرگان اعمال زير را براى آن ذكر كرده‏اند:

1- «غسل» است كه در روايتى از امام صادق عليه السلام به آن تصريح شده است.[[1082]](#footnote-1082) 2- سى ركعت نماز است كه شرح آن در اعمال شب‏هاى ماه رمضان (صفحه 713) گذشت.

3- از زيد بن على عليه السلام نقل شده است كه از پدرم على بن الحسين عليهما السلام شنيدم كه در شب بيست و هفتم ماه رمضان از اوّل شب تا آخر، اين دعا را مى‏خواند:

اللهُمَّ ارْزُقْنِى التَّجافِىَ عَنْ دارِ الْغُرُورِ، وَالْإِنابَةَ الى‏ دارِ الْخُلُودِ،

خدايا روزيم كن دورى گزيدن از خانه فريب (ناپايدار) و بازگشت بسوى خانه جاويدان‏

وَالْإِسْتِعْدادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ.[[1083]](#footnote-1083)

و آماده شدن براى مرگ پيش از رسيدن آن.

4- دعاى ديگرى براى اين شب، از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله نقل شده است كه مجموعه‏اى از آيات قرآن است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 807

رَبَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا، وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئاتِنا، وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأبْرارِ؛ رَبَّنا

پروردگارا، ما ايمان آورديم، گناهان ما را ببخش و بدى‏هاى ما را بپوشان و ما را با نيكان بميران! پروردگارا

وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ، وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ‏

آنچه را بوسيله پيامبرانت به ما وعده فرمودى، به ما عطا كن! و ما را در روز رستاخيز، رسوا مگردان، زيرا تو هيچ‏گاه از وعده خود، تخلّف نمى‏كنى.

الْميعاد. رَبَّنا امَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ، فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَل إِلى‏

پروردگارا! ما را دوبار ميراندى و دوبار زنده كردى؛ اكنون به گناهان خود معترفيم، آيا

خُرُوجٍ مِنْ سَبيلٍ. رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذابَ جَهَنَّمَ، إنَّ عَذابَها كانَ غَراماً.

راهى براى خارج شدن وجود دارد. پروردگارا! عذاب جهنّم را از ما برطرف گردان، كه عذابش سخت و پردوام است.

رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّةَ اعْيُنٍ، وَاجْعَلْنا لِلْمُتَّقينَ اماماً.

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مايه روشنى چشم ما قرار ده، و ما را براى پرهيزگاران، پيشواگردان.

رَبَّنا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا، وَ إلَيْكَ أَنَبْنا وَ الَيْكَ الْمَصيرُ. رَبَّنا لا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً

پروردگارا! ما بر تو توكّل كرديم و به سوى توبازگشتيم و همه فرجام‏ها به سوى توست. پروردگارا! ما را مايه گمراهى‏

لِلَّذينَ كَفَرُوا، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا، وَ لِإخْوانِنَا الَّذينَ سَبَقُونا بِالْايمانِ،

كافران قرار مده. پروردگارا! ما و برادرانمان را كه در ايمان بر ما پيشى گرفتند، بيامرز

وَلاتَجْعَلْ فِى قُلُوبِنا غِلّاً لِلَّذينَ آمَنُوا، رَبَّنا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحيمٌ.[[1084]](#footnote-1084)

و در دل‏هاى ما حسد و كينه‏اى نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا! تو مهربان و رحيمى!

\*\*\*

شب آخر ماه رمضان‏: شب آخر ماه رمضان، شب مباركى است كه چند عمل در آن وارد شده است:

1- غسل كردن.[[1085]](#footnote-1085) 2- زيارت امام حسين عليه السلام.[[1086]](#footnote-1086) 3- خواندن سوره‏هاى «انعام»، «كهف» و «يس».[[1087]](#footnote-1087) 4- صد مرتبه بگويد:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.[[1088]](#footnote-1088)

5- خواندن اين دعا كه «شيخ كلينى» رحمه الله از امام صادق عليه السلام نقل كرده است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 808

اللَّهُمَّ هذا شَهْرُ رَمَضانَ، الَّذى‏ انْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَرَّمَ، وَاعُوذُ

خدايا اين ماه رمضانى است كه در آن قرآن را نازل فرمودى و اكنون رو به رفتن است و پناه مى‏برم‏

بِوَجْهِكَ الْكَريمِ يا رَبِّ انْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتى‏ هذِهِ، اوْ يَتَصَرَّمَ شَهْرُ

به ذات بزرگوارت اى پروردگار من كه سپيده دم امشب بر من بزند يا ماه‏

رَمَضانَ، وَلَكَ قِبَلى‏ تَبِعَةٌ اوْ ذَنْبٌ تُريدُ انْ تُعَذِّبَنى‏ بِهِ يَوْمَ الْقاكَ.[[1089]](#footnote-1089)

رمضان بر من بگذرد و از تو در پيش من پيگرد يا گناهى باشد كه بخواهى مرا در روز ديدارت عذاب فرمائى.

6- خواندن دعاى‏

«يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ»

كه در اعمال شب بيست و سوم (صفحه 795) گذشت.[[1090]](#footnote-1090) 7- با ماه رمضان وداع كند و دعاهاى وداع را كه علماى بزرگ در كتب خويش نقل كرده‏اند بخواند و از بهترين آن دعاها، دعاى چهل و پنجم «صحيفه كامله سجّاديّه» است.

«سيّد بن طاووس» از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه هر كس در شب آخر ماه رمضان، با آن ماه وداع كند و اين دعا را بخواند، خداوند او را پيش از طلوع صبح بيامرزد و توفيق توبه و انابه را به او مرحمت فرمايد:

اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيامى‏ لِشَهْرِ رَمَضانَ، وَاعُوذُ بِكَ انْ‏

خدايا قرارش مده آخرين ديدار از روزه‏ام در ماه رمضان و پناه مى‏برم به تو از آن‏كه‏

يَطْلُعَ فَجْرُ هذِهِ اللَّيْلَةِ الَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لى‏.[[1091]](#footnote-1091)

سپيده دم امشب بر من بزند جز آن كه مرا آمرزيده باشى.

در روايت ديگرى از جابر بن عبداللَّه انصارى نقل شده است كه در جمعه آخر ماه رمضان به محضر رسول خدا صلى الله عليه و آله شرفياب شدم؛ رسول خدا صلى الله عليه و آله به من فرمود: اين روز، جمعه آخر ماه رمضان است، با آن وداع كن و بگو:

اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيامِنا ايَّاهُ، فَانْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنى‏

خدايا قرارش مده آخرين ديدار ما از روزه‏مان در ماه رمضان و اگر چنين كرده‏اى پس مرا

مَرْحُوماً، وَلا تَجْعَلْنى‏ مَحْرُوماً.

مورد رحمت قرار ده و قرارم مده در زمره محرومان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 809

رسول خدا صلى الله عليه و آله در ادامه فرمود: هر كس در اين روز اين دعا را بخواند، به يكى از دو خصلت نيكو دست يابد، يا آن‏كه ماه رمضان آينده را درك مى‏كند و يا به آمرزش و رحمت بى‏انتهاى خداوند مى‏رسد.[[1092]](#footnote-1092) 8- خواندن ده ركعت نماز (هر دو ركعت به يك سلام).

از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت شده است كه هر كس در شب آخر ماه رمضان، ده ركعت نماز بگزارد و در هر ركعت يك مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» را بخواند و در ركوع و سجود ده مرتبه بگويد:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ

و بعد از هر دو ركعت، تشهّد بخواند و سلام دهد و هنگامى كه تمامى ده ركعت به پايان رسيد، هزار مرتبه بگويد:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ‏

و بعد از استغفار سر به سجده بگذارد و بگويد:

يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، يا رَحْمنَ الدُّنْيا وَ الْاخِرَةِ

اى زنده اى پاينده اى صاحب جلالت و بزرگوارى اى بخشاينده دنيا و آخرت‏

وَرَحيمَهُما، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا الهَ الْأَوَّلينَ وَالْاخِرينَ، اغْفِرْ لَنا

و مهربان آن دو اى مهربانترين مهربانان اى معبود پيشينان و پسينيان‏

ذُنُوبَنا، وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلواتَنا وَ صِيامَنا وَ قِيامَنا.

گناهانمان را بيامرز و نمازها و روزه‏ها و شب زنده‏داريهامان را بپذير.

فرمود: هر كس چنين كند، سوگند به حقّ آن كس كه مرا به نبوّت مبعوث كرد كه جبرئيل مرا خبر داد از اسرافيل و اسرافيل از پروردگار خود، كه هنوز اين شخص سر از سجده برنداشته است كه خداوند او را بيامرزد و ماه رمضان را از او قبول فرمايد، و از گناهانش بگذرد ...[[1093]](#footnote-1093) اين نماز و اعمال براى شب عيد فطر هم نقل شده است. در آن روايت آمده است: تسبيحات اربعه را در ركوع و سجود، به جاى ذكر ركوع و سجود بخواند و به جاى‏

إغفر لنا ...

بگويد:

إغْفِرْ لى‏ ذُنُوبِى، وَ تَقَبَّلْ صَوْمِى وَ صَلاتِى وَ قِيامِى.[[1094]](#footnote-1094)

دعاى ختم قرآن در روز آخر ماه رمضان:

با توجّه به اين‏كه در روز آخر ماه رمضان، غالباً مردم قرآن را ختم مى‏كنند، مناسب است كه بعد از ختم قرآن دعاى چهل و دوم «صحيفه سجّاديه» را بخوانند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 810

همچنين مى‏توانند اين دعاى مختصر را كه از امير مؤمنان عليه السلام نقل شده است بخوانند:

اللهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرى‏، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنى‏، وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ‏

خدايا سينه‏ام را بوسيله قرآن بگشا و به كار انداز به دستورات قرآن بدنم را و روشن گردان بوسيله قرآن‏

بَصَرى‏، وَ اطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسانى‏، وَاعِنّى‏ عَلَيْهِ ما ابْقَيْتَنى‏، فَانَّهُ لا حَوْلَ‏

ديده‏ام را و باز كن به قرآن زبانم را و كمكم ده به (عمل) بدان تا زنده‏ام دارى زيرا هيچ‏

وَلا قُوَّةَ الَّا بِكَ.[[1095]](#footnote-1095)

جنبش و نيرويى نيست جز به تو.

همچنين دعاى ديگرى كه آن حضرت از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده است بخواند:

اللَّهُمَّ انِّى‏ اسْئَلُكَ اخْباتَ‏الْمُخْبِتينَ، وَاخْلاصَ الْمُوقِنينَ، وَمُرافَقَةَ

خدايا از تو خواهم اطمينان و خشوع خاشعان درگاهت را و اخلاص اهل يقين و رفاقت‏

الْأَبْرارِ، وَاسْتِحْقاقَ حَقائِقِ الْإيمانِ، وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ، وَالسَّلامَةَ مِنْ‏

با نيكان و استحقاق پيدا كردن براى درك حقايق ايمان و نصيبى از هر خير و سلامتى از

كُلِّ اثْمٍ، وَوُجُوبَ رَحْمَتِكَ وَعَزآئِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ،

هر گناه و لازم شدن مهر و رحمتت و موجبات آمرزشت و رسيدن به بهشت‏

وَالنَّجاةَ مِنَ النَّارِ.[[1096]](#footnote-1096)

و رهايى از دوزخ.

براى شروع در تلاوت قرآن و پايان آن دعايى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه پيش از اين گذشت. (صفحه 773)

نمازهاى شب‏هاى ماه مبارك رمضان:

مرحوم «علّامه مجلسى» در فصل آخر از اعمال ماه رمضان در كتاب «زادالمعاد»، نماز شب‏هاى ماه رمضان را چنين بيان مى‏كند: (و با توجّه به اين‏كه بهترين اعمال، در ماه مبارك، نماز و قرآن است و اين نمازها در بردارنده بسيارى از سوره‏هاى قرآن است، هركس هر چند شب را بخواند غنيمت است).

كليات مفاتيح نوين، ص: 811

شب اوّل: چهار ركعت؛ هر ركعت بعد از سوره حمد پانزده مرتبه سوره توحيد.

شب دوم: چهار ركعت؛ در هر ركعت بعد از سوره حمد بيست مرتبه سوره إنَّا أنزلناه.

شب سوم: ده ركعت؛ در هر ركعت بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره توحيد.

شب چهارم: هشت ركعت؛ در هر ركعت بعد از سوره حمد بيست مرتبه سوره إنّا أنزلناه.

شب پنجم: دو ركعت؛ در هر ركعت، سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحيد؛ بعد از سلامِ نماز، صد مرتبه بگويد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

شب ششم: چهار ركعت و در هر ركعت سوره حمد و سوره ملك.

شب هفتم: چهار ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد و سيزده مرتبه سوره إنّا أنزلناه.

شب هشتم: دو ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد و ده مرتبه سوره توحيد و پس از سلام نماز، هزار مرتبه بگويد: سبحان اللَّه.

شب نهم: شش ركعت ميان نماز مغرب و عشا؛ در هر ركعت سوره حمد و هفت مرتبه آيةالكرسى و پس از اتمام نماز، پنجاه مرتبه بگويد:

اللَّهمّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

شب دهم: بيست ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و سى مرتبه سوره توحيد.

شب يازدهم: دو ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و بيست مرتبه سوره كوثر.

شب دوازدهم: هشت ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و سى مرتبه سوره إنّا أنزلناه.

شب سيزدهم: چهار ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و بيست و پنج مرتبه سوره توحيد.

شب چهاردهم: شش ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و سى مرتبه سوره إذا زُلزِلَت.

شب پانزدهم: چهار ركعت؛ در دو ركعت اوّل بعد از سوره حمد، صد مرتبه سوره توحيد، و در دو ركعت ديگر، بعد از سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحيد.

شب شانزدهم: دوازده ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و دوازده مرتبه سوره تكاثر.

شب هفدهم: دو ركعت؛ در ركعت اوّل، سوره حمد و هر سوره‏اى كه خواست بخواند و در ركعت دوم، سوره حمد و صد مرتبه سوره توحيد و بعد از سلام نيز صد مرتبه بگويد:

لا إلهَ الَّا اللَّهُ.

شب هيجدهم: چهار ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و بيست و پنج مرتبه سوره كوثر.

شب نوزدهم: پنجاه ركعت؛ با سوره حمد، و پنجاه مرتبه سوره إذا زلزلت.

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد: ظاهراً مراد آن است كه در هر ركعت يك مرتبه اين سوره را بخواند؛ زيرا در يك شب خواندن دوهزار و پانصد مرتبه سوره «اذا زلزلت» دشوار خواهد بود.

شبهاى بيستم تا بيست و چهارم: در هر يك از اين شب‏ها، هشت ركعت نماز بخواند كه پس از حمد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 812

هر سوره‏اى خواست مى‏خواند. شب بيست و پنجم: هشت ركعت نماز؛ در هر ركعت سوره حمد، و ده مرتبه سوره توحيد را بخواند.

شب بيست و ششم: هشت ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و صد مرتبه سوره توحيد را بخواند.

شب بيست و هفتم: چهار ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و سوره ملك را بخواند و اگر نتوانست، بيست و پنج مرتبه سوره توحيد را بخواند.

شب بيست و هشتم: شش ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و صد مرتبه آيةالكرسى، صد مرتبه سوره توحيد و صد مرتبه سوره كوثر را بخواند و پس از پايان نماز، صد مرتبه صلوات بفرستد.

مرحوم حاج شيخ عباس قمى مى‏نويسد: مطابق آنچه كه من يافتم بجاى صد مرتبه، ده مرتبه آمده است‏[[1097]](#footnote-1097) (كه همين مناسب‏تر به نظر مى‏رسد).

شب بيست و نهم: دو ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و بيست مرتبه سوره توحيد را بخواند.

شب سى‏ام: دوازده ركعت؛ در هر ركعت سوره حمد، و بيست مرتبه سوره توحيد را بخواند و پس از پايان نماز، صد مرتبه صلوات بفرستد.

يادآورى: اين نمازها هر دو ركعت به يك سلام است.[[1098]](#footnote-1098) و همان گونه كه گفته شد اگر تمام آنها را نتواند بجا آورد، هر مقدار كه مى‏تواند بجا آورد، خوب است.

دعاهاى مخصوص روزهاى ماه رمضان:

از «ابن عبّاس» روايت شده است كه رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله براى روزه هر روز از ماه مبارك رمضان فضيلت بسيارى را بيان فرمودند و همچنين براى هر روز دعاى مخصوصى با فضيلت و پاداش فراوان ذكر كردند كه ما در اين‏جا آن دعاها را ذكر مى‏كنيم.[[1099]](#footnote-1099) دعاى روز اوّل: اللهُمَّ اجْعَلْ صِيامى‏ فيهِ صِيامَ الصَّآئِمينَ، وَقِيامى‏ فيهِ قيامَ‏

خدايا در اين ماه روزه‏ام را روزه روزه‏داران (واقعى) قرار ده، و شب زنده داريم را شب زنده‏دارى (واقعى) قرار ده و مرا از خواب غفلت بيدار كن، وگناهم را ببخش اى معبود جهانيان، و

الْقآئِمينَ، وَنَبِّهْنى‏ فيهِ عَنْ نَوْمَةِالْغافِلينَ، وَهَبْ لى جُرْمى‏ فيهِ يا الهَ‏

از من درگذر اى درگذرنده از گنهكاران\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا به خشنوديت نزديك كن، و از خشم و غضبت دورم كن، و بر تلاوت آياتت موفّقم بدار به مهربانيت اى‏

الْعالَمينَ، وَاعْفُ عَنّى‏ يا عافِياً عَنِ‏الْمُجْرِمينَ‏\* روز دوم: اللهُمَّ قَرِّبْنى‏ فيهِ‏

مهربان‏ترين مهربانان\*\*\* خدايا در اين ماه، فهم و آگاهى را روزيم كن، و از كم عقلى و بى‏اطّلاعى دورم كن، و از هر خير و نيكى كه در اين ماه نازل مى‏شود بهره‏اى برايم قرار

كليات مفاتيح نوين، ص: 813

الى‏ مَرْضاتِكَ، وَجَنِّبْنى‏ فيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِماتِكَ، وَوَفِّقْنى‏ فيهِ لِقِرآئَةِ

ده، اى بخشنده‏ترين بخشندگان\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا براى بپاداشتن فرمانت تقويت كن و شيرينى يادت را به من بچشان، و به لطف و كرمت مرا براى اداى شكرت موفّق‏

اياتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ‏\* روز سوم: اللهُمَّ ارْزُقْنى‏ فيهِ‏

بدار، و با حفظ و پوششت محافظتم كن، اى بيناترين بينندگان\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا از آمرزش خواهان قرار ده‏

الذِّهْنَ وَالتَّنْبيهَ، وَباعِدْنى‏ فيهِ مِنَ السَّفاهَةِ وَالتَّمْويهِ، وَاجْعَلْ لى نَصيباً

و در زمره بندگان شايسته و شب زنده‏دارت داخل كن و مرا از دوستان نزديكت قرار ده، به مهربانيت‏

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فيهِ، بِجُودِكَ يا اجْوَدَ الْأَجْوَدينَ‏\* روز چهارم: اللهُمَ‏

اى مهربان‏ترين مهربانان\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا به خاطر نافرمانيت خوار مكن،

قَوِّنى‏ فيهِ عَلى‏ اقامَةِ امْرِكَ، وَاذِقْنى‏ فيهِ حَلاوَةَ ذِكْرِكَ، وَاوْزِعْنى‏ فيهِ‏

و با تازيانه انتقامت عذاب مكن، و از موجبات خشمت دور كن، به حقّ نعمت‏هاى ظاهرى‏

لِأَدآءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ، وَاحْفَظْنى‏ فيهِ بِحِفْظِكَ وَسَتْرِكَ، يا ابْصَرَ

و باطنيت، اى نهايت ميل مشتاقان\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا بر روزه و شب زنده‏دارى يارى كن‏

النَّاظِرينَ‏\* روز پنجم: اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ فيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ، وَاجْعَلْنى‏ فيهِ‏

و از لغزش‏ها و گناهان دور بدار و دوام ياد و ذكرت را روزيم كن، به توفيقت اى هدايت كننده گمراهان\*\*\*\* خدايا

مِنْ عِبادِكَ الصَّالِحينَ اْلقانِتينَ، وَاجْعَلنى‏ فيهِ مِنْ اوْلِيآئِكَ الْمُقَرَّبينَ،

در اين ماه مهربانى بر يتيمان و خوراندن طعام، سلام گفتن گسترده، همنشينى بزرگان را روزيم كن،

بِرَأْفَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ‏\* روز ششم: اللهُمَّ لا تَخْذُلْنى‏ فيهِ لِتَعَرُّضِ‏

به قدرتت اى پناه آرزومندان\*\*\*\* خدايا در اين ماه بهره‏اى از رحمت وسيعت برايم قرار ده و با دلايل روشنت هدايتم كن‏

مَعْصِيَتِكَ، وَلاتَضْرِبْنى‏ بِسِياطِ نَقِمَتِكَ، وَزَحْزِحْنى‏ فيهِ مِنْ مُوجِباتِ‏

و به سوى خشنودى فراگير خود ببر به محبّتت اى آرزوى مشتاقان\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا از توكّل‏كنندگان بر خودت‏

سَخَطِكَ، بِمَنِّكَ وَاياديكَ، يا مُنْتَهى‏ رَغْبَةِ الرَّاغِبينَ‏\* روز هفتم: اللهُمَّ اعِنّى‏

و از رستگاران در نزدت و از مقرّبان درگاهت قرار ده، به نيكى و احسانت اى نهايت آرزوى طلب‏كنندگان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فيهِ عَلى‏ صِيامِهِ وَقِيامِهِ، وَجَنِّبْنى‏ فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَ اثامِهِ، وَارْزُقْنى‏ فيهِ‏

خدايا در اين ماه شوق احسان و نيكى را در دلم قرار ده، و ميل به فسق و نافرمانى را از من دور كن و خشم و دوزخت را بر من حرام گردان،

ذِكْرَكَ بِدَوامِهِ، بِتَوْفيقِكَ يا هادِىَ الْمُضِلّينَ‏\* روز هشتم: اللهُمَّ ارْزُقْنى‏ فيهِ‏

به ياريت اى فريادرس فريادرس خواهان،\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا با پوشش و عفّت زينت ده، و با لباس قناعت و كفاف بپوشان و بر رعايت عدالت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 814

رَحْمَةَ الْأَيْتامِ، وَاطْعامَ الطَّعامِ، وَافْشآءَ السَّلامِ، وَصُحْبَةَ الْكِرامِ، بِطَوْلِكَ‏

و انصاف وادار كن، و از هر چه مى‏ترسم ايمن گردان به نگهداريت اى نگهدارنده ترسيدگان\*\*\*\* خدايا در اين ماه‏

يا مَلْجَا الْأمِلينَ‏\* روز نهم: اللهُمَّ اجْعَلْ لى‏ فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ‏

مرا از پليدى‏ها و آلودگى‏ها پاك گردان، و در برابر مقدّرات شكيبايم كن، و بر پرهيزگارى و همنشينى نيكان موفّقم بدار،

الْواسِعَةِ، وَاهْدِنى‏ فيهِ لِبَراهينِكَ السَّاطِعَةِ، وَخُذْ بِناصِيَتى‏ الى‏ مَرْضاتِكَ‏

به ياريت اى روشنى چشم نيازمندان\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا بر لغزش‏هايم مؤاخذه مكن، و از اشتباهات‏

الْجامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يا امَلَ الْمُشْتاقينَ‏\* روز دهم: اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ فيهِ مِنَ‏

و لغزش‏هايم درگذر، و هدف بلاها و آفت‏ها قرارم مده به عزّتت اى عزّت مسلمانان\*\*\*\* خدايا در اين ماه اطاعتى همانند

الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ، وَاجْعَلْنى‏ فيهِ مِنَ الْفآئِزينَ لَدَيْكَ، وَاجْعَلْنى‏ فيهِ‏مِنَ‏

فروتنان را روزيم كن، و با توبه خاضعانه سينه‏ام را گشاده‏دار، به ايمنيت اى ايمنى‏بخش ترسيدگان\*\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه‏

الْمُقَرَّبينَ الَيْكَ، بِاحْسانِكَ يا غايَةَ الطَّالِبينَ‏\* روز يازدهم: اللهُمَّ حَبِّبْ الَىَ‏

مرا بر همراهى نيكان موفّق بدار، و از رفاقت با بدكاران دور بدار و در جوار قربت پناه ده به خداونديت اى معبود جهانيان\*\*\*\*

فيهِ الْإِحْسانَ، وَكَرِّهْ الَىَّ فيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ، وَحَرِّمْ عَلَىَّ فيهِ‏

خدايا در اين ماه مرا به سوى كارهاى نيك و شايسته هدايت كن، و خواسته‏ها و آرزوهايم را برآور، اى كه به توضيح و سؤال نياز ندارى، اى دانا به آنچه در سينه‏هاى جهانيان است‏

السَّخَطَ وَالنّيرانَ، بِعَوْنِكَ يا غِياثَ‏الْمُسْتَغيثينَ‏\* روز دوازدهم: اللهُمَّ زَيِّنّى‏

[بر محمد و خاندان پاكش درود فرست‏]\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا به بركت سحرهاى آن آگاه كن، و دلم را با

فيهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفافِ، وَاسْتُرْنى‏ فيهِ بِلِباسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفافِ، وَاحْمِلْنى‏

روشنايى انوار آن نورانى گردان، و تمام اعضا و جوارحم را به پيروى از آثار آن سوق ده به نورانيّت اى روشنايى‏بخش دلهاى عارفان\*\*\*\*

فيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنْصافِ، وَ امِنّى‏ فيهِ مِنْ كُلِّ ما اخافُ، بِعِصْمَتِكَ يا عِصْمَةَ الْخآئِفينَ‏\* روز سيزدهم: أَللَّهُمَّ طَهِّرْنِى‏ فيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْذارِ، وَصَبِّرْنى فيهِ عَلى‏ كائناتِ الْأقْدارِ، وَوَفِّقْنى‏ فيهِ لِلتُّقى وَ صُحْبَةِ الْابْرارِ، بِعَوْنِكَ يا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَساكين.\* روزچهاردهم: اللَّهُمَّ لا تُؤاخِذْنى‏ فيهِ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 815

بِالْعَثَراتِ، وَأَقِلْنِى‏ فيهِ مِنَ الْخَطايا وَالْهَفَواتِ، وَلا تَجْعَلْنى‏فيهِ غَرَضاً لِلْبَلايا وَالْأفاتِ، بِعِزَّتِكَ يا عِزَّ الْمُسْلِمينَ‏\* روز پانزدهم: اللهُمَّ ارْزُقْنى‏ فيهِ‏

خدايا در اين ماه بهره‏ام را از بركاتش فراوان گردان، و راهم را به نيكى‏هايش آسان كن، و از پذيرش فضايل آن محرومم مكن، اى هدايت كننده به سوى حقيقت آشكار\*\*\*\*

طاعَةَ الْخاشِعينَ، وَاشْرَحْ فيهِ صَدْرى‏ بِانابَةِ الْمُخْبِتينَ، بِامانِكَ يا امانَ‏

خدايا در اين ماه درهاى بهشت را به رويم بگشا و درهاى دوزخ را به رويم ببند، و بر تلاوت قرآن موفّقم بدار،

الْخآئِفينَ‏\* روز شانزدهم: اللهُمَّ وَفِّقْنى‏ فيهِ لِمُوافَقَةِ الْأَبْرارِ، وَجَنِّبْنى‏ فيهِ‏

اى آرامش‏بخش دلهاى مؤمنان.\*\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه راهنمايى براى رسيدنم به خشنوديت قرار ده، و راهى براى‏

مُرافَقَةَ الْأَشْرارِ، وَآوِنى‏ فيهِ بِرَحْمَتِكَ الى‏ دارِالْقَرارِ، بِالهِيَّتِكَ يا الهَ‏

تسلّط شيطان بر من قرار مده و بهشت را منزل و محل بازگشتم قرار ده اى برآورنده حاجت‏هاى طلب‏كنندگان\*\*\*\*

الْعالَمينَ‏\* روز هفدهم: اللهُمَّ اهْدِنى‏ فيهِ لِصالِحِ الْأَعْمالِ، وَاقْضِ لى‏فيهِ‏

خدايا در اين ماه درهاى لطف و كرمت را به رويم بگشا، و بركاتت را بر من نازل كن، و بر اسباب خشنوديت موفّقم بدار

الْحَوآئِجَ وَالْأمالَ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ الَى التَّفْسيرِ وَالسُّؤالِ، يا عالِماً بِما

و در ميان بهشتت ساكنم كن اى اجابت كننده درخواست درماندگان\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا از گناهان شستشو ده و از عيب‏ها پاك گردان‏

فى‏ صُدُورِ الْعالَمينَ، [صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرينِ‏].[[1100]](#footnote-1100)\* روز هيجدهم:

و قلبم را به وسيله پرهيزگارى دلها بيازماى، اى درگذرنده از لغزش‏هاى گنهكاران\*\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه اسباب خشنوديت‏

اللهُمَّ نَبِّهْنى‏ فيهِ لِبَرَكاتِ اسْحارِهِ، وَنَوِّرْفيهِ قَلْبى‏ بِضِيآءِ انْوارِهِ، وَخُذْ

را از تو مى‏خواهم و از آنچه تو را مى‏آزارد به تو پناه مى‏برم و توفيق در اطاعت و عدم نافرمانيت را از تو مى‏خواهم‏

بِكُلِّ اعْضآئى‏ الَى اتِّباعِ اثارِهِ، بِنُورِكَ يا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعارِفينَ‏\* روز اى بخشنده درخواست‏كنندگان\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا دوستدار اوليائت و دشمن دشمنانت و عمل كننده به روش خاتم پيامبرانت،

نوزدهم: اللهُمَّ وَفِّرْ فيهِ حَظّى‏ مِنْ بَرَكاتِهِ، وَسَهِّلْ سَبيلى‏ الى‏ خَيْراتِهِ، وَلا

قرار ده، اى نگهدار دل‏هاى پيامبران\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه تلاشم را مورد سپاس‏

تَحْرِمْنى‏ قَبُولَ حَسَناتِهِ، يا هادِياً الَى الْحَقِّ الْمُبينِ‏\* روز بيستم: اللهُمَّ افْتَحْ‏

و گناهم را آمرزيده و عملم را پذيرفته شده و عيبم را پوشيده قرار ده، اى شنواترين شنوندگان\*\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 816

لى‏ فيهِ ابْوابَ الْجِنانِ، وَاغْلِقْ عَنّى‏ فيهِ ابْوابَ النّيرانِ، وَوَفِّقْنى‏ فيهِ‏

درك فضيلت شب قدر را روزيم كن، و كارهايم را از سختى به آسانى مبدّل گردان و عذرم را بپذير و گناه و جرمم را

لِتلاوَةِ الْقُرْآنِ، يا مُنْزِلَ السَّكينَةِ فى قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ‏\* روزبيست و يكم: اللهُمَ‏

بريز اى مهربان بر بندگان شايسته\*\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه بهره‏ام را از نافله‏ها فراوان گردان و با برآوردن‏

اجْعَلْ لى فيهِ الى‏ مَرْضاتِكَ دَليلًا، وَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ عَلَىَ‏

خواسته‏هايم گراميم دار، و از ميان وسائل، وسيله تقرّبم به درگاهت را به من نزديك گردان اى كه پافشارى اصرار كنندگان‏

سَبيلًا، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لى مَنْزِلًا وَمَقيلًا، يا قاضِىَ حَوآئِجِ الطَّالِبينَ‏

تو را به خود مشغول نسازد\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا در اين ماه مرا به لطف و رحمتت داخل كن و توفيق عمل و دورى از گناه‏

\* روز بيست و دوم: اللهُمَّ افْتَحْ لى فيهِ ابْوابَ فَضْلِكَ، وَانْزِلْ عَلَىَّ فيهِ‏

را روزيم گردان، و دلم را از سياهى‏هاى تهمت پاك گردان، اى مهربان بر بندگان با ايمان\*\*\* خدايا در اين ماه روزه‏ام‏

بَرَكاتِكَ، وَوَفِّقْنى‏ فيهِ لِمُوجِباتِ مَرْضاتِكَ، وَاسْكِنّى‏ فيهِ بُحْبُوحاتِ‏

را مورد سپاس و پذيرش و مطابق آنچه تو و پيامبرت را خشنود مى‏سازد قرار ده در حالى كه احكام آن با

جَنَّاتِكَ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ‏\* روز بيست و سوم: اللهُمَّ اغْسِلْنى‏ فيهِ‏

اصول (شرع) محكم شده، به حقّ آقاى ما محمّد و خاندان پاكش و حمد و سپاس از آن خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.

مِنَ الذُّنُوبِ، وَطَهِّرْنى‏ فيهِ مِنَ الْعُيُوبِ، وَامْتَحِنْ قَلْبى‏ فيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ، يا مُقيلَ عَثَراتِ الْمُذْنِبينَ‏\* روز بيست و چهارم: اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ فيهِ ما يُرْضيكَ، وَاعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذيكَ، وَاسْئَلُكَ التَّوْفيقَ فيهِ لِأَنْ اطيعَكَ وَلا اعْصِيَكَ، يا جَوادَ السَّآئِلينَ‏\* روز بيست و پنجم: اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ فيهِ مُحِبَّاً لِأَوْلِيآئِكَ، وَمُعادِياً لِأَعْدآئِكَ، مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خاتَمِ انْبِيآئِكَ، يا عاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيّينَ‏\* روز بيست و ششم: اللهُمَّ اجْعَلْ سَعْيى‏ فيهِ مَشْكُوراً، وَذَنْبى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 817

فيهِ مَغْفُوراً، وَعَمَلى‏ فيهِ مَقْبُولًا، وَعَيْبى‏ فيهِ مَسْتُوراً، يا اسْمَعَ السَّامِعينَ‏

\* روز بيست و هفتم: اللهُمَّ ارْزُقْنى‏ فيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَصَيِّرْ امُورى‏ فيهِ مِنَ الْعُسْرِ الَى الْيُسْرِ، وَاقْبَلْ مَعاذيرى‏، وَحُطَّ عَنِّى الذَّنْبَ‏[[1101]](#footnote-1101) وَالْوِزْرَ، يا رَؤُفاً

بِعِبادِهِ الصَّالِحينَ‏\* روز بيست و هشتم: اللهُمَّ وَفِّرْ حَظّى‏ فيهِ مِنَ النَّوافِلِ، وَاكْرِمْنى‏ فيهِ بِاحْضارِ الْمَسآئِلِ، وَقَرِّبْ فيهِ وَسيلَتى الَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسآئِلِ، يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ الْحاحُ الْمُلِحّينَ‏\* روز بيست و نهم: اللهُمَّ غَشِّنى‏ فيهِ بِالرَّحْمَةِ، وَارْزُقْنى‏ فيهِ التَّوْفيقَ وَالْعِصْمَةَ، وَطَهِّرْ قَلْبى‏ مِنْ غَياهِبِ التُّهَمَةِ، يا رَحيماً بِعِبادِهِ الْمُؤْمِنينَ‏\* روز سى‏ام: اللهُمَّ اجْعَلْ صِيامى فيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ، عَلى‏ ما تَرْضاهُ وَيَرْضاهُ الرَّسُولُ، مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ، بِحَقِّ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرينَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

كليات مفاتيح نوين، ص: 818

فصل دهم: ماه شوّال‏

تقويم اين ماه:

اوّل شوّال: روز اوّل اين ماه، روز عيد فطر است كه از اعياد بزرگ اسلامى است.

عيد روزه‏داران واقعى است همانها كه اعمال آنان پذيرفته شده و گناهانشان بخشوده گرديده؛ لذا بايد اين روز را عيد بگيرند.

هشتم شوّال: روز ويران كردن قبور ائمّه بقيع توسّط گروه متعصّب و گمراه وهّابى در سال 1344 هجرى قمرى است.

وهّابيّون كه گروهى اندك، متعصّب و نادان در ميان مسلمانان به شمار مى‏روند داراى عقايد افراطى عجيبى هستند و با همه مذاهب اسلامى در امورى به مخالفت برخاسته‏اند كه از جمله آنها، توسّل به اولياءاللَّه، ساختن ضريح و گنبد براى آنان و مسأله شفاعت است. از همين رو، بناى قبور امامان بقيع و حمزه سيّدالشّهدا و ديگر بزرگان اسلام و قبور صحابه و حتّى قبر پدر بزرگوار پيامبر صلى الله عليه و آله را در مدينه و ديگر شهرها تخريب نمودند، و در پى تخريب ضريح و گنبد رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله نيز بودند كه بر اثر واكنش‏هاى شديد جهان اسلام، از آن دست كشيدند.

آنان به سبب همين عقايد جاهلانه و خشك، با تأسّف بسيار آثار تاريخى اسلامى فراوانى را در حرمين شريفين تخريب كردند؛ آثار ارزشمندى كه مى‏توانست سبب پيوند نسل حاضر با تاريخ گذشته اسلام باشد. متأسّفانه همه آنها از دست رفت.

بيست و پنجم شوّال: روز رحلت امام صادق عليه السلام پيشواى بزرگ مذهب ما (در سال 148 هجرى) است.[[1102]](#footnote-1102)

فضيلت ماه شوّال:

اين ماه نخستين ماه از ماههاى حج است؛ زيرا «عمره حجّ تمتّع» را مى‏توان در سه ماه، شوّال، ذى‏القعده و ذى‏الحجّه انجام داد و قبل از آن جايز نيست (هرچند عمره مفرده را مى‏توان در تمام سال انجام داد) و اين خود دليل بر اهمّيّت و فضيلت اين ماه است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 819

ماهى است كه خداوند بندگان خويش را به سوى خانه خود دعوت كرده است و آنان نيز با گوش جان نداى او را شنيده و به سوى او از نقاط دور و نزديك به حركت در مى‏آيند (اين سه ماه را «اشهر الحج» مى‏نامند، ولى ماه شوّال جزء ماههاى حرام نيست).

وجود عيد بزرگ اسلامى فطر در ابتداى اين ماه نيز، فضيلت مهمّ ديگرى براى اين ماه به شمار مى‏آيد.

اعمال ماه شوّال:

براى اين ماه اعمال مشتركه خاصّى ذكر نشده است و امّا اعمال مخصوص آن:

شب اوّل ماه (شب عيد فطر):

از شب‏هاى بسيار مبارك است و در فضيلت و اهمّيّت آن، همين بس كه در بعضى از روايات آمده است، اهمّيّت آن كمتر از شب قدر نيست، و در روايات توصيه به عبادت و احياى اين شب شده است.[[1103]](#footnote-1103) براى اين شب چند عمل ذكر شده است:

اوّل: غسل است به هنگامى كه آفتاب غروب كند.[[1104]](#footnote-1104) دوم: اين شب را به نماز و دعا و استغفار زنده نگه دارد و در مسجد بيتوته كند، يعنى شب را در آن‏جا سپرى نمايد و به عبادت مشغول باشد، همانگونه كه امام على بن الحسين عليهما السلام چنين مى‏كرد.[[1105]](#footnote-1105) سوم: امام صادق عليه السلام فرمود: پس از نماز مغرب و نماز عشا و نماز صبح و نماز عيد، اين ذكرها را بگويد:

اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، و للَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ‏

خدا بزرگتر است ... نيست معبودى جز خدا و خدا بزرگتر است ... و ستايش خاص خداست خدا

اكْبَرُ عَلى‏ ما هَدانا، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلى‏ ما أَوْلانا.[[1106]](#footnote-1106)

بزرگتر است بر آنچه ما را راهنمائى فرمود وبراى اوست سپاس بر آنچه به ما بخشود.

چهارم: طبق روايتى از امام صادق عليه السلام پس از خواندن نماز مغرب و نافله آن، دست‏ها را به سوى آسمان بلند كند و بگويد:

يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يا ذَا الْجُودِ، يا مُصْطَفِىَ مُحَمَّدٍ وَناصِرَهُ، صَلِّ عَلى‏

اى صاحب نعمت و فضل اى صاحب جود و بخشش اى برگزيننده محمّد و ياور او درود فرست بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 820

مُحَمَّدٍوَآلِ‏مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْلى‏ كُلَّ ذَنْبٍ‏احْصَيْتَهُ، وَهُوَ عِنْدَكَ فى‏ كِتابٍ مُبينٍ.

محمّد و آل محمّد و بيامرز از من هر گناهى را كه شماره كرده‏اى و در كتابى روشن در پيش تو ثبت است.

آنگاه به سجده برود و صد مرتبه بگويد:

أتُوبُ إلَى اللَّهِ‏

. سپس هر حاجتى كه دارد از خداوند طلب كند كه ان‏شاء اللَّه برآورده خواهد شد.[[1107]](#footnote-1107) پنجم: زيارت امام حسين عليه السلام در اين شب فضيلت بسيار دارد (زيارت مخصوصه آن حضرت در شب عيد فطر، در بخش زيارات- صفحه 416- گذشت).

ششم: ده ركعت نماز بخواند (كه چگونگى آن در اعمال شب آخر ماه رمضان گذشت).

هفتم: اين ذكر را كه در شب جمعه نيز گفتنش مستحب است، ده بار بگويد:

يا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ، يا صاحِبَ‏

اى كسى كه فضل و بخششت بر خلق دائمى است و اى آن كه دو دست احسانت به عطابخشى باز است اى دارنده‏

الْمَواهِبِ السَّنيَّةِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ الْوَرى‏ سَجِيَّةً، وَ اغْفِرْ لَنا

بخششهاى ارجمند درود فرست بر محمّد و آلش كه بهترين مردمند در سرشت و نهاد، و بيامرز ما را

يا ذَالْعُلى‏ في هذِهِ الْعَشِيَّةِ.[[1108]](#footnote-1108)

اى خداى بلندمرتبه در اين شب.

\*\*\*

هشتم: دو ركعت نماز معروف شب عيد را بخواند؛ در ركعت اوّل بعد از سوره حمد، هزار مرتبه سوره قل هو اللَّه و در ركعت دوم، پس از سوره حمد، يك مرتبه سوره قل هو اللَّه را بخواند پس از سلام سر به سجده بگذارد و صد مرتبه بگويد:

أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ‏

. آنگاه بگويد:

يا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ، يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يا مُصْطَفِىَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏

اى صاحب منّت و جود اى صاحب نعمت و بخشش اى برگزيننده محمّد صلى الله عليه‏

وَآلِهِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا.

و آله درود فرست بر محمّد و آلش و بكن درباره من چنين و چنان.

بجاى‏

افعل بى كذا و كذا

حاجات خود را ذكر كند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 821

در روايت است كه امير مؤمنان عليه السلام اين نماز را به همين كيفيّت كه ذكر شد، انجام مى‏داد وسر از سجده برمى‏داشت و مى‏فرمود: «به حقّ آن خدايى كه جانم به دست اوست، هر كس اين نماز را بجا آورد، هر حاجتى كه از خداوند طلب كند، به وى عنايت خواهد شد و گناهان زيادى را از او بيامرزد».[[1109]](#footnote-1109) در روايت ديگرى از اميرمؤمنان عليه السلام به جاى خواندن هزار مرتبه سوره قل هو اللَّه، صد مرتبه آمده است؛ ولى در اين روايت آمده است كه اين نماز را بايد بعد از نماز مغرب و نافله آن بجا آورد.[[1110]](#footnote-1110) (هر دو نماز خوب است).

مرحوم «شيخ طوسى» و «سيّد بن طاووس»، اين دعاى نورانى را بعد از خواندن اين نماز نقل كرده‏اند:

يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، يا رَحْمنُ يا اللَّهُ، يا رَحيمُ يا اللَّهُ، يا مَلِكُ يا اللَّهُ، يا

اى خدا اى خدا اى خدا اى بخشاينده اى خدا اى مهربان اى خدا اى پادشاه اى خدا اى‏

قُدُّوسُ يا اللَّهُ، يا سَلامُ يا اللَّهُ، يا مُؤْمِنُ يا اللَّهُ، يا مُهَيْمِنُ يا اللَّهُ، يا عَزيزُ يا

منزّه از هر عيب اى خدا اى سلامت بخش اى خدا اى ايمنى بخش اى خدا اى مراقب اى خدا اى نيرومند اى‏

اللَّهُ، يا جَبَّارُ يا اللَّهُ، يا مُتَكَبِّرُ يا اللَّهُ، يا خالِقُ يا اللَّهُ، يا بارِئُ يا اللَّهُ، يا

خدا اى مقتدر اى خدا اى عظيم‏الشأن اى خدا اى آفريننده اى خدا اى موجد اى خدا اى‏

مُصَوِّرُ يا اللَّهُ، يا عالِمُ يا اللَّهُ، يا عَظيمُ يا اللَّهُ، يا عَليمُ يا اللَّهُ، يا كَريمُ يا اللَّهُ،

صورت بخش اى خدا اى دانا اى خدا اى بزرگ اى خدا اى آگاه اى خدا اى بزرگوار اى خدا

يا حَليمُ يا اللَّهُ، يا حَكيمُ يا اللَّهُ، يا سَميعُ يا اللَّهُ، يا بَصيرُ يا اللَّهُ، يا قَريبُ يا

اى بردبار اى خدا اى فرزانه اى خدا اى شنوا اى خدا اى بينا اى خدا اى نزديك اى‏

اللَّهُ، يا مُجيبُ يا اللَّهُ، يا جَوادُ يا اللَّهُ، يا ماجِدُ يا اللَّهُ، يا مَلِىُّ يا اللَّهُ، يا

خدا اى اجابت كننده اى خدا اى بخشنده اى خدا اى با شوكت اى خدا اى توانگر مقتدر اى خدا اى‏

وَفِىُّ يا اللَّهُ، يا مَوْلى‏ يا اللَّهُ، يا قاضى‏ يا اللَّهُ، يا سَريعُ يا اللَّهُ، يا شَديدُ يا اللَّهُ،

وفادار اى خدا اى سرور اى خدا اى داور اى خدا اى سريع اى خدا اى سخت‏گير اى خدا

يا رَؤُوفُ يا اللَّهُ، يا رَقيبُ يا اللَّهُ، يا مَجيدُ يا اللَّهُ، يا حَفيظُ يا اللَّهُ، يا مُحيطُ

اى مهربان اى خدا اى نگهبان اى خدا اى شوكتمند اى خدا اى نگهبان اى خدا اى احاطه كننده‏

يا اللَّهُ، يا سَيِّدَ السَّادَةِ يا اللَّهُ، يا اوَّلُ يا اللَّهُ، يا اخِرُ يا اللَّهُ، يا ظاهِرُ يا اللَّهُ، يا

اى خدا اى بزرگ بزرگان اى خدا اى آغاز اى خدا اى انجام اى خدا اى پيدا اى خدا اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 822

باطِنُ يا اللَّهُ، يا فاخِرُ يا اللَّهُ، يا قاهِرُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا

ناپيدا اى خدا اى با فخر اى خدا اى چيره اى خدا اى پروردگار من اى خدا اى‏

رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا وَدُودُ يا اللَّهُ، يا نُورُ يا اللَّهُ، يا رافِعُ يا اللَّهُ، يا مانِعُ يااللَّهُ، يا

پروردگار من اى خدا اى پروردگار من اى خدا اى دوستدار اى خدا اى نور اى خدا اى رفعت ده اى خدا اى بازدارنده اى خدا اى‏

دافِعُ يا اللَّهُ، يا فاتِحُ يااللَّهُ، يا نَفَّاعُ يا اللَّهُ، يا جَليلُ يا اللَّهُ، يا جَميلُ يا اللَّهُ،

جلوگيرنده اى خدا اى گشاينده اى خدا اى بسيار نفع رسان اى خدا اى با جلالت اى خدا اى زيبا اى خدا

يا شَهيدُ يا اللَّهُ، يا شاهِدُ يا اللَّهُ، يا مُغيثُ يا اللَّهُ، يا حَبيبُ يا اللَّهُ، يا فاطِرُ يا

اى گواه اى خدا اى شاهد اى خدا اى فريادرس اى خدا اى‏دوست اى خدا اى خالق اى‏

اللَّهُ، يا مُطَهِّرُ يا اللَّهُ، يا مَلِكُ يا اللَّهُ، يا مُقْتَدِرُ يا اللَّهُ، يا قابِضُ يا اللَّهُ، يا

خدا اى پاك كننده اى خدا اى پادشاه اى خدا اى نيرومند اى خدا اى گيرنده اى خدا اى‏

باسِطُ يا اللَّهُ، يا مُحْيى‏ يا اللَّهُ، يا مُميتُ يا اللَّهُ، يا باعِثُ يا اللَّهُ، يا وارِثُ يا

گسترنده اى خدا اى زنده كننده اى خدا اى ميراننده اى خدا اى برانگيزنده اى خدا اى ارث برنده اى‏

اللَّهُ، يا مُعْطى‏ يا اللَّهُ، يا مُفْضِلُ يا اللَّهُ، يا مُنْعِمُ يا اللَّهُ، يا حَقُّ يا اللَّهُ، يا مُبينُ‏

خدا اى عطا كننده اى خدا اى فزون بخش اى خدا اى نعمت بخش اى خدا اى برحق اى خدا اى آشكار كننده‏

يا اللَّهُ، يا طَيِّبُ يا اللَّهُ، يا مُحْسِنُ يا اللَّهُ، يا مُجْمِلُ يا اللَّهُ، يا مُبْدِئُ يا اللَّهُ، يا

اى خدا اى پاكيزه اى خدا اى نيكوكننده اى خدا اى زيبا پرور اى خدا اى آغازنده اى خدا

مُعيدُ يا اللَّهُ، يا بارِئُ يا اللَّهُ، يا بَديعُ يا اللَّهُ، يا هادى‏ يا اللَّهُ، يا كافى‏ يا اللَّهُ، يا

اى بازگرداننده اى خدا اى پديدآرنده اى خدا اى نوآفرين اى خدا اى راهنما اى خدا اى كفايت كننده اى خدا اى‏

شافى‏ يا اللَّهُ، يا عَلِىُّ يا اللَّهُ، يا عَظيمُ يا اللَّهُ، يا حَنَّانُ يا اللَّهُ، يا مَنَّانُ يا اللَّهُ،

شفابخش اى خدا اى والا مرتبه اى خدا اى بزرگ اى خدا اى بسيار مهربان اى خدا اى بسيار بخشنده اى خدا

يا ذَاالْطَّوْلِ يا اللَّهُ، يا مُتَعالى‏ يا اللَّهُ، يا عَدْلُ يا اللَّهُ، يا ذَا الْمَعارِجِ يا اللَّهُ، يا

اى صاحب نعمت اى خدا اى‏برتر اى خدا اى دادگر اى خدا اى داراى مراتب بلند اى خدا اى‏

صِدْقُ يااللَّهُ، يا دَيَّانُ يا اللَّهُ، يا باقى‏ يا اللَّهُ، يا واقى‏ يا اللَّهُ، يا ذَا الْجَلالِ يا

راستى محض اى خدا اى جزاده اى خدا اى باقى اى خدا اى نگهدارنده اى خدا اى‏صاحب جلالت اى‏

اللَّهُ، يا ذَا الْإِكْرامِ يا اللَّهُ، يا مَحْمُودُ يا اللَّهُ، يا مَعْبُودُ يا اللَّهُ، يا صانِعُ يا اللَّهُ،

خدا اى صاحب بزرگوارى اى خدا اى پسنديده اى خدا اى معبود اى خدا اى سازنده اى خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 823

يا مُعينُ يا اللَّهُ، يا مُكَوِّنُ يا اللَّهُ، يا فَعَّالُ يا اللَّهُ، يا لَطيفُ يا اللَّهُ، يا جَليلُ يا

اى ياور اى خدا اى بوجود آرنده اى خدا اى كننده هر كار اى خدا اى با لطف اى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص823**

اللَّهُ، يا غَفُورُ يااللَّهُ، يا شَكُورُ يااللَّهُ، يا نُورُ يا اللَّهُ، يا قَديرُ يااللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا

خدا اى آمرزنده اى خدا اى سپاس دارنده‏اى خدا اى نور اى خدا اى توانا اى خدا اى پروردگار اى خدا

اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا

اى پروردگار اى خدا، اى پروردگار اى خدا، اى پروردگار اى خدا، اى پروردگار اى‏

اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ يا اللَّهُ، اسْئَلُكَ انْ‏

خدا، اى پروردگار اى خدا، اى پروردگار اى خدا، اى پروردگار اى خدا، اى پروردگار اى خدا از تو خواهم كه‏

تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَتَمُنَّ عَلَىَّ بِرِضاكَ، وَتَعْفُوَ عَنّى‏

درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و به خشنودى خود بر من منّت گذارى و به‏

بِحِلْمِكَ، وَتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ، وَمِنْ حَيْثُ‏

بردباريت از من بگذرى و فراخ گردانى بر من از روزى حلال و پاكيزه‏ات و از جايى كه‏

احْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا احْتَسِبُ، فَانّى‏ عَبْدُكَ لَيْسَ لى‏ احَدٌ سِواكَ، وَلا

گمان دارم و از جايى كه گمان ندارم زيرا من بنده توام و كسى را جز تو ندارم و نه‏

احَدٌ اسْئَلُهُ غَيْرُكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، ما شآءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِ‏

هيچ‏كس است كه از او درخواست كنم جز تو اى مهربانترين مهربانان، آنچه خدا خواهد نيرويى نيست جز به خداى‏

الْعَظيمِ\* سپس به‏سجده مى‏روى و مى‏گويى: يااللَّهُ يااللَّهُ، يا رَبِّ يا اللَّهُ، يا رَبِّ يا

والاى بزرگ\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى خدا اى خدا اى پروردگار من اى خدا، اى پروردگار من، اى‏

اللَّهُ، يا رَبِّ يا اللَّهُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، يا مُنْزِلَ الْبَرَكاتِ،

خدا، اى پروردگار من اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من اى فرستنده بركات‏

بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ حاجَةٍ، اسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فى‏ مَخْزُونِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ،

هر حاجتى بدست تو فرود آيد از تو خواهم به هر نامى كه در خزينه غيب تو محفوظ است‏

وَالْأَسْمآءِ الْمَشْهُوراتِ عِنْدَكَ، الْمَكْتُوبَةِ عَلى‏ سُرادِقِ عَرْشِكَ، انْ‏

و نامهايى كه پيش تو آشكار است آنها كه بر سراپرده‏هاى عرشت نوشته شده كه‏

تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَقْبَلَ مِنّى‏ شَهْرَ رَمَضانَ، وَتَكْتُبَنى‏

درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و از من بپذيرى ماه رمضان را و نامم را

كليات مفاتيح نوين، ص: 824

مِنَ الْوافِدينَ الى‏ بَيْتِكَ الْحَرامِ، وَتَصْفَحَ لى‏ عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظامِ،

در زمره رفتگان بسوى خانه محترمت (كعبه) بنويسى و از گناهان بزرگم چشم‏پوشى كنى‏

وَتَسْتَخْرِجَ يا رَبِّ كُنُوزَكَ يا رَحْمنُ.[[1111]](#footnote-1111)

و گنجهاى خود را برايم بيرون آورى اى خداى بخشاينده.

نهم: چهارده ركعت نماز بخواند (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعتى، سوره حمد و آيةالكرسى و سه مرتبه سوره قل هو اللَّه را بخواند. در روايت است هر كس چنين كند، خداوند در برابر هر ركعتى ثوابهاى بسيار زيادى به او مى‏دهد.[[1112]](#footnote-1112) دهم: مرحوم «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» فرموده است: در پايان شب نيز غسل كن و تا طلوع صبح در مصلّايت (محل خواندن نماز) بنشين (و ذكر خدا بگو).[[1113]](#footnote-1113)

فضيلت و اعمال روز عيد فطر:

روز عيد فطر روز بسيار مهمّى براى مسلمانان است؛ زيرا پس از يك ماه روزه و تهجّد و عبادت، براى گرفتن پاداش الهى آماده مى‏شوند؛ لذا اين روز، از سويى سبب شادى و سرور است، چراكه هر مسلمانى از انجام وظيفه الهى خوشحال و مسرور است؛ ولى از سويى چون روز دريافت جوائز الهى است، انسان در حالت خوف و دلهره به سر مى‏برد از اين‏كه نمى‏داند اعمال يك ماهه او تا چه اندازه مورد قبول قرار گرفته است؟

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده است كه آن حضرت فرمود: هنگامى كه روز اوّل شوّال فرا مى‏رسد، منادى ندا مى‏دهد: اى مؤمنان براى دريافت جوائز و پاداش‏هاى خود بشتابيد! آنگاه امام عليه السلام فرمود: جايزه‏هاى خداوند مانند جايزه‏هاى پادشاهان نيست (يعنى جايزه او بسيار بزرگ و معنوى و قبولى طاعات و رضوان الهى است).

در پايان نيز تأكيد فرمود: «روز اوّل شوال روز دريافت جايزه‏هاست!».[[1114]](#footnote-1114) براى روز اوّل شوّال اعمالى ذكر شده است:

اوّل: تكبيراتى است كه در اعمال شب عيد فطر ذكر شد، و بعد از نماز صبح و نماز عيد فطر آن را بخواند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 825

دوم: پيش از نماز عيد، زكات فطره را جدا سازد؛ اگر دسترسى به مستحق دارد بپردازد و الّا كنار بگذارد، براى هر نفر يك صاع (حدود سه كيلو) از گندم يا موادّ غذايى ديگر كه در آن شهر غذاى غالب مردم محسوب مى‏شود.

زكات فطره واجب مؤكّد است و شرط قبولى روزه ماه رمضان است، و خداوند نيز در قرآن آن را مقدّم بر نماز (عيد) شمرده است و مى‏فرمايد: «

«قَدْ افْلَحَ مَنْ تَزَكّى‏ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّى‏»؛

به يقين آن كس كه زكات دهد و ياد پروردگارش را كند سپس نماز بخواند، رستگار است!».[[1115]](#footnote-1115)،[[1116]](#footnote-1116) سوم: غسل كردن است و وقت آن به فرموده «شيخ طوسى» بعد از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عيد.[[1117]](#footnote-1117) قبل از غسل اين دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ ايماناً بِكَ، وَتَصْديقاً بِكِتابِكَ، وَاتِّباعَ سُنَّةِ نَبيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى‏

خدايا بخاطر ايمان به تو و تصديق كتاب تو و پيروى از روش پيغمبرت محمّد صلى‏

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

اللَّه عليه و آله.

آنگاه بسم اللَّه بگويد و غسل كند. پس از پايان غسل بگويد:

اللهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبى‏، وَطَهِّرْ دينى‏، اللهُمَّ اذْهِبْ عَنِّى الدَّنَسَ.[[1118]](#footnote-1118)

خدايا قرارش ده كفاره گناهانم و دين و مذهبم را پاك گردان خدايا دور كن از من چركى را.

چهارم: به فرموده «شيخ طوسى» در اين روز نيكوترين لباسش را بپوشد و خود را معطّر سازد و با وقار و سكينه به سمت مصلّاى عيد حركت كند.[[1119]](#footnote-1119) پنجم: پيش از نماز عيد، در ابتداى روز افطار كند،[[1120]](#footnote-1120) و بهتر آن است كه افطارش با خرما باشد.[[1121]](#footnote-1121) «شيخ مفيد» رحمه الله فرموده است: مستحبّ است مقدار كمى از تربت سيّد الشّهدا، امام حسين عليه السلام را تناول نمايد كه شفاى هر دردى است.[[1122]](#footnote-1122) ششم: پس از طلوع آفتاب براى نماز عيد حركت كند (همان گونه كه از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 826

است)[[1123]](#footnote-1123) و دعاهايى را كه از طريق معصومين عليهم السلام وارد شده است، بخواند؛ از جمله آن‏كه امام باقر عليه السلام فرمود:

در عيد فطر و عيد قربان و جمعه وقتى كه براى رفتن به نماز مهيّا شدى، اين دعا را بخوان:

اللهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فى‏ هذَا الْيَوْمِ اوْ تَعَبَّأَ، اوْ اعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ الى‏ مَخْلُوقٍ،

خدايا هر كه آماده شده در اين روز يا مهياو مستعد و مجهز گشته براى ورود به يكى از مخلوقاتت‏

رَجآءَ رِفْدِهِ وَنَوافِلِهِ، وَفَواضِلِهِ وَعَطاياهُ، فَانَّ الَيْكَ يا سَيِّدى‏

به اميد جايزه و صله و بهره‏هاو عطاهاى او ولى اى آقاى من‏

تَهْيِئَتى‏ وَتَعْبِئَتى‏، وَاعْدادى‏ وَاسْتِعْدادى‏، رَجآءَ رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ،

تنها بسوى توست آمادگى و تهيه و استعداد و تجهيز من به اميد جايزه‏

وَنَوافِلِكَ وَفَواضِلِكَ، وَفَضآئِلِكَ وَعَطاياكَ، وَقَدْ غَدَوْتُ الى‏ عيدٍ مِنْ‏

و صله‏ها و بهره‏ها و بخششها و فضلها و عطاهاى تو و بامداد كردم در عيدى‏

اعْيادِ امَّةِ نَبيِّكَ، مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلى‏ آلِهِ، وَ لَمْ افِدْ الَيْكَ الْيَوْمَ‏

از عيدهاى امت پيامبرت محمّد كه درودهاى تو بر او و برآلش باد و البتّه ورود من نه به اميد

بِعَمَلٍ صالِحٍ اثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ، وَلا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ امَّلْتُهُ، وَلكِنْ اتَيْتُكَ‏

كردار شايسته‏اى است كه بدان اطمينان داشته و پيشكش آورده باشم و نه اين كه به مخلوقى رو كرده و آرزومندش باشم بلكه با حال خضوع به درگاه تو آمده‏

خاضِعاً، مُقِرّاً بِذُنُوبى‏، وَ اسآئَتى‏ الى‏ نَفْسى‏، فَيا عَظيمُ يا عَظيمُ يا عَظيمُ،

و معترف به گناه و بدى خود بر نفس خويشتنم پس اى خداى بزرگ........

اغْفِرْ لِىَ الْعَظيمَ مِنْ ذُنُوبى‏، فَانَّهُ لايَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظامَ الَّا انْتَ، يا لا الهَ‏

بيامرز بزرگ گناهانم را زيرا نيامرزد گناهان بزرگ را جزتو اى كه معبودى‏

الَّا انْتَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1124]](#footnote-1124)

جز تو نيست اى‏مهربانترين مهربانان.

\*\*\*

هفتم: نماز عيد. خواندن نماز عيد در زمان ما مستحب است و آن دو ركعت است؛ در ركعت اوّل سوره حمد و سوره اعلى (يا هر سوره ديگرى كه مايل باشد) بخواند و بعد از آن پنج تكبير بگويد و بعد از هر تكبير اين قنوت را بخواند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 827

اللهُمَّ اهْلَ الْكِبْرِيآءِ وَ الْعَظَمَةِ، وَاهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ، وَ اهْلَ الْعَفْوِ

خدايا اى اهل بزرگى و عظمت و اى شايسته بخشش و قدرت و سلطنت و اى شايسته عفو

وَ الرَّحْمَةِ، وَاهْلَ التَّقْوى‏ وَالْمَغْفِرَةِ، اسْئَلُكَ بِحَقِّ هذَا الْيَومِ، الَّذى‏ جَعَلْتَهُ‏

و رحمت و اى شايسته تقوا و آمرزش از تو خواهم به حق اين روزى كه قرارش دادى‏

لِلْمُسْلِمينَ عيداً، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذُخْراً [وَشَرَفاً] وَمَزِيداً،

براى مسلمانان عيد و براى محمّد صلى الله عليه و آله ذخيره و شرف و فزونى مقام‏

انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُدْخِلَنى‏ فى‏ كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ‏

كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و درآورى مرا در هر خيرى كه درآوردى‏

فيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُخْرِجَنى‏ مِنْ كُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً

در آن خير محمّد و آل محمّد را و برونم آرى از هر بدى و شرى كه برون آوردى از آن محمّد

وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ خَيْرَ ما سَئَلَكَ‏

و آل محمّد را- كه درودهاى تو بر او و بر ايشان باد- خدايا از تو خواهم بهترين چيزى را كه درخواست كردند

مِنْهُ عِبادُكَ الصَّالِحُونَ، وَاعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُكَ الصَّالِحُونَ.

از تو بندگان شايسته‏ات و پناه برم به تو از آنچه پناه بردند ازآن‏بندگان شايسته‏ات.

(درصورت عدم توانايى براين قنوت، هرگونه قنوت ديگرى نيز مى‏تواند بخواند) سپس تكبير ششم را بگويد و به ركوع برود و بعد از ركوع و سجده، برخيزد و ركعت دوم را شروع كند؛ در ركعت دوم، بعد از سوره حمد، سوره والشّمس يا سوره ديگرى را بخواند؛ آنگاه چهار تكبير بگويد و بعد از هر تكبير همان قنوت را بخواند، سپس تكبير پنجم را بگويد و به ركوع و سجود برود و نماز را تمام كند.[[1125]](#footnote-1125) بعد از نماز، تسبيحات حضرت زهرا عليها السلام را بگويد[[1126]](#footnote-1126) و آنگاه دعاهايى كه نقل شده است را بخواند كه يكى از آنها دعاى چهل و ششم «صحيفه سجّاديه» است.

مستحب است نماز عيد، زير آسمان باشد[[1127]](#footnote-1127) و بعد از نماز براى برادران دينى جهت قبولى اعمال دعا كند.

\*\*\*

هشتم: دعاى ندبه را بخواند، كه در بخش دعاهاى معروف (صفحه 189) آمده است مرحوم محدّث قمى مى‏گويد: به فرموده «سيّد بن طاووس»، پس از دعا به سجده برود و بگويد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 828

اعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ حَرُّها لايُطْفى‏، وَجَديدُها لايَبْلى‏، وَعَطْشانُها لايُرْوى‏\*

پناه مى‏برم به تو از آتشى كه حرارتش خاموش نشود و تازه‏اش كهنه نگردد و تشنه‏اش سيراب نشود

سپس گونه راست را بر محلّ سجده بگذارد و بگويد: الهى‏ لاتُقَلِّبْ وَجْهى‏ فِى النَّارِ بَعْدَ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بدست آتش مسپار چهره‏ام را پس از

سُجُودى‏، وَتَعْفيرى‏ لَكَ بِغَيْرِ مَنٍّ مِنّى‏ عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَىَّ\* آنگاه گونه‏ سجده كردنم و بخاك ماليدنم آن را براى تو بدون اين‏كه منّتى بر تو داشته باشم بلكه تو بر من منّت دارى\*\*\*\*\*\*\*\*

چپ را بگذارد و بگويد: ارْحَمْ مَنْ اسآءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ\* سپس به حال‏\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* رحم كن كسى را كه بد كرده و به نافرمانى دست زده و بيچاره گشته و اعتراف بدانها دارد\*\*\*\*\*\*\*\*

سجده برگردد و بگويد: انْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ، فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ‏

\*\*\*\*\*\* اگر من بدبنده‏اى هستم پس تو خوب پروردگارى هستى بزرگ است گناه‏

عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يا كَريمُ. در پايان صد مرتبه بگويد: الْعَفْوَ الْعَفْوَ.

بنده‏ات پس بايد گذشت تو نيز نيكو باشد اى خداى كريم\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* گذشت خواهم گذشت خواهم.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 829

فصل يازدهم: ماه ذى‏القعده‏

تقويم اين ماه:

اوّل ذى‏القعده: بنا بر نقلى، اوّل ذى القعده سال 173 هجرى، روز ميلاد حضرت فاطمه معصومه عليها السلام است.[[1128]](#footnote-1128) يازدهم ذى‏القعده: روز يازدهم ماه (سال 148 هجرى قمرى) روز ميلاد مسعود امام على بن موسى الرضا عليهما السلام است.[[1129]](#footnote-1129) بيست و سوم ماه ذى‏القعده: (سال 203) طبق برخى از روايات شهادت همان حضرت است و زيارت آن حضرت در چنين روزى مناسب است. (هرچند معروف در شهادت آن حضرت «آخر ماه صفر» است).[[1130]](#footnote-1130) بيست و پنجم ماه ذى‏القعده: طبق روايتى از امام رضا عليه السلام روز دحوالأرض است (روزى است كه نخستين خشكى‏ها از زير آب- كه تمام روى زمين را فراگرفته بود- سربرآورد و مطابق بعضى از روايات، نخستين جايى كه از زير آب بيرون آمد و خشك شد و سپس گسترش يافت، سرزمين «مكّه» و بخصوص محلّ «خانه كعبه» بود و لذا مكّه «امّ‏القرى» [/ مادر همه آبادى‏ها] نام گرفت).[[1131]](#footnote-1131) آخر ماه ذى‏القعده: (سال 220 هجرى قمرى) روز شهادت امام نهم، امام محمّدتقى عليه السلام است كه به زهر «معتصم عبّاسى» در بغداد مسموم و شهيد گشت در حالى كه بيش از 25 سال از عمر مباركش نمى‏گذشت؛ بدن مطهّر آن حضرت را به كاظمين كه نزديك بغداد است آوردند و در كنار جدّ بزرگوارش امام موسى بن جعفر عليهما السلام به خاك سپردند و انتخاب نام كاظمين بر آن شهر به همين مناسبت است (قبلًا آن‏جا را «مقابر قريش» مى‏ناميدند).[[1132]](#footnote-1132) در حديثى آمده است كه خود آن حضرت مى‏فرمود: «

الْفَرَجُ بَعْدَ الْمأمُونِ بِثَلاثينَ شَهْراً

؛ آسودگى من بعد از مرگ مأمون به فاصله سى ماه خواهد بود».[[1133]](#footnote-1133)

كليات مفاتيح نوين، ص: 830

كه اين جمله اشاره‏اى به شهادت آن حضرت بعد از دو سال و نيم (30 ماه) بعد از مرگ مأمون بود.

همچنين نشان مى‏دهد كه آن بزرگوار تا چه حد به خاطر فشارهاى دستگاه بنى‏عبّاس در زحمت بودند.

فضيلت ماه ذى‏القعده:

ماه ذى‏القعده، نخستين ماه از ماههاى حرام است كه در آنها جنگ، حتّى با دشمنان اسلام حرام است؛ مگر اين كه جنگ بر مسلمين تحميل شود (سه ماه ديگر از ماههاى حرام، ذى‏الحجّه، محرّم و رجب است).

آتش‏بس در اين چهار ماه وسيله‏اى براى آرامش جامعه و توفيق براى حجّ و عبادت، حلّ مشكلات اقتصادى و بازنگرى در امر جنگ و يافتن نقطه پايان براى آن و سپس مرهم نهادن بر زخم‏هاى جانكاه ناشى از آن است.

ماهى است كه زوّار خانه خدا از اطراف و اكنافِ جهان به سوى خانه خدا حركت مى‏كنند، گروهى به مدينه مى‏روند و قبر پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله و قبور ائمّه هدى عليهم السلام را زيارت مى‏كنند و آثار تاريخى كه در جاى جاى اين خاستگاه اسلامى وجود دارد را مى‏بينند و غرق لذّات عميق روحانى مى‏شوند (هرچند نابخردان و جاهلان، بسيارى از اين آثار عظيم و گرانقدر را از ميان برده‏اند).

گروه ديگرى راهى مكّه مى‏شوند و با انجام مناسك «عمره تمتّع» در انتظار مراسم بزرگ عبادى سياسى حج مى‏نشينند و با طواف كعبه و شركت در صفوف پرشكوه جماعت، روح و جانشان را تازه مى‏كنند (خداوند اين سفر روحانى را نصيب همه آرزومندان فرمايد) تجديد ياد و خاطره آن، براى آنها كه به اين سفر رفته‏اند نيز لذّت‏بخش است.

«سيّد بن طاووس» در فضيلت اين ماه مى‏گويد: «ماه ذى‏القعده ماهى است كه به هنگام شدّت و گرفتارى، زمان خوبى براى دعاست، و براى رفع ظلم و ستم و دعا بر ضد ظالم مؤثّر است».[[1134]](#footnote-1134) همچنين مى‏گويد: «اين ماه «ماه اجابت دعاها» ناميده شده است؛ لذا بايد اوقاتش را غنيمت شمرد و در آن روزه حاجت گرفت».[[1135]](#footnote-1135)

اعمال ماه ذى‏القعده:

نماز در روز يكشنبه اين ماه‏: براى نماز در روز يكشنبه اين ماه روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 831

است. در فضيلت اين نماز، آمده است كه هر كس آن را بجا آورد توبه‏اش پذيرفته مى‏شود و گناهانش آمرزيده مى‏گردد و سبب بركت براى نمازگزار و خانواده‏اش خواهد بود، و در روز قيامت كسانى كه از او طلبى و يا حقّى دارند، از وى راضى گردند و با ايمان از دنيا مى‏رود و قبرش براى او وسيع و نورانى گردد و پدر و مادرش از او راضى شوند، و آنها نيز مورد مغفرت خداوند قرار گيرند، ذريّه او نيز بخشيده شوند و روزى او وسيع گردد. فرشته مرگ به هنگام مردن، با او مدارا كند و به آسانى جانش را بگيرد.[[1136]](#footnote-1136) رسول خدا صلى الله عليه و آله كيفيّت نماز را اين گونه بيان فرمود كه، در روز يكشنبه غسل كند و وضو بگيرد و چهار ركعت نماز بخواند (هر دو ركعت به يك سلام) در هر ركعت، سوره «حمد» يك مرتبه، سوره «قل هو اللَّه» سه مرتبه و سوره‏هاى «فلق» و «ناس» را يك مرتبه بخواند؛ و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار كند، سپس بگويد: لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلىِّ الْعَظيمِ‏ آنگاه بگويد: يا عَزيزُ يا غَفَّارُ،

\*\*\* و توان و نيرويى جز براى خداوند بلندمرتبه و باعظمت نيست\*\*\*\*\*\*\* اى نيرومند اى بسيار آمرزنده‏

اغْفِرْ لى‏ ذُ نُوبى‏، وَذُ نُوبَ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، فَانَّهُ لا يَغْفِرُ

بيامرز گناهانم را و گناهان همه مردان مؤمن و زنان با ايمان را كه نيامرزد كسى‏

الذُّنُوبَ الَّا انْتَ.[[1137]](#footnote-1137)

گناهان را جز تو.

از ذيل اين روايت استفاده مى‏شود كه اين اعمال را در غير اين ماه نيز، مى‏توان انجام داد.

سه روز روزه در اين ماه: از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت شده است، هر كس روزهاى پنج‏شنبه، جمعه و شنبه از ماههاى حرام را روزه بگيرد، عبادت يك سال براى او نوشته شود.[[1138]](#footnote-1138) شب پانزدهم ماه: از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت شده است كه شب پانزدهم ماه ذى‏القعده، شب مباركى است و خداوند در اين شب، به بندگان مؤمن، نظر رحمت مى‏افكند و آن كس كه در اين شب به اطاعت خداوند مشغول باشد، پاداش بسيار زيادى دارد.

در ادامه فرمود: چون شب به نيمه رسيد، به عبادت خدا و نماز بپرداز و از خداوند حاجت بطلب كه در اين شب، حاجت كسى بدون پاسخ نخواهد ماند![[1139]](#footnote-1139)

روز بيست و پنجم (روز دحوالارض):

همان‏گونه كه پيش از اين گفته شد، روز بيست و پنجم ذى‏القعده، روزى است كه نخستين خشكى‏ها از زير آب سربرآورد، و سپس گسترش يافت. براى اين روز

كليات مفاتيح نوين، ص: 832

اعمالى نقل شده است:

الف) در روايتى از اميرمؤمنان عليه السلام نقل شده است: اوّل رحمتى كه از آسمان به زمين نازل شد، روز بيست و پنجم ذى‏القعده بود؛ بنابراين اگر كسى آن روز را روزه بگيرد، و آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش عبادت يكصد سال را دارد.

همچنين فرمود: در آن روز، اگر گروهى به ذكر خدا بپردازند، خداوند حاجتشان را پيش از آن‏كه متفرّق شوند برآورده سازد؛ خداوند در اين روز هزار هزار رحمت نازل مى‏كند كه قسمتى از آن شامل كسانى است كه جمع گردند و به ذكر خدا بپردازند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت كنند.[[1140]](#footnote-1140) ب) مستحب است در آغاز روز (هنگامى كه آفتاب كمى بلند شود) دو ركعت نماز بجا آورد و در هر ركعت، بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس را بخواند و پس‏از سلام نماز، اين دعا را بخواند:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلىِّ الْعَظيمِ، يا مُقيلَ الْعَثَراتِ، اقِلْنى‏ عَثْرَتى‏،

پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و باعظمت نيست اى ناديده گير لغزشها، ناديده گير لغزشم را

يا مُجيبَ الدَّعَواتِ، اجِبْ دَعْوَتى‏، يا سامِعَ الْأَصْواتِ، اسْمَعْ صَوْتى‏،

اى اجابت كننده دعاها اجابت كن دعايم را اى شنواى صداها بشنو صدايم را

وَارْحَمْنى‏ وَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتى‏ وَما عِنْدى‏، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.[[1141]](#footnote-1141)

و به من رحم كن و از گناهانم و آنچه بدى دارم درگذر اى صاحب جلالت و بزرگوارى.

ج) «شيخ طوسى» فرمود: مستحب است در اين روز، اين دعا را بخواند:

اللهُمَّ داحِىَ الْكَعْبَةِ، وَفالِقَ الْحَبَّةِ، وَصارِفَ اللَّزْبَةِ، وَكاشِفَ كُلِ‏

خدايا اى گسترنده خانه كعبه و شكافنده دانه و برطرف‏كننده سختى و گشاينده هر

كُرْبَةٍ، اسْئَلُكَ فى‏ هذَا الْيَوْمِ مِنْ ايَّامِكَ الَّتى‏ اعْظَمْتَ حَقَّها، وَاقْدَمْتَ‏

غم و گرفتارى از تو خواهم در اين روز از روزهايت كه بزرگ گرداندى حقش را و در سبقت‏

سَبْقَها، وَجَعَلْتَها عِنْدَ الْمُؤْمِنينَ وَديعَةً، وَ الَيْكَ ذَريعَةً، وَ بِرَحْمَتِكَ‏

پيشش انداختى و در نزد مؤمنين آن را به وديعت نهادى و آن را وسيله‏اى براى‏آمدن به پيشگاهت و رسيدن برحمت‏

الْوَسيعَةِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ، فِى الْميثاقِ الْقَريبِ‏

وسيعت قراردادى كه درود فرستى بر محمّد بنده برگزيده‏ات در روز ميثاق نزديك كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 833

يَوْمَ التَّلاقِ، فاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ، وَداعٍ الى‏ كُلِّ حَقٍّ، وَعَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهارِ

روز ديدار و ملاقات است آن بزرگوارى كه هر در بسته‏اى را گشود و به هر حقى دعوت فرمود و بر خاندان پاكيزه‏

الْهُداةِ الْمَنارِ، دَعائِمِ الْجَبَّارِ، وَوُلاةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَاعْطِنا فى‏ يَوْمِنا هذا

و راهنمايان روشنى‏بخش و پايه‏هاى دين خدا و زمامداران كار بهشت و دوزخند و عطا كن به ما در اين روز

مِنْ عَطآئِكَ الْمَخْزُونِ، غَيْرَ مَقْطوُعٍ وَلا مَمْنوُنٍ، تَجْمَعُ لَنا بِهِ التَّوْبَةَ،

از عطاى موجود در خزينه‏ات كه نه پايان دارد و نه منّتى در آن است گردآورى بدان براى ما توبه‏

وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ، يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَاكْرَمَ مَرْجُوٍّ، يا كَفِىُّ يا وَفِىُّ، يا مَنْ لُطْفُهُ‏

و بازگشت خوبى را بسوى خودت اى بهترين خوانده شدگان و بزرگوارترين مايه اميد اى كفايت كننده اى وفادار اى كه لطفش در

خَفِىٌّ، الْطُفْ لى‏ بِلُطْفِكَ، وَاسْعِدْنى‏ بِعَفْوِكَ، وَايِّدْنى‏ بِنَصْرِكَ، وَلا تُنْسِنى‏

نهان و خفاست بلطف خويش بر من لطف فرما و به عفوت سعادتمندم كن و به ياريت كمكم ده و از ياد

كَريمَ ذِكْرِكَ، بِوُلاةِ امْرِكَ، وَحَفَظَةِ سِرِّكَ، وَ احْفَظْنى‏ مِنْ شَوائِبِ الدَّهْرِ،

كريمانه‏ات فراموشم مكن به حق زمامداران كار خود و نگهبانان رازت و نگاهم دار از آلودگيهاى روزگار

الى‏ يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، وَاشْهِدْنى‏ اوْلِيآئَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسى‏، وَحُلُولِ‏

تا روز حشر و برانگيخته شدن و گواه گير برايم دوستانت را هنگام جان دادنم و سرازير

رَمْسى‏، وَانْقِطاعِ عَمَلى‏، وَانْقِضآءِ اجَلى‏، اللَّهُمَّ وَاذْكُرْنى‏ عَلى‏ طُولِ‏

شدنم در قبر و به پايان رسيدن كردارم و بسر آمدن عمرم‏خدايا يادم كن در دوران دراز

الْبِلى‏، اذا حَلَلْتُ بَيْنَ اطْباقِ الثَّرى‏، وَنَسِيَنِى النَّاسُونَ مِنَ الْوَرى‏،

پوسيده شدنم در آن هنگام كه ميان توده‏هاى خاك وارد شوم و مردم فراموشكار يكسره فراموشم كرده‏اند

وَاحْلِلْنى‏ دارَ الْمُقامَةِ، وَ بَوِّئْنى‏ مَنْزِلَ الْكَرامَةِ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ مُرافِقى‏

و در خانه ماندنى (بهشت) فرودم آر و در منزل كرامت جايم ده و از رفقاى دوستانت و

اوْلِيآئِكَ، وَاهْلِ اجْتِبآئِكَ وَأصْفِيائِكَ، وَبارِكْ لى‏ فى‏ لِقآئِكَ، وَارْزُقْنى‏

برگزيدگان و مخصوصانت قرارم ده و ديدارت را بر من مبارك گردان و حسن عمل روزيم كن‏

حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ، بَريئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ، اللهُمَّ وَ

پيش از آن‏كه عمرم بسر رسد در حالى‏كه پاك از لغزش و بد كردارى باشم خدايا

اوْرِدْنى‏ حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَاسْقِنى‏ مِنْهُ‏

مرا به حوض پيامبرت محمّد درود خدا بر او و خاندانش باد (يعنى حوض كوثر) واردم كن و بنوشان مرا از آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 834

مَشْرَباً رَوِيّاً سآئِغاً هَنيئاً، لا اظْمَأُ بَعْدَهُ، وَلا احَلَّأُ وِرْدَهُ، وَ لا عَنْهُ اذادُ،

حوض نوشاندنى سيراب كننده و روان و گوارا كه ديگر تشنه نشوم و از ورود بدان جلوگيريم نكنند و بازم ندارند

وَاجْعَلْهُ لى‏ خَيْرَ زادٍ، وَ اوْفى‏ ميعادٍ، يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ، اللَّهُمَّ وَالْعَنْ‏

و آن را برايم بهترين توشه راه و كاملترين وعده‏گاه در روز به پا خواستن گواهان قرار ده خدايا دور ساز

جَبابِرَةَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ، وَبِحُقُوقِ اوْلِيآئِكَ الْمُسْتَاْثِرينَ، اللهُمَ‏

از رحمتت سركشان اوّلين و آخرين را و آنان‏كه به حقوق دوستان برگزيده‏ات تجاوز و تعدّى كردند خدايا

وَاقْصِمْ دَعآئِمَهُمْ، وَاهْلِكْ اشْياعَهُمْ وَ عامِلَهُمْ، وَ عَجِّلْ مَهالِكَهُمْ،

پايه‏هاى حكومتشان را در هم شكن و پيروان و عمالشان را نابود گردان و به هلاكتشان تعجيل كن‏

وَاسْلُبْهُمْ مَمالِكَهُمْ، وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسالِكَهُمْ، وَالْعَنْ مُساهِمَهُمْ‏

و مملكتهاشان را از ايشان بگير و راهها را بر ايشان تنگ فرما و آنان‏كه با ايشان سهيم‏

وَمُشارِكَهُمْ، اللهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اوْلِيآئِكَ، وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظالِمَهُمْ،

و شريك هستند نيز از رحمتت دور كن خدايا شتاب كن در فرج دوستانت و حقوق از دست رفته‏شان را به آنها باز گردان‏

وَاظْهِرْ بِالْحَقِّ قآئِمَهُمْ، وَاجْعَلْهُ لِدينِكَ مُنْتَصِراً، وَبِامْرِكَ فى‏ اعْدآئِكَ‏

و قائمشان را به حق ظاهر گردان و يارى ستاننده دينت و فرمانرواى در ميان دشمنانت قرارش ده‏

مُؤْتَمِراً، اللهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلائِكَةِ النَّصْرِ، وَبِما الْقَيْتَ الَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فى‏ لَيْلَةِ

خدايا فرشتگان يارى دهنده را گرداگردش قرار ده و بدان دستورى كه در شب قدر بر او فرستى وى را

الْقَدْرِ، مُنْتَقِماً لَكَ حَتّى‏ تَرْضى‏، وَيَعُودَ دينُكَ بِهِ وَعَلى‏ يَدَيْهِ جَديداً

انتقام كشَنده براى خودت قرار ده بدان حد كه تو خشنود گردى و دين تو به وسيله او و بدست او بصورت نو و تازه‏اى‏

غَضّاً، وَيَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضاً، وَيَرْفِضَ الْباطِلَ رَفْضاً، اللهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ‏

درآيد و حق كاملًا خالص گردد و باطل يكسره از بين برود خدايا درود فرست بر او و

وَعَلى‏ جَميعِ آبائِهِ، وَاجْعَلْنا مِنْ صَحْبِهِ وَاسْرَتِهِ، وَابْعَثْنا فى‏ كَرَّتِهِ، حَتّى‏

بر همه پدرانش و قرار ده ما را از اصحاب و نزديكانش و در زمان رجعت او ما را برانگيز تا

نَكُونَ فى‏ زَمانِهِ مِنْ اعْوانِهِ، اللَّهُمَّ ادْرِكْ بِنا قِيامَهُ، وَاشْهِدْنا ايَّامَهُ، وَصَلِ‏

ما در زمان او جزء يارانش باشيم خدايا توفيق درك زمان قيام او را نصيب ما گردان و در روزگار ظهورش ما را حاضر كن و درود فرست‏

عَلَيْهِ، وَعَلَيْهِ السَّلامُ، وَارْدُدْ الَيْنا سَلامَهُ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.[[1142]](#footnote-1142)

بر او و سلام او را بسوى ما بازگردان و سلام و تحيت و رحمت خدا و بركاتش بر او باد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 835

فصل دوازدهم: ماه ذى‏الحجّه‏

تقويم اين ماه:

اوّل ماه ذى‏الحجّه: روز ولادت حضرت ابراهيم خليل عليه السلام، پيامبر بزرگ و بت‏شكن و بناكننده خانه كعبه است.[[1143]](#footnote-1143) همچنين بنا بر نقل «شيخ طوسى»، اين روز، روز ازدواج امير مؤمنان على عليه السلام و حضرت صدّيقه كبرى فاطمه زهرا عليها السلام (در سال دوم هجرى) است.[[1144]](#footnote-1144) روز هفتم ماه ذى‏الحجّه: وفات امام محمّد باقر عليه السلام (در سال 114) در چنين روزى واقع شده است.[[1145]](#footnote-1145) روز هشتم ماه ذى‏الحجّه: اين روز را روز «ترويه» مى‏نامند. «ترويه در لغت به معناى سيراب كردن، و آب ذخيره نمودن است»، در سابق كه در عرفات آب نبود، حجّاج روز هشتم آب براى وقوف در عرفات در روز نهم از مكّه با خود مى‏بردند.[[1146]](#footnote-1146) روز نهم ذى‏الحجّه: روز عرفه است كه روزى بسيار بافضيلت است و حاجيان آن روز را در صحراى عرفات به ياد خدا هستند، همچنين اين روز مصادف است با سال روز شهادت حضرت مسلم‏بن عقيل عليه السلام در شهر كوفه (در سال 60 هجرى قمرى).[[1147]](#footnote-1147) روز دهم ماه ذى‏الحجّه: روز عيد بزرگ قربان است كه از اعياد مهمّ اسلامى است.

روز پانزدهم ماه ذى‏الحجّه: در چنين روزى ميلاد مسعود حضرت امام على النّقى عليه السلام در سال 212 هجرى قمرى واقع شده است.[[1148]](#footnote-1148) روز هيجدهم ماه ذى‏الحجّه: روز عيد سعيد غدير، عيد ولايت و امامت، از اعياد مهمّ اسلامى است.

آن روز پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله به فرمان خداوند، على عليه السلام را به امامت و جانشينى خود منصوب كرد. اين واقعه در سال دهم هجرى در سرزمين «خُم» نزديكى مكّه كنار غدير (بركه آبى) واقع شد. و لذا آن را عيد «غدير خم» مى‏نامند. مرحوم «علّامه امينى» رحمه الله در كتاب شريف «الغدير» كه در 11 جلد نوشته شده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 836

است، روايات فراوانى را از طرق اهل سنّت راجع به جريان غدير خم، نقل مى‏كند كه جاى ترديدى براى هيچ فرد با انصافى باقى نمى‏گذارد. روز بيست و چهارم ماه ذى‏الحجّه: روز «مباهله» است، روزى است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله با نصاراى نجران «مباهله» كرد، و پيش از آن كه مباهله صورت گيرد مسيحيان نجران، پشيمان شده و از مباهله صرف‏نظر كردند. اين جريان در سال دهم هجرى واقع شده است.[[1149]](#footnote-1149) (داستان آن را در ذيل اعمال روز مباهله شرح خواهيم داد).

همچنين در اين روز حضرت اميرالمؤمنين على عليه السلام در حال ركوع انگشتر خود را به سائل داد[[1150]](#footnote-1150) و آيه‏

«إنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»[[1151]](#footnote-1151)

در همين رابطه نازل شد.

روز بيست و پنجم ماه ذى‏الحجّه: روز نزول سوره «هَلْ أَتى‏» است.[[1152]](#footnote-1152) پس از آن‏كه حضرت على، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسين عليهم السلام و جناب فضّه، براى اداى نذر خويش كه براى شفاى امام حسن و امام حسين عليهما السلام كرده بودند، سه روز روزه گرفتند و در روز اوّل غذاى افطار خود را به مسكين دادند و با آب افطار كردند و در روز دوم به يتيم و روز سوم به اسير دادند اين سوره در مدح آنان نازل شد (كه بعداً شرحش خواهد آمد).

فضيلت ماه ذى‏الحجّه:

ماه «ذى‏الحجّه»، آخرين ماه «سال هجرى قمرى» است و ماهى است بسيار پربركت. بزرگان دين هنگامى كه اين ماه وارد مى‏شد، اهمّيّت ويژه‏اى به عبادت در آن مى‏دادند. مخصوصاً در دهه اوّل اين ماه.[[1153]](#footnote-1153) در بعضى از روايات آمده است، شب‏هاى دهگانه‏اى كه قرآن در سوره «والفجر و ليال عشر» به آن سوگند ياد كرده است، شب‏هاى دهه اوّل اين ماه شريف است،[[1154]](#footnote-1154) و اين سوگند به خاطر عظمت آن است.

خداوند در سوره حج (آيه 28) ضمن بيان فريضه بزرگ «حج» سخن از «أيّام مَعْلُومات» گفته است كه مؤمنان بايد در آن به ياد خدا باشند. يكى از تفسيرهاى معروفِ «أيّام مَعْلُومات» كه در روايات نيز آمده است، ده روز اوّل ماه ذى‏الحجّه است.[[1155]](#footnote-1155) بنابراين، هم شب‏هاى آن عزيز است و هم روزهاى آن.

كليات مفاتيح نوين، ص: 837

در حديثى از رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم كه عبادت و كار نيك در هيچ ايّامى به اندازه اين ايّام (ده روز اوّل ماه ذى‏الحجّه) فضيلت ندارد.[[1156]](#footnote-1156)

افزون بر اينها، هم صدا شدن با زوّار خانه خدا در اين ماه، و ياد و خاطره مراسم باشكوه حج و معنويّت و بركات آن، حال و هواى ديگرى به انسان مى‏دهد؛ مخصوصاً براى كسانى كه در سلك زوّار سعادتمند خانه خدا قرار گرفته‏اند، يا با ياد و خاطره آنها همراهند.

وجود دو «عيد» مهمّ اسلامى عيد قربان (عيد اضحى) و عيد غدير (عيد ولايت) و روز «عرفه» و خاطره دعاى عجيب و بسيار گرانبهاى امام حسين عليه السلام در عرفات، شكوه و عظمت خاصّى به اين ماه بخشيده، و سزاوار است همه مؤمنان (مخصوصاً جوانان پاكدل) از فضاى آكنده از معنويّت اين ماه غافل نشوند و در خودسازى و تهذيب نفس بكوشند كه به پيشرفت‏هاى مهمّى نائل مى‏شوند.

اعمال ماه ذى‏الحجّه:

اعمال اين ماه بر دو قسم است:

اوّل اعمالى كه مشترك است ميان دهه اوّل. دوم اعمالى كه مختصّ به ايّام خاصّى است.

اعمال مشترك دهه اوّل:

1- امام صادق عليه السلام مى‏فرمايد: پدرم حضرت امام باقر عليه السلام به من فرمود: پسرم! در دهه نخست از ماه ذى‏الحجّه، هر شب ميان نماز مغرب و عشا اين دو ركعت نماز را ترك مكن:

در هر ركعت سوره حمد و سوره قل هو اللَّه را مى‏خوانى، پس از آن اين آيه (آيه 142 سوره اعراف) را مى‏خوانى:

وَ واعَدْنا مُوسى‏ ثَلاثينَ لَيْلَةً، وَ أَتْمَمْناها بَعَشْرٍ، فَتَمَّ ميقاتُ رَبِّهِ‏

و ما با موسى سى شب وعده گذاشتيم سپس آن را با ده شب ديگر تكميل نموديم به اين ترتيب ميعاد پروردگارش (با او)

أَرْبَعينَ لَيْلَةً، وَ قالَ مُوسى‏ لِأَخيهِ هارُونَ اخْلُفْنى‏ فى‏ قَوْمى‏، وَ أَصْلِحْ‏

چهل شب تمام شد و موسى به برادرش هارون گفت: جانشين من در ميان قومم باش و (آنها را) اصلاح كن‏

وَلا تَتَّبِعْ سَبيلَ الْمُفْسِدينَ.

و از روش مفسدان پيروى منما.

كليات مفاتيح نوين، ص: 838

اگر چنين كنى، در ثواب حاجيان، و اعمال حجّ آنها شريك مى‏شوى.[[1157]](#footnote-1157) 2- روزه گرفتن در نُه روز اوّل. در روايتى از امام موسى كاظم عليه السلام نقل شده است كه هر كس نُه روز اوّل ذى‏الحجّه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزه تمام عمر را براى او مى‏نويسد.[[1158]](#footnote-1158) 3- ابوحمزه ثمالى از امام صادق عليه السلام نقل كرده است كه آن حضرت، از روز اوّل تا عصر روز عرفه، پس از نماز صبح و قبل از نماز مغرب اين دعا را مى‏خواند:

اللهُمَّ هذِهِ الْأَيَّامُ الَّتى‏ فَضَّلْتَها عَلَى الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَها، وَ قَدْ بَلَّغْتَنيها بِمَنِّكَ‏

خدايا اين روزهايى است كه برترى و شرافتش دادى بر ساير روزها و به لطف و

وَرَحْمَتِكَ، فَانْزِلْ عَلَيْنا مِنْ بَرَكاتِكَ، وَاوْسِعْ عَلَيْنا فيها مِنْ نَعْمآئِكَ،

رحمتت مرا بدانها رساندى پس بركات خودت را بر ما فرو بار و از نعمتهاى خود در اين روزها بر ما وسعت ده‏

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَهْدِيَنا فيها

خدايا من از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و نيز خواهم كه ما را دراين روزها به‏

لِسَبيلِ الْهُدى‏، وَالْعَفافِ وَالْغِنى‏، وَالْعَمَلِ فيها بِما تُحِبُّ وَتَرْضى‏، اللَّهُمَ‏

راه هدايت و پاكدامنى و بى‏نيازى راهنمايى فرمايى و موفقمان دارى به انجام آنچه دوست دارى و موجب خشنودى تواست خدايا

انّى‏ اسْئَلُكَ يا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوى‏، وَيا سامِعَ كُلِّ نَجْوى‏، وَيا شاهِدَ كُلِ‏

از تو خواهم اى جايگاه هر شكايت و اى شنواى هر سخن سِرّى و راز و اى حاضر در هر

مَلَأٍ، وَيا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَكْشِفَ‏

جمع و اى داناى هر نهان كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و بگشايى‏

عَنَّا فيهَا الْبَلاءَ، وَ تَسْتَجيبَ لَنا فيهَا الدُّعآءَ، وَ تُقَوِّيَنا فيها وَ تُعينَنا،

در اين روزها از ما بلا و گرفتارى را و مستجاب گردانى در آنها دعاى ما را و نيرو دهى به ما در اين روزها و كمكمان دهى‏

وَتُوَفِّقَنا فيها لِما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضى‏، وَعَلى‏ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنا مِنْ‏

و موفقمان دارى پروردگارا بدانچه دوست دارى و خشنود گردى و بر آنچه واجب كرده‏اى بر ما از اطاعت خودت‏

طاعَتِكَ، وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَاهْلِ وِلايَتِكَ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ يا ارْحَمَ‏

و اطاعت پيامبرت و اهل ولايتت خدايا از تو خواهم اى مهربانترين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 839

الرَّاحِمينَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَهَبَ لَنا فيهَا الرِّضا،

مهربانان كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و در اين ايام خشنودى خويش را به من ببخش‏

انَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، وَلا تَحْرِمْنا خَيْرَ ما تُنْزِلُ فيها مِنَ السَّمآءِ، وَطَهِّرْنا

كه براستى تو شنواى دعايى و محروم مكن ما را از خيرى كه در اين روزها از آسمان فرو بارى و پاكمان كن‏

مِنَ الذُّنُوبِ يا عَلّامَ الْغُيُوبِ، وَاوْجِبْ لَنا فيها دارَ الْخُلُودِ، اللَّهُمَّ صَلِ‏

از گناهان اى داناى بر ناديدنيها و واجب گردان در اين ايّام براى ما خانه جاويدان را خدايا درود فرست‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَتْرُكْ لَنا فيها ذَنْباً الَّا غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً الَّا

بر محمّد و آل محمّد و هيچ گناهى براى ما باقى مگذار جز آن‏كه بيامرزى و نه اندوهى جز

فَرَّجْتَهُ، وَلا دَيْناً الَّا قَضَيْتَهُ، وَلا غائِباً الَّا ادَّيْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ‏

آن‏كه بگشايى و نه بِدهى جز آن‏كه بپردازى و نه غايبى جز آن‏كه به ما برسانى و نه حاجتى از حاجات‏

الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ الَّا سَهَّلْتَها وَيَسَّرْتَها، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ يا

دنيا و آخرت جز آن‏كه آسان و هموارش گردانى كه براستى تو بر هر چيز توانايى خدايا اى‏

عالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يا راحِمَ الْعَبَراتِ، يا مُجيبَ الدَّعَواتِ، يا رَبَّ الْأَرَضينَ‏

داناى اسرار پنهان اى رحم كننده بر اشك ديدگان اى اجابت كننده دعاها اى پروردگار زمينها

وَالسَّمواتِ، يا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْواتُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و آسمانها اى كه صداها (ى بيشمار) بر او اشتباه نشود درود فرست بر محمّد و آل‏

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنا فيها مِنْ عُتَقآئِكَ وَطُلَقآئِكَ مِنَ‏النَّارِ، وَالْفائِزينَ بِجَنَّتِكَ،

محمّد و قرار ده ما را در اين روزها ازآزادشدگان و رهايى يافتگان از آتش و نائل شوندگان به بهشتت‏

وَالنَّاجينَ بِرَحْمَتِكَ، ياارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَصَلَّى‏اللَّهُ عَلى‏ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ

و نجات يافتگان بوسيله رحمتت اى مهربانترين مهربانان و درود خدا بر آقاى ما محمّد و

وَآلِهِ اجْمَعينَ، وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ تَسْليماً.[[1159]](#footnote-1159)

آلش همگى و سلام بر همه آنان باد.

\*\*\*

4- آن پنج دعايى را بخواند كه به فرموده امام باقر عليه السلام خداوند آن را بوسيله جبرئيل براى حضرت عيسى عليه السلام هديه فرستاد، تا در ايّام اين دهه، آنها را بخواند. آن پنج دعا چنين است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 840

(1) اشْهَدُ انْ لاالهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ‏

(1) گواهى دهم كه‏معبودى جز خداى يگانه نيست كه شريك ندارد از آن اوست فرمانروايى و خاص اوست ستايش هر چه خير است‏

الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ. (2) اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا

بدست اوست و او بر هر چيز تواناست (2) گواهى دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه‏

شَريكَ لَهُ، احَداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً. (3) اشْهَدُ انْ لا الهَ‏

شريك ندارد يگانه بى‏نيازى كه همسر و فرزندى براى خود نگيرد (3) گواهى دهم كه معبودى‏

الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، احَداً صَمَداً، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ‏

جز خداى يگانه نيست كه شريك ندارد يگانه بى‏نيازى كه نزايد و نه زاييده شده و نيست برايش‏

كُفُواً احَدٌ. (4) اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ‏

همتايى هيچ‏كس (4) گواهى دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه شريكى ندارد از آن اوست فرمانروايى و خاص اوست‏

الْحَمْدُ، يُحْيى‏ وَيُميتُ، وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى‏ كُلِ‏

ستايش زنده كند و بميراند و اوست زنده‏اى كه نميرد خير بدست اوست و او بر هر

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ. (5) حَسْبِىَ‏اللَّهُ وَكَفى‏، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعا، لَيْسَ وَرآءَ اللَّهِ‏

چيز تواناست (5) بس است مرا خدا و كافى است بشنود خدا صداى هر كس كه دعا كند وراى خدا

مُنْتَهى‏، اشْهَدُللَّهِ بِما دَعا، وَانَّهُ بَرى‏ءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ، وَانَّ لِلَّهِ الْأخِرَةَ وَالْأُولى‏.[[1160]](#footnote-1160)

انتهايى نيست گواهى دهم براى خدا بدانچه خوانده است و اين‏كه بيزار است از هر كه از او بيزارى جسته و براى خداست آخرت و دنيا.

سپس حضرت عيسى عليه السلام پاداش فراوانى را براى صد مرتبه خواندنِ اين پنج دعا ذكر فرمود.[[1161]](#footnote-1161) مرحوم «علّامه مجلسى» گفته است: اگر كسى هر روز هر يك از اين پنج دعا را ده مرتبه بخواند (كه در مدّت ده روز هر كدام را صد مرتبه خوانده است) به روايت عمل كرده است. البتّه اگر هر روز هر دعايى را صد مرتبه بخواند بهتر است.[[1162]](#footnote-1162)

\*\*\*

5- در هر روز از اين دهه، اين تهليلات [

لا اله إلّااللَّه‏

ها] را كه از امير مؤمنان عليه السلام نقل شده است بخواند و اگر روزى ده مرتبه بخواند بهتر است:

كليات مفاتيح نوين، ص: 841

لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الّلَيالى‏ وَالدُّهُورِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ امْواجِ الْبُحُورِ، لا

معبودى جز خدا نيست به شماره شبها و روزگاران معبودى جز خدا نيست به شماره موجهاى درياها

الهَ الَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّوْكِ‏

معبودى جز خدا نيست و رحمت او بهتر است از آنچه مردم جمع كنند معبودى جز خدا نيست به شماره هر خار و

وَالشَّجَرِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ

هر درخت معبودى جز خدا نيست به شماره هر مُو و كُرك معبودى جز خدا نيست به شماره هر سنگ‏

وَالْمَدَرِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ فِى اللَّيْلِ اذا

و كلوخ معبودى جز خدا نيست به شماره بهم خوردن چشمها معبودى جز خدا نيست در شب چون‏

عَسْعَسَ، وَالصُّبْحِ اذا تَنَفَّسَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّياحِ فِى الْبَرارى‏

تاريك شود و در صبح چون بدمد معبودى نيست جز خدا به شماره بادها در صحراها

وَالصُّخُورِ، لا الهَ الَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ الى‏ يَوْمِ يُنْفَخُ فِى الصُّورِ.[[1163]](#footnote-1163)

و كوهها معبودى جز خدا نيست از امروز تا روز نفخ صور.

اعمال مختصّ روزها و شب‏هاى اين ماه:

روز اوّل ماه: روز اوّل ماه ذى‏الحجّه روز مباركى است و براى آن اعمالى چند نقل شده است:

1- روزه گرفتن. در روايتى از امام موسى بن جعفر عليهما السلام نقل شده است كه هر كس روز اوّل ماه ذى‏الحجّه را روزه بگيرد، خداوند براى وى پاداش عظيمى را مى‏نويسد.[[1164]](#footnote-1164) 2- خواندن نماز حضرت فاطمه عليها السلام. مرحوم «شيخ طوسى» فرموده است: مستحب است در اين روز، نماز حضرت فاطمه عليها السلام را بخواند و اين نماز چهار ركعت است (هر دو ركعت به يك سلام) و همانند نماز حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام است؛ در هر ركعت، يك مرتبه سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو اللَّه را بخواند و بعد از سلام تسبيح حضرت فاطمه عليها السلام را بگويد، آنگاه بخواند:

سُبْحانَ ذِى الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنيفِ، سُبْحانَ ذِى الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ،

منزّه است خداى صاحب عزت بلند و والا منزّه است صاحب شوكت مرتفع و بزرگ‏

سُبْحانَ ذِى الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ، سُبْحانَ مَنْ يَرى‏ ا ثَرَ النَّمْلَةِ فِى‏

منزّه است صاحب فرمانروايى گرانمايه و ديرينه منزّه است آن‏كس كه بيند جاى پاى مور را بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 842

الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرى‏ وَقْعَ الطَّيْرِ فِى الْهَوآءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هكَذا وَلا

روى سنگ خارا منزّه است آن‏كس كه بيند ردّ عبور پرنده را در هوا منزّه است آن‏كس كه فقط او چنين است‏

هَكَذا غَيْرُهُ.[[1165]](#footnote-1165)

و جز او چنين نيست.

3- نيم ساعت قبل از ظهر، دو ركعت نماز بگزارد و در هر ركعت، يك مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو اللَّه و ده مرتبه آيةالكرسى و ده مرتبه سوره إنّا أنزلناه را بخواند.[[1166]](#footnote-1166) 4- هر كس از ظالمى خوف داشته باشد در اين روز بگويد:

«حَسْبى‏ حَسْبى‏ حَسْبى‏ مِنْ سُؤالى‏، عِلْمُكَ بِحالى‏

»، تا خداوند او را از شرّ آن ظالم حفظ كند.[[1167]](#footnote-1167) روز هشتم ماه: روز هشتم ذى‏الحجّه را روز «ترويه» مى‏نامند و به روايت امام صادق عليه السلام روزه در آن، كفّاره گناهان زيادى است.[[1168]](#footnote-1168) شب نهم (شب عرفه): شب عرفه از شب‏هاى مبارك و بافضيلت است كه عبادت و توبه و راز و نياز با حضرت حقّ در آن بسيار پرارزش است.

در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود: شب عرفه شبى است كه دعاها در آن مستجاب است، و كسى كه آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش سالها عبادت را دارد و اين شب، شبِ مناجات و توبه است.[[1169]](#footnote-1169) براى اين شب، اعمالى نقل شده است:

1- اين دعا را كه از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است بخواند، و در پاداش آن فرموده هر كس آن را در شب عرفه يا شب‏هاى جمعه بخواند، خداوند او را بيامرزد:

اللَّهُمَّ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوى‏، وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوى‏، وَعالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ،

خدايا اى آگاه هر رازو مرجع هر شكايت و داناى هر پنهان‏

وَمُنْتَهى‏ كُلِّ حاجَةٍ، يا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبادِ، يا كَريمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ‏

و منتهاى هر حاجت اى آغازنده نعمت‏ها بر بندگان اى بزرگوار گذشت اى نيكو

التَّجاوُزِ، يا جَوادُ، يا مَنْ لا يُوارى‏ مِنْهُ لَيْلٌ داجٍ، وَلا بَحْرٌ عَجَّاجٌ، وَلا

درگذر اى بخشنده اى كه نه شب تار چيزى را از تو پنهان كند و نه درياى مواج و نه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 843

سَمآءٌ ذاتُ ابْراجٍ، وَلا ظُلَمٌ ذاتُ ارْتِياجٍ، يا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيآءٌ،

آسمان برج‏دار و نه تاريكيهاى پيچيده درهم اى كسى كه تاريكى در پيش او روشن است‏

اسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، الَّذى‏ تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً، وَخَرَّ

از تو خواهم به حق نور ذات بزرگوارت همان كه بدان وسيله بر كوه تجلى فرمودى و آن را متلاشى كردى‏

مُوسى‏ صَعِقاً، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ رَفَعْتَ بِهِ السَّمواتِ بِلا عَمَدٍ، وَسَطَحْتَ بِهِ‏

و موسى مدهوش بر زمين افتاد و به همان نامت‏كه آسمانها را بدون ستون برافراشتى و

الْأَرْضَ عَلى‏ وَجْهِ ماءٍ جَمَدٍ، وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْمَكْتُوبِ‏

زمين را بر روى آبى منجمد شده پهن كردى و بدان نامت كه پيش تو در گنجينه و در پرده و نوشته‏

الطَّاهِرِ، الَّذى‏ اذا دُعيتَ بِهِ اجَبْتَ، وَاذا سُئِلْتَ بِهِ اعْطَيْتَ، وَبِاسْمِكَ‏

و پاكيزه است همانكه هرگاه بدان نام بخوانندت اجابت كنى و هرگاه بدان از تو خواهند عطافرمايى‏

السُّبُوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهانِ، الَّذى‏ هُوَ نُورٌ عَلى‏ كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ،

و به حق نام منزّه و مقدس و برهان تو كه آن نور است بر هر نورى و نور است از نورى‏

يُضيىُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، اذا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ، وَاذا بَلَغَ السَّمواتِ فُتِحَتْ،

كه روشنى گيرد از آن هر نور چون به زمين رسد شكافته شود و چون به آسمانها رسد گشوده شوند

وَاذا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرآئِصُ مَلائِكَتِكَ،

و چون به عرش رسد بلرزد و به حق آن نامت كه بلرزد از آن اندام فرشتگانت‏

وَاسْئَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَاسْرافيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى‏

و از تو خواهم به حق جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و به حق محمّد مصطفى‏

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَعَلى‏ جَميعِ الْأَنْبِيآءِ وَجَميعِ الْمَلائِكَةِ، وَبِالْاسْمِ‏

كه درود خدا بر او و آلش و بر جميع پيمبران و همه فرشتگان و به حق آن نامى‏

الَّذى‏ مَشى‏ بِهِ الْخِضْرُ عَلى‏ قُلَلِ الْمآءِ، كَما مَشى‏ بِهِ عَلى‏ جَدَدِ الْأَرْضِ،

كه حضرت خضر بوسيله آن بر روى امواج آب دريا راه مى‏رفت چنانچه بر روى زمين هموار راه مى‏رفت‏

وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسى‏، وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ،

و به حق آن نامت كه شكافتى بدان دريا را براى موسى و غرق كردى فرعون و قوم او را

وَانْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ وَمَنْ مَعَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ مُوسَى‏

و نجات دادى بدان موسى بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت كه موسى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 844

بْنُ عِمْرانَ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً

بن عمران بوسيله آن تو را خواند از جانب راست كوه طور و اجابتش كردى و محبّت خود را بر دلش انداختى‏

مِنْكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ بِهِ احْيى‏ عيسَى بْنُ مَرْيَمَ الْمَوْتى‏، وَتَكَلَّمَ فِى الْمَهْدِ

و به حق آن نامت كه عيسى بن مريم بوسيله‏اش مردگان را زنده كرد و در گهواره در زمان كودكى سخن گفت‏

صَبِيّاً، وَابْرَءَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِاذْنِكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ حَمَلَةُ

و كور مادرزاد و مبتلاى به مرض برص را به اذن تو شفا دادو بدان نامت كه خواند بوسيله آن تو را حاملين‏

عَرْشِكَ، وَجَبْرَئيلُ وَميكآئيلُ وَاسْرافيلُ، وَحَبيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ‏

عرشت و جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و حبيبت محمّد صلى اللَّه‏

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَمَلآئِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ، وَانْبِيآؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبادُكَ‏

عليه و آله و فرشتگان مقرّب و پيمبران مرسلت و بندگان‏

الصَّالِحُونَ مِنْ اهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ‏

شايسته‏ات از اهل آسمانها و زمينها و بدان نامت كه يونس تو را بدان نام خواند

ذُوالنُّونِ، اذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ انْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنادى‏ فِى‏الظُّلُماتِ، انْ‏

در آن هنگام كه خشمناك برفت و گمان داشت كه بر او سخت نگيرى پس ندا كرد در ميان تاريكيها كه‏

لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَك انّى‏ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ‏

معبودى جز تو نيست منزهى تو و براستى من از ستمكاران هستم پس تو اجابتش كردى و از اندوه نجاتش دادى‏

مِنَ الْغَمِّ، وَكَذلِكَ تُنْجِى الْمُؤْمِنينَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظيمِ الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ داوُدُ،

و اين چنين نجات دهى مؤمنان را و بدان نام عظيمت كه داود

وَخَرَّ لَكَ ساجِداً، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ دَعَتْكَ بِهِ اسِيَةُ امْرَأَةُ

بدان نام تو را خواند و برايت به سجده افتاد پس گناهش آمرزيدى و بدان نامت كه آسيه همسر

فِرْعَوْنَ، اذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لى‏ عِنْدَكَ بَيْتاً فِى الْجَنَّةِ، وَ نَجِّنى‏ مِنْ فِرعَوْنَ‏

فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا براى من نزد خود در بهشت خانه‏اى بنا كن و نجاتم ده از فرعون و

وَعَمَلِهِ، وَ نَجِّنى‏ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَها دُعائَها، وَ بِاسْمِكَ‏

كردارش و نجاتم ده از دست مردم ستمكار پس دعايش را اجابت كردى و بدان نامت‏

الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ ايُّوبُ، اذْ حَلَّ بِهِ الْبَلآءُ، فَعافَيْتَهُ وَ اتَيْتَهُ اهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ‏

كه ايوب تو را بدان خواند در آن هنگام كه بلا بر او نازل شد پس او را تندرست كرده و كسانش را به او دادى و نظايرشان را

كليات مفاتيح نوين، ص: 845

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرى‏ لِلْعابِدينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ‏

نيز از رحمت خويش و پندى براى پرستش‏كنندگان و بدان نامت كه‏

يَعْقُوبُ، فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ، وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ،

يعقوب تو را بدان نام خواند پس بيناييش را و نور ديده‏اش يوسف را به او بازگرداندى‏و پريشانيش را برطرف كردى‏

وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ سُلَيْمانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكاً لا يَنْبَغى‏ لِاحَدٍ مِنْ‏

و بدان نامت كه سليمان بدان تو را خواند پس بدو سلطنتى دادى كه شايسته نبود براى هيچ كس‏

بَعْدِهِ، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ سَخَّرْتَ بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى‏

پس از او و براستى تو پربخششى و بدان نامت كه براق را براى محمّد صلى‏

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، اذْ قالَ تَعالى‏: سُبْحانَ الَّذى‏ اسْرى‏ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ‏

اللَّه عليه و آله مسخر كردى آن‏جا كه فرمودى: «منزّه است خدايى كه راه برد بنده‏اش را شبانه از

الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصى‏. وَقَوْلُهُ: سُبْحانَ الَّذى‏ سَخَّرَ لَنا

مسجدالحرام تا مسجد اقصى» و گفتار ديگرت: «منزّه است خدايى كه مسخر كرد براى ما

هذا وَما كُنَّا لَهُ مُقْرِنينَ، وَانَّا الى‏ رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ. وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ تَنَزَّلَ بِهِ‏

اين را وگرنه ما نيروى تسخيرش را نداشتيم و ما بسوى پروردگارمان باز مى‏گرديم» و بدان نامت كه نازل مى‏شد بوسيله آن‏

جَبْرَئيلُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذى‏ دَعاكَ بِهِ آدَمُ،

جبرئيل بر محمّد صلى اللَّه عليه و آله و بدان نامت كه خواند بدان نام تو را آدم‏

فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَاسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ، وَاسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ، وَبِحَقِ‏

پس گناهش آمرزيدى و در بهشتت جايش دادى و از تو خواهم به حق قرآن عظيم و به حق‏

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَبِحَقِّ ابْراهيمَ، وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضآءِ، وَبِحَقِ‏

محمّد خاتم پيمبران‏و به حق ابراهيم و به حق جدا كردنت حق و باطل را در روز داورى و به حق‏

الْمَوازينِ اذا نُصِبَتْ، وَالصُّحُفِ اذا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَما جَرى‏،

ميزانها هنگامى‏كه نصب گردد و نامه‏ها آنگاه كه گشوده شود و به حق قلم و آنچه بنويسد

وَاللَّوْحِ وَما احْصى‏، وَبِحَقِّ الْاسْمِ الَّذى‏ كَتَبْتَهُ عَلى‏ سُرادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ‏

و لوح و آنچه بشمارد و به حق آن نامت كه نوشتى آن را بر سراپرده‏هاى عرش پيش از آن‏كه‏

خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَالدُّنْيا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِالْفَىْ عامٍ، وَاشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا

خلق را بيافرينى و دنيا و خورشيد و ماه را خلق فرمايى و گواهى دهم كه معبودى جز

كليات مفاتيح نوين، ص: 846

اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ‏

خداى يگانه نيست كه شريكى ندارد و اين‏كه محمّد بنده و رسول او است و از تو خواهم بدان نام‏

الْمَخْزُونِ فى‏ خَزآئِنِكَ، الَّذِى اسْتَاْثَرْتَ بِهِ فى‏ عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ‏

محفوظ در خزينه‏هايت كه مخصوص خود ساختى آن را در علم غيب در نزد خويشتن و

يَظْهَرْ عَلَيْهِ احَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِىٌّ مُرْسَلٌ، وَلا عَبْدٌ

آگاه نشد بر آن هيچ‏كس از خلق تو نه فرشته مقربى و نه پيامبر مرسلى و نه بنده‏

مُصْطَفىً، وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ شَقَقْتَ بِهِ الْبِحارَ، وَقامَتْ بِهِ الْجِبالُ،

برگزيده‏اى و از تو خواهم بدان نامت كه شكافتى بدان درياها را و برپا شد بدان كوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثانى‏، وَ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ،

و در رفت و آمد شد بدان شب و روز و به حق سوره مباركه حمد و قرآن عظيم و

وَبِحَقِّ الْكِرامِ الْكاتِبينَ، وَبِحَقِّ طه‏ وَ يس، وَكهيعص، وَحمعسق، وَبِحَقِ‏

به حق نويسندگان ارجمندت و به حق طه و يس و كهيعص و حمعسق و به حق‏

تَوْراةِ مُوسى‏، وَانْجيلِ عيسى‏، وَزَبُورِ داوُدَ، وَفُرْقانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ‏

تورات موسى و انجيل عيسى و زبور داود و قرآن محمّد كه درود تو

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَعَلى‏ جَميعِ الرُّسُلِ، وَباهِيّاً شَراهِيّاً، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِحَقِ‏

بر او و آلش و بر جميع رسولان باد و به حق آهى و شراهى (كه دو نام اعظم يا نام دو تن از بزرگان دين است) خدايا از تو خواهم به حق‏

تِلْكَ الْمُناجاتِ، الَّتى‏ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ

آن مناجاتى كه ميان تو و موسى بن‏عمران در بالاى كوه طور

سَيْنآءَ، وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْواحِ،

سينا گذشت و از تو خواهم به آن نامت كه آن را براى گرفتن جانها به ملك الموت ياد دادى‏

وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ كُتِبَ عَلى‏ وَرَقِ الزَّيْتُونِ، فَخَضَعَتِ النّيرانُ لِتِلْكَ‏

و از تو خواهم بدان نامت كه نوشته شد به برگ زيتون و آتشها در مقابل آن نام فروتن گشت‏

الْوَرَقَةِ، فَقُلْتَ: يا نارُ كُونى‏ بَرْداً وَسَلاماً. وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ كَتَبْتَهُ‏

و فرمودى «اى آتش سرد و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت كه نوشتى آن را بر

عَلى‏ سُرادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرامَةِ، يا مَنْ لا يُحْفيهِ سآئِلٌ، وَلا يَنْقُصُهُ نآئِلٌ،

سراپرده‏هاى مجد و كرامت‏اى كه درمانده‏اش نكند سائلى و نكاهدش دادن جايزه‏اى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 847

يا مَنْ بِهِ يُسْتَغاثُ وَالَيْهِ يُلْجَأُ، اسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى‏

اى كه به او استغاثه شود و به او پناه برند از تو خواهم به حق آنچه موجب عزت عرشت گشته‏

الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ، وَجَدِّكَ الْأَعْلى‏، وَكَلِماتِكَ‏

و به آخرين حد نهايى رحمت از كتاب تو و به اسم اعظمت و مقام والاترت و كلمات‏

التَّآمَّاتِ الْعُلى‏، اللهُمَّ رَبَّ الرِّياحِ وَما ذَرَتْ، وَالسَّمآءِ وَما اظَلَّتْ،

كامله و والايت خدايااى پروردگار بادها و آنچه پراكنده كنند و پروردگار آسمان و آنچه را سايه كنند

وَالْأَرْضِ وَما اقَلَّتْ، وَالشَّياطينِ وَما اضَلَّتْ، وَالْبِحارِ وَما جَرَتْ،

و پروردگار زمين و آنچه برخود دارد و پروردگار شياطين و آنچه را گمراه كنند و درياها و آنچه را همراه برند

وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلآئِكَةِ الْمُقَرَّبينَ،

و به حق هر حقى كه بر توست و به حق فرشتگان مقربت‏

وَالرَّوْحانِيّينَ وَالْكَرُوبِيّينَ، وَالْمُسَبِّحينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ لا يَفْتُرُونَ،

و روحانيان و كروبيان و آنان‏كه تسبيحت كنند به شب و روز بى آن‏كه سستى كنند

وَبِحَقِّ ابْراهيمَ خَليلِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِىٍّ يُناديكَ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ،

و به حق ابراهيم خليل توو به حق هر ولى و دوستى كه تو را در ميان صفا و مروه صدا زند

وَتَسْتَجيبُ لَهُ دُعآئَهُ، يا مُجيبُ اسْئَلُكَ بِحَقِّ هذِهِ الْأَسْماءِ، وَبِهذِهِ‏

و دعايش را به اجابت رسانى اى اجابت كننده از تو خواهم به حق اين نامها و به اين‏

الدَّعَواتِ، انْ تَغْفِرَ لَنا ما قَدَّمْنا وَما اخَّرْنا، وَما اسْرَرْنا وَما اعْلَنَّا، وَما

دعاها كه بيامرزى آنچه ازگناهان كه از پيش داشته و از اين پس داريم و آنچه پنهان كرده و آنچه را آشكار كرديم و آنچه را

ابْدَيْنا وَما اخْفَيْنا، وَما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنَّا، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ،

ظاهر كرده و آنچه را مخفى كرديم و آنچه را تو بدان آگاهترى از ما كه براستى تو بر هر چيز توانايى‏

بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا حافِظَ كُلِّ غَريبٍ، يا مُونِسَ كُلِّ وَحيدٍ،

به رحمتت اى مهربانترين مهربانان اى نگهدار هر غريب اى همدم هر تنها

يا قُوَّةَ كُلِّ ضَعيفٍ، يا ناصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يا رازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ، يا مُونِسَ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص847**

اى نيروى هر ناتوان اى ياور هر ستمديده اى روزى ده هر محروم اى مونس‏

كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يا صاحِبَ كُلِّ مُسافِرٍ، يا عِمادَ كُلِّ حاضِرٍ، يا غافِرَ كُلِ‏

هر وحشت زده اى همراه هر مسافر اى تكيه‏گاه هر حاضر در وطن اى آمرزنده هر

كليات مفاتيح نوين، ص: 848

ذَنْبٍ وَخَطيئَةٍ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، يا

گناه و خطا اى فريادرس فريادخواهان اى دادرس دادخواهان اى‏

كاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبينَ، يا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومينَ، يا بَديعَ‏

برطرف كننده محنت محنت‏زدگان اى غمزداى غمزدگان اى پديد آرنده‏

السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ، يا مُنْتَهى‏ غايَةِ الطَّالِبينَ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ

آسمانها و زمينها اى منتهاى مقصود جويندگان اى اجابت كننده دعاى‏

الْمُضْطَرّينَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ، يا دَيَّانَ يَوْمِ الدّينِ، يا

درماندگان اى مهربانترين مهربانان اى پروردگار جهانيان اى جزا دهنده روز جزا اى‏

اجْوَدَ الْأَجْوَدينَ، يا اكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، يا اسْمَعَ السَّامِعينَ، يا ابْصَرَ

بخشنده‏ترين بخشندگان اى با كرمترين كريمان اى شنواترين شنوايان اى بيناترين‏

النَّاظِرينَ، يا اقْدَرَ الْقادِرينَ، اغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ‏

بينايان اى قادرترين قدرتمندان بيامرز از من آن گناهانى را كه نعمتها را تغيير دهد و بيامرز از من‏

الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُورِثُ النَّدَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُورِثُ السَّقَمَ، وَاغْفِرْ

گناهانى را كه پشيمانى به بار آورد و بيامرز از من گناهانى را كه موجب بيماريها گردد و بيامرز

لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَرُدُّ الدُّعآءَ،

از من گناهانى را كه پرده‏ها بدرد و بيامرز از من‏گناهانى را كه دعا را باز گرداند

وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمآءِ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏

و بيامرز از من گناهانى را كه باران را از آسمان جلوگيرى كند و بيامرز از من گناهانى را كه‏

تُعَجِّلُ الْفَنآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَجْلِبُ الشَّقآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ‏

شتاب در نابودى كند و بيامرز از من گناهانى راكه بدبختى آرد و بيامرز از من گناهانى‏

الَّتى‏ تُظْلِمُ الْهَوآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَكْشِفُ الْغِطآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ‏

كه هوا را تاريك كند و بيامرز از من گناهانى را كه پرده را بالا زند و بيامرز از من‏

الذُّنُوبَ الَّتى‏ لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا اللَّهُ، وَاحْمِلْ عَنّى‏ كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ‏

گناهانى را كه جز تو كسى آنها را نيامرزد اى خدا و بردار از دوش من هر حقى كه از يكى از

خَلْقِكَ، وَاجْعَلْ لى‏ مِنْ امْرى‏ فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَيُسْراً، وَانْزِلْ يَقينَكَ فى‏

خلق تو بر گردن من است و قرار ده براى من در كارم گشايش و آسانى و وسيله بيرون آمدنى و فرود آر يقينت را در

كليات مفاتيح نوين، ص: 849

صَدْرى‏، وَرَجآءَكَ فى‏ قَلْبى‏، حَتّى‏ لا ارْجُوَ غَيْرَكَ، اللهُمَّ احْفَظْنى‏

سينه‏ام و اميدت رادر دلم تا اميدى به كسى جز تو نداشته باشم خدايا مرا حفظ كن‏

وَعافِنى‏ فى‏ مَقامى‏، وَاصْحَبْنى‏ فى‏ لَيْلى‏ وَنَهارى‏، وَمِنْ بَيْنِ يَدَىَ‏

و عافيتم ده در جايگاهم و همراه من باش در شب و روزم و از پيش رو

وَخَلْفى‏، وَعَنْ يَمينى‏ وَعَنْ شِمالى‏، وَمِنْ فَوْقى‏ وَمِنْ تَحْتى‏، وَيَسِّرْ لِىَ‏

و پشت سرم و از راست و چپم و از بالاى سر و زير پايم و راه را بر من هموار كن‏

السَّبيلَ، وَاحْسِنْ لِىَ التَّيْسيرَ، وَلا تَخْذُلْنى‏ فِى الْعَسيرِ، وَاهْدِنى‏ يا خَيْرَ

و آسانى خوشى برايم پيش‏آور و در دشواريها خوارم مكن و راهنماييم كن اى بهترين‏

دَليلٍ، وَلا تَكِلْنى‏ الى‏ نَفْسى‏ فِى الْامُورِ، وَلَقِّنى‏ كُلَّ سُرُورٍ، وَاقْلِبْنى‏ الى‏

راهنما و در كارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالى را به دلم انداز و بازگردان مرا بسوى‏

اهْلى‏ بِالْفَلاحِ وَالنَّجاحِ، مَحْبُوراً فِى الْعاجِلِ وَالْأجِلِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِ‏

خانواده‏ام به رستگارى و كاميابى و آراسته به شادكامى در دنيا و آخرت كه براستى توبر هر چيز

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَارْزُقْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ، وَاوْسِعْ عَلَىَّ مِنْ طَيِّباتِ رِزْقِكَ،

توانايى و از فضل خويش روزيم كن و فراخ گردان بر من از روزيهاى پاكيزه‏ات‏

وَاسْتَعْمِلْنى‏ فى‏ طاعَتِكَ، وَاجِرْنى‏ مِنْ عَذابِكَ وَنارِكَ، وَاقْلِبْنى‏ اذا

و وادارم كن به انجام طاعتت و پناهم ده از عذاب و آتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود هنگامى‏

تَوَفَّيْتَنى‏ الى‏ جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ، اللهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ،

كه مرا از اين جهان بيرون برى بسوى بهشتت خدايا به تو پناه برم از زوال نعمتت‏

وَمِنْ تَحْويلِ عافِيَتِكَ، وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذابِكَ، وَاعُوذُ

و از تغيير يافتن عافيتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت و به تو پناه برم‏

بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلاءِ، وَدَرَكِ الشَّقآءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضآءِ، وَشَماتَةِ الْأَعْدآءِ،

از سختى بلا و گرفتارى و رسيدن بدبختى و از تقدير بدو شماتت دشمنان‏

وَمِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ، وَمِنْ شَرِّ ما فِى الْكِتابِ الْمُنْزَلِ، اللهُمَّ لا

و از شرّ آنچه از آسمان فرود آيد و از شرّ آنچه دركتاب منزل خود (قرآن) بيان فرموده‏اى خدايا

تَجْعَلْنى‏ مِنَ الْأَشْرارِ، وَلا مِنْ اصْحابِ النَّارِ، وَلا تَحْرِمْنى‏ صُحْبَةَ

مرا از اشرار و از اهل دوزخ قرارم مده و از مصاحبت نيكان محرومم مفرما

كليات مفاتيح نوين، ص: 850

الْأَخْيارِ، وَاحْيِنى‏ حَياةً طَيِّبَةً، وَتَوَفَّنى‏ وَفاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنى‏ بِالْأَبْرارِ،

و به زندگى پاكيزه زنده‏ام بدار و به مرگ پاكيزه‏اى بميرانم كه به نيكان ملحقم دارى‏

وَارْزُقْنى‏ مُرافَقَةَ الْأَنْبِيآءِ فى‏ مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَليكٍ مُقْتَدِرٍ، اللهُمَّ لَكَ‏

و رفاقت پيمبران را روزيم گردانى در جايگاه پسنديده نزد پادشاهى نيرومند خدايا از آن‏

الْحَمْدُ عَلى‏ حُسْنِ بَلائِكَ وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْاسْلامِ، وَ [اتِّباعِ‏] توست ستايش بر خوش آزمايشى و خوش رفتاريت و تو راست ستايش بر نعمت دين اسلام و پيروى‏

السُّنَةِ، يا رَبِّ كَما هَدَيْتَهُمْ لِدينِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتابَكَ، فَاهْدِنا وَعَلِّمْنا،

طريقه (پيمبران) پروردگارا چنانچه‏آن پيمبران را به دين خود راهنمايى كردى و كتاب خود را به آنان ياد دادى ما را نيز هدايت كرده و يادمان ده‏

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ حُسْنِ بَلآئِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدى‏ خآصَّةً، كَما خَلَقْتَنى‏

و تو راست ستايش بر خصوص آزمايش و رفتار نيكت درباره شخص من كه مرا آفريدى‏

فَاحْسَنْتَ خَلْقى‏، وَعَلَّمْتَنى‏ فَاحْسَنْتَ تَعْليمى‏، وَهَدَيْتَنى‏ فَاحْسَنْتَ‏

و خلقتم را نيكو كردى و يادم دادى و نيكو ياد دادى و هدايتم كردى و نيكو

هِدايَتى‏، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ انْعامِكَ عَلَىَّ قَديماً وَحَديثاً، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يا

هدايت كردى پس تو راست ستايش بر نعمت بخشيت نسبت به من از زمان قديم و جديد پس چه بسيار محنتى كه اى‏

سَيِّدى‏ قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يا سَيِّدى‏ قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يا

آقاى من تو آن را گشودى و چه بسيار اندوهى كه اى‏

سَيِّدى‏ قَدْ كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ بَلاءٍ يا سَيِّدى‏ قَدْ صَرَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يا

آقاى من تو آن را زدودى و چه بسيار غم و غصه‏اى كه اى آقاى من تو آن را برطرف كردى و چه بسيار بلا و گرفتارى اى آقاى من كه تو آن را باز گرداندى و چه بسيار عيبى اى‏

سَيِّدى‏ قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى‏ كُلِّ حالٍ فى‏ كُلِّ مَثْوىً وَزَمانٍ،

آقاى من كه تو آن را پوشاندى پس تو راست ستايش بر هر حال و در هر جا و هر زمان‏

وَمُنْقَلَبٍ وَمُقامٍ، وَعَلى‏ هذِهِ الْحالِ وَكُلِّ حالٍ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِنْ افْضَلِ‏

و هر منزل و هر مقام و بر اين حال و هر حال خدايا قرار ده مرا از بهترين‏

عِبادِكَ نَصيباً فى‏ هذَا الْيَوْمِ‏ [فِى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ] مِنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ، اوْ ضُرٍّ

بندگانت در بهره‏مندى اين روز از هر خيرى كه قسمت كنى يا گرفتارى‏

تَكْشِفُهُ، اوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ، اوْ بَلآءٍ تَدْفَعُهُ، اوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ، اوْ رَحْمَةٍ

كه برطرف كنى يا بدى كه بازش گردانى يا بلايى كه دفعش كنى يا خيرى كه بفرستى يا رحمتى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 851

تَنْشُرُها، اوْ عافِيَةٍ تُلْبِسُها، فَانَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَبِيَدِكَ خَزآئِنُ‏

كه بگسترانى يا جامه تندرستى كه بپوشانى كه براستى تو بر هر چيز توانايى و خزينه‏هاى آسمانها

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، وَانْتَ الْواحِدُ الْكَريمُ الْمُعْطِى الَّذى‏ لا يُرَدُّ سآئِلُهُ،

و زمين بدست توست و تويى‏خداى يگانه بزرگوار عطابخشى كه خواهنده‏اش دست خالى بازنگردد

وَلا يُخَيَّبُ آمِلُهُ، وَلا يَنْقُصُ نآئِلُهُ، وَلا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، بَلْ يَزْدادُ كَثْرَةً

و آرزومندش نااميد نشود و عطاهايش نقصان نپذيرد و خزينه‏اش پايان ندارد بلكه همواره به زيادى‏

وَطيباً، وَعَطآءً وَجُوداً، وَارْزُقْنى‏ مِنْ خَزآئِنِكَ الَّتى‏ لا تَفْنى‏، وَمِنْ‏

و پاكيزگى و عطا و جودش بيفزايد و روزيم كن از خزينه‏هايت كه فنا نپذيرد و از رحمت‏

رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ، انَّ عَطآئَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً، وَانْتَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ

وسيعت كه براستى عطاى تو از كسى منع نشده و تو بر هر چيز

قَديرٌ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1170]](#footnote-1170)

توانايى به رحمتت اى مهربانترين مهربانان.

\*\*\*

2- مستحب‏است‏اين تسبيحات رابخواند كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هركس درشب عرفه‏اين‏تسبيحات ده‏گانه را هزار مرتبه بخواند، هر حاجتى از خداوند بخواهد، جز خواسته‏اى كه گناه باشد، برآورده مى‏شود:

سُبْحانَ مَنْ فِى السَّماءِ عَرْشُهُ، سُبْحانَ الَّذِي فِى الْأَرْضِ سَطْوَتُهُ،

منزّه است خدايى كه در آسمان است عرش او منزّه است خدايى كه در زمين است فرمان و حكمش‏

سُبْحانَ الَّذِي فِى الْبَحْرِ سَبيلُهُ، سُبْحانَ الَّذِي فِى النَّارِ سُلْطانُهُ، سُبْحانَ‏

منزّه است خدايى كه در دريا راه دارد منزّه است‏

الَّذِي فِى الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، سُبْحانَ الَّذِي فِى الْقُبُورِ قَضاؤُهُ، سُبْحانَ الَّذِي‏

خدايى كه در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزّه است خدايى كه در بهشت رحمت اوست منزّه است خدايى كه در گورها قضا و فرمانش جارى است منزّه است خدايى كه‏

فِى الْهَواءِ امْرُهُ، سُبْحانَ الَّذِي رَفَعَ السَّماءَ، سُبْحانَ الَّذِي وَضَعَ الْأَرْضَ،

در هوا امر اوست منزّه است خدايى كه آسمان را بالا برد منزّه است خدايى كه زمين را گسترد

سُبْحانَ مَنْ لا مَنْجا مِنْهُ إلّا إِلَيْهِ.[[1171]](#footnote-1171)

منزّه است خدايى كه ملجأ و پناهى از او نيست جز به سوى خودش.

كليات مفاتيح نوين، ص: 852

3- زيارت امام حسين عليه السلام. در روايتى امام باقر عليه السلام فرمود: هر كس در شب عرفه امام حسين عليه السلام را زيارت كند و تا روز عيد در آن‏جا بماند، خداوند او را از گرفتارى و مشكلات آن سال محفوظ بدارد.[[1172]](#footnote-1172) 4- دعايى را كه در اعمال شب جمعه و روز عرفه نيز وارد شده است بخواند كه در اعمال شب جمعه (صفحه 966) خواهد آمد و ابتداى آن چنين است:

أللَّهُمّ مَن تَعَبَّأَ وَ تَهَيَّأَ وَ أَعَدَّ.[[1173]](#footnote-1173)

\*\*\*

روز نهم (روز عرفه):

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد: روز عرفه از اعياد بزرگ اسلامى است و كسى كه بتواند اين روز را در «عرفات» باشد، توفيق بزرگى دارد. اين روز اعمال و دعاهاى فراوانى دارد و بهترين عمل در اين روز، دعا است.[[1174]](#footnote-1174) اين روز، براى تقويت معرفت الهى، و رابطه عميق‏تر با حضرت حق و شناخت صفات جمال و جلال پروردگار، بسيار مناسب و مغتنم است.

اين روز، بويژه براى كسانى كه در سرزمين پرخاطره و انسان‏ساز «عرفات» باشند و در مناسك حج شركت داشته باشند، سعادت مضاعف خواهد بود؛ آنان كه در لباس سفيد احرام، با قلبى مملوّ از عشق خداوند، دعاى عرفه امام حسين عليه السلام را در سرزمين عرفات زمزمه مى‏كنند، از اين زلال معرفت ناب، بيش از ديگران سيراب مى‏شوند.

امام باقر عليه السلام از امام زين‏العابدين عليه السلام روايت كرده است كه آن حضرت در روز عرفه جمعى را مشاهده كرد كه دست نياز به سوى مردم دراز كرده و كمك مى‏خواستند! حضرت فرمود: واى بر شما! آيا از غير خدا در اين روز حاجت مى‏طلبيد در حالى كه در اين روز اميد مى‏رود كه فضل خداوند حتّى شامل بچّه‏هايى شود كه در شكم مادرانند.[[1175]](#footnote-1175) در روز عرفه، مخصوصاً دعا براى مؤمنان و دوستان بسيار سفارش شده است. چه آنان كه زنده‏اند و چه كسانى كه از دنيا رفته‏اند.[[1176]](#footnote-1176) از ابراهيم بن هاشم كه از بزرگان شيعه است چنين نقل شده كه: «عبد اللَّه بن جندب» را در سرزمين عرفات ديدم كه در روز عرفه، غرق در دعا و راز و نياز بود. دست‏هاى خود را به سوى آسمان بلند كرده بود و اشك از چشمانش سرازير بود، و فراوان گريه مى‏كرد؛ در پايان نزد او رفتم و گفتم: وقوف و عبادت هيچ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 853

كس را مثل تو نديدم. گفت به خدا سوگند! فقط براى برادران مؤمن دعا كردم، زيرا از امام موسى كاظم عليه السلام شنيدم كه فرمود: هر كس براى برادران مؤمن خود دعا كند، از عرش ندا مى‏رسد كه صدهزار برابر آن براى خود تو خواهد بود، و من نخواستم از صد هزار برابر دعاى فرشتگان كه يقيناً مستجاب است، دست بردارم! و براى خودم دعا كنم كه نمى‏دانم مستجاب خواهد شد يا خير![[1177]](#footnote-1177)

\*\*\*

اعمال روز عرفه:

براى روز عرفه چند عمل وارد شده است:

1- روزه گرفتن؛ كه پاداش فراوانى دارد. ولى اگر روزه در آن روز سبب ضعف و ناتوانى جهت دعا و انجام اعمال و عبادات روز عرفه شود ترك آن بهتر است![[1178]](#footnote-1178) (البتّه روزه مربوط به كسانى است كه در وطن هستند يا قصد اقامت ده روز كرده‏اند).

2- غسل كردن قبل از غروب آفتاب.[[1179]](#footnote-1179) 3- زيارت امام حسين عليه السلام، كه زيارت آن حضرت در روز عرفه طبق روايتى از امام صادق عليه السلام پاداش حج و عمره بسيار، و جهاد فراوان دارد.[[1180]](#footnote-1180) در روايت ديگرى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه خداوند در روز عرفه، توجّه خاصّى به زائران قبر امام حسين عليه السلام دارد، حاجاتشان را برآورده مى‏سازد و گناهانشان را مى‏آمرزد.[[1181]](#footnote-1181) در حديث ديگرى از سه امام بزرگوار، حضرت امام صادق و امام كاظم و امام رضا عليهم السلام آمده است كه هر كس روز عرفه به زيارت امام حسين عليه السلام برود، خداوند او را با ايمان محكم همراه با اطمينان باز مى‏گرداند.[[1182]](#footnote-1182) به هر حال، همان‏گونه كه «سيّد بن طاووس»، در «اقبال» فرموده است: احاديث در فضيلت زيارت امام حسين عليه السلام در روز عرفه، متواتر است.[[1183]](#footnote-1183) به همين دليل سيل مشتاقان در اين روز به سوى مرقد آن حضرت سرازير مى‏شود.

زيارت مخصوص امام حسين عليه السلام در روز عرفه، در بخش زيارات (صفحه 423) ذكر شد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 854

4- پس از نماز عصر، و قبل از آن‏كه دعاهاى روز عرفه را بخواند، دو ركعت نماز در زير آسمان، بجا آورد و به گناهان و خطاهاى خود اعتراف كند، كه امام صادق عليه السلام فرمود: هر كس چنين كند، پاداش كسانى كه در سرزمين عرفاتند، را خواهد داشت و گناهانش آمرزيده گردد.[[1184]](#footnote-1184) مرحوم «شيخ كفعمى» كيفيّت نماز را اين‏گونه آورده است: پس از آن‏كه نماز ظهر و عصر را با ركوع و سجود نيكو، بجا آوردى، دو ركعت نماز بخوان؛ در ركعت اوّل بعد از سوره حمد، سوره توحيد (قل هو اللَّه احد) و در ركعت دوم، پس از سوره حمد، سوره قُل يا ايُّهَا الْكافِرُون را بخوان. بعد از آن نيز چهار ركعت نماز بگزار (هر دو ركعت به يك سلام). و در هر ركعت بعد از سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحيد را بخوان (كه نماز اميرالمؤمنين نيز به همين صورت است) آنگاه اين تسبيحات را كه از رسول‏خدا نقل شده است و «سيّدبن‏طاووس» آن را در «اقبال» آورده، بخوان:

سُبْحانَ مَنْ فِى السَّماءِ عَرْشُهُ ...

(اين تسبيحات را در اعمال شب عرفه ذكر كرديم).

آنگاه صد مرتبه بگو: سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* منزّه است خدا و حمد از آن خداست و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگ‏تر از توصيف است.

و صد مرتبه سوره قُل هُوَ اللَّهُ أحَد را بخوان.

صد مرتبه آيةالكرسى.

صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد.

ده مرتبه‏ لاالهَ‏الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى‏

\*\*\*\*\*\* معبودى جز خدا نيست يگانه‏اى كه شريك ندارد پادشاهى خاصّ اوست و از آن اوست حمد زنده كند

وَيُميتُ، وَيُميتُ وَيُحْيى‏، وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى‏ كُلِ‏

و بميراند و بميراند و زنده كند و اوست زنده‏اى كه نميرد هر چه خير است به دست اوست و او بر همه‏

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

چيز تواناست.

ده مرتبه‏ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، وَاتُوبُ الَيْهِ.

\*\*\*\*\* آمرزش خواهم از خدايى كه معبود به حقى جز او نيست كه زنده و پاينده است و به سويش توبه كنم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 855

ده مرتبه‏

يا اللَّهُ‏

- ده مرتبه‏

يا رَحْمنُ‏

- ده مرتبه‏

يا رَحيمُ‏

- ده مرتبه‏

يا بَديعَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ‏

- ده مرتبه‏

يا حَىُّ يا قَيُّومُ‏

- ده مرتبه‏

يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ‏

- ده مرتبه‏

يا لا الهَ الَّا انْتَ‏

- ده مرتبه‏

آمينَ.

پس آنگاه بگو:

اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ يا مَنْ هُوَ اقْرَبُ الَىَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، يا مَنْ يَحُولُ‏

خدايا از تو خواهم اى كسى‏كه او نزديكتر است به من از رگ گردن اى كه حائل شود

بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، يا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاعْلى‏ وَ بِالْافُقِ الْمُبينِ، يا مَنْ هُوَ

ميان انسان و دلش اى كه او در ديدگاه اعلى است و در افق آشكارى است اى كه او

الرَّحْمنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى‏، يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ‏ءٌ، وَ هُوَ السَّميعُ‏

بخشاينده است و بر عرش استيلا دارد اى كه نيست مانندش چيزى و او شنوا و

الْبَصيرُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

بينا است از تو خواهم كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد.

آنگاه حاجت خود را از خداوند طلب كن كه برآورده خواهد شد، ان‏شاءاللَّه.[[1185]](#footnote-1185) (دعاى كوتاه بالا دعاى بسيار پرمحتوايى است كه سزاوار است انسان هر زمان كه حال دعا پيدا كند از آن بهره گيرد و همچنين در قنوت‏هاى نماز مى‏توان از آن استفاده كرد؛ دعايى است كه جمله‏هاى آن غالباً از آيات قرآن گرفته شده و صفات جمال و جلال خداوند در آن منعكس است).

مرحوم «كفعمى» در ادامه مى‏افزايد: پس از آن اين صلوات را بخوان؛ امام صادق عليه السلام فرمود: هر كس بخواهد محمّد و آل محمّد را با صلوات بر آنان مسرور و خشنود سازد، اين صلوات را بخواند[[1186]](#footnote-1186):

اللَّهُمَّ يا اجْوَدَ مَنْ اعْطى‏، وَيا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ،

خدايا اى بخشنده‏ترين عطابخشان و اى بهترين درخواست شدگان و اى مهربانترين كسى كه از او مهربانى جويند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِى الْاوَّلينَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِى‏

خدايا درود فرست بر محمّد و آلش در زمره پيشينيان و درود فرست بر محمّد و آلش در زمره‏

الْآخِرينَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِى الْمَلَأِ الْاعْلى‏، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

پسينيان و درود فرست بر محمّد و آلش در ساكنين عالم بالا و درود فرست بر محمّد

كليات مفاتيح نوين، ص: 856

وَآلِهِ فِى الْمُرْسَلينَ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً وَ آلَهُ الْوَسيلَةَ وَ الْفَضيلَةَ،

و آلش در زمره مرسلين خدايا عطا كن به محمّد و آلش مقام وسيله و فضيلت‏

وَالشَّرَفَ وَ الرِّفْعَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبيرَةَ، اللَّهُمَّ انّى‏ آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ‏

و شرف و رفعت و درجه بلند خدايا من ايمان آوردم به محمّد صلى اللَّه‏

عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ ارَهُ، فَلا تَحْرِمْنى‏ فِى الْقِيمَةِ رُؤْيَتَهُ، وَ ارْزُقْنى‏ صُحْبَتَهُ،

عليه و آله با اين‏كه او را نديده‏ام پس در روز قيامت از ديدارش محرومم مفرما و مصاحبت و همنشينى او را روزيم فرما

وَتَوَفَّنى‏ عَلى‏ مِلَّتِهِ، وَ اسْقِنى‏ مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سآئِغاً هَنيئاً، لا

و بر كيش او بميرانم و بنوشانم از حوض او (حوض كوثر) نوشاندنى سيراب و جانبخش و گوارا كه‏

اظْمَأُ بَعْدَهُ ابَداً، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى‏

پس از آن هرگز تشنه نشوم كه براستى تو بر هر چيز توانايى خدايا من ايمان آورده‏ام به محمّد صلى‏

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ ارَهُ، فَعَرِّفْنى‏ فِى الْجِنانِ وَجْهَهُ، اللهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً

اللَّه عليه وآله و او را نديده‏ام پس در بهشت رويش را به من نشان ده خدايا برسان به محمّد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنّى‏، تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً.

صلى اللَّه عليه و آله از جانب من تحيتى بسيار و سلامى.

آنگاه دعاى «امّ داوود» را بخوان (كه در اعمال نيمه ماه رجب- صفحه 647- گذشت). سپس اين تسبيحات را كه پاداش فراوانى دارد، بخوان:

سُبْحانَ اللَّهِ قَبْلَ كُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ بَعْدَ كُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ مَعَ‏

منزّه باد خدا پيش ازهر كس و منزّه باد خدا پس از هركس و منزّه باد خدا با

كُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ يَبْقى‏ رَبُّنا و يَفْنى‏ كُلُّ أَحَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ تَسْبيحاً

هركس و منزّه باد خدا كه باقى ماند پروردگار ما و فانى شود هركس و منزّه باد خدا تنزيهى‏

يَفْضُلُ تَسْبيحَ الْمُسَبِّحينَ فَضْلًا كَثيراً قَبْلَ كُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ‏

كه فزونى گيرد بر تسبيح تسبيح‏گويان فزونى بسيارى پيش از هركس و منزّه باد خدا

تَسْبيحاً يَفْضُلُ تَسْبيحَ الْمُسَبِّحينَ فَضْلًا كَثيراً بَعْدَ كُلِّ احَدٍ، وَ سُبْحانَ‏

تنزيهى كه فزونى گيرد برتسبيح تسبيح‏گويان فزونى بسيارى پس از هر كس و منزّه باد

اللَّهِ تَسْبيحاً يَفْضُلُ تَسْبيحَ الْمُسَبِّحينَ فَضْلًا كَثيراً مَعَ كُلِّ احَدٍ، وَسُبْحانَ‏

خدا تنزيهى كه فزونى گيرد بر تسبيح تسبيح‏گويان فزونى بسيار با هر كس، و منزّه باد

كليات مفاتيح نوين، ص: 857

اللَّهِ تَسْبيحاً يَفْضُلُ تَسْبيحَ الْمُسَبِّحينَ فَضْلًا كَثيراً لِرَبِّنَا الْباقى‏ وَيَفْنى‏ كُلُ‏

خدا تنزيهى كه فزونى گيرد بر تسبيح تسبيح‏گويان برترى بسيارى براى پروردگار ما كه باقى ماند و جز او فانى شود هر

احَدٍ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ تَسْبيحاً لا يُحْصى‏ وَ لا يُدْرى‏ وَ لا يُنْسى‏، وَ لا يَبْلى‏

كس و منزّه باد خدا تنزيهى كه به شماره در نيايد و دانسته نشود و فراموش نگردد و كهنه نشود

وَ لا يَفْنى‏ وَ لَيْسَ لَهُ مُنْتَهى‏، وَ سُبْحانَ اللَّهِ تَسْبيحاً يَدُومُ بِدَوامِهِ، وَ يَبْقى‏

و فنا نپذيرد و انتهايى برايش نباشد و منزّه باد خدا تنزيهى كه دوام داشته باشدبه دوام او و باقى ماند

بِبَقآئِهِ فى‏ سِنِى الْعالَمينَ، وَ شُهُورِ الدُّهُورِ، وَ ايَّامِ الدُّنْيا وَ ساعاتِ اللَّيْلِ‏

به بقاى او در طول سالهاى اين جهان و ساير جهانيان و ماههاى اين روزگار و هر روزگار و روزهاى دنيا و ساعات شب‏

وَ النَّهارِ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ ابَدَ الْابَدِ، وَمَعَ الْابَدِ مِمَّا لا يُحْصيهِ الْعَدَدُ، وَ لا

و روز و منزّه باد خدا تا جاويدان است جاويد و و همراه با جاويد بد انسان كه شماره‏اش نتوان كرد و

يُفْنيهِ الْامَدُ، وَ لا يَقْطَعُهُ الْابَدُ، وَتَبارَكَ اللَّهُ احْسَنُ الْخالِقينَ.

زمان و مدت آن را به فنا نكشاند و قطعش نكند «هرگز» و بزرگ است خدا بهترين آفريدگان.

بار ديگر همين دعا را بخوان، ولى بجاى‏

سُبْحانَ اللَّهِ قَبْلَ كلِّ أَحَدٍ

، بگو:

وَ الْحَمْدُ لِلَّه قَبْلَ كُلِّ احَدٍ،

و هر جا كه كلمه‏

سُبْحانَ اللَّه‏

دارد؛ به جاى آن‏

الْحَمدُ لِلَّه‏

بگو و دعا را تا آخر بخوان.

براى بار سوم از ابتدا شروع كن ولى اين بار به جاى‏

سُبْحانَ اللَّهِ،

بگو:

لا إِلهَ إلّااللَّه‏

. مثلًا بگو:

لا إله إلّا اللَّه قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ ...

در مرتبه چهارم، دعا را از ابتدا شروع كن و تا آخر بخوان، ولى به جاى‏

سبحان اللَّه‏

بگو

أللَّه اكبر

. مثلًا مى‏گويى:

أللَّه أكبر قَبلَ كلِّ أحد ...

سپس دعاى‏

أللَّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأ وَ تَهَيَّأَ

را بخوان (كه در اعمال شب جمعه، صفحه 966 خواهد آمد).[[1187]](#footnote-1187) آنگاه با نهايت خشوع و فروتنى، دعاى چهل و هفتم «صحيفه سجّاديّه» را بخوان كه بسيار دعاى گران‏قدر و ارزشمندى است.[[1188]](#footnote-1188)

5- دعاى معروف عرفه‏

از جمله دعاهايى كه خواندنش در روز عرفه سفارش شده است دعاى معروف و مشهور سالار شهيدان امام حسين عليه السلام است كه از محتواى بسيار با ارزش و بى‏نظيرى برخوردار است؛ اين دعاى پرفيض، گنجينه‏اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 858

از معارف اسلامى است كه راه خداشناسى و توبه و بازگشت به او را، به هر خداجوى مسلمانى مى‏آموزد، و روح را به بالاترين اوج معرفت، مى‏رساند؛ مى‏توان گفت يك دوره عرفان اسلامى در آن درج است.

بشر و بشير[[1189]](#footnote-1189) از فرزندان «غالب اسدى» روايت كرده‏اند كه: عصر روز «عرفه» در سرزمين «عرفات» خدمت امام حسين عليه السلام بوديم كه آن حضرت با گروهى از اهل‏بيت و شيعيان خود، در نهايت خشوع و فروتنى، از خيمه خويش بيرون آمدند و در قسمت چپ كوه [/ جبل الرحمه، كوه معروفى است در وسط عرفات‏] رو به سوى كعبه ايستادند و همانند فقير و نيازمندى كه چيزى طلب كند، دست‏ها را در برابر صورت گرفتند و اين دعا را خواندند:[[1190]](#footnote-1190) (براى توجّه بيشتر به محتواى اين دعا آن را به نه بخش تقسيم كرديم).

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَيْسَ لِقَضآئِهِ دافِعٌ، وَلا لِعَطائِهِ مانِعٌ، وَلا كَصُنْعِهِ صُنْعُ‏

ستايش خاص خدايى است كه نيست براى قضا و حكمش جلوگيرى و نه براى عطا و بخششش مانعى و نه مانند ساخته‏اش ساخته هيچ‏

صانِعٍ، وَهُوَ الْجَوادُ الْواسِعُ، فَطَرَ اجْناسَ الْبَدائِعِ، واتْقَنَ بِحِكْمَتِهِ‏الصَّنائِعَ،

سازنده‏اى و اوست بخشنده وسعت‏ده كه آفريد انواع گوناگون پديده‏ها را و به حكمت خويش محكم ساخت مصنوعات را طلايه‏ها (ى عالم وجود)

لا تَخْفى‏ عَلَيْهِ الطَّلايِعُ، وَ لا تَضيعُ عِنْدَهُ الْوَدائِعُ، جازى‏ كُلِّ صانِعٍ،

بر او مخفى نيست و امانتها در نزد او ضايع نشود پاداش‏دهنده عمل هر سازنده‏

وَ رائِشُ كُلِّ قانعٍ، وَ راحِمُ كُلِّ ضارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنافِعِ وَ الْكِتابِ الْجامِعِ‏

و سامان دهنده زندگى هر قناعت‏پيشه و مهربان نسبت به هر نالان، فرو فرستنده هر سود و بهره و آن كتاب جامع كه‏

بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَواتِ سامِعٌ، وَ لِلْكُرُباتِ دافِعٌ، وَ لِلدَّرَجاتِ‏

فرستادش بوسيله نور آن نور درخشان و اوست كه دعاها را شنواست و گرفتاريها را برطرف كند و درجات‏

رافِعٌ، وَ لِلْجَبابِرَةِ قامِعٌ، فَلا الهَ غَيْرُهُ، وَلا شَىْ‏ءَ يَعْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ‏

را بالا برد و گردنكشان را ريشه‏كن سازد پس معبودى جز او نيست و چيزى با او برابرى نكند و چيزى همانندش‏

شَىْ‏ءٌ، وَ هُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ اللَّطيفُ الْخَبيرُ، وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

نيست و او شنواست و بينا و دقيق و آگاه و او بر هر چيز تواناست.

كليات مفاتيح نوين، ص: 859

اللَّهُمَّ انّى‏ ارْغَبُ إِلَيْكَ، وَاشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرّاً بِانَّكَ رَبّى‏، وَ الَيْكَ‏

خدايا من بسوى تو اشتياق دارم و به پروردگارى تو گواهى دهم اقرار دارم به اين‏كه تو پروردگار منى و بسوى توست‏

مَرَدّى‏، ابْتَدَاْتَنى‏ بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ انْ اكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنى‏ مِنَ‏

بازگشت من آغاز كردى وجود مرا به رحمت خود پيش از آن‏كه باشم چيز قابل ذكرى و مرا از

التُّرابِ، ثُمَّ اسْكَنْتَنِى الْأَصْلابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمَنُونِ، وَاخْتِلافِ الدُّهُورِ

خاك آفريدى آنگاه در ميان صلبها جايم دادى و ايمنم ساختى‏از حوادث زمانه و تغييرات روزگار

وَالسِّنينَ، فَلَمْ ازَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبٍ الى‏ رَحِمٍ فى‏ تَقادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ‏

و سالها و همچنان همواره از صلبى به رحمى كوچ كردم در ايّام‏

الْماضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنى‏ لِرَاْفَتِكَ بى‏ وَلُطْفِكَ لى‏

قديم و گذشته و قرنهاى پيشين و از روى مهر و رأفتى كه به من داشتى‏

وَاحْسانِكَ الَىَّ فى‏ دَوْلَةِ ائِمَّةِ الْكُفْرِ الَّذينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ،

و احسانت نسبت به من مرا به جهان نياوردى در دوران حكومت پيشوايان كفر آنان كه پيمان تو را شكستند و فرستادگانت را تكذيب كردند

لكِنَّكَ اخْرَجْتَنى‏ لِلَّذى‏ سَبَقَ لى‏ مِنَ‏الْهُدَى الَّذى‏ لَهُ يَسَّرْتَنى‏، وَفيهِ‏

ولى در زمانى مرا بدنيا آوردى كه‏پيش از آن در علمت گذشته بود از هدايتى كه اسبابش را برايم مهيا فرمودى و در آن‏

انْشَأْتَنى‏، وَمِنْ قَبْلِ ذلِكَ رَؤُفْتَ بى‏ بِجَميلِ صُنْعِكَ، وَسَوابِغِ نِعَمِكَ،

مرا نشو و نما دادى و پيش از اين نيز به من مهر ورزيدى بوسيله رفتار نيكويت و نعمتهاى شايانت‏

فابْتَدَعْتَ خَلْقى‏ مِنْ مَنِىٍّ يُمْنى‏، وَاسْكَنْتَنى‏ فى‏ ظُلُماتٍ ثَلاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ‏

كه پديد آوردى خلقتم را از منى ريخته شده و جايم دادى در سه پرده تاريكى (مشيمه و رحم و شكم) ميان گوشت‏

وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنى‏ خَلْقى‏، وَلَمْ تَجْعَلْ الَىَّ شَيْئاً مِنْ امْرى‏، ثُمَ‏

و خون و پوست و گواهم نساختى در خلقتم و واگذار نكردى به من چيزى از كار خودم را سپس‏

اخْرَجْتَنى‏ لِلَّذى‏ سَبَقَ لى‏ مِنَ الْهُدى‏ الَى الدُّنْيا تآمّاً سَوِيّاً، وَحَفِظْتَنى‏

بيرونم آوردى بدانچه در علمت گذشته بود از هدايتم بسوى دنيا خلقتى تمام و درست و در حال طفوليت و خردسالى‏

فِى الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنى‏ مِنَ الْغِذآءِ لَبَناً مَرِيّاً، وَعَطَفْتَ عَلَىَ‏

در گهواره محافظتم كردى و روزيم دادى از غذاها شيرى گوارا و دل پرستاران رابر من مهربان‏

قُلُوبَ الْحَواضِنِ، وَكَفَّلْتَنى‏ الْأُمَّهاتِ الرَّواحِمَ، وَكَلَأْتَنى‏ مِنْ طَوارِقِ‏

كردى و عهده‏دار پرستاريم كردى مادران مهربان را و از آسيب جنيان نگهداريم كردى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 860

الْجآنِّ، وَسَلَّمْتَنى‏ مِنَ الزِّيادَةِ وَالنُّقْصانِ، فَتَعالَيْتَ يا رَحيمُ يا رَحْمنُ،

و از زيادى و نقصان سالمم داشتى پس برترى تو اى مهربان و اى بخشاينده‏

حتّى‏ اذَا اسْتَهْلَلْتُ ناطِقاً بِالْكَلامِ، اتْمَمْتَ عَلَىَّ سَوابِغَ الْإِنْعامِ، وَرَبَّيْتَنى‏

تا آنگاه كه لب به سخن گشودم و تمام كردى بر من نعمتهاى شايانت را و پرورشم دادى‏

زايِداً فى‏كُلِّ عامٍ، حَتّى‏ إذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتى‏، وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتى‏، اوْجَبْتَ‏

هر ساله زيادتر از سال پيش تا آنگاه كه خلقتم كامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسيد واجب كردى‏

عَلَىَّ حُجَتَّكَ، بِانْ الْهَمْتَنى‏ مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنى‏ بِعَجائِبِ حِكْمَتِكَ،

بر من حجت خود را بدين ترتيب كه معرفت خود را به من الهام فرمودى و بوسيله عجايب حكمتت به هراسم انداختى‏

وَايْقَظْتَنى‏ لِما ذَرَاْتَ فى‏ سَمآئِكَ‏وَارْضِكَ مِنْ بَدائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنى‏

و بيدارم كردى بدانچه آفريدى در آسمان و زمينت از پديده‏هاى آفرينشت و آگاهم كردى‏

لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَاوجَبْتَ عَلَىَّ طاعَتَكَ وَعِبادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنى‏ ما جآءَتْ‏

به سپاسگزارى و ذكر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب كردى و آنچه‏

بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لى‏ تَقَبُّلَ مَرْضاتِكَ، وَمَنَنْتَ عَلَىَّ فى‏ جَميعِ ذلِكَ‏

رسولانت آورده بودند به من فهماندى و پذيرفتن موجبات خشنوديت را برايم آسان كردى و در تمام اينها

بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ اذْ خَلَقْتَنى‏ مِنْ خَيْرِالثَّرى‏، لَمْ تَرْضَ لى‏ يا الهى‏ نِعْمَةً

به يارى و لطف خود بر من منّت نهادى سپس به اين‏كه مرا از بهترين خاكها آفريدى راضى نشدى اى معبود من كه تنها از نعمتى‏

دُونَ اخرى‏، وَرَزَقْتَنى‏ مِنْ انواعِ الْمَعاشِ، وَصُنُوفِ الرِّياشِ، بِمَنِّكَ‏

برخوردار شوم و از ديگرى منع گردم بلكه روزيم دادى از انواع (نعمتهاى) زندگى و اقسام لوازم كامرانى و اين بواسطه آن نعمت‏بخشى‏

الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ عَلَىَّ، وَ احْسانِكَ الْقَديمِ الَىَّ، حَتّى‏ اذا اتْمَمْتَ عَلَىَ‏

بزرگ و بزرگترت بود بر من و آن احسان ديرينه‏ات بود نسبت به من تا اين‏كه تمام نعمتها را بر من كامل كردى‏

جَميعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنّى‏ كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلى‏ وَجُرْأَتى‏ عَلَيْكَ،

و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختى باز هم نادانى و دليرى من بر من جلوگيرت نشد

انْ دَلَلْتَنى‏ الى‏ ما يُقَرِّبُنى‏ الَيْكَ، وَوَفَّقْتَنى‏ لِما يُزْلِفُنى‏ لَدَيْكَ، فَانْ دَعَوْتُكَ‏

از اين‏كه راهنماييم كردى بدانچه مرا به تو نزديك كند و موفقم داشتى بدانچه مرا به درگاهت مقرّب سازد كه اگر بخوانمت‏

اجَبْتَنى‏، وَانْ سَئَلْتُكَ اعْطَيْتَنى‏، وَانْ اطَعْتُكَ شَكَرْتَنى‏، وَانْ شَكَرْتُكَ‏

پاسخم دهى و اگر بخواهم از توبه من عطا كنى و اگر اطاعتت كنم قدردانى كنى و اگر سپاسگزاريت كنم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 861

زِدْتَنى‏، كُلُّ ذلِكَ اكْمالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَىَّ، وَاحْسانِكَ الَىَّ، فَسُبْحانَكَ‏

بر من بيفزايى و همه اينها براى كامل ساختن نعمتهاى تو است بر من و احسانى كه به من دارى پس منزهى تو،

سُبْحانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعيدٍ حَميدٍ مَجيدٍ، تَقَدَّسَتْ اسْمآؤُكَ، وَعَظُمَتْ‏

منزّه كه آغازنده نعمتى و بازگرداننده و ستوده و بزرگوارى بسى پاكيزه است نامهاى تو و بزرگ است‏

الآؤُكَ، فَأَىُ نِعَمِكَ يا الهى‏ احْصى‏ عَدَداً وَذِكْراً، أَمْ اىُّ عَطاياكَ أَقُومُ بِها

نعمتهاى تو پس اى‏معبود من كدام يك از نعمتهايت را بشماره درآورده و ياد كنم يا براى كدام يك از عطاهايت به‏

شُكْراً، وَهِىَ يا رَبِّ اكْثَرُ مِنْ انْ يُحْصِيَهَا الْعآدُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا

سپاسگزارى اقدام كنم در صورتى كه آنها اى پروردگار من بيش از آن است كه حسابگران بتوانند آنها را بشمارند يا دانش‏

الْحافِظُونَ، ثُمَّ ما صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّى اللَّهُمَّ مِنَ الضُرِّ وَالضَّرَّآءِ، أَكْثَرُ

حافظان بدانها رسد سپس اى خدا آنچه را از سختى و گرفتارى از من دور كرده و باز داشتى بيشتر بوده‏

مِمَّا ظَهَرَ لى‏ مِنَ الْعافِيَةِ وَالسَّرَّآءِ.

از آنچه برايم آشكار شد از تندرستى و خوشى.

\*\*\*

وَا نَا اشْهَدُ يا الهى‏ بِحَقيقَةِ ايمانى‏، وَعَقْدِ عَزَماتِ يَقينى‏، وَخالِصِ‏

و من گواهى دهم خدايا به حقيقت ايمان خودم و بدانچه تصميمات يقينم بدان بسته است‏و توحيد خالص‏

صَريحِ تَوْحيدى‏، وَباطِنِ مَكْنُونِ ضَميرى‏، وَعَلائِقِ مَجارى‏ نُورِ

و بى‏شائبه خود و درون سرپوشيده نهادم و رشته‏هاى ديد نور

بَصَرى‏، وَاساريرِ صَفْحَةِ جَبينى‏، وَ خُرْقِ مَسارِبِ نَفْسى‏، وَ خَذاريفِ‏

چشمانم و خطوط صفحه پيشانيم و رخنه‏هاى راههاى تنفسم و پرده‏هاى‏

مارِنِ عِرْنينى‏، وَ مَسارِبِ سِماخِ سَمْعى‏، وَ ما ضُمَّتْ وَ اطْبَقَتْ عَلَيْهِ‏

نرمه بينيم و راههاى پرده گوشم و آنچه بچسبد و روى هم قرار گيرد

شَفَتاىَ، وَ حَرَكاتِ لَفْظِ لِسانى‏، وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمى‏ وَفَكّى‏، وَ مَنابِتِ‏

بر آن دو لبم و حركتهاى تلفظ زبانم و محل پيوست كام (فك بالاى) دهان و آرواره‏ام‏

اضْراسى‏، وَ مَساغِ مَطْعَمى‏ وَ مَشْرَبى‏، وَحِمالَةِ امِّ رَأْسى‏، وَ بُلُوعِ فارِغِ‏

و محل بيرون آمدن دندانهايم و محل چشيدن خوراك و آشاميدنيهايم و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 862

حَبآئِلِ عُنُقى‏، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تامُورُ صَدْرى‏، وَ حمائِلِ حَبْلِ وَتينى‏،

رگهاى گردنم و آنچه در برگرفته آن را قفسه سينه‏ام و رشته‏هاى رگ قلبم‏

وَ نِياطِ حِجابِ قَلْبى‏، وَ أَفْلاذِ حَواشى‏ كَبِدى‏، وَ ما حَوَتْهُ شَراسيفُ‏

و شاهرگ پرده دلم و پاره‏هاى گوشه و كنار جگرم و آنچه را در بردارد استخوانهاى‏

اضْلاعى‏، وَ حِقاقُ مَفاصِلى‏، وَقَبْضُ عَوامِلى‏، وَاطْرافُ انامِلى‏،

دنده‏هايم و سربندهاى استخوانهايم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و

وَلَحْمى‏ وَ دَمى‏، وَشَعْرى‏ وَ بَشَرى‏، وَ عَصَبى‏ وَ قَصَبى‏، وَ عِظامى‏ وَ مُخّى‏

گوشتم و خونم و موى بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم‏

وَ عُرُوقى‏، وَ جَميعُ جَوارِحى‏، وَ مَا انْتَسَجَ عَلى‏ ذلِكَ ايَّامَ رِضاعى‏، وَ ما

و رگهايم و تمام اعضا و جوارحم و آنچه بر اينها بافته شده از دوران شيرخوارگيم و آنچه را

اقلَّتِ الْأَرْضُ مِنّى‏، وَ نَوْمى‏ وَ يَقْظَتى‏ وَسُكُونى‏، وَ حَرَكاتِ رُكُوعى‏

زمين از من بر خود گرفته و خوابم و بيداريم و آرميدنم و حركتهاى ركوع و

وَسُجُودى‏، انْ لَوْ حاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعصارِ وَ الْأَحْقابِ، لَوْ

سجود من (گواهى دهم) كه اگر تصميم بگيرم و بكوشم در طول قرون و اعصار بر فرض كه چنين‏

عُمِّرْتُها انْ أُؤَدِّىَ شُكْرَ واحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ، مَا اسْتَطَعْتُ ذلِكَ الَّا بِمَنِّكَ‏

عمرى بكنم و بخواهم شكريكى از نعمتهاى تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود كه‏

الْمُوجَبِ عَلَىَّ بِهِ شُكْرُكَ ابَداً جَديداً، وَ ثَنآءً طارِفاً عَتيداً، اجَلْ، وَ لَوْ

آن خود واجب كند بر من سپاسگزاريت را دوباره از نو و موجب ستايشى تازه و ريشه‏دار گردد آرى و اگر

حَرَصْتُ انَا وَالْعآدُّونَ مِنْ انامِكَ، أَنْ نُحْصِىَ مَدى‏ انْعامِكَ سالِفِهِ وَ انِفِهِ،

حريص باشم من و حسابگران از مخلوقت كه بخواهيم اندازه نعمت‏بخشيهاى تو را از گذشته و آينده‏

ما حَصَرْناهُ عَدَداً، وَ لا احْصَيناهُ امَداً، هَيْهاتَ أنّى‏ ذلِكَ، وَ انْتَ الْمُخْبِرُ

به حساب درآوريم نتوانيم بشماره درآوريم و نه از نظر زمان و اندازه آن را احصا كنيم! هيهات! كجا چنين چيزى ميسر است و تو خود

فى‏ كِتابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبَأِ الصَّادِقِ: «وَ انْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لا تُحْصُوها».

در كتاب گويا و خبر راست و درستت خبر داده‏اى كه «اگر بشماريد نعمت خدا را احصا نتوانيد كرد»

صَدَقَ كِتابُكَ اللَّهُمَّ وَانْبآؤُكَ، وَ بَلَّغَتْ انْبِيآؤُكَ وَ رُسُلُكَ ما انْزَلْتَ عَلَيْهِمْ‏

خدايا كتاب تو و خبرى كه دادى راست است و رساندند پيمبران و رسولانت هرچه را بر ايشان از وحى خويش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 863

مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ‏[[1191]](#footnote-1191) مِنْ دينِكَ.

فرو فرستادى و آنچه را تشريع كردى براى آنها و بوسيله آنها از دين و آيين خود.

غَيْرَ أَنّى‏ يا الهى‏ اشْهَدُ بِجَهْدى‏ وَ جِدّى‏، وَ مَبْلَغِ طاعَتى‏ وَ وُسْعى‏، وَ أَقُولُ‏

جز اين‏كه معبودا من گواهى دهم به سعى و كوششم و به اندازه رسايى طاعت و وسعم و از

مُؤْمِناً مُوقِناً، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً فَيَكُونَ مَوْرُوثاً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ‏

روى ايمان و يقين مى‏گويم ستايش خدايى را سزاست كه نگيرد فرزندى تا از او ارث برند و نيست برايش‏

شَريكٌ فى‏ مُلْكِهِ فَيُضآدَّهُ فيمَا ابْتَدَعَ، وَ لا وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فيما

شريكى در فرمانروايى تا با او ضدّيت كنند در آنچه پديد آوردو نه نگهدارى از خوارى دارد تا كمكش كند

صَنَعَ، فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ، لَوْ كانَ فيهِما الِهَةٌ الَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا وَ تَفَطَّرَتا،

در آنچه بوجود آورد پس منزّه باد منزّه كه اگر بود در آسمان و زمين خدايانى جز او هر دو تباه مى‏شدند و از هم متلاشى مى‏گشتند

سُبْحانَ اللَّهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذى‏ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ‏

منزّه است خداى يگانه يكتاى بى‏نيازى كه فرزند ندارد و فرزند كسى نيست و نيست برايش‏

كُفُواً احَدٌ، الْحَمْدُ للَّهِ حَمْداً يُعادِلُ حَمْدَ مَلآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ، وَ انْبِيآئِهِ‏

همتايى هيچ كس ستايش خداى را است ستايشى كه برابر ستايش فرشتگان مقرّب او و پيمبران‏

الْمُرْسَلينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ خِيَرَتِهِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَ آلِهِ الطَّيِّبينَ‏

مرسلش باشد و درود خدا بر بهترين خلقش محمّد خاتم پيمبران و آل پاك و

الطَّاهِرينَ الْمُخلَصينَ، وَسَلَّمَ.

پاكيزه و خالص او باد و سلام.

آنگاه حضرت، پس از ذكر آن همه اوصاف الهى و تسبيح و تقديس پروردگار حاجت خود را عرضه داشت و در حالى كه اشك از چشمان مباركش سرازير بود گفت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ اخْشاكَ كَانّى‏ اراكَ، وَاسْعِدْنى‏ بِتَقْويكَ، وَلا تُشْقِنى‏

خدايا چنانم ترسان خودت كن كه گويا مى‏بينمت و به پرهيزكارى از خويش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانيت بدبختم‏

بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْلى‏ فى‏ قَضآئِكَ، وَبارِكْ لى‏ فى‏ قَدَرِكَ، حَتّى‏ لا أُحِبَ‏

مكن و در سرنوشت خود خير برايم مقدر كن و مقدراتت را برايم مبارك گردان تا چنان نباشم كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 864

تَعْجيلَ ما اخَّرْتَ، وَلا تَاْخيرَ ما عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِناىَ فى‏ نَفْسى‏،

تعجيل آنچه را تو پس انداخته‏اى بخواهم و نه تأخير آنچه را تو پيش انداخته‏اى خدايا قرار ده بى‏نيازى در نفس من‏

وَالْيَقينَ فى‏ قَلْبى‏، وَالْإِخْلاصَ فى‏ عَمَلى‏، وَالنُّورَ فى‏ بَصَرى‏، وَالْبَصيرَةَ

و يقين در دلم و اخلاص در كردارم و روشنى در ديده‏ام و بينايى‏

فى‏ دينى‏، وَمَتِّعْنى‏ بِجَوارِحى‏، وَاجْعَلْ سَمْعى‏ وَبَصَرى‏ الْوارِثَيْنِ مِنّى‏،

در دينم و مرا از اعضا و جوارحم بهره‏مند كن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (كه تا دم مرگ بسلامت باشند)

وَانْصُرْنى‏ عَلى‏ مَنْ ظَلَمَنى‏، وَارِنى‏ فيهِ ثارى‏ وَ مَآرِبى‏، وَاقِرَّ بِذلِكَ‏

و ياريم ده بر آن كس كه به من ستم كرده و انتقام‏گيرى مرا و آرزويم را درباره‏اش به من بنمايان و ديده‏ام را در اين‏باره‏

عَيْنى‏، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتى‏، وَاسْتُرْ عَوْرَتى‏، وَاغْفِرْ لى‏ خَطيئَتى‏، وَاخْسَأْ

روشن كن خدايا محنتم را برطرف كن و زشتيهايم بپوشان و خطايم بيامرز و شيطان‏

شَيْطانى‏، وَفُكَّ رِهانى‏، وَاجْعَلْ لى‏ يا الهى‏ الدَّرَجَةَ الْعُلْيا فِى الْأخِرَةِ

و اهريمنم را از من بران و ذمه‏ام را از گِرو بِرَهان و قرار ده خدايا براى من درجه والا در آخرت‏

وَالْأُولى‏، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنى‏، فَجَعَلْتَنى‏ سَميعاً بَصيراً، وَلَكَ‏

و در دنيا خدايا حمد تو راست كه مرا آفريدى و شنوا و بينا قرارم دادى‏

الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنى‏، فَجَعَلْتَنى‏ خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةً بى‏، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ‏

و ستايش تو راست كه مرا آفريدى و از روى مهرى كه به من داشتى خلقتم را نيكو آراستى در صورتى كه تو از

خَلْقى‏ غَنِيّاً، رَبِّ بِما بَرَأْتَنْى‏ فَعَدَّلْتَ فِطْرَتى‏، رَبِّ بِما انْشَأْتَنى‏

خلقت من بى‏نياز بودى پروردگارا به آن طور كه مرا پديدآوردى و در خلقتم اعتدال بكار بردى پروردگارا به آن طور كه بوجودم آوردى و

فَاحْسَنْتَ صُورَتى‏، رَبِّ بِما احْسَنْتَ الَىَّ وَفى‏ نَفْسى‏ عافَيْتَنى‏، رَبِّ بِما

صورتم را نيكو كردى پروردگارا به آن طور كه به من احسان كردى وعافيتم دادى پروردگارا آن چنانكه‏

كَلَاْتَنى‏ وَوَفَّقْتَنى‏، رَبِّ بِما انْعَمْتَ عَلَىَّ فَهَدَيْتَنى‏، رَبِّ بِما اوْلَيْتَنى‏ وَمِنْ‏

مرا محافظت كردى و موفقم داشتى پروردگارا آن چنانكه بر من انعام كرده و هدايتم فرمودى پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از

كُلِّ خَيْرٍ اعْطَيْتَنى‏، رَبِّ بِما اطْعَمْتَنى‏ وَسَقَيْتَنى‏، رَبِّ بِما اغْنَيْتَنى‏

هر خيرى به من عطا كردى پروردگارا آن چنانكه مرا خوراندى و نوشاندى پروردگارا آن چنانكه بى‏نيازم كردى‏

وَاقْنَيْتَنى‏، رَبِّ بِما اعَنْتَنى‏ وَاعْزَزْتَنى‏، رَبِّ بِما الْبَسْتَنى‏ مِنْ سِتْرِكَ‏

و سرمايه‏ام دادى پروردگارا آن چنانكه كمكم دادى و عزتم بخشيدى پروردگارا آن چنانكه مرا از خلعت باصفايت پوشاندى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 865

الصَّافى‏، وَ يَسَّرْتَ لى‏ مِنْ صُنْعِكَ الْكافى‏، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و از مصنوعاتت به حد كافى در اختيارم گذاردى (چنانكه اين همه انعام كردى) درود فرست بر محمّد و آل محمّد و

وَاعِنّى عَلى‏ بَوآئِقِ الدُّهُورِ، وَ صُرُوفِ اللَّيالى‏ وَ الْأَيَّامِ، وَنَجِّنى‏ مِنْ‏

كمكم ده بر پيش‏آمدهاى ناگوار روزگار و كشمكشهاى شبها و روزها و از هراسهاى‏

اهْوالِ الدُّنْيا وَكُرُباتِ الْأخِرَةِ، وَاكْفِنى‏ شَرَّ ما يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِى‏

دنيا و اندوههاى آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمين انجام دهند مرا كفايت فرما

الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ ما اخافُ فَاكْفِنى‏، وَما احْذَرُ فَقِنى‏، وَ فى‏ نَفْسى‏ وَ دينى‏

خدايا از آنچه مى‏ترسم كفايتم كن و از آنچه برحذرم، نگاهم دار و خودم و دينم‏

فَاحْرُسْنى‏، وَ فى‏ سَفَرى‏ فَاحْفَظْنى‏، وَ فى‏ اهْلى‏ وَ مالى‏ فَاخْلُفْنى‏، وَ فيما

را حفظ كن و در سفر محافظتم كن و در خانواده و مالم جانشين من باش و در آنچه‏

رَزَقْتَنى‏ فَبارِكْ لى‏، وَ فى‏ نَفْسى‏ فَذَلِّلْنى‏، وَ فى‏ اعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنى‏،

روزيم كرده اى بركت ده و مرا در پيش خودم خوار كن و در چشم مردم بزرگم كن و

وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنى‏، وَ بِذُنُوبى‏ فَلا تَفْضَحْنى‏، وَ بِسَريرَتى‏

از شر جن و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوايم مكن و به انديشه‏هاى باطنم‏

فَلا تُخْزِنى‏، وَ بِعَمَلى‏ فَلا تَبْتَلِنى‏، وَ نِعَمَكَ فَلا تَسْلُبْنى‏، وَ الى‏ غَيْرِكَ فَلا

سرافكنده‏ام مكن و به كردارم دچارم مساز و نعمتهايت را از من مگير و بجز خودت به ديگرى‏

تَكِلْنى‏، الهى‏ الى‏ مَنْ تَكِلُنى‏، الى‏ قَريبٍ فَيَقْطَعُنى‏، امْ الى‏ بَعيدٍ

واگذارم مكن خدايا به كه واگذارم مى‏كنى آيا به خويشاوندى كه از من بِبُرَد يا بيگانه‏اى كه مرا از خود دور كند يا

فَيَتَجَهَّمُنى‏، امْ الَى الْمُسْتَضْعَفينَ لى‏ وَانْتَ رَبّى‏، وَمَليكُ امْرى‏، اشْكُو

به كسانى كه خوارم شمرند و تويى پروردگار من و زمامدار كار من بسوى‏

الَيْكَ غُرْبَتى‏، وَ بُعْدَ دارى‏، وَهَوانى‏ عَلى‏ مَنْ مَلَّكْتَهُ امْرى‏، الهى‏ فَلا

تو شكايت آرم از غربت خود و دورى خانه‏ام و خواريم نزد كسى‏كه زمامدار كار من كردى خدايا پس‏

تُحْلِلْ عَلَىَّ غَضَبَكَ، فَانْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَىَّ فَلا ابالى‏ سُبْحانَكَ غَيْرَ

خشم خود را بر من مبار و اگر بر من خشم نكرده باشى باكى ندارم- منزهى تو- جز اين‏كه‏

انَّ عافِيَتَكَ اوْسَعُ لى‏، فَاسْئَلُكَ يا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى‏ اشْرَقَتْ لَهُ‏

در عين حال عافيت تو وسيعتر است براى من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت كه روشن شد بدان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 866

الْأَرْضُ وَالسَّمواتُ، وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُماتُ، وَ صَلُحَ بِهِ امْرُ الْأَوَّلينَ‏

زمين و آسمانها و برطرف شد بدان تاريكيها و اصلاح شد بدان كار اوّلين‏

وَالْأخِرينَ، انْ لا تُميتَنى‏ عَلى‏ غَضَبِكَ، وَلا تُنْزِلَ بى‏ سَخَطَكَ، لَكَ‏

و آخرين كه مرا بر حال غضب خويش نميرانى و خشمت را بر من نازل مفرمايى مؤاخذه‏

الْعُتْبى‏ لَكَ الْعُتْبى‏[[1192]](#footnote-1192) حَتّى‏ تَرْضى‏ قَبْلَ ذلِك، لا الهَ الَّا انْتَ.

و بازخواست حق توست تا گاهى كه پيش از آن راضى شوى معبودى جز تو نيست.

\*\*\*

رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتيقِ الَّذى‏ احْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ،

كه پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه كعبه‏اى آن خانه‏اى كه بركت را بدان نازل كردى‏

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ امْناً، يا مَنْ عَفا عَنْ عَظيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ اسْبَغَ‏

و آن را براى مردمان خانه امنى قرار دادى اى كسى‏كه از گناهان بزرگ به بردبارى خود درگذرى اى كه نعمتها را به‏

النَّعْمآءَ بِفَضْلِهِ، يا مَنْ اعْطَى الْجَزيلَ بِكَرَمِهِ، يا عُدَّتى‏ فى‏ شِدَّتى‏، يا

فضل خود فراوان گردانى اى كه عطاياى شايان را به كرم خود بدهى اى ذخيره‏ام در سختى اى‏

صاحِبى‏ فى‏ وَحْدَتى‏، يا غِياثى‏ فى‏ كُرْبَتى‏، يا وَلِيّى‏ فى‏ نِعْمَتى‏، يا الهى‏

رفيق و همدمم در تنهايى اى فريادرس من در گرفتارى اى ولى من در نعمتم اى معبود من‏

وَالهَ آبائى‏، ابْراهيمَ وَاسْماعيلَ، وَاسْحقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جَبْرَئيلَ‏

و معبود پدرانم ابراهيم و اسمعيل و (معبود) اسحاق و يعقوب و پروردگار جبرئيل‏

وَميكائيلَ وَاسْرافيلَ، وَربَّ مُحَمَّدٍ خاتِمِ النَّبِيّينَ، وَ آلِهِ الْمُنْتَجَبينَ،

و ميكائيل و اسرافيل‏و پروردگار محمّد خاتم پيمبران و آل برگزيده‏اش‏

وَمُنْزِلَ التَّوراةِ وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ، وَمُنَزِّلَ كهيعص، وَطه‏

و فروفرستنده تورات و انجيل و زبور و قرآن و نازل‏كننده كهيعص و طه‏

وَيس، وَالْقُرآنِ الْحَكيمِ، انْتَ كَهْفى‏ حينَ تُعْيينِى الْمَذاهِبُ فى‏ سَعَتِها،

و «يس و قرآن حكمت آموز» تويى پناه من هنگامى كه درمانده‏ام كنند راهها با همه وسعتى كه دارند

وَتَضيقُ بِىَ الْأَرْضُ بِرُحْبِها، وَلَوْلا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ، وَانْتَ‏

و زمين بر من تنگ گيرد با همه پهناوريش و اگر نبود رحمت تو بطور حتم من هلاك شده بودم و تويى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 867

مُقيلُ عَثْرَتى‏، وَلَوْلا سَتْرُكَ ايَّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحينَ، وَ انْتَ مُؤَيِّدى‏

ناديده‏گير لغزشم و اگر پرده‏پوشى تو نبود مسلّماً من از رسواشدگان بودم و تويى كه‏

بِالنَّصْرِ عَلى‏ اعْدآئى‏، وَ لَوْ لا نَصْرُكَ ايَّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبينَ، يا مَنْ‏

به يارى خود مرا بر دشمنانم يارى دهى و اگر نبود يارى تومن مغلوب شده بودم اى كه‏

خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرِّفْعَةِ، فَاوْلِيآئُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ، يا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ‏

مخصوص كرده خود را به بلندى و برترى و دوستانش بوسيله عزت او عزت يابند اى كه‏

الْمُلُوكُ نيرَ الْمَذَلَّةِ عَلى‏ اعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، يَعْلَمُ خائِنَةَ

پادشاهان در برابرش طوق خوارى‏به گردن گذارند و آنها از سَطَوَتَش ترسانند مى‏داند حركت (يا خيانت)

الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ ما تَاْتى‏ بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالدُّهُورُ، يا مَنْ‏

چشمها و آنچه را سينه‏ها پنهان كنند و حوادثى كه در كمون زمانها و روزگارهاست اى كه‏

لا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَعْلَمُ ما هُوَ الَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَعْلَمُهُ الَّا

نداند چگونگى او را جز خود او اى كه نداند چيست او جز او اى كه نداند او را جز

هُوَ[[1193]](#footnote-1193)، يا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمآءِ، وَسَدَّ الْهَوآءَ بِالسَّمآءِ، يا مَنْ لَهُ‏

خود او اى كه زمين را بر آب فرو بُردى و هوا را به آسمان بستى اى كه‏

اكْرَمُ الْأَسْمآءِ، يا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذى‏ لا يَنْقَطِعُ ابَداً، يا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ‏

گرامى‏ترين نامها از اوست اى دارنده احسانى كه هرگز قطع نشود اى گمارنده كاروان براى نجات‏

لِيُوسُفَ فِى الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

يوسف در آن جاى بى‏آب و علف و بيرون آورنده‏اش از چاه و رساننده‏اش به پادشاهى پس از بندگى‏

مَلِكاً، يا رادَّهُ عَلى‏ يَعْقُوبَ بَعْدَ انِ ابْيَضَّتْ عَيْناهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظيمٌ، يا

اى كه او را برگرداندى به يعقوب پس از آن‏كه ديدگانش از اندوه سفيد شده بود و آكنده از غم بود اى‏

كاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوى‏ عَنْ ايُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدَىْ ابْراهيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ،

برطرف كننده سختى و گرفتارى از ايوب و اى نگهدارنده دستهاى ابراهيم از ذبح پسرش‏

بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنآءِ عُمُرِهِ، يا مَنِ اسْتَجابَ لِزَكَرِيّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيى‏، وَلَمْ‏

پس از سن پيرى و بسرآمدن عمرش اى كه دعاى زكريا را به اجابت رساندى و يحيى را به او بخشيدى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 868

يَدَعْهُ فَرْداً وَحيداً، يا مَنْ اخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يا مَنْ فَلَقَ‏

او را تنها و بى‏كس وامگذاردى اى كه بيرون آورد يونس را از شكم ماهى اى كه شكافت‏

الْبَحْرَ لِبَنى‏ اسْرآئيلَ فَانْجاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقينَ، يا

دريا را براى بنى‏اسرائيل و (از فرعونيان) نجاتشان دادو فرعون و لشكريانش را غرق كرد اى‏

مَنْ ارْسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ، يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلى‏ مَنْ‏

كه فرستاد بادها را نويد دهندگانى پيشاپيش آمدن رحمتش اى كه شتاب نكند بر (عذاب)

عَصاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ

نافرمانان از خلق خود اى كه‏نجات بخشيد ساحران (فرعون) را پس از سالها انكار (و كفر) و چنان‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص868**

غَدَوْا فى‏ نِعْمَتِهِ‏يَاْكُلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حآدُّوهُ وَنآدُّوهُ،

بودند كه متنعّم به نعمتهاى خدا بودند كه روزيش را مى‏خوردند ولى پرستش ديگرى را مى‏كردند و با خدا دشمنى و ضديت داشتند

وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا بَدىُ، يا بَديعاً لا نِدَّ لَكَ، يا دآئِماً لا نَفادَ لَكَ،

و رسولانش را تكذيب مى‏كردند اى خدا اى خدا اى آغازنده اى پديدآورنده اى كه همتا ندارى اى جاويدانى كه زوال ندارى‏

يا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، يا مُحْيِىَ الْمَوْتى‏، يا مَنْ هُوَ قآئِمٌ عَلى‏ كُلِّ نَفْسٍ بِما

اى زنده در آنگاه كه زنده‏اى نبوداى زنده كن مردگان اى كه مراقبت دارى بر هركس بدانچه‏

كَسَبَتْ، يا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرى‏ فَلَمْ يَحْرِمْنى‏، وَعَظُمَتْ خَطيئَتى‏ فَلَمْ‏

انجام داده اى كه سپاسگزارى من برايش اندك است ولى محرومم نكند و خطايم بزرگ است ولى‏

يَفْضَحْنى‏، وَ رَ انى‏ عَلَى الْمَعاصى‏ فَلَمْ يَشْهَرْنى‏، يا مَنْ حَفِظَنى‏ فى‏

رسوايم نكند و مرا بر نافرمانى خويش بيند ولى پرده‏ام ندرد اى كه مرا در

صِغَرى‏، يا مَنْ رَزَقَنى‏ فى‏ كِبَرى‏، يا مَنْ اياديهِ عِنْدى‏ لا تُحْصى‏، وَنِعَمُهُ‏

كودكى محافظت كردى اى كه در بزرگى روزيم دادى‏اى كه اندازه مرحمت‏هايى كه به من كردى بشماره نيايد و نعمتهايش‏

لا تُجازى‏، يا مَنْ عارَضَنى‏ بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسانِ، وَعارَضْتُهُ بِالْإِسائَةِ

را تلافى ممكن نباشد اى كه‏روبه‏رو شد با من به نيكى و احسان ولى من با او به بدى‏

وَالْعِصْيانِ، يا مَنْ هَدانى‏ لِلْإيمانِ مِنْ قَبْلِ انْ اعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنانِ، يا

و گناه روبه‏رو شدم اى كه مرا به ايمان هدايت كرد پيش از آن‏كه بشناسم طريقه سپاسگزارى نعمتش را اى كه‏

مَنْ دَعَوْتُهُ مَريضاً فَشَفانى‏، وَعُرْياناً فَكَسانى‏، وَجائِعاً فَاشْبَعَنى‏،

خواندمش در حال بيمارى و او شفايم داد و در برهنگى و او مرا پوشاند و در گرسنگى و او سيرم كرد

كليات مفاتيح نوين، ص: 869

وَعَطْشاناً فَارْوانى‏، وَذَليلًا فَاعَزَّنى‏، وَجاهِلًا فَعَرَّفَنى‏، وَوَحيداً

و در تشنگى و او سيرابم كرد و در خوارى و او عزتم بخشيد و در نادانى و او معرفتم بخشيد و در تنهايى‏

فَكَثَّرَنى‏، وَغائِباً فَرَدَّنى‏، وَمُقِلّاً فَاغْنانى‏، وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنى‏، وَغَنِيّاً فَلَمْ‏

و او فزونى جمعيت داد و در دورى و او بازم گرداند و در ندارى و او دارايم كرد و در كمك‏خواهى و او ياريم داد و در ثروتمندى و او

يَسْلُبْنى‏، وَامْسَكْتُ عَنْ جَميعِ ذلِكَ فَابْتَدَانى‏، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يا

از من سلب نفرمود و (هنگامى كه) از همه اين خواسته‏ها دم بستم تو آغاز كردى پس از آن توست حمد و سپاس اى‏

مَنْ اقالَ عَثْرَتى‏، وَ نَفَّسَ كُرْبَتى‏، وَ اجابَ دَعْوَتى‏، وَ سَتَرَ عَوْرَتى‏،

كه لغزشم را ناديده گرفت و گرفتگى را از من دور كرد و دعايم را اجابت فرمود و عيبم را پوشاند و

وَغَفَرَ ذُنُوبى‏، وَ بَلَّغَنى‏ طَلِبَتى‏، وَ نَصَرَنى‏ عَلى‏ عَدُوّى‏، وَ انْ اعُدَّ نِعَمَكَ‏

گناهانم را آمرزيد و به خواسته‏ام رسانيد و بر دشمنم يارى داد و اگر بخواهم نعمتها و

وَمِنَنَكَ وَكَرائِمَ مِنَحِكَ لا احْصيها، يا مَوْلاىَ انْتَ الَّذى‏ مَنَنْتَ، انْتَ الَّذى‏

عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم اى مولاى من اين تويى كه منّت نهادى و اين تويى كه‏

انْعَمْتَ، انْتَ الَّذى‏ احْسَنْتَ، انْتَ الَّذى‏ اجْمَلْتَ، انْتَ الَّذى‏ افْضَلْتَ، انْتَ‏

نعمت دادى اين تويى كه احسان فرمودى اين تويى كه نيكى كردى اين تويى كه فزونى بخشيدى اين تويى‏

الَّذى‏ اكْمَلْتَ، انْتَ الَّذى‏ رَزَقْتَ، انْتَ الَّذى‏ وَفَّقْتَ، انْتَ الَّذى‏ اعْطَيْتَ،

كه كامل كردى اين تويى كه روزى دادى اين تويى كه توفيق دادى اين تويى كه عطا كردى‏

انْتَ الَّذى‏ اغْنَيْتَ، انْتَ الَّذى‏ اقْنَيْتَ، انْتَ الَّذى‏ اوَيْتَ، انْتَ الَّذى‏ كَفَيْتَ،

اين تويى كه بى‏نياز كردى اين تويى كه ثروت بخشيدى اين تويى كه مأوى دادى اين تويى كه كفايت كردى‏

انْتَ الَّذى‏ هَدَيْتَ، انْتَ الَّذى‏ عَصَمْتَ، انْتَ الَّذى‏ سَتَرْتَ، انْتَ الَّذى‏

اين تويى كه هدايت كردى اين تويى كه نگهداشتى اين تويى كه پوشاندى اين تويى كه‏

غَفَرْتَ، انْتَ الَّذى‏ اقَلْتَ، انْتَ الَّذى‏ مَكَّنْتَ، انْتَ الَّذى‏ اعْزَزْتَ، انْتَ‏

آمرزيدى اين تويى كه ناديده گرفتى اين تويى كه قدرت و چيرگى دادى اين تويى كه عزت بخشيدى اين تويى‏

الَّذى‏ اعَنْتَ، انْتَ الَّذى‏ عَضَدْتَ، انْتَ الَّذى‏ ايَّدْتَ، انْتَ الَّذى‏ نَصَرْتَ،

كه كمك كردى اين تويى كه پشتيبانى كردى اين تويى كه‏تأييد كردى اين تويى كه يارى كردى‏

انْتَ الَّذى‏ شَفَيْتَ، انْتَ الَّذى‏ عافَيْتَ، انْتَ الَّذى‏ اكْرَمْتَ، تَبارَكْتَ‏

اين تويى كه شفا دادى اين تويى كه عافيت دادى اين تويى كه اكرام كردى بزرگى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 870

وَتَعالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دآئِماً، وَلَكَ الشُّكْرُ واصِباً ابَداً، ثُمَّ انَا يا الهى‏

برترى از توست و ستايش هميشه مخصوص تو است و سپاسگزارى دائمى و جاويد از آن تواست و اما من اى معبودم‏

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبى‏ فَاغْفِرْها لى‏، ا نَا الَّذى‏ اسَاْتُ، ا نَا الَّذى‏ اخْطَاْتُ، ا نَا

كسى هستم كه به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را بيامرز و اين منم كه بد كردم اين منم كه خطا كردم اين منم‏

الَّذى‏ هَمَمْتُ، ا نَا الَّذى‏ جَهِلْتُ، انَا الَّذى‏ غَفَلْتُ، انَا الَّذى‏ سَهَوْتُ، انَا

كه (به بدى) همت گماشتم اين منم كه نادانى كردم اين منم كه غفلت ورزيدم اين منم كه فراموش كردم اين منم‏

الَّذِى اعْتَمَدْتُ، انَا الَّذى‏ تَعَمَّدْتُ، ا نَا الَّذى‏ وَعَدْتُ، وَ ا نَاالَّذى‏ اخْلَفْتُ،

كه (به غير يا به خود) اعتماد كردم اين منم كه (به‏كاربد) تعمّد كردم اين منم كه وعده دادم و اين منم كه خلف وعده كردم‏

ا نَا الَّذى‏ نَكَثْتُ، ا نَا الَّذى‏ اقْرَرْتُ، ا نَا الَّذِى اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَىَ‏

اين منم كه پيمان‏شكنى كردم اين منم كه به بدى اقرار كردم اين منم كه به نعمت تو بر خود و در پيش خود اعتراف دارم‏

وَعِنْدى‏، وَابُوءُ بِذُنُوبى‏ فَاغْفِرْها لى‏، يا مَنْ لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبادِهِ، و هُوَ

و با گناهانم بسويت بازگشته‏ام پس آنها را بيامرز اى كه زيانش نرساند گناهان بندگان و

الْغَنيُّ عَنْ طاعَتِهِمْ، وَالْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ،

از اطاعت ايشان بى‏نيازى و تو آنى كه هركس از بندگان كردار شايسته‏اى انجام دهد به رحمت خويش توفيقش دهى‏

فَلَكَ الْحَمْدُ الهى‏ وَسَيِّدى‏، الهى‏ امَرْتَنى‏ فَعَصَيْتُكَ، وَ نَهَيْتَنى‏ فَارْتَكَبْتُ‏

پس تو راست ستايش اى معبود و آقاى من خدايا به من دستور دادى و من نافرمانى كردم و نهى فرمودى ولى من نهى تو را مرتكب شدم‏

نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لا ذا بَرآءَةٍ لى‏ فَاعْتَذِرُ، وَ لا ذا قُوَّةٍ فَانْتَصِرُ، فَبِأَىِّ شَىْ‏ءٍ

و اكنون به حالى افتاده‏ام كه نه وسيله تبرئه‏اى دارم كه پوزش خواهم و نه نيرويى دارم كه بدان يارى گيرم پس به چه وسيله‏

اسْتَقْبِلُكَ يا مَوْلاىَ، ابِسَمْعى‏ امْ بِبَصَرى‏ امْ بِلِسانى‏، امْ بِيَدى‏ امْ بِرِجْلى‏،

با تو روبه‏رو شوم اى مولاى من آيا به گوشم يا به‏چشمم يا به زبانم يا به دستم يا به پايم‏

الَيْسَ كُلُّها نِعَمَكَ عِندى‏، وَ بِكُلِّها عَصَيْتُكَ يا مَوْلاىَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ

آيا همه اينها نعمتهاى تو نيست كه در پيش من بود و با همه آنها تو را معصيت كردم اى مولاى من پس تو حجت‏

وَالسَّبيلُ عَلَىَّ، يا مَنْ سَتَرَنى‏ مِنَ الْأباءِ وَ الْامَّهاتِ انْ يَزْجُرُونى‏، وَ مِنَ‏

و راه مؤاخذه بر من دارى اى كه مرا پوشاندى از پدران و مادران كه مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشائِرِ وَالْإِخْوانِ انْ يُعَيِّرُونى‏، وَمِنَ السَّلاطينِ انْ يُعاقِبُونى‏، وَ لَوِ

فاميل و برادران كه مرا سرزنش كنند و از سلاطين و حكومتها كه مرا شكنجه كنند و اگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 871

اطَّلَعُوا يا مَوْلاىَ عَلى‏ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّى‏ اذاً ما انْظَرُونى‏، وَ لَرَفَضُونى‏

آنها مطلع بودند اى مولاى من بر آنچه تو بر آن مطلعى از كار من در آن هنگام مهلتم نمى‏دادند و از خود دورم مى‏كردند

وَ قَطَعُونى‏، فَها انَا ذا يا الهى‏ بَيْنَ يَدَيْكَ، يا سَيِّدى‏ خاضِعٌ ذَليلٌ حَصيرٌ

و از من مى‏بريدند و اينك خدايا اين منم كه در پيشگاهت ايستاده اى آقاى من با حال خضوع و خوارى و درماندگى و كوچكى‏

حَقيرٌ، لا ذُو بَرآئَةٍ فَاعْتَذِرُ، وَ لا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرُ، وَلا ذُو حُجَّةٍ فَاحْتَجُ‏

نه وسيله تبرئه‏جويى دارم كه پوزش طلبم و نه نيرويى كه يارى جويم‏و نه حجت و برهانى كه بدان چنگ زنم‏

بِها، وَلا قائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ وَ لَمْ اعْمَلْ سُوءاً، وَ ما عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ

و نه مى‏توانم بگويم كه گناه نكرده‏ام و كجا مى‏تواند انكار- فرضاً كه‏

جَحَدْتُ يا مَوْلاىَ يَنْفَعُنى‏، كَيْفَ وَ انّى‏ ذلِكَ، وَ جَوارِحى‏ كُلُّها شاهِدَةٌ

انكار كنم اى مولاى من- سودم بخشد! چگونه؟ و كجا؟ با اين‏كه تمام اعضاى من گواهند

عَلَىَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ‏[[1194]](#footnote-1194) يَقيناً غَيْرَ ذى‏ شَكٍّ انَّكَ سآئِلى‏ مِنْ عَظايِمِ‏

بر من به آنچه انجام داده و به يقين مى‏دانم و هيچ گونه شك و ترديدى ندارم كه تو از كارهاى بزرگ‏

الْامُورِ، وَ انَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذى‏ لا تَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكى‏، وَ مِنْ كُلِ‏

از من پرسش خواهى كرد و تويى آن داور عادلى كه ستم نكند و همان عدالتت مرا هلاك كند و از تمام‏

عَدْلِكَ مَهْرَبى‏، فَانْ تُعَذِّبْنى‏ يا الهى‏ فَبِذُنُوبى‏ بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَىَّ، وَ انْ‏

عدالت تو مى‏گريزم اگر عذابم كنى خدايابواسطه گناهان من است پس از آن‏كه حجت بر من دارى و اگر

تَعْفُ عَنّى‏ فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ‏

از من درگذرى پس به بردبارى و بخشندگى و بزرگوارى توست معبودى جز تو نيست منزهى تو و من‏

مِنَ الظَّالِمينَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ، لا الهَ‏

از ستمكارانم معبودى جز تونيست منزهى تو و من از آمرزش خواهانم معبودى‏

الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدينَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏

جز تو نيست منزهى تو و من از يگانه‏پرستانم معبودى نيست جز تو منزهى تو و

كُنْتُ مِنَ الْخآئِفينَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الْوَجِلينَ، لا الهَ‏

من از ترسناكانم معبودى جز تو نيست منزهى تو و من از هراسناكانم معبودى جز

كليات مفاتيح نوين، ص: 872

الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الرَّاجينَ، لاالهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏

تو نيست منزهى تو و من از اميدوارانم معبودى نيست جز تو منزهى تو و من‏

كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبينَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلينَ، لا الهَ‏

از مشتاقانم معبودى جز تو نيست منزهى تو و من از تهليل (لااله الااللَّه) گويانم معبودى‏

الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ السآئِلينَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏

جز تو نيست منزهى تو و من از خواهندگانم معبودى جز تو نيست منزهى تو و من از

كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحينَ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرينَ،

تسبيح گويانم معبودى جز تو نيست منزهى تو و من از تكبير (الله اكبر) گويانم‏

لاالهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ رَبّى‏ وَرَبُّ ابآئِىَ الْأَوَّلينَ.

معبودى نيست جز تو منزّهى تو پروردگار من و پروردگار پدران پيشين من.

\*\*\*

اللَّهُمَّ هذا ثَنائى‏ عَلَيْكَ مُمَجِّداً، وَاخْلاصى‏ لِذِكْرِكَ مُوَحِّداً، وَاقْرارى‏

خدايا اين است ستايش من بر تو در مقام تمجيدت و اين است اخلاص من بذكر در مقام يكتاپرستيت و اقرار من‏

بالائِكَ مُعَدِّداً، وَانْ كُنْتُ مُقِرّاً انّى‏ لَمْ احْصِها لِكَثْرَتِها وَسُبُوغِها

به نعمتهايت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم كه آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسيارى آنها و فراوانى‏

وَتَظاهُرِها، وَتَقادُمِها الى‏ حادِثٍ، ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنى‏ بِهِ مَعَها مُنْذُ

و آشكارى آنها و پيشى جُستن آنها از زمان پيدايش من كه همواره در آن عهد مرا بوسيله آن نعمتها يادآورى مى‏كردى از آن ساعت كه مرا آفريدى‏

خَلَقْتَنى‏، وَبَرَاْتَنى‏ مِنْ اوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْإِغْنآءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشْفِ الضُّرِّ،

از همان ابتداى عمر كه از ندارى و فقر مرا به توانگرى درآوردى و گرفتاريم برطرف كردى‏

وَتَسْبيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفريجِ الْكَرْبِ، وَالْعافِيَةِ فِى الْبَدَنِ،

و اسباب آسايش مرا فراهم ساختى و سختى را دفع نموده و اندوه را زدودى و تنم را تندرست‏

وَالسَّلامَةِ فِى الدّينِ، وَلَوْ رَفَدَنى‏ عَلى‏ قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَميعُ الْعالَمينَ و

دينم را بسلامت داشتى و اگر ياريم دهند به اندازه‏اى كه نعمتت را ذكر كنم تمام جهانيان‏

مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، ما قَدَرْتُ وَلاهُمْ عَلى‏ ذلِكَ، تَقَدَّسْتَ وَتَعالَيْتَ‏

از اوّلين و آخرين نه من قدرت ذكرش را دارم نه آنها منزهى تو و برترى‏

مِنْ رَبٍّ كَريمٍ عَظيمٍ رَحيمٍ، لا تُحْصى‏ الآؤُكَ، وَلا يُبْلَغُ ثَنآؤُكَ، وَلا

از اين‏كه پروردگارى هستى كريم و بزرگ و مهربان كه مهرورزى‏هايت به شماره درنيايد و ستايشت به آخر نرسد

كليات مفاتيح نوين، ص: 873

تُكافى‏ نَعْمآؤُكَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاتْمِمْ عَلَيْنا نِعَمَكَ،

و نعمتهايت را تلافى نتوان كرد درود فرست بر محمّد و آل محمّد و كامل گردان بر ما نعمتهايت را

وَاسْعِدْنا بِطاعَتِكَ، سُبْحانَكَ لا الهَ الَّا انْتَ، اللَّهُمَّ انَّكَ تُجيبُ الْمُضْطَرَّ،

و بوسيله اطاعت خويش سعادتمندمان گردان منزهى تو معبودى جز تو نيست خدايا تويى كه اجابت كنى دعاى درمانده را

وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُغيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِى السَّقيمَ، وَتُغْنِى الْفَقيرَ،

و برطرف كنى بدى را و فريادرسى كنى از گرفتار و شفا دهى به بيمار و بى‏نياز كنى فقير را

وَتَجْبُرُ الْكَسيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغيرَ، وَتُعينُ الْكَبيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهيرٌ، وَلا

و مرمت كنى شكستگى را و رحم كنى به كودك خردسال و يارى دهى به پير كهنسال‏و جز تو پشتيبانى نيست و نه‏

فَوْقَكَ قَديرٌ، وَانْتَ الْعَلِىُّ الْكَبيرُ، يا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسيرِ، يا رازِقَ‏

فوق (توانايى) تو توانايى و تويى والاى بزرگ اى رهاكننده اسير در كُند و زنجير اى روزى دهنده‏

الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا عِصْمَةَ الْخآئِفِ الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ لا شَريكَ لَهُ وَلا

كودك خردسال اى پناه شخص ترسانى كه پناه جويد اى كه شريك و

وَزيرَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْطِنى‏ فى‏ هذِهِ الْعَشِيَّةِ، افْضَلَ ما

وزيرى براى او نيست درود فرست بر محمّد و آل‏محمّد و عطا كن به من در اين شام بهترين چيزى را

اعْطَيْتَ وَانَلْتَ احَداً مِنْ عِبادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُوليها، وَ الاءٍ تُجَدِّدُها، وَبَلِيَّةٍ

كه عطا كردى و دادى به يكى از بندگانت چه آن نعمتى باشد كه مى‏بخشى و يا احسانهايى كه تازه كنى و بلاهايى كه‏

تَصْرِفُها، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُها، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُها، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها، وَسَيِّئَةٍ

مى‏گردانى و غم و اندوهى كه برطرف كنى و دعايى كه اجابت كنى و كار نيكى كه بپذيرى و گناهانى كه‏

تَتَغَمَّدُها، انَّكَ لَطيفٌ بِما تَشآءُ خَبيرٌ، وَعَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ انَّكَ‏

بپوشانى كه براستى تو بهر چه خواهى دقيق و آگاهى و بر هرچيز توانايى خدايا تو

اقْرَبُ مَنْ دُعِىَ، وَاسْرَعُ مَنْ اجابَ، وَاكْرَمُ مَنْ عَفى‏، وَاوْسَعُ مَنْ اعْطى‏،

نزديكترين كسى هستى كه خوانندت و از هر كس زودتر اجابت كنى و در گذشت از هر كس بزرگوارترى و در عطابخشى عطايت از همه وسيعتر

وَاسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يا رَحمنَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ وَرحيمَهُما، لَيْسَ كَمِثْلِكَ‏

و در اجابت درخواست از همه شنواترى اى بخشاينده دنيا و آخرت و مهربان آن دو براستى كسى كه مانند تو

مَسْئُولٌ، وَلا سِواكَ مَاْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاجَبْتَنى‏، وَ سَئَلْتُكَ فَاعْطَيْتَنى‏،

از او درخواست شود نيست و جز تو آرزو شده‏اى نيست خواندمت و تو اجابت كردى و درخواست كردم و تو عطا كردى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 874

وَرَغِبْتُ الَيْكَ فَرَحِمْتَنى‏، وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنى‏، وَفَزِعْتُ الَيْكَ فَكَفَيْتَنى‏،

به درگاه تو ميل كردم و تو مرا مورد مهر خويش قرار دادى و به تو اعتماد كردم و تو نجاتم دادى و به درگاه تو ناليدم و تو كفايتم كردى‏

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلى‏ آلِهِ الطَّيِّبينَ‏

خدايا درود فرست بر محمّد بنده و رسول و پيامبرت و بر آل پاك‏

الطَّاهِرينَ اجْمَعينَ، وَتَمِّمْ لَنا نَعْمآئَكَ، وَ هَنِّئْنا عَطآئَكَ، وَ اكْتُبْنا لَكَ‏

و پاكيزه‏اش همگى و نعمتهاى خود را بر ما كامل گردان و عطايت را بر ما گوارا كن و نام ما را در زمره سپاسگزارانت بنويس‏

شاكِرينَ، وَ لِألآئِكَ ذاكِرينَ، امينَ امينَ رَبَّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ يا مَنْ مَلَكَ‏

و هم جزء يادكنندگان نعمتهايت آمين آمين اى پروردگار جهانيان خدايا اى كه مالك آمد

فَقَدَرَ، وَ قَدَرَ فَقَهَرَ، وَ عُصِىَ فَسَتَرَ، وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ، يا غايَةَ الطَّالِبينَ‏

و توانا، و تواناست و قاهر و نافرمانى شد ولى پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد اى كمال مطلوب جويندگان‏

الرَّاغِبينَ، وَ مُنْتَهى‏ امَلِ الرَّاجينَ، يا مَنْ احاطَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عِلْماً، وَوَسِعَ‏

مشتاق و منتهاى آرزوى اميدواران اى كه دانشش به هر چيز احاطه دارد

الْمُسْتَقيلينَ رَاْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْماً.

و رأفت و مهر و بردباريش توبه‏جويان را فرا گرفته.

\*\*\*

اللَّهُمَّ انَّا نَتَوَجَّهُ الَيْكَ فى‏ هذِهِ‏الْعَشِيَّةِ الَّتى‏ شَرَّفْتَها وَعَظَّمْتَها، بِمُحَمَّدٍ

خدايا ما رو به‏درگاه تو آوريم‏در اين شبى كه آن را شرافت و بزرگى دادى بوسيله محمّد

نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَامينِكَ عَلى‏ وَحْيِكَ، الْبَشيرِ

پيامبرت و فرستاده‏ات و برگزيده‏ات از آفريدگان و امين تو بر وحيت آن مژده دهنده‏

النَّذيرِ، السِّراجِ الْمُنيرِ، الَّذى‏ انْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً

و ترساننده و آن چراغ تابناك آن‏كه بوسيله‏اش بر مسلمانان نعمت بخشيدى و رحمت‏

لِلْعالَمينَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما مُحَمَّدٌ اهْلٌ لِذلِكَ‏

عالميان قرارش دادى خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد چنانچه محمّد نزد تو شايسته‏

مِنْكَ يا عَظيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلى‏ آلِهِ الْمُنْتَجَبينَ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ‏

آن است اى خداى بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزيده پاك و پاكيزه‏اش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 875

اجْمَعينَ، وَتَغَمَّدْنا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْواتُ بِصُنُوفِ اللُّغاتِ،

همگى و بپوشان ما را به گذشت خود زيرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هركس به زبانى ناله‏اش) بسوى تو بلند است‏

فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فى‏ هذِهِ الْعَشِيَّةِ، نَصيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبادِكَ،

پس اى خدا براى ما قرار ده در اين شام بهره‏اى از هر خيرى كه ميان بندگانت تقسيم فرمايى‏

وَنُورٍ تَهْدى‏ بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُها، وَبَرَكَةٍ تُنْزِلُها، وَعافِيَةٍ تُجَلِّلُها، وَرِزْقٍ‏

و نورى كه بدان هدايت فرمايى و رحمتى كه بگسترى آن را و بركتى كه نازلش كنى و عافيتى كه بپوشانى و روزى و رزقى كه‏

تَبْسُطُهُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللَّهُمَّ اقْلِبْنا فى‏ هذَا الْوَقْتِ مُنْجِحينَ‏

پهن كنى اى مهربانترين مهربانان خدايا برگردان ما را در اين‏هنگام پيروزمند و

مُفْلِحينَ، مَبْرُورينَ غانِمينَ، وَلاتَجْعَلْنا مِنَ الْقانِطينَ، وَلا تُخْلِنا مِنْ‏

رستگار و پذيرفته و بهره‏مند و از نااميدان قرارمان مده و از رحمتت دست خاليمان‏

رَحْمَتِكَ، وَلا تَحْرِمْنا ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلا تَجْعَلْنا مِنْ رَحْمَتِكَ‏

مفرما و محروممان مكن از آنچه از فضل تو آرزومنديم و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده‏

مَحْرُومينَ، وَلا لِفَضْلِ ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطآئِكَ قانِطينَ، وَلا تَرُدَّنا خائِبينَ،

و نه نااميدمان كن از آن زيادى عطايت كه آرزومنديم و ناكام بازِمان مگردان و

وَلا مِنْ بابِكَ مَطْرُودينَ، يا اجْوَدَ الْأَجْوَدينَ، وَاكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، الَيْكَ‏

از درگاهت مطرود و رانده‏مان مكن اى بخشنده‏ترين بخشندگان و كريمترين كريمان ما با

اقْبَلْنا مُوقِنينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرامِ امّينَ قاصِدينَ، فَاعِنَّا عَلى‏ مَناسِكِنا،

يقين به درگاه تو روآورديم و به آهنگ (زيارت) خانه محترم تو (كعبه بدين‏جا) آمديم پس كمك ده ما را بر انجام مناسك حج‏

وَاكْمِلْ لَنا حَجَّنا، وَاعْفُ عَنَّا[[1195]](#footnote-1195) وَعافِنا، فَقَدْ مَدَدْنا الَيْكَ ايْدِيَنا، فَهِىَ بِذِلَّةِ

و حجمان را كامل گردان و از ما درگذر و تندرستمان دار زيرا كه مابسوى تو دو دست (نياز) دراز كرده‏ايم و آن‏دستها چنان است كه به خوارى‏

الْإِعْتِرافِ مَوْسُومَةٌ، اللَّهُمَّ فَاعْطِنا فى‏ هذِهِ الْعَشِيَّةِ ما سَئَلْناكَ، وَاكْفِنا مَا

اعتراف به گناه نشاندار شده خدايا در اين شام به ما عطا كن آنچه را از تو خواسته‏ايم و كفايت كن از ما آنچه را از تو كفايت آن را خواستيم زيرا

اسْتَكْفَيْناكَ، فَلا كافِىَ لَنا سِواكَ، وَلا رَبَّ لَنا غَيْرُكَ، نافِذٌ فينا حُكْمُكَ،

كفايت‏كننده‏اى جز تو نداريم و پروردگارى غير از تو براى ما نيست تويى كه فرمانت درباره ما نافذ و دانشت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 876

مُحيطٌ بِنا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فينا قَضآؤُكَ، اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنا مِنْ اهْلِ‏

به ما احاطه دارد و حكمى كه درباره ما فرمايى ازروى عدالت است خدايا خير و نيكى براى ما مقرر كن و از اهل‏

الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ اوْجِبْ لَنا بِجُودِكَ عَظيمَ الْأَجْرِ، وَكَريمَ الذُّخْرِ، وَدَوامَ‏

خير قرارمان ده خدايا واجب گردان براى ما از آن جودى كه دارى پاداشى بزرگ و ذخيره‏اى گرامى و آسايشى‏

الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا اجْمَعينَ، وَلا تُهْلِكْنا مَعَ‏الْهالِكينَ، وَلا تَصْرِفْ‏

هميشگى و بيامرز گناهان ما را همگى و در زمره هلاك شدگان بدست هلاكتمان مسپار و

عَنَّا رَاْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنا فى‏ هذَا الْوَقْتِ‏

مهر و رأفتت را از ما باز مگردان اى مهربانترين مهربانان خدايا قرارمان ده در اين وقت‏

مِمَّنْ سَئَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتابَ الَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ الَيْكَ‏

از كسانى‏كه از تو درخواست كرده و عطا فرموده‏اى و شكر تو را بجا آورده و نعمتت را بر آنها افزون كرده و بسويت بازگشته و پذيرفته‏اى‏

مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّها فَغَفَرْتَها لَهُ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، اللَّهُمَّ وَ نَقِّنا[[1196]](#footnote-1196) وَ سَدِّدْنا،

و از گناهان بسوى تو بيرون آمده و تو همه را آمرزيده‏اى، اى صاحب جلالت و بزرگوارى خدايا ما را پاكيزه و (در دين) محكممان گردان‏

وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنا، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، يا مَنْ لا

و تضرع و زاريمان بپذير اى بهترين كسى‏كه ازاو درخواست شود و اى مهربانترين كسى‏كه از او مِهر خواهند اى كه‏

يَخْفى‏ عَلَيْهِ اغْماضُ الْجُفُونِ، وَلا لَحْظُالْعُيُونِ، وَلا مَا اسْتَقَرَّ فِى‏

بر او پوشيده نيست بهم نهادن پلكهاى چشم و نه بر هم خوردن ديدگان و نه آنچه در مكنون ضمير مستقر گرديده‏

الْمَكْنُونِ، وَلا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَراتُ الْقُلُوبِ، الا كُلُّ ذلِكَ قَدْ احْصاهُ‏

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آرى تمام آنها رادانش تو شماره كرده‏

عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحانَكَ وَتَعالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً

و بردباريت همه را در برگرفته است منزهى تو و برترى از آنچه ستمكاران گويند

كَبيراً، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمواتُ السَّبْعُ وَالْأَرَضُونَ وَمَنْ فيهِنَّ، وَانْ مِنْ شَىْ‏ءٍ

برترى بسيارى، تنزيه كنند تو را آسمانهاى هفتگانه و زمينها و هركه در آنهاست و چيزى نيست‏

الَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ‏الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يا ذَاالْجَلالِ‏

جز آن‏كه به ستايش تو تسبيح كند پس تو راست ستايش و بزرگوارى و بلندى رتبه، اى صاحب جلالت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 877

وَالْإِكْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعامِ، وَالْأَيادِى الْجِسامِ، وَانْتَ الْجَوادُ

و بزرگوارى و فضل و نعمت‏بخشى و موهبتهاى بزرگ و تويى بخشنده‏

الْكَريمُ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ، اللَّهُمَّ اوْسِعْ عَلَىَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ، وَعافِنى‏

بزرگوار رؤوف و مهربان خدايا فراخ گردان بر من از روزى حلال خود و عافيتم بخش‏

فى‏ بَدَنى‏ وَ دينى‏، وَ امِنْ خَوْفى‏، وَ اعْتِقْ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لا تَمْكُرْ

در تن و هم در دينم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم كن خدايا مرا به مكر خود

بى‏، وَلا تَسْتَدْرِجْنى‏، وَلا تَخْدَعْنى‏، وَ ادْرَءْ عَنّى‏ شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِ‏

دچار مساز و در غفلت تدريجى بسوى نابودى مبر و فريبم مده و شرّ تبهكاران جن و

وَالْإِنْسِ\* آنگاه سر خود را به سوى آسمان بلند كرد و در حالى كه از ديده‏هاى مباركش اشك فراوان‏ انس را از من دور كن\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سرازيربود، با صداى بلند گفت: يا اسْمَعَ السَّامِعينَ، يا ابْصَرَ النَّاظِرينَ، وَيا اسْرَعَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى شنواترين شنوندگان اى بيناترين بينايان و اى سريعترين‏

الْحاسِبينَ، وَيا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ

حساب‏رسان و اى مهربانترين مهربانان درود فرست بر محمّد و آل محمّد آن آقايان‏

الْمَيامينِ، وَاسْئَلُكَ اللَّهُمَّ حاجَتِىَ الَّتى‏ انْ اعْطَيْتَنيها لَمْ يَضُرَّنى‏ ما

فرخنده و از تو اى خدا درخواست كنم حاجتم را كه اگر آن را به من عطا كنى ديگر هر چه را از من‏

مَنَعْتَنى‏، وَانْ مَنَعْتَنيها لَمْ يَنْفَعْنى‏ ما اعْطَيْتَنى‏، اسْئَلُكَ فَكاكَ رَقَبَتى‏ مِنَ‏

دريغ كنى زيانم نزند و اگر آنرا از من دريغ دارى ديگر سودم ندهد هر چه به من عطا كنى و آن اين است كه از تو خواهم مرا از

النَّارِ، لاالهَ الَّا انْتَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَ انْتَ‏

آتش دوزخ آزاد گردانى معبودى جز تو نيست يگانه‏اى كه‏شريك ندارى از توست فرمانروايى و از توست ستايش و تويى كه‏

عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، يا رَبِّ يا رَبِّ.

بر هر چيز توانايى اى پروردگار اى پروردگار.

جمله يا ربّ را به طور مكرّر مى‏گفت و كسانى كه اطراف آن حضرت بودند، به دعاى ايشان گوش مى‏دادند و تنها آمين مى‏گفتند و همراه آن حضرت صداهايشان به گريه بلند بود؛ تا آنگاه كه آفتاب غروب كرد و همگى به سوى «مشعرالحرام» حركت كردند.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 878

مرحوم «سيّد بن طاووس» در «اقبال»، پس از جمله «يا ربّ، يا ربّ، يا ربّ»، فراز ديگرى را نيز آورده است كه چنين است:[[1197]](#footnote-1197) الهى‏ انَا الْفَقيرُ فى‏ غِناىَ، فَكَيْفَ لا اكُونُ فَقيراً فى‏ فَقْرى‏، الهى‏ انَا

خدا من چنانم كه در حال توانگرى هم فقيرم پس چگونه فقير نباشم‏در حال تهيدستيم خدايا من‏

الْجاهِلُ فى‏ عِلْمى‏، فَكَيْفَ لا اكُونُ جَهُولًا فى‏ جَهْلى‏، الهى‏ انَّ اخْتِلافَ‏

نادانم در عين دانشمندى پس چگونه نادان نباشم در عين نادانى خدايا براستى اختلاف‏

تَدْبيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوآءِ مَقاديرِكَ، مَنَعا عِبادَكَ الْعارِفينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ‏

تدبير تو و سرعت تحول و پيچيدن در تقديرات تو جلوگيرى كنند از بندگان عارف تو كه به‏

الى‏ عَطآءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فى‏ بَلآءٍ، الهى‏ مِنّى‏ ما يَليقُ بِلُؤْمى‏، وَمِنْكَ ما

عطايت دل آرام و مطمئن باشند و در بلاى تو مأيوس و نااميد شوند خدايا از من همان سرزند كه شايسته پستى من است و از تو انتظار رود آنچه‏

يَليقُ بِكَرَمِكَ، الهى‏ وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لى‏ قَبْلَ وُجُودِ

شايسته بزرگوارى توست خدايا توخود را به لطف و مهر به من توصيف فرمودى پيش از آن‏كه‏

ضَعْفى‏، افَتَمْنَعُنى‏ مِنْهُما بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفى‏، الهى‏ انْ ظَهَرَتِ الْمَحاسِنُ‏

ناتوان باشم آيا پس از ناتوانيم لطف و مهرت را از من دريغ مى‏دارى خدايا اگر كارهاى نيك‏

مِنّى‏ فَبِفَضْلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَىَّ، وَانْ ظَهَرَتِ الْمَساوى‏ مِنّى‏ فَبِعَدْلِكَ،

از من سرزند به فضل تو بستگى دارد و تو را منّتى است بر من و اگر كارهاى بد از من روى دهد آن هم بستگى به عدل تو دارد

وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَىَّ، الهى‏ كَيْفَ تَكِلُنى‏ وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لى‏، وَكَيْفَ اضامُ وَانْتَ‏

و تو را بر من حجت است خدايا چگونه مرا وا مى‏گذارى در صورتى‏كه كفايتم كردى و چگونه مورد ستم واقع گردم با اين‏كه تو

النَّاصِرُ لى‏، امْ كَيْفَ اخيبُ وَانْتَ الْحَفِىُّ بى‏، ها انَا اتَوَسَّلُ الَيْكَ بِفَقْرى‏

ياور منى يا چگونه نااميد گردم در صورتى‏كه تو نسبت به من مهربانى هم اكنون به درگاه تو توسل جويم بوسيله آن نيازى كه به درگاهت دارم‏

الَيْكَ، وَكَيْفَ اتَوَسَّلُ الَيْكَ بِما هُوَ مَحالٌ انْ يَصِلَ الَيْكَ، امْ كَيْفَ اشْكُو

و چگونه توسل جويم بوسيله فقرى كه محال است پيرامون تو راه يابد يا چگونه از حال خويش به درگاهت شكوه كنم‏

الَيْكَ حالى‏ وَهُوَ لا يَخْفى‏ عَلَيْكَ، امْ كَيْفَ اتَرْجِمُ بِمَقالى‏ وَهُوَ مِنَكَ بَرَزٌ

با اين‏كه حال من بر تو پنهان نيست يا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود كنم در صورتى‏كه آنهم از پيش تو بُرُوز كرده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 879

الَيْكَ، امْ كَيْفَ تُخَيِّبُ امالى‏ وَهِىَ قَدْ وَفَدَتْ الَيْكَ، امْ كَيْفَ لا تُحْسِنُ‏

به نزد خودت يا چگونه آرزوهايم به نوميدى گرايد با اين‏كه به آستان تو وارد شده يا چگونه احوالم را نيكو نكنى‏

احْوالى‏ وَبِكَ قامَتْ، الهى‏ ما الْطَفَكَ بى‏ مَعَ عَظيمِ جَهْلى‏، وَما ارْحَمَكَ بى‏

با اين‏كه احوال من به تو قائم است خدايا چه اندازه به من لطف دارى با اين نادانى عظيم من و چقدر به من مهر دارى با

مَعَ قَبيحِ فِعْلى‏، الهى‏ ما اقْرَبَكَ مِنّى‏ وَابْعَدَنى‏ عَنْكَ، وَما ارْافَكَ بى‏، فَمَا

اين كردار زشت من خدايا چقدر تو به من نزديكى و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اين همه كه تو نسبت به من مهربانى پس آن چيست‏

الَّذى‏ يَحْجُبُنى‏ عَنْكَ، الهى‏ عَلِمْتُ بِاخْتِلافِ الْآثارِ وَتَنقُّلاتِ الْأَطْوارِ،

كه مرا از تو محجوب دارد خدايا آن‏طورى كه من از روى اختلاف آثار و تغيير و تحول اطوار بدست آورده‏ام‏

انَّ مُرادَكَ مِنّى‏ انْ تَتَعَرَّفَ الَىَّ فى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، حَتّى‏ لا اجْهَلَكَ فى‏ شَىْ‏ءٍ،

مقصود تو از من آن است كه خود را در هرچيزى (جداگانه) به من بشناسانى تا من در هيچ چيزى نسبت به تو جاهل نباشم‏

الهى‏ كُلَّما اخْرَسَنى‏ لُؤْمى‏ انْطَقَنى‏ كَرَمُكَ، وَكُلَّما ايَسَتْنى‏ اوْصافى‏

خدايا هر اندازه پستى من زبانم را لال مى‏كند كرم تو آن را گويا مى‏كند و هراندازه اوصاف من مرا مأيوس مى‏كند

اطْمَعَتْنى‏ مِنَنُكَ، الهى‏ مَنْ كانَتْ مَحاسِنُهُ مَساوِىَ، فَكَيْفَ لا تَكُونُ‏

نعمتهاى تو به طمعم اندازد خدايا آن كس كه كارهاى خوبش كار بد باشد پس چگونه كار

مَساويهِ مَساوِىَ، وَمَنْ كانَتْ حَقايِقُهُ دَعاوِىَ، فَكَيْفَ لاتَكُونُ دَعاويهِ‏

بدش بد نباشد و آن كس كه حقيقت‏گويى‏هايش ادعايى بيش نباشد پس چگونه ادعاهايش‏

دَعاوِىَ، الهى‏ حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكا لِذى‏ مَقالٍ‏

ادعا نباشد خدايا فرمان نافذت و مشيت قاهرت براى هيچ گوينده‏اى فرصت گفتار

مَقالًا، وَلا لِذى‏ حالٍ حالًا، الهى‏ كَمْ مِنْ طاعَةٍ بَنَيْتُها، وَحالَةٍ شَيَّدْتُها،

نگذارد و براى هيچ صاحب حالى حال به جاى ننهد خدايا چه بسيار طاعتى كه پايه‏گذارى كردم و چه بسيار حالتى كه بنيادش كردم‏

هَدَمَ اعْتِمادى‏ عَلَيْها عَدْلُكَ، بَلْ اقالَنى‏ مِنْها فَضْلُكَ، الهى‏ انَّكَ تَعْلَمُ انّى‏

ولى (ياد) عدل تو اعتمادى را كه بر آنها داشتم يكسره فرو ريخت بلكه فضل تو نيز اعتمادم را بهم زد خدايا تو مى‏دانى‏

وَانْ لَمْ تَدُمِ الطَّاعَةُ مِنّى‏ فِعْلًا جَزْماً، فَقَدْ دامَتْ مَحَبَّةً وَعَزْماً، الهى‏ كَيْفَ‏

كه اگر چه طاعت تو در من بصورت كارى مثبت ادامه ندارد ولى دوستى و تصميم بر انجام آن در من ادامه دارد خدايا چگونه‏

اعْزِمُ وَانْتَ الْقاهِرُ، وَكَيْفَ لا اعْزِمُ وَانْتَ الْأمِرُ، الهى‏ تَرَدُّدى‏فِى الْأثارِ

تصميم گيرم در صورتى كه تحت قهر توام و چگونه تصميم نگيرم با اين‏كه تو دستورم دهى خدايا تفكر (يا گردش) من در آثار تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 880

يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزارِ، فَاجْمَعْنى‏ عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنى‏ الَيْكَ، كَيْفَ‏

راه مرا به ديدارت دور سازد پس كردار مرا با خودت بوسيله خدمتى كه مرا به تو برساند چگونه‏

يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِما هُوَ فى‏ وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ الَيْكَ، ايَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ

استدلال شود بر وجود تو به چيزى كه خود آن موجود در هستيش نيازمند به توست و آيا اساساً براى ما سواى تو ظهورى‏

ما لَيْسَ لَكَ، حَتّى‏ يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتى‏ غِبْتَ حَتّى‏ تَحْتاجَ الى‏

هست كه در تو نباشد تا آن وسيله ظهور تو گردد تو كِى پنهان شده‏اى تا محتاج بدليلى باشيم‏

دَليلٍ يَدُلُّ عَليْكَ، وَمَتى‏ بَعُدْتَ حَتّى‏ تَكُونَ الْأثارُ هِىَ الَّتى‏ تُوصِلُ‏

كه به تو راهنمايى كند و چه وقت دور مانده‏اى تاآثار تو ما را به تو واصل گرداند

الَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لاتَراكَ عَلَيْها رَقيباً، وَخَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ‏

كور باد آن چشمى كه تو را نبيند كه مراقب او هستى و زيان كار باد سوداى آن بنده كه از

مِنْ حُبِّكَ نَصيباً، الهى‏ امَرْتَ بِالرُّجُوعِ الَى الْأثارِ، فَارْجِعْنى‏ الَيْكَ‏

محبّت خويش به او بهره‏اى ندادى خدايا فرمان دادى كه به آثار تو رجوع كنم پس بازم گردان بسوى خود (پس از مراجعه به آثار)

بِكِسْوَةِ الْأَنْوارِ، وَهِدايَةِ الْإِسْتِبصارِ، حَتّى‏ ارْجِعَ الَيْكَ مِنْها، كَما دَخَلْتُ‏

به پوششى از انوار و راهنمايى و از بينش‏جويى تا بازگردم بسويت پس از ديدن آثار هم چنانكه آمدم‏

الَيْكَ مِنْها مَصُونَ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ الَيْها، وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمادِ

بسويت از آنها كه نهادم از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم‏

عَلَيْها، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىٍ قَديرٌ، الهى‏ هذا ذُلّى‏ ظاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهذا

كه براستى تو بر هر چيز توانايى خدايا اين خوارى من است كه پيش رويت عيان و آشكار است و اين‏

حالى‏ لا يَخْفى‏ عَلَيْكَ، مِنْكَ اطْلُبُ الْوُصُولَ الَيْكَ، وَبِكَ اسْتَدِلُّ عَلَيْكَ،

حال (تباه) من است كه بر تو پوشيده نيست از تو خواهم كه مرا به خود برسانى و بوسيله ذات تو بر تو دليل مى‏جويم‏

فَاهْدِنى‏ بِنُورِكَ الَيْكَ، وَاقِمْنى‏ بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، الهى‏ عَلِّمْنى‏

پس به نور خود مرا بر ذاتت راهنمايى فرما و به يادآر مرا با بندگى صادقانه در پيش رويت خدايا بياموز به‏

مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنّى‏ بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، الهى‏ حَقِّقْنى‏ بِحَقائِقِ‏

من از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدايا مرا به حقائق‏

اهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْلُكْ بى‏ مَسْلَكَ اهْلِ الْجَذْبِ، الهى‏ اغْنِنى‏ بِتَدْبيرِكَ لى‏

نزديكان درگاهت بياراى و به راه اهل جذبه و شوقت ببر خدايا بى‏نياز كن مرا به تدبير خودت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 881

عَنْ تَدْبيرى‏، وَبِاخْتِيارِكَ‏[[1198]](#footnote-1198) عَنِ اخْتِيارى‏، وَاوْقِفْنى‏ عَلى‏ مَراكِزِ

درباره‏ام از تدبير خودم و به اختيار خودت از اختيار خودم و بر جاهاى بيچارگى و درماندگيم مرا واقف گردان‏

اضْطِرارى‏، الهى‏ اخْرِجْنى‏ مِنْ ذُلِّ نَفْسى‏، وَطَهِّرْنى‏ مِنْ شَكّى‏

خدايا مرا از خوارى نفسم نجات ده و پاكم كن از شك‏

وَشِرْكى‏ قَبْلَ حُلُولِ رَمْسى‏، بِكَ انْتَصِرُ فَانْصُرْنى‏، وَعَلَيْكَ اتَوَكَّلُ فَلا

و شرك خودم پيش از آن‏كه داخل گورم گردم به تو يارى جويم پس تو هم ياريم كن و بر تو توكل كنم پس‏

تَكِلْنى‏، وَايَّاكَ اسْئَلُ فَلا تُخَيِّبْنى‏، وَفى‏ فَضْلِكَ ارْغَبُ فَلا تَحْرِمْنى‏،

مرا وامگذار و از تو درخواست كنم پس نااميدم مگردان و در فضل تو رغبت كرده‏ام پس محرومم مفرما

وَبِجَنابِكَ انْتَسِبُ فَلا تُبْعِدْنى‏، وَبِبابِكَ اقِفُ فَلا تَطْرُدْنى‏، الهى‏ تَقَدَّسَ‏

و به حضرت تو خود را بسته‏ام پس دورم مكن و به درگاه تو ايستاده‏ام پس طردم مكن خدايا مبرّاست‏

رِضاكَ انْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنّى‏، الهى‏ انْتَ الْغَنِىُ‏

خشنودى تو از اين‏كه علت و سببى از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممكن است من سبب آن گردم خدايا تو به‏

بِذاتِكَ انْ يَصِلَ الَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لا تَكُونُ غَنِيّاً عَنّى‏، الهى‏

ذات خود بى‏نيازى از اين‏كه سودى از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بى‏نياز نباشى خدايا

انَّ الْقَضآءَ وَالْقَدَرَ يُمَنّينى‏، وَانَّ الْهَوى‏ بِوَثائِقِ الشَّهْوَةِ اسَرَنى‏، فَكُنْ انْتَ‏

براستى قضا و قدر مرا آرزومند مى‏كنند و از آن سو هواى نفس مرا به بندهاى شهوت اسير كرده پس تو

النَّصيرَ لى‏ حَتّى‏ تَنْصُرَنى‏ وَتُبَصِّرَنى‏، وَاغْنِنى‏ بِفَضْلِكَ حَتّى‏ اسْتَغْنِىَ بِكَ‏

ياور من باش تا پيروزم كنى و بينايم كنى و بوسيله فضل خويش بى‏نيازم گردانى تا بوسيله تو

عَنْ طَلَبى‏، انْتَ الَّذى‏ اشْرَقْتَ الْأَنْوارَ فى‏ قُلُوبِ اوْلِيآئِكَ، حَتّى‏ عَرَفُوكَ‏

از طلب كردن بى‏نياز شوم تويى كه تاباندى انوار (معرفت) را در دل اوليايت تا اين‏كه تو را شناختند

وَوَحَّدُوكَ، وَانْتَ الَّذى‏ ازَلْتَ الْأَغْيارَ عَنْ قُلُوبِ احِبَّائِكَ، حَتّى‏ لَمْ‏

و يگانه‏ات دانستند و تويى كه اغيار و بيگانگان را از دل دوستانت براندى تا اين‏كه كسى را جز

يُحِبُّوا سِواكَ، وَلَمْ يَلْجَئُوا الى‏ غَيْرِكَ، انْتَ الْمُوْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ اوْحَشَتْهُمُ‏

تو دوست نداشته و به غير تو پناهنده و ملتجى نشوند و تويى مونس ايشان در آن‏جا كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 882

الْعَوالِمُ، وَانْتَ الَّذى‏ هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبانَتْ لَهُمُ الْمَعالِمُ، ماذا وَجَدَ مَنْ‏

عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و تويى كه راهنماييشان كنى آنگاه كه نشانه‏ها برايشان آشكار گردد چه دارد آن‏كس كه تو را

فَقَدَكَ، وَمَا الَّذى‏ فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خابَ مَنْ رَضِىَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ

گم كرده؟ و چه ندارد آن‏كس كه تو را يافته است براستى محروم است آن‏كس كه بجاى تو بديگرى راضى شود و بطور حتم‏

خَسِرَ مَنْ بَغى‏ عَنْكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجى‏ سِواكَ وَانْتَ ما قَطَعْتَ‏

زيانكار است كسى كه از تو به ديگرى روى كند چسان مى‏شود بغير تو اميدوار بود در صورتى‏كه تو

الْإِحْسانَ، وَكَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَانْتَ ما بَدَّلْتَ عادَةَ الْإِمْتِنانِ، يا مَنْ‏

احسانت را قطع نكردى و چگونه از غير تو مى‏توان طلب كرد با اين‏كه تو تغيير نداده‏اى شيوه عطا بخشيت را اى خدايى كه‏

اذاقَ احِبّآئَهُ حَلاوَةَ الْمُؤانَسَةِ، فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقينَ، وَيا مَنْ الْبَسَ‏

به دوستانت شيرينى همدمى خود را چشاندى و آنها در برابرت به چاپلوسى برخاستند و اى خدايى كه پوشاندى‏

اوْلِيائَهُ مَلابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرينَ، انْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ‏

بر اولياى خودت خلعتهاى هيبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهى بپاخواستند تويى كه ياد كنى پيش از آن‏كه‏

الذَّاكِرينَ، وَانْتَ الْبادى‏ بِالْإِحْسانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعابِدينَ، وَانْتَ الْجَوادُ

ياد كنندگان يادت كنند و تويى آغازنده به احسان قبل از آن‏كه پرستش كنندگان بسويت توجه كنند و توئى بخشنده‏

بِالْعَطآءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبينَ، وَانْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِما وَهَبْتَ لَنا مِنَ‏

عطا پيش از آن‏كه خواهندگان از تو خواهند و توئى پربخشش و سپس همان را كه به ما بخشيده‏اى از ما

الْمُسْتَقْرِضينَ، الهى‏ اطْلُبْنى‏ بِرَحْمَتِكَ حَتّى‏ اصِلَ الَيْكَ، وَاجْذِبْنى‏ بِمَنِّكَ‏

به قرض مى‏خواهى خدايا مرا بوسيله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصالت نائل گردم و بوسيله نعمتت مرا جذب كن تا

حَتّى‏ اقْبِلَ عَلَيْكَ، الهى‏ انَّ رَجآئى‏ لا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَانْ عَصَيْتُكَ، كَما انَ‏

به تو رو كنم خدايا براستى اميد من از تو قطع نگردد و اگرچه‏نافرمانيت كنم چنانكه‏

خَوْفى‏ لا يُزايِلُنى‏ وَانْ اطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعَتْنِى الْعَوالِمُ الَيْكَ، وَقَدْ اوْقَعَنى‏

ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانيان مرا بسوى تو رانده‏اند و

عِلْمى‏ بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، الهى‏ كَيْفَ اخيبُ وَانْتَ امَلى‏، امْ كَيْفَ اهانُ‏

آن علمى كه به كرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدايا چگونه نوميد شوم و تو آرزوى منى و چگونه پست و خوار شوم‏

وَعَلَيْكَ مُتَّكَلى‏، الهى‏ كَيْفَ اسْتَعِزُّ وَفِى الذِّلَّةِ ارْكَزْتَنى‏، امْ كَيْفَ لا

با اين‏كه اعتمادم بر توست خدايا چگونه عزت جويم با اين‏كه در خوارى جايم دادى و چگونه عزت نجويم با اين‏كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 883

اسْتَعِزُّ وَالَيْكَ نَسَبْتَنى‏، الهى‏ كَيْفَ لا افْتَقِرُ وَانْتَ الَّذى‏ فِى الْفُقَرآءِ

به خود مُنْتَسِبَم كردى خدايا چگونه نيازمند نباشم با اين‏كه تو در نيازمندانم‏

اقَمْتَنى‏، امْ كَيْفَ افْتَقِرُ وَانْتَ الَّذى‏ بِجُودِكَ اغْنَيْتَنى‏، وَانْتَ الَّذى‏ لا الهَ‏

جاى دادى يا چگونه نيازمند باشم و تويى كه به جود و بخششت‏بى‏نيازم كردى و تويى كه معبودى‏

غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَىْ‏ءٍ، فَما جَهِلَكَ شَىْ‏ءٌ، وَانْتَ الَّذى‏ تَعَرَّفْتَ الَىَّ فى‏

جز تو نيست شناساندى خود را به هر چيزو هيچ چيزى نيست كه تو را نشناسد و تويى كه شناساندى خود را به من در

كُلِّ شَىْ‏ءٍ، فَرَايْتُكَ ظاهِراً فى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَانْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنِ‏

هر چيز و من تو را آشكار در هر چيز ديدم و تويى آشكار بر هر چيز اى كه‏

اسْتَوى‏ بِرَحْمانِيَّتِهِ، فَصارَ الْعَرْشُ غَيْباً فى‏ ذاتِهِ، مَحَقْتَ الْأثارَ بِالْأثارِ،

بوسيله مقام رحمانيت خود (بر همه چيز) احاطه كردى و عرش در ذاتش پنهان شد تويى كه آثار را به آثار نابود كردى‏

وَمَحَوْتَ الْأَغْيارَ بِمُحيطاتِ افْلاكِ الْأَنْوارِ، يا مَنِ احْتَجَبَ فى‏

و اغيار را به احاطه‏كننده‏هاى افلاك انوار محو كردى اى كه در سراپرده‏هاى عرشش‏

سُرادِقاتِ عَرْشِهِ عَنْ انْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصارُ، يا مَنْ تَجَلّى‏ بِكَمالِ بَهآئِهِ‏

محتجب شد از اين‏كه ديده‏ها او را درك كنند اى كه تجلى كردى به كمال زيبايى و نورانيت‏

فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوآءَ، كَيْفَ تَخْفى‏ وَانْتَ الظَّاهِرُ، امْ كَيْفَ تَغيبُ‏

و پابرجا شد عظمتش از استوارى چگونه پنهان شوى با اين‏كه تو آشكارى يا چگونه غايب شوى كه‏

وَانْتَ الرَّقيبُ الْحاضِرُ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَالْحَمْدُ للَّهِ وَحْدَهُ.[[1199]](#footnote-1199)

تو نگهبان و حاضرى براستى تو بر هر چيز توانايى و ستايش مخصوص خداست تنها.

\*\*\*

6- در پايان روز عرفه اين دعا را بخوان:

يا رَبِّ إنَّ ذُنُوبى‏ لا تَضُرُّكَ، وَانَّ مَغْفِرَتَكَ لى‏ لا تَنْقُصُكَ، فَاعْطِنى‏ ما لا

پروردگارا همانا گناهان من زيانى به تو نزند و محققاً آمرزش تو از من نقصانى به تو نرساند پس عطا كن به من آنچه را

يَنْقُصُكَ، وَاغْفِرْ لى‏ ما لايَضُرُّكَ.[[1200]](#footnote-1200)

نقصانت نرساند و بيامرز برايم آنچه را زيانت نزند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 884

همچنين بخوان:

اللَّهُمَّ لا تَحْرِمْنى‏ خَيْرَ ما عِنْدَكَ لِشَرِّ ما عِنْدى‏، فَانْ انْتَ لَمْ تَرْحَمْنى‏

خدايا محرومم مكن از آن خيرى كه نزد توست بخاطر آن شرى كه در پيش من است پس اگر تو به‏

بِتَعَبى‏ وَنَصَبى‏، فَلا تَحْرِمْنى‏ اجْرَ الْمُصابِ عَلى‏ مُصيبَتِهِ.[[1201]](#footnote-1201)

رنج و خستگيم رحم نمى‏كنى پس محرومم مدار از پاداش مصيبت ديده‏اى بر مصيبتش.

7- به هنگام غروب روز عرفه، دعاى عشرات را بخوان كه در بخش دعاهاى معروف (صفحه 108) گذشت. اين دعا كه خواندنش در هر صبح و شام مستحب‏است، آن را در پايان روز عرفه نيز بخوان.

مرحوم «سيّد بن طاووس» در اعمال روز عرفه، اين دعا را ذكر كرده است.[[1202]](#footnote-1202)

\*\*\*

شب دهم: اعمال اين شب عبارت است از:

1- احياى شب دهم ذى‏الحجّه كه از شب‏هاى بابركت و ارزشمندى است. نقل شده است كه حضرت امير مؤمنان على عليه السلام اين شب را احيا مى‏داشت.[[1203]](#footnote-1203) 2- غسل كردن در اين شب مستحب است.[[1204]](#footnote-1204) 3- در اين شب زيارت امام حسين عليه السلام مستحب است، و در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است كه هر كس در چنين شبى امام حسين عليه السلام را زيارت كند، گناهانش آمرزيده مى‏شود.[[1205]](#footnote-1205) 4- در اين شب اين دعا را بخواند:

يا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ، يا صاحِبَ‏

اى كسى كه فضل و بخششت بر خلق دائمى است و اى آن كه دو دست احسانت به عطابخشى باز است اى صاحب‏

الْمَواهِبِ السَّنَيِّةِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ الْوَرى‏ سَجِيَّةً، وَ اغْفِرْ لَنا

بخششهاى ارجمند درود فرست بر محمّد و آلش كه بهترين مردمند در سرشت و نهاد، و بيامرز ما را

يا ذَالْعُلى‏ فى‏ هذِهِ الْعَشِيَّةِ.[[1206]](#footnote-1206)

اى خداى بلند مرتبه در اين شب.

كليات مفاتيح نوين، ص: 885

روز دهم (روز عيد قربان):

روز عيد قربان از اعياد مهمّ اسلامى است. اين روز يادآور اخلاص و بندگى حضرت ابراهيم عليه السلام در برابر پروردگار خويش است، آن‏جا كه فرمان حق براى ذبح اسماعيل صادر شد، و ابراهيم آن بنده فرمانبردار خداوند آماده اجراى اين فرمان شد و اسماعيل را به قربانگاه برد و كارد بر حلقومش نهاد، ولى ندايى رسيد كه اى ابراهيم از عهده اين آزمون الهى برآمدى! دست نگهدار كه فرمانبردارى خويش را به درستى اثبات كرده‏اى.

جبرئيل همراه با «قوچى» فرود آمد و ابراهيم آن را قربانى كرد، و سنّت قربانى در منا از آن روز برقرار شد، اين روز، روز عيد و خوشحالى و سرور است. زيرا علاوه بر اين‏كه بنده‏اى مخلص از آزمونى دشوار، سربلند بيرون آمد و بندگى خويش را در پيشگاه خداى بزرگ ثابت كرد، گروه عظيمى از بندگان مخلص خدا به او تأسّى جسته، به زيارت خانه خدا مى‏شتابند و مراسم منا و از جمله، قربانى را انجام مى‏دهند.

اعمال روز عيد قربان:

براى عيد قربان اعمالى چند نقل شده است:

1- غسل كردن است كه به گفته مرحوم «علّامه مجلسى»، غسل در آن روز سنّت مؤكّد است تا آن‏جا كه بعضى از علما آن را واجب دانسته‏اند.[[1207]](#footnote-1207) 2- نماز عيد قربان است و نحوه انجام آن، به همان كيفيّتى است كه در نماز عيد فطر گفته شد، و نماز عيد قربان در زمان غيبت امام عليه السلام مطابق مشهور فقهاى عظام، سنّت مؤكّد است.[[1208]](#footnote-1208) (خواه به صورت جماعت خوانده شود يا فرادى‏).

3- مستحب است دعاهايى را كه پيش از نماز عيد و قبل از آن وارد شده است بخواند. به فرموده مرحوم «علّامه‏مجلسى»، بهترين دعاها، دعاى چهل و هشتم «صحيفه كامله سجّاديه» است كه اوّلش اين است:

أللَّهُمَّ هذا يَومٌ مُبارَك‏

و اگر دعاى چهل و ششم را نيز بخواند بهتر است.[[1209]](#footnote-1209) 4- خواندن دعاى ندبه در اين روز و ساير اعياد مستحبّ است.[[1210]](#footnote-1210) 5- قربانى كردن در اين روز براى همه مستحبّ مؤكّد است و بسيار سفارش شده است، تا آن‏جا كه برخى از علما آن را بر كسانى كه توانايى دارند واجب دانسته‏اند و مستحب است بعد از نماز عيد، كمى از گوشت آن بخورد.[[1211]](#footnote-1211)

كليات مفاتيح نوين، ص: 886

و نيز مستحبّ است هنگام قربانى اين دعا را كه از امام صادق عليه السلام نقل شده است بخواند:

وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذى‏ فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضَ، حَنيفاً مُسْلِماً وَ ما أنَا

من روى خود را به سوى كسى كردم كه آسمان‏ها و زمين را آفريده؛ من در ايمان خود خالصم و

مِنَ الْمُشْرِكينَ، إنَّ صَلاتى‏ وَ نُسُكى‏ وَ مَحْياىَ وَ مَماتى‏ لِلَّهِ رَبِ‏

از مشركان نيستم. نماز و قربانى و زندگى و مرگم براى خداوندى است كه پروردگار

الْعالَمينَ، لا شَريكَ لَهُ، وَ بِذلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ‏

جهانيان است. شريكى براى او نيست. من به اين برنامه مأمور شدم و از مسلمانانم. خدايا از تو و

وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ اكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّى.[[1212]](#footnote-1212)

براى توست. به نام خدا و خداوند بزرگتر است. خدايا از من قبول فرما.

(البتّه اگر به نيّت چند نفر قربانىِ مستحب انجام شود، بگويد:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّا)

بسيار مناسب است افراد توانگر، در اين روز قربانى نمايند و اكثر آن را به فقرا و نيازمندان انفاق كنند و به همسايگان و آشنايان نيز بدهند.

در روايتى است كه امام صادق عليه السلام فرمود: امام على بن الحسين و امام باقر عليهم السلام گوشت قربانى را سه قسمت مى‏كردند؛ يك قسمت آن را به همسايگان مى‏دادند و يك قسمت آن را به نيازمندان و قسمت سوم را براى اهل خانه نگه مى‏داشتند.[[1213]](#footnote-1213) 6- تكبيرات مشهور زير را بگويد؛ براى كسانى كه در اين ايّام توفيق حضور در مراسم حج و صحراى «منى‏» را دارند، بعد از پانزده نماز اين تكبيرها را مى‏خوانند؛ از نماز ظهر روز عيد، شروع كرده تا نماز صبح روز سيزدهم؛ ولى كسانى كه در آن‏جا نيستند، بعد از ده نماز آنها را مى‏خوانند، از نماز ظهر روز عيد آغاز نموده، تا نماز صبح روز دوازدهم، و آن تكبيرها مطابق روايت كتاب شريف «كافى» چنين است:

اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، و للَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ اكْبَرُ عَلى‏ خدا بزرگتر از توصيف است معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر است و ستايش خاص خداست خدا بزرگتر است بر آنچه‏

ما هَدانا؛ اللَّهُ اكْبَرُ عَلى‏ ما رَزَقَنا مِنْ بَهيمَةِ الْأَنعامِ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلى‏ ما أبْلانا.[[1214]](#footnote-1214) ما را راهنمايى كرد خدا بزرگتر است بر آنچه روزيمان كرد از چهار پايان انعام (شتر و گاو و گوسفند) و ستايش خاصّ خداست براى آن‏كه آزمود ما را.

حدّاقل اين تكبيرها را بعد از نماز در اين ايّام، يكبار بگويد ولى اگر تكرار نمايد، بهتر است، و حتّى اگر بعد

كليات مفاتيح نوين، ص: 887

از نوافل نيز بگويد خوب است.[[1215]](#footnote-1215)

روز عيد غدير (روز هيجدهم):

فضيلت اين روز:

روز هيجدهم ذى‏الحجّه، يادآور روز مهمّى در تاريخ است. روزى است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله پس از انجام حج در سال دهم هجرى به هنگام مراجعت به مدينه، مردم را در وادى «غدير» جمع كرد و فرمان خدا يعنى نصب على عليه السلام به امامت و ولايت بر امّت را به آنان ابلاغ كرد. و آن‏جا بود كه آيه‏

«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُم، وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتى‏، وَ رَضيتُ لَكُمُ الْإسْلامَ دِيناً»[[1216]](#footnote-1216)

نازل شد. و خداوند با برگزيدن على عليه السلام به امامت امّت، دين اسلام را كامل گردانيد و دشمنان را نااميد و مأيوس ساخت. اين روز را بايد به حق از عظيم‏ترين اعياد ناميد، همان‏گونه كه در روايات بر اهمّيّت فراوان اين روز و برترى آن بر ساير اعياد تأكيد شده است.

در روايتى از امام رضا عليه السلام مى‏خوانيم كه فرمود: «روز قيامت، چهار روز را كه زينت بسته‏اند به نزد عرش الهى آورند: روز عيد اضحى (قربان) روز عيد فطر، روز جمعه و روز عيد غدير. ولى در آن ميان، روز عيد غدير، از نظر زيبايى، مانند ماه است ميان ستارگان».[[1217]](#footnote-1217) در همان روايت، از اين روز، به عنوان «عيد اكبر» ياد شده است؛ روزى كه گناهان شيعيان (توبه‏كار) امير مؤمنان عليه السلام بخشيده مى‏شود و اين روز، روز شادى و سرور است، روزى است كه در آن تبسّم بر چهره مؤمنان نقش مى‏بندد.[[1218]](#footnote-1218) در روايت ديگرى آمده است كه از امام صادق عليه السلام پرسيدند: آيا براى مسلمانان غير از عيد فطر و عيد اضحى (قربان) عيد ديگرى نيز وجود دارد؟ فرمود: آرى. عيدى كه از آن دو روز، باعظمت‏تر و شريفتر است، و آن روزى است كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله، على عليه السلام را براى امامت امّت نصب فرمود و در روايت ديگر فرمود: آن روز هيجدهم ذى‏الحجّه است.[[1219]](#footnote-1219) بهر حال، شايسته است در اين روز مسلمانان با تشكيل مجالس جشن و سرور و مديحه‏سرايى و سخنرانى درباره روز عيد غدير و مسأله امامت امّت و مناقب و فضايل امير مؤمنان عليه السلام، آن را گرامى بدارند و فرزندان و جوانان و نوجوانان خود را با مسأله ولايت امير مؤمنان على عليه السلام و منابع آن از كتاب و سنّت و تاريخ آشناتر سازند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 888

اعمال روز عيد غدير:

براى اين روز اعمال متعدّدى روايت شده است:

1- روزه گرفتن است كه در روايتى از امام صادق عليه السلام روزه در چنين روزى برابر روزه شصت ماه شمرده شده! و در روايتى روزه روز غدير خم كفّاره شصت سال است.[[1220]](#footnote-1220) 2- مرحوم «شيخ كفعمى» در «بلدالامين» غسل اين روز را مستحب دانسته است.[[1221]](#footnote-1221) 3- احسان و نيكى به برادران مؤمن.

در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است كه فرمود: اين روز، روز عبادت است و روز اطعام و نيكى كردن و احسان به برادران دينى است.[[1222]](#footnote-1222) در روايت ديگرى امام رضا عليه السلام فرمود: كسى كه در اين روز، به خانواده و برادران مؤمن خود، توسعه در رزق و بخششها و انفاق‏ها دهد خداوند روزى او را زياد مى‏گرداند.[[1223]](#footnote-1223) 4- زيارت امير مؤمنان على عليه السلام در اين روز بسيار بافضيلت است.

در روايتى از ابن‏ابى‏نصر (يكى از ياران برجسته امام رضا عليه السلام) نقل شده است كه حضرت به وى فرمود:

هرجا كه هستى سعى كن در روز عيد غدير، خود را به كنار قبر مطهّر اميرمؤمنان عليه السلام برسانى، چراكه در اين روز خداوند گناهان بسيارى از مردان و زنان مسلمان را مى‏بخشد و دو برابر كسانى كه خداوند آنها را در ماه رمضان و شب قدر و شب عيد فطر از دوزخ آزاد مى‏كند، در چنين روزى از آتش جهنّم رهايى مى‏دهد![[1224]](#footnote-1224) براى امير مؤمنان عليه السلام در اين روز زيارت‏هايى نقل شده است كه معروفترين آن، زيارت معروف «امين اللَّه» است كه در بخش زيارات (صفحه 260) گذشت و مى‏توان آن را از نزديك و يا از راه دور، خطاب به اميرمؤمنان عليه السلام خواند و همچنين زيارت مخصوصه اميرمؤمنان در روز عيد غدير كه در صفحه 280 گذشت.

\*\*\*

5- امام رضا عليه السلام فرمود: در چنين روزى كه روز عيد و تبريك گفتن به يكديگر است، مناسب است مؤمنان وقتى به يكديگر مى‏رسند اين جملات را بگويند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 889

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ جَعَلَنا مِنَ‏الْمُتَمَسِّكينَ بِوِلايَةِ اميرِالْمُؤْمِنينَ وَالْأَئِمَّةِ

ستايش خاص خدايى است كه قرار داد ما را از تمسك جويان به ولايت اميرمؤمنان و ساير امامان‏

عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[[1225]](#footnote-1225)

عليهم السلام.

6- در چنين روزى وقتى برادر مؤمنت را ملاقات كردى بگو:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ اكْرَمَنا بِهذَا الْيَوْمِ، وَجَعَلَنا مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَجَعَلَنا مِنَ‏

ستايش خاص خدايى است كه گرامى داشت ما را به اين روز و قرارمان داد از ايمان آورندگان و قرارمان داد از

الْمُوفينَ بِعَهْدِهِ الَيْنا، وَميثاقِهِ الَّذى‏ واثَقَنا بِهِ، مِنْ وِلايَةِ وُلاةِ امْرِهِ،

وفاكنندگان به عهدى كه با ما كرده بود و پيمانى كه با ما بسته بود از ولايت سرپرستان امر دين او

وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنا مِنَ الْجاحِدينَ وَالْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ.[[1226]](#footnote-1226)

و برپادارندگان عدلش و قرارمان نداد از منكران و تكذيب كنندگان روز جزا.

\*\*\*

7- دعاى ندبه را در اين روز بخواند[[1227]](#footnote-1227)، كه در بخش دعاهاى معروف (صفحه 189) گذشت.

8- مرحوم «سيّد بن طاووس» به سند صحيح از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه در روز غدير، دو ركعت نماز بخوان، پس از نماز به سجده برو و صد مرتبه خدا را شكر كن (مثلًا بگو: شكراً لِلَّه) و سر از سجده بردار و اين دعا را بخوان:

اللهُمَّ انِّى‏ اسْئَلُكَ بِانَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، وَانَّكَ واحِدٌ احَدٌ

خدايا از تو درخواست كنم بدان كه از براى توست ستايش يگانه‏اى كه شريك ندارى و تويى‏يكتاى يگانه‏اى‏

صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً احَدٌ، وَانَّ مُحَمّداً عَبْدُكَ‏

بى‏نياز كه فرزندى ندارى و فرزند كسى نيستى و نيست برايت همتايى هيچ‏كس و براستى محمّد بنده‏

وَرَسُولُكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فى‏ شَاْنٍ، كَما كانَ مِنْ‏

و رسول توست درودهاى تو بر او و آلش باد اى كه هر روز دركارى هستى چنانچه از

كليات مفاتيح نوين، ص: 890

شَاْنِكَ انْ تَفَضَّلْتَ عَلَىَّ، بِانْ جَعَلْتَنى‏ مِنْ اهْلِ اجابَتِكَ، وَاهْلِ دِينِكَ‏

شأن تو بود كه بر من تفضل فرمودى به اين‏كه مرا از اهل اجابتت و از اهل دينت‏

وَاهْلِ دَعْوَتِكَ، وَوَفَّقْتَنى‏ لِذلِكَ فى‏ مُبْتَدَءِ خَلْقى‏، تَفَضُّلًا مِنْكَ وَكَرَماً

و اهل دعوتت قرار دادى و موفقم داشتى بدان در آغاز آفرينشم از روى تفضل و كرم‏

وَجُوداً، ثُمَّ ارْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلًا، وَالْجُودَ جُوداً، وَالْكَرَمَ كَرَماً، رَاْفَةً

و بخششت سپس دنبال آوردى اين فضل را به فضلى دگر و اين بخشش را به بخششى دگر و اين كرم را به كرمى دگر كه آن هم‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص890**

مِنْكَ وَرَحْمَةً، الى‏ انْ جَدَّدْتَ ذلِكَ الْعَهْدَ لى‏ تَجْديداً بَعْدَ تَجديدِكَ‏

از روى مهر و رحمتت بود تا بدان‏جا كه تازه كردى اين عهد را برايم از نو پس از تجديد

خَلْقى‏، وَكُنْتُ نَسْياً مَنْسِيّاً ناسِياً ساهِياً غافِلًا، فَاتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِانْ‏

آفرينشم در صورتى‏كه من در فراموشى بودم و فراموشكارى و بى‏خبرى‏و غفلت پس تو نعمتت را بر من تمام كردى به اين‏كه آن را به‏

ذَكَّرْتَنى‏ ذلِكَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَىَّ، وَهَدَيْتَنى‏ لَهُ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَاْنِكَ يا الهى‏

يادم انداختى و بدان بر من منّت نهادى و بر آن راهنماييم كردى پس همچنان بايد از شأن تو باشد اى معبود

وَسَيِّدى‏ وَمَولاىَ انْ تُتِمَّ لى‏ ذلِكَ، وَلاتَسْلُبَنيهِ حَتّى‏ تَتَوَفَّانى‏ عَلى‏ ذلِكَ،

و آقا و مولاى من كه تمام كنى برايم آن نعمت را و از من سلب‏نفرمايى آن را تا هنگامى‏كه بميرانيم بر آن‏

وَانتَ عَنّى‏ راضٍ، فَانَّكَ احَقُّ الْمُنعِمينَ انْ تُتِمَّ نِعمَتَكَ عَلَىَّ، اللهُمَ‏

در حالى كه تو از من خشنود باشى كه براستى تو سزاوارترين نعمت بخشانى كه نعمتت را بر من به پايان رسانى خدايا

سَمِعْنا وَاطَعْنا وَاجَبْنا داعِيَكَ بِمَنِّكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرانَكَ رَبَّنا وَالَيْكَ‏

شنيديم و پيروى كرديم و خواننده‏ات را اجابت كرديم به لطف تو پس از آن توست حمد و آمرزشت را خواهانيم پروردگارا و به سوى توست‏

الْمَصيرُ، امَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏

بازگشت ايمان داريم به خداى يگانه‏اى كه شريك ندارد و به رسولش محمّد صلى اللّه عليه و

وَآلِهِ، وَصَدَّقْنا وَاجَبْنا داعِىَ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَاالرَّسُولَ فى‏ مُوالاةِ مَوْلينا وَمَوْلَى‏

آله و تصديق كرديم و اجابت كرديم داعى خدا را و پيروى كرديم از رسول (او) در مورد دوستى و اطاعت مولايمان و مولاى‏

الْمُؤْمِنينَ، اميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِىِّ بْنِ ابيطالِبٍ، عَبْدِاللَّهِ وَاخى‏ رَسُولِهِ،

مؤمنان امير مؤمنان على بن ابى طالب بنده خدا و برادر رسول او

وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْحُجَّةِ عَلى‏ بَرِيَّتِهِ، المُؤَيِّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَدينَهُ الْحَقَ‏

و صديق اكبر و حجت او بر آفريدگانش آن‏كه خداوند پيامبرش و دين حق‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 891

الْمُبينَ، عَلَماً لِدينِ اللَّهِ، وَخازِناً لِعِلْمِهِ، وَعَيْبَةَ غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ،

آشكارش را بوسيله او تاييد كرد نشانه و پرچم دين‏خدا و خزينه‏دار دانش او و گنجينه غيب خدا و جايگاه راز خدا

وَامينَ اللَّهِ عَلى‏ خَلْقِهِ، وَشاهِدَهُ فى‏ بَرِيَّتِهِ، اللهُمَّ رَبَّنا انَّنا سَمِعْنا مُنادِياً

و امين خدا بر خلق او و گواه او در آفريدگانش خدايا اى پروردگار ما ما شنيديم منادى‏

يُنادى‏ لِلْإيمانِ، انْ امِنُوا بِرَبِّكُمْ فامَنَّا، رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا، وَكَفِّرْ عَنَّا

را كه ندا مى‏كرد براى ايمان (و مى‏گفت) ايمان آوريد به پروردگارتان پروردگارا ما هم ايمان آورديم پس بيامرز گناهانمان را و بديهامان‏

سَيِّئاتِنا، وَتَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ، رَبَّنا وَ اتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى‏ رُسُلِكَ، وَلا

را پوشيده دار و ما را با نيكان بميران پروردگارا عطا كن به ما چيزى را كه بوسيله فرستادگانت به ما وعده دادى و

تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيمَةِ، انَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ، فَانَّا يا رَبَّنا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ اجَبْنا

در روز رستاخيز رسوايمان مكن كه براستى تو خلف وعده نمى‏كنى، پس ما اى پروردگار به احسان و لطف تو اجابت كرديم‏

داعِيَكَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْناهُ، وَصَدَّقْنا مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ، وَكَفَرْنا

داعى تو را و پيروى كرديم از رسول تو و تصديقش كرديم و نيز تصديق كرديم مولاى مؤمنان را و كافر شديم‏

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا، وَاحْشُرْنا مَعَ ائِمَّتِنا، فَانَّا بِهِمْ‏

به جبت و طاغوت (غاصبان حقوق آن‏حضرت) پس والى ما گردان آن را كه ما به ولايت برگزيديم و با امامانمان محشورمان كن كه براستى ما بديشان‏

مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ، امَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ، وَشاهِدِهِمْ‏

ايمان و اعتقاد داريم و تسليم آنانيم ايمان داريم بر نهانشان و آشكارشان و حاضرشان‏

وَغائِبِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَرَضينا بِهِمْ ائِمَّةً وَقادَةً وَسادَةً، وَ حَسْبُنا بِهِمْ‏

و غايبشان و زنده‏شان و مرده‏شان و خشنوديم به امامتشان و آقاييشان و همانها ما را در

بَيْنَنا وَبَيْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ، لا نَبْتَغى‏ بِهِمْ بَدَلًا، وَلا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَليجَةً،

مابين خود و خدا از ساير خلق كافى هستند نجوييم بجاى ايشان بدلى ونگيريم جز ايشان همدمى (يا معتمدى)

وَبَرِئْنا الَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلينَ‏

و بيزارى جوييم به درگاه خدا از هر كه برپا كند در برابرشان جنگى از جن و انس از اوّلين‏

وَالْأخِرينَ، وَ كَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالأَوْثانِ الأَرْبَعَةِ، وَاشْياعِهِمْ‏

و آخرين و كافر شديم به جبت و طاغوت و بتهاى چهارگانه و دنبال‏روندگان‏

وَاتْباعِهِمْ، وَكُلِّ مَنْ والاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ اوَّلِ الدَّهرِ الى‏ آخِرِهِ،

و پيروانشان و هر كه دوستشان دارد از جن و انس از آغاز روزگار تا پايان آن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 892

اللهُمَّ انَّا نُشْهِدُكَ انَّا نَدينُ بِما دانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ الُ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ‏

خدايا تو را گواه مى‏گيريم كه ما متدين هستيم بدانچه متدين شد بدان محمّد و آل محمّد درود خدا بر او

وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنا ما قالُوا، وَدينُنا ما دانُوا بِهِ، ما قالُوا بِهِ قُلْنا، وَما دانُوا بِهِ‏

و برايشان باد و گفتار ما همان است كه آنها گفتند و دين ما همان است كه آنها متدين بدان بودند هرچه را آنان گفتند ما هم گفتيم و هرچه را آنان متدين شدند

دِنَّا، وَما انْكَرُوا انْكَرْنا، وَمَنْ والَوْا والَيْنا، وَمَنْ عادَوْا عادَيْنا، وَمَنْ لَعَنُوا

ما هم شديم و هرچه را انكار كردند ما انكار كرديم و هركه را دوست داشتند دوست داريم و هر كه را دشمن دارند دشمن داريم و هر كه را لعن كردند

لَعَنَّا، وَمَنْ تَبَرَّؤُا مِنْهُ تَبَرَّاْنا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنا عَلَيْهِ، آمَنَّا وَ

لعن كنيم و از هر كه بيزارى جستند بيزارى جوئيم و بر هر كه ترحم كردند ترحم كنيم ايمان آورديم‏

سَلَّمْنا، وَ رَضينا وَ اتَّبَعْنا مَوالِيَنا صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللهُمَّ فَتَمِّمْ لَنا ذلِكَ‏

و تسليم و خشنود گشتيم و پيروى كرديم از سرورانمان درودهاى خدا بر ايشان باد خدايا پس تو آن را براى ما تكميل كن‏

وَلاتَسْلُبْناهُ، وَ اجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثابِتاً عِنْدَنا، وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً، وَاحْيِنا

و از ما سلب مفرما و آن را پايگاهى ثابت در پيش ما قرار ده وپايگاه عاريت و موقتش قرار مده و زنده‏مان‏

ما احْيَيْتَنا عَلَيْهِ، وَامِتْنا اذا امَتَّنا عَلَيْهِ، الُ مُحَمَّدٍ ائِمَّتُنا، فَبِهِمْ نَاْتَمُّ وَايَّاهُمْ‏

دار بر همان تا هرگاه كه زنده‏مان دارى و بميرانمان بر آن هرگاه ميراندى‏مان، آل محمّد پيشوايان مايند به آنها اقتدا كنيم و آنان را

نُوالى‏، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللَّهِ نُعادى‏، فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِى الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَمِنَ‏

دوست داريم و دشمنشان را كه دشمن خداست دشمن داريم پس ما را در دنيا و آخرت با ايشان قرار ده و از

الْمُقَرَّبينَ، فَانَّا بِذلِكَ راضُونَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

مقربان درگاهت گردان كه براستى ما به همان خشنوديم اى مهربانترين مهربانان.

پس از پايان دعا، بار ديگر به سجده برو و صد مرتبه الحمد للَّه‏و صد مرتبه شكراً للَّهِ بگو.

امام عليه السلام در ادامه فرمود: هر كس كه اين عمل را بجا آورد، پاداش كسى را دارد كه در روز غدير، نزد رسول خدا صلى الله عليه و آله بوده و با آن حضرت بيعت كرده است.[[1228]](#footnote-1228) (مرحوم محدّث قمى مى‏گويد: بهتر است كه اين نماز نزديك ظهر انجام شود كه مقارن نصب حضرت على عليه السلام به خلافت بوده است).

\*\*\*

9- از «شيخ مفيد» رحمه الله نقل شده است كه اين دعا را در روز «غدير» مى‏خوانى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 893

اللَّهُمَّ انّي اسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَعَلِىٍّ وَلِيِّكَ، وَالشَّاْنِ وَالْقَدْرِ الَّذى‏

خدايا از تو درخواست كنم به حق‏محمّد پيامبرت و به حق على ولى تو و بدان منزلت و مرتبه‏اى كه بدان‏

خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ خَلْقِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ، وَانْ تَبْدَءَ بِهِما

وسيله آن دو را از ساير مخلوق خود اختصاص دادى‏كه درود فرستى بر محمّد و على و از آنان شروع كنى‏

فى‏ كُلِّ خَيْرٍ عاجِلٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَئِمَّةِ الْقادَةِ،

در دادن هر خيرى كه فورى است خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد پيشوايان رهبر

وَالدُّعاةِ السَّادَةِ، وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ، وَالْأَعْلامِ الْباهِرَةِ، وَساسَةِ الْعِبادِ،

و خوانندگان بزرگ و سرور و ستارگان درخشان و نشانه‏هاى فروزان و تدبيركنندگان كار بندگان‏

وَارْكانِ الْبِلادِ، وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ، وَالسَّفينَةِ النَّاجِيَةِ، الْجارِيَةِ فِى اللُّجَجِ‏

و پايه‏هاى جاهاى آباد و ناقه فرستاده شده و كشتى نجات كه روان است در درياهاى‏

الْغامِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، خُزَّانِ عِلْمِكَ، وَارْكانِ‏

ژرف پرآب خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد گنجينه‏هاى دانشت و پايه‏هاى‏

تَوْحِيدِكَ، وَدَعآئِمِ دينِكَ، وَمَعادِنِ كَرامَتِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،

محكم توحيد تو و ستونهاى دين تو و معدنهاى كرامتت و برگزيدگان از خلقت‏

وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، الْأَتْقِيآءِ النُّجَبآءِ الْأَبْرارِ، وَالْبابِ الْمُبْتَلى‏ بِهِ‏

و بهترين آفريدگانت آن پرهيزكاران و برگزيدگان نيكوكار و درگاهى كه مورد ابتلاى مردم است‏

النَّاسُ، مَنْ اتاهُ نَجى‏، وَمَنْ اباهُ هَوى‏، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

هر كه بدان درگاه آمد نجات يافت و هركه سرباز زد سقوط كرد خدايا درود فرست بر محمّد و آل‏

مُحَمَّدٍ، اهْلِ الذِّكْرِ الَّذينَ امَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ، وَذَوِى الْقُرْبَى الَّذينَ امَرْتَ‏

محمّد اهل ذكرى كه دستور فرمودى بپرسش مسائل از آنها و خويشاوندانى كه دستور فرمودى‏

بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ، وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعادَ مَنِ اقْتَصَّ اثارَهُمْ، اللَّهُمَ‏

به دوست داشتنشان و حقشان را واجب كردى و بهشت را بازگشتگاه (و سرمنزل) كسى قرار دادى كه آثارشان را پيروى كند خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما امَرُوا بِطاعَتِكَ، وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ،

درود فرست بر محمّد و آل محمّد چنانچه دستور پيروى تو را دادند و از نافرمانيت نهى كردند

وَدَلُّوا عِبادَكَ عَلى‏ وَحْدانِيَّتِكَ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ‏

و بندگانت را به يگانگيت راهنمايى كردند خدايامن از تو مى‏خواهم به حق محمّد پيامبرت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 894

وَنَجيبِكَ، وَصَفْوَتِكَ وَامينِكَ، وَرَسُولِكَ الى‏ خَلْقِكَ، وَبِحَقِ‏

و گرامى و برگزيده و امين تو و فرستاده‏ات بسوى خلق و به حق‏

اميرِالْمُؤْمِنينَ، وَيَعْسُوبِ الدّينِ، وَقآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، الْوَصِىِّ الْوَفِىِّ،

اميرمؤمنان و پيشواى دين و رهبر سفيدرويان آن وصى با وفا

وَالصِّدّيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْفارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، وَالشَّاهِدِ لَكَ، وَالدَّالِ‏

و صديق اكبر و جداكننده بين حق و باطل و گواه تو و راهنمايى كننده‏

عَلَيْكَ، وَالصَّادِعِ بِامْرِكَ، وَالْمُجاهِدِ فى‏ سَبيلِكَ، لَمْ تَاْخُذْهُ فيكَ لَوْمَةُ

بر تو و آشكار كننده دستورت و جهادكننده در راهت آن‏كه نگيردش (و ناراحتش نكند) درباره تو ملامت‏

لائِمٍ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَجْعَلَنى‏ فى‏ هذَا الْيَوْمِ‏

ملامت‏كننده‏اى كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و مرا قرار دهى در اين‏روزى‏

الَّذى‏ عَقَدْتَ فيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فى‏ اعْناقِ خَلْقِكَ، وَاكْمَلْتَ لَهُمُ الدّينَ مِنَ‏

كه بستى براى ولى خود پيمان (امامت) را در گردن خلق خود و كامل گرداندى براى آنها دين را از

الْعارِفينَ بِحُرْمَتِهِ، وَالْمُقِرّينَ بِفَضْلِهِ، مِنْ عُتَقآئِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النَّارِ،

عارفان به حرمتش و اقراركنندگان به فضل او از آزادشدگان و رهاشدگانت از آتش‏

وَلا تُشْمِتْ بى‏ حاسِدِى النِّعَمِ، اللهُمَّ فَكَما جَعَلْتَهُ عيدَكَ الْأَكْبَرَ،

و شاد مكن نسبت به من حسودانم را در نعمتهايت خدايا چنانچه آن را عيد بزرگ خود قرار داده‏اى‏

وَسَمَّيْتَهُ فِى السَّمآءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِى الْأَرْضِ يَوْمَ الْميثاقِ‏

و ناميدى آن را در آسمان روز عهد معهود و در زمين روز پيمان گرفتن‏

الْمَاْخُوذِ، وَالْجَمْعِ الْمَسْئُولِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْرِرْ بِهِ‏

و انجمن بازخواست شده درود فرست بر محمّد و آل محمّد و روشن كن بوسيله‏اش ديدگان‏

عُيُونَنا، وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنا، وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنا، وَاجْعَلْنا لِأَنْعُمِكَ مِنَ‏

ما را و گردآور بدستش پراكندگى ما را و گمراهمان مكن پس از آن‏كه هدايتمان كردى و قرارمان ده از سپاسگزاران‏

الشَّاكِرينَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ عَرَّفَنا فَضْلَ هذَا الْيَوْمِ،

نعمتهايت اى مهربانترين مهربانان ستايش خاص خدايى است كه شناساند به ما فضيلت اين روز را

وَبَصَّرَنا حُرْمَتَهُ، وَكَرَّمَنا بِهِ، وَشَرَّفَنا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدانا بِنُورِهِ، يا رَسُولَ‏

و بينامان كرد به حرمت اين روز و گراميمان داشت بدان و شرافتمان داد به معرفتش و هدايتمان كرد به نورش اى رسول‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 895

اللَّهِ يا اميرَالْمُؤمِنينَ، عَلَيْكُما وَعَلى‏ عِتْرَتِكُما وَعَلى‏ مُحِبِّيكُما مِنّى‏ افْضَلُ‏

خدا اى اميرمؤمنان بر شما و بر عترت شما و بر دوستان شما بهترين‏

السَّلامِ ما بَقِىَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَبِكُما اتَوَجَّهُ الَى اللَّهِ رَبّى‏ وَرَبِّكُما فى‏

سلام و درود من باد تا برپاست شب و روز و بوسيله او رو كنم بسوى خدا پروردگار من و پروردگارتان در

نَجاحِ طَلِبَتى‏، وَقَضآءِ حَوآئِجى‏، وَتَيْسيرِ امُورى‏، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

موفق شدن به مقصودم و برآورده شدن حاجاتم و آسان شدن كارهايم خدايا از تو خواهم‏

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَلْعَنَ‏

به حق محمّد و آل محمّد كه درود فرستى بر محمّد و آل‏محمّد و لعنت كنى‏

مَنْ جَحَدَ حَقَّ هذَا الْيَوْمِ، وَانْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ سَبيلِكَ لِإِطْفآءِ نُورِكَ،

كسى را كه انكار كند حق اين روز را و انكار كند حرمتش را وجلوگيرى كرد از راه تو براى خاموش كردن نورت‏

فَابَى اللَّهُ الَّا انْ يُتِمَّ نُورَهُ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ اهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَاكْشِفْ‏

ولى خدا هم نمى‏خواهد جز آن‏كه نورش را آشكار كند خدايا گشايش ده به كار خاندان محمّد پيامبرت و برطرف كن‏

عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرُباتِ، اللَّهُمَّ امْلَاءِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا،

از ايشان و بوسيله ايشان از اهل ايمان گرفتاريها و محنتها راخدايا پركن زمين رابوسيله ايشان از عدل و داد

كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، وَ انْجِزْلَهُمْ ما وَعَدْتَهُمْ، انَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ.[[1229]](#footnote-1229)

چنانچه پر شده از ستم و بيداد و وفا كن براى آنها آنچه را وعده دادى به آنها كه براستى تو خلف وعده نمى‏كنى.

\*\*\*

10- به سبب عظمت روز «غدير» و مباركى و ميمنت آن، مناسب است كه برادران مؤمن، با يكديگر در اين روز، عقد اخوّت و برادرى بخوانند و پيوند برادرى و همكارى را ميان خويش عميق‏تر سازند.

مرحوم «حاجى نورى» در «مستدرك الوسائل» مى‏گويد: دست راست خود را بر دست راست برادر مؤمن خود بگذار و بگو:

واخَيْتُكَ فِى اللَّهِ، وَصافَيْتُكَ فِى اللَّهِ، وَصافَحْتُكَ فِى اللَّهِ، وَعاهَدْتُ اللَّهَ‏

برادر شدم با تو در راه خدا و دوست باصفايت شدم در راه خدا و مصافحه كردم با تو در راه خدا وعهد كردم با خدا

وَمَلائِكَتَهُ وَكُتُبَهُ وَرُسُلَهُ وَانْبِيآئَهُ، وَالْأَئِمَّةَ الْمَعْصُومينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ،

و فرشتگانش و كتابهايش و رسولانش وپيمبرانش و امامان معصومين عليهم‏السلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 896

عَلى‏ انّى‏ انْ كُنْتُ مِنْ اهْلِ‏الْجَنَّةِ وَ الشَّفاعَةِ، وَاذِنَ لى‏ بِانْ ادْخُلَ الْجَنَّةَ،

بر اين‏كه اگر من از اهل بهشت و اهل شفاعت بودم و اجازه‏ام دادند كه‏

لا ادْخُلُها الّا وَانْتَ مَعى‏\* آنگاه برادر مؤمن مى‏گويد: قَبِلْتُ. آنگاه بگو: اسْقَطْتُ‏

داخل بهشت گردم داخل نشوم جز با تو\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* قبول كردم\*\*\*\*\*\*\* و ساقط كردم‏

عَنْكَ جَميعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ، ما خَلَا الشَّفاعَةَ وَ الدُّعآءَ وَ الزِّيارَةَ.[[1230]](#footnote-1230)

از تو تمامى حقوق برادرى را جز شفاعت و دعا و زيارت.

در اين صورت، وقتى كه طرف مقابل قبول كرد، برادر معنوى يكديگر خواهند شد و چون وظيفه اخوّت بسيار سنگين است، همه حقوق برادرى را جز زيارت، دعا و شفاعت به يكديگر مى‏بخشند.

\*\*\*

روز بيست و چهارم (روز خاتم بخشى على عليه السلام و روز مباهله):

بيست و چهارم ماه ذى‏الحجّه، يادآورِ دو خاطره مهمّ تاريخى در اسلام است:

1- روزى است كه امير مؤمنان على عليه السلام در آن روز، در حال ركوع انگشتر خود را به سائل فقير عنايت كرد؛ اين عمل خالصانه و ايثارگرانه امير مؤمنان عليه السلام بقدرى پرارزش بود كه آيه 55 سوره مائده در شأن آن نازل شد: «

«إنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنوُا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ»؛

سرپرست و ولىّ شما تنها خداست و پيامبر او و آنها كه ايمان آورده‏اند؛ همانها كه نماز را برپا مى‏دارند و در حال ركوع، زكات مى‏دهند!»[[1231]](#footnote-1231) جا دارد كه مؤمنان با يادآورى اين خاطره مهم و تفسير آيه شريفه، و ذكر مناقب و فضايل اميرمؤمنان عليه السلام اين روز را گرامى دارند و خود نيز در تصدّق و انفاق به فقرا و نيازمندان، به آن حضرت تأسّى جويند.

2- واقعه مهمّ ديگر «مباهله» رسول خدا با مسيحيان نجران است.[[1232]](#footnote-1232) پس از گفتگوى فراوان نصاراى نجران با رسول خدا صلى الله عليه و آله درباره حضرت مسيح عليه السلام سرانجام علماى نصارا از پذيرفتن حق خوددارى كردند و كار به مباهله كشيده شد. (مباهله يعنى نفرين كردن دو نفر نسبت به يكديگر كه هركس ناحق مى‏گويد گرفتار مجازات الهى شود).

براين امر توافق شد كه در چنين روزى مسيحيان نجران با رسول خدا «مباهله» نمايند و نفرين كنند كه هر گروه و جمعيّتى كه ناحق مى‏گويد، رسوا و مجازات شود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 897

خداوند طبق آيه 61 سوره آل عمران به پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود: «

«فَمَنْ حاجَّكَ فيهِ مِن بَعدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْنائَكُم وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُم وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكاذبِينَ»؛

هرگاه بعد از علم و دانشى كه (درباره حضرت مسيح عليه السلام) به تو رسيده، كسانى با تو به محاجّه و ستيز برخيزند، به آنها بگو: بياييد ما فرزندان خود را دعوت كنيم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خويش را دعوت نماييم شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت كنيم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباهله كنيم؛ و لعنت خدا را بر دروغگويان قرار دهيم».

پيرو اين دستور الهى، رسول خدا صلى الله عليه و آله در حالى كه فرزندش حسين عليه السلام را در آغوش داشت و دست حسن عليه السلام را در دست گرفته بود و على و فاطمه عليهما السلام نيز همراه او بودند، به سمت محلّ مباهله حركت كرد.

نصارا، چون چنين جمعيّتى و نشانه‏هايى را از نزديك شدن كيفر الهى ديدند، وحشت كردند و از «مباهله» منصرف شدند و حاضر به پذيرفتن جزيه گرديدند.[[1233]](#footnote-1233) اين داستان نشانه ديگرى از عظمت اهل‏بيت عليهم السلام و حقّانيّت رسول خدا صلى الله عليه و آله و دين اسلام است.

بنابراين، بسيار شايسته است مسلمانان در چنين روزى، با يادآورى و آگاهى بيشتر از اين جريان، عظمت و بزرگى رسول خدا و اهل‏بيت پاكش را به خاطر آورند و بر معرفت خويش نسبت به آنان بيفزايند، و به شكرانه آن به نيازمندان انفاق كنند.

به هر حال، اين روز، روز باعظمتى است كه چند عمل براى آن نقل شده است:

1- اين روز را به شكرانه اين بركات بزرگ، روزه بدارد.[[1234]](#footnote-1234) 2- غسل كند و بهترين لباسش را بپوشد و خود را معطّر نمايد.[[1235]](#footnote-1235) 3- نيم ساعت قبل از ظهر، دو ركعت نماز بخواند؛ در هر ركعتى يك مرتبه سوره «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللَّه احد»، ده بار «آيةالكرسى» و ده بار سوره «انّا انزلناه» را بخواند.

در روايتى از امام صادق عليه السلام براى اين نماز پاداش فراوانى ذكر شده است.[[1236]](#footnote-1236) 4- دعاى روز «مباهله» را بخواند كه از امام صادق عليه السلام نقل شده است و آن چنين است:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ بَهآئِكَ بِابْهاهُ، وَ كُلُّ بَهآئِكَ بَهِىٌّ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

خدايا از تو خواهم از درخشنده‏ترين مراتب درخشندگيت و همه‏مراتب آن درخشنده است‏خدايا از تو خواهم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 898

بِبَهآئِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاجَلِّهِ، وَ كُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ،

به تمام مراتب درخشندگيت خدايا از تو خواهم از باشوكت‏ترين مراتب جلالت و تمام مراتب جلال تو شوكتمند است‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاجْمَلِهِ،

خدايا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدايا از تو خواهم از زيباترين مراتب جمال تو و

وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ، اللَّهُمَّ انّى‏اسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ادْعُوكَ كَما

همه مراتب جمالت زيباست خدايا از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدايا تو را خوانم چنانچه‏

امَرْتَنى‏، فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ‏

دستورم دادى پس دعايم را به اجابت رسان چنانچه وعده‏ام دادى خدايا از تو خواهم از بزرگترين‏

بِاعْظَمِها، وَ كُلُّ عَظَمَتِكَ عَظَيمَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها، اللهُمَ‏

مراتب عظمتت و همه مراتب آن بزرگ است خدايا از تو خواهم به همه عظمتت خدايا

انّى‏ اسَئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِانْوَرِهِ، وَ كُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِنُورِكَ‏

از تو خواهم از تابنده‏ترين مراتب روشنيت و همه مراتب آن تابنده است خدايا از تو خواهم به تمام مراتب روشنيت‏

كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاوْسَعِها، وَ كُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ،

خدايا از تو خواهم از وسيع‏ترين مراتب رحمتت و همه رحمت تو وسيع است‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏،

خدايا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدايا تو را مى‏خوانم همچنانكه دستورم دادى‏

فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاكْمَلِهِ، وَ كُلُ‏

پس اجابت كن دعايم را چنانچه وعده فرمودى خدايا از تو خواهم از كاملترين مراتب كمالت و تمام‏

كَمالِكَ كامِلٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ‏

مراتب آن كامل است خدايا از تو خواهم به تمام مراتب كمالت خدايا از تو خواهم از

كَلِماتِكَ بِاتَمِّها، وَ كُلُّ كَلِماتِكَ تآمَّةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّهَا،

تمامترين كلمات و سخنانت و تمام كلماتت تام و تمام است خدايا از تو خواهم به كلماتت همگى‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ اسْمآئِكَ بِاكْبَرِها، وَكُلُّ اسْمآئِكَ كَبيرَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏

خدايا از تو خواهم به بزرگترين نامهايت و همه نامهايت بزرگ است خدايا از

اسْئَلُكَ بِاسْمآئِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏، فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما

تو خواهم به نامهايت همگى خدايا من تو را مى‏خوانم چنانچه به من دستور دادى پس به اجابت رسان دعايم را

كليات مفاتيح نوين، ص: 899

وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ باعَزِّها، وَ كُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ،

چنانچه وعده‏ام فرمودى خدايا از تو خواهم به عزيزترين مراتب عزتت و همه مراتب تو عزيز است‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِامْضاها،

خدايا از تو خواهم به همه مراتب عزتت خدايا از تو خواهم به گذراترين اراده و خواستت‏

وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

و همه مراتب اراده تو گذراست خدايا از تو خواهم به تمام مراتب اراده و خواستت خدايا از تو خواهم‏

بِقُدْرَتِكَ الَّتِى اسْتَطَلْتَ بِها عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ كُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ، اللَّهُمَ‏

بدان قدرتت كه بوسيله آن بر همه چيزبرترى گرفتى گرچه تمام مراتب قدرتت برترى گيرنده است خدايا

انّى‏ اسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏، فَاسْتَجِبْ لى‏

از تو خواهم به تمام مراتب قدرتت خدايا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادى تو هم اجابتم كن‏

كَما وَعَدْتَنى‏، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِانْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ،

چنانچه وعده فرمودى خدايا از تو خواهم از نافذترين مراتب دانشت با اين كه تمام مراتب دانشت نافذ است‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِارْضاهُ، وَكُلُ‏

خدايا از تو خواهم به مراتب دانشت همگى خدايا از تو خواهم از پسنديده‏ترين گفتارت و تمام‏

قَوْلِكَ رَضِىٌّ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ مَسآئِلِكَ‏

گفتار تو پسنديده است خدايا از تو خواهم به همه گفتارت خدايا از تو خواهم به محبوبترين چيزى كه از تو درخواست شده‏

بِاحَبِّهآ، وَكُلُّها الَيْكَ حَبيبَةٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِمَسآئِلِكَ كُلِّها، اللهُمَّ انّى‏

و همه آنها پيش تو محبوب است خدايا از تو خواهم به تمام آنچه از تو درخواست شده خدايا من‏

ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏، فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ‏

تو را خوانم چنانچه دستورم دادى پس اجابتم كن چنانچه وعده‏ام فرمودى خدايا از تو خواهم به‏

شَرَفِكَ بِاشْرَفِهِ، وَ كُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ،

شريفترين مراتب شرفت و تمامى مراتب شرف تو شريف است خدايااز تو خواهم به مراتب شرفت همگى‏

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِادْوَمِهِ، وَ كُلُّ سُلطانِكَ دآئِمٌ، اللَّهُمَّ انّى‏

خدايا از تو خواهم به حق بادوامترين مراتب سلطنتت و تمام مراتب آن دائمى است خدايا از تو

اسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِافْخَرِهِ، وَ كُلُّ مُلْكِكَ‏

خواهم به مراتب سلطنتت همگى خدايا از تو خواهم به گرانمايه‏ترين مراتب فرمانرواييت و تمام مراتب فرمانرواييت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 900

فاخِرٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏،

گرانمايه است خدايا از تو خواهم به تمام مراتب فرمانرواييت خدايا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادى‏

فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ عَلائِكَ بِاعْلاهُ، وَ كُلُ‏

پس اجابتم كن چنانچه وعده‏ام فرمودى خدايا از تو خواهم به والاترين مراتب بلنديت و تمام‏

عَلائِكَ عالٍ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعَلائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ اياتِكَ‏

مراتب بلندى تو والاست خدايا از تو خواهم به والاترين مراتب بلنديت همگى خدايا از تو خواهم به‏

بِاعْجَبِها، وَ كُلُّ اياتِكَ عَجيبَةٌ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ باياتِكَ كُلِّها، اللَّهُمَّ انّى‏

شگفت‏ترين آيات و نشانه‏هايت و همه آيات تو شگفت است خدايا از تو خواهم به آياتت همگى خدايا از

اسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاقْدَمِهِ، وَ كُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ،

تو خواهم به قديمترين نعمتت و همه نعمتهايت قديم است خدايا از تو خواهم به همه اقسام نعمتت‏

اللَّهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏، فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏

خدايا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادى پس اجابت كن دعايم را چنانچه وعده فرمودى خدايا من از

اسْئَلُكَ بِما انْتَ فيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ، اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ‏

تو خواهم به آنچه تو در آنى از مقامات و قدرت و عظمتت خدايا از تو خواهم به حق هر مقام‏

وَكُلِّ جَبَرُوتٍ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِما تُجيبُنى‏ بِهِ حينَ اسْئَلُكَ، يا اللَّهُ يا لا

و هر قدرت و عظمتى كه دارى خدايا من از تو خواهم بدانچه اجابتم كنى بدان هنگامى كه تورا خوانم اى خدا اى كه‏

الهَ الَّا انْتَ، اسْئَلُكَ بِبَهآءِ لا الهَ الَّا انْتَ، يا لا الهَ الَّا انْتَ، اسْئَلُكَ بِجَلالِ‏

معبودى جز تو نيست از تو خواهم به درخشندگى (يا ارجمندى) كلمه «لااله الا انت» اى كه نيست معبودى جز تو از تو خواهم به جلال‏

لا الهَ الَّا انْتَ، يا لا الهَ الَّا انْتَ، اسْئَلُكَ بِلا الهَ الَّا انْتَ، اللَّهُمَّ انّى ادْعُوكَ‏

و كلمه «لا اله الا انت» اى كه معبودى جز تو نيست از تو خواهم به كلمه «لااله الاانت» خدايا تو را خوانم‏

كَما امَرْتَنى‏، فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ‏

چنانچه دستورم دادى پس اجابت كن دعايم را چنانچه وعده‏ام فرمودى خدايا از تو خواهم از عمومى‏ترين اقسام روزيت‏

باعَمِّهِ، وَ كُلُّ رِزْقِكَ عآمٌّ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

و تمام اقسام روزى تو عمومى است خدايا از تو خواهم به تمام اقسام روزى تو خدايا از تو خواهم‏

مِنْ عَطآئِكَ بِاهْنَأِهِ، وَ كُلُّ عَطآئِكَ هَنيئٌ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِعَطآئِكَ كُلِّهِ،

از گواراترين عطاياى تو و تمام عطاهايت گواراست خدايا از تو خواهم به تمام عطايايت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 901

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاعْجَلِهِ، وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ، اللَّهُمَّ انّى‏

خدايا از تو خواهم به فورى‏ترين خير و نيكيت و تمام نيكيهاى تو فورى است خدايا از

اسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِافْضَلِهِ، وَكُلُّ فَضْلِكَ‏

تو خواهم به تمام نيكيهايت خدايا از تو خواهم به فزونترين فضل تو و همه فضل تو

فاضِلٌ، اللَّهُمَّ انّى‏اسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ ادْعُوكَ كَما امَرْتَنى‏،

فزون است خدايا از تو خواهم به فضل تو همگى خدايا تو را خوانم چنانچه دستورم دادى‏

فَاسْتَجِبْ لى‏ كَما وَعَدْتَنى‏، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنى‏

پس اجابتم كن چنانچه وعده‏ام فرمودى خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و برانگيز مرا

عَلَى الْإِيمانِ بِكَ، وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، وَالْوِلايَةِ لِعَلِىِ‏

با داشتن ايمان به خودت و تصديق به رسولت- كه درود بر او و آلش باد- و ولايت على‏

بْنِ ابيطالِبٍ، وَ الْبَرائَةِ مِنْ عَدُوِّهِ، وَالْإيتِمامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ‏

بن ابى‏طالب و بيزارى از دشمنش و اقتدا به امامان از آل محمّد عليهم‏

السَّلامُ، فَانّى‏ قَدْ رَضيتُ بِذلِكَ يا رَبِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ‏

السلام زيرا كه من خشنودم بدين اى پروردگار من خدايا درود فرست بر محمّد بنده‏

وَرَسُولِكَ فِى الْأَوَّلينَ، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ فِى الْأخِرينَ، وَصَلِّ عَلى‏

و رسولت در زمره اوّلين و درود فرست بر محمّد در زمره آخرين و درود فرست‏

مُحَمَّدٍ فِى الْمَلَاءِ الْأَعْلى‏، وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ فِى الْمُرْسَلينَ، اللهُمَّ اعْطِ

بر محمّد در عالم بالا و درود فرست بر محمّد در زمره مرسلين خدايا عطا كن‏

مُحَمَّداً الْوَسيلَةَ، وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الْكَبيرَةَ، اللهُمَّ صَلِ‏

به محمّد مقام وسيله و شرف و فضيلت و درجه بزرگ را خدايا درود فرست‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَنِّعْنى‏ بِما رَزَقْتَنى‏، وَبارِكْ لى‏ فيما اتَيْتَنى‏،

بر محمّد و آل محمّد و قانع كن مرا بدانچه روزيم كرده‏اى و بركت ده به من در آنچه به من داده‏اى‏

وَاحْفَظْنى‏ فى‏ غَيْبَتى‏، وَكُلِّ غائِبٍ هُوَ لى‏، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و نگهدارى كن مرا در غيبتم و هر غايبى كه مربوط به من است خدايا درود فرست بر محمّد و آل‏

مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنى‏ عَلَى الْإِيمانِ بِكَ، وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏

محمّد و برانگيزم بر ايمان به خودت و تصديق به رسولت خدايا درود فرست بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 902

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْئَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ‏

محمّد و آل‏محمّد و از تو خواهم خوبترين خوبها را كه خشنودى تو و بهشت باشد و پناه برم به تو از

شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنى‏

بدترين بدها كه خشم تو و آتش دوزخ باشد خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و محافظت كن مرا

مِنْ كُلِّ مُصيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَمِنْ كُلِ‏

از هر پيش آمد ناگوار و از هر گرفتارى و از هر شكنجه و از هر فتنه و از هر

بَلاءٍ، وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَمِنْ كُلِّ مُصيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ افَةٍ،

بلا و از هر بدى و از هر ناراحتى و از هر مصيبت و از هر آفتى‏

نَزَلَتْ اوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ الَى الْأَرْضِ فى‏ هذِهِ السَّاعَةِ، وَفى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ،

كه نازل شده يا بعد از اين از آسمان بزمين نازل شود در اين‏ساعت و در اين شب‏

وَفى‏ هذَا الْيَومِ، وَفى‏ هذَا الشَّهْرِ، وَفى‏ هذِهِ السَّنَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و در اين روز و در اين ماه و در اين سال خدايا درود فرست بر محمّد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْسِمْ لى‏ مِنْ كُلِّ سُرُورٍ، وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ، وَمِنْ كُلِّ اسْتِقامَةٍ،

و آل محمّد و نصيبم كن از هر شادى و از هر خوشحالى و از هر پايدارى‏

وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ، وَمِنْ كُلِّ عافِيَةٍ، وَمِنْ كُلِّ سَلامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ كَرامَةٍ، وَمِنْ‏

و از هر گشايشى و از هر تندرستى و از هر سلامتى و از هر كرامت و از

كُلِّ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ، وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ، وِمَنْ كُلِّ سَعَةٍ، نَزَلَتْ اوْ

هر روزى فراخ حلال پاكى و از هر نعمتى و از هر وسعتى كه نازل شده يا بعد از اين نازل شود

تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ الَى الْأَرْضِ فى‏ هذِهِ السَّاعَةِ، وَفى‏ هذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفى‏

از آسمان به زمين در اين ساعت و در اين شب و در

هذَا الْيَوْمِ، وَفى‏ هذَا الشَّهْرِ، وَفى‏ هذِهِ السَّنَةِ، اللَّهُمَّ انْ كانَتْ ذُنُوبى‏ قَدْ

اين روز و در اين ماه و در اين سال خدايا اگر چنانچه گناهانم‏

اخْلَقَتْ وَجْهى‏ عِنْدَكَ، وَحالَتْ بَيْنى‏ وَبَيْنَكَ، وَغَيَّرَتْ حالى‏ عِنْدَكَ،

شرمنده كرده است چهره‏ام را پيش تو و حائل شد ميان من و تو و حالم را پيش تو تغيير داده‏

فَانّى‏ اسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى‏ لا يُطْفَأُ، وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبيبِكَ‏

پس از تو خواهم به حق نور ذاتت كه خاموش نشود و به آبروى محمّد مصطفى حبيب تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 903

الْمُصْطَفى، وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِىٍّ الْمُرْتَضى، وَبِحَقِّ اوْلِيآئِكَ الَّذينَ‏

و به آبروى ولى تو على مرتضى و به حق اوليايت كه برگزيدى‏

انْتَجَبْتَهُمْ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَغْفِرَ لى‏ ما مَضى مِنْ‏

آنها را كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و بيامرزى برايم گذشته‏هاى از

ذُنُوبى‏، وَانْ تَعْصِمَنى‏ فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى‏، وَاعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ انْ اعُودَ فى‏

گناهانم را و نگاهم دارى در آينده عمرم و پناه مى‏برم به تو خدايا از اين‏كه بازگردم‏

شَىْ‏ءٍ مِنْ مَعاصيكَ ابَداً ما ابْقَيْتَنى‏، حَتَّى تَتَوَفَّانى‏ وَانَا لَكَ مُطيعٌ، وَانْتَ‏

به يكى از گناهان و نافرمانيهايت هرگز تا زنده‏ام (يعنى) تا آنگاه كه مرا بميرانى و من فرمانبردار تو باشم و تو

عَنّى‏ راضٍ، وَانْ تَخْتِمَ لى‏ عَمَلى‏ بِاحْسَنِهِ، وَتَجْعَلَ لى‏ ثَوابَهُ الْجَنَّةَ، وَانْ‏

از من خشنود باشى و به انجام رسانى عمل مرا به نيكوترين آن و پاداش آن را برايم بهشت مقرّر دارى‏

تَفْعَلَ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، يا اهْلَ التَّقْوى‏ وَيا اهْلَ الْمَغْفِرَةِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و انجام دهى درباره من آنچه را تو شايسته آنى اى اهل تقوا و اى شايسته آمرزش درود فرست بر محمّد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنى‏ بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1237]](#footnote-1237)

و آل محمّد و رحم كن به من به رحمت خويش اى مهربانترين مهربانان.

\*\*\*

روز بيست و پنجم (روز نزول سوره هل أتى‏):

روز بيست و پنجم ماه ذى‏الحجّه، روزى است كه سوره «هل اتى» در آن روز نازل شد.[[1238]](#footnote-1238) در شأن نزول اين سوره جمع زيادى از علماى شيعه و سنّى نقل كرده‏اند كه امام حسن و امام حسين عليهما السلام بيمار شدند و پيامبر صلى الله عليه و آله به عيادتشان آمد و به على عليه السلام فرمود: چه خوب است براى شفاى آنان نذرى كنى.

حضرت على عليه السلام و حضرت فاطمه عليها السلام و فضّه براى شفاى آنان سه روز روزه نذر كردند.

وقتى كه حسنين عليهما السلام شفا يافتند، آنان براى اداى نذر روزه گرفتند- ومطابق برخى از روايات حسنين عليهما السلام نيز روزه گرفتند- در حالى كه از نظر موادّ غذايى در زحمت بودند. به‏هنگام افطار كه مقدارى نان را براى افطار آماده كرده بودند، صداى مسكينى را شنيدند كه تقاضاى كمك داشت. على عليه السلام و فاطمه عليها السلام و فضّه و حسن و حسين عليهما السلام نان خود را به آن مسكين دادند و خود در آن شب جز آب ننوشيدند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 904

غروب فردا نيز به هنگام افطار يتيمى اظهار نياز كرد و بار ديگر جريان شب گذشته تكرار شد و آنان با مقدارى آب افطار كردند.

روز سوم نيز به هنگام غروب اسيرى به در خانه آنان آمد و آن خانواده كرامت و بزرگوارى و ايثار، از سهم نان خود گذشتند و آن را به اسير دادند.

فردا على عليه السلام دست حسن و حسين را گرفت و خدمت پيامبر صلى الله عليه و آله آمد، چشم پيامبر به بچّه‏ها افتاد كه از شدّت گرسنگى مى‏لرزيدند؛ علّت را جويا شد و على عليه السلام ماجرا را تعريف كرد. پيامبر صلى الله عليه و آله ناراحت شد و با هم به منزل حضرت زهرا عليها السلام آمدند، در اين حال جبرئيل فرود آمد و سوره هل أتى (انسان) را از جانب خداوند آورد. در اين سوره از ايثار توأم با اخلاص اهل‏بيت عليهم السلام به عظمت و بزرگى زياد ياد شده است.[[1239]](#footnote-1239) براى اين روز اعمالى ذكر شده است:

1- مرحوم «سيّد بن طاووس» از «شيخ مفيد» نقل مى‏كند كه مستحب است در چنين روزى روزه بگيرند، زيرا در چنين روزى خداوند فضيلت و برترى اهل‏بيت رسول خدا را آشكار ساخت.[[1240]](#footnote-1240) 2- در شب بيست و پنجم و روز بيست و پنجم براى تأسّى به آن بزرگواران انفاق و اطعام و صدقه دادن به فقرا مناسب است.[[1241]](#footnote-1241) 3- مناسب است در اين روز غسل زيارت انجام دهند و ائمّه عليهم السلام را زيارت كنند مخصوصاً خواندن زيارت جامعه در اين روز مناسب است.[[1242]](#footnote-1242)

\*\*\*

روز آخر ذى‏الحجّه:

اين روز، روز آخر سال اسلامى قمرى است. لذا مرحوم «سيّدبن‏طاووس» نقل كرده است كه در اين روز، دو ركعت نماز مى‏خوانى و در هر ركعت، يك مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قل هو اللَّه» و ده مرتبه «آيةالكرسى» را مى‏خوانى و پس از نماز مى‏گويى:

اللَّهُمَّ ما عَمِلْتُ فى‏ هذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنى‏ عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ،

خدايا آنچه انجام دادم در اين‏سال از اعمالى كه مرا از آن نهى فرمودى و راضى بدان نبودى‏

وَنَسيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَنى‏ الَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرائى‏ عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ فَانّى‏

و من آن را فراموش كردم ولى تو فراموشش نكردى و مرا به بازگشت بسويت خواندى پس از دليرى كردنم بر تو خدايا من از آن‏

اسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لى‏، وَما عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنى‏ الَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنّى‏،

اعمال آمرزش مى‏طلبم پس بيامرز آنها را و هر عملى كه انجام دادم از اعمالى كه مرا به تو نزديك گرداند پس آن را از من قبول كن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 905

وَلا تَقْطَعْ رَجآئى‏ مِنْكَ ياكَريمُ.

و قطع مكن اميدم را از خودت اى بزرگوار.

وقتى چنين كردى شيطان مى‏گويد: واى بر من! هرچه در مدّت اين سال زحمت كشيدم (و او را وسوسه كردم) با اين عمل، همه را از بين برد و سالش را به خير پايان داد![[1243]](#footnote-1243) مناسب است همين عمل، در پايان سال شمسى (روز آخر اسفندماه) نيز به قصد استحباب مطلق انجام شود.

يادآورى:

در پايان اين بخش ذكر چند نكته را مفيد مى‏دانيم:

1- اعمال ماهها و روزها كه در اين بخش گذشت بار ديگر يادآور اين نكته است كه اسلام براى همه امور زندگى، حتّى ايّام و مناسبتها برنامه دارد و براى سازندگى انسان از هيچ امرى فروگذار نكرده، و هيچ فرصت و زمانى را ناديده نگرفته است.

2- انجام همه اين اعمال و دعاها و نمازها كه ذكر شد، براى كسانى است كه نشاط لازم و فرصت كافى را براى آن داشته باشند، ولى كسانى كه اشتغالات فراوانى دارند و براى زندگى حلال و كسب روزى پاك، يا تحصيل علم و مانند آن در تلاشند، به مقدار فرصت و نشاط و رغبت انجام دهند، و بدانند حتّى اگر مقدار كمى را با توجّه و اخلاص و شور و شوق انجام دهند، فايده زيادى دارد و در راه سازندگى بسيار مؤثّر است.

3- پاداش‏هاى عظيمى كه در روايات براى اين اعمال و عبادات و دعاها و اذكار ذكر شده است به يقين براى كسانى است كه داراى تقوا و اخلاص باشند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 906

اعمال ماههاى خورشيدى‏

عيد نوروز:

در اين كه اسلام در برابر عيد نوروز چه موضعى دارد، ميان صاحب‏نظران گفتگوست. از برخى روايات اهمّيّت اين روز به عنوان يكى از روزهاى نجات امّت‏ها استفاده مى‏شود.

مرحوم «علّامه مجلسى» در كتاب «زادالمعاد» مى‏گويد:

به سندهاى معتبر از «معلّى بن خنيس» نقل شده است كه در روز «نوروز» به محضر امام صادق عليه السلام شرفياب شدم. حضرت به من فرمود: آيا اين روز را مى‏شناسى؟ گفتم: فدايت شوم! اين روزى است كه ايرانيان آن را بزرگ مى‏شمارند، و در اين روز براى يكديگر هدايا مى‏فرستند.

امام عليه السلام فرمود: اين تعظيم و بزرگداشت، به سبب امورى است كه از قديم بوده است كه اكنون تفسير و شرح آن را براى تو بازگو مى‏كنم. (به علاوه حوادث مطلوب ديگرى در اين روز اتفاق افتاده است).

سپس امام عليه السلام به طور مشروح اين امور را ذكر كرد؛ از جمله فرمود: نوروز، روزى است كه خداوند متعال، در آن روز، از ارواح بندگانش پيمان گرفت كه او را به يگانگى بپرستند و براى او شريكى قرار ندهند، و به پيغمبران و امامان معصوم عليهم السلام ايمان آورند.

اين روز، روزى است كه طوفان حضرت نوح عليه السلام فرونشست و كشتى آن حضرت بر كوه «جودى» قرار گرفت.

نوروز روزى است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله بت‏هاى كافران قريش را در مكّه شكست و پيش از آن حضرت ابراهيم عليه السلام نيز، در اين روز بتهاى كافران را درهم شكست.

در اين روز، رسول خدا صلى الله عليه و آله به اصحاب خود امر كرد كه با على عليه السلام به عنوان اميرمؤمنان بيعت كنند (اشاره به اين است كه روز عيد غدير مصادف با نوروز بوده است).

نوروز، روزى است كه قائم آل محمّد عليه السلام ظاهر خواهد شد.

آنگاه فرمود: هيچ روز نوروزى نيست مگر آن‏كه ما در آن روز انتظار فرج مى‏كشيم؛ زيرا از روزهاى ما و شيعيان ما است. آن روز را، مردم عجم حفظ كردند و حرمت آن را نگه داشتند، ولى شما مردم عرب آن را ضايع ساختيد.[[1244]](#footnote-1244) (آنگاه امام اعمالى را براى اين روز بيان فرمودند كه ذكر خواهد شد).

كليات مفاتيح نوين، ص: 907

ولى چون شخص «معلّى بن خنيس» از نظر علماى رجال زير سؤال است تكيه بر اين روايت آسان نيست.

امّا با توجه به اينكه، عيد نوروز يك عيد طبيعى در جهان آفرينش است؛ فصل زمستان پايان مى‏گيرد، بهار همراه با حيات طبيعت به فرمان خدا شروع مى‏شود، شكوفه‏ها و برگها و گلها بر شاخسار درختان آشكار مى‏گردد و نشاط و جنبش و حركت در تمام عالم حيات آغاز مى‏شود، همگام و همراه شدن با اين پديده عالمِ آفرينش، همگامى با سنّت‏هاى الهى است.

\*\*\*

نكته قابل توجّه اين كه مراسمى در نوروز ميان مردم معمول است و به شكل سنّت ملّى در ميان ايرانيان و كشورهاى ديگرى درآمده كه قسمت قابل ملاحظه‏اى از آن، در شمار امورى است كه اسلام بر آن، (به صورت كلّى) تأكيد نهاده است. مانند: نظافت، خانه‏تكانى، كمك به ارحام و بستگان و افراد نيازمند و آبرومند براى تهيّه لباس و وسايل اوّليّه زندگى كه در سالهاى اخير در كشور ما ايران به صورت سنّت «هفته نيكوكارى» درآمده است و بسيار پرثمر و مفيد است.

ديد و بازديد و صله رحم و ملاقات دوستان و رفع كدورتها و بيرون ريختن غم و اندوهها از دل و آماده شدن براى فعّاليّت‏هاى مختلف ثمربخش در سال نو، و مانند اينها؛ اين امور و مانند آن جنبه‏هاى مثبت مراسم نوروزى است.

ولى گاه پاره‏اى از آداب و رسوم شرك‏آلود، يا گناه‏آلود ديده مى‏شود كه افراد باايمان و خردمند بايد آنها را ترك گويند، مانند آتش افروختن در شب چهارشنبه آخر سال (به نام چهارشنبه سورى) و دست زدن به كارهاى خطرناكى كه همه سال ضايعه‏هاى زيادى براى جوانان و نوجوانان به بار مى‏آورد و امثال آن.

در مجموع، عيد نوروز و مراسم آن، هم به خاطر بعضى روايات و هم به خاطر آثار مثبتى كه دارد، نبايد حذف شود، ولى بايد بعضى از مراسم منفى و ناپسندِ آن را كنار گذاشت. اين است روش اولوالالباب و صاحبان انديشه!

\*\*\*

اعمال عيد نوروز:

مرحوم «علّامه مجلسى» در كتاب «زادالمعاد» آورده است كه امام صادق عليه السلام براى نوروز، اعمالى را به معلّى بن خنيس آموخت و به او فرمود:

چون روز نوروز شود، غسل كن و بهترين لباس‏هاى خود را بپوش و خود را كاملًا خوشبو كن (و اگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 908

توانستى) آن روز را روزه بدار و پس از نمازهاى ظهر و عصر و انجام نافله‏هاى آن، چهار ركعت نماز بخوان (هر دو ركعت به يك سلام) و در ركعت اوّل بعد از سوره حمد، ده مرتبه سوره إنّا أنزلناه را بخوان و در ركعت دوم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره قُل يا أيّها الكافرون را؛ در ركعت سوم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره قل هو اللَّه را بخوان و در ركعت چهارم بعد از سوره حمد، ده مرتبه سوره‏هاى قُل أعوذ بِرَبِّ الْفَلَق و قُل أعُوذ بِرَبِّ النّاس را بخوان. بعد از نماز به سجده شكر برو، و اين دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيآءِ الْمَرْضِيِّينَ، وَعَلى‏ جَمِيعِ‏

خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد آن اوصياى پسنديده و بر همه پيمبران‏

انْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ بِافْضَلِ صَلَواتِكَ، وَبارِكْ عَلَيْهِمْ بِافْضَلِ بَرَكاتِكَ،

و رسولانت به بهترين درودها و بركت ده بر ايشان به بهترين بركتهايت‏

وَصَلِّ عَلى‏ ارْواحِهِمْ وَاجْسادِهِمْ، اللهُمَّ بارِكْ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و درود فرست بر ارواح و اجسادشان خدايا بركت ده بر محمّد و آل محمّد

وَبارِكْ لَنا فى‏ يَوْمِنا هذَا، الَّذى‏ فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ،

و بركت ده به ما در اين روز كه آن را برترى داده و گراميش كرده و شرافتش دادى و مقامش را بزرگ كردى‏

اللهُمَّ بارِكْ لى‏ فيما انْعَمْتَ بِهِ عَلَىَّ، حَتَّى لا اشْكُرَ احَداً غَيْرَكَ، وَوَسِّعْ‏

خدايا بركت ده به من در آنچه به من تفضل كرده‏اى بد انسان كه هيچ كس را جز تو سپاس نگذارم و روزيم را وسيع گردان‏

عَلَىَّ فى‏ رِزْقِى‏، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، اللَّهُمَّ ما غابَ عَنّى‏ فَلا يَغيبَنَ‏

اى صاحب جلالت و بزرگوارى خدايا هر چه از من پنهان شده مبادا كمك و نگهدارى تو از من پنهان شود

عَنّى‏ عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ، وَما فَقَدْتُ مِنْ شَىْ‏ءٍ، فَلا تُفْقِدْنِى عَوْنَكَ عَلَيْهِ،

و هر چه را گم كرده‏ام مبادا يارى خويش را بر آن از من گم كنى تا خود را به‏

حَتَّى لا اتَكَلَّفَ ما لا احْتاجُ الَيْهِ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.[[1245]](#footnote-1245)

زحمت نيندازم درباره آنچه را بدان نيازمند نيستم اى صاحب جلالت و بزرگوارى.

همچنين در برخى از كتب آمده است كه در وقت تحويل سال، اين دعا را كه مضمون خوب و سازنده‏اى دارد، بخوانند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 909

يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصارِ، يا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ، يا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ‏

اى كسى كه تحوّل دل‏ها و گردش چشم‏ها در دست توست. اى تدبير كننده شب و روز و اى تغيير دهنده سال و

وَالْأَحْوالِ، حَوِّلْ حالَنا إلى‏ احْسَنِ الْحالِ.[[1246]](#footnote-1246)

حال؛ حال ما را به بهترين حال، تغيير ده!

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏افزايد: بعضى روايت كرده‏اند كه اين دعا را نيز، در روز نوروز، به عدد ايّام سال بخواند:

اللَّهُمَّ هذِهِ سَنَةٌ جَديدَةٌ، و انْتَ مَلِكُ قَديمٍ، اسْألُكَ خَيْرَها وَ خَيْرَ ما

خداوندا! اين سال نوى است و تو سلطان قديمى؛ از تو خير آن و خير آنچه در آن است را

فيها، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها وَ شَرِّ ما فيها، وَ اسْتَكْفيكَ مَؤُونَتَها وَ شُغْلَها،

مى‏خواهم و به تو از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است، پناه مى‏برم و حلّ مشكلات آن را از تو مى‏خواهم‏

يا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.[[1247]](#footnote-1247)

اى ذوالجلال و الاكرام.

البتّه اگر نتواند به اين مقدار بخواند به هر مقدار كه بتواند به قصد قربت مطلقه بخواند، خوب است.

همچنين مى‏توان دعايى كه در اوّل ماه رمضان (صفحه 775) نقل شده است را، در اوّل سال شمسى به قصد قربت مطلقه خواند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 910

ماههاى رومى‏

ماههاى رومى، ماههايى است كه مانند ماههاى خورشيدى ما، بر اساس حركت خورشيد در برجهاى مختلف است، ابتداى سال در ماههاى رومى، از فصل پاييز است و ماهها به اين ترتيب است: ايلول، تشرين اوّل و تشرين آخر (پاييز)

كانون اوّل، كانون آخر و شباط (زمستان)

آذر، نيسان و ايار (بهار)

حريزان، تموز و آب (تابستان)[[1248]](#footnote-1248) براى هر يك از اين ماهها و ايّام آن نكاتى در بعضى از روايات آمده است‏[[1249]](#footnote-1249) كه مهمترين آن، خواصى است كه براى آب باران در ماه نيسان نقل شده است.

خواصّ آب نيسان:

«نيسان» ماه هشتم رومى است كه از بيست و سوم فروردين شروع و تا سى روز ادامه دارد (بنابراين قسمت عمده ماه نيسان، مقارن ارديبهشت‏ماه است و كمى از آن در آخر ماه فروردين قرار دارد).

از بعضى از روايات استفاده مى‏شود، بارانى كه در اين ماه از آسمان نازل مى‏گردد، خواص و آثار فراوانى دارد و اگر كسى مقدارى از آن را در ظرف پاكى جمع كند و سوره‏ها و دعاهاى زير را بر آن بخواند، هر كس از آن آب بخورد، از بيمارى‏هاى گوناگون جسمانى و اخلاقى رهايى مى‏يابد و به قدرى در اين روايت آثار و بركات، براى آن ذكر شده‏است كه انسان در شگفتى فرو مى‏رود.[[1250]](#footnote-1250) سوره‏ها و دعاها از اين قرار است:

1- سوره حمد. 2- آيةالكرسى. 3- قل يا أيّها الكافرون. 4- سبّح اسم ربّك الاعلى. 5- قل اعوذ برب الفلق. 6- قل اعوذ بربّ النّاس. 7- قل هو اللَّه احد، هر كدام را هفتاد مرتبه مى‏خوانى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 911

همچنين ذكرهاى:

1- لا اله الّا اللَّه. 2- اللَّه اكبر. 3- اللّهم صلّ على محمّد و آل محمّد. 4- سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اكبر هر كدام را هفتاد مرتبه.[[1251]](#footnote-1251) مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد: آب باران به طور كلّى مبارك و نافع است، همان گونه كه در حديث معتبرى از اميرمؤمنان عليه السلام نقل شده است كه فرمود: آبى را كه از آسمان فرود مى‏آيد بياشاميد كه بدنها را پاك مى‏سازد و دردها را دفع مى‏كند، قرآن مجيد مى‏فرمايد: «

«وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلى‏ قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأقْدامَ»؛

و آبى از آسمان برايتان فرستاد، تا شما را با آن پاك كند؛ و پليدى شيطان را از شما دور سازد؛ و دلهايتان را محكم، و گامها را با آن استوار دارد».[[1252]](#footnote-1252) «علّامه مجلسى» در ادامه مى‏گويد: در عمل مربوط به آب نيسان بهتر آن است كه اگر به صورت دسته‏جمعى مى‏خوانند، هر يك از افراد، مجموع آن سوره‏ها و اذكار را هفتاد مرتبه بخوانند (يعنى مى‏توانند آن را ميان خود تقسيم نمايند و هر كدام سوره‏اى را هفتاد بار بخواند ولى بهتر است هر يك از آنها، مجموع آن سوره‏ها و اذكار را هفتاد مرتبه بخواند).[[1253]](#footnote-1253)

كليات مفاتيح نوين، ص: 915

بخش پنجم: اعمال شب و روز و ايام هفته‏

مقدّمه: ياد خدا در همه حال‏

از آن‏جا كه افراد با ايمان، مخصوصاً سالكان الى اللَّه و بندگان سپاسگزار و ترسان از هواى نفسانى و وسوسه‏هاى شيطانى بايد پيوسته به ياد خدا باشند؛ در آغاز تلاش روزانه و پس از پايان تكاپوى معاش و بلكه در طول فعّاليّت‏هاى روزمرّه، پيوند خويش را با خداى خود حفظ كنند؛ صبح‏گاهان با ياد او و توجّه به قدرت و علم و رحمتش پا به عرصه تلاش معاش مى‏گذارند و شبانگاهان نيز با ذكر او و استغفار از لغزش‏هاى روزانه، به بستر مى‏روند و همواره خود را در پناه او و تحت حمايت آن كريم بنده نواز قرار مى‏دهند، به ويژه شب و روز جمعه كه هنگام تعطيلى و فراغت است و مؤمنان از فرصت بيشترى براى انس با خدا و پيوند با اولياى او برخوردارند و مى‏توانند كاستى‏هاى روزهاى گذشته را جبران كرده، نيروى تازه‏اى را براى هفته آينده فراهم سازند؛ به خصوص اين كه شب و روز جمعه بسيار مبارك و نزد خدا عزيز است.

بر همين اساس، در روايات معصومين سلام اللَّه عليهم، دعاها و زيارات و اعمال و وظايفى براى ساعات شب و روز و ايّام هفته به ويژه شب و روز جمعه وارد شده، كه بديهى است انجام همه آن براى همه ميسّر نيست و هر كس به مقدار توان و فراغت و ظرفيّت خويش به آن عمل مى‏كند.

اين دعاها و اعمال را مى‏توان به ده فصل تقسيم نمود:

1- اعمال هنگام طلوع فجر (طلوع سپيده صبح).

2- اعمالى كه اختصاص به بين‏الطّلوعين (مابين طلوع صبح و طلوع آفتاب) دارد.

3- اعمالى كه اختصاص به شامگاهان دارد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 916

4- اعمال مشترك صبح و شام.

5- اعمال و آداب هنگام خواب.

6- اعمال سحرگاهان و برخاستن از خواب.

7- دعاهاى هر روز.

8- دعاهاى ايّام هفته.

9- فضيلت و اعمال شب و روز جمعه.

10- زيارات ايّام هفته.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 917

فصل اوّل: اعمال هنگام طلوع فجر

براى اين ساعت، چند دعا در روايت آمده است:

1- هنگام طلوع فجر صادق (هنگام اذان صبح) اين دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ انْتَ صاحِبُنا

خدايا تويى هميشه همراه و ياور ما

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيْنا، اللَّهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُ‏الصَّالِحاتُ،

پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و به ما عطاى فراوان كن، خدايا با نعمت تو اعمال نيك پايان پذيرد

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاتْمِمْها عَلَيْنا، عآئِذاً بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، عآئِذاً

پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و نعمتت را بر ما تمام كن، در حالى كه از آتشِ (دوزخ) به خدا پناهنده‏ايم، در حالى كه از آتشِ (دوزخ)

بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، عآئِذاً بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ\* سپس مى‏گويى: يا فالِقَهُ مِنْ حَيْثُ‏

به خدا پناهنده‏ايم، در حالى كه از آتشِ (دوزخ) به خدا پناهنده‏ايم\*\*\* اى شكافنده فجر از جايى كه‏

لاارى‏، وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ ارى‏، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ اوَّلَ‏

نمى‏بينم، و خارج كننده آن از جايى كه مى‏بينم، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و آغاز

يَوْمِنا هذا صَلاحاً، وَاوْسَطَهُ فَلاحاً، وَآخِرَهُ نَجاحاً.[[1254]](#footnote-1254)

امروزم را نيكى و وسط آن را رستگارى و پايانش را كاميابى قرار ده.

2- از امام محمّد باقر عليه السلام نقل شده كه فرمود: هر كس هنگام طلوع فجر ده مرتبه بگويد:

لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى وَ يُميتُ،

معبودى جز خداوند يگانه بى‏شريك نيست، فرمانروايى و ستايش از آنِ اوست، زنده كرده و مى‏ميراند

وَ هُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ. و ده مرتبه بر و او زنده‏اى است كه (هرگز) نميرد، نيكى به دست اوست و او بر هر چيز تواناست.\*\*\*\*

محمّد و آل محمّد صلوات فرستد و 35 مرتبه سبحان اللَّه و 35 مرتبه لا اله الّا اللَّه و 35 مرتبه الحمد للَّه بگويد، اسمش در آن روز در زمره غافلان نوشته نمى‏شود و اگر آن را در شب بگويد در آن شب در زمره‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 918

غافلان نوشته نخواهد شد.[[1255]](#footnote-1255) 3- هنگامى كه صداى اذان صبح را مى‏شنوى بگو: اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاقْبالِ نَهارِكَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا از تو مى‏خواهم به حق آمدن روز

وَادْبارِ لَيْلَتِكَ، وَحُضُورِ صَلَواتِكَ، وَاصْواتِ دُعآئِكَ، وَتَسْبيحِ‏

و رفتن شبت و رسيدن وقت نمازهايت، و صداى‏دعاكنندگانت و تسبيح‏

مَلائِكَتِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَتُوبَ عَلَىَّ انَّكَ انْتَ‏

فرشتگانت، كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و توبه‏ام را بپذيرى كه تو بسيار

التَّوَّابُ الرَّحيمُ. از امام صادق عليه السلام روايت شده كه اگر چنين كسى در آن روز و يا آن شب از دنيا برود توبه‏پذير و مهربانى.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

به عنوان كسى كه توبه كرده (و توبه‏اش مقبول واقع شده) از دنيا رفته است.[[1256]](#footnote-1256)

كليات مفاتيح نوين، ص: 919

فصل دوم: اعمال بين الطّلوعين‏

(مابين طلوع صبح و طلوع آفتاب)

مقدّمه:

يكى از اوقات بسيار شريف و گرانبها، بين الطّلوعين است و اخبار زيادى از اهل بيت عصمت عليهم السلام در فضيلت اين وقت و در ارتباط با عبادت و ذكر و تسبيح خداوند در اين مدّت از شب و روز وارد شده است؛ در بعضى از روايات از آن به يكى از دو ساعت غفلت تعبير شده، چنانكه امام باقر عليه السلام مى‏فرمايد: «ابليس ملعون لشكريان خويش را در دو وقت: هنگام طلوع خورشيد و غروب آن، پراكنده مى‏سازد، چراكه اين دو ساعت، دو ساعت غفلت است».[[1257]](#footnote-1257) خواب در اين ساعت نيز كراهت دارد. چرا كه از امام باقر عليه السلام نقل شده كه فرمود: «خواب صبح، شوم و ناميمون است؛ روزى را دور مى‏سازد، رنگ صورت را زرد و متغيّر مى‏كند، خداوند متعال، روزى را بين‏الطّلوعين تقسيم مى‏كند، از خواب در اين زمان بپرهيزيد و بدانيد كه منّ و سلوى‏ (دو غذاى لذيذى كه براى بنى‏اسرائيل نازل مى‏شد) در اين ساعت بر بنى‏اسرائيل فرود مى‏آمد».[[1258]](#footnote-1258) به هر حال براى اين وقت شريف، چند عمل وارد شده:

1- از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود: هر كس هنگام صبح، هفت بار اين دعا را بخواند، در آن روز از بلاها محفوظ باشد: فَاللَّهُ خَيْرٌ حافِظاً وَ هُوَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، انَّ وَلِيِّىَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پس (در هر حال) خداوند بهترين حافظ و مهربان‏ترين مهربانان است، ولىّ و سرپرست من‏

اللَّهُ الَّذى‏ نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحينَ، فَانْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِىَ‏

خدايى است كه اين كتاب را نازل كرده و او همه صالحان را سرپرستى مى‏كند، پس اگر آنها (از حق) روى بگردانند (نگران مباش) بگو

اللَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.[[1259]](#footnote-1259)

خداوند مرا كفايت مى‏كند، هيچ معبودى جز او نيست بر او توكّل كردم و او صاحب عرش بزرگ است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 920

2- مرحوم «شيخ كلينى» از امام باقر عليه السلام فضيلت فراوانى براى اين دعا نقل كرده است كه پيش از طلوع آفتاب خوانده شود:

اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ كَبيراً، وَسُبْحانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ اصيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ‏

خدا بزرگتر از هر چيز است، خدا بسيار بزرگتر از هر چيز است، تسبيح مى‏گويم خدا را در صبح و شام، و حمد و

الْعالَمينَ كَثيراً، لا شريكَ لَهُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.[[1260]](#footnote-1260)

سپاس فراوان از آنِ پروردگار جهانيان است، كه شريكى ندارد و درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش باد.

\*\*\*

3- «قطب راوندى» از امير مؤمنان عليه السلام روايت كرده كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كس كه صبح كند و چهار نعمت خدا را ياد نكند، مى‏ترسم كه اين نعمت‏هاى خدا از او زايل گردد؛ آن چهار نعمت و سپاس بر آن، چنين است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى‏ عَرَّفنى‏ نَفْسَهُ، وَ لَمْ يَتْرُكْنى‏ عَمْيانَ الْقَلْبِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ‏

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه خود را به من شناساند، و مرا كوردل به حال خود رها نكرد، حمد و سپاس مخصوص‏

الَّذى‏ جَعَلَنى‏ مِنْ امَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى‏ جَعَلَ‏

خداوندى است كه مرا از پيروان محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- قرار داد، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه‏

رِزْقى‏ فى‏ يَدَيْهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ رِزْقى‏ فى‏ ايْدى‏النَّاسِ، الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى‏ سَتَرَ

روزيم را در اختيار خويش قرار داد و آن را به دست مردم نسپرد، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه‏

ذُنُوبى‏ وَ عُيُوبى‏، وَلَمْ يَفْضَحْنى‏ بَيْنَ النَّاسِ.[[1261]](#footnote-1261)

گناهان و عيب‏هايم را پوشاند و در ميان مردم رسوايم نساخت.

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص920**

\*\*\*

4- مرحوم «صدوق» با سند معتبرى از امير مؤمنان على عليه السلام نقل كرده است كه آن حضرت فرمود: «هر كس سوره‏هاى توحيد و قدر و همچنين آيةالكرسى را يازده بار پيش از طلوع آفتاب بخواند، از خسارتهاى مالى محفوظ مى‏ماند و همچنين فرمود: هر كس دو سوره «قل هو اللَّه» و «انّا انزلناه» را پيش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهى از او سر نخواهد زد هرچند شيطان در اين راه تلاش فراوان كند».[[1262]](#footnote-1262)

كليات مفاتيح نوين، ص: 921

5- بسيار مناسب است كه در اين وقت مقدارى قرآن همراه با تدبّر و انديشه بخواند و با آيات آن روح و جان خود را تازه كند و نيز مناسب است دعاى صباح اميرمؤمنان على عليه السلام را كه در بخش دعاها (صفحه 94) گذشت، در اين وقت بخواند.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 922

فصل سوم: اعمال مخصوص غروب و شامگاهان‏

1- قبل از هر چيز بايد آماده حضور در مسجد و برگزارى نماز جماعت شد.

2- از امام باقر عليه السلام نقل شده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله به هنگام كمرنگ شدن آفتاب (هنگام غروب) اين دعا را مى‏خواند:

امْسى‏ ظُلْمى‏ مُسْتَجيراً بِعَفْوِكَ، وَامْسَتْ ذُ نُوبى‏ مُسْتَجيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ،

با ستمم به اميد گذشتت روزم سپرى شد و با گناهانم به اميد آمرزشت روزم سپرى شد

وَامْسى‏ خَوْفى‏ مُسْتَجيراً بِامْنِكَ، وَ امْسى‏ ذُلّى‏ مُسْتَجيراً بِعِزِّكَ، وَ امْسى‏

و با ترسم به اميد ايمنيت روزم سپرى شد، با سيه‏روييم به اميد عزّتت روزم سپرى شد، و با نداريم به اميد

فَقْرى‏ مُسْتَجيراً بِغِناكَ، وَ امْسى‏ وَجْهِىَ الْبالِى الْفانى‏، مُسْتَجيراً بِوَجْهِكَ‏

بى‏نيازيت روزم سپرى شد، و با چهره خسته و فرسوده‏ام به اميد روى جاويدان بزرگوارت روزم سپرى شد،

الْباقِى الْكَريمِ، اللَّهُمَّ الْبِسْنى‏ عافِيَتَكَ، وَ جَلِّلْنى‏ كَرامَتَكَ، وَ غَشِّنى‏

خدايا با لباس عافيتت مرا بپوشان، و با بزرگواريت مرا گرامى دار، و مرا بپوشان و از

وَقِنى‏ شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، يا اللَّهُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ.[[1263]](#footnote-1263)

شر مخلوقاتت از جنّ و انس حفظ كن، اى خدا، اى بخشنده، اى مهربان.

\*\*\*

3- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه هر كس اين كلمات را سه مرتبه در آغاز شب بگويد تحت پوشش بال و پر (حمايت) جبرئيل قرار مى‏گيرد:

اسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَلِىَّ الْأَعْلَى الْجَليلَ الْعَظيمَ نَفْسى‏، وَ مَنْ يَعْنينى‏ امْرُهُ،

خود و هر كس مسئوليّتش به عهده من است را به خداى بلندمرتبه و برتر و بزرگ و با عظمت مى‏سپارم،

اسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسِىَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضَعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَىْ‏ءٍ.[[1264]](#footnote-1264)

نفس مضطرب و ترسانم را به خداوندى مى‏سپارم كه در برابر عظمتش همه چيز خوار است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 923

4- و نيز فرمود: وقتى شب مى‏شود بگو:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ عِنْدَ اقْبالِ لَيْلِكَ، وَ ادْبارِ نَهارِكَ، وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ،

خدايا از تو مى‏خواهم به هنگام آمدن شب و رفتن روزت و رسيدن وقت نمازهايت و

وَاصْواتِ دُعآئِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.[[1265]](#footnote-1265)

صداهاى خوانندگانت، كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى.

\*\*\*

5- مستحب است هنگام غروب به تسبيح وذكر و استغفار مشغول شود؛ چراكه اين ساعت در فضيلت و شرف، شبيه صبح است و خداى سبحان در قرآن مجيد فرموده است:

«وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ»[[1266]](#footnote-1266)

و امام صادق عليه السلام مى‏فرمايد: «هنگام غروب آفتاب ذكر خداى عزّوجلّ بگو و اگر با كسى به سر مى‏برى كه تو را بيهوده از ذكر او باز مى‏دارد پس برخيز و او را رها كن و به دعا مشغول شو».[[1267]](#footnote-1267) 6- طبق روايت امام صادق عليه السلام اين دعا را هر روز هنگام غروب آفتاب بخواند:

يا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اخْتِمْ لى‏ فى‏ يَوْمى‏ هذا

اى كه نبوّت را به محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- ختم نمودى، امروز و اين‏

بِخَيْرٍ، وَشَهْرى‏ بِخَيْرٍ، وَسَنَتى‏ بِخَيْرٍ، وَ عُمْرى‏ بِخَيْرٍ.[[1268]](#footnote-1268)

ماه و سال و عمرم را به خير و نيكى ختم كن.

كليات مفاتيح نوين، ص: 924

فصل چهارم: اعمال مشترك صبح و شام‏

1- در هر صبح و شام ذكر زير را بگويد:

«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَلا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أكْبَرُ

» كه مطابق بعضى از روايات‏[[1269]](#footnote-1269) همان «الباقيات الصالحات» است كه در قرآن آمده است:

«وَ الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ...».[[1270]](#footnote-1270)

\*\*\*

2- امام صادق عليه السلام فرمود: هر كس قبل از طلوع آفتاب و پيش از غروب، ده مرتبه بگويد:

لاالهَ‏الَّااللَّهُ وَحْدَهُ لاشَرِيكَ لَهُ، لَهُ‏الْمُلْكُ وَلَهُ‏الْحَمْدُ، يُحْيى‏وَيُميتُ، وَيُميتُ‏

معبودى جز خداوند يگانه بى‏شريك نيست، فرمانروايى و ستايش از آن اوست، زنده كرده و مى‏ميراند و ميرانده‏

وَيُحْيى‏، وَ هُوَ حَىٌّ لايَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

و زنده مى‏كند، و او زنده‏اى است كه (هرگز) نمى‏ميرد، نيكى به دست اوست و بر هر چيز تواناست.

كفّاره گناهان آن روز او خواهد بود.[[1271]](#footnote-1271)

\*\*\*

3- از امام صادق عليه السلام نقل شده كه: هفت مرتبه پس از نماز صبح و نماز مغرب بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ الْعَلىِّ الْعَظيمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلند مرتبه و باعظمت نيست.

كه هر كس آن را بگويد بلاهاى بسيارى از او دور مى‏شود.[[1272]](#footnote-1272)

\*\*\*

4- و نيز از آن حضرت نقل شده كه هر صبح و شام دو مرتبه مى‏گويى:

الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ، الْحَمْدُ لِفالِقِ الْاصْباحِ. و نيز مى‏گويى: الْحَمْدُ لِلَّهِ‏

حمد و سپاس از آنِ پروردگار صبح و شكافنده روز است.\*\*\*\*\*\*\*\*\* حمد و سپاس از آنِ خداوندى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 925

الَّذى‏ اذْهَبَ اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ، وَجاءَ بِالنَّهارِ بِرَحْمَتِهِ، وَ نَحْنُ فى‏ عافِيَةٍ.[[1273]](#footnote-1273)

است كه شب را با قدرتش برده و روز را به لطف و رحمتش مى‏آورد، در حالى كه ما در سلامتى كامل هستيم.

و نيز مى‏خوانى: آيةالكرسى و آخر سوره حشر و ده آيه از صافّات را و نيز اين آيات و كلمات را:

وَ سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ،

و منزّه است پروردگار تو پروردگار عزّت (و قدرت) از آنچه آنان توصيف مى‏كنند و سلام بر رسولان‏

والْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، فَسُبْحانَ اللَّهِ حينَ تُمْسُونَ وَ حينَ تُصْبِحُونَ،

و حمد و ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است. پس تسبيح مى‏گويم خدا را در شبانه‏روز

وَلَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحينَ تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَىَ‏

و حمد و سپاس در آسمانها و زمين و به هنگام عصر و هنگامى كه ظهر مى‏كنيد مخصوص اوست، او زنده‏

مِنَ الْمَيِّتِ، وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ، مِنَ الْحَىِّ، وَ يُحْيِى الْأَرْضَ بَعْدَمَوْتِها

را از مرده و مرده را از زنده خارج كرده و زمين را بعد از مردن زنده مى‏كند،

وَكَذلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ، سَبَقَتْ‏

و شما نيز اين چنين خارج مى‏شويد. بسيار منزّه و پاك است پروردگار فرشتگان و روح، لطف و

رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لا الهَ الَّا انْتَ سُبْحانَكَ انّى عَمِلْتُ سُوءاً، وَظَلَمْتُ‏

رحمتت بر خشم و غضبت پيشى گرفته است، معبودى جز تو نيست، پاك و منزّهى تو و من بد كرده، و بر خود ستم نمودم،

نَفْسى‏، فَاغْفِرْ لى‏ وَ ارْحَمْنى‏، وَ تُبْ عَلَىَّ انَّكَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ.[[1274]](#footnote-1274)

پس مرا بيامرز و بر من رحم كن، و توبه‏ام را بپذير كه تو بسيار توبه‏پذير و مهربانى.

\*\*\*

5- يكى از ياران امام نهم عليه السلام براى امام نامه‏اى نوشت كه به من دعايى را بياموز (كه اسباب برآمدن حاجت من گردد) آن حضرت در جواب او نوشتند: صبح و شام مى‏گويى:

«اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّى‏، الرَّحْمنُ الرَّحيمُ، لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً».

خدا، خدا، خدا پروردگار من است كه بخشنده و مهربان است و چيزى را براى او شريك قرار نمى‏دهم.

سپس هر حاجتى را كه به نظرت‏آمد طلب كن؛ چرا كه اين دعا براى هر چيزى به اذن خداوند تعالى مؤثّر

كليات مفاتيح نوين، ص: 926

است، خداوند هرآنچه را بخواهد انجام مى‏دهد.[[1275]](#footnote-1275) 6- در روايتى آمده است كه امام صادق عليه السلام به داوود رقّى فرمود: خواندن اين دعا را سه مرتبه در صبح و شام ترك مكن:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ فى‏ دِرْعِكَ الْحَصينَةِ، الَّتى‏ تَجْعَلُ فيها مَنْ تُريدُ.

خدايا مرا در زره محكمت قرار ده، زرهى كه هر كسى را بخواهى (و مورد عنايت تو باشد) در آن قرار مى‏دهى.

چراكه پدرم مى‏فرمود: اين از دعاهاى اسرارآميز است.[[1276]](#footnote-1276)

\*\*\*

7- از امير مؤمنان عليه السلام نقل شده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كس كه مى‏خواهد خداوند عمر او را طولانى كند و او را بر دشمنانش پيروز گرداند و از مرگهاى بد مصونش دارد، در هر صبح و شام در خواندن اين دعا مداومت ورزد و سه بار بگويد:

سُبْحانَ اللَّهِ مِلْأَ الْميزانِ، وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغَ الرِّضا، وَزِنَةَ الْعَرْشِ،

تسبيح مى‏گويم خدا را به اندازه ميزان پر و نهايت علم و خشنودى و همسنگ عرش‏

وَسَعَةَالْكُرْسِىِّ. و سه بار بگويد: الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلْأَ الْميزانِ، وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغَ‏

و وسعت تخت (حكومت الهى)\*\*\*\*\*\*\*\*\* حمد و سپاس از آنِ خداست به اندازه ميزان پر و نهايت علم و خشنودى او،

الرِّضا، وَزِنَةَ الْعَرْشِ، وَ سَعَةَ الْكُرْسِىِّ. و سه بار بگويد: لا الهَ الَّا اللَّهُ مِلْأَ

و همسنگ عرش و به وسعت تخت (حكومت الهى)،\*\*\*\*\*\* معبودى جز خدا نيست به اندازه‏

الْميزانِ، وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضا، وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِىِّ. و سه‏ ميزان پر و نهايت علم و خشنودى، و همسنگ عرش و وسعت تخت (حكومت الهى)\*\*\*

بار بگويد: اللَّهُ اكْبَرُ مِلْأَ الْميزانِ، وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغَ الرِّضا، وَزِنَةَ الْعَرْشِ،

\*\*\* خدا بزرگتر از هر چيز است به اندازه ميزان پر و نهايت علم و خشنودى و همسنگ عرش و به‏

وَ سَعَةَ الْكُرْسِىِّ.[[1277]](#footnote-1277)

وسعت تخت (حكومت الهى).

8- مرحوم «شيخ كلينى» و «شيخ صدوق» و ديگران با سندهاى معتبرى از امام صادق عليه السلام روايت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 927

كرده‏اند كه آن حضرت فرمود: لازم است بر هر مسلمانى كه پيش از طلوع آفتاب ده بار و قبل از غروب آن نيز ده بار بگويد:

لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى وَيُميتُ،

معبودى جز خداوند يگانه بى‏شريك نيست، فرمانروايى و ستايش از آنِ اوست، زنده كرده و مى‏ميراند

وَ هُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1278]](#footnote-1278)

و او زنده‏اى است كه (هرگز) نمى‏ميرد، نيكى به دست اوست و او بر هر چيز تواناست.

و در بعضى از اين روايات آمده است هرگاه اين ذكر از تو فوت شود آن را قضا كن‏[[1279]](#footnote-1279) (اشاره به اين است كه مستحبّ مؤكّد مى‏باشد) و در برخى از روايات آمده است: اين ذكر، كفّاره گناهان است.[[1280]](#footnote-1280)

\*\*\*

9- در روايت معتبرى از امام باقر عليه السلام نقل شده است كه هر كس صد مرتبه پيش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پيش از غروب آفتاب‏

اللَّه اكبر

بگويد، خداوند براى او ثواب آزاد كردن صد برده را مى‏نويسد.[[1281]](#footnote-1281) 10- مرحوم «صدوق» به سند معتبر از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: در بهشت غرفه‏هاى زيبايى وجود دارد كه از امّت من كسى در آنها ساكن مى‏شود كه سخن نيك بگويد و به مردم اطعام كند و به هر كس كه رسيد، سلام كند، و در هنگام شب كه مردم در خوابند، نماز بگزارد. آنگاه فرمود:

سخن نيك آن است كه در صبح و شام ده مرتبه بگويد:

سُبْحانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ اكْبَرُ.[[1282]](#footnote-1282)

تسبيح مى‏گويم خدا را و حمد و سپاس از آنِ خداست و معبودى جز خدا نيست و خداوند بزرگتر از هر چيز است.

\*\*\*

11- در كتاب «محاسن» به سند صحيح از امام باقر عليه السلام چنين نقل شده كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله به مردى گذشت كه براى خود باغى را آماده مى‏كرد، رسول خدا صلى الله عليه و آله ايستاد و فرمود: آيا مى‏خواهى تو را به باغى راهنمايى كنم كه ريشه‏اش از اين باغ ثابت‏تر و ميوه‏اش زودرس‏تر، بهتر و ماندنى‏تر است؟ عرض كرد:

آرى اى رسول خدا. فرمود: در صبح و شام بگو:

كليات مفاتيح نوين، ص: 928

سُبْحانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ اكْبَرُ.

تسبيح مى‏گويم خدا را و حمد و سپاس از آنِ خداست و معبودى جز خدا نيست و خداوند بزرگتر از هر چيز است.

كه به عوض هر تسبيحى، دربهشت براى تو درخت‏هايى با انواع ميوه‏ها كاشته مى‏شود، و اينها همان باقيات صالحات است (كه خداوند در قرآن فرموده «آنها از مال دنيا بسى بهتر و ماندنى‏ترند»).[[1283]](#footnote-1283)

\*\*\*

12- در كتاب «محاسن» به سند معتبر از امام رضا عليه السلام نقل شده است كه هر كس در صبح و شام سه مرتبه بگويد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

\*\*\* به نام خداوند بخشنده مهربان، پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و باعظمت نيست.

از شيطان و سلطه‏هاى ظالم و همچنين بعضى از بيماريهاى خطرناك خوفى نخواهد داشت. آنگاه امام عليه السلام فرمود: البتّه من اين دعا را صد بار مى‏گويم![[1284]](#footnote-1284)

\*\*\*

13- در روايت ديگرى به سند معتبر از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه مردى از انصار چند روز به خدمت پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نيامد، حضرت از او پرسيد، چرا در اين چند روز غايب بودى و به نزد ما نيامدى؟

عرض كرد: به سبب تنگدستى و بيمارى طولانى كه بر من عارض شده بود. پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله به او فرمود:

آيا مى‏خواهى دعايى به تو بياموزم كه با خواندن آن فقر و بيمارى از تو برطرف گردد؟ عرض كرد: آرى اى رسول خدا. فرمود: در صبح و شام بخوان:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذى‏ لا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ للَّهِ‏

پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند نيست، بر زنده‏اى كه هرگز نميرد توكّل مى‏كنم، و ستايش براى خداوندى است‏

الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ‏شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ‏

كه نه فرزندى براى خود انتخاب كرده و نه شريكى در حكومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلّت (حامى و) سرپرستى‏

الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.[[1285]](#footnote-1285) (البتّه تلاش و كوشش شرط استجابت دعاست).

براى اوست و او را بسيار بزرگ بشمار.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

14- در روايات معتبر فراوانى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه پيش از طلوع و غروب آفتاب ده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 929

مرتبه بگو:

اعُوذُ بِاللَّهِ السَّميعِ الْعَليمِ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطينِ، وَ اعُوذُ بِكَ رَبِّ انْ‏

از وسوسه‏هاى شياطين به خداوند شنوا و دانا پناه مى‏برم و از اين كه آنان نزد من حاضر شوند

يَحْضُرُونِ، انَّ اللَّهَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.[[1286]](#footnote-1286)

به او پناه مى‏برم، چرا كه فقط خداوند شنوا و داناست.

\*\*\*

15- در كتاب «فلاح السائل» از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه فرمود: چه مانعى داريد كه هر صبح و شام بخوانيد:

اللَّهُمَّ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ، ثَبِّتْ قَلْبى‏ عَلى‏ دينِكَ، وَلاتُزِغْ قَلْبى‏ بَعْدَ

خدايا اى دگرگون كننده دلها و ديده‏ها، دلم را بر دينت ثابت دار، و دلم را بعد از آن كه مرا

اذْ هَدَيْتَنى‏، وَهَبْ لى‏ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ، وَأَجِرْنى‏ مِنَ‏

هدايت كردى (از راه حق) منحرف مگردان و از سوى خود رحمتى بر من ببخش زيرا تو بخشنده‏اى و به رحمتت مرا

النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ امْدُدْ لى‏ فى‏ عُمْرى‏، وَ اوْسِعْ عَلَىَّ فى‏ رِزْقى‏،

از آتش دوزخ پناه ده، خدايا عمر مرا طولانى و روزيم را وسيع گردان‏

وَانْشُرْ عَلَىَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ انْ كُنْتُ عِنْدَكَ فى‏ امِّ الْكِتابِ شَقِيًّا،

و رحمتت را بر من بگستران و اگر نام من در لوح محفوظت در زمره نگون‏بختان ثبت شده،

فَاجْعَلْنى‏ سَعيداً، فَانَّكَ تَمْحُوما تَشآءُ وَ تُثْبِتُ، وَ عِنْدَكَ امُّ الْكِتابِ.[[1287]](#footnote-1287)

پس مرا از سعادتمندان قرار ده زيرا تو هر چه را بخواهى محو كرده و هر چه را بخواهى ثبت مى‏كنى و لوح محفوظ در نزد توست.

\*\*\*

16- مرحوم «صدوق» به سند معتبر از اميرمؤمنان على عليه السلام نقل كرده است كه فرمود: هر كس اين آيه را نزديك شامگاهان و يا بعد از شامگاهان، سه مرتبه بخواند، در آن شب، انجام خوبيها از او فوت نخواهد شد و بدى‏ها از او دور مى‏گردد، و همچنين اگر اين آيه را صبحگاهان تلاوت كند نيز، همين پاداش را دارد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 930

فَسُبْحانَ اللَّهِ حينَ تُمْسُونَ و حينَ تُصْبِحُونَ، وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى‏

پس تسبيح مى‏گويم خدا را در شبانه‏روز و حمد و سپاس در آسمانها و زمين‏

السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ، وَعَشِيّاً وَ حينَ تُظْهِرُونَ.[[1288]](#footnote-1288)

مخصوص اوست و به هنگام عصر و هنگامى كه ظهر مى‏كنيد.

\*\*\*

17- از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه: هر كس در صبح سه بار اين دعا را بخواند، تا شب به او بلايى نمى‏رسد و هر كس آن را سه‏بار در شب بخواند تا صبح به او بلايى نمى‏رسد:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذى‏ لايَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَىْ‏ءٌ فِى الْأَرْضِ وَ لا فِى السَّماءِ،

به نام خداوندى كه با (بردن) نامش چيزى در زمين و آسمان (به ما) زيان نمى‏رساند

وَهُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.[[1289]](#footnote-1289)

و او شنوا و داناست.

\*\*\*

18- مرحوم «شيخ كلينى» و «صدوق» و بزرگان ديگر با سندهاى موثّق و معتبرى از امام باقر عليه السلام روايت كرده‏اند، كه حضرت نوح عليه السلام از آن جهت بنده بسيار شكرگزار ناميده شد كه هر صبح و شام مى‏گفت:

اللَّهُمَّ انّى‏ اشْهِدُكَ انَّهُ ما امْسى‏ وَ اصْبَحَ بى‏ مِنْ نِعْمَةٍ، اوْ عافِيَةٍ فى‏ دينٍ اوْ

خدايا تو را گواه مى‏گيرم كه در شامگاهان و صبحگاهان هر چه از نعمت و سلامتى در دين و

دُنْيا، فَمِنْكَ وَحْدَكَ لاشَريكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِها عَلَىَّ حَتّى‏

دنيا، به من رسيده از جانب توست كه يگانه‏اى و شريكى ندارى، حمد و سپاس از آنِ توست، و در برابر آن (همه نعمت‏ها) به آن حد كه (از ما)

تَرْضى‏ الهَنا.[[1290]](#footnote-1290)

خشنود شوى اى معبود ما!

كليات مفاتيح نوين، ص: 931

19- مرحوم «كلينى» به سند معتبر، نقل كرده است كه مردى خدمت امام صادق عليه السلام رسيد و عرض كرد: به من دعايى بياموز كه هر صبح و شام آن را بخوانم، امام عليه السلام فرمود: بگو:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ يَفْعَلُ ما يَشآءُ، وَلايَفْعَلُ ما يَشآءُ غَيْرُهُ، الْحَمْدُللَّهِ كَما

حمد و سپاس از آن خداوندى است كه هر چه خواهد انجام دهد و كسى جز او توانايى انجام هر كارى را كه بخواهد ندارد، حمد و سپاس از آنِ خداوند است‏

يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُحْمَدَ، الْحَمْدُللَّهِ كَما هُوَ اهْلُهُ، اللَّهُمَّ ادْخِلْنى‏ فى‏ كُلِّ خَيْرٍ

آن گونه كه مى‏پسندد ستايش شود، حمد و سپاس از آنِ خداوند است آن گونه كه شايسته آن است، خدايا مرا داخل كن در هر خيرى كه‏

ادْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَاخْرِجْنى‏ مِنْ كُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ‏

محمّد و خاندان پاكش را در آن داخل نموده‏اى، و مرا خارج كن از هر بدى كه‏

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.[[1291]](#footnote-1291)

محمّد و خاندان پاكش را از آن خارج نموده‏اى، درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش باد.

\*\*\*

20- در برخى از كتب معتبر آمده است كه هر كس سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در پايان روز اين صلوات را بخواند، گناهانش آمرزيده شود و خوشحالى او هميشگى باشد و دعايش مستجاب گردد و روزيش گسترده، و در برابر دشمن يارى شود و در بهشت همنشين پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِى الْأَوَّلينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش در ميان پيشينيان درود فرست، و بر محمّد و خاندان پاكش در

مُحَمَّدٍ فِى الْأخِرينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِى الْمَلَإِ الْأَعْلى‏،

ميان پسينيان درود فرست، و بر محمّد و خاندان پاكش در عالم بالا درود فرست،

وَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِى‏الْمُرْسَلينَ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّداً الْوَسيلَةَ،

و بر محمّد و خاندان پاكش در ميان فرستادگانت درود فرست، خدايا به محمّد (ص) وسيله (شفاعت)

وَ الشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ، وَالدَّرَجَةَ الْكَبيرَةَ، اللَّهُمَّ انّى‏ آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ‏

و شرافت و فضيلت و مقام بزرگ را عطا كن، خدايا به محمّد و خاندان پاكش ايمان آورده‏ام‏

وَلَمْ ارَهُ، فَلا تَحْرِمْنى‏ يَوْمَ الْقِيمَةِ رُؤْيَتَهُ، وَارْزُقْنى‏ صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنى‏ عَلى‏

با اين كه او را نديده‏ام، پس مرا در روز قيامت از ديدارش محروم مگردان و همنشينى با او را روزيم كن، و مرا بر دين‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 932

مِلَّتِهِ، وَاسْقِنى‏ مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سآئِغاً هَنيئاً، لا اظْمَأُ بَعْدَهُ ابَداً،

او بميران و از حوض كوثر با شرابى فراوان، گوارا و لذيذ سيرابم كن كه هيچگاه بعد از آن تشنه نشوم‏

انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ كَما آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ‏

زيرا تو بر هر چيز توانايى، خدايا همان‏گونه كه به محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَلَمْ ارَهُ، فَارِنى‏ فِى الْجِنانِ وَجْهَهُ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنّى‏ تَحِيَّةً

بى آن‏كه او را ببينم ايمان آوردم، پس در بهشت رويش را به من نشان ده، خدايا از جانب من درود و سلامى‏

كَثيرَةً وَسَلاماً.[[1292]](#footnote-1292)

فراوان به روح محمّد (ص) برسان.

يادآورى: دعاهايى كه در صبح و شام وارد شده، بسيار است كه ما در اين‏جا تنها بخشى از آنها را آورده‏ايم. البتّه هر كس مى‏تواند به مقدار توان و حضور قلب، از آنها انتخاب كند و مضامين آنها را به كار بندد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 933

فصل پنجم: آداب هنگام خواب‏

سزاوار است هنگام خواب اين امور رعايت شود:

1- با طهارت بخوابى.

2- از گناهان توبه نمايى.

3- قلب خويش را از فكر دنيا فارغ سازى.

4- سعى كن چنان باشى كه حقِّ كسى در گردنت نباشد.

5- عازم باشى كه براى نماز شب برخيزى، زيرا كه افتخار مؤمن و زينت او در دنيا و آخرت، نماز در آخر شب است.

6- سوره «قل هو اللَّه احد»[[1293]](#footnote-1293) و «الهيكم التكاثر»[[1294]](#footnote-1294) و «آيةالكرسى»[[1295]](#footnote-1295) را مى‏خوانى.

7- تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام را مى‏خوانى.[[1296]](#footnote-1296) 8- بهتر است به طرف راست يا به پشت بخوابى، امّا به سينه خوابيدن در روايات به عنوان خواب شيطانى شمرده شده است.[[1297]](#footnote-1297) 9- در صورتى كه از غلبه خواب نگران باشى كه براى نماز شب، يا نماز صبح، يا غير آن بيدار نشوى، خواندن آيه آخر سوره كهف بسيار مؤثر است:

قُلْ انَّما ا نَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى‏ الَىَّ، انَّما الهُكُمْ الهٌ واحِدٌ، فَمَنْ كانَ‏

بگو من فقط بشرى مثل شما هستم (امتيازم اين است كه) به من وحى مى‏شود كه تنها معبودتان معبود يگانه است پس هر كه به‏

يَرْجُوا لِقآءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صالِحاً، وَلايُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ احَداً.

لقاى پروردگارش اميد دارد بايد كارى شايسته انجام دهد و هيچ كس را در عبادت پروردگارش شريك نكند.

در روايتى از امام صادق عليه السلام وارد شده كه هيچ كس اين آيه را در وقت خوابيدن نمى‏خواند مگر آن‏كه در ساعت مقصود بيدار مى‏شود.[[1298]](#footnote-1298) (كم خوردن غذا و مايعات و به موقع خوابيدن نيز، به بيدارى در آخر شب كمك مى‏كند).

كليات مفاتيح نوين، ص: 934

10- در صورت ترس از حيوانات موذى اين دعا را بخوان كه از امام باقر عليه السلام روايت شده است:

اعُوذُ بِكَلِماتِ اللَّهِ التَّآمَّاتِ، الَّتى‏ لايُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما

از شرّ تمامى آفريدگان به كلمات تامّه خدا پناه مى‏برم كه نيكوكار و بدكار توان‏

ذَرَءَ، وَمِنْ شَرِّ ما بَرَءَ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دآبَّةٍ هُوَ اخِذٌ بِناصِيَتِها، انَّ رَبّى‏ عَلى‏

گذر از آن را ندارد و همچنين از شر هر جنبده‏اى كه اختيارش به دست اوست، زيرا كه پروردگار من به راه‏

صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.[[1299]](#footnote-1299)

راست است.

\*\*\*

11- در صورت خوف از احتلام (جنابت در خواب) اين دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلامِ، وَ مِنْ شَرِّ الْأَحْلامِ، وَ مِنْ انْ يَتَلاعَبَ‏

خدايا از جنابت و شر خواب‏ها (ى پريشان) و نيرنگ شيطان با من در

بِىَ الشَّيْطانُ فِى الْيَقْظَةِ وَالْمَنامِ.[[1300]](#footnote-1300)

خواب و بيدارى به تو پناه مى‏برم.

\*\*\*

12- در صورت خوف از سارق (ضمن رعايت جهات ايمنى) دو آيه آخر سوره اسراء را بخوان:

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ اوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ، ايّاً مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى‏، وَ لا

بگو «اللَّه» را بخوانيد يا «رحمن» را، هر كدام را بخوانيد (ذات پاكش يكى است و) براى او بهترين نامهاست و

تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَلا تُخافِتْ بِها، وَابْتَغِ بَيْنَ ذلِكَ سَبيلًا\* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ‏

نمازت را زياد بلند يا خيلى آهسته نخوان و در ميان آن دو، راهى (معتدل) انتخاب كن و بگو ستايش براى خداوندى است كه‏

الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَّهُ شَريكٌ فىِ الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَّهُ وَلِىٌّ مِنَ‏

نه فرزندى براى خود انتخاب كرده و نه شريكى در حكومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلّت (حامى و) سرپرستى براى اوست‏

الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.[[1301]](#footnote-1301)

و او را بسيار بزرگ بشمار.

كليات مفاتيح نوين، ص: 935

13- خوابِ بين الطلوعين و خواب بعد از عصر (وقت غروب) را ترك كن.[[1302]](#footnote-1302) 14- در پشت بامى كه اطراف آن ديوار ندارد خوابيدن مكروه است.[[1303]](#footnote-1303) 15- اگر خوابى ديدى براى كسى نقل كن كه عالمى ناصح و مهربان باشد (و با تعبير صحيح تو را اميدوار سازد).[[1304]](#footnote-1304) 16- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه هر كس هنگام رفتن به بستر، سه بار اين دعا را بخواند (و توبه كند) از گناه پاك مى‏شود:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ عَلا فَقَهَرَ، وَالْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ بَطَنَ فَخَبَرَ، وَالْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏

حمد و سپاس از آن خداوندى است كه در عين برترى غالب است، و حمد و سپاس از آن خداوندى است كه در عين پوشيدگى آگاه است و حمد و سپاس از آن خداوندى‏

مَلَكَ فَقَدَرَ، وَ الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ يُحْيِى الْمَوْتى‏ وَيُميتُ الْأَحْيآءَ، وَ هُوَ عَلى‏

است كه مالك و تواناست، و حمد و سپاس از آن خداوندى است كه مردگان را زنده كرده و زندگان را مى‏ميراند

كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1305]](#footnote-1305)

و او بر هر چيز تواناست.

\*\*\*

17- از امام صادق عليه السلام روايت شده است: وقتى كه رسول خدا صلى الله عليه و آله به بستر مى‏رفت، آيةالكرسى مى‏خواند و مى‏گفت:

بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنى‏ فى‏ مَنامى‏

به نام خدا، به خدا ايمان آورده و به طاغوت كفر ورزيدم، خدايا در خواب‏

وَفى‏ يَقْظَتى‏.[[1306]](#footnote-1306)

و بيدارى مرا حفظ كن.

\*\*\*

18- مفضّل بن عمر مى‏گويد امام صادق عليه السلام به من فرمود: هنگام خواب با اين يازده جمله به خداوند پناه ببر:

اعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِجَلالِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِسُلْطانِ‏

به شكوه خدا پناه مى‏برم، و به قدرت خدا پناه مى‏برم، و به بزرگى خدا پناه مى‏برم، به فرمانروايى خدا پناه مى‏برم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 936

اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِجَمالِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ

و (نيز) به جمال خدا پناه مى‏برم، به دفاع خدا (از بندگانش) پناه مى‏برم، و به (قدرت) بازدارندگى خدا پناه مى‏برم،

بِجَمْعِ اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِوَجْهِ‏اللَّهِ، وَ اعُوذُ بِرَسُولِ‏اللَّهِ صَلَّى‏

و به تمامى (صفات) خدا پناه مى‏برم، و به حاكميّت خدا پناه مى‏برم، و به ذات خدا پناه مى‏برم، و به فرستاده خدا- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ، وَ بَرَأَ وَ ذَرَءَ.[[1307]](#footnote-1307)

خدا بر او و خاندان پاكش باد- پناه مى‏برم از شرّ تمامى مخلوقات و آفريدگان.

نكته:

در عصر و زمان ما بسيارى از مردم گرفتار بى‏خوابى هستند و جمعى از آنها پناه به قرص‏هاى خواب‏آور مى‏برند كه گاه آنها خود سرچشمه بيمارى‏هاى ديگرى مى‏شود.

عامل اصلى اين بى‏خوابى‏ها، ناآرامى روح است؛ اگر ما به دستورات اسلام عمل كنيم، ناآرامى روح برچيده مى‏شود و از خواب آسوده‏اى- به لطف خدا- بهره‏مند خواهيم شد.

قرآن مجيد مى‏گويد: «

«أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

؛ آگاه باشيد ياد خدا مايه آرامش دلهاست».[[1308]](#footnote-1308) آرى؛ هر قدر بيشتر به ياد خدا باشيم، و بر او توكّل نماييم، و در مشكلات به او پناه بريم و بدانيم او غفور و رحيم است و جواد و كريم و بر هر چيز تواناست و اين امور را واقعاً باور كنيم، روح ما غرق آرامش مى‏شود.

از سوى ديگر، پريشانى‏ها و نگرانى‏ها در غالب موارد از حبّ دنيا سرچشمه مى‏گيرد؛ اگر حبّ دنيا را از دل بيرون كنيم و براى زندگى كوشش و تلاش لازم را انجام دهيم و بقيه را به خدا واگذار كنيم، نور آرامش بر دل و جان ما پرتوافكن مى‏شود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 937

فصل ششم: اعمال سحرگاهان‏

براى اين موضوع آداب و دعاهاى زياد وارد شده كه از آن جمله، اين امور است:

1- امام صادق عليه السلام فرمود: وقتى كسى از شما از خواب برمى‏خيزد، بگويد:

سُبْحانَ رَبِّ النَّبِييّنَ، وَ الهِ الْمُرْسَلينَ، وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعَفينَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ‏

پاك و منزّه است پروردگار پيامبران و معبود فرستادگان و پروردگار مستضعفان و حمد و سپاس‏

الَّذى‏ يُحْيِى الْمَوْتى‏، وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

از آنِ خداوندى است كه مردگان را زنده كرده و بر هر چيز تواناست.

هنگامى كه اين جمله‏ها را بگويد، خداوند مى‏فرمايد: بنده من راست گفت و شكر مرا به جاى آورده است.[[1309]](#footnote-1309)

\*\*\*

2- يكى از ياران خاصّ امام صادق عليه السلام مى‏گويد: هنگامى كه امام عليه السلام در پايان شب برمى‏خاست (به ياد قيامت و رستاخيز مى‏افتاد و) صدايش را بلند مى‏كرد- به گونه‏اى كه اهل خانه بشنوند- و مى‏گفت:

اللَّهُمَّ اعِنّى‏ عَلى‏ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَ وَسّعْ عَلَىَّ ضيقَ الْمَضْجَعِ، وَارْزُقْنى‏

خدايا مرا بر وحشت روز قيامت يارى كن و تنگى قبرم را وسعت ده، و

خَيْرَ ما قَبْلَ الْمَوْتِ، وَ ارْزُقْنى‏ خَيْرَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ.[[1310]](#footnote-1310)

خير و نيكى قبل و بعد از مردن را روزيم گردان.

\*\*\*

3- در اين هنگام براى نافله شب آماده مى‏شوى.

فضيلت نافله شب:

رواياتى كه از معصومان عليهم السلام در فضيلت نماز شب آمده بسيار زياد و پراهمّيّت است؛ از جمله روايت شده است كه: نماز شب مايه شرافت مؤمن است، و سلامتى جسم را در پى دارد، كفّاره گناهان روز است،

كليات مفاتيح نوين، ص: 938

وحشت قبر را از بين مى‏برد، چهره را نورانى مى‏كند، و سبب فراوانى روزى مى‏گردد،[[1311]](#footnote-1311) و اين‏كه: مال و پسران زينت زندگى دنيايند؛ ولى هشت ركعت نماز آخر شب و نماز (شفع و) وتر، زينت آخرت انسانند و گاهى خداوند هردو زينت را براى گروهى جمع مى‏كند.[[1312]](#footnote-1312) از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله در سفارش‏هاى خويش به على عليه السلام فرمود: اى على! من تو را به چند كار سفارش مى‏كنم آنها را به خاطر بسپار. سپس فرمود: خدايا، على را در اين راه كمك كن! آنگاه حضرت خصلت‏هايى را برشمرد تا آن‏جا كه فرمود:

نماز شب را اهمّيّت بده، نماز شب را اهمّيّت بده، نماز شب را اهمّيّت بده.[[1313]](#footnote-1313) يكى از ياران رسول خدا صلى الله عليه و آله به نام «انس» نقل كرده است كه آن حضرت فرمود: دو ركعت نماز، در دل شب، براى من بسى محبوبتر است از دنيا و آنچه در آن است.[[1314]](#footnote-1314) در روايتى ديگر از امام زين العابدين عليه السلام پرسيدند چرا آنان كه در دل شب به تهجّد مى‏پردازند از خوش‏سيماترين (و نورانى‏ترين) مردم مى‏باشند؟

فرمود: زيرا باخداى خويش خلوت كرده‏اند، پس خداوند نيز از نور خويش به آنها بخشيده است.[[1315]](#footnote-1315) و در روايتى از على عليه السلام در جواب كسى كه علّت بى‏توفيقى خود نسبت به نماز شب را پرسيده بود، آمده است: «

قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ‏

؛ گناهانت تو را به بند كشيده است».[[1316]](#footnote-1316) كوتاه سخن اين كه: نافله شب كيمياى سعادت و اكسير اعظم است و بسيارى از كسانى كه به مقامات عاليه رسيده‏اند در پرتو نماز شب و مناجات سحر بوده است و در اهمّيّت و فضيلت آن همين بس كه قرآن مجيد خطاب به پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله مى‏فرمايد: «

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ عَسى‏ انْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُوداً

؛ پاسى از شب را از خواب برخيز و قرآن (و نماز) بخوان اين يك وظيفه اضافى (واجب) بر توست تا پروردگارت تو را به مقامى در خور ستايش برساند».[[1317]](#footnote-1317) اين تعبير نشان مى‏دهد كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نيز مقامات عاليه خود را از پرتو نماز شب و قرآن و مناجات سحر كسب مى‏كرد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر گنج سعادت كه خدا داد به حافظ |  | از يمن دعاى شب و ورد سحرى بود! |
|  |  |  |

«قطب راوندى» از امير مؤمنان عليه السلام روايت كرده است كه فرمود: طمع مكن در سه چيز با انجام سه چيز: در بيدارى شب با پرخورى؛ در نورانيّت چهره، با خوابيدن در تمامى شب، و در امان از دنيا، با رفاقت و

كليات مفاتيح نوين، ص: 939

همراهى فاسقان.[[1318]](#footnote-1318) همچنين «قطب راوندى» روايت كرده است كه عيسى عليه السلام بعد از مرگ مادرش، وى را صدا زد و گفت:

اى مادر با من سخن بگو! آيا دوست دارى به دنيا برگردى؟ مادرش پاسخ داد: آرى، به اين اميد كه در دل شبهاى سرد براى خدا نماز بگزارم و در روزهاى گرم روزه بگيرم! پسرم اين راه (راه آخرت) بيمناك است![[1319]](#footnote-1319) اين نكته نيز حائز اهمّيّت است كه بعضى از مؤمنين، از نماز شب به خاطر آداب مفصّل آن پرهيز دارند، در حالى كه نماز شب را به طور ساده و بدون شاخ و برگ نيز مى‏توان در زمان كوتاهى انجام داد، مهم برخاستن و سحرگاهان به در خانه خدا رفتن است.

وقت نماز شب:

اوّل وقت نماز شب، از نيمه شب است و هرچه به طلوع صبح نزديك‏تر شود، فضيلتش بيشتر است و اگر صبح طلوع كرده باشد و او چهار ركعت از نماز شب را به جاى آورده باشد، بقيه را با حمد تنها، تمام كند.[[1320]](#footnote-1320)

كيفيّت نماز شب:

بجا آوردن نماز شب با آداب مخصوص چنين است:

وقتى انسان از خواب برمى‏خيزد براى خداوند سجده كند و خوب است در سجده و يا هنگام سر برداشتن از سجده بگويد:

الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى‏ احْيانى‏ بَعْدَ ما اماتَنى‏، وَ الَيْهِ النُّشُورُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى‏ رَدَّ

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه بعد از ميراندنم زنده‏ام گردانيد، و اجتماع روز رستاخيز به سوى اوست، حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه‏

عَلَىَّ رُوحى‏ لِأَحْمَدَهُ وَاعْبُدَهُ.[[1321]](#footnote-1321)

روحم را به من بازگردانيد تا ستايشش كرده و عبادتش كنم.

و چون برخاست و ايستاد بگويد: اللَّهُمَّ اعِنّى‏ عَلى‏ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَ وَسِّعْ عَلَىَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مرا بر وحشت روز قيامت يارى كن و قبرم را وسعت ده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 940

الْمَضْجَعَ، وَارْزُقْنى‏ خَيْرَما قَبْلَ الْمَوْتِ، وَارْزُقْنى‏ خَيْرَما بَعْدَ الْمَوْتِ.[[1322]](#footnote-1322)

و خير و نيكى قبل و بعد از مردن را روزيم گردان.

وقتى كه صداى خروس را شنيد بگويد: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پاك و منزّه است از هر عيب پروردگار فرشتگان و روح‏

سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لا الهَ الّا انْتَ، عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسى‏،

رحمتت بر خشم و غضبت پيشى گرفته و معبودى جز تو نيست، بد كردم و بر خود ستم نمودم‏

فَاغْفِرْلى‏، انَّهُ لايَغْفِرُالذُّنُوبَ الّا انْتَ، فَتُبْ عَلَىَّ انَّكَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ.[[1323]](#footnote-1323)

پس مرا بيامرز، به يقين جز تو كسى گناهان را نيامرزد، و توبه‏ام را بپذير كه تو بسيار توبه‏پذير و مهربانى.

وقتى كه به آسمان نگاه كند بگويد: اللَّهُمَّ انَّهُ لايُوارى‏ مِنْكَ لَيْلٌ ساجٍ، وَلاسَمآءٌ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا به يقين نمى‏پوشاند از تو (چيزى را) شب تاريك و آسمان‏

ذاتُ ابْراجٍ، وَلا ارْضٌ ذاتُ مِهادٍ، وَلاظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ،

داراى طبقات، و زمين داراى آرامش و تاريكى‏هاى (متراكم) كه بعضى روى بعض ديگر است‏

وَلابَحْرٌ لُجِّىٌّ، يُدْلِجُ بَيْنَ يَدَىِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ، تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلى‏ مَنْ‏

و درياى موّاجى، كه در مقابل حركت كنندگان در شب از مخلوقاتت به حركت در مى‏آيد، رحمتت را شبانگاهان بر هر يك‏

تَشآءُ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خآئِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِى الصُّدُورُ، غارَتِ‏

از مخلوقاتت كه خواهى (و شايسته بدانى) نازل كنى، خيانت چشم‏ها و آنچه سينه‏ها پنهان داشته را مى‏دانى،

النُّجُومُ، وَنامَتِ الْعُيُونُ، وَ انْتَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، لا تَاْخُذُكَ سِنَةٌ وَلانَوْمٌ،

ستاره‏ها رفتند و چشم‏ها در خوابند و تويى زنده و قائم به ذات خويش كه هيچ‏گاه خواب سبك و سنگينى تو را فرا نمى‏گيرد،

سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ الهِ الْمُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.[[1324]](#footnote-1324)

تسبيح مى‏گويم خداوندى را كه پروردگار جهانيان و معبود فرستادگان است، و حمد و سپاس از آنِ پروردگار جهانيان است.

سپس اين پنج آيه از سوره آل عمران را بخواند: انَّ فى‏ خَلْقِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* به يقين در آفرينش آسمانها و زمين و آمد

كليات مفاتيح نوين، ص: 941

وَاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ لَأياتٍ لِأُولِى الْأَلْبابِ\* الَّذينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ‏

و رفت شب و روز نشانه‏هاى (روشنى) براى خردمندان است\* همانها كه خدا را در حال ايستاده‏

قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى‏ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فى‏ خَلْقِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ‏

و نشسته و آنگاه كه بر پهلو خوابيده‏اند ياد مى‏كنند و در اسرار آفرينش آسمانها و زمين مى‏انديشند

رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ\* رَبَّنا انَّكَ مَنْ‏

(و مى‏گويند) بار الها اينها را بيهوده نيافريدى منزّهى تو، ما را از عذاب آتش نگهدار\* پروردگارا هر كه را تو

تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اخْزَيْتَهُ وَما لِلظَّالِمينَ مِنْ انْصارٍ\* رَبَّنا انَّنا سَمِعْنا

(به خاطر اعمالش) به آتش افكنى او را خوار و رسوا ساخته‏اى و براى افراد ستمگر هيچ ياورى نيست\* پروردگارا ما صداى منادى (تو) را شنيديم‏

مُنادِياً يُنادى‏ لِلْإيمانِ انْ امِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُ نُوبَنا وَ كَفِّرْ

كه به ايمان دعوت مى‏كرد كه به پروردگار خود ايمان بياوريد و ما ايمان آورديم، پروردگارا گناهان ما را ببخش‏

عَنَّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ\* رَبَّنا وَ اتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى‏ رُسُلِكَ‏

و بديهاى ما را بپوشان و ما را با نيكان (و در مسير آنها) بميران\* پروردگارا آنچه را به وسيله پيامبرانت به ما وعده فرمودى به ماعطا كن‏

وَلاتُخْزِنا يَوْمَ الْقِيمَةِ انَّكَ لاتُخْلِفُ الْميعادَ.[[1325]](#footnote-1325)

و ما را در روز رستاخيز رسوا مگردان زيرا تو هيچگاه از وعده خود تخلّف نمى‏كنى.

هنگامى كه براى عبادت بر مى‏خيزد اگر نيازى به تخلّى دارد نخست براى آن برود. بعد هم وضو بگيرد و قبل از وضو، مسواك كند و خود را خوشبو سازد، آنگاه براى نماز شب آماده شود.[[1326]](#footnote-1326) نماز شب هشت ركعت است كه در هر دو ركعتى سلام مى‏دهد؛ در دو ركعت اوّل در هر ركعت سوره حمد و توحيد (قل هو اللَّه احد) را بخواند و يا آن‏كه در ركعت اوّل سوره توحيد را بخواند و در ركعت دوم «قل يا ايّها الكافرون» و در شش ركعت ديگر حمد و هر سوره كه بخواهد مثل «قل هو اللَّه احد» و نيز جايز است به خواندن حمد اكتفا كند.

همان‏گونه كه در نمازهاى واجب در ركعت دوم قنوت مستحب است در اين نمازها نيز مستحب است و كافى است سه بار بگويد «

سُبْحانَ اللّه»

يا آن‏كه بگويد:

اللَّهُمَّ اغْفِرْلَنا وَارْحَمْنا، وَ عافِنا وَاعْفُ عَنَّا فِى الدُّنْيا وَ الْأخِرَةِ، انَّكَ‏

خدايا ما را بيامرز و ما را در رحمت خود داخل كن، و به ما عافيت ده و در دنيا و آخرت از ما درگذر، كه به يقين تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 942

عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ يا آن‏كه بگويد: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ،

بر هر چيز توانايى\*\*\*\* اى پروردگار من مرا بيامرز و بر من رحم كن و از آنچه (از من) مى‏دانى درگذر

انَّكَ انْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.[[1327]](#footnote-1327)

كه به يقين تو محبوبترين و گرامى‏ترينى.

بعد از هشت ركعت نماز شب، دو ركعت به نيّت نماز «شفع» و يك ركعت به نيّت نماز «وتر» بخوان. در اين سه ركعت، بعد از حمد، سوره «قل هو اللَّه» مى‏خوانى كه پاداش آن بمنزله ختم قرآن مى‏باشد. چراكه سوره «توحيد» به منزله ثُلث قرآن است.[[1328]](#footnote-1328) و يا آن‏كه در ركعت اوّل نماز «شفع» حمد و «قل اعوذ بربّ النّاس» بخوان و در ركعت دوم، حمد و «قل اعوذ بربّ الفلق» و در ركعت سوم (نماز وتر) حمد و قل هو اللَّه احد.[[1329]](#footnote-1329) در نماز «وتر» بعد از حمد و سوره، دست‏ها را براى قنوت بردار و هرچه مى‏خواهى در قنوت دعا كن و حاجات دنيا و آخرت را از خدا بخواه.[[1330]](#footnote-1330) در روايتى آمده است كه كسى از امام عليه السلام مى‏پرسد: آيا در قنوت «وتر» لازم است كه دعاى خاصّى خوانده شود؟ چه بگويم؟ فرمود: خير (هرآنچه كه به دلت افتاد و به ذهنت وارد شد مى‏توانى بخوانى و درخواست كنى) ثنا و حمد خدا بجا آور و بر رسول مكرّم صلوات بفرست و براى گناهان بزرگت استغفار كن و بدان كه هر گناهى بزرگ است.[[1331]](#footnote-1331) «شيخ طوسى» نيز در «مصباح المتهجّد» گفته است: در قنوت وتر هر دعايى كه دوست دارى بخوان و دعاهايى كه در اين قنوت مى‏توان خواند، به قدرى زياد است كه به شمارش در نمى‏آيد.

همچنين مى‏گويد: مستحب است انسان در قنوت از ترس خدا (يا عشق به او) گريه كند و يا حالت گريه به خود بگيرد، و براى برادران مؤمن دعا كند و خوب است نام چهل تن را در دعاى خويش ببرد (كافى است كه مثلًا بگويد: اللَّهمّ اغفر لحسن اللَّهم اغفر لمحمّد و ...) چرا كه اگر كسى براى چهل مؤمن دعا كند، دعايش مستجاب مى‏شود. ان شاء اللَّه.[[1332]](#footnote-1332) سزاوار است كه هفتاد مرتبه بگويد:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبّى‏ وَ اتُوبُ الَيْهِ.[[1333]](#footnote-1333)

و براى اين كار و همچنين شمردن چهل نفر از مؤمنان دست چپ را بلند مى‏كند و استغفار را به دست راست با تسبيح مى‏شمارد.[[1334]](#footnote-1334)

كليات مفاتيح نوين، ص: 943

از رسول اكرم صلى الله عليه و آله روايت شده است كه آن حضرت در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار مى‏كرد و هفت مرتبه مى‏گفت: هذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ[[1335]](#footnote-1335) و همچنين از امام زين العابدين عليه السلام‏\*\*\*\*\*\*\*\* اين است جايگاه كسى كه از (ترسِ) آتش دوزخ به تو پناهنده شده است\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

روايت شده است كه در نماز وتر سيصد مرتبه مى‏گفت:

الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، الْعَفْوَ ...[[1336]](#footnote-1336)

پس از آن بگويد: رَبِّ اغْفِرْلى‏ وَارْحَمْنى‏، وَتُبْ عَلَىَّ انَّكَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ.[[1337]](#footnote-1337)

\*\*\*\*\*\*\*\* پروردگارا مرا بيامرز و بر من رحم كن و توبه‏ام را بپذير زيرا كه تو بسيار توبه‏پذير و مهربانى.

بنابراين، دعا به چهل مؤمن (مرد يا زن) و هفتاد مرتبه استغفار و هفت مرتبه «

هذا مقام العائذ بك من النار

» و سيصد مرتبه «

العفو

» از مستحبات قنوت وتر است؛ ولى اگر هيچ كدام را هم نگويد به نماز او ضرر نمى‏رسد.

شايسته است كه قنوت را طول بدهد و پس از آن به ركوع برود و هنگامى كه سر از ركوع برداشت اين دعا را بخواند كه «شيخ‏طوسى» در «تهذيب» از امام موسى بن جعفر عليه السلام نقل كرده است:

هذا مَقامُ مَنْ حَسَناتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ، وَ شُكْرُهُ ضَعيفٌ، وَ ذَنْبُهُ عَظيمٌ، وَ لَيْسَ‏

اين جايگاه كسى است كه كارهاى نيكش نعمتى از جانب توست، و شكر و سپاسش كم و گناهانش بزرگ است‏

لِذلِكَ الّا رِفْقُكَ وَ رَحْمَتُكَ، فَانَّكَ قُلْتَ فى‏ كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلى‏ نَبِيِّكَ‏

و جز مدارا و رحمتت چيزى براى آمرزش گناهش ندارد، زيرا تو در كتابى كه بر پيامبر

الْمُرْسَلِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: كانُوا قَليلًا مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ،

مرسلت- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- نازل كردى فرمودى: آنها كمى از شب را مى‏خوابيدند،

وَبِالْأَسْحارِهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ. طالَ هُجُوعى‏ وَ قَلَّ قِيامى‏، وَ هذَا السَّحَرُ

و در سحرگاهان استغفار مى‏كردند، خوابم طولانى و شب زنده‏داريم كم شد و اكنون هنگام سحر است‏

وَانَا اسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبى‏، اسْتِغْفارَ مَنْ لايَجِدُ لِنَفْسِهِ ضَرّاً وَلا نَفْعَاً، وَلا مَوْتاً

و من براى گناهانم از تو آمرزش مى‏طلبم، آمرزش خواهى كسى كه زيان، سود، مرگ، زندگى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 944

وَلا حَياةً وَلا نُشُوراً.[[1338]](#footnote-1338)

و زنده شدن مجدّدى براى خويش نمى‏يابد. پس از آن به سجده مى‏رود و نماز را تمام مى‏كند، و پس از سلام تسبيح حضرت زهرا عليها السلام را مى‏گويد و بعد از آن سه مرتبه بگويد:

سُبْحانَ رَبِّىَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزيزِ الْحَكيمِ‏[[1339]](#footnote-1339)\* و پس از آن بگويد: يا حَىُ‏

تسبيح مى‏گويم پروردگارم را كه فرمانروا و پاكيزه از هر عيب و گرامى و داناست\*\*\*\* اى زنده‏

يا قَيُّومُ، يا بَرُّ يا رَحيمُ، يا غَنِىُّ يا كَريمُ، ارْزُقْنى‏ مِنَ التِّجارَةِ اعْظَمَها

اى قائم به ذات خويش، اى نيكوكار اى مهربان، اى بى‏نياز اى بخشنده، از تجارت پرسودترين و

فَضْلًا، وَ اوْسَعَها رِزْقاً، وَخَيْرَها لى‏ عاقِبَةً، فَانَّهُ لا خَيْرَ فيما لا عاقِبَةَلَهُ.[[1340]](#footnote-1340)

پر روزى‏ترين و عاقبت‏بخيرترين آن را روزيم كن، زيرا به يقين آنچه سرانجامى ندارد خيرى در آن نيست.

و بعد از آن سه مرتبه بگويد: الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ، الْحَمْدُ لِفالِقِ الْإِصْباحِ‏[[1341]](#footnote-1341)\*

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* حمد و سپاس از آن پروردگار صبح و شكافنده روز است‏

سپس به سجده مى‏رود (سجده شكر براى اين توفيق عظيم) و پنج بار مى‏گويد: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پاك و منزّه است از هر عيب‏

رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ.

پروردگار فرشتگان و روح.

آنگاه مى‏نشيند و آيةالكرسى را مى‏خواند و باز هم براى بار دوم به سجده مى‏رود و همان ذكر را پنج بار ديگر مى‏خواند.[[1342]](#footnote-1342) يادآورى: اين دعاها را مى‏توان از روى نوشته خواند، و بار ديگر تكرار مى‏كنيم: شاخ و برگهاى نماز شب بسيار خوب و سازنده است؛ ولى اگر كسى نتواند همه را بجا آورد، هرقدر كه مى‏تواند بجا آورد؛ مهم انجام اصل نماز، يعنى هشت ركعت نماز شب، دو ركعت نماز شفع و يك ركعت نماز وتر است؛ حتّى اگر كسانى نتوانند تمام يازده ركعت را بجا آورند، مى‏توانند به سه ركعت نماز شفع و وتر اكتفا كنند و از بركات آن بهره‏مند شوند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 945

فصل هفتم: دعاهاى روزها

(دعاهايى كه روزانه خوانده مى‏شود و ساعت معيّنى ندارد)

ياد خدا مايه بيدارى دل و آرامش روح و دورى شيطان و نجات از چنگال هواى نفس است لذا در روايات معصومين عليهم السلام دعاهاى متعدّد و پرمحتوايى براى توجّه قلبها به خدا براى هر روز وارد شده است.

از جمله:

1- به سند معتبرى از امام صادق عليه السلام نقل شده كه فرمود: اگر مؤمنى در يك روز گرفتار گناهانى شود سپس از روى ندامت و پشيمانى به در خانه خدا رود و استغفار ذيل را بخواند خدا گناهان او را مى‏بخشد:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، بَديعُ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ،

آمرزش مى‏طلبم از خدايى كه معبودى جز او زنده و قائم به ذات خويش نيست كه آسمانها و زمين را پديد آورده،

ذُوالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، وَ اسْئَلُهُ انْ يُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ‏

و صاحب شكوه و بزرگوارى است و از او مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستد و

يَتُوبَ عَلَىَّ.[[1343]](#footnote-1343)

توبه‏ام را بپذيرد.

2- و نيز به سند معتبر ديگرى از آن حضرت نقل شده كه فرمود: هر كس كه هر روز هفت مرتبه بگويد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلى‏ كُلِّ نِعْمَةٍ كانَتْ او هِىَ كائِنَةٌ».

حمد و سپاس از آنِ خداوند است بر تمامى نعمتهايى كه بوده يا خواهد بود.

شكر نعمتهاى گذشته و آينده را بجا آورده است.[[1344]](#footnote-1344) 3- و نيز به سند معتبر ديگرى از آن حضرت عليه السلام روايت شده كه: «هر كس هر روز 25 مرتبه بگويد:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤمِنينَ وَ الْمُؤمِناتِ، وَ الْمُسْلِمينَ وَ الْمُسْلِماتِ.

خدايا زنان و مردان با ايمان و مسلمان را بيامرز.

خداوند به عدد هر مؤمنى از مؤمنين گذشته و آينده تا روز قيامت، در نامه اعمالش حسنه مى‏نويسد ...

كليات مفاتيح نوين، ص: 946

و بر درجاتش در بهشت مى‏افزايد».[[1345]](#footnote-1345) 4- و نيز به سند معتبر ديگرى از آن حضرت نقل شده كه: «هر كس هر روز صد مرتبه بگويد:

«لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ‏» خداوند هفتاد نوع بلا، كه كمترين آن همّ و غمّ است را از او پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند نيست.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دفع نمايد[[1346]](#footnote-1346)، و در روايتى ديگر آمده: هرگز دچار فقر نمى‏شود.[[1347]](#footnote-1347) 5- مرحوم «كلينى» و بزرگان ديگر از امام صادق عليه السلام نقل كرده‏اند كه: پيامبر صلى الله عليه و آله هر روز هفتاد مرتبه «

أستغفر اللَّه‏

» و هفتاد مرتبه «

وَ اتُوبُ الَى اللَّهِ‏

» مى‏گفت.[[1348]](#footnote-1348) 6- در «كشف الغمّه» به سند معتبر از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه هر كس در هر روز صد مرتبه «

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ‏

» بگويد از فقر و از وحشت قبر در امان باشد و بى‏نيازى را به سوى خود جلب كند و درهاى بهشت به رويش باز شود.[[1349]](#footnote-1349) 7- «قطب راوندى» در كتاب «دعوات» خود، از امام على بن موسى الرضا عليهما السلام نقل كرده كه هر كس اين ذكر را هر روز بگويد حاجتش برآورده شده و بر دشمنش غلبه مى‏كند و هر اندوهى داشته باشد برطرف مى‏گردد:

سُبْحانَ‏اللَّهِ كَما يَنْبَغى‏ للَّهِ، وَالْحَمْدُللَّهِ كَما يَنْبَغى‏ للَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ كَما

تسبيح مى‏گويم خدا را آنچنان كه شايسته اوست، و حمد و سپاس از آنِ خداوند است آنچنان كه شايسته اوست و معبودى جز خدا نيست آنچنان كه‏

يَنْبَغى‏ للَّهِ، وَاللَّهُ اكْبَرُ كَما يَنْبَغى‏ للَّهِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ كَما يَنْبَغى‏

شايسته اوست، و خدا بزرگتر از هر چيز است آنچنان كه شايسته اوست، و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند نيست آن چنان كه شايسته اوست‏

لِلَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ وَ عَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ، وَ جَميعِ الْمُرْسَلينَ‏

و درود خدا بر پيامبر (ما) محمّد و بر خاندان پاكش و تمامى فرستادگان‏

وَالنَّبِيّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.[[1350]](#footnote-1350)

و پيامبران تا جايى كه خدا خشنود شود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 947

8- از رسول گرامى صلى الله عليه و آله روايت شده كه هر كس كلمات ذيل را هر روز ده بار بگويد علاوه بر پاداشهاى مهمّ ديگر، از شرّ ابليس و لشكريانش در امان مى‏ماند، دين او ادا و همّ و غمّ او زايل مى‏گردد و در مشكلش گشايشى بوجود مى‏آيد:

اعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ ما شاءَاللَّهُ، وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ

براى هر ترسى كلمه «لا اله الّا اللَّه» را آماده كرده‏ام، و براى هر گرفتارى و اندوه كلمه «ماشاءاللَّه» را و براى هر نعمتى‏

الْحَمْدُ للَّهِ، وَلِكُلِّ رَخآءٍ الشُّكْرُ للَّهِ، وَ لِكُلِّ اعْجُوبَةٍ سُبْحانَ اللَّهِ، وَ لِكُلِ‏

كلمه «الحمدللَّه» را و براى هر آسايشى كلمه «الشكر للَّه» را و براى هر امر شگفتى كلمه «سبحان اللَّه» را و براى‏

ذَنْبٍ اسْتَغْفِرُاللَّهَ، وَ لِكُلِّ مُصيبَةٍ انَّا لِلَّهِ وَ انَّا الَيْهِ راجِعُونَ، وَ لِكُلِّ ضيقٍ‏

هر گناهى كلمه «استغفراللَّه» را و براى هر مصيبتى كلمه «انّا للَّه‏وإنّا إليه راجعون» را و براى هر سختى و تنگى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص947**

حَسْبِىَ اللَّهُ، وَ لِكُلِّ قَضآءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ‏

كلمه «حسبى اللَّه» را و براى هر قضا و قدرى كلمه «توكّلت على اللَّه» را و براى هر دشمنى كلمه «اعتصمت باللَّه»

بِاللَّهِ، وَ لِكُلِّ طاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.[[1351]](#footnote-1351)

را و براى هر اطاعت و نافرمانى كلمه «لا حول ولا قوة إلّاباللَّه العلى العظيم» را (آماده كرده‏ام).

\*\*\*

9- در «ثواب الاعمال»، «كافى» و كتاب «محاسن» از امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمود: كسى كه هر روز پانزده مرتبه بگويد:

لا الهَ الَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً، لا الهَ الَّا اللَّهُ ايماناً وَ تَصْديقاً، لا الهَ الَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً.

براستى معبودى جز خدا نيست، ايمان دارم و تصديق مى‏كنم كه معبودى جز خدا نيست، و از سر تعظيم و بندگى مى‏گويم جز او معبودى نيست‏

خداوند با لطف و رحمتش به او توجّه مى‏كند و نظرش را از او برنگرداند تا داخل بهشت شود.[[1352]](#footnote-1352)

\*\*\*

10- «قطب راوندى» روايت كرده است كه عابدى از بنى‏اسرائيل از خداوند درخواست كرد كه اى پروردگار من، حال من نزد تو چگونه است؛ آيا خير است تا افزون كنم، يا شرّ است تا از آن توبه نمايم؟

خداوند فرشته‏اى را به سوى او فرستاد و به او گفت: تو نزد خدا هيچ خير ندارى، گفت اى پروردگار من،

كليات مفاتيح نوين، ص: 948

پس كجاست اعمال من؟! در جواب گفت: هرگاه عمل خيرى انجام مى‏دادى مردم را از آن آگاه مى‏ساختى و دوست داشتى كه در ميان مردم به عنوان شخص خوبى به حساب آيى و از تو به نيكى ياد كنند، لذا به آنچه مى‏خواستى رسيدى، اين جواب بر آن عابد گران آمد و غمگين شد، خداوند بار ديگر پيكش را فرستاد و به او گفت: خداى تبارك و تعالى مى‏فرمايد: (براى جبران گذشته) از همين لحظه خودت را در اختيار من قرار ده با صدقه‏اى كه هر روز به عدد رگهاى بدنت پرداخت مى‏كنى. عرض كرد:

اى پروردگار من! آيا كسى توان چنين چيزى را دارد؟ جواب آمد: هر روز 360 مرتبه بگو:

«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ

تسبيح مى‏گويم خدا را و حمد و سپاس از آنِ خداست و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر از هر چيز است و پناهگاه و نيرويى‏

الّا بِاللَّهِ».[[1353]](#footnote-1353)

جز از سوى خداوند بلندمرتبه و باعظمت نيست.

\*\*\*

11- در روايت ديگرى از امام صادق عليه السلام آمده است كه: هر كس به مدّت دو ماه پى‏درپى، هر روز چهارصد مرتبه كلمات ذيل را بگويد، خداوند علم و مال فراوان به او روزى مى‏كند:

اسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمنُ الرَّحيمُ، بَديعُ‏

آمرزش مى‏طلبم از خدايى كه معبودى جز او زنده و قائم به ذات خويش نيست، بخشنده و مهربان و پديدآورنده‏

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، مِنْ جَميعِ ظُلْمى‏ وَ جُرْمى‏ وَ اسْرافى‏ عَلى‏ نَفْسى‏،

آسمانها و زمين است (آمرزشى) از تمامى ستم‏ها و گناه‏ها و زياده‏رَوى بر نفسم و

وَ اتُوبُ الَيْهِ.[[1354]](#footnote-1354)

به سوى او توبه مى‏كنم.

\*\*\*

12- «مرحوم كفعمى» و بزرگان ديگر روايت كرده‏اند كه خواندن اين دعا در هر روز، مستحب است:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ الْحَىِّ الْباقِى الْكَريمِ، وَ اسْئَلُكَ‏

خدايا به حق نور درخشنده ذاتت كه زنده و پاينده و بزرگوار است از تو مى‏خواهم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 949

بِنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذى‏ اشْرَقَتْ بِهِ السَّمواتُ، وَانْكَشَفَتْ بِهِ‏

و به حق نور و ذات پاكت كه آسمانها را روشن كرده و پرده‏هاى ظلمت را كنار زده‏

الظُّلُماتُ، وَ صَلُحَ عَلَيْهِ امْرُ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و با آن كار تمامى مخلوقات اصلاح شده، از تو مى‏خواهم كه به محمّد و خاندان پاكش درود فرستى‏

وَآلِهِ، وَ انْ تُصْلِحَ شَاْنى‏ كُلَّهُ.[[1355]](#footnote-1355)

و تمامى كارهايم را اصلاح كنى.

\*\*\*

13- از امام باقر عليه السلام روايت شده است كه فرمود: كسى كه هر روز كلمات ذيل را بگويد خداوند مشكلات دنيا و آخرتش را حل مى‏كند:

بِسْمِ اللَّهِ، حَسْبِىَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ خَيْرَ امُورى‏

به نام خدا، خدا براى من كافى است و بر او توكّل كرده‏ام، خدايا خير و نيكى تمام كارهايم را از تو مى‏خواهم‏

كُلِّها، وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْىِ الدُّنْيا وَ عَذابِ الْأخِرَةِ.[[1356]](#footnote-1356)

و از خوارى در دنيا و عذاب آخرت به تو پناهنده‏ام.

\*\*\*

14- و نيز روايت شده است كه هر كس هر روز هفت مرتبه دعاى ذيل را بخواند خداوند مشكلات دنيا و آخرتش را كفايت مى‏كند:

حَسْبِىَ اللَّهُ رَبِّى‏، اللَّهُ لا الهَ الّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.[[1357]](#footnote-1357)

خداوندى كه پروردگار من است براى من كافى است، خدايى كه معبودى جز او نيست، بر او توكّل مى‏كنم و او پروردگار عرش با عظمت است.

\*\*\*

15- همچنين روايت شده است: هر كس در طول يك سال، هر روز اين دعا را بخواند، از دنيا نمى‏رود تا جاى خود را در بهشت ببيند:

سُبْحانَ الدَّآئِمِ الْقآئِمِ، سُبْحانَ الْقآئِمِ الدَّآئِمِ، سُبْحانَ الْواحِدِ الْأَحَدِ،

پاك و منزّه است (خداى) پاينده پابرجا، پاك و منزّه است (خداى) پابرجاى پاينده، پاك و منزّه است (خداى) يگانه يكتا

كليات مفاتيح نوين، ص: 950

سُبْحانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، سُبْحانَ الْحَىِّ الْقَيُّومِ، سُبْحانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ،

پاك و منزّه است (خداى) تنهاى بى‏نياز، پاك و منزّه است (خداى) زنده قائم به ذات خويش، پاك و منزّه است خدا و به ستايشش مشغولم‏

سُبْحانَ الْحَىِّ الَّذى‏ لايَمُوتُ، سُبْحانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ رَبِ‏

پاك و منزّه است (خداى) زنده‏اى كه هرگز نمى‏ميرد، پاك و منزّه است (خداى) فرمانرواى مقدّس، پاك و منزّه است پروردگار

الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ، سُبْحانَ الْعَلِىِّ الْأَعْلى‏، سُبْحانَهُ وَ تَعالى‏.[[1358]](#footnote-1358)

فرشتگان و روح، پاك و منزّه است (خداى) بلند مرتبه برتر، پاك و منزّه و برتر است او.

\*\*\*

16- هنگام ظهر، نخستين كارى كه انجام مى‏دهى خواندن اين دعا باشد، كه امام باقر عليه السلام به يكى از ياران خود فرمود: محافظت بر اين دعا كن همان‏گونه كه از چشم‏هايت محافظت مى‏كنى:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لاوَلَداً،

تسبيح مى‏گويم خدا را و معبودى جز خدا نيست و ستايش براى خداوندى است كه نه فرزندى براى خود انتخاب كرده‏

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى‏الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.[[1359]](#footnote-1359)

و نه شريكى در حكومت دارد و نه بخاطر ضعف و ذلّت (حامى و) سرپرستى براى اوست و او را بسيار بزرگ بشمار.

يادآورى لازم: بديهى است هدف از خواندن اذكار و دعاهاى فوق تنها لقلقه زبان نيست بلكه افراد با ايمان بايد در محتواى آنها بينديشند و روح و جان و خلق و خوى خود را با آن تطبيق دهند، تا شاهد مقصود را در آغوش گيرند.

و نيز روشن است كه انجام همه اينها براى همه كس ميسّر نيست، هر كس به مقدار توانش مى‏تواند از اين خرمن عطرآگينِ اذكار و دعاها خوشه‏هايى بچيند و مشام جان خود را معطّر سازد، و در مسير هدايت و خودسازى، هر روز گامهاى برجسته‏ترى بردارد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 951

فصل هشتم: دعاهاى ايّام هفته‏

دعاهاى روزهاى هفته كه از امام سجاد عليه السلام نقل شده در عين فشردگى بسيار پرمحتوا و آموزنده و پرارزش است كه هر كس آن را بخواند و روح و جان خود را با آن هماهنگ سازد به يقين سعادتمند خواهد شد و استفاده از اين دعاها را به همه- مخصوصاً جوانان- توصيه مى‏كنيم.[[1360]](#footnote-1360)

دعاى روز شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةِ الْمُعْتَصِمينَ، وَ مَقالَةِ الْمُتَحَرِّزينَ، وَ اعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَوْرِ

به نام خداوندى كه سخن پناهجويان و گفتار پناهندگان است و از ستم‏

الْجآئِرينَ، وَكَيْدِ الْحاسِدينَ، وَ بَغْىِ الظَّالِمينَ‏[[1361]](#footnote-1361)، وَ احْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ

ستمكاران و مكر حسودان و ظلم ظالمان به خدا پناه مى‏برم، و او را بيش از ستايش‏

الْحامِدينَ، اللَّهُمَّ انْتَ الْواحِدُ بِلا شَريكٍ، وَالْمَلِكُ بِلا تَمْليكٍ، لا تُضادُّ

ستايندگان مى‏ستايم، خدايا تويى يگانه بى‏شريك و فرمانروايى كه حكومت به تو واگذار نشده و مخالفى‏

فى‏ حُكْمِكَ، وَ لا تُنازَعُ فى‏ مُلْكِكَ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ‏

در فرمانت نيست، و در فرمانرواييت منازعى وجود ندارد از تو مى‏خواهم كه بر محمّد، بنده‏

وَ رَسُولِكَ، وَ انْ تُوزِعَنى‏ مِنْ شُكْرِ نَعْمائِكَ ما يَبْلُغَنى‏ في‏ غايَةِ رِضاكَ،

و فرستاده‏ات درود فرستى و از شكر نعمتهايت به اندازه‏اى كه مرا به نهايت خشنوديت برساند نصيبم كنى‏

وَانْ تُعينَنى‏ عَلى‏ طاعَتِكَ، وَلُزُومِ عِبادَتِكَ، وَاسْتِحْقاقِ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ‏

و بر بندگى و دوام عبادت و شايستگى پاداشت به واسطه لطف و عنايتت ياريم كنى‏

عِنايَتِكَ، وَ تَرْحَمَنى‏ بِصَدّى‏ عَنْ مَعاصيكَ ما احْيَيْتَنى‏، وَ تُوَفِّقَنى‏ لِما

و به واسطه منع از نافرمانيت مادامى كه زنده‏ام بر من رحم كنى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 952

يَنْفَعُنى‏ ما ابْقَيْتَنى‏، وَ انْ تَشْرَحَ بِكِتابِكَ صَدْرى‏، وَ تَحُطَّ بِتِلاوَتِهِ‏

و در طول حياتم بر آنچه كه برايم سودمند است موفّقم بدارى، و با كتابت (قرآن)، سينه‏ام را (براى درك حقايق آن) بگشايى و با تلاوت آن‏

وِزْرى‏، وَ تَمْنَحَنِى السَّلامَةَ فى‏ دينى‏ وَ نَفْسى‏، وَلاتُوحِشَ بى‏ اهْلَ‏

گناهم را بزدايى، و سلامت در دين و نفسم را عطايم كنى، و نزديكانم را از من نرنجانى.

انْسى‏، وَ تُتِمَّ احْسانَكَ فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى‏، كَما احْسَنْتَ فيما مَضى‏

و در باقيمانده عمرم احسانت را بر من تمام كنى، آن‏گونه كه در طول عمرم به من احسان نموده‏اى‏

مِنْهُ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1362]](#footnote-1362)

اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

دعاى روز يكشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

بِسْمِ اللَّهِ الَّذى‏ لا ارْجُو الَّا فَضْلَهُ، وَ لا اخْشى‏ الَّا عَدْلَهُ، وَ لا اعْتَمِدُ الَّا

به نام خداوندى كه جز به فضل و احسانش اميد ندارم، و جز از عدلش بيم ندارم، و جز به گفتارش‏

قَوْلَهُ، وَ لااتَمَسَّكُ الَّا بِحَبْلِهِ، بِكَ اسْتَجيرُ يا ذَا الْعَفْوِ وَ الرِّضْوانِ مِنَ الظُّلْمِ‏

اعتماد ندارم، و جز به ريسمانش چنگ نزنم، اى صاحب گذشت و رضايت به تو پناهنده‏ام از ستم و

وَ الْعُدْوانِ، وَمِنْ غِيَرِ الزَّمانِ، وَ تَواتُرِالْأَحْزانِ، وَ طَوارِقِ الْحَدَثانِ، وَ مِنِ‏

دشمنى (مخلوقات)، و از حوادث روزگار، و غم‏هاى پى در پى، و بلاهاى ناگهانى، و از

انْقِضآءِ الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّأَهُّبِ وَ الْعُدَّةِ، وَ ايَّاكَ اسْتَرْشِدُ لِما فيهِ الصَّلاحُ وَ

پايان يافتن عمر پيش از آمادگى و مهيّا شدنم، و تنها از تو راهنمايى مى‏طلبم براى آنچه مصلحت‏

الْإِصْلاحُ، وَ بِكَ اسْتَعينُ فيما يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجاحُ وَالْإِنْجاحُ، وَ ايَّاكَ ارْغَبُ‏

و اصلاح (من) در آن است و تنها از تو كمك مى‏گيرم در آنچه رستگارى و موفقيّت من به آن نزديك است و تنها به تو اميدوارم‏

فى‏ لِباسِ الْعافِيَةِ وَتَمامِها، وَ شُمُولِ السَّلامَةِ وَ دَوامِها، وَاعُوذُ بِكَ يا رَبِ‏

در (بدست آوردن) لباس تندرستى و سلامت كامل و فراگير و دائمى، و اى پروردگار من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 953

مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطينِ، وَ احْتَرِزُ بِسُلْطانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلاطينِ، فَتَقَبَّلْ‏

از وسوسه‏هاى شيطان‏ها به تو پناه مى‏برم و از ستم پادشاهان به حكومت تو پناهنده‏ام، پس نماز

ما كانَ مِنْ صَلاتى‏ وَصَوْمى‏، وَ اجْعَلْ غَدى‏ وَ ما بَعْدَهُ افْضَلَ مِنْ ساعَتى‏

و روزه‏ام را بپذير و فردا و روزهاى بعد از آن را، بهتر از اين ساعت‏

وَيَوْمى‏، وَ اعِزَّنى‏ فى‏ عَشيرَتى‏ وَ قَوْمى‏، وَ احْفَظْنى‏ فى‏ يَقْظَتى‏ وَ نَوْمى‏،

و امروزم قرار ده و مرا در ميان خانواده و فاميلم عزيز گردان و در خواب و بيدارى حفظم كن‏

فَانْتَ اللَّهُ خَيْرٌحافِظاً، وَ انْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، اللَّهُمَّ انّى‏ ابْرَءُ الَيْكَ فى‏

پس تويى خدايى كه بهترين نگهبانى و تو مهربان‏ترين مهربانانى، خدايا در اين روز و

يَوْمى‏ هذا وَ ما بَعْدَهُ مِنَ‏الْاحادِ، مِنَ الشِّرْكِ وَ الْإِلْحادِ، وَ اخْلِصُ لَكَ‏

يكشنبه‏هاى بعد، از شرك و بى‏دينى به درگاهت بيزارى مى‏جويم، و براى اجابت دعايم مخلصانه تو

دُعآئى‏ تَعَرُّضاً لِلْإِجابَةِ، وَ اقيمُ‏[[1363]](#footnote-1363) نَفْسي‏عَلى‏ طاعَتِكَ رَجآءً لِلْإِثابَةِ، فَصَلِ‏

را مى‏خوانم، و به اميد پاداشت نفسم را بر بندگيت وادار مى‏كنم، پس‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ خَلْقِكَ، الدَّاعى‏ الى‏ حَقِّكَ، وَاعِزَّنى‏ بِعِزِّكَ الَّذى‏

بر محمّد و خاندان پاكش كه بهترين مخلوقات تو و دعوت‏كنندگان به حقّانيت تو هستند درود فرست، و مرا با عزّت جاودانه‏ات عزيز گردان،

لايُضامُ، وَ احْفَظْنى‏ بِعَيْنِكَ الَّتى‏ لا تَنامُ، وَ اخْتِمْ بِالْانْقِطاعِ الَيْكَ امْرى‏،

و با ديدگانت كه هرگز به خواب نمى‏رود حفظم كن، و كارم را به دست خودت‏

وَبِالْمَغْفِرَةِ عُمْرى‏، انَّكَ انْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ.[[1364]](#footnote-1364)

و عمرم را با آمرزش پايان ده، كه تو آمرزنده و مهربانى.

\*\*\*

دعاى روز دوشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يُشْهِدْ احَداً حينَ فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْارْضَ، وَ لَااتَّخَذَ

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه در زمان آفرينش آسمانها و زمين كسى را گواه نگرفت، و در

كليات مفاتيح نوين، ص: 954

مُعيناً حينَ بَرَءَ النَّسَماتِ، لَمْ يُشارَكْ فِى الْإِلهِيَّةِ، وَ لَمْ يُظاهَرْ فِى‏

وقت آفرينش مخلوقات ياورى براى خود نگرفت، و در معبوديّتش شريكى ندارد، و در يگانگيش پشتيبانى ندارد،

الْوَحْدانِيَّةِ، كَلَّتِ الْالْسُنُ عَنْ غايَةِ صِفَتِهِ، وَ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ،

و زبانها از توصيفش و عقل‏ها از شناخت كنه ذاتش عاجزند،

وَتَواضَعَتِ الْجَبابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ، وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ، وَ انْقادَ كُلُّ عَظيمٍ‏

و متكبّران در برابر هيبتش سر تسليم فرود آورند، و همه صورت‏ها از ترس او فروتنى كنند، و بزرگان به خاطر

لِعَظَمَتِهِ، فَلَكَ‏[[1365]](#footnote-1365) الْحَمْدُ مُتَواتِراً مُتَّسِقاً، وَ مُتَوالِياً مُسْتَوْسِقاً، وَصَلَواتُهُ عَلى‏

عظمتش مطيع گردند، حمد و سپاس پيوسته و مرتّب و پى در پى و هماهنگ از آن توست و درودها و سلام‏

رَسُولِهِ ابَداً، وَ سَلامُهُ دآئِماً سَرْمَداً، اللهُمَّ اجْعَلْ اوَّلَ يَوْمى‏ هذا

هميشگى و دائمى و ابدى خدا بر رسولش باد، خدايا آغاز امروزم را

صَلاحاً، وَ اوْسَطَهُ فَلاحاً، وَ آخِرَهُ نَجاحاً[[1366]](#footnote-1366)، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ اوَّلُهُ فَزَعٌ،

خير و نيكى و وسط آن را رستگارى و پايانش را موفقيّت قرار ده، و از روزى كه آغازش وحشت و

وَ اوْسَطُهُ جَزَعٌ، وَ آخِرُهُ وَجَعٌ، اللهُمَّ انّى‏ اسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ،

ميان آن ناله و پايانش درد است به تو پناه مى‏برم، خدايا از تو آمرزش مى‏طلبم براى هر نذرى كه كرده‏ام‏

وَكُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ، وَ كُلِّ عَهْدٍ عاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ افِ بِهِ، وَ اسْئَلُكَ فى‏ مَظالِمِ‏

و هر وعده‏اى كه داده‏ام و هر عهد و پيمانى كه بسته‏ام و به آن وفا ننموده‏ام، و از تو مى‏خواهم در مورد ظلم‏هايى كه‏

عِبادِكَ عِنْدى‏[[1367]](#footnote-1367)، فَايَّما عَبْدٍ مِنْ عَبيدِكَ اوْ امَةٍ مِنْ امآئِكَ، كانَتْ لَهُ قِبَلى‏

در حقّ بندگانت كرده‏ام، پس هر بنده‏اى از بندگانت يا كنيزى از كنيزهايت كه از جانب‏

مَظْلِمَةٌ ظَلَمْتُها ايَّاهُ فى‏ نَفْسِهِ، اوْ فى‏ عِرْضِهِ اوْ فى‏ مالِهِ، اوْ فى‏ اهْلِهِ‏

من نسبت به او در مورد خود يا آبرو يا مالش يا خانواده‏

وَوَلَدِهِ، اوْ غيبَةٌ اغْتَبْتُهُ بِها، اوْ تَحامُلٌ عَلَيْهِ بِمَيْلٍ اوْ هَوىً، اوْ انَفَةٍ اوْ حَمِيَّةٍ،

و فرزندش ظلمى شده يا او را غيبتى نموده‏ام يا چيزى را از روى ميل يا هواى نفس يا تكبّر يا تعصّب‏

اوْ رِيآءٍ اوْ عَصَبِيَّةٍ، غآئِباً كانَ اوْ شاهِداً، وَ حَيّاً كانَ اوْ مَيِّتاً، فَقَصُرَتْ‏

يا ريا يا خشم، چه در پشت سر يا حضورش، و چه در حيات و چه در بعد از مردنش بر او تحميل نموده‏ام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 955

يَدى‏، وَضاقَ وُسْعى‏ عَنْ رَدِّها الَيْهِ، وَ التَّحَلُّلِ مِنْهُ، فَاسْئَلُكَ يا مَنْ يَمْلِكُ‏

و دستم كوتاه است و توانايى جبران آن و طلب حليّت از او را ندارم، پس اى برآورنده‏

الْحاجاتِ وَ هِىَ مُسْتَجيبَةٌ بِمَشِّيَّتِهِ، وَ مُسْرِعَةٌ الى‏ ارادَتِهِ، انْ تُصَلِّىَ‏

حاجات كه حاجت‏ها به خواست تو برآورده شده و با اراده‏ات سرعت پذيرد، از تو مى‏خواهم كه‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تُرْضِيَهُ عَنّى‏ بِما شِئْتَ، وَ تَهَبَ لى‏ مِنْ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و آن‏گونه كه خواهى او را از من راضى كنى، و از نزدت رحمتى به من ببخشى،

عِنْدِكَ رَحْمَةً، انَّهُ لا تَنْقُصُكَ الْمَغْفِرَةُ، وَ لا تَضُرُّكَ الْمَوْهِبَةُ، يا ارْحَمَ‏

زيرا كه آمرزشت (چيزى) از تو نكاهد و بخششت زيانى به تو نرساند اى مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ اوْلِنى‏ فى‏ كُلِّ يَوْمِ اثْنَيْنِ نِعْمَتَيْنِ مِنْكَ ثِنْتَيْنِ، سَعادَةً

مهربانان، خدايا در هر روز دوشنبه دو نعمت از نزدت به من ببخش، يكى سعادت‏

فى‏ اوَّلِهِ بِطاعَتِكَ، وَ نِعْمَةً فى‏ آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ، يا مَنْ هُوَ الْإِلهُ، وَ لا يَغْفِرُ

در ابتداى روز به واسطه بندگيت و ديگرى نعمت در انتهاى روز به واسطه آمرزشت، اى كه فقط او معبود است و كسى جز او

الذُّنُوبَ سِواهُ.[[1368]](#footnote-1368)

گناهان را نيامرزد.

\*\*\*

دعاى روز سه‏شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الْحَمْدُ للَّهِ وَ الْحَمْدُ حَقُّهُ، كَما يَسْتَحِقُّهُ حَمْداً كَثيراً، وَ اعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ

حمد و سپاس از آنِ خداوند است و ستايش فراوان حقّ اوست آن‏گونه كه شايسته اوست و از شرّ

نَفْسى‏، انَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ الَّا ما رَحِمَ رَبّى‏، وَ اعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ

نفسم به او پناه مى‏برم، چرا كه نفس به بدى فرمان مى‏دهد مگر اينكه پروردگارم رحم كند، و از شر

الشَّيْطانِ الَّذى‏ يَزيدُنى‏ ذَنْباً الى‏ ذَنْبى‏، وَ احْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فاجِرٍ،

شيطانى كه گناهى بر گناهم مى‏افزايد به او پناه مى‏برم، و از (شرّ) هر ستمگر گستاخ و

كليات مفاتيح نوين، ص: 956

وَسُلْطانٍ جآئِرٍ، وَ عَدُوٍّ قاهِرٍ، اللهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِنْ جُنْدِكَ فَانَّ جُنْدَكَ هُمُ‏

فرمانرواى ظالم و دشمن قوى به او پناه مى‏برم، خدايا مرا از سپاهيانت قرار ده زيرا فقط سپاه تو

الْغالِبُونَ، وَ اجْعَلْنى‏ مِنْ حِزْبِكَ، فَانَّ حِزْبَكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ‏

پيروز است و مرا از گروه خود قرار ده، زيرا فقط گروه تو رستگار است، و مرا از

اوْلِيآئِكَ، فَانَّ اوْلِيآئَكَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ، اللَّهُمَّ اصْلِحْ لى‏

دوستانت قرار ده، زيرا دوستان تو ترس و غمى ندارند، خدايا دينم را اصلاح كن كه‏

دينى‏ فَانَّهُ عِصْمَةُ امْرى‏، وَ اصْلِحْ لى‏ اخِرَتى‏ فَانَّها دارُ مَقَرّى‏، وَ الَيْها مِنْ‏

نگهدارنده كار من است، و آخرتم را نيز اصلاح كن كه جايگاه اقامت من، و راه فرار من از

مُجاوَرَةِ اللِّئامِ مَفَرّى‏، وَ اجْعَلِ الْحَياةَ زِيادَةً لى‏ فى‏ كُلِّ خَيْرٍ، وَ الْوَفاةَ

همنشينى فرومايگان است و زندگى را برايم مايه فزونى در انجام كار خير قرار ده و مرگ‏

راحَةً لى‏ مِنْ كُلِّ شَرٍّ، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَ تَمامِ عِدَّةِ

مرا مايه آسايش از هر شرّى قرار ده، خدايا بر محمّد خاتم پيامبران و تكميل كننده عدد

الْمُرْسَلينَ، وَ عَلى‏ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، وَاصْحابِهِ الْمُنْتَجَبينَ، وَ هَبْ‏

فرستادگان و بر خاندان پاك و پاكيزه‏اش و ياران برگزيده‏اش درود فرست، و

لى‏ فِى الثُّلاثاءِ ثَلاثاً، لا تَدَعْ لى‏ ذَنْباً الَّا غَفَرْتَهُ، وَ لا غَمّاً الَّا اذْهَبْتَهُ، وَ لا

سه چيز را در روز سه شنبه به من عطا كن، گناهانم را بيامرز و اندوهم را برطرف كن‏

عَدُوّاً الَّا دَفَعْتَهُ، بِبِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمآءِ، بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْارْضِ وَ السَّمآءِ،

و دشمن را از من دور گردان به حق نام خدا كه بهترين نامهاست، به نام خداوندى كه پروردگار آسمان و زمين است طلب مى‏كنم‏

اسْتَدْفِعُ كُلَّ مَكْرُوهٍ اوَّلُهُ سَخَطُهُ، وَ اسْتَجْلِبُ كُلَّ مَحْبُوبٍ اوَّلُهُ رِضاهُ،

دفع هر ناپسندى را كه اوّلين آن خشم خداست و طلب مى‏كنم بدست آوردن هر كار پسنديده‏اى كه اوّلين آن رضايت اوست‏

فَاخْتِمْ لى‏ مِنْكَ بِالْغُفْرانِ، يا وَلِىَّ الْإِحْسانِ.[[1369]](#footnote-1369)

پس با آمرزشت كارم را به پايان رسان اى صاحب نيكى و احسان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 957

دعاى روز چهارشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ جَعَلَ اللَّيْلَ لِباساً، وَ النَّوْمَ سُباتاً، وَ جَعَلَ النَّهارَ نُشُوراً،

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه شب را پوشش و خواب را مايه آسايش و روز را شروع دوباره زندگى قرار داد

لَكَ الْحَمْدُ انْ بَعَثْتَنى‏ مِنْ مَرْقَدى‏، وَ لَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَداً، حَمْداً دائِماً

حمد و سپاس از آنِ توست كه مرا از بسترم برانگيختى، و اگر مى‏خواستى خوابم را هميشگى قرار مى‏دادى، (حمد و سپاس از آنِ توست) حمدى پيوسته‏

لا يَنْقَطِعُ ابَداً، وَ لا يُحْصى‏ لَهُ الْخَلائِقُ عَدَداً، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ انْ خَلَقْتَ‏

و هميشگى و جاويدان، كه مخلوقات توان احصاى عدد آن را ندارند، خدايا حمد و سپاس از آنِ توست كه آفريدى‏

فَسَوَّيْتَ، وَقَدَّرْتَ وَ قَضَيْتَ، وَ امَتَّ وَاحْيَيْتَ، وَ امْرَضْتَ وَ شَفَيْتَ،

سپس منظّم كردى، و تقدير نموده و حكم كردى، و ميرانده و زنده كردى و بيمار نموده و شفا بخشيدى‏

وَعافَيْتَ وَابْلَيْتَ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، وَ عَلَى الْمُلْكِ احْتَوَيْتَ،

و سلامتى داده و گرفتار نمودى، و بر عرش مسلّط شده و بر آنچه در تصرّف توست احاطه دارى‏

ادْعُوكَ دُعآءَ مَنْ ضَعُفَتْ وَسيلَتُهُ، وَ انْقَطَعَتْ حيلَتُهُ، وَ اقْتَرَبَ اجَلُهُ،

تو را مى‏خوانم همانند كسى كه دستاويزش ضعيف است و چاره‏اش قطع شده و مرگش نزديك است‏

وَتَدانى‏ فِى الدُّنْيا امَلُهُ، وَ اشْتَدَّتْ الى‏ رَحْمَتِكَ فاقَتُهُ، وَ عَظُمَتْ لِتَفْريطِهِ‏

و در دنيا آرزويش كم شده، و نيازش به رحمتت زياد شده، و به خاطر كوتاهى‏

حَسْرَتُهُ، وَ كَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَ عَثْرَتُهُ، وَخَلُصَتْ لِوَجْهِكَ تَوْبَتُهُ، فَصَلِّ عَلى‏

افسوسش افزون گشته، و لغزش و خطايش بسيار گشته و توبه‏اش به درگاهت خالص شده، پس بر

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَ عَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، وَ ارْزُقْنى‏

محمّد خاتم پيامبران و بر خاندان پاك و پاكيزه‏اش درود فرست، و

شَفاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ لا تَحْرِمْنى‏ صُحْبَتَهُ، انَّكَ انْتَ‏

شفاعت محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- را روزيم كن و از مصاحبت با او محرومم مكن، زيرا تو

ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ اقْضِ لى‏ فِى الْأَرْبَعآءِ ارْبَعاً، اجْعَلْ قُوَّتى‏

مهربان‏ترين مهربانانى، خدايا در روز چهارشنبه چهار خواسته مرا برآور، توانم را

فى‏ طاعَتِكَ، وَ نَشاطى‏ فى‏ عِبادَتِكَ، وَ رَغْبَتى‏ فى‏ ثَوابِكَ، وَزُهْدى‏ فيما

در بندگيت و نشاطم را در عبادتت و اشتياقم را در پاداشت و چشم پوشيم را در آنچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 958

يُوجِبُ لى‏ اليمَ عِقابِكَ، انَّكَ لَطيفٌ لِما تَشآءُ.[[1370]](#footnote-1370)

موجب عذاب سخت توست قرار ده، زيرا تو به آنچه خواهى مهربانى.

\*\*\*

دعاى روز پنج‏شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ اذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِماً بِقُدْرَتِهِ، وَ جآءَ بِالنَّهارِ مُبْصِراً

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه با قدرتش شب تاريك را بُرده و روز روشن را با رحمتش مى‏آورد،

بِرَحْمَتِهِ، وَ كَسانى‏ ضِيآئَهُ وَ ا نَا فى‏ نِعْمَتِهِ، اللهُمَّ فَكَما ابْقَيْتَنى‏ لَهُ فَابْقِنى‏

و نورش مرا فرا گرفته در حالى كه من در ناز و نعمتش بودم، خدايا همان‏گونه كه مرا تا اين روز نگهداشتى پس براى روزهاى‏

لِأَمْثالِهِ، وَ صَلِّ عَلَى النَّبِىِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لا تَفْجَعْنى‏ فيهِ وَ فى‏ غَيْرِهِ مِنَ‏

مانند آن نيز نگهدار، و بر پيامبرت محمّد و خاندانش درود فرست، و در اين روز و غير آن از

اللَّيالى‏ وَ الْأَيَّامِ، بِارْتِكابِ الْمَحارِمِ وَاكْتِسابِ الْمَأثِمِ، وَ ارْزُقْنى‏ خَيْرَهُ‏

شبها و روزها به خاطر ارتكاب حرام‏ها و انجام گناهان غصّه دارم مكن، و خير اين روز و

وَخَيْرَ ما فيهِ وَخَيْرَ ما بَعْدَهُ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ شَرَّهُ وَشَرَّ ما فيهِ وَ شَرَّما بَعْدَهُ،

آنچه در آن است و آنچه بعد از آن است را روزيم گردان، و شرّ اين روز و آنچه در آن است و آنچه بعد از آن است را از من دور كن‏

اللَّهُمَّ انّى‏ بِذِمَّةِ الْإِسْلامِ اتَوَسَّلُ الَيْكَ، وَ بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ‏اعْتَمِدُ عَلَيْكَ،

خدايا من در پناه اسلام به تو متوسّل مى‏شوم و به حرمت قرآن بر تو اعتماد مى‏كنم و به واسطه‏

وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى‏ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ، فَاعْرِفِ اللهُمَ‏

محمّد برگزيده- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به درگاهت شفاعت مى‏طلبم، خدايا

ذِمَّتِىَ الَّتى‏ رَجَوْتُ بِها قَضآءَ حاجَتى‏، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، اللهُمَّ اقْضِ‏

پيمانى را كه به واسطه آن اميد برآورده شدن حاجتم را دارم بپذير، اى مهربان‏ترين مهربانان، خدايا

لى‏ فِى الْخَميسِ خَمْساً، لا يَتَّسِعُ لَها الَّا كَرَمُكَ، وَ لا يُطيقُها الَّا نِعَمُكَ،

در روز پنج‏شنبه پنج حاجت مرا برآور كه جز كرم تو گنجايش آن را نداشته و جز نعمت بخشيت ظرفيت آن را ندارد

كليات مفاتيح نوين، ص: 959

سَلامَةً اقْوى‏ بِها عَلى‏ طاعَتِكَ، وَعِبادَةً اسْتَحِقُّ بِها جَزيلَ مَثُوبَتِكَ،

(نعمت) سلامتى كه به واسطه آن بر بندگيت قدرت يابم، (توفيق انجام) عبادتى كه به واسطه آن مستحق پاداش بزرگت باشم‏

وَسَعَةً فِى‏الْحالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَ انْ تُؤْمِنَنى‏ فى‏ مَواقِفِ الْخَوْفِ‏

و گشايشى از راه روزى حلال در حالم، و آرامشى با ايمنيت در مكان‏هاى ترسناك و

بِامْنِكَ، وَ تَجْعَلَنى‏مِنْ طَوارِقِ‏الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ فى‏ حِصْنِكَ، وَصَلِّ عَلى‏

پناهى از هجوم اندوه‏ها و غصّه‏ها در جوارت، و

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ تَوَسُّلى‏ بِهِ شافِعاً، يَوْمَ الْقِيمَةِ نافِعاً[[1371]](#footnote-1371)، انَّكَ انْتَ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و توسّلم را به او براى شفاعت در روز قيامت (به حالم) سودمند گردان، زيرا تو

ارْحَمُ الرَّاحِمينَ.[[1372]](#footnote-1372)

مهربان‏ترين مهربانانى.

\*\*\*

دعاى روز جمعه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

الْحَمْدُ للَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنْشآءِ وَ الْإِحْيآءِ، وَ الْاخِرِ بَعْدَ فَنآءِ الْأَشْيآءِ،

حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه اوّل است پيش از آفرينش و زنده كردن، و آخر است بعد از نابود شدن تمام اشيا،

الْعَليمِ الَّذى‏ لا يَنْسى‏ مَنْ ذَكَرَهُ، وَ لا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ، وَ لا يَخيبُ مَنْ‏

خداوند دانايى كه از ياد نمى‏برد هر كس او را ياد كند و نكاهد (نعمتش را) از هر كس كه او را سپاس گويد، و نااميد نكند آن كس كه او را

دَعاهُ، وَ لا يَقْطَعُ رَجآءَ مَنْ رَجاهُ، اللَّهُمَّ انّى‏ اشْهِدُكَ وَ كَفى‏ بِكَ شَهيداً،

بخواند و قطع نكند اميد كسى را كه به او اميد بندد، خدايا من تو را گواه مى‏گيرم و گواهى تو كافى است‏

وَاشْهِدُ جَميعَ مَلائِكَتِكَ وَسُكَّانَ سَماواتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَ مَنْ بَعَثْتَ‏

و گواه مى‏گيرم تمامى فرشتگان و ساكنان آسمانها و حاملان عرشت و

مِنْ انْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ، وَ انْشَاْتَ مِنْ اصْنافِ خَلْقِكَ، انّى‏ اشْهَدُ انَّكَ انْتَ‏

پيامبر و فرستادگانى كه مبعوث كرده‏اى و آنچه از مخلوقاتت آفريده‏اى (گواه مى‏گيرم) كه من گواهى مى‏دهم تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 960

اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ وَ لا عَديلَ، وَ لا خُلْفَ لِقَوْلِكَ‏

خدايى هستى كه معبودى جز تو نيست، يگانه‏اى كه شريك و همتايى ندارى، دوگانگى و تغييرى در گفتارت‏

وَ لا تَبْديلَ، وَ انَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، ادّى‏ ما

نيست و اين كه محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بنده و فرستاده توست، كه آنچه براى رساندن‏

حَمَّلْتَهُ الَى الْعِبادِ، وَ جاهَدَ فِى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقَّ الْجِهادِ، وَ انَّهُ بَشَّرَ بِما

به بندگان به عهده‏اش گذاشتى بجا آورده و در راه خداوند عزيز و گرامى به شايستگى جهاد نمود و به پاداشى‏

هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوابِ، وَ انْذَرَ بِما هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقابِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنى‏ عَلى‏

كه حق است بشارت داد و از كيفرى كه حق است ترسانيد، خدايا مادامى كه زنده‏ام مرا

دينِكَ ما احْيَيْتَنى‏، وَ لا تُزِغْ قَلْبى‏ بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنى‏، وَ هَبْ لى‏ مِنْ لَدُنْكَ‏

بر دينت ثابت قدم بدار، و بعد از آنكه هدايتم نمودى گمراه مكن، و از جانب خود

رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَعَلى‏ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنى‏

رحمتى به من ببخش زيرا تو بسيار بخشنده‏اى، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از

مِنْ اتْباعِهِ وَ شيعَتِهِ، وَ احْشُرْنى‏ فى‏ زُمْرَتِهِ، وَوَفِّقْنى‏ لِأَدآءِ فَرْضِ‏

پيروان و شيعيانش قرار ده و در گروه او محشورم گردان، و موفّقم بدار بر انجام واجبات در

الْجُمُعاتِ، وَ ما اوْجَبْتَ عَلَىَّ فيها مِنَ الطَّاعاتِ، وَقَسَمْتَ لِأَهْلِها مِنَ‏

روزهاى جمعه و آنچه از طاعات بر من واجب فرموده‏اى و (موفّقم بدار) بر آن‏

الْعَطآءِ فى‏ يَوْمِ الْجَزآءِ، انَّكَ انْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ.[[1373]](#footnote-1373)

پاداشى كه در روز قيامت به اهل آن قسمت نموده‏اى زيرا تو گرامى و دانايى.

نكته:

چقدر خوب است كه همه اهل ايمان- مخصوصاً جوانان- در اين دعاهاى كوتاه و پرمحتواى روزهاى هفته دقّت كنند كه درس‏هاى بسيار مهمّى در آنها نهفته است.

هر گاه بعد از نماز صبح اين دعاهاى كوتاه خوانده شود و كمى در معانى آن دقّت گردد مى‏تواند در تمام روز، روح انسان را سرشار از عشق به خدا و توجّه به مسئوليّت‏هاى دينى و اخلاقى و اجتماعى نمايد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 961

فصل نهم: فضيلت و اعمال شب و روز جمعه‏

كسى كه بخواهد بر اساس روايت «

إِنَّ لِلَّهِ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحاتٌ ألا فَتَرصَّدُوا لَها»[[1374]](#footnote-1374)

در انتظار فرصتهاى مناسب و مترصّد وزش نسيمهاى رحمت باشد، بايد بداند كه يكى از بهترين فرصتها، فرصت شب و روز جمعه است؛ فرصتى كه مى‏تواند در آن، هم مغفرت حضرت حق را به سوى خويش جلب كند و هم رحمتش را؛ با مغفرت، گناهان گذشته را بپوشاند و با رحمت، كمبودها را جبران نموده، و نيروى تازه براى تلاشى جديد در روزهاى آينده به دست آورد.

آنچه بر اين نكته دلالت دارد، تعبيرات فراوانى است كه در روايات اهل‏بيت عليهم السلام در اين زمينه وارد شده كه به بعضى از آنها اشاره مى‏شود:

1- از روايتى كه امام صادق عليه السلام از پدران خود از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله نقل مى‏كند به دست مى‏آيد:

خدايى كه در ميان انبيا، پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله را و در ميان اوصيا، امير مؤمنان على عليه السلام را و در ميان ماهها، رمضان را و در ميان شبها، ليلةالقدر را برگزيد، در ميان روزها، روز جمعه را انتخاب كرده است.[[1375]](#footnote-1375) و در تعبيرى ديگر از امام صادق عليه السلام آمده است: «خداوند در تمام اشيا، چيزى را برگزيده است و از ميان ايّام، روز جمعه را».[[1376]](#footnote-1376) 2- در حديث ديگرى از امام باقر عليه السلام مى‏خوانيم: خورشيد بر روزى طلوع نكرد كه با فضيلت‏تر از روز جمعه باشد.[[1377]](#footnote-1377) 3- به سندهاى معتبر از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه: فرشته‏اى از ابتدا تا انتهاى شب جمعه (از سوى پروردگار) ندا مى‏دهد: «آيا تقاضا كننده‏اى هست تا عطايش كنم؟ آيا توبه كننده‏اى هست تا توبه‏اش را بپذيرم؟ آيا استغفار كننده‏اى هست تا مورد مغفرتش قرار دهم؟ اى كسى كه طالب خيرى! به سوى من آى، و اى كسى كه طالب شرّى! دست نگه دار» پيوسته اين ندا را مى‏دهد تا اين‏كه صبح طلوع كند، زمانى كه صبح طلوع كرد به جايگاه خودش در ملكوت آسمان برمى‏گردد.[[1378]](#footnote-1378) نظير همين بيان به سند معتبر ديگر (مطابق روايتى از امام صادق عليه السلام)، در ارتباط با حاجات دنيا و

كليات مفاتيح نوين، ص: 962

آخرت، توبه از گناهان، زياد شدن روزى، شفاى بيماران، خلاصى از زندان و نجات از ظلم، از فوق عرش از جانب خداوند سبحان، ندا داده مى‏شود.[[1379]](#footnote-1379) 4- به سند معتبر از امام صادق عليه السلام نقل شده كه حضرت يعقوب عليه السلام به فرزندانش وعده داد و فرمود: «به زودى براى شما استغفار مى‏كنم» (

سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى‏)[[1380]](#footnote-1380)

و زمانى كه براى اين استغفار در نظر گرفت تا درخواست او مورد قبول واقع گردد، سحرگاهان شب جمعه بود.[[1381]](#footnote-1381) 5- مستحب است روز جمعه، خصوصاً جمعه ماه رمضان، زودتر از روزهاى ديگر به مسجد رود، چون از روايت امام باقر عليه السلام بدست مى‏آيد كه ملائكه مقرّبين، روز جمعه فرود مى‏آيند و اسامى واردشوندگان به مسجد را مى‏نويسند.[[1382]](#footnote-1382) 6- طبق بعضى از روايات قائم آل‏محمّد- عجّل‏اللَّه تعالى فرجه‏الشريف- در روز جمعه ظهور مى‏كند.[[1383]](#footnote-1383) بايد همواره- به خصوص در روزهاى جمعه- به ياد آن حضرت باشيم و جلسات خود را با ياد آن منجى جهان بشريت نورانى كنيم و تعجيل در ظهورش را از خداوند قادر متعال بخواهيم.

اعمال شب جمعه:

اعمالى كه براى شب جمعه نقل شده، بسيار فراوان است، در اين‏جا به ذكر بعضى از آنها اكتفا مى‏شود:

1- ذكر

لا إلهَ الَّا اللَّهُ، سُبْحانَ اللَّهِ‏

و

الْحَمْدُ لِلَّهِ‏

را زياد بگويد كه سبب لطف ويژه خداوند است.[[1384]](#footnote-1384) 2- قابل توجّه است كه از بعضى از روايات استفاده مى‏شود كه خوب است از روز پنج‏شنبه به استقبال شب و روز جمعه رود و چيزى كه سبب ضعف او براى انجام عبادات جمعه مى‏شود ميل نكند.[[1385]](#footnote-1385) به سند معتبر از امام باقر عليه السلام نقل شده كه فرمود: به خدا قسم به من خبر داده شد كه اصحاب پيامبر صلى الله عليه و آله از روز پنج‏شنبه خود را براى روز جمعه آماده مى‏كردند، چون فرصت جمعه براى مسلمين فرصتى محدود است.[[1386]](#footnote-1386) و نيز مستحب است در آخر روز پنج‏شنبه به اين صورت استغفار كند:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، وَ اتُوبُ الَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ

از خداوندى كه معبودى جز او زنده و پاينده نيست آمرزش مى‏طلبم و به درگاهش توبه مى‏كنم، همانند

كليات مفاتيح نوين، ص: 963

خاضِعٍ مِسْكينٍ مُسْتَكينٍ، لا يَسْتَطيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَ لا عَدْلًا، وَ لا نَفْعاً

توبه بنده فروتن فقير بينوايى كه توانايى دور كردن بدى را از خودش و جلب منفعت و سود

وَلا ضَرّاً، وَ لا حَياةً وَ لا مَوْتاً وَ لا نُشُوراً، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و زيان و زندگى و مرگ و زنده‏شدن در قيامت را ندارد و درود خدا بر محمّد و

وَعِتْرَتِهِ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ الْأَخْيارِ الْأَبْرارِ، وَ سَلَّمَ تَسْليماً.[[1387]](#footnote-1387)

خاندان پاك و پاكيزه و برگزيده و نيكوكارش و سلام مخصوص خدا بر آنان باد.

\*\*\*

3- بر محمّد و آل محمّد زياد صلوات بفرستد؛ چون به سند معتبر از امام صادق عليه السلام روايت شده: شب و روز جمعه فرشتگانى از آسمان فرود مى‏آيند كه كارشان تا غروب جمعه، تنها نوشتن ثواب صلوات بر محمّد و آل محمّد است، سپس فرمود: سنّت است در هر جمعه‏اى هزار مرتبه صلوات و در روزهاى ديگر صد مرتبه.[[1388]](#footnote-1388) مطابق روايت ديگرى رسول گرامى صلى الله عليه و آله فرمود: در شب غرّا (بسيار درخشنده) و روز أزهر (بسيار روشن) يعنى شب و روز جمعه زياد بر من صلوات بفرستيد، سؤال شد مراد از زياد چيست؟ فرمود: صد بار و هرچه بيشتر باشد بهتر است.[[1389]](#footnote-1389) مطابق روايتى مستحب است صلوات به اين صورت باشد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ أَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و فرج آنها را نزديك گردان و دشمنان آنان را از

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخَرينَ».[[1390]](#footnote-1390)

جنّ و انس، از پيشينيان و پسينيان هلاك كن.

4- قرآن، زياد تلاوت كند؛ خصوصاً براى تلاوت بعضى از سوره‏ها مانند سوره‏هاى اسراء و شعراء، نمل، قصص، سجده، ص، احقاف، واقعه، جمعه، كهف، يس، حم دخان، بقره و آل عمران سفارش شده است و براى تلاوت هر يك از اين سوره‏ها ثوابهاى بسيارى نقل شده كه روح را زنده و قلب را اميدوار مى‏كند.

5- امام صادق عليه السلام فرمود: در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه و سوره توحيد خوانده شود و در نماز عشا سوره جمعه و سبّح اسم ربّك الأعلى‏[[1391]](#footnote-1391) بخواند (و مطابق روايت ديگرى در نماز عشا سوره‏هاى جمعه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 964

و حشر[[1392]](#footnote-1392) و مطابق روايت سوّمى جمعه و منافقون‏[[1393]](#footnote-1393) را بخواند و هر كدام را انتخاب كند خوب است)، در روايت ديگرى از آن حضرت سؤال شده است: شب جمعه چه چيزى بخوانم؟ جواب فرمودند: «

انّا انزلناه فى ليلة القدر»

و

«قل هو اللَّه احد

».[[1394]](#footnote-1394) 6- به سند صحيح از امام صادق عليه السلام روايت شده: هر كس شب جمعه بعد از نماز مغرب، چهار ركعت نافله مغرب را بخواند و در آخرين سجده از نوافل هفت مرتبه بگويد:

«اللَّهُمَّ انّى‏ أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَ اسْمِكَ الْعَظيمِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏

خدايا به حقّ ذات بخشنده و نام با عظمتت از تو مى‏خواهم كه بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لي ذَنْبِيَ الْعَظيمَ».

محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و گناه بزرگم را بيامرزى.

سر از سجده بر نمى‏دارد مگر اين‏كه گناهانش بخشوده مى‏شود، و بهتر آن است كه اين عمل را هر شب انجام دهد.[[1395]](#footnote-1395) 7- بهتر است از خواندن شعر پرهيز داشته باشد؛ زيرا در روايت صحيح از امام صادق عليه السلام نقل شده كه براى روزه‏دار و در حال احرام و داخل حرم مكّه و روز جمعه و در شبها خواندن شعر كراهت دارد، راوى سؤال مى‏كند: اگرچه شعر حقّى باشد؟ فرمود: اگرچه حق باشد.[[1396]](#footnote-1396) يادآورى لازم: نگاه به مجموع رواياتى كه در اين زمينه وارد شده، نشان مى‏دهد كه مراد از شعر مكروه، اشعار باطلى است كه به خصوص در زمانهاى جاهليّت براى هجو و بدنام كردن كسى به كار گرفته مى‏شده و يا خيال‏پردازى‏هايى بود كه در زمينه عشقهاى مجازى و در وصف زيبارويان از زنان و در راستاى ارضاى شهوترانيهاى غيرمجاز سروده و يا خوانده مى‏شد. شاهد اين بيان تعبيراتى است كه در لابه‏لاى اين روايات به چشم مى‏خورد، از جمله تعبير به «خَنا» در جمله «

مَنْ تَمَثَّلَ بِبَيْتِ شِعْرٍ مِنَ الْخَنا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلاةٌ فى‏ ذلِكَ الْيَوْمِ»[[1397]](#footnote-1397)

از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است؛ چون «خنا» در لغت به معناى فحش و سخن ناسزاست. ديگر تعبير به «

انَّ مِنَ الشِّعْرِ لَحِكَماً

» است كه بعد از جمله «

الشِّعرُ مِنْ ابْليسَ‏

» از رسول گرامى نقل شده است.[[1398]](#footnote-1398) چون روشن است كه اين جمله در مقام مدح اشعار حكمت‏آميز

كليات مفاتيح نوين، ص: 965

است كه از شيطانى بودن شعر در جمله قبل، استثنا مى‏شود. ديگر رواياتى است كه در زمينه شعرخوانى و شعرسرايى امام رضا عليه السلام وارد شده است،[[1399]](#footnote-1399) و در كلمات منقول از اميرمؤمنان عليه السلام اشعار متعدّدى ديده مى‏شود، حتّى ديوان شعرى به آن حضرت منسوب است.

از آنچه گذشت مى‏توان پذيرفت كه مقصود از «مكروه بودن شعر حق» در اوّلين روايتى كه گذشت، اشعار غيردروغ و مطابق واقع است. يعنى راوى سؤال مى‏كند: اگرچه دروغ نباشد و محتواى شعر واقعيّت داشته باشد؟ حضرت جواب مى‏دهد: آرى، شعرى كه خالى از حكمت باشد و بى‏هدف سروده يا خوانده شود، مكروه است اگرچه دروغ نباشد، و الّا چگونه مى‏توان پذيرفت خواندن اشعار فراوانى كه سراينده آن خود اهل‏بيت عصمت عليهم السلام هستند در شب يا روز جمعه كراهت داشته باشد؟!

شاهد اين سخن روايتى است كه فرزند كُميت (شاعر معروف اهل‏بيت) از پدرش نقل مى‏كند كه گفت:

من روزى خدمت مولايم امام باقر عليه السلام رسيدم؛ عرض كردم كه اى فرزند رسول خدا، من ابياتى درباره شما گفته‏ام، اجازه مى‏دهيد بخوانم؟ فرمود: مى‏دانى كه الان ايّام البيض است (و تناسبى با خواندن شعر ندارد).

عرض كردم: اين اشعار مخصوص شما اهل‏بيت عليهم السلام است. فرمود: بخوان و من شروع كردم به خواندن اين اشعار:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| أضْحَكنِى الدّهر و أبْكانى‏ |  | و الدّهر ذُو صَرف و ألوان ...[[1400]](#footnote-1400) |
|  |  |  |

روشن است كه اهميّت ايام البيض كمتر از روز جمعه نيست.

8- در حقّ برادران دينى دعا كند و با ذكر نام آنان، در حقّشان استغفار نمايد. چرا كه امام صادق عليه السلام از پدرش از جدّش از فاطمه صغرى از امام حسين عليه السلام از برادرش امام حسن عليه السلام نقل مى‏كند كه در شب جمعه مادرم فاطمه عليها السلام را ديدم كه در محراب عبادت ايستاده بود، پيوسته ركوع مى‏كرد و سجده بجا مى‏آورد تا اين‏كه فجر طالع شد و شنيدم كه براى مؤمنين، آن هم با ذكر اسامى آنان، فراوان دعا مى‏كرد، در حالى كه براى خودش چيزى طلب نكرد. عرض كردم: مادرم! چگونه است كه براى ديگران دعا مى‏كنى، براى خود دعا نمى‏كنى؟ فرمود: فرزندم! «

الْجارُ ثُمَّ الدَّار؛

اوّل همسايه، سپس خانه!».[[1401]](#footnote-1401) مخصوصاً در حقّ اموات از برادران دينى دعا كند، چرا كه از امام صادق عليه السلام روايت شده: هر كس براى ده نفر از برادران اموات خود در شب جمعه دعا كند اهل بهشت خواهد بود.[[1402]](#footnote-1402)

9- «جمال‏الاسبوع» به سند معتبر از امام صادق عليه السلام روايت كرده: كسى كه در شب جمعه، خواست نماز شب بخواند در ركعت اوّل، حمد و قل هو اللَّه احد و در ركعت دوم حمد و قل يا ايّها الكافرون، ركعت سوم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 966

حمد و الم سجده و ركعت چهارم حمد و يا ايّها المدّثّر و ركعت پنجم حمد و حم سجده و يا حمد و نجم و در ركعت ششم حمد و سوره مُلك و در ركعت هفتم حمد و يس و در ركعت هشتم حمد و واقعه و ركعت نهم حمد و فلق و ركعت دهم حمد و ناس و ركعت يازدهم حمد و قل هو اللَّه احد بخواند.[[1403]](#footnote-1403)

\*\*\*

10- دعاهايى كه براى اين شب وارد شده را بخواند كه ما در اين‏جا به ذكر چند مورد از آنها اكتفا مى‏كنيم:

الف) از رسول گرامى صلى الله عليه و آله نقل شده: هر كس اين دعا را در شب جمعه يا روز آن هفت مرتبه بخواند اگر در اين شب يا روز بميرد داخل بهشت شود:

اللَّهُمَّ رَبّى‏ لا الهَ الَّا انْتَ، خَلَقْتَنى‏ وَ انَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ امَتِكَ، وَ فى‏

خدايا، اى پروردگار من كه معبودى جز تو نيست، مرا آفريدى در حالى كه من بنده تو و فرزند كنيز تو، و در

قَبْضَتِكَ وَناصِيَتى‏ بِيَدِكَ، امْسَيْتُ عَلى‏ عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ،

دست قدرت تو و در اختيار توام، تا جايى كه توانسته‏ام بر پيمان و وعده تو، روز را به شب رسانده‏ام‏

اعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما صَنَعْتُ، ابُوءُ بِنِعْمَتِكَ وَ ابُوءُ بِذَنْبى‏، فَاغْفِرْ لى‏ انَّهُ لا

از شرّ آنچه انجام داده‏ام به تو پناه مى‏برم، به نعمتت معترف و به گناهم اقرار دارم، پس مرا بيامرز زيرا

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الَّا انْتَ.[[1404]](#footnote-1404)

جز تو كسى گناهان را نيامرزد.

ب) «شيخ طوسى» و «سيّد بن طاووس» و «كفعمى» و «سيّد بن باقى» نوشته‏اند: مستحب است شب و روز جمعه و شب و روز عرفه اين دعا را بخواند، كه مطابق آنچه در «مصباح» شيخ طوسى آمده، چنين است:

اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَيَّأَ وَ اعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ الى‏ مَخْلُوقٍ رَجآءَ رِفْدِهِ،

خدايا هر كس خود را مجهّز و مهيّا و آماده ساخته و تدارك ديده براى وارد شدن بر مخلوق به اميد هديه‏

وَطَلَبَ نآئِلِهِ وَجآئِزَتِهِ، فَالَيْكَ يا رَبِّ تَعْبِئَتى‏ وَ اسْتِعْدادى‏، رَجآءَ عَفْوِكَ،

و بهره‏مندى و پاداشى از او، پس پروردگارا، من خود را براى رسيدن به درگاه تو مجهّز و مهيّا ساخته‏ام به اميد عفوت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 967

وَ طَلَبَ نآئِلِكَ وَ جآئِزَتِكَ، فَلا تُخَيِّبْ دُعآئى‏، يا مَنْ لا يَخيبُ عَلَيْهِ‏

و بهره‏مندى و پاداشت، پس مرا در دعايم مأيوس مكن، اى كه هيچ درخواست‏كننده‏اى را مأيوس نكنى‏

سائِلٌ، وَلا يَنْقُصُهُ نآئِلٌ، فَانّى‏ لَمْ آتِكَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صالِح عَمِلْتُهُ، وَ لا

و هيچ بخششى از (كرم) تو نكاهد، من به اطمينان عمل شايسته‏اى كه انجام داده‏ام به درگاهت نيامده‏ام و نه‏

لِوِفادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، اتَيْتُكَ مُقِرّاً عَلى‏ نَفْسى‏ بِالْإِسآئَةِ وَالظُّلْمِ،

به مخلوقى وارد شده‏ام كه به او اميدوار باشم بلكه به درگاهت آمده‏ام در حالى كه به بدى و ستم بر خودم اقرار دارم‏

مُعْتَرِفاً بِانْ لا حُجَّةَ لى‏ وَ لا عُذْرَ، اتَيْتُكَ ارْجُو عَظيمَ عَفْوِكَ الَّذى‏

و به اين كه دليل و عذرى ندارم معترفم، به اميد عفو بزرگت كه با آن از

عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخاطِئينَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلى‏ عَظيمِ الْجُرْمِ‏

خطاكاران درگذرى به درگاهت آمده‏ام، پس اصرار آنها بر (ارتكاب) گناهان بزرگ تو

انْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ، فَيا مَنْ رَحْمَتُهُ واسِعَةٌ، وَ عَفْوُهُ عَظيمٌ، يا

را از رحمت به آنها بازنداشت، پس اى كسى كه رحمتت وسيع و گذشتت بزرگ است، اى‏

عَظيمُ يا عَظيمُ يا عَظيمُ، لا يَرُدُّ غَضَبَكَ الَّا حِلْمُكَ، وَ لا يُنْجى‏ مِنْ‏

با عظمت، اى با عظمت، اى با عظمت، خشمت را جز حلمت باز ندارد و چيزى‏

سَخَطِكَ الَّا التَّضَرُّعُ الَيْكَ، فَهَبْ لى‏ يا الهى‏ فَرَجاً بِالْقُدْرَةِ الَّتى‏ تُحْيى‏

جز گريه و زارى به درگاهت از خشمت رهايى نبخشد، پس اى معبود من با قدرتى كه با آن مردگان را زنده مى‏كنى‏

بِها مَيْتَ الْبِلادِ، وَ لا تُهْلِكْنى‏ غَمّاً حَتّى‏ تَسْتَجيبَ لى‏، وَ تُعَرِّفَنِى الْإِجابَةَ

گشايشى به من عطا كن، و از غصّه هلاكم مكن تا زمانى كه (دعاى) من را اجابت كنى و به اجابت دعايم آگاهم كن‏

فى‏ دُعآئى‏، وَ اذِقْنى‏ طَعْمَ الْعافِيَةِ الى‏ مُنَتَهى‏ اجَلى‏، وَ لا تُشْمِتْ بى‏

و طعم سلامتى را تا پايان عمر به من بچشان و مرا دشمن شاد مگردان‏

عَدُوّى‏، وَلا تُسَلِّطْهُ عَلَىَّ، وَ لا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقى‏، الهى‏ انْ وَضَعْتَنى‏ فَمَنْ‏

و او را بر من مسلّط مكن، و او را بر من چيره مگردان، اى معبود من اگر (مقام) مرا پايين بياورى‏

ذَا الَّذى‏ يَرْفَعُنى‏، وَ انْ رَفَعْتَنى‏ فَمَنْ ذَا الَّذى‏ يَضَعُنى‏، وَ انْ اهْلَكْتَنى‏ فَمَنْ‏

كيست كه مرا بالا برد و اگر مرا بالا برى كيست كه مرا پايين آورد، و اگر هلاكم كنى پس كيست‏

ذَا الَّذى‏ يَعْرِضُ لَكَ فى‏ عَبْدِكَ، اوْ يَسْئَلُكَ عَنْ امْرِهِ، وَ قَدْ عَلِمْتُ انَّهُ لَيْسَ‏

كه در مورد اين بنده‏ات شكايت كند، يا از كار او سؤال كند، و به يقين دانستم كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 968

فى‏ حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَ لا فى‏ نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَ انَّما يَعْجَلُ مَنْ يَخافُ الْفَوْتَ،

در حكمرانيت ستمى و در عذابت شتابى نيست، و عجله و شتاب براى كسى است كه از گذشت فرصت مى‏ترسد

وَ انَّما يَحْتاجُ الَى الظُّلْمِ الضَّعيفُ، وَ قَدْ تَعالَيْتَ يا الهى‏ عَنْ ذلِكَ عُلُوّاً

و ناتوان، نيازمند ظلم است، و به يقين اى معبود من تو از اين امور بسيار

كَبيراً، اللهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ فَاعِذْنى‏، وَ اسْتَجيرُ بِكَ فَاجِرْنى‏، وَاسْتَرْزِقُكَ‏

برترى خدايا به تو پناهنده‏ام پس پناهم ده، و از تو امان مى‏خواهم پس امانم ده، و از تو روزى مى‏طلبم‏

فَارْزُقْنى‏، وَ اتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنى‏، وَ اسْتَنْصِرُكَ عَلى‏ عَدُوّى‏ فَانْصُرْنى‏،

پس روزيم ده، و بر تو توكّل مى‏كنم پس كفايتم كن، و براى غلبه بر دشمنم از تو يارى مى‏طلبم پس ياريم كن.

وَاسْتَعينُ بِكَ فَاعِنّى‏، وَ اسْتَغْفِرُكَ يا الهى‏ فَاغْفِرْ لى‏، آمينَ آمينَ آمينَ.[[1405]](#footnote-1405)

و از تو كمك مى‏خواهم پس كمكم كن، و از تو آمرزش مى‏طلبم پس مرا بيامرز، دعايم را بپذير، دعايم را بپذير، دعايم را بپذير.

ج) خواندن دعاى كميل كه در بخش دعاهاى معروف (بخش دوم، صفحه 98) گذشت.

د) خواندن دعاى: «

اللَّهُمَّ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوى‏ ...»[[1406]](#footnote-1406)

كه در شب عرفه نيز خوانده مى‏شود و در بخش چهارم (صفحه 842) گذشت.

ه) ده مرتبه بگويد:

«يا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ، يا صاحِبَ‏

اى كه هميشه به مخلوقات بخشنده‏اى، اى كه دستانت را به بخشش گشوده‏اى، اى كه صاحب‏

الْمَواهِبِ السَّنِيَّةِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ الْوَرى‏ سَجِيَّةً، وَ اغْفِرْ لَنا

بخشش‏هاى بزرگى، بر محمّد و خاندان پاكش بهترين مخلوقات در خلق و خوى درود فرست و ما را در

يا ذَا الْعُلى‏ في هذِهِ الْعَشِيَّةِ».[[1407]](#footnote-1407)

اين شامگاه بيامرز اى بلندمرتبه.

يادآورى: اين ذكر شريف در كليّه شبهاى عيد نيز خوانده مى‏شود.

و) «شيخ طوسى» و «سيّد بن طاووس» گفته‏اند: خواندن اين دعا در سحر شب جمعه مستحب است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَهَبْ لِىَ الْغَداةَ رِضاكَ، وَ اسْكِنْ قَلْبى‏

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و در اين صبحگاه خشنوديت را به من ببخش و خوفت را در دلم قرار ده،

كليات مفاتيح نوين، ص: 969

خَوْفَكَ، وَاقْطَعْهُ عَمَّنْ سِواكَ، حَتّى‏ لا ارْجُوَ وَ لا اخافَ الَّا ايَّاكَ، اللَّهُمَ‏

و دلم را از غير خودت جدا كن، تا اينكه به كسى جز تو اميد نبندم و از كسى جز تو نترسم، خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ هَبْ لى‏ ثَباتَ الْيَقينِ، وَ مَحْضَ الْإِخْلاصِ،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و ببخش بر من پايدارى در يقين و اخلاص ناب‏

وَشَرَفَ التَّوْحيدِ، وَ دَوامَ الْإِسْتِقامَةِ، وَ مَعْدِنَ الصَّبْرِ، وَالرِّضا بِالْقَضآءِ

و شرافت يگانه‏پرستى و استقامت پايدار و معدن بردبارى و رضايت به قضا

وَالْقَدَرِ، يا قاضِىَ حَوائِجِ السَّآئِلينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ما فى‏ ضَميرِ الصَّامِتينَ،

و قدر (را به من ببخش)، اى برآورنده نيازهاى درخواست‏كنندگان، اى داناى رازهاى دل سكوت‏كنندگان‏

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَ اسْتَجِبْ دُعائى‏، وَاغْفِرْ ذَنْبى‏، وَ اوْسِعْ رِزْقى‏،

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و دعايم را اجابت كن و گناهم را بيامرز و روزيم را وسعت ده‏

وَاقْضِ حَوآئِجى‏ فى‏ نَفْسى‏، وَ اخْوانى‏ فى‏ دينى‏ وَاهْلى‏، الهى‏ طُمُوحُ‏

و خواسته‏هاى شخصيم و خواسته‏هايم در مورد برادران دينى و خانواده‏ام را برآور، اى معبود من آرزوهاى‏

الْأمالِ قَدْ خابَتْ الَّا لَدَيْكَ، وَ مَعاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ الَّا عَلَيْكَ،

بلندپروازانه جز در درگاهت بر باد رفته، و همّت‏هاى عالى جز همّتى كه متوجّه توست كارساز نيست‏

وَمَذاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ الَّا الَيْكَ، فَانْتَ الرَّجآءُ وَ الَيْكَ الْمُلْتَجَأُ، يا

و راه عقلها جز راهى كه به سوى توست بسته مانده است، پس تويى اميد و پناهندگى به درگاه توست، اى‏

اكْرَمَ مَقْصُودٍ، وَ اجْوَدَ مَسْئُولٍ، هَرَبْتُ الَيْكَ بِنَفْسى‏ يا مَلْجَأَ الْهارِبينَ‏

گرامى‏ترين قصد شده و بخشنده‏ترين درخواست شده، اى پناه فراريان با سنگينى گناهانى كه بر دوش مى‏كشم‏

بِاثْقالِ الذُّنُوبِ، احْمِلُها عَلى‏ ظَهْرى‏، لا اجِدُ لى‏ الَيْكَ شافِعاً سِوى‏

به درگاه تو گريخته‏ام، در حالى كه شفيعى به درگاهت نمى‏يابم، جز اينكه‏

مَعْرِفَتى‏ بِانَّكَ اقْرَبُ مَنْ رَجاهُ الطَّالِبُونَ، وَ امَّلَ مالَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ، يا مَنْ‏

مى‏دانم تو نزديك‏ترين كسى هستى كه درخواست‏كنندگان به تو اميد بسته‏اند، و مشتاقان آنچه را كه نزد توست آرزو دارند، اى كسى‏

فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَ اطْلَقَ الأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلى‏

كه عقل‏ها را با شناختت گشودى، و زبان‏ها را به ستايشت گويا ساختى، و آنچه به واسطه آن‏

عِبادِهِ فى‏ كِفآءٍ لِتَاْدِيَةِ حَقِّهِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ و آلِهِ، وَ لا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ‏

بر بندگانت به عنوان پاداش منّت نهاده‏اى در برابر اداى حقّت قرار دادى بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 970

عَلى‏ عَقْلى‏ سَبيلًا، وَ لا لِلْباطِلِ على‏ عَمَلى‏ دَليلًا.[[1408]](#footnote-1408)

و راهى براى تسلّط شيعيان بر عقلم و حجّتى براى باطل بر كردارم قرار مده.

نماز و دعايى در شب جمعه براى حفظ قرآن:

كسى كه مى‏خواهد توفيق حفظ قرآن را پيدا كند بداند كه ابن عبّاس از امير مؤمنان از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل مى‏كند كه فرمود: آيا دوست دارى كلماتى را به تو بياموزم كه خداوند با آن به تو نفع بخشد و شاگردان تو نيز از آن نفع برند و آنچه را مى‏آموزى در سينه‏ات جاى گيرد و ثابت شود؟ عرض كرد: آرى يا رسول اللَّه، فرمود: شب جمعه وقت سحر در ثلث آخر شب و اگر نتوانستى قبل از آن از خواب برخيز، چهار ركعت نماز (هر دو ركعت به يك سلام) بخوان؛ در ركعت اوّل پس از حمد سوره يس و در ركعت دوم پس از حمد، سوره الم سجده‏[[1409]](#footnote-1409) و در ركعت سوم پس از حمد، دخان و در ركعت چهارم حمد و سوره ملك را بخوان؛ (سوره‏ها را مى‏توان از روى قرآن خواند) پس از سلام، حمد و ثناى خدا بجا آور و به بهترين وجهى بر محمّد و آل محمّد صلوات بفرست، سپس براى مؤمنان استغفار كن، آنگاه بگو:

اللَّهُمَ ارْحَمْنى بِتَرْكِ الْمَعاصى‏ أَبَداً ما أَبْقَيْتَني، وَ ارْحَمْني مِنْ أنْ اتَكَلَّفَ‏

خدايا بر من رحم كن با توفيق ترك گناهان تا زمانى كه زنده‏ام، و بر من رحم كن از اين كه براى طلب آنچه به درد من نمى‏خورد

طَلَبَ ما لا يُعْنيني، وَ ارْزُقْني حُسْنَ النَّظَرِ فيما يُرْضيكَ عَنّي، اللَّهُمَ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص970**

خود را به زحمت اندازم، و تشخيص صحيح در آنچه تو را از من خشنود مى‏سازد روزيم كن، اى خداى‏

بَديعَ السَّمواتِ وَالْارْضِ، ذَا الْجَلالِ وَ الْإكْرامِ، وَ الْعِزِّ الَّذي لا يُرامُ،

پديدآورنده آسمانها و زمين، اى صاحب شكوه و بزرگوارى و عزّتى كه هيچ كس نمى‏تواند آن را آرزو كند

أَسْأَلُكَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ، بِجَلالِكَ وَ نُورِ وَجْهِكَ، أَنْ تُلْزِمَ قَلْبي حِفْظَ

اى خدا، اى بخشنده، به شكوه و نورانيّت ذاتت از تو مى‏خواهم همان‏گونه كه‏

كِتابِكَ كَما عَلَّمْتَنيهِ، وَ ارْزُقْني أَنْ أَتْلُوَهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذي يُرْضيكَ عَنّي،

قرآنت را به من آموختى، دلم را به حفظ آن وادارى و تلاوتش را آن‏گونه كه تو را از من خشنود مى‏سازد روزيم گردانى.

اللَّهُمَّ بَديعَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ، ذَا الْجَلالِ وَ الْاكْرامِ، وَ الْعِزِّ الَّذي لا

اى خداى پديدآورنده آسمانها و زمين اى صاحب شكوه و بزرگوارى و عزّتى كه هيچ كس نمى‏تواند آن را

كليات مفاتيح نوين، ص: 971

يُرامُ، اسْألُكَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ، بِجَلالِكَ وَ نُورِ وَجْهِكَ، انْ تُنَوِّرَ بِكِتابِكَ‏

آرزو كند اى خدا، اى بخشنده به شكوه و نورانيّت ذاتت از تو مى‏خواهم ديدگانم را به قرآنت روشن گردانى‏

بَصَرى‏، وَ انْ تَشْرَحَ بِهِ صَدْرى‏، وَ انْ تُطْلِقَ بِهِ لِساني، وَ انْ تُفَرِّجَ بِهِ عَنْ‏

و سينه‏ام را به آن گشاده دارى و زبانم را به آن گويا كنى و با آن به‏

قَلْبي، وَ انْ تَسْتَعْمِلَ بِهِ بَدَني، فَانَّهُ لا يُعْنِينى‏ عَلَى الْخَيْرِ غَيْرُكَ، وَ لا

قلبم آرامش بخشى و بدنم را با آن به كار اندازى، زيرا جز تو كسى مرا به كار خير كمك نكند، و

يُؤْتيهِ إِلَّا أَنْتَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ».

جز تو كسى توفيق آن را به من ندهد و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست.

سپس فرمود: اين عمل را در سه شب جمعه، يا پنج شب، يا هفت شب جمعه بجا آور.[[1410]](#footnote-1410)

دعا و نمازى از ناحيه مقدّسه حضرت حجّت عليه السلام براى برآورده شدن حاجات:

مرحوم «علّامه مجلسى» از «مهج الدّعوات» از «كنوز النجاح» ابوعلى فضل بن حسن طبرسى نقل مى‏كند: از ناحيه مقدّسه امام عصر (سلام اللَّه عليه) اين حديث صادر شد كه: هر كسى نزد خدا حاجتى داشته باشد، شب جمعه بعد از نصف شب، غسل كند و در مصلّاى خودش (محلّى را كه در خانه، محلّ نماز قرار داده است) دو ركعت نماز بخواند، در هر ركعت پس از شروع سوره حمد و رسيدن به جمله «

ايّاك نعبد و ايّاك نستعين‏

» صد بار آن را تكرار كند و پس از اتمام آن، بقيّه سوره حمد را ادامه دهد و به پايان برساند، سپس يكبار سوره توحيد را بخواند و ذكر ركوع و سجود را هفت بار بگويد، پس از اتمام نماز، دعاى ذيل را بخواند كه قطعاً حاجتش هرچه باشد برآورده مى‏شود، مگر اين‏كه مربوط به قطع رحم (و مانند آن) باشد:

اللَّهُمَّ انْ اطَعْتُكَ فَالْمَحْمِدَةُ لَكَ، وَ انْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ‏

خدايا اگر اطاعتت كنم پس شايسته ستايشى و اگر نافرمانيت كنم پس دليل و برهان براى توست،

الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحانَ مَنْ انْعَمَ وَ شَكَرَ، سُبْحانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ،

آسايش و گشايش از جانب توست، پاك و منزّه است آن كه نعمت داده و سپاس‏گزارى شود، پاك ومنزّه است آن كه تقدير نموده و آمرزد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 972

اللَّهُمَّ انْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَانّى‏ قَدْ اطَعْتُكَ فى‏ احَبِّ الْأَشْيآءِ الَيْكَ، وَ هُوَ

خدايا، اگر نافرمانيت نمودم ولى در محبوب‏ترين امور در درگاهت كه همان ايمان به توست اطاعتت نمودم،

الْايمانُ بِكَ، لَمْ اتَّخِذْ لَكَ وَلَداً، وَ لَمْ ادْعُ لَكَ شَريكاً، مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَىَّ، لا

فرزندى براى تو انتخاب نكرده و همتايى برايت نخواندم كه اين منّتى است از جانب تو بر من، نه‏

مَنّاً مِنّى‏ بِهِ عَلَيْكَ، وَ قَدْ عَصَيْتُكَ يا الهى‏ عَلى‏ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ، وَ لَا

منّتى از جانب من بر تو و اى معبود من اگر نافرمانيت نمودم نه از روى تكبّر و نه‏

الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلكِنْ اطَعْتُ هَواىَ‏

خارج شدن از بندگيت و نه انكار پروردگاريت بود، بلكه هواى نفسم را اطاعت نمودم‏

وَازَلَّنِى الشَّيْطانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَىَّ وَ الْبَيانُ، فَانْ تُعَذِّبْنى‏ فَبِذُنُوبى‏ غَيْرُ

و شيطان مرا گمراه كرد پس دليل و بيان بر عليه من از آنِ توست، پس اگر مرا به واسطه گناهانم عذاب كنى بر من‏

ظالِمٍ لى‏، وَ انْ تَغْفِرْ لى‏ وَ تَرْحَمْنى‏، فَانَّكَ جَوادٌ كَريمٌ، يا كريمُ يا كَريمُ‏

ظلمى نكرده‏اى و اگر مرا آمرزيده و بر من رحم كنى پس به يقين تو بخشنده و بزرگوارى، اى بزرگوار، اى بزرگوار\* (به اندازه يك نفس طولانى ادامه دهد)، سپس بگويد:

يا آمِناً مِنْ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَكُلُّ شَىْ‏ءٍ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى ايمن از هر چيز، در حالى كه همه چيز

مِنْكَ خآئِفٌ حَذِرٌ، اسْئَلُكَ بِامْنِكَ مِنْ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ خَوْفِ كُلِّ شَىْ‏ءٍ مِنْكَ،

از تو ترسان و بيمناك است، به حقّ ايمنيت از همه چيز و ترسى كه هر چيز از تو دارد

انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُعْطِيَنى‏ اماناً لِنَفْسى‏ وَ اهْلى‏

از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و ايمنى بخشى به من و خانواده‏

وَوُلْدى‏، وَ سآئِرِ ما انْعَمْتَ بِهِ عَلَىَّ، حَتّى‏ لااخافَ احَداً، وَلا احْذَرَ مِنْ‏

و فرزندانم و تمام چيزهايى كه به واسطه آن به من نعمت دادى، تا از احدى نترسم و هيچگاه از چيزى نهراسم،

شَىْ‏ءٍ ابَداً، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكيلُ، يا كافِىَ‏

زيرا به يقين تو بر هر چيز توانايى و خداوند ما را كافى است و بهترين سرپرست است، اى رهايى بخش‏

ابْراهيمَ نُمْرُودَ، وَ يا كافِىَ مُوسى‏ فِرْعَوْنَ، وَ يا كافِىَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ‏

ابراهيم از شرّ نمرود، و اى رهايى‏بخش موسى از شرّ فرعون و اى رهايى بخش محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ و آلِهِ الْاحْزابَ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ‏

بر او و خاندان پاكش باد- از شرّ احزاب (در جنگ خندق) از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 973

تَكْفِيَنى‏ شَرَّ فُلانِ بْنِ فُلانٍ.

مرا از شرّ فلان پسر فلان رهايى بخش.

(به جاى فلان بن فلان اسم دشمن خويش را بر زبان آورد و اگر دشمن خاصّى ندارد، مى‏تواند نام شيطان را كه بزرگترين دشمن است يا نام دشمنان اسلام را ببرد).

سپس به سجده رود و حاجتش را طلب كند و نزد خدا تضرّع نمايد چراكه هيچ مرد يا زن مؤمنى نيست كه اين نماز را بجا آورد و اين دعا را بخواند مگر اين‏كه درهاى آسمان براى اجابت دعا به روى او گشوده مى‏شود ....

آنگاه فرمود: «

ذلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنا وَ عَلَى النَّاسِ؛

اين نماز و دعا از فضل خداوند بر ما اهل‏بيت و بر مردم است».[[1411]](#footnote-1411)

اعمال روز جمعه:

1- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه فرمود: هر كس مابين نافله صبح و نماز صبح در روز جمعه صد مرتبه بگويد: «

سُبْحانَ رَبِّىَ الْعَظيمِ وَ بِحَمْدِهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّى‏ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ‏

» خداوند خانه‏اى در بهشت برايش بنا مى‏كند.[[1412]](#footnote-1412) 2- كسى كه پيش از نماز صبح روز جمعه سه مرتبه (از روى خلوص نيّت) بگويد: «

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذي‏ لا الهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومِ، وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ‏

» گناهانش آمرزيده مى‏شود، هرچند بسيار زياد باشد.[[1413]](#footnote-1413) 3- هيچ عملى در اين روز از صلوات بر محمّد و آل محمّد با فضيلت‏تر نيست،[[1414]](#footnote-1414) و مطابق حديثى ديگر: صد بار صلوات در روز جمعه باعث برآورده شدن حوائج مى‏شود،[[1415]](#footnote-1415) و در روايتى ديگر از امام باقر عليه السلام نقل شده كه فرمود: عبادتى در روز جمعه نزد من از صلوات بر محمّد و آل محمّد محبوب‏تر نيست.[[1416]](#footnote-1416) و در روايت ديگرى از امام صادق عليه السلام آمده: هر كس بعد از نماز ظهر و نماز صبح روز جمعه و غير جمعه بگويد: «

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ‏

» نميرد تا اين‏كه حضرت قائم (عجّل اللَّه تعالى فرجه الشّريف) را درك كند.[[1417]](#footnote-1417) و مطابق روايتى ديگر، شيخ جليل‏القدر «ابن ادريس» در كتاب «سرائر» از «جامع بزنطى» نقل كرده كه ابوبصير مى‏گويد: شنيدم از امام صادق عليه السلام كه صلوات بر محمّد و آل محمّد مابين ظهر و عصر معادل‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 974

هفتاد ركعت نماز است و بعد از عصر روز جمعه نيز بگويد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ بِافْضَلِ‏

خدايا با بهترين درودهايت بر محمّد و خاندان پاكش همان جانشينان پسنديده درود فرست و با برترين‏

صَلَواتِكَ، وَبارِكْ عَلَيْهِمْ بِافْضَلِ بَرَكاتِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلى‏

رحمتهايت به آنان بركت ده و درود و رحمت و بركات خدا بر آنان و بر

ارْواحِهِمْ وَ اجْسادِهِمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ.[[1418]](#footnote-1418)

ارواح و جسم‏هايشان باد.

اين صلوات (با مقدارى تفاوت) در كتب مشايخ حديث، با سندهاى بسيار معتبر و با فضيلت‏هاى بسيار نقل شده است.[[1419]](#footnote-1419) 4- در نماز صبح در ركعت اوّل سوره جمعه و در ركعت دوم سوره توحيد بخواند.[[1420]](#footnote-1420) 5- بعد از نماز صبح پيش از آن‏كه سخن بگويد اين دعا را بخواند تا كفّاره گناهان او از اين جمعه تا جمعه ديگر باشد:

اللَّهُمَّ ما قُلْتُ فى‏ جُمُعَتى‏ هذِهِ مِنْ قَوْلٍ، اوْ حَلَفْتُ فيها مِنْ حَلْفٍ، اوْ

خدايا هر سخنى كه در اين جمعه گفتم يا هر سوگندى كه در آن ياد كردم يا

نَذَرْتُ فيها مِنْ نَذْرٍ، فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَىْ ذلِكَ كُلِّهِ، فَما شِئْتَ مِنْهُ انْ‏

نذرى كه در آن نمودم، پس خواست تو در تمام اين امور پيش روى من است، كه هر كدام از اين امور را كه خواهى‏

يَكُونَ كانَ، وَ ما لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ، اللهُمَّ اغْفِرْ لى‏ وَ تَجاوَزْ عَنّى‏،

انجام مى‏شود و هر كدام را كه نخواهى انجام نمى‏شود، خدايا مرا بيامرز و از (گناه) من درگذر

اللهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلواتى‏ عَلَيْهِ، وَ مَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتى‏ عَلَيْهِ.[[1421]](#footnote-1421)

خدايا بر هر كه درود فرستى درود من نيز بر او باد و بر هر كه لعنت كنى، لعنت من نيز بر او باد.

\*\*\*

6- در روايت است: هر كس بعد از نماز صبح در روز جمعه بنشيند و مشغول تعقيبات گردد تا آفتاب‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 975

طلوع كند خداوند در فردوس اعلى (مقامات عالى بهشت) هفتاد درجه براى او قرار دهد.[[1422]](#footnote-1422) 7- «شيخ طوسى» روايت كرده‏است: مستحب است كه در تعقيب نماز صبح روز جمعه اين دعا را بخواند:

اللهُمَّ انّى‏ تَعَمَّدْتُ الَيْكَ بِحاجَتى‏، وَ انْزَلْتُ الَيْكَ الْيَوْمَ فَقْرى‏ وَ فاقَتى‏

خدايا با حاجتم به تو اميد بسته‏ام، و امروز نياز و احتياج و درماندگيم را به درگاهت آورده‏ام،

وَمَسْكَنَتى‏، فَا نَا لِمَغْفِرَتِكَ ارْجى‏ مِنّى‏ لِعَمَلى‏، وَ لَمَغْفِرَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ‏

پس من به آمرزشت از كردار خود اميدوارترم، و به يقين آمرزش و رحمتت‏

اوْسَعُ مِنْ ذُنُوبى‏، فَتَوَلَّ قَضآءَ كُلِّ حاجَةٍ لى‏ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْها، وَ تَيْسيرِ

وسيع‏تر از گناهان من است، پس بر عهده گير برآوردن همه حاجت‏هايم را با قدرتى كه بر آن دارى و انجام آن براى تو

ذلِكَ عَلَيْكَ، وَ لِفَقْرى‏ الَيْكَ، فَانّى‏ لَمْ اصِبْ خَيْراً قَطُّ الَّا مِنْكَ، وَ لَمْ‏

آسان است و به خاطر نيازمنديم به تو، زيرا من هرگز به خيرى نرسيده‏ام جز از ناحيه تو، و

يَصْرِفْ عَنّى‏ سُوءً قَطُّ احَدٌ سِواكَ، وَ لَسْتُ ارْجُو لِأخِرَتى‏ وَ دُنْياىَ، وَ لا

هرگز كسى بدى را از من بازنگردانده جز تو، و براى آخرت و دنيا و روز نيازم،

لِيَوْمِ فَقْرى‏، يَوْمَ يُفْرِدُنِى النَّاسُ فى‏ حُفْرَتى‏، وَ افْضى‏ الَيْكَ بِذَنْبى‏ سِواكَ.[[1423]](#footnote-1423)

روزى كه مردم مرا در قبرم تنها مى‏گذارند و با گناهم بر تو وارد مى‏شوم به كسى اميدى ندارم جز تو.

8- سوره‏هاى احقاف و مؤمنون را بخواند كه مطابق روايتى از امام صادق عليه السلام، هر كس شب يا روز جمعه سوره احقاف بخواند ترسى در دنيا به او نرسد و از وحشت قيامت ايمن گردد و هر كس در هر جمعه سوره مؤمنون را بخواند، خداوند اعمال او را به سعادت ختم كند و در فردوس اعلى همراه با پيامبران و رسولان، به او منزل دهد.[[1424]](#footnote-1424) خواندن سوره‏هاى نساء، هود، كهف، صافات نيز توصيه شده‏[[1425]](#footnote-1425) و بعد از نماز صبح سوره الرحمن بخواند و بعد از آيه «

فَبِأىِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ‏

» بگويد: «

لا بِشَىْ‏ءٍ مِنْ آلائِكَ رِبِّ أُكَذِّبُ‏

».[[1426]](#footnote-1426)

كليات مفاتيح نوين، ص: 976

سوره «قل يا ايّها الكافرون» را ده مرتبه هنگام طلوع آفتاب بخواند و دعا كند تا دعايش مستجاب شود.[[1427]](#footnote-1427) 9- مطابق روايات فراوانى پرداختن به نظافت در جمعه بسيار خوب است از جمله شستن سر با خطمى سبب رهايى از جذام و برص و جنون مى‏شود،[[1428]](#footnote-1428) و در روايات متعدّدى از امام صادق عليه السلام آمده است كه گرفتن ناخن و شارب در روز جمعه، سبب فزونى روزى مى‏شود.[[1429]](#footnote-1429) 10- با توجّه به اين‏كه بسيارى از مؤمنين در نماز جمعه شركت مى‏كنند يا به ديدن بستگان و دوستان مى‏روند، مستحب است در اين روز از عطر و بوى خوش استفاده كنند. در روايتى از امام موسى بن جعفر عليهما السلام آمده است: سزاوار نيست ترك بوى خوش در هر روز و اگر قادر بر آن نبود، يك روز در ميان و اگر بر آن نيز قادر نبود در روز جمعه.[[1430]](#footnote-1430) 11- غسل جمعه كند كه از سنّتهاى مؤكّد است و مطابق روايتى، رسول خدا صلى الله عليه و آله به اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود: در هر جمعه غسل بجا آور اگرچه هزينه خوراك خود را صرف آن كنى، زيرا سنّتى از اين بزرگتر وجود ندارد،[[1431]](#footnote-1431) و مطابق روايتى ديگر از امام صادق عليه السلام: هر كس در روز جمعه غسل كند و اين دعا را بخواند:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ‏

گواهى مى‏دهم كه معبودى نيست جز خداى يگانه‏اى كه شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده‏

وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنى‏ مِنَ التَّوَّابينَ،

و فرستاده اوست، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و

وَاجْعَلْنى‏ مِنَ المُتَطَهِّرينَ.

مرا از توبه‏كنندگان و پاكيزگان قرار ده.

براى او طهارتى باشد تا جمعه آينده‏[[1432]](#footnote-1432) (يعنى از گناهان پاك مى‏شود و يا اعمالش از طهارت معنوى برخوردار شده، مورد قبول واقع مى‏شود).

يادآورى: زمان غسل جمعه بعد از طلوع فجر تا ظهر روز جمعه است.

12- صدقه در اين روز مستحبّ مؤكّد است و مطابق روايتى از امام صادق عليه السلام صدقه در شب جمعه و روز آن، هزار برابر صدقه در اوقات ديگر است.[[1433]](#footnote-1433)

كليات مفاتيح نوين، ص: 977

13- با خريدن چيزى نيكو براى خانواده و فرزندان، زمينه شادى آنها را نسبت به آمدن جمعه فراهم كند.[[1434]](#footnote-1434) 14- خود را از كارهاى دنيايى فارغ كند و بخشى از روز را به فراگيرى مسائل دينى خود مشغول شود، چنانكه از امام صادق عليه السلام نقل شده است: نفرين بر مسلمانى كه در هفته، (بخشى از) روز جمعه را صرف آموختن مسائل دينى خود نگرداند و براى اين امر، خود را از كارهاى ديگر فارغ نسازد.[[1435]](#footnote-1435) 15- زيارت حضرت رسول صلى الله عليه و آله و ائمّه طاهرين صلوات اللَّه عليهم اجمعين را بجا آورد،[[1436]](#footnote-1436) كه در بخش زيارات كيفيّت آن گذشت.

16- به زيارت اموات رود كه فضيلت بسيار دارد و از امام باقر عليه السلام نقل شده: زيارت كنيد مردگان را در روز جمعه، چراكه آنان در اين روز از طلوع فجر تا طلوع خورشيد، شخص زيارت كننده را مى‏شناسند و شاد مى‏شوند،[[1437]](#footnote-1437) و البتّه زيارت پدر و مادر و بستگان نزديك از احياء اهميّتش بيشتر است.

17- دعاى ندبه بخواند كه از اعمال اعياد چهارگانه (غدير، فطر، قربان و جمعه) است،[[1438]](#footnote-1438) و در بخش دعاهاى معروف (صفحه 189) گذشت.

18- نوافل روز جمعه كه بيست ركعت است را بجا آورد،[[1439]](#footnote-1439) و براى كيفيّت بجا آوردن آن به رساله‏هاى عمليّه مراجعه شود.

19- نمازهاى مستحبّى را كه براى روز جمعه نقل شده (نظير نماز جعفر طيّار، نماز كامله و نماز حضرت رسول صلى الله عليه و آله كه با سندهاى بسيار معتبر و آثار و بركات فراوان نقل شده‏اند) بجا آورد كه در بخش نمازهاى معروف (صفحه 1061) به بعضى از آنها اشاره مى‏شود.

20- چون ظهر شود دعايى را بخواند كه محمّد بن مسلم از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند و مطابق نقل «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» چنين است:

لا الهَ الّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 978

معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر از هر چيز است و پاك و منزّه است خدا و حمد و سپاس از آن خداوندى است كه هرگز فرزندى براى خود نگرفت‏

يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً

و نه شريكى در حكومت دارد و نه بخاطر ضعف و ذلّت (حامى و) سرپرستى براى اوست و او را بسيار بزرگ بشمار\* سپس بگويد: يا سابِغَ النِّعَمِ، يا دافِعَ النِّقَمِ، يا بارِئَ النَّسَمِ، يا عَلِىَّ الْهِمَمِ،

\*\*\*\*\*\*\*\* اى فروريزنده نعمت‏ها، اى دفع كننده بديها، اى آفريننده انسان، اى صاحب برترين همت،

يا مُغْشِىَ الظُّلَمِ، يا ذَاالْجُودِ وَالْكَرَمِ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَ الأَلَمِ، يا مُونِسَ‏

اى پوشاننده تاريكى‏ها، اى صاحب بخشش و كرم، اى برطرف كننده ضرر و درد، اى همدم‏

الْمُسْتَوْحِشينَ فِى الظُّلَمِ، يا عالِماً لا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

وحشت زدگان در تاريكى، اى داناى بى‏تعليم، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست،

مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، يا مَنِ اسْمُهُ دَوآءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفآءٌ،

و آنچه تو شايسته آنى در مورد من انجام ده، كه نامت دارو و يادت درمان‏

وَ طاعَتُهُ غَنآءٌ، ارْحَمْ مَنْ رَاْسُ مالِهِ الرَّجآءُ، وَ سِلاحُهُ الْبُكاءُ، سُبْحانَكَ‏

و بندگيت توانگريست، بر كسى كه سرمايه‏اش اميد و اسلحه‏اش گريه است رحم كن، پاك و منزّهى تو

لا الهَ الَّا انْتَ، يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ، يا بَديعَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، يا

كه معبودى جز تو نيست، اى غمخوار، اى سخاوتمند، اى پديدآورنده آسمانها و زمين، اى‏

ذَاالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.[[1440]](#footnote-1440)

صاحب شكوه و بزرگوارى.

21- شركت در نماز جمعه بسيار خوب و پراهميّت، و سبب شكوه و عظمت اسلام است و اگر توفيق شركت در نماز جمعه را پيدا نكرد، در نماز ظهر سوره جمعه و منافقون و در نماز عصر سوره جمعه و توحيد را بخواند[[1441]](#footnote-1441) و مرحوم صدوق از امام صادق عليه السلام روايت كرده: از چيزهايى كه بر هر مؤمنى كه شيعه ما باشد لازم است اين است كه در شب جمعه در نماز (عشا) سوره جمعه و سبّح اسم ربّك الاعلى، و در روز جمعه در نماز ظهر، سوره جمعه و منافقون را بخواند كه اگر چنين كند اقتدا به عمل پيامبر صلى الله عليه و آله كرده و جزايش بهشت است.[[1442]](#footnote-1442) 22- دعاى 46 صحيفه سجّاديه (

يا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لا يَرْحَمُهُ الْعِباد

) و 48 آن (

أَللَّهُمَّ هذا يَوْمٌ مُبارَكٌ‏

) را بخواند.

23- «شيخ طوسى» در «مصباح» روايت كرده: هر كس بعد از نماز ظهر روز جمعه دو ركعت نماز، و در هر ركعت بعد از حمد، هفت مرتبه «

قُلْ هُوَ اللَّه أَحَد

» بخواند و بعد از نماز بگويد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 979

اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِنْ اهْلِ الْجَنَّةِ الَّتى‏ حَشْوُهَاالْبَرَكةُ، وَعُمَّارُهَا الْمَلائِكَةُ،

خدايا مرا از بهشتيان قرار ده، بهشتى كه مملوّ از بركت است و آبادگرانش فرشتگان هستند

مَعَ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَابينا ابراهيمَ عَلَيْهِ السَّلامُ.

در كنار پيامبر ما محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- و پدر ما ابراهيم- كه درود خدا بر او باد-.

تا جمعه ديگر بلا و فتنه‏اى به او نرسد و حق تعالى ميان او و محمّد صلى الله عليه و آله و ابراهيم عليه السلام (در بهشت) جمع كند.[[1443]](#footnote-1443) 24- بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه «

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ‏

» بگويد تا خداوند متعال گناهان او را بيامرزد.[[1444]](#footnote-1444) 25- چنانكه در بخش دعاهاى معروف (صفحه 108) گذشت، بهترين زمان براى خواندن دعاى عشرات، عصر روز جمعه است.

26- نيز در بخش دعاهاى معروف (صفحه 114) گذشت، كه مستحب است خواندن دعاى «سمات» در ساعتهاى آخر روز جمعه.

27- با توجّه به اين‏كه روز جمعه از چند جهت تعلّق به امام عصر- عجّل اللَّه تعالى فرجه- دارد؛ اوّلًا: از اين جهت كه ولادت حضرتش در اين روز بوده.[[1445]](#footnote-1445) ثانياً: ظهور شريف آن جناب طبق بعضى روايات در چنين روزى خواهد بود، چنانكه در بخش اعمال ايّام هفته، ضمن زيارت آن حضرت در روز جمعه خواهد آمد:

«هذا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَ هُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فيهِ ظُهُورُكَ، وَ الْفَرَجُ فيهِ‏

اين روز جمعه است، همان روزى كه انتظار ظهور تو در آن است و فرج‏

لِلْمُؤمِنينَ عَلى‏ يَدِكَ».[[1446]](#footnote-1446)

مؤمنان در اين روز به دست توست.

و حضرت در چنين روزى پاك كردن زمين را از لوث وجود جبّارين و ملحدين و كافرين و منافقين، آغاز مى‏كند و با اظهار كلمه حق، و اعلاى دين و شرايع ايمان، چشم و دل مؤمنان را در آن روز روشن و مسرور مى‏نمايد، چنانكه آيه «

وَ اشْرَقَتِ الْأرْضُ بِنُورِ رَبِّها

؛ روزى كه زمين به نور پروردگارش منوّر مى‏شود» بر اين روز «ظهور» تطبيق داده شده است،[[1447]](#footnote-1447) با توجّه به اين نكات، شايسته است كه به خواندن چند چيز در اين روز مبادرت شود:

كليات مفاتيح نوين، ص: 980

الف) زيارت آل ياسين كه در بخش زيارات (صفحه 503) گذشت.

ب) اين دعا كه «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» در خلال اعمال روز جمعه، آن را از امام رضا عليه السلام براى صاحب‏الامر نقل كرده است؛ به اين صورت كه يونس بن عبدالرّحمان مى‏گويد: امام رضا عليه السلام پيوسته امر مى‏كرد كه با اين دعا براى حضرت مهدى عليه السلام دعا كنيد:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَليفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ ...

كه در بخش زيارات (صفحه 525) گذشت.

ج) صلواتى را كه شيخ طوسى در اعمال عصر روز جمعه آن را ذكر نموده است قرائت كند. مرحوم «سيّد بن طاووس»[[1448]](#footnote-1448) فرموده: كه اين صلوات مروىّ از مولاى ما حضرت مهدى- صلوات‏اللَّه عليه- است و تأكيد شده كه هرگز اين صلوات را ترك مكن، و طبق نقل شيخ در «مصباح» چنين است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلينَ، وَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِ‏

خدايا درود فرست بر محمّد آقا و سرور فرستادگان و خاتم پيامبران و حجّت پروردگار

الْعالَمينَ، الْمُنْتَجَبِ فِى الْميثاقِ، الْمُصْطَفى‏ فِى الظِّلالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِ‏

جهانيان، برگزيده در روز عهد و پيمان، انتخاب شده در ميان تاريكى‏ها، پاكيزه از هر

آفَةٍ، الْبَرى‏ءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاةِ، الْمُرْتَجى‏ لِلشَّفاعَةِ،

آفت، مبرّا از هر عيب، آرزو شده براى نجات، اميد بسته شده براى شفاعت،

الْمُفَوَّضِ الَيْهِ دينُ اللَّهِ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهانَهُ، وَ افْلِجْ حُجَّتَهُ،

آن كه دين خدا به او واگذار شده، خدايا بنيانش را شرافت بخش، و حجت و دليلش را بزرگ دار، و حجتش را بنمايان‏

وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَ اضِئْ نُورَهُ، وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ اعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضيلَةَ،

و رتبه‏اش را بالا بر، و نورش را تابان كن و چهره‏اش را نورانى گردان، و به او فضل و مقام‏

وَالْوَسيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفيعَةَ، وَ ابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ‏

و وسيله شفاعت و رتبه بلند عنايت فرما، و او را به جايگاه پسنديده‏اى كه پيشينيان و

وَالأخِرُونَ، وَ صَلِّ عَلى‏ اميرِالْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ قآئِدِ الْغُرِّ

پسينيان به آن غبطه مى‏خورند برسان و درود فرست بر اميرمؤمنان و وارث فرستادگان و پيشواى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 981

الْمُحَجَّلينَ، وَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ‏

روسفيدان و آقا و سرور جانشينان و حجّت پروردگار جهانيان، و درود فرست بر حسن‏

بْنِ عَلِىٍّ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ،

بن على پيشواى مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان‏

وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ

و درود فرست بر حسين بن على پيشواى مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت‏

رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ‏

پروردگار جهانيان، و درود فرست بر على بن حسين پيشواى مؤمنان و وارث‏

الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ امامِ‏

فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان، و درود فرست بر محمّد بن على پيشواى‏

الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ جَعْفَرِ

مؤمنان و وارث پيامبران و حجّت پروردگار جهانيان، و درود فرست بر جعفر

بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ،

بن محمّد پيشواى مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان‏

وَصَلِّ عَلى‏ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ

و درود فرست بر موسى بن جعفر، پيشواى مؤمنان و وارث فرستادگان، و حجّت‏

رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُوسى‏ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَوارِثِ‏

پروردگار جهانيان، و درود فرست بر على بن موسى پيشواى مؤمنان و وارث‏

الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ امامِ‏

فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان و درود فرست بر محمّد بن على، پيشواى‏

الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِ‏

مؤمنان، و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان و درود فرست بر على‏

بْنِ مُحَمَّدٍ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ،

بن محمّد پيشواى مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان‏

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ امامِ الْمُؤْمِنينَ، وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةِ

و درود فرست بر حسن بن على پيشواى مؤمنان و وارث فرستادگان و حجّت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 982

رَبِّ الْعالَمينَ، وَصَلِّ عَلَى الْخَلَفِ الْهادِى الْمَهْدِىِّ، امامِ الْمُؤْمِنينَ،

پروردگار جهانيان، و درود فرست بر جانشين هدايتگر هدايت‏يافته، پيشواى مؤمنان‏

وَ وارِثِ الْمُرْسَلينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ واهْلِ‏

و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان، خدايا بر محمّد و خاندانش درود فرست‏

بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهادينَ، الْعُلَمآءِ الصَّادِقينَ، الْأَبْرارِ الْمُتَّقينَ، دَعآئِمِ دينِك،

همان پيشوايان هدايتگر، دانايان راست‏گفتار، نيكوكاران پرهيزگار، پايه‏هاى دينت‏

وَارْكانِ تَوْحيدِكَ، وَتَراجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ، وَ خُلَفآئِكَ‏

و ستون‏هاى يگانه‏پرستيت و مفسّران وحيت و حجّت‏هايت بر مخلوقات و جانشينانت‏

فى‏ ارْضِكَ، الَّذينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلى‏ عِبادِكَ،

در زمين، آنان كه براى خود برگزيده و بر بندگانت اختيار نمودى‏

وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدينِكَ، وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ،

و براى (يارى) دينت پسنديده و به شناختت مخصوصشان ساختى، و با كرامتت گرامى داشته‏

وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَ غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَ الْبَسْتَهُمْ‏

و با رحمتت آنان را در برگرفتى و با نعمتت پرورانده و با حكمتت تغذيه نمودى و با نورت پوشانده‏

نُورَكَ، وَ رَفَعْتَهُمْ فى‏ مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ،

و در ملكوتت بالا بردى و با فرشتگانت در برگرفته و با پيامبرت-

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ، صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً

كه درود تو بر او و خاندانش باد- شرافتشان بخشيدى، خدايا بر محمّد و بر آنان درود فرست، درودى پاك، بالا رونده‏

كَثيرَةً، دآئِمَةً طَيِّبَةً، لا يُحيطُ بِها الَّا انْتَ، وَ لا يَسَعُها الَّا عِلْمُكَ، وَ لا

فراوان، هميشگى و پاكيزه، كه جز تو كسى بر آن احاطه ندارد و جز علمت چيزى وسعت آن را ندارد و

يُحْصيها احَدٌ غَيْرُكَ، اللهُمَّ وَ صَلِّ عَلى‏ وَلِيِّكَ الْمُحْيى‏ سُنَّتَكَ، الْقآئِمِ‏

جز تو كسى توان احصاى آن را ندارد، خدايا درود فرست بر وليّت كه سنّت تو را زنده كرده و فرمانت‏

بِامْرِكَ، الدَّاعى‏ الَيْكَ، الدَّليلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلى‏ خَلْقِكَ، وَ خَليفَتِكَ فى‏

را بپا داشته و به سويت دعوت كرده و دليل و حجّتت بر مخلوقات و جانشينت در

ارْضِكَ، وَشاهِدِكَ عَلى‏ عِبادِكَ، اللَّهُمَّ اعِزَّ نَصْرَهُ، وَ مُدَّ فى‏ عُمْرِهِ، وَ زَيِّنِ‏

زمين و گواه تو بر بندگان است، خدايا پيروزيش را گرامى دار و عمرش را طولانى گردان، و به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 983

الْأَرْضَ بِطُولِ بَقآئِهِ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْىَ الْحاسِدينَ، وَ اعِذْهُ مِنْ شَرِّ

طول حياتش زمين را زينت بخش، خدايا او را از شرّ حسودان حفظ كن و از شرّ فريبكاران پناه ده‏

الْكآئِدينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ ارادَةَ الظَّالِمينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ ايْدِى الْجَبَّارِينَ،

و اراده ستمگران را از او بازدار، و از چنگال زورگويان رهايى بخش‏

اللَّهُمَّ اعْطِهِ فى‏ نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ شيعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَخاصَّتِهِ وَ عامَّتِهِ‏

خدايا عطا كن به او در مورد خود و نسل و شيعيان و پيروان و خواص و عوام (از ياران)

وَعَدُوِّهِ، وَ جَميعِ اهْلِ الدُّنْيا، ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ، وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَ بَلِّغْهُ‏

و دشمنانش و تمامى اهل دنيا، آنچه را كه مايه چشم روشنى او شده و خوشحالش كند،

افْضَلَ ما امَّلَهُ فِى الدُّنْيا وَ الْأخِرَةِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ جَدِّدْ

و او را به برترين آرزوهايش در دنيا و آخرت برسان، زيرا تو بر هر چيز توانايى، خدايا آنچه‏

بِهِ مَا امْتُحِىَ مِنْ دينِكَ، وَاحْىِ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ كِتابِكَ، وَ اظْهِرْ بِهِ ما غُيِّرَ مِنْ‏

از دينت از بين رفته به دست او تجديد كن و آنچه از كتابت تغيير يافته به دست او زنده كن، و آنچه از حُكمت تغيير يافته به دست او ظاهر گردان،

حُكْمِكَ، حَتّى‏ يَعُودَ دينُكَ بِهِ، وَ عَلى‏ يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً خالِصاً مُخْلَصاً،

تا اينكه دينت به سبب او و با دستان او با طراوت و تازه و خالص و پاك بازگردد

لا شَكَّ فيهِ وَ لا شُبْهَةَ مَعَهُ، وَ لا باطِلَ عِنْدَهُ وَلا بِدْعَةَ لَدَيْهِ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ

كه شكى در آن نباشد و شبهه‏اى باقى نماند و باطلى همراهش نباشد و بدعتى باقى نماند، خدايا با نور

بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدَّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَاهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلالَةٍ، وَ اقْصِمْ‏

او تمامى ظلمت‏ها را روشن كن، و با استوارى او تمامى بدعت‏ها را درهم شكن، و با عزّت او تمامى گمراهى‏ها را نابود كن، و به واسطه او تمامى‏

بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَ اخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نارٍ، وَ اهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَوْرٍ، وَاجْرِ

زورگويان را در هم شكن، و با شمشير او تمامى آتش‏ها (ى نفاق) را خاموش كن، و با عدالت او تمامى ستم‏ها را ريشه كن ساز، و فرمانش را

حُكْمَهُ عَلى‏ كُلِّ حُكْمٍ، وَ اذِلَّ بِسُلْطانِهِ كُلَّ سُلْطانٍ، اللَّهُمَّ اذِلَّ كُلَّ مَنْ‏

بر تمامى فرمانها چيره ساز، و با حكومتش تمامى حكومت‏ها را خوار گردان، خدايا هر كه او را (به بدى) قصد كرده‏

ناواهُ، وَ اهْلِكْ كُلَّ مَنْ عاداهُ، وَ امْكُرْ بِمَنْ كادَهُ، وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ‏

خوار گردان، و هر كه با او دشمنى ورزد به هلاكت رسان، و هر كه با او نيرنگ كند به مكر خويش دچار ساز، و ريشه كن ساز هر كس كه حق اورا انكار كند

حَقَّهُ، وَاسْتَهانَ بِامْرِهِ، وَ سَعى‏ فى‏ اطْفاءِ نُورِهِ، وَ ارادَ اخْمادَ ذِكْرِهِ، اللَّهُمَ‏

و فرمانش را كوچك شمارد و براى خاموش كردن نورش در تلاش باشد و از بين بردن يادش را اراده كند، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 984

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى‏، وَ عَلِىٍّ الْمُرْتَضى، وَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ،

درود فرست بر محمّد مصطفى، و على مرتضى و فاطمه زهرا،

وَالْحَسَنِ الرِّضا، وَ الْحُسَيْنِ الْمُصَفّى‏، وَ جَميعِ الْأوْصِياءِ، مَصابيحِ‏

و حسن خشنود (از حق) و حسين پاك (از هر عيب) و همه جانشينان و چراغ‏هاى‏

الدُّجى، وَ اعْلامِ الْهُدى‏، وَمَنارِ التُّقى‏، وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقى‏، وَالْحَبْلِ الْمَتينِ،

(هدايت‏گر) در تاريكى، و نشانه‏هاى هدايت، در اوج پرهيزكارى، و دستاويز محكم و ريسمان قوى‏

وَ الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ، وَ صَلِّ عَلى‏ وَلِيِّكَ وَ وُلاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ‏

و راه راست (درود فرست) و بر وليّت و واليان پيمانت و امامان از

وُلْدِهِ، وَ مُدَّ فى‏ اعْمارِهِمْ، وَ زِدْ فى‏ اجالِهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ اقْصى‏ آمالِهِمْ ديناً

فرزندانش درود فرست، و عمرشان را دراز و زندگانيشان را طولانى گردان و آنها را به دورترين آرزوهاى‏

وَدُنْيا وَآخِرَةً، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1449]](#footnote-1449)

دينى و دنيوى و اخرويشان برسان، زيرا تو بر هر چيز توانايى.

يادآورى لازم:

بى‏شك همه افراد قادر نيستند اين همه اعمال را در شب و روز جمعه بجا آورند و در واقع دستوراتى است كه از هر يك از معصومين عليهم السلام به يارانشان داده شده و جمع ميان همه آنها آسان نيست و از آن‏جا كه اسلام شريعت سهل و آسان است- مخصوصاً در مورد مستحبّات- هر كس مى‏تواند به اندازه توان خود از ميان آنها گزينش كند و يا اين‏كه به صورت متناوب در شب‏ها و روزهاى جمعه انجام دهد. مهم آن است كه روح اخلاص و حضور قلب در انجام اين مستحبّات محفوظ باشد و با خواندن اين اذكار حقيقت آن در وجود انسان تجسّم يابد و متخلّق به آن گردد. البتّه بعضى از آنها اولويّت دارد مانند نماز جمعه، كه حتّى المقدور ترك نشود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 985

فصل دهم: زيارات ايّام هفته‏

مقدّمه:

«سيّد بن طاووس» رحمه الله در كتاب «جمال‏الاسبوع» مى‏نويسد، مرحوم «صدوق» روايتى نقل مى‏كند كه خلاصه‏اش چنين است:

در زمانى كه حضرت امام هادى عليه السلام در «سامرّا» تحت نظر و مراقبت شديد مأموران متوكّل عبّاسى قرار داشتند، يكى از يارانش با استفاده از اعتقادات ولايى يكى از مأموران، به خدمتش شرفياب مى‏شود و از جمله سؤالاتى كه مى‏كند، سؤال از تفسير اين حديث است كه از پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود:

«لا تُعادُوا الْأيّامَ فَتُعاديكُم؛

با روزها دشمنى نكنيد كه آنها نيز با شما دشمنى مى‏كنند». فرمود: آرى مراد از ايّام (روزها) ما هستيم مادامى كه آسمانها و زمين برپاست. پس شنبه نام رسول اللَّه صلى الله عليه و آله است، يكشنبه نام امير مؤمنان عليه السلام و دوشنبه نام حسن و حسين عليهما السلام و سه‏شنبه نام على بن الحسين و محمّد بن على و جعفر بن محمّد عليهم السلام و چهارشنبه نام موسى بن جعفر و على بن موسى و محمّد بن على و من (على بن محمّد عليهم السلام) و پنج شنبه نام فرزندم حسن عليه السلام و جمعه نام فرزند فرزندم (حجّة بن الحسن عليه السلام) است، كسى كه طرفداران حق، سرانجام گرد او جمع مى‏شوند. سپس فرمود: اين است معناى ايّام، پس با آنها در دنيا دشمنى مكنيد كه آنها در آخرت با شما دشمنى مى‏كنند، آنگاه فرمود: خداحافظى كن و از خانه خارج شو كه بر تو ايمن نيستم.[[1450]](#footnote-1450) آنگاه «سيّد بن طاووس» اين روايت را به سند ديگرى از «قطب راوندى» نقل مى‏كند،[[1451]](#footnote-1451) سپس براى هر يك از آن بزرگواران در روز مخصوص خودش زيارتى نقل مى‏كند به اين ترتيب:

زيارت پيامبر صلى الله عليه و آله در روز شنبه:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَاشْهَدُ انَّكَ رَسُولُهُ، وَانَّكَ‏

گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خدا نيست، يگانه‏اى كه شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم كه تو فرستاده او

كليات مفاتيح نوين، ص: 986

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ‏

و محمّد، فرزند عبداللَّه هستى و گواهى مى‏دهم كه تو رسالت‏هاى پروردگارت را رسانده‏

لِامَّتِكَ، وَجاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَادَّيْتَ‏

و براى امّتت خيرخواهى نمودى و در راه خدا با حِكمت و پند نيكو جهاد كرده و

الَّذى‏ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَانَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنينَ، وَغَلُظْتَ عَلَى‏

حقّى كه بر عهده داشتى ادا نمودى، و تو به يقين بر مؤمنان مهربان و بر كافران سخت گير بودى‏

الْكافِرينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ‏

و با اخلاص تا زمان وفاتت خدا را عبادت نمودى، پس خداوند تو را به شريف‏ترين‏

مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِى اسْتَنْقَذَنا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلالِ،

مكان گراميان برساند، حمد و سپاس از آنِ خداوندى است كه به واسطه تو ما را از شرك و گمراهى نجات داد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ‏صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ،

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و قرار ده درودهايت و درودهاى فرشتگان و

وَانْبِيآئِكَ وَالْمُرْسَلينَ، وَعِبادِكَ الصَّالِحينَ، وَاهْلِ السَّمواتِ وَالْأَرَضينَ،

پيامبران و فرستادگان و بندگان شايسته‏ات و ساكنان آسمانها و زمين‏

وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْاخِرينَ، عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و هر كه از پيشينيان و پسينيان تو را اى پروردگار جهانيان تسبيح مى‏گويد همه را بر محمّد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَامينِكَ، وَنَجِيبِكَ وَحَبيبِكَ، وَصَفِيِّكَ‏

بنده و فرستاده و پيامبر و امين و شريف و حبيب و پاك‏

وَصَفْوَتِكَ، وَخآصَّتِكَ وَخالِصَتِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَاعْطِهِ الْفَضْلَ‏

و برگزيده و (بنده) خاص و خالصت و اختيار شده از ميان مخلوقاتت (قرار ده)، و به او فضل و

وَ الْفَضيلَةَ، وَالْوَسيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ‏

مقام و وسيله شفاعت و رتبه بلند عنايت فرما، و او را به جايگاه پسنديده‏اى كه‏

بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ، اللَّهُمَّ انَّكَ قُلْتَ: وَلَوْ انَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ‏

پيشينيان و پسينيان به آن غبطه مى‏خورند برسان، خدايا تو خود فرمودى: و اگر اين مخالفان هنگامى كه به خود ستم مى‏كردند

جآؤُكَ، فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ، لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحيماً.

به نزد تو مى‏آمدند و از خدا طلب آمرزش مى‏كردند و پيامبر هم براى آنها استغفار مى‏كرد خدا را توبه‏پذير و مهربان مى‏يافتند

كليات مفاتيح نوين، ص: 987

الهى‏ فَقَدْ اتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تآئِباً مِنْ ذُنُوبى‏، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

اى معبود من، آمرزش خواه و توبه‏كنان از گناهان خويش نزد پيامبرت آمده‏ام، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَ اغْفِرها لى‏، يا سَيِّدَنا اتَوَجَّهُ بِكَ وَبِاهْلِ بَيْتِكَ الَى اللَّهِ تَعالى‏ رَبِّكَ وَرَبّى‏

و گناهانم را بيامرز، اى آقا و سرور ما، به واسطه تو و خاندانت به خداوند بلندمرتبه‏اى كه پروردگار تو و من است متوسّل مى‏شوم‏

لِيَغْفِرَ لى‏\* سپس سه بار بگو: انَّا للَّهِ وَانَّا الَيْهِ راجِعُونَ\* سپس بگو: اصِبْنا بِكَ يا

تا مرا بيامرزد،\*\*\*\*\* ما از آنِ خداييم و به سوى او باز مى‏گرديم\*\*\*\* اى محبوب دل‏هاى‏

حَبيبَ قُلُوبِنا، فَما اعْظَمَ الْمُصيبَةَ بِكَ حَيْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْىُ، وَ حَيْثُ‏

ما بواسطه (از دست دادن) تو مصيبت زده شده‏ايم، پس مصيبت فقدانت چه بزرگ است چون وحى از ما قطع شد، و

فَقَدْ ناكَ، فَانَّا للَّهِ وَانَّا الَيْهِ راجِعُونَ، يا سَيِّدَنا يا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَواتُ‏

تو را از دست داديم، پس ما از آنِ خداييم و به سوى او باز مى‏گرديم، اى آقا و سرور ما، اى رسول خدا، درودهاى‏

اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلى‏ آلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرينَ، هذا يَوْمُ السَّبْتِ وَهُوَ يَوْمُكَ، وَانَا

خدا بر تو و بر خاندان پاكيزه‏ات، امروز روز شنبه و روز توست، و من‏

فيهِ ضَيْفُكَ وَجارُكَ، فَاضِفْنى‏ وَاجِرْنى‏، فَانَّكَ كَريمٌ تُحِبُّ الضِّيافَةَ،

در اين روز ميهمان و پناهنده توام، پس ميهمانم كن و پناهم ده، زيرا تو بزرگوار و ميهمان‏نوازى‏

وَمَأْمُورٌ بِالْإِجارَةِ، فَاضِفْنى‏ وَاحْسِنْ ضِيافَتى‏، وَاجِرْنا وَاحْسِنْ‏

و به پناه‏دادن مأمورى، پس ميهمانم كن و نيكو پذيراييم كن، و پناهم ده و آن را نيكو گردان‏

اجارَتَنا، بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ آلِ بَيْتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ، وَبِمَا

به حق جايگاهى كه خدا نزد تو و خاندانت دارد و جايگاهى كه آنان نزد خدا دارند، و به حق دانشى‏

اسْتَوْدَعَكُمْ مِنْ عِلْمِهِ، فَانَّهُ اكْرَمُ الْأَكْرَمينَ.[[1452]](#footnote-1452)

كه خدا نزد شما وديعه گذاشته، زيرا او گرامى‏ترين گراميان است.

يادآورى:

همان‏گونه كه مرحوم محدّث قمى گفته است، ممكن است قبل از اين زيارت، زيارت كوتاه ديگرى كه ابن ابى‏نصر بزنطى به سند صحيح از امام رضا عليه السلام نقل كرده، خوانده شود. او مى‏گويد محضر امام رضا عليه السلام رسيدم و عرض كردم بعد از نماز چگونه بر رسول خدا صلى الله عليه و آله سلام و صلوات بفرستيم، فرمود مى‏گويى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 988

السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

سلام بر تو اى رسول خدا، و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام بر تو اى‏

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللَّهِ،

محمّد فرزند عبداللَّه، سلام بر تو اى اختيار شده خدا، سلام بر تو اى محبوب خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امينَ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّكَ رَسُولُ‏

سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى امين (وحى) خدا، گواهى مى‏دهم كه تو فرستاده‏

اللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ مُحمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَاشْهَدُ انَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ،

خدايى، و گواهى مى‏دهم كه تو محمّد فرزند عبداللَّه هستى، و گواهى مى‏دهم كه تو براى امّتت خيرخواهى نموده‏

وَجاهَدْتَ فى‏ سَبيلِ رَبِّكِ، وَعَبَدْتَهُ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَجَزاكَ‏اللَّهُ يا

و در راه پروردگارت جهاد كردى و تا زمان وفاتت او را عبادت نمودى، پس اى‏

رَسُولَ اللَّهِ، افْضَلَ ما جَزى‏ نَبِيّاً عَنْ امَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مَحَمِّدٍ و آلِ‏

رسول خدا، خداوند به تو پاداش خير دهد، بهترين پاداشى كه خداوند به پيامبرى از جانب امّتش داده است، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش‏

مُحَمِّدٍ، افْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ ابْراهِيمَ وَ آلِ ابْراهيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.[[1453]](#footnote-1453)

درود فرست، برترين درودى كه بر ابراهيم و خاندانش فرستاده‏اى زيرا تو سزاوار ستايش و بزرگوارى.

زيارت اميرمؤمنان على عليه السلام در روز يكشنبه:

السَّلامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالدَّوْحَةِ الْهاشِمِيَّةِ الْمُضيئَةِ، الْمُثْمِرَةِ

سلام بر شجره طيّبه نبوّت، و درخت تنومند هاشمى نورافشان، كه ثمره‏اش‏

بِالنُّبُوَّةِ، الْمُونِقَةِ بِالْإِمامَةِ، وَ عَلى‏ ضَجيعَيْكَ آدَمَ وَ نُوحٍ عَلَيْهِمَا السَّلامُ،

نبوّت و زيباييش با امامت است و (سلام بر) دو خفته در برت آدم و نوح- كه درود بر آن دو باد-

السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ اهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى‏

سلام بر تو و بر خاندان پاك و پاكيزه‏ات، سلام بر تو و بر

الْمَلائِكَةِ الْمُحْدِقينَ بِكَ، وَالْحآفّينَ بِقَبْرِكَ، يا مَوْلاىَ يا اميرَالْمُوْمِنينَ،

فرشتگان احاطه‏كننده و گردش كنندگان اطراف قبرت، اى مولا و سرورم، اى اميرمؤمنان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 989

هذا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ، وَا نَا ضَيْفُكَ فيهِ وَجارُكَ، فَاضِفْنى‏

امروز يكشنبه است و اين روز تو و به نام توست، و من در اين روز ميهمان وپناهنده توأم، پس اى‏

يا مَوْلاىَ وَ اجِرْنى‏، فَانَّكَ كَريمٌ تُحِبُّ الضِّيافَةَ، وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجارَةِ،

مولاى من ميهمانم كن و پناهم ده، زيرا تو بزرگوار و ميهمان‏نوازى، و به پناه دادن مأمورى‏

فَافْعَلْ ما رَغِبْتُ الَيْكَ فيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ، بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَاللَّهِ،

پس آنچه را كه از تو انتظار دارم و از تو اميد دارم انجام ده، به حق جايگاهى كه تو و خاندانت نزد خدا داريد

وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،

و جايگاه خدا نزد شما و به حق پسر عمويت رسول خدا- كه درود و سلام خدا بر او و خاندان پاكش‏

وَعَلَيْهِم اجْمَعينَ.[[1454]](#footnote-1454)

و تمامى آنان باد-.

يادآورى:

در اين‏جا مناسب است به دو زيارت مربوط به حضرت زهرا، صدّيقه كبرى عليها السلام كه به دو روايت نقل شده نيز اشاره شود؛ زيرا اگرچه روز يكشنبه به نام آن حضرت ذكر نشده، لكن شايسته است پس از زيارت اميرمؤمنان عليه السلام، زيارت آن حضرت نيز خوانده شود:

زيارت اوّل صدّيقه كبرى عليها السلام:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا مُمْتَحَنَةُ، امْتَحَنَكِ الَّذى‏ خَلَقَكِ، فَوَجَدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِ‏

سلام بر تو اى بانوى آزمايش شده، آنكه تو را آفريد، امتحانت نمود، پس تو را نسبت به امتحانت‏

صابِرَةً، ا نَا لَكِ مُصَدِّقٌ، صابِرٌ عَلى‏ ما اتى‏ بِهِ ابُوكِ وَوَصِيُّهُ صَلَواتُ اللَّهِ‏

شكيبا يافت، من تصديق كننده توام، و در راه آنچه پدرت و جانشينيش- كه درود خدا

عَلَيْهِما، وَانَا اسْئَلُكِ انْ كُنْتُ صَدَّقْتُكِ الَّا الْحَقْتِنى‏ بِتَصْديقى‏ لَهُما لِتُسَرَّ

بر هر دوى آنان باد- آورده شكيبايم، و از تو مى‏خواهم كه اگر تصديقت نمودم مرا به آن دو بزرگوار برسانى تا خشنودم سازى،

نَفْسى‏، فَاشْهَدى‏ انّى‏ ظاهِرٌ بِوِلايَتِكِ، وَ وِلايَةِ آلِ بَيْتِكِ صَلَواتُ اللَّهِ‏

پس گواه باش كه من آشكار كننده ولايت تو و ولايت خاندان تو- كه درود خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 990

عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ.[[1455]](#footnote-1455)

بر تمامى آنان باد- هستم.

زيارت دوم صدّيقه كبرى عليها السلام:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا مُمْتَحَنَةُ، امْتَحَنَكِ الَّذى‏ خَلَقَكِ قَبْلَ انْ يَخْلُقَكِ، وَكُنْتِ‏

سلام بر تو اى بانوى آزمايش شده، آنكه تو را آفريد پيش از آفرينشت (در اين جهان) امتحانت نمود، و تو نسبت‏

لِمَا امْتَحَنَكِ بِه‏ صابِرَةً، وَ نَحْنُ لَكِ اوْلِياءٌ مُصَدِّقُونَ، وَ لِكُلِّ ما اتى‏ بِهِ‏

به امتحانت شكيبا بودى و ما دوستداران تو و تصديق كننده توايم، و در برابر تمامى آنچه‏

ابُوكِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ اتى‏ بِهِ وَصِيُّهُ عَلَيْهِ السَّلامُ مُسَلِّمُونَ،

پدرت- كه درود و سلام خدا بر او و خاندان پاكش باد- و جانشينش- كه بر او درود باد- آورده‏اند،

وَ نَحْنُ نَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ اذْ كُنَّا مُصَدِّقينَ لَهُمْ، انْ تُلْحِقَنا بِتَصْديقِنا بِالدَّرَجَةِ

تسليم هستيم و خدايا از تو مى‏خواهيم چون ما تصديق‏كنندگان آنانيم، ما را به واسطه تصديقمان‏

الْعالِيَةِ، لِنُبَشِّرَ انْفُسَنا بِانَّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[[1456]](#footnote-1456)

به رتبه عالى برسانى، تا به خود مژده دهيم كه ما به واسطه ولايت آنان- كه بر آنان درود باد- پاكيزه گشته‏ايم.

زيارت امام حسن و امام حسين عليهما السلام در روز دوشنبه:

ابتدا خطابش را متوجّه امام حسن مجتبى عليه السلام كند و بگويد:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ‏

سلام بر تو اى فرزند فرستاده پروردگار جهانيان، سلام بر تو اى فرزند

اميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَالزَّهْرآءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا

اميرمؤمنان، سلام بر تو اى فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو اى‏

حَبيبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا امينَ‏اللَّهِ، السَّلامُ‏

محبوب خدا، سلام بر تو اى برگزيده خدا، سلام بر تو اى امين خدا، سلام‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 991

عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صِراطَاللَّهِ،

بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى نور خدا، سلام بر تو اى راه (رسيدن به) خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَيانَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ دينِ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى روشن كننده فرمان خدا، سلام بر تو اى ياور دين خدا، سلام‏

عَلَيْكَ ايُّهَا السَّيِدُ الزَّكِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْبَرُّ الْوَفِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏

بر تو اى آقاى پاكيزه، سلام بر تو اى نيكوكار با وفا، سلام بر تو

ايُّهَا الْقآئِمُ الْأَمينُ، السَّلامُ عَلَيْكَ‏ايُّهَا الْعالِمُ بِالتَّأْويلِ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

اى قيام‏كننده امين، سلام بر تو اى داناى به تأويل قرآن، سلام بر تو اى‏

الْهادِى الْمَهْدِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا

هدايتگر هدايت‏يافته، سلام بر تو اى پاك پاكيزه، سلام بر تو اى‏

التَّقِىُّ النَّقِىُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْحَقُّ الْحَقيقُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الشَّهيدُ

پرهيزكار پاك، سلام بر تو اى حقيقت شايسته، سلام بر تو اى شهيد

الصِّدّيقُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ياابامُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ.[[1457]](#footnote-1457)

راست‏گفتار، سلام بر تو اى ابامحمّد حسن بن على و رحمت و بركات خدا بر تو باد.

سپس امام حسين عليه السلام را مخاطب سازد و بگويد:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اميرِ الْمُؤْمِنينَ،

سلام بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام بر تو اى فرزند اميرمؤمنان‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ، اشْهَدُ انَّكَ اقَمْتَ الصَّلاةَ،

سلام بر تو اى فرزند سرور بانوان جهانيان، گواهى مى‏دهم كه تو نماز را بپا داشته‏

وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ‏

و زكات دادى و امر به معروف و نهى از منكر كرده و خدا را

مُخْلِصاً، وَجاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّى‏ اتيكَ الْيَقينُ، فَعَلَيْكَ السَّلامُ‏

خالصانه عبادت نمودى، و در راه خدا تا زمان وفاتت به شايستگى جهاد كردى، پس تا زمانى‏

مِنّى‏ ما بَقيتُ وَبَقِىَ‏اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَعَلى‏ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، ا نَا

كه زنده‏ام و شب و روز باقى است درود من بر تو و خاندان پاك و پاكيزه‏ات باد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 992

يا مَوْلاىَ مَوْلىً لَكَ وَلِآلِ بَيْتِكَ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ‏

اى مولاى من تو و خاندانت را دوست دارم، با هر كه با تو در صلح است در صلحم و با هر كه با تو در جنگ است‏

حارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ، وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ‏

در ستيزم به پنهان و آشكار و ظاهر و باطن شما ايمان دارم، خداوند

اعْدآئَكُمْ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ، وَانَا ابْرَءُ الَى اللَّهِ تَعالى‏ مِنْهُمْ\* آنگاه هر دشمنان شما را از پيشينيان و پسينيان لعنت كند و من از آنها به درگاه خدا بيزارى مى‏جويم\*\*\*\*\*\*\*

دو بزرگوار را مخاطب ساخته، بگويد: يا مَوْلاىَ يا ابا مُحَمَّدٍ، يا مَوْلاىَ يا ابا عَبْدِاللَّهِ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى مولاى من اى ابامحمّد، اى مولاى من اى اباعبداللَّه‏

هذا يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ وَهُوَ يَوْمُكُما وَبِاسْمِكُما، وَانَا فيهِ ضَيْفُكُما

امروز دوشنبه و روز شما و به نام شماست، و من در اين روز ميهمان شمايم‏

فَاضيفانى‏، وَاحْسِنا ضِيافَتى‏، فَنِعْمَ مَنِ اسْتُضيفَ بِهِ انْتُما، وَانَا فيهِ مِنْ‏

پس ميهمانم كرده و نيكو پذيراييم كنيد، پس خوشا به حال آنكه ميهمان شما باشد، و من در اين روز

جِوارِكُما فَاجيرانى‏، فَانَّكُما مَأْمُورانِ بِالضِّيافَةِ وَالْإِجارَةِ، فَصَلَّى اللَّهُ‏

از پناهندگان شمايم پس پناهم دهيد زيرا شما دو بزرگوار به ميهمان‏نوازى و پناه‏دادن مأموريد، پس درود خدا

عَلَيْكُما وَآلِكُمَا الطَّيِّبينَ.[[1458]](#footnote-1458)

بر شما و بر خاندان پاكتان باد.

زيارت امام سجاد و امام باقر و امام صادق عليهم السلام در روز سه‏شنبه:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا خُزَّانَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا تَراجِمَةَ وَحْىِ اللَّهِ،

سلام بر شما اى گنجينه‏هاى علم خدا، سلام بر شما اى مفسّران وحى خدا

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا ائِمَّةَ الْهُدى‏، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اعْلامَ التُّقى‏، السَّلامُ‏

سلام بر شما اى پيشوايان هدايت، سلام بر شما اى نشانه‏هاى پرهيزكارى، سلام‏

عَلَيْكُمْ يا اوْلادَ رَسُولِ اللَّهِ، ا نَا عارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، مُعادٍ

بر شما اى فرزندان رسول خدا، من به حق شما آشنايم، شأن و جايگاهتان را مى‏شناسم، با

كليات مفاتيح نوين، ص: 993

لِأَعْدآئِكُمْ، مُوالٍ لِأَوْلِيآئِكُمْ، بِابى‏ انْتُمْ وَ امّى‏ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، اللَّهُمَ‏

دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوستم، پدر و مادرم فداى شما و درود خدا بر شما باد، خدايا

انّى‏ اتَوالى‏ آخِرَهُمْ كَما تَوالَيْتُ اوَّلَهُمْ، وَ ابْرَءُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ،

همان‏گونه كه اوّلين آنها را دوست دارم آخرينشان را هم دوست دارم، و از هر محرم اسرارى غير آنان بيزارى مى‏جويم‏

وَاكْفُرُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللّاتِ وَ الْعُزّى‏، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ يا

و به جبت و طاغوت و لات و عُزّى‏ كافرم، درود خدا بر شما باد اى‏

مَوالِىَّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْعابِدينَ، وَسُلالَةَ

سروران من و رحمت و بركات خدا بر شما باد- سلام بر تو اى آقا و سرور عابدان، و از نسل‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص993**

الْوَصِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا باقِرَ عِلْمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صادِقاً

جانشينان، سلام بر تو اى شكافنده علم پيامبران، سلام بر تو اى راست‏گفتار

مُصَدَّقاً فِى الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، يا مَوالِىَّ هذا يَوْمُكُمْ وَ هُوَ يَوْمُ الثُّلَثآءِ، وَانَا

تصديق شده در گفتار و كردار، اى سروران من امروز روز شما و سه شنبه است، و من‏

فيهِ ضَيْفٌ لَكُمْ وَمُسْتَجيرٌ بِكُمْ، فَاضيفُونى‏ وَ اجيرُونى‏ بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ‏

در اين روز ميهمان شما و به شما پناهنده‏ام، پس ميهمانم كرده و پناهم دهيد به حق جايگاه خدا

عِنْدَكُمْ، وَآلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ.[[1459]](#footnote-1459)

نزد شما و خاندان پاك و پاكيزه‏تان.

زيارت امام موسى كاظم، امام‏رضا، امام‏جواد و امام هادى عليهم السلام در روز چهارشنبه:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اوْلِيآءَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا حُجَجَ اللَّهِ، السَّلامُ‏

سلام بر شما اى دوستداران خدا، سلام بر شما اى حجّت‏هاى خدا، سلام‏

عَلَيْكُمْ يا نُورَ اللَّهِ فى‏ ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ، صَلَواتُ اللَّهِ‏

بر شما اى نور خدا در تاريكى‏هاى زمين، سلام بر شما باد، درود خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلى‏ آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، بِابى‏ انْتُمْ وَامّى‏، لَقَدْ عَبَدْتُمُ‏

بر شما و خاندان پاك و پاكيزه شما، پدر و مادرم فداى شما باد، به يقين خدا را

كليات مفاتيح نوين، ص: 994

اللَّهَ مُخْلِصينَ، وَجاهَدْتُمْ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّى‏ اتيكُمُ الْيَقينُ، فَلَعَنَ‏

خالصانه عبادت نموديد، و در راه خدا تا زمان وفاتتان به شايستگى جهاد نموديد، پس‏

اللَّهُ اعْدآئَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ اجْمَعينَ، وَانَا ابْرَءُ الَى اللَّهِ وَ الَيْكُمْ مِنْهُمْ،

خدا دشمنانتان را از تمامى جنّ و انس لعنت كند، و من به درگاه خدا و شما از آنها بيزارى مى‏جويم،

يا مَوْلاىَ يا ابا ابْراهيمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، يا مَوْلاىَ يا ابَا الْحَسَنِ عَلِىَّ بْنَ‏

اى مولاى من اى اباابرهيم موسى بن جعفر، اى مولاى من اى ابالحسن على بن‏

مُوسى، يا مَوْلاىَ يا ابا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، يا مَوْلاىَ يا ابَا الْحَسَنِ‏

موسى، اى مولاى من اى اباجعفر محمّد بن على، اى مولاى من اى ابالحسن‏

عَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، ا نَا مَوْلىً لَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ، مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ فى‏

على بن محمّد، من دوستدار شمايم و به نهان و آشكار شما ايمان دارم، و در اين روزِ شما،

يَوْمِكُمْ هذا، وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعآءِ، وَمُسْتَجيرٌ بِكُمْ، فَاضيفُونى‏ وَ اجيرُونى‏

ميهمان شمايم، و امروز چهارشنبه است، و به شما پناهنده‏ام، پس ميهمانم كنيد و پناهم دهيد

بِآلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ.[[1460]](#footnote-1460)

به حق خاندان پاك و پاكيزه‏تان.

زيارت امام حسن عسكرى عليه السلام در روز پنج‏شنبه:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِىَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ وَخالِصَتَهُ، السَّلامُ‏

سلام بر تو اى ولىّ خدا، سلام بر تو اى حجّت خدا و بنده خالصش، سلام‏

عَلَيْكَ يا امامَ الْمُؤْمِنينَ، وَوارِثَ الْمُرْسَلينَ، وَحُجَّةَ رَبِّ الْعالَمينَ، صَلَّى‏

بر تو اى پيشواى مؤمنان، و وارث فرستادگان و حجّت پروردگار جهانيان، درود

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ، يا مَوْلاىَ يا ابا مُحَمَّدٍ

خدا بر تو و بر خاندان پاك و پاكيزه‏تان باد، اى مولاى من، اى ابا محمّد

الْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ، انَا مَوْلىً لَكَ وَلِالِ بَيْتِكَ، وَهذا يَوْمُكَ وَهُوَ يَوْمُ‏

حسن بن على، من دوستدار تو و خاندان توام و امروز روز تو و روز

كليات مفاتيح نوين، ص: 995

الْخَميسِ، وَانَا ضَيْفُكَ فيهِ، وَمُسْتَجيرٌ بِكَ فيهِ، فَاحْسِنْ ضِيافَتى‏

پنج‏شنبه است و من در اين روز ميهمان تو و به تو پناهنده‏ام، پس نيكو ميهمانم كن‏

وَاجارَتى‏، بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ.[[1461]](#footnote-1461)

و پناهم ده، به حق خاندان پاك و پاكيزه‏ات.

زيارت حضرت مهدى، امام زمان عليه السلام در روز جمعه:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ فى‏ ارْضِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اللَّهِ فى‏ خَلْقِهِ،

سلام بر تو اى حجّت خدا در زمين، سلام بر تو اى ديده بيناى خدا در ميان مخلوقات‏

السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللَّهِ الَّذى‏ يَهْتَدى‏ بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفَرَّجُ بِهِ عَنِ‏

سلام بر تو اى نور خدا كه هدايت‏شدگان به آن هدايت يابند و به وسيله آن در كار مؤمنان گشايشى حاصل شود،

الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخآئِفُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا الْوَلِىُ‏

سلام بر تو اى تربيت يافته ترسان از خدا، سلام بر تو اى سرپرست خيرخواه،

النَّاصِحُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفينَةَ النَّجاةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ الْحَياةِ،

سلام بر تو اى كشتى نجات، سلام بر تو اى چشمه حيات‏

السَّلامُ عَلَيْكَ، صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلى‏ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرينَ،

سلام بر تو باد، درود خدا بر تو و خاندان پاك و پاكيزه‏ات‏

السَّلامُ عَلَيْكَ، عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ،

سلام بر تو باد، خدا در وعده‏اى كه براى يارى و ظهورت داده تعجيل كند

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ، انَا مَوْلاكَ عارِفٌ بِاوليكَ وَاخْريكَ، اتَقَرَّبُ‏

سلام بر تو اى مولا و سرورم، من دوستدار تو و به آغاز و پايان كارت آشنايم، و به‏

الَى اللَّهِ تَعالى‏ بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَانْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلى‏ يَدَيْكَ،

واسطه تو و خاندانت به خداوند بلندمرتبه تقرّب مى‏جويم، و منتظر ظهورت و ظهور حق به دستانت هستم‏

وَاسْئَلُ اللَّهَ انْ يُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ يَجْعَلَنى‏ مِنَ‏

و از خدا مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستد و مرا از

كليات مفاتيح نوين، ص: 996

الْمُنْتَظِرينَ لَكَ، وَالتَّابِعينَ وَالنَّاصِرينَ لَكَ عَلى‏ اعْدآئِكَ، وَالْمُسْتَشْهَدينَ‏

منتظران و پيروان و ياورانت در برابر دشمنان و از شهيدان‏

بَيْنَ يَدَيْكَ فى‏ جُمْلَةِ اوْلِيآئِكَ، يا مَوْلاىَ يا صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ اللَّهِ‏

پيش رويت در ميان دوستانت قرار دهد. اى مولا و سرورم اى صاحب زمان- كه درود خدا

عَلَيْكَ وَعَلى‏ آلِ بَيْتِكَ، هذا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فيهِ‏

بر تو و خاندان پاكت باد- امروز جمعه و روز توست كه در آن ظهور تو و

ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فيهِ لِلْمُؤْمِنينَ عَلى‏ يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكافِرينَ بِسَيْفِكَ،

گشايش در كار مؤمنان به دستت و هلاكت كافران با شمشيرت انتظار مى‏رود

وَانَا يا مَوْلاىَ فيهِ ضَيْفُكَ وَجارُكَ، وَانْتَ يا مَوْلاىَ كَريمٌ مِنْ اوْلادِ

و من اى مولا و سرورم در اين روز ميهمان تو و به تو پناهنده‏ام، و تو اى مولاى من بزرگوار از نسل‏

الْكِرامِ، وَمَأْمُورٌ بِالضِّيافَةِ وَالْإِجارَةِ، فَاضِفْنى‏ وَ اجِرْنى‏، صَلَواتُ اللَّهِ‏

بزرگوارانى، و به ميهمان‏نوازى و پناه‏دادن مأمورى، پس ميهمانم كن و پناهم ده، درود خدا

عَلَيْكَ وَعَلى‏ اهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرينَ.[[1462]](#footnote-1462)

بر تو و بر خاندان پاكيزه‏ات باد.

يادآورى:

روشن است كه توجّه به رسول اللَّه صلى الله عليه و آله و ساير معصومين عليهم السلام در ايّام هفته، روح ولايت و عشق به آن بزرگواران را در انسان زنده نگه مى‏دارد، و او را به تأسّى و اقتداى به آن پيشوايان معصوم عليهم السلام وامى‏دارد، و از شرّ شياطين و مفسدان و هواى نفس حفظ مى‏كند. خوشا به حال آنها كه هر روز را با ياد يكى از موالى خود سپرى مى‏كنند، و در ايمان و عمل و اخلاق به آنها اقتدا مى‏جويند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 999

بخش ششم: آداب، مقدمات و تعقيبات نماز

مقدّمه: نماز وسيله پرواز به عالم ملكوت!

اگر روح انسان، خدايى و از ديار ملكوت است، چنانكه خداوند سبحان پس از آفرينش جسم او فرمود:

«وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي‏

؛ از روح خودم [روحى كه به من ارتباط دارد و متعلّق به من است‏] در او دميدم»[[1463]](#footnote-1463) و اگر وجودِ انسان غير از جسم خاكى، جانى دارد كه قدسى و از عالم بالاست و بلكه همو، حقيقت انسان را تشكيل مى‏دهد، بايد پذيرفت كه:

1- همان‏گونه كه جسم انسان نياز به منزل و مسكنى دارد كه اسباب سكون و آرامش اعضا و جوارحش در آن فراهم گردد، و با استراحت در آن، نشاط و شادابى خود را پيوسته حفظ كند، روح انسان نيز نيازمندِ منزل و مأوايى است، تا با آرام گرفتن در آن، غبار خستگى و تيرگى را كه از تعلّقات مادّى بر چهره‏اش نشسته، از خويش بزدايد و نشاط و شادابى ملكوتىِ نخستين خويش را، به دست آورد.

2- همان‏گونه كه جسم انسان علاوه بر آرامش، نيازمند به غذايى است كه انرژى‏هاى از دست‏رفته‏اش را برگرداند و كاستى‏هايش را جبران نمايد، جان او نيز نياز به غذايى معنوى و ملكوتى دارد، تا با جذب آن، قوّت و توانِ از دست داده را، به دست آورد.

3- اگر جسم انسان، هر چند ساعتى، نياز به آبى دارد كه خود را با آن شستشو دهد و چرك و آلودگى را از بدن، دست و پا و صورتش دور نمايد، روح آدمى نيز به شستشو نيازمند است كه آلودگىِ گناه را با آن، از خود بزدايد.

4- همان‏گونه كه جسمِ انسان، به مونس و محبوبى محتاج است كه به او عشق ورزد، و با ملاقات با او آرام گيرد، دردهاى دلش را نجوا كند، روح ملكوتى انسان نيز، محبوب و انيسى مى‏خواهد كه با او انس‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1000

گيرد و به رَوْح و ريحان برسد.

5- اگر جسم انسان سرى دارد كه مركزِ فرماندهى و اداره بدن، و به منزله عمودِ خيمه بدن است و بى آن، لحظه‏اى نمى‏تواند به حياتش ادامه دهد، دينِ انسانِ مؤمن نيز، از سرى برخوردار است كه با اتّصال به آن، به حياتش استمرار مى‏بخشد و عمودى دارد كه به وسيله آن، خيمه دينش برپا مى‏شود.

آرى! اگر بخواهى به همه اينها برسى:

بايد نماز را وسيله پرواز خود به عالم بالا قرار دهى و نردبانى براى عروج به آسمانهاى فضيلت و قرب به خدا بشمرى، كه فرمودند: «

الصَّلاةُ مِعْراجُ الْمُؤمِنِ‏

».[[1464]](#footnote-1464) بايد غذاى روحِ خود را نيايش و نماز و دعا قرار دهى، تا قوّت و قدرتِ از دست رفته را بدان بازگردانى، كه در حديث آمده است: «نماز براى اهل عبادت از غذا براى گرسنگان و آب براى تشنگان لذيذتر و گواراتر است».[[1465]](#footnote-1465) و بايد روح خود را در اين نهر زلال نماز، هر شبانه‏روز پنج نوبت شستشو دهى، تا هرگونه گرد و غبارِ معاصى و غفلت را از آن بزدايى؛ همان گونه كه در حديث رسول اكرم صلى الله عليه و آله آمده است كه به على عليه السلام فرمود:

«به خدا سوگند! كه نمازهاى پنج‏گانه براى امّت من چنين است (مانند نهرى است كه تمام آلودگى‏ها را مى‏شويد)».[[1466]](#footnote-1466) و بايد براى تولّدى ديگر به سراغ نماز بروى كه رسول معظّم اسلام صلى الله عليه و آله فرمود: «اگر بنده‏اى با حضور قلب به نماز ايستد، هنگامى كه نماز را به پايان مى‏برد، گويى تازه از مادر متولّد شده و گذشته او بخشوده خواهد شد».[[1467]](#footnote-1467) و اگر انيس و مونسى خواهى كه ديدارِ آن مايه روشنى چشم تو گردد، به نماز برخيز كه رسول اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: «

وَ قُرَّةُ عَيْنى‏ فِى الصَّلاةِ؛

نور چشمانم نماز است».[[1468]](#footnote-1468) و اگر مى‏خواهى عمود خيمه دين تو، هميشه برپا باشد، و از هرگونه آسيب معنوى و روحانى در امان بمانى، به سراغ نماز برو! كه پيشوايان ما فرمودند: «

الصَّلاةُ عَمُودُ الدّينِ‏

».[[1469]](#footnote-1469) و بالاخره در اين دنياى پرغوغا و پر از هياهوى مادّى و مملوّ از اسباب اندوه و نگرانى، اگر مى‏خواهى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1001

شادابى روح را حفظ كنى و كدورت‏ها را از چهره جان بزدايى و با نشاط و سرزنده باشى و در برابر مشكلات زانو نزنى و مانند كوه مقاومت كنى، دست به دامان نماز بزن كه طبق روايتى از امام صادق عليه السلام هرگاه براى مولاى ما امير مؤمنان على عليه السلام، مشكلى پيش مى‏آمد، به نماز مى‏ايستاد (و سپس حركت مى‏كرد) و آنگاه امام عليه السلام آيه 45 سوره بقره را خواند: «

«وَ اسْتَعينُوا بِالصَّبرِ وَ الصَّلاةِ»

؛ از صبر و نماز كمك بگيريد».[[1470]](#footnote-1470) كوتاه سخن اين كه آثار نماز در تربيت افراد و ارتقاى جامعه انسانى بيش از آن است كه در وصف گنجد.

خدايا! به آن شهيد لب تشنه كنار فرات، كه ظهر عاشورا، با بدن آغشته به خون خويش و يارانش، نماز را به پا داشت و مخاطب به خطاب «

اشْهَدُ انَّكَ قَدْ اقَمْتَ الصَّلاةَ»[[1471]](#footnote-1471)

گرديد، تو را قسم مى‏دهيم كه ما را نيز از برپا دارندگانِ حقيقى نماز قرار بده!

خدايا! ما را شيعه آن بانوى «شهيده» اى قرار ده كه وقتى در محراب عبادت مى‏ايستاد، به گونه‏اى به سوى عالم بالا اوج مى‏گرفت كه نور جمالش براى فرشتگانِ آسمان، مى‏درخشيد، آن گونه كه نورِ ستارگان براى اهل زمين مى‏درخشد، و به گونه‏اى حضور قلب داشت كه خداى عزّوجلّ خطاب به ملائكه‏اش مى‏فرمود: «به كنيزم فاطمه بنگريد كه به درگاهِ من ايستاده و تمام وجودش از خوف من لرزان است و با قلب و جانش به عبادتم روى آورده، گواه باشيد پيروانش را از آتش دوزخ، امان داده‏ام».[[1472]](#footnote-1472)

فلسفه آداب و تعقيبات نماز:

راه يافتن به پيشگاه مولاى كريم، توانا و با عظمت؛ گفتگو با حضرت دوست و بهره‏مندى از محضرش و اعلامِ عشق و وفادارى به وى، نياز به آماده ساختن مقدّمات از سويى، و جبران كاستى‏ها و عذرخواهى از عدم مراعات ادب حضور، از سوى ديگر دارد.

توجّه به اين امور، فلسفه آداب و مقدّمات و تعقيبات نماز را روشن مى‏سازد. بنابراين، حكمت اين آداب و مقدّمات و تعقيبات را مى‏توان در چند امر يادآور شد:

1- چون انسان نمازگزار به پيشگاه محبوبى ارجمند و مولايى كريم مى‏رود و با او به راز و نياز مى‏پردازد، براى بهره‏مندى هرچه بيشتر از اين فرصت گرانبها، قبل از ورود به نماز، بايد خويشتن را با آداب و مقدّماتى- كه در روايات آمده است- آماده كند، و خود را از هر چيزى كه سبب پراكندگى انديشه و حواس اوست، دور سازد؛ و پاك و آراسته، خوشبو[[1473]](#footnote-1473) و مهيّا با شوق به وصال محبوب و خوف از كوتاهيهاى خود، در

كليات مفاتيح نوين، ص: 1002

برابر حضرت حق به نماز ايستد.[[1474]](#footnote-1474) 2- ممكن است پس از انجام نماز، بنده نمازگزار، از اين محضرِ عظيم به طور كامل استفاده نكرده باشد، حضور قلب كافى نداشته و انجام فريضه‏اش با كاستى هايى همراه بوده، از اين رو بجا آوردن نوافل و قرائت برخى از تعقيبات، كاستى‏ها را جبران مى‏كند و بنده از تقصير خويش، به درگاه الهى پوزش مى‏طلبد.[[1475]](#footnote-1475) 3- براى توفيقى كه نصيب او شده كه، اين عبادت بزرگ را بجاى آورده، پس از نماز، سجده شكر بجا مى‏آورد و خدا را بر اين توفيق عظيم، سپاس مى‏گويد.[[1476]](#footnote-1476) 4- پس از انجام فريضه، آنگاه كه هنوز در محضر الهى است و از نورانيّت نماز بهره‏مند است، موقع استجابت دعاست، لذا در آن لحظات نورانى، بنده نيازمند، بهترين خواسته‏ها را از مولاى كريمش مى‏طلبد و براى معاد و معاش، كرامت و عزّت نفس، كفاف و قناعت، رزق حلال و تبرّى از شيطان و امور مادّى و معنوى ديگر و حلّ مشكلات اجتماعى مردم، خداى را مى‏خواند، و براى خود و ديگران دعا مى‏كند.[[1477]](#footnote-1477)

5- خواندن تعقيباتى كه پس از نمازها وارد شده است و توجّه به معانى ارزشمند و مفاهيم بلند هر يك از آنها، پس از آن معراج روحانى، تأثيرى شگرف و اثرى عميق، بر روح و جان نمازگزار خواهد داشت.

در اين بخش به چند فصل پرداخته مى‏شود:

فصل اوّل: مقدّمات و آداب نماز

فصل دوم: تعقيبات نماز

فصل سوم: سجده شكر

كليات مفاتيح نوين، ص: 1003

فصل اوّل: مقدّمات و آداب نماز

مقدّمات و آداب مشترك:

مقصود از آداب مشترك، مقدّمات و آدابى است كه در هر نماز- بويژه نمازهاى واجب يوميّه- انجام آن، براى نمازگزار سفارش شده است. (البتّه اگر كسى نتواند تمام اين آداب را بجا آورد به مقدارى كه مى‏تواند انجام دهد).

آداب وضو:

هنگامى كه خواستى وضو بگيرى، نخست مسواك مى‏كنى كه مطابق روايات دهان را خوشبو مى‏كند و حافظه را زياد مى‏گرداند و بر حسنات انسان مى‏افزايد و مايه خشنودى پروردگار است؛ دو ركعت نماز با مسواك كردن برتر از هفتاد ركعت نماز بى‏مسواك است‏[[1478]](#footnote-1478)، و اگر مسواك نباشد كافى است انگشتان را بر دندان بكشد (و ماساژ دهد)،[[1479]](#footnote-1479) و اين دليل روشنى بر اهمّيّت اسلام به مسأله نظافت است.

بهتر است به هنگام وضو رو به قبله باشى و چون نگاهت به آب افتاد، اين دعا را بخوانى:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذى‏ جَعَلَ الْمآءَ طَهُوراً وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً.[[1480]](#footnote-1480) وقتى خواستى دستان‏ حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه آب را پاك كننده قرار داد و ناپاك قرار نداد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*

را بشويى بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ مِنَ التَّوَّابينَ وَاجْعَلْنى‏ مِنَ‏

\*\*\*\*\*\*\* به نام خدا و به يارى خدا، خدايا مرا از توبه كنندگان و

الْمُتَطَهِّرينَ.[[1481]](#footnote-1481) سپس آب تميز را سه بار در دهان كرده و مضمضه مى‏كنى و مى‏گويى: اللهُمَ‏

پاكيزگان قرار ده،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا

لَقِّنى‏ حُجَّتى‏ يَوْمَ الْقاكَ وَ اطْلِقْ لِسانى‏ بِذِكْرِكَ.[[1482]](#footnote-1482) آنگاه سه بار آب تميز را براى‏ در روز ديدارت حجّتم را به من تلقين كن و زبانم را به ذكرت گويا گردان.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 1004

استنشاق در بينى مى‏كنى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ لا تُحَرِّمْ عَلَىَّ ريحَ الْجَنَّةِ، وَاجْعَلْنى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بوى بهشت را بر من حرام مگردان و مرا

مِمَّنْ يَشَمُّ ريحَها وَرَوْحَها وَطيبَها.[[1483]](#footnote-1483) آنگاه نيّت وضو كرده، شروع مى‏كنى به شستن‏ از آنان كه بو و نسيم و عطر خوش آن را استشمام مى‏كنند قرار ده.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

صورت براى وضو و مى‏گويى: اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهى‏ يَوْمَ تَسْوَدُّ فيهِ الْوُجُوهُ، وَلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مرا رو سفيد كن در روزى كه صورتها (ى بدكاران) در آن سياه است‏

تُسَوِّدْ وَجْهى‏ يَوْمَ تَبْيَضُّ فيهِ الْوُجُوهُ.[[1484]](#footnote-1484) پس از آن شروع به شستن دست راست مى‏كنى‏ و مرا رو سياه مكن در روزى كه صورتها (ى نيكوكاران) در آن سفيد است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

و در آن هنگام مى‏گويى: اللَّهُمَّ اعْطِنى‏ كِتابى‏ بِيَمينى‏، وَالْخُلْدَ فِى الْجِنانِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا نامه عملم را بدست راستم بده، و برات جاودانگى در بهشت را

بِيَسارى‏، وَحاسِبْنى‏ حِساباً يَسيراً.[[1485]](#footnote-1485) آنگاه دست چپ را مى‏شويى و مى‏گويى: اللَّهُمَ‏

به دست چپم و اعمالم را به آسانى محاسبه كن.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا

لاتُعْطِنى‏ كِتابى‏ بِشِمالى‏، وَلا مِنْ وَرآءِ ظَهْرى‏، وَلا تَجْعَلْها مَغْلُولَةً الى‏

نامه عملم را به دست چپم مده و از پشت سرم نده و دست مرا در گردنم زنجير مكن‏

عُنُقى‏، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّيرانِ.[[1486]](#footnote-1486) در مرحله بعد با رطوبت دست راست، قسمت‏ (خدايا) از پاره‏هاى آتش دوزخ به تو پناه مى‏برم\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جلوى سر را مسح مى‏كنى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ غَشِّنى‏ بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكاتِكَ وَ عَفْوِكَ.[[1487]](#footnote-1487) در\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مرا به رحمت و بركت و گذشت خود بپوشان.

پايان نيز دو پا رامسح مى‏كنى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ ثَبِّتْنى‏ عَلَى الصِّراطِ يَوْمَ تَزِلُّ فيهِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مرا بر پل صراط در روزى كه قدمها در آن مى‏لغزد

الْأَقْدامُ، وَاجْعَلْ سَعْيى‏ فيما يُرْضيكَ عنّى‏ يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.[[1488]](#footnote-1488) هنگامى‏ ثابت قدم بدار و تلاشم را در آنچه باعث خشنودى تو مى‏گردد قرار ده، اى صاحب جلال و بزرگوارى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1005

كه وضو به پايان رسيد مى‏گويى: اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ تَمامَ الْوُضُوءِ، وَ تَمامَ الصَّلاةِ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا از تو وضو و نماز مقبول‏

وَتَمامَ رِضْوانِكَ وَ الْجَنَّةَ.[[1489]](#footnote-1489) و همچنين مى‏گويى: الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ. و نيز سوره‏ و خشنودى و بهشت كاملت را خواهانم\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.\*\*\*\*\*\*

قدر را مى‏خوانى،[[1490]](#footnote-1490) و پس از آن عطر و بوى خوش استعمال مى‏كنى.

آداب ورود به مسجد براى نماز:

1- پس از وضو اگر مى‏توانى به مسجد برو، هنگامى كه به سمت مسجد حركت مى‏كنى با حالت سكينه و وقار حركت كن، و آنگاه كه از خانه‏براى رفتن به مسجد خارج مى‏شوى مى‏گويى:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذى‏ خَلَقَنى‏ فَهُوَ يَهْدينِ، وَالَّذى‏ هُوَ يُطْعِمُنى‏ وَيَسْقينِ، وَاذا

به نام خداوندى كه مرا آفريده و هدايتم نمود، و آن كه مرا اطعام و سيراب مى‏نمايد و زمانى‏

مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفينِ، وَالَّذى‏ يُميتُنى‏ ثُمَّ يُحْيينِ، وَالَّذى‏ اطْمَعُ انْ يَغْفِرَ لى‏

كه بيمار شوم شفايم دهد، و آن كه مرا ميرانده سپس زنده مى‏كند، و آن كه طمع دارم در روز قيامت‏

خَطيئَتى‏ يَوْمَ الدّينِ، رَبِّ هَبْ لى‏ حُكْماً وَالْحِقْنى‏ بِالصَّالِحينَ، وَاجْعَلْ لى‏

گناهم را بيامرزد، اى پروردگار من معرفتم ببخش و به شايستگان ملحقم نما، و براى من در ميان امتهاى آينده‏

لِسانَ صِدْقٍ فِى الْأخِرينَ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعيمِ، وَاغْفِرْ لِأَبى‏.[[1491]](#footnote-1491)

زبان صدق (و ذكر خيرى) قرار ده، و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده و پدرم را بيامرز.

\*\*\*

2- وقتى كه خواستى داخل مسجد شوى، نخست ته كفش خود را وارسى كن تا آلودگى در آن نباشد، آنگاه نخست پاى راست را مقدّم مى‏دارى و در آن هنگام مى‏خوانى: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* به نام خدا و به يارى خدا و از جانب خدا

وَالَى اللَّهِ، وَخَيْرُ الْأَسْمآءِ كُلِّها للَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا

و بسوى خدا، و تمامى اسمهاى نيك از آن خداست، بر خدا توكّل مى‏كنم، و پناهگاه و نيرويى جز از سوى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1006

بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْتَحْ لى‏ ابْوابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ،

خداوند نيست خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و درهاى رحمت و توبه‏ات را به رويم بگشا

وَاغْلِقْ عَنّى‏ ابْوابَ مَعْصِيَتِكَ، وَاجْعَلْنى‏ مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَساجِدِكَ،

و درهاى نافرمانيت را به رويم ببند، و مرا از زيارت كنندگان و آباد كنندگان مساجدت‏

وَمِمَّنْ يُناجيكَ فى‏ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ، وَمِنَ الَّذينَ هُمْ فى‏ صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ،

و از آنان كه در شب و روز با تو نجوا مى‏كنند و از كسانى كه در نمازشان فروتنند قرار ده،

وَادْحَرْ عَنِّى الشَّيْطانَ الرَّجيمَ، وَجُنُودَ ابْليسَ اجْمَعينَ.[[1492]](#footnote-1492)

و شيطان رجيم و تمامى لشكريانش را از من دور كن.

آداب و مقدّمات بجا آوردن نماز:

نخست براى نماز، اذان و اقامه مى‏گويى، البتّه ميان اذان و اقامه به سجده‏اى و يا نشستنى، فاصله مى‏اندازى و اين دعا را در اين ميان مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ اجْعَل قَلْبى‏ بآرّاً، وَعَيْشى‏ قآرّاً، وَ رِزْقى‏ دآرّاً، وَاجْعَلْ لى‏ عِنْدَ

خدايا دلم را نيكوكار و زندگانيم را پايدار و روزيم را فراوان قرار ده، و براى من نزد

قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُسْتَقَرّاً وَ قَراراً.[[1493]](#footnote-1493)

قبر فرستاده‏ات- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- جايگاه و آرامگاهى قرار ده.

و هرچه بخواهى در اين وقت دعا مى‏كنى و از خداوند حاجت مى‏طلبى؛ زيرا در حديث آمده است كه ميان اذان و اقامه، دعا رد نمى‏شود،[[1494]](#footnote-1494) و بعد از اقامه مى‏گويى:

اللَّهُمَّ الَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ مَرْضاتَكَ طَلَبْتُ، وَ ثَوابَكَ ابْتَغَيْتُ، وَ بِكَ‏

خدايا به تو رو كرده و خشنوديت را مى‏طلبم و پاداشت را آرزو دارم و به تو

آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ قَلْبى‏

ايمان آورده و بر تو توكّل مى‏كنم خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و دلم را

لِذِكْرِكَ، وَثَبِّتْنى‏ عَلى‏ دينِكَ، وَلا تُزِغْ قَلْبى‏ بَعْدَ اذْ هَدَيْتَنى‏، وَهَبْ لى‏ مِنْ‏

براى ياد خودت بگشا و مرا بر دينت ثابت قدم بدار و دلم را بعد از آن كه هدايت نمودى (از راه حق) منحرف مگردان و از سوى خود

كليات مفاتيح نوين، ص: 1007

لَدُنْكَ رَحْمَةً، انَّكَ انْتَ الْوَهَّابُ.[[1495]](#footnote-1495)

رحمتى بر من ببخش زيرا تو بسيار بخشنده‏اى.

آنگاه براى نماز مهيّا مى‏شوى و با تمام توجّه بدان روى مى‏آورى، و كوچكى خويش و عظمت و جلال الهى را در نظر مى‏آورى و آن گونه باش كه گويا او را مى‏بينى و بپرهيز از اين كه با او سخن بگويى؛ ولى دلت به جانب ديگر متوجّه باشد. با وقار و خشوع به نماز مى‏ايستى در حالى كه دستهايت را بر روى رانهايت، مقابل سر زانو مى‏گذارى و ميان قدمهايت به اندازه سه انگشت تا يك وجب فاصله باشد (البتّه اين براى مردان است) و به مكان سجده نگاه مى‏كنى، و آنگاه نيّت نماز مى‏كنى قربة الى اللَّه و تكبيرةالإحرام را مى‏گويى.

مستحب است شش تكبير ديگر قبل از آن اضافه كنى؛ در هر تكبيرى دستها را بلند مى‏كنى و تا محاذى نرمه گوش مى‏آورى در حالى كه كف دستها رو به قبله است. و همه انگشتها به غير از انگشت بزرگ را به هم مى‏چسبانى، آنگاه دعاى تكبيرها را مى‏خوانى، بدين نحو كه پس از تكبير سوم مى‏گويى:

اللَّهُمَّ انْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ، لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ ظَلَمْتُ‏

خدايا تويى فرمانرواى به حق و روشنگر، معبودى جز تو نيست، پاك و منزّهى تو، به يقين من به خودم‏

نَفْسى‏، فَاغْفِرْ لى‏ ذَنْبى‏، انَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الَّا انْتَ.[[1496]](#footnote-1496) و پس از تكبير پنجم‏ ستم نمودم، پس گناهم را بيامرز كه كسى جز تو گناهان را نيامرزد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏گويى: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ فى‏ يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ الَيْكَ، وَالْمَهْدِىُ‏

\*\*\*\* فرمانبردارم و در خدمتم و نيكى در دستان توست و بدى به درگاهت راه ندارد و هدايت يافته‏

مَنْ هَدَيْتَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ، ذَليلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، مِنْكَ وَبِكَ وَلَكَ‏

كسى است كه تو هدايتش نمودى، بنده و فرزند دو بنده‏ات، در مقابلت فرمانبردار است، از تو و با تو و براى تو

وَالَيْكَ، لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا وَلا مَفَرَّ مِنْكَ الَّا الَيْكَ، تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ،

و به سوى توست، پناهگاه و راه نجات و گريزى جز تو ندارد، بلند مرتبه و برترى،

سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ، سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرامِ.[[1497]](#footnote-1497) و بعد از تكبير هفتم مى‏خوانى:

پاك و منزّهى و مهربانى، پاك و منزّهى تو اى پروردگار بيت الحرام.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذى‏ فَطَرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ، عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ،

من روى خود را به سوى كسى كردم كه آسمانها و زمين را آفريده، داناى نهان و آشكار است‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1008

حَنيفاً مُسْلِماً وَ ما انَا مِنَ الْمُشْرِكينَ، انَّ صَلاتى‏ وَ نُسُكى‏ وَ مَحْياىَ وَ مَماتى‏

من در ايمان خود خالصم و از مشركان نيستم، به يقين نماز و تمام عبادتم و زندگى و مرگم همه‏

للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، لا شَريكَ لَهُ وَبِذلِكَ امِرْتُ وَ ا نَا مِنَ الْمُسْلِمينَ.[[1498]](#footnote-1498)

براى خداوندِ پروردگار جهانيان است، همتايى براى او نيست و به همين مأمور شده‏ام و من از مسلمانم.

دعاهاى قبل از نماز و در حال نماز:

قبل از نماز، خواندن اين دعاها مستحب است:

1- امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: هر كسى كه براى نماز بر مى‏خيزد، اگر پيش از شروع نماز، اين دعا را بخواند، با محمّد و آل محمّد عليهم السلام خواهد بود:

اللَّهُمَّ انّى‏ اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَىْ صَلاتى‏،

خدايا به واسطه محمّد و خاندان پاكش به تو رو مى‏كنم و آنها را پيشاپيش نمازم قرار مى‏دهم‏

وَ اتَقَرَّبُ بِهِمْ الَيْكَ، فَاجْعَلْنى‏ بِهِمْ وَجيهاً فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ وَ مِنَ‏

و به واسطه آنها به تو نزديك مى‏شوم، پس به واسطه آنها مرا در دنيا و آخرت آبرومند و از

الْمُقَرَّبينَ، مَنَنْتَ عَلَىَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ، فَاخْتِمْ لى‏ بِطاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ‏

مقرّبان درگاهت قرار ده، با شناختشان بر من منّت گذار و به واسطه اطاعت و شناخت و

وَوِلايَتِهِمْ، فَانَّهَاالسَّعادَةُ وَ اخْتِمْ لى‏ بِها، فَانَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ. سپس‏ ولايتشان عاقبتم را ختم (به خير) گردان، كه به يقين اينها مايه سعادتند و عاقبتم را به سعادت ختم كن كه تو بر هر چيز توانايى.\*\*\*

نماز مى‏گزارى و چون نمازت تمام شد، مى‏خوانى: اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا در هر سلامتى و گرفتارى مرا با محمّد و خاندان پاكش‏

فى‏ كُلِّ عافِيَةٍ وَ بَلاءٍ، وَاجْعَلْنى‏ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فى‏ كُلِّ مَثْوىً‏

قرار ده و در هر منزلگاه و محلّ بازگشت مرا با محمّد و خاندان پاكش قرار ده،

وَمُنْقَلَبٍ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْياىَ مَحْياهُمْ، وَمَماتى‏ مَماتَهُمْ، وَاجْعَلْنى‏ مَعَهُمْ‏

خدايا زندگى و مرگم را همانند زندگى و مرگ آنها قرار ده و مرا در همه‏

فِى‏الْمَواطِنِ كُلِّها، وَلاتُفَرِّق بَيْنى‏ وَ بَيْنَهُمْ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1499]](#footnote-1499)

جا با آنها همراه كن و ميان من و آنها جدايى مينداز كه تو بر هر چيز توانايى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1009

2- از «صفوان جمّال» روايت شده است كه امام صادق عليه السلام را ديدم پيش از تكبيرة الإحرام نماز، رو به قبله اين جملات را مى‏خواند:

اللَّهُمَّ لا تُؤْيِسْنى‏ مِنْ رَوْحِكَ، وَلاتُقَنِّطْنى‏ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلا تُؤْمِنّى‏

خدايا مرا از لطف و رحمتت مأيوس و نااميد مكن، و مرا از تدبيرت‏

مَكْرَكَ، فَانَّهُ لا يَاْمَنُ مَكْرَاللَّهِ الَّا الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ.[[1500]](#footnote-1500)

ايمن مگردان كه جز گروه زيانكاران كسى از تدبيرت ايمن نباشد.

\*\*\*

3- وقتى خواستى قرائت نماز را آغاز كنى مستحب است كلمه «

اعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَليمِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيم‏

» را آهسته بگويى، پس از آن سوره حمد را با حضور قلبِ كامل، و با توجّه به تفكّر در معانى آن مى‏خوانى، چون سوره حمد به پايان رسيد، به اندازه يك نفس، ساكت مى‏شوى، سپس سوره‏اى از قرآن را مى‏خوانى، البتّه بهتر است، سوره نبأ (عمّ يتسائلون ...) يا «هل اتى» و يا سوره قيامت باشد.

وقتى سوره به پايان رسيد، باز هم به اندازه يك نفس ساكت مى‏شوى و آنگاه دست را براى تكبير بلند مى‏كنى و به ركوع مى‏روى، و انگشتان را به هنگامى كه دستها را بر روى زانو گذاشتى، باز مى‏كنى، كمر را خم كرده و گردن را كشيده، مساوى با كمر و نظرها را به ميان قدمها مى‏افكنى، و يكبار مى‏گويى:

سُبْحانَ رَبِّىَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ‏

(يا سه بار سبحان الله). بهتر است اين ذكر را هفت مرتبه، يا پنج مرتبه و يا سه مرتبه بگويى.[[1501]](#footnote-1501) پيش از گفتن ذكر ركوع سزاوار است اين دعا را بخوانى:

اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ اسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَانْتَ‏

خدايا براى تو ركوع نمودم و براى تو اسلام آوردم و به تو ايمان آورده و بر تو توكل نمودم و تويى‏

رَبّى‏، خَشَعَ لَكَ سَمْعى‏ وَبَصَرى‏، وَشَعْرى‏ وَبَشَرى‏، وَلَحْمى‏ وَدَمى‏،

پروردگارم، در برابرت فروتنى مى‏كند گوش و چشم و مو و پوست و گوشت و خون و

وَمُخّى‏ وَعِظامى‏ وَعَصَبى‏، وَما اقَلَّتْهُ قَدَماىَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ، وَلا

مغز و استخوانها و عصبم و آنچه پاهايم آن را حمل كرده، بدون سرپيچى و

مُسْتَكْبِرٍ وَلا مُسْتَحْسِرٍ.[[1502]](#footnote-1502)

خودخواهى و خستگى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1010

سپس سر را از ركوع برمى‏دارى و مى‏ايستى و مى‏گويى:

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ.[[1503]](#footnote-1503)

آنگاه تكبير مى‏گويى و با نهايت خضوع و خشوع به سجده مى‏روى و به هنگام رفتن به سجده، نخست كف دست‏ها را پهن كرده و بر زمين مى‏گذارى و آنگاه زانوها را مى‏گذارى و بر زمين يا چيزى كه از زمين مى‏رويد- غير از خوردنيها و پوشيدنيها- سجده مى‏كنى و بهتر است بر تربت امام حسين عليه السلام سجده كنى و ذكر سجود را مى‏گويى.

بهتر است هفت مرتبه يا پنج مرتبه و يا سه مرتبه بگويى:

سُبْحانَ رَبِّىَ الْاعْلى‏ وَ بِحَمْدِهِ‏

(يك مرتبه هم كافى است).[[1504]](#footnote-1504) پيش از ذكر سجود بهتر است اين دعا را بخوانى: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا براى تو سجده كردم و به تو ايمان آوردم و براى تو

اسْلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَانْتَ رَبّى‏، سَجَدَ وَجْهى‏ لِلَّذى‏ خَلَقَهُ، وَشَقَ‏

اسلام آورده و بر تو تكيه نمودم و تويى پروردگارم چهره‏ام در برابر آن كه او را آفريده و

سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، الْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، تَبارَكَ اللَّهُ احْسَنُ الْخالِقينَ.[[1505]](#footnote-1505) وقتى‏ چشم و گوشش را گشوده، سجده كرد حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است، بلند مرتبه است خدايى كه بهترين آفرينندگان است.\*\*\*

ذكر سجده راگفتى، سر از سجده برمى‏دارى ومى‏نشينى وپس از گفتن تكبير مى‏گويى: اسْتَغْفِرُاللَّهَ رَبّى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* از خدايى كه پروردگار من است آمرزش مى‏طلبم‏

وَاتُوبُ الَيْهِ.[[1506]](#footnote-1506) و همچنين مى‏گويى: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لى‏ وَ ارْحَمْنى‏، وَ اجْبُرْنى‏ وَادْفَعْ‏

و به سوى او باز مى‏گردم.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مرا بيامرز و به من رحم كن و جبران زيانم كن و از من دفاع كن‏

عَنّى‏ وَعافِنى‏، انّى‏ لِما انْزَلْتَ الَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقيرٌ، تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ.[[1507]](#footnote-1507)

و مرا عافيت بخش كه من به آنچه از نيكى بر من نازل كنى نيازمندم، بلند مرتبه است خدايى كه پروردگار جهانيان است.

آنگاه تكبير گفته و براى سجده دوم مى‏روى و همانند سجده اوّل عمل مى‏كنى، سپس سر از سجده برمى‏دارى و اندكى مى‏نشينى و بر مى‏خيزى و در همان حال برخاستن مى‏گويى:

بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ اقُومُ وَاقْعُدُ.[[1508]](#footnote-1508)

به پناه و قدرت خدا ايستاده و مى‏نشينم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1011

وقتى كه ايستادى و بدنت كاملًا آرام گرفت، حمد را مى‏خوانى و سپس سوره‏اى را قرائت مى‏كنى و بهتر است، سوره توحيد باشد و پس از اتمام سوره توحيد مستحب است سه بار بگويى:

كَذلِكَ اللَّهُ رَبّى‏.[[1509]](#footnote-1509)

سپس تكبير مى‏گويى و دستها را براى قنوت بلند مى‏كنى، تا مقابل صورت مى‏آورى در حالى كه كف دستها رو به آسمان باشد، انگشت‏ها را- به جز انگشت بزرگ- به هم مى‏چسبانى؛ خوب است براى قنوت كلمات فرج را بخوانى: لا الهَ الَّا اللَّهُ الْحَليمُ الْكَريم، لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَلِىُّ الْعَظِيمُ،

\*\*\*\*\*\*\*\* معبودى جز خداى شكيبا و بزرگوار نيست، معبودى جز خداى برتر و با عظمت نيست‏

سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمواتِ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ، وَ ما فِيهِنَ‏

پاك و منزّه است خداوندى كه پروردگار آسمانهاى هفت‏گانه و زمينهاى هفت‏گانه و آنچه در آنها

وَما بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.[[1510]](#footnote-1510) و پس از آن‏ و ميان آنهاست و پروردگار عرش عظيم است و ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏گويى: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا، وَعافِنا، وَاعْفُ عَنَّا فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ،

\*\*\*\*\* خدايا ما را بيامرز و بر ما رحم كن و به ما عافيت بخش و در دنيا و آخرت از ما درگذر

انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1511]](#footnote-1511)

كه تو بر هر چيز توانايى.

سپس دعا مى‏كنى و هرچه مى‏خواهى از خدا بخواه.

سزاوار است قنوت نماز را طول داده و دعاهاى قنوت را كه فراوان است بخوانى.

پس از آن تكبير گفته به ركوع و سجود مى‏روى و به همان نحو كه در ركعت اوّل گفته شد، انجام مى‏دهى و آنگاه براى تشهّد مى‏نشينى. مستحب است كه در حال تشهّد متورّكاً بنشينى (يعنى روى ران چپ نشسته و روى پاى راست را بر كف پاى چپ مى‏گذارى). پيش از تشهد مستحب است بگويى:

بِسْمِ اللَّه وَ بِاللَّهِ وَالْأَسْمآءُ الْحُسْنى‏ كُلُّها للَّهِ.[[1512]](#footnote-1512)

به نام خدا و به يارى خدا و تمام نامهاى نيك از آن خداست.

آنگاه تشهّد را شروع مى‏كنى و اگر نماز صبح باشد سلام نماز را داده و نماز را به پايان مى‏رسانى و اگر نماز سه ركعتى و يا چهار ركعتى باشد، برمى‏خيزى و تسبيحات اربعه را مى‏خوانى و آنگاه ركوع و سجود و تشهّد و سلام بجا مى‏آورى و نماز را به پايان مى‏برى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1012

وقتى كه نماز به پايان رسيد، به تعقيبات نماز مى‏پردازى كه درباره آن تأكيد فراوان شده است.

تعقيبات نماز، يعنى اذكار و دعاهايى كه بعد از نماز خوانده مى‏شود، در واقع كاستى‏هاى نماز را برطرف مى‏سازد و از سوى ديگر آثار نماز را در روح و جان راسخ‏تر مى‏كند.

درباره تعقيبات در فصل دوم به طور مشروح بحث خواهد شد.

مقدّمات و آداب مخصوص هر نماز:

الف) آداب نماز ظهر

هنگامى كه اذان ظهر را شنيدى، وضو مى‏گيرى و اگر بتوانى به مسجد رفته، نماز تحيّت مسجد را مى‏خوانى و پس از دخول وقت به اين امور مى‏پردازى:

1- با تحقّق زوال، نخست اين دعا را مى‏خوانى:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ لاالهَ الَّا اللَّهُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلاوَلَداً،

پاك و منزّه است خدا و معبودى جز خدا نيست و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه همدم و فرزندى انتخاب نكرده‏

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.

و همتايى در فرمانروايى ندارد و ضعف و ذلّتى ندارد كه نيازمند حامى و سرپرستى باشد و (لذا به خود مى‏گويم) او را بسيار بزرگ بشمار.

در روايتى آمده است كه امام باقر عليه السلام به يكى از ياران خود به نام محمّد بن مسلم فرمود: «بر اين دعا محافظت كن، همچنان كه از چشمهاى خود محافظت و مراقبت مى‏كنى».[[1513]](#footnote-1513) 2- آدابى كه در همه نمازها وارد شده است، به جاى مى‏آورى (كه در آداب مشترك گذشت).

3- نوافل ظهر را به جاى مى‏آورى كه هشت ركعت است (هر دو ركعت به يك سلام).

4- در دو ركعت اوّل نافله ظهر، بهتر است در ركعت اوّل سوره حمد و توحيد و در ركعت دوم حمد و سوره «كافرون» را بخوانى و پس از نماز، سه بار تكبير بگويى و همچنين تسبيحات حضرت زهرا عليها السلام را مى‏خوانى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ انّى‏ ضَعيفٌ فَقَوِّ فى‏ رِضاكَ ضَعْفى‏، وَخُذْ الَى الْخَيْرِ

\*\*\*\*\*\* خدايا من ناتوانم پس در خشنوديت ناتوانيم را تقويت كن، و مرا به سوى نيكى بكشان‏

بِناصِيَتى‏، وَاجْعَلِ الْإيمانَ مُنْتَهى‏ رِضاىَ، وَبارِكْ لى‏ فيما قَسَمْتَ لى‏،

و ايمان را نهايت خشنوديت از من قرار ده، و در آنچه روزيم نموده‏اى بركت ده، و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1013

وَبَلِّغْنى‏ بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذى‏ ارْجُو مِنْكَ، وَاجْعَلْ لى‏ وُدّاً وَسُرُوراً

مرا به لطف و رحمتت به آنچه از تو اميد دارم برسان، و برايم محبّت و خشنود ساختن‏

لِلْمُؤْمِنينَ، وَعَهْداً عِنْدَكَ.[[1514]](#footnote-1514)

مؤمنان و پيمانى در نزد خودت قرار ده.

در دو ركعت بعدى نافله، همان اعمال را- جز آن تكبيرات- به جاى مى‏آورى و سپس برمى‏خيزى، دو ركعت ديگر، نافله ظهر، مى‏خوانى و تسبيح حضرت زهرا عليها السلام و آن دعا را نيز پس از اين چهار ركعت مى‏خوانى. دو ركعت آخر اين نافله را ميان اذان و اقامه به جاى مى‏آورى، يعنى براى نماز ظهر اذان مى‏گويى و سپس دو ركعتِ آخر از نوافل ظهر را به جاى مى‏آورى و آنگاه اقامه نماز را مى‏گويى.[[1515]](#footnote-1515) 5- پس از گفتن اقامه مى‏گويى: اللَّهُمَّ رَبَّ هذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاةِ الْقآئِمَةِ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا اى پروردگار اين دعوت كامل، و نماز برپا شده،

بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسيلَةَ، وَالْفَضْلَ وَالْفَضيلَةَ،

محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- را به مقام و وسيله و لطف و كرم و برترى برسان،

بِاللَّهِ اسْتَفْتِحُ وَبِاللَّهِ اسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَوَجَّهُ، اللَّهُمَ‏

به نام خدا آغاز كرده و به يارى خدا رستگارى مى‏طلبم و به محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- رو مى‏كنم، خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى‏ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجيهاً فِى الدُّنْيا

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا به واسطه آنها در دنيا و آخرت آبرومند گردان‏

وَالْأخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ.[[1516]](#footnote-1516)

و از مقرّبان درگاهت قرار ده.

6- پس از آن به نماز ظهر مشغول مى‏شوى و آنچه را كه در آداب مشترك گفته شد، مراعات مى‏كنى و حمد و سوره- جز بسم اللَّه الرّحمن الرّحيم- را آهسته مى‏خوانى و افضل آن است كه در ركعت اوّل بعد از سوره حمد، سوره «قدر» را بخوانى و در ركعت دوم سوره توحيد را.[[1517]](#footnote-1517) در ركعت دوم پس از تشهد و صلوات بر محمّد و آلش مستحب است بگويى: وَ تَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ فى‏ امَّتِهِ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ.[[1518]](#footnote-1518)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* و شفاعتش را در ميان پيروانش بپذير و مقامش را والا گردان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1014

آنگاه برمى‏خيزى و سه بار تسبيحات اربعه را مى‏خوانى: سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پاك و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است‏

وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ.

و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر (از هر چيز) است.

و خوب است كه در پايان استغفارى نيز اضافه كنى، آنگاه به ركوع و سجود مى‏روى و بر مى‏خيزى.

ركعت چهارم را نيز به همان نحو انجام مى‏دهى و تشهّد و سلام مى‏گويى و نماز را به پايان مى‏برى. پس از نماز سه بار تكبير مى‏گويى و آنگاه تعقيبات نماز را بجا مى‏آورى.

ب) آداب نماز عصر

1- نخست نافله عصر را به جا مى‏آورى كه آن هم هشت ركعت است و پس از پايان نوافل، با همان آدابى كه گذشت، نماز عصر را مى‏خوانى.

2- در نماز عصر، سزاوار است كه در ركعت اوّل پس از حمد، سوره «نصر» را بخوانى و يا سوره «تكاثر» را، و در ركعت دوم بعد از حمد، سوره «توحيد» را مى‏خوانى،[[1519]](#footnote-1519) در نماز عصر نيز حمد و سوره- جز بسم اللَّه الرّحمن الرّحيم- را آهسته و بصورت اخفات مى‏خوانى و در ركعت سوم و چهارم نيز، تسبيحات اربعه را مى‏خوانى و پس از تشهّد و سلام، تعقيبات مشترك و تعقيبات مخصوص نماز عصر را انجام مى‏دهى.

ج) آداب نماز مغرب‏

در نماز مغرب بايد تلاش كرد تا در اوّل وقت انجام شود و در روايات فراوانى بر اين امر تأكيد شده است كه نماز مغرب را از وقتش تأخير نيندازيد.[[1520]](#footnote-1520) اوّل وقت مغرب بنا بر احتياط، زمانى است كه سرخى كه بعد از غروب آفتاب در مشرق پيدا مى‏شود از بالاى سر بگذرد.

در آداب نماز مغرب براى نمازگزار، امورى شايسته ذكر است:

1- آداب مشترك را كه قبلًا بيان شد انجام مى‏دهى و براى نماز، اذان و اقامه مى‏گويى و آن دعاها را (كه در بخش آداب مشترك گذشت) مى‏خوانى.

2- علاوه بر آن دعاها، ميان اذان و اقامه مى‏گويى: اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاقْبالِ لَيْلِكَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا به حقّ روى آوردن شبت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1015

وَادْبارِ نَهارِكَ، وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ، وَ اصْواتِ دُعاتِكَ، وَ تسْبيحِ‏

و پشت كردن روزت و رسيدن (وقت) نمازهايت و صداهاى دعاكنندگانت و تسبيح‏

مَلائِكَتِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَتُوبَ عَلَىَّ انَّكَ انْتَ‏

فرشتگانت از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و توبه‏ام را بپذيرى كه تو

التَّوَّابُ الرَّحيمُ.[[1521]](#footnote-1521)

بسيار توبه‏پذير و مهربانى.

3- نماز مغرب را با آداب و شرايط بجا مى‏آورى و پس از نماز سه بار تكبير مى‏گويى و تعقيبات نماز را مى‏خوانى.

4- نافله مغرب را كه چهار ركعت است بجا مى‏آورى كه بسيار مهم است و در سفر و حضر ترك نمى‏شود.[[1522]](#footnote-1522) (شرح بيشتر آن در تعقيبات نماز مغرب خواهد آمد).

د) آداب نماز عشا

1- پس از آن‏كه شفق پنهان شد و سرخى مغرب محو گرديد،[[1523]](#footnote-1523) براى نماز عشا اذان و سپس اقامه مى‏گويى، با رعايت همه آدابى كه گذشت؛ سپس نماز عشا را با آداب و شرايطش شروع مى‏كنى و با توجّه به وسعت وقت عشا سزاوار است كه قنوت و تعقيبات آن را طول دهى.[[1524]](#footnote-1524) 2- پس از اتمام نماز عشا ابتدا تعقيبات آن را انجام مى‏دهى و در پايان نماز وُتَيره (نافله عشا) را مى‏خوانى.

نماز وتيره دو ركعت است و نشسته خوانده مى‏شود، مستحب است در آن نماز، صد آيه از آيات قرآن تلاوت شود و خوب است بعد از حمد در ركعت اوّل سوره واقعه يا سوره مُلك و در ركعت دوم پس از حمد، سوره توحيد خوانده شود.[[1525]](#footnote-1525) پس از نماز نيز براى خود (و ساير مؤمنان) دعا مى‏كنى.

ه) مقدّمات و آداب نماز صبح‏

با توجّه به اين‏كه فريضه صبح، در آغاز تلاش روزانه اقامه مى‏شود، لازم است به آن توجّه و عنايت ويژه‏اى شود، تا هر مسلمانى، با توشه‏اى مناسب و پشتوانه مطمئن معنوى، پا به عرصه تلاش گذارد؛ در

كليات مفاتيح نوين، ص: 1016

فضيلت نماز صبح در ذيل آيه 78 سوره اسراء كه خداوند فرمود: «

«إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً»؛

نماز صبح مورد مشاهده است»، رواياتى وارد شده است كه مى‏گويد، نماز صبح مشهود ملائكه شب و روز است؛ زيرا در آغاز صبح، فرشتگانى كه در شب مراقب بندگان خدايند جاى خود را به فرشتگان روز مى‏دهند، و چون نماز صبح در همان آغاز طلوع صبح انجام مى‏گيرد، هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده كرده و بر آن گواهى مى‏دهند.[[1526]](#footnote-1526) براى نماز صبح نيز نمازگزار، علاوه بر انجام مقدّمات و آداب مشترك، خوب است به اين امور نيز عنايت ورزد:

1- پيش از نماز صبح، نافله صبح را به جا آورد كه دو ركعت است، در ركعت اوّل شايسته است، پس از حمد، سوره «كافرون»، و در ركعت دوم، پس از حمد، سوره «توحيد» را بخواند.[[1527]](#footnote-1527) 2- پس از پايان نماز تسبيح حضرت زهرا عليها السلام بگويد.[[1528]](#footnote-1528) 3- صد بار صلوات بفرستد كه در روايتى به نقل از «من لا يحضره الفقيه» آمده است: هر كس ما بين نافله صبح و نماز صبح صد بار صلوات بفرستد، خداوند چهره‏اش را از آتش دوزخ محافظت مى‏كند (او را از آتش جهنّم نجات مى‏دهد).[[1529]](#footnote-1529) 4- براى نماز صبح، اذان و اقامه بگويد و دعاهاى ميان اذان و اقامه را بخواند.

5- پس از آن‏كه اذان گفت، به سجده افتد و بگويد: لا الهَ الَّا انْتَ رَبِّى‏ سَجَدْتُ لَكَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* معبودى جز تو نيست، اى پروردگار من با

خاضِعاً خاشِعاً. پس از آن سر بردارد و بگويد:

فروتنى و خشوع برايت سجده كردم.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*.

اللَّهُمَّ انّى اسْأَلُكَ بِاقْبالِ نَهارِكَ، وَ ادْبارِ لَيْلِكَ، وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ،

خدايا، به حق روى آوردن روزت و پشت كردن شبت و رسيدن (وقت) نمازهايت‏

وَاصْواتِ دُعاتِكَ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَتُوبَ عَلَىَّ،

و صداهاى دعا كنندگانت از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و توبه‏ام را بپذيرى‏

انَّكَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ، سَبَقَتْ‏

كه تو بسيار توبه‏پذير و مهربانى، پاك و منزّه از هر عيبى، پروردگار فرشتگان و روحى، رحمتت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1017

رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ.[[1530]](#footnote-1530)

بر خشمت پيشى گرفته است.

پس از گفتن اقامه، نماز صبح را با توجّه كامل ادا مى‏كند.

6- در قنوت نماز صبح مستحب است خوانده شود:

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْحَليمُ الْكَريمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَلِىُّ الْعَظيمُ، سُبْحانَ اللَّهِ‏

معبودى جز خداى شكيبا و بزرگوار نيست، معبودى جز خداى برتر و با عظيم نيست، پاك و منزّه است خداوندى كه‏

رَبِّ السَّمواتِ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْارَضينَ السَّبْعِ، وَ ما فِيهِنَّ وَ ما بَيْنَهُنَ‏

پروردگار آسمانهاى هفت گانه و زمينهاى هفت‏گانه و آنچه در آنها و ميان آنهاست‏

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و پروردگار عرش عظيم است و درود بر فرستادگان (خدا) و ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است،

يا اللَّهُ الَّذى‏ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ‏ءٌ، وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ‏

اى خدايى كه چيزى همانندت نيست و شنواى دانايى، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ، اللَّهُمَّ مَنْ كانَ اصْبَحَ وَ ثِقَتُهُ‏

و خاندان پاكش درود فرستى و در فرجشان تعجيل فرمايى، خدايا اگر كسى صبح كند در حالى كه تكيه‏گاه‏

وَ رَجاؤُهُ غَيْرُكَ، فَانْتَ ثِقَتى‏ وَ رَجائى‏ فِى الْامُورِ كُلِّها، يا اجْوَدَ مَنْ‏

و اميدش غير توست ولى تو تنها تكيه‏گاه و اميد من در تمام كارها هستى، اى بخشنده‏ترين كسى‏

سُئِلَ، وَ يا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، ارْحَمْ ضَعْفى‏ وَ قِلَّةَ حيلَتى‏، وَ امْنُنْ عَلَىَ‏

كه از او درخواست شده و اى مهربان‏ترين كسى كه از او رحمت خواسته شده، بر ناتوانى و بيچارگيم رحم كن و

بِالْجَنَّةِ طَوْلًا مِنْكَ، وَ فُكَّ رَقَبَتِى مِنَ النَّارِ، وَ عافِنى‏ فى‏ نَفْسى‏ وَ فى‏

با بهشت كه نعمتى از جانب توست بر من منّت گذار، و مرا از آتش رهايى ده، و خودم و

جَميعِ امُورى‏، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1531]](#footnote-1531)

تمامى كارهايم را عافيت بخش، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

7- پس از نماز نيز دعاها و تعقيبات نماز را بجا مى‏آورد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1018

نماز جماعت:

نماز جماعت از مهمترين مستحبّات و از بزرگترين شعائر اسلامى است و در روايات، فوق‏العاده روى آن تأكيد شده است. مخصوصاً براى همسايگان مسجد يا كسى كه صداى اذان مسجد را مى‏شنود، بيشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا مى‏تواند نمازش را با جماعت بخواند، حتّى برخى از فقها گفته‏اند، حاضر نشدن به نماز جماعت اگر از روى بى‏اعتنايى و سبك شمردن باشد، حرام است.

مستحب است انسان صبر كند كه نماز را به جماعت بخواند، و نماز جماعت، از نماز فرادا در اوّل وقت بهتر است و نيز جماعتى كه مختصر بخوانند از نماز فرادا كه آن را طول دهند برتر است.

چند روايت درباره فضيلت نماز جماعت:

درباره فضيلت نماز جماعت و سرزنش كسانى كه از آن روى گردانند روايات بسيارى نقل شده است كه به بخشى از آن اكتفا مى‏كنيم:

1- در روايتى آمده است كه اگر يك نفر به امام جماعت اقتدا كند هر ركعت آن، ثواب 150 نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا كنند، هر ركعت ثواب 600 نماز و هر قدر عدد نمازگزاران بيشتر شود، ثواب نمازشان بيشتر خواهد شد و اگر عدد آنان از ده نفر بگذرد، اگر تمام آسمانها كاغذ و درياها مركّب و درخت‏ها قلم و ملائكه و انس و جن نويسنده شوند، نمى‏توانند ثواب يك ركعت آن را بنويسند.[[1532]](#footnote-1532) 2- از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود: «هر كس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت بخواند، گويا همه شب را به شب‏زنده‏دارى سپرى كرده است».[[1533]](#footnote-1533) 3- در روايت ديگرى از رسول خدا صلى الله عليه و آله مى‏خوانيم: «هر كس كه به قصد شركت در نماز جماعت به سوى مسجد قدم بردارد، در برابر هر گامى كه بر مى‏دارد حسنات زيادى براى او نوشته مى‏شود ... و اگر در همان حال بميرد، خداوند هزاران فرشته را بر او مى‏گمارد كه در قبر به سراغش مى‏روند و به او مژده و بشارت مى‏دهند و در تنهايى همدم او مى‏گردند و تا روز قيامت براى او استغفار مى‏كنند».[[1534]](#footnote-1534) 4- اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: «آن كس كه بدون علّت (و عذر موجّه) در مسجد با مسلمانان نماز نگذارد، نماز او، نماز نيست».[[1535]](#footnote-1535) نماز جماعت آداب و شرايطى دارد كه براى آگاهى از آنها به رساله‏هاى توضيح‏المسائل مراجعه شود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1019

فصل دوم: تعقيبات نماز

برابر آنچه از روايات استفاده مى‏شود، تعقيبات (علاوه بر كمال نماز و قبولى آن) سبب فراوانى روزى است.[[1536]](#footnote-1536) و مؤمن تا هنگامى كه پس از نماز، در ذكر خداوند است، گويا در نماز است و ثواب نماز را دارد،[[1537]](#footnote-1537) و دعا پس از نماز واجب، از نماز مستحب بهتر است.[[1538]](#footnote-1538) مرحوم علّامه مجلسى فرموده است: تعقيبات نماز، به قرآن و ذكر و دعايى گويند كه پس از نماز، متّصل به نماز باشد، و افضل آن است كه با وضو و نشسته و رو به قبله باشد، و بهتر آن است كه همانند تشهد بنشيند و در اثناى تعقيب سخن نگويد، مخصوصاً در تعقيبات نماز مغرب. و برخى گفته‏اند همه شرايط نماز را در تعقيبات رعايت كند؛ ولى ظاهراً پس از نماز در هر حالى مشغول خواندن قرآن، ذكر و دعا باشد فى الجمله ثواب تعقيبات نماز را دارد؛ هرچند در حال راه رفتن باشد.[[1539]](#footnote-1539) از ائمّه اطهار عليهم السلام در تعقيبات نماز، دعاهاى فراوانى براى امور دنيا و آخرت وارد شده است، و چون بهترين عبادت جوارحى و بدنى، نماز است و تعقيباتى كه وارد شده است در تكميل نماز و رفع نواقص آن نقشى مؤثّر دارد و همچنين سبب ترفيع درجات و آمرزش خطايا و گناهان است و براى به دست آوردن حاجات نيز مفيد است، از اين رو قسمى از تعقيبات را اين‏جا ذكر مى‏كنيم.

تعقيبات بر دو گونه است:

1- تعقيبات مشترك.

2- تعقيبات خاص.

تعقيبات مشترك:

منظور از تعقيبات مشترك، تعقيبات و دعاهايى است كه پس از هر نمازى خوانده مى‏شود.

1- مستحب است نمازگزار بعد از نماز سه بار تكبير بگويد، بدين نحو كه دست‏ها را بلند كند تا مقابل صورت بالا آورد آنگاه تا نزديك زانو برگرداند و با هر مرتبه يك اللَّه اكبر بگويد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1020

از امام باقر عليه السلام روايت شده است: وقتى كه سلام نماز را دادى، سه بار دستانت را براى تكبير بالا ببر.[[1540]](#footnote-1540) «ابن بابويه» به سند معتبر از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه مفضّل بن عمر از آن حضرت پرسيد: به چه علّت نمازگزار، پس از سلام همراه با بالا آوردن دست، سه مرتبه تكبير مى‏گويد؟ فرمود:

وقتى پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله مكّه را فتح كرد، با اصحابش كنار حجرالاسود، نماز گزارد؛ وقتى سلام نماز را گفت، سه بار دستش را بالا آورد و تكبير گفت و آنگاه گفت:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ‏ [وَحْدَهُ‏]، انْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ اعَزَّ

معبودى جز خدا نيست، يگانه يگانه‏ [يگانه‏] است، به وعده‏اش وفا نمود و بنده‏اش را يارى كرد و سپاهش‏را عزّت‏

جُنْدَهُ، وَ غَلَبَ الْاحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى وَ يُميتُ،

و قدرت‏بخشيد، و به تنهايى بر همه گروه‏ها غلبه نموده، پس فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست، زنده كرده و مى‏ميراند

وَ يُميتُ وَ يُحْيى‏ وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

و مى‏ميراند و زنده مى‏كند و او بر هر چيز تواناست.

آنگاه به يارانش رو كرد و فرمود اين تكبير و اين ذكر را پس از هر نماز واجب بگوييد و آن را ترك نكنيد، سپس فرمود: هر كس بعد از سلام نماز، چنين كند و اين دعا را بخواند، شكر خداوند را براى تقويت اسلام و لشكر اسلام ادا كرده است.[[1541]](#footnote-1541) «شيخ طوسى» در كتاب «مصباح المتهجّد» اين جملات را كاملتر نقل كرده است: لا الهَ الَّا اللَّهُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* معبودى جز خدا نيست‏

الهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ لا نَعْبُدُ الَّا ايَّاهُ، مُخْلِصينَ‏

معبودى كه يگانه است و ما در برابرش تسليميم، معبودى جز خدا نيست و جز او را نمى‏پرستيم، دينمان را براى او خالص‏

لَهُ الدّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّ آبائِنَا الْاوَّلينَ،

كرده‏ايم اگر چه مشركان نپسندند، معبودى جز خدا نيست كه پروردگار ما و پدران پيشين ماست،

لاإلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، انْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَ اعَزَّ جُنْدَهُ،

معبودى جز خدا نيست يگانه يگانه يگانه است، به وعده‏اش وفا نمود و بنده‏اش را يارى كرد و سپاهش را عزت و قدرت بخشيد

وَهَزَمَ‏[[1542]](#footnote-1542) الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى وَيُميتُ، وَيُميتُ‏

و به تنهايى همه گروه‏ها را شكست داد، پس فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست، زنده كرده و مى‏ميراند و مى‏ميراند

كليات مفاتيح نوين، ص: 1021

وَيُحْيى‏، وَ هُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1543]](#footnote-1543)

و زنده مى‏كند و او زنده‏اى است كه (هرگز) نمى‏ميرد، نيكى به دست اوست و او بر هر چيز تواناست.

2- به سند صحيح از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه آن حضرت وقتى از نماز فارغ مى‏شد دستش را بالاى سرش مى‏برد (و دعا مى‏كرد).[[1544]](#footnote-1544) 3- تسبيح حضرت فاطمه زهرا عليها السلام كه روايات فراوانى در فضيلت آن وارد شده است:

امام صادق عليه السلام فرمود: «ما همان گونه كه كودكانمان را به نماز امر مى‏كنيم، به تسبيح حضرت زهرا عليها السلام نيز دستور مى‏دهيم؛ آن را ترك مكن كه هر كس بر آن مداومت ورزد، از سعادت محروم نخواهد شد».[[1545]](#footnote-1545) در روايات معتبر وارد شده است كه مراد از «ذكر كثير» در آيه «

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً»[[1546]](#footnote-1546)

همين تسبيح است و هر كس بر آن مداومت نمايد خدا را بسيار ياد كرده و به اين آيه عمل كرده است.[[1547]](#footnote-1547) به سند معتبر از امام باقر عليه السلام روايت شده است: «هر كس تسبيح حضرت زهرا عليها السلام را بگويد و پس از آن استغفار كند، خداوند او را بيامرزد و اين تسبيح هرچند بر زبان صد تاست ولى در ميزان عمل، هزار تا به حساب مى‏آيد و شيطان را از انسان مى‏راند و خداى رحمان را خشنود مى‏سازد».[[1548]](#footnote-1548) در روايت معتبر ديگرى از امام صادق عليه السلام آمده است كه: «تسبيح حضرت فاطمه زهرا عليها السلام پس از هر فريضه، براى من از هزار ركعت در هر روز محبوبتر است».[[1549]](#footnote-1549)

كيفيّت تسبيح حضرت فاطمه زهرا عليها السلام:

روايات درباره چگونگى اين تسبيح كمى تفاوت دارد، ولى آنچه مشهورتر و روشن‏تر است، بدين گونه است:

سى و چهار مرتبه‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1021**

اللَّه اكبر

سى و سه مرتبه‏

الحمد للَّه‏

سى و سه مرتبه‏

سبحان اللَّه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1022

همچنين سنّت است كه پس از تسبيحات حضرت زهرا عليها السلام يكبار لا اله الّا اللَّه گفته شود،[[1550]](#footnote-1550) و بهتر است با تسبيحى كه از تربت امام حسين عليه السلام است اين اذكار را بگويد.

از امام صادق عليه السلام روايت شده است: «تسبيح امام حسين عليه السلام در دست انسان ذكر و تسبيح مى‏گويد، بدون آن‏كه آدمى تسبيح و ذكرى بر زبان جارى سازد».[[1551]](#footnote-1551) در روايتى آمده است، حضرت زهرا عليها السلام پيش از شهادت حمزه عليه السلام با رشته‏اى از پشم تابيده كه گره زده بود، تسبيح مى‏گفت؛ پس از شهادت حمزه عليه السلام از تربت آن شهيد، تسبيح ساخته و ذكر مى‏گفتند كه مردم نيز چنين كردند. پس از شهادت امام حسين عليه السلام سنّت شد كه از تربت آن حضرت تسبيح بسازند و با آن ذكر بگويند.[[1552]](#footnote-1552) از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه: «هر كس با تربت امام حسين عليه السلام يكبار استغفار كند، خداوند براى او هفتاد بار مى‏نويسد».[[1553]](#footnote-1553) 4- مرحوم «كلينى» به سند معتبر از امام باقر عليه السلام روايت كرده است كه آن حضرت فرمود: «كسى كه بعد از نماز واجب و پيش از آن‏كه پاهايش را (از حالت نمازگزار) برگرداند سه بار اين دعا را بخواند، خداوند گناهانش را بيامرزد، هرچند فراوان باشد»:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ،

از خدايى كه معبودى جز او زنده و جاودان نيست آمرزش مى‏طلبم، صاحب جلال و بزرگوارى است‏

وَاتُوبُ الَيْهِ.[[1554]](#footnote-1554)

و به درگاه او توبه مى‏كنم.

و برابر روايت ديگر: «هر كس اين كلمات را در هر روز بخواند و با آن استغفار كند، خداوند گناهان فراوانى از او را بيامرزد».[[1555]](#footnote-1555) 5- مرحوم «شيخ كلينى» از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه بعد از هر نماز فريضه، اين دعا را ترك مكن:

اعيذُ نَفْسى‏ وَما رَزَقَنى‏ رَبّى‏، بِاللَّهِ الْواحِدِ الصَّمَدِ الَّذى‏ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

خود و آنچه پروردگارم به من روزى كرده به خداوند يگانه بى نيازى كه نزاده و زاده نشده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1023

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، وَاعيذُ نَفْسى‏ وَما رَزَقَنى‏ رَبّى‏، بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ‏

و براى او هيچگاه شبيه و مانندى نبوده مى‏سپارم، و خود و آنچه پروردگارم به من روزى كرده به پروردگار سپيده‏دم مى‏سپارم، از

شَرِّ ما خَلَقَ، وَمِنْ شِرِّ غاسِقٍ اذا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِى الْعُقَدِ،

شر تمام آنچه آفريده و از شر هر موجود شرور هنگامى كه شبانه وارد مى‏شود و از شرّ آنها كه با افسون در گره‏ها مى‏دمند (و هر تصميمى را سست مى‏كنند)

وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ اذا حَسَدَ، وَاعيذُ نَفْسى‏ وَما رَزَقَنى‏ رَبّى‏، بِرَبِّ النَّاسِ،

و از شرّ هر حسود هنگامى كه حسد مى‏ورزد خود و آنچه پروردگارم به من روزى كرده به پروردگار مردم،

مَلِكِ النَّاسِ، الهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ، الَّذى‏ يُوَسْوِسُ فى‏

به مالك و حاكم مردم، به (خدا و) معبود مردم مى‏سپارم از شرّ وسوسه‏گر پنهان كار كه درون سينه‏

صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.[[1556]](#footnote-1556)

انسانها وسوسه مى‏كند، خواه از جن باشد يا انسان.

\*\*\*

6- مرحوم «كلينى» به سند معتبر از «على بن مهزيار» روايت كرده است كه امام هادى عليه السلام به كسى كه تقاضا كرد حضرت دعايى را به او بياموزد كه پس از هر نماز بخواند تا خداوند خير دنيا و آخرت را به وى عنايت فرمايد؛ چنين نوشت:

اعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَعِزَّتِكَ الَّتى‏ لا تُرامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتى‏ لا يَمْتَنِعُ مِنْها

به ذات بزرگوار و عزّتت كه جاودان است و تواناييت كه چيزى از آن سرپيچى نكند

شَىْ‏ءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجاعِ كُلِّها.[[1557]](#footnote-1557) و در برخى روايات در پناه مى‏برم، از شرّ دنيا و آخرت و از شرّ همه دردها.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

آخر دعا، اضافه شده است: وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبِّى عَلى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* و از شرّ هر جنبنده‏اى كه در اختيار توست، كه به راستى پروردگارم بر

صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، وَلا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.[[1558]](#footnote-1558)

راه راست است و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداى بلند مرتبه و با عظمت نيست.

\*\*\*

7- «شيخ كلينى» و «شيخ صدوق»- عليهما الرّحمة- از امام باقر و امام صادق عليهما السلام نقل كرده‏اند كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1024

كمترين دعايى كه بعد از نماز واجب مى‏توانى بخوانى اين است كه بگويى:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ احاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ

خدايا از هر نيكى كه علمت به آن احاطه دارد از تو مى‏خواهم و از هر بدى كه علمت به آن‏

احاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ عافِيَتَكَ فى‏ امُورى‏ كُلِّها، وَاعُوذُ بِكَ‏

احاطه دارد به تو پناه مى‏برم، خدايا در تمام كارهاييم از تو عافيت مى‏طلبم و از رسوايى‏

مِنْ خِزْىِ الدُّنْيا وَعَذابِ الْأخِرَةِ.[[1559]](#footnote-1559)

دنيا و عذاب آخرت به تو پناه مى‏برم.

\*\*\*

8- مطابق روايتى از امام صادق عليه السلام مستحب است كه پس از نماز بخوانى:

اللَّهُمَّ اعْتِقْنِى‏ مِنَ النَّارِ، وَادْخِلْنِى الْجَنَّةَ، وَزَوِّجْنِى‏ مِنَ الْحُورِ الْعينَ.[[1560]](#footnote-1560)

خدايا مرا از آتش رهايى بخش و در بهشت داخل كن و از حورالعين به همسريم در آور.

\*\*\*

9- امام صادق عليه السلام فرمود: هر كس اين دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند خودش، خانه‏اش، مالش و فرزندانش محفوظ خواهند بود:

اجيرُ نَفْسى‏ وَ مالى‏ وَ وُلْدى‏ وَ اهْلى‏ وَ دارى‏، وَ كُلَّ ما هُوَ مِنّى‏، بِاللَّهِ‏

خود و مال و فرزند و خانواده و خانه‏ام و هر آنچه از من است به خداى‏

الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذى‏ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ،

يگانه يكتاى بى نياز مى‏سپارم، كه نزاده و زاده نشده و براى او هيچگاه شبيه و مانندى نبوده است،

وَاجيرُ نَفْسى‏ وَ مالى‏ وَوُلْدى‏، وَ كُلَّ ما هُوَ مِنّى‏، بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما

و خود و مال و فرزندم و هر آنچه از آن من است به پروردگار سپيده دم مى‏سپارم، از شر تمام‏

خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ اذا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِى الْعُقَدِ، وَ مِنْ شَرِّ

آنچه آفريده و از شر هر موجود شرور، هنگامى كه شبانه وارد مى‏شود، و از شرّ آنها كه با افسون در گره‏ها مى‏دمند (و هر تصميمى را سست مى‏كنند) و از شرّ

حاسِدٍ اذا حَسَدَ، وَ اجيرُ نَفْسى‏ وَ مالى‏ وَ وُلْدى‏، وَكُلَّ ما هُوَ مِنّى‏ بِرَبِ‏

هر حسود هنگامى كه حسد مى‏ورزد، و خود و مال و فرزندم و هر آنچه از آن من است به پروردگار

كليات مفاتيح نوين، ص: 1025

النَّاسِ، مَلِكِ‏النَّاسِ، الهِ‏النَّاسِ، مِنْ شَرِّالْوَسْواسِ‏الْخَنَّاسِ، الَّذى‏ يُوَسْوِسُ‏

مردم، به مالك و حاكم مردم، به (خدا و) معبود مردم مى‏سپارم، از شرّ وسوسه‏گر پنهان كار كه درون‏

في صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ، وَ اجيرُ نَفْسى‏ وَ مالى‏ وَوُلْدى‏،

سينه انسانها وسوسه مى‏كند خواه از جن باشد يا انسان، و خود و مال و فرزند

وَكُلَّ ما هُوَ مِنّى‏، بِاللَّهِ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، لا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلانَوْمٌ،

و هر آنچه از من است به خدا مى‏سپارم كه هيچ معبودى نيست جز خداوند يگانه جاودان، هيچگاه خواب سبك و سنگينى او را فرا نمى‏گيرد،

لَهُ ما فِى السَّمَواتِ وَ ما فِى الْارْضِ، مَنْ ذَا الَّذى‏ يَشْفَعُ عِنْدَهُ الَّا بِاذْنِهِ،

آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است از آن اوست، كيست كه در نزد او جز به فرمان او شفاعت كند؟!

يَعْلَمُ ما بَيْنَ ايْديهِمْ وَما خَلْفَهُمْ، وَلايُحيطُونَ بِشَىْ‏ءٍ مِنْ عِلْمِهِ الَّا بِماشاءَ،

آنچه در پيش روى آنها [/ بندگان‏] و پشت سرشان است مى‏داند، و كسى از علم او آگاه نمى‏گردد جز به مقدارى كه او بخواهد،

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَواتِ وَالْأرْضَ، وَلايَؤُودُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِىُّ الْعَظيم.[[1561]](#footnote-1561)

تخت (حكومت) او آسمانها و زمين را در برگرفته و نگاهدارى آن دو، او را خسته نمى‏كند و بلندى مقام و عظمت از آن اوست.

\*\*\*

10- خواندن بعضى از سوره‏ها وآيات: مستحب است پس از نماز، سوره حمد و آيةالكرسى‏[[1562]](#footnote-1562) را بخواند.

و آيه شهادت را؛ يعنى: شَهِدَ اللَّهُ انَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، وَالْمَلائِكَةُ وَاولُوا الْعِلْمِ، قآئِماً

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خداوند گواهى مى‏دهد كه معبودى جز او نيست و فرشتگان و صاحبان دانش (هر كدام به گونه‏اى بر اين مطلب) گواهى مى‏دهند در حاليكه (خداوند) قيام‏

بِالْقِسْطِ، لا الهَ الَّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، انَّ الدّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ، وَمَا

به عدالت دارد معبودى جز او نيست كه هم توانا و هم حكيم است، دين در نزد خدا اسلام (و تسليم بودن در برابر حق) است وكسانى كه‏

اخْتَلَفَ الَّذينَ اوتُوا الْكِتابَ الَّا مِنْ‏بَعْدِ مآ جآئَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ، وَمَنْ‏

كتاب آسمانى به آنها داده شده اختلافى (در آن) ايجاد نكردند مگر بعد از آگاهى و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در ميان خود و هركس‏

يَكْفُرْ باياتِ اللَّهِ، فَانَّ اللَّهَ سَريعُ الْحِسابِ.[[1563]](#footnote-1563) و همچنين آيه مُلك يعنى: قُلِ اللَّهُمَ‏

به آيات خدا كفر ورزد (خدا به حساب او مى‏رسد زيرا) خداوند سريع الحساب است،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* بگو خدايا،

مالِكَ الْمُلْكِ، تُؤْتِى الْمُلْكَ مَنْ تَشآءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشآءُ، وَتُعِزُّ مَنْ‏

اى مالك حكومتها، به هر كه بخواهى حكومت مى‏بخشى و از هركس كه بخواهى حكومت را مى‏گيرى، هركس را بخواهى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1026

تَشآءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشآءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، تُولِجُ‏

عزّت مى‏دهى و هر كه را بخواهى خوار مى‏كنى، تمام خوبيها به دست توست و بر هر چيز قادرى، شب را

اللَّيْلَ فِى النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ،

در روز داخل مى‏كنى و روز را در شب، و زنده از مرده بيرون مى‏آورى‏

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَيْرِ حِسابٍ.[[1564]](#footnote-1564)

و مرده را از زنده و به هركس بخواهى بدون حساب روزى مى‏بخشى.

مطابق روايتى از امام صادق عليه السلام اين آيات آثار مهمّى در بخشودگى گناهان و جلب رحمت الهى دارد.[[1565]](#footnote-1565) «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد»[[1566]](#footnote-1566) پس از نقل آن آيات، آيات ذيل را نيز اضافه مى‏كند:

الف) آيات 54 تا 56 سوره اعراف، كه به «آيه سَخره» معروف است:

انَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِى خَلَقَ السَّمواتِ وَ الْأرْضَ فى‏ سِتَّةِ ايَّامٍ ثُمَّ اسْتَوى‏

پروردگار شما، خداوندى است كه آسمانها و زمين را در شش روز [/ دوران‏] آفريد سپس به تدبير

عَلَى الْعَرْشِ، يُغشِى اللَّيْلَ النَّهارَ، يَطْلُبُهُ حَثيثاً، وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

جهان هستى پرداخت؛ با (پرده تاريك) شب، روز را مى‏پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حركت است و خورشيد و ماه و ستارگان‏

وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِامْرِهِ، ألا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ‏

را آفريد كه مسخّر فرمان او هستند، آگاه باشيد كه آفرينش و تدبير (جهان) از آن او (و به فرمان او) است، پربركت (و زوال‏ناپذير) است خداوندى كه پروردگار جهانيان است،

\* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً، انَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ\* وَ لا تُفْسِدُوا

پروردگار خود را (آشكارا) از روى تضرّع و در پنهانى بخوانيد (و از تجاوز دست برداريد كه) او متجاوزان را دوست نمى‏دارد و

فِى الْأرْضِ بَعْدَ اصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً انَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَريبٌ‏

در زمين پس از اصلاح آن فساد نكنيد و او را با بيم و اميد بخوانيد (و نيكى كنيد) زيرا رحمت خدا به‏

مِنَ الْمُحْسِنينَ.

نيكوكاران نزديك است.

ب) سه مرتبه اين آيات را بخواند:

سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ\* وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ\*

منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصيف مى‏كنند، و سلام بر رسولان، و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1027

وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.[[1567]](#footnote-1567)

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.

درباره فضيلت قرائت آيةالكرسى پس از نماز، روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است كه آن حضرت به على عليه السلام فرمود: «اى على، خواندن آيةالكرسى را پس از هر نماز واجب ترك مكن چراكه جز پيامبر يا صدّيق و يا شهيد، بر خواندنش مراقبت نمى‏ورزد».[[1568]](#footnote-1568) در روايت ديگرى آمده است: «هر كس پس از هر نماز، آيةالكرسى را بخواند، نمازش قبول مى‏شود و در امان پروردگار و تحت حمايت او خواهد بود».[[1569]](#footnote-1569) 11- «شيخ صدوق» رحمه الله و ديگران، به سندهاى معتبر از امام محمّد باقر عليه السلام روايت كرده‏اند كه: مردى به نام شيبه هُذُلى، به محضر رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد (و با ناراحتى) عرض كرد: يا رسول اللَّه، من پير و ناتوان شده‏ام و نمى‏توانم اعمالى كه پيش از اين، از نمازها و روزه‏ها و حج و جهاد را انجام مى‏دادم، به جاى آورم، كلماتى به من بياموز كه خداوند مرا به آنها سود دهد، و در عين حال سبك و آسان باشد. پيامبر فرمود: بار ديگر سخنت را تكرار كن! او نيز اين سخن را تكرار كرد.

پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود: به خاطر اين سخنت، درخت‏ها و كلوخ‏هايى كه بر گردت بودند، بر تو گريستند؛ آنگاه فرمود: پس از هر نماز صبح ده بار بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ الْعَظيمِ وَ بِحَمْدِهِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلَّابِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

پاك و منزّه است خداوند با عظمت و او را سپاس مى‏گويم و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداى بلند مرتبه و با عظمت نيست.

با خواندن اين دعا، خداوند تو را از بيمارى‏هاى مختلف حفظ خواهد كرد. شيبه گفت: اينها براى دنيايم، براى آخرتم نيز چيزى بفرما! رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: پس از هر نمازى مى‏گويى:

اللَّهُمَّ اهْدِنى‏ مِنْ عِنْدِكَ، وَ افِضْ عَلَىَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ انْشُرْ عَلَىَّ مِنْ‏

خدايا مرا از نزد خود هدايت فرما و از لطف و كرمت بر من فرو ريز و رحمتت را بر

رَحْمَتِكَ، وَ انْزِلْ عَلَىَّ مِنْ بَرَكاتِكَ.

من بگستران و بركاتت را بر من نازل كن.

آنگاه فرمود: هر كس بر اين دعا مداومت ورزد و تا وقت مردن عمداً آن را ترك نكند، وقتى كه به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1028

محشر وارد شود، درهاى بهشت براى او گشوده شود تا از هر درى كه بخواهد وارد بهشت گردد.[[1570]](#footnote-1570)

12- ذكر تسبيحات اربعه:

مرحوم «شيخ طوسى» و ديگران به سندهاى صحيح از امام صادق عليه السلام نقل كرده‏اند كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله روزى به اصحاب خويش فرمود: «هر كس از شما پس از نماز سى مرتبه بگويد:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ. از وى دفع مى‏شود سوختن، پاك و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر (از هر چيز) است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غرق شدن، فرود آمدن خانه، افتادن در چاه، حمله درندگان، مرگ‏هاى سوء و هر بلاى ديگرى كه در آن روز از آسمان فرود آيد».[[1571]](#footnote-1571) در روايت ديگرى از امام صادق عليه السلام آمده است: كسى كه پس از هر نماز، پيش از آن‏كه حركت كند، چهل مرتبه بگويد: سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لا الهَ إلَّااللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ. سپس از\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پاك و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر (از هر چيز) است.\*\*\*\*

خدا حاجتى را بطلبد، خداوند آن را برآورده سازد.[[1572]](#footnote-1572) در روايتى ديگر، از همان حضرت عليه السلام نقل شده است كه: هر كس پس از نماز واجب، سى مرتبه «سبحان اللَّه» بگويد، گناهان او بخشوده مى‏شود.[[1573]](#footnote-1573)

\*\*\*

13- مرحوم «كلينى» به سند صحيح از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه: هر كس پس از نماز فريضه، سه بار بگويد: يا مَنْ يَفْعَلُ ما يَشاءُ، وَ لا يَفْعَلُ ما يَشاءُ احَدٌ غَيْرُهُ.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى كسى كه هر چه بخواهى انجام مى‏دهى و كسى جز تو نمى‏تواند هر چه بخواهد انجام دهد.

سپس از خداوند چيزى بخواهد، حاجتش روا شود.[[1574]](#footnote-1574)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1029

14- به سند موثّق از امام صادق عليه السلام روايت شده است: هر كس بعد از نماز، قبل از آن‏كه زانوانش را حركت دهد و برخيزد، ده مرتبه اين ذكر را بگويد گناهان زيادى از او بخشوده و حسنات زيادى در نامه عمل او نوشته مى‏شود: اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، الهاً

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خدا نيست يگانه است و شريكى ندارد معبود يگانه‏

واحِداً احَداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً.[[1575]](#footnote-1575)

يكتاى بى‏نياز كه همسر و فرزندى اختيار نكرده است.

براى اين ذكر، فضيلت فراوانى ذكر شده است، مخصوصاً پس از نماز صبح، و نماز عشا و هنگام طلوع و غروب آفتاب.[[1576]](#footnote-1576)

\*\*\*

15- مرحوم «شيخ كلينى» و «شيخ صدوق» و ديگران به سندهاى صحيح از امام صادق عليه السلام روايت كرده‏اند كه: جبرئيل عليه السلام در زندان نزد حضرت يوسف عليه السلام آمد و به او گفت بعد از هرنماز بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لى‏ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً، وَ ارْزُقْنى‏ مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ، وَ مِنْ‏

خدايا گشايش و محلّ خروجى برايم قرار ده و از جايى كه مى‏دانم‏

حَيْثُ لا احْتَسِبُ.[[1577]](#footnote-1577)

و نمى‏دانم روزيم ده.

\*\*\*

16- در روايتى از پيامبر صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود: هر كس مى‏خواهد كه خداوند او را در قيامت‏بر اعمال بدش مطّلع نسازد و ديوان گناهانش را نگشايد، بعد از هرنماز اين دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انَّ مَغْفِرَتَكَ ارْجى‏ مِنْ عَمَلى‏، وَانَّ رَحْمَتَكَ اوْسَعُ مِنْ ذَنْبى‏، اللَّهُمَ‏

خدايا براستى آمرزشت اميدوار كننده‏تر از عمل من است، و لطف و رحمتت گسترده‏تر از گناه من است، خدايا

انْ كانَ ذَنْبى‏ عِنْدَكَ عَظيماً، فَعَفْوُكَ اعْظَمُ مِنْ ذَنْبى‏، اللَّهُمَّ انْ لَمْ اكُنْ اهْلًا

اگر گناهم نزد تو بزرگ است، ولى عفو تو بزرگتر از گناه من است، خدايا اگر من شايسته‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1030

انْ تَرْحَمَنى‏[[1578]](#footnote-1578)، فَرَحْمَتُكَ اهْلٌ انْ تَبْلُغَنى‏ وَ تَسَعَنى‏، لِأَنَّها وَسِعَتْ كُلَ‏

ترحّم تو نيستم، ولى رحمت تو شايسته آن است كه به من رسد و مرا در برگيرد، زيرا رحمت تو همه‏

شَىْ‏ءٍ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1579]](#footnote-1579)

چيز را فرا گرفته است، به حق رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

17- علّامه مجلسى از مرحوم «كفعمى» نقل كرده است: شخصى خدمت پيامبر صلى الله عليه و آله آمد، و از بيمارى و تنگدستى و فقر، شكايت كرد. پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله به او فرمود: پس از هر نماز واجب بخوان:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذى‏ لا يَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً

بر زنده‏اى كه هرگز نمى‏ميرد توكل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه همدم‏

وَ لا وَلَداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِ‏

و فرزندى اختيار نكرده و همتايى در فرمانروايى ندارد، و ضعف و ذلّتى ندارد كه نيازمند حامى و سرپرست باشد و (لذا به خود مى‏گويم)

وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.[[1580]](#footnote-1580)

او را بسيار بزرگ بشمار.

و مطابق روايت ديگر، آن حضرت فرمود: هيچ گاه سختى و شدّتى به من رو نياورد، مگر آنكه جبرئيل بر من ظاهر شد و گفت اين دعا را بخوان.[[1581]](#footnote-1581)

\*\*\*

18- مرحوم «شيخ مفيد» در «مقنعه» اين دعا را براى تعقيبات همه نمازها، آورده است:

اللَّهُمَّ انْفَعْنا بِالْعِلْمِ، وَزَيِّنَّا بِالْحِلْمِ، وَجَمِّلْنا بِالْعافِيَةِ، وَكَرِّمْنا بِالتَّقْوى‏، انَ‏

خدايا ما را به دانش سودمند گردان و به بردبارى زينت ده و به سلامتى زيبا گردان و به تقوا گرامى دار،

وَلِيِّىَ اللَّهُ الَّذى‏ نَزَّلَ الْكِتابَ، وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحينَ.[[1582]](#footnote-1582)

و به راستى سرپرست من خدايى است كه كتاب (قرآن) را فرو فرستاد و او صالحان را دوست دارد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1031

19- مرحوم «شيخ صدوق» و «شيخ طوسى» و ديگران با سندهاى معتبر از امير مؤمنان عليه السلام روايت كرده‏اند كه آن حضرت فرمود: هر كس دوست دارد ازدنيا بيرون رود، در حالى كه از همه گناهان پاك شده باشد، آن گونه كه طلا از ناخالصى‏ها پاك مى‏شود، و كسى از او مظلمه‏اى را بازخواست نكند، پس از نمازهاى پنج‏گانه، دوازده بار سوره‏اى كه اوصاف خدا را بيان مى‏كند بخواند (يعنى سوره توحيد را) سپس دستها را به سوى آسمان بگشايد و اين دعا را- كه خواهد آمد- بخواند؛ آنگاه آن حضرت فرمود: اين دعا از رازهاى مكنون و پنهانى است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله آن را به من آموخت و به من دستور داد كه آن را به حسن و حسين عليهما السلام نيز بياموزم:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَكِ،

خدايا به حقّ نام پوشيده و نهان و پاك و پاكيزه و مباركت از تو مى‏خواهم‏

وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ، وَسُلْطانِكَ الْقَديمِ، يا واهِبَ الْعَطايا، يا مُطْلِقَ‏

و به حق نام بزرگ و فرمانروايى ديرينه‏ات از تو مى‏خواهم، اى بخشنده نعمتها، اى آزادكننده‏

الْأُسارى‏، يا فَكَّاكَ الرِّقابِ مِنَ النَّارِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفُكَ‏

اسيران و رهايى بخش انسانها از آتش، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا از

رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ، وَاخْرِجْنى‏ مِنَ الدُّنْيا آمِناً، وَادْخِلْنِى الْجَنَّةَ سالِماً،

آتش رهايى بخش و مرا از دنيا با ايمان خارج كن و با سلامتى در بهشت داخل كن،

وَاجْعَلْ دُعآئى‏ اوَّلَهُ فَلاحاً، وَاوْسَطَهُ نَجاحاً، وَآخِرَهُ صَلاحاً، انَّكَ انْتَ‏

و ابتداى دعايم را رستگارى و ميانش را موفقيّت و انتهايش را شايستگى قرار ده كه تو براستى‏

عَلَّامُ الْغُيُوبِ.[[1583]](#footnote-1583)

داناى نهان‏هايى.

در حديث ديگرى از امام صادق عليه السلام آمده است: هر كس سوره «توحيد» را بعد از هر نماز تلاوت كند، خدا خير دنيا و آخرت را براى او جمع كرده و خودش و پدر و مادرش را بيامرزد.[[1584]](#footnote-1584)

\*\*\*

20- مرحوم «شيخ مفيد» در كتاب «امالى» از محمّد بن حنفيه نقل كرده است كه: روزى پدرم امير مؤمنان عليه السلام را در حال طواف ديدم، در همان حال مردى را ديد كه به پرده‏هاى كعبه چنگ زده و دعايى را

كليات مفاتيح نوين، ص: 1032

مى‏خواند، آن مرد به امير مؤمنان عليه السلام گفت: اين دعا را بعد از هر نماز بخوان، به خدا سوگند هر مؤمنى كه اين دعا را پس از نماز بخواند، خداوند متعال، گناهان زيادى را از وى بيامرزد.

امام عليه السلام فرمود: من اين دعا را مى‏دانم و آن شخص حضرت خضر بود. آن دعا اين است:

يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يا مَنْ لا يُغَلِّطُهُ السَّآئِلُونَ، وَيا مَنْ لا

اى كسى كه شنيدن سخنى از شنيدن ديگر بازش ندارد، اى كسى كه كثرت نيازمندان او را به اشتباه نيندازد، و اى كسى‏

يُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلِحّينَ، اذِقْنى‏ بَرْدَ عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، وَحَلاوَةَ رَحْمَتِكَ.[[1585]](#footnote-1585)

كه پافشارى اصرار كنندگان او را خسته نكند، لذّت عفو و آمرزشت و شيرينى رحمتت را به من بچشان.

\*\*\*

21- مرحوم «ديلمى» در كتاب «اعلام الدين» از ابن عبّاس نقل كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

هر كس سه مرتبه اين آيات را بعد از نماز مغرب بخواند، هرچه از ثواب و پاداش كه در روز گذشته از او فوت شده است را دريابد و نمازش مورد قبول قرار گيرد و اگر آنها را بعد از هر فريضه و يا نماز مستحب بخواند، براى او ثواب فراوان نوشته مى‏شود، و آيات اين است:

فَسُبْحانَ اللَّهِ حينَ تُمْسُونَ وَحينَ تُصْبِحُونَ\* وَلَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمواتِ‏

منزّه است خداوند به هنگام شب و روز، و حمد و ستايش مخصوص اوست در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحينَ تُظْهِرُونَ\* يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ‏

و زمين و به هنگام عصر و ظهر، او زنده را از مرده بيرون مى‏آورد

الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ وَيُحْيِى الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها، وَكَذلِكَ تُخْرَجُونَ‏[[1586]](#footnote-1586)\*

و مرده را از زنده زمين را پس از مردنش حيات مى‏بخشد و به همين گونه روز قيامت (از گورها) بيرون آورده مى‏شويد،

سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ\* وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ\*

منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (وقدرت) از آنچه آنان توصيف مى‏كنند، و سلام بر رسولان،

وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.[[1587]](#footnote-1587)،[[1588]](#footnote-1588)

و حمد و ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1033

22- «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» در تعقيبات مشترك اين دعا را نقل كرده است:

اللَّهُمَّ اهْدِنى‏ مِنْ عِنْدِكَ، وَ افِضْ عَلَىَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ انْشُرْ عَلَىَّ مِنْ‏

خدايا مرا از سوى خود هدايت فرما و از لطف و كرمت بر من فرو ريز و رحمتت را بر من بگستران‏

رَحْمَتِكَ، وَ انْزِلْ عَلَىَّ مِنْ بَرَكاتِكَ، سُبْحانَكَ لا الهَ الَّا انْتَ، اغْفِرْ لى‏

و بركاتت را بر من نازل كن، پاك و منزّهى تو كه معبودى جز تو نيست، همه گناهانم‏

ذُنُوبى‏ كُلَّها جَميعاً، فَانَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّها جَميعاً الَّا انْتَ، اللَّهُمَّ انّى‏

را بيامرز، كه كسى جز تو همه گناهان را نيامرزد، خدايا از

اسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ احاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ احاطَ بِهِ‏

هر نيكى كه علمت به آن احاطه دارد از تو مى‏خواهم، و از هر بدى كه علمت به آن احاطه دارد به تو پناه مى‏برم،

عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ عافِيَتَكَ فى‏ امُورى‏ كُلِّها، وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْىِ‏

خدايا در تمام كارهايم از تو عافيت مى‏طلبم، و از رسوايى در

الدُّنْيا وَعَذابِ الْأخِرَةِ، وَاعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَ عِزَّتِكَ الَّتى‏ لا تُرامُ،

دنيا و عذاب آخرت به تو پناه مى‏برم، و به ذات بزرگوار و عزّتت كه جاودان است‏

وَقُدْرَتِكَ الَّتى‏ لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَىْ‏ءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَ الْاخِرَةِ، وَ [مِنْ‏] شَرِّ

و تواناييت كه چيزى از آن سرپيچى نمى‏كند به تو پناه مى‏برم، و همچنين از شرّ دنيا و آخرت و [از] شرّ

الْاوْجاعِ كُلِّها، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ انْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِها، انَّ رَبّى‏ عَلى‏

همه دردها و از شرّ هر جنبنده‏اى كه در اختيار توست، به يقين پروردگارم بر

صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، تَوَّكَلْتُ عَلَى‏

راه راست است و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداى بلند مرتبه و با عظمت نيست، بر

الْحَىِّ الَّذى‏ لا يَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ‏

زنده‏اى كه هرگز نمى‏ميرد توكل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه همدم و فرزندى اختيار نكرده‏

شَريكٌ فِى الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ‏تَكْبيراً.[[1589]](#footnote-1589)

و همتايى در فرمانروايى ندارد، و ضعف و ذلّتى ندارد كه نيازمند حامى و سرپرستى باشد و (لذا به خود مى‏گويم) او را بسيار بزرگ بشمار.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1034

23- «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» در تعقيبات نماز آورده است:

سُبْحانَ اللَّهِ كُلَّما سَبَّحَ اللَّهَ شَىْ‏ءٌ، وَ كَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُسَبَّحَ، وَ كَما هُوَ

منزّه است خدا هر زمانى كه چيزى خدا را تسبيح گويد، و همان گونه كه خدا دوست دارد تسبيح شود و آن گونه كه او

اهْلُهُ، وَ كما يَنْبَغى‏ لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ، وَ الْحَمْدُ للَّهِ كُلَّما حَمِدَ اللَّهَ‏

شايسته آن است و آن گونه كه سزاوار ذات بزرگوار و عزّت اوست و حمد و سپاس مخصوص خداوند است هر زمانى كه چيزى خدا را

شَىْ‏ءٌ، وَ كَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُحْمَدَ، وَكَما هُوَ اهْلُهُ، وَ كَما يَنْبَغى‏ لِكَرَمِ وَجْهِهِ‏

ستايش كند و آن‏گونه كه خدا دوست دارد كه ستايش شود و آن گونه كه او شايسته آن است و آن گونه كه سزاوار ذات بزرگوار

وَ عِزِّ جَلالِهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ كُلَّما هَلَّلَ اللَّهَ شَىْ‏ءٌ، وَكَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُهَلَّلَ،

و عزّت و عظمت اوست، و معبودى جز خدا نيست هر زمانى كه چيزى خدا را به يكتايى ياد كند و آن گونه كه خدا دوست دارد به يكتايى ياد شود

وَ كَما هُوَ اهْلُهُ، وَ كَما يَنْبَغى‏ لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ، وَ اللَّهُ اكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَ

و آن گونه كه او شايسته آن است و آن گونه كه سزاوار ذات بزرگوار و عزّت و عظمت اوست و خدا بزرگتر است هر زمانى كه‏

اللَّهَ شَىْ‏ءٌ، وَ كَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُكَبَّرَ، وَ كَما هُوَ اهْلُهُ، وَ كَما يَنْبَغى‏ لِكَرَمِ‏

چيزى خدا را بزرگ شمارد و آن گونه كه خدا دوست دارد كه بزرگ داشته شود و آن گونه كه او شايسته آن است و آن گونه كه سزاوار ذات‏

وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ للَّهِ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ

بزرگوار و عزّت و عظمت اوست، پاك و منزّه است خدا و حمد و سپاس مخصوص خداوند است و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر (از هر چيز) است‏

عَلى‏ كُلِّ نِعْمَةٍ انْعَمَ بِها عَلَىَّ، وَ عَلى‏ كُلِّ احَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كانَ اوْ

در برابر هر نعمتى كه به من وبه هر يك از مخلوقاتش داده است، مخلوقاتى كه بوده‏

يَكُونُ الى‏ يَوْمِ الْقِيمَةِ، اللهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و تا روز قيامت خواهد بود، خدايا من از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى‏

مُحَمَّدٍ، وَ اسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ ما ارْجُو، وَ خَيْرِ ما لا ارْجُو، وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ‏

و از بهترين آنچه اميد دارم و اميد ندارم از تو خواهانم‏

شَرِّ ما احْذَرُ، وَ مِنْ شَرِّ ما لا احْذَرُ.[[1590]](#footnote-1590)

و از شرّ آنچه مى‏ترسم و نمى‏ترسم به تو پناه مى‏برم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1035

24- اميرمؤمنان، على عليه السلام فرمود: پس از هر نماز مى‏خوانى:

الهى‏ هذِهِ صَلاتى‏ صَلَّيْتُها لا لِحاجَةٍ مِنْكَ الَيْها، وَ لا رَغْبَةٍ مِنْكَ فيها الَّا

اى معبود من اين نماز من است كه به جا آوردم نه به خاطر نياز تو به آن و نه اشتياق تو به آن،

تَعْظيماً وَطاعَةً وَاجابَةً لَكَ الى‏ ما امَرْتَنى‏ بِهِ، الهى‏ انْ كانَ فيها خَلَلٌ اوْ

بلكه به خاطر بزرگداشت و بندگى و پذيرش آنچه تو مرا به آن فرمان داده‏اى، اى معبود من اگر در

نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِها اوْ سُجُودِها، فَلا تُؤاخِذْنى‏ وَ تَفَضَّلْ عَلَىَّ بِالْقَبُولِ‏

ركوع يا سجود آن عيب يا كمبودى هست مرا مؤاخذه نكن و با پذيرش آن‏

وَالْغُفْرانِ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1591]](#footnote-1591)

و آمرزشم، بر من منّت گذار به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

25- همچنين در تعقيبات نماز اين دعا را مى‏خوانى، كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله آن را به على عليه السلام براى تقويت حافظه تعليم فرمود:

سُبْحانَ مَنْ لايَعْتَدى‏ عَلى‏ اهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يَأْخُذُ اهْلَ‏

پاك و منزّه است آن كسى كه بر كسانى كه تحت فرمان اويند ظلم نمى‏كند، پاك و منزّه است آن كسى كه اهل‏

الْأَرْضِ بِالْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الرَّؤُوفِ الرَّحيمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لى‏ فى‏

زمين را با عذابهاى گوناگون مجازات نمى‏كند، پاك و منزّه است (خداى) پر محبّت و مهربان، خدايا در

قَلْبى‏ نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَعِلْماً، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1592]](#footnote-1592)

دلم روشنايى و بينايى و فهم و علم را قرار ده كه تو بر هر چيز توانايى.

\*\*\*

26- در كتاب «بلدالامين» آمده است كه پس از نماز، سه بار بگو:

اعيذُ نَفْسى‏ وَ دينى‏ وَ اهْلى‏ وَ مالى‏ وَ وُلْدى‏، وَ اخْوانى‏ فى‏ دينى‏، وَ ما

خود و دين و خانواده و دارايى و فرزندان و برادران دينيم و آنچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1036

رَزَقَنى‏ رَبّى‏، وَ خَواتيمَ عَمَلى‏، وَ مَنْ يَعْنينى‏ امْرُهُ، بِاللَّهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ

پروردگارم روزيم نموده و عاقبت كارم و آن كسى كه سرنوشتش مورد توجّه من است را به خداى يگانه يكتاى‏

الصَّمَدِ الَّذى‏ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ‏

بى نياز مى‏سپارم كه نزاده و زاده نشده و براى او هيچگاه شبيه و مانندى نبوده و به پروردگار سپيده‏دم (مى‏سپارم)

شَرِّ ما خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ اذا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِى الْعُقَدِ،

از شرّ تمام آنچه آفريده و از شرّ هر موجود شرور هنگامى كه شبانه وارد مى‏شود و از شر آنها كه با افسون در گره‏ها مى‏دمند (و هر تصميمى را سست مى‏كنند)

وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ اذا حَسَدَ، وَبِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، الهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ

و از شرّ هر حسود هنگامى كه حسد مى‏ورزد، و به پروردگار مردم، به مالك و حاكم مردم به (خدا و) معبود مردم (مى‏سپارم) از شرّ

الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ، الَّذى‏ يُوَسْوِسُ فى‏ صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنةِ وَالنَّاسِ.[[1593]](#footnote-1593)

وسوسه‏گر پنهان‏كار كه درون سينه انسانها وسوسه مى‏كند، خواه از جن باشد يا انسان.

\*\*\*

27- «شيخ صدوق» رحمه الله در تعقيبات نماز مى‏گويد: پس از تسبيح حضرت فاطمه عليها السلام بگو:

اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ، وَ مِنْكَ السَّلامُ، وَ لَكَ السَّلامُ، وَ الَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ،

خدايا تويى سلام و از جانب توست سلام و براى توست سلام و به سوى تو باز مى‏گردد سلام،

سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ، وَ الْحَمْدُ

پاك و منزّه است پروردگار تو پروردگار عزّت از آنچه توصيفش كنند، و درود بر همه فرستادگان (خدا)، و حمد و سپاس‏

للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا النَّبِىُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ‏

مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است، سلام بر تو اى پيامبر و رحمت و بركات خدا بر تو باد، سلام‏

عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهادينَ الْمَهْدِيّينَ، السَّلامُ عَلى‏ جَميعِ انْبِيآءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ‏

بر امامان هدايت‏گر هدايت يافته سلام بر همه پيامبران خدا و فرستادگان‏

وَمَلائِكَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلى‏ عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىٍ‏

و فرشتگانش، سلام بر ما و بر بندگان شايسته خدا سلام بر على‏

اميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَىْ شَبابِ اهْلِ‏

اميرمؤمنان، سلام بر حسن و حسين آقا و سرور همه جوانان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1037

الْجَنَّةِ اجْمَعينَ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعابِدينَ، السَّلامُ‏

بهشت، سلام بر على بن حسين زينت عابدان، سلام‏

عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ باقِرِ عِلْمِ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلى‏ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد بن على شكافنده علم پيامبران، سلام بر جعفر بن محمّد

الصَّادِقِ، السَّلام عَلى‏ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكاظِمِ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ‏

صادق، سلام بر موسى بن جعفر كاظم، سلام بر على بن‏

مُوسَى الرِّضا، السَّلامُ عَلى‏ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ الْجَوادِ، السَّلامُ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ‏

موسى الرضا، سلام بر محمّد بن على جواد، سلام بر على بن‏

مُحَمَّدٍ الْهادى‏، السَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍ‏الزَّكِىِّ الْعَسْكَرِىِّ، السَّلامُ‏

محمّد هادى، سلام بر حسن بن على زكىّ عسگرى سلام‏

عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقآئِمِ‏الْمَهْدِىِّ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ.

بر حجّة بن حسنِ قائمِ مهدى، درود خدا بر تمامى ايشان باد.

پس از آن هر حاجتى كه دارى از خدا طلب كن.[[1594]](#footnote-1594)

\*\*\*

28- شيخ «كفعمى» در «مصباح» مى‏گويد: پس از هر نماز مى‏گويى:

رَضيتُ بِاللَّهِ رَبّاً، وبِالْإِسْلامِ ديناً، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وآلِهِ نَبِيّاً،

خشنودم به پروردگارى خدا و دين اسلام و پيامبرى محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-

وَبِعَلِىٍّ اماماً، وَبِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِىٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسى‏

و به امامت على و امامت حسن و حسين و على و محمّد و جعفر و موسى‏

وَعَلِىٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِىٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلَفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، ائِمَّةً

و على و محمّد و على و حسن و جانشين شايسته آنان (حضرت مهدى)- كه بر آنها درود باد- همان رهبران‏

وَسادَةً وَقادَةً، بِهِمْ اتَوَلّى‏، وَمِنْ اعْدآئِهِمْ اتَبَرَّءُ\* پس از آن سه بار بگو: اللَّهُمَّ انّى‏

و بزرگان و پيشوايان دين، آنان را دوست مى‏دارم و از دشمنانشان بيزارى مى‏جويم\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا

اسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعافِيَةَ، وَ الْمُعافاةَ فِى الدُّنْيا وَ الْاخِرَةِ.[[1595]](#footnote-1595)

عفو و سلامتى و تندرستى در دنيا و آخرت را از تو مى‏طلبم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1038

29- امام محمّد تقى عليه السلام فرمود: وقتى نماز را به پايان رساندى بگو:

رَضيتُ بِاللَّهِ رَبّاً، وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً، وَ بِالْإِسْلامِ ديناً، وَ بِالْقُرْآنِ كِتاباً، وَ بِعَلِىٍ‏

خشنودم به پروردگارى خدا و پيامبرى محمّد و دين اسلام و كتاب قرآن و امامت على‏

وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ عَلِىٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسى‏ وَ عَلِىٍّ وَ مُحَمَّد

و حسن و حسين و على و محمّد و جعفر و موسى و على و محمّد

وَعَلِىٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ ائِمَّةً، اللَّهُمَّ وَلِيُّكَ الْقائِمُ الحُجَّةُ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ‏

و على و حسن و حجّت امامان خود، خدايا حضرت حجّت ولىّ قائمت را از مقابل‏

يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ يَمينِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ،

و پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالاى سر و پايين پايش حفظ كن و

وَامْدُدُ لَهُ فى‏ عُمُرِهِ، واجْعَلْهُ الْقآئِمَ بِامْرِكَ، وَالْمُنْتَصِرَ لِدينِكَ، وَ ارِهِ ما

عمرش را طولانى گردان و او را به پا دارنده فرمانت و ياور دينت قرار ده و آنچه دوست دارد به او بنمايان‏

يُحِبُّ، وَ ما تَقِرُّ بِهِ عَيْنُهُ فى‏ نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ فى‏ اهْلِهِ وَ مالِهِ، وَ فى‏ شيعَتِهِ‏

و در مورد او و نسلش و خانواده و داراييش و شيعيان و دشمنانش آنچه مايه روشنى چشم اوست (به او بنمايان)،

وَ فى‏ عَدُوِّهِ، وَ ارِهِمْ‏مِنْهُ ما يَحْذَرُونَ، وَ ارِهِ فيهِمْ ما يُحِبُّ، وَ تَقِرُّ بِهِ‏

و آنچه را از جانب او مى‏ترسند نشانشان ده و در مورد آنها آنچه را دوست دارد و مايه روشنى‏

عَيْنُهُ، وَاشْفِ صُدُورَنا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنينَ.[[1596]](#footnote-1596)

چشم اوست نشانش ده و دل‏هاى ما و گروه مؤمنان را شفا بخش.

\*\*\*

30- امام محمّد تقى عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله پس از نماز مى‏گفت:

اللَّهُمَّ اغْفِرْلى‏ ما قَدَّمْتُ وَما اخَّرْتُ، وَ ما اسْرَرْتُ وَ ما اعْلَنْتُ، وَ اسْرافى‏

خدايا بر من ببخش آنچه پيش از اين انجام داده و پس از اين انجام مى‏دهم و آنچه پنهان و آشكار كرده‏

عَلى‏ نَفْسى‏، وَ ما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنّى‏، اللَّهُمَّ انْتَ الْمُقَدِّمُ وَ انْتَ الْمُؤَخِّرُ،

و بر نفسم زياده روى نمودم و آنچه تو از من به آن داناترى، خدايا تو قادر بر تقديم و تأخير حوادثى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1039

لاالهَ الَّا انْتَ، بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ، وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ، ما عَلِمْتَ‏

معبودى جز تو نيست، به حقّ علم غيبت و به حقّ قدرتت بر تمام مخلوقات، تا آن زمان كه‏

الْحَياةَ خَيْراً لى‏ فَاحْيِنى‏، وَ تَوَفَّنى‏ اذا عَلِمْتَ الْوَفاةَ خَيْراً لى‏، اللَّهُمَّ انّى‏

زندگى را براى من بهتر مى‏دانى پس مرا زنده بدار و در آن زمان كه مردنم را بهتر مى‏دانى مرا بميران، خدايا

اسْئَلُكَ خَشْيَتَكَ فِى السِّرِّ وَ الْعَلانِيَةِ، وَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِى الْغَضَبِ وَ الرِّضا،

ترس (از مجازات) تو در (اعمال) نهان و آشكارم، و گفتار حق در حال خشم و خشنودى،

وَالْقَصْدَ فِى الْفَقْرِ وَالْغَنا، وَ اسْئَلُكَ نَعيماً لايَنْفَدُ، وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لاتَنْقَطِعُ،

و ميانه روى در حال نياز و بى نيازى را از تو مى‏خواهم و نعمت بى‏پايان و روشنى چشم هميشگى را از تو خواهانم،

وَاسْئَلُكَ الرِّضا بِالْقَضآءِ، وَ بَرَكَةَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ، وَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ

و از تو مى‏خواهم خشنودى بر تقدير، و مبارك بودن مرگ بعد از زندگانى، و آرامش زندگى بعد از

الْمَوْتِ، وَ لَذَّةَ الْمَنْظَرِ الى‏ وَجْهِكَ، وَ شَوْقاً الى‏ رُؤْيَتِكَ وَ لِقآئِكَ، مِنْ غَيْرِ

مرگ، و لذّت ديدار رويت، و اشتياق ديدار و ملاقاتت را، بى آن كه‏

ضَرَّآءَ مُضِرَّةٍ، وَ لافِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللَّهُمَّ زَيِّنَّا بِزينَةِ الْإيمانِ، وَاجْعَلْنا هُداةً

ضررِ زيان بخشى و فتنه گمراه كننده‏اى داشته باشد، خدايا ما را به زيور ايمان زينت ده، و ما را هدايت كننده‏

مَهْديِّينَ، اللَّهُمَّ اهْدِنا فيمَنْ هَدَيْتَ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ عَزيمَةَ الرَّشادِ،

هدايت شده قرار ده، خدايا ما را در ميان آنان كه هدايت نمودى هدايت كن، خدايا استوارى معنوى و

وَالثَّباتَ فِى الْأَمْرِ وَ الرُّشْدَ، وَاسْئَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَ حُسْنَ عافِيَتِكَ،

پايدارى در كارها و هدايت را از تو مى‏خواهم و شكر بر نعمت و سلامتى نيكو و

وَاداءَ حَقِّكَ، وَاسْئَلُكَ يا رَبِّ قَلْباً سَليماً، وَ لِساناً صادِقاً، وَاسْتَغْفِرُكَ لِما

اداى حقّ (بندگى) ات را از تو خواهانم و اى پروردگار من دلى مطمئن و زبانى راستگو از تو مى‏خواهم و بر آنچه (از من) مى‏دانى‏

تَعْلَمُ، وَ اسْئَلُكَ خَيْرَ ما تَعْلَمُ، وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَعْلَمُ، فَانَّكَ تَعْلَمُ‏

آمرزش مى‏طلبم، و بهترين آنچه را مى‏دانى از تو مى‏خواهم و از بدترين آنچه مى‏دانى به تو پناه مى‏برم، كه تو مى‏دانى‏

وَلانَعْلَمُ، وَ انْتَ عَلّامُ الْغُيُوبِ.[[1597]](#footnote-1597)

و ما نمى‏دانيم و تو داناى نهان‏هايى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1040

يادآورى لازم:

آنچه در بالا آمد 30 روايت درباره تعقيبات مشترك از كتب معتبر بود؛ بديهى است غالب مردم قادر به انجام همه اين تعقيبات نيستند، بلكه اگر انجام همه اين تعقيبات آنها را از فعّاليّت‏هاى مهمّ زندگى بازدارد كار مطلوبى نيست؛ بنابراين هر كس به فراخور حال، از آنها گزينش مى‏كند و يا به طور متناوب آنها را مى‏خواند. مهم آن است كه انسان نشاط عبادت را حفظ كند و محتواى اين دعاها را در خود پياده نمايد تا به آن همه فيض و ثواب نائل گردد.

تعقيبات مخصوص هر نماز:

در اين بخش از تعقيبات، براى هر يك از نمازها تعقيب خاصّى روايت شده است كه هر كدام اهمّيّت بسيارى دارد.

تعقيبات نماز ظهر:

1- در تعقيبات نماز ظهر مى‏خوانى:

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَظيمُ الْحَليمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَريمُ، الْحَمْدُ للَّهِ‏

معبودى جز خداى بزرگ و شكيبا نيست، معبودى جز پروردگار عرش با عظمت نيست حمد و سپاس مخصوص خداوندى است‏

رَبِّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ، وَ عَزآئِمَ مَغْفِرَتِكَ،

كه پروردگار جهانيان است، خدايا موجبات رحمت و وسائل آمرزش‏

وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ، وَالسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ اثْمٍ، اللَّهُمَّ لاتَدَعْ لى‏ ذَنْباً الَّاغَفَرْتَهُ،

و بهره‏مندى از هر نيكى و دورى از هر گناه را از تو مى‏خواهم، خدايا هيچ گناهى براى من قرار نده مگر اينكه آن را بيامرزى‏

وَلا هَمّاً الَّا فَرَّجْتَهُ، وَ لا سُقْماً الَّا شَفَيْتَهُ، وَ لا عَيْباً الَّا سَتَرْتَهُ، وَ لا رِزْقاً

و هيچ گرفتارى مگر اينكه آن را برطرف سازى و هيچ بيمارى مگر اينكه آن را شفا دهى و هيچ عيبى مگر اينكه آن را بپوشانى و هيچ روزى‏

الَّا بَسَطْتَهُ، وَ لا خَوْفاً الَّا امَنْتَهُ، وَ لا سُوءً الَّا صَرَفْتَهُ، وَ لا حاجَةً هِىَ لَكَ‏

مگر اينكه آن را گسترش دهى و هيچ ترسى مگر اينكه مرا از آن ايمن سازى و هيج بدى مگر اينكه مرا از آن بازگردانى و هيچ حاجتى كه‏

رِضاً وَلِىَ فيها صَلاحٌ الَّاقَضَيْتَها، ياارْحَمَ‏الرَّاحِمينَ، امينَ رَبَ‏الْعالَمينَ.[[1598]](#footnote-1598)

موجب خشنودى تو و صلاح من در آن است مگر اينكه آن را روا كنى اى مهربانترين مهربانان، دعايم را بپذير اى پروردگار جهانيان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1041

2- و نيز مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ انْ عَظُمَتْ ذُنُوبى‏ فَانْتَ اعْظَمُ، وَ انْ كَبُرَ تَفْريطى‏ فَانْتَ اكْبَرُ، وَ انْ‏

خدايا اگر گناهانم عظيم است تو با عظمت‏ترى واگر كوتاهيم بزرگ است تو بزرگترى، و اگر

دامَ بُخْلى‏ فَانْتَ اجْوَدُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ [لى‏] عَظيمَ ذُنُوبى‏ بِعَظيمِ عَفْوِكَ،

من پيوسته بخيلم تو بخشنده‏ترى، خدايا از گناهان بزرگم به عظمت عفوت و

وَكَثيرَ تَفْريطى‏ بِظاهِرِ كَرَمِكَ، وَاقْمَعْ بُخْلى‏ بِفَضْلِ جُودِكَ، اللَّهُمَّ ما بِنا مِنْ‏

از فراوانى كوتاهيم به بخشش آشكارت درگذر، و بخلم را به فراوانى بخششت ريشه كن گردان، خدايا تمام نعمتهاى‏

نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لا الهَ الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُكَ وَ اتُوبُ الَيْكَ.[[1599]](#footnote-1599)

ما از جانب توست، معبودى جز تو نيست از تو آمرزش مى‏طلبم و به سوى تو باز مى‏گردم.

\*\*\*

3- از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه: امير مؤمنان عليه السلام بعد از نماز ظهر مى‏گفت:

اللَّهُمَّ انّى‏ اتَقَرَّبُ الَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، وَ اتَقَرَّبُ الَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ‏

خدايا به واسطه بخشش و كرمت و به واسطه محمّد، بنده‏

وَرَسُولِكَ، وَاتَقَرَّبُ الَيْكَ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَانْبِيآئِكَ الْمُرْسَلينَ، وَبِكَ‏

و فرستاده‏ات، و به واسطه فرشتگان مقرّب و پيامبران مرسلت و به واسطه تو به درگاهت تقرب مى‏جويم،

اللَّهُمَّ انْتَ الْغَنِىُّ عَنّى‏، وَبِىَ الْفاقَةُ الَيْكَ، انْتَ الْغَنِىُّ وَ ا نَا الْفَقيرُ الَيْكَ،

خدايا تو از من بى نيازى و من به تو نيازمندم، تويى بى نياز و منم نيازمند تو،

اقَلْتَنى‏ عَثْرَتى‏، وَ سَتَرْتَ عَلَىَّ ذُ نُوبى‏، فَاقْضِ الْيَوْمَ حاجَتى‏، وَ لا

لغزشم را بخشيدى و گناهانم را بر من پوشاندى پس در اين روز حاجتم را برآور و

تُعَذِّبْنى‏ بِقَبيحِ ما تَعْلَمُ مِنّى‏، بَلْ عَفْوُكَ وَ جُودُكَ يَسَعُنى‏\* آنگاه حضرت‏ مرا به زشتى آنچه از من مى‏دانى عذاب مكن، بلكه (اميدوارم) گذشت و بخششت مرا فراگيرد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

به سجده رفت و مى‏گفت: يا اهْلَ التَّقْوى‏ وَ يا اهْلَ الْمَغْفِرَةِ، يا بَرُّ يا رَحيمُ، انْتَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى شايسته پرهيزكارى و اى شايسته آمرزش، اى نيكوكار، اى مهربان، تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 1042

ابَرُّ بى‏ مِنْ ابى‏ وَ امّى‏ وَ مِنْ جَميعِ الْخَلائِقِ، اقْبَلْنى‏ بِقَضآءِ حاجَتى‏،

نسبت به من از پدر و مادر و همه مخلوقات مهربان‏ترى، با برآوردن حاجتم مرا بپذير

مُجاباً دُعائى‏، مَرْحُوماً صَوْتى‏، قَدْ كَشَفْتَ انْواعَ الْبَلاءِ عَنّى‏.[[1600]](#footnote-1600)

در حالى كه خواسته‏ام را اجابت كرده و صدايم را مورد رحمتت قرار داده و انواع گرفتاريها را از من دور كرده باشى.

\*\*\*

تعقيبات نماز عصر:

1- اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ،

آمرزش مى‏طلبم از خدايى كه معبودى جز او زنده و پاينده و بخشنده و مهربان نيست،

ذُوالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، وَاسْئَلُهُ انْ يَتُوبَ عَلَىَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَليلٍ خاضِعٍ، فَقيرٍ

كه صاحب جلال و بزرگوارى است و از او مى‏خواهم توبه‏ام را بپذيرد، توبه‏اى همانند توبه بنده فرمانبردار و فروتن‏

بآئِسٍ، مِسْكينٍ مُسْتَكينٍ مُسْتَجيرٍ، لا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لا ضَرّاً، وَ لا

و نيازمند و پريشان حال و بيچاره و درمانده و پناهنده‏اى كه مالك سود و زيان و

مَوْتاً وَ لا حَياةً وَ لا نُشُوراً.[[1601]](#footnote-1601)

مرگ و زندگى و زنده شدن دوباره‏اش نمى‏باشد.

2- اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ‏

خدايا به تو پناه مى‏برم از نفسى كه سير نشود، و از دلى كه خاشع نگردد، و از دانشى كه‏

لا يَنْفَعُ، وَمِنْ صَلاةٍ لا تُرْفَعُ، وَ مِنْ دُعآءٍ لا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ‏

سود نبخشد، و از نمازى كه (به درگاه تو) بالا نرود و از دعايى كه پذيرفته نشود، خدايا

الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَ الرَّخآءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ، اللَّهُمَّ ما بِنا

آسانى بعد از دشوارى و گشايش پس از گرفتارى و آسايش بعد از سختى را از تو مى‏خواهم، خدايا تمام‏

مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لا الهَ الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُكَ وَ اتُوبُ الِيْكَ.[[1602]](#footnote-1602)

نعمتهاى ما از جانب توست، معبودى جز تو نيست از تو آمرزش مى‏طلبم و به سوى تو باز مى‏گردم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1043

3- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه هر كس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار كند، خداوند هفتصد گناه وى را بيامرزد.[[1603]](#footnote-1603)

\*\*\*

تعقيبات نماز مغرب:

شيخ در «مصباح المتهجّد» مى‏گويد:

پس از نماز مغرب و بعد از ذكر تسبيحات حضرت زهرا عليها السلام مى‏گويى:

1- انَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ، يا ايُّهَا الَّذينَ امَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ‏

خدا و فرشتگانش بر پيامبر درود مى‏فرستند اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد بر او درود فرستيد و

وَ سَلِّمُوا تَسْليماً، اللهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ، وَ عَلى‏ ذُرِّيَّتِهِ وَ صَلِ‏

سلام گوييد و كاملًا تسليم (فرمان او) باشيد، خدايا بر پيامبر (ما) محمّد و بر

عَلى‏ اهْلِ بَيْتِهِ.[[1604]](#footnote-1604)

نسل و خانواده‏اش درود فرست.

2- سپس هفت مرتبه مى‏گويى:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.[[1605]](#footnote-1605)

به نام خداوند بخشنده مهربان هيچ پناهگاه و قدرتى جز براى خداوند بلند مرتبه و با عظمت نيست.

3- سه‏مرتبه‏مى‏گويى: الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى‏ يَفْعَلُ ما يَشآءُ، وَ لا يَفْعَلُ مايَشآءُ غَيْرُهُ.[[1606]](#footnote-1606)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه هر چه بخواهد انجام مى‏دهد و كسى جز او نمى‏تواند آنچه خواهد انجام دهد.

4- بعد از آن مى‏گويى: سُبْحانَكَ لا الهَ الَّا انْتَ، اغْفِرْ لى‏ ذُنُوبى‏ كُلَّها جَميعاً،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پاك و منزّهى تو كه معبودى جز تو نيست، تمامى گناهانم را بيامرز كه‏

فَانَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّها الَّا انْتَ.[[1607]](#footnote-1607)

كسى جز تو تمامى گناهان را نيامرزد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1044

5- آنگاه نافله مغرب را مى‏خوانى كه چهار ركعت است (هر دو ركعت به يك سلام) و ميان نماز مغرب و نافله آن، سخن نمى‏گويى.[[1608]](#footnote-1608) مرحوم «شيخ طوسى» فرموده، روايت شده است: در ركعت اوّل- بعد از حمد- سوره «قل يا ايّها الكافرون» را بخواند و در ركعت دوم، سوره «قل هو اللَّه احد» و در دو ركعت بعدى، هر سوره‏اى را خواست بخواند و در روايتى آمده است كه امام حسن عسكرى عليه السلام در ركعت سوم پس از حمد، آيات نخستين سوره حديد تا آيه ششم (و هو عليم بذات الصّدور) را مى‏خواند و در ركعت چهارم پس از حمد، آخر سوره حشر از «لو أنزلنا هذا القرآن على جبل» را تا آخر سوره تلاوت مى‏كرد.[[1609]](#footnote-1609) مستحب است در سجده آخر نوافل در هر شب، مخصوصاً در شب جمعه هفت مرتبه بخواند:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَ اسْمِكَ الْعَظيمِ، وَ مُلْكِكَ الْقَديمِ، انْ تُصَلِّىَ‏

خدايا به حق ذات بزرگوارت و اسم با عظمت و فرمانروايى ديرينه‏ات از تو مى‏خواهم كه بر محمّد

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْ تَغْفِرَ لى‏ ذَنْبِىَ الْعَظيمَ، انَّهُ لايَغْفِرُ الْعَظيمَ الَّا الْعَظيمُ.[[1610]](#footnote-1610)

و خاندان پاكش درود فرستى و گناه بزرگم را بيامرزى كه (گناه) بزرگ را جز (پروردگار) با عظمت نيامرزد.

6- پس از انجام نافله، اين تعقيبات نيز وارد شده است:

الف) ما شآءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ‏ (ده مرتبه).[[1611]](#footnote-1611) آنچه خدا بخواهد (مى‏شود)، قدرتى جز براى خدا نيست، از خدا آمرزش مى‏طلبم.

ب) اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ، وَ عَزآئِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَ النَّجاةَ

خدايا موجبات رحمت و وسائل آمرزش و رهايى از آتش‏

مِنَ النَّارِ وَ مِنْ كُلِّ بِلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالرِّضْوانِ فى‏ دارِ السَّلامِ،

و هر گرفتارى و رسيدن به بهشت و خشنودى در جايگاه امن‏

وَجِوارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، اللَّهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لا الهَ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1044**

و همسايگى پيامبرت محمّد- كه بر او و خاندان پاكش درود باد- را از تو مى‏خواهم، خدايا تمام نعمتهاى ما از جانب توست، معبودى‏

الَّا انْتَ، اسْتَغْفِرُكَ وَ اتُوبُ الَيْكَ.[[1612]](#footnote-1612)

جز تو نيست، از تو آمرزش مى‏طلبم و به سوى تو باز مى‏گردم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1045

7- پس از انجام نوافل و تعقيبات، سجده شكر به جاى مى‏آورى و كمترين سجده شكر آن است كه سه بار بگويى:

شُكْراً شُكْراً شُكْراً

؛ همان طور كه در بخش سجده شكر (صفحه 1056) بيان مى‏شود.

8- از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه وقتى نماز مغرب به پايان رسيد بر پيشانى خود دست بكش و سه بار بگو: بِسْمِ اللَّهِ الَّذى‏ لا الهَ الَّا هُوَ، عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ، الرَّحْمنُ‏

\*\*\*\* به نام خداوندى كه معبودى جز او نيست، داناى نهان و آشكار است، بخشنده و

الرَّحيمُ، اللّهُمَّ اذْهِبْ عَنِّى الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَ الْحَزَنَ.[[1613]](#footnote-1613)

مهربان است، خدايا اندوه و گرفتارى و غم را از ما دور كن.

نماز غفيله:

9- ميان نماز مغرب و عشا نماز غفيله را (به نيّت قربت مطلقه) مى‏خوانى كه دو ركعت است و در ركعت اوّل پس از حمد، مى‏خوانى:

وَ ذَا النُّونِ اذْ ذَهَبَ مُغاضِباً، فَظَنَّ انْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنادى‏ فِى‏

وذاالنون‏ [/ يونس‏] را (به يادآور) در آن هنگام كه خشمگين (از ميان قوم خود) رفت و چنين مى‏پنداشت كه ما بر او تنگ نخواهيم گرفت (امّا موقعى كه در كام نهنگ فرو رفت) در

الظُّلُماتِ انْ لا الهَ الَّا انْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمينَ، فَاسْتَجَبْنا

آن تاريكيها صدا زد (خداوندا) جز تو معبودى نيست منزّهى تو من از ستمكاران بودم، ما دعاى او را به اجابت رسانديم‏

لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذلِكَ نُنْجِى الْمُؤْمِنينَ. و در ركعت دوم پس از حمد مى‏خوانى:

و از آن اندوه نجاتش بخشيديم و اين‏گونه مؤمنان را نجات مى‏دهيم.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها الّا هُوَ، وَ يَعْلَمُ ما فِى الْبَّرِ وَ الْبَحْرِ، وَ ما

و كليدهاى غيبت تنها نزد اوست و جز او كسى آنها را نمى‏داند، او آنچه را در خشكى و درياست مى‏داند هيچ‏

تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ الّا يَعْلَمُها، وَ لا حَبَّةٍ فى‏ ظُلُماتِ الْارْضِ، وَ لا رَطْبٍ‏

برگى (از درختى) نمى‏افتد مگر اينكه از آن آگاه است و نه هيچ دانه‏اى در تاريكيهاى زمين و نه هيچ تر

وَلا يابِسٍ الَّا فِى كِتابٍ مُبينٍ. پس از آن دستها را براى قنوت بالا مى‏برى و در قنوت‏ و خشكى وجود دارد جز اين كه در كتابى آشكار [/ علم خدا] ثبت است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏گويى: اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِمَفاتِحِ الْغَيْبِ الَّتى‏ لا يَعْلَمُها الَّا انْتَ، انْ تُصَلِّىَ‏

\*\*\*\* خدايا به حقّ كليدهاى غيب كه كسى جز تو از آنها آگاه نيست از تو مى‏خواهم كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1046

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْ تَفْعَلَ بى‏ كَذا وَ كَذا. به جاى كلمات «كذا و كذا» حاجت خود را بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و درباره‏ام چنين و چنان كنى\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بيان مى‏كنى (مثلًا مى‏گويى:

وَ انْ تَرْزُقَنِى‏ خَيْرَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ

) پس از آن مى‏خوانى: اللَّهُمَّ انْتَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* (و خير دنيا و آخرت را روزيم كن)\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا تويى‏

وَلِىُّ نِعْمَتى‏، وَ الْقادِرُ عَلى‏ طَلِبَتى‏، تَعْلَمُ حاجَتى‏، فَاسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

ولى نعمتم، و توانا بر (بر آوردن) نيازم، حاجتم را مى‏دانى، به حق محمّد و خاندان پاكش- كه‏

وَآلِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، لَمَّا قَضَيْتَها لى‏.

بر او و خاندانش درود باد- از تو مى‏خواهم كه آنها را برايم اجابت كنى.

مطابق روايتى از امام صادق عليه السلام هر كس چنين كند و حاجت خود را از خدا بخواهد، خداوند حاجتش را برآورده سازد.[[1614]](#footnote-1614)

\*\*\*

تعقيبات نماز عشا:

در تعقيب نماز عشا آيات و اذكار زير وارد شده است:

1- هفت مرتبه سوره قدر.[[1615]](#footnote-1615) 2- آنگاه مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمواتِ السَّبْعِ وَ ما اظَلَّتْ، وَ رَبَّ الْأَرَضينَ السَّبْعِ وَ ما

خدايا اى پروردگار آسمانهاى هفت‏گانه و آنچه بر آن سايه انداخته، و اى پروردگار زمينهاى هفت‏گانه و آنچه را

اقَلَّتْ، وَرَبَّ الشَّياطينِ وَ ما اضَلَّتْ، وَ رَبَّ الرِّياحِ وَ ما ذَرَتْ، اللَّهُمَّ رَبَ‏

بر خود حمل كرده، و اى پروردگار شيطانها و كسانى را كه گمراه كرده‏اند، و اى پروردگار بادها و آنچه را پراكنده‏اند، خدايا اى پروردگار

كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ الهَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ مَليكَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، انْتَ اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ عَلى‏ كُلِ‏

همه چيز و معبود هر چيز و فرمانرواى همه چيز، تويى خدايى كه بر هر چيز توانايى،

شَىْ‏ءٍ، انْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فَلا شَىْ‏ءَ قَبْلَكَ، وَانْتَ الْأخِرُ فَلا شَىْ‏ءَ بَعْدَكَ،

تويى اوّلى كه چيزى قبل از تو نبوده و تويى انتهايى كه چيزى بعد از تو نخواهد بود،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1047

وَانْتَ الظَّاهِرُ فَلا شَىْ‏ءَ فَوْقَكَ، وَ انْتَ الْباطِنُ فَلا شَىْ‏ءَ دُونَكَ، رَبَ‏

و تويى آشكار كه چيزى برتر از تو نيست و تويى نهان كه چيزى جز تو نيست اى پروردگار

جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ اسْرافيلَ، وَ الِهَ ابْراهيمَ‏ [وَاسْمعيلَ‏][[1616]](#footnote-1616)، وَ اسْحقَ‏

جبرائيل و ميكائيل و اسرافيل و اى معبود ابراهيم‏ [و اسماعيل‏] و اسحاق‏

وَيَعْقُوبَ‏ [وَالأَسْباطِ][[1617]](#footnote-1617)، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْ‏

و يعقوب‏ [و اسباط]، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و به‏

تَوَلّانى بِرَحْمَتِكَ، وَلا تُسَلِّطَ عَلَىَّ احَداً مِنْ خَلْقِكَ مِمِّنْ لا طاقَةَ لى‏ بِهِ،

رحمتت مرا سرپرستى كنى و هيچ يك از مخلوقاتت را كه من توان مقابله با آن را ندارم بر من مسلّط مگردانى،

اللَّهُمَّ الَيْكَ فَحَبِّبْنى‏، وَ فِى النَّاسِ فَعَزِّزْنى‏، وَ مِنْ شَرِّ الشَّياطينِ الْجِنِ‏

خدايا نزد خودت مرا دوست بدار و در ميان مردم مرا گرامى بدار، و مرا از شرّ شيطانهاى جنّى‏

وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنى، يا رَبَّ الْعالَمينَ، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. سپس آنچه‏ و انسى حفظ نما، اى پروردگار جهانيان، و بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.\*\*\*\*\*

دوست دارى از خدا طلب كن.[[1618]](#footnote-1618) 3- آنگاه سجده شكر به جا مى‏آورى.[[1619]](#footnote-1619) 4- در پايان، نماز وتيره (نافله عشا) را مى‏خوانى‏[[1620]](#footnote-1620) (چگونگى آن در آداب نماز عشا، صفحه 1015 گذشت).

تعقيبات نماز صبح:

تعقيب نماز صبح از تعقيب ساير نمازها بيشتر و تأكيد بر آن فزونتر، واحاديث فراوانى در فضيلت آن وارد شده است؛ ولى همان گونه كه قبلًا هم گفته‏ايم هر كس به فراخور حال خويش هر مقدار كه بتواند به جاى مى‏آورد.

1- اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: «ذكر خدا، بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، حتّى از مسافرت تجارتى نيز، در جلب روزى مؤثّرتر است».[[1621]](#footnote-1621)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1048

2- پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: «هر كس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مصلّاى خويش بنشيند و به تعقيب نماز مشغول باشد، خداوند او را از آتش دوزخ محفوظ دارد».[[1622]](#footnote-1622) 3- امام باقر عليه السلام فرمود: «شيطان لشكر خويش را از زمان طلوع صبح تا طلوع آفتاب در زمين پراكنده مى‏كند، و همچنين لشكر شب خود را از غروب آفتاب تا از بين رفتن سرخى مغرب، منتشر مى‏سازد. از اين رو پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله مى‏فرمود: در اين دو وقت خدا را بسيار ياد كنيد، چرا كه در اين دو وقت، شيطان آدمى را از ياد خدا غافل مى‏كند».[[1623]](#footnote-1623) 4- به سند صحيح از امام رضا عليه السلام روايت شده است، كه آن حضرت هنگامى كه در خراسان بودند، پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب در مصلّاى خويش مى‏نشستند و تعقيبات را به جاى مى‏آوردند، سپس مسواك‏هاى آن حضرت را مى‏آوردند و آن حضرت با آنها مسواك مى‏كرد آنگاه به تلاوت قرآن مجيد مى‏پرداخت.[[1624]](#footnote-1624) 5- از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله روايت شده است كه: هر كس پس از نماز صبح، در مصلّاى خويش، تا هنگام طلوع آفتاب به تعقيب مشغول باشد و ياد خدا نمايد، پاداش حج را دارد.[[1625]](#footnote-1625) 6- در حديث قدسى آمده است كه خداوند فرمود: «اى فرزند آدم! بعد از صبح ساعتى و بعد از عصر نيز ساعتى مرا ياد كن، تا همه امور تو را كفايت كنم».[[1626]](#footnote-1626)

دعاها، ذكرها و آياتى كه در تعقيب نماز صبح وارد شده است:

1- «شيخ صدوق» به سند معتبر از امام باقر عليه السلام روايت كرده است كه: هر كس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار كند و بگويد:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّى وَ أَتُوبُ إلَيْهِ‏

خداوند او را بيامرزد.[[1627]](#footnote-1627) 2- «شيخ صدوق» به سند صحيح از امير مؤمنان عليه السلام روايت كرده است كه: هر كس بعد از نماز صبح، يازده مرتبه سوره «توحيد» را بخواند، در آن روز به گناهى دچار نمى‏شود هرچند شيطان تلاش كند.[[1628]](#footnote-1628) 3- مرحوم «شيخ كلينى» به سند صحيح از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه: هر كس بعد از نماز صبح صد بار بگويد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1049

ما شاءَ اللَّهُ كانَ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيم.

آنچه خدا بخواهد (مى‏شود)، و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلند مرتبه و با عظمت نيست.

در آن روز هيچ ناگوارى نمى‏بيند.[[1629]](#footnote-1629) اين روايت را مرحوم «شيخ طوسى» و بزرگان ديگر نيز در كتب دعا ذكر كرده‏اند.[[1630]](#footnote-1630) 4- از امام باقر عليه السلام روايت شده است كه: هر كس سوره «قدر» را پس از طلوع فجر هفت بار بخواند، هفتاد صف از فرشتگان بر او درود مى‏فرستند و هفتاد مرتبه براى او طلب رحمت مى‏كنند.[[1631]](#footnote-1631) 5- از امام موسى كاظم عليه السلام روايت شده است كه مردى نزد آن حضرت آمد و از شغل و حرفه خويش شكايت كرد و گفت: به هر كارى دست مى‏زنم سودى نمى‏برم و به هر حاجتى كه روى مى‏آورم، برآورده نمى‏شود (و همه درها به رويم بسته شده است) امام عليه السلام فرمود: پس از نماز صبح ده مرتبه بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ الْعَظيمِ وَ بِحَمْدِهِ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.

پاك و منزّه است خداوند با عظمت و او را سپاس مى‏گويم، از خدا آمرزش مى‏طلبم و از فضل و كرم او خواهانم.

آن مرد مى‏گويد: مدّت اندكى بر اين كار مداومت ورزيدم كه مشكلات من حل شد.[[1632]](#footnote-1632) در كتاب «كافى» و «مكارم الاخلاق» روايت شده است كه مردى به امام كاظم عليه السلام عرض كرد: دعايى به من بياموز كه جامع دنيا و آخرت باشد و مختصر و آسان نيز باشد، آن حضرت همين دعا را به وى آموخت و فرمود كه بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب آن را بخواند؛ آن مرد نيز چنين كرد و بر آن مداومت ورزيد، در نتيجه وضعش خوب شد.[[1633]](#footnote-1633) 6- عبداللَّه بن سنان روايت كرده است كه خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم، آن حضرت فرمود: آيا مى‏خواهى دعايى به تو بياموزم كه با خواندن آن خداوند دَيْن تو را ادا كند و وضع و حالت خوب شود؟ گفتم:

چه قدر به چنين دعايى نيازمندم. امام عليه السلام فرمود: بعد از نماز صبح بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الْقَيُّومِ الَّذى‏ لا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ

بر زنده پاينده‏اى كه هرگز نميرد توكل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه‏

وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ كَبِّرْهُ‏

فرزندى نگرفت، و شريكى در حكومت ندارد، و ضعف و ذلّتى ندارد كه نيازمند حامى و سرپرستى باشد و (لذا به خود مى‏گويم) او را بسيار بزرگ بشمار،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1050

تَكْبيراً، اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ‏

خدايا از بدبختى و فقر و فشار بدهكارى و بيمارى به تو پناه مى‏برم‏

وَالسُّقْمِ، وَ اسْئَلُكَ انْ تُعينَنى‏ عَلى‏ ادآءِ حَقِّكَ الَيْكَ وَالَى النَّاسِ.[[1634]](#footnote-1634)

و از تو مى‏خواهم كه در اداى حق خويش و مردم مرا يارى نمايى.

\*\*\*

7- علّامه مجلسى مى‏نويسد: مرحوم «طبرسى» و «كفعمى» و علماى ديگر از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت كرده‏اند كه آن حضرت به اصحاب خود فرمود: آيا نمى‏توانيد هر صبح و شام عهدى را از نزد خداوند بگيريد؟ گفتند: چگونه عهد بگيريم؟ فرمود: هر كس اين دعا را بخواند، بر آن دعا مهرى مى‏زنند و تحت عرش الهى مى‏گذارند و چون روز قيامت فرا رسد، منادى ندا مى‏دهد: كجايند آنان كه نزد خداى رحمان عهدى دارند و هر كس آن دعا را خوانده باشد، آن عهد را به او دهند و با آن عهدنامه، داخل بهشت شود.[[1635]](#footnote-1635) مرحوم «شيخ طوسى» اين دعا (و عهدنامه) را در تعقيب نماز صبح آورده است:

اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، الرَّحْمنَ‏

خدايا اى پديد آورنده آسمانها و زمين، اى داناى نهان و آشكار، بخشنده‏

الرَّحيمَ، اعْهَدُ الَيْكَ فى‏ هذِهِ الدُّنْيا انَّكَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، وَحْدَكَ لا

و مهربانى، در اين دنيا با تو پيمان مى‏بندم كه تويى خدايى كه معبودى جز تو نيست، يگانه‏اى‏

شَريكَ لَكَ، وَانَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، اللَّهُمَ‏

كه همتايى ندارى، و اينكه محمّد، كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بنده و فرستاده توست، خدايا

فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلا تَكِلْنى‏ الى‏ نَفْسى‏ طَرْفَةَ عَيْنٍ ابَداً، وَلا الى‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا هرگز به اندازه چشم برهم زدن به خودم و

احَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَانَّكَ انْ وَكَلْتَنى‏ الَيْها تُباعِدْنى‏ مِنَ الْخَيْرِ، وَتُقَرِّبْنى‏ مِنَ‏

هيچ يك از آفريدگانت وامگذار، كه اگر مرا به آنها واگذار كنى مرا از نيكى دور كرده و به‏

الشَّرِّ، اىْ رَبِّ لا اثِقُ الَّا بِرَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ،

بدى نزديك نموده‏اى، اى پروردگار من جز به رحمتت اطمينان ندارم، پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1051

وَاجْعَلْ لى‏ عِنْدَكَ عَهْداً تُؤَدّيهِ الَىَّ يَوْمَ الْقِيمَةِ، انَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ.[[1636]](#footnote-1636)

و براى من در نزد خودت پيمانى قرار ده كه روز قيامت به من بازگردانى زيرا تو در وعده‏ات تخلّف نمى‏كنى.

8- در روايتى نقل شده است كه هر كس بعد از نماز صبح صد بار بگويد: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خداوند او را از آتش جهنم حفظ فرمايد.[[1637]](#footnote-1637) محمّد و خاندان پاكش درود فرست.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*.

\*\*\*

در تعقيبات نماز صبح اين امور نيز وارد شده است:

1- ده مرتبه مى‏گويى:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْاوْصِيآءِ الرَّاضينَ الْمَرْضِيّينَ‏

خدايا به بهترين درودهايت بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، آن جانشينانى كه از تو خشنودند و تو نيز از آنان خشنودى،

بِافْضَلِ صَلَواتِكَ، وَبارِكْ عَلَيْهِمْ بِافْضَلِ بَرَكاتِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلى‏

و به بهترين بركاتت به ايشان بركت ده، و درود باد بر ايشان و

ارْواحِهِمْ وَاجْسادِهِمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ.[[1638]](#footnote-1638)

ارواحشان و بدنهايشان و رحمت و بركات خدا بر ايشان باد.

\*\*\*

2- خواندن اين صلوات كه براى خواندنش بعد از نماز ظهر و عصر جمعه، فضيلت فراوانى وارد شده است‏[[1639]](#footnote-1639) و «شيخ طوسى» آن را در تعقيبات نماز صبح آورده است:

اللَّهُمَّ احْيِنى‏ عَلى‏ ما احْيَيْتَ عَلَيْهِ عَلِىَّ بْنَ ابى‏ طالِبٍ، وَامِتْنى‏ عَلى‏ ما

خدايا بر آنچه كه على بن ابى طالب را بر آن زنده داشتى مرا زنده بدار، و بر آنچه‏

ماتَ عَلَيْهِ عَلِىُّ بْنُ ابى‏ طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ.[[1640]](#footnote-1640)

كه على بن ابى طالب- كه بر او درود باد- را از جهان بردى، مرا بميران.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1052

3- پس از آن بگو: اصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ الْمَنيعِ، الَّذى‏ لا يُطاوَلُ‏

\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا صبح نمودم در حالى كه به نگهبانى مستحكمت پناهنده‏ام‏

وَلايُحاوَلُ، مِنْ‏ [شَرِّ] كُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ، مِنْ سآئِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ‏

كه مورد حمله و تجاوز واقع نمى‏شود. از شرّ هر ستمكار و راهزن، از تمامى مخلوقاتت و

مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ، فى‏ جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ

آفريدگان خاموش و گويايت، در زير سپرى نگهدارنده از هر ترسناك با جامه‏اى بلند و افتاده كه همان‏

وَلاءِ اهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قاصِدٍ لى‏ الى‏ اذِيَّةٍ، بِجِدارٍ حَصينٍ‏

محبّت و دوستى خاندان پيامبر توست، درحالى كه از هر كسى كه قصد آزار مرا نموده حفظم مى‏كنى، با ديوارى محكم كه همان‏

الْإِخْلاصِ فِى الْإِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ، وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِناً انَّ الْحَقَّ لَهُمْ‏

خلوص در اعتراف به حق آنها و تمسّك به‏ريسمان (محبّت) آنهاست، درحالى‏كه يقين‏دارم حق‏براى ايشان‏

وَمَعَهُمْ وَفيهِمْ وَبِهِمْ، اوالى‏ مَنْ والَوْا، وَ اجانِبُ مَنْ جانَبُوا، فَاعِذْنِى‏ اللَّهُمَ‏

و با ايشان و در ميان ايشان و به واسطه ايشان است، دوست دارم آن كسى را كه آنان دوست دارند و دورى مى‏كنم از آن كسى كه آنان دورى مى‏كنند، خدايا

بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ ما اتَّقيهِ، يا عَظيمُ حَجَزْتُ الْأَعادِىَ عَنّى‏ بِبَديعِ‏

به حق آنها مرا از شرّ هر چه از آن مى‏پرهيزم حفظ فرما، اى خداى با عظمت به كمك پديدآورنده‏

السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، انَّا جَعَلْنا مِنْ‏بَيْنِ ايْديهِمِ سَدّاً وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً

آسمانها و زمين دشمنان را از خود دور ساختم، (كه تو فرمودى:) به يقين ما در پيش روى آنان سدّى قرار داديم و در پشت سرشان سدّى‏

فَاغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ.[[1641]](#footnote-1641)

و چشمانشان را پوشانده‏ايم لذا نمى‏بينند.

اين دعايى است كه در هر صبح و شام مى‏توان آن را خواند و اين همان دعايى است كه امير مؤمنان عليه السلام در ليلة المبيت (شبى كه به جاى رسول خدا، در بسترش خوابيد تا پيامبر از دست مشركان مكّه نجات يابد) آن را خواند.[[1642]](#footnote-1642) 4- مطابق روايتى از امام على بن موسى الرضا عليهما السلام هر كس بعد از نماز صبح يكصد مرتبه بگويد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيم‏

» اين ذكر به اسم اعظم از سياهى چشم به سفيدى آن نزديكتر است.[[1643]](#footnote-1643)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1053

5- از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه آن حضرت فرمود: اين دعا را براى امور دنيا و آخرت و برطرف شدن درد چشم، بعد از نماز صبح و مغرب بخوانند:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

خدايا به حقّى كه محمّد و خاندانش بر تو دارند از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النُّورَ فى‏ بَصَرى‏، وَ الْبَصيرَةَ فى‏ دينى‏، وَ الْيَقينَ فى‏

خاندان پاكش درود فرستى و قرار دهى روشنايى را در ديده‏ام و بينايى را در دينم، و يقين را در

قَلْبى‏، وَ الْإِخْلاصَ فى‏ عَمَلى‏، وَ السَّلامَةَ فى‏ نَفْسى‏، وَ السَّعَةَ فى‏ رِزْقى‏،

دلم، و اخلاص را در كردارم و سلامتى را در وجودم و گشايش را در روزيم‏

وَ الشُّكْرَ لَكَ ابَداً ما ابْقَيْتَنى‏.[[1644]](#footnote-1644)

و شكرگزاريت را پيوسته مادامى مرا باقى بدارى.

\*\*\*

6- در روايتى از امام محمّد تقى عليه السلام نقل شده است كه آن حضرت فرمود: هر كس پس از نماز صبح اين دعا را بخواند، خواسته‏هايش از خداوند به آسانى به دست آيد و آنچه را كه او بخواهد و آهنگ آن كند، خداوند كفايتش فرمايد و آن را برآورده سازد؛ اين دعا، مطابق نقل «مفتاح الفلاح» چنين است:

بِسْمِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَ افَوِّضُ امْرى‏ الَى اللَّهِ، انَّ اللَّهَ‏

به‏نام خدا و درودخدا بر محمّدو خاندان‏پاكش، و كارم را به‏خدا واگذار مى‏كنم به‏يقين خداوند

بَصيرٌ بِالْعِبادِ، فَوَقيهُ اللَّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا، لا الهَ إلَّاانْتَ، سُبْحانَكَ انّى‏

به (حال) بندگانش آگاه است (تو خود فرمودى آن‏كس كه‏اين سخن را گفت) خداوند او را از بديهاى مكر كنندگان حفظ كرد، معبودى جز تو نيست، منزّهى تو و من از

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمينَ، فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ، وَ كَذلِكَ نُنْجِى‏

ستمكاران بودم (تو خود فرمودى) ما دعاى او را به اجابت رسانديم و از آن اندوه نجاتش بخشيديم، و اين گونه‏

الْمُؤْمِنينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ، فَاْنَقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ‏

مؤمنان را نجات مى‏دهيم، خداوند ما را كافى است و او بهترين حامى ماست (تو خود فرمودى آنها كه اين سخن را گفتند) با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند

يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ، ما شآءَ اللَّهُ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللَّه، ما شآءَ اللَّهُ لا ما

در حالى كه هيچ ناراحتى به آنان نرسيد، آنچه خدا بخواهد (مى‏شود)، پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند نيست، آنچه خدا بخواهد نه آنچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1054

شآءَ النَّاسُ، ما شآءَ اللَّهُ وَ انْ كَرِهَ النَّاسُ، حَسْبِىَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبينَ،

مردم بخواهند (مى‏شود)، آنچه خدا بخواهد و اگر چه مردم نپسندند، پروردگار مرا از مردم بى نياز مى‏كند،

حَسْبِىَ الْخالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقينَ، حَسْبِىَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقينَ، حَسْبِىَ‏

آفريدگار مرا از آفريده شدگان بى نياز مى‏سازد، روزى دهنده مرا از روزى خواران بى نياز مى‏نمايد،

اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ، حَسْبى‏ مَنْ هُوَ حَسْبى‏، حَسْبى‏ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبى‏،

خدايى كه پروردگار جهانيان است مرا كافى است، آن‏كس كه مرا كافى است فقط او مرا كافى است، آن كس كه مرا كافى است پيوسته مرا كفايت مى‏كند،

حَسْبى‏ مَنْ كانَ مُذْ كُنْتُ حَسْبى‏، حَسْبِىَ‏اللَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ‏

آن‏كس كه مرا كافى است از زمانى كه بود مرا كفايت مى‏كرد، خداوندى كه معبودى جز او نيست، مرا كفايت مى‏كند بر او توكل كردم‏

وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.[[1645]](#footnote-1645)

و او پروردگار عرش با عظمت است.

\*\*\*

7- مرحوم «حاجى نورى» در كتاب «دار السلام» از استاد خود، عالم ربّانى مرحوم جناب حاج ملّا فتحعلى سلطان‏آبادى نقل كرده است، كه فاضل مقدّس آخوند ملّامحمّد صادق عراقى در دشوارى و پريشان حالى و نهايت سختى بود، به گونه‏اى كه هرگز براى او گشايشى حاصل نمى‏شد. شبى در خواب ديد كه در مكانى، خيمه‏اى بزرگ برپاست. پرسيد اين خيمه از كيست؟ گفتند اين خيمه پناهگاه مطمئن و فريادرس بيچارگان حضرت مهدى امام منتظر- عجّل اللَّه تعالى فرجه الشّريف- است. ملّا محمّد صادق عراقى با عجله به خدمت آن حضرت مشرّف گرديد و سختى زندگى و پريشانى حال خويش را به آن حضرت عرض كرد، و از آن بزرگوار خواست دعايى براى رفع مشكلات و اندوه خويش، به او تعليم فرمايد. آن حضرت وى را به سمت خيمه‏اى كه يكى از سادات در آن‏جا بود، راهنمايى نمود. آخوند ملّا محمّد صادق از خدمت آن حضرت بيرون آمد و به همان خيمه‏اى كه امام اشاره كرده بود، وارد شد؛ ديد سيّد جليل‏القدر و عالم بزرگوار، جناب آقا سيّد محمّد سلطان آبادى در آن خيمه روى سجّاده نشسته و مشغول دعا و ذكر است، آخوند بر وى سلام كرد و حكايت حال خويش را براى او نقل كرد. سيّد نيز براى گشايش كار و وسعت رزق، دعايى به وى آموخت.

مرحوم آخوند از خواب بيدار شد، و متوجّه شد كه آن دعا را به خوبى مى‏داند، او كه پيش از اين، با سيّد محمّد سلطان آبادى ميانه‏اى نداشت، بعد از اين خواب، به خدمت سيّد رسيد، وى را به همان حالتى ديد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1055

كه در خواب مشاهده كرده بود، ديد آن بزرگوار در مصلّاى خود نشسته، مشغول ذكر و استغفار است، سلام كرد و سيّد پاسخ داد. آنگاه تبسّمى نمود، گويا از جريان باخبر است. آخوند براى رفع مشكلات خويش، دعايى خواست، و سيّد نيز همان دعايى كه در خواب به وى تعليم داده بود را خواند. آخوند ملّا محمّد صادق، آن دعا را خواند، و در مدّت كمى از سختى و مشكلات زندگى بيرون آمد و به آسايش و آسودگى رسيد.

آن دعا چنين بود:

اوّل: پس از طلوع فجر دست بر سينه خود بگذارد و هفتاد مرتبه بگويد:

يا فتّاح‏

(يعنى اى گشاينده امور).

دوم: اين دعا را كه در كافى براى حلّ مشكلات و شفاى بيماران نقل شده است بخواند:

لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ العَلِىِّ الْعَظيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذى‏ لا

پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست، بر آن زنده پاينده‏اى كه‏

يَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلاوَلَداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ‏

هرگز نميرد توكّل نمودم و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه نه همسرى براى خود اختيار كرد و نه فرزندى و نه شريكى‏

فِى الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.[[1646]](#footnote-1646)

در حكومت دارد و ضعف و ذلّتى ندارد كه نيازمند حامى و سرپرستى باشد و (لذا به خود مى‏گويم) او را بسيار بزرگ بشمار.

سوم: بعد از نماز صبح بخواند آن دعايى كه پيش از اين (صفحه 1053) گذشت (

بسم اللَّه و صلّى اللَّه على محمّد و آله و افوّض امرى الى اللَّه‏

... تا آخر).

كليات مفاتيح نوين، ص: 1056

فصل سوم: سجده شكر

پس از انجام تعقيبات، سجده شكر به جا آور، كه به اتّفاق تمام علماى شيعه، سجده شكر به هنگام يافتن نعمتى يا دفع بلايى سنّت است، و بهترين آن، سجده‏اى است كه پس از نماز براى شكر توفيق اداى نماز به جا آورده مى‏شود!

در اين‏جا بعضى از رواياتى كه در اهمّيّت سجده شكر وارد شده است از نظر خوانندگان عزيز مى‏گذرد:

1- به سند معتبر از امام باقر عليه السلام روايت شده است كه آن حضرت فرمود: «پدرم، على بن الحسين عليه السلام هيچ گاه نعمتى را از خدا ياد نكرد، مگر آن‏كه به شكرانه آن سجده كرد، و هيچ آيه‏اى را نخواند كه در آن سجده باشد، مگر آن‏كه سجده كرد؛ و خداوند هيچ بلايى را كه از آن مى‏ترسيد، از او دفع نكرد، مگر آن‏كه به خاطر آن سجده كرد؛ و از هر نماز واجب كه فارغ مى‏شد، پس از آن سجده مى‏كرد، هر وقت توفيق مى‏يافت كه ميان دو نفر اصلاح كند، براى شكر آن، سجده مى‏كرد»، و در تمامى مواضع سجده آن حضرت، اثر سجود بود و به اين سبب آن حضرت را «سجّاد» مى‏ناميدند.[[1647]](#footnote-1647) 2- به سند صحيح از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه فرمود: «هر مؤمنى كه براى شكر نعمتى- در غير نماز- براى خدا سجده شكر به جاى آورد، خداوند، براى او ده حسنه بنويسد و ده گناه را از او محو و پاك گرداند و در بهشت ده درجه وى را بالا مى‏برد».[[1648]](#footnote-1648) 3- به سند موثّق از امام رضا عليه السلام روايت شده است كه: «سجده بعد از نماز واجب، در واقع شكرِ خداوند است، از اين‏كه اين توفيق را به بنده داد، تا فريضه‏اش را به جاى آورد، و كمترين چيزى كه در اين سجده گفته مى‏شود، سه مرتبه‏

«شُكْراً لِلَّهِ»

است ...».[[1649]](#footnote-1649)

كيفيّت سجده شكر:

در انجام اين سجده شرط خاصّى وجود ندارد و به هر صورت كه آورده شود، صحيح است. ولى بهتر است مانند سجده نماز، بر هفت عضو سجده كند و پيشانى را بر چيزى گذارد كه در نماز بر آن مى‏گذارد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1057

و افضل آن است كه بر خلاف سجده نماز، آرنج را نيز بر زمين بگذارد،[[1650]](#footnote-1650) و سنّت است كه نخست پيشانى را بر زمين گذارد، سپس طرف راست صورت را و آنگاه طرف چپ صورت را و در نهايت نيز پيشانى را بر زمين بگذارد،[[1651]](#footnote-1651) و به خاطر اين كه دو بار پيشانى را بر زمين مى‏گذارد، به آن دو سجده شكر مى‏گويند. سجده شكر مى‏تواند بدون هر ذكر و دعايى نيز باشد ولى سنّت است كه ذكرى بگويد و بهتر است از ذكرهايى باشد كه خواهد آمد.

مطابق روايات، بعضى از معصومين عليهم السلام، اين سجده را بسيار طولانى مى‏كردند. امام كاظم عليه السلام (در زندان هارون) بعد از طلوع صبح، سجده مى‏كرد، تا وقت زوال.[[1652]](#footnote-1652) همچنين از «فضل بن شاذان» نقل شده است كه گفت: حسن بن على بن فضال براى عبادت به صحرا مى‏رفت، و سجده را چنان طول مى‏داد كه پرندگان بر پشت او مى‏نشستند به گمان اين‏كه جامه‏اى است افتاده، و همچنين برخى از حيوانات بيابانى برگرد او چرا مى‏كردند و از او وحشت نمى‏كردند.[[1653]](#footnote-1653)

برخى از ذكرهاى سجده شكر:

1- از امام رضا عليه السلام نقل شده است كه: مى‏توانى صد بار در سجده شكر بگويى:

«شكراً»

و مى‏توانى صد بار بگويى‏

«عفواً».[[1654]](#footnote-1654)

همچنين از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه كمترين چيزى كه در سجده شكر كفايت مى‏كند آن است كه سه بار بگويى:

«شُكراً للَّه».[[1655]](#footnote-1655)

2- در روايات معتبر بسيارى نقل شده است كه امام كاظم عليه السلام در سجده شكر بسيار مى‏گفتند:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِساب.[[1656]](#footnote-1656)

خدايا از تو آسايش در وقت مرگ و عفو به هنگام حساب را مى‏خواهم.

3- مرحوم «ابن بابويه» به سند معتبر، از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه هرگاه بنده‏اى در

كليات مفاتيح نوين، ص: 1058

سجده سه بار بگويد: يا اللَّهُ، يا رَبَّاهُ، يا سَيِّداهُ، خداوند به وى پاسخ دهد: لبّيك اى بنده‏ام،\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى خدا، اى پروردگار من، اى آقا و سرور من\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حاجت خويش را بخواه.[[1657]](#footnote-1657)

\*\*\*

4- مرحوم «شيخ طوسى» در «مصباح المتهجّد» در بخش سجده شكر فرموده است:

مستحب است در سجده براى برادران مؤمن خويش دعا كند و بگويد:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيالِى الْعَشْرِ، وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَاللَّيْلِ اذا يَسْرِ، وَرَبَ‏

خدايا اى پروردگار سپيده دم و شبهاى ده‏گانه و زوج و فرد، و پروردگار شب هنگامى كه (به سوى روشنايى روز) حركت مى‏كند و پروردگار

كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَالهَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ خالِقَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَمَليكَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، صَلِ‏

هر چيز و معبود هر چيز، و آفريننده هر چيز و فرمانرواى همه چيز،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْعَلْ بى‏ وَبِفُلانٍ وَفُلانٍ ما انْتَ اهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بِنا ما

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و در مورد من و فلانى و فلانى (كسانى كه مورد نظر من هستند) آنچه تو شايسته آنى انجام ده و آنچه‏

نَحْنُ اهْلُهُ، فَانَّكَ اهْلُ التَّقْوى‏ وَ اهْلُ الْمَغْفِرَةِ.[[1658]](#footnote-1658)

ما شايسته آنيم در مورد ما انجام مده، كه تو شايسته پرهيزگارى و آمرزشى.

به جاى «بِفُلانٍ وَ فُلانٍ» نام افراد مورد نظر را بگويد.

و چون سر از سجده برداشت دست خود را بر موضع سجود خود بكشد و آنگاه به طرف چپ صورت و سپس به پيشانى خويش بكشد و بعد از آن به جانب راست صورت خود دست بكشد و اين كار را سه مرتبه انجام دهد، و در هر مرتبه بگويد:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لا الهَ الَّا انْتَ، عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، الرَّحْمنُ الرَّحيمُ،

خدايا حمد و سپاس از آن توست كه معبودى جز تو نيست، داناى نهان و آشكار و بخشنده و مهربانى،

اللَّهُمَّ اذْهِبْ عَنِّى الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَالْحَزَنَ وَالْفِتَنَ، ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ.[[1659]](#footnote-1659)

خدايا اندوه و گرفتارى و غم و حزن و فتنه‏هاى آشكار و پنهان را از من دور كن.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1061

بخش هفتم: نمازهاى مستحب‏

اقسام نمازهاى مستحب‏

نماز بهترين وسيله ارتباط با خدا، عالى‏ترين نمود بندگى و روشن‏ترين نشانه عبوديّت بنده در برابر معبود است. (شرحى درباره اهمّيّت نماز در تربيت انسانها و پرورش فضايل اخلاقى و نظم جامعه انسانى در بحث تعقيبات گذشت).

از اين رو در دستورات اسلامى، علاوه بر نمازهاى واجب و فرائض يوميّه، نمازهاى مستحبّ فراوانى وجود دارد كه هر يك از آنها به نوبه خود داراى اهمّيّت زياد و تأثير مناسب است.

نمازهاى مستحب را در يك نگاه كلّى مى‏توان به چند دسته تقسيم كرد:

1- نوافل يوميّه كه پيش از فرائض، يا پس از آنها انجام مى‏شود كه وسيله‏اى براى پذيرش فرائض و رفع كاستيهاى آنهاست.[[1660]](#footnote-1660) (شرح آن در بخش آداب و تعقيبات نماز گذشت).

2- نمازهايى كه در برخى از اوقات شبانه‏روز كه زمان مناسبى براى راز و نياز با خدا و كسب نورانيّت و معنويّت از پيشگاه ربوبى است بجا آورده مى‏شود (مثل نماز شب).

3- نمازهايى كه به نام معصومين عليهم السلام وارد شده است؛ اين نمازها را آن بزرگواران انجام مى‏دادند و به نام آنها مشهور شده است. از اين رو، پيروان آنها نيز با پيروى از سنّت آنان اين نمازها را بجا مى‏آورند.

4- نمازهايى كه به نام بعضى از اصحاب و ياران پيامبر صلى الله عليه و آله و ياران ائمّه معصومين عليهم السلام مشهور شده است. اين نوع نمازها را معصومين با اهداف خاصّى به آنان تعليم مى‏دادند كه به نام آنان شهرت يافته است (مانند نماز جعفر طيّار).

كليات مفاتيح نوين، ص: 1062

تعليم اين گونه نمازها گاه براى بخشش گناهان، يا حلّ مشكلات، يا يك جايزه بزرگ معنوى بوده است.

5- نمازهايى كه مربوط به زمان‏هاى خاصّى است، مثل نماز ايّام هفته، مخصوصاً روز جمعه و اوّل ماه و نمازهاى ديگر، كه براى كسب معنويّت از آن ايّام مخصوص است.

6- نمازهايى كه مربوط به مكان‏هاى خاصّى است كه به سبب فضيلت آن مكانها خواندن نماز در آنها توصيه شده است (مثل نماز در مسجد جمكران).

7- نمازهايى كه براى حلّ مشكلات روحى و يا مادّى و برآورده شدن حاجات و رفع گرفتارى‏ها از سوى معصومين عليهم السلام توصيه شده (مانند نمازهاى حاجت و نماز براى زياد شدن رزق و مانند آن)، و خود آن بزرگواران نيز در مشكلات رو به درگاه خدا مى‏آوردند و به نماز پناه مى‏بردند.[[1661]](#footnote-1661) نكته مهم اين‏جاست كه تمام اين نمازها- هرچند به نامهاى خاصّى مشهور شده- بايد به قصد قربت و توجّه به ذات پروردگار انجام شود؛ هرچند نتيجه نهايى، رسيدن به حاجت‏هاى دنيوى بوده باشد.

نخست به سراغ نمازهاى مشهور به نام معصومين عليهم السلام مى‏رويم.

بار ديگر تأكيد مى‏كنيم نمازهايى كه به نام معصومين عليهم السلام است نمازهايى است كه همه به درگاه خداوند يگانه انجام مى‏شود، ولى چون آن بزرگواران انجام مى‏دادند به نام آنها مشهور شده و به يقين داراى ارزش بسيارى است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1063

فصل اوّل: نمازهاى چهارده معصوم عليهم السلام‏

1- نماز پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله‏

«سيّد بن طاووس» به سند معتبر از امام رضا عليه السلام روايت كرده است كه از آن حضرت سؤال كردند از نماز جعفر طيّار رحمه الله؛ امام عليه السلام فرمود: چرا از نماز رسول خدا صلى الله عليه و آله غافل هستى؟!

آن مرد عرض كرد: آن نماز را به من تعليم فرما. حضرت فرمود:

نماز پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله دو ركعت است كه در هر ركعت يك مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «قدر» (انّا انزلناه) را مى‏خوانى؛ همچنين در ركوع- پس از ذكر ركوع- و همچنين پس از سر برداشتن از ركوع- آنگاه كه ايستاده‏اى- و در سجده اوّل- پس از ذكر سجده- و همچنين پس از سر برداشتن از سجده- آنگاه كه نشسته‏اى- و در سجده دوم- پس از ذكر سجده- و همچنين پس از سر برداشتن از سجده نيز در هر يك از اين موارد، پانزده مرتبه سوره «قدر» را مى‏خوانى. پس از اتمام نماز، خداوند گناهانت را مى‏آمرزد و حاجتت را روا مى‏سازد، و آنگاه اين دعا را مى‏خوانى:

لا الهَ الَّا اللَّهُ، رَبُّنا وَ رَبُّ آبآئِنَا الأَوَّلينَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، الهاً واحِداً

معبودى جز خدا نيست، كه پروردگار ما و پروردگار پدران پيشين ماست، معبودى جز خدا نيست، معبود يگانه‏اى‏

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا الهَ الَّا اللَّهُ، لا نَعْبُدُ الَّا ايَّاهُ، مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ

كه ما به او ايمان داريم، معبودى جز خدا نيست، ما جز او را نمى‏پرستيم، دين خود را براى او خالص كرده‏ايم اگر چه‏

كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لاالهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ‏ [وَحْدَهُ‏]، انْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ

مشركان نپسندند، معبودى جز خدا نيست، يگانه‏ [يگانه‏] يگانه است، به وعده‏اش وفا نمود،

عَبْدَهُ، وَ اعَزَّ جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ

وبنده‏اش را يارى كرد، سپاهش را گرامى داشت، و به تنهايى گروه‏هاى باطل را شكست داد، فرمانروايى و حمد و سپاس از آن اوست و او

عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، اللهُمَّ انْتَ نُورُ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فيهِنَّ،

بر هر چيز تواناست، خدايا تويى روشنايى بخش آسمانها و زمين و هر چه در آنهاست‏

فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ انْتَ قَيَّامُ السَّمواتِ وَ الْارْضِ وَ مَنْ فيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ،

پس حمد و سپاس از آن توست، و تويى بپا دارنده آسمانها و زمين و هر چه در آنهاست، پس حمد و سپاس از آنِ توست‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1064

وَانْتَ‏الْحَقُّ وَوَعْدُكَ‏الْحَقُّ، فَقَوْلُكَ‏حَقٌّ، وَانْجازُكَ‏حَقٌّ، وَالْجَنَّةُحَقٌّ، وَالنَّارُ

و تويى حق و وعده و گفتارت و وفادارى و بهشت و دوزخت همگى راست است،

حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ اسْلَمْتُ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ بِكَ خاصَمْتُ،

خدايا تسليم تو شده و به تو ايمان آورده‏ام، و بر تو اعتماد نموده و به يارى تو با دشمن مبارزه كرده‏ام‏

وَالَيْكَ حاكَمْتُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا ربِّ، اغْفِرْ لى‏ ما قَدَّمْتُ وَمااخَّرْتُ،

و تو را به داورى پذيرفته‏ام، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من، گناهان پيشين و پسينم‏

وَ مااسْرَرْتُ وَاعْلَنْتُ، انْتَ الهى‏ لا الهَ الَّا انْتَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

و آنچه در پنهان و آشكار انجام داده‏ام را بيامرز، تويى معبودم كه معبودى جز تو نيست، بر محمّد و

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لى‏ وَارْحَمْنى‏، وَ تُبْ عَلَىَّ انَّكَ انْتَ التَّوابُ الرَّحيمُ.[[1662]](#footnote-1662)

خاندان پاكش درود فرست و مرا بيامرز و بر من رحم كن، و توبه‏ام را بپذير زيرا كه تو توبه‏پذير و مهربانى.

«علّامه مجلسى» پس از ذكر اين نماز مى‏گويد: اين نماز از نمازهاى مشهور است كه علماى شيعه در كتب خود روايت كرده‏اند.[[1663]](#footnote-1663)

\*\*\*

2- نماز اميرالمؤمنين عليه السلام‏

«شيخ طوسى»[[1664]](#footnote-1664) و «سيّد بن طاووس»[[1665]](#footnote-1665)، از امام صادق عليه السلام روايت كرده‏اند كه آن حضرت فرمود: هر يك از شما نماز امير مؤمنان را بجا آورد، مانند روزى كه از مادر متولّد شده، از گناهان پاك مى‏گردد و حاجت‏هاى وى برآورده مى‏شود.

اين نماز چهار ركعت است (هر دو ركعت به يك سلام) و در هر ركعت يك مرتبه سوره «حمد» و پنجاه مرتبه سوره «توحيد» را بخواند و پس از نماز اين تسبيح را بگويد كه تسبيح آن حضرت است؛ اين تسبيح مطابق نقل علّامه مجلسى چنين است:

سُبْحانَ مَنْ لاتَبيدُ مَعالِمُهُ، سُبْحانَ مَنْ لاتَنْقُصُ خَزآئِنُهُ، سُبْحانَ مَنْ لَا

تسبيح مى‏گويم كسى را كه نشانه‏هاى روشن و آشكارش نابود شدنى نيست، تسبيح مى‏گويم كسى را كه خزانه كرمش كم شدنى نيست، تسبيح مى‏گويم كسى را

اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، سُبحانَ مَنْ لَاانْقِطاعَ‏

كه براى شكوه و عظمتش زوالى نيست، تسبيح مى‏گويم كسى را كه براى آنچه نزد اوست پايانى نيست، تسبيح مى‏گويم كسى را كه عمرش را پايانى نيست،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1065

لِمُدَّتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يُشارِكُ احَداً فى‏ امْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا الهَ غَيْرُهُ‏

تسبيح مى‏گويم كسى را كه در كارش مشاركتى نيست، تسبيح مى‏گويم كسى را كه معبودى جز او نيست\* سپس دعا كند وبگويد: يا مَنْ عَفا عَنِ السَّيِئاتِ وَ لَمْ يُجازِ بِها، ارْحَمْ عَبْدَكَ يا

\*\*\*\*\*\* اى كه از گناهان درگذرى و كيفر نكنى، بر بنده‏ات رحم كن، اى‏

اللَّهُ يا اللَّهُ، نَفْسى‏ نَفْسى‏، انَا عَبْدُكَ يا سَيِّداهُ، انَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ ايا

خدا، اى خدا، بر من، بر من (رحم كن) من بنده توام اى آقا و سرورم، من بنده تو و در حضور توام، اى‏

رَبَّاهُ، الهى‏ بِكَيْنُونَتِكَ يا امَلاهُ، يا رَحْماناهُ يا غِياثاهُ، عَبْدُكَ عَبْدُكَ لا

پروردگار من، اى معبود من به ذاتت سوگند، اى آرزوى من، اى بخشنده من، اى فريادرس من، بنده‏ات، بنده‏ات،

حيلَةَ لَهُ، يا مُنْتَهى‏ رَغْبَتاهُ، يا مُجْرِىَ الدَّمِ فى‏ عُرُوقى‏، عَبْدُكَ يا سَيِّداهُ يا

چاره‏اى ندارد، اى نهايت اشتياقم، اى جارى كننده خون در رگهايم، بنده‏ات (را درياب) اى آقا و سرورم، اى‏

مالِكاهُ، ايا هُوَ ايا هُوَ، يا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لا حيلَةَ لى‏ وَ لا غِنى‏ بى‏ عَنْ‏

مالك و صاحب اختيارم، اى خدا، اى خدا، اى پروردگار من بنده توام بنده توام و چاره‏اى ندارم، و از خود چيزى ندارم‏

نَفسْى‏[[1666]](#footnote-1666)، وَ لا اسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَ لا نَفْعاً، وَ لا اجِدُ مَنْ اصانِعُهُ، تَقَطَّعَتْ‏

و توانايى بر زيان و سود خود ندارم، و كسى را كه با او همراهى كنم نمى‏يابم،

اسْبابُ الْخَدايِع عَنّى‏، وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّى‏، افْرَدَنِى الدَّهْرُ

هر راه چاره‏اى از من بريده شد، و هر گمان (به راه نجاتى) كه داشتم از بين رفت، روزگار مرا با تو تنها گذاشت،

الَيْكَ، فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هذَا الْمَقامَ، يا الهى‏ بِعِلْمِكَ كانَ هذا كُلُّهُ، فَكَيْفَ‏

پس در برابرت در اين جايگاه ايستاده‏ام، اى معبود من، تو به همه اينها آگاهى، پس چگونه‏

انْتَ صانِعٌ بى‏، وَلَيْتَ شِعْرى‏ كَيْفَ تَقُولُ لِدُعآئى‏، اتَقُولُ نَعَمْ امْ تَقُولُ لا،

با من رفتار مى‏كنى، و اى كاش مى‏دانستم در پاسخ درخواستم چه مى‏گويى، آيا «آرى» مى‏گويى يا «نه»؟

فَانْ قُلْتَ لا فَيا وَيْلى‏ يا وَيْلى‏ يا وَيْلى‏، يا عَوْلى‏ يا عَوْلى‏ يا عَوْلى‏، يا

پس اگر «نه» بگويى واى بر من، واى بر من، واى بر من، واى از بيچارگيم، واى از بيچارگيم، واى از بيچگارگيم، واى‏

شِقْوَتى‏ يا شِقْوَتى‏ يا شِقْوَتى‏، يا ذُلّى‏ يا ذُلّى‏ يا ذُلّى‏، الى‏ مَنْ وَ مِمَّنْ اوْ

از بدبختيم، واى از بدبختيم، واى از بدبختيم، واى از خواريم، واى از خواريم، واى از خواريم، به چه كسى و از چه كسى يا

كليات مفاتيح نوين، ص: 1066

عِنْدَ مَنْ، اوْ كَيْفَ اوْ ماذا، اوْ الى‏ اىِّ شَىْ‏ءٍ الْجَأُ وَ مَنْ ارْجُو، وَ مَنْ يَجُودُ

نزد چه كسى يا چگونه يا چرا يا به چه چيزى پناه برم؟ و به كه اميد بندم؟ و چه كسى‏

عَلىَّ بِفَضْلِهِ حينَ تَرْفُضُنى‏ يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، وَ انْ قُلْتَ نَعَمْ كَما هُوَ الظَّنُ‏

با لطف و كرمش در وقتى كه تو مرا ميرانى بر من مى‏بخشد؟ اى گسترده آمرزش، و اگر بگويى «بله» آن‏گونه كه به تو گمان‏

بِكَ وَ الرَّجآءُ لَكَ، فَطُوبى‏ لى‏، انَا السَّعيدُ وَ ا نَا الْمَسْعُودُ، فَطُوبى‏ لى‏،

و اميد هست، پس خوشا به حال من، منم خوشبخت و منم سعادتمند، پس خوشا بحال من،

وَانَا الْمَرْحُومُ، يا مُتَرَحِّمُ يا مُتَرَئِّفُ، يا مُتَعَطِّفُ يا مُتَجَبِّرُ، يا مُتَمَلِّكُ يا

و منم آمرزيده، اى رحم كننده، اى خيرخواه، اى مهرورز اى قدرتمند، اى فرمانروا، اى‏

مُقْسِطُ، لا عَمَلَ لى‏ ابْلُغُ بِهِ نَجاحَ حاجَتى‏، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ جَعَلْتَهُ‏

دادگر، عملى ندارم كه با آن به برآوردن حاجتم برسم، از تو مى‏خواهم به حقّ آن نامت كه‏

فى‏ مَكْنُونِ غَيْبِكَ، وَ اسْتَقَرَّ عِنْدَكَ، فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ الى‏ شَىْ‏ءٍ سِواكَ،

در نهانخانه غيبت قرار داده‏اى و در نزد تو قرار گرفته، و از تو به غير تو ظاهر نمى‏شود.

اسْئَلُكَ بِهِ وَبِكَ وَبِهِ، فَانَّهُ اجَلُّ وَ اشْرَفُ اسْمآئِكَ، لا شَىْ‏ءَ لى‏ غَيْرُ هذا،

از تو مى‏خواهم به حق آن نام و به حق تو و به حق آن نام، چرا كه گرامى‏ترين و شريفترين نام‏هاى توست و چيزى جز آن ندارم‏

وَلا احَدَ اعْوَدُ عَلىَّ مِنْكَ، يا كَيْنُونُ يا مُكَوِّنُ، يا مَنْ عَرَّفَنى‏ نَفْسَهُ، يا مَنْ‏

و هيچ كس سود رسان‏تر از تو بر من نيست، اى هستى مطلق، اى آفريدگار، اى كه خودت را به من شناساندى، اى كه‏

امَرَنى‏ بِطاعَتِهِ، يا مَنْ نَهانى‏ عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَ يا مَدْعُوُّ يا مَسْئُولُ، يا

مرا بر بندگيت فرمان دادى، اى كه مرا از نافرمانيت منع نمودى، اى خوانده شده، اى درخواست شده، اى‏

مَطْلُوباً الَيْهِ، رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتى‏ اوْصَيْتَنى‏ بِها وَ لَمْ اطِعْكَ، وَ لَوْ اطَعْتُكَ‏

طلب شده، سفارشت را كه مرا به آن توصيه نمودى ترك كرده و اطاعتت ننمودم، و اگر

فيما امَرْتَنى‏ لَكَفَيْتَنى‏ ما قُمْتُ الَيْكَ فيهِ، وَ انَا مَعَ مَعْصِيَتى‏ لَكَ راجٍ، فَلا

در آنچه مرا فرمان دادى اطاعتت مى‏نمودم به يقين در آنچه از درگاهت خواستم مرا كفايت مى‏كردى، و من با وجود نافرمانيم اميدوارم، پس‏

تَحُلْ بَيْنى‏ وَ بَيْنَ ما رَجَوْتُ، يا مُتَرَحِّماً لى‏ اعِذْنى‏ مِنْ بَيْنِ يَدَىَّ وَ مِنْ‏

بين من و آنچه اميد دارم جدايى ميانداز، اى رحم كننده بر من، مرا از روبرو و پشت سر

خَلْفى‏، وَ مِنْ فَوْقى‏ وَ مِنْ تَحْتى‏، وَ مِنْ كُلِّ جِهاتِ الْإِحاطَةِ بى‏، اللهُمَ‏

و از بالا و پايين و از همه اطرافم پناه ده، خدايا

كليات مفاتيح نوين، ص: 1067

بِمُحَمَّدٍ سَيِّدى‏، وَ بِعَلِىٍّ وَلِيّى‏، وَبِالْأَئِمَّةِ الرَّاشِدينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، اجْعَلْ‏

به حقّ محمّد آقا و سرورم و به حقّ على سرپرستم، و به حقّ امامان هدايت يافته- كه بر آنان درود باد-

عَلَيْنا صَلَواتِكَ وَ رَاْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ، وَاوْسِعْ عَلَيْنا مِنْ رِزْقِكَ، وَ اقْضِ‏

درودها و مهربانى و رحمتت را بر ما قرار ده و از روزيت بر ما وسعت ده، و قرضمان‏

عَنَّا الدَّيْنَ وَجَميعَ حَوآئِجِنا، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

را ادا كن و همه حاجت‏هايمان را برآور، اى خدا، اى خدا، اى خدا، كه تو بر هر چيز توانايى.

امام عليه السلام فرمود: هر كس اين نماز را بجا آورد و اين دعا را بخواند گناهان او آمرزيده شود.[[1667]](#footnote-1667)

\*\*\*

3- نماز حضرت فاطمه عليها السلام‏

در روايتى آمده است، حضرت زهرا عليها السلام دو ركعت نماز مى‏خواند كه جبرئيل به وى آموخته بود. كيفيّت اين نماز بدين گونه است كه در ركعت اوّل بعد از حمد، صد مرتبه سوره «انّاانزلناه» و درركعت‏دوم‏بعد ازحمد، صد مرتبه سوره «توحيد» مى‏خواند و پس از سلام اين دعا رامى‏خواند:

سُبحانَ ذِى الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ، سُبْحانَ ذِى الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ،

تسبيح مى‏گويم صاحب عزّتِ سربلندِ سرافراز را، تسبيح مى‏گويم صاحب شكوهِ بلند مرتبه بزرگ را،

سُبحانَ ذِى الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ، سُبحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمالَ،

تسبيح مى‏گويم صاحب فرمانروايىِ باشكوه ديرينه را، تسبيح مى‏گويم كسى را كه در بر دارد روشنايى و زيبايى را،

سُبحانَ مَنْ تَرَدّى‏ بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبحانَ مَنْ يَرى‏ اثَرَ النَّمْلِ فِى الصَّفا،

تسبيح مى‏گويم كسى را كه با نور و وقار خود را آراسته، تسبيح مى‏گويم كسى را كه جاى پاى مورچه را در سنگ سخت مى‏بيند،

سُبحانَ مَنْ يَرى‏ وَقْعَ الطَّيْرِ فِى الْهَواءِ، سُبحانَ مَنْ هُوَ هكَذ الا هكَذا غَيْرُهُ.[[1668]](#footnote-1668)

تسبيح مى‏گويم كسى را كه گذرگاه پرنده را در آسمان مى‏بيند، تسبيح مى‏گويم كسى را كه اين چنين است و جز او كسى چنين نيست.

در روايت ديگرى آمده است كه بعد از اين نماز، تسبيح مشهور حضرت زهرا عليها السلام را كه پس از هر نمازى مستحب است، بگويد و بعد از آن صد مرتبه صلوات بفرستد.[[1669]](#footnote-1669)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1068

نماز ديگرى از آن حضرت:

«شيخ طوسى» و «سيّد بن طاووس» روايت كرده‏اند از صفوان، كه محمّد بن على حلبى در روز جمعه‏اى، خدمت امام صادق عليه السلام رسيد و از آن حضرت پرسيد، از شما مى‏خواهم بهترين اعمال را در امروز، به من تعليم فرمايى. امام عليه السلام فرمود: من كسى را نمى‏شناسم كه از فاطمه عليها السلام نزد رسول خدا صلى الله عليه و آله با عظمت‏تر باشد و چيزى برتر از آن عملى كه رسول خدا صلى الله عليه و آله به وى آموخت سراغ ندارم. آن عمل چنين است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله به حضرت زهرا عليها السلام فرمود: در صبح روز جمعه غسل كند و چهار ركعت نماز بخواند (به دو سلام) در ركعت اوّل بعد از حمد، پنجاه مرتبه سوره «توحيد» و در ركعت دوم پس از حمد، پنجاه مرتبه سوره «عاديات» و در ركعت سوم بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره «زلزال» و در ركعت چهارم پس از حمد، پنجاه مرتبه سوره «نصر» را بخواند، و پس از اتمام نماز بگويد:

الهى‏ وَسَيِّدى‏، مَنْ تَهَيَّأَ أوْ تَعَبَّأَ اوْ اعَدَّ اوِ اسْتَعَدَّ لِوِفادَةِ مَخْلُوقٍ رَجآءَ

اى معبود من و اى آقا و سرورم، هر كس خود را آماده و مهيا و مجهّز و حاضر كند، براى رفتن به سوى مخلوقى به اميد

رِفْدِهِ، وَفَوائِدِهِ وَ نائِلِهِ، وَ فَواضِلِهِ وَ جَوآئِزِهِ، فَالَيْكَ يا الهى‏ كانَتْ‏

هديه‏ها و بهره‏ها و عطايا و بخشش‏ها و پاداش‏هايش، پس اى معبود من، به سوى توست‏

تَهْيِئَتى‏ وَتَعْبِئَتى‏، وَاعْدادى‏ وَ اسْتِعْدادى‏، رَجآءَ رِفْدِكَ وَ فَوآئِدِكَ‏

آمادگى و مهيا شدن و مجهز شدن و حاضر شدنم، به اميد هدايا و بهره‏ها

وَمَعْرُوفِكَ، وَ نآئِلِكَ وَجَوآئِزِكَ، فَلا تُخَيِّبْنى‏ مِنْ ذلِكَ، يا مَنْ لا تَخيبُ‏

و احسان و عطايا و پاداشهايت، پس مرا از آن نااميد مكن، اى كه هيچ‏

عَلَيْهِ مَسْئَلةُ السَّآئِلِ، وَ لا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نآئِلٍ، فَانّى‏ لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صالِحٍ‏

سائلى از درِ (خانه) تو نوميد بر نمى‏گردد، و بخشش نيكى چيزى از تو نكاهد، پس به درگاهت نيامده‏ام با عمل شايسته‏اى‏

قَدَّمْتُهُ، وَ لا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ اتَقَرَّبُ الَيْكَ بِشَفاعَتِهِ، الّا مُحَمَّداً

كه از پيش فرستاده باشم يا شفاعت مخلوقى كه به آن اميد بسته و با شفاعتش به تو نزديك شوم جز شفاعت محمّد

وَاهْلَ بَيْتِهِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، اتَيْتُكَ ارْجُو عَظيمَ عَفْوِكَ، الَّذى‏

و خاندان پاكش- كه درود تو بر او و بر آنها باد- به درگاهت آمده‏ام به اميد عفو بزرگت‏

عُدْتَ بِهِ عَلَى الْخاطِئينَ عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحارِمِ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ‏

كه به وسيله آن بر گناهكاران وقت ارتكاب حرامها رو كنى، وطولانى شدن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1069

عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحارِمِ انْ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ، وَ انْتَ سَيِّدِى الْعَوَّادُ

ارتكاب حرامها تو را از آمرزش آنها باز نمى‏دارد، و تويى آقا و سرورم كه بسيار به من نعمت بخشى،

بِالنَّعْمآءِ، وَ انَا الْعَوَّادُ بِالْخَطآءِ، اسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّاهِرِينَ، انْ‏

و منم بسيار خطاكار، از تو مى‏خواهم به حقّ محمّد و خاندان پاكش‏

تَغْفِرَ لى‏ ذَنْبِىَ الْعَظيمَ، فَانَّهُ لا يَغْفِرُ الْعَظيمَ الَّا الْعَظيمُ، يا عَظيمُ يا عَظيمُ‏

كه گناه بزرگم را بيامرزى، چرا كه گناه بزرگ را فقط (خداى) بزرگ مى‏آمرزد، اى با عظمت، اى با عظمت‏

يا عَظيمُ، يا عَظيمُ يا عَظيمُ، يا عَظيمُ يا عَظيمُ.[[1670]](#footnote-1670)

اى با عظمت، اى با عظمت، اى با عظمت، اى با عظمت، اى با عظمت.

\*\*\*

4- نماز امام حسن عليه السلام‏

«سيّد بن طاووس» در «جمال الاسبوع» نمازى براى آن حضرت عليه السلام نقل كرده است كه چهار ركعت است (هر دو ركعت با يك سلام) و به همان كيفيّت نماز اميرالمؤمنين عليه السلام مى‏باشد و در روز جمعه خوانده مى‏شود.

نماز ديگرى از آن حضرت نيز نقل كرده كه در روز جمعه خوانده مى‏شود و آن هم چهار ركعت است كه در هر ركعت يك مرتبه «حمد» و بيست‏وپنج مرتبه سوره «توحيد» رابخواند و پس از آن اين دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ انّى‏ اتَقَرَّبُ الَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَاتَقرَّبُ الَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ‏

خدايا بواسطه بخشش و كرمت به درگاهت تقرّب مى‏جويم، و بواسطه محمّد بنده‏

وَرَسُولِكَ، وَاتَقَرَّبُ الَيْكَ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَ انْبِيآئِكَ وَ رُسُلِكَ، انْ‏

و فرستاده‏ات به درگاهت تقرّب مى‏جويم و بواسطه فرشتگان مقرّب و پيامبران و فرستادگانت به درگاهت تقرب مى‏جويم،

تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ عَلى‏ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُقيلَنى‏

كه بر محمّد، بنده و فرستاده‏ات و بر خاندان پاكش درود فرستى و از لغزشم درگذرى‏

عَثْرَتى‏، وَ تَسْتُرَ عَلَىَّ ذُنُوبى‏ وَ تَغْفِرَها لى‏، وَتَقْضِىَ لى‏ حَوآئِجى‏، وَ لا

و گناهانم را پوشانده و بيامرزى، و حاجتهايم را برآورى و به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1070

تُعَذِّبْنى‏ بِقَبيحٍ كانَ مِنّى‏، فَانَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ يَسَعُنى‏، انَّكَ عَلى‏ كُلِ‏

خاطر زشتيهايى كه از من سرزده مرا عذاب نكنى، چرا كه عفو و بخششت چنان است كه مرا فرا خواهد گرفت، كه تو

شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1671]](#footnote-1671)

بر هر چيز توانايى.

\*\*\*

5- نماز امام حسين عليه السلام‏

اين نماز چهار ركعت است (به دو سلام) در هر ركعت سوره «حمد» پنجاه مرتبه و سوره «توحيد» نيز پنجاه مرتبه خوانده مى‏شود، همچنين در ركوع- پس از ذكر ركوع- سوره‏هاى حمد و توحيد، هر كدام ده مرتبه و پس از سربرداشتن از ركوع نيز هر كدام را ده مرتبه و در سجده اوّل و ميان دو سجده- هنگامى كه نشسته‏اى- و در سجده دوم نيز هر يك از حمد و توحيد را ده مرتبه مى‏خوانى، و پس از پايان چهار ركعت نماز؛ اين دعا را مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ انْتَ الَّذِى اسْتَجَبْتَ لِأدَمَ وَحَوَّا، اذْ قالا رَبَّنا ظَلَمْنا انْفُسَنا وَانْ لَمْ‏

خدايا تويى كه آدم و حوا را پاسخ دادى، در زمانى كه گفتند: پروردگارا ما به خويشتن ستم كرديم و اگر

تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرينَ، وَناداكَ نُوحٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ،

ما را نبخشى و بر ما رحم نكنى از زيانكاران خواهيم بود، و نوح تو را خواند و پاسخش گفتى‏

وَنَجَّيْتَهُ وَاهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظيمِ، وَاطْفَاْتَ نارَ نُمْرُودَ عَنْ خَليلِكَ‏

و او و نزديكانش را از گرفتارى بزرگ نجات دادى و آتش نمرود را از ابراهيم خليل باز داشته‏

ابْراهيمَ، فَجَعَلْتَها بَرْداً وَسَلاماً، وَانْتَ الَّذِى اسْتَجَبْتَ لِأَيُّوبَ، اذْ نادى‏

و آن را بر او سرد و سالم قرار دادى، و تويى كه ايوب را پاسخ گفتى آن گاه كه عرضه داشت‏

رَبِّ مَسَّنِىَ الضُّرُّ وَانْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمينَ، فَكَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَآتَيْتَهُ‏

پروردگارا بدحالى و مشكلات به من روى آورده و تو مهربان‏ترين مهربانانى، پس ناراحتيهايى را كه داشت برطرف ساخته‏

اهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَذِكْرى‏ لِأُولِى الْأَلْبابِ، وَانْتَ‏

و خاندانش را به او بازگرداندى و همانندشان را بر آنها افزودى تا رحمتى از سوى تو و تذكّرى براى خردمندان باشد، و تويى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1071

الَّذِى اسْتَجَبْتَ لِذِى النُّونِ، حينَ ناداكَ فِى الظُّلُماتِ انْ لا الهَ الّا انْتَ،

كه يونس را پاسخ گفتى، آن گاه كه تو را در تاريكى‏ها صدا زد كه خداوندا جز تو معبودى نيست‏

سُبْحانَكَ انّى‏ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمينَ، فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ، وَانْتَ الَّذِى اسْتَجَبْتَ‏

تسبيح مى‏گويم تو را كه من از ستمكاران بودم، پس، از آن اندوه نجات دادى، و تويى كه درخواست‏

لِمُوسى‏ وَهرُونَ دَعْوَتَهُما، حينَ قُلْتَ: قَدْ اجيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقيما.

موسى و هارون را پاسخ گفتى، آن گاه كه فرمودى: دعاى شما پذيرفته شده، پس استقامت به خرج دهيد.

وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ لِداوُدَ ذَنْبَهُ، وَتُبْتَ عَلَيْهِ رَحْمَةً مِنْكَ‏

و فرعون و يارانش را غرق نمودى و ترك اولاى داود را به خاطر رحمت خود و براى تذكر (او) بخشيدى‏

وَذِكْرى‏، وَفَدَيْتَ اسْماعيلَ بِذِبْحٍ عَظيمٍ بَعْدَما اسْلَمَ، وَتَلَّهُ لِلْجَبينِ،

و ذبح عظيم را فداى اسماعيل نمودى بعد از آن كه خود را تسليم (خواسته‏ات) كرد و ابراهيم پيشانيش را بر خاك نهاد

فَنادَيْتَهُ بِالْفَرَجِ وَالرَّوْحِ، وَانْتَ الَّذى‏ ناداكَ زَكَرِيَّا نِدآءً خَفِيّاً، فَقالَ رَبِ‏

پس به گشايش و آسايش او را خواندى، و تويى كه زكريّا تو را در خلوتگاه عبادت پنهانى خواند و گفت: پروردگارا

انّى‏ وَهَنَ الْعَظْمُ مِنّى‏، وَاشْتَعَلَ الرَّاْسُ شَيْباً، وَلَمْ اكُنْ بِدُعآئِكَ رَبِّ شَقِيّاً،

استخوانم سست شده و شعله پيرى تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعاى تو از اجابت محروم نبوده‏ام‏

وَقُلْتَ: يَدْعُونَنا رَغَباً وَرَهَباً وَكانُوا لَنا خاشِعينَ، وَانْتَ الَّذِى اسْتَجَبْتَ‏

و فرمودى: در حال بيم و اميد ما را مى‏خوانند و پيوسته براى ما (خاضع و) خاشع بودند، و تويى كه‏

لِلَّذينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ، لِتَزيدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ، فَلا تَجْعَلْنى‏ مِنْ‏

ايمان آوردگانى را كه عمل صالح انجام داده‏اند، پاسخ گفتى، تا از فضل و كرمت بر آنها بيفزايى، پس مرا از

اهْوَنِ الدَّاعينَ لَكَ، وَالرَّاغِبينَ الَيْكَ، وَاسْتَجِبْ لى‏ كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ‏

بى‏ارزش‏ترين كسانى كه تو را مى‏خوانند و به تو مشتاقند قرار مده، و به حقّ آنان بر تو (دعاى) مرا اجابت كن همان‏گونه كه دعاى آنان را اجابت نمودى‏

بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، فَطَهِّرْنى‏ بِتَطْهيرِكَ، وَتَقَبَّلْ صَلاتى‏ وَدُعآئى‏ بِقَبُولٍ حَسَنٍ،

پس مرا با پاكيزگيت پاك گردان، و نماز و دعايم را به شايستگى بپذير،

وَطَيِّبْ بَقِيَّةَ حَياتى‏، وَطَيِّبْ وَفاتى‏، وَاخْلُفْنى‏ فيمَنْ اخْلُفُ، وَاحْفَظْنى‏

وبقيّه زندگى و مردنم را گوارا گردان، جانشين من باش (و سرپرستى كن) كسانى را كه بعد از من مى‏مانند

يا رَبِّ بِدُعآئى‏، وَاجْعَلْ ذُرِّيَّتى‏ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً، تَحُوطُها بِحِياطَتِكَ، بِكُلِّ ما

و اى پروردگار من مرا به حقّ دعايم حفظ كن، و نسلم را نسلى پاكيزه قرار ده، و به حمايتت آنها را حمايت كن، با هر آنچه كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1072

حُطْتَ بِهِ ذُرِّيَّةَ احَدٍ مِنْ اوْلِيآئِكَ وَاهْلِ طاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ‏

نسل هر يك از اوليا و بندگانت را حمايت نموده‏اى، به رحمتت اى مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، يا مَنْ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ رَقيبٌ، وَلِكُلِّ داعٍ مِنْ خَلْقِكَ‏

مهربان، اى كه بر هر چيز نگهبانى و به هر خواسته مخلوقاتت‏

مُجيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سآئِلٍ قَريبٌ، اسْئَلُكَ يا لا الهَ الَّا انْتَ، الْحَىُّ الْقَيُّومُ،

پاسخگويى و به هر درخواست كننده‏اى نزديكى، از تو مى‏خواهم اى كه معبودى جز تو نيست، تو زنده و پاينده‏

الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذى‏ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، وَبِكُلِّ اسْمٍ‏

و يگانه و بى‏نيازى كه هرگز نزاده و زاده نشده‏اى و براى تو هيچگاه شبيه و مانندى نبوده است، و به حقّ هر نامى‏

رَفَعْتَ بِهِ سَمآئَكَ، وَفَرَشْتَ بِهِ ارْضَكَ، وَارْسَيْتَ بِهِ الْجِبالَ، وَاجْرَيْتَ بِهِ‏

كه با آن آسمان را بالا برده و زمين را گسترانيدى و كوه‏ها را با آن استوار ساخته و آب را جارى نمودى‏

الْمآءَ، وَسَخَّرْتَ بِهِ السَّحابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَاللَّيْلَ وَالنَّهارَ،

و ابر و خورشيد و ماه و ستارگان و شب و روز را با آن به خدمت گرفته‏

وَخَلَقْتَ الْخَلآئِقَ كُلَّها، اسْئَلُكَ بِعَظَمَةِ وَجْهِكَ الْعَظيمِ، الَّذى‏ اشْرَقَتْ لَهُ‏

و همه مخلوقات را آفريدى، از تو مى‏خواهم به عظمت ذات بزرگت، كه‏

السَّمواتُ وَالْأَرْضُ، فَاضائَتْ بِهِ الظُّلُماتُ، الّا صَلَّيْتَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

آسمان و زمين در برابر آن درخشيد و به واسطه آن تاريكى‏ها روشن شد، كه بر محمّد و خاندان‏

مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتَنى‏ امْرَ مَعاشى‏ وَمَعادى‏، وَاصْلَحْتَ لى‏ شَاْنى‏ كُلَّهُ، وَلَمْ‏

پاكش درود فرستى و دنيا و آخرتم را كفايت كنى و همه كارهايم را اصلاح كنى و

تَكِلْنى‏ الى‏ نَفْسى‏ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَاصْلَحْتَ امْرى‏ وَامْرَ عِيالى‏، وَكَفَيْتَنى‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1072**

مرا چشم بر هم زدنى به خودم وامگذارى، و كار خود و خانواده‏ام را اصلاح كنى‏

هَمَّهُمْ، وَاغْنَيْتَنى‏ وَايَّاهُمْ مِنْ كَنْزِكَ وَخَزآئِنِكَ، وَسَعَةِ فَضْلِكَ الَّذى‏ لا

و مرا از مشكلات آنان رهايى بخشى، و من و آنان را از گنج و خزائن و لطف وسيع بى‏پايانت به‏

يَنْفَدُ ابَداً، وَاثْبِتْ فى‏ قَلْبى‏ يَنابيعَ الْحِكْمَةِ الَّتى‏ تَنْفَعُنى‏ بِها،

بى‏نيازى رسانى، و چشمه‏هاى حكمت ودانش را كه من و بندگان پسنديده‏ات‏

وَتَنْفَعُ بِها مَنِ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبادِكَ، وَاجْعَلْ لى‏ مِنَ الْمُتَّقينَ فى‏ آخِرِ

را به آن سود بخشى در دلم قرار دهى، و در آخر

كليات مفاتيح نوين، ص: 1073

الزَّمانِ اماماً، كَما جَعَلْتَ ابْراهيمَ الْخَليلَ اماماً، فَانَّ بِتَوْفيقِكَ يَفُوزُ

الزمان از پرهيزگاران امامى برايم قرار دهى، همان‏گونه كه ابراهيم خليل را امام قرار دادى، پس همانا به توفيق تو رستگاران‏

الْفآئِزُونَ، وَيَتُوبُ التَّآئِبُونَ، وَيَعْبُدُكَ الْعابِدُونَ، وَبِتَسْديدِكَ يَصْلُحُ‏

رستگار شوند و توبه‏كنندگان توبه كنند و عابدان عبادت كنند و به تأييد تو

الصَّالِحُونَ الْمُحْسِنُونَ الْمُخْبِتُونَ، الْعابِدُونَ لَكَ، الْخائِفُونَ مِنْكَ،

شايستگان نيكوكارِ فروتن پرهيزكار گردند، آنان كه تو را عبادت كرده و از تو بترسند

وَبِارْشادِكَ نَجَا النَّاجُونَ مِنْ نارِكَ، وَاشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ،

و به هدايت تو نجات يافتگان از آتشت رهايى يافته، و پرهيزكنندگان مخلوقات از آن دورى جستند

وَ بِخِذْلانِكَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَهَلَكَ الظَّالِمُونَ، وَغَفَلَ الْغافِلُونَ، اللَّهُمَ‏

و به واسطه بى‏توجّهيت، ياوه‏گويان زيان ديدند و ستمكاران هلاك شدند، و بى‏خبران غفلت ورزيدند، خدايا

آتِ نَفْسى‏ تَقْويها، فَانْتَ وَلِيُّها وَمَوْليها، وَانْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّيها، اللَّهُمَّ بَيِّنْ‏

نفسم را تقوا ده، كه تو صاحب اختيار و سرپرست و بهترين پاك كننده آنى، خدايا

لَها هُداها، وَالْهِمْها تَقْويها، وَبَشِّرْها بِرَحْمَتِكَ حينَ تَتَوَفَّاها، وَنَزِّلْها مِنَ‏

راه هدايتش را به او بنما و او را به تقوا وادار، و در هنگام مرگ به لطف و رحمتت بشارتش ده، و او را در بالاترين درجات‏

الْجِنانِ عُلْياها، وَطَيِّبْ وَفاتَها وَمَحْياها، وَاكْرِمْ مُنْقَلَبَها وَمَثْويها،

بهشت فرودآر، مرگ و زندگيش را نيكو گردان، و محل بازگشت و منزلگاه و جايگاه و

وَمُسْتَقَرَّها وَمَاْويها، فَانْتَ وَلِيُّها وَمَوْليها.[[1672]](#footnote-1672)

پناهگاهش را گرامى دار، چرا كه تو صاحب اختيار و سرپرست آنى.

\*\*\*

6- نماز امام زين‏العابدين عليه السلام‏

اين نماز چهار ركعت است (با دو سلام) كه در هر ركعت يك مرتبه سوره «حمد» و صد مرتبه سوره «توحيد» خوانده مى‏شود و پس از آن، اين دعا خوانده مى‏شود:

يا مَنْ اظْهَرَ الْجَميلَ، وَ سَتَرَ الْقَبيحَ، يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ، وَ لَمْ‏

اى كه زيبايى‏ها را آشكار نموده و زشتى‏ها را پوشاندى، اى كه بر هر بدى مؤاخذه نكردى، و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1074

يَهْتِكِ السِّتْرَ، يا عَظيمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا

پرده درى ننمودى، اى صاحب عفو بزرگ، اى صاحب گذشت نيكو، اى گسترده آمرزش، اى‏

باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوى‏، يا مُنْتَهى‏ كُلِّ شَكْوى‏، يا

گشاينده دست به رحمت، اى آگاه هر راز، اى نهايت هر شكايت، اى‏

كَريمَ الصَّفْحِ، يا عَظيمَ الرَّجآءِ، يا مُبْتَدِءاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها، يا رَبَّنا

چشم پوش بزرگوار، اى اميد بزرگ، اى آغازگر نعمت قبل از درخواست آن، اى پروردگار ما

وَ سَيِّدَنا وَ مَوْلانا، يا غايَةَ رَغْبَتِنا، اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ انْ تُصَلِّىَ عَلَى‏ مُحَمَّدٍ

و اى آقا و سرور و مولاى ما، اى نهايت اشتياق ما، خدايا از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و

وآلِ مُحَمَّدٍ.[[1673]](#footnote-1673)

خاندان پاكش درود فرستى.

\*\*\*

7- نماز امام باقر عليه السلام‏

اين نماز دو ركعت است، در هر ركعت يك مرتبه سوره «حمد» و صد مرتبه‏ سُبْحانَ اللَّهِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* تو را تسبيح مى‏گويم اى خدا

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ خوانده مى‏شود؛ پس از نماز اين دعا را مى‏خوانى:

و حمد و سپاس از آن توست و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر از هر چيز است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ يا حَليمُ ذُو اناةٍ غَفُورٌ وَدُودٌ، انْ تَتَجاوَزَ عَنْ سَيِّئاتى‏،

خدايا از تو مى‏خواهم اى شكيباى مدارا كننده آمرزنده با محبت، كه از گناهانم و از آنچه‏

وَما عِنْدى‏ بِحُسْنِ‏ماعِنْدَكَ، وَانْ تُعْطِيَنى‏ مِنْ عَطآئِكَ مايَسَعُنى‏، وَتُلْهِمَنى‏

نزد من است به زيبايى آنچه نزد توست درگذرى، و از بخششت به اندازه‏اى كه مرا در برگيرد به من ببخشى،

فيما اعْطَيْتَنِى الْعَمَلَ فيهِ بِطاعَتِكَ، وَ طاعَةِ رَسُولِكَ، وَ انْ تُعْطِيَنى‏ مِنْ‏

و عمل به بندگيت و بندگى رسولت را در آنچه به من عطا نموده‏اى در دلم اندازى،

عَفْوِكَ ما اسْتَوْجِبُ بِهِ كَرامَتَكَ، اللَّهُمَّ اعْطِنى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، وَ لاتَفْعَلْ بى‏

و از گذشتت به اندازه‏اى كه با آن مستوجب بزرگداشتت شوم عطايم كنى، خدايا آنچه تو شايسته آنى عطايم كن نه آنچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1075

ما انَا اهْلُهُ، فَانَّما انَا بِكَ، وَلَمْ اصِبْ خَيْراً قَطُّ الَّا مِنْكَ، يا ابْصَرَ الْأَبْصَرينَ،

من شايسته آنم، پس از تو كمك مى‏جويم و خيرى جز از جانب تو به من نرسيده است، اى بيناترين بينايان‏

وَيا اسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيا احْكَمَ الْحاكِمينَ، وَيا جارَ الْمُسْتَجيرينَ،

و اى شنواترين شنوايان، و اى حاكم‏ترين حاكمان، و اى پناه پناه‏جويان‏

وَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.[[1674]](#footnote-1674)

و اى اجابت كننده درخواست بيچارگان، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.

\*\*\*

8- نماز امام صادق عليه السلام‏

اين نماز نيز دو ركعت است، درهرركعت‏يك‏مرتبه سوره «حمد» را مى‏خوانى و صد مرتبه آيه‏

«شَهِدَ اللَّهُ انَّهُ لا الهَ الَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ اولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا

خداوند (با ايجاد نظام واحد جهان هستى) گواهى مى‏دهد كه معبودى جز او نيست و فرشتگان و صاحبان دانش (هر كدام به گونه‏اى بر اين مطلب) گواهى مى‏دهند در حالى كه‏

الهَ الَّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ».[[1675]](#footnote-1675) پس از نماز، اين دعا را بخوان: يا صانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ،

(خداوند در تمام عالم) قيام به عدالت دارد، معبودى جز او نيست كه هم توانا و هم حكيم است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى سازنده هر ساخته شده‏

يا جابِرَ كُلِّ كَسيرٍ، وَ يا حاضِرَ كُلِّ مَلَإٍ، وَ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوى‏، وَ يا عالِمَ‏

اى پيوند دهنده هر استخوان شكسته، و اى حاضر در هر انجمن، و اى گواه هر سخن پنهانى، و اى داناى‏

كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يا شاهِدُ غَيْرَ غآئِبٍ، وَ غالِبُ غَيْرَ مَغْلُوبٍ، وَيا قَريبُ غَيْرَ

هر راز، و اى گواه هميشه حاضر، و پيروز شكست‏ناپذير، و اى نزديك بسيار نزديك‏

بَعيدٍ، وَ يا مُونِسَ كُلِّ وَحيدٍ، وَ يا حَىُّ مُحْيِىَ الْمَوْتى‏، وَمُميتَ الْأَحْيآءِ،

و اى همدم هر تنها، و اى زنده‏اى كه مردگان را زنده كنى و زندگان را بميرانى‏

الْقآئِمُ عَلى‏ كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ، وَ يا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، لا الهَ الَّا انْتَ،

اى كه ناظر بر اعمال همگان هستى و اى زنده در وقتى كه زنده‏اى نبود، معبودى جز تو نيست‏

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.[[1676]](#footnote-1676)

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1076

9- نماز امام كاظم عليه السلام‏

نماز امام كاظم عليه السلام دو ركعت است كه در هر يك ركعت يك مرتبه «حمد» و دوازده مرتبه «توحيد» خوانده مى‏شود و پس از آن اين دعا را مى‏خوانى:

الهى‏ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لَكَ، وَ ضَلَّتِ الْأَحْلامُ فيكَ، وَ وَجِلَ كُلُّ شَىْ‏ءٍ

اى معبود من، صداها در برابرت فروتنند، و عقلها درباره تو حيرانند و همه چيز از (عظمت) تو ترسان است‏

مِنْكَ، وَهَرَبَ كُلُّ شَىْ‏ءٍ الَيْكَ، وَ ضاقَتِ الْأَشْيآءُ دُونَكَ، وَ مَلَأَ كُلَّ شَىْ‏ءٍ

و همه چيز به سوى تو گريزان است و در برابر تو همه چيز محدود است، و نور تو همه چيز را فرا گرفته،

نُورُكَ، فَانْتَ الرَّفيعُ فى‏ جَلالِكَ، وَ انْتَ الْبَهِىُّ فى‏ جَمالِكَ، وَ انْتَ الْعَظيمُ‏

پس در بزرگواريت بلند مرتبه‏اى، و در زيباييت نيكويى، و در تواناييت با عظمتى،

فى‏ قُدْرَتِكَ، وَ انْتَ الَّذى‏ لا يَؤُدُكَ شَىْ‏ءٌ، يا مُنْزِلَ نِعْمَتى‏، يا مُفَرِّجَ‏

و چيزى تو را به زحمت نيندازد، اى فرو فرستنده روزيم، اى گشاينده‏

كُرْبَتى‏، وَ يا قاضِىَ حاجَتى‏، اعْطِنى‏ مَسْئَلَتى‏ بِلا الهَ الَّا انْتَ، آمَنْتُ بِكَ‏

اندوهم، اى برآورنده نيازم، به حق آن كه معبودى جز تو نيست خواسته‏ام را عطا كن، به تو ايمان آوردم‏

مُخْلِصاً لَكَ دينى‏، اصْبَحْتُ عَلى‏ عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ابُوءُ لَكَ‏

در حالى كه دينم را براى تو خالص نمودم، به اندازه توان و قدرتم بر پيمان و وعده‏ات صبح كردم،

بِالنِّعْمَةِ، وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتى‏ لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ، يا مَنْ هُوَ فى‏

به فضل تو به جانبت باز مى‏گردم، و از گناهانى كه جز تو كسى آنها را نيامرزد از تو آمرزش مى‏طلبم، اى كه در عين‏

عُلُوِّهِ دانٍ، وَفى‏ دُنُوِّهِ عالٍ، وَ فى‏ اشْراقِهِ مُنيرٌ، وَ فى‏ سُلْطانِهِ قَوِىٌّ، صَلِ‏

بلندمرتبگى نزديكى و در عين نزديكى بلند مرتبه‏اى و در عين درخشش نورافشانى و در فرمانرواييت نيرومندى،

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.[[1677]](#footnote-1677)

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.

\*\*\*

10- نماز امام رضا عليه السلام‏

اين نماز شش ركعت است (به سه سلام) در هر ركعت يك مرتبه حمد و ده مرتبه سوره «هَلْ اتى‏ عَلَى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1077

الْإِنْسانِ». سپس دعاى آن حضرت را پس از پايان شش ركعت نماز مى‏خوانى:

يا صاحِبى‏ فى‏ شِدَّتى‏، وَ يا وَلِيّى‏ فى‏ نِعْمَتى‏، وَ يا الهى‏ وَ الهَ ابْراهيمَ‏

اى همدم من در سختيم و اى عهده‏دار روزيم، و اى معبود من و معبود ابراهيم‏

وَاسْماعيلَ وَاسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ، يا رَبَّ كهيعص، وَ يس وَ الْقُرْآنِ‏

و اسماعيل و اسحاق و يعقوب، اى پروردگار كهيعص و يس و قرآن‏

الْحَكيمِ، اسْئَلُكَ يا احْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَ يا خَيْرَ مَنْ دُعِىَ، وَ يا اجْوَدَ مَنْ‏

حكيم، از تو مى‏خواهم اى بهترين درخواست شده، و اى بهترين خوانده شده و اى نيكوترين‏

اعْطى‏، وَ يا خَيْرَ مُرْتَجى‏، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ.[[1678]](#footnote-1678)

بخشنده و اى بهترين آرزو شده، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى.

\*\*\*

11- نماز امام جواد عليه السلام‏

نماز آن حضرت دو ركعت است كه در هر ركعت يك مرتبه سوره «حمد» و هفتاد مرتبه سوره «توحيد» را مى‏خوانى و پس از پايان نماز مى‏گويى:

اللَّهُمَّ رَبَّ الأَرْواحِ الْفانِيَةِ، وَ الأَجْسادِ الْبالِيَةِ، اسْئَلُكَ بِطاعَةِ الْأَرْواحِ‏

خدايا اى پروردگار جانهاى نابودشونده و جسم‏هاى پوسيده، از تو مى‏خواهم به حق بندگى جانهايى‏

الرَّاجِعَةِ الى‏ اجْسادِها، وَ بِطاعَةِ الْأَجْسادِ الْمُلْتَئِمَةِ بِعُرُوقِها، وَ بِكَلِمَتِكَ‏

كه به بدنها باز مى‏گردند و به حق بندگى جسم‏هايى كه با رگها به هم پيوسته، و به حق فرمانت‏

النَّافِذَةِ بَيْنَهُمْ، وَاخْذِكَ الْحَقَّ مِنْهُمْ، وَ الْخَلائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْتَظِرُونَ فَصْلَ‏

كه در ميان آنها نفوذ دارد واينكه حق را از آنان مى‏گيرى، در حالى كه مخلوقات در برابرت منتظر

قَضآئِكَ، وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ، وَيَخافُونَ عِقابَكَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ‏

حكم تو هستند و اميد به رحمتت دارند و از عذابت مى‏ترسند، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست،

مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلِ النُّورَ فى‏ بَصَرى‏، وَالْيَقينَ فى‏ قَلْبى‏، وَ ذِكْرَكَ باللَّيْلِ‏

و روشنايى را در ديده‏ام و يقين را در دلم و ذكرت را در شب‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1078

وَالنَّهارِ عَلى‏ لِسانى‏، وَ عَمَلًا صالِحاً فَارْزُقْنى‏.[[1679]](#footnote-1679)

و روز بر زبانم قرار ده و كردار نيك را روزيم گردان.

\*\*\*

12- نماز امام هادى عليه السلام‏

اين نماز نيز دو ركعت است، در ركعت اوّل سوره «حمد» و «يس» و در ركعت دوم سوره «حمد» و «الرّحمن» را بخواند (شبيه نماز زيارت حضرت رضا عليه السلام) و بعد از نماز اين دعا را بخواند:

يابآرُّ يا وَصُولُ، يا شاهِدَ كُلِّ غآئِبٍ، وَ يا قَريبُ غَيْرَ بَعيدٍ، وَ يا غالِبُ غَيْرَ

اى نيكوكار، اى پيوند دهنده، اى گواه هر پنهان، اى نزديك بسيار نزديك و اى پيروز

مَغْلُوبٍ، وَيا مَنْ لايَعْلَمُ كَيْفَ هُوَالَّا هُوَ، يا مَنْ لاتُبْلَغُ قُدْرَتُهُ، اسْئَلُكَ‏اللَّهُمَ‏

شكست ناپذير، و اى كه جز تو كسى نداند كه چگونه‏اى، اى كه كسى به قدرتت نرسد، خدايا به حق‏

بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمَكْتُومِ عَمَّنْ شِئْتَ، الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ،

نامى كه از هر كه خواستى، مخفى و پنهان و پوشيده داشتى از تو مى‏خواهم، آن نامى كه پاك و پاكيزه و مقدّس است‏

النُّورِ التَّآمِّ الْحَىِّ الْقَيُّومِ الْعَظيمِ، نُورِ السَّمواتِ وَ نوُرِ الْأَرَضينَ، عالِمِ‏

نور خالص و كامل (همان) زنده پاينده بزرگ كه نور آسمانها و زمين و داناى‏

الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الْكَبيرِ الْمُتَعالِ الْعَظيمِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.[[1680]](#footnote-1680)

آشكار و نهان و بزرگ و بلندمرتبه و با عظمت است، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.

\*\*\*

13- نماز امام حسن عسكرى عليه السلام‏

نماز آن حضرت چهار ركعت است، در دو ركعت اوّل بعد از «حمد»، پانزده مرتبه سوره «زلزال» و در دو ركعت دوم، بعد از «حمد» پانزده مرتبه سوره «توحيد» را مى‏خواند و آنگاه اين دعا را مى‏خواند:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِانَّ لَكَ الْحَمْدَ، لا الهَ الَّا انْتَ، الْبَدى‏ءُ قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ،

خدايا از تو مى‏خواهم به حق آن كه حمد و سپاس از آن توست و معبودى جز تو نيست كه پيش از هر چيز بوده‏اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1079

وَانْتَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ، وَ لا الهَ الَّا انْتَ الَّذى‏ لا يُذِلُّكَ شَىْ‏ءٌ، وَ انْتَ كُلَّ يَوْمٍ‏

و تويى زنده پاينده، و معبودى جز تو كه چيزى خوارت نكند نيست، و تو هر روز

فى‏ شَاْنٍ، لا الهَ الَّا انْتَ، خالِقُ ما يُرى‏ وَ ما لايُرى‏، الْعالِمُ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ

در شأن و كارى هستى، معبودى جز تو نيست كه آفريننده پيدا و ناپيدايى و به هر چيز داناى‏

بِغَيْرِ تَعْليمٍ، اسْئَلُكَ بِآلائِكَ وَنَعْمآئِكَ، بِانَّكَ اللَّهُ الرَّبُّ الْواحِدُ، لا الهَ الَّا

بى‏تعليمى، و از تو مى‏خواهم به حق نعمتهاى نهان و آشكارت و به حق اين كه تويى خدايى كه پروردگار يگانه‏اى كه معبودى جز

انْتَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ، وَ اسْئَلُكَ بِانَّكَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، الْوِتْرُ الْفَرْدُ

تو بخشنده و مهربان نيست، و از تو مى‏خواهم به حق آن كه تويى خدايى كه معبودى جز تو يگانه يكتاى‏

الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذى‏ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، وَ اسْئَلُكَ‏

تنهاى بى‏نياز نيست، خدايى كه (هرگز) نزاد و زاده نشد و براى او هيچگاه شبيه و مانندى نبوده است، و از تو مى‏خواهم‏

بِانَّكَ‏ [انْتَ‏] اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، اللَّطيفُ الْخَبيرُ، الْقآئِمُ عَلى‏ كُلِّ نَفْسٍ‏

به حق آن كه تويى خدايى كه معبودى جز تو مهربان و آگاه نيست، كه بر همه احاطه داشته‏

بِما كَسَبَتْ، الرَّقيبُ الْحَفيظُ، وَاسْئَلُكَ بِانَّكَ اللَّهُ الأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ،

و اعمال همه را ديده و مراقب و نگهبانى، و از تو مى‏خواهم به حق آن كه تويى خدايى كه پيش از همه چيز بوده‏

وَ الْأخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ الْباطِنُ دُونَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، الضَّآرُّ النَّافِعُ الْحَكيمُ‏

و بعد از همه چيز خواهى بود و از هر چيز نهان‏ترى، كه زيان‏رسان و سودرسان و آگاه و

الْعَليمُ، وَ اسْئَلُكَ بِانَّكَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ، الْحَىُّ الْقَيُّومُ، الْباعِثُ‏

دانايى، و از تو مى‏خواهم به حق آن كه تويى خدايى كه معبودى جز تو زنده و پاينده نيست، كه برانگيزنده‏

الْوارِثُ، الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ، بَديعُ السَّمواتِ والأَرْضِ، ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ،

و ميراث بر خلق و غمخوار و سخاوتمندى، خدايى كه پديدآورنده آسمان و زمين و صاحب شكوه و احترام‏

وَ ذُو الطَّوْلِ وَ ذُو الْعِزَّةِ وَ ذُو السُّلْطانِ، لا الهَ الَّا انْتَ، احَطْتَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ

و صاحب قدرت و بزرگى و فرمانروايى هستى، معبودى جز تو نيست كه دانشت بر همه چيز احاطه دارد

عِلْماً، وَ احْصَيْتَ كُلَّ شَىْ‏ءٍ عَدَداً، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.[[1681]](#footnote-1681)

و تعداد همه چيز را مى‏دانى، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1080

14- نماز امام زمان عليه السلام‏

اين نماز دو ركعت است و در هر ركعت وقتى حمد را آغاز كردى و به‏ «ايّاك نعبد وايّاك نستعين» رسيدى، آن را صد مرتبه مى‏گويى سپس سوره «حمد» را كامل مى‏كنى و پس از آن سوره «توحيد» را يك بار مى‏خوانى.[[1682]](#footnote-1682)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1081

فصل دوم: نمازهاى معروف ديگر

1- نماز جعفر طيّار رحمه الله‏

اين نماز بسيار مهم و ارزشمند است كه با سندهاى فراوانى نقل شده است و براى آمرزش گناهان و برآمدن حاجات بسيار مؤثّر است‏[[1683]](#footnote-1683) و نام ديگر اين نماز «نماز تسبيح» است و شيعه و اهل سنّت آن را با روايات متواتر نقل كرده‏اند.[[1684]](#footnote-1684) وجه نام‏گذارى آن به نماز جعفر اين است كه در آن هنگام كه جعفر بن ابى‏طالب (برادر امير مؤمنان عليه السلام) از هجرت حبشه به مدينه بازگشت و به حضور رسول خدا صلى الله عليه و آله رسيد، آن حضرت بسيار خوشحال شد و ميان دو چشمان جعفر را بوسيد و فرمود:

اى جعفر! آيا به تو هديه‏اى بدهم؟!

عرض كرد: آرى يا رسول اللَّه صلى الله عليه و آله!

مردم گمان كردند، كه حضرت مى‏خواهد طلا يا نقره به او ببخشد، آن حضرت صلى الله عليه و آله فرمود: عملى را به تو بياموزم كه اگر هر روز يا هر ماه و يا هر سالى يك بار به انجامش توفيق يابى، اميد است كه خداوند گناهانت را ببخشد، سپس اين نماز را به وى آموخت.

بهترين وقت انجام اين نماز، در ابتداى روز جمعه است، هرچند در ديگر اوقات شب و روز نيز مى‏توان خواند.

اين نماز چهار ركعت است با دو سلام، در ركعت اوّل بعد از «حمد» سوره «اذا زلزلت» را مى‏خوانى، و در ركعت دوم بعد از «حمد» سوره «عاديات»، و در ركعت سوم بعد از «حمد» سوره «نصر»، و در ركعت چهارم بعد از حمد، «سوره توحيد».

در هر ركعت پس از اتمام حمد و سوره، پانزده مرتبه مى‏گويى:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ

. همين ذكر را پس از ذكر ركوع ده مرتبه و پس از سر برداشتن از ركوع ده مرتبه، در سجده اوّل- پس از ذكر سجده- ده مرتبه، پس از سر برداشتن از سجده اوّل (وقتى كه نشسته‏اى) ده مرتبه، و در

كليات مفاتيح نوين، ص: 1082

سجده دوم نيز- بعد از ذكر سجده- ده مرتبه، پس از سر برداشتن از سجده دوم و پيش از برخاستن ده مرتبه (در يك ركعت مجموعاً 75 مرتبه مى‏شود)، در ركعت دوم نيز همين گونه انجام مى‏دهى كه ده مرتبه آخر آن بعد از سجده دوم و قبل از تشهد خواهد بود و در دو ركعت بعد نيز همين گونه عمل مى‏كنى (كه مجموعاً 300 مرتبه تسبيحات مى‏شود) به اضافه ساير اذكار نماز.[[1685]](#footnote-1685) مرحوم «شيخ كلينى» از امام صادق عليه السلام نقل كرده است كه در سجده آخر ركعت چهارم پس از ذكر تسبيحات بگو:

سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ، سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ،

تسبيح مى‏كنم كسى را كه صاحب عزّت و ابهّت است، تسبيح مى‏كنم كسى را كه با بزرگوارى مهربانى كرده و گرامى داشته است‏

سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِى التَّسْبيحُ الَّا لَهُ، سُبْحانَ مَنْ احْصى‏ كُلَّ شَىْ‏ءٍ

تسبيح مى‏كنم كسى را كه جز او سزاوار تسبيح نيست، تسبيح مى‏كنم كسى را كه دانشش همه چيز را فرا گرفته،

عِلْمُهُ، سُبْحانَ ذِى الْمَنِّ وَ النِّعَمِ، سُبْحانَ ذِى الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ، اللهُمَّ انّى‏

تسبيح مى‏كنم صاحب احسان و نعمت‏ها را، تسبيح مى‏كنم صاحب قدرت و سخاوت را، خدايا

اسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ، وَ اسْمِكَ‏

از تو مى‏خواهم به حقّ جايگاه‏هاى عزّت از عرشت، و نهايت رحمت از كتابت و نام‏

الْأَعْظَمِ، وَ كَلِماتِكَ التَّآمَّةِ الَّتى‏ تَمَّتْ صِدْقاً وَ عَدْلًا، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

بزرگت و كلمات كاملت كه در نهايت راستى و عدالت است بر محمّد و خاندان‏

وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَ افْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا.[[1686]](#footnote-1686)

پاكش درود فرست و در مورد من چنين و چنان كن.

(به جاى جمله آخر، حاجت خود را به عربى يا فارسى از خدا بخواه، و اگر اين دعا را حفظ نمى‏باشد و كسى نيست براى او بخواند، دعا را نشسته مى‏خواند در حالى كه اشاره به سجده كرده است).

علّامه مجلسى مى‏نويسد: مرحوم «شيخ» و «سيّد بن طاووس» از مفضّل بن عمر روايت كرده‏اند كه گفت: روزى امام صادق عليه السلام را ديدم نماز جعفر را بجا آوردند و پس از نماز دست‏ها را بلند كردند و گفتند:

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِ‏

(به اندازه يك نفس) سپس گفت:

يا رَبّاه يا رَبّاه، يا رَبّاه‏

(به اندازه يك نفس) سپس گفت:

رَبِّ رَبِّ رَبِ‏

(به اندازه يك نفس)؛

يا اللَّه يا اللَّه يا اللَّه‏

(به اندازه يك نفس)

يا حَىُّ يا حَىُّ يا

كليات مفاتيح نوين، ص: 1083

حَىُ‏[[1687]](#footnote-1687)

(به اندازه يك نفس)

يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَحيمُ‏

(به اندازه يك نفس) پس از آن هفت مرتبه‏

يا

رَحْمنُ‏

و هفت مرتبه‏

يا ارْحَمَ الرّاحِمينَ‏

را گفتند و در پايان خواندند:

اللَّهُمَّ انّى‏ افْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ، وَانْطِقُ بِالثَّنآءِ عَلَيْكَ، وَ امَجِّدُكَ وَ لاغايَةَ

خدايا به ستايش تو كلام خود را آغاز مى‏كنم و به مدح تو سخن مى‏گويم، و تو را به بزرگى ياد مى‏كنم‏

لِمَدْحِكَ، وَاثْنى‏ عَلَيْكَ وَ مَنْ يَبْلُغُ غايَةَ ثَنآئِكَ، وَ امَدَ مَجْدِكَ، وَ انَّى‏

و حال آنكه پايانى براى ستايشت نيست، و تو را مى‏ستايم و كيست كه به نهايت ثنا و بزرگيت رسيده باشد،

لِخَليقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ، وَ اىَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ،

و كجا مخلوقاتت توانايى شناخت كنه بزرگواريت را دارند؟! و چه زمانى تو به واسطه فضلت در خور ستايش نبوده‏اى؟!

مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ، عَوَّاداً عَلَى الْمُذْنِبينَ‏ [الْمُؤْمِنينَ‏] بِحِلْمِكَ، تَخَلَّفَ‏

و يا توصيف به بزرگوارى نگشته‏اى، و يا به واسطه شكيباييت پيوسته بر گنهكاران‏ [مؤمنان‏] توجّه نكرده‏اى؟!

سُكَّانُ ارْضِكَ عَنْ طاعَتِكَ، فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ، جَواداً

ساكنان زمين از بندگيت سرباز زدند، ولى تو با جود و كرمت بر آنها مهربانى نموده، و با فضل و احسانت آنها را بخشيده‏

بِفَضْلِكَ، عَوَّاداً بِكَرَمِكَ، يا لا الهَ الَّا انْتَ الْمَنَّانُ ذُوالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.

و با بزرگواريت به آنها توجّه نمودى، اى كه معبودى جز تو نيست كه سخاوتمند و صاحب بزرگى و بزرگوارى.

سپس امام عليه السلام فرمود: اى مفضّل! هرگاه سختى و حاجتى شديد به تو روى آورد نماز جعفر رحمه الله را انجام ده و حاجات خود را از خدا بخواه كه برآورده مى‏شود ان‏شاءاللَّه.[[1688]](#footnote-1688) در فضيلت اين نماز و آثار و بركات آن هرچه گفته شود كم است و سزاوار است هنگامى كه توفيق حاصل گردد از آن غفلت نشود، كه در حلّ مشكلات دنيا و آخرت مؤثّر است.

2- نمازِ هديه به معصومين عليهم السلام‏

از معصومين عليهم السلام نمازهايى براى هديه به آن بزرگواران (منظور هديه ثواب آن است) نقل شده است كه به اين صورت است:

1- در روز جمعه هشت ركعت نماز مى‏خوانى (هر دو ركعت به يك سلام) و ثواب چهار ركعت آن را به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1084

رسول خدا صلى الله عليه و آله و چهار ركعت ديگر را به حضرت فاطمه عليها السلام هديه مى‏كنى.

2- در روز شنبه چهار ركعت نماز مى‏خوانى و ثواب آن را به امير مؤمنان عليه السلام هديه مى‏كنى.

3- در روز يكشنبه به امام حسن عليه السلام، روز دوشنبه به امام حسين، روز سه شنبه به امام زين‏العابدين، روز چهارشنبه به امام باقر و روز پنجشنبه به امام صادق عليهم السلام هديه مى‏كنى.

4- در روز جمعه مجدّداً هشت ركعت نماز مى‏خوانى و چهار ركعت آن را به رسول خدا صلى الله عليه و آله و چهار ركعت ديگر را به حضرت فاطمه عليها السلام هديه مى‏كنى.

5- روز شنبه چهار ركعت نماز مى‏خوانى و به امام كاظم عليه السلام هديه مى‏كنى و در روز يكشنبه به امام رضا عليه السلام و روز دوشنبه به امام جواد عليه السلام، روز سه شنبه به امام هادى عليه السلام و روز چهارشنبه به امام حسن عسكرى عليه السلام و روز پنج‏شنبه به امام زمان عليه السلام هديه مى‏كنى.

ميان هر دو ركعت از اين نمازها اين دعا را مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ، وَ مِنْكَ السَّلامُ، وَ الَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ، حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ‏

خدايا سلامت كامل تويى و از جانب توست سلامتى و بسوى تو باز مى‏گردد سلامتى، اى پروردگار ما، ما را با سلامتى از جانب خود زنده بدار،

بِالسَّلامِ، اللَّهُمَّ انَّ هذِهِ الرَّكَعاتِ هَدِيَّةٌ مِنَّا الى‏ وَلِيِّكَ فُلانٍ، (به جاى كلمه فلان، خدايا اين چند ركعت هديه‏اى از جانب ما به وليّت فلانى است\*\*\*\*\*\*

نام آن معصوم عليه السلام را مى‏برى) فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلِّغْهُ ايَّاها، وَاعْطِنى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پس بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و اينها را به او برسان،

افْضَلَ امَلى‏ وَ رَجآئى‏ فيكَ، وَ فى‏ رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

و برترين آرزو و اميدم از تو و رسولت- كه درود تو بر او و خاندان پاكش باد- را به من عطا كن.

در اين حديث آمده پس از آن هرچه كه بخواهى، از خدا طلب كن و دعا نما.[[1689]](#footnote-1689)

3- نماز ليلة الدّفن‏

نماز ليلة الدفن (شب بعد از دفن ميّت) دو ركعت است كه در ركعت اوّل «حمد» و «آية الكرسى» خوانده مى‏شود و در ركعت دوم يك مرتبه «حمد» و ده بار سوره «انّا انزلناه»؛ وقتى كه نماز به پايان رسيد، مى‏گويى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1085

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوابَهُما الى‏ قَبْرِ فُلانٍ.

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و ثواب اين دو ركعت را به قبر فلانى برسان.

كه به جاى «فلان» نام ميّت را ذكر مى‏كنى.[[1690]](#footnote-1690) و اين يكى از بهترين هداياست كه انسان مى‏تواند براى اموات خود در آن شب پرخوف و خطر بفرستد. اين نماز را مى‏توان براى هر مؤمنى خواند و هرچند نفر بخوانند خوب است.

4- نمازى ديگر براى ليلةالدّفن‏

از حضرت رسول اكرم صلى الله عليه و آله روايت شده است كه فرمود: بر ميّت ساعتى سخت‏تر از شب اوّل قبر نيست، پس با صدقه دادن به اموات خويش رحم كنيد، و اگر نتوانستيد براى آنان صدقه بدهيد، دو ركعت نماز بگذاريد بدين گونه كه در ركعت اوّل سوره «حمد» يك مرتبه و سوره «توحيد» دو بار خوانده شود و در ركعت دوم سوره «حمد» يك بار و سوره «تكاثر» نيز ده بار خوانده شود، پس از سلام نماز گفته شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوابَهُما الى قَبْرِ ذلِكَ الْمَيِّتِ،

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و ثواب اين دو ركعت را به قبر آن ميّت،

فُلانِ بْنِ فُلانٍ.

فلانى پسر فلانى برسان.

(به جاى فلان بن فلان نام ميّت و پدرش را ببرد) در همان ساعت خداوند پاداش عظيمى به آن ميّت و به نمازگزار عطا مى‏كند.[[1691]](#footnote-1691) مرحوم «علّامه مجلسى» در كتاب «زاد المعاد» گفته است: سزاوار است براى انسان كه مردگانش را فراموش نكند، چرا كه دستشان از اعمال خير كوتاه است و به محبّت‏هاى فرزندان و خويشان و برادران دينى، چشم دوخته‏اند، مخصوصاً به هنگام نماز شب بيشتر بايد براى آنان دعا كرد و همچنين بعد از نمازهاى واجب و در زيارتگاهها و مشاهد مشرّفه به ياد آنان بود، و براى آنها دعا كرد، و براى آنها اعمال خيرى را به جا آورد. در روايتى آمده است: چه بسا فرزندى در حال حيات پدر و مادرش، عاق (مورد نفرت) آنان باشد و آنها از وى ناراضى و ناخشنود باشند؛ ولى پس از فوت پدر و مادر، اين فرزند نيكوكار گردد و اعمال خيرى را براى آنها بجا آورد و رضايت آنها را فراهم كند و چه بسا كه فرزندى در حال حيات پدر و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1086

مادر، نيكوكار و خوب بوده و مورد علاقه آنان، ولى پس از فوت پدر و مادر چون كار خير براى آنها كم انجام مى‏دهد، سبب ناخشنودى پدر و مادر خويش گردد.

عمده خيرات براى پدر و مادر و ساير خويشان آن است كه قرض‏هاى آنان را ادا كند و ذمّه آنان را از حقوق خدا و خلق خدا، پاك گرداند و اعمالى مانند حجّ و ساير عباداتى كه از وى فوت شده است را، يا خود بجا آورد و يا ديگرى را براى آن امور اجير كند.[[1692]](#footnote-1692)

5- نماز اوّل ماه‏

نماز اوّل ماه نماز بسيار خوب و با بركتى است كه شرح آن در اعمال اوّل هر ماه (صفحه 597) آمده است.

6- نماز اعرابى‏

«سيّد بن طاووس» در كتاب «جمال الاسبوع» از شيخ تلّ عكبرى‏[[1693]](#footnote-1693) نقل كرده است كه مردى باديه نشين به محضر رسول خدا صلى الله عليه و آله مشرّف شد و گفت: اى رسول خدا! پدر و مادرم فدايت باد! ما در باديه زندگى مى‏كنيم كه از شهر مدينه دور است، از اين‏رو نمى‏توانم هرجمعه، براى نماز جمعه حاضر شوم، مرا به عملى راهنمايى فرما كه با انجام آن فضيلت نماز جمعه را دريابم، تا وقتى كه به ميان قبيله و خانواده‏ام برگشتم، اين عمل را به آنان نيز بياموزم.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هنگامى كه روشنايى روز كاملًا بالا آمد، دو ركعت نماز بخوان بدين صورت كه:

در ركعت اوّل يك مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «قل اعوذ برب الفلق» و در ركعت دوم، پس از «حمد» هفت مرتبه سوره «ناس» و پس از سلام نماز، هفت مرتبه آية الكرسى را بخوان.

پس از آن هشت ركعت نماز مى‏خوانى كه هر چهار ركعت را به يك سلام تمام مى‏كنى‏[[1694]](#footnote-1694) بدين نحو كه پس از دو ركعت تشهد مى‏خوانى ولى سلام نمى‏دهى، بلكه در ركعت چهارم سلام مى‏دهى و چهار ركعت بعد را نيز به همان نحو انجام مى‏دهى.

در اين هشت ركعت، در هر ركعتى يك «حمد» و يك بار سوره «اذا جاء نصر اللَّه» و بيست و پنج مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» را مى‏خوانى، پس از تشهّد و سلام نماز هفت مرتبه اين دعا را بخوان:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1087

يا حَىُّ يا قَيّوُمُ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا الهَ الْأَوَّلينَ وَ الْأخِرينَ، يا

اى زنده اى پاينده، اى صاحب شكوه و بزرگوارى، اى معبود پيشينيان و پسينيان، اى‏

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا رَحْمنَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ وَ رَحيمَهُما، يا رَبِّ يا رَبِّ يا

مهربان‏ترين مهربانان، اى بخشنده و مهربان دنيا و آخرت، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى‏

رَبِّ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا

پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى پروردگار من، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى‏

اللَّهُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاغْفِرْلى‏\* سپس حاجت خود را طلب مى‏كنى و پس از آن‏ خدا، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا بيامرز.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

هفتاد مرتبه مى‏گويى: لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ‏\* و مى‏گويى: وَسُبْحانَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\* و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست\*\*\*\*\*\* و تسبيح مى‏كنم‏

اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَريمِ.

خدايى را كه پروردگار عرش بلندمرتبه است.

آنگاه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سوگند به خدايى كه مرا به حق مبعوث كرد، هر مرد و زن مؤمنى كه اين نماز را در روز جمعه بخواند، من بهشت را براى او ضمانت مى‏كنم و از جاى خويش برنخيزد جز آن‏كه خداوند گناهانش و گناهان پدر و مادرش را بيامرزد ...[[1695]](#footnote-1695) اين نماز را مرحوم «شيخ طوسى» نيز در «مصباح المتهجّد» نقل كرده است؛ ولى دعاى فوق در آن ذكر نشده است، بلكه فرمود: چون از نماز فارغ شدى هفتاد بار بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَريمَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.[[1696]](#footnote-1696)

تسبيح مى‏كنم خدايى را كه پروردگار عرش بلندمرتبه است و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و با عظمت نيست.

7- نماز فرزند براى آمرزش پدر و مادر

اين نماز دو ركعت است، در ركعت اوّل پس از سوره «حمد»، ده بار مى‏گويى: رَبِّ اغْفِرْلى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پروردگارا، من‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1088

وَلِوالِدَىَّ وَ لِلْمُؤْمِنينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسابُ. و در ركعت دوم پس از سوره حمد، ده مرتبه‏ و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روز كه حساب برپا مى‏شود بيامرز.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏خوانى: رَبِّ اغْفِرْلى‏ وَ لِوالِدَىَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنينَ‏

\*\*\*\*\* پروردگارا من و پدر و مادرم و تمام كسانى كه با ايمان وارد خانه من شدند و همه مردان و زنان‏

وَالْمُؤْمِناتِ\* پس از سلام نماز نيز ده بار مى‏گويى: رَبِّ ارْحَمْهُما كَما رَبَّيانى‏ صَغيراً.[[1697]](#footnote-1697)

با ايمان را بيامرز.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پروردگارا همان‏گونه كه آنها مرا در كوچكى تربيت كردند مشمول رحمتشان قرار ده.

8- نماز و اعمالى ديگر، براى رفع وسوسه‏هاى قلبى‏

بسيارند كسانى كه به وسوسه‏هاى فكرى در امور اعتقادى و مانند آن گرفتار مى‏شوند و گاه تصوّر مى‏كنند اين وسوسه‏ها موجب تزلزل ايمان آنها مى‏شود، در حالى كه چنين نيست.

از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه فرمود: هيچ مؤمنى نيست كه بر او چهل روز بگذرد، مگر آن‏كه به حديث نفس دچار شود، وقتى چنين شد دو ركعت نماز بگذارد و از آن به خدا پناه برد.[[1698]](#footnote-1698) همچنين آن حضرت فرمود: حضرت آدم عليه السلام از حديث نفس به خدا شكايت كرد، جبرئيل نازل شد و گفت: بگو:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ‏

. حضرت آدم عليه السلام اين ذكر را گفت و حديث نفس از او برطرف شد.[[1699]](#footnote-1699) از اين روايات استفاده مى‏شود كه هميشه اين وسوسه‏هاى شيطانى بوده و راه نجات از آنها، پناه بردن به خدا و بى‏اعتنايى به آن است.

در حديث ديگرى امام صادق عليه السلام فرمود: مردى خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد و از وسوسه و فقر و دَيْن سنگينى كه داشت شكايت كرد. رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: مكرّر بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذى‏ لايَمُوتُ، وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى‏ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً

بر زنده‏اى كه هرگز نمى‏ميرد توكّل مى‏كنم، و ستايش براى خداوندى است كه نه همسر

وَ لا وَلَداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِ‏

و نه فرزندى براى خود انتخاب كرده و نه شريكى در حكومت دارد و نه به خاطر ضعف ذلّت (حامى و) سرپرستى براى اوست‏

وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.

و او را بسيار بزرگ بشمار.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1089

پس از مدّتى آن مرد به نزد رسول خدا بازگشت و گفت: اى رسول خدا! خداوند وسوسه مرا زايل كرد و دَيْنم را ادا نمود و رزقم را زياد كرد.[[1700]](#footnote-1700) همچنين روايت شده، براى رفع وسوسه‏هاى شيطان- آنگاه كه در قلبت شكّى پيدا شد- بگو:

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْأخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَالْباطِنُ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عَليمٌ.[[1701]](#footnote-1701)

اوّل و آخر و پيدا و پنهان اوست و او به هر چيز داناست.

همچنين در حديث ديگرى امام صادق عليه السلام فرمود: براى رفع وسوسه‏هاى شيطان، در حالى كه دستت را به سينه‏ات مى‏كشى بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَلاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِ‏

به نام خدا و به ذات خدا، محمّد فرستاده خداست و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه‏

الْعَظيمِ، اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنّى‏ ما احْذَرُ.

و با عظمت نيست، خدايا آنچه را كه از آن بيمناكم از من بزُداى.

آنگاه دست به شكم خود مى‏كشى و اين ذكر را سه مرتبه مى‏گويى كه ان‏شاءاللَّه آن وسوسه برطرف خواهد شد.[[1702]](#footnote-1702) همچنين طبق آنچه در روايات آمده براى رفع وسوسه، اين امور نيز مؤثّر است:

شستن سر با سدر[[1703]](#footnote-1703)، مسواك كردن‏[[1704]](#footnote-1704)، خوردن انار[[1705]](#footnote-1705)، آشاميدن آب نيسان‏[[1706]](#footnote-1706)،[[1707]](#footnote-1707) و روزه گرفتن به مدّت سه روز از هر ماه؛ كه عبارت است از پنج شنبه اوّل ماه و آخر ماه و چهارشنبه از وسط ماه‏[[1708]](#footnote-1708) و همچنين بگويد:

اعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِىِّ مِنَ الشَّيْطانِ الْغَوِىِّ، وَ اعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِىِّ مِنْ‏

از شرّ شيطان گمراه كننده به خداى توانا پناه مى‏برم، و از قضا و قدرِ سوء، به محمّد (رسولِ) پسنديده‏

شَرِّ ما قُدِّرَ وَ قُضِىَ، وَ اعُوذُ بِالهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ اجْمَعينَ.[[1709]](#footnote-1709)

پناه مى‏برم، و از شرّ تمامى جنّ و انس به خداوند مردم پناه مى‏برم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1090

بايد توجّه داشت كه وسوسه‏ها ريشه‏هاى مختلف جسمى و روحى دارد كه با پيدا كردن ريشه‏ها بايد در دفع آنها كوشيد، و به يقين بى‏اعتنايى به وسوسه يكى از طرق مهمّ درمان است (البتّه بعد از علم و آگاهى كافى به مسائل اعتقادى و عملى) و كسانى كه زياد به آن اعتنا كنند دائماً در عذاب خواهند بود.

وسواس در مسائل عملى و عبادات مخصوصاً در امورى مانند طهارت و نجاست، بسيار زياد است، بهترين و مؤثّرترين راه دفع آن (پس از آگاهى بر مسائل شرعى و احكام) اين است كه به افراد معمولى از مؤمنان نگاه كند و ببيند كه آنها (مثلًا) براى آب كشيدن بدن يا لباس خود چه اندازه آب مصرف مى‏كنند به همان اندازه قناعت كند، هرچند شيطان وسوسه مى‏كند و مى‏گويد پاك نشده است. هرگز اعتنا به اين شك‏ها نكند كه ما مسئوليّت اعمال او را بر عهده مى‏گيريم!

9- نماز مسجد جمكران‏

مسجد جمكران در نزديكى شهر مقدّس قم واقع شده است كه به امر امام زمان عليه السلام بنا گرديد و داراى آثار و بركات فراوانى است.

مرحوم حاج ميرزا «حسين نورى» در كتاب «نجم الثاقب» داستان بناى آن را نقل كرده است و در همان حكايت كه در بيدارى واقع شده نه در خواب، به نقل از امام زمان عليه السلام خطاب به حسن مُثله جمكرانى آمده است: به مردم بگو به اين مكان رغبت نشان دهند و آن را مغتنم بشمارند و در آن‏جا چهار ركعت نماز بگذارند:

1- دو ركعت نماز تحيّت مسجد كه در هر ركعتى يك مرتبه «حمد» و هفت مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» بخوانند و هفت بار ذكر ركوع و در هر سجده هفت بار نيز ذكر سجود را بگويند (در ركوع هفت بار بگويد سبحان ربّى الْعظيم و بحمده و در سجده هفت بار بگويد سبحان ربّى الأعلى و بحمده).

2- دو ركعت نماز امام زمان عليه السلام بخواند به اين نحو كه، در ركعت اوّل سوره «حمد» را آغاز كند و چون به جمله «ايّاك نعبد و ايّاك نستعين» رسيد، صد مرتبه آن را تكرار نمايد و سپس بقيّه حمد را تا آخر بخواند (آنگاه يك مرتبه سوره «قل هو اللَّه احد» را بخواند) و ذكر ركوع و سجود را هفت مرتبه بگويد و ركعت دوم را نيز به همين صورت انجام دهد. پس از نماز يك بار بگويد:

لا الهَ الَّا اللَّه‏

و سپس تسبيح حضرت زهرا عليها السلام را بگويد؛ آنگاه سر به سجده بگذارد و صد بار صلوات بفرستد.

امام زمان عليه السلام فرمود: «

فَمَنْ صَلّاهُما فَكَانَّما صَلّى‏ فِى الْبَيْتِ الْعَتيقِ‏

؛ هر كس اين دو نماز را (به اين نحو) انجام دهد گويا در كعبه نماز خوانده است».[[1710]](#footnote-1710)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1091

10- نماز شب‏

نماز شب از نمازهاى مستحبّى بسيار معروف است كه آثار و ارزش زياد و پاداش فراوانى دارد و انجامش بسيار توصيه شده است (آداب نماز شب، پاداش آن و همچنين كيفيّت انجام آن در بخش پنجم، صفحه 937 گذشت).

11- نماز توسّل به حضرت زهرا عليها السلام‏

در روايتى از امام صادق عليه السلام آمده است كه هرگاه حاجت مهمّى داشته باشى به گونه‏اى كه از نظر روحى در فشار شديد باشى، دو ركعت نماز بخوان و پس از نماز، سه بار تكبير و سپس تسبيح حضرت زهرا عليها السلام را بگو، آنگاه به سجده برو و صد مرتبه بگو: «

يا مَوْلاتى‏ فاطِمَةُ اغيثينى‏»

سپس سمت راست صورت را بر زمين بگذار و همين جمله را صد بار بگو، بار ديگر به سجده برو و همين جمله را صد و ده مرتبه بگو، (مجموعاً 310 بار مى‏شود) سپس حاجت خود را از خداوند بخواه كه ان‏شاءاللَّه برآورده مى‏سازد. (و حضرت زهراى مرضيّه عليها السلام ان‏شاءاللَّه در پيشگاه خداوند براى برآمدن آن حاجت، شفاعت خواهد نمود).[[1711]](#footnote-1711)

12- نماز حاجت‏

اين نماز را بسيارى از علما، مانند «سيّد بن طاووس»، «شيخ صدوق»، «شيخ مفيد» و «شيخ طوسى» نقل كرده‏اند كه امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه حاجت مهمّى دارى، سه روز متوالى از چهارشنبه تا جمعه را روزه بگير، در روز جمعه غسل كن و لباسى نو و پاكيزه بپوش و بالاى بام خانه‏ات (يا در فضاى باز) برو و دو ركعت نماز بخوان، و پس از نماز، دست‏ها را به سوى آسمان بلند كن و بگو:

اللَّهُمَّ انّى‏ حَلَلْتُ بِساحَتِكَ لِمَعْرِفَتى‏ بِوَحْدانِيَّتِكَ وَصَمَدانِيَّتِكَ، وَا نَّهُ‏

خدايا به خاطر شناختم به يگانگى و بى‏نيازيت به درگاهت اقامت گزيدم، و كسى‏

لا قادِرَ عَلى‏ قَضاءِ حاجَتى‏ غَيْرُكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ يا رَبِّ ا نَّهُ كُلَّما تَظاهَرَتْ‏

جز تو توانايى بر آوردن حاجتم را ندارد، و به يقين دانستم كه اى پروردگار من هر چه‏

نِعْمَتُكَ عَلَىَّ، اشْتَدَّتْ فاقَتى‏ الَيْكَ، وَقَدْ طَرَقَنِي هَمُّ كَذا وَ كَذا

نعمتهايت بر من جلوه‏گر شود، نيازم به تو بيشتر مى‏شود، و اندوه اين و آن بر من وارد شده.

\* به جاى كلمه «كذا و كذا» حاجت خود را ذكر كند و آنگاه ادامه دهد: وَ انْتَ بِكَشْفِهِ عالِمٌ غَيْرُ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* و تو براى برطرف كردن آن داناى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1092

مُعَلَّمٍ، واسِعٌ غَيْرُمُتَكَلِّفٍ، فَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبالِ‏

بى‏تعليمى، و رحمت گسترده‏ات تو را به زحمت نيندازد، پس از تو مى‏خواهم به حقّ نامى كه بر كوه‏ها نهادى‏

فَنُسِفَتْ، وَ وَضَعْتَهُ عَلَى‏السَّمواتِ فَانْشَقَّتْ، وَ عَلَى النُّجُومِ‏فَانْتَثَرَتْ،

و متلاشى شدند و بر آسمانها نهادى و شكافته شدند، و بر ستارگان نهادى، پراكنده شدند،

وَعَلَى الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ، وَاسْئَلُكَ بِالْحَقِ‏الَّذى‏ جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى‏

و بر زمين نهادى و گسترده شد، و از تو مى‏خواهم به حقّى كه قرار دادى در نزد محمّد- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ عِنْدَ عَلِىٍّ وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِىٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَ جَعْفَرٍ

خدا بر او خاندان پاكش باد- و در نزد على و حسن و حسين و على و محمّد و جعفر

وَ مُوسى‏، وَ عَلِىٍّ وَ مُحَمَّدٍ، وَ عَلِىٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، انْ‏

و موسى و على و محمّد و على و حسن و حضرت حجّت- كه درود خدا بر ايشان باد-

تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَيْتِهِ، وَانْ تَقْضِىَ لى‏ حاجَتى‏، وَتُيَسِّرَلى‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى، و حاجتم را برآورى و دشواريش را بر من‏

عَسيرَها، وَ تَكْفِيَنى‏ مُهِمَّها، فَانْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَانْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ‏

آسان گردانى و ضرورى‏هاى آن را كفايت كنى، پس اگر چنين كنى يا نكنى،

الْحَمْدُ، غَيْرُ جآئِرٍ فى‏ حُكْمِكَ، وَلا مُتَّهَمٍ فى‏ قَضآئِكَ، وَلاحآئِفٍ فى‏

حمد و سپاس از آن توست و در فرمانت ظلم و ستمى نكرده‏اى، و در داوريت متّهم نبوده و از عدالت‏

عَدْلِكَ\* سپس گونه خود رابر زمين مى‏گذارى و مى‏گويى: اللَّهُمَّ انَ‏يُونُسَ بْنَ مَتّى‏

روى‏گردان نيستى\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بنده تو يونس پسر متّى‏

عَبْدُكَ، دَعاكَ فى‏ بَطْنِ الْحُوتِ وَهُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ ا نَا عَبْدُكَ‏

تو را در شكم ماهى خواند در حالى كه بنده تو بود و تو اجابتش نمودى و من نيز بنده توام‏

ادْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لى‏.

و تو را مى‏خوانم پس مرا اجابت فرما.

امام صادق عليه السلام فرمود: بسيار مى‏شود حاجتى دارم، اين دعا را مى‏خوانم و خداوند حاجتم را برآورده مى‏سازد.[[1712]](#footnote-1712)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1093

13- نمازى ديگر براى برآورده شدن حاجات‏

«مرحوم كلينى» به سند معتبر از عبدالرّحيم قصير روايت كرده است كه خدمت امام صادق عليه السلام شرفياب شدم و عرض كردم: فدايت شوم، از نزد خودم دعايى ساخته‏ام! حضرت فرمود: دعاى اختراعى خود را رها كن، هرگاه حاجتى داشتى، به رسول خدا پناه ببر و دو ركعت نماز بگذار و آن را به رسول خدا صلى الله عليه و آله هديه كن. گفتم: چگونه آن را بجا آورم؟ فرمود: غسل مى‏كنى و سپس دو ركعت نماز مى‏خوانى (مثل دو ركعت نماز صبح) وقتى كه نماز به پايان رسيد مى‏گويى:

اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ، وَ مِنْكَ السَّلامُ، وَ الَيْكَ يَرْجِعُ السَّلامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏

خدايا سلامت كامل تويى و از جانبِ توست سلامتى و به سوى تو باز مى‏گردد سلامتى خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّى السَّلامَ، وَ ارْواحَ الْأَئِمَّةِ

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و سلام مرا به روح محمّد و ارواح امامان‏

الصَّادِقينَ سَلامى‏، وَارْدُدْ عَلَىَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ

راستين برسان و سلام آنها را به من بازگردان و درود و رحمت‏

اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، اللَّهُمَّ انَّ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنّى‏ الى‏ رَسُولِ‏اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ‏

و بركات خدا بر ايشان باد، خدايا اين دو ركعت هديه‏اى از جانب من به فرستاده خداست- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاثِبْنى‏ عَلَيْهِما ما امَّلْتُ وَرَجَوْتُ فيكَ وَ فى‏ رَسُولِكَ، يا وَلِىَ‏

بر او و خاندان پاكش باد- پس پاداش مرا در اين دو ركعت آنچه از تو و فرستاده‏ات آرزو دارم، قرار ده، اى سرپرست‏

الْمُؤْمِنينَ\* سپس به سجده مى‏روى و چهل مرتبه مى‏گويى: يا حَىُّ يا قَيّومُ، يا حَيّاً

مؤمنان\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى زنده اى پاينده، اى زنده‏اى‏

لايَمُوتُ، يا حَىُّ لا الهَ الَّا انْتَ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

كه هرگز نمى‏ميرى، اى زنده‏اى كه معبودى جز تو نيست، اى صاحب شكوه و بزرگوارى، اى مهربان‏ترين مهربانان.

آنگاه جانب راست صورت را روى زمين مى‏گذارى و اين دعا را چهل مرتبه مى‏خوانى، پس از آن جانب چپ صورت را بر زمين مى‏گذارى و چهل مرتبه اين دعا را مى‏خوانى. آنگاه سر را بلند مى‏كنى و دستان خود را (به سمت آسمان) برمى‏دارى و چهل مرتبه اين دعا را مى‏خوانى؛ سپس دست را به گردن خود مى‏گذارى و انگشت اشاره (دست راست) را به علامت تضرّع تكان مى‏دهى و اين دعا را چهل مرتبه مى‏خوانى. در مرحله بعد، محاسن خود را با دست چپ مى‏گيرى و با حالت گريه مى‏گويى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1094

يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللَّهِ، اشْكُوا الَى اللَّهِ وَ الَيْكَ حاجَتى‏، وَ الى‏ اهْلِ بَيْتِكَ‏

اى محمّد اى فرستاده خدا، به درگاه خدا شِكوه مى‏كنم و به تو و خاندان‏

الرَّاشِدينَ حاجَتى‏، وَ بِكُمْ اتَوَجَّهُ الَى اللَّهِ فى‏ حاجَتى‏\* سپس به سجده‏ هدايتگرت نيازمندم، و به واسطه شما نيازم را به درگاه خدا مى‏برم.\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مى‏روى و به قدر يك نفس مى‏گويى: يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ ... سپس مى‏گويى: صَلِّ عَلى‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى خدا، اى خدا، اى خدا\*\*\*\*\*\*\*\*\* بر محمّد و خاندان‏

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا.

پاكش درود فرست و در مورد من چنين و چنان كن.

(و به جاى اين جمله اخير، حاجت خود را مى‏گويى). امام صادق عليه السلام فرمود: من از جانب خداوند ضمانت مى‏دهم كه از جاى خويش حركت نكنى مگر آن‏كه حاجت تو برآورده شود، ان‏شاءاللَّه.[[1713]](#footnote-1713)

14- نماز براى رفع سختى‏ها و دشوارى‏ها

از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه هرگاه كارى بر تو دشوار شود و به عسرت و سختى افتادى، وقت ظهر دو ركعت نماز بخوان؛ در ركعت اوّل سوره «حمد» و «قل هو اللَّه» و سوره «فتح» از ابتداى سوره تا «

وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزيزاً

» (آيه سوم) را بخوان و در ركعت دوم سوره «حمد»، «توحيد» و سوره «الم نشرح» را بخوان. تأثير اين نماز به تجربه رسيده است.[[1714]](#footnote-1714)

15- نماز براى زياد شدن روزى‏

در روايتى آمده است مردى خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد و گفت: يا رسول اللَّه من عيالمندم و قرض دارم و زندگى بر من سخت مى‏گذرد، به من دعايى بياموز تا با خواندنش، خداوند روزيم را زياد كند، تا بتوانم قرضم را ادا كنم و به خانواده‏ام برسم. رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

اى بنده خدا وضوى كاملى (از نظر آداب و شرايط) بگير؛ سپس دو ركعت نماز بخوان و ركوع و سجود آن را به نيكى بجا آور و پس از نماز بگو:

يا ماجِدُ يا واحِدُ يا كَريمُ، اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِىِّ الرَّحْمَةِ

اى ارجمند اى يگانه اى بخشنده، به واسطه پيامبرت محمّد، پيامبر رحمت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1095

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ‏اللَّهِ، انّى‏ اتَوَجَّهُ بِكَ الَى اللَّهِ رَبّى‏

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- به تو رو نموده‏ام، اى محمّد اى فرستاده خدا، به واسطه تو به خدا، پروردگار من‏

وَرَبِّكَ وَرَبِّ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَاسْئَلُكَ اللَّهُمَّ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ اهْلِ بَيْتِهِ،

و تو و همه چيز رو نموده‏ام، و خدايا از تو مى‏خواهم كه به محمّد و خاندان پاكش درود فرستى‏

وَ اسْئَلُكَ نَفْحَةً كَريمَةً مِنْ نَفَحاتِكَ، وَفَتْحاً يَسيراً، وَ رِزْقاً واسِعاً، الُمُّ بِهِ‏

و از تو مى‏خواهم هديه‏اى ارزشمند از هدايايت و گشايش آسان و روزى وسيعى كه با آن پريشانيم را برطرف نموده‏

شَعَثى‏، وَ اقْضى‏ بِهِ دَيْنى‏، وَاسْتَعينُ بِهِ عَلى‏ عِيالى‏.[[1715]](#footnote-1715)

و قرضم را ادا كنم و با آن خانواده‏ام را يارى نمايم.

البتّه تمام اين دستورات بعد از آن است كه انسان تلاش و سعى لازم را براى تحصيل روزى انجام دهد و الّا دعاى او- طبق روايات- مستجاب نمى‏شود.

16- نمازى ديگر در طلب روزى‏

شخصى مى‏گويد خدمت امام صادق عليه السلام آمدم و عرض كردم: آنچه از اموال در دستم بود از بين رفت و در فشار و سختى فراوانى قرار گرفتم. امام عليه السلام فرمود: آيا در بازار دكّانى دارى؟ گفتم آرى، ولى به خاطر نداشتن سرمايه آن را رها كردم. امام فرمود: وقتى به كوفه برگشتى برو سرِ مغازه‏ات، آن را جارو كن و آن‏جا بنشين؛ ولى پيش از آن‏كه از منزل بيرون روى، دو ركعت يا چهار ركعت نماز بگذار و پس از نماز بگو:

تَوَجَّهْتُ بِلا حَوْلٍ مِنّى‏ وَ لا قُوَّةٍ، وَ لكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، ابْرَءُ الَيْكَ‏

به توان و نيروى تو، نه با توان و نيروى خود به تو توجّه نموده‏ام، و از هر نيرو و توانى‏

مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ الَّا بِكَ، فَانْتَ حَوْلى‏ وَ مِنْكَ قُوَّتى‏، اللَّهُمَّ فَارْزُقْنى‏ مِنْ‏

جز تو بيزارى مى‏جويم، پس توان من از توست و از جانب توست نيرويم، خدايا از لطف گسترده‏ات روزى‏

فَضْلِكَ الْواسِعِ رِزْقاً كَثيراً طَيِّباً، وَ ا نَا خافِضٌ في عافِيتِكَ، فَانَّهُ لا

فراوانِ پاكيزه عطايم كن، و من نيازمند سلامتى از جانب توام،

يَمْلِكُها احَدٌ غَيْرُكَ.

چرا كه كسى جز تو مالك آن نيست.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1096

راوى مى‏گويد: من نيز به دستور امام عليه السلام عمل كردم و خداوند روزى مرا زياد كرد، تا آن‏جا كه براى خود چهارپايان و اموال ديگرى خريدم و براى خود خانه ساختم.[[1716]](#footnote-1716) آغاز اين حديث شاهد بر چيزى است كه در ذيل حديث قبل گفتيم كه شرط قبولى اين دعاها، تلاش به مقدار توان خويش در امر معاش است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1099

بخش هشتم: دعا براى حل مشكلات معنوى و مادى و آداب عقيقه‏

مقدّمه: اهميّت دعا و يادآورى چند نكته‏

همان‏گونه كه پيش از اين در مقدّمه كتاب گفته شد، دعا بهترين رابطه خلق با خالق و زيباترين شكل نيايش و از مهم‏ترين عبادات است.

گاه بركات معنوى كه از خودِ دعا نصيب دعاكننده مى‏شود بسيار بيش از حاجاتى است كه در دعايش از خداوند بزرگ تقاضا مى‏كند.

دعا انسان را به خدا نزديك مى‏كند و روح او را تلطيف كرده و نشاط روحانى او را افزايش مى‏دهد؛ اميدِ او را به آينده زياد كرده، و از سقوط در درّه هولناك يأس و افسردگى رهايى مى‏بخشد. اضافه بر اين، دعا دريچه معرفت‏اللَّه و عشق به خداست.

اينها همه از يكسو؛ از سوى ديگر، تأثير دعاها در حلّ مشكلات مادّى و معنوى بسيار تجربه شده و به ثبوت رسيده است، و براى آنها كه به خداوند و قدرت و لطف و رحمت او ايمان دارند، جاى ترديد نمى‏باشد.

او ما را به دعا كردن دعوت نموده، و اجابت را تضمين فرموده است و بر همين اساس، در رواياتِ معتبرى كه از معصومين عليهم السلام به ما رسيده دعاهاى زيادى براى حلّ مشكلات معنوى و مادّىِ مؤمنان بيان شده است كه اگر همه آنها جمع‏آورى گردد، كتاب بزرگى را تشكيل مى‏دهد.

ما، در اين مجموعه بخش مهمّى از آن را كه در كتب معتبر يافته‏ايم از نظر خوانندگان عزيز مى‏گذرانيم و جدّاً از آنها تقاضا مى‏كنيم به هنگامى كه حال دعا و تضرّع به درگاه بارى‏تعالى به آنها دست داد و مظانّ استجابت دعا فرا رسيد، نويسندگان اين سطور را نيز فراموش نكنند و به دعاى خير ياد فرمايند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1100

قبل از ورود در بيان دعاها يادآورى چند نكته لازم است:

1- گاه مى‏شود دعاها به اجابت نمى‏رسد و دعاكنندگان تعجّب مى‏كنند كه با آن همه الحاح و اصرار، عدم اجابت دعا چرا؟ در حالى كه وقتى دقّت مى‏كنيم، مى‏بينيم شرايط استجابت دعا را فراهم نكرده‏اند (در زمينه شرايط استجابت دعا، بحثى را در آغاز كتاب داشتيم؛ بار ديگر آن را به دقّت مطالعه فرماييد و به كار بنديد).

2- گاه مى‏شود انسان با تمام وجود، چيزى را از خدا مى‏طلبد كه در واقع آن چيز به زيان اوست ولى خودِ او از آن بى‏خبر است. در اين جا خداوند رحيم خواسته او را برآورده نمى‏سازد و او را از خطر نجات مى‏بخشد؛ ولى پاداش دعا را براى او حفظ مى‏كند!

3- گاه مى‏شود انسان به محض اجابت دعا، درِ خانه خدا را رها مى‏كند و در غفلت و بى‏خبرى فرو مى‏رود، خداوندِ رحمان و رحيم، اجابت دعايش را به تأخير مى‏اندازد، تا بيشتر نيايش كند و درِ خانه او را بيشتر بكوبد تا مشمول عنايات افزون‏ترى گردد.

4- گاهى برخى از افراد، راه‏ها و اسبابى را كه خداوند براى حلّ مشكلات قرار داده رها مى‏كنند و بدون تلاش و كوشش براى رفع نيازها و حلّ دشوارى‏ها، فقط به سراغ دعا مى‏روند، در حالى كه خداوندِ «مسبّب‏الاسباب» اسبابى را براى رفع مشكلات مادّى و معنوى قرار داده و آنها را گاه در دل طبيعت، گاه در مراجعه به افراد كاردان، و گاه در سايه جدّ و جهد قرار داده است؛ امّا گروهى با «رها ساختن اين امور»، در گام نخسين سراغ ادعيه و اذكار مى‏روند و چون اثرى از اجابت نمى‏يابند، مأيوس و نااميد، همه را به ديده ترديد مى‏نگرند؛ در حالى كه مقصود آنها از طريق تلاش و كوشش و مشورت و مانند آن حاصل مى‏شد و بايد به سراغ آن مى‏رفتند و همگام با تلاش و كوشش در جهت حلّ مشكلات، بايد از اين ادعيه نيز بهره مى‏گرفتند، ولى چنين نكردند و به نتيجه نرسيدند.

5- اعتقاد و ايمان به آثار دعا نيز تأثير مهمّى در اجابت دعاها دارد. اگر كسى بخواهد با ترديد يا براى امتحان اين دعاها را بخواند، ممكن است كمتر به مقصود برسد.

به هر حال، هرگز نبايد به خاطر تأخير اجابت دعا ناراحت و نگران باشيم و از پيگيرى خسته شويم و بدانيم همان گونه كه دعا به سود ماست، تأخير در اجابت نيز به نفع ما مى‏باشد.

با اين مقدّمه كوتاه، به اصل سخن بازمى‏گرديم و در اين بخش از كتاب به ذكر قسمتى از دعاهاى پرمحتوا و پرارزش، براى رسيدن به خواسته‏هاى مادّى و معنوى كه از كتب معتبر گرفته شده است اشاره مى‏كنيم، به ويژه دعاهايى كه تأثير آن در حلّ مشكلات به وسيله بزرگان تجربه شده است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1101

1- دعاهايى براى برآمدن حاجات دنيوى و اخروى‏

در كتاب‏هاى روايى ما، دعاهاى جالب و ذكرهاى پرمحتوايى آمده كه خواندن آنها با توجّه به معانى و محتواى آنها، تأثير مهمّى در روح و جان انسان مى‏گذارد و براى حلّ مشكلات مادّى و معنوى بسيار مؤثّر است. بزرگان علما اين روايات را در كتب ادعيه و كتب روايى آورده‏اند؛ از جمله:

1- دعايى است كه از امام صادق عليه السلام (براى برآمدن حاجات) روايت شده است:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ اخْشاكَ كَانّى‏ اراكَ، وَ اسْعِدْنى‏ بِتَقْويكَ، وَلاتُشْقِنى‏

خدايا ترس (از مخالفتت) را در دلم قرار ده گويا كه تو را مى‏بينم و مرا با پرهيزگاريت خوشبخت گردان و مرا با شاد شدن‏

بِنَشْطى‏ لِمَعاصيكَ، وَ خِرْلى‏ فى‏ قَضآئِكَ، وَ بارِكْ لى‏ فى‏ قَدَرِكَ، حَتّى‏ لا

در برابر نافرمانيت بدبخت مگردان‏و در مقدراتت برايم خيرخواهى كن و تقديرت را برايم مبارك گردان‏

احِبَّ تَأْخيرَ ما عَجَّلْتَ، وَلا تَعْجيلَ ما اخَّرْتَ، وَ اجْعَلْ غِناىَ فى‏

تا تأخير آنچه را كه در وقوعش تعجيل دارى و تعجيل آنچه را كه به تأخير انداخته‏اى نپسندم، غناى مرا در

نَفْسى‏، وَ مَتِّعْنى‏ بِسَمْعى‏ وَ بَصَرى‏، وَ اجْعَلْهُمَا الْوارِثَيْنِ مِنّى‏، وَانْصُرْنى‏

روحم قرار ده و مرا همواره به گوش و چشمم بهره‏مند ساز، و آن دو را جانشين من قرار ده، و مرا در برابر آن‏

عَلى‏ مَنْ ظَلَمَنى‏، وَارِنى‏ فيهِ قُدْرَتَكَ يا رَبِّ، وَ اقِرَّ بِذلِكَ عَيْنى‏.[[1717]](#footnote-1717)

كه به من ستم كرده، يارى ده و در اين كار تواناييت را به من نشان ده اى پروردگار من و به آن چشمم را روشن كن.

\*\*\*

2- از همان بزرگوار نقل شده است كه اين دعا را بخوانيد:

اللَّهُمَّ اعِنّى‏ عَلى‏ هَوْلِ يَوْمِ الْقِيمَةِ، وَاخْرِجْنى‏ مِنَ الدُّنْيا سالِماً،

خدايا مرا بر وحشت روز قيامت يارى ده و از دنيا به سلامت خارج كن‏

وَزَوِّجْنى‏ مِنَ الْحُورِالْعينِ، وَاكْفِنى‏ مَؤُونَتى‏، وَمَؤُونَةَ عِيالى‏، وَ مَؤُونَةَ

و از حورالعين همسرى برايم قرار ده، و هزينه زندگى من و خانواده‏ام و تمام‏

النَّاسِ، وَادْخِلْنى‏ بِرَحْمَتِكَ فى‏ عِبادِكَ الصَّالِحينَ.[[1718]](#footnote-1718)

مردم را كفايت كن و به لطف و رحمتت مرا در زمره بندگان شايسته‏ات داخل كن.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1102

3- دعاى ديگر كه خير دنيا و آخرت در آن جمع است و انسان را از گناهان حفظ مى‏كند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، يا مَنْ اظْهَرَ الْجَميلَ، وَ سَتَرَ الْقَبيحَ، وَ لَمْ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان، اى كه زيباييها را آشكار كرده و زشتيها را مى‏پوشانى، و

يَهْتِكِ السِّتْرَ عَنّى‏، يا كَريمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ،

آبرويم را نمى‏ريزى اى صاحب گذشت بزرگوارانه، اى نيكو در گذشت، اى گسترده آمرزش،

وَيا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوى‏، وَ يا مُنْتَهى‏ كُلِ‏

اى گشاينده دستها به مهربانى، اى همراه هر راز و نياز، و اى محلّ رجوع هر

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1102**

شَكْوى‏، يا كَريمَ الصَّفْحِ، يا عَظيمَ الْمَنِّ، يا مُبْتَدِءَ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ‏

شكايت، اى چشم پوش بزرگوار، اى صاحب نعمت بزرگ، اى آغازگر هر نعمت قبل از

اسْتِحْقاقِها، يا رَبَّاهُ يا سَيِّداهُ، يا مَوْلاهُ يا غايَتاهُ يا غِياثاهُ، صَلِّ عَلى‏

شايستگى آن، اى پروردگار من، اى آقا و سرورم، اى مولاى من، اى نهايت آرزوها و فرياد رس من بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اسْئَلُكَ انْ لاتَجْعَلَنى‏ فِى النَّارِ.[[1719]](#footnote-1719)

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و از تو مى‏خواهم كه جايگاهم را در آتش قرار ندهى.

\*\*\*

4- دعاى پرارزشى است كه پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله در روز جنگ بدر[[1720]](#footnote-1720) و احزاب‏[[1721]](#footnote-1721) و امام حسين عليه السلام در روز عاشورا[[1722]](#footnote-1722) آن را خواندند. اين دعا از امام صادق عليه السلام نيز نقل شده است:[[1723]](#footnote-1723) اللَّهُمَّ انْتَ ثِقَتى‏ فى‏ كُلِّ كُرْبَةٍ، وَ انْتَ رَجآئى‏ فى‏ كُلِّ شِدَّةٍ، وَ انْتَ لى‏ فى‏

خدايا تو در هر گرفتارى تكيه‏گاه منى، و تو در هر سختى اميد من هستى، و تويى در

كُلِّ امْرٍ نَزَلَ بى‏ ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ، وَ تَقِلُّ فيهِ‏

هر پيش آمد تكيه‏گاه و ياور من، چه بسيار گرفتاريها كه قلب را ضعيف كرده و چاره را كم مى‏كند

الْحيلَةُ، وَ يَخْذُلُ عَنْهُ الْقَريبُ وَ الْبَعيدُ، وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تَعْنِينى‏ فيهِ‏

و سبب مى‏شود كه نزديكان و بيگانگان انسان را رها كنند، و دشمن بر آن سرزنش كند و انسان را

كليات مفاتيح نوين، ص: 1103

الْأُمُورُ، انْزَلْتُهُ بِكَ، وَ شَكَوْتُهُ الَيْكَ، راغِباً فيهِ عَمَّنْ سِواكَ، فَفَرَّجْتَهُ‏

به خود مشغول كند، كه آنها را به درگاه تو آوردم و شكوه كرده‏ام در حالى كه در آن از غير تو رو گردانده‏ام، پس تو آن را گشودى‏

وَكَشَفْتَهُ وَ كَفَيْتَنيهِ، فَأَنْتَ وَلِىُّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ صاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ، وَ مُنْتَهى‏

و بر طرف كردى و كفايت نمودى، پس تويى صاحب هر نعمت و بر آورنده هر نياز

كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثيراً، وَ لَكَ الْمَنُّ فاضِلًا.

و نهايت آرزوها، پس حمد فراوان از آنِ تو و نعمتهاى فراوان از جانب توست.

\*\*\*

5- اين دعا را امام حسين عليه السلام به فرزندش امام سجّاد عليه السلام تعليم فرمود:

بِحَقِّ يس وَالْقُرْآنِ الْحَكيمِ، وَ بِحَقِّ طه‏ وَ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ، يا مَنْ يَقْدِرُ

(خدايا) به حقّ سوره يس و قرآن حكمت‏آميز، و به حق سوره طه و قرآن با عظمت، اى كه در بر آوردن‏

عَلى‏ حَوآئِجِ السَّآئِلينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ما فِى الضَّميرِ، يا مُنَفِّسَ عَنِ‏

نياز در خواست كنندگان توانايى، اى كه آنچه را كه پنهان است مى‏دانى، اى غمزداى‏

الْمَكْرُوبينَ، يا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومينَ، يا راحِمَ‏الشَّيْخِ‏الْكَبيرِ، يا

گرفتاران، اى رهايى بخش غمزدگان اى مهربان نسبت به پيران كهنسال و اى‏

رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا مَنْ لايَحْتاجُ الَى التَّفْسيرِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ

روزى ده كودكان خردسال، اى كه به شرح و بيان نياز ندارى بر محمّد و خاندان‏

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا (به جاى آن، حاجات خود را بگويد).[[1724]](#footnote-1724) پاكش درود فرست، و با من چنين و چنان كن.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

\*\*\*

6- ازامام‏صادق عليه السلام نقل شده است‏كه آن حضرت‏دست خود را به سوى آسمان بلند كرد وگفت:

رَبِّ لاتَكِلْنى‏ الى‏ نَفْسى‏ طَرْفَةَ عَيْنٍ ابَدَاً، لا اقَلَّ مِنْ ذلِكَ وَلا اكْثَرَ.

اى پروردگار من، مرا به اندازه يك چشم بر هم زدن و نه كمتر و نه بيشتر به خودم وا مگذار.

(و اين دعا بسيار مؤثّر است).[[1725]](#footnote-1725)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1104

7- بخوان اين دعا را كه اميرالمؤمنين عليه السلام پيوسته آن را مى‏خواند:

اللَّهُمَّ مُنَّ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَالتَّفْويضِ إلَيْكَ، وَالرِّضا بِقَدَرِكَ،

خدايا بر من منت گذار به توكّل بر خودت و واگذارى امور به دستت و خشنودى به تقديرت‏

وَالتَّسْليمِ لِأَمْرِكَ، حَتَّى لا أُحِبَّ تَعْجيلَ ما أَخَّرْتَ، وَلا تَأْخيرَ ما

و تسليم در برابر فرمانت تا شتاب در آنچه كه تأخير انداختى و تأخير آنچه را

عَجَّلْتَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ.[[1726]](#footnote-1726)

كه جلو انداختى، نپسندم، اى پروردگار جهانيان.

\*\*\*

8- يكى از ياران امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه حضرت اين دعا را كه جامع حاجات دنيا و آخرت است، به من تعليم فرمود كه بعد از حمد و ثناى خداوند عزّوجلّ بگو:

اللَّهُمَّ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَليمُ الْكَريمُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْعَزيزُ

خدايا، تو خدايى هستى كه معبودى جز تو خداوند حليم و كريم نيست، و تويى خدايى كه معبودى جز تو گرانقدر

الْحَكيمُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ‏

و دانا نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو يگانه و قادر مطلق نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو

الْمَلِكُ الْجَبَّارُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الرَّحيمُ الْغَفَّارُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا

حاكم توانا نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو مهربان و آمرزنده نيست، و تويى خدايى كه معبودى جز تو

انْتَ الشَّديدُ الْمِحالُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْكَبيرُ الْمُتَعالِ، وَ انْتَ اللَّهُ لا

پرقدرت و توانا نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو بزرگ و بلند مرتبه نيست، و تويى خدايى كه‏

الهَ الَّا انْتَ السَّميعُ الْبَصيرُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْمَنيعُ الْقَديرُ، وَ انْتَ‏

معبودى جز تو شنوا و بينا نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو استوار و توانا نيست، و تويى‏

اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَميدُ الْمَجيدُ،

خدايى كه معبودى جز تو آمرزنده و سپاس‏پذير نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو ستوده و بزرگوار نيست،

وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ، وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَنَّانُ‏

و تويى خدايى كه معبودى جز تو آمرزنده و مهربان نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو مهربان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1105

الْمَنَّانُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْحَليمُ الدَّيَّانُ، وَ انْتَ‏اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ‏

و بخشنده نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو بردبار و پاداش ده نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو

الْجَوادُ الْماجِدُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الْواحِدُ الْأَحَدُ، وَ انْتَ اللَّهُ‏

بخشنده و بزرگوار نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو يگانه و يكتا نيست، و تويى خدايى كه‏

لا الهَ الَّا انْتَ الْغائِبُ الشَّاهِدُ، وَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ الظَّاهِرُ الْباطِنُ،

معبودى جز تو غايب و حاضر نيست و تويى خدايى كه معبودى جز تو آشكار و پنهان نيست،

وَانْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ عَليمٌ، تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ، وَبَسَطْتَ يَدَكَ‏

و تويى خدايى كه معبودى جز تو بر هر چيز دانا نيست، جلوه‏ات كامل بود و هدايت نمودى، و دستت را به بخشش گشودى،

فَاعْطَيْتَ، رَبَّنا وَجْهُكَ اكْرَمُ الْوُجُوهِ، وَجَهَتُكَ خَيْرُ الْجِهاتِ، وَ عَطِيَّتُكَ‏

اى پروردگار ما، جمالت گرامى‏ترين جمالها و سمت و سويت بهترين جهتهاست و بخششت‏

افْضَلُ الْعَطايا وَ أَهْنَؤُها، تُطاعُ رَبَّنا فَتَشْكُرُ، وَ تُعْصى‏ رَبَّنا فَتَغْفِرُ لِمَنْ‏

برترين و گواراترين بخششهاست، اى پروردگار ما هرگاه اطاعت شوى قدر دانى كنى و اگر نافرمانى شوى پس هر كس را كه خواهى بيامرزى،

شِئْتَ، تُجيبُ الْمُضْطَرّينَ، وَ تَكْشِفُ السُّوءَ، وَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ، وَ تَعْفُو عَنِ‏

دعاى درماندگان را اجابت مى‏كنى و بديها را برطرف مى‏سازى، و توبه را مى‏پذيرى و از گناهان درمى‏گذرى،

الذُّنُوبِ، لا تُجازى‏ اياديكَ، وَلاتُحْصى‏ نِعَمُكَ، وَلايَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ‏

در برابر نعمتهايت پاداش داده نمى‏شوى، و نعمتهايت بى شمار است، و سخن‏

قآئلٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رَوْحَهُمْ‏

هيچ گوينده‏اى حق ستايشت را ادا نكند، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و فرج و نصرت‏

وَراحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ، وَاذِقْنى‏ طَعْمَ فَرَجِهِمْ، وَ اهْلِكْ اعْدآئَهُمْ مِنَ الْجِنِ‏

و آسايش و شادمانى آنها را نزديك گردان، و طعم فرج آنها را به من بچشان، و دشمنان ايشان، را از جنّ‏

وَالْإِنْسِ، وَ آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ‏

و انس نابود گردان و خير دنيا و آخرت را به ما ارزانى دار و ما را از عذاب‏

النَّارِ، وَاجْعَلْنا مِنَ الَّذينَ لاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاهُمْ يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنى‏ مِنَ‏

دوزخ بازدار و ما را از كسانى كه ترس و اندوهى ندارند قرار ده، و مرا از

الَّذينَ صَبَرُوا وَ عَلى‏ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، وَ ثَبِّتْنى‏ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِى الْحَياةِ

كسانى كه بردبارى كرده و بر پروردگارشان تكيه مى‏كنند محسوب دار، و مرا در زندگى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1106

الدُّنْيا وَ فِى الْأخِرَةِ، وَ بارِكْ لى‏ فِى الْمَحْيا وَ الْمَماتِ، وَالْمَوْقِفِ‏

دنيا و آخرت برگفتار، پايدار ثابت قدم بدار، و زندگانى و مرگ و توقّف‏گاه قيامت‏

وَالنُّشُورِ، وَ الْحِسابِ وَالْميزانِ، وَ اهْوالِ يَوْمِ الْقِيمَةِ، وَ سَلِّمْنى‏ عَلَى‏

و زنده شدن در آن و حسابرسى و ترازوى اعمال و ترس روز رستاخيز را بر من مبارك گردان، و مرا بر پل‏

الصِّراطِ، وَ اجِزْنى‏ عَلَيْهِ، وَارْزُقْنى‏ عِلْماً نافِعاً، وَ يَقيناً صادِقاً، وَ تُقىً‏

صراط سالم بدار و از آن بگذران، و دانش سودمند و يقين درست و پرهيزگارى‏

وَبِرّاً، وَ وَرَعاً وَخَوْفاً مِنْكَ، وَفَرَقاً يُبَلِّغُنى‏ مِنْكَ زُلْفى‏، وَلايُباعِدُنى‏ عَنْكَ،

و نيكوكارى و خويشتن دارى و ترس از خودت، و وحشتى كه مرا به مقام قرب تو رساند و از تو دورم نكند، روزى‏ام گردان،

وَاحْبِبْنى‏ وَلاتُبْغِضْنى‏، وَتَوَلَّنى‏ وَلاتَخْذُلْنى‏، وَ اعْطِنى‏ مِنْ جَميعِ خَيْرِ

و مرا دوست بدار و بر من خشم مگير و مرا سرپرستى كن و رها مكن، و از همه نيكى‏هاى‏

الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ ما لَمْ اعْلَمْ، وَ اجِرْنى‏ مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ‏

دنيا و آخرت آنچه كه مى‏دانم و نمى‏دانم به من عطا فرما و مرا از تمام بديها به تمام‏

بِحَذافيرِهِ، ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ ما لَمْ اعْلَمْ.[[1727]](#footnote-1727)

اقسامش آنچه كه مى‏دانم و نمى‏دانم پناه ده.

\*\*\*

9- يكى از ياران معروف امام صادق عليه السلام اين دعاى بسيار پرمحتوا را از آن حضرت نقل كرده است:

اللَّهُمَّ امْلَأْ قَلْبى‏ حُبّاً لَكَ، وَ خَشْيَةً مِنْكَ، وَ تَصْديقاً وَ ايماناً بِكَ، وَ فَرَقاً

خدايا دلم را از محبت و ترس و اعتقاد و ايمان و وحشت (از عذاب)

مِنْكَ، وَ شَوْقاً الَيْكَ، ياذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ الَىَّ لِقآئَكَ،

و اشتياق خودت پر كن اى صاحب جلال و بزرگوارى، خدايا ديدارت را در نظرم محبوب گردان،

وَاجْعَلْ لى‏ فى‏ لِقآئِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَةِ، وَ الْحِقْنى‏ بِالصَّالِحينَ،

و در ديدارت برايم بهترين رحمت و بركت را قرار ده، و مرا به شايستگان ملحق كن،

وَلاتُؤَخِّرْنى‏ مَعَ الْأَشْرارِ، وَ الْحِقنى‏ بِصالِحِ مَنْ مَضى‏، وَاجْعَلْنى‏ مَعَ‏

و همراه بد كاران قرار مده و مرا به شايستگان از گذشتگان ملحق فرما و همراه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1107

صالِحِ مَنْ بَقِىَ، وَ خُذْبى‏ سَبيلَ الصَّالِحينَ، وَ اعِنّى‏ عَلى‏ نَفْسى‏ بِما تُعينُ‏

شايستگان از موجودين قرار ده و مرا در مسير صالحان قرار ده و مرا بر نفسم يارى ده همان‏گونه كه‏

بِهِ الصَّالِحينَ عَلى‏ انْفُسِهِمْ، وَلاتَرُدَّنى‏ فى‏ سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنى‏ مِنْهُ، يا رَبَ‏

شايستگان را بر نفسشان، يارى دادى و مرا به بديهايى كه از آن رهايى بخشيدى باز مگردان، اى پروردگار

الْعالَمينَ، اسْئَلُكَ ايماناً لا اجَلَ لَهُ دُونَ لِقآئِكَ، تُحْيينى‏ وَ تُميتُنى‏ عَلَيْهِ،

جهانيان! از تو ايمانى مى‏خواهم كه پايانش ديدار تو باشد، مرا بر آن زنده بدارى و بميرانى،

وَ تَبْعَثُنى‏ عَلَيْهِ اذا بَعَثْتَنى‏، وَابْرِءْ قَلْبى‏ مِنَ الرِّيآءِ وَالسُّمْعَةِ، وَالشَّكِّ فى‏

و در وقت زنده شدن بر آن برانگيزانى و دلم را از خودنمايى و شهرت‏طلبى و ترديد در

دينِكَ، اللَّهُمَّ اعْطِنى‏ نَصْراً فى‏ دينِكَ، وَ قُوَّةً فى‏ عِبادَتِكَ، وَ فَهْماً فى‏

دينت پاك گردان، خدايا يارى در دينت و توان در بندگيت و درك‏

خَلْقِكَ، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ بَيِّضْ وَجْهى‏ بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتى‏

آفرينشت و رحمت مضاعفت را روزيم گردان، و چهره‏ام را با نورت روشن كن، و اشتياقم را

فيما عِنْدَكَ، وَ تَوَفَّنى‏ فى‏ سَبيلِكَ عَلى‏ مِلَّتِكَ، وَ مِلَّةِ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ انّى‏

به آنچه نزد توست قرار ده و مرا در راه و دين خودت و آيين فرستاده‏ات بميران خدايا

اعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْهَرَمِ، وَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَ الْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ،

از تنبلى و پيرى و ترس و بخل و غفلت و سنگدلى‏

وَالْفَتْرَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ، وَ اعُوذُ بِكَ يا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لا

و سستى و فقر به تو پناه مى‏برم، پروردگارا از نفس سيرى‏ناپذير و دل خالى از خوف‏

يَخْشَعُ، وَ مِنْ دُعآءٍ لايُسْمَعُ، وَ مِنْ صَلاةٍ لاتَنْفَعُ، وَ اعيذُ بِكَ نَفْسى‏

و دعاى به اجابت نرسيده و نماز بى فايده به تو پناه مى‏برم، و خود

وَاهْلى‏ وَذُرِّيَّتى‏ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، اللَّهُمَّ انَّهُ لايُجيرُنى‏ مِنْكَ احَدٌ، وَلا

و خانواده و نسلم را از شرّ شيطان رجيم به تو مى‏سپارم خدايا به راستى كه كسى جز تو پناهم نمى‏دهد و

اجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً، فَلا تَخْذُلْنى‏ وَلاتَرُدَّنى‏ فى‏ هَلَكَةٍ، وَلاتَرُدَّنى‏

جز نزد تو پناهگاهى نمى‏يابم، پس مرا خوار مكن و در هلاكت و عذاب باز مگردان،

بِعَذابٍ، اسْئَلُكَ الثَّباتَ عَلى‏ دينِكَ، وَالتَّصْديقَ بِكِتابِكَ، وَ اتِّباعَ‏

پايدارى در دين و ايمان به كتاب خود و پيروى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1108

رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ اذْكُرْنى‏ بِرَحْمَتِكَ، وَلاتَذْكُرْنى‏ بِخَطيئَتى‏، وَ تَقَبَّلْ مِنّى‏

فرستاده‏ات را از تو مى‏خواهم، خدايا مرا به رحمتت ياد كن نه با گناهانم، و از من بپذير

وَزِدْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ، انّى‏ الَيْكَ راغِبٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَوابَ مَنْطِقى‏، وَ ثَوابَ‏

و به لطف و كرمت بيفزاى، كه من مشتاق توام، خدايا پاداش گفتار

مَجْلِسى‏ رِضاكَ عَنّى‏، وَاجْعَلْ عَمَلى‏ وَدُعآئى‏ خالِصاً لَكَ، وَاجْعَلْ ثَوابِىَ‏

و نشستم را خشنوديت، و كردار و دعايم را خالصانه براى خود قرار ده، و پاداشم را به لطف و

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَاجْمَعْ لى‏ جَميعَ ما سَئَلْتُكَ، وَ زِدْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ، انّى‏

رحمتت بهشت تعيين كن و تمام آنچه را كه از تو خواستم برايم مقرّر فرما، و از لطف و كرمت بر آن بيفزاى،

الَيْكَ راغِبٌ، اللَّهُمَّ غارَتِ النُّجُومُ، وَ نامَتِ الْعُيُونُ، وَ انْتَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ،

كه من مشتاق توام، خدايا (در اين موقع شب) ستاره‏ها پنهان شده و چشمها به خواب رفته‏اند و تويى زنده پاينده‏

لا يُوارى‏ مِنْكَ لَيْلٌ ساجٍ، وَ لا سَمآءٌ ذاتُ ابْراجٍ، وَ لا ارْضٌ ذاتُ مِهادٍ،

كه شب تاريك چيزى را از تو نپوشاند و آسمان داراى برجها و زمين گسترده‏

وَلابَحْرٌ لُجِّىٌ، وَلا ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ، تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلى‏ مَنْ‏

و درياى عميق، و تاريكيهاى متراكم، چيزى را از تو پنهان نمى‏كند، رحمت خود را شبانه بر هر

تَشآءُ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ، اشْهَدُ بِما

يك از مخلوقاتت كه خواهى فرو مى‏ريزى، خيانت چشمها و آنچه را سينه‏ها پنهان كرده مى‏دانى، به آنچه‏

شَهِدْتَ بِهِ عَلى‏ نَفْسِكَ، وَشَهِدَتْ مَلائِكَتُكَ وَاولُوا الْعِلْمِ، لا الهَ الَّا انْتَ‏

بر خودت گواهى دادى و فرشتگان و صاحبان علم نيز گواهى دادند گواهى مى‏دهم، معبودى جز تو

الْعَزيزُالْحَكيمُ، وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِماشَهِدْتَ عَلى‏نَفْسِكَ، وَشَهِدَتْ مَلائِكَتُكَ‏

گرانقدر و دانا نيست و كسى به آنچه كه تو بر خودت گواهى داده‏اى و فرشتگان و

وَ اوُلُواالْعِلْمِ، فَاكْتُبْ شَهادَتى‏ مَكانَ شَهادَتِهِمْ، اللَّهُمَّ انْتَ السَّلامُ،

صاحبان علم نيز به آن گواهى داده‏اند گواهى نداده است پس گواهى مرا در رتبه گواهى آنان قرار ده، خدايا تويى سلام‏

وَ مِنْكَ السَّلامُ، اسْئَلُكَ يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، انْ تَفُكَّ رَقَبَتى‏ مِنَ النَّارِ.[[1728]](#footnote-1728)

و از جانب توست سلام، اى صاحب جلال و بزرگوارى، رهايى از آتش دوزخ را از تو مى‏خواهم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1109

«شيخ طوسى» نيز در كتاب «مصباح المتهجّد» بعد از ركعت چهارم نافله شب، اين دعا را ذكر فرموده است‏[[1729]](#footnote-1729) و «علّامه مجلسى» روايتى را از امام صادق عليه السلام نقل كرده است كه فرمود: اين دعا را در نماز «وتر» بخوان.[[1730]](#footnote-1730)

\*\*\*

10- روايت شده است كه اين دعاى ابوذر است كه جبرئيل، به حضرت رسول اكرم صلى الله عليه و آله عرض كرد، اين دعا نزد اهل آسمان معروف است:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإيمانَ، وَ التَّصْديقَ بِنَبِيِّكَ، وَ الْعافِيَةَ مِنْ‏

خدايا امنيّت و ايمان و اعتقاد به پيامبرت و سلامتى از تمام بلاها و شكر بر عافيت و

جَميعِ الْبَلاءِ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ، وَالْغِنى‏ عَنْ شِرارِ النَّاسِ.[[1731]](#footnote-1731)

بى نيازى از انسانهاى شرور را از تو مى‏خواهم.

11- «ابوحمزه» مى‏گويد: اين دعا را از امام محمّدباقر عليه السلام گرفتم و آن حضرت اين دعا را «جامع» (جامع حاجات مادّى و معنوى) مى‏ناميدند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لاشَريكَ لَهُ،

به نام خداوند بخشنده مهربان، گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست، يگانه‏اى كه همتايى ندارد

وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِجَميعِ رُسُلِهِ، وَ بِجَميعِ ما

و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده و فرستاده اوست، به خدا و تمامى فرستادگانش و به تمامى آنچه كه‏

انْزِلَ بِهِ عَلى‏ جَميعِ الرُّسُلِ، وَ انَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، وَ لِقآئَهُ حَقٌّ، وَ صَدَقَ اللَّهُ‏

بر همه فرستادگانش نازل نموده ايمان دارم و اين كه وعده خدا و قيامت حق است، و خدا راست گفته‏

وَ بَلَّغَ الْمُرْسَلُونَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ سُبْحانَ اللَّهِ كُلَّما سَبَّحَ اللَّهَ‏

و فرستادگانش پيام او را رسانده‏اند، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است، و تسبيح مى‏گويم خدا را در هر زمان‏

شَىْ‏ءٌ، وَ كَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُسَبَّحَ، وَالْحَمْدُ للَّهِ كُلَّما حَمِدَ اللَّهَ شَىْ‏ءٌ، وَ كَما

كه چيزى او را تسبيح مى‏كند، و همان گونه كه مى‏پسندد كه تسبيح شود، و حمد و سپاس مى‏گويم او را در هر زمان كه چيزى راسپاس مى‏گويد و همان‏گونه‏

يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُحْمَدَ، وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ كُلَّما هَلَّلَ اللَّهَ شَىْ‏ءٌ، وَ كَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ‏

كه مى‏پسندد كه سپاسگزارى شود، و معبودى جز خدا نيست هر زمانى كه چيزى او را تهليل (لاإله‏الّااللَّه) گويد و همان‏گونه كه مى‏پسندد

كليات مفاتيح نوين، ص: 1110

يُهَلَّلَ، وَاللَّهُ اكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَاللَّهَ شَىْ‏ءٌ، وَ كَما يُحِبُّ اللَّهُ انْ يُكَبَّرَ، اللَّهُمَّ انّى‏

تهليل گفته شود، وتكبير مى‏گويم او را در هر زمان كه چيزى او را به‏بزرگى ياد كند و همان‏گونه كه مى‏پسندد بزرگ داشته شود، خدايا

اسْئَلُكَ مَفاتيحَ الْخَيْرِ، وَ خَواتيمَهُ وَ سَوابِغَهُ، وَ فَوائِدَهُ وَ بَرَكاتِهِ، وَ ما بَلَغَ‏

كليدهاى نيكى، و پايان خير و فراوانى آن و فايده‏ها و بركتهاى خير و آنچه‏

عِلْمَهُ عِلْمى‏، وَ ما قَصَرَ عَنْ احْصائِهِ حِفْظى‏، اللَّهُمَّ انْهَجْ الَىَّ اسْبابَ‏

دانشم به دانستن آن رسيده و آنچه حافظه‏ام از شمارش آن عاجز مانده، را از تو مى‏خواهم، خدايا وسايل شناختش را

مَعْرِفَتِهِ، وَافْتَحْ لى‏ ابْوابَهُ، وَغَشِّنى‏ بِبَرَكاتِ رَحْمَتِكَ، وَ مُنَّ عَلَىَّ بِعِصْمَةٍ

برايم روشن نما و درهاى آن را به رويم بگشا و مرا با بركات لطف و مهربانيت بپوشان، و به ممانعت‏

عَنِ الْإِزالَةِ عَنْ دينِكَ، وَ طَهِّرْ قَلْبى‏ مِنَ الشَّكّ، وَلاتَشْغَلْ قَلْبى‏ بِدُنْياىَ،

از خروج از دينت بر من منّت گذار، و دلم را از ترديد پاك گردان و آن را به دنيا و زندگى‏

وَ عاجِلِ مَعاشى‏ عَنْ آجِلِ ثَوابِ آخِرَتى‏، وَاشْغَلْ قَلْبى‏ بِحِفْظِ ما لا

زودگذر آن به جاى پاداش آينده آخرت مشغول مدار، و دلم را به حفظ و نگهدارى آنچه را

تَقْبَلُ مِنّى‏ جَهْلَهُ، وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسانى‏، وَ طَهِّرْ قَلْبى‏ مِنَ الرِّيآءِ،

كه ندانستنش را از من نپذيرى مشغول دار، و زبانم را براى هر نيكى متواضع گردان و دلم را از خودنمايى پاك كن‏

وَلاتُجْرِهِ فى‏ مَفاصِلى‏، وَاجْعَلْ عَمَلى‏ خالِصاً لَكَ، اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُبِكَ مِنَ‏

و آن را در اعضايم به جريان ميانداز و عملم را خالص براى خود قرار ده، خدايا به تو پناه مى‏برم از

الشَّرِّ، وَانْواعِ الْفَواحِشِ كُلِّها، ظاهِرِها وَ باطِنِها وَ غَفَلاتِها، وَ جَميعِ ما

بدى و تمامى زشتيهاى ظاهرى و باطنى و بى توجّهى (در انجام) آن، و همه آنچه كه‏

يُريدُنى‏ بِهِ الشَّيْطانُ الرَّجيمُ، وَ ما يُريدُنى‏ بِهِ السُّلْطانُ الْعَنيدُ، مِمَّا

شيطان رانده شده مرا به آن قصد كرده و همه آنچه كه پادشاه مستبدّ مرا به آن قصد نموده، از آنچه‏

احَطْتَ بِعِلْمِهِ، وَ انْتَ الْقادِرُ عَلى‏ صَرْفِهِ عَنّى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنْ‏

به دانستن آن احاطه دارى و بر بازگرداندن آن از من توانايى، خدايا به تو پناه مى‏برم‏

طَوارِقِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ زَوابِعِهِمْ وَ بَوائِقِهِمْ وَمَكائِدِهِمْ، وَ مَشاهِدِ

از بلاهاى جنّى و انسى، و خشمها و مصيبتها و نيرنگهايشان و محلّ حضور فاسقان‏

الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ انْ اسْتَزَلَّ عَنْ دينى، فَتَفْسُدَ عَلَىَّ آخِرَتى‏،

از جنّ و انس، و اين كه از دينم منحرف شوم و آخرتم تباه شود

كليات مفاتيح نوين، ص: 1111

وَ انْ يَكُونَ ذلِكَ مِنْهُمْ ضَرَراً عَلَىَّ فى‏ مَعاشى‏، اوْ يَعْرِضَ بَلاءٌ يُصيبُنى‏

و اين كه كارهاى ايشان به ضرر زندگانى من باشد يا اين كه بلايى از ايشان به من رسد

مِنْهُمْ لاقُوَّةَ لى‏ بِهِ، وَلا صَبْرَ لى‏ عَلَى احْتِمالِهِ، فَلا تَبْتَلِنى‏ يا الهى‏

و من طاقت دفع آن و تحملّش را نداشته باشم، پس اى خدا مرا به تحمّل آن مبتلا نكن،

بِمُقاساتِهِ، فَيَمْنَعَنى‏ ذلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ، وَ يَشْغَلَنى‏ عَنْ عِبادَتِكَ، انْتَ‏

كه مرا از ياد تو باز دارد و مانع بندگيت گردد، تويى‏

الْعاصِمُ الْمانِعُ الدَّافِعُ الْواقى‏ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ، اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفاهِيَةَ فى‏

نگه دارنده و منع كننده و دفع كننده و بازدارنده از همه اين امور، خدايا آسايش در

مَعيشَتى‏ ما ابْقَيْتَنى‏، مَعيشَةً اقْوى‏ بِها عَلى‏ طاعَتِكَ، وَابْلُغُ بِها رِضْوانَكَ،

زندگانى را مادامى كه زنده‏ام از تو مى‏خواهم، زندگانيى كه به واسطه آن، توان بندگيت را يافته و به خشنوديت دست يابم،

وَاصيرُ بِها الى‏ دارِ الْحَيَوانِ غَداً، وَ لاتَرْزُقْنى‏ رِزْقاً يُطْغينى‏، وَلاتَبْتَلِنى‏

و به زندگانى آخرت رسم، و روزيى كه مرا به طغيان وا دارد نصيبم مكن و به‏

بِفَقْرٍ اشْقى‏ بِهِ مُضَيَّقاً عَلَىَّ، اعْطِنى‏ حَظّاً وافِراً فى‏ آخِرَتى‏، وَ مَعاشاً

فقرى كه مرا بدبخت كرده و بر من تنگ گيرد دچارم مكن، و بهره و لذّت فراوان آخرت و روزى‏

واسِعاً هَنيئاً مَريئاً فى‏ دُنْياىَ، وَ لاتَجْعَلِ الدُّنْيا عَلَىَّ سِجْناً، وَلاتَجْعَلْ‏

وسيع و گواراى دنيا را به من عطا كن، و دنيا را زندان من و

فِراقَها عَلَىَّ حُزْناً، اجِرْنى‏ مِنْ فِتْنَتِها، وَاجْعَلْ عَمَلى‏ فيها مَقْبُولًا،

جدا شدن از آن را مايه غم و اندوهم قرار مده و مرا از مصيبتهاى آن پناه ده و كردارم را در آن بپذير

وَسَعْيى‏ فيها مَشْكُوراً، اللَّهُمَّ وَمَنْ ارادَنى‏ بِسُوءٍ فَارِدْهُ بِمِثْلِهِ، وَمَنْ كادَنى‏

و تلاشم را شايسته قدردانى قرار ده، خدايا آن كه درباره من قصد سوئى كرده او را به مثل آن گرفتار كن، و آن كه مرا فريب دهد

فيها فَكِدْهُ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ هَمَّ مَنْ ادْخَلَ عَلَىَّ هَمَّهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بى‏،

به مكر خويش گرفتارش كن، و اندوه كسى را كه اندوهش را بر من وارد كرده از من دور كن، و كسى كه مرا بفريبد به تدبير خويش دچار كن‏

فَانَّكَ خَيْرُ الْماكِرينَ، وَافْقَأْ عَنّى‏ عُيُونَ الْكَفَرَةِ الظَّلَمَةِ، وَالطُّغاةِ

چرا كه تو بهترين تدبير كننده‏اى، و ضربه‏اى كارى از جانب من بر كافران ستمگر و طغيانگران‏

وَالْحَسَدَةِ، اللَّهُمَّ وَ انْزِلْ عَلَىَّ مِنْكَ السَّكينَةَ، وَ الْبِسْنى‏ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ،

حسود وارد نما، خدايا از جانب خود آرامش را بر من فرود آر، و زره محكمت را بر من بپوشان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1112

وَاحْفَظْنى‏ بِسِتْرِكَ الْواقى‏، وَ جَلِّلْنى‏ عافِيَتَكَ النَّافِعَةَ، وَ صَدِّقْ قَوْلى‏

و با پوشش نگهدارنده‏ات مرا حفظ كن، و سلامتى سودمندت را بر من بپوشان و گفتار

وَفِعالى‏، وَ بارِكْ لى‏ فى‏ وُلْدى‏ وَ اهْلى‏ وَ مالى‏، اللَّهُمَّ ما قَدَّمْتُ وَ ما

و كردارم را تأييد نما، و به فرزندان و خانواده و داراييم بركت ده، خدايا آنچه جلوتر فرستاده وبعداً

اخَّرْتُ، وَ ما اغْفَلْتُ وَما تَعَمَّدْتُ وَ ما تَوانَيْتُ، وَ ما اعْلَنْتُ وَ ما اسْرَرْتُ،

خواهم فرستاد و آنچه از روى غفلت يا عمد مرتكب شده‏ام و آنچه سستى كرده‏ام و آنچه آشكارا و پنهان انجام داده‏ام‏

فَاغْفِرْهُ لى‏ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1732]](#footnote-1732)

بر من ببخش، اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

12- يكى از ياران امام محمّد باقر عليه السلام از آن حضرت نقل مى‏كند كه فرمود: اين دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ اوْسِعْ عَلَىَّ فى‏ رِزْقى‏، وَامْدُدْ لى‏ فى‏ عُمُرى‏، وَاغْفِرْلى‏ ذَنْبى‏،

خدايا روزيم را وسعت ده، و عمرم را طولانى كن، و گناهم را بيامرز،

وَاجْعَلْنى‏ مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ، وَلا تَسْتَبْدِلْ بى‏ غَيْرى‏.[[1733]](#footnote-1733)

و مرا از ياوران دينت قرار ده و ديگرى را به جاى من قرار مده.

\*\*\*

13- روايت شده است كه امام صادق عليه السلام پيوسته اين دعا را مى‏خواندند:

يا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسيرَ، وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ، وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ، اغْفِرْلِىَ‏

اى كه عمل كم را مى‏پذيرى و از گناهان فراوان درمى‏گذرى و تو آمرزنده و مهربانى،

الذُّنُوبَ الَّتى‏ ذَهَبَتْ لَذَّتُها، وَ بَقِيَتْ تَبِعَتُها.[[1734]](#footnote-1734)

گناهانى را كه لذّتش رفته و عقوبتش باقى است بر من بيامرز.

\*\*\*

14- همچنين روايت شده است كه آن حضرت اين دعا را مى‏خواندند:

يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا اوَّلَ الْأَوَّلينَ، وَ يا آخِرَ الْأخِرينَ، يا رَحْمنُ يا

اى نور، اى پاك از هر عيب، اى آغاز همه آغازها و اى نهايت همه پايانها، اى بخشنده، اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1113

رَحيمُ، اغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُحِلُ‏

بخشايشگر، گناهانى را كه موجب تغيير نعمتها مى‏شود بر من ببخش، و گناهانى كه رنج و عذاب را فرود مى‏آورد بر من ببخش،

النِّقَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُنْزِلُ‏

و گناهانى را كه پرده‏هاى عصمت (و موانع گناه) را مى‏درد بر من ببخش، و گناهانى كه بلا (و مصيبت)

الْبَلاءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تُديلُ الْأَعْدآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏

را فرود مى‏آورد بر من ببخش، و گناهانى كه دشمنان را مسلّط مى‏كند بر من ببخش و گناهانى كه نابودى را

تُعَجِّلُ الْفَنآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَقْطَعُ الرَّجآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ‏

سرعت مى‏بخشد بر من ببخش، و گناهانى كه اميد را قطع مى‏كند بر من ببخش و گناهانى كه‏

الَّتى‏ تُظْلِمُ الْهَوآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَكْشِفُ الْغِطآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ‏

فضا را تيره و تار مى‏كند بر من ببخش، و گناهانى كه پرده را كنار مى‏زند بر من ببخش، و

الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَرُدُّ الدُّعآءَ، وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى‏ تَرُدُّ غَيْثَ السَّمآءِ.[[1735]](#footnote-1735)

گناهانى كه مانع استجابت دعا مى‏شود بر من ببخش و گناهانى كه مانع نزول باران از آسمان مى‏شود بر من ببخش.

\*\*\*

15- در روايات آمده، اين دعاى اميرالمؤمنين عليه السلام است:

اللَّهُمَّ كَتَبْتَ الْأثارَ، وَ عَلِمْتَ الْأَخْبارَ، وَ اطَّلَعْتَ عَلَى الْأَسْرارِ، فَحُلْتَ‏

خدايا اعمال را ثبت كرده و خبرها را مى‏دانى و بر رازهاى نهان آگاهى، و

بَيْنَنا وَ بَيْنَ الْقُلُوبِ، فَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلانِيَةٌ، وَ الْقُلُوبُ الَيْكَ مُفْضاةٌ، وَ انَّما

ميان ما و دلمان حايلى، پنهان در نزد تو آشكار و دلها به تو گرايش دارند، و

امْرُكَ لِشَىْ‏ءٍ اذا ارَدْتَهُ انْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِطاعَتِكَ انْ‏

فرمان تو در هر چه كه اراده كنى اين است كه بگويى: موجود باش، پس موجود مى‏شود، بنابراين به لطف و رحمتت به اطاعتت بگو

تَدْخُلَ فى‏ كُلِّ عُضْوٍ مِنْ اعْضائى‏، وَلاتُفارِقَنى‏ حَتّى‏ الْقاكَ، وَ قُلْ‏

كه در هر عضوى از اعضاى بدنم داخل شود و تا زمان ديدارت از من جدا نشود، و به‏

بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ انْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عُضْوٍ مِنْ اعْضائى‏، فَلا تَقْرَبَنى‏

لطف و رحمتت به نافرمانيت بگو كه از هر عضوى از اعضاى بدنم خارج شود و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1114

حَتّى‏ الْقاكَ، وَارْزُقْنى مِنَ الدُّنْيا، وَ زَهِّدْنى‏ فيها، وَ لا تَزْوِها عَنّى‏

تا زمان ديدارت به من نزديك نشود، و از دنيا روزيم ده و مرا به (زرق و برق) آن بى علاقه گردان، و آن را از من درحالى‏كه من به آن‏

وَرَغْبَتى‏ فيها يا رَحْمنُ.[[1736]](#footnote-1736)

مشتاق و نيازمندم برمگردان، اى بخشنده (نعمتها).

\*\*\*

16- على بن ابراهيم به سند معتبر از عبدالرّحمن بن سيّابه روايت مى‏كند كه امام صادق عليه السلام اين دعا را به من مرحمت فرمود (دعايى كه مضامين بسيار عالى دارد):

الْحَمْدُ للَّهِ وَلِىِّ الْحَمْدِ وَ اهْلِهِ، وَ مُنْتَهاهُ وَ مَحَلِّهِ، اخْلَصَ مَنْ وَحَّدَهُ،

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه صاحب حمد و شايسته آن و نهايت و جايگاه آن است، آن كه او را به يگانگى ياد كرده خالص گرداند

وَاهْتَدى‏ مَنْ عَبَدَهُ، وَ فازَ مَنْ اطاعَهُ، وَ امِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ، اللَّهُمَّ يا ذَا

و آن كه بندگيش نموده هدايت كرده و آن كه اطاعتش نموده رستگار شده و آن كه به او پناه برده ايمن گشته، خدايا اى صاحب‏

الْجُودِ وَالْمَجْدِ، وَ الثَّنآءِ الْجَميلِ وَالْحَمْدِ، اسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ مَنْ خَضَعَ لَكَ‏

بخشش و بزرگوارى و ستايش و سپاس، از تو مى‏خواهم مانند كسى كه با گردنى كج فروتنى كرده‏

بِرَقَبَتِهِ، وَ رَغِمَ لَكَ انْفَهُ، وَ عَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ، وَ ذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ، وَ فاضَتْ مِنْ‏

و به خاك افتاده و صورتش را در برابرت به خاك ماليده و نفسش را خوار كرده و از ترس تو

خَوْفِكَ دُمُوعُهُ، وَ تَرَدَّدَتْ عَبْرَتُهُ، وَاعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ، وَفَضَحَتْهُ عِنْدَكَ‏

اشكهايش جارى و (بر صورتش) غلطان است و به گناهانش در برابرت معترف است، و اشتباهاتش او را نزد تو

خَطيئَتُهُ، وَ شانَتْهُ عِنْدَكَ جَريرَتُهُ، فَضَعُفَتْ عِنْدَ ذلِكَ قُوَّتُهُ، وَ قَلَّتْ‏

رسوا كرده، و جرم و جنايتش او را نزد تو بدنام كرده، اكنون، ناتوان شده و چاره‏اش‏

حيلَتُهُ، وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ اسْبابُ خَدايِعِهِ، وَاضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ باطِلٍ،

كم گشته و وسايل نيرنگش از او جدا شده، و هر باطلى از او دور گرديده،

وَالْجَاتْهُ ذُنُوبُهُ الى‏ ذُلِّ مَقامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَخُضُوعِهِ لَدَيْكَ، وَابْتِهالِهِ الَيْكَ،

و گناهش او را به خوار ايستادن و فروتنى و زارى در برابرت وادار كرده است،

اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ، ارْغَبُ الَيْكَ كَرَغْبَتِهِ، وَ اتَضَرَّعُ الَيْكَ‏

خدايا از تو مى‏خواهم مانند كسى كه اين حالات را دارد اشتياقم به تو مانند اشتياق او باشد، و به درگاهت مانند گريه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1115

كَتَضَرُّعِهِ، وَابْتَهِلُ الَيْكَ كَاشَدِّ ابْتِهالِهِ، اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكانَةَ مَنْطِقى‏،

او گريه كنم و مانند زارى شديد او زارى نمايم خدايا به لكنت گفتار و خوارى من‏

وَذُلَّ مَقامى‏ وَ مَجْلِسى‏، وَ خُضُوعى‏ الَيْكَ بِرَقَبَتى‏، اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدى‏

و جايگاه و محلّ نشيمنم و فروتنى همراه با گردن كجى در برابرت رحم كن خدايا هدايت‏

مِنَ الضَّلالَةِ، وَالْبَصيرَةَ مِنَ الْعَمى‏، وَالرُّشْدَ مِنَ الْغَوايَةِ، وَاسْئَلُكَ اللَّهُمَ‏

از گمراهى و بينايى از كور دلى و راه يابى از بيراهه را از تو مى‏خواهم و خدايا

اكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخآءِ، وَاجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصيبَةِ، وَ افْضَلَ الشُّكْرِ

بيشترين سپاس را در وقت آسايش، و زيباترين بردبارى را در وقت گرفتارى، و كاملترين سپاسگذارى‏

عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ، وَ التَّسْليمَ عِنْدَ الشُّبُهاتِ، وَ اسْئَلُكَ الْقُوَّةَ فى‏

را در جايگاه سپاسگذارى و فرمانبردارى در هنگام ترديد را از تو مى‏طلبم و توانايى در

طاعَتِكَ، وَالضَّعْفَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَالْهَرَبَ الَيْكَ مِنْكَ، وَ التَقَرُّبَ الَيْكَ‏

بندگى و ناتوانى در گناه و گريز به (رحمت) تو از (انتقام) تو و نزديكى به خودت را از تو مى‏خواهم،

رَبِّ لِتَرْضى‏، وَالتَّحَرِّىَ لِكُلِّ ما يُرْضيكَ عَنّى‏ فى‏ اسْخاطِ خَلْقِكَ،

اى پروردگار من تا خشنود شوى و (از تو مى‏خواهم) جستجوى آنچه كه تو را از من خشنود سازد گر چه مردم ناراحت شوند،

الْتِماساً لِرِضاكَ، رَبِّ مَنْ ارْجُوهُ انْ لَمْ تَرْحَمْنى‏، اوْ مَنْ يَعُودُ عَلَىَّ انْ‏

به خاطر بدست آوردن رضايتت، اى پروردگار من به كه اميد بندم گر به من رحم نكنى، يا كه بر من توجّه كند گر تو دورم كنى،

اقْصَيْتَنى‏، اوْ مَنْ يَنْفَعُنى‏ عَفْوُهُ انْ عاقَبْتَنى‏، اوْ مَنْ امُلُ عَطاياهُ انْ‏

يا گذشت كه به من سود بخشد گر مجازاتم كنى، يا به بخششهايى كه اميد بندم گر

حَرَمْتَنى‏، اوْ مَنْ يَمْلِكُ كَرامَتى‏ انْ اهَنْتَنى‏، اوْ مَنْ يَضُرُّنى‏ هَوانُهُ انْ‏

مرا محروم كنى، يا كه مرا گرامى دارد گر تو خوارم كنى و يا كه مرا خوار كند گر

اكْرَمْتَنى‏، رَبِّ ما اسْوَءَ فِعْلى‏، وَ اقْبَحَ عَمَلى‏، وَ اقْسى‏ قَلْبى‏، وَ اطْوَلَ‏

گراميم دارى، اى پروردگار من چه بد كردارم، و چه زشت رفتارم، و چه سنگدلم، و چه بزرگ‏

امَلى‏، وَ اقْصَرَ اجَلى‏، وَ اجْرَأَنى‏ عَلى‏ عِصْيانِ مَنْ خَلَقَنى‏، رَبِّ وَ ما

آرزويم و چه كوتاه عمرم و چه گستاخم بر نافرمانى آن كه مرا آفريده، اى پروردگار من‏

احْسَنَ بَلائَكَ عِنْدى‏، وَ اظْهَرَ نَعْمآئَكَ عَلَىَّ، كَثُرَتْ عَلَىَّ مِنْكَ النِّعَمُ فَما

آزمايشت در نزد من چه نيكو و نعمتهايت بر من چه آشكار است نعمتهايت بر من بقدرى فراوان است كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1116

احْصيها، وَ قَلَّ مِنّىِ الشُّكْرُ فيما اوْلَيْتَنيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ، وَتَعَرَّضْتُ‏

نمى‏توانم بشمارم، و در آنچه به من عطا فرمودى سپاسگذارى من كم است، پس به نعمتهايت مغرور شدم، و خود را در معرض‏

لِلنِّقَمِ، وَسَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ، وَ رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ، وَ جُزْتُ مِنَ الْعَدْلِ‏

مجازاتت قرار دادم و از يادت غفلت نمودم و با وجود دانشم، بر مركب جهل سوار شدم و از عدالت به‏

الَى الظُّلْمِ، وَ جاوَزْتُ الْبِرَّ الَى الْإِثْمِ، وَ صِرْتُ الَى اللَّهْوِ مِنَ الْخَوْفِ‏

ستم تجاوز نمودم و از نيكى به گناه گذشتم و به جاى ترس و اندوه، به بيهودگى گرايش يافتم،

وَالْحُزْنِ، فَما اصْغَرَ حَسَناتى‏، وَ اقَلَّها فى‏ كَثْرَةِ ذُ نُوبى‏، وَ ما اكْثَرَ ذُنُوبى‏،

پس چه ناچيز است نيكيهايم، و چه كم است در مقابل گناهان فراوانم و چه بسيار است گناهانم،

وَاعْظَمَها عَلى‏ قَدْرِ صِغَرِ خَلْقى‏، وَ ضَعْفِ رُكْنى‏، رَبِّ وَ ما اطْوَلَ امَلى‏

و چه بزرگ است گناهانم نسبت به كوچكى آفرينش و ناتوانيم، اى پروردگار من، و چه طولانى است آرزويم‏

فى‏ قِصَرِ اجَلى‏، وَ اقْصَرَ اجَلى‏ فى‏ بُعْدِ امَلى‏، وَ ما اقْبَحَ سَريرَتى‏

در مقابل كوتاهى عمرم و چه كوتاه است عمرم نسبت به آرزوى دورم و چه زشت است پنهان‏

وَعَلانِيَتى‏، رَبِّ لا حُجَّةَ لى‏ انِ احْتَجَجْتُ، وَلا عُذْرَلى‏ انِ اعْتَذَرْتُ، وَلا

و آشكارم، اى پروردگار من، در مقام استدلال دليلى ندارم، و در مقام پوزش عذرى ندارم، و اگر

شُكْرَ عِنْدى‏ انِ ابْتَلَيْتُ وَ اوليتُ انْ لَمْ تُعِنّى‏ عَلى‏ شُكْرِ ما اوْلَيْتَ، رَبِّ ما

گرفتار شوم و نعمتى به من رسد سپاسى ندارم اگر تو بر سپاسگزارى آنچه داده‏اى كمكم نكنى، اى پروردگار من‏

اخَفَّ ميزانى‏ غَداً انْ لَمْ تُرَجِّحْهُ، وَ ازَلَّ لِسانى‏ انْ لَمْ تُثَبِّتْهُ، وَ اسْوَدَ

فرداى قيامت ترازوى عملم چقدر سبك خواهد بود، اگر تو به آن بها ندهى، و زبانم خواهد لرزيد اگر تو آن را ثابت نكنى، و

وَجْهى‏ انْ لَمْ تُبَيِّضْهُ، رَبِّ كَيْفَ لى‏ بِذُنُوبِىَ الَّتى‏ سَلَفَتْ مِنّى‏ قَدْ هُدَّتْ لَها

رويم سياه خواهد بود اگر تو آن را سفيد نكنى، اى پروردگار من، با گناهانى كه از من سرزده و وجودم را در هم شكسته‏

ارْكانى‏، رَبِّ كَيْفَ اطْلُبُ شَهَواتِ الدُّنْيا، وَ ابْكى‏ عَلى‏ خَيْبَتى‏ فيها، وَ لا

چه كنم؟، اى پروردگار من چگونه شهوتهاى دنيا را مى‏طلبم و بر محروميتم در دنيا مى‏گريم، ولى‏

ابْكى‏ وَ تَشْتَدُّ حَسَراتى‏ عَلى‏ عِصْيانى‏ وَ تَفْريطى‏، رَبِّ دَعَتْنى‏ دَواعِى‏

بر نافرمانى و كوتاهيم گريه نكرده و حسرت نمى‏خورم اى پروردگار من، جاذبه‏هاى‏

الدُّنْيا فَاجَبْتُها سَريعاً، وَ رَكَنْتُ الَيْها طآئِعاً، وَ دَعَتْنى‏ دَواعِى الْأخِرَةِ

دنيا مرا به سوى خود خواند و من به سرعت پذيرفته و به اختيار به آنها اعتماد كردم و جاذبه‏هاى آخرت مرا به سوى خود خواند

كليات مفاتيح نوين، ص: 1117

فَتَثَبَّطْتُ عَنْها، وَ ابْطَاْتُ فِى الْإِجابَةِ وَالْمُسارَعَةِ الَيْها، كَما سارَعْتُ‏

و من خوددارى كردم و در قبول و سرعت گرفتن به سوى آن سستى نمودم،

الى‏ دَواعِى الدُّنْيا، وَ حُطامِهَا الْهامِدِ، وَ هَشيمِهَا الْبايِدِ، وَ سَرابِهَا

امّا جاذبه‏هاى دنيا و مال بى ارزش و شكننده و گذرا و سراب پوچِ آن را به‏

الذَّاهِبِ، رَبِّ خَوَّفْتَنى‏ وَ شَوَّقْتَنى‏، وَاحْتَجَجْتَ عَلَىَّ بِرِقّى‏، وَ كَفَلْتَ لى‏

سرعت پذيرفتم، اى پروردگار من مرا هم ترساندى و هم تشويق نمودى، و بربندگيم دليل آورده و روزيم را

بِرِزْقى‏، فَامِنْتُ خَوْفَكَ، وَتَثَبَّطْتُ عَنْ تَشْويقِكَ، وَ لَمْ اتَّكِلْ عَلى‏

عهده دار شدى، پس من از ترس تو در امان بودم و با وجود تشويق تو سست شدم، و بر ضمانت تو اعتماد نكرده‏

ضِمانِكَ، وَ تَهاوَنْتُ بِاحْتِجاجِكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ امْنى‏ مِنْكَ فى‏ هذِهِ الدُّنْيا

و دليلت را سبك شمردم، خدايا ايمنى‏ام را در اين دنيا ترس خود قرار ده‏

خَوْفاً، وَحَوِّلْ تَثَبُّطى‏ شَوْقاً، وَ تَهاوُنى‏ بِحُجَّتِكَ فَرَقاً مِنْكَ، ثُمَّ رَضِّنى‏ بِما

و سستى‏ام را به اشتياقت مبدّل كن و سبك شمردن حجتت را به بى تابى ديدارت تبديل نما سپس مرا به روزيى كه‏

قَسَمْتَ لى‏ مِنْ رِزْقِكَ يا كَريمُ‏ [يا كَريمُ‏]، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ، رِضاكَ‏

قسمتم نموده‏اى خشنود ساز [اى بزرگوار]، از تو به نام بزرگت خشنوديت‏

عِنْدَ السُّخْطَةِ، وَ الْفَرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ، وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ، وَالْبَصيرَةَ عِنْدَ

در هنگام خشم، و گشايش در هنگام گرفتارى، و روشنايى در هنگام تاريكى، و روشن بينى در هنگام‏

تَشَبُّهِ الْفِتْنَةِ، رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتى‏ مِنْ خَطاياىَ حَصينَةً، وَ دَرَجاتى‏ فِى‏

مستبد شدن فتنه‏ها را خواهانم اى پروردگار من، سپرم را در مقابل اشتباهاتم محكم، و رتبه‏ام را در

الْجِنانِ رَفيعَةً، وَاعْمالى‏ كُلَّها مُتَقَبَّلَةً، وَ حَسَناتى‏ مُضاعَفَةً زاكِيَةً، اعُوذُ

بهشت بلند، و تمامى كردارم را پذيرفته و حسناتم را چند برابر و پاكيزه قرار ده، از تمامى‏

بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّها، ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ، وَمِنْ رَفيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ،

فتنه‏هاى آشكار و پنهان، و از خوردنى و آشاميدنى خارج از دست‏رس و

وَ مِنْ شَرِّ ما اعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ ما لا اعْلَمُ، وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ انْ اشْتَرِىَ الْجَهْلَ‏

از شرورى كه مى‏دانم و نمى‏دانم به تو پناه مى‏برم، و از اين كه نادانى را

بِالْعِلْمِ، وَالْجَفا بِالْحِلْمِ، وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ، وَالْقَطيعَةَ بِالْبِرِّ، وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ،

به علم و ظلم را به بردبارى و ستم را به عدالت و قطع رحم را به نيكى و بى تابى را به شكيبايى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1118

وَ الْهُدى‏ بِالضَّلالَةِ، وَ الْكُفْرَ بِالْإِيمانِ.[[1737]](#footnote-1737)

و هدايت را به گمراهى و كفر را به ايمان معاوضه كنم، به تو پناه مى‏برم.

\*\*\*

17- از ابن محبوب روايت شده كه حضرت امام صادق عليه السلام اين دعا را به شخصى تعليم فرمود:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتى‏ لاتُنالُ مِنْكَ الَّا بِرِضاكَ، وَالْخُرُوجَ مِنْ‏

خدايا به لطف و رحمتت كه كسى بدون رضاى تو به آن نمى‏رسد از تو مى‏خواهم، خارج شدن از

جَميعِ مَعاصيكَ، وَالدُّخُولَ فى‏ كُلِّ ما يُرْضيكَ، وَالنَّجاةَ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ،

جميع گناهان و داخل شدن در آنچه تو را خشنود سازد و رهايى از گرفتارى‏ها،

وَالْمَخْرَجَ مِنْ كُلِّ كَبيرَةٍ اتى‏ بِها مِنّى‏ عَمْدٌ، اوْ زَلَّ بِها مِنّى‏ خَطَاٌ، اوْ خَطَرَ

و راه خروج از هر گناه كبيره عمدى يا سهوى يا (گناهانى كه) به خاطر

بِها عَلَىَّ خَطَراتُ الشَّيْطانِ، اسْئَلُكَ خَوْفاً تُوقِفُنى‏ بِهِ عَلى‏ حُدُودِ

وسوسه‏هاى شيطان از من سرزده است. از تو خوفى مى‏خواهم كه بواسطه آن مرا

رِضاكَ، وَ تَشَعَّبَ بِهِ عَنّى‏ كُلُّ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِها هَواىَ، وَاسْتُزِلَّ بِها رَأْيى‏

بر خشنوديت نگه دارى، و دور كنى از من هر خواهش نفسانى را كه هواى نفسم آن را به من نزديك سازد، و نظرم را بلغزاند

لِيُجاوِزَ حَدَّ حَلالِكَ، اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ الْأَخْذَ بِاحْسَنِ ما تَعْلَمُ، وَتَرْكِ سَيِّئِ‏

تا از مرز حلالت بگذرم، خدايا از تو مى‏خواهم اعمال خوبى كه از من مى‏دانى بپذيرى و از هر گناهى كه‏

كُلِّ ما تَعْلَمُ، اوْ اخْطَأُ مِنْ حَيْثُ لا اعْلَمُ، اوْمِنْ حَيْثُ اعْلَمُ، اسْئَلُكَ السَّعَةَ

از من مى‏دانى و يا اشتباهاتى كه از روى ناآگاهى و با آگاهى از من سرزده صرفِ نظر كنى، از تو مى‏خواهم، گشايش‏

فِى الرِّزْقِ، وَالزُّهْدَ فِى الْكَفافِ، وَالْمَخْرَجَ بِالْبَيانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ،

در روزى و قناعت به حدّ نياز، و خروج آگاهانه از شبهات،

وَالصَّوابَ فى‏ كُلِّ حُجَّةٍ، وَالصِّدْقَ فى‏ جَميعِ الْمَواطِنِ، وَ انْصافَ النَّاسِ‏

و درستى در هر استدلال و راستگويى در هر جا، و مدارا كردن با مردم‏

مِنْ نَفْسى‏ فيما عَلَىَّ وَلِى‏، وَالتَّذَلُّلَ فى‏ اعْطاءِ النَّصَفِ مِنْ جَميعِ مَواطِنِ‏

در آنچه كه به زيان يا سود من است، و فروتنى بر رعايت انصاف در حال‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1119

السَّخَطِ وَ الرِّضا، وَ تَرْكَ قَليلِ الْبَغْىِ وَ كَثيرِهِ فِى الْقَوْلِ مِنّى‏ وَالْفِعْلِ،

خشم و خشنودى، و ترك تجاوز و ستم چه كم و زياد در گفتار و كردارم،

وَتَمامَ نِعْمَتِكَ فى‏ جَميعِ الْأَشْيآءِ، وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْها لِكَىْ تَرْضا وَ بَعْدَ

و كامل كردن نعمتت را در تمام چيزها، و سپاسگزارى نعمتهايت تا خشنود شوى‏

الرِّضا، وَ اسْئَلُكَ الْخِيَرَةَ فى‏ كُلِّ ما يَكُونُ فيهِ الْخِيَرَةُ، بِمَيْسُورِ الْأُمُورِ

و بالاتر از خشنودى، و از تو نيكى مى‏خواهم از تمام انواع آن از

كُلِّها لا بِمَعْسُورِها، يا كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ، وَافْتَحْ لى‏ بابَ الْأَمْرِ الَّذى‏

راه آسان آن نه دشوارش، اى بزرگوار، اى بزرگوار، اى بزرگوار، و درِ هر كارى كه در آن‏

فيهِ الْعافِيَةُ وَالْفَرَجُ، وَافْتَحْ لى‏ بابَهُ، وَ يَسِّرْلى‏ مَخْرَجَهُ، وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ‏

سلامتى و گشايش است را به رويم باز كن و درِ آن را به رويم بگشا و خروج از آن را برايم آسان گردان، و آن كه‏

عَلَىَّ مَقْدُورَةً مِنْ خَلْقِكَ فَخُذْ عَنّى‏ بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ، وَ لِسانِهِ وَ يَدِهِ،

از مخلوقاتت كه تسلّطش را بر من مقرّر فرموده‏اى گوش و چشم و زبان و دستش را

وَخُذْهُ عَنْ يَمينِهِ وَ عَنْ يَسارِهِ، وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قُدَّامِهِ، وَامْنَعْهُ انْ يَصِلَ‏

از جانب من از سمت راست و چپ و پشت سر و مقابلش بگير، و او را از

الَىَّ بِسُوءٍ، عَزَّ جارُكَ، وَ جَلَّ ثَنآءُ وَجْهِكَ، وَ لا الهَ غَيْرُكَ، انْتَ رَبّى‏ وَ ا نَا

بدى كردن به من بازدار، در پناه تو بودن والاست و ستايش جمالت بزرگ است، و معبودى جز تو نيست، تويى پروردگار من و منم‏

عَبْدُكَ، اللَّهُمَّ انْتَ رَجآئى‏ فى‏ كُلِّ كُرْبَةٍ، وَ انْتَ ثِقَتى‏ فى‏ كُلِّ شِدَّةٍ، وَ انْتَ‏

بنده‏ات، خدايا، تويى اميدم در هر گرفتارى، و تويى تكيه‏گاهم در هر سختى و تويى‏

لى‏ فى‏ كُلِّ امْرٍ نَزَلَ بى‏ ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ،

تكيه‏گاه و ذخيره‏ام در هر پيش‏آمدى، پس چه بسيار اندوهى كه دلها را ناتوان كرده‏

وَتَقِلُّ فيهِ الحيلَةُ، وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تُعْيى‏ فيهِ الْأُمُورُ، انْزَلْتُهُ بِكَ،

و چاره را كم مى‏كند و دشمن بر آن سرزنش نموده، و كارها در آن وا مى‏ماند، كه من به درگاهت آورده‏

وَشَكَوْتُهُ الَيْكَ، راغِباً الَيْكَ فيهِ عَمَّنْ سِواكَ، قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَفَيْتَهُ، فَانْتَ وَلِىُ‏

و از آنها شكايت نمودم در حالى كه مشتاق رفع آن از جانب تو بودم نه غير تو، و تو آنها را گشوده و كفايت نمودى، پس تو صاحب‏

كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ صاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ، وَ مُنْتَهى‏ كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثيراً،

هر حاجت و نهايت هر آرزويى، پس حمد و سپاس فراوان و نعمتهاى بى شمار

كليات مفاتيح نوين، ص: 1120

وَلَكَ الْمَنُّ فاضِلًا.[[1738]](#footnote-1738)

از آنِ توست.

\*\*\*

18- به سند معتبر روايت شده كه حضرت امام صادق عليه السلام اين دعا را به ابوبصير ياد داد:

اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابينَ وَ عَمَلَهُمْ، وَ نُورَ الْأَنْبِيآءِ وَ صِدْقَهُمْ،

خدايا از تو مى‏خواهم گفتار و كردار توبه كنندگان، و روشنايى و راستگويى پيامبران‏

وَنَجاةَ الْمُجاهِدينَ وَ ثَوابَهُمْ، وَ شُكْرَ الْمُصْطَفَيْنَ وَ نَصيحَتَهُمْ، وَ عَمَلَ‏

و رستگارى و پاداش مجاهدان و سپاس گزارى و خير خواهى برگزيدگان، و كردار

الذَّاكِرينَ وَ يَقينَهُمْ، وَايمانَ الْعُلَمآءِ وَفِقْهَهُمْ، وَ تَعَبُّدَ الخاشِعينَ‏

و يقين ذاكران، و ايمان و شناخت عالمان و بندگى و فروتنى خاشعان،

وَتَواضُعَهُمْ، وَ حُكْمَ الْفُقَهآءِ وَ سيرَتَهُمْ، وَخَشْيَةَ الْمُتَّقينَ وَ رَغْبَتَهُمْ،

و دانايى و روش فقيهان و ترس و اشتياق پرهيزكاران،

وَتَصْديقَ الْمُؤْمِنينَ وَ تَوَكُّلَهُمْ، وَ رَجآءَ الْمُحْسِنينَ وَ بِرَّهُمْ، اللَّهُمَّ انّى‏

و تأييد و توكّل مؤمنان، و اميد و نيكى نيكوكاران. خدايا پاداش‏

اسْئَلُكَ ثَوابَ الشَّاكِرينَ، وَ مَنْزِلَةَ الْمُقَرَّبينَ، وَ مُرافَقَةَ النَّبِيّينَ، اللَّهُمَّ انّى‏

سپاسگزاران و جايگاه مقرّبان، و دوستى پيامبران را از تو مى‏خواهم، خدايا

اسْئَلُكَ خَوْفَ الْعامِلينَ لَكَ، وَ عَمَلَ الْخآئِفينَ مِنْكَ، وَ خُشُوعَ الْعابِدينَ‏

ترس عمل كنندگان براى تو، و عمل خائفان از تو، و خشوع عبادت كنندگان‏

لَكَ، وَيقينَ الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ، وَ تَوَكُّلَ الْمُؤْمِنينَ بِكَ، اللَّهُمَّ انَّكَ بِحاجَتى‏

براى تو، و يقين متوكّلان بر تو، و توكّل مؤمنان به تو را از تو خواهانم، خدايا تو به حاجتم‏

عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ، وَ انْتَ لَها واسِعٌ غَيْرُ مُتَكلِّفٍ، وَ انْتَ الَّذى‏ لايُحْفيكَ‏

داناى بى‏تعليمى، و تويى برآورنده آن بدون سختى، و تويى كه نيازمند ناراحتت‏

سائِلٌ، وَلايَنْقُصُكَ نائِلٌ، وَلا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قائِلٍ، انْتَ كَما تَقُولُ‏

نمى‏كند و به حاجت رسنده‏اى از تو نكاهد، و به ستايشت گفتار هيچ گوينده‏اى نرسد، تو آنچنانى كه خود مى‏گويى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1121

وَفَوْقَ ما نَقُولُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لى‏ فَرَجَاً قَريباً، وَ اجْراً عَظيماً، وَ سِتْراً

و برتر از آنى كه ما مى‏گوييم، خدايا گشايش نزديك و پاداشى بزرگ و پوششى‏

جَميلًا، اللَّهُمَّ انَّكَ تَعْلَمُ انّى‏ عَلى‏ ظُلْمى‏ لِنَفْسى‏، وَاسْرافى‏ عَلَيْها، لَمْ‏

زيبا برايم قرار ده، خدايا به يقين تو مى‏دانى كه من با وجود ستم بر خودم و زياده روى بر آن، براى تو

اتّخِذْ لَكَ ضِدّاً وَلا نِدّاً، وَلا صاحِبَةً وَلا وَلَداً، يا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْمَسآئِلُ،

رقيب و همتا و همسر و فرزندى قائل نشدم، اى كه خواسته‏ها او را به اشتباه نيندازد،

وَيا مَنْ لايَشْغَلُهُ شَىْ‏ءٌ عَنْ شَىْ‏ءٍ، وَلاسَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، وَلابَصَرٌ عَنْ بَصَرٍ،

و اى كه اشتغال به چيزى، او را از چيز ديگر باز ندارد و نه شنيدنى از شنيدن ديگر و نه ديدنى از ديدن ديگر،

وَلايُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلِحّين، اسْئَلُكَ انْ تُفَرِّجَ عَنّى‏ فى‏ ساعَتى‏ هذِهِ، مِنْ‏

و پافشارى اصرار كنندگان او را ناراحت نكند، و از تو در اين ساعت مى‏خواهم‏

حَيْثُ احْتَسِبُ، وَ مِنْ حَيْثُ لا احْتَسِبُ، انَّكَ تُحْيىِ الْعِظامَ وَ هِىَ رَميمٌ،

از جايى كه اميد دارم و ندارم گشايشى فراهم سازى چرا كه تو (حتّى) استخوانهاى پوسيده را زنده كنى‏

وَانَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، يا مَنْ قَلَّ شُكْرى‏ لَهُ فَلَمْ يَحْرِمْنى‏، وَ عَظُمَتْ‏

و بر هر چيز توانايى، اى كه سپاسگذاريم در مقابلش كم است ولى مرا محروم نمى‏كند، و گناهم‏

خَطيئَتى‏ فَلَمْ يَفْضَحْنى‏، وَ رَ انى‏ عَلَى الْمَعاصى‏ فَلَمْ يَجْبَهْنى‏، وَ خَلَقَنى‏

بزرگ است ولى رسوايم نمى‏سازد، و مرا در حال گناه مى‏بيند و به رويم نمى‏آورد، و مرا براى هدفى آفريده‏

لِلَّذى‏ خَلَقَنى‏ لَهُ، فَصَنَعْتُ غَيْرَ الَّذى‏ خَلَقَنى‏ لَهُ، فَنِعْمَ الْمَوْلى‏ انْتَ يا

ولى من بر خلاف آن رفتار كردم، پس تو چه خوب سرپرستى هستى اى‏

سَيِّدى‏، وَ بِئْسَ الْعَبْدُ ا نَا وَجَدْتَنى‏، وَ نِعْمَ الطَّالِبُ انْتَ رَبّى‏، وَ بِئسَ‏

آقا و سرورم، و تو مرا بد بنده‏اى يافتى، و اى پروردگار من تو نيكو خواهانى، و مرا بد

الْمَطْلُوبُ الْفَيْتَنى‏، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ امَتِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، ما

طلب شده‏اى يافتى، بنده و فرزند بنده و فرزند كنيزت در مقابلت ايستاده، آنچه‏

شِئْتَ صَنَعْتَ بى‏، اللَّهُمَّ هَدَأَتِ الْأَصْواتُ، وَ سَكَنَتِ الْحَرَكاتُ، وَ خَلا

خواهى در باره‏ام انجام مى‏دهى خدايا صداها خاموش شده و حركتها باز ايستاده‏

كُلُّ حَبيبٍ بِحَبيبِهِ، وَ خَلَوْتُ بِكَ، انْتَ الْمَحْبُوبُ الَىَّ، فَاجْعَلْ خَلْوَتى‏

و هر محبوبى با حبيبش خلوت كرده و من نيز با تو خلوت كرده‏ام، تويى محبوب من، پس پاداش خلوتم‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1122

مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ، يا مَنْ لَيْسَتْ لِعالِمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ، يا مَنْ لَيْسَ‏

را با خودت، رهايى از آتش قرار ده، اى آن كه نيست براى هيچ دانايى صفتى بالاتر از او، اى كه نيست‏

لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَةٌ، يا اوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَيا آخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، يا مَنْ‏

براى هيچ آفريده‏اى در برابرش باز دارنده‏اى، اى آغاز قبل از هر چيز و اى پايان پس از هر چيز، اى كه‏

لَيْسَ لَهُ عُنْصُرٌ، وَ يا مَنْ لَيْسَ لِآخِرِهِ فَنآءٌ، وَ يا اكْمَلَ مَنْعُوتٍ، وَ يا اسْمَحَ‏

سر چشمه‏اى ندارى و اى كه براى پايانش نابودى نيست، اى كاملترين توصيف شده، و اى بخشنده‏ترين‏

الْمُعْطينَ، وَ يا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ يُدْعى‏ بِها، وَ يا مَنْ عَفْوُهُ قَديمٌ، وَ بَطْشُهُ‏

بخشندگان، و اى كه به هر زبانى خوانده شوى مى‏دانى، و اى كه گذشتش ديرينه و قدرتش‏

شَديدٌ، وَ مُلْكُهُ مُسْتَقيمٌ، اسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى‏ شافَهْتَ بِهِ مُوسى‏، يا اللَّهُ‏

زياد و فرمانرواييش ماندگار است، به حقّ آن نامت كه با موسى هم‏سخن شدى از تو مى‏خواهم، اى خدا

يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا لا الهَ الَّا انْتَ، اللَّهُمَّ انْتَ الصَّمَدُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ‏

اى بخشنده مهربان، اى كه معبودى جز تو نيست، خدايا تويى بى نياز، از تو مى‏خواهم كه‏

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُدْخِلَنىِ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.[[1739]](#footnote-1739)

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1122**

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و مرا به لطف و رحمتت در بهشت داخل كنى.

\*\*\*

19- مرحوم «كفعمى» دعايى را از امام زين‏العابدين عليه السلام نقل كرده است كه براى استجابت دعاها بسيار ارزشمند است:

الهى‏ كَيْفَ ادْعُوكَ وَانَا انَا، وَكَيْفَ اقْطَعُ رَجآئى‏ مِنْكَ وَانْتَ انْتَ، الهى‏

اى معبود من چگونه تو را بخوانم با اين كه من همان گنهكارم، و چگونه از تو قطع اميد كنم با اين كه تو همان مهربانى، اى معبود من‏

اذا لَمْ اسْئَلْكَ فَتُعْطِيَنى‏، فَمَنْ ذَا الَّذى‏ اسْئَلُهُ فَيُعْطينى‏، الهى‏ اذا لَمْ‏

حتّى زمانى كه از تو نخواهم عطايم كنى، پس چرا از ديگرى بخواهم كه عطايم كند، اى معبود من زمانى كه تو را

ادْعُوكَ فَتَسْتَجيبَ لى‏، فَمَنْ ذَا الَّذى‏ ادْعُوهُ فَيَسْتَجيبُ لى‏، الهى‏ اذا لَمْ‏

نخوانم پاسخم دهى پس چرا ديگرى را خوانم كه پاسخم دهد، اى معبود من، زمانى كه‏

اتَضرَّعْ الَيْكَ فَتَرْحَمَنى‏، فَمَنْ ذَا الَّذى‏ اتَضرَّعُ الَيْهِ فَيَرْحَمُنى‏، الهى‏ فَكَما

به درگاهت زارى نكنم بر من رحم كنى، پس به درگاه كه زارى كنم كه بر من رحم كند. اى معبود من، همان گونه كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1123

فَلَقْتَ الْبَحْرَ لِمُوسى‏ عَلَيْهِ السَّلامُ وَنَجَّيْتَهُ، اسْئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى‏

دريا را براى موسى- كه درود و سلام خدا بر او باد- شكافته و نجاتش دادى از تو مى‏خواهم كه بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وانْ تُنَجِّيَنى‏ مِمَّا انَا فيهِ، وَتُفَرِّجَ عَنّى‏ فَرَجاً عاجِلًا

محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و از آنچه در آن (گرفتار) هستم رهاييم بخشى و گشايشى سريع‏

غَيْرَ آجِلٍ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1740]](#footnote-1740)

و بى درنگ از لطف و مهربانيت عطايم كنى، اى مهربان‏ترين مهربانان.

\*\*\*

20- مرحوم «كفعمى» دعايى را از امام موسى كاظم عليه السلام نقل كرده است و گفته: اين دعا، عظيم‏الشأن و سريع‏الاجابه است (به زودى به اجابت مى‏رسد) و آن دعا، اين است:

اللَّهُمَّ انّى‏ اطَعْتُكَ فى‏ احَبِّ الْأَشْيآءِ الَيْكَ وَهُوَ التَّوْحيدُ، وَلَمْ اعْصِكَ فى‏

خدايا در محبوبترين چيزها در نزد تو كه همان يكتاپرستى است اطاعتت نمودم، و در مبغوضترين‏

ابْغَضِ الْأَشْيآءِ الَيْكَ وَهُوَ الْكُفْرُ، فَاغْفِرْ لى‏ ما بَيْنَهُما، يا مَنْ الَيْهِ مَفَرّى‏،

چيزها در نزد تو كه همان بى ايمانى است نافرمانيت ننمودم، پس آنچه در ميان اين دو قرار دارد برايم بيامرز، اى كسى كه راه گريزم به سوى اوست،

آمِنّى‏ مِمَّا فَزِعْتُ مِنْهُ الَيْكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِىَ الْكَثيرَ مِنْ مَعاصيكَ، وَاقْبَلْ‏

از آنچه از آن به تو پناه مى‏آورم پناهم ده، خدايا گناهان بسيارم را بيامرز و كوتاهيم‏

مِنِّى‏ الْيَسيرَ مِنْ طاعَتِكَ، يا عُدَّتى‏ دُونَ الْعُدَدِ، وَيا رَجآئى‏ وَالْمُعْتَمَدَ، وَيا

را در بندگيت بپذير، اى ذخيره‏ام در ميان ذخيره‏ها، و اى اميد و تكيه‏گاهم، و اى‏

كَهْفى‏ وَالسَّنَدَ، وَيا واحِدُ يا احَدُ، يا قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ

پناهگاه و پشتيبانم، و اى يگانه يكتا، اى كه گفتى: «بگو خداوند يكتا و يگانه است، خداوندى است كه همه نيازمندان قصد او مى‏كنند،

وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، اسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنِ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ،

(هرگز) نزاد و زاده نشد و براى او هيچگاه شبيه و مانندى نبوده است» از تو مى‏خواهم به حق برگزيدگان از آفريدگانت،

وَلَمْ تَجْعَلْ فى‏ خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ احَداً، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ انْ‏

كه در ميان آنان كسى را مانند ايشان قرار نداده‏اى، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و

تَفْعَلَ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِالْوَحْدانِيَّةِ الْكُبْرى‏، وَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ

آنچه تو شايسته آنى در مورد من انجام دهى، خدايا از تو مى‏خواهم به حق يگانگى بزرگت و ستودگى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1124

الْبَيْضآءِ، وَالْعَلَوِيَّةِالْعُلْيا، وَبِجَميعِ مَااحْتَجَجْتَ بِهِ عَلى‏ عِبادِكَ، وَبِالْإِسْمِ‏

نورانيت و به مقام بسيار والايت و به حق تمام حجّتهايت بر بندگانت و به حقّ نامى‏

الَّذِى‏ حَجَبْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْكَ الَّا الَيْكَ، صَلِّ عَلى‏

كه آن را از مخلوقات خود مخفى داشته‏اى كه جز تو كسى بر آن آگاه نيست، بر

مُحَمِّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لى‏مِنْ امْرى‏ فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنى‏ مِنْ حَيْثُ‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و در كارم گشايش و راه نجاتى قرار دهى و از جايى كه‏

احْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا احْتَسِبُ، انَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَيْرِ حِسابٍ.

اميد دارم و ندارم روزيم دهى، چرا كه تو به هر كه خواهى بى حساب روزى‏مى‏دهى.

آنگاه حاجت خود را بطلب.[[1741]](#footnote-1741)

\*\*\*

21- از امام موسى بن جعفر عليهما السلام نقل شده است كه آن حضرت به يكى از ياران خود فرمود: هر وقت از خداوند متعال حاجتى را بخواهى، بگو:

اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِىٍّ، فَانَّ لَهُما عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ،

خدايا به حقّ محمّد و على كه براى ايشان در نزد تو جايگاه و منزلتى ويژه است‏

وَ قَدْراً مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذلِكَ الشَّأْنِ، وَ بِحَقِّ ذلِكَ الْقَدْرِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏

و به حق آن جايگاه و منزلت والا، از تو مى‏خواهم كه بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تَفْعَلَ بى‏ كَذا وَ كَذا.[[1742]](#footnote-1742)

محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و برايم چنين و چنان كنى.

(به جاى كذا و كذا، حاجت خود را از خداوند بخواه)

\*\*\*

22- مرحوم «سيّد بن طاووس» در كتاب «مهج‏الدعوات» از امام محمّدباقر عليه السلام روايت كرده است كه آن حضرت فرمود: جبرئيل خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد و عرض كرد: اى پيامبر خدا، من هيچ پيامبرى را به قدر تو دوست نداشته‏ام، لذا اين دعا را به تو مى‏آموزم و آن را بسيار بگو:

اللَّهُمَّ انَّكَ تَرى‏ وَلا تُرى‏، وانْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلى‏، وَانَّ الَيْكَ الْمُنْتَهى‏

خدايا مى‏بينى و ديده نمى‏شوى، و تو در برترين ديدگاهى، و به يقين پايان كار و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1125

وَالرُّجْعى‏، وانَّ لَكَ الْأخِرَةَ وَالْأُولى‏، وانَّ لَكَ الْمَماتَ وَالْمَحْيا، وَرَبِ‏

بازگشت به سوى توست و پايان و آغاز و مرگ و زندگى به دست توست، و اى پروردگار

اعُوذُ بِكَ انْ اذَلَّ اوْ اخْزى‏.[[1743]](#footnote-1743)

من از خوارى و رسوايى به تو پناه مى‏برم.

\*\*\*

23- مرحوم «شيخ كلينى» و ديگران روايت كرده‏اند كه امام صادق عليه السلام به «زراره» (يكى از ياران جليل‏القدرش) فرمود: در زمان غيبت و امتحان شيعه، اين دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنى‏ نَفْسَكَ، فَانَّكَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنى‏ نَفْسَكَ لَمْ اعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَ‏

خدايا خودت را به من بشناسان كه اگر خودت را به من نشناسانى پيامبرت را نمى‏شناسم، خدايا

عَرِّفْنى‏ رَسُولَكَ، فَانَّكَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنى‏ رَسُولَكَ لَمْ اعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَ‏

فرستاده‏ات را به من بشناسان كه اگر او را به من نشناسانى حجّتت را نمى‏شناسم، خدايا

عَرِّفْنى‏ حُجَّتَكَ، فَانَّكَ انْ لَمْ تُعَرِّفْنى‏ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دينى‏.[[1744]](#footnote-1744)

حجّتت را به من بشناسان كه اگر او را به من نشناسانى، از دينم گمراه مى‏شوم.

\*\*\*

24- روايت شده است اميرالمؤمنين عليه السلام مردى را ديد كه از روى دفترى دعايى طولانى را (به زحمت) مى‏خواند؛ امام عليه السلام به او فرمود: اى مرد خدا! آن خدايى كه اين دعاى طولانى را مى‏شنود، به دعاى كم و كوتاه نيز پاسخ مى‏دهد (يعنى نيازى به خواندن اين همه دعاى طولانى نيست) آن مرد عرض كرد: اى مولاى من، چه كنم؟ فرمود: اين كلمات (كوتاه و پرمحتوا) را بخوان:

الْحَمْدُ للَّهِ عَلى‏ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَاسْئَلُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَ اعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِ‏

حمد و سپاس خداى را بر هر نعمتى و هر خيرى را از او خواهانم و از هر بدى به او پناه برده‏

شَرٍّ، وَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ.[[1745]](#footnote-1745)

و از هر گناهى از او آمرزش مى‏طلبم.

\*\*\*

25- گروهى از بزرگان ياران امام صادق عليه السلام دعاى پرمحتواى زير را از آن حضرت نقل كردند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1126

امام عليه السلام فرمود: در شگفتم از كسى كه از چهارچيز مى‏ترسد چرا به چهار ذكر (آيه از قرآن مجيد) پناه نمى‏برد؛ نخست: تعجّب مى‏كنم از كسى كه از دشمن مى‏ترسد چرا به اين ذكر پناه نمى‏برد: «

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»؛

خدا ما را كفايت مى‏كند و او بهترين حامى ماست».[[1746]](#footnote-1746) زيرا خداوند در پى آن مى‏فرمايد:

«به خاطر اين دعا آن گروه از مؤمنان، با نعمت و فضل پروردگار (از ميدان نبرد، سالم) بازگشتند در حالى كه هيچ ناراحتى به آنان نرسيد».[[1747]](#footnote-1747) ديگر اين‏كه در شگفتم از كسى كه غم و اندوهى به او رسيده چگونه به اين ذكر پناه نمى‏برد: «

«لا الهَ الّا انْتَ، سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»

؛ خداوندا جز تو معبودى نيست منزّهى، من از ستمكاران بودم (مرا ببخش و از اين اندوه رهايى ده)»[[1748]](#footnote-1748) زيرا خداوند در پى آن مى‏فرمايد: «ما او را (اشاره به يونس عليه السلام است) از آن اندوه نجات بخشيديم و همين‏گونه مؤمنان را نجات مى‏دهيم».[[1749]](#footnote-1749) و نيز در شگفتم از كسى كه در برابر توطئه خطرناكى قرار گرفته چگونه به اين ذكر پناه نمى‏برد:

« «افَوِّضُ امْرِي الَى اللَّهِ انَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ»؛

من كار خود را به خدا واگذار مى‏كنم زيرا خداوند نسبت به بندگانش بيناست».[[1750]](#footnote-1750) خداوند در پى آن مى‏فرمايد: «خداوند او را (اشاره به مؤمن آل فرعون) از نقشه‏هاى شوم آنها (فرعونيان) رهايى بخشيد».[[1751]](#footnote-1751) و نيز در شگفتم از كسى كه مواهب دنيوى از خدا مى‏خواهد چرا از اين ذكر استفاده نمى‏كند: «

«ماشاءَ اللَّهُ لاقُوَّةَ الّا بِاللَّهِ»

؛ آنچه خدا بخواهد انجام مى‏گيرد هيچ قوّت و قدرتى جز از ناحيه خدا نيست»[[1752]](#footnote-1752) زيرا خداوند در پى آن مى‏فرمايد: «... اميد دارم پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد».[[1753]](#footnote-1753) (اشاره به دو دوستى كه يكى با ايمان بود و فقير و ديگرى ثروتمند و ضعيف الايمان).[[1754]](#footnote-1754) يادآورى: براى طلب حاجات و حل مشكلات نمازهايى نيز وارد شده است (به بخش هفتم، نمازهاى مستحب، صفحه 1061 مراجعه فرماييد).

2- دعا براى رفع غم و اندوه و گرفتارى‏ها

1- دعا براى رفع هرگونه غم و اندوه (از صحيفه سجاديه)

يا فارِجَ الْهَمِّ، وَ كاشِفَ الْغَمِّ، يا رَحْمنَ الدُّنْيا وَ الْاخِرَةِ وَ رَحيمَهُما،

اى گشاينده گرفتارى و بر طرف كننده اندوه اى بخشنده و مهربان در دنيا و آخرت،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1127

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْرُجْ هَمّى‏، وَ اكْشِفْ غَمّى‏، يا واحِدُ يَا

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و گرفتاريم را بگشا و اندوهم را برطرف كن، اى يگانه، اى‏

احَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، اعْصِمْنى‏

يكتا و اى توانا، اى كه نزاده و زاييده نشده، و براى او مانندى نيست، مرا حفظ كن‏

وَطَهِّرْنى‏، وَاذْهَبْ بِبَلِيَّتِى‏، «اللَّهُ لَآإِلهَ إلَّاهُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ

و پاكيزه دار، و بلا را ازمن دور كن، هيچ معبودى جز خداوند يگانه زنده نيست كه قائم به ذات خويش است هيچ‏گاه خواب‏

وَلَا نَوْمٌ، لَّهُ مَا فِي السَّموتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ، مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ‏

سبك و سنگينى او را فرا نمى‏گيرد آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست كيست كه در نزد او جز به فرمان او شفاعت كند؟!

إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ، وَمَا خَلْفَهُمْ، وَ لَايُحِيطُونَ بِشَى‏ءٍ مِّنْ‏

آنچه را در پيش روى آنها [/ بندگان‏] و پشت سرشان است مى‏داند و كسى از علم او آگاه نمى‏گردد

عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَآءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّموتِ وَ الْأَرْضَ، وَ لَايُودُهُ حِفْظُهُمَا

جز به مقدارى كه او بخواهد، تخت (حكومت) او، آسمانها و زمين را در برگرفته و نگهدارى آن دو [/ آسمان و زمين‏] او را خسته نمى‏كند،

وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَآإِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَىِّ، فَمَن‏

بلندى مقام و عظمت مخصوص اوست، در قبول دين اكراهى نيست (زيرا) راه درست از راه نادرست روشن است بنابراين‏

يَكْفُرْ بِالطغُوتِ وَ يُؤْمِن بِاللَّهِ، فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى‏ لَاانفِصَامَ‏

كسى كه به طاغوت‏ [/ بت و شيطان‏] كافر شود و به خدا ايمان آورد به دستگيره مهمّى چنگ زده است كه گسستن براى آن نيست‏

لَهَا، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ، يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمتِ إِلَى‏

و خداوند شنوا و داناست، خداوند ولى و سرپرست كسانى است كه ايمان آورده‏اند آنها را از ظلمتها به سوى‏

النُّورِ، وَالَّذِينَ كَفَرُواْ أَوْلِيَآؤُهُمُ الطغُوتُ، يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى‏

نور بيرون مى‏برد، (امّا) كسانى كه كافر شدند اولياى آنها طاغوت است كه آنها را از نور به سوى‏

الظُّلُمتِ، أُوْلئِكَ أَصْحبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»\* «بِسْمِ اللَّهِ‏

ظلمتها بيرون مى‏برند آنها اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند ماند.\* بنام خداوند

الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِن شِرِّ مَا خَلَقَ، وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ‏

بخشنده مهربان، پناه مى‏برم به پروردگار سپيده صبح از شرّ آنچه آفريده است و از شرّ هر موجود شرور

إِذَا وَقَبَ، وَمِن شَرِّ النَّفثتِ فِى‏الْعُقَدِ، وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»\*

هنگامى كه شبانه وارد مى‏شود، و از شرّ آنها كه با افسون در گره‏ها مى‏دمند (و هر تصميمى را سست مى‏كنند) و از شرّ هر حسود هنگامى كه حسد مى‏ورزد\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 1128

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِ‏النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلهِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو پناه مى‏برم به پروردگار مردم، به مالك و حاكم مردم، به (خدا و) معبود

النَّاسِ مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِى يُوَسْوِسُ فِى‏صُدُورِ الَّناسِ،

مردم از شرّ وسوسه گر پنهانكار كه در درون سينه انسانها وسوسه مى‏كند، خواه‏

مِن الْجِنَّةِ وَ الَّناسِ»\* «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،

از جن باشد يا از انسان\* به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو خداوند يكتا و يگانه است،

اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُواً أَحَدٌ» اللَّهُمَّ انّى‏اسْئَلُكَ‏

خداوندى است كه همه نيازمندان قصد او مى‏كنند (هرگز) نزاد و زاده نشد و براى او هيچ‏گاه شبيه و مانندى نبوده است خدايا مانند كسى كه‏

سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، وَ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ، سُؤالَ مَنْ لا

نيازش شديد و توانش كم و گناهانش افزون شده و همانند كسى كه براى نيازش‏

يَجِدَ لِفاقَتِهِ مُغيثاً، وَ لا لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً، وَ لا لِذَنْبِهِ غافراً غَيْرَكَ، يا

فريادرس و براى ناتوانيش نيروبخش و براى گناهش بخشنده‏اى جز تو نمى‏يابد از تو مى‏خواهم اى‏

ذَالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، اسْئَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَ يَقيناً تَنْفَعُ بِهِ‏

صاحب جلال و بزرگوارى، (توفيق انجام) عملى را كه انجام دهنده آن را دوست دارى‏

مَنِ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقينِ فى‏ نَفاذِامْرِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

و يقينى كه هر كس به عاليترين درجه آن برسد در انجام فرمانت از آن سود برد، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش‏

مُحَمَّدٍ، وَ اقْبِضْ عَلَى الصِّدْقِ نَفْسى‏، وَ اقْطَعْ مِنَ الدُّنْيا حاجَتى‏، وَاجْعَلْ‏

درود فرست و بر حال صداقت و راستى جانم را بگير و نيازم را از دنيا كوتاه كن و

فيما عِنْدَكَ رَغْبَتى‏، شَوْقاً الى‏ لِقائِكَ، وَ هَبْ لى‏ صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ،

اشتياقم را به آنچه در نزد توست قرار ده در حالى كه مشتاق ديدار توام، و اعتماد راستين بر خودت را به من ببخش،

اسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتابٍ قَدْ خَلا، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتابٍ قَدْ خَلا، اسْئَلُكَ‏

از بهترين چيزى كه در نامه عملم به جاى مانده از تو خواهانم و از بديهاى بر جاى مانده در آن به تو پناه مى‏برم،

خَوْفَ الْعابِدينَ لَكَ، وَ عِبادَةَ الْخاشِعينَ لَكَ، وَ يَقينَ الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ،

از تو خوف عابدان و بندگى خاشعان و يقين متوكّلان و اعتماد مؤمنان به تو

وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتى‏ فى‏ مَسْئَلَتى‏ مِثْلَ رَغْبَةِ

را خواهانم، خدايا اشتياقم را در خواستن از خودت مانند اشتياق‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1129

اوْلِيآئِكَ في مَسائِلِهِمْ، وَ رَهْبَتي‏مِثْلَ رَهْبَةِ اوْلِيائِكَ، وَاسْتَعْمِلْنى‏ فى‏

دوستانت در خواسته‏هايشان، و ترسم را مانند ترس دوستانت قرار ده، و مرا به عملى كه در

مَرْضاتِكَ عَمَلًا لااتْرُكُ مَعَهُ شَيْئاً مِنْ دينِكَ مَخافَةَ احَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَ‏

مسير خشنوديت قرار دارد وادار، كه از ترس مخلوقاتت چيزى از دينت را ترك نكنم، خدايا

هذِهِ حاجَتى‏ فَاعْظِمْ فيها رَغْبَتى‏، وَ اظْهِرْ فيها عُذْرى‏، وَلَقِّنى‏ فيها

اين خواسته من است پس شوقم را در آن زياد كن و (در صورت ترك آن) عذرم را ظاهر و دليلم را به من بياموز

حُجَّتى‏، وَ عافِ فيها جَسَدى‏، اللَّهُمَّ مَنْ اصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ اوْ رَجاءٌ غَيْرُكَ،

و در رسيدن به آن جسمم را عافيت بخش، خدايا اگر كسى صبح كند در حالى كه تكيه‏گاه يا اميدى جز تو داشته باشد

فَقَدْ اصْبَحْتُ وَ انْتَ ثِقَتى‏ وَ رَجائى‏ فِى الْأُمُورِ كُلِّها، فَاقْضِ لي بِخَيْرِها

ولى من صبح مى‏كنم در حالى كه تكيه‏گاه و اميدم در همه كارها تويى پس به بهترين عاقبت بر من حكم كن‏

عاقِبَةً، وَ نَجِّنى‏ مِنْ مُضِلّاتِ الْفِتَنِ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ،

و مرا از فتنه‏هاى گمراه كننده رهايى بخش، به لطف و رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان‏

وَصَلَّى اللَّهُ عَلى‏ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ رَسُولِ‏اللَّهِ الْمُصْطَفى‏، وَعَلى‏ آلِهِ الطَّاهِرينَ.[[1755]](#footnote-1755)

و بر آقا و سرور ما محمّد فرستاده برگزيده خدا و بر خاندان پاكش درود فرست.

\*\*\*

2- امام اميرمؤمنان عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرده است كه هر غمديده و محزون و گرفتار و خائفى اين دعا را بخواند، خداوند براى او گشايشى فراهم سازد:

يا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، وَ يا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، وَيا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ،

اى تكيه گاه آن كه تكيه گاهى ندارد و اى ذخيره آن كه ذخيره‏اى ندارد و اى پشتيبان كسى كه پشتيبانى ندارد

وَيا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، وَيا غِياثَ مَنْ لا غِياثَ لَهُ، وَيا كَنْزَ مَنْ لا كَنْزَ

و اى نگهدار كسى كه نگهدارى ندارد، و اى فريادرس كسى كه فريادرسى ندارد و اى گنج كسى كه گنجى ندارد،

لَهُ، وَيا عِزَّ مَنْ لا عِزَّ لَهُ، يا كَريمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، يا عَوْنَ‏

اى عزّت بخش كسى كه عزّت بخشى ندارد، اى در گذرنده بزرگوار، اى نيكو در گذرنده، اى ياور

الضُّعَفآءِ، يا كَنْزَ الْفُقَرآءِ، يا عَظيمَ الرَّجآءِ، يا مُنْقِذَ الْغَرْقى‏، يا مُنْجِىَ‏

ناتوانان، اى گنج نيازمندان، اى اميد بزرگ، اى نجات دهنده غريقان، اى رهايى بخش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1130

الْهَلْكى‏، يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ، يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ، انْتَ الَّذى‏ سَجَدَ لَكَ‏

هلاك شوندگان، اى نيكوكار، اى زيبايى بخش، اى روزى ده، اى فزونى بخش، تويى كه‏

سَوادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ، وَحَفيفُ الشَّجَرِ

سياهى شب و روشنى روز و نور خورشيد و ماه و همهمه برگ درختان‏

وَدَوِىُّ الْمآءِ، يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ، لا الهَ إلَّاانْتَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، يا

و صداى جريان آب در برابرت سجده و خضوع كرده، اى خدا، اى خدا، اى خدا، معبودى جز تو نيست، يگانه‏اى كه شريكى برايت نيست، اى‏

رَبَّاهُ يا اللَّهُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِنا ما انْتَ اهْلُهُ، وَنَجِّنا

پروردگار من اى خدا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و آنچه تو شايسته آنى در مورد ما انجام ده و ما را به عفوت‏

مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ، وَادْخِلْنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ زَوِّجْنا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ‏

از آتش دوزخ رهايى بخش و به لطف و رحمتت در بهشت داخل كن، و به بخششت از حورالعين به همسرى‏

بِجُودِكَ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بى‏ ما انْتَ اهْلُهُ، يا ارْحَمَ‏

ما درآور و بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و آنچه تو شايسته آنى در مورد من انجام ده، اى مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

مهربانان به يقين تو بر انجام هر چيز توانايى.

پس از خواندن دعا، حاجت خود را از خدا طلب كن كه ان‏شاءاللَّه به اجابت مى‏رسد.[[1756]](#footnote-1756)

\*\*\*

3- براى گشايش در كارها و رفع گرفتارى و غم، خواندن اين ذكر و مواظبت بر آن، كه امام جواد عليه السلام آن را تعليم فرمود، نافع است:

يَا مَنْ يَكْفى‏ مِنْ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَلا يَكْفى‏ مِنْهُ شَىْ‏ءٌ، اكْفِنى‏ ما اهَمَّنى‏.[[1757]](#footnote-1757)

اى كسى كه از هر چيز بى نيازى و چيزى از تو بى نياز نيست، آنچه فكر مرا به خود مشغول داشته برآور.

\*\*\*

4- از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله روايت شده است كه هر كس را مشكلى، يا اندوهى، يا بلا و شدّتى پيش‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1131

آيد، بگويد: اللَّهُ رَبّى‏ لا اشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذى‏ لايَمُوتُ.[[1758]](#footnote-1758)

\*\*\*\*\* خدا پروردگار من است كه چيزى را براى او شريك قرار نمى‏دهم، بر آن زنده‏اى كه (هرگز) نميرد تكيه مى‏كنم.

\*\*\*

5- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه چون برادران يوسف آن حضرت را به چاه افكندند، جبرئيل نزد او آمد و گفت: در اين جا چه مى‏كنى؟ يوسف گفت: برادرانم مرا در اين چاه افكندند و رفتند. جبرئيل گفت:

آيا دوست دارى از اين جا بيرون آيى؟ گفت: اين وابسته به مشيّت خداوند است؛ اگر خواست مرا بيرون مى‏آورد. جبرئيل گفت: خداوند مى‏فرمايد: اين دعا را بخوان تا تو را رهايى بخشم؛ بگو:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِانَّ لَكَ الْحَمْدَ، لا الهَ الَّا انْتَ الْمَنَّانُ بَديعُ السَّمواتِ‏

خدايا به حقّ اين كه حمد و سپاس مخصوص توست، معبودى جز تو نيست كه روزى ده و پديدآورنده آسمان‏

وَالْأَرْضِ، ذُوالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، انْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ‏

و زمينى و صاحب جلال و بزرگوارى، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاكش درود فرستى و از

تَجْعَلَ لى‏ مِمَّا ا نَا فيهِ فَرَجَاً وَ مَخْرَجَاً.[[1759]](#footnote-1759)

مشكلى كه من در آنم گشايش و راه خروجى برايم قرار دهى.

در نتيجه كاروانى آمد و آن گونه كه قرآن نقل كرده، او را از چاه نجات داده و با خود به مصر بردند.

\*\*\*

6- روايت شده كه امام باقر عليه السلام در مشكلات چنين دعا مى‏كرد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْلى‏ وَارْحَمْنى‏، وَزَكِّ عَمَلى‏،

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و مرا بيامرز و به من رحم كن و عملم را پاكيزه گردان،

وَيَسِّرْ مُنْقَلَبى‏، وَاهْدِ قَلْبى‏، وَ آمِنْ خَوْفى‏، وَ عافِنى‏ فى‏ عُمُرى‏ كُلِّهِ،

و بازگشتم را آسان كن و دلم را (به راه راست) هدايت كن و ترسم را ايمن گردان و در تمام عمر سلامتم بدار،

وَثَبِّتْ حُجَّتى‏، وَ اغْفِرْ خَطاياىَ، وَبَيِّضْ وَجْهى‏، وَاعْصِمْنى‏ فى‏ دينى‏،

و دليلم را محكم گردان، و از اشتباهاتم در گذر و چهره‏ام را نورانى گردان، ودينم را حفظ كن‏

وَسَهِّلْ مَطْلَبى‏، وَوَسِّعْ عَلَىَّ فى‏ رِزْقى‏، فَانّى‏ ضَعيفٌ، وَ تَجاوَزْ عَنْ سَيِّئِ‏

و خواسته‏ام را آسان گردان، و روزيم را وسعت ده، چرا كه من ناتوانم، و از بدى آنچه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1132

ما عِنْدى‏ بِحُسْنِ ما عِنْدَكَ، وَلاتَفْجَعْنى‏ بِنَفْسى‏، وَلاتَفْجَعْ لى‏ حَميماً،

نزد من است به خوبى آنچه نزد توست درگذر، و مرا به نفسم و خويشاوندانم داغدار مكن،

وَهَبْ لى‏ يا الهى‏ لَحْظَةً مِنْ لَحَظاتِكَ، تَكْشِفُ بِها عَنّى‏ جَميعَ ما بِهِ‏

و اى معبود من توجّهى از توجّهاتت را به من ببخش كه به واسطه آن تمامى گرفتاريهايم را برطرف كنى،

ابْتَلَيْتَنى‏، وَ تَرُدُّ بِها عَلَىَّ ما هُوَ احْسَنُ عادَتِكَ عِنْدى‏، فَقَدْ ضَعُفَتْ‏

و بهترين شيوه‏ات در نزد من را به من بازگردانى، چرا كه نيرويم سست‏

قُوَّتى‏، وَقَلَّتْ حيلَتى‏، وَانْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجآئى‏، وَ لَمْ يَبْقَ الَّا رَجآؤُكَ،

و چاره‏ام كم شده واميدم از آفريدگانت قطع شده و جز اميد و

وَتَوَكُّلى‏ عَلَيْكَ، وَ قُدْرَتُكَ عَلَىَّ يا رَبِّ انْ تَرْحَمَنى‏ وَ تُعافِيَنى‏، كَقُدْرَتِكَ‏

اعتماد به تو (چيزى برايم) باقى نمانده اى پروردگار من قدرتت بر رحم كردن و عافيت بخشيدن به من همانند قدرتت‏

عَلَىَّ انْ تُعَذِّبَنى‏ وَ تَبْتَلِيَنى‏، الهى‏ ذِكْرُ عَوآئِدِكَ يُؤْنِسُنى‏، وَ الرَّجآءُ

بر عذاب كردن و گرفتار كردن من است، اى معبود من ياد نعمتهايت با من انس گرفته و اميدم به‏

لِإِنْعامِكَ يُقَوّينى‏، وَلَمْ اخْلُ مِنْ نِعَمِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنى‏، وَانْتَ رَبّى‏ وَسَيّدِى‏،

نعمتهايت مرا تقويت نموده و از زمانى كه مرا آفريدى از نعمتهايت دور نبودم و تو پروردگار و آقا و سرور من،

وَ مَفْزَعى‏ وَ مَلْجَاى‏، وَ الْحافِظُ لى‏ وَالذَّابُّ عَنّى‏، وَالرَّحيمُ بى‏ وَالْمُتَكَفِّلُ‏

و پناهگاه و مأمن منى، و نگهدار مدافع و مهربان بر من و عهده دار

بِرِزْقى‏، وَ فى‏ قَضآئِكَ وَ قُدْرَتِكَ كُلُّ ما ا نَا فيهِ، فَلْيَكُنْ يا سَيِّدى‏

روزى منى، و آنچه من در آنم در فرمان و قدرت توست، پس اى آقا و سرور

وَ مَوْلاىَ، فيما قَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَمْتَ، تَعْجيلُ خَلاصى‏ مِمَّا انَا فيهِ‏

و مولاى من پس در آنچه حكم كرده و مقرّر فرموده و حتمى نموده‏اى رهايى سريعم را از تمامى‏

جَميعِهِ، وَالْعافِيَةُ لى‏، فَانّى‏ لا اجِدُ لِدَفْعِ ذلِكَ احَداً غَيْرَكَ، وَلا اعْتَمِدُ

مشكلاتى كه من در آنم به همراه سلامتيم قرار ده چرا كه براى دفع آن كسى را جز تو نمى‏يابم و بر كسى‏

فيهِ الَّا عَلَيْكَ، فَكُنْ ياذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ عِنْدَ احْسَنِ ظَنّى‏ بِكَ، وَرَجآئى‏

جز تو تكيه نمى‏كنم، اى صاحب جلال و بزرگوارى آن گونه كه من به تو گمان نيكو و اميد دارم با من رفتار كن،

لَكَ، وَارْحَمْ تَضَرُّعى‏ وَاسْتِكانَتى‏، وَ ضَعْفَ رُكْنى‏، وَ امْنُنْ بِذلِكَ عَلَىَّ،

و بر التماس و بيچارگى و ناتوانى جسميم رحم كن و به آن بر من و هر

كليات مفاتيح نوين، ص: 1133

وَعَلى‏ كُلِّ داعٍ دَعاكَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.[[1760]](#footnote-1760)

آن كه تو را مى‏خواند منّت گذار اى مهربان‏ترين مهربانان و درود خدا بر محمّد و خاندان پاكش باد.

\*\*\*

7- از امام‏صادق عليه السلام روايت شده است كه فرمود: امام على بن الحسين عليهما السلام مى‏فرمود: هرگاه اين دعا را بخوانم، باكى ندارم اگر جنّ‏وانس براى ضرر زدن به من جمع شوند. (كارى نخواهند كرد):

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَ مِنَ اللَّهِ وَ الَى اللَّهِ، وَ فى‏ سَبيلِ اللَّهِ، وَ عَلى‏ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ،

به نام خدا و به ياريش و از او به سوى او و در راه خدا و بر دين رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ الَيْكَ اسْلَمْتُ نَفْسى‏، وَ الَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهى‏،

- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- خدايا خود را به تو تسليم كرده و به سوى تو روى نمودم،

وَ الَيْكَ الْجَاْتُ ظَهْرى‏، وَ الَيْكَ فَوَّضْتُ امْرى‏، اللَّهُمَّ احْفَظْنى‏ بِحِفْظِ

و به تو دلگرم شده و كارم را به تو واگذار نمودم، خدايا مرا در پناه‏

الْإيمانِ مِنْ بَيْنِ يَدَىَّ، وَ مِنْ خَلْفى‏ وَعَنْ يَمينى‏ وَ عَنْ شِمالى‏، وَ مِنْ‏

ايمان از پيش رو و پشت سر و از جانب راست و چپ و از

فَوْقى‏ وَ مِنْ تَحْتى‏ وَ مِنْ قِبَلى‏، وَادْفَعْ عَنّى‏ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، فَانَّهُ لا حَوْلَ‏

بالا و پايين و از جانب خودم حفظ كن و به قدرت و نيرويت (حوادث تلخ را از من) دفع كن، چرا كه پناهگاه‏

وَلاقُوَّةَ الَّا بِكَ.[[1761]](#footnote-1761)

و نيرويى جز از سوى تو نيست.

\*\*\*

8- در حديثى از امام زين‏العابدين عليه السلام مى‏خوانيم كه به فرزندش فرمود: هرگاه مصيبتى به يكى از شما برسد، يا مشكلى پيش آيد، وضوى كامل بگيرد و دو ركعت يا چهار ركعت (به دو سلام) نماز بگذارد و در پايان نماز بگويد:

يا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوى‏، وَ يا سامِعَ كُلِّ نَجْوى‏، وَ يا شاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ،

اى محلّ هر شكايت و اى شنواى هر سخن سرّى و اى حاضر در هر جمع‏

وَعالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يا دافِعَ ما يَشآءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يا خَليلَ ابْراهيمَ، وَ يا نَجِىَ‏

و داناى هر پنهان و اى دور كننده بلاهايى كه خود مى‏خواهى، اى دوست ابراهيم، اى نجات دهنده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1134

مُوسى‏، وَ يا مُصْطَفِىَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، ادْعُوكَ دُعآءَ مَنِ‏

موسى‏، و اى برگزيننده محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- مى‏خوانمت همانند كسى كه‏

اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ، وَ قَلَّتْ حيلَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، دُعآءَ الْغَريبِ الْغَريقِ،

نيازش شديد و چاره‏اش كم و نيرويش ضعيف شده، مانند خواندن بى كس و گرفتار غرقاب شده و

الْمُضْطَرِّ الَّذى‏ لايَجِدُ لِكَشْفِ ما هُوَ فيهِ الَّا انْتَ، يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

درمانده‏اى كه براى برطرف كردن گرفتاريش كسى را جز تو نمى‏يابد، اى مهربان‏ترين مهربانان.

هر كسى اين دعا را بخواند، خداوند مشكل او را برطرف مى‏كند[[1762]](#footnote-1762) (ان‏شاءاللَّه).

\*\*\*

9- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه فرمود: براى رفع غم و اندوه (و حلّ مشكل) غسل مى‏كنى و دو ركعت نماز مى‏گذارى و مى‏گويى:

يا فارِجَ الْهَمِّ، وَ يا كاشِفَ الْغَمِّ، يا رَحْمنَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ وَ رَحيمَهُما،

اى گشاينده گرفتارى، و اى برطرف كننده اندوه، اى بخشنده و مهربان دنيا و آخرت،

فَرِّجْ هَمّى‏ وَاكْشِفْ غَمّى‏، يا اللَّهُ الْواحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذى‏ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ‏

گرفتاريم بگشا و اندوهم برطرف كن، اى خداى يگانه يكتا و بى نياز كه نزاد و

يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً احَدٌ، اعْصِمْنى‏ وَ طَهِّرْنى‏، وَ اذْهَبْ بِبَلِيَّتى‏.

زاييده نشد و برايش شبيه و مانندى نيست، مرا (از گناه) بازدار و پاكم كن و بلا را از من دور گردان.

و بخوان «آيةالكرسى» و سوره «قل اعوذ بربّ الفلق» و «قل اعوذ بربّ النّاس» را (و حلّ مشكل خود را از خدا بخواه).[[1763]](#footnote-1763)

\*\*\*

10- روايت شده است كه براى رفع غم و اندوه (وحلّ مشكلات) به سجده مى‏روى وصد مرتبه مى‏گويى:

يا حَىُّ يا قَيُّومُ، يا لا الهَ الَّا انْتَ، بِرَحْمَتِكَ اسْتَغيثُ، فَاكْفِنى‏ ما

اى زنده، اى پاينده، اى كه جز تو معبودى نيست، از لطف و رحمتت كمك مى‏طلبم، پس آنچه مرا به‏

اهَمَّنى‏، وَ لا تَكِلْنى‏ الى‏ نَفْسى‏.[[1764]](#footnote-1764)

زحمت انداخته كفايت كن، و مرا به خودم وامگذار.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1135

11- امام صادق عليه السلام به بعضى از اصحاب خود دعايى را براى رفع غم و اندوه و وحشت تعليم فرمود؛ و آن دعا چنين است:

اعْدَدْتُ لِكُلِّ عَظيمَةٍ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الَّا

براى هر كار بزرگى كلمه «لا إله إلّااللَّه» و براى هر گرفتارى و اندوه كلمه «لا حول ولا قوّة إلّا

بِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ النُّورُ الْأَوَّلُ، وَ عَلِىٌّ النُّورُ الثَّانى‏، وَ الْأَئِمَّةُ الْأَبْرارُ عُدَّةٌ لِلِقآءِ

باللَّه» را مهيّا ساخته‏ام، محمّد نور اوّل و على نور دوّم و امامان نيكوكار، ذخيره‏اى براى ديدار

اللَّهِ، وَ حِجابٌ مِنْ اعْدآءِ اللَّهِ، ذَلَّ كُلُّ شَىْ‏ءٍ لِعَظَمَةِ اللَّهِ، وَ اسْئَلُ اللَّهَ‏

خدا و مانعى در برابر دشمنان خدا هستند هر چيزى در برابر عظمت خدا خاضع است و از خداوند

عَزَّوَجَلَّ الْكِفايَةَ.[[1765]](#footnote-1765)

بزرگ و بلند مرتبه كفايت كارم را خواهانم.

3- دعا براى رفع بيمارى‏ها

خواندن دعا براى رفع بيمارى‏ها- مخصوصاً دعاهاى معصومين عليهم السلام- هرگاه از روى خلوص نيّت و ايمان انجام شود به يقين مؤثّر است؛ ولى اين به آن معنا نيست كه از مراجعه به طبيب و مصرف دارو خوددارى كنيم، بلكه علاوه بر راه‏هاى معمول در ميان عقلا، از دعا نيز كمك بگيريم.

با اين اشاره، به سراغ دعاهايى مى‏رويم كه در منابع معتبر آمده است:

1- مرحوم «سيّدبن‏طاووس» در كتاب «مهج‏الدّعوات» روايتى از سلمان رحمه الله نقل كرده است كه سلمان مى‏گويد: حضرت فاطمه عليها السلام دعايى را از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله به من آموخت كه آن را در صبح و شام مى‏خواند و فرمود: مداومت بر اين دعا در درمان تب و عدم ابتلاى به آن بسيار مؤثّر است و دعا اين است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداى نورانى، به نام خداوند روشنايى بخش نور، به نام خداوندى‏

نُورٌ عَلى‏ نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذى‏ هُوَ مُدَبِّرُ الْامُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذى‏ خَلَقَ النُّورَ

كه نورش فوق نورهاست به نام خداوندى كه تدبير كننده كارهاست، به نام خداوندى كه روشنايى را

مِنَ النُّورِ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، وَانْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ،

از نور (خود) آفريد، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه روشنايى را از نور (خود) آفريد، و روشنايى را بر كوه طور فرود آورد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1136

فى‏ كِتابٍ مَسْطُورٍ، فى‏ رَقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلى‏ نَبِىٍّ مَحْبُورٍ،

در كتابى كه نوشته شده و در صفحه‏اى گسترده، به اندازه‏اى مشخص، بر پيامبرى دانا.

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى‏ هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ، وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَعَلَى السَّرَّآءِ

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه به بزرگى ياد مى‏شود و به بزرگى و افتخار شهره است و در هر حال خوشى‏

وَالضَّرَّآءِ مَشْكُورٌ، وَصَلَّى‏اللَّهُ عَلى‏ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرينَ.[[1766]](#footnote-1766)

و ناخوشى شايسته شكر است، و درود خدا بر آقا و سرور ما محمّد و خاندان پاكش باد.

\*\*\*

2- همچنين آن بزرگوار، در همان كتاب از «سعيد بن ابى‏الفتح قمّى» نقل كرده است كه: من دچار بيمارى سختى شدم، به گونه‏اى كه طبيبان از درمان آن ناتوان شدند و گفتند، اين بيمارى را كسى غير از خدا نمى‏تواند درمان كند. از اين سخنِ نااميد كننده، دل‏شكسته و غمگين شدم. كتابى از كتاب‏هاى پدرم را برداشتم كه چيزى از آن را مطالعه كنم؛ در پشت آن كتاب ديدم اين جمله نوشته شده است: از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت شده است كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: هر كس را مرضى باشد، بعد از نماز صبح، چهل بار بگويد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، الْحَمُدللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ،

به نام خداوند بخشنده مهربان، حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است، خداوند ما را كافى و بهترين سرپرست است‏

تَبارَكَ اللَّهُ احْسَنُ الْخالِقينَ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

بلند مرتبه است خداوندى كه بهترين آفرينندگان است و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلند مرتبه و با عظمت نيست.

و آنگاه دست خود را بر محلّ درد بمالد، از آن بيمارى شفا يابد. صبر كردم تا صبح شد، فريضه را بجا آوردم و چهل بار اين دعا را خواندم و بر محلّ درد دست كشيدم. در نتيجه خداوند متعال آن بيمارى را شفا داد؛ من (ناباورانه) نشسته بودم و مى‏ترسيدم كه مبادا آن بيمارى برگردد. تا سه روز به همين حال ماندم ولى بحمداللَّه عود نكرد. بعد از آن، پدرم را از ماجرا باخبر ساختم، شكر خدا را بجا آورد و براى برخى از اطبّاى معروف كه مسلمان نبودند، نقل كرد؛ آن طبيب كه از سابقه بيمارى من خبر داشت، نزد من آمد و ملاحظه كرد، بيمارى كاملًا برطرف شده است! همان جا مسلمان شد و كلمه شهادتين را بر زبان جارى ساخت.[[1767]](#footnote-1767)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1137

3- مرحوم شيخ «كفعمى» در كتاب «مصباح» فرموده است: هرگاه بيمار شوى، به محلّ سجده خود، دست بمال و آن را هفت بار پس از نماز فريضه، بر موضع درد، بمال، و بگو:

يا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمآءِ، وَ سَدَّ الْهَوآءَ بِالسَّمآءِ، وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ‏

اى كه زمين را روى آب قرار داد و آسمان را با هوا پوشاند، و بهترين نامها را

احْسَنَ الْأَسْمآءِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا (به‏ براى خود برگزيد بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و درباره من چنين و چنان كن\*\*

جاى آن، حاجت خود را بگويد) وَ ارْزُقْنى‏ وَ عافِنى‏ مِنْ كَذا وَ كَذا (نام بيمارى را بگويد).[[1768]](#footnote-1768)\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* و مرا روزى ده و از اين (بيمارى) و آن (بيمارى) سلامتى بخش.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*.

\*\*\*

4- همان بزرگوار نيز نقل كرده است كه هر كس، خواهان تندرستى و بهبودى از دردى است كه گرفتار آن شده، در سجده دوم، از ركعت اوّلِ نماز شب، اين دعا را بخواند:

يا عَلِىُّ يا عَظيمُ، يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا سامِعَ الدَّعَواتِ، يا مُعْطِىَ‏

اى برتر و اى با عظمت، اى بخشنده، اى مهربان، اى شنونده درخواستها، اى عطاكننده‏

الْخَيْراتِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاعْطِنى‏ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ ما

نيكيها، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و از خير دنيا و آخرت آن گونه كه‏

انْتَ اهْلُهُ، وَاصْرِفْ عَنّى‏ مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ ما انْتَ اهْلُهُ، وَ اذْهِبْ‏

تو شايسته آنى به من عطا كن، و از بدى دنيا و آخرت آن گونه كه تو شايسته آنى مرا باز دار، و اين درد

عَنّى‏ هذَا الْوَجَعَ‏ (و نام آن بيمارى را ببرد) فَانَّهُ قَدْ غاظَنى‏ وَ احْزَنَنى‏\* و اصرار كند و بيمارى را از من دور كن\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* چرا كه مرا به خشم آورده و اندوهگين ساخته است.\*\*\*\*\*\*\*\*\*.

در دعا، ان شاءاللَّه تعالى، بهبودى مى‏يابد.[[1769]](#footnote-1769)

\*\*\*

5- مرحوم كفعمى از امام صادق عليه السلام نقل مى‏كند كه هنگام بيمارى، در حالى كه زير آسمان قرار مى‏گيرى، دست‏ها را بلند كن و بگو:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1138

اللَّهُمَّ انَّكَ عَيَّرْتَ اقْواماً فى‏ كِتابِكَ، فَقُلْتَ: قُلِ ادْعُوا الَّذينَ زَعَمْتُمْ مِنْ‏

خدايا براستى تو اقوامى را در قرآنت سرزنش نموده، و (به پيامبرت) گفتى: بگو كسانى را كه غير از خدا

دُونِهِ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلا تَحْويلًا. فَيا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ‏

(معبود خود) مى‏پنداريد بخوانيد آنها نه مى‏توانند مشكلى را از شما بر طرف سازند و نه تغييرى در آن ايجاد كنند. پس اى كه جز او كسى نمى‏تواند

ضُرّى‏ وَ لا تَحْويلَهُ عَنّى‏ احَدٌ غَيْرُهُ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاكْشِفْ‏

مشكلى را از من برطرف كرده و نه تغييرى در آن ايجاد كند، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و مشكلم‏

ضُرّى‏، وَحَوِّلْهُ الى‏ مَنْ يَدْعُو مَعَكَ الهاً آخَرَ، فَانّى‏ اشْهَدُ انْ لا الهَ غَيْرُكَ.[[1770]](#footnote-1770)

را برطرف كن و آن را بر كسى قرار ده كه همراه تو معبود ديگرى را مى‏خواند، چرا كه من گواهى مى‏دهم كه معبودى جز تو نيست.

\*\*\*

6- در روايت ديگرى از امام صادق عليه السلام آمده است كه هر فرد باايمانى، هر بيمارى پيدا كند و بر موضع درد خود، دست بمالد و با خلوص نيّت بگويد:

وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفآءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ، وَلا يَزيدُ الظَّالِمينَ‏

و آنچه مايه شفا و رحمت است براى مؤمنان از قرآن نازل مى‏كنيم و ستمكاران را

الَّا خَساراً.

جز خسران (و زيان) نمى‏افزايد.

از آن درد عافيت يابد و مصداق اين سخن در خود آيه آمده است كه فرمود: «

شِفآءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ‏

».[[1771]](#footnote-1771)

\*\*\*

7- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه دست بگذار بر موضع درد و سه مرتبه بگو:

اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبّى‏ حَقّاً، لا اشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، اللَّهُمَّ انْتَ لَها وَ لِكُلِّ عَظيمَةٍ،

خدا، خدا، خدا به حق پروردگار من است، چيزى را براى او شريك قرار نمى‏دهم، خدايا تويى براى (برطرف كردن) آن (درد) و هر گرفتارى،

فَفَرِّجْها عَنّى‏.[[1772]](#footnote-1772)

پس آن را از من برطرف كن.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1139

8- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه دست بر موضع درد بگذار و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ‏

، آنگاه دست بر آن بكش و هفت مرتبه بگو:

اعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِجَلالِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ،

به عزّت خدا پناه مى‏برم، و به قدرت خدا پناه مى‏برم، و به جلال خدا پناه مى‏برم، و به عظمت خدا پناه مى‏برم،

وَاعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَاعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالِهِ، وَاعُوذُ بِاسْمآءِ

و به تمامى (صفات) خدا پناه مى‏برم، و به فرستاده خدا پناه مى‏برم، درود خدا بر او و خاندانش باد، و به نامهاى خدا پناه مى‏برم‏

اللَّهِ، مِنْ شَرِّ ما احْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ ما اخافُ عَلى‏ نَفْسي‏.[[1773]](#footnote-1773)

از شرّ آنچه بيم دارم و از شر آنچه بر خود مى‏ترسم.

\*\*\*

9- مرحوم «سيّد بن طاووس» در كتاب «مهج‏الدّعوات» از «ابن‏عبّاس» روايت كرده است كه گفت:

من نزد اميرمؤمنان عليه السلام نشسته بودم. شخصى از در، وارد شد كه رنگش پريده بود؛ گفت: يا اميرمؤمنان! من هميشه بيمارم و دردهاى بسيار دارم، پس دعايى به من بياموز كه با آن، بر بيمارى‏هايم استعانت جويم. حضرت فرمود: دعايى به تو مى‏آموزم كه جبرئيل به رسول خدا صلى الله عليه و آله آموخت، در آن هنگام كه حسن و حسين عليهما السلام بيمار بودند؛ و آن دعا چنين است:

الهى‏ كُلَّما انْعَمْتَ عَلَىَّ نِعْمَةً قَلَّ لَكَ عِنْدَها شُكْرى‏، وَ كُلَّمَا ابْتَلَيْتَنى‏

خدايا هر زمانى كه نعمتى به من عطا نمودى شكرم بر آن نعمت در برابرت اندك بوده است، و هر زمانى كه مرا به گرفتارى‏

بِبَلِيَّةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَها صَبْرى‏، فيا مَنْ قَلَّ شُكْرى‏ عِنْدَ نِعَمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنى‏،

امتحان كردى بردباريم بر آن گرفتارى در برابرت اندك بوده است، پس اى كه با وجود كمى شكرم در برابر نعمتهايش مرا محروم نكرد،

وَ يا مَنْ قَلَّ صَبْرى‏ عِنْدَ بَلآئِهِ فَلَمْ يَخْذُلنى‏، وَ يا مَنْ رَ انى‏ عَلَى الْمَعاصى‏

و اى كه با وجود كمى بردباريم در برابر گرفتاريش مرا خوار نگردانيد، و اى كه مرا در حال ارتكاب گناهان ديده‏

فَلَمْ يَفْضَحْنى‏، وَ يا مَنْ رَ انى‏ عَلَى الْخَطايا فَلَمْ يُعاقِبْنى‏ عَلَيْها، صَلِ‏

و رسوايم نكرد، و اى كه اشتباهاتم را ديده و بر آن مؤاخذه‏ام نكرد، بر

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لى‏ ذَنْبى‏، وَ اشْفِنى‏ مِنْ مَرَضى‏، انَّكَ عَلى‏

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و گناهانم را بيامرز و بيماريم را شفا ده چرا كه تو

كليات مفاتيح نوين، ص: 1140

كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

بر هر چيز توانايى.

ابن‏عبّاس مى‏گويد: آن مرد را بعد از يك سال ديدم در حالى كه رنگ صورتش گلگون شده بود و اظهار داشت، اين دعا را براى هيچ دردى نخواندم، مگر آن‏كه شفا يافتم.[[1774]](#footnote-1774)

\*\*\*

10- از امام باقر عليه السلام روايت شده است كه فرمود: اميرمؤمنان على عليه السلام بيمار شده بود، رسول خدا صلى الله عليه و آله به عيادت وى آمد و فرمود (براى شفاى بيمارى) اين دعا را بخوان: اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ تَعْجيلَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا از تو سرعت در بهبودى‏

عافِيَتِكَ، وَصَبْراً عَلى‏ بَلِيَّتِكَ، وَ خُرُوجاً الى‏ رَحْمَتِكَ.[[1775]](#footnote-1775)

و بردبارى بر گرفتارى و رفتن به سوى رحمتت را خواهانم.

\*\*\*

11- از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه فرمود: دست خود را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ انّى‏ اسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ الَّذى‏ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمينُ، وَهُوَ

خدايا به حقّ قرآن با عظمت كه روح الامين آن را فرود آورد و در

عِنْدَكَ فى‏ امِّ الْكِتابِ عَلِىٌّ حَكيمٌ، انْ تَشْفِيَنى‏ بِشِفائِكَ، وَ تُداوِيَنى‏

نزد تو در ام الكتاب اصلى والا و استوار است از تو مى‏خواهم كه به درمانت شفايم دهى و به دارويت‏

بِدَوائِكَ، وَتُعافِيَنى‏ مِنْ بَلائِكَ.

درمانم كنى و از بلايت عافيتم بخشى.

و در پايان نيز بر محمّد و آل او، صلوات مى‏فرستى.[[1776]](#footnote-1776)

\*\*\*

12- از «ابوحمزه» روايت شده است كه گفت: دچار درد زانو شدم، خدمت امام باقر عليه السلام رسيدم و جريان را عرض كردم. امام عليه السلام فرمود: هرگاه نماز گزاردى، پس از آن بگو:

يا اجْوَدَ مَنْ اعْطى‏، وَ يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، ارْحَمْ‏

اى بهترين بخشندگان و اى بهترين درخواست شدگان و اى رحم كننده‏ترين رحم كنندگان،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1141

ضَعْفى‏ وَ قِلَّةَ حيلَتى‏، وَعافِنى‏ مِنْ وَجَعى‏.

بر ناتوانى و كمى چاره‏ام رحم كن و دردم را عافيت ده.

ابوحمزه مى‏گويد: من اين عمل را انجام دادم و از آن بيمارى شفا يافتم.[[1777]](#footnote-1777)

\*\*\*

13- در «بحارالانوار» آمده است: «سيّد بن طاووس» اين دعا را براى رفع بيمارى‏ها نقل كرده و آورده است كه ما آن را تجربه كرديم. فرمود: اين دعا را در رقعه‏اى مى‏نويسى (و با خود همراه مى‏دارى):

يا مَنِ اسْمُهُ دَوآءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفآءٌ، يا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفاءَ فيما يَشاءُ مِنَ الْأَشْياءِ،

اى كه نامش دارو و يادش درمان است، اى كه درمان را در هر چه كه بخواهد قرار مى‏دهد،

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِ مَحُمَّدٍ، وَاجْعَلْ شِفائى‏ مِنْ هذَا الدَّاءِ فِى اسْمِكَ‏

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و شفايم را از اين درد در اين نامت قرار ده.

هذا\* آنگاه ده مرتبه مى‏نويسى: يااللَّهُ‏ و ده مرتبه: يارَبِ‏ و ده مرتبه: يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1778]](#footnote-1778)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى خدا\*\*\*\*\*\*\* اى پروردگار من\*\*\*\*\*\* اى مهربانترين مهربانان.

4- دعا براى اداى دَيْن‏

1- از امام موسى بن جعفر عليه السلام روايت شده است كه براى اداى ديون بگو:

اللَّهُمَّ ارْدُدْ الى‏ جَميعِ خَلْقِكَ مَظالِمَهُمُ الَّتى‏ قِبَلى‏، صَغيرَها وَ كَبيرَها فى‏

خدايا حقوق تمام مخلوقاتت را كه از ناحيه من پايمال شده به آنها بازگردان، كوچك و بزرگ آن‏

يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ، وَ مالَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتى‏، وَ لَمْ تَسَعْهُ ذاتُ يَدى‏، وَ لَمْ يَقْوَ

را در آسايش و سلامتى از جانب خودت، و آنچه را كه توان و داراييم به آن نمى‏رسد و

عَلَيْهِ بَدَنى‏ وَ يَقينى‏ وَنَفْسى‏، فَادِّهِ عَنّى‏ مِنْ جَزيلِ ما عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ،

بدن و يقين و نفسم توان آن را ندارد آن را به لطف و كرمت از فضل فراوانى كه نزد توست از جانب من ادا كن،

ثُمَّ لاتَخْلُفْ عَلَىَّ مِنْهُ شَيْئاً تَقْضيهِ مِنْ حَسَناتى‏، يا ارْحَمَ الرَّاحمِينَ،

و بعد از آن چيزى از اعمال نيكم را در برابر آن قرار مده، اى مهربان‏ترين مهربانان،

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ‏

گواهى مى‏دهم معبودى جز خداوند نيست يگانه است و همتايى ندارد و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1142

وَرَسُولُهُ، وَ انَّ الدّينَ كَما شَرَعَ، وَ انَّ الْإِسْلامَ كَما وَصَفَ، وَ انَّ الْكِتابَ‏

و فرستاده اوست، و براستى دين همان است كه وضع نمود و اسلام همان گونه است كه توصيف كرد و قرآن‏

كَما انْزَلَ، وَ انَّ الْقَوْلَ كَما حَدَّثَ، وَ انَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبينُ، ذَكَرَ اللَّهُ‏

همان گونه است كه فرود آورد، و سخن همان است كه نقل كرد و به يقين خداوند همان حق آشكار است، خداوند

مُحَمَّداً وَاهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ، وَ حَيَّا مُحَمَّداً وَ اهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلامِ.[[1779]](#footnote-1779)

محمّد و خاندانش را به نيكى ياد كرده و بر محمّد و خاندانش با سلام درود فرستاد.

2- در روايتى آمده است كه شخصى نامه‏اى به محضر امام محمّدتقى عليه السلام نوشت و اظهار داشت كه قرضِ بسيارى دارم (چه كنم؟). امام عليه السلام در پاسخ نوشت: زياد استغفار كن و سوره «انّا انزلناه» را بسيار بخوان.[[1780]](#footnote-1780)

5- دعا براى گشايش در كارها

تلاش و كوشش رمز پيروزى و موفّقيّت است و هرگز و در هيچ حال نبايد از آن دست برداشت، امّا گاه گره‏هايى در كارها پيدا مى‏شود كه براى گشودن آنها جز اين‏كه انسان دست به دامان لطف خدا بزند راهى نيست. براى حلّ اين مشكلات دعاهايى از معصومين عليهم السلام در منابع معتبر نقل شده كه ان‏شاءاللَّه كارگشاست؛ از جمله:

1- نوزده جمله است كه سبب گشايش در كارها و بن‏بست‏هاست؛ اين كلمات را رسول خدا صلى الله عليه و آله به اميرمؤمنان عليه السلام تعليم داد، و جناب «شيخ صدوق» آن را در كتاب «خصال» آورده است:

يا عِمادَ مَنْ لاعِمادَ لَهُ، وَ يا ذُخْرَ مَنْ لاذُخْرَ لَهُ، وَ يا سَنَدَ مَنْ لاسَنَدَ لَهُ،

اى تكيه گاه آن كه تكيه گاهى ندارد، و اى ذخيره آن كه ذخيره‏اى ندارد، و اى پشتيبان آن كه پشتيبانى ندارد،

وَيا حِرْزَ مَنْ لاحِرْزَ لَهُ، وَ يا غِياثَ مَنْ لاغِياثَ لَهُ، وَ يا كَريمَ الْعَفْوِ، وَ يا

و اى پناهگاه آن كه پناهگاهى ندارد، و اى فريادرس آن كه فريادرسى ندارد، و اى عفو كننده بزرگوار، و اى‏

حَسَنَ الْبَلاءِ، وَ يا عَظيمَ الرَّجاءِ، وَ يا عَوْنَ الضُّعَفاءِ، وَ يا مُنْقِذَ الْغَرْقى‏،

نيكو امتحان، و اى اميد بزرگ و اى ياور ناتوانان، و اى نجات دهنده غريقان‏

وَيا مُنْجِىَ الْهَلْكى‏، يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ، يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ، انْتَ الَّذى‏

و محكومان به فنا، اى نيكوكار، اى زيبايى بخش اى روزيى ده، اى فزونى بخش، تويى كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1143

سَجَدَ لَكَ سَوادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ،

سياهى شب و روشنايى روز و نور ماه و خورشيد

وَدَوِىُّ الْماءِ وَحَفيفُ الشَّجَرِ، يااللَّهُ يااللَّهُ يا اللَّهُ، انْتَ وَحْدَكَ لاشَريكَ لَكَ.

و صداى جريان آب و همهمه برگ درختان در برابرت سجده كرد، اى خدا، اى خدا، اى خدا تويى يگانه‏ايى كه شريكى برايت نيست.

آنگاه مى‏گويى: «

اللَّهُمَّ افْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا؛

خدايا چنين كارى را برايم انجام ده». (به جاى اين كلمات حاجت خود را ذكر مى‏كنى) پس از خواندن آن، ان شاءاللَّه تعالى حاجت شما مستجاب مى‏شود.[[1781]](#footnote-1781) 2- اين دعا نيز براى فَرَج و گشايش در كارها از امام صادق عليه السلام نقل شده است:

اللَّهُمَّ انْ كانَتْ ذُنُوبى‏ قَدْ اخْلَقَتْ وَجْهى‏ عِنْدَكَ، فَانّى‏ اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِنَبِيِّكَ‏

خدايا اگر گناهانم مرا در نزد تو بى‏آبرو كرده، پس من به پيامبرت،

نَبِىِّ الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ عَلِىٍّ وَ فاطِمَةَ، والْحَسَنِ‏

پيامبر رحمت، حضرت محمّد- كه درود خدا بر او و خاندانش باد- و على و فاطمه و حسن‏

وَالْحُسَيْنِ، وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.[[1782]](#footnote-1782)

و حسين و امامان ديگر- كه بر ايشان درود باد- متوسّل مى‏شوم.

6- دعا براى آرامش در برابر عوامل وحشت‏

1- در روايتى آمده است كه شخصى به محضر امام صادق عليه السلام آمد و از وحشت (و ترس) شكايت كرد.

امام عليه السلام فرمود: دعايى به تو مى‏آموزم كه اگر آن را بخوانى، نه در شب و نه در روز وحشت نخواهى كرد:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، انَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ،

به نام خدا و به يارى خدا، بر خدا توكّل كردم، كه هر كه بر خدا توكّل كند خدا برايش كافى است،

انَّ اللَّهَ بالِغُ امْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَىْ‏ءٍ قَدْراً، اللَّهُمَّ اجْعَلْنى‏ فى‏ كَنَفِكَ‏

به يقين خداوند كارش را به نتيجه مى‏رساند و خدا براى هر چيز اندازه‏اى قرار داده است، خدايا مرا در حمايت‏

وَفى‏ جِوارِكَ، وَاجْعَلْنى‏ فى‏ امانِكَ وَ فى‏ مَنْعِكَ.[[1783]](#footnote-1783)

و در جوار (رحمت) و امان و حفظ خود قرار ده.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1144

2- براى رفع وحشت از تنهايى، «آيةالكرسى» را بخواند و پس از آن بگويد:

اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتى‏، وَ آمِنْ رَوْعَتى‏، وَ اعِنّى‏ عَلى‏ وَحْدَتى‏.[[1784]](#footnote-1784)

خدايا انيس دلتنگى‏ام باش و ترسم را ايمن گردان و در تنهايى ياورم باش.

3- روايت شده است كه رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله اين دعا را براى حفظ فرزندانش حسن و حسين عليهما السلام مى‏خواند:

اعيذُ كُما بِكَلِماتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، وَاسْمآئِهِ الْحُسْنى‏ كُلِّها عآمَّةً، مِنْ شَرِّ

شما را به كلمات كامل خدا و تمامى نامهاى نيكش مى‏سپارم، از شرّ هر

السَّامَّةِ وَالْهامَّةِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لامَّةٍ، وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ اذا حَسَدَ.

گزنده و خزنده و هر چشم بد و از شرّ هر حسودى هنگامى كه حسد مى‏ورزد (دور مى‏دارم).

در همان روايت آمده است كه حضرت ابراهيم عليه السلام نيز همين دعا را براى حفظ فرزندانش، اسماعيل و اسحاق عليهما السلام مى‏خواند.[[1785]](#footnote-1785) 4- روايت شده است كه رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله به اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: يا على! هرگاه احساس خطر كردى بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّا بِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان، و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلند مرتبه و باعظمت نيست.

در اين صورت، خداوند آن خطر و بلا را از تو دفع خواهد كرد.[[1786]](#footnote-1786) 5- از امام محمّدباقر عليه السلام روايت شده است كه چون امرى پيش آيد كه از آن مى‏ترسى، رو به سوى قبله كن و دو ركعت نماز بگذار و بگو:

يا ابْصَرَ النَّاظِرينَ، وَ يا اسْمَعَ السَّامِعينَ، وَ يا اسْرَعَ الْحاسِبينَ، وَ يا

اى بيناترين بينندگان و اى شنواترين شنوندگان و اى سريعترين حسابگران و اى‏

ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

مهربانترين مهربانان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1145

اين كلمات را هفتاد مرتبه بگو و در هر مرتبه كه آن را گفتى حاجت خود را نيز با آن ذكر كن.[[1787]](#footnote-1787)

7- دعا براى ايمنى از شرّ ستمگران و دشمنان و حوادث سخت‏

1- مرحوم شيخ «كفعمى» در كتاب «مصباح» دعايى را ذكر كرده و گفته است: «سيّد بن طاووس» اين دعا را براى ايمنى از ستمِ حاكم ستمگر و ايمنى از بلا و سلطه دشمن و خوف از فقر و غم واندوه شديد، ذكر كرده است و اين دعا، از دعاهاى «صحيفه سجّاديّه» است. بنابراين هرگاه از امورى كه ذكر شد، بيم داشتى، اين دعا را بخوان:

يا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكارِهِ، وَيا مَنْ يُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدآئِدِ، وَيا مَنْ يُلْتَمَسُ‏

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1145**

اى كه گره‏هاى مشكلات به واسطه او گشوده مى‏شود، و اى كه نهايت سختيها به واسطه او فرو نشيند و اى كه راه رسيدن‏

مِنْهُ الْمَخْرَجُ الى‏ رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ‏

به گشايش از او خواسته مى‏شود، سختيها در برابر قدرتت آسان شده و اسباب به لطف‏

الْأَسْبابُ، وَجَرى‏ بِقُدْرَتِكَ الْقَضآءُ، وَمَضَتْ عَلى‏ ارادَتِكَ الْأَشْيآءُ، فَهِىَ‏

و كرمت مهيّا گشته و قضا به قدرت تو جريان يافته و همه امور به اراده‏ات گذر كرده، و همه چيز به‏

بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَ بِارادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ، انْتَ‏

خواست تو بى‏آنكه چيزى بگويى فرمانبردار است و به اراده تو بى آنكه بازدارى باز ايستد، تويى‏

الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ، وَ انْتَ الْمَفْزَعُ فِى الْمُلِمَّاتِ، لا يَنْدَفِعُ مِنْها الَّا ما

كه براى امور مهم خوانده شوى، و تويى پناهگاه در مصيبتها جز آنچه از اين امور كه تو دور كنى،

دَفَعْتَ، وَلا يَنْكَشِفُ مِنْها الَّا ما كَشَفْتَ، وَقَدْ نَزَلَ بى‏ يارَبِّ ماقَدْ

دور نشود، و جز آنچه تو برطرف كنى برطرف نشود، و اى پروردگار من، چيزى كه‏

تَكَأَّدَنى‏ ثِقْلُهُ، وَالَمَّ بى‏ما قَدْ بَهَظَنى‏ حَمْلُهُ، وَبِقُدْرَتِكَ اوْرَدْتَهُ عَلَىَّ،

سنگينى آن مرا به زحمت انداخته بر من فرود آمده، و چيزى كه حملش سنگين است بر من وارد شده و تو با قدرتت آن را بر من وارد نمودى‏

وَبِسُلْطانِكَ وَجَّهْتَهُ الَىَّ، فَلا مُصْدِرَ لِما اوْرَدْتَ، وَلا صارِفَ لِما وَجَّهْتَ،

و با سلطه‏ات آن را متوجّه من ساختى؛ پس بازگرداننده‏اى براى آنچه تو وارد كرده‏اى و بازدارنده‏اى براى آنچه تو متوجّه ساخته‏اى‏

وَلا فاتِحَ لِما اغْلَقْتَ، وَلا مُغْلِقَ لِما فَتَحْتَ، وَلا مُيَسِّرَ لِما عَسَّرْتَ، وَلا

و گشاينده‏اى براى آنچه تو بسته‏اى وجود ندارد و آنچه تو گشوده‏اى كس نبندد و آنچه تو دشوار ساخته‏اى كس آسانش نكند و آن كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1146

ناصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ، فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لى‏ يا رَبِّ بابَ الْفَرَجِ‏

تو رسوايش كنى كس ياريش نكند، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و اى پروردگار من به قدرتت باب آسايش را

بِطَوْلِكَ، وَاكْسِرْ عَنّى‏ سُلْطانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَانِلْنى‏ حُسْنَ النَّظَرِ فيما

به رويم بگشا و سلطه غم و اندوه را به نيرويت بشكن و مرا به حسن ظنم در آنچه‏

شَكَوْتُ، وَاذِقْنى‏ حَلاوَةَ الصُّنْعِ فيما سَأَلْتُ، وَهَبْ لى‏ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

شكايت نمودم برسان، و شيرينى احسانت را در آنچه از تو خواستم به من بچشان، و از جانب خودت رحمت‏

وَفَرَجاً هَنيئاً، وَاجْعَلْ لى‏ مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً، وَلا تَشْغَلْنى‏

و گشايشى گوارا به من عطا فرما، و راه خلاصى سريع از جانب خود برايم قرار ده، و مرا به‏

بِالْإِهتمامِ عَنْ تَعاهُدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِعْمالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِقْتُ لِما نَزَلَ بى‏

انحراف از انجام واجبات و انحراف از عمل به سنّتت مشغول مدار،

يا رَبِّ ذَرْعاً، وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ ما حَدَثَ عَلىَّ هَمّاً، وَانْتَ الْقادِرُ عَلى‏

اى پروردگار من به خاطر آنچه بر سرم آمده درمانده‏ام و به خاطر تحمّل آنچه بر من واقع شده، از اندوه پر شده‏ام، و تويى كه توانايىِ‏

كَشْفِ ما مُنيتُ بِهِ، وَدَفْعِ ما وَقَعْتُ فيهِ، فَافْعَلْ بى‏ ذلِكَ وَانْ لَمْ اسْتَوْجِبْهُ‏

برطرف كردن گرفتاريم و آنچه در آن واقع شده‏ام را دارى پس برايم چنان كن، اگر چه شايسته آن از جانب تو نيستم،

مِنْكَ، يا ذَا الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَذَا الْمَنِّ الْكَريمِ، فَانْتَ قادِرٌ يا ارْحَمَ‏

اى صاحب عرش عظيم، و صاحب نعمت بزرگوارانه، تويى توانا، اى مهربان‏ترين‏

الرَّاحِمينَ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[[1788]](#footnote-1788)

مهربانان، دعايم را به اجابت رسان اى پروردگار جهانيان.

\*\*\*

2- براى دفع اندوه و ترس از ظلم زمامداران اين دعاى اهل بيت عليهم السلام را، (كه از امام باقر عليه السلام نقل شده است) بخوانيد:

يا كائِناً قَبْلَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ يا مُكَوِّنَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ، وَ يا باقى‏ بَعْدَ كُلِّ شَىْ‏ءٍ،

اى كه قبل از هر چيز بوده‏اى و اى به وجودآورنده هر چيز، و اى كه بعد از هر چيز هستى،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1147

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بى‏ كَذا وَ كَذا.

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و با من چنين و چنان كن.

(به جاى كذا و كذا، حاجت خود را ذكر مى‏كنى).[[1789]](#footnote-1789)

\*\*\*

3- مرحوم «ابن فهد حلّى» روايت كرده است كه روزى به جناب «ابودرداء» (از اصحاب رسول خدا) خبر دادند كه خانه‏ات سوخته است. در پاسخ گفت: نسوخته است! ديگرى آمد همين خبر را داد، وى نيز اظهار داشت نسوخته است! تا سه مرتبه اين جريان تكرار شد، و هر بار «ابودرداء» با قاطعيّت مى‏گفت:

خانه‏ام نسوخته است. بعداً معلوم شد كه همه خانه‏هاى اطراف سوخته است ولى خانه او نسوخته است. به او گفتند: تو چگونه فهميدى خانه‏ات نسوخته است (با آن‏كه خانه‏هاى اطراف همه سوخته بود) گفت: زيرا از رسول خدا صلى الله عليه و آله شنيدم كه هر كس در وقت صبح اين دعا را بخواند، در آن روز به وى بدى (و گزندى) نخواهد رسيد، و اگر در شب آن را بخواند در آن شب به او بدى و مشكلى نمى‏رسد، و من آن دعا را در آن روز خوانده بودم، آن دعا چنين است:

اللَّهُمَّ انْتَ رَبّى‏ لا الهَ الَّا انْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ انْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ،

خدايا تويى پروردگار من، معبودى جز تو نيست، بر تو توكّل نمودم و تويى پروردگار عرش با عظمت‏

وَ لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ الَّابِاللَّهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ، ما شاءَ اللَّهُ كانَ، وَ مالَمْ يَشَأْ لَمْ‏

و پناهگاه و نيرويى جز از سوى خداوند بلندمرتبه و باعظمت نيست، آنچه خدا بخواهد خواهد شد و آنچه نخواهد نشود،

يَكُنْ، اعْلَمُ انَّ اللَّهَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَ انَّ اللَّهَ قَدْ احاطَ بِكُلِّ شَىْ‏ءٍ

مى‏دانم كه خدا بر هر چيز تواناست و علمش بر تمام اشيا احاطه دارد،

عِلْماً، اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُبِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسى‏ [وَمِنْ شَرِّ قَضاءِ السُّوءِ، وَ مِنْ شَرِّ

خدايا از شرّ نفسم به تو پناه مى‏برم‏ [همچنين از شرّ سرنوشت بد و از شرّ

كُلِّ ذى‏ شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ‏]، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ انْتَ آخِذٌ

هر صاحب شرّى از جن و انس‏] و از شرّ هر جنبنده‏اى كه بر آن مسلّطى، به تو پناه مى‏برم،

بِناصِيَتِها، انَّ رَبّى‏ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.[[1790]](#footnote-1790)

چرا كه پروردگار من بر راه راست است.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1148

8- دعا براى خلاصى از زندان‏

1- مرحوم «سيّد بن طاووس» در كتاب «مهج الدعوات» نقل كرده است كه: روايت شده است، شخصى مدّت زيادى در شام محبوس بود، تا اين‏كه شبى حضرت زهرا عليها السلام را در خواب ديد كه به او فرمود:

اين دعا را بخوان، آن شخص نيز آن دعا را فرا گرفت و خواند، به زودى از زندان آزاد شد؛ دعا، اين است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلاهُ، وَبِحَقِّ الْوَحْىِ وَمَنْ اوْحاهُ، وَبِحَقِّ النَّبِىِ‏

خدايا به حقّ عرش و آن كس كه مافوق آن است و به حقّ وحى و آنكه آن را فرو فرستاده و به حقّ پيامبر

وَمَنْ نَبَّأَهُ، وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَناهُ، يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يا جامِعَ كُلِّ فَوْتٍ،

و آنكه او را به نبوّت برگزيده و به حق خانه خدا و آنكه آن را بنا نموده، اى شنواى هر صدا و اى گردآورنده از دست رفته‏ها،

يا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ واهْلِ بَيْتِهِ، وآتِنا وَجَميعَ‏

اى زنده كننده انسانها بعد از مرگ، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و به ما

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ فى‏ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، فَرَجاً مِنْ عِنْدِكَ‏

و همه مردان و زنان با ايمان در شرق و غرب زمين گشايشى سريع از جانب خود عطا فرما،

عاجِلًا، بِشَهادَةِ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وانَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى‏

به حقِ گواهى بر اين كه معبودى جز خدا نيست و اينكه محمّد بنده و فرستاده توست، كه‏

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ عَلى‏ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرِينَ، وَ سَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.[[1791]](#footnote-1791)

درود خدا بر او و خاندانش و بر نسل پاك و پاكيزه‏اش و سلام كامل فراوان بر ايشان باد.

2- امام موسى بن جعفر عليه السلام براى رهايى از زندان هارون، چهار ركعت نماز گزارد آنگاه اين دعا را خواند:

يا سَيِّدي نَجِّني مِنْ حَبْسِ هارُونَ، وَخَلِّصْني مِنْ يَدِهِ، يا مُخَلِّصَ‏

اى آقا و سرورم مرا از زندان هارون رهايى بخش، و از دست او نجاتم ده، اى رهايى بخش‏

الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلٍ وَ طينٍ وَ مآءٍ، وَ يا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ‏

درخت از ميان شن و گل و آب، و اى رهايى بخش شير از ميان فضولات‏

وَدَمٍ، وَيا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشيمَةٍ وَرَحِمٍ، وَيا مُخَلِّصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ‏

و خون، و اى رهايى بخش بچّه از ميان جفت و رحم، و اى رهايى بخش آتش از ميان‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1149

الْحَديدِ وَ الْحَجَرِ، وَ يا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنَ الْأَحْشآءِ وَالْأَمْعآءِ،

آهن و سنگ، و اى رهايى‏بخش روح از ميان اعضاى داخلى بدن،

خَلِّصْنى‏ مِنْ يَدَىْ هارُونَ.

مرا از دست هارون نجات ده.

وقتى كه امام عليه السلام در زندان هارون بود و اين دعا را خواند، هارون خواب وحشتناكى ديد و ترسيد؛ از اين رو، دستور داد، تا آن حضرت را با احترام و اكرام از زندان آزاد سازند.[[1792]](#footnote-1792) (و اين آخرين زندان آن حضرت كه منتهى به شهادت شد، نبود).

9- دعا براى توسعه در رزق‏

در روايات آمده است كسانى كه در خانه بنشينند و دعا براى فزونى روزى كنند، هرگز دعاى آنها مستجاب نمى‏شود و به آنها گفته مى‏شود چرا تلاش نمى‏كنيد[[1793]](#footnote-1793)، ولى اگر همراه تلاشِ براى معاش، اين دعاها را بخوانند و از لطف خدا استمداد كنند، بسيار مؤثّر است:

1- معاوية بن عمّار مى‏گويد: از امام صادق عليه السلام خواستم كه دعايى براى جلب رزق و روزى، به من بياموزد. آن حضرت اين دعا را به من آموخت و من چيزى را براى زياد شدن روزى بهتر از اين دعا نديدم.

به من فرمود، بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنى‏ مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّيِّبِ، رِزْقاً واسِعاً حَلالًا

خدايا از لطف و كرم گسترده، حلال و پاكيزه‏ات، روزى گسترده حلال‏

طَيِّباً، بَلاغاً لِلدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، صَبّاً صَبّاً هَنيئاً مَريئاً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلا مَنٍّ مِنْ‏

و پاكيزه نصيبم كن، كه براى دنيا و آخرتم كافى باشد، فراوانِ فراوان و گوارا، بدون زحمت و بدون منّت از

احَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، الَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ، فَانَّكَ قُلْتَ: وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ‏

هر يك از مخلوقاتت و فقط از گستردگى لطف و كرم گسترده‏ات (عطايم كن) چرا كه فرمودى: از لطف و كرم خدا بخواهيد،

فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِكَ اسْئَلُ، وَمِنْ عَطِيَّتِكَ اسْئَلُ، وَمِنْ يَدِكَ الْمَلْأَى اسْئَلُ.[[1794]](#footnote-1794)

پس از لطف و كرم و بخششها و دستان لبريز (از نعمتت) خواهانم.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1150

2- از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله اين دعا براى طلب روزى روايت شده است:

يا رازِقَ الْمُقِلّينَ، وَ يا راحِمَ الْمَساكينَ، وَ يا وَلِىَّ الْمُؤْمِنينَ، وَ يا ذَا الْقُوَّةِ

اى روزى ده فقيران، و اى رحم كننده نيازمندان، و اى سرپرست مؤمنان و اى صاحب قدرت‏

الْمَتينَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ‏بَيْتِهِ، وَارْزُقْنى‏وَعافِنى‏، وَاكْفِنى‏مااهَمَّنى‏.[[1795]](#footnote-1795)

استوار، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و مرا روزى ده و عافيت بخش، و آنچه مرا به زحمت انداخته كفايت كن.

\*\*\*

3- از امام محمّدباقر عليه السلام روايت شده است كه آن حضرت به يكى از ياران خود فرمود: براى طلب روزى در سجده نماز فريضه بگو:

يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ، وَ يا خَيْرَ الْمُعْطينَ، ارْزُقْنى‏ وَارْزُقْ عِيالى‏ مِنْ‏

اى بهترين درخواست شدگان، و اى بهترين عطاكنندگان، مرا و خانواده‏ام را از

فَضْلِكَ الْواسِعِ، فَانَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ.[[1796]](#footnote-1796)

لطف و كرم وسيعت روزى ده كه تو صاحب لطف و كرم عظيمى.

\*\*\*

4- از «ابوبصير» (يكى از ياران بزرگوار امام صادق عليه السلام) نقل شده است كه از تنگى معيشت به خدمت امام صادق عليه السلام شكايت كردم و از آن حضرت براى رزق، دعايى را خواستم. امام عليه السلام اين دعا را به من تعليم داد و از زمانى كه آن را خواندم، نيازمند و محتاج نشدم. آن حضرت به من فرمود: در سجده نماز شب بگو:

يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ، وَ يا خَيْرَ مَسْئُولٍ، وَ يا اوْسَعَ مَنْ اعْطى‏، وَ يا خَيْرَ

اى بهترين خوانده شده و اى بهترين درخواست شده، اى صاحب گسترده‏ترين عطا و اى بهترين‏

مُرْتَجىً، ارْزُقْنى‏ وَاوسِعْ عَلَىَّ مِنْ رِزْقِكَ، وَ سَبِّبْ لى‏ رِزْقاً مِنْ قِبَلِكَ،

مايه اميد، روزيم ده و رزق وسيع نصيبم كن و روزيم را از جانب خود چاره‏سازى كن كه‏

انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1797]](#footnote-1797)

تو بر هر چيز توانايى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1151

مرحوم «شيخ طوسى» اين دعا را در سجده آخرِ ركعت هشتم نافله شب نقل كرده است.[[1798]](#footnote-1798)

\*\*\*

5- همچنين «ابوبصير» اين دعا را براى طلب روزى از امام صادق عليه السلام نقل كرده است. آن حضرت فرمود: اين دعاى امام علىّ بن الحسين، زين‏العابدين عليه السلام است كه خدا را با آن مى‏خواند:

اللَّهُمَّ انّى اسْئَلُكَ حُسْنَ الْمَعيشَةِ، مَعيشَةً اتَقَوّى‏ بِها عَلى‏ جَميعِ‏

خدايا از تو زندگانى نيكو مى‏خواهم، زندگانيى كه به واسطه آن بر (بدست آوردن) تمام‏

حَوآئِجى‏، وَ اتَوَصَّلُ بِها فِى الْحَياةِ الى‏ آخِرَتى‏، مِنْ غَيْرِ انْ تُتْرِفَنى‏ فيها

خواسته‏هايم نيرو گيرم، و به واسطه آن در زندگى دنيا به آخرتم برسم، نه آنگونه توانگرم كنى كه‏

فَاطْغى‏، اوْ تَقْتُرَ بِها عَلَىَّ فَاشْقى‏، اوْسِعْ عَلَىَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ، وَ افْضِلْ‏

طغيان كنم و نه آنچنان سخت‏گيرى كه بيچاره شوم. از روزى حلالت بر من وسعت ده واز لطف و

عَلَىَّ مِنْ سَيْبِ فَضْلِكَ، نِعْمَةً مِنْكَ سابِغَةً، وَعَطآءً غَيْرَ مَمْنُونٍ، ثُمَ‏

كرم فراوانت بر من فزونى بخش، نعمت فراوان و بخششى بى‏منّت از جانب خود نصيبم كن، سپس‏

لاتَشْغَلْنى‏ عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِاكْثارٍ مِنْها تُلْهينى‏ بَهْجَتُهُ، وَتَفْتِنّى‏ زَهَراتُ‏

مرا به جاى شكر نعمتت به افزون‏سازى نعمت مشغول مكن كه شاديش مرا غافل كند، و زيبايى درخشندگيش‏

زَهْوَتِهِ، وَلا بِاقْلالٍ عَلَىَّ مِنْها يَقْصُرُ بِعَمَلى‏ كَدُّهُ، وَ يَمْلَأُ صَدْرى‏ هَمُّهُ،

مرا بفريبد، و نه مرا به كاستن آن نعمتها دچار كن كه زحمت و مشقّت آن تلاشم را كم كرده و سينه‏ام را از

اعْطِنى‏ مِنْ ذلِكَ يا الهى‏ غِنىً عَنْ شِرارِ خَلْقِكَ، وَ بَلاغاً انالُ بِهِ‏

اندوه آن پر كند اى معبود من از نعمتهايت به اندازه بى‏نيازيم از مخلوقات بدكارت به من عطا فرما، و مرا به واسطه آن به‏

رِضْوانَكَ، وَ اعُوذُ بِكَ يا الهى‏ مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَ شَرِّ ما فيها، وَ لاتَجْعَلِ‏

خشنوديت برسان، و اى معبود من از شرّ دنيا و آنچه در آن است به تو پناه مى‏برم و

الدُّنْيا عَلَىَّ سِجْناً، وَلافِراقَها عَلَىَّ حُزْناً، اخْرِجْنى‏ مِنْ فِتْنَتِها مَرْضِيّاً

دنيا را براى من زندان و جدايى از آن را غم و اندوه قرار مده و مرا از فتنه‏هاى آن در حالى كه از من خشنودى و كردارم‏

عَنّى‏، مَقْبُولًا فيها عَمَلى‏ الى‏ دارِ الْحَيَوانِ، وَ مَساكِنِ الْأَخْيارِ، وَ ابْدِلْنى‏

مورد قبول واقع شده به سوى آخرت و جايگاه نيكوكاران ببر، و به جاى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1152

بِالدُّنْيَا الْفانِيَةِ، نَعيمَ الدَّارِ الْباقِيَةِ، اللَّهُمَّ انّى‏ اعُوذُ بِكَ مِنْ ازْلِها وَزِلْزالِها،

دنياى فانى، نعمت‏هاى سراى باقى را عطايم كن، خدايا از سختى و لرزشهاى دنيا

وَ مِنْ سَطَواتِ شَياطينِها، وَ سَلاطينِها وَ نَكالِها، وَ مِنْ بَغْىِ مَنْ بَغى‏ عَلَىَ‏

و از هجوم شيطانها و پادشاهان آن وشكنجه‏هاى آن و از ستم آن كه بر من ستم كند به تو پناه مى‏برم‏

فيها، اللَّهُمَّ مَنْ كادَنى‏ فَكِدْهُ، وَ مَنْ ارادَنى‏ فَارِدْهُ، وَ فُلَّ عَنّى‏ حَدَّ مَنْ‏

خدايا آن كه با من مكر كند به تدبير خويش دچارش كن، و آن كه مرا (به بدى) قصد كند تو نيز با او چنان كن، و سلاح كسى را كه‏

نَصَبَ لى‏ حَدَّهُ، وَاطْفِ عَنّى‏ نارَ مَنْ شَبَّ لى‏ وَقُودَهُ، وَاكْفِنى‏ مَكْرَ

سلاحش را براى من تيز كرده بشكن و آتش آنكه شعله‏هايش را بر من افروخته خاموش كن، و مكر

الْمَكَرَةِ، وَ افْقَأْ عَنّى‏ عُيُونَ الْكَفَرَةِ، وَاكْفِنى‏ هَمَّ مَنْ ادْخَلَ عَلَىَّ هَمَّهُ،

مكّاران را از من برطرف ساز، و دمار از روزگار كافران درآور و غم واندوه آن كه اندوهش را به دلم انداخته برطرف كن،

وَادْفَعْ عَنّى‏ شَرَّ الْحَسَدَةِ، وَاعْصِمْنى‏ مِنْ ذلِكَ بِالسَّكينَةِ، وَالْبِسْنى‏

و شرّ حسودان را از من دفع كن، و مرا از اين امور با آرامش محفوظ دار و زره محكمت را

دِرْعَكَ الْحَصينَةَ، وَاخْبَأْنى‏ فى‏ سِتْرِكَ الْواقى‏، وَ اصْلِحْ لى‏ حالى‏،

به من بپوشان و در پوشش نگهدارنده‏ات مرا پنهان كن و حالم را اصلاح كن‏

وَصَدِّقْ قَوْلى‏ بِفِعالى‏، وَ بارِكْ لى‏ فى‏ اهْلى‏ وَمالى‏.[[1799]](#footnote-1799)

و گفتارم را با كردارم هماهنگ ساز و به خانواده و اموالم بركت ده.

يادآورى: براى طلب روزى، نمازهايى در بخش «نمازهاى مستحب» گذشت (علاقه‏مندان به آن بخش مراجعه فرمايند). بار ديگر يادآورى مى‏كنيم كه هرگز نبايد توسّل به اين دعاها به معناى عدم تلاش و كوشش، و سستى و تنبلى تفسير شود؛ چرا كه در حديث داريم دعاى اين گونه افراد مستجاب نمى‏شود.

10- دعا براى طلب باران و رفع خشكسالى‏

(از صحيفه سجاديه)

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ، مِنَ السَّحابِ‏

خدايا ما را از باران (رحمتت) سيراب گردان، و رحمت خود را به همراه باران فراوان از ابرى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1153

الْمُنْساقِ لِنَباتِ ارْضِكَ الْمُونِقِ في جَميعِ الْافاقِ، وَ امْنُنْ عَلى‏ عِبادِكَ‏

كه براى رويش زمين زيبايت در همه مناطق به حركت درآمده بر ما بگستران، و بر بندگانت با

بِايناعِ الثَّمَرَةِ، وَ احْىِ بِلادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَةِ، وَ اشْهِدْ مَلآئِكَتَكَ الْكِرامَ‏

رسيدن ميوه‏ها منّت گذار، و شهرهايت را با شكفتن گلها زنده گردان، و فرشتگان آن فرستادگان بزرگوارت‏

السَّفَرَةَ بِسَقْىٍ مِنْكَ، نافِعٍ دائِمٍ، غُزْرُهُ واسِعٍ، دِرَرُهُ وابِلٍ، سَريعٍ‏

را فرمان ده تا از جانب تو باران سودمند و پيوسته، فراوان و گسترده، پربار و تند

عاجِلٍ، تُحْيى‏ بِهِ ما قَدْ ماتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ ما قَدْ فاتَ، وَ تُخْرِجُ بِهِ ما هُوَ

و سريع بياورند، كه زمين مرده را زنده و آنچه را از دست رفته بازگردانى و آنچه روييدنى است برويانى،

اتٍ، وَتُوَسِّعُ بِهِ فِى الْأَقْواتِ، سَحاباً مُتَراكِماً، هَنيئاً مَريئاً طَبَقاً مُجَلْجَلًا،

و روزيها را وسعت بخشى، به همراه ابرى انبوه، نافع، فراگير و پرطنين، نه بارانى‏

غَيْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ، وَ لا خُلَّبٍ بَرْقُهُ، اللَّهُمَّ اسْقِنا غَيْثاً مُغيثاً مَريعاً مُمْرِعاً،

سيل آسا و رعد و برقى بى‏باران، خدايا ما را از باران كامل، روياننده گياهان، فراگير،

عَريضاً واسِعاً غَزيراً، تَرُدُّ بِهِ النَّهيضَ، وَ تَجْبُرُ بِهِ الْمَهيضَ، اللَّهُمَّ اسْقِنا

گسترده و فراوان سيراب كن، تا با آن گياهان را برويانى و شكستگى‏ها را التيام بخشى، خدايا ما را از

سَقْياً تُسيلُ مِنْهُ الظِّرابَ، وَتَمْلَأُ مِنْهُ‏الْجِبابَ، وَ تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهارَ، وَ تُنْبِتُ‏

بارانى سيراب كن كه از آن آبها را از بلنديها جارى ساخته و چاهها را پركنى و رودها را با آن به خروش آورده‏

بِهِ الْأَشْجارَ، وَ تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعارَ في جَميعِ الْأَمْصارِ، وَ تَنْعَشُ بِهِ‏

و درختان را برويانى، و (با فراوانى نعمتها) در همه شهرها ارزانى پديدآورى، و

الْبَهائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُكْمِلُ لَنا بِهِ طَيِّباتِ الرِّزْقِ، وَ تُنْبِتُ لَنا بِهِ الزَّرْعَ،

حيوانات و مردم را با آن حيات دوباره بخشيده، و روزى پاكيزه را براى ما كامل گردانى، و براى ما كشتزارها را برويانى،

وَتُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ، وَ تَزيدُنا بِهِ قُوَّةً الى‏ قُوَّتِنا، اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنا

و پستانها (ى حيوانات) را پرشير گردانى، و به وسيله آن بر نيروى ما بيفزايى، خدايا سايه‏اش را بر ما گرم‏

سَمُوماً، وَلا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنا حُسُوماً، وَ لا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنا رُجُوماً،

و سوزان و سرمايش را براى ما نابود كننده قرار مده و ريزش آن را همچون سنگ‏ [/ تگرگ‏] وَ لا تَجْعَلْ مَآءَهُ عَلَيْنا اجاجاً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و آبش را آب ناگوار قرار مده، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1154

وَارْزُقْنا مِنْ بَرَكاتِ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.[[1800]](#footnote-1800)

ما را از بركات آسمان و زمين روزى ده كه تو بر هر چيز توانايى.

11- دعاى توبه‏

(از صحيفه سجّاديه)

حقيقت توبه، بازگشت از گناه و روى آوردن به خداوند است.

با توجّه به اين‏كه انسان هميشه در معرض لغزش‏ها و معصيت قرار دارد؛ بايد پيوسته از خدا توفيق ترك گناهان و بازگشت به او را طلب كند، و با آب توبه، زنگارهاى دل را شستشو دهد. البتّه توبه واقعى، با پشيمانى حقيقى، عزم بر ترك آن گناه، جبران آنچه را ترك كرده، و اداى حقوق خدا و خلق محقّق مى‏شود؛ ولى به يقين دست عنايت الهى و امدادهاى ويژه پروردگار، در اين مسير نقش مؤثّرى دارد، و البتّه امداد و عنايتش شامل حال آنها كه صداقت در توبه دارند، مى‏شود.

ائمّه اطهار عليهم السلام با آن‏كه پيراسته از هر گناهى بوده‏اند، ولى با توجّه به عظمت پروردگار و نگاه به جلال و جبروت حق تعالى، خود را در پيشگاه ذات ربوبى، مقصّر مى‏ديدند و معتقد بودند، نمى‏توانند آن گونه كه شايسته خداوندى است، اطاعت و بندگى او را بجا آورند، و لذا از درگاه خداى مهربان عذرخواهى مى‏كردند و استغفار و توبه مى‏نمودند.

علاوه بر آن‏كه، اين گونه دعاها و طلب توبه و استغفار از سوى آن بزرگواران براى مردم جنبه سرمشق و آموزشى دارد؛ و راه بازگشت به خداوند و توبه و انابه به درگاه او را، به ما مى‏آموزد، و عظمت گناه و سنگينى نافرمانى حق را به درستى براى ما مجسّم مى‏سازد. باشد كه ما- انسانهاى گناهكار- به خود آييم و هر چه بيشتر در مسير تهذيب نفس و پاكى روح و جان بكوشيم و اگر به گناهى آلوده شده‏ايم، هر چه سريع‏تر توبه نموده و آن را جبران نماييم.

در اين قسمت، يكى از دعاهاى امام سجّاد عليه السلام را كه درباره توبه و طلب توفيق آن و بازگشت به سوى پروردگار است، ذكر مى‏كنيم:

اللَّهُمَّ يا مَنْ لايَصِفُهُ نَعْتُ الْواصِفينَ، وَ يا مَنْ لايُجاوِزُهُ رَجآءُ

خدايا، اى كسى كه توصيف وصف كنندگان توصيفش نكند، و اى كسى كه اميد اميدواران از

الرَّاجينَ، وَ يا مَنْ لايَضيعُ لَدَيْهِ اجْرُ الْمُحْسِنينَ، وَ يا مَنْ هُوَ مُنْتَهى‏

او قطع نشود، و اى كسى كه پاداش نيكوكاران نزد او تباه نگردد، و اى كسى كه اوست نهايت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1155

خَوْفِ الْعابِدينَ، وَ يا مَنْ هُوَ غايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقينَ، هذا مَقامُ مَنْ تَداوَلَتْهُ‏

ترس عابدان، و اى كسى كه اوست نهايت ترس پرهيزگاران، اين است جايگاه كسى كه‏

ايْدِى الذُّنُوبِ، وَ قادَتْهُ ازِمَّةُ الْخَطايا، وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطانُ، فَقَصَّرَ

گناهان او را احاطه كرده، و مهارهاى خطاها او را مى‏كشاند، و شيطان بر او چيره شده و بدين سبب از

عَمَّا امَرْتَ بِهِ تَفْريطاً، وَ تَعاطى‏ ما نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْريراً، كَالْجاهِلِ بِقُدْرَتِكَ‏

روى كاهلى از دستوراتت كوتاهى كرده و از روى غرور به آنچه نهى كردى اقدام نموده است، مانند كسى كه از قدرتى كه‏

عَلَيْهِ، اوْ كَالْمُنْكِرِ فَضْلَ احْسانِكَ الَيْهِ، حَتّى‏ اذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدى‏،

به او داده‏اى ناآگاه و يا فزونى احسان تو را بر خود منكر است، كه اگر چشم بصيرتش گشوده شود

وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحائِبُ الْعَمى‏، احْصى‏ ماظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَّرَ فيما خالَفَ‏

و ابرهاى گمراهيش برطرف گردد، ستمهاى خود را بر خويشتن بر شمارد و در آنچه مخالفت‏

بِهِ رَبَّهُ، فَرَأى‏ كَبيرَ عِصْيانِهِ كَبيراً، وَ جَليلَ مُخالَفَتِهِ جَليلًا، فَاقْبَلَ نَحْوَكَ‏

پروردگارش نموده، انديشه كند تا نافرمانى بزرگش را بزرگ و مخالفت عظيم خود را عظيم ديده و در حالى كه به تو اميدوار

مُؤَمِّلًا لَكَ، مُسْتَحْيِياً مِنْكَ، وَ وَجَّهَ رَغْبَتَهُ الَيْكَ ثِقَةً بِكَ، فَامَّكَ بِطَمَعِهِ‏

و از تو شرمسار است به تو رو كند، و از روى اعتماد به تو، ميل و اشتياقش را به تو متوجّه سازد، پس با اطمينان خاطر با طمعش‏

يَقيناً، وَ قَصَدَكَ بَخَوْفِهِ اخْلاصاً، قَدْ خَلا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فيهِ‏

آهنگ تو نموده و از روى اخلاص با ترسش قصد تو كرده است، و طمعش را از هر كسى جز تو بريده‏

غَيْرِكَ، وَافْرَخَ‏رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِواكَ، فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ‏

و از هيچكس جز تو هراسى ندارد. در برابرت با حال تضرّع‏

مُتَضَرِّعاً، وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ الىَ الْأَرْضِ مُتَخَشِّعاً، وَ طَاْطَا رَأسَهُ لِعِزَّتِكَ‏

حاضر شده و با حال خشوع چشمش را به زمين دوخته و در برابر عظمتت با خشوع سر به زير افكنده،

مُتَذَلِّلًا، وَابَثَّكَ مِنْ سِرِّهِ ما انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعاً، وَ عَدَّدَ مِنْ ذُ نُوبِهِ ما

و با حال خضوع راز خود را كه تو به آن آگاهترى برايت بازگو نموده است، و با حال خشوع گناهانى‏

انْتَ احْصى‏ لَها خُشُوعاً، وَاسْتَغاثَ بِكَ مِنْ عَظيمِ ما وَقَعَ بِهِ فى‏عِلْمِكَ،

را كه تو حساب آن را بهتر مى‏دانى برايت برشمرده است، و از گناه بزرگى كه در عالم علم تو مرتكب شده‏

وَقَبيحِ ما فَضَحَهُ فى‏ حُكْمِكَ، مِنْ ذُ نُوبٍ ادْبَرَتْ لَذَّاتُها فَذَهَبَتْ،

و از كار زشتى كه حكم تو رسوايش ساخته به تو پناهنده شده، همان گناهانى كه لذّتهايش رفته‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1156

وَاقامَتْ تَبِعاتُها فَلَزِمَتْ، لايُنْكِرُ يا الهى‏ عَدْلَكَ انْ عاقَبْتَهُ، وَلايَسْتَعْظِمُ‏

و مسئوليّتش به جا مانده است. اى معبود من اگر عقابش كنى كسى منكر عدلت نيست، واگر از او

عَفْوَكَ انْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَريمُ الَّذى‏ لا يَتَعاظَمُهُ‏

درگذرى و رحمش كنى اين گذشت را از تو عجيب نمى‏داند، زيرا تو پروردگار كريمى هستى كه‏

غُفْرانُ الذَّنْبِ الْعَظيمِ، اللَّهُمَّ فَها انَا ذا قَدْ جِئْتُكَ مُطيعاً لِأَمْرِكَ فيما امَرْتَ‏

آمرزش گناه بزرگ در نظرت بزرگ نباشد، خدايا من اكنون به درگاهت آمده‏ام و دستور

بِهِ مِنَ الدُّعآءِ، مُتَنَجِّزاً وَعْدَكَ فيما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجابَةِ، اذْ تَقُولُ:

دعا كردن را كه به آن امر كرده‏اى، اطاعت كردم، و وفاى به وعده‏ات را در اجابتى كه وعده داده‏اى خواهانم چون كه فرموده‏اى:

ادْعُونى‏ اسْتَجِبْ لَكُمْ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَالْقِنى‏ بِمَغْفِرَتِكَ‏

مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم. خدايا بر محمّد و آل پاكش درود فرست و با آمرزشت به من رو كن‏

كَما لَقيتُكَ بِاقْرارى‏، وَارْفَعْنى‏ عَنْ مَصارِعِ الذُّنُوبِ كَما وَضَعْتُ لَكَ‏

همان‏گونه كه من با اقرارم (به گناه) به تو رو آورده‏ام، و مرا از محلّ ارتكاب گناهان دور ساز چرا كه در برابرت‏

نَفْسى‏، وَاسْتُرْنى‏ بِسِتْركَ كَما تَانَّيْتَنى‏ عَنِ الْإِنْتِقامِ مِنّى‏، اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فى‏

تواضع نموده‏ام، و به عيب پوشيت مرا بپوشان همان گونه كه در انتقامم درنگ نمودى، خدايا نيّتم را در

طاعَتِكَ نِيَّتى‏، وَ احْكِمْ فى‏ عِبادَتِكَ بَصيرَتى‏، وَ وَفِّقْنى‏ مِنَ الْأَعْمالِ لِما

اطاعتت ثابت بدار و بيناييم را در بندگيت محكم كن، و به كارهايى كه به واسطه آن‏

تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطايا عَنّى‏، وَ تَوَفَّنى‏ عَلى‏ مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

آلودگى گناهان را از من بزدايى موفّقم گردان، و در هنگام مرگ مرا بر دين خود و پيامبرت محمّد

عَلَيْهِ السَّلامُ اذا تَوَفَّيْتَنى‏، اللَّهُمَّ انّى‏ اتُوبُ الَيْكَ فى‏ مَقامى‏ هذا مِنْ كَبائِرِ

- كه بر او درود باد- بميران، خدايا من در اين جايگاه از گناهان بزرگ‏

ذُنُوبى‏ وَ صَغائِرها، وَ بَواطِنِ سَيِّئاتى‏ وَ ظَواهِرِها، وَ سَوالِفِ زَلّاتى‏

و كوچك و از بديهاى پنهانى و آشكارم و از لغزشهاى گذشته و

وَحَوادِثِها، تَوْبَةَ مَنْ لايُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ، وَلايُضْمِرُ انْ يَعُودَ فى‏

جديدم به درگاهت توبه مى‏كنم، مانند توبه كسى كه خيال گناه در دلش خطور نكند، و فكر بازگشت به خطا ندارد،

خَطيئَةٍ، وَقَدْ قُلْتَ يا الهى‏ فى‏ مُحْكَمِ كِتابِكَ، انَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ‏

و تو اى معبود من در كتاب محكمت فرمودى كه توبه بندگانت را مى‏پذيرى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1157

عِبادِكَ، وَ تَعْفُو عَنِ السَّيِّئاتِ، وَ تُحِبُّ التَّوَّابينَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتى‏ كَما

و از گناهان در گذرى و توبه كاران را دوست دارى، پس همان گونه كه وعده فرموده‏اى توبه‏ام را بپذير

وَعَدْتَ، وَاعْفُ عَنْ سَيِّئاتى‏ كَما ضَمِنْتَ، وَ اوْجِبْ لى‏ مَحَبَّتَكَ كَما

و همان گونه كه ضمانت كرده‏اى از بديهايم درگذر و همان گونه كه شرط نموده‏اى دوستيت را بر من واجب گردان،

شَرَطْتَ، وَ لَكَ يا رَبِّ شَرْطى‏ الَّا اعُودَ فى‏ مَكْرُوهِكَ، وَ ضَمانى‏ الَّا

و اى پروردگار من با تو شرط مى‏كنم كه به آنچه ناپسند نزد توست باز نگردم و به تو ضمانت مى‏دهم‏

ارْجِعَ فى‏ مَذْمُومِكَ، وَ عَهْدى‏ انْ اهْجُرَ جَميعَ مَعاصيكَ، اللَّهُمَّ انَّكَ اعْلَمُ‏

به آنچه نكوهيده نزد توست باز گشت نكنم و تعهّد مى‏دهم كه از تمام معاصى دورى گزينم، خدايا به آنچه كرده‏ام داناترى‏

بِما عَمِلْتُ، فَاغْفِرْلى‏ ما عَلِمْتَ، وَ اصْرِفْنى‏ بِقُدْرَتِكَ الى‏ ما احْبَبْتَ،

پس آنچه از من مى‏دانى بيامرز و مرا به قدرتت به آنچه دوست مى‏دارى متوجّه ساز،

اللَّهُمَّ وَ عَلَىَّ تَبِعاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعاتٌ قَدْ نَسيتُهُنَّ، وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ‏

خدايا بر من بازخواستهايى است كه به ياد دارم و بازخواستهايى است كه فراموش كرده‏ام و همه در برابر ديده توست‏

الَّتى‏ لا تَنامُ، وَ عِلْمِكَ الَّذى‏ لا يَنْسى‏، فَعَوِّضْ مِنْها اهْلَها، وَاحْطُطْ عَنّى‏

كه خواب ندارد، و در برابر علم توست كه فراموشى ندارد پس عوض آنها را به صاحبانش بده‏

وِزْرَها، وَ خَفِّفْ عَنّى‏ ثِقْلَها، وَاعْصِمْنى‏ مِنْ انْ اقارِفَ مِثْلَها، اللَّهُمَّ وَ انَّهُ‏

و سنگينيش را از دوشم برداشته و سبك گردان، و مرا از ارتكاب مانند آن بازدار، خدايا جز به‏

لا وَفآءَ لى‏ بِالتَّوْبَةِ الَّا بِعِصْمَتِكَ، وَ لَا اسْتِمْساكَ بى‏ عَنِ الْخَطايا الَّا عَنْ‏

نگهدارى تو نتوانم به توبه‏ام وفا كنم و جز به نيروى تو نتوانم خود را از گناه حفظ كنم،

قُوَّتِكَ، فَقَوِّنى‏ بِقُوَّةٍ كافِيَةٍ، وَ تَوَلَّنى‏ بِعِصْمَةٍ مانِعَةٍ، اللَّهُمَّ ايُّما عَبْدٍ تابَ‏

پس مرا به نيرويى كافى قوّت ده و به نگهدارى بازدارنده‏ات سرپرستيم كن، خدايا اگر بنده‏اى به درگاهت توبه كند

الَيْكَ وَ هُوَ فى‏ عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عائِدٌ فى‏ ذَنْبِهِ‏

در حالى كه در علم غيبت توبه شكن بوده و به گناه و خطايش بازگردد،

وَخَطيئَتِهِ، فَانّى‏ اعُوذُ بِكَ انْ اكُونَ كَذلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتى‏ هذِهِ تَوْبَةً لا

من به تو پناه مى‏برم كه چنين باشم، پس توبه‏ام را چنان كن تا

احْتاجُ بَعْدَها الى‏ تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِما سَلَفَ، وَالسَّلامَةِ فيما بَقِىَ،

نيازمند توبه ديگرى نباشم، توبه‏اى كه موجب محو گناهان گذشته و سلامت در آينده باشد،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1158

اللَّهُمَّ انّى اعْتَذِرُ الَيْكَ مِنْ جَهْلى‏، وَاسْتَوْهِبُكَ سُوءَ فِعْلى‏، فَاضْمُمْنى‏ الى‏

خدايا از نادانيم به درگاهت عذر آورم و از كار بدم از تو بخشش مى‏طلبم، پس به احسان خويش مرا

كَنَفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلًا، وَاسْتُرْنى‏ بِسِتْرِ عافِيَتِكَ تَفَضُّلًا، اللَّهُمَّ وَ انّى‏ اتُوبُ‏

در رحمتت درآور و به فضل خويش جامه عافيت بر من بپوشان، خدايا من به درگاهت‏

الَيْكَ مِنْ كُلِّ ما خالَفَ ارادَتَكَ، اوْ زالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَراتِ قَلْبى‏،

از هر چه مخالف اراده توست يا دوستى‏ات را از دلم و

وَلَحَظاتِ عَيْنى‏، وَ حِكاياتِ لِسانى‏، تَوْبَةً تَسْلَمُ بِها كُلُّ جارِحَةٍ عَلى‏

نگاههاى چشمم وسرگذشت‏هاى زبانم بيرون كند توبه مى‏كنم، توبه‏اى كه به واسطه آن هر عضوى جداگانه‏

حِيالِها مِنْ تَبِعاتِكَ، وَ تَأْمَنُ مِمَّا يَخافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ اليمِ سَطَواتِكَ،

از كيفرهاى تو سالم بماند و از عذاب دردناكت كه تجاوزكاران از آن مى‏ترسند ايمن گردد،

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتى‏ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ وَجيبَ قَلْبى‏ مِنْ خَشْيَتِكَ،

خدايا به تنهاييم در برابرت و طپش قلبم از ترست و

وَاضْطِرابَ ارْكانى‏ مِنْ هَيْبَتِكَ، فَقَدْ اقامَتْنى‏ يا رَبِّ ذُنُوبى‏ مَقامَ الْخِزْىِ‏

لرزش اندامم از هيبتت رحم كن كه‏اى پروردگار من گناهانم مرا به درگاه تو در

بِفِنائِكَ، فَانْ سَكَتُّ لَمْ يَنْطِقْ عَنّى‏ احَدٌ، وَ انْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِاهْلِ‏

جايگاه رسوايى قرار داده، پس اگر سكوت كنم كسى از جانب من سخن نگويد و اگر شفاعت خواهم شايسته‏

الشَّفاعَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ شَفِّعْ فى‏ خَطاياىَ كَرَمَكَ، وَعُدْ

شفاعت نيستم، خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و در خطاهايم بزرگواريت را شفيع گردان، و به‏

عَلى‏ سَيِّئاتى‏ بِعَفْوِكَ، وَلاتَجْزِنى‏ جَزآئى‏ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَابْسُطْ عَلَىَ‏

گذشتت گناهانم را ببخش، و به عذابى كه سزاوار آنم جزايم مده، و احسانت را بر من بگستران،

طَوْلَكَ، وَ جَلِّلْنى‏ بِسِتْرِكَ، وَافْعَلْ بى‏ فِعْلَ عَزيزٍ تَضَرَّعَ الَيْهِ عَبْدٌ ذَليلٌ‏

و مرا در پرده (عفوت) بپوشان، و با من مانند توانايى كه بنده‏اى ذليل به درگاهش آمده‏

فَرَحِمَهُ، اوْ غَنِىٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقيرٌ فَنَعَشَهُ، اللَّهُمَّ لاخَفيرَ لى‏ مِنْكَ‏

و او نيز رحمش كند و يا توانگرى كه بنده نيازمندى به نزدش رفته و او توانگرش ساخته رفتار كن، خدايا پناه دهنده‏اى از تو ندارم‏

فَلْيَخْفُرْنى‏ عِزُّكَ، وَلا شَفيعَ لى‏ الَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لى‏ فَضْلُكَ، وَ قَدْ اوْجَلَتْنى‏

پس قدرت تو بايد پناهم دهد و شفيعى به درگاهت ندارم پس فضل تو بايد شفيعم گردد، و اشتباهاتم مرا به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1159

خَطاياىَ، فَلْيُؤْمِنّى‏ عَفْوُكَ، فَما كُلُّ ما نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنّى‏ بِسُوءِ

سختى ترسانده، پس گذشت تو بايد مرا ايمن گرداند، و هر چه گفتم چنان نيست كه همه از نادانى به بدكاريم باشد

اثَرى‏، وَلانِسْيانٍ لِما سَبَقَ مِنْ ذَميمِ فِعْلى‏، لكِنْ لِتَسْمَعَ سَماؤُكَ وَ مَنْ‏

و نه از روى فراموشى كردار زشتم در گذشته، بلكه براى آن است كه آسمان و

فيها، وَارْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْها، ما اظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَاْتُ الَيْكَ فيهِ‏

زمينت و هر چه در آن است اظهار پشيمانى مرا به درگاهت بشنوند، و پناهندگيم را در توبه به سويت‏

مِنَ التَّوْبَةِ، فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنى‏ لِسُوءِ مَوْقِفى‏، اوْ تُدْرِكُهُ‏

ببينند، شايد برخى از آنها به رحمتت بر جايگاه بدم رحم كند، يا براى‏

الرِّقَّةُ عَلَىَّ لِسُوءِ حالى‏، فَيَنالَنى‏ مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِىَ اسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعآئى‏،

حال بدم دلش بسوزد و دعايى كند كه نزد تو پذيرفته‏تر از دعاى من باشد،

اوْ شَفاعَةٍ اوْكَدُ عِنْدَكَ مِنْ شَفاعَتى‏، تَكُونُ بِها نَجاتى‏ مِنْ غَضَبِكَ،

يا شفاعتى كند كه مؤثرتر از شفاعت من باشد كه همان وسيله نجات من از خشمت و

وَفَوْزَتى‏ بِرِضاكَ، اللَّهُمَّ انْ‏يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً الَيْكَ فَا نَا انْدَمُ النَّادِمينَ، وَ انْ‏

رسيدنم به خشنوديت گردد، خدايا اگر پشيمانى نزد تو، توبه محسوب شود من پشيمان‏ترين پشيمانانم، و اگر

يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ انابَةً فَا نَا اوَّلُ الْمُنيبينَ، وَ انْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفارُ

ترك گناه بازگشت به حساب آيد من نخستين بازگشت كننده‏ام، واگر آمرزش خواهى سبب‏

حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَانّى‏ لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ، اللَّهُمَّ فَكَما امَرْتَ بِالتَّوْبَةِ،

ريختن گناهان است من از آمرزش خواهان نزد توام، خدايا همان‏گونه كه به توبه فرمان دادى‏

وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ، وَحَثَثْتَ عَلَى الدُّعآءِ وَ وَعَدْتَ الْإِجابَةَ، فَصَلِّ عَلى‏

و پذيرش آن را ضمانت كردى و به دعا تشويق نمودى و وعده اجابت دادى، پس بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتى‏، وَلاتَرْجِعْنى‏ مَرْجِعَ الْخَيْبَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ،

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و توبه‏ام را بپذير و نااميد از رحمتت بازم مگردان‏

انَّكَ انْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبينَ، وَالرَّحيمُ لِلْخاطِئينَ الْمُنيبينَ، اللَّهُمَ‏

كه تو به يقين توبه‏پذير گنهكارانى و بر خطاكاران پشيمان مهربانى، خدايا

صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَما هَدَيْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا

بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست همان‏گونه كه به وسيله او هدايتمان نمودى و بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست همان‏گونه كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1160

اسْتَنْقَذْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلاةً تَشْفَعُ لَنا يَوْمَ الْقِيامَةِ،

به وسيله او نجاتمان دادى و بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست درودى كه در روز قيامت و

وَيَوْمَ الْفاقَةِ الَيْكَ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ، وَ هُوَ عَلَيْكَ يَسيرٌ.[[1801]](#footnote-1801)

روز نيازمندى به درگاهت شفيع ما گردد كه تو بر هر چيز توانايى و اين كار براى تو آسان است.

همچنين، «مناجات تائبان» از امام سجّاد عليه السلام بسيار سازنده و ارزشمند است، كه خواندن آن به سالكان راه حق و پويندگان مسير خودسازى، توصيه مى‏شود (اين مناجات، در بخش مناجات‏ها و دعاهاى معروف آمده است).

12- دعا براى حسن عاقبت‏

(از صحيفه سجاديه)

يا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرينَ، وَ يا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرينَ، وَ يا مَنْ‏

اى كسى كه يادش براى يادكنندگان افتخار است و اى كسى كه شكرش موفقيّتى براى شاكران است، و اى كسى كه‏

طاعَتُهُ نَجاةٌ لِلْمُطيعينَ، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشْغَلْ قُلُوبَنا بِذِكْرِكَ‏

اطاعتش مايه نجات فرمانبران است، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و دلهاى ما را با يادت‏

عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَ الْسِنَتَنا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَ جَوارِحَنا بِطاعَتِكَ عَنْ‏

از هر ياد ديگرى و زبان ما را با شكرت از هر شكر ديگرى و اعضايمان را با بندگيت از

كُلِّ طاعَةٍ، فَانْ قَدَّرْتَ لَنا فَراغاً مِنْ شُغُلٍ، فَاجْعَلْهُ فَراغَ سَلامَةٍ، لا

بندگى غير خود بازدار، پس اگر براى ما فراغتى فراهم ساختى آن را فراغتِ سلامتى قرار ده، كه‏

تُدْرِكُنا فيهِ تَبِعَةٌ، وَ لا تَلْحَقُنا فيهِ سَاْمَةٌ، حَتّى‏ يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ‏

به سبب آن ما را گرفتار گناهى نسازد، و خستگى به ما نرسد، به گونه‏اى كه ثبت كنندگان‏

السَّيِّئاتِ بِصَحيفَةٍ خالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئاتِنا، وَ يَتَوَلّى‏ كُتَّابُ الْحَسَناتِ عَنَّا

گناه با نامه‏اى خالى از گناهان ما (به سوى تو) باز گردند و ثبت كنندگان كارهاى نيك به سبب نگارش‏

مَسْرُورينَ بِما كَتَبُوا مِنْ حَسَناتِنا، وَ اذَا انْقَضَتْ ايَّامُ حَياتِنا، وَ تَصَرَّمَتْ‏

نيكيهاى ما خشنود بازگردند، و چون ايّام عمر ما سپرى شود و مدّت عمر ما

مُدَدُ اعْمارِنا، وَ اسْتَحْضَرَتْنا دَعْوَتُكَ الَّتي لابُدَّ مِنْها وَ مِنْ اجابَتِها، فَصَلِ‏

پايان يابد و دعوت تو (براى رفتن) كه گريزى از اجابت آن نيست فرا رسد، بر

كليات مفاتيح نوين، ص: 1161

عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاجْعَلْ خِتامَ ما تُحْصى‏ عَلَيْنا كَتَبَةُ اعْمالِنا، تَوْبَةً

محمّد و خاندان پاكش درود فرست، و پايان آنچه را كه ثبت كنندگان اعمال ما براى ما مى‏نويسند توبه‏

مَقْبُولَةً لا تُوقِفُنا بَعْدَها عَلى‏ ذَنْبٍ اجْتَرَحْناهُ، وَ لا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْناها،

پذيرفته قرار ده كه بعد از آن ما را براى گناهى كه انجام داده‏ايم و معصيتى كه مرتكب شده‏ايم توبيخ نكنى،

وَلا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْراً سَتَرْتَهُ عَلى‏ رُؤُسِ الْاشْهادِ، يَوْمَ تَبْلُو اخْبارَ

و در آن روز كه اخبار بندگانت را آشكار مى‏كنى پرده‏اى را كه بر گناه ما انداخته‏اى در برابر همگان كنار مزن،

عِبادِكَ، انَّكَ رَحيمٌ بِمَنْ دَعاكَ، وَ مُسْتَجيبٌ لِمَنْ ناداكَ.[[1802]](#footnote-1802)

به يقين تو نسبت به كسى كه تو را بخواند، مهربانى و به نداى آنكه تو را مى‏خواند پاسخ مى‏دهى.

13- دعاى وقت مطالعه‏

مرحوم «فيض كاشانى» در «خلاصةالأذكار» اين دعا را براى مطالعه نقل كرده است كه در عين فشردگى محتوايى عالى دارد:

اللَّهُمَّ اخْرِجْنى‏ مِنْ ظُلُماتِ الْوَهْمِ، وَاكْرِمْنى‏ بِنُورِ الْفَهْمِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنا

خدايا مرا از تاريكى‏هاى اشتباه و نادانى خارج كن و با روشنايى فهم، گرامى بدار. خدايا درهاى‏

ابْوابَ رَحْمَتِكَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنا خَزائِنَ عُلُومِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.[[1803]](#footnote-1803)

رحمتت را به روى ما بگشا و از گنجينه‏هاى علومت ما را بهره‏مند ساز، به رحمتت اى مهربان‏ترين مهربانان.

14- دعاى شب زفاف‏

با توجّه به اين‏كه از نظر اسلام، امر ازدواج، بسيار مقدّس و ارزشمند است و ترغيب فراوانى نسبت به آن شده است، براى مراحل مختلف اين كار، آداب، دعاها و نمازهايى در روايات بيان شده است تا جنبه معنوى و روحانى آن حفظ شود و آلوده به انواع گناهان نگردد.

از جمله امورى كه در مسأله ازدواج دستور داده شده است، نماز و دعا براى شب «زفاف» است:

1- از امام محمّدباقر عليه السلام نقل شده است كه وقتى عروس را به منزل آوردى، به وى بگو، وضو سازد و خودت نيز وضو بساز و دو ركعت نماز بگذاريد؛ پس از آن، حمد و ستايش الهى را بجا آوريد و بر محمّد و آل‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1162

محمّد، صلوات بفرستيد، و آنگاه (براى زندگى آسوده و پر معنويت) دعا كن و از زنانى كه همراه عروس آمده‏اند، بخواه، آمين گويند. سپس اين دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنى‏ الْفَها وَ وُدَّها وَ رِضاها، وَارْضِنى‏ بِها، وَاجْمَعْ بَيْنَنا بِاحْسَنِ‏

خدايا الفت و محبّت و رضايتش را روزيم كن و ما را از او راضى گردان و ما را به نيكوترين‏

اجْتِماعٍ، وانَسِ ائْتِلافٍ، فَانَّكَ تُحِبُّ الْحَلالَ، وَ تَكرَهُ الْحَرامَ.[[1804]](#footnote-1804)

اجتماع و صميمى‏ترين معاشرت جمع كن، كه تو حلال را دوست دارى و حرام را ناپسند مى‏دارى.

2- از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه در شب «زفاف» هنگامى كه به نزد عروس مى‏روى، رو به قبله بنشينيد و بگو:

اللَّهُمَّ بِامانَتِكَ اخَذْتُها، وَبِكَلِماتِكَ اسْتَحْلَلْتُها، فَانْ قَضَيْتَ لى‏ مِنْها وَلَداً،

خدايا به امانت تو، او را گرفتم و به حكمتت، او را بر خود حلال كردم، اگر از او فرزندى نصيبم كردى‏

فَاجْعَلْهُ مُبارَكاً تَقِيّاً مِنْ شيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلاتَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ شِرْكاً

پس او را برايم مبارك و پرهيزگار و از شيعيان آل محمّد قرار ده و براى شيطان در او، شركت‏

وَلانَصيباً.[[1805]](#footnote-1805)

و نصيبى قرار مده.

يادآورى: متأسّفانه افراد ناآگاه شب زفاف را كه پايه زندگى خانوادگى در آن گذارده مى‏شود چنان آلوده به گناه مى‏سازند كه خير و بركت را از آن خانواده دور مى‏كنند. سزاوار است اهل ايمان از امر به معروف و نهى از منكر توأم با ادب و احترام خوددارى نكنند.

\*\*\*

آداب عقيقه:

از ديدگاه اسلام، كودك از زمان طفوليّت- و حتّى قبل از تولّد- داراى جايگاه ويژه و حقوق خاصّى است و بر والدين لازم است، با مراعات و توجّه به آن، راه سعادت فرزند را هموار سازند.

تربيت فرزند صالح و رساندن او به سعادت و كمال مطلوب، از بدو تولّد آغاز مى‏شود: از اذان و اقامه گفتن در گوش او، نام نيك بر او نهادن و تلاش براى رسيدگى و مراقبت از كودك، تا فراهم ساختن‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1163

فراگيرى صحيح و آموزش‏هاى لازم و مفيد و رشد و شكوفايى خصلت‏هاى پاك انسانى در او.

از جمله امورى كه در اسلام، سفارش شده است، عقيقه براى فرزند است؛ منظور از عقيقه، قربانى كردن گوسفندى و مانند آن براى فرزند مى‏باشد.

مرحوم «علّامه مجلسى» در كتاب «حليةالمتّقين» به طور مشروح و گويا، آداب عقيقه را ذكر كرده است‏[[1806]](#footnote-1806) كه ما فشرده‏اى از آن را در اين جا مى‏آوريم:

عقيقه براى فرزند، بر كسى كه قادر بر آن باشد، سنّت مؤكّد است، و بعضى از علما آن را واجب مى‏دانند، و بهتر آن است كه در روز هفتم واقع شود، و اگر تأخير افتاد، تا زمان بلوغ فرزند، بر پدر سنّت است؛ ولى بعد از بلوغ- تا آخر عمر- بر خودش سنّت است كه عقيقه‏اش را انجام دهد!

در احاديث زيادى نقل شده است كه هر فرزندى در گرو عقيقه است؛ يعنى اگر براى او عقيقه نكنند، ممكن است آن فرزند در معرض حوادث ناگوار قرار گيرد.

در حديثى آمده است كه از امام صادق عليه السلام پرسيدند: ما براى عقيقه، گوسفندى را نيافتيم، آيا اجازه مى‏دهيد، قيمتش را صدقه دهيم؟ امام فرمود: جستجو كنيد تا گوسفندى بيابيد، زيرا خداوند دوست دارد، خوراندن طعام و ريختن خونِ (گوسفند براى اين منظور).

در حديث معتبرى نقل شده است كه شخصى از امام صادق عليه السلام پرسيد: نمى‏دانم پدرم براى من عقيقه كرده است يا نه؟ فرمود: عقيقه بكن، آن مرد نيز در پيرى براى خود عقيقه كرد!

در حديث ديگرى از همان حضرت نقل شده است كه «فرزند را در روز هفتم، نام مى‏گذارند و عقيقه مى‏كنند، و سر او را مى‏تراشند و موى سرش را با نقره وزن مى‏كنند و آن نقره را تصدّق مى‏نمايند و ران عقيقه را براى قابله مى‏فرستند و باقى را براى مردم اطعام مى‏كنند و يا به نيازمندان مى‏دهند».

در حديث ديگرى به يكى از يارانش فرمود: «هرگاه پسرى، يا دخترى براى تو متولّد شود، در روز هفتم گوسفندى يا شترى را عقيقه كن و براى او نامگذارى نما و سرش را بتراش و به وزن موى سرش طلا، يا نقره تصدّق كن».

در حديث ديگرى وارد شده است كه لااقل به ده نفر از مسلمانان اطعام كنند و خود آنان (پدر و مادر) از گوشت عقيقه نخورند! (اين كار نوعى ايثار است).

مشهور ميان علما آن است كه عقيقه بايد گوسفند يا شتر، و يا بُز باشد. از امام باقر عليه السلام نقل شده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله در روز ولادت امام حسن و امام حسين عليهما السلام در گوش آنها اذان گفتند و حضرت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1164

فاطمه عليها السلام در روز هفتم، براى آنان عقيقه كرد و پاى گوسفند را همراه با يك سكّه طلا، براى قابله فرستادند.

اگر عقيقه شتر است، بايد پنج سال يا بيشتر داشته باشد و اگر بز است از يك سال بالاتر باشد. و اگر گوسفند است سنّ او كمتر از شش ماه نباشد، و اگر بيشتر باشد، بهتر است.

عقيقه شرايط ديگر هم دارد، از جمله آن‏كه: نبايد بيضه‏اش را كشيده باشند و شاخ او شكسته و گوشش بريده نباشد و بسيار لاغر و كور نباشد و به گونه‏اى لنگ نباشد كه راه رفتن براى او دشوار باشد (مانند بسيارى از صفات قربانى حجّاج).

ولى در حديث معتبرى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه عقيقه همانند «قربانى» نيست؛ هر گوسفندى كه باشد خوب است. (هر چند داشتن آن صفات كه در بالا آمد، بهتر است) و گوسفند نر و ماده هر دو كافى است و اگر نر باشد بهتر است.

اگر حيوان براى عقيقه موجود نباشد، صبر كنند تا فراهم گردد.

براى دعوت از مردم، جهت خوردن عقيقه، شرط نيست كه فقير باشند؛ ولى دعوت كردن از فقيران آبرومند و صالحان، بهتر است.[[1807]](#footnote-1807)

دعاى عقيقه:

مرحوم «علّامه مجلسى» در ادامه، دعايى را براى عقيقه نقل كرده و فرموده: «از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه در وقت كشتن گوسفند عقيقه اين دعا را بخوان»:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ عَقيقَةٌ عَنْ فُلانٍ‏، (نام آن فرزند را بگويد) لَحْمُها بِلَحْمِهِ،

به نام خدا و به يارى خدا، خدايا اين عقيقه از جانب فلانى است\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* گوشتش در مقابل گوشت او

وَدَمُها بِدَمِهِ، وَ عَظْمُها بِعَظْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْها وِقاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ‏

و خونش در مقابل خون او و استخوانش در مقابل استخوان اوست، خدايا آن را نگهدارنده آل محمّد- كه بر او و آلش‏

السَّلامُ\* و در حديث ديگرى فرمود كه اين دعا را بخواند: يا قَوْمِ انّى‏ بَرىٌ مِمَّا

درود باد- قرار ده\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* اى قوم، من از شريكهايى كه شما (براى خدا)

تُشْرِكُونَ، انّى‏ وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذى‏ فَطَرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ، حَنيفاً

قائل مى‏شويد، بيزارم، من روى خود را به سوى كسى كردم كه آسمانها و زمين را آفريده است، من در

كليات مفاتيح نوين، ص: 1165

مُسْلِماً وَ ما ا نَا مِنَ الْمُشْرِكينَ، انَّ صَلاتى‏ وَنُسُكى‏ وَ مَحْياىَ وَ مَماتى‏ للَّهِ‏

ايمان خود خالص و مسلمانم و از مشركان نيستم، به يقين نماز و تمام عباداتم و زندگى و مرگم همه براى خداوند،

رَبِّ الْعالَمينَ، لا شَريكَ لَهُ، وَ بِذلِكَ امِرْتُ، وَ ا نَا مِنَ الْمُسْلِمينَ، اللَّهُمَ‏

پروردگار جهانيان است همتايى براى او نيست و به همين مأمور شده‏ام و من از مسلمانانم، خدايا

مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَاللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ‏

از جانب تو و براى توست، به نام خدا و به يارى خدا و خداوند بزرگتر از توصيف است، خدايا بر محمّد و آل پاكش‏

مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ\* و بجاى فلان بن فلان نام فرزند و پدرش را ببرد، درود فرست و از فلانى پسر فلانى (اين عقيقه را) بپذير.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

آنگاه آن را ذبح كند.[[1808]](#footnote-1808)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1169

بخش نهم: استخاره و آداب آن‏

مقدّمه: اهميّت استخاره وآداب آن‏

بسيار مى‏شود كه انسان براى انجام كار مهمّى متحيّر و سرگردان مى‏شود و مطالعه درباره جوانب آن، رفع تحيّر از او نمى‏كند؛ با افراد آگاه مشورت مى‏كند، ولى آنها نيز نظرات مختلفى دارند، و او همچنان در كار خود سرگردان مى‏ماند و اگر اين سرگردانى ادامه يابد خسارت‏هاى سنگينى دامن‏گير او خواهد شد. در اين گونه موارد، دستور استخاره داده شده است كه انسان طبق آداب ساده‏اى با خداوند بزرگ- به وسيله قرآن مجيد، يا تسبيح و مانند آن- مشورت كند و از ذات پاكش هدايت و راهنمايى به آنچه خير و صلاح اوست، بطلبد؛ به يقين خداوند نيز او را- طبق روايات صريحى كه داريم- راهنمايى خواهد كرد.

استخاره، نه تنها انسان را از حال تحيّر و سرگردانى- كه بدترين حالات است و مايه تلف شدن وقت و نيروى اوست- نجات مى‏بخشد، و او را با اراده و تصميم قوى و گام‏هاى استوار به سوى مقصد به حركت وا مى‏دارد؛ بلكه واقعاً نيز راهنما و راهگشا به سوى خيرات است و اين حقيقتى است كه در روايات اسلامى وارد شده، و ما خود بارها و بارها آزموده‏ايم كه استخاره‏ها گوئى معجزه مى‏كند.

گاه انسان براى كارى استخاره مى‏كند و مطابق آن، به سوى آن كار مى‏رود و ظاهراً نتيجه‏اى نمى‏گيرد؛ امّا بعد از ماه‏ها، يا سال‏ها، رمز عجيب آن استخاره را درمى‏يابد. به هر حال، استخاره را با پيشگويى نبايد اشتباه گرفت؛ بلكه استخاره خير و صلاح كار را از طريق درخواست از خداوند، به انسان نشان مى‏دهد.

نكته:

دو چيز را به هنگام استخاره نبايد فراموش كرد:

1- استخاره منحصر به جايى است كه مثبت يا منفى بودن كار بر انسان روشن نباشد، و با تفكّر و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1170

انديشه، و حتّى با مشورت كردن با افراد خبره و صاحب نظر نيز روشن نشود؛ اين‏جا، جاى استخاره است و در غير اين صورت استخاره كردن، اشتباه است.

2- از استخاره‏هاى مكرّر در يك چيز بايد پرهيز كرد (مگر اين‏كه فاصله قابل توجّهى بشود و يا اين‏كه شرايط تغيير كند.) در استخاره‏هاى مكرّر، همان استخاره اوّل معتبر است و بقيّه اعتبارى ندارد.

بايد انسان بعد از استخاره- با شرايطى كه در بالا گفته شد- ترديد نكند و به دنبال آن به راه بيفتد و از خدا خير و صلاح خويش را بطلبد و بر ذات پاك او توكّل كند، و مطمئن باشد نتيجه خواهد گرفت.

\*\*\*

معناى ديگر استخاره:

استخاره معناى ديگرى هم دارد كه در روايات اسلامى كراراً به آن اشاره شده است و آن طلب خير و سعادت از ذات پاك خداست.

يعنى به هنگام شروع در يك كار- حتّى كارهاى روشنى كه براى آن استخاره نكرده است- انسان از خداوند خير و سعادت خود را بخواهد (اصولًا استخاره به معناى طلب خير است) و با گفتن جمله «

أَسْتَخيرُاللَّهَ بِرَحْمَتِهِ»

(از رحمت الهى طلب خير و سعادت مى‏كنم)، به آن كار اقدام كند و مى‏تواند اين مطلب را به فارسى هم بگويد. به هر حال، استخاره به اين معنا طبق روايات اسلامى نيز، بسيار مفيد و مؤثّر است.

در روايتى از امام صادق عليه السلام مى‏خوانيم:

«مَا اسْتَخارَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلّا خارَ لَهُ‏

؛ هيچ بنده با ايمانى از خداوند طلب خير نكرد، مگر آن‏كه پروردگار سعادت او را فراهم ساخت».[[1809]](#footnote-1809) همچنين اميرمؤمنان عليه السلام به فرزندش امام حسن عليه السلام فرمود:

«وَأَكْثِرِ الْإِسْتِخارَةَ

؛ بسيار از خداوند طلب خير نما».[[1810]](#footnote-1810) در حديثى از امام صادق عليه السلام آمده است كه فرمود:

در سجده آخر نماز شب، از خداوند طلب خير نما و صد و يك مرتبه بگو: «

أَسْتَخِيرُاللَّهَ بِرَحْمَتِهِ‏

؛ از رحمت خداوند طلب خير و سعادت مى‏كنم».[[1811]](#footnote-1811) همچنين در سجده آخر نافله صبح نيز، استخاره به همين معنا وارد شده است.[[1812]](#footnote-1812)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1171

آداب استخاره:

در روايات اسلامى آداب ويژه‏اى براى استخاره به معناى معروف آن، ذكر شده؛ مانند وضو داشتن و رو به قبله بودن و حالت توجّه و ارتباط قلبى با خداوند داشتن و استغفار كردن به هنگام استخاره و مانند آن‏[[1813]](#footnote-1813) و اين امور، مطلوب و قطعاً مؤثّر است.

\*\*\*

انواع استخاره:

براى استخاره در روايات اسلامى و كلمات بزرگان علما، طُرقى ذكر شده است كه مى‏توان با هر كدام از اين شيوه‏ها استخاره كرد:

1- استخاره با قرآن‏

يكى از رايج‏ترين انواع استخاره، استخاره با قرآن است كه آن نيز به چند نحوه انجام مى‏شود:

اوّل: از رسول گرامى اسلام صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود:

«هرگاه خواستى به وسيله كتاب خدا استخاره كنى، ابتدا سه مرتبه سوره «اخلاص» (قل هو اللَّه ...) را بخوان، آنگاه سه بار بر محمّد و آلش صلوات بفرست و سپس اين دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ انّى‏ تَفَأَّلْتُ بِكِتابِكَ، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ، فَارِنى‏ مِنْ كِتابِكَ ما هُوَ

خدايا من به كتابت استخاره مى‏كنم، و بر تو توكل مى‏كنم، پس امور پوشيده از سِرّ محفوظ در

مَكْتُومٌ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ فى‏ غَيْبِكَ.

غيبت را از كتابت به من بنما.

سپس قرآن را بگشا و از صفحه اوّل سمت راست، سطر اوّل مقصود خودت را از خدا بخواه.[[1814]](#footnote-1814)

\*\*\*

دوم: مرحوم «سيّد بن طاووس» در كتاب «فتح‏الأبواب» نقل كرده است كه براى استخاره، قرآن را برمى‏دارى و نخست اين دعا را مى‏خوانى:

اللَّهُمَّ إِنْ كانَ فِي قَضائِكَ وَقَدَرِكَ، أَنْ تَمُنَّ عَلى‏ امَّةِ نَبِيِّكَ، بِظُهُورِ وَليِّكَ‏

خدايا اگر در قضا و قدرت مقدّر شده كه بر امّت پيامبرت به واسطه ظهور وليّت و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1172

وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، فَعَجِّلْ ذلِكَ وَسَهِّلْهُ وَيَسِّرْهُ وَكَمِّلْهُ، و اخْرِجْ لِي آيَةً

پسر دختر پيامبرت منت گذارى، پس در آن تعجيل كن و آن را آسان و راحت و كامل قرار ده، و برايم آيه‏اى‏

اسْتَدِلُّ بِها عَلى‏ أَمرٍ فَأَئْتَمِرَ، أوْ نَهْىٍ فَأَنْتَهي فِي عافِيَةٍ.

ظاهر كن كه مشتمل بر امرى باشد كه انجام دهم و يا نهيى كه از آن خوددارى كنم، در عافيت و سلامتى.

سپس حاجت و مشكل خود را عنوان مى‏كنى و آنگاه قرآن را مى‏گشايى، پس از آن هفت ورق مى‏زنى، در ورق هفتم، صفحه سمت چپ، هفت سطر را بشمار و در سطر هفتم مطلب خويش را از آن آيه، درياب.[[1815]](#footnote-1815) استخاره با قرآن به شيوه‏هاى ديگر نيز نقل شده است كه براى رعايت اختصار از ذكر همه آنها صرف‏نظر مى‏شود.[[1816]](#footnote-1816)

2- استخاره با تسبيح‏

اين نوع استخاره نيز شايع و معروف است، كه به چند شيوه انجام مى‏شود:

اوّل: علّامه مجلسى مى‏نويسد: از «شيخ بهايى» نقل شده است: از بزرگان و اساتيدم شنيدم كه اين دستورالعمل از حضرت ولىّ عصر عليه السلام درباره استخاره با تسبيح رسيده است. فرمود: «تسبيح را به دست (راست) مى‏گيرى و سه بار صلوات مى‏فرستى و آنگاه قسمتى از تسبيح را (با دست چپ) مى‏گيرى و دوتا دوتا رد مى‏كنى؛ اگر در پايان يك دانه باقى ماند، به معناى «إفعل» (انجام بده) است و اگر دو دانه باقى ماند، مفهوم آن «لاتفعل» (انجام نده) است.[[1817]](#footnote-1817)

\*\*\*

دوم: از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه فرمود: (به هنگام استخاره با تسبيح) نخست يك مرتبه سوره «حمد» را مى‏خوانى و آنگاه سه بار سوره «توحيد» (قل هو اللَّه ...) را و آنگاه پانزده مرتبه صلوات مى‏فرستى، سپس مى‏گويى:

اللَّهُمَّ إِنّى أسْئَلُكَ بِحَقِّ الْحُسَينِ وَجَدِّهِ وَأَبيه، وَ أُمِّهِ وَ أَخيهِ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ‏

خدايا به حقّ امام حسين و جدّ و پدر و مادر و برادر و امامان از

كليات مفاتيح نوين، ص: 1173

ذُرِّيَّتِهِ، أَنْ تُصَلِّىَ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أنْ تَجْعَلَ لِىَ الْخِيَرَةَ في‏

نسلش از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و خاندان پاك او درود فرستى و در اين استخاره با تسبيح برايم خير

هذِهِ السَّبْحَةِ، وَ أَنْ تُرِيَني ما هُوَ الْأَصْلَحُ لي في الدِّينِ وَالدُّنْيا، اللَّهُمَّ إنْ‏

قرار دهى و آنچه در دين و دنيايم شايسته‏تر است نشانم دهى، خدايا اگر

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1173**

كانَ الْأَصْلَحُ في دينى‏ وَدُنْيايَ، وَ عاجِلِ امْري وَ آجِلِهِ، فِعْلَ ما انَا عازِمٌ‏

آنچه تصميم بر انجام آن دارم به صلاح دين و دنيايم و امروز و فردايم است پس مرا (به انجام آن)

عَلَيْهِ، فَأْمُرْني، وَإلّا فَانْهَني، إنَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ.

فرمان ده، و گرنه مرا (از انجام آن) نهى كن، چرا كه تو بر هر چيز توانايى.

پس از آن، قسمتى از تسبيح را مى‏گيرى و آن را مى‏شمارى و با عدد اوّل مى‏گويى «

سُبْحانَ اللَّهِ‏

» و با عدد دوم مى‏گويى «

أَلْحَمْدُلِلَّهِ‏

» و با عدد سوم مى‏گويى «

لا إِلهَ الَّا اللَّهُ‏

» و به همين ترتيب پيش مى‏روى؛ در پايان اگر دانه آخر شمارش،

سُبحان اللَّه‏

بود، مخيّر ميان فعل و ترك هستى و اگر

أَلْحَمْدُللَّهِ‏

بود، نشانه امر است و آن را انجام مى‏دهى و اگر

لا إِلهَ الَّا اللَّهُ‏

بود، نهى است و آن را ترك مى‏كنى.[[1818]](#footnote-1818)

3- استخاره ذات الرّقاع‏

نحوه انجام «استخاره ذات الرّقاع»[[1819]](#footnote-1819) كه از امام صادق عليه السلام نقل شده، به اين گونه است كه هرگاه براى امور مهمّى بخواهى استخاره كنى، بدين شيوه عمل كن:

نخست شش قطعه كاغذ تهيه مى‏كنى و در سه قطعه آن مى‏نويسى:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، خِيَرَةً مِنَ اللَّهِ الْعَزيزِ الحَكيمِ، لِفُلانِ بنِ فُلانَة افْعَل‏

به نام خداوند بخشنده مهربان. اختيار و گزينشى است از جانب خداوند عزيز و حكيم براى فلانى فرزند فلانى‏

(و به جاى اين دو كلمه نام شخصى را كه براى او استخاره مى‏كنى و اسم مادرش را مى‏نويسى)؛ در سه ورقه ديگر همين را مى‏نويسى، ولى به جاى «إفعل» مى‏نويسى «لاتفعل»، آنگاه آن كاغذها را زير جانماز وسجّاده خود مى‏گذارى و دو ركعت نماز مى‏خوانى؛ پس از نماز به سجده مى‏روى و در سجده، صد مرتبه مى‏گويى:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1174

أَستَخيرُ اللَّهَ برَحْمَتِهِ، خِيَرَةً في عافِيَةٍ سپس مى‏نشينى و مى‏گويى: أللَّهُمَّ خِرْ

از رحمت الهى طلب خير و سعادت همراه با عافيت مى‏كنم\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا در همه‏

لي‏، وَاخْتَر لي‏ في‏ جَميعِ امُوري في يُسْرٍ وَ عافِيَةٍ

امور به آسانى و عافيت خودت (آنچه را كه صلاح است) برايم اختيار كن. آنگاه دست مى‏برى و آن ورقه‏ها را به هم مخلوط مى‏كنى و يكى يكى بيرون مى‏آورى؛ اگر سه تا از ورقه‏ها كه در آنها «إفعل» نوشته شده، پشت سر هم بيرون آيد، كارى را كه نيّت كرده‏اى انجام مى‏دهى (و بسيار خوب است)؛ و اگر سه تا «لا تفعل» خارج شد آن كار را انجام نمى‏دهى؛ ولى اگر يك بار «إفعل» و دفعه بعد «لا تفعل» بدست آمد، در اين صورت سه ورقه ديگر را بيرون بياور كه در مجموع پنج ورقه خارج شود، در اين صورت اگر سه تا «إفعل» بود و دو تا «لا تفعل» آن كار را انجام بده؛ ولى اگر بر عكس شد، انجام نده.[[1820]](#footnote-1820)

4- استخاره با الهام قلبى‏

مراد از «استخاره قلبى» آن است كه انسان با يك حالت توجّه و تضرّع با خداى خود مشورت مى‏كند و از او مى‏خواهد راه صحيح را به وى نشان دهد و پس از آن، هر چه را كه خداوند به قلب وى الهام كرد، انجام مى‏دهد.

در روايتى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه آن حضرت فرمود:

اگر به انجام كارى نياز دارى (و نمى‏دانى انجام آن خوب است، يا بد،) با خداوند مشورت كن. اگر خداوند انجام آن كار را به قلب تو انداخت، پيروى كن وگرنه انجام نده.[[1821]](#footnote-1821) شيوه اين استخاره به اين نحوست كه پس از نماز واجب، به سجده مى‏روى و صد مرتبه مى‏گويى:

«اللَّهُمَّ خِرْلي‏

؛ خدايا تو براى من (آنچه را به صلاحم مى‏باشد) اختيار كن» سپس به ما اهل‏بيت عليهم السلام متوسّل مى‏شوى، و ما را شفيع قرار مى‏دهى؛ پس از آن به قلبت توجّه كن، بنگر چه چيزى به تو الهام مى‏شود؛ همان را انجام بده.[[1822]](#footnote-1822) همچنين در روايت معتبرى مى‏خوانيم كه دو نفر از ياران امام على بن موسى الرّضا عليهما السلام مى‏خواستند به مسافرت «مصر» بروند، از آن حضرت پرسيدند: مصلحت آن است كه از راه دريا برويم يا از راه خشكى؟

حضرت فرمود: «در غير وقت نماز واجب به مسجد مى‏روى، دو ركعت نماز مى‏خوانى، سپس يك صد

كليات مفاتيح نوين، ص: 1175

مرتبه مى‏گويى: «

أَسْتَخيرُ اللَّهَ‏

» آنگاه به قلب خويش مى‏نگرى هر چيز به قلبت افتاد، به همان عمل مى‏كنى».[[1823]](#footnote-1823) در اين زمينه روايات متعدّد ديگرى نيز نقل شده است.

بديهى است اينگونه استخاره با توجه به مورد روايات- كه سؤال از امر مهم و گاه خطرناكى است- مربوط به موضوعات پراهميّت است، نه براى موضوعات كوچك.

يادآورى‏ها:

1- «استخاره» را هر كسى مى‏تواند با آداب و شرايطى كه بيان شد، براى خودش انجام دهد، كه به تصريح برخى از بزرگان همين نيز اولى و انسب است،[[1824]](#footnote-1824) چرا كه هر كس با حالت توجّه و نيازى كه دارد، خلوص بيشترى پيدا مى‏كند و ارتباط ويژه‏اى با حضرت حق- جلّ و علا- برقرار مى‏نمايد و خداوند مهربان نيز، راه حل را به وى نشان خواهد داد.

امّا مى‏توان به ديگرى نيز نيابت داد كه از طرف او استخاره كند؛ به ويژه اگر آن شخص، از برجستگى‏هاى علمى و عملى و تقوا نيز برخوردار باشد.

2- مرحوم محدّث قمى در «مفاتيح الجنان» از برخى كتب براى استخاره به قرآن مجيد در ايّام هفته ساعاتى را نقل كرده است، ولى چون تصريح دارد كه براى اين مطلب، حديثى از اهل بيت عليهم السلام وارد نشده است، ما از ذكر آن خوددارى مى‏كنيم؛ هر چند معتقديم استخاره در ايّام با فضيلت و مكان‏هاى مقدّس، بهتر است؛ ولى به هر حال، مى‏توان در هر وقت كه انسان نياز و اضطرار پيدا كرد، با خداى خود مشورت كند و با استخاره، مشكل خويش را حل نمايد و از سرگردانى رهايى يابد.

3- «استخاره» را با «فال» نبايد اشتباه كرد. بسيار ديده شده كه افراد پيشنهاد مى‏كنند كه براى ما استخاره كنيد آيا در فلان كار موفق خواهيم شد يا نه؟ آيا فلان حاجت ما روا مى‏گردد يا نه؟ آنها استخاره را به پيشگويى از آينده اشتباه مى‏گيرند.

استخاره فقط براى اين است كه اگر در انجام كارى ترديد داريم و با مشورت و مطالعه حل نشد، براى تصميم‏گيرى استخاره كنيم. گويى با خداوند مشورت مى‏نماييم.

4- بعضى از افراد در استخاره كردن چنان زياده روى مى‏كنند كه براى هر امر كوچك و بزرگى به سراغ استخاره مى‏روند و عملًا گرفتار يك نوع وسواس و وابستگى شديد مى‏شوند، به گونه‏اى كه اقدام به هيچ كارى بدون استخاره براى آنها ميسّر نيست.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1176

اين امر سبب مى‏شود كه استقلال فكر و انديشه آنها تضعيف گردد و قدرت انتخاب و اعتماد به نفس را از دست بدهند و عقل و خرد را كه يك نعمت بزرگ الهى است و چراغ فروزان پروردگار در درون جان انسان است مورد بى‏توجّهى قرار دهند.

از اين امر بايد جدّاً پرهيز كرد و استخاره را منحصر به مواردى كرد كه در بالا گفتيم. يعنى در آنجا كه به راستى انسان حيران و سرگردان مى‏شود؛ نه مى‏تواند با انديشه خود تصميم بگيرد و نه مشاوران راه روشنى پيش پاى او مى‏گذارند.

5- بعضى از ناآگاهان در اعتبار اسناد استخاره ترديد مى‏كنند، در حالى كه ادلّه معتبرى براى آن وجود دارد كه براى توضيح بيشتر به كتاب «القواعد الفقهيه» جلد 1، ذيل قاعده قرعه مراجعه كنيد.

6- آخرين نكته اينكه: بى‏شكّ عمل به استخاره واجب نيست، ولى سزاوار است انسان يا استخاره نكند يا هر گاه استخاره كرد با توكّل بر خدا به آن عمل كند و ترديد به خود راه ندهد؛ با گام‏هاى استوار به سوى هدف پيش رود كه مطمئنّاً نتيجه مثبت آن را خواهد ديد و همان‏گونه كه در آغاز بحث گفته‏ايم ما اين موضوع را شخصاً بارها و بارها آزموده‏ايم.

\*\*\*

كليات مفاتيح نوين، ص: 1179

بخش دهم: احكام و آداب مربوط به مردگان‏

مقدّمه: پايان زندگى دنيا و سفر به سوى آخرت‏

انسان- هر كه باشد و هر قدر عمر طولانى كند- بالأخره در اين جهان مسافر و ميهمان است و دير يا زود بايد مرغ روحش اين قفس را بشكند و از اين جهان پرواز كند و به ديار باقى بشتابد؛ جايى كه انسان نتيجه تمام اعمال خود را، در آن جا خواهد يافت و با آن خواهد بود (

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ\* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ‏

).[[1825]](#footnote-1825) اميد آن‏كه همه ما با دست پر از حسنات و گناهان آمرزيده شده، از اين جهان چشم بربنديم، و در جوار رحمت پروردگار در نهايت آرامش قرار گيريم و بر بساط قرب او گام نهيم.

مرگ براى نيكوكاران و پاكان نه تنها وحشتناك نيست، بلكه دريچه‏اى است به جهانى مملوّ از نور و روشنايى و خوشبختى؛ ولى براى آلودگان و ستمگران و دنياپرستان گنهكار، غم‏انگيز و وحشتناك است، چرا كه براى آنان، سرآغاز بدبختى و سيه‏روزى و گرفتارى در ميان آتشى كه شعله‏هاى آن را با دست خود افروخته‏اند، مى‏باشد.

بنابراين، بهترين راه براى اين‏كه انسان هرگز از مرگ نترسد و شجاعانه با آن روبه‏رو شود و از آن زيان نبيند، اين است كه همواره لوح دل را با آب توبه از آلودگى گناه بشويد و با صيقل اعمال صالحه، زنگار معصيت را بزدايد و چنان پاك باشد كه به گفته مولاى متّقيان على عليه السلام: «

فَوَاللَّهِ ما أُبالِي دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَىَّ»[[1826]](#footnote-1826)

براى او تفاوتى نكند كه او به سراغ مرگ برود، يا مرگ به سوى او آيد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1180

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مرگ اگر مرد است گو نزد من آى‏ |  | تا در آغوشش بگيرم تنگ تنگ! |
| من از او جانى ستانم جاودان‏ |  | او زمن دلقى ستاند رنگ رنگ! |
|  |  |  |

با اين مقدّمه كوتاه و با استمداد از لطف حق به سراغ مطالب اين بخش مى‏رويم.

1- عبرت گرفتن از مردگان‏

اين مسأله به تجربه رسيده است كه هر زمان غم و اندوه بر قلب انسان چيره شد، زيارت اهل قبور[[1827]](#footnote-1827) (براى فاتحه و طلب آمرزش آنان) غم را از دل مى‏زدايد؛ چرا كه غم و اندوه‏هاى مردم، غالباً به سبب امور مادّى است، لذا هنگامى كه انسان جاى آرامگاه ابدى را مى‏بيند و مى‏داند كه:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر كه باشى و به هر جا برسى‏ |  | آخرين منزل هستى اين است! |
|  |  |  |

و مشاهده مى‏كند خيل عظيمى از پيشينيان از فقير و ثروتمند، ضعيف و قدرتمند همه آنها، همه چيز را گذاشته، تنها يك كفن با خود برده‏اند؛ و در زير خاك‏ها آرميده‏اند، به اشتباه خود پى مى‏برد و درمى‏يابد كه تمام غم و اندوه‏هاى وى بيهوده است و با كمى انديشه و تفكّر، بار اندوه و غم از او برداشته مى‏شود.

چه خوش مى‏گويد آن شاعر باصفا:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زنده دلى در صف افسردگان‏ |  | رفت به همسايگى مردگان‏ |
| حرفِ فنا خواند ز هر لوح پاك‏ |  | روح بقا جست ز هر روح پاك‏ |
| كارشناسى پى تفتيش حال‏ |  | كرد از او بر سرِ راهى سؤال‏ |
| كاين همه از زنده رميدن چرا؟ |  | رخت سوى مرده كشيدن چرا؟ |
| گفت پليدان به مغاك اندرند |  | پاك نهادان ته خاك اندرند |
| مرده دلانند به روىِ زمين‏ |  | بهرِ چه با مرده شوم همنشين؟ |
| همدمى مرده دهد مردگى‏ |  | صحبت افسرده دل افسردگى! |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زير گِل آنان كه پراكنده‏اند |  | گرچه به تن مرده، به دل زنده‏اند |
| مرده دلى بود مرا پيش از اين‏ |  | بسته هر چون و چرا پيش از اين‏ |
| زنده شدم از نظر پاكشان‏ |  | آب حيات است مرا خاكشان! |
|  |  |  |

2- چگونه براى سفر آخرت آماده شويم؟

بر هر مسلمانى لازم است- در عين تلاش و كوشش براى حيات آبرومند- هميشه خود را براى سفر

كليات مفاتيح نوين، ص: 1181

آخرت و انتقال به سراى ابدى آماده سازد، چرا كه مرگ خبر نمى‏دهد. بنابراين، بايد از گناهان توبه و حقوقى را كه بر ذمّه دارد- اعمّ از حقوق خدا و خلق- ادا نمايد؛ مخصوصاً كسانى كه آثار مرگ را در خود مشاهده مى‏كنند و يا به سنّ پيرى مى‏رسند، لازم است بيش از ديگران، اين امور را رعايت نمايند.

همچنين اگر كسى را آزار داده، يا حقّ كسى را ضايع ساخته، آبروى مسلمانى را برده و از كسى بدگويى نموده و امثال اين امور، لازم است، جبران نمايد و از صاحبان حق، حلّيت بطلبد و آنان را راضى نمايد؛ زيرا پس از مرگ، راهى براى جبران ندارد و فرياد و التماس او براى بازگشت به دنيا و جبران اين امور، بى‏فايده است.

حتّى سزاوار است كفنش را آماده داشته باشد و بداند كه در نهايت آنچه را كه از مال دنيا با خود مى‏برد، همين چند قطعه پارچه ساده است! امام صادق عليه السلام فرمود: «هر كس كفنش در خانه‏اش با او باشد، از غافلان نخواهد بود و هر زمان كه به آن كفن نگاه كند، براى او حسنه نوشته مى‏شود!».[[1828]](#footnote-1828) همچنين مناسب است كه وصيّت كند، به خصوص نسبت به ثلث اموالش براى رسيدگى به فقرا و مستمندان- به ويژه خويشان نيازمند- و كارهاى خير ديگر (زيرا اگر وصيّت به ثلث نكند، ورثه در برابر آن مسئول نيستند) و اگر نماز و روزه قضا و يا كفّاراتى بر عهده دارد كه نمى‏تواند انجام دهد، وصيّت نمايد كه از آن اموال، براى اين امور استفاده نمايند.

اگر فرزندان كوچكى دارد، براى آنان سرپرستِ امينى قرار دهد.

مرحوم «شيخ طوسى» فرموده است: مستحب است براى انسان كه وصيّت كند و نسبت به آن بى‏توجّهى ننمايد؛ زيرا روايت شده است كه «سزاوار است براى انسان شب را به صبح نياورد، مگر آن‏كه وصيّتش زير سرش (و كنار بسترش) باشد».

شيخ طوسى مى‏افزايد: از رسول اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود: «هر كس به هنگام مرگش وصيّت خوبى نكند، نشانه كاستى در عقل و مروّت او است». پرسيدند: چگونه بايد وصيّت كرد فرمود: «وقتى كه نزديك است مرگش فرا رسد و مردم نزد او جمع شدند (مقدّمتاً)، بگويد:

اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ، عالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ، الرَّحْمنَ‏

اى خداى پديد آورنده آسمانها و زمين و داناى پنهان و آشكار و بخشاينده‏

الرَّحيمَ، انّى‏ اعْهَدُ الَيْكَ انّى‏ اشْهَدُ انْ لاالهَ الَّا انْتَ، وَحْدَكَ لاشَريكَ لَكَ،

مهربان، من با تو پيمان‏مى‏بندم و گواهى مى‏دهم كه معبودى جز تو نيست و يگانه‏اى و همتايى براى تو نمى‏باشد

كليات مفاتيح نوين، ص: 1182

وَانَّ مُحَمَّداً صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ انَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ

و همانا محمّد كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بنده و فرستاده توست، و قيامت‏

لارَيْبَ فيها، وَ انَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِى الْقُبُورِ، وَانَّ الْحِسابَ حَقٌّ، وَ انَّ الْجَنَّةَ

بى شك خواهد آمد و تو مردگان را بر مى‏انگيزانى، و (گواهى مى‏دهم كه) محاسبه اعمال و بهشت‏

حَقٌّ، وَ ما وَعَدْتَ فيها مِنَ النَّعيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَ النِّكاحِ حَقٌّ،

حق است و آنچه از خوردنى‏ها و آشاميدنيها و ازدواج كه وعده فرموده‏اى حق است‏

وَ انَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ انَّ الْإيمانَ حَقٌّ، وَ انَّ الدّينَ كَما وَصَفْتَ، وَانَّ الْإِسْلامَ‏

و دوزخ و ايمان حق است، و دين همان است كه توصيف نمودى. و اسلام همان است كه‏

كَما شَرَعْتَ، وَ انَّ الْقَوْلَ كَما قُلْتَ، وَ انَّ الْقُرآنَ كَما انْزَلْتَ، وَ انَّكَ انْتَ اللَّهُ‏

تشريع نمودى و سخن همان است كه تو گفتى و قرآن همان است كه نازل فرمودى و به راستى تو همان خداى‏

الْحَقُّ الْمُبينُ، وَ انّى‏ اعْهَدُ الَيْكَ فى‏ دارِ الدُّنْيا، انّى‏ رَضيتُ بِكَ رَبّاً،

بر حق و آشكارى و خدايا در دنيا با تو پيمان مى‏بندم كه خشنودم به پروردگاريت‏

وَبِاْلإِسْلامِ ديناً، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً، وَبِعَلِىٍّ وَلِيّاً، وَبِالْقُرْآنِ‏

و دين اسلام و پيامبرى محمّد- كه درود خدا بر او و خاندانش باد- و امامت على و كتاب (آسمانى) قرآن‏

كِتاباً، وَ انَّ اهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ائِمَّتى‏، اللَّهُمَّ انْتَ ثِقَتى‏

و اين كه خاندان پيامبرت- كه درود خدا بر او و بر ايشان باد- امامان منند، خدايا تويى تكيه گاهم‏

عِنْدَ شِدَّتى‏، وَ رَجائى‏ عِنْدَ كُرْبَتى‏، وَعُدَّتى‏ عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتى‏ تَنْزِلُ بى‏،

در سختى و اميدم در گرفتارى و ذخيره‏ام در آنچه بر من پيش مى‏آيد،

فَانْتَ وَلِيّى‏ فى‏ نِعْمَتى‏، وَ الهى‏ وَ الهُ آبائى‏، صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

پس تويى صاحب اختيار در نعمتم و معبود من و پدرانم، بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست‏

وَلاتَكِلْنى‏ الى‏ نَفْسى‏ طَرْفَةَ عَيْنٍ ابَداً، وانِسْ فى‏ قَبْرى‏ وَحْشَتى‏، وَاجْعَلْ‏

و به اندازه چشم بر هم زدنى به خودم وامگذار، و در قبرم همنشين وحشتم باش‏

لى‏ عِنْدَكَ عَهْدَاً يَوْمَ الْقاكَ مَنْشُوراً.

و برايم در روز ديدارت پيمانى گسترده در نزدت قرار ده.

رسول خدا صلى الله عليه و آله در ادامه فرمود: «اين عهد و پيمان ميّت است با خدا، در روزى كه مى‏خواهد، وصيّت كند

كليات مفاتيح نوين، ص: 1183

و وصيّت بر هر مسلمانى لازم است».[[1829]](#footnote-1829) (سپس وصيّت‏هاى خود را بگويد).

بايد توجّه داشته باشد بيش از ثلث اموال خود وصيّت نكند، زيرا شرعاً نافذ نيست، مگر آن كه همه ورثه رضايت دهند كه بيش از ثلث وصيّت كند و محروم كردن بعضى از ورثه نيز جايز نمى‏باشد؛ زيرا دو سوم باقيمانده مال، طبق قانون ارث تقسيم مى‏شود؛ ولى مى‏تواند تا حدّ يك سوم اموالش را براى افرادى كه نياز بيشترى دارند يا مورد توجّه اوست وصيّت كند.

3- بر بالين محتضر

هنگام احتضار و جان دادن، زمانِ بسيار مشكل و در عين حال حسّاسى است. در آن هنگام، بايد محتضر را به امورى توجّه داد؛ و او را تنها نگذاشت.

توبه، توجّه به خدا، ايمان به لطف او، اداى حقوق واجبه مردم و خداوند را، به او تذكّر دهند.

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏نويسد: «وقتى كه آثار احتضار آشكار شود، محتضر اين دعا را به طور مكرّر بخواند: «

اللَّهُمَ اغْفِرْ لِىَ‏الْكَثيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ اقْبَلْ مِنِّى الْيَسيرَ مِنْ طاعَتِكَ‏

؛ خداوندا! گناهان زياد مرا ببخش و طاعت‏هاى اندك مرا قبول فرما». تا اين‏كه جان دادن بر او آسان گردد.

در اين حالت خويشان و فرزندان نبايد او را تنها بگذارند، نزد او باشند و دعا و قرآن بخوانند؛ مخصوصاً سوره‏هاى «يس» و «صافّات» را.

همچنين، اعتقاد به توحيد و صفات جمال و جلال خداوند و اقرار به رسالت رسول خدا صلى الله عليه و آله و امامت ائمّه اطهار عليهم السلام و اعتقاد به معاد و بهشت و دوزخ، و ساير اعتقادات را براى او بازگو نمايند و به وى تلقين كنند ... و كلمه «

لا الهَ الَّا اللَّهُ»

را بسيار به او تلقين نمايند و او نيز بگويد؛ زيرا در حديث معتبرى آمده است كه هر كس سخن آخر او «

لا الهَ الَّا اللَّهُ‏

» باشد، داخل بهشت مى‏شود.

پاى محتضر را به سوى قبله برگردانند، تا فرشتگان رحمت، به او روى آورند.

در حديث معتبرى آمده است كه اگر بر ميّت قبض روح دشوار باشد، او را به مكانى كه در آن نماز مى‏گزارد، ببرند و او را در جايگاه نمازش بگذارند، تا قبض روح بر او آسان گردد.

به هنگام احتضار، چيز سنگينى بر بدن محتضر نگذارند.

در حديث صحيح از امام باقر عليه السلام نقل شده است: هرگاه كسى را در وقت جان دادن، مشاهده كرديد، اين كلمات فَرَج را به او تلقين كنيد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1184

لا الهَ الَّا اللَّهُ الْحَليمُ الْكَريمُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ الْعَلِىُّ الْعَظيمُ، سُبْحانَ اللَّهِ رَبِ‏

معبودى جز خداى بردبار و بزرگوار نيست، معبودى جز خداى برتر و با عظمت نيست، پاك و منزّه است خداوندى كه پروردگار

السَّمواتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرَضينَ السَّبْعِ، وَ ما فيهِنَّ وَ ما بَيْنَهُنَّ وَ رَبِ‏

آسمانهاى هفت گانه و زمينهاى هفت گانه، و آنچه در آنها و ميان آنهاست و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

عرش با عظمت است و ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است.

همچنين سنّت است براى آسانى قبض روح، اين دعا را به محتضر تلقين نمايند:

يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ، اقْبَلْ مِنِّى‏ الْيَسيرَ، وَاعْفُ عَنِّى‏

اى كه (عمل) اندك را پذيرفته و از (گناه) فراوان درمى‏گذرى، اين (عمل) كم را از من بپذير و از (گناه)

الْكَثيرَ، انَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ.

فراوانم درگذر چرا كه تو بسيار آمرزنده و مهربانى.

مرحوم «علّامه مجلسى» در ادامه مى‏افزايد: «سنّت است وقتى كه محتضر جان داد، دهانش را بر هم گذارند و چانه‏اش را ببندند و چشمهايش را برهم آورند و دستهايش را بر پهلوهايش بكشند (تا منظره چهره و بدن او بدنما نباشد) و او را با پارچه‏اى بپوشانند و نزد او قرآن بخوانند».[[1830]](#footnote-1830)

4- آداب كفن و دفن و نماز اموات‏

وقتى مسلمانى از دنيا رفت، مؤمنين براى تجهيز و فراهم ساختن مقدّمات دفن وى اقدام كنند.

نخست مؤمنان را با خبر سازند، تا براى تشييع جنازه و احترام او و نماز بر وى حاضر شوند.

امام صادق عليه السلام فرمود: «سزاوار است كه برادران مؤمن را اطلاع دهند تا بر جنازه وى حاضر شوند و بر او نماز بگزارند و براى او استغفار كنند، تا هم ميّت و هم حاضران ثواب ببرند».[[1831]](#footnote-1831) در اين‏جا توجّه به چند موضوع لازم است:

اوّل: غسل ميّت‏

بايد ميّت را سه غسل داد:

1- غسل با آب سدر؛ 2- غسل با آب كافور؛ 3- غسل با آب خالص.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1185

بايد براى هر غسلى نيّت قربة الى اللَّه بكنند و به ترتيب، نخست با آب مخلوط به سدر، ميّت را غسل مى‏دهند، آنگاه ظرف را مى‏شويند تا اثر سدر برود سپس با آب مخلوط به كافور، وى را غسل مى‏دهند. باز هم ظرف را كاملًا مى‏شويند تا اثر كافور نباشد، آنگاه در مرتبه سوم، ميّت را با آب خالص غسل مى‏دهند.

پس از پايان غسل، ميّت را با پارچه و حوله‏اى تميز، خشك كنند.[[1832]](#footnote-1832) شخص غسل‏دهنده نيز، پس از پايان كار، بايد غسل «مسّ ميّت» كند، مگر اين‏كه با دستكش و مانند آن غسل داده باشد.

دوم: كفن كردن‏

واجب است كه ميّت را با سه پارچه كفن كنند:

اوّل: لنگ است كه از ناف تا زانو را مى‏پوشاند و بهتر است كه از سينه تا روى پا برسد

دوم: پيراهن است كه از سرِ شانه تا نصف ساق و تمام اطراف بدن را مى‏پوشاند.

سوم: پارچه‏اى بلند، به نام سرتاسرى است كه همه بدن را مى‏پوشاند به گونه‏اى كه بستن دو سر آن ممكن باشد و پهناى آن به اندازه‏اى باشد كه يك طرف آن روى طرف ديگر قرار گيرد.[[1833]](#footnote-1833) سوم: حنوط

پس از پايان غسل، واجب است ميّت را «حَنوط» كنند؛ يعنى به محل‏هاى هفت‏گانه سجده (پيشانى، كف دست‏ها، سر زانوها و سرِدو انگشت بزرگ پاها) كافور بمالند، و احتياط آن است كه مقدارى كافور روى اين اعضا بگذارند.[[1834]](#footnote-1834) پس از غسل و كفن و حنوط، ميّت را براى نماز ببرند.

چهارم: نماز ميّت‏

بر مسلمانان لازم است وقتى خبر مرگ مسلمانى را شنيدند، براى نماز او حاضر شوند و اين واجب، واجب كفايى است يعنى اگر يك نفر يا گروهى انجام دهند، از بقيّه ساقط مى‏شود. غسل و كفن و دفن او نيز واجب كفايى مى‏باشد.

واجب است بر هر ميّت مسلمان و شيعه، كه بالغ باشد، نماز ميّت بخوانند و بنابر احتياط واجب، بر بچّه نابالغ كه كمتر از شش سال نداشته باشد، نيز نماز بخوانند.

سزاوارترين افراد، براى نماز بر ميّت، وارث او است و شوهر نسبت به همسرش از ديگران اولى‏ است (و اگر ديگران مى‏خوانند از آنها اجازه بگيرند). واجب است نمازگزار، نماز را رو به قبله بخواند، و سر جنازه به‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1186

سمت راست و پاى او به سمت چپ نمازگزار باشد، و ميّت را بر پشت بخوابانند.

در نماز ميّت طهارت شرط نيست؛ يعنى پاك بودن بدن و لباس و داشتن وضو يا غسل و تيمّم، لازم نيست ولى بهتر است اين امور رعايت شود.

مستحب است، اگر ميّت مرد است، امام جماعت يا كسى كه فرادى بر او نماز مى‏خواند روبه‏روى وسط قامت او بايستد و اگر ميّت زن است مقابل سينه‏اش قرار گيرد، و مستحب است كه پابرهنه نماز بخوانند؛ مثلًا پا را از كفش درآورند و روى كفش بگذارند[[1835]](#footnote-1835) (و امور ديگرى كه در توضيح‏المسائل آمده است).

دستور نماز ميّت:

نماز ميّت پنج تكبير دارد و اگر نمازگزار پنج تكبير را به اين ترتيب بگويد، كافى است.

بعد از نيّت و گفتن تكبير اوّل بگويد:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ. و بعد از تكبير دوم بگويد:

گواهى مى‏دهم كه معبودى جز خدا نيست و گواهى مى‏دهم كه محمّد فرستاده خداست.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. و بعد از تكبير سوم بگويد: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا

لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ. و بعد از تكبير چهارم بگويد: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهذَا الْمَيِّتِ. سپس‏ زنان و مردان با ايمان را بيامرز.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا اين ميّت را بيامرز.\*\*

تكبير پنجم را بگويد. ولى بهتر آن است كه بعد از نيّت و تكبير اوّل بگويد: اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* گواهى مى‏دهم كه معبودى جز

اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، ارْسَلَهُ بِالْحَقِ‏

خدا نيست، يگانه است و شريكى ندارد و گواهى مى‏دهم كه محمّد بنده و فرستاده اوست كه او را به حق براى‏

بَشيراً وَ نَذيراً بَيْنَ يَدَىِ السَّاعَةِ\* بعد از تكبير دوم بگويد: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏

بشارت و بيم پيش از قيامت فرستاد.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِكْ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً

محمّد و خاندان پاكش درود فرست و بر محمّد و خاندان پاكش بركت ده و بر محمّد و خاندانش رحم كن،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1187

وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَافْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلى‏ ابْراهيمَ وَ آلِ‏

مانند برترين درود و بركت و رحمتى كه بر ابراهيم و خاندانش‏

ابْراهيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، وَ صَلِّ عَلى‏ جَميعِ الْأَنْبِيآءِ وَالْمُرْسَلينَ‏

فرستاده‏اى، چرا كه تو ستوده و شايسته ستايشى، و بر تمامى پيامبران و فرستادگانت درود فرست‏

\* بعد از تكبير سوم بگويد: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَالْمُسْلِمينَ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا مردان و زنان با ايمان و مسلمان را بيامرز،

وَالْمُسْلِماتِ، الْأَحْيآءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ، تابِعْ بَيْنَنا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْراتِ،

زندگان و مردگانشان را، و ميان ما و ايشان را به وسيله نيكى‏ها پيوند ده،

انَّكَ مُجيبُ الدَّعَواتِ، انَّكَ عَلى‏ كُلِّ شَىْ‏ءٍ قَديرٌ\* بعد از تكبير چهارم بگويد:

كه تو اجابت كننده خواسته‏هايى و بر هر چيز توانايى.\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اللَّهُمَّ انَّ هذا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ امَتِكَ، نَزَلَ بِكَ، وَ انْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ‏

خدايا اين بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند كنيز توست، كه نزد تو آمده، و تو بهترين ميزبانى،

بِهِ، اللَّهُمَّ انَّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ الَّا خَيْراً، وَ انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنَّا، اللَّهُمَّ انْ كانَ مُحْسِناً

خدايا ما جز خير و نيكى از او سراغ نداريم و تو از ما به او آگاهترى خدايا اگر نيكوكار است‏

فَزِدْ فى‏ احْسانِهِ، وَ انْ كانَ مُسيئاً فَتَجاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ‏

بر نيكى‏اش بيافزا و اگر گنهكار است از او درگذر و او را بيامرز، خدايا او را در

عِنْدَكَ فى‏ اعْلا عِلِّيّينَ، وَاخْلُفْ عَلى‏ اهْلِهِ فِى الْغابِرينَ، وَارْحَمْهُ‏

اعلا عليّين نزد خود جاى ده، و در ميان بازماندگان براى خانواده‏اش جانشين باش، و به مهربانيت بر او

بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ\* سپس بگويد: اللَّهُ اكْبَرُ و نماز را تمام كند.

رحم كن اى مهربانترين مهربانان\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدا بزرگتر است (از همه چيز)\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اگر ميّت زن باشد بعد از تكبير چهارم بگويد: اللَّهُمَّ انَّ هذِهِ امَتُكَ، وَابْنَةُ عَبْدِكَ، وَابْنَةُ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا اين كنيز توست و دختر بنده تو

أَمَتِكَ، نَزَلَتْ بِكَ، وَانْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ، اللَّهُمَّ انَّا لا نَعْلَمُ مِنْها الَّا خَيْراً،

و كنيز توست كه نزدت آمده، و تو بهترين ميزبانى، خدايا ما جز خير و نيكى از او نمى‏دانيم،

وَانْتَ اعْلَمُ بِها مِنَّا، اللَّهُمَّ انْ‏كانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فى‏ احْسانِها، وَ انْ‏كانَتْ‏

و تو از ما به او آگاهترى خدايا اگر نيكوكار است در نيكى‏اش بيافزا و اگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 1188

مُسيئَةً فَتَجاوَزْ عَنْها وَاغْفِرْ لَها، اللَّهُمَّ اجْعَلْها عِنْدَكَ فى‏ اعْلا عِلِّييّنَ،

گنهكار است از او درگذر و او را بيامرز خدايا او را در اعلا عليّين نزد خود جاى ده،

وَاخْلُفْ عَلى‏ اهْلِها فِى الْغابِرينَ، وَارْحَمْها بِرَحْمَتِكَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ.

و براى بازماندگانش در ميان خانواده او جانشين باش، و به مهربانيت بر او رحم كن اى مهربانترين مهربانان.

واگر ميّت مستضعف است يعنى وضع ايمان او درست معلوم نيست بگويد: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا آنان را كه‏

لِلَّذينَ تابُوا وَاتَّبَعُوا سَبيلَكَ، وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحيمِ.

توبه كردند و از راه تو پيروى نمودند بيامرز و آنها را از عذاب دوزخ نگاه دار.

و اگر ميّت طفل نابالغ باشد، بگويد: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَ لَنا سَلَفاً وَ فَرَطاً وَ اجْراً.[[1836]](#footnote-1836)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا او را براى پدر و مادرش و براى ما از پيش فرستاده و پيشى گيرنده و سبب پاداش قرار ده.

مستحب است كه بر جاى خود بايستد، تا جنازه را بردارند، خصوصاً امام جماعت‏[[1837]](#footnote-1837) و در روايتى وارد شده است كه بعد از فراغت از نماز بگويد: رَبَّنا آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِى الْأخِرَةِ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* پروردگارا به ما در دنيا نيكى عطا كن و در آخرت نيز نيكى مرحمت فرما

حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ.[[1838]](#footnote-1838)

و ما را از عذاب آتش نگاه دار.

پنجم: دفن ميّت‏

هنگامى كه جنازه را به سوى قبر حركت مى‏دهند، مستحب است آن را در چند قدمى بر زمين بگذارند و تا سه مرتبه او را تدريجاً به قبر نزديك كنند و در دفعه چهارم وارد قبر كنند (تا روح ميّت آمادگى پيدا كند).

ميّت را بايد طورى دفن كنند كه بوى او بيرون نيايد و درندگان هم به او دسترسى پيدا نكنند و مستحب است قبر را به اندازه قامت انسان متوسط، گود كنند. اگر ميّت مرد است مستحب است او را از طرف سر وارد قبر كنند و اگر زن است، از طرف عرض بدن و به هنگام وارد كردن او، پارچه‏اى روى قبر بگيرند.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1189

مستحب است وقتى ميّت را نزديك قبر مى‏گذارند گفته شود: اللَّهُمَّ عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا بنده و فرزند بنده‏

وَابْنُ أَمَتِكَ، نَزَلَ بِكَ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ.

و فرزند كنيزت نزدت آمده و تو بهترين ميزبانى.

و اگر ميّت زن است، بگويد: اللَّهُمَّ أَمَتُكَ، ابْنَةُ عَبْدِكَ، وَ ابْنَةُ أَمَتِكَ، نَزَلَتْ بِكَ،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا كنيزت و دختر بنده و دختر كنيزت نزدت آمده‏

وَانْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ.

و تو بهترين ميزبانى.

وقتى كه ميّت را برمى‏دارند كه به سوى قبر ببرند، بگويند: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ عَلى‏ مِلَّةِ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* به نام خدا و به يارى خدا و بر دين‏

رَسُولِ‏اللَّهِ صَلَّى‏اللَّهُ عَلَيْهِ‏وَآلِهِ، اللَّهُمَّ الى‏ رَحْمَتِكَ‏لاإلى‏ عَذابِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ‏

رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد-، خدايا به سوى رحمتت، نه به سوى عذابت، (او را ببر) خدايا

لَهُ في‏ قَبْرِهِ، وَ لَقِّنْهُ حُجَّتَهُ، وَ ثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ، وَ قِنا وَ إِيَّاهُ عَذابَ الْقَبْرِ.

براى او در قبرش گشايش قرار ده و عقائدش را به او تلقين كن و او را بر گفتار ثابت راسخ بدار و ما و او را از عذاب قبر نگهدار.

(در صورتى كه ميّت زن باشد، ضميرها را مؤنث آورند).

پس از آن‏كه ميّت را داخل قبر گذاشتند، مستحب است گره كفن را باز كنند و صورت ميّت را روى خاك بگذارند و بالشى از خاك، زير سر او قرار دهند، همچنين مستحب است، مقدارى از تربت امام حسين عليه السلام همراه او در قبر بگذارند.[[1839]](#footnote-1839)

5- تلقين ميّت‏

پيش از آن‏كه لحد را بپوشانند، مستحب است دست راست را به شانه ميّت بزنند و او را حركت دهند و سه مرتبه بگويند:

اسْمَعْ افْهَمْ، يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ‏

(به جاى فلان بن فلان، نام ميّت و نام پدرش را ببرند) و اگر ميّت زن است بگويند

اسْمَعي، افْهَمي يا فُلانَةَ بِنْتَ فُلانٍ.

سپس به ترتيب زير، او را به عقايد حقّه اسلامى تلقين دهند:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1190

هَلْ انْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذى‏ فارَقْتَنا عَلَيْهِ مِنْ شَهادَةِ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ‏

آيا تو بر پيمانى كه بر آن از ما جدا شدى هستى (بر) گواهى اين كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه‏

لا شَريكَ لَهُ، وَ انَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، عَبْدُهُ وَ رسُولُهُ، وَ سَيِّدُ

همتايى ندارد و اين كه محمّد- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- بنده و فرستاده او و سرور

النَبِّييّنَ، وَ خاتَمُ الْمُرْسَلينَ، وَ انَّ عَلِيّاً اميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ،

پيامبران و آخرين فرستادگان است، و اين كه على اميرمؤمنان و سرور اوصيا

وَامامٌ افْتَرَضَ اللَّهُ طاعَتَهُ عَلَى الْعالَمينَ، وَ انَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَ عَلِىَ‏

و امامى است كه خدا اطاعتش را بر جهانيان واجب نموده است و اين كه امام حسن و امام حسين و على‏

بْنَ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

بن حسين و محمّد بن على و جعفر بن محمّد و موسى بن جعفر

وَعَلِىَّ بْنَ مُوسى‏، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِىٍّ، وَعَلِىَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِىٍّ،

و على بن موسى و محمّد بن على و على بن محمّد و حسن بن على‏

وَالْقآئِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِىَّ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ائِمَّةُ الْمُؤْمِنينَ، وَحُجَجُ اللَّهِ‏

و حضرت مهدى- كه درود خدا بر ايشان باد- پيشوايان مؤمنان و حجّتهاى خدا

عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعينَ، وَ ائِمَّتُكَ ائِمَّةُ هُدَىً ابْرارٌ، يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ، اذا

بر تمامى مخلوقاتند و پيشوايان تو پيشوايان هدايت و نيكوكارند، اى فلان پسر فلان، زمانى‏

اتاكَ الْمَلَكانِ الْمُقَرَّبانِ، رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِاللَّهِ تَبارَكَ وَ تعالى‏، وَ سَئَلاكَ‏

كه دو فرشته مقرّب، فرستادگان خداى متعال نزد تو آمده و از تو درباره‏

عَنْ رَبِّكَ، وَ عَنْ نَبِيِّكَ، وَ عَنْ دينِكَ، وَ عَنْ كِتابِكَ، وَ عَنْ قِبْلَتِكَ، وَ عَنْ‏

خدا و پيامبر و دين و كتاب و قبله و

ائِمَّتِكَ، فَلا تَخَفْ وَ قُلْ فى‏ جَوابِهِما، اللَّهُ جَلَّ جَلالُهُ رَبّى‏، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى‏

امامانت پرسيدند، نترس و در جوابشان بگو: خداى با عظمت پروردگارم و محمّد- كه درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيّى‏، وَالْإِسْلامُ دينى‏، وَالْقُرْآنُ كِتابى‏، وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتى‏،

خدا بر او و خاندانش باد- پيامبرم و اسلام دينم و قرآن كتابم و كعبه قبله‏ام و

وَاميرُالْمُؤْمِنينَ عَلِىُّ بْنُ ابيطالِبٍ امامى‏، وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِىٍّ الْمُجْتَبى‏

اميرمؤمنان على بن ابيطالب امامم و حسن بن على مجتبى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1191

امامى‏، وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِىٍّ الشَّهيدُ بِكَرْبَلاءَ امامى‏، وَ عَلِىٌّ زَيْنُ الْعابِدينَ‏

امامم و حسين بن على شهيد در كربلا امامم؛ و على زين العابدين‏

امامى‏، وَ مُحَمَّدٌ باقِرُ عِلْمِ النَّبِيّينَ امامى‏، وَ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ امامى‏،

امامم و محمّد باقر شكافنده علوم پيامبران امامم و جعفر صادق امامم‏

وَمُوسَى الْكاظِمُ امامى‏، وَ عَلىٌّ الرِّضا امامى‏، وَ مُحَمَّدٌ الْجَوادُ امامى‏،

و موسى كاظم امامم و على الرضا امامم و محمّد جواد امامم‏

وَعَلِىٌّ الْهادى‏ امامى‏، وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرىُّ امامى‏، وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ

و على الهادى امامم و حسن عسگرى امامم و حجّت منتظر

امامى‏، هؤُلاءِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اجْمَعينَ ائِمَّتى‏، وَ سادَتى‏ وَقادَتى‏

امامم است، اينها- كه درود خدا بر همه آنان باد- امامان من و آقا و پيشوا

وَشُفَعآئى‏، بِهِمْ اتَوَلّى‏، وَمِنْ اعْدآئِهِمْ اتَبَرَّءُ فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، ثُمَّ اعْلَمْ يا

و شفيعان من هستند، به ايشان رو كرده و در دنيا و آخرت از دشمنان آنها بيزارى مى‏جويم، سپس بدان اى‏

فُلانَ بْنَ فُلانٍ، انَّ اللَّهَ تَبارَكَ وَ تَعالى‏ نِعْمَ الرَّبُّ، وَ انَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّه‏

فلان پسر فلان كه خداوند متعال پروردگار خوبى است و اين كه محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ، وَ انَّ اميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلِىَّ بْنَ ابى‏ طالِبٍ،

بر او و خاندان پاكش باد- پيامبر خوبى است و اين كه اميرمؤمنان على بن ابى طالب‏

وَاوْلادَهُ الْأئِمَّةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْأَئِمَّةُ، وَ انَّ ما جآءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ‏

و يازده امام از فرزندانش امامانى شايسته‏اند و اين كه آنچه محمّد- كه درود خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ، وَ انَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَ سُؤالَ مُنْكَرٍ وَ نَكيرٍ فِى الْقَبْرِ حَقٌّ،

بر او و خاندان پاكش باد- آورده، حق است و اين كه مرگ حق است و سؤال منكر و نكير در قبر حق است‏

وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَالنُّشُورَ حَقٌّ، وَالصِّراطَ حَقٌّ، وَالْميزانَ حَقٌّ، وَ تَطايُرَ

و برانگيخته شدن حق است و زنده شدن دوباره حق است، و پل صراط حق است و ميزان حق است و پراكنده شدن‏

الْكُتُبِ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ انَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لارَيْبَ فيها،

نامه‏هاى اعمال حق است، و بهشت حق است و دوزخ حق است و اين كه قيامت خواهد آمد و شكّى در آن نيست‏

وَانَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِى الْقُبُورِ\* سپس بگويد: افَهِمْتَ يا فُلانُ.

و خداوند آنان كه در گورند بر مى‏انگيزد\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* آيا فهميدى اى فلان.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1192

در حديث آمده است كه ميّت در جواب مى‏گويد: بلى فهميدم. آنگاه بگويد: ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ‏

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدا تو را بر گفتار

الثَّابِتِ، هَداكَ اللَّهُ الى‏ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اوْلِيائِكَ فى‏

ثابت پايدار بدارد، خداوند تو را به راه راست هدايت نمايد، خداوند تو را با اوليايت در

مُسْتَقَرّ مِنْ رَحْمَتِهِ\* و در پايان بگويد: اللَّهُمَّ جافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ،

جايگاهى از رحمتش آشنا كند\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* خدايا زمين را از دو پهلويش دور كن‏ [/ قبرش را فراخ گردان‏]،

وَاصْعَدْ بِرُوحِهِ الَيْكَ، وَلَقِّهِ مِنْكَ بُرْهاناً، اللَّهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ‏ (و اگر ميّت زن‏ و روحش را به درگاهت بالا ببر و از جانب خودت دليل را به او نشان ده، خدايا عفو تو، عفو تو. (را خواهانم).\*\*\*\*\*\*\*\*

است، در همه اين موارد ضميرها را مؤنّث بياورد).

پس از آن خشت لحد را بچينند و قبر را به صورت مربع مستطيل بسازند و مى‏توانند به اندازه چهار انگشت از زمين بلند كنند و نشانه‏اى روى آن بگذارند كه شناخته شود و روى قبر آب بپاشند وبعد از پاشيدن آب، كسانى كه حاضرند دست‏ها رابر قبر بگذارند و انگشت‏ها را باز كرده، در خاك فرو برند و هفت مرتبه سوره «انّا انزلناه» را بخوانند و براى ميّت طلب آمرزش كنند.

پس از آن، اين دعا را بخوانند:

اللهُمَّ جافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ، وَ اصْعَدْ الَيْكَ رُوحَهُ، وَلَقِّهِ مِنْكَ‏

خدايا زمين را از دو پهلويش دور كن‏ [/ قبرش را فراخ گردان‏]، و روحش را به درگاهت بالا ببر، و از جانب خودت‏

رِضْواناً، وَاسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ ما تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ.

خشنوديت را به او نشان ده و از رحمتت به اندازه‏اى كه از رحمت غير تو بى نياز شود در قبرش قرار ده.

(و اگر ميّت زن است، ضميرها را مؤنث بخوانند)

مستحب است كه ولىّ ميّت، بعد از آن‏كه مردم برگشتند كنار قبر ميّت، نزد سر او بنشيند و با صداى بلند آن تلقين را كه ذكر شد، بار ديگر بخواند، كه در روايات آمده است، وقتى اين تلقين را بخوانند فرشتگان مأمور سؤال بر او آسان مى‏گيرند.[[1840]](#footnote-1840)

6- نماز ليلة الدّفن (نماز وحشت)

مستحب است در شب اوّل قبر، دو ركعت نماز وحشت براى ميّت بخوانند، به اين ترتيب كه در ركعت‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1193

اوّل بعد از حمد، يك مرتبه «آيةالكرسى» و در ركعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره «انّا انزلناه» و بعد از سلامِ نماز بگويد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوابَهُما إلى‏ قَبْرِ فُلانٍ»

خدايا بر محمّد و خاندان پاكش درود فرست و ثواب اين دو ركعت را به قبر فلانى برسان.

(و به جاى كلمه فلان، اسم ميّت را ببرد).[[1841]](#footnote-1841) «نماز وحشت» را در هر موقع از شب اوّل قبر مى‏توان بجا آورد، ولى مناسبت‏تر است در اوّل شب، بعد از نماز عشا باشد و اگر دفن ميّت به علّتى تأخير بيفتد، بايد نماز وحشت را تا شب اوّل دفن او تأخير اندازد.[[1842]](#footnote-1842)

7- تسليت به بازماندگان‏

تسلّى بازماندگان و همدردى با صاحبان عزا از اصول انسانى و اسلامى به شمار مى‏رود. كسى كه عزيزى را از دست داده، وقتى حضور مردم در مراسم مختلف و تسليت آنان را ببيند، اندوه و آلامش كاسته مى‏شود؛ به همين دليل، در روايات اسلامى نسبت به اين امر تأكيد فراوان شده است.

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏نويسد: مستحب است صاحبان عزا را تسليت گفته و آنها را به صبر و شكيبايى دعوت كرد، چه قبل از دفن ميّت و چه بعد از آن، و بعد از دفن، مورد تأكيد بيشترى است؛ كمترين چيز در تسليت آن است كه نزد مصيبت‏ديده بروند تا آنها را ببيند و آرام گيرد.

در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله آمده است: «هر كس اندوهگينى را دعوت به صبر كند، در قيامت خداوند او را از لباس‏هاى زيباى بهشتى بپوشاند، و هر كس مصيبت‏زده‏اى را به صبر و شكيبايى دعوت كند، خداوند پاداش آن صاحب مصيبت را به وى كرامت كند، بى آن‏كه از اجر صاحب مصيبت چيزى كاسته شود».

همچنين مستحب است تا سه روز، ديگران- مخصوصاً همسايگان- براى اهل خانه ميّت كه عزادارند، غذا بفرستند.[[1843]](#footnote-1843) متأسّفانه در عصر ما قضيّه برعكس شده و گروه‏هاى زيادى از مردم، انتظار دارند عزاداران از آنها پذيرايى كنند، و گاه مخارج هنگفتى بر آنان تحميل مى‏شود و مصيبت آنها را افزون مى‏كند؛ چه خوب است اين بدعت‏ها ترك شود.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1194

8- صبر بر مصيبت و مراسم سوگوارى‏

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏نويسد: «لازم است مصيبت‏ديدگان، در مصيبت صبر كنند، و به قضاى الهى راضى باشند، و بدانند كه خداوند صابران را پاداش فراوانى عنايت مى‏فرمايد. مستحب است بسيار بگويند:

«إنَّا لِلَّهِ وَإنَّا إلَيْهِ راجِعُونَ»

، تا گناهانش آمرزيده شود» (و مفهوم آيه كه «همه چيز حتّى خود ما، از خداييم و به سوى او باز مى‏گرديم»، روح را آرامش مى‏بخشد).

در روايتى با سند معتبر مى‏خوانيم: هركس مصيبتى را به‏خاطر آورد- اگر چه مدّتى از آن گذشته باشد- و بگويد:

إنَّا لِلَّهِ وَ إنَّا إلَيْهِ راجِعُونَ، وَ الْحَمدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، اللَّهُمَّ اْجُرْني‏ عَلى‏

ما از خداييم و به سوى او باز مى‏گرديم و ستايش ويژه پروردگار جهانيان است. خدايا بر اين‏

مُصيبَتي‏، وَ اخْلُفْ عَلَىَّ أفْضَلَ مِنْها، پاداش آن مصيبت به او داده خواهد شد».[[1844]](#footnote-1844) مصيبت مرا پاداش ده و بهتر از آن را برايم جانشين قرار ده\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

به خصوص، صبر كردن بر مصيبت از دست دادن فرزند بسيار سفارش شده است و به گفته «علّامه مجلسى» رحمه الله در حديث معتبرى آمده است: «هر كس فرزندش از دنيا برود و بر آن صبر و شكيبايى كند، براى‏او بهتر است از آن‏كه فرزندان زيادى از وى بمانند و در راه خدا جهاد نمايند!».

و روايت شده است: «پاداش مؤمن به خاطر از دست دادن فرزندش بهشت است ...».[[1845]](#footnote-1845) مناسب است انسان به هنگام مصيبت، به ياد مصائب اهل بيت عليهم السلام و پيشوايان بزرگ بيفتد و به ياد مظلوميّت آنان اشك بريزد كه به يقين پاداشى مضاعف خواهد داشت و در ضمن به آرامش نيز مى‏رسد.

در احاديث معتبرى آمده است كه: «به هر كس مصيبتى رسد، مصيبت و مشكلات رسول خدا صلى الله عليه و آله را به ياد آورد كه مصيبت‏هاى او، از دشوارترين مصائب مى‏باشد»[[1846]](#footnote-1846) و در هر مصيبتى فكر كند كه ممكن بود از آن مهمتر واقع شود، و واقع نشده، و خدا را بر آن شكر گويد.

در روايت معتبرى از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه آن حضرت به هنگام مصيبت اين دعا را مى‏خواندند:

الْحَمْدُللَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِيني، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ

حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه مصيبت را در دينم قرار نداد، و حمد و سپاس مخصوص خداوندى است كه اگر

كليات مفاتيح نوين، ص: 1195

شاءَ جَعَلَ مُصِيبَتي أَعْظَمَ مِمَّا كانَتْ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْأَمْرِ الَّذِي شاءَ

مى‏خواست مصيبتم را بزرگتر از آن كه بود قرار مى‏داد، و حمد و سپاس مخصوص خداوند است بر آنچه اراده‏

أَنْ يَكُونَ فَكانَ.[[1847]](#footnote-1847)

انجام آن كرد و انجام شد.

براى عزادارى بر اموات، نبايد بازماندگان مرتكب كارهاى خلاف شرع گردند و يا در هزينه‏ها دچار اسراف شوند.

مناسب است، مراسم عزادارى و مجلس فاتحه، ساده برگزار شود و از آن هزينه‏ها، براى انجام امور خير و پرداخت كفّارات و ديون ميّت و نماز و روزه او- اگر نماز و روزه قضا دارد- مصرف كنند.

همچنين از حركات ناپسند به هنگام ندبه و گريه و عزادارى براى ميّت، پرهيز نمايند و با گذاشتن دستگاه‏هاى صوتى قوى، براى مردم و همسايگان مزاحمت ايجاد نكنند.

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏گويد: «مشهور آن است كه به هنگام عزادارى- جز در مرگ پدر و برادر- جامه دريدن و پاره كردن يقه، جايز نيست، و همچنين جايز نيست، انسان در مرگ كسى صورت و بدن خود را بخراشد و مو از سر و صورت بكند».[[1848]](#footnote-1848) اگر مرد در مرگ زن، يا فرزند، لباس خود را پاره كند، يا زن در عزاى ميّت، صورت خود را بخراشد، به طورى كه خون بيايد، يا موى خود را بكند، بنابر احتياط واجب، بايد كفّاره‏اى مانند كفّاره قسم بدهد، يعنى ده فقير را اطعام كند و يا آنها را با لباسى بپوشاند و اگر نتواند، سه روز روزه بگيرد؛ بلكه اگر خون هم نيايد نيز، به اين دستور عمل نمايد.[[1849]](#footnote-1849) گريه و ندبه براى ميّت جايز است، ولى نوحه‏سرايى او بايد بحقّ باشد و در ذكر اوصاف ميّت مبالغه نكند و دروغ نگويد. البتّه بجاست كه به عيوب ميّت اشاره نشود.[[1850]](#footnote-1850) به هر حال، ندبه و گريه- كه از عواطف انسانى سرچشمه مى‏گيرد- جايز، بلكه پسنديده است؛ ولى در هر حال، نبايد از اعتدال خارج شود يا به گناه آلوده گردد، بلكه با صبر و شكيبايى و توجّه به مسأله مرگ، كه روزى دامان همه ما را خواهد گرفت، و آمادگى براى حسابرسى الهى، علاوه بر دريافت پاداش «صابران»، به خود سازى و تهذيب نفس بپردازد، و گرد و غبار غفلت را- كه سبب انواع گناهان است- از روح و جانش بزدايد و توجّه‏اش را به خدا بيشتر كند.

از خداوند بزرگ مى‏خواهيم كه عاقبت همه ما را ختم به خير فرمايد و مرگ را آغاز آرامش و آسايش ما قرار دهد.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1196

9- خيرات براى اموات‏

سزاوار است بازماندگان، اموات خويش را فراموش نكنند؛ زيرا آنان دستشان از اعمال خير كوتاه است‏و لذا به احسان و دعاى فرزندان و خويشان و دوستان مؤمن خود، نيازمندند.

مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏فرمايد: مخصوصاً دعا كردن براى آنان در نماز شب و بعد از نمازهاى فريضه و در مكان‏هاى زيارتى خوب است و براى پدر و مادر بايد بيشتر دعا كرد و اعمال خير براى آنان بجا آورد.

عمده خيرات براى پدر و مادر، اداى قرض آنان و اداى حقوق خدا و خلق از جانب آنان است.[[1851]](#footnote-1851) در روايتى آمده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: براى مردگان خود هديه بفرستيد! گفتند: هديه براى آنان چيست؟ فرمود: صدقه و دعا.[[1852]](#footnote-1852) همچنين فرمود: ارواح مؤمنان هر جمعه، به آسمان دنيا در برابر خانه‏ها و منزل‏هاى خود مى‏آيند و با صداى غمناكى ندا مى‏دهند كه اى خانواده ما، اى فرزندان ما و اى پدر و مادر و خويشان ما! به ما مهربانى كنيد؛ از اموالى كه در دست ما بود (و اكنون در اختيار شماست) با دادن درهمى و قرص نانى و جامه‏اى نسبت به ما ترحّم آوريد، كه خداوند شما را از جامه بهشت بپوشاند!

رسول خدا صلى الله عليه و آله كه اين جملات را فرمود گريه كرد و صحابه نيز همراه او گريستند ....[[1853]](#footnote-1853) همچنين آن حضرت فرمود: هر صدقه‏اى كه براى ميّت داده مى‏شود، فرشته‏اى آن را به مانند طبقى از نور مى‏گيرد و به كنار قبر مى‏آورد و مى‏گويد: «

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ الْقُبُورِ

» اين هديه را خانواده شما براى شما فرستاده‏اند. آنگاه آن ميّت اين هديه را تحويل مى‏گيرد و وارد قبرش مى‏كند كه همين سبب فراخى قبرش (و آسايش و آسودگى او) مى‏گردد.[[1854]](#footnote-1854) مرحوم «علّامه مجلسى» مى‏فرمايد: «در حديث صحيحى آمده است كه امام صادق عليه السلام در هر شب براى فرزند خود و در هر روز، براى پدر و مادر خود، دو ركعت نماز مى‏خواندند (و به‏روح آنان هديه مى‏كردند) در ركعت اوّل سوره «

انّا انزلناه‏

» و در ركعت دوم سوره «

كوثر

» را مى‏خواندند».[[1855]](#footnote-1855) نكته قابل توجّه آن است كه انجام كارهاى خير، جهت اموات براى كسانى كه آن را انجام مى‏دهند نيز ثواب و پاداش فراوان دارد.

امام صادق عليه السلام فرمود: ثواب اعمال خير، براى كسى كه براى مردگان انجام مى‏دهد، براى او و براى آن مرده، هر دو نوشته مى‏شود.[[1856]](#footnote-1856)

كليات مفاتيح نوين، ص: 1197

توضيحى درباره حديث كِسا

اصل حديث كِسا ميان شيعه و اهل سنّت بسيار مشهور و معروف است و جاى هيچ گونه ترديدى نيست كه رسول خدا صلى الله عليه و آله در منزل حضرت زهرا عليها السلام، و يا در خانه خودش زير پارچه‏اى شبيه عبا قرار گرفت و حضرت على و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسين عليهم السلام را زير آن جاى داد و از آنان به عظمت و بزرگى ياد نمود و آن جمع را مصداق آيه «

«انَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً»؛

همانا خداوند مى‏خواهد پليدى و گناه را از شما اهل‏بيت دور كند و كاملًا شما را پاك سازد» معرّفى كرد.[[1857]](#footnote-1857) آنچه در اينجا به عنوان حديث كِسا نقل مى‏شود، حديث مشروح و مفصلى است كه برابر روايتى، خواندن آن به اين نحو، داراى پاداش و آثار و بركات فراوانى است. و در ذيل آن آمده است: «در هر محفلى كه شيعيان و علاقمندان ما اين حديث را بخوانند، رحمت الهى بر آنان نازل مى‏شود، فرشتگان براى آنها استغفار مى‏كنند، اندوهِ غم‏زدگان برطرف مى‏شود و حاجات روا خواهد شد».

اين حديث نخستين بار در كتاب «منتخب طريحى» (متوفّاى 1085) از علماى قرن يازدهم آمده است. محدّث بزرگوار مرحوم حاج شيخ عباس قمى در منتهى الآمال، در شرح زندگانى امام حسين عليه السلام پس از بيان اين نكته كه «حديث اجتماع خمسه طيبه عليهم السلام» تحت كِسا از احاديث متواتره است، مى‏نويسد: «اما حديث معروف به حديث كسا كه در زمان ما شايع است، به اين كيفيّت در كتب معتبر و معروف و اصول حديث و مجامع متقنه محدّثين ديده نشده، مى‏توان گفت از خصايص كتاب «منتخب» است».

از اين رو، جناب ايشان آن را در مفاتيح الجنان نياورده است و ناشران برخلاف ميل آن بزرگوار آن را در پايان مفاتيح اضافه كرده‏اند.

پس از كتاب «منتخب»، اين حديث در كتاب «عوالم» آمده است. صاحب كتاب عوالم (شيخ عبداللَّه بحرانى) از شاگردان مرحوم علّامه مجلسى و از علماى قرن دوازدهم است. در اين كتاب براى اين حديث سندى ذكر كرده است كه از جهاتى جاى تأمل دارد:

كليات مفاتيح نوين، ص: 1198

الف) سند اين حديث مطابق نسخه خطى موجود در كتابخانه يزد، در متن كتاب نبوده است، بلكه در حاشيه آن آمده است و خط آن نيز با خطّ متن كه دست خطّ صاحب عوالم است، متفاوت مى‏باشد.

ب) برخى از افراد سلسله سند، حدود هشتاد سال با يكديگر فاصله دارند كه قاعدتاً يكى از آنها نمى‏تواند از ديگرى نقل حديث نمايد.

ج) بعضى از افراد اين سند در كتب رجالى توثيق نشده‏اند.

ولى از آنجا كه محتواى حديث اشكال خاصّى ندارد و بعضى از علما به قرائت آن اهميّت مى‏دادند و با توجه به «احاديث من بلغ» مى‏توان آن را به «قصد رجا» و به اميد برآورده شدن حاجات خواند. اين حديث مطابق نقل «عوالم» چنين است:[[1858]](#footnote-1858) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

عَنْ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ عَلَيْهَا السَّلامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

(جابر) از فاطمه زهرا- كه درود خدا بر او باد- دختر رسول خدا- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- (روايت كرده)

قالَ سَمِعْتُ فاطِمَةَ انَّها قالَتْ: دَخَلَ عَلَىَّ ابى‏ رَسُولُ‏اللَّهِ فى‏بَعْضِ الْأَيَّامِ،

و گفت: شنيدم كه حضرت فاطمه فرمود: پدرم رسول خدا روزى از روزها بر من وارد شد

فَقالَ السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ، فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلامُ، قالَ انّى‏ اجِدُ فى‏

و فرمود: سلام بر تو اى فاطمه، پس گفتم: بر تو سلام باد، فرمود: من در بدنم‏

بَدَنى‏ ضُعْفاً، فَقُلْتُ لَهُ اعيذُكَ بِاللَّهِ يا ابَتاهُ مِنَ الضُّعْفِ، فَقَالَ يا فاطِمَةُ

احساس ضعف مى‏كنم، به ايشان گفتم، اى پدر! تو را از ضعف در پناه خدا قرار مى‏دهم، پس فرمود: اى فاطمه،

ايتينى‏ بِالْكِسآءِ الْيَمانى‏ فَغَطّينى‏ بِهِ، فَاتَيْتُهُ بِالْكِسآءِ الْيَمانى‏ فَغَطَّيْتُهُ بِهِ،

كسا و عباى يمنى را برايم بياور و مرا با آن بپوشان، پس من كساى يمنى را آورده و ايشان را با آن پوشاندم،

وَصِرْتُ انْظُرُ الَيْهِ، وَاذاوَجْهُهُ يَتَلَأْلَؤُ، كَانَّهُ الْبَدْرُفى‏ لَيْلَةِ تَمامِهِ وَكَمالِهِ،

و پيوسته به او نگاه مى‏كردم و در اين هنگام صورتش مى‏درخشيد همانند قرص ماه كامل در شب چهاردهم،

فَما كانَتْ الَّا ساعَةً، وَاذا بِوَلَدِىَ الْحَسَنِ قَدْاقْبَلَ، وَقالَ السَّلامُ عَلَيْكِ يا

پس ساعتى نگذشته بود كه فرزندم حسن داخل شد و گفت سلام بر تو اى‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1199

امَّاهُ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلامُ‏يا قُرَّةَ عَيْنى‏ وَثَمَرَةَ فُؤادى‏، فَقالَ يا امَّاهُ، انّى‏

مادرم گفتم: و بر تو سلام باد اى نور چشمم و ميوه دلم، گفت: اى مادرم، من‏

اشَمُّ عِنْدَكِ رآئِحَةً طَيِّبَةً، كَانَّها رآئِحَةُ جَدّى‏ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، انَ‏

نزد تو بوى خوشى استشمام مى‏كنم، گويا بوى جدّم رسول خداست، گفتم: آرى،

جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسآءِ، فَاقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسآءِ، وَقالَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا

جدّت زير كساست، پس حسن به سوى كسا رفته و گفت: سلام بر تو اى‏

جَدَّاهُ يا رَسُولَ اللَّهِ، اتَاْذَنُ لى‏ انْ ادْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسآءِ، فَقالَ‏

جدّم، اى رسول خدا، آيا به من اجازه مى‏دهيد كه همراه تو در زير كسا باشم، فرمود:

وَعَلَيْكَ السَّلامُ يا وَلَدى‏، وَيا صاحِبَ حَوْضى‏، قَدْ اذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ‏

و بر تو سلام باد اى فرزندم و اى صاحب حوض كوثر من، به تو اجازه دادم حسن همراه او

تَحْتَ الْكِسآءِ، فَما كانَتْ الَّا ساعَةً وَاذا بِوَلَدِىَ الْحُسَيْنِ قَدْ اقْبَلَ، وَقالَ‏

زير كسا داخل شد، ساعتى نگذشته بود كه فرزندم حسين داخل شد، و گفت:

السَّلامُ عَلَيْكِ يا امَّاهُ، فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلامُ يا وَلَدى‏، وَيا قُرَّةَ عَيْنى‏،

سلام بر تو اى مادر، گفتم؛ و بر تو سلام باد اى فرزندم و اى نور چشمم‏

وَثَمَرَةَ فُؤادى‏، فَقالَ لى‏ يا امَّاهُ، انّى‏ اشَمُّ عِنْدَكِ رآئِحَةً طَيِّبَةً كَانَّها رآئِحَةُ

و ميوه دلم گفت: اى مادرم، من نزد تو بوى خوشى استشمام مى‏كنم، گويا بوى‏

جَدّى‏ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، انَّ جَدَّكَ وَاخاكَ تَحْتَ‏

جدم رسول خداست- كه درود خدا بر او و خاندان پاكش باد- گفتم: آرى همانا جدّ و برادرت زير

الْكِسآءِ، فَدَنَى الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسآءِ، وَقالَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا جَدَّاهُ،

كسا هستند، سپس حسين به كسا نزديك شد و گفت: سلام بر تو اى جدّم،

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنِ اخْتارَهُ اللَّهُ، اتَاْذَنُ لى‏ انْ اكُونَ مَعَكُما تَحْتَ الْكِسآءِ،

سلام بر تو، اى كه خدا او را برگزيده است، آيا به من اجازه مى‏دهى كه همراه تو در زير كسا باشم،

فَقالَ وَ عَلَيْكَ السَّلامُ يا وَلَدى‏، وَ يا شافِعَ امَّتى‏، قَدْ اذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ‏

فرمود: و بر تو سلام باد اى فرزندم و اى شفاعت كننده امّتم، به تو اجازه دادم‏

مَعَهُما تَحْتَ الْكِسآءِ، فَاقْبَلَ عِنْدَ ذلِكَ ابُوالْحَسَنِ عَلِىُّ بْنُ ابى‏ طالِبٍ،

حسين با ايشان در زير كسا داخل شد، در اين هنگام ابوالحسن على بن ابيطالب وارد شد

كليات مفاتيح نوين، ص: 1200

وَقالَ السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلامُ يا

و فرمود سلام بر تو اى دختر رسول خدا گفتم: و بر تو باد سلام اى‏

ابَاالْحَسَنِ، وَ يا اميرَالْمُؤْمِنينَ، فَقالَ يا فاطِمَةُ، انّى‏ اشَمُّ عِنْدَكِ رائِحَةً

ابا الحسن و اى امير مؤمنان، فرمود: اى فاطمه، من نزد تو بوى خوشى استشمام مى‏كنم،

طَيِّبَةً، كَانَّها رآئِحَةُ اخى‏ وَابْنِ عَمّى‏ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، ها هُوَ مَعَ‏

گويا بوى برادر و پسر عمويم رسول خداست، گفتم: آرى او به همراه‏

وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسآءِ، فَاقْبَلَ عَلِىٌّ نَحْوَ الْكِسآءِ، وَقالَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا

دو فرزندت زير كسا هستند، على به طرف كسا رفت و گفت: سلام بر تو اى‏

رَسُولَ اللَّهِ، اتَاْذَنُ لى‏ انْ اكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسآءِ، قالَ لَهُ وَعَلَيْكَ‏

رسول خدا، آيا اجازه مى‏دهى كه همراه شما در زير كسا باشم به او فرمود: و بر تو

السَّلامُ، يا اخى‏، يا وَصِيّى‏، وَخَليفَتى‏، وَصاحِبَ لِوآئى‏، قَدْ اذِنْتُ لَكَ،

سلام باد اى برادرم، اى وصى و جانشين و پرچمدارم، به تو اجازه دادم‏

فَدَخَلَ عَلِىٌّ تَحْتَ الْكِسآءِ، ثُمَّ اتَيْتُ نَحْوَ الْكِسآءِ، وَقُلْتُ السَّلامُ عَلَيْكَ‏

پس على زير كسا داخل شد، سپس من به طرف كسا رفتم و گفتم: سلام بر تو

يا ابَتاهُ يا رَسُولَ اللَّهِ، اتَاْذَنُ لى‏ ان اكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسآءِ، قالَ‏

اى پدرم اى رسول خدا، آيا اجازه مى‏دهى كه من نيز همراه شما زير كسا باشم، فرمود:

وَعَلَيْكِ السَّلامُ يا بِنْتى‏، وَيا بَضْعَتى‏، قَدْ اذِنْتُ لَكِ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ‏

و بر تو سلام باد؛ اى دخترم و اى پاره تنم، به تو اجازه دادم، پس زير كسا داخل شدم،

الْكِسآءِ، فَلَمَّا اكْتَمَلْنا جَميعاً تَحْتَ الْكِسآءِ، اخَذَ ابى‏ رَسُولُ اللَّهِ بِطَرَفَىِ‏

هنگامى كه همه در زير كسا جمع شديم، پدرم رسول خدا دو طرف‏

الْكِسآءِ، وَ اوْمَئَ بِيَدِهِ الْيُمْنى‏ الَى السَّمآءِ، وَقالَ اللَّهُمَّ انَّ هؤُلاءِ اهْلُ‏

كسا را گرفته و با دست راستش به آسمان اشاره كرده و فرمود: خدايا اينها خانواده‏

بَيْتى‏، وَخآصَّتى‏ وَحآمَّتى‏، لَحْمُهُمْ لَحْمى‏، وَدَمُهُمْ دَمى‏، يُؤْلِمُنى‏ ما

و نزديكان و همنشينان منند، گوشتشان از گوشت من و خونشان از خون من است، آنچه ايشان را آزار دهد

يُؤْلِمُهُمْ، وَيَحْزُنُنى‏ ما يَحْزُنُهُمْ، انَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَهُمْ، وَسِلْمٌ لِمَنْ‏

مرا مى‏آزارد و آنچه ايشان را غمگين مى‏كند، مرا غمگين مى‏كند، در جنگم با آن كه با آنان در جنگ است و در صلحم با آن كه‏

كليات مفاتيح نوين، ص: 1201

سالَمَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُمْ، وَ مُحِبٌّ لِمَنْ احَبَّهُمْ، انَّهُمْ مِنّى‏ وَ انَا مِنْهُمْ،

با ايشان در صلح است و دشمنم با آن كه با ايشان دشمن است و دوست دارم كسى كه آنان را دوست دارد، ايشان از من و من از ايشانم،

فَاجْعَلْ صَلَواتِكَ وَ بَرَكاتِكَ، وَ رَحْمَتَكَ وَ غُفْرانَكَ وَ رِضْوانَكَ، عَلَىَ‏

پس درود و بركات و رحمتت و آمرزش و خشنوديت را بر من و آنها قرار ده،

وَعَلَيْهِمْ، وَ اذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهيراً، فَقالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يا

و پليدى را از ايشان دور كن و آنها را به طور كامل پاك گردان، خداوند عزيز و گرامى فرمود: اى‏

مَلائِكَتى‏، وَ يا سُكَّانَ سَمواتى‏، انّى‏ ما خَلَقْتُ سَمآءً مَبْنِيَّةً، وَلا ارْضاً

ملائكه من و اى ساكنان آسمانهايم، من نيافريدم آسمان بر افراشته و زمين‏

مَدْحِيَّةً، وَ لا قَمَراً مُنيراً، وَلا شَمْساً مُضِيئَةً، وَلا فَلَكاً يَدُورُ، وَلا بَحْراً

گسترده و ماه درخشان و خورشيد نورانى و چرخ گردون و درياى‏

يَجْرى‏، وَلا فُلْكاً يَسْرى‏، الَّا فى‏ مَحَبَّةِ هؤُلاءِ الْخَمْسَةِ، الَّذينَ هُمْ تَحْتَ‏

جارى و كشتيهاى در حركت را مگر در دوستى اين پنج تن كه در زير

الْكِسآءِ، فَقالَ الْأَمينُ جِبْرآئيلُ، يا رَبِّ، وَ مَنْ تَحْتَ الْكِسآءِ، فَقالَ‏

كسا هستند، پس جبرئيل امين عرض كرد: اى پروردگار من، چه كسانى زير كسا هستند؟ خداوند

عَزَّوَجَلَّ، هُمْ اهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الرِّسالَةِ، هُمْ فاطِمَةُ وَابُوها،

عزيز و گرامى فرمود: آنها خاندان نبوّت و گنجينه رسالتند، آنها فاطمه و پدرش‏

وَبَعْلُها وَ بَنُوها، فَقالَ جِبْرآئيلُ يا رَبِّ، اتَاْذَنُ لى‏ انْ اهْبِطَ الَى الْأَرْضِ‏

و شوهرش و فرزندانش هستند، سپس جبرئيل عرض كرد: اى پروردگار من آيا به من اجازه مى‏دهى كه به زمين فرود آيم‏

لِأَكُونَ مَعَهُمْ سادِساً، فَقالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ اذِنْتُ لَكَ، فَهَبَطَ الْأَمينُ جِبْرآئيلُ،

تا ششمين آنها باشم؟ خدا فرمود: بله اجازه مى‏دهم، پس جبرئيل امين فرود آمد

وَ قالَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ، الْعَلِىُّ الْأَعْلى‏ يُقْرِئُكَ السَّلامَ،

و عرض كرد: سلام بر تو اى رسول خدا، خداى برتر و بلند مرتبه به تو سلام مى‏رساند

وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرامِ، وَيَقُولُ لَكَ وَ عِزَّتى‏ وَ جَلالى‏، انّى‏ ما خَلَقْتُ‏

و تو را به تحيّت و بزرگوارى اختصاص داده، مى‏فرمايد: به عزّت و جلالم سوگند كه نيافريدم‏

سَمآءً مَبْنِيَّةً، وَلا ارْضاً مَدْحِيَّةً، وَ لا قَمَراً مُنيراً، وَلا شَمْساً مُضيئَةً، وَ لا

آسمان بر افراشته و زمين گسترده و ماه درخشان و خورشيد نورانى و

كليات مفاتيح نوين، ص: 1202

فَلَكاً يَدُورُ، وَ لا بَحْراً يَجْرى‏، وَلا فُلْكاً يَسْرى‏، الَّا لِأَجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ،

چرخ گردون و درياى جارى و كشتيهاى در حركت را مگر بخاطر شما و دوستى شما

وَ قَدْ اذِنَ لى‏ انْ ادْخُلَ مَعَكُمْ، فَهَلْ تَاْذَنُ لى‏ يا رَسُولَ اللَّهِ، فَقالَ رَسُولُ اللَّهِ‏

و به من اجازه فرموده كه با شما باشم، اى رسول خدا آيا به من اجازه مى‏دهى؟ رسول خدا فرمود:

**كليات مفاتيح نوين ؛ ص1202**

وَ عَلَيْكَ السَّلامُ يا امينَ وَحْىِ اللَّهِ، انَّهُ نَعَمْ، قَدْ اذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرآئيلُ‏

و بر تو سلام باد اى امين وحى خدا، بله اجازه مى‏دهم، پس جبرئيل همراه ما

مَعَنا تَحْتَ الْكِسآءِ، فَقالَ لِأَبى‏ انَّ اللَّهَ قَدْ اوْحى‏ الَيْكُمْ، يَقُولُ انَّما يُريدُ

زير كسا داخل شد، سپس به پدرم عرض كرد: خداوند به شما وحى كرده و مى‏فرمايد: خداوند اراده كرده‏

اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً، فَقالَ عَلِىٌ‏

كه پليدى را از شما اهل بيت دور كرده و به طور كامل شما را پاك گرداند، پس على‏

لِأَبى‏ صلى الله عليه و آله، يا رَسُولَ اللَّهِ، اخْبِرْنى‏ ما لِجُلُوسِنا هذا تَحْتَ الْكِسآءِ مِنَ‏

به پدرم گفت: اى رسول خدا، بگو نشستن ما، در زير كسا

الْفَضْلِ عِنْدَاللَّهِ، فَقالَ النَّبِىُّ، وَالَّذى‏ بَعَثَنى‏ بِالْحَقِّ نَبِيّاً، وَ اصْطَفانى‏

نزد خدا چه فضيلتى دارد؟ پيامبرفرمود: قسم به آن كه مرا به حق به پيامبرى مبعوث كرد و مرا به‏

بِالرِّسالَةِ نَجِيّاً، ما ذُكِرَ خَبَرُنا هذا فى‏ مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اهْلِ الْأَرْضِ،

رسالت براى نجات خلق برگزيد، اين خبر ما در هر محفل از محافل اهل زمين‏

وَفيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيعَتِنا وَ مُحِبّينا، الَّا وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْ بِهِمُ‏

كه در آن گروهى از شيعيان و دوستداران ما هستند ذكر شود، رحمت خدا بر ايشان نازل شده و فرشتگان آنها را در بر گرفته‏

الْمَلائِكَةُ، وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ الى‏ انْ يَتَفَرَّقُوا، فَقالَ عَلِىٌّ اذاً وَاللَّهِ فُزْنا، وَ فازَ

و براى ايشان طلب آمرزش مى‏كنند تا زمانى كه متفرّق شوند، على گفت: به خدا سوگند ما رستگار شديم‏

شيعَتُنا وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ، فَقالَ النَّبِىُّ ثانِياً، يا عَلِىُّ وَالَّذى‏ بَعَثَنى‏ بِالْحَقِّ نَبِيّاً،

و قسم به پروردگار كعبه شيعيان ما نيز رستگارند سپس پيامبر دوباره فرمود: اى على قسم به آن كه مرا به حق به پيامبرى مبعوث كرد

وَاصْطَفانى‏ بِالرِّسالَةِ نَجِيّاً، ما ذُكِرَ خَبَرُنا هذا فى‏ مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اهْلِ‏

و مرا به رسالت نجات خلق برگزيد، اين خبر ما در هر محفل از محافل اهل‏

الْأَرْضِ، وَ فيهِ جَمْعٌ مِنْ شيعَتِنا وَ مُحِبّينا، وَ فيهِمْ مَهْمُومٌ الَّا وَفَرَّجَ اللَّهُ‏

زمين كه در آن گروهى از شيعيان و دوستداران ما هستند ذكر شود و در ميان آنها اندوهگينى باشد خدا

كليات مفاتيح نوين، ص: 1203

هَمَّهُ، وَ لا مَغْمُومٌ الَّا وَ كَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَ لا طالِبُ حاجَةٍ الَّا وَقَضَى‏

اندوهش را برطرف مى‏كند و غمزده‏اى باشد خدا غمش را برطرف مى‏كند و حاجتمندى باشد خدا

اللّهُ حاجَتَهُ، فَقالَ عَلِىٌّ اذاً وَاللَّهِ فُزْنا وَ سُعِدْنا، وَ كَذلِكَ شيعَتُنا فازُوا

حاجتش را روا مى‏سازد، على عرض كرد: پس به خدا سوگند رستگار و سعادتمند شديم‏

وَ سُعِدُوا فِى الدُّنْيا وَ الْأخِرَةِ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ.

و همچنين به پروردگار كعبه سوگند شيعيان ما در دنيا و آخرت رستگار و سعادتمند شدند.

آخرين سخن:

در پايان از همه خوانندگان عزيز مى‏خواهيم كه مقدّمات و نكاتى را كه در هر بخش از اين كتاب براى آماده ساختن روح و فكر خوانندگان عزيز نسبت به محتوا و فلسفه دعاها و زيارات و نمازها نوشته شده به دقّت بخوانند و آنها را به كار برند تا به پاداشهاى مهمّى كه در روايات براى آن آمده است برسند و در روح و جان آنها تحوّل مطلوب حاصل گردد.

و نيز از همه شما عزيزان تقاضا مى‏كنيم كه ما را از دعاى خير فراموش نكنيد. هميشه در سايه الطاف خداوند موفّق و سعادتمند باشيد. آمين يا ربّ العالمين‏

پايان‏

خرداد ماه 1383- ربيع الثانى 1425

كليات مفاتيح نوين، ص: 1205

1- قرآن كريم.

2- نهج البلاغه.

3- صحيفه سجاديه.

4- ادب الزائر، علّامه عبدالحسين امينى، مؤسّسه البلاغ، چاپ اوّل، 1424 قمرى.

5- ارشاد القلوب‏، حسن بن ابى الحسن ديلمى، انتشارات رضى، چاپ اوّل، 1412 قمرى.

6- اعلام الدين‏، حسن بن ابى الحسن ديلمى، مؤسسه آل‏البيت، چاپ اوّل، 1408 قمرى.

7- اعلام الورى‏، امين الاسلام طبرسى، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ سوم.

8- اقبال الاعمال‏، سيد بن طاووس، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ دوم، 1367 شمسى.

9- امالى صدوق‏، شيخ صدوق، كتابخانه اسلاميه، چاپ چهارم، 1362 شمسى.

10- امالى طوسى‏، شيخ طوسى، دارالثقافه، قم، چاپ اوّل، 1414 قمرى.

11- امالى مفيد، شيخ مفيد، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، چاپ دوم، 1413 قمرى.

12- انوارالبهية، شيخ عباس قمى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، چاپ اوّل، 1417 قمرى.

13- بحار الانوار، علّامه محمد باقر مجلسى، مؤسسه الوفاء، بيروت، چاپ دوم، 1403 قمرى.

14- بصائر الدرجات‏، محمد بن حسن بن فروخ صفار، كتابخانه آيةاللَّه مرعشى نجفى، قم، چاپ دوم، 1404 قمرى.

15- بشارة المصطفى‏، عماد الدين طبرى، كتابخانه حيدريه، نجف، چاپ دوم، 1383 قمرى.

16- بلد الامين‏، شيخ تقى الدّين ابراهيم بن على كفعمى، چاپ سنگى.

17- بيت الاحزان‏، شيخ عباس قمى، دارالحكمه، قم، چاپ اوّل، 1412 قمرى.

18- پيام امام اميرالمؤمنين عليه السلام‏، آية اللَّه العظمى مكارم شيرازى و همكاران، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ دوم، 1379 شمسى.

19- تاريخ طبرى‏، محمد بن جرير طبرى، مؤسّسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، چاپ چهارم، 1403 قمرى.

20- تتمة المنتهى‏، شيخ عباس قمى، انتشارات داورى، قم، چاپ چهارم، 1417 قمرى.

21- تفسير امام حسن عسكرى عليه السلام‏، امام حسن عسكرى عليه السلام، مدرسه امام مهدى عليه السلام، قم، چاپ اوّل، 1409

كليات مفاتيح نوين، ص: 1206

قمرى.

22- تفسير عياشى‏، محمد بن مسعود عياشى، انتشارات علميه، تهران، 1380 قمرى.

23- تفسير قمى‏، على بن ابراهيم قمى، مؤسسه دارالكتاب، تهران، چاپ سوم، 1414 قمرى.

24- تفسير نمونه‏، آية اللَّه العظمى مكارم شيرازى و همكاران، انتشارات دارالكتب الاسلامية، تهران، چاپ بيست و سوم، پائيز 1367.

25- تهذيب الاحكام‏، شيخ طوسى، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ چهارم، 1365 شمسى.

26- ثواب الاعمال‏، شيخ صدوق، انتشارات رضى، قم، چاپ دوم، 1368 شمسى.

27- جامع الاخبار، تاج الدين شعيرى، انتشارات رضى، قم، چاپ دوم، 1363 شمسى.

28- جمال الاسبوع‏، سيّد بن طاووس، انتشارات رضى، قم.

29- جواهرالكلام‏، شيخ محمد حسن نجفى، دارالكتب الاسلامية، تهران، چاپ دوم، 1365 شمسى.

30- حبل المتين‏، شيخ بهاء الدين عاملى، انتشارات بصيرتى، قم، 1398 قمرى.

31- حلية المتقين‏، علّامه محمد باقر مجلسى، انتشارات هجرت، قم، چاپ نهم، زمستان 1375.

32- خصال‏، شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، چاپ دوم، 1403 قمرى.

33- درّالمنثور، جلال الدين سيوطى، دارالمعرفه، جده، چاپ اوّل، 1365 قمرى.

34- دروس‏، محمد بن مكّى عاملى (شهيد اوّل)، مؤسسه نشر اسلامى، چاپ اوّل، 1414 قمرى.

35- دعائم الاسلام‏، نعمان بن محمد، دارالمعارف، مصر، چاپ دوم، 1385 قمرى.

36- دعوات‏، قطب الدين راوندى، مدرسه امام مهدى عليه السلام، قم، چاپ اوّل، 1407 قمرى.

37- الذريعة، شيخ آقا بزرگ تهرانى، دارالاضواء، بيروت، چاپ سوم، 1403 قمرى.

38- ربع قرن مع العلامة الامينى‏، حسين شاكرى، چاپ اوّل، 1417 قمرى.

39- رجال كشى‏، محمد بن عمر كشى، انتشارات دانشگاه مشهد، 1348 شمسى.

40- روضة المتقين‏، محمد تقى مجلسى (مجلسى اوّل)، بنياد فرهنگ اسلامى.

41- زاد المعاد، علّامه محمد باقر مجلسى، دارالكتب اسلاميه، تهران، 1378 قمرى.

42- سرائر، ابن ادريس حلى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، چاپ دوم، 1411 قمرى.

43- سفرنامه ابن بطوطه‏، محمد بن عبداللَّه طنجى (ابن بطوطه)، ترجمه دكتر محمد على موحد، سپهر نقش، چاپ ششم، پاييز 1376 شمسى.

44- سنن دارمى‏، عبداللَّه بن بهرام دارمى، نشر مطبعة الاعتدال، دمشق.

45- شرح نهج البلاغه‏، ابن ابى الحديد، كتابخانه آية اللَّه مرعشى نجفى، قم، 1404 قمرى.

46- شرح نهج البلاغه‏ (منهاج البراعة)، علّامه ميرزا حبيب اللَّه خويى، دارالكتب اسلاميه، تهران، چاپ سوم،

كليات مفاتيح نوين، ص: 1207

1386 قمرى.

47- صحيفه علويّه‏، مؤسسه امام مهدى عليه السلام، قم، چاپ اوّل، 1418 قمرى.

48- طبّ الائمه‏، عبداللَّه و حسين ابنا بسطام، انتشارات رضى، چاپ دوم، 1411 قمرى.

49- عدة الداعى‏، ابن فهد حلى، دارالكتب الاسلاميّه، تهران، چاپ اوّل، 1407 قمرى.

50- علل الشرايع‏، شيخ صدوق، مكتبة الداورى، قم.

51- عوالى اللئالى‏، ابن ابى جمهور احسائى، انتشارات سيد الشهداء، چاپ اوّل، 1405 قمرى.

52- عيون اخبار الرضا عليه السلام‏، شيخ صدوق، انتشارات جوان، 1378 قمرى.

53- فتح الابواب‏، سيّد بن طاووس، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اوّل، 1409 هجرى.

54- الفرج بعد الشدة، حسن بن ابى قاسم تنوخى، انتشارات رضى، قم، چاپ دوم، 1364 شمسى.

55- فرحة الغرى‏، سيّد بن طاووس، انتشارات رضى.

56- فروغى از كوثر، انتشارات زائر، قم.

57- فصول المختاره‏، شيخ مفيد، دارالمفيد، بيروت، چاپ دوم، 1414 قمرى.

58- فلاح السائل‏، سيد بن طاووس، دفتر تبليغات اسلامى، قم.

59- فوائد الرضوية، شيخ عباس قمى.

60- قرب الاسناد، عبداللّه بن جعفر حميرى، كتابخانه نينوا، چاپ سنگى، تهران.

61- كامل الزيارات‏، ابن قولويه قمى، انتشارات مرتضويه، نجف، 1356 قمرى.

62- كافى‏، محمد بن يعقوب كلينى، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ چهارم، 1365 شمسى.

63- الكامل فى التاريخ‏، ابن اثير جزرى، دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ سوم، 1418 قمرى.

64- كتاب سليم بن قيس‏، سليم بن قيس هلالى، انتشارات الهادى، چاپ اوّل، 1415 قمرى.

65- كشف المحجة، سيد بن طاووس، حيدريه، نجف، 1370 قمرى.

66- كشف الغمة، على بن عيسى اربلى، مكتبة بنى هاشم، تبريز، 1381 قمرى.

67- الكلم الطيّب‏، سيّد على صدر الدين بن معصوم مدنى، مكتبة النجاح، تهران.

68- كمال الدين‏، شيخ صدوق، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ دوم، 1395 قمرى.

69- كنزالعمال‏، متقى الهندى، مؤسسة الرسالة، بيروت.

70- مجمع البيان‏، امين الاسلام طبرسى، مؤسسه اعلمى، بيروت، چاپ اوّل، 1415 قمرى.

71- محاسن‏، احمد بن محمد بن خالد برقى، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ دوم، 1371 قمرى.

72- مروج الذهب‏، مسعودى، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ اوّل، 1422 قمرى.

73- مزار، شهيد اوّل، مدرسه امام مهدى عليه السلام، قم، چاپ اوّل، 1410 قمرى.

كليات مفاتيح نوين، ص: 1208

74- مزار، شيخ مفيد، مدرسه امام مهدى عليه السلام، قم، چاپ اوّل.

75- مزار كبير، محمد بن المشهدى، مؤسسه نشر اسلامى، چاپ اوّل، 1419 قمرى.

76- مسار الشيعه‏، شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ اوّل، 1413 قمرى.

77- مستدرك الوسائل‏، ميرزا حسين نورى، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اوّل، 1408 قمرى.

78- مصباح الزائر، سيد بن طاووس، مؤسّسه آل البيت، قم، چاپ اوّل، 1417 قمرى.

79- مصباح كفعمى‏، شيخ تقى الدّين ابراهيم بن على كفعمى، انتشارات رضى، قم، چاپ دوم، 1405 قمرى.

80- مصباح المتهجّد، شيخ طوسى، مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، چاپ اوّل، 1411 قمرى.

81- معانى الاخبار، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين، قم، 1361 شمسى.

82- معجم البلدان‏، ياقوت حموى، دار احياء التراث العربى، بيروت.

83- معجم رجال الحديث‏، آية اللَّه سيد ابوالقاسم خويى، چاپ پنجم، 1413 قمرى.

84- مفاتيح الجنان‏، حاج شيخ عباس قمى.

85- مفتاح الفلاح‏، شيخ بهايى، دارالاضواء، بيروت، چاپ اوّل، 1405 قمرى.

86- مقتل الحسين‏، عبدالرزّاق موسوى المقرّم، دارالثقافة للطباعة و النشر، قم، چاپ دوم، 1411 قمرى.

87- مقتل الحسين عليه السلام‏، ابومخنف، كتابخانه آية اللَّه مرعشى نجفى، قم، 1398 قمرى.

88- مقنعه‏، شيخ مفيد، جامعه مدرسين، قم، 1410 قمرى.

89- مكارم الاخلاق‏، رضى الدين حسن بن فضل طبرسى، انتشارات شريف رضى، قم، چاپ چهارم، 1412 قمرى.

90- مناقب‏، ابن شهر آشوب، مؤسّسه انتشارات علّامه، قم، 1379 قمرى.

91- منتهى الامال‏، حاج شيخ عباس قمى.

92- من لا يحضره الفقيه‏، شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، چاپ سوم، 1413 قمرى.

93- مهج الدعوات‏، سيد بن طاوس، دارالذخائر، قم، چاپ اوّل، 1411 قمرى.

94- نجم الثاقب‏، حاج ميرزا حسين نورى، مسجد مقدس جمكران، قم، چاپ دوم، 1377 شمسى.

95- نورالثقلين‏، عبد على بن جمعه عروسى حويزى، مؤسسه اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، 1412 قمرى.

96- وسائل الشيعه‏، شيخ محمد بن حسن حرّ عاملى، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ چهارم، 1391 قمرى.

1. ( 1). بحارالانوار، جلد 90، صفحه 302، حديث 39. [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 2). سوره فرقان، آيه 77. [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 473، حديث 1. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 2). وسائل‏الشيعه، جلد 4، صفحه 1174، حديث 1. [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 473، حديث 2. [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 4). همان مدرك، صفحه 481، حديث 6. [↑](#footnote-ref-6)
7. ( 5). همان مدرك، صفحه 479 و 480، حديث 1 و 2. [↑](#footnote-ref-7)
8. ( 6). وسائل‏الشيعه، جلد 4، صفحه 1120، حديث 1. [↑](#footnote-ref-8)
9. ( 7). همان مدرك، صفحه 1126 و 1127 و 1135. [↑](#footnote-ref-9)
10. ( 8). بحارالانوار، جلد 90، صفحه 300 و 374 [↑](#footnote-ref-10)
11. ( 9). براى آگاهى بيشتر از روايات، به بحارالانوار، جلد 90، صفحه 348، حديث 15 و صفحه 351، حديث 16 مراجعه فرماييد. [↑](#footnote-ref-11)
12. ( 1). سوره فتح، آيه 6. [↑](#footnote-ref-12)
13. ( 2). جمال‏الاسبوع، صفحه 326( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-13)
14. ( 1). وسائل الشيعه، جلد 4، كتاب الصلاة، ابواب الدعاء، باب 50، صفحه 1159، حديث 3. [↑](#footnote-ref-14)
15. ( 2). بحارالانوار، جلد 90، صفحه 377، حديث 17. [↑](#footnote-ref-15)
16. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 447، حديث 1. [↑](#footnote-ref-16)
17. ( 4). معانى الاخبار، صفحه 271، حديث 2 و بحارالانوار، جلد 70، صفحه 376، حديث 12. [↑](#footnote-ref-17)
18. ( 5). بحارالانوار، جلد 90، صفحه 378، حديث 21. [↑](#footnote-ref-18)
19. ( 6). وسائل الشيعه، جلد 4، صفحه 1096، باب 9 از ابواب الدعاء. [↑](#footnote-ref-19)
20. ( 7). بحارالانوار، جلد 90، صفحه 358 و 373. [↑](#footnote-ref-20)
21. ( 8). همان مدرك، صفحه 373. [↑](#footnote-ref-21)
22. ( 1). دعاى افتتاح. [↑](#footnote-ref-22)
23. ( 2). سوره مائده، آيه 27. [↑](#footnote-ref-23)
24. ( 3). بحارالانوار، جلد 90، صفحه 197، حديث 21. [↑](#footnote-ref-24)
25. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-25)
26. ( 5). كافى، جلد 4، صفحه 582، حديث 9.( مرحوم كلينى در همان باب روايات ديگرى نزديك به همين مضمون آورده است). [↑](#footnote-ref-26)
27. ( 1). بحارالانوار، جلد 90، صفحه 168، حديث 3. [↑](#footnote-ref-27)
28. ( 2). همان مدرك، صفحه 378، حديث 22. [↑](#footnote-ref-28)
29. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-29)
30. ( 1). اقبال، جلد 1، مقدّمه تحقيق، صفحه 17( چاپ مكتب الاعلام الاسلامى). [↑](#footnote-ref-30)
31. ( 2). كشف‏المحجّة، صفحه 131. [↑](#footnote-ref-31)
32. ( 3). الذريعه، جلد 8، صفحه 176 و 177. [↑](#footnote-ref-32)
33. ( 4). كه مجموع آن ده جلد مى‏شود و هر جلد آن مربوط به بخش خاصّى از اعمال است. مثلًا« فلاح‏السائل» فقط در اعمال شب و روز و« اقبال» فقط در اعمال ماههاى سال مى‏باشد( رجوع كنيد به: الذريعه، جلد 8، صفحه 178). [↑](#footnote-ref-33)
34. ( 5). الذريعه، جلد 8، صفحات 177 و 178. [↑](#footnote-ref-34)
35. ( 6). همان مدرك، صفحه 179. [↑](#footnote-ref-35)
36. ( 1). الذريعه، جلد 8، صفحه 173 و مستدرك الوسائل، جلد 17، صفحه 292، حديث 27. [↑](#footnote-ref-36)
37. ( 2). وسائل الشيعه، جلد 1، صفحه 59، ابواب مقدّمات العبادات، باب 18( در اين باب چندين روايت به همين مضمون آمده است). [↑](#footnote-ref-37)
38. ( 1). وسائل الشيعه، جلد 1، صفحه 59، ابواب مقدمات عبادات، باب 18. لازم به ذكر است كه اين جملات، در اصل بخشى از اذن دخول زيارت‏رسول گرامى صلى الله عليه و آله در مدينه، در مسجد النبى مى‏باشد و از آن‏جا به بعضى از مشاهد مشرّفه ديگر منتقل شده است. [↑](#footnote-ref-38)
39. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-39)
40. ( 1). مجمع البيان، جلد 8، صفحه 255، آغاز سوره يس. [↑](#footnote-ref-40)
41. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-41)
42. ( 1). نورالثقلين، جلد 5، صفحه 187، حديث 3. [↑](#footnote-ref-42)
43. ( 2). بحارالانوار، جلد 89، صفحه 306، حديث 2. [↑](#footnote-ref-43)
44. ( 1). مجمع البيان، جلد 9، صفحه 354 و مستدرك الوسائل، جلد 4، صفحه 351، حديث 89. [↑](#footnote-ref-44)
45. ( 2). مجمع‏البيان، جلد 9، صفحه 354. [↑](#footnote-ref-45)
46. ( 1). مجمع‏البيان، جلد 10، صفحه 5 و نورالثقلين، جلد 5، صفحه 320، حديث 2. [↑](#footnote-ref-46)
47. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 16، آغاز سوره منافقون. [↑](#footnote-ref-47)
48. ( 2). ثواب الاعمال، صفحه 118 و نورالثقلين، جلد 5، صفحه 331، حديث 1. [↑](#footnote-ref-48)
49. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 237، آغاز سوره نبأ. [↑](#footnote-ref-49)
50. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 237، آغاز سوره نبأ. [↑](#footnote-ref-50)
51. ( 1). نورالثقلين، جلد 5، صفحه 554، حديث 7. [↑](#footnote-ref-51)
52. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 367، آغاز سوره شمس. [↑](#footnote-ref-52)
53. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 387، آغاز سوره شرح. [↑](#footnote-ref-53)
54. ( 2). همان مدرك، صفحه 403، آغاز سوره قدر. [↑](#footnote-ref-54)
55. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 416، آغاز سوره زلزله. [↑](#footnote-ref-55)
56. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 421، آغاز سوره عاديات. [↑](#footnote-ref-56)
57. ( 2). همان مدرك، صفحه 430، آغاز سوره تكاثر. [↑](#footnote-ref-57)
58. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 458، آغاز سوره كوثر. [↑](#footnote-ref-58)
59. ( 2). همان مدرك، صفحه 462، آغاز سوره كافرون. [↑](#footnote-ref-59)
60. ( 1). مجمع البيان، جلد 10، صفحه 466، آغاز سوره نصر. [↑](#footnote-ref-60)
61. ( 2). همان مدرك، صفحه 479، آغاز سوره اخلاص. [↑](#footnote-ref-61)
62. ( 1). نورالثقلين، جلد 5، صفحه 716، حديث 3 و مجمع‏البيان، جلد 10، صفحه 491، آغاز سوره فلق. [↑](#footnote-ref-62)
63. ( 2). نورالثقلين، جلد 5، صفحه 716، حديث 1 و مجمع‏البيان، جلد 10، صفحه 491، آغاز سوره فلق. [↑](#footnote-ref-63)
64. ( 3). رجوع شود به: نورالثقلين، جلد 5، صفحه 724 و مجمع‏البيان، جلد 10، صفحه 495، آغاز سوره ناس. [↑](#footnote-ref-64)
65. ( 1). درّ المنثور، جلد 1، صفحه 322، ذيل آية الكرسى. [↑](#footnote-ref-65)
66. ( 2). مستدرك الوسائل، جلد 4، صفحه 336، حديث 27. [↑](#footnote-ref-66)
67. ( 3). بحارالانوار، جلد 89، صفحه 266، حديث 11( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-67)
68. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 142. [↑](#footnote-ref-68)
69. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 142. [↑](#footnote-ref-69)
70. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 143. [↑](#footnote-ref-70)
71. ( 1). در بحارالانوار:« وَ حالَتِ الْأَهْوالُ» آمده است. [↑](#footnote-ref-71)
72. ( 2). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 143 و 144. [↑](#footnote-ref-72)
73. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 144. [↑](#footnote-ref-73)
74. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 145. [↑](#footnote-ref-74)
75. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 146. [↑](#footnote-ref-75)
76. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 147. [↑](#footnote-ref-76)
77. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 147. [↑](#footnote-ref-77)
78. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 148. [↑](#footnote-ref-78)
79. ( 2). در بحارالانوار،« عواطف» آمده است. [↑](#footnote-ref-79)
80. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 149. [↑](#footnote-ref-80)
81. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 149. [↑](#footnote-ref-81)
82. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 150. [↑](#footnote-ref-82)
83. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 151. [↑](#footnote-ref-83)
84. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 152. [↑](#footnote-ref-84)
85. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 152. [↑](#footnote-ref-85)
86. ( 2). صحيفه علويّه، صفحه 152. [↑](#footnote-ref-86)
87. ( 1). خصال، جلد 2، صفحه 420، حديث 14. [↑](#footnote-ref-87)
88. ( 2). سوره بقره، آيه 201. [↑](#footnote-ref-88)
89. ( 3). سوره بقره، آيه 250. [↑](#footnote-ref-89)
90. ( 4). سوره بقره، آيه 286. [↑](#footnote-ref-90)
91. ( 1). سوره آل عمران، آيه 8. [↑](#footnote-ref-91)
92. ( 2). سوره آل عمران، آيه 16. [↑](#footnote-ref-92)
93. ( 3). سوره آل عمران، آيه 147. [↑](#footnote-ref-93)
94. ( 4). سوره آل عمران، آيه 193. [↑](#footnote-ref-94)
95. ( 5). سوره آل عمران، آيه 194. [↑](#footnote-ref-95)
96. ( 6). سوره اعراف، آيه 23. [↑](#footnote-ref-96)
97. ( 7). سوره ابراهيم، آيه 40. [↑](#footnote-ref-97)
98. ( 1). سوره ابراهيم، آيه 41. [↑](#footnote-ref-98)
99. ( 2). سوره اسراء، آيه 80. [↑](#footnote-ref-99)
100. ( 3). سوره كهف، آيه 10. [↑](#footnote-ref-100)
101. ( 4). سوره طه‏، آيه 25- 28. [↑](#footnote-ref-101)
102. ( 5). اقتباس سوره انبياء، آيه 83. [↑](#footnote-ref-102)
103. ( 6). سوره انبياء، آيه 87. [↑](#footnote-ref-103)
104. ( 7). سوره مؤمنون، آيه 97 و 98. [↑](#footnote-ref-104)
105. ( 8). سوره مؤمنون، آيه 118. [↑](#footnote-ref-105)
106. ( 9). سوره فرقان، آيه 65. [↑](#footnote-ref-106)
107. ( 1). سوره فرقان، آيه 74. [↑](#footnote-ref-107)
108. ( 2). سوره نمل، آيه 19. [↑](#footnote-ref-108)
109. ( 3). سوره قصص، آيه 24. [↑](#footnote-ref-109)
110. ( 4). سوره غافر، آيه 7. [↑](#footnote-ref-110)
111. ( 5). اقتباس از: سوره قمر، آيه 10. [↑](#footnote-ref-111)
112. ( 6). سوره حشر، آيه 10. [↑](#footnote-ref-112)
113. ( 7). سوره نوح، آيه 28. [↑](#footnote-ref-113)
114. ( 1). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 339، حديث 19 و جلد 91، صفحه 243، حديث 11. [↑](#footnote-ref-114)
115. ( 1). در بحارالانوار« طاعتى قليلة و معصيتى كثيرة» آمده است. [↑](#footnote-ref-115)
116. ( 2). كميل بن زياد نخعى- كه دعاى كميل به نام او معروف است- از ياران خاصّ امير مؤمنان على عليه السلام به شمار مى‏آيد. شيخ مفيد رحمه الله او را از پيشگامان در محبّت به على عليه السلام و مقرّبان آن حضرت دانسته است، وى از سوى امير مؤمنان عليه السلام به زمامدارى منطقه« هيت» منصوب شد. در نهج‏البلاغه سفارش‏هايى از امير مؤمنان به وى نقل شده است كه بسيار ارزنده و پرمحتواست. كميل‏بن زياد، به خاطر تشيّع و وفادارى به امير مؤمنان عليه السلام- همان گونه كه مولايش به وى خبر داده بود- به دست حجّاج خونخوار به شهادت رسيد. شرح نهج‏البلاغه ابن ابى‏الحديد، جلد 17، صفحه 149، شرح نهج‏البلاغه علّامه خويى، جلد 21، صفحه 219، و معجم رجال الحديث، جلد 15، صفحه 132. [↑](#footnote-ref-116)
117. ( 3). اقبال سيّد بن طاووس، صفحه 706. [↑](#footnote-ref-117)
118. ( 4). مصباح كفعمى، صفحه 555. [↑](#footnote-ref-118)
119. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 844. ما اين دعا را مطابق نسخه متداول نقل مى‏كنيم و موارد اختلاف آن را با مصباح المتهجّد در پاورقى متذكّر مى‏شويم. [↑](#footnote-ref-119)
120. ( 2). مصباح المتهجّد: غَلَبَتْ. [↑](#footnote-ref-120)
121. ( 1). مصباح المتهجّد: مِنْ نَقْضِ. [↑](#footnote-ref-121)
122. ( 2). در بعضى از نسخه‏ها« فلك الحجة علىَّ فى جميع ذلك» آمده است و مناسب نيز همين است به قرينه جمله بعدى كه عرض مى‏كند:« ولا حجّة لي» يعنى خدايا در برابر اين مخالفت‏هايم حجّتى ندارم بلكه تو بر من حجّت دارى. [↑](#footnote-ref-122)
123. ( 1). مصباح المتهجّد: تنزله فيها و هو. [↑](#footnote-ref-123)
124. ( 1). مصباح المتهجّد: بفقرى. [↑](#footnote-ref-124)
125. ( 1). سبب نام‏گذارى اين دعا به عشرات( عشرات يعنى« دَه‏ها») اين است كه در پايان اين دعا ذكرهايى آمده كه هر كدام ده بار تكرار مى‏شود. [↑](#footnote-ref-125)
126. ( 2). مصباح كفعمى، صفحه 87. [↑](#footnote-ref-126)
127. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 84 و جمال الاسبوع، صفحه 456 و بحارالانوار، جلد 87، صفحه 74. [↑](#footnote-ref-127)
128. ( 1). در مصباح المتهجّد:« و ربّ كلُّ شى‏ء» نيز آمده است. [↑](#footnote-ref-128)
129. ( 1). سِمات، جمع« سمه» به معناى علامت‏ها و نشانه‏هاست، گويا نشانه‏هاى اجابت در اين دعا پيداست،( بحارالانوار، جلد 87، صفحه 102). [↑](#footnote-ref-129)
130. ( 1). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 96. [↑](#footnote-ref-130)
131. ( 2). اين دعا در مصباح المتهجّد، صفحه 416 و جمال الاسبوع، صفحه 533 و ديگر كتب دعا نقل شده است. مرحوم علّامه مجلسى نيز آن را در بحارالانوار، با شرح و توضيح آورده است( بحارالانوار، جلد 87، صفحه 96 به بعد). [↑](#footnote-ref-131)
132. ( 3). در بحارالانوار، سه بار كلمه« الأعظم» تكرار شده است. [↑](#footnote-ref-132)
133. ( 1). اين دعا، در مهج‏الدعوات، صفحه 151 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 394 به نقل از امام حسين عليه السلام از پدر بزرگوارش اميرمؤمنان عليه السلام طىّ يك داستان جالبى نقل شده است. [↑](#footnote-ref-133)
134. ( 2). اين تعبير ممكن است اشاره به اين باشد كه اسم اعظم خدا در اين دعاست. [↑](#footnote-ref-134)
135. ( 3). بلدالامين، صفحه 337. [↑](#footnote-ref-135)
136. ( 1). نام اين دعا، از كلمه« يستشير» در عبارت« و لا خلق من عباده يستشير» در آغاز همين دعا گرفته شده است. [↑](#footnote-ref-136)
137. ( 1). براى آگاهى بيشتر از خواص و پاداش‏هاى اين دعا به مهج‏الدّعوات، صفحه 122 و يا به بحارالانوار، جلد 83، صفحه 330 مراجعه فرماييد. [↑](#footnote-ref-137)
138. ( 2). بلدالامين، صفحه 380. [↑](#footnote-ref-138)
139. ( 1). نام اين دعا از كلمه« مجير» كه در اين دعا تكرار گرديده گرفته شده كه از اوصاف خدا و به معناى« پناه‏دهنده» است. [↑](#footnote-ref-139)
140. ( 2). مصباح كفعمى، صفحه 268 و بلدالامين، صفحه 362. [↑](#footnote-ref-140)
141. ( 3). حاشيه مصباح كفعمى، مطابق نقل مرحوم محدّث قمى در مفاتيح الجنان. [↑](#footnote-ref-141)
142. ( 1). سبب نامگذارى اين دعا به جوشن كبير، آن است كه اين دعا در برابر بلاها و آسيب‏هاى دنيوى و اخروى زره و محافظ خوبى است( جوشن به معناى زره است)، اين دعا در مصباح كفعمى، صفحه 247 و بلدالامين، صفحه 402 آمده است. [↑](#footnote-ref-142)
143. ( 2). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 382. [↑](#footnote-ref-143)
144. ( 1). زاد المعاد، صفحه 186. [↑](#footnote-ref-144)
145. ( 2). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 384. [↑](#footnote-ref-145)
146. ( 1). چون اين دعا براى دفع دشمن، زره و حرز خوبى است، لذا جوشن ناميده شده و چون از دعاى سابق كوتاه تر است، جوشن صغير ناميده شده است. [↑](#footnote-ref-146)
147. ( 2). از جمله در كتاب بلد الامين، صفحه 326 و مهج الدعوات، صفحه 219. مرحوم علامه مجلسى نيز در بحارالانوار، از اين كتابها نقل كرده است( با اختلافى در نقل ها)( بحارالانوار، جلد 91، صفحه 320، و جلد 92، صفحه 225). [↑](#footnote-ref-147)
148. ( 1). عبارت داخل پرانتز در بحارالانوار، جلد 91، صفحه 324 آمده است. [↑](#footnote-ref-148)
149. ( 1). سوره مائده، آيه 35. [↑](#footnote-ref-149)
150. ( 2). سوره نساء، آيه 64. [↑](#footnote-ref-150)
151. ( 3). براى آگاهى بيشتر در اين زمينه، به تفسير نمونه، جلد 4، ذيل آيه 35 سوره مائده و جلد 12، ذيل آيه 57 سوره اسراء و ديگر كتب مراجعه‏شود. [↑](#footnote-ref-151)
152. ( 4). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 247. [↑](#footnote-ref-152)
153. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 349، حديث 9. [↑](#footnote-ref-153)
154. ( 1).« ندبه» در لغت به معناى گريه و زارى است و ناميده شدن اين دعا به اين نام به جهت اظهار ناله و اندوهى است كه به خاطر مصائب خاندان پيامبر صلى الله عليه و آله و مخصوصاً فراق و دورى حضرت مهدى عليه السلام در آن منعكس شده است. [↑](#footnote-ref-154)
155. ( 2). اين دعا را سيّد بن طاووس در مصباح الزائر، صفحه 446- 453 و محمّد بن المشهدى در مزار كبير، صفحه 573 آورده‏اند، مرحوم علّامه مجلسى نيز در بحارالانوار، جلد 99، صفحه 104- 110 آن را نقل كرده است. همچنين علّامه مجلسى در كتاب زادالمعاد، صفحه 491- 504 اين دعا را به سند معتبر از امام صادق عليه السلام نقل كرده است و مطابق برخى ديگر از روايات، اين دعا از ناحيه امام زمان عليه السلام توسّط يكى از نوّابش رسيده است كه در واقع تأكيدى است بر آنچه كه امام صادق عليه السلام آن را بيان فرموده است.( براى توضيح بيشتر به كتاب« ندبه و نشاط» تأليف دانشمند ارجمند، مرحوم آقاى زمرّديان مراجعه شود). [↑](#footnote-ref-155)
156. ( 1). در ساير كتب: لا يجازى. [↑](#footnote-ref-156)
157. ( 2). در بحارالانوار: بِغَدِه. [↑](#footnote-ref-157)
158. ( 1). در بحارالانوار و اقبال: فنقرّ منها. [↑](#footnote-ref-158)
159. ( 2). در بحارالانوار: الاولى‏. [↑](#footnote-ref-159)
160. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 280. [↑](#footnote-ref-160)
161. ( 1). مهج الدعوات، صفحه 294. [↑](#footnote-ref-161)
162. ( 1).( زيارت جامعه)، فقيه، جلد 2، صفحه 610. [↑](#footnote-ref-162)
163. ( 1).( زيارت جامعه)، فقيه، جلد 2، صفحه 611. [↑](#footnote-ref-163)
164. ( 2). همان مدرك، صفحه 614. [↑](#footnote-ref-164)
165. ( 3). همان مدرك، صفحه 613. [↑](#footnote-ref-165)
166. ( 1).( زيارت جامعه)، فقيه، جلد 2، صفحه 615. [↑](#footnote-ref-166)
167. ( 2). همان مدرك، صفحه 616. [↑](#footnote-ref-167)
168. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-168)
169. ( 4). همان مدرك، صفحه 617. [↑](#footnote-ref-169)
170. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 264. [↑](#footnote-ref-170)
171. ( 2). همان مدرك، صفحه 265. [↑](#footnote-ref-171)
172. ( 3). قابل ذكر است كه در بخشى ديگر، قبل از زيارات هر كدام از چهارده معصوم عليهم السلام، به بعضى از روايات خاص اشاره مى‏شود. [↑](#footnote-ref-172)
173. ( 4). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 116، حديث 1 و عيون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 260، حديث 24. [↑](#footnote-ref-173)
174. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 585، حديث 5. [↑](#footnote-ref-174)
175. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 118، حديث 11 به نقل از كامل‏الزيارات، صفحه 58، حديث 6، باب 16. [↑](#footnote-ref-175)
176. ( 3). بحارالانوار، ج 97، صفحه 119، حديث 18 به نقل از كامل الزيارات، صفحه 160، حديث 14، باب 65. [↑](#footnote-ref-176)
177. ( 4). بحارالانوار، ج 97، صفحه 120، حديث 22. [↑](#footnote-ref-177)
178. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 122، حديث 26 به نقل از كامل‏الزيارات، صفحه 335، حديث 13، باب 108. [↑](#footnote-ref-178)
179. ( 2). بحارالانوار، ج 97، صفحه 124، حديث 34. [↑](#footnote-ref-179)
180. ( 3). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 302، حديث 1. [↑](#footnote-ref-180)
181. ( 4). رجوع شود به: كافى، جلد 8، صفحه 143، حديث 109 و صفحه 275، حديث 416 و خصال صدوق، جلد 2، صفحه 385، حديث 67 وصفحه 386، حديث 69 و صفحه 388، حديث 78 و صفحه 393، حديث 95 و بحارالانوار، جلد 56، صفحه 35 و جلد 97، صفحه 102 و فقيه، جلد 1، صفحه 424، حديث 1252 و جلد 2، صفحه 266 و 267. [↑](#footnote-ref-181)
182. ( 5). كافى، جلد 4، صفحه 283، حديث 4. [↑](#footnote-ref-182)
183. ( 6). رجوع شود به: وسائل الشيعه، جلد 11، باب 15 از ابواب سفر. [↑](#footnote-ref-183)
184. ( 1). كافى، جلد 8، صفحه 197 و 198، حديث 235 و 236 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 8 از ابواب سفر، حديث 2 و 3. [↑](#footnote-ref-184)
185. ( 2). فقيه، جلد 2، صفحه 270، حديث 2408 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 15 از ابواب سفر، حديث 5. [↑](#footnote-ref-185)
186. ( 3). كافى، جلد 4، صفحه 283، حديث 4 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 15 از ابواب سفر، حديث 1. [↑](#footnote-ref-186)
187. ( 4). محاسن، جلد 2، صفحه 349، حديث 26 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 15 از ابواب سفر، حديث 3. [↑](#footnote-ref-187)
188. ( 5). كافى، جلد 4، صفحه 283، حديث 1 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 18 از ابواب سفر، حديث 1. [↑](#footnote-ref-188)
189. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 543، حديث 11 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 19 از ابواب سفر، حديث 1. [↑](#footnote-ref-189)
190. ( 2). كامل الزيارات، صفحه 283، حديث 10، باب 93. [↑](#footnote-ref-190)
191. ( 3). كافى، جلد 4، صفحه 287، حديث 1. [↑](#footnote-ref-191)
192. ( 4). بحارالانوار، جلد 73، صفحه 258، حديث 52. [↑](#footnote-ref-192)
193. ( 1). سوره اعراف، آيه 43. [↑](#footnote-ref-193)
194. ( 2). سوره زخرف، آيه 13. [↑](#footnote-ref-194)
195. ( 3). رجوع شود به: كافى، جلد 6، صفحه 540، حديث 17. [↑](#footnote-ref-195)
196. ( 4). محاسن، جلد 2، صفحه 367، حديث 118. [↑](#footnote-ref-196)
197. ( 5). همان مدرك، حديث 120. [↑](#footnote-ref-197)
198. ( 6). فقيه، جلد 2، صفحه 276، حديث 2431. [↑](#footnote-ref-198)
199. ( 7). كافى، جلد 4، صفحه 286، حديث 5 و وسائل الشيعه، جلد 8، باب 30 از ابواب سفر، حديث 1. [↑](#footnote-ref-199)
200. ( 1). فقيه، جلد 2، صفحه 278، حديث 2437 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 31 از ابواب سفر، حديث 2. [↑](#footnote-ref-200)
201. ( 2). عيون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 145، حديث 13 و وسائل‏الشيعه، جلد 8، باب 46، حديث 2. [↑](#footnote-ref-201)
202. ( 3). بحارالانوار، جلد 73، صفحه 273. [↑](#footnote-ref-202)
203. ( 4). فقيه، جلد 2، صفحه 279، حديث 2442. [↑](#footnote-ref-203)
204. ( 5). كافى، جلد 3، صفحه 265، حديث 7. [↑](#footnote-ref-204)
205. ( 6). تهذيب، جلد 3، صفحه 230، حديث 103. [↑](#footnote-ref-205)
206. ( 1). بحارالانوار، جلد 100، صفحه 5، حديث 18. [↑](#footnote-ref-206)
207. ( 2). رجوع شود به: بحارالانوار، جلد 48، صفحه 85، حديث 105. [↑](#footnote-ref-207)
208. ( 3). همان مدرك، جلد 97، صفحه 129. [↑](#footnote-ref-208)
209. ( 1). قرب الاسناد، صفحه 21 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 126، حديث 2. [↑](#footnote-ref-209)
210. ( 2). سوره طه، آيه 12. [↑](#footnote-ref-210)
211. ( 3). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 134 به نقل از دروس، جلد 2، صفحه 22. [↑](#footnote-ref-211)
212. ( 4). بصائرالدرجات، صفحه 312. [↑](#footnote-ref-212)
213. ( 5). شهيد اوّل در دروس گفته است: خامسها الزيارة بالمأثور و يكفى السلام( والحضور)،( بحارالانوار، جلد 97، صفحه 134 به نقل از دروس، جلد 2، صفحه 23). [↑](#footnote-ref-213)
214. ( 6). كافى، جلد 3، صفحه 476، حديث 1. [↑](#footnote-ref-214)
215. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 186. ظاهر آنچه در روايت آمده اين است كه اين دو ركعت در زيارت هر يك از ائمّه خوانده مى‏شود. [↑](#footnote-ref-215)
216. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-216)
217. ( 3). همان مدرك، جلد 97، صفحه 134 به نقل از دروس، جلد 2، صفحه 23. [↑](#footnote-ref-217)
218. ( 4). علّامه مجلسى در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 126 ذيل حديث 3 نقل مى‏كند كه در بعضى از روايات آمده است:« قبّل جوانب القبر». [↑](#footnote-ref-218)
219. ( 1). سوره حجرات، آيه 2. [↑](#footnote-ref-219)
220. ( 2). سوره نور، آيه 36. [↑](#footnote-ref-220)
221. ( 1). بلدالامين، صفحه 276. [↑](#footnote-ref-221)
222. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 160، حديث 41( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-222)
223. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 472: المُفْتَرَضَ. [↑](#footnote-ref-223)
224. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 115. [↑](#footnote-ref-224)
225. ( 1). كامل الزيارات، صفحه 11، حديث 2، باب 1. [↑](#footnote-ref-225)
226. ( 2). همان مدرك، باب 2، احاديث 1، 2، 3، 4، 7، 8، 10، 12، 13، 14، 15 و 16. [↑](#footnote-ref-226)
227. ( 3). همان مدرك، صفحه 15، حديث 19. [↑](#footnote-ref-227)
228. ( 4). همان مدرك، صفحه 13، حديث 11. [↑](#footnote-ref-228)
229. ( 5). كافى، جلد 4، صفحه 554، حديث 3 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 146، حديث 1. [↑](#footnote-ref-229)
230. ( 6). خصال، جلد 2، صفحه 616. [↑](#footnote-ref-230)
231. ( 1). كامل الزيارات، صفحه 15، حديث 1، باب 3. [↑](#footnote-ref-231)
232. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 12. [↑](#footnote-ref-232)
233. ( 1). كامل الزيارات، صفحه 15، باب 3، حديث 1. [↑](#footnote-ref-233)
234. ( 2). همان مدرك، صفحه 16، حديث 2. [↑](#footnote-ref-234)
235. ( 1). كامل الزيارات، صفحه 19، حديث 9. [↑](#footnote-ref-235)
236. ( 2). همان مدرك، صفحه 20، حديث 10. [↑](#footnote-ref-236)
237. ( 3). همان مدرك، صفحه 21، حديث 4، باب 4. [↑](#footnote-ref-237)
238. ( 4). همان مدرك، صفحه 12، حديث 5، باب 2. [↑](#footnote-ref-238)
239. ( 5). امالى طوسى، صفحه 167، حديث 31. [↑](#footnote-ref-239)
240. ( 1). كامل الزيارات، صفحه 14، حديث 17، باب 2. [↑](#footnote-ref-240)
241. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 181، حديث 3 و قرب الاسناد، صفحه 169. [↑](#footnote-ref-241)
242. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 50 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 330. [↑](#footnote-ref-242)
243. ( 1). كافى، جلد 8، صفحه 175. [↑](#footnote-ref-243)
244. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 199، حديث 19. [↑](#footnote-ref-244)
245. ( 2). همان مدرك، صفحه 198، حديث 18. [↑](#footnote-ref-245)
246. ( 3). همان مدرك، صفحه 196، به نقل از فقيه، جلد 2، صفحه 572. [↑](#footnote-ref-246)
247. ( 4). همان مدرك، صفحه 197، به نقل از فقيه، جلد 2، صفحه 572. [↑](#footnote-ref-247)
248. ( 5). همان مدرك، صفحه 191، حديث 1، به نقل از عيون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 311، حديث 76. [↑](#footnote-ref-248)
249. ( 6). همان مدرك، صفحه 194، حديث 10. [↑](#footnote-ref-249)
250. ( 7). همان مدرك، صفحه 194، حديث 9، به نقل از تهذيب، جلد 6، صفحه 9، حديث 11. [↑](#footnote-ref-250)
251. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 198، حديث 18 و اقبال، صفحه 623. [↑](#footnote-ref-251)
252. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 194، حديث 11، به نقل از تهذيب، جلد 6، صفحه 9، حديث 12. [↑](#footnote-ref-252)
253. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 195، حديث 12، به نقل از تهذيب، جلد 6، صفحه 10. [↑](#footnote-ref-253)
254. ( 1). اقبال، صفحه 624- 626 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 199، حديث 20( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-254)
255. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 139، حديث 1، به نقل از علل الشرايع، جلد 2، صفحه 459، حديث 1 و عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 262، حديث 28. [↑](#footnote-ref-255)
256. ( 3). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 141، حديث 14، به نقل از امالى صدوق، صفحه 115. [↑](#footnote-ref-256)
257. ( 4). مقنعه، صفحه 474.. [↑](#footnote-ref-257)
258. ( 5). كامل الزيارات، صفحه 194، حديث 7، باب 78. [↑](#footnote-ref-258)
259. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 141، حديث 12، به نقل از امالى صدوق، صفحه 59، حديث 4. عين همين روايت در كامل الزيارات به سند ديگرى از امام صادق عليه السلام از امام حسين عليه السلام نقل شده است( كامل الزيارات، صفحه 11، حديث 5، باب 1). [↑](#footnote-ref-259)
260. ( 2). كامل الزيارات، صفحه 11، حديث 4، باب 1. [↑](#footnote-ref-260)
261. ( 3). همان مدرك، حديث 3. [↑](#footnote-ref-261)
262. ( 4). قابل توجّه است كه مؤلّف مزار كبير اين زيارت را با مقدّمه‏اى مشتمل بر اذن دخول، نقل مى‏كند با تعبيرى كه نشان مى‏دهد كه در عصر مؤلّف اين كتاب، قبور ائمّه بقيع عليهم السلام از قبّه و بارگاهى برخوردار بود( رجوع شود به: مزار كبير، صفحه 88 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 211، حديث 10). نكته ديگر آن‏كه: چون اذن دخولى كه در مزار كبير آمده، در كامل الزيارات كه منبع اصلى اين زيارت است، نيامده، ما آن را نياورديم؛ بنابراين، براى اذن دخول ائمه بقيع، مى‏توان از همان اذن دخول عامى كه پيش از اين در صفحه 222 گذشت، استفاده كرد. [↑](#footnote-ref-262)
263. ( 5). كامل الزيارات:« القوّامين». [↑](#footnote-ref-263)
264. ( 1). كامل الزيارات:« يا آل». [↑](#footnote-ref-264)
265. ( 1). كامل الزيارات:« و عرّفتنى ائمّتى و بما». [↑](#footnote-ref-265)
266. ( 2). كامل الزيارات از« و صلى الله» تا آخر وجود ندارد، ولى در بحار آمده است. [↑](#footnote-ref-266)
267. ( 3). كامل الزيارات، باب 15، حديث 2 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 203، حديث 1. [↑](#footnote-ref-267)
268. ( 1). كامل الزيارات، باب 96، صفحه 286، حديث 1 و تهذيب، جلد 6، صفحه 103، حديث 1. [↑](#footnote-ref-268)
269. ( 2). كامل الزيارات، باب 96، صفحه 287، حديث 4. [↑](#footnote-ref-269)
270. ( 3). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 366. [↑](#footnote-ref-270)
271. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 217، حديث 16 و مصباح الزائر، صفحه 56. [↑](#footnote-ref-271)
272. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 218، حديث 17 و مصباح الزائر، صفحه 58. [↑](#footnote-ref-272)
273. ( 2). متأسّفانه مسجد« فضيخ» و« مشربه امّ‏ابراهيم» را تخريب كرده‏اند. [↑](#footnote-ref-273)
274. ( 3). فضيلت زيارت حمزه و زيارتى كه برايش نقل شده و نيز زيارت ديگرى براى شهداى احد در صفحه 248 خواهد آمد. [↑](#footnote-ref-274)
275. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 213، حديث 4 و كامل الزيارات، صفحه 23، حديث 2 و صفحه 26، حديث 5. [↑](#footnote-ref-275)
276. ( 2). مصباح الزائر، صفحه 64. [↑](#footnote-ref-276)
277. ( 3). همان مدرك، صفحه 65 و رجوع كنيد به: مزاركبير، صفحه 102. [↑](#footnote-ref-277)
278. ( 4). مستدرك الوسائل، جلد 10، صفحه 198، حديث 2. [↑](#footnote-ref-278)
279. ( 1). بيت الاحزان، صفحه 168. [↑](#footnote-ref-279)
280. ( 2). فصول المختارة، صفحه 131. [↑](#footnote-ref-280)
281. ( 1). بحار الانوار، جلد 97، صفحه 220، حديث 18. [↑](#footnote-ref-281)
282. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 221، حديث 19. [↑](#footnote-ref-282)
283. ( 2). كامل الزيارات، باب 7، صفحه 26، حديث 1 و 2. [↑](#footnote-ref-283)
284. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 231، حديث 21. [↑](#footnote-ref-284)
285. ( 2). همان مدرك، صفحه 232 و 233، به نقل از ارشاد القلوب، جلد 2، صفحه 439 و 440. [↑](#footnote-ref-285)
286. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-286)
287. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-287)
288. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-288)
289. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 243، حديث 1. [↑](#footnote-ref-289)
290. ( 2). امالى طوسى، صفحه 214، حديث 22. [↑](#footnote-ref-290)
291. ( 3). كامل الزيارات، باب 10، حديث 1. [↑](#footnote-ref-291)
292. ( 4). همان مدرك، حديث 2. [↑](#footnote-ref-292)
293. ( 1). كامل الزيارات، باب 10، حديث 3. [↑](#footnote-ref-293)
294. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 261، حديث 13 و تهذيب، جلد 6، صفحه 34، حديث 14. [↑](#footnote-ref-294)
295. ( 3). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 261، حديث 12. [↑](#footnote-ref-295)
296. ( 4). همان مدرك، صفحه 252، حديث 47. [↑](#footnote-ref-296)
297. ( 1). كامل الزيارات، باب 69، صفحه 167، حديث 4. [↑](#footnote-ref-297)
298. ( 2). همان مدرك، باب 9، صفحه 34، حديث 5. [↑](#footnote-ref-298)
299. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 269. [↑](#footnote-ref-299)
300. ( 2). همان مدرك، صفحه 266 و 267، حديث 9. [↑](#footnote-ref-300)
301. ( 1). كامل الزّيارات، باب 11، صفحه 39، حديث 1. [↑](#footnote-ref-301)
302. ( 2). مزار كبير، صفحه 282. [↑](#footnote-ref-302)
303. ( 3). همان مدرك و بحارالانوار، جلد 53، صفحه 312- 316، حكايت 59. [↑](#footnote-ref-303)
304. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 569، حديث 1 و كامل الزيارات، باب 11، صفحه 45، حديث 3. [↑](#footnote-ref-304)
305. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 305، حديث 23. [↑](#footnote-ref-305)
306. ( 2). از اين قسمت با توجه به اختلاف دعا در نسخه‏هاى مختلف، مطابق مصباح المتهجّد، صفحه 780 به بعد نقل مى‏شود. [↑](#footnote-ref-306)
307. ( 1). اين قسمت از دعا تا پايان نيز مطابق نقل مصباح المتهجّد، صفحه 777 مى‏باشد. [↑](#footnote-ref-307)
308. ( 1). يادآورى چند نكته:

     الف) اين زيارت را مرحوم سيّدبن‏طاووس در« مصباح‏الزائر، صفحه 149» نيز با تفاوت‏هايى آورده است و علّامه مجلسى آن را از مزار شيخ مفيد نقل كرده.( بحارالانوار، جلد 97، صفحه 305، حديث 23) ما نيز بخشى از اين دعا را مطابق بحار و قسمتى را مطابق مصباح المتهجّد نقل كرده‏ايم.

     ب) از آنچه گذشت به دست آمد كه آنچه به عنوان دعاى علقمه ميان مردم معروف است و مرحوم حاج شيخ عباس قمى آن را بعد از زيارت عاشورا آورده، همين دعاى صفوان است و حق اين بود كه به دعاى صفوان معروف مى‏شد؛ زيرا به تصريح حديث سيف بن عميره- مطابق نقل شيخ طوسى در مصباح- اساساً علقمه، پس از نقل زيارت عاشورا، دعايى ذكر نكرده( ر. ك: بحارالانوار، جلد 98، صفحه 296، حديث 3) و نقل كامل‏الزيارات نيز مؤيّد آن است( ر. ك: كامل‏الزيارات، باب 71، حديث 8).

     ج) از آنچه گذشت نيز روشن شد كه جايگاه اصلى دعاى صفوان( كه به دعاى علقمه معروف شده) همين فصل، يعنى فصل زيارات اميرمؤمنان است. چون امام صادق عليه السلام اين دعا را در كنار قبر شريف امير مؤمنان عليه السلام و پس از زيارت آن حضرت خواند، گرچه پس از زيارت آن بزرگوار، سلامى به امام حسين عليه السلام هم داده باشد و يا حتّى مطابق نقلى كه شيخ طوسى نسبت به جريان صفوان دارد، پس از زيارت امير مؤمنان عليه السلام، زيارت عاشورايى را هم خوانده باشد. بر همين اساس، ما آن دعا را به اين‏جا( فصل زيارت اميرمؤمنان عليه السلام) منتقل كرده‏ايم.

     د) اگر آن دعا( دعاى صفوان و يا علقمه) در ذيل زيارت اميرمؤمنان عليه السلام ذكر مى‏شد ديگر ابهامى براى زائران عزيز به وجود نمى‏آمد كه چگونه در آخر دعايى كه پس از زيارت عاشورا خوانده مى‏شود سخن از وداع با امير مؤمنان عليه السلام است و تعبيراتى چون« يا اميرالمؤمنين ... من زيارتكما ... يا اميرالمؤمنين ... اتيتكما ... و لكما ...» در آن آمده است؟! ظاهراً منشأ اشتباه، كيفيّت نقل مرحوم علّامه مجلسى در فصل زيارات امام حسين عليه السلام است كه دعاى صفوان( علقمه) را در آن جا( فصل زيارات امام حسين عليه السلام) نيز با تتمّه آن، كه مربوط به وداع با امير مؤمنان و امام حسين عليهما السلام است نقل مى‏كند. [↑](#footnote-ref-308)
309. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 279، حديث 15 و فرحة الغرى، صفحه 94،( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-309)
310. ( 1). مستدرك الوسائل، جلد 10، صفحه 222، حديث 1. [↑](#footnote-ref-310)
311. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 266، حديث 8، به نقل از كامل الزيارات، باب 12، صفحه 46، حديث 1. [↑](#footnote-ref-311)
312. ( 2). اقبال، صفحه 468 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 358، حديث 2. [↑](#footnote-ref-312)
313. ( 3). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 359، حديث 6. [↑](#footnote-ref-313)
314. ( 1). اقبال، صفحه 493. [↑](#footnote-ref-314)
315. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 373، حديث 9. [↑](#footnote-ref-315)
316. ( 2). همان مدرك، صفحه 377. [↑](#footnote-ref-316)
317. ( 3). كامل‏الزيارات، باب 10، صفحه 39، حديث 2. [↑](#footnote-ref-317)
318. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 262، حديث 17، به نقل از مزار كبير، صفحه 38، حديث 13. [↑](#footnote-ref-318)
319. ( 1). اين قسمت در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 378 آمده است. [↑](#footnote-ref-319)
320. ( 1). در بحارالانوار« الْأشهادِ» آمده است. [↑](#footnote-ref-320)
321. ( 1). مزار شهيد اوّل، صفحه 99 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 377، حديث 10،( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-321)
322. ( 1). مفاتيح الجنان، زيارات مخصوصه اميرالمؤمنين عليه السلام. [↑](#footnote-ref-322)
323. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 392، حديث 20، به نقل از خصال، جلد 1، صفحه 225، حديث 58. [↑](#footnote-ref-323)
324. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-324)
325. ( 3). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 400، حديث 51، به نقل از كامل‏الزيارات، باب 8، صفحه 29، حديث 8. [↑](#footnote-ref-325)
326. ( 4). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 399، حديث 42، به نقل از كامل‏الزيارات، باب 8، صفحه 27، حديث 2. [↑](#footnote-ref-326)
327. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-327)
328. ( 6). همان مدرك، صفحه 405، حديث 61 و فرحة الغرى، صفحه 69. [↑](#footnote-ref-328)
329. ( 7). كامل‏الزيارات، باب 8، صفحه 27، حديث 1. [↑](#footnote-ref-329)
330. ( 8). همان مدرك، صفحه 28، حديث 5. [↑](#footnote-ref-330)
331. ( 1). كامل الزيارات، باب 8، صفحه 28، حديث 6. [↑](#footnote-ref-331)
332. ( 2). همان مدرك، صفحه 32، حديث 18. [↑](#footnote-ref-332)
333. ( 3). امالى صدوق، صفحه 227، حديث 8. [↑](#footnote-ref-333)
334. ( 4). جواهرالكلام، جلد 14، صفحه 337. [↑](#footnote-ref-334)
335. ( 5). مصباح الزائر، از صفحه 77 تا 99. [↑](#footnote-ref-335)
336. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 739. [↑](#footnote-ref-336)
337. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 77 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 409- 411( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-337)
338. ( 2). سوره نحل، آيه 90. [↑](#footnote-ref-338)
339. ( 3). مفاتيح الجنان، اعمال مسجد كوفه. [↑](#footnote-ref-339)
340. ( 1). بحارالانوار، جلد 40، صفحه 277، حديث 42. [↑](#footnote-ref-340)
341. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 79 و بحارالانوار جلد 97، صفحه 411 و 412( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-341)
342. ( 2). مفاتيح الجنان، اعمال مسجد كوفه. [↑](#footnote-ref-342)
343. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 493، حديث 4. [↑](#footnote-ref-343)
344. ( 2). همان مدرك، حديث 5 [↑](#footnote-ref-344)
345. ( 3). همان مدرك، حديث 7. [↑](#footnote-ref-345)
346. ( 4). همان مدرك، حديث 8. [↑](#footnote-ref-346)
347. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 80- 83 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 412. [↑](#footnote-ref-347)
348. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 388، حديث 12. [↑](#footnote-ref-348)
349. ( 2). كافى، جلد 3، صفحه 493، حديث 6. [↑](#footnote-ref-349)
350. ( 3). همان مدرك، حديث 7. [↑](#footnote-ref-350)
351. ( 4). همان مدرك، حديث 8. [↑](#footnote-ref-351)
352. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 83 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 415. [↑](#footnote-ref-352)
353. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 84 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 415. [↑](#footnote-ref-353)
354. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 416. [↑](#footnote-ref-354)
355. ( 2). مصباح الزائر، صفحه 87 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 418. [↑](#footnote-ref-355)
356. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 88 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 419. [↑](#footnote-ref-356)
357. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 98 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 425. [↑](#footnote-ref-357)
358. ( 2). امالى طوسى، صفحه 415، حديث 84. [↑](#footnote-ref-358)
359. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 99 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 426. [↑](#footnote-ref-359)
360. ( 1). مزار كبير، صفحه 177. [↑](#footnote-ref-360)
361. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 101 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 427. [↑](#footnote-ref-361)
362. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 104 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 429( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-362)
363. ( 1). اسم« سهيل» در كامل‏الزيارات، باب 8، حديث 10 و 11 و اسم« بنى‏ظفر» در كافى، جلد 3، صفحه 489، حديث 1 و اسم« شرى» در قرب‏الاسناد، صفحه 74، آمده است. [↑](#footnote-ref-363)
364. ( 2). رجوع شود به: كامل الزيارات، باب 8، صفحه 29، حديث 10 و 11، و فقيه، جلد 1، صفحه 232، حديث 697. [↑](#footnote-ref-364)
365. ( 3). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 437، حديث 8 به نقل از كامل الزيارات، صفحه 30، حديث 10. [↑](#footnote-ref-365)
366. ( 4). كامل الزيارات، باب 8، صفحه 28، حديث 6. [↑](#footnote-ref-366)
367. ( 5). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 434، حديث 1. [↑](#footnote-ref-367)
368. ( 6). همان مدرك، صفحه 435، حديث 3. [↑](#footnote-ref-368)
369. ( 7). همان مدرك، صفحه 440، حديث 20 به نقل از تهذيب، جلد 6، صفحه 38، حديث 21 و در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 437، حديث 9، به نقل از قرب‏الاسناد، صفحه 74 به طور مطلق و بدون قيد« بين نماز مغرب و عشا» چنين مژده‏اى وارد شده است. [↑](#footnote-ref-369)
370. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 436، حديث 7 و مزار كبير، صفحه 135. [↑](#footnote-ref-370)
371. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 435، حديث 3. [↑](#footnote-ref-371)
372. ( 3). همان مدرك، صفحه 443، حديث 22 و مزار كبير، صفحه 137. [↑](#footnote-ref-372)
373. ( 4). مصباح الزائر، صفحه 105. [↑](#footnote-ref-373)
374. ( 1). براى اين قسمت از اعمال، به مدركى غير از آنچه مرحوم حاج شيخ عبّاس قمى( ره) به عنوان بعضى از كتب مزاريّه نقل مى‏كند دست‏نيافتيم، جزآنچه در مصباح المتهجّد صفحه 130- 132، آن هم به عنوان اعمال مطلق مساجد و با تفاوت‏هاى قابل ملاحظه نقل شده است. [↑](#footnote-ref-374)
375. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 105 و بحارالانوار، جلد 97، صفحه 441، حديث 21 و مزار كبير، صفحه 137. قابل توجّه است كه مطابق نقل‏بحار، اين دعا را امام صادق عليه السلام براى نجات زنى كه به جهت اظهار بيزارى از كسانى كه بر حضرت فاطمه صدّيقه عليها السلام ستم كردند، دستگير شد در مسجد سهله خواندند و مؤلّفان كتب مزار، آن را با اندك تفاوتى كه قابل تطبيق بر هر نيازمند ديگرى است، نقل كرده‏اند. [↑](#footnote-ref-375)
376. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 443، حديث 22 و مزار كبير، صفحه 140 و مصباح الزائر، صفحه 105. [↑](#footnote-ref-376)
377. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 445. [↑](#footnote-ref-377)
378. ( 3). همان مدرك، صفحه 444 و مزار كبير، صفحه 141. [↑](#footnote-ref-378)
379. ( 1). مفاتيح الجنان، اعمال مسجد سهله. [↑](#footnote-ref-379)
380. ( 1). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 444 و مزار كبير، صفحه 142. [↑](#footnote-ref-380)
381. ( 2). مصباح الزائر، صفحه 108. [↑](#footnote-ref-381)
382. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 109. [↑](#footnote-ref-382)
383. ( 2). بحارالانوار، جلد 97، صفحه 446 و مزار كبير، صفحه 143. [↑](#footnote-ref-383)
384. ( 3). بحارالانوار، جلد 23، صفحه 211. [↑](#footnote-ref-384)
385. ( 4). همان مدرك، جلد 97، صفحه 445. [↑](#footnote-ref-385)
386. ( 5). همان مدرك، جلد 34، صفحه 308. [↑](#footnote-ref-386)
387. ( 6). همان مدرك، جلد 23، صفحه 211. [↑](#footnote-ref-387)
388. ( 1). همان مدرك، جلد 42، صفحه 295. [↑](#footnote-ref-388)
389. ( 2). مؤلّف اين كتاب در مقدّمه آن مى‏گويد:« آنچه در اين كتاب نقل كرده‏ام از طريق موثّقين از اصحاب ما مى‏باشد» و بر اين اساس بعضى ازبزرگان تمام روات آن را معتبر و از ثقات شمرده‏اند. [↑](#footnote-ref-389)
390. ( 3). كامل‏الزيارات، باب 39، صفحه 114، حديث 4. [↑](#footnote-ref-390)
391. ( 4). همان مدرك، حديث 2. [↑](#footnote-ref-391)
392. ( 5). همان مدرك، باب 40، صفحه 116، حديث 1. [↑](#footnote-ref-392)
393. ( 1). كامل الزيارات، باب 40، صفحه 117، حديث 2. [↑](#footnote-ref-393)
394. ( 2). همان مدرك، باب 41، صفحه 118، حديث 3. [↑](#footnote-ref-394)
395. ( 3). همان مدرك، صفحه 119، حديث 1. [↑](#footnote-ref-395)
396. ( 4). همان مدرك، باب 46، صفحه 128، حديث 2. [↑](#footnote-ref-396)
397. ( 5). همان مدرك، باب 42، صفحه 121، حديث 1. [↑](#footnote-ref-397)
398. ( 6). همان مدرك، باب 44، صفحه 123، حديث 2. [↑](#footnote-ref-398)
399. ( 7). همان مدرك، باب 46، صفحه 127، حديث 1. [↑](#footnote-ref-399)
400. ( 8). همان مدرك، صفحه 128، حديث 2. [↑](#footnote-ref-400)
401. ( 9). همان مدرك، حديث 4. [↑](#footnote-ref-401)
402. ( 1). كامل الزيارات، باب 46، صفحه 128، حديث 2. [↑](#footnote-ref-402)
403. ( 2). همان مدرك، حديث 3. [↑](#footnote-ref-403)
404. ( 3). همان مدرك، باب 49، صفحه 132، حديث 2. [↑](#footnote-ref-404)
405. ( 4). همان مدرك، حديث 3 و رجوع شود به باب 62. [↑](#footnote-ref-405)
406. ( 5). رجوع شود به: بحارالانوار، جلد 36، صفحه 286، حديث 107. [↑](#footnote-ref-406)
407. ( 1). مزار كبير، صفحه 417. [↑](#footnote-ref-407)
408. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-408)
409. ( 3). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 140، حديث 2 و كامل‏الزيارات، باب 48، صفحه 131، حديث 3. مرحوم علّامه مجلسى مى‏گويد: شايد نهى از وطن قرار دادن، حمل بر زمان تقيّه و خوف شود چنان كه غالب در آن اعصار چنين حالتى بوده و يا مقصود، توقّف كردن كنار قبر است( تا مزاحمتى براى ساير زوّار پيش نيايد)( بحارالانوار، جلد 98، صفحه 115). [↑](#footnote-ref-409)
410. ( 1). ثواب الاعمال، صفحه 89. [↑](#footnote-ref-410)
411. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 49، صفحه 134، حديث 8. [↑](#footnote-ref-411)
412. ( 3). همان مدرك، صفحه 133، حديث 4. [↑](#footnote-ref-412)
413. ( 4). همان مدرك، باب 8، صفحه 31، حديث 12. [↑](#footnote-ref-413)
414. ( 5). سوره مؤمنون، آيه 50. [↑](#footnote-ref-414)
415. ( 6). كامل الزيارات، باب 13، صفحه 47، حديث 5. [↑](#footnote-ref-415)
416. ( 7). همان مدرك، حديث 4. [↑](#footnote-ref-416)
417. ( 8). همان مدرك، حديث 1. [↑](#footnote-ref-417)
418. ( 1). كافى، جلد 8، صفحه 102، حديث 73. [↑](#footnote-ref-418)
419. ( 2). كامل الزيارات، باب 48، صفحه 130، حديث 1. [↑](#footnote-ref-419)
420. ( 3). همان مدرك، باب 79، صفحه 213، حديث 10. [↑](#footnote-ref-420)
421. ( 4). همان مدرك، باب 83، صفحه 251، حديث 1. [↑](#footnote-ref-421)
422. ( 1). كامل الزيارات، باب 44، صفحه 123، حديث 2 و باب 79، صفحه 240، حديث 17. [↑](#footnote-ref-422)
423. ( 2). همان مدرك، باب 79، صفحه 214، حديث 10. [↑](#footnote-ref-423)
424. ( 3). همان مدرك، باب 83، صفحه 251، حديث 1. [↑](#footnote-ref-424)
425. ( 4). همان مدرك، باب 69، صفحه 168، حديث 7. [↑](#footnote-ref-425)
426. ( 5). همان مدرك، حديث 8. [↑](#footnote-ref-426)
427. ( 6). بحارالانوار، جلد 44، صفحه 221، حديث 1. [↑](#footnote-ref-427)
428. ( 7). عدّة الداعى، صفحه 57. [↑](#footnote-ref-428)
429. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 212. [↑](#footnote-ref-429)
430. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 225. [↑](#footnote-ref-430)
431. ( 2). عدة الداعى، صفحه 64. [↑](#footnote-ref-431)
432. ( 3). قرب الاسناد، صفحه 28. [↑](#footnote-ref-432)
433. ( 4). كافى، جلد 3، صفحه 471، حديث 3. [↑](#footnote-ref-433)
434. ( 1). كامل الزيارات، باب 108، صفحه 325، حديث 1. [↑](#footnote-ref-434)
435. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-435)
436. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 230. [↑](#footnote-ref-436)
437. ( 2). اين زيارت را غير از مرحوم كلينى، شيخ الطائفه مرحوم طوسى در تهذيب و شيخ صدوق در من لايحضره الفقيه نيز نقل كرده‏اند و مرحوم‏صدوق در همين كتاب در جلد 2، صفحه 598 مى‏نويسد:« با آن‏كه من در بعضى از كتاب‏هاى ديگرم زيارات متعدّدى را براى امام حسين عليه السلام نقل كرده‏ام، امّا در اين كتاب( من لا يحضره الفقيه) به همين يك زيارت بسنده مى‏كنم؛ چون آن را صحيح‏ترين زيارات از نظر سند مى‏دانم، پس همين ما را بس است». [↑](#footnote-ref-437)
438. ( 3). در روايت كافى به جاى« السلام عليك يا ابا عبداللّه»« صلى اللَّهُ عليك يا ابا عبداللّه» آمده، ولى روايت كامل الزيارات( السلام عليك يااباعبداللَّه) با ادامه حديث هماهنگ‏تر است، زيرا در هر دو روايت امام عليه السلام بعد از آن فرمود:« چرا كه« سلام» از دور يا نزديك به او مى‏رسد». [↑](#footnote-ref-438)
439. ( 1). در كافى« ثائر اللَّه و ابن ثائره» آمده است. [↑](#footnote-ref-439)
440. ( 1). در كافى« تسيخ الارض» آمده است. [↑](#footnote-ref-440)
441. ( 1). در كافى« مثواهم» آمده است. [↑](#footnote-ref-441)
442. ( 2). اين تعبير اشاره به اين است كه آن حضرت فرزند نسبى امام حسين عليه السلام و فرزند روحانى و معنوى امام حسن عليه السلام بود. [↑](#footnote-ref-442)
443. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 79، صفحه 197، حديث 2، كافى، جلد 4، صفحه 575، حديث 2 و فقيه، جلد 2، صفحه 594، حديث 3199. [↑](#footnote-ref-443)
444. ( 1). كامل الزيارات، باب 79، صفحه 210، حديث 7. [↑](#footnote-ref-444)
445. ( 2). اين مقدّمه در بحار نيامده، ولى در كامل الزيارات آمده است. [↑](#footnote-ref-445)
446. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 229، حديث 36 و كامل الزيارات، باب 79، صفحه 205، حديث 5،( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-446)
447. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 79، صفحه 205، حديث 4. [↑](#footnote-ref-447)
448. ( 1). كامل الزيارات، باب 79، صفحه 208، حديث 6. [↑](#footnote-ref-448)
449. ( 1). مستدرك الوسائل، جلد 10، صفحه 304، حديث 7 و كامل‏الزيارات، باب 79، صفحه 212، حديث 9.( با اندكى تفاوت) [↑](#footnote-ref-449)
450. ( 1). در بحار« السلام عليك يابن فاطمة ...» آمده است. [↑](#footnote-ref-450)
451. ( 2). اين جمله در مصباح نيامده، ولى در بحار آمده است. [↑](#footnote-ref-451)
452. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 717 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 197، حديث 32. [↑](#footnote-ref-452)
453. ( 2). كافى، جلد 3، صفحه 476، حديث 1. [↑](#footnote-ref-453)
454. ( 1). مهج الدعوات، صفحه 332 و بحارالانوار، جلد 52، صفحه 148، حديث 73. [↑](#footnote-ref-454)
455. ( 1). اين كلمه در بحار آمده است. [↑](#footnote-ref-455)
456. ( 1). در بحار« ارواح السُّعداءِ» آمده است. [↑](#footnote-ref-456)
457. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 85، صفحه 256، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 277، حديث 1. [↑](#footnote-ref-457)
458. ( 3). تهذيب، جلد 6، صفحه 66. [↑](#footnote-ref-458)
459. ( 1). مزار مفيد، صفحه 123 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 218.( با اندكى تفاوت) [↑](#footnote-ref-459)
460. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 86، صفحه 258، حديث 1. [↑](#footnote-ref-460)
461. ( 2). خصال، جلد 1، صفحه 68، حديث 101. [↑](#footnote-ref-461)
462. ( 3). اعلام الورى، صفحه 203. [↑](#footnote-ref-462)
463. ( 4). بحارالانوار، جلد 45، صفحه 40. [↑](#footnote-ref-463)
464. ( 1). مقتل ابومخنف، صفحه 181. [↑](#footnote-ref-464)
465. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-465)
466. ( 3). اقبال، صفحه 573 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 269. [↑](#footnote-ref-466)
467. ( 1). كامل الزيارات، باب 71، صفحه 173، حديث 1. [↑](#footnote-ref-467)
468. ( 2). همان مدرك، صفحه 174، حديث 2. [↑](#footnote-ref-468)
469. ( 3). همان مدرك، حديث 5 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 15، حديث 14. [↑](#footnote-ref-469)
470. ( 4). كامل الزيارات، باب 71، حديث 7 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 290، حديث 1. [↑](#footnote-ref-470)
471. ( 5). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 293، حديث 2. [↑](#footnote-ref-471)
472. ( 6). همان مدرك، صفحه 296- 300. [↑](#footnote-ref-472)
473. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 300 و مصباح المتهجّد، صفحه 781. [↑](#footnote-ref-473)
474. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 71، صفحه 179، قسمت پايانى حديث 9. [↑](#footnote-ref-474)
475. ( 3). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 300. [↑](#footnote-ref-475)
476. ( 1). آنچه داخل پرانتز آمده، در مصباح المتهجّد نيامده است، ولى در بعضى از نسخه‏ها آمده است. [↑](#footnote-ref-476)
477. ( 1). متن داخل پرانتز در بعضى از نسخه‏هاى مصباح شيخ طوسى نيامده است. [↑](#footnote-ref-477)
478. ( 1). در مصباح المتهجّد« طلب ثاركم مع امام مهدى ظاهر ناطق منكم» آمده و عبارت بالا در مزار كبير آمده است. [↑](#footnote-ref-478)
479. ( 1). در مصباح المتهجّد« لزيارتك» آمده است. [↑](#footnote-ref-479)
480. ( 2). بعضى مى‏گويند: جمله‏هاى« أوّلًا ثمّ الثّانى و الثّالث و الرّابع» در نسخه خطّى مصباح المتهجّد، مربوط به اوايل قرن ششم( سال 502)، موجود در كتابخانه آستان قدس رضوى و نسخه مصباح الصغير شيخ( كه برگزيده مصباح المتهجّد است) و مربوط به قرن ششم و آن هم در آستان قدس موجود است، وجود ندارد. ولى بايد توجّه داشت كه جمله‏هاى فوق در چند نسخه مهم و معتبر ديگر مصباح المتهجّد و مصباح الصغير موجود است:

     1- نسخه قديمى و خطّى مصباح المتهجّد كه تاريخش به زمان شيخ طوسى( قرن پنجم) بر مى‏گردد و در كتابخانه مسجد اعظم مرحوم آيةاللَّه بروجردى رحمه الله در قم( به شماره 394) موجود است و در صفحه اوّل آن نوشته شده:« نسخه زمان مؤلّف».

     2- نسخه ابن ابى‏الجود كه در كتابخانه مرحوم آية اللَّه مرعشى رحمه الله( به شماره 6837) موجود است؛ وى مى‏نويسد: اين نسخه را با نسخه‏اى كه در اختيار نوه ابن شهر آشوب بوده، مقابله كردم و نوه ابن شهر آشوب گفته است كه من از جدّم( ابن شهر آشوب) شنيدم كه اين نسخه‏اى است كه آن را بر شيخ طوسى خوانده‏ام. در اين نسخه نيز جملات فوق موجود است.

     3- مرحوم سيّد بن طاووس رحمه الله نيز در مصباح الزائر اين زيارت را به كيفيّت فوق نقل كرده است و پس از آنكه مى‏گويد: اين دو فقره اخير زيارت كه مشتمل بر صد لعن و صد سلام است را در مصباح كبير( مصباح المتهجّد، در نسخه موجود نزد من) نيافتم، مى‏افزايد: ولى من آن را از مصباح الصغير شيخ( كه برگرفته از مصباح كبير است) نقل مى‏كنم.( مصباح الزائر، صفحه 278)

     در نقل سيّد از مصباح الصغير نيز، جمله‏هاى فوق آمده است.

     بنابراين، در بسيارى از نسخه‏هاى قديمى مصباح المتهجّد و برخى از نسخه‏هاى مصباح الصغير جمله‏هاى فوق موجود است و اگر در برخى ديگر از نسخه‏ها نيست، ممكن است به شرايط زمانى عرضه اين زيارت برگردد.

     علاوه برآنكه در بحار الانوار( جلد 98، صفحه 296) همين فقرات و جمله‏ها موجود است و ايشان نيز مستقيماً از مصباح المتهجّد نقل مى‏كند و اين نشان مى‏دهد در نسخه موجود نزد علّامه مجلسى نيز، جمله‏هاى فوق وجود داشت.

     و اگر در كامل الزيارات جمله‏هاى فوق به طور دقيق نيامده، مشكلى ايجاد نمى‏كند، چرا كه نقل ابن قولويه در كامل الزيارات در بخش‏هاى ديگر زيارت عاشورا نيز با نقل مصباح المتهجّد اندكى متفاوت است و تنها در جمله‏هاى مورد بحث نيست. [↑](#footnote-ref-480)
481. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 773. رجوع شود به: كامل الزيارات، باب 71، صفحه 176، حديث 8 و مزار كبير، صفحه 480( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-481)
482. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 773 و كامل الزيارات، صفحه 175. [↑](#footnote-ref-482)
483. ( 3). رجوع شود به: الذريعه، جلد 15، صفحه 29؛ كتاب« ربع قرن مع العلامة الأمينى»، صفحه 231 و ادب الزائر، نوشته علامه امينى، صفحه 127.

     برخى‏ها چنين تصور كرده‏اند كه يك بار لعن و سلام را بگويد، سپس به دنبال هر كدام از لعن و سلام اضافه كند« تِسْعاً وَ تِسْعينَ مَرَّةً» و همين كفايت مى‏كند، در حالى كه ظاهر روايت همان است كه در بالا ذكر شد. [↑](#footnote-ref-483)
484. ( 4). رجوع شود به: بحارالانوار، جلد 97، صفحه 311. [↑](#footnote-ref-484)
485. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 787 و تهذيب، جلد 6، صفحه 52، حديث 37. [↑](#footnote-ref-485)
486. ( 1). در تهذيب كلمه« اسخطك» نيامده، ولى در مصباح المتهجّد آمده است. [↑](#footnote-ref-486)
487. ( 1). در تهذيب و مصباح المتهجّد به جاى« المطهرة» الطاهرة آمده است. [↑](#footnote-ref-487)
488. ( 2). تهذيب، جلد 6، صفحه 113، حديث 17 و مصباح المتهجّد، صفحه 788 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 331، حديث 2. [↑](#footnote-ref-488)
489. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 329، حديث 1. [↑](#footnote-ref-489)
490. ( 2). همان مدرك، صفحه 336 و مصباح الزائر، صفحه 291. [↑](#footnote-ref-490)
491. ( 3). بلدالامين، صفحه 281. [↑](#footnote-ref-491)
492. ( 1). كلمه« صدقتَ» در نسخه مصباح الزائر و بلد الامين آمده است، ولى در بحار نيامده. [↑](#footnote-ref-492)
493. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 336، حديث 1. [↑](#footnote-ref-493)
494. ( 1). در نسخه مزار شهيد اوّل،« عن الاسلام» آمده است. [↑](#footnote-ref-494)
495. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 337 و مزار شهيد اوّل، صفحه 145( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-495)
496. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 73، صفحه 182، حديث 2. [↑](#footnote-ref-496)
497. ( 3). همان مدرك، حديث 1. [↑](#footnote-ref-497)
498. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 345، حديث 1. [↑](#footnote-ref-498)
499. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 72، صفحه 179، حديث 2 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 93، حديث 2. [↑](#footnote-ref-499)
500. ( 1). بلد الامين، صفحه 284 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 342، حديث 2. [↑](#footnote-ref-500)
501. ( 2). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 100، حديث 31. [↑](#footnote-ref-501)
502. ( 3). همان مدرك، حديث 32. [↑](#footnote-ref-502)
503. ( 4). همان مدرك، صفحه 99، حديث 30. [↑](#footnote-ref-503)
504. ( 5). كامل‏الزيارات، باب 108، صفحه 330، حديث 7. [↑](#footnote-ref-504)
505. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 350 و مصباح الزائر، صفحه 325.( با اندكى تفاوت) [↑](#footnote-ref-505)
506. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 72، صفحه 180، حديث 6. [↑](#footnote-ref-506)
507. ( 3). همان مدرك، حديث 7. [↑](#footnote-ref-507)
508. ( 4). همان مدرك، باب 88، صفحه 269، حديث 9. [↑](#footnote-ref-508)
509. ( 1). عبارت« السلام عليك ياولى اللَّه» در مصباح الزائر آمده است. [↑](#footnote-ref-509)
510. ( 1). اشاره به حديث ثقلين است. [↑](#footnote-ref-510)
511. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 352، حديث 1 و مصباح الزائر، صفحه 329( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-511)
512. ( 2). كامل الزيارات، باب 70، حديث 3 و 4 و 5 و 7. [↑](#footnote-ref-512)
513. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 716. [↑](#footnote-ref-513)
514. ( 4). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 86، حديث 8. [↑](#footnote-ref-514)
515. ( 1). در مصباح الزائر« اصحاب الكساء» آمده است. [↑](#footnote-ref-515)
516. ( 2). آنچه داخل پرانتز است، در مصباح الزائر آمده است. [↑](#footnote-ref-516)
517. ( 1). جمله« ابنُ المظلوم» در مصباح الزائر آمده است. [↑](#footnote-ref-517)
518. ( 2). آنچه داخل پرانتز است، در مصباح الزائر آمده است. [↑](#footnote-ref-518)
519. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 359 حديث 1 و مصباح الزائر، صفحه 347.( با اندكى تفاوت) [↑](#footnote-ref-519)
520. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 364؛ مزار شهيد، صفحه 177 و مصباح الزائر، صفحه 351. [↑](#footnote-ref-520)
521. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 98، حديث 29. [↑](#footnote-ref-521)
522. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 38، صفحه 113، حديث 4. [↑](#footnote-ref-522)
523. ( 3). همان مدرك، باب 74، صفحه 183، حديث 3. [↑](#footnote-ref-523)
524. ( 4). بحارالانوار، جلد 45، صفحه 401، حديث 12. [↑](#footnote-ref-524)
525. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 71، صفحه 175، حديث 8. [↑](#footnote-ref-525)
526. ( 2). همان مدرك، باب 96، صفحه 286، حديث 1. [↑](#footnote-ref-526)
527. ( 3). همان مدرك، صفحه 287، حديث 2. [↑](#footnote-ref-527)
528. ( 4). كافى، جلد 4، صفحه 575، حديث 2. [↑](#footnote-ref-528)
529. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 71، صفحه 175، حديث 8 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 290، حديث 1. [↑](#footnote-ref-529)
530. ( 2). بحارالانوار، جلد 78، صفحه 17، حديث 24. [↑](#footnote-ref-530)
531. ( 3). كامل الزيارات، باب 96، صفحه 287، حديث 2. [↑](#footnote-ref-531)
532. ( 1). كامل الزيارات، باب 96، صفحه 288، حديث 7. [↑](#footnote-ref-532)
533. ( 2). همان مدرك، باب 91، حديث 3، 4، 5، 8، و باب 92، حديث 4، 5، 6. [↑](#footnote-ref-533)
534. ( 3). همان مدرك، باب 92، احاديث 1، 2، 4، 5. [↑](#footnote-ref-534)
535. ( 4). همان مدرك، باب 92، حديث 6 و باب 91، حديث 5.( يك ميل حدود 1600 متر است). [↑](#footnote-ref-535)
536. ( 5). همان مدرك، باب 93، حديث 5. [↑](#footnote-ref-536)
537. ( 6). فوائد الرضويه، صفحه 695. [↑](#footnote-ref-537)
538. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 92، صفحه 278، حديث 1. [↑](#footnote-ref-538)
539. ( 2). همان مدرك، باب 91، صفحه 274، حديث 1. [↑](#footnote-ref-539)
540. ( 3). همان مدرك، باب 93، صفحه 280، حديث 5. [↑](#footnote-ref-540)
541. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 119، حديث 4 و امالى طوسى، صفحه 318، حديث 93. [↑](#footnote-ref-541)
542. ( 2). كامل الزيارات، باب 94، صفحه 284، حديث 1. [↑](#footnote-ref-542)
543. ( 3). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 136، حديث 75. [↑](#footnote-ref-543)
544. ( 4). همان مدرك، صفحه 133، حديث 63 و تهذيب، جلد 6، صفحه 76، حديث 18. [↑](#footnote-ref-544)
545. ( 5). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 135، حديث 74. [↑](#footnote-ref-545)
546. ( 6). همان مدرك، جلد 98، صفحه 132، حديث 61، و تهذيب، جلد 6، صفحه 75، حديث 16. [↑](#footnote-ref-546)
547. ( 7). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-547)
548. ( 1). رجوع كنيد به: بحارالانوار، جلد 98، صفحه 130، حديث 50، 54 و 55؛ و جواهرالكلام، جلد 36، صفحه 364. [↑](#footnote-ref-548)
549. ( 2). كامل الزيارات، باب 88، صفحه 270، حديث 11. [↑](#footnote-ref-549)
550. ( 3). همان مدرك، باب 89، صفحه 271، حديث 1. [↑](#footnote-ref-550)
551. ( 4). همان مدرك، باب 90، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 112. [↑](#footnote-ref-551)
552. ( 1).« حائر» در لغت( از حَيَرَ است نه از حَوَرَ) به مكانى گفته مى‏شود كه آب در آن جا جمع شود و دَوَران پيدا كند( صحاح اللغة و مصباح المنير) در هر حال: گويا از زمانى كه متوكّل عبّاسى- لعنةاللَّه عليه- قبر آن حضرت را به آب بست، ولى آب در اطراف قبر، دور زد و به خود قبر نرسيد، به اين محوّطه حائر گفته شد.( بحارالانوار، جلد 98، صفحه 117). [↑](#footnote-ref-552)
553. ( 2). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 117. [↑](#footnote-ref-553)
554. ( 3). جواهرالكلام، جلد 14، صفحه 339. [↑](#footnote-ref-554)
555. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 99، صفحه 299، حديث 5 و 9. [↑](#footnote-ref-555)
556. ( 2). همان مدرك، حديث 6. [↑](#footnote-ref-556)
557. ( 3). همان مدرك، حديث 1، 3، 8، 10. [↑](#footnote-ref-557)
558. ( 4). همان مدرك، حديث 7، 12. [↑](#footnote-ref-558)
559. ( 5). مناقب ابن شهرآشوب، جلد 4، صفحه 305. [↑](#footnote-ref-559)
560. ( 6). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-560)
561. ( 1). اين قسمت در بحارالانوار آمده است. [↑](#footnote-ref-561)
562. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 377 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 14، حديث 9( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-562)
563. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 11، حديث 7 و مزار كبير، صفحه 536 و مزار شهيد، صفحه 188.( با اندكى تفاوت) [↑](#footnote-ref-563)
564. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 382 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 17، حديث 10( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-564)
565. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 12، حديث 7؛ مزار شهيد، صفحه 192 و مزار كبير، صفحه 538( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-565)
566. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 395 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 20. [↑](#footnote-ref-566)
567. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 100، صفحه 302، حديث 1. [↑](#footnote-ref-567)
568. ( 1). كامل الزيارات، صفحه 301، حديث 1 و كافى، جلد 4، صفحه 578، حديث 1 و تهذيب، جلد 6، صفحه 91، حديث 1. [↑](#footnote-ref-568)
569. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 13 و مزار كبير، صفحه 539 و مزار شهيد، صفحه 194( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-569)
570. ( 1). تهذيب، جلد 6، صفحه 83. [↑](#footnote-ref-570)
571. ( 2). همان مدرك، صفحه 91. [↑](#footnote-ref-571)
572. ( 1). معجم‏البلدان، جلد 1، صفحه 363. [↑](#footnote-ref-572)
573. ( 2). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 26، باب 3. [↑](#footnote-ref-573)
574. ( 3). همان مدرك، صفحه 29. [↑](#footnote-ref-574)
575. ( 1). تهذيب، جلد 6، صفحه 118 و مصباح الزائر، صفحه 514( با تفاوت). [↑](#footnote-ref-575)
576. ( 1). حبل المتين، شيخ بهايى، صفحه 7. [↑](#footnote-ref-576)
577. ( 2). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 291. [↑](#footnote-ref-577)
578. ( 3). همان مدرك، جلد 22، صفحه 348، حديث 64. [↑](#footnote-ref-578)
579. ( 4). همان مدرك، صفحه 329، حديث 38. [↑](#footnote-ref-579)
580. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 505 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 287، حديث 1. [↑](#footnote-ref-580)
581. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 511 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 291.( با اندكى تفاوت) [↑](#footnote-ref-581)
582. ( 2). مستدرك الوسائل، جلد 3، صفحه 448، حديث 22. [↑](#footnote-ref-582)
583. ( 3). در برخى از منابع به جاى« محل»،« رسوم» آمده است.( بحارالانوار، جلد 75، صفحه 84، حديث 91). [↑](#footnote-ref-583)
584. ( 1). سوره دخان، آيات 25- 29. [↑](#footnote-ref-584)
585. ( 2). شرح نهج البلاغه ابن‏ابى‏الحديد، جلد 3، صفحه 202 و بحارالانوار، جلد 75، صفحه 84، حديث 91( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-585)
586. ( 1). درجات الرفيعة، صفحه 283 و سفينة البحار مادّه حذيفة. [↑](#footnote-ref-586)
587. ( 1). فرحة الغرى، صفحه 105. [↑](#footnote-ref-587)
588. ( 1). عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 135، حديث 4 و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 123، حديث 4. [↑](#footnote-ref-588)
589. ( 2). عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 136، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 125، حديث 1. [↑](#footnote-ref-589)
590. ( 3). عيون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 255، حديث 4 و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 284، حديث 3. [↑](#footnote-ref-590)
591. ( 4). عيون اخبارالرضا، جلد 2، صفحه 257، حديث 14 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 33، حديث 11. [↑](#footnote-ref-591)
592. ( 1). عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 255، حديث 5 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 31، حديث 2. [↑](#footnote-ref-592)
593. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 101، صفحه 304، حديث 4 و فقيه، جلد 2، صفحه 584، حديث 3189. [↑](#footnote-ref-593)
594. ( 3). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 37، حديث 26 و عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 256، حديث 7. [↑](#footnote-ref-594)
595. ( 4). كامل‏الزيارات، باب 102، صفحه 309، حديث 2. [↑](#footnote-ref-595)
596. ( 1). عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 267، حديث 1 و كامل‏الزيارات، باب 102، صفحه 309، حديث 2 و مصباح الزائر، صفحه 389. [↑](#footnote-ref-596)
597. ( 2). رجوع كنيد به: بحارالانوار، جلد 30، صفحه 393. [↑](#footnote-ref-597)
598. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 57. [↑](#footnote-ref-598)
599. ( 2). كامل‏الزيارات، باب 102، صفحه 309، حديث 1. [↑](#footnote-ref-599)
600. ( 1). مقنعه، صفحه 480. [↑](#footnote-ref-600)
601. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 50، حديث 8 و بلدالأمين، صفحه 283. [↑](#footnote-ref-601)
602. ( 2). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 43 و 44. [↑](#footnote-ref-602)
603. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 59، صفحه 147، حديث 1 و كافى، جلد 4، صفحه 579، حديث 1. [↑](#footnote-ref-603)
604. ( 2). تهذيب، جلد 6، صفحه 79، حديث 4. [↑](#footnote-ref-604)
605. ( 3). بحارالانوار، جلد 97، از صفحه 116 تا 124. [↑](#footnote-ref-605)
606. ( 4). تهذيب، جلد 6، صفحه 93، حديث 3 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 59، حديث 1. [↑](#footnote-ref-606)
607. ( 5). عوالى اللئالى، جلد 4، صفحه 84، حديث 93. [↑](#footnote-ref-607)
608. ( 1). امالى طوسى، صفحه 280، حديث 76 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 59، حديث 2. [↑](#footnote-ref-608)
609. ( 2). عدّة الداعى، صفحه 65 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 59، حديث 3( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-609)
610. ( 3). اين تعبير به اين جهت است كه آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شده‏اند خانه‏اى كه گاهى از اوقات درش باز مى‏شد و شيعيان، مى‏توانستند وارد آن شوند و كنار قبر، زيارت كنند و گاهى بسته بود و شيعيان از بيرون، مقابل پنجره‏اى كه در ديوار مقابل قبر بود، مى‏ايستادند و زيارت مى‏كردند، و از تعبير فوق به دست مى‏آيد كه اين وضعيّت تا زمان ابن‏قولويه مؤلّف كتاب كامل‏الزيارات متوفّاى 368 هجرى قمرى، به حال خود باقى بود، بعدها به همّت شيعيان و مواليان، قبّه و حرم و رواق و ايوان ساخته شد. [↑](#footnote-ref-610)
611. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 61، حديث 5 و كامل‏الزيارات، باب 103، حديث 1( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-611)
612. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 63 و مصباح الزائر، صفحه 404( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-612)
613. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 67 و مصباح الزائر، صفحه 409- 413( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-613)
614. ( 1). مصباح الزائر صفحه 413- 415 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 70. [↑](#footnote-ref-614)
615. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 79. [↑](#footnote-ref-615)
616. ( 2). اين روايت همان است كه علّامه مجلسى آن را از امالى طوسى، صفحه 287، حديث 5 نقل مى‏كند( رجوع شود به: بحارالانوار، جلد 99، صفحه 60، حديث 4). [↑](#footnote-ref-616)
617. ( 1). تهذيب الأحكام، جلد 6، صفحه 95، باب 45 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 63. [↑](#footnote-ref-617)
618. ( 1). كامل الزيارات، باب 96، صفحه 287، حديث 4 و اين روايت مى‏تواند به سؤال آنهايى كه مى‏پرسند: براى رفتن به مسجد جمكران، چه‏زمانى مناسب‏تر است پاسخ دهد. [↑](#footnote-ref-618)
619. ( 2). اللهم كما جعلت قلبي بذكره معموراً، فاجعل سلاحى بنصرته مشهوراً( بحارالانوار، جلد 99، صفحه 103). [↑](#footnote-ref-619)
620. ( 1). در بحار و احتجاج:« انّ النشر و البعث حقّ» آمده. [↑](#footnote-ref-620)
621. ( 2). در بحار و احتجاج« ما سختطموه» آمده. [↑](#footnote-ref-621)
622. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 81، حديث 1 و احتجاج، جلد 2، صفحه 492( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-622)
623. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 116 و مزار كبير، صفحه 586 و مزار شهيد، صفحه 203. [↑](#footnote-ref-623)
624. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 102 و مزار كبير، صفحه 657( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-624)
625. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 101 و مصباح الزائر، صفحه 441( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-625)
626. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 442 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 102. [↑](#footnote-ref-626)
627. ( 1). الكلم الطيّب، تأليف سيد على صدر الدّين،( معروف به سيّد على خان) صفحه 83. اين دعا در بحارالانوار، جلد 98، صفحه 373، حديث 16( با تفاوت‏هايى) آمده است. [↑](#footnote-ref-627)
628. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 454 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 110. [↑](#footnote-ref-628)
629. ( 2). مزار كبير، صفحه 663 و مصباح الزائر، صفحه 455 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 111. [↑](#footnote-ref-629)
630. ( 1). مزار كبير، صفحه 663 و مصباح الزائر، صفحه 455 و 456 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 111. [↑](#footnote-ref-630)
631. ( 1). بلدالامين، صفحه 81 و مصباح المتهجّد، صفحه 409. [↑](#footnote-ref-631)
632. ( 1). در جمال الاسبوع« اعداء دينك» آمده است. [↑](#footnote-ref-632)
633. ( 2). اين جمله در« جمال الاسبوع» نيامده، ولى در« بحارالانوار» آمده است. [↑](#footnote-ref-633)
634. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 521. اين دعا در مصباح المتهجّد، صفحه 411 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 89 نيز با تفاوت‏هايى آمده است. [↑](#footnote-ref-634)
635. ( 1). اين جمله در بحارالانوار آمده است. [↑](#footnote-ref-635)
636. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 104، صفحه 315، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 126، حديث 1( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-636)
637. ( 2). چنان كه مجلسى اوّل گفته: شايد علت گفتن صد مرتبه تكبير اين باشد كه مبادا زائرى- با توجّه به عبارات بلند اين زيارتنامه درباره‏ائمّه عليهم السلام- دچار غلوّ شود و يا از عظمت خداوند متعال( و اين‏كه آنچه آنها دارند از جانب خدا و به اذن خداست) غافل گردد( روضة المتقين، جلد 5، صفحه 453). [↑](#footnote-ref-637)
638. ( 1). در كتاب فقيه عبارت« و برهانه» نيامده است. [↑](#footnote-ref-638)
639. ( 1). فقيه:« اذهب عنكم الرجس اهل البيت». [↑](#footnote-ref-639)
640. ( 2). فقيه:« ادمنتم ذكره». [↑](#footnote-ref-640)
641. ( 1). فقيه:« و قلبى لكم سلم». [↑](#footnote-ref-641)
642. ( 2). فقيه:« لا مع عدوّكم». [↑](#footnote-ref-642)
643. ( 1).« و اصدق وعدكم» در فقيه نيامده است. [↑](#footnote-ref-643)
644. ( 1). در فقيه به جاى والمكان المعلوم،« و المقام المعلوم ...» آمده است. [↑](#footnote-ref-644)
645. ( 1). فقيه، جلد 2، صفحه 609، حديث 3213 و عيون الاخبار، جلد 2، صفحه 272، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 127( با اندكى‏تفاوت). [↑](#footnote-ref-645)
646. ( 2). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 144. [↑](#footnote-ref-646)
647. ( 3). روضة المتّقين، جلد 5، صفحه 452. [↑](#footnote-ref-647)
648. ( 4). نجم الثاقب، صفحه 603. [↑](#footnote-ref-648)
649. ( 1). اقبال، صفحه 382 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 374( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-649)
650. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 172 و مصباح الزائر، صفحه 471. [↑](#footnote-ref-650)
651. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 468 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 169. [↑](#footnote-ref-651)
652. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 399. [↑](#footnote-ref-652)
653. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 472؛ مزار شهيد، صفحه 216؛ مزار كبير، صفحه 535 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 133( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-653)
654. ( 1). سوره بقره، آيه 285. [↑](#footnote-ref-654)
655. ( 2). كافى، جلد 4، صفحه 214، حديث 7. [↑](#footnote-ref-655)
656. ( 3). همان مدرك، حديث 10. [↑](#footnote-ref-656)
657. ( 1). مصباح الزائر، صفحه 75. [↑](#footnote-ref-657)
658. ( 2). سوره نساء، آيه 97. [↑](#footnote-ref-658)
659. ( 3). رجوع كنيد به: مختصر اخبار الخلفاء، چاپ بولاق مصر، صفحه 25.

     مرحوم علّامه مجلسى( در بحارالانوار، جلد 99، صفحه 273) غير از حضرت معصومه و عبدالعظيم حسنى، دو نفر ديگر را نيز در زمره برجستگان ذكر مى‏كند؛ يكى جعفر طيّار كه در شهر موته مدفون است و ديگر على بن جعفر كه در شهر مقدّس قم دفن شده و درباره او مى‏نويسد: جلالتش مشهورتر از آن است كه نياز به بيان داشته باشد و گرچه مدفون بودنش در قم در كتب معتبره نيامده است ليكن اثر قبر شريفش از قديم موجود و اسمش روى آن مكتوب است.( البتّه موارد شناخته شده منحصر به آنچه مرحوم علّامه مجلسى فرموده نيست؛ بلكه در موارد ديگر كه به طور قطع شناخته شده نباشد، ولى مورد احترام مردم با ايمان است، مى‏توان به قصد رجاء زيارت كرد). [↑](#footnote-ref-659)
660. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 277. [↑](#footnote-ref-660)
661. ( 2). عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 267 و كامل‏الزيارات، باب 106، صفحه 324، حديث 1. [↑](#footnote-ref-661)
662. ( 3). كامل‏الزيارات، باب 106، حديث 2. [↑](#footnote-ref-662)
663. ( 1). تاريخ قم، طبع ايران سال 1353، صفحه 215 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 267. [↑](#footnote-ref-663)
664. ( 2). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 266، حديث 4. [↑](#footnote-ref-664)
665. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 266، حديث 4. در ذيل اين زيارت در كتاب تحفة الزائر مرحوم علّامه مجلسى آمده است:« محتمل است‏كه اين زيارت از تتمه حديث امام رضا عليه السلام نباشد، بلكه از تأليف علما بوده باشد».

     شايد علّامه مجلسى ذكر ائمه بعد از حضرت رضا عليه السلام و سلام بر آنها را قرينه‏اى بر اين مطلب دانسته، در حالى كه ظاهر حديث اين است كه زيارت، دنباله كلام حضرت امام رضا عليه السلام است و سلام بر ائمه بعد، به وسيله تعليم امام رضا عليه السلام، امر بعيدى نيست.( همانگونه كه در زيارت امام رضا عليه السلام صلوات و درود بر امامان بعد از آن حضرت نيز آمده است). [↑](#footnote-ref-665)
666. ( 1). اعلام الورى، صفحه 436. [↑](#footnote-ref-666)
667. ( 2). مستدرك الوسائل، جلد 17، صفحه 321، حديث 32. [↑](#footnote-ref-667)
668. ( 3). كامل‏الزيارات، باب 107، صفحه 324، حديث 1. [↑](#footnote-ref-668)
669. ( 1). كامل‏الزيارات، باب 105، صفحه 319، حديث 1. [↑](#footnote-ref-669)
670. ( 1). كامل الزيارات، باب 105، صفحه 319، حديث 3. [↑](#footnote-ref-670)
671. ( 2). همان مدرك، حديث 12. [↑](#footnote-ref-671)
672. ( 3). همان مدرك، صفحه 320، حديث 4. [↑](#footnote-ref-672)
673. ( 4). بحارالانوار، جلد 71، صفحه 81، حديث 85. [↑](#footnote-ref-673)
674. ( 5). همان مدرك، جلد 10، صفحه 97. [↑](#footnote-ref-674)
675. ( 6). كامل الزيارات، باب 105، صفحه 320، حديث 5. [↑](#footnote-ref-675)
676. ( 7). همان مدرك، حديث 4. [↑](#footnote-ref-676)
677. ( 1). همان مدرك، حديث 9. [↑](#footnote-ref-677)
678. ( 2). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 300، حديث 31. [↑](#footnote-ref-678)
679. ( 3). همان مدرك، صفحه 301، حديث 31. [↑](#footnote-ref-679)
680. ( 4). مصباح الزائر، صفحه 512 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 299، حديث 25. [↑](#footnote-ref-680)
681. ( 5). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 297، حديث 11. [↑](#footnote-ref-681)
682. ( 1). دعوات راوندى، صفحه 277، حديث 801. [↑](#footnote-ref-682)
683. ( 2). فقيه، جلد 1، صفحه 180، حديث 540. [↑](#footnote-ref-683)
684. ( 3). كامل‏الزيارات، باب 105، صفحه 320، حديث 6. [↑](#footnote-ref-684)
685. ( 4). جامع الاخبار، صفحه 168. [↑](#footnote-ref-685)
686. ( 5). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 301، حديث 33. [↑](#footnote-ref-686)
687. ( 1). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 256، حديث 3. [↑](#footnote-ref-687)
688. ( 2). همان مدرك، صفحه 255، حديث 1. [↑](#footnote-ref-688)
689. ( 3). همان مدرك، جلد 85، صفحه 311 و 313. [↑](#footnote-ref-689)
690. ( 1). تهذيب، جلد 6، صفحه 105 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 255. [↑](#footnote-ref-690)
691. ( 1). تهذيب، جلد 6، صفحه 116 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 256، حديث 4( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-691)
692. ( 1). صحيفه سجاديه، دعاى 43. [↑](#footnote-ref-692)
693. ( 1). زاد المعاد، صفحه 462. [↑](#footnote-ref-693)
694. ( 2). همان مدرك، صفحه 463. [↑](#footnote-ref-694)
695. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-695)
696. ( 1). زاد المعاد، صفحه 464 و 465( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-696)
697. ( 1). بحارالانوار، جلد 44، صفحه 383. [↑](#footnote-ref-697)
698. ( 2). همان مدرك، صفحه 389. [↑](#footnote-ref-698)
699. ( 3). كافى، جلد 4، صفحه 147، حديث 7. [↑](#footnote-ref-699)
700. ( 4). بحارالانوار، جلد 44، صفحه 392. [↑](#footnote-ref-700)
701. ( 1). بحارالانوار، جلد 46، صفحه 151، حديث 11. [↑](#footnote-ref-701)
702. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 787. [↑](#footnote-ref-702)
703. ( 3). امالى صدوق، صفحه 128، حديث 2. [↑](#footnote-ref-703)
704. ( 4). اقبال الاعمال، صفحه 545. [↑](#footnote-ref-704)
705. ( 1). اقبال الاعمال، صفحه 552. [↑](#footnote-ref-705)
706. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-706)
707. ( 3). همان مدرك، صفحه 544 و بحارالانوار، جلد 44، صفحه 285. [↑](#footnote-ref-707)
708. ( 1). اقبال، صفحه 553 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 333. [↑](#footnote-ref-708)
709. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 771. [↑](#footnote-ref-709)
710. ( 3). اقبال، صفحه 555. [↑](#footnote-ref-710)
711. ( 1). اقبال، صفحه 556. [↑](#footnote-ref-711)
712. ( 2). همان مدرك، صفحه 555. [↑](#footnote-ref-712)
713. ( 3). همان مدرك، صفحه 578.( مرحوم علّامه مجلسى در كتاب« زاد المعاد»، صفحه 372 مى‏گويد: بنى‏اميّه براى بركت، آذوقه يكساله خودرا در روز عاشورا، ذخيره مى‏كردند). [↑](#footnote-ref-713)
714. ( 1). بحارالانوار، جلد 28، صفحه 73، حديث 32 و كتاب سليم بن قيس، صفحه 916. [↑](#footnote-ref-714)
715. ( 2). زاد المعاد، صفحه 374. [↑](#footnote-ref-715)
716. ( 3). كامل الزيارات، باب 71، صفحه 174، حديث 5. [↑](#footnote-ref-716)
717. ( 4). زاد المعاد، صفحه 372. [↑](#footnote-ref-717)
718. ( 5). اقبال، صفحه 577. [↑](#footnote-ref-718)
719. ( 6). زاد المعاد، صفحه 372. [↑](#footnote-ref-719)
720. ( 1). زاد المعاد، صفحه 372. [↑](#footnote-ref-720)
721. ( 1). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 222، حديث 34. [↑](#footnote-ref-721)
722. ( 1). بحارالانوار، جلد 32، صفحه 458 و شرح ابن ابى‏الحديد، جلد 4، صفحه 29.( البته مطابق نقل ديگر، واقعه صفين در ماه ذى‏الحجه‏سال 36 شعله ور شد، بحارالانوار، جلد 32، صفحه 573). [↑](#footnote-ref-722)
723. ( 2). مروج الذهب، جلد 2، صفحه 527. ولى مطابق نقل ارشاد القلوب ديلمى( جلد 2، صفحه 248) اين جنگ 18 ماه طول كشيد. [↑](#footnote-ref-723)
724. ( 3). پيام اميرالمؤمنين، جلد 1، صفحه 392. [↑](#footnote-ref-724)
725. ( 4). شيخ بهايى در كامل، و كفعمى در مصباح، اين روز را روز ورود اهل‏بيت به شام دانسته‏اند.( مقتل الحسين مقرّم، 348). [↑](#footnote-ref-725)
726. ( 5). ارشاد مفيد، جلد 2، صفحه 174. [↑](#footnote-ref-726)
727. ( 6). بحارالانوار، جلد 44، صفحه 134. [↑](#footnote-ref-727)
728. ( 7). همان مدرك، جلد 48، صفحه 1. [↑](#footnote-ref-728)
729. ( 8). همان مدرك، جلد 95، صفحه 195 و منتهى الآمال،( تاريخ زندگى امام حسين عليه السلام). [↑](#footnote-ref-729)
730. ( 1). رجوع كنيد به: منتهى الآمال،( تاريخ زندگى امام حسين عليه السلام). [↑](#footnote-ref-730)
731. ( 2). منتهى الآمال، تاريخ زندگى حضرت رسول اكرم صلى الله عليه و آله و بحارالانوار، جلد 22، صفحه 503 به بعد. [↑](#footnote-ref-731)
732. ( 3). سنن دارمى، جلد 1، صفحه 40. [↑](#footnote-ref-732)
733. ( 1). بحارالانوار، جلد 79، صفحه 106. [↑](#footnote-ref-733)
734. ( 2). همان مدرك، جلد 44، صفحه 135 [↑](#footnote-ref-734)
735. ( 3). منتهى الآمال، تاريخ زندگانى امام رضا عليه السلام. [↑](#footnote-ref-735)
736. ( 1). اقبال، صفحه 587. [↑](#footnote-ref-736)
737. ( 2). همان مدرك، صفحه 589 و مصباح المتهجّد، صفحه 787،( اهل سنّت يا بسم‏اللَّه را در آغاز سوره‏ها در نماز ترك مى‏كنند يا آهسته مى‏گويند، با اين‏كه بسم‏اللَّه قطعاً جزء سوره حمد، بلكه ساير سوره‏هاى قرآن است). [↑](#footnote-ref-737)
738. ( 1). سوره بقره، آيه 207. [↑](#footnote-ref-738)
739. ( 2). اقبال الاعمال، صفحه 592 و تفسير نمونه، جلد 2، ذيل آيه 207 سوره بقره. [↑](#footnote-ref-739)
740. ( 3). كافى، جلد 1، صفحه 503. [↑](#footnote-ref-740)
741. ( 4). اقبال، صفحه 599. [↑](#footnote-ref-741)
742. ( 1). زاد المعاد، صفحه 412. [↑](#footnote-ref-742)
743. ( 2). اقبال، صفحه 599 و كامل ابن اثير، جلد 2، صفحه 7( حوادث سال اوّل هجرت). [↑](#footnote-ref-743)
744. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 791. [↑](#footnote-ref-744)
745. ( 4). اقبال، صفحه 601( سيّد بن طاووس، در همين كتاب از شيخ مفيد، استحباب روزه در اين روز را به خاطر هلاكت يزيد نقل كرده است). [↑](#footnote-ref-745)
746. ( 5). تتمة المنتهى، صفحه 64. [↑](#footnote-ref-746)
747. ( 6). مصباح المتهجّد، صفحه 791 و اقبال، صفحه 603. [↑](#footnote-ref-747)
748. ( 7). اقبال، صفحه 601. [↑](#footnote-ref-748)
749. ( 8). مصباح المتهجّد، صفحه 791 و اقبال، صفحه 603. [↑](#footnote-ref-749)
750. ( 9). بحارالانوار، جلد 47، صفحه 1، حديث 2. [↑](#footnote-ref-750)
751. ( 1). اقبال، صفحه 592. [↑](#footnote-ref-751)
752. ( 2). همان مدرك، صفحه 596. [↑](#footnote-ref-752)
753. ( 3). همان مدرك، صفحه 599. [↑](#footnote-ref-753)
754. ( 4). فلاح السائل، صفحه 61. [↑](#footnote-ref-754)
755. ( 5). اقبال، صفحه 603. [↑](#footnote-ref-755)
756. ( 6). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-756)
757. ( 7). همان مدرك، صفحه 604. [↑](#footnote-ref-757)
758. ( 8). همان مدرك، صفحه 608. [↑](#footnote-ref-758)
759. ( 1). اقبال، صفحه 603. [↑](#footnote-ref-759)
760. ( 1). منتهى الآمال، تاريخ زندگانى امام حسن عسكرى عليه السلام و بحارالانوار، جلد 50، صفحه 237، حديث 8( البتّه برخى نيز روز دهم و برخى روز چهاردهم را روز ولادت آن حضرت دانسته‏اند.« همان مدرك، صفحه 238، حديث 12»). [↑](#footnote-ref-760)
761. ( 2). فروغى از كوثر( زندگى‏نامه حضرت فاطمه معصومه) انتشارات زائر، صفحه 32. و مطابق نقل ديگر، روز دوازدهم، روز وفات آن حضرت است، لذا مناسب است مؤمنين اين سه روز( دهم تا دوازدهم) را به ياد آن حضرت، گرامى بدارند. [↑](#footnote-ref-761)
762. ( 3). بحارالانوار، جلد 45، صفحه 333، حديث 2. [↑](#footnote-ref-762)
763. ( 4). تاريخ طبرى، جلد 4، صفحه 496. [↑](#footnote-ref-763)
764. ( 5). اقبال، صفحه 616. [↑](#footnote-ref-764)
765. ( 1). زندگانى زينب كبرى، تأليف شهيدآيةاللَّه دستغيب، صفحه 13 وكتاب« زينب‏الكبرى» تأليف‏علّامه‏محقق شيخ جعفرالنقدى، صفحه 17. [↑](#footnote-ref-765)
766. ( 2). كافى، جلد 1، صفحه 458، حديث 1 و رجوع كنيد به: بحارالانوار، جلد 43، صفحه 215. [↑](#footnote-ref-766)
767. ( 3). اقبال، صفحه 618. [↑](#footnote-ref-767)
768. ( 4). همان مدرك، صفحه 621. [↑](#footnote-ref-768)
769. ( 1). هر چند مطابق روايت معتبر، سوم اين ماه مصادف با ايّام شهادت آن حضرت است( مصباح المتهجّد، صفحه 793 و زاد المعاد، صفحه 456 و بحارالانوار، جلد 43، صفحه 170) ولى با توجه به قول 95 روز و محاسبه ماه‏ها بر اساس 29 و يا 30 روز، اين سه روز به عنوان ايّام شهادت حضرت زهرا عليها السلام مورد احترام علاقه‏مندان آن حضرت است. [↑](#footnote-ref-769)
770. ( 2). بحارالانوار، جلد 43، صفحه 9، حديث 15 و مصباح المتهجّد، صفحه 793 و اقبال، صفحه 623. [↑](#footnote-ref-770)
771. ( 3). كافى، جلد 1، صفحه 458 و بحارالانوار، جلد 43، صفحه 7، حديث 8. [↑](#footnote-ref-771)
772. ( 4). اقبال، صفحه 621. [↑](#footnote-ref-772)
773. ( 1). اقبال، صفحه 622. [↑](#footnote-ref-773)
774. ( 1). اقبال، صفحه 623. [↑](#footnote-ref-774)
775. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-775)
776. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 801. [↑](#footnote-ref-776)
777. ( 2). همان مدرك، صفحه 805 و بحارالانوار، جلد 50، صفحه 117، حديث 9. [↑](#footnote-ref-777)
778. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 805. [↑](#footnote-ref-778)
779. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-779)
780. ( 5). همان مدرك، صفحه 805 و زاد المعاد، صفحه 19. [↑](#footnote-ref-780)
781. ( 6). زينب‏الكبرى، تأليف علّامه محقّق شيخ جعفر النقدى، صفحه 122. [↑](#footnote-ref-781)
782. ( 7). مصباح المتهجّد، صفحه 812. [↑](#footnote-ref-782)
783. ( 8). بحارالانوار، جلد 48، صفحه 1، حديث 1 و صفحه 8. [↑](#footnote-ref-783)
784. ( 9). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-784)
785. ( 10). همان مدرك، صفحه 813. [↑](#footnote-ref-785)
786. ( 1). اقبال، صفحه 634. [↑](#footnote-ref-786)
787. ( 2). مستدرك الوسائل، جلد 11، صفحه 48، حديث 2 و جواهرالكلام، جلد 21، صفحه 32. [↑](#footnote-ref-787)
788. ( 3). كافى، جلد 7، صفحه 281، حديث 6. [↑](#footnote-ref-788)
789. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 797. [↑](#footnote-ref-789)
790. ( 5). امالى صدوق، صفحه 15، حديث 7 و بحارالانوار، جلد 94، صفحه 32، حديث 6. [↑](#footnote-ref-790)
791. ( 6). اقبال، صفحه 635. [↑](#footnote-ref-791)
792. ( 1). اقبال، صفحه 634. [↑](#footnote-ref-792)
793. ( 2). مقنعه، صفحه 375. [↑](#footnote-ref-793)
794. ( 3). اقبال، صفحه 637. [↑](#footnote-ref-794)
795. ( 1). اقبال، صفحه 643. [↑](#footnote-ref-795)
796. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-796)
797. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 802. [↑](#footnote-ref-797)
798. ( 2). اقبال، صفحه 643. [↑](#footnote-ref-798)
799. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 802. [↑](#footnote-ref-799)
800. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 803 و بلدالامين، صفحه 179( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-800)
801. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 804. عدم ذكر ميلاد مبارك اميرمؤمنان على عليه السلام در اين دعا شايد به خاطر وضوح آن بوده است. [↑](#footnote-ref-801)
802. ( 1). كلمه« عليكم» در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-802)
803. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 821 و اقبال، صفحه 631( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-803)
804. ( 1). اقبال، صفحه 644 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 390. [↑](#footnote-ref-804)
805. ( 1). اقبال، صفحه 648. [↑](#footnote-ref-805)
806. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-806)
807. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-807)
808. ( 4). مفاتيح الجنان، اعمال ماه رجب. [↑](#footnote-ref-808)
809. ( 5). اقبال، صفحه 648. [↑](#footnote-ref-809)
810. ( 6). همان مدرك، صفحه 637. [↑](#footnote-ref-810)
811. ( 1). اقبال، صفحه 630. [↑](#footnote-ref-811)
812. ( 2). زاد المعاد، صفحه 12. [↑](#footnote-ref-812)
813. ( 3).« ليلة الرّغائب» يعنى شبى كه به خاطر پاداش‏ها و فضيلت‏هاى فراوانى كه دارد، مورد ميل و رغبت فراوان است و يا به معناى« شب‏پاداش‏هاى فراوان» است، زيرا« رغائب» جمع« رغيبه» است كه هم به معناى« كار مورد رغبت» آمده است و هم به معناى پاداش و عطاى فراوان. [↑](#footnote-ref-813)
814. ( 1). اقبال، صفحه 632؛ مرحوم علّامه حلّى در اجازه‏اش براى« بنى زهره» اين روايت را به طور مشروح نقل كرده است( رجوع كنيد به: بحارالانوار، جلد 104، صفحه 125). [↑](#footnote-ref-814)
815. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 798. [↑](#footnote-ref-815)
816. ( 3). كافى، جلد 4، صفحه 536، حديث 6. [↑](#footnote-ref-816)
817. ( 4). فقيه، جلد 2، صفحه 453، حديث 2949. [↑](#footnote-ref-817)
818. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 801 و اقبال، صفحه 648. [↑](#footnote-ref-818)
819. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 820 و كافى، جلد 4، صفحه 584، حديث 2. [↑](#footnote-ref-819)
820. ( 3). اقبال، صفحه 627. [↑](#footnote-ref-820)
821. ( 4). همان مدرك، صفحه 628. [↑](#footnote-ref-821)
822. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-822)
823. ( 1). زاد المعاد، صفحه 13. [↑](#footnote-ref-823)
824. ( 2). اقبال، صفحه 629. [↑](#footnote-ref-824)
825. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-825)
826. ( 4). اقبال، صفحه 629. [↑](#footnote-ref-826)
827. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 798. [↑](#footnote-ref-827)
828. ( 6). زاد المعاد، صفحه 13. [↑](#footnote-ref-828)
829. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 798. [↑](#footnote-ref-829)
830. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 798. [↑](#footnote-ref-830)
831. ( 1). مصباح المتهجد، صفحه 799. [↑](#footnote-ref-831)
832. ( 2). اقبال، صفحه 634. [↑](#footnote-ref-832)
833. ( 3). اقبال، صفحه 635، و مصباح المتهجّد، صفحه 797. [↑](#footnote-ref-833)
834. ( 4). اقبال، صفحه 628. [↑](#footnote-ref-834)
835. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 801. [↑](#footnote-ref-835)
836. ( 1). اقبال، صفحه 637. [↑](#footnote-ref-836)
837. ( 2). همان مدرك، صفحه 657. [↑](#footnote-ref-837)
838. ( 3). همان مدرك، صفحه 682. [↑](#footnote-ref-838)
839. ( 4). همان مدرك، صفحه 637 و 682. [↑](#footnote-ref-839)
840. ( 1). اقبال، صفحه 637. [↑](#footnote-ref-840)
841. ( 2). همان مدرك، صفحه 655. [↑](#footnote-ref-841)
842. ( 3). همان مدرك، صفحه 656. [↑](#footnote-ref-842)
843. ( 4). همان مدرك، صفحه 655. [↑](#footnote-ref-843)
844. ( 1). زاد المعاد، صفحه 19 و 20. [↑](#footnote-ref-844)
845. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-845)
846. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-846)
847. ( 4). اقبال، صفحه 656. [↑](#footnote-ref-847)
848. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-848)
849. ( 6). مصباح المتهجّد، صفحه 807 [↑](#footnote-ref-849)
850. ( 7). همان مدرك و اقبال، صفحه 657. [↑](#footnote-ref-850)
851. ( 8). اقبال، صفحه 657. [↑](#footnote-ref-851)
852. ( 1). اقبال، صفحه 657. [↑](#footnote-ref-852)
853. ( 2). زاد المعاد، صفحه 21. [↑](#footnote-ref-853)
854. ( 1).« استفتاح» به معناى طلب نصرت و فتح و يارى است و« نجاح» نيز به معناى ظفر و پيروزى است.( بحارالانوار، جلد 81، صفحه 376). [↑](#footnote-ref-854)
855. ( 2). زاد المعاد، صفحه 21- 24( با تلخيص و تصرّف) و اقبال، صفحه 658. [↑](#footnote-ref-855)
856. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 807. [↑](#footnote-ref-856)
857. ( 1). مصباح المتهجّد: نَفْسُهُ. [↑](#footnote-ref-857)
858. ( 1). از روايتى كه در زادالمعاد مرحوم مجلسى آمده، استفاده مى‏شود كه خواندن اين دعا پس از روزه ايّام البيض هر ماه، يا در ساير ايّام متبرّكه بدون روزه نيز، در استجابت دعا مؤثّر است( زادالمعاد، صفحه 33). [↑](#footnote-ref-858)
859. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 814. [↑](#footnote-ref-859)
860. ( 3). مرحوم محدّث قمى، سوره‏هاى كوچك مفصّل را به سوره محمّد، تا آخر قرآن تفسير كرده است؛ ولى در روايت اقبال و زاد المعاد آمده‏است كه: منظور از آن، سوره يس به بعد است.( اقبال، صفحه 670 و زاد المعاد، صفحه 35). [↑](#footnote-ref-860)
861. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 813 و اقبال، صفحه 670 و زاد المعاد، صفحه 35. [↑](#footnote-ref-861)
862. ( 2). محمّد بن عبداللَّه، معروف به ابن بطوطه، عالم و سيّاح معروف، اهل مراكش بوده و در قرن هشتم هجرى مى‏زيسته است؛ مدّت سياحت او سى سال طول كشيد. او آنچه را در اين مدّت ديده بود، تدوين كرد كه تحت عنوان« رحلة ابن بطوطه» منتشر شده و كتاب او به فارسى به نام« سفرنامه ابن بطوطه» ترجمه شده است. [↑](#footnote-ref-862)
863. ( 3). سفرنامه ابن بطوطه، جلد 1، صفحه 185 و انوار البهيّة، صفحه 80( با اندكى تصرّف). [↑](#footnote-ref-863)
864. ( 1). بلدالامين، صفحه 183. [↑](#footnote-ref-864)
865. ( 1). اقبال، صفحه 673. [↑](#footnote-ref-865)
866. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 814. [↑](#footnote-ref-866)
867. ( 3). اقبال، صفحه 673.( به همين مضمون چند روايت ديگر را نيز نقل كرده‏اند). [↑](#footnote-ref-867)
868. ( 4). همان مدرك، صفحه 674 و زاد المعاد، صفحه 40. [↑](#footnote-ref-868)
869. ( 5). زاد المعاد، صفحه 40. [↑](#footnote-ref-869)
870. ( 6). مصباح المتهجّد، صفحه 814، و زاد المعاد، صفحه 40. [↑](#footnote-ref-870)
871. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 816 و اقبال، صفحه 676.( در زادالمعاد، صفحه 40، مى‏گويد: اين نماز، به سند معتبر از حضرت صاحب‏الأمر عليه السلام نقل شده است). [↑](#footnote-ref-871)
872. ( 1). اقبال، صفحه 677 و مصباح المتهجّد، صفحه 814 و زاد المعاد، صفحه 41( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-872)
873. ( 2). اقبال، صفحه 682. [↑](#footnote-ref-873)
874. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 826. [↑](#footnote-ref-874)
875. ( 2). زندگانى حضرت ابوالفضل العباس، صفحه 22. [↑](#footnote-ref-875)
876. ( 3). بحارالانوار، جلد 46، صفحه 14. جمعى از علما، ولادت آن حضرت را نيمه ماه جمادى‏الاول و جمعى نيز نيمه جمادى‏الثانى ذكر كرده‏اند. براى آگاهى بيشتر به بحارالانوار، جلد 46، صفحه 12- 15 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-876)
877. ( 4). بحارالانوار، جلد 51، صفحه 4 و 19 و 23 و 28. [↑](#footnote-ref-877)
878. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 825. [↑](#footnote-ref-878)
879. ( 1). طبق برخى از روايات، درخت« طوبى» درختى است كه در بهشت مى‏رويد و ريشه آن در خانه رسول خداست و شاخه‏هايى درخانه‏هاى‏مؤمنان دارد و هر چيزى را كه بهشتيان ميل داشته باشند آن شاخه‏ها برايشان فراهم مى‏سازند( بحارالانوار، جلد 8، صفحه 117- 118) و درخت« زقّوم» بنا بر تصريح قرآن كريم( سوره صافّات، آيه 62- 66) درختى است كه ريشه‏اش در دوزخ است و خداوند آن را براى ظالمان و ستمگران قرار داده است. [↑](#footnote-ref-879)
880. ( 1). تفسير امام حسن عسكرى، صفحه 635 به بعد،( در تفسير آيه 282 سوره بقره). [↑](#footnote-ref-880)
881. ( 2). اقبال، صفحه 684. [↑](#footnote-ref-881)
882. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-882)
883. ( 1). زاد المعاد، صفحه 47. [↑](#footnote-ref-883)
884. ( 2). اقبال، صفحه 683 و مصباح المتهجّد، صفحه 825. [↑](#footnote-ref-884)
885. ( 3). زادالمعاد، صفحه 49. [↑](#footnote-ref-885)
886. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-886)
887. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-887)
888. ( 6). اقبال، صفحه 685. [↑](#footnote-ref-888)
889. ( 7). زاد المعاد، صفحه 47. [↑](#footnote-ref-889)
890. ( 8). همان مدرك، صفحه 49. [↑](#footnote-ref-890)
891. ( 1). اقبال، صفحه 685. [↑](#footnote-ref-891)
892. ( 2). همان مدرك، صفحه 688. [↑](#footnote-ref-892)
893. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 828 و اقبال، صفحه 687( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-893)
894. ( 2). در اقبال« لعافيتى» آمده است. [↑](#footnote-ref-894)
895. ( 1). در نسخه اقبال،« الْمَعيبُ» آمده است. [↑](#footnote-ref-895)
896. ( 1). اقبال، صفحه 685 و بحارالانوار، جلد 91، صفحه 97( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-896)
897. ( 1). اقبال، صفحه 683. [↑](#footnote-ref-897)
898. ( 2). همان مدرك، صفحه 685. [↑](#footnote-ref-898)
899. ( 3). همان مدرك، صفحه 684. [↑](#footnote-ref-899)
900. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 826 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 347. [↑](#footnote-ref-900)
901. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 827 و بحارالانوار، جلد 98، صفحه 348. [↑](#footnote-ref-901)
902. ( 2). همان مدرك، صفحه 828. [↑](#footnote-ref-902)
903. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 831 و اقبال، صفحه 695. [↑](#footnote-ref-903)
904. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 853 و زاد المعاد، صفحه 59. [↑](#footnote-ref-904)
905. ( 3). بحارالانوار، جلد 95، صفحه 415 و اقبال، صفحه 701. [↑](#footnote-ref-905)
906. ( 4). اقبال، صفحه 699. [↑](#footnote-ref-906)
907. ( 5). زاد المعاد، صفحه 64. [↑](#footnote-ref-907)
908. ( 1). اقبال، صفحه 718. [↑](#footnote-ref-908)
909. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 830. [↑](#footnote-ref-909)
910. ( 3). همان مدرك و اقبال، صفحه 710. [↑](#footnote-ref-910)
911. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-911)
912. ( 5). زاد المعاد، صفحه 60. [↑](#footnote-ref-912)
913. ( 1). اقبال، صفحه 705 و مصباح المتهجّد، صفحه 842( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-913)
914. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 843 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 412( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-914)
915. ( 1). بحارالانوار، جلد 95، صفحه 414 و اقبال، صفحه 699( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-915)
916. ( 2). عوالى اللئالى، جلد 1، صفحه 159، حديث 144 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 361، حديث 18. [↑](#footnote-ref-916)
917. ( 3). اقبال، صفحه 687. [↑](#footnote-ref-917)
918. ( 4). همان مدرك، صفحه 695 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 409. [↑](#footnote-ref-918)
919. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 831 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 409( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-919)
920. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 833 و اقبال، صفحه 697 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 411. [↑](#footnote-ref-920)
921. ( 2). مصباح كفعمى، صفحه 51. [↑](#footnote-ref-921)
922. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 833 و اقبال، صفحه 716. [↑](#footnote-ref-922)
923. ( 1). اقبال، صفحه 702 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 416. [↑](#footnote-ref-923)
924. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 838. [↑](#footnote-ref-924)
925. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 830 و بحارالانوار، جلد 94، صفحه 88. [↑](#footnote-ref-925)
926. ( 2). اقبال، صفحه 723( اين روايت در زادالمعاد، صفحه 81، از امام رضا عليه السلام نقل شده است). [↑](#footnote-ref-926)
927. ( 1). زاد المعاد، صفحه 81 و 82. [↑](#footnote-ref-927)
928. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 850. [↑](#footnote-ref-928)
929. ( 1). منتهى‏الآمال، فصل ششم، زندگانى پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله، و بحارالانوار، جلد 19، صفحه 5( البتّه روز آن با آنچه در بالا آمد تطبيق ندارد). [↑](#footnote-ref-929)
930. ( 2). منتهى الآمال، فصل ششم، زندگانى امام حسن عليه السلام. [↑](#footnote-ref-930)
931. ( 3). همان مدرك، وقايع سال دوم هجرى. [↑](#footnote-ref-931)
932. ( 4). همان مدرك، زندگانى حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام. [↑](#footnote-ref-932)
933. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-933)
934. ( 1). امالى صدوق، صفحه 93، حديث 4 و بحارالانوار، جلد 93، صفحه 356. [↑](#footnote-ref-934)
935. ( 1). اقبال، صفحه 24. [↑](#footnote-ref-935)
936. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 617 و بلدالامين، صفحه 222 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 120. [↑](#footnote-ref-936)
937. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 74، حديث 6. [↑](#footnote-ref-937)
938. ( 2). اقبال، صفحه 24. [↑](#footnote-ref-938)
939. ( 3). بلدالامين، صفحه 222. [↑](#footnote-ref-939)
940. ( 4). زاد المعاد، صفحه 109. [↑](#footnote-ref-940)
941. ( 1). زاد المعاد، صفحه 109. [↑](#footnote-ref-941)
942. ( 2). اقبال، صفحه 110. [↑](#footnote-ref-942)
943. ( 3). زاد المعاد، صفحه 109. [↑](#footnote-ref-943)
944. ( 4). كافى، جلد 4، صفحه 88، حديث 8. [↑](#footnote-ref-944)
945. ( 5). زادالمعاد، صفحه 109. [↑](#footnote-ref-945)
946. ( 6). همان مدرك، صفحه 108. [↑](#footnote-ref-946)
947. ( 7). اقبال، صفحه 114. [↑](#footnote-ref-947)
948. ( 8). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-948)
949. ( 9). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-949)
950. ( 10). زاد المعاد، صفحه 108. [↑](#footnote-ref-950)
951. ( 11). اقبال، صفحه 117. [↑](#footnote-ref-951)
952. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 631( همين روايت در اقبال، صفحه 116، با مختصرى تفاوت، آمده است). [↑](#footnote-ref-952)
953. ( 2). اقبال، صفحه 114. [↑](#footnote-ref-953)
954. ( 3). همان مدرك، صفحه 116. [↑](#footnote-ref-954)
955. ( 4). همان مدرك و بلدالامين، صفحه 232. [↑](#footnote-ref-955)
956. ( 5). اقبال، صفحه 7. [↑](#footnote-ref-956)
957. ( 6). كافى، جلد 4، صفحه 68، حديث 1 و تهذيب، جلد 4، صفحه 201، حديث 4 و فقيه، جلد 2، صفحه 134، حديث 1952. [↑](#footnote-ref-957)
958. ( 1). اقبال، صفحه 61. [↑](#footnote-ref-958)
959. ( 2). به نظر مى‏رسد نامگذارى اين دعا به« افتتاح» از كلمات آغازين اين دعا گرفته شده كه آمده است: اللّهم انّى افتتح الثّناء بحمدك( خدايا من با حمد تو ستايشم را آغاز مى‏كنم). [↑](#footnote-ref-959)
960. ( 3). زاد المعاد، صفحه 110 و اقبال، صفحه 58. [↑](#footnote-ref-960)
961. ( 1). اقبال، صفحه 61 و زادالمعاد، صفحه 116. [↑](#footnote-ref-961)
962. ( 2). اقبال، صفحه 61. [↑](#footnote-ref-962)
963. ( 1). مفاتيح الجنان، اعمال شبهاى ماه مبارك رمضان. [↑](#footnote-ref-963)
964. ( 2). مستدرك الوسائل، جلد 6، صفحه 215، حديث 6770. [↑](#footnote-ref-964)
965. ( 3). زاد المعاد، صفحه 100. [↑](#footnote-ref-965)
966. ( 1). اقبال، صفحه 11. [↑](#footnote-ref-966)
967. ( 2). همان مدرك، صفحه 82. [↑](#footnote-ref-967)
968. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-968)
969. ( 4). همان مدرك، صفحه 83. [↑](#footnote-ref-969)
970. ( 1). اقبال، صفحه 76. [↑](#footnote-ref-970)
971. ( 2). سبب نامگذارى اين دعا به« ابوحمزه ثمالى» به خاطر آن است كه راوى اين دعا از امام زين‏العابدين عليه السلام، ابوحمزه ثمالى است.

     ابوحمزه ثمالى كه نامش« ثابت بن دينار» است، از ياران مورد اعتماد امامان بزرگوار عليهم السلام بوده است، بنا بر نقل عالم معروف علم رجال« نجاشى»، وى به محضر چهار تن از ائمّه، از امام سجّاد تا امام كاظم عليهم السلام رسيده و از آنان روايت كرده است؛« ابوحمزه ثمالى» از بهترين راويان شيعه و مورد اعتماد كامل علماى اماميّه است. امام صادق عليه السلام درباره وى فرمود: ابوحمزه، در عصر خويش مانند سلمان است( معجم رجال الحديث، جلد 4، صفحه 292). [↑](#footnote-ref-971)
972. ( 3). اين دعا را شيخ در مصباح المتهجّد، صفحه 582 و سيّد بن طاووس در اقبال، صفحه 67 آورده‏اند. مرحوم علّامه مجلسى نيز در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 82 آن را نقل كرده است. ما اين دعا را مطابق نسخه مصباح نقل مى‏كنيم و اگر در نسخه‏هاى متداول، بر اساس ديگر كتب جملاتى آمده كه در مصباح نيست، در پاورقى متذكّر مى‏شويم. [↑](#footnote-ref-972)
973. ( 1). جمله« بمحمّد و آل محمّد» در مصباح نيامده، ولى در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-973)
974. ( 1). جمله« والائمة عليهم السلام» در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-974)
975. ( 1). جمله« لا شريك لك» در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-975)
976. ( 1). در مصباح المتهجّد« ارجو غِنى‏ فاقتى» آمده است. [↑](#footnote-ref-976)
977. ( 2). كلمه« بالعفو» در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-977)
978. ( 1). در مصباح المتهجّد« وَ يَسْتَعْطِفُ جَميلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجائِهِ» نيز آمده است. [↑](#footnote-ref-978)
979. ( 1). در مصباح و اقبال« و تصديقاً لك» آمده است. [↑](#footnote-ref-979)
980. ( 1). در مصباح المتهجّد« والقسوةِ و الذِلّة» آمده است. [↑](#footnote-ref-980)
981. ( 1). در مصباح المتهجّد« فَصَلِّ عَلى‏ محمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدِ» نيز آمده است. [↑](#footnote-ref-981)
982. ( 2). در مصباح و اقبال« يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ» آمده است. [↑](#footnote-ref-982)
983. ( 1). اقبال، صفحه 82 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 100. [↑](#footnote-ref-983)
984. ( 1). در اقبال اين جملات نيز آمده است:« سُبحان اللَّه على‏ اقبال النّهارِ و ادبار اللّيل، سبحان اللَّه على‏ اقبال النَّهارِ و اقبالِ اللّيل». [↑](#footnote-ref-984)
985. ( 2). اقبال، صفحه 82 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 100. [↑](#footnote-ref-985)
986. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 610 و اقبال، صفحه 89، با اندكى تفاوت.( مرحوم سيّد بن طاووس در اقبال نقل مى‏كند كه اين دعا را امام‏باقر عليه السلام در هر روز از ماه رمضان مى‏خواند). [↑](#footnote-ref-986)
987. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 616 و اقبال، صفحه 93 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 105. [↑](#footnote-ref-987)
988. ( 1). اين جملات در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-988)
989. ( 1). اين جمله در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-989)
990. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 620 و اقبال، صفحه 96 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 108( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-990)
991. ( 1). اقبال، صفحه 98 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 110. [↑](#footnote-ref-991)
992. ( 1). اين جمله در اقبال آمده است. [↑](#footnote-ref-992)
993. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 623 و اقبال، صفحه 98 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 111( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-993)
994. ( 2). مقنعه، صفحه 320. [↑](#footnote-ref-994)
995. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 618 و بلدالامين، صفحه 223. [↑](#footnote-ref-995)
996. ( 2). مقنعه، صفحه 313. [↑](#footnote-ref-996)
997. ( 3). اقبال، صفحه 18. [↑](#footnote-ref-997)
998. ( 1). اقبال، صفحه 17. [↑](#footnote-ref-998)
999. ( 2). همان مدرك، صفحه 18. [↑](#footnote-ref-999)
1000. ( 1). اقبال، صفحه 17. [↑](#footnote-ref-1000)
1001. ( 2). زاد المعاد، صفحه 99. [↑](#footnote-ref-1001)
1002. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1002)
1003. ( 4). اقبال، صفحه 22. [↑](#footnote-ref-1003)
1004. ( 1). اقبال، صفحه 22. [↑](#footnote-ref-1004)
1005. ( 1). اقبال، صفحه 23. [↑](#footnote-ref-1005)
1006. ( 1). بحارالانوار، جلد 89، صفحه 206، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1006)
1007. ( 1). اقبال، صفحه 86. [↑](#footnote-ref-1007)
1008. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1008)
1009. ( 3). همان مدرك، صفحه 87. [↑](#footnote-ref-1009)
1010. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1010)
1011. ( 5). بحارالانوار، جلد 94، صفحه 354. [↑](#footnote-ref-1011)
1012. ( 1). زاد المعاد، صفحه 101- 105 و اقبال، صفحه 45( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1012)
1013. ( 1). زاد المعاد، صفحه 142. [↑](#footnote-ref-1013)
1014. ( 2). مصباح كفعمى، صفحه 563. [↑](#footnote-ref-1014)
1015. ( 3). زاد المعاد، صفحه 178. [↑](#footnote-ref-1015)
1016. ( 4). همان مدرك، صفحه 179. [↑](#footnote-ref-1016)
1017. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1017)
1018. ( 6). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1018)
1019. ( 7). اقبال، صفحه 150. [↑](#footnote-ref-1019)
1020. ( 1). اقبال، صفحه 151. [↑](#footnote-ref-1020)
1021. ( 2). منتهى‏الآمال، تاريخ زندگانى امام حسن مجتبى عليه السلام( البتّه برخى معتقدند ولادت آن حضرت سال دوم واقع شده است). [↑](#footnote-ref-1021)
1022. ( 3). همان مدرك، تاريخ زندگانى امام محمّد تقى عليه السلام. [↑](#footnote-ref-1022)
1023. ( 4). زاد المعاد، صفحه 179. [↑](#footnote-ref-1023)
1024. ( 1). بحارالانوار، جلد 19، صفحه 286، 293 و 316 و جلد 39، صفحه 95. [↑](#footnote-ref-1024)
1025. ( 2). بحارالانوار، جلد 47، صفحه 315( با مقدارى تلخيص). [↑](#footnote-ref-1025)
1026. ( 1). زاد المعاد، صفحه 180. [↑](#footnote-ref-1026)
1027. ( 2). رجوع شود به: اقبال، صفحه 167. [↑](#footnote-ref-1027)
1028. ( 3). زاد المعاد، صفحه 185. [↑](#footnote-ref-1028)
1029. ( 1). اقبال، صفحه 186. [↑](#footnote-ref-1029)
1030. ( 2). همان مدرك و زادالمعاد، صفحه 185. [↑](#footnote-ref-1030)
1031. ( 3). اقبال، صفحه 187. [↑](#footnote-ref-1031)
1032. ( 1). زاد المعاد، صفحه 186. [↑](#footnote-ref-1032)
1033. ( 2). تهذيب، جلد 6، صفحه 49، حديث 26. [↑](#footnote-ref-1033)
1034. ( 3). اقبال، صفحه 186. [↑](#footnote-ref-1034)
1035. ( 4). همان مدرك، صفحه 167. [↑](#footnote-ref-1035)
1036. ( 1). بلدالامين، صفحه 203. [↑](#footnote-ref-1036)
1037. ( 2). زاد المعاد، صفحه 186( با اندكى تصرّف). [↑](#footnote-ref-1037)
1038. ( 3). مستدرك الوسائل، جلد 7، صفحه 458، حديث 12. [↑](#footnote-ref-1038)
1039. ( 4). اقبال، صفحه 186 و زاد المعاد، صفحه 186. [↑](#footnote-ref-1039)
1040. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1040)
1041. ( 6). اقبال، صفحه 187. [↑](#footnote-ref-1041)
1042. ( 1). بحارالانوار، جلد 95، صفحه 147. [↑](#footnote-ref-1042)
1043. ( 2). اقبال، صفحه 194. [↑](#footnote-ref-1043)
1044. ( 3). بحارالانوار، جلد 94، صفحه 2، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1044)
1045. ( 4). امالى صدوق، صفحه 649. [↑](#footnote-ref-1045)
1046. ( 5). مصباح‏المتهجّد، صفحه 628 و كافى، جلد 4، صفحه 160( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1046)
1047. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 584. [↑](#footnote-ref-1047)
1048. ( 2). مقنعه، صفحه 167( باب صلاة شهر رمضان). [↑](#footnote-ref-1048)
1049. ( 1). اقبال، صفحه 200( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-1049)
1050. ( 2). همان مدرك، صفحه 195. [↑](#footnote-ref-1050)
1051. ( 3). بحارالانوار، جلد 94، صفحه 129، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1051)
1052. ( 1). اقبال، صفحه 195. [↑](#footnote-ref-1052)
1053. ( 2). بحارالانوار، جلد 94، صفحه 130، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1053)
1054. ( 3). اقبال، صفحه 207. [↑](#footnote-ref-1054)
1055. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1055)
1056. ( 5). همان مدرك، صفحه 206 و 207. [↑](#footnote-ref-1056)
1057. ( 6). زاد المعاد، صفحه 187. [↑](#footnote-ref-1057)
1058. ( 7). مصباح المتهجّد، صفحه 628 و اقبال، صفحه 211. [↑](#footnote-ref-1058)
1059. ( 8). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1059)
1060. ( 1). اقبال، صفحه 214. [↑](#footnote-ref-1060)
1061. ( 2). همان مدرك، صفحه 209 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 162. [↑](#footnote-ref-1061)
1062. ( 1). كلمه« النّار» در مصباح آمده است. [↑](#footnote-ref-1062)
1063. ( 2). كافى، جلد 4، صفحه 161 و مصباح المتهجّد، صفحه 629. [↑](#footnote-ref-1063)
1064. ( 3). اقبال، صفحه 211. [↑](#footnote-ref-1064)
1065. ( 1). اقبال، صفحه 211. در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 165 آمده است كه اين دعا را امام على بن الحسين عليهما السلام در شب قدر مى‏خواند. [↑](#footnote-ref-1065)
1066. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 630 و مصباح كفعمى، صفحه 586( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1066)
1067. ( 2). فقيه، جلد 2، صفحه 162 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 70. [↑](#footnote-ref-1067)
1068. ( 3). تهذيب، جلد 3، صفحه 64، حديث 19. [↑](#footnote-ref-1068)
1069. ( 4). زاد المعاد، صفحه 190. [↑](#footnote-ref-1069)
1070. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 160، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1070)
1071. ( 2). مفاتيح الجنان، اعمال شب‏هاى دهه آخر ماه رمضان. [↑](#footnote-ref-1071)
1072. ( 1). اقبال، صفحه 199. [↑](#footnote-ref-1072)
1073. ( 1). كلمه« النّار» در دعاى اين شب و دعاى شب‏هاى ديگر در مصباح آمده است. [↑](#footnote-ref-1073)
1074. ( 2). كافى، جلد 4، صفحه 161 و مصباح المتهجّد، صفحه 629. [↑](#footnote-ref-1074)
1075. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 162 و مصباح المتهجّد، صفحه 631. [↑](#footnote-ref-1075)
1076. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 162 و مصباح المتهجّد، صفحه 631. [↑](#footnote-ref-1076)
1077. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 162 و مصباح المتهجّد، صفحه 631. [↑](#footnote-ref-1077)
1078. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 163 و مصباح المتهجّد، صفحه 632. [↑](#footnote-ref-1078)
1079. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 163 و مصباح المتهجّد، صفحه 633. [↑](#footnote-ref-1079)
1080. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 163 و مصباح المتهجّد، صفحه 633. [↑](#footnote-ref-1080)
1081. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 164 و مصباح المتهجّد، صفحه 634. [↑](#footnote-ref-1081)
1082. ( 2). اقبال، صفحه 226. [↑](#footnote-ref-1082)
1083. ( 3). همان مدرك، صفحه 228 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 63. [↑](#footnote-ref-1083)
1084. ( 1). بحارالانوار، جلد 95، صفحه 63. [↑](#footnote-ref-1084)
1085. ( 2). اقبال، صفحه 237. [↑](#footnote-ref-1085)
1086. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1086)
1087. ( 4). همان مدرك، صفحه 242. [↑](#footnote-ref-1087)
1088. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1088)
1089. ( 1). كافى، جلد 4، صفحه 164، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1089)
1090. ( 2). فقيه، جلد 2، صفحه 162. [↑](#footnote-ref-1090)
1091. ( 3). اقبال، صفحه 256 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 181. [↑](#footnote-ref-1091)
1092. ( 1). اقبال، صفحه 243 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 172. [↑](#footnote-ref-1092)
1093. ( 2). اقبال، صفحه 241 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 73. [↑](#footnote-ref-1093)
1094. ( 3). اقبال، صفحه 272 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 130. [↑](#footnote-ref-1094)
1095. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 323 و بحارالانوار، جلد 89، صفحه 209. [↑](#footnote-ref-1095)
1096. ( 2). مكارم الاخلاق، صفحه 342 و بحارالانوار، جلد 89، صفحه 206. [↑](#footnote-ref-1096)
1097. ( 1). مفاتيح الجنان، نمازهاى شب‏هاى ماه رمضان. [↑](#footnote-ref-1097)
1098. ( 2). زاد المعاد، صفحه 213- 214. [↑](#footnote-ref-1098)
1099. ( 3). همان مدرك، صفحه 214- 220؛ همچنين در بلدالامين، صفحه 219، دعاها همراه با ذكر ثواب‏ها آمده است. [↑](#footnote-ref-1099)
1100. ( 1). اين جمله در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 47 آمده است. [↑](#footnote-ref-1100)
1101. ( 1). كلمه« الذّنب» در زاد المعاد و بلدالامين نيامده، ولى در مفاتيح الجنان آمده است. [↑](#footnote-ref-1101)
1102. ( 1). منتهى الآمال، زندگى امام صادق عليه السلام. [↑](#footnote-ref-1102)
1103. ( 1). اقبال، صفحه 274 و زادالمعاد، صفحه 220. [↑](#footnote-ref-1103)
1104. ( 2). زادالمعاد، صفحه 220 و كافى، جلد 4، صفحه 167، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1104)
1105. ( 3). اقبال، صفحه 274. [↑](#footnote-ref-1105)
1106. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 648. [↑](#footnote-ref-1106)
1107. ( 1). اقبال، صفحه 271. [↑](#footnote-ref-1107)
1108. ( 2). مصباح كفعمى، صفحه 647. [↑](#footnote-ref-1108)
1109. ( 1). اقبال، صفحه 272 و زادالمعاد، صفحه 221. [↑](#footnote-ref-1109)
1110. ( 2). اقبال، صفحه 272. [↑](#footnote-ref-1110)
1111. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 649 و اقبال، صفحه 272 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 120( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1111)
1112. ( 2). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 122. [↑](#footnote-ref-1112)
1113. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 651. [↑](#footnote-ref-1113)
1114. ( 4). كافى، جلد 4، صفحه 168، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1114)
1115. ( 1). سوره اعلى، آيه 14 و 15. [↑](#footnote-ref-1115)
1116. ( 2). زاد المعاد، صفحه 224. [↑](#footnote-ref-1116)
1117. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 653. [↑](#footnote-ref-1117)
1118. ( 4). اقبال، صفحه 279. [↑](#footnote-ref-1118)
1119. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 653. [↑](#footnote-ref-1119)
1120. ( 6). اقبال، صفحه 280. [↑](#footnote-ref-1120)
1121. ( 7). همان مدرك، صفحه 281. [↑](#footnote-ref-1121)
1122. ( 8). مسار الشيعه، صفحه 31. [↑](#footnote-ref-1122)
1123. ( 1). اقبال، صفحه 281. [↑](#footnote-ref-1123)
1124. ( 2). همان مدرك، صفحه 280. [↑](#footnote-ref-1124)
1125. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 654. [↑](#footnote-ref-1125)
1126. ( 2). همان مدرك، صفحه 655. [↑](#footnote-ref-1126)
1127. ( 3). اقبال، صفحه 285. [↑](#footnote-ref-1127)
1128. ( 1). فروغى از كوثر،( زندگى‏نامه حضرت فاطمه معصومه) صفحه 32. [↑](#footnote-ref-1128)
1129. ( 2). منتهى‏الآمال، تاريخ زندگانى امام رضا عليه السلام و بحارالانوار، جلد 49، صفحه 9، حديث 16 و صفحه 10، حديث 17. [↑](#footnote-ref-1129)
1130. ( 3). منتهى الآمال، تاريخ زندگانى امام رضا عليه السلام. [↑](#footnote-ref-1130)
1131. ( 4). بحارالانوار، جلد 11، صفحه 217، حديث 29. [↑](#footnote-ref-1131)
1132. ( 5). منتهى‏الآمال، تاريخ زندگانى امام محمّد تقى عليه السلام. [↑](#footnote-ref-1132)
1133. ( 6). بحارالانوار، جلد 50، صفحه 64 و كشف الغمّه، جلد 2، صفحه 363. [↑](#footnote-ref-1133)
1134. ( 1). اقبال، صفحه 306. [↑](#footnote-ref-1134)
1135. ( 2). همان مدرك، صفحه 307. [↑](#footnote-ref-1135)
1136. ( 1). اقبال، صفحه 308. [↑](#footnote-ref-1136)
1137. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1137)
1138. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1138)
1139. ( 4). همان مدرك، صفحه 309. [↑](#footnote-ref-1139)
1140. ( 1). اقبال، صفحه 312. [↑](#footnote-ref-1140)
1141. ( 2). همان مدرك، صفحه 314. [↑](#footnote-ref-1141)
1142. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 669. [↑](#footnote-ref-1142)
1143. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 671.( البتّه مرحوم سيّد بن طاووس روايتى را نقل مى‏كند كه ولادت آن حضرت در شب بيست و پنجم ذى‏القعده است، اقبال، صفحه 310). [↑](#footnote-ref-1143)
1144. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1144)
1145. ( 3). بحارالانوار، جلد 46، صفحه 217. [↑](#footnote-ref-1145)
1146. ( 4). همان مدرك، جلد 96، صفحه 254، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1146)
1147. ( 5). منتهى‏الآمال، تاريخ زندگانى امام حسين عليه السلام، فصل چهارم( شهادت حضرت مسلم عليه السلام). [↑](#footnote-ref-1147)
1148. ( 6). همان مدرك، تاريخ زندگانى امام على النّقى عليه السلام و بحارالانوار، جلد 50، صفحه 115، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1148)
1149. ( 1). منتهى‏الآمال، تاريخ زندگانى پيامبر صلى الله عليه و آله، وقايع سال دهم هجرى. [↑](#footnote-ref-1149)
1150. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 758. [↑](#footnote-ref-1150)
1151. ( 3). سوره مائده، آيه 55. [↑](#footnote-ref-1151)
1152. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 767. [↑](#footnote-ref-1152)
1153. ( 5). زاد المعاد، صفحه 240. [↑](#footnote-ref-1153)
1154. ( 6). تفسير قمى، جلد 2، صفحه 419. [↑](#footnote-ref-1154)
1155. ( 7). مصباح المتهجّد، صفحه 671. [↑](#footnote-ref-1155)
1156. ( 1). اقبال، صفحه 317. [↑](#footnote-ref-1156)
1157. ( 1). اقبال، صفحه 317. [↑](#footnote-ref-1157)
1158. ( 2). زاد المعاد، صفحه 240. [↑](#footnote-ref-1158)
1159. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 672 و اقبال، صفحه 322( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1159)
1160. ( 1). ممكن است اين دعا به زبان عربى بر حضرت مسيح عليه السلام نازل شده باشد و نيز ممكن است حضرت امام باقر عليه السلام آن را به عربى تبديل‏كرده باشد. [↑](#footnote-ref-1160)
1161. ( 2). اقبال، صفحه 323. [↑](#footnote-ref-1161)
1162. ( 3). زادالمعاد، صفحه 245. [↑](#footnote-ref-1162)
1163. ( 1). اقبال، صفحه 324. [↑](#footnote-ref-1163)
1164. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 671. [↑](#footnote-ref-1164)
1165. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 671. [↑](#footnote-ref-1165)
1166. ( 2). اقبال، صفحه 325. [↑](#footnote-ref-1166)
1167. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1167)
1168. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1168)
1169. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1169)
1170. ( 1). اقبال، صفحه 325. [↑](#footnote-ref-1170)
1171. ( 2). همان مدرك، صفحه 329. [↑](#footnote-ref-1171)
1172. ( 1). اقبال، صفحه 330. [↑](#footnote-ref-1172)
1173. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 269. [↑](#footnote-ref-1173)
1174. ( 3). زاد المعاد، صفحه 256. [↑](#footnote-ref-1174)
1175. ( 4). خصال، جلد 2، صفحه 517، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1175)
1176. ( 5). زادالمعاد، صفحه 256. [↑](#footnote-ref-1176)
1177. ( 1). زاد المعاد، صفحه 330. [↑](#footnote-ref-1177)
1178. ( 2). همان مدرك، صفحه 258 و مصباح كفعمى، صفحه 661. [↑](#footnote-ref-1178)
1179. ( 3). مصباح كفعمى، صفحه 661. [↑](#footnote-ref-1179)
1180. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 715. [↑](#footnote-ref-1180)
1181. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1181)
1182. ( 6). بحارالانوار، جلد 98، صفحه 86، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1182)
1183. ( 7). اقبال، صفحه 332. [↑](#footnote-ref-1183)
1184. ( 1). زاد المعاد، صفحه 258. [↑](#footnote-ref-1184)
1185. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 661. [↑](#footnote-ref-1185)
1186. ( 2). همان مدرك، صفحه 423. [↑](#footnote-ref-1186)
1187. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 662. [↑](#footnote-ref-1187)
1188. ( 2). همان مدرك، صفحه 671. [↑](#footnote-ref-1188)
1189. ( 1). اين دو تن را از اصحاب امام حسين عليه السلام به شمار آورده‏اند و برخى از علماى« علم رجال» بشر بن غالب اسدى را از اصحاب اميرمؤمنان، امام حسن، امام حسين و امام سجاد عليهم السلام دانسته‏اند( معجم رجال الحديث، جلد 4، صفحه 227). [↑](#footnote-ref-1189)
1190. ( 2). اين دعا را سيّد بن طاووس در اقبال، صفحه 339 و شيخ كفعمى در بلدالامين، صفحه 251 و علّامه مجلسى در بحارالانوار، جلد 95، صفحه 216 آورده‏اند و ما آن را مطابق نسخه متداول كه با آنچه در بلدالامين است، تفاوت اندكى دارد، نقل مى‏كنيم. [↑](#footnote-ref-1190)
1191. ( 1). در بلدالامين« لها و بها» آمده است. [↑](#footnote-ref-1191)
1192. ( 1). در بلدالامين، يك بار« لك العُتبى» آمده است. [↑](#footnote-ref-1192)
1193. ( 1). در بلدالامين آمده است:« يا من لا يعلم ما يعلمهُ الّا هو». [↑](#footnote-ref-1193)
1194. ( 1). كلمه« علمتُ» در بلدالامين نيامده. [↑](#footnote-ref-1194)
1195. ( 1). بلدالامين: وَاعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا. [↑](#footnote-ref-1195)
1196. ( 1). بلدالامين: وَفِّقنا. [↑](#footnote-ref-1196)
1197. ( 1). گرچه بعضى از علما در معتبر بودن اين اضافه ترديد كرده‏اند، ولى انصاف اين است كه اين زيادتى نيز مضامين مهمّى دارد و در حال و هواى همان دعاى عرفه است و چيزى كه نشان دهد از اضافات گروه‏هاى منحرف است در آن نيافتيم. [↑](#footnote-ref-1197)
1198. ( 1). اقبال: باختيارك لى‏. [↑](#footnote-ref-1198)
1199. ( 1). اقبال، صفحه 348. [↑](#footnote-ref-1199)
1200. ( 2). همان مدرك، صفحه 420. [↑](#footnote-ref-1200)
1201. ( 1). اقبال، صفحه 420. [↑](#footnote-ref-1201)
1202. ( 2). همان مدرك، صفحه 417. [↑](#footnote-ref-1202)
1203. ( 3). همان مدرك، صفحه 421. [↑](#footnote-ref-1203)
1204. ( 4). زادالمعاد، صفحه 319. [↑](#footnote-ref-1204)
1205. ( 5). اقبال، صفحه 421. [↑](#footnote-ref-1205)
1206. ( 6). مصباح كفعمى، صفحه 647. [↑](#footnote-ref-1206)
1207. ( 1). زادالمعاد، صفحه 319. [↑](#footnote-ref-1207)
1208. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1208)
1209. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1209)
1210. ( 4). همان مدرك، صفحه 320. [↑](#footnote-ref-1210)
1211. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1211)
1212. ( 1). زاد المعاد، صفحه 321. [↑](#footnote-ref-1212)
1213. ( 2). اقبال، صفحه 451. [↑](#footnote-ref-1213)
1214. ( 3). كافى، جلد 4، صفحه 517، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1214)
1215. ( 1). زادالمعاد، صفحه 323. [↑](#footnote-ref-1215)
1216. ( 2). سوره مائده، آيه 3. [↑](#footnote-ref-1216)
1217. ( 3). زادالمعاد، صفحه 323 و اقبال، صفحه 464. [↑](#footnote-ref-1217)
1218. ( 4). زاد المعاد، صفحه 324 و اقبال، صفحه 464. [↑](#footnote-ref-1218)
1219. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 736. [↑](#footnote-ref-1219)
1220. ( 1). اقبال، صفحه 465. [↑](#footnote-ref-1220)
1221. ( 2). بلدالامين، صفحه 259. [↑](#footnote-ref-1221)
1222. ( 3). زادالمعاد، صفحه 327. [↑](#footnote-ref-1222)
1223. ( 4). همان مدرك، صفحه 324. [↑](#footnote-ref-1223)
1224. ( 5). اقبال، صفحه 468. [↑](#footnote-ref-1224)
1225. ( 1). اقبال، صفحه 464. [↑](#footnote-ref-1225)
1226. ( 2). بلدالامين، صفحه 263. در اقبال( صفحه 476) همين دعا با اندكى تفاوت، از امام صادق عليه السلام نقل شده است. [↑](#footnote-ref-1226)
1227. ( 3). مرحوم سيّد بن طاووس در اعمال روز عيد فطر، دعاى ندبه را ذكر كرده و گفته است: اين دعا را در عيدهاى چهارگانه مى‏خوانند( اقبال، صفحه 295). [↑](#footnote-ref-1227)
1228. ( 1). اقبال، صفحه 472 و بحارالانوار، جلد 95، صفحه 298. [↑](#footnote-ref-1228)
1229. ( 1). بحارالانوار، جلد 95، صفحه 319 و اقبال، صفحه 492( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1229)
1230. ( 1). مستدرك الوسائل، جلد 6، صفحه 279، حديث 6843. [↑](#footnote-ref-1230)
1231. ( 2). اقبال، صفحه 525. [↑](#footnote-ref-1231)
1232. ( 3). همان مدرك، صفحه 496 و صفحه 515 و مصباح المتهجّد، صفحه 759. [↑](#footnote-ref-1232)
1233. ( 1). براى آگاهى بيشتر از داستان مباهله و كتب فراوانى كه آن را نقل كرده‏اند، به تفسير نمونه، جلد 2، ذيل تفسير آيه 61 سوره آل عمران مراجعه كنيد. [↑](#footnote-ref-1233)
1234. ( 2). اقبال، صفحه 515. [↑](#footnote-ref-1234)
1235. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1235)
1236. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 758. [↑](#footnote-ref-1236)
1237. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 759. [↑](#footnote-ref-1237)
1238. ( 2). همان مدرك، صفحه 770 و اقبال صفحه 529. [↑](#footnote-ref-1238)
1239. ( 1). براى آگاهى‏بيشتر و تفسير آيات موردنظر به تفسير نمونه، جلد 25، ذيل تفسير سوره انسان مراجعه كنيد. [↑](#footnote-ref-1239)
1240. ( 2). اقبال، صفحه 529. [↑](#footnote-ref-1240)
1241. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1241)
1242. ( 4). زادالمعاد، صفحه 368. [↑](#footnote-ref-1242)
1243. ( 1). اقبال، صفحه 530. [↑](#footnote-ref-1243)
1244. ( 1). زادالمعاد، صفحه 528- 530 و بحارالانوار، جلد 56، صفحه 91- 100( با تلخيص و كمى نقل به معنا) ولى در برابر، روايتى در نفى بزرگداشت عيد نوروز نقل شده است كه مرحوم علّامه مجلسى، روايت معلّى بن خنيس را ترجيح مى‏دهد،( بحارالانوار، جلد 56، صفحه 100). [↑](#footnote-ref-1244)
1245. ( 1). زادالمعاد، صفحه 530. [↑](#footnote-ref-1245)
1246. ( 1). زاد المعاد، صفحه 531. [↑](#footnote-ref-1246)
1247. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1247)
1248. ( 1). اين دوازده ماه را شاعرى چنين به نظم آورده است:

      |  |  |  |
      | --- | --- | --- |
      | دو تشرين و دو كانون و پس آنگه‏ |  | شباط و آذر و نيسان، ايار است‏ |
      | حريزان و تموز و آب و ايلول‏ |  | نگه دارش كه از من يادگار است‏ |
      |  |  |  |

      ( فرهنگ معين)

      مرحوم علّامه مجلسى ابتداى ماههاى رومى را از تشرين اوّل، شمرده و ايلول را ماه آخر ذكر كرده است( زادالمعاد، صفحه 535) و با شعرى كه از فرهنگ معين نقل كرديم نيز هماهنگ است. [↑](#footnote-ref-1248)
1249. ( 2). بحارالانوار، جلد 56، صفحه 142 و 143. [↑](#footnote-ref-1249)
1250. ( 3). زادالمعاد، صفحه 532- 534( با تلخيص فراوان). [↑](#footnote-ref-1250)
1251. ( 1). زاد المعاد، صفحه 534. [↑](#footnote-ref-1251)
1252. ( 2). سوره انفال، آيه 11. [↑](#footnote-ref-1252)
1253. ( 3). زادالمعاد، صفحه 534 و 535( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-1253)
1254. ( 1). مصباح المتهجد، صفحه 198 و بحارالانوار، جلد 84، صفحه 356. [↑](#footnote-ref-1254)
1255. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 534، حديث 35. [↑](#footnote-ref-1255)
1256. ( 2). فلاح السائل، صفحه 227. [↑](#footnote-ref-1256)
1257. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 522، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1257)
1258. ( 2). تهذيب، جلد 2، صفحه 139، حديث 308. [↑](#footnote-ref-1258)
1259. ( 3). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 298، حديث 59. [↑](#footnote-ref-1259)
1260. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 526، حديث 14. [↑](#footnote-ref-1260)
1261. ( 2). دعوات راوندى، صفحه 81، حديث 204 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 282، حديث 45( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1261)
1262. ( 3). خصال، جلد 2، صفحه 622 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 249، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1262)
1263. ( 1). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 266، حديث 37. [↑](#footnote-ref-1263)
1264. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 523، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1264)
1265. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 523، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1265)
1266. ( 2). سوره قاف، آيه 39. [↑](#footnote-ref-1266)
1267. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 524، حديث 9. [↑](#footnote-ref-1267)
1268. ( 4). فلاح السائل، صفحه 221. [↑](#footnote-ref-1268)
1269. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 506، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1269)
1270. ( 2). سوره كهف، آيه 46. [↑](#footnote-ref-1270)
1271. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 518، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1271)
1272. ( 4). همان مدرك، صفحه 528، حديث 20. [↑](#footnote-ref-1272)
1273. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 528، حديث 20. [↑](#footnote-ref-1273)
1274. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1274)
1275. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 534، حديث 36. [↑](#footnote-ref-1275)
1276. ( 2). همان مدرك، صفحه 534، حديث 37. [↑](#footnote-ref-1276)
1277. ( 3). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 160، حديث 39. [↑](#footnote-ref-1277)
1278. ( 1). خصال، جلد 2، صفحه 452، حديث 58. [↑](#footnote-ref-1278)
1279. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 532، حديث 31. [↑](#footnote-ref-1279)
1280. ( 3). فقيه، جلد 1، صفحه 335، حديث 980. [↑](#footnote-ref-1280)
1281. ( 4). محاسن، جلد 1، صفحه 36، حديث 33 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حديث 27. [↑](#footnote-ref-1281)
1282. ( 5). امالى صدوق، صفحه 328، حديث 5 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 252، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1282)
1283. ( 1). محاسن، جلد 1، صفحه 37 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حديث 27. [↑](#footnote-ref-1283)
1284. ( 2). محاسن، جلد 1، صفحه 41، حديث 51 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حديث 27. [↑](#footnote-ref-1284)
1285. ( 3). محاسن، جلد 1، صفحه 42، حديث 56 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 257، حديث 27. [↑](#footnote-ref-1285)
1286. ( 1). تفسير عياشى، جلد 2، صفحه 45، حديث 136 و كافى، جلد 2، صفحه 532، حديث 31. [↑](#footnote-ref-1286)
1287. ( 2). فلاح السائل، صفحه 222 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 268، حديث 38. [↑](#footnote-ref-1287)
1288. ( 1). امالى صدوق، صفحه 578، حديث 14 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 253، حديث 19. [↑](#footnote-ref-1288)
1289. ( 2). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 298، حديث 59. [↑](#footnote-ref-1289)
1290. ( 3). علل الشرايع، جلد 1، صفحه 29، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 251، حديث 16 و كافى، جلد 2، صفحه 535،( با اندكى‏تفاوت). [↑](#footnote-ref-1290)
1291. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 529، حديث 22. [↑](#footnote-ref-1291)
1292. ( 1). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 266، حديث 36. [↑](#footnote-ref-1292)
1293. ( 1). بحارالانوار، جلد 73، صفحه 192، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1293)
1294. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 623، حديث 14. [↑](#footnote-ref-1294)
1295. ( 3). بحارالانوار، جلد 73، صفحه 213. [↑](#footnote-ref-1295)
1296. ( 4). تهذيب، جلد 2، صفحه 116، حديث 203. [↑](#footnote-ref-1296)
1297. ( 5). فقيه، جلد 1، صفحه 502، حديث 1442. [↑](#footnote-ref-1297)
1298. ( 6). كافى، جلد 2، صفحه 540، حديث 17. [↑](#footnote-ref-1298)
1299. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 570، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1299)
1300. ( 2). مفتاح الفلاح، صفحه 284. [↑](#footnote-ref-1300)
1301. ( 3). بحارالانوار، جلد 73، صفحه 211. [↑](#footnote-ref-1301)
1302. ( 1). مكارم الاخلاق، صفحه 305، و بحارالانوار، جلد 73، صفحه 185، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1302)
1303. ( 2). بحارالانوار، جلد 73، صفحه 187، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1303)
1304. ( 3). همان مدرك، جلد 58، صفحه 175، حديث 34. [↑](#footnote-ref-1304)
1305. ( 4). كافى، جلد 2، صفحه 535، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1305)
1306. ( 5). همان مدرك، صفحه 536، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1306)
1307. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 537، حديث 9. [↑](#footnote-ref-1307)
1308. ( 2). سوره رعد، آيه 28. [↑](#footnote-ref-1308)
1309. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 538، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1309)
1310. ( 2). فقيه، جلد 1، صفحه 480، حديث 1389. [↑](#footnote-ref-1310)
1311. ( 1). مستدرك‏الوسائل، جلد 6، صفحه 327- 335، باب 33. [↑](#footnote-ref-1311)
1312. ( 2). همان مدرك، صفحه 330، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1312)
1313. ( 3). بحارالانوار، جلد 74، صفحه 70، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1313)
1314. ( 4). همان مدرك، جلد 84، صفحه 148، حديث 23. [↑](#footnote-ref-1314)
1315. ( 5). همان مدرك، صفحه 159، حديث 48. [↑](#footnote-ref-1315)
1316. ( 6). كافى، جلد 3، صفحه 450، حديث 34. [↑](#footnote-ref-1316)
1317. ( 7). سوره اسراء، آيه 79. [↑](#footnote-ref-1317)
1318. ( 1). مستدرك‏الوسائل، جلد 6، صفحه 340، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1318)
1319. ( 2). همان مدرك، صفحه 338، حديث 31. [↑](#footnote-ref-1319)
1320. ( 3). براى آگاهى بيشتر به بحارالانوار، جلد 84، صفحه 223 و 226 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-1320)
1321. ( 4). بحارالانوار، جلد 73، صفحه 204، حديث 20. [↑](#footnote-ref-1321)
1322. ( 1). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 192، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1322)
1323. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 127 و مكارم الاخلاق، صفحه 293( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1323)
1324. ( 3). مصباح المتهجد، صفحه 128. [↑](#footnote-ref-1324)
1325. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 129. [↑](#footnote-ref-1325)
1326. ( 2). همان مدرك، صفحه 130. [↑](#footnote-ref-1326)
1327. ( 1). بحارالانوار، جلد 82، صفحه 207. [↑](#footnote-ref-1327)
1328. ( 2). همان مدرك، جلد 84، صفحه 226، حديث 39. [↑](#footnote-ref-1328)
1329. ( 3). همان مدرك و مصباح المتهجّد، صفحه 152. [↑](#footnote-ref-1329)
1330. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 152 [↑](#footnote-ref-1330)
1331. ( 5). كافى، جلد 3، صفحه 450، حديث 31. [↑](#footnote-ref-1331)
1332. ( 6). مصباح المتهجّد، صفحه 152 و 155. [↑](#footnote-ref-1332)
1333. ( 7). همان مدرك، صفحه 155. [↑](#footnote-ref-1333)
1334. ( 8). مفتاح الفلاح، صفحه 329 [↑](#footnote-ref-1334)
1335. ( 1). فقيه، جلد 1، صفحه 489، حديث 1406. [↑](#footnote-ref-1335)
1336. ( 2). همان مدرك، حديث 1408. [↑](#footnote-ref-1336)
1337. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 155. [↑](#footnote-ref-1337)
1338. ( 1). تهذيب، جلد 2، صفحه 132، حديث 276. [↑](#footnote-ref-1338)
1339. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 163. [↑](#footnote-ref-1339)
1340. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1340)
1341. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1341)
1342. ( 5). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 308، حديث 86. [↑](#footnote-ref-1342)
1343. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 438، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1343)
1344. ( 2). ثواب الاعمال، صفحه 9. [↑](#footnote-ref-1344)
1345. ( 1). ثواب الاعمال، صفحه 161. [↑](#footnote-ref-1345)
1346. ( 2). همان مدرك، صفحه 162. [↑](#footnote-ref-1346)
1347. ( 3). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 10. [↑](#footnote-ref-1347)
1348. ( 4). كافى، جلد 2، صفحه 504، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1348)
1349. ( 5). كشف الغمّه، جلد 2، صفحه 164. [↑](#footnote-ref-1349)
1350. ( 6). دعوات راوندى، صفحه 46، حديث 114. [↑](#footnote-ref-1350)
1351. ( 1). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 5، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1351)
1352. ( 2). ثواب الاعمال، صفحه 9 و كافى، جلد 2، صفحه 519، حديث 1 و محاسن، جلد 1، صفحه 32( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1352)
1353. ( 1). دعوات راوندى، صفحه 135، حديث 336 و بحارالانوار، جلد 84، صفحه 10، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1353)
1354. ( 2). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 20، حديث 21. [↑](#footnote-ref-1354)
1355. ( 1). بلد الامين، صفحه 146 و بحارالانوار، جلد 84، صفحه 7، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1355)
1356. ( 2). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 6، حديث 9. [↑](#footnote-ref-1356)
1357. ( 3). همان مدرك، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1357)
1358. ( 1). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 6، حديث 9. [↑](#footnote-ref-1358)
1359. ( 2). مفتاح الفلاح، صفحه 186 و فقيه، جلد 1، صفحه 225، حديث 675 و بحارالانوار، جلد 55، صفحه 167، حديث 28. [↑](#footnote-ref-1359)
1360. ( 1). اين دعاها در بحارالانوار، جلد 87 آمده است، ولى ما آن را مطابق نسخه‏هاى متداول نقل مى‏كنيم و موارد تفاوت را در پاورقى يادآور مى‏شويم. [↑](#footnote-ref-1360)
1361. ( 2). بحارالانوار: الطّاغين. [↑](#footnote-ref-1361)
1362. ( 1). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 152، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1362)
1363. ( 1). بحارالانوار: أقْهَرُ. [↑](#footnote-ref-1363)
1364. ( 2). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 164، حديث 15. [↑](#footnote-ref-1364)
1365. ( 1). بحارالانوار: فَلَهُ. [↑](#footnote-ref-1365)
1366. ( 2). بحارالانوار: و أوسطه نجاحاً و آخره فلاحاً. [↑](#footnote-ref-1366)
1367. ( 3). بحارالانوار: حمل مظالم العباد عنّا. [↑](#footnote-ref-1367)
1368. ( 1). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 176، حديث 21. [↑](#footnote-ref-1368)
1369. ( 1). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 187، حديث 27. [↑](#footnote-ref-1369)
1370. ( 1). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 200، حديث 33. [↑](#footnote-ref-1370)
1371. ( 1). بحارالانوار: وَاجْعَلهُ لى‏ شافعاً، وَ اجْعَلْ توسُّلى‏ يوم القيامة نافعاً. [↑](#footnote-ref-1371)
1372. ( 2). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 211، حديث 39. [↑](#footnote-ref-1372)
1373. ( 1). بحارالانوار، جلد 87، صفحه 133، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1373)
1374. ( 1). عوالى اللئالى، جلد 1، صفحه 296، حديث 195. [↑](#footnote-ref-1374)
1375. ( 2). كمال الدين، جلد 1، صفحه 281، حديث 32. [↑](#footnote-ref-1375)
1376. ( 3). كافى، جلد 3، صفحه 413، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1376)
1377. ( 4). همان مدرك، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1377)
1378. ( 5). فقيه، جلد 1، صفحه 421، حديث 1240. [↑](#footnote-ref-1378)
1379. ( 1). فقيه، جلد 1، صفحه 420، حديث 1239. [↑](#footnote-ref-1379)
1380. ( 2). سوره يوسف، آيه 98. [↑](#footnote-ref-1380)
1381. ( 3). فقيه، جلد 1، صفحه 422، حديث 1242. [↑](#footnote-ref-1381)
1382. ( 4). كافى، جلد 3، صفحه 413، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1382)
1383. ( 5). خصال، جلد 2، صفحه 394، حديث 101. [↑](#footnote-ref-1383)
1384. ( 6). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 314، حديث 21. [↑](#footnote-ref-1384)
1385. ( 7). فقيه، جلد 1، صفحه 427، حديث 1261. [↑](#footnote-ref-1385)
1386. ( 8). كافى، جلد 3، صفحه 415، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1386)
1387. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 257. [↑](#footnote-ref-1387)
1388. ( 2). كافى، جلد 3، صفحه 416، حديث 13. [↑](#footnote-ref-1388)
1389. ( 3). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حديث 20. [↑](#footnote-ref-1389)
1390. ( 4). همان مدرك، صفحه 289. [↑](#footnote-ref-1390)
1391. ( 5). همان مدرك، صفحه 311، حديث 16. [↑](#footnote-ref-1391)
1392. ( 1). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 311، حديث 16. [↑](#footnote-ref-1392)
1393. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1393)
1394. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1394)
1395. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1395)
1396. ( 5). تهذيب، جلد 4، صفحه 195، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1396)
1397. ( 6). همان مدرك، جلد 2، صفحه 240، حديث 21. [↑](#footnote-ref-1397)
1398. ( 7). وسائل الشيعه، جلد 5، صفحه 84، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1398)
1399. ( 1). وسائل الشيعه، جلد 5، صفحه 84، حديث 6 و 7. [↑](#footnote-ref-1399)
1400. ( 2). بحارالانوار، جلد 76، صفحه 294. [↑](#footnote-ref-1400)
1401. ( 3). علل الشرايع، جلد 1، صفحه 182 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حديث 19. [↑](#footnote-ref-1401)
1402. ( 4). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 312، حديث 17. [↑](#footnote-ref-1402)
1403. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 200 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 315، حديث 25. [↑](#footnote-ref-1403)
1404. ( 2). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حديث 20. [↑](#footnote-ref-1404)
1405. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 269 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 294، حديث 6( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1405)
1406. ( 2). اقبال، صفحه 325. [↑](#footnote-ref-1406)
1407. ( 3). مصباح كفعمى، صفحه 647. [↑](#footnote-ref-1407)
1408. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 218 و مصباح المتهجّد، صفحه 279 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 306، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1408)
1409. ( 2). لازم به يادآورى است كه وقتى به آيه سجده رسيدى، به سجده برو و پس از سجده قرآن برخيز و ادامه سوره را بخوان. [↑](#footnote-ref-1409)
1410. ( 1). جمال‏الاسبوع، صفحه 119 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 320، حديث 28. قابل توجّه آن كه اين نماز در مصباح المتهجّد، صفحه 264، نيز نقل شده، بدون مقيّد كردن به وقت سحر و بدون ذكر سه شب، يا پنج، يا هفت شب؛ و با اين تفاوت كه در ركعت دوم حمد و دخان و در ركعت سوم حمد و الم سجده خوانده شود.( رجوع كنيد به: بحارالانوار، جلد 86، صفحه 288، حديث 3). [↑](#footnote-ref-1410)
1411. ( 1). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 323، حديث 30 و مهج الدعوات، صفحه 294. [↑](#footnote-ref-1411)
1412. ( 2). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 313، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1412)
1413. ( 3). همان مدرك، صفحه 359، حديث 36. [↑](#footnote-ref-1413)
1414. ( 4). خصال، جلد 2، صفحه 394، حديث 101. [↑](#footnote-ref-1414)
1415. ( 5). ثواب الاعمال، صفحه 156. [↑](#footnote-ref-1415)
1416. ( 6). كافى، جلد 3، صفحه 429، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1416)
1417. ( 7). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 363، حديث 51. [↑](#footnote-ref-1417)
1418. ( 1). سرائر، جلد 3، صفحه 577. [↑](#footnote-ref-1418)
1419. ( 2). كافى، جلد 3، صفحه 429، حديث 4 و امالى شيخ صدوق، صفحه 399، حديث 16 و ثواب الاعمال، صفحه 158 و تهذيب، جلد 3، صفحه 19، حديث 68. [↑](#footnote-ref-1419)
1420. ( 3). جمال الاسبوع، صفحه 226. [↑](#footnote-ref-1420)
1421. ( 4). همان مدرك، صفحه 227 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 332. [↑](#footnote-ref-1421)
1422. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 227، و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 158. [↑](#footnote-ref-1422)
1423. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 285 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 331( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1423)
1424. ( 3). وسائل‏الشيعه، جلد 5، باب 54 از ابواب صلاة الجمعه، حديث 10 و 11 و ثواب الاعمال، صفحه 108 و 114. [↑](#footnote-ref-1424)
1425. ( 4). وسائل الشيعه، جلد 5، باب 54 از ابواب صلاة الجمعه، حديث 4 و 6 و 9 و 14 و ثواب الاعمال، صفحه 105، 106، 107، 112. [↑](#footnote-ref-1425)
1426. ( 5). وسائل الشيعه، جلد 5، باب 54 از ابواب صلاة الجمعه، حديث 1 و تهذيب، جلد 3، صفحه 8، حديث 25. [↑](#footnote-ref-1426)
1427. ( 1). عدة الداعى، صفحه 297. [↑](#footnote-ref-1427)
1428. ( 2). كافى، جلد 3، صفحه 418، حديث 7 و 10. [↑](#footnote-ref-1428)
1429. ( 3). همان مدرك، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1429)
1430. ( 4). همان مدرك، جلد 6، صفحه 510، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1430)
1431. ( 5). جمال الاسبوع، صفحه 366. [↑](#footnote-ref-1431)
1432. ( 6). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 352، حديث 29. [↑](#footnote-ref-1432)
1433. ( 7). مقنعه، صفحه 156. [↑](#footnote-ref-1433)
1434. ( 1). كافى، جلد 6، صفحه 299، حديث 19. [↑](#footnote-ref-1434)
1435. ( 2). محاسن برقى، جلد 1، صفحه 225، حديث 149. [↑](#footnote-ref-1435)
1436. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 288. [↑](#footnote-ref-1436)
1437. ( 4). امالى طوسى، صفحه 688، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1437)
1438. ( 5). بحارالانوار، جلد 99، صفحه 104. [↑](#footnote-ref-1438)
1439. ( 6). همان مدرك، جلد 87، صفحه 24. [↑](#footnote-ref-1439)
1440. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 360. [↑](#footnote-ref-1440)
1441. ( 2). بحارالانوار، جلد 86، صفحه 353، حديث 32. [↑](#footnote-ref-1441)
1442. ( 3). ثواب الاعمال، صفحه 118. [↑](#footnote-ref-1442)
1443. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 377. [↑](#footnote-ref-1443)
1444. ( 2). جمال الاسبوع، صفحه 452. [↑](#footnote-ref-1444)
1445. ( 3). كمال الدين، جلد 2، صفحه 432، حديث 12. [↑](#footnote-ref-1445)
1446. ( 4). جمال الاسبوع، صفحه 38. [↑](#footnote-ref-1446)
1447. ( 5). بحارالانوار، جلد 52، صفحه 330، حديث 52. [↑](#footnote-ref-1447)
1448. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 494. [↑](#footnote-ref-1448)
1449. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 406 و مصباح كفعمى، صفحه 546( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1449)
1450. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 25. [↑](#footnote-ref-1450)
1451. ( 2). همان مدرك، صفحه 27. [↑](#footnote-ref-1451)
1452. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 29 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 211( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1452)
1453. ( 1). قرب الاسناد، صفحه 169 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 24، حديث 25. [↑](#footnote-ref-1453)
1454. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 31 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 212( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1454)
1455. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 31 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 212( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1455)
1456. ( 2). جمال الاسبوع، صفحه 32. اين زيارت را علّامه مجلسى با مختصرى تفاوت در بحارالانوار، جلد 97، صفحه 194 از امام باقر عليه السلام نقل‏مى‏كند. [↑](#footnote-ref-1456)
1457. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 32 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 213. [↑](#footnote-ref-1457)
1458. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 33 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 213. [↑](#footnote-ref-1458)
1459. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 34 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 214. [↑](#footnote-ref-1459)
1460. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 35 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 215. [↑](#footnote-ref-1460)
1461. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 36 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 215. [↑](#footnote-ref-1461)
1462. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 37 و بحارالانوار، جلد 99، صفحه 215. [↑](#footnote-ref-1462)
1463. ( 1). سوره حجر، آيه 29. [↑](#footnote-ref-1463)
1464. ( 1). اين جمله را به عنوان روايت در جوامع روايى نيافتيم، بلكه آنچه به عنوان روايت آمده است، جمله« الصلاة قربان كلّ تقى»( كافى، جلد 3، صفحه 265، حديث 6) و جمله« انّ الصّلاة قربان المؤمن» است( كنز العمّال، جلد 7، صفحه 287، حديث 18907) كه تقريباً همان معنا را مى‏رساند، ولى جمله‏اى كه در متن آمده، بقدرى معروف است كه مرحوم علّامه مجلسى، در لابه‏لاى بياناتش به آن استشهاد مى‏كند( بحارالانوار، ج 79، صفحه 248 و 303 وجلد 81، صفحه 255). [↑](#footnote-ref-1464)
1465. ( 2). مكارم الاخلاق، صفحه 461. [↑](#footnote-ref-1465)
1466. ( 3). مجمع البيان، جلد 5، صفحه 346 و بحارالانوار، جلد 79، صفحه 220، حديث 41. [↑](#footnote-ref-1466)
1467. ( 4). بحارالانوار، جلد 79، صفحه 220، حديث 41. [↑](#footnote-ref-1467)
1468. ( 5). مكارم الاخلاق، صفحه 461. [↑](#footnote-ref-1468)
1469. ( 6). امالى طوسى، صفحه 529. [↑](#footnote-ref-1469)
1470. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 480، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1470)
1471. ( 2). همان مدرك، جلد 4، صفحه 574. [↑](#footnote-ref-1471)
1472. ( 3). امالى صدوق، صفحه 113، حديث 2 و بحارالانوار، جلد 43، صفحه 172، حديث 13. [↑](#footnote-ref-1472)
1473. ( 4). از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه فرمود: دو ركعت نمازى كه انسان پس از استعمال عطر، به جاى آورد از هفتاد ركعت نمازى كه‏بدون استفاده از عطر باشد، بهتر است( مفتاح الفلاح، صفحه 302 و بحارالانوار، جلد 81، صفحه 330، حديث 7). [↑](#footnote-ref-1473)
1474. ( 1). درباره امام حسن عليه السلام آمده است كه هرگاه آن حضرت، وضو مى‏ساخت، بدنش مى‏لرزيد و رنگ از رخسارش مى‏پريد.( مناقب، جلد 4، صفحه 14، و بحارالانوار، جلد 43، صفحه 339، حديث 13). [↑](#footnote-ref-1474)
1475. ( 2). اين مطلب به خوبى از محتواى برخى از تعقيبات به دست مى‏آيد كه در فصل تعقيبات آمده است، همچنين در روايتى از امام‏رضا عليه السلام آمده است كه نوافل، براى رفع كاستى‏هاى فرائض مؤثّراست.( امالى‏طوسى، صفحه 650، حديث 11 و بحارالانوار، جلد 79، صفحه 293، حديث 24). [↑](#footnote-ref-1475)
1476. ( 3). اين مطلب مضمون روايتى است از امام رضا عليه السلام.( عيون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 281، حديث 27 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 198، حديث 5). [↑](#footnote-ref-1476)
1477. ( 4). در روايتى از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود:« مَنْ أدّى‏ فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجابَةٌ؛ هر كس نماز واجبى را ادا كند، دعايى مستجاب نزد خدا دارد»( عيون اخبار الرضا، جلد 2، صفحه 28، حديث 22 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 321، حديث 7).

      بدين مضمون چندين روايت وارد شده است؛ در روايت ديگر از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده است كه فرمود:« وقتى كه بنده نمازگزار، نمازش را به پايان رسانده و از خدا حاجتى نخواهد، خداوند به فرشتگانش مى‏گويد: به بنده‏ام نگاه كنيد، فريضه‏ام را انجام داد ولى خواسته‏اى از من طلب نكرد، گويا از من بى‏نياز است ...»( بحارالانوار، جلد 82، صفحه 325، حديث 18). [↑](#footnote-ref-1477)
1478. ( 1). بحارالانوار، جلد 77، صفحه 342، حديث 21. [↑](#footnote-ref-1478)
1479. ( 2). كافى، جلد 3، صفحه 23، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1479)
1480. ( 3). همان مدرك، صفحه 70، حديث 6 و مصباح المتهجّد، صفحه 7. [↑](#footnote-ref-1480)
1481. ( 4). تهذيب، جلد 1، صفحه 76، حديث 41. [↑](#footnote-ref-1481)
1482. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 7 و 8. [↑](#footnote-ref-1482)
1483. ( 1). تهذيب، جلد 1، صفحه 53، حديث 2( استحباب سه بار در مصباح المتهجّد، صفحه 8 آمده است). [↑](#footnote-ref-1483)
1484. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1484)
1485. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1485)
1486. ( 4). جامع الاخبار، صفحه 64 و بحارالانوار، جلد 77، صفحه 319، حديث 12. [↑](#footnote-ref-1486)
1487. ( 5). كافى، جلد 3، صفحه 71، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1487)
1488. ( 6). فقيه، جلد 1، صفحه 43، حديث 84. [↑](#footnote-ref-1488)
1489. ( 1). فقيه، جلد 1، صفحه 51، حديث 107 و بحارالانوار، جلد 77، صفحه 317( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1489)
1490. ( 2). مصباح كفعمى، صفحه 11. [↑](#footnote-ref-1490)
1491. ( 3). عدة الداعى، صفحه 301 و بحارالانوار، جلد 81، صفحه 20، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1491)
1492. ( 1). مفتاح الفلاح، صفحه 35. [↑](#footnote-ref-1492)
1493. ( 2). همان مدرك، صفحه 46. [↑](#footnote-ref-1493)
1494. ( 3). همان مدرك، صفحه 46. [↑](#footnote-ref-1494)
1495. ( 1). مفتاح الفلاح، صفحه 46. [↑](#footnote-ref-1495)
1496. ( 2). همان مدرك، صفحه 49. [↑](#footnote-ref-1496)
1497. ( 3). فقيه، جلد 1، صفحه 304، حديث 916 و مصباح كفعمى، صفحه 15( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1497)
1498. ( 1). مفتاح الفلاح، صفحه 50. [↑](#footnote-ref-1498)
1499. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 544، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1499)
1500. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 544، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1500)
1501. ( 2). مفتاح الفلاح، صفحه 52 و 53. [↑](#footnote-ref-1501)
1502. ( 3). كافى، جلد 3، صفحه 319، حديث 1 و مفتاح الفلاح، صفحه 53. [↑](#footnote-ref-1502)
1503. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 320، حديث 1 و مفتاح الفلاح، صفحه 53. [↑](#footnote-ref-1503)
1504. ( 2). مفتاح الفلاح، صفحه 54 و 55. [↑](#footnote-ref-1504)
1505. ( 3). كافى، جلد 3، صفحه 321، حديث 1 و مفتاح الفلاح، صفحه 54. [↑](#footnote-ref-1505)
1506. ( 4). مفتاح الفلاح، صفحه 55. [↑](#footnote-ref-1506)
1507. ( 5). تهذيب، جلد 2، صفحه 79، حديث 63. [↑](#footnote-ref-1507)
1508. ( 6). همان مدرك، صفحه 325، حديث 188. [↑](#footnote-ref-1508)
1509. ( 1). بحارالانوار، جلد 82، صفحه 29، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1509)
1510. ( 2). مفتاح الفلاح، صفحه 56. [↑](#footnote-ref-1510)
1511. ( 3). كافى، جلد 3، صفحه 340، حديث 12. [↑](#footnote-ref-1511)
1512. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 39. [↑](#footnote-ref-1512)
1513. ( 1). فقيه، جلد 1، صفحه 225، حديث 675. [↑](#footnote-ref-1513)
1514. ( 1). مفتاح الفلاح، صفحه 187. [↑](#footnote-ref-1514)
1515. ( 2). همان مدرك، صفحه 188. [↑](#footnote-ref-1515)
1516. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 30 و مفتاح الفلاح، صفحه 188. [↑](#footnote-ref-1516)
1517. ( 4). فقيه، جلد 1، صفحه 315. [↑](#footnote-ref-1517)
1518. ( 5). بلد الامين، صفحه 8. [↑](#footnote-ref-1518)
1519. ( 1). مفتاح الفلاح، صفحه 198. [↑](#footnote-ref-1519)
1520. ( 2). همان مدرك، صفحه 234. [↑](#footnote-ref-1520)
1521. ( 1). مفتاح الفلاح، صفحه 236. [↑](#footnote-ref-1521)
1522. ( 2). تهذيب، جلد 2، صفحه 14، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1522)
1523. ( 3). فقيه، جلد 1، صفحه 219، حديث 657. [↑](#footnote-ref-1523)
1524. ( 4). مفتاح الفلاح، صفحه 258. [↑](#footnote-ref-1524)
1525. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 114. [↑](#footnote-ref-1525)
1526. ( 1). در كافى، جلد 3، صفحه 282، حديث 2، روايتى از امام صادق عليه السلام به همين مضمون نقل شده است. [↑](#footnote-ref-1526)
1527. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 179. [↑](#footnote-ref-1527)
1528. ( 3). همان مدرك، صفحه 180. [↑](#footnote-ref-1528)
1529. ( 4). فقيه، جلد 1، صفحه 495، حديث 1423. [↑](#footnote-ref-1529)
1530. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 199. [↑](#footnote-ref-1530)
1531. ( 2). بحارالانوار، جلد 82، صفحه 260، حديث 4 و مصباح المتهجّد، صفحه 200( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1531)
1532. ( 1). بحارالانوار، جلد 85، صفحه 14، حديث 26. [↑](#footnote-ref-1532)
1533. ( 2). امالى صدوق، صفحه 329، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1533)
1534. ( 3). همان مدرك، صفحه 432. [↑](#footnote-ref-1534)
1535. ( 4). دعائم الاسلام، جلد 1، صفحه 148. [↑](#footnote-ref-1535)
1536. ( 1). خصال، جلد 2، صفحه 504، حديث 2 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 321، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1536)
1537. ( 2). مفاتيح الجنان، فصل تعقيبات نماز. [↑](#footnote-ref-1537)
1538. ( 3). بحارالانوار، جلد 82، صفحه 324، حديث 17. [↑](#footnote-ref-1538)
1539. ( 4). همان مدرك، صفحه 314- 317( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-1539)
1540. ( 1). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 22، حديث 22. [↑](#footnote-ref-1540)
1541. ( 2). علل الشرايع، جلد 2، صفحه 360، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1541)
1542. ( 3). در مصباح المتهجّد« غَلَبَ» آمده، ولى در نسخه‏هاى متداول و در بحارالانوار، جلد 83، صفحه 43، حديث 254 هَزَمَ آمده است. [↑](#footnote-ref-1542)
1543. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 50 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 43، حديث 54( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1543)
1544. ( 2). فقيه، جلد 1، صفحه 325، حديث 952. [↑](#footnote-ref-1544)
1545. ( 3). امالى صدوق، صفحه 579، حديث 16 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 328، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1545)
1546. ( 4). سوره احزاب، آيه 41. [↑](#footnote-ref-1546)
1547. ( 5). معانى الاخبار، صفحه 193، حديث 5 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 335، حديث 22. [↑](#footnote-ref-1547)
1548. ( 6). ثواب الاعمال، صفحه 163 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 332، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1548)
1549. ( 7). ثواب الاعمال، صفحه 163 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 331، حديث 9. [↑](#footnote-ref-1549)
1550. ( 1). دعائم الاسلام، جلد 1، صفحه 168. [↑](#footnote-ref-1550)
1551. ( 2). مكارم الاخلاق، صفحه 281 و بحارالانوار، جلد 82، صفحه 333، حديث 16. [↑](#footnote-ref-1551)
1552. ( 3). همان مدرك( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-1552)
1553. ( 4). بحارالانوار، جلد 82، صفحه 334، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1553)
1554. ( 5). كافى، جلد 2، صفحه 521، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1554)
1555. ( 6). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 5، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1555)
1556. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 346، حديث 27. [↑](#footnote-ref-1556)
1557. ( 2). همان مدرك، حديث 28. [↑](#footnote-ref-1557)
1558. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 51. [↑](#footnote-ref-1558)
1559. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 343، حديث 16.( برابر روايت شيخ صدوق ابتداى دعا، اين جمله را اضافه دارد: اللَّهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد، فقيه، جلد 1، صفحه 323، حديث 948). [↑](#footnote-ref-1559)
1560. ( 2). همان مدرك، صفحه 344، حديث 22. [↑](#footnote-ref-1560)
1561. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 549، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1561)
1562. ( 2). سوره بقره، آيه 255- 257. [↑](#footnote-ref-1562)
1563. ( 3). سوره آل عمران، آيه 18 و 19. [↑](#footnote-ref-1563)
1564. ( 1). سوره آل عمران، آيه 26 و 27. [↑](#footnote-ref-1564)
1565. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 620، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1565)
1566. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 52. [↑](#footnote-ref-1566)
1567. ( 1). سوره صافّات، آيه 180- 182. [↑](#footnote-ref-1567)
1568. ( 2). قرب الاسناد، صفحه 56 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 24، حديث 24. [↑](#footnote-ref-1568)
1569. ( 3). مستدرك الوسائل، جلد 5، صفحه 68، حديث 5377. [↑](#footnote-ref-1569)
1570. ( 1). ثواب الاعمال، صفحه 159 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 19. [↑](#footnote-ref-1570)
1571. ( 2). تهذيب، جلد 2، صفحه 107، حديث 174. [↑](#footnote-ref-1571)
1572. ( 3). امالى صدوق، صفحه 182، حديث 11 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 21، حديث 19. [↑](#footnote-ref-1572)
1573. ( 4). امالى صدوق، صفحه 271، حديث 6 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 21، حديث 19. [↑](#footnote-ref-1573)
1574. ( 5). كافى، جلد 2، صفحه 549، حديث 9. [↑](#footnote-ref-1574)
1575. ( 1). محاسن، جلد 1، صفحه 51، حديث 73 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 27، حديث 30. [↑](#footnote-ref-1575)
1576. ( 2). مفاتيح الجنان، فصل تعقيبات مشتركه. [↑](#footnote-ref-1576)
1577. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 549، حديث 7 و فقيه، جلد 1، صفحه 324، حديث 950. [↑](#footnote-ref-1577)
1578. ( 1). در مصباح كفعمى، صفحه 19 به جاى« أن ترحمنى»،« أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ» آمده است. [↑](#footnote-ref-1578)
1579. ( 2). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 37، حديث 44. [↑](#footnote-ref-1579)
1580. ( 3). همان مدرك، صفحه 49، حديث 54. [↑](#footnote-ref-1580)
1581. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1581)
1582. ( 5). مقنعه، صفحه 114 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 51، حديث 55. [↑](#footnote-ref-1582)
1583. ( 1). معانى الاخبار، صفحه 140، حديث 1 و تهذيب، جلد 2، صفحه 108، حديث 178. [↑](#footnote-ref-1583)
1584. ( 2). ثواب الاعمال، صفحه 128 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 27، حديث 29. [↑](#footnote-ref-1584)
1585. ( 1). امالى مفيد، صفحه 91، حديث 8 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 1، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1585)
1586. ( 2). سوره روم، آيه 17- 19. [↑](#footnote-ref-1586)
1587. ( 3). سوره صافات، آيه 180- 182. [↑](#footnote-ref-1587)
1588. ( 4). اعلام الدين، صفحه 352، حديث 7 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 18، حديث 16. [↑](#footnote-ref-1588)
1589. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 50 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 44، حديث 54. [↑](#footnote-ref-1589)
1590. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 52 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 44( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1590)
1591. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 20 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 38، حديث 45. [↑](#footnote-ref-1591)
1592. ( 2). فلاح السائل، صفحه 168 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 9، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1592)
1593. ( 1). بلد الامين، صفحه 12 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 47( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1593)
1594. ( 1). فقيه، جلد 1، صفحه 322، حديث 947. [↑](#footnote-ref-1594)
1595. ( 2). مصباح كفعمى، صفحه 25. [↑](#footnote-ref-1595)
1596. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 548، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1596)
1597. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 548، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1597)
1598. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 61. [↑](#footnote-ref-1598)
1599. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 63. [↑](#footnote-ref-1599)
1600. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 545، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1600)
1601. ( 2). بلد الامين، صفحه 20. [↑](#footnote-ref-1601)
1602. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1602)
1603. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 73. [↑](#footnote-ref-1603)
1604. ( 2). همان مدرك، صفحه 98. [↑](#footnote-ref-1604)
1605. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1605)
1606. ( 4). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1606)
1607. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1607)
1608. ( 1). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 99. [↑](#footnote-ref-1608)
1609. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 98. [↑](#footnote-ref-1609)
1610. ( 3). همان مدرك، صفحه 99. [↑](#footnote-ref-1610)
1611. ( 4). همان مدرك، صفحه 102. [↑](#footnote-ref-1611)
1612. ( 5). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1612)
1613. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 549، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1613)
1614. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 106 و مصباح كفعمى، صفحه 398. [↑](#footnote-ref-1614)
1615. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 109. [↑](#footnote-ref-1615)
1616. ( 1) و 2. آنچه داخل پرانتز است، در بحارالانوار، جلد 83، صفحه 128 آمده است. [↑](#footnote-ref-1616)
1617. ( 2) [↑](#footnote-ref-1617)
1618. ( 3). بلدالامين، صفحه 31. [↑](#footnote-ref-1618)
1619. ( 4). مصباح المتهجّد، صفحه 113. [↑](#footnote-ref-1619)
1620. ( 5). همان مدرك، صفحه 114. [↑](#footnote-ref-1620)
1621. ( 6). مكارم الاخلاق، صفحه 305. [↑](#footnote-ref-1621)
1622. ( 1). مكارم الاخلاق، صفحه 305 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 129، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1622)
1623. ( 2). مفتاح الفلاح، صفحه 252. [↑](#footnote-ref-1623)
1624. ( 3). فقيه، جلد 1، صفحه 504، حديث 1451. [↑](#footnote-ref-1624)
1625. ( 4). تهذيب، جلد 2، صفحه 138، حديث 303. [↑](#footnote-ref-1625)
1626. ( 5). همان مدرك، صفحه 329، حديث 965. [↑](#footnote-ref-1626)
1627. ( 6). ثواب الاعمال، صفحه 165 و بحارالانوار جلد 83، صفحه 134، حديث 15. [↑](#footnote-ref-1627)
1628. ( 7). ثواب الاعمال، صفحه 45 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 135، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1628)
1629. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 530، حديث 24. [↑](#footnote-ref-1629)
1630. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 209 و مصباح كفعمى، صفحه 66. [↑](#footnote-ref-1630)
1631. ( 3). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 161، حديث 40. [↑](#footnote-ref-1631)
1632. ( 4). عدة الداعى، صفحه 266 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 130، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1632)
1633. ( 5). كافى، جلد 2، صفحه 550، حديث 12 و مكارم الاخلاق، صفحه 283. [↑](#footnote-ref-1633)
1634. ( 1). تفسير عياشى، جلد 2، صفحه 320، حديث 182 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 132، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1634)
1635. ( 2). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 152، حديث 35. [↑](#footnote-ref-1635)
1636. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 214 و بلدالامين، صفحه 53( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1636)
1637. ( 2). بحارالانوار، جلد 83، صفحه 133، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1637)
1638. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 207. [↑](#footnote-ref-1638)
1639. ( 4). اعلام الدين، صفحه 366. [↑](#footnote-ref-1639)
1640. ( 5). مصباح المتهجّد، صفحه 207. [↑](#footnote-ref-1640)
1641. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 212 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 148، حديث 31. [↑](#footnote-ref-1641)
1642. ( 2). بلد الامين، صفحه 27. [↑](#footnote-ref-1642)
1643. ( 3). مهج الدعوات، صفحه 316 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 162، حديث 41. [↑](#footnote-ref-1643)
1644. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 549، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1644)
1645. ( 1). مفتاح الفلاح، صفحه 84 و كافى، جلد 2، صفحه 547، حديث 6( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1645)
1646. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 551، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1646)
1647. ( 1). علل الشرايع، جلد 1، صفحه 232، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 201، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1647)
1648. ( 2). ثواب الاعمال، صفحه 35 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 201، حديث 12. [↑](#footnote-ref-1648)
1649. ( 3). عيون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 281، حديث 27 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 198، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1649)
1650. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 324، حديث 14. [↑](#footnote-ref-1650)
1651. ( 2). همان مدرك، صفحه 325، حديث 17. [↑](#footnote-ref-1651)
1652. ( 3). عيون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 95، حديث 14. [↑](#footnote-ref-1652)
1653. ( 4). رجال كشى، صفحه 515 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 207، حديث 21. [↑](#footnote-ref-1653)
1654. ( 5). فقيه، جلد 1، صفحه 332، حديث 970( همين حديث در كافى، جلد 3، صفحه 326، حديث 18، از امام كاظم عليه السلام نيز نقل شده است). [↑](#footnote-ref-1654)
1655. ( 6). همان مدرك، صفحه 333، حديث 978. [↑](#footnote-ref-1655)
1656. ( 7). كافى، جلد 3، صفحه 323، حديث 10 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 217، حديث 31. [↑](#footnote-ref-1656)
1657. ( 1). امالى صدوق، صفحه 411، حديث 6 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 227، حديث 47. [↑](#footnote-ref-1657)
1658. ( 2). مصباح المتهجد، صفحه 241. [↑](#footnote-ref-1658)
1659. ( 3). همان مدرك، صفحه 243. [↑](#footnote-ref-1659)
1660. ( 1). روايتى از امام رضا عليه السلام مضمون فوق را تأييد مى‏كند( بحارالانوار، جلد 79، صفحه 294، حديث 24). [↑](#footnote-ref-1660)
1661. ( 1).« انّ رسول اللَّه صلى الله عليه و آله كان اذا حَزَبَه امرٌ فَزَعَ الى الصَلاةِ؛ هرگاه رسول خدا دچار سختى و دشوارى مى‏شد، به نماز پناه مى‏برد»( بحارالانوار، جلد 79، صفحه 192). [↑](#footnote-ref-1661)
1662. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 246. [↑](#footnote-ref-1662)
1663. ( 2). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 169، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1663)
1664. ( 3). مصباح المتهجّد، صفحه 292. [↑](#footnote-ref-1664)
1665. ( 4). جمال الاسبوع، صفحه 248. [↑](#footnote-ref-1665)
1666. ( 1). در مصباح المتهجّد« و لا غناءَ عن نفسى» آمده است. [↑](#footnote-ref-1666)
1667. ( 1). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 172، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1667)
1668. ( 2). همان مدرك، صفحه 180، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1668)
1669. ( 3). همان مدرك، صفحه 181، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1669)
1670. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 318 و جمال الاسبوع، صفحه 264 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 368، حديث 64( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1670)
1671. ( 1). جمال‏الاسبوع، صفحه 270 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 185، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1671)
1672. ( 1). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 186 و جمال‏الاسبوع، صفحه 271( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1672)
1673. ( 1). جمال‏الاسبوع، صفحه 274 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 187. [↑](#footnote-ref-1673)
1674. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 275 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 188. [↑](#footnote-ref-1674)
1675. ( 2). سوره آل عمران، آيه 18. [↑](#footnote-ref-1675)
1676. ( 3). جمال الاسبوع، صفحه 276 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 188. [↑](#footnote-ref-1676)
1677. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 276 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 188. [↑](#footnote-ref-1677)
1678. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 277 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 189. [↑](#footnote-ref-1678)
1679. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 278 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 189( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1679)
1680. ( 2). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1680)
1681. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 279 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 190( لازم به يادآورى است كه در جمال الاسبوع آمده است: در دو ركعت اوّل‏پس از« حمد» پانزده مرتبه سوره‏هاى« توحيد» و« زلزال» را بخواند). [↑](#footnote-ref-1681)
1682. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 280 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 190. [↑](#footnote-ref-1682)
1683. ( 1). اين نماز در كافى، جلد 3، صفحه 465، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 193 به بعد، به نقل از جمال الاسبوع، مصباح المتهجّد، منهاج الصلاح، بلد الامين، ثواب الاعمال و ديگر كتب نقل شده است. [↑](#footnote-ref-1683)
1684. ( 2). عروة الوثقى، فصل صلاة جعفر. [↑](#footnote-ref-1684)
1685. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 282 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 193، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1685)
1686. ( 2). كافى، جلد 3، صفحه 467، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1686)
1687. ( 1). اين ذكر در بحار نيامده، ولى در مصباح المتهجّد( صفحه 311) آمده است. [↑](#footnote-ref-1687)
1688. ( 2). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 200، حديث 4. اين حديث و اذكار و دعاى آن در مصباح المتهجّد، صفحه 311 و جمال الاسبوع، صفحه 294 با مقدارى تفاوت نقل شده است. [↑](#footnote-ref-1688)
1689. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 322 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 217. [↑](#footnote-ref-1689)
1690. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 411؛ بلدالامين، صفحه 164 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 219، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1690)
1691. ( 2). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 219، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1691)
1692. ( 1). زاد المعاد، صفحه 573.( با تلخيص و تصرّف). [↑](#footnote-ref-1692)
1693. ( 2).« تلّ عكبر» نام محلّى است در عُكبَرى‏، كه شهر كوچكى است در ده فرسخى بغداد( معجم‏البلدان، جلد 2، صفحه 42 و جلد 4، صفحه 142). [↑](#footnote-ref-1693)
1694. ( 3). تمام نمازهاى مستحب در دو ركعتى سلام گفته مى‏شود جز نماز اعرابى كه هشت ركعت آن به دو سلام است.( هر چهار ركعت يك سلام). [↑](#footnote-ref-1694)
1695. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 320 و بحارالانوار، جلد 86، صفحه 382. [↑](#footnote-ref-1695)
1696. ( 2). مصباح المتهجّد، صفحه 317. [↑](#footnote-ref-1696)
1697. ( 1). مكارم الاخلاق، صفحه 334 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 220. [↑](#footnote-ref-1697)
1698. ( 2). مكارم الاخلاق، صفحه 328 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 354، حديث 17. [↑](#footnote-ref-1698)
1699. ( 3). امالى صدوق، صفحه 543، حديث 5 و بحارالانوار، جلد 90، صفحه 186، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1699)
1700. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 555، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1700)
1701. ( 2). بحارالانوار، جلد 92، صفحه 137، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1701)
1702. ( 3). همان مدرك، صفحه 138، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1702)
1703. ( 4). ثواب الاعمال، صفحه 20 و بحارالانوار، جلد 73، صفحه 87، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1703)
1704. ( 5). امالى طوسى، صفحه 667، حديث 3 و بحارالانوار، جلد 73، صفحه 139، حديث 52. [↑](#footnote-ref-1704)
1705. ( 6). محاسن، جلد 2، صفحه 543، حديث 845 و بحارالانوار، جلد 63، صفحه 161، حديث 33. [↑](#footnote-ref-1705)
1706. ( 7).« نيسان» نام يكى از ماههاى رومى است، كه پس از 23 روز از ماه فروردين، ماه نيسان داخل مى‏شود و مدّت آن نيز 30 روز است و در اعمال ماههاى رومى شرح آن گذشت. [↑](#footnote-ref-1706)
1707. ( 8). مهج الدعوات، صفحه 356 و بحارالانوار، جلد 63، صفحه 477. [↑](#footnote-ref-1707)
1708. ( 9). بحارالانوار، جلد 94، صفحه 96، حديث 12. [↑](#footnote-ref-1708)
1709. ( 10). بشارة المصطفى، صفحه 27 و بحارالانوار، جلد 74، صفحه 273. [↑](#footnote-ref-1709)
1710. ( 1). اين داستان به طور مشروح در« نجم الثاقب» صفحه 383- 388 آمده است. [↑](#footnote-ref-1710)
1711. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 30 و بلد الامين، صفحه 159( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1711)
1712. ( 1). جمال الاسبوع، صفحه 330. اين دعا در فقيه، جلد 1، صفحه 557، حديث 1543 و مقنعه، صفحه 220 و مصباح المتهجّد، صفحه 324 با مقدارى تفاوت آمده است. [↑](#footnote-ref-1712)
1713. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 476، حديث 1 و فقيه، جلد 1، صفحه 559، حديث 1548. [↑](#footnote-ref-1713)
1714. ( 2). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 358. [↑](#footnote-ref-1714)
1715. ( 1). مكارم الاخلاق، صفحه 336. [↑](#footnote-ref-1715)
1716. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 474، حديث 3( با تلخيص). [↑](#footnote-ref-1716)
1717. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 577، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1717)
1718. ( 2). همان مدرك، صفحه 578، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1718)
1719. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 578، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1719)
1720. ( 2). مهج الدعوات، صفحه 69. [↑](#footnote-ref-1720)
1721. ( 3). بحارالانوار، جلد 95، صفحه 129. [↑](#footnote-ref-1721)
1722. ( 4). همان مدرك، جلد 45، صفحه 4( بااندكى‏تفاوت). [↑](#footnote-ref-1722)
1723. ( 5). كافى، جلد 2، صفحه 578، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1723)
1724. ( 1). دعوات راوندى، صفحه 54، حديث 137 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 196. [↑](#footnote-ref-1724)
1725. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 581، حديث 15. [↑](#footnote-ref-1725)
1726. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 580، حديث 14. [↑](#footnote-ref-1726)
1727. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 583، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1727)
1728. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 585، حديث 24. [↑](#footnote-ref-1728)
1729. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 143. [↑](#footnote-ref-1729)
1730. ( 2). بحارالانوار، جلد 84، صفحه 271، حديث 68. [↑](#footnote-ref-1730)
1731. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 587، حديث 25. [↑](#footnote-ref-1731)
1732. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 587، حديث 26. [↑](#footnote-ref-1732)
1733. ( 2). همان مدرك، حديث 27. [↑](#footnote-ref-1733)
1734. ( 3). همان مدرك، حديث 28. [↑](#footnote-ref-1734)
1735. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 587، حديث 29. [↑](#footnote-ref-1735)
1736. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 590، حديث 30. [↑](#footnote-ref-1736)
1737. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 590، حديث 31. [↑](#footnote-ref-1737)
1738. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 592، حديث 32. [↑](#footnote-ref-1738)
1739. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 593، حديث 33. [↑](#footnote-ref-1739)
1740. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 292. [↑](#footnote-ref-1740)
1741. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 291. [↑](#footnote-ref-1741)
1742. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 562، حديث 21. [↑](#footnote-ref-1742)
1743. ( 1). مهج الدعوات، صفحه 172. [↑](#footnote-ref-1743)
1744. ( 2). كافى، جلد 1، صفحه 337، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1744)
1745. ( 3). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 242، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1745)
1746. ( 1). سوره آل عمران، آيه 173. [↑](#footnote-ref-1746)
1747. ( 2). سوره آل عمران، آيه 174. [↑](#footnote-ref-1747)
1748. ( 3). سوره انبياء، آيه 87. [↑](#footnote-ref-1748)
1749. ( 4). سوره انبياء، آيه 88. [↑](#footnote-ref-1749)
1750. ( 5). سوره غافر، آيه 44. [↑](#footnote-ref-1750)
1751. ( 6). سوره غافر، آيه 45. [↑](#footnote-ref-1751)
1752. ( 7). سوره كهف، آيه 39. [↑](#footnote-ref-1752)
1753. ( 8). سوره كهف، آيه 40. [↑](#footnote-ref-1753)
1754. ( 9). امالى صدوق، صفحه 6، حديث 2 و بحارالانوار، جلد 90، صفحه 184، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1754)
1755. ( 1). صحيفه سجاديه، دعاى 54. [↑](#footnote-ref-1755)
1756. ( 1). بلدالامين، صفحه 332. [↑](#footnote-ref-1756)
1757. ( 2). عدّة الدّاعى، صفحه 278 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 208، حديث 39. [↑](#footnote-ref-1757)
1758. ( 1). عدّة الداعى صفحه 276 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 208، حديث 39. [↑](#footnote-ref-1758)
1759. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 556، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1759)
1760. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 558، حديث 8. [↑](#footnote-ref-1760)
1761. ( 2). همان مدرك، صفحه 559، حديث 10. [↑](#footnote-ref-1761)
1762. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 560، حديث 15. [↑](#footnote-ref-1762)
1763. ( 2). همان مدرك، صفحه 557، حديث 6. [↑](#footnote-ref-1763)
1764. ( 3). همان مدرك، صفحه 562، حديث 20. [↑](#footnote-ref-1764)
1765. ( 1). بحارالانوار، جلد 91، صفحه 312. [↑](#footnote-ref-1765)
1766. ( 1). مهج‏الدّعوات، صفحه 7. [↑](#footnote-ref-1766)
1767. ( 2). همان مدرك، صفحه 77 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 64، حديث 40. [↑](#footnote-ref-1767)
1768. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 148. [↑](#footnote-ref-1768)
1769. ( 2). همان مدرك و كافى، جلد 2، صفحه 259، حديث 30( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1769)
1770. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 150 و عدّة الدّاعى، صفحه 272( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1770)
1771. ( 2). بحارالانوار، جلد 92، صفحه 54، حديث 18 و طبّ الائمّة، صفحه 28. [↑](#footnote-ref-1771)
1772. ( 3). مصباح كفعمى، صفحه 151. [↑](#footnote-ref-1772)
1773. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 151. [↑](#footnote-ref-1773)
1774. ( 1). مهج‏الدّعوات، صفحه 8 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 63، حديث 39. [↑](#footnote-ref-1774)
1775. ( 2). كافى، جلد 2، صفحه 567، حديث 16. [↑](#footnote-ref-1775)
1776. ( 3). همان مدرك، صفحه 568، حديث 18. [↑](#footnote-ref-1776)
1777. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 568، حديث 19. [↑](#footnote-ref-1777)
1778. ( 2). بحارالانوار، جلد 92، صفحه 67، حديث 48. [↑](#footnote-ref-1778)
1779. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 555، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1779)
1780. ( 2). همان مدرك، جلد 5، صفحه 316، حديث 51. [↑](#footnote-ref-1780)
1781. ( 1). خصال، جلد 2، صفحه 510، حديث 1 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 155، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1781)
1782. ( 2). تفسير قمى، جلد 1، صفحه 345 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 185، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1782)
1783. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 568، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1783)
1784. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 573، حديث 13. [↑](#footnote-ref-1784)
1785. ( 2). همان مدرك، صفحه 569، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1785)
1786. ( 3). همان مدرك، صفحه 573، حديث 14. [↑](#footnote-ref-1786)
1787. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 556، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1787)
1788. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 233 و صحيفه سجاديه، دعاى 7( با اندكى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1788)
1789. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 560، حديث 13. [↑](#footnote-ref-1789)
1790. ( 2). عدّة الداعى، صفحه 271 و بحارالانوار، جلد 83، صفحه 297( با مقدارى تفاوت). [↑](#footnote-ref-1790)
1791. ( 1). مهج‏الدّعوات، صفحه 142 و بحارالانوار، جلد 92، صفحه 203، حديث 36. [↑](#footnote-ref-1791)
1792. ( 1). عيون اخبار الرضا، جلد 1، صفحه 93، حديث 13 و بحارالانوار، جلد 48، صفحه 219، حديث 20. [↑](#footnote-ref-1792)
1793. ( 2). وسائل الشيعه، جلد 4، صفحه 1159، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1793)
1794. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 550، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1794)
1795. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 552، حديث 7. [↑](#footnote-ref-1795)
1796. ( 2). همان مدرك، صفحه 551، حديث 4 و مصباح كفعمى، صفحه 170. [↑](#footnote-ref-1796)
1797. ( 3). كافى، جلد 2، صفحه 551، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1797)
1798. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 147. [↑](#footnote-ref-1798)
1799. ( 1). كافى، جلد 2، صفحه 553، حديث 13. [↑](#footnote-ref-1799)
1800. ( 1). صحيفه سجّاديه، دعاى 19. [↑](#footnote-ref-1800)
1801. ( 1). صحيفه سجّاديه، دعاى 31. [↑](#footnote-ref-1801)
1802. ( 1). صحيفه سجاديه، دعاى 11. [↑](#footnote-ref-1802)
1803. ( 2). اين دعا را مرحوم محدّث قمى در مفاتيح الجنان، باب ششم در خواصّ بعضى سور و آيات و غيره آورده است. [↑](#footnote-ref-1803)
1804. ( 1). كافى، جلد 5، صفحه 500، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1804)
1805. ( 2). همان مدرك، حديث 2. [↑](#footnote-ref-1805)
1806. ( 1). رواياتى كه مرحوم علّامه مجلسى نقل كرده است را مى‏توانيد در« وسائل الشيعه، جلد 15، صفحه 143» به بعد مطالعه كنيد. [↑](#footnote-ref-1806)
1807. ( 1). حليةالمتّقين، صفحه 150- 152( با تلخيص و تصرّف). [↑](#footnote-ref-1807)
1808. ( 1). حلية المتقين، صفحه 153 و 154. [↑](#footnote-ref-1808)
1809. ( 1). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 224، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1809)
1810. ( 2). نهج‏البلاغه، نامه 31. [↑](#footnote-ref-1810)
1811. ( 3). فقيه، جلد 1، صفحه 562، حديث 1552. [↑](#footnote-ref-1811)
1812. ( 4). همان مدرك، صفحه 563، حديث 1553. [↑](#footnote-ref-1812)
1813. ( 1). رجوع شود به: جواهرالكلام، جلد 12، صفحه 161 و 162. [↑](#footnote-ref-1813)
1814. ( 2). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 241، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1814)
1815. ( 1). فتح الابواب، صفحه 278 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 242، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1815)
1816. ( 2). به كتاب مفاتح الغيب، تأليف مرحوم علّامه مجلسى مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-1816)
1817. ( 3). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 250، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1817)
1818. ( 1). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 250، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1818)
1819. ( 2).« رقاع» جمع« رُقعه» به معناى ورقه كاغذ است و چون در اين نوع استخاره، از نوشتن بر ورقه‏ها استفاده مى‏شود، لذا به آن« استخاره ذات‏الرقاع» مى‏گويند. [↑](#footnote-ref-1819)
1820. ( 1). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 230، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1820)
1821. ( 2). وسائل الشيعه، جلد 5، صفحه 213، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1821)
1822. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1822)
1823. ( 1). وسائل الشيعه، ج 5، صفحه 205، ابواب صلاة الاستخارة، باب 1، حديث 4. [↑](#footnote-ref-1823)
1824. ( 2). بحارالانوار، جلد 88، صفحه 285. [↑](#footnote-ref-1824)
1825. ( 1).« پس هر كس ذرّه‏اى كار خير، انجام دهد آن را مى‏بيند و هر كس ذرّه‏اى كار بد كرده، آن را مى‏بيند»( سوره زلزله، آيات 7 و 8). [↑](#footnote-ref-1825)
1826. ( 2).« به خدا سوگند! باكى ندارم كه من به سوى مرگ روم يا مرگ به سوى من آيد.»( نهج‏البلاغه، خطبه 55). [↑](#footnote-ref-1826)
1827. ( 1). كيفيّت و زمان زيارت اهل قبور در بخش زيارات، صفحه 566 آمده است. [↑](#footnote-ref-1827)
1828. ( 1). كافى، جلد 3، صفحه 256، حديث 23. [↑](#footnote-ref-1828)
1829. ( 1). مصباح المتهجّد، صفحه 15. [↑](#footnote-ref-1829)
1830. ( 1). زاد المعاد، صفحه 538- 540.( با تصرّف و تلخيص) [↑](#footnote-ref-1830)
1831. ( 2). همان مدرك، صفحه 540. [↑](#footnote-ref-1831)
1832. ( 1). زادالمعاد، صفحه 545- 547.( با تلخيص) [↑](#footnote-ref-1832)
1833. ( 2). همان مدرك، صفحه 548 و 549 و رساله‏هاى توضيح المسائل. [↑](#footnote-ref-1833)
1834. ( 3). همان مدرك، صفحه 550 و رساله‏هاى توضيح‏المسائل. [↑](#footnote-ref-1834)
1835. ( 1). زاد المعاد، صفحه 553 و 554،( با تلخيص) و رساله‏هاى توضيح المسائل. [↑](#footnote-ref-1835)
1836. ( 1). زاد المعاد، صفحه 554- 559 و رساله‏هاى توضيح المسائل. [↑](#footnote-ref-1836)
1837. ( 2). بحارالانوار، جلد 78، صفحه 352، حديث 23. [↑](#footnote-ref-1837)
1838. ( 3). زادالمعاد، صفحه 558. [↑](#footnote-ref-1838)
1839. ( 1). مجموعه اين دستورات، در زاد المعاد، صفحه 560- 562 و رساله‏هاى توضيح المسائل آمده است. [↑](#footnote-ref-1839)
1840. ( 1). مجموعه اين دستورات و روايات در زاد المعاد، صفحه 564- 569 و در رساله‏هاى توضيح المسائل، در احكام اموات آمده است. [↑](#footnote-ref-1840)
1841. ( 1). مصباح كفعمى، صفحه 411 و بلدالامين، صفحه 164 و بحارالانوار، جلد 88، صفحه 219، حديث 5. [↑](#footnote-ref-1841)
1842. ( 2). توضيح المسائل. [↑](#footnote-ref-1842)
1843. ( 3). زاد المعاد، صفحه 570 و 571.( با تصرّف و تلخيص) [↑](#footnote-ref-1843)
1844. ( 1). زاد المعاد، صفحه 570. [↑](#footnote-ref-1844)
1845. ( 2). همان مدرك، صفحه 572. [↑](#footnote-ref-1845)
1846. ( 3). همان مدرك. [↑](#footnote-ref-1846)
1847. ( 1). زاد المعاد، صفحه 573. [↑](#footnote-ref-1847)
1848. ( 2). همان مدرك، صفحه 569. [↑](#footnote-ref-1848)
1849. ( 3). همان مدرك، صفحه 570 و رساله‏هاى توضيح المسائل. [↑](#footnote-ref-1849)
1850. ( 4). همان مدرك، صفحه 571. [↑](#footnote-ref-1850)
1851. ( 1). زاد المعاد، صفحه 573. [↑](#footnote-ref-1851)
1852. ( 2). مستدرك الوسائل، جلد 2، صفحه 484، حديث 23. [↑](#footnote-ref-1852)
1853. ( 3). همان مدرك، حديث 24. [↑](#footnote-ref-1853)
1854. ( 4). همان مدرك، صفحه 114، حديث 11. [↑](#footnote-ref-1854)
1855. ( 5). زاد المعاد، صفحه 573. [↑](#footnote-ref-1855)
1856. ( 6). همان مدرك، صفحه 574. [↑](#footnote-ref-1856)
1857. ( 1). سوره احزاب، آيه 33.( براى آگاهى از اين حديث، و شأن نزول آيه تطهير، به تفسير نمونه، جلد 17، ذيل آيه 33 سوره احزاب مراجعه فرماييد). [↑](#footnote-ref-1857)
1858. ( 1). عوالم العلوم والمعارف، جلد 11، صفحه 638- 642. [↑](#footnote-ref-1858)